

نهج الفصاحه

عربی

فارسی

ENGLISH



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الف

۱ آفة الشجاعة البغي و آفة الحسب الافتخار و آفة السماحة المن و آفة الجمال الخيلاء و آفة الحديث الكذب و آفة العلم النسيان و آفة الحلم السقه و آفة الجود السرف و آفة الدين الهوى.

سرکشی آفت شجاعت است، تفاخر آفت شرافت است، منت آفت سماحت (=بخشش و جوانمردی) است، خود پسندی آفت جمال است، دروغ آفت سخن است فراموشی آفت دانش است، سفاهت آفت بردباری (=خویشنداری) است، اسراف آفت بخشش است، هوس آفت دین است.

Oppression ruins (the value of) bravery; self-pride ruins familial dignity; conferring favors spoils (the worth of) generosity; selfishness ruins (the value of) beauty; telling lie breaks (the validity of) speech; forgetfulness ruins knowledge; ignorance ruins fortitude; extravagance ruins generosity, and carnal desires ruin (one's) faith.

۲ ائتوا الدعوة إذا دعيتم.

وقتی شما را دعوت کردند بپذیرید.

When somebody invites you, accept (his invitation).

۳ ائت المعروف و اجتنب المنکر و انظر ما يعجب أذنک أن يقول لك القوم إذا قمت من عندهم فأنه و انظر الذي تكره أن يقول لك القوم إذا قمت من عندهم فاجتنبه.

نیک کردار باش و از کار بد بپرهیز بین میل داری دیگران در باره تو چه بگویند همان طور رفتار کن و از آنچه نمیخواهی در باره تو بگویند برکنار باش.

Be good and refrain from evil. Behave in such a way that in your absence, people talk of you as you wished, and abstain from what you do not like people to attribute to you.

۴ آفة الدين ثلاثة فقيه فاجر و إمام جائر و مجتهد جاهل.

آفت دین سه چیز است، دانای بد کار و پیشوای ستم کار و عابد نادان.

(عابد نادان: آن که دین دارد اما دین شناس نیست نه تنها ره به جایی نمی برد بلکه همواره بی راهه می رود)

امام علی(ع) می فرماید: لا تری الجاهل اما مفرطاً او مفرطاً

نادان را نبینی جز که کاری را از اندازه فراتر کشاند و یا بدان جا که باید نرساند، رفتار دو گروه کمر شکن است و توان سوز: عالم بی پروا و عبادت کننده نادان. کم تر مصلح و دردمندی را در طول تاریخ اسلام می یابیم که از این دو سوی مورد هجوم قرار نگرفته باشد و از جام تلخ تکفیر و تفسیق مقدس نماهای نادان جرعه ای ننوشیده باشد.)

Three persons ruin religion: a wrongdoing jurisprudent, a cruel leader and an ignorant struggler in religion.

۵ آفة العلم النسيان و إضاعته أن تحدث به غير أهله.

آفت دانش فراموشیست و دانشی که بنا اهل سپاری تلف می شود.

Forgetfulness ruins knowledge, and the knowledge transmitted to incompetent people will be ruined (too).

۶ آكل كما يأكل العبد و أجلس كما يجلس العبد.

مانند بندگان غذا میخورم و مانند آنها بر زمین می نشینم.

I eat food like slaves and sit on the ground as they do.

۱-۷ آمرؤا النساء فی بناتهنّ.

با زنان در باره دخترانشان شور کنید

Consult women concerning their daughters.

۲-۷ آية المنافق ثلاث، إذا حدّث كذب و إذا وعد أخلف و إذا ائتمن خان.

نشان منافق سه چیز است، سخن بدروغ گوید، از وعده تخلف کند و در امانت خیانت نماید.

A hypocrite is known by three characteristics: s (he) tells lie, breaks his (her) promise and commits treachery in trusts.

۸ أبی الله أن يجعل لقاتل المؤمن توبه.

خداوند از گناه قاتل مؤمن نمیگذرد و توبه او را نمی‌پذیرد.

God does not forgive the killer of a believer, and accepts not his (her) repentance.

۹ **أَبَى اللَّهُ أَنْ يَقْبَلَ عَمَلَ صَاحِبِ بَدْعَةٍ حَتَّى يَدَعَ بَدْعَتَهُ.**

خداوند عمل بدعت گذار را نمی‌پذیرد تا از بدعت خویش دست بردارد.

(بدعت: داخل کردن آنچه از دین نیست ، در دین)

God does not observe a heretic's deeds unless s (he) abandons his (her) heresy.

(Heresy: Bringing a belief or opinion contrary to traditional religious doctrine)

۱۰ **اِبْتَغُوا الرَّفْعَةَ عِنْدَ اللَّهِ تَحْلِمَ عَمَّنْ جَهِلَ عَلَيْكَ وَ تَعَطَىٰ مِنْ حَرَمِكَ.**

اگر میخواهید پیش خداوند منزلتی بلند یابید خشونت را به بردباری و محرومیت را بعهطا تلافی کنید.

Recompense rudeness with forbearance and deprivation with munificence to gain dignity before God.

۱۱ **أَبَدِ الْمَوَدَّةَ لِمَنْ وَادَكَ فَإِنَّهَا أَثْبَتُ.**

آنکه با تو در دوستی می‌زند با وی ره دوستی گیر که این گونه دوستی پایدارتر است.

Be kind to the one who shows kindness in friendship with you, for this type of kindness lasts longer.

۱۲ **أَبْدَأْ بِنَفْسِكَ فَتَصَدَّقْ عَلَيْهَا فَإِنَّ فَضْلَ شَيْءٍ فَلْأَهْلِكَ فَإِنَّ فَضْلَ شَيْءٍ عَنْ أَهْلِكَ فَلذِي قَرَابَتِكَ فَإِنَّ فَضْلَ عَنِ ذِي قَرَابَتِكَ شَيْءٍ فَهَكَذَا وَ هَكَذَا أَبْدَأْ بِمَنْ تَعُولُ.**

صدقه را از خویشتن آغاز کن اگر چیزی فزون آمد بکسان خود ده اگر از کسان تو چیزی فزون آمد بخویشان ده و اگر از خویشان نیز چیزی فزون آمد به دیگران ده و همچنین صدقه را از عیال خویش آغاز کن.

Start being charitable to yourself and then proceed to your household, your relatives and others respectively. Again, begin it from your household. Start being charitable to yourself and then proceed to your household, your relatives and others respectively. Again, begin it from your household.

۱۳ أبى الله أن يرزق عبده المؤمن إلا من حيث لا يحتسب.

خدا روزی بنده مؤمن خویش را از جایی که انتظار ندارد میرساند

God will definitely provide His believer servant(s) with sustenance from an unexpected source.

۱۴ ابدءوا بما بدأ الله به.

صدقه را از آنچه خداوند آغاز کرده است آغاز کنید.

Begin (your affairs) with what God has begun with.

۱۵ أبشروا و بشروا من وراءكم أنه من شهد أن لا إله إلا الله صادقا لها دخل الجنة.

شما را مزده میدهم و شما بدیگران مزده دهید که هر کس شهادت دهد که خدائی جز خدای یگانه نیست و بدان معتقد باشد وارد بهشت می شود.

I give you glad tidings, and you give glad tidings to others, that whoever honestly bears witness to “There is no god but Allah”, will undoubtedly be allowed to Paradise.

۱۶ أبغض الحلال إلى الله الطلاق.

منفورترین چیزهای حلال در پیش خدا طلاق است.

The most despised lawful action to God is divorce.

۱۷ أبغض الخلق إلى الله من آمن ثم كفر.

منفورترین مردم پیش خدا آن کسی است که ایمان آورد و سپس کافر شود.

The most hateful person to God is s (he) who believes in Him, then turns out to be a disbeliever.

۱۸ أبغض الرجال إلى الله الألد الخصم.

منفورترین مردان در پیش خدا مرد لجوج و ستیزه جوست.

The most hateful men to God are the most tenacious and obstinate of all.

۱۹ أبغض العباد إلى الله من كان ثوبه خيرا من عمله: أن تكون ثيابه ثياب الأنبياء و عمله عمل الجبارين.

منفورترین بندگان در پیش خدا کسی است که جامه وی از کارش بهتر باشد، یعنی جامه او جامه پیمبران باشد و کار وی کار ستمگران.

The most hateful servant (person) to God is the one whose dress is better than his deed, i.e. the one whose appearance is that of the prophets and whose deeds, those of tyrants.

۲۰ أبغوني الضعفاء فإنما ترزقون و تنصرون بضعفاءكم.

ناتوانان را پیش من آرید زیرا شما بیرکت ناتوانان خود روزی می خورید و یاری می شوید.

Attending the weak is paying attention to me, for your sustenance and its support (by God) are for the sake of them.

۲۱ أبلغوا حاجة من لا يستطيع إبلاغ حاجته. فمن أبلغ سلطانا حاجة من لا يستطيع إبلاغها ثبت الله قدميه على الصراط يوم القيامة.

حاجت کسی را که از ابلاغ آن ناتوانست به بزرگان برسانید زیرا هر کس حاجت در مانده‌ای را به بزرگی برساند روز رستاخیز خداوند پاهای وی را بر صراط استوار میسازد.

Inform the rulers of the needs of those who cannot do so, for whoever performs such an action will be granted steadfast feet by God to pass over the Bridge in the Day of Resurrection.

۲۲ ابن آدم أطح ربك تسمى عاقلا و لا تعصه فتسمى جاهلا.

فرزند آدم! پروردگار خویش را فرمانبردار باش تا ترا خردمند خوانند و از فرمان وی بیرون مباش که ترا نادان شمارند.

O son of Adam! Be obedient to your Lord to be considered wise, and refrain from disobedience to Him, not to be regarded unwise.

۲۳ ابن آدم إذا أصبحت معافی فی جسدک آمنة فی سربک عندک قوت یومک فعلی الدنیا العفاء.

فرزند آدم وقتی تن تو سالم است و خاطرت آسوده است و قوت یک روز خویش را داری از دنیای فانی نگران
مباش.

****پس تو را هر لحظه مرگ و رجعتی ست—مصطفی فرمود دنیا ساعتی ست (مولوی)**

**O son of Adam! When you have health of body and peace of mind
and your sustenance you easily find, what use of the (material)
world to mind!**

۲۴ ابن آدم عندک ما یکفیک و تطلب ما یطغیک ابن آدم لا بقلیل تقنع و لا بکثیر تشبع.

فرزند آدم! آنچه حاجت ترا رفع کند در دسترس خود داری و در پی آنچه ترا بطغیان وامیدارد روز
میگذاری! باندک قناعت نمیکنی و از بسیار سیر نمیشوی!

**O son of Adam! You have at your disposal what suffices your
needs, (but) continuously you seek what to rebellion in you leads!
O son of Adam! You're not convinced with less, nor are you satiate
with more!**

۲۵ آنانی جبریل فقال یا محمد عش ما شئت فانک میت و أحب ما شئت فانک مفارقه و اعلم ما شئت فانک
مجزی به. و اعلم ان شرف المؤمن قیامه باللیل و عزه استغناؤه عن الناس.

جبریل پیش من آمد و گفت ای محمد هر چه میخواهی زنده بمان که عاقبت خواهی مرد، هر چه را میخواهی
دوست بدار زیرا از آن جدا خواهی شد و هر چه میخواهی بکن که پاداش آن را خواهی دید و بدان که شرف
مؤمن بپا خاستن شب (و پرداختن به عبادت خدای متعال) است و عزت وی بی نیازی از مردم.

**Ascended to me Gabriel and said: "Muhammad! Live as long as you
wish, for you will finally perish, love whatever you mind, for you will
leave it behind and do whatever you want to do, for its reward will
come back to you. Know that night vigilance (for worship) is man's
dignity and needlessness from people shows his magnanimity.**

۲۶ آنانی جبریل فقال بشر امتک انه. من مات لا یشرك بالله شیئا دخل الجنة قلت یا جبریل و ان سرق و ان زنی
قال نعم قلت و ان سرق و ان زنی قال نعم قلت و ان سرق و ان زنی قال نعم و ان شرب الخمر.

جبریل پیش من آمد و گفت امت خود را بشارت بده که هر کس بمیرد و چیزی را با خدا شریک نسازد به بهشت
میرود گفتم ای جبرئیل و اگر دزدی کرده باشد و اگر زنا کرده باشد؟ گفت آری گفتم و اگر دزدی کرده باشد و
اگر زنا کرده باشد؟ گفت آری. گفتم و اگر دزدی کرده باشد و اگر زنا کرده باشد؟ گفت آری و اگر هم شراب
خورده باشد.

Gabriel came to me and said: “Give your people good tidings that whoever does not adopt a partner for God, will enter Paradise after death”. I said: “What if s (he) has committed theft or adultery”, and I repeated it thrice, but the answer was in the positive and Gabriel added, “even if (s) he has drunken wine.”

۲۷ أحب أن يلين قلبك و تدرک حاجتك؟ ارحم اليتيم و امسح رأسه و أطعمه من طعامك يلن قلبك و تدرک حاجتك.

آیا دوست داری دلت نرم شود و حاجت خود بیابی؟ بر یتیم رحمت آور، وی را بنواز، و از غذای خویش بدو بخوران تا دلت نرم شود و حاجت خود بیابی.

Would you like to have a compassionate heart and to achieve your goals? Be merciful to orphans, treat them with tender care and your food, and let them share.

۲۸ تحسبون الشدة فی حمل الحجاره؟ إنما الشدة أن یمتلی أحدکم غیظا ثم یغلبه.

آیا گمان میکنید نیرومندی در بردن سنگ است؟ نیرومند حقیقی آنست که خشمگین شود و بر خشم خود غالب گردد.

Do you think (man’s) strength lies in carrying stones? No, it lies in bearing anger and wrath when in him they rise.

۲۹ اتخذوا عند الفقراء آیادی، فإن لهم دوله يوم القيامة.

با فقرا دوستی کنید زیرا در روز رستاخیز دولتی بزرگ دارند.

Be kind to the poor; for theirs is a (high) status in the last Day, for sure.

۳۰ أتدرون ما العضة؟ .. نقل الحديث من بعض الناس إلى بعض لفسدوا بينهم.

آیا میدانید سخن چینی چیست؟

سخن چینی آنست که سخنی را از کسان پیش دیگران نقل کنند و میان آنها را بهم بزنند.

Do you know what tale bearing is? It’s to narrate one’s sayings to others and break their relationship.



۳۱ أترك فضول الكلام و حسبك من الكلام ما تبلغ به حاجتك.

از سخنان بیهوده چشم بپوش سخنی که رفع حاجت کند ترا کفایت کند.

Be economical in speaking, for the word which settles your need suffices you (indeed).

۳۲ اتركوا الدنيا لأهلها فإنه من أخذ منه فوق ما يكفيه أخذ من حتفه و هو لا يشعر.

دنيا را بمردم دنیا واگذارید، زیرا هر کس از دنیا بیش از حد کفایت بر گیرد در هلاک خویش میکوشد اما نمیداند.

Leave the world to the seekers of the world, for those who pick up from it beyond their need, are surely trying to ruin themselves, but they know it not, indeed.

۳۳ اتق الله في عسرک و يسرک.

در سختی و راحتی (در همه حال) از خدا بترس

Be pious in hardship and ease.

۳۴ اتق الله و لا تحقرن من المعروف شيئا و لو أن نفرغ من دلوک في إناء المستسقى و أن تلقى أحاک و وجهک إليه منبسط.

از خدا بترس و هیچ کار نیکی را حقیر مشمار، گر چه کار نیک منحصر باین باشد که دلو(ظرف آب) خویش را در ظرف تشنه‌ای بریزی و برادر خود را با روی گشاده ملاقات کنی.

Fear God, and consider not any good deed insignificant, though it's pouring water from your bucket in a thirsty person's vessel or meeting your brother (in faith) with a happy face.

۳۵ اتق دعوة المظلوم فإنما يسأل الله تعالى حقه و إن الله تعالى لا يمنع ذا حق حقه.

از دعای مظلوم بپرهیز زیرا وی بدعا حق خویش را از خدا میخواهد و خدا حقرا از حق دار دریغ نمیدارد.

Fear one who is oppressed prayers, for he claims his rights through praying, and the Exalted God refuses not to grant him his rights.

۳۶ اتقوا الله واعد لوا بين اولادکم كما تحبون أن يبروکم.

از خدا بترسید و میان فرزندان خود به عدالت رفتار کنید همان طور که میخواهید با شما به نیکی رفتار کنند.

Fear God and treat your children justly as you would like others to treat you well.

۳۷ اتقوا دعوة المظلوم فإنها تحمل على الغمام؛ يقول الله تعالى: و عزتي و جلالی لانصرنک و لو بعد حین.

از نفرین مظلوم بترسید، زیرا نفرین وی بر ابرها می‌رود و خداوند می‌گوید: بعزت و جلال من سوگند که ترا یاری میکنم اگر چه پس از مدتی باشد.

Be afraid of the one who is oppressed curse, for it mounts on clouds (i.e. ascends to the heavens), and God, the Exalted, says: I swear by My Honor and Glory to help you though it may take time.

۳۸ اتقوا الحجر الحرام فی البنیان فإنه أساس الخراب.

از استعمال سنگ حرام در ساختمان بپرهیزید که مایه ویرانی است.

Avoid using (even one piece of) unlawfully earned stone in (your) building, for the very stone causes its collapse.

۳۹ اتقوا فراسة المؤمن فإنه ينظر بنور الله عز وجل.

از فراست مؤمن بترسید که چیزها را با نور خدا مینگرد.

**مؤمن ار ينظر بنور الله نبود—عیب(غیب) مؤمن را به مؤمن(برهنه) چون نمود؟ (مولوی)

**حس را تمییز دانی چون شود—آن که حس ينظر بنور الله بود (مولوی)

**ای همه ينظر بنور الله شده—از بر حق بهر بخشش آمده (مولوی)

**او مگر ينظر بنور الله بود—کاندرون پوست او را ره بود (مولوی)

**گر بمیرد، دید او باقی بود—زان که دیدش دید خلّاقی بود (مولوی)

**مؤمنم ينظر بنور الله شده—هان و هان بگریز از این آتشکده (مولوی)

**مؤمن کیس ممیز کو که تا—باز داند پادشا را از گدا؟ (مولوی)

**مؤمننا ينظر بنور الله شدی—از خطا و سهو بیرون آمدی (مولوی)

****نیست آن یَنْظُرِ بِنُورِ اللَّهِ كَزَافٍ—نور ربّانی بود گردون شکاف (مولوی)**

****آن که (وان که) یَنْظُرِ بِنُورِ اللَّهِ بود—هم ز مرغ و هم ز موی آگه بود (مولوی)**

****از ضمیر او بدانست آن خلیل (جلبل)—هم ز نور دل بلی نَعِمَ الدَّلِيل (مولوی)**

****وصف حق دان آن فراست را، نه وَهْم—نور دل از لوح کل کرده ست فهم (مولوی)**

Be careful about a believer's shrewdness, for s(he) looks (at things) through the light of God, the Most High!

۴۰ اتَّقُوا الشَّحَّ فَإِنَّ الشَّحَّ أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَمْ وَ حَمَلَهُمْ عَلَى أَنْ سَفَكُوا دِمَاءَهُمْ وَ اسْتَحَلُّوا مُحَارِمَهُمْ.

از بخل بپرهیزید زیرا که بخل پیشینیان را هلاک کرد و آنها را وادار کرد که بخون یک دیگر دست بیالایند و محارم (حرام های) خویش را حلال شمارند.

Refrain from misery, for it led to the ruin of predecessors and caused them to shed the blood of one another and to consider the unlawful as lawful.

۴۱ اتَّقُوا النَّارَ وَ لَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ فَإِنَّ لَهَا تَجْدُوا فَبِكَلِمَةٍ طَيِّبَةٍ.

از آتش (دوزخ) بپرهیزید و گر چه بوسیله یک پاره خرما باشد و اگر ندارید بوسیله سخنی نیک.

Save yourself from Fire, even through half a date; or by good words, if lacking the former.

۴۲ اتَّقِ الْمُحَارِمَ تَكُنْ أَعْبَدَ النَّاسِ وَ اَرْضَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَكَ تَكُنْ أَغْنَى النَّاسِ.

از چیزهای حرام بپرهیز تا از همه کس عابدتر باشی و بقسمت خویش راضی باش تا از همه کس ثروتمندتر باشی.

Keep away from the unlawful to be the most (obedient) servant of God, and be convinced with your destined share to be needless of all people.

۴۳ اتَّقِ النَّاسَ مِنْ قَالَ الْحَقَّ فِيمَا لَهُ وَ عَلَيْهِ.

از همه مردم بپرهیز کارتر آن کس است که حق را بر نفع و ضرر خویش بگوید.

The most virtuous man is the one who tells the truth, being it for or against him.

۴۴ اتَّقُوا الدُّنْيَا فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّهَا لَأَسْحَرُ مِنْ هَارُوتَ وَ مَارُوتَ.

از دنیا بپرهیزید، قسم بآن کسی که جان من در کف اوست که دنیا از هاروت و ماروت ساحرتر است.

****زبان نبی دنیات را سخّاره خواند—کو به افسون خلق را در چه نشاند (مولوی)**

****این جهان جادوست و ما آن تاجریم—که از او مهتاب پیموده خریم (مولوی)**

Keep away from the world (materiality), for I swear by Him who has authority over my soul that it is more sorceries than Harut and Marut.

۴۵ اتَّقُوا اللَّهَ فِي النِّسَاءِ فَإِنَّهُنَّ عِنْدَكُمْ عَوَانٌ.

در باره زنان از خدا بترسید (رعایت حال آنان کنید و برشان سخت مگیرید) که آنها پیشی شما اسیرند.

****آن شب گردک نه ینگا دست او—خوش امانت داد اندر دست تو**

کانچه با او تو کنی، ای معتمد—از بد و نیکی خدا با تو کند (مولوی)

Fear God in treating women, for they are your assisting maidens.

۴۶ اتَّقِ اللَّهَ حَيْثُمَا كُنْتَ وَ اتَّبِعِ السَّبِيَّةَ الْحَسَنَةَ تَمَجُّهَا وَ خَالِقِ النَّاسَ بِخُلُقٍ حَسَنٍ.

هر کجا هستی از خدا بترس؛ به دنبال گناه کار نیک انجام بده تا آن را محو کند و با مردم خوش اخلاق و نیکو رفتار باش.

Fear God wherever you are, and do a good deed subsequent to any sin you commit in order to efface it. (Moreover), be good tempered and treat people well.

۴۷ اتَّقُوا دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَإِنَّهَا تَصْعَدُ إِلَى السَّمَاءِ كَأَنَّهَا شَرَارَةٌ.

از نفرین مظلوم بترسید که چون شعله آتش بر آسمان می‌رود.

Fear the curse of the one who is oppressed, for it ascends as a flame high to the sky.

۴۸ اتَّقُوا دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ وَإِنْ كَانَ كَافِرًا فَإِنَّهَا لَيْسَ دُونَهَا حِجَابٌ.

از نفرین مظلوم بترسید اگر چه کافر باشد، زیرا در برابر نفرین مظلوم پرده و مانعی نیست.

Fear the curse of one who is oppressed, even though s(he) is an infidel, for against it there is no obstacle.

۴۹ اتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ.

از خدا بترسید و روابط میان خویش را اصلاح کنید (از قهر و اختلاف بپرهیزید).

Fear God and let peace among you breeze.

۵۰ اتَّقُوا الدُّنْيَا وَاتَّقُوا النِّسَاءَ فَإِنَّ ابْلِسَ طَّلَاعَ رِصَادٍ وَمَا هُوَ بِشَيْءٍ مِنْ فُخُوحِهِ بِأَوْثَقٍ لَصِيدَةٍ فِي الْأَتْقِيَاءِ مِنَ النِّسَاءِ.

****چون که خوبی زنان با(فا) او نمود—که ز عقل و صبر مردان می فزود**

پس زد انگشتک، به رقص اندر فتاد—که بده زودتر، رسیدم در مراد (مولوی)

از دنیا بترسید و از زنان بپرهیزید زیرا شیطان نگران و در کمین است و هیچ یک از دامهای وی برای صید پرهیزکاران مانند زنان مورد اطمینان نیست.

Keep away from the (material) world and women, for Satan lies is ambush in all mastery, and none of his traps is more reliable than women to hunt holders of piety.

۵۱ اتَّقُوا الظُّلْمَ فَإِنَّ الظُّلْمَ ظِلْمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

از ستمگری بپرهیزید که ستمگری مایه تاریکی روز رستاخیز است.

****چاه مظلم گشت ظلم ظالمان—این چنین گفتند جمله عالمان (مولوی)**

****چون بر آمد نور، ظلمت نیست—شد ظلم را ظلمت بود اصل و عضد (مولوی)**

Keep away from oppression, for it will bring (you) darkness in the Day of Judgment.

۵۲ اتَّقُوا صَاحِبَ الْجَذَامِ كَمَا يَتَّقَى السَّبْعَ إِذَا هَبَطَ وَأَدْيَا فَاهِبَطُوا غَيْرَهُ.

از بیماری که بخوره (= جذام) مبتلا است بپرهیزید چنان که از حیوان وحشی (شیر) میگریزد اگر در دره‌ای فرود آمد شما در دره دیگر فرود آئید.

Keep away from a leprous as you do from a wild animal. Should (s)he settle somewhere, you do settle somewhere else.

۵۳ اتقوا زلّة العالم و انتظروا فیته.

از لغزش دانا بترسید و منتظر باز گشت وی باشید.

Connive at a scholar's slip and await him to the right direction to keep.

۵۴ اثنان لا تجاوز صلاتهما رءوسهما: عبد أبق من موالیه حتی یرجع و امرأه عصت زوجها حتی ترجع.

دو کسند که نمازشان از سرشان بالاتر نمیرود: بنده‌ای که از ارباب خود گریخته باشد تا هنگامی که باز گردد، و زنی که شوهر خود را نافرمانی کرده باشد تا باز گردد.

The prayers of two groups will not be granted: servants who've escaped their masters till they return, and women who've disobeyed their husbands till they repent.

۵۵ اثنان لا ینظر الله إلیهم یوم القیامة: قاطع الرّحم و جار السوء.

دو کس را خداوند روز قیامت بنظر رحمت نمی‌نگرد: آنکه با خویشان ببرد و آنکه با همسایه بدی کند.

Two groups of people will not be bestowed the divine mercy in the Resurrection: those who break off relations with their kinsmen and those who mistreat their neighbors.

۵۶ اثنان خیر من واحد و ثلاثة خیر من اثنین و أربعة خیر من ثلاثة فعلیکم بالجماعة.

دو تن از یکی بهتر و سه تن از دو تن برتر و چهار تن از سه تن نیکوتر است، همیشه با جماعت باشید.

Two persons are preferable to one, three preferable to two and four preferable to three; so you have to gain the community of people.

۵۷ اثنان یکرهما ابن آدم: الموت و الموت خیر له من الفتنه و یکره قلّة المال و قلّة المال أقلّ للحساب.

فرزند آدم از دو چیز بیزار است یکی مرگ در صورتی که مرگ برای او از فتنه بهتر است و کمی مال در صورتی که هر چه مال کمتر باشد حساب آن آسانتر است.

The son of Adam hates two things: death which is better for him than sedition, and shortage of wealth which entails easier reckoning (in the Hereafter).

۵۸ اثنان يعجلهما الله في الدنيا: البغي و عقوق الوالدين.

دو چیز را خداوند در این جهان کیفر می دهد تعدی (=ستم به دیگری) و ناسپاسی پدر و مادر.

Two things are penalized (by God) in this world: tyranny and ungratefulness to parents.

۵۹ اجتنبوا الخمر فإنها مفتاح كل شر.

از شراب بگریزید که کلید همه بدیهاست.

Avoid drinking wine, for it is verily the key to all evils.

۶۰ اجتنبوا التکبر فإن العبد لا يزال يتکبر حتى يقول الله تعالى اکتبوا عبدی هذا فی الجبارین.

از تکبر پرهیزید، زیرا بنده همین که بتکبر خو گرفت خداوند می گوید این بنده را در شمار گردن کشان بشمار آرید.

Refrain from vanity, for as soon as one gets accustomed to it, the Exalted God says: "Reckon him among the refractory."

۶۱ اجتنبوا كل مسکر.

از هر چه مست میکند پرهیزید.

Refrain from whatever makes you drunk.

۶۲ اجتنب الغضب.

از خشم پرهیز.

Refrain from anger.

۶۳ اجتنبوا دعوات المظلوم ما بينها وبين الله حجاب.

از نفرین های مظلوم بترسید که میان آن و خدا حجابی نیست.

Fear the curse of an oppressed person, for there is no veil between it and God.

۶۴ أجرؤکم علی قسم الجذأجرؤکم علی النار.

هر کس از شما در قسم خوردن، جدی جری تر است بجهنم نزدیکتر است.

The most daring among you in taking oath, will be the most daring in respect to the Fire.

۶۵ إن لكل ملك حمى وإن حمى الله فى الأرض محارمه.

هر پادشاهی قرقی (=محللی که ورود به آن ممنوع است) دارد و قرق خدا در زمین محرمات اوست.

Every king has restrictions (of his own), and God's one on earth is His prohibitions.

۶۶ أجلوا الله يغفر لكم.

خدا را ستایش کنید تا شما را ببامرزد.

Glorify God to be forgiven by Him.

۶۷ أجملوا فى طلب الدنيا فإن كلاً ميسر لما كتب له منها.

در طلب دنیا معتدل باشید زیرا هر کس هر چه قسمت اوست میرسد.

Be moderate in seeking the (material) world, for everybody gains his (destined) share.

۶۸ أجوع الناس طالب العلم و اشبعهم الذى لا يتغيه.

از همه مردم گرسنه تر آن کس است که در پی دانش میرود و از همه مردم سیرتر آن کس است که طالب آن نیست.

The most hungry of people are seekers of knowledge, and most satiated of all are the most reluctant towards it.

٦٩ أُجيبوا الداعي و لا تردوا الهدية و لا تضربوا المسلمين.

دعوت را بپذیرید، هدیه را رد نکنید و مسلمانان را نزنید.

Do not reject invitations, accept gifts and beat not Muslims.

٧٠ أحب الأعمال إلى الله الصلاة لوقتها، ثم برّ الوالدين، ثم الجهاد في سبيل الله.

بهترین کارها در نزد خدا نماز بوقت است، آنگاه نیکی با پدر و مادر، آنگاه جنگ در راه خدا.

The best deeds to God, the Exalted, are setting prayers on time, being kind to parents, and struggling in the way of God.

٧١ أحب البلاد إلى الله مساجدها، و أبغض البلاد إلى الله أسواقها.

محبوبترین جای شهرها در پیش خدا مسجدهاست، و منفورترین جای شهرها در پیش خدا بازارهاست.

The most favorite sites of cities to God are mosques, and the most despised, are bazaars/shopping centers.

٧٢ أحب العباد إلى الله الأتقياء الأخفاء.

محبوبترین بندگان در پیش خدا پرهیزکاران گمنامند.

The most beloved creatures to God are the unknown pious.

٧٣ أحب الأعمال إلى الله أدومها و إن قلّ.

محبوبترین کارها در پیش خدا کاریست که دوام آن بیشتر است اگر چه اندک باشد.

The most favorite deeds to God, the Exalted, are the most durable of all, though insignificant in quantity.

٧٤ أحب حبيبي هونا ما عسى أن يكون بغضك يوما ما و أبغض بغضك هونا ما عسى أن يكون حبيبي يوما ما.

در دوستی میانه نگهدار که شاید دوست روزی دشمن تو شود و در دشمنی راه افراط مسپار که شاید دشمن روزی دوست گردد.

Be moderate in friendship, lest your friend should turn out to a foe in future, and do the same in enmity, lest your foe should turn out to a friend in like manner.

۷۵ أحب للناس ما تحب لنفسك تكن مؤمنا؛ و أحسن مجاورة من جاورك تكن مسلما.

آنچه برای خود می خواهی برای مردم بخواه تا مؤمن باشی، و با همسایگان نیکی کن تا مسلمان باشی.

To be a (true) believer, wish for others what you wish for yourself, and to be a (true) Muslim, be kind to your neighbors.

۷۶ أحب الأعمال إلى الله من أطمع من جوع أو دفع عنه مغرما أو كشف عنه كربا.

بهترین کارها در پیش خدا آنست که بینوائی را سیر کنند، یا قرض او را بپردازند یا زحمتی را از او دفع نمایند

The best deeds to God are feeding an indigent person, or repaying his debts, or relieving him from distress.

۷۷ أحب الأعمال إلى الله بعد الفرائض إدخال السرور على المسلم.

بهترین کارها در پیش خدا بعد از ادای واجبات خوشحال کردن مرد مسلمان است.

The most favorite deed to God, the Exalted, save performing (divine) rules, is to gladden a Muslim.

۷۸ أحب الأعمال إلى الله حفظ اللسان.

بهترین کارها در پیش خدا نگه داری (و کنترل) زبان است.

The most favorite deed to God, the Exalted, is to control one's tongue.

۷۹ أحب الأعمال إلى الله الحب في الله و البغض في الله.

بهترین کارها در پیش خدا دوستی و دشمنی در راه خداست.

The most favorite deeds to God, the Exalted, are friendship and enmity for His sake.

۸۰ أَحَبَّ الْجِهَادِ إِلَى اللَّهِ كَلِمَةُ حَقٍّ تَقَالَ لِإِمَامٍ جَائِرٍ.

بهترین جهادها در پیش خدا سخن حقی است که به پیشوای ستم کار گویند.

The best kind of Jihad (struggling in the way of God) is to speak a word of truth to a cruel leader.

۸۱ أَحَبُّ الْحَدِيثِ إِلَى أَصْدَقِهِ.

در نظر من بهترین سخنان آنست که راست‌تر باشد.

The best word to me, the truest (I see).

۸۲ أَحَبُّ الطَّعَامِ إِلَى اللَّهِ مَا كَثُرَتْ عَلَيْهِ الْأَيْدِي.

بهترین غذاها در پیش خدا آن است که گروهی بسیار بر آن بنشینند.

To God, the most favorite food is the one which satiates many (in the neighborhood).

۸۳ أَحَبُّ اللَّهْوِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى إِجْرَاءُ الْخَيْلِ وَالرَّمْيِ.

بهترین بازی‌ها در پیش خدا اسب دوانی و تیر اندازی است.

To God, the most High, the best hobbies are horsemanship, and archery.

۸۴ أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا.

بهترین بندگان در پیش خدا کسی است که خلقش نیکتر باشد.

The best servants of God to Him are the most good tempered.

۸۵ أَحَبُّ اللَّهِ تَعَالَى عَبْدًا سَمَحًا إِذَا بَاعَ وَ سَمَحًا إِذَا اشْتَرَى وَ سَمَحًا إِذَا قَضَى وَ سَمَحًا إِذَا اقْتَضَى.

خداوند بنده‌ای را که بهنگام خرید و هنگام فروش و هنگام پرداخت و هنگام دریافت آسان گیر است دوست دارد.

**** تا بگفته مصطفی شاه نجاج - السَّمَّاحُ يَا أَوْلَى النَّعْمَى رَبَّاحٍ (مولوی) ****

God, the Exalted, loves the one who is easy going in buying and selling, as well as in borrowing and repaying.

۸۶ أَحَبَّ عِبَادَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.

در میان بندگان آن کس پیش خدا محبوبتر است که برای بندگان خدا سودمندتر است.

The most favorite of God's servants are the most beneficial of them to others.

۸۷ أَحَبُّ لِلنَّاسِ مَا تَحَبَّ لِنَفْسِكَ.

آنچه برای خود میخواهی برای مردم بخواه.

**** آنچه نپسندی به خود ای شیخ دین—چون پسندی بر برادر ای امین؟ (مولوی)**

**** آنچه بر تو خواه آن باشد پسند—بر دگر کس آن کن از رنج و گزند (مولوی)**

Wish for others what you wish for yourself.

۸۸ أَحَبُّ بَيْوتِكُمْ إِلَى اللَّهِ بَيْتٌ فِيهِ يَتِيمٌ مَكْرَمٌ.

محبوبترین خانه‌های شما در نظر خدا خانه ایست که در آن یتیمی محترم باشد.

The best of your homes is the one wherein an orphan is kept in respect.

۸۹ احترسوا من الناس بسوء الظنّ.

بوسیله بدگمانی از مردم در امان باشید (یعنی در معاملات و مانند آن محکم کاری کنید).

Keep yourself intact by being suspicious about people (in business, keeping your privacy and so on).

۹۰ احتكار الطعام بمكّة الحاد.

احتکار خوردنیها در مکه کفر است.

Hoarding people's food in Mecca is fighting God in disbelief.

۹۱ أحثوا التراب في وجوه المدّاحين.

بر چهره ستایشگران (و تملق گوینان) خاک بپاشانید.

**** شهاب الاخبار - حدیث ۴۸۶ = خاک در دیم مداحان پاشید! زیرا که مداحان بیشتر دروغ می گویند از بهر غرض خویشتن.**

Throw dust at the flatterers' face.

۹۲ احذر أن یری علیک آثار المحسنین و أنت تخلو من ذلک فتحشر مع المرأئین.

مبادا آثار نیکان در تو نمودار باشد و (در باطن) نیک نباشی که در این صورت با ریاکاران محشور خواهی شد.

**** گفتم، ای نفسک! منافق زیستی - هم منافق می مری، تو چیستی؟ (مولوی)**

Let not the signs of the kind appear in you, without yourself being kind; for you'll be a company to hypocrites (in the Hereafter).

۹۳ احذروا الشهوة الخفية: العالم يحب أن يجلس إليه.

از شهوت مخفی پرهیزید شهوت مخفی آنست که دانشمند دوست دارد کسان در محضر وی بنشینند

Refrain from hidden passion: it is when a scholar likes people to sit in his presence.

۹۴ احذروا البغی فإنه لیس من عقوبة هی أحضر من عقوبة البغی.

از ستمگری پرهیزید زیرا کفری از کفر ستمکاری آماده تر نیست.

Refrain from aggression, for its punishment is the most immediate.

۹۵ أحزم الناس أکظمهم للغيظ.

آنکه در فرو بردن خشم از دیگران پیشتر است از همه کس دوراندیش تر است.

The most provident of people is the one who outruns others in controlling his anger.

۹۶ احذروا زلة العالم فإن زلته تكببه فی النار.

از لغزش عالم پرهیزید که لغزش او در آتش نگونسارش خواهد کرد.

Keep away from the slips of a scholar, for it will cause him fall upside down into the Fire.

۹۷ أحسنوا جوار نعم الله لا تنفروها فقلما زالت عن قوم فعادت إليهم.

قدر نعمتهای خدا را بدانید و آن را از خود مرانید زیرا کمتر ممکن است نعمتی از قومی زایل شود و سپس به آنان باز گردد.

Appreciate God's blessings given to you, and let them not vanish, for a lost blessing will hardly be regained.

۹۸ أحسنوا إذا وليتم و اعفوا عما ملكتم.

وقتی فرمان روائی یافتید (و مسؤولیتی پذیرفتید) به نیکی گرائید و زیر دستان خود را ببخشید

Appointed to a job, be kind to and forgive your subordinates.

۹۹ احفظ الله تجده أمامك.

جانب خدا را نگهدار (او را ناظر بر کار خود دان) تا همیشه وی را روبرو بینی.

Observe God's (orders and prohibitions) to see Him ahead of you (as a guide).

۱۰۰ احفظ لسانك.

زبان خویش را نگهدار.

Control your tongue.

۱۰۱ احفظ ما بين لحيك و ما بين رجلك.

دهان و فرج خویش را نگهدار.

Control your tongue as well as your private parts.

۱۰۲ احفظ ودأبيك لا تقطعه فيطفي الله نورك.

دوستی پدر خویش را حفظ کن و رشته آن را مبر که خداوند نور تو را خاموش میکند.

Keep your relationship with your father intact and do not cut it off; otherwise, God will make your (spiritual) light vanish.

۱۰۳ احفظ عورتک إلا من زوجتک أو ما ملکت یمینک. قيل إذا کان القوم بعضهم من بعض؟ قال: إن استطعت أن لا یرینها أحد فلا یرینها. قيل: إذا کان أحدنا خالیا؟ قال اللّٰه أحقّ أن یرتجی منه من النّاس.

عورت خویش را جز از همسر و کنیز خود مستور دار. گفتند: اگر کسان خویشاوندان یک دیگر باشند؟ گفت (پیامبر ص): اگر توانستی که هیچ کس آن را نبیند بهتر است که نه بینند. گفتند: اگر یکی از ما تنها باشد؟ گفت (پیامبر ص): از خداوند بیش از مردم باید شرم کنند.

Cover your sexual organs in the presence of all but your wives and bonds women. It was asked: "What about relatives?" The Holy Prophet replied: "They should try not to see each other's sexual organs." "What if one of us be naked at his (her) own privacy?", He was asked. The Holy Prophet said: "One must be much chaster to God than to people."

۱۰۴ أحلّ الذّهب و الحریر لاناث أمّتی و حرّم علی ذکورها.

طلا و ابریشم بر زنان امت من حلال است و بر مردانشان حرام.

Gold and silk are lawful (to be used) for the women of my (Islamic) nation, and unlawful for men.

۱۰۵ أخاف علی أمّتی من بعدی ثلاثا: ضلاله الأهواء و اتّباع الشّهوات فی البطون و الفروج و الغفلة بعد المعرفة.

پس از خودم بر امتم از سه چیز بیم دارم، گمراهی هوسها و پیروی خواهشهای شکمها و فرجها (=امیال جنسی) و غفلت پس از معرفت (به حق).

I am anxious about three things to happen to my people after my death: deviated carnal desires, unbounded sexuality and gluttony, and negligence after knowledge (of Divine Rules).

۱۰۶ اختبروا النّاس بأخدانهم فإنّ الرّجل یخادن من یعجبه.

مردم را از معاشرانشان بشناسید زیرا آدمی همنشین کسی است که شیفته اش گشته.

ضرب المثل: کبوتر با کبوتر باز با باز—کند هم جنسی با هم جنسی پرواز (نظامی)

Know people by knowing their friends, for men love the like of themselves.

Proverb: Like likes like.

Proverb: Birds of a feather flock together.

۱۰۷ أخذ الأمير الهدية سحت و قبول القاضي الرشوة كفر.

هدیه گرفتن امیر نارواست و رشوه گرفتن قاضی کفر است.

It is undesirable for a ruler to accept gifts, and blasphemous for a judge to do so.

۱۰۸ أخسر الناس صفقه رجل أخلق يديه في آماله و لم يساعده الأيام على أمنيته فخرج من الدنيا بغير زاد و قدم على الله تعالى بغير حجة.

زیانکارترین مردم آن کسی است که که عمری بآرزو گذارند و روزگار وی را بمنظور نرساند و از دنیا بی توشه برون رود و در پیشگاه خداوند دلیلی نداشته باشد.

The greatest losers are those who spoil their lives in seeking (uncultivable) desires and reach them not, and die without any provision (for the Hereafter), entering the presence of their lord without any proofs (reasons for their doings).

۱۰۹ أخصي ما خشيت على أمتي كبر البطن و مداومة النوم و الكسل و ضعف اليقين.

بر امت خویش، بیشتر از هر چیز، از شکم پرستی و پر خوابی و بیکارگی و بی ایمانی بیمناکم.

I am worried about my (Islamic) nation more of gluttony, over sleeping, laziness and weakness of faith than anything else.

۱۱۰ أخلص دينك يكفك القليل من العمل.

ایمان خویش را خالص کن که اندکی عبادت ترا کفایت کند.

Purify your faith, for a little bit of worship suffices you.

۱۱۱ أخلصوا أعمالكم لله فإن الله لا يقبل إلا ما خالص له.

اعمال خویش را برای خداوند از روی اخلاص انجام دهید، زیرا خدا فقط کارهایی را میپذیرد که از روی اخلاص برای او انجام گرفته باشد

Do your actions for God with purity of intent, for He only accepts sincere deeds.

۱۱۲ أخوف ما أخاف على أمتي كل منافق عليم اللسان.

بیش از هر چیز از منافقان دانا و زبان باز بر امت خود بیم دارم.

I am mostly worried about my nation, of glib-tongued hypocrites.

۱۱۳ إخوانكم خولكم جعلهم الله فنيئاً تحت أيديكم فمن كان أخوه تحت يده فليطعمه من طعامه و ليلبسه من لباسه و لا يكلفه ما يغبه فإن كلفه ما يغلبه فليعنه.

بندگان (و زیر دستان) شما برادران شما هستند که خداوند آنها را زیر دست شما قرار داده هر کسی برادر وی زیر دستش باشد باید از غذای خود بدو بخوراند و از لباس خویش بر او بپوشاند و کاری که بیش از طاقت وی باشد بدو رجوع نکند و اگر کار سختی بدو رجوع کرد(در انجام دادن آن) یاریش کند.

Your subordinates are your brethren, subjected to you by God. Thus, whoever has his brethren as his subjects, should share them in his own food, dress them with his own dresses, oblige them not to jobs beyond their tolerance and help them in performing exhaustible tasks.

۱۱۴ أخوف ما أخاف على الهوى و طول الأمل.

بر امت خویش بیش از هر چیز از هوس و آرزوی دراز بیم دارم.

I am mostly worried about my nation of carnal desires and unfulfilled wishes.

۱۱۵ أذ ما افترض الله تعالى عليك تكن من أعبد الناس و اجتنب ما حرم الله عليك تكن من أروع الناس و ارض بما قسمه الله لك تكن من أغنى الناس.

واجبات خدا را بجای آر تا عابد ترین مردم باشی، و از محرمات خدا بپرهیز تا پارساترین مردم باشی به قسمتی که خدا برای تو تعیین کرده راضی باش تا بی نیازترین مردم باشی.

Practice divine rules, refrain from the unlawful and be content with your divine lot in order to be respectively the most worshipping, the most abstinent and the most needless servant of God.

۱۱۶ ادعوا الله و أنتم مؤمنون بالإجابة و اعلموا أن الله لا يستجيب دعاء من قلب غافل لاه.

خدا را بخوانید و باجابت دعای خود یقین داشته باشید و بدانید که خداوند دعا را از قلب غافل بیخبر نمیپذیرد.

Call unto your Lord and believe that He will hear you, and know that God will not grant the prayers of those with negligent hearts.

۱۱۷ اَدِّ الْأَمَانَةَ إِلَىٰ مَنْ اَتَمَنَكَ وَ لَا تَخُنْ مَنْ خَانَكَ.

با کسی که تو را امین میداند به امانت رفتار کن و با کسی که بتو خیانت کرده است خیانت مکن.

Be honest to those who consider you trustworthy, and be not a traitor to those who have been disloyal to you.

۱۱۸ اَدِّبْنِي رَبِّي فَأَحْسِن تَأْدِيبِي.

خداوند مرا ادب آموخت و نیک آموخت.

God taught me courtesy and how nice was it (to me)!

۱۱۹ اِدْرِعُوا الْحُدُودَ عَنِ الْمُسْلِمِينَ مَا اسْتَطَعْتُمْ فَإِنَّ الْإِمَامَ لَأَنْ يَخْطِيَ فِي الْعَفْوِ خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَخْطِيَ فِي الْعُقُوبَةِ.

تا آنجا که می‌توانید مجازات‌ها را از مسلمانان باز دارید زیرا اگر پیشوائی در بخشش خطا کند بهتر از آن است که در مجازات خطا کند.

Punish not Muslims, to the extent possible; for a mistake in forgiveness is (much) better than one in punishment for a leader.

۱۲۰ اِدْرِعُوا الْحُدُودَ بِالشَّبَهَاتِ وَ اَقِيلُوا الْكِرَامَ عَثْرَاتِهِمْ إِلَّا فِي حَدِّ مِنَ حُدُودِ اللَّهِ.

وقتی تردید پیش آمد مجازات‌ها را باز دارید و لغزشهای بزرگان را ببخشید مگر در کار حد و مجازات.

Do not punish people when you are doubtful (about their faults), and be oblivious to the great men's blunders, unless (the punishment) is divinely prescribed.

۱۲۱ اَدْنَىٰ أَهْلِ النَّارِ عَذَابًا يَنْتَعِلُ بِنَعْلَيْنِ مِنْ نَارٍ يَغْلِي دِمَاغَهُ مِنْ حَرَارَةِ نَعْلَيْهِ.

از مردم جهنم آنکه عذابش از همه آسانتر است دو کفش آتشین پیا دارد که مغز وی از حرارت کفشهایش بجوش می‌آید.

The most easily punished dwellers of Hell are those with a pair of fire shoes which cause their brains to boil.

۱۲۲ أدنى جذبات الموت بمنزلة مائة ضربة بالسيف.

آسانترین کَشِشهای مرگ مانند صد ضربه شمشیر است (دردناک).

The easiest tensions of death are like unto a hundred strokes of sword (painful).

۱۲۳ إذا أبردتم إليّ بريدا فابعثوه حسن الوجه حسن الاسم.

وقتی قاصدی پیش من میفرستید نیک صورت و نیک اسم بفرستید.

When sending me a messenger, send one with beauty of face and name.

۱۲۴ إذا ابتغيت المعروف فاطلبوه عند حسان الوجه.

اگر نیکی میخواهید آن را پیش نیک صورتان بجوئید.

Seek good deeds with holders of good faces.

۱۲۵ إذا ابتلى أحدكم بالقضاء بين المسلمين فلا يقض و هو غضبان و ليسو بينهم في النظر و المجلس و الإشارة.

اگر یکی از شما بکار قضاوت میان مسلمانان دچار شود باید به هنگام غضب از قضاوت خودداری کند و میان ارباب دعوا در نگاه و محل نشستن و اشاره تفاوتی نگذارد.

When anyone of you is engaged in passing judgment among Muslims, he must avoid judging in anger and refrain from discrimination as to watching and pointing to the sides of quarrels, and as to their place of sitting (in the court).

۱۲۶ إذا أتى عليّ يوم لا أزداد فيه علما يقربني إلى الله تعالى فلا بورك لي في طلوع الشمس ذلك اليوم.

اگر روزی بر من بگذرد و در آن روز دانشی نیاموزم که مرا بخداوند نزدیک کند، طلوع آفتاب آن روز بر من مبارک مباد.

May the sunrise of a day be not blessed for me when I fail to acquire the knowledge which might draw me nearer to God.

۱۲۷ إذا أتى أحدكم خادمه بطعامه قد كفاه علاجه و دخانه فليجلسه معه فإن لم يجلسه معه فليناوله أكله أو أكلتين.

وقتی خادم شما غذائی می آورد که آن را تهیه کرده و دود آن را خورده باید وی را با خویشتن (بر سر سفره) بنشانند و اگر او را نشانند یک یا دو لقمه باو بدهد.

When your servant serves you a meal which he has prepared with lots of troubles, share the meal with him, or (at least) ask him to have a morsel or two.

۱۲۸ إِذَا أَنَىٰ أَحَدِكُمْ أَهْلَهُ فَلْيَسْتَرْ و لَا يَتَجَرَّدَانِ تَجَرَّدَ الْعَيْرِينَ.

هنگامی که یکی از شما می خواهد به اهل خود نزدیک شود پس باید خود را بپوشانند و برهنه نکنند ، برهنگی دو گور خر (لزوم رعایت مراحل قبل از نزدیکی).

When intending having intercourse with your wives, cover yourself and be not naked like unto wild donkeys (necessity of following steps before intercourse).

۱۲۹ إِذَا آتَاكَ اللَّهُ مَالًا فَلْيُرْ أَثَرَ نِعْمَةِ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ كَرَامَتِهِ.

اگر خداوند چیزی (مال / ثروتی) بتو داد باید نشان نعمت و کرم وی در تو پدیدار شود.

If God grants you wealth, the sign of His blessing and generosity should appear in you.

۱۳۰ إِذَا آتَاكُمْ مِنْ تَرْضُونَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرَوْجُوهُ إِنْ لَا تَفْعَلُوا تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فَسَادٌ عَرِيضٌ.

وقتی کسی که خلق و دین وی مایه رضایت است بخواستگاری می آید بوی زن بدهید و اگر چنین نکنید فتنه و فساد در زمین فراوان خواهد شد.

When a faithful, good-tempered man asked your daughter in marriage, marry her to him; otherwise, sedition and corruption will spread (everywhere) on the earth.

۱۳۱ إِذَا آتَاكُمْ السَّائِلُ فَضَعُوا فِي يَدِهِ وَ لَوْ ظَلَمْنَا مُحْرَقًا.

وقتی سائلی پیش شما آمد چیزی بدو بدهید اگر چه (چیز ناچیز، مانند) یک قطعه سم سوخته باشد.

When a needy man demands, put something in his hands, even if it is a burnt hoof.

۱۳۲ إِذَا آتَاكُمْ كَرِيمٌ قَوْمِ فَأَكْرَمُوهُ.

وقتی بزرگ طایفه‌ای پیش شما آمد او را بزرگ شمارید.

When a noble man of a people comes to you, treat him with respect.

۱۳۳ إذا أتني عليك جيرانك أنك محسن فأنت محسن و إذا أتني عليك جيرانك أنك مسيء فأنت مسيء.

اگر همسایگان ترا نیکوکار دانستند نیکوکاری و اگر همسایه‌گانت ترا بدکار شمردند بد کاری.

You will be a good man, if your neighbors admire you for doing good; and a bad one, if they regard you as a wrongdoer.

۱۳۴ إذا اجتمع العالم و العابد على الصراط قيل للعابد أدخل الجنة و تنعم بعبادتك و قيل للعالم قف هنا فاشفع لمن أحببت فإنك لا تشفع لأحد إلا شفعت فقام مقام الأنبياء.

وقتی عالم و عابد بر صراط اجتماع کنند بعباد گویند بهشت در آی و از عبادت خویش بهر مند شو و بعالم گویند اینجا بایست و برای هر که می‌خواهی شفاعت کن زیرا هر که را شفاعت کنی شفاعت تو پذیرفته خواهد شد آنگاه عالم در صف پیغمبران می‌ایستد.

When the learned and the worshipper arrive at the Bridge (in the Last Day), the worshipper are called to cross onto Paradise, while the learned are allowed to stop right there, interceding whomsoever they like, and thus the latter stands with the prophets.

۱۳۵ إذا اجتمع الداعيان فأجب أقربهما باباً فإن أقربهما باباً أقربهما جواراً و إن سبق أحدهما فأجب الذي سبق.

وقتی دو کس ترا با هم دعوت کردند دعوت کسیرا که خانه‌اش نزدیکتر است بپذیر زیرا آنکه خانه‌اش نزدیکتر است در همسایگی مقدم است و اگر یکی زودتر دعوت کرده است دعوت او را بپذیر.

When two persons invite you simultaneously, accept the invitation of the one whose house is closer to yours, thus being your closer neighbor than the other, but if one of these two neighbors invites you sooner, accept his invitation (first).

۱۳۶ إذا أحب الله عبداً ابتلاه و إذا أحبته الحبّ البالغ اقتناه قالوا ما اقتنأه قال لا يترك له مالا و لا ولداً.

وقتی خداوند بنده‌ای را دوست دارد وی را مبتلا سازد و وقتی ویرا کاملاً دوست دارد او را خاص خود سازد گفتند چگونه او را خاص خود می‌سازد گفت مال و فرزندی برای او باقی نمی‌گذارد.

****مبتلی چون دید تأویلات رنج—بُرد بیند، کی شود او مات رنج؟ (مولوی)**

Loving a servant, God puts him (her) to test, and loving him (her) more, He chooses the servant for Himself. "How?", the people demanded. The Holy Prophet replied: "By leaving him (her) without property and heir."

۱۳۷ إذا أحبَّ الله عبدا حماه الدنيا كما يظل أحدكم يحمي سقيمه الماء.

وقتی خداوند بنده‌ای را دوست دارد دنیا را از او منع میکند چنان که شما مریض خویش را از نوشیدن آب منع میکنید.

Loving a servant, God deprives him (her) of the world, just as you deprive your patients of drinking water.

۱۳۸ إذا أحبَّ الله عبدا ابتلاه لیسع تضرَّعه.

وقتی خداوند بنده‌ای را دوست دارد ویرا مبتلا سازد تا تضرع او را بشنود.

****مبتلی چون دید تأویلات رنج—بُرد بیند، کی شود او مات رنج؟ (مولوی)**

Loving a servant, God puts him (her) to test to see him (her) supplicating.

۱۳۹ إذا أحبَّ الله عبدا قذف حبَّه في قلوب الملائكة و إذا أبغض الله عبدا قذف بغضه في قلوب الملائكة ثم يقذفه في قلوب الآدميين.

وقتی خداوند بنده‌ای را دوست دارد دوستی ویرا در دل فرشتگان جای میدهد و وقتی بنده‌ای را دشمن دارد دشمنی او را در دل فرشتگان اندازد سپس آن را در دل آدمیان جای دهد.

Loving a servant, God throws His love for him in the angels' hearts, and detesting him, He sets His hatred in their hearts as well as in men's hearts, in that order.

۱۴۰ إذا أحبَّ أحدكم أخاه فليعلمه فإنه أبقى في الالفه و أثبت في الموده.

وقتی کسی برادر مسلمان خود را دوست دارد بدو خبر دهد که این کار موجب بقای الفت و دوام مودت است.

When you love one of your brethren, show your love to him, for this will strengthen your friendship and make it last longer.

۱۴۱ إذا أحببت رجلا فلا تماره و لا تجاره و لا تشاره و لا تسئل عنه أحدا فعسى أن توافي له عدواً فيخبرك بما ليس فيه فيفرق ما بينك و بينه.

وقتی با کسی دوست شدی با او مجادله و رقابت مکن و بر او برتری مجو و از هیچ کس در باره او چیزی مپرس چه ممکن است به یکی از دشمنان او بر خوری و در باره وی سخن بخطا گوید و میان شما را تفرقه اندازد.

When you make friend with someone, try not dispute with him, nor to seek superiority over him, nor to inquire about him, for it may come to pass that you come across one of his foes who might cause discord between you by speaking ill of him.

۱۴۲ إذا أحببتهم أن تعلموا ما للعبد عند ربّه فانظروا ما يتبعه من التّناء.

وقتی بخواهید مقام بنده را در نظر خدا بدانید بنگرید که پشت سر او چه میگویند.

When you want to know about one's status to God, heed to what is said of him in his absence.

۱۴۳ إذا أراد الله بعبد خيراً فقهه في الدّين و زهده في الدّنيا و بصّره عيوبه.

وقتی خداوند برای بنده‌ای نیکی خواهد ویرا در کار دین دانا و بدنیا بی‌اعتنا سازد و عیوب ویرا بدو بنمایاند.

When God wishes good for someone, He grants him a deep understanding of religion, makes him heedless of the world, and discloses his defects for him.

۱۴۴ إذا أراد الله بعبد خيراً صیر حوايج النّاس إليه.

وقتی خداوند برای بنده‌ای نیکی خواهد حاجت‌های مردم را به سوی او سرازیر می‌کند.

When God wishes good for someone, He guides people towards him for their needs.

۱۴۵ إذا أراد الله بعبد الخیر عجل له العقوبه في الدّنيا و إذا أراد الله بعبد الشرّ أمسك عنه بذنبه حتّى يوافي به يوم القيامة.

وقتی خداوند برای بنده خویش نیکی خواهد کیفر او را در دنیا میدهد و وقتی برای او بد خواهد گناه وی را میگذارد که در روز رستاخیز کیفر دهد.

When God wishes good for his servant, He gives him punishment (for his wrongdoings) in this very world, and when He wills evil for him, He leaves off his sins to be punished in the Hereafter.

۱۴۶ إذا أراد الله بعد خيرا فتح له قفل قلبه و جعل فيه اليقين و الصدق و جعل قلبه واعيا لما سلک فيه و جعل قلبه سليما و لسانه صادقا و خليقته مستقيمة و جعل أذنه سمیعة و عینه بصیرة.

وقتی خداوند برای بنده‌ای خوبی خواهد قفل دل ویرا می‌گشاید و در آن ایمان و راستی قرار میدهد و قلب وی را نسبت برفتار او هوشیار می‌سازد دل وی را سلیم و زبانش را راستگو و اخلاقی را مستقیم و گوش ویرا شنوا و چشمش را بینا می‌سازد.

When God wishes goodness for someone, He unlocks his heart and sets therein certainty and honesty, making his heart conscious of his behavior, giving him a peaceful mind, as sincere tongue, sound morality, heedful ears and watchful eyes.

۱۴۷ إذا أراد الله بأهل بيت خيرا ففتحهم في الدين و وقّر صغيرهم كبيرهم و رزقهم الرّفق في معيشتهم و القصد في نفقاتهم و بصّرهم عيوبهم فيتوبوا منها و إذا أراد بهم غير ذلك تركهم هملا.

وقتی خداوند برای مردم خانه ای نیکی خواهد آنان را در کار دین دانا سازد و خردسالانشان سالخورده‌گانشان را محترم دارند، مدارا در معیشت و اعتدال در خرج را نصیب آنها سازد و عیوبشان را بآنها بنمایاند تا از آن باز گردند. و اگر برای آنها جز این خواهد بخودشان واگذارشان کند.

When God wishes good for a family, He grants them wisdom in religion, respect of the younger for the elder, and moderateness in living and temperance in spending and (in addition), He mirrors their faults to them to make them refrain from them, and when God wishes for a family other than these, He leaves them on their own.

۱۴۸ إذا أراد الله بقوم خيرا أمدهم في العمر و ألهمهم الشكر.

وقتی خداوند برای قومی نیکی خواهد عمرشان را دراز و زبانشان را بشکر (از خدای متعال) باز کند.

When God wills well for a people, He lengthens their lives and inspires gratitude (of Himself) in them.

۱۴۹ إذا أراد الله بقوم نماء رزقهم السّماحة و العفاف و إذا أراد بقوم انقطاعا فتح عليهم باب الخيانة.

وقتی خدا بخواهد قومی را بزرگ کند آنها را صاحب عفت و گذشت میکند و وقتی بخواهد قومی را منقرض سازد در خیانت را برویشان میگذارد.

When God wishes greatness for a people, He bestows munificence and chastity on them, and when He wishes extinction for a people, He opens the doors of treachery to them.

۱۵۰ إذا أراد الله بقوم خيراً ولى عليهم حلماءهم و قضى بينهم علمائهم و جعل المال فى سمحائهم و إذا أراد بقوم شراً ولى عليهم سفهائهم و قضى بينهم جهالهم و جعل المال فى بخلائهم.

وقتی خداوند برای قومی نیکی خواهد خردمندانشان را بر آنها فرمانروا سازد و دانشمندانشان میان آنها قضاوت کند و مال را بدست بخشنندگان دهد و وقتی برای قومی بدی خواهد سفیهانسان را بر آنها فرمانروا سازد و نادانان میان آنها قضاوت کنند و مال را بدست بخیلانسان دهد.

Wishing good for a people, God trusts authority (government), judgment and wealth respectively to the forbearing, learned and generous among them, and wishing them evil, He trusts such things to the stupid, ignorant and miserly among them.

۱۵۱ إذا أراد الله بأهل بيت خيراً أدخل عليهم الرفق.

وقتی خدا برای مردم خانه‌ای نیکی خواهد آنها را با مدارا قرین سازد

Wishing good for a family, God grants them leniency and moderation.

۱۵۲ إذا أراد الله بقوم سوء جعل أمرهم إلى مترفيهم.

وقتی خداوند برای مردمی بدی خواهد کارشان را بدست تجمل پرستان آنها می‌سپارد.

Wishing evil for a people, God entrusts their affairs to the seekers of luxury among them.

۱۵۳ إذا أراد الله بقرية هلاكاً أظهر فيهم الزنا.

وقتی خدا بخواهد مردم قریه‌ای را نابود سازد زنا را در میان آنها پدید می‌آورد.

Wishing the destruction (or annihilation) of a people, God lets adultery prevail among them.

۱۵۴ إذا أراد الله بعبد خيرا جعل له واعظا من نفسه يأمره و ينهاه.

وقتی خدا برای بنده‌ای نیکی خواهد و اعظی از نفس وی بر او گمارد که او را بکار نیک وادارد و از کار بد باز دارد.

Wishing good for someone, God appoints a preacher within him to bid him to good and forbid him from evil.

۱۵۵ إذا أراد الله بعبد خيرا طهره قبل موته قالوا و ما طهور العبد قال عمل صالح يلهمه إياه حتى يقبضه عليه.

وقتی خدا برای بنده‌ای نیکی خواهد او را پیش از مرگش پاک میکند گفتند پاکی بنده چگونه است؟ گفت کار نیکی بدو الهام می کند تا جان وی را در اثنای انجام آن بگیرد.

Wishing good for someone, God purifies him before his death. "How?", the people asked. The Holy Prophet retorted: "He inspires him to engage in doing a good deed and takes his soul meanwhile.

۱۵۶ إذا أراد الله بعبد خيرا عاتبه في منامه.

وقتی خداوند برای بنده‌ای نیکی خواهد او را در خواب عتاب (سرزنش) کند.

Wishing good for someone, God rebukes him in his dreams.

۱۵۷ إذا أراد الله بعبد خيرا عسله. قيل: و ما عسله؟ قال: يفتح له عملا صالحا قبل موته ثم يقبضه عليه.

وقتی خداوند برای بنده‌ای نیکی خواهد او را شیرین مانند عسل کند. گفتند: شیرینی عسلی او چگونه است؟ گفت: پیش از مرگش کار نیکی را پیش پای او میگذارد و در اثنای انجام آن جانش را میگیرد.

Wishing good for someone, God sweetens him. "How", the people asked. The Holy Prophet retorted: "He gives him the opportunity to do something good before death and takes his soul meanwhile.

۱۵۸ إذا أراد الله بعبد خيرا استعمله. قيل و ما استعماله؟ قال: يفتح له عملا صالحا بين يدي موته حتى يرضى عنه من حوله.

وقتی خداوند برای بنده‌ای نیکی خواهد او را بکار گیرد. گفتند: بکار گرفتن او چگونه است؟ گفت (پیامبر ص): نزدیک مرگ وی کار نیکی را پیش پایش میگذارد تا اطرافیان را از او خشنود کند.

Wishing good for someone, God assigns him a job. "How?", the people asked. The Holy Prophet retorted: "He causes him to engage in a good deed before his death, thereby pleasing those around him.

۱۵۹ إذا أراد الله بعد خيراً رزقهم الرِّفق في معاشهم و إذا أراد بهم شراً رزقهم الخرق في معاشهم.

وقتی خداوند برای بندگان نیکی خواهد معاش آنها را در کارهای زندگی استوار و پیوسته سازد و هنگامی که برایشان بدی خواهد معاش آنها را با انقطاع همراه کند.

Wishing good for His servants, God offers them integrates in their living income, and wishing His servants evil, He inflicts them with interruption in their living income.

۱۶۰ إذا أراد الله بالأمر خيراً جعل له وزير صدق إن نسي ذكره و إن ذكر أعانه و إذا أراد به غير ذلك جعل له وزير سوء إن نسي لم يذكره و إن ذكر لم يعنه.

وقتی خداوند برای امیر و پیشوایی نیکی خواهد برای او وزیری راست و درست قرار میدهد که اگر چیزی را فراموش کرد یاد آوریش کند و اگر بیاد آورد در انجام آن یاریش کند و اگر برای او جز این خواهد برای او وزیر بدی قرار دهد که اگر چیزی را فراموش کرد یاد آوریش نکند و اگر بیاد آورد یاریش نکند.

Wishing a ruler good, God appoints for him an honest minister to remind him of what he forgets and help him in what he remembers to do, and wishing him evil, God appoints for him a dishonest minister who does the reverse.

۱۶۱ إذا أراد الله بعد خيراً جعل صنائعه و معروفه في أهل الحفاظ و إذا أراد الله بعد شراً جعل صنائعه و معروفه في غير أهل الحفاظ.

وقتی خدا برای کسی نیکی خواهد کار و رزق و روزی او با مردم امین حدود الهی می افتد و موقعی که برای کسی بدی خواهد سر و کار او با مردم که حدود الهی را رعایت نکنند می افتد.

When God wishes good for someone, He makes his job and living dealing with those guardian of His rules and when He wishes evil for someone, He makes his job and livling the other way around.

۱۶۲ إذا أراد الله بعد خيراً جعل غناه في نفسه و تقاه في قلبه و إذا أراد بعد شراً جعل فقره بين عينيه.

وقتی خدا برای کسی نیکی خواهد ثروتش را در روحش و تقوایش را در قلبش قرار میدهد و وقتی برای کسی بدی خواهد فقر را پیش چشم او جای میدهد.

****لیکن زین شیرین گیاهی زهرمند-ترک کن تا چند روزی می خورند(می چرند) (مولوی)**

When God wishes good for someone, He sets up needlessness in his soul, piety in his heart, and when the reverse He wishes, He makes poverty maneuver in his sight.

۱۶۳ إذا أراد الله بقوم خيراً كثر فقهاءهم و أقلّ جاهلهم فإذا تكلم الفقيه وجد أعوانا و إذا تكلم الجاهل قهر و إذا أراد الله بقوم شراً كثر جاهلهم و أقلّ فقهاءهم فإذا تكلم الجاهل وجد أعوانا و إذا تكلم الفقيه قهر.

وقتی خدا برای قومی نیکی خواهد دانایان آنها را زیاد و نادانها ایشان را کم کند تا هنگامی که دانا سخن گوید یاریش کنند و موقعی که نادان لب گشاید مغلوب گردد و وقتی برای قومی بد خواهد نادانهایشان را زیاد و دانایان آنها را کم کند تا هنگامی که نادان لب گشاید یاریش کنند و وقتی دانا سخن گوید مغلوب گردد.

Wishing good for a people, God makes their learned increase (in number) and their ignorant decrease to the extent that when a learned man talks, he is followed and supported by many and when an ignorant person talks, he fails to succeed, and when the reverse God wishes, the other way round will be the situation.

۱۶۴ إذا أراد الله أن يوقع عبداً أعمى عليه الحيل.

وقتی خداوند خواهد بندهای را از پا درآورد راههای چاره را بر او ببندد.

Wishing ruin for someone, God deprives him of all solutions.

۱۶۵ إذا أراد الله خلق شيء لم يمنع شيء.

وقتی خدا بخواهد چیزی را بیافریند چیزی مانع او نمیشود.

Wishing to create something, nothing can stop Him doing so.

۱۶۶ إذا أراد الله قبض عبد بأرض جعل له فيها حاجة.

وقتی خداوند بخواهد بندهای را در سرزمینی بمیراند برای وی در آنجا حاجتی پدید می آورد.

****گفت هین، اکنون چه می خواهی؟ بخواه-گفت فرما باد را ای جان پناه**

تا مرا زینجا به هندستان برد—بو که بنده کان طرف شد، جان برد (مولوی)

Willing someone to die in a certain place, God sets there a need for him.

۱۶۷ إذا أراد الله تعالى إيفاد قضائه و قدره سلب ذوی العقول عقولهم حتى ينفذ فيهم قضاؤه و قدره فإذا قضى أمره رد إليهم عقولهم و وقعت الندامة.

وقتی خدا بخواهد قضا و قدر خویش را اجرا کند عقل صاحب خردان را میگیرد و قضای خویش را در باره آنها جاری میسازد، وقتی فرمان وی انجام گرفت عقولشان را باز پس میدهد و پشیمانی رخ میدهد.

Wishing to put His decrees to practice, the Exalted God makes the learned person's wisdom vanish (for a while) and subjects them to His will, and when this is accomplished, He gives their intellects back to them and regretful they turn.

۱۶۸ إذا أراد أحدكم أن يبيع عقاره فليعرضه على جاره.

وقتی کسی بخواهد خانه یا ملک خویش را بفروشد باید نخست به همسایه خویش پیشنهاد کند.

When someone wants to sell his house, he should first offer it to his neighbors.

۱۶۹ إذا أردت أمرا فعليك بالتؤدة حتى يريك الله منه المخرج.

وقتی خواستی کاری را انجام دهی تأمل کن تا خدا راه آن را بتو نشان دهد.

Be patient in doing what you want to, and God will show you how to do it.

۱۷۰ إذا أردت أن يحبك الله فابغض الدنيا و إذا أردت أن يحبك الناس فما كان عندك من فضولها فانبذه إليهم.

اگر میخواهی خدا ترا دوست دارد دنیا را دشمن دار و اگر می خواهی مردم ترا دوست دارند آنچه از زواید دنیا داری پیش آنها بریز.

If you wish to be a favorite to God, dislike the (material) world, and if you wish to be a favorite to people, offer them your excess.

۱۷۱ إذا أردت أن تفعل أمرا فتدبر عاقبته فإن كان خيرا فأمضه و إن كان شرا فانتبه.

وقتی در کاری تصمیم میگیری در نتیجه آن بیندیش اگر نتیجه نیک است آن کار را انجام بده و اگر بد است از آن در گذر.

When you decide to do something, meditate on its results. If it entails good results, perform it; otherwise, forget about it.

۱۷۲ إذا أردت أن تذكر عيوب غيرك فاذكر عيوب نفسك.

وقتی میخواهی عیوب دیگران را یاد کنی عیوب خویش را بیاد آر.

Remember your own faults when you want to mention others'.

۱۷۳ إذا أسأت فأحسن.

وقتی بدی کردی، بدی را بنیکی محو کن.

Do good immediately after doing evil (to make evil vanish).

۱۷۴ إذا استأجر أحدكم أجيرا فليعلمه أجره.

وقتی یکی از شما کسی را مزدور می کند مزدش را باو بگوید.

When anyone of you hires somebody, he should tell him how much his wage is.

۱۷۵ إذا استشار أحدكم أخاه فليشر عليه.

وقتی یکی از شما با برادر خود مشورت می کند وی باید رأی خود را صریح بگوید.

When anyone of you consults with his brother (in faith), the latter should offer him benevolent consultation.

۱۷۶ إذا استشاط السلطان تسلط الشيطان.

وقتی سلطان بغضب آید شیطان تسلط یابد.

When a ruler is filled with rage, Satan will dominate (him).

۱۷۷ إذا استعطرت المرأة فمرت على القوم ليجدوا ريحها فهي زانية.

اگر زنی خود را معطر کند و بر مردمی بگذرد که بوی او را دریابند زناکار است.

If a woman perfumes herself and passes by people to please them, she will be adulterous.

۱۷۸ إِذَا اسْتَكْتَمَ فَاَسْتَاكُوا عَرَضًا.

وقتی مسواک می‌کنید مسواک را بعرض دهان بکشید.

When you brush your teeth, move the brush horizontally.

۱۷۹ إِذَا أُسَاتَ فَأَحْسَنَ فَإِنَّ الْحَسَنَاتِ يَذْهَبْنَ السَّيِّئَاتِ.

وقتی بدی کردی بدنبال آن نیکی کن که نیکی‌ها بدیها را محو می‌کند.

When doing something bad, do good (immediately), for good deeds make evil deeds vanish.

۱۸۰ إِذَا اشْتَدَّ كَلْبُ الْجُوعِ فَعَلَيْكَ بِرَغِيفٍ وَجَرٍّ مِنْ مَاءِ الْقِرَاحِ وَ قَلَّ عَلَى الدُّنْيَا وَأَهْلَهَا مَنَى الدَّمَارِ.

وقتی گرسنگی سخت شد نانی و جرعه آبی برگیر و جهان و هر چه در آنست گو مباش.

When faced with severe hunger, take in a loaf of bread and a sip of water, and forget about the rest which the world contains.

۱۸۱ إِذَا اشْتَكَى الْمُؤْمِنُ أَخْلَصَهُ مِنَ الذَّنُوبِ كَمَا يَخْلُصُ الْكَبِيرُ خَبْثَ الْحَدِيدِ.

مصیبتی که بر مؤمن وارد می‌شود او را از گناهان پاک می‌کند چنان که کوره کثافت آهن را پاک می‌سازد.

When a believer is afflicted with a suffering, s(he) gets purified of sins just as iron gets refined of impurities in forge.

۱۸۲ إِذَا أَصْبَحَ ابْنُ آدَمَ فَإِنَّ الْأَعْضَاءَ كُلَّهَا تَكْفُرُ اللِّسَانَ فَتَقُولُ اتَّقِ اللَّهَ فِينَا فَإِنَّمَا نَحْنُ بَكَ فَإِنْ اسْتَقَمْتَ اسْتَقَمْنَا وَ

إِنْ اعْوَجَجْتَ اعْوَجَجْنَا.

وقتی صبح فرا رسد همه اعضای تن در مقابل زبان تعظیم کنند و گویند در باره ما از خدا بترس زیرا صلاح کار ما بتو وابسته است، اگر باستقامت گرائیدی ما نیز باستقامت گرائیم و اگر بکجی متمایل شدی ما نیز کج شویم.

When morning comes upon Adam's son, all organs of his body bow down to his tongue, saying: "Fear God in respect to us, for the

good of our affairs depends on you, if you move in the straight path, we will do likewise, and if you go astray, we will do too”.

۱۸۳ إذا أعطى الله أحدكم خيراً فليبدأ بنفسه وأهل بيته.

وقتی خدا بیکى از شما چیزی (مالی) داد در صرف آن از خود و کسان خود آغاز کند.

When God grants anyone of you much (lawfully earned) wealth, s(he) should give priority to himself and his household in spending it.

۱۸۴ إذا التقى المسلمان بسيفيهما فقتل أحدهما صاحبه فالقاتل والمقتول في النار. قيل: يا رسول الله هذا القاتل فما بال المقتول؟ قال: إنه كان حريماً على قتل صاحبه.

وقتی دو مسلمان شمشیر بدست با یک دیگر روبرو شوند و یکی از آنها دیگری را بکشد قاتل و مقتول به جهنم میروند، گفتند: ای پیغمبر خدا، قاتل بجای خود، مقتول چرا؟ گفت: برای آنکه او نیز بکشتن دیگری راغب بود.

When two Muslims draw sword against one another, and one manages to kill the other, both will be put to Hell. The people asked, “O Messenger of God! The case is clear as to the killer, but why is the killed treated as such?” The Holy Prophet replied: “He too sought to kill the other party.”

۱۸۵ إذا ألقى الله في قلب امرء خطبة امرأة فلا بأس أن ينظر إليها.

وقتی خداوند خواستگاری زنی را بدل کسی انداخته باشد مانعی نیست که او را بنگرد.

When God fills one's heart with the desire to marry a woman, he is allowed to have a glance at her.

۱۸۶ إذا أم أحدكم الناس فليخفف فإن فيهم الصغير والكبير والضعيف والمريض وذا الحاجة وإذا صلى لنفسه فليطول ما يشاء.

وقتی کسی در نماز پیشوای مردم شد نماز را سبک گیرد که در میان کسان کوچک و بزرگ و بیمار و ناتوان و حاجتمند هست و هر وقت برای خود نماز گذارد هر چه خواهد طول دهد.

When anyone of you happens to lead the congregational prayer, he should set it as short as possible, for there might be children and aged, weak and sick or preoccupied people among the participants,

and when anyone sets his own prayer individually, he can prolong it as he wishes.

۱۸۷ إذا باتت المرأة هاجرة فراش زوجها لعنتها الملائكة حتى تصبح.

وقتی زنی دور از بستر شوهر خود شب را بروز آورد فرشتگان تا صبح او را لعنت کنند.

When a woman sleeps the whole night away from her husband's bed, the angels curse her to the break of dawn.

۱۸۸ إذا تطيبت المرأة لغير زوجها فإنما هو نار و سنا.

وقتی زنی برای کسی جز شوهر خود بوی خوش بکار برد مایه آتش و عار است.

Using perfume for other than one's husband, brings a woman shame and fire (of Hell).

۱۸۹ إذا تقارب الزمان أنقى الموت خيار أمّتي كما ينتقى أحدكم خيار الرطب من الطبق.

وقتی آخر زمان فرا رسد مرگ نیکان امت مرا گلچین می کند چنان که شما خرماهای خوب را از طبق انتخاب می کنید.

When comes the end of Time, death calls out the good among my people just as you handpick the best of date out of tray.

۱۹۰ إذا تمنى أحدكم فليُنظر ما تمنى فإنه لا يدري ما كتب له من أمّيته.

وقتی کسی آرزویی میکند مراقب باشد که چه آرزو می کند زیرا نمیداند که از آرزوی وی در نامه اعمال چه مینویسند.

When somebody longs for something, s(he) should be heedful of his (her) longing, for s(he) knows not what of his (her) longing will be recorded in his (her) book of deeds.

۱۹۱ إذا تم فجور العبد ملك عينيه فبكي بهما متي شاء.

وقتی بد کاری بنده کمال یابد چشمانش در اختیار او باشد و هر وقت بخواهد گریه آغاز کند.

Though the bad deeds of someone might go to extremes, s(he) has still his (her) eyes at his (her) disposal to shed tears (i.e. there is always an opportunity to repent).

۱۹۲ إذا جاءكم الزائر فأكرموه.

وقتی کسی بملاقات شما آمد ویرا گرامی دارید.

Honor the one who pays a visit to you.

۱۹۳ إذا جاءكم الأكفاء فأنكحوهنّ و لا تربصوا بهنّ الحدّان.

وقتی اشخاص همشان بخواستگاری پیش شما آمدند دختران خود را بشوهر بدهید و در کار آنها منتظر حوادث
مباشید.

When someone of equal status (with you) asks your daughter in marriage, marry her to him and leave not her affair to coming events.

۱۹۴ إذا جاء الموت بطالب العلم مات و هو شهيد.

وقتی مرگ طالب علم فرا رسد شهید میمیرد.

When death makes of the learned a prey, as a martyr s(he) passes away.

۱۹۵ إذا جامع أحدكم زوجته أو جاريتها فلا ينظر إلى فرجها فإن ذلك يورث العمى.

وقتی یکی از شما با همسر یا مملوک خویش نزدیک شود به فرج (= شرمگاه و عورت) او ننگرد که مایه کوری
است.

Do not look at your wives' or bond women's vulvas when having sexual intercourse with them, for it is a cause of blindness.

۱۹۶ إذا حاك في نفسك شيء فدعه.

وقتی دل تو به مطلبی زیاد مشغول گردید از آن چشم پیوش.

Connive at what you are worried about its performance.

۱۹۷ إذا حدّث الرجل بحديث ثمّ التفت فهي أمانة.

وقتی مردی سخنی گفت و به اطراف خود نگریست آن سخن در پیش شما امانت است.

When someone tells you something while looking (worriedly) all around, you should hold his saying in trust.

۱۹۸ إذا حجَّ الرَّجُلُ بِمَالٍ مِنْ غَيْرِ حَلِّهِ فَقَالَ لَيْتَكَ اللَّهُمَّ لَيْتَكَ قَالَ اللَّهُ لَا لَيْتَكَ وَلَا سَعْدِيكَ هَذَا مُرْدُودٌ عَلَيْكَ.

وقتی کسی با مالی که حلال نیست بحج رود هنگامی که گوید لبتیک خدا یا لبتیک، خدا گوید نه لبتیک و نه سعدیک اینها به تو باز میگردد.

When someone goes on a pilgrimage to Mecca by means of unlawfully earned money, God will reject and leave unanswered his invocation, "O God! I accepted what you made lawful and unlawful", saying, "yours failed and are back to you".

۱۹۹ إذا حسدتم فلا تبغوا و إذا ظننتم فلا تحقّقوا و إذا وزنتم فارجحوا.

وقتی دچار حسد شدید تعدی نکنید و وقتی گمان بردید آن را حقیقت میندازید و وقتی چیزی را وزن میکنید چیزی بر آن بیفزائید.

When aroused by jealousy, keep away from tyranny, when fallen into suspicion, put it not into action, and when something you weigh, on it an extra amount lay.

۲۰۰ إذا حکمتهم فاعدلوا و إذا قلتم فأحسنوا فإنَّ اللهَ محسنٌ يحبُّ المحسنين.

وقتی حکم می‌کنید به عدل رفتار کنید و وقتی سخن می‌گوئید نیک گوئید زیرا خدا نیک است و نیکوکاران را دوست دارد.

Be just in issuing judgment and speak well when uttering words, for God is good and loves good doers.

۲۰۱ إذا خاف اللهَ العبدُ أخاف اللهَ منه كلَّ شيءٍ و إذا لم يخف العبدُ اللهَ أخافه اللهُ من كلِّ شيءٍ.

وقتی بنده از خدای بترسد خداوند همه چیز را از او بترساند و اگر بنده از خدای بترسد خداوند او را از همه چیز بترساند.

When a servant of God fears Him, God makes everything fearful of him, and when he fears Him not, God makes him fearful of everything.

۲۰۲ إذا خطب أحدكم المرأة و هو يخضب بالسواد فليعلمها أنه يخضب.

اگر کسی زنی را خواستگاری کرد و موی خود را رنگ میبندد باید بدو خبر دهد که موی خود را رنگ می‌بندد.

A man who colors his hair black should let the woman whose hand he seeks in marriage know about that.

۲۰۳ إذا خفيت الخطيئة لا يضر إلا صاحبها وإذا ظهرت فلم تغير ضرت العامة.

وقتی گناهی مخفی بماند بجز گنهکار کسی را ضرر نمیرساند و اگر آشکار شود و از آن جلوگیری نکنند برای همه مردم زیان دارد.

When a sin is kept hidden, it hurts nobody but the sinner, and when it is unfolded and uncontrolled, it hurts everybody.

۲۰۴ إذا دخل الضيف على القوم دخل برزقه وإذا خرج خرج بمغفرة ذنوبهم.

وقتی میهمانی بر کسان در آید روزی خود را همراه می‌آورد و وقتی برون رود با آمرزش گناهان آنها برون رود.

When a guest comes upon a people, s(he) is accompanied by his own sustenance, and when he leaves them, he is company to (God's) forgiveness for them.

۲۰۵ إذا رأيت من أخيك ثلاث خصال فارجه: الحياء والأمانة والصدق وإذا لم ترها فلا ترجمه.

وقتی در برادر خود سه صفت دیدی بدو امیدوار باش: حیا و امانت و راستی و اگر این صفات را ندارد از او امیدی نداشته باش.

Be hopeful about your brother (in faith), if in him you observe three virtues: chastity, trustfulness and truthfulness; and be hopeless about him, if he is bereft of them.

۲۰۶ إذا رأى أحدكم من نفسه أو ماله أو من أخيه ما يعجبه فليدع له بالبركة فإن العين حق.

وقتی یکی از شما از خود یا مال خود یا برادر خود چیز جالب توجهی دید برای وی بدعا برکت خواهد زیرا چشم زخم حق است.

If one of you happens to see something interesting in himself, in his own property or in that of his brother (in faith), he should ask God for His blessings, for the evil of eyes is a reality.

۲۰۷ إذا رأيت الناس قد مرحت عهودهم و خفت أماناتهم و كانوا هكذا و شبك بين أنامله فالزم بيتك و املك عليك لسانك و خذ ما تعرف و دع ما تنكر و عليك بخاصة أمر نفسك و دع عنك أمر العامة.

وقتی دیدی که مردم پیمان‌هایشان سست شده و امانتشان سبکی گرفته و چنین شده‌اند و انگشتان خود را از هم باز کرد در خانه خود بنشین و زبان خویش را نگهدار و آنچه را می‌شناسی بگیر و آنچه را نمی‌شناسی رها کن؛ بکار خویش مشغول باش و از کار مردم کناره گیر.

When you see breach of promise and weakness of trusteeship prevalent among people, (the Holy Prophet said with expanding five fingers), run a solitary life at home, control your tongue' practice what you know, leave aside what you know not, manage your personal affairs and keep away from people's business.

۲۰۸ إذا رأيتم الأمر لا تستطيعون تغييره فاصبروا حتى يكون الله هو الذي يغيره.

وقتی دیدید نمی‌توانید چیزی را تغییر دهید صبر کنید تا خدا آن را تغییر دهد.

When you come across something you cannot change, be patient and leave it to God for so doing.

۲۰۹ إذا رأيتم أهل الجوع و التفكر فادنوا منهم فإن الحكمة تجري على ألسنتهم.

وقتی اهل گرسنگی و تفکر را دیدید بآنها نزدیک شوید زیرا حکمت بر زبان آنها جاری می‌شود

Keep company with the hungry and learned men, for wisdom flows out through their tongues.

۲۱۰ إذا رأيتم أهل البلاء فاسألوا الله العافية.

وقتی اهل بلا را دیدید از خداوند طلب عافیت کنید.

When you face those overtaken by calamities, ask God (to grant you) health.

۲۱۱ إذا رأيتم العبد ألم الله به الفقر و المرض فإن الله يريد أن يصفيه.

وقتی دیدید خداوند فقر و مرض را بر بنده‌ای فرود آورد می‌خواهد او را تصفیه کند.

When you see God has subjected one of His servants to poverty and disease, know that He intends to purify him (of his sins).

۲۱۲ إذا زنى العبد خرج منه الإيمان فكان على رأسه كالظلة فإذا ألقع رجع إليه.

وقتی بندهای زنا کند ایمان از او بیرون رود و چون سایه‌ای بر سرش بایستد و هنگامی که از آن دست بردارد باز می‌گردد.

When a servant of God commits adultery, faith leaves (his soul), stands as a shade above his head and returns (home) only when he abandons the action.

۲۱۳ إذا سبَّك رجل بما يعلم منك فلا تسبه بما تعلم منه فيكون أجر ذلك لك و وبالاه عليه.

اگر کسی ترا بداند چه از تو می‌داند دشنام گوید تو بدان چه از او میدانی ویرا دشنام مگوی تا اجر این کار نصیب تو شود و وبال آن بدو باز گردد.

If somebody slanders you with regard to what he knows of you, you should refrain from so doing with respect to what you know of him. Thus, you will be rewarded, and he will be punished (by God).

۲۱۴ إذا سرتك حسنتك و ساءتك سيئتك فأنت مؤمن.

اگر از کار نیک خود خوشحال و از کار بد خود دلگیر میشوی مؤمن هستی.

You are a (true) believer, if you feel happy with your good deeds and feel sad with your bad ones.

۲۱۵ إذا سمعتم بجبل زال عن مكانه فصدقوا و إذا سمعتم برجل زال عن خلقه فلا تصدقوا فإنه يصبر إلى ما جبل عليه.

اگر شنیدید کوهی از جای خود تکان خورده باور کنید و اگر شنیدید کسی از خوی خویش دست برداشته باور نکنید زیرا عاقبت به فطرت خویش باز می‌گردد.

When you are told a mountain has left its place, believe in it; but when you hear someone has left his manners, believe it not; for man will finally return to his own nature.

۲۱۶ إذا شهر المسلم على أخيه سلاحا فلا تزال ملائكة الله تعالى تلعنه حتى يشيمه عنه.

وقتی مسلمانی بروی برادر خود شمشیر کشد فرشتگان او را لعنت کنند تا هنگامی که شمشیر را در غلاف کند.

When a Muslim draws his sword against his brother (in faith), angels curse him till he sheathes it.

۲۱۷ إذا طلب أحدكم من أخيه حاجة فلا يبدأه بالمدحة فيقطع ظهره.

اگر کسی از برادر خویش حاجتی میخواهد گفتار خود را با مدح آغاز نکند و پشت او را گران بار نکند.

When you make a request to your brother (in faith), do not start with praising him, for it puts a pressure on his back.

۲۱۸ إذا ظهر الزنا و الربا في قرية فقد أحلوا بانفسهم عذاب الله.

وقتی زنا کاری و ربا خواری در دهکده‌ای آشکار شود مردم آن عذاب خدا را بخود خریده‌اند.

When usury and adultery spread out in a place, the residents of that place are (actually) bartering their doings for God's punishment.

۲۱۹ إذا ظهرت الفاحشة كانت الرجفة و إذا جار الحکام قل المطر و إذا غدر بأهل الذمة ظهر العدو.

وقتی زنا رواج گیرد زلزله پیدا شود، وقتی حاکمان ستم کنند باران کم شود و وقتی که با ذمیان (=آن دسته از اهل کتاب که در جامعه اسلامی به تعهدات خود عمل می‌کنند) خیانت شود دشمنان چیره شوند.

Public obscenity (adultery in large scale), rulers' oppression and treachery to the people of the Book result respectively in earthquake, drought and the rise of enemy.

۲۲۰ إذا علم العالم فلم يعمل كان كالمصباح يضيء للناس و يحرق نفسه.

دانشمندی که بداند و بکار نبندد مانند چراغ است که مردم را روشن کند و خود را بسوزد.

A scholar who does not act upon his knowledge is like unto a fast burning fuse providing people with light but burning itself.

۲۲۱ إذا عمل أحدكم عملا فليتنه.

هر کس کاری میکند باید آن را خوب انجام دهد.

Whoever performs an action, should do it well.

۲۲۲ إذا عملت سيئة فأحدث عندها توبة، السرّ بالسرّ و العلانية بالعلانية.

وقتی کار بدی از تو سر زد از آن توبه کن برای گناه نهانی توبه نهانی و برای گناه آشکار توبه آشکار.

Repent after committing a bad deed hidden for a covert sin and openly for an overt one.

۲۲۳ إذا عملت الخطيئة في الأرض كان من شهدها فكرها كمن غاب عنها و من غاب عنها فرضيها كان كمن شهدها.

وقتی گناهی در زمین رخ دهد کسی که آن را دیده ولی از آن متنفر است، مانند کسی است که آن را ندیده و کسی که آن را ندیده ولی از آن راضی است مانند کسی است که آن را دیده باشد.

When a sin is committed on the earth, he who is a witness to it but disagrees with it is like unto the one who has not seen it (at all), and he who does not see it but agrees with it is like unto the one who has been a witness to it.

۲۲۴ إذا غضب أحدكم و كان قائما فليقع و إن كان قاعدا فليضطجع.

وقتی یکی از شما خشمگین شود اگر ایستاده است بنشیند و اگر نشسته است بخوابد.

When one of you gets angry, s(he) should sit down if in standing position, and lie (on the ground) if in sitting position.

۲۲۵ إذا غضبت فاسكت.

وقتی خشمگین شدی خاموش باش.

Keep silent when you get angry.

۲۲۶ إذا قالت المرأة لزوجها ما رأيت منك خيرا قط فقد حبط عملها.

وقتی زنی بشوهر خود گوید از تو خیری ندیدم اعمال نیکش بی اثر می شود.

When a woman says to her husband, "You did not do me any good", her good deeds fade away.

۲۲۷ إذا قدرت على عدوك فاجعل العفو شكرا للقدرة عليه.

وقتی بر دشمن خود قدرت یافتی بشکرانه قدرت از او در گذر.

When you conquered your enemy, forgive him out of thanksgiving for your power.

۲۲۸ إذا قدم أحدكم من سفر فليقدم معه بهديّة و لو يلقى في مخلاته حجرا.

وقتی کسی از سفری می آید ارمانی با خود بیاورد اگر چه سنگی در توبره خود بیندازد.

When someone is back from a trip, s(he) should have a souvenir with him (her), even if it is a piece of stone.

۲۲۹ إذا قصر العبد في العمل ابتلاه الله تعالى بالهم.

وقتی بنده‌ای در عمل کوتاهی کند خداوند او را به غم مبتلا سازد.

When a servant (of God) is negligent in carrying out his duties, God will afflict him with sorrow.

۲۳۰ إذا كان اثنان يتناحيان فلا تدخل بينهما.

وقتی دو تن آهسته سخن می گویند میان آنها داخل مشو.

When two persons whisper to each other, do not approach them.

۲۳۱ إذا كان عندك ما يكفيك فلا تطلب ما يطغيك.

اگر چیزی که مایه کفایت باشد در دسترس داری در جستجوی آنچه ترا بطغیان وامیدارد مباش.

If you have at your disposal what suffices you, refrain from seeking what makes of you a rebel.

۲۳۲ إذا كانت أمراؤكم خياركم و أغنياؤكم سمحاءكم و أموركم شوری بینکم فظهر الأرض خير لكم من بطنها و إذا كانت أمراؤكم أشراركم و أغنياؤكم بخلاءكم و أموركم إلى نساءكم فبطن الأرض خير لكم من ظهرها.

وقتی امرای شما نیکان شما باشند و ثروت‌مندان شما بخشندهگان باشند و کارها میان شما بمشورت انجام گیرد پشت زمین از شکم آن برای شما بهتر است و وقتی امرای شما اشرار شما و ثروت‌مندان شما بخیلان باشند و کارهای شما به دست زنان افتد شکم زمین برای شما بهتر از پشت آنست.

When your rulers are the benevolent, your rich men are the most generous and your affairs consulted among you, the back of the earth would better suit you than its depth, and when your rulers are

the most wicked, your rich men are the most miserly and your affairs controlled by women, the depth of the earth would better suit you than its back.

۲۳۳ إذا كان يوم القيامة نادى مناد من عمل عملاً ليس عليه أجر لله فليطلب ثوابه من من عمله له.

وقتی روز رستاخیز در آید منادی (ندا دهنده ای) بانگ میزند که هر کس کاری برای غیر خدا انجام داده پاداش خود را از آن کس که برای او کار کرده بگیرد.

In the Resurrection, a caller will call out, saying, "Whoever has done something for anyone other than God, should ask him for reward".

۲۳۴ إذا كانت عند الرجل امرأتان فلم يعدل بينهما جاء يوم القيامة وشقه ساقط.

وقتی مردی دو زن داشته باشد و میان آنها بعدالت رفتار نکند روز رستاخیز یک نیمه او افتاده است

A man who has two wives and treats them not in a just manner, will arrive at the Resurrection in half (of his body).

۲۳۵ إذا كانوا ثلاثة فلا يتناجى اثنان دون الثالث.

وقتی سه تن باهمند دو تاشان آهسته با هم سخن نگویند.

When three people gather together, it is not good for any two of them to whisper.

۲۳۶ إذا كنتم ثلاثة فلا يتناجى رجلان دون الآخر حتى تختلطوا بالناس فإن ذلك يحزنه.

وقتی سه تن باهمید دو تن از شما با هم آهسته سخن نگویند، تا با دیگران مخلوط شوید زیرا این کار ویرا غمگین می کند.

When three people gather together, any two of them are not allowed to start talking without the participation of the third (unless they join other people), for this will bring the latter grief.

۲۳۷ إذا كثرت ذنوب العبد فلم يكن له من العمل ما تكفرها ابتلاه الله بالحزن ليكفرها عنه.

وقتی گناهان بنده فزونی گیرد و کار نیک آنقدر نداشته باشد که گناهان را جبران کند خداوند او را به غم مبتلا سازد تا گناهانش را جبران کند.

When the sins of a God's servant increase in number, and his good deeds do not suffice to make amends for them, God will cause him to suffer grief instead.

۲۳۸ إذا لم تستحي فاصنع ما شئت.

وقتی حیا نداری هر کار می خواهی بکن.

Lose your modesty and do whatever you want to.

۲۳۹ إذا مات الإنسان انقطع عمله إلا من ثلاث: صدقة جارية أو علم ينتفع به أو ولد صالح يدعو له.

وقتی انسان بمیرد دنباله کارهای نیک او بریده شود جز سه چیز صدقه جاری و دانشی که کسان از آن بهره‌ور شوند و فرزند درست کاری که برای او دعا کند.

When a man dies, his good deeds come to an end save in three cases: continuous charity, beneficial knowledge and a pious child praying for him.

۲۴۰ إذا مات ولد العبد قال الله تعالى لملائكته: قبضتم ولد عبدی؟ فيقولون: نعم. فيقول: ما ذا قال عبدی؟ فيقولون: حمدك و استرجع. فيقول الله: ابنوا لعبدی بيتا فی الجنة و سموه بيت الحمد.

وقتی فرزند بنده‌ای بمیرد خداوند بفرشتگان گوید فرزند بنده مرا گرفتید؟ گویند آری گوید بنده من چه گفت؟ گویند ترا سپاس گذاشت و گفت همه ما متعلق به خدا هستیم و بسوی او باز میگردیم خداوند گوید برای بنده من خانه‌ای در بهشت بسازید و آن را «خانه سپاسگزاری» نام نهید.

When someone's child dies, God asks His angels, "Did you take back the soul of My servant's child?" "Yes we did," they reply. (Then), God asks, "What did my servant say?" The angels say: "S(he) praised you and said, we are from God we are and to Him shall we return." Then God says to His angels, "Build my servant a house in Paradise and name it "the house of praise".

۲۴۱ إذا مات صاحبكم فدعوه لا تقعوا فيه.

وقتی کسی بمیرد ویرا بگذارید و از او بد نگوئید.

When someone dies, let him/her be at ease, and speak not badly of him/her.

۲۴۲ إذا مات العبد قال النَّاسُ: ما خَلْفُ؟ و قالت: الملائكة ما قَدَمُ؟

وقتی بنده‌ای بمیرد مردم گویند: چه بجا گذاشت؟ و فرشتگان گویند: چه همراه آورد؟

When a servant (of God) dies, people ask, “What did he put behind?” and angels ask, “What did he brought forth?”

۲۴۳ إذا نظر أحدكم إلى من فضل عليه في المال و الخلق فليَظنر إلى من هو أسفل منه.

وقتی کسی را که در مال و جمال از شما پیش است مینگرید بکسی که از شما پست‌تر است نیز نظری بیفکنید.

When you see someone who is superior to you in beauty and wealth, think of someone who is inferior to you in these respects.

۲۴۴ إذا هممت بأمر فاستخر ربك فيه سبع مرآت ثم انظر إلى الذي يسبق إلى قلبك فإن الخيرة فيه.

وقتی بکاری تصمیم گرفتی هفت بار استخاره کن سپس بنگر کدام راه به دل تو زودتر راه می یابد زیرا نیکی در آن است.

When you decide to do something, ask for God’s grace seven times, and then see what you are inclined to, for your good lies surely in that.

۲۴۵ إذا وجد أحدكم لأخيه نصحا في نفسه فليذكره له.

اگر کسی نصیحتی برای برادر خود در خاطر می یابد باید به او یاد آوری کند.

If someone has a piece of advice for his brother (in faith), he should mention it to him.

۲۴۶ إذا وسد الأمر إلى غير أهله فانتظر الساعة.

وقتی کار را بدست ناهلان سپارند منتظر رستاخیز باش.

When an inexperienced person is made responsible of doing something, bad results of the Last Day are to be awaited.

۲۴۷ إذا وقع في الرجل و أنت في ملاء فكن للرجل ناصرا و للقوم زاجرا و قم عنهم.

وقتی در انجمنی که تو هستی در باره مردی بد میگویند آن مرد را یاری کن و آن گروه را از بد گوئی باز دار و از آنجا برخیز.

When people talk ill of someone in a gathering, (try to) defend him, stop them doing so and leave there.

۲۴۸ اذکر الله فإنه عون لك على ما تطلب.

خداوند را یاد کن زیرا او در کارها یاور تو است.

Remember God, for He is your supporter in (all) affairs.

۲۴۹ اذکروا محاسن موتاكم و كفوا عن مساویهم.

نیکی‌های مردگان خود را یاد کنید و از بدیهایشان چشم پبوشید.

Remember the good deeds of your dead ones and connive at their evil actions.

۲۵۰ اذل الناس من أهان الناس.

خوارترین مردم کسی است که مردم را خوار شمارد.

The meanest of all people is the one who considers people mean.

۲۵۱ أربع إذا كنّ فيك فلا عليك ما فاتك من الدنيا صدق الحديث و حفظ الأمانة و حسن الخلق و عفة مطعم.

چهار چیز است که اگر داری بر آنچه نداری غم مخور: راستی گفتار و حفظ امانت و نیکی خلق و عفت در کار خوراک.

If you have four things, do not regret for the worldly things you have not: truthfulness, trusteeship, good manners, and abstaining from the unlawful in what you eat.

۲۵۲ أربعة قليلها كثير: الفقر و الوجع و العداوة و النار.

چهار چیز است که اندک آن بسیار است بینوائی و بیماری دردناک و دشمنی و آتش.

Four things are great, though little in weight: poverty, painful disease, enmity and fire.

۲۵۳ أربعة يبغضهم الله تعالى: البياع الحلاف و الفقير المختال و الشيخ الزاني و الإمام الجائر.

چهار کس را خداوند دشمن دارد، فروشنده قسم خور، فقیر متکبر و پیر زنا کار و پیشوای ستمگر.

Four people would earn the Exalted God's anger: an often swearing seller, a poor selfish man, an old adulterous person and an oppressive leader.

۲۵۴ أربع حقّ على الله تعالى أن لا يدخلهم الجنة و لا يذيقهم نعيمها: مدمن خمر و آكل الربا و آكل مال اليتيم بغير حقّ و العاق لوالديه.

چهار کس را خداوند به بهشت درنیارد و از نعيم آن نچشاند: شرابخوار و رباخوار و آن کس که مال یتیم به ناحق خورد و آن کس که پدر و مادر از او ناخشنود باشند.

Four people will not be allowed to Paradise by the Exalted God, and will not taste heavenly pleasure: tipplers (those who drink alcohol regularly), usurers, seizers of orphan's properties, and those cursed by their parents.

۲۵۵ أربع خصال من الشقاء: جمود العين و قساوة القلب و بعد الأمل و حبّ البقاء.

چهار چیز نشان بدبختی است خشکی چشم (بدون اشک) و سختی دل و آرزوی دراز و حب بقا (بیش از حد لزوم)

Four things show one's wretchedness: drained eyes, hard heartedness, inaccessible ambitions and excessive love for survival.

۲۵۶ أربع لا يدخل بيتا واحدة منها إلا خرب و لم يعمر بالبركة: الخيانة و السرقة و شرب الخمر و الزنا.

چهار چیز است که هر یک از آنها در خانه‌ای در آید خراب شود و به برکت آباد نگردد: خیانت و دزدی و شرابخواری و زنا.

Four things ruin a house, should its residents act upon them: treachery, theft, drinking wine and adultery.

۲۵۷ أربع من سعادة المرء: أن تكون زوجته صالحة و أولاده أبرارا و خلطاؤه صالحين و أن يكون رزقه في بلده.

چهار چیز نشان خوشبختی مرد است، زنی پارسا باشد و فرزندان نیکوکار باشند، و معاشرانش صالح باشند و روزی خویش را در شهر خود بدست آورد.

Four things secure the prosperity of a man: having a chaste wife, having benevolent children, having pious companions, and earning his living in his own town.

۲۵۸ أربع من كن فيه حرمه الله تعالى على النار و عصمه من الشيطان: من ملك نفسه حين يرغب و حين يرهب و حين يشتهي و حين يغضب.

چهار چیز است که هر که دارد خدایش بر آتش حرام و از شیطان حراست کند: آنکه بهنگام رغبت و هنگام بیم و وقت شهوت و موقع غضب عنان خویش از کف نگذارد.

Whoever does not lose control of himself when facing delight in something, fear, passion and anger, will be saved by God against the Fire and Satan.

۲۵۹ أربع من أعطيهن فقد أعطى خير الدنيا و الآخرة لسان ذاکر و قلب شاکر و بدن علی البلاء صابر و زوجة لا تبغیه خونا فی نفسها و لا ماله.

چهار چیز است که هر کس از آن بهره دارد. از نیکی دو جهان بهره‌ور است: زبانی که یاد خدا کند و قلبی که سپاس پروردگار گذارد و تنی که بر بلا صبور باشد و زنی که بناموس و مال وی خیانت نکند.

Whoever possesses four things, will enjoy the good of both worlds: a tongue by which to remember God, a heart by which to express gratitude to Him, a body to be tolerant enough against sufferings, and a wife not to be disloyal to one's wealth and chastity.

۲۶۰ أربی الربا شتم الأعراس و أشد الشتم الهجاء و الرؤیة أحد الشاتمین.

بدترین رباها (=رشد و انتشار نامتعارف فزاینده تپه/مال/..) ناسزائی است که در باره عرض (آبرو) کسان گویند و سخت ترین ناسزاها هجو است و کسی که هجا را نقل کند یکی از ناسزا گوینان است.

The worst (form of) vilification is slandering people's fame and the worst type of slandering is lampooning others, and the narrator of lampoons is considered among the slanderers too.

۲۶۱ ارحم من فی الأرض یرحمک من فی السماء.

بآنها که در زمینند رحم کن تا آنکه در آسمان است بر تو رحم کند.

Have mercy on those who are on the earth to receive the Mercy of the One who is in the heavens.

۲۶۲ ارحموا عزیزا ذلّ و غنیا افتقر و عالما ضاع بین جهال.

بر سه کسی رحم کنید: عزیزی که خوار شده و ثروتمندی که فقیر گشته و دانشمندی که میان جاهلان گمنام مانده.

****گفت پیغمبر که رحم آرید بر—حال(جان) مَنْ كَانَ غَنِيًّا فَافْتَقَرَ (مولوی)**

Have mercy on the degraded formerly held in honor, the rich afflicted with poverty and the learned left unknown among the ignorant.

۲۶۳ ارحموا ترحموا و اغفروا يغفر لكم.

کسان را رحم کنید تا بشما رحم کنند دیگران را ببخشید تا بخشیده شوید.

Have mercy (on people) and forgive them to receive divine Mercy and Forgiveness.

۲۶۴ ارفعوا ألسنتكم عن المسلمين و إذا مات أحد منهم فقولوا فيه خيرا.

زبان خود را از بد گوئی مسلمانان باز دارید، اگر کسی مُرد در باره او به نیکی سخن گوئید.

Do not slander Muslims, and when one of them passes away, speak well of him (her).

۲۶۵ أرقاءكم أرقاءكم فأطعموهم ممّا تأكلون و ألبسوهم ممّا تلبسون و إن جاءوا بذنّب لا تريدون أن تغفروه فبيعوا عباد الله و لا تعذبوهم.

بندگان خود را! بندگان خود را! رعایت کنید هر چه میخورید بآنها بخورانید و هر چه می پوشید بآنها بپوشانید و اگر گناهی کردند که نمیخواهید ببخشید آنها را بفروشید و عذابشان ندهید.

****شرم دارم از رسول ذو فنون—ألبسوهم گفت ممّا تلبسون**

مصطفی کرد این وصیت با بنون—اطعموا الأذناب ممّا تأكلون (مولوی)

Observe the rights of your slaves and share them in your own food and clothing. Should they commit sins you do not wish to forgive,

sell them to (other) servants of God and stop torturing them thereof.

۲۶۶ أَرْفَأْكُمْ إِخْوَانَكُمْ فَأَحْسِنُوا إِلَيْهِمْ إِسْتَعِينُوهُمْ عَلَى مَا غَلَبَكُمْ وَأَعِينُوهُمْ عَلَى مَا غَلَبَهُمْ.

بندگان شما برادران شما هستند با آنها نیکی کنید آنها را در کارهای مشکل خود بکمک گیرید و آنها را در کارهای مشکل کمک کنید.

Your slaves are your brothers (in faith). Be kind to them, ask them to help you in your hard labors, and help them in their intolerable affairs.

۲۶۷ أَرْمُوا وَارْكَبُوا وَأَنْ تَرْمُوا أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ تَرْكَبُوا كُلَّ شَيْءٍ يَلْهُو بِهِ الرَّجُلُ بَاطِلٌ إِلَّا رَمَى الرَّجُلُ بِقَوْسِهِ أَوْ تَأْدِيهِ فَرَسَهُ أَوْ مَلَاعِبَتِهِ أَمْرًا تَهْنَأُ مِنْ الْحَقِّ وَمَنْ تَرَكَ الرَّمْيَ بَعْدَ مَا عَلَّمَهُ فَقَدْ كَفَرَ الَّذِي عَلَّمَهُ.

تیر اندازی کنید و سواری کنید اگر تیر اندازی کنید بیشتر دوست دارم که سواری کنید. هر چیزی که مرد بدان سر گرم شود بیهوده است جز آنکه مردی با کمان خود تیر اندازد یا اسب خود را تربیت کند یا با زن خود بازی کند. همه اینها حق است و هر کس تیر اندازی آموزد و آن را ترک کند حق معلم خود را ادا نکرده است.

Learn shooting and horsemanship, but I love you shoot more than ride on horseback. Whatever makes you busy is idle, save shooting an arrow, training your horse or playing with your wives. All these are among your rights, and whoever abandons shooting after having learned it, is guilty of ingratitude to his teacher.

۲۶۸ أَزْهَدْ فِي الدُّنْيَا يَحِبُّكَ اللَّهُ وَ أَزْهَدْ فِيمَا فِي أَيْدِي النَّاسِ يَحِبُّكَ النَّاسُ.

از دنیا چشم بپوش تا خدا ترا دوست دارد. و از آنچه در دست مردم است چشم بپوش تا مردم ترا دوست دارند.

Abstain from the (material) world, and beloved to God you will turn out to be, and connive at people's possessions and they'll come to love thee.

۲۶۹ أَزْهَدْ النَّاسُ فِي الْعَالَمِ أَهْلَهُ وَ جِيرَانَهُ.

کسان و همسایگان مرد دانشمند از همه مردم نسبت باو بی رغبت ترند.

The most reluctant towards a learned man are his household and neighbors.

٢٧٠ أزهّد النَّاس من لم ينس القبر و البلاء و ترك أفضل زينة الدّنيا و آثر ما يبقى على ما يفنى و لم يعدّ غذا من أيامه و عدّ نفسه في الموتى.

زاهدترین مردم آن کسی است که قبر و بلا را فراموش نکند و از بهترین زینت دنیا چشم پپوشد و نعمت باقی را بر نعمت فانی ترجیح دهد و فردا را از عمر خویش حساب نکند و خود را در ردیف مردگان شمارد.

The most abstinent of all people is the one who does not forget (his) grave and trial, who ignores the best worldly beauties, who prefers unending to ending blessings, who does not regard tomorrow of his lifetime, and who considers himself (herself) as dead.

٢٧١ استتمام المعروف خیر من ابتدائه.

انجام دادن کار نیک بهتر از آغاز کردن آنست.

Accomplishing a good deed is better than beginning it, (indeed).

٢٧٢ استحي من الله استحياءك من رجلين من صالحى عشيرتك.

از خدا مانند دو تن از خویشان صالح خود شرمگین باش.

Be modest (bashful) against God as you are against two of your righteous relatives.

٢٧٣ استحيوا من الله تعالى حقّ الحياء فإنّ الله قسّم بينكم أخلاقكم كما قسّم بينكم أرزاقكم.

از خداوند چنان که باید آزرده داشته باشید زیرا خداوند اخلاق شما را نیز مانند روزیتان میان شما تقسیم کرده است.

Be properly modest to the Exalted God, for He has distributed among you your morals in the same way as your sustenance.

٢٧٤ استحيوا من الله حقّ الحياء من استحيى من الله حقّ الحياء فليحفظ الرأس و ما وعى و ليحفظ البطن و ما

حوى و ليذكر الموت و البلاء و من أراد الآخرة ترك زينة الحياة الدّنيا فمن فعل ذلك فقد استحيا من الله حقّ الحياء.

از خداوند چنان که شایسته است شرم کنید، هر که از خدا چنان که شاید شرم کند سر و اعضای آن را از گناه نگهدارد و شکم و متعلقات آن را از ناروا حفظ کند و مرگ و بلا را بخاطر داشته باشد و هر که نعیم آن جهان را خواهد زینت این جهان را ترک کند و هر که چنین کند از خدا چنان که باید شرم کرده است.

Be duly modest towards God, for he who does so, should control his head and mind as well as his belly and privy parts (against the unlawful), and remember (his) death and trial. Whoever seeks the eternal life should abandon the luxurious beauties of worldly life and thereby, s(he) will be the one duly modest towards God.

۲۷۵ استرشدوا العاقل ترشدوا و لا تعصوه فتندموا.

از خردمند رهبری جوئید تا براه راست برسید و وی را نافرمانی نکنید که پشیمانی برید.

Ask guidance from the wise to find the straight path, and do not disobey them; otherwise, you will become remorseful.

۲۷۶ استعدّ للموت قبل نزول الموت.

پیش از آنکه مرگ در آید برای آن آماده باش.

Prepare yourself for death before it befalls you.

۲۷۷ استعیذوا بالله من شرّ جار المقام فإنّ جار المسافر إذا شاء أن يزایل زایل.

از شر همسایه مقیم، بخدا پناه برید زیرا همسایه مسافر اگر خواهد از او بر کنار شود، بر کنار شود.

Take refuge in God from the evil of (your) permanent neighbor, for a passing neighbor will part with you when s(he) wishes.

۲۷۸ استعیذوا بالله من الفقر و العیلة و من أن تظلموا أو تظلموا.

بخدا پناه برید از فقر و عیالمندی و اینکه ظلم کنید یا تحمل ظلم کنید.

Take refuge in God from poverty and being encumbered by a large family, and from doing injustice or being oppressed.

۲۷۹ استعیذوا بالله من شرار النساء و کونوا من خیارهنّ فی حذر.

از زنان بد بخدا پناه برید و از نیکانشان پرهیزید.

Take refuge in God from indecent women and refrain from their decent ones.

۲۸۰ استعینوا بالله من العين فإن العين حقّ.

از چشم بد بخدا پناه ببرید زیرا چشم حق است.

Take refuge in God from evil eyes, for evil eyes have a claim on you.

۲۸۱ استعینوا علی أمورکم بالکتمان فإن کلّ ذی نعمه محسود.

بوسیله پرده پوشی بر انجام کارهای خود یاری جوئید زیرا هر که نعمتی دارد محسود کسانست.

****گورخانه راز تو چون دل شود- آن مرادت زودتر حاصل شود (مولوی)**

Support your affairs through secrecy, for all holders of blessings are subject to others' jealousy.

****The Prophet(PBUH) said that anyone who hides his inmost thought will soon attain to the object of his desires.**

****When your heart becomes the grave of your secret the desires of yours will be gained more quickly (Mowlavi).**

۲۸۲ استعینوا علی النساء بالعرى فإن إحداهن إذا كثرت ثيابها و أحسنت زینتها أعجبتها الخروج.

از بی لباسی برای نگهداری زنان کمک جوئید زیرا زن وقتی لباس فراوان و زینت کامل دارد مایل به بیرون رفتن است.

Strengthen your control of women through (providing them with) insufficient clothing, for when a woman comes to have excessive dresses and ornaments, she tends to roam outside home.

۲۸۳ استغنوا عن الناس و لو بشوص السواک.

از مردم بی نیاز باشید و یک قطعه چوب مسواک هم از آنها نخواهید.

Be needless of people even for is a toothbrush.

۲۸۴ استفت نفسک و إن أفتاک المفتون.

نظر خواهی از دلت کن (با دل خود مشورت کن و به آن عمل نما) هر چند صاحب نظران و اهل فتوا تو را راه نمایند.

****پس پیمبر گفت اسْتَفْتُوا الْقُلُوبَ—گرچه مفتیان برون گوید خطوب**

گفته است اسْتَفْتِ قَلْبِكَ آن رسول—گرچه مفتی برون گوید فضول (مولوی)

Ask your heart for what's false or true (good or bad), and let others (scholars, those who decree,..) say whatever they want to.

۲۸۵ استقم و لیحسن خلقک للناس.

استوار باش و رفتار خویش را در باره مردم نیک ساز.

Be steadfast and improve your behavior towards people.

۲۸۶ استقیموا و نعما إن استقیمتم.

استوار باشید و چه نیکست که استوار باشید.

Be steadfast, and how nice is your steadfastness.

۲۸۷ استوصوا بالنساء خیرا فإن المرأة خلقت من ضلع أعوج و إن أعوج شیء فی الضلع أعلاه فإن ذهب تقیمه کسرتة و إن ترکته لم یزل أعوج فاستوصوا بالنساء خیرا.

با زنان بنیکی رفتار کنید زیرا زن از دنده کج خلق شده است و در دنده آنچه کجتر است بالاتر است و اگر بخواهید راستی کنید آن را می شکنید و اگر رهایش کنید کج میماند. پس با زنان بنیکی رفتار کنید.

Advise each other to regard women well, for they are created from a crooked rib. The most crooked part of a rib is its highest part; if you try to make it straight, then you will break it; and if you leave it crooked, it will keep its crookedness. So, advise each other to regard women well.

۲۸۸ استنوا و لا تختلفوا فتختلف قلوبکم.

با یک دیگر برابر شوید و مختلف مشوید تا دلهایتان مختلف نشود.

Unite with each other and be not divided among yourselves, for it causes separation in your hearts.

۲۸۹ استووا تستو قلوبکم و تماسوا تراحموا.

با یک دیگر برابر شوید تا دلهایتان برابر شود و با یک دیگر آمیزش کنید تا بهم رحم کنید.

Unite with each other to have unity of hearts and keep company with one another to share a feeling of compassion.

۲۹۰ أسد الأعمال ثلاثة: ذكر الله على كل حال و الإنصاف من نفسك و مواساة الأخ في المال.

استوارترین کارها سه چیز است یاد خداوند در همه حال و رعایت انصاف در حق خویش (حتی بر ضرر خویش) و تقسیم مال با برادر دینی.

The most steadfast (permanent) deeds are three: remembering God continually, observing justice even when it entails loss (to thee), and sharing with brothers (in faith) one's property.

۲۹۱ أسرع الخير ثوابا البر و صلته الرحم و أسرع الشر عقوبة البغي و قطيعة الرحم.

پاداش نیکوکاری و پیوند خویشاوندان از نیکی‌های دیگر زودتر میرسد و کیفر ستمکاری و بریدن از خویشاوندان از بدی‌های دیگر سریعتر میرسد

The most immediately given reward is that of goodness and keeping the bonds of kinship, and the most immediately given punishment is that of cruelty and breaking the bonds of kinship.

۲۹۲ أسرع الدعاء إجابة دعاء غائب لغائب.

دعائی که غائبی برای غائبی دیگر کند از همه دعاها زودتر مستجاب می‌شود.

The most immediately granted praying is that of the one who prays for others.

۲۹۳ اسمح يسمع لك.

با مردم سهل انگاری (مدارا) کن تا با تو سهل انگاری (مدارا) کنند.

Be lenient to people, and they will be lenient to you.

۲۹۴ اشتد غضب الله على من زعم أنه ملك الأملاك لا ملك إلا الله.

خشم خدا بر آنکه گمان می‌کند ملک ملکان است بسیار سخت است ملکی جز خدا نیست.

Divine anger is so severe for the one who regards himself the lord of lords, (for) there is no lord but the Lord (God).

۲۹۵ اشتد غضب الله على الزَّانِءِ.

خشم خدا نسبت بزناکاران بسیار سخت است.

God's anger is so severe for an adulterer.

۲۹۶ اشتدى أزمة تنفرجى.

وقتی کار بنهایت سختی رسید راه چاره پیدا می شود.

When a problem ascends to its peak, a solution will leak.

۲۹۷ اشتد غضب الله على امرأة أدخلت على قوم ولدا ليس منهم يطلع على عوراتهم و يشركهم فى أموالهم.

زنی که فرزندی «بخطا پدید آورد» و بر خانواده‌ای در آورد که بناحق محارم آنها را ببیند و در اموالشان شرکت کند خشم خدا نسبت بوی بسیار سخت است.

God's anger will be so severe for a woman who gives birth to an illegitimate child who will see of her family what is unlawful and will share in their property.

۲۹۸ اشتد غضب الله على من ظلم من لا يجد ناصرا غير الله.

آن کس که بر بینوائی که بجز خدا پناهی ندارد ستم میکند خشم خدا نسبت باو بسیار سخت است.

Divine wrath is so severe for the one who oppresses those who have no helper save God.

۲۹۹ أشجع الناس من غلب هواه.

شجاعترین مردم آن کس است که بر هوس خویش تسلط یابد.

The bravest are those people who (can) reign their carnal passions.

۳۰۰ أشد الناس عذابا يوم القيامة إمام جائر.

روز رستاخیز عذاب پیشوای ستمگر از همه کس سختتر است

The most severely punished man in the Day of Judgment is a tyrant leader.

۳۰۱ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءَ الْأَنْبِيَاءِ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَالْأَمْثَلُ يَبْتَلَى الرَّجُلَ عَلَى حَسَبِ دِينِهِ فَإِنْ كَانَ فِي دِينِهِ صِلبًا اشْتَدَّ بَلَاؤُهُ وَ إِنْ كَانَ فِي دِينِهِ رِقَّةً ابْتَلَى عَلَى قَدَرِ دِينِهِ فَمَا يَبْرَحُ الْبَلَاءُ بِالْعَبْدِ حَتَّى يَتَرَكَ يَمْشِي عَلَى الْأَرْضِ وَ مَا عَلَيْهِ خَطِيئَةٌ.

ابتلای پیغمبران از همه مردم سخت‌تر است و پس از آن هر که بآنها نزدیکتر باشد، مرد باندازه قوت دین خود بلا می‌بیند اگر دین او محکم باشد ابتلای او سخت است و اگر دین او سست باشد باندازه دین خود بلا می‌بیند بلا بر بنده فرو می‌آید تا همه گناهان او را پاک کند.

****زین سبب بر انبیا رنج و شکست—از همه خلق جهان افزون‌تر است (مولوی)**

****لاجرم اغلب بلا بر انبیاست—که ریاضت دادن خامان بلاست (مولوی)**

****زان بلاها بر عزیزان بیش بود—کان تجمش یار با خوبان فزود (مولوی)**

Prophets are tried harder than others, and next to them in this matter are the like of them (the righteous). Man is tried in proportion to (the strength of) his faith. If he has a strong faith, he will be tried harder, and vice versa. He is constantly subjected to tests and trials in order to be purified of his sins.

۳۰۲ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا لِلنَّاسِ فِي الدُّنْيَا أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

آنکه در دنیا مردم را بیشتر آزار کند در روز رستاخیز پیش خدا از همه مردم عذاب وی سخت‌تر است.

He who hurts people the most here will be hurt the most by God in the Hereafter.

۳۰۳ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ يَرَى النَّاسَ أَنْ فِيهِ خَيْرًا وَ لَا خَيْرَ فِيهِ.

در روز رستاخیز از همه مردم عذاب آن کسی سخت‌تر است که مردم گمان میکنند خیری در او هست ولی خیری در او نیست.

The one in whom people see some (imagined) good but who is characterized by no good, will be the most severely punished in the Day of Judgment.

۳۰۴ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَالِمٌ لَمْ يَنْفَعَهُ عِلْمُهُ.

روز رستاخیز عذاب دانشمندی که از دانش خود بهره نمی‌برد از همه مردم سخت‌تر است.

The most severely punished in the Day of Judgment is a scholar who does not avail himself of his own knowledge.

۳۰۵ أشدّ النَّاسِ حسرةً يومَ القيامةِ رجلٌ أمكنه طلب العلم في الدنيا فلم يطلبه و رجل علم فانتفع به من سمعه منه دونه.

دو کس روز رستاخیز از همه مردم بیشتر حسرت می‌خورند یکی مردی که در دنیا برای طلب دانش فرصت داشته ولی به جستجوی آن برخاسته است یکی دیگر مردی که دانشی بدیگری آموخته و شاگرد وی از آن بهره‌مند شده ولی او بی‌بهره مانده است.

Two groups of people will be the most remorseful in the Day of Judgment: a man who has all possibilities at his disposal to acquire knowledge but he does not, and a man who teaches (some sort of) knowledge to others, thereby providing benefit for everybody who comes to know about it, save himself.

۳۰۶ أشدكم من ملك نفسه عند الغضب و أحلمكم من عفا بعد المقدرة.

نیرومندترین شما کسی است که هنگام غضب بر خود تسلط داشته باشد و بردبارترین (خوشتن دار ترین) شما کسی است که پس از قدرت از گناه دیگران درگذرد.

*گفت عیسی را یکی هشیار سر-چیست در هستی ز جمله صعب تر

گفتش ای جان صعبتر خشم خدا-که از آن دوزخ همی لرزد چو ما

گفت از این خشم خدا چه بود امان-گفت ترک خشم خویش اندر زمان (مولوی)

The most powerful of all is the one who controls himself when he gets furious, and the most patient of all is the one who connives at other's faults when in power.

۳۰۷ أشرف الإيمان أن يأمنك النَّاس و أشرف الإسلام أن يسلم النَّاس من لسانك و يدك.

بهترین ایمان آنست که مردم از تو در امان باشند و بهترین اسلام آنست که مردم از دست و زبان تو سلامت مانند.

Your faith is the best when (from you) people feel at rest, and (your) Islam the most perfect stands when people feel safe from your tongues and hands.

۳۰۸ أشرف الزهد أن يسكن قلبك على ما رزقت وإن أشرف ما تسأل من الله عز وجل العافية في الدين و الدنيا.

بهترین زهدها آنست که از آنچه داری خشنود باشی و بهترین چیزی که از خدا توان خواست عافیت دین و دنیاست.

The best (form of) abstinence is being pleased with one's (destined) sustenance, and the best thing for which to beseech the Exalted God, is the safety of this world and the next (to reach).

۳۰۹ أشعر كلمة تكلم بها العرب كلمة لبيد: ألا كل شيء ما خلا الله باطل.

بهترین شعری که عرب گفته سخن لبید است که گوید: "بجز خدا همه چیز باطل است" (نگاه به حدیث ۲۲۱۵).

The best poetical Arabic expression is Labid's, i.e. "All things are false save God".

۳۱۰ اشفقوا تحمدوا و توجروا.

مهربان باشید تا شما را ستایش کنند و پاداش یابید.

Be kind to be praised and rewarded.

۳۱۱ أشقى الأشقياء من اجتمع عليه فقر الدنيا و عذاب الآخرة.

از همه بدبختان بدبخت تر کسی است که فقر دنیا و عذاب آخرت را با هم دارد.

The most wretched man is the one who couples world poverty with eternal punishment.

۳۱۲ أشكر الناس أشكرهم للناس.

از همه مردم سپاسگزارتر آن کسی است که بهتر سپاس مردم را می گزارد.

**شکر او شکر خدا باشد یقین—چون به احسان کرد توفیقش قرین (مولوی)

**ترک شکرش ترک شکر حق بود—حق او لاشک به حق ملحق بود (مولوی)

Verily, the most thankful of all people is the one who is grateful to people the most.

۳۱۳ أشيدوا النّكاح و أعلنوه.

عقد نکاح را محکم کنید و آن را علنی سازید.

Strengthen marriage contract and make it known to people.

۳۱۴ أصابتكم فتنه الضّرّاء فصبرتم و إنّ أخوف ما أخاف عليكم فتنه السّراء من قبل النّساء إذا تسوّرن الذهب و لبسن ربط الشّام و عصب الیمن و أتعبن الغنی و كلّفن الفقیر ما لا یجد.

فتنه سخت را دیدید و صبر کردید و من از فتنه‌ای سخت‌تر بر شما بیم دارم که از طرف زنان می‌آید هنگامی که انگوی طلای یمنی بدست و پارچه‌های فاخر شام به بر کنند و توانگران را بزحمت اندازند و از فقیر چیزی که بدان دسترس ندارد بخواهند.

Hard trials (hardships) befell you and you kept patient, but I am worried about you as to harder trials on the part of women when they decorate themselves with gold (of Yemen), and dress themselves in precious cloths (of Syria), thereby causing troubles for the rich and asking the poor what they cannot afford.

۳۱۵ أصدق الرؤیا بالأسحار.

راست‌ترین خوابها را در سحرگاه توان دید.

The truest dream can be dreamt at dawn.

۳۱۶ أصرم الأحمق.

با احمق آمیزش مکن. (حدیث امیر المؤمنین ع: فرزندم ز دوستی احمق حذر کن، خواهد سود رساند ضرر زند)

**گفت پیغمبر عداوت از خرد—بهتر از مهری که جاهل پرورد (مولوی)

**جاهل ار با تو نماید همدلی—عاقبت زحمت زند از جاهلی (مولوی)

Do not keep company with the foolish.

۳۱۷ أصلح النّاس أصلحهم للنّاس.

بهترین مردم کسی است که برای مردم سودمندتر است.

The best of people is the one who benefits them the most.

۳۱۸ أصلح بين الناس و لو تعنى الكذب.

میان مردم را باصلاح آر اگر چه با دروغ باشد.

Reconcile people even through telling (a harmless) lie.

۳۱۹ أصلحوا دنياكم و اعملوا لآخرتكم كأنكم تموتون غدا.

دنیای خویش را اصلاح کنید و برای آخرت خویش بکوشید چنان که گوئی فردا خواهید مرد.

Make your world thrive, and for the other world in such a way try as if tomorrow you would die.

۳۲۰ اصنع المعروف إلى من هو أهله و إلى غير أهله فإن أصبت أهله أصبت أهله و إن لم تصب أهله كنت أنت أهله.

با آن کسی که سزاوار نیکی است و آن کسی که سزاوار آن نیست نیکی کن، اگر نیکی تو باهل آن رسید چه بهتر و گر نه تو خود اهل آن هستی.

Do good to those who deserve it and those who do not, for if your goodness the former receive, it would be quite appropriate; otherwise, you yourself will be the receiver of it.

۳۲۱ اضمنوا لی ستا من أنفسکم اضمن لكم الجنة: أصدقوا إذا حدثتم و أوفوا إذا وعدتم و أذوا إذا ائتمتم و احفظوا فروجكم و غصوا أبصاركم و كفوا أیدیکم.

شس چیز را از طرف خود برای من تعهد کنید تا من بهشت را برای شماها تعهد کنم وقتی سخنی می گوئید راست گوئید و وقتی وعده می دهید وفا کنید. وقتی امانت به شما سپردند رد کنید، خویشان را از آمیزشهای ناپاک حفظ کنید، چشمهای خود را «از نگاههای ناروا» ببندید و دست خویش را «از اعمال ناپسند» نگهدارید.

***لوله ها بردار (بربند) و پُر دارش ز حَم—گفت غَصُوا عن هوی ابصارکم (مولوی)**

Ensure me that you will practice the following six, then I ensure you of (entrance to) Paradise: telling the truth, standing by your promises, returning (people's) trusts, keeping your privy parts

(from the unlawful), controlling your eyes and restraining your hands.

۳۲۲ اضمنوا لی ستّ خصال اضمن لکم الجنّة: لا تظالموا عند قسمة موارثکم و انصفوا الناس من انفسکم و لا تجبنوا عند قتال عدوکم و لا تغلوا غنائمکم و امنعوا ظالمکم من مظلومکم.

شش صفت را برای من تعهد کنید تا بهشت را برای شما تعهد کنم، هنگام تقسیم ارث بیکدیگر ستم نکنید؛ با مردم به انصاف رفتار کنید و هنگام جنگ با دشمن ترسان مباشید و در غنائم خیانت نکنید و ظالم را از مظلوم دفع کنید.

Ensure me that you will act upon the following five, then I ensure you (of entrance) to Paradise: being just (to each other) as to the allocation of inheritance, treating people equitably, leaving fear in battles against enemies, keeping distance with treachery as to spoils and preventing the oppressors to do injustice to the oppressed.

۳۲۳ اطلبوا الرّزق فی خبایا الأرض.

روزی را در نهانگاههای زمین بجوئید.

****شهاب الاخبار- حدیث ۴۷۳= طلب روزی کنید در زیر زمین! یعنی کشت و کار و آن شغلی بزرگوار است، و قوام عالم بدانست.**

****گفت پیغمبر که بر رزق ای فتی- در فرو بسته ست و بر در قفلها**

جنبش و آمد شد ما و اکتساب- هست مفتاحی بر این قفل و حجاب (مولوی)

Seek your sustenance in the hideouts of the earth.

۳۲۴ اطلبوا العلم و لو بالصین فإنّ طلب العلم فریضة علی کلّ مسلم إنّ الملائکة تضع أجنحتها لطالب العلم رضا بما یطلب.

دانش را بجوئید اگر چه در چین باشد زیرا طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است و فرشتگان بال خویش را برای طالب علم پهن می کنند زیرا از آنچه وی در طلب آنست خشنود هستند.

****شهاب الاخبار- حدیث ۱۴۷= طلب علم شریعت فریضت است بر مسلمان، یعنی حلال و حرام و سنت و فریضت و امر و نهی خدا بدانستن، واجب است بر بنده مؤمن که همه بداند.**

Search for knowledge even (if it is to be acquired) in China, for seeking knowledge is a precept for all Muslims, and angels spread their wings for the seekers of knowledge (to sit on) and derive pleasure from what they search for.

۳۲۵ اطلبوا الحوائج بعزّة الأنفس فإنّ الامور تجري بالمقادير.

حوائج خویش را با عزت نفس بجوئید زیرا کارها جریان مقدر دارد.

With self-respect achieve your needs, for predestined are all affairs and deeds.

۳۲۶ اطلب العافیة لغيرک ترزقها فی نفسک.

عافیت را برای دیگران بخواه تا نصیب تو شود.

For others' health (always) pray, and you will enjoy it (without delay).

۳۲۷ اطلبوا العلم من المهد إلى اللحد.

از گهواره تا گور دانش بجوئید.

Search for knowledge from the birth shore to the grave door.

۳۲۸ أطعموا طعامکم الأتقیاء و أولوا معروفکم المؤمنین.

غذای خود را به پرهیزکاران بخورانید و نیکبختیهای خود را در باره مؤمنان انجام دهید.

Feed the pious your food and to the believers, do good.

۳۲۹ اطلبوا الفضل عند الرّحماء من امتی تعیشوا فی أکنافهم و لا تطلبوه من القاسیة قلوبهم.

بزرگواری را در پیش رحیمان امت من بجوئید و در پناه آنها زندگی کنید و آن را از سنگ دلان مجوئید.

Ask for generosity from the merciful among my people, not from the hardhearted, and live under the protection of the former.

۳۳۰ اطلع فی القبور و اعتبر بالنشور.

در قبرها بنگر و از رستاخیز پند آموز.

Look at the graves (of men) and from the resurrection (of the dead) learn a lesson.

۳۳۱ اطلعت في الجنة فرأيت أكثر أهلها الفقراء و اطلعت في النار فرأيت أكثر أهلها النساء.

در بهشت نگریستم و دیدم که بیشتر مردم آن فقیرانند و در جهنم نگریستم و دیدم که بیشتر مردم آن زنانند.

I looked at Paradise and saw the poor dwelled therein the most, and at Hell wherein women were the majority (to roast).

۳۳۲ أطيب الكسب عمل الرجل بيده.

بهترین کسبها آنست که مرد با دست خود، کار کند.

The best business is the one which with man's own hand is done.

۳۳۳ أطيب كسب الرجل المسلم سهمه في سبيل الله.

پاکیزه‌ترین و بهترین دستاورد مسلمان آنست که از غنایمی که در راه خدا به دست آمده سهمی نصیب او عاید گردد.

The best gain for a Muslim is the share he is given of the spoils (of a holy war).

۳۳۴ أطيب الطيب المسك.

بهترین بوهای خوشی مشک است.

The best fragrance is that of musk.

۳۳۵ أعبد الله كأنك تراه فإن كنت لا تراه فإنه يراك.

خدای را چنان پرستش کن که گوئی او را می‌بینی اگر تو او را نمی‌بینی او ترا میبیند.

Worship God in such a way as if He were in your view, for if not so, surely He sees (me and) you.

۳۳۶ اعتبروا الصاحب بالصاحب.

یار را به یار توان سنجید.

Measure (your) friend by his friend.

۳۳۷ أعجز النَّاسِ من عجز عن الدُّنْيَا و أبخل النَّاسِ من بخل بالسلام.

عاجزترین مردم آن کسی است که از کار دنیا عاجز ماند و بخیلترین مردم آن کسی است که در ادای سلام بخل ورزد.

The weakest of all people is the one who is incapable of performing worldly tasks, and the stingiest of all is he who hesitates to greet others.

۳۳۸ أعدی عدوِّک نفسک الّتی بین جنییک.

خطرناکترین دشمن تو نفس تو است که میان دو پهلوئی تو است.

*نفسی هر دم از درونم در کمین—از همه مردم بتر در مکر و کین (مولوی)

*ای شهان، کشتیم ما خصم برون—ماند زان خصمی (خصمی زو) بتر در اندرون (مولوی)

*قد رجّعنا من جهادِ الأصغریم—با نبی اندر جهاد اکبریم (مولوی)

*هین، سگ نفس تو را زنده مخواه—کو عدوِّ جان توست از دیرگاه (مولوی)

*در خیر بشنو تو این پند نکو—بین جنییکم لکم أعدی عدو (مولوی)

*تو هم از بیرون بدی با دیگران—واندرون بنشسته با نفس گران

خود عدوت اوست، قندش می دهی—وز برون تهمت به هر کس می نهی (مولوی)

*چون غزا ندهد زنان را هیچ دست—کی دهد آن که جهاد اکبر است؟ (مولوی)

Your most dangerous enemy is your (evil) soul within thee.

۳۳۹ أعدی عدوِّک زوجتک الّتی تضاجعک و ما ملکک یمینک.

خطرناکترین دشمن تو همسر تو است که با تو همخوابه است و مملوک تو.

The most dangerous enemy of yours is your wife who shares your bed, or your maid servant whom you possess.

۳۴۰ أعدل النَّاس من رضى للنَّاس ما يرضى لنفسه و كره لهم ما كره لنفسه.

عادتر از همه مردم کسی است که آنچه برای خود پسندد برای مردم نیز پسندد و آنچه بر خود روا ندارد بر مردم روا ندارد.

**** آنچه نپسندی به خود ای شیخ دین—چون پسندی بر برادر ای امین؟ (مولوی)**

**** آنچه بر تو خواه آن باشد پسند—بر دگر کس آن کن از رنج و کزند (مولوی)**

The justest of all people is he who likes for himself what he likes for others and dislikes for others what he dislikes for himself.

۳۴۱ اعدلوا بين أولادكم بالنحل كما تحبون أن يعدلوا بينكم في البرّ و اللّطف.

شما که میخواهید فرزندانان در نیکی و محبت با شما بعدالت رفتار کنند در کار بخشش با آنها بعدالت رفتار کنید.

If you expect your children to treat you equitably in beneficence and affection, treat them equally in generosity.

۳۴۲ أعذر الله إلى امرئ آخر أجله حتى بلغ ستين سنة.

هر کس را خداوند تا شصت سال زنده نگاهدارد در عذر را به روی او بسته است.

He whose death is left off to live for sixty years, will be spared any excuses (for his sins) by God.

۳۴۳ أعروا النساء يلزمن الحجال.

زنان را بی لباس بگذارید تا در خانه بمانند.

شهاب الاخبار—حدیث ۴۶۸=برهنه دارید زنان را! در خانه نشینند. یعنی جامه های نیکو مکنید از بهر ایشان!

تا ننگ دارند با جامه خلق بیرون شدن، در خانه نشینند. چه زنان را از آن بهتر نیست که در خانه ملازم باشند پس از مسلمانی.

In order to keep women at home, spare them (variegated) dresses.

۳۴۴ أعزّ أمر الله يعزّك الله.

کار خدا را عزیز دار تا خدایت عزیز کند.

Glorify what's divine, and God's glory will be thine.

۳۴۵ أعزل الأذى عن طريق المسلمين.

مانع از راه مسلمانان دور کن.

Keep harms away from Muslim's path.

۳۴۶ أعطى و لا تؤكئى فيوكأ عليك.

بخش و تنگ مگیر که بر تو تنگ گیرند.

Be generous (to people) and put them not in straits, for you will be put in straits (in the Hereafter).

۳۴۷ أعط السائل و لو جاءك على فرس و أعط الأجير حقه قبل أن يجف عرقه.

بگدا چیزی بده و گر چه بر اسب بنزد تو آمد و مزد اجیر را پیش از آنکه عرقش خشک شود بپرداز.

Give something to those who beg you, though coming to you on horseback (though rich), and pay workers their wage before sweat is dried on their skin.

۳۴۸ أعطيت جوامع الكلم و اختصر لى الكلام اختصارا.

کلمات جامع و پر معنی را بمن بخشیدند و سخن برای من پیچیده و مختصر شد.

Words of extensive meanings were bestowed on me, and brief my discourse turned out to be.

۳۴۹ أعظم العباده أجرا أخفيها.

پراجرتترین عبادت‌ها آنست که نهاتر باشد.

The worthiest (form of) worship is the most hidden one.

۳۵۰ أعظم الناس همّا المؤمن يهتمّ بأمر دنياه و أمر آخرته.

مؤمن از همه مردم گرفتارتر است زیرا باید بکار دنیا و آخرت هر دو برسد.

A believer is more worried about the affairs of this and the next worlds than others.

۳۵۱ أعظم الناس حقاً على المرأة زوجها وأعظم الناس حقاً على الرجل أمه.

شوهر از همه کسی بیشتر بر زن حق دارد و مادر از همه کسی بیشتر بر مرد حق دارد.

Husbands have the greatest claims on wives, and mothers on their children.

۳۵۲ أعظم الخطايا اللسان الكذوب.

سرگناهان، زبان دروغ پرداز است.

The most capital sins on a liar's tongue begin.

۳۵۳ أعظم الظلم ذراع من الأرض ينتقصه المرء من حق أخيه ليست حصاه أخذها إلا طوقها يوم القيامة.

بزرگترین ستمها آنست که مردی یک ذراع (یا ذراع مربع = ۴۶ سانتیمتر در ۴۶ سانتیمتر) زمین از حق برادر خویش بگیرد، هر ریگی که بدین طریق در تصرف او در آید روز رستاخیز در گردن او طوقی می‌شود.

**هر ذراع بعنوان واحد طول از پشت آرنج تا نوک انگشت میانی بصورت استاندارد ۱۸ اینچ = ۴۶ سانتیمتر

The greatest form of oppression is to occupy a cubit square (46 cm * 46 cm) of someone's land, for any piece of sand seized in this way will as a chain wrap one's neck in the Judgment Day.

****each cubit as measure of length = back of elbow to tip of middle finger = 18 inch = 46 cm as standard.**

۳۵۴ أعظم الناس في الدنيا خطراً من لم يجعل للدنيا عنده خطراً.

در دنیا قدر کسی بیشتر است که دنیا در نظرش قدر ندارد.

A man gains more value when the world is less worthy in his view.

۳۵۵ أعظم الناس قدراً من ترك ما لا يعنيه.

بلند مرتبه تر از همه مردم کسی است که در آنچه بدو مربوط نیست مداخله نکند.

The worthiest of all people is the one who avoids interfering with what concerns him not.

۳۵۶ أعظم النساء أحسنهنّ وجوها و أرخصهنّ مهورا.

بهترین زنان آن است که رویش خوبتر و مهرش کمتر است

The best of women is the one with a more beautiful appearance and the less gift of marriage.

۳۵۷ أعظم النساء بركة أقلهنّ مؤنة.

از همه زنان پربرکت تر آنست که خرجش کمتر باشد.

The greatest women in abundance are those with the least allowance.

۳۵۸ أعدل الناس أشدهم مداراة للناس.

عاقلمتر از همه مردم کسی است که با مردم بیشتر مدارا کند.

The wisest of all people is the most moderate towards them.

۳۵۹ اعقلها و توكل.

زانوی شتر را ببند و توکل کن.

**** ضرب المثل: گفت پیغمبر به آواز بلند—با توکل زانوی اشتر ببند (مولوی)**

Tie the camel, and on God rely.

****Proverb: The Prophet cried with a loud voice-Trust in God, yet tie the camel's leg. (Mowlavi)**

۳۶۰ أعلم الناس من جمع علم الناس إلى علمه.

دانشمندتر از همه مردم کسی است که دانش دیگران را بدانش خود بیفزاید.

The most learned of all is the one who adds people's knowledge to his.

۳۶۱ اعلم أن الخلاق لو اجتمعوا على أن يعطوك شيئاً و لم يرد الله أن يعطيك لم يقدرُوا عليه أو يصرّفوا عنك شيئاً أراد الله أن يصيبك به لم يقدرُوا على ذلك فإذا سئلت فاسأل الله و إذا استعنت فاستعن بالله.

بدان که اگر جهانیان بخواهند چیزی بتو بدهند و خداوند نخواهد نمیتوانند و اگر جهانیان بخواهند چیزی را که خداوند برای تو خواسته از تو منع کنند نمیتوانند بنا بر این وقتی چیزی میخواهی از خدا بخواه و وقتی کمک می‌جوئی از خدا بجوی.

Mind! people cannot grant you anything if God does not wish so, and they cannot spare you anything if God wishes the reverse. Thus, offer your requests to God and ask Him for help.

۳۶۲ اعلم أن ما أصابك لم يكن ليخطأك و ما أخطأك لم يكن ليصيبك.

بدان که آنچه بتو رسیده ناچار میرسید و آنچه از تو فوت شده بناچار فوت میشود.

Mind! What has occurred to you was destined to occur to you, and what has not, was not.

۳۶۳ اعلم أن النصر مع الصبر و أن الفرج مع الكرب و أن مع العسر يسرا.

بدان که ظفر (=پیروزی و موفقیت) قرین (=همراه) صبر است و گشایش قرین (=همراه) رنج و بدنبال سختی، راحتی هست.

****عاقبت جوینده یابنده بود- که فرج از صبر زاینده بود (مولوی)**

Mind! Patience is coupled with victory, pain with relief and hardship with ease.

۳۶۴ اعلم أن القلم قد جرى بما هو كائن.

بدان که قلم تقدیر، بر همه شدنیا رفته است.

Mind! The pen of fate has recorded all possible things.

۳۶۵ اعلم أنه ليس منكم من أحد إلا مال وارثه أحب إليه من ماله. مالک ما قدمت و مال وارثک ما آخرت.

بدانید که همه شما مال وارث خویش را از مال خویش بیشتر دوست دارید. مال تو آنست که از پیش میفرستی و مال وارث آنست که بجا میگذاری.

Mind! Every one of you has a greater liking for the wealth she (he) inherits than for that of his (her) own. Your wealth is what you send forth, and your heir's wealth is what you leave behind.

۳۶۶ أعمار أمتي ما بين الستين إلى السبعين.

عمرهای امت من میان شصت و هفتاد سال است.

The range of my peoples' age is sixty to seventy.

۳۶۷ اعمل عمل امرئ يظن أنه لن يموت أبداً و احذر حذر امرئ يخشى أن يموت غداً.

چنان کار کن که گوئی هیچ وقت نخواهی مرد و چنان بیمناک باش که گوئی فردا خواهی مرد.

Work in such a way as if you would never pass away, and fear so as if you would die tomorrow.

۳۶۸ اعملوا فكل ميسر لما خلق له.

کار کنید زیرا هر کسی آنچه را برای آن ساخته شده بدست می آورد.

Work, for everybody earns what s(he) has been created for.

۳۶۹ الأعمال بالنية.

کارها وابسته به نیت است

Actions depend on (are rewarded/punished according to) intentions.

۳۷۰ أعينوا أولادكم على البر من شاء إستخرج العفوق من ولده.

فرزندان خود را در خوب شدن کمک کنید زیرا هر که بخواهد می تواند نافرمانی را از فرزند خود بیرون آورد.

Assist your children in doing good, for everybody can save his (her) children from being cursed if (s)he so wishes.

۳۷۱ أعبط الناس عندي مؤمن خفيف الحادّ ذو حظّ من صلاة و كان رزقه كفافا فصبر عليه حتّى يلقى الله و أحسن عبادة ربّه و كان غامضا في الناس عجلت منيته و قلّ ترانه و قلّت بواكبه.

خوشبخت‌ترین مردم در نظر من مؤمنی است که متعلقاتش کم و از نماز بهره‌ور باشد، روزی او بحد کفاف باشد و با آن بسازد تا بخدای خویش برسد، خدای را به خوبی پرستش کند و در میان مردم گمنام باشد، وقتی مرگش برسد ارثش کم باشد و گریندگانش انگشت شمار باشند.

To me, the most prosperous person is a believer who has less dependence, availing himself more of prayer, who enjoys sufficient sustenance with which he keeps satisfied till he joins God, who worships his Lord in the best manner and away from people's sight, and who leaves less behind when he dies and less people offer him their cries.

۳۷۲ اغتنم خمسا قبل خمس شابک قبل هر مک و صحّک قبل سقمک و غناک قبل فقرک و فراغک قبل شغلک و حیاتک قبل موتک.

پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت شمار جوانی پیش از پیری صحت پیش از بیماری و ثروت پیش از نیازمندی و فراغت پیش از اشتغال و زندگی پیش از مرگ.

Avail yourself of five things before five other things: youth before oldness, health before illness, wealth before need, convenience before inconvenience and life before death.

۳۷۳ اغتنموا الدّعاء عند الرّقة فإنّها رحمة.

بهنگام رقت (= نرمی دل) دعا را غنیمت شمارید که رقت مایه رحمت است.

Make the most of supplication in times of tender heartedness, for it gives rise to (God's) grace.

۳۷۴ اغتنموا دعوة المؤمن المبتلی.

دعای مؤمن مبتلا (= گرفتار رنج و بلا) را غنیمت شمارید.

Make the most of an afflicted believer's supplications.

۳۷۵ أغد عالما أو متعلّما أو مستمعا أو محبّا و لا تکن الخامسة فهلك.

دانشمند باش یا دانش آموز یا مستمع یا دوستدار علم و پنجمی مباش که هلاک خواهی شد.

Be a scholar or a student, a listener or a lover of understanding knowledge, and be not the fifth (of these four), for you'll perish.

۳۷۶ أَعْدُوا فِي طَلْبِ الْعِلْمِ فَإِنَّ الْغَدَوَ بَرَكَهٌ وَنَجَاحٌ.

در طلب علم زود خیز (=سحر خیز) باشید زیرا زود خیزی مایه برکت و کامیابی است.

Be an early bird in seeking knowledge, for early rising brings you blessing and prosperity.

۳۷۷ اغسلوا ثيابكم و خذوا من شعوركم و استاكوا و تزيّنوا و تنظّفوا فَإِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَمْ يَكُونُوا يَفْعَلُونَ ذَلِكَ فَزَنَّتْ نِسَاؤُهُمْ.

لباسهای خود را تمیز کنید و موهای خود را کم کنید، مسواک بزنید و آراسته و پاکیزه باشید زیرا یهودان چنین نکردند و زنانشان زناکار شدند.

Clean your clothes, beautify your hair, brush your teeth and be all made up and tidy, for the children of Israel did not do so and their wives turned out to be adulterous.

۳۷۸ اغفر، فَإِنَّ عَاقِبَتَ فَعَاقِبَ بِقَدْرِ الذَّنْبِ وَ اتَّقِ الْوَجْهَ.

گناه کسان را ببخش و اگر مجازات میکنی بقدر گناه مجازات کن و صورت را میازار.

****خلق ما بر صورت خود کرد حق—وصف ما از وصف او گیرد سبق (مولوی)**

****چون صور بنده ست، بر یزدان مگو—ظن مبر صورت، به تشبیهش مجو (مولوی)**

Forgive others' sins; if not, punish them to the extent of their sins and do not hit them on the face.

۳۷۹ أَغْفَلُ النَّاسُ مَنْ لَمْ يَتَّعِظْ بِتَغْيِيرِ الدُّنْيَا مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ.

غافلتر از همه مردم کسی است که از تغیر احوال جهان پند نگیرد.

The most negligent of all people is the one who does not take a lesson from the changes in the world conditions.

۳۸۰ أَغْنَى النَّاسُ مَنْ لَمْ يَكُنْ لِلْحَرَصِ أُسِيرًا.

بی نیازتر از همه مردم کسی است که در بند آز نباشد.

The richest of all people is the one who is free from greediness.



۳۸۱ أفشوا السلام بينكم تحابوا.

سلام را آشکار کنید تا رشته دوستی شما استوار شود.

Make greeting open, and bonds of friendship strengthen.

۳۸۲ أفشوا السلام تسلموا.

سلام را آشکار سازید تا سلامت مانید.

Greet openly. Mind! Safety to find.

۳۸۳ أفشوا السلام و أطعموا الطعام و صلوا الأرحام و صلوا بالليل و الناس نيام تدخلوا الجنة بسلام.

سلام را فاش کنید و طعام بخورانید، با خویشاوندان الفت گیرید و هنگام شب که مردم در خوابند نماز بخوانید تا وارد بهشت شوید.

Greet sincerely (openly), feed others, establish close relations with relatives and set prayers at nights when people are asleep, if you wish for permission to Paradise.

۳۸۴ أفضل الأصدقاء من إذا ذكرت أعانك و إذا نسيت ذكرك.

بهترین دوستان کسی است که وقتی یاد کردی ترا یاری کند و وقتی فراموش کردی ترا بیاد آرد.

****بعد از آن گفتش سخن های دقیق—وز صفات پاک حق نِعَمَ الرَّفِيقِ (مولوی)**

در کتب عرفا معمولاً دوست به خدا تعبیر می شود نظیر کتاب احياء العلوم غزالی بنا براین معنای جمله فوق:

بهترین دوستان کسی است که وقتی خدا را یاد کردی ترا یاری کند و وقتی خدا را فراموش کردی خدا را به یاد تو آورد.

The best of (your) friends are those who help when you remember and call him (her) and remember you of when you forget him (her).

۳۸۵ أفضل الأعمال ثلاثة: التواضع عند الدولة و العفو عند القدرة و العطيّة بغير المنّة.

بهترین کارها سه چیز است، تواضع بهنگام دولت و عفو بهنگام قدرت و بخشش بدون منت.

The best of all deeds are three: humility when having wealth and authority, forgiveness when being in power and generosity without holding people under obligation.

۳۸۶ أفضل الأعمال أن تدخل على أخيك المؤمن سرورا أو تقضى عنه ديناً.

بهترین کارها آنست که برادر مؤمن خویش را خوشحال سازی یا قرض او را بپردازی.

The best deed is to make your brother (in faith) happy or to pay his debts.

۳۸۷ أفضل الأعمال بعد الإيمان بالله التّودّد إلى النّاس.

بهترین کارها پس از ایمان به خدا دوستی با مردم است.

The best of all deeds, apart from believing in God, is making friends with people.

۳۸۸ أفضل الأعمال الكسب من الحلال.

بهترین کارها کسب حلال است.

****گفت روبه، جستن رزق حلال—فرض باشد از برای امتثال (مولوی)**

****طبل خواری در میانه شرط نیست—راه سنت کار و مکسب کردنی ست (مولوی)**

****هین، توکل کن، ملرزان پا و دست—رزق تو بر تو ز تو عاشق تر است (مولوی)**

The best of all deeds is earning money lawfully.

۳۸۹ أفضل الأعمال العلم بالله إن العلم ينفعك معه قليل العمل و كثيره و إن الجهل لا ينفعك معه قليل العمل و لا كثيره.

بهترین کارها دانش خداشناسی (=علم الهی) است کاری که با دانش قرین است اندک و بسیار آن سودمند است و کاری که با نادانی قرین است نه اندک آن سود میدهد و نه بسیار.

The best of all deeds is to acquire the knowledge of God. Verily, that deed is useful which is coupled with knowledge, being great or small in amount, and that deed is harmful which is coupled with ignorance, being great or small in quantity.

۳۹۰ أفضل الأعمال الحب في الله و البغض في الله.

بهترین کارها دوستی و دشمنی در راه خداست.

The best of all deeds is to like and dislike for the sake of God.

۳۹۱ أفضل الإيمان أن تعلم أن الله معك حيثما كنت.

بهترین اقسام ایمان آنست که بدانی هر جا هستی خدا با تو است.

The best form of faith is the belief that God is with you wherever you are.

۳۹۲ أفضل الإيمان أن تحب لله و تبغض لله و تعمل لسانك في ذكر الله و أن تحب للناس ما تحب لنفسك و تكره لهم ما تكره لنفسك و أن تقول خيرا أو تصمت.

بهترین اقسام ایمان اینست که برای خدا دوست بداری و برای خدا دشمن بداری و زیانت را در یاد و ذکر خدا به کار گیری؛ و آنچه برای خود میخواهی برای مردم بخوایی و آنچه برای خود نمیخواهی برای دیگران نخواستی و سخن نیک بگوئی یا خاموش مانی.

The best form of faith is to like and dislike for the sake of God, to engage your tongue in the remembrance of God, to wish for others what you wish for yourself and to stop wishing for others what you do not wish for yourself, and to express good words or to keep silent.

۳۹۳ أفضل الإيمان الصبر و السّماحة.

بهترین خصال ایمان صبر و گذشت (نرمی، آسان گیری و مسامحه) است.

The best form of faith lies in having patience and being easy-going.

۳۹۴ أفضل الجهاد كلمة حق عند سلطان جائر.

بهترین جهاد سخن حقیقت که پیش پادشاه ستمکار گویند

The best kind of Jihad (struggling in the way of God) is to speak a word of truth to a cruel king.

۳۹۵ أفضل الجهاد من أصبح و لم يهّم بظلم أحد.

بهترین اقسام جهاد آنست که کسی روز آغاز کند و در اندیشه ظلم کسی نباشد.

The best kind of Jihad (struggling in the way of God) is to begin a day without thinking about oppressing others.

۳۹۶ أفضل الحسنات تكرمه الجلساء.

بهترین کارهای نیک آنست که هم نشینان را عزیز داری.

The best of all good deeds is to endear (your) companions.

۳۹۷ أفضل الجهاد أن يجاهد الرجل نفسه و هواه.

بهترین جهاد آنست که انسان با نفس و هوس خود پیکار کند.

The best Jihad (struggling in the way of God) is to struggle against evil passion of his soul.

۳۹۸ أفضل الدعاء دعاء المرء لنفسه.

بهترین دعاها دعائی است که انسان برای خود میکند.

Praying for oneself is the best (kind of) praying.

۳۹۹ أفضل الدنانير دينار ينفقه الرجل على عياله.

بهترین پولها پولی است که انسان برای نان خوران خود خرج میکند.

The best money is that which a man spends for his family.

۴۰۰ أفضل الصدقة ما كان عن ظهر غنى و اليد العليا خير من اليد السفلى و ابدأ بمن تعول.

بهترین صدقه‌ها اینست که در حال بینبازی صورت گیرد و دست دهنده بهتر از دست گیرنده است. در انفاق و هزینه کردن از عائله (خانواده ناخور) خویش شروع کن.

The best charity is the one given without any expectation: The giver's hand is better than the receiver's. Start giving alms with those who are more needful in your family.

۴۰۱ أفضل الصدقة أن يتعلم المرء المسلم علماً ثم يعلمه أخاه المسلم.

بهترین صدقه‌ها آن است که مرد مسلمان دانشی بیاموزد و به برادر مسلمان خود تعلیم دهد.

The best form of charity for a Muslim is to acquire (some sort of) knowledge and teach it to his (her) brothers in faith.

۴۰۲ أفضل صدقة اللسان الشفاعة تفك بها الأسير و تحقن بها الدم و تجرّ بها المعروف و الإحسان إلى أخيك و تدفع عنه الكربة.

بهترین صدقه زبان، شفاعتی است که بوسیله آن اسیر را آزاد سازی و از ریختن خون جلوگیری کنی و نیکی و احسان را به سوی برادر خویش بکشانی و بدی را از او دفع کنی.

The best form of spoken charity is the oral intercession by which to release a captive, to prevent bloodshed, to direct kindness and goodness towards your brothers in faith, and to ward off evil from them.

۴۰۳ أفضل الأعمال أن تشبع كبدًا جائعًا.

بهترین کارها آنست که گرسنه را سیر کنی.

The best deed is a hungry man, to feed.

۴۰۴ أفضل الصدقة حفظ اللسان.

بهترین صدقه‌ها، نگهداری زبان است.

The best form of charity is to control one's tongue.

۴۰۵ أفضل الصدقة صدقة اللسان.

بهترین صدقه‌ها، صدقه زبان است.

The best form of charity is that of man's tongue.

۴۰۶ أفضل الصدقة أن تصدق و أنت صحيح شحيح تأمل الغنى و تخشى الفقر و لا تمهل حتى إذا بلغت الحلقوم قلت لفلان كذا و لفلان كذا، ألا و قد كان لفلان.

بهترین صدقه‌ها آنست که هنگامی که سالم و تنگدستی و امید ثروت و بیم فقر داری صدقه بدهی نه آنکه بگذاری تا وقتی جان بگلو رسید گوئی؛ این مال فلانی و این مال فلانی، زیرا (در این حال) آنها متعلق بفلانی (یعنی وارث) شده است.

**** هست پیدا آن به پیش چشم دل - جهد کن پیش دل آ، جُهدالمَقْل (مولوی)**

The best form of charity is to give alms when you are healthy and indigent, hoping for wealth and fearing poverty, not to wait until your death approaches to say (in your last will) that for so and so this much and for so and so that much, (then to address your heir, saying) that such and such an amount of your wealth belongs to such and such a person.

۴۰۷ أفضل الصدقة إصلاح ذات البين.

بهترین اقسام صدقه آنست که میان دو کس را اصلاح دهی.

The best form of charity is to make it up between two persons.

۴۰۸ أفضل الصدقة الصدقة على ذي الرحم الكاشح.

بهترین صدقه‌ها آنست که به خویشاوندی که دشمن توست چیزی بدهی.

The best form of charity is giving alms to a relative, though being one's enemy.

۴۰۹ أفضل العبادۃ انتظار الفرج.

بهترین اقسام عبادت انتظار (به خاطر خدا) گشایش (شیعیان = انتظار فرج و ظهور ظهور امام دوازدهم ع) در امور است.

**** کان خدای خوبکار بردبار - هدی ها را می دهد در انتظار (مولوی)**

**** عاقبت جوینده یابنده بود - که فرج از صبر زاینده بود (مولوی)**

The best form of worship is waiting for relief (the reappearance of the twelfth Shiite Imam).

۴۱۰ أفضل العمل أدومه وإن قلّ.

بهترین کارها آن است که دوامش بیشتر است اگر چه اندک باشد.

The best of all deeds is the most durable of all, though in quantity being small.

۴۱۱ أفضل العمل النية الصادقة.

بهترین کارها نیت پاک است

The best action is (to have) pure intention.

۴۱۲ أفضل العبادة أجرا سرعة القيام من عند المريض.

از همه عبادت‌ها بهتر و پراجزتر آن است که زودتر از پیش مریض برخیزی.

The best act of worship in respect to (heavenly) rewards is to cut short your visit to patients.

۴۱۳ أفضل الفضائل أن تصل من قطعك و تعطي من حرمتك و تصفح عمن ظلمك.

بهترین فضایل اینست که با آنکه از تو ببرد پیوند گیری و بکسی که تو را محروم میکند عطا کنی و از آنکه بر تو ستم کند درگذری.

The best of all virtues is to reestablish your connection with the one who has broken it, to bestow on the one who has deprived you (of something), and to connive at the faults of the one who has done injustice to you.

۴۱۴ أفضل الكسب بيع مبرور و عمل الرجل بيده.

بهترین کسبها معامله‌ای است که نادرستی در آن نباشد و کاری است که مرد با دست خود انجام دهد.

The best business is a flawless bargain, and what man accomplishes with his own hand.

۴۱۵ أفضل المؤمنين إسلاما من سلم المسلمون من لسانه و يده و أفضل المؤمنين إيمانا أحسنهم خلقا.

از همه مؤمنان اسلام آن کسی بهتر است که مسلمانان از دست و زبانش در امان باشند و از همه مؤمنان ایمان آن کسی بهتر است که اخلاق وی نیکتر است.

Among all believers, the best Muslim is the one from whose hand and tongue other Muslims feel at rest, and the most faithful one is the most good-tempered.

۴۱۶ أفضل المؤمنين إيماناً الذي إذا سئل أعطى و إذا لم يعط استغنى.

از همه مؤمنان ایمان آن کس بهتر است که وقتی از او چیزی بخواهند بدهد و اگر چیزی باو ندهند راه بی نیازی سپرد.

The most faithful believer is the one who helps (others) when he is asked to, and who resorts to needlessness when not helped.

۴۱۷ أفضل الناس رجل يعطي جهده.

بهترین مردم آنست که همه کوشش خود را بکار میبرد.

The best of all people is a man who tries his best.

۴۱۸ أفصح من رزق لنا.

آنکه خرد دارد رستگار می شود.

The wise are saved.

۴۱۹ أفضل الناس من تواضع عن رفعة و زهد عن غنية و أنصف عن قوة و حلم عن قدرة.

بهتر از همه مردم کسی است که در حال رفعت فروتنی کند و در عین ثروت زاهد باشد و در عین قوت انصاف دهد و در حال قدرت برد باری (=خویشنداری) کند.

The best of all people is the one who remains humble in glory, abstinent in affluence, just in strength and forbearing in power.

۴۲۰ أفضلکم إيماناً أحسنکم أخلاقاً.

هر کس از شما اخلاقی نیکتر ایمانش بهتر است.

The best of you in faith has the best manners (in rate).

۴۲۱ أفقر الناس الطامع.



طمعکار از همه مردم فقیرتر است.

Of all people, the poorest (indeed), are holders of greed.

۴۲۲ أفلح من هدى إلى الإسلام و كان عيشه كفافا و قنع به.

هر که باسلام راهبر شده و لوازم زندگی بقدر رفع حاجت دارد و بدان قناعت کند رستگار شده است

Prosperous is the one who is guided through Islam, and who has sufficient means of life with which he is contented to.

۴۲۳ اقرءوا القرآن ما ائلفت عليه قلوبكم فإذا اختلفتم فيه فقوموا.

قرآن را تا هنگامی که دل‌های شما بر آن اتفاق دارد بخوانید و وقتی در باره آن اختلاف پیدا کردید برخیزید.

Read the Quran as long as your hearts are in agreement with each other in respect to it, but as soon as disagreement arose among you, rise up.

۴۲۴ اقرأ القرآن ما نهاك فإذا لم ينهك فليست تقرؤه.

اگر خواندن قرآن ترا از کار بد منع میکند آن را بخوان ولی اگر ترا از کار بد وانمیدارد به حقیقت قرآن نمیخوانی.

Read the Quran if it keeps you away from evil; if (you feel) it does not, you are not a true reader of it.

۴۲۵ اقرءوا القرآن و اعملوا به و لا تجفوا عنه و لا تغلوا فيه و لا تأكلوا به و لا تستكثروا به.

قرآن را بخوانید و بدان عمل کنید و از آن دور نشوید و در آن غلو نکنید بوسیله قرآن نان نخورید و به کمک آن فزونی (=برتری) مجوئید.

Read the Quran and act upon it. Do not leave it, do not exaggerate about it, do not earn your living through it, and do not seek superiority (abundance) by means of it.

۴۲۶ اقرءوا القرآن فإن الله تعالى لا يعذب قلبا وعى القرآن.

قرآن را بخوانید زیرا خداوند دلی را که قرآن را دریافته معذب نمیکند.

****چون که در قرآن حق بگریختی—با روان انبیا آمیختی (مولوی)**

Read the Quran, for the Exalted God does not torture the heart which has perceived it.

۴۲۷ أقرب العمل إلى الله الجهاد في سبيل الله و لا يقاربه شيء.

نزدیکترین کارها بخدا جهاد در راه خداست و چیزی مانند آن نیست.

Struggling in the way of God is the nearest of all deeds to Him, and nothing is equal to it.

۴۲۸ أقبل الحق ممن أتاك به من صغير أو كبير و إن كان بغیضا بعيدا و اردد الباطل علی من جاءك به من صغير أو كبير و إن كان حبیبا قریبا.

سخن حق را از هر که شنیدی به پذیر اگر چه دشمن و بیگانه باشد و ناحق را از هر که شنیدی نپذیر اگر چه دوست و نزدیک باشد.

Accept truth from anybody (being him a child or an old man), even if s(he) is an enemy or a stranger, and do not accept falsehood from anybody (being him a child or an old man), even if s(he) is a friend or a companion.

۴۲۹ اقتربت الساعة و لا یزاد الناس علی الدنیا إلا حرصا و لا ترداد منهم إلا بعدا.

رستاخیز نزدیک شده است و آرز(=حرص) مردم بدنیا دائما بیشتر و دنیا از آن‌ها دورتر می‌شود.

The Hour has come closer, and people's greed for the world has grown more and more, but the world moves away from them all the more.

۴۳۰ أقل الناس راحة البخیل.

آسایش بخیل از همه کسی کمتر است.

A miser has the least peace of mind.

۴۳۱ أقل الناس لذة الحسود.

لذت حسود از همه کسی کمتر است.





The jealous enjoy (the world) less than others.

۴۳۲ أَقَلَّ مِنَ الدَّيْنِ تَعَشَى حَرًّا.

قرض کمتر گیر تا آزاد باشی.

Borrow less (money), remain more at liberty.

۴۳۳ أَقَلَّ مِنَ الذَّنُوبِ يَهِنُ عَلَيْكَ الْمَوْتُ.

گناه کمتر کن تا مرگ بر تو آسان شود.

Commit less evil, an easier death to face.

۴۳۴ أَقَلُّوا الدَّخُولَ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ فَإِنَّهُ أَحْرَى أَنْ لَا تَزِدُّوهُمُ نِعْمَ اللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا.

پیشی توانگران کمتر روید زیرا در این صورت نعمتهای خدا را خوار نخواهید شمرد.

To rich people pay less frequent visits, for appreciating God's blessings brings you more benefits.

۴۳۵ أَقْبِلُوا السَّخِيَّ زَلَّتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ آخِذٌ بِبِدَةِ كُلِّمَا عَشْرًا.

از لغزش مرد سخاوتمند بگذرید زیرا هر دم بلغزد خدا دست او را میگیرد.

For his faults, a generous man, do not reprimand, for whenever he slips, God gives him a helping hand.

۴۳۶ أَقِيمُوا حُدُودَ اللَّهِ تَعَالَى فِي الْبَعِيدِ وَالْقَرِيبِ وَلَا تَأْخُذْكُمْ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمَةٌ.

مقررات خدا را در باره بیگانه و خویش اجرا کنید و در کار خدا به سخن دیگران گوش مدهید.

Put the Divine laws into effect concerning friends and foes alike, and pay no attention to the blames of critics for that.

۴۳۷ أَكْبَرُ أُمَّتِي الَّذِينَ لَمْ يَعْطُوا فَيَبْطُرُوا وَلَمْ يَقْتَرِ عَلَيْهِمْ فَيَسْأَلُوا.

بزرگترین افراد امت من آنها هستند که نه چندان توانگرند که خود را گم کنند و نه چندان فقیرند که دست بسؤال گشایند.

The greatest among my people are those who are not much wealthy to feel proud, and those who are not much poor to beg others.

۴۳۸ أكبر الكبائر الإِشْرَاقُ بِاللَّهِ و قتل النَّفسِ و عقوق الوالدين و شهادة الزور.

بزرگترین گناهان بزرگ شرک بخدا و قتل نفس و بد رفتاری با پدر و مادر و شهادت دروغ است.

The greatest of all capital sins are polytheism, homicide, mistreatment of parents and testifying falsely.

۴۳۹ أكبر الكبائر سوء الظنّ بالله.

بدترین گناهان بزرگ بدگمانی بخداست.

****بدگمانی کردن و حرص آوری—کفر باشد پیشی خوان مهتری (مولوی)**

The greatest of all capital sins is to have a wavering belief (suspicion) in God.

****Proverb: To show suspicion and greed at the table of Majesty is ingratitude.(Mowlavi)**

۴۴۰ أكثر خطايا ابن آدم في لسانه.

بیشتر گناهان فرزند آدم از زبان اوست.

The son of Adam commits most of his sins through his tongue.

۴۴۱ أكثر الناس ذنوبا يوم القيامة أكثرهم كلاما فيما لا يعنيه.

در روز رستاخیز از همه مردم گناه آن کسی بیشتر است که بیشتر از همه در چیزهایی که بدو مربوط نیست سخن گوید.

The most sinful people in the Day of Judgment are those who speak about things out of their concern.

۴۴۲ أكثر الناس قيمة أكثرهم علما.

هر که بدانش از دیگران پیشی تر است، قیمتش از دیگران بیشتر است.

Those who are more learned, precede others in value.

۴۴۳ أكثر ذكر الموت فإن ذكره يسلك مما سواه.

مرگ را بسیار بخاطر بیاور زیرا یاد مرگ ترا از رنج‌های دیگر تسلیت می‌دهد.

Remember death all the time, for it relieves your other sufferings.

۴۴۴ أكثروا ذكر الموت فإنه يمحص الذنوب و يزهد في الدنيا فإن ذكرتموه عند الغنى هدمه و إن ذكرتموه عند الفقر أرضاكم بعيشكم.

مرگ را بسیار به یاد آرید زیرا یاد مرگ گناهان را پاک می‌کند و حرص دنیا را کم می‌کند، اگر مرگ را بهنگام توانگری به یاد آرید اهمیت آن را کم میکند و اگر بهنگام تنگدستی یاد کنید، شما را از زندگی‌تان خوشود می‌سازد.

Remember death all the time, for it purifies you of your sins and reduces your greed for the world. If you remember death when you are rich, it reduces the worth of wealth, and if you remember it when you are poor, it causes you to be pleased with your life.

۴۴۵ أكثروا من الإخوان فإن ربكم حيّ كريم يستحي أن يعذب عبده بين إخوانه يوم القيمة.

دوست بسیار گیرید زیرا خدای شما با حیا و بخشنده است و شرم دارد که روز رستاخیز بنده خود را میان برادرانش عذاب کند.

Choose many friends, for your Lord is so modest and merciful that He hesitates to chastise His servant among his brothers (in faith) in the Day of Judgment.

۴۴۶ أكثر من الدعاء فإن الدعاء يرد القضاء.

بسیار دعا کن که دعا قضا را دفع میکند.

Pray to (your) Lord a lot, for it stops the occurrence of your destined lot.

۴۴۷ أكثروا من ذكر هادم اللذات فإنه لا يكون في كثير إنّا قلله و لا في قليل إنّا أجزله.

مرگ را بسیار بیاد آرید زیرا یاد مرگ بسیار را کم و کم را کافی جلوه می‌دهد.

Remember death all the time, for its remembrance makes abundance to seem little, and little to seem enough.

۴۴۸ أكرموا الشهود فإن الله يستخرج بهم الحقوق و يدفع بهم الظلم.

شاهدان را گرامی شمارید زیرا خدا حقوق کسان را بوسیله آنان احقاق میکند و ستم را بوسیله آنها دفع می نماید.

Hold witnesses in respect, for through them God administers justice and repels tyranny.

۴۴۹ أكرم الناس أنقاهم.

بزرگوارتر از همه مردم کسی است که پرهیزگارتر است

The most honorable man is the most virtuous one.

۴۵۰ أكرموا العلماء فإنهم ورثة الأنبياء فمن أكرمهم فقد أكرم الله و رسوله.

دانشمندان را گرامی دارید که آنها وارثان پیغمبرانند و هر که آنها را عزیز دارد خدا و پیغمبر را عزیز داشته است.

Hold the learned in respect, for they are heir to prophets, and whoever honors them, honors God and His messenger, (indeed).

۴۵۱ أكرموا أولادكم و أحسنوا آدابهم.

فرزندان خود را گرامی شمارید و نیکو تربیتشان کنید.

Hold your children in honor and on them, excellent training shower.

۴۵۲ أكرموا الخبز فإن الله أنزله من بركات السماء و أخرجته من بركات الأرض.

نان را گرامی شمارید زیرا خداوند آن را از بركات آسمان فرو فرستاده و از بركات زمین بیرون آورده است.

Hold bread in honor, for God has sent it down from the blessings of the heavens and brought it up from the blessings of the earth.

۴۵۳ اكفوا من العمل ما تطيقون فإن الله لا يمل حتى تملوا و إن أحب العمل إلى الله تعالى أدومه و إن قلّ.

بقدر توانائی خود عبادت کنید زیرا وقتی شما ملول شدید خدا نیز ملول می شود، در نظر خدا بهترین کارها آنست که بادوامتر است اگر چه اندک باشد.

Engage yourself in acts of worship to the extent of your ability, for as you get exhausted, God gets exhausted too.

۴۵۴ أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خَلْقًا وَخَيْرَهُمْ خِيَارًا لِنِسَائِهِمْ.

کامل ترین مؤمنان آن است که خلقش نیکتر است و از همه شما نیکتر کسانی هستند که برای زنان خود نیکترند.

The most perfect of all believers are the most good-mannered, and the best of you are the best for their wives.

۴۵۵ أَلَا أَخْبِرُكَ بِأَهْلِ النَّارِ؟ كُلٌّ جَعِظَرِيٌّ جَوَازٌ مُسْتَكْبِرٌ جَمَاعٌ مَنُوعٌ.

می خواهی تو را از اهل جهنم خبر دهم؟ هر کسی که خود پسند و خود خواه و متکبر و حریص و بخیل باشد

Shall I inform you of the dwellers of Hell? They are the proud, selfish, arrogant, greedy and avaricious people.

۴۵۶ أَلَا أَخْبِرُكَ بِخَيْرِ مَا يَكْنِزُ الْمَرْءُ؟ .. الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا سَرَّتَهُ وَإِذَا أَمَرَهَا أَطَاعَتْهُ وَإِذَا غَابَ عَنْهَا حَفِظَتْهُ.

می خواهی ترا از بهترین گنجینه مرد خبر دهم؟ زن پارسا که وقتی بدو نگرد مسرور شود و همین که بدو فرمان دهد اطاعت کند و هنگام غیبت امانت او را محفوظ دارد.

Shall I inform you of the most precious treasure of a man? It is a wife who makes him cheerful when he casts a glance at her, who obeys his orders, and who keeps his trusts intact in his absence.

۴۵۷ أَلَا أَخْبِرُكَ عَنِ مَلُوكِ الْجَنَّةِ؟ رَجُلٌ ضَعِيفٌ مُسْتَضْعَفٌ ذُو طَمَرِينَ لَا يُؤْبَهُ لَهُ لَوْ أَقْسَمَ عَلَى اللَّهِ لِأَبْرَةٍ.

می خواهی ترا از پادشاهان بهشت خبر دهم؟ مرد ضعیف و ناتوان و زنده پوشی که هیچ کسی بدو اعتنا نکند و اگر قسم خورد که چیزی واقع می شود خداوند قسم او را راست کند.

Shall I inform you of one of the kings of Paradise? It is a weak, oppressed and poorly dressed person to whom nobody pays attention, but whose swears come true when he swears by God for something to happen.

۴۵۸ أَلَا أَخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مَنْ دَرَجَةُ الصِّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَالصَّدَقَةِ؟ صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ فَإِنَّ فُسَادَ ذَاتِ الْبَيْنِ هِيَ الْحَالِقَةُ.

میخواهید شما را از چیزی که بهتر از روزه و نماز و صدقه است خبر دهم؟ اصلاح میان کسان، زیرا فساد میان کسان مایه هلاک است.

Shall I inform you of what is better than fasting, prayer and charity? It is making it up among people, for conflict among them results in annihilation.

۴۵۹ ألا أخبرکم بمن یحرم علیه النار غدا؟ علی کلّ هین لئن قریب سهل.

میخواهید شما را خبر دهم که فردا آتش بر چه کسی حرام است؟ هر کسی که ملایم و نرم و زودجوش و آسانگیر باشد.

Shall I inform you of those for whom the Fire will be banned Tomorrow? The gentle, tenderhearted and easy-going people who get sweet on people.

۴۶۰ ألا أخبرکم بنسائکم من أهل الجنة؟ الودود الولود العنود التي إذا ظلمت قالت هذه یدی فی یدک لا أدوق غمضا حتی ترضی.

میخواهید شما را از زنانی که اهل بهشتند خبر دهم؟ زن وفاداری که فرزند زیاد آورد و زود آشتی کند و همین که بدی کرد گوید این دست من در دست توست چشم بر هم نمی گذارم تا از من راضی شوی.

Shall I inform you of the female dwellers of Paradise?. The faithful women who give birth to a lot of children, who make peace before long, and who tell their husbands immediately after a wrongdoing, "My very hand is in yours, I will not sleep until you get pleased with me."

۴۶۱ ألا أخبرکم بخیرکم من شرکم؟ خیرکم من یرجی خیره و یؤمن شرّه و شرکم من لا یرجی خیره و لا یؤمن شرّه.

میخواهید شما را از بدان و نیکان تان خبر دهم؟ بهترین شما کسی است که بخیرش امید توان داشت و از شرش امان توان یافت و بدترین شما کسی است که بخیرش امید و از شرش امان نیست.

Shall I inform you of your worst and best ones? The best of you is the one whose good you can be hopeful about and from whose evil you can find a way out, and the worst of you is the one whose good

you cannot be hopeful about and from whose evil you cannot find a way out.

۴۶۲ ألا أخبركم بأيسر العبادة وأهونها على البدن؟ الصمت و حسن الخلق.

میخواهید شما را بعبادتی که از همه عبادتها بر بدن آسانتر است خبر دهم؟ سکوت و نیکخوئی.

Shall I inform you of the easiest acts of worship? Silence and good-naturedness.

۴۶۳ ألا أدلکم علی أشدکم؟ أملكکم عند الغضب.

میخواهید شما را بآن کس که از همه نیرومندتر است رهبری کنم؟ آنکه هنگام خشم بهتر خود را نگاه می‌دارد.

****سهل شیری دان که صف‌ها بشکند—شیر آن است که خود را بشکند (مولوی)**

Shall I inform you of the strongest people? Those who can reign their rage better than others.

۴۶۴ ألا أنبئک بشرّ الناس؟ من أکل وحده و منع رفده و سافر وحده و ضرب عبده، ألا أنبئک بشرّ من هذا؟ من یخشی شرّه و لا یرجى خیره ألا أنبئک بشرّ من هذا؟ من باع آخرته بدنیا غیره ألا أنبئک بشرّ من هذا؟ من أکل الدنیا بالدین.

میخواهی ترا از کسی که از همه مردم بدتر است خبر دهم؟ آن کس که تنها غذا خورد و بکسی چیزی ندهد و تنها سفر کند و بنده خویش را بزند، میخواهی ترا از کسی که بدتر از اوست خبر دهم؟

آنکه از شر او ترسند و بخیرش امید نداشته باشند میخواهی ترا از کسی که بدتر از اوست خبر دهم؟

آنکه آخرت خویش را بدنای دیگری فروشد میخواهی ترا از کسی که بدتر از اوست خبر دهم؟ آنکه بوسیله دین از دنیا بهره‌مند شود.

Shall I inform you of the worst of all people?. Those who eat food lonely, give nothing to anybody, travel alone and hit their servants. Shall I inform you of the one who is worse than them? Those whose evil people are worried about and in whom no goodness can be found out. Shall I inform you of those who are (even) worse than them? Those who exchange their eternal life for others' worldly life. Shall I inform you of those who are (even) worse? Those who sacrifice religion to enjoy the passing world.

٤٦٥ أَلَا أَعْلَمُكَ خِصَالَاتِ يَنْفَعُكَ اللَّهُ تَعَالَى بِهِنَّ؟ عَلَيْكَ بِالْعِلْمِ فَإِنَّ الْعِلْمَ خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ وَالْحِلْمَ وَزِيرُهُ وَالْعَقْلَ دَلِيلُهُ وَالْعَمَلَ قِيَمَهُ وَالرِّفْقَ أَبُوهُ وَاللِّينَ أَخُوهُ وَالصَّبْرَ أَمِيرَ جُنُودِهِ.

می خواهی صفاتی بتو بیاموزم که خداوند ترا بآنها منتفع سازد؟ دانش آموز که دانش دوست مؤمن است، بردباری (خویشتن داری) وزیر و پشتیبان او، عقل رهبر، عمل قیم، مدارا پدر، ملایمت برادر اوست و صبر امیر سپاه وی بشمار میرود.

Shall I teach you some virtues by which the Exalted God makes you profit? Acquire knowledge, for it is a friend of a believer, forbearance being his chancellor, wisdom his guide, action his guardian, moderateness his father, leniency his brother and patience, the commander of his army.

٤٦٦ أَلَا إِنَّ الْغَضَبَ جَمْرَةٌ تَوْقَدُ فِي جَوْفِ ابْنِ آدَمَ أَلَّا تَرُونَ إِلَى حَمْرَةٍ عَيْنِيهِ وَانْتِفَاحِ أُوْدَاجِهِ فَإِذَا وَجَدَ أَحَدَكُمْ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ فَالْأَرْضِ الْأَرْضِ.

بدانید که خشم آتشی است که در دل انسان مشتعل می شود؛ مگر نمی بینید که بهنگام خشم چشمهای او سرخ و رگهایش متورم می شود وقتی یکی از شما چنین شد روی زمین روی زمین! (مقصود آنست که شخص خشمگین بر زمین بنشیند تا آرام شود)

Know for sure that anger is a fire burning in man's heart. Do you not see the redness of his eyes and the inflammation of his veins when he is cross. When one of you happens to experience such a feeling, you should better take a sitting position.

٤٦٧ أَلَا إِنَّ النَّاسَ مِنْ آدَمَ وَآدَمَ مِنْ تَرَابٍ وَ أَكْرَمَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ.

بدانید که مردم از آدم پدید آمده اند و آدم از خاک و بزرگوارترین مردم در نظر خدا پرهیزکارترین آنهاست.

Know for sure that people are Adam's offspring, and Adam was created from soil. Verily, the most honored of them are the most virtuous.

٤٦٨ أَلَا إِنَّ بَنِي آدَمَ خَلَقُوا عَلَى طَبَقَاتٍ شَتَّى، مِنْهُمْ مَنْ يُولَدُ مُؤْمِنًا وَيَحْيَا مُؤْمِنًا وَيَمُوتُ مُؤْمِنًا وَمِنْهُمْ مَنْ يُولَدُ كَافِرًا وَيَحْيَا كَافِرًا وَيَمُوتُ كَافِرًا.

بدانید که مردم بر طبقات مختلف آفریده شده‌اند بعضی مؤمن متولد می‌شوند و مؤمن زندگی میکنند و مؤمن می‌میرند. بعضی دیگر کافر متولد می‌شوند و کافر زندگی میکنند و کافر می‌میرند بعضی کافر متولد میشوند و کافر زندگی میکنند ولی مؤمن می‌میرند.

Know for sure that sons of Adam have been created into different classes: some are born believers, living and dying as believers; some are born disbelievers, living and dying as disbelievers; and some are born disbelievers, living as disbelievers but dying as believers.

۴۶۹ أَلَا إِنَّ خَيْرَ الرَّجَالِ مَنْ كَانَ بَطِيءَ الْغَضَبِ سَرِيعَ الرَّضَا وَ شَرَّ الرَّجَالِ مَنْ كَانَ سَرِيعَ الْغَضَبِ بَطِيءَ الرَّضَا، فَإِذَا كَانَ الرَّجُلُ بَطِيءَ الْغَضَبِ بَطِيءَ الْفِيءِ وَ سَرِيعَ الْغَضَبِ سَرِيعَ الْفِيءِ فَإِنَّهَا بِهَا.

بدانید که بهترین مردان آنست که دیر بخشم آید و آسان خشنود شود و بدترین مردان آنست که زود بخشم آید و دیر خشنود شود، اگر مردی دیر بخشم آید و دیر خشنود شود یا زود بخشم آید و زود خشنود شود آنهم چیز است.

Know that the best of men is the one who becomes enraged hardly and gets pleased easily, and the worst of them is the one who gets pleased hardly and become enraged easily. If a man hardly becomes enraged and hardly gets pleased or easily becomes enraged and easily gets pleased, that is something in its own right.

۴۷۰ أَلَا إِنَّ خَيْرَ التَّجَارِ مَنْ كَانَ حَسَنَ الْقَضَاءِ حَسَنَ الطَّلَبِ وَ شَرَّ التَّجَارِ مَنْ كَانَ سَيِّئَ الْقَضَاءِ سَيِّئَ الطَّلَبِ فَإِذَا كَانَ الرَّجُلُ حَسَنَ الْقَضَاءِ سَيِّئَ الطَّلَبِ أَوْ كَانَ سَيِّئَ الْقَضَاءِ حَسَنَ الطَّلَبِ فَإِنَّهَا بِهَا.

بدانید که بهترین تاجران کسی است که خوش پرداخت و خوش طلب باشد و بدترین تاجران کسی است که بد پرداخت و بد طلب باشد اگر مردی خوش پرداخت و بد طلب یا بد پرداخت و خوش طلب باشد آنهم چیز است.

Know that the best businessman is the one who is good both in paying debts and demanding credits, and the worst is the one who is bad in both. If a man is good in the former but bad in the latter or vice versa, that is something in its own right.

۴۷۱ أَلَا إِنَّ عَمَلَ أَهْلِ الْجَنَّةِ حَزَنٌ بَرَبُوهُ أَلَا إِنَّ عَمَلَ أَهْلِ النَّارِ سَهْلٌ بِسَهْوَةٍ.

بدانید که کار اهل بهشت مانند آنست که از راه سختی بر تپه مرتفعی بالا روند و کار اهل جهنم مانند آنست که در سراشیب زمین همواری راه سپرند.

Verily, the direction of the deeds of the people of Paradise are like hardly going up an elevated hill full of rocks; while the deeds of the people of Hellfire are like walking easily on a sloping down compacted route.

۴۷۲ أَلَا رَبِّ مَكْرَمٌ لِنَفْسِهِ وَ هُوَ لَهَا مَهِينٌ أَلَا رَبِّ مَهِينٌ لِنَفْسِهِ وَ هُوَ لَهَا مَكْرَمٌ.

چه بسیار کسان که خود را عزیز میکنند و بحقیقت خوار می کنند و چه بسیار کسانی که خود را خوار میکنند و بحقیقت عزیز می کنند.

Many a man are there who experience humiliation through glorifying themselves, and many a man are there who experience honor by showing humility.

۴۷۳ أَلَا رَبِّ شَهْوَةٌ سَاعَةٌ أُورِثَتْ حَزَنًا طَوِيلًا.

چه بسیار لذت و شهوتی که باعث اندوه و رنج طولانی شده است!

Many a time an hour of indulging in lust has resulted in prolong sorrow!

۴۷۴ أَلَا رَبِّ قَائِمٌ لَيْسَ لَهُ مِنَ الْقِيَامِ إِلَّا السَّهْرُ وَ رَبِّ صَائِمٌ لَيْسَ لَهُ مِنَ صِيَامِهِ إِلَّا الْجُوعُ وَ الْعَطَشُ.

چه بسیار کسان که هنگام شب برای نماز بر می خیزند و از کار خود جز بیداری ثمری نمی برند و چه بسیار کسانی که روزه می گیرند و از روزه خویش جز گر سنگی و تشنگی سودی نمی برند.

Many a man are there whose vigilance at night avails them naught but wakefulness, and many a man are there whose fasting during the day avails them naught but thirst and hunger.

۴۷۵ أَلَا وَ إِنَّ فِي الْجَسَدِ مِضْغَةً إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ وَ إِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ أَلَا وَ هِيَ الْقَلْبُ.

بدانید که در تن قطعه گوشتی است که اگر صالح بود تمام تن بصالح آید و اگر فاسد بود تمام تن بفساد گراید، بدانید که آن قلب است.

Verily, there is a lump of flesh in the body, which will guide the whole body if guided right, but will ruin the whole body if misled, it is man's heart.

٤٧٦ ألا يا ربّ نفس طاعمة ناعمة في الدنيا جائعة عارية يوم القيامة. ألا يا ربّ نفس جائعة عارية في الدنيا طاعمة ناعمة يوم القيامة.

چه بسیار کسان که در این جهان سیر و خوشند و در روز رستاخیز گرسنه و برهنه‌اند و چه بسیار کسان که در این جهان گرسنه و برهنه‌اند و روز رستاخیز سیر و خوشند.

Many a man is satiated and pleased here but will be hungry and naked (poor) in the Hereafter, and many a man is hungry and naked here, but will be satiated and pleased in the Hereafter.

٤٧٧ ألا لا يمتنع رجلا مخافة الناس أن يقول الحق إذا علمه.

کسی که سخن حقی می‌داند نباید از بیم مردم از گفتن آن خودداری کند.

Fear of people should not stop a man telling the truth.

٤٧٨ ألا لا يخلون رجل بامرأة إلا كان ثالثهما الشيطان.

بدانید که هیچ مردی با زن نامحرم خلوت نمی‌کند جز آنکه سومی آنها شیطان است.

Know for sure that Satan is the third party to the illegitimate privacy of a man and a woman.

٤٧٩ البس جديدة و عش حميدا.

لباس نو بپوش و نیک‌نام بزی.

New dresses wear, and good fame (try to) bear.

٤٨٠ التمسوا الجار قبل شري الدار و الرفيق قبل الطريق.

پیش از خریدن خانه همسایه بجوئید و پیش از سفر رفیق بیابید.

****پس تو هم الجار ثم الدار گو- گر دلی داری، برو دلدار جو (مولوی)**

Choose your neighbor before buying a house, and find a friend before taking a trip.

٤٨١ التمسوا الرزق بالنكاح.

بوسيله زناشوئی روزی بجوئيد.

Seek (your) sustenance through marriage.

۴۸۲ التمس و لو خاتما من حديد.

جويا و طالب هدف خویش باش اگر چه انگشتری از جنس آهن باشد.

Seek (something), even if it is an iron ring.

۴۸۳ أَلْزَمُوا الْجِهَادَ تَصَحَّوْا وَ تَسْتَعْنُوا.

جهاد کنید تا سالم باشید و بی نیاز شوید.

Struggle (in the path of Deity), healthy and needless to be.

۴۸۴ اللَّهُ اللَّهُ فِيمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ أَلْبَسُوا ظُهُورَهُمْ. وَ أَشْبَعُوا بَطُونَهُمْ وَ أَلْبَسُوا لِهَيْمِ الْقَوْلِ.

در رفتار با بندگان خود خدا را در نظر داشته باشید، نشان را به پوشانید و شکمشان را سیر کنید و با آنها بملايتم سخن گوئيد.

Remember God in treating your servants. Dress them, feed them and talk to them gently.

۴۸۵ اللَّهُ اللَّهُ فِيمَنْ لَيْسَ لَهُ نَاصِرٌ إِلَّا اللَّهُ.

در باره کسی که جز خدا یاوری ندارد خدا را در نظر داشته باشید

Remember God as to the one who has no helper save Him.

۴۸۶ اللَّهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ.

تا هنگامی که شخص بیاری برادر خویش می پردازد خداوند یاور اوست.

God helps His servants as long as they help their brothers (in faith).

۴۸۷ اللَّهُ مَعَ الْقَاضِي مَا لَمْ يَجْرِ فَإِذَا جَارَ تَخَلَّى اللَّهُ عَنْهُ وَ لَزِمَهُ الشَّيْطَانُ.

خداوند یار قاضی است تا موقعی که ستم نکند، وقتی ستم کرد خدا او را رها میکند و شیطان قرین او می شود.

God helps a judge as long as he keeps away from tyranny, but as soon as he starts cruelty, He leaves him on his own and Satan joins with him thereof.

۴۸۸ اللهم اجعل أوسع رزقك عليّ عند كبر سنّي و انقطاع عمري.

خدایا روزی مرا هنگام پیری و واپسین زندگانی بیشتر از مواقع دیگر وسعت ببخش.

O God! Expand Your sustenance for me in old age and last days of my life.

۴۸۹ اللهم اجعلني أخشاك حتّى كأنّي أراك و اسعدني بتقواك و لا تشقني بمعصيتك و خر لي في قضائك و بارك لي في قدرك حتّى لا أحبّ تعجيل ما أخرت و لا تأخير ما عجلت و اجعل غنای في نفسي.

خدایا مرا چنان از ذات خود ترسان کن که گوئی ترا می بینم و مرا بپرهیزکاری خود خوشبخت کن و بنافرمانی خود بدبخت مکن قضای خود را برای من انتخاب کن و تقدیر خود را بر من مبارک کن که نخواهم آنچه را مؤخر کرده‌ای مقدم کنی یا آنچه را مقدم داشته‌ای مؤخر کنی و ثروت مرا در روجم مستقر کن.

O God! Make me fear You (in such a way) as if you were in my view's God! Grant me felicity through piety and spare me adversity due to disobeying Thee. O God! Determine for me your (good) destiny and bless me with your decree, so that I would not like to ask you for a change in what you have put first or last. O God! Enrich my soul.

۴۹۰ اللهم اجعلني شكورا و اجعلني صبورا و اجعلني في عيني صغيرا و في أعين الناس كبيرا.

خداوندا مرا شاکر و صابر کن و مرا در چشم خویش خوار و در نظر مردم بزرگوار کن.

O God! Make me thankful, patient, insignificant in my own sight and great in people's.

۴۹۱ اللهم اجعلني من الذين إذا أحسنوا استبشروا و إذا أسأوا استغفروا.

خدایا مرا از جمله کسانی قرار ده که وقتی نیکی کنند خوشحال میشوند و وقتی بد کنند آمرزش می طلبند.

O God! Place me among those who feel happy when doing good and seek forgiveness when doing wrong.

۴۹۲ اللهم اغفر لي ذنبي و وسّع لي في داري و بارك لي في رزقي.

خدایا گناه مرا ببخش و خانه مرا وسعت بخش و روزی مرا افزون کن.

O God! Forgive my sins, expand my house and bestow your blessing on my sustenance.

۴۹۳ اللهم أحسن عاقبتنا في الامور كلها و أجرنا من خزي الدنيا و عذاب الآخرة.

خدایا در همه کارها عاقبت ما را بخیر کن و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت نگهدار.

O God! Grant us a good ending in all affairs, and save us from humiliation here and chastisement in the Hereafter.

۴۹۴ اللهم احفظني بالإسلام قائما و احفظني بالإسلام قاعدا و احفظني بالإسلام راقدا و لا تشمت بي عدوا و لا حاسدا اللهم إني أسألك من كل خير خزائنه بيدك و أعود بك من كل شر خزائنه بيدك.

خدایا مرا هنگام خفتن و ایستادن و نشستن بوسیله اسلام حفظ کن و مرا به سرزنش دشمن و حسود مبتلا مساز، خدایا همه نیکی‌هایی که گنجینه آن را بدست داری از تو می‌خواهم و از همه بدیهائی که گنجینه آن را بدست داری بتو پناه می‌برم.

God! Save me through Islam in sleeping, sitting and standing (positions), and save me from the blames of the jealous and envious fellows. God! I ask you to give me of all the good the treasures of which you keep and I take refuge in you of all the evils the treasures of which you hold.

۴۹۵ اللهم أحييني مسكينا و توقني مسكينا و احشرنى في زمرة المساكين و إن أشقى الأتقياء من اجتمع عليه فقر الدنيا و عذاب الآخرة.

خدایا مرا در زندگی فقیر دار و فقیر بمیران و در صف فقیران محشور ساز، بدبخت‌تر از همه بدبختان کسی است که فقر دنیا و عذاب آخرت را با هم داشته باشد.

O God! Make me live a poor life, die as a poor man and associate with the poor in the Hereafter. The most wretched of all the wretched is the one who conjoins worldly poverty with otherworldly punishment.

۴۹۶ اللهم أصلح ذات بيننا و ألف بين قلوبنا و اهدنا سبل السلام و نجنا من الظلمات إلى النور و جنبنا الفواحش ما ظهر منها و ما بطن. اللهم بارك لنا في أسماعنا و أبصارنا و قلوبنا و أزواجنا و ذرياتنا و تب علينا إنك أنت التواب الرحيم.

خدایا میان ما را اصلاح ده و دل‌های ما را متفق ساز و ما را بآرامش هدایت کن و از تاریکی‌ها بسوی روشنی رهایی بخش و از زشتی‌های آشکار و نهان دور ساز، خدایا گوشها و چشمها و دلها و زنها و فرزندان ما را مبارک گردان و توبه ما را بپذیر زیرا تو توبه پذیر و مهربانی.

O God! Make it up among us, unite our hearts, lead us to peace (of mind), and guide us from darkness towards light and save us from overt and covert indecencies God! Bless our ears, eyes, hearts, wives and children and accept our repentance, for you are assuredly the Merciful one who accepts repentance.

۴۹۷ اللهم ارزقني عينين هطالتين تشفيان القلب بذروف الدموع من خشيتك قبل أن تكون الدموع دما و الأضراس جمرا.

خدایا مرا دو چشم اشکبار بخش که دل را از ریزش اشگهائی که از بیم تو میریزد شفا بخشند پیش از آن که اشگها خون و دندان‌ها آتش شود.

****ور نماند (نمانم) آب، آبم ده ز عین-همچو عینین نبی هطالتین (مولوی)**

O God! Grant me two tearful eyes to cure my heart through tears shed out of your fear, before tears turn into blood and teeth into fire.

۴۹۸ اللهم أصلح لي ديني الذي هو عصمة أمري. و أصلح لي دنياي التي فيها معاشي و أصلح لي آخرتي التي فيها معادي و اجعل الحياة زيادة لي في كل خير و اجعل الموت راحة لي من كل شر.

خدایا دین مرا که حافظ کار من است و دنیای مرا که زندگی من در آنست و آخرت مرا که باز گشتم بسوی آنست بصلاح آر زندگی را برای من مایه افزایش نیکیها ساز و مرگ را برای من مایه آسایش از بدیها کن.

O God! Improve my faith for it saves my affairs, improve my worldly life for in it my sustenance lies and improve my eternal life for towards it is my return's God! Conjoin my life with increase of the good, and my death with relief from all evils.

۴۹۹ اللهم أعني على غمرات الموت و سكرات الموت.

خدایا مرا بر تحمل سختیها و رنجهای مرگ کمک کن.

O God! Befriend me to put up with the pains and agonies of death.

۵۰۰ اللهم اغفر لي ذنبي و وسع لي في داري و بارك لي في رزقي.

خدایا گناه مرا ببخش و خانه‌ام را وسعت بخش و روزی مرا برکت ده.

O God! Forgive my sins, expand my house and bestow your blessing on my sustenance.

۵۰۱ اللهم اغفر لي خطيئتي و جهلي و إسرافي في أمري و ما أنت أعلم به مني. اللهم اغفر لي خطئي و عمدي و هزلي و جدتي و كل ذلك عندي. اللهم اغفر لي ما قدمت و ما أخرت و ما أسررت و ما أعلنت.

خدایا از گناه و جهالت و افراط کاری من و آنچه بهتر از من میدانی در گذر. خدایا خطا و عمد و شوخی و جدی من همه را ببخش. خدایا گناهان گذشته و آینده و نهان و عیان مرا عفو کن.

O God! Forgive my sins, ignorance, trespassing and what you know of me better than I do God! Forgive my all intentional and non-intentional slips, my serious and non-serious acts (& sayings) and all my faults. O God! Forgive my past and future sins and my overt and covert ones.

۵۰۲ اللهم أغنني بالعلم و زيني بالحلم و أكرمني بالتقوى و جملني بالعافية.

خدایا مرا به علم توانگر ساز و به حلم (=خویشتن داری) زینت بخش و بتقوی عزیز کن و بعافیت زیبائی ده.

O God! Enrich me with knowledge, adorn me with forbearance, endear me with piety and beautify me with health.

۵۰۳ اللهم اقسم لنا من خشيتك ما تحول بيننا و بين معاصيك و من طاعتك ما تبلغنا به جنتك و من اليقين ما يهون علينا مصيبات الدنيا. و متعنا بأسماعنا و أبصارنا و قوتنا ما أحببنا و اجعله الوارث منا و اجعل ثارنا على من ظلمنا و انصرنا على من عادانا و لا تجعل مصيبتنا في ديننا و لا تجعل الدنيا أكبر همنا و لا مبلغ علمنا و لا تسلط علينا من لا يرحمنا.

خدایا از ترس خود آنقدر نصیب ما ساز که میان ما و نافرمانی تو حایل شود و از اطاعت خود آنقدر که ما را بی‌بهرت برساند و از یقین آنقدر که مصیبت‌های جهان را بر ما آسان کند و ما را تا هنگامی که زنده میداری از چشم و گوش و نیروی خود بهره‌ور ساز و آن را تا آخرین لحظه برای ما محفوظ دار و انتقام ما را از کسانی که بما ستم کرده‌اند بگیر و ما را بر کسانی که با ما دشمنی میکنند فیروز ساز و مصیبت ما را در دینمان قرار مده و کار دنیا را بزرگترین غم ما و نهایت دانشمان مساز و کسی را که بر ما رحم نمیکند بما مسلط مگردان.

O God! Provide us with such a fear (of You) that saves us from disobedience to You, such an obedience (of You) that entitles us to Paradise, and such a certainty that renders worldly disasters easy for us.(O God!) make us avail ourselves from our ears, eyes and

power as long as You keep us alive and to the last moment of our life, avenge those who oppressed us, give us victory over our enemies, let not our calamities be those of our faith and our greatest sorrows be for worldly affairs, let not our knowledge end in materiality and the merciless our rulers be.

۵۰۴ اللهم أنت خلقت نفسي و أنت توفّيها لك مماتها و محياها إن أحييتها فاحفظها و إن أمتها فاغفر لها. اللهم إني أسألك العافية.

خدایا تو جان مرا آفریدی و تو آن را میگیری زندگی و مرگ آن متعلق بتو است اگر زندهاش داشتی محفوظش دار و اگر دچار مرگش ساختی بر او ببخش. خدایا من از تو عافیت میخواهم.

O God! You created my soul and You make it die, its life and death are Yours. If You keep it alive, save it and if You make it die, forgive it. O God! I beseech You to grant me health and safety.

۵۰۵ اللهم انفعني بما علمتني و علمني ما ينفعني و زدني علما.

خدایا مرا بآنچه تعلیم دادهای منتفع کن و آنچه را برای من نافع است بمن بیاموز و دانش مرا فزون کن.

O God! Make me benefit from what You have taught me, teach me what is of benefit to me and increase my knowledge.

۵۰۶ اللهم إني أسألك الهدى و التقى و العفاف و الغنى.

خدایا من از تو هدایت و تقوی و عفت و بی نیازی میخواهم.

O God! I beseech you to grant me guidance, virtue, chastity and needlessness.

۵۰۷ اللهم إني أسألك صحه في إيمان و إيمانا في حسن خلق و نجاحا يتبعه فلاح.

خدایا من از تو صحتی میخواهم که قرین ایمان باشد و ایمانی که با نیک خوئی همراه باشد و موفقیتی که رستگاری دنبال آن باشد.

O God! I beseech You to grant me health coupled with faith, faith coupled with good-temperedness and safety accompanied by prosperity.

۵۰۸ اللهم إني أسألك من الخير كله ما علمت و ما لم أعلم و اعوذ بك من الشر كله ما علمت منه و ما لم أعلم.

خدایا من نیکی‌هایی را که می‌دانم و نمیدانم از تو میخواهم و از بدیهائی که میدانم و نمی‌دانم بتو پناه می‌برم.

O God! I beseech You to grant me the good which I know and which I know not, and I take refuge in You from the evil which I know and I know not.

۵۰۹ اللهم اني أعوذ بك من البرص و الجنون و الجذام و من سيئ الأسقام.

خدایا من از برص و دیوانگی و خوره (=جذام) و امراض بد بتو پناه می‌برم.

O God! I take refuge in You from vitiligo, insanity, leprosy and (all) bad diseases.

۵۱۰ اللهم اني أعوذ بك من العجز و الكسل و الجبن و البخل و الهرم و القسوة و الغفلة و العيلة و الذلة و المسكنة و أعود بك من الفقر و الكفر و الفسوق و الشقاق و التفاق و السمعة و الرياء و أعود بك من الصمم و البكم و الجنون و الجذام و البرص و سيئ الأسقام.

خدایا من از ناتوانی و تنبلی و ترس و بخل و پیری و سنگدلی و غفلت و تنگدستی و ذلت و مستمندی بتو پناه می‌برم و از فقر و کفر و فسق (=نافرمانی حق) و اختلاف و نفاق و سُمعه (=شهرت طلبی) و ریا بتو پناه می‌برم و از کُری و کنگی و دیوانگی و خوره (=جذام) و برص (=پسی) و امراض بد بتو پناه می‌برم.

O God! I take refuge in You from weakness, laziness, fear, misery, old age, hard-heartedness, negligence and poverty, I take refuge in You from poverty, infidelity, dishonesty, hypocrisy, fame-seeking and dissimulation, and I take refuge in You from deafness, dumbness, madness, leprosy, vitiligo and (all) bad diseases.

۵۱۱ اللهم اني أعوذ بك من العجز و الكسل و الجبن و البخل و الهرم و أعود بك من عذاب القبر و أعود بك من عذاب النار و أعود بك من فتنة المحيا و الممات.

خدایا از ناتوانی و تنبلی و ترس و بخل و پیری بتو پناه می‌برم و از عذاب قبر بتو پناه می‌برم و از عذاب جهنم بتو پناه می‌برم و از رسوائی در زندگی و مرگ بتو پناه می‌برم.

O God! I take refuge in You from weakness, laziness, fear, misery and old age, I take refuge in You from chastisement in the grave and punishment in Hell, and I take refuge in You from disgracing trials in life and in death.

۵۱۲ اللهم اني أعوذ بك من الفقر و القلة و الذلة و أعود بك من أن أظلم أو أظلم.

خدایا از فقر و تنگدستی و ذلت بتو پناه میبرم و از ستمگشی و ستمگری بتو پناه میبرم.

O God! I take refuge in You from poverty, neediness and hopelessness, and from being oppressed or being an oppressor.

۵۱۳ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْهَرَمِ وَالْمَأْتَمِ وَالْمَغْرَمِ وَمِنْ فِتْنَةِ الْقَبْرِ وَعَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنْ فِتْنَةِ النَّارِ وَعَذَابِ النَّارِ وَمِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْغِنَى وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْفَقْرِ.

خدایا از تبلی و پیری و گناه و قرض و بلیه قبر و عذاب قبر و بلیه جهنم و عذاب جهنم و بلیه ثروت و بلیه فقر بتو پناه میبرم.

O God! I take refuge in You from laziness, old age, wrongdoing, debt, and the blight and chastisement in grave, the blight and chastisement of Hell, the blight of indigence and that of affluence.

۵۱۴ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَارِ السَّوِّءِ فِي دَارِ الْمَقَامَةِ فَإِنَّ جَارَ الْبَادِيَةِ يَتَحَوَّلُ.

خدایا از همسایه بد در خانه اقامت بتو پناه میبرم زیرا همسایه صحرا بزودی تغییر مییابد.

O God! I take refuge in You from a bad neighbor in my permanent abode, for the neighbor of desert will soon change place.

۵۱۵ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ خَلِيلٍ مَأْكُرٍ عَيْنَاهُ تَرِيَانِي وَ قَلْبُهُ يَرَعَانِي إِنْ رَأَى حَسَنَةً دَفَنَهَا وَإِنْ رَأَى سَيِّئَةً أَدَاعَهَا.

خداوند! بتو پناه میبرم از دوست حيله باز که دیدگانش مرا میبیند و دلش مراقب منست، اگر نیکی به بیند مستور سازد و اگر بدی ببیند مشهور سازد.

O God! I take refuge in You from a deceitful friend, whose eyes watch me out and whose heart is on the track of me, seeing good, he will hide it and discovering evil, he will spread it out.

۵۱۶ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ وَ تَحَوُّلِ عَافِيَتِكَ وَ فَجْأَةِ نِقْمَتِكَ وَ جَمِيعِ سَخَطِكَ.

خدایا از زوال نعمت و تغییر عافیت و غضب ناگهانی و همه چیزهائی که مایه ناخشنودی شدید تو است بتو پناه میبرم.

O God! I take refuge in You from the decline of Your blessings, the reversal of health, Your sudden wrath, and all the things which give rise to Your dissatisfaction.

۵۱۷ اللهم اني أعوذ بك من علم لا ينفع و عمل لا يرفع، و دعاء لا يسمع.

خدایا از دانشی که سود ندهد و عملی که مقبول نیفتد و دعائی که شنیده نشود بتو پناه میبرم.

O God! I take refuge in You from the knowledge with no use, the action not accepted and the prayer not granted.

۵۱۸ اللهم اني أعوذ بك من علم لا ينفع و قلب لا يخشع و دعاء لا يسمع و نفس لا تشبع أعوذ بك اللهم من شرّ هؤلاء الأربع.

خدایا از دانشی که سود ندهد و دلی که فروتنی (برابر پروردگار) ندارد و دعائی که شنیده نشود و نفسی که سیری نپذیرد بتو پناه میبرم. خدایا از این چهار چیز بتو پناه میبرم.

O God! I take refuge in You from useless knowledge, immodest heart, prayers not accepted and the greedy soul. O God! I take refuge in you from the evil of these four (things).

۵۱۹ اللهم اني أعوذ بك من غلبة الدين و غلبة العدو و شماتة الأعداء.

خدایا از چیرگی قرض و غلبه دشمن و سرزنش مخالفان بتو پناه میبرم.

O God! I take refuge in You from overwhelming excessive debts, the victory of enemies and the taunting of opponents.

۵۲۰ اللهم اني أعوذ بك من فتنة النساء و أعوذ بك من عذاب القبر.

خدایا از فتنه زنان بتو پناه میبرم و از عذاب قبر بتو پناه میبرم.

O God! I take refuge in You from the seditions of women and the chastisement in grave.

۵۲۱ اللهم اني أعوذ بك من منكرات الأخلاق و الأعمال و الأهواء و الأدواء.

خدایا از اخلاق بد و اعمال بد و هوسهای بد و مرضهای بد بتو پناه میبرم.

O God! I take refuge in You from bad morals, evil deeds, sinful desires and dangerous diseases.

۵۲۲ اللهم اني أعوذ بك من يوم السوء و من ليله السوء و من ساعه السوء و من صاحب السوء و من جار السوء في دار المقامة.

خدایا از روز بد و شب بد و ساعت بد و یار بد و همسایه بد در خانه اقامت بتو پناه می‌برم.

O God! I take refuge in You from ill-omened days, nights and hours, from bad friends, and from undesirable neighbors in the permanent abode.

۵۲۳ اللهم بارک لامتی فی بکورها.

خدایا سحر خیزی را بر امت من مبارک ساز.

O God! Make early rising blessed for my nation.

۵۲۴ اللهم بعلمک الغیب و قدرتک علی الخلق أحنینی ما علمت الحیاء خیرا لی و توقنی إذا علمت الوفاء خیرا لی، اللهم و أسألك خشیتک فی الغیب و الشهادة و أسألك کلمة الإخلاص فی الرضا و الغضب و أسألك القصد فی الفقر و الغنی.

خدایا ترا به غیب دانی و قدرتی که بر آفرینش داری سوگند می‌دهم تا موقعی که زندگی را برای من بهتر میدانی مرا زنده نگهدار و موقعی که مرگ را برای من بهتر میدانی مرا بمیران خدایا از تو می‌خواهم که ترس خود را در آشکار و نهان نصیب من کنی و در حال خشنودی و خشم کلمه اخلاص را بزبان من جاری نمائی و در حال فقر و توانگری میانه روی را شعار من سازی.

O God! I swear you by Your unseen knowledge and Your power in creation to keep me alive as long as You see life to my good and make me die as long as You see death to my good's God! I beseech You to grant me the fear of You in public and privacy, to bestow on me sincere expression in pleasure and displeasure (anger), and to confer on me moderation in richness and poverty.

۵۲۵ اللهم ربنا آتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النار.

***آتنا فی دارِ دُنْیانا حَسَنًا - آتنا فی دارِ عَقْبانا حَسَنًا (مولوی)**

خدایا پروردگارا، در دنیا و آخرت بما نیکی بخش، و ما را از عذاب جهنم محفوظ دار.

O God, Our Lord! Bestow upon us good here and good in the Hereafter, and save us from the torment of Fire.

۵۲۶ اللهم زدنا و لا تنقصنا و أکرمنا و لا تهنا، و أعطنا و لا تحرمنا و آثرنا و لا تؤثر علینا و أرضنا و ارض عنا.

خدایا ما را بیفزای و دچار نقص مساز ما را گرامی دار و خوار مکن ما را عطا ده و محروم مساز و ما را برتری ده و کسی را بر ما برتری مده ما را خشنود ساز و از ما خشنود باش.

O God! Add something to us and reduce not (anything) from us, keep us in honor and make us not humiliated, bestow (something) on us and deprive us not of (anything), give us superiority (to others) and subject us not to others' superiority, and make us pleased and be pleased with us.

۵۲۷ اللهم عافني في بدني. اللهم عافني في سمعي. اللهم عافني في بصري. اللهم إني أعوذ بك من الكفر و الفقر. اللهم إني أعوذ بك من عذاب القبر، لا إله إلا أنت.

خدایا تن مرا سالم دار. خدایا گوش مرا سالم دار. خدایا چشم مرا سالم دار. خدایا از کفر و فقر بتو پناه می برم. خدایا از عذاب قبر بتو پناه میبرم، خدائی جز تو نیست.

O God! Grant me health of body, ears and eyesight. God! I take refuge in You from poverty and blasphemy and from the chastisement in grave. There is no god but You.

۵۲۸ اللهم كما حسنت خلقي فحسن خلقى.

خدایا چنان که صورت مرا نیک کردی سیرتم را نیز نیک کن.

O God! Beautify my temper as You beautified my face.

۵۲۹ اللهم لا تكلني إلى نفسي طرفه عين و لا تنزع مني صالح ما أعطيتني.

خداوند! یک لحظه مرا بخودم وامگذار و چیزهای خوبی که بمن بخشیده‌ای از من باز مگیر.

O God! Leave me not on my own for a twinkling of an eye, and deprive me not of the best of Your gifts.

۵۳۰ اللهم من ولي من أمر أمتي شيئا فشق عليهم فاشق عليه و من ولي من أمر أمتي شيئا فرفق بهم فرفق به.

خدایا هر کس عهده‌دار کار امت من شد و بر آنها سخت گرفت بر او سخت گیر و هر کس عهده‌دار کار امت من شد و با آنها مدارا کرد با او مدارا کن.

O God! Be hard on the leaders who are hard on my people, and treat with moderation those leaders who treat my people in like manner.

۵۳۱ الهوا و العبوا فإنّی أكره أن یری فی دینکم غلظة.

تفریح کنید و بازی کنید زیرا دوست ندارم که در دین شما خشونت دیده شود.

Amuse yourselves with plays and recreations, for I dislike watching violence in your religion.

۵۳۲ أما إنّ العریف یدفع فی النار دفا.

شخص غیب گو در جهنم رانده می شود.

Verily, fortune tellers will be expelled to Hell.

۵۳۳ أما إنّ ربك یرب المدح.

پروردگار تو ستایش را دوست دارد.

****چون که آن خلاق، شکر و حمد جوست—آدمی را مدح جویی نیز جوست**

این پیامبر گفت چون بشنید قدح—که چرا فربه شود احمد به مدح (مولوی)

Verily, your Lord is pleased with (your) praises.

۵۳۴ أما ترضی إحدانك أنّها إذا كانت حاملا من زوجها و هو عنها راض أن لها مثل أجر الصائم القائم فی سبیل الله فإذا وضعت لم یخرج من لبنها جرعة و لم یمصّ من ثديها مصّة إلا كان لها بكلّ جرعة و بكلّ مصّة حسنة، فإن أسهرها لیلة كان لها مثل أجر سبعین رقبة تعتقهم فی سبیل الله.

آیا خشنود نیستید که وقتی یکی از شما از شوهر خود آبتن است و شوهرش از او خشنود است ثواب کسی که را دارد که روزها روزه بگیرد و شبها برای عبادت خدا پیا خیزد و هنگامی که بار گذارد هر جرعه ای که از شیر او در آید و هر دفعه که پستان او مکیده شود برای هر جرعه شیر و هر مکیده شدن پستان ثوابی دارد، و اگر برای مراقبت طفل خود شبی بیدار ماند پاداش او چنانست که هفتاد بنده در راه خدا آزاد کرده باشد.

Are you (women) not pleased that when one of you becomes pregnant of her husband and he is satisfied with her, she will be rewarded the reward of the one who keeps fast in the morning and rises at night for worship of God, and when she gives birth to a child, she will be offered a reward for each drop of milk she produces and for each time her breast is sucked, and if she keeps

awake one night to look after her child, she will be given the reward of releasing seventy slaves for God's sake?

۵۳۵ أما علمت أن الإسلام يهدم ما كان قبله و أن الهجرة تهدم ما كان قبلها و أن الحج يهدم ما كان قبله؟

آیا نمیدانی که اسلام آنچه را پیش از آن بوده محو میکند و هجرت آنچه را پیش از آن رخ داده از میان می برد و حج آنچه را پیش از آن بوده نابود میسازد؟

Do not you know that Islam, Migration (to Medina) and Hajj destroy whatever has been practiced prior to them?

۵۳۶ أما أهل النار الذين هم أهلها فإنهم لا يموتون فيها و لا يحيون و لكن ناس أصابتهم النار بذنوبهم فأمااتهم إمامته حتى إذا كانوا فحما أذن بالشفاعة فجاء بهم ضائر ضائر فبثوا على أنهار الجنة ثم قيل يا أهل الجنة أفيضوا عليهم فينبتون نبات الجنة تكون في حميل السيل.

جهنمیان که در جهنم ماندنی هستند در آن مرگ و زندگی ندارند ولی مردمی که بواسطه گناهان خود جهنمی شده اند در جهنم می میرند و همین که ذغال شدند اجازه شفاعت داده می شود و آنها را گروه گروه می آورند و بکنار نهرهای بهشت میاندازند سپس به بهشتیان گویند آب بر آنها بریزید و آنها چون دانه ای که در گذرگاه سیل باشد از نو میرویند.

****نخم مایه آتشت شاخ تر است—سوخته آتش قرین کوثر است (مولوی)**

****هر که را سوزید دوزخ در قود—من برویانم دگر بار از جسد**

کار کوثر چیست که هر سوخته—گردد از وی نابت و اندوخته؟ (مولوی)

****هر که را سوزید دوزخ در قود—من برویانم دگر بار از جسد**

کار کوثر چیست که هر سوخته—گردد از وی نابت و اندوخته (مولوی)

The people of the Fire will neither enjoy life nor death, but those who have been put to Hell due to their sins, will die therein and as soon as burnt into coal, they will be led to (the righteous ones') intercession and thus, they will be carried in groups and left at Paradise streams border. Then, the dwellers of Paradise will be asked to pour water on them, and thus they will grow afresh as seeds left in the pathway of flood.

۵۳۷ أما بعد ألا أيها الناس فإنما أنا بشر يوشك أن يأتي رسول ربّي فاجيب و أنا تارك فيكم ثقلين أولهما كتاب الله فيه الهدى والنور من استمسك به و أخذ به كان على الهدى و من أخطأه ضلّ فخذوا بكتاب الله تعالى و استمسكوا به و أهل بيتي أذكركم الله في أهل بيتي. أذكركم الله في أهل بيتي.

اما بعد ای مردم من بشری هستم که نزدیکست فرستاده خدا پیش من آید و دعوت او را اجابت کنم دو چیز سنگین میان شما میگذارم یکی کتاب خداوند که در آن هدایت و نور است و هر کس بدان چنگ زند و آن را بگیرد قرین هدایت است و هر کس آن را رها کند گم راه می شود، کتاب خدا را بگیرد و بدان چنگ زنید؛ و خانواده من، در باره خانواده ام خدا را بیاد شما می آورم در باره خانواده ام خدا را بیاد شما می آورم.

O people! Verily, I am a human being who will meet the messenger of my Lord in near future and follow his call (i.e. die). I leave with you two grand things: the Book of God and my Household. The former abounds in light and guidance. Whoever grasps at it and grip it, will be guided truly and whoever falls short in that, will go astray. So, grasp at the Exalted God's Book and (try to) grip it. As to the latter, I remind you of God! I remind you of God!

۵۳۸ أما بعد فإن الدنيا خضرة حلوة و إن الله مستخلفكم فيها فانظروا كيف تعملون فاتقوا الدنيا و اتقوا النساء فإن أول فتنة بني إسرائيل كان في النساء.

اما بعد دنیا سبز و شیرین است و خداوند شما را در آن جای داده و نگران است که چگونه رفتار میکنید، از دنیا بپرهیزید و از زنان نیز بپرهیزید زیرا نخستین گمراهی یهودان در خصوص زنان بود.

Verily, the world is green and sweet, and God has made you (His) caliphs in it. He watches you to see how you act. Thus, as to the world, keep yourself intact and from women refrain, for the Sons of Israel's troubles began with matters concerning women.

۵۳۹ أما بعد فما بال العامل نستعمله فيأتينا فيقول هذا من عملكم و هذا أهدي إليّ، أفلا قعد في بيت أبيه و أمه فينظر هل يهدي له أم لا؟

اما بعد چرا کسی که ما کاری بدو میسپاریم، وقتی از مأموریت خود بیاید گوید اینها را برای شما وصول کردم و اینها را بمن هدیه داده اند، چرا در خانه پدر و مادر خود نشست تا ببیند هدیه ای باو میدهند یا نه؟

How is it that when one of our agents returns to us says, "I have collected this for you and I have been gifted that?" If so, why did he not stay in his father's and mother's house to see whether people gift him or not?

۵۴۰ امرأة ولود أحب إلى الله تعالى من امرأة حسناء لا تلد إني مكاثر بكم الامم يوم القيامة.

زنی که فرزند بسیار آرد در پیش خداوند از زن زیبائی که فرزند نمی آرد بهتر است من در روز قیامت بفرزونی شما افتخار می کنم.

Fertile woman near God has higher position than beautiful infertile woman, for I pride myself over other prophets for the largeness of your population.

۵۴۱ أمر بين أمرين و خير الامور أوساطها.

راهی میان افراط و تفریط است و بهترین کارها میانه رویست.

Another preferable way is there besides going to extremes, i.e. being moderate in one's deeds.

۵۴۲ أمر النساء إلى آبائهن و رضاهن السكوت.

کار زنان بدست پدرهایشان است و رضایت آنها سکوت است.

Girls' consent (in marriage) should be sought from their fathers, and silence is their consent.

۵۴۳ أمرت بالسواك حتى خشيت أن يكتب عليّ.

مرا آنقدر بمسواک زدن فرمان دادند که ترسیدم مسواک زدن بر من واجب شود.

I was so much advised to brush my teeth that I got scared lest it might become obligatory for me.

۵۴۴ أمرت بالسواك حتى خفت على أسناني.

مرا آنقدر بمسواک زدن فرمان دادند که بر دندانهای خود بیمناک شدم.

I was so much advised to brush my teeth that I got scared of putting them to harm.

۵۴۵ أمط الأذى عن طريق المسلمين تكثر حسناتك.

مانع از راه مسلمانان دور کن تا حسنات تو بسیار شود.

Release Muslims, from their trouble and let your good deeds increase.

۵۴۶ أمك، أمك، ثم أمك، ثم أباك، ثم الأقرب فالأقرب.

مادر خود، مادر خود، مادر خود را رعایت کن، سپس پدر خود را و پس از آن کسانی را که بتو نزدیکترند.

Mind your mother, your mother, your mother, then mind your father and then, your close relatives.

۵۴۷ املک یدک.

دست خویش را نگهدار.

Keep your hands under control.

۵۴۸ املک علیک لسانک.

زبان خویش را نگهدار.

Keep your tongue under control.

۵۴۹ إملاء الخیر خیر من السکوت و السکوت خیر من إملاء الشرّ.

القای خیر از خاموشی بهتر و خاموشی از القای شر برتر است.

Calling to good weighs over silence, and silence weighs over calling to evil.

۵۵۰ أمنک من عتیک.

هر که ترا سرزنش کرد از کینه خویش ایمن ساخت.

He who criticizes you, saves you (from his evil).

۵۵۱ أنا أفصح العرب.

من از همه مردم عرب فصیح‌ترم.

I am the most eloquent Arab.

۵۵۲ أنا الشاهد على الله أن لا يعثر عاقل إلا رفعه ثم لا يعثر إلا رفعه ثم لا يعثر إلا رفعه حتى يجعل مصيره إلى الجنة.

من از طرف خدا تعهد میکنم که عاقلی نلغزد مگر آنکه خدا او را بلند کند پس از آن نلغزد مگر آنکه او را بلند کند پس از آن نلغزد مگر او را بلند کند تا سر انجام او را بهشت بکشاند.

I assure (you) on behalf of God that each time a wise man makes a mistake, he is upgraded by God (repeated 4 times by Prophet [PBUH]), so that he finally joins Paradise.

۵۵۳ أنا النذير و الموت المغير و الساعة الموعد.

من بیم‌دهنده‌ام و مرگ یغماگر است و رستاخیز وعده‌گاه.

I am a warner, death is a plunderer and Resurrection, a meeting place.

۵۵۴ إن أحببتم أن يحبكم الله و رسوله فادوا إذا ائتمنتم و اصدقوا إذا حدثتم و أحسنوا جوار من جاوركم.

اگر میخواهید که خدا و پیغمبر شما را دوست بدارند وقتی امانتی به شما سپردند رد کنید و همین که سخن می‌گوئید راست گوئید و با همسایگان خود به نیکی رفتار کنید.

If you seek the love of God and that of the Prophet, return the things given to you in trust, be honest in speaking and treat your neighbors well.

۵۵۵ انتظار الفرج بالصبر عبادة.

انتظار گشایش که با صبر قرین باشد عبادت است.

**** گفت ای نور حق و دفع حرج – معنی الصبر مفتاح الفرج (مولوی)**

**** صبر، شیرین از خیال خوش شده ست – کأن خیالات فرج پیش آمده ست (مولوی)**

**** عاقبت جوینده یابنده بود – که فرج از صبر زاینده بود (مولوی)**

Awaiting betterment (in life), is servitude to God if coupled with patience.

**** He said (also), “O light of God and defence against trouble, (O thou who art) the meaning of ‘Patience is the key of joy’!(Mowlavi)**

۵۵۶ انتظار الفرج من الله عبادة و من رضى بالقليل من الرزق رضى الله تعالى منه بالقليل من العمل.

انتظار گشایش از جانب خداوند عبادتست و هر که بروزی اندک راضی باشد خداوند از او بعبادت اندک راضی می شود.

****عاقبت جوینده یابنده بود—که فرج از صبر زاینده بود (مولوی)**

Expecting betterment (in life) from God is servitude to Him, and God will be pleased with the little servitude of the one who is pleased with his little sustenance.

۵۵۷ أنتم على بينة من ربكم ما لم تظهر منكم سكرتان سكرة الجهل و سكرة حب الدنيا.

تا هنگامی که مستی نادانی و مستی دنیاپرستی از شما پدیدار نشود بخداوند خویش اطمینان دارید.

So long as the drunkenness of ignorance and that of the love of the world do not appear in you, you can be sure about your Lord.

۵۵۸ أنت و ما لك لأبيك.

تو و آنچه داری متعلق پدیرت هستید.

You and whatever you own belong to your father.

۵۵۹ أنزلوا الناس منازلهم من الخير و الشرّ.

مردم را در مقام خودشان از بدی و نیکی بشناسید(واقع گرا باشید).

Assign people their due status(value) of good and evil (be realistic).

۵۶۰ إن سئمت أنبأتكم عن الإمارة و ما هي، أولها ملامة و ثانيها ندامة و ثالثها عذاب يوم القيامة.

اگر بخواهید شما را از ریاست خبر می دهم که چیست، اولین مرحله آن ملامت است و دومین مرحله آن ندامت و سومین مرحله آن عذاب روز قیامت.

I will inform you of what authority is, if you ask me to do so. It begins with blame, leads to remorse and ends up with the torment of the Day of Judgment.

۵۶۱ أنصر أخاك ظالما أو مظلوما إن يك ظالما فاردده عن ظلمه و إن يك مظلوما فأنصره.

برادر خود را یاری کن چه ستمگر باشد و چه ستم دیده اگر ستمگر است او را از ستم باز دار و اگر ستم دیده است او را یاری کن.

Man should help his brother, being he oppressed or an oppressor. If he is an oppressor, the former should prevent him from oppression, for this is in itself assisting him; and if he is oppressed the, former should help him.

۵۶۲ أنظر فإنك لست بخير من أحمر و لا أسود إلا أن تفضله بتقوى.

بنگر که تو از سرخ پوست و سیاه پوست بهتر نیستی جز آنکه در پرهیزکاری از او برتر باشی.

Look! You are not superior to the black or red in anything but piety.

۵۶۳ أنظروا إلى من هو أسفل منكم و لا تنظروا إلى من هو فوقكم فإنه أجدر أن لا تزدروا نعمة الله عليكم.

به آنکه از شما پائین تر است بنگرید و بآن که از شما بالاتر است منگرید زیرا بدین وسیله قدر نعمت خدا را بهتر می دانید.

Look at those who are lower than you (in material possessions), not at those who are higher, and thus you (can) better appreciate God's blessings.

۵۶۴ أنظر في أي نصاب تضع ولدك فإن العرق دساس.

بنگر (نطفه) فرزند خود را در کجا قرار میدهی که خون تأثیر خود را باقی میگذارد.

See where you place your child(cultivate your sperm),for nature leaves its effect.

۵۶۵ أنعم على نفسك كما أنعم الله عليك.

نعمتی را که خدا بتو داده از آن بهره بگیر.

Avail yourself of what God has made available for you.

۵۶۶ أنفق و لا تحصى فيحصى الله عليك و لا توعى فيوعى الله عليك.

خرج کن و حساب مکن که خدا بر تو حساب کند و بخل مورز که خدا بر تو بخل ورزد.

Spend (in the way of God) but do not count the amount, for God will then count (your sins); and do not be stingy (towards people), for God will do the same to you.

۵۶۷ **إِن قَامَت السَّاعَةُ وَ فِي يَدِ أَحَدِكُمْ فَسِيلَةٌ فَإِنِ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا يَقُومَ حَتَّىٰ يَغْرَسَهَا فليغرسها.**

اگر رستاخیز باشد و نهالی در دست یکی از شماست اگر میتواند آن را بکارد باید بکارد.

If the Resurrection fell upon one among you while having a sapling in his (her) hand, (s)he should plant it, if possible.

۵۶۸ **أَنْكَحُوا فَإِنِّي مَكْتَابٌ بَكْم.**

زناشوئی کنید که من از فزونی شما تفاخر میکنم.

Act upon marriage as a tradition, for I feel proud of your great population.

۵۶۹ **إِنَّ آدَمَ قَبْلَ أَنْ يَصِيبَ الذَّنْبَ كَانَ أَجْلُهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ أَمَلُهُ خَلْفَهُ فَلَمَّا أَصَابَ الذَّنْبَ جَعَلَ اللَّهُ تَعَالَىٰ أَمَلَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ أَجْلَهُ خَلْفَهُ فَلَا يَزَالُ يُؤْمَلُ حَتَّىٰ يَمُوتَ.**

آدم پیش از آنکه مرتکب گناه شود مرگش جلو چشمش و آرزویش پشت سرش بود و همین که مرتکب گناه شد خداوند آرزوی او را جلو چشمش و مرگش را پشت سرش قرار داد بدین جهت پیوسته آرزو میکند تا بمیرد.

Prior to committing the sin, Adam's death was in front of his eyes and his wishes were behind his head, but as soon as he committed the sin, the Exalted God reversed these two and, as a result, he always wished to die.

۵۷۰ **إِنَّ أَبْخَلَ النَّاسِ مِنْ بَخْلِ بِالسَّلَامِ وَ أَعْجَزَ النَّاسِ مِنْ عَجْزِ عَنِ الدَّعَاءِ.**

بخیلترین مردم آن کس است که از سلام دادن بخل ورزد و ناتوانترین مردم کسی است که از دعا ناتوان باشد.

Verily, the stingiest among people is he who hesitates to greet others, and the weakest is the one who falls short in praying.

۵۷۱ **إِنَّ ابْنَ آدَمَ لَحَرِيصٌ عَلَيَّ مَا مَنَعَهُ.**

آدمیزاد بر چیزی که از آن منع شده سخت حریص است.

****گرم تر شد مرد زان منعش که کرد—گرم تر گردد همی از منع، مرد (مولوی)**

****در خموشی گفت ما اظہر شود—کہ ز میل آن منع (منع آن میل) افزون تر شود (مولوی)**

****رغبتی زان منع در دلشان برُست—کہ بیاید سرّ آن را باز جُست**

کیست کز ممنوع گردد ممتنع؟—چون کہ الْإِنْسَانُ حَرِيصٌ مَا مَنَعُ (مولوی)

****چون شدن از منع و نهبش گرم تر—سوی آن قلعه بر آوردند سر (مولوی)**

Verily, the son of Adam is highly desirous for what is banned on him.

۵۷۲ **إِنَّ أَبْرَ الْبِرِّ أَنْ يَصِلَ الرَّجُلُ أَهْلَ وَدَّيْبِهِ بَعْدَ أَنْ يُوَلِّيَ الْأَبَ.**

بهترین نیکی آنست که مرد پس از مرگ پدر خویش با دوستان او دوستی کند.

Verily, the best (form of) kindness is to make friend with one's dead father's friends.

۵۷۳ **إِنْ أَبْغَضَ عِبَادَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ الْعَفْرِيَةَ النَّفْرِيَةَ الَّتِي لَمْ يِرْزَأْ فِي مَالٍ وَلَا وَلَدٍ.**

منفورترین بندگان خدا بنزد وی شخص سرکشی است که در مال و فرزند مصیبت ندیده است.

Verily, the most detested servant of God to Him is an obstinate badly-behaved person who has faced no suffering as to his wealth and children.

۵۷۴ **إِنَّ إِبْلِيسَ يَضَعُ عَرْشَهُ عَلَى الْمَاءِ، ثُمَّ يَبْعَثُ سَرَايَاهُ فَأَدْنَاهُمْ مِنْهُ مَنْزِلَهُ أَعْظَمُهُمْ فَتَنَّهُ يَجِيءُ أَحَدَهُمْ فَيَقُولُ فَعَلْتَ كَذَا وَفَعَلْتَ كَذَا فَيَقُولُ مَا صَنَعْتَ شَيْئًا وَ يَجِيءُ أَحَدَهُمْ فَيَقُولُ مَا تَرَكْتَهُ حَتَّى فَرَّقْتَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَهْلِهِ فَيَدْنِيهِ مِنْهُ وَ يَقُولُ نَعَمْ أَنْتَ.**

شیطان تخت خویش را بر آب می گذارد و دسته‌های خود را به اطراف میفرستد و آنها که گمراهی بزرگتر پدید آرند منزلشان بدو نزدیک‌تر است، یکی از آنها بیاید و گوید چنین کردم و چنان کردم ابلیس گوید کاری نکرده‌ای، یکی از آنها بیاید و گوید وی را رها نکردم تا میان او و کسانی تفرقه انداختم، شیطان او را بخود نزدیک کند و گوید تو خوبی.

Verily, Satan sets his throne on water and dispatches his groups (of satans) to every place, and those of whom who give rise to

greater seditions are closer to him in residence. Then, one of his servants approaches him with a report of his great achievements, but Satan tells him that he has no great accomplishment. Then, another approaches him and reports of a man whom he has separated from his folk, and so Satan calls him to his close presence and tells him that he has achieved a lot.

۵۷۵ إن إبليس يبعث أشدّ أصحابه و أقوى أصحابه إلى من يصنع المعروف في ماله.

شیطان محکمترین و نیرومندترین یاران خود را برای گمراهی کسی فرستد که با دارائی خود کار نیک انجام میدهد.

Verily, Satan sends his strongest and most steadfast servants to deviate a man who performs good deeds through wealth.

۵۷۶ إن أبواب الجنة تحت ظلل السيوف.

درهای بهشت زیر سایه شمشیرهاست (اشاره به مسأله جهاد).

Paradise is in pledge of swords (Refers to Jihad).

۵۷۷ إن أحبّ النَّاسِ إلى اللَّهِ تعالى يوم القيامة و أدناهم منه مجلسا إمام عادل و أبغض النَّاسِ إلى اللَّهِ تعالى و أبعدهم منه إمام جائر.

محبوبترین مردم در نظر خدا روز قیامت و نزدیکتر از همه باو پیشوای دادگستر است و منفورترین مردم و دورتر از همه باو پیشوای ستمگر است.

Verily, the most favorite people to God, the Exalted, and the closest of them to Him in the Day of Judgment are just leaders, and the most hated people and the farthest of them to Him are the unjust ones.

۵۷۸ إن أحبّ عباد اللَّهِ إلى اللَّهِ أنصحهم لعباده.

محبوبترین بندگان خدا بنزد وی کسی است که با بندگان او مهربانتر باشد.

Verily, the most favorite people to God are the kindest of them to His servants.

۵۷۹ إن أحبّ عباد اللَّهِ إلى اللَّهِ من حبّ إليه المعروف و حبّ إليه فعاله.

محبوبترین بندگان خدا بنزد وی کسی است که کار نیک را محبوب او ساخته و میل انجام آن را در دلش انداخته است.

Verily, the most beloved servants of God to Him are those whom God has made lovers of good deeds and lovers of carrying them out.

۵۸۰ **إِنَّ أَحَدَكُمْ مَرَّآةٌ أَخِيهِ فَإِذَا رَأَىٰ بِهِ أَدَىٰ فليَمْطَهُ عَنْهُ.**

هر یک از شما آئینه برادر خویش است وقتی عیبی بر او دید باید بزداید.

Verily, each of you is the mirror of your brothers (in faith), i.e. discovering any defect in them, you should (try to) rub it off.

۵۸۱ **إِنَّ أَحَدَكُمْ يَجْمَعُ خَلْقَهُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا نطفةً ثُمَّ يَكُونُ علقَةً مثل ذلك، ثُمَّ يَكُونُ مضغَةً مثل ذلك، ثُمَّ يبعث الله إليه ملكًا و يؤمر بأربع كلمات و يقال له: اكتب عمله و رزقه و أجله و شقى أو سعيد، ثُمَّ ينفخ فيه الروح.**

هر یک از شما در شکم مادر خود چهل روز نطفه است پس از آن چهل روز علقه (=خون بسته=هسته آفرینش) است پس از آن چهل روز مضغه (=چیزی شبیه گوشت جویده) است پس از آن خداوند فرشته‌ای بسوی او میفرستد و او را بچهار کلمه مأمور می‌سازد و میگوید عمل و روزی و مرگ او را و اینکه خوشبختست یا بدبخت رقم بزنی، پس از آن روح در او دمیده می‌شود.

Each of you is in your mother's womb as sperm for forty days, then as an blod-clot for forty more days, and as lump of flesh in like manner. Afterwards, God will send an angel to it, appointing her to four issues to determine its deeds, daily bread, death, and prosperity or adversity. Then, He blows his spirit into it.

۵۸۲ **إِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ ليعْمَلُ بعمل أهل الجنة حتى ما يكون بينه و بينها إلا ذراع فيسبق عليه الكتاب فيعمل بعمل أهل النار و إن الرجل ليعْمَلُ بعمل أهل النار حتى ما يكون بينه و بينها إلا ذراع فيسبق عليه الكتاب فيعمل بعمل أهل الجنة فيدخل الجنة.**

کسی از شما کار بهشتیان را انجام میدهد تا آنجا که میان او و بهشت ذراعی (=از پشت آرنج تا نوک انگشت میانی=۴۶ سانت) بیش نماند ولی سرنوشت بر او چیره شود و کار جهنمیان کند و به جهنم رود و نیز کسی کار جهنمیان کند تا آنجا که میان او و جهنم ذراعی (=از پشت آرنج تا نوک انگشت میانی=۴۶ سانت) بیش نیست ولی سرنوشت بر او چیره شود و کار بهشتیان کند و بهشت رود.

****هیچ کافری را به خواری منگريد- که مسلمان مردنش باشد امید**

چه خبر داری ز ختم عمر او- تا بگردانی از او یکباره رو؟ (مولوی)

It may happen that one of you is used to performing heavenly deeds so that there remains only a cubit(=back of the elbow to tip of middle finger=46 cm) between him and Paradise, but (suddenly) his fate outruns his deeds and he commits a hellish deed which earns him Hell, and it may happen that one of you is used to performing hellish deeds so that there remains only a cubit(=back of the elbow to tip of middle finger=46 cm) between him and Hell, but (suddenly) his fate outruns his deeds and he commits a heavenly deed which earns him Paradise.

۵۸۳ **إِنَّ أَحْسَابَ أَهْلِ الدُّنْيَا الَّذِينَ يَذْهَبُونَ إِلَيْهِ هَذَا الْمَالِ.**

مايه افتخار مردم دنيا كه بسوی آن میروند این مال است.

Verily, the cause of pride, which the seekers of the world, follow (in life), is wealth.

۵۸۴ **إِنَّ أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخَلْقِ الْحَسَنُ.**

بهترین نیکی ها سیرت نیک است.

Verily, the best quality (for a man) is good-temperedness.

۵۸۵ **إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي كُلِّ مَنَّاقٍ عَلِيمٍ الْلسَانِ.**

بیش از هر چیز بر امت خود از منافق چرب زبان بیم دارم.

I am mostly worried about my nation, of glib-tongued hypocrites.

۵۸۶ **إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْإِشْرَاقَ بِاللَّهِ أَمَا إِنِّي لَسْتُ أَقُولُ يَعْبُدُونَ شَمْسًا وَ لَا قَمْرًا وَ لَا وُثْنًا وَ لَكِنَّ أَعْمَالًا لِغَيْرِ اللَّهِ وَ شَهْوَةً خَفِيَّةً.**

بیش از هر چیز بر امت خود از شرک بخدا بیم دارم، من نمیگویم که خورشید و ماه یا بت میپرستند ولی کارهایی برای غیر خدا انجام میدهند و دستخوش شهوت نهانی میشوند.

Verily, much more than anything else, I am anxious about my nation as to polytheism. I do not say that they worship the Moon,

the Sun or idols, but that they perform actions for other than God, and indulge themselves in passions in privacy.

۵۸۷ **إِنّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْأَثْمَةَ الْمَضْلُونَ.**

بیش از هر چیز بر امت خود از پیشوایان گمراه کننده بیم دارم.

Verily, much more than anything else, I am worried about my (Islamic) nation as to misleading leaders.

۵۸۸ **إِنّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي عَمَلِ قَوْمِ لُوطَ.**

بیشتر از هر چیز بر امت خود از کردار قوم لوط بیم دارم.

Verily, much more than anything else, I am worried about my (Islamic) nation as to what the people of Lot acted upon.

۵۸۹ **إِنّ أَشَدَّ النَّاسِ نَدَامَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ.**

پشیمانتر از همه مردم در روز قیامت، مردی است که آخرت خود را بدنیای دیگری فروخته است.

Verily, the most penitent of all people in the Day of Judgment will be the one who has bartered his eternal life for another's worldly life.

۵۹۰ **إِنّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَالِمٌ لَمْ يَنْفَعَهُ اللَّهُ بَعْلَمَهُ.**

بروز رستاخیز عذاب دانشمندی که خداوند او را از دانشش منتفع نکرده از همه مردم سختتر است.

Verily, a scholar whom God stops enjoying his own knowledge, will suffer the most in the Day of Judgment.

۵۹۱ **إِنّ أَشَدَّ النَّاسِ تَصَدِيقًا لِلنَّاسِ أَصْدَقَهُمْ حَدِيثًا وَ إِنّ أَشَدَّ النَّاسِ تَكْذِيبًا أَكْذِبَهُمْ حَدِيثًا.**

هر که راستگوتر است سخن مردم را زودتر باور میکند و هر که دروغگوتر است بیشتر مردم را دروغگو می‌شمارد.

Verily, the most truthful of all people believes in what others say the most, and the most untruthful of them denies what others say the most.

۵۹۲ **إِنّ أَشَقَى الْأَشْقِيَاءِ مَنْ اجْتَمَعَ عَلَيْهِ فَقْرُ الدُّنْيَا وَ عَذَابُ الْآخِرَةِ.**

بدبختترین بدبختان کسی است که فقر دنیا و عذاب آخرت را با هم دارد.

Verily, the most wretched of all wretched people is the one who enjoys poverty here coupled with punishment in the Hereafter.

۵۹۳ **إِنَّ أَشْكَرَ النَّاسِ أَشْكُرَهُمُ لِلنَّاسِ.**

سپاسگزارتر از همه مردم کسی است که سپاس مردم را بیشتر می گذارد.

****شکر او شکر خدا باشد یقین—چون به احسان کرد توفیقش قرین (مولوی)**

****ترک شکرش ترک شکر حق بود—حق او لاشک به حق ملحق بود (مولوی)**

Verily, the most thankful of all people is the one who is grateful to people the most.

۵۹۴ **إِنَّ أَطْيَبَ طَعَامِكُمْ مَا مَسَّتْهُ النَّارُ.**

بهترین غذاهای شما آنست که با آتش پخته شود.

Verily, your most pleasant food is the one cooked with fire.

۵۹۵ **إِنَّ أَطْيَبَ الْكَسْبِ كَسْبُ التَّجَارِ الَّذِينَ إِذَا حَدَّثُوا لَمْ يَكْذِبُوا وَإِذَا أْتَمَنُوا لَمْ يَخُونُوا وَإِذَا وَعَدُوا لَمْ يَخْلَفُوا وَإِذَا كَانُوا عَلَيْهِمْ دِينَ لَمْ يَمْطَلُوا وَإِذَا كَانُوا لَهُمْ لَمْ يَعْسِرُوا وَإِذَا بَاعُوا لَمْ يَطْرُوا وَإِذَا اشْتَرَوْا لَمْ يَذْمُوا.**

بهترین کسبها کسب آن تجاری است که بهنگام سخن دروغ نگویند و در امانت خیانت نکنند و بوعده وفا کنند و در پرداخت قرض خود تعلل نکنند و در مطالبه سخت گیری نکنند و بهنگام فروش در ستایش جنس خود مبالغه نکنند و بهنگام خرید از جنس دیگران بد نگویند.

Verily, the best business is that of those merchants who do not tell lie when they speak, who do not betray trusteeships, who do not break their promises, who do not practice any delay in paying back their debts, who do not practice severity in demanding their claims, who do not exaggerate as to the quality of the goods they want to sell, and who do not underestimate the quality of the merchandise they want to buy.

۵۹۶ **إِنَّ أَطْيَبَ مَا أَكَلْتُمْ مِنْ كَسْبِكُمْ وَإِنَّ أَوْلَادَكُمْ مِنْ كَسْبِكُمْ.**

بهترین روزی شما آنست که از کسب بدست آرید و فرزند شما جزو کسب شماست.

Verily, your best daily bread is the one earned through business, and your children are of your business.

۵۹۷ **إِنَّ أَنَسًا مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ يَطَّلِعُونَ إِلَى أَنَسٍ مِنْ أَهْلِ النَّارِ فَيَقُولُونَ بِمِ دَخَلْتُمُ النَّارَ فَوَ اللَّهُ مَا دَخَلْنَا الْجَنَّةَ إِلَّا بِمَا تَعَلَّمْنَا مِنْكُمْ. فَيَقُولُونَ إِنَّا كُنَّا نَقُولُ وَ لَا نَفْعَلُ.**

مردمی از بهشتیان بسوی گروهی از جهنمیان نگران شوند و گویند برای چه بجهنم رفتید؟ بخدا ما به کمک چیزهایی که از شما آموختیم بهشت در آمدیم جهنمیان گویند ما میگفتیم ولی عمل نمیکردیم.

A group of the people of Paradise will get worried about some of the people of Hell, and will (therefore) inquire: "Why are you in Hell? By God, we did not enter Paradise save through what we learned from you". The Hellbound reply: "We did not practice what we preached."

۵۹۸ **إِنَّ أَعْظَمَ الذَّنُوبِ عِنْدَ اللَّهِ أَنْ يَلْقَاهَا بِهَا عَبْدٌ بَعْدَ الْكِبَائِرِ الَّتِي نَهَى اللَّهُ عَنْهَا أَنْ يَمُوتَ الرَّجُلُ وَ عَلَيْهِ دِينَ لَا يَدَعُ لَهُ قِضَاءً.**

بعد از گناهان بزرگ که خداوند از آن نهی کرده بزرگتر از همه گناهان آنست که مردی بمیرد و قرضی داشته باشد و محلی برای پرداخت آن نگذارد.

Verily, next to the capital sins prohibited by God is the greatest of man's vices, i.e. to die while leaving his debts unpaid.

۵۹۹ **إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ خَطَايَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَكْثَرُهُمْ خَوْضًا فِي الْبَاطِلِ.**

بروز رستاخیز گناه آن کس از همه مردم بیشتر است که بیشتر از همه گفتگوی بیهوده کرده باشد.

Verily, those who engage in idle (false) talks the most will have the heaviest sins in the Day of Judgment.

۶۰۰ **إِنَّ أَعْجَلَ الطَّاعَةِ ثَوَابًا صَلَةُ الرَّحْمِ.**

ثواب نیکی با خویشاوندان را از همه کارهای نیک زودتر می دهند.

Verily, observation of bonds of kinship will be rewarded sooner than all forms of kindness.

٦٠١ إنَّ أَفْضَلَ عَمَلِ الْمُؤْمِنِ الْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

بهترین عمل مؤمن، جهاد در راه خداست.

Verily, struggling in the way of God is the best of a believer's deeds.

٦٠٢ إنَّ أَفْوَاهَكُمْ طُرُقٌ لِلْقُرْآنِ فَطَيِّبُوهَا بِالسَّوَاكِ.

دهانهای شما معبر قرآنت آن را با مسواک پاکیزه کنید.

Verily, your mouths are paths of the Quran brush them clean.

٦٠٣ إنَّ أَقْلَ سَاكِنِي الْجَنَّةِ النِّسَاءِ.

کمترین ساکنان بهشت زنانند.

Verily, the least number of the dwellers of Paradise are women.

٦٠٤ إنَّ أَكْبَرَ الْإِثْمِ عِنْدَ اللَّهِ أَنْ يَضِيعَ الرَّجُلُ مِنْ يَقْوَتِهِ.

بزرگترین گناهان در نظر خدا آن است که مردی ناخور خود را سرگردان گذارد.

Verily, the most capital sin to God is leaving one's dependents on their own.

٦٠٥ إنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ شَبَعَا فِي الدُّنْيَا أَطْوَلَهُمْ جُوعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

آنکه در دنیا از همه مردم سیرتر است روز رستاخیز بیشتر از همه گرسنه خواهد ماند.

Verily, the most satiated of all people in this world, will starve the most in the Day of Judgment.

٦٠٦ إنَّ أَكْثَرَ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْبَلَهَاءِ.

بیشتر بهشتیان ابلهانند.

****گفت پیغمبر که هستند فنون—اهل جنّت در خصومت ها زبون (مولوی)**

****اکثر اهل الجنّة البله ای پدر—این چنین گفته ست سلطان بشر (مولوی)**

****بیشتر اصحاب جنت ابلهند- تا ز شرّ فیلسوفی می رهند (مولوی)**

****سوره ۱۱- هود آیه ۲۷- اشراف کافر قوم نوح در پاسخ او گفتند: ما تو را جز بشری همچون خودمان نمی بینیم، و کسانی را که از تو پیروی کرده اند جز افراد پست ساده لوح مشاهده نمی کنیم و برای شما فضیلتی نسبت به خود نمی بینیم بلکه گمان می کنیم شما دروغگو هستید.**

Verily, most of the dwellers of Paradise are the unwise.

****Sura 11 Hud The prophet-Aya 27: The chiefs of the disbelievers of his folk said to Noah The Prophet "We see you but a man like ourselves and we do not consider your followers but the lowliest of us, men without intelligence, we do not see in you any merit above us, rather we think you are liars".**

۶۰۷ إن أكثر ما يدخل النار الأجوفان: الفم و الفرج.

مردم بیشتر از همه بواسطه دو چیز مجوف بهنم میروند: دهان و عورت.

Verily, most of the dwellers of Hell will be those who have committed sins through their tongues and private parts.

۶۰۸ إن أكثر ما يدخل الجنة الناس تقوى الله و حسن الخلق.

مردم بیشتر بواسطه ترس خدا و نیک خلقی بهشت میروند.

Verily, most of the dwellers of Paradise will be the pious and the good-tempered.

۶۰۹ إن الأحمق يصيب بحمقه أعظم من فجور الفاجر.

احمق بواسطه حماقت بیشتر از مردم بدکار گناه میکند.

Verily, the fools commit more sins on account of their foolishness than the evil-doer.

۶۱۰ إن الأرض لتنادى كل يوم سبعين مرة يا بنى آدم كلوا ما شئتم و اشتهيتم فوالله لاكلن لحومكم و جلودكم.

زمین هر روز هفتاد بار بانگ میزند، آدمیزادگان هر چه می خواهید و دوست دارید بخورید به خدا سوگند که گوشت و پوست شما را خواهیم خورد.

Seventy times a day, the Earth calls out, "O human beings, eat whatever you like and wish for, by God, I will eat your skin and flesh!

۶۱۱ **إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ.**

اسلام در آغاز غریب بود و باز همچنان که بود غریب خواهد شد خوشا بحال غریبان!

****بهر آن گفت آن رسول مستجیب- رمز الإسلام فی الدُّنیا غریب (مولوی)**

Verily, Islam was lonesome in its infancy and will become lonesome again in future. How nice for the lonely ones!

۶۱۲ **إِنَّ الْإِسْلَامَ نَظِيفٌ فَتَنْظَفُوا فَإِنَّهُ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا نَظِيفٌ.**

اسلام پاکیزه است، شما نیز پاکیزه باشید که هر کس پاکیزه نیست بهشت نمی‌رود.

Verily, Islam is (the religion of) cleanliness. Be clean, therefore, for nobody is given entrance to Paradise save the clean ones.

۶۱۳ **إِنَّ الْإِيمَانَ لِيَخْلُقَ فِي جَوْفِ أَحَدِكُمْ كَمَا يَخْلُقُ الثَّوْبَ فَاسْأَلُوا اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يَجِدَّ الْإِيمَانَ فِي قُلُوبِكُمْ.**

ایمان شما چون لباسی که به تن دارید کهنه می‌شود از خدا بخواهید که ایمان را در دل شما تازه کند.

Verily, faith grows old in you, as your dress turns worn on you. So, ask the Exalted God to enliven faith in your hearts.

۶۱۴ **إِنَّ الْبِرَّ وَالصَّلَاةَ يَسْتَبِيلَانِ الْأَعْمَارَ وَيَعْمَرَانِ الدِّيَارَ وَيَكْتَرَانِ الْأَمْوَالَ وَ لَوْ كَانَ الْقَوْمُ فَجَّارًا.**

نیکی با مردم و مهربانی با خویشان عمرها را دراز و شهرها را آباد و اموال را زیاد می‌کند اگر چه انجام دهندگان آن بدکاران باشند.

Verily, kindness and observation of bonds of kinship prolong one's life, make lands flourish and add to one's properties, even though those who act upon these two are evildoers.

۶۱۵ **إِنَّ التَّوَّاضِعَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا رَفْعَهُ فَتَوَاضَعُوا يَرْفَعَكُمْ اللَّهُ وَ إِنَّ الْعَفْوَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا فَاعْفُوا يَعْزِّكُمْ اللَّهُ وَ إِنَّ الصَّدَقَةَ لَا يَزِيدُ الْمَالَ إِلَّا نَمَاءً فَتَصَدَّقُوا يَزِدْكُمْ اللَّهُ.**

تواضع مایه رفعت است تواضع کنید تا خدا شما را رفعت دهد. عفو مایه عزت است عفو کنید تا خدا شما را عزت بخشد. صدقه موجب فزونی مالست صدقه دهید تا خدا مالتان را زیاد کند.

Humility adds nothing to God's servants but dignity. Be humble, therefore, and God will grant you dignity. Forgiveness adds nothing to God's servants but glory. Forgive, therefore, and God will make you glorified. Charity causes increase in one's wealth. Give charity, therefore, and God will bestow (His) Mercy on you.

۶۱۶ **إِنَّ الْحَسَدَ لِيَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ.**

حسد نیکی‌ها را میخورد چنان که آتش هیزم را میخورد.

***عقبه ای زین صعب تر در راه نیست—ای خُنگ آن کسِ حسد همراه نیست (مولوی)**

Verily, jealousy eats up one's good deeds just as fire swallows firewood.

۶۱۷ **إِنَّ الْحِكْمَةَ تَزِيدُ الشَّرِيفَ شَرَفًا.**

حکمت شرافت شریف را فزون می‌کند.

Verily, wisdom enhances the dignity of a noble man.

۶۱۸ **إِنَّ الْحَيَاءَ وَالْإِيمَانَ قَرْنًا جَمِيعًا فَإِذَا سَلَبَ أَحَدُهُمَا تَبَعَهُ الْآخَرُ.**

حیا و ایمان قرین یک دیگریند وقتی یکی را گرفتند دیگری همراه آن می‌رود.

Chastity and faith are interrelated. Should one of them vanish, the other will (definitely) perish.

۶۱۹ **إِنَّ الدُّنْيَا حُلْوَةٌ خَضِرَةٌ وَإِنَّ اللَّهَ مُسْتَخْلَفُكُمْ فِيهَا لِيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ.**

جهان شیرین و سبز است و خدا شما را در آن جای داده تا ببیند چه میکنید.

Verily, the world is sweet and green, and God has placed you in it to see how you act.

۶۲۰ **إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا رَضِيَ هَدَى الرَّجُلَ وَعَمَلُهُ فَهُوَ مِثْلُهُ.**

هر که از روش و کار دیگری راضی باشد مثل اوست.

Verily, he who is pleased with someone's manners and deeds is like unto him.

۶۲۱ **إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا نَظَرَ إِلَى امْرَأَتِهِ وَنَظَرَتْ إِلَيْهِ نَظَرَ اللَّهِ تَعَالَى إِلَيْهِمَا نَظَرَ الرَّحْمَةِ.**

وقتی مرد بزنی خود نگرد و زنی بدو نگرد خداوند بدیده رحمت بر آنها می نگرد.

When a man casts a (kind) look at his wife, and the wife does the same, the Exalted God, casts a merciful glance at them.

۶۲۲ **إِنَّ الرَّجُلَ لَا يَزَالُ فِي صَحَّةٍ رَأْيَهُ مَا نَصَحَ لِمُسْتَشِيرِهِ، فَإِذَا غَشَّ مُسْتَشِيرَهُ سَلَبَهُ اللَّهُ تَعَالَى صَحَّةَ رَأْيِهِ.**

مرد تا هنگامی که مشورت کنان خود را رهبری می کند از اصابت رأی بهره ور است و همین که با مشورت کنان خیانت کرد خدا اصابت رأی را از او میگیرد.

As long as a man truly guides those who consult him he continues to enjoy correctness of opinion, but as soon as he starts deceiving them, the Exalted God will deprive him of this blessing.

۶۲۳ **إِنَّ الرَّجُلَ لَتَرْفَعُ دَرَجَتَهُ فِي الْجَنَّةِ فَيَقُولُ أَنَّى لِي هَذَا؟ فَيَقَالُ بِاسْتِغْفَارِ وَلَدِكَ.**

مقام یکی را در بهشت بالا برند و گوید این مقام از کجا برای من حاصل شد؟ گویند فرزندت برای تو آمرزش طلبید.

It may happen that a man is raised in Paradise, and on asking how this happened?, he will be told, "Your son has asked forgiveness for you".

۶۲۴ **إِنَّ الرَّجُلَ لِيَحْرَمَ الرِّزْقَ بِالذَّنْبِ يَصِيبُهُ وَلَا يَرُدُّ الْقَدْرَ إِلَّا الدَّعَاءُ وَلَا يَزِيدُ فِي الْعَمْرِ إِلَّا الْبِرُّ.**

انسان بسبب گناه از روزی محتوم محروم ماند و تقدیر جز بدعا برنگردد و عمر جز به نیکوکاری دراز نشود.

Verily, committing sins deprives man of his destined sustenance; divine decree is not changed but through praying and long life is not gained save by kindness.

۶۲۵ **إِنَّ الرَّجُلَ لِيَطْلُبَ الْحَاجَةَ فَيُزَوِّبُهَا اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ لَمَّا هُوَ خَيْرٌ لَهُ فَيَتَّهَمُ النَّاسَ ظُلْمًا لَهُمْ فَيَقُولُ مَنْ سَبَعْنِي.**

انسان حاجتی میخواهد و خدا برای مصلحتی حاجت او را بر نمی آورد و او بستم مردم را متهم میکند که کی حق مرا برد؟

It may happen that a man beseeches the Exalted God to settle his need, but He does not grant his request on account of a reason and thus, he charges people of being unjust to him, saying, "Who has taken away my share"?

٦٢٦ إِنْ الرَّجُلُ لِيَعْمَلْ أَوْ الْمَرْأَةُ بِطَاعَةِ اللَّهِ تَعَالَى سِتِّينَ سَنَةً ثُمَّ يَحْضُرُهُمَا الْمَوْتُ فَيُضَارَّانِ فِي الْوَصِيَّةِ فَتَجِبُ لَهُمَا النَّارُ.

مرد یا زن شصت سال خدا را عبادت می کنند و هنگام مرگ در وصیت بحق رفتار نمی کنند و جهنم بر آنها واجب می شود.

It may happen that a man or a woman worships (obeys) God, the Exalted, for sixty years, but at the time of death, (s) he does not act properly concerning his (her) testament and thus, Hell will be indispensable for him (her).

٦٢٧ إِنْ الرَّجُلُ لِيَعْمَلْ عَمَلَ الْجَنَّةِ فِيمَا يَبْدُو لِلنَّاسِ وَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ وَإِنَّ الرَّجُلَ لِيَعْمَلْ عَمَلَ النَّارِ فِيمَا يَبْدُو لِلنَّاسِ وَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ.

گاه می شود که انسان در نظر مردم کار بهشتیان می کند اما به حقیقت از جهنمیان است و گاه می شود که انسان در نظر مردم کار جهنمیان می کند و بحقیقت اهل بهشت است.

It may happen that a man performs deeds, which seem heavenly to others, but he is, in fact, a dweller of Hell, and it may happen that a man performs deeds, which seem hellish to others, but he is, in fact, a dweller of Paradise.

٦٢٨ إِنْ الرَّجُلَ لِيَعْمَلَ الزَّمْنَ الطَّوِيلَ بِعَمَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ثُمَّ يَخْتَمُّ لَهُ عَمَلُهُ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ وَإِنَّ الرَّجُلَ لِيَعْمَلَ الزَّمْنَ الطَّوِيلَ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ ثُمَّ يَخْتَمُّ عَمَلُهُ بِعَمَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ.

گاه می شود که انسان مدتی دراز کار بهشتیان می کند پس از آن کار وی به رفتار جهنمیان خاتمه می یابد و گاه می شود انسان مدتی دراز کار جهنمیان میکند و پس از آن کار وی به رفتار بهشتیان خاتمه می یابد.

It may happen that a man performs Heavenly deeds for a long time but his deeds end up with those of the dwellers of Hell, and it may happen that a man does Hellish deeds for a long time but his deeds end up with those of the dwellers of Paradise.

٦٢٩ إِنْ الرَّحْمَةَ لَا تَنْزِلُ عَلَى قَوْمٍ فِيهِمْ قَاطِعٌ رَحِمٍ.

مردمی که در میان آنها کسی از خویشاوندان بریده باشد، رحمت خدا بر آنها فرود نمی آید.

Verily, God's Mercy will not shower on a nation among whom one has broken off ties of kinship.

۶۳۰ إِنَّ الرِّزْقَ لِيَطَالِبُ الْعَبْدَ أَكْثَرَ مِمَّا يَطْلُبُهُ أَجَلُهُ.

روزی بیشتر از اجل در جستجوی بنده است. (میکائیل فرشته رزق بیش از عزرائیل در جستجوی بنده است)

** آن چنان که عاشقی بر رزق زار – هست عاشق رزق هم بر رزق خوار (مولوی)

** آن یکی زاهد شنید از مصطفی – که یقین آید به جان رزق خدا

گر تو خواهی ور نخواهی، رزق تو – پیش تو آید دوان از عشق تو (مولوی)

Verily, sustenance looks for servants of God more than their death does. (Michael-Angle of Sustenance is more after servants of God than Azrael-Angle of Death)

۶۳۱ إِنَّ الزَّهَاهُ يَأْتُونَ تَشْتَعِلُ وَجُوهَهُمْ نَارًا.

روز قیامت چهره زناکاران از آتش مشتعل است.

Verily, adulterers will appear (in the Day of Judgment) with faces flamed with fire.

۶۳۲ إِنَّ السَّعَادَةَ كُلَّ السَّعَادَةِ طُولُ الْعَمْرِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ.

سعادت کامل آنست که عمر دراز را در عبادت خداوند پایان برند.

Verily, the most perfect prosperity is spending the entire life in worship of (and obedience to) God.

۶۳۳ إِنَّ السَّعِيدَ لِمَنْ جَنَّبَ الْفِتْنَ وَ لِمَنْ ابْتَلَىٰ فَصَبِرَ.

خوشبخت آنست که از فتنه‌ها کناره گیرد و آنکه به زحمتی مبتلا شود و صبر کند.

Verily, prosperous is the one who keeps aloof from sedition, and remains tolerant when afflicted with troubles.

٦٣٤ إِنَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعَ وَ الْأَرْضِينَ السَّبْعَ وَ الْجِبَالَ لِيلْعَنُ الشَّيْخَ الزَّانِيَ وَ إِنَّ فُرُوجَ الزَّانِيَةِ لِيُؤْذِي أَهْلَ النَّارِ نَتَنَ رِيحَهَا.

هفت آسمان و هفت زمین و کوهها پیر زنا کار را لعنت می کنند و تعفن عورت زناکار جهنمیان را اذیت میکند.

Verily, the seven skies and earths as well as mountains curse an old adulterer, and the fetid smell of an adulterer's privy parts will annoy the dwellers of Hell.

٦٣٥ إِنَّ السَّيِّدَ لَا يَكُونُ بَخِيلًا.

آقا بخیل نمیشود.

Verily, a man of dignity does not practice misery.

٦٣٦ إِنَّ الشَّاهِدَ يَرِي مَا لَا يَرِي الْغَائِبَ.

حاضر چیزها بیند که غایب نه بیند.

Verily, a present man beholds things, which an absent one will not. (Hearsay is no witness.)

٦٣٧ إِنَّ الشَّيَاطِينَ تَعْدُوا بِرَايَاتِهَا إِلَى الْأَسْوَاقِ فَيَدْخُلُونَ مَعَ أَوْلٍ دَاخِلٍ وَ يَخْرُجُونَ مَعَ آخِرٍ خَارِجٍ.

شیطانها صبحگاهان با بیرقهای خود ببازارها میروند و با هر که زودتر ببازار رود داخل می شوند و با هر که دیرتر در آید بیرون می آیند.

Verily, satans arrive at bazaars early in the morning with their banners, entering there with those who come earlier and leaving there with those who get out later than others.

٦٣٨ إِنَّ الشَّيْطَانَ مَعَ الْوَاحِدِ وَ هُوَ مِنَ الْإِثْنَيْنِ أَبْعَدَ.

شیطان با یکتا است و از دو تن دورتر است.

Verily, Satan accompanies one and keeps distance with two.

٦٣٩ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْتِي أَحَدَكُمْ فَيَقُولُ مَنْ خَلَقَكَ؟ فَيَقُولُ اللَّهُ فَيَقُولُ فَمَنْ خَلَقَ اللَّهَ؟ فَإِذَا وَجَدَ أَحَدَكُمْ ذَلِكَ فَيَقِيلُ: آمَنْتَ بِاللَّهِ وَ رَسُولَهُ فَإِنَّ ذَلِكَ يَذْهَبُ عَنْهُ.

شیطان پیش یکی از شما آید و گوید کی ترا خلق کرد؟ جواب دهد خدا، گوید خدا را کی خلق کرد؟ اگر یکی از شما چنین پنداری بخاطر یافت گوید بخدا و پیغمبر او ایمان دارم و این پندار از خاطر او برود.

Verily, Satan approaches one of you and asks, "Who has created you"? And you reply, "God", then, he asks, "Who has created God?" When this occurs to any one of you, say, "I believe in God and in His Messenger" and thus, such a thought fades away.

۶۴۰ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَجْرِي مِنْ ابْنِ آدَمَ مَجْرَى الدَّمِّ.

شیطان مانند خون در تن انسان جاریست.

***یک سگ است، و در هزاران می رود—هر که در وی رفت، او می شود (مولوی)**

Verily, Satan flows like blood in man's body.

۶۴۱ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَحِبُّ الْحُمْرَةَ فَإِنَّاكُمْ وَالْحُمْرَةَ وَ كُلَّ ثَوْبٍ ذِي شَهْرَةٍ.

شیطان سرخی را دوست دارد از سرخی و هر لباسی که باعث انگشت نمائست پرهیزید.

Verily, Satan loves red color, and thus (you should) avoid it and avoid any dress, which makes you pretentious.

۶۴۲ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَالَ وَ عَزَّتْكَ يَا رَبِّ لَا أُبْرِحُ أَغْوَى عِبَادِكَ مَا دَامَتْ أُرْوَاهِمُ فِي أَجْسَادِهِمْ فَقَالَ الرَّبُّ وَ عَزَّتِي وَ جَلَالِي لَا أزالُ أَغْفِرُ لَهُمْ مَا اسْتَغْفَرُونِي.

شیطان گفت پروردگارا بعزت تو سوگند که تا وقتی که روح بندگان تو در تنشان است پیوسته آنها را گمراه میکنم، خداوند گفت بعزت و جلالم سوگند که تا وقتی از من بخشش طلبند پیوسته آنها را می بخشم.

Verily, Satan said, "O Lord, I swear by your Glory that I will not fail to seduce your creatures as long as their souls run in their bodies", and the Lord said, "By my Glory and Greatness that I will not fail to forgive them as long as they seek My Forgiveness.

۶۴۳ إِنَّ الصَّبْحَةَ تَمْنَعُ بَعْضَ الرِّزْقِ.

خواب صبحگاهی مانع قسمتی از روزی می شود.

Early morning sleep bans a part of one's sustenance.

۶۴۴ إِنَّ الصَّبْرَ عِنْدَ الصَّدْمَةِ الْأُولَى.

صبر حقیقی در صدمه نخستین است.

****شهاب الاخبار- حدیث ۲۰۱= صبر آن بود که به حالا اول کنند، یعنی چون سختی بوی رسد به نفس و مال، صبر کند. نه آنکه گرم ایستد، و آنچه تواند از فریاد و هرزه بکند، و خدای تعالی را بیازارد، چون آتش حدت و سورتش فرونشیند، گوید: من صابرم.**

Real patience is realized when one suffers a calamity for the first time.

۶۴۵ إِنَّ الصَّدَقَةَ عَلَى ذِي قَرَابَةٍ يَضَعُ أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ.

صدقه‌ای که بخویشاوند دهند پاداش مکرر دارد.

Verily, alms given to a relative entail a double reward.

۶۴۶ إِنَّ الصَّدَقَةَ لِتَطْفِي غَضَبَ الرَّبِّ وَ تَدْفَعُ مِيتَةَ السَّوْءِ.

صدقه خشم خداوند را فرو می‌نشاند و از مرگ بد جلوگیری میکند.

Verily, charity pacifies God's wrath and wards off bad death.

۶۴۷ إِنَّ الصَّدَقَةَ لِتَطْفِي عَنْ أَهْلِهَا حَرَّ الْقُبُورِ وَ إِنَّمَا يَسْتِظِلُّ الْمُؤْمِنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ظِلِّ صَدَقَتِهِ.

صدقه گرمای قبر صدقه دهندگان را تخفیف می‌دهد و مؤمن روز رستاخیز در سایه صدقه خویش قرار میگیرد.

Verily, charity reduces the charity givers' heat of grave, and believers will rest under the shade of their charity in the Day of Judgment.

۱-۶۴۸ إِنَّ الصَّفَا الزَّلَّالَ الَّذِي لَا تَنْبِتُ عَلَيْهِ أَقْدَامُ الْعُلَمَاءِ الطَّمَعِ.

طمع سنگ لغزانی است که پای دانشمندان بر آن استوار نمیماند.

Greed is like unto a slippery piece of stone on which the scholars' feet will not stand firm.

۲-۶۴۸ إِنَّ الصَّدَقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ. وَإِنَّ الرَّجُلَ لِيَصْدُقَ حَتَّى يَكْتُبَ عِنْدَ اللَّهِ صَدِيقًا وَ
إِنَّ الْكُذْبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَإِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ وَإِنَّ الرَّجُلَ لِيَكْذِبَ حَتَّى يَكْتُبَ عِنْدَ اللَّهِ كَذَابًا.

راستی رهنمای نیکیست و نیکی رهنمای بهشت است و مرد راست میگوید تا پیش خدا راستگو بقلم می‌رود. دروغ
راهنمای بدیست و بدی راهنمای جهنم است و مرد دروغ میگوید تا پیش خدا دروغگو بقلم می‌رود.

Verily, truthfulness leads (man) to kindness and leads (him) to Paradise; and man tells the truth (to the extent that) he is reckoned truthful in the presence of God, but falsehood leads (man) to wickedness, and wickedness leads (him) to Fire (of Hell); and man tells lie (to the extent that) he is reckoned a liar in the presence of God.

۶۴۹ إِنَّ الصَّدَقَةَ لَا تَزِيدُ الْمَالَ إِلَّا كَثْرَهُ.

صدقه مال را افزون میکند.

**** مَا نَقَصَ مَالٌ مِنَ الصَّدَقَاتِ قَطُّ - إِنَّمَا الْخَيْرَاتُ نِعْمَ الْمُرْتَبِطُ (مولوی)**

Verily, charity adds to one's wealth.

۶۵۰ إِنَّ الْعَارَ لِيَلْزِمَ الْمَرْءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَقُولَ يَا رَبِّ لِإِسْأَلِكَ بِي إِلَى النَّارِ أَيْسَرَ عَلَيَّ مِمَّا أَلْقَى وَإِنَّهُ لَيَعْلَمُ مَا
فِيهَا مِنْ شِدَّةِ الْعَذَابِ.

در قیامت آن قدر ننگ گریبانگیر انسان می‌شود که میگوید خدایا اگر مرا بجهنم بفرستی بهتر از این وضع است
در صورتی که از سختی عذاب جهنم خبر دارد.

Verily, man will face shame in the Day of Judgment to such an extent that he will beg God to send him to Hell as a better alternative, although he is aware of the severity of the Hell related chastisement.

۶۵۱ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا أَخْطَأَ خَطِيئَةً نَكَتَتْ فِي قَلْبِهِ نَكْتَةٌ سَوْدَاءٌ فَإِنْ هُوَ نَزَعَ وَاسْتَغْفَرَ وَتَابَ صَقَلَ قَلْبَهُ وَإِنْ عَادَ زِيدَ
فِيهَا حَتَّى تَعْلُوَ عَلَى قَلْبِهِ وَهُوَ الرَّأْيَانُ الَّذِي ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ».

بنده وقتی گناهی کند نقطه سیاهی در دل او پدید می‌آید اگر از گناه دل بر کند و بخشش خواست و توبه کرد
دلش صاف می‌شود و اگر گناهی دیگر کرد نقطه سیاه افزون می‌شود تا دل را فرو گیرد و این «چیرگی
گناه(ران=زنگار/چرک، چیز با ارزشی را پوشاند)» است که خداوند گوید: «چنین نیست (که آنها می
پندارند)، بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دلهایشان نشسته است. -قرآن- سوره ۸۳-المطففين-آیه ۱۴»

Verily, when a servant (of God) commits a sin, a dark spot appears on his heart. If he abandons it, repents and asks God to forgive him, that darkness will be rubbed off his heart. But if he commits sins again, dark spots will increase in number to predominate his whole heart. And it is this predominance that the Exalted God mentions (in the Quran) when He says, "No but stain of their deeds has covered predominantly their hearts-Quran Sura 83-The Fraud Dealers-Aya-14."

۶۵۲ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا كَانَ هَمَّهُ الْآخِرَةُ كَفَّ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ ضِعْتَهُ وَجَعَلَ غِنَاهُ فِي قَلْبِهِ فَلَا يَصْبِحُ إِلَّا غَنِيًّا وَإِذَا كَانَ هَمَّهُ الدُّنْيَا أَفْشَى اللَّهُ تَعَالَى ضِعْتَهُ وَجَعَلَ فَقْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ فَلَا يَمْسِي إِلَّا فَقِيرًا وَلَا يَصْبِحُ إِلَّا فَقِيرًا.

بنده اگر در آخرت دل بسته باشد خداوند دارائی او را بقدر کفاف کند و ثروتش را در قلبش قرار دهد و پیوسته بی نیاز باشد و اگر بدنیا دل بسته باشد خداوند دارائی او را فراوان کند و فقر را رو برویش قرار دهد و پیوسته فقیر باشد.

Verily should a servant of God be fond of the eternal life, the Exalted God will grant him sufficient wealth and fill his heart with richness, so that he will constantly live in needlessness; and should he be attached to the (material) world, the Exalted God will grant him abundance in wealth, but will appoint poverty ahead of him, so that he will constantly live a life of poverty.

۶۵۳ إِنَّ الْعَبْدَ لِيَتَصَدَّقَ بِالْكَسْرَةِ تَرَبُّو عِنْدَ اللَّهِ حَتَّى تَكُونَ مِثْلَ أَحَدٍ.

بنده یک پاره نان صدقه می دهد و پیش خدا بزرگ می شود تا مثل کوه احد می شود.

It may happen that a servant (of God) gives a loaf of bread in charity but it turns out to be great as Mount Uhud to God.

۶۵۴ إِنَّ الْعَبْدَ لِيَدْرِكَ بِحَسَنِ الْخَلْقِ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ.

بنده بوسیله خوش خلقی بمقام روزه دار در روز و نماز گزار در شب میرسد.

در گذر از فضل و جلدی و فن-کار خدمت دارد و خُلق حَسَن (مولوی)

Verily, through good-temperedness, servants (of God) can attain the status of fast person at days who stand to prayer at nights.

۶۵۵ إِنَّ الْعَبْدَ لِيَذُنِبَ الذَّنْبَ فَيَدْخُلُ بِهِ الْجَنَّةَ يَكُونُ نَصَبَ عَيْنَيْهِ تَائِبًا فَارًا حَتَّى يَدْخُلَ بِهِ الْجَنَّةَ.

بنده گناهی میکند و بوسیله آن به بهشت میرود زیرا گناه پیوسته در خاطر اوست و وی توبه کنان و از گناه گریزان است. (سوره ۲۸ القصص آیات ۱۵ الی ۱۸)

**** کی بدیدندی عسا و معجزات-معصیت طاعت شد ای قوم عَصَات (مولوی)**

**** نرد بس نادر ز رحمت باخته-عین کفران را انابت ساخته**

هم از این بدبختی خلق آن جواد-منفجر کرده دو صد چشمه و داد (مولوی)

It happens that a servant (of God) commits a sin, but he is given entrance to Paradise for he minds it time and again and remains penitent thereof. (Sura 28 The Naratives-Ayas-15 to 18)

۶۵۶ إِنْ الْعَجِبَ لِيَحْبَطَ عَمَلُ سَبْعِينَ سَنَةً.

خود پسندی و غرور عبادت هفتاد ساله را نابود میکند.

**** این سلاح عَجَب من شد ای فتی-عُجَب آرد مُعْجَبان را صد بلا (مولوی)**

Selfishness ruins one's worship of seventy years.

۶۵۷ إِنْ الْعُلَمَاءُ هُمْ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَرَثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ أَخَذَهُ أَخَذَ بِحِطِّ وَافِرٍ.

دانشمندان وارث پیغمبرانند و دانش را از آن‌ها میراث برده‌اند هر کس دانش فرا گیرد سهم فراوان از میراث پیغمبران گرفته است.

The learned are heir to prophets and (thus), whoever acquires knowledge avails oneself greatly of the prophets' heritage.

۶۵۸ إِنْ الْعَيْنَ لَتَدْخُلَ الرَّجُلَ الْقَبْرَ وَ تَدْخُلَ الْجَمَلَ الْقَدْرَ.

چشم بد مرد را بقبر میرساند و شتر را بدیگ میکشاند.

**** یا رسول الله در آن وادی (نادی) کسان-می زنند از چشم بد بر کرکسان**

بر شتر چشم افکند همچون همام-وانکهان بفرستد اندر پی غلام

که برو از پیه این اشتر بخر-ببند او اشتر سقط در راه در (مولوی)

Verily, evil eyes send man to his grave, and for the camel the path to pot on table they pave.

۶۵۹ **إِنَّ الْغَادِرَ يَنْصَبُ لَهُ لُؤَاءَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَيَقَالُ أَلَا هَذِهِ غَدْرَةُ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ.**

روز رستاخیز برای پیمان شکن پرچمی برافرازد و گویند این پیمان شکنی فلان پسر فلان است.

Verily, a banner will be raised for the treacherous in the Day of Judgment, and someone will call out, "this is the treachery of so and so, son of so and so".

۶۶۰ **إِنَّ الْغَضَبَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَإِنَّ الشَّيْطَانَ خُلِقَ مِنَ النَّارِ وَإِنَّمَا تَطْفَأُ النَّارَ بِالْمَاءِ فَإِذَا غَضِبَ أَحَدُكُمْ فَلْيَتَوَضَّأْ.**

خشم از شیطان است و شیطان از آتش پدید آمده و آتش را آب خاموش توان کرد وقتی یکی از شما خشمگین شود وضو گیرد.

****نیست حاجت شهره گشتن در گزند—بر ضمیر آتشینت واقفند**

نفس تو هر دم بر آرد صد شرار—که ببینیدم، من ز اصحاب نار (مولوی)

Verily, anger belongs to Satan, Satan was created from fire, and fire is put out by water. Therefore, make ablution when you are raised into anger.

۶۶۱ **إِنَّ الْفِتْنَةَ تَجِيءُ فتنسِفُ الْعِبَادَ نَسْفًا وَيُنَجِّو الْعَالَمَ مِنْهَا بَعْلَمَهُ.**

فتنه بیاید و بندگان را مغلوب کند و دانشمند بکمک دانش خود از آن رهائی یابد.

Verily, sedition prevails to vanquish people, and only the learned can find a way out of it.

۶۶۲ **إِنَّ الْفَحْشَ وَالْفَحْشَ لَيْسَا مِنَ الْإِسْلَامِ فِي شَيْءٍ وَإِنَّ أَحْسَنَ النَّاسِ إِسْلَامًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا.**

بدگوئی و بدزبانی از صفات اسلام نیست و از همه مردم اسلام آن کسی بهتر است که اخلاقش نیکتر است.

Verily, Islam is free from vilification and scurrility, and the best Muslims are the best of them in good manners.

۶۶۳ **إِنَّ الْفَخْذَ عَوْرَةٌ.**

ران جزو عورت است.

Verily, thighs are one's privy parts.

۶۶۴ **إِنَّ الْقَاضِيَ الْعَدْلَ لِيَجَاءَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُلْقَىٰ مِنْ شِدَّةِ الْحِسَابِ مَا يَتَمَنَّىٰ أَنْ لَا يَكُونَ قَضَىٰ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي تَمْرَةٍ.**

قاضی عادل را روز قیامت بحساب میکشند و از سختی حساب چیزها می بیند که آرزو می کند میان دو کس در باره یک خرما قضاوت نکرده بود.

Verily, just judges will be called to account in the Day of Judgment and their accounts are so severely checked that they wish not to have passed judgment between two men concerning even a single date.

۶۶۵ **إِنَّ الْقُلُوبَ بَيْنَ إِصْبَعَيْنِ مِنْ أَصَابِعِ اللَّهِ يُقَلِّبُهَا.**

دلها میان دو انگشت از انگشتان خداست و آن را زیر و رو همی کند.

Verily, (men's) hearts are within God's two fingers, changing them (as He wishes).

۶۶۶ **إِنَّ اللَّهَ أَبِي عَلِيٍّ فَيَمْنُ قَتْلَ مُؤْمِنًا ثَلَاثًا.**

خداوند سه بار خواهش مرا در باره بخشش کسی که مؤمنی را کشته رد کرد.

Verily, three times God rejected my request, concerning (the forgiveness of) the killer of a believer.

۶۶۷ **إِنَّ اللَّهَ احْتَجَزَ التَّوْبَةَ عَلَيَّ كُلَّ صَاحِبِ بَدْعَةٍ.**

وقتی خداوند توبه را بر بدعت گذار ممنوع ساخته است.

Verily, God has forbidden repentance for all heretics.

۶۶۸ **إِنَّ اللَّهَ إِذَا أُجْرِيَ عَلَيَّ يَدَ رَجُلٍ خَيْرَ الرَّجُلِ فَلَمْ يَشْكُرْهُ فَلَيْسَ لِلَّهِ بَشَاكِرٌ.**

وقتی خداوند خیر کسی را به دست دیگری انجام دهد و او را سپاس نگذارد سپاس خدا را نیز نداشته است.

****شکر او شکر خدا باشد یقین—چون به احسان کرد توفیقش قرین (مولوی)**

****ترک شکرش ترک شکر حق بود-حقّ او لاشک به حق ملحق بود (مولوی)**

Verily, when God makes the good of someone to be achieved by someone else, but the former shows no gratitude to the latter, he is actually not thankful to God.

۶۶۹ **إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ إِفْعَادَ أَمْرٍ سَلَبَ كُلَّ ذِي لَبِّ لَبِّهِ.**

خداوند وقتی بخواهد کاری را انجام دهد عقل خردمندان را بگیرد.

Verily, when God wishes something to be done, He deprives the wise of their wisdom.

۶۷۰ **إِنَّ اللَّهَ إِذَا قَضَىٰ عَلَىٰ عَبْدٍ قَضَاءً لَمْ يَكُنْ لِقَضَائِهِ مَرْدًا.**

وقتی خداوند چیزی بر بنده خویش مقدر سازد تقدیر وی تغییر پذیر نیست.

Verily, when God destines something for a creature, his destiny will not change.

۶۷۱ **إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَهْلِكَ عَبْدًا نَزَعَ مِنْهُ الْحَيَاءَ فَإِذَا نَزَعَ مِنْهُ الْحَيَاءَ لَمْ تَلْقَهُ إِلَّا مَقِيمًا مَمْقُتًا، فَإِذَا لَمْ تَلْقَهُ إِلَّا مَقِيمًا مَمْقُتًا نَزَعَ مِنْهُ الْأَمَانَةَ فَإِذَا نَزَعَ مِنْهُ الْأَمَانَةَ لَمْ تَلْقَهُ إِلَّا خَائِنًا مَخُونًا نَزَعَ مِنْهُ الرَّحْمَةَ فَإِذَا نَزَعَ مِنْهُ الرَّحْمَةَ لَمْ تَلْقَهُ إِلَّا رَجِيمًا مَلْعُونًا نَزَعَ مِنْهُ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ.**

خداوند وقتی بخواهد بنده‌ای را هلاک سازد حیا را از او بگیرد وقتی حیا از او گرفته شود متنفر و منفور شود. وقتی متنفر و منفور شد امانت از او گرفته شود و همین که امانت از او گرفته شد راه خیانت پیش گیرد و دیگران نیز بدو خیانت کنند و وقتی چنین شد بیرحم گردد وقتی رحم از او برخاست مطرود و ملعون شود و طوق اسلام را از گردن او بردارند.

Verily, when God wishes the fall of a servant, He makes him part with modesty and thus, he hates and is hated, thereby becoming bereft of trusteeship which makes him in turn to commit treachery and to be subjected to it as well, thereby turning out to be merciless which causes him to be excommunicated and damned and thus, freed from the yoke of Islam.

۶۷۲ **إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بِقَوْمٍ خَيْرًا ابْتَلَاهُمْ.**

وقتی خداوند برای قومی نیکی خواهد آنها را مبتلا سازد.

Verily, when God wishes good for a people, He puts them to trial.

۶۷۳ إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ إِمْدَادَ أُمَّةٍ أَمَرَ نَزْعَ عُقُولِ الرِّجَالِ حَتَّى يَمْضَى أَمْرُهُ فَإِذَا أَمْضَاهُ رَدَّ إِلَيْهِمْ عُقُولَهُمْ وَوَقَعَتِ
النَّدَامَةُ.

وقتی خداوند بخواهد کاری را انجام دهد عقل مردان را بگیرد تا کار خود را انجام دهد وقتی که آن را انجام داد عقلشان را باز پس دهد و پشیمانی رخ نماید.

** چون قضا آید، نبینی غیر پوست-دشمنان را باز شناسی ز دوست (مولوی)

** چون قضا آید، شود دانش به خواب-مه سیاه گردد، بگیرد آفتاب (مولوی)

** احتیاطش کرد از سهو (و) خُباط-چون قضا آید، چه سود است احتیاط؟ (مولوی)

** چون قضا آید، شود تنگ این جهان-از قضا حلوا شود رنج دهان

كفّت إذا جاء القضا ضاق القضا- تُحجَبُ الأبصار إذا جاء القضا

چشم بسته می شود وقت قضا-تا نبیند چشم کحل چشم را (مولوی)

** چون قضا بیرون کند از چرخ سر-عاقلان گردند جمله کور و کر (مولوی)

** ای که عقلت بر عطار دق کند-عقل و عاقل را قضا احق کند

صدره و مخلص بود از چپ و راست-از قضا بسته شود گر (کو) ازدهاست (مولوی)

** آدما تو نیستی کور از نظر-لیک إذا جاء القضا عمى البصر (مولوی)

** پس بیوشید اول آن بر جان ما-تا کنیم آن کار بر وفق قضا

چون قضا آورد حکم خود پدید-چشم واگشت و پشیمانی رسید (مولوی)

** چون قضا آید، طیب ابله شود-وان در نفع هم گمره شود (مولوی)

** تا در آمد حکم و تقدیر اله-عقل حارس خیره سر گشت و تباه (مولوی)

** چرخ گردان را قضا گمره کند-صد عطار را قضا ابله کند (مولوی)

Verily, When God wishes something to be done; He deprives men of their wisdom till His will get accomplished. Then, He gives their wisdom back to them, and regret follows.

۶۷۴ **إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَنْعَمَ عَلَىٰ عَبْدٍ نَعْمَةً أَحَبَّ أَنْ تَرَىٰ عَلَيْهِ.**

وقتی خداوند نعمتی ببنده‌ای بدهد دوست دارد که آن را بر او آشکار ببیند.

****شهاب الاخبار- حدیث ۲۹۳= هر که خدای تعالی ویرا نعمتی، علمی یا مالی بدهد، باید که چنان باشد که اثر آن نعمت بر وی بینند بر آنکه آن مال بر خود و بر مسلمانان بذل کند، بر علم کار کند، و دیگران را بیاموزد.**

Verily, when God bestows His blessing on a servant (of Him), He likes to see it apparent in him (her).

۶۷۵ **إِنَّ اللَّهَ إِذَا غَضِبَ عَلَىٰ أُمَّةٍ لَمْ يَنْزِلْ بِهَا عَذَابَ خَسْفٍ وَلَا مَسْخٍ نَمَلَتْ أَسْعَارُهَا وَ يَجَسِي عَنْهَا أَمْطَارُهَا وَيَلِيٰ عَلَيْهَا أَشْرَارُهَا.**

وقتی خداوند بر قومی خشمگین شود و آنها را بر زمین فرو نبرد و مسخ نکند، قیمت‌هایشان گران شود و باران بر آنها کم بارد و اشرارشان زمام کارشان را به دست گیرند.

Verily, when God becomes enraged with a nation but He subjects them not to His punishment of metamorphosis or being swallowed by the earth, they will face high prices, drought and the rule of their wicked ones.

۶۷۶ **إِنَّ اللَّهَ اسْتَخْلَصَ هَذَا الدِّينَ لِنَفْسِهِ وَلَا يَصْلِحُ لِدِينِكُمْ إِلَّا السَّخَاءُ وَ حَسَنَ الْخَلْقِ أَلَا فَزَيْنُوا دِينَكُمْ بِهِمَا.**

خداوند این دین را خاص خود کرده است، با دین شما جز بخشش و خوش خلقی سازگار نیست؛ دین خود را باین دو صفت آرایش دهید.

Verily, God has purified this religion (Islam) for Himself. It gets along with nothing but generosity and good-temperedness and thus, you should adorn your religion with these two.

۶۷۷ **إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِمَدْرَأَةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِقَامَةِ الْفَرَائِضِ.**

خداوند بمن فرمان داده با مردم بمدارا رفتار کنم، همچنان که مرا بادای واجبات مأمور ساخته است.

God has commanded me to behave moderately with people, as he has commanded me to perform my obligations.

٦٧٨ إِنْ أَلَّهَ أَوْحَىٰ إِلَىٰ أَنْ تَوَاضَعُوا حَتَّىٰ لَا يَفْخِرَ أَحَدٌ عَلَىٰ أَحَدٍ وَلَا يَبْغِيَ أَحَدٌ عَلَىٰ أَحَدٍ.

خداوند بمن وحی فرستاده که فروتنی کنید تا کسی بر کسی افتخار نکند و کسی بر کسی تعدی نکند.

Verily, God has sent me revelation on being humble to such an extent that no one (can) pride over another and no one (can) oppress another.

٦٧٩ إِنْ أَلَّهَ بِحِكْمَتِهِ وَفَضْلِهِ جَعَلَ الرُّوحَ وَالْفَرْحَ فِي الْيَقِينِ وَالرِّضَا وَجَعَلَ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ فِي الشَّكِّ وَالسَّخَطِ.

خداوند بحکمت و فضل خویش آسایش و شادی را در یقین و خشنودی قرار داده و غم و اندوه را در تردید و ناخشنودی شدید ودیعه نهاده است.

Verily, God out of his wisdom and grace has coupled rest and happiness with certainty and satisfaction, and sorrow and care with uncertainty and anger (high dissatisfaction).

٦٨٠ إِنْ أَلَّهَ تَعَالَىٰ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا دَعَا جِبْرِيْلَ فَقَالَ إِنِّي أَحَبُّ فَلَانَا فَأُحِبُّهُ فَيُحِبُّهُ جِبْرِيْلُ ثُمَّ يَنَادِي فِي السَّمَاءِ فَيَقُولُ إِنْ أَلَّهَ يُحِبُّ فَلَانَا فَأُحِبُّوهُ فَيُحِبُّوهُ أَهْلُ السَّمَاءِ ثُمَّ يُوَضِّعُ لَهُ الْقَبُولَ فِي الْأَرْضِ وَإِذَا أَبْغَضَ عَبْدًا دَعَا جِبْرِيْلَ فَيَقُولُ إِنِّي أَبْغَضُ فَلَانَا فَأُبْغِضُوهُ فَيُبْغِضُوهُ فِي السَّمَاءِ إِنْ أَلَّهَ تَعَالَىٰ يَبْغِضُ فَلَانَا فَأُبْغِضُوهُ فَيُبْغِضُونَهُ ثُمَّ تُوَضِّعُ لَهُ الْبِغْضَاءَ فِي الْأَرْضِ.

خداوند وقتی بنده‌ای را دوست دارد جبرئیل را فرو خواند و گوید من فلانی را دوست دارم او را دوست بدار و جبرئیل او را دوست دارد سپس در آسمان ندا دهد و گوید خداوند فلان را دوست دارد او را دوست دارید و اهل آسمان نیز او را دوست دارند پس از آن در زمین نیز مقبول مردمان شود. و همین که خدا بنده‌ای را دشمن داشت جبرئیل را فرو خواند و گوید من فلانی را دشمن دارم او را دشمن بدار و جبرئیل او را دشمن دارد، سپس در میان اهل آسمان بانگ زند که خداوند فلانی را دشمن دارد او را دشمن بدارید و او را دشمن دارند و در زمین نیز مبغوض مردمان شود.

Verily, when the Exalted God loves a servant, He calls Gabriel and tells him about that, asking him to do so, and Gabriel does so and calls out in the heavens, saying “verily, God loves so and so, you do the same”, and the dwellers of the heavens too start loving him (her), and as a result, that servant becomes a beloved to the dwellers of the earth as well, and when the Exalted God is

displeased with a servant, the same happens, and that servant becomes an object of displeasure to the dwellers of the earth.

۶۸۱ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا جَعَلَ رِزْقَهُ كِفَافًا.

وقتی خداوند بنده‌ای را دوست دارد روزی او را بقدر کفایت کند.

Verily, the Exalted God provides his beloved servants with sufficient sustenance.

۶۸۲ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا أَنْزَلَ عَاهَةً مِنَ السَّمَاءِ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ صَرَفَتْ عَنْ عِمَارِ الْمَسَاجِدِ.

خداوند وقتی مرضی را از آسمان بر مردم فرود آورد بانیان مساجد را از گزند آن مصون بدارد.

Verily, when sending down a disaster from the heavens on the people of the earth, the Exalted God excludes the founders (and developers) of mosques.

۶۸۳ و ۶۸۴ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً يَحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ النِّعْمَةِ عَلَيْهِ وَيَكْرَهُ الْبُؤْسَ وَالتَّبَاؤُسَ وَيُبْغِضُ السَّائِلَ الْمَلْحِفَ وَيَحِبُّ الْحَيَّ الْعَفِيفَ الْمُتَعَفِّفَ.

خداوند وقتی نعمتی به بنده‌ای دهد دوست دارد اثر نعمت بر او دیده شود و تظاهر به تنگدستی را دوست ندارد و گدای پر رو را دشمن دارد و شخص باحیای عقیف را که از محرّمات دوری میگیرد دوست دارد.

Verily, when God, the Exalted, offers his blessing to a servant, He would like to see its effect on him (her), and He detests pretended poverty. He dislikes bold beggars and loves chaste servants who keep aloof from the unlawful.

۶۸۵ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى اطَّلَعَ عَلَى أَهْلِ بَدْرٍ وَقَالَ اْعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ فَقَدْ غَفَرْتُ لَكُمْ.

خداوند به بدریان (شرکت کنندگان در جنگ بدر) نگریست و گفت هر چه میخواهید بکنید که شما را بخشیدم.

Verily, the Exalted God informed the strugglers in (the Battle) of Badr, saying: "Do whatever you wish, for I surely forgive you.

۶۸۶ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى تَجَاوَزَ لِأُمَّتِي عَمَّا حَدَّثْتُ بِهِ أَنْفُسَهَا مَا لَمْ تَتَكَلَّمْ أَوْ تَعْمَلْ بِهِ.

خداوند بر امت من چیزهایی را که در دلشان بگذرد اگر بگفتار و کردار منجر نشود بخشیده است.

Verily, the Exalted God has forgiven my people as to what occurs in their hearts, if not given expression to or acted upon.

۶۸۷ إِنَّ اللَّهَ تَجَاوَزَ لِيَ عَنِ أُمَّتِي الْخَطَاءَ وَالنَّسِيَانَ وَمَا اسْتَكْرَهُوا عَلَيْهِ.

خداوند اشتباه و فراموشی و کلیه کارهای زشت و ناپسند که مردم را بدان اجبار کنند به امت من بخشیده است.

My people will not be called to account for mistake, unawareness and compulsory deeds.

۶۸۸ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ لِلْمَعْرُوفِ وَجُوهًا مِنْ خَلْقِهِ حَبَّبَ إِلَيْهِمُ الْمَعْرُوفَ وَحَبَّبَ إِلَيْهِمْ فِعَالَهُ وَوَجَّهَ طَلَّابَ الْمَعْرُوفِ إِلَيْهِمْ وَيَسَّرَ عَلَيْهِمْ إِعْطَاءَهُ كَمَا يَسَّرَ الْغَيْثَ إِلَى الْأَرْضِ الْجَدْبَةَ لِيَحْيِيَهَا وَيَحْيِيَ بِهَا أَهْلَهَا وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ لِلْمَعْرُوفِ أَعْدَاءَ مِنْ خَلْقِهِ بَغَّضَ إِلَيْهِمُ الْمَعْرُوفَ وَخَطَرَ عَلَيْهِمْ إِعْطَاءَهُ كَمَا يَخْطُرُ الْغَيْثُ عَنِ الْأَرْضِ الْجَدْبَةَ لِيُهْلِكَهَا وَيُهْلِكَ بِهَا أَهْلَهَا.

خداوند کسانی از خلق خود را برای نیکوکاری قرار داده و نیکی را محبوب آن‌ها ساخته و میل انجام آن را در دلشان انداخته و طالبان نیکی را بسویشان روان کرده و انجام نیکی را برای آن‌ها آسان کرده است چنان که باران را آسان بر زمین بی آب میرساند تا آن را آباد و مردمش را منتفع سازد و خداوند کسانی از خلق خود را دشمن نیکوکاری قرار داده و نیکی را منفور آنها ساخته و انجام آن را بر آنها ممنوع گردانیده چنان که باران را بر زمین بی آب ممنوع میکند تا آن را خراب و مردمش را هلاک کند.

Verily, the Exalted God has appointed a group of His servants for goodness, making them lovers of it and lovers of acting upon it, guiding the seekers of it to them and making easy for them the task of doing good as He easily sends down rain to enliven barren lands and enliven people thereof; and He has made a group of His servants enemy of goodness, making them hate it and avoid acting upon it just as He avoids sending down rain to ruin lands and ruin people thereof.

۶۸۹ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ مَا يَخْرُجُ مِنْ ابْنِ آدَمَ مِثْلًا لِلدُّنْيَا.

خداوند چیزی را که از آدمیزاد بیرون می‌آید (=مدفوع انسان) مثال دنیا قرار داده است.

Verily, the Exalted God has likened the (material) world to the excrements of the son of Adam.

۶۹۰ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمِيلٌ يَحِبُّ الْجَمَالَ سَخِيَ يَحِبُّ السَّخَاءَ، نَظِيفٌ يَحِبُّ النَّظَافَةَ.

خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، بخشنده است و بخشش را دوست دارد، پاکیزه است و پاکیزگی را دوست دارد.

****او جمیل است و مُحَبُّ لِلْجَمَالِ—کی جوان نو گزیند پیر زال؟ (مولوی)**

Verily, the Exalted God is the most beautiful and loves beauty, is the most generous and loves generosity, and is the cleanest and loves cleanliness.

۶۹۱ **إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَوَادٌ يَحِبُّ الْجُودَ وَيَحِبُّ مَعَالَى الْأَخْلَاقِ وَيَكْرَهُ سَفْسَافَهَا.**

خداوند بخشنده است و بخشش را دوست دارد و اخلاق عالی را دوست دارد و اخلاق پست را دوست ندارد.

Verily, the Exalted God is the most generous and loves the generous. He loves high moral values and hates low morality.

۶۹۲ **إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَيْثُ خَلَقَ الدَّاءَ خَلَقَ الدَّوَاءَ فَتَدَاوُوا.**

خداوند که درد را آفریده درمان را نیز آفریده پس دردهای خویش را درمان کنید.

****گفت پیغمبر که یزدان مجید—از پی هر درد درمان آفرید (مولوی)**

****هر مرض دارد دوا، می دان یقین—چون دواى درد(رنج) سرما پوستین (مولوی)**

Verily, the Exalted God who has created maladies has provided medicines too.(Try to) cure your diseases, therefore.

۶۹۳ **إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَرَّمَ الْجَنَّةَ عَلَى كُلِّ مَرَاءٍ.**

خداوند بهشت را بر ربا کار حرام کرده است.

Verily, the Exalted God has banned Paradise for the double-faced (hypocrites).

۶۹۴ **إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَيِّيٌّ سَتِيرٌ يَحِبُّ الْحَيَاءَ وَالسَّتْرَ فَإِذَا اغْتَسَلَ أَحَدُكُمْ فليستتر.**

خداوند باحیا و پردهپوش است و حیا و پردهپوشی را دوست دارد، پس هنگامی که یکی از شما غسل میکند خود را مستور کند.

Verily, the Exalted God is chaste and covers faults and loves being chaste and respecting privacy of others. So, cover yourselves when you perform ceremonial washing.

۶۹۵ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَيِي كَرِيمٌ يَسْتَحْيِي إِذَا رَفَعَ الرَّجُلُ إِلَيْهِ يَدَيْهِ أَنْ يَرَدَّهَمَا صَفْرًا خَائِبَتَيْنِ.

خداوند باحیا و بخشنده است وقتی مردی دست‌های خود را به سوی او بلند کرد شرم دارد که آن را خالی و نومید باز گرداند.

***دست اشکسته بر آور در دعا-سوی اشکسته پرد فضل خدا (مولوی)**

Verily, the Exalted God is the most modest and generous and thus, when a man raises his hands towards Him, (never) returns him hopeless and empty handed.

۶۹۶ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الْخَلْقَ حَتَّى إِذَا فَرَّغَ مِنْ خَلْقِهِ قَامَتِ الرَّحْمَةُ فَقَالَ مَه؟ فَقَالَتْ هَذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ الْقَطِيعَةِ، قَالَ نَعَمْ أَمَا تَرْضِينَ أَنْ أَصِلَ مِنْ وَصْلِكَ وَأَقْطَعَ مِنْ قِطْعِكَ قَالَتْ بَلَى يَا رَبِّ قَالَ فَذَلِكُ لَكَ.

خداوند خلق را بیافرید همین که از خلقت فراغت یافت رابطه خویشاوندی بپا خاست، خدا گفت چیست؟

رابطه خویشاوندی گفت از قطع رشته خویش بتو پناه می‌برم، خداوند گفت خوب آیا راضی نیستی هر که ترا پیوند دهد با او پیوند گیرم و هر که ترا ببرد از او ببرم گفت چرا پروردگارا گفت چنین باشد.

When God, the Exalted, finished creating people, kinship rose. "How come?" God asked. The kinship replied, "I take refuge with You from the breach of the bonds of kinship." God asked (anew), "Well! Will you turn content, should I join the one who joins you and leave the one who leaves you?" "Yes, O Lord", replied the relative. God said, "That's yours."

۶۹۷ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الرَّحْمَةَ يَوْمَ خَلَقَهَا مَائَةً رَحْمَةً فَأَمْسَكَ عِنْدَهُ تِسْعًا وَ تِسْعِينَ رَحْمَةً وَ أَرْسَلَ فِي خَلْقِهِ كُلِّهِمْ رَحْمَةً فَلَوْ يَعْلَمُ الْكَافِرُ بِكُلِّ الَّذِي عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الرَّحْمَةِ لَمْ يَبْأَسْ مِنَ الْجَنَّةِ وَ لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ بِالَّذِي عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْعَذَابِ لَمْ يَأْمَنْ مِنَ النَّارِ.

خداوند روزی که رحمت را آفرید صد قسمت آفرید نود و نه قسمت را پیش خود نگهداشت و یک قسمت را بهمه مخلوق داد اگر کافر میدانست چقدر رحمت پیش خدا است از بهشت مأیوس نمیشد و اگر مؤمن میدانست چقدر عذاب پیش خدا است از جهنم ایمن نبود.

****عفو های جمله عالم ذره ای—عکس عفت ای ز تو هر بهره ای (مولوی)**

Verily, when the Exalted God created Mercy, He made it into a hundred parts, holding ninety nine parts for Himself and bestowing the last part on all his creatures. Thus, were the unbelievers aware of the amount of Mercy kept with God, they would (never) be hopeless of (entering) Paradise, and were the believers aware of the extent of God's punishment, they would (never) feel immune of the Fire.

۶۹۸ إِنْ أَلَّهِ تَعَالَى خَلَقَ الْجَنَّةَ بِيضًا وَأَحَبَّ شَيْءٍ إِلَى اللَّهِ الْبِيضَ.

خداوند بهشت را سفید آفریده و سفیدی از همه رنگها پیش خدا محبوبتر است.

Verily, the Exalted God has created (colored) Paradise white, and (thus) the most favorite color to Him is white.

۶۹۹ إِنْ أَلَّهِ تَعَالَى خَلَقَهُ فِي ظِلْمَةٍ فَأَلْقَى عَلَيْهِمْ مِنْ نُورِهِ فَمَنْ أَصَابَهُ مِنْ ذَلِكَ النَّورِ يَوْمئِذٍ اهْتَدَى وَمَنْ أَخْطَأَهُ ضَلَّ.

خداوند مخلوق خود را در تاریکی بیافرید و از نور خود بر آنها انداخت، هر کس در آن روز از آن نور بدو رسید هدایت یافت و هر کس از آن دور ماند گمراه گشت.

****حق فشانند آن نور بر جان ها—مقبلان برداشته دامان ها (مولوی)**

****وان گلی کز رشّ حق نوری نیافت—صحبّت گل های پر دُر بر نتافت (مولوی)**

****چون نَرَد بر وی نثار رشّ نور—او همه جسم است بی دل چون فُشور**

ور ز رشّ نور حق قسمیش داد—همچو رسم مصر سرگین مرغ زاد (مولوی)

****نیست دید رنگ بی نور برون—همچنین رنگ خیال اندرون (مولوی)**

Verily, the Exalted God created His creatures in darkness and (then) threw His own light on them and therefore, whoever was at that time given a share of that light was guided and whoever was refused thus, was misled.

۷۰۰ إِنْ أَلَّهِ تَعَالَى رَضِيَ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ الْيَسْرَ وَكَرِهَ لَهَا الْعُسْرَ.

خداوند برای این امت آسانی را پسندیده و سختی را نپسندیده است.

Verily, the Exalted God is pleased with ease, not hardship, for this Islamic nation.

۷۰۱ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى رَفِيقٌ يَحِبُّ الرَّفْقَ وَيُعْطِي عَلَيْهِ مَا لَا يُعْطَى عَلَى الْعَنْفِ.

خداوند ملایمست و ملایمت را دوست دارد و بوسیله آن چیزها میدهد که بوسیله خشونت نمی دهد.

Verily, the Exalted God is Moderate, loves moderateness, and through it He bestows (on people) things which he does not do through violence.

۷۰۲ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَائِلٌ كُلِّ رَاعٍ عَمَّا اسْتَرَعَاهُ، أَحْفَظُ ذَلِكَ أَمْ ضَيَّعَهُ حَتَّى يَسْأَلَ الرَّجُلَ عَنْ أَهْلِ بَيْتِهِ.

خداوند از هر کس در باره زیر دستش می پرسد که آیا آن را نگهداشته یا ضایع گذاشته است تا آن جا که از مرد در باره اهل خانه اش پرسش میکند.

Verily, the Exalted God will ask everybody about his subjects, i.e. having been saved or ruined. He even asks men about their households in like manner.

۷۰۳ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى طَيِّبٌ يَحِبُّ الطَّيِّبَ نَظِيفٌ يَحِبُّ النَّظَافَةَ، كَرِيمٌ يَحِبُّ الْكِرْمَ، جَوَادٌ يَحِبُّ الْجُودَ فَنَظَّفُوا أَفْنِيَتِكُمْ وَ لَا تُشَبِّهُوا بِالْيَهُودِ.

خداوند خوشبو است و بوی خوش را دوست دارد، پاکیزه است و پاکیزگی را دوست دارد بزرگواری است و بزرگواری را دوست دارد بخشنده است و بخشش را دوست دارد پس جلو خانه های خویش را پاکیزه سازید و مانند یهودان مباشید.

Verily, the Exalted God is Fragrant and loves fragrance, is Clean and loves cleanliness, is Generous and loves generosity, and is Magnanimous and loves magnanimity. So, clean outside of your houses and be not like unto Jews.

۷۰۴ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى عَفْوٌ يَحِبُّ الْعَفْوَ.

خداوند بخشنده است و بخشش را دوست دارد.

****کای محبّ عفو، از ما عفو کن—ای طیب رنج ناسور کهن (مولوی)**

Verily, the Exalted God is Forgiver and loves forgiveness.

۷۰۵ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى عِنْدَ لِسَانِ كُلِّ قَائِلٍ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدَهُ وَ لِيَنْظُرْ مَا يَقُولُ.

خداوند مراقب زبان هر گوینده ایست بنده باید از خدا بترسد و بنگرد که چه میگوید.

Verily, God is heedful of the tongues of all who talk and thus, (God's) servants should fear Him and care for what they say.

۷۰۶ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى غَيُورٌ يُحِبُّ الْغَيُورَ.

خداوند غیر تمند است و مرد غیر تمند را دوست دارد.

Verily, the Exalted God is Zealous and loves zeal.

۷۰۷ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ حَرَّمَ عَلَى النَّارِ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَ اللَّهِ.

خداوند هر کسی را که بگوید لا اله الا الله و از این سخن جز خدا منظوری نداشته باشد بجهنم حرام کرده است.

Verily, the Exalted God has banned Hell for anybody who utters, 'there is no god but Allah', and intends nothing but God.

۷۰۸ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَتَبَ الْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ ثُمَّ بَيَّنَ ذَلِكَ فَمَنْ هَمَّ بِحَسَنَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللَّهُ تَعَالَى عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً فَإِنْ هَمَّ بِهَا فَعَمَلُهَا كَتَبَهَا اللَّهُ عِنْدَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ إِلَى سَبْعِمِائَةٍ ضَعْفٍ إِلَى أَضْعَافٍ كَثِيرَةٍ، وَإِنْ هَمَّ بِسَيِّئَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً فَإِنْ هَمَّ بِهَا فَعَمَلُهَا كَتَبَهَا اللَّهُ سَيِّئَةً وَاحِدَةً وَ لَا يَهْلِكُ عَلَى اللَّهِ إِلَّا هَالِكٌ.

خداوند نیکی ها و بدیها و چیزهائی را که میان آنهاست رقم زد هر کس انجام نیکی را در دل گیرد و انجام ندهد خداوند برای او یک نیکی کامل رقم زند و اگر در دل گیرد و انجام دهد خداوند ده نیکی تا هفتصد برابر و بیشتر رقم زند و اگر بدی ای را در دل گیرد و انجام ندهد خداوند آن را نیکی کامل رقم زند و اگر در دل گیرد و انجام دهد خداوند فقط یک بدی رقم میزند، بنا بر این هر که در پیشگاه خدا هلاک شود سزاوار هلاک است.

Verily, the Exalted God has prescribed goodness, evil and whatever is there between them (for people). Thus, He will record a perfect reward for whoever intends to do good but falls short in doing that, and He will record for him ten to seven hundred (or more) rewards, if he puts it into effect. Also God will record a perfect reward for whoever intends to do evil but stops doing that, and He will record

only one sin for him, if he puts it into effect. As such, whoever brings himself ruin, deserves it.

٧٠٩ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَتَبَ عَلَيْكَ السَّعْيَ فَاسْعُوا.

خداوند کوشش را بر شما مقرر داشته است پس بکوشید.

Verily, the Exalted God has prescribed efforts for you. Make efforts, therefore.

٧١٠ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَتَبَ الْغَيْرَةَ عَلَى النِّسَاءِ وَالْجِهَادَ عَلَى الرِّجَالِ فَمَنْ صَبَرَ مِنْهُنَّ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا كَانَ لَهَا مِثْلُ أَجْرِ الشَّهِيدِ.

خداوند رنج هووداری را نصیب زنان و جنگ را قسمت مردان قرار داد هر زنی از روی ایمان و در انتظار پاداش خدا بر رنج هوو داری صبر کند ثواب شهید دارد.

Verily, the Exalted God has prescribed for women bearing rival wives, and for men struggling in the way of Him. So, any woman who, due to her faith in God, keeps patient in awaiting His reward for this suffering, will be rewarded as a martyr.

٧١١ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَتَبَ عَلَى ابْنِ آدَمَ حِظَّهُ مِنَ الزَّوْنِ أَدْرَكَ ذَلِكَ لَا مَحَالَةَ، فِزْنَا الْعَيْنَ النَّظْرَ، وَزْنَا اللِّسَانَ الْمُنْطِقَ وَالنَّفْسَ تَمَنَّى وَتَشْتَهَى وَالْفَرْجَ يَصْدَقُ ذَلِكَ أَوْ يَكْذِبُهُ.

خداوند بر آدمیزاد قسمتی از زنا رقم زده است که ناچار مرتکب آن می شود، زناي چشم نگاه نارواست و زناي زبان سخن بیجاست نفس آرزو میکند و میخواهد و عورت آن را راست یا دروغ میسازد.

Verily, the Exalted God has prescribed for sons of Adam a share in adultery, which they commit willy-nilly. The eye's adultery is an unlawful look and the tongue's, an illogical utterance. The (evil) soul requests (something) and invokes (man to answer it), and his private parts either put it into effect or not.

٧١٢ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَرِيمٌ يَحِبُّ الْكُرْمَ.

خداوند بزرگووار است و بزرگواری را دوست دارد.

Verily, the Exalted God is Magnanimous and loves magnanimity.

٧١٣ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَحِبُّ الْفَاحِشَ الْمَتَفَحِّشَ وَ لَا الصَّيَّاحَ فِي الْأَسْوَاقِ.

خداوند مردم بد گو و بد زبان و بانگ زنان در بازار را دوست ندارد.

Verily, the Exalted God hates scurrilous, foul mouthed people as well as those who raise their voices in bazaars.

۷۱۴ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يُحِبُّ الذَّوَّاقِينَ وَلَا الذَّوَّاقَاتِ.

خداوند مردانی را که مکرر زن بگیرند و زنانی را که مکرر شوهر کنند دوست ندارد.

Verily, the Exalted God hates men and women who marry a lot.

۷۱۵ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَظْلِمُ الْمُؤْمِنَ حَسَنَةً يُعْطِي عَلَيْهَا فِي الدُّنْيَا وَيُنَاقِبُ عَلَيْهَا فِي الْآخِرَةِ وَأَمَّا الْكَافِرُ فَيُطْعَمُ بِحَسَنَاتِهِ فِي الدُّنْيَا حَتَّىٰ إِذَا أَفْضَىٰ إِلَى الْآخِرَةِ لَمْ تُكُنْ لَهُ حَسَنَةٌ يُعْطَىٰ بِهَا خَيْرًا.

خداوند هیچ یک از کارهای نیک مؤمن را از قلم نمی‌اندازد و در دنیا و آخرت پاداش آن را می‌دهد؛ ولی کافر در دنیا بوسیله کارهای نیک خود روزی می‌خورد و همین که بآخرت رسید کار نیکی ندارد که بوسیله آن پاداش یابد.

Verily, the Exalted God does not ignore a believer's good deed and will reward it here and in the Hereafter, and a disbeliever enjoys the rewards of his good deeds here but does not have any good deed to avail himself of in the Hereafter.

۷۱۶ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يُعَذِّبُ مَنْ عَابَدَهُ إِلَّا الْمَارِدَ الْمُتَمَرِّدَ الَّذِي يَتَمَرَّدُ عَلَى اللَّهِ وَابِي أَنْ يَقُولَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.

خداوند از بندگان خود جز سرکش مغروری را که از اطاعت خدا سرکشی کند و از گفتن لا اله الا الله امتناع دارد عذاب نمی‌کند.

Verily, the Exalted God does not punish any of His servants save a refractory one who rebels against Him and refuses to say, "There is no god but Allah".

۷۱۷ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَقْبَلُ مِنَ الْعَمَلِ إِلَّا مَا كَانَ لَهُ خَالصًا وَابْتغَىٰ بِهِ وَجْهَهُ.

خداوند از عبادت‌ها جز آنچه خاص او باشد و بخاطر او انجام گیرد نمی‌پذیرد.

****در یکی گفته کزین دو برگزید—بُت بود هر چه بگنجد در نظر (مولوی)**

Verily, the Exalted God accepts none of (one's) deeds save what is sincerely done for Him, and for gaining His proximity.

۷۱۸ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَقْدَسُ أُمَّةٌ لَا يُعْطُونَ الضَّعِيفَ مِنْهُمْ حَقَّهُ.

خداوند ملتی را که حق ضعیفان خود را نمیدهند، تقدیس نمیکنند.

Verily, the Exalted God sanctifies not a people who secure not the rights of the weak among themselves.

۷۱۹ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ وَأَمْوَالِكُمْ وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ.

خداوند بصورت‌ها و اموال شما نمینگرد، بلکه بدلها و اعمال شما مینگرد.

**** ما برون را ننگریم و قال را—ما درون را بنگریم و حال را (مولوی)**

**** حق همی گوید نظرمان بر دل است—نیست بر صورت که آن آب و گل است (مولوی)**

**** دل نباشد غیر آن دریای نور—دل نظرگاه خدا و آنگاه کور (مولوی)**

**** وانگهان گفته خدا که ننگرم—من به ظاهر، من به باطن ناظرم (مولوی)**

**** ما که باطن بین جمله کشوریم—دل ببینیم و به ظاهر ننگریم (مولوی)**

**** گفت لا يَنْظُرُ إِلَى تَصْوِيرِكُمْ—فَابْتَغُوا ذَالْقَلْبِ فِي تَدْبِيرِكُمْ (مولوی)**

**** ننگرم در تو، در آن دل بنگرم—تحفه آن را آر ای جان در برم (مولوی)**

**** منظر حق دل بود در دو سرا—که نظر بر شاهد آید شاه را (مولوی)**

Verily, the Exalted God heeds not your wealth and appearance, but your hearts and deeds, He attends.

۷۲۰ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَنَامُ وَلَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَنَامَ يَخْفُضُ الْقَسْطَ وَيَرْفَعُهُ، يَرْفَعُ إِلَيْهِ عَمَلُ اللَّيْلِ قَبْلَ عَمَلِ النَّهَارِ وَ عَمَلُ النَّهَارِ قَبْلَ عَمَلِ اللَّيْلِ حِجَابَهُ النُّورِ، لَوْ كَشَفَهُ لَأَحْرَقَتْ سُبْحَاتُ وَجْهِهِ مَا أَنْتَهَى إِلَيْهِ بَصَرُهُ مِنْ خَلْقِهِ.

خداوند نمیخوابد و خواب بر او روا نیست سهم و روزی مردمان را پائین می آورد و بالا میبرد عمل شب را پیش از عمل روز و عمل روز را پیش از عمل شب بسوی او بالا می برند، پرده او نور است و اگر پرده بردارد جلوه روی او همه مخلوقاتی را که چشم بر او میکشایند خواهد سوخت.

Verily, the Exalted God sleeps not, nor is sleeping apt for Him. He causes (people's) share to rise and fall. Night-time deeds are

presented to Him before daily deeds, and daily deeds are presented to Him before night-time ones. A curtain of light covers Him. Should He remove this curtain, His light will cause to burn all the creatures towards Him their faces turn.

۷۲۱ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَهْتِكُ سِتْرَ عَبْدٍ فِيهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ خَيْرٍ.

خداوند وقتی پرده بنده‌ای را که یک ذره نیکی در او باشد نمیدرد.

Verily, the Exalted God puts not to disgrace the one in whom of goodness there is a trace.

۷۲۲ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمَّا خَلَقَ الدُّنْيَا أَعْرَضَ عَنْهَا فَلَمْ يَنْظُرْ إِلَيْهَا مِنْ هَوَانِهَا عَلَيْهِ.

خداوند وقتی دنیا را آفرید روی از آن بگردانید و چنان در نظر خدا ناچیز بود که بر آن ننگریست.

When the Exalted God created the world, He turned away from it and looked not at it, for it was highly insignificant to Him.

۷۲۳ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمَّا خَلَقَ الْخَلْقَ كَتَبَ بِيَدِهِ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ رَحْمَتِي تَغْلِبُ غَضَبِي.

خداوند وقتی خلق را بیافرید بر خویش مقرر داشت که رحمت من بر خشم من غلبه خواهد یافت.

**زبان که این دم‌ها چه گر نالایق است—رحمت من بر غضب هم سابق است (مولوی)

**اندر آ، کازاد کردت لطف حق—زبان که رحمت داشت بر خشمش سبق (مولوی)

**اصل نقدش، داد و لطف و بخشش است—قهر بر وی چون غباری از غش است (مولوی)

**رحمتش سابق بده ست از قهر، زبان—تا زرحمت گردد اهل امتحان

رحمتش بر قهر از آن سابق شده ست—تا که سرمایه وجود آید به دست (مولوی)

**شه را باید که باشد خوی رب—رحمت او سبق گیرد (دارد) بر غضب (مولوی)

**رحمت او سابق است از قهر او—سابقی خواهی، برو سابق بجو (مولوی)

**با چنین قهری که زفت و فایق است—بَرَدِ لُطْفِش بَيْنَ كَيْفِ بَرِّهِ سَابِقِ اسْتِ (مولوی)

**سَبَقِ بَرِّهِ رَحْمَتِش أَنْ غَدَرَ رَأْسَهُ نَوْرِي كَأَنَّ نَبَاتَهُ بَدْرًا (مولوی)

****سَبَقَ رَحْمَتِ رَاسِتِ وَيْنِ (اَو) اَز رَحْمَتِ اسْتِ-چَشْمِ بَدِ مَحْصُولِ قَهْرِ وَ لَعْنَتِ اسْتِ**

رَحْمَتِشِ بَرِ نَقْمَتِشِ غَالِبِ بُوْد (شُوْد)-چِپِرِه زان (زین) شُد هِر نَبی بَر خِصْمِ (ضَدِّ) خُوْد (مُوْلُوی)

****هَمْ زِ عِزْرَائِیلِ بَا قَهْرِ وَ عَطْبِ-تُوْبِهی چُوْنِ سَبَقِ رَحْمَتِ بَرِ غَضَبِ (مُوْلُوی)**

****سَبَقِ رَحْمَتِ بَرِ غَضَبِ هَسْتِ ای فِتی-لُطْفِ غَالِبِ بُوْد دَرِ وَصْفِ خُدا (مُوْلُوی)**

****سَبَقِ رَحْمَتِ گِشْتِ غَالِبِ بَرِ غَضَبِ-ای بَدِیعِ اَفْعَالِ نِیکُوکارِ رَبِّ (مُوْلُوی)**

****تا کِه رَحْمَتِ غَالِبِ آیدِ یا غَضَبِ-آبِ کُوْثَرِ غَالِبِ آیدِ یا لَهَبِ (مُوْلُوی)**

When the Exalted God created man, He prescribed for Him with His own hand `the priority of His mercy over His wrath' for Himself.

۷۲۴ إِنْ اللّٰهُ تَعَالٰی لَمْ یَخْلُقْ خَلْقًا هُوَ اَبْغَضُ اِلَيْهِ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا نَظَرَ اِلَيْهَا مِنْذُ خَلْقِهَا بَغْضًا لَهَا.

خداوند مخلوقی که در نظر او مبعوض تر از دنیا باشد نیافریده و از بس آن را دشمن دارد از هنگام آفرینش بر آن ننگریسته است.

The most hated creature of the Exalted God is the world. It is so much despised that He has not looked at it since its creation.

۷۲۵ إِنْ اللّٰهُ تَعَالٰی لَمْ یَبْعَثْنِی مَعْنًا وَ لَا مَتَعْنًا وَ لَکِن بَعَثْنِی مَعْلَمًا مِیسِّرًا.

خداوند مرا اشکال گیر و اشکال تراش نفرستاده بلکه آموزگار و آسانگیر فرستاده است.

Verily, the Exalted God has not appointed me to be fault-finding and trouble-making but to be an easy-going teacher.

۷۲۶ إِنْ اللّٰهُ تَعَالٰی لَیؤَیِّدُ الْإِسْلَامَ بِرِجَالٍ مَا هُمْ مِنْ أَهْلِهِ.

خداوند اسلام را بمردانی که مسلمان نیستند یاری میکند.

Verily, the Exalted God will support Islam through non-Muslim hands.

۷۲۷ إِنْ اللّٰهُ تَعَالٰی لَیُحْمِی عِبْدَهُ الْمُؤْمِنِ مِنَ الدُّنْيَا وَ هُوَ یُحِبُّهُ کَمَا تُحْمَوْنَ مَرِیضُکُمُ الطَّعَامُ وَ الشَّرَابُ تَخَافُونَ عَلَیْهِ.

خداوند چون بنده مؤمن خود را دوست دارد او را از دنیا پرهیز میدهد چنان که شما مریض خود را از بیم مرض از خوردن و نوشیدن پرهیز می‌دهید.

Verily, the Exalted God asks His believing servants to refrain from the world just as you make your patients refrain from eating and drinking, for you are worried about them.

۷۲۸ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لِيُدْفِعَ بِالْمُسْلِمِ الصَّالِحِ عَنِ مِائَةِ أَهْلِ بَيْتٍ مِنْ جِيرَانِهِ الْبَلَاءَ.

خداوند بخاطر مسلمان پارسا بلا را از صد خانه همسایه او دفع میکند.

Verily, the Exalted God wards off calamity from a hundred neighboring houses on account of a pious Muslim.

۷۲۹ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لِيُعْجِبَ مِنَ الشَّابِّ لَيْسَتْ لَهُ صِبْوَةٌ.

خداوند جوانی را که جوانی نمیکند بدیده تحسین مینگرد.

Your God loves the youth who do not follow their carnal desires.

۷۳۰ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لِيَنْفَعِ الْعَبْدَ بِالذَّنْبِ يَذْنِبُهُ.

گاه باشد. خداوند بنده را به گناهی که میکند منتفع می‌سازد.

Verily, the Exalted God (sometimes) lets a sinner benefit by his (her) sins.

۷۳۱ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى مُحْسِنٌ فَأَحْسِنُوا.

خداوند نیکوکار است شما نیز نیکوئی کنید.

Verily, the Exalted God is the most kind and thus, you should try to be kind too.

۷۳۲ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى مَعَ الْقَاضِي مَا لَمْ يَحْفَ عَمْدًا.

خداوند تا هنگامی که قاضی از روی عمد ستم نکند یار اوست.

Verily, the Exalted God is a helping hand to a judge as long as he keeps away from purposeful injustice.

۷۳۳ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى مَعَ الدَّائِنِ حَتَّى يَقْضِيَ دَيْنَهُ مَا لَمْ يَكُنْ دَيْنُهُ فِيمَا يَكْرَهُ اللَّهُ.

خداوند یار قرض دار است تا قرض خود را بپردازد بشرط آنکه قرض وی بر خلاف رضای خداوند نباشد.

Verily, the Exalted God is with a debtor till he pays back his debts provided that He does not detest his borrowing.

۷۳۴ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَضِعَ عَنِ أُمَّتِي الْخَطَاءَ وَالنَّسْيَانَ وَمَا اسْتَكْرَهُوا عَلَيْهِ.

خداوند خطا و فراموشی و کلیه کارهای زشت و ناپسند که مردم را بدان اجبار کنند را بر امت من بخشیده است.

Verily, the Exalted God connives at the faults, oblivion and compulsory deeds of my people.

۷۳۵ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَكَلَّ بِالرَّحِمِ مَلَكًا يَقُولُ أَيُّ رَبِّ نَظْفَةٍ، أَيُّ رَبِّ عَلَقَةٍ، أَيُّ رَبِّ مَضْغَةٍ، فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَقْضِيَ خَلْقَهَا قَالَ أَيُّ رَبِّ شَقِيٍّ أَوْ سَعِيدٍ؟ ..

ذکر او آنست؟ فما الرزق فما الأجل؟ فيكتب كذلك في بطن أمه.

خداوند بشکم مادر فرشته‌ای گماشته است که میگوید خدایا اکنون نطفه است، خدایا اکنون علقه (خون بسته) است، خدایا اکنون مضغه (چیزی شبیه گوشت جویده) است، وقتی خداوند خواست خلقت او را کامل کند گوید خدایا بدبخت یا خوشبخت؟ .. نر یا ماده؟ روزی و عمر او چیست؟ .. و بهمین طریق در شکم مادر او رقم میزند.

Verily, the Exalted God appoints an angel for a (pregnant) mother's womb, who reports the status of her embryo, saying, "O God! Now it is a drop of seed, now it is a blod-clot, now it is a lump of flesh' Then, at the time of completing its creation by God's will, the angel asks, "O Lord! Is it lucky or unlucky? Is it male or female? What is its sustenance and when is its death? The angel asks thus and God determines the child's lot in the mother's womb.

۷۳۶ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبَاهِي بِالشَّابِّ الْعَابِدِ الْمَلَائِكَةَ، يَقُولُ أَنْظِرُوا إِلَيَّ عَبْدِي تَرْكُ شَهْوَتِهِ مِنْ أَجْلِي.

خدا بجوان عابد بر فرشتگان مباحات میکند و میگوید بنده مرا بنگرید که بخاطر من از تمایلات خود چشم پوشیده است.

Verily, the Exalted God takes pride in a young pious person over His angels, saying, “See My servant conniving at his passions for My sake”.

۷۳۸ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْغِضُ الطَّلَاقَ.

خداوند طلاق را دشمن دارد.

Verily, the Exalted God dislikes divorce.

۷۳۹ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْغِضُ الْغَنَى الظُّلُومِ وَالشَّيْخَ الْجَهُولِ وَالْعَائِلَ الْمُخْتَالَ.

خداوند ثروتمند ستمگر و پیر نادان و فقیر متکبر را دشمن دارد.

Verily, the Exalted God hates the cruel rich, the arrogant poor and the ignorant aged.

۷۴۰ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْغِضُ الْمَعْبَسِ فِي وَجْهِ إِخْوَانِهِ.

خداوند کسی را که در مقابل برادران خود عبوس باشد دشمن دارد.

Verily, the Exalted God detests those who frown at their brethren's faces.

۷۴۱ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْغِضُ الْوَسْخَ وَالشَّعْثَ.

خداوند کثافت و زولیدگی را دشمن دارد.

Verily, the Exalted God detests dirt and disorderliness.

۷۴۲ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْغِضُ الْبَخِيلَ فِي حَيَاتِهِ السَّخَىٰ عِنْدَ مَوْتِهِ.

خداوند کسی را که در زندگی بخیل باشد و هنگام مرگ بخشنده شود. دشمن دارد.

Verily, the Exalted God detests the one who is stingy in life but becomes generous on the verge of death.

۷۴۳ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْغِضُ الْمُؤْمِنَ الَّذِي لَا زَبْرَ لَهُ.

خداوند مؤمنی را که عقل ندارد دشمن دارد.

****بس نکو گفت آن رسول خوش جواز—ذره ای (ذره) عقلت به از صوم و نماز (مولوی)**

Verily, the Exalted God detests an unwise believer.

۷۴۴ **إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْغُضُ الْفَاحِشَ الْمَتَفَحِّشَ.**

خداوند شخص بد گو و بد زبان را دشمن دارد.

Verily, the Exalted God detests foul-mouthed, scurrilous people.

۷۴۵ **إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْغُضُ ابْنَ السَّبْعِينَ فِي أَهْلِهِ ابْنَ عَشْرِينَ فِي مَشِيَّتِهِ وَ مَنْظَرِهِ.**

خداوند پیر هفتاد ساله را که نیت و رفتار وی چون جوانان بیست ساله باشد دشمن دارد.

Verily, the Exalted God detests a seventy year old man whose wishes and behavior are like unto a twenty year old person.

۷۴۶ **إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يَتَّقَنَهُ.**

خداوند دوست دارد که وقتی یکی از شما کاری میکند آن را کامل کند.

Verily, the Exalted God would like you to perfect your deeds.

۷۴۷ **إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ الرَّفْقَ فِي الْأَمْرِ كُلِّهِ.**

خداوند ملایمت را در همه چیز دوست دارد.

Verily, the Exalted God loves moderateness in all affairs.

۷۴۸ **إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ السَّهْلَ الطَّيِّقَ.**

خداوند شخص آسانگیر خوشروی و گشاده رو را دوست دارد.

Verily, the Exalted God loves broadminded, easy-going people.

۷۴۹ **إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ الشَّابَّ التَّائِبَ.**

خداوند جوان توبه کار را دوست دارد.

Verily, the Exalted God loves young penitent people.

٧٥٠ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ الْمُحْتَرَفَ.

خداوند بنده مؤمن پیشه‌ور را دوست دارد.

Verily, the Exalted God loves skilled believers.

٧٥١ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ الْمَدَاوِمَةَ عَلَى الْإِخَاءِ الْقَدِيمِ فِدَاوِمًا.

خداوند ادامه دوستی دیرینه را دوست دارد، بنا بر این دوستی دیرینه را ادامه دهید.

Let your time aged friendship continue, for God the Exalted loves this continuation.

٧٥٢ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ مَنْ عَبَادَهُ الْغِيُورَ.

خداوند از بندگان خود شخص غیور را دوست دارد.

Verily, the Exalted God loves His sensitive zealous servants.

٧٥٣ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ الْفَقِيرَ الْمُتَعَفِّفَ أَبَا الْعِيَالِ.

خداوند بنده مؤمن فقیر عقیف عیال‌مند را دوست دارد.

Verily, the Exalted God loves his poor and chaste servants with a large family.

٧٥٤ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ أَنْ تَعْدَلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ حَتَّى فِي الْقَبْلِ.

خداوند دوست دارد که میان فرزندان خود حتی در بوسیدن آنها بعدالت رفتار کنید.

Verily, the Exalted God would like you to observe justice in treating your children, even in kissing them.

٧٥٥ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَزِيدُ فِي عُمَرِ الرَّجُلِ بِرِّهِ وَالْوَالِدِيهِ.

خداوند بوسیله نیکی با پدر و مادر عمر انسان را فزون می‌کند.

Verily, the Exalted God prolongs man's lifetime on account of kindness to parents.

۷۵۶ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ إِغَاثَةَ الْهَفَانِ.

خداوند یاری کردن کسانی را که کمک می‌جویند دوست دارد.

Verily, the Exalted God loves helping those who ask for help.

۷۵۷ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ الْعَبْدَ التَّقَى الْغَنَى الْحَفَى.

خداوند بنده پرهیزکار ثروتمند مهربان را دوست دارد.

Verily, the Exalted God loves the pious, rich and merciful servants.

۷۵۸ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَدْخُلُ بِالسَّهْمِ الْوَاحِدِ ثَلَاثَةَ الْجَنَّةِ: صَانِعُهُ يَحْتَسِبُ فِي صَنْعَتِهِ الْخَيْرَ وَالرَّامِيَ بِهِ وَمَنْبِلُهُ.

خداوند بوسیله یک تیر سه نفر را بهشت میبرد: آنکه تیر را میسازد و از ساختن آن منظور نیک دارد و آنکه تیر را می‌اندازد و آنکه تیر را به تیر انداز دهد.

Verily, the Exalted God lets three people to Paradise on account of one single arrow: he who makes it with good intentions, he who shoots it and he who gives it to the shooter.

۷۵۹ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَدْنِي الْمُؤْمِنَ فَيُضِعُ عَلَيْهِ كَنْفَهُ وَ سِتْرَهُ مِنَ النَّاسِ وَ يَقْرَرُهُ بِذَنْبِهِ فَيَقُولُ أَتَعْرِفُ ذَنْبَ كَذَا؟ أَتَعْرِفُ ذَنْبَ كَذَا؟ فَيَقُولُ نَعَمْ أَيْ رَبِّ حَتَّى إِذَا قَرَّرَهُ بِذَنْبِهِ وَ رَأَى فِي نَفْسِهِ أَنَّهُ قَدْ هَلَكَ قَالَ فَإِنِّي قَدْ سَتَرْتُهَا عَلَيْكَ فِي الدُّنْيَا وَ أَنَا أَغْفِرُهَا لَكَ الْيَوْمَ ثُمَّ يَعْطِي كِتَابَ حَسَنَاتِهِ بِيَمِينِهِ وَ أَمَّا الْكَافِرُ وَ الْمُنَافِقُ فَيَقُولُ الْأَشْهَادُ «هُؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَيَّ رَبِّيهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ».

خداوند مؤمن را پیش آورد و او را از مردم مستور و محفوظ دارد و بگناهان خود معترف کند و گوید آیا فلان گناه را میشناسی؟ .. آیا فلان گناه را می‌شناسی؟ .. و او جواب میدهد بله خدایا تا وقتی که او را بگناهانش معترف ساخت و در خاطرش گذشت که از کثرت گناهان هلاک شده است خدا گوید من گناهان تو را در دنیا مستور داشتم و امروز بر تو میبخشم سپس نامه کارهای نیک او را بدست راستش دهد ولی در باره کافر و منافق آشکارا گوید: «اینها کسانی هستند که بر خدای خود دروغ بستند لعنت خداوند بر گروه ستمکاران».

On the Day Judgment, the Exalted God will call (His) believer servant to His presence and while keeping him covered and saved from people and making him acknowledge his sins, asks him questions like this: "Do you know such and such a sin?" The servant answers in the positive and continues doing so until it occurs to his mind that due to his (boundless) sins, he will surely

perish. Then, God says: "I covered your sins in the world and I forgive you today", and He places the book of his good deeds in his right hand. As to the disbelievers and hypocrites, He openly states: "these are the ones who belied their Lord. God's damnation be on oppressors.

٧٦٠ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَدْخُلُ بِلَقْمَةِ الْخُبْزِ وَ قَبْضَةِ التَّمْرِ وَ مِثْلِهِ مِمَّا يَنْفَعُ الْمَسْكِينِ ثَلَاثَةَ الْجَنَّةِ، صَاحِبَ الْبَيْتِ الْأَمْرِ بِهِ وَ الزَّوْجَةَ الْمَصْلُحَةَ وَ الْخَادِمَ الَّذِي يَنَاطِلُ الْمَسْكِينِ.

خداوند بوسیله یک لقمه نان و یک مشت خرما و امثال آن که فقیر را سودمند افتد سه تن را بهشت میبرد صاحب خانه که بدادن آن فرمان دهد و زنی که آن را آماده کند و خادمی که آن را بفقیر دهد.

Verily, the Exalted God lets three people to Paradise on account of a loaf of bread, a handful of date and the like of them when benefiting the poor: the man of the house who issues the order, his wife who prepares what he orders and the servant who gives it to the poor person.

٧٦١ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَسْأَلُ الْعَبْدَ عَنِ فَضْلِ عِلْمِهِ كَمَا يَسْأَلُهُ عَنِ فَضْلِ مَالِهِ.

خداوند از بنده میپرسد که فزونی دانش خود را کجا صرف کرده؟ همچنان که از فزونی مال می‌پرسد.

Verily, the Exalted God will ask His servants about the increase of their knowledge as he will ask them about the excess of their wealth.

٧٦٢ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَعْافِي الْأَمِّيْنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا لَا يَعْافِي الْعُلَمَاءَ.

خداوند روز رستاخیز بر بیسوادان چیزهایی را می‌بخشد که بر دانشمندان نمیبخشد.

Verily, in the Day of Judgment, the Exalted God will forgive the masses but not the elite for the same doings.

٧٦٣ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَعْذِبُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الَّذِينَ يَعْذِبُونَ النَّاسَ فِي الدُّنْيَا.

خداوند روز رستاخیز کسانی را که در دنیا مردم را عذاب کرده‌اند عذاب میکند.

Verily, the Exalted God will subject to suffering, in the Day of Judgment, those who make people suffer in the world.

٧٦٤ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَغَارُ وَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَغَارُ وَ غَيْرُهُ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ الْمُؤْمِنَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ.

خداوند غیرت میبرد و مؤمن غیرت میبرد غیرت خدا اینست که مؤمن مرتکب کاری شود که خدا حرام کرده است.

****جمله عالم زان غیور آمد که حق—بُرد در غیرت برین عالم سبق (مولوی)**

****زان که واقف بود آن خاتون پاک— از غیوری رسول رشکناک (مولوی)**

Verily, the Exalted God is zealous and believers are too. God's zeal arises when a believer commits the unlawful of Him.

۷۶۵ **إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقْبَلُ الصَّدَقَةَ وَيَأْخُذُهَا بِيَمِينِهِ فَيَرْثُهَا لِأَحَدِكُمْ كَمَا يَرْتِي أَحَدُكُمْ مَهْرًا، حَتَّىٰ إِنَّ اللَّقْمَةَ تُصِيرُ مِثْلَ أَحَدٍ.**

خداوند صدقه را میپذیرد و آن را بدست راست خود میگیرد و برای شما بزرگ میکند همچنان که کره اسب خود را بزرگ میکنید تا آنجا که یک لقمه باندازه کوه احد شود.

****ذره ای گر در تو افزونی ادب—باشد از یارت، بداند فضل رب**

قدر آن ذره تو را افزون دهد—ذره چون کوهی قدم بیرون نهد (مولوی)

Verily, the Exalted God accepts charity, takes it in His right hand and brings it up (as you bring up your colt) until a morsel enlarges to the size of Mount Uhud.

۷۶۶ **إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقْبَلُ تَوْبَةَ الْعَبْدِ مَا لَمْ يَغْرُرْ.**

خداوند تا دم واپسین توبه بنده را را میپذیرد.

Verily, the Exalted God accepts (His) servants' repentance to the last moment of their lives.

۷۶۷ **إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ أَنَا ثَالِثُ الشَّرِيكِينَ مَا لَمْ يَخُنْ أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ فَإِذَا خَانَ خَرَجْتُ مِنْ بَيْنِهِمَا.**

خداوند گوید تا هنگامی که یکی از دو شریک با دیگری خیانت نکند من سومی آنها هستم و همین که خیانت بمیان آمد من از میان آنها میروم.

Verily, the Exalted God says, " I will be with two partners (in a business) as long as one of them is not treacherous to the other, but as soon as this happens, I will abandon them.

۷۶۸ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ أَنَا مَعَ عَبْدِي مَا ذَكَرْنِي وَتَحَرَّكَتْ بِي شَفْتَاهُ.

خداوند گوید تا هنگامی که بندهام مرا یاد میکند و لبهایش بنام من میجنبند با او هستم.

Verily, the Exalted God says, "I am with My servants as long as they remember Me and move their lips in My Name."

۷۶۹ و ۷۷۰ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ أَنَا خَيْرُ قَسِيمٍ لِمَنْ أَشْرَكَ بِي مِنْ أَشْرَکٍ بِي شَيْئًا فَإِنَّ عَمَلَهُ قَلِيلٌ وَكَثِيرُهُ لَشَرِيكِهِ الَّذِي أَشْرَكَ بِي، أَنَا عَنْهُ غَنِيٌّ.

خداوند گوید من عمل کسی را که برای من شریک قرار می دهد خوب تقسیم میکنم هر که چیزی را با من شریک کند عمل او از کم و زیاد متعلق بشریکست و من از آن بی نیازم.

Verily, the Exalted God says, "I am the best divider of the deeds of those who take a partner for Me, i.e. their deeds, great or small, belong to what they take as a partner for Me, (and) I am needless of that."

۷۷۱ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي إِنْ خَيْرًا فَخَيْرًا وَإِنْ شَرًّا فَشَرًّا.

خداوند گوید من ناظر گمان بنده خویشم اگر گمان خوب بمن برد خوبی بیند و اگر گمان بد برد بدی بیند.

Verily, the Exalted God says, "I am with My servants' opinions. If they have a good opinion of Me, they will face good, and if they have a bad opinion of Me, evil will they face."

۷۷۲ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ إِنْ الصَّوْمَ لِي وَ أَنَا أَجْزَىٰ بِهِ إِنْ لِلصَّائِمِ فَرْحَتَيْنِ، إِذَا أَفْطَرَ فَرِحَ وَإِذَا لَقِيَ اللَّهَ تَعَالَى فَجَزَاهُ فَرِحٌ.

خداوند گوید روزه برای من است و من پاداش آن را میدهم روزه دارد و خوشحالی دارد، وقتی افطار کند خوشحال می شود و همین که خدا را دیدار کند و او را پاداش دهد باز خوشحال می شود.

***عاشقان را شادمانی و غم اوست—دستمزد و اجرت خدمت هم اوست (مولوی)**

Verily, the Exalted God says, "Fasting is for Me, and I give its reward. The fast person enjoys a double happiness at the time of fast breaking and in the presence of God when he is rewarded."

۷۷۳ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ لَأَهْوَنُ أَهْلَ النَّارِ عَذَابًا لَوْ أَن لَّكَ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَيْءٍ كُنْتَ تَقْتَدِي بِهِ؟ قَالَ نَعَمْ فَقَدْ سَأَلْتُكَ مَا هُوَ أَهْوَنُ مِنْ هَذَا وَأَنْتَ فِي صُلْبِ آدَمَ أَنْ لَا تَشْرِكَ بِي شَيْئًا فَأَبَيْتَ إِلَّا الشَّرْكَ.

خداوند بآن که از همه اهل جهنم عذابش آسان تر است گوید اگر همه دنیا مال تو بود میدادی که از عذاب رها شوی؟ گوید بله خدا گوید هنگامی که در پشت (=صُلْب) آدم بودی از تو چیزی خواستم که از این آسان تر بود از تو خواستم کسی را با من شریک نسازی و دریغ کردی.

Verily, God addresses the least chastised dweller of Hell, asking: Had you possessed all things on the earth, would you have bargained them with your release? "Yes" she (he) replies. God says, "When you were in the loins of Adam, I asked you to do something easier, i.e. taking nobody as a partner for Me, but you did not act upon it."

۷۷۴ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ يَا ابْنَ آدَمَ تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِي إِمْلَأْ صَدْرَكَ غِنًى وَأَسَدِّ فَقْرَكَ وَإِلَّا تَفْعَلْ مَلَأْتُ يَدَيْكَ شِغْلًا وَ لَمْ أُسَدِّ فَقْرَكَ.

خداوند گوید آدمیزاد وقت خود را صرف عبادت من کن تا سینه ترا از بی نیازی پر کنم و فقر را از تو دور سازم و اگر چنین نکنی ترا سخت دنیا مشغول سازم و فقر را از تو دور نکنم.

Verily, the Exalted God says, "O son of Adam! Spend your time in My worship, and I will brim your chest with needlessness and remove poverty from you; otherwise, I will make you indulged in worldly affairs and leave poverty with you."

۷۷۵ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَا ابْنَ آدَمَ مَرَضْتُ فَلَمْ تَعُدْنِي، قَالَ يَا رَبِّ كَيْفَ أَعُودُكَ وَأَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ؟ قَالَ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ عَبْدِي فَلَانًا مَرَضَ فَلَمْ تَعُدْهُ؟ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّكَ لَوْ عُدْتَهُ لَوَجَدْتَنِي عِنْدَهُ؟ يَا ابْنَ آدَمَ اسْتَطَعْتُمْكَ فَلَمْ تَطْعَمْنِي فَقَالَ يَا رَبِّ وَ كَيْفَ أَطْعَمُكَ وَأَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ؟ قَالَ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّه اسْتَطَعَمَكَ عَبْدِي فَلَانَ فَلَمْ تَطْعَمْهُ؟ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّكَ لَوْ أَطْعَمْتَهُ لَوَجَدْتَ ذَلِكَ عِنْدِي؟ يَا ابْنَ آدَمَ اسْتَسْقَيْتَكَ فَلَمْ تَسْقِنِي قَالَ يَا رَبِّ كَيْفَ أَسْقِيكَ وَأَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ؟ قَالَ اسْتَسَقَاكَ عَبْدِي فَلَانَ فَلَمْ تَسْقِهْ أَمَا إِنَّكَ لَوْ سَقَيْتَهُ لَوَجَدْتَ ذَلِكَ عِنْدِي.

خداوند روز رستاخیز گوید آدمیزاد! بیمار شدم مرا عیادت نکردی، گوید خدایا چگونه ترا که پروردگار جهانیانی عیادت کنم؟ گوید مگر نمی دانی که فلان بنده من بیمار بود و او را عیادت نکردی مگر نمی دانی که اگر او را عیادت میکردی مرا پیش او می یافتی؟ آدمیزاد! من از تو غذا خواستم بمن غذا ندادی! گوید پروردگارا چگونه ترا که پروردگار جهانیانی غذا دهم؟ گوید مگر نمی دانی که فلان بنده من از تو غذا خواست و باو غذا ندادی! مگر نمی دانی که اگر او را غذا می دادی اکنون پاداش آن را پیش من می یافتی. آدمیزاد از

تو آب خواستم بمن آب ندادی! گوید چگونه ترا که پروردگار جهانیانی آب بدهم؟ گوید فلان بنده من از تو آب خواست باو آب ندادی اگر باو آب داده بودی اکنون پاداش آن را پیش من می‌یافتی.

**** آن که گفت اِنِّی مَرِّضْتُ لَمْ تَعُدْ—من شدم رنجور او، تنها نشد (مولوی)**

**** وحی (آمد از حق) سوی موسی این عتیب—کای طلوع ماه نو دیده (دیده تو) ز جیب**

مشرقت کردم ز نور ایزدی—من حقم، رنجور گشتم، نامدی (مولوی)

In the Day of Judgment, the Exalted God addresses man, saying: "O son of Adam! I got sick, but to Me you did not pay a visit!" Man asks, "How could I visit You, Lord of the worlds?" God says: "Do you not remember that such and such a servant of me was sick, but you didn't visit him? Had you visited him, you would have met Me with him." Then, God continues, "O son of Adam! I requested you to give me food, but you didn't do what you could!" Man asks, "How could I offer food to You, Lord of the worlds?" God says: "Don't you remember that such and such a servant of Me asked you for food, but to him you were rude? Had you offered him food, with Me you would have found it." Then, God continues, "O son of Adam! I demanded you to give me water, but you hesitated to offer!" Man asks, "How could I give water to You, Lord of the worlds?" God says: "Don't you remember that such and such a servant of Me asked you for water, but you refused to offer? Had you offered him water, with Me you would have found it."

۷۷۶ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَنْزِلُ الْمَعُونَةَ عَلَى قَدْرِ الْمُتَوَكِّلِ وَيَنْزِلُ الصَّبْرَ عَلَى قَدْرِ الْبَلَاءِ.

خداوند کمک را بقدر احتیاج نازل میسازد و صبر را باندازه بلا می‌دهد.

Verily, the Exalted God grants help to the extent of one's need, and patience to the extent of one's calamity.

۷۷۷ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَنْهَىكَ أَنْ تَحْلِفَ بِآبَائِكَ.

خداوند نهی کرده که بپدران خود قسم بخوری.

Verily, the Exalted God forbids you to swear by your ancestors.

۷۷۸ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُوَصِّيكُمْ بِأُمَّهَاتِكُمْ ثَلَاثًا، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُوَصِّيكُمْ بِآبَائِكُمْ مَرَّتَيْنِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُوَصِّيكُمْ بِالْأَقْرَبِ فَلِأَقْرَبِ.

خداوند شما را در باره مادرانتان سه بار سفارش میکند خداوند شما را در باره پدرانتان دو بار سفارش میکند خداوند شما را در باره نزدیکان بترتیب سفارش می کند.

Verily, the Exalted God advises you thrice about your mothers and twice about your fathers, and He advises you first about your closer relatives.

۷۷۹ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُوَصِّيكُمْ بِالنِّسَاءِ خَيْرًا فَإِنَّهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَخَالَاتِكُمْ.

خداوند شما را در باره زنان به نیکی سفارش میکند، زیرا زنهای مادران و دختران و خاله های شما هستند.

Verily, the Exalted God advises you to be kind to women, for they are your mothers, daughters and aunts.

۷۸۰ إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يَحِبُّ الْجَمَالَ.

خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد.

***او جمیل است و مُحِبُّ لِلْجَمَالِ—کی جوان نوگزیند پیر زال؟ (مولوی)**

Verily, the Exalted God is beautiful and loves beauty.

۷۸۱ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِائَةَ رَحْمَةٍ كُلَّ رَحْمَةٍ طَبَاقٌ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ فَجَعَلَ مِنْهَا فِي الْأَرْضِ رَحْمَةً فَبِهَا تَعَطَّفُ الْوَالِدَةُ عَلَى وَلَدِهَا وَالْوَحْشُ وَالطَّيْرُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ وَأَخْرَجْنَا تَسْعًا وَتَسْعِينَ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَكْمَلَهَا بِهَذِهِ الرَّحْمَةِ.

خداوند روزی که آسمانها و زمین را آفرید صد رحمت بیافرید که هر یک از آنها میان زمین و آسمان را پر میکند و یکی را در زمین قرار داد که بوسیله آن مادر بفرزند مهربانست و وحش و طیر بیکدیگر مأنوسند و نود و نه رحمت را نکه داشته و همین که روز قیامت شود این یک رحمت را نیز بر آن بیفزاید.

***عفوهای جمله عالم ذره ای—عکس عفو ای ز تو هر بهره ای (مولوی)**

Verily, the Exalted God created one hundred sets of mercy the day he created the heavens and earth, every one of which covering the distance between the earth and sky, and placed one of them on the earth for mothers to be kind to their children and for wild animals

and birds to be used to each other. He has kept ninety nine sets of mercy for the Day of Judgment to be completed by the mentioned one.

۷۸۲ إِنْ أَلَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَحَبَّ الْكُذْبَ فِي الصَّلَاحِ وَ أَبْغَضَ الصِّدْقَ فِي الْفَسَادِ.

خداوند دروغ مصلحت آمیز را دوست دارد و از راست فساد انگیز بیزار است.

Verily, the Great, Powerful God loves a white lie and detests a sedition inciting truth.

۷۸۳ إِنْ أَلَّهَ عِنْدَ لِسَانِ كُلِّ قَائِلٍ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدًا، وَ لِيَنْظُرْ مَا يَقُولُ.

خداوند ناظر زبان هر گوینده ایست بنده باید از خدا بترسد و ببیند چه میگوید.

Verily, God is heedful of the tongues of all who talk and thus, (God's) servants should fear Him and care for what they say.

۷۸۴ إِنْ أَلَّهَ لَا يُؤَاخِذُ الْمَزَاحَ الصَّادِقَ فِي مَزَاحِهِ.

خداوند شوخی را که در شوخی خود راستگو باشد مؤاخذه نمیکند.

Verily, God will not call to account a joker who is truthful in his joking.

۷۸۵ إِنْ أَلَّهَ لَا يَرْحَمُ مِنْ عِبَادِهِ إِلَّا الرَّحْمَاءَ.

خداوند فقط بندگان رحیم خود رحم میکند.

Verily, God is not merciful to anybody but the merciful.

۷۸۶ إِنْ أَلَّهَ لَا يَقْبَلُ عَمَلِ عَبْدٍ حَتَّى يَرْضَى قَوْلَهُ.

خداوند عمل بنده را نمیپذیرد مگر آنکه از گفتار وی خشنود باشد.

Verily, God does not accept (His) servants' deeds unless He gets satisfied with their words.

۷۸۷ إِنْ أَلَّهَ لَمْ يَضَعْ دَاءً إِلَّا وَضَعَ لَهُ شِفَاءً.

خدا دردی پدید نیاورده جز آنکه برای آن قرار داده است.

****گفت پیغمبر که یزدان مجید—از پی هر درد درمان آفرید (مولوی)**

****هر مرض دارد دوا، می دان یقین—چون دواى درد(رنج) سرما پوستین (مولوی)**

Verily, God does not give rise to any disease unless He first offers its cure.

۷۸۸ **إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَنْزِلْ دَاءً إِلَّا أَنْزَلَ لَهُ شِفَاءً إِلَّا إِلَهَ الْهَرَمِ.**

خداوند دردی پدید نیاورده جز آنکه علاجی برای آن قرار داده بجز پیری.

Verily, God has not given rise to any disease unless He has first offered its cure, save old age.

۷۸۹ **إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَنْزِلْ دَاءً إِلَّا أَنْزَلَ لَهُ دَوَاءً عِلْمُهُ مِنْ عِلْمِهِ وَجَهْلُهُ مِنْ جَهْلِهِ، إِلَّا السَّامَ وَهُوَ الْمَوْتُ.**

خداوند دردی پدید نیاورده جز اینکه دوائی برای آن فرستاده هر که آن را بداند بداند و هر که نداند نداند بجز مرگ.

Verily, God has not given rise to any disease unless He has first offered its cure, (whether or not people know about it) save death.

۷۹۰ **إِنَّ اللَّهَ لِيُدْرِعَ بِالصَّدَقَةِ سَبْعِينَ مِائَةً مِنَ السَّوِّءِ.**

خداوند بوسیله صدقه هفتاد قسم بد را دفع میکند.

Verily, God wards off seventy forms of bad death through charity.

۷۹۱ **إِنَّ اللَّهَ لِيَرْضَىٰ عَنِ الْعَبْدِ أَنْ يَأْكُلَ الْأَكْلَةَ فَيَحْمَدُهُ عَلَيْهَا أَوْ يَشْرِبَ الشَّرْبَةَ فَيَحْمَدُهُ عَلَيْهَا.**

خداوند از بنده خشنود می شود باینکه غذا بخورد و خدا را سپاس گزارد، یا آب بیاشامد و خدا را سپاس گزارد.

Verily, God gets satisfied with the servants who eat and drink and are thankful to Him for that.

۷۹۲ **إِنَّ اللَّهَ لِيُؤَيِّدَ هَذَا الدِّينَ بِالرَّجُلِ الْفَاجِرِ.**

خداوند این دین را بمرد بدکار یاری میکند

Verily, God will support this religion through a sinful man.

۷۹۳ إِنَّ اللَّهَ يَبْتَلِي عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ بِالسَّقَمِ حَتَّى يَكْفُرَ عَنْهُ كُلَّ ذَنْبٍ.

خداوند بنده مؤمن خود را بمرض مبتلا می کند تا همه گناهان او بریزد.

Verily, God afflicts His faithful servant with a disease to let him find (of all his sins) release.

۷۹۴ إِنَّ اللَّهَ يَبْغِضُ السَّائِلَ الْمَلْحَفَ.

خداوند گدای سمج را دشمن دارد.

Verily, God detests cheeky beggars.

۷۹۵ إِنَّ اللَّهَ يَبْغِضُ الشَّيْخَ الزَّانِيَ وَالْغَنَى الظَّلُومَ وَالْفَقِيرَ الْمُخْتَالَ.

خداوند پیر زناکار و ثروتمند ستمکار و فقیر متکبر را دشمن دارد.

Verily, God detests the adulterous old, the cruel rich and the arrogant poor.

۷۹۶ إِنَّ اللَّهَ يَبْغِضُ كُلَّ عَالِمٍ بِالدُّنْيَا جَاهِلٍ بِالْآخِرَةِ.

خداوند هر کس را که بکار دنیا دانا و در کار آخرت نادان است دشمن دارد.

Verily, God detests those who are expert in worldly affairs but ignorant about otherworldly matters.

۷۹۷ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدِهِ أَنْ يَرَى أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَيْهِ وَيَبْغِضُ الْبُؤْسَ وَالتَّبَاؤُسَ.

خدا دوست دارد که وقتی به کسی نعمت داد اثر نعمتش بر او آشکار دیده شود و از فقر و اظهار فقر بیزار است.

Verily, God likes to see the effect of His blessings on the blessed, and detests poverty and declaring it.

۷۹۸ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْأَبْرَارَ الْأَخْفِيَاءَ الْأَتْقِيَاءَ.

خدا نیکوکاران گمنام پرهیز کار را دوست دارد.

Verily, God loves the unknown pious, benevolent people.

۷۹۹ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْبَصَرَ النَّاقِدَ النَّافِذَ عِنْدَ مَجِيءِ الشَّهَوَاتِ وَالْكَامِلَ عِنْدَ نَزُولِ الشَّبَهَاتِ يُحِبُّ السَّمَاحَةَ وَ لَوْ عَلَى تَمْرَةٍ وَ يُحِبُّ الشَّجَاعَةَ وَ لَوْ عَلَى قَتْلِ حَيَّةٍ.

خداوند چشمی را که بهنگام شهوت باریک بین و پیش بین و بهنگام شبهه دقیق است دوست دارد و بخشش را اگر چه یک خرما باشد و شجاعت را اگر چه بکشتن ماری باشد دوست دارد.

Verily, God loves an eye which is acute and critical at times of passion and sharp at time of suspicion. He loves generosity even if it is a date, and loves bravery even if it is killing a snake.

۸۰۰ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الشَّابَّ الَّذِي يَفْنَى شَابَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ.

خداوند جوانی را که عمر خود را در عبادت خدا بسر میبرد دوست دارد.

Verily, God loves the youth who spend their lives in the worship of Him.

۸۰۱ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمَلْحِينَ فِي الدَّعَاءِ.

خداوند کسانی را که در کار دعا اصرار میورزند دوست دارد.

Verily, God loves those who insist in praying.

۸۰۲ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ تُؤْتَى رِخْصَتُهُ كَمَا يُحِبُّ أَنْ تُتْرَكَ مَعْصِيَتُهُ.

خداوند دوست دارد کارهایی را که روا داشته انجام دهند چنان که دوست دارد از نافرمانی او چشم پپوشند.

Verily, God likes people to do what He has made lawful as He likes them to connive at what He has made unlawful.

۸۰۳ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ كُلَّ قَلْبٍ حَزِينٍ.

خداوند دل غمگین را دوست دارد.

****شهاب الاخبار- حدیث ۷۰۴= خدای تعالی دوست دارد هر دلی را که اندوهگین بود از بهر ترس قیامت.**

****نالَم ابرا ناله ها خوش ایدش- از دو عالم ناله و غم بایدش (مولوی)**

Verily, God loves sad hearts.

۸۰۴ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَعَالِيَ الْأُمُورِ وَأَشْرَافَهَا وَيَكْرَهُ سُفْسَافَهَا (حدیث: حسین بن علی ع).

خداوند چیزهای بلند و شریف را دوست دارد و از چیزهای پست بیزار است.

**شهاب الاخبار- حدیث ۷۰۵= خدای تعالی دوست دارد کارهای بزرگ و دوست ندارد کارهای خسیس. یعنی: ثواب دهد آن مسلمانی را که بلند همت بود و نکوهش کند آن بنده بی را که دون همت بود.

Verily, God loves noble affairs and detests cheap matters.

۸۰۵ إِنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ بِنُورِ الْحِكْمَةِ كَمَا يُحْيِي الْأَرْضَ بِوَابِلِ السَّمَاءِ.

خداوند دل‌های مرده را بنور حکمت حیات میبخشد چنان که زمین را به باران آسمان زنده می‌سازد.

Verily, God enlivens dead hearts by the light of wisdom as he refreshes the earth by the rain of heavens.

۸۰۶ إِنَّ اللَّهَ يَسْتَحْيِي مِنَ الْعَبْدِ أَنْ يَرْفَعَ إِلَيْهِ يَدَيْهِ فَيَرُدَّهُمَا خَائِبِينَ.

خداوند از بنده شرم دارد که دستهای خود را بسوی او بلند کند و آن را نومید باز گرداند.

Verily, God is bashful to make hopeless a servant who has lifted his hands towards Him.

۸۰۷ إِنَّ اللَّهَ يُعْطِي الدُّنْيَا عَلَى نِيَّةِ الْآخِرَةِ وَأَبَى أَنْ يُعْطِيَ الْآخِرَةَ عَلَى نِيَّةِ الدُّنْيَا.

خداوند دنیا را بنیت آخرت می‌دهد ولی آخرت را به نیت دنیا نمی‌دهد.

Verily, God bestows the world (on His servants) on account of their want of the next world, but bestows not the next world on account of their want of this world.

۸۰۸ إِنَّ اللَّهَ يَغَارُ لِلْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ فليغرو.

خداوند برای مسلمانان غیرت میبرد، آنها نیز باید غیرت ببرند.

**جمله عالم زان غیور آمد که حق- بُرد در غیرت برین عالم سبق (مولوی)

**زان که واقف بود آن خاتون پاک- از غیوری رسول رشکناک (مولوی)

شهاب الخبار – حدیث ۷۱۴ = خدای تعالی خشم گیرد بر بنده ای که ظلم کند بر مسلمانان. مسلمان را گو: نیز ترا باید که غیرت و حمیت بود.

Verily, God is zealous about Muslims and they should be zealous as well.

۸۰۹ **إِنَّ اللَّهَ يَنْهَيْكُمْ عَنْ قِيلٍ وَ قَالٍ.**

خداوند شما را از گفتگوهای بیهوده نهی کرده است.

Verily, God has forbidden you to engage in idle talks.

۸۱۰ **إِنَّ الَّذِي يَأْكُلُ أَوْ يَشْرَبُ فِي آتِيَةِ الْفِضَّةِ وَالذَّهَبِ إِنَّمَا يَجْرُجُ فِي بَطْنِهِ نَارَ جَهَنَّمَ.**

کسی که در ظرف نقره و طلا میخورد و می آشامد آتش جهنم را در شکم خود فرو میبرد.

Verily, he who uses gold and silver containers for eating and drinking, fills his belly with the fire of Hell.

۸۱۱ **إِنَّ الَّذِي يَجْرُ الثَّوْبَ خِيَلًا لَا يَنْظُرُ اللَّهَ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ.**

کسی که از روی تکبر جامه خود را میکشد خدا روز رستاخیز بدو نمینگرد.

شهاب الاخبار – حدیث ۶۹۸ = آن عاقلی که جامه به پا می کشد از تکبر، و برین گناه بمیرد، خدای تعالی ویرا آن گناه نیامرزد، روز قیامت، لابد (به ناچار) عقوبت این گناه به وی رسد.

In the Day of Judgment, God will not attend the one who collects his/her dress (from people) out of vanity.

۸۱۲ **إِنَّ الْمَاءَ طَهُورٌ لَا يَنْجَسُهُ شَيْءٌ.**

آب پاکست و چیزی آن را نجس نمیکند.

Verily, water is (ceremonially) clean and nothing can make it defiled.

۸۱۳ **إِنَّ الْمَاءَ لَا يَنْجَسُهُ شَيْءٌ إِلَّا مَا غَلَبَ عَلَيْهِ رِيحُهُ وَ طَعْمُهُ وَ لَوْنُهُ.**

آب را چیزی نجس نمیکند جز آنچه بو و مزه و رنگ آن را تغییر دهد.

Verily, nothing makes water defiled save what can change its smell, taste and color.

۸۱۴ **إِنَّ الْمُؤْمِنَ لِيدْرِكُ بِحَسَنِ الْخَلْقِ دَرَجَةً الْقَائِمِ الصَّائِمِ.**

مؤمن بوسیله خوش خلقی به مقام نماز در شب گزار و در روز روزه دار میرسد.

Verily, a believer can through -temperedness reach the status of those who keep fast during days and stand up to prayer at nights.

۸۱۵ **إِنَّ الْمُؤْمِنَ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ لَا يَحِيفُ عَلَى مَنْ يَبْغُضُ وَلَا يَأْتِمُ فِيمَنْ يَحِبُّ وَلَا يَضِيعُ مَا اسْتَدْعَى وَلَا يَحْسُدُ وَلَا يَطْعَنُ وَلَا يَلْعَنُ وَيُعْتَرَفُ بِالْحَقِّ وَإِنْ لَمْ يَشْهَدْ عَلَيْهِ وَلَا يَتَنَابَزُ بِالْأَلْقَابِ فِي الصَّلَاةِ مَتَخَشَعًا إِلَى الزَّكَاةِ مَسْرَعًا فِي الزَّلَازِلِ وَقُورًا فِي الرَّخَاءِ شُكُورًا قَانِعًا بِالَّذِي لَهُ لَا يَدْعَى مَا لَيْسَ لَهُ وَلَا يَغْلِبُهُ الشَّحُّ عَنْ مَعْرُوفٍ يَرِيدُهُ، يَخَالَطُ النَّاسَ كَيْ يَعْلَمَ وَيُنَاطِقُ النَّاسَ كَيْ يَفْهَمَ وَإِنْ ظَلَمَ وَبَغَى عَلَيْهِ صَبْرٌ حَتَّىٰ يَكُونَ الرَّحْمَنُ هُوَ الَّذِي يَنْتَصِرُ لَهُ.**

بنده مؤمن از عبادت کنندگان الهی است که بر دشمنان ستم نمی کند و برای رعایت دوستان مرتکب گناه نمیشود. امانت را تلف نمی کند. حسود و بدگو و لعنتگر نیست حق را میگوید اگر چه از او شهادت نخواهند، لقبهای بی جا به کار نمیرد، در نماز خاشع است و در کار زکات سریع است. در مصیبت موقر و بهنگام نعمت شاکر است بدان چه دارد قانع است و آنچه ندارد نمی جوید بخل او را از کار نیک باز نمی دارد با مردم آمیزش میکند تا چیز یاد گیرد و با آنها گفتگو میکند تا چیز بفهمد اگر ستمی دید و بر او تجاوزی شد صبر میکند تا خداوند ستم را از او دفع کند.

A believer is a servant of God who doesn't oppress his enemies nor does he commit sins for the sake of his friends, who keeps trusts intact and refrains jealousy, sarcasm and cursing others, who tells the truth though not called to bear witness and calls not people with bad names, who observes humility in prayers, hastens in paying his due alms, keeps patient in calamities and thanks (God) in affluence, who is content with what he has and claims not what he doesn't, who doesn't stop doing good deeds due to misery, who keeps company with people to learn and talks to them something to learn, and who forebears oppression and tyranny, awaiting the merciful God to give him victory.

۸۱۶ **إِنَّ الْمُؤْمِنَ يُوجِرُ فِي نَفَقَتِهِ كُلِّهَا إِلَّا شَيْئًا جَعَلَهُ فِي التَّرَابِ أَوْ الْبِنَاءِ.**

مؤمن از مخارج خود ثواب میبرد جز آنچه بخاک سپارد یا ساختمان کند.

Verily, believers will be rewarded for all they expend, save what they amass under the ground or spend for building (a house).

۸۱۷ إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَنْضِي شَيْطَانَهُ كَمَا يَنْضِي أَحَدُكُمْ بَعِيرَهُ فِي السَّقْرِ.

مؤمن شیطان خود را لاغر می کند چنان که یکی از شما اشتر خود را در سفر لاغر میکند.

Verily, a believer makes abnormally thin the Satan appointed for him (her) just as you make your camel skinny in journeys.

۸۱۸ إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَجَاهِدُ بِسَيْفِهِ وَ لِسَانِهِ.

مؤمن با شمشیر و زبان خود جهاد میکند.

Verily, a believer struggles in the way of God by his sword as well as his tongue.

۸۱۹ إِنَّ الْمُتَحَيِّينَ فِي اللَّهِ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ.

آن‌ها که در راه خدا دوستی میکنند در سایه عرش جای دارند.

Verily, those who love for God's sake will rest under the shade of the (Divine) Throne.

۸۲۰ إِنَّ الْمَرْءَ كَثِيرَ بَأْخِيهِ وَ ابْنِ عَمَّتِهِ.

انسان با برادر و عموزاده خود بسیار می شود.

*** شهاب الاخبار - حدیث ۱۵۳ = المرء کثیر باخیه = یعنی مردی که ویرا برادری هم پشت بود، وی بسیار بود بدان یک برادر.**

Verily, (one single) man makes a large circle in the company of his brothers and cousins.

۸۲۱ إِنَّ الْمَرْأَةَ تَقْبِلُ فِي صُورَةِ شَيْطَانٍ وَ تَدْبِرُ فِي صُورَةِ شَيْطَانٍ فَإِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ امْرَأَةً فَأَعْجَبْتَهُ فَلَیَأْتِ أَهْلَهُ فَإِنَّ ذَلِكَ يَرِدُ مَا فِي نَفْسِهِ.

زن بصورت شیطان می آید و بصورت شیطان می رود وقتی یکی از شما زنی دید که ویرا بشگفت آورد پیش همسر خود رود زیرا بدین وسیله آنچه در دل دارد از میان می رود.

Verily, women come (upon you) and leave you in the guise of satans. Thus, when you see a woman who impresses you,

approach your wife, for this causes the disappearance of what has occurred to your heart.

۸۲۲ **إِنَّ الْمَرْأَةَ تَنْكَحُ لِدِينِهَا وَ مَالِهَا وَ جَمَالِهَا فَعَلَيْكَ بِذَاتِ الدِّينِ تَرَبَّتْ يَدَاكَ.**

زن برای دین و مال و جمالش گیرند زن دین دار بجوئید.

Verily, women are married for their wealth, faith and beauty. Do marry a faithful woman.

۸۲۳ **إِنَّ الْمَرْءَ بَيْنَ يَوْمَيْنِ يَوْمٌ قَدْ مَضَى أَحْصَى فِيهِ عَمَلَهُ فَخْتَمَ عَلَيْهِ وَ يَوْمٌ قَدْ بَقِيَ فَلَا يَدْرِي لَعَلَّهُ لَا يَصِلُ إِلَيْهِ.**

انسان میان دو روز است روزی که گذشته و اعمالش بحساب آمده و مختوم گشته و روزی که باقی مانده ولی چه می داند شاید بآن روز نرسد.

Verily, man lives between two days a past and finished day, for which his deeds have been recorded, and a day left which he may not join. How does he know?

۸۲۴ **إِنَّ الْمَرْأَةَ خَلَقَتْ مِنْ ضَلَعٍ لَنْ تَسْتَقِيمَ لَكَ عَلَى طَرِيقَهُ فَإِنْ اسْتَمْتَعْتَ بِهَا اسْتَمْتَعْتَ بِهَا وَ بِهَا عَوْجٌ وَ إِنْ ذَهَبَتْ تَقِيمُهَا كَسْرُهَا وَ كَسْرُهَا طَلَاقُهَا.**

زن از دنده ای خلق شده که به هیچ وجه راستی پذیر نیست اگر با کجی او بسازی ساخته ای و اگر خواهی به راستی او را باز آری او را میشکنی و شکستنش طلاق دادن است.

Verily, women have been created in such a way that can never in the straight path stay. If you get along with their perversion, that will be all right but if you wish to release them from crookedness (perversion), you will break them, and breaking means divorce.

۸۲۵ **إِنَّ الْمَرْأَةَ خَلَقَتْ مِنْ ضَلَعٍ وَ إِنَّكَ إِنْ تَرَدَّ إِقَامَةُ الضَّلَعِ تَكْسُرُهَا فَدَارُهَا نَعَشٌ بِهَا.**

زن از دنده ای خلق شده اگر بخواهی دنده را راست کنی آن را میشکنی پس با او مدارا کن که با او زندگی کنی.

Verily, women have a crooked mould. If you wish to remove this crookedness, you will ruin them. So, get along with them to continue living with them.

۸۲۶ **إِنَّ الْمُسْلِمَ إِذَا عَادَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ لَمْ يَزَلْ فِي مَخْرَفَةِ الْجَنَّةِ حَتَّى يَرْجِعَ.**

مسلمان وقتی بیعت برادر مسلمان خود می‌رود تا هنگامی که که باز گردد در بوستان بهشت قدم می‌زند.

When a Muslim pays a visit to his brother in faith, he is actually walking in garden of Paradise until he returns.

۸۲۷ **إِنَّ الْمَصْلَى ليقَرع باب الملك و إِنَّه من یدم قرع الباب یوشک أن یفتح له.**

نماز گزار درب (رحمت) الهی را می‌کوبد و هر که پیوسته یک درب را بکوبد عاقبت بروی او باز می‌شود.

****گفت پیغمبر که چون کوبی دری—عاقبت زان در برون آید سری (مولوی)**

****گفت پیغمبر رکوع است و سجود—بر در حق کوفتن حلقه وجود**

حلقه آن در هر آن کو می‌زند—بهر او دولت سری بیرون کند (مولوی)

****چون در معنی زنی، بازت کنند—پر فکرت زن که شهبازت کنند (مولوی)**

Verily, performers of prayers knock at the Lord's door, and whoever knocks at a door unceasingly, will find a way (to the house) finally.

۸۲۸ **إِنَّ الْمَظْلُومِينَ هُمُ الْمَفْلُحُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.**

ستم دیدگان در روز رستاخیز رستگار اند.

Verily, the oppressed are the prosperous in the Day of Judgment.

۸۲۹ **إِنَّ الْمَقْسُطِينَ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ عَنِ يَمِينِ الرَّحْمَنِ وَ كِلْتَا يَدَيْهِ يَمِينٌ، الَّذِينَ يَعْدِلُونَ فِي حُكْمِهِمْ وَ أَهْلِيهِمْ وَ مَا وَ لَّوْا.**

دادگران روز رستاخیز در پیشگاه خدا بر منبرهای نورند که طرف راست وی جای دارند و هر دو دست خدا راست است دادگران کسانی هستند که در حکم خود و در باره کسان و زیر دستان خود به داد رفتار میکنند.

Verily, the just (i.e. those who practice justice as to their judgments, their kin and their subordinates) will in the Day of Judgment stand on light pulpits in the presence of God, on His right side, and both His sides are right.

۸۳۰ **إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أجنحتها لطالب العلم رضا بما يطلب.**

فرشتگان بالهای خود را برای طالب علم پهن میکنند زیرا از آنچه می جوید رضایت دارند.

Verily, being pleased with what the seekers of knowledge seek, angels spread their wings in modesty for them.

۸۳۱ **إِنَّ الْمَيِّتَ إِذَا دُفِنَ سَمِعَ خَفَقَ نَعَالِهِمْ إِذَا وُلُّوا عَنْهُ مِنْصَرِفِينَ.**

وقتی مرده را بخاک سپارند، صدای کفش مردمان را که از قبر وی باز میگردند خواهد شنید.

When a dead person is buried, s(he) can hear the walking sound of those leaving his (her) grave.

۸۳۲ **إِنَّ الْمَيِّتَ يَعْرِفُ مَنْ يَحْمِلُهُ وَ مَنْ يَغْسِلُهُ وَ مَنْ يَدْفِنُهُ فِي قَبْرِهِ.**

مرده کسی را که بلندش کند و کسی را که غسلش دهد و کسی را که در قبرش نهد میشناسد.

Verily, the dead can recognize those who carry him (her), those who perform his (her) ceremonial wash and those who bury him (her).

۸۳۳ **إِنَّ النَّاسَ إِذَا رَأَوْا الظَّالِمَ فَلَمْ يَأْخُذُوا عَلَيْهِ يَدِيهِ أَوْشَكَ أَنْ يَعْطَبَهُمُ اللَّهُ بِعِقَابِ مَنْه.**

وقتی مردم ستمگر را دیدند و او را از ستم باز نداشتند بیم آن می رود که خدا همه را بعد از خود مبتلا کند.

Verily, when people come across a tyrant and do not stop him from oppression, God will undoubtedly punish them all (for his tyranny).

۸۳۴ **إِنَّ النَّاسَ لَا يَرْفَعُونَ شَيْئًا إِلَّا وَضَعَهُ اللَّهُ تَعَالَى.**

مردم چیزی را برتری ندهند جز آنکه خدا آن را تنزل دهد.

Verily, the Exalted God will cause to descend whatever people may cause to ascend (against His will).

۸۳۵ **إِنَّ النَّاسَ لَمْ يَعْطُوا شَيْئًا خَيْرًا مِنْ خَلْقِ حَسَن.**

بمردم چیزی بهتر از اخلاق نیک نداده اند.

****من ندیدم در جهان جست و جو—هیچ اهلیت به از خلق نکو (مولوی)**

Verily, nothing better than good morals have been bestowed on people.

۸۳۶ إِنَّ الْوَدَّ يورث و العداوة تورث.

دوستی موروثی است و دشمنی موروثی است.

Verily, friendship and enmity are both inheritable.

۸۳۷ إِنَّ الْوَلَدَ مبخلة مبخلة مجبنة مجهلة محزنة.

فرزند موجب بخل و ترس و نادانی و غم است.

Verily, children are the cause of man's misery, fear, ignorance and sorrow.

۸۳۸ إِنَّ أَناساً من أمتي يستفقهون في الدين و يقرءون القرآن و يقولون: تأتي الامراء فنصيب من دنياهم و نعتزلهم بدیننا و لا يكون ذلك، كما لا یجتني من القناد إلا الشوك، لا یجتني من قریهم إلا خطایا.

کسانی از امت من در کار دین دانش جویند و قرآن خوانند و گویند پیش امیران رویم و از مقامشان بهره گیریم و دین خود را از آن‌ها برکنار نگه داریم ولی چنین چیزی نمی‌شود همان طور که از بوته گون (Astragalus) جز خار نمی‌توان چید از نزدیکی امیران نیز جز گناه غیر عمد بهره نمیتوان برد.

Verily, a group of my people seek the knowledge of religion, recite the Quran and say, "We join rulers to avail ourselves of their worldly possessions and we keep our faith intact in their company", but this is impossible, for as from Astragalus bushes nothing but thorn can be obtained, nearness to rulers avails them nothing but unintentional sins.

۸۳۹ إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ لیتراءون أهل الغرف في الجنة كما تراءون الكواكب في السماء.

اهل بهشت صاحبان غرفه‌های بالا را چنان می‌بینند که شما ستارگان آسمان را می‌بینید.

Verily, the dwellers of Paradise see the residents of higher chambers as the stars you see in the sky.

۸۴۰ إِنَّ أَهْلَ الْمَعْرُوفِ فِي الدُّنْيَا هُم أَهْلُ الْمَعْرُوفِ فِي الْآخِرَةِ و إِنَّ أَهْلَ الْمُنْكَرِ فِي الدُّنْيَا هُم أَهْلُ الْمُنْكَرِ فِي الْآخِرَةِ و إِنَّ أَوَّلَ أَهْلِ الْجَنَّةِ دَخُولاً هُم أَهْلُ الْمَعْرُوفِ.

نیکوکاران این جهان نیکوکاران آن جهانند و بدکاران این جهان بدکاران آن جهانند و نیکوکاران قبل از همه مردم به بهشت درمی آیند.

Verily, the good doers in this world will be the good doers in the Hereafter, just as the evildoers of here will be the evildoers of the Hereafter, and the good doers will be the first group of people to enter Paradise.

۸۴۱ **إِنَّ أَهْلَ الشَّعْبِ فِي الدُّنْيَا هُمُ أَهْلُ الْجُوعِ غَدًا فِي الْآخِرَةِ.**

سیران این جهان گرسنگان آن جهانند.

Verily, the satiated people of this world will be the hungry ones of the next.

۸۴۲ **إِنَّ أَوْثَقَ عُرَى الْإِسْلَامِ أَنْ تَحَبَّ فِي اللَّهِ وَتَبْغُضَ فِي اللَّهِ.**

محکمترین دستاویزهای اسلام این است که هرکسی را برای خدا دوست داری و هرکسی را برای خدا دشمن داری.

Verily, the strongest handhold in Islam is to like and dislike for God's sake.

۸۴۳ **إِنَّ أَوَّلَ مَا يُجَازَى بِهِ الْمُؤْمِنَ بَعْدَ مَوْتِهِ أَنْ يَغْفَرَ لِجَمِيعٍ مِنْ تَبِعِ جَنَازَتِهِ.**

نخستین پاداشی که پس از مرگ بمؤمن می دهند اینست که همه کسانی که دنبال جنازه او رفته اند آمرزیده شوند.

Verily, the first reward for a believer after his (her) death is the forgiveness of God for all participants in his (her) burial procession.

۸۴۴ **إِنَّ بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ كَذَّابِينَ فَاحْذَرُوهُمْ.**

پیش از رستاخیز دروغگویان پدیدار میشوند از آنها حذر کنید.

Verily, the greatest liars will appear before the Resurrection. Avoid the company of them.

۸۴۵ **إِنَّ حَسَنَ الْخَلْقِ لِيَذِيبُ الْخَطِيئَةَ كَمَا تَذِيبُ الشَّمْسُ الْجَلِيدَ.**

خوش اخلاقی گناه را محو میکند چنان که آفتاب یخ را آب می کند.

Good-naturedness makes one's faults vanish as the Sun causes ice to perish.

۸۴۶ إِنْ حَسَنَ الظَّنَّ بِاللَّهِ مِنْ حَسَنِ عِبَادَةِ اللَّهِ.

گمان خوب بخدا داشتن از خوب عبادت کردن اوست.

Verily, being optimistic about God is an indication of being a good worshipper of Him.

۸۴۷ إِنْ حَسَنَ الْعَهْدَ مِنَ الْإِيمَانِ.

رعایت پیمان از لوازم ایمان است.

Verily, keeping one's promise is indicative of having faith.

۸۴۸ إِنْ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَرْفَعَ شَيْئًا مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا إِلَّا وَضَعَهُ.

بر خدا لازم است که چیزی از دنیا را بالا نبرد جز اینکه آن را تنزل دهد.

Verily, God has the claim on making something descend after having let it ascend.

۸۴۹ إِنْ حَقًّا عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَنْ يَتَوَجَّعَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ كَمَا يَأَلَمُ الْجَسَدُ الرَّأْسَ.

مؤمنان باید از رنج یک دیگر متألم شوند چنان که تن از رنج سر متألم می شود.

Verily, believers should sorrowful at each other's suffering remain just as body feels head's pain.

۸۵۰ إِنْ خَيْرَ عِبَادِ اللَّهِ الْمُؤْمِنِينَ الْمُطِيبُونَ.

بهترین بندگان خدا آنها هستند که بوعده وفا کنند و بوی خوش بکار برند.

Verily, the best servants of God are the keepers of promise and the users of perfume.

۸۵۱ إِنْ رَبَّكَ يَحِبُّ الْمُحَامِدِينَ.

خدای تو ستایش را دوست دارد.

Verily, your Lord loves (His servant's) praise.

۸۵۲ **إِنَّ رَبِّي أَمَرَنِي أَنْ يَكُونَ نَطْقِي ذِكْرًا وَنَظْرِي عِبْرًا.**

پروردگارم بمن فرمان داده که سختم ذکر باشد و نظرم مایه عبرت.

Verily, my Lord has ordered me: in remembrance of Him to talk, and my sight be admonitory.

۸۵۳ **إِنَّ رُوحَ الْقُدْسِ نَفَثَ فِي رُوعِي أَنْ نَفْسًا لَنْ تَمُوتَ حَتَّى تَسْتَكْمَلَ أَجْلَهَا وَتَسْتَوْعِبَ رِزْقَهَا فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاجْمَلُوا فِي الطَّلَبِ وَلا يَحْمِلَنَّ أَحَدُكُمْ اسْتِبْطَاءَ الرِّزْقِ أَنْ يَطْلُبَهُ بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لا يَنَالُ مَا عِنْدَهُ إِلَّا بِطَاعَتِهِ.**

روح القدس به من آموخت که هیچ کس نمیمیرد جز آنکه روزش پایان برسد و روزی خود را تمام کند پس از خدا بترسید و در طلب معتدل باشید و اگر روزی یکی از شما دیر رسید آن را بوسیله معصیت خدا نجوید زیرا آنچه پیش خداست جز بوسیله اطاعت او بدست نمی آید.

Verily, the Holy Spirit instructed me that nobody dies before a predetermined time and before receiving his (her) sustenance in full. So, fear God and be moderate in seeking your sustenance, and if it is left off, seek it not through unlawful means, for what is with God for you cannot be gained but through obedience to Him.

۸۵۴ **إِنَّ شَرَّ النَّاسِ مَنْزِلُهُ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ مَنْ يَخَافُ النَّاسَ مِنْ شَرِّهِ.**

بدتر از همه مردم پیش خدا روز قیامت کسی است که مردم از شر او بترسند.

Verily, the worst people to God in the Day of Judgment are those whom others fear the most (in this world).

۸۵۵ **إِنَّ شَرَّ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْ فَرَقَهُ النَّاسُ اتِّقَاءَ فَحْشِهِ.**

بدتر از همه مردم پیش خدا روز قیامت کسی است که مردم از بیم بد زبانش از او حذر کنند.

Verily, the worst ones to God in the Day of Judgment are those with whom people keep distance due to their scurrility.

۸۵۶ **إِنَّ صَاحِبَ الدِّينِ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى صَاحِبِهِ حَتَّى يَقْضِيَهُ.**

طلبکار بر قرض دار تسلط دارد تا هنگامی که قرض خود را بپردازد.

Verily, creditors have dominance over debtors until their debts are paid.

۸۵۷ **إِنَّ صَاحِبَ الْمَكْسِ فِي النَّارِ.**

مأمور مالیات (حاکمان ظالم) در جهنم است.

Verily, Hell will be the abode of tax-takers (of oppressive rulers).

۸۵۸ **إِنَّ صَدَقَةَ السَّرِّ تَطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ وَ إِنَّ صَلَةَ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِي الْعَمْرِ وَ إِنَّ صِنَاعَ الْمَعْرُوفِ تَقِي مَصَارِعَ السَّوِّءِ.**

صدقه نهان خشم خدا را فرو مینشاند و نیکی با خویشاوندان عمر را افزون میکند و کارهای نیک از مرگهای بد جلوگیری میکند.

Verily, hidden charity quenches God' wrath, kindness to kin prolongs one's life, and benevolent deeds stop tragic death.

۸۵۹ **إِنَّ عَذَابَ هَذِهِ الْأُمَّةِ جَعَلَ فِي دُنْيَاهَا.**

عذاب این امت را در دنیا قرار داده‌اند.

Verily, the punishment of this people(Muslims) is given in this very world.

۸۶۰ **إِنَّ عِلْمًا لَا يَنْتَفِعُ مِنْهُ لَكُنْزٌ لَا يَنْفِقُ مِنْهُ.**

دانشی که از آن سود نبرند مثل گنجی است که از آن خرج نکنند.

Verily, the knowledge, which nobody gains, is like unto a treasure, which untouched remains.

۸۶۱ **إِنَّ غَلَاءَ أَسْعَارِكُمْ وَ رَخْصَهَا بِيَدِ اللَّهِ.**

گرانی و ارزانی قیمت‌های شما بدست خداست.

Verily, God decrees low and high prices.

۸۶۲ **إِنَّ فِي الْجَسَدِ مَضْغَةً إِذَا صَلَحَتِ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ وَ إِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ أَلَا وَ هِيَ الْقَلْبُ.**

در تن پاره گوشتی است که وقتی بصلاح گراید تمام تن بصلاح آید و وقتی فاسد شود همه تن فاسد شود و آن قلبست.

Verily, there is a lump of flesh in the body, which will guide the whole body if guided aright, but will ruin the whole body if misled it is man's heart.

۸۶۳ **إِنَّ فِي الْجَنَّةِ بَيْتًا يُقَالُ لَهُ بَيْتُ الْأَسْخِيَاءِ.**

در بهشت خانه‌ای هست که آن را خانه سخاوتمندان نامند.

Verily, there is a house in Paradise called 'house of the generous.'

۸۶۴ **إِنَّ فِي الْجَنَّةِ دَارًا يُقَالُ لَهَا دَارُ الْفَرَجِ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا مَنْ فَرَّحَ بِتَامِي الْمُؤْمِنِينَ.**

در بهشت خانه‌ای هست که آن را "خانه خوشحالی" نامند و جز کسانی که یتیمان مؤمنان را خوشحال کرده باشند، وارد آن نمیشوند.

Verily, in Paradise there is a house called 'house of happiness' where nobody will be given entrance save those who have pleased the believers' orphans.

۸۶۵ **إِنَّ فِي الْجَنَّةِ دَرَجَةً لَا يَنَالُهَا إِلَّا أَصْحَابُ الْهَمُومِ.**

در بهشت درجه‌ای هست که جز غم دیدگان بدان نمیرسند.

Verily, in Paradise there is a status, which nobody reaches save the distressed.

۸۶۶ **إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لِسُوقًا مَا فِيهَا شِرَاءٌ وَلَا بَيْعٌ إِلَّا الصُّورُ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ فَإِذَا اشْتَهَى الرَّجُلُ صُورَةَ دَخَلَ فِيهَا.**

در بهشت بازاری هست که در آن جا چیزی برای خرید و فروش نیست جز تصویر مردان و زنان و وقتی کسی تصویری را پسندد مانند آن می‌شود.

Verily, in Paradise there is a bazaar wherein nothing is bargained save pictures of men and women, and as soon as one becomes fond of a picture, he (she) turns like unto it.

۸۶۷ إِنْ فِي الْجَنَّةِ مَائَةٌ دَرَجَةٌ لَوْ أَنَّ الْعَالَمِينَ اجْتَمَعُوا فِي إِحْدَاهُنَّ لَوْ سَعْتَهُمْ.

در بهشت صد درجه (طبقه) هست که اگر جهانیان در یکی از آنها مجتمع شوند در آن جای گیرند.

Verily, in Paradise there are one hundred places (categories) of residence, each so vast to contain the entire population of the world.

۸۶۸ إِنْ فِي الْجَنَّةِ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَلَا أذنٌ سَمِعَتْ وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ أَحَدٍ.

در بهشت چیزها هست که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه در خاطر کسی گذشته است.

****ورنه عین رأت چه جای باغ—گفت نور غیب را یزدان چراغ (مولوی)**

****من نمی گویم مرا هدیه دهید—لیک گفتم لایق هدیه شوید**

که مرا از غیب، نادر هدیه هاست—که بشر آن را نیارد نیز خواست (مولوی)

****قرض ده، کم کن ازین لقمه تنت—تا نماید وجه لآعین رأت (مولوی)**

****باشد آنکه از دواجات دگر—لا سمع اذن و لا عین بصر (مولوی)**

****می ستاند این یخ جسم فنا—می دهد ملکی برون از وهم ما (مولوی)**

****آن دهد حقشان که لا عین رأت—کأن نكنجد در زبان و در لغت (مولوی)**

Verily, in Paradise there are things which have never been seen or heard, and have never to anyone's mind occurred.

۸۶۹ إِنْ فِي الْحَجْمِ شِفَاءٌ.

حجامت مایه شفاست.

Verily, venesection brings cure.

۸۷۰ إِنْ فِي الْمَالِ حَقًّا سَوَى الزَّكَاةِ.

در مال بجز زکات (که واجب است) حقّی (صدقه نافله / مستحبی) هست.

Verily, there is a claim on one's wealth besides poor rate.

۸۷۱ إنَّ في المعارض لمندوحة عن الكذب.

سخنان گوشه دار وسیله رهایی از دروغ است.

**** خوشتر آن باشد که سر دلبران - گفته آید در حدیث دیگران**

Verily, ironic remarks save one from telling lie.

**** It is better that the lovers' secret should be told in the talk of others.(Mowlavi)**

۸۷۲ إنَّ قلب ابن آدم مثل العصفور ينقلب في اليوم سبع مرّات.

دل آدمیزاد چون گنجشک است و هر روز هفت بار دگرگون می شود.

Verily, man's heart is like unto a sparrow. It changes seven times a day.

۸۷۳ إنَّ قليل العمل مع العلم كثير و كثير العمل مع الجهل قليل.

کار اندک که با بصیرت و دانش انجام گیرد بسیار است و کار بسیار که با نادانی صورت پذیرد اندک است.

A little bit of action accompanied by knowledge is useful, and a lot of deeds followed by ignorance is of no use.

۸۷۴ إنَّ كذبا على ليس ككذب على أحد فمن كذب على متعمدا فليتبوء مقعده من النار.

دروغ بستن بر من مثل دروغ بستن بر دیگری نیست هر که بعمد بر من دروغ بندد در آتش جای گیرد.

Verily, inventing lies about me is not tantamount to that about others and thus, whoever belies me purposefully, will reside in Fire (in the Hereafter).

۸۷۵ إنَّك إن تترك أولادك أغنياء خير من أن تتركهم عالة.

اگر پس از تو اطفال بی نیاز باشند بهتر است که محتاج باشند.

Verily, it would be better for your offspring to be rich than poor after you.

۸۷۶ إنَّك لا تدع شيئا اتقا الله إلا أعطاك الله خيرا منه.

اگر از ترس خدا از چیزی درگذری خداوند بهتر از آن را بتو خواهد داد.

Verily, God will bestow on you things better than what you connive at out of fear of Him.

۸۷۷ إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ و لکن سعوهم بأخلاقکم.

مال شما بهمه مردم نمی‌رسد پس با اخلاق خود همه را خرستند کنید.

Verily, you cannot please people with your wealth. So, please them with your good manners.

۸۷۸ إِنَّ لِلتَّوْبَةِ بَابًا عَرْضَ مَا بَيْنَ مِصْرَاعَيْهِ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا يَفْتَلِقُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا.

توبه دری دارد که پهنای آن مانند وسعت مشرق و مغرب است و تا خورشید از مغرب طلوع نکند بسته نمیشود.

****توبه را از جانب مغرب دری—باز باشد تا قیامت بروری (مولوی)**

****عاشق است او را قیامت آمده ست—تا در توبه بر او بسته شده ست (مولوی)**

Verily, there is a door to repentance, vast to the extent of East from West, which gets closed only if the Sun happens to rise from the West.

۸۷۹ إِنَّ لْجَهَنَّمَ بَابًا لَا يَدْخُلُهُ إِلَّا مَنْ شَفَى غَيْظَهُ بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ.

جهنم دروازه‌ای دارد که فقط کسانی که خشم خود را بگناه خدا فرو نشانده باشند از آن داخل میشوند.

Verily, there is a door to Hell, which nobody passes through save those who quench their anger by committing sins against God's will.

۸۸۰ إِنَّ لْجَوَابِ الْكِتَابِ حَقًّا كَرَّةَ السَّلَامِ.

جواب نامه مانند جواب سلام لازم است.

Answering letters is as much a must as greeting someone back.

۸۸۱ إِنَّ لِلزَّوْجِ مِنَ الْمَرْأَةِ لَشَعْبَةً مَا هِيَ لِشَيْءٍ.

شوهر در پیش زن مقامی دارد که هیچ چیز ندارد.

Verily, nothing (should) be more respectful to a woman than her husband.

۸۸۲ إِنَّ لِلشَّيْطَانِ مِصَالِي وَ فُخُوحًا وَ إِنّ مِنْ مِصَالِيهِ وَ فُخُوحِهِ الْبَطْرُ بِنِعْمِ اللَّهِ تَعَالَى وَ الْفَخْرُ بِعِطَاءِ اللَّهِ وَ الْكِبْرُ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ وَ اتِّبَاعُ الْهَوَى فِي غَيْرِ ذَاتِ اللَّهِ.

شیطان دامها و تله‌ها دارد و از جمله دامها و تله‌های وی اینست که از نعمتهای خدا مغرور شوند و به بخششهای او تفاخر کنند و با بندگان خدا تکبر کنند و خود در کار وی پیر و هوس شوند.

Verily, Satan possesses (variegated) snares and traps which include being proud of the Exalted God's blessings, glorifying oneself for God's bounties, snubbing God's servants and following passions in matters not divine.

۸۸۳ إِنَّ لِلشَّيْطَانِ لَمَمَةً بَابِنِ آدَمَ وَ لِلْمَلِكِ لَمَمَةً فَأَمَّا لَمَمَةُ الشَّيْطَانِ فَيُعَادُ بِالشَّرِّ وَ تَكْذِيبُ بِالْحَقِّ وَ أَمَّا لَمَمَةُ الْمَلِكِ فَيُعَادُ بِالْخَيْرِ وَ تَصْدِيقُ بِالْحَقِّ فَمَنْ وَجَدَ ذَلِكَ فَلْيَعْلَمْ أَنَّهُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى فَلْيُحْمَدِ اللَّهَ وَ مَنْ وَجَدَ الْآخِرَى فَلْيَتَّعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ.

شیطان بآدمیزاد نزدیکی‌ای دارد و خداوند نزدیکی‌ای، نزدیکی شیطان وعده به بدی و تکذیب حق است و نزدیکی خداوند وعده بنیکی و تصدیق حق است هر که چنین حالی در خود یافت بداند که از جانب خداوند است و او را سپاس گزارد و هر که حال دیگر را در خود یافت از شیطان بخدا پناه ببرد.

Verily, Satan enjoys nearness to man and angels do too. The former suggests (to him) calling to evil and belying the truth, while the latter suggest calling to good and accepting the truth. Thus, whoever feels the second state of affairs should know that it is divine, and whoever finds in himself the first, should take refuge in God from the Satan.

۸۸۴ إِنَّ لِصَاحِبِ الْحَقِّ مَقَالًا.

فردی که حق دارد و حق او تضییع شده، حق سخن گفتن و اعتراض دارد. (متن کتاب حقوق زندانی و موارد زندان در اسلام)

* شهاب الاخبار - حدیث ۶۵۷ = خداوند حق راهست که بزبان خویش بخواهد، چنانکه در شرع روا بود.

He who his/her right is wasted, has the right to object and protest effectively.

۸۸۵ **إِنَّ لِلطَّاعِمِ الشَّاكِرِ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلَ مَا لِلصَّائِمِ الصَّابِرِ.**

پاداش آنکه غذا میخورد و شکر میگزارد مانند روزه‌دار صبور است.

Verily, s(he) who eats and thanks will be rewarded the same as a fast, patient man.

۸۸۶ **إِنَّ لِكُلِّ أُمَّةٍ فِتْنَةً وَإِنْ فِتْنَةُ أُمَّتِي الْمَالِ.**

هر امتی را بلیه‌ای هست و بلیه امت من مال است.

Verily, for every people there is a trial, and wealth is my people's trial.

۸۸۷ **إِنَّ لِكُلِّ دِينٍ خَلْقًا وَإِنْ خَلَقَ هَذَا الدِّينَ الْحَيَاءَ.**

هر دینی خوی خاص دارد و خوی دین ما حیاست.

****شهاب الاخبار- حدیث ۶۸۰= در هر شرعی خوئی بُود که باید که بران خوی باشند، و خوی دین و شریعت ما شرم داشتن از خلقان و از خدای عزّ و جلّ.**

Verily, every religion has a characteristic feature, and mine is characterized by chastity.

۸۸۸ **إِنَّ لِكُلِّ سَاعٍ غَايَةً وَ غَايَةُ ابْنِ آدَمَ الْمَوْتُ فَعَلَيْكُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ يسهِّلُكُمْ وَيَرْغِبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ.**

هر رهسپاری مقصدی دارد و مقصد آدمیزاد مرگ است از یاد خدا غافل مشوید که یاد خدا کارها را آسان و شما را بآن جهان راغب می‌کند.

Verily, for every traveler there is a destination, and man's destination is death. Remember God, therefore, for it makes easy your affairs and makes you fond of the Hereafter.

۸۸۹ **إِنَّ لِكُلِّ شَجَرَةٍ ثَمْرَةً وَ ثَمْرَةُ الْقَلْبِ الْوَلَدُ.**

هر درختی میوه‌ای دارد و میوه دل فرزند است.

Verily, every tree has a (kind of) fruit, and the fruit of heart is a child.

۸۹۰ **إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ دَعَامَةً وَدَعَامَةُ هَذَا الدِّينِ الْفَقْهُ وَ لَفْقِيهِ وَاحِدٌ أَشَدُّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ.**

هر چیزی اساسی دارد و اساس این دین دانش است و یک دانشمند برای شیطان از هزار عابد بدتر است.

Verily, for everything there is a basis and the basis of this religion (Islam) is knowledge, and one single holder of knowledge is more harmful to Satan than one thousand simple men of worship.

۸۹۱ **إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مَعْدِنًا وَ مَعْدِنُ التَّقْوَى قُلُوبُ الْعَارِفِينَ.**

هر چیزی معدنی دارد و معدن پرهیزکاری دل عارفان (=خداشناسان) است.

Verily, for everything there is a mine, and the mine of piety is the mystics' hearts.

۸۹۲ **إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ حَقِيقَةً وَ مَا بَلَغَ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ لِيَخْطئه وَ مَا أَخْطَاءَهُ لَمْ يَكُنْ**

لِيَصِيبَهُ.

هر چیزی حقیقتی دارد و بنده بحقیقت ایمان نمیرسد مگر اینکه بداند که هر چه باو رسیده ممکن نبود نرسد و هر چه بدو نرسیده ممکن نبود برسد.

No one achieves true faith unless (s)he comes to know that both what (s)he gains and what (s)he doesn't are predestined for him.

۸۹۳ **إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى أَقْوَامًا يَخْتَصِمُهُم بِالنَّعْمِ لِمَنَافِعِ الْعِبَادِ وَ يَقْرَهُهَا فِيهِمْ مَا بَدَلُوهَا فَإِذَا مَنَعُوهَا نَزَعَهَا مِنْهُمْ فَحَوْلَهَا إِلَى غَيْرِهِمْ.**

خداوند را گروههاست که نعمتهای خویش خاص ایشان کند تا بندگان را منتفع کنند و مادام که دهش کنند نعمت را بنزد ایشان نگهدارد و چون امساک کنند از آنها بگیرد و بدیگران دهد.

Verily, the Exalted God has special groups of people on whom He bestows His blessings to offer to His servants. He keeps His blessings with them as long as they practice generosity, but as soon as they turn out to be stingy; He withholds His blessings from them and showers them on others.

۸۹۴ **إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى عِبَادًا اخْتَصَمَهُم بِحَوَائِجِ النَّاسِ، يَفْزَعُ النَّاسَ إِلَيْهِمْ فِي حَوَائِجِهِمْ أَوْلَئِكَ الْآمَنُونَ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ.**

خداوند را بندگانش که خاص حوائج مردمان کرده است و مردمان در حوائج خویش بایشان پناه برند آنها از عذاب خدا ایمنند.

Verily, the Exalted God has appointed some of His servants to settle people's needs, to whom people resort for their requirements. These servants are safe against God's punishment.

۸۹۵ إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا خَلَقَهُمْ لِحَوَائِجِ النَّاسِ. إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا يَعْرِفُونَ النَّاسَ بِالتَّوَسُّمِ.

خداوند بندگانی دارد که آنها را برای رفع حاجات مردم خلق کرده است. خداوند بندگانی دارد که مردم را بفرست شناسند.

Verily God has appointed some of His servants to settle people's needs. Verily, God has some servants who are able to know the inner character of people through cleverness.

۸۹۶ إِنَّ لِلَّهِ عِنْدَ أَقْوَامٍ نِعْمًا يَقْرَأُهَا عِنْدَهُمْ مَا دَامُوا فِي حَوَائِجِ النَّاسِ مَا لَمْ يَمْلُوا فَإِذَا مَلُّوا نَقَلَهَا اللَّهُ إِلَيْهِمْ.

خداوند پیش بعضی مردم نعمتهائی دارد که تا وقتی از انجام حوائج مردم باز نمیمانند نعمت خود را پیش آنها نگاه میدارد و همین که از این کار باز ماندند نعمت را به اشخاص دیگر منتقل میکند.

Verily, God has trusted in some people blessings which they continue to hold as long as they use them to settle people's needs, but which are transferred to others as soon as they stop doing so.

۸۹۷ إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ تَنْطِقُ عَلَى أَلْسِنَةِ بَنِي آدَمَ بِمَا فِي الْمَرْءِ مِنَ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ.

خداوند در زمین فرشتگانی دارد که بزبان آدمیزادگان سخن می گویند و از بد و نیک مردمان خبر دهند.

Verily, God has (special) angels on the earth, who speak as men speak and who report men's good and evil.

۸۹۸ إِنَّ لِلَّهِ مَلَكَ يَنَادِي عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ: يَا بَنِي آدَمَ قُومُوا إِلَيَّ نِيرَانِكُمُ الَّتِي أَوْ قَدْتُمُوهَا عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ فَأُطْفِئُهَا بِالصَّلَاةِ.

خداوند فرشتهای دارد که هنگام نماز بانگ میزند آدمیزادهگان برخیزید و آتشفانی را که بر خویشتان افروختهاید به نماز خاموش کنید.

Verily, God has an (special) angel who calls out at the time of all prayers: “Rise up, O sons of Adam! And put out by prayer the fire you have set your souls at.

۸۹۹ **إِنَّ مَا قَدَّرَ فِي الرَّحْمِ سَيَكُونُ.**

آنچه در شکم مادر مقدر شده شدنی است.

Verily, whatever is destined (for man) in mother’s wombs will come to pass.

۹۰۰ **إِنَّ مَثَلَ الَّذِي يَعْمَلُ السَّيِّئَاتِ ثُمَّ يَعْمَلُ الْحَسَنَاتِ كَمَثَلِ رَجُلٍ كَانَتْ عَلَيْهِ دَرَعٌ ضَيْقُهُ قَدْ خَنَقَتْهُ ثُمَّ عَمِلَ حَسَنَةً فَانْفَكَّتْ حَلَقُهُ ثُمَّ عَمِلَ أُخْرَى فَانْفَكَّتِ الْآخِرَى حَتَّى يَخْرُجَ إِلَى الْأَرْضِ.**

آن کس که کارهای بد میکند سپس کارهای نیک میکند مانند مردیست که زره تنگ بتن دارد و نفس او را تنگ میکند، کار نیکی میکند و حلقه‌ای از آن گشوده می‌شود سپس کار نیک دیگری می‌کند و حلقه دیگری گشوده می‌شود تا بزمین می‌افتد.

Verily, the similitude of he who commits evil deeds followed by good deeds is the similitude of the one who has a tight armor on, exerting pressure on his breathing, who does something good causing one single chain to loose and then goes on doing so until the whole armor drops down.

۹۰۱ **إِنَّ مَثَلَ الَّذِي يَعُودُ فِي عَطِيَّتِهِ كَمَثَلِ الْكَلْبِ أَكَلَ حَتَّى إِذَا شَبِعَ قَاءَ ثُمَّ عَادَ فِي قَيْئِهِ ثُمَّ أَكَلَهُ.**

آنکه بخشش خود را پس میگیرد مانند سگ است که بخورد و وقتی سیر شد قی کند و آنگاه به قی کرده خود باز گردد و آن را بخورد.

****گشته باشد همچو سگ قی را اکول—مسترد نخله از قول رسول (مولوی)**

Verily, the similitude of the one who requests back his gifts is the similitude of a dog which eats food to satiety, vomits it and then eats again what it has vomited.

۹۰۲ **إِنَّ مُحَرَّمَ الْحَلَالِ كَمَحَلِّ الْحَرَامِ.**

آنکه حلال را حرام میکند مانند کسی است که حرام را حلال می‌کند.

Verily, he who makes the lawful unlawful is like unto the one who does the reverse.

۹۰۳ **إِنَّ مَطْعَمَ ابْنِ آدَمَ قَدْ ضُرِبَ مِثْلًا لِلدُّنْيَا وَإِنْ قَرَحَهُ وَ مَلَحَهُ فَانظُرْ إِلَى مَا يَصِيرُ.**

غذای آدمیزاد را نمونه دنیا قرار داده‌اند هر قدر آن را ادویه و نمک بزند بنگر آخر چه می‌شود؟

The similitude of the world is the similitude of man' food is. See what finally happens to it, even though more and more he salts and spices it.

۹۰۴ **إِنَّ مَعَاوَةَ اللَّهِ الْعَبْدِ فِي الدُّنْيَا أَنْ يَسْتُرَ عَلَيْهِ سَيِّئَاتِهِ.**

بخشش خداوند نسبت ببنده در این جهان اینست که گناهان او را مستور دارد.

Verily, God's forgiveness for man in this world is the concealment of his sins.

۹۰۵ **إِنَّ مَغْيِرَ الْخَلْقِ كَمَغْيِرِ الْخَلْقِ إِنَّكَ لَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تَغْيِرَ خَلْقَهُ حَتَّى تَغْيِرَ خَلْقَهُ.**

آنکه می‌خواهد سیرت را تغییر دهد مانند کسی است که می‌خواهد صورت را تغییر دهد اگر توانستی صورت را تغییر دهی سیرت را نیز تغییر توانی داد.

Verily, changing man's nature is like unto changing his outward creation. If you can change the latter, you will be able to change the former.

۹۰۶ **إِنَّ مِمَّا يَلْحَقُ الْمُؤْمِنَ مِنْ عَمَلِهِ وَ حَسَنَاتِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ عِلْمًا نَشَرَهُ وَ وُلْدًا صَالِحًا تَرَكَهُ وَ مِصْحَفًا وَرَّثَهُ أَوْ مَسْجِدًا بَنَاهُ أَوْ بَيْتًا لِابْنِ السَّبِيلِ بَنَاهُ أَوْ نَهْرًا أَجْرَاهُ أَوْ صَدَقَةً أَخْرَجَهَا مِنْ مَالِهِ فِي صِحَّتِهِ وَ حَيَاتِهِ تَلَحُّقَهُ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهِ.**

از جمله اعمال و نیکیهای مؤمن که بعد از مرگ بدو میرسد دانشی است که منتشر کرده باشد و فرزند پارسائست که بجا گذاشته باشد و قرآنی است که به ارث گذاشته باشد یا مسجدی که بنا کرده باشد یا خانه‌ای که برای کاروانیان بپا کرده باشد یا نهری که بکمک او جریان یافته باشد یا مالی که در دوران صحت و حیات از مال خویش جدا کرده باشد همه اینها پس از مرگ بدو میرسد.

Verily, among the good deeds and actions of a believer, which will rejoin him after death are: the knowledge spread, a righteous child, a Quran left as inheritance, a mosque built, a house made for the wayfarers, a stream flown by one's assistance and a share of one's wealth set aside for the poor when one is healthy and still alive.

۹۰۷ إِنَّ مِنْ أَحَبِّكُمْ إِلَيَّ أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقًا.

هر کس از شما خوش خلق‌تر است پیشی من محبوب‌تر است.

Verily, the most beloved of you to me is the most good-tempered.

۹۰۸ إِنَّ مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ أَنْ يَرْفَعَ الْعِلْمَ وَيُظْهِرَ الْجَهْلَ وَيَفْشُو الزَّانَا وَيَشْرَبَ الْخَمْرَ وَيَذْهَبَ الرَّجَالُ وَيَبْقَى النِّسَاءُ حَتَّى يَكُونَ لْخَمْسِينَ امْرَأَةً قِيمَ وَاحِدٍ.

از علائم رستاخیز آنست که دانش از میان بر خیزد و جهالت آشکار شود و زنا رواج گیرد و شراب نوشند، مردان بروند و زنان بمانند تا حدی که پنجاه زن یک سر پرست داشته باشند.

Verily, among the signs of the Hour (the Resurrection) are the fall of knowledge and the rise of ignorance, the prevalence of adultery, drinking wine and the increase in the number of women over men to the extent that one man might remain as the guardian of fifty women.

۹۰۹ إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ الْخَطَايَا مَنْ اقْتَطَعَ مَالَ امْرِئٍ مُسْلِمٍ بغيرِ حَقٍّ وَإِنْ مِنَ الْحَسَنَاتِ عِيَادَةُ الْمَرِيضِ.

از گناهان بزرگ اینست که مال دیگری را بدون حق تصرف کنند و عیادت مریض از کارهای نیک است.

Verily, among the most capital sins is to usurp someone's properties, and paying a visit to patients is among good deeds.

۹۱۰ إِنَّ مِنْ أَكْمَلِ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنَهُمْ خَلْقًا وَأَلْطَفَهُمْ بِأَهْلِهِ.

از همه مؤمنان ایمان آن کس کاملتر است که اخلاقش نیکتر است و با کسان خود بهتر رفتار میکند.

Verily, the most perfected believer in faith is the most good-tempered and the kindest to one's family.

۹۱۱ إِنَّ مِنْ تَمَامِ إِيمَانِ الْعَبْدِ أَنْ يَسْتَنِي فِي كُلِّ حَدِيثِهِ.

نشانه کمال ایمان مرد اینست که در همه سخن خود استثنائی بیاورد (و لزوماً بگوید: اگر خدا خواهد— انشاء الله).

**چون که خواه نفس آمد مستعان—تسخر آمد آیش شاء الله کان (مولوی)

****حاش لله ايش شاء الله كان—حاکم آمد در مکان و لا مکان (مولوی)**

****قول بنده، ايش شاء الله كان بهر آن نبود که منبل کن روان(تبل کن در آن)**

چون بگویند ايش شاء الله كان—حکم، حکم اوست مطلق جاودان (مولوی)

****سوره ۱۸ الکف آیات ۲۳-۲۴: و هرگز در مورد کاری نگو: "من فردا آن را انجام می دهم". (بگو): "مگر اینکه خدا بخواهد" و هرگاه فراموش کردی، پروردگارت را به خاطر بیاور و بگو: "امیدوارم پروردگارم مرا به راهی روشن تر از این هدایت کند."**

****سوره ۶۸ القلم آیات ۱۷-۱۸: ما آنها را آزمودیم همان گونه که (صاحبان باغ) را آزمایش کردیم. هنگامیکه سوگند که میوه های باغ را صبحگاهان (دور از چشم مستمندان) بچینند. و هیچ استثنا نکنند.**

Verily, among the signs of one's perfection of faith is to observe some degrees of exception (probability) in whatever one says (should say: If God Allah Wills).

****Sura 18 The Cave-Ayas 23-24: Nor say (O, Messenger) of anything, "Surely, I will do such and such tomorrow." Without saying "If Allah wills." And mention this remembrance if you forgot and also say "It may be that my God will guide me nearer than this way to the right course."**

****Sura 68 The pen-Ayas 17-18: Verily We will punish these people as we did punish the owners of the garden who decided to pluck the fruits of the garden in the early morning when no beggars are around. And they did not even say "If Allah's Will."**

۹۱۲ ان من سعادة المرء ان يطول عمره و يرزقه الله الإنابه.

از لوازم سعادت مرد اینست که زندگانی او دراز شود و خداوند توبه را نصیب وی کند.

Verily, long life and being gifted a chance by God to repent are indicative of one's prosperity.

۹۱۵ ان من شر الناس منزله عند الله يوم القيامة عبدا اذهب آخرته بدنيا غيره.

بدترین مردم در نظر خدا روز رستاخیز بنده ایست که آخرت خود را برای دنیای دیگری از دست داده باشد.

Verily, the most wicked people to God in the Resurrection Day are those who have lost their own eternal shares for others' worldly affairs.

۹۱۶ إِنَّ مِنَ الْبَيَانِ لَسِحْرًا وَإِنَّ مِنَ الشَّعْرِ لِحِكْمًا وَإِنَّ مِنَ الْقَوْلِ عِيًّا وَإِنَّ مِنْ طَلَبِ الْعِلْمِ جَهْلًا.

بعضی بیانها سحر است و بعضی شعرها حکمت است (نگاه حدیث ۲۲۱۵) و بعضی سخن‌ها الکنی (=نارسانا در بیان مفهوم) است و بعضی دانش جوئی‌ها جهالت است.

****گفت پیغمبر که این فی البیان-سحراً و حق گفت آن خوش پهلوان (مولوی)**

****مر زبان را داد صد افسونگری-وان که کان را داد زر جعفری (مولوی)**

Verily, some statements are enchanting, some poems contain wisdom, some sayings are defective and some ways of seeking knowledge lead to ignorance.

۹۱۷ إِنَّ مِنَ الذَّنُوبِ ذُنُوبًا لَا يَكْفُرُهَا الصَّلَاةُ وَلَا الصِّيَامُ وَلَا الْحَجُّ وَلَا الْعَمْرَةُ، يَكْفُرُهَا الْهَمُومُ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ.

بعضی گناهان هست که نماز و روزه و حج و عمره آن را محو نمی کند فقط گرفتاری در طلب معاش آن را نابود میکند.

Verily, some sins cannot be wiped out through setting prayer; fasting and making minor or major pilgrimage to Mecca. They can only be wiped out through struggling to earn one's sustenance.

۹۱۸ إِنَّ مِنَ السَّرْفِ أَنْ تَأْكُلَ كُلَّ مَا اشْتَهَيْتَ.

یکی از اقسام اسراف اینست که هر چه میخواهی بخوری.

Verily, an example of extravagance is to eat whatever one likes.

۹۱۹ إِنَّ مِنَ السَّنَةِ أَنْ يَخْرُجَ الرَّجُلُ مَعَ ضَيْفِهِ إِلَى بَابِ الدَّارِ.

خوبست که مرد با مهمان خود تا در خانه برود.

Verily, among (good) habits is to accompany guests to the house gate.

۹۲۰ إِنَّ مِنَ النَّاسِ نَاسًا مَفَاتِيحَ لِلْخَيْرِ مَغَالِقَ لِلشَّرِّ وَإِنَّ مِنَ النَّاسِ نَاسًا مَفَاتِيحَ الشَّرِّ مَغَالِقَ لِلْخَيْرِ فَطُوبَى لِمَنْ

جَعَلَ اللَّهُ مَفَاتِيحَ الْخَيْرِ عَلَى يَدَيْهِ وَوَيْلَ لِمَنْ جَعَلَ اللَّهُ مَفَاتِيحَ الشَّرِّ عَلَى يَدَيْهِ.

بعضی مردم کلید خیرند و قفل شر و بعضی دیگر کلید شرند و قفل خیر خوشا بحال آن کسی که خداوند کلید خیر را در دست او قرار داده و بدا بحال آن کسی که خدا کلید شر را بدست او سپرده است.

Verily, some people are the key to good and are lock to evil and some others, the key to evil and lock to good . Thus, how good for those on whom God has bestowed the key to good and how bad for those to whom He has given the key to evil.

۹۲۱ إن من اليقين أن لا ترضى أحدا بسخط الله و لا تحمد أحدا على ما آتاك الله و لا تدم أحدا على ما لم يؤتك الله، فإن الرزق لا يجره حرص حريص و لا يصرفه كراهة كاره.

از لوازم ایمان اینست که برای خشنودی کسان خدا را شدیداً ناخشنود نسازی و بر نعمتی که خدا داده کسیرا سیاس نگزاری و برای آنچه خدا نداده کسی را مذمت نکنی که روزی به آز حریصان فزونی نگیرد و به تنفر کسان نقصان نپذیرد.

Verily, among the prerequisites of faith are to please nobody through causing God's displeasure, to thank nobody for what God has given you, and to berate nobody for what He has withheld from you, for (the destined) sustenance will not increase through the greediness of the greedy, nor does it decrease through the displeasure of the displeased.

۹۲۲ إن مثل العلماء في الأرض كمثل النجوم في السماء يهتدي بها في ظلمات البرّ و البحر، فإذا انطمست النجوم أوشك أن تضلّ الهداه.

دانشمندان در زمین مانند ستارگان آسمانند که در ظلمات خشکی و دریا بکمک آن راه جویند و همین که ستارگان نمانند ممکن است ره یافتگان نیز گمراه شوند.

Verily, the likeness of the learned on the earth is the likeness of the stars in the heavens through which people find their ways in the darkness of land and sea, but as soon as they disappear, the guided might lose their ways again.

۹۲۳ إن من حقّ الولد على والده أن يعلمه الكتابه و أن يحسن اسمه و أن يزوجه إذا بلغ.

از جمله حقوق فرزند بر پدر آنست که او را نوشتن آموزد و نام او را خوب انتخاب کند و هنگام بلوغ به او زن بدهد.

Verily, among the claims of a child on his father is to teach him how to write, to choose him a good name and to take a wife for him when he reaches maturity.

۹۲۴ **إِنَّ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ لَوْ أَقْسَمَ عَلَى اللَّهِ لِأَبْرِهِ.**

بعضی بندگان خدا هستند که اگر قسم خوردند که خدا چنین میکند چنان خواهد کرد.

Verily, among God's servants are the ones whose swears will prove to be true should they swear by God.

۹۲۵ **إِنَّ مَنْ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ تَعَالَى يَغْضَبْ عَلَيْهِ.**

هر که از خدا چیزی نخواهد خدا بر او خشمگین می شود.

Verily, s (he) who asks nothing from God will experience His wrath.

۹۲۶ **إِنَّ مِنْ مَعَادِنِ التَّقْوَى تَعَلَّمَكَ إِلَى مَا قَدْ عَلِمْتَ عِلْمَ مَا لَمْ تَعْلَمْ وَ النَّقْصَ فِيمَا قَدْ عَلِمْتَ قَلَّةَ الزِّيَادَةِ فِيهِ وَ إِنَّمَا يَزْهَدُ الرَّجُلُ فِي عِلْمٍ مَا لَمْ يَعْلَمْ قَلَّةَ الْإِنْتِفَاعِ بِمَا قَدْ عِلِمَ.**

از جمله منابع پرهیزکاری این است که ندانسته‌ها را بیاموزی و بدانسته‌ها ضمیمه کنی، اگر افزایش دانش کم شود مایه نقصان آن می شود و کسی که از دانسته‌های خود کمتر سود برد، در آموختن ندانسته‌ها سستی میکند.

Verily, among the mines of piety is the acquisition of what you know not and adding it to what you know, for the reduction in knowledge enhancement will make it defective, and (s)he who avails himself (herself) less of his(her) knowledge, will fall short in learning what (s)he knows not.

۹۲۷ **إِنَّ مِنْ مَوْجِبَاتِ الْمَغْفِرَةِ إِدْخَالَ السَّرْوَرِ عَلَى أُخِيكَ الْمُؤْمِنِ.**

از جمله لوازم آمرزش اینست که برادر مؤمن خود را خرسند سازی.

Verily, among the means of (God's) forgiveness is to please one's faithful brethren.

۹۲۸ **إِنَّ مِنْ مَوْجِبَاتِ الْمَغْفِرَةِ بَدَلَ السَّلَامِ وَ حَسَنَ الْكَلَامِ.**

از جمله لوازم آمرزش ادای سلام و نیکی کلام است.

Verily, among the means of (God's) forgiveness is greeting and well-speaking.

۹۲۹ **إِنَّ مِنْ يَمَنِ الْمَرْأَةُ تَسِيرُ خَطْبَتَهَا وَتَسِيرُ صَدَاقَهَا.**

نشان میمنت زن اینست که خواستگارش آسان و مهرش سبک باشد.

Verily, among the indications of a woman's felicity are the ease in her engagement and the scantiness of her dowry.

۹۳۰ **إِنَّ نَارَ كَمِ هَذِهِ جِزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جِزْءٍ مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ وَ لَوْ لَا أَنَّهَا أَطْفَأَتْ بِالْمَاءِ مَرَّتَيْنِ مَا انْتَفَعْتُمْ بِهَا وَ إِنَّهَا لَتَدْعُوا اللَّهَ أَنْ لَا يَعِيدَهَا فِيهَا.**

این آتش شما یکجزء از هفتاد جزء از آتش جهنم است و اگر دو بار آتش خاموش نشده بود از آن بهره‌مند نتوانستید شد آتش دنیا از خدا می‌خواهد که او را به جهنم باز نگرداند.

Verily, this (worldly) fire of yours is one of the seventy flames of the Fire of Hell which could not have been beneficial to you, had it not been extinguished twice with water. Verily, the worldly fire calls unto God to return it not to Hell.

۹۳۱ **إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْغَلْ فِيهِ بَرْقِقٌ وَ لَا تَبْغِضْ إِلَى نَفْسِكَ عِبَادَةَ اللَّهِ فَإِنَّ الْمُنْبِتَ لَا أَرْضًا قَطَعَ وَ لَا ظَهْرًا أُبْقِيَ.**

این دین محکم است بملایمت در آن پیشی برو و عبادت خدا را منفور خود مکن زیرا رهرو عجول نه راهی سپرده و نه مرکوب خود را حفظ کرده است.

Verily, this religion is firmly based, wherein you should proceed without haste in order not to make the worship of God an object of hate, for an impatient wayfarer (can) neither hike a lot (in fact), nor can he keep his horse intact.

۹۳۲ **إِنَّ هَذَا الدِّينَارَ وَ الدَّرْهَمَ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِكَمْ وَ هُمَا مَهْلَكَكُمْ.**

این دینار و درهم پیشینیان شما را هلاک کرد و شما را نیز هلاک خواهد کرد.

Verily, wealth ruined your predecessors, and will (surely) cause your to destruction.

۹۳۳ **إِنَّ هَذِهِ الْأَخْلَاقَ مِنَ اللَّهِ فَمَنْ أَرَادَ اللَّهُ تَعَالَى بِهَ خَيْرًا مَنَعَهُ خَلْقًا حَسَنًا وَ مِنْ أَرَادَ بِهَ سُوءًا مَنَعَهُ خَلْقًا سَيِّئًا.**

این اخلاق از خداوند است و خدا برای هر که نیکی خواهد خلقی نکو بدو دهد و برای هر که بدی خواهد خلق بدی بدو دهد.

Verily, manners belong to the Exalted God. When He wishes good for someone, He bestows good manners on him, and when he wishes evil for someone, he provides him with unpleasant manners.

۹۳۴ **إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَصَدُّ كَمَا يَصْدَأُ الْحَدِيدُ قِيلَ فَمَا جَلَاءُهَا قَالَ ذَكَرَ الْمَوْتَ وَتَلَاوَهُ الْقُرْآنَ.**

دلها مانند آهن زنگ میزند گفتند صیقل آن چیست؟ گفت یاد مرگ و خواندن قرآن.

Verily, (men's) hearts rust as iron." What chisels them?" they asked. "Remembrance of death and recitation of the Quran", replied the Prophet (PBUH).

۹۳۵ **إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَةٌ فَخَيْرُهَا أَوْعَاها.**

دلها مانند ظرف است و بهتر از همه دلیست که ظرفیت آن بیشتر است.

Verily, (men's) hearts are containers, and the best hearts are the most capacious (to contain the knowledge of God).

۹۳۶ **إِنَّمَا الْأَمَلُ رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ لِأُمَّتِي، لَوْلَا الْأَمَلُ مَا أَرْضَعَتْ أُمَّ وَوَلَدًا وَ لَا غَرَسَ غَارِسُ شَجَرًا.**

امید رحمت خدا برای امت من است اگر امید نبود مادری فرزند خود را شیر نمی داد و کسی درختی نمی کاشت.

Verily, hope is God's blessing for my people. Were there no hope, no mother would (be inclined to) milk her child and nobody would (like to) plant a tree.

۹۳۷ **إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَالْخَوَاتِيمُ.**

ارزش اعمال به نیت و سرانجام آنست.

Verily, the value of deeds lies in (the doer's) intentions, and in their results.

۹۳۸ **إِنَّمَا الْحَلْفُ حَنْثٌ أَوْ نَدَمٌ.**

نتیجه قسم شکستن است یا ندامت.

Swearing ends either in violation or remorse.

۹۳۹ إِنَّمَا الْعِلْمُ بِالْتَعَلُّمِ وَإِنَّمَا الْحِلْمُ بِالْتَحَلُّمِ وَمَنْ يَتَحَرَّ الْخَيْرَ يُعْطَهُ وَمَنْ يَتَّقِ الشَّرَّ يُوقَهُ.

علم از تعلم و حلم از تظاهر به حلم حاصل می‌شود هر که جویای خیر باشد همانش دهند و هر که از شر بگریزد از آن بر کنار ماند.

Knowledge is acquired through learning and forbearance is achieved through practicing it. Whoever seeks good will be offered good and whoever fears evil will be saved from it.

۹۴۰ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ إِذَا أَمَرْتُكُمْ بِشَيْءٍ مِّنْ دِينِكُمْ فَخُذُوا بِهِ وَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِشَيْءٍ مِّنْ رَأْيِي فَإِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ.

من انسانی مانند شما هستم وقتی شما را بچیزی در کار دین دستور دادم بدان رفتار کنید و وقتی از پیش خود شما را بچیزی فرمان دادم من انسان هستم.

Verily, I am a human being like you. So, put to effect what I order you on account of the religion (Islam), but when I give you orders out of my own will, (know that) I am a human being.

۹۴۱ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَإِنَّ الظَّنَّ يَخْطِي وَ يَصِيبُ وَ لَكِن مَّا قَلْتُ لَكُمْ قَالَ اللَّهُ فَلَن أَكْذِبَ عَلَى اللَّهِ.

من انسانی مثل شما هستم و گمان بخطا یا صواب می‌رود ولی هر چه را بگویم خدا گفته است بر خدا دروغ نمی‌بندم.

Verily, I am a human being like you, and opinions being right or wrong is quite presumable; but what I tell you is God's, be sure I never belie Him.

۹۴۲ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ وَإِنَّكُمْ تَخْتَصِمُونَ إِلَيَّ، فَلَعَلَّ بَعْضُكُمْ أَن يَكُونَ الْحَنُّ بِحُجَّتِهِ مِّنْ بَعْضِ فَأَقْضِي لَهُ عَلَى نَحْوِ مَا

أَسْمَعُ فَمَنْ قَضَيْتَ لَهُ بِحَقِّ مُسْلِمٍ فَإِنَّمَا هِيَ قِطْعَةٌ مِّنَ النَّارِ فليأخذها أو يتركها.

من انسانی هستم و شما دعاوی خود را پیش من می‌آورید شاید بعضی از شما دلایل خود را بهتر از دیگری بیان کند و من مطابق مسموعات خود برفع او قضاوت کنم هر کس بموجب قضاوت من حق مسلمانی را تصرف کند پاره‌ای از آتش را به دست خود آورده است خواهد نگهدارد و خواهد رها کند.

***قاضیانی که به ظاهر می‌تنند—حکم بر اشکال ظاهر می‌کنند**

چون شهادت گفت و ایمانش نمود—حکم او مؤمن کنند این قوم زود (مولوی)

Verily, I am a human being like you, and you leave your cases to me for judgment. It may happen that one of you is able to express his reasons better than his party and based on that, I may issue a judgment in favor of him. (Know that) whoever takes a Muslim's right through my (incorrect) judgment, possesses a flame of Hell (in reality). He can with it abide or leave it aside.

۹۴۳ إِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ أَنَّهُمْ كَانُوا إِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الشَّرِيفُ تَرْكُوهُ وَإِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الضَّعِيفُ أَقَامُوا عَلَيْهِ الْحَدَّ.



هلاک پیشینیان شما از آنجا بود که دزد معتبر را رها میکردند و دزد ضعیف را مجازات میدادند.



Verily, your predecessors' fall was due to the fact that they connived at the thieves of the nobility but punished the thieves of the poor.

۹۴۴ إِنَّمَا بَعَثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.

من مبعوث شدم تا فضائل اخلاق را بکمال رسانم.

Verily, I was appointed (to prophet-hood) for the perfection of moral virtues.

۹۴۵ إِنَّمَا بَقِيَ مِنَ الدُّنْيَا بَلَاءٌ وَفِتْنَةٌ.

از دنیا جز بلا و فتنه باقی نمانده است.

Verily, nothing is left over the world save sedition and calamities.

۹۴۶ إِنَّمَا شَفَاءُ الْعِيِّ السُّؤَالُ.

علاج نادانی سؤال است.

Verily, the remedy to ignorance is asking questions.

۹۴۷ إِنَّمَا مِثْلُ الْقَلْبِ مِثْلُ رِيشَةٍ بِالْفَلَاءِ تَعَلَّقَتْ فِي أَصْلِ شَجَرَةٍ يَقْلِبُهَا الرِّيحُ ظَهْرًا لِبَطْنِ.

دل مانند رشته‌ایست در بیابانی بدرختی آویخته که باد پیوسته آن را زیر و رو میکند.

**در حدیث آمد که دل همچون پری ست—در بیابانی اسیر صرصری ست (مولوی)

Verily, (man's) heart is like unto a string hanging from a tree in a desert, which is turned upside down by wind.

۹۴۸ إِنَّمَا يَبِيعُ النَّاسُ عَلَى نِيَاتِهِمْ.

مردم مطابق نیات خود محشور میشوند.

**** شهاب الاخبار - حدیث ۳۹۵ = مردمان روز قیامت زنده شوند بران اعتقاد که مرده باشند. یعنی: آن که کافر بود کافر خیزد، و آنکه مؤمن بود مؤمن خیزد.**

**** صورتی کان بر وجودت غالب است - هم بر آن تصویر، حشرت واجب است (مولوی)**

**** گفتم، ای نفسک! منافق زیستی - هم منافق می مری، تو چیستی؟ (مولوی)**

**** لیک یکرنگی که اندر محشر است - بر بد و بر نیک کشف و ظاهر است (مولوی)**

Verily, people will appear in the Resurrection according to their intentions.

۹۴۹ إِنَّمَا يَتَجَالَسُ الْمُتَجَالِسَانُ بِأَمَانَةِ اللَّهِ تَعَالَى فَلَا يَحِلُّ لِأَحَدِهِمَا أَنْ يَفْشِيَ عَلَى صَاحِبِهِ مَا يَخَافُ.

همنشینان نگهدار امانت خداوند متعال هستند (=امانت یک دیگرند) و روا نیست یکی از آنها راز رفیق خود را آشکار سازد.

Verily, friends are holders of the Exalted God's trusts and thus, they are not allowed to reveal each other's secrets.

۹۵۰ إِنَّمَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ يَرْجُوهَا وَإِنَّمَا يَجَنَّبُ النَّارَ مَنْ يَخَافُهَا وَإِنَّمَا يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ يَرْحَمُ.

کسی بهشت میرود که امید آن دارد و کسی از جهنم دور می ماند که از آن بیمناک باشد، خداوند فقط بکسی رحم میکند که رحم کند.

Verily, the hopeful for Paradise will enter it and the fearful of Hell will be saved from it. Verily, God's Mercy includes the merciful alone.

۹۵۱ إِنَّمَا يَدْرِكُ الْخَيْرَ كُلَّهُ بِالْعَقْلِ وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ.

همه خوبیها را به عقل می توان دریافت و هر که عقل ندارد دین ندارد.

****بس نکو گفت آن رسول خوش جواز—ذره ای (ذره) عقلت به از صوم و نماز (مولوی)**

Verily, all the good is perceptible through wisdom, and he who lacks wisdom is bereft of faith.

۹۵۲ **إِنَّمَا يَرْحَمُ اللَّهُ مَن عَابَدَهُ الرَّحْمَاءُ.**

خداوند بندگان رحیم خود رحم میکند.

Verily, God showers Mercy on His merciful servants.

۹۵۳ **إِنَّمَا يَسْلُطُ اللَّهُ عَلَى ابْنِ آدَمَ مَن خَافَهُ ابْنِ آدَمَ وَ لَوْ أَنَّ ابْنَ آدَمَ لَمْ يَخَفْ غَيْرَ اللَّهِ لَمْ يَسْلُطِ اللَّهُ عَلَيْهِ أَحَدًا وَ إِنَّمَا وَ كَلَّ ابْنَ آدَمَ لَمَنْ رَجَا ابْنَ آدَمَ وَ لَوْ أَنَّ ابْنَ آدَمَ لَمْ يَرْجِ إِلَّا اللَّهَ لَمْ يَكُلْهُ اللَّهُ إِلَّا غَيْرَهُ.**

خداوند کسی را که آدمیزاد از او می ترسد بر وی مسلط می کند اگر جز خدا از کسی نمی ترسید خدا کسی را بر او مسلط نمی کرد آدمیزاد بکسی که بدو امیدوار است واگذار می شود و اگر جز خدا بکسی امید نداشت خدا او را بدیگری وانمیگذاشت.

Verily, God gives dominance over the son of Adam to the one whom he fears. If he feared no one except God, He would save him from such dominance. (In like manner), God leaves the son of Adam on the one whom he is hopeful about.

۹۵۴ **إِنَّمَا يَكْفِي أَحَدَكُم مَّا كَانَ فِي الدُّنْيَا مِثْلَ زَادِ الرَّكْبِ.**

برای شما در دنیا چیزی که به اندازه توشه مسافری باشد کافی است.

Verily, what equals a traveler's provision is sufficient for you in this world.

۹۵۵ **إِنَّهُ يَعْرِفُ الْفَضْلَ لِأَهْلِ الْفَضْلِ أَهْلَ الْفَضْلِ.**

فضیلت اهل فضیلت را صاحب فضیلت می شناسد.

****ضرب المثل: قدر زر زرگر شناسد قدر گوهر گوهری**

Verily, the knowledgeable (alone) know the knowledge of the knowledgeable.

****Proverb: Do not cast pearls before swine.**

۹۵۶ **إِنِّي أُحْرَجُ عَلَيْكُمْ حَقَّ الضَّعِيفِينَ: الْيَتِيمِ وَ الْمَرْأَةِ.**

شما را از حق دو ضعیف بسختی بر حذر میکنم: یتیم و زن.

Verily, I warn you strictly about the rights of two classes: orphans and women.

۹۵۷ إني أخاف على أمتي بعدى أعمالا ثلثة: زلّة عالم و حكم جائر و هوى متّبعا.

من پس از خودم بر امتم از سه چیز بیم دارم لغزش دانا و فرمانروائی ستمگر و پیروی هوس.

Verily, I am worried about my people as to three things to happen after my death: fall of the learned, rule of tyrants and indulgence in caprice.

۹۵۸ إني فيما لم يوح إليّ كأحدكم.

من در چیزهایی که بمن وحی نرسیده مانند یکی از شما هستم.

Verily, I am just as one of you in what is not revealed to me.

۹۵۹ إني لا أخاف عليكم فيما لا تعلمون و لكن أنظروا كيف تعملون فيما تعلمون.

من از آنچه نمیدانید نگرانی ندارم ولی باید دید آنچه را می دانید چگونه بکار می بندید.

Verily, I am not worried about what you know not, but see how you practice what you know.

۹۶۰ إني لأبغض المرأة تخرج من بيتها تجرّ ذيلها تشكو زوجها.

من زنی را که از خانه خود دامن کشان برای شکایت از شوهرش بیرون شود دشمن دارم.

Verily, I detest a woman who leaves home, walking without modesty to complain about her husband.

۹۶۱ إني لم أومر أن أنقب على قلوب الناس و لا أشقّ بطونهم.

من مأمور نیستم بر دلهای مردم راه یابم یا باطن آنها را بشکافم.

Verily, I am not commissioned to dig through people's hearts or to split their minds.

۹۶۲ آنهاک عن ثلاث خصال: الحسد و الحرص و الکبر.

از سه خصلت دور باش حسد و حرص و تکبر.

Verily, refrain from three traits: Jealousy, greed and vanity.

۹۶۳ آنهاکم عن الزور.

از شرک و دروغ (زور=سخن باطل، بی اساس و خارج از اعتدال) بپرهیزید.

Refrain from polytheism and telling lie.

۹۶۴ آنهاکم عن قليل ما أسکر كثيره.

هر چه زیادش از خود بیخودتان میکند از کمش نیز اجتناب کنید.

Refrain from the little of the much, which makes you out of your sense.

۹۶۵ اهتبلوا العفو عن عثرات ذوی المروءات.

برای گناهان جوانمردان عذر تراشی کنید.

Find pretense to pardon the faults of the fair, generous people.

۹۶۶ أهل الجور و أعوانهم فی النار.

ستمگران و یارانسان در جهنمند.

Tyrants and their supporters will be the dwellers of the Fire.

۹۶۷ أهون الربا کالذی ینکح أمه و إن أربی الربا استطالهُ المرء فی عرض أخیه.

آسانترین رباها چنانست که کسی با مادر خود زنا کند و بدترین رباها آنست که مرد در باره عرض برادر دینی خود زبان درازی کند.

The simplest form of bribe is like unto marrying one's own mother, and the worst form is like unto talking with the purpose to damage the honor of one's brother (in faith).

۹۶۸ أهون أهل النار عذابا یوم القیامه رجل یوضع فی أخص قدمیه جمرتان یغلی منهما دماغه.

روز رستاخیز از مردم جهنم آنکه عذابش از همه آسانتر است مردی است که دو قطعه آتش بکف پایش نهند که از حرارت آن مغز سرش بجوش می آید.

The least punished of people in the Day of Judgment are those on whose soles two flames of fire will be placed, which will make their brains boil.

۹۶۹ اوتیت جوامع الکلم.

سخنان مختصر و جامع را بمن دادند.

I was offered short, but comprehensive words.

۹۷۰ اوثق سلاح إبليس النساء.

محکمترین (قابل اعتماد ترین) سلاح شیطان زنانند.

****چون که خوبی زنان با(فا) او نمود—که ز عقل و صبر مردان می فزود**

پس زد انگشتک، به رقص اندر فتاد—که بده زودتر، رسیدم در مراد (مولوی)

Women are Satan's most reliable & hardest weapons.

۹۷۱ اوصیک أن تستحی من الله كما تستحی من الرجل الصالح من قومک.

بتو سفارش میکنم از خدا چنان شرم کن که از مردی پارسا از کسان خود شرم میکنی.

I advise you to be as modest to God as you are to a chaste man of your clan.

۹۷۲ اوصیک بتقوی الله تعالی فی سرّ امرک و علانیته و إذا أسأت فأحسن و لا تسألنّ أحدا شیئا و لا تقبض أمانه و لا تقض بین اثنین.

بتو سفارش میکنم که در نهان و عیان پرهیزکار باشی وقتی بدی کردی نیکی کن و از کسی چیزی مخواه، امانت مگیر و میان دو کس قضاوت مکن.

I advise you to fear the Exalted God in public and in privacy, to do good after doing evil, to ask nothing from people, to hold nothing on trust and to avoid judging between two persons.

۹۷۳ اوصیکم بالجار.

شما را در باره همسایه سفارش می‌کنم.

I advise you (to be careful) about your neighbors.

۹۷۴ أولى الناس بالعفو أقدرهم على العقوبة.

هر که را قدرت مجازات بیشتر است عفو از او پسندیده‌تر است.

The most powerful people to put punishment to effect are the most entitled, forgiveness to erect.

۹۷۵ أولى الناس بالتهمة من جالس أهل التهمة.

هر که با متهمان آمیزش کند بیشتر از همه مردم سزاوار تهمت است.

The friends of the accused are the most entitled to be accused.

۹۷۶ أول العباد الصمت.

نخستین مرحله عبادت خاموشی است.

Silence is the first stage of servitude.

۹۷۷ أول ما تفقدون من دينكم الأمانة و آخر ما تفقدون الصلوة.

نخستین چیزی که از دین خود از دست می‌دهید امانت (=درستکاری) است و آخرین چیزی که از دست می‌دهد نماز است.

The first thing to lose of your religion is honesty and the last one, prayer.

۹۷۸ أول ما نهاني عنه ربّي بعد عبادة الأوثان شرب الخمر و ملاحاة الرجال.

پس از بت‌پرستی نخستین چیزی که خدایم مرا از آن نهی کرد شراب خواری و بدگوئی مردان بی‌کدیگر است.

The first things, save idol worship, which my Lord forbade me to do were drinking wine and (men's) slandering.

۹۷۹ أول ما يحاسب به الصلوة.

نخستین چیزی که بحساب آن میرسند نماز است.

Prayer is the first deed for which men will be called to account.

۹۸۰ أول ما يرفع من هذه الامة الحياء و الأمانة.

نخستین چیزی که از میان این امت بر می خیزد حیا و امانت است.

The first things which will fade away from amongst this (Islamic) nation are chastity and honesty.

۹۸۱ أول ما يقضى بين الناس يوم القيامة في الدماء.

نخستین بار روز رستاخیز میان مردم در باره خونها دادرسی میکنند.

In the Day of Judgment, people are first called to account concerning blood (shed).

۹۸۲ أول ما يوزن في الميزان الخلق الحسن.

نخستین چیزی که در ترازو گذاشته می شود خلق نیک است.

The first thing to be weighed (in the Day of Judgment) is good-temperedness.

۹۸۳ أول ما يوضع في ميزان العبد نفقته على أهله.

نخستین چیزی که در ترازوی بنده میگذارند خرجی است که برای کسان خود کرده است.

The first things to be weighed in favor of (God's) servant are the expenses of his family.

۹۸۴ أول من يدعى إلى الجنة الحمادون الذين يحمدون الله.

نخستین کسانی که بهشت دعوت می شوند ستایشگرانند که خدا را ستایش میکنند.

Those who will be first called to Paradise are praisers of God.

۹۸۵ إياكم و التسوييف و طول الأمل فإنه كان سببا لهلاك الامم.

از اهمال (=سستی) و طول امل (=آرزوی بی پایان) بپرهیزید که موجب هلاکت اقوام است.

Beware of slackness and ambitious desires, for they result in the ruin of nations.

۹۸۶ إِيَّاكُمْ وَ التَّعَمُّقَ فِي الدِّينِ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ جَعَلَهُ سَهْلًا، فَخُذُوا مِنْهُ مَا تَطِيقُونَ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَا دَامَ مِنْ عَمَلٍ صَالِحٍ وَ إِنْ كَانَ يَسِيرًا. 

از کنجکاوی در کار دین به پرهیزید زیرا خداوند دین را آسان قرار داده است بنا بر این از مسائل دین آنچه را طاققت دارید فرا گیرید زیرا خداوند کار نیک بادوام را دوست دارد اگر چه اندک باشد.



Beware of being inquisitive about matters religious, for the Exalted God has set up an easy going religion (for you). So, derive from it what you can carry out, for God loves good deeds which are the most durable, though in quantity little.

۹۸۷ إِيَّاكُمْ وَ الحَسَدَ فَإِنَّ الحَسَدَ يَأْكُلُ الحَسَنَاتِ كَمَا يَأْكُلُ النَّارُ الحَطَبَ.

از حسد بپرهیزید زیرا حسد کارهای نیک را می خورد چنان که آتش هیزم را می خورد.

Beware of jealousy, for it devours good deeds as fire puts out firewood.

۹۸۸ إِيَّاكُمْ وَ الحَمْرَةَ فَإِنَّهَا أَحَبُّ الزَّيْنَةِ إِلَى الشَّيْطَانِ.

از سرخی بپرهیزید زیرا سرخی از همه زینتها بنزد شیطان محبوبتر است.

Refrain from red color, for it is the most favorite ornament to Satan.

۹۸۹ إِيَّاكُمْ وَ الخمرَ فَإِنَّ خَطِيئَتَهَا تَفْرَعُ الخَطَايَا كَمَا أَنَّ شَجَرَتَهَا تَفْرَعُ الشَّجَرَ.

از شراب بپرهیزید که از گناه آن گناهان میزاید چنان که از درخت آن درختان میروید.

Refrain from wine, for its sin gives birth to (other) sins, just as its tree gives birth to new vines.

۹۹۰ إِيَّاكُمْ وَ الدِّينَ فَإِنَّهُ هَمٌّ بِاللَّيْلِ وَ مَذَلَّةٌ بِالنَّهَارِ.

از قرض بپرهیزید که غم شب و ذلت روز است.

Debt causes day's abasement and night's grief.

۹۹۱ إِيَّاكُمْ وَالزَّانَا فَاِنَّ فِيهِ أَرْبَعٌ خِصَالٌ تَذْهَبُ الْبَهَاءَ عَنِ الْوَجْهِ وَتَقْطَعُ الرِّزْقَ وَتَسْخَطُ الرَّحْمَنَ وَالْخُلُودَ فِي النَّارِ.

از زنا بپرهیزید که در آن چهار خصلت است رونق از چهره برد و روزی را ببرد و خدا را خشمگین کند و مایه عذاب جاودان شود.

Refrain from adultery, it has four harms: fades cheer from face, reduces sustenance, makes God angry and brings permanent dwelling in Fire.

۹۹۲ إِيَّاكُمْ وَالشَّحَّ فَإِنَّمَا هَلَكَ مِنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِالشَّحِّ أَمْرُهُم بِالْبَخْلِ فَبَخَلُوا وَأَمْرُهُم بِالْقَطِيعَةِ فَقَطَعُوا وَأَمْرُهُم بِالْفَجْرِ فَفَجَرُوا.

از حرص بپرهیزید که پیشینیان شما در نتیجه حرص هلاک شدند، حرص آنها را به بخل وادار کرد و بخیل شدند. به بریدن از خویشاوندان وادار کرد و از خویشاوندان بریدند به بدکاری وادارشان کرد و بدکار شدند.

Refrain from avarice, for it ruined your predecessors. It led them to misery and they became misers, it led them to breaking the bonds of kinship and they did so, and it led them to wickedness and they became wicked.

۹۹۳ إِيَّاكُمْ وَالطَّمْعَ فَإِنَّهُ هُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ.

از طمع بپرهیزید که فقر آماده است.

****گفت خر (این) معکوس می گوئی بدان—شور و شر از طمع آید سوی جان (مولوی)**

****شد ز دید لبّ جمله تن طمع—خوار و عاشق شد که ذلّ من طمع (مولوی)**

Refrain from greed, for it is immediate poverty.

۹۹۴ إِيَّاكُمْ وَالْعِضَّةَ النَّمِيمَةَ الْقَالَةَ بَيْنَ النَّاسِ.

از سخن چینی مردم پرهیز کنید.

Refrain from tale-bearing, causing disunity and spreading rumors among people.

۹۹۵ إِيَّاكُمْ وَالْغُلُوفَ فِي الدِّينِ فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِالْغُلُوفِ فِي الدِّينِ.

از افراط در کار دین بپرهیزید که پیشینیان شما از افراط در کار دین هلاک شدند.

Refrain from going to extremes in matters religious, for it ruined your Predecessors.

۹۹۶ إِيَّاكُمْ وَالْغَيْبَةَ فَإِنَّ الْغَيْبَةَ أَشَدُّ مِنَ الزَّوْنِ. إِنَّ الرَّجُلَ قَدْ يَزْنِي وَ يَتُوبُ فَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِنَّ صَاحِبَ الْغَيْبَةِ لَا يَغْفِرُ لَهُ حَتَّىٰ يَغْفِرَ لَهُ صَاحِبُهُ.

از غیبت بپرهیزید که غیبت از زنا سختتر است کسی که زنا میکند و توبه میکند خدا توبه او را میپذیرد ولی آنکه غیبت می کند گناهی آمرزیده نمی شود تا آنکه غیبت او را کرده است از گناهی بگذرد.

Refrain from backbiting, for it is worse than adultery. Verily, when someone commits adultery and repents, God accepts his repentance, but a backbiter will not be forgiven until he is first forgiven by the backbitten.

۹۹۷ إِيَّاكُمْ وَ الْكِبْرَ فَإِنَّ إِبْلِسَ حَمَلَهُ الْكِبْرَ عَلَىٰ أَنْ لَا يَسْجُدَ لِآدَمَ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْحِرْصَ فَإِنَّ آدَمَ حَمَلَهُ الْحِرْصَ عَلَىٰ أَنْ يَأْكُلَ مِنَ الشَّجَرَةِ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْحَسَدَ فَإِنَّ ابْنَ آدَمَ إِتَمَّا قَتَلَ أَحَدَهُمَا صَاحِبَهُ حَسَدًا فَهِنَّ أَصْلَ كُلِّ خَطِيئَةٍ.

از تکبر بپرهیز کنید که شیطان بواسطه تکبر از سجده آدم دریغ کرد و از حرص بگریزید که آدم بواسطه حرص از میوه درخت بخورد و از حسد دور مانید که قابیل بواسطه حسد هابیل را کشت بنا بر این تکبر و حرص و حسد سر چشمه همه گناهان است.

Refrain from vanity, for it induced Satan to avoid prostrating to Adam. Refrain from greed, for it made Adam eat the fruit of the (forbidden) tree. Refrain from jealousy, for it caused Cain to kill Abel. Verily, these are the origins of all vices.

۹۹۸ إِيَّاكُمْ وَ الْكُذْبَ فَإِنَّ الْكُذْبَ مَجَانِبٌ لِلْإِيمَانِ.

از دروغ بپرهیزید که دروغ با ایمان سازگار نیست.

Refrain from lying, it is incompatible with faith.

۹۹۹ إِيَّاكُمْ وَ الْكُذْبَ فَإِنَّ الْكُذْبَ لَا يَصْلِحُ لَا بِالْجِدِّ وَ لَا بِالْهَزْلِ وَ لَا يَعِدُ الرَّجُلُ صَبِيَّهُ لَا يَفِي لَهُ وَ إِنَّ الْكُذْبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَ إِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ وَ إِنَّ الصِّدْقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ وَ إِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ.

از دروغ پرهیزید زیرا دروغ نه جدی و نه شوخی روا نیست، انسان نباید بطفل خود وعده دهد و وفا نکند، دروغ کسان را بدکاری می کشاند و بدکاری آنها را بجهنم می رساند، و راستی کسان را به نیکو کاری میکشاند و نیکوکاری آنها را بهشت میرساند.

Refrain from telling lie, being it serious or joking. You should not give a promise to your child and break it afterwards. Telling lie leads people to wickedness and wickedness brings them the Fire (of Hell), while honesty leads them to goodness and goodness guides them to Paradise.

۱۰۰۰ إِيَّاكُمْ وَالْمَدْحَ فَإِنَّهُ الذَّبْحُ.

از مدح کردن پرهیزید که مانند سر بریدن است.

Refrain from eulogy, for it is like unto cutting off one's head.

۱۰۰۱ إِيَّاكُمْ وَالْهُوَى فَإِنَّ الْهُوَى يَعْمَى وَيَصْمَى.

از هوس پرهیزید که هوس انسان را کور و کر می کند.

Refrain from lust, for it makes man blind and deaf.

۱۰۰۲ إِيَّاكُمْ وَخَضْرَاءَ الدَّمَنِ قِيلَ وَ مَا خَضْرَاءُ الدَّمَنِ؟ قَالَ الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنْبِتِ سُوءٍ.

از سبزه مزبله پرهیزید گفتند سبزه مزبله چیست؟ گفت زن زیبا در خانواده بد.

**** ذکر با او همچو سبزه گلخن است— بر سر مبرز گل است و سوسن است (مولوی)**

**** لفظ کاید بی دل و جان بر زبان— همچو سبزه تون بود ای دوستان (مولوی)**

**** چشم غره شد به خضرای دمن— عقل گوید بر محک ماش زن (مولوی)**

Refrain from the dirty green. "What is it?" They asked. "It is a beautiful woman in a bad family," replied the Holy Prophet.

۱۰۰۳ إِيَّاكُمْ وَدَعْوَةَ الْمَظْلُومِ وَإِنْ كَانَ مِنْ كَافِرٍ فَإِنَّهُ لَيْسَ لَهَا حِجَابٌ مِنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

از نفرین مظلوم پرهیزید اگر چه کافر باشد زیرا میان آن و خدا حجابی نیست.

Be afraid of the curse of the one who is oppressed, though an infidel s (he) might be, for it is immediately answered by the Great, Powerful God.

۱۰۰۴ إِيَّاكُمْ وَ مُحَادَثَةُ النِّسَاءِ فَإِنَّهُ لَا يَخْلُو رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ لَيْسَ لَهَا مُحْرَمٌ إِلَّا هَمَّ بِهَا.

از گفتگو با زنان بپرهیزید که هر وقت مردی با زنی خلوت کند، قصد او میکند.

Refrain from talking to women (in privacy), for a stranger having a private meeting with a woman will assuredly be stirred to longing for her.

۱۰۰۵ إِيَّاكُمْ وَ مُحَقَّرَاتِ الذَّنُوبِ فَإِنَّمَا مِثْلُ مُحَقَّرَاتِ الذَّنُوبِ كَمِثْلِ قَوْمٍ نَزَلُوا بَطْنَ وَادٍ فَجَاءَ ذَا بَعُودٍ وَ جَاءَ ذَا بَعُودٍ حَتَّى حَمَلُوا مَا أَنْضَجُوا بِهِ خَبْزَهُمْ. وَ إِنَّ مُحَقَّرَاتِ الذَّنُوبِ مِثْلُ يَأْخُذُ بِهَا صَاحِبُهَا تَهْلِكُهُ.

از گناهان کوچک بپرهیزید، مثال گناهان کوچک مانند گروهی است که در دره فرود آیند یکی چوبی آرد و دیگری چوبی آرد و آنقدر هیزم بیاورند که با مجموع آن نان خود را بپزند، گناهان حقیر نیز وقتی از مرتکب آن باز خواست کنند مایه هلاک او می شود.

Refrain from minor sins, for they are like unto a group of people landing in valley, each gathering little pieces of wood which might finally make a huge heap for baking bread. Minor sins, too, will (finally) be so great to cause one's ruin when s(he) is called to account.

۱۰۰۶ إِيَّاكَ وَ التَّسْوِيفَ بِأَمَلِكِ لِيَوْمِكَ وَ لَسْتَ بِمَا بَعْدَ فَإِنَّ يَكُ غَدٌ لَكَ فَكُنْ فِي الْغَدِ كَمَا كُنْتَ فِي الْيَوْمِ وَ إِن لَّمْ يَكُنْ غَدٌ لَكَ لَمْ تَنْدَمْ عَلَيَّ مَا فَرَطْتَ فِي الْيَوْمِ.

از اهمال بپرهیز که تو برای امروز زنده ای نه برای فردا؛ اگر فردائی بود فردا نیز مثل امروز باش و اگر فردائی نبود از اهمال و سستی امروز پشیمان نخواهی بود.

Refrain from slackness, for you live for today, not for tomorrow. Should there be a tomorrow, pass it as you do today, and should there be no tomorrow, you will not regret today's slackness.

۱۰۰۷ إِيَّاكَ وَ السَّوَالَ فَإِنَّهُ ذَلَّ حَاضِرٌ وَ فَقْرٌ تَتَعَجَّلُهُ.

از سؤال و تقاضا بپرهیز که سؤال ذلت نقد است و فقریست که در رسیدن آن شتاب می کنی.

Refrain from begging, for it is immediate meanness, and the poverty towards which you haste.

۱۰۰۸ إِيَّاكَ وَاللَّجَاجَةَ فَإِنَّ أَوْلَهَا جَهْلٌ وَآخِرُهَا نِدَامَةٌ.

از لجاجت بپرهیز که آغازش جهالت است و انجامش ندامت.

Refrain from obstinacy, for it begins with ignorance and ends in repentance.

۱۰۰۹ إِيَّاكَ وَخَصْلَتَيْنِ الضَّجْرَ وَالْكَسَلَ فَإِنَّكَ إِنْ ضَجَرْتَ لَمْ تَصْبِرْ عَلَى حَقٍّ وَإِنْ كَسَلْتَ لَمْ تُؤَدِّ حَقًّا.

از دو صفت بپرهیز: ملالت و تنبلی که اگر ملول باشی حق را تحمل نکنی و اگر تنبل باشی از ادای حق باز مانی.

Refrain from two traits: weariness and laziness. Verily, the former makes you intolerable of truth and the latter stops you acting upon it.

۱۰۱۰ إِيَّاكَ وَكُلَّ أَمْرٍ يَعْتَذِرُ مِنْهُ.

از هر کاری که عذر آن باید خواست بپرهیز.

Refrain from whatever you have to pardon for.

۱۰۱۱ إِيَّاكَ وَمَا يَسُوءُ الْإِذْنَ.

از هر چه بگوش بد آید بپرهیز.

Refrain from whatever sounds bad for (your) ears.

۱۰۱۲ إِيَّاكَ وَقَرِينَ السَّوِّءِ فَإِنَّكَ بِهِ تَعْرِفُ.

از یار بد بپرهیز که ترا بدو شناسند.

Refrain from bad friends, for you are identified through them.

۱۰۱۳ إِيَّاكَ وَمُحَقَّرَاتِ الذَّنُوبِ فَإِنَّ لَهَا مِنَ اللَّهِ طَالِبًا.

از گناهان کوچک بپرهیز که خدا از آن باز خواست میکند.

Refrain from minor sins, for God will call you to account for them.

۱۰۱۴ إِيَّاكَ وَمَصْحَابَهُ الْكَذَّابَ فَإِنَّهُ كَسْرَابٍ يَقْرَبُ إِلَيْكَ الْبَعِيدَ وَيَبْعَدُ إِلَيْكَ الْقَرِيبَ.

از مصاحبت دروغگو بپرهیز که دروغگو چون سراب است دور را نزدیک می‌نماید و نزدیک را دور.

Refrain from liars, for they are mirage in resemblance, drawing near you what's far in distance and bringing what is remote to your presence.

۱۰۱۵ إِيَّاكَ وَمَصْحَابَهُ الْأَحْمَقَ فَإِنَّهُ يَرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيُضِرُّكَ.

از مصاحبت احمق بگریز که می‌خواهد بتو نفع رساند ضرر می‌رساند.

Refrain from foolish friends, for they'll cause you evil, though good they intend.

۱۰۱۶ أَيُّهَا الْأُمَّةُ إِنِّي لَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ فِيمَا لَا تَعْلَمُونَ وَلَكِنْ أَنْظُرُوا كَيْفَ تَعْمَلُونَ فِيمَا تَعْلَمُونَ.

ای امت من از آنچه نمی‌دانید بر شما بیم ندارم ولی بنگرید آنچه را می‌دانید چگونه عمل می‌کنید.

O my people! I am worried about you as to what you know not, but be careful about practicing what you know.

۱۰۱۷ أَيُّ دَاءٍ أَدْوَى مِنَ الْبَخْلِ.

هیچ دردی بدتر از بخل نیست.

There is no malady worse than being stingy.

۱۰۱۸ أَيُّمَا امْرَأَةٍ أَدْخَلْتُ عَلَى قَوْمٍ مِنْ لَيْسٍ مِنْهُمْ فَلَيْسَتْ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ وَ لَنْ يَدْخُلَهَا اللَّهُ جَنَّتَهُ وَ أَيُّمَا رَجُلٍ جَحَدَ وَلَدَهُ وَ هُوَ يَنْظُرُ إِلَيْهِ احْتِجَابَ اللَّهِ مِنْهُ وَ فَضَحَهُ عَلَى رَأْسِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

هر زنی فرزندی را بناحق به کسانی ملحق کند خدا از او بیزار باشد و او را به بهشت نبرد؛ و هر مردی که فرزندی خود را که بدو نگران است انکار کند خدا از او دور شود و روز رستاخیز وی را میان اولین و آخرین رسوا کند.

Verily, God detests a woman who falsely attributes a child to a people, and will not let her to Paradise. (In like manner), God keeps distance with a man who denies his relationship with his own child while being worried about him, and will put him to disgrace among the first and the last in the Day of Judgment.

۱۰۱۹ أَيُّمَا امْرَأَةٍ اسْتَعْطَرَتْ ثُمَّ خَرَجَتْ فَمَرَّتْ عَلَى قَوْمٍ لِيَجِدُوا رِيحَهَا فِيهِ زَانِيَةٌ وَ كُلٌّ عَيْنٌ زَانِيَةٌ.

هر زنی عطر بزند و بیرون رود و بر گروهی بگذرد که بوی او را دریابند زنا کار است و هر دیده زنا کار است.

Whoever among women perfumes herself and leaves home to pass by a group of people to enjoy her pleasant smell, will be adulterous, and all eyes are adulterous.

۱۰۲۰ ایما امرأة خرجت من بيتها بغير إذن زوجها كانت في سخط الله تعالى حتى يرجع إلى بيتها أو يرضى عنها زوجها.

هر زنی که بدون اجازه شوهر از خانه خود بیرون رود مورد نارضایتی شدید خداست تا بخانه بر گردد یا شوهرش از او راضی شود.

Whoever among women leaves home without her husband's consent will be subject to the Exalted God's high displeasure until she returns or satisfies her husband.

۱۰۲۱ ایما امرأة سألت زوجها الطلاق من غير ما بأس فحرام عليها رائحة الجنة.

هر زنی که بدون جهت از شوهر خود طلاق خواهد بوی بهشت بر او حرام است.

Whoever among women asks her husband for divorce without reason, will not be allowed to enjoy the fragrance of Paradise.

۱۰۲۲ ایما امرأة ماتت و زوجها عنها راض دخلت الجنة.

هر زنی که بمیرد و شوهرش از او خشنود باشد به بهشت میرود.

Whoever among women dies while her husband is pleased with her, will be given entrance to Paradise.

۱۰۲۳ ایما امرأة نزع ثيابها في غير بيتها خرق الله عز و جل عنها ستره.

هر زنی که لباس خود را جز در خانه خود بیرون آورد خدا پرده خویش را از او بر گیرد.

The Great and Powerful God will remove His veil from a woman who uncovers herself outside her home.

۱۰۲۴ ایما امرأة وضعت ثيابها في غير بيت زوجها فقد هتكت ستر ما بينها وبين الله عز و جل.

هر زنی که لباس خود را جز در خانه شوهر بیرون آورد پرده‌ای را که میان او و خداست پاره کرده است.

Whoever among women uncovers herself outside her husband's house is actually tearing out the veil between herself and the Great, Powerful God.

۱۰۲۵ ایما امرء ولی من أمر المسلمین شیئا لم یحطهم بما یحوط نفسه لم یرح رائحة الجنة.

هر کس چیزی از کار مسلمانان را بدست گیرد و در کار آنها مانند کار خود دلسوزی نکند بوی بهشت بدو نخواهد رسید.

Whoever takes an affair of Muslims upon himself but does not carry it out as carefully as the does his own, will not be allowed to enjoy the fragrance of Paradise.

۱۰۲۶ ایما داع دعا الی ضلالة فاتبع فإنّ علیہ مثل أوزار من اتّبعه و لا ینقص من أوزارهم شیئا و ایما داع دعا الی هدی فاتبع فإنّ له مثل أجور من اتّبعه و لا ینقص من أجورهم شیئا.

هر که مردمان را بسوی گمراهی بخواند و او را پیروی کنند نظیر گناهان پیروان خود را بدوش می برد بدون آنکه از گناهان آنها چیزی کم شود و هر که مردمان را به سوی هدایت خواند و او را پیروی کنند نظیر ثواب پیروانش نصیب او می شود بدون اینکه از ثواب آنها چیزی کم شود.

Whoever calls people to corruption will carry the same (burden of) sins as his followers, without any reduction befalling to the latter's burdens, and whoever calls people to guidance will enjoy the same rewards as his followers', without any reduction befalling to the latter's rewards.

۱۰۲۷ ایما راع غشّ رعیتة فهو فی النار.

هر که با زیر دستان خود به نیرنگ رفتار کند اهل جهنم است.

Whoever treats his subjects deceitfully, will assuredly dwell in Hell.

۱۰۲۸ ایما راع لم یرحم رعیتة حرّم الله علیه الجنة.

هر کس به زیر دستان خود رحم نکند خداوند بهشت را بر او حرام کند.

Whoever is merciless towards his subjects, will not receive God's permission to Paradise.

۱۰۲۹ أَيْمًا رَجُلٌ اسْتَعْمَلَ رَجُلًا عَلَى عَشْرَةٍ أَنْفُسٍ عَلِمَ أَنَّ فِي الْعَشْرَةِ أَحْضَرَ فَقَدْ غَشَى اللَّهَ وَغَشَى رَسُولَهُ وَغَشَى جَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ.

هر کس مردی را بر ده تن ریاست دهد و بداند که میان آنها کسی هست که از او برتر است با خدا و پیغمبر و گروه مسلمانان تقلب کرده است.

Whoever appoints someone a ruler to ten people, knowing that among them there is one superior to the former, has actually (tried) to deceive God, His Messenger as well as Muslims.

۱۰۳۰ أَيْمًا رَجُلٌ تَدِينُ دِينًا وَهُوَ مُجْمَعٌ أَنْ لَا يُوفِيَهُ إِيَّاهُ لَقِيَ اللَّهَ سَارِقًا.

هر کس قرضی بگیرد و در خاطر داشته باشد که آن را نپردازد مانند دزدان محشور شود.

Whoever borrows (something), intending not to give it back, will be resurrected by God as a thief.

۱۰۳۱ أَيْمًا رَجُلٌ تَزَوَّجَ امْرَأَةً فَنَوَى أَنْ لَا يُعْطِيَهَا مِنْ صَدَاقِهَا شَيْئًا مَاتَ يَوْمَ يَمُوتُ وَهُوَ زَانٍ وَأَيْمًا رَجُلٌ اشْتَرَى مِنْ رَجُلٍ بَيْعًا فَنَوَى أَنْ لَا يُعْطِيَهُ مِنْ ثَمَنِهِ شَيْئًا مَاتَ يَوْمَ يَمُوتُ وَهُوَ خَائِنٌ وَالْخَائِنُ فِي النَّارِ.

هر که زنی گیرد و در خاطر داشته باشد که مهر او را نپردازد هنگام مرگ چون زناکاران بمیرد و هر کس چیزی از مردی بخرد و در خاطر داشته باشد که قیمت آن را نپردازد هنگام مرگ چون خائنان بمیرد و خائنان در آتش است.

Whoever marries a woman with the intention not to pay her marriage portion, will die as an adulterer, and whoever buys something intending not to pay its cost, will die as a traitor, and traitors will dwell in Fire.

۱۰۳۲ أَيْمًا رَجُلٌ ظَلَمَ شِبْرًا مِنَ الْأَرْضِ كَلَفَهُ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُحْفَرَهُ حَتَّى يَبْلُغَ آخِرَ سَبْعِ أَرْضِينَ ثُمَّ يَطْوِقَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَقْضَى بَيْنَ النَّاسِ.

هر کس بقدر یک وجب زمین را بناحق تصرف کند روز رستاخیز خدا وادارش میکند که آن را تا عمق زمین هفتم بکند و طوق کردن کند تا رسیدگی میان مردم پایان رسد.

****شبر=وجب=۹ اینچ=۲۳ سانتیمتر=نصف ذرع (ذرع=فاصل پشت آرنج تا نوک انگشت میانی=۴۶ سانت)**

Whoever forcibly occupies half cubit of soil, will be forced by God in the Day of Judgment to dig the soil down to the seventh Earth and wear it as a necklace to the end of His judgment among people.
****cubit=back of elbow to tip of middle finger=46 cm**

۱۰۳۳ ایما رجل حالت شفاعته دون حدّ من حدود الله تعالى لم يزل في سخط الله حتى ينزع.

هر کس شفاعت او مانع از اجرای حدی شود در معرض خشم خداست تا از کار خود دست دارد.

Whoever intercedes to prevent divine punishment being carried out, will be subject to God's wrath until he stops doing so.

۱۰۳۴ ایما شاب تزوج فی حدائنه سنه عجّ شیطانہ یا ویله عصم منی دینه.

هر جوانی در آغاز جوانی زن بگیرد شیطان وی بانگ برآورد وای بر او دین خود را از دستبرد من محفوظ داشت.

The Satan of a young man who marries at his prime of youth, cries out: "Woe is him! He saved his (religious) faith from me."

۱۰۳۵ ایما مسلم شهد له أربعة بخیر أدخله الله تعالى الجنة.

هر مسلمانی که چهار تن بنیکی او شهادت دهند خدا او را به بهشت می برد.

The Exalted God will let a Muslim to Paradise if four people testify to his being good.

۱۰۳۶ ایما مسلم کسا مسلما ثوبا علی عری کساه الله تعالى من خضر الجنة و ایما مسلم أطعم مسلما علی جوع أطعمه الله تعالى يوم القيامة من ثمار الجنة و ایما مسلم سقى مسلما علی ظمأ سقاه الله يوم القيامة من الریح المخبوم.

هر مسلمانی که مسلمان برهنه را بپوشاند خداوند از پارچه های سبز بهشت بدو بپوشاند و هر مسلمانی که مسلمان گرسنه را سیر کند خداوند روز رستاخیز از میوه های بهشت بدو بچشاند و هر مسلمانی که مسلمان تشنه ای را سیراب کند خداوند روز قیامت از شربت سر بمهر به او بنوشاند.

The Exalted God will dress a Muslim with green heavenly clothes if he provides a naked (poor) Muslim with worldly dresses. The Exalted God will let a Muslim taste heavenly fruits in the Day of Judgment, if he feeds a hungry Muslim. And the Exalted God will let

a Muslim drink the untouched drink in the Day of Judgment, if he quenches the thirst of another Muslim.

۱۰۳۷ ایما ناشئ نشأ فی طلب العلم و العبادۃ حتی یکبر أعطاه الله یوم القیامۃ ثواب اثنین و سبعین صدیقاً.

هر طفلی که در طلب علم و عبادت بزرگ شود خداوند ثواب هفتاد و دو صدیق به او عطا کند.

In the Day of Judgment, God will bestow the reward of seventy two truthful men on a child who spends his prematurity life in the acquisition of knowledge and in worshipping Him.

۱۰۳۸ ایما راع استرعى رعیۃ فلم یحطها بالأمانۃ و النصیحة ضاقت علیه رحمۃ الله تعالی الّتی وسعت کلّ شیء.

هر کس سرپرستی گروهی را بعهده گیرد و در کار آنها به امانت و دلسوزی رفتار نکند رحمت خدا که شامل همه چیز است باو نمیرسد.

He who undertakes the affairs of a group of people, but carries it out without (enough) care and honesty, will be excluded from the Exalted God's Mercy, which extends to all things.

۱۰۳۹ ایما وال ولی شیئا من امر أمتی فلم ینصح لهم و یجتهد لهم کنصیحته و جهده لنفسه کبه الله تعالی علی وجهه یوم القیامۃ فی النار.

هر زمامداری چیزی از کار امت مرا بدست گیرد و در کار آنها مثل کارهای خصوصی خود دلسوزی و کوشش نکند روز رستاخیز خداوند او را به صورت در آتش اندازد.

The Exalted God will expose a leader's face to fire in the Day of Judgment, if he undertakes an affair of my people but carries it out without the care and effort he has for his own fairs.

۱۰۴۰ ایما وال ولی فلان و رفق رفق الله تعالی به یوم القیامۃ.

هر کس بزمامداری برسد و با مردم بملایمت و مدارا رفتار کند خداوند روز قیامت با او مدارا کند.

Whoever is raised to the leadership (of people) and treats them moderately, will be treated in like manner by the Exalted God in the Day of Judgment.

۱۰۴۱ ایما وال ولی من امر امتی بعدی اقیم علی الصراط و نشرت الملائکة صحیفته فإن کان عادلاً نجاه الله بعدله و إن کان جائراً انتفض به الصراط انتفاضةً تزايل بين مفاصله حتى یكون بين عضوين من أعضائه مسیره مائة عام ثم ینخرق به الصراط.

هر زمامداری که پس از من کار امت مرا بدست گیرد روز رستاخیز بر صراط متوقف شود و فرشتگان نامه اعمال او را بکشایند اگر عادل باشد خداوند او را بوسیله عدلش نجات دهد و اگر ستمگر باشد صراط زیر پای او چنان بلرزد که بندهای او را از هم جدا کند چنان که میان دو عضو او صد سال راه فاصله باشد سپس از صراط بیفتد.

Whoever undertakes the leadership of my people after me, will in the Resurrection Day be made to stop on the Bridge, and the angels will read out his book of deeds. He will then be saved by God, if he has practiced justice, but if he has been unjust (to people), the Bridge will shake under him in such a way that his bodily organs will disintegrate, with a two hundred year distance between any two organs, and he will finally fall down the Bridge (into Hell).

۱۰۴۲ ایها الناس اتقوا الله فو الله لا یظلم مؤمن مؤمنةً الا انتقم الله تعالی منه یوم القیامة.

ای مردم از خدا بترسید بخدا مؤمنی مؤمنی را ستم نکند جز آنکه روز رستاخیز خدا از او انتقام گیرد.

O people! Fear the Exalted God, for by Him I swear that He will avenge, in the Day of Judgment, any believer who oppresses another believer.

۱۰۴۳ ایها الناس اتقوا الله و أجملوا فی الطلب فإن نفساً لمن تموت حتى تستوفی رزقها و إن أبطأ عنها فاتقوا الله و أجملوا فی الطلب.

ای مردم از خدا بترسید و در طلب معتدل باشید زیرا هیچ کس نمیبرد تا روزی خود را به پایان برد اگر چه روزی او دیر برسد از خدا بترسید و در کار طلب معتدل باشید.

O people! Fear God and be moderate in seeking your sustenance, for no one dies before receiving his sustenance in full, though late. So, fear God and be moderate in seeking your sustenance.

۱۰۴۴ ایها الناس إن ربکم واحد و إن أباکم واحد، کلکم لآدم و آدم من تراب إن أکرکم عند الله أتقاکم لا فضل لعربی علی عجمی الا بالتقوی.

ای مردم! خدای شما یکی و پدر شما یکی است همه فرزندان آدمید و آدم از خاک است هر کس از شما پرهیزکارتر است پیش خدا بزرگوارتر است عربی بر عجمی جز به پرهیزکاری امتیاز ندارد.

O people! Your Lord is one and your father is one. You are all sons of Adam, and Adam was created from soil. The most pious among you is verily the most worthy of honor to God. No Arab is superior to a Persian, save for virtue.

۱۰۴۵ أَيُّهَا النَّاسُ عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَمَلُّ حَتَّى تَمَلُّوا.

ای مردم! معتدل باشید زیرا خدا ملول نمی‌شود مگر هنگامی که شما ملول شوید.

O people! Be moderate; for verily, the Exalted God will not be fed up unless you are fed up.

۱۰۴۶ أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَعْلَقُوا عَلَيَّ بِوَاحِدَةٍ، مَا أَحَلَّتْ إِلَّا مَا أَحَلَّ اللَّهُ تَعَالَى وَ مَا حَرَّمَ إِلَّا مَا حَرَّمَ اللَّهُ.

ای مردم! هیچ چیز را بمن مربوط نکنید من حلال نکردم مگر آنچه را خداوند حلال کرده است و حرام نکردم مگر آنچه را خداوند حرام کرده است.

**** کفت روبه، جستن رزق حلال—فرض باشد از برای امتثال (مولوی)**

**** طبل خواری در میانه شرط نیست—راه سنت کار و مکسب کردنی ست (مولوی)**

**** هین، توکل کن، ملرزان پا و دست—رزق تو بر تو ز تو عاشق تر است (مولوی)**

O people! Do not attribute anything to me. I declared nothing as lawful or unlawful save what the Exalted God had ordered me.

۱۰۴۷ أَيُّهَا النَّاسُ مَا جَاءَكُمْ عَنِّي يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَأَنَا قَلْتُهُ وَ مَا جَاءَكُمْ يَخَالِفُ كِتَابَ اللَّهِ فَلَمْ أَقُلْهُ.

ای مردم! هر چه از من برای شما نقل کردند و موافق قرآنست من گفته‌ام و هر چه برای شما نقل کردند و مخالف قرآنست من نگفته‌ام.

O people! What is narrated to you on my authority is mine if it accords with the Quran, and what is narrated to you on my authority is not mine if it is in discord with it.

۱۰۴۸ الْآمَرُ بِالْمَعْرُوفِ كِفَاعِلُهُ.

آنکه بکار نیک فرمان دهد مانند کسی است که آن را انجام می دهد.

He who bids a good deed is like unto the doer of it, (indeed).

۱۰۴۹ الإحسان أن تعبد الله كأنك تراه فإن لم تكن تراه فإنه يراك.

نیکی آنست که خدا را چنان پرستش کنی گوئی که او را می بینی اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند.

Goodness is worshipping God in such a way as if you saw Him, for if you see Him not, He surely sees you.

۱۰۵۰ الآخذ والمعطي سواء في الربا.

آنکه ربا می دهد و آنکه می گیرد در گناه برابرند.

In usury, both parties are equally sinful.

۱۰۵۱ الأرض أرض الله، و العباد عباد الله، من أحيا مواتا فهي له.

زمین زمین خداست و بندگان بندگان خدا هستند هر که زمین مرده ای را آباد کند متعلق باوست.

The earth is God's earth, and the people are God's servants. Whoever enlivens (cultivates) a dead (barren) piece of the earth will be its owner.

۱۰۵۲ الأرواح جنود مجنّدة فما تعارف منها ائتلف و ما تناكر منها اختلف.

جان ها همچون سپاهیان مجهّز هستند که هر یک دیگری را شناخت، با آن الفت می گیرد و آن که دیگری را شناخت، اختلاف خواهد داشت.

****یکی از عوامل اساسی ایجاد علاقه و دوستی در قلب دو نفر، وجود تناسبی درونی بین آنهاست. برای این تناسب روحی و درونی، دو فرض قابل تصوّر است. نخست آن که به نظر می رسد تناسب روحی بین افراد به آفرینش نخستین همه انسان ها در عالم پیش از این جهان مادی— که به عالم ذر معروف است—، مربوط می شود. ملاقات یکدیگر در عالم ذر و ایجاد آشنایی و الفت در آن نشئه، به دوستی و محبت در این دنیا می انجامد. البته گاهی ممکن است به جای الفت و احساس محبت، نوعی دشمنی و دافعه بین دو نفر وجود داشته باشد. این جاذبه و یا دافعه، ممکن است از عالم ذر بوده باشد و به خاطر ایمان به خدا و اعتراف به ربوبیت او و ملاقات و انسی که در آن عالم واقع شده یا دشمنی ای که در آن عالم اتفاق افتاده، ناشی شده باشد. از امام علی علیه السلام در این خصوص نقل شده است که: إِنَّ النَّفْسَ إِذَا تَنَاسَبَتْ ائْتَلَفَتْ. جان ها اگر با هم سازگار**

باشند، الفت خواهند گرفت. به هر تقدیر اگر این وفاق و یا اختلاف روحی، از عالم ذر نیز ناشی نشده باشد، همین که دو نفر در درون و جان خود نزدیکی و الفتی حس می کنند و یا به عکس، احساس دوری و دشمنی دارند، زمینه برقراری دوستی و محبت و یا ایجاد اختلاف و دشمنی فراهم می شود. لذا علی رغم رعایت همه مواردی که در گذشته، ذکر شد، گاهی الفت و دوستی شکل نمی گیرد و صمیمیت و محبت ایجاد نمی شود که این امر احتمال دارد از عدم وفاق و الفت درونی (عدم تناسب جان ها) ناشی شده باشد.

** بدین سان، طبیعی است که ازدواج های تحمیلی، پایدار نمی مانند.

** ذره ذره کاندیرین ارض و سماست-جنس خود را هر یکی چون کهرباست (مولوی)

** هر دو بحری آشنا آموخته-هر دو جان بی دوختن بر دوخته (مولوی)

** روح او با روح شه در اصل خویش-پیش از این تن بود هم پیوند و خویش (مولوی)

Souls are like disciplined armies familiar souls are allied and unfamiliar ones, aliens.

** Human relations, the tendency of mankind to the prophets and divine religions, as well as the tendency of human beings to faith, evil, goodness, friendship, hostility, love, hatred.

**Proverb: Both were seamen who had learned to swim, the souls of both were knit together without sewing.(Mowlavi)

۱۰۵۳ الإستغفار ممحاه للذنوب.

استغفار وسیله محو گناهانست.

Asking forgiveness (from God) rubs off sins.

۱۰۵۴ الإسلام علانیة و الإیمان فی القلب.

اسلام آشکار است و ایمان در دل نهفته است.

Islam (submission to God) is an overt (phenomenon), but faith is (hidden) in heart.

۱۰۵۵ الإسلام نظیف فتنظفوا فإنه لا یدخل الجنة إلا نظیف.

اسلام پاکیزه است شما نیز پاکیزه باشید زیرا بجز پاکیزگان کسی به بهشت نمی رود.

Islam is clean (pure).Be clean, therefore, for nobody will be allowed to Paradise save the clean people.

۱۰۵۶ الإسلام يعلو ولا يعلى عليه.

اسلام برتری می‌گیرد و چیزی بر آن برتری نگیرد.

Islam is superior (to all things) and nothing will take precedence over it.

۱۰۵۷ الاقتصاد في النّفقة نصف المعيشة و التّودّد إلى النّاس نصف العقل و حسن السّؤال نصف العلم.

میانہ روی در خرج یک نیمہ معیشت است و دوستی با مردم یک نیمہ عقل است و خوب پرسیدن یک نیمہ دانش است.

****بس نکو گفت آن رسول خوش جواز—ذره ای (ذره) عقلت به از صوم و نماز (مولوی)**

****زان که نیم علم آمد این سؤال—هر برونی را نباشد این مجال (مولوی)**

****شهاب الاخبار—حدیث ۲۶=سؤال کردن نیمی است از دانستن: یعنی علم دو است، یکی سؤال و یکی جواب، و آنکس که سؤال نیکو کند نیمی از علم داند.**

Moderateness in spending (money) is on half of sustenance, friendship with people is one half of wisdom and asking questions properly is one half of knowledge.

۱۰۵۸ الاقتصاد نصف العیش و حسن الخلق نصف الدّین.

میانہ روی یک نیمہ معیشت است و خوش خلقی یک نیمہ دین است.

Moderateness in spending (money) is one half of sustenance and good temperedness, one half of faith.

۱۰۵۹ الأكبر من الإخوة بمنزلة الأب.

برادر بزرگ بمنزله پدر است.

One's older brother is like unto his (her) father.

۱۰۶۰ الأكل في السّوق دناءة.

غذا خوردن در بازار نشان پستی است.

Eating (food) in bazaars shows one's meanness.

۱۰۶۱ الأكل مع الخادم من التواضع.

چیز خوردن با خادم از فروتنی است.

Joining a servant's meal shows one's humility.

۱۰۶۲ الأمانة تجلب الرزق والخيانة تجلب الفقر.

امانت موجب رزق است و خیانت باعث فقر.

Honesty leads to (increased) sustenance and treachery, to poverty.

۱۰۶۳ الأمن والعافية نعمتان مغبون فيهما كثير من الناس.

امنیت و سلامت دو نعمتست که بسیاری از مردم در آن مغبونند.

Security and health are two divine blessings most people lose.

۱۰۶۴ الأمور كلها خیرها و شرها من الله.

همه چیزها ، از بد و خوب از جانب خداوند است.

All affairs, being good or evil, belong to God.

۱۰۶۵ الأناة من الله والعجلة من الشيطان.

تأنی (=درنگ در امور) از یزدان است و شتاب از شیطان.

**همچنان که وسوسه و وحی الست-هر دو معقولند، لیکن فرق هست (مولوی)

**که تأنی هست از یزدان یقین-هست تعجیلت ز شیطان لعین (مولوی)

**کاین تأنی پرتو رحمان بود-وان شتاب از هزه شیطان بود (مولوی)

**مکر شیطان است تعجیل و شتاب-لطف رحمان است صبر و احتساب (مولوی)

**دیو حرص و آز و مستعجل تکی-بی(نی) تأمل (تأنی) جست و بی(نی) آهستگی (مولوی)

Patience belongs to Heaven, and haste to Satan.

١٠٦٦ الأيدي ثلاثة فيد الله العليا و يد المعطى التي تليها و يد السائل السفلى فاعط الفضل و لا تعجز عن نفسك.

دستها سه گونه است دست خداوند بالا است و دست دهنده زیر آنست و دست سائل پائین است پس بخشش کن و دست بسته مباشی.

Hands are of three kinds: God's hand which above all hands stands, the giver's hand which stands below God's hand and the receiver's hand which below the other two stands. Be generous, therefore, and be not close-handed.

١٠٦٧ الإيمان الصبر و السّماحة.

ایمان صبر است و بخشش.

Faith lies in patience and generosity.

١٠٦٨ الإيمان بالقدر يذهب الهمّ و الحزن.

اعتقاد بتقدیر غم و اندوه را میبرد.

Believing in predestination makes grieves and sorrows fade away.

١٠٦٩ الإيمان معرفة بالقلب و قول باللسان و عمل بالأركان.

ایمان معرفت قلب است و گفتار زبان و عمل اعضاء.

Faith consists of recognition by heart, acknowledgment by tongue and performance by (bodily) organs.

١٠٧٠ الإيمان نصفان نصف في الصبر و نصف في الشكر.

ایمان دو نیمه است نیمی صبر و نیمی شکر.

Faith has two halves: one half is patience and the other, thanksgiving.

١٠٧١ الإيمان و العمل قرينان لا يصلح كل واحد منهما إلّا مع صاحبه.

ایمان و عمل قرین یک دیگرند و هیچ یک از آنها بدون دیگری درست نیست.

Belief and deed are interrelated none is good and perfect without the other.

ب

۱۰۷۲ بابان معجلان عقوبتهما فی الدنیا البغی و العقوق.

دو چیز است که کیفر آن را در دنیا می دهند ظلم و بد رفتاری با پدر و مادر.

The punishment of two deeds will be experienced in this very world: tyranny and abusing one's parents.

۱۰۷۳ بادر بأربع قبل أربع: شبابک قبل هر مک و صحّتک قبل سقمک و غناک قبل فقرک و حیاتک قبل موتک.

چهار چیز را پیش از چهار چیز غنیمت شمار جوانی پیش از پیری صحت پیش از بیماری و توانگری پیش از فقر و زندگی پیش از مرگ.

Make the most of four things before four others: Youth before old age, health before illness, richness before poverty and life before death.

۱۰۷۴ بادروا بالأعمال ستاً: إماره السفهاء و كثرة الشرط و بيع الحكم و استخفافا بالدم و قطيعة الرحم و نساء يتخذون القرآن مزامير يقدمون أحدهم ليغنيهم و إن كان أقلهم فقها.

فرصت را برای اعمال نیک پیش از آنکه شش چیز رخ دهد غنیمت شمارید: فرمانداری سفیهان و کثرت شرط در کار معامله و فروش منصب ها، کوچک شمردن خونریزی، بریدن با خویشاوندان و تازه رسیدگانی که قرآن را به آواز خوانند و یکی را بامامت وادارند که برای آنها تغنی کند اگر چه دانش او کمتر باشد.

Make the most of your chances to do good deeds prior to the occurrence of the following six: the rule of the ignorant, the trade of ranks and positions, belittlement of bloodshed, breaking bonds of kinship, the recitation of the Quran by the newcomers (in religion) who appoint a singer as their imam (leadership), though he is the least in understanding the religion.

۱۰۷۵ و ۱۰۷۶ بادروا بالأعمال فتنا كقطع الليل المظلم: يصبح الرجل مؤمناً و يمسي كافراً، و يمسي مؤمناً و يصبح كافراً، يبيع أحدهم دينه بعرض من الدنيا قليل.

فرصت را برای اعمال نیک پیش از آنکه فتنه‌هایی مانند پاره‌های شب تاریک پدید آید غنیمت شمارید: در آن هنگام انسان صبح مؤمن است و شب کافر می‌شود شب کافر است و روز مؤمن می‌شود و دین خود را به کالایی ناچیز از دنیا می‌فروشند.

Make the most of your chances to do good deeds before a time when sedition comes to pass as gloomy as parts of dark nights, when man happens to be a believer in the morning but a disbeliever in the evening and vice versa, and when he exchanges his faith for the insignificant worldly merchandise.

۱۰۷۷ باکروا بالصدقة فإن البلاء لا يتخطى الصدقة.

بامداد خود را با صدقه آغاز کنید زیرا بلا از صدقه نمیگذرد.

****سعد دیدی، شکر کن و ایثار کن—نحس دیدی، صدقه و استغفار کن (مولوی)**

Begin your day with charity, for it surely stops calamity.

۱۰۷۸ باکروا فی طلب الرزق و الحوائج فإن الغدو برکة و نجاح.

صبح زود در طلب روزی و حاجتهای خود بروید، زیرا صبح سحر خیزی مایه برکت و رستگاریست.

Move in the early morning to seek your sustenance and settle your needs, for early rising brings felicity and blessing.

۱۰۷۹ بسى العبد المحتكر: إن أرخص الله تعالى الأسعار حزن و إن أغلاها الله فرح.

چه بد است محتکر اگر خدا قیمتها را ارزان کند غمگین شود و اگر گران کند خوشحال گردد!

How bad is a hoarder of things, who gets depressed when the Exalted God makes the prices fall, and rejoices when He causes them to rise!

۱۰۸۰ بسى الطعام طعام العرس يطعمه الأغنياء و يمنعه المساكين.

چه بد است غذای عروسی که ثروتمندان از آن بخورند و فقیران محروم مانند!

How loathsome is the food of a marriage ceremony, when served to the rich but not to the poor!

۱۰۸۱ بسى القوم قوم لا ينزلون الضيف.

چه بدنند مردمی که مهمان بخانه نمی آورند!

How bad are those who do not invite guests (to their houses)!

۱۰۸۲ بئس القوم قوم یمشی المؤمن فیهم بالتقیة و الکتمان.

چه بدنند مردمی که مؤمن در میان آنها با تقیه و کتمان راه رود!

How bad are the people among whom believers have to live with dissimulation and denial!

۱۰۸۳ بحسب المرء إذا رأى منكراً لا يستطيع له تغییراً أن يعلم الله تعالى أنه له منکر.

برای مرد کافست که وقتی ناروایی دید و نمی تواند آن را تغییر دهد خدا بداند که قلبا از آن بیزار است.

It will be sufficient for a man if the Exalted God know his dissatisfaction as to what he sees indecent but is unable to change.

۱۰۸۴ بحسب امرئ من الشر أن یشار إليه بالأصابع فی دین أو دنیا إلا من عصمه الله.

برای مرد این بدی کافست که در کار دین یا دنیا انگشت نما باشد جز کسی که خدایش حفظ کند.

This evil suffices a man to be notorious in worldly or otherworldly affairs, save him whom God saves.

۱۰۸۵ بریء من الشح من أدی الزکاة و قرى الضیف و أعطی فی النائبة.

هر که زکات خود را بپردازد و مهمان بخانه ببرد و هنگام سختی بخشش کند از بخل بر کنار است.

Bereft of misery is the one who pays the poor due, invites guests to his house and is generous at times of hardship.

۱۰۸۶ بر الوالدین یجزئ عن الجهاد.

نیکی با پدر و مادر جای جهاد را می گیرد.

Kindness to parents is tantamount to struggling in the way of God (Jihad).

۱۰۸۷ بر الوالدین یزید فی العمر و الکذب ینقص الرزق و الدعاء یرد القضاء.

نیکی با پدر و مادر عمر را افزون کند و دروغ روزی را کاهش دهد و دعا قضا را دفع کند.

Kindness to parents prolongs one's life, telling lie reduces one's sustenance and praying wards off (bad) accidents.

۱۰۸۸ برّوا طعامکم بیارک لکم فیه.

غذای خود را سرد کنید تا برکت یابد.

Make your food cold to bring you bliss (health).

۱۰۸۹ برّوا آباءکم تبرّکم أبناؤکم و عفوّا تعفّ نساؤکم.

با پدران خود نیکی کنید تا فرزندانان با شما نیکی کنند و عقیف باشید تا زنان شما عقیف باشند.

Be kind to your parents and thus, your children will be kind to you, and practice chastity so that your wives keep chaste.

۱۰۹۰ بشرّ المسائین فی ظلم اللیل إلى المساجد بالنور التام یوم القیامة.

بآنها که در ظلمات شب بسوی مسجدها میروند بشارت بده که روز رستاخیز روشنی کامل دارند.

Give good tidings to those who move towards mosques in the darkness of night that theirs will be full brightness in the Day of Judgment.

۱۰۹۱ بشری الدنیا الرؤیا الصالحة.

بشارت این جهان رؤیای راست (صادقه) است.

**** رؤیا و تعبیرها آن چه انسان در خواب می بیند، رؤیا گویند. در قرآن و روایات، از رؤیا سخن به میان آمده است. قرآن، چند رؤیای مهم را یادآور شده است: رؤیای حضرت ابراهیم، رؤیای حضرت یوسف، رؤیای دو جوان هم بندی حضرت یوسف، رؤیای پادشاه مصر، رؤیای رسول خدا درباره فتح مکه: (لقد صدق الله رسوله الرؤیا بالحق لتدخلن المسجد الحرام ان شاء الله آمنین محلقین رؤسکم ومقصرین.) به راستی که خداوند رؤیای پیامبرش را به حقیقت پیوست، که شما ان شاء الله در امن و امان و حلق و تقصیر کرده، وارد مسجدالحرام خواهید شد. یا رؤیای دیگر رسول خدا(ص) که حکایت از فتنه هایی می کرد که پس از رحلت او به حقیقت خواهد پیوست و خداوند در قرآن آن را این چنین بازگو می فرماید: (وما جعلنا الرؤیا التي اریناک الا فتنة للناس والشجرة الملعونة فی القرآن.) و رؤیایی را که به تو نمایانندیم و شجره نفرین شده را در قرآن،**

جز برای آزمون مردم قرار ندادیم. در روایات نیز رؤیا جزئی از اجزای نبوت شمرده شده است: رسول خدا(ص) می فرماید: (الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ يَشْرَبُ بِهَا الْمُؤْمِنُ وَهِيَ جُزْءٌ مِنْ سُنَّةِ وَارْبَعِينَ جُزْءًا مِنَ النَّبُوَّةِ). رویای راست(رؤیای صادق)، نویدی برای مؤمن و یک از ۴۶ جزء نبوت است.

****در تعبیر رؤیای هم بندی های حضرت یوسف ع در قرآن تأکید ضمنی می شود منحصرأ خواب به عالم ناصح بازگو شود.**

Good tidings of this world are pleasant true dreams.

****Quran has described several pleasant and unpleasant dreams.**

****Quran in Joseph The Prophet Sura 12, covertly insists, dreams to be told only to noble scholars.**

۱۰۹۲ بعثت بالحنيفية السمحة و من خالف سنتي فليس مني.

من دینی ساده و آسان آورده‌ام و هر که با روش من مخالفت کند از من نیست.

I was appointed with a pure, easy religion and, therefore, whoever opposes my manners is not my follower.

۱۰۹۳ بعثت بمداراة الناس.

من بمدارا با مردم مبعوث شده‌ام.

****با سیاست های جاهل صبر کن – خوش مدارا کن به عقل من لدن (مولوی)**

**** امروز که یوسف بر تخت نشسته است او را محسن خطاب کرده و نیکوکار می بینند و این همان یوسفی است که در زندان نیز او را چنین یاد می کردند که تو نیکوکاری و این نشان می دهد که این بالا و پایین ها یوسف را هرگز بالا و پایین نکرد؛ درست مثل گل که هر کجا باشد کار خود را می کند خواه بالای قله اورست و یا در عمق دره های هیمالیا؛ هر کجا که باشد همان بوی خوش را دارد.**

در بیان داستان پیامبر و اخلاق ایشان می فرماید: فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَكَوْنَتْ فُظًا غَلِيظًا الْقَلْبِ لَانْفُضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ: به رحمت الهی، با آنان نرمخو و پرمهر شدی. اگر تندخو و سخت دل بودی بی شک از پیرامون تو پراکنده می شدند، از آنان درگذر و برایشان آموزش بخواه و در کارها با آنان مشورت کن و چون تصمیم نهائی را گرفتی بر خدا توکل کن که خداوند، توکل کنندگان را دوست می دارد. (۱۵۹، آل عمران)

این جا می تواند برای من و شما یک تذکر و ترمیزی باشد که مراقب کلاممان در هنگام عصبانیت ، هنگامی که دیگران رفتار خشونت آمیز توهین و بی ادبی در برابر ما دارند باشیم که اگر می خواهیم همچون یوسف علیه السلام ماندگار باشیم، و خود را پیرو سنت رسول خدا صلی الله و علیه و آله می دانیم، باید اخلاق یوسف گونه و مدارا داشت.

این مدارا به عنوان مکمل ایمان مطرح شده است چرا که کسی که مدارا می کند در واقع آستانه تحمل خود را در مقابل رفتارها، اعمال، تصورات و تفکرات دیگران بالا می برد و به عبارت دیگر وقتی این ظرفیت بالا می رود یعنی دارد بر نفس خودش غلبه پیدا می کند و ایمان یعنی بالا بردن درجات الهی انسان، تقوا یعنی انسان را به قدرتی برساند که خودش را باز بدارد لذا همان گونه که خود ایمان و تقوا دو عامل بالا برنده مدارا هستند، مدارا نیز مکمل ایمان و تقواست.

مدارا صرف نظر کردن از دنیا و مقام خود برای اصلاح دین یا دنیای مردم است، مدارا یعنی نسبت به افراد کم ظرفیت و کج فهم و فراری، عفو و اغماض داشته باشیم تا جذب مکتب شوند.

باید اهل مدارا و عفو و تعافل و سعه صدر و گذشت بود و تا می توان از خطای دیگران گذشت، همچون یوسف که برادران خطاکار خود را پس از پشیمانی توبیخ نکرد و فرمود: « لا تَثْرِبَ عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ... » (سوره یوسف، آیه ۹۲) و بدین وسیله مردم را زیر پوشش محبت خود به اسلام و دین جذب کرد نه با بی اخلاقی از هر چه اسلام و دین و دینداری است طرد کرد.

در بیانی پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بعثتُ بمداراةِ الناسِ» (نهج الفصاحه، حدیث ۱۰۹۳) من مبعوث شدم که با مردم مدارا کنم.

همچنین فرمود: «ان الله امرني بمداراةِ الناسِ كما امرني باقامةِ الفرائضِ» (نهج الفصاحه، حدیث ۶۷۷) خداوند به من امر کرده که با مردم مدارا کنم، همان گونه که امر نموده واجبات و نمازهای واجب را انجام دهم.

و در جای دیگر فرمودند: «انّا معاشر الانبياء امرنا ان نكلّم الناس على قدر عقولهم» (کافی، ج ۱، ص ۲۳) ما پیامبران مأموریت داریم طبق عقل و فهم مردم با آنان سخن بگوئیم.

I was appointed to treat people moderately.

۱۰۹۴ بلّوا أرحامكم و لو بالسّلام.

با خویشان نزدیکی جوئید اگر چه بوسیله سلام باشد.

Keep close connections with your relatives even through greeting.

۱۰۹۵ بنی الإسلام علی خمس: شهادة أن لا إله إلا الله و أن محمّدا رسول الله و إقام الصلاة و إيتاء الزّكاة و حجّ البيت و صوم رمضان.

اسلام بر پنج چیز استوار شده شهادت اینکه خدائی جز خدای یگانه نیست و محمد پیغمبر خدا است و بیاداشتن نماز و ادای زکاة و زیارت خانه و روزه رمضان.

Islam is based on the following five (pillars): bearing witness that there is no god but Allah and Muhammad (PBUH) is His Messenger, setting up prayer, paying the poor due, making pilgrimage to Mecca and keeping fast in the month of Ramadan.

۱۰۹۶ بیت لا صبیان فیہ لا برکة فیہ.

خانه که بچه در آن نیست برکت در آن نیست.

****دو چیز موجب برکت خانه می شوند. در روایتی از رسول خدا (ص) وارد شده است که سلام موجب برکت خانه است.**

پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ بَيْتَهُ فَلْيُسَلِّمْ، فَإِنَّهُ يَنْزِلُ لَهُ الْبَرَكَةُ وَتُؤْنَسُ الْمَلَائِكَةُ؛ هرگاه یکی از

شما به خانه خود وارد می شود، سلام کند، چرا که سلام برکت می آورد و فرشتگان با سلام دهنده انس می

گیرند. (علل الشرایع ج ۲، ص ۵۸۳، ح ۲۳)

همچنین در روایت دیگری حضرت می فرمایند: بَيْتٌ لَا صَبِيَانَ فِيهِ لَا بَرَكَةَ فِيهِ؛ خانه‌ای که کودک در آن نباشد،

برکت ندارد.

A house wherein children (we) miss, is bereft of bliss.

****As Prohophet(PBUH) stated, two things brings bliss to a house: children and when you enter your house state "Hello=Salam" even to yourself when the house is empty at that moment.**

۱۰۹۷ بین العالم و العابد سبعون درجة.

میان عالم و عابد هفتاد درجه است.

Seventy ranks separate a learned man from a (simple) worshipper.

۱۰۹۸ بین العبد و بین الکفر ترک الصلوة.

میان بنده و کفر ترک نماز فاصله است.

Abandonment of prayer connects a servant of God to disbelief.

۱۰۹۹ بین العبد و الجنة سبع عقاب أهونها الموت و أصعبها الوقوف بين يدي الله تعالى إذا تعلق المظلومون بالظالمين.

میان بنده و بهشت هفت عقبه است که آسانتر از همه مرگ است و سخت تر از همه توقف در پیشگاه خداست هنگامی که ستم کشان دامن ستمگران را بگیرند.

Seven events are there between a servant of God and Paradise, the easiest one being death and the hardest, arriving at the presence of the Exalted God, when the oppressed call the oppressors to account.

۱۱۰۰ بین يدي الساعة أيام الهرج.

پیش از رستاخیز روزگاری آشفته است.

There will be times of anarchy prior to the Hour (the Resurrection).

۱۱۰۱ بین يدي الساعة فتن كقطع الليل.

پیش از رستاخیز فتنه‌ها پدید آید چون قطعات شب تاریک.

Sedition will arise before the Hour, as gloomy as parts of dark nights.

۱۱۰۲ البادي بالسلام برىء من الكبر.

آنکه سلام آغاز می‌کند از تکبر بر کنار است.

From vanity is away, whoever starts greeting others.

۱۱۰۳ البخيل من ذكرت عنده فلم يصلّ عليّ.

بخیل آنست که مرا پیش او یاد کنند و بر من صلوات نفرستد.

A miser is (s)he to whom they remember me, but hesitates to greet me.

۱۱۰۴ البذاء شؤم و سوء الملكة لؤم.

بدزبانی مایه شئامت است و بد سیرتی سر چشمه لئامت.

Scurrility incites enmity, and malice brings meanness.

۱۱۰۵ البرّ حسن الخلق و الإثم ما حاك في الصدر و كرهت أن يطّلع عليه الناس.

نیکی خلق نیک است و گناه آنست که بر دل نشیند و دوست نداری که مردم از آن مطلع شوند.

Goodness is good-temperedness, and badness is what is carved in your heart and you do not like people to know about.

۱۱۰۶ البرّ لا یبلی و الذّنّب لا ینسی و الدّیان لا یموت اعمل ما شئت فکما تدین تدان.

نیکی کهنگی نگیرد و بدی فراموشی نپذیرد و خدای عادل نمیرد هر چه میخواهی بکن که هر چه کنی سزایت دهند.

****این جهان کوهست و فعل ما ندا—سوی ما آید نداها را صدا (مولوی)**

****چون که صانع خواست ایجاد بشر—از برای ابتلای خیر و شر (مولوی)**

Kindness will not fade away, badness will in the minds stay, and the Just God will not die. Do, therefore, what you can do, for the like of it will be given back to you.

****Proverb: This world is the mountain and our action the shout-The echo of the shout, comes(back) to us (Mowlavi)**

۱۱۰۷ البرّ ما اطمأنّ إليه القلب و اطمأنت إليه النفس و الإثم ما حاك في النفس و تردّد في الصدر و إن أفتاک

المفتون.

نیکی فردی (=بر) آنست که دل بدان آرام گیرد و روح از آن اطمینان یابد و بدی فردی (=اثم) آنست که در نفس رسوخ کرده و بر دل نشیند نسبت به آن مردد باشی دیگران هر چه می خواهند بگویند.

Goodness is that in which your heart and soul find rest, and badness is that which is carved in your soul and which passes through your chest, even if all scholars give you an opposite opinion?

۱۱۰۸ البرّ کفّ فی اکابرنا فمن لم یرحم صغیرنا و یجلّ کبیرنا فلیس منّا.

برکت در پیران ماست و هر کس بر کوچک ما رحم نکند و پیر ما را محترم نشمارد از ما نیست.

Blessing is with our aged ones, and whoever is not merciful to our young ones, nor respectful to our aged, will not be among our followers.

۱۱۰۹ البرکة فی نواصی الخیل.

برکت در پیشانی اسبانست.

****شهاب الاخبار- حدیث=۱۷۷=خیر باز بسته است به پیشانی اسبان. یعنی: از آن اسبانی که بران به غذا (غزوات جنگی) شوند و جهاد کافر کنند، سبب طاعت باشد.**

Blessed are horses' foreheads.

۱۱۱۰ البرکة مع اکابرکم.

برکت با پیران شماست.

Blessing is with your aged ones.

۱۱۱۱ البطانة تقسی القلب.

پر خوری دل را سخت میکند.

Gluttony hardens man's heart.

۱۱۱۲ البغایا اللاتی ینکحن أنفسهنّ بغير ینة.

زنانی که بی حضور شاهد شوهر میکنند زنا کارند.

Adulterous are the women who marry in the absence of witnesses.

۱۱۱۳ البکاء من الرّحمة و الصّراخ من الشّیطان.

گریه از رحمت است و فریاد از شیطانست.

****همچنان که وسوسه و وحی الست-هر دو معقولند، لیکن فرق هست (مولوی)**

****بانگ دیوان گله بان اشقیاست-بانگ سلطان پاسبان اولیاست (مولوی)**

****پس فرشته و دیو گشته عرضه دار—بهر تحریک عروق اختیار**

می شود ز الهام ها و وسوسه—اختیار خیر و شرّت ده گسه (مولوی)

**** در پیشینه، اصل و جریان صدور این روایت، آمده است: رسول خدا(ص) بر مرگ فرزندش ابراهیم آهسته می گریست، ولی اسامه بن زید با صدای بلند و با فریاد گریه می کرد. در این هنگام پیامبر(ص) او را منع فرمود. اسامه عرض کرد: دیدم شما گریه می کنید. رسول اکرم(ص) فرمود: «الْبُكَاءُ مِنَ الرَّحْمَةِ وَالصَّرَاخُ مِنَ الشَّيْطَانِ»؛ یعنی، هنگام مصیبت، گریه و اشک ریختن، از سر رحمت و مهربانی است، در حالی که فریاد و شیون، از کارهای شیطان است.**

گریه و زاری ای که در روایات—مانند حدیث مزبور—مورد مذمت و نکوهش قرار گرفته، گریه ای است که مایه رضایت و خوشنودی خداوند متعال نباشد و عزادار با انجام کارهایی؛ مانند فریاد زدن و گفتن سخنانی که در شأن یک بنده شایسته خداوند نیست، معترض به قضای الاهی باشد، و چنین گریه و داد و فریاد زدن بیشتر جنبه نمایشی دارد تا ابراز حزن و اندوه واقعی. در روایات، چنین گریه ای از اعمال مردم عصر جاهلیت و پیش از اسلام شمرده شده است. بنابراین، نمی توان با تمسک به ظاهر این حدیث و احادیثی از این دست، به طور کلی عزاداری مسلمانان در سوگ پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) را نکوهش دانست و رد نمود.

Out of mercy is shedding tears and out of Satan, shouting.

****Hadith is about shedding tears of Prophet(PBUH) for his son Abraham, and shouting of Asam-i-Ben-Zaid, like Age of Ignorance custom. So shedding tears for Prophet(PBUH) and his family and twelve Imams is accepted.**

۱۱۱۴ البلاء موکل بالقول ما قال عبد لشيء: «لا والله لا أفعله أبدا» إلا ترك الشيطان كل عمل و ولع بذلك منه حتى يؤثمه.

بلا بسخن وابسته است. وقتی بنده ای گوید: "بخدا هرگز این کار را نمی کنم" شیطان همه کارها را بگذارد و سخت دل بستگی کند تا او را بگناه وادارد.

Calamity is in pledge of (man's) words when someone says, "By God I will not do such a thing", Satan abandons all his affairs and craves for making him commit sins.

۱۱۱۵ البلاء موکل بالمنطق فلو أن رجلا عير رجلا برضاع كلبه لرضعها.

بلا بسخن وابسته است اگر کسی دیگری را بشیر خوردن از سگی سرزنش کند از او شیر خواهد خورد.

Calamity is in pledge of (man's) words should anybody berate someone for sucking a dog's breast, he will himself do the same.

۱۱۱۶ البلاد بلاد الله و العباد عباد الله فحيثما أصبت خيرا فأقم.

زمین زمین خداست و بندگان بندگان خدایند، هر جا نیکی بتو رسید اقامت گیر.

The earth is God's and the people are His servants. So, settle in the land where good you find.

۱۱۱۷ البيت الذي يقرأ فيه القرآن يترأى لأهل السماء كما تترأى النجوم لأهل الأرض.

خانه‌ای که در آن قرآن خوانده می‌شود در نظر اهل آسمان چنان مینماید که ستارگان در نظر اهل زمین.

A house wherein they recite the Quran is as (bright) to the dwellers of the heavens as are the stars to the dwellers of the earth.



۱۱۱۸ تأكل النار ابن آدم إلا أثر السجود حرم الله عز وجل على النار أن تأكل أثر السجود.

آتش جهنم آدمیزاد را می‌خورد جز جای سجده را زیرا خداوند جای سجده را بر آتش حرام کرده است.

The Fire will eat away all man's body save the place of prostration (on his forehead), for the Great, Powerful God has forbidden it to do so.

۱۱۱۹ تبسمك في وجه أخيك لك صدقة، وأمرك بالمعروف و نهيك عن المنكر صدقة و إرشادك الرجل في أرض الضلال لك صدقة و إماتتك الحجر و الشوك و العظیم عن الطريق لك صدقة.

لبخند تو بر روی برادرت صدقه است امر بمعروف و نهی از منکر کردنت صدقه است و رهنمائی کسی که راه را گم کرده صدقه است و دور کردن سنگ و خار و استخوان از راه صدقه است.

Smiling at your brother (in faith), enjoining good and forbidding evil, guiding the lost ones and removing stones, thorns and bones from (people's) path, are all different forms of charity.

۱۱۲۰ تبون ما لا تسكنون و تجمعون ما لا تأكلون و تأملون ما لا تدرکون.

خانه‌ها میسازید که در آن سکونت نمیگیرید و چیزها فراهم میکنید که نمی‌خورید و آرزوها دارید که بدان
نمیرسید.

**Houses you make wherein you will not rest, things you amass
which you never taste and wishes you have which are never
fulfilled.**

۱۱۲۱ تجافوا عن ذنب السخیّ فَإِنَّ اللَّهَ آخِذٌ بِبِدَةِ كَلِمَاتِهِ.

گناه سخاوتمند را ندیده بگیرید که هر دم بلغزد خدایش دست بگیرد.

**Connive at the sins of a generous man, for whenever he slips, God
gives him a hand.**

۱۱۲۲ تجافوا عن عقوبه ذوی المروءه ما لم تکن حدًا من حدود الله.

از عقوبت کردن جوانمردان درگذرید مگر آنکه حد بر آنها لازم شده باشد.

**Suspend the punishment of merciful people, unless they are
condemned to divinely ordered penalties.**

۱۱۲۳ تجاوزوا عن ذنب السخیّ و زلّة العالم و سطوة السلطان العادل فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى آخِذٌ بِبِدَةِ كَلِمَاتِهِ عَائِرٍ
منهم.

از گناه سخاوتمند و لغزش دانا و سطوت (=قهر و غلبه) حکمران عادل درگذرید که هر یک از آنها را پای بلغزد
خدایشان دست بگیرد.

**Ignore the sins of the generous, the shortcomings of the learned
and the awe of the just kings; for whenever they slip, the Exalted
God gives them a hand.**

۱۱۲۴ تجاوزوا لذوی المروءه عن عثراتهم فوالذی نفسی بیده إِنْ أَحَدُهُمْ لِيَعْتَرُ و إِنْ يَدُهُ لَفِي يَدِ اللَّهِ.

از لغزش جوانمردان بگذرید زیرا بخدائی که جان من بدست اوست جوانمرد می‌لغزد و دست او در دست
خداست.

**Connive at the shortcomings of the merciful people; for by the God
who rules over my soul, whenever one of them slips, a helping
hand to him God gives.**

۱۱۲۵ تجد المؤمن مجتهدا فيما يطيق متلها على ما لا يطيق.

مؤمن چنانست که در کار خیر هر چه تواند کوشد و هر چه را نتواند بآرزو خواهد(=آرزوی آن در دل دارد).

A believer does his best in what his ability demands, but craves for what beyond his power stands.

۱۱۲۶ تجدون من شر الناس ذا الوجهين الذي يأتي هؤلاء بوجه و هؤلاء بوجه.

بدترین مردم شخص دوروست که با گروهی روئی و با گروهی دیگر روی دیگر دارد.

The worst of all people is a double faced man who encounters a group of people with one face (i.e. external behavior) and another group with the other.

۱۱۲۷ تحروا الصدق و إن رأيتم أن فيه الهلكة فإن فيه النجاة و اجتنبوا الكذب و إن رأيتم أن فيه النجاة فإن فيه الهلكة.

راستی کنید اگر چه پندارید مایه هلاک است که راستی مایه نجات است و از دروغ پرهیزید اگر چه پندارید مایه نجات است که دروغ مایه هلاک است.

Practice by truth though you see in it your destruction, for in reality it brings you prosperity, and refrain from falsehood though you see in it your prosperity, for it surely results in your destruction.

۱۱۲۸ تحفة المؤمن الموت.

مرگ ارمغان مؤمن است.

Death is a gift for believers.

۱۱۲۹ تحفة المؤمن في الدنيا الفقر.

ارمغان مؤمن در این جهان فقر است.

Poverty is a believer's gift in this world.

۱۱۳۰ تحفظوا من الأرض فإنها أمكم و إنه ليس من أحد عامل عليها خيرا أو شرا إلا و هي مخبره به.

حرمت زمین را بدارید که بمنزله مادر شماست و هر که روی زمین کار بد یا خوبی کند، از آن خبر میدهد.

Safeguard the earth, for it is your mother who will report (to God) the good or evil any one does on it.

۱-۱۱۳۱ تخلّوا فإنّه نظافه و النظافه تدعوا إلى الإيمان و الإيمان مع صاحبه فى الجنّة.

دندانها را تمیز کنید زیرا مایه نظافت است و نظافت باعث ایمان است و ایمان با صاحب خود در بهشت است.

Brush your teeth, for it is cleanliness, which consolidates one's faith, and faith follows its holder to Paradise.

۲-۱۱۳۱ تخیروا لنطفکم فأنکحوا الأكفاء و أنکحوا إلیهم.

برای نطفه‌های خود محل مناسب انتخاب کنید و از اشخاص هم‌شان خود زن بگیرید و بآنها زن بدهید.

Choose suitable containers for your sperms, marry women (and give your daughters in marriage to men) of equal status to yours.

۱۱۳۲ تخیروا لنطفکم فإنّ النساء یلدن أشباه إخوانهنّ و أخواتهنّ.

برای نطفه‌های خود جای مناسب انتخاب کنید زیرا زنان نظیر برادران و خواهران خود فرزند می‌آورند.

Choose suitable containers for your sperms, for women give birth to the like of their brothers and sisters.

۱۱۳۳ تخیروا لنطفکم و اجتنبوا هذا السّواد فإنّه لون مشوّه.

برای نطفه‌های خود جای مناسب انتخاب کنید و از سیاهان پرهیزید که سیاهی رنگ زشتی است.

پاسخ اجمالی

روایتی در برخی از کتاب‌های متأخر از پیامبر اکرم(ص) نقل شده که آن حضرت فرمود: «برای نطفه‌های خود مکان مناسبی پیدا کنید [و با هر زنی ازدواج نکنید] و از زنان سیاه پوست پرهیزید که سیاهی رنگ زشتی است.» بخش اخیر این روایت در منابع روایی فریقین مشاهده نشده و در کتب سده اخیر نیز سند و مرجعی برای آن ذکر نشده است. ضمن این‌که، مخالف دیگر روایات پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) و همچنین مخالف با آموزه‌های قرآن است.

پاسخ تفصیلی

با آن که بخش اول روایتی که در پرسش ذکر شده است (تخیروا لنطفکم)، منطقی بوده و در برخی منابع نیز وجود دارد.^[1] اما بخش دوم آن (و اجتنبوا هذا السّواد) که نقطه ابهام نیز در آن بخش قرار داشته در کتاب‌های اصلی روایی و حتی کتاب‌های فرعی و درجه دوم وجود ندارد، و تنها در برخی کتاب‌های روایی

اخلاقی قرن حاضر بدون اعلام هیچ‌گونه منبعی به نقل از پیامبر(ص) آمده که «از انتخاب زنان سیاه پوست برای همسری اجتناب کنید...».[2]

آنچه گفته شد برای نپذیرفتن روایت کافی است، اما توجه به این نکته نیز ضروری است که حتی با فرض وجود منبع، هنگامی که آن را – طبق توصیه روایات – بر قرآن کریم عرضه می‌کنیم، تفاوت چشم‌گیری با آموزه‌های قرآنی مشاهده می‌شود.

در قرآن کریم زنان پاکدامن را کفو و هم‌شأن مردان پاکدامن شمرده که می‌توانند با یکدیگر ازدواج کنند:[3] «زنان ناپاک از آن مردان ناپاکند، و مردان ناپاک نیز به زنان ناپاک تعلق دارند و زنان پاک از آن مردان پاک، و مردان پاک از آن زنان پاکند! اینان از نسبت‌های ناروایی که [ناپاکان] به آنان می‌دهند مبرا هستند و برای آنان آموزش [الهی] و روزی پُرازشی است».[4]

از طرفی در آیه دیگر تنها ملاک برتری انسان‌ها را تقوا شمرده و رنگ و نژاد را از این جهت بی‌ارزش می‌داند و می‌فرماید: «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید [اینها ملاک امتیاز نیست]، گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست، خداوند دانا و آگاه است».[5]

بنابراین، طبق آموزه‌های قرآنی زنان پاکدامن و با ایمان می‌توانند همسران خوبی برای مردان پاکدامن و با ایمان باشند و صرف اثبات این موضوع برای ازدواج کفایت می‌کند و رنگ و نژاد اثری در آن ندارد. در صدر اسلام هم سیره پیامبر اسلام این‌گونه بود که به صرف ایمان و پاکدامنی، زنان و مردان را به ازدواج هم درمی‌آورد.

امام باقر(ع) می‌فرماید: «مردی از اهل یمام به نام جویر نزد رسول خدا(ص) آمد و اسلام آورد. جویر مردی کوتاه اندام، نیازمند، برهنه و از سیاهان زشت‌روی بود. روزی رسول خدا(ص) نگاهی عطوفت‌آمیز و رحمت‌انگیز به جویر کرد و فرمود: ای جویر! کاش با زنی ازدواج می‌کردی تا عفاف را به وسیله او پاسی می‌داشتی و او تو را بر کارهای دنیوی و اخروی یآوری می‌کرد. جویر به آن حضرت گفت: ای رسول خدا! پدر و مادرم به فدایت باد! چه کسی به من میل پیدا می‌کند به خدا سوگند نه شخصیت [اجتماعی] دارم، نه نسب، نه دارایی و نه زیبایی. پس کدامین زن به من رغبت می‌ورزد. رسول خدا(ص) به او فرمود: ای جویر! بی‌تردید خدا خوار کرد به وسیله اسلام؛ کسانی را که در جاهلیت گران‌قدر بودند و عزت بخشید به وسیله اسلام کسانی را که در جاهلیت خوار می‌زیستند و به وسیله اسلام غرور جاهلیت و بالیدن به قبایل و افتخار به بلند مرتبه بودن نیاکان از بین رفت امروز همه مردم؛ سفید، سیاه، قرشی، عرب و عجم از نسل آدمند و بی‌شک خداوند آدم را از گل آفرید و به راستی محبوب‌ترین مردم نزد خدای در روز رستاخیز کسی است که فرمان پذیرتر برای او و پرهیزکارتر باشد. ای جویر! من هیچ مسلمانی را امروز والاتر و برتر نمی‌دانم مگر کسی که پرهیزکارتر از تو برای خدا باشد و فرمان پذیرتر. سپس فرمود: ای جویر! به سوی زیاد پسر لبید برو. او از با شخصیت‌ترین پسران بیاضه است و به او بگو من فرستاده رسول خدا به سوی تو هستم و او می‌گوید: دخترت ذلفاء را به همسری جویر در آور. پس چنین شد که این جوان سیاه با یکی از با شخصیت‌ترین زنان عرب ازدواج کرد».[6]

با آن که این روایت در مورد ازدواج با مردی سیاه‌پوست، اما اگر در استدلال‌های موجود در آن دقت کنیم، مشاهده خواهیم کرد که عین این استدلال‌ها در مورد زن سیاه‌پوست نیز وجود خواهد داشت. بنابراین، بخش اخیر روایت مطرح شده در پریشی که اخیراً منسوب به پیامبر (ص) است، با سیره و رفتار ایشان تناسبی ندارد و مورد قبول نیست. [7]

[1]. ابن حیون مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۰۰، مؤسسه آل‌البیت (ع)، قم، ۱۳۸۵ق.

[2]. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ص ۳۸۱، تهران، انتشارات دنیای دانش، ۱۳۸۲ش.

[3]. ر.ک: «ازدواج زناکار با همسری مانند خود»، سؤال ۲۲۳۴۵.

[4]. نور، ۲۶.

[5]. حجرات، ۱۳.

[6]. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۵، ص ۳۴۱، محقق، مصحح، غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.

[7]. برای بررسی بیشتر درباره این دسته از روایات ر.ک: «ازدواج با زن سیاه قابل حمل و پرهیز از زنان زیبایی عقیم»، سؤال ۱۶۲۱۵؛ (جویر سیاه پوست و ازدواج با دختر زیبایی عرب)، ۲۶۷۲۵.

Choose appropriate containers for your sperms and keep distance with this black, for it is an undesirable color.

****First part of Hadith is universally accepted, last part (about black) has no root communicated, and against Quran(Sura 24, Light, Aya 26 + Sura 49, The Chambers, Aya 13) and other Hadithes.**

۱۱۳۴ تدارکوا الهموم و الغموم بالصدقات یکشف الله تعالی ضرکم و ینصرکم علی عدوکم.

از رنج و غمها بوسیله صدقه جلوگیری کنید تا خدا رنجتان را بر طرف کند و شما را بر دشمنان فیروزی دهد.

Stop grieves and sorrows through charity so that the Exalted God save you from them and grant you victory over enemies.

۱۱۳۵ تداووا بألبان البقر فإني أرجوا أن يجعل الله فيها شفاء فإنها تأكل من كل الشجر.

با شیر گاو مداوا کنید زیرا من امیدوارم که خدا در آن شفا قرار داده باشد زیرا از همه درختان میچرد.

Cure yourselves by cow milk. Verily, I hope that you can find in it divine recovery, for cows graze on all kinds of plants.

۱۱۳۶ تداووا عباد الله فإن الله تعالى لم يضع داء إلا وضع له دواء غير داء واحد الهمم.

بندگان خدا امراض خود را مداوا کنید زیرا خدا مرضی پدید نیاورده جز آنکه دوائی برای آن قرار داده مگر یک درد که پیری است.

Cure yourselves, O servants of the Exalted God! For He has created a (specific) medicine for any single kind of disease, save old age.

۱۱۳۷ تداووا فإنّ الذی أنزل الداء أنزل الدواء.

مداوا کنید زیرا آنکه درد را فرستاد دوا را نیز فرستاد.

****گفت پیغمبر که یزدان مجید—از پی هر درد درمان آفرید (مولوی)**

****هر مرض دارد دوا، می دان یقین—چون دواى درد(رنج) سرما پوستین (مولوی)**

Cure yourselves, for He who has let diseases befall you, created their medicines too.

۱۱۳۸ تدرّون ما يقول الأسد في زئيره؟ يقول: اللهم لا تسلطنى على أحد من أهل المعروف.

می دانید شیر در غرش خود چه می گوید؟ گوید خدایا مرا بر هیچ کس از نیکوکاران مسلط مکن.

Do you know what a lion in its roar says? It says, “O God! Let me not win over benevolent people.”

۱۱۳۹ ترى المؤمنین في تراحمهم و توادهم و تعاطفهم كمثل الجسد اذا اشتكى عضوا تداعى له سائر جسده بالسهر و الحمى.

مؤمنان در مهربانی و دوستی یک دیگر چون اعضای یک پیگردند که وقتی عضوی بدرد آید اعضای دیگر آرام نگیرند.

ضرب المثل: بنی آدم اعضای یکدیگردند—که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی بدرد آورد روزگار—دگر عضوها را نماند قرار (سعدی)

Believers are from the point of feelings, friendship and compassion like unto the organs of one single body, which at rest cannot remain when one of them suffers pain.

****Proverb: All human beings are in truth akin
.All in creation share one origin**

**,When fate allots a member pangs and pains
.No ease for other members then remains.(Persian Poet: Saadi)**

۱۱۴۰ ترک الدنیا أمر من الصبر و أشد من حطم السيوف في سبيل الله عز و جل.

گذشتن از دنیا از صبر تلختر و از شکستن شمشیرها در راه خدا سختتر است.

Connivance at the world is bitterest patience and is much harder to do than to use and break swords in jihad in the way of God, the Powerful, the Great.

۱۱۴۱ ترک الوصیة عار في الدنيا و نار و سنا في الآخرة.

وصیت نکردن مایه ننگ این جهان و آتش و بدترین عیب آن جهانست (رجوع شود به بخش وصیت).

One who at the time of death, (s)he does not act properly concerning his(her) testament is shame on this world and Fire and worst fault in Hereafter.

۱۱۴۲ ترکت فيکم شیئین لن تضلوا بعدهما: کتاب الله و سنتی و لن یتفرقا حتی یردا علی الحوض.

دو چیز در میان شما گذاشتم که با وجود آنها گمراه نخواهید شد، کتاب خدا و روش من و از هم جدا نمیشوند تا بر سر حوض بمن برسند.

Two things I have left with you to stop you going astray: the Book of God and my way (of life).They will remain inseparable to join me by the Pool (on the Resurrection Day).

۱۱۴۳ تزوجوا النساء فإنهن یأتین بالمال.

زن بگیرید که زنان توانگری می آورند.

Get married, for women bring you wealth.

۱۱۴۴ تزوجوا الودود الولود فإنی مکثر بکم الأنبياء.

زن مهربان و بچه آور بگیرید زیرا من بکثرت شما بر سایر پیغمبران افتخار می کنم.

Marry kind, fertile women, for I pride myself over other prophets for the largeness of your population.

۱۱۴۵ تزوجوا فإنی مکثر بکم الامم و لا تكونوا کرهانیة النّصاری.

زن بگیرد که من بکثرت شما بر ملل دیگر افتخار می کنم و مانند مسیحیان راه رهبانیت پیش مگیرید.

****مرغ گفتش خواجه در خلوت مایست (مه ایست) —دین احمد را ترهب نیک نیست**

از ترهب نهی فرمود (کرده ست) آن رسول —بدعتی چون بر (در) گرفتی ای فضول (مولوی)

****بهر این کرده ست منع آن با شکوه —از ترهب وز شدن خلوت به کوه (مولوی)**

Get married, for I pride myself over other nations for the largeness of your population, and do not follow the path of Christian monks.

۱۱۴۶ تزوجوا و لا تطلقوا فإن الله لا يحب الذواقین و لا الذواقات.

زن بگیرد و طلاق مدهید زیرا خداوند مردانی را که مکرر زن گیرند و زنانی را که مکرر شوهر کنند دوست ندارد.

Get married, but do not divorce your wives, for God surely detests men and women who marry a lot.

۱۱۴۷ تزوجوا و لا تطلقوا فإن الطلاق یمتز منه العرش.

زن بگیرد و طلاق مدهید زیرا عرش از وقوع طلاق می لرزد.

Marry but don't divorce (your wife), for verily the Divine Throne shudders (with anger) when divorce occurs.

۱۱۴۸ تساقطوا الضغائن.

کینه ها را دور بیندازید.

Drop your grudges.

۱۱۴۹ تسحروا فإن السحور برکة.

سحر خیز باشید زیرا سحر خیزی مایه برکت است.

Be early rising, for in it there is blessing.

۱۱۵۰ تصافحوا یذهب الغلّ عن قلوبکم.

با یک دیگر دست بدهید تا کینه از دلهای شما برود.

Shake hands (with each other) to make grudges leave your hearts.

۱۱۵۱ تصدقوا فإن الصدقة فكاكم من النار.

صدقه بدهید زیرا صدقه مایه آزادی شما از آتش جهنم است.

Give alms, for it surely releases you from the Fire.

۱۱۵۲ تصدقوا فسیاتی علیکم زمان یمشی الرّجل بصدقته فیقول الذی یأتیه بها: لو جئت بها بالأمس لقبلتها فأما الآن فلا حاجة لی فیها فلا یجد من یقبلها.

صدقه بدهید زیرا زمانی بیاید که انسان برای صدقه دادن برود و آنکه صدقه را برای او برده‌اند گوید اگر دیروز آورده بودی قبول می‌کردم اما امروز بدان حاجت ندارم و کسی را نیابد که صدقه او را قبول کند.

Give alms, for a time may come to pass when man manages to give something on charity, but the one who is supposed to get it will say, "I would have accepted it if you had brought it yesterday. Today, I am no more in need of it." and thus he will find nobody to accept it.

۱۱۵۳ تصدقوا و لو بتمره فإنها تسدّ من الجائع و تطفیء الخطیئة كما یطفیء الماء النار.

صدقه بدهید و گر چه یک خرما باشد زیرا رنج گرسنه‌ای را تخفیف میدهد و گناه را خاموش میکند چنان که آب آتش را خاموش میکند.

Give alms, though a date it might be, for it drops one's hunger and puts out (the fire of) sin just as water makes fire extinguished.

۱۱۵۴ تعافوا الحدود فیما بینکم فما بلغنی من حدّ فقد وجب.

در میان خودتان از گناهایی که موجب مجازات است درگذرید زیرا وقتی گناهی به اطلاع من رسید مجازات آن واجب است.

Forgive punishable sins among yourselves; for punishment will be inevitable should you make me aware of them.

۱۱۵۵ تعافوا یسقط الضعائن بینکم.

همدیگر را ببخشید تا کینه‌هایتان از میان برخیزد.

Forgive each other to make your grudges drop.

۱۱۵۶ تعرض الأعمال علی الله تعالی يوم الإثنين و الخمیس فیغفر الله إلی ما کان من متساحنین أو قاطع رحم.

روز دوشنبه و پنجشنبه اعمال را بر خداوند عرضه می‌دارند و خداوند گناه کسان را میبخشد مگر گناه ستیزه‌جویان و کسی که از خویشاوندان بریده باشد.

Man's deeds are presented to the Exalted God on Mondays and Thursdays, and He forgives all sins save the sins of belligerent people and those who break bonds of kinship.

۱۱۵۷ تعرض الأعمال يوم الإثنين و الخمیس علی الله و تعرض علی الأنبیاء و علی الآباء و الامهات يوم الجمعة فیفرحون بحسناتهم و تزداد وجوههم بیاضاً و إشراقاً فاتقوا الله و لا تؤذوا موتاكم.

روز دوشنبه و پنجشنبه اعمال را بر خداوند عرضه میدارند و روز جمعه از نظر پدران و مادران می‌گذرانند و از کارهای نیک خوشحال میشوند و چهره‌هایشان سفید و روشن می‌شود پس از خدا بپرهیزید و مردگان خود را اذیت نکنید.

Man's deeds are presented to God on Mondays and Thursdays, and to prophets and parents on Fridays. They rejoice by (their children's) good deeds and turn brighter in their faces. Fear God, therefore, and hurt not your dead ones.

۱۱۵۸ تعرّف إلى الله في الرّخاء يعرفك في الشّدّة.

در موقع آسایش خدا را بشناس تا در موقع سختی ترا بشناسد.

Remember God when you are at ease, and He will remember you in hardships.

۱۱۵۹ تعشّوا و لو بكفّ من حشف فإنّ ترک العشاء مهرمه.

شام بخورید اگر چه مشتی خرمای پست باشد زیرا شام نخوردن مایه ضعف و پیری است.

Have supper, though a handful of bad date might be there, for surely doing the reverse brings old age and weakness.

۱۱۶۰ تعلّموا العلم و تعلّموا للعلم السّکینه و الوقار و تواضعوا لمن تعلّمون منه.

دانش بیاموزید، و از طریق آن دانش، وقار و آرامش آموزید؛ و نسبت بآموزگار خویش فروتن باشید.

Acquire knowledge and through it, peace (of mind) and soberness gain, and to your teacher humble remain.

۱۱۶۱ تَعَلَّمُوا مَا شِئْتُمْ أَنْ تَعَلَّمُوا فَلَنْ يَنْفَعَكُمْ اللَّهُ بِالْعِلْمِ حَتَّى تَعْمَلُوا بِمَا تَعْلَمُونَ.

هر چه خواهید بیاموزید زیرا خداوند شما را از علم منتفع نکند مگر آنکه هر چه را میدانید بکار بندید.

Learn whatever you like, for God will not let you avail yourself of your knowledge unless you put it to practice.

۱۱۶۲ تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ ثَلَاثٍ فَوَاقِرٌ: جَارٌ سَوْءٌ إِنْ رَأَى خَيْرًا كَتَمَهُ وَ إِنْ رَأَى شَرًّا أَدَاعَهُ وَ زَوْجَةٌ سَوْءٌ إِنْ دَخَلَتْ عَلَيْهَا لِسْتَنَكٌ وَ إِنْ غَبَتْ عَنْهَا خَانَتَكَ وَ إِمَامٌ سَوْءٌ إِنْ أَحْسَنْتَ لَهُمْ يَقْبَلُ وَ إِنْ أَسَأْتَ لَهُمْ يَغْفِرُ.

از سه چیز بخدا پناه ببرید که کمر شکن است: همسایه بد که اگر خیری ببیند مستور دارد و اگر بدی ببیند منتشر سازد و همسر بدی که اگر پیش وی باشی بد زبانی کند و اگر پیش وی نباشی بتو خیانت کند و پیشوای بدی که اگر نیکی کنی نپذیرد و اگر بدی کنی نبخشد.

Take refuge in God from the following destructive three: a bad neighbor who covers your good and spreads out your evil, a bad wife who is foul-mouthed in your presence and treacherous in your absence, and a bad leader who ignores your good deeds and does not forgive your wrong doings.

۱۱۶۴ تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ وَ دَرَكِ الشَّقَاءِ وَ سَوْءِ الْقَضَاءِ وَ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ.

از بلا و بدبختی و قضای بد و سرزنش دشمنان بخدا پناه ببرید.

Take refuge in God from disaster, wretchedness, bad destinies and blames of enemies.

۱۱۶۵ تَفْتَحُ أَبْوَابَ السَّمَاءِ فِي كُلِّ يَوْمٍ اثْنِينَ وَ خَمِيسٍ فَيَغْفِرُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ لِكُلِّ عَبْدٍ لَا يَشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَيْنِهِ وَ بَيْنِ أَخِيهِ شَحْنَاءٍ.

هر روز دوشنبه و پنجشنبه درهای آسمان گشوده می شود و در آن روز گناهان هر کس را که برای خدا شریک قائل نباشد ببخشند مگر آن کسی که با برادر خود دشمنی داشته باشد.

The doors of heavens open on Mondays and Thursdays and all servants of God are forgiven, save those who are hostile to their brethren.

۱۱۶۶ تفتح أبواب السماء نصف الليل فينادي مناد: هل من داع فيستجاب له؟ هل من سائل فيعطى؟ هل من مكروب فيفرج عنه؟ فلا يبقى مسلم يدعو بدعوة إلا استجاب الله تعالى له إلا زانية تسعى بفرجها أو عشار.

نیم شب درهای آسمان را بکشایند و یکی ندا کند آیا کسی هست دعا کند تا مستجاب شود؟ آیا کسی هست که چیزی بخواهد تا باو داده شود؟ آیا غمزدهای هست که غمش تخفیف یابد؟ در این هنگام هر مسلمانی چیزی بخواهد خداوند خواهش او را می پذیرد، مگر زن زناکاری که با ناموس خود کسب کند یا مأمور مالیات دولت ستمکاری که مال مردم بستم میگیرد.

Every midnight, the doors of heavens open and a caller calls out: "Is there anyone to pray and enjoy (God's) acceptance? Is there anyone to ask for something to be answered in the positive? Is there a sorrow stricken to be relieved of his sadness?" Thus, there remains nobody with unaccepted requests, save and adulterous woman who trades her privy parts and a tax-taker who usurps people's property.

۱۱۶۸ تفتح أبواب السماء ويستجاب الدعاء في أربعة مواطن: عند التقاء الصفوف في سبيل الله و عند نزول الغيث و عند إقامة الصلاة و عند رؤية الكعبة.

چهار موقع درهای آسمان را بکشایند و دعاها را مستجاب کنند. هنگام الحاق صف مبارزان در راه خدا و هنگام نزول باران و هنگام نماز و هنگام دیدار کعبه.

The doors of heavens open on four occasions, and prayers are granted: when warriors in the way of God join hands, when it rains, at times of prayer, and on visiting Kaaba in Mecca.

۱۱۶۹ تفرغوا من هموم الدنيا ما استطعتم فإنه من كانت الدنيا أكبر همّه أفضى الله ضيعته و جعل فقره بين عينيه و من كانت الآخرة أكبر همّه جمع الله تعالى أمره و جعل غناه في قلبه.

هر چند توانید از غم دنیا فارغ مانید زیرا هر که غم جهان بیشتر خورد خداوند مالش را فراوان کند و فقر او را روبرویش نهد و هر که غم آخرت بیشتر خورد خداوند کارش را بنظام آورد و بی نیازی او را در دلش قرار دهد.

****بل زر مضروب ضرب ایزدی—کو نگرود کاسد، آمد سرمدی**

آن زری کاین زر از آن زر ناب یافت-گوهر و نابندگی و آب یافت

آن زری که دل از او گردد غنی-غالب آمد بر قمر در روشنی (مولوی)

**گفت صالح را گدا گفتن خطاست-کو غنی القلب از داد خداست (مولوی)

Try to get rid of sorrows for worldly matters, for he whose greatest sorrows turn round material concerns will receive more wealth but poor will he remain, and he whose greatest worries concern otherworldly issues will face the Exalted God's management of his affairs as well as needlessness of his heart.

۱۱۷۰ تفکروا فی آلاء الله و لا تفکروا فی الله.

در نعمتهای خدا بیندیشید اما در باره ذات خدا میندیشید.

**زین وصیت کرد ما را مصطفی-بحث کم جوید در ذات خدا (مولوی)

**در عجبهاش (عجبهایش) به فکر اندر روید-از عظیمی وز مهابت کم شوید (مولوی)

**در تضرع جوی و در افنای خویش-کز تفکر جز صور ناید به پیش (مولوی)

Meditate on God's blessings, but not on His nature.

۱۱۷۱ تفکروا فی الخلق و لا تفکروا فی الخالق فانکم لا تقدرون قدره.

در باره خلق بیندیشید و در باره خالق میندیشید که بکنه ذات او نتوانید رسید.

**زین وصیت کرد ما را مصطفی-بحث کم جوید در ذات خدا (مولوی)

**در عجبهاش (عجبهایش) به فکر اندر روید-از عظیمی وز مهابت کم شوید (مولوی)

**در تضرع جوی و در افنای خویش-کز تفکر جز صور ناید به پیش (مولوی)

Meditate on creatures, but not on the Creator, for you will face failure in understanding His nature.

۱۱۷۲ تفکروا فی خلق الله و لا تفکروا فی الله فتهلکوا.

در باره خلق تفکر کنید و در باره خدا تفکر نکنید که هلاک خواهید شد.

****زین وصیت کرد ما را مصطفی-بحث کم جوید در ذات خدا (مولوی)**

****در عجبهاش (عجبایش) به فکر اندر روید-از عظیمی وز مهابت کم شوید (مولوی)**

****در تضرع جوی و در افنای خویش-کز تفکر جز صور ناید به پیش (مولوی)**

Meditate on God's creatures but not on His nature, for you will perish.

۱۱۷۳ تفکروا فی کل شیء و لا تفکروا فی ذات الله.

در همه چیز بیندیشید ولی در ذات خدا میندیشید.

****زین وصیت کرد ما را مصطفی-بحث کم جوید در ذات خدا (مولوی)**

****در عجبهاش (عجبایش) به فکر اندر روید-از عظیمی وز مهابت کم شوید (مولوی)**

****در تضرع جوی و در افنای خویش-کز تفکر جز صور ناید به پیش (مولوی)**

Meditate on anything, save God's nature.

۱۱۷۴ تقبلوا لی بست أتقبل لکم بالجنة إذا حدث أحدکم فلا یکذب و إذا وعد فلا یخلف و إذا ائتمن فلا یخن
غصوا أبصارکم و کفوا أیدیکم و احفظوا فروجکم.

شش چیز را برای من تعهد کنید تا بهشت را برای شما تعهد کنم: وقتی که یکی از شما سخن گوید دروغ نگوید؛
و هنگامی که وعده دهد تخلف نکند؛ و وقتی امانت به او سپارند خیانت نکند؛ دیده خود را (از نامحرم) ببندید؛
و دست خود را (از مال حرام) نگه دارید؛ و عورت خود را محفوظ دارید.

**Assure me of six things, and I will ensure you of entering Paradise:
avoidance of telling lie, avoidance of breaking your promise,
keeping away from treachery to trusts, closing your eyes on the
unlawful, controlling your hands towards unlawful wealth and
restraining your privy parts.**

۱۱۷۵ تقرّبوا إلى الله بیغض أهل المعاصی و ألقوهم بوجه مکفهره و التمسوا رضا الله بسخطهم و تقرّبوا إلى الله
بالتباعد منهم.

بوسیله دشمنی گناهکاران به خدا نزدیک شوید و با آنها با چهره‌های عبوس دیدار کنید و خشنودی خدا را در
ناخشنودی آنها بجوئید و بوسیله دوری از آنها بخدا تقرب جوئید.

Find the proximity of God by being hostile to (His) enemies, visiting them grim-faced, seeking God's pleasure in making them displeased and getting close to God by keeping distance with them.

۱۱۷۶ تمام البرّ أن تعمل في السرّ عمل العلانية.

کمال نیکی آنست که در نهان همان کنی که آشکارا میکنی.

Perfect kindness lies in doing in privacy what you do among the public.

۱۱۷۷ تمسّحوا بالأرض فإنّها بكم برّة.

زمین را مسح کنید که نسبت به شما نیکست.

Touch the earth, for it is kind to you.

۱۱۷۸ تناصّحوا في العلم ولا يكتّم بعضكم بعضا فإنّ الخيانة في العلم أشدّ من الخيانة في المال.

در کار دانش یار هم دیگر باشید و دانش خود را از یک دیگر پوشیده مدارید که خیانت در علم بدتر از خیانت در مال است.

Advise each other in the acquisition of knowledge and do not spare your knowledge from one another, for treachery in this respect is worse than treachery to wealth.

۱۱۷۹ تناكحوا تكثروا فإنّي أباهي بكم الامم يوم القيامة.

از دواج کنید تا عده شما بسیار شود زیرا من در روز رستاخیز بفزونی شما بر امتهای دیگر افتخار می کنم.

Get married and increase in number, for I will pride myself in you over other nations in the Day of Judgment.

۱۱۸۰ تنام عینای و لا ینام قلبی.

چشمان من بخواب میرود ولی دلم بخواب نمیرود.

* * آن که بیدار است، بیند خواب خوش—عارف است او خاک او در دیده کش (مولوی)

* * گفت پیغمبر که عینای تنام—لا ینام القلب (قلب) عن ربّ الأنام (مولوی)

****گفت پیغمبر که خسبد چشم من—لیک کی خسبد دلم اندر وسن؟ (مولوی)**

****آن محمد خفته و تکیه زده—آمده سر گرد او گردان شده (مولوی)**

****خفته سازد شیر خود را آن چنان—که تماش مرده دانند این سگان (مولوی)**

My eyes fall asleep, but my heart doesn't.

۱۱۸۱ تنزهوا من البول فإنّ عامّة عذاب القبر منه.

از بول پرهیزید زیرا بیشتر عذاب قبر از آن است.

Clean yourself of urine, for it's the cause of most punishments in the grave.

۱۱۸۲ تنظّفوا بكلّ ما استطعتم فإنّ الله تعالى بنى الإسلام على النّظافة و لن يدخل الجنّة إلّا كلّ نظيف.

هر چه می‌توانید پاکیزه باشید زیرا خداوند اسلام را بر پاکیزگی نهاده و جز مردم پاکیزه کسی بهشت نمیرود.

Be clean to the extent possible, for the Exalted God has founded Islam on cleanliness, and nobody enters Paradise save the clean.

۱۱۸۳ تنكح المرأة لأربع، لمالها، و لحسبها و لجمالها و لدينها فاطفر بذات الدّين تربّت يداك.

زن را برای چهار چیز گیرند، مال و شرف و جمال و دین و توزن دین دار بجوی.

Women are (usually) taken in marriage for their four possessions: wealth, chastity, beauty and faith. But, you marry a woman for her faith to receive God's Mercy.

۱۱۸۴ تواضع للمحسن إليك و إن كان عبدا حبشيا و انتصف ممّن أساء إليك و إن كان حراً قرشياً.

هر که با تو نیکی کند با وی متواضع باش و گر چه برده حبشی است و هر که با تو بدی کند از او انتقام بگیر و گر چه آزاد قرشی است.

Be humble to the one who is kind to you, though being an Ethiopian slave, and avenge the one who does evil to you, though being a freeman of the Quraish.

۱۱۸۵ تواضعوا لمن تعلّمون منه و تواضعوا لمن تعلّمونه و لا تكونوا جابرة العلماء.

با استاد و با شاگرد خود تواضع کنید و دانشمندان سرکش مباشید.

Be humble to your teachers as well as to your students, and be not despotic scholars.

۱۱۸۶ تواضعوا و جالسوا المساکین تکنونوا من کبراء الله و تخرجوا من الکبر.

فروتنی کنید و با فقیران بنشینید تا در پیش خدا بزرگ باشید و از تکبر برکنار مانید.

Be humble and keep company with the poor to be glorified before God and saved from vanity.

۱۱۸۷ توبوا إلى الله تعالى فَإِنِّي أَتُوبُ إِلَيْهِ كُلَّ يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ.

از خدا بخشش بخواهید زیرا من هر روز صد بار از او بخشش میخواهم.

Return to the Exalted God for forgiveness, for I myself do so a hundred times a day.

۱۱۸۸ توبوا إلى ربکم من قبل أن تموتوا و بادروا بالأعمال الزاکیة قبل أن تشغلوا.

پیش از آنکه مرگ فرا رسد توبه کنید و پیش از آنکه گرفتار شوید کارهای نیک انجام دهید.

Repent to your Lord before death, and do good before life involvements stop you doing so.

۱۱۸۹ تهادوا تحابوا فَإِنَّ الْهَدِيَّةَ تَضَعُ الْحَبَّ وَ تَذْهَبُ بَغَوَائِلِ الصَّدْرِ.

هدیه بیک دیگر بدهید تا رشته محبتتان استوار شود زیرا هدیه محبت را بیافزاید و کینه و کدورت را از میان ببرد.

Offer gifts to each other to strengthen your friendship, for gifts enhance love and make spite and hatred perish.

۱۱۹۰ تهادوا تردادوا حبا و هاجروا تورثوا أبنائکم مجدا و أقیلوا الکرام عثراتهم.

هدیه بیکدیگر بدهید تا محبتتان افزون شود و مهاجرت کنید تا برای فرزندان خود عظمت و افتخار بجا آرث
نمید و از لغزش بزرگان درگذرید (یعنی هر که با رسول صلی الله علیه و آله هجرت کرده بودی فرزندان
ایشان را نیز فخر بودی— پس از فتح مکه نیز طبق احادیث هجرتی وجود ندارد— حدیث ۲۵۱۲ نهج الفصاحه).

Offer gifts to each other to enhance your friendship, migrate to leave glory for your heir and connive at the faults of your great ones.

۱۱۹۱ تهادوا إن الهدية تذهب و خز الصدر و لا تحقرن جاره لجارتها و لو شق فرسن شاه.

هدیه بیکدیگر بدهید زیرا هدیه دلگیری را از میان میبرد و هدیه را اگر چه یک قطعه پارچه بز باشد حقیر
نشمارید.

Offer gifts to each other, for it makes pique perish; and do not consider a gift insignificant, even if it is a goat's trotters in half.

۱۱۹۲ تهادوا فإن الهدية تذهب بالسخيمه و لو دعيت إلى كراع لأجت و لو أهدى إلى كراع لقبلت.

هدیه بیکدیگر بدهید که هدیه دلگیری را از میان میبرد اگر مرا به مهمانی ساق پای گوسفندی (پاچه گوسفند)
دعوت کنند میروم و اگر ساق پای گوسفندی (پاچه گوسفندی) بمن هدیه دهند می پذیرم.

Offer gifts to each other, for it makes pique perish. Should I be invited to a party where (fat-tailed) sheep trotters are served, I will haste to it, and should that be gifted to me, I will accept it.

۱۱۹۳ تهادوا فإن الهدية تضعف الحب و تذهب بغوائل الصدر.

هدیه بیکدیگر بدهید زیرا هدیه محبت را فزون میکند و دلگیریها را از میان میبرد.

Offer gifts to each other, for it doubles your friendship and makes pique perish.

۱۱۹۴ التائب من الذنب كمن لا ذنب له و إذا أحب الله عبدا لم يضره ذنب.

کسی که از گناه توبه کند چنانست که گناه نکرده باشد؛ و وقتی خدا بندهای را دوست داشت گناه او را زیان
نمیرساند.

****جمله ماضی ها از این نیکو شوند—زهر پارینه از این گردد چو قند (مولوی)**

****هرچه کردم جمله ناکرده گرفت—طاعت ناکرده آورده گرفت**

نام من در نامه پاکان نوشت—دوزخی بودم، ببخشیدم بهشت (مولوی)

He who repents is like unto a sinless person, and when God loves someone, he will be safe from sins.

۱۱۹۵ التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ وَ الْمُسْتَغْفِرُ مِنَ الذَّنْبِ وَ هُوَ مُقِيمٌ عَلَيْهِ كَالْمُسْتَهْزِئِ بِرَبِّهِ وَ مِنْ آذَى مُسْلِمًا كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الذَّنُوبِ مِثْلَ مَنَابِتِ النَّخْلِ.

کسی که از گناه توبه کند چنانست که گناه نکرده باشد؛ و کسی که از گناه آمرزش طلبد و باز مرتکب آن شود چنانست که پروردگار خویش را مسخره کند؛ و هر که مسلمانی را آزار رساند گناهی باندازه نخلستانهاست.

****جمله ماضی ها از این نیکو شوند-زهر یارینه از این گردد چو قند (مولوی)**

****هر چه کردم جمله ناکرده گرفت-طاعت ناکرده آورده گرفت**

نام من در نامه پاکان نوشت-دوزخی بودم، ببخشیدم بهشت (مولوی)

He who repents is like unto a sinless person, and he who asks God for forgiveness but insists in committing sins is like unto the one who ridicules Him, and he who annoys Muslims is sinful to the extent of palm groves.

۱۱۹۶ التَّاجِرُ الْأَمِينُ الصَّدُوقُ الْمُسْلِمُ مَعَ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

تاجر درستکار راست گوی مسلمان روز رستاخیز با شهیدان است.

A truthful, trustworthy trader will keep company with martyrs in the Day of Judgment.

۱۱۹۷ التَّاجِرُ الصَّدُوقُ الْأَمِينُ مَعَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ.

تاجر راستگوی درستکار با پیامبران و صدیقان و شهیدانست.

A truthful, trustworthy trader will keep company with the prophets, the truthful and martyrs (in the Day of Judgment).

۱۱۹۸ التَّاجِرُ الصَّدُوقُ لَا يَجِبُ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ.

برای تاجر راستگوی بر درهای بهشت حجابی نیست.

The gates of Paradise will be open to the truthful traders.

۱۱۹۹ التَّاجِرُ الْجَبَانُ مُحْرَمٌ وَ التَّاجِرُ الْجَسُورُ مُرْزُوقٌ.

تاجر کم دل حرمان برَد (از سود فراوان محروم شود) و تاجر پُر دل روزی خُورَد.

A coward trader a loser remains, but a courageous one gains.

۱۲۰۰ التَّاجِرُ يَنْتَظِرُ الرِّزْقَ وَالْمُحْتَكِرُ يَنْتَظِرُ اللَّعْنَةَ.

تاجر در انتظار روزیست و محتکر در انتظار لعنت.

Traders await sustenance, and hoarders of foodstuff await (people's) curse.

۱۲۰۱ التَّائِي مِنَ اللَّهِ وَالْعَجَلُ مِنَ الشَّيْطَانِ.

تائی از یزدان است و شتاب از شیطان.

**همچنان که وسوسه و وحی است—هر دو معقولند، لیکن فرق هست (مولوی)

**که تائی هست از یزدان یقین—هست تعجیلت ز شیطان لعین (مولوی)

**کاین تائی پرتو رحمان بود—وان شتاب از هزه شیطان بود (مولوی)

**مکر شیطان است تعجیل و شتاب—لطف رحمان است صبر و احتساب (مولوی)

**دیو حرص و آز و مستعجل تکی—بی(نی) تأمل (تائی) جُست و بی(نی) آهستگی (مولوی)

Patience belongs to Heaven, and haste to Satan.

۱۲۰۲ التَّحَدُّثُ بِنِعْمِ اللَّهِ شُكْرٌ وَ تَرْكُهُ كُفْرٌ وَ مَنْ لَا يَشْكُرُ الْقَلِيلَ لَا يَشْكُرُ الْكَثِيرَ وَ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ لَا يَشْكُرُ اللَّهَ وَ الْجَمَاعَةُ خَيْرٌ وَ الْفِرْقَةُ عَذَابٌ.

گفتگو از نعمتهای خداوند شکر است و ترک آن کفر است. هر که به نعمت کم سپاس نکذارد، سپاس نعمت بسیار را نخواهد گذاشت و هر که مردم را سپاس ندارد سپاس خدا را نخواهد داشت. اجتماع مایه نیکی است و تفرقه موجب رنج و عذاب است.

**شکر او شکر خدا باشد یقین—چون به احسان کرد توفیقش قرین (مولوی)

**ترک شکرش ترک شکر حق بود—حق او لاشک به حق ملحق بود (مولوی)

Mentioning God's blessings is thankfulness (to Him) and abandoning it is ungratefulness, and whoever is ungrateful to little will be as such to great (blessings), and whoever is thankless to people is thankless to God. Unity brings good and discord, agony.

۱۲۰۳ التّدبير نصف العيش و التّودّد نصف العقل و الهمّ نصف الهرم و قلّة العيال أحد اليسارين.

تدبير (عاقبت اندیشی / مدیریت) یک نیمه معیشت است و مردم داری یک نیمه عقل است و غم یک نیمه پیری است و کمی عیال یک نیمه توانگری است.

****بسی نکو گفت آن رسول خوش جواز—ذره ای (ذره) عقلت به از صوم و نماز (مولوی)**

Prudence is half of sustenance, friendship is half of wisdom, sorrow is half of old age and small family is half of richness.

۱۲۰۴ التّدلّل للحقّ أقرب إلى العزّ من التّعزّز بالباطل.

کسی که در مقابل حق خوار شود عزیزتر از آنست که بیاطل عزت جوید.

The humble to the truth is too dignified to seek greatness through falsehood.

۱۲۰۵ التّسویف شعار الشّيطان یلقیه فی قلوب المؤمنین.

اهمال (=سستی و به فردا انداختن کار) شعار شیطانست که آن را در دل مؤمنان افکند.

Slackness is Satan's slogan, which he throws into believers' hearts.

۱۲۰۶ التّمر بالتّم و الحنطة بالحنطة و الشّعیر بالشّعیر و الملح بالملح مثلا بمنل یدا بید فمن زاد و استزاد فقد أربی إلّا ما اختلفت ألوانه.

خرما در مقابل خرما، گندم در مقابل گندم و جو در مقابل جو، نمک در مقابل نمک، جنس در مقابل جنس و مشت در مقابل مشت به دهید و بگیرید هر کس بیشتر بدهد یا بگیرد ربا خوار است مگر آنکه در جنس مختلف باشد.

Exchange date with date, wheat with wheat, barely with barely, salt with salt, goods with goods and a handful (of anything) with a handful (of the same thing). Divining and receiving beyond that is usury unless what is given is different in kind from what is received.

١٢٠٧ التَّوَّاضِعُ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا رَفْعَهُ فَتَوَاضَعُوا يَرْفَعِكُمُ اللَّهُ وَالْعَفْوُ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا فَاعْفُوا يَعِزَّكُمْ اللَّهُ وَ
الصَّدَقَةُ لَا يَزِيدُ الْمَالَ إِلَّا كَثْرَةً فَتَصَدَّقُوا يَرْحَمَكُمُ اللَّهُ.

تواضع مایه رفعت است تواضع کنیدا تا خدا شما را رفعت بخشد، بخشش مایه عزت است بخشش کنیدا تا خدا شما را عزیز سازد. صدقه موجب فزونی مال است صدقه بدهید تا خدا شما را رحمت آرد.

*** ما نَقَصَ مَالٌ مِنَ الصَّدَقَاتِ قَطُّ - إِنَّمَا الْخَيْرَاتُ نِعْمَ الْمُرْتَبِطُ (مولوی)**

Humility adds nothing to God's servants but dignity. Be humble, therefore, and God will grant you dignity. Forgiveness adds nothing to God's servants but glory. Forgive, therefore, and God will make you glorified. Charity causes increase in one's wealth. Give charity, therefore, and God will bestow (His) Mercy on you.

١٢٠٨ التَّوَدُّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ خَيْرٌ إِلَّا فِي عَمَلِ الْآخِرَةِ.

تأنی (=درنگ) در همه چیز نیک است جز در کار آخرت.

Slowness is good in everything save in performing deeds for the Hereafter.

١٢٠٩ التَّوَدُّةُ وَالْإِقْتِصَادُ وَالسَّمْتُ الْحَسَنُ جُزْءٌ مِنْ أَرْبَعَةٍ وَعِشْرِينَ جُزْءٍ مِنَ النَّبُوَّةِ.

تأنی و صرفه جوئی و نیکنامی یک جزء از بیست و چهار جزء پیغمبری است.

Slowness, economy and good fame comprise one of the twenty four parts of prophet-hood.

١٢١٠ التَّوْبَةُ النَّصُوحُ النَّدَمُ عَلَى الذَّنْبِ: حِينَ يَفْرُطُ مِنْكَ فَتَسْتَغْفِرُ اللَّهُ تَعَالَى ثُمَّ لَا تَعُودُ إِلَيْهِ أَبَدًا.

توبه نصوح و کامل پشیمانی از گناهست که وقتی که گناهی از تو سر زد از خدا آمرزش طلبی و دیگر هرگز مرتکب آن نشوی.

Complete repentance is repenting (one's) sins in the sense that when you commit a sin, you should ask for the Exalted God's forgiveness and never commit that sin again.

١٢١١ التَّوْبَةُ مِنَ الذَّنْبِ أَنْ لَا تَعُودَ إِلَيْهِ.

توبه گناه این است که دیگر مرتکب آن نشوی.

Repentance from a sin is to stop committing that sin again.



۱۲۱۲ ثلاث أحلف عليهنّ: لا يجعل الله تعالى من له سهم في الإسلام كمن لا سهم له و أسهم الإسلام ثلاثة: الصلاة و الصوم و الزكاة و لا يتولى الله عبدا في الدنيا فيؤتيه غيره يوم القيامة و لا يحبّ رجل قوما إلّا جعله الله معهم و الرأبعة لو حلفت عليها رجوت أن لا آثم، لا يستر الله عبدا في الدنيا إلّا ستره يوم القيامة.

سه چیز است که من در باره آن قسم می خورم، خداوند کسی را که در اسلام سهمی دارد مانند کسی که سهمی ندارد قرار نمی دهد، سهم های اسلام سه تا است، نماز و روزه و زکات وقتی خدا با بندهای دوستی کرد روز قیامت او را به دیگری وانمی گذارد و هر که گروهی را دوست دارد خدا ویرا با آنها محشور کند و چهارمین اگر در باره آن سوگند خورم امیدوارم گناه نباشد وقتی خدا کار بندهای را در دنیا مستور داشت در روز رستاخیز نیز مستور خواهد داشت.

For (the realization of) three things I (earnestly) swear: the Exalted God will not consider those who have a share in Islam of equal status with those who don't the shares in Islam being prayer, fasting and alms, He will not leave a servant on his own in the Hereafter after having offered him His friendship here, and He will offer him the otherworldly company of those whom he loves in this world. The fourth thing for which I can swear, and hope not to be sinful an oath is that when God keeps hidden a servant's doings here, He will (certainly) do so in the Hereafter.

۱۲۱۳ ثلاث أعلم أنّهنّ حق: ما عفا امرء عن مظلّمه إلّا زاده الله تعالى بها عزّا و ما فتح رجل على نفسه باب مسألة يبتغي بها كثرة إلّا زاده الله تعالى بها فقرا و ما فتح رجل على نفسه باب صدقة يبتغي بها وجه الله تعالى إلّا زاده الله كثرة.

سه چیز است که می دانم حق است هر که ستمی را که بر او رفته ببخشد خدایش عزت دهد و هر که از زیاده طلبی در سؤال بر خویش بگشاید خدا فقر او را افزون کند و هر که برضای خدا صدقه دهد خدا مالش را زیاد کند.

* ما نقص مال من الصدقات قط - إنما الخيرات نعم المرتبط (مولوی)

Three things I know will definitely come true: the Exalted God will add to the dignity of the one who connives at the oppressions having been brought on him, will expand the poverty of the one

who stretches his hand of need towards others out of excessive wishes, and will increase the wealth of the one who gives charity for the sake of God.

۱۲۱۵ ثلاث أقسم عليهن: ما نقص مال قط من صدقه فتصدقوا و لا عفا رجل عن مظلمه ظلمها إلا زاده الله تعالى بها عزاً فاعفوا يزدكم الله عزاً و لا فتح رجل على نفسه باب مسأله يسأل الناس إلا فتح الله عليه باب فقر.

سه چیز است که در باره آن قسم میخورم هیچ وقت مال از صدقه کاهش نگیرد پس صدقه بدهید و هیچ کس ستمی را که بر او رفته است نبخشد مگر آنکه خداوند عزت او را بیافزاید پس ببخشید تا خداوند عزت شما را بیفزاید و هیچ کس در سؤال را بر خود نکشاید و تن بسؤال ندهد مگر آنکه خداوند در فقر را بر او بگشاید.

**** ما نَقَصَ مَالٌ مِنَ الصَّدَقَاتِ قَطُّ - إِنَّمَا الْخَيْرَاتُ نِعْمَ الْمُرْتَبَطُ (مولوی)**

For the realization of three things I (easily) swear: charity will not cause a reduction in one's wealth (give charity, therefore), no one connives at the oppressions he has gone through, unless God expands his dignity (forgive, therefore, and God will further your dignity), and nobody stretches the hand of need toward others unless God opens the door of poverty on him.

۱۲۱۶ ثلاث أقسم عليهن: ما نقص مال عبد من صدقه و لا ظلم عبد مظلمه صبر عليها إلا زاده الله عز و جل عزاً و لا فتح عبد باب مسأله إلا فتح الله عليه باب فقر و أحدثكم حديثاً فاحفظوه: إنما الدنيا لأربعة نفر: عبد رزقه الله مالا و علما فهو يتقى فيه ربه و يصل فيه رحمه و يعلم لله فيه حقاً فهذا بأفضل المنازل. و عبد رزقه الله علماً و لم يرزقه مالا فهو صادق النية يقول: لو أن لي مالا لعملت بعمل فلان فهو بنيته فأجرهما سواء. و عبد رزقه الله مالا و لم يرزقه علماً يخبط في ماله بغير علم: لا يتقى فيه ربه و لا يصل فيه رحمه و لا يعلم لله فيه حقاً فهذا بأخبث المنازل. و عبد لم يرزقه الله مالا و لا علماً فهو يقول: لو أن لي مالا لعملت فيه بعمل فلان فهو بنيته فوزرهما سواء.

سه چیز است که من در باره آن سوگند می خورم مال کسی از صدقه دادن کاهش نپذیرد و کسی که ستمی بیند و بر آن صبر کند خدا عزت او را بیافزاید و هر کس دست به سؤال گشاید خداوند در فقر را بر او باز کند و سخنی با شما می گویم که آن را بخاطر بسپارید، مردم دنیا چهار گونه اند یکی خدا مال و دانش باو داده در مال داری جانب خدا را رعایت کند و خویشاوندان را دست گیرد و داند که خدا را در مال او حقی هست و او مقامی برجسته دارد یکی دیگر خداوند باو دانش داده و مال نداده نیتی صادق دارد گوید اگر مال داشتم مانند فلانی رفتار میکردم او پیرو نیت خویش است و پاداش آنها برابر است دیگری خداوند به او مال داده و دانش نداده در مال خود بدون دانش تصرف کند، جانب خدا را رعایت نکند و خویشاوندان را دست نگیرد و در مال خویش حقی برای خدا قائل نیست وی مقامی پست دارد و یکی دیگر خدا نه مال به او داده و نه دانش گوید اگر مالی داشتم مانند فلانی رفتار میکردم او پیرو نیت خویش است و گناهشان مساوی است.

**** ما نَقَصَ مَالٌ مِنَ الصَّدَقَاتِ قَطُّ - إِنَّمَا الْخَيْرَاتُ نَعِمَ الْمُرْتَبِطُ (مولوی)**

For the realization of three things I (earnestly) swear: charity causes no reduction in one's wealth, patience against injustice causes God, the Great and Powerful, to enhance one's dignity and begging makes God to open to the beggar the doors of poverty. And keep in mind what I tell you. There are four groups of people in the world. First, those gifted with knowledge and wealth, who fear their Lord in dispensing them, who give a hand to their kins and who know that God has a share in their possessions. This group has the highest status. The second group is those gifted with knowledge but not wealth, who are truthful of intention in saying, 'if we possessed wealth, we would practice what the wealthy do'. This group will gain the results of their own intentions and are equal in reward with the first one. The third group are those gifted with wealth but not knowledge, who make use of their wealth ignorantly, fear not their Lord in dispensing their wealth, give no hand to their kinsmen and observe no share for God in their possessions. This group has the lowest status. The fourth group is those on whom God has bestowed neither wealth nor knowledge, who keep on saying, 'If we possessed wealth, we would practice much the same as the wealthy'. This group too will pick the fruits of their own intentions and are equal in vice with their leaders.

۱۲۱۸ ثلاثة إذا رأيتنَّ فعند ذلك تقوم الساعة: خراب العمار و عمارة الخراب و أن يكون المعروف منكرا و المنكر معروفا و أن يتمرس الرجل بالأمانة تمرس البعير بالشجرة.

سه چیز است که وقتی رخ داد متعاقب آن رستاخیز به پا می شود: آن که آباد را ویران و ویران را آباد کنند و نیک بد و بدی نیک شود و شخص با امانت بازی کند چنان که شتر با درخت بازی می کند.

The Hour (Resurrection) is subsequent to the prevalence of three things: Constructions are ruined and ruins are settled in, good is considered as evil and evil as good, and trusts are played with just as trees are played with by camels.

۱۲۱۹ ثلاثة حقَّ على الله تعالى عونهم: المجاهد في سبيل الله و المكاتب الذي يريدا الأداء و النائح الذي يريد العفاف.

سه کسند که یاری آنها بر خدا لازم است آن که در راه خدا جهاد کند و بندهای که برای آزادی خود قرارداد بسته و میخواهد قیمت آن را بپردازد و کسی که بمنظور عفت زن میگیرد.

The Exalted God will definitely help three groups of people: strugglers in the way of God, slaves struggling for their freedom and men getting married to keep their chastity intact.

۱۲۲۰ ثلاثة في ظل العرش يوم القيامة يوم لا ظل إلا ظله: و اصل الرّحم يزيد الله في رزقه و يمدّ في أجله و امرأه مات زوجها و ترك عليها أيتاما صغارا و قالت: لا أنزّج على أيتامي حتّى يموتوا أو يغنيهم الله و عبد صنع طعاما فأضاف ضيفه و أحسن نفقته فدعا عليه اليتيم و المسكين فأطعمهم لوجه الله عزّ و جلّ.

سه کس روز رستاخیز هنگامی که سایه‌ای جز سایه عرش نیست در سایه آن جای دارند، کسی که با خویشان نیکی کند خداوند روزی او را زیاد و عمرش را دراز کند و زنی که شوهرش بمیرد و اطفال صغیری باقی گذارد و وی گوید من با وجود یتیمان خود شوهر نمیکنم تا بمیرند یا خداوند آنها را بی‌نیاز کند و کسی که غذائی فراهم آورد و بمهمان خود بخوراند و پذیرائی او را کامل کند سپس یتیم و فقیر را بر آن دعوت کند و آنها را برای رضای خدا غذا دهد.

On the Day of Judgment when there is no shelter, three groups of people will reside beneath God's shadow: those who are kind to their kin and are thus gifted with increased sustenance and long life, women whose husbands die, leaving them with little orphans, who avoid getting married to bring their children up to maturity or let them die, and those who prepare food to serve their guests in perfect hospitality, calling the poor and orphans to their table to feed them for the sake of the Great and Powerful God.

۱۲۲۱ ثلاثة قد حرّم الله عليهم الجنّة مدمن الخمر و العاقّ و الدیوث الذی یقرّ فی أهله الخبث.

سه کسند که خداوند بهشت را بر آنها حرام کرده است شرابخوار و آنکه پدر و مادر از او ناراضی باشند و دیوث که بی‌ناموسی را در خانواده خود ندیده گیرد.

Verily, God has forbidden three groups of people to be allowed to Paradise: drunkards, those with whom their parents are dissatisfied, and those who connive at their wives' unfaithfulness.

۱۲۲۲ ثلاثة لا تجاوز صلاتهم آذانهم: العبد الآبق حتّى یرجع و امرأه باتت و زوجها عليها ساخط و إمام قوم و هم لها کارهون.

سه کسند که نمازشان از گوش هاشان بالاتر نمی‌رود بنده فراری تا باز گردد و زنی که شب بخوابد و شوهرش بر او شدیداً ناراضی باشد و پیشوای قومی که آن قوم از او متنفر باشند.

The prayers of three groups of people will not move beyond their own ears (will not be accepted): escaped slaves unless they return home, women who pass a night with their husbands being angry with them, and leaders whose subjects detest them.

۱۲۲۳ ثلاثة لا تحرم عليك أعراضهم المجاهر بالفسق و الإمام الجائر و المبتدع.

سه کسند که آبرویشان محترم نیست: آنکه بفسق تجاهر کند و پیشوای ستمگر و بدعت گذار.

The honor of three groups of people is not to be observed: those who commit vice in public, tyrant leaders and heretics.

۱۲۲۴ ثلاثة لا تسئل عنهم: رجل فارق الجماعة و عصی إمامه و مات عاصيا و أمه أو عبد أبق من سيده فمات و امرأه غاب عنها زوجها و قد كفاها مؤنة الدنيا فتبرجت بعده فلا تسأل عنهم.

سه کسند که از آنها سخن مگوی: مردی که از جماعت دوری گرفته و پیشوای خود را نافرمانی کرده و بر نافرمانی در گذشته باشد، و کنیز یا بنده‌ای که از آقای خود گریخته و در حال گریز مرده باشد و زنی که شوهرش از او دور باشد و مخارج او را پردازد و او در غیبت شوهرش آرایش کند، از آنها سخن مگوی.

*دیو گرگ است و تو همچون یوسفی—دامن یعقوب مگذار ای صفی

گرگ اغلب آن گهی گیرا بود—کز ره شیشک به خود تنها رود (مولوی)

*آنکه سنت با جماعت ترک کرد—در چنین مسیح ز خون خویش خورد (مولوی)

Mention not (the names of) three persons: a man who has kept distance with people disobeyed his leader and died in that disobedience, a slave (man or woman) who has escaped from his master and died thereof, and a woman whose absent husband pays her expenses, but beautifies herself (for others) in his absence.

۱۲۲۵ ثلاثة لا يجيبهم ربك عزّ و جلّ رجل نزل بيتا خربا و رجل نزل على طريق السبيل و رجل أرسل دابته ثمّ جعل يدعو الله أن يحبسها.

سه کسند که خدا دعایشان را نمیپذیرد: مردی که در خانه ویران جای گیرد و مردی که کنار راه اقامت گزیند و مردیکه حیوان خود را رها کند و سپس دعا کند که خدا آن را نگهدارد.

Your Great and Powerful Lord will not grant the requests of three persons: a man who chooses a ruined place for living, a man who

resides along the roads, and a man who leaves his animal untied and asks God to keep it safe.

۱۲۲۶ ثلاثة لا يجزون النار: المنان و عاق والديه و مدمن الخمر.

سه کسند که میان آنها و جهنم حجابی نیست: منت گذار و عاق پدر و مادر و شرابخوار.

There is no barrier between Hell and three groups of people: those who impose obligation on others for favors, those with whom their parents are dissatisfied, and drunkards.

۱۲۲۷ ثلاثة لا يدخلون الجنة أبدا: الديوث و الرجل من النساء و مدمن الخمر.

سه کسند که هرگز داخل بهشت نمی شوند: دیوث و زنان مرد نما و شرابخوار.

Three groups of people will never be allowed to Paradise: men who connive at their wives' unfaithfulness, women who pretend to be men, and drunkards.

۱۲۲۸ ثلاثة لا يدخلون الجنة: العاق لوالديه و الديوث و رجله النساء.

سه کسند که داخل بهشت نمی شوند: عاق پدر و مادر و دیوث و زنان مرد نما.

Three groups of people will not be allowed to Paradise: those with whom their parents are dissatisfied, those who connive at their wives' disloyalty, and women who pretend to be men.

۱۲۲۹ ثلاثة لا يدخلون الجنة: مدمن الخمر و قاطع الرحم و مصدق بالسحر.

سه کسند که داخل بهشت نشوند شرابخوار و آنکه از خویشان ببرد و آنکه جادو را تصدیق کند.

Three groups of people will not be allowed to Paradise: drunkards, those who break the bonds of kinship, and those who approve of sorcery.

۱۲۳۰ ثلاثة لا يرده الله دعاءهم: الذاکر الله كثيرا و المظلوم و الإمام المقسط.

سه کسند که خدا دعایشان را رد نمی کند: آنکه فراوان یاد خدا کند و ستم دیده و پیشوای دادگر.

God will not reject the requests of three groups of people: those who remember God a lot, the oppressed and just leaders.

۱۲۳۱ ثلاثة لا يريحون رائحة الجنة: رجل ادعى إلى غير أبيه ورجل كذب على ورجل كذب على عينيه.

سه کسند که بوی بهشت بدانها نمیرسد: مردی که خود را بکسی جز پدرش نسبت دهد و مردی که بر من دروغ بندد و کسی که بر خلاف آنچه دیده است سخن گوید.

The fragrance of Paradise will not reach three groups of people: those who attribute themselves to other than their real fathers, those who tell lie about me, and those who belie what they have witnessed.

۱۲۳۲ ثلاثة لا يستخف بحقهم إلا منافق ذو الشبهة في الإسلام و ذو العلم و إمام مقسط.

سه کسند که هر که تحقیرشان کند منافق است: آن که مویش در اسلام سپید شده باشد و دانشمند و پیشوای دادگستر.

A hypocrite is the one who humiliates the learned, just leaders and those who have grown old in their struggles for the cause of Islam

۱۲۳۳ ثلاثة لا يقبل لهم صلاة و لا ترفع لهم إلى السماء حسنة العبد الأبى حتى يرجع إلى موالیه و المرأة الساخط عليها زوجها حتى يرضى و السكران حتى يصحو.

سه کسند که دعایشان پذیرفته نمیشود و کار نیکشان را با آسمان نمیرسد: بنده گریزان تا پیش صاحب خود باز گردد و زنی که شوهر از او شدیداً ناراضی باشد تا وی را خشنود کند و مست تا هنگامی که بهوش آید.

The prayers of three persons will not be accepted and their good deeds will not ascend the heavens: an escaped servant (slave) unless s(he) returns home, a woman whose husband is dissatisfied with her unless she makes him pleased, and a drunk man before coming to his senses.

۱۲۳۴ ثلاثة لا يقبل الله منهم يوم القيامة صرفا و لا عدلا: عاق و منان و مكذب بالقدر.

سه کسند که روز رستاخیز خداوند از آنها عوضی نمیپذیرد: عاق و منت گذار و کسی که تقدیر را تکذیب کند.

God will not accept the compensating deeds of three groups of people in the Day of Judgment: those with whom their parents are dissatisfied, those who impose obligations for doing favors to others, and those who belie predestination.

۱۲۳۵ ثلاثه لا يكلمهم الله يوم القيامة و لا ينظر إليهم: رجل حلف على سلعته لقد أعطى بها أكثر مما أعطى و هو كاذب و رجل حلف على يمين كاذبه ليقتطع بها مال رجل مسلم و رجل منع فضل مائه فيقول الله اليوم أمنعك فضلي كما منعت فضل ما لم تعمل يداك.

سه کسند که روز قیامت خداوند بآن‌ها سخن نگوید و بآنها ننگرد: مردی که به دروغ قسم خورد که جنس خود را بیشتر از قیمت واقعی خریده است و مردیکه قسم به دروغ خورد تا مال مسلمانی را تصرف کند و مردیکه آب زیادی خود را از کسان دریغ کند خداوند گوید اکنون گرم خود را از تو دریغ کنم چنان که تو نیز مازاد (=زیادی) چیزی را که دست تو در تهیه آن دخالت نداشت دریغ کردی.

God will not talk to and will not look at three persons in the Day of Judgment: a man who falsely swears to have bought something more expensive than its real price, a man who falsely swears in order to seize a Muslim's property, and a man who refuses to give his extra water to others. God will address such a man, saying: I spare you My grace today as you refused to donate the excess (in your wealth) for which you made no efforts.

۱۲۳۶ ثلاثه لا يكلمهم الله يوم القيامة و لهم عذاب أليم: شيخ زان و ملك كذاب و عائل متكبر.

سه کسند که خداوند روز رستاخیز با آنها سخن نمی‌گوید و عذابی دردناک دارند: پیر زنا کار و پادشاه دروغ‌گو و فقیر متکبر.

God will not talk to three groups of people in the Day of Judgment, and will make them suffer painful punishment: old adulterers, monarchs who tell lie, and the arrogant poor.

۱۲۳۷ ثلاثه لا ينتصفون من ثلاثه: حرّ من عبد و عالم من جاهل و قوی من ضعیف.

سه کس از سه کس انتقام نگیرند: آزاد از بنده و دانا از نادان و توانا از ناتوان.

Three persons will not avenge three others: a free man, a learned man and a powerful person in respect to a slave, an ignorant person and a weak man respectively.

۱۲۳۸ ثلاثه لا ينظر الله إليهم غدا: شيخ زان و رجل اتخذ الإيمان بضاعة يحلف من كل حقّ و باطل و فقير مختال يزهو.

سه کسند که روز رستاخیز خدا بسوی آنها نمینگردد: پیر زنا کار و مردی که قسم را سرمایه خود قرار داده در حق و باطل قسم میخورد و فقیر متکبر و مغرور.

God will not bestow His grace on three persons in the Day of Judgment: an old adulterer, a man whose only possession is swearing who swears for truth and falsehood alike and an arrogant poor person.

۱۲۳۹ ثلاثة لا ينظر الله إليهم يوم القيامة: العاق لوالديه و المرأة المترجلة المتشبهة بالرجال و الديوث.

سه کسند که خدا روز رستاخیز بسوی آنها نمینگرد: عاق والدين و زنی که مرد نما باشد و ديوت.

God will not bestow His grace on three groups of people in the Day of Judgment: those with whom their parents are dissatisfied, women who behave like men, and those who connive at their wives' unfaithfulness.

۱۲۴۰ ثلاثة لا ينظر الله إليهم يوم القيامة و لا يزكّهم و لهم عذاب أليم: أشمط زان و عائل مستكبر و رجل جعل الله بضاعته لا يشتري إلا بيمينه و لا يبيع إلا بيمينه.

سه کسند که در روز رستاخیز خدا بسوی آنها نمینگرد و پاکشان نمیکند و عذابی دردناک دارند: پير موی سپید زنا کار و فقير متکبر و مردی که خدا را سرمایه خود کرده چیزی نخرد مگر با قسم و چیزی نفروشد مگر با قسم.

God will not bestow His grace on three persons in the Day of Judgment, will not purify their souls and will make them suffer painful punishment: an old adulterer, an arrogant poor person, and a man whose only possession is God, buying and selling nothing save through swearing by Him.

۱۲۴۱ ثلاثة لا ينفع معهن عمل: الشّرك بالله و عقوق الوالدين و الفرار من الزّحف.

سه گناهست که با وجود آن هیچ کار نیکی سودمند نیست: شريك قرار دادن برای خدا و ناخشنودی پدر و مادر و فرار از جنگ.

No good deed is of any benefit if coupled with the following sins: taking a partner with God, displeasing one's parents and escaping from battlefield.

۱۲۴۲ ثلاثة من السّعادة و ثلاثة من الشّقاء فمن السّعادة: المرأة الصّالحة تراها فتعجبك و تغيب عنها فتأمنها على نفسها و مالك و الدّابة تكون و طيبة فتلحّتك بأصحابك و الدّار تكون واسعة كثيرة المرافق و من الشّقاء المرأة تراها فتسوءك و تحمل لسانها عليك و إن غبت عنها لم تأمنها على نفسها و مالك و الدّابة تكون قطوفا فإن ضربتها أنعبتك و إن تركتها لم تلحّتك بأصحابك و الدّار تكون ضيقة قليلة المرافق.

سه چیز است مایه خوشبختی است و سه چیز مایه بدبختی است آنچه مایه خوشبختی است: زن پارسائست که دیدارش ترا مسرور سازد و از او غایب شوی و ویرا بر عفت خویش و مال خود امین دانی و مرکب راهوار که ترا بمقصد رساند و خانه‌ای که وسیع باشد و جای فراوان داشته باشد، و سه چیز که مایه بدبختی است: زنی است که دیدارش ترا دلگیر سازد و با تو زبان درازی کند و اگر از او غایب شوی ویرا بر عفت خویش و مال خود امین ندانی و مرکب کند رفتار که اگر او را بزنی ترا برنج اندر آرد و اگر بحال خود گذاری ترا بمقصد نرساند و خانه کوچک که جای کم داشته باشد.

Three things bring you prosperity and three things, adversity: the former being: a pious wife whose presence makes you pleased and in whom you can trust as to her chastity as well as your property when you are absent from her, a swift animal which gives you a (quick) ride to join your companions, and a vast, spacious house; and the latter being: a wife whose presence makes you displeased, who extends her tongue at you and in whom you cannot trust as to her chastity as well as your property when you are absent from her, a slow animal which makes you suffer if you beat it and carries you not to your destination if you leave it on its own, and a small unspacious house.

۱۲۴۳ ثلاثه من قالهنّ دخل الجنّة: من رضی باللّٰه ربّاً و بالإسلام دیناً و بمحمّد رسولاً و الرّابعة لها من الفضل كما بین السّماء و الأرض و هی الجهاد فی سبیل اللّٰه عزّ و جلّ.

سه چیز است که هر که بگوید داخل بهشت می‌شود هر که خدا را پروردگار و اسلام را دین و محمد را پیغمبر خود داند و چهارمی فضیلتی بزرگ مانند زمین و آسمان دارد و آن جهاد در راه خداوند است.

Whoever is pleased that God is his Lord, Islam is his religion and Muhammad is the messenger (of God), and gives expression to these three, will be allowed to Paradise. The fourth to the above three is struggling in the way of the Great, Powerful God, which is as important as the heavens and the earth.

۱۲۴۴ ثلاثه من کنّ فیہ یستکمل ایمانه: رجل لا یخاف فی اللّٰه لومه لائم و لا یرائی بشیء من عمله و إذا عرض علیه أمران أحدهما للدنیا و الآخر للآخرة اختار أمر الآخرة علی الدنیا.

سه چیز است که در هر که باشد ایمان او کامل است: مردی که در کار خدا از ملامت‌گران بیم ندارد و در کار خویش ریا نمی‌کند و اگر دو کار پیش آید که یکی مربوط بدنیا و دیگری مربوط به آخرت است کار آخرت را بر دنیا ترجیح دهد.

Three things make of man a perfect being: fearing not the blame of blamers in Godly matters, refraining from dissimulation in his actions, and preferring eternal affairs to worldly ones when they co-occur.

۱۲۴۵ ثلاثه من مكارم الأخلاق عند الله: أن تعفو عن ظلمك و تعطي من حرمك و تصل من قطعك.

سه چیز است که در پیش خدا از فضائل اخلاق است: آنکه از ستم‌گر درگذری و کسی را که تو را محروم کرده است عطا دهی و با آنکه از تو بریده است پیوند گیری.

Whoever abides by the following three, will face the exalted God's easy reckoning and will be allowed to Paradise with God's Mercy: bestowing upon the one who has deprived him (of something), forgiving the one who has wronged him, and joining the one who has broken the bonds of kinship.

۱۲۴۶ ثلاثه مواطن لا تردّ فيها دعوة عبد: رجل يكون في بريّة حيث لا يراه أحد إلا الله فيقوم فيصلي و رجل يكون معه فئه فيفرّ عنه أصحابه فيثبت و رجل يقوم من آخر الليل.

سه مورد است که دعای کسی در آن رد نمیشود: یکی آن که مردی در بیابانی باشد که جز خدا کسی او را نمی‌بیند و برخیزد و نماز گزارد دیگر آنکه مردی با گروهی در جنگ باشد و یاران وی بگریزند و او استوار ماند و سوم آن که مرد در آخر شب برای عبادت برخیزد (نماز نافله).

Man's request will not be rejected in three places: in a desert where nobody but God witnesses him standing to prayer, in war where all his companions escape but he stands steadfast, and at midnight when he rises up to pray (extra prayers to God).

۱۲۴۷ ثلاثه نفر كان لأحدهم عشرة دنائير فتصدّق منها بدینار و كان لآخر عشر أواق فتصدّق منها بأوقية و آخر كان له مائة أوقية فتصدّق منها بعشر أواق هم في الأجر سواء كلّ تصدّق بعشر ماله.

سه نفر بودند یکی ده دینار داشت و یک دینار صدقه داد و دیگری ده اوقیه طلا داشت و یک اوقیه صدقه داده و سومی صد اوقیه طلا داشت و ده اوقیه صدقه داد همه در ثواب برابرند زیرا هر کدام ده یک مال خود را صدقه داده‌اند.

***اوقیه: معیار وزنی طلا، برابر یک ششم اقه، قبلاً برابر ۴۰ درهم بود و بعداً برابر ۶۰ درهم شد و در اصطلاح زرگران برابر ۱۲ درهم است.**

Three persons gave charity in the following way and were equal as far as (heavenly) reward is concerned, for each of them paid one tenth of his property indeed: one diner out of ten Dinars, one Ukiah (equal to dirhams) out of ten Uqiahs, and ten gold Uqiahs out of hundred gold Uqiahs.

****Ukiah: Wight to measure gold, one sixth Ukeh, once it was 40 dirham, then became 60 dirham in goldsmith terms is equal to 12 dirham.**

۱۲۴۸ ثلاثة هم حدّات الله يوم القيامة: رجل لم يمّش بين اثنين بمراء قطّ و رجل لم يحدث نفسه بزنا قطّ و رجل لم يخلط كسبه برّيا قطّ.

سه کسند که روز قیامت هم صحبت خدایند: کسی که میان دو تن سخن چینی نکند و کسی که هیچ وقت بفکر زنا نیفتاده باشد و کسی که کسب خود را بر با نیامیخته باشد.

Three people will converse with God in the Day of Judgment: he who refrains from tale bearing, he who never thinks of adultery, and he who does not allow usury in his job.

۱۲۴۹ ثلاثة يتحدّون في ظلّ العرش آمينين و الناس في الحساب: رجل لم تأخذه في الله لومة لائم و رجل لم يمدّ يديه إلى ما لا يحلّ له و رجل لم ينظر إلى ما حرّم الله عليه.

سه کسند که در سایه عرش آسوده گفتگو میکنند و مردم گرفتار حسابند: آنکه در راه خدا از ملامتگران باک ندارد و آنکه دستهای خود را بآنچه بر او حلال نیست دراز نکند و کسی که بآنچه خدا بر او حرام کرده ننگرد.

****کفت روبه، جستن رزق حلال—فرض باشد از برای امتثال (مولوی)**

****طبل خواری در میانه شرط نیست—راه سنت کار و مکسب کردنی ست (مولوی)**

****هین، توکل کن، ملرزان پا و دست—رزق تو بر تو ز تو عاشق تر است (مولوی)**

Three groups of people will converse with each other in safety under the shade of the Divine Throne, while others are being called to account: Those who do not fear the blame of blamers in Godly matters, those who do not extend their hands towards the unlawful, and those who control their eyesight not to look at what God has made unlawful for them.

۱۲۵۰ ثلاثة يحبهم الله عزّ و جلّ: رجل قام من اللّيل يتلوا كتاب الله و رجل تصدّق صدقةً بيمينه يخفيها من شماله و رجل كان في سرية فانهزم أصحابه فاستقبل العدو.

سه کسند که خدا آنها را دوست میدارد کسی که شب برخیزد و کتاب خدا را بخواند و کسی که با دست راست خود صدقه دهد و آن را از دست چپ خود مخفی دارد و کسی که با گروهی بجنگ رود و یارانش بگریزند و او بسوی دشمن رود.

The Great and Powerful God loves three groups of people: Those who rise (from sleep) at night to recite God's Book, those who settle people's demands with charity hidden even from their own hands, and those who stand against enemy in battle while their friends manage to flee.

۱۲۵۱ ثَلَاثَةٌ يُحِبُّهُمُ اللَّهُ وَ ثَلَاثَةٌ يَبْغِضُهُمُ اللَّهُ فَأَمَّا الَّذِينَ يُحِبُّهُمُ اللَّهُ: فَرَجُلٌ أَتَى قَوْمًا فَسَأَلَهُمُ بِاللَّهِ وَ لَمْ يَسْأَلْهُمْ لِقَرَابَةٍ بَيْنَهُ وَ بَيْنَهُمْ فَمَنْعُوهُ فَتَخَلَّفَ رَجُلٌ بِأَعْقَابِهِمْ فَأَعْطَاهُ سِرًّا لَا يَعْلَمُ بِعَطِيَّتِهِ إِلَّا اللَّهُ وَ الَّذِي أَعْطَاهُ وَ قَوْمٌ سَارُوا لَيْلَتِهِمْ حَتَّى إِذَا كَانَ النَّوْمُ أَحَبَّ إِلَيْهِمْ مِمَّا يَعْدُلُ بِهِ فَوَضَعُوا رُؤُسَهُمْ فَقَامَ أَحَدُهُمْ يَصَلِّي وَ يَتْلُو آيَاتِ اللَّهِ وَ رَجُلٌ كَانَ فِي سَرِيَّةٍ فَلَقِيَ الْعَدُوَّ فَهَزَمُوا فَأَقْبَلَ بِصَدْرِهِ حَتَّى يَقْتُلَ أَوْ يَفْتَحَ لَهُ وَ الثَّلَاثَةُ الَّذِينَ يَبْغِضُهُمُ اللَّهُ: الشَّيْخُ الزَّانِي وَ الْفَقِيرُ الْمُخْتَالُ وَ الْغَنِيُّ الظَّالِمُ.

سه کسند که خدا آنها را دوست دارد و سه کسند که خدا آنها را دشمن دارد، آنها که خدایشان دوست دارد: یکی آن کسی که مردی پیش گروهی آید و بنام خدا از آنها چیزی خواهد نه بنام خویشاوندی که میان آنهاست و چیز باو ندهند و او از آنها کناره گیرد و محرمانه باو چیزی دهد که جز او و خدا از آن خبردار نشود دیگر کسی که با قومی شبانه راه سپارد و وقتی خواب از همه چیز برای آنها دلچسبتر باشد سرهای خود را بزمین گذارند وی برخیزد و نماز گزارد و قرآن بخواند، سوم مردی که با گروهی بجنگ رود و با دشمن روبرو شوند یارانش بگریزند و او سینه در مقابل دشمن سپر کند تا کشته شود یا فیروز گردد و سه کسی که خدایشان دشمن دارد: پیر زنا کار است و فقیر متکبر و ثروتمند ستمگر.

Three persons are beloved of God and three persons are hated by Him. The former are those who secretly help a man whose request (for the sake of God, not kinship) to a group of people is rejected, who stand up to prayer and recitation of the Quran in the dark of night when their companions in trip lie their heads on earth to enjoy their most favorite sleep, and who stand against enemy in war to kill or to be killed, while their friends manage to escape. The latter are the adulterous old, the arrogant poor and the cruel rich.

۱۲۵۲ ثَلَاثَةٌ يُحِبُّهُمُ اللَّهُ وَ ثَلَاثَةٌ يَسْنُوهُمُ اللَّهُ: الرَّجُلُ يَلْقَى الْعَدُوَّ فِي فِتْنَةٍ وَ يَنْصِبُ لَهُمْ نَحْرَهُ حَتَّى يَقْتُلَ أَوْ يَفْتَحَ لِأَصْحَابِهِ وَ الْقَوْمُ يَسْفِرُونَ فَيَطُولُ سِرَاهُمْ حَتَّى يُحِبُّوا أَنْ يَمْسُوا الْأَرْضَ فَيَنْزِلُونَ فَيَتَخَلَّى أَحَدُهُمْ فَيَصَلِّي حَتَّى يَوْقِظَهُمْ لِرَحِيلِهِمْ وَ الرَّجُلُ يَكُونُ لَهُ الْجَارُ يُؤَدِّيهِ جَارَهُ فَيَصْبِرُ عَلَى أَذَاهُ حَتَّى يَفْرَقَ بَيْنَهُمَا مَوْتٌ أَوْ ظَعْنٌ وَ الَّذِينَ يَسْنُوهُمُ اللَّهُ: التَّاجِرُ الْحَلَّافُ وَ الْفَقِيرُ الْمُخْتَالُ وَ الْبَخِيلُ الْمَنَّانُ.

سه کسند که خدا دوستشان دارد، و سه کسند که خدا دشمنشان دارد: یکی مردی که هم راه گروهی با دشمن روبرو شود و سینه مقابل آنها سپر کند تا کشته شود یا یاران خود را فیروز سازد دیگر آنکه با گروهی سفر کند و پیاده راه سپرند تا خوابشان گیرد و فرود آیند و او از یاران خود کناره گیرد و نماز خواند تا هنگام رحیل آنها را بیدار کند سوم مردی که همسایه‌اش او را آزار میکند و آزار وی را تحمل کند تا مرگ یا سفر میانشان جدائی اندازد و آنها که خداوند دشمنشان دارد: ناجر قسم خوار و فقیر متکبر و بخیل منت گذار است.

Three persons are loved by God, and three persons are hated by Him. The former are those who stand against an enemy to the point of death or victory for their friends, who walk on foot on a trip in the company of a group of people and at night, when they go to sleep, stand up to prayer till morning to wake them up for departure, and who tolerate their neighbors' annoyance to the time when death or trip set them apart. The latter are: The traders who swear a lot, the arrogant poor and the misers who impose obligations on others due to doing favors.

۱۲۵۳ ثلاثه يدعون الله عزّ وجلّ فلا يستجاب لهم، رجل كانت تحته امرأة سيّئة الخلق فلم يطلقها و رجل كان له على رجل مال فلم يشهد عليه و رجل آتى سفيها ماله و قد قال الله تعالى و لا تؤتوا السفهاء أموالكم.

سه کسند که دعا کنند و دعایشان اجابت نشود: کسی که زن بد اخلاق دارد و او را طلاق ندهد و کسی که مالی پیش کسی دارد و شاهد بر آن نگیرد و کسی که مال خود را به سفيهي سپارد در صورتی که خداوند گفته است اموال خود را بدست سفيهان مسپاريد (سوره ۴ النساء آیه ۵).

Three people pray to the Great and Powerful God, but their prayers are not granted: a man who has a bad tempered wife and divorces her not, a man who entrusts his property to someone without calling somebody to witness, and a man who entrusts his wealth to feeble-minded persons; and indeed, the Almighty God has said, "Do not give feeble-minded your property (Sura 4 Women-Aya 5)."

۱۲۵۴ ثلاث جدّهن جدّ و هزلهن جدّ: النّكاح و الطّلاق و الرّجعة.

سه چیز است که جدی آن جدیست و شوخی آن نیز جدی است: نکاح و طلاق و رجوع.

Being serious or making joke about three affairs do not reduce their serious nature: marriage, divorce, and returning to marriage (after) divorce.

۱۲۵۵ ثلاث حقّ على الله أن لا يردّ لهم دعوة: الصائم حتى يفطر و المظلوم حتى ينتصر و المسافر حتى يرجع.

سه نفر هستند که بر خدا لازم است دعایشان را رد نکند: روزه دار تا افطار کند و ستم‌دیده تا ستم از او دفع شود و مسافر تا بوطن خود باز گردد.

Three people have a claim on God to grant their prayers: a fast person till he breaks his fast, an oppressed person till he gains victory and a traveler till he returns home.

۱۲۵۶ ثلاث حقّ علی کلّ مسلم: الغسل یوم الجمعة و السّواک و الطّیب.

سه چیز است که بر هر مسلمانی لازمست: غسل جمعه و مسواک زدن و استعمال بوی خوش.

Three things are necessary for every Muslim: Friday ritual bathing, brushing one's teeth and applying odors.

۱۲۵۷ ثلاث خصال من سعادة المرء المسلم فی الدنّیا: الجار الصّالح و المسکن الواسع و المركب الهنیّ.

سه چیز در این جهان مایه سعادت مرد مسلمانست: همسایه خوب و خانه وسیع و مرکب خوش رفتار.

Three things bring happiness to a Muslim in this world: a pious neighbor, a vast house and a tamed horse.

۱۲۵۸ ثلاث خلال من لم تکن فیہ واحده منهنّ کان الکلّب خیرا منه: ورع یحجزه عن محارم اللّٰه عزّ و جلّ أو حلم یردّ به جهل جاهل أو حسن خلق یرعش به فی النّاس.

سه صفت است که هر که یکی از آنها در او نیست سگ بر او شرف دارد: تقوائی که وی را از محرمات خدا مانع شود، یا حلمی (=خویشتنداری) که بوسیله آن جهالت جاهلی را دفع نماید یا اخلاق نیکی که به وسیله آن با مردم زندگی کند.

Whoever is bereft of any of the following three features is meaner than a dog: piety to stop indulging in heavenly unlawful acts, forbearance to ward off people's ignorance, and good temperedness by which to deal with people.

۱۲۵۹ ثلاث دعوات مستجابات لا شکّ فیهنّ دعوة المظلوم و دعوة المسافر و دعوة الوالد علی ولده.

سه دعا بدون شک مستجاب می‌شود: دعای ستم‌دیده، دعای مسافر و دعای پدر در حق فرزند.

The prayers of the oppressed, travelers and fathers (for their children) will without doubt be granted by God.

۱۲۶۰ ثلاث فيهن البركة: البيع إلى أجل و المقارضة و إخلاط البر بالشعير للبيت لا للبيع.

سه چیز مایه برکت است: فروش نسیه و قرض بیکدیگر دادن و آمیختن گندم بجو برای مصرف نه برای فروش.

Three things bring about blessings: time selling, lending money and mixing wheat with barley for consumption, not for bargain.

۱۲۶۱ ثلاث لا تؤخر و هن الصلاة إذا أتت و الجنزة إذا حضرت و الأيم إذا وجدت كفوا.

سه چیز را نباید تأخیر انداخت: نماز همین که وقت آن رسید و بر داشتن جنازه وقتی آماده شد و شوهر دادن زن (بیوه/دوشیزه) وقتی همسانی یافت.

Delay in three things is not allowed: setting prayers in due time, carrying a dead body (for burial) as soon as possible, and marrying a woman(widow or not) to someone equal in status with her.

۱۲۶۲ ثلاث لازمات لامتی: سوء الظن و الحسد و الطيرة فإذا ظننت فلا تحقق و إذا حسدت فاستغفر الله و إذا تطيرت فامض.

سه چیز همراه امت من است: بدگمانی و حسد و طیره (=فال بد زدن) وقتی گمان بد بردی گمان خود را محقق بدان و وقتی احساس حسد کردی از خدا آمرزش بخواه و وقتی طیره (=فال بد) زدی بدان ترتیب اثر مده و به راهی که در پیش داری برو.

Three things are inherent in my people: suspicion, jealousy and bad prediction. When suspicion came unto you, do not consider it true; when jealousy picks, from God forgiveness seek; and when you predicted something bad, disregard it and proceed in your passage.

۱۲۶۳ ثلاث لا يجوز اللعب فيهن: الطلاق و النكاح و العتق.

سه چیز است که شوخی در آن روا نیست: طلاق و نکاح و آزاد کردن بنده.

Joking is not allowed in the following three: divorce, marriage, and emancipation of slaves.

۱۲۶۴ ثلاث ليس لأحد الناس فيه رخصة: برّ الوالدين مسلما كان أو كافرا و الوفاء بالعهد لمسلم أو كافر و الأمانة إلى مسلم كان أو كافر.

سه چیز است که هیچ کس به ترک آن مجاز نیست: نیکی با پدر و مادر مسلمان باشند یا کافر وفای بعهده برای مسلمان یا کافر و رد امانت مسلمان یا کافر.

Nobody is allowed to abandon the following three: kindness to parents, being them Muslims or non-Muslims, keeping one's promise for Muslims and non-Muslims, and returning Muslims' and non-Muslims deposits.

۱۲۶۵ ثلاث معلقات بالعرش: الرَّحْمَ تَقُول: «اللَّهِمَّ إِنِّي بَكَ فَلَ أَقْطَع» و الأمانه تَقُول: «اللَّهِمَّ إِنِّي بَكَ فَلَ أَخْتَان» و النعمه تَقُول: «اللَّهِمَّ إِنِّي بَكَ فَلَ أَكْفِر».

سه چیز بعرش آویخته است: خویشاوندی گوید «خدایا من بتو وابسته‌ام مرا نبرند» و امانت گوید:

خدایا من بتو وابسته‌ام در من خیانت نکنند» و نعمت گوید: «خدایا من بتو وابسته‌ام مرا کُفران نکنند».

Three things are hung up from the divine Throne: kinship which says, "O God! I am dependent on you, let me not be disconnected.", trusteeship which says, "O God! I am dependent on you; let me not be violated.", and blessing which says: "O God! I am dependent on you, let me not be subjected to ungratefulness."

۱۲۶۶ ثلاث من أبواب البر: سخاء النفس و طيب الكلام و الصبر على الأذى.

سه چیز از لوازم نیکوکاریست: جانبازی و نیکی گفتار و صبر بر آزار.

Kindness requires the following three: self-sacrifice, using good words, and tolerating (others') bothering.

۱۲۶۷ ثلاث من أخلاق الإيمان: من إذا غضب لم يدخله غضبه في باطل و من إذا رضى لم يخرجه رضاءه من حق و من إذا قدر لم يتعاط ما ليس له.

سه چیز از لوازم ایمان است: آنکه وقتی خشمگین شد خشمش وی را بکار ناحق و اندارد و آنکه وقتی راضی شد رضایش او را از حق دور نسازد و آنکه وقتی قدرت داشت بدان چه حق ندارد دست نبرد.

Faith requires the following three: To avoid doing wrong in anger, to refrain from keeping distance with truth in satisfaction, and to stop seizing others' property in power.

۱۲۶۸ ثلاث من الإيمان: الإنفاق من الإقتار و بذل السلام للعالم و الإنصاف من نفسك.

سه چیز از لوازم ایمان است: بخشش بهنگام تنگدستی و سلام به دانشمند و رعایت انصاف بر خویش (حتی بر ضرر خویش در صورت لزوم).

Faith requires the following three: being generous in poverty, greeting the learned, and being just (even against oneself).

۱۲۶۹ ثلاث من أوتيهنَّ فقد أوتي مثل ما أوتي آل داود: العدل في الغضب والرضا والقصد في الفقر والغنى و خشية الله تعالى في السرِّ والعلاية.

سه چیز است که هر که داشته باشد همان دارد که خانواده داود داشتند: عدالت هنگام خشم و رضا و اعتدال در فقر و توانگری و ترس از خدا در آشکار و نهان.

Whoever has the following three, owns what was granted to David: being just in anger and pleasure, being satisfied and moderate in poverty and affluence (respectively), and fearing the Exalted God in public and privacy.

۱۲۷۰ ثلاث منجيات: تكف لسانك و تبكي على خطيئتك و يسعك بيتك.

سه چیز مایه نجات است: زبان خود را نگهداری بر گناه خویش گریه کنی و در خانه خویش مقام گیری.

Three things lead to prosperity: controlling one's tongue, shedding tears for one's sins, and being good tempered at home.

۱۲۷۱ ثلاث من حقائق الإيمان: الإنفاق من الإقتار و إنصافك الناس من نفسك و بذل العلم للمتعلّم.

سه چیز از حقایق ایمانست بخشش با تنگدستی و رعایت انصاف در باره مردم بر ضرر خویش و بذل علم برای دانش آموز.

Three things originate from true faith: generosity in poverty, observance of justice (even if it brings you loss), and sacrifice in teaching for (the sake of) learners.

۱۲۷۲ ثلاث من فعلهنَّ ثقة بالله و احتسابا كان حقاً على الله تعالى أن يعينه و أن يبارك له:

من سعی فی فکاک رقبته ثقة بالله و احتسابا كان حقاً على الله تعالى أن يعينه و أن يبارك له و من تزوج ثقة بالله و احتسابا كان حقاً على الله أن يعينه و أن يبارك له و من أحيا أرضاً مينة ثقة بالله و احتسابا كان حقاً على الله تعالى أن يعينه و أن يبارك له.

سه کار است که هر کس با اعتماد خدا و بانتظار ثواب کند بر خدا لازمست که وی را یاری کند و او را برکت دهد: هر کس در آزاد ساختن خود با اعتماد خدا و به امید ثواب بکوشد بر خدا لازم است که وی را یاری کند و او را برکت دهد و هر که با اعتماد خدا و به امید ثواب ازدواج کند بر خدا لازم است که وی را یاری کند و او را برکت دهد و هر که اعتماد بخدا و به امید ثواب زمین بایری را آباد کند بر خدا لازم است که ویرا یاری کند و او را برکت دهد.

God has made it incumbent on Himself to help and bestow blessing on the one who does the following three while relying on Him and hoping for His reward: trying to free oneself from slavery, marrying, and cultivating barren lands.

۱۲۷۳ ثلاث من فعلهنّ فقد أجرم: من عقد لواء فی غیر حقّ أو عقّ والدیه أو مشی مع ظالم لینصره.

سه کار است که هر کس بکند از خدا بریده است: هر کس پرچمی جز در راه حق برافرازد، یا با پدر و مادر بدی کند، یا با ستمگری راه سپرد تا او را یاری کند.

Whoever performs the following three, a wrongdoer discarded from God will turn out to be: hoisting the banner of falsehood, subjecting oneself to his (her) parents' curse, and accompanying a tyrant with the intention to assist him.

۱۲۷۴ ثلاث من کنّ فیہ آواه اللّهُ فی کفّهِ و نشر علیه رحمته و أدخله جنته: من إذا أعطی شکرَ و إذا قدرَ غفَرَ و إذا غضِبَ فترَ.

سه چیز است که در هر که باشد خداوند او را در پناه خود جای دهد و رحمت خویش را بر او بگستراند و داخل بهشت کند: آنکه وقتی عطا بیند شکر گزارد و وقتی قدرت دارد عفو کند و وقتی بخشم آید سستی پیشه نماید.

Whoever abides by the following three, will receive vast heavenly support and merry, and will be allowed to Paradise: thanking God when bestowed with blessings, forgiving (people) when in power, and slowness in action when crossed.

۱۲۷۵ ثلاث من کنّ فیہ استکمل خصال الإیمان: الذی إذا رضی لم یدخله رضاه فی باطل و إذا غضب لم یخرجه الغضب من الحقّ و إذا قدر لم یتعاط ما لیس له.

سه چیز است که در هر که باشد صفات ایمان در او کامل است: آنکه وقتی خشنود شد بباطل نگراید و وقتی خشمگین شد از حق تجاوز نکند و وقتی قدرت یافت بمال مردمان دست نبرد.

Whoever abides by the following three, will be perfected in attributes of faith: refraining from wrong when pleased, deviating from truth when crossed, avoiding to seize others' property when in power.

۱۲۷۶ ثلاث من كن فيه استوجب الثواب و استكمل الايمان: خلق يعيش به في الناس و ورع يحجزه عن محارم الله تعالى و حلم يردّه عن جهل الجاهل.

سه چیز است که در هر که باشد سزاوار ثواب است و ایمانش کامل است: اخلاقی که بوسیله آن با مردم زندگی کند و تقوائی که وی را از محرمات خدا دور سازد و حلمی (=خویشتنداری) که او را از جهالت با جاهل برکنار دارد.

Whoever abides by the following three, perfected in faith and competent for heavenly reward will turn out to be: good manner by which to get along with people, piety by which to keep away from heavenly forbidden deeds, and forbearance by which to ward off the ignorance of the ignorant.

۱-۱۲۷۷ ثلاث من كن فيه أظله الله تحت ظلّ عرشه يوم لا ظلّ إلّا ظله: الوضوء على المكاره و المشي إلى المساجد في الظلم و إطعام الجائع.

سه چیز است که در هر که باشد خداوند وی را روزی که سایه‌ای جز سایه خدا نیست در سایه عرش جای دهد: وضو گرفتن با زحمت و راه مسجد سپردن در تاریکی و سیر کردن گرسنه.

Whoever abides by the following three, will be kept under the shade of Divine Throne the day when no shade but God's will prevail: making ablutions in trouble, walking towards mosque in darkness, and feeding the hungry.

۲-۱۲۷۷ ثلاث من كن فيه حاسبه الله تعالى حسابا يسيرا و أدخله الجنة برحمته: تعطي من حرمك و تغفو عمن ظلمك و تصل من قطعك.

سه چیز است که در هر که باشد خدا حساب را بر او آسان گیرد و ویرا باقتضای رحمت خود ببهشت در آورد: عطا بآن کس که ترا محروم کرده است و عفو آن کس که بر تو ستم روا داشته است و ببوند با آن کس که از تو بریده است.

Whoever abides by the following three, will face the exalted God's easy reckoning and will be allowed to Paradise with God's Mercy: bestowing upon the one who has deprived him (of something),

forgiving the one who has wronged him, and joining the one who has broken the bonds of kinship.

۱۲۷۸ ثلاث من كن فيه فإن الله تعالى يغفر له ما سوى ذلك:

من مات لا يشرك بالله شيئا و لم يكن ساحرا يتبع السحرة و لم يحقد على أخيه:.

سه چیز است که در هر که باشد خداوند همه گناهان او را می بخشد: هر که بمیرد و شریکی برای خدا قرار ندهد و جادوگر نباشد و جادوگران را پیروی نکند و نسبت به برادر خویش کینه نرزد.

Whoever abides by the following three (before death), will be pardoned by the Exalted God for all his (her) sins: taking no partner with God, refraining from sorcery and following sorcerers, and harboring no grudges against brothers (in faith).

۱۲۷۹ ثلاث من كن فيه فهو من الأبدال: الرضا بالقضا و الصبر عن محارم الله و الغضب في ذات الله عز و جلّ.

سه چیز است که در هر که باشد از نیکانست: رضا بقضا و صرف نظر از محرمات خدا و خشمگین شدن در راه خدا.

Whoever abides by the following three, among the good ones will be: being satisfied with one's destiny, abstaining from heavenly unlawful deeds, and becoming angry for the sake of the Great and Powerful God.

۱۲۸۰ ثلاث من كن فيه فهو منافق و إن صام و صلى و حجّ و اعتمر و " قال: «إني مسلم» " من: إذا حدّث كذب و إذا وعد أخلف و إذا اتّمن خان.

سه چیز است که در هر که هست منافقست اگر چه روزه دارد و نماز گزارد و حج و عمره کند و گوید من مسلمانم، آنکه: وقتی سخن گوید دروغ گوید و وقتی وعده کند تخلف ورزد و وقتی امانت گیرد خیانت کند.

Three things show one's hypocrisy though one might set prayer, keep fast, and make minor or major pilgrimages to Mecca: telling lie, breaking promises and being treacherous to trusts.

۱۲۸۱ ثلاث من كن فيه فهي راجعة على صاحبها: البغي و المكر و النكث.

سه چیز است که در هر که باشد بصاحب خود باز میگردد: ستم و مکر و پیمان شکنی.

****ای که تو از ظلم چاهی می کنی—از برای خویش دامی می تنی (کنی) (مولوی)**

****بهر مظلومان همی کنند چاه—در چه افتادند و می گفتند آه (مولوی)**

****این ندانی گز بی من چه کنی—هم در آن چه عاقبت خویش افکنی**

مَنْ حَفَرَ بئْرًا نَخَوَانِدِي از خَبْر—آنچه خواندی، کن عمل جان پدر (مولوی)

****چاه ها کنده برای دیگران—خویش را دیده فتاده اندران (مولوی)**

**Three things will finally come back to their holders (doers):
oppression, deceit and breach of promises.**

۱۲۸۲ ثلاث من كن فيه نشر الله تعالى عليه كنفه و ادخله جنته: رفق بالضعيف و شفقة على الوالدين و الإحسان إلى المملوك.

سه چیز است که در هر که باشد خداوند وی را پناه دهد و بهشت برد: مدارا با ناتوان و مهربانی با پدر و مادر و نیکی با زیر دست.

The Exalted God shelters anyone who does the following three, and lets him (her) to Paradise: being moderate towards the poor, being kind to parents and being kind to subordinates.

۱۲۸۳ ثلاث من كن فيه وجد حلاوة الإيمان: أن يكون الله و رسوله أحب إليه مما سواهما و أن يحب المرء لا يحبه إلا لله و أن يكره أن يعود في الكفر بعد إذ أنقذه الله منه كما يكره أن يلقى في النار.

سه چیز است که در هر که هست شیرینی ایمان را چشیده است: آنکه خدا و پیغمبرش را از همه دوست تر بدارد دیگر آنکه کسی را برای خدا دوست دارد سوم آنکه پس از آنکه خدا او را از کفر نجات داد از باز گشت بدان بیزار است چنان که افتادن در آتش را دوست ندارد.

Whoever practices the following three, will taste the sweetness of faith: loving God and His prophet more than any other one, loving people just for the sake of God, and detesting blasphemy, after having been saved from it by God, just as one detests falling into fire.

۱۲۸۴ ثلاث من كن فيه وقى شح نفسه: من أدّى الزكاة و قرى الضيف و أعطى في النأبة.

سه چیز است که در هر که هست از بخل بر کنار است: آنکه زکات می دهد و مهمان می برد و در سختی بخشش میکند.

Whoever observes the following three, is away from misery: giving alms, inviting guests, and being generous at hard times.

۱۲۸۵ ثلاث من كنوز البرّ: إخفاء الصدقة و كتمان المصيبة و كتمان الشكوى يقول الله: إذا ابتليت عبدي فصبر و لم يشكني إلى عواده أبدلته لحما خيرا من لحمه و دما خيرا من دمه فإن أبرأته أبرأته و لا ذنب له و إن توفيته فإلى رحمتي.

سه چیز از گنجینه‌های نیکی است: مخفی ساختن صدقه و پنهان داشتن مصیبت و مستور ساختن شکایت، خداوند گوید: وقتی بنده خود را مبتلا ساختم و صبر کرد و با عیادت‌کنندگان خود از من شکایت نکرد گوشتی بهتر از گوشت او و خونی بهتر از خون وی بدو میدهم اگر او را شفا دادم همه گناهانش محو شده است و اگر جانش را گرفتم او را مشمول رحمت خود کرده‌ام.

Three things are among the treasures of goodness: giving alms hidden, concealing calamity, and hesitating to complain (of me). God says: "When I make My servant suffer a disease, and he keeps patient, refusing to complain about me before his visitors, I will offer him flesh and blood better than his own. Thus, should I restore him to life, he will be freed from all his sins, and should I take back his soul, he will be led to My Mercy."

۱۲۸۶ ثلاث من كنوز البرّ: كتمان الأوجاع و البلوى و المصيبات و من بثّ لم يصبر.

سه چیز از گنجینه‌های نیکی است: نهان داشتن دردها و گرفتاری‌ها و مصیبت‌ها؛ هر که مصیبت خود را آشکار سازد بر آن صبر نتواند کرد.

Three things are among the treasures of goodness: hiding pains, calamities and diseases. He who publicizes his calamity, patient can never be.

۱۲۸۷ ثلاث من لم يكن فيه لم يتم عمله و رع يحجزه عن معاصي الله و خلق يدارى به الناس و حلم يردّ به جهل الجهال.

سه چیز است که در هر که نیست کارش سرانجام نگیرد: تقوائی که ویرا از گناه باز دارد و اخلاقی که با مردم مدارا کند و حلمی (=خویشنداری) که با آن سبکی سبکسران دفع کند.

Whoever is devoid of the following three, imperfect his deeds will be: piety to keep him away from disobeying the Lord, good-mannered ness through which with people to accord and forbearance by which to repel fools' ignorance.

۱۲۸۸ ثلاث من مكارم الأخلاق في الدنيا والآخرة أن تعفو عمن ظلمك و تصل من قطعك و تحلم عمن جهل عليك.

سه چیز در جهان از فضائل اخلاق است: از ستمگر درگذری، و با کسی که از تو بریده پیوند گیری و با کسی که با تو سبکسری میکند به حلم (=خوشتنداری) رفتار کنی.

Among the great aspects of good-manneredness are the following three: forgiving those who treat you unjustly, joining those who cut relations with you, and tolerating those who insist in their ignorance against you.

۱۲۸۹ ثلاث من نعيم الدنيا وإن كان لا نعيم لها مركب وطئ و المرأة الصالحة و المنزل الواسع.

سه چیز از نعيم دنياست اگر چه دنيا نعيمی نيست: مرکب راهوار و زن پارسا و خانه وسيع.

Three things are among the world's blessings, although the world is basically bereft of any (real) blessings: a well branded horse (or camel), a pious wife, and a big house.

۱۲۹۰ ثلاث مهلكات و ثلاث منجيات فالمهلكات شح مطاع و هوى متبع و إعجاب المرء بنفسه و التلث المنجيات خشية الله في السرّ و العلانية و القصد في الغنا و الفقر و العدل في الغضب و الرضا.

سه چیز هلاک کننده است و سه چیز نجات دهنده است: سه چیز هلاک کننده بخلی است که مطیع آن شوند و هوسا است که از آن پیروی کنند. و اعجاب مرد نسبت به خوشتن و سه چیز نجات دهنده ترس از خداست در آشکار و نهان و اعتدال در فقر و توانگری و عدالت در حال خشم و خشنودی.

Three things ruin and three things save you. They are respectively as follows: the misery acted upon, the passion being depended on and self-conceit; and fear of God in public and privacy, moderateness in wealth and poverty and justice in anger and pleasure.

۱۲۹۱ ثلاث يجلين البصر: النظر إلى الخضرة و إلى الماء الجاري و إلى الوجه الحسن.

سه چیز چشم را قوت میدهد: دیدن سبزه و آب جاری و روی خوب.

Three things enlighten one's eyes: watching green (plants), looking at current water, and catching sight of beautiful faces.

۱۲۹۲ ثلاث يدرك بهن العبد رغائب الدنيا والآخرة: الصبر على البلاء و الرضا بالقضاء و الدعاء في الرخاء.

سه چیز است که بنده بوسیله آن خواستنیهای دنیا و آخرت را بدست می آورد: صبر بر بلا و رضا بقضا و دعا در حال فراخ دستی.

Three things make a servant (of God) realize his worldly and otherworldly requests: keeping patient in calamities, being pleased with one's destiny and praying at times of prosperity.

۱۲۹۳ ثلاث یصفین لك وَاَخِيكَ تَسَلَّمَ عَلَيْهِ إِذَا لَقَيْتَهُ وَتَوَسَّعَ لَهُ فِي الْمَجْلِسِ وَتَدَعَا بِأَسْمَائِهِ إِلَيْهِ.

سه چیز محبت دوست را خالص میکند: سلامش کنی وقتی او را دیدی در مجلس جای او را باز کنی و او را به بهترین نامهایش بخوانی.

Three things purify your friend's love (for you): honoring him in visits with greetings, finding him a seat in meetings and calling him by his best names.

۱۲۹۴ ثَمَانِيَةٌ أَبْغَضَ خَلِيقَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: أَلْسِقَارُونَ وَهَمَّ الْكَذَّابُونَ وَ الْخِيَالُونَ وَ هَمَّ الْمُسْتَكْبِرُونَ وَ الَّذِينَ يَكْنُزُونَ الْبَغْضَاءَ لِأَخْوَانِهِمْ فِي صَدُورِهِمْ فَإِذَا لَقَوْهُمْ تَخَلَّفُوا لَهُمْ وَ الَّذِينَ إِذَا دَعُوا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ كَانُوا بَطَاءً وَ إِذَا دَعُوا إِلَى الشَّيْطَانِ كَانُوا سُرَاعًا وَ الَّذِينَ لَا يَشْرَفُ لَهُمْ طَمَعٌ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا اسْتَحْلَوْهُ بِأَيْمَانِهِمْ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ ذَلِكَ بِحَقٍّ وَ الْمَسْأُونَ بِالنَّمِيمَةِ وَ الْمَفْرُقُونَ بَيْنَ الْأَحْبَةِ وَ الْبَاغُونَ الْبِرَّاءَ الدَّحْضَةَ أَوْلَيْكَ يَقْذِرُهُمُ الرَّحْمَنُ عَزَّ وَجَلَّ.

هشت کسند که روز رستاخیز از همه خلق خدا منفورترند: دروغ گویان و متکبران و آنها که دشمنی برادران خود را در دل دارند ولی وقتی آنها را ببینند گشاده روئی کنند و آنها که وقتی بسوی خدا و پیغمبر دعوت شوند کُند باشند و همین که بسوی شیطان دعوت شوند تُند باشند و آنها که وقتی به چیزی از مطامع دنیا رغبت کردند آن را به قَسَمِ جلب کنند اگر چه بدان حق نداشته باشند و سخن چینان و آنها که میان دوستان جدائی اندازند و کسانی که بر بیگناهان از پا افتاده ستم کنند آنها را خداوند رحمن عز و جل کثیف می شمارد.

Eight groups of God's servants will be the most detested of all in the Day of Judgment: liars, selfish people, those who meet their brothers (in faith) joyfully while reserving enmity for them in their hearts, those who are slow in accepting the call to God and His prophet, but quick in following the call to Satan, those who resort to swearing in order to achieve their worldly requests, though having no claim to it, tale bearers, those who create discord among friends, and those who oppress the fallen innocent people and are called dirty by the Great, Merciful God.

۱۲۹۵ ثمن الخمر حرام و مهر البغی حرام و ثمن الكلب حرام و الكوبه حرام و إن أتاک صاحب الكلب یلمس ثمنه فاملاء یدیه ترابا و الخمر و المیسر حرام و كل مسكر حرام.

قیمت شراب حرام است و مهر (=مهریه زن) زنا کار حرام است و قیمت سگ حرام است و شطرنج یا تخته نرد (به عنوان آلت قمار) حرام است اگر صاحب سگ پیش تو آمد و قیمت آن را خواست دستهای او را پر از خاک کن، شراب و قمار حرام است و هر نوع مست کننده‌ای حرام است.

The price of wine, the marriage gift of an adulteress woman, the price of a dog, and playing chess/backgammon as gambling are all religiously unlawful. Should the owner of a dog ask you for its cost, you will be allowed to fill his hands with soil. Drinking wine, gambling and any intoxicating thing are unlawful.

۱۲۹۶ الثَّالِثُ وَ الثَّلَاثُ كَثِيرٌ إِنَّكَ أَنْ تَذَرُ وَرَثَتَكَ أَغْنِيَاءَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَذَرَهُمْ عَالَةً يَتَكَفَّفُونَ النَّاسَ وَ إِنَّكَ لَنْ تَنْفِقَ نَفَقَةً تَبْتَغِي بِهَا وَجْهَ اللَّهِ إِلَّا أَجْرَتْ بِهَا حَتَّى مَا تَجْعَلُ فِي فِي أَمْرَاتِكَ.

ضمن وصیت فقط ثلث مال خود را ب دیگران ده و ثلث بسیار است تو اگر وارثان خود را بی نیاز و اگذاری بهتر از آنست که فقیر و محتاج مردم باشند، تو هیچ خرجی در راه خدا نمیکنی مگر آنکه در مقابل آن پاداش مییابی حتی غذائی که به زن خود میخورانی. (به بخش وصیت مراجعه شود)

When making your last will, leave only one third of your wealth to poor people, and one third is too much. It would be better if you could make your heir needless of people, rather than leaving them poor and in need of others. Whatever you spend in the way of God will be back to you as (heavenly) reward, even if it is the food you prepare for your wife.

۱۲۹۷ الثَّيِّبُ أَحَقُّ بِنَفْسِهَا مِنْ وَلِيِّهَا وَ الْبَكْرُ يَسْتَأْذِنُهَا أَبُوهَا فِي نَفْسِهَا وَ إِذْنُهَا صَمَاتُهَا.

بیوه زن به اظهار نظر در کار خویش بر ولی خود مقدم است و دوشیزه نیز پدرش باید در باره کارش از او اجازه بگیرد و اجازه او سکوت است.

Widows are more entitled than their guardians to decide about their own marital affairs, but girls' consent in such issues should be asked for by their fathers, and silence is their consent.

۱۲۹۸ جار الدار أحق بدار الجار.

همسایه خانه در خرید خانه همسایه مقدم است.

Neighbors have priority (to others) in buying their neighbors' houses.

۱۲۹۹ جالس الأبرار فإنك إذا فعلت خيرا حمدوك و إن أخطأت لم يعنفوك.

با نیکان مجالست کن که اگر خوبی کردی ترا ستایش کنند و اگر خطا کردی با تو بسختی رفتار نکنند.

Keep company with good people, for if you do good, they will praise you, and if you do evil, they will not be hard on you.

۱۳۰۰ جالسوا الكبراء و سائلوا العلماء و خالطوا الحكماء.

با بزرگان مجالست کنید و از دانشمندان پیرسید و با حکیمان آمیزش کنید.

With great people keep company, to the learned make (your) enquiry, and converse with wise men.

۱۳۰۱ جاهدوا المشركين بأموالكم و أنفسكم و ألسنتكم.

با اموال و جانها و زبانهای خود با مشرکان جهاد کنید.

Struggle against polytheists through your wealth and souls and words.

۱۳۰۲ جاهدوا أهوائكم تملکوا أنفسكم.

با هوسهای خود مبارزه کنید تا بر نفس خود تسلط یابید.

Struggle against your passions to gain control over your souls.

۱۳۰۳ جبلت القلوب علی حبّ من أحسن إليها و بغض من أساء إليها.

دلها باقتضای فطرت آن کس را که با آنها نیکی کند دوست دارند و آن کس را که با آنها بدی کند دشمن دارند.

Men's hearts naturally like those who do good to them and dislike those who do evil to them.

۱۳۰۴ جَدِّدُوا إِيمَانَكُمْ أَكْثَرُوا مِنْ قَوْلِ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ».

ایمان خود را تازه کنید، لا اله الا الله بسیار گوئید.

Renew your faith by expressing, "There is no god but Allah", time and again.

۱۳۰۵ جَعَلَ اللَّهُ الرَّحْمَةَ مِائَةً جِزَاءً فَأَمْسَكَ عِنْدَهُ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ جِزَاءً وَأَنْزَلَ فِي الْأَرْضِ جِزَاءً وَاحِدًا فَمَنْ ذَلِكَ الْجِزَاءُ تَتَرَا حِمَّ الْخَلْقِ حَتَّى تَرَفَعَ الْفَرَسُ حَافِرًا عَنْ وَلَدِهَا خَشِيَةً أَنْ تَصِيبَهُ.

خدا رحم را صد قسمت کرده و نود و نه قسمت را پیش خود نگه داشته و یک قسمت را بزمین فرستاده و بواسطه همین یک قسمت مردم بر یک دیگر رحم میکنند تا آنجا که اسب سم خود را بلند میکند مبادا بفرزندانش خود آسیب برساند.

God divided (His) Mercy into a hundred parts, keeping ninety nine parts with Himself and letting one single part descend to the earth. It is through this very part that (His) creatures are merciful to one another, to the extent that a horse lifts its hoof lest it should hurt its colts.

۱۳۰۶ جَعَلَ اللَّهُ عَذَابَ هَذِهِ الْأُمَّةِ فِي دُنْيَاهَا.

خداوند عذاب این امت را در دنیا نهاده است.

God has decreed this nation (Muslims) to suffer their punishment in this very world.

۱۳۰۷ جَعَلَتِ الذَّنُوبَ كُلَّهَا فِي بَيْتٍ وَجَعَلَ مِفْتَاحَهَا فِي شَرْبِ الْخَمْرِ.

همه گناهان را در خانه‌ای نهاده و کلید آن را در شرابخواری قرار داده‌اند.

All vices are confined in a house, the key to which being drinking wine.

۱۳۰۸ جَفَّ الْقَلَمُ بِالشَّقَىِّ وَ السَّعِيدِ.

بدبخت و نیکبخت بقلم رفته (و در دفتر قضای الهی ثبت) است.

****من همی گویم برو جَفَّ القلم—زان قلم بس سرنگون کرده عَلم (مولوی)**

The pen (of creation) has recorded (the names of) the wretched and the prosperous.

۱۳۰۹ جَفَّ القلم بما أنت لاق.

سرنوشت تو بقلم رفته (و در دفتر علم الهی ثبت) است.

****من همی گویم برو جَفَّ القلم—زان قلم بس سرنگون کرده عَلم (مولوی)**

Your fate has been predestined.

۱۳۱۰ جلساء الله غدا أهل الورع و الزهد في الدنيا.

فردا همنشینان خدا صاحبان ورع (=تقوا) و زهد در این جهانند.

The companions to God in the Hereafter are the pious and abstinent people here.

۱۳۱۱ جمال المرء فصاحة لسانه.

جمال مرد به فصاحت (=شیوایی سخن) اوست.

Man's beauty lies in his eloquence of speech.

۱۳۱۲ جهد البلاء أن تحتاجوا إلى ما في أيدي الناس فتمنعوا.

کمال بلیه اینست که به آنچه دیگران دارند محتاج شوید و از شما دریغ کنند.

The worst form of calamity is to be in need of what others have but refuse to give it to you.

۱۳۱۳ جهد البلاء قلّة الصبر.

نهایت بلا قلّت (=کمی) صبر است.

The highest degree of calamity is the least patient to be.

۱۳۱۴ جهد البلاء كثرة العيال مع قلّة الشيء.

نهایت بلا عیالمندی همراه با تنگدستی است.

The highest degree of calamity is to have a large family in a state of poverty.

۱۳۱۵ الجار أحقّ بشفعه جاره ينتظر بها وإن كان غائباً إذا كان طريقتها واحداً.

همسایه در معامله سهم همسایه مقدم است اگر راه آنها یکی است باید منتظر او بماند اگر چه غایب باشد.

A neighbor has priority (to others) in buying his\her neighbor's house. Being absent, s(he) should be awaited for, if moving in the same line as the seller.

۱۳۱۶ الجار قبل الدار و الرفیق قبل الطریق و الزاد قبل الرّحیل.

همسایه را پیش از خانه و رفیق را پیش از راه و توشه را پیش از سفر باید جست.

Choose your neighbor before buying a house, your companion before selecting a way, and your provision before setting out on a trip.

۱۳۱۷ الجالب إلى سوقنا كالمجاهد في سبيل الله و المحتكر في سوقنا كالملحد في كتاب الله.

آبازرگانی که کالا به بازار ما وارد می کند مانند آن کسی است که در راه خدا جهاد میکند و آنکه در بازار ما احتکار میکند مانند کسی است که در کتاب خدا کافر بشمار رفته است.

He who provides our bazaars with something is like unto the one who struggles in the way of God, and he who hoards goods is like those called `infidels' in the Book of God.

۱۳۱۸ الجالب مرزوق و المحتكر ملعون.

بازرگان واردکننده کالا به بازار روزی میخورد و محتکر لعنت میبرد.

Providers (of goods) receive their daily bread, and hoarders with damnation are fed.

۱۳۱۹ الجاهل يظلم من خالطه و يعتدى على من هو دونه و يتناول على من هو فوقه و يتكلم بغير تمیيز.

نادان با معاشران ستم کند و بر زیر دستان تعدی کند و به بزرگان تکبر فروشد و بدون تشخیص صواب از خطا سخن گوید.

An ignorant man oppresses his companions, is cruel to his subjects, shows vanity against great men and speaks foolishly (does not distinguish right from wrong).

۱۳۲۰ الجدل فی القرآن کفر.

مجادله در باره قرآن کفر است.

It is blasphemy to dispute about the Quran.

۱۳۲۱ الجفاء کل الجفاء و الکفر من سمع منادی اللّٰه تعالیٰ ینادی بالصلاة و یدعوه إلى الفلاح فلا یجیبه.

نشان کامل، جفا (=روی بر گرداندن از دوست) و کفر (=انکار/ناسپاسی/پنهان کاری) آنست که کسی منادی حق (=صدای اذان) را بشنود که به نماز ندا میدهد و ویرا به رستگاری میخواند و دعوت او را اجابت نکند.

The most blasphemous and oppressive is the one who hears the Exalted God's caller to prayer and salvation, but gives no response.

۱۳۲۲ الجلوس مع الفقراء من التواضع.

همنشینی با فقیران از لوازم تواضع است.

It is of humility to associate with the needy.

۱۳۲۳ الجماعة رحمة و الفرقة عذاب.

جماعت، مایه رحمت و تفرقه، موجب عذاب است.

**این چنین شه را ز لشکر زحمت است—لیک همره شد جماعت رحمت است (مولوی)

**جمع کن خود را، جماعت رحمت است—تا توانم با تو گفتن آنچه هست (مولوی)

**دیو گرگ است و تو همچون یوسفی—دامن یعقوب مگذار ای صفی

گرگ اغلب آن گهی گیرا بود—کز رمه شیشک به خود تنها رود (مولوی)

**آنکه سنت با جماعت ترک کرد—در چنین مسبع ز خون خویش خورد (مولوی)

**راز گویان با زبان و بی زبان—الجماعه رحمة را تأویل دان (مولوی)

Unity fruits in mercy, and discord in distress.

۱۳۲۴ الجمال صواب القول بالحقّ و الكمال حسن الفعال بالصدق.

جمال درستی گفتار مطابق حق است و کمال نیکی رفتار مطابق راستی است.

Beauty is to speak well based on truth, and perfection is to act well based on honesty.

۱۳۲۵ الجمال فی الرجل اللسان.

جمال مرد، در زبان اوست.

Man's beauty lies in his tongue.

۱۳۲۶ الجنة أقرب إلى أحدكم من شراك نعله و النار مثل ذلك.

بهشت به شما از بند کفستان نزدیکتر است و جهنم نیز چنین است.

Closer to you than your shoelaces is Paradise, and Hell is likewise.

۱۳۲۷ الجنة بناؤها لبنه من فضة و لبنه من ذهب و ملاطها المسك الأذفر و حباؤها اللؤلؤ و الياقوت و تربتها

الزعفران من يدخلها ينعم لا يبأس و يخلد لا يموت لا تبلى ثيابهم و لا يفنى شبابهم.

ساختمان بهشت آجری از نقره و آجری از طلاست و ملات متصل کننده آجرها مُسک اذفر (=تیز بوی) است و سنگریزه آن لؤلؤ و یاقوت است و خاک آن زعفران است و هر که وارد آن شود پیوسته متنعم است و از بدبختی برکنار، جاودان زنده است و نمیرد، لباسشان کهنه نمی شود و جوانیشان پایان نپذیرد.

Paradise buildings are made of gold and silver bricks, bricks mortar is strong smell musk, its sand, pearl and ruby and its soil, saffron. Whoever arrives at it will enjoy its blessings forever, will be free from calamities, will live to eternity, never experiencing death, and will have unending youth and constantly new dresses.

۱۳۲۸ الجنة تحت أقدام الأمهات.

بهشت زیر قدم مادران است.

****با تو او چون است، من هستم چنان-زیر پای مادران با شد چنان (مولوی)**

****شهاب الاخبار-حدیث ۱۰۵=یعنی اگر خواهی که خدای تعالی از شما خشنود باشد و سزاوار بهشت باشید، متواضع باشید با مادر.**

Paradise beneath mothers' steps lies.

۱۳۲۹ الجنّة تحت ظلال السيّوف.

بهشت زیر سایه شمشیرهاست (اشاره به جهاد).

Paradise is in pledge of swords (Refers to Jihad).

۱۳۳۰ الجنّة حرام على كلّ فاحش أنّ يدخلها.

دخول بهشت بر مردم بدزبان حرام است.

Ill speaking guys will not be allowed to Paradise.

۱۳۳۱ الجنّة دار الأسخياء.

بهشت خانه سخاوت‌مندان است.

Paradise is the city of the holders of generosity.

۱۳۳۲ الجنّة لكلّ تائب و الرّحمة لكلّ واقف.

بهشت متعلق به توبه‌کاران است و رحمت متعلق به وقف‌گذاران است.

Paradise belongs to the penitent, and (Divine) Mercy to men of endowment.

۱۳۳۳ الجنّة مائة درجة ما بين كلّ درجتين كما بين السّماء و الأرض.

بهشت صد درجه است و فاصله هر دو درجه مانند زمین و آسمان است.

Paradise has a hundred levels, and the distance between each two levels is that of heavens from the earth.

۱۳۳۵ الجنّة مائة درجة ما بين كلّ درجتين مسيره خمسمائة عام.

بهشت صد درجه است و فاصله هر دو درجه پانصد سال راه است.

Paradise has a hundred levels, and it takes five hundred years to cover the distance between each two levels.

۱۳۳۶ الجنّة مائة درجة و لو أنّ العالمين اجتمعوا في إحداهنّ وسعتهم.

بهشت صد درجه است و اگر جهانیان در یکی از آنها مجتمع شوند جایشان می شود.

Paradise has a hundred levels, and each level is vast enough for the population of the whole universe.

۱۳۳۷ الجنّ لا تخبل أحدا في بيته عتيق من الخيل.

جنّ کسی را که اسبی اصیل در خانه خود دارد مخبط نمیکند (=به تباهی و دیوانگی نمی کشاند).

Genies will not make idiot those who have horses of noble birth at home.

۱۳۳۸ الجهاد أربع: الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر والصدق في مواطن الصبر و سنّان الفاسق.

جهاد چهار قسم است: امر بمعروف؛ نهی از منکر؛ راستی و درستی در موقع صبر؛ تنفر از فاسق (=فرد نافرمان از خدای متعال).

We have four types of Jihad (struggling in the way of God): bidding to good, forbidding evil, being honest in times of patience, and detesting the lawbreaker person who does not obey God.

۱۳۳۹ الجيران ثلاثة: فجار له حقّ واحد و هو أدنى الجيران حقاً و جار له حقان و جار له ثلاثة حقوق فأما الذي له حقّ واحد فجار مشرك لا رحم له له حقّ الجوار و أما الذي له حقان فجار مسلم له حقّ الإسلام و حقّ الجوار و أما الذي له ثلاثة حقوق فجار مسلم ذو رحم له حقّ الإسلام و حقّ الجوار و حقّ الرّحم.

همسایگان سه قسمند: همسایه‌ای که یک حق دارد و او از همه همسایگان کم‌حق‌تر است و همسایه‌ای که دو حق دارد و همسایه‌ای که سه حق دارد. همسایه‌ای که یک حق دارد همسایه مشرک است که خویشاوندی ندارد او فقط حق همسایگی دارد؛ همسایه‌ای که دو حق دارد همسایه مسلمانی است که حق اسلام و حق همسایگی دارد و همسایه‌ای که سه حق دارد همسایه مسلمان خویشاوند است که حق اسلام و حق همسایگی و حق خویشاوندی دارد.

There are three kinds of neighbors: a neighbor who has the least claim on you only one, a neighbor who has two claims on you, and a neighbor who has three claims. The first one is the polytheist neighbor who merely enjoys the right of neighborhood but not that of kinship, the second one is the Muslim neighbor who enjoys the right of neighborhood as well as that of Islam, and the third one is the Muslim relative neighbor who enjoys the rights of Islam, neighborhood and kinship.



۱۳۴۰ حاملات والذات مرضعات رحيمات بأولادهن لو لا ما يأتين إلى أزواجهن دخل مصلياتهن الجنة.

زنان بار دار فرزند دار و شیرده که با فرزندان خود مهربانند اگر رفتاری که با شوهران خود میکنند نبود نمازگزارانشان به بهشت میرفتند.

The women who are pregnant or have children, who milk their children and are kind to them and who set prayers, will enter Paradise if they don't treat their husbands badly.

۱۳۴۱ حبّ الثناء من الناس يعمي و يصم.

انتظار ستایش از مردم چشم را کور و گوش را کر میکند.

Longing for people's praise blinds one's eyes and deafens one's ears.

۱۳۴۲ حبّ الدنيا رأس كل خطيئة.

دوست داشتن دنیا سر همه گناهان است.

Passionate love of the world is the source of all evils.

۱۳۴۳ حبّ إلى من دنياكم النساء والطيب وجعلت قرّة عيني في الصلاة.

من از دنیای شما دو چیز را دوست دارم زن و بوی خوش و روشنی چشم من در نماز است.

**بهر این بو گفت احمد در عظات—دائماً قرّة عيني في الصلاة (مولوی)

****خوی دارم در نماز آن التفات-معنی قرءه عینی فی الصلاه (مولوی)**

Two things entice me out of the world you love: women and sweet smell , but my utmost pleasure in prayers lies.

۱۳۴۴ حبیبو الله إلى عباده یحبکم الله.

خدا را در پیش بندگانش محبوب سازید تا خداوند شما را دوست دارد.

To be loved by God, spread the love of Him among people.

۱۳۴۵ حبذا المتخللون من امتی فی الوضوء و الطعام.

چه نیکند از امت من آنها که در وضو و غذا مسواک میکنند.

How nice for those of my people who brush their teeth before or after eating and when making ablution.

۱۳۴۶ حبک للشیء یعمی و یصم.

محبتی که نسبت بچیزی داری کور و کورت میکند.

****قرآن سوره ۱۲ آیه ۳۰: "قد شغفها حباً" در خصوص عشق زلیخا به یوسف تبیین می فرماید: عشق یوسف زلیخا را در بی خبری قرارداد، اصلاً غافل شد که خبرش می پیچد.. زلیخا دیگر به جز یوسف کسی را نمی دید، همه چیز را یوسف می دید. لذا دیگر ابایی هم نداشت و اصلاً نمی فهمید مردم راجع به او چه می گویند، حرف می زنند یا نمی زنند و اگر حرف هم می زدند، اصلاً متوجه نمی شد. اصلاً برایش مهم نبود مردم حرف بزنند یا نزنند. از بس به یوسف عشق داشت و محبت یوسف در دلش بود، دیگر اصلاً از اطراف غافل بود.**

****قرآن سوره ۲۹ العنکبوت-آیه ۴۱=مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ چه مثال رسا وتشبیه گویا ودقیقی! هر حیوان وحشره‌ای برای خود خانه ولانه‌ای دارد اما هیچیک از این خانه‌ها به سستی خانه عنکبوت نیست. اصولاً خانه باید دیوار و سقف داشته باشد وصاحب آن را حفظ کند طعمه و غذا ونیازهای او را درخود نگه دارد اما لانه عنکبوت از تعدادی تارهای بسیار نازک ساخته شده است که در برابر قطرات باران وکمترین شعله آتش وحتی ذرات گردو غبار هیچ مقاومتی ندارد. معبود های دروغین نیز همین طور سست وبی ارزش هستند نه می‌توانند مشکلی را حل کنند ونه در روز بیچارگی پناهگاه کسی هستند.**

قابل توجه اینکه در آیه شریفه تعبیر " اولیاء " جمع ولی به جای " اصنام " بت ها به کاررفته است.

واین اشاره به این نکته است که نه فقط معبودهای ساختگی که پیشوایان ورهبران غیر الهی نیز در همین حکمند.

در ادامه آیه می‌فرماید: سست ترین خانه ها خانه‌ی عنکبوت است اگر می‌دانستند "إِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ"

سستی‌خانه عنکبوت راهمهی مردم می‌فهمند اما سستی و پوچی و بی ارزشی شرک و پایگاه‌های غیر خدایی راد رک نمی‌کنند چراکه برخی علاقه‌ها انسان را کور و کر می‌کند. مطابق حدیث فوق.

**در وجودم تو شوم من منعدم—چون محبم، حبّ یعمی و یصم (مولوی)

**حُبُّكَ الْأَشْيَاءَ يَعْمي و يَصم—نفسكَ السُّودَا جَنَّتْ لَا تَخْتَصِمَ (مولوی)

**کوری عشق است این کوری من—حبّ یعمی و یصم است ای حَسَن (مولوی)

**پس نبیند جمله را با طمّ و رم—حُبُّكَ الْأَشْيَاءَ يَعْمي و يَصم (مولوی)

Your (excessive) love towards something blinds your eyes and deafens your ears.

**Quran Sura 12 Joseph The Prophet-Aya 30=..Indeed he (Joseph) has effected her (Zolaikha) heart deeply with love..((she could see nothing except him)).

**Quran Sura 29 The Spider-Aya 41=The parable of those who chose others as guardians rather than Allah is that of the spider whose nest is made of the most tender and vulnerable treads, if they knew.

۱۳۴۷ حتم علی الله أن لا یتجیب دعوهُ مظلوم و لأحد قبله مثل مظلّمته.

بر خدا لازم است که ستم زده‌ای را که او نیز بدیگری چنان ستمی کرده است نپذیرد.

God will definitely not answer the call of an oppressed man who has already made someone else suffer the same oppression brought on him.

۱۳۴۸ حجت النار بالشّهوات و حجت الجنّة بالمکاره.

جهنم را به خواستنی‌ها پوشانیده‌اند و بهشت را به مکروهات مستور داشته‌اند.

**حُفَّتِ الْجَنَّةُ بِمَكْرُوهَاتِنَا—حُفَّتِ النَّيْرَانُ مِنْ شَهَوَاتِنَا (مولوی)

****بی مرادی شد قلاووز بهشت—حُفَّتِ الْجَنَّةُ سَنُو اِیْ خَوْشِ سِرْشْتِ (مولوی)**

****هر چه مکروه است، چون شد او دلیل—سوی محبوبت حبیب است و خلیل (مولوی)**

****زان که جَنَّتِ از مکاره رُسته است—رحم قسم عاجزی اشکسته است (مولوی)**

****حُفَّتِ الْجَنَّةُ، چه محفوف گشت؟—بِالْمَکَّارِهِ که از او افزود گشت (مولوی)**

****حُفَّتِ الْجَنَّةُ مَکَّارَهِ رَا رَسِیدَ—حُفَّتِ النَّارُ از هَوِیِ آمَدِ پدید (مولوی)**

Hell is filled with wishes, and Heaven with the abominable.

۱۳۴۹ حَجَّوْا تَسْتَغْنُوا و سَافِرُوا تَصَحَّوْا (و تَغْنَمُوا).

به حج روید تا بی نیاز شوید و سفر کنید تا سالم مانید (و غنیمت (=مال و علم) یابید).

****شادمانه سوی صحرا راندند—سَافِرُوا کَیْ تَغْنَمُوا بِرِ خَوَانَدَنَدِ (مولوی)—حَدِیْثِ نَبَوِی=سَفَرِ کَنِیدِ سَالمِ مَانِیدِ**

(بهره برید)

Make a pilgrimage to Mecca, needlessness to gain; and travel, healthy to remain.

۱۳۵۰ حَدَّ الْجَوَارِ أَرْبَعُونَ دَارًا.

حد همسایگی چهل خانه است.

Neighborhood extends to forty houses.

۱۳۵۱ حَدَّ السَّاحِرِ ضَرْبُهُ بِالسَّيْفِ.

سزای ساحر یک ضربت شمشیر است.

The (Islamic) punishment for a sorcerer is a stroke of sword.

۱۳۵۲ حَدَّثَنِي جَبْرِئِيلُ قَالَ: يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَصْنِي فَمَنْ دَخَلَهُ أَمِنَ مِنْ عَذَابِي».

جبرئیل با من سخن گفت و گفت: خدا گوید لا إله إلا الله قلعه من است و هر که وارد آن شود از عذاب من در امان است.

Gabriel addressed me, saying: The Exalted God says, 'There is no god but Allah' is My fort. Whoever enters it, will be safe against My punishment.

۱۳۵۳ حدّثوا النّاس بما يعرفون أتريدون أن يكذب الله ورسوله؟

با مردم در محدوده درک و فهم و آگاهی آنها سخن گوئید، آیا میخواهید خدا و پیغمبر را تکذیب کنند؟

Talk to people about what they can understand. Do you want them to deny God and His Prophet?

۱۳۵۴ حدّ يعمل في الأرض خير لأهل الأرض من أن يمطروا أربعين صباحا.

حدّ شرعی که در زمین اجرا شود برای زمینیان بهتر از آنست که چهل روز باران بیارد.

Carrying out heavenly ordained punishments in this very world is better for men than forty days of raining.

۱۳۵۵ حرس ليلة في سبيل الله عزّ وجلّ أفضل من ألف ليلة يقام ليها و يصام نهارها.

یک شب نگهبانی در راه خدا از هزار شب که نماز خوانند و روز آن را روزه دارند بهتر است.

One night of being on the lookout in the way of God, the Great and Powerful, is better than one thousand nights of praying and one thousand days of keeping fast.

۱۳۵۶ حرّم الله الجنّة على كلّ فاحش بذيء لا يبالي ما قال و لا ما قيل له.

خداوند بهشت را بر مردم بد زبان که هر چه بگویند و شنوند اهمیت نمیدهند حرام کرده است.

God has forbidden Paradise for the scurrilous people who don't care about what they say and hear.

۱۳۵۷ حرّم الله الخمر و كلّ مسكر حرام.

خداوند شراب را حرام کرده و هر چه مستی آرد حرام است.

God has made wine and the entire intoxicant unlawful.

۱۳۵۸ حرّمت التّجارة في الخمر.

تجارت شراب حرام است.

Trading wine is unlawful.

۱۳۵۹ حرمة الجار على الجار كحرمة دمه.

حرمت همسایه بر همسایه چون حرمت خون او است.

A neighbor's respect is as significant to his neighbor as his blood.

۱۳۶۰ حرمت النار على عين بكت من خشية الله و حرمت النار على عين سهرت في سبيل الله و حرمت النار على عين غضت عن محارم الله أو عين فقئت في سبيل الله.

جهنم بر دیده‌ای که از بیم خدا گریسته و دیده‌ای که در راه خدا بیدار مانده و دیده‌ای که از محرمات خدا بسته شده یا در راه خدا از کاسه بیرون آورده شده حرام است.

Hell is not allowed to burn the eyes having shed tears out of God's fear, the eyes having been wide awake for God's sake, the eyes having been kept away from the unlawful and the eyes having been cut out in the way of God.

۱۳۶۱ حرمة مال المسلم كحرمة دمه.

حرمت مال مسلمان مانند حرمت خون اوست.

****مال ایشان خون ایشان دان یقین—زان که مال از زور آید در یمین (مولوی)**

The worth of a Muslim's properties is as much as his blood's.

۱۳۶۲ حرمة نساء المجاهدين على القاعدين كحرمة أمهاتهم و ما من رجل من القاعدين يخلف رجلا من المجاهدين في أهله فيخونه فيهم إلا وقف له يوم القيامة فقيل له: قد خانك في أهلک فخذ من حسناته ما شئت فیاخذ من عمله ما شاء فما ظنکم؟

حرمت زن کسانی که بجهاد رفته‌اند بر آنها که بازمانده‌اند مانند حرمت مادرانشان است و هر کسی از بازماندگان که سرپرستی خانواده یکی از مجاهدان را بعهدده گیرد و نسبت بآنها تجاوز کند روز قیامت او را به پای دارند و به مجاهد گویند وی بخانواده تو تجاوز و خیانت کرد، از کارهای نیک وی هر چه می‌خواهی بر گیر و وی از اعمال او هر چه خواهد برگیرد، چه فکر میکنید!؟

Paying respect to women whose husbands struggle in the way of God (in the battlefield) by men who stay back at home, is like unto honoring their own mothers, and anyone of the latter who takes upon himself the guardianship of a struggler's family but betrays them in any way, will be made to stand on his feet in the Day of Judgment, with the struggler being made aware of his treachery and asked to make his own whatever he likes of the treacherous person's good deeds. What do you think?!

۱۳۶۳ حرم علی النار کلّ هین لّین سهل قریب من الناس.

هر که نرم و ملایم و آسانگیر و نزدیک بمردم باشد بر آتش حرام است.

Hell is not allowed to seize a gentle, lenient, and an easy going man who keeps close relations with people.

۱۳۶۴ حرم علی عینین أن تنالهما النار: عین بکت من خشیه الله و عین باقت تحرس الإسلام و أهله من الکفر.

دو چشم بر آتش حرام است چشمی که از ترس خدا گریسته و چشمی که بیدار مانده و مسلمانان را در مقابل کافران نگهبانی کرده است.

Two sets of eyes will be safe against the fire of Hell: the eyes having shed tears out of God's fear, and the eyes having remained awake to watch Islam and Muslims against unbelievers.

۱۳۶۵ حرم لباس الحریر و الذهب علی ذکور امتی و أحلّ لائناهم.

پوشیدن ابریشم و طلا بر مردان امت من حرام و بر زنان نشان حلال است.

It is unlawful for the men of my people, but not for women, to dress themselves in silk and gold.

۱۳۶۶ حسب امری من البخل أن يقول آخذ حقّی کلّه و لا أدع منه شیئا.

در بخل مرد همین قدر بس که گوید همه حق خود را میگیرم و چیزی از آن را وانمیگذارم.

The statement, "I will take all my right and will not leave any part of it to anybody", suffices to show one's stinginess.

۱۳۶۷ حسبک من الجهل أن تظهر ما علمت.

در نادانی تو همین قدر بس که هر چه دانی آشکار کنی.

Revealing all you know suffices to show your ignorance.

۱۳۶۸ حسبک من الکذب أن تحدّث بكلّ ما سمعت.

در دروغگوئی تو همین قدر بس که هر چه شنیده‌ای نقل کنی.

Narrating whatever you have heard suffices to show your untruthfulness.

۱۳۶۹ حسبى رجائى من خالقى و حسبى دینى من دنیایى.

امید آفریدگارم مرا بس و دینم از دنیايم مرا کافی است.

Having hope in Creator God, and having faith (in this world) are sufficient for me.

۱۳۷۰ حسن البشر يذهب بالسّخيمه.

گشاده‌روئى کينه و بدخواهى را از بين ببرد.

Cheerfulness carries away one's hatred.

۱۳۷۱ حسن الجوار يعمر الديار وينسى فى الأعمار.

خوش همسايگى مایه آبادى شهرها و درازى عمرهاست.

The existence of good neighbors leads to the development of cities and long life of communities.

۱۳۷۲ حسن الخلق خلق الله الأعظم.

نيکخوئى، خلق بزرگ خداوند است.

Good-naturedness is the Great Lord's high attribute.

۱۳۷۳ حسن الخلق زمام من رحمه الله فى أنف صاحبه و الزّمام بيد الملك و الملك يجرّه إلى الخير و الخير

يجرّه إلى الجنّة و سوء الخلق زمام من عذاب الله فى أنف صاحبه و الزّمام بيد الشّيطان و الشّيطان يجرّه إلى

السّوء و السّوء يجرّه إلى النار.

نیکخوئی زمام رحمت خداست که در بینی صاحب آنست و زمام بدست فرشته است و فرشته او را بسوی نیکی میکشاند و نیکی او را بسوی بهشت میراند و بدخوئی زمام عذاب خداست که در بینی صاحب آنست و زمام بدست شیطان است و شیطان او را بسوی بدی میکشاند و بدی او را بسوی جهنم میراند.

Good-naturedness is a curb of God's Mercy in the mouth of its holder and under the control of an angel leading him to goodness which guides him to Paradise, and bad-naturedness is a curb of God's punishment in the mouth of its holder and under the control of Satan leading him to evil which shows him the way to Fire.

۱۳۷۴ حسن الخلق نصف الدین.

نیک خوئی یک نیمه دین است.

Good-naturedness is one half of religion.

۱۳۷۵ حسن الخلق یثبت المودة.

نیکخوئی دوستی را استوار می کند.

Good-naturedness strengthens friendship.

۱۳۷۶ حسن الخلق یذیب الخطایا کما تذیب الشمس الجلید.

نیکخوئی گناهان را محو و ذوب می کند چنان که خورشید یخ را آب میکند.

Good-naturedness makes one's faults vanish as the Sun causes ice to perish.

۱۳۷۷ حسن السؤال نصف العلم.

نیک پرسیدن یک نیمه دانستن است.

Asking properly is one half of knowledge.

۱۳۷۸ حسن الشعر مال و حسن الوجه مال و حسن اللسان مال و المال مال.

نیک موی داراییست و نیک روی داراییست و نیک زبان دارایی است و دارایی هم داراییست.

Beautiful hair and visage, (material) properties, and good language are among man's wealth.

۱۳۷۹ حسن الظن من حسن العبادۃ.

خوش گمانی از نیکی عبادت است.

Looking at the bright side of everything comes from proper worshipping.

۱۳۸۰ حسن الملكۃ نماء و سوء الخلق شؤم و البرّ زیاده فی العمر و الصدقه تمنع میتة السوء.

نیک خوئی مبارک و پربرکت است و بدخوئی شوم و بی برکت است و نیکی افزایش عمر است و صدقه از مرگ بد جلوگیری میکند.

Good-naturedness is promising bliss and bad-naturedness unpromising evil. Goodness brings man longevity, and bad deaths are prevented through charity.

۱۳۸۱ حسن الملكۃ یمن و سوء الخلق شؤم.

نیکخوئی مبارک و پربرکت است و بدخوئی شوم و بی برکت است.

Good-naturedness is promising bliss and bad-naturedness, unpromising evil.

۱۳۸۲ حسن الملكۃ یمن و سوء الخلق شؤم و طاعة المرأة ندامة و الصدقه تدفع القضاء السوء.

نیک خوئی مبارک و پر برکت است و بد خوئی شوم و بی برکت است و فرمانبرداری از زن پشیمانی است و صدقه از مرگ جلوگیری میکند.

Good-naturedness is promising bliss, bad-naturedness is unpromising evil, obedience to women leads to penitence, and bad deaths are prevented through benevolence.

۱۳۸۳ حسّنوا لباسکم و أصلحوا رجالکم حتّی تكونوا کأنّکم شامه فی الناس.

لباس خود را نیک کنید و لوازم خود را باصلاح آرید چنان که در میان مردمان مانند یک خال (که در چهره نمایان است) نمودار باشید.

Beautify your dresses and improve your tools to shine as a birthmark beauty-spot among people.

۱۳۸۴ حَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ وَ دَاوُوا مَرْضَاكُمْ بِالصَّدَقَةِ وَ أَعَدُّوا لِلْبَلَاءِ الدَّعَاءَ.

اموال خود را بوسیله زکات محفوظ دارید و مریضان خود را با صدقه علاج کنید و برای جلوگیری از بلا به دعا متوسل شوید.

***گفت الصَّدَقَةُ مَرَدٌ لِلْبَلَاءِ—داو مَرَضَاك بِصَدَقَتِهِ يَا فَتَى (مولوی)**

Secure your properties by giving alms, cure your patients through charity, and resort to praying to guard yourself against calamity.

۱۳۸۵ حَفِظَ الْغُلَامُ الصَّغِيرَ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ وَ حَفِظَ الرَّجُلُ بَعْدَ مَا يَكْبُرُ كَالْكِتَابِ عَلَى الْمَاءِ.

محفوظات طفل نوری مانند نقشی است که بر سنگ رقم زنده و محفوظات مرد بزرگ مانند نوشته بر آب است.

A little child's memory is like unto a picture carved on stone, and an adult's is like unto something written on water.

۱۳۸۶ حَفَّتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ وَ حَفَّتِ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ.

بهشت با ناملازمات قرین است و جهنم با خواستنی‌ها همراه است.

Hardships lie on the way to Paradise, and passions pave the way to Hell.

۱۳۸۷ حَقَّ الْجَارُ إِنْ مَرَضَ عَدْتَهُ وَ إِنْ مَاتَ شِيعَتَهُ وَ إِنْ اسْتَقْرَضَكَ أَقْرَضْتَهُ وَ إِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ هَنَأْتَهُ وَ إِنْ أَصَابَتْهُ مَصِيبَةٌ عَزَيْتَهُ وَ لَا تَرْفَعْ بِنَاءَكَ فَوْقَ بِنَائِهِ فَتَسُدَّ عَلَيْهِ الرِّيحَ.

حق همسایه آنست که اگر مریض شد عیادتش کنی و اگر مُرد همراه جنازه‌اش بروی و اگر از تو قرض خواست بدهی و اگر حادثه خوشی بر او رخ داد بدو تهنیت گوئی و اگر مصیبتی رخ داد تعزیتش گوئی و بنای خود را از بنای او فراتر نبری و جریان باد را بر او نبندی.

It is the right of a neighbor to pay him a visit in sickness, to attend his funeral procession, to lend him money in times of need, to congratulate him in happiness, to console him in sadness and to avoid constructing your building higher than his, so as not to block up the wind blowing to his house.

۱۳۸۸ حقّ الزّوج على الزّوجة أن لا تصوم يوما واحدا إلّا بإذنه إلّا الفريضة فإن فعلت أئمت و لم يتقبّل منها و أن لا تعطى من بيته شيئا إلّا بإذنه فإن فعلت كان له الأجر و كان عليها الوزر و أن لا تخرج من بيته إلّا بإذنه فإن فعلت لعنها الله و ملائكة الغضب حتّى تتوب أو تراجع و إن كان ظالما.

حق شوهر بر زن آنست که بدون اجازه او جز روزه واجب نگیرد و اگر گرفت گناهکار است نپذیرند و بدون اجازه او چیزی از مال او بکسان ندهد اگر داد ثوابش از شوهر و گناه از زن است و از خانه او بی اجازه اش بیرون نرود و اگر رفت خداوند و فرشتگان غضب او را لعنت کنند تا توبه کند یا باز گردد اگر چه شوهرش ستمگر باشد.

It is a right for a man that his wife should avoid keeping fast without his permission, excepting obligatory fasting; otherwise, she will be sinful and her fasts unacceptable, that she should avoid donating of his property anything to anybody without his permission; otherwise, she will be sinful and the husband will be rewarded for that, and that she should avoid leaving his house without his permission (though he is a cruel man); otherwise, God and the angels of wrath will curse her until she returns home or repents.

۱۳۸۹ حقّ الزّوج على المرأة: أن لا تهجر فراشه و أن تبرّ قسمه و أن تطيع أمره و أن لا تخرج إلّا بإذنه و أن لا تدخل إليه من يكره.

حق شوهر بر زن آنست که از بستر وی دوری نگیرد، و قسم او را انجام دهد و فرمانش را اطاعت کند و بی اجازه او بیرون نرود و کسی را که دوست ندارد به خانه او نیاورد.

It is a right for a man that his wife should avoid keeping away from his bed, should act upon his promises, should obey his orders, should avoid leaving his house without his permission, and should avoid inviting to his house those whom he dislikes.

۱۳۹۰ حقّ المرأة على الزّوج، أن يطعمها إذا طعم و يكسوها إذا اكتسى و لا يضرب الوجه و لا يقبّح و لا يهجر إلّا في البيت.

حق زن بر شوهر آنست که وقتی غذا خورد باو بخوراند و وقتی لباس پوشید باو بپوشاند و بصورت او نزند و به او بد نکوید و جز در خانه از او دوری نگیرد.

It is a right for a woman that her husband should share with her what he eats, should clothe her as he clothes himself, should avoid

slapping her on the face and slandering her, and should avoid leaving her alone save in his own house.

۱۳۹۲ حقّ المسلم على المسلم ست: إذا لقيته فسلمّ عليه و إذا دعاك فأجبه و إذا استنصحك فانصح له و إذا عطس فحمد الله فشمته و إذا مرض فعده و إذا مات فاتبعه.

حق مسلمان بر مسلمان شش چیز است: وقتی او را دیدی بر او سلام کن و وقتی ترا دعوت کرد بپذیر و وقتی با تو مشورت کرد رأی خود را با او بگو و همین که عطسه زد عافیت باد بگو و همین که مریض شد او را عیادت کن و همین که مُرد همراه جنازه اش برو.

A Muslim should observe the following six in respect to his Muslim brother: greeting him in meeting, accepting his invitation, providing him with advice when he asks one's counsel, wishing him good health when he sneezes, paying him a visit when he is sick, and attending his funeral procession when he dies.

۱۳۹۳ حقّ الولد على الوالد أن يحسن اسمه و يحسن موضعه و يحسن أدبه.

حق فرزند بر پدر آنست که نام او را نیک و جایگاه او را نیک (اعم از سکونت، تحصیل،..) و ادب او را نیک کند.

It is a right for a child that his father should choose him a good name, provide him with good opportunities and teach him the best acts of civility.

۱۳۹۴ حقّ الولد على الوالد أن يعلمه الكتابة و السباحة و الرماية و أن لا يرزقه إلا طيباً و أن يزوجه إذا بلغ.

حق پسر بر پدر آنست که نوشتن و شنا کردن و تیر انداختن باو بیاموزد و جز غذای خوب بدو نخوراند و همین که بالغ شد باو زن بدهد.

It is a right for a son that his father should teach him (the skills of) writing, shooting and swimming, feed him with good (lawful) food and help him marry when he gets mature.

۱۳۹۵ حقّ الولد على والده أن يحسن اسمه و يزوجه إذا أدرك و يعلمه الكتاب.

حق پسر بر پدر آنست که نام او را نیک کند و همین که به بلوغ رسید زنی دهد و خط نوشتن بدو بیاموزد.

It is a right for a son that his father should choose him a good name, help him marry as he matures and teach him (the skill of) writing.

۱۳۹۶ حقّ علی الله عون من نکح التماس العفاف عمّا حرّم الله.

هر که زن گیرد باین منظور که از مُحَرّمات بر کنار ماند بر خدا لازم است که او را یاری کند.

God will definitely give a hand to the one who marries in order to avoid indulging in the heavenly unlawful deeds.

۱۳۹۷ حقّ کبیر الإخوة علی صغیرهم کحقّ الوالد علی ولده.

حق برادر بزرگ بر برادرهای کوچک مانند حق پدر بر فرزند است.

An elder brother has the same right on his younger brothers as a father's on his children.

۱۳۹۸ حقّ لله علی کلّ مسلم أن یغتسل فی کلّ سبعة أيام یوما یغسل فیہ رأسه و جسده.

حق خدا بر هر مسلمانی این است که هر هفت روز یک بار غسل کند و سر و تن خود را بشوید.

The right of God on every Muslim is that the latter should bathe himself (herself) once a week (at least), washing his(her) head and body..

۱۳۹۹ حقیق بالمرء أن یكون له مجالس یخلو فیها و یدکر ذنوبه فیستغفر الله منها.

چه خوب است که مرد گاهی خلوت کند و گناهان خود را بیاد آورد و از خدا آمرزش خواهد.

How nice it is for man to take up abode in privacy once in a while, look back on his sins and ask God for forgiveness!

۱۴۰۰ حلوة الدنیا مرّة الآخرة و مرّة الدنیا حلوة الآخرة.

شیرینی دنیا تلخی آخرت و تلخی دنیا شیرینی آخرت است.

Worldly joys entail otherworldly grief, and worldly grief entails otherworldly joys.

۱۴۰۱ حوسب رجل ممّن کان قبلکم فلم یوجد له من الخیر شیء إلاّ أنه کان رجلاً موسراً و کان یخالط الناس و

کان یأمر غلمانہ أن یتجاوزوا عن المعسر فقال الله عزّ و جلّ لملائکته نحن أحقّ بذلک منه تجاوزوا عنه.

یکی از پیشینیان را به حساب کشیدند و کار نیکی نداشت جز آنکه مرد توانگری بود و با مردم داد و ستد داشت و بغلامان خود میگفت از مطالبه واماندگان درگذرید خداوند بفرشتگان گفت ما بگذشت از او سزاوارتریم، از او درگذرید.

A man of the past was called to account (after death). He had no good deeds in his record to present, but an order to his agents to connive at the debts of the helpless, for he had been a rich tradesman (in the world). Thus, said the Great and Powerful God to His angels, "We have more rights for connivance than him. Ignore (his sins)."

۱۴۰۲ الحج المبرور لیس له جزاء إنا الجنة.

حج مقبول سزائی جز بهشت ندارد.

There is no reward but Paradise for an accepted pilgrimage to Mecca.

۱۴۰۳ الحج جهاد کلّ ضعیف و جهاد المرأة حسن التبعل.

حج جهاد ضعیفان است و جهاد زن، شوهرداری خوب است.

Pilgrimage to Mecca is Jihad (struggling in the way of God) for the weak, and a woman's Jihad is to take care of her husband well.

۱۴۰۴ الحرائر صلاح البيت و الإماء فساد البيت.

زن آزاد مایه اصلاح خانه است و زن بنده موجب فساد خانه است.

Free women bring (moral) regeneration to the house, and bonds ones bring corruption.

۱۴۰۵ الحرام بین و الحلال بین فدع ما یریک إلی ما لا یریک.

حرام روشن است و حلال روشن است چیزهای شبهه‌ناک را بگذار و چیزهای بی شبهه را بگیر.

****گر شود عالم پر از خون مال مال—کی خورد بنده خدا آنا حلال؟ (مولوی—حدیث نبوی)**

****گفت روبه، جستن رزق حلال—فرض باشد از برای امثال (مولوی)**

****طبل خواری در میانه شرط نیست—راه سنت کار و مکسب کردنی ست (مولوی)**

****هین، توکل کن، ملرزان پا و دست—رزق تو بر تو ز تو عاشق تر است (مولوی)**

It is clear what is lawful and what is unlawful. Thus, keep distance with what you doubt about, and stick to what you don't.

۱۴۰۶ الحرب خدعة.

جنگ یعنی خدعه.

****کز نهم تا راست گردد این جهان—حرب خدعه این بود ای پهلوان (مولوی)**

War is deceit.

۱۴۰۷ الحریص الذى يطلب المكسب من غير حله.

حریص آنست که سود به نامشروع جوید.

Greedy is the one who demands unlawful gains.

۱۴۰۸ الحزم سوء الظن.

دور اندیشی بد گمان بودن است.

Suspicion is far sightedness.

۱۴۰۹ الحسب المال.

برتری را بمال دانند.

Descent is (like unto) wealth.

۱۴۱۰ الحسد يأكل الحسنات كما تأكل النار الحطب و الصدقة تطفىء الخطيئة كما يطفىء الماء النار.

حسد کارهای نیک را میخورد چنان که آتش هیزم را میخورد و صدقه گناه را نابود میکند چنان که آب آتش را خاموش میکند.

Jealousy eats away good deeds just as fire eats away firewood, and charity puts out (the flames of) sins just as water puts out fire.

۱۴۱۱ الحسد یفسد الإیمان كما یفسد الصبر العسل.

حسد ایمان را فاسد میکند چنان که صبر تلخ (=آلونه ورا=صبر زرد، گیاه استوایی) عسل را فاسد میکند.

Jealousy ruins (one's) faith just as aloe (tropical plant) decays honey.

۱۴۱۲ الحکمة ضالة المؤمن يأخذها ممن سمعها و لا تبالی فی أیّ وعاء خرجت.

حکمت گمشده مؤمن است از هر که بشنود فرا گیرد و اهمیت ندهد که از کجا آمده است.

Wisdom is a believer's lost one. Hearing it from anybody, s(he) takes it in, regardless of its source.

۱۴۱۴ الحلال بین و الحرام بین و بینهما أمور مشتهات لا یعلمها کثیر من الناس: فمن اتقى الشبهات فقد استبرأ لرضه و دینه و من وقع فی الشبهات وقع فی الحرام کراع یرعی حول الحمی یوشک أن یواقعه ألا و إن لكل ملک حمی ألا و إن حمی اللّٰه تعالی فی أرضه محارمه ألا و إن فی الجسد مضغاً إذا صلحت صلح الجسد کلّه و إذا فسدت فسد الجسد کلّه ألا و هی القلب.

حلال روشن است و حرام روشن است و میان آنها چیزهای شبهه ناک هست که بسیاری از مردم آن را ندانند؛ هر که از چیزهای شبهه ناک دوری گیرد دین و آبروی خود را از ارتکاب محرمات بر کنار داشته و هر که در چیزهای شبهه ناک افتد در حرام افتد مانند چوپانی که اطراف فرّق گوسفند چراند بیم می رود که در فرّق افتد. بدانید که هر پادشاهی فرّقی دارد و فرّق خداوند در زمین محرمات اوست بدانید که در تن پاره گوشتی است که اگر بصلاح آمد همه تن بصلاح آید و اگر بفساد آمد همه تن به فساد آید بدانید که او همین قلب است.

****گفت روبه، جستن رزق حلال—فرض باشد از برای امتثال (مولوی)**

****طبل خواری در میانه شرط نیست—راه سنت کار و مکسب کردنی ست (مولوی)**

****هین، توکل کن، ملرزان پا و دست—رزق تو بر تو ز تو عاشق تر است (مولوی)**

The lawful and the unlawful are crystal clear, but between them lie dubious things of which most people are unaware. Whoever refrains from the doubtful will keep his faith and face intact, and whoever falls into them, will indulge in the unlawful, just as a shepherd who pastures his cattle around a preserved field might find himself on it. Know that just as a king has restrictions, the Exalted God has restrictions, i.e. what He has made unlawful. Know that in man's body there is a lump of flesh which if rectified, the

whole body will enjoy rectification, and if corrupted, the whole body will suffer corruption. That's man's heart'.

۱۴۱۵ الحلال ما أحلّ الله في كتابه و الحرام ما حرّم الله في كتابه و ما سكت عنه فهو ممّا عفى عنه.

حلال آنست که خداوند در قرآن حلال کرده باشد و حرام آنست که خداوند در قرآن حرام کرده باشد و هر چه را مسکوت گذاشته مورد گذشت است.

The lawful is what God has announced lawful in His Book, and the unlawful is too, and what He has left undecided, will be forgiven (if acted upon).

۱۴۱۶ الحلف حنث أو ندم.

سرانجام قسم یا شکستن است یا پشیمانی.

Verily, swearing ends either in disregard or regret.

۱۴۱۷ الحلف منفقهُ للسَّلعة ممحقهُ للبركة.

قسَم (چون با قَسَمِ خدا ربا و افزایش قیمت می خواهد) در معامله جنس را تمام و برکت را نابود میکند.

**** "يمحق الله الربا ويربي الصدقات -سوره ۲- البقره آیه ۲۷۶"**

Swearing (by swearing to God wants increase in price, type of usury) in trade makes goods sold, but blessing ruined.

*****"Allah will deprive usury of any blessing and increase blessing for deeds of charity" Sura 2-The Cow-Aya-276**

۱۴۱۸ الحليم سيّد في الدّنيا و سيّد في الآخرة.

بردبار (=خویشتندار) در دنیا و آخرت بزرگوار است.

The forbearing is invested with glory here and in the Hereafter.

۱۴۱۹ الحمد على النّعمة أمان لزوالها.

سپاس بر نعمت مایه امنیت از زوال آنست.

Thanking (God's) grace makes it secure from destruction.

۱۴۲۰ الحمرة من زينة الشيطان.

سرخی آرایش شیطان است.

Redness is the beauty of Satan.

۱۴۲۱ الحمى تحت الخطايا كما تحت الشجرة ورقها.

تب گناهان را میریزد چنان که درخت برگهای خود را میریزد.

Fever makes one's sin fall just as trees let their leaves fall.

۱۴۲۲ الحمى حظ كل مؤمن من النار و حمى ليلة تكفر خطايا سنة.

تب قسمت مؤمن از آتش جهنم است و تب یک شب گناهان یک سال را محو میکند.

Fever is believers' share from Fire, and fever of one single night wipes out the sins of one whole year.

۱۴۲۳ الحمى رائد الموت و سجن الله في الأرض.

تب پیشاهنگ مرگ و زندان خداوند در روی زمین است.

Fever is a prelude to death and God's prison on the earth.

۱۴۲۴ الحياء خير كله.

حیا سراسر نیکی است.

Chastity is goodness in its entirety.

۱۴۲۵ الحياء زينة و التقى كرم و خير المركب الصبر و انتظار الفرج من الله عز و جل عبادة.

حیا مایه زینت و تقوی مایه بزرگی است و بهترین وسیله وصول بمقصود صبر است و انتظار گشایش از طرف خداوند عبادت است.

Chastity is (man's) beauty, piety brings magnanimity, patience is the best means to ends, and awaiting divine solution is an act of worship.

۱۴۲۶ الحياء شعبه من الإيمان.

حیا شعبه‌ای از ایمان است.

Chastity is a portion of faith.

۱-۱۴۲۷ الحياء لا يأتي إلا بخير.

از حیا جز نیکی نمی آید.

Chastity entails nothing but goodness.

۲-۱۴۲۷ الحياء من الإيمان و الإيمان في الجنة و البذاء من الجفاء و الجفاء في النار.

حیا از لوازم ایمان است و ایمان در بهشت است و بد زبانی از جفا(=بیوفایی =روگردانی از دوست) است و جفا(=بیوفایی=روگردانی از دوست) در جهنم است.

Chastity originates from faith and faith leads (man) to Paradise. Scurrility roots from unfaithfulness, and unfaithfulness ends in Hell.

۱۴۲۸ الحياء هو الدين كله.

حیا تمام دین است.

Chastity comprises one's whole faith.

۱۴۲۹ الحياء و الإيمان قرنا جميعا فإذا رفع أحدهما رفع الآخر.

حیا و ایمان قرین یک دیگرند اگر یکی از میان برخاست دیگری هم برود.

Chastity and faith are interrelated. Should one of them vanish, the other will (definitely) perish.

۱۴۳۰ الحياء و الإيمان مقرونان في قرن واحد فإذا سلب أحدهما تبعه الآخر.

حیا و ایمان قرین یک دیگرند اگر یکی رفت دیگری نیز همراه آن می‌رود.

Chastity and faith are interrelated; none lasts without the other.

۱۴۳۲ الحياء و الإيمان مقرونان لا یفترقان إلّا جمیعاً.

حیا و ایمان قرین یک دیگرند و جز با هم از کسی دور نشوند.

Chastity and faith are two companions. They do not leave (their holder), but collectively.

۱۴۳۳ الحياء و العیّ شعبتان من الإيمان و البذاء و البیان شعبتان من النفاق.

حیا و کمزبانی دو شعبه ایمان است و بدزبانی و زبان آوری از لوازم نفاق است.

Chastity and taciturnity are two components of (one's) faith, while scurrility and talkativeness are two elements of hypocrisy.

خ

۱۴۳۴ خاب عبد و خسر لم یجعل الله تعالی فی قلبه رحمه للبشر.

بندهای که خداوند رحم نسبت به مردمان را در دل او قرار نداده زیانکار است.

Loser is the one in whose heart the Exalted God has not placed sympathy towards other human beings.

۱۴۳۵ خدمتک زوجتک صدقه.

خدمتی که به زن خود میکنی صدقه است.

Serving your wife is a kind of charity.

۱۴۳۶ (اصبر اصبر اصبر ،) خالطوا الناس بأخلاقهم و خالفوهم فی أعمالهم.

با مردمان (به خاطر) اخلاق (خوبشان) آمیزش کنید و در اعمال (بد) آنها با ایشان مخالفت کنید.

****وصیت پیامبر صی به ابوذر غفاری در مورد آمدن حاکمان بد در آینده و لزوم اتخاذ سیاست صبر.**

(Be patient, be patient, be patient,) Keep company with people for (the sake of) their good manners, and keep distance with them for (evil) deeds.

****Advise of Prophet (PBUH) to Abuzar Ghaffari that bad rulers will come in future and patience policy should be chosen.**

۱۴۳۷ خذ الأمر بالتدبير فإن رأيت في عاقبته خيرا فأَمْضُ و إن خفت غيا فأَمْسِك.

کار را بتدبیر بنگر: اگر در سر انجام آن خیری هست قدم بگذار و اگر از عاقبت آن بیم داری دست نگهدار.

Meditate on what you do. Should it end in good, let it continue; but let it cease, if a source of worry it will be to you.

۱۴۳۸ خذوا على أیدی سفهانکم.

از تجاوز سفهان خود جلوگیری کنید(برای حفظ وحدت جامعه اسلامی).

****اشاره به سوره ۴۹ الحجرات، آیه ۹ و همچنین حدیث ۲۴۲۲ نهج الفصاحه**

Ward off hands of silly ones' (to keep unity of Islamic nation).

Refer to Sura 49 The Chambers, Aya 9 and Hadith 2422 Nahjol-Fasaha.

۱۴۳۹ خذوا من العمل ما تطيقون فإن الله لا يمل حتى تمّوا.

عمل(عبادت) بقدر طاقت کنید زیرا ملالت شما مایه ملالت خدا می شود.

Perform acts of worship to the extent of your ability, for weariness in you will annoy God.

۱۴۴۰ خرج رجل ممن كان قبلكم في حلة له يخال فيها فأمر الله الأرض فأخذته فهو يتجلجل فيها إلى يوم

القيامة.

مردی از پیشینان حله‌ای پوشید و منکبرانه بیرون آمد خداوند بزمین فرمان داد تا او را گرفت و تا روز قیامت در آن دست و پا میزند.

A man of ancient times wore a fine garment and walked out proudly. God commanded the earth to take him, and he will thus be suspended in it till the Day of Judgment.

۱۴۴۱ خرج نبی من الأنبياء بالناس يستسقون الله تعالى فإذا هو بنملة رافعة بعض قوائمها إلى السماء فقال ارجعوا فقد استجيب لكم من أجل هذه النملة.

پیغمبری با مردم برای دعای باران بیرون آمد مورچه‌ای را دید که دست خود را بطرف آسمان بلند کرده است گفت باز گردید که خدا بخاطر این مورچه دعای شما را پذیرفت.

A prophet went out with his people to pray to God for rain. He saw an ant raising its leg to the sky, and so he said to the people: "Return to your homes for, God accepted your prayers for the sake of this ant".

۱۴۴۲ خشیة الله رأس كل حكمة و الورع سيد العمل.

ترس خدا سر همه حکمتهاست و ورع (=تقوا=پرهیزکاری) پیشوای اعمال است.

Fearing God is above all wisdom, and pioussness (avoidance from doing unlawful) is the leader of all deeds.

۱۴۴۳ خصّ البلاء بمن عرف الناس و عاش فيهم من لم يعرفهم.

هر که مردمان را شناخت قرین بلا شد و هر که نشناختشان در میانشان آسوده زیست.

****شهاب الاخبار – حدیث ۴۲۲ (امام جعفر صادق ع) = بلا مخصوص است بدان (که) مردمان را شناسد؛ و به راحت زندگانی کند در میان مردمان آنکس که مردمان را شناسد و نشناسدش، زیرا هر که در میان مردم شد و مردمان را بشناخت و مردمان ویرا بشناختند در رنج مردمان افتد.**

Unhappily lived the one who came to know the (intentions of the) people, and happily lived among them s(he) who knew them not.

۱۴۴۴ خصلتان لا يجتمعان في مؤمن: البخل و سوء الخلق.

دو صفت است که در مؤمن جمع نشود بخل و بد خوئی.

Two characteristics do not dwell in a believer: avarice and ill-temper.

۱۴۴۵ خصلتان لا يجتمعان في منافق حسن سمت و لافقه في الدين.

دو خصلت است که در منافق جمع نشود نیکنامی و دانائی در امور دین.

A hypocrite is devoid of two traits: good reputation and deep knowledge of religion.

۱۴۴۶ خصلتان ليس فوقهما من البرّ شيء الإيمان بالله و النّفع لعباد الله.

دو خصلت است که نیکتر از آن نیست ایمان بخدا و سودمندی برای بندگان خدا.

There are no better characteristics than the following two: having faith in God and being beneficial to God's creatures.

۱۴۴۷ خصلتان من کانتا فيه كتبه الله شاکرا صابرا و من لم یكونا فيه لم یکتبه الله لا شاکرا و لا صابرا: من نظر فی دینه الی من هو فوقه فاقتدی به و نظر فی دنیاہ الی من هو دونه فحمد الله علی ما فضلہ به علیه كتبه الله شاکرا صابرا و من نظر فی دینه الی من هو دونه و نظر فی دنیاہ الی من هو فوقه فأسف علی ما فاتہ منه لم یکتبه الله شاکرا و لا صابرا.

دو خصلت است که در هر که باشد خدا او را صبور و شکرگزار رقم زند و هر که از آن بی بهره باشد ویرا نه صابر رقم زند نه شکرگزار: هر که در کار دین به کسی که فراتر از اوست بنگرد و او را پیروی کند و در کار دنیا به آن که فروتر از اوست بنگرد و خدا را بر آنچه بیشتر دارد شکر کند، خدا او را صابر و شاکر رقم زند و هر که در کار دین به آنکه فروتر از اوست بنگرد و در کار دنیا به آن که فراتر از اوست بنگرد و بر آنچه کمتر دارد تأسف خورد خدا او را نه صابر رقم زند نه شکرگزار.

Should one look at those who are superior to him in divine matters and follow them, and look at those who are inferior to him in secular matters and thank God for His grace, God will consider him patient and grateful. Conversely, God will neither consider patient nor grateful the one who looks those who are inferior to him in divine matters and looks at those who are superior to him in secular matters and pity himself for his less abundance.

۱۴۴۸ خصلتان کثیر من الناس فیهما مفتون الصّحّة و الفراغ.

دو صفت است که بیشتر مردم بدان دلباخته‌اند صحت و فراغت.

To most people, two conditions are the best: health and rest.

۱۴۴۹ خلّفت فیکم شیئین لن تضلّوا بعدهما: کتاب الله و سنتی و لن ینفرّقا حتّی یردا علیّ الحوض.

دو چیز میان شما واگذاشتم که بعد از آن گمراه نخواهید شد قرآن و روش من و این دو از هم جدا نشوند تا بر سر حوض بمن برسند.

Two things I have left with you to stop you going astray: the Book of God and my way (of life). They will remain inseparable to join me by the Pool (on the Resurrection Day).

۱۴۵۰ خلق الله الخلق فکتب آجالهم و أعمالهم و أرزاقهم.

خداوند خلق را بیافرید و زندگی و اعمال و ارزاقشان را رقم زد.

God created the creatures and determined their fates, deeds, and sustenance.

۱۴۵۱ خلق الله عزّ و جلّ الجنّ ثلاثة أصناف: صنف حيّات و عقارب و خشاش الأرض و صنف كالريّح في الهواء و صنف عليهم الحساب و العقاب و خلق الله الإنس ثلاثة أصناف: صنف كالبهائم و صنف أجسادهم أجساد بني آدم و أرواحهم أرواح الشياطين و صنف في ظلّ الله يوم لا ظلّ إلّا ظلّه.

خداوند جن را سه قسم آفریده یک قسم مارها و عقربها و حشراتند و قسم دیگر مانند باد در هوا روانند و قسم دیگر حساب و عقاب دارند و آدمیان را سه قسم آفریده یک قسم مانند چهارپایانند و قسم دیگر تن و بدن هایشان مانند تن آدمیان و جانهایشان مانند جانهای شیاطین است و قسم دیگر روزی که سایه‌ای جز سایه خدا نیست در سایه او هستند.

The Exalted God has created three classes of genies. Snakes, scorpions and insects comprise the first class. The second class is like unto wind in the air, and the third are those who will suffer reckoning and retribution. He has also created three classes of human being. The first class are like unto beasts of burden. The second class has human bodies but devilish spirits, and the third will enjoy the shade (patronage) of God the day when no shade but His exists.

۱۴۵۲ خلق الله مائة رحمة فوضع رحمة واحدة بين خلقه يتراحمون بها و خبا عنده مائة إلّا واحدة.

خداوند صد جزء رحمت آفرید و یکی را میان خلق نهاد که بوسیله آن بر یک دیگر رحم کنند و نود و نه جزء آن را پیش خود نگهداشت.

****عفوهای جمله عالم ذرّه ای—عکس عفوای ز تو هر بهره ای (مولوی)**

God made Mercy one hundred portions. He granted one single portion to people by which to feel pity for each other, and kept ninety nine portions with Himself.

۱۴۵۳ خلق الله يحيى ابن زكريّا في بطن أمّه مؤمنا و خلق فرعون في بطن أمّه كافرا.

خداوند یحیی پسر زکریا را در شکم مادر مؤمن خلق کرد و فرعون را در شکم مادر کافر آفرید.

God created John (son of Zechariah) a believer, and created Pharaoh an unbeliever in their mothers' wombs.

۱۴۵۴ خلقان یحبهما الله و خلقان یبغضهما الله فأما اللذان یحبهما الله فالسَّخَاءُ و السَّمَاحَةُ و أما اللذان یبغضهما الله فسوء الخلق و البخل و إذا أراد الله بعبد خيراً استعمله على قضاء حوائج النَّاسِ.

دو صفت را خدا دوست دارد، و دو صفت را دشمن دارد. دو صفتی که خدا دوست دارد بخشش است و گذشت و دو صفتی که خدا دشمن دارد بد خوئی و بخلست و همین که خدا برای بندهای نیکی خواهد وی را برای رفع حوائج مردم بکار میبرد.

God likes two characteristic features (for man) and dislikes two others. The former are generosity and forgiveness; the latter, stinginess and ill-temperedness, and when He wishes goodness for someone, He assigns him (her) at the service of people.

۱۴۵۵ خَلَّلُوا بَيْنَ أَصَابِعِكُمْ لَا يَخْلَلُ اللَّهُ بَيْنَهَا بِالنَّارِ.

هنگام وضو میان انگشتان خود فاصله دهید تا خدا بوسیله آتش میان آنها را فاصله ندهد.

Let water flow amid your fingers in ablution so that God might keep Fire from flowing there.

۱۴۵۶ خَلَّلُوا لِحَاكِمَكُمْ وَ قَصُّوا أَظْفَارَكُمْ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَجْرِي مَا بَيْنَ اللَّحْمِ وَ الظَّفْرِ.

ریشهای خود را شانه کنید و ناخنهای خود را کوتاه سازید زیرا شیطان میان گوشت و ناخن روانست.

Comb your beard and pare your nails, for satans (microbes) move between flesh and nails.

۱۴۵۷ خمس بخمس ما نقض قوم العهد إلاً سَلَطَ عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ وَ مَا حَكَمُوا بِغَيْرِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إلاً فشا فيهم الفقر و لا ظهرت فيهم الفاحشة إلاً فشا فيهم الموت و لا طَفَّقُوا الْمِكْيَالَ إلاً منعوا النَّبَاتَ وَ أَخَذُوا بِالسِّنِينَ وَ لا منعوا الزَّكَاةَ إلاً حبس عنهم القطر.

پنج چیز از لوازم پنج چیز است: کسانی که پیمان شکنند دشمنشان بر آنها مسلط شود و کسانی که بر خلاف آنچه خدا گفته قضاوت کنند فقر میان آنها رواج یابد و کسانی که بی عفتی میان آنها آشکاراً رواج یابد مرگ ناکهانی میان آنها شایع شود و کسانی که کم فروشی پیشه کنند به قحط دچار شوند و کسانی که زکاة ندهند به خشکسالی مبتلا گردند.

****ابر، برناید پی منع زکات—وز زنا افتد وبا اندر جهات (مولوی)**

Five things give rise to five other things: those who break their promise will be subjected to the rule of their enemies. Those who judge contrary to God's Law, will suffer poverty. Those who commit obscene acts will face recurrent unexpected deaths. Those who make use of short weights in selling will be afflicted with famine. Those who do not give poor-due- rate(Zakat), will suffer years of drought.

****Proverb:On account of withholding the poor-tax no rain clouds arise—and in consequence of fornication the plague spreads in all directions (Mowlavi)**

۱۴۵۸ خمسة من مصائب الدنيا: فوت الحبيب و ذهاب المال و شماتة الأعداء و ترك العلم و امرأه سوء.

پنج چیز از مصائب دنیا است: مرگ دوست و تلف شدن مال و سرزنش دشمنان و ترک دانش و زن بد.

Five things are among worldly disasters: a friend's death, waste of wealth, enemies' reproach, abandonment of learning, and a bad wife.

۱۴۵۹ خمس خصال يفتن الصائم و ينقض الوضوء: الكذب و الغيبة و النميمه و النظر بشهوه و اليمين الكاذبه.

پنج کار است که روزه را باطل میکند و وضو را میشکند: دروغ و غیبت و سخن چینی و نظر شهوت و قسم دروغ.

Five things break one's fasts and invalidate one's ablution: telling lie, backbiting, tale bearing, casting a passionate look (at someone) and swearing falsely.

۱۴۶۰ خمس دعوات يستجاب لهن: دعوة المظلوم حتى ينتصر و دعوة الحاج حتى يصدر و دعوة الغازي حتى يقفل و دعوة المريض حتى يبرأ و دعوة الأخ لأخيه بظهر الغيب و أسرع هذه الدعوات إجابة دعوة الأخ لأخيه بظهر الغيب.

پنج دعاست که مستجاب می شود دعای مظلوم تا یاری شود و دعای زائر کعبه تا باز گردد و دعای کسی که بجهاد میرود تا باقامتگاه خود برسد و دعای مریض تا شفا یابد، و دعای برادری که در غیبت برادر خود برای او کند و این دعا از همه دعاها زودتر مستجاب می شود.

The prayers of five persons will be granted: the prayers of the oppressed till they are helped, the prayers of the pilgrims to Mecca till they return home, the prayers of the strugglers in the way of God till they go back to their places of residence, the prayers of patients till they recover, and the prayers of brothers (in faith) for

one another, and this last one is the most immediately granted type of prayers.

۱۴۶۱ خمس ليس لهنَّ كفارة: الشرك بالله و قتل النفس بغير حق و بهت المؤمن و الفرار من الزحف و يمين صابرة يقتطع بها مالا بغير حق.

پنج گناهست که محو شدنی نیست، شریک قرار دادن برای خدا و کشتن مردمان بناحق و بهتان زدن بمؤمن و فرار از جنگ و قسم ناحق که بوسیله آن مال مردمان را ببرند.

No expiation can make up for the following five sins: taking a partner with God, homicide, defamation of a believer, escaping from a battlefield, untruthful swearing to rob one's wealth.

۱۴۶۲ خمس من الإيمان من لم يكن فيه شيء منهنَّ فلا إيمان له: التسليم لأمر الله و الرضا بقضاء الله و التفويض إلى الله و التوكل على الله و الصبر عند الصدمة الأولى.

پنج چیز از لوازم ایمانست و هر که یکی از آنها در او نباشد ایمان ندارد: تسلیم بفرمان خدا و رضا بقضای خدا و تفویض کارها بخدا و توکل بخدا و صبر هنگام صدمه نخستین.

Faithless is the one who lacks any single one of these five attributes: surrendering to the will of God, being pleased with His decrees, leaving one's affairs to Him, relying on Him, and keeping patient when one first faces a disaster.

۱۴۶۳ خمس من سنن المرسلين: الحياء و الحلم و الحجامه و السواك و التعطر.

پنج چیز از سنت پیغمبرانست حیا ، حلم (=خویشتنداری) ، حجامت ، مسواک و عطر زدن.

Among the prophets' patterns of life are chastity, forbearance, venesection, brushing one's teeth and using perfume.

۱۴۶۴ خمس هنَّ من قواصم الظَّهر: عقوق الوالدين و المرأة يأتمنها زوجها تخونه و الإمام يطيعه الناس و يعصى الله و رجل وعد عن نفسه خيرا فأخلف و اعترض المرء في أنساب الناس.

پنج چیز کمر شکن است: بد رفتاری با پدر و مادر و زنی که شوهرش بدو اطمینان دارد ولی بدو خیانت کند و پیشوائی که مردم او را اطاعت کنند ولی او خدا را اطاعت نکند و مردی که وعده دهد و تخلف کند و بد گوئی شخص در باره نسب مردم.

Five things break (man's) back: mistreating one's parents, being disloyal to one's husband against his confidence, disobeying God on the part of the one whom people obey as a leader, breaking one's promises, and speaking ill of people's consanguinity.

۱۴۶۵ خمس یعجل الله لصاحبها العقوبة: البغى و الغدر و عقوق الوالدين و قطیعة الرحم و معروف لا یشکر.

پنج چیز است که خدا مرتکب آن را زود کیفر میدهد: ستم و خیانت و بد رفتاری با پدر و مادر و بریدن از خویشاوندان و حق شناسی.

The doers of the following five will suffer immediate heavenly punishment: oppression, breach of promise, mistreatment of parents, disconnection of bonds of kinship and ungratefulness.

۱۴۶۶ خيار أئمتكم الذين تحبونهم و يحبونكم و تصلون عليهم و يصلون عليكم و شرار أئمتكم الذين تبغضونهم و يبغضونكم و تلعنونهم و يلعنونكم.

بهترین پیشوایان شما کسانی هستند که آنها را دوست دارید و شما را دوست دارند شما آنها را دعا کنید و آنها نیز شما را دعا کنند و بدترین پیشوایان شما کسانی هستند که آنها را دشمن دارید و شما را دشمن دارند و آنها را نفرین کنید و شما را نفرین کنند.

The best of your leaders are those whom you love and pray for, who love and pray for you, and the worst ones are those whom you hate and curse, and who hate and curse you.

۱۴۶۷ خيار المؤمنين القانع و شرارهم الطامع.

بهترین مؤمنان کسی است که قانعست و بدترین آنها کسی است که طمعکار است.

The best believers are the content, and the worst the greedy.

۱۴۶۸ خيار أمتي أحداؤها الذين إذا غضبوا رجعوا.

بهترین امت من تندخویانند که وقتی بخشم آیند زود آرام شوند.

The best among my people are the hot tempered who are quickly quieted down when they rouse to anger.

۱۴۶۹ خيار أمتي علمائها و خيار علمائها حلمائها.

بهترین امت من دانشمندانند و بهترین دانشمندان امت من بردبارانند (=خوشتندارانند).

The best among my people are the learned, and the best of them are the forbearant.

۱۴۷۰ خیار اُمّتی علماؤها و خیار علمائها رحماؤها ألا و إنّ الله تعالى لیغفر للعالم أربعین ذنبا قبل أن یغفر للجاهل ذنبا واحدا، ألا و إنّ العالم الرّحیم یجیء یوم القيامة و إنّ نوره قد أضاء بمشی فیہ ما بین المشرق و المغرب كما یضیء الكواكب الدّریّ.

بهترین امت من دانشمندانند و بهترین دانشمندان امت من رحیمانند بدانید که خدا پیش از آنکه یک گناه نادان را ببخشد چهل گناه دانشمند را می‌بخشد و بدانید که دانشمند رحیم روز رستاخیز می‌آید و در نور خود که فاصله میان مشرق و مغرب را چون ستاره‌های درخشان روشن کرده راه رود.

The best among my people are the learned, and the best of them are the merciful. Verily, the Exalted God will pardon a learned man for forty sins before pardoning an ignorant for a single one, and in the Day of Resurrection, the merciful learned will accompany their own light extending as stars from the east to the west.

۱۴۷۱ خیار اُمّتی من دعا إلى الله تعالى و حبّب عباده إليه.

بهترین امت من کسی است که مردم را بسوی خدا بخواند و بندگان خدا را دوستدار او سازد.

The best of my people is the one who calls people towards God, the Almighty, and makes them lovers of Him.

۱۴۷۲ خیار کم أحسنکم أخلاقا الذّین یألفون و یؤلفون.

بهترین شما کسانی هستند که اخلاقشان بهتر است و با مردم سازگارند و مردمان را با یک دیگر سازگاری دهند.

The best of you are the most good-tempered who associate with people, and with whom people (tend to) associate.

۱۴۷۴ خیار کم أحسنکم قضاء للذّین.

بهترین شما کسانی هستند که قرض خود را بهتر ادا کنند.

The best of you are, in refunding their debts, the quickest.

۱۴۷۵ خیار کم أطولکم أعمارا و أحسنکم أخلاقا.

بهترین شما کسانی هستند که عمرشان درازتر و اخلاقشان نیکتر است.

The best of you are in age the oldest and in manners, the best.

۱۴۷۶ خیارکم أطولکم أعمارا و أحسنکم أعمالا.

بهترین شما کسانی هستند که عمرهایشان درازتر و اعمالشان بهتر است.

The best of you are in age the oldest and in deeds, the best.

۱۴۷۷ خیارکم خیارکم لنسائهم.

بهترین شما کسانی هستند که برای زنان خود بهتر باشند.

The best of you are the best to their wives.

۱۴۷۷ خیارکم خیرکم لأهله.

بهترین شما کسی است که برای کسان خود بهتر است.

The best of you are the best to their family.

۱۴۷۸ خیارکم من ذکرکم بالله رؤیته و زاد فی علمکم منطقه و رغبتکم فی الآخرة عمله.

بهترین شما آن کس است که دیدار او خدا را بیاد شما آورد و سخنانش دانش شما را بیفزاید و رفتارش شما را با آخرت راغب سازد.

The best of you is the one whose meeting reminds you of God, whose words increase your knowledge, and whose deeds incline you towards the Hereafter.

۱۴۷۹ خیر الأصحاب صاحب إذا ذكرت الله أعانک و إذا نسیت ذکرک.

بهترین یاران کسی است که وقتی خدا را یاد کردی ترا کمک کند وقتی یاد خدا را فراموشی کردی او را بیاد تو آورد.

The best of (your) friends are those who help when you remember God and remind you of God when you forget Him.

۱۴۸۰ خیر الأصحاب عند الله خیرهم لصاحبه و خیر الجیران عند الله خیرهم لجاره.

بهترین رفیقان پیش خدا کسی است که برای رفیق خود بهتر باشد و بهترین همسایگان کسی است که برای همسایه خود بهتر باشد.

The best companions in the sight of God are best to their friends, and the best neighbors to Him are best for their own neighbors.

۱۴۸۱ خیر الأمور أوسطها.

بهترین کارها آنست که به اعتدال نزدیکتر است.

****در خیر خیر الامور أوسطها—مانع (نافع) آمد ز اعتدال اخلاطها (مولوی)**

The best action is moderation.

۱۴۸۲ خیر الدنیا و الآخرة مع العلم و شر الدنیا و الآخرة مع الجهل.

نیکی دنیا و آخرت با دانش هم راهست و بدی دنیا و آخرت با نادانی قرین است.

The good of this world and the Hereafter in knowledge lies, and in ignorance the evil exists likewise.

۱۴۸۳ خیر الذکر الخفی و خیر الرزق ما یکفی.

بهترین ذکرها آنست که مخفی باشد و بهترین روزیها آنست که کافی باشد.

****گفت پیغمبر که بر رزق ای فتی—در فرو بسته ست و بر در قفلها**

جنبش و آمد شد ما و اکتساب—هست مفتاحی بر این قفل و حجاب (مولوی)

The best form of litany is remembering God in privacy, and the best daily bread is sustenance in adequate.

۱۴۸۴ خیر الرزق ما کان یوما بیوم کفافا.

بهترین روزی آنست که روز به روز بحد کفایت برسد.

****گفت پیغمبر که بر رزق ای فتی—در فرو بسته ست و بر در قفلها**

جنبش و آمد شد ما و اکتساب—هست مفتاحی بر این قفل و حجاب (مولوی)

The best daily bread is daily sustenance in adequate.

۱۴۸۵ خیر الرفقاء أربعة و خیر الطلائع أربعمائه و خیر الجیوش أربعة آلاف.

بهترین دوستان چهار تن و بهترین پیش‌قراولان چهار صد و بهترین سپاهیان چهار هزار است.

The best friends, the best scouts and the best armies amount to four, four hundreds and four thousands respectively.

۱۴۸۶ خیر الزاد التقوی و خیر ما ألقى فی القلب الیقین.

بهترین توشه‌های سفر آخرت تقوی است و بهترین صفات قلب ایمان است.

The best provision for Hereafter is piety, and the best state of heart is certainty.

۱۴۸۷ خیر الشّهادة ما شهد بها صاحبها قبل أن یسألها.

بهترین شهادت‌ها شهادتی است که پیش از آنکه پرسند ادا شود.

The best testimony is that which is borne before its bearer is required to.

۱۴۸۸ خیر الشّهود من أدی شهادته قبل أن یسألها.

بهترین شاهدان کسی است که پیش از آنکه پرسند شهادت دهد.

The best witness is s(he) who bears testimony before being required to.

۱۴۸۹ خیر الصّداق أیسره.

بهترین مهریه‌ها آنست که سبکتر باشد.

The best marriage gift is the least.

۱۴۹۰ خیر الصّدقه ما أبقت غنی و الید العلیا خیر من الید السّقلی و ابداء بمنّ تعول.

بهترین صدقه آن است که سائل (=درخواست کننده) را بی‌نیاز کند، و دست‌دهنده بهتر از دست‌گیرنده است و صدقه را از نانخوران خود آغاز کن.

The best charity aims at the death of poverty, a donator's hand is worthier than a beggar's, and charity should start at home.

۱۴۹۱ خیر الصدقة ما كان عن ظهر غنى.

بهترین صدقه آنست که با فراخ دستی انجام دهند.

The best charity is coupled with generosity.

۱۴۹۲ خیر العبادۀ أخفيها.

بهترین عبادت‌ها آنست که پنهان‌تر است.

The best servitude is (done) in utmost solitude.

۱۴۹۳ خیر العمل أن تفارق الدنيا و لسانك رطب من ذكر الله.

بهترین کارها آنست که هنگام مفارقت از جهان زبانت به نام خدا گویا باشد.

The best state is to be expressing the name of God when you are at the point of death.

۱۴۹۴ خیر العمل ما نفع و خیر الهدی ما أتبع.

بهترین اعمال آنست که سودمند باشد و بهترین هدایتها آنست که پیروی کنند.

The best deed is the fruitful, and the best guidance, the one followed.

۱۴۹۵ خیر الکسب کسب ید العامل إذا نصح.

بهترین کسبها کسبی است که کارگر با دست کند اگر با دقت انجام گیرد.

The best job is the one which, with a worker's hands, is carefully done.

۱۴۹۶ خیر المجالس أوسعها.

بهترین مجالس آنست که وسیع‌تر باشد.

The best places of meeting are the vastest.

۱۴۹۷ خیر المسلمین من سلم المسلمون من یدہ و لسانہ.

بهترین مسلمانان کسی است که مسلمانان از دست و زبانش در امان باشند.

The best Muslim is the one from whose tongue and hand, Muslims at rest stand.

۱۴۹۸ خیر الناس أحسنهم خلقاً.

بهترین مردم کسانی هستند که اخلاقشان نیک‌تر باشد.

The best people are the most good-tempered.

۱۴۹۹ خیر الناس أقرؤهم و أفقههم فی دین الله و اتقاهم لله و أمرهم بالمعروف و أنہامهم عن المنکر و أوصلهم للرحم.

بهترین مردم کسانی هستند که قرآن بهتر خوانند و در کار دین داناتر باشند و از خدا بیشتر ترسند و به نیکی بیشتر امر کنند و از بدی بیشتر جلوگیری کنند و با خویشاوندان بیشتر نزدیک شوند.

The best people are those who recite the Holy Quran better (than others), who are deeper in matters religious, who fear God more, who bid good and forbid evil more often, and who have relations with their families.

۱۵۰۰ خیر الناس أنفعهم للناس.

بهترین مردم کسی است که برای مردم سودمندتر باشد.

****خیر ناس أن ینفع الناس ای پدر-گر نه سنگی، چه حریفی با مدر (مولوی)**

The best of people is the one whom others profit by.

۱۵۰۱ خیر الناس مؤمن فقیر يعطی جہدہ.

بهترین مردم مؤمن فقیری است که بقدر توانائی خود انفاق کند.

The best of people is a poor believer who expends (in the way of God) to the possible extent.

۱۵۰۲ خیر الناس من انتفع به الناس.

بهترین مردم کسی است که مردم از او منتفع شوند.

The best of people is the one whom others profit by.

۱۵۰۳ خیر النَّاسِ من طال عمره و حسن عمله و شرَّ النَّاسِ من طال عمره و ساء عمله.

بهترین مردم کسی است که عمرش دراز و رفتارش نیک باشد و بدترین مردم کسی است که عمرش دراز و رفتارش بد باشد.

The best of people is the one who lives a long life of good deeds, and the worst is the one who lives a long life of evil deeds.

۱۵۰۴ خیر النَّساءِ الَّتِي تَسْرَهُ إِذَا نَظَرَ وَ تَطِيعُهُ إِذَا أَمَرَ وَ لَا تَخَالِفُهُ فِي نَفْسِهَا وَ لَا مَالِهَا بِمَا يَكْرَهُ.

بهترین زنان آنست که وقتی مرد بدو نگرد مسرور شود و وقتی بدو فرمان دهد اطاعت کند و با تن و مال خود بر خلاف رضای شوهر کاری نکند.

The best woman is the one who gladdens her husband when he looks at her, obeys his orders, and avoids doing anything he dislikes through her body and property.

۱۵۰۵ خیر النَّساءِ الْوَالِدُ الْوَالِدُودِ.

بهترین زنان زن مهربانی است که فرزند بسیار آورد.

The best woman is an affectionate one who bears many a child.

۱۵۰۶ خیر النَّساءِ مَنْ تَسْرَكَ إِذَا أَبْصَرَتْ وَ تَطِيعُكَ إِذَا أَمَرَتْ وَ تَحْفَظُ غَيْبَتَكَ فِي نَفْسِهَا وَ مَالِكَ.

بهترین زنان آنست که وقتی بدو نگری ترا مسرور کند و وقتی فرمان دهی اطاعت کند و تن خویش و مال تو را در غیابت محفوظ دارد.

The best wife is the one who gladdens you when you look at her, obeys your orders, and preserves her body and your property in your absence.

۱۵۰۷ خیر النِّكَاحِ أَيْسَرُهُ.

بهترین ازدواجها آنست که آسان تر انجام گیرد.

The best marriage is the simplest.

۱۵۰۸ خیر أبواب البر الصدقه.

بهترین راه‌های نیکی صدقه دادن است.

Giving charity is the best path to piety.

۱۵۰۹ خیر إخوانکم من أهدی إلیکم عیوبکم.

بهترین برادران شما آنست که عیوبتان را به شما آشکارا بگوید.

Among your brethren the best, your faults to you manifest.

۱۵۱۰ خیر بیت فی المسلمین بیت فیہ یتیم یحسن إلیه و شرّ بیت فی المسلمین بیت فیہ یتیم یساء إلیه أنا و کافل الیتیم فی الجنّة هكذا.

بهترین خانه‌های مسلمانان خانه‌ایست که در آن یتیمی باشد و باو نیکی کنند و بدترین خانه‌های مسلمانان خانه‌ایست که در آن یتیمی باشد و با او بدی کنند من و کسی که کفالت یتیم را بعهده بگیرد در بهشت مانند دو انگشت همراهیم.

The best of Muslims' homes is the one wherein an orphan is treated well, and the worst is the one wherein an orphan is mistreated. The supporters of orphans will accompany me in a Paradise.

۱۵۱۱ خیر بیوتکم بیت فیہ یتیم مکرم.

بهترین خانه‌های شما خانه‌ایست که در آن یتیمی محترم باشد.

The best of your homes is the one wherein an orphan is kept in respect.

۱۵۱۲ خیر دینکم الورع.

بهترین صفات دین شما پرهیز کاری است.

Piety (=avoiding doing the unlawful) is the best feature of your faith (religion).

۱۵۱۳ خیر دینکم أیسره.

بهترین کارهای دین شما آنست که آسانتر است.

The best form of your faith is the easiest.

۱۵۱۴ خیر شابکم من تشبه بالكهول و شر كهولکم من تشبه بشبابکم.

بهترین جوانان شما آنست که رفتار پیران پیش گیرد و بدترین پیران شما آنست که روش جوانان داشته باشد.

The best of your youth are those who follow the path of the aged, and the worst of your aged ones are those who copy the patterns of the youth.

۱۵۱۵ خیر صفوف الرجال أولها و شرها آخرها و شر صفوف النساء أولها و خيرها آخرها.

بهترین صف‌های مردان صف اول است و بدترینش صف آخر است و بدترین صف‌های زنان صف اول است و بهترینش صف آخر است.

The best of men's lines (in social dealings) are the first, and the worst of them are the last, while the worst of women's lines are the first, and the best of them are the last.

۱۵۱۶ خیر طيب الرجال ما ظهر ريحه و خفي لونه و خير طيب النساء ما ظهر لونه و خفي ريحه.

بهترین عطر مردان آنست که بویش عیان و رنگش نهان باشد و بهترین عطر زنان آنست که رنگش عیان و بویش نهان باشد.

The best odor for men is that which is overt in smell but covert in color, and the best odor for women is that which is covert in smell but overt in color.

۱۵۱۷ خیرکم ازهدکم فی الدنیا و أرغبکم فی الآخرة.

بهترین شما کسی است که بدنیا بی‌رغبت تر و با آخرت راغب‌تر است.

The best of you are the most reluctant to here and the most inclined towards the Hereafter.

۱۵۱۸ خیرکم إسلاما أحاسنکم أخلاقا إذا فقهوا.

از میان شما اسلام آن کس بهتر است که اخلاقش نیک‌تر است اگر در کار دین دانا باشند.

When you are deep in religion, the most good-natured of you are the best in Islam.

۱۵۱۹ خیرکم المدافع عن عشیرته ما لم یأثم.

بهترین شما کسی است که از طایفه خود دفاع میکند بشرط آنکه در این راه مرتکب گناه نشود.

The best of you are those who defend their clan without committing sins.

۱۵۲۰ خیرکم خیرکم لأهله و أنا خیرکم لأهلی ما أكرم النساء إنا کریم و لا أهانهن إنا لئیم.

بهترین شما کسی است که برای خانواده خود بهتر است، من از همه شما برای کسان خود بهترم، بزرگ مردان زنان را گرامی شمارند و فرومایگان زنان را خوار دارند.

The best of you are the best for their families, and I am the best among you for my household. The respectful alone respect women, and the mean alone offend them.

۱۵۲۱ خیرکم خیرکم للنساء.

بهترین شما کسانی هستند که برای زنان (=همسران و دختران خود) بهترند.

The best of you are for women the best.

۱۵۲۲ خیرکم خیرکم لנסائه و لبناته.

بهترین شما کسی است که برای زنان و دختران خود بهتر باشد.

***گفت پیغمبر که زن بر عاقلان—غالب آید سخت و بر صاحبدلان**

باز بر زن جاهلان غالب شوند—زآنکه ایشان تند و بسی خیره روند (مولوی)

The best of you are for their wives and daughters the best.

۱۵۲۳ خیرکم من أعانه الله علی نفسه فملکها.

بهترین شما کسی است که خداوند کمکش کرده و بر خویشتن تسلط یافته است.

The best of you is the one whom God has given a hand, and who has on his own `self' full command.

۱۵۲۴ خیرکم من تعلم القرآن و علمه.

بهترین شما کسی است که قرآن را را تعلیم گیرد و تعلیم دهد.

The best of you are those who learn and teach the Quran.

۱۵۲۵ خیرکم من لم یتک آخرته لدنیاہ و لا دنیاہ لآخرته و لم یکن کلاً علی الناس.

بهترین شما کسی است که آخرت خود را برای دنیا از دست ندهد و دنیای خود را برای آخرت از دست نگذارد و سربار مردم نباشد.

The best of you are those who neither abandon here for the Hereafter, nor do the reverse, nor stand a burden on others.

۱۵۲۶ خیرکم من یرجی خیره و یؤمن شرّه و شرکم من لا یرجی خیره و لا یؤمن شرّه.

بهترین شما کسی است که بخیرش امید توان داشت و از شرش امان توان یافت و بدترین شما کسی است که بخیرش امید و از شرش امان نیست.

The best of you are those whose good we can be hopeful about and from whose evil we can find a way out, and the worst of you are those whose good we cannot be hopeful about and from whose evil we cannot find a way out.

۱۵۲۷ خیر لهو المؤمن السباحة و خیر لهو المرأة المغزل.

بهترین سرگرمی مؤمن شناخت و بهترین سرگرمی زن دستگاه نخریسی است.

The best practice for a man (believer) is swimming and for a woman, spinning.

۱۵۲۸ خیر ما أعطی الناس خلق حسن.

بهترین چیزی که به مردم داده‌اند خوی نیک است.

The best gift bestowed upon people is good temperedness.

۱۵۲۹ خیر ما أعطی الرجل المؤمن خلق حسن و شرّ ما أعطی الرجل قلب سوء فی صورة حسنة.

بهترین چیزی که به مردم داده‌اند خوی نیک است و بدترین چیزی که به مردم داده‌اند سیرت بد است در صورت نیک.

The best gift given to a man (believer) is good-temperedness, and the worst thing given to him is an evil character behind good looks.

۱۵۳۰ خیر ما ألقى فی القلب الیقین.

بهترین صفتی که در قلب نهاده‌اند ایمان است.

The best thing infused in (man's) heart is certainty.

۱۵۳۱ خیر ما یخلف الإنسان بعده ثلاث: ولد صالح یدعو له و صدقة تجری یبلغه أجرها و علم ینتفع به من بعده.

بهترین چیزی که انسان پس از خود وامی‌گذارد سه چیز است: فرزند پارسا که برای او دعا کند و صدقه جاری که پاداش آن بدو رسد و دانشی که پس از وی از آن بهره‌مند شوند.

The best of man's heritages are three: a child who will pray for him, unceasing charity for which he will be rewarded continuously, and a sort of knowledge people will avail themselves of.

۱۵۳۲ خیر مساجد النساء قعر بیوتهنّ.

بهترین مسجد زنان کُنج خانه آنها است.

The best place of worship for women is a corner in their own house.

۱۵۳۳ خیر نساء امتی أصبحهنّ وجها و أقلهنّ مهرا.

بهترین زنان امت من کسانی هستند که رویشان نکوتر و مهرشان کمتر است.

The best women of my nation are those with nicer faces and less marriage portions.

۱۵۳۴ خیر نسائکم العفیفة الغلمة؛ عفیفة فی فرجها غلمة علی زوجها.

بهترین زنان شما زن عقیف دارای شهوت جنسی بسیار است؛ که در ناموس خود عقیف و به شوهر خود رغبت زیاد داشته باشد.

The best of your women are the chaste, passionate ones who observe chastity in respect to their privy parts, and love passionately their own husbands.

۱۵۳۵ خیر نسائکم الولود الودود المواسیة المواتیة إذا اتقین الله، و شرّ نسائکم المتبرجات المتخیلات و هنّ المنافقات لا یدخل الجنة منهنّ الا مثل الغراب الأعصم.

بهترین زنان شما زن بچه آور مهربان است که شریک و مطیع شوهر باشد اگر از خدا بترسند، و بدترین زنان شما آرایش کنان و متکبرانند و آنان منافقانند و از آنها جز باندازه کلاغی که نوک قرمز و پا قرمز دارد بهشت نمیروند(بسیار کمیاب).

The best of your women are the affectionate, childbearing ones who are assistant and obedient to their husbands and pious at the same time, and the worst of them are the arrogant ones who use makeup (for other than their husbands). The latter are hypocrites (in reality) who will not be allowed to Paradise, save to the number of crows with red feet and beaks (chough, very scarce).

۱۵۳۶ خیرهنّ ایسرهنّ صداقا.

بهترین زنان آنست که مهریه او آسانتر باشد.

The best wives have the least marriage portions.

۱۵۳۷ خیرت بین الشفاعة و بین أن یدخل شطر امتی الجنة فاخترت الشفاعة لأنها أعمّ و أكفی أترونها للمؤمنین المتّقین؟ لا و لكنّها للمذنبین المتلوّثین الخطّائین.

مرا مخیر ساختند که شفاعت کنم یا یک نیمه امتم بهشت در آیند و من شفاعت را اختیار کردم زیرا دامنه آن وسیعتر و کفایت آن بیشتر است، تصور می کنید شفاعت برای مؤمنان پرهیزکار است؟ نه بلکه برای گنهکاران آلوده خطا کار است.

I was given the option to either choose intercession or to take half of my nation to Paradise (without final judgment), and I chose the former for it is more extended and sufficient in range. Do you think that intercession is specifically applied for pious believers? No, it is for the sinful wrong doers.

۱۵۳۸ خیر سلیمان بین المال و الملك و العلم فاختر العلم فاعطی الملك و المال لاخياره العلم.

سلیمان پیغمبر را میان مال و فرمانروایی و دانش مخیر کردند دانش را برگزید فرمانروایی و مال را نیز بدو دادند برای آنکه دانش را برگزیده بود.

Solomon was given the option to choose one among wealth, rule and knowledge. He chose knowledge and was, as a result, bestowed upon the other two.

۱۵۳۹ الخبر الصالح يجيء به الرجل الصالح والخبر السوء يجيء به الرجل السوء.

خبر خوب را مرد خوب آورد و خبر بد را مرد بد.

The pious bring good news and the impious, bad ones.

۱۵۴۰ الخرق شؤم و الرق يمن.

خشونت شوم و بی برکت است و مدارا مبارک و پر برکت.

Violation is unfavorable and Toleration is favorable (in nature).

۱۵۴۱ الخط الحسن يزيد الحق وضحا.

خط نیکو وضوح حق را افزون میکند.

Nice handwriting adds to the clarity of truth.

۱۵۴۲ الخلق الحسن يذيب الخطايا كما يذيب الماء الجليد والخلق السوء يفسد العمل كما يفسد الخل العسل.

خوی نیک گناهان را محو میکند چنان که آب یخ را ذوب میکند و خوی بد اعمال را فاسد میکند چنان که سرکه عسل را تباه میکند.

Good-naturedness makes one's faults vanish as the Sun causes ice to perish.

۱۵۴۳ الخلق كلهم عيال الله فأحبهم إلى الله أنفعهم لعياله.

مردم همه عیال خدایند و محبوب ترین کسان پیش خدا کسی است که برای عیال وی سودمندتر باشد.

**شهاب الاخبار- حدیث ۸۲۷= خلقان همه روزی خواران خدای تعالی اند، و از مؤمنان آنرا دوست تر

دارد، به معنی ثواب و ثنا، که منفعت وی به خلقان بیشتر رسد بر وجه تقرب.

**ما عیال حضرتیم و شیر خواه- گفت الخلق عیال للاله (مولوی)

**از پشه گیری تا به پیل- شد عیال الله و حق نعم المعیل (مولوی)

****دابه عاریه بود روزی سه چار-مادرا، ما را توگیر اندر کنار (مولوی)**

People are all dependents of God, and the most favorite of them to God is the most beneficial to His dependents.

۱۵۴۴ الخمر أمّ الخبائث فمن شربها لم تقبل صلاته أربعين يوماً فإن مات و هي في بطنه مات ميتة جاهليّة.

شراب مادر ناپاکیهاست، هر که بنوشد چهل روز نمازش پذیرفته نشود و اگر بمیرد و شراب در شکم او باشد چنانست که در دوران جاهلیت مرده باشد.

Wine is the mother of all wickedness. Thus, the prayers of the one who drinks wine will not be accepted for forty days, and if he dies with wine in his veins, his death will be that of the Age of Ignorance.

۱۵۴۵ الخمر أمّ الفواحش و أكبر الكبائر من شربها وقع على أمّه و خالته و عمّته.

شراب مادر بدیهای آشکار است و از همه گناهان بزرگ بزرگتر است هر که آن را بنوشد باک ندارد که با مادر و خاله و عمه خود زنا کند.

Wine is the mother of all indecent deeds and greatest capital sins, and whoever drinks it may happen to commit adultery with his own mother and aunts.

۱۵۴۶ الخمر جماع الآنام.

شراب مجموعه گناهان است.

Wine makes the totality of all sins.

۱۵۴۷ الخيانة تجرّ الفقر.

خیانت مایه فقر است.

Treachery results in poverty.

۱۵۴۸ الخیر کثیر و من یعمل به قلیل.

خوبی بسیار است و کسی که بدان عمل کند اندک.

Goodness has many forms to do, but good doers are few.

۱۵۴۹ الخیر مع اکابرکم.

خیر و برکت در زندگی شما همراه سال خوردگانان است.

****گفت پیغمبر که شیخ رفته پیش—چون نبی باشد میان قوم خویش (مولوی)**

****مَسْکَل (مَسْکَل) از پیغمبر ایام خویش—تکیه کن بر فن و بر کامِ خویش (مولوی)**

Goodness accompanies your adult aged ones.

۱۵۵۰ الخیر معقود بنواصی الخیل إلى يوم القيامة و المنفق علی الخیل کالباسط کفّه بالنفقة لا یقبضها.

نیکی تا قیامت به پیشانی اسبان بسته است، خرج اسب چون نفقه ضروریست و نباید از آن امساک کنند.

Horses' forehead abound in everlasting gains, and spending for them is like unto spending generously for one's family and should not be withheld.

۱۵۵۱ الخیل معقود بنواصیها الخیر إلى يوم القيامة الأجر و المغنم.

نیکی یعنی پاداش و غنیمت تا قیامت به پیشانی اسبان بسته است.

Horses' forehead abound in everlasting gains, i.e. spoils and rewards.

۱۵۵۲ الخیل معقود بنواصیها الخیر و النیل إلى يوم القيامة و أهلها معانون علیها و المنفق علیها کباسط یده فی صدقة.

نیکی و کامروائی تا قیامت به پیشانی اسبان بسته است و اسب داران بوسیله آن معونت بینند و کسی که برای اسب خرج کند چنانست که صدقه داده باشد.

Horses' forehead abound in everlasting gains and achievements and stand as a source of assistance for their owners, and spending for horses is like unto being generous in giving charity.

۱۵۵۳ الخیل معقود فی نواصیها الخیر إلى يوم القيامة و أهلها معانون علیها فامسحوا بنواصیها و ادعوا لها بالبركة و قلّدوها و لا تقلّدوها الأوتار.

نیکی تا روز قیامت به پیشانی اسبان بسته است و اسب داران بوسیله آن کمک بینند به پیشانی اسب دست بکشید و برای آن برکت بخواهید چیز بدان بیاویزید ولی زه کمان میاویزید.

Horses' forehead abound in everlasting gains and stand as a source of assistance for their owners. So, caress horses' foreheads, ask God for their good, adorn them with something, but not with warfare implements.

د

۱۵۵۴ داووا مرضاکم بالصدقة فإنها تدفع عنكم الأمراض والأعراض.

بیماران خود را بوسیله صدقه علاج کنید زیرا صدقه امراض را از شما دفع و آبروهای شما را حفظ میکند.

Restore your patients to health through charity, for it wards off all sorts of illness and protects your reputation honor.

۱۵۵۵ دَبَّ إِلَيْكُمْ دَاءُ الْأَمِّ قَلْبُكُمْ الْحَسَدُ وَالْبَغْضَاءُ هِيَ الْحَالِقَةُ حَالِقَةُ الدِّينِ لَا حَالِقَةَ الشَّعْرِ وَالَّذِي نَفْسَ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَا تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ حَتَّى تُوْمِنُوا وَ لَا تُوْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا أَفَلَا أُبَيِّنُكُمْ شَيْءًا إِذَا فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَبْتُمْ؟ أَفْشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ.

بیماری اَمْتِهای قبل در شما نفوذ کرده است؛ حسد و دشمنی که از ریشه در می آورند اما نه ریشه موی بلکه ریشه دین؛ به خدائی که جان محمد به کف اوست بهشت نمی‌روید تا مؤمن شوید و مؤمن نشوید تا یک دیگر را دوست دارید آیا میخواهید شما را بجیزی خبر دهم که اگر انجام دهید، یک دیگر را دوست دارید، به همدیگر سلام کنید.

The maladies of your predecessors such as envy and enmity have penetrated into your (souls), wearing away not your bodies, but your faith. By the One in whose hands Muhammad's soul stands, you will not be allowed to Paradise unless you turn out to be (true) believers and you will not achieve that save by loving one another. Shall I make you aware of something that would help you so doing? Greet each other.

۱۵۵۶ دخلت الجنة فإذا أكثر أهلها البله.

به بهشت در آمدم و بیشتر اهل آن ابلهان بودند.

****شهاب الاخبار- حدیث ۶۶۱=بیشترین اهل بهشت آنان باشند که در کار دنیا زیرک نباشند، و در کار آخرت زیرک باشند.**

****گفت پیغمبر که هستند فنون- اهل جنت در خصومت ها زیون (مولوی)**

****اکثر اهل الجنة البله ای پدر- این چنین گفته ست سلطان بشر (مولوی)**

****بیشتر اصحاب جنت ابلهند- تا ز شر فیلسوفی می رهند (مولوی)**

****سوره ۱۱- هود آیه ۲۷- اشراف کافر قوم نوح در پاسخ او گفتند: ما تو را جز بشری همچون خودمان نمی بینیم، و کسانی را که از تو پیروی کرده اند جز افراد پست ساده لوح مشاهده نمی کنیم و برای شما فضیلتی نسبت به خود نمی بینیم بلکه گمان می کنیم شما دروغگو هستید.**

Having entered paradise, most of its dwellers I found of the unwise!

****Sura 11 Hud The prophet-Aya 27: The chiefs of the disbelievers of his folk said to Noah The Prophet "We see you but a man like ourselves and we do not consider your followers but the lowliest of us, men without intelligence, we do not see in you any merit above us, rather we think you are liars".**

۱۵۵۷ دخلت الجنة فرأيت على بابها: الصدقة بعشرة و القرض بثمانية عشر فقلت يا جبريل كيف صارت الصدقة بعشرة و القرض بثمانية عشر قال لأن الصدقة تقع في يد الغني و الفقير و القرض لا يقع إلا في يد من يحتاج إليه.

ببهشت در آمدم و بر در آن نوشته دیدم، صدقه را ده برابر پاداش است و قرض را هیجده برابر پاداش، گفتم ای جبرئیل چگونه صدقه را ده برابر و قرض را هیجده برابر پاداش دهند، گفت برای آنکه صدقه بدست بی نیاز و نیازمند افتد و قرض جز بدست محتاجان نیفتد.

Entering Paradise, I saw the statement on its door that `charity will be rewarded ten times as much but lending, eighteen times as much. I asked Gabriel for the reason, and he replied: "Charity is to the good of the poor and the rich alike, but lending is only to the good of the needy".

۱۵۵۸ دخلت الجنة فرأيت في عارضتي الجنة مكتوبا ثلاثة أسطر بالذهب: السطر الأول «لا إله إلا الله محمد رسول الله» و السطر الثاني «ما قدمنا وجدنا و ما أكلنا ربحنا و ما خلفنا خسرنا» و السطر الثالث «أمه مذنبه و رب غفور».

به بهشت در آمدم و دیدم که در دو نمای آن سه سطر به طلا نوشته بود: سطر اول چنین بود: «خدائی جز خدای یگانه نیست و محمد پیغمبر خداست.» و سطر دوم چنین بود: «آنچه را از پیش فرستادیم یافتیم و آنچه را مصرف کردیم از آن سود بردیم و آنچه را عقب (=بر جای) گذاشتیم از دست دادیم.» سطر سوم چنین بود: «چه امت گناهکاری و چه پروردگار بخشنده ای»

Entering Paradise, on two sites, I saw three statements written in gold, reading) "There is no god but Allah and Muhammad is His messenger.") "We arrived at what we sent ahead, availed ourselves of what we made use of, and lost what we left behind.", and) "What a sinful nation and what a forgiving Lord!"

۱۵۵۹ دخلت امرأة النار في هرة ربطتها فلم تطعمها و لم تدعها تأكل من خشاش الأرض حتى ماتت.

زنی بجهنم رفت برای آنکه گربه‌ای را بسته بود و چیزی بدو نخوراند و نگذاشت از چیزهای زمین بخورد تا بمرد.

A woman was doomed to Hell, for she had kept a cat in bonds without food to die from hunger.

۱۵۶۰ درهم الرجل ينفق في صحته خير من عتق رقبة عند موته.

درهمی که انسان در حال صحت در راه خدا خرج کند بهتر از بنده ای است که هنگام مرگ آزاد کند.

It would be much better for one to give a penny in health (in the way of God) than to emancipate a slave at the point of death.

۱۵۶۱ درهم ربا يأكله الرجل و هو يعلم أشد عند الله من ستته و ثلاثين زنية.

یک درهم ربا که انسان دانسته گیرد در نظر خدا بدتر از سی و شش زناست.

A Dirham earned in usury is worse for a man in the sight of God than committing adultery thirty six times.

۱۵۶۲ دعاء الأخ لأخيه بظهر الغيب لا يرد.

دعائی که برادر پشت سر برادر خود کند ردشده نیست.

Praying for one's absent brethren will certainly be granted.

۱۵۶۳ دعاء المحسن إليه للمحسن لا يرد.

دعائی که نکوئی دیده برای نکوکار کند ردشده نیست.

Praying for the benefactor by the receiver of benefaction will certainly be granted.

۱۵۶۴ دعاء المرء المسلم مستجاب لأخيه بظهر الغيب عند رأسه ملك موكل به كلما دعا لأخيه بخير قال الملك: آمين و لك بمثل ذلك.

دعای مرد مسلمان که پشت سر برادر خود کند پذیرفته شود بر سر او فرشته‌ای موکل است و هر دم برای برادر خود دعائی کند گوید: پذیرفته باد (=آمین) و برای تو نیز نظیر آن باشد.

Prayers of a Muslim for his absent brethren will be granted, for an angel accompanies him to say 'amen' whenever he prays thus, and it is the same for you too.

۱۵۶۵ دعاء الوالد لولده كدعاء النَّبِيِّ لِأُمَّتِهِ.

دعائی که پدر برای فرزند کند مانند دعائیست که پیغمبر برای امت خود میکند.

A father's praying for his child is like unto a prophet's for his nation.

۱۵۶۶ دع قيل وقال و كثرة السؤال وإضاعة المال.

از قیل و قال و کثرت سؤال و تلف کردن مال در گذر.

Abandon hues and cries, myriad (unnecessary) questions and destruction of wealth.

۱۵۶۷ دع ما يريكم إلى ما لا يريكم فإن الصدق ينجي.

از آنچه شبهه‌ناک است بگذر و آنچه را شبهه‌ناک نیست بر گیر که راستی مایه نجات است.

****گفت پیغمبر نشانی داده است—قلب و نیکو را محک بنهاده است**

گفته است الكذب ريب في القلوب—باز الصدق طمأنين طروب (مولوی)

****چون طمأنینه ست صدق با فروغ—دل نیارآمد به گفتار دروغ (مولوی)**

****دل بیارآمد ز گفتار صواب—آن چنان که تشنه آرامد ز آب (مولوی)**

Give up the doubtful and grasp the undoubtful. Verily, truthfulness entails salvation.

۱۵۶۸ دع ما یریبک إلی ما لا یریبک فإِنَّک لن تجد فقد شیء ترکتہ لله.

از آنچه شبهه ناک است در گذر و آنچه را شبهه ناک نیست برگیر زیرا فقدان چیزی را که برای خدا رها کرده‌ای احساس نخواهی کرد.

****گفت پیغمبر نشانی داده است—قلب و نیکو را محک بنهاده است**

گفته است الْکِذْبُ رِيبٌ فِي الْقُلُوبِ—باز الصِّدْقُ طَمَئِنٌ طَرُوبِ (مولوی)

****چون طمأنینه ست صدق با فروغ—دل نیارآمد به گفتار دروغ (مولوی)**

****دل بیارآمد ز گفتار صواب—آن چنان که تشنه آرامد ز آب (مولوی)**

Give up the doubtful and grasp the undutiful, for surely you will not feel the lack of what you have abandoned for the sake of God.

۱۵۶۹ دع ما یریبک إلی ما لا یریبک فمن رعی حول الحمی یوشک أن یقع فیه.

از آنچه شبهه ناک است در گذر و آنچه را شبهه ناک نیست بر گیر زیرا هر که در اطراف قُرُق گوسفند چراند ممکن است در آن افتد.

****گفت پیغمبر نشانی داده است—قلب و نیکو را محک بنهاده است**

گفته است الْکِذْبُ رِيبٌ فِي الْقُلُوبِ—باز الصِّدْقُ طَمَئِنٌ طَرُوبِ (مولوی)

****چون طمأنینه ست صدق با فروغ—دل نیارآمد به گفتار دروغ (مولوی)**

****دل بیارآمد ز گفتار صواب—آن چنان که تشنه آرامد ز آب (مولوی)**

Give up the doubtful and grasp the doubtless, for whoever grazes his cattle on the whereabouts of a forbidden pasture, might unwantedly find himself on it.

۱۵۷۰ دعوا الحسناء العافر و تزوجوا السّوداء الولود فإِنَّی أکثر بکم الأمم یوم القیمه.

زن زیبای عقیم را بگذارید و با زن سیاه که بچه‌آور است ازدواج کنید؛ که من روز رستاخیز به فزونی شما بر امت‌های دیگر تفاخر میکنم.

Forget about barren beautiful women, and marry productive (black) ugly ones, for I will take pride in the greater number of your offspring on other nations in the Day of Judgment.

۱۵۷۱ دعوا الدنیا لأهلها، من أخذ من الدنیا فوق ما یكفیه أخذ حتفه و هو لا یشعر.

دنیا را باهل آن واگذارید، هر که از دنیا بیش از حاجت خود فرا گیرد، هلاک خویش را گرفته و نمیداند.

Leave the world to the secular, (for) whoever takes of the world beyond his need, is unknowingly ruining himself (indeed).

۱۵۷۲ دعوا النَّاسِ یرزق الله بعضهم ببعض.

بگذارید خداوند بعضی مردم را بوسیله بعضی دیگر روزی دهد.

Leave people on their own, (for) God bestows sustenance on some through others.

۱۵۷۳ دعوا النَّاسِ یصیب بعضهم من بعض فإن استنصح أحدکم أخاه فلینصحه.

بگذارید مردم از یک دیگر فائده برند و وقتی یکی از شما از برادر خویش مشورت خواست رأی خویش را باو بگوید.

Let people avail themselves of one another, and when one of you counsels his brother, to him should the latter his views offer.

۱۵۷۴ دعوة المظلوم مستجابة و إن کان فاجرا ففجوره علی نفسه.

دعای ستمدیده پذیرفته است اگر چه بد کار باشد، بد کاری او مربوط بخودش است.

The prayers of the oppressed will be granted, though evildoers they might be, for their evil is their personal property.

۱۵۷۵ دعوتان لیس بینهما و بین الله حجاب دعوة المظلوم و دعوة المرء لأخیه بظهر الغیب.

دو دعاست که میان آن و خدا پردهای نیست، دعای ستمدیده و دعائی که مرد پشت سر برادر خود کند.

There is no barrier between God and two sorts of prayers: the prayers of the oppressed and the prayers of one for his absent brother (in faith).

۱۵۷۶ دعوه فی السرّ تعدل سبعین دعوه فی العلانیة.

یک دعای نهانی مساوی هفتاد دعای آشکار است.

A covert prayer equals seventy overt ones.

۱۵۷۷ دلیل الخیر کفاعله.

فرد راهنمای به نیکی چون انجام دهنده کار نیک است.

The guide to good is just as a good-doer.

۱۵۷۸ دوروا مع کتاب اللّٰه حیثما دار.

پیوسته پیرو کتاب خدا باشید.

Be a follower to the Book of God forever.

۱۵۸۰ دینار أنفقته فی سبیل اللّٰه و دینار أنفقته فی رقبه و دینار تصدّقت به علی مسکین و دینار أنفقته علی أهلك أعظمها أجرا الذی أنفقته علی أهلك.

دیناری در راه خدا خرج کرده‌ای و دیناری برای آزاد کردن بنده‌ای داده‌ای و دیناری که به بینوائی صدقه داده‌ای و دیناری خرج خانواده خود کرده‌ای، (از این میان) بهتر از همه، دیناری است که خرج خانواده خود کرده‌ای.

Suppose you have given a Dinar in the way of God, another to free a slave, another in charity to the poor, and still another to settle the needs of your household. The last one is worthy of more reward than others.

۱۵۸۱ دین المرء عقله و من لا عقل له لا دین له.

دین مرد عقل اوست و هر که عقل ندارد دین ندارد.

****بس نکو گفت آن رسول خوش جواز—ذره‌ای (ذره) عقلت به از صوم و نماز (مولوی)**

Man's faith lies in his wisdom and thus, whoever is devoid of wisdom is bereft of faith.

۱۵۸۲ الدار حرم فمن دخل علیک حرمک فاقتله.

خانه حرم است و هر که بی اجازه به حرم تو در آمد او را بکش.

Your house is your sanctuary. Kill the one who trespasses upon its limits.

۱۵۸۳ الدعای و المؤمن فی الأجر شریکان و القاری و المستمع فی الأجر شریکان و العالم و المتعلم فی الأجر شریکان.

آنکه دعا میکند و آنکه آمین گوید در پاداش شریکند و قاری و مستمع در پاداش شریکند و دانش آموز در پاداش شریکند.

Those who pray and those who say `amen' are equally rewarded. This is true with those who recite and those who listen to the Quran as well as with teachers and students.

۱۵۸۴ الدالّ علی الخیر کفعله و الله یحبّ إیّاهه اللّهفان.

راهنمای به نیکی مانند انجام دهنده کار نیک است و خداوند فریادرسی بیچارگان را دوست دارد.

A guide to goodness is like unto its doer, and God loves helping the poor.

۱۵۸۵ الدعاء بین الأذان و الإقامة لا یردّ.

دعائی که میان اذان و اقامه نماز کنند رد نمیشود.

The prayers said between Adhan(call to prayer) and Iqama(performing the prayer) will definitely be granted.

۱۵۸۶ الدعاء جند من أجناد الله مجتد یردّ القضاء بعد أن یرم.

دعا سپاهی از سپاهیان مجهز خداست و قضای محتوم را دفع می کند.

Prayer is one among God's armies, and thus when granted wards off indispensable events.

۱۵۸۷ الدعاء سلاح المؤمن.

دعا سلاح مؤمن است.

Prayers are believers' weapons.

۱۵۸۸ الدعاء مفتاح الرّحمه و الوضوء مفتاح الصّلاه و الصّلاه مفتاح الجنّه.

دعا کلید رحمت و وضو کلید نماز است و نماز کلید بهشت.

****روی ناشسته نبیند روی حور— لا صلاه گفت الا بالطهور (مولوی)**

Prayer is a key to (God's) mercy, ablution is a key to prayer, and prayer is a key to Paradise.

۱۵۸۹ الدعاء هو العباده.

دعا عبادت است.

Praying is worshipping.

۱۵۹۰ الدعاء يردّ البلاء.

دعا دفع بلاست.

Prayers repel plagues.

۱۵۹۱ الدعاء يردّ القضاء و إنّ البرّ يزيد في الرّزق و إنّ العبد ليحرم الرّزق بالذنّب يصيبه.

دعا دفع قضا کند و نیکی روزی را بیفزاید و بنده بوسیله گناهی که مرتکب شود از روزی خود محروم ماند.

Prayers repel bad luck, benevolence adds to one's sustenance, and servants of God will be deprived of their daily bread, with sins should they be fed.

۱۵۹۲ الدعاء ينفع ممّا نزل و ممّا لم ينزل فعليكم عباد الله بالدعاء.

دعا در باره آنچه فرود آمده و آنچه نیامده مفید است بندگان خدا از دعا غافل مشوید.

O servants of God! I advise you to prayers, for praying efficiently affects what has already happened and what has not.

۱۵۹۳ الدّانير و الدّراهم خواتيم الله في أرضه من جاء بخاتم مولاة قضيت حاجته.

دینارها و درهمها مُهرهای خدا در روی زمین است و هر که مُهر آقای خود را بیاورد حاجتش بر آورده شود.

Dinars and Dirhams are seals of God on the earth, and the requests of whoever delivers his Master's seals to Him will be granted.

۱۵۹۴ الدنیا حلوه خضره فمن أخذها بحقه بورك له فيها و ربّ متخوض فيما اشتهدت نفسه ليس له يوم القيامة إلّا النار.

دنیا شیرین و دوست داشتنی است؛ هر که از آن مطابق حق بهره گیرد بر او مبارکباد؛ و بسا کسان که در خواهشهای خود فرو روند و روز قیامت نصیبی جز آتش ندارند.

The world is sweat and green. Whoever takes of it a due share, blessed will it be for her (him). Many a man who plunges into their carnal desires and, in the Hereafter, no share will be theirs but fire!

۱۵۹۵ الدنیا حرام علی أهل الآخرة و الآخرة حرام علی أهل الدنیا و الآخرة حرام علی أهل الله.

دنیا بر اهل آخرت حرام است و آخرت بر اهل دنیا حرام است و دنیا و آخرت بر اهل خدا حرام است.

****چشمه راحت بر ایشان شد حرام—می خورند از زهر قاتل جام جم (مولوی)**

This world is a ban for a spiritual man, and the next is a ban for a secular one, and this and the next worlds are forbidden for the friends of the Hidden Almighty God.

۱۵۹۶ الدنیا حلوه من اکتسب فیها مالا من حلّه و أنفقه فی حقّه أثابه الله علیه و آورده جنته و من اکتسب فیها مالا من غیر حلّه و أنفقه فی غیر حقّه أحله الله دار الهوان.

دنیا شیرین و دوست داشتنی است؛ هر که در دنیا مالی از حلال بدست آورد و به حق خرج کند، خدایش پاداش دهد و او را به بهشت در آورد؛ هر که مالی از غیر حلال به دست آورد و بناحق خرج کند خدا او را به جهنم در آورد.

****گفت روبه، جستن رزق حلال—فرض باشد از برای امتثال (مولوی)**

****طبل خواری در میانه شرط نیست—راه سنت کار و مکسب کردنی ست (مولوی)**

****هین، توکل کن، ملرزان پا و دست—رزق تو بر تو ز تو عاشق تر است (مولوی)**

The world is green and sweet. Whoever a lawful share of it earns and duly spends, will enjoy God's reward and in Paradise will dwell, and whoever an unlawful share of it earns and unduly spends, will be made by God to reside in Hell.

۱۵۹۷ الدنیا دار من لا دار له و مال من لا مال له و لها یجمع من لا عقل له.

دنیا خانه کسی است که خانه ندارد و مال کسی است که مال ندارد و کسی برای دنیا مال فراهم میکند که عقل ندارد.

****بسی نکو گفت آن رسول خوش جواز—ذره ای (ذره) عقلت به از صوم و نماز (مولوی)**

The world is home for those without home and wealth for those without wealth, and unwise are those who amass wealth for worldly life.

۱۵۹۸ الدنیا دول فما كان لك أُنَاك علي ضعفك و ما كان منها عليك لم تدفعه بقوتك.

دنیا متغیر است منفعتی که نصیب تو است اگر ضعیف هم باشی بتو میرسد و ضرری را که نصیب توست دفع آن به قوت توانی کرد.

The world is in the move. Your share of its benefits will reach you even if you are weak and your share of its losses you will not repel through your strength.

۱۵۹۹ الدنیا سبعة أيام من أيام الآخرة.

عمر دنیا مساوی هفت روز از روزهای آخرتست.

This world's duration is as long as seven days of the Hereafter.

۱۶۰۰ الدنیا سجن المؤمن و جنة الكافر.

دنیا زندان مؤمن است و بهشت کافر.

****مرگ برای مؤمن=همچنین باد اجل با عارفان—نرم و خوش همچون نسیم یوسفان (مولوی)**

****این جهان زندان و ما زندانیان—حفره کن زندان و خود را وارهان (مولوی)**

****کنج زندان جهان ناگزیر—نیست بی پا مزد و بی دقّ الحصیر (مولوی)**

****گفت خان و مان من، احسان توست—همچو کافر، جنتم زندان توست (مولوی)**

****مرگ تن هدیه ست بر اصحاب راز—زرّ خالص را چه نقصان است گاز؟ (مولوی)**

The world is believers' prison and unbelievers' Paradise.

۱۶۰۱ الدنیا متاع و خیر متاعها المرأة الصالحة.

دنیا متاعی است و بهترین متاع آن زن پارساست.

The world is a piece of goods, and the best in it is a pious wife.

۱۶۰۲ الدنیا ملعونة ملعون ما فيها إلا أمرًا بالمعروف أو نهيا عن منكر أو ذكر الله.

دنیا ملعون است و هر چه در آنست ملعون است جز امر بمعروف و نهی از منکر یا ذکر خدا.

The world and whatever it possesses are damnable, save bidding to good and forbidding evil as well as the remembrance of God.

۱۶۰۳ الدنیا ملعونة ملعون ما فيها إلا ذكر الله و ما والاه و عالما أو متعلما.

دنیا ملعون است و هر چه در آنست ملعون است مگر ذکر خدا و متعلقات آن و دانشمند یا دانش آموز.

The world and whatever it possesses are damnable, save the remembrance of God and what it entails as well as teachers and learners.

۱۶۰۴ الدنیا ملعونة ملعون ما فيها إلا ما كان منها لله عزّ و جلّ.

دنیا ملعون است و هر چه در آنست ملعون است مگر آنچه برای خداوند باشد.

****در یکی گفته کزین دو برگذر—بُت بود هر چه بگنجد در نظر (مولوی)**

The world and whatever it possesses are damnable, save that which (is used) for God, the most Powerful and Glorious.

۱۶۰۵ الدنیا ملعونة ملعون ما فيها إلا ما ابتغى به وجه الله عزّ و جلّ.

دنیا ملعون است و هر چه در آنست ملعونست مگر چیزی که رضای خدا بدان جویند.

The world and whatever it possesses are damnable, save that in which the most Powerful and Glorious God's consent is sought.

١٦٠٦ الدّواء من القدر و قد ينفع بإذن الله تعالى.

دوا از وسائل تقدیر است و به فرمان خدا فایده میدهد.

Medicines are the Exalted God's destined creatures, and only with His permission they exert their effects.

١٦٠٧ الدّواوین ثلاثة: فدیوان لا یغفر الله منه شیئا و دیوان لا یعبؤ الله به شیئا و دیوان لا یتربک الله منه شیئا فأما الدیوان الّذی لا یغفر الله منه شیئا فالإشراک بالله و أما الدیوان الّذی لا یعبؤ الله به شیئا فظلم العبد نفسه فیما بینة و بین ربّه: من صوم یوم ترکه أو صلاة ترکها فإنّ الله یغفر ذلك إن شاء و یتجاوز و أما الدیوان الّذی لا یتربک الله منه شیئا فمظالم العباد بینهم، القصاص لا محالة.

برای اعمال بندگان سه دفتر هست: دفتری که خدا چیزی از آن را نمی‌آمرد، و دفتری که خدا بدان اهمیت نمیدهد، و دفتری که خدا از هیچ چیز آن نمیگذرد. دفتری که خدا چیزی از آن را نمی‌آمرد، شرک بخداست و دفتری که خدا بدان اهمیت نمیدهد ستمی است که بنده میان خود و خدا بخویشتن کرده است مانند روزه‌ای که خورده یا نمازی که ترک کرده است و خداوند اگر بخواهد آن را ببخشد و از آن درگذرد، دفتری که خداوند از هیچ چیز آن نمیگذرد ستمهایی که بندگان بیکدیگر کرده‌اند و ناچار باید تلافی شود.

There are three books of deeds (for people's doings): the book whose contents God will not forgive, i.e. the book of polytheism, the book to which God pays no attention, i.e. the book of man's evils to his own soul, of which he and his Lord are aware, e.g. breaking one's fasts and forsaking (obligatory) prayers which God will forgive should He will, and the book of which God will not forgive anything, i.e. men's oppressing each other, which has to be retaliated.

١٦٠٨ الدّین النّصح.

کمال دین خیر خواهی است.

True faith lies in advice.

١٦٠٩ الدّین دینان: فمن مات و هو ینوی قضاءه فأنا ولیّه و من مات و لا ینوی قضاءه فذاک الّذی یؤخذ من حسناته لیس یومئذ دینار و لا درهم.

دو جور قرض هست هر که بمیرد و در دل دارد که قرض خود را بپردازد من وکی او هستم و هر که بمیرد و در دل دارد قرض خود را ندهد، در مقابل آن از اعمال نیک وی بردارند زیرا در آن روز دینار و درهمی نیست.

There are two kinds of debts: the one which man intends to repay, but before doing so he passes away, which I (the Holy Prophet) will compensate for, and the one which man intends not to repay upon passing away, which will be refunded through his good deeds in the Last Day when he has no Dinar or Dirham.

۱۶۱۰ الدّین رایة الله فی الأرض فإذا أراد أن یذلّ عبدا وضعها فی عنقه.

قرض، پرچم خدا در روی زمین است و هر که را خواهد ذلیل کند آن را بگردنش می گذارد.

Debt is God's banner on earth, which He puts on the shoulder of the one he wishes to abase.

۱۶۱۱ الدّین شین الدّین.

قرض مایه خواری دین است.

Debt defiles one's faith.

۱۶۱۲ الدّین هم باللیل و مذلة بالنهار.

قرض غم شب و ذلت روز است.

Debt causes day's abasement and night's grief.

۱۶۱۳ الدّین ینقص من الدّین و الحساب.

قرض دین و بزرگی خانوادگی فرد را بکاهد.

Debt causes defect in one's faith and descent.

ذ

۱۶۱۴ ذاکر الله فی الغافلین بمنزلة الصّابر فی الفارین.

آنکه در میان غافلان یاد خدا کند چنان است که در میان فراریان جنگ نگریزد و ثبات (=پایداری) ورزد.

He who remembers God among the negligent is like unto the one who among the deserters (of the battlefield) remains steadfast and patient.

۱۶۱۵ ذاکر اللّٰه فی الغافلین مثل الذی یقاتل عن الفارین و ذاکر اللّٰه فی الغافلین کالمصباح فی البیت المظلم و ذاکر اللّٰه فی الغافلین کمثل الشّجره الخضراء فی وسط الشّجر الذی قد تحات من الصّرید و ذاکر اللّٰه فی الغافلین یرفّه اللّٰه مقعده من الجنّه و ذاکر اللّٰه فی الغافلین یغفر اللّٰه له بعدد کلّ فصیح و أعجم.

آنکه در میان غافلان یاد خدا کند، چون آن کس است که از فراریان جنگ دفاع کند؛ و آنکه در میان غافلان یاد خدا کند، چون چراغ در خانه تاریک است؛ و آنکه در میان غافلان یاد خدا کند، چون درخت سبز است در میان درختانی که از سرما برگریزان کرده؛ و آنکه در میان غافلان یاد خدا کند، خدا جایگاهش را در بهشت به او بنمایاند؛ و آنکه در میان غافلان یاد خدا کند، خدا به شماره هر زبان دار و گنگ او را پیامرزد.

He who remembers God among the negligent is like unto the one who fights the deserters of the battlefield, is like unto a lamp in a dark house, and is like unto a green tree among cold-stricken leafless ones-one whose place of residence in Paradise is shown to him by God, and whose sins will He forgive even if they amount to the number of silent and speaking people.

۱۶۱۶ ذبّوا عن أعراضکم بأموالکم.

با اموالتان از آبرویتان دفاع کنید.

By your wealth protect your fame and respect.

۱۶۱۷ ذبح الرّجل أن تزکّیه فی وجهه.

سر بریدن مرد آنست که در حضورش تمجید وی کنی.

You will ruin a man in case you admire him to his face.

۱۶۱۸ ذروا الحسناء العقیم و علیکم بالسّوداء الولود.

زن خوبروی نازا را واگذارید و سیاهی که فرزند بسیار آرد برگزینید.

Forget about a barren beautiful woman and choose a black, productive one.

۱۶۱۹ ذروه سنام الإسلام الجهاد في سبيل الله لا يناله إلا أفضلهم.

اوج مسلمانی جهاد در راه خدا است که جز مسلمانان برجسته بدان نرسند.

The highest status in Islam is struggling in the way of God, which is not achieved save by the best Muslims.

۱۶۲۰ ذکر الله شفاء القلوب.

یاد کردن خدا شفای دلهاست.

Remembering God heals (people's) hearts.

۱۶۲۱ الذکر خیر من الصدقة.

یاد کردن خدا از صدقه دادن بهتر است.

Remembering God weighs over giving charity.

۱۶۲۲ ذنب العالم ذنب واحد و ذنب الجاهل ذنبان.

گناه دانا یک گناه است و گناه نادان دو گناه.

The learned person's sin is considered one and that of the ignorant, two.

۱۶۲۳ الذنب شؤم علی غیر فاعله إن عیبه ابتلی به و إن اغتابه أثم و إن رضی به شارکه.

گناه برای غیر گنهکار نیز شوم است: که اگر او را به گناهش عیب کند بدان مبتلا شود، و اگر غیبت او کند گنهکار شود، و اگر بدان رضا دهد شریک وی باشد.

Sins cause evil to the sinless too: for if he blames the sinners, he will happen to commit sins himself, if he backbites them, he will be a sinner himself and if he agrees with them, he will get a share in their sins.

۱۶۲۴ ذنب لا یغفر و ذنب لا یترک و ذنب یغفر فأما الذی لا یغفر فالشک بالله و أما الذی یغفر فذنب العبد بینه و بین الله عز و جل و أما الذی لا یترک فظلم العباد بعضهم بعضا.

گناهی هست که بخشیدنی نیست، و گناهی هست که از آن چشم نپوشند، و گناهی هست که بخشیده تواند شد. آنچه بخشیدنی نیست شرک بخدا است و آنچه بخشیده تواند شد گناه بنده میان خود و خدای عز و جل است اما آنچه از آن چشم نپوشند ستم کردن بندگان به یک دیگر است.

Some sins are impossible to be forgiven, some are not left of account, and some are forgiven, i.e. taking partners with God, oppressing one another, and one's deeds known only to him and the Exalted God respectively.

۱۶۲۶ ذنب یغفر و ذنب لا یغفر و ذنب یجازی به فأما الذنب الذی لا یغفر فالشّرك بالله و أما الذنب الذی یغفر فعملک بینک و بین ربّک و أما الذنب الذی یجازی به فظلمک أّحاک.

گناهی هست که بخشیده تواند شد، و گناهی هست که بخشیدنی نیست، و گناهی هست که سزای آن دهند. اما گناهی که بخشیدنی نیست شرک بخداست اما گناهی که بخشیده تواند شد عملی است که میان خود و خدا کرده‌ای اما گناهی که سزای آن دهند ستمی است که برادر خویش کنی.

Some sins are forgiven, some are impossible to be forgiven and some punishable, i.e. your deeds known to you and God, taking partners with God and one's deeds known only to him and God and oppressing your brethren respectively.

۱۶۲۷ ذو الدرهمین أشدّ حسابا من ذی الدرهم و ذو الدینارین أشدّ حسابا من ذی الدینار.

آنکه دو درهم دارد حساب وی از صاحب یکدرهم سخت تر است.

و آنکه دو دینار دارد حساب وی از صاحب یک دینار سخت تر است.

Those who possess two Dirhams or two Dinars will have to bear a severer account than those having one Dirham or one Dinar (in the Day of Judgment).

۱۶۲۸ ذو الوجهین فی الدنیا یأتی یوم القیامه و له وجهان من نار.

هر که در دنیا دورو باشد روز قیامت بیاید و دو رو از آتش داشته باشد.

The double-faced in the world will suffer double-flamed fire in the Hereafter.

۱۶۲۹ ذو الوجهین لا یكون وجهها.

دو رو آبرومند نخواهد بود.

The double-faced will not enjoy respect.

۱۶۳۰ ذهب النبوة فلا نبوة بعدى إلا المبشرات: الرؤيا الصالحة يراها الرجل أو ترى له.

پیمبری پایان رسیده و پس از من پیمبری نیست، مگر مژده‌رسانها و آن خوابهای نیکوست که مرد بیند یا برای او ببینند.

Prophet-hood ended, and so there will be no prophet after me, save the givers of good tidings, i.e. good visions one dreams for himself or others dream for him.



۱۶۳۱ رأس الحكمة مخافة الله.

اساس حکمت ترس خداست.

Wisdom starts with piety.

۱۶۳۲ رأس الحكمة معرفة الله.

اساس حکمت خداشناسی است.

Wisdom starts with knowing God.

۱۶۳۳ رأس الدين الورع.

اساس دین پرهیز از محرّمات است.

Religion (faith) starts with piety (avoiding the unlawful).

۱۶۳۴ رأس الدين النصيحة لله و لدينه و لرسوله و لكتابه و لأئمة المسلمين و للمسلمين عامّة.

اساس دین خیر خواهی برای خدا و دین خدا و پیغمبر خدا و کتاب خدا و پیشوایان مسلمانان و همه مسلمانان است.

The first step towards religion is well-wishing for the sake of God, His religion, His Prophet and His Book as well as for Muslims and Muslim leaders.

۱۶۳۵ رأس العقل المداراة و أهل المعروف في الدنيا أهل المعروف في الآخرة.

اساس عقل مداراست و نیکوکاران دنیا نیکوکاران آخرتند.

****بس نکو گفت آن رسول خوش جواز—ذره ای (ذره) عقلت به از صوم و نماز (مولوی)**

Moderateness stands at the peak of one's intellect, and the benevolent of the world will be the benevolent of the Hereafter.

۱۶۳۶ رأس العقل بعد الإيمان بالله التودد إلى الناس و اصطناع المعروف إلى كل برّ و فاجر.

اساس عقل پس از ایمان به خدا این است که به مردم محبت ورزی و به خوب و بد آنها نیکی کنی.

****بس نکو گفت آن رسول خوش جواز—ذره ای (ذره) عقلت به از صوم و نماز (مولوی)**

The basis of one's intellect, besides believing in God, is friendship with people, and benevolence to the good and bad of them.

۱۶۳۷ رأس العقل بعد الإيمان بالله التودد إلى الناس و ما يستغنى رجل عن مشورة و إن أهل المعروف في

الدنيا هم أهل المعروف في الآخرة و إن أهل المنكر في الدنيا هم أهل المنكر في الآخرة.

اساس عقل پس از ایمان به خدا دوستی با مردم است و هیچ کس از مشورت بی نیاز نیست؛ نیکوکاران این جهان نیکوکاران آن جهانند و بدکاران این جهان بدکاران آن جهانند.

****بس نکو گفت آن رسول خوش جواز—ذره ای (ذره) عقلت به از صوم و نماز (مولوی)**

The basis of one's intellect, besides believing in God, is friendship with people. Nobody is needless of consultation. The benevolent of the world will be the benevolent of the Hereafter, and the wrongdoers of this world will be the wrongdoers of the next.

۱۶۳۸ رأس العقل بعد الإيمان بالله الحياء و حسن الخلق.

اساس عقل پس از ایمان بخدا حیا و نیکخوئی است.

****بس نکو گفت آن رسول خوش جواز—ذره ای (ذره) عقلت به از صوم و نماز (مولوی)**

Modesty and good-temperedness form the basis of one's intellect, besides believing in God.

۱۶۳۹ رأی عیسی بن مریم رجلا یسرق فقال له: أ سرت؟

قال: کلا و الذی لا إله إلا هو و قال عیسی: آمنت بالله و کذبت عینی.

عیسی بن مریم مردی را دید که دزدی میکند، بدو گفت آیا تو دزدی کرده‌ای؟ گفت بخدائی که جز او خدائی نیست نه، عیسی گفت من بخدا ایمان دارم و چشم من خطا کرده است.

Jesus, son of Mary beheld a man stealing (something). "Did you steal anything"? he responded Jesus. "No, by the God save Him no god exists". "I believe in God and my eyes have erred". Jesus asserted.

۱۶۴۰ رؤیا المؤمن جزء من أربعين جزء من النبوة و هی علی رجل طائر ما لم یحدث بها فإذا تحدثت بها سقطت و لا تحدثت بها إلا لبيبا أو حبيبا.

رؤیای مؤمن یک جزء از چهل جزء پیغمبری است رؤیا تا موقعی که از آن سخن نگویند به پای مرغی بسته است و وقتی از آن سخن گویند خواهد افتاد، بنا بر این خواب خود را جز به مرد خردمند یا دوست صمیمی مگوی.

A believer's dream is one among the forty units comprising prophet-hood. It is tied to the leg of a bird as long as not revealed, but it will fall down if the reverse occurs. Thus, reveal not your dreams to anybody save the wise or intimate friends.

۱۶۴۱ رؤیا المؤمن جزء من ستة و أربعين جزء من النبوة.

رؤیای مؤمن یک جزء از چهل و شش جزء پیغمبری است.

A believer's dream is one among the forty-six units of prophet-hood.

۱۶۴۲ رؤیا المؤمن کلام یکلم به العبد ربه فی المنام.

رؤیای مؤمن سخنی است که خداوند در خواب با بنده خود گوید.

A believer's dream is a servant's talk to his (her) Lord in sleep.

۱۶۴۳ رب أشعث أغبر ذی طمرین تنبو عنه أعین الناس لو أقسم علی الله لأبره.

چه بسا ژولیده گرد آلود که دو لباس کهنه دارد و چشم مردم از او بیزار است اگر از جانب خدا تعهدی کند خداوند انجام دهد!

Many a dusty untidy people who possess nothing but two ragged pieces of dress, unpleasant in people's sight, whose swears will work, should they swear by God!

۱۶۴۴ ربّ حامل فقه غیر فقیه و من لم ینفعه علمه ضرّه جهله اقرأ القرآن ما نهاک فإن لم ینهک فلست تقرؤه.

بسا کسان که حامل دانشند اما دانا نیستند هر که علمش سودش ندهد جهلش زیانش رساند. قرآن تا موقعی خوان که ترا از بدی جلوگیری کند و اگر جلوگیری نکند قرآن نمی خوانی!

Many a holder of knowledge who are not deeply knowledgeable! He whose knowledge is of no avail to him, will suffer from his ignorance. Recite the Quran as long as it stops you doing wrong. Should it not befall, it will be as if you have not recited the Quran at all!

۱۶۴۵ ربّ صائم لیس له من صیامه إلاّ الجوع و ربّ قائم لیس له من قیامه إلاّ السهر.

بسا روزه دار که از روزه خود جز گرسنگی ثمری نبرد و بسا نماز شب گزار که از نماز خود جز بیداری سودی نگیرد!

Many a man are there whose vigilance at night avails them naught but wakefulness, and many a man are there whose fasting during the day avails them naught but thirst and hunger!

۱۶۴۶ ربّ طاعم شاکر أعظم أجرا من صائم صابر.

بسا کسان که غذا خوردند و شکر کنند و پاداششان از روزه دار صابر بیشتر باشد!

Many a non-fasting, but grateful person who will be rewarded more than fast, patient people!

۱۶۴۷ ربّ عابد جاهل و ربّ عالم فاجر فاحذروا الجهال من العباد و الفجار من العلماء.

بسا عابد نادان و بسا دانشمند بد کار که هست؛ پس از جاهلان عابد و بدکاران علما حذر کنید.

Many a pious person who are ignorant and many a learned person who are corrupt. Beware of them both!

۱۶۴۸ رَبِّ قَائِمٍ حَظَّهُ مِنْ قِيَامِهِ السَّهْرِ وَ رَبِّ صَائِمٍ حَظَّهُ مِنْ صِيَامِهِ الْجُوعِ وَ الْعَطَشِ.

بسا نماز شب گزار که نصیبش از نماز فقط بیداری است و بسا روزه‌دار که سودش از روزه فقط گرسنگی و تشنگی است!

Many a worshiper at night whose prayers avail them naught but vigilance, and many a fast person whose fasting avails them naught but hunger and thirst!

۱۶۴۹ رَحْمَاءُ أُمَّتِي أَوْسَاطُهَا.

رحیمان اُمّت من متوسطانند.

The merciful among my people are the moderate ones.

۱۶۵۰ رَحِمَ اللَّهُ الْمُتَخَلِّلِينَ مِنْ أُمَّتِي فِي الْوُضُوءِ وَ الطَّعَامِ.

خداوند از اُمّت من آنها را که هنگام وضو و (بعد از) غذا مسواک می‌کنند رحمت کند.

May God shower His mercy on those among my people who brush their teeth when making ablutions, and after meals.

۱۶۵۱ رَحِمَ اللَّهُ امْرَأًا أَصْلَحَ مِنْ لِسَانِهِ.

خدا رحمت کند کسی را که زبان خود را اصلاح کند.

May God shower His mercy on well-speaking people.

۱۶۵۲ رَحِمَ اللَّهُ امْرَأًا اِكْتَسَبَ طَيِّبًا وَ انْفَقَ قِصْدًا وَ قَدَّمَ فِضْلًا لِيَوْمِ فَقْرِهِ وَ حَاجَتِهِ.

خدا رحمت کند کسی را که کسب حلال کند و باعتدال خرج کند و ما زاد آن را برای روز تنگ دستی و حاجت (=روز قیامت و حساب) از پیش فرستد.

**** کفت روبه، جستن رزق حلال—فرض باشد از برای امتثال (مولوی)**

**** طبل خواری در میانه شرط نیست—راه سنّت کار و مکسب کردنی ست (مولوی)**

May God shower His mercy on those who lawfully earn, moderately spend, and what remains, to the day of poverty and need (the Day of Reckoning) in advance they send.

۱۶۵۳ رحم الله امراء أمسك الفضل من قوله و أنفق الفضل من ماله.

خدا رحمت کند کسی را که ما زاد گفتار خود را نگهدارد و ما زاد مال خود را خرج کند.

May God shower his Mercy on those who withhold the excess of their words, but spend the excess of their wealth (in the way of God).

۱۶۵۴ رحم الله امراء سمع منا حديثا فوعاه ثم بلغه من هو أوعى منه.

خدا رحمت کند کسی را که سخنی از ما بشنود و حفظ کند و به کسی که بهتر از او حفظ تواند کرد برساند.

May God shower his Mercy on those who hear us saying something, keep it in their own minds and convey it to those better than them in that.

۱۶۵۵ رحم الله عبدا سمحا إذا باع سمحا إذا اشترى سمحا إذا قضى.

خدا رحمت کند کسی را که هنگام خرید و فروش و قضاوت و دریافت (قرض) آسانگیر باشد.

***تا بگفته مصطفی شاه نجاح—السَّمَاحُ يَا أَوْلَى النَّعْمَى رَبَّاحِ (مولوی)**

May God shower His mercy on those who are easy-going in selling, buying, judging and asking for the payment of debts.

۱۶۵۶ رحم الله عبدا قال خيرا فغنىم أو سكت عن سوء فسلم.

خدا رحمت کند بنده‌ای را که سخن نیک گوید و غنیمت برد، یا از بد گوئی سکوت کند و سالم ماند.

May God shower His mercy on those who utter good words and thereby receive good, or stop uttering bad words and thus ensure their (own) safety.

۱۶۵۷ رحم الله عبدا كانت لأخيه عنده مظلمة في عرض أو مال فجاءه فاستحلّه قبل أن يؤخذ و ليس ثمّ دينار و لا درهم فإن كانت له حسنات أخذ من حسناته و إن لم تكن له حسنات حملوا عليه من سيئاته.

خدا رحمت کند بنده‌ای را که به آبرو یا مال برادر خود تجاوزی کرده باشد و از وی حلالیت طلبد پیش از آنکه از او بازخواست کنند و دینار و درهمی نباشد؛ اگر کارهای نیکی داشته باشد از آن به گیرند، و اگر نداشته باشد از گناهان ستم دیده بر گناهان او بیفزایند.

May God shower His mercy on those who oppress their brethren in so far as their respect or wealth are concerned, but happen to meet them with the request of forgiveness err they are called to account, for then if they will possess no Dirham and Dinar (with which to expiate their oppression), their good deeds (if any) will be taken away from them, and the oppressed' evil deeds will be loaded on them if they are devoid of any good deeds.

۱۶۵۸ رحم الله عينا بكت من خشية الله و رحم الله عينا سهرت في سبيل الله.

خدا رحمت کند دیده‌ای را که از ترس خدا بگرید و رحمت کند دیده‌ای را که در راه خدا بیدار ماند.

May God bless the eyes, which shed tears out of fear of God, and bless the eyes, which keep awake for God's sake.

۱۶۵۹ رحم الله من حفظ لسانه و عرف زمانه و استقامت طریقه.

خدا رحمت کند آن کسی را که زبان خود را حفظ کند و روزگار خود را بشناسد و روش او راست باشد.

May God bless those who control their tongues, know their time, and walk in the straight path.

۱۶۶۰ رحم الله والدا أغان ولده على بره.

خدا رحمت کند پدری را که فرزند خود را کمک کند تا به پدر، نیکی کند.

May God bless a father who gives his child a hand in being kind to him (i.e. his father).

۱۶۶۱ ردّ جواب الكتاب حقّ كره السلام.

جواب نامه نیز مانند جواب سلام لازم است.

Answering letters is as much a must as greeting someone back.

۱۶۶۲ ردّوا السلام و غضّوا البصر و أحسنوا الكلام.

سلام را جواب بدهید و از محارم چشم بپوشید و سخن نیک گوئید.

Greet (people) back, control (your) eyes (from unlawful), and utter good words.

۱۶۶۳ ردّوا المخیط و الخیاط من غلّ مخیطاً أو خیاطاً کلّف یوم القیامه أن یجیء به و لیس بجاء.

باقی مانده نخ و پارچه را پس بدهید، هر که در پارچه و نخ خیانت کند روز قیامت بدو گویند نظیر آن را بیاورد و او نتواند آورد.

Return the residue of thread and cloth (to their owners), for whoever commits treachery in these, will be demanded in the Day of Judgment to provide the like of them, without being able to do so.

۱۶۶۴ رضا الرّبّ فی رضا الوالد و سخط الرّبّ فی سخط الوالد.

خشنودی خدا در خشنودی پدر است و آزردهی خدا در آزردهی پدر است.

Pleasing and displeasing God rest on pleasing and displeasing one's own father.

۱۶۶۵ رضا الرّبّ فی رضا الوالدین و سخطه فی سخطهما.

خشنودی خدا در خشنودی پدر و مادر است و ناخشنودی شدید خدا در ناخشنودی شدید آنها است.

Pleasing and displeasing God rest on pleasing and displeasing one's own parents.

۱۶۶۶ رغم أنفه، ثمّ رغم أنفه، ثمّ رغم أنفه من أدرك أبویه عنده الكبر أحدهما أو كليهما ثمّ لم یدخل الجنّة.

بینی اش بر خاک باد(=ذلیل باد)! بینی اش بر خاک باد(=ذلیل باد)! بینی اش بر خاک باد(=ذلیل باد)! که پدر و مادرش یکی یا هر دو پیش او به پیری رسند و او بهشتی نشود.

Down with the one, down with the one and down with the one whose parents, or one of them, reach old age in his (her) lifetime but he cannot make of himself (herself) a resident of Paradise.

۱۶۶۷ رفع العلم عن ثلاثة: عن المجنون المغلوب على عقله حتى یرء و عن النائم حتى یتیقظ و عن الصبی حتى یحتلم.

قلم از سه کس برداشته‌اند: مجنونی که اختیار عقل خود را ندارد تا شفا یابد و خفته تا بیدار شود و طفل تا بالغ شود.

The deeds of three groups will not be recorded: the insane who lack control on their intellect till they recover, sleepers as long as they are asleep, and children till they reach maturity.

١٦٦٨ رفع عن أمتي الخطاء والنسيان وما استكروها عليه.

خطا و فراموشی و کلیه کارهای زشت و ناپسند که مردم را بدان اجبار کنند را بر امت من نمی گیرند.

My people will not be called to account for mistake, oblivion and compulsory deeds.

١٦٦٩ ركعتان بسواك أفضل من سبعين ركعةً بغير سواك و دعوة في السرّ أفضل من سبعين دعوة في العلانية و صدقة في السرّ أفضل من سبعين صدقة في العلانية.

دو ركعت نماز با مسواك بهتر از هفتاد ركعت بدون مسواك است و يك دعای نھان بهتر از هفتاد دعای آشكار است و يك صدقه نھان بهتر از هفتاد صدقه آشكار است.

Two units of prayer set with brushed teeth weigh over seventy units unbrushed, one case of praying in privacy is better than seventy cases in public, and a covert act of charity excels seventy overt ones.

١٦٧٠ ركعتان من المتأهل خير من اثنتين و ثمانين ركعة من العزب.

دو ركعت نماز کسی که زن دارد بهتر از هشتاد و دو ركعت نماز عزب است.

Two units of prayer by a married person weigh over eighty-two units by a bachelor.

١٦٧١ ركعتان من المتزوج أفضل من سبعين ركعة من الأعزب.

دو ركعت نماز شخص زن دار بهتر از هفتاد ركعت نماز عزب است.

Two units of prayer by a married person weigh over seventy units by a bachelor.

١٦٧٢ ركعتان من رجل ورع أفضل من ألف ركعة من مخلط.

دو ركعت نماز شخص پرهیزكار (اعمالش همه نيك است) بهتر از هزار ركعت شخص لاابالی و بی قيد و بند (اعمالش آمیخته نيك و بد است) است.

Two units of prayer by the pious(his/her actions are all good) weigh over a thousand by the impious(his/her actions are mixture of good and bad).

۱۶۷۳ رکعتان من عالم أفضل من سبعين ركعة من غير عالم.

دو رکعت نماز دانشمند بهتر از هفتاد رکعت غیر دانشمند است.

Two units of prayer by the learned weigh over seventy units by laymen.

۱۶۷۴ ركعة من عالم بالله خير من ألف ركعة من متجاهل بالله.

دو رکعت نماز کسی که متوجه خدا باشد(هنگام نماز) بهتر از هزار رکعت کسی است که از خدا غافل(هنگام نماز) باشد.

****بشنو از اخبار آن صدر صدور—لاصلوة تمّ الا بالحضور (مولوی)**

Two units of prayer by the one who knows God well (during prayer) weigh over a thousand by the one who knows Him not (during prayer).

****Proverb: Hear news from Mohammad(PBUH) hadithes—No Prayer is accepted save by presence of mind and heart (Mowlavi)**

۱۶۷۵ رميا بنى إسماعيل فإنّ أباكم كان راميا.

فرزندان اسماعیل تیراندازی کنید که پدرتان تیرانداز بود.

O sons of Ishmael! Practice shooting, for your father was an archer.

۱-۱۶۷۶ رهان الخيل طلق.

شرط بندی روی اسب مباح است.

Wagering on horses is (religiously) permissible.

۲-۱۶۷۶ رواج الجمعة واجب على كل محتلم.

آمدن به نماز جمعه بر هر بالغی واجب است.

****جمعه شرط است و جماعت در نماز—امر معروف و زمنکر احتراز**

رنج بد خویان کشیدن زیر صبر—منفعت دادن به خَلقان همچو ابر (مولوی)

Attending the Friday ritual prayer is obligatory for all mature people.

۱۶۷۷ رَوَّحُوا الْقُلُوبَ سَاعَةً بِسَاعَةٍ.

دلها را ساعت بساعت استراحت دهید.

شهاب الاخبار—حدیث ۴۶۰=دلها را آسانی دهید—یعنی: چون بسیار طاعت بکند ملال باشد، خویشتن را آسانی دهید، پس با سر طاعت شوید!

Relive your hearts time and again (No matter how hard you try, you cannot be on remembering God on all moments).

۱۶۷۸ رِيحُ الْجَنَّةِ يُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ وَ لَا يَجِدُهَا مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ.

بوی بهشت را از پانصد سال راه توان یافت ولی هر که دنیا را به عمل آخرت جوید از آن بی نصیب ماند.

The odor of Paradise can be smelled from a distance of five hundred years long, but those who seek worldly things through (performing) otherworldly deeds will lose it.

۱۶۷۹ الرَّاحِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمَنُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى. اَرْحَمُوا مِنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكُمْ مِنْ فِي السَّمَاءِ.

خداوند رحیمان را رحم میکند. ه آنها که در زمین اند رحم کنید تا آن که در آسمان است به شما رحم کند.

The Blessed and Exalted God showers His Mercy on the merciful. Be, therefore merciful, to those on the earth to receive the Mercy of the One in the sky.

۱۶۸۰ الرَّأْسِيُّ وَ الْمَرْتَشِيُّ فِي النَّارِ.

رشوه دهنده و رشوه گیرنده در آتشد.

Givers and receivers of bribe are both subject to the fire of Hell.

۱۶۸۱ الرَّؤْيَا ثَلَاثَةٌ: فَبَشْرَى مِنَ اللَّهِ وَ حَدِيثِ النَّفْسِ وَ تَخْوِيفِ مِنَ الشَّيْطَانِ فَإِذَا رَأَى أَحَدَكُمْ رُؤْيَا تَعْجِبُهُ فَلْيَقْصِهَا

إِنْ شَاءَ وَ إِنْ رَأَى شَيْئًا يَكْرَهُهُ فَلَا يَقْصِهُ عَلَى أَحَدٍ وَ لِيَقْمِ يَصَلِّيَ.

رؤیا سه قسمت، مژده خدا و حدیث نفس (سخن با خود) - عذر خواهی از درگاه الهی به خاطر اعمال فردی یا وسوسه شیطان) است و تهدید شیطان وقتی یکی از شما خواب خوبی دید اگر خواهد برای کسان نقل کند و اگر خواب بدی دید برای هیچ کس نقل نکند، برخیزد و نماز گزارد.

Dreams are of three kinds: God's good tidings, reflection of one's deeds (talking with one's self-either apologizing God or temptation from Satan) and Satan's threat. When one of you has a good dream, s(he) can narrate it to others if s(he) so wills, and should the reverse happens, s(he) has to narrate it to nobody, rising instead to prayer.

۱۶۸۲ الرؤیا ثلاثة: منها تهويل من الشيطان ليحزن ابن آدم و منها ما يهيم به الرجل في يقظته فيراه في منامه و منها جزء من ستة و أربعين جزء من النبوة.

رؤیا سه قسم است: یک قسم تهدید شیطانست که خواهد بوسیله آن آدمیزاد را غمگین کند و قسم دیگر آرزوهاست که شخص در بیداری کند و بخواب بیند و قسم دیگر یکجزء از چهل و شش جزء پیغمبری است.

Dreams are of three kinds: Satan's threat to sadden the son of Adam, man's wishes during the day dreamt at night, and one part of the forty-six parts comprising prophet-hood.

۱۶۸۳ الربا ثلاثة و سبعون بابا أيسرها مثل أن ينكح الرجل أمه و إن أربى الربا عرض الرجل المسلم.

ربا هفتاد و سه قسم است و آسانتر از همه چنانست که کسی با مادر خود زنا کند و بدتر از همه رباها تجاوز به آبروی مسلمان است.

Usury is of seventy three forms, the best being like unto committing adultery with one's own mother, and the worst being (like unto) aggression upon a Muslim's fame.

۱۶۸۴ الربا و إن كثر فإن عاقبته تصير إلى قل.

ربا اگر چه بسیار (سود) باشد سرانجام آن به کمی (و ضرر) است.

Usury might lead to gain, but finally ends in loss.

۱۶۸۵ الرجال أربعة سخي و كريم و بخيل و لئيم، فالسخي الذي يأكل و يعطى و الكريم الذي لا يأكل و يعطى و البخيل الذي يأكل و لا يعطى و اللئيم الذي لا يأكل و لا يعطى.

مردان چهار قسمند بخشنده؛ بسیار بخشنده (= کریم جوانمرد)؛ بخیل و فرومایه، بخشنده آنست که بخورد و بخوراند بسیار بخشنده (= کریم جوانمرد) آنست که نخورد و بخوراند، بخیل آنست که بخورد و نخوراند و فرومایه آنست که نه بخورد و نه بخوراند.

There are four groups of people; namely: the generous who feed themselves and others, very generous who feed others but not themselves, the stingy who feed themselves but not others, and the mean who neither feed themselves nor others.

۱۶۸۶ الرَّجُلُ الصَّالِحُ يَأْتِي بِالْخَيْرِ الصَّالِحِ وَالرَّجُلُ السَّوِّءُ يَأْتِي بِالْخَيْرِ السَّوِّءِ.

مرد خوب خبر خوب آورد و مرد بد خبر بد می آورد.

The pious(good man) bring good news and the impious(bad man), bad ones.

۱۶۸۷ الرَّجُلُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدَكُمْ مِنْ يَخَالِ.

مرد بر آیین دوست خویشان است بنگرید با چه کسی دوستی میکنید.

***شهاب الاخبار- حدیث ۱۵۴= مر بر دین و اعتقاد دوستش بُود یعنی مردمان از وی چنان دانند که باید با مسلمانان دوستی کند و با کافران نکند.**

Man follows the creed of his fellows, and thus you should see the friend of whom to be.

۱۶۸۸ الرَّجُلُ فِي ظِلِّ صَدَقَتِهِ حَتَّى يَقْضَى بَيْنَ النَّاسِ.

مرد در سایه صدقه خود بیساید تا در قیامت میان مردم قضاوت شود.

Man will be under the shield of his charitable acts until he is judged among people (in the Day of Judgment).

۱۶۸۹ الرَّحْمَةُ عِنْدَ اللَّهِ مِائَةٌ جِزءٍ فَقَسَمَ بَيْنَ الْخَلَائِقِ جِزءٌ وَأَخْرَجَ تِسْعًا وَتَسْعِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

رحمت خدا صد جزء است یک جزء را در میان خلق تقسیم کرده و نود و نه را برای روز رستاخیز نگهداشته است.

***عفوهای جمله عالم ذره ای-عکس عفو ای ز تو هر بهره ای (مولوی)**

The divine Mercy is of one hundred parts, one of which He has showered on people, and the rest He has saved for the Day of Judgment.

۱۶۹۰ الرَّحْمَنُ شَجْنَةُ مِنَ الرَّحْمَنِ فَمَنْ وَصَلَهَا وَصَلَهُ اللَّهُ وَ مَنْ قَطَعَهَا قَطَعَهُ اللَّهُ.

خویشاوندی رشته‌ای از طرف خداوند است هر که آن را پیوند دهد خدا او را پیوند دهد و هر که آن را ببرد خدا از او ببرد.

Kinship is a divine link. Whoever keeps it intact, will enjoy God's bond, and whoever severs it, will lose it.

۱۶۹۱ الرَّحْمَنُ مَعْلَقَةٌ بِالْعَرْشِ يَقُولُ: مَنْ وَصَلَنِي وَصَلَهُ اللَّهُ وَ مَنْ قَطَعَنِي قَطَعَهُ اللَّهُ.

خویشاوندی بعرش آویخته است و گوید هر که مرا پیوند دهد خدا به او به پیوندد و هر که مرا ببرد خدا از او ببرد.

Kinship hangs from heavens, saying, "God will extend His bond to whoever keeps me intact, and disconnects His link with whoever breaks me."

۱۶۹۲ الرَّزْقُ أَشَدُّ طَلْبًا لِلْعَبْدِ مِنْ أَجَلِهِ.

روزی بیشتر از مرگ در جستجوی بنده است. (میکائیل فرشته رزق بیش از عزرائیل در جستجوی بنده است)

****گفت پیغمبر که بر رزق ای فتی—در فرو بسته ست و بر در قفلها**

جنبش و آمد شد ما و اکتساب—هست مفتاحی بر این قفل و حجاب (مولوی)

****آن چنان که عاشقی بر رزق زار—هست عاشق رزق هم بر رزق خوار (مولوی)**

****آن یکی زاهد شنید از مصطفی—که یقین آید به جان رزق خدا**

گر تو خواهی ور نخواهی، رزق تو—پیش تو آید دوان از عشق تو (مولوی)

****هین، توکل کن، ملرزان پا و دست—رزق تو بر تو ز تو عاشق تر است (مولوی)**

Sustenance seeks God's servants more than their death.

(Michael-Angle of Sustenance is more after servants of God than Azrael-Angle of Death)

١٦٩٣ الرِّزْقُ إِلَى بَيْتٍ فِيهِ سَخَاءٌ أَسْرَعُ مِنَ الشَّفْرِهِ إِلَى سَنَامِ الْبَعِيرِ.

روزی بخانه‌ای که بخشش در آن هست از کارد به کوهان شتر نزدیکتر است.

Sustenance reaches a generous family faster than a knife hits a camel's hump.

١٦٩٤ الرِّضَاعُ يَغْيِرُ الطَّبَاعَ.

رضاع طباع را تغییر می‌دهد.

Fostering changes children's natures.

١-١٦٩٥ الرَّعْدُ مَلَكٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ اللَّهُ مُوَكَّلٌ بِالسَّحَابِ مَعَهُ مَخَارِقٌ مِنْ نَارٍ يَسُوقُ بِهَا السَّحَابَ حَيْثُ شَاءَ اللَّهُ.

رعد فرشته‌ای از فرشتگان خداست که موکل ابرهاست و تازیانه‌هایی از آتش همراه دارد که ابرها را هر جا خدا خواهد میراند.

****بر فلان وادی بیار، این سو مبار-گوشمالش می‌دهد که گوش دار (مولوی)**

Thunder is one of the divine angels with mastery over clouds and with fiery scourges to push them wherever God wishes.

٢-١٦٩٥ الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تَكْثُرُ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ وَالْبَطَانَةَ تَقْسِي الْقَلْبَ.

علاقه به دنیا غم و اندوه را زیاد می‌کند و شکم‌پرستی دل را سخت می‌کند.

Excessive love of the world leads to an increase in one's sorrows and hardens one's heart.

١-١٦٩٧ الرَّفْقُ بِهَ الزِّيَادَةُ وَالْبُرْكَهُ وَمَنْ يَحْرَمُ الرَّفْقَ يَحْرَمُ الْخَيْرَ.

مدارا قرین فزونی و برکت است و هر که از مدارا بی‌بهره باشد از خوبی بی‌بهره است.

Toleration entails abundance and blessing, and those lacking it are devoid of any good.

۲-۱۶۹۷ الرِّقُّ رَأْسُ الْحِكْمَةِ.

مدارا اساس حکمت است.

Toleration is the basis of wisdom (indeed).

۱۶۹۸ الرِّقُّ يَمْنُ وَالْخَرَقُ سُؤْمٌ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِأَهْلِ بَيْتٍ خَيْرًا أَدْخَلَ عَلَيْهِمْ بَابَ الرِّقِّ فَإِنَّ الرِّقَّ لَمْ يَكُنْ فِي شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ وَإِنَّ الْخَرَقَ لَمْ يَكُنْ فِي شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ.

ملايمت مبارک و پربرکت است و خشونت شوم و بی برکت است و همین که خداوند برای اهل خانه ای نیکی خواهد آنها را با ملايمت قرين کند زیرا ملايمت در هر چه باشد آن را زينت دهد و خشونت در هر چه باشد آن را خوار کند.

Toleration is auspiciousness, and violation, inauspiciousness, and when God wishes good for the members of a family, He opens on them the gate of toleration, for it leads to adoration in everything it occurs, while violation is the cause of humiliation wherever it befalls.

۱۶۹۹ الرَّمِي خَيْرٌ مَّا لَهَوْتُمْ بِهِ.

تير اندازی بهترين تفريجهای شماست.

Shooting is the best hobby for you.

ز

۱۷۰۰ زار رجل أخوا له في قرية فأرصد الله له ملكا على مدرجته فقال: أين تريد؟ قال: أخوا لي في هذه القرية، فقال: هل لك عليك من نعمة تربتها؟ قال: لا إلا أنني أحبته في الله، قال: فإني رسول الله إليك إن الله أحبكم كما أحبته.

مردی بدیدن برادر دینی خود بدهکده ای رفت، خداوند ملکی (=فرشته ای) در گذرگاه او گماشت و بدو گفت کجا میروی جواب داد: برادری در این دهکده دارم. گفت آیا نعمتی به نزد تو دارد که میخواهی آن را افزون کنی؟ جواب داد: نه، او را برای خدا دوست دارم، گفت: من فرستاده خدا هستم همان طور که او را دوست داری خدا ترا دوست دارد.

A man set out on a journey to pay a visit to his brother (in faith). God sent an angel to him on the way, asking, "Where are you going?" The man replied, "To see my brother somewhere". The angle asked: "Is there any blessing you wish to expand for him?" "No, I only love him for God's sake". The man answered. The angle said: "I am God's messenger to you. God loves you as you love him".

۱۷۰۱ زر القبور نذكر بها الآخرة و اغسل الموتى فإنّ معالجة جسد خاو موعظة بليغة و صلّ على الجنائز لعلّ ذلك يحزنك فإنّ الحزين في ظلّ الله يوم القيامة يتعرّض لكلّ خير.

به زیارت قبرها برو تا آخرت را بیاد آری و مردگان را غسل بده زیرا زیر و رو کردن جسد بیحرکت موعظه‌ای کامل است. بر مردگان نمازگزار شاید بدین وسیله غمگین شوی زیرا شخص غمگین روز رستاخیز در سایه خدا در معرض همه نیکبهاست.

Pay a visit to cemeteries to recall Hereafter, wash the dead (ritually), for moving a motionless body to the sides is a manifest piece of admonition, and say prayer for the dead, for it may make you sad, and a sad man will in Day of Judgment enjoy God's shade (protection) as well as all sorts of good.

۱۷۰۲ زر غبا تردد حبا.

یک روز در میان به دیدن برو تا بر محبت دیگران نسبت به خود بیفزایی .

****شهاب الاخبار- حدیث ۴۲۷= زیارت کن روزی و روزی نه! تا هم ترا دوست دارند و هم تو ایشان را.**

Visit people every other day to remain more beloved.

۱۷۰۳ زلّة العالم مضروب بها الطّبل و زلّة الجاهل يخفيها الجهل.

لغزش دانشمند بزودی مشهور شود و لغزش نادان را جهل مستور دارد.

The slip of the learned will before long become overt, and that of the ignorant with his ignorance will be covered.

۱-۱۷۰۴ زنا العينين النّظر.

زناي چشمان نگاه نارواست.

The adultery of eyes is an unlawful look.

۲-۱۷۰۴ زنا اللسان الكلام.

زناى زبان سخن بيجاست.

The adultery of the tongue is indecent talk.

۱۷۰۵ زَوْجُوا الْأَكْفَاءِ وَ تَزَوَّجُوا الْأَكْفَاءَ، وَ اخْتَارُوا لِنُطْفِكُمْ.

باشخاص همشأن زن بدهید و از اشخاص همشأن زن بگیرند و محل نطفه‌های خود را بدقت انتخاب کنید.

Marry women of equal status, and give in marriage (your daughters) to men of equal status with you, thus choosing the appropriate place for your sperms.

۱۷۰۶ زَوَّدَكَ اللَّهُ التَّقْوَى وَ غَفَرَ ذَنْبَكَ وَ يَسَّرَ لَكَ الْخَيْرَ حَيْثَمَا كُنْتَ.

خداوند پرهیزکاری را نوشه راه تو سازد و گناهت را ببخشد و هر جا هستی خوبی را برای تو آسان کند.

May God provide you with piety, wash away your vices, and bring good to you easily wherever you may happen to be.

۱۷۰۷ زُورُوا الْقُبُورَ فَإِنَّهَا تَذَكَّرُكُمْ الْآخِرَةَ.

بزیارت قبرها روید که آخرت را بیاد شما می آورد.

Pay a visit to the graves (of all), Hereafter to recall.

۱۷۰۸ الزَّانِي بِحَلِيلَةِ جَارِهِ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَا يَزْكِيهِ وَ يَقُولُ لَهُ: ادْخُلِ النَّارَ مَعَ الدَّائِلِينَ.

آنکه با زن همسایه خود زنا کند روز قیامت خدا به او ننگرد و او را پاک نکند و بدو گوید: با جهنمیان به جهنم برو.

In the Day of Judgment, God will not cast a look at the one who has committed adultery with his neighbor's wife, will not make him purified, and will order him to enter Hell with Hell-dwellers.

۱۷۰۹ الزَّانِيَةُ إِلَى فِسْقَةِ حَمَلَةِ الْقُرْآنِ أُسْرِعَ مِنْهُمْ إِلَى عِبْدَةِ الْأَوْثَانِ فَيَقُولُونَ: يَبْدَأُ بِنَا قَبْلَ عِبْدَةِ الْأَوْثَانِ؟ فَيَقَالُ لَهُمْ: لَيْسَ مِنْ يَعْلَمُ كَمَنْ لَا يَعْلَمُ.

مأمورین عذاب فاسقان (=نافرمانان خدا) افراد قرآن خوان را زودتر از بت پرستان به جهنم در آرند. آنها گویند: آیا ما را پیش از بت پرستان میبرید؟ بدانها جواب دهند: آنکه داند مانند آنکه نداند نیست.

The angle of the Divine punishment will push the lewd scholars of the Quran to Hell before idol-worshippers. They'll ask for the reason, and the angels will reply: "One who knows is not equal to the one who knows not."

۱۷۱۰ الزَّكَاةُ قَنْطَرَةُ الْإِسْلَامِ.

زکات پل اسلام است.

Alms-giving is a bridge to Islam.

۱۷۱۱ الزَّانَا يورث الفقر.

زنا مایه فقر است.

Adultery entails poverty.

۱۷۱۲ الزَّهَادَةُ فِي الدُّنْيَا لَيْسَتْ بِتَحْرِيمِ الْحَلَالِ وَ لَا إِضَاعَةَ الْمَالِ وَ لَكِنِ الزَّهَادَةُ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَا تَكُونَ بِمَا فِي يَدَيْكَ أَوْثَقَ مِنْكَ بِمَا فِي يَدِ اللَّهِ وَ أَنْ تَكُونَ فِي ثَوَابِ الْمَصِيبَةِ إِذَا أَنْتَ أَصَبْتَ بِهَا أَرْغَبَ مِنْكَ فِيهَا لَوْ أَنَّهَا أَبْقَيْتَ لَكَ.

از جهان گذشتگی این نیست که حلال را بر خود حرام کنی یا مال خود تلف نمائی از جهان گذشتگی اینست که بدان چه در کف تو است بیشتر از آنچه در دست خداست اعتماد نداشته باشی و هنگامی که مصیبتی بتو رخ داد به پاداش آن بیشتر از رخ ندادن مصیبت علاقمند باشی.

It is not abstinence to abandon the lawful or to waste one's wealth. Abstinence, in fact, lies in trusting not what you possess more than what God possesses, and in being more desirous for its (eternal) reward when calamity befalls than for its non-occurrence.

۱۷۱۳ الزَّهْدُ فِي الدُّنْيَا يَرِيحُ الْقَلْبَ وَ الْبَدْنَ وَ الرَّغْبَةَ فِيهَا تَكْثُرُ الْهَمُّ وَ الْحُزْنَ وَ الْبَطَانَةَ تَقْسِي الْقَلْبَ.

گذشتن از جهان تن و جان را آسایش دهد و دل بستگی به جهان غم و اندوه را افزون کند و شکم پرستی دل را سخت کند.

Abstinence refreshes one's body and soul, and worldliness makes them suffer.

۱۷۱۴ الزَّهْدُ فِي الدُّنْيَا يَرِيحُ الْقَلْبَ وَ الْبَدْنَ . وَ الرَّغْبَةُ فِيهَا تَتْعَبُ الْقَلْبَ وَ الْبَدْنَ .

گذشتن از جهان تن و جان را بیاساید و علاقه به جهان تن و جان را خسته کند.

Abstinence refreshes one's body and soul, worldliness increases one's sorrows, and in love of passing worldly matters hardens one's heart.

س

۱۷۱۵ سَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ يَجْعَلَ حِسَابَ أُمَّتِي إِلَيَّ لئَلَّا تَقْتَضِحَ عِنْدَ الْأَمَمِ، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيَّ: يَا مُحَمَّدُ بَلْ أَنَا أَحْسِبُهُمْ فَإِنْ كَانَ مِنْهُمْ زَلَّةٌ سَتَرْتُهَا عَنكَ لئَلَّا تَقْتَضِحَ عِنْدَكَ.

از خدا خواستم که حساب امت مرا بمن واگذارد تا پیش امتهای دیگر رسوا نشود، پس خدای عز و جل بمن وحی کرد ای محمد نه، بلکه من حسابشان را میرسم و اگر گناهی از آنها سر زده از تو پوشیده می‌دارم که پیش تو نیز رسوا نشود.

I asked God to let me call my people to account (in the Hereafter), lest they might feel disgrace in the sight of others, but He-the Great and powerful -sent me a revelation, saying "O Muhammad! I Myself will call them to account and hide their sins (if any) from you, so that they will not feel disgrace even in your sight".

۱۷۱۶ سئلت جبریل: هل تری ربك؟ قال: إن بيني وبينه سبعين حجابا من نور لو رأيت أذناها لاحترقت.

از جبریل پرسیدم آیا پروردگارت را می‌بینی؟ گفت میان من و او هفتاد پرده از نور است که اگر نزدیکترین پرده را بنگرم خواهم سوخت.

****عقل چون جبریل گوید احمدا—گر یکی گامی نهم، سوزد مرا**

تو مرا بگذار زین پس پیش ران—حدّ من این بود، ای سلطان جان! (مولوی)

****زان که هفصد پرده دارد نور حق—پرده های نور دان چندین طبق (مولوی)**

****بعد از آنت جان احمد لب گزد—جبرئیل از بیم تو واپسی خزد**

گوید از آیم بقدر یک کمان—من به سوی تو، بسوزم در زمان (مولوی)

**چون گذشت احمد ز سدره و مرصدش—وز مقام جبرئیل و از حدش

گفت او را هین پیر اندر پیم—گفت رو رو که (من) حریف تونی ام (مولوی)

**از الم نشرح دو چشمی سر مه یافت—دید آنچه جبرئیلش بر نتافت (مولوی)

I asked Gabriel, “Do you see your Lord? He said: “There are seventy screens of light between me and Him, the closest of which will set me afire should I happen to look at it”

۱۷۱۷ ساحتکم بامور الناس و أخلاقهم: الرَّجُلُ يَكُونُ سَرِيعَ الْغَضَبِ سَرِيعَ الْفِيءِ فَلَا لَهُ وَلَا عَلَيْهِ كِفَافًا وَالرَّجُلُ يَكُونُ بَعِيدَ الْغَضَبِ سَرِيعَ الْفِيءِ فِذَاكَ لَهُ وَلَا عَلَيْهِ وَالرَّجُلُ يَقْتَضِي الْأَذَى لَهُ وَيَقْضِي الْأَذَى عَلَيْهِ فِذَاكَ لَا لَهُ وَلَا عَلَيْهِ. وَالرَّجُلُ يَقْتَضِي الْأَذَى لَهُ وَيَمْتَلِئُ النَّاسُ الْأَذَى عَلَيْهِ فِذَاكَ عَلَيْهِ وَلَا لَهُ.

در باره کارهای مردم و اخلاقشان با شما سخن خواهم گفت مردی که زود خشم گیرد و زود آرام شود. نه بد است نه خوب سر بسر. و مردی که دیر خشمگین شود و زود آرام گیرد خوبست نه بد. و مردی که حق خود طلب کند و دین خود بپردازد نه بد است نه خوب. و مردی که حق خود طلب کند و پرداخت حقی را که مردم به عهده او دارند عقب اندازد بد است نه خوب.

Let me inform you of people's affairs and manners: He who quickly raised to anger but quickly calms down is neither good nor bad, he who is hardly raised to anger and quickly cools down is good not bad, he who claims his rights and pays his debts is neither good nor bad, and he who claims his rights but postpones securing people's rights is bad, not good.

۱۷۱۸ سافروا مع ذوی الجدود و ذوی المیسرۃ.

با مردم خوش اقبال مرفه سفر کنید.

Let your fellow travelers be lucky, well-to-do people.

۱۷۱۹ ساعات الأذی فی الدنیا یذهبن ساعات الأذی فی الآخرة.

ساعتهای آزار این دنیا ساعت‌های آزار آخرت را نابود میکند.

Times of discomfort here sweeps away times of discomfort in the Hereafter.

۱۷۲۰ ساعات الأمراض يذهبن ساعات الخطايا.

ساعت‌های مرض ساعت‌های گناه (غیر عمد) را نابود می‌کند.

Times of illness sweeps away times of faults.

۱۷۲۱ ساعتان تفتح فيهما أبواب السماء و قلما تردّ على داع دعوته: حضور الصلاة و الصّفة في سبيل الله.

دو وقت است که درهای آسمان در اثنای آن گشوده می‌شود و کمتر ممکنست دعای دعاکننده‌ای رد شود: هنگام نماز و صف‌آرایی در راه خدا.

The doors of heavens open at the time of prayers as well as the time of preparation to fight in way of God, and at these two times the supplications of those who pray are less likely to be rejected.

۱۷۲۲ سَابَ الموتى كالمشرف على الهلكة.

بدگوی مردگان چون آن کس است که در معرض هلاک است.

He who utters indecent words about the dead is like unto the one who is at the verge of ruin.

۱۷۲۳ سار عوا في طلب العلم فالحديث من صادق خير من الدنيا و ما عليها من ذهب و فضة.

به طلب علم بشتابید که نقل حدیث از راست گو، از دنیا و همه طلاها و نقره آن بهتر است.

****نفع و ضرر هر یکی از موضع است—علم از این رو واجب است و نافع است (مولوی)**

Haste in seeking knowledge, for uttering true words is better than the world and its gold and silver.

۱۷۲۴ ساعة من عالم متكى على فراشه ينظر في علمه خير من عبادة العابد سبعين عاما.

یک ساعت وقت دانشوری که بر بستر خویش تکیه زده در علم خویش می‌نگرد، از هفتاد سال عبادت عابد نیکوتر است.

One hour of a learned man, who rests in his bed, meditating about his knowledge is worthier than seventy years of praying by the pious.

۱۷۲۵ سافروا تصحّوا و تغنموا.

سفر کنید تا تندرست شوید و غنیمت یابید.

Travel to find health and sustenance.

۱۷۲۶ سافروا تصحّوا و ترزقوا.

سفر کنید تا تندرست شوید و روزی یابید.

Travel to find health and sustenance.

۱۷۲۷ ساقی القوم آخرهم شربا.

سقایت گر قوم پس از همه نوشد.

****ضرب المثل: کوزه گر از کوزه شکسته آب می خورد.**

The water-carrier of a tribe should drink last.

****Proverb: At the foot of the candle it is dark.**

****Proverb: The shoemaker's son always goes barefoot.**

۱۷۲۸ ساووا بین أولادکم فی العطيّة فلو کنت مفضلاً أحدا لفضلت النساء.

در کار بخشش میان فرزندان خویش مساوات را رعایت کنید. من اگر کسی را برتری دادمی زنان را برتری دادمی.

Observe equality in gifting your children. Were I to give priority (on this respect), I would prefer women (i.e. daughters).

۱۷۲۹ سیاب المسلم فسوق و قتاله کفر و حرمة ماله کحرمة دمه.

بدگوئی مسلمان گناه نافرمانی الهی است و جنگ او کفر است و حرمت مال وی چون حرمت خون اوست.

Insulting a Muslim is unlawful wickedness, fighting him is blasphemy, and his wealth is as worthy as his blood.

۱۷۳۰ سبع یجری للعبد أجرهنّ و هو فی قبره بعد موته: من علّم علما، أو أجرى نهرا، أو حفر بئرا، أو غرس نخلا، أو بنى مسجدا، أو ورث مصحفا، أو ترک ولدا یستغفر له بعد موته.

هفت چیز است که پاداش آن برای بنده در قبر او و پس از مرگش دوام دارد کسی که علمی تعلیم دهد، یا نهری بگریان آورد یا چاهی حفر کند یا نخلی بکارد یا مسجدی بسازد یا مصحفی به ارث گذارد یا فرزندی به جا نهد که پس از مرگش برای او آمرزش خواهد.

The rewards of the following seven will reach one after death and will continue unceasingly: teaching, creating a flowing stream, digging a well, planting a date-palm, building a mosque, endowing a mosque, endowing the Book of God, and leaving behind a child to ask God's forgiveness for him (her).

۱۷۳۱ سبعة یظلمهم الله تحت ظلّ عرشه یوم لا ظلّ الا ظله: رجل قلبه معلق بالمساجد، و رجل دعته امرأة ذات منصب فقال: انی أخاف الله، و رجلان تحابا فی الله، و رجل غضّ عینه عن محارم الله، و عین حرس فی سبیل الله، و عین بکت من خشیه الله.

هفت کسند که خدا در روزی که سایه‌ای جز سایه او نیست به سایه عرش خود میبردشان: مردی که دل او به مسجدها علاقه دارد و مردی که زن صاحب مقامی از او کام خواهد و گوید از خدا بیم دارم و مردانی که در راه خدا دوستی کنند و مردی که از محارم خدا چشم باز دارد و چشمی که در راه خدا نگهبانی کند و چشمی که از ترس خدا بگرید.

Seven people will be allowed (to rest) under the shade of God's Throne, the day when there will be no shade but His: one who is wholeheartedly fond of mosques, one who rejects the sensual request of a highrank woman for (his) fear of God, one who makes friends (with people) for God's sake, one who controls his (her)eyes against the unlawful, one who acts as a watch out in the way of God, and one who weeps out of fearing God.

۱۷۳۲ سبعة یظلمهم الله فی ظلّه یوم لا ظلّ الا ظله: إمام عادل و شابّ نشأ فی عباده الله، و رجل قلبه معلق بالمسجد إذا خرج منه حتی یعود إلیه، و رجلان تحابا فی الله فاجتمعا علی ذلک و افترقا علیه، و رجل ذکر الله خالیا ففاضت عیناه، و رجل دعته امرأة ذات منصب و جمال فقال: انی أخاف الله ربّ العالمین، و رجل تصدّق بصدقه فأخفاها حتی لا تعلم شماله ما تنفق یمینه.

هفت کسند که خداوند در روزی که سایه‌ای جز سایه او نیست بسایه خویشان میبرد پیشوای عدالتگر و جوانی که در کار عبادت بزرگ شود و مردی که وقتی از مسجد برون شود دلش بدان پیوسته تا بدان جا باز گردد و مردانی که در راه خدا دوستی کنند و بر آن فراهم آیند و بر آن جدا شوند و مردی که بخلوت خدا را یاد کند و چشمانش اشگریز شود و مردی که زنی صاحب مقام و جمال از او کام خواهد و گوید من از خدا پروردگار جهانیان بیم دارم و مردی که صدقه‌ای دهد و آن را نهان دارد که دست چپش نداند دست راستش چه انفاق میکند.

Seven persons will be allowed (to rest) under God's Throne, the day when there will be no shade but His: a just leader, a youth grown at in serving God, a man who whole-heartedly wishes to return to the mosque whenever leaving it, a man who makes friends and breaks friendship for God's sake, a man who remembers God in privacy and sheds tears, a man who rejects the sensual request of a beautiful, high-rank woman out of fearing God- the Lord of the worlds-and a man whose left hand knows not what his right hand has hidden given in charity.

۱۷۳۳ سبق درهم مائة ألف درهم رجل له درهمان أخذ أحدهما فتصدق به، و رجل له مال كثير فأخذ من عرضه مائة ألف فتصدق بها.

یکدرهم از صد هزار درهم پیشی گیرد مردی که دو درهم دارد یکی را بر گیرد و صدقه دهد و مردی که مال فراوان دارد و از آن میان صد هزار بر گیرد و صدقه کند.

One Dirham will be more valuable than one hundred thousand Dirhams when we compare two men, one of whom having only two Dirhams but giving one in charity, and the other having great wealth but giving one hundred thousand Dirhams of it in charity.

۱۷۳۴ ستكون فتن یصبح الرجل فیها مؤمنا و یمسی کافرا إنا من أحياء الله بالعلم.

فتنه‌ها خواهد بود که در اثنای آن مرد بصبح مؤمن باشد و بشب کافر شود مگر آنکه خدایش به علم زنده دارد.

Seditions will soon arise. When believers in the morning will turn out to be disbelievers at night, save those whom God has enlivened their hearts with knowledge.

۱۷۳۵ ستّ خصال من الخیر: جهاد أعداء الله بالسيف، و الصوم فی يوم الصیف، و حسن الصبر عند المصيبة، و ترک المراء، و الإنفاق فی الخفاء، و المحاباة فی الله.

شش صفت نیک است: پیکار با دشمنان خدا بوسیله شمشیر و روزه در روز تابستان و نیک صبری به هنگام مصیبت و ترک مجادله و انفاق در نهان و دوستی در راه خدا.

There are six good traits as follows: fighting God's foes with sword, keeping fast on summer's days, being well-patient when calamities befall, abandoning disputes, giving hidden charity; and making friends for God's sake.

۱۷۳۶ ستّة أشياء تحبب الأعمال:

الإشغال بعيوب الخلق، و قسوة القلب، و حبّ الدّنيا، و قلّة الحياء، و طول الأمل، و ظالم لا ينتهي.

شش چیز است که اعمال خوب را نابود میکند، اشتغال به عیب خلائق، سنگدلی و دنیاپرستی و بی‌شرمی و درازی آرزو و ستم‌گری که بس نکنند.

The following six things ruin one's deeds: preoccupation with people's faults, hard-heartedness, excessive love of the world, insufficient modesty, ambitious desires, and unending oppression.

۱۷۳۷ ستكون عليكم أئمة يملكون أرواكنم يحدثونكم فيكذبونكم و يعملون فيسيئون العمل لا يرضون فيكم حتّى تحسنوا قبيحهم و تصدّقوا كذبهم فأعطوهم الحقّ ما رضوا به فإذا تجاوزوا فمن قتل على ذلك فهو شهيد.

پیشوایانی بر شما منصوب خواهند شد که روزیهای شما بخورند و با شما سخن کنند و دروغ گویند و عمل کنند و بد کنند از شما راضی نشوند تا کار زشتشان را نیکو شمارید و دروغشان را راست بحساب آرید، اگر به حق رضا دادند مطابق آن با ایشان رفتار کنید و اگر از حق تجاوز کردند هر که در این راه کشته شود شهید است.

You will experience leaders who will confiscate your sustenance, talk to you untruly, commit evil deeds, and get not satisfied with you unless you would consider their bad as good and their lies as truth. Should such leaders happen to conform to truth, treat them according, and should they trespass upon the limits of truth, (stand against them), for whoever is killed in so doing, will be a martyr.

۱۷۳۸ سخافة بالمرء أن يستخدم ضيفه.

سبک عقلی مرد آنست که مهمان خویش را بخدمت گیرد.

Light-minded is the one who makes his (her) guest serve him (her).

۱۷۳۹ سدّوا و قاربوا.

در حلّ مشکلات (شرایط اقتصادی،...) واقعیت (و نه شرایط آرمانی) را هدف بگیرید و به آن نزدیک شوید.

In problem solving(economical,..) consider down-to-the-earth practical conditions and try to reach your target.

۱۷۴۰ سلوا الله من فضله فإنّ الله يحبّ أن يسأل، و أفضل العبادۀ انتظار الفرج.

از خدا، فضل او را طلب کنید که خدا دوست دارد که از او بخواهند؛ بهترین عبادتها انتظار گشایش است.

****عاقبت جوینده یابنده بود—که فرج از صبر زاینده بود (مولوی)**

Ask God (to give you) of His bounties, for he likes asking Him. The best act of worship is looking forward to deliverance (in hard times).

۱۷۴۱ سلوا الله كل شيء حتى الشسع فإنّ الله إن لم يسره لم يتيسر.

از خدا، همه چیز را حتی بند کفش را بخواهید که اگر خدا آن را ممکن نسازد میسر نخواهد شد.

Ask God for everything, even a shoelace; for should He not wish success, to nothing will you have access.

۱۷۴۲ سلوا الله العفو و العافیة فإنّ أحدا لم يعط بعد اليقين خيرا من العافیة.

از خدا، بخشش و عافیت (=سلامت) طلب کنید که پس از ایمان، هیچ کسی را چیزی بهتر از عافیت نداده‌اند.

Ask God for good health and forgiveness, for apart from faith, no one has been bestowed with anything better than good health.

۱۷۴۳ سلوا الله علما نافعا و تعوذوا بالله من علم لا ينفع.

از خدا، دانشی سودمند بخواهید و از علمی که سود ندهد بخدا پناه برید.

Ask God (to give you) useful knowledge, and take refuge with Him from useless knowledge.

۱۷۴۴ سلوا أهل الشرف عن العلم فإن كان عندهم علم فاکتبه فإنهم لا یكذبون.

از شریفان، از علم بپرسید اگر علمی نزد ایشان بود بنویسید که آنها دروغ نمی‌گویند.

The noble to be asked of knowledge. Should there be any sort of knowledge with them, write it down, for they do not tell lies.

۱۷۴۵ سل ربك العافية و المعافاه في الدنيا و الآخرة فإذا أعطيت العافية في الدنيا و أعطيتها في الآخرة فقد أفلحت.

از پروردگار خویش، عافیت (=سلامت) بودن دنیا و آخرت بخواه که اگر ترا در دنیا عافیت دهند و در آخرت نیز دهند رستگار شده‌ای.

Ask God for good health and cure of all illness here and in the Hereafter, for should you be bestowed with these in this world and in the next, you will be prosperous.

۱۷۴۶ سلامة الرجل من الفتنه أن يلزم بيته.

مرد که در خانه خویش بماند از فتنه سالم ماند.

Staying at home saves man from seditions.

۱۷۴۷ سوء الخلق شوم و شرار کم أسوؤکم خلقا.

بدخوئی شوم و بی برکت است و بدترین شما بدخوترین شماست.

Bad-temperedness is ill-omened, and the worst of you is the most ill-tempered one.

۱۷۴۸ سوء الخلق شوم و طاعة النساء ندامة و حسن الملكة نماء.

بدخوئی شوم و بی برکت است و اطاعت زنان پشیمانی است و نیک سیرتی مبارک و پر برکت.

Bad-temperedness is ill-omened, obedience to women is regrettable, and good-naturedness is good-omened.

۱۷۴۹ سوء الخلق يفسد العمل كما يفسد الخل العسل.

بدخوئی عمل را بفساد آرد چنان که سرکه عسل را فاسد کند.

Bad-temperedness spoils one's deeds just as vinegar makes honey unfit for eating.

۱۷۵۰ سوء المجالسة شح و فحش و سوء خلق.

بد صحبتی بمعنای بخل، ناسزا گوئی و بد خوئی است.

Being a bad company means stinginess, insult and bad-temperedness.

۱۷۵۱ سوادء ولود خیر من حسناء لا تلد و ائی مکاثر بکم الامم.

زن سیاه که فرزند بسیار آرد بهتر از زن خوبروئی است که فرزند نیارد که من بفزونی شما بر امتهای دیگر
تفاخر میکنم.

An ugly fertile woman is better than a beautiful barren one, for I take pride in your greater population in respect to other nations.

۱۷۵۲ سیاتی علی الناس زمان یخیر فیہ الرجل بین العجز و الفجور، فمن أدرك ذلك الزمان فليختر العجز
علی الفجور.

روزگاری بمردم رخ نماید که مرد میان ناتوانی و بدکاری مخیر شود هر که در آن روزگار باشد باید ناتوانی را
بر بدکاری ترجیح دهد.

A time will come to pass when man has to choose between helplessness and dishonesty. Those living at that time should prefer the former on the latter.

۱۷۵۳ سید القوم خادمهم و ساقیهم آخرهم شرابا.

آقای کسان خدمتگزارشان است و سقاینگر کسان پس از همه نوشد.

****ضرب المثل: کوزه گر از کوزه شکسته آب می خورد.**

The head of a people is their servant and cupbearer, and should thus drink last.

****Proverb: At the foot of the candle it is dark.**

****Proverb: The shoemaker's son always goes barefoot.**

۱۷۵۴ سیشدد هذا الدین برجال لیس لهم عند الله خلاق سیکون فی آخر الزمان خسف و قذف و مسخ إذا
ظهرت المغازف و القینات و استحلّت الخمر.

این دین بمردانی که پیش خدا بهره‌ای ندارند نیرو خواهد گرفت در آخر زمان خسف(=فروکش شدید) و قذف(=بالا آمدن شدید) و مسخی(=دگرگونی به زشت ترین طریق ممکن) خواهد بود، هنگامی که که ساز و آواز خوانی (=المغازف) و رامشگران(زن) و آرایشگران(زن)(=القینات) پدید شوند و شراب حلال بشمار آید.

This religion shall be maintained by men who will not deserve any portion of Allah's reward. At the last of the age of this world, there shall be swallowing up of the earth, casting from the heavens, and metamorphosis. This will take place when musical instruments and singers and women singers and hairdressers will spread and when the prohibition of wines will be violated.

۱۷۵۵ سیاتی علی امتی زمان یكثر فيه الفقراء و يقل الفقهاء و يقبض العلم و یكثر الهرج ثم یأتی من بعد ذلك زمان یقرأ القرآن رجال من امتی لا یجاوز تراقیهم ثم یأتی من بعد ذلك زمان یجادل المشرك بالله المؤمن فی مثل ما یقول.

بر امت من زمانی بیاید که فقیران فراوان شوند، و فقیهان کم شوند، و علم بر گرفته شود، و آشوب فزونی گیرد؛ آنگاه از پس آن زمانی بیاید که مردانی از امت من قرآن خوانند که از گلویشان بالاتر نرود(به مغز تحلیل گر صعود نکند)؛ آنگاه از پس آن زمانی بیاید که مشرک بخدا با مؤمن مجادله کند و سخنانی نظیر او گوید.

My nation will experience a time with the largest number of the poor and the least number of the learned (in religious jurisprudence), when knowledge decreases and sedition increases. Then they will see a time when some men of my nation recite the Quran, but it will not rise beyond their very throats (i.e. it will not affect their minds). They will still see a time when polytheists argue with the believers, using the same words (and reasoning) as they do.

۱۷۵۶ السابق و المقتصد یدخلان الجنة بغير حساب و الظالم لنفسه یحاسب حسابا یسیرا ثم یدخل الجنة.

پیشرو و میانه رو (در دین) بی حساب بهشت روند؛ و ستمگر بر نفس خویش را محاسبه‌ای سبک کنند، آنگاه به بهشت رود.

The forerunners (in religion) and the moderate people(in religion) will be allowed to paradise without reckoning, and an easy reckoning will there be for those who do cruelty to their won souls, before they are allowed to Paradise.

۱۷۵۷ الساعى على الأرملة و المسكين كالمجاهد فى سبيل الله أو القائم الليل الصائم النهار.

آنکه در کار بیوه و یتیم بکوشد چون مجاهد راه خدا یا همچون نمازگزار شب و روزه‌دار روز است.

He who makes efforts in favor of orphans and widows is like unto a struggler in the way of God or the one who stands up to prayer at night and keeps fast during the day.

۱۷۵۸ السخى قریب من الله قریب من الناس قریب من الجنة بعيد من النار، و البخيل بعيد من الله بعيد من الناس بعيد من الجنة قریب من النار، و الجاهل السخى أحب إلى الله من عالم بخيل.

سخاوتمند به خدا نزدیک و به مردم نزدیک و به بهشت نزدیک و از جهنم دور است؛ و بخیل از خدا دور و از مردم دور و از بهشت دور و به جهنم نزدیکست؛ نادان سخاوتمند نزد خدا از عالم بخیل محبوبتر است.

The generous is close to God, people and Paradise but remote from Fire, and the miser is remote from God, people and Paradise but close to Fire, and the ignorant generous is more beloved to God than the knowledgeable miser.

۱۷۵۹ السخاء خلق الله الأعظم.

سخاوت خلق اعظم خداست.

Generosity is God's outstanding attribute.

۱۷۶۰ السخاء شجرة من أشجار الجنة أغصانها متدليات فى الدنيا فمن أخذ بغصن منها قاده ذلك الغصن إلى الجنة و البخل شجرة من أشجار النار أغصانها متدليات فى الدنيا فمن أخذ بغصن منها قاده ذلك الغصن إلى النار.

سخاوت درختی از درختهای بهشت است که شاخه های آن در دنیا آویخته است هر که شاخه ای از آن بگیرد همان شاخه وی را سوی بهشت کشاند و بخل درختی از درختهای جهنم است که شاخه های آن در دنیا آویخته است و هر که شاخه ای از آن بگیرد همان شاخه وی را سوی جهنم کشاند.

****این سخا شاختی ست از سرو بهشت—وای او کز کف چنین شاختی بهشت! (مولوی)**

****تو یکی شاختی بُدی از نخل خُلد—چون گرفتیم، او مرا تا خُلد بُرد (مولوی)**

****نی(نه) نبی فرمود جود و مَحْمَدَه—شاخ جنت دان به دنیا آمده؟ (مولوی)**

Generosity is a Heavenly tree with branches hanging over the earth, leading to Paradise whoever clings to one of them, and miserliness is a Hellish tree with branches hanging over the earth, directing to Fire whoever touches one of them.

۱۷۶۱ السَّخِيُّ إِنَّمَا يَجُودُ بِحَسَنِ الظَّنِّ بِاللَّهِ وَالبَخِيلُ إِنَّمَا يَبْخُلُ بِسُوءِ الظَّنِّ بِاللَّهِ.

سخاوتمند بسبب خوش گمانی به خدا سخاوت میکند و بخیل بعلت بدگمانی به خدا بخل می ورزد.

The generous practices generosity for thinking optimistically of God, and the stingy follow miserliness for thinking pessimistically of Him.

۱۷۶۲ السَّخِيُّ الْجَهُولُ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْعَالِمِ الْبَخِيلِ.

سخاوتمند نادان نزد خدا از دانشمند بخیل محبوبتر است.

The ignorant generous is more beloved to God, than the knowledgeable miser.

۱۷۶۳ السَّرَّ أَفْضَلُ مِنَ الْعَلَانِيَةِ وَالْعَلَانِيَةُ أَفْضَلُ لِمَنْ أَرَادَ الْاِقْتِدَاءَ.

عمل نیکو نهان بهتر از عمل نیکو آشکار است؛ اما عمل نیکو آشکار برای آن فرد که خواهد سرمشق دیگران شود بهتر است.

The hidden good action weighs over the open good action, but the open good action will be better if one does it as a pattern (for others).

۱۷۶۴ السَّعَادَةُ كُلُّ السَّعَادَةِ طَوْلُ الْعَمْرِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ.

سعادت کامل، عمر دراز در اطاعت خداست.

Verily, the most perfect prosperity is spending a long life in worship of (and obedience to) God.

۱۷۶۵ السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمَّهِ وَ الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمَّهِ.

خوشبخت کسی است که در شکم مادرش خوشبخت شده و بدبخت کسی است که در شکم مادرش بدبخت شده است.

****پیش از این هر چند جان پر عیب بود—در رَحِمِ بود و ز خَلْقانِ غیب بود (مولوی)**

****الشَّقَى من شَقَى في بطنِ أمِّ (الأم) — من سَمَاتِ اللّهِ (الجسم) يُعَرَفُ حالهم (كُلُّهم) (مولوی)**

The fortunate have been created fortunate in their mothers' wombs, and so are the unfortunate.

۱۷۶۶ السفر قطعهُ من العذاب.

سفر پاره‌ای از عذاب است.

Traveling is a piece of suffering.

۱۷۶۷ السَّكِينَةُ مغنم و ترکها مغرم.

آرامش غنیمتی است و ترک آن خسارتی است.

Peace of mind is a gain and missing it is a loss.

۱۷۶۸ السَّكُوتُ خَيْرٌ من إِمَاءِ الشَّرِّ.

خاموش بودن از القای شر بهتر است.

Keeping silent is better than dictating evil.

۱۷۶۹ سَكُوتُ اللِّسَانِ سَلَامَةٌ لِلإِنْسَانِ.

خاموشی زبان مایه سلامت انسان است.

Controlling one's tongue keeps man safe and sound.

۱۷۷۰ السُّلْطَانُ العَادِلُ ظِلُّ اللّهِ فِي الأَرْضِ فَمَنْ أَكْرَمَهُ أَكْرَمَهُ اللّهُ وَ مَنْ أَهَانَهُ أَهَانَهُ اللّهُ.

سلطان عادل سایه خدا بر روی زمین است هر که وی را گرامی دارد خدایش گرامی دارد و هر که وی را خوار کند خدایش خوار کند.

A just leader is God's shade on the earth. Whoever keeps him in honor will be kept in honor by God, and whoever disrespects him will be disrespected by Him.

۱۷۷۱ السُّلْطَانُ العَادِلُ ظِلُّ اللّهِ فِي الأَرْضِ فَإِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ بِلَدَا لَيْسَ بِهِ سُلْطَانٌ عَادِلٌ فَلَا يُقِيمَنَّ بِهِ.

سلطان عادل سایه خدا بر روی زمین است؛ اگر یکی از شما به شهری در آید که سلطان عادل در آن نیست در آنجا اقامت نکند.

A just leader is God's shade on the earth; and so, when one of you arrives at a place wherein there is no such leader, he should avoid staying there.

۱۷۷۲ السلطان العادل المتواضع ظلّ الله و رمحه في الأرض يرفع له عمل سبعين صدّيقاً.

سلطان عادل متواضع، سایه خدا و نیزه او بر روی زمین است و برای او عمل هفتاد صدیق را بالا می‌برند.

A just and humble leader is God's shade and blade on the earth, for whom the rewards of seventy sincere ones will be saved.

۱۷۷۳ السلطان العادل ظلّ الله في الأرض يأوي إليه الضّعيف و به ينتصر المظلوم.

سلطان عادل سایه خدا بر روی زمین است که ناتوان بدان پناه می‌برد و مظلوم از او یاری می‌جوید.

A just leader is God's shade on the earth, to whom resort the weak, and whose assistance the oppressed seek.

۱۷۷۴ السلام قبل السؤال فمن بدأكم بالسؤال قبل السلام فلا تجيبوه.

سلام مقدم بر سؤال است هر که پیش از سلام به سؤال آغاز کرد جوابش مدهید.

****کرد خدمت مر عمر را و سلام—گفت پیغمبر سلام آنکه کلام (مولوی)**

Greeting (should) precede asking (for something); thus, do not answer those who request before greeting (you).

۱۷۷۵ السلام تطوع و الردّ فريضة.

سلام به دلخواه است و جواب آن واجب است.

Greeting is a voluntary act, but responding to it is obligatory.

۱۷۷۶ السلام اسم من أسماء الله وضعه الله في الأرض فأفشوه بينكم فإن الرجل المسلم إذا مرّ بقوم فسلم عليهم فردّوا عليه كان له عليهم فضل درجة بتذكيره إياهم السلام فإن لم يردّوا عليه ردّ عليه من هو خير منهم و أطيّب.

سلام نامی از نامهای خداست که آن را در زمین نهاده است. سلام را میان خودتان فاش (=آشکار) کنید زیرا مرد مسلمان وقتی به قومی گذر کند و بر آنها سلام کند و جوابش دهند، وی را بر آنها فزونی مرتبت است زیرا که سلام را به یادشان آورده است؛ و اگر جوابش ندهند کسی که از آنها بهتر و پاکیزه تر است جوابش دهد.

Greeting is one of God's attributes He has spread on the earth. So, let it prevail among you, for when a Muslim passes by a people and greets them, he will be higher in rank than them if he is greeted back due to reminding them of greeting; and he will be greeted back by someone better and purer than them if they do not respond to his greeting.

۱۷۷۷ السلام تحية لملتنا و امان لدمتنا.

سلام درود ملت ما و حافظ ذمه (=عهد و ضمانت) ماست.

Greeting is peace for our people and guarantee for our commitments.

۱۷۷۸ السمّ الحسن و التّوّد و الإقتصاد جزء من أربعة و عشرين جزء من النبوة.

نام نیک و ملایمت و اعتدال یک جزء از بیست و چهار جزء پیغمبری است.

Good name (fame), gentleness and moderateness is one single part of the twenty-four parts of prophet-hood.

۱۷۷۹ السمّ الحسن جزء من خمسة و سبعين جزء من النبوة.

نام نیک یکجزء از هفتاد و پنج جزء پیغمبری است.

Good name (fame) is one single part of the seventy- five parts of prophet-hood.

۱۷۸۰ السّمع و الطّاعة حقّ علی المرء المسلم فیما أحبّ أو کره ما لم یؤمر بمعصیة فإذا أمر بمعصیة فلا سمع علیه و لا طاعة.

شنیدن و اطاعت کردن بر مرد مسلمان در آنچه دوست دارد یا مکروه دارد مادام که به گناه فرمانش ندهند شایسته است، اگر به گناهی فرمانش دادند شنیدن و اطاعت کردن آن روا نیست.

Muslim is rightful to hear and act upon what s(he) likes or dislikes as long as s(he) is not required to commit sins; if so, s(he) no more allowed to.

۱۷۸۱ السّماح ربّاح و العسر شؤم.

سهل انكاري مايه سودا(آرزو پروری) است و سختگیری شوم و بی برکت است.

Leniency leads to longing, and severity is bad-omened.

۱۷۸۲ السّواک نصف الإیمان و الوضوء نصف الإیمان.

مسواک کردن یک نیمه ایمان است. و وضو گرفتن یک نیمه ایمان است.

Brushing one's teeth is half of faith, and making ablutions is half of faith too.

۱۷۸۳ السّواک یزید الرّجل فصاحه.

مسواک کردن فصاحت مرد را افزون میکند.

Brushing one's teeth elevates one's eloquence.

۱۷۸۴ السّواک مطهره للّهم مرضاه للربّ و مجلاه للبصر.

مسواک کردن موجب پاکی دهان و رضایت پروردگار و روشنی چشم است.

Brushing one's teeth gives rise to health of mouth, pleasure of God and strength of eyes.

۱۷۸۵ السّواک سنّه فاستاکوا أی وقت شئتم.

مسواک کردن سنت است هر وقت خواستید مسواک کنید.

Brushing one's teeth is (an Islamic) custom you can put to practice whenever you wish.

۱۷۸۶ السّواک من الفطره.

مسواک کردن اقتضای فطرت است.

Man's nature demands brushing his teeth.

۱۷۸۷ السیوف مفاتیح الجنّة.

شمشیرها کلیدهای بهشت است.

Swords are keys to Paradise.

ش

۱۷۸۸ شابّ سخیّ حسن الخلق أحبّ إلى الله من شیخ بخیل عابد سیئ الخلق.

جوان سخاوتمند نیک خو در نزد خدا از پیر بخیل عابد بدخو محبوبتر است.

The good-tempered, generous youth is more beloved to God than the bad-tempered, miserly old pious.

۱۷۸۹ شاهد الزور لا تزول قدمه حتى یوجب الله له النار.

شاهد دروغ، قدم بردارد تا جهنم بر او واجب شود.

One who testifies to falsehood will not step in the road before God makes Hell his/her unavoidable abode.

۱۷۹۰ شارب الخمر کعابد وثن.

شراب خوار مانند بت پرست است.

A wine drinker is like unto an idol worshipper

۱۷۹۱ الشّباب شعبه من الجنون.

جوانی شعبه‌ای از دیوانگی است.

Youth is of madness a part.

۱۷۹۲ الشّباب شعبه من الجنون و النساء حباله الشّیطان.

جوانی شعبه‌ای از دیوانگی است و زنان دام شیطانند.

Youth is of madness a part, and women are Satan's traps.

۱۷۹۳ شتان ما بين عمليين عمل تذهب لذته و تبقى تبعته و عمل تذهب مؤنته و تبقى أجره.

میان دو عمل بسیار فرق است عملی که لذت آن برود و عواقب آن بماند و عملی که زحمت آن برود و پاداش آن بماند.

Two sorts of deeds differ widely (from one another): one with its pleasures gone and consequences left, and one with its hardships to vanish and rewards never to finish.

۱۷۹۴ الشَّحِيحُ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ.

بخیل به بهشت در نیاید.

Misers will not be allowed to Paradise.

۱۷۹۵ الشَّدِيدُ مِنْ غَلَبِ نَفْسِهِ.

نیرومند آنست که بر خویشتن مسلط شود.

Strong is the one who has self-control.

۱۷۹۶ شَرَّ النَّاسِ مَنْ يَبْغِضُ النَّاسَ وَيَبْغُضُونَهُ.

بدترین مردم آن کسی است که مردم را دشمن دارد و او را دشمن دارند.

The worst of all people is he who hates others and is hated by them.

۱۷۹۷ شَرَّ النَّاسِ مَنْ أَكْرَمَهُ النَّاسُ اتِّقَاءَ شَرِّهِ.

بدترین مردم آن کسی است که مردم از بیم شرش گرامیش دارند.

The worst of all people is the one honored out of fear of his evil.

۱۷۹۸ شَرَّ النَّاسِ مَنْ اتَّهِمَ اللَّهَ فِي قِضَائِهِ.

بدترین مردم آن کسی است که خدا را در قضایش متهم کند.

The worst of all people is the one who accuses God of having predestined (everything for his creatures).

۱۷۹۹ شرّ النَّاسِ من باع آخرته بدنياه و شرّ منه من باع آخرته بدنياه غيره.

بدترین مردم آن کسی است که آخرت خویش به دنیا فروشد؛ و بدتر از او کسی است که آخرت خویش بدنای دیگری فروشد.

The worst of all people is the one who barter his eternal life for his worldly one, and worse than him is the one who barter his eternal life for others' worldly lives.

۱۸۰۰ شرّ النَّاسِ من أكل وحده و منع رفته و جلد عبده و شرّ منه من لا يقبل عثرة و لا يقبل معذرة و شرّ منه من لا يرجي خيره و لا يؤمن شرّه.

بدترین مردم آن کسی است که تنها غذا خورد و عطا و بخشش (=رسیده) خویش را بی نصیب کند و بنده خویش را بزند؛ و بدتر از او کسی است که خطائی را نبخشد و عذری نپذیرد؛ و بدتر از او کسی است که به خیرش امید نیست و از شرش امان نیست.

The worst of people is he who eats alone, without sharing his food with his servants, who beats his servants, and worse than him is the one who neither forgives a fault nor accepts any excuse, and even worse is he whose good no one is hopeful about, and from whose evil and malice no one can find a way out.

۱۸۰۱ شرار أمتي من يلي القضاء إن اشتبه عليه لم يشاور، و إن أصاب بطر و إن غضب عنف و كاتب السوء كالعامل به.

بدترین امت من کسی است که عهده‌دار قضاوت شود اگر به تردید افتد مشورت نکند و اگر به صواب رود گردن فrazد و اگر خشمگین شود خشونت کند و هر که بدی را نویسد مانند کسی است که بدان عمل می‌کند.

The worst among my people is he who undertakes judgment but does not consult in case of being doubtful about (a case), who is proud of himself for issuing a sound judgment, and who acts harshly when roused to anger. Whoever writes down cases of evil is like unto the one who acts upon them.

۱۸۰۲ شرار النَّاسِ شرار العلماء.

بدترین مردم علمای بد هستند.

The worst of all people are corrupt scholars.

۱۸۰۳ شَرَّ مَا فِي الرَّجْلِ شَحَّ هَالِعٍ وَجِبْنٌ خَالِعٍ.

بدترین صفت مرد بخل مفرط است و ترس شدید.

The worst of man's attributes are excessive stinginess and intense fear.

۱۸۰۴ شَرَّ أُمَّتِي الثَّرَاوُونَ الْمُتَشَدِّقُونَ الْمُتَفِيهِقُونَ وَخِيَارُ أُمَّتِي أَحَاسِنُهُمْ أَخْلَاقًا.

بدان امت من پر گویان، زبان باز، پر مدعايند و نيكان امت من آنهايند كه نيك خوترند.

The worst of my people are the talkative, charlatan,boastful ones, and the best of them are the most good-mannered.

۱۸۰۵ شَرَّ رَكْمٍ عَزَابِكُمْ وَأَرَاذِلُ مَوْتَاكُمْ عَزَابِكُمْ.

بدترین شما عزبانند و اراذل مردگانان عزبانند.

The worst among you are bachelors, and the most ignoble of your dead ones are bachelors too.

۱۸۰۶ شَرَّ الْبُلْدَانِ أَسْوَاقُهَا.

بدترین جای شهرها بازارهاست.

Markets are the worst places of cities.

۱۸۰۷ شَرَّ الطَّعَامِ طَعَامُ الْوَلِيمَةِ يَمْنَعُهَا مِنْ يَأْتِيهَا وَيَدْعِي إِلَيْهَا مِنْ يَأْبَاهَا.

بدترین غذاها غذای ولیمه است است كه هر كه بخواهد(=محتاجان) ندهندش و هر كه نخواهد بخوانندش.

The worst food is the one served in feasts, to which the needless are called, not the needy.

۱۸۰۸ شَرَّ الطَّعَامِ طَعَامُ الْوَلِيمَةِ يَدْعِي إِلَيْهِ الشَّبْعَانُ وَيَحْبِسُ عَنْهُ الْجَائِعُ.

بدترین غذاها غذای ولیمه است كه سير را بدان خوانند و گرسنه را از آن باز دارند.

The worst food is the one served in feasts, to which the satiated are called, not the hungry.

۱۸۰۹ شرّ المجالس الأسواق و الطّرق.

بدترین نشستگاهها بازارها و راههاست.

The worst places to sit in are roads and bazaars (markets).

۱۸۱۰ شرّ الامور محدثاتها و شرّ العمى عمى القلب و شرّ المعذرة حين يحضر الموت و شرّ الندامة يوم القيامة و شرّ المأكّل أكل مال اليتيم و شرّ المكاسب كسب الربّاء.

بدترین چیزها مبتدعات (=بدعت گذاری های گمراه کننده) آنست و بدترین کوری ها کوری قلب است و بدترین توبه ها هنگامی است که مرگ در آید و بدترین پشیمانی ها روز قیامت است و بدترین خوردنهای خوردن مال یتیم است و بدترین کسبها کسب ربا است.

The worst of all affairs is originating heresy(=misled trend setting), the worst blindness is blind-heartedness, the worst repentance is that of death time, the worst regret is that of Doomsday, the worst edible thing is an orphan's property, and the worst business is usury.

۱۸۱۱ شرّ النَّاسِ الَّذِي يسأل بالله ثمّ لا يعطى.

بدترین مردم آن کسی است که بنام خدا از او بخواهند و ندهد.

The worst of all people are those who do not offer what they are demanded in the name of God.

۱۸۱۲ شرّ النَّاسِ المضيق على أهله.

بدترین مردم آن کسی است که بر اهل خانه خود سخت گیرد.

The worst of all people are those who are hard on their families.

۱۸۱۳ شرّ النَّاسِ منزلة يوم القيامة من يخاف لسانه أو يخاف شرّه.

روز قیامت موقعیت آن کسی از همه مردم بدتر است که از زبانش ترسند یا از شرش بیم کنند.

The worst place (situation) in the Day of Judgment will belong to the one who frightens people through his/her tongue or evil (in this world).

۱۸۱۴ شفاعتی لأهل الكبائر من أمتی.

شفاعت من خاص اهل کبائر از امت من است.

****گفت پیغمبر که روز رستخیز—کسی گذارم مجرمان را اشک ریز؟**

من شفیع عاصیان باشم به جان—تا رهانمشان ز اشکنجه گران

عاصیان و اهل کبائر را به جهد—وارهانم از عتاب نقض عهد (مولوی)

My intercession belongs to the noblemen of my people.

۱۸۱۵ شرف المؤمن قیامه باللیل و عزّه استغناؤه عن الناس.

شرف مؤمن در شبزندهداری اوست و عزت وی در بی نیازی از مردم است.

A believer's dignity lies in standing up to prayer at nights, and his greatness lies in needlessness from people.

۱۸۱۶ الشّاهد یری ما لا یری الغائب.

حاضر چیزها بیند که غایب نبیند.

The present one observes things which the absent doesn't.

۱۸۱۷ الشّاء ربیع المؤمن.

زمستان بهار مؤمن است.

****شهاب الاخبار—حدیث ۱۱۶—تفسیرش آنست که شبهاشان دراز بود آسان بُود نماز شب کردن و روزها**

کوتاه بُود خوار بُود روزه داشتن.

Winter is the spring of a believer.

۱۸۱۸ الشّرک الخفی أن یرعمل الرّجل لمکان الرّجل.

شرک نهران آنست که مرد برای حضور مرد دیگری عملی کند.

Doing another man's jobs (obligatorily) is hidden polytheism on the part of the latter.

۱۸۱۹ الشَّرْكُ أَخْفَى فِي أُمَّتِي مِنْ دَيْبِ النَّمْلِ عَلَى الصَّفَا فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ وَأَدْنَاهُ أَنْ تَحَبَّ عَلَى شَيْءٍ مِنَ الْجَوْرِ
أَوْ تَبْغُضَ عَلَى شَيْءٍ مِنَ الْعَدْلِ وَ هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحَبُّ فِي اللَّهِ وَ الْبَغْضُ فِي اللَّهِ؟

قال الله تعالى: قل إن كنتم تحبون الله فاتَّبِعُونِي يحببكم الله.

شرك در امت من از گذر کردن مور بر کوه صفا در شب تاریک نهانتر است؛ و نزدیکتر از همه آنست که چیزی از ستم را دوست بداری، یا چیزی از عدل را دشمن بداری؛ مگر دین جز دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خداست؟

خدای والا گوید: بگو اگر خدا را دوست دارید مرا پیروی کنید تا خدا دوستان دارد.

Polytheism among my people is more concealed than an ant's movement on Mount Safa at dark night, and the closest thing to it is to like a bit of injustice and dislike a bit of justice, for isn't religion but liking and disliking for God's sake? The Exalted God says: "Say, if you love God, obey me, and so He will love you".

۱۸۲۰ الشَّعْرُ الْحَسَنُ أَحَدُ الْجَمَالَيْنِ يَكْسُوهُ اللَّهُ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ.

موی نیکو یکی از دو زیباییست که خدا به مرد مسلمان دهد.

Nice hair is one of the two beauties God bestows on a Muslim.

۱۸۲۱ الشَّعْرُ بِمَنْزِلَةِ الْكَلَامِ فَحَسَنُهُ حَسَنُ الْكَلَامِ وَ قَبِيحُهُ قَبِيحُ الْكَلَامِ.

شعر (نکا حدیث ۲۲۱۵) چون سخن است: شعر نیک سخن نیک است و شعر بد سخن بد است.

Poetry is a piece of discourse - it can be either a good or a bad one.

۱۸۲۲ الشَّقِيّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ.

بدبخت آنست که در شکم مادرش بدبخت شده است.

The wicked have been created wicked in their mothers' wombs.

۱۸۲۳ الشَّقِيّ كُلُّ الشَّقِيّ مَنْ أَدْرَكَتْهُ السَّاعَةُ حَيًّا.

بدبخت کامل آنست که رستاخیز بدو رسد و زنده باشد.

The most unfortunate of all is the one who lives long enough to see the Resurrection.

۱۸۲۴ الشَّهْوَةُ الْخَفِيَّةُ وَالرِّيَاءُ شُرَكَ.

جاه طلبی و ریا شرک است.

Hidden ambition and (false) pretension are (two kinds of) polytheism.

۱۸۲۵ الشَّيْخُ شَابٌ فِي حُبِّ اثْنَيْنِ فِي حُبِّ طَوْلِ الْحَيَاءِ وَكَثْرَةِ الْمَالِ.

پیر در محبت دو چیز جوان است: محبت زندگی دراز و فراوانی مال.

An old man can feel young for loving two things: long life and abundant wealth.

۱۸۲۶ الشَّيْخُ فِي أَهْلِهِ كَالنَّبِيِّ فِي أُمَّتِهِ.

پیر در میان کسان خود چون پیامبر در امت خویش است.

****گفت پیغمبر که شیخ رفته پیش—چون نبی باشد میان قوم خویش (مولوی)**

****مَسْكَلٌ (مَكْسَلٌ) از پیغمبر ایام خویش—تکیه کن بر فن و بر کام خویش (مولوی)**

An old man to his family is like unto a prophet to his people.

۱۸۲۷ الشَّيْخُ يَضَعُ جَسْمَهُ وَقَلْبُهُ شَابٌ عَلَى حُبِّ اثْنَيْنِ طَوْلِ الْحَيَاءِ وَحُبِّ الْمَالِ.

تن پیر ناتوان می شود و دل وی بر محبت دو چیز جوان است: عمر دراز و محبت مال.

While weakness befalls an old man's body, his heart grows younger (eager) towards the love of long life and abundant wealth.

۱۸۲۸ الشَّيْطَانُ يَهْمُ بِالْوَاحِدِ وَالْإِثْنَيْنِ فَإِذَا كَانُوا ثَلَاثَةً لَمْ يَهْمُ بِهِمْ.

شیطان بیک تن و دو تن پردازد و چون سه تن شدند قصد ایشان نکند.

Satan tries to deceive one or two persons (when sitting together) but leaves them as soon as they turn out to be three.

ص

۱۸۲۹ صاحب الدین مغلول فی قبره لا یفکّه إلاً قضاء دینه.

قرضدار در قبر خویش در غل و زنجیر است و جز پرداخت قرض وی غل و زنجیر او را باز نمیکند.

A creditor will be in chains in his grave, and nothing can make him free but paying his debts.

۱۸۳۰ صاحب الشیء أحقّ بالشیء أن یحمّله إلاً أن یكون ضعیفا یعجز عنه فیعینه علیه أخوه المسلم.

صاحب چیز بحمل آن شایسته‌تر است مگر آنکه ناتوان باشد و از آن فرو ماند و برادر مسلمانش بر حمل آن کمکش کند.

The owner of something is more entitled to carry it (than others) unless he is unable to do it and so, his Muslim brother gives him a hand.

۱۸۳۱ صاحب العلم یتستغفر له کلّ شیء حتّی الحوت فی البحر.

همه چیز حتی ماهی دریا برای دانشمند آمرزش می‌خواهد.

Everything, even fish in seas, asks forgiveness for the learned.

۱۸۳۲ صدق اللّهُ صدقه.

خدا راستگوست پس او را تصدیق کن.

God is truthful, and so confirm Him.

۱۸۳۳ صدقه المرء المسلم تزیید فی العمر و تمنع مینه السوء و یذهب اللّهُ تعالی بها الفخر و الکبر.

صدقه مرد مسلمان عمر را فزونی دهد و از مرگ بد جلوگیری کند و خدای والا بوسیله آن تفاخر و تکبر را ببرد.

****مال دادم بستدم عمر دراز-در جزا، زیرا که بودم پاکباز (مولوی)**

Muslim's charity prolongs his/her life, prevents him/her from bad deaths, and causes the Exalted God to save him/her from overweening and vanity.

۱۸۳۴ صدقه السرّ تطفیء غضب الربّ.

صدقه نهان خشم پروردگار را خاموش می کند.

Hidden charity cools down God's wrath.

۱۸۳۵ صغارکم دعامیص الجنّة یتلقی أحدهم أباه فیأخذ بثوبه فلا ینتهی حتی یدخله الله وایاه الجنّة.

کوچولوهای شما در بهشت به هر جایی که بخواهند می روند یکیشان پدر خویش را به بیند و لباسش را بگیرد و رها نکند تا خدا پدرش را با او به بهشت در آورد.

Your kids in Paradise can go everywhere. When one of them sees his/her father, sticks to his clothes and leaves it not till God takes his/her father with him/her to Paradise.

۱۸۳۶ صفه العاقل أن یحلم عمّن جهل علیه و یتجاوز عمّن ظلمه و یتواضع لمن هو دونه و یسابق من فوقه فی طلب البرّ و إذا أراد أن یتکلم تدبّر فإن کان خیراً تکلم فغنم و إن کان شراً سکت فسلم.

عاقل آنست که با سبکسر بردباری (=خویشترنداری) کند و از ستمگر درگذرد و با زیردستان تواضع کند و از زبردستان (=بالادستان) در راه نیکی سبقت جوید و چون خواهد سخن کند بیندیشد اگر نیک باشد بگوید و بهره برد و اگر بد باشد سکوت کند و سالم ماند.

The wise tolerate the ignorant, forgive the cruel, show humility to inferiors and supersede superiors in doing good. They meditate before saying something-being it good, they express and enjoy it, and being it evil, they keep quiet and remain safe thereof.

۱۸۳۷ صل من قطعک و أعط من حرمتک و اعف عمّن ظلمک.

با آنکه از تو بریده پیوندگیر و آنکه تو را محروم کرده عطایش ده و از آنکه با تو ستم کرده درگذر.

Join the one who has renounced you, do good to the one who has deprived you and forgive the one who has oppressed you.

۱۸۳۸ صلّه الرّحم تزیّد فی العمر و تدفع میته السّوء.

پیوند خویشان عمر را فزونی دهد و از مرگ بد جلوگیری کند.

Observing the bonds of kinship prolongs one's life and expels bad deaths.

۱۸۳۹ صلۀ الرَّحْمِ و حسن الخلق و حسن الجوار يعمران الدیّار و یزندن فی الأعمار.

پیوند خویشان و نیکخوئی و خوش همسایگی شهرها را آباد کند و عمرها را فزونی دهد.

Observing the bonds of kinship, good-temperedness, and good neighborliness make lands flourish and prolong people's lives.

۱۸۴۰ صلۀ الرَّحْمِ تزیید فی العمر و صدقۀ السِّرِّ تطفیء غضب الرَّبِّ.

پیوند خویشان عمر را فزونی دهد. و صدقه نهان خشم پروردگار را خاموش کند.

Observing the bonds of kinship prolongs one's life, and hidden charity cools down God's wrath.

۱۸۴۱ صلۀ القربانۀ مِثْرَاءَ فی المالِ مَحَبَّةً فی الأهلِ منسَاءَ فی الأجلِ.

پیوند خویشاوندی مایه فراوانی مال و محبت کسان و تأخیر اجل است.

Observing the bonds of kinship leads to abundant wealth, affection among families and the postponement of death.

۱۸۴۲ صل من قطعک و أحسن إلی من أساء إلیک و قل الحقّ و لو علی نفسک.

با هر که از تو ببرد پیوند گیر و با آنکه با تو بدی کرده نکوئی کن و حق را بگو و گر چه بر ضرر خودت باشد.

Join the one who has renounced you, do good to the one who has wronged you and tell the truth, though it might be against you.

۱۸۴۳ صلوا قربانکم و لا تجاوروهم فإنّ الجوار یورث بینکم الضغائن.

با خویشان دوستی کنید و همسایه ایشان مشوید که همسایگی میان شما کینه‌ها پدید آرد.

Make friends with your kins but do not live in their neighborhood, for it causes grudge among you.

۱۸۴۴ صلّ صلاة مورع كائك تراه فإن كنت لا تراه فإنه يراك، و اياس مما في أیدی الناس تعش غنيا و إياك و ما يعتذر منه.

نماز را با ترس گزار گوئی خدا را می بینی اگر تو او را نمی بینی او ترا می بیند و از آنچه در دست مردم است نومید باش تا بی نیاز زندگی کنی و از آنچه عذر آن باید خواست پرهیز.

Set prayer humbly, as if you see God. If you do not see Him, He (surely) sees you. Expect nothing from people to live free from want, and avoid whatever requires your later pardoning.

۱۸۴۵ صلّوا علی أطفالکم فإنهم من أفراطکم.

بر کودکان (فوت شده) خویش درود فرستید که آنها پیشاهنگان شمایند.

Praise your (dead) children, for they are your pioneers.

۱۸۴۶ صلاة القاعد علی النصف من صلاة القائم.

نماز نشسته یک نیمه نماز ایستاده است.

Prayer in a sitting position is half a prayer in a standing position.

۱۸۴۷ صلاة الرجل تطوعا حیث لا یراه الناس تعدل صلاته علی أعین الناس خمسا و عشرين.

نماز مرد که بدخواه در جایی که مردم او را نبینند کند برابر بیست و پنج نماز است که در دیده مردم کند.

A man's prayer said willingly, out of people's sight, is twenty five times as much the prayer he says in people's presence.

۱۸۴۸ صلاة المرأة وحدها تفضل علی صلاتها فی الجمع بخمس و عشرين درجة.

نماز زن تنها، بیست و پنج بار از نماز او در جمع (که مردها ببینند) بهتر است.

A woman's private prayer is twenty five times as much the prayer she says in the presence of men.

۱۸۴۹ صلاة بسواک أفضل من سبعین صلاة بغير سواک.

نمازی مسواک زده بهتر از هفتاد نماز مسواک نزده.

Saying prayer with one's teeth brushed weighs over seventy prayers said with unbrushed teeth.

۱۸۵۰ صلاح اول هذه الامّة بالزهد و اليقين و يهلك آخرها بالبخل و الأمل.

صلاح متقدمان اين امت بزهد و ايمان است و متأخرانش به بخل و آرزوی دراز هلاک می شوند.

The good of early men (of Islam) lied in abstinence and faith, and the annihilation of the people of the end of the times lies in stinginess and long desires.

۱۸۵۱ صمت الصائم تسبيح و نومه عبادة و دعاؤه مستجاب و عمله مضاعف.

سکوت صائم تسبیح گفتن است و خواب وی عبادت است و دعای وی مستجاب است و عمل او دو برابر است.

****خواب، بیداری ست چون با دانش است—وای بیداری که با نادان نشست (مولوی)**

A fast person's silence is praising God, his sleep is an act of worship, his praying is granted, and his deeds are (rewarded) twice.

۱۸۵۲ صنائع المعروف تقي مصارع السوء، و الصدقة خفياً تطفىء غضب الربّ و صلة الرّحم زيادة في العمر و كل معروف صدقة، و أهل المعروف في الدنيا هم أهل المعروف في الآخرة و أهل المنكر في الدنيا هم أهل المنكر في الآخرة و أول من يدخل الجنة أهل المعروف.

اعمال نیک از سقوطهای بد جلوگیری میکند و صدقه نهانی خشم پروردگار را خاموش میکند و پیوستگی با خویشان عمر را افزون می کند و هر کار نیکی صدقه ای است و نکوکاران دنیا نکوکاران آخرتند و بدکاران دنیا بدکاران آخرتند و نخستین کسی که به بهشت میرود نکوکارانند.

Good deeds ward off bad falls, hidden charity quenches God's wrath and observing the bonds of kinship prolongs one's life. Every good deed is charity, and the benevolent and the wicked of this world will be the benevolent and the wicked of the Hereafter, with the benevolent being the first to enter Paradise.

۱۸۵۳ صنفان من الناس إذا صلحا صلح الناس و إذا فسدوا فسد الناس العلماء و الامراء.

دو گروه از مردمند که اگر صالح بودند مردم بصلاح آیند و اگر فاسد بودند به فساد گرایند دانشوران و زمامداران.

Two groups of people will lead people to righteousness or wickedness, should they turn out to be righteous or wicked themselves: scholars and rulers.

۱۸۵۴ صوموا تصحّوا.

روزه دارید تا تندرست شوید.

****شهوَت از خوردن بود، کم کن ز خور-یا نکاحی کن گریز از شور و شر(گریزان شوز شر) (مولوی)**

Keep fast and be healthy.

۱۸۵۵ الصائم في عبادة من حين يصبح إلى أن يمسي ما لم يغترب فإذا اغتاب خرق صومه.

روزه‌دار از آن هنگام که صبح میکند تا به شب در رود مادام که غیبت نکند در عبادت است و همین که غیبت کرد روزه او پاره شود.

A fast person will be worshipping God from early morning till night, if (s)he does not backbite people, but his fast will be ruined as soon as (s)he begins to do so.

۱۸۵۶ الصائم لا تردّ دعوته.

دعای روزه‌دار رد نمیشود.

A fast person's praying will surely be granted.

۱۸۵۷ الصبحة تمنع الرزق.

خواب صبحگاهان مانع روزی است.

Early morning sleep wards off one's sustenance.

۱۸۵۸ الصبر عند الصدمة الأولى.

صبر حقیقی هنگام صدمه نخستین است.

Real patience is realized when one suffers a calamity for the first time.

۱۸۵۹ الصبر نصف الإيمان و اليقين الإيمان كله.

صبر یک نیمه ایمان است و یقین همه ایمانست.

Patience is half of faith, and certainty is faith in its entirety.

۱۸۶۰ الصبر رضا.

صبر مایه خشودی است.

Patience is the cause of contentment.

۱۸۶۱ الصبر و الاحتساب أفضل من عتق الرقاب و يدخل الله صاحبين الجنة بغير حساب.

صبر و عاقبت اندیشی (=به مزد و ثواب روز قیامت چشم داشتن) از آزاد کردن بندگان بهتر است و خدا صاحب آن را بدون حساب به بهشت می برد.

Patience and far-sightedness(=to seek reward of Day of Judgment) are superior to setting slaves free, and the holders of them will be allowed to Paradise without questioning.

۱۸۶۲ الصبر من الإيمان بمنزلة الرأس من الجسد.

صبر نسبت به ایمان چون سر نسبت به تن است.

****صبر از ایمان بیابد سر کله-حيث لا صبر فلا إيمان له**

گفت پیغمبر خدایش ایمان نداد-هر که را نبود صبوری در نهاد (مولوی)

Patience to faith is like unto brain to body.

۱۸۶۳ الصّحة و الفراغ نعمتان مكفورتان.

صحت و فراغت دو نعمت است که کفران آن کنند.

Health and relief are two unappreciated blessing.

۱۸۶۴ الصدق طمأنينة و الكذب ريبة.

راستی مایه آرامش است و دروغ مایه تشویش.

Truthfulness is peace; lying is anxiety.

۱۸۶۵ الصَّدَقَةُ تَطْفِئُ الخَطِيئَةَ كما يطفئ الماء النار.

صدقه گناه را خاموش می کند چنان که آب آتش را خاموش میکند.

Charity puts sins out just as water extinguishes fire.

۱۸۶۶ الصَّدَقَةُ على القِرابَةِ صدقةٌ وصلَةٌ.

صدقه بخویشاوندان هم صدقه است هم بیوستگی خویشاوندان.

Giving alms to kins is alms-giving as well as strengthening ties of kinship.

۱۸۶۷ الصَّدَقَةُ تمنع مِيتَةَ السَّوْءِ.

صدقه مانع مرگ بد می شود.

Charity wards off hard deaths.

۱۸۶۸ الصَّدَقَةُ تسدّ سبعين بابا من السَّوْءِ.

صدقه هفتاد درِ بدی را مسدود کند.

****كُفْتُ الصَّدَقَةَ مَرَدًّا لِلْبَلَاءِ—داوِ مَرَضَاكَ بِصَدَقَتِهِ يَا فَتَى (مولوی)**

Charity blocks seventy doors to evil.

۱۸۶۹ الصَّدَقَةُ على وجهها و اصطناع المعروف و برّ الوالدين و صلة الرّحم تحوّل الشّقاء سعادةً و تزيد في العمر و تقى مصارع السَّوْءِ.

صدقه در راه خدا و نیکوکاری و نیکی با پدر و مادر و بیوستگی خویشاوند بدبختی را به خوشبختی مبدل کند و عمر را افزایش دهد و از مرگ های بد جلوگیری کند.

Charity in His way, beneficence, kindness to parents, and keeping the bonds of kinship will turn misfortune to prosperity, prolong one's life, and ward off hard deaths.

۱۸۷۰ الصَّدَقَةُ على المسكين صدقةٌ و هي على ذی الرّحم اثنتان صدقةٌ و صلة الرّحم.

صدقه دادن به مستمند فقط صدقه است و صدقه دادن بخویشاوند دو چیز است صدقه و پیوند خویشاوند.

Charity to the needy is only alms-giving, but to the kins is alms-giving as well as strengthening kinship ties.

۱۸۷۱ الصّدقات بالغدوات يذهبن بالعاهات.

صدقه صبحگاه مرضها را میبرد.

Giving charity early in morning takes away all evils.

۱۸۷۲ الصرعة كلّ الصرعة الذي يغضب فيشتد غضبه و يحمرّ وجهه و يقشعرّ شعره فيصرع غضبه.

کمال دلیری آنست که کسی خشمگین شود و خشمش سخت شود و چهره اش سرخ شود و مویش بلرزد و بر خشم خود چیره شود.

Perfect bravery is to get extremely furious, with reddened face and trembling hair, but still managing to quench one's fury.

۱۸۷۳ الصلح جائز بين المسلمين إلّا صلحا أحلّ حراما أو حرّم حلالا.

هر صلحی میان مسلمانان رواست مگر صلحی که حرامی را حلال یا حلالی را حرام کند.

Any compromise is permissible among Muslims, save one by which the lawful is made unlawful and vice versa.

۱۸۷۴ الصلّاء نور المؤمن.

نماز نور مؤمن است.

Prayer is a believer's light.

۱۸۷۵ الصلّاء عمود الدّین.

نماز ستون دین است.

Prayer is the pillar of religion.

۱۸۷۶ الصلّاء میزان فمن أوفى استوفى.

نماز چون ترازوست هر که کامل کند پاداش کامل یابد.

Prayer is like unto a scale, whoever sets it properly, will earn perfect reward.

۱۸۷۷ الصلاة تسود وجه الشيطان و الصدقة تكسر ظهره و التحاب في الله يقطع دابره فإذا فعلتم ذلك تباعد منكم كمطلع الشمس من مغربها.

نماز چهره شیطان را سیاه کند و صدقه دادن پشت او را بشکند و دوستی در راه خدا ریشه او را میکند و وقتی چنین کردید از شما بفاصله شرق و غرب دوری کند.

Prayer blackens Satan's face, charity breaks his back and loving for God's sake demolishes him. If you act upon the last one, he will keep aloof from you as far as East from West.

۱۸۷۸ الصلاة قربان كل تقى.

نماز وسیله تقرب جویی پرهیزکارانست.

Prayer is proximity (to God) for all the pious.

۱۸۷۹ الصمت حکم و قلیل فاعله.

خاموشی خردمندی است و خاموشی گزینان اندک هستند.

**ورنه باشد اهل این ذکر و قنوت—بس جواب الاحمق ای سلطان، سکوت (مولوی)

**چون جواب احمق آمد خامشی—این درازی در سخن چون می کشی؟ (مولوی)

**پس خاموشی به دهد او را ثبوت—پس جواب احمقان آمد سکوت (مولوی)

Silence is wisdom, but few people can keep silent.

۱۸۸۰ الصمت أرفع العبادة.

خاموشی والاترین عبادتهاست.

Silence is the most lofty (form of) worship.

۱۸۸۱ الصمت زين للعالم و ستر للجاهل.

خاموشی زینت دانا و پرده نادان است.

Silence is beauty for the wise and covering for the fool.

۱۸۸۲ الصّمت سیّد الأخلاق و من مزح استخفّ به.

خاموشی سرور اخلاق است و هر که مزاح کند سبکشی گیرند.

Silence stands at the peak of morality, and joking reduces its value.

۱۸۸۳ الصّوم جنّة من عذاب اللّٰه.

روزه سپر عذاب خداست.

Fasting is a shield against God's punishment.

۱۸۸۴ الصّوم فی الشّتاء الغنیمه الباردۀ.

در زمستان روزه داشتن بهره خنک بردنست.

Fasting in winter is a cold (easily-earned) gain.

۱۸۸۵ الصّیام نصف الصّبر.

روزه یک نیمه صبر است.

Fasting is half of patience.

۱۸۸۶ الصّیام جنّة ما لم یخرقها بکذب أو غیبه.

روزه سپری است مادام که آن را به دروغ یا غیبت ندرد.

Fasting is a shield as long as lying or backbiting does not tear it off.

۱۸۸۷ الصّیام جنّة من النّار فمن أصبح صائماً فلا یجھل یومئذ و إن أصر و جهل علیه فلا یشمه و لا یسبه و لیقل
إنی صائم.

روزه سپر آتش است و هر که روزه گرفت آن روز سبکسری نکند. و اگر کسی او را مایل به سبکسری کرد یا با او
جهالت کرد بدو ناسزا و بد نگوید، و بگوید من روزه دارم.

Fasting is a shield against Fire. Whoever fasts on a certain day, should not commit frivolity that day, and if somebody teased him or does something wrong to him, he should not revile or abuse him but should only say, "I am fast."

۱۸۸۸ الصَّيَامُ نِصْفُ الصَّبْرِ وَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَ زَكَاةُ الْجَسَدِ الصَّيَامُ.

روزه داری یک نیمه صبوری است، هر چیزی زکاتی دارد و زکات تن روزه داشتن است.

Fasting is half of patience. For everything some alms are due, and for the body, fasting.

ض

۱۸۸۹ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ الْعِلْمُ كَمَا قَبِدَ حَدِيثًا طَلَبَ إِلَيْهِ آخِرَ.

گم شده مؤمن علم است هر دم حدیثی فرا گیرد حدیثی دیگر مطلوب او شود.

Knowledge is a believer's lost one. Whenever (s)he learns a bit of it, (s)he demands another.

۱۸۹۰ ضَحْكُ رَبَّنَا مِنْ قَنُوطِ عِبَادِهِ.

پروردگار ما از نومیدی بندگان خویش به شگفت آید.

Becoming desperate in His creatures', wonders our Lord!

۱۸۹۱ ضَعِيَ فِي يَدِ الْمَسْكِينِ وَ لَوْ ظَلَفًا مَحْرَقًا.

چیزی بدست مستمند بگذار و گر چه سم سوخته باشد.

When a needy man demands, put something in his hands, even if it is a burnt hoof.

۱۸۹۲ الضَّحْكُ ضَحْكَانَ ضَحِكُ يَحِبُّهُ اللَّهُ وَ ضَحِكُ يَمْقَتُهُ اللَّهُ فَأَمَّا الضَّحْكُ الَّذِي يَحِبُّهُ اللَّهُ فَالرَّجُلُ يَكْشُرُ فِي وَجْهِهِ أَخِيهِ شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِ، وَ أَمَّا الضَّحْكُ الَّذِي يَمْقَتُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَالرَّجُلُ يَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ الْجَفَاءِ وَ الْبَاطِلِ لِيَضْحَكَ أَوْ يَضْحَكَ يَهُوِي بِهَا فِي جَهَنَّمَ سَبْعِينَ خَرِيفًا.

خنده دو قسم است: خنده‌ایست که خدا آن را دوست دارد و خنده‌ایست که خدا آن را دشمن دارد؛ اما خنده‌ای که خدا آن را دوست دارد، آنست که مرد به روی برادر خویش از شوق دیدار وی لبخند زند اما خنده‌ای که که خدای والا آن را دشمن دارد آنست که مرد سخن خشن و ناروا گوید که بخندد یا بخندند و بسبب آن هفتاد پائیز در جهنم سرنگون رود.

Laughing is of two kinds-that which God likes, i.e. a man's smiling at his brother's face out of pleasure to see him, and that which the Exalted God dislikes, i.e. a man's saying something false or unjust to laugh or make people laugh and thus, falling upside down to Hell for seventy autumns.

۱۸۹۳ الضیافة ثلاثة أيام فما زاد فهو صدقة و علی الضیف أن يتحول بعد ثلاثة أيام.

مهمانی سه روز است و هر چه بیشتر شد صدقه است و مهمان باید پس از سه روز تغییر جا دهد.

A guest is a guest for three days; the more s(he) stays, will s(he) be under charity (to the poor); and thus, a guest should leave his host's home after three days.

۱۸۹۴ الضیف يأتي برزقه و يرتحل بذنوب القوم، يمحص عنهم ذنوبهم.

مهمان روزی خویش بیارد گناهان کسان ببرد و گناهان آنها را پاک کند.

A guest carries his/her own sustenance, removes the host's sins and cause them to vanish.

ط

۱۸۹۵ طاعة الله طاعة الوالد و معصية الله معصية الوالد.

اطاعت پدر اطاعت خداست و نافرمانی پدر نافرمانی خداست.

Obedience to fathers is obedience to God, and disobedience to them is disobedience to Him.

۱۸۹۶ طالب العلم تبسط له الملائكة أجنحتها رضا بما يطلب.

فرشتگان بالهای خویش برای طالب علم بگسترانند که از آنچه وی می جوید رضایت دارند.

Verily, being pleased with what the seekers of knowledge seek, angels spread their wings in modesty for them.

۱۸۹۷ طالب العلم بين الجهال كالحى بين الأموات.

جوياى علم میان جاهلان چون زنده میان مردگان است.

A seeker of knowledge among the ignorant is like unto a living creature among the dead.

۱۸۹۸ طالب العلم لله أفضل عند الله من المجاهد في سبيل الله.

هر که علم برای رضای خدا جوید نزد خدا از مجاهد فی سبیل الله بهتر است.

Those who seek knowledge for God's sake are superior to the strugglers in His way.

۱۸۹۹ طالب العلم طالب الرحمة طالب العلم ركن الإسلام و يعطى أجره مع النبيين.

جوياى علم جوياى رحمت است، جوياى علم رکن اسلام است و پاداش او را با پیامبران دهند.

Seekers of knowledge are seekers of God's mercy and pillars of Islam, who will be rewarded by prophets.

۱۹۰۰ طعام السخى دواء و طعام الشحيح داء.

غذای سخاوت مند دوا و غذای بخیل درد است.

A generous man's food is cure, and a miser's is disease for sure.

۱۹۰۱ طلب العلم فريضة على كل مسلم و أن طالب العلم يستغفر له كل شيء حتى الحيتان في البحر.

جستن علم بر هر مسلمانی واجب است و همه چیز، حتی ماهیان دریا برای جوياى علم آمرزش می طلبند.

Seeking knowledge is a must for all Muslims; and everything, even fish in seas, ask forgiveness for the seekers of knowledge.

۱۹۰۲ طلب العلم أفضل عند الله من الصلاة و الصيام و الحج و الجهاد في سبيل الله عز و جل.

جستن علم نزد خدا از نماز و روزه و حج و جهاد در راه خدا عز و جل بهتر است.

In the sight of God, seeking knowledge is superior to prayer, fasting, pilgrimage to Mecca, and jihad (struggling in the way of God, the Greatest and the most Powerful).

۱۹۰۳ طلب العلم ساعة خير من قيام ليلة و طلب العلم يوما خيرا من صيام ثلاثة أشهر.

ساعتی علم جستن بهتر از نمازگزاری یک شب است و روزی علم جستن بهتر از سه ماه روزه داری است.

An hour of seeking knowledge is better than praying one whole night, and a day of seeking knowledge is better than fasting three months.

۱۹۰۴ طلب العلم فريضة على كل مسلم و واضح العلم عند غير أهله كمقصد الخنازير الجواهر و اللؤلؤ و الذهب.

جستن علم بر هر مسلمانی واجب است و آنکه علم را پیش نااهلان نهد چنانست که گوهر و مروارید و طلا به گرازان آویزد.

Seeking knowledge is a must for all Muslims and whoever issues forth his knowledge to incompetent people is like unto the one who beautifies pigs with jewels, pearls, and gold.

۱۹۰۵ طلب العلم فريضة على كل مسلم و مسلمة.

جستن علم بر هر مرد مسلمان و هر زن مسلمان واجبست.

Seeking knowledge is obligatory for all Muslims-men and women alike.

۱۹۰۶ طهور الطعام يزيد في الطعام والدين و الرزق.

پاکیزگی غذا، غذا و دین و روزی را فزون میکند.

Cleanness of food (lawfully-earned food) results in an increase of food, faith, and susenance.

۱۹۰۷ طوبى للمخلصين أولئك مصابيح الهدى تنجلي بهم كل فتنة ظلماء.

خوشا مخلصان آنان چراغهای هدایتند و به پرتو آنها هر فتنه تاریک روشن شود.

Blessed are the sincere ones who are lights of guidance, enlightening all dark seditions through their brightness.

۱۹۰۸ طوبی لسابقین إلی ظلّ الله الذین إذا أعطوا الحقّ قبلوه و الذین یحکمون للنّاس بحکمهم لأنفسهم.

خوشا آنان که زودتر از همه بسایه خدا روند آنها که وقتی با حق روبرو شوند آن را بپذیرند کسانی که برای مردم همان حکم کنند که برای خویش کنند.

Blessed are those who take precedence over others in seeking God's support, who accept the truth when they face it, and who judge among people as they do for themselves.

۱۹۰۹ طوبی لمن أسلم و کان عیشه کفافا.

خوشا آنکه مسلمان است و معیشت کفاف دارد.

Blessed is the one who is a Muslim with sufficient sustenance.

۱۹۱۰ طوبی لمن ترک الجهل و أتى الفضل و عمل بالعدل.

خوشا آنکه سبکسری نکند و فزونی را ببخشد و به عدالت عمل کند.

Blessed is one who connives at ignorance, dispenses the excess of his wealth, and treats people justly.

۱۹۱۱ طوبی لمن تواضع فی غیر منقصه و ذلّ فی نفسه فی غیر مسکنه و أنفق من مال جمعه فی غیر معصیه و خالط أهل الفقه و الحکمه و رحم أهل الذلّ و المسکنه، طوبی لمن ذلّ نفسه و طاب کسبه و حسنت سریره و کرمت علانیته و عزل عن النّاس شرّه، طوبی لمن عمل بعلمه و أنفق الفضل من ماله و أمسک الفضل من قوله.

خوشا آنکه بدون منقصت (=بی آنکه از دیگران کم داشته باشد) تواضع کند و بدون مسکنت (=بی آنکه در جامعه ضعیف شمرده شود) خویشتن را خوار دارد و از مالی که بدون معصیت فراهم آورده انفاق کند و با اهل دانش و خرد بیامیزد و بر اهل ذلّت و مسکنت رحمت آرد. خوشا آنکه خویشتن را خوار دارد و کسب وی پاکیزه باشد و باطنش نیکو باشد و ظاهرش گرامی باشد و شرّ خویش را از مردم دور کند. خوشا آنکه به علم خویش عمل کند و فزونی مال خویش انفاق کند و فزونی گفتار خویش نگه دارد.

****ای خنک آن را که ذلّت نفسه—وای آن کس را که یردی رفسه (مولوی)**

****ای خنک آن را که ذلّت نفسه—وای آن کز سرکشی شد چون که او (مولوی)**

****گفت آنکه هست خورشید ره او—حرف طوبی هر که ذلّت نفسه**

ظَلَّ ذَلَّتْ نَفْسُهُ خَوْشٍ مُضْجَعِي سَتٍ - مُسْتَعْدَانِ صَفَا رَا مُهْجَعِي سَتِ (مولوی)

** چون طمع بستی تو در انوار هو - مصطفی گوید که ذَلَّتْ نَفْسُهُ (مولوی)

** گر معلّم گشت این سگ، هم سگ است - باش ذَلَّتْ نَفْسُهُ، گو بد رگ است (مولوی)

Blessed is the one, who keeps humble without being deficient in anything, Suppresses his soul (carnal desires) without being poor, dispenses from his lawfully-earned wealth, makes friend with men of deep knowledge and wisdom, and sympathizes with the poor and the indigent. Blessed is the one who suppresses his (evil) earning, a pure mind and a good-looking appearance, and who keeps people aloof from his evil. Blessed is the one who puts his knowledge to practice, dispenses the excess of his property, and does not go to extremes in talking.

۱۹۱۲ طوبی لمن رزقه الله الكفاف ثم صبر عليه.

خوشا آنکه خدا روزی او بحد کفاف داده باشد و بر آن صبر کند.

Blessed is the one whom God has given sufficient sustenance with which he is satisfied.

۱۹۱۳ طوبی لمن شغله عيبه عن عيوب الناس.

خوشا آنکه عیوبش او را از عیوب مردم مشغول دارد.

** ای ندانسته تو شرّ و خیر را - امتحان خود را کن آنکه غیر را

امتحان خود چو کردی ای فلان - فارغ آیی ز امتحان دیگران (مولوی)

Blessed is he whose faults stop him attending to people's faults.

۱۹۱۴ طوبی لمن طال عمره و حسن عمله فحسن منقلبه إذ رضی عنه ربّه و ویل لمن طال عمره و ساء عمله فساء منقلبه إذ سخط علیه ربّه.

خوشا آنکه عمرش دراز شود و عملش نگو باشد و عاقبتش نیک شود، زیرا خدایش از او راضی است؛ و وای بر آنکه عمرش دراز شود و عملش بد باشد و عاقبتش بد شود زیرا خدایش از او خشمگین است.

Blessed is the one who has a long life, good deeds and a happy ending, for God is pleased with him, and woe to the one who has a

long life, evil deeds and an unhappy ending, for God is displeased with him.

۱۹۱۵ طوبی لمن هدی للإسلام و کان عیسه کفافی و قنع.

خوشا آنکه به اسلام هدایت شود و معیشت او بحد کفاف باشد و قناعت کند.

Blessed is the one who is guided to Islam, who has sufficient sustenance, and who is contented with it.

۱۹۱۶ طوبی لمن شغله عیبه عن عیوب الناس و أنفق من مال اکتسبه من غیر معصیه و خالط أهل الفقه و الحکمه و جانب أهل الذلّ و المعصیه.

خوشا آنکه عیوبش او را از عیوب مردم مشغول دارد و از مالی که بدون معصیت بدست آورده انفاق کند و با اهل دانش الهی و حکمت (=آگاهی به حقایق اشیاء) بیامیزد و از اهل ذلت و معصیت دوری کند.

Blessed is the one whose faults stop him attending to people's, who dispenses from his lawfully-earned wealth, who makes friend with men of deep knowledge and wisdom, and who keeps aloof from men of sins and vices.

۱۹۱۷ طوبی لمن ذلّ فی نفسه و حسن خلقته و أنفق الفضل من ماله و أمسک الفضل من قوله و وسعته السنّه و لم یعدّها إلى البدعه.

خوشا آنکه در پیش خویش خوار است و خوی او نیکست و فزونی مال خویش بیخشد و فزونی گفتار خویش نگه دارد و پیر و سست باشد و از سنت (=آیین هدایت پیامبر ص) به بدعت (=آیین گمراهی) نرود.

Blessed is the one who suppresses his soul, who is good-mannered, who dispenses the excess of his wealth, who follows (the Prophet's) tradition and who does not leave it for (heretical) innovation.

۱۹۱۸ طوبی لمن ملک لسانه و بکی علی خطیئته.

خوشا آنکه اختیار زبان خویش دارد و بر گناه خویش بگریزد.

Blessed is the one who controls his tongue and sobs for his sins.

۱۹۱۹ طیبوا أفواهکم بالسواک.

دهانهای خویش را به مسواک پاکیزه کنید.

Clean your mouths by brushing.

۱۹۲۰ الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ بِمَنْزِلَةِ الصَّائِمِ الصَّابِرِ.

غذا خور شکرگزار چون روزه دار صبور است.

Those who eat and thank (God) are like unto those who fast and keep patient.

۱۹۲۱ الطَّمْعُ يَذْهَبُ الْحِكْمَةَ مِنْ قُلُوبِ الْعُلَمَاءِ.

طمع حکمت از دل دانشوران ببرد.

Greed makes wisdom leave the learned person's hearts.

۱۹۲۲ الطَّيِّبُ اللَّهُ وَ لَعَلَّكَ تَرْفِقُ بِأَشْيَاءٍ تَخْرُقُ بِهَا غَيْرُكَ.

طیب حقیقی خداست شاید چیزهایی برای تو مناسب است که برای غیر تو نامناسب است.

God is (the real) physician. What's good for you is perchance bad for other than you.

ظ

۱۹۲۳ الظُّلْمُ ظِلْمَاتُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

ستم مایه تاریکی روز قیامت است.

**جَاهٌ مُظْلَمٌ كَثُرَتْ ظِلْمَاتُ الْعَالَمَانِ— این چنین گفتند جمله عالمان (مولوی)

**چون بر آمد نور، ظلمت نیست— شد ظلم را ظلمت بود اصل و عَضُدٌ (مولوی)

**پس بود ظلمات بعضی فوق بعضی— نه خرد یار و نه دولت، روز عرض (مولوی)

Oppression will bring (you) darkness in the Day of Judgment.

۱۹۲۴ الظلم ثلاثة: فظلم لا يغفره الله و ظلم يغفره و ظلم لا يتركه، فأما الظلم الذي لا يغفره الله فالشرك قال الله: «إنَّ الشُّرْكَ لظلم عظيم»، و أما الظلم الذي يغفره الله فظلم العباد أنفسهم فيما بينهم و بين ربهم و أما الظلم الذي لا يتركه الله فظلم العباد بعضهم بعضا.

ظلم سه قسم است: ظلمی هست که خدایش نمی‌آمزد، و ظلمی هست که می‌آمزدش، و ظلمی هست که از آن نمیگذرد. اما ظلمی که خدا نمی‌آمزد شرک است خدا گوید: «براستی که شرک ظلمی بسیار بزرگ است—سوره ۳۱ لقمان آیه ۱۳»؛ و اما ظلمی که خدا می‌آمزد ستم بندگان بخودشان میان خود و پروردگارشان است؛ اما ظلمی که خدا از آن نمیگذرد ظلم بندگان به یکدیگر است.

Tyranny is of three kinds: one which God does not forgive, i.e. polytheism, God says, "Verily, considering partner to Allah is the greatest injustice-Sura 31-Luqman, the Sage-Aya 13", one which God forgives, i.e. people's oppressing their own souls (of which God) and they themselves are aware), and one which God does not ignore, i.e. people doing injustice to one another.

۱۹۲۵ الظلمة و أعوانهم في النار.

ستم‌گران و یارانشان در جهنمند.

Hell is the abode of oppressors and their supporters.

ع

۱۹۲۶ عايد المريض يمشی في طريق الجنة حتى يرجع.

کسی که بیماری را عیادت کند تا وقتی که باز گردد در راه بهشت قدم میزند.

He who walks to pay a visit to a patient goes the direction of Paradise till he returns.

۱۹۲۷ عائد المريض يخوض في الرحمة فإذا جلس عنده غمرته الرحمة و من تمام عيادة المريض أن يضع أحدكم يده على وجهه أو على يده فيسأله كيف هو؟ و تمام تحيتكم بينكم المصافحة.

کسی که بیماری را عیادت کند در رحمت فرو میرود و چون نزد بیمار بنشیند رحمت او را فرو گیرد و کمال عیادت بیمار اینست که یکی از شما دست بر چهره یا دست او نهد و از او پرسد حالش چطور است؟ و کمال درود گفتن شما میان خودتان دست دادن است.

Whoever pays a visit to a patient plunges himself into the Mercy of God, and if he sits beside him\her, Mercy will surround him. A perfect visit to a patient is achieved when one of you puts his hand on his\her face or hand and asks him\her how he feels. The perfect way of greeting for you is to shake hands with each other.

۱۹۲۸ عاقبوا أرقاءكم على قدر عقولهم.

بندگان خویش را به اندازه عقولشان عقوبت کنید.

Punish your servants to the extent of their intellect.

۱۹۲۹ عالم ینتفع بعلمه خیر من ألف عابد.

دانشمندی که از علم او سود برند از هزار عابد بهتر است.

A scholar who avails himself of his own knowledge is superior to a thousand simple worshipers (of God).

۱۹۳۰ عامّة أهل النار النساء.

قسمت اعظم جهنمیان زنانند.

Women make the largest population of Hell.

۱۹۳۱ عجب لغافل و لا یغفل عنه عجب لمؤمل دنیا و الموت یطلبه و عجب لضاحک ملاً فمه و لا یدری أرضی الله عنه أم أسخطه.

عجب دارم از غافلی که از او غافل نشوند و عجب دارم از آرزومند دنیا که مرگ در طلب اوست و عجب دارم از آنکه از ته دل بخندد و نداند که آیا خدا از او خشنود است یا خشمگین.

Surprised am I of the negligent who is not to be neglected, and of the seeker of the (material) world who is sought by death, and of the one who laughs boisterously but knows not weather God is pleased or displeased with him\her.

۱۹۳۲ عجباً لأمر المؤمن، إن أمره كله له خير و ليس ذلك لأحد إلا للمؤمن إن أصابته سراء شكر و كان خيراً له و إن أصابته ضراء صبر فكان خيراً له.

کار مؤمن عجیب است که کار او همه برایش نیک است و هیچ کس جز مؤمن چنین نیست اگر سختی بدو رسد شکر کند و برای او نیک باشد و اگر هر امر ناخوشایندی بدو رسد صبر کند و برای او نیک باشد.

What a strange status has a believer! All his deeds are to his good, and no one is like unto him in that. Should hardship befall him, he will keep thankful to God and that's to his good, and should he suffer displeasing issue, he will keep patient and that's likewise.

۱۹۳۳ عجب للمسلم إذا أصابته مصيبة احتسب و صبر و إذا أصابه خير حمد الله و شكر.

از مسلمان عجب دارم که وقتی مصیبتی بدو رسد به فکر پاداش اخروی افتد (=عاقبت اندیشی کند) و صبر ورزد و چون خیری بدو رسد ستایش و شکر خدا کند.

I wonder at a Muslim when calamity befalls him, thinks of Hereafter reward and keeps patient and thanks and praises God when he attains some good.

۱۹۳۴ عجا للمؤمن فو الله لا يقضى الله للمؤمن قضاء إلا كان خيرا له.

کار مؤمن عجیب است به خدا که خدا قضاای برای مؤمن مقرر ندارد مگر مایه خیر او باشد.

What a strange status has a believer! I strongly swear by God that He does not decree for a believer a non-beneficial destiny.

۱۹۳۵ عد من لا يعودك و اهد لمن لا يهدي لك.

از آنکه ترا عبادت نمی کند عیادت کن و بآن کسی که هدیه بتو نمیدهد هدیه بده.

Pay a visit to those who do not visit you, and gift something to those who do not gift you anything.

۱۹۳۶ عدل ساعة خير من عبادة سنة.

یک ساعت عدالت از یک سال عبادت بهتر است.

One hour of (doing) justice is superior to one year of worshipping (God).

۱۹۳۷ عدة المؤمن كأخذ باليد.

وعده مؤمن چون تسلیم کردن است.

A believer's promise is a binding commitment.

۱۹۳۸ عدة المؤمن دين، و عدة المؤمن كأخذ باليد.

وعدة مؤمن دين است و وعده مؤمن چون ضمانت کردن شخصی است.

A believer's promise is a debt, and a binding commitment (personal guarantee).

۱۹۳۹ عذاب هذه الأمة جعل بأيديها في دنياها.

عذاب این امت را بدست خودشان در دنیایشان نهاده‌اند.

The punishment of Muslims lies in what they themselves do in this very world.

۱۹۴۰ عرامة الصبي في صغره زيادة في عقله في كبره.

سرکشی طفل در دوران کودکی مایه فزونی عقل او در بزرگی است.

The stubbornness of a child in childhood will result in the development of his\her intellect in adulthood.

۱۹۴۱ عزيز على الله أن يأخذ كريمي عبد مسلم ثم يدخله النار.

بر خدا گران است که دو دختر بنده مسلمان را بگیرد آنگاه او را به جهنم برد.

It is hard for God to put to Hell a Muslim servant who has lost two daughters.

۱۹۴۲ عش ما شئت فإنك ميت و أحب ما أحببت فإنك مفارقة و اعمل ما شئت فإنك مجزي به.

هر چه خواهی بمان که خواهی مرد، هر که را خواهی دوست بدار که از او جدا خواهی شد و هر چه خواهی بکن که سزای آن را خواهی دید.

Live as long as you wish, for you will finally perish, love whoever wants your heart, for from him\her you'll finally depart, and do whatever you wish to do, for it will finally come back to you.

۱۹۴۳ عظم الأجر عند المصيبة و إذا أحب الله قوما ابتلاهم.

مصیبت را پاداش بزرگ دهند و چون خدا گروهی را دوست دارد مبتلایشان کند.

****مبتلی چون دید تأویلات رنج—بُرد بیند، کی شود او مات رنج؟ (مولوی)**

Calamities are rewarded greatly; and should God love a people, He will put them to trial.

۱۹۴۴ عفو الله أكبر من ذنوبک.

عفو خدا از گناهان تو بزرگتر است.

God's forgiveness weighs over your vices.

۱۹۴۵ عَفْوًا تَعْفَى نَسَاؤُكُمْ وَ بَرِّوْا آبَاءَكُمْ تَبَرَّكُمْ أَبْنَاؤُكُمْ وَ مِنْ اعْتَذَرَ إِلَى أَخِيهِ الْمُسْلِمِ مِنْ شَيْءٍ بَلَغَهُ عَنْهُ فَلَمْ يَقْبَلْ عَذْرَهُ لَمْ يَرِدْ عَلَيَّ الْحَوْضِ.

عفت ورزید تا زنانان عقیف شوند؛ و با پدرانتان نیکی کنید تا فرزندانان با شما نیکی کنند؛ و هر که از برادر مسلمان خویش در باره رنجشی که از او دارد عذر بخواهد و عذرش نپذیرد بر سر حوض بنزد من نیاید.

Being chaste leads to chastity in your wives, and being kind to your parent leads to your children's kindness to you. Whoever does not accept his Muslim brother's apology will not be allowed to meet me at the Pond (in Paradise).

۱۹۴۶ عَفْوًا عَنِ نِسَاءِ النَّاسِ تَعْفَى نَسَاؤُكُمْ وَ بَرِّوْا آبَاءَكُمْ تَبَرَّكُمْ أَبْنَاؤُكُمْ وَ مِنْ أَنَاهُ أَخُوهُ مَتَنَصِّلًا فَلْيَقْبَلْ ذَلِكَ مُحَقًّا كَانِ أَوْ مَبْطَلًا، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ لَمْ يَرِدْ عَلَيَّ الْحَوْضِ.

نسبت بزنان مردم عفت کنید تا زنانان عقیف بمانند؛ با پدران خویش نیکی کنید تا فرزندانان با شما نیکی کنند؛ هر کس برادرش به عذر خواهی پیش وی آید باید عذر وی را حق باشد یا باطل بپذیرد و اگر نپذیرد بر سر حوض بنزد من نیاید.

Being chaste towards people's wives keeps your wives' chastity intact, and being kind to your parent leads to your children's kindness to you. Accept your Muslim brothers' apology, being it sincere or not, for whoever avoids doing so, will not be allowed to meet me at the Pond (in Paradise).

۱۹۴۷ علامه حبّ الله تعالى حبّ ذکر الله و علامه بغض الله بغض ذکر الله عزّ و جلّ.

نشان محبت خدا علاقه به ذکر خداست و نشان دشمنی خدا بیعلاقگی بذكر خداى عز و جل است.

The sign of loving the Exalted God is interest in remembering Him, and the sign of hating the Greatest and the most Powerful God is unwillingness towards His remembrance.

۱۹۴۸ علم لا ينفع ككنز لا ينفق منه و على كل شيء زكاة و زكاة الجسد الصيام.

علمی که سود ندهد چون گنجی است که از آن خرج نکنند؛ و هر چیزی زکاتی دارد و زکات تن روزه داشتن است.

Knowledge without use is like unto untouched treasure. For everything there is a poor-rate, and for the body, fasting.

۱۹۴۹ عليكم من الأعمال بما تطيقون فإن الله لا يمل حتى تملوا.

عبادت باندازه توانائی خود کنید که خدا ملول نشود تا وقتی که شما ملول شوید.

Worship God as much as your ability permits you, the Exalted God will not be fed up unless you are fed up (of worshipping Him).

۱۹۵۰ على اليد ما أخذت حتى تؤديه.

هر کسی آنچه را گرفته بعهدده دارد تا آن را ادا کند.

Everybody is responsible for what he has taken from others as long as he has not given it back to them.

۱۹۵۱ على كل مسلم صدقة فإن لم يجد فيعمل بيده فينفع نفسه و يتصدق، فإن لم يستطع فيعين ذا الحاجة فإن

لم يفعل فيأمر بالخير، فإن لم يفعل فيمسك عن الشر فإنه له صدقة.

هر مسلمانی باید صدقه‌ای بدهد و اگر نیابد بدست خود کار کند و خود منتفع شود و صدقه نیز دهد و اگر نتواند حاجت‌مند را کمک کند و اگر نکند به نیکی وادار کند و اگر نکند از بدی باز دارد که همین صدقه اوست.

Every Muslim should pay alms. If he cannot do so, he must work with his own hands to avail himself of it, and pay alms too. If this is impossible either, he should help the needy. If he cannot do so, he should bid them to good or forbid them from evil, for this is in itself giving alms.

۱۹۵۲ علام يقتل أحدكم أخاه؟

إذا رأى أحدكم من أخيه ما يعجبه فليدع له بالبركة.

چرا برادر خود را میکشید؟

وقتی یکتان از برادر خویش چیزی دید که او را به شگفتی آورد، برای او برکت بخواهد.

Why do you kill your brothers (in faith)? When someone sees something pleasing in his/her brother, he/she should ask God's blessing for him.

۱۹۵۳ علم لا یقال به ککنز لا ینفق منه.

علمی که ظاهر نکنند چون گنجی است که از آن خرج نکنند.

The knowledge not taught is a treasure not used.

۱۹۵۴ علموا أبناءکم السباحة و الرمی و المرأة المغزل.

فرزندان خویش را شنا و تیر اندازی آموزشید و زنان را نخ رشتن.

Teach your children swimming and shooting, and your women, spinning.

۱۹۵۵ علموا أبناءکم السباحة و الرماية و نعم لهو المؤمنة فی بیتها المغزل و إذا دعاک أبواک فأجب أمک.

فرزندان خود را شنا و تیراندازی آموزشید و چرخ نخریسی برای زن مؤمن در خانه اش چه سرگرمی خویست، وقتی پدر و مادرت (همزمان) ترا خواندند (زودتر) اجابت مادر کن.

Teach your children swimming and shooting. What a good hobby is spinning wheel at home for a pious woman! When your mother and your father call you (simultaneously), respond to your mother (first).

۱۹۵۶ علموا بنیکم الرمی فإنه نکایة العدو.

فرزندان خویش را تیر اندازی آموزشید که سر شکستگی دشمن است.

Teach your children shooting, for it is the cause of disgrace for your enemies.

۱۹۵۷ علّموا و یسّروا، و لا تعسّروا و بشّروا و لا تنفّروا و إذا غضب أحدکم فلیسکت.

تعلیم دهید و سهل گیرید و سخت مگیرید گشاده روئی کنید و خشونت نکنید و چون یکی از شما خشمگین شود خاموش ماند.

Teach (your knowledge to others). Be easy-going and do not be hard on people. Be open-faced and do not treat people harshly. When one of you gets angry, he/she should keep silent.

۱۹۵۸ علّموا و لا تعنفوا فإنّ المعلمَ خیر من المعنف.

تعلیم دهید و خشونت نکنید که آموزگار بهتر از خشونتگر است.

Teach and do not be hard (on the learners), for an (easy-going) teacher is better than a crude one.

۱۹۵۹ علیک بالیأس ممّا فی أبدي الناس و إیّاک و الطّمع فإنّه الفقر الحاضر.

از آنچه در دست مردم است نومید باش، از طمع بپرهیز که فقر مهیا است.

****گفت خر (این) معکوس می گویی بدان—شور و شر از طمع آید سوی جان (مولوی)**

Give up hope for what people have and avoid greediness, for it is immediate poverty.

۱۹۶۰ علیک بالبرّ فإنّ صاحب البرّ یعجبه أن یكون النّاس بخیر و فی خصب.

به نیکی کوش که نیکوکار دوست دارد مردم در خیر و فراخی و آسایش زندگی باشند.

Try to be kind, for a kind person wants people to be at good and in abundance and in comfort.

۱۹۶۱ علیک بالعلم فإنّ العلم خلیل المؤمن و الحلم وزیره و العقل دلیله و العمل قیمه و الرّفق أبوه و اللّین أخوه و الصّبر أمیر جنوده.

علم جوئید که علم یار مؤمن است و بردباری (=خویشنداری) وزیر (=حمل کننده بار های سنگین او در زندگی) اوست و عقل دلیل (=راهنمای او در زندگی) اوست و عمل (نیک) سرپرست (=نگهبان) اوست و ملایمت پدر اوست و مدارا برادر اوست و صبر امیر سپاهیان اوست.

Seek knowledge, for it is a believer's friend, his minister being forbearance, his guidance being intellect, his guardian being (good) deeds, his father being moderateness, his brother being gentleness, and the commander of his army being patience.

۱۹۶۲ علیک بالسَّجودِ فَإِنَّكَ لَا تَسْجُدُ لِلَّهِ سَجْدَةً إِلَّا رَفَعَكَ اللَّهُ بِهَا دَرَجَةً وَحَطَّ عَنْكَ بِهَا خَطِيئَةٌ.

از سجده غافل مشو که هر سجده‌ای برای خدا کنی خداوند یکدرجه ترا بالا برد و گناهی (غیر عمد) از تو محو کند.

Prostrate yourself, for verily every prostration makes God wipe out one of your (unintentional) sins and elevate you one more degree.

۱۹۶۳ علیک بأوَّلِ السَّوْمِ فَإِنَّ الرَّبَّحَ مَعَ السَّمَّاحِ.

در معامله نخستین عرضه را به پذیر که سود با تساهل قرین است.

Accept the first offer in transactions, for profit follows leniency.

۱۹۶۴ علیک بتقوی اللَّهِ فَإِنَّهَا جَمَاعٌ كُلٌّ خَيْرٌ.

از ترس خدا غافل مباش که سر چشمه نیکیهاست.

****خواب خرگوش و سگ اندر پی خطاست—خواب خود در چشم ترسنده کجاست؟ (مولوی)**

Do fear God, for it's the origin of all the good.

۱۹۶۵ علیک بتقوی اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا اسْتَطَعْتَ وَاذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ كُلِّ حَجْرٍ وَشَجَرٍ، وَإِذَا عَمَلْتَ سِيئَةً فَأُحْدِثْ عِنْدَهَا تَوْبَةً: السَّرَّ بِالسَّرِّ وَالْعَلَانِيَةَ بِالْعَلَانِيَةِ.

از ترس خدا غافل مباش و خدا را نزد هر سنگ و درخت یاد کن و اگر گناه صغیره کردی به هنگام آن توبه‌ای کن نهان به نهان و آشکار به آشکار.

Do fear God, the Greatest and the most Powerful, and remember Him in all cases. When you commit small sin, do repent instantly -- a covert repentance for a covert sin, and an overt repentance for an overt sin.

۱۹۶۶ علیک بحسن الخلق، فَإِنَّ أَحْسَنَ النَّاسِ خَلْقًا أَحْسَنُهُمْ دِينًا.

نیکی‌خوئی کن که از مردم هر که نکو‌خوی‌تر دینش نکوتر.

Be good-tempered, for the most good-tempered are the best in religion.

۱۹۶۷ علیک بحسن الخلق و طول الصّمت فو الّذی نفسی بیده ما تجمل الخلائق بمثلهما.

نیکی‌خوئی کن و خموشی طولانی‌گزین، قسم بخدائی که جان من بدست اوست خلائق زینتی مانند آن ندارند.

Be good-tempered and keep silent as long as possible, for by the One in whose hands lay my life, there is no beauty as these among people.

۱۹۶۸ علیک بحسن الکلام و بذل الطّعام.

سخن نیک گوی و غذا به کسان ده.

Speak well and feed people.

۱۹۶۹ علیک بالرّفق و ایّاک و العنف و الفحش.

ملایمت کن و از خشونت و ناسزا بپرهیز.

Be moderate and avoid harshness and abuse.

۱۹۷۰ علیکم بالتّواضع فإنّ التّواضع فی القلب و لا یؤدینّ مسلم مسلما.

تواضع کنید که تواضع در دل است و مسلمان نباید مسلمان را آزار کند.

Be humble, for humility lies in one's heart, and a Muslim should not annoy other Muslims.

۱۹۷۱ علیکم بالحزن فإنّه مصباح القلب أجمعوا أنفسکم و اظمئوها.

با غم خو کنید که چراغ دل است؛ نفس و تعلقات خاطر آن را دردمند و بیمار کنید.

**** ضرب المثل = غلام همت آنم که زیر چرخ کبود - زهرچه رنگ تعلق پذیرد آزادست (حافظ).**

**** گفت رو هر کو غم دین برگزید - باقی غمها خدا از وی برید (مولوی)**

**** حدیث نبوی= اقرؤوا القرآن بالحزن فانه نزل بالحزن=قرآن را با حزن بخوانید زیرا با حزن نازل گشته.**

Get accustomed to grief, for it's the light of man's heart. Keep your very self and its temptations hungry and thirsty.

****Proverb= Beneath the azur vault, I am the slave of resolution-who is free from whatever taketh color of attachments (Hafiz).**

****Prophet(PBUH) Hadith: Recite Quran sadly as it is sent to me.**

۱۹۷۲ علیکم بالرّمی فانه من خیر سعیکم.

تیر اندازی کنید که از بهترین کوششهای شماست.

Practice shooting, for it is among your best endeavors.

۱۹۷۳ علیکم بالزّیب فانه یکتف المرّة و یذهب بالبلغم و یشدّ العصب و یذهب بالعیاء و یحسن الخلق و یطیب النّفس و یذهب بالهمّ.

مویز خورید که صفرا را غلیظ کند و بلغم را ببرد و عصب را قوی کند و کند ذهنی را ببرد و خلق را نیکو کند و جان را پاک دارد و غم را ببرد.

Eat currant, for it condenses the bile, makes phlegm vanish, strengthens the nerves, and makes the mind sharp, the nature good, the soul purified and one's grief escape.

۱۹۷۴ علیکم بالسّواک فانه مطیبه للفم مرضاه للرّبّ.

مسواک کنید که مایه پاکیزگی دهان و رضای خداست.

Do brush your teeth, for it's the cause of mouth purification and divine satisfaction.

۱۹۷۵ علیکم بالسّواک فنعیم الشیء السّواک یشدّ اللّنه و یذهب بالبخر و یصلح المعده و یزید فی درجات الجنّه و یرضی الرّبّ و یسخط الشیطان.

مسواک کنید که مسواک خوب چیز است لته را محکم کند و بوی دهان ببرد و معده را بصلاح آورد و درجات بهشت بیفزاید و پروردگار را خشنود کند و شیطان را به نارضایتی شدید آورد.

Do brush your teeth, for a very good practice it is! It strengthens (your) gum, wipes out stink from (your) mouth, refreshes (your)

stomach, elevates (your) status in Paradise, and makes God pleased and Satan's high displeasure.

۱۹۷۶ علیکم بالصدق فإنه مع البرّ و هما فی الجنّة و إياکم و الکذب فإنه مع الفجور و هما فی النّار و سلوا الله یقین و المعافاة فإنه لم یؤت أحد بعد یقین خیرا من المعافاة و لا تحاسدوا و لا تباغضوا و لا تقاطعوا و کونوا عباد الله إخوانا كما أمرکم الله.

راستی پیشه کنید که راستی قرین نیکی است و هر دو در بهشتند. از دروغ پرهیزید که دروغ با بد کاری است و هر دو در جهنمند. از خدا یقین و عافیت بخواهید که هیچ کس را بعد از یقین، بهتر از عافیت نداده‌اند. حسادت نورزید و دشمنی نکنید پیوند مبرید، ای بندگان خدا، چنان که خدا فرمان داده برادران باشید (سوره ۳ آل عمران آیه ۱۰۳).

Be honest, for it's akin to goodness and both reside in Paradise. Avoid telling lie, for it's akin to badness and both dwell in Hell. Ask God for certainty and good health, for aside from certainty, nothing better than good health has been given to anybody. Avoid jealousy and hostility, and do not break your relations with people. Be brothers, O servants of God, to one another as God has ordered you (Sura 3-The Family of Imran-Aya 103).

۱۹۷۷ علیکم بالصدق، فإنّ الصدق یهدی إلى البرّ و إنّ البرّ یهدی إلى الجنّة و ما یزال الرّجل یرجى و یتحرى الصدق حتّی یکتب عند الله صدیقا و إياکم و الکذب فإنّ الکذب یهدی إلى الفجور و إنّ الفجور یهدی إلى النّار و ما یزال الرّجل یکذب و یتحرى الکذب حتّی یکتب عند الله کذابا.

راستی پیشه کنید که راستی بسوی نیکی راهبر می‌شود و نیکی بسوی بهشت راهبر می‌شود و مرد پیوسته راست گوید و راستی جوید تا نزد خدا راستی پیشه بقلم رود و از دروغگوئی پرهیزید که دروغ بسوی بد کاری و بد کاری بسوی جهنم میکشاند و مرد پیوسته دروغ گوید و دروغ جوید تا نزد خدا دروغ پیشه بقلم رود.

Be truthful, for truthfulness will surely lead you to kindness which will (in turn) lead you to Paradise, and man constantly tells and seeks the truth till he is (finally) considered truthful before God, and avoid telling lie, for it will surely lead you to wickedness which will (in turn) lead you to Hell, and man constantly tells lie and seeks falsehood till he is (finally) considered a (great) liar in the sight of God.

۱۹۷۸ علیکم بالصدق فإنه باب من أبواب الجنّة و إياکم و الکذب فإنه باب من أبواب النّار.

راستی پیشه کنید که راستی دری از درهای بهشت است و از دروغگوئی بپرهیزید که دروغ دری از درهای جهنم است.

Be truthful, for truthfulness is surely a path to Paradise, and avoid lying for it is verily a way to Hell.

۱۹۷۹ علیکم بالقرآن، فاتخذوه إماما و قائدا فإنه كلام رب العالمين الذي هو منه و إليه يعود، فآمنوا بمتشابهه و اعتبروا بأمثاله.

با قرآن مانوس شوید و آن را پیشوا و رهبر خویش گیرید که قرآن گفتار خدای جهانیان است که از اوست و بسوی او باز می‌رود به آیات متشابه آن ایمان داشته باشید و از مثل‌های آن عبرت گیرید.

Be a company to the Quran and make it your leader and guide, for it's the word of the Lord of the worlds. It belongs to Him and to Him will it return. Believe in its allegorical verses and take lessons from its parables.

۱۹۸۰ علیکم بالقناعة فإن القناعة مال لا ينفد.

بقناعت خو کنید زیرا قناعت مالی است که تمام‌شدنی نیست.

****گفت پیغمبر قناعت چیست؟ گنج-گنج را تو و انمی دانی ز رنج (مولوی)**

****چون قناعت را پیغمبر گنج گفت-هرکسی را کی رسد گنج نهفت؟ (مولوی)**

Accustom to contentment, because contentment is an unfailing wealth.

۱۹۸۱ علیکم باصطناع المعروف فإنه يمنع مصارع السوء، و علیکم بصدقة السر فإنها تطفى غضب الله عز و جل.

اعمال نیک انجام دهید که از سقوطهای بد جلوگیری میکند و صدقه نهان دهید که خشم خدا عز و جل را خاموش میکند.

Keep up with good deeds, for it saves you from bad falls, and give covert alms, for it puts out the wrath of God, the Greatest and the most Powerful.

۱۹۸۲ علیکم بقله الكلام و لا يستهوينكم الشيطان.

سخن کمتر گوئید و شیطان مجذوبتان نکند.

Talk less and be not enticed by Satan.

۱۹۸۳ علیکم من الأعمال بما تطيقون فإن الله لا يمل حتى تملوا.

عبادت بقدر طاقت خود کنید که خدا ملول نشود تا شما ملول شوید.

Worship God as much as your ability permits you, the Exalted God will not be fed up unless you are fed up (of worshipping Him).

۱۹۸۴ علم لا ينفع كنز لا ينفق منه.

علمی که سود ندهد گنجی است که از آن انفاق نکنند.

Knowledge without use is like unto a treasure untouched.

۱۹۸۵ علیک بالیأس مما فی أیدی الناس.

از آنچه در دست مردم است نومید باش.

Be hopeless of what people possess.

۱۹۸۶ علیک بالرفق فإن الرفق لم یکن فی شیء قط إلا زانه و لا نزع من شیء قط إلا شانه.

مدارا کن که مدارا در چیزی باشد آن را زینت دهد و در هر چه نباشد آن را خوار کند.

Follow moderateness in life, for everything gets beautified with it and debased without it.

۱۹۸۷ عمل البر كله نصف العبادة و الدعاء نصف فإذا أراد الله تعالى بعد خيرا انتحى قلبه للدعاء.

همه اعمال خیر یک نیمه عبادت است و دعا نیمه دیگر آن و چون خدا برای بندهای خیر خواهد قلب او را به دعا متمایل کند.

All good deeds make one half of worshipping (God) and praying makes the other half, and when the Exalted God wishes good for someone He will make his heart inclined towards praying.

۱۹۸۸ عمل الجَنَّةِ الصَّدَقِ وَإِذَا صَدَقَ الْعَبْدُ بِرٍّ وَإِذَا بَرَّ آمَنَ وَإِذَا آمَنَ دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَعَمَلُ النَّارِ الْكُذْبُ وَإِذَا كَذَبَ الْعَبْدُ فَجَرَ وَإِذَا فَجَرَ كَفَرَ وَإِذَا كَفَرَ دَخَلَ النَّارَ.

عمل بهشت راست گوئی است و چون بنده راست گوید نیکی کند و چون نیکی کند ایمن شود و چون ایمن شود به بهشت در آید و عمل جهنم دروغ است و چون بنده دروغ گوید بد کار شود و چون بد کار شود به کفر گراید و چون به کفر گراید بجهنم رود.

Truthfulness is a heavenly act. When a man tells the truth, he is led to do good which will (in turn) lead him to safety, and this will lead him to Paradise. Telling lie (on the contrary) is a Hellish act. When a man tells lie, he is led to wrongdoing, which will (in turn) lead him to disbelief, and this will direct him to Hell.

۱۹۸۹ عمی القلب الضَّلَالَةُ بعد الهدی.

کوری دل گمراهی پس از هدایت است.

Blind-heartedness is (in fact) deviation after guidance.

۱۹۹۰ عند الله خزائن الخير و الشرّ مفاتيحها الرّجال، فطوبى لمن جعله الله مفتاحا للخير مغلّقا للشرّ، و ويل لمن جعله الله مفتاحا للشرّ مغلّقا للخير.

خزینه‌های خیر و شر در نزد خداست و کلیدهای آن مردانند خوشا آنکه خدایش کلید خیر و کلون (قفل) شر کرده و وای بر آنکه خدایش کلید شر و کلون (قفل) خیر کرده است.

The treasures of good and evil are with God, and its keys are men. So, blessed is the one whom God has made the key to good and the lock for evil, and woe is the one whom God has made the key to evil and the lock for good.

۱۹۹۱ عهد الله تعالى أحقّ ما أَدَى.

پیمان خدا شایسته و فاست.

The Exalted God's covenant is the most entitled thing to accomplish.

۱۹۹۲ عودوا المرضى، و مروهم فليدعوا لكم فإنّ دعوة المريض مستجابة و ذنبه مغفور.

بیماران را عیادت کنید و بگوئیدشان که برای شما دعا کنند که دعای بیمار مستجاب و گناه او آمرزیده است.

Pay a visit to patients and ask them to pray for you, since their praying will be granted and their sins forgiven (by God) Pay a visit to patients and ask them to pray for you, since their praying will be granted and their sins forgiven (by God).

۱۹۹۳ عودوا للمریض و اتبعوا الجنائز تذکر کم الآخرة.

بیمار را عیادت کنید و جنازه را مشایعت کنید که آخرت را به یاد شما آورد.

Pay a visit to patients and take part in funeral processions to be reminded of eternal life.

۱۹۹۴ عودوا قلوبکم الترقب و اکثروا التفکر.

دل‌های خویش را به مراقبت (= چشم‌انتظاری) عادت دهید و اندیشه بسیار کنید.

**** (عرفان و اخلاق) = مراقبه در روایات توصیه و سفارش به مراقبت از نفس، محاسبه، تزکیه نفس، آداب مراقبه و... در احادیث ائمه به وفور یافت می‌شود، که بعضی از آن‌ها را به عنوان نمونه ذکر می‌شود: پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «عودوا قلوبکم الترقب و اکثروا التفکر و الاعتبار» «دل‌هایتان را به مراقبت عادت دهید و زیاد بیندیشید و عبرت بگیرید». حضرت علی (ع) نیز چنین توصیه می‌کنند: «اجعل من نفسک علی نفسک رقیبا و اجعل لآخرتک من دنیاک نصیبا.» «از خود مراقب و نگهبانی بر خود بگمار و از دنیای خویش برای آخرت بهره‌ای بگیر». حضرت، مراقبت از نفس را، بعنوان راهی برای آماده کردن توشه و بهره برای آخرت تشویق و معرفی می‌نمایند. حجم فراوان روایات درباره‌ی مراقبه، محاسبه، توجه به حضور خداوند، پیشه کردن تقوا، مجاهده، مبارزه با نفس و... نشان اهمیت مراقبه به عنوان ابزاری برای رسیدن به معرفت و قرب الهی است.**

Make your minds accustomed to the remembrance of God, and think a lot.

۱۹۹۵ عون العبد أخواه یوما خیر من اعتکافه شهرا.

کمک یک روزه که کسی به برادر خود کند بهتر از اعتکاف یک ماهه است.

Helping your brother (in faith) for one day is better than retiring to pray a month whole.

۱۹۹۶ عینان لا یمسهما النار أبدا: عین بکت من خشیه اللّٰه و عین باتت تحرس فی سبیل اللّٰه.

دو چشم است که هرگز آتش بدان نرسد. چشمی که از ترس خدا گریسته و چشمی که شب را به حراست در راه خدا بسر برده.

Hell is not allowed to burn the eyes having shed tear out of God's fear, and the eyes having watched out in the way of God.

۱۹۹۷ العالم أمين الله في الأرض.

دانشمند امین خدا در زمین است.

Scholars are God's trustees on earth.

۱۹۹۸ العالم و المتعلم شريكان في الخير و سائر الناس لا خير فيهم.

عالم و متعلم در خیر شریکند و سایر مردم خیری ندارند.

Teachers and learners equally share the good, and nothing is there for other people.

۱۹۹۹ العالم إذا أراد بعلمه وجه الله تعالى هابه كل شيء و إذا أراد أن يكثر به الكنوز هاب من كل شيء.

عالم اگر از علم خویش رضای خدا خواهد همه چیز از او بترسد و اگر خواهد بوسیله آن گنجها بپندوزد از همه چیز بترسد.

When a scholar wishes to please the Exalted God by his knowledge, everything will stand in reverence to him, and when he wishes to pile up wealth through his knowledge, he will be dreadful of all things.

۲۰۰۰ العائد في هبته كالكلب يعود في قيئه.

آنکه بخشیده خویش پس گیرد چون سگ است که قی کرده خویش بخورد.

He who takes back his gift is like unto a dog eating its vomit.

۲۰۰۱ العباد عباد الله، و البلاد بلاد الله فمن أحيا من موات الأرض شيئاً فهو له.

بندگان بندگان خداوند و دیار دیار خداست و هر که چیزی از موات زمین را احیا کند متعلق باوست.

Creatures are God's and lands are His too, and whoever cultivates a piece of barren land, has a right to own it.

۲۰۰۲ العالم و العلم في الجنة فإذا لم يعمل العالم بما يعلم كان العلم و العمل في الجنة و كان العالم في النار.

عالم و علم در بهشتند اگر عالم بعلم خویش عمل نکند علم و عمل در بهشتند و عالم در جهنم.

Knowledge and the learned dwell in Paradise and thus, if the learned do not act upon their knowledge, action and knowledge will in Paradise dwell, and the learned in Hell.

۲۰۰۳ العبد مع من أحبّ.

هر کسی همسنگ چیزی است که دوست دارد.

Man is a company to what he loves.

۲۰۰۴ العبد المطيع لوالديه و لربه في أعلى عليين.

کسی که مطیع پدر و مادر و پروردگار خویش باشد در اعلاهی بهشت است.

He, who is obedient to his parents and his Lord, will reside in the highest heaven.

۲۰۰۵ العدة دين، ويل لمن وعد ثم أخلف! ويل لمن وعد ثم أخلف! ويل لمن وعد ثم أخلف.

وعده دادن چون دین بگردن گرفتن است، وای بر آنکه وعده دهد و تخلف کند! وای بر آنکه وعده دهد و تخلف کند! وای بر آنکه وعده دهد و تخلف کند!

A promise is a debt. Woe is him who breaks his promise! Woe is him who breaks his promise! Woe is him who breaks his promise!

۲۰۰۶ العدل حسن و لكن في الامراء أحسن، السخاء حسن و لكن في الأغنياء أحسن، الورع حسن و لكن في العلماء أحسن، الصبر حسن و لكن في الفقراء أحسن، التوبة حسن و لكن في الشباب أحسن، الحياء حسن و لكن في النساء أحسن.

عدالت نیک است ولی از زمامداران نیکوتر است. سخاوت نیک است ولی از اغنیای نیکوتر است. تقوی نیک است ولی از علما نیکوتر است. صبر نیک است ولی از فقرا نیکوتر است. توبه نیک است ولی از جوانان نیکوتر است. شرم نیک است ولی از زنان نیکوتر است.

Justice is good but it is better with rulers, generosity is good but it is better with the rich, abstinence is good but it is better with the learned, patience is good but it is better with the poor, penitence is good but it is better with the youth, and chastity is good but it is better with women.

٢٠٠٧ العرف ينقطع فيما بين الناس و لا ينقطع فيما بين الله و بين من فعله.

نکوئی میان مردم فراموش می شود اما میان خدا و عامل نیکی فراموش نمیشود.

Beneficence will vanish from the sight of people, but not from the sight of God and the beneficent.

٢٠٠٨ العفاف زينة النساء.

عفت زینت زنان است.

Chastity is women's beauty.

٢٠٠٩ العفو أحق ما عمل به.

عفو شایسته ترین کاریست که کنند.

Forgiving is the best of all deeds.

٢٠١٠ العقل في أمر الدنيا مضرّة و العقل في أمر الدين مسرّة.

عقل در کار دنیا مایه ضرر است و در کار دین مایه سرور.

**بسی نکو گفت آن رسول خوش جواز—ذره ای (ذره) عقلت به از صوم و نماز (مولوی)

Wisdom is loss in matters secular, and joy in matters religious.

٢٠١١ العقل آلف مألوف.

عقل الفت گیر است و الفت پذیر (عقل باعث اُلفت پذیری انسانهاست).

**بسی نکو گفت آن رسول خوش جواز—ذره ای (ذره) عقلت به از صوم و نماز (مولوی)

Wisdom causes (and is the object of) intimacy.

۲۰۱۲ العلماء ثلاثة: رجل عاش به الناس و عاش بعلمه، و رجل عاش به الناس و أهلك نفسه، و رجل عاش بعلمه و لم يعيش به غيره.

دانشوران سه قسمند مردی که مردم از او سود برند و او نیز از علم خود سود برد و مردی که مردم از او سود برند و خود را هلاک کند. و مردی که از علم خود سود برد و دیگری از او سود نبرد.

The learned are of three kinds: those whose knowledge is of benefit to people and to themselves, those whose knowledge is of benefit to people but of ruin to themselves, and those whose knowledge is of benefit to themselves but not to others.

۲۰۱۳ العلماء أمناء الله على خلقه.

دانشوران امینان خدا بر خلق اویند.

Scholars are God's trustees for people.

۲۰۱۴ العلماء مصابيح الأرض و خلفاء الأنبياء و ورثتي و ورثة الأنبياء.

دانشوران چراغهای زمین و جانشین پیغمبران و وارثان من و وارث پیغمبرانند.

The learned are the lights of earth, the caliphs of the prophets, and the successors of the prophets and me.

۲۰۱۵ العلماء قادة و المتقون سادة و مجالستهم زيادة.

دانشوران پیشوایانند و پرهیزکاران سرورانند و مصاحبیشان مایه فزونی است.

The learned are leaders and the pious are masters (of the people) and the company of both brings abundance.

۲۰۱۶ العلم أفضل من العبادة و ملاك الدين الورع.

علم از عبادت بهتر است و اساس دین پرهیز از انجام حرام خداست.

Knowledge is superior to worship, and avoiding the unlawful is the basis of religion.

۲۰۱۷ العلم أفضل من العمل و خير الأعمال أوسطها.

علم از عمل (=عبادت) افضل است و بهترین عملها عملی است که معتدل تر است.

Knowledge is better than deed(=worshipping God) and the best of all deeds is a moderate one.

۲۰۱۸ العلم ثلاثة: كتاب ناطق و سنة ماضية و «لا أدري».

علم (الهی) سه چیز است کتاب گویا و سنت متبع (=سنت پیروی شده پیامبر ص) و «نمیدانم».

(Divine) Knowledge has three pillars: a manifest book(Quran), a practiced tradition(of Prophet[PBUH]) and “I don’t know”.

۲۰۱۹ العلم حياة الإسلام و عماد الإيمان و من علم علما أتم الله له أجره و من تعلم فعمل علمه الله ما لم يعلم.

علم حیات اسلام و ستون ایمان است و هر که علمی بیاموزد خدا پاداش او را کامل کند و هر که تعلیم گیرد و عمل کند خدا آنچه نمی‌داند باو تعلیم دهد.

Knowledge is the spirit of Islam and the pillar of faith, and God will give perfect reward to s(he) who acquires some sort of knowledge, and if s(he) happens to practice it, He will let him\her know what s(he) knows not.

۲۰۲۰ العلم خزائن و مفتاحها السّؤال فسلوا یرحمکم الله فإنّه یوجر فیہ أربعة: السّائل و المعلّم و المستمع و المحبّ لهم.

علم گنجینه‌هاست و کلید آن پرسش است بی‌رسید تا خدا بر شما رحمت آرد، که خدا در کار علم چهار کس را پاداش می‌دهد پرسنده و آموزگار و شنونده و کسی که دوستدار ایشان است.

Knowledge is treasures, and the key to them is asking. So, question to gain God’s Mercy, for God rewards four groups in so far as knowledge is concerned: seekers of knowledge, teachers, listeners, and those who love the first three groups.

۲۰۲۱ العلم خلیل المؤمن و الحلم وزیر و العقل دلیل و العمل قائده و الرّفق والده و البرّ أخوه و الصبر أمير جنوده.

علم دوست مؤمن و بردباری (=خویشنداری) وزیر (=حمل کننده بارهای سنگین او در زندگی) او و عقل رهبر او و عمل سرپرست او و ملایمت پدر او و نیکی برادر او و صبر امیر سپاه اوست.

Knowledge is a believer’s friend, forbearance being his minister, intellect being his guide, (good) deeds being his guardian,

moderateness being his father, kindness being his brother, and patience being the commander of his army.

۲۰۲۲ العلم خیر من العمل و ملاک الدین الورع و العالم من يعمل.

علم از عبادت بهتر است و اساس دین پرهیز از حرام خداست و عالم حقیقی آنست که عمل کند.

Knowledge is superior to deed, religion is founded on avoiding the unlawful, and a (true) scholar is he who practices what he knows.

۲۰۲۳ العلم علمان: فعمل فی القلب فذلک العلم النافع، و علم علی اللسان فذلک حجة الله علی ابن آدم.

علم دو علم است علمی که در قلب است و علم نافع همین است و علمی است که بر زبانت و او حجت خدا بر فرزند آدم است.

Knowledge is of two kinds: the one lying in man's heart, i.e. beneficial knowledge, and the one being on (the tip of) one's tongue and, thus, being God's proof for Adam's sons.

۲۰۲۴ العلم میراثی و میراث الأنبياء من قبلی.

علم میراث من و میراث پیغمبران پیش از من است.

Knowledge is the heritage of me and my predecessors (in prophethood).

۲۰۲۵ العلم و المال یستران کلّ عیب و الجهل و الفقر یکشفان کلّ عیب.

علم و مال هر عیبی را بپوشاند و جهل و فقر هر عیبی را نمایان کند.

**خواجه در عیب است غرقه تا به گوش—خواجه را مال است و مالش عیب پوش (مولوی)

Knowledge and wealth keep all faults covert, but ignorance and poverty make them overt.

۲۰۲۶ العلم لا یحلّ منعه.

منع علم روا نیست.

Knowledge should not be stopped (being learned or taught).

۲۰۲۷ العین حقّ و لو کان شیء سابق القدر سبقته العین.

چشم بد حق است اگر چیزی از تقدیر پیشی میگرفت چشم بد بودی.

Evil eye exists, for sure. It is the only thing, which might change fate.

۲۰۲۸ العین حقّ یحضرها الشیطان و حسد ابن آدم.

چشم بد حق است شیطان و حسد بنی آدم آن را پدید می آورد.

Evil eye exists for sure. Satan and man's envy call it to action.

۲۰۲۹ العینان تزنیان و الیدان تزنیان و الرّجلان تزنیان و الفرج یزنی.

چشمان زنا میکنند و دستان زنا میکنند و پاها زنا میکنند و عورت نیز زنا میکند.

Eyes, hands and feet (may) commit adultery besides one's privy parts.

غ

۲۰۳۰ غریبتان کلمه حکمه من سفیه فاقبلوها و کلمه سیئه من حکیم فاغفروها.

دو چیز عجیب است: سخن حکمت آمیز از سفیه، آن را بپذیرید و سخن بد از خردمند، آن را ببخشید.

Two things are amazing: a silly man's wise sayings, which you have to welcome, and a wise man's bad words which you should ignore.

۲۰۳۱ غسل الإناء و طهاره الفناء یورثان الغنی.

شستن ظرفها و پاکیزگی حیاط مایه بی نیازی است.

Washing dishes clean and cleaning courtyards cause needlessness.

۲۰۳۲ غشیتکم سکران: سکره حبّ العیش و حبّ الجهل فعند ذلك لا تأمرون بالمعروف و لا تنهون عن المنکر.

دو مستی (=غفلت) شما را خواهد گرفت: غفلت علاقه مفرط به زندگی و غفلت علاقه مفرط به نادانی در آن هنگام امر بمعروف و نهی از منکر نکنند.

Two sorts of drunkenness (can) make you negligent: that of loving life (excessively) , and that of loving ignorance- and that's when you do not bid to good and do not forbid evil.

۲۰۳۳ غَطَّ فخذك فَإِنَّ فخذ الرجل عورة.

ران خویش بیوشی که ران مرد عورت است.

Cover your thighs, for they're part of man's privy parts.

۲۰۳۴ غفر الله عزّ وجلّ لرجل أخطأ عن الطريق ما تقدّم من ذنبه و ما تأخّر.

مردی که شاخه تیغی از راه بردارد خدا گناهان کهنه و تازه او را بیامرزد.

The Greatest and the most Powerful God will forgive a man's past and future sins, if he removes a thorn bush from people's path.

۲۰۳۵ غفر لامرأة مومسة مرتّ بکلب علی رأس رکیّ یلهث کاد یقتله العطش فنزعت خفّها فأوثقته بخمارها فنزعت له من الماء فغفر لها بذلك.

زن روسبی ای آمرزیده شد که بر سگی گذشت که بر لب چاهی از تشنگی نزدیک به مرگ بود، کفش خویش بکند و به سر پوش خویش بست و برای سگ آب بر آورد، برای همین آمرزیده شد.

A prostitute was passing by a well where she saw a dog at the point of death from thirst. She tied her veil to her shoe, fetched water from the well and quenched the dog's thirst, and was thus forgiven (by God).

۲۰۳۶ غیروا الشیب و لا تشبهوا بالیهود.

موی سپید را رنگ کنید و چون یهودان مشوید.

Color your white hair and stop looking like the Jews.

۲۰۳۷ الغدّ و الرواح فی تعلیم العلم أفضل عند الله من الجهاد.

صبح و شب در کار تعلیم علم به سر بردن نزد خدا از جهاد بهتر است.

Teaching your knowledge every morning and night is better in the sight of God than Jihad (Holy war).

۲۰۳۸ الغرباء فی الدنیا أربعة: قرآن فی جوف ظالم، و مسجد فی نادى قوم لا یصلی فیہ، و مصحف فی بیت لا یقرأ فیہ، و رجل صالح مع قوم سوء.

غریبان جهان چهارند: قرآن در خاطر ستمگر، و مسجدی در ناحیه گروهی که در آن نماز نکنند، و مصحفی در خانه‌ای که نخوانند، و مرد پارسا میان مردم بد.

The lonely of this world are the following four: the Quran in a tyrant's memory, a mosque wherein its neighbors do not say their prayers, a holy Book kept in a house but not read, and a pious man among the impious.

۲۰۳۹ الغضب من الشیطان و الشیطان خلق من النار و الماء یطفی النار فإذا غضب أحدکم فلیغتسل.

خشم از شیطان است و شیطان از آتش است و آب آتش را خاموش میکند، وقتی یکیتان خشمگین شود غسل کند.

Anger belongs to Satan, Satan was created from fire, and fire can be put out by water. Thus, when one of you gets angry, (s)he should immerse in water.

۲۰۴۰ الغلّ و الحسد یأکلان الحسنات كما تأکل النار الحطب.

کینه و حسد اعمال خوب را میخورد چنان که آتش هیزم را میخورد.

Envy and hatred ruin all the good, just as fire swallows firewood.

۲۰۴۱ الغناء ینبت النفاق فی القلب كما ینبت الماء الزرع.

غناء (=آواز خوش، سرود، نغمه) نفاق را در قلب میرویانند چنان که آب زراعت را.

Lustful music makes hypocrisy in one's heart show, just as water makes sown seeds grow.

۲۰۴۲ الغنى الیأس عمّا فی أیدی الناس و من مشى منکم إلی طمع فلیمش رویدا.

کمال بی‌نیازی آنست که از آنچه در دست مردم است نومید باشی و هر کس از شما به راه طمعی می‌رود آهسته رود.

Needlessness lies in being hopeless of what people possess, and whoever walks in the way of greed, should slow his/her speed.

۲۰۴۳ الغنم برکه.

گوسفند مایه برکت است.

(Fat-tailed) Sheep s are blessings (of God).

۲۰۴۴ الغیبه ذکرک أخاک بما یکره.

غیبت آنست که برادر خود را بچیزی که دوست ندارد یاد کنی.

Backbiting is to mention your brother's name in connection with what he hates.

۲۰۴۵ الغیره من الإیمان و المذء من النفاق.

غیرتمندی از ایمان است و بی بندوباری (=بی ناموسی) از نفاق.

Religious zeal originates from faith, and dishonesty from hypocrisy.

ف

۲۰۴۶ فاعل الخیر خیر منه و فاعل الشرّ شرّ منه.

عامل خیر از خیر بهتر و عامل شر از شر بدتر است.

The doer of good is better than good and the doer of evil worse than evil.

۲۰۴۷ فرغ الله عزّ و جلّ إلى كلّ عبد من أجله و رزقه و مضجعه و شقیّ أو سعید.

خدای عز و جل مرگ و روزی و آرامگاه و بدبختی و نیکبختی هر بنده‌ای را از پیش معین کرده است.

The Greatest and the most Powerful God has predestined the death, sustenance and resting place of each of His servants, being him/her fortunate or unfortunate.

۲۰۴۸ فرغ إلى ابن آدم من أربع الخلق و الرزق و الأجل.

چهار چیز آدمیزاد: صورت و سیرت و روزی و مرگ وی از پیش معین است.

Four things have been predestined for Adam's son: his physical appearance, character, death, and sustenance.

۲۰۴۹ فرغ الله لكل عبد من عمله و أجله و مضجعه و رزقه لا يتعداهن أبدا.

خدا عمل و اجل و آرامگاه و روزی هر بندهای را از پیش معین کرده و هرگز از آن تجاوز نخواهد کرد.

God has predestined every man's deeds, death, resting place and sustenance, and He will never turn away from them.

۲۰۵۰ فضل الشاب العابد الذي يعبد بعد ما كبرت سنه كفضل المرسلين على سائر الناس.

فضیلت جوان عابد که از آغاز جوانی عبادت کند بر پیری که وقتی سن بسیار یافت عبادت کند چون فضیلت پیغمبران بر سایر مردم است.

The superiority of the pious youth who have started worshipping God from early childhood over the aged who have done so only after old age is like unto that of the prophets over ordinary men.

۲۰۵۱ فضل العلم أفضل من فضل العبادة.

فضیلت علم بیشتر از فضیلت عبادت است.

The virtue of knowledge weighs over that of worship.

۲۰۵۲ فضل العالم على العابد كفضلي على أمتي.

فضیلت عالم بر عابد چون فضیلت من است بر امتم.

The superiority of a learned man over a simple worshipper is like unto mine over my people.

۲۰۵۳ فضل العالم على العابد كفضلي على أدناكم إن الله عزّ وجلّ و ملائكته و أهل السموات و الأرضين حتى النملة في جحرها و حتى الحوت ليمصّون على معلّم الناس الخير.

فضیلت عالم بر عابد چون فضیلت من بر پست‌ترین شماس‌ت، خدای عز و جل و فرشتگان او و اهل آسمانها و زمین‌ها حتی مورچه در سوراخ و حتی ماهی کسی را که نیکی بمردم آموزد دعا میکنند.

The superiority of the learned over (simple) worshippers is like unto mine over the lowest among you (in rank). Verily, the Greatest and the most Powerful God, His angels, the dwellers of heavens and the earth, and even ants in their holes as well as fish, all pray for the one who teaches people the ways to goodness.

۲۰۵۴ فضل العالم علی العابد کفضل القمر لیلۃ البدر علی سائر الکواکب.

فضیلت عالم بر عابد چون فضیلت ماه شب چهارده بر سایر ستارگان است.

The superiority of a learned man over a (simple) worshipper is like unto that of the full moon over other stars.

۲۰۵۵ فضل العالم علی العابد سبعین درجۃ ما بین کلّ درجتین کما بین السماء و الأرض.

فضیلت عالم بر عابد هفتاد درجه است که فاصله هر دو درجه چون فاصله زمین و آسمانست.

The superiority of a learned man over a (simple) worshipper is (to the extent of) seventy degrees, with the distance between each two degrees as far as heavens from the earth.

۲۰۵۶ فضل العالم علی غیره کفضل النبی علی امته.

فضیلت عالم بر غیر عالم چون فضیلت پیغمبر بر امت اوست.

The superiority of a learned man over an ordinary one is like unto that of a prophet over his people.

۲۰۵۷ فضوح الدنیا أهون من فضوح الآخرة.

رسوائی دنیا آسانتر از رسوائی آخرت است.

The disgrace of this world is more tolerable than that of the Hereafter.

۲۰۵۸ فقیه واحد أشدّ علی الشیطان من ألف عابد.

تحمل یک فقیه برای شیطان از هزار عابد سخت‌تر است.

Tolerating a learned man is harder for Satan than that of a thousand worshippers.

۲۰۵۹ فکره ساعه خیر من عباده ستین سنه.

ساعتی اندیشیدن بهتر از شصت سال عبادت کردن است.

An hour of thinking is better than sixty years of praying.

۲۰۶۰ فی الجنه ما لا عین رأت و لا أذن سمعت و لا خطر علی قلب بشر.

در بهشت چیزها هست که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه بر خاطر کسی گذشته.

There are things in Paradise not seen by any eyes, not heard by any ears and not felt by any hearts.

۲۰۶۱ فی السواک ثمانیه خصال: یطیب الفم، و یشد اللثه، و یجلو البصر، و یذهب البلغم، و یفرح الملائکه، و یرضی الرب، و یزید فی الحسنات، و یصح المعده.

در مسواک کردن هشت فائده هست: دهان را پاکیزه کند، و لثه را محکم کند، و چشم را روشن کند، و بلغم ببرد، و فرشتگان را خوشحال کند، و پروردگار را خشنود کند، و اعمال خوب را بیفزاید، و معده را بصلاح آورد.

Brushing one's teeth brings the following benefits: cleanliness of mouth, strength of gum, brightness of sight, elimination of phlegm, happiness of angels, satisfaction of God, increase in one's good deeds, and health of stomach.

۲۰۶۲ الفاجر الرجی لرحمة الله تعالی أقرب منها من العابد المقنط.

بدکاری که به رحمت خدای والا امید دارد از عابد مأیوس، به خدا نزدیکتر است.

An evildoer who has hope in the Exalted God's Mercy is closer to Him than a disappointed pious.

۲۰۶۳ الفقر أمانة فمن كتمه كان عبادة.

فقر امانتی است و هر که آن را پوشیده دارد عبادتی باشد.

Poverty is a trust and an act of worship, if not revealed.

۲۰۶۴ الفقر شين عند الناس و زين عند الله يوم القيامة.

فقر پيش مردم زبونی است و روز قیامت پيش خدا زینت است.

Poverty is humiliation to people, but beauty to God in the Day of Judgment.

ق

۲۰۶۵ قاربوا و سدّوا ففی کلّ ما یصاب به المسلم کفّاره حتّی النّکبة ینکبها و الشّوکه یشاکها.

دوستی کنید و بصلاح آئید مسلمان هر چه بیند کفاره اوست حتی مصیبتی که بدو رسد و خاری که در پایش خلد.

****زرّ خالص را و زرگر را خطر—باشد از قلّاب خائن بیشتر (مولوی)**

****دوست همچون زر، بلا چون آتش است—زرّ خالص در دل آتش خوش است (مولوی)**

****که بلای دوست تطهیر شماس است—علم او بالای تدبیر شماس (مولوی)**

Make friends with each other and rectify yourselves. Whatever happens to a Muslim is a kind of atonement, even if he is afflicted with disaster or hurt by a thorn pricked into his foot.

۲۰۶۶ قاضیان فی النار و قاض فی الجنّة: قاض عرف الحقّ ففضی به فهو فی الجنّة، و قاض عرف الحقّ فجار متعمّداً أو قضی بغير علم فهما فی النار.

دو قاضی در جهنم و قاضی ای در بهشت است: قاضی ای که حق را بشناسد و بدان حکم کند در بهشت است، و قاضی ای که حق را بشناسد و دانسته منحرف شود، یا ندانسته قضاوت کند هر دو در جهنم اند.

Two groups of judges will dwell in Hell and one in Paradise: the one who recognizes the truth and judges according to it will reside in Paradise, but the one who knows the truth and deviates from it knowingly as well as the one who judges unknowingly will both be the dwellers of Hell.

۲۰۶۷ قال الله تعالى: من لم یرض بقضائی و لم یصبر علی بلائی فلیتمس ربّاً سوای.

خدای والا فرماید: هر که بقضای من رضا ندهد و بر بالای من صبر نکند خدائی جز من جوید.

****باز فرمود او که اندر هر قضا—مر مسلمان را رضا باید رضا (مولوی)**

The Exalted God says: whoever is not satisfied with what I have destined, and not patient in calamities, should seek a god other than Me.

۲۰۶۸ قال الله تعالى: إذا همّ عبدی بحسنه و لم يعملها كتبها له حسنة فإن عملها كتبها له عشر حسنات إلى سبعمائة ضعف و إذا همّ بسیئه و لم يعملها لم أكتبها علیه فإن عملها كتبها علیه سیئه واحدة.

خدای والا فرماید: وقتی بنده من کار نیکی اراده کند و نکند آن را یک کار نیک برای وی ثبت کنم و اگر بکند ده کار نیک تا هفتصد برابر ثبت کنم و وقتی کار بدی اراده کند و نکند بر عهده او ثبت نکنم و اگر بکند یک کار بد بر عهده او ثبت کنم.

The Exalted God says: when one of My servants intends to perform a good deed but he stops doing so, I will record a good deed for him, and if he performs it, I will record ten to seven hundred good deeds for him. Conversely, if he intends to perform a bad deed, but stops doing so, I will not record it. However, if he puts it into action, I will record for him only one bad deed.

۲۰۶۹ قال الله تعالى، يؤذینی ابن آدم یسب الدّهر و أنا الدّهر بیدی الأمر أقلب اللیل و النهار.

خدای والا فرماید: فرزند آدم مرا آزار میکند که به روزگار ناسزا میگوید، روزگار منم و کارها به دست من است و شب و روز را تغییر میدهم.

The Exalted God says: Son of Adam annoys Me by blaming Time, for I am Time with all affairs in My authority. I am the One who changes day and night.

۲۰۷۰ قال الله تعالى: و من أظلم ممّن ذهب یخلق خلقا کخلقی؟ فلیخلقوا حبه أو لیخلقوا ذره أو لیخلقوا شعیره.

خدای والا فرماید: ستمگرتر از آنکه خواهد مخلوقی چون مخلوق من بسازد کیست؟ اگر توانند دانه‌ای بسازند یا مورچه‌ای یا دانه جوی بسازند!

The Exalted God says: who is crueller than he who wishes to create a creature as Mine? Let those who claim the ability of so doing create a single grain, an ant or a barley seed!

۲۰۷۱ قال الله تعالى: إذا تقرب إلى العبد شبرا تقربت إليه ذراعا وإذا تقرب إلى ذراعا تقربت منه باعا وإذا أتاني مشيا أتيتته هرولة.

خدای والا فرماید: وقتی بنده یک وجب (= ۲۳ سانتیمتر = نصف ذراع) بمن نزدیک شود ذراعی (= ۴۶ سانتیمتر = پشت آرنج تا نوک انگشت میانی) بدو نزدیک شوم و چون ذراعی بمن نزدیک شود بیش از دو ذراع باو نزدیک شوم و اگر ملایم بسوی من آید بشتاب بسوی او شوم.

**** تو مگو ما را بدان شه بار نیست — با کریمان کارها دشوار نیست (مولوی)**

**** یا نمی دانی گرم های خدا — کو تو را می خواند این سو که بیا (مولوی)**

The Exalted God says: when a servant approaches Me to the extent of one span (= one half of cubit = one half of back of the elbow to tip of middle finger=9 inch=23 cm), I will get close to him one cubit, if he does so to the extent of one cubit, I will draw near him more than two cubits, and if he approaches Me slowly, I'll go towards him quickly.

****Proverb: Do not say, "We have no admission to that king— Dealings with the generous are not difficult (Mowlavi)**

۲۰۷۲ قال الله تعالى: أنا أغنى الشركاء عن الشرك و من عمل عملاً أشرك فيه معي غيري تركته و شرکه.

خدای والا فرماید: من از همه شریکان از شریک بی نیازترم و هر که غیر مرا با من در عبادت خود شریک کند وی را با شرکش رها کنم.

The Exalted God says: I am the most needless of all partners when people take partners with Me, and so when someone takes a partner with Me in an act of worship, I leave him on his own with his polytheism.

۲۰۷۳ قال الله تعالى: الكبرياء ردائي فمن نازعني ردائي قصمته.

خدای والا فرماید: کبریا ردای من است و هر که مدعی ردای من شود در همش شکنم.

The Exalted God says: Grandeur is My prerogative and I will demolish anybody who tries to claim it as his own.

۲۰۷۴ قال الله تعالى: أحب ما تعبدني به عبدی النصح لی.

خدای والا فرماید: محبوبترین عبادتی که بنده برای من تواند کرد خلوص است.

The Exalted God says: purity of intention is the best form of worship My servants can offer Me.

۲۰۷۵ قال الله تعالى: إذا وجهت إلى عبد من عبدي مصيبة في بدنه أو في ولده أو في ماله فاستقبله بصبر جميل استحيت يوم القيامة أن أنصب له ميزانا أو أنشر له ديوانا.

خدای والا فرماید: وقتی مصیبت تن یا فرزند یا مال، متوجه یکی از بندگان خویش کنم و او با صبر نیکو مصیبت را استقبال کند روز قیامت شرم دارم که میزانی برای او نصب کنم یا دفتری برای او پهن کنم.

The Exalted God says: when I inflict my servants with a calamity concerning their bodies, children and wealth and they happen to welcome it patiently, I'll be ashamed to spread out their books of deeds or to call them to the scales of justice in the Day of Judgment.

۲۰۷۶ قال الله تعالى أنا عند ظن عبدي بي إن ظنّ خيرا فله وإن ظنّ شرا فله.

خدای والا فرماید: من با گمان بنده‌ام که بمن دارد قرینم. اگر نیکو گمان کند نیکی یابد و اگر بد گمان برد بد بیند.

Verily, the Exalted God says, "I am with My servants' opinions. If they have a good opinion of Me, they will face good, and if they have a bad opinion of Me, evil will they face."

۲۰۷۷ قال الله تعالى من علم أنّي ذو قدرة على مغفرة الذنوب غفرت له و لا أبالي ما لم يشرك لي شيئا.

خدای والا فرماید: هر که یقین دارد که من قدرت آمرزش گناهان دارم بیامرزش و مادام که چیزی را با من شریک نیارد مهم نیست.

The Exalted God says: I will forgive the one who believes in My power of forgiving sins, and nothing matters so long as (s)he takes nothing as a partner with Me.

۲۰۷۸ قال الله تعالى أنا أكرم و أعظم عفوا من أن أستر على عبد مسلم في الدنيا ثم أفضحه بعد إذ سترته و لا أزال أغفر لعبدي ما استغفرتني.

خدای والا فرماید: عفو من گرامی تر و بزرگتر از آنست که در دنیا کار بنده مسلمانی را مستور دارم آنگاه از پس مستور داشتش او را رسوا کنم، و مادام که بندهام از من آمرزش خواهد او را خواهم آمرزید.

The Exalted God says: My forgiveness is more bountiful and greater than covering a Muslim's deed in this world to reveal it afterwards; and thus, so long as my servants ask my forgiveness I will forgive them.

۲۰۷۹ قال الله تعالى: وعزتي و جلالی لا أجمع لعبدي أمين و لا خوفين ان هو أمني في الدنيا أخفته يوم أجمع عبادي و إن هو خافي في الدنيا أمنت يوم أجمع عبادي.

خدای والا فرماید: بعزت و جلالم قسم که یک بنده را دو امنیت و دو ترس با هم ندهم اگر در دنیا از من ایمن است در روزی که بندگانم را فراهم کنم او را بترسانم و اگر در دنیا از من بترسد روزی که بندگانم را فراهم کنم ایمنش کنم.

****ایمنان را من بترسانم به حلم—خائفان را ترس بردارم ز حلم (مولوی)**

The Exalted God says: By my Glory and Honor I swear that I do not grant a servant two states of security together with two states of fear, i.e. if he feels secure from Me in this world, I will frighten him in the Resurrection and if he is afraid of Me in this world, I will secure him in the Resurrection.

۲۰۸۰ قال الله تعالى يا ابن آدم ثلاثة: واحدة لي و واحدة لك و واحدة بيني و بينك فأما التي لي فتعبدني لا تشرک بي شيئاً، و أما التي لك فما عملت من عمل جزيتك به فإن أغفر فأنا الغفور الرحيم و أما التي بيني و بينك فعليك الدعاء و المسألة و على الاستجابة و العطاء.

خدای والا فرماید: ای فرزند آدم سه چیز هست یکی خاص من، یکی خاص تو، و یکی میان من و تو. اما آنکه خاص من است آنکه مرا بپرستی و چیزی را با من انباز نکنی، اما آنچه خاص تو است هر چه عمل کنی سزای تو دهم و اگر بیامرزم من آمرزگار رحیمم، اما آنچه میان من و تو است از تو دعا کردن و خواستن و از من اجابت و عطا کردن.

The Exalted God says: O son of Adam! There are three things of which one is specifically mine, i.e. you should worship Me and take nothing as a partner with me, one is specifically yours, i.e. I will reward or punish you for what you do (if I forgive you, it is because I am the most Compassionate, the most Merciful), and one is between Me and you, i.e. you should pray to and ask Me, and I should accept and grant what you request.

۲۰۸۱ قال الله تعالى من لا يدعوني أغضب عليه.

خدای والا فرماید: هر که مرا نخواند بر او خشمگین شوم.

The Exalted God says: I will be cross at anybody who does not pray to Me.

۲۰۸۲ قال الله تعالى يا ابن آدم توتى كل يوم برزقك و أنت تحزن و ينقص كل يوم من عمرک و أنت تفرح أنت فيما يفتیک و تطلب ما يفتیک لا بقليل تقنع و لا من کثیر تشبع.

خدای والا فرماید: ای پسر آدم هر روز روزی تو دهند و غمگین باشی و هر روز از عمر تو کاسته شود و شادمانی کنی، آنچه ترا کفایت کند داری و آنچه ترا به طغیان کشاند میطلبی نه به کم قانع شوی و نه با بسیار سیر.

The Exalted God says: O son of Adam! Every day your sustenance is given to you but you are sad, and everyday your life gets shorter but you are happy. You have what suffices you but you ask for what makes of you a rebel. You are neither content with less nor satiated with more.

۲۰۸۳ قال داود يا زارع السيئات أنت تحصد شوکها.

داود فرمود: ای که بدی کاشتهای خاران را درو خواهی کرد.

****این جهان کوهست و فعل ما ندا—سوی ما آید نداها را صدا (مولوی)**

David said: O you who have planted evil, you'll harvest its thorns.

****Proverb: This world is the mountain and our action the shout-The echo of the shout comes(back) to us (Mowlavi)**

۲۰۸۴ قال داود إدخالک يدک فی فم التّنين إلى أن تبلغ المرفق فيقصمها خير لك من أن تسأل من لم يكن له شيء ثمّ کان.

داود فرمود: اگر دست خویش را تا مرفق بکام اژدر کنی که آن را در هم شکند بهتر است تا از نازه به دوران رسیده چیزی بخواهی.

David said: putting your arm up to the elbow in the mouth of a dragon to smash it to pieces is better than making a request to upstarts.

۲۰۸۵ قتال المسلم كفر و سبابه فسوق و لا تحلّ لمسلم أن يهجر أخاه فوق ثلاثة أيام.

جنگ با مسلمان کفر است و ناسزا گفتنش گناه است و روا نیست که مسلمانی بیش از سه روز با برادر خود قهر کند.

Fighting with Muslims originates from blasphemy, abusing them is a sinful act, and a Muslim is not allowed to be sulk with his Muslim brother more than three days.

۲۰۸۶ قد أفلح من أخلص قلبه للإيمان و جعل قلبه سليما و لسانه صادقا و نفسه مطمئنًا و خليقته مستقيمة و أذنه مستمعة و عينه ناظرة.

هر که ایمان قلبش خالص باشد و قلب خویش سالم و زبان خویش راستگو و جان خویش آرام و خوی خویش مستقیم و گوش خویش شنوا و چشم خویش نگران کند، رستگار شود.

Verily, prosperous is the one who purifies his faith, makes his heart peaceful, his tongue truthful, his soul confident, his temper good, and his ears and eyes keen.

۲۰۸۷ قد أفلح من رزق لبًا.

هر که را خرد داده‌اند رستگاری یافته است.

****ضرب المثل: خدایا، آنکه را عقل دادی چه ندادی؟ و آن را که عقل ندادی چه دادی؟ (خواجه عبدالله انصاری)**

Verily, prosperous is he who has been granted wisdom.

****Proverb: Man's ownership of everything lies in his wisdom granted by God, and thus whoever is devoid of wisdom is bereft of everything (Khajeh Abdullah Ansari)**

۲۰۸۸ قرض الشيء خير من صدقته.

چیزی را به قرض بدهی بهتر از آنست که به صدقه بدهی.

Lending something is better than giving it in charity.

۲۰۸۹ قرض مرتين خير من صدقة مرّة.

دو بار قرض دادن بهتر از یک بار صدقه دادن است.

Lending something twice is better than giving it in charity once.

۲۰۹۰ قسم من الله تعالى لا يدخل الجنة بخيل.

قسم خداست که بخیلی وارد بهشت نمی شود.

God has sworn that misers will not be allowed to Paradise.

۲۰۹۱ قل اللهم اجعل سریرتی خیرا من علانیتی و اجعل علانیتی صالحه اللهم انی أسألك من صالح ما تؤتی الناس من المال و الأهل و الولد غیر الضالّ و لا المضلّ.

بگو: خدایا نهران مرا از عیانم بهتر کن و عیانم را شایسته کن، خدایا از آنچه بمردم عنایت میکنی از مال و زن و فرزند از نوع شایسته آن که نه گمراه باشد و نه گمراه کن از تو میخواهم.

Say: O God! Make my inner self better than my outer self, and rectify the latter's God! I beg You to give me the good you have bestowed upon people, of wealth, family and children that are neither deviated nor deviating.

۲۰۹۲ قل اللهم انی أسألك نفسا مطمئنه تؤمن بلقائک و ترضی بقضائک و تقنع بعطائک.

بگو خدایا جان مطمئنی از تو میخواهم که به معاد ایمان داشته باشد و به قضای تو رضا دهد و به تو قناعت کند.

Say: O God! I beg You to bestow upon me a confident heart, believing in Your visit in the Last Day, pleased with Your predestination and content with Your blessings.

۲۰۹۳ قلب الشیخ شابّ علی حبّ اثنتین: حبّ العیش و المال.

دل پیر بر محبت دو چیز جوان است: حب حیات و مال.

An old man's heart is young for two things: love of life and love of wealth.

۲۰۹۴ قلب شاکر و لسان ذاکر و زوجة صالحه تعینک علی أمر دنیاک و دینک خیر ما اکتنز الناس.

دلی شکرگزار و زبانی ذکر گوی و زنی پارسا که ترا در کار دنیا و دینت اعانت کند بهترین چیزی است که مردم ذخیره کنند.

A thankful heart, a careful tongue, and a virtuous wife who helps man in worldly and otherworldly affairs, are better than whatever people might treasure.

۲۰۹۵ قلب ليس فيه شيء من الحكمة كبيت خرب فتعلموا و علموا و تفقهوا و لا تموتوا جهالا فإن الله لا يعذر على الجهل.

دلی که نشانی از خرد در آن نباشد چون خانه خراب است پس تعلیم گیرید و تعلیم دهید و فقه آموزید و بر جهل نمیرید که خدا از جهل نمیگذرد.

A heart with no sign of wisdom is like unto a ruined house. So, learn and teach, meditate deeply, and try not to die in ignorance, for God will not pardon people for ignorance.

۲۰۹۶ قليل الفقه خير من كثير العبادة و كفى بالمرء فقها إذا عبد الله و كفى بالمرء جهلا إذا أعجب برأيه و إنما الناس رجلا ن مؤمن و جاهل فلا تؤذ المؤمن و لا تجاوز الجاهل.

اندکی دانش بهتر از عبادت بسیار دانش. برای دانش مرد همین بس که خدا را پرستد و نادانی مرد همین بس که دل بسته رای خویش باشد، مردم دو گونه اند: مؤمن و جاهل، مؤمن را میازار و بر جاهل تعدی مکن.

A little knowledge is better than praying much. Worshipping God suffices to show one's knowledge, and selfish judgment is enough to show his ignorance. People are two groups: the faithful and the ignorant. Do not annoy the former and do not be cruel to the latter.

۲۰۹۷ قليل التوفيق خير من كثير العقل و العقل في أمر الدنيا مضره و العقل في أمر الدين مسره.

اندکی توفیق به از عقل بسیار، عقل در کار دنیا مایه خسارت است و در کار دین مایه شادمانی.

A little success chance is better than much intellect. Intellect is the cause of loss in worldly and that of pleasure in faith and otherworldly affairs.

۲۰۹۸ قليل العمل ينفع مع العلم و كثير العمل لا ينفع مع الجهل.

عمل اندک با علم سودمند افتد و عمل بسیار با جهل سود ندهد.

A little bit of action accompanied by knowledge is useful, and a lot of deeds accompanied by ignorance is of no use.

۲۰۹۹ قليل تؤدى شكره خير من كثير لا نطقه.

اندکی که شکر آن توان گذاشت بهتر از بسیاری که تاب آن نتوانی داشت.

Little wealth for which one can thank God is better than a lot for which one falls short in so doing.

۲۱۰۰ قَلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينَ.

نانخور کم داشتن یکی از طرق توانگر بودن است.

A small family is one way to comfort.

۲۱۰۱ قُلْ الْحَقُّ وَ إِن كَانَ مَرَأً.

حق را بگو و گر چه تلخ باشد.

Tell what's true, even if it is bitter (to you).

۲۱۰۲ قُولُوا خَيْرًا نَعْنَمُوا وَ اسْكُتُوا عَنِ شَرِّ تَسْلَمُوا.

خیری گوئید تا بهره برید و از شر خاموش مانید تا سلامت روید.

Say a good word to derive benefit, and avoid speaking evil words to be safe.

۲۱۰۳ قَوَامُ الْمَرْءِ عَقْلُهُ وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ.

اعتبار مرد به عقل اوست و هر که عقل ندارد دین ندارد.

Man's faith lies in his wisdom and thus, whoever is devoid of wisdom is bereft of faith.

۲۱۰۴ قُوا بِأَمْوَالِكُمْ عَنِ أَعْرَاضِكُمْ.

آبرویتان را بوسیله اموالتان حفظ کنید.

Save your face by your wealth.

۲۱۰۵ قَيِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابِ.

علم را به نوشتن در بند کنید.

Control and manage knowledge through writing.

۲۱۰۶ قیدها و توکل.

(ابتدا) شتر به بند و (سپس به خدا) توکل کن.

****شهاب الاخبار- حدیث ۴۲۸=رسول علیه السلام را گفتم که: اشترم را باز بندم و توکل بر خدا کنم، یا مطلقش بگذارم و توکل بر خدا کنم؟ رسول علیه السلام گفت: بند بر نه و توکل بر خدا کن!**

(First) Fasten your camel with a rope, and in God then trust.

۲۱۰۷ القبر اول منزل من منازل الآخرة.

قبر نخستین منزل از منزلهای آخرت است.

****شهاب الاخبار- حدیث ۲۰۰=گور اول منزل است از منزل های آخرت، هر که را این منزل نیک آید، هر منزل که از پس آن بُود نیک آید؛ و هر که را این منزل سخت آید هر منزل را که از پس آن آید سخت آید.**

****گورها یکسان به پیش چشم ما- روضه و حفره به پیش انبیا (چشم انبیا) (مولوی)**

Grave is the first dwelling of the eternal ones.

۲۱۰۸ القرآن هو الدواء.

قرآن دواست.

The Quran is healer of man's worldly and spiritual maladies

۲۱۰۹ القرآن غنی لا فقر بعده و لا غنی دونه.

قرآن غنائیست که پس از آن فقری نیست و غنائی جز آن نیست.

The Quran is wealth proper beyond which there are no riches.

۲۱۱۰ القلب ملک و له جنود فإذا صلح الملك صلحت جنوده و إذا فسد الملك فسدت جنوده.

دل پادشاهی است که سپاهیان دارد و چون شاه بصلاح آید سپاهیانش بصلاح گرايند و چون شاه فاسد شود سپاهیانش فاسد شوند.

Man's heart is like unto a king with soldiers. Being good, its soldiers will turn out to be good too and being corrupted, they will be likewise.

۲۱۱۱ القناعه مال لا ينفذ.

قناعت مالی است که تمام نمیشود.

**گفت پیغمبر قناعت چیست؟ گنج-گنج را تو وا نمیدانی ز رنج (مولوی)

**چون قناعت را پیمبر گنج گفت-هر کسی را کی رسد گنج نهفت؟ (مولوی)

Contentment is an unfailling wealth.

ک

۲۱۱۲ کاتم العلم يلعنه كل شيء حتى الحوت في البحر و الطير في السماء.

همه چیز حتی ماهی دریا و مرغ هوا نهان کننده علم را لعنت کنند.

Everything, even birds in skies and fish in seas, curse those who conceal knowledge.

۲۱۱۳ کاد الحليم أن يكون نبيا.

نزدیک بود که شخص بردبار (=خویشندار) پیامبر شود.

It was quite probable that the forbearing patient person be appointed to prophet-hood.

۲۱۱۴ کاد الفقر أن يكون كفرا.

بیم آنست که فقر به کفر انجامد.

**صوفیان تقصیر بودند و فقیر-کاد فقر أن یکن کفراً بیبر (مولوی)

**زان رسولی کش حقایق داد دست-کاد فقر أن یكون کفر آمده ست (مولوی)

It was quite probable that poverty end in blasphemy.

۲۱۱۵ كاد الحسد أن يغلب القدر.

بیم آنست که حسد چشم زخم بر تقدیر غالب شود.

It is quite probable that envy (evil eye) overcome fate.

۲۱۱۶ كَأَنَّ الْحَقَّ فِيهَا عَلَىٰ غَيْرِنَا وَجِبَّ وَكَأَنَّ الْمَوْتَ فِيهَا عَلَىٰ غَيْرِنَا كَتَبَ وَكَأَنَّ الَّذِينَ يَشِيْعُ مِنَ الْأَمْوَاتِ سَفَرُ عَمَّا قَلِيلٍ إِلَيْنَا عَائِدُونَ نَبِوءَ أَجْدَانِهِمْ وَنَأْكُلُ تَرَائِهِمْ كَأَنَّا مَخْلُدُونَ بَعْدَهُمْ قَدْ نَسِينَا كُلَّ وَاعِظَةٍ وَ أَمْنَا كُلَّ جَائِحَةٍ.

گوئی در این دنیا حق بر غیر ما واجب است؛ و گوئی در این دنیا مرگ بر غیر ما مقرر است؛ و گوئی آن مردگان که مشایعتشان کنند مسافرانند که بزودی بسوی ما بازمی گردند؛ نشان را در گور میکنیم و میراثشان را میخوریم گوئی ما پس از آنها جاودانیم؛ هر اندرزی را فراموش کرده ایم و از هر حادثه ای در امانیم.

It is as if those other than us had to follow the truth, as if death were only destined for other than us, and as if the dead whose funeral procession we witness everyday were travelers who would soon return to us, for we bury their bodies and divide their wealth as if we would be immortal after them. We have in fact connived at all admonitions and feel that we are safe against all events.

۲۱۱۷ كان رجل يداين الناس فكان يقول لفتاه إذا أتيت معسرا فتجاوز عنه لعل الله أن يتجاوز عنا فلقى الله فتجاوز عنه.

مردی بود که با مردم معامله داشت و به خدمتگزار خود میگفت چون بتنگدستی بر خوردی از او در گذر، شاید خدا از ما در گذرد. سپس پیشگاه خدا رفت و خدا از او در گذشت.

There was a businessman who always advised his young servant to be merciful to the poor in hope of God's Mercy. Then, he died, and God bestowed his Mercy upon him.

۲۱۱۸ كان على الطريق غصن شجرة يؤذي الناس فأماطها رجل فادخل الجنة.

شاخه درختی در راه بود که مردم را آزار می داد مردی آن را دور کرد و به بهشتش بردند.

A tree branch had blocked people's way and hurt them. Somebody pulled it aside and was thus he was allowed to Paradise.

۲۱۱۹ كبر مقتا عند الله الأكل من غير جوع و النوم من غير سهر و الضحك من غير عجب.

خوردن بی گرسنگی و خواب بدون خستگی و خنده بی شگفت نزد خدا بسختی منفور است.

God is very displeased with people eating without hunger, sleeping without tiredness and laughing without reason.

۲۱۲۰ کبرت خیانه أن تحدّث أخاك حديثا هو لك به مصدق و أنت له كاذب.

خیانتی بزرگ است که به برادر خویش سخنی گوئی که راستگوییت شمارد و تو دروغگو باشی.

It is a capital treachery to tell your brother (in faith) something that he takes as truth, while it's not.

۲۱۲۱ كتب الله تعالى مقادير الخلائق قبل أن يخلق السموات والأرض بخمسين ألف سنة و عرشه على الماء.

خدای والا تقدیر خلائق را پنجاه هزار سال پیش از آنکه آسمانها و زمین را بیافریند ثبت کرد و عرش وی بر آب بود.

The Exalted God has prescribed His creatures' fate fifty thousand years prior to the creation of heavens and the earth, when His Throne was on water.

۲۱۲۲ كتب علي ابن آدم نصيبه من الزنا مدرک ذلك لا محالة:

فالعینان زناهما النظر، و الاذنان زناهما الاستماع، و اللسان زناه الكلام، و اليد زناها البطش، و الرجل زناها الخطا، و القلب يهوى و يتمنى و يصدق ذلك الفرج أو يكذبه.

بر فرزند آدم سهم وی از زنا مقرر است که ناچار مرتکب بشود:

زنای چشمان نگاه است و زنای گوشها سماع است و زنای زبان سخن است و زنای دست تعدی است و زنای پاها رفتن (به سوی گناه) است، قلب هوس کند و آرزو کند و عورت عمل کند یا نکند.

**The son of Adam has an unavoidable share in adultery:
Looking lustfully, listening to evil talks, uttering bad words, hand assulting, walking in unlawful ways, having carnal desires and wants, and acting upon such desires while denying it are respectively the adultery of his eyes, ears, tongue, hands, feet, heart and privy parts.**

۲۱۲۳ كثرة الضحك تميت القلب.

خنده بسیار دل را بمیراند.

Laughing in excess will make your heart perish.

۲۱۲۴ کرم المرء دینه و مروته عقله و حسبه خلقه.

کرامت مرد بدین اوست و مروت وی بعقل اوست و شرف وی باخلاق اوست.

Man's greatness, fairness, and dignity lie respectively in (the extent of) his faith, thought and manners.

۲۱۲۵ کرم الكتاب ختمه.

اعتبار نامه بمهر است.

The validity of a letter lies in its seal.

۲۱۲۶ کفی بالدهر واعظا و بالموت مفرقا.

چه آموزگاریست روزگار و چه جماعت پراکنی (=جدایی افکنی) است مرگ!

Suffice it for time to advise and for death to separate!

۲۱۲۷ کفی بالمرء إنما أن يضيع من يقوت.

گناهکاری مرد همین بس که عیال خویش را بی تکلیف گذارد.

Leaving a receiver of daily bread on his/her own suffices to make the provider sinful.

۲۱۲۸ کفی بالمرء علما أن يخشى الله و كفى بالمرء جهلا أن يعجب بنفسه.

در علم مرد همین بس که از خدا ترسد و جهل مرد همین بس که مفتون (=شیفته) خویش باشد.

Piety suffices to show man's knowledge and self-conceit, to show his ignorance.

۲۱۲۹ کفی بالمرء فقها إذا عبد الله و كفى بالمرء جهلا إذا أعجب برأيه.

دانش مرد همین بس که خدا را پرستد و نادانی مرد همین بس که دل بسته رأی خویش باشد.

****این سلاح عجب من شد ای فتی—عجب آرد مُعْجَبان را صد بلا (مولوی)**

Worshipping God suffices to show man's deep knowledge and vaunting personal views, to show his ignorance.

۲۱۳۰ کفی بالمرء کذبا أن يحدث لکل ما سمع.

دروغگوئی مرد همین بس که هر چه بشنود بگوید.

****شهاب الاخبار—حدیث ۸۷۵=تمام گناهی است مرد را که بگوید هر آنچه بشنود. یعنی: زبان نگاه دارید، و سخن چینی مکنید که گناهی بزرگست.**

Retelling what one hears suffices to make of him/her a liar.

۲۱۳۱ کفی بالمرء شراً أن یشار إليه بالأصابع.

بدی مرد همین بس که انگشت نما باشد.

Being notorious suffices to show one's evil.

۲۱۳۲ کفی بالمرء من الکذب أن يحدث بکل ما سمع و کفی بالمرء من الشح أن يقول آخذ حق لا أترک منه شیئا.

دروغگوئی مرد همین بس که هر چه بشنود بگوید؛ و بخل مرد همین بس که گوید حق خویش را میگیرم و از چیزی نمیگذرم.

Retelling what one hears suffices to make of him/her a liar, and claiming to take back one's rights without conniving at any part of it suffices to show his/her stinginess.

۲۱۳۳ کفی بالموت واعظا و کفی بالیقین غنی.

چه پند آموزیست مرگ و چه غنائی (=بی نیازی) است ایمان.

Suffice it for death to admonish and for certainty to make man needless.

۲۱۳۴ کفی بالموت مزهدا فی الدنیا و مرغبا فی الآخرة.

چه (خوب) وسیله‌ای (و راهنمایی) است مرگ برای (زهد و بی‌رغبتی به دنیا و رغبت با آخرت!

Suffice it for death to decline your love for the world and to incline you towards eternity.

۲۱۳۵ کفی بالمرء سعادۀ أن یوثق به فی أمر دینه و دنیاہ.

خوشبختی مرد همین بس که در کار دین و دنیایش بر او اعتماد کنند.

Reliance on man in worldly and otherworldly(=faith to God) affairs suffices to show his prosperity.

۲۱۳۶ کفی بالمرء إنما أن یحدّث بکلّ ما یسمع.

گناه مرد همین بس که هر چه میشنود بگوید.

Retelling what one hears suffices to make of him/her a sinner.

۲۱۳۷ کفی إنما أن تجسّ عمّن تملک قوته.

همین گناه بس که غذا از بنده خویش منع کنی.

Declining your subjects' daily bread suffices to make of you a sinner.

۲۱۳۸ کفی بک إنما أن لا تزال مخاصما.

همین گناه ترا بس که پیوسته در حال مخاصمه باشی.

Constant dispute (with others) suffices to make of you a sinner.

۲۱۳۹ کفی بالمرء نصرا أن ینظر إلی عدوّه فی معاصی اللّٰه.

برای فیروزی مرد همین بس که دشمن خویش را در معاصی خدا ببیند.

Witnessing his enemies in disobedience of God suffices to make of man a sinner.

۲۱۴۰ کفی بالرجل إنما أن یكون بذیا فاحشا بخيلا.

گناه مرد همین بس که بدزبان و بدکار (مرتکب گناهان زشت بصورت آشکار) و بخیل باشد.

Foul-mouthedness, wickedness and stinginess suffice to make of man a sinner.

۲۱۴۱ کفی بالمرء إنما أن يشار إليه بالأصابع إن كان خيراً فهي مزلة إلا من رحم الله تعالى وإن كان شراً فهو شر.

برای مرد همین گناه بس که انگشت نما باشد، اگر به خیر باشد لغزش است، مگر آنکه خدایش رحم کند و اگر به شر باشد که شریست.

Being famous suffices to make of man a sinner, for good fame makes him slip unless the Exalted God showers His Mercy on him, and bad fame (being notorious) brings him evil.

۲۱۴۲ كفارة الذنب الندامة و لو لم تذنبوا لأتى الله بقوم يذنبون ليغفر لهم.

کفاره گناه پشیمانی است اگر شما گناه نمیگردید خدا مردمی پدید می آورد که گناه کنند تا بیامرزدشان.

Repentance expiates sins. If you did not commit sins, God would create other people to commit sins to be forgiven by Him.

۲۱۴۳ كفارة من اغتبت أن تستغفر له.

کفاره کسی که عیب وی کرده ای اینست که برای او آمرزش بخواهی.

The expiation for backbiting someone is to ask God to forgive him.

۲۱۴۴ كف شرک عن الناس فإنها صدقة منك على نفسك.

شر خویش را از مردم کوتاه کن که این صدقه ایست که بخویشتن می دهی.

Avoid doing evil to people, for it is charity you give for yourself.

۲۱۴۵ كلام ابن آدم كله عليه لا له إلا أمراً بمعروف أو نهياً عن منكر أو ذكر الله تعالى.

گفتار فرزند آدم بضرر اوست نه برفع او مگر امر بمعروفی یا نهی از منگری یا ذکر خدای والا.

Man's word is entirely to his loss not benefit, unless it is used for bidding to good and forbidding evil or for remembering the Exalted God.

۱- ۲۱۴۶ کلمة الحكمة ضالة كل حكيم.

گفتار حکمت آمیز گمشده هر خردمندیست.

**زان که حکمت همچو ناقه ضاله است- همچو دلّالان (دلاله) شهان را داله ست (مولوی)

**کاله حکمت که گم کرده دل است- پیش اهل دل یقین آن حاصل است (مولوی)

**حکمت قرآن چو ضاله مؤمن است- هر کسی در ضاله خود موقن است (مولوی)

**اشتری گم کرده ای ای معتمد- هر کسی ز اشتر نشانت می دهد (مولوی)

**پس چو حکمت ضاله مؤمن بود- آن ز هر که بشنوی، موقن بود (مولوی)

**زین سبب که علم ضاله مؤمن است- عارف ضاله خود است و موقن است (مولوی)

Wise sayings are lost ones of the wise.

۲- ۲۱۴۶ کل معروف صدقة.

هر کار نیکی صدقه است.

Every good deed is a form of charity.

۲۱۴۷ کل صاحب علم غرثان إلی علم.

هر دانشمندی گرسنه علم دیگر است.

All holders of knowledge hunger for new knowledge.

۲۱۴۸ کل شیء بقدر حتى العجز و الکیس.

هر چیزی مقدر (=از قبل حدّ و اندازه آن تعیین شده) است حتی ناتوانی و هوش.

Everything, even inability and intelligence, has a due extent.

۲۱۴۹ کل بنی آدم خطاء و خیر الخطائین التّوابین.

همه فرزندان آدم خطا کارند (=انجام دهنده گناه غیر عمد) و بهترین خطا کاران توبه گراند.

All sons of Adam are wrong doers, and the best among them are the penitent.

۲۱۵۰ كلّ خَلَّةٍ يطبع عليها المؤمن إلا الخيانه و الكذب.

مؤمن هر صفتی تواند داشت مگر خیانت و دروغ.

All attributes are desirable for a believer, save treachery and telling lie.

۲۱۵۱ كلّ ذنب عسى الله أن يغفره إلا من مات مشركا أو قتل مؤمنا متعمدا.

هر گناهی را شاید خدا ببخشد مگر کسی که مشرک مرده یا مؤمنی را بعمد کشته باشد.

God may forgive all sins, save those of dying a polytheist and killing a believer intentionally.

۲۱۵۲ كلّ ذی مال أحقّ بما له یصنع به ما یشاء.

هر صاحب مالی بمال خویش شایسته تر است که با آن هر چه خواهد کند.

All holders of wealth are more entitled than others to use it as they wish.

۲۱۵۳ كلّ شیء ینقص إلا الشرّ فإنه یزداد فیه.

هر چیزی کاسته شود بجز شرّ که فزونی گیرد.

(قانون دوم ترمودینامیک بیان می کند که در یک پروسه طبیعی ترمودینامیکی جمع انتروپی /بی نظمی تک افتاده سیستم های شرکت کننده در آن پروسه، همواره با گذشت زمان افزایش می یابد.)

Everything will finally decrease, but evil will constantly increase.

(The Second Law of Thermodynamics states that the state of entropy/disorder of the entire universe, as an isolated system, will always increase over time)

۲۱۵۴ كلّ شیء فضل عن ظلّ بیت و جلف الخبز و ثوب یواری عوره الرّجل و الماء لم یکن لابن آدم فیه حقّ.

آدمیزاد بیشتر از سایه خانه ای و خشک نانی و جامه ای که عورت مرد بپوشاند و آب حق ندارد.

Sons of Adam are entitled to no more than the shade of a house, a dry loaf of bread and a piece of cloth to cover their privy parts and water.

۲۱۵۵ کلّ شيء ساء المؤمن فهو مصيبة.

هر چه مؤمن را از آن بد آید مصیبت است.

Whatever a believer despises is calamity.

۲۱۵۷ کلّ عين زانية و المرأة إذا استعطرت فمرت بالمجلس فهي زانية.

هر چشمی زناکار است و زن وقتی خوشبو شود و بر انجمنی بگذرد زناکار است.

Whoever among women perfumes herself and leaves home to pass by a group of people to enjoy her pleasant smell, will be adulterous, and all eyes are adulterous.

۲۱۵۸ کلّ قرض صدقة.

هر قرضی صدقه است.

All forms of loaning are considered charity.

۲۱۵۹ کلّ امرئ حسیب نفسه.

هر کس حسابگر خویشتن است.

Everybody is an inspector of his/her own deeds.

۲۱۶۰ کلّ مشکل حرام و لیس فی الدین مشکل.

هر عمل مشکلی حرام است و در دین مشکل نیست.

Every hardship is banned for man, and no hardship is there in religion.

۲۱۶۱ کلّ ما هو آت قریب.

هر چه انتظار می کشیدی خواهد رسید.

****سوره ۳۳ الاحزاب-آیه ۶۳=مردم از تو درباره (زمان قیامت سؤال می کنند. بگو: "علم آن تنها نزد خداست" و چه می دانی شاید قیامت نزدیک باشد.**

****نهج البلاغه خطبه ۱۰۳-۱=کل متوقع آت و کل آت قریب دان=هرچه انتظارش می کشیدید خواهد آمد و آنچه آمدنی است نزدیک است.**

****نهج البلاغه حکم ۷۵=کل متوقع آت=هرچه انتظار می کشیدی خواهد رسید.**

Every anticipation and expected thing should be taken to come about.

****Quran Sura 33-The adverse parties and confederates-Aya 63=O Messenger hypocrites ask you mockingly about the exact Hour of Resurrection. Say"The knowledge of it is with Allah alone." And how do you know, may be it is very near.**

****Peak of Eloquence-Sermon 103-1=Every anticipation should be taken to be coming up and everything that is to come up should be taken as just near.**

****Peak of Eloquence-Saying 75=Every expected thing must come about.**

۲۱۶۲ کل المسلم علی المسلم حرام: دمه و عرضه و ماله.

همه چیز مسلمان خون و آبرو و مال او بر مسلمان حرام است.

No Muslim is allowed to encroach upon another Muslim's possessions including his blood, fame and wealth.

۲۱۶۳ کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتہ.

همه شما سرپرستید و همه شما در باره رعیت خویش مسئولید.

****کلکم راع نبی چون راعی است-خلق مانند رمه او ساعی است (مولوی)**

****کلکم راع بدانند زان رمه-که(کی) علف خوار است و که(کی) در ملکمه (مولوی)**

All of you are observers of and responsible for your subjects' rights.

۲۱۶۴ كل الذّنوب يؤخّر الله تعالى ما شاء منها إلى يوم القيامة إلاّ عقوق الوالدين فإنّ الله يعجّله لصاحبه في الحياة الدنيا قبل الممات.

خدای والا، از همه گناهان هر چه را خواهد تا روز رستاخیز مؤخر دارد، مگر نارضائی پدر و مادر که خدا سزای آن را در زندگی دنیا پیش از مرگ دهد.

The Exalted God postpones to the Day of Judgment the punishment of the sins He wishes, saves the sin of displeasing one's parents, which He hastens to recompense in this very world before the sinner's death.

۲۱۶۵ كل الكذب يكتب على ابن آدم إلا ثلاث: الرّجل يكذب في الحرب فإنّ الحرب خدعة، و الرّجل يكذب المرأة فيرضيها، و الرّجل يكذب بين اثنين ليصلح بينهما.

همه دروغ ها بر فرزند آدم ثبت شود مگر سه دروغ: مرد در جنگ دروغ گوید که جنگ خدعه کردن است و مرد به زن دروغ گوید که او را خشنود کند و مرد با دو کس دروغ گوید که میانشان اصلاح دهد.

All forms of lying are recorded in man's book of deeds, save the following: Telling lie in war for war is deceit, telling women a lie to please them, and telling two persons a lie to make them come to terms.

۲۱۶۶ كل المسلم على المسلم حرام: ماله و عرضه و دمه، حسب امرئ من الشرّ أن يحقر أخاه المسلم.

همه چیز مسلمان، از مال و آبرو و خونی بر مسلمان حرام است؛ برای مرد همین شریس که برادر مسلمان خویش را تحقیر کند.

No Muslim is allowed to encroach upon other Muslim's blood, fame and wealth. Belittling a Muslim brother suffices to show one's evil.

۲۱۶۷ كل أمّتي معافي إلاّ المجاهرين و إنّ من الجهار أن يعمل الرّجل بالليل عملاً ثمّ يصبح و قد ستره الله تعالى فيقول عملت البارحة كذا و كذا و قد بات يستره ربّه و يصبح يكشف ستر الله عنه.

***ظلم مستور است در اسرار جهان—می نهد ظالم به پیش مردمان (مولوی)**

همه امت من بخشوده اند مگر تظاهر کنان (= آشکار کنندگان فسق/نافرمانی خدا)؛ از جمله تظاهر این است که مرد به شب عملی کند و به صبح، با آنکه خدا عمل او را مستور داشته گوید شب گذشته چنان و چنان کردم، پروردگارش به شب مستورش داشته و به روز پرده خدا را از خویش برمی دارد.

All my people will enjoy God's forgiveness, save the pretentious-those who (for instance) commit debauchery at night, which the Exalted God conceals from people, but reveal it themselves at daytime despite God's concealment.

۲۱۶۸ کلّ علم وبال يوم القيامة إثمًا من عمل به.

همه علم‌ها روز قیامت وبال است مگر علمی که بدان عمل کنند.

All kinds of knowledge will entail evil results in the Day of Judgment, save that which is put to practice.

۲۱۶۹ کلّ بنی آدم حسود و لا یضرّ حاسدا حسده ما لم یتکلمم باللسان أو یعمل بالید.

همه فرزندان آدم حسودند و حسد حسود مادام که بزبان از آن سخن نگوید و بدست عملی نکند زیانش نمی‌زند.

All sons of Adam are jealous, and a person's jealousy will not be harmful unless (s)he expresses it or puts it into action.

۲۱۷۰ کلّ قرض جرّ ضعفه فهو ربا.

هر قرضی که دو برابر خویش آرد ربا است.

Every form of loaning returned in double is usury.

۲۱۷۱ کلّ مود فی النار.

هر آزارگری در جهنم است.

Hell is the dwelling of the cunning people.

۲۱۷۲ کلّ معروف صنعته إلی غنی أو فقیر فهي صدقة.

هر کار خیر که در باره ثروتمند یا فقیری کنی، صدقه است.

Whatever of good you do to the rich or the poor is a form of charity

۲۱۷۳ کلّ معروف صدقة و ما أنفق المسلم من نفقة علی نفسه و أهله کتب له بها صدقة و ما وقی به المرء المسلم

عرضه کتب له به صدقة.

هر کار نیکی صدقه است؛ و هر چه مسلمان بر خویش و کسان خویش خرج کند در قبال آن برای او صدقه‌ای نویسند؛ و هر چه مسلمان بوسیله آن آبروی خویش محفوظ دارد در قبال آن برایش صدقه‌ای نویسند.

Every good deed is charity, and whatever a Muslim dispenses for himself and his kins will be considered charity, and so are the steps s(he) takes to keep his/her own fame intact.

۲۱۷۴ کلّ نعيم زائل إلا نعيم أهل الجنة و كلّ هم منقطع إلا هم أهل النار.

هر نعمتی زایل شدنی است مگر نعمت بهشتیان و هر غمی قطع شدنی است مگر غم جهنمیان.

Every blessing is perishable save that of the blessed in Heaven, and so is every grief save that of the damned in Hell.

۲۱۷۵ کلّ نفس تحشر على هواها، فمن هوى الكفرة فهو مع الكفرة و لا ينفعه عمله شيئاً.

هر کسی را با دل‌بستگی اش محشور کنند، هر که به کافران دل‌بسته باشد با کافران است و عملش سودش ندهد.

Everybody will be a company to his own desires (in the Last Day) and thus, he who craves for disbelievers' (support) will be a company to them and his deeds will not avail him.

۲۱۷۶ کلّ ذي نعمة محسود إلا صاحب التواضع.

هر که نعمتی دارد در معرض حسد است مگر آنکه تواضع دارد.

Whoever has a blessing is subject to jealousy, save humble people.

۲۱۷۷ کلّ نفس من بنى آدم سيّد فالرّجل سيّد أهله، و المرأة سيّده بيتها.

هر یک از فرزندان آدم فرمان روائیست مرد فرمانروای کسان خویش است و زن فرمانروای خانه خویش است.

All sons of Adam are kings, men ruling over their families and women over their houses.

۲۱۷۸ كلما طال عمر المسلم كان له خير.

عمر مسلمان هر چه دراز شود خیر اوست.

The longer a Muslim's life, the better for him.

۲۱۷۹ کلوا الزیت و أدهنوا به فإنه من شجرة مباركة.

زیتون خورید و با آن روغن کاری کنید که از درخت مبارک است.

Use olive as food and lubricant, for it is the fruit of the Blessed Tree.

۲۱۸۰ کلوا جمیعا و لا تفرقوا فإن طعام الواحد يكفي الاثنين و طعام الاثنين يكفي الثلاثة و الأربعة کلوا جمیعا و لا تفرقوا فإن البركة مع الجماعة.

با هم غذا خورید و پراکنده مشوید که غذای یکی برای دو تن کافی است و غذای دو تن برای سه تن و چهار تن کافی است، با هم غذا خورید و پراکنده مشوید که برکت قرین جماعت است.

Share your food with each other and be not divided among yourselves, for the food of one person is sufficient for two and that of two persons is enough for three and four. Share your food with each other and be not divided among yourselves, for blessing is a company to community.

۲۱۸۱ کلوا و اشربوا و تصدقوا و ألبسوا فی غیر إسراف و لا مخيلة.



بخورید و بنوشید و صدقه دهید و بپوشید بی اسراف و تکبر.



Eat and drink and give something in charity. Dress yourselves without extravagance and vanity.

۲۱۸۲ کما تکنونوا یولی علیکم.

چنان که هستید (= همانند لیاقتان) بر شما حکومت کنند.

You are ruled, as you deserve.

۲۱۸۳ کما لا یجتنی من الشوک العنب کذلک لا ینزل الفجار منازل الأبرار فاسلکوا آی طریق شتم فأی طریق سلکنم وردتم علی أهله.

چنان که از خار انگور نتوان چید بدکاران نیز بمقامات نکوکاران در نیایند بهر راه که خواهید روید که از هر راه روید بر اهل آن وارد میشوند.

****زانه می بافی، همه روزه بپوش—زانه می کاری، همه ساله بنوش (مولوی)**

The wicked will not attain the status of the pious, just as thorns do not fruit grape. Thus, go whatever way you wish, for you will (finally) arrive at the rovers of the way you choose.

۲۱۸۴ کم من مستقبل یوما لا یتکمله و منتظر غذا لا یبلغه.

بسا کسی به روزی برسد که آن را بسر نبرد و انتظار فردائی برد که بدان نرسد.

Many a man is there who arrive at a day which ends without them or await a tomorrow which never begins.

۲۱۸۵ کم من عاقل و هو حقیر عند الناس ذمیم المنظر ینجو غذا و کم من ظریف اللسان جمیل المنظر عظیم الشان هالک غذا فی القيامة.

بسا عاقل که پیش مردم حقیر است و منظری زشت دارد و فردا نجات یابد؛ و بسا خوش زبان زیبا منظر بزرگ شأن که فردا در قیامت هلاک شدنی است.

Many a wise person who is held in contempt and ugly in face, but will be saved, and many an eminent, beautiful and sweet-tongued person who will be ruined in the Day of Judgment.

۲۱۸۶ کن فی الدنیا کأنتک غریب أو عابر سبیل وعد نفسک من أصحاب القبور.

در دنیا چنان باش که گوئی غریبی یا رهگذر و خویشتن را از اهل قبور شمار.

Live as a stranger or wayfarer in this world, and see yourself among the dwellers of graves.

۲۱۸۷ کن ورعا تکن أعبد الناس و کن قنعا تکن أشکر الناس و أحب للناس ما تحب لنفسک تکن مؤمنا و أحسن مجاوره من جاورک تکن مسلما و أقل الضحک فإن کثره الضحک تمیت القلب.

پرهیزکار باش تا عابدتر از همه باشی، قانع باش تا شکرگزارتر از همه باشی، هر چه برای خویش خواهی برای مردم بخواه تا مؤمن باشی، و با مجاوران خویش نیکو مجاورت کن تا مسلمان باشی، و خنده کمتر کن که خنده بسیار دل را بمیراند.

Be pious to be the greatest of all worshippers, be contented to be the most thankful of all, wish for people what you wish for yourself to be a (true) believer, be a good company to your neighbors to be safe and laugh less, for laughing in excess will make your heart perish.

۲۱۸۸ کونوا فی الدنیا أضيافا، واتخذوا المساجد بيوتا، عودوا قلوبكم الرقة و أكثروا التّفكر و البكاء و لا تختلفنّ بكم الأهواء تبون ما لا تسكنون و تجمعون ما لا تأكلون و تأملون ما لا تدركون.

در دنیا چون میهمانان باشید و مسجدها را خانه کنید دلها را برقت عادت دهید و اندیشه و گریه بسیار کنید و هوسها شما را از راه نبرد، بناها می‌سازید که در آن ساکن نمی‌شوید و چیزها فراهم می‌کنید که نمی‌خورید و امیدها دارید که بدان نمی‌رسید!

Live as guests in this world, consider mosques as your houses, make your hearts accustomed to leniency, think and bewail a lot, and try to be not deviated by carnal desires. Many a building you make wherein you will not reside, many a kind of food stuff you prepare which you will not be able to eat, and many a yearning you have which you will not be able to realize!

۲۱۸۹ کیف یقدّس الله أمة لا یؤخذ من شديدهم لضعيفهم؟

خداوند مردمی را که حق ضعیفان را از نیرومندشان بگیرند چگونه تقدیس کند؟

*نهیج البلاغه-نامه ۵۳-۸-۷-سیمای محرومان (علی ع به مالک اشتر زمانیکه حاکم مصر بودند): از رسول خدا ص بارها شنیدم که می فرمود: ملتّی که حقّ ناتوانان را از زورمندان بی اضطراب و بهانه ای (با قاطعیّت) باز نستاند رستگار نخواهد شد (هر گز روی سعادت نخواهد دید).

How is God (expected) to sanctify nation, who do not attempt to take back the rights of the weak from the powerful?

**Peak of Eloquence-Letter 53-The Lowest Class (From Ali [PBUH] to Maalik al-Ashter as governor of Egypt): I have heard the Messenger of Allah [PBUH] say in more than one place: "The people among whom the right of the weak is not secured from the strong without fear will never achieve purity."

۲۱۹۰ الکاسب من یده خلیل الله.

کسی که بدست خویش کسب کند دوست خداست.

*رمز الکاسب حبیب الله شو-از توکل در سبب کاهل مشو (مولوی)

Whoever earns his living through his own physical efforts, is a friend of God.

۲۱۹۱ الکبر من بطر الحقّ و غمط الناس.

تکبر نتیجه بی‌اعتنائی به حق و تحقیر مردم است.

Vanity originates from ignoring the truth and belittling people.

۲۱۹۲ الکذب کلّه اثم إلا ما نفع به مسلم.

دروغ همه‌اش گناه است مگر دروغی که مسلمانی را سود دهد.

All sorts of lying are sins, save the one benefiting people.

۲۱۹۳ الکذب یسودّ الوجه و النمیمه عذاب القبر.

دروغ مایه روسپاهی است و سخن چینی موجب عذاب قبر است.

Lying darkens one's face, and tale bearing entails chastisement in the grave.

۲۱۹۴ الکرّم التّقوی، و الشرف التّواضع و الیقین الغنی.

کرامت به پرهیزکاری است، و شرف به تواضع، و بی‌نیازی به یقین.

Greatness lies in piety, dignity in humility, and needlessness in certainty.

۲۱۹۵ الکلمه الحکمه ضالّه المؤمن فحیث وجدها فهو أحقّ بها.

سخن حکمت آمیز گمشده مؤمن است و هر کجا بیابدش بدان شایسته‌تر است.

****زان که حکمت همچو ناقه ضالّه ست—همچو دلّالان (دلّاله) شهان را دالّه ست (مولوی)**

****کاله حکمت که گم کرده دل است—پیش اهل دل یقین آن حاصل است (مولوی)**

****حکمت قرآن چو ضاله مؤمن است—هرکسی در ضاله خود موقن است (مولوی)**

****اشتری گم کرده ای ای معتمد—هرکسی ز اشتر نشانت می دهد (مولوی)**

****پس چو حکمت ضاله مؤمن بود—آن ز هر که بشنوی، موقن بود (مولوی)**

****زین سبب که علم ضاله مؤمن است—عارف ضاله خود است و موقن است (مولوی)**

Wise sayings are believers' lost ones- wherever they happen to find them, they would be more entitled (than others) to catch them.

٢١٩٦ الكلمة الطيبة صدقة.

سخن نیکو صدقه است.

Good words are (acts of) charity.

٢١٩٧ الكيس من دان نفسه و عمل لما بعد الموت و العاجز من اتبع نفسه هواها و تمنى على الله الأمانى.

هوشیار آن است که بر خویش مسلط است و برای پس از مرگ عمل کند و ناتوان آن است که هوسهای خویش را تبعیت کند و از خدا آرزوهای بسیار دارد.

Keen is the one who rules over his (evil) soul and makes provisions for the Hereafter, and weak is the one who obeys his carnal desires and asks God for (unrealizable) longings.

ل

٢١٩٨ لله أشد فرحاً بتوبه عبده من أحدكم إذا وجد بعيره قد أضله بأرض فلاة.

خداوند از توبه بنده خویش، بیشتر از آن خرسند می شود که یکی از شما شتری را که در بیابانی گم کرده است بیابد.

God's pleasure with His creature's repentance weighs over that of any one of you finding his lost camel in a desert.

٢١٩٩ لله أفرح بتوبه عبده من العقيم الوالد، و من الضال الوالد، و من الظمان الوالد.

خداوند از توبه بنده خویش بیش از زن عقیمی که بزاید و گم کرده ای که بیابد و تشنه ای به آب در آید، خرسند است.

God's pleasure with a penitent person weighs over that of a thirsty man who arrives at water or a barren woman who begets a child or a loser who finds his lost one.

٢٢٠٠ لله أفرح بتوبه التائب من الظمان الوالد، و من العقيم الوالد، و من الضال الوالد فمن تاب إلى الله توبه نوحاً أنسى الله حافظيه و جوارحه و بقاع الأرض كلها خطاياهم و ذنوبهم.

خداوند از توبه توبه گذار بیشتر از تشنه‌ای که بآب در آید و زن عقیمی که بزاید و گم کرده‌ای که بیابد خوشحال می‌شود هر کس به خدا از روی خلوص توبه برد، خداوند خطاها و گناهان وی را از یاد دو فرشته نگهبان و اعضای وی و همه نقاط زمین ببرد.

God's pleasure with a penitent person weighs over that of a thirsty man who arrives at water or a barren woman who begets a child or a loser who finds his lost one. Verily He will make the guardian angels, his limbs and all the points on the earth to forget the sins and faults of the one who repents and turns to God sincerely.

۲۲۰۱ لله أقدر عليك منك عليه.

قدرت خدا بر تو از قدرت تو بر او بیشتر است.

God's power over you is more than your power over Him.

۲۲۰۲ لَأَنَا أَشَدُّ عَلَيْكُمْ خَوْفًا مِنَ النَّعْمِ مَنَى مِنَ الذَّنُوبِ أَلَا أَنْ النَّعْمَ الَّتِي لَا تَشْكُرُ هِيَ الْحَتْفُ الْقَاضِي.

من در باره شما از نعمتها بیشتر از گناهان بی‌مناکم بدانید که نعمتهائی که شکر آن نگزارند هلاک قطعی است.

I am worried about you more for blessings than for sins. Beware that blessings not thanked for will entail your definite ruin.

۲۲۰۳ لَأَنَا مِنْ فِتْنَةِ السَّرَّاءِ أَخَوْفٌ عَلَيْكُمْ مِنْ فِتْنَةِ الضَّرَّاءِ، إِنَّكُمْ ابْتَلَيْتُمْ بِفِتْنَةِ الضَّرَّاءِ فَصَبِرْتُمْ وَإِنَّ الدُّنْيَا حُلُوهٌ خَضِرَةٌ.

من در باره شما از فتنه گشایش بیش از فتنه تنگ دستی بیم دارم. شما به فتنه تنگدستی مبتلا شدید و صبر کردید؛ حقا که دنیا شیرین و دلفریب است.

I am worried about you more for trials in affluence than for trials in poverty. Verily, you were afflicted with poverty but kept patient; verily the world is sweet and charming!

۲۲۰۴ لَأَنْ أَطْعِمَ أَخًا فِي اللَّهِ مَسْلَمًا لَقْمَةً أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَتَصَدَّقَ بِدِرْهَمٍ وَلَأَنْ أُعْطِيَ أَخًا فِي اللَّهِ مَسْلَمًا دِرْهَمًا أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَتَصَدَّقَ بِعَشْرَةٍ وَلَأَنْ أُعْطِيَ عَشْرَةَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتَقَ رَقَبَةً.

این که در راه خدا لقمه‌ای به برادر مسلمانی بخورانم نزد من محبوب‌تر است تا درهمی صدقه دهم؛ و این که در راه خدا درهمی به بنده مسلمانی به بخشم نزد من محبوب‌تر است تا ده درهم صدقه کنم؛ و این که ده درهم به بخشم پیش من محبوب‌تر است که بنده‌ای آزاد کنم.

Giving a morsel of food to a Muslim brother for God's sake is more beloved to me than giving a Dirham in charity, and giving a Dirham to a Muslim is more beloved to me than giving ten Dirhams in charity, and giving him ten Dirhams is more beloved to me than making a slave free.

۲۲۰۵ لأن أعين أخى المؤمن على حاجته أحبّ إليّ من صيام شهر و اعتكاف فى المسجد الحرام.

اینکه برادر مؤمن خویش را بر حاجت وی اعانت کنم پیش من از یکماه روزه و اعتکافی در مسجد الحرام محبوبتر است.

Helping a Muslim brother in his requests is more beloved to me than keeping fast for a month and having ritual seclusion in the Holy Mosque.

۲۲۰۶ لأن أكون فى شدّة أتوقّع بعدها رخاء أحبّ إليّ من أن أكون فى رخاء أتوقّع بعده شدّة.

این که در سختی باشم و از پی آن امید و آسایش داشته باشم پیش من محبوبتر است تا در آسایشی باشم که از پی آن منتظر سختی باشم.

Being in hardship and waiting for comfort is better to me than being in comfort followed by hardship.

۲۲۰۷ لأن تصلّى المرأة فى بيتها خير لها من أن تصلّى فى حجرتها، و لأن تصلّى فى حجرتها خير من أن تصلّى فى الدار، و لأن تصلّى فى الدار خير لها من أن تصلّى فى المسجد.

اینکه زن در اطاق خویش نماز کند برای او بهتر است تا در ایوان خویش نماز کند و اینکه در ایوان خویش نماز کند بهتر است تا در صحن خانه نماز کند و این که در صحن خانه نماز کند برای وی بهتر است تا در مسجد نماز کند.

It is better for a woman to pray in a room of her house than in the veranda, to pray in the veranda than in the yard, and to pray in the yard than in the mosque.

۲۲۰۸ لأن يأخذ أحدكم حبله ثمّ يغدوا إلى الجبل فيحطب فيبيع فيأكل و يتصدّق خير له من أن يسأل الناس.

اینکه یکی از شما ریسمان خویش بر گیرد و بکوه رود و هیزم فراهم آورد و بفروشد و بخورد و صدقه کند برای وی بهتر است که از مردم بخواهد.

Taking one's ropes, going to mountains, and collecting bushes to sell for food and for giving charity is better for any one of you than making request to people.

۲۲۰۹ لأن يؤدّب رجل ولده خير له من أن يتصدّق بصاع.

اینکه مردی فرزند خویش را ادب کند برای وی بهتر است از پیمانهای صدقه کند.

It is better for a man to train his child well than to give a handful of food in charity.

۲۲۱۰ لأن يتصدّق المرء في حياته بدرهم خير له من أن يتصدّق بمائة عند موته.

اینکه مردی در زندگی خویش درهمی صدقه کند برای وی بهتر است تا صد درهم هنگام مرگش صدقه کند.

It is better for a man to give a Dirham in charity in his lifetime than to give a hundred Dirhams at the verge of death.

۲۲۱۱ لأن يجعل أحدكم في فيه ترابا خير له من أن يجعل في فيه ما حرم الله.

اینکه یکی از شما خاکی در دهان خویش نهد برای وی بهتر است تا چیزی را که خدا حرام کرده در دهان خود نهد.

It is better for any one of you to take in a piece of earth than to take in unlawful things.

۲۲۱۲ لأن يزني الرجل بعشرة نساء خير له من أن يزني بامرأة جاره، و لأن يسرق الرجل من عشرة آيات أيسر له من أن يسرق من بيت جاره.

اینکه مرد باده زن زنا کند گناه آن کمتر است تا با زن همسایه خویش زنا کند و این که مرد از ده خانه دزدی کند برای وی آسان است تا از خانه همسایه خویش بدزدد.

Committing adultery with ten women is less sinful than doing so with a neighbor's wife, and stealing from ten houses is easier (i.e. has an easier punishment) than robbing a neighbor's house.

۲۲۱۳ لأن يطعن في رأس أحدكم بمخيط من حديد خير له من أن يمسي امرأة لا تحلّ له.

اینکه با سوزن آهنین به سر یکی از شما زنند برای وی بهتر است تا به زنی که بر وی حلال نیست دست بزند.

It is better to nail on your head than to touch a woman not legitimate for you.

۲۲۱۴ لأن یلبس أحدکم ثوبا من رقاع شتی خیر له من أن يأخذ من غیره ما لیس عنده.

اینکه یکی از شما جامه‌ای از وصله‌های مختلف پوشد برای وی بهتر است که آنچه ندارد از دیگری بگیرد.

Putting on your patchy piece is better than picking up a new one belonging to others.

۲۲۱۵ لأن یمتلی جوف رجل قیحا خیر له من أن یمتلی شعرا.

این که اندرون مردی از چرک پر شود برای وی بهتر است تا از شعر پر شود.

****** مساله شعر را وقتی انسان در مورد اسلام مطالعه می کند، مسائل عجیبی را می بیند. پیغمبر اکرم، هم با شعر مبارزه کرد و هم شعر را ترویج کرد، با شعرهایی مبارزه کرد که به اصطلاح امروز متعهد نیست یعنی شعری نیست که هدفی داشته باشد، صرفا تخیل است، سرگرم کننده است، اکاذیب است. مثلا کسی شعر می گفت در وصف اینکه نیزه فلان کسی این طور بود یا اسبش آن طور بود، یا در وصف معشوق و زلف او، یا کسی را هجو و شخصیتی را مدح می کرد برای اینکه پول بگیرد. پیغمبر شدیداً با این نوع شعر مبارزه می کرد، فرمود: «لأن یمتلی جوف رجل قیحا خیر له من أن یمتلی شعرا» [اگر درون انسان پر از چرک باشد بهتر از آن است که پر از شعرهای مزخرف باشد. ولی همچنین فرمود: «ان من الشعر لحکمة» [نهج الفصاحه حدیث ۹۱۶] اما هر شعری را نمی گویم، بعضی از شعرها حکمت است، حقیقت است.

پیغمبر در دستگاه خودش چندین شاعر داشت. یکی از آنها حسان بن ثابت است. تفکیک بین دو نوع شعر نه تنها در حدیث پیغمبر آمده، بلکه خود قرآن نیز آن را بیان کرده است: و الشعراء یتبعهم الغاوان الم تر انهم فی کل واد یهیمون و انهم یقولون ما لا یفعلون الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات [سوره ۲۶ الشعراء آیات ۲۲۴-۲۲۷] شعرائی بودند که پیغمبر اکرم یا ائمه اطهار آنها را تشویق می کردند، اما چه شعرائی؟ شعرائی که پیام اسلام را، حقایق اسلام را در لباس زیبای شعر به مردم می رساندند. و بدون شک کاری که شعر می کند، یک نثر نمی تواند انجام بدهد، چون شعر زیباتر از نثر است

It is better for a man's mind to be filled with infection than with poetry.

****In Islam useless poems like Age of Ignorance are prohibited (Quran Sura 26 Poets & Intellectuals-Ayas 224-227), but poems of wisdom are appreciated (NahjolFasaha Hdith 916).**

۲۲۱۶ لأن یمتلی جوف رجل قیحا خیر له من أن یمتلی شعرا.

اینکه خدا بدست تو مردی را هدایت کند برای تو از همه چیزهایی که خورشید بر آن تو طلوع و غروب میکند بهتر است.

Being a means for God to lead a man weighs over everything on which rises and falls the Sun.

۲۲۱۷ ليردَنَ الحقوق إلى أهلها يوم القيامة حتى يقاد للشاة الجلاء من الشاة القرناء تنطحها.

روز قیامت حقوق کسان را باز پس دهند تا آنجا که از بز شاخدار که بز بی شاخ را شاخ زده تقاص کنند.

Even a horned goat having gored an unhorned one will be called to account in the Doomsday when rights are given back to the rightful.

۲۲۱۸ لتأمرن بالمعروف و لتنهون عن المنکر أو لیسلطن الله علیکم شرارکم فیدعو خيارکم فلا یتجاب لهم.

به نیکی وادارید و از بدی باز دارید وگر نه خدا افراد بد شما را بر شما مسلط کند و نیکانتان دعا کنند و استجابشان نکنند.

Bid people to good and forbid them from evil; otherwise, God will make the worst among you dominate you. Then, your best men will pray (for you) but their prayers will not be answered.

۲۲۱۹ لترکبن سنن من کان قبلکم شبرا بشبر و ذراعا بذراع حتی لو أن أحدهم دخل جحر ضب لدخلم و حتی لو أن أحدهم جامع امرأته بالطریق لفعلموه.

روش کسانی را که پیش از شما بوده‌اند و جب بوجب و ذراع بذراع تقلید خواهید کرد تا آنجا که اگر یکی از ایشان به سوراخ سوسماری (=مارمولکی) در آمده در خواهید شد و تا آنجا که اگر یکیشان در راه با همسر خود جفت شده خواهید کرد.

* شبر = وجب = نصف ذرع = ۲۳ سانتیمتر - هر ذرع فاصله پشت آرنج تا نوک انگشت میانی

You will (surely) follow your ancestors' path step by step to the point that if one of them used to creep into a jerboa's hole or mate with his wife in the way, you would do likewise.

۲۲۲۰ لتملأن الأرض جورا و ظلما فإذا ملئت یبعث الله رجلا منی اسمه اسمی و اسم أبیه اسم أبی فیملؤها عدلا و قسطا کما ملئت جورا و ظلما.

زمین از جور و ظلم پر می‌شود و چون پر شد خدا مردی را که اسم وی اسم من است و اسم پدرش اسم پدر من است بر انگیزد تا آن را از عدل و انصاف پر کند چنان که از جور و ظلم پر شده است.

If nothing remains save one single day from the life in this world, God will prolong it so much that a man from my household will rise to fill the earth with equity just as it was filled with injustice and enormity- a man whose name and whose father's are respectively mine and my father's.

۲۲۲۱ لتملأن الأرض ظلما و عدوانا ثم ليخرجن رجلا من أهل بيتي حتى يملأها قسطا و عدلا كما ملئت ظلما و عدوانا.

زمین از جور و تعدی پر می‌شود آنگاه مردی از خاندان من بیرون آید تا آن را از انصاف و عدل پر کند چنان که از ظلم و تعدی پر شده است.

Earth will be filled with injustice, then a man from my household will rise and fill the earth with equity and justice as it was filled with injustice and enormity.

۲۲۲۲ لتنتقضن عرا الإسلام عروءه فكلما انتقضت عروءه تشبث الناس بالتي تليها فأولهن نقض الحكم و آخرهن الصلاة.

دستاویزهای اسلام یکایک شکسته می‌شود و چون دستاویزی شکسته شد مردم به دستاویز بعدی چنگ می‌زنند، نخستین دستاویزی که شکسته می‌شود حکومت حق (= احکام الهی) است و آخر آن نماز است.

The steadfast pillars of Islam will collapse one by one. Whenever one collapses, people will hang onto another, with God's commands being the first and prayers being the last to collapse.

۲۲۲۳ لزوال الدنيا أهون على الله من قتل رجل مسلم.

سقوط دنیا نزد خدا آسان‌تر از قتل یک مرد مسلمان است.

Causing the world to decline is more tolerable to God than killing a Muslim.

۲۲۲۴ لسان القاضي بين طريقين إما إلى جنه و إما إلى نار.

زبان قاضی میان دو راه است یا بسوی بهشت یا بسوی جهنم.

The words of a judge amid two paths dwell, leading him to Paradise or Hell.

۲۲۲۵ لست أخاف على أمتي غوغاء تقتلهم و لا عدواً يجتاحهم و لكنني أخاف على أمتي أئمة مضلين إن أطاعوهم
فتنوهم و إن عصوهم قتلوهم.

من بر امت خویش از انبوهائی که بکشندشان یا دشمنانی که پا مالشان کنند بیم ندارم بلکه از پیشوایان گمراه
کار بر امت خویش بیمناکم که اگر اطاعتشان کنند آنها را در فتنه و مصیبت اندازند و اگر عصیانشان کنند آنها
را می کُشدند.

I am not worried about my people as to villains who may kill them or foes who may cause them to annihilate, but as to misleading leaders who will kill them in case of disobedience and impose on them seditions in case of obedience.

۲۲۲۶ لسفرة في سبيل الله خير من خمسين حجة.

سفری در راه خدا از پنجاه حج بهتر است.

A journey for the sake of God is superior to making fifty pilgrimages to Mecca.

۲۲۲۷ كسب حلال أفضل عند الله من ضرب بسيف حولا كاملا.

افتادنی (= لغزش و خطا) در راه کسب حلال نزد خدا از یک سال شمشیر زدن بهتر است.

Being hurt in earning an honest penny is superior to God than striking with a sword for a whole year.

۲۲۲۸ لعنة الله على الراشي والمرتشي.

لعنت خدا بر رشوه ده و رشوه گیر باد.

May God damn the giver of bribe as well as its receiver.

۲۲۲۹ لعن الله الخمر و ساقبها و بايعها و مبتاعها و عاصرها و حاملها و المحمولة إليه و آكل ثمنها.

خدا شراب و نوشنده و ساقی و فروشنده و خریدار و فشارنده و حامل و گیرنده و خورنده قیمت آن را لعنت
کند.

May God damn wine as well as the drinker, the cupbearer, the vendor and the purchaser of wine and the presser of date or grape as well as the carrier and recipient of wine and those who benefit by it in money.

٢٢٣٠ لعن الله الرأسى والمرشى والذى يمشى بينهما.

خدا رشوه ده و رشوه گیر را با کسی که میان آنها واسطه می شود، لعنت کند.

May God damn the giver and receiver of bribe, as well as the mediator between them!

٢٢٣١ لعن الله الربا و آكله و كاتبه و شاهده و هم يعلمون.

خدا ربا و رباخوار را با نویسنده و شاهد معامله ربا اگر واقفند لعنت کند.

May God damn usury and usurers as well as the writer of a usury contract and the witness to it, should they be aware (of it's being unlawful).

٢٢٣٢ لعن الله الرجل يلبس لبسة المرأة و المرأة يلبس لبسة الرجل.

خدا مردی را که چون زن لباس پوشد و زنی را که چون مرد لباس پوشد لعنت کند.

May God damn a woman who dresses up like men and a man who dresses up like women.

٢٢٣٣ لعن الله الرجل من النساء.

خدا زنان مرد نما را لعنت کند.

May God damn women who behave like men.

٢٢٣٤ لعن الله المتشبهات من النساء بالرجال و المتشبهين من الرجال بالنساء.

خدا زنان مرد نما و مردان زن نما را لعنت کند.

May God damn women who behave like men, and men who behave like women.

٢٢٣٥ لعن الله المحلل و المحلل له.

خدا محلل را با کسی که برای وی محلل شوند لعنت کند.

May God damn mohallels[*] and those for whom someone plays the role of a mohallel.

[*] In Islam, when a man divorces his wife three times he is not remarry her unless a second person marries the divorced woman for a certain period of time. The second man is called mahallel.

۲۲۳۶ لعن الله المختئين من الرجال و المترجلات من النساء.

خدا مردان مخنت (=زن صفت) و زنان مرد نما را لعنت کند.

May God damn women who behave like men, and men who behave like women.

۲۲۳۷ لعن الله المسوفات التي يدعوها زوجها إلى فراشه فتقول: «سوف» حتى تغلبه عيناه.

خدا مماطله گر را لعنت کند یعنی زنی که شوهرش به بسترش خواند و گوید: «کمی بعد» تا خوابش ببرد.

May God damn a woman who calls her husband to bed but by denying him immediate sex causes him to fall asleep.

۲۲۳۸ لعن الله آكل الربا و مؤكله و كاتبه و مانع الصدقة.

خدا رباخوار و ربا ده و نویسنده معامله ربا و مانع صدقه را لعنت کند.

May God damn both sides of a usury affair as well as the one who writes the contract for it, and damn the one who blocks the way to charity.

۲۲۳۹ لعن الله ثلاثة: آكل زاده وحده، و راكب الفلاة وحده، و النائم في بيت وحده.

خدا سه کس را لعنت کند آنکه توشه خویش تنها خورد و آنکه تنها بیابان سپرد و آنکه در خانه‌ای تنها خوابد.

May God curse three persons: the one who eats his (her) provision alone, the one who rides (on a horse) in a desert alone, and the one who sleeps in a house alone.

۲۲۴۰ لعن الله من فرق بين الوالدة و ولدها و بين الأخ و أخيه.

خدا کسی را میان مادر و فرزند و میان دو برادر جدایی افکند لعنت کند.

May God damn (curse) the one who makes separation between a mother and her child or between two brothers!

۲۲۴۱ لعن الله من لعن والديه.

هر که پدر و مادر خویش را لعن کند خدایش لعنت کند.

My God damn (curse) the one who curses his/her parents.

۲۲۴۲ لعن الله من يسم في الوجه.

هر که بر چهره علامت نهد خدایش لعنت کند.

May God damn the one who marks his face!

۲۲۴۳ لعن عبد الدينار و لعن عبد الدرهم.

بنده دینار ملعون باد و بنده درهم ملعون باد.

May God damn the slaves of Dirhams and Dinars.

۲۲۴۴ لغدوة في سبيل الله أو روحه خير من الدنيا و ما فيها و لقب قوس أحدكم أو موضع قدمه في الجنة خير من الدنيا و ما فيها و لو اطلعت امرأة من نساء أهل الجنة إلى الأرض لمألت ما بينهما ريحا و لأضاءت ما بينهما و لنصيفها على رأسها خير من الدنيا و ما فيها.

صبحدم رفتنی در راه خدا یا شبانگاه رفتنی از دنیا و هر چه در آنست بهتر، اندازه کمان یکتان یا جای قدم او در بهشت از دنیا و هر چه در آن هست بهتر، اگر زنی از اهل بهشت بزمین نمایان شود میان زمین و آسمان را از بوی خوش پر کند و روشن کند، سر پوش وی که بسر دارد از دنیا و هر چه در آنست بهتر است.

Moving in the way of God in early morning or at night is better than the world and whatever belongs to it, the ark of the bow of anyone of you and his footprint in Paradise are better than the world and whatever belongs to it. If a woman among heavenly women moves toward the earth, she will fill up the distance between heavens and the earth with her pleasant perfume, and her veil is better than the world and whatever belongs to it.

۲۲۴۵ لقد أمرت أن أنجوّ في القول فإن الجواز في القول هو خير.

فرمان یافتیم که در سخن ایجاز (=اختصار در کلام؛ برخلاف اطناب) را رعایت کنیم که ایجاز در گفتار نیک است.

I have been advised to keep short in talking, for it is good indeed.

۲۲۴۶ لقد أوديت في الله و ما يوذى أحد و أخفت في الله و ما يخاف أحد، و لقد أتت على ثلاثون من بين يوم و ليلة و ما لي و لبلال طعام إلا شيء يواريه إبط بلال.

هنگامی در راه خدا اذیت دیدم که هیچ کس اذیت نمی‌دید و هنگامی در راه خدا بیم‌ناک بودم که هیچ کس بیم‌ناک نبود بسی روز و شب بر من گذشت که من و بلال جز چیزی که زیر بغل بلال نهان میشد غذائی نداشتیم.

I suffered in the way of God when no one suffered and I was frightened in the way of God when no one feared at all. Many a day and many a night I spent when Balal and me had nothing to eat, except small food hidden by Balal under his arm.

۲۲۴۷ لقد بارك الله لرجل في حاجة أكثر الدعاء فيها أعطيها أو منعها.

خدا حاجتی را که مرد در باره آن بسیار دعا کند روا بشود یا نشود، مبارک کرده است.

Verily, God has blessed the demand for which a man prays a lot, being it granted or not.

۲۲۴۸ لقد رأيت رجلا يتقلب في الجنة في شجرة قطعها من ظهر الطريق كانت تؤذي الناس.

مردی را دیدم که به خاطر درختی که مزاحم راه مردمان بود و آن را کنده بود، در بهشت می‌گشت.

I saw a man in Paradise walking around due to a tree he had cut off in the world, for it blocked people's path and annoyed them.

۲۲۴۹ لقلب ابن آدم أسرع تقلبا من القدر إذا استجمعت غليانا.

دل فرزند آدم از دیگی که سخت جوشان باشد تغییر پذیرتر است.

The heart of sons of Adam is more flexible (changeable) than a boiling pot.

۲۲۵۰ لقيام الرجل في الصف في سبيل الله عز و جل ساعة أفضل من عبادة ستين سنة.

یک ساعت ایستادن مرد به صف (جنگ و تلاش) در راه خدا از شصت سال عبادت بهتر است.

An hour of standing in the line of holy war (jihad) for the cause of God is better than sixty years of worshiping.

۲۲۵۱ لَقِيد سَوْطِ أَحَدِكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ خَيْرٌ مِمَّا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ.

اندازه نازیانه یکی‌تان در بهشت بهتر از آن چیزهاست که میان آسمان و زمین است.

Piece of Paradise, in the measure of the whip of one of you will be preferred to whatever is there between the earth and sky.

۲۲۵۲ لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ فَإِذَا أُصِيبَ دَوَاءُ الدَّاءِ بَرِيءٌ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى.

هر دردی دوائی دارد و چون دوائی درد بجا افتد باذن خدای والا بهبود حاصل گردد.

****گفت پیغمبر که یزدان مجید—از پی هر درد درمان آفرید (مولوی)**

****هر مرض دارد دوا، می دان یقین—چون دوائی درد (رنج) سرما پوستین (مولوی)**

Every distress has its specific remedy, but recovery would be achieved by proper remedy as well as the will of God.

۲۲۵۳ لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ وَ دَوَاءُ الذَّنُوبِ الْاسْتِغْفَارُ.

هر دردی را دوائیست و دوائی گناهان آمرزش خواستن است.

****گفت پیغمبر که یزدان مجید—از پی هر درد درمان آفرید (مولوی)**

****هر مرض دارد دوا، می دان یقین—چون دوائی درد (رنج) سرما پوستین (مولوی)**

Every distress has its specific remedy, and the remedy of sins is asking for God's mercy.

۲۲۵۴ لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةٌ إِلَّا سَوْءَ الْخَلْقِ.

هر گناهی را توبه‌ای هست مگر بد خوئی.

For every sin there is (a form of) penitence, save for bad-temperedness.

۲۲۵۵ لِكُلِّ شَيْءٍ آفَةٌ تَفْسِدُهُ وَ آفَةٌ هَذَا الدِّينِ وَ لَاءُ السَّوِّءِ.

هر چیزی آفتی دارد که مایه فساد آن می‌شود و آفت این دین زمامداران بدند.

For everything there is a (form of) harm leading to its ruin, and the harm to this religion are corrupt rulers.

۲۲۵۶ لكل شيء حلية و حلية القرآن الصوت الحسن.

هر چیزی زینتی دارد و زینت قرآن صوت خوش است.

For everything there is a beauty, and for the Quran, a nice recitation.

۲۲۵۷ لكل شيء زكاة و زكاة الجسد الصوم.

هر چیزی را زکاتی هست و زکات تن روزه داشتن است.

For everything some alms are due, and for the body, fasting.

۲۲۵۸ لكل شيء زكاة و زكاة الدار بيت الضيافة.

هر چیزی را زکاتی هست و زکات خانه اطاق مهمانخانه است.

For everything some alms are due, and for one's house, the drawing room.

۲۲۵۹ لكل شيء طريق و طريق الجنة العلم.

هر چیزی راهی دارد و راه بهشت دانش است.

Everything has its own path, and the path to Paradise is (acquiring) knowledge.

۲۲۶۰ لكل شيء عماد و عماد هذا الدين الفقه.

هر چیزی را ستونی هست و ستون این دین دانائی به احکام شریعت (=فقه) است.

Everything has a pillar, and the pillar of this religion is deep knowledge of religious laws.

۲۲۶۱ لكل شيء مفتاح و مفتاح السموات قول «لا إله إلا الله».

هر چیزی را کلیدی هست و کلید آسمانها گفتار «لا اله الا الله» است.

For everything there is a key, and the key to skies is saying, "There is no god but Allah".

۲۲۶۲ لكل شيء مفتاح و مفتاح الجنة حب المساكين و الفقراء.

هر چیزی را کلیدی هست و کلید بهشت دوستی مستمندان و فقیران است.

For everything there is a key, and the key to Paradise is to love the poor and the needy.

۲۲۶۳ لكل عبد صيت: فإذا كان صالحا وضع في الأرض و إن كان سيئا وضع في الأرض.

هر بندهای شهرتی دارد اگر نیک باشد در زمین رود و اگر بد باشد در زمین رود.

Everybody has his/her own fame, which ascends to the sky being it good but descends into the earth being it evil.

۲۲۶۴ لكل غادر لواء يوم القيامة يعرف به.

هر خیانتکاری روز قیامت پرچمی دارد که بدان شناخته شود.

Every traitor will have a flag in the Resurrection by which to be recognized.

۲۲۶۵ للتوبة باب بالمغرب مسيره سبعين عاما لا يزال كذلك حتى يأتي بعض آيات ربك طلوع الشمس من مغربها.

توبه دری بمغرب دارد که وسعت آن هفتاد سال راه است و همچنان باز است تا بعضی آیات پروردگارت

بیاید: طلوع خورشید از طرف مغرب.

Repentance has a door in the west, open as long as seventy years, till some verses of your Lord come down, and then the Sun will rise from it's west.

۲۲۶۶ للجار حق.

همسایه حق دارد.

A neighbor has (specific) rights.

۲۲۶۷ للرحم لسان عند الميزان تقول: يا رب من قطعني فاقطعه و من وصلني فصله.

خویشاوندی روز حساب زبانی دارد و گوید خدایا هر که مرا برید او را ببر و هر که مرا پیوست او را پیوند ده.

Kinship will have a tongue in the Day of Judgment, saying, "O God! Whoever cut me off, cut him/her off, and whoever kept me intact, keeps him/her intact (today)."

۲۲۶۸ للسائل حق و إن جاء على فرس.

خواهنده(=درخواست کننده) حقی دارد اگر چه سوار اسب بیاید.

There is a right for a beggar, though coming on horseback.

۲۲۶۹ للمتکلف ثلاث علامات: يتملق إذا حضر و يغتاب إذا غاب و يشتم بالمصيبة.

متکلف(=ظاهر ساز و خودنما) را سه نشانیست در حضور تملق گوید و در غیاب غیبت کند و مصیبت را شماتت کند.

A boaster has three traits: flattering in (people's) presence, backbiting in (people's) absence, and scolding in people's calamities.

۲۲۷۰ للمرأة ستران: القبر و الزواج.

زن دو پرده دارد قبر و زناشوئی.

A woman has two veils: the marriage bond and the grave.

۲۲۷۱ للمرائی ثلاث علامات: ينشط إذا كان عند الناس و یکسل إذا كان وحده و يحب أن یحمد فی جميع أمورہ.

ریا کار سه نشان دارد وقتی پیش مردم باشد بانشاط است و وقتی تنها باشد ملول است و دوست دارد در همه کارش ستایش شود.

Three things are characteristic of a hypocrite: s(he) feels happy when being among people, feels sad when being lonely, and likes to be admired in all his affairs.

۲۲۷۲ للمسلم على المسلم خمس: يسلم عليه إذا لقيه و يجيبه إذا دعاه و يعوده إذا مرض و يتبع جنازه إذا مات و يحب له ما يحب لنفسه.

مسلمان بر مسلمان پنج حق دارد: وقتی ببیندش به او سلام کند و وقتی بخواندش بپذیرد و وقتی بیمار شد عیادتش کند و وقتی بمیرد جنازه‌اش را تشییع کند و هر چه برای خویش بخواهد برای او بخواهد.

Muslim has five duties towards another Muslim: greeting him, accepting his call, paying him a visit in sickness, participating in his funeral intercession, and wishing for him what he wishes for himself.

۲۲۷۳ للمملوك طعامه و كسوته بالمعروف و لا يكلف من العمل إلّا ما يطيق.

مملوک حق طعام و غذای شایسته دارد و کاری که تاب آن ندارد به عهده او نگذارند.

A bondservant should be fed and dressed properly and be not burdened with intolerable tasks.

۲۲۷۴ للمملوك على سيده ثلاث خصال: لا يعجله عن صلاته و لا يقيمه عن طعامه و يشبعه كل الإشباع.

مملوک بر آقای خود سه حق دارد: در ادای نماز شتابزده‌اش نکند، و از غذا برش نخیزاند، و کاملاً سیرش کند.

A master is not allowed to do the following to his bondservant: making him haste in setting prayers, stopping him in eating, and leaving him satiated.

۲۲۷۵ للمؤمن أربعة أعداء: مؤمن يحسده و منافق يبغضه و شیطان یضله و کافر یقاتله.

مؤمن چهار دشمن دارد، مؤمنی که بر او حسد برد و منافقی که دشمنش دارد و شیطانی که گمراهش کند و کافری که با او پیکار کند.

A believer has four enemies: a jealous believer, a detesting hypocrite, a deviating satan, and a hostile infidel.

۲۲۷۶ للمنافق ثلاث علامات: إذا حدّث كذب، و إذا وعد أخلف، و إذا اتّمن خان.

منافق سه نشان دارد: وقتی سخن کند دروغ گوید و چون وعده دهد تخلف کند و چون امینش شمارند خیانت کند.

Three things are characteristic of a hypocrite: telling lie, breaking one's promises and committing treachery in trusts.

۲۲۷۷ للنار باب لا يدخل منه إلا من شفى غيظه بسخط الله تعالى.

جهنم را دری هست که جز آنکه غیظ خویش را به نارضائی شدیدخدای والا فرو نشانده از آن وارد نمیشود.

Hell has a door through which nobody is allowed to pass, save those who quench their wrath by highly displeasing the Exalted God.

۲۲۷۸ لم توتوا بعد كلمة الإخلاص مثل العافية فاسألوا الله العافية.

شما را پس از کلمه اخلاص چیزی مثل عافیت نداده‌اند از خدا عافیت طلبید.

Apart from sincerity (in faith), you are not endowed with anything like safety and good health. So, ask God for it.

۲۲۷۹ لم يبعث الله تعالى نبيا إلا بلغه قومه.

خدا هیچ پیغمبری را جز به زبان قومش نفرستاد.

The Exalted God has appointed no prophet with a language other than that of his people.

۲۲۸۰ لم يبق من النبوة إلا المبشرات: الرؤيا الصالحة.

از پیغمبری جز بشارت‌رسانها نمانده، یعنی رؤیای نیک (رؤیای صادق).

Nothing has been left of prophet-hood, save the givers of good tidings, i.e. true dreams.

۲۲۸۱ لم يكذب من نبي بين اثنين ليصلح.

هر کسی میان دو تن سخنی گوید که اصلاحشان دهد دروغ نگفته.

It is not telling lie to bear tales intending to make two persons rejoin.

۲۲۸۲ لم يلق ابن آدم شيئا قط منذ خلقه الله أشدّ عليه من الموت ثم إن الموت لأهون مما بعده.

فرزند آدم از آن هنگام که خدایش آفریده چیزی سخت‌تر از مرگ ندیده و باز مرگ از ما بعد مرگ آسان‌تر است.

Since his creation, the son of Adam has not experienced anything harder than death, but the world after death is even harder.

۲۲۸۳ لما صَوَّرَ اللَّهُ تَعَالَى آدَمَ فِي الْجَنَّةِ تَرَكَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَتَرَكَهُ، فَجَعَلَ إِبْلِيسَ يَطِيفُ بِهِ يَنْظُرُ إِلَيْهِ فَلَمَّا رَأَى أَجُوفَ عَرَفَ أَنَّهُ خَلَقَ لَا يَتِمَالِكُ.

چون خدای والا در بهشت آدم را آفرید وی را تا مدتی که خواست وا گذاشت و ابلیس بر او گشتن و نگریستن گرفت و چون دید که میان تهی است، دانست که این مخلوق خویشتن دار نیست.

Creating Adam in Paradise, the Exalted God left him on his own for some time. Then, Satan began to move around watching him, and finally finding him empty- bodied, he came to understand that Adam was not a self-possessed creature.

۲۲۸۴ لَمَّا عَرَجَ لِي رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ مَرَرْتُ بِقَوْمٍ لَهُمْ أَظْفَارُ مِنْ نَحَاسٍ يَخْمَشُونَ وَجُوهَهُمْ وَصُدُورَهُمْ فَقُلْتُ: مَنْ هَؤُلَاءِ يَا جَبْرِيْلُ؟ قَالَ: هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ لَحْمَ النَّاسِ وَيَقْعُونَ فِي أَعْرَاضِهِمْ.

وقتی پروردگارم عز و جل مرا (در معراج) بالا برد به قومی گذشتم که ناخن‌های مسین داشتند و صورت و سینه خویش میخراشیدند گفتم: ای جبرئیل این‌ها کیانند؟ گفت: اینان آن کسانی‌اند که گوشت مردم می‌خورند (=غیبت مردم کنند) و از عرضشان سخن کنند (=باعث بی آبرویی آنها گردند).

When my Lord, the Greatest and the most Powerful, took me to heavens, I saw a people who had copper nails scratching their faces and chests. I asked Gabriel who they were? He replied, "They are those who eat people's flesh (backbite them) and disgrace them."

۲۲۸۵ لَمَّا نَشَأْتُ بَغَضْتُ إِلَى الْأَوْثَانِ وَبَغَضْتُ إِلَى الشَّعْرِ وَ لَمْ أَهَمْ بِشَيْءٍ كَانِ الْجَاهِلِيَّةُ تَفْعَلُهُ إِلَّا مَرَّتَيْنِ فَعَصَمَنِي اللَّهُ مِنْهُمَا ثُمَّ لَمْ أَعُدْ.

وقتی بزرگ‌شدم بتان را منفور داشتم و از شعر (شعر جاهلی-نکا حدیث ۲۲۱۵) متنفر بودم و چیزی از آنچه مردم جاهلیت میکردند نخواستم، جز دو بار که خدا مرا از آن مصون داشت و دیگر نخواستم.

When I grew up I started hating idols and poetry. I didn't wish to do what the people of the Age of Ignorance did, save in two cases when my God kept me intact, and no more.

۲۲۸۶ لمعالجة ملك الموت أشد من ألف ضربة بالسيف.

جان گرفتن فرشته مرگ از هزار ضربه شمشیر سخت تر است.

Taking up man's soul by the Angle of Death is harder than a thousand strokes of sword.

۲۲۸۷ لن تزول قدم شاهد الزور حتى يوجب الله له النار.

شاهد دروغ هنوز گامی برداشته که خداوند جهنم را بر او واجب کرده است.

One who testifies to falsehood will not step in the road before God makes Hell his/her unavoidable abode.

۲۲۸۸ لن يبتلى عبد بشيء أشد من الشرك و لن يبتلى بشيء بعد الشرك أشد من ذهاب بصره و لن يبتلى عبد بذهاب بصره فيصبر إلا غفر الله له.

بنده را بلیه‌ای سختتر از شرک نیست و پس از شرک، بلیه‌ای بدتر از کوری نیست و هر بنده‌ای که به کوری مبتلا شود و صبوری ورزد خدایش بیامرزد.

There is no calamity (trial) harder than polytheism for God's servants; other than that, there is no calamity harder than blindness, and whoever is afflicted with it but keeps patient, would be blessed by God.

۲۲۸۹ لن يبرح هذا الدين قائما يقاتل عليه عصابة من المسلمين حتى تقوم الساعة.

این دین پیوسته استوار است، و گروهی از مسلمانان بر آن پیکار کنند تا قیامت در آید.

This religion will permanently be steadfast, and a group of Muslims will (always) fight for it to the Day of Resurrection.

۲۲۹۰ لن يجمع الله تعالى على هذه الامّة سيفين: سيفاً منها و سيفاً من عدوّها.

خدا دو شمشیر با هم بر این امت نهد شمشیری از خودشان و شمشیری از دشمن.

The Exalted God will not put two swords on this (Islamic) nation simultaneously- one from themselves and the other from their enemies.

۲۲۹۱ لن يزال العبد في فسحة من دينه ما لم يشرب الخمر و إذا شربها خرق الله عنه ستره و كان الشيطان وليه و سمعه و بصره يسوقه إلى كل شرّ و يصرفه عن كل خير.

بنده تا شراب ننوشد عرصه دین بر او گشاده باشد، و چون شراب بنوشد پرده خدا از او بدرد، و شیطان یار و گوش و چشم او شود، و او را بسوی بدی ها براند و از نیکی ها منصرف کند.

The realm of religion will be opened to God's servants unless they drink wine, and should they do so, God will remove His support from them, and thus Satan will make friend with them, dwelling in their ears and eyes to push them towards all evils and keep them away from all the good.

۲۲۹۲ لن يشبع المؤمن من خير يسمعه حتى يكون منتهاه الجنة.

مؤمن از استماع خیر سیر نشود تا سرانجامش اهل بهشت شود.

Believers will not be satiated with hearing the good till they join Paradise.

۲۲۹۳ لن يغلب عسر يسرين «إن مع العسر يسرا، وإن مع العسر يسرا».

یک سختی بر دو گشایش غلبه نخواهد کرد: (آری) به یقین با سختی آسانی است، مسلماً با سختی آسانی است (سوره ۹۴ الشرح آیات ۵ و ۶).

****بعدِ ضدّ رنجِ آنِ ضدّ دگر-رو دهد، یعنی گشاد و گرّ و فر (مولوی)**

****عسر با یسر (یسر با عسر) است، هین، آیس مباح-راه داری زین ممات اندر معاش (مولوی)**

One difficulty will not prevail over two reliefs, for "So verily, with every straitened circumstances there is a relief[by Allah's Favor]", and "Verily with every straitened circumstances there is a relief"(Sura 94-The Expansion of Tolerance-Ayas 5 & 6).

۲۲۹۴ لن يفلح قوم وئوا أمرهم امرأة.

گروهی که زمام کار خویش به زنی سپارند، هرگز رستگار نشوند.

People who entrust the administration of their affairs to a woman will never be saved (prosperous).

۲۲۹۵ لن ینفع حذر عن قدر و لكن الدّعاء ینفع ممّا نزل و ممّا لم ینزل.

احتیاط با تقدیر سود ندهد. اما دعا در قبال بلائی که آمده و نیامده سودمند است.

**جمله گفتند ای حکیم با خیر—الحذر دَع لیس یُغنی عَن قَدَر (مولوی)

**چون قضا آید فرو پوشد بصر—تا نداند عقل ما پا را ز سر (مولوی)

**گر شود ذرات عالم حیلہ پیچ—با قضای آسمان هیچند هیچ (مولوی)

**سبلت را بر کند یک یک قدر—تا بدانی کالقَدَر یعمی الحذر (مولوی)

**چون قضا آید، فرو پوشد بصر—تا نداند عقل ما پا را ز سر (مولوی)

Caution is not useful against fate; rather, praying is of use against the befallen and non-befallen (events).

۲۲۹۶ لن یهلك امرؤ بعد مشورۃ.

هیچ کس از پس مشورت هلاک نشود.

No one will perish out of counseling with others.

۲۲۹۷ لن یهلك الناس حتّٰی یعذروا من أنفسهم.

مردم هلاک نمیشوند تا حجت بر ایشان تمام شود.

People will not perish till demonstrative reason becomes evident for them.

۲۲۹۸ لو أنّ العباد لم یذنبوا لخلق الله خلقا یذنبون ثمّ یغفر لهم و هو الغفور الرّحیم.

اگر بندگان گناه نمیکردند خدا خلقی می آفرید که گناه کنند تا بیامرزشان که او آمرزگار و رحیم است.

If God's servants didn't commit sins, He would create a people who would commit sins to be forgiven by Him, for He is the most Merciful and Forgiving.

۲۲۹۹ لو أنّ الماء الّذی یكون منه الولد أهرقته علی صخره لأخرج الله تعالی منها ولدا و لیخلقنّ الله تعالی نفسا هو خالقها.

اگر آبی را که باید فرزند شود بر سنگی بریزی خدای والا فرزندی از آن بیرون خواهد آورد خدا کسی را که باید خلق کند خلق میکند.

If you pour the water (semen), which is destined to be a child, on a piece of stone, the Exalted God will bring a child out of it, for He will surely create whoever is to be created.

۲۳۰۰ لو أن ابن آدم هرب من رزقه كما يهرب من الموت لأدرکه رزقه كما یدرکه الموت.

اگر آدمیزاد از روزی خویش بگریزد چنان که از مرگ میگریزد، روزیش بدو رسد چنان که مرگ میرسد.

Should man escape from his sustenance as he escapes from death, his sustenance will come upon him just as death does.

۲۳۰۱ لو أن أحدکم يعمل فی صخره صماء لیس لها باب و لا کوه لخرج عمله للناس کائنا ما کان.

اگر یکیتان در دل سنگ سخت کاری کند که نه در داشته باشد و نه روزن، کار وی هر چه باشد میان مردم شایع شود.

Should one among you do something whatsoever inside a hard rock having no door and opening to it, it will spread out among people.

۲۳۰۲ لو أن امرأة من نساء الجنة أشرفت إلى الأرض لمألت الأرض من ریح المسک و لأذهبت ضوء الشمس و القمر.

اگر زنی از زنان بهشت بر زمین نمودار شود زمین را از بوی مشک پر کند و نور خورشید و ماه ببرد.

Should one of the Paradise women make her appearance on the earth, her aroma of musk will fill up the earth and take away the light of the Sun and the Moon.

۲۳۰۳ لو أن أهل السماء و الأرض أشرکوا فی ذم مؤمن لکتبهم الله عز و جل فی النار.

اگر مردم آسمان و زمین در مذمت مؤمنی شرکت کنند خدای عز و جل در آتش واژگونشان کند.

Should the dwellers of heavens and the earth take part in slandering a believer, the Greatest and the most Powerful God would turn them upside down in the Fire.

۲۳۰۴ لو أن دلوًا من غساق يهراق في الدنيا لأنتن أهل الدنيا.

اگر دلیوی از آشامیدنی جهنم را در دنیا بریزند اهل دنیا را متعفن کند.

Should a bucket of the hellish drinks be poured on the world, it would putrefy people.

۲۳۰۵ لو أن رجلا في حجره درهم يقسمها و آخر يذكر الله كان الذاکر لله أفضل.

اگر کسی در خانه اش درهم و دینار داشته باشد که تقسیم کند و دیگری خدا را یاد کند، یاد خدا بهتر است.

Verily, remembrance of God weighs over dispensing one's wealth.

۲۳۰۶ لو أن رجلا يجرّ على وجهه من يوم ولد إلى يوم يموت هرما في مرضاه الله تعالى لحقره يوم القيامة.

اگر کسی از روزی که زاده تا روزی که پیر شود و بمیرد به جلب رضای خدا بر چهره خویش بغلطد روز قیامت عمل خویش را حقیر خواهد شمرد.

Should someone rub his/her face against the earth from birth to death for the pleasure of the Exalted God, s(he) will surely find his/her action insignificant in the Resurrection.

۲۳۰۷ لو أن شررة من شرر جهنم بالشرق لوجد حرّها من بالمغرب.

اگر شعله‌ای از شعله‌های جهنم به مشرق باشد آنکه در مغرب است گرمای آن را احساس کند.

Should a spark of Hellish flames be in the east, the one who is in the west will feel its heat.

۲۳۰۸ لو أن قطرة من الزقوم قطرت في الدنيا لأفسدت على أهل الدنيا معایشهم فكيف بمن تكون طعامه؟.

اگر قطره‌ای از زقوم جهنم را در دنیا بچکانند زندگی را بر مردم دنیا تباه خواهد کرد پس آنکه خوراکش زقوم است چه خواهد کرد؟

*زقوم=گیاه تلخ، بدبو و بدطعم جهنمی خوراک گناهکاران (سوره ۴۴ الدخان آیه ۴۳)

If a drop of Hellish Zaqqum drips to the world, it will ruin the life of the people. So, what would happen to the ones whose otherworldly food is Zaqqum?

****Zaqqum=Hellish tree bitter, bad smell and bad taste fruit, food of evildoers (Sura 44-The Smoke, Aya 43)**

۲۳۰۹ لو أن مقمعا من حديد جهنم وضع في الأرض فاجتمع له الثقلان ما أقلوه من الأرض و لو ضرب الجبل بمقمع من حديد كما يضرب أهل النار لتفتت و عاد غبارا.

اگر گریزی از آهن جهنم را در زمین نهند و همه جهانیان جمع شوند آن را از زمین بردارند، و اگر کوه را با گریزی از آهن بزنند چنان که اهل جهنم را میزنند، ریز ریز شود و غبار گردد.

Should a club of hellish iron be laid on the earth and all the people gather to lift it up, they will not be able to do so, and should it strike a mountain just as it does with the dwellers of Hell, the former will be chopped into dust.

۲۳۱۰ لو أنكم توكلون على الله تعالى حق توكله لرزقكم كما يرزق الطير، تغدو خماسا و تروح بطانا.

اگر شما چنان که شایسته توکل کردن است بخدا توکل داشتید، روزی شما را نیز چون روزی مرغان می رساند که بصبح گرسنه اند و بشب سیر.

****اندروین عالم هزاران جانور—می زید خوش عیش بی زیر و زبر**

شکر می گوید خدا را فاخته—بر درخت و برگ شب ناساخته

حمد می گوید خدا را عندلیب—کاعتماد رزق بر توست ای مجیب (مولوی)

Should your trust truly on God be, as it deserves, He will expand your sustenance as He does for birds, being hungry in morning and satiated at night.

۲۳۱۱ لو أن لابن آدم واديين من ذهب لابتغى اليهما واديا ثالثا و لا يملأ جوف ابن آدم إلا التراب و يتوب الله على من تاب.

آدمیزاد اگر دو دره از طلا داشته باشد بعلاوه آن دره سوم طلب کند شکم آدمیزاد را جز خاک پر نکند و هر که توبه کند خدا توبه او را بپذیرد.

Should man have two gold valleys, he will seek a third one, for nothing will fill his belly but soil, and God will accept the repentance of whoever repents.

۲۳۱۲ لو آمن بی عشرة من اليهود لآمن بی اليهود.

اگر ده تن از یهودان به من ایمان آورده بودند همه یهودان به من ایمان می آوردند.

Had ten of the Jews believed me, all of them would have done so.

۲۳۱۳ لو أخطأتم حتى تبلغ خطاياكم السماء ثم تبتنم لتاب الله عليكم.

اگر آنقدر خطا کنید که خطاهایتان به آسمان برسد و سپس توبه کنید خدا توبه شما را میپذیرد.

Should you make so many mistakes piling up high into the sky, and then repent, even then will God accept your repentance.

۲۳۱۴ لو أذن الله تعالى في التجارة لأهل الجنة لا تجروا في البزّ و العطر.

اگر خدا به اهل بهشت اجازه تجارت داده بود تجارت پارچه و عطر میکردند.

Had God let the dwellers of Paradise do commerce, they would have been merchants of clothes and perfume.

۲۳۱۵ لو أهدى إلى كراع لقبلت و لو دعيت إليه لأجبت.

اگر شانه گوسفندی به من هدیه دهند می پذیرم و اگر دعوتم کنند اجابت میکنم.

Should someone give me a sheep's arm for gift or invite me, I will accept both.

۲۳۱۶ لو بغى جبل على جبل لدك الله الباغي منهما.

اگر کوهی به کوهی تجاوز کند خدا کوه متجاوز را درهم کوبد.

Should a mountain oppress another mountain, God will punish heavily the aggressive one.

۲۳۱۷ لو تعلم البهائم من الموت ما يعلم ابن آدم ما أكلتم منها سمينا.

اگر چهارپایان به آنچه فرزند آدم درباره مردن آگاهی دارد، آگاه می شدند، دیگر شما نمی توانستید گوشت حیوان فربهی را بخورید.

**** کنايه از اينکه ياد مرگ موجب مي‌شود تا خلاق از انسان و بهائم لاغر و بدون توجه به شهوات نفساني بمانند.**

If animals were aware of what men know about death, you could not find a fat animal to eat.

۲۳۱۸ لو تعلم المرأة حق الزوج لم تقعد ما حضر غداؤه و عشاؤه حتى يفرغ منه.

اگر زن حق شوهر بداند، هنگام ناهار و شام او ننشیند تا فراغ یابد.

If women knew about their husbands' rights, they would stand at their service till finishing lunch and supper.

۲۳۱۹ لو تعلمون قدر رحمة الله لا تكلتم عليها.

اگر از وسعت رحمت خدا خبر داشتید، بر آن اعتماد میکردید.

If you knew about the extent of God's mercy, you would rely on it.

۲۳۲۰ لو تعلمون ما أعلم لضحكتم قليلا و لبكيتم كثيرا.

اگر آنچه من دانسته‌ام بدانید، خنده کم و گریه بسیار می کردید.

If you knew what I know, you would laugh less and weep more.

۲۳۲۱ لو تعلمون ما أعلم لضحكتم قليلا و لبكيتم كثيرا و لا ساغ لكم الطعام و لا الشراب.

اگر آنچه من دانسته‌ام بدانید، خنده کم و گریه بسیار می کردید و غذا و نوشیدنی بر شما گوارا نمی بود.

**** ما چو واقف گشته ایم از چند و چون—مهر بر لب های ما بنهاده اند**

تا نگردد رازهای غیب فاش—تا نگردد منهدم نظم معاش (مولوی)

If you knew what I know, you would laugh less and weep more, with food and drink being distasteful to you.

۲۳۲۲ لو تعلمون ما أعلم لبكيتم كثيرا و لضحكتم قليلا و لخرجتم إلى الصعدات تجأرون إلى الله تعالى لا تدرن تنجون أو لا تنجون.

اگر آنچه من دانسته‌ام بدانید، گریه بسیار و خنده کم می‌کردید و بر بلندیاها رفته تضرع پیشگاه خدا می‌بردید و بیمناک بودید که آیا نجات خواهید یافت یا نه.

***مصطفی گوید اگر گویم به راست—شرح آن دشمن که در جان شماست**

زهرهای پردلان برهم درد—نی رود نی غم کاری خورد

نی دلش را تاب ماند در نیاز—نی تنش را قوت صوم (=روزه) و نماز (مولوی)

If you knew what I know, you would weep more and laugh less and climb to high places to entreat to God, being fearful about your (eternal) safety or ruin.

۲۳۲۳ لو تعلمون ما أعلم لبكيتم كثيرا و لضحكتم قليلا:

يظهر النفاق و ترتفع الأمانة و تقبض الرحمة و يتهم الأمين و يؤتمن غير الأمين يحيط بكم الفتن كأمثال الليل المظلم.

اگر آنچه من می‌دانستم بدانید، بسیار می‌گریستید و کمتر خنده می‌کردید:

نفاق آشکار شود و امانت بر خیزد و رحمت چیده شود امین را متهم کنند و خیانت گر را امین شمارند و فتنه‌ها چون شب تاریک شما را فرا گیرد.

If you knew what I know, you would weep more and laugh less: for discord will come to pass, honesty will disappear, trust will be eliminated, honest men will be charged (of dishonesty), the treacherous will be regarded honest, and seditions will overcome you just as dark nights do.

۲۳۲۴ لو تعلمون ما ادخر لكم ما حزنتم على ما زوى عنكم.

(ای فقیران) اگر بدانید چه چیزها برای شما ذخیره شده بر آنچه ندارید غم نخواهید خورد.

If you knew about the saved things for you, you would not feel sad for what you lack now.

۲۳۲۵ لو تعلمون ما لكم عند الله لأحببتهم أن تزادوا فاقه و حاجة.

(ای فقیران) اگر بدانید پیش خدا چه‌ها دارید دوست خواهید داشت فقر و حاجت شما بیشتر شود.

If you knew what you have with God, you would like to fall into more poverty and need.

۲۳۲۶ لو تعلمون من الدنيا ما أعلم لاستراحت أنفسكم منها.

اگر از دنیا آنچه من میدانم بدانستید جانتان از غم آن آسوده میشد.

If you knew what I know about the world, you would feel safe against its sorrows.

۲۳۲۷ لو تعلمون ما في المسألة ما مشى أحد إلى أحد يسأله شيئاً.

اگر می دانستید در سؤال چه چیزها هست هیچ کس سوی دیگری نمیرفت که از او چیزی بخواهد.

If you knew what was behind questioning, nobody would ever make a request to anybody else.

۲۳۲۸ لو تعلمون ما أنتم لاقون بعد الموت ما أكلتم طعاما على شهوة أبدا و لا شربتم شرابا على شهوة أبدا و لا دخلتم بيتا تستظلون به و لمررتهم إلى الصعدات تكدحون صدوركم و تبكون على أنفسكم.

اگر میدانستید از پس مرگ چه خواهید دید هرگز غذائی با اشتها نمی خوردید و هرگز نوشیدنی ای به رغبت نمی آشامیدید و به خانه ای در نمیشدید که در سایه آن آرام گیرید و بر بلندی ها رفته سینه خویش میخراشیدید و به حال خویش گویان بودید.

**** ما چو واقف گشته ایم از چند و چون - مهر بر لب های ما بنهاده اند**

تا نگرده رازهای غیب فاش - تا نگرده منهدم نظم معاش (مولوی)

If you knew what would befall you after death, you would have no appetite to eat, would never drink tastefully, would never enter a house to take rest, but would (instead) climb to summits hurting your chests and bewailing your souls.

۲۳۲۹ لو جاء العسر فدخل هذا الحجر لجاء اليسر فدخل عليه فأخرجه.

اگر سختی بیاید و وارد این سوراخ شود، گشایش بیاید و وارد آن شود و سختی را بیرون کند.

If hardship enters a hole, relief will do too to make the former vanish.

۲۳۳۰ لو خفتم الله تعالى حقّ خيفته لعلمتم العلم الذي لا جهل معه، و لو عرفتم الله تعالى حقّ معرفته لزالتم لدعائكم الجبال.

اگر از خدا چنانچه شایسته ترسیدن از اوست ترس داشتید، علمی که به جهل آمیخته نیست نصیبتان میشد، و اگر خدا را چنان که شایسته شناختن اوست می شناختید به دعای شما کوهها جابجا میشد.

If you were afraid of the Exalted God, as you should, you would acquire knowledge untainted by ignorance; and if you knew the Exalted God, as He deserves, mountains would be shaken at your command.

۲۳۳۱ لو رأيت الأجل و مسيره أبغضت الأمل و سروره.

اگر اجل (=مرگ حتمی) و رفتار آن را به بینی آرزو و مسرت آن را دشمن خواهی داشت.

If you could see death and its course, worldly desire and its happiness would turn worthless for you.

۲۳۳۲ لو قيل لأهل النار إنكم ماكتون في النار عدد كل حصاة في الدنيا لفرحوا بها و لو قيل لأهل الجنة إنكم ماكتون عدد كل حصاة لحزنوا و لكن جعل لهم الأبد.

اگر به جهنمیان گویند که شماره به تعداد ریگهای دنیا در جهنم خواهید ماند خوش حال شوند و اگر به بهشتیان گویند که به شماره ریگها در بهشت خواهید ماند غمگین شوند ولی آنها را جاودانی کرده اند.

If it is said to the dwellers of Hell that they will stay there to the number of sands on the earth, they will rejoice, and if the same is said to the dwellers of Paradise, they will feel sad, but God has granted eternal life to the latter.

۲۳۳۳ لو كان الإيمان بالثريا لتناوله رجال من فارس.

اگر ایمان در ثریا بود مردانی از فارس بدان می رسیدند.

If faith were in the Star Cluster Pleiades (Seven Sisters, the seventh is not visible "Lost Pleiad"), (some) men of Persia would find a way to it.

۲۳۳۴ لو كان الحياء رجلا لكان رجلا صالحا.

اگر حیا مردی بودی مرد شایسته ای بودی.

If modesty were a man, it would be a decent one.

۲۳۳۵ لو كانت الدنيا وزن عند الله جناح بعوضة ما سقى كافرا شربة ماء.

اگر دنیا نزد خدا بقدر بال پشه‌ای ارزش داشت شربت آبی به کافری نمی‌نوشانید.

****جمله دنیا را پر پشه بها-سیلی ای را رشوت بی منتهی (مولوی)**

If the world were as valuable to Allah as a wing of a mosquito, He would never give a sip of water to an infidel.

۲۳۳۶ لو كان الصبر رجلا لكان رجلا كريما.

اگر صبر مردی بودی، مرد بزرگواری بودی.

If patience were a man, it would be a noble one.

۲۳۳۷ لو كان العجب رجلا كان رجلا سوء.

اگر خود پسندی مردی بودی مرد بدی بودی.

If vanity were a man, it would not be a nice one.

۲۳۳۸ لو كان العسر في جحر لدخل عليه اليسر حتى يخرج.

اگر سختی به سوراخی باشد گشایش و آسانی بر آن در آید و بیرونش کند.

Should hardship be in a hole, relief would enter and force it out.

۲۳۳۹ لو كان العلم معلقا بالثريا لتناوله قوم من أبناء فارس.

اگر علم به ثریا آویخته بود گروهی از فرزندان فارس بدان می‌رسیدند.

If knowledge were hanging from the Star Cluster Pleiades (Seven Sisters, the seventh is not visible "Lost Pleiad"), a group of Persians would (manage to) acquire it.

۲۳۴۰ لو كان الفحش خلقا لكان شر خلق الله.

اگر بد و ناسزا مخلوقی بودی بدترین مخلوق خدا بودی.

If false and harmful statement were creatures of Allah, they would be the worst of all.

۲۳۴۱ لو كان المؤمن في جحر فاره لقيض الله له من يؤذيه.

اگر مؤمن در سوراخ موشی باشد خداوند یکی را سوی او فرستد که آزارش کند.

*** وَاللّٰهُ اَر سوراخِ موشی در روی - مبتلای گربه چنگالی شوی (مولوی)**

If a believer manages to hide himself in a hole, someone will be sent by God to hurt him (put him to trial).

۲۳۴۲ لو كان سوء الخلق رجلا يمشي في الناس لكان رجل سوء و ان الله تعالى لم يخلقني فحاشا.

اگر بد خوئی مردی بودی که میان مردم راه رفتی، مرد بدی بودی و خدا مرا ناسزا گو نیافرید.

If bad-temperedness were a man walking (living) among people, it would be a bad one, and the Exalted God has surely not created me a man with false and harmful statements.

۲۳۴۳ لو كان شيء سابق القدر لسبقته العين.

اگر چیزی از تقدیر سبقت توانستی گرفت چشم بد (= چشم زخم) سبقت گرفت.

If anything could take precedence over fate, it would (definitely) be an evil eye.

۲۳۴۴ لو كان لابن آدم واد من مال لا يتغى إليه ثانيا و لو كان له واديان لا يتغى لهما ثالثا و لا يملأ جوف ابن آدم إلا التراب و يتوب الله على من تاب.

اگر آدمیزاد دره‌ای از مال داشت بعلاوه آن دره دیگر می خواست و اگر دو دره می داشت با آن دره سوم می خواست شکم فرزند آدم را جز خاک سیر نمی کند و خدا توبه هر که را خواهد بپذیرد.

If son of Adam had a valley of wealth, he would long for a second one, and if he had two valleys as such, he would long for a third, for his belly (hunger) will not be satiated save by soil, and God will accept the repentance of whoever He wishes.

۲۳۴۵ لو كان لابن آدم واد من نخل لتمنى مثله ثم تمنى مثله حتى يتمنى أودية و لا يملأ جوف ابن آدم إلا التراب.

اگر فرزند آدم دره‌ای از نخل می‌داشت مثل آن را آرزو می‌کرد و باز مثل او را آرزو میکرد تا وادی‌ها آرزو کند شکم فرزند آدم را جز خاک سیر نمی‌کند.

If son of Adam had a valley of palms, he would long for the like of it to an unbounded extent, for his belly (hunger) will not be satiated save by soil.

۲۳۴۶ لو كان لي مثل أحد ذهباً لسرّني أن لا يمرّ على ثلاث و عندي منه شيء إلا شيء أرصده لدين.

اگر باندازه کوه احد طلا داشتم دوست داشتم پس از سه روز چیزی از آن بنزد من نباشد مگر چیزی که برای قرضی ذخیره کرده باشم.

If I had gold as much as Mount Uhud, I would like to have nothing of it with me within three days, save for a piece by which to repay my debts.

۲۳۴۷ لو كانت الدنيا تعدل عند الله جناح بعوضة ما سقى كافرا منها شربة ماء.

اگر دنیا نزد خدا با بال پشه‌ای برابر بود، شربت آبی از آن به کافری نمی‌نوشانید.

If the world were as valuable to Allah as a wing of a mosquito, He would never give a sip of water to an infidel.

۲۳۴۸ لو كنت امرا أحدا أن يسجد لأحد لأمرت المرأة أن تسجد لزوجها.

اگر به کسی دستور میدادم کسی را سجده کند به زن دستور میدادم شوهرش را سجده کند.

If I were to command anyone to prostrate anyone else, I would command women to prostrate their husbands.

۲۳۴۹ لو كنت أمرا أحدا أن يسجد لأحد لأمرت النساء أن يسجدن لأزواجهن لما جعل الله لهنّ من الحقّ.

اگر به کسی دستور میدادم کسی را سجده کند به زنان دستور میدادم شوهران خویش را سجده کنند از بس که خدا برای شوهران حق به گردن زنان نهاده است.

If I were to command anyone to prostrate anyone else, I would command women to prostrate their husbands, for God has invested the latter with rights in respect to the former.

۲۳۵۰ لو لم تذنّب لِحَاءِ اللَّهِ بَقُومِ يَذْنِبُونَ فَيَغْفِرُ لَهُمْ وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ.

اگر تو گناه نمیکردی خدا قومی را می آورد که گناه کنند و بپامرزیشان و به بهشتشان در آورد.

If you didn't commit sins, God would create a people who would do so in order to be forgiven and thus sent to Paradise.

۲۳۵۱ لو لم تذبوا لخشيت عليكم بأشدّ من ذلك العجب العجب.

اگر گناه نمیکردید از چیزی بدتر از آن بر شما بیم ناک بودم خود پسندی، خود پسندی.

***این سلاح عجب من شد ای فتی—عجب آرد مُعْجَبان را صد بلا (مولوی)**

If you didn't commit sins, I would be worried about you as to something worse... self-conceit... self-conceit.

۲۳۵۲ لو لم يبق من الدنيا إلّا يوم لطوله الله حتّى يبعث فيه رجل من أهل بيتي يواطى اسمه اسمي و اسم أبيه اسم أبي يملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً.

اگر از دنیا جز روزی نماند خدا آن را دراز کند تا در اثنای آن مردی از خاندان مرا بر انگیزد نام وی موافق نام من و نام پدرش نام پدر من باشد و زمین را که از ظلم و جور پر شده است از انصاف و عدالت پر کند.

If nothing remains save one single day from the life in this world, God will prolong it so much that a man from my household will rise to fill the earth with equity just as it was filled with injustice and enormity- a man whose name and whose father's are respectively mine and my father's.

۲۳۵۳ لو نظرتم إلى الأجل و مسيره لأبغضتم الأمل و سروره.

اگر مرگ و رفتار او را بنگرید آرزو و مسرت (رسیدن به) آن را دشمن خواهید داشت.

If you look (deeply) at death and its course, you would hate worldly longing and its joys.

۲۳۵۴ لو نهى الناس عن فتّ البعرة فتّوا و قالوا ما نهينا عنه إلّا و فيه شيء.

اگر مردم را از شکستن پشکل شتر منع کنند آن را بشکنند و گویند ما را از این کار منع نکرده اند مگر که در آن چیزی هست.

****گرم تر شد مرد زان منعش که کرد—گرم تر گردد همی از منع، مرد (مولوی)**

****در خموشی گفت ما اظہر شود—کہ ز میل آن منع (منع آن میل) افزون تر شود (مولوی)**

****رغبتی زان منع در دلشان برُست—کہ بیاید سرّ آن را باز جُست**

کیست کز ممنوع گردد ممتنع؟—چون کہ الْإِنْسَانُ حَرِيصٌ مَا مَنَعُ (مولوی)

****چون شدن از منع و نهبیش گرم تر—سوی آن قلعه بر آوردند سر (مولوی)**

If people were asked not to break the dung of camels, they would break it, saying, "They have asked us not to do so to spare us its benefits."

۲۳۵۵ لو يعلم النَّاسُ مِنَ الْوَحْدَةِ مَا أَعْلَمُ مَا سَارَ رَاكِبٌ بَلِيلٌ وَحْدَهُ.

اگر مردم از تنهایی آنچه من دانسته‌ام بدانند هرگز سواری هنگام شب بتنهائی راه نخواهد سپرد.

If people knew what I know of loneliness, no one would ever ride (travel) alone at night.

۲۳۵۶ لو يعلم المؤمن ما عند الله من العقوبة ما طمع في الجنة أحد و لو يعلم الكافر ما عند الله من الرحمة ما قنط من الجنة أحد.

اگر مؤمن عقوبتی را که نزد خدا هست بدانند هیچ کس در بهشت طمع نبندد و اگر کافر رحمتی را که نزد خدا هست بدانند هیچ کس از بهشت چشم امید نبندد.

If believers knew about the punishment of God, no one of them would covet for Paradise, and if infidels knew about God's mercy, they would not be hopeless of (being allowed to) Paradise.

۲۳۵۷ لو لا أن أشقّ على أمّتي لأمرتهم بالسّواك عند كلّ صلاة.

اگر نه مایه رنج امت خود میشدم دستورشان میدادم که هنگام هر نماز مسواک کنند.

If it would not cause trouble for my people, I would order them to brush their teeth at prayer times.

۲۳۵۸ لو لا المرأة لدخل الرجل الجنة.

اگر زن نبود مرد به بهشت میرفت.

If there were no women, (all) men would be allowed to Paradise.

۲۳۵۹ لو لا أن أشقّ على أمتي لأمرتهم أن يستأقوا بالأسحار.

اگر نه مایه رنج امت خویش میشدم دستورشان می‌دادم که سحر گاهان مسواک کنند.

If it would not cause trouble for my people, I would order them to brush their teeth at dawns.

۲۳۶۰ لو لا أن السّوّال يكذبون ما قدّس من ردهم.

اگر دروغگوئی گدایان نبود، هر که نومیدشان میکرد، تقدیس نمیشد.

If it were not for beggars' telling lie, those who repelled them would not be praised.

۲۳۶۱ لو لا النّساء يعبد الله حقّ عبادته.

اگر زنان نبودند خدا چنان که شایسته پرستش اوست پرستیده میشد.

If there were no women, God would be duly worshipped.

۲۳۶۲ لو لا الأمل ما أرضعت أمّ ولدا و لا غرس غارس شجرا.

اگر آرزو نبود مادری فرزندی نمیزاد و کسی درختی نمیشاند.

If there were no desire (hope), no mother would milk her child, and nobody would plant a tree.

۲۳۶۳ ليأتينّ على القاضى العادل يوم القيامة ساعة يتمنى أنّه لم يقض بين اثنين في ثمرة قطّ.

روز قیامت بر قاضی عادل ساعتی بگذرد که آرزو کند هرگز میان دو تن در باره خرمائی قضاوت نکرده بود.

****گفت آه، چون حکم راند بیدلی-در میان آن دو عالم جاهلی (مولوی-اشاره به قاضی که جاهلی است در میان دو عالم به جزئیات که دو طرف دعوا هستند-حدیث نبوی)**

In the Day of Judgment, judges would experience an hour when they would wish for not having had judged between two persons even on a date.

۲۳۶۴ لیأتین علی الناس زمان لا یبالی المرء بما أخذ المال أمن حلال أم من حرام.

روزگاری به مردم رسد که مرد اهمیت ندهد که مال چگونه به دست آرد، از حلال یا از حرام!

Man will see a day when people will not care for the way to earn money-lawfully or unlawfully!

۲۳۶۵ لیأتین علی الناس زمان لا یبقی منهم أحد إلا أكل الربا فإن لم يأكله أصابه من غباره.

روزگاری بمردم رسد که یکی نماند مگر آنکه ربا خورد و اگر نخورد غبار آن بوی رسد.

Man will see a day when all people would be involved in usury; and if not, they would at least be affected by its results.

۲۳۶۶ لیأتین علی الناس زمان یکذب فیہ الصادق و یصدق فیہ الکاذب و یخون فیہ الأمين و یؤمن الخون و یشهد المرء و لم یشهد و یحلف و إن لم یستحلف و یكون أسعد الناس بالدنیا لکع بن لکع لا یؤمن بالله و رسوله.

زمانی بر مردم رسد که راست گو را تکذیب کنند و دروغگو را تصدیق کنند و امین را خائن شمرند و خائن را مؤتمن پندارند و مرد بی آنکه شهادت از او خواهند شهادت دهد و بی آنکه قسم از او خواهند قسم خورد و خوشبختترین مردم فرومایه پسر فرومایه باشد که بخدا و پیغمبرش ایمان ندارد.

A day will come to pass when people would belie the truthful and approve of the liars and would regard the honest treacherous and the treacherous honest, when men will bear witness without being required and will swear without being asked to, and when the most fortunate people would be ignoble, sons of the ignoble, who would be bereft of the belief in God and His prophet.

۲۳۶۷ لیأخذن أحدکم حبله فیحتطب بها علی ظهره أهون علیه من أن یأتی رجلا أعطاه الله من فضله فیسأله أعطاه أو منعه.

اینکه یکیتان طناب خویش بگیرد و با آن به پشت خویش هیزم کشد آسان تر است تا پیش مردی رود که خدایش از فضل خویش چیزی داده و از وی سؤال کند بدهد یا ندهد.

Taking a rope and carrying fire-wood on your back is easier than making a request to a man, whom God has given something out of His Mercy, being him generous or not.

۲۳۶۸ لِيَأْخُذَ الْعَبْدُ مِنْ نَفْسِهِ لِنَفْسِهِ وَمَنْ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَمَنْ الشَّبِيهَ قَبْلَ الْكَبْرِ وَمَنْ الْحَيَوَةَ قَبْلَ الْمَمَاتِ فَمَا بَعْدَ الدُّنْيَا مِنْ دَارٍ إِلَّا الْجَنَّةُ وَالنَّارُ.

مرد باید از خویش برای خویش و از دنیای خویش برای آخرت خویش و از جوانی قبل از پیری و از زندگی قبل از مرگ برگیرد که پس از دنیا خانه‌ای جز بهشت و جهنم نیست.

****ای خنک آن را که پیش از مرگ مُرد- یعنی او از اصل این رَز بوی برد (مولوی)**

****مرگ پیش از مرگ امن است ای فتی- این چنین فرمود ما را مصطفی (مولوی)**

****جان بسی گندی و اندر پرده ای- زان که مردن اصل بُد، ناورده ای**

تا نمیری، نیست جان کندن تمام- بی کمال نردبان نایی به بام (مولوی)

****زان که پیش از مرگ او کرده ست نقل- این به مردن فهم آید نی(نه) به عقل (مولوی)**

****بهر این گفت آن رسول خوش پیام- رمز مُوتوا قَبْلَ مَوْتِ يَا كِرَامِ (مولوی)**

****سِرُّ مُوتوا قَبْلَ (قيل) مَوْتِ این بود- کز پی(پس) مردن غنیمت ها رسد (مولوی)**

Man should save something from himself for himself, from this world for the next, from youth before old age, and from this life before death, for there will be no dwelling save Heaven and Hell beyond this world.

۲۳۶۹ لَيُبَشِّرُ فُقَرَاءَ الْمُؤْمِنِينَ بِالْفِرَاحِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَبْلَ الْأَغْنِيَاءِ بِمِقْدَارِ خَمْسَمِائَةِ عَامٍ هَؤُلَاءِ فِي الْجَنَّةِ يَنْعَمُونَ وَ هَؤُلَاءِ يَحْسَبُونَ.

مؤمنان فقیر را بشارت که روز قیامت به اندازه پانصد سال زودتر از اغنیا فارغ شوند آنان در بهشت متنعمند و اینان حساب پس می دهند.

Give good tidings to the poor believers that in the Day of Judgment, they will get rid (of the trial) five hundred years earlier than the rich-the former residing in Paradise, benefiting from God's blessings, and the latter being called to account.

۲۳۷۰ لیتق أحدکم وجهه عن النار ولو بشق تمره.

هر کس باید چهره خویش را از آتش جهنم مصون دارد و گر چه بیک نیمه خرما باشد.

Everybody should save his face from the fire of Hell even though half a date.

۲۳۷۱ لیردک عن الناس ما تعرف من نفسک و اخزن لسانک إلا من خیر فإنک بذلک تغلب الشیطان.

آنچه از خویش می دانی ترا از (مغایب) مردم باز دارد، زبان خویش را نگه دار مگر از خیر که بدین وسیله بر شیطان چیره می شوی.

Knowing your faults should stop you recounting people's faults. Control your tongue, save for well-wishing, for this can make you defeat Satan.

۲۳۷۲ لیستحیی أحدکم من ملکیه الذین معه کما یستحیی من رجلین صالحین من جیرانه و هما معه باللیل و النهار.

شخص باید از دو فرشته خویش که با او هستند شرم کند چنان که از دو مرد پارسا از همسایگان خود شرم می کند که فرشتگان شب و روز با او هستند.

Each one of you should keep modest in the sight of the two angles companion to him, just as he does with respect to two of his righteous neighbors, for (these) angels are with him day and night.

۲۳۷۳ لیس الأعمی من یعمی بصره إنما الأعمی من تعمی بصیرته.

کور آن نیست که چشم او کور است بلکه کور آنست که بصیرتش کور است.

**** کور ظاهر در نجاسه ظاهر است - کور باطن در نجاسات سیر است (مولوی)**

The sightless are not blind; the insightless are blind.

۲۳۷۴ لیس الإیمان بالتمنی لکن هو ما وقر فی القلب و صدقه العمل.

ایمان داشتن به آرزو کردن نیست بلکه ایمان آنست که در قلب جای دارد و عمل آن را تصدیق کند.

Faith abides not in wishes, but dwells in hearts, and (should) be verified by deeds.

۲۳۷۵ لیس البرّ فی حسن اللّباس و الزّیّ و لكن البرّ السّکینه و الوقار.

نیکی به خوبی لباس و ظاهر نیست بلکه نیکی آرامش و وقار است.

Goodness does not lie in finery and brilliant bearing, but in peace and solemnity.

۲۳۷۶ لیس البیان کثره الکلام و لكن الخوض فیما یحبّ الله و رسوله و لیس العی عن اللّسان و لكن قلّه
المعرفه بالحقّ.

بیان خوب به فراوانی گفتار نیست بلکه به تعمق و اندیشیدن در آن چیزها است که خدا و پیغمبرش دوست دارد، لکن به زبان نیست بلکه از کمی معرفت به حق است.

**** (خوض = فرو رفتن در آب، با اندیشیدن در امور خوب یا بد سعی در به عمق مطلب رسیدن)**

Abundant speech brings forth no eloquence; eloquence is meditation on what God and his Holy Prophet love. Neither is stammering a defect of tongue; stammering comes from deficient knowledge of Truth (God).

۲۳۷۷ لیس الجهاد أن یضرب الرّجل بسیفه فی سبیل الله تعالی، إنّما الجهاد من عال والديه و ولده فهو فی
جهاد و من عال نفسه فكفّها عن النّاس فهو فی جهاد.

جهاد آن نیست که مرد در راه خدای والا شمشیر زند، بلکه جهاد آن می کند که بار زندگی پدر و مادر و فرزند می برد، هر که بار زندگی خویش می برد که از مردم بی نیاز شود جهاد می کند.

Holy war is not mere fighting in the way of the Almighty God. Verily, it is to shoulder one's own parents and offspring's burdens, and the man who carries his own burden to be needless of people is a struggler (in the way of God).

۲۳۷۸ لیس الخبر کالمعاینه، إنّ الله تعالی أخبر موسى بما صنع قومه فی العجل فلم یلق الألواح، فلما عاین ما
صنعوا ألق الألواح فانکسرت.

شنیدن مانند دیدن نیست (شنیدن کی بود مانند دیدن)؛ خدای والا بموسی رفتار قومش را در باره گوساله خبر داد و الواح را نیفکند و چون رفتارشان عیان دید الواح را بیفکند و بشکست.

**** من همی دانستم بی امتحان – لیک کی باشد خبر همچون عیان؟ (مولوی)**

****دست می دادش سخن او بی خبر—که خبر هرزه بود پیش نظر (مولوی)**

****دید صد چندان که وصف اشنیده بود—کی بُود خود دید مانند شنود؟ (مولوی)**

****این معاین هست ضدّ آن خبر—که به شرّ بسرشته آمد این بشر (مولوی)**

Hearing is not like seeing (But **seeing is believing).When the Almighty Lord bespoke to Moses of his followers' tendency towards the Golden Calf, he did not break the tablets, but when he saw their corruption in person, he cast the tablets down and broke them.**

۲۳۷۹ لیس الخلف أن يعد الرجل و فی نیتہ أن یفی و لكن الخلف أن يعد الرجل و فی نیتہ أن لا یفی.

خُلفِ وعده آن نیست که مرد وعده دهد و در دل دارد وفا کند بلکه خُلفِ آنست که مرد وعده کند و در دل دارد که وفا نکند.

Breaking promises is not giving a promise with the sincere intention to keep it; it is to give a promise and intend in heart not to stand by it.

۲۳۸۱ لیس الشّدید بالصرّعه إنّما الشّدید الّذی یملک نفسه عند الغضب.

نیرومندی به گشتی گرفتن نیست نیرومند آن کس است که هنگام خشم خویشتن دار است.

Might does not lie in fight (wrestling), but in keeping cool when wrathful.

۲۳۸۲ لیس الغنی عن کثره العرض و لكن الغنی غنی النفس.

بی نیازی به فراوانی مال نیست بی نیازی حقیقی بی نیازی ضمیر است.

Needlessness does not in abundance lie; on needless souls does it rely.

۲۳۸۳ لیس المؤمن الّذی لا یأمن جارہ بوائقه.

هر که همسایه اش از شرش در امان نیست مؤمن نیست.

Those servants of God whose neighbors are not safe against their evil will not be allowed to Paradise.

۲۳۸۴ لیس المؤمن الذی یشبع و جاره جائع إلی جنبه.

هر که سیر باشد و همسایه‌اش پهلووی وی گرسنه باشد مؤمن نیست.

Whoever sleeps well-fed, knowing that his neighbor is hungry, does not (truly) believe in me.

۲۳۸۵ لیس المؤمن بالطَّعَان و لا اللَّعَان و لا الفاحش و لا البذیء.

مؤمن طعنه زن و لعنتگر و بد گو و بد زبان نیست.

A true believer is not sarcastic, cursing, backbiting and ill-speaking.

۲۳۸۶ لیس المسکین الذی یطوف علی الناس فیرده اللقمه و اللقمتان و التمره و التمرتان و لکن المسکین الذی لا یجد غنی یغنیه و لا یعطی له فیتصدق علیه و لا یقوم فیسأل.

مستمند آن نیست که میان مردم رود و یک لقمه یا دو لقمه و یک خرما یا دو خرما بدو رسد بلکه مستمند آنست که چیزی ندارد و بدو توجه نکنند که صدقه‌اش دهند و برای سؤال نخیزد.

He is not poor, who begs among people to get one or two morsels of food or one or two dates, but the one who does not have anything to make him needless, who is not attended with alms, and who does not make a request to people at the same time.

۲۳۸۷ لیس أحد أحبّ إلیه المدح من الله و لا أحد أكثر معاذیر من الله.

هیچ کس ستایش را بیش از خدا دوست ندارد و هیچ کس بیش از خدا عذر نپذیرد.

Nobody loves being praised more than God, and nobody accepts excuses more than Him.

۲۳۸۸ لیس أحد من أمّتی یعول ثلاث بنات أو ثلاث أخوات فیحسن إلیهنّ إلاً کنّ له ستر من النار.

هیچ کس از امت من نیست که سه دختر یا سه خواهر را تکفل کند و با آنها نیکی کند مگر که آنها حجاب وی از جهنم باشند.

No one of my people is there to look kindly after three daughters or three sisters of his, unless God will keep him intact from Hell.

۲۳۸۹ لیس أحد منكم بأکسب من أحد قد كتب الله المصيبة والأجل وقسم المعيشة والعمل.

هیچ کسی از دیگری به کسب تواناتر نیست که خدا مصیبت و مرگ را رقم زده و معیشت و کار را تقسیم کرده است.

No one is more capable of making a living than others, for God has predestined calamity, death, business and sustenance.

۲۳۹۰ لیس أسرع عقوبة من بغی.

عقوبتی از عقوبت ظلم سریعتر نیست.

There is no retribution quicker than the one for oppression.

۲۳۹۱ لیس بمؤمن مستكمل الإيمان من لم يعد البلاء نعمه والرخاء مصيبة.

هر که بلا را نعمت و فراوانی را مصیبت نداند ایمان وی کامل نیست.

Whoever does not consider calamity as a blessing and excessive abundance as disaster, is not perfect in his/her faith.

۲۳۹۲ لیس بحکیم من لم يعاشر بالمعروف من لا بد له من معاشرته حتى يجعل الله له من ذلك مخرجا.

هر کس با کسی که از معاشرت وی ناچار است به نیکی معاشرت نکند تا خدا فرجی برای او پیش آورد خردمند نیست.

Bereft of wisdom is the one who has to be a company to others, but does not treat them kindly to find relief from God.

۲۳۹۳ لیس بخیرکم من ترک دنیاہ لآخرته و لا آخرته للدنیا حتى یصیب منهما جمیعا فإن الدنیا بلاغ إلى الآخرة و لا تكونوا کلاً علی الناس.

بهترین شما آن نیست که دنیای خویش را برای آخرت خود واگذارد و نه آخرت خویش را برای دنیا واگذارد تا از هر دو بهره گیرد که دنیا وسیله رسیدن به آخرت است، و سربار مردم نباشید.

The best of you is not the one who abandons this world for the next or the next for this in order to avail herself/himself of both, for this world is a bridge to the next. Try not to be a burden to others.

۲۳۹۴ لیس بعد الموت مستعتب.

پس از مرگ عذر پذیری نیست.

There is no way to apology after death.

۲۳۹۵ لیس بکذاب من أصلح بین اثنين فقال خیرا أو نمی خیرا.

هر که میان دو تن اصلاح دهد و خیری گوید یا خیری نسبت دهد دروغگو نیست.

He is not a liar who makes peace between two persons through good words or attribution of something good to any one of them.

۲۳۹۶ لیس بین العبد و الشّرك إذا ترک الصلاة فإذا ترکها فقد أشرك.

میان بنده و شرک جز ترک نماز فاصله نیست و چون نماز را ترک کند مشرک است.

There is no distance, save abandoning prayer, between a servant of God and polytheism, i.e.as soon as one abandons prayer, (s)he turns out to be a polytheist.

۲۳۹۷ لیس شیء أثقل فی المیزان من الخلق الحسن.

در میزان اعمال، چیزی سنگین تر از خوی نیک نیست.

Nothing will be heavier than good temper in one's Balance of deeds.

۲۳۹۸ لیس شیء أطیع الله فيه أعجل ثوابا من صلوة الرّحم و لیس شیء أعجل عقابا من البغی و قطیعة الرّحم و الیمین الفاجرة تدع الدّیّار بلاقع.

پاداش هیچ کاری که بوسیله آن اطاعت خدا کند سریعتر از پیوند خویشان نیست و عقاب هیچ کاری سریعتر از ظلم و بریدن خویشان نیست و قسم نادرست دیار را ویران می نهد.

The most quickly rewarded deed, requiring obedience to God, is the observation of bonds of kinship, and the most quickly

retributed deed is oppression and breaking off the ties of kinship, and taking false oath ruins lands.

۲۳۹۹ لیس شیء أكرم على الله تعالى من المؤمن.

هیچ چیز نزد خدای والا گرامی تر از مؤمن نیست.

Nothing is worthier than a believer to the Exalted God.

۲۴۰۰ لیس شیء أكرم عند الله من الدعاء.

هیچ چیز نزد خدا گرامی تر از دعا نیست.

Nothing is worthier to God than praying Him.

۲۴۰۱ لیس شیء خيرا من ألف مثله إلا الإنسان.

جز انسان هیچ چیز بهتر از هزار مثل خود نیست.

****واحد كالف كه بود؟ آن ولی- بلکه صد قرن است آن عبدالعلی (مولوی)**

****واحد كالألف در بزم (رزم و) کرم- صد چو حاتم گاه ایثارِ نَعَم (مولوی)**

Nothing save man is better than a thousand like himself.

۲۴۰۲ لیس شیء من الجسد إلا و هو يشكو ذرب اللسان.

هیچ عضوی نیست مگر از آزار زبان شکایت دارد.

There is no organ (of the body) complaining not about the harms of the tongue.

۲۴۰۳ لیس عدوك الذي إن قتلته كان لك نورا و إن قتلک دخلت الجنة و لكن أعدی عدو لك ولدك الذي

خرج من صلبك ثم أعدی عدو لك مالك الذي ملكت یمینک.

دشمن تو آن نیست که اگر او را بکشی روشنایی راهنمای موفقیت تو خواهد شد و اگر ترا بکشد به بهشت میروی بلکه بدترین دشمن تو فرزند تو است که از صلب تو در آمده و باز بدترین دشمن تو مال تو است که مالک آن شده‌ای.

It is not your enemy whose murder by you brings you leading light prosperity, and your murder by him brings you Paradise; rather, your worst enemy is (perhaps) your own child and the wealth you have earned.

۲۴۰۴ ليس في الجنة شيء مما في الدنيا إلا الأسماء.

در بهشت از آنچه در دنیا هست چیزی نیست، مگر بنام.

In Paradise, only names of the things belonging to this world exist.

۲۴۰۵ ليس لأحد على أحد فضل إلا بالدين أو عمل صالح.

هیچ کس بر دیگری برتری ندارد مگر بوسیله دین یا عمل شایسته.

No one is superior to others save for faith and good deeds.

۲۴۰۶ ليس للدين رواد إلا القضاء والوفاء والحمد.

دین طلایه دار ندارد، مگر وظیفه‌شناسی و وفا و حمد.

Sense of duty, fidelity and praising God stand at the peak of all religious affairs.

۲۴۰۷ ليس للمرأة أن تنتهك شيئاً من مالها إلا بإذن زوجها.

زن حق ندارد چیزی از مال خود را بی اجازه شوهرش ببخشد.

A woman is not allowed to give in charity anything of her wealth without her husband permission.

۲۴۰۸ ليس لفاسق غيبة.

غیبت فاسق (=نافرمان خدای متعال) ناروا نیست.

Backbiting lawbreaker (one who does not obey laws of God) is permissible.

۲۴۰۹ ليس لك من مالك إلا ما أكلت فافئيت أو لبست فأبليت أو تصدقت فأمضيت.

از مال خویش بهره نداری جز آنکه بخوری و تمام کنی یا بپوشی و کهنه کنی یا صدقه کنی و ادا کنی.

You have no benefit of your wealth, save what you eat and exhaust, what you wear and wear away and what you give in charity.

۲۴۱۰ لیس من أخلاق المؤمن التَّمَلَّق و لا الحسد إلا فی طلب العلم.

تملق و حسد بر مؤمن روا نیست مگر در طلب علم.

A believer does not resort to jealousy or flattery, save in seeking knowledge.

۲۴۱۱ لیس من المروءة الرِّيح علی الإخوان.

از برادران سود بردن با جوانمردی سازگار نیست.

Abusing one's brothers-in-faith for financial benefit is away from nobility.

۲۴۱۲ لیس من خلق المؤمن الملق.

تملق از اخلاق مؤمن نیست.

Flattery is not an attribute of a (true) believer.

۲۴۱۳ لیس منّا من تشبه بغيرنا.

هر که بغير ما مانند شود از ما نیست.

*** شهاب الاخبار - حدیث ۷۷۰ = نه از هماغه است آنکه مانندگی کند خود را بمخالفان ما. رسول گفت: خود را به جهودان مانندگی مکنید که جهودان سلام کنند، اشارت بانگشت کنند، و ترسایان به کف دست کنند، شما چنین مکنید، سلام کنید!**

Whoever follows the appearance and manners of those other than us does not belong to us.

۲۴۱۴ لیس منّا من غشّ مسلماً أو ضرّه أو ما کره.

هر که با مسلمانی تقلب کند یا باو ضرر رساند یا با وی حيله کند از ما نیست.

Whoever betrays a Moslem, wastes his wealth or plays a trick on him does not belong to us.

۲۴۱۵ لیس منّا من لم یتغنّ بالقرآن.

هر که قرآن به آهنگ نخواند از ما نیست.

Whoever does not properly recite the Quran does not belong to us.

۲۴۱۶ لیس منّا من لم یوقر الکبیر و یرحم الصغیر و یأمر بالمعروف و ینه عن المنکر.

هر که بزرگتر را محترم ندارد و به کوچکتر رحم نکند و امر به معروف نکند و نهی از منکر ننماید از ما نیست.

Whoever is not respectful to the elderly, is not merciful to the younger ones, does not bid to good and does not forbid evil, does not belong to us.

۲۴۱۷ لیس منّا من وسع الله علیه ثمّ قتر علی عیاله.

هر کس خدا بدو گشایش دهد و باز بر عیال خود سخت گیرد از ما نیست.

Whoever is hard on his family despite God's facilities for him, does not belong to us.

۲۴۱۸ لیس منیّ إلاّ عالم أو متعلّم.

هیچ کس از من نیست بجز دانشمند یا دانش آموز.

Nobody belongs to me save the knowledgeable and the seekers of knowledge.

۲۴۱۹ لیغشینّ امتی من بعدی فتن کقطع اللیل المظلم، یصبح الرّجل فیها مؤمنا و یمسی کافرا، یبیع أقوام دینهم بعرض من الدنیا قلیل.

پس از من امتم را فتنه‌ها خواهد گرفت چون پاره‌های شب تاریک که در اثنای آن مرد به صبح مؤمن است و شب کافر شود و کسانی دینشان را بمال ناچیز دنیا فروشند.

After me, my people will fall to seditions as dark as nights, when man will be a believer in the morning and an unbeliever at night, when some people will barter their fate for unworthy wealth of the world.

۲۴۲۰ لیکف الرّجل منکم کزاد الرّاكب.

هر يك از شما باندازه توشه مسافري اکتفا کند.

Every one of you should be contented with a passenger's provision.

۲۴۲۱ لیکن بلاغ أحدکم من الدنیا زاد الرّاکب.

بهره هر کدامتان از این دنیا چون توشه مسافر باشد.

Every one of you should be contented with a passenger's provision.

۲۴۲۲ لینصر الرّجل أخاه ظلماً أو مظلوماً إن كان ظلماً فینیهه فإنّه له نصره و إن کان مظلوماً فینصره.

مرد باید برادر خویش را یاری کند چه ستمگر باشد چه ستم دیده؛ اگر ستمگر باشد او را باز دارد که این بمنزله یاری کردن اوست و اگر ستمدیده باشد یاریش کند.

Man should help his brother, being he oppressed or an oppressor. If he is an oppressor, the former should prevent him from oppression, for this is in itself assisting him; and if he is oppressed the former should help him.

۲۴۲۳ اللّباس یظهر الغنی و الدّهن یذهب البوس و الإحسان إلی المملوک یکتب الله به العدوّ.

لباس غنا را نمایان می کند و روغن خوشبو فقر را می برد و نیکی با مملوک مایه سر شگستگی دشمن شود.

Man's dress shows his riches, fragrant oil makes poverty disappear and benevolence to (one's) subjects causes God to put (your) enemy to shame.

۲۴۲۴ اللّهُ فی ثلاث: تأدیب فرسک، و رمیک بقوسک و ملاعبتک أهلك.

بازی در سه چیز رواست: اسب را تربیت کنی و با کمان خود تیر اندازی کنی و با همسر خویش ملاعبه کنی.

It is allowed to amuse oneself with training one's horse, shooting with one's bow and jesting with one's spouse.

۲۴۲۵ لیّ الواجد یحلّ عرضه و عقوبته.

سختگیری مرد دارا، آبروی وی را بازبچه و عقوبت وی را آسان می کند. (سرپیچی و خودداری کردن بدهکار توانمند از پرداخت بدهی خود، ریختن آبرو و کیفررسانی او را حلال می کند- مبانی فقهی حکومت اسلامی)

The carelessness of a rich man (to repay his debts) leads to his disgrace and (God's) punishment for him.

۲۴۲۶ لا أجر إلا عن حسبه و لا عمل إلا بنية.

هر پاداش اخروی بر اساس حساب و کتاب است؛ و عمل به نیت وابسته است.

Every Hereafter reward is based on by calculated recorded deeds of people, and every (true) deed is based on (good) intention.

۲۴۲۷ لا أشتري شيئاً ليس عندي ثمناً.

چیزی که قیمت آن را ندارم نمی خرم. (چیزی که قیمت آن را نمی دانم هرگز نمی خرم- قواعد فقهی بیع)

I never buy something before (getting aware of its price and) making sure that I have enough financial ability.

۲۴۲۸ لا إيمان لمن لا أمانة له.

هر که امانت ندارد ایمان ندارد.

Whoever does not keep trusts is bereft of faith.

۲۴۲۹ لا إيمان لمن لا أمانة له و لا دين لمن لا عهد له.

هر که امانت ندارد ایمان ندارد، و هر که پیمان نگه ندارد دین ندارد.

Whoever does not keep trusts is bereft of faith, and whoever does not keep his promises is irreligious.

۲۴۳۰ لا بأس بالغني لمن اتقى و الصحة لمن اتقى خير من الغني و طيب النفس من النعيم.

کسانی که از معصیت خداوند می ترسند ثروت برای آنها هیچ اشکالی ندارد، و تندرستی برای کسانی که از خداوند می ترسند، از ثروت بهتر است، و نفس پاکیزه از جمله نعمت ها است.

****گفت ای زن، تو زنی یا بوالخزن- فقر فخر آمد(است و) مرا طعنه(بر سر) مزن (مولوی)**

**** فقر از این رو فخر آمد جاودان—که به تقوی ماند دست نارسان (مولوی)**

**** برگ بی برگی همه اقطاع اوست—فقر و خواری افتخار است و علوست (مولوی)**

**** فقر فخری را فنا پیرایه شد—چون زبانه شمع او بی سایه شد (مولوی)**

**** فقر فخری بهر آن آمد سنی—تا ز طَمَاعان گریزم در غنی (مولوی)**

No matter if the pious is wealthy, but piety is better for them than riches, and peace of mind is among (God's) blessings.

۲۴۳۱ لا تخرقنّ علی أحد سترًا.

پرده هیچ کس را مدر.

**** شهاب الاخبار—حدیث ۶۲۱=پرده بر کسی از جمله مُسلمانان مَدْرید. رسول علیه السلام در دعاها(خواست) که: بار خدایا پرده بر مسلمانان نگاه دار!**

Do not put anyone to shame.

۲۴۳۲ لا تخیفوا أنفسکم بالدین.

خوشتن را از دین مترسانید.

Do not make yourself afraid of religion.

۲۴۳۳ لا تدعنّ حقًا لعدّ فإنّ لكلّ یوم ما فیه.

کاری را برای فردا مگذار که هر روزی تکالیف خویش را دارد.(کار امروز را به فردا میفکن)

**Never leave your job for tomorrow, for each day has it's own share.
(Never put off till tomorrow what you can do today)**

۱-۲۴۳۴ لا تذهب حبیبنا عبد فیصبر و یحتسب إنّنا دخل الجنّة.

بندهای که دو چشم خویش از دست بدهد و صبر کند و برضای خدا قانع شود بهشت می رود.

A creature who loses his power of sight but keeps patient and is satisfied with the divine will, will surely be allowed to Paradise.

۲-۲۴۳۴ لا تؤذوا مسلما بستم كافر.

به وسیله بد گفتن به کافری (یک پدر کافر)، مسلمانی (یک پسر مسلمان) را آزار نکنید.

Do not hurt a Muslim (e.g. a son) by insulting an infidel (e.g. a father).

۲۴۳۵ لا تألوا على الله فإنه من تألى على الله أكذبه الله.

بخدا سوگند نخورید که هر که بخدا سوگند خورد خدا او را تکذیب کند.

Do not swear by God, for if one does so, God will surely belie him.

۱-۲۴۳۶ لا تباغضوا و لا تدابروا و لا تنافسوا و كونوا عباد الله إخوانا.

دشمنی نکنید، از هم روی مگردانید همچشمی مکنید بندگان خدا برادران باشید.

Do not hate each other, do not turn your back to each other, and do not envy one another. O servants of God! Be brothers (in faith).

۲-۲۴۳۶ لا تتمنوا الموت.

آرزوی مرگ مکنید.

Never long for death.

۲۴۳۷ لا تجار أخاك و لا تشاره و لا تماره.

با برادر خویش ممالله مکن (کارش به تعویق میفکن) با او دشمنی مکن و مجادله مکن.

Do not postpone your brethren's affairs, do not be hostile to them, and do not dispute with them.

۲۴۳۸ لا تجتمع خصلتان في مؤمن: البخل و الكذب.

دو صفت در مؤمن فراهم نشود بخل و دروغ.

A true believer is bereft of two attributes: telling lie and stinginess.

۲۴۳۹ لا تجلسوا بين رجلين إلا ياذنهما.

میان دو کس جز با اجازه آنها ننشینید.

Do not sit between two persons without their permission.

۲۴۴۰ لا تجنی علی المرء إلاً یده.

مرد جز از دست خویش بدی نمی بیند.

Man is not hurt, but with his own hand.

۲۴۴۱ لا تجوز شهادة بدوی علی صاحب قریه.

شهادت بدوی بر صاحب قریه روا نیست.

****زیرا بدوی ضد تمدن و کولی (=از نظر جامع شناسان حاشیه نشینانی که علیه متن حمله می کنند) هستند.**

****بنابراین شهر باید بر مبنای قضای درست، دستگاه قضایی درست، قانون منظم و مشخص و مدون و نیز مطابق با سیره انبیاء و اولیاء و مطابق با الزام و پذیرش هر فرد از حیث فرهنگی و فکری ساخت. با نبود چنین قواعدی در شهر مردم آن شهر، بدوی و اعرابی (اعرابی=بدوی؛ عرب=اهل قوم عرب) تلقی می گردند.**

The testimony of a Bedouin concerning a city dweller is not valid.

****Bedouin=One who sits in outskirts of a city and does not believe in judicial and legal system compiled by people of city.**

۲۴۴۲ لا تحاسدوا و لا تناجسوا و لا تباعضوا و لا تدابروا و کونوا عباد الله إخوانا و لا تكونوا عیابین و لا مداحین و لا طعانین.

حسد نورزید، رازهای یکدیگر را افشاگری و پخش نکنید، دشمنی نکنید، روی از هم بر نگردانید، بندگان خدا! برادران یکدیگر باشید عیب جو و مدح گو و طعنه زن مباشید.

Do not be jealous, do not disclose secrets of each other, do not hate one another, and do not turn your backs to each other. God's servants be brothers! do not find fault with, admire or speak ironically to others.

۲۴۴۳ لا تحقرن من المعروف شیئا و لا تواعد علی أخیك موعدا فتخلفه.

هیچ کار نیکی را حقیر مشمار با برادر خود خلف وعده مکن.

Do not consider any good deed as insignificant, and do not break it when you promise your brother (in faith).

۲۴۴۴ لا تحلف بالله كاذبا و لا صادقا من غير ضرورة و لا تجعل الله عرضة ليمينك فإن الله لا يرحم و لا يرضى من حلف باسمه كاذبا.

بی جهت به خدا راست یا دروغ قسم مخور و خدا را وسیله قسم خویش مکن که خدا کسی را که بنام وی بدروغ قسم خورد رحمت و رعایت نمی کند.

Do not swear by God unnecessarily, being it true or false, and do not make God the means of your swearing, for He will neither be merciful nor attentive to the one who falsely swears by Him.

۲۴۴۵ لا تسبوا الدهر فإن الله هو الدهر.

روزگار را دشنام مدهید که خدا همو روزگار است.

Do not insult Time, for Time is surely God.

۲۴۴۶ لا تسبوا الشيطان و تعوذوا بالله من شره.

شیطان را دشنام مگوئید و از شر وی بخدا پناه برید.

**** این حدیث در کتب روایی اهل سنت ذکر شده است، اما در کتب معتبر شیعه، اثری از آن وجود ندارد، بلکه تنها چند کتاب متأخر شیعی همچون کتاب نهج الفصاحه آن را نقل کرده اند. بنابر این، حدیث مذکور از نظر سندی اعتبار چندانی نداشته و مورد قبول شیعه نیست. در این حدیث، کلمه "لا تسبوا" وجود دارد که دو معنا از آن متصور است. احتمال اول این که این کلمه به معنای لعن باشد. بنابر این، حدیث لعن شیطان را منع کرده است. این معنا از روایت، مخالف صریح آیات قرآن بوده و به هیچ وجه قابل پذیرش نیست؛ زیرا در آیات قرآن به صراحت شیطان مورد لعن قرار گرفته است: «تا روز قیامت بر تو (شیطان) لعنت است».[سوره ۱۵ الحجر آیه ۳۵] «و تا روز قیامت لعنت من بر تو (شیطان) است».[سوره ۳۸ ص آیه ۷۸] لعن خداوند در قرآن، نشانگر جواز لعن بر شیطان توسط ما است و این لعن «در حقیقت درخواست از خداست تا او شیطان را از رحمت خود دور فرماید». بنابر این لعنت کردن شیطان هیچ اشکالی ندارد. اما اگر سب را به معنای دشنام بگیریم، باید بگوییم که اگر این دشنام حقیقت خارجی ندارد و دروغ است، جائز نبوده و کلام ما دروغ است. اما اگر منظور دشنام هایی باشد که واقعیت خارجی دارند همچون صفت هایی که در قرآن، شیطان به آن توصیف شده همچون صفت "رجیم"، اشکالی ندارد و سیره قرآن نیز بر همین منوال است.**

Do not insult Satan, and take refuge with God from his evil.

****Shia does not accept this Hadith and considers it against Quran.**

****Sura 15 City of Thamud people-Aya 35= And the Curse shall be on you (Satan) till the Day of Judgement.**

****Sura 38 SAD, abbreviated letter-Aya-78= And My Curse shall on you (Satan) until the Day of Judgement.**

۲۴۴۷ لا تستبطئوا الرزق فإنه لم يكن عبد ليموت حتى يبلغه آخر رزق هو له، فاتقوا الله و أجملوا في الطلب:
أخذ الحلال و ترك الحرام.

مپندارید که روزی تان دیر می رسد که هیچ بندهای نمیرد تا آخرین بهره روزی او برسد، از خدا بترسید و در طلب ملایمت کنید: (ملایمت در طلب) گرفتن حلال و رها کردن حرام است.

****رزق آید پیش هر که صبر جست-رنج و (رنج) کوشش ها ز بی صبری توست (مولوی)**

Do not think that your sustenance comes to you late, for no creature dies before receiving the last bit of his/her (destined) sustenance. So, fear God and be moderate in seeking sustenance, i.e. in taking the lawful and avoiding the unlawful.

۲۴۴۸ لا تردوا السائل و لو بشق تمره.

چیزی به سائل بدهید و گر چه نصف خرما باشد.

Give something to a beggar, even if it is half a date (petty).

۲۴۴۹ لا ترضين أحدا بسخط الله و لا تحمدن أحدا على فضل الله و لا تذمن أحدا على ما لم يؤتك الله فإن رزق الله لا يسوقه إليك حرص حريص و لا ترده عنك كراهه كاره.

رضایت هیچ کس را با خشمگین کردن خدا مجوی و هیچ کس را بواسطه تفضلی که خدا به او کرده ستایش مگوی و هیچ کس را برای آنچه خدا بتو نداده مذمت مکن که روزی خدا را حرص حریص سوی تو نمی کشاند و نارضایت نارضائی آن را از تو دور نمی کند.

Do not seek anybody's satisfaction by causing God's anger, do not praise anyone for God's grace on him, and do not blame anyone for the things God has not given you, for sustenance from God will not reach you through the greedy's greed, nor will anyone's discontent ward off your (destined) sustenance.

۲۴۵۰ لا تروعوا المسلم فإن روعه المسلم ظلم عظیم.

مسلمان را مترسانید که ترسانیدن مسلمان ستمی بزرگ است.

Do not frighten/terrify a Muslim, for it's great injustice.

۲۴۵۱ لا تزال المسألة بأحدكم حتى يلقى الله و ما فى وجهه مزعة لحم.

هر که پیوسته به گدایی و تکدی کوشد به پیشگاه خدا رود و قطعه گوشتی در چهره او نباشد.

A group of you will always resort to begging till they (finally) meet God, with no flesh in their faces.

۲۴۵۲ لا تزال طائفة من أمتي على الحق ظاهرين حتى يأتي أمر الله.

پیوسته گروهی از امت من بر حق استوار باشند تا فرمان خدا بیاید.

A group of my people will always stick to truth for God's decree to be issued.

۲۴۵۳ لا تزال نفس الرجل معلقةً بدينه حتى يقضى عنه.

جان مرد (پس از مرگ) پیوسته بقرض وی آویخته است تا قرض وی ادا شود.

Man's soul will always be hanging on his debt (after death) till it's repaid.

۲۴۵۴ لا تزوجن عجوزا و لا عاقرا فإنى مكاتر بكم الامم.

با زن پیر و نازا ازدواج مکنید که از فزونی شما بر امتهای دیگر تفاخر می‌کنم.

Do not marry barren or old women, for I take pride in your greater population (as compared with others').

۲۴۵۵ لا تسأل الناس شيئا و لا سوطك إن سقط منك حتى تنزل إليه فتأخذه.

از مردم چیزی نخواه، اگر تازیانه‌ات افتاد، فرود آی و آن را بردار.

Do not ask people for anything. Should your scourge fall down, bend and take it up and do not ask others to do so.

۲۴۵۶ لا تسبوا الأموات فإنهم قد أفضوا إلى ما قدموا.

مردگان را دشنام مدهید که آنها باعملی که از پیش فرستاده‌اند رسیده‌اند.

Do not curse the dead, for they have reached what they have sent ahead.

۲۴۵۷ لا تسبوا الأموات فتؤذوا الأحياء.

مردگان را دشنام مدهید که زندگان آزرده شوند.

*** شهاب الاخبار - حدیث ۶۱۵ = مردگان را دشنام مدهید! چه وارثان ایشان که زنده باشند سخت آید، و ایشان را رنجور کرده باشند.**

Do not curse the dead, for it annoys the living.

۲۴۵۸ لا تشربوا الخمر فإنها مفتاح كل شر.

شراب منوشید که کلید همه بدی‌هاست.

Do not drink wine, for it's the key to all evils.

۲۴۵۹ لا تشغلوا قلوبكم بذكر الدنيا.

دل‌های خویش را بذكر دنیا مشغول مدارید.

Do not indulge your hearts in this material world.

۲۴۶۰ (یا ابا ذر؟) لا تصاحب إلا مؤمنا ولا يأكل طعامك، إلا تقى (ولا تأكل طعام الفاسقين).

(ای ابا ذر) جز با مؤمن مصاحبت مکن و غذای ترا جز پرهیزگار نخورد (=جز با پرهیزگار هم غذا مباش) - در ادامه - تونیز طعام افراد فاسق/نافرمان حق را مخور).

(O Abazar,) Do not be a company but to believers, and be careful not share your meal save with the pious (and you too do not eat food of lawbreaker).

۲۴۶۱ لا تصحب أحدًا لا یری لك كمثل ما تری له.

با کسی که ترا همسنگ خود نداند مصاحبت مکن.

Do not be a company to the one who does not regard you of equal status with him.

۲۴۶۲ لا تصلح الصنّيعه إلا عند ذی حسب أو دین.

نکوئی جز پیش شریف و دیندار بشمر نمی‌رسد.

Benevolence is not allowed, save to believers and the nobles.

۲۴۶۳ لا تضربوا إماءکم علی کسر إنائکم فإن لها أجلا کآجال الناس.

کنیزان خویش را برای شکستن ظرفهایتان مزید که ظرفها را نیز مثل مردمان اجل‌هاست.

Do not beat your bondswomen for breaking your bowls, for bowls are surely destined to die just as people do.

۲۴۶۴ لا تضعوا الحکمه عند غیر أهلها فتظلموها و لا تمنعوها أهلها فتظلموهم.

حکمت به نا اهل مسپارید که بدان ستم میکنید و از اهلش باز ندارید که به آنها ستم میکنید.

Do not leave wisdom to the unwise you do injustice to wisdom, and do not withhold it from the wise, or you do injustice to the wise.

۲۴۶۵ لا تطعموا المساکین ممّا لا تأکلون.

آنچه خودتان نمی‌خورید به مستمندان مخورانید.

Do not feed the poor on the things you don't eat yourselves.

۲۴۶۶ لا تطلقوا النساء إلا من ربه فإن الله لا يحب الذواقین و لا الذواقات.

زنان را جز در نتیجه بدگمانی طلاق مدهید که خدا مردان بسیار زن گیر و زنان بسیار شوهر گیر را دوست ندارد.

Do not divorce your wives unless you are suspicious about them, for God does not like men and women who marry a lot.

۲۴۶۷ لا تظهر الشّماتة لأخیک فیعافیه الله و یتلیک.

برادر خویش را شماتت مکن که خدا او را معاف دارد و ترا مبتلا کند.

Do not blame your brother (in faith); for God (may) keep him safe but make you suffer.

۲۴۶۸ لا تعجبوا بعمل عامل حتى تنظروا به يختم له.

از کار هیچ کس شگفتی مکنید تا بنگرید عاقبت آن چه می شود.

Do not be amazed at anybody's state of affairs; rather, (wait to) see its end.

۲۴۶۹ لا يعجبكم إسلام رجل حتى تعلموا كنه عقله.

مسلمانی مردی شما را بشگفت نیارد تا کُنه (=حقیقت و نهایت) عقل وی را بدانید.

Do not be amazed at anybody's being a Muslim; rather (try to) find the truth and extent of his/her thought.

۲۴۷۰ لا تغتابوا المسلمين و لا تتبعوا عوراتهم.

غیبت مسلمانان مکنید و در جستجوی عیوب آنها نباشید.

Backbiting Muslims and attempting to discover their faults is not allowed.

۲۴۷۱ لا تغضب فإن الغضب مفسدة.

خشمگین مشو که خشم مایه فساد است.

Do not get angry, for it entails evil.

۲۴۷۲ لا تقوم الساعة إلا على شرار الناس.

قیامت پیا نشود مگر بر اشرار خلق.

The Hour will only come for (the judgment) of the wicked.

۲۴۷۳ لا تقوم الساعة حتى تقل الرجال و تكثر النساء.

قیامت پیا نشود تا وقتی مردان کم و زنان بسیار شوند.

The Hour (Day of Judgment) will not come until men decrease and women increase in number.

٢٤٧٤ لا تقوم الساعة حتى تكون الولد غيظا و تفيض اللئام فيضا و تفيض الكرام غيضا و يجترئ المتغير على الكبير و اللئيم على الكريم.

قيامت به پا نشود تا وقتی فرزند مایه خشم شود و لئیمان فراوان شوند و کریمان کمیاب کردند و کوچک بر بزرگ جسارت ورزد و لئیم بر کریم جری شود.

The Hour will not come until children turn out to be the cause of (their parents') anger, the noble decrease and the ignoble increase in number, the youth become rude to the elderly, and the ignoble revolt against the noble.

٢٤٧٥ لا تقوم الساعة حتى يكون الزهد و الورع تصنعا.

قيامت پيا نشود تا وقتی که زهد و تقوی ساختگی باشد.

The Hour will not come until virtue and piety turn out to be pretentious (in nature).

٢٤٧٦ لا تقوم الساعة حتى يكون أسعد الناس في الدنيا لكع ابن لكع.

قيامت پيا نشود تا خوشبختترین مردم جهان فرومایه پسر فرومایه باشد.

The Hour will not come until the ignoble son of ignoble turn out to be the most fortunate of all people.

٢٤٧٨ لا تقوم الساعة حتى يمر الرجل بقبر الرجل فيقول يا ليتني مكانه.

قيامت به پا نشود تا مرد به قبر دیگری بگذرد و گوید کاش بجای او بودم.

The Hour will not come until man passes by a grave and wishes to be therein.

٢٤٧٩ لا تكثر الضحك فإن كثرة الضحك تميت القلب.

خنده بسیار مکن که خنده بسیار دل را بمیراند.

Do not laugh excessively, for it makes (your) heart wither.

۲۴۸۰ لا تكثر همك ما قدر يكن و ما ترزق يأتك.

غم بسیار مخور که آنچه مقدر است می شود و آنچه روزیت کرده اند بتو می رسد.

Do not be in gross grief, for your due sustenance and whatever is destined for you will surely come to pass.

۲۴۸۱ لا تکرهوا البنات فإنهن المونسات.

دختران را مکروه مدارید که آنها مایه انس هستند.

Do not hate (your) daughters, for they're the cause of comfort.

۲۴۸۲ لا تکلفوا للضيف.

برای مهمان تکلف مکنید (و خود را به زحمت میفکنید).

Do not put yourself into trouble for guests.

۲۴۸۳ لا تكن ممن يشدّ على الناس و يخفف على نفسه.

از آن کسان مباش که بر مردم سخت و با خویش آسان گیرند.

Do not be easy-going to yourself, but hard on people.

۲۴۸۴ لا تكون زاهدا حتى تكون متواضعا.

تا متواضع نباشی زاهد نباشی.

No humility and no abstention (holding back from worldly affairs).

۲۴۸۵ لا تمارأ خاک و لا تمازحه و لا تعده فتخلفه.

با برادر خویش مجادله مکن و با او مزاح مکن و با او خلف وعده مکن.

Do not dispute with your brothers (in faith), do not make fun of them, and do not break your promises (in respect to them).

۲۴۸۶ لا تمزح فيذهب بهاؤك و لا تكذب فيذهب نورك.

مزاح مکن که رونقت ببرد و دروغ مگو که روشنیت برود.

Do not joke (a lot) for it makes your worth vanish, and do not tell lie for it makes your light finish.

۲۴۸۷ لا تمسح يدك بثوب من لا تكسوه.

دست خویش بجامه کسی که او را نمی پوشانی خشک مکن.

شهاب الاخبار حدیث ۶۱۸-معنا ۱=دست ها جامه زنان نامحرم مکن!

شهاب الاخبار حدیث ۶۱۸-معنا ۲=آنکس که ترا بر وی نعمتی نبوده ویرا خدمت مفرمای!

Do not demand a penny from whom you have not offered a penny to.

۲۴۸۸ لا تمنع أحدكم مهابة الناس أن يقوم بالحق إذا علمه.

ترس مردم شما را از رعایت حقی که میدانید باز ندارد.

Let not people's awe make you ignore the observance of the rights you know about.

۲۴۸۹ لا تمیتوا القلوب بکثرة الطعام و الشراب فإن القلب يموت كالزرع إذا كثر عليه الماء.

دلهای خویش را به کثرت خوردن و نوشیدن نمی رانید که دل چون زراعت است وقتی آب آن زیاد شد خواهد مُرد.

Do not make your hearts die of drinking and eating excessively, for they're like unto farms dying of over-irrigation.

۲۴۹۰ لا تنزع الرحمة إلا من شقى.

رحم را نگیرند مگر از بدبخت.

No one but the unluckiest are deprived of (God's) mercy.

۲۴۹۱ لا حلیم إلا ذو عثرة و لا حکیم إلا ذو تجربة.

آنکه لغزش نکرده بردبار نیست آنکه تجربه نیندوخته خردمند نیست.

The tolerant have surely slipped, and the wise are surely experienced.

۲۴۹۲ لا خیر لک فی صحبۃ من لا یری لک ما یری لنفسه.

در مصاحبت کسی که ترا همسنگ خود نداند خیری نیست.

No good can you find in the company of the one who does not count himself equal to you.

۲۴۹۳ لا خیر فی صحبۃ من لا یری لک من الحقّ مثل ما تری له.

در مصاحبت کسی که حقّی برای او قائلی و نظیر آن را برای تو قائل نیست خیری نیست.

No good is there in the company of the one who does not observe the rights you do for him.

۲۴۹۴ لا خیر فی مال لا یزراً منه و جسد لا ینال منه.

در مالی که آفت بدان نرسد و تنی که مصیبت نبیند خیری نیست.

No good is there in the wealth without loss and in the flesh without pain.

۲۴۹۵ لا خیر فیمن لا یضیف.

آنکه مهمان نپذیرد خیری در او نیست.

No good is there in the one who does not invite guests.

۲۴۹۶ لا دین إلا بمرؤة.

دین جز بجوانمردی قوام نمی گیرد.

Religion is not strengthened, save with manliness.

۲۴۹۷ لا دین لمن لا عهد له.

هر که پیمان نگاه ندارد دین ندارد.

Faithless is the one who doesn't keep his promises.

۲۴۹۸ لا سهل إلا ما جعلت سهلا.

هر چه آسان‌گیری آسان گذرد.

Nothing will be easy unless one takes it easy.

۲۴۹۹ لا شيء أحقّ بالسّجن من اللّسان.

هیچ چیز به زندان شدن شایسته‌تر از زبان نیست.

Nothing is more entitled to be imprisoned than (man's) tongue.

۲۵۰۰ لا شيء أغير من الله.

هیچ کس غیر تمندتر از خدا نیست (خدای متعال شرک را تحمل نمی‌کند).

Nobody is more zealous than God (Allah does not tolerate polytheism).

۲۵۰۱ لا صدقة و ذو رحم محتاج.

اگر خویشاوندی محتاج هست صدقه دادن روا نیست.

If a relative is in need, giving alms (to others) will not be fair.

۲۵۰۲ لا طاعة لأحد في معصية الله إنما الطاعة في المعروف.

اطاعت هیچ کس در معصیت خدا روا نیست اطاعت فقط در کار نیک است.

**Nobody is allowed to obey (others) in disobedience of God.
Obedience is only (permissible) in good deeds.**

۲۵۰۳ لا طاعة لمخلوق في معصية الخالق.

اطاعت مخلوق در معصیت خالق روا نیست.

Obedience to a creature is not allowed, if it's disobedience to the Creator.

۲۵۰۴ لا عقل كالنّدير و لا ورع كالکفّ و لا حسب كحسن الخلق.

عقلی مانند تدبیر نیست و تقوائی چون خویشتن داری نیست و شرفی چون نیکخوئی نیست.

There is no intellect as wisdom, no abstinence as self-control, and no dignity as good-temper.

۲۵۰۵ لا فقر أشد من الجهل و لا مال أعود من العقل و لا وحدة أوحش من العجب و لا حسب كحسن الخلق و لا عبادة مثل التّفكّر.

فقری سخت تر از نادانی نیست و مالی سودمندتر از خرد نیست، هیچ تنهایی ترسناکتر از خودپسندی نیست و شرفی چون نیکخوئی نیست و عبادتی چون تفکر نیست.

****ضرب المثل: خدایا، آنکه را عقل دادی چه ندادی؟ و آن را که عقل ندادی چه دادی؟ (خواجه عبدالله انصاری)**

****بس نکو گفت آن رسول خوش جواز—ذره ای (ذره) عقلت به از صوم و نماز (مولوی)**

There is no poverty harder than ignorance, no wealth more profitable than wisdom, no loneliness more frightening than vanity, no dignity as good temper, and no worship as meditation.

****Proverb: Man's ownership of everything lies in his wisdom granted by God, and thus whoever is devoid of wisdom is bereft of everything (Khajeh Abdullah Ansari)**

۲۵۰۶ لا مظاهره أوثق من المشاورة و لا إيمان كالحياء.

هیچ پشتیبانی مطمئن تر از مشورت نیست و هیچ ایمانی چون حیا نیست.

There is no support firmer than consultation, and no faith like unto modesty.

۲۵۰۷ لا فاقة لعبد يقرأ القرآن و لا غنى له بعده.

بندهای که قرآن خواند فقیر نشود و او را بالاتر از قرآن بی نیازی ای نیست.

S(he) who recites the Quran will not suffer poverty, and that's the peak of riches for him/her.

۲۵۰۸ لا كبيرة مع استغفار و لا صغيرة مع إصرار.

با استغفار هیچ گناهی کبیره نیست و با اصرار هیچ گناهی صغیره نیست.

No sin is (counted) capital with asking forgiveness, and no sin is venial with insistence (to commit it repeatedly).

۲۵۰۹ لا ندم من استشار و لا افتقر من اقتصد.

هر که مشورت کند پشیمان نشود و هر که میانه روی کند فقیر نگردد.

Whoever consults (others) will not regret and whoever takes a middle course will not suffer poverty.

۲۵۱۰ لا نعلم شيئاً خيراً من ألف مثله إلا الرجل المؤمن.

بجز مرد مؤمن چیزی را نمی‌شناسیم که از هزار مثل خویش بهتر باشد.

****واحد كالف كه بُود؟ آن ولی—بلکه صد قرن است آن عبدالعلی (مولوی)**

****واحد كالف در بزم (رزم و) کرم—صد چو حاتم گاه ایتارِ نَعَم (مولوی)**

I know no one save a believer to be better than a thousand like unto himself/herself.

۲۵۱۱ لا هم إلا هم الدين و لا وجع إلا وجع العين.

غمی چون غم قرض نیست و دردی چون درد چشم نیست.

No grief is like unto that of debt, and no pain is like unto that of eyes.

۲۵۱۲ لا هجرة بعد الفتح.

پس از فتح (مکه) هجرت نیست.

No migration will be there after the conquest (of Mecca).

۲۵۱۳ لا يؤمن أحدكم حتى يحب لأخيه ما يحب لنفسه.

هیچ کس از شما مؤمن نباشد تا هر چه برای خویش می‌خواهد برای برادر خویش بخواهد.

No servant (of God) is a (true) believer unless (s)he wishes for his/her Muslim brother what (s)he does for himself/herself.

۲۵۱۴ لا يؤمن عبد حتى يحب نفسه من الخير ما يحب لأخيه المسلم.

بنده‌ای مؤمن نباشد تا هر چیزی برای خویش می‌خواهد برای برادر مسلمان خویش بخواهد.

**** آنچه نپسندی به خود ای شیخ دین—چون پسندی بر برادر ای امین؟ (مولوی)**

**** آنچه بر تو خواه آن باشد پسند—بر دگر کس آن کن از رنج و گزند (مولوی)**

No servant (of God) is a (true) believer unless (s)he wishes for his/her Muslim brother what (s)he does for himself/herself.

۲۵۱۵ لا يبغي على الناس إلا ولد بغي وإلا من فيه عرق منه.

مردم آزاری نمی‌کند مگر ولدالزنا، یا کسی که رگی از حرام زادگی در او باشد!

**** این روایت اگر هم مجعول نباشد به واسطه‌ی تعارض با ادله دیگر قابل پذیرش نیست و علم به صدور آن حاصل نمی‌گردد؛ علاوه بر این که ممکن است این خبر دارای اصلی بوده که دچار تحریف شده.**

No one oppresses people, save the child of adultery or the one with a hue of it.

****Root of communication of this hadith is most probably deviated from origin and is not countable.**

۲۵۱۶ لا يبلغ العبد أن يكون من المتقين حتى يدع ما لا بأس به حذرا لما به البأس.

بنده بمقام پرهیزگاری نرسد تا از آنچه مباح است از بیم آنچه مباح نیست، صرف نظر کند.

No one achieves the state of virtue unless (s)he connives at the permissible, out of fear for the impermissible.

۲۵۱۷ لا يبلغ العبد حقيقة الإيمان حتى يخزن من لسانه.

بنده بحقیقت ایمان نرسد تا زبان خویش نگهدارد.

No one achieves true faith unless (s)he controls his/her tongue.

۲۵۱۸ لا يبلغ العبد حقيقة الإيمان حتى يعلم أن ما أصابه لم يكن ليخطئه و ما أخطأه لم يكن ليصيبه.

بنده بحقیقت ایمان نرسد تا بداند که آنچه بدو رسیده نمیشد نرسد و آنچه بدو نرسیده نمیشد برسد.

No one achieves true faith unless (s)he comes to know that both what (s)he gains and what (s)he doesn't are predestined for him.

۲۵۱۹ لا يتجالس قوم إلا بالأمانة.

هیچ گروهی جز با اعتماد متقابل همنشینی نتواند کرد.

No trustworthiness and no companionship.

۲۵۲۰ لا يتكلفن أحد لضيفه ما لا يقدر.

هیچ کس نباید آنچه را قدرت ندارد با مشقت و تکلف برای مهمان فراهم کند.

No one is allowed to put himself/herself into trouble in serving his guests.

۲۵۲۱ لا يتمنى أحدكم الموت أما محسنا فلعلة يزداد و أما مسينا فلعلة يستعذب.

هیچ یک از شما آرزوی مرگ نکنند اگر نکند اگر نکوکار است شاید نیکی فزون کند و اگر بدکار است شاید راه رضا سپرد.

No one is to wish for death, for if you are on the right path, your good might increase, and if you are astray, you might go the way of salvation.

۲۵۲۲ لا يتمنين أحدكم الموت لضر نزل به.

هیچ کس نباید از مشقتی که بدو رسیده آرزوی مرگ کند.

No one is to wish for death when suffering (something).

۲۵۲۳ لا يجلس الرجل بين الرجل و ابنه في المجلس.

مرد نباید در مجلس میان دیگری و فرزندش بنشیند.

Man should not sit between someone and his son in a meeting.

۲۵۲۴ لا يحتكر إنا خاطئ.

جز خطاکار احتکار نمی کند.

Nobody hoards (goods), save a wrongdoer.

۲۵۲۵ لا يحل الصدقة لغنيّ و لا لذي مرّة قويّ.

صدقه گرفتن بر فرد بی نیاز روا نیست و نیز برای آنکه طبعی نیرومند دارد.

Receiving alms is not permissible for the wealthy, nor is it for the high-minded.

۲۵۲۶ لا يحلّ لمسلم أن يروع مسلماً.

روا نیست که مسلمانی مسلمان دیگر را بترساند.

Muslim is not allowed to terrify another Muslim.

۲۵۲۷ لا يحملنكم استبطاء أمر على استعجاله فإنّ الله عزّ و جلّ لا يعجل بعجله أحد.

تصور تأخیر کاری وادارتان نکنند که آن را بشتاب خواهید که خدای عز و جل از عجله کسی عجله نمی‌کند.

A supposedly postponed affair should not make you do it hurriedly, for the Great and the most Powerful God will not haste for man's hurry.

۲۵۲۸ لا يخلون رجل بامرأة فإنّ ثالثهما الشيطان.

مرد نباید با زن به خلوت نشیند که سومی آنها شیطان است.

Know for sure that Satan is the third party to the illegitimate privacy of a man and a woman.

۲۵۲۹ لا يدخل الجنة إلاّ رحيم.

هر که رحم ندارد به بهشت فرود.

The merciless will not be allowed to Paradise.

۲۵۳۰ لا يدخل الجنة خبّ و لا بخيل.

حيله‌گر و بخیل به بهشت نمی‌روند.

Cunning and stingy people will not be allowed to Paradise.

۲۵۳۱ لا یدخل الجنّة سیئ الملكة.

بدخوی به بهشت نمی‌رود.

The ill-tempered will not be allowed to Paradise.

۲۵۳۲ لا یدخل الجنّة عبد لا یأمن جاره بوائقه.

بندهای که همسایه از شرش در امان نباشد به بهشت نمی‌رود.

Those servants of God, whose neighbors are not safe against their evil, will not be allowed to Paradise.

۲۵۳۳ لا یدخل الجنّة قاطع رحم.

هر که پیوند خویشان ببرد به بهشت نرود.

He who breaks the bonds of kinship will not be allowed to Paradise.

۲۵۳۴ لا یدخل الجنّة قنات.

دروغ زن به بهشت نمی‌رود.

Those who beautify false words will not be allowed to Paradise.

۲۵۳۵ لا یرحم الله من لا یرحم الناس.

خدا بکسی که بمردم رحم نکند رحم نمی‌کند.

****اشک خواهی، رحم کن بر اشک بار—رحم خواهی، بر ضعیفان رحم آر (مولوی)**

****تو ز غفلت بس سبو بشکسته ای—بر امید عفو، دل بر بسته ای**

عفو کن تا عفو یابی در جزا—می شکافد مو قدر اندر سزا (مولوی)

Whoever has no pity for people, will not receive God's Mercy.

****Proverb: If you want other shed tear for you, so shed tear for eyes full of tears-If you need pity, so have pity for hopeless and helpless people.**

۲۵۳۶ لا یرد الرّجل هدیة أخیه فإن وجد فلیکافئه.

هیچ کسی نباید هدیه برادرش را رد کند اگر توانست عوض آن دهد.

No one should reject his/her brother's gift; rather, (s)he should compensate for it, if possible.

۲۵۳۷ لا یرد القضاء إنا الدعاء و لا یزید فی العمر إنا البرّ.

قضا جز به دعا دفع نشود و چیزی جز نیکوکاری عمر را افزون نکند.

Nothing can ward off one's predestined fate save praying, and nothing can prolong one's life save benevolence.

۲۵۳۸ لا یزال العبد فی صلاة ما انتظر الصلوة.

بنده مادام که منتظر نماز است در حال نماز است.

*** پنج وقت آمد نماز و رهنمون—عاشقان را فی الصلاة دائمون (مولوی)**

Awaiting prayers by God's servants is (in fact) saying prayers.

۲۵۳۹ لا یزال المسروق منه فی تهمة من هو بریء منه حتّی یكون أعظم جرما من السّارق.

دزد زده آنقدر کسانی را که از دزدی بی خبرند تهمت می زند که گناه او از دزد بیشتر می شود.

The robbed accuse the innocent so much that their sins turn out to weigh over those of the thief.

۲۵۴۰ لا یزاد الأمر إنا شدة و لا الدنیا إنا إدبارا و لا الناس إنا شحا.

در کارها جز سختی نمیافزاید و دنیا جز به ادبار نمی گراید و مردم بیوسته بخیل تر می شوند.

(قانون دوم ترمودینامیک بیان می کند که در یک پروسه طبیعی ترمودینامیکی جمع انترپی /بی نظمی

تک افتاده سیستم های شرکت کننده در آن پروسه، همواره با گذشت زمان افزایش می یابد.)

Worldly affairs bring nothing but hardship, the world causes nothing but adversity, and people are on the way to unceasing avarice.

(The Second Law of Thermodynamics states that the state of entropy/disorder of the entire universe, as an isolated system, will always increase over time)

۲۵۴۱ لا یستر عبد عبدا فی الدنیا إلا ستره اللہ یوم القیمۃ.

هر بندهای که در دنیا برای دیگری راز پوشی کند، روز قیامت خدا راز پوشی وی شود.

God will, in the Hereafter, cover up the secrets of those who does not uncover the secret of others here.

۲۵۴۲ لا یتقیم ایمان عبد حتی یتقیم قلبه و لا یتقیم قلبه حتی یتقیم لسانه.

ایمان بنده به استقامت نیاید تا قلب وی به استقامت گراید و قلب وی به استقامت نگراید تا زبان وی به استقامت آید.

Truth of the tongue leads to truth of the heart and that, in turn, leads to truth of one's faith.

۲۵۴۳ لا یتکمل أحدکم حقیقه الإیمان حتی یخزن لسانه.

هیچ کسی از شما حقیقت ایمان را کامل نکند مگر آنکه زبان خویش نگهدارد.

No one achieves true faith unless (s)he controls his/her tongue.

۲۵۴۴ لا یتکمل العبد الإیمان حتی یكون فیہ ثلاث خصال الإنفاق من الإقتار و الإنصاف من نفسه و بذل السلام.

تا سه صفت در بندهای نباشد ایمان وی کامل نشود صدقه دادن در تنگ دستی و انصاف دادن به ضرر خویش و سلام بسیار کردن.

One's faith will not get perfected save by three characteristics: giving alms in poverty; doing justice even if it's against one's own self, and greeting (people) a lot.

۲۵۴۵ لا یشبع المؤمن دون جارہ.

مؤمن نباید بدون همسایه خود سیر شود.



A believer must not feel satiated, with his/her neighbor being hungry.

۲۵۴۶ لا يشبع عالم من علمه حتى يكون منتهاه الجنة.

عالم از علم خویش سیر نگرده تا سرانجام به بهشت رسد.

The seekers of knowledge will not feel satiated until they finally enter Paradise.

۲۵۴۷ لا يشكر الله من لا يشكر الناس.

هر که شکر مردم ندارد شکر خدا نگزارد.

The thankless to people are thankless to God.

۲۵۴۸ لا يصلح الملق إلا للوالدين والإمام العادل لا تصلح الصّبيّة إلا عند ذي حسب أو دين.

تملق گفتن جز از پدر و مادر و پیشوای عادل روا نباشد و نکوئی جز پیش شرافتمند و دیندار بشمر نرسد.

Praising (people) other than one's own parents and just leaders is not allowed, and kindness to people other than religious and noble men is not permissible.

۲۵۴۹ لا يغني حذر عن قدر.

احتیاط چاره تقدیر نمی کند.

Caution does not block the way of fate.

۲۵۵۰ لا يفتك مؤمن.

مؤمن به کمین خون کسی نریزد.

A believer will not kill anybody in ambush warfare.

۲۵۵۱ لا يفلح قوم تملكهم امرأة.

گروهی که زمامدارشان زن است رستگاری نه بینند.

****این خبر از لحاظ شیعیان فاقد سند صحیح در حدّ لازم می باشد.**

Those who are under the reign of women will not reach salvation.

****Shia considers this Hadith lacks enough right communication.**

۲۵۵۲ لا یلدغ المؤمن من جحر مرتین.

مؤمن از یک سوراخ دو بار گزیده نمی شود.

****گوشی من لا یلدغ المؤمن شنید—قول پیغمبر به جان و دل گزید (مولوی)**

A believer will not be bitten twice from the same hole.

۲۵۵۳ لا یقبل ایمان بلا عمل و لا عمل بلا ایمان.

ایمان بی عمل و عمل بی ایمان پذیرفته نیست.

God will not accept faith without deed and deed without faith.

۲۵۵۴ لا یموتن أحد إلاً و هو یحسن الظن بالله.

هر که می میرد باید بخداوند خوش گمان باشد.

Everybody should be optimistic to God on the verge of death.

۲۵۵۵ لا ینبغی لذی الوجهین أن ینبغی عند الله.

دو رو نزد خدا مورد اعتماد نیست.

God does not trust in hypocrites.

۲۵۵۶ لا ینبغی للصدیق أن ینبغی لعانا.

سزاوار نیست که مرد راستی پیشه لعنت گر باشد.

An honest man should not be accustomed to cursing people.

۲۵۵۷ لا ینبغی لمؤمن أن یدل نفسه.

شایسته مؤمن نیست که خویشتن را خوار کند.

It is not good for a believer to belittle himself.

۲۵۵۸ لا يهلك النَّاسَ حَتَّىٰ يَعْذِرُوا مِن أَنفُسِهِمْ.

مردم هلاک نمی‌شوند مگر وقتی که حجت بر ایشان تمام شود.

شهاب الاخبار حدیث ۵۹۳- هلاک نشدند مردم جز آن وقت که گناهان و معصیت بسیار کنند و تیمار نباید ایشان را، چون چنین بُود، قیامت نزدیک بُود.

People will not perish till demonstrative reasoning becomes evident for them.

۲۵۵۹ لا يَهْوَى الضَّالُّ إِلَّا ضَالًّا.

گمراه را بجز گمراه دوست ندارد.

The misled is only liked by the misled.

م

۲۵۶۰ ما وقى به المرء عرضه كتب له به صدقة.

به عوض چیزی که انسان آبروی خویش بدان محفوظ دارد برای او صدقه‌ای نویسند.

That by which man maintains his honor is considered charity for him.

۲۵۶۱ ما كانت فرحة إلاً تبعثها ترحه.

مسرتی نیست که کدورتی به دنبال نداشته باشد.

No joy can escape being followed by grief.

۲۵۶۲ ما مثلى و مثل الدنيا إلاً كراكب قال فى ظلّ شجرة فى يوم حارّ ثمّ راح و تركها.

حکایت من و دنیا چون سواری است که روز گرمی در سایه درختی بخوابد آنگاه برود و آن را بگذارد.

The story of the world and me is like unto a horseman who sleeps under the shade of a tree in a hot day, then sets out and leaves there.

۲۵۶۳ ما من عبد يسترغبه الله رعيته ثم يموت يوم يموت غاشيا لرعيته إلاما حرم الله عليه الجنة.

هر بندهای که خدا رعیتی را به رعایت او سپارد و نمیرد و با رعیت خویش فریبکاری کرده باشد خدا بهشت را بر او حرام کند.

God will banish Paradise for the one who dies after having deceived his servants whom God have put under his supervision.

۲۵۶۴ ما من جرعة أحب إلى الله من جرعة غيظ كظمها رجل أو جرعة صبر على مصيبة و ما من قطرة أحب إلى الله من قطرة دمع أهرقت من خشية الله و قطرة دم أهرقت في سبيل الله.

هیچ جرعه‌ای نزد خدا از جرعه خشمی که مردی فرو برد یا جرعه صبری که بر مصیبت نوشد محبوب‌تر نیست و هیچ قطره‌ای نزد خدا از قطره اشکی که از ترس خدا ریخته شود یا قطره خونی که در راه خدا ریخته شود محبوب‌تر نیست.

**** آب دیده پیش تو با قدر بود—من نتانستم که آرام ناشنود (مولوی)**

**** که برابر می نهد شاه مجید—اشک را در فضل، با خون شهید (مولوی)**

Nothing is more favorable to God than a sip of anger or a sip of patience one drinks, and no drop is more favorable to God than a drop of tear dripped out of fear of God or a drop of blood shed for the cause of Him.

۲۵۶۵ ما ذئبان ضاریان فی زریبه غنم بأسرع فیها من حب الشرف و المال فی دین المرء المسلم.

دو گرگ گرسنه در آغل برای گوسفندان خطرناکتر از حب جاه و مال برای دین مرد مسلمان نیست.

**** می نماید مار اندر چشم مال—هر دو چشم خویش را نیکو بمال (مولوی)**

**** مال چون مار است و آن جاه ازدها—سایه مردان زمرّد این دو را (مولوی)**

**** حدیث دیگر نبوی: المال حیه و الجاه أضر منها=مال، مانند مار است و مقام از آن زیان آورتر.**

Two hungry wolves in a sheepfold are less dangerous to the sheep than ambition for position and wealth to a Muslim's faith.

**** Riches are like a snake, and power is a dragon: the shadow (protection and guidance) of (holy) men is the emerald (which is fatal) to them both.(Mowlavi)**

۲۵۶۶ ما طلعت شمس قطّ إلاً بجنيها ملكان يقولان اللهم عجل لمنفق خلفا و عجل لممسك تلفا.

هر بار که خورشید طلوع می کند دو فرشته از دو سوی آن گویند خدایا انفاق گر را زودتر عوض ده و بخیل را زودتر آفتی ده.

****گفت پیغمبر که دایم بهر پند—دو فرشته خوش منادی می کنند**

ای خدایا منفقان را سیر دار—هر درمشان را عوض ده صد هزار

ای خدایا ممسکان را در جهان—تو مده آلاً زیان اندر زیان (مولوی)

****گفت پیغمبر که در بازارها—دو فرشته می کند دایم ندا (ایدر دعا)**

کای خدا تو منفقان را ده خَلْف—وای خدا تو ممسکان را ده تلف (مولوی)

Whenever the Sun rises, two angels call out from its two sides, "O Lord! Reward the generous and give a loss to the stingy as soon as possible."

****Proverb: The Prophet said, "For admonishment's sake two goodly angels are always making proclamation, Saying, 'O God, keep the prodigals fully satisfied, give hundred-thousandfold recompense for every dirhem that they spend.**

O God do not give the niggards in this world anything but loss upon loss! (Mowlavi)

۲۵۶۷ ما ينتظر أحدكم من الدنيا إلاً غنى مطغيا أو فقرا منسيا أو مرضا مفسدا أو هرما مفندا أو موتا مجهزا.

از دنیا چه انتظار دارید، جز غنائی که طغیان آرد یا فقری که نسیان آرد یا مرضی که فساد آرد یا پیری که زبونی آرد یا مرگی که به سرعت از پا در آرد؟

What do you expect from the world, save the wealth leading to rebellion, the poverty bringing about oblivion, the disease ending in corruption, the old age resulting in disgrace, and the death ruining (you) immediately?

۲۵۶۸ ما استرذل الله عبدا إلاً حطّ عنه العلم و الأدب.

خدا بندهای را پست شمارد مگر آنکه علم و ادب را از او فرو گذارد.

****از خدا جوییم توفیق ادب—بی ادب محروم گشت از لطف رب (مولوی)**

God will not debase any servant before sparing him/her knowledge and courtesy.

****Proverb: Let us implore God to help us to self-control: one who lacks self-control is deprived of the grace of the Lord.(Mowlavi)**

۲۵۶۹ ما أكرم شاب شيخا لسنه إلا قبض الله عند سنه من يكرمه.

هر جوانی که پیری را برای سنش گرامی دارد خدا هنگام پیری وی یکی را بیارد که وی را گرامی دارد.

A young man, who honors an oldster because of his old age, will be honored in old age by someone appointed by God to do so.

۲۵۷۰ ما شقى عبد قط بمشورة و ما سعد باستغناء برأى.

هیچ کس از مشورت بدبخت نشد و از خود رایى خوشبخت نشد.

Nobody becomes unlucky for consultation and lucky for self-determination.

۲۵۷۱ ما أصر من استغفر و لو عاد فى اليوم سبعين مرة.

هر که استغفار کند بر گناه اصرار نکرده و اگر چه در یک روز هفتاد بار به گناه باز گردد.

Whoever asks forgiveness (from God), does not (in fact) insist in sins even if (s)he commits seventy sins a day.

۲۵۷۲ ما ترك بعدى فتنة أضر على الرجال من النساء.

پس از من برای مردان فتنه‌ای زیان‌انگیزتر از زنان نخواهد بود.

After my death, nothing will be more harmful than women for men.

۲۵۷۳ ما ملأ آدمى وعاء شراً من بطن.

انسان ظرفی بدتر از شکم پر نکند.

Man does not fill up anything worse than his stomach.

۲۵۷۴ ما من أحد أفضل عند الله من إمام إن قال صدق و إن حكم عدل.

هیچ کس نزد خدا از پیشوائی که چون گوید راست گوید و چون حکم کند عدالت کند برتر نیست.

No one is more superior to God than a leader who tells the truth when speaking and administers justice when judging.

۲۵۷۵ ما من حلال أبغض إلى الله من الطلاق.

هیچ حلالی نزد خدا مبعوض تر از طلاق نیست.

****تا توانی پا منه اندر فراق—أبغض الأشياء عندی الطلاق (مولوی)**

The most despised lawful action to God is divorce.

۲۵۷۶ ما من رجل من المسلمين أعظم أجرا من وزير صالح مع إمام يطيعه و يأمره بذات الله.

پاداش هیچ یک از مسلمانان از وزیر شایسته‌ای که با پیشوائی باشد و او را اطاعت کند و بفرمان خدا وادارد بزرگتر نیست.

No reward for a Muslim is greater than that of a qualified minister who obeys a king and makes him obey God.

۲۵۷۷ ما عبد الله بشيء أفضل من فقه في الدين.

هیچ عبادتی بهتر از کامل دانا شدن در کار دین نیست.

No act of worship is superior to acquiring deep knowledge in religion.

۲۵۷۸ ما الدنيا في الآخرة إلا كما يجعل أحدكم إصبعه السبابة في اليمّ فلينظر بم يرجع.

دنیا نسبت به آخرت چنانست که یکی‌تان انگشت بزرگ خویش را به دریا نهد بنگرد از دریا چه بر میدارد.

This world compared to the next is like unto what one of you picks up from the sea when touching it with his/her forefinger.

۲۵۷۹ ما تقرب العبد إلى الله بشيء أفضل من سجود خفيّ.

هیچ کس به چیزی بهتر از سجده نهان به خدا تقرب نمی‌جوید.

Nothing can bring a servant of God more proximity to Him than hidden (private) prostration.

۲۵۸۰ ما من شيء أطيع الله فيه بأعجل ثوابا من صلة الرَّحْمِ و ما من عمل يعصى الله فيه بأعجل عقوبه من بغى.

هیچ اطاعتی را که برای خدا کرده باشند زودتر از پیوند خویشان ثواب ندهند و هیچ معصیتی را زودتر از ستمگری عقاب نکنند.

No obedience to God fruits in quicker reward than observing bonds of kinship, and no disobedience to Him results in quicker punishment than oppression.

۲۵۸۱ ما قلّ و كفى خير ممّا كثر و ألهى.

اندکی که کفایت کند بهتر از بسیاری که مایه سرگرمی و غفلت شود.

A little sufficient thing is better than a lot making one negligent.

۲۵۸۲ ما نحل والد ولده أفضل من أدب حسن.

هیچ پدری مالی بهتر از ادب نیک به فرزند خود نداده است.

No wealth of a father for his child is better than courtesy.

۲۵۸۳ ما من عمل أفضل من إشباع كبد جائع.

هیچ کاری بهتر از سیر کردن شکم گرسنه نیست.

Nothing is better than feeding a hungry stomach.

۲۵۸۴ ما خالطت الصدقة مالا إلّا أهلكته.

صدقه به مالی نیامیزد مگر آن را نابود کند.

Alms mixed with one's property will surely make it ruin.

۲۵۸۵ ما من مؤمن إلّا و له ذنب يصيبه الفينة بعد الفينة لا يفارقه حتّى يفارق الدنيا.

هیچ مؤمنی نیست مگر گناهی دارد که گاه بگاه آن را مرتکب شود و از آن دوری نکند تا از دنیا برود.

Every believer has a sin which (s)he commits once in a while and will not avoid doing it till he dies.”

۲۵۸۶ ما كان الرفق في شيء قط إلا زانه و ما كان الخرق في شيء قط إلا شانه.

مدارا در هر چه باشد آن را زینت دهد و خشونت در هر چه باشد آن را خوار کند.

Patience beautifies its host, and violence degrades it.

۲۵۸۷ ما ستر الله على عبد في الدنيا ذنبا فيعيره به يوم القيمة.

وقتی خدا در دنیا گناه بنده‌ای را ببوشانید در آخرت وی را بدان سرزنش نخواهد کرد.

When God covers up someone's sins in this world, He will not berate him for them in the Day of Judgment.

۲۵۸۸ ما صلت امرأة صلاة أحب إلى الله من صلاتها في أشد بيتها ظلمة.

نمازی که زن در تاریکترین گوشه خانه خود کند از همه نمازهای او نزد خدا محبوبتر است.

The most favorite prayer of women to God is the one they say in the darkest places of their houses.

۲۵۸۹ ما خاب من استخار و لا ندم من استشار و لا آمن بالقرآن من استحل محارمه.

هر که از خدا خیر جوید نومید نشود و هر که مشورت کند نادم نگردد و هر که محارم قرآن را حلال شمارد بقرآن ایمان ندارد.

Whoever asks goodness from God will not suffer despair, whoever counsels in his affairs will not regret, and whoever considers lawful the prohibitions in the Quran, does not believe in it.

۲۵۹۰ ما يصيب المؤمن وصب و لا نصب و لا سقم و لا آذى و لا حزن إلا كفر الله به من خطايا.

رنج و سختی و مرض و آزاری و غمی به مؤمن نرسد مگر خدا در قبال آن از گناهان وی محو کند.

A believer will not be exposed to any suffering, hardship, disease, harm and sorrow, unless God ignores some of his sins (in lieu of them).

۲۵۹۱ ما أعز الله بجهل قط و لا أذل الله بحلم قط.

خدا کسی را به خاطر نادانی عزیز ندارد و کسی را به خاطر بردباری ای (=خویشنداری) ذلیل نکند.

God does not endear the ignorant, nor does He degrade the forbearance of tolerant.

۲۵۹۲ ما نقص مال من صدقه و لا عفی رجل عن مظلمة إلا زاده الله بها عزاً.

هیچ مالی از صدقه کاهش نگیرد، و هیچ کس از ستمی که بر او شده نکذرد مگر خدا در قبال آن عزت وی بیفزاید.

No wealth will decrease through charity, and no one turns a blind eye to an unjust done to him rather will God make his dignity increase.

۲۵۹۳ ما رزق العبد رزقا أوسع عليه من الصبر.

هیچ کس را روزی ای وسیعتر از صبر نداده اند.

The most extended sustenance given to servants (of God) is patience.

۲۵۹۴ ما أنزل الله من داء إلا أنزل له شفاء.

خدا مرضی نفرستاده جز آنکه شفائی برای آن فرستاده است.

For every disease, God has devised a certain remedy.

۲۵۹۵ ما استرعى الله عبدا رعيه فلم يحطها بنصحه إلا حرم الله عليه الجنة.

وقتی خدا کسی را به سرپرستی مردمی سپارد و او به لوازم خیر خواهی مردم قیام نکند خدا بهشت را بر او حرام کند.

God will forbid Paradise for whoever is not a well-wisher of the subjects put under his protection.

۲۵۹۶ ما حسن الله خلق عبد و خلقه إلا استحيا أن يطعم لحمه النار.

وقتی خدا صورت و سیرت بنده ای را نیکو کند شرم دارد که گوشت وی را خوراک آتش کند.

Never will God put to Fire the flesh of a servant to whom He has given good countenance and character.

۲۵۹۷ ما أحسن عبد الصدقة إلا أحسن الله الخلافة على تركته.

وقتی بنده‌ای صدقه نیکو دهد خدا سرانجام تر که او را نیکو کند.

God will make a servant's property end in good, should (s)he give good charity.

۲۵۹۸ ما فتح رجل على نفسه باب مسألة إلا فتح الله عليه باب فقر.

هیچ کس دری از سؤال بروی خود نگشاید مگر خدا دری از فقر بروی او بگشاید.

God will open the door of poverty to the one who opens the door of excessive requests to people.

۲۵۹۹ ما رأيت مثل النار نام هاربها و لا مثل الجنة نام طالبها.

چون جهنم چیزی ندیدم که گریزنده آن خفته باشد و نه چون بهشت که طالب آن خفته باشد!

Nothing as Hell do I know with its haters not being negligent, and nothing as Paradise do I know with its lovers not being asleep!

۲۶۰۰ ما زان الله عبدا بزينة أفضل من عفاف في دينة و فرجه.

خدا به بنده خویش زینتی بهتر از عفت در دین و عورتش نداده است.

God has not given His servants anything better than chastity in their religion and privy parts.

۱-۲۶۰۱ ما عال من اقتصد.

هر که میانه‌روی کند فقیر نشود.

Whoever follows moderateness will not suffer poverty.

۲-۲۶۰۱ ما الذي يعطى من سعة بأعظم أجرا من الذي يقبل إذا كان محتاجا.

پاداش کسی که در حال گشایش بخشش کند از آنکه بخشش را میپذیرد بیشتر نیست، بشرط آنکه محتاج باشد.

The reward of the one who donates something in affluence does not exceed that of the needy receiver.

۲۶۰۲ ما الموت فيما بعده إلا كمنطحة عنز.

مرگ نسبت بما بعد آن چون شاخ زدن بز است (قبر و غربت آن بسیار سخت تر است).

Death compared to its aftermath is like unto a goat's butting (grave and its loneliness is much harder).

۲۶۰۳ ما أتى الله عالما علما إلا أخذ عليه الميثاق أن لا يكتمه.

خدا به عالمی علم نداده مگر آنکه از او پیمان گرفته که علم خویش را نهان ندارد.

God has not granted knowledge to the learned unless He has made them promise not to spare it from others.

۲۶۰۴ ما اجتمع الرجاء والخوف في قلب مؤمن إلا أعطاه الله عز وجل الرجاء وآمنه الخوف.

امید و ترس در دل مؤمن مجتمع نشود جز آنکه خدا عز و جل امید بدو عطا کند و از بیم ایمنش سازد.

Hope and fear will not simultaneously befall a believer's heart unless God, the Greatest and the most Powerful, grants him/her hope and keeps him safe from fear.

۲۶۰۵ ما أحب عبد عبدا لله إلا أكرمه ربه.

وقتی بنده‌ای بنده دیگر را برای خدا دوست دارد پروردگارش او را گرامی کند.

God will keep in honor a servant who loves another one (for His sake).

۲۶۰۶ ما أحب أن أحدا تحول لي ذها يمكث عندي منه دينار فوق ثلاث إلا دينار أرسده لدين.

دوست ندارم که کوه احد برای من مبدل به طلا شود و دیناری از آن بیش از سه روز نزد من بماند مگر دیناری که برای قرض ذخیره نگه دارم.

I do not like Mount Uhud to turn to gold for me and even one Dinar of it be left with me more than three days, save for lending.

۲۶۰۷ ما أحد أكثر من الربا إلا كان عاقبة أمره إلى قلّة.

هر که ربا فراوان خورد سر انجام او به فقر انجامد.

Whoever goes to extremes in usury will end up in poverty.

٢٦٠٨ ما أحسن القصد في الغنى، ما أحسن القصد في الفقر و أحسن القصد في العبادة.

چه نیکست اعتدال هنگام بی‌نیازی، چه نیکست اعتدال هنگام نداری و چه نیکست اعتدال در عبادت.

How nice is it to be moderate in affluence, in poverty and in worshipping (God)!

٢٦٠٩ ما أحلّ الله شيئاً أبغض إليه من الطلاق.

خدا چیزی را حلال نکرده که نزد وی از طلاق دشمن‌تر باشد.

Divorce is the most despised thing God has declared lawful.

٢٦١٠ ما أخاف على أمتي إلا ضعف اليقين.

بر امت خویش بیم ندارم مگر از ضعف ایمان.

I am not worried about my people (concerning anything), save weak faith.

٢٦١١ ما أخاف على أمتي فتنة أ خوف عليها من النساء و الخمر.

از هیچ فتنه‌ای که خطرناکتر از زن و شراب باشد بر امت خویش بیم ندارم.

I am not worried about my people concerning any trials, save wine and women.

٢٦١٢ ما أخشى عليكم الفقر و لكنني أخشى عليكم التكاثر و ما أخشى عليكم الخطاء، و لكنني أخشى عليكم التعمد.

از فقر بر شما بیم ناک نیستم بلکه بیم دارم به کثرت اموال تفاخر کنید، از خطا (=گناه غیر عمد) بر شما بیم ناک نیستم بلکه از تعمد بیم دارم.

I am not worried about your poverty but only about taking pride in your excessive wealth, nor am I worried about your unintentional wrongdoings but only about intentional ones.

٢٦١٣ ما استرذل الله عبداً إلا خطر عليه العلم و الأدب.

خدا بندهای را پست نشمارد مگر علم و ادب را از او باز دارد.

God will not debase any servant before sparing him/her knowledge and courtesy.

۲۶۱۴ ما أخذت الدنيا من الآخرة إلّا كما أخذ المغيث غرس في البحر من مائه.

دنیا از آخرت آنقدر گرفته که سوزنی که در دریا فرو کنند از آب آن گیرد.

This world to the Hereafter is like unto sand to the sea.

۲۶۱۵ ما استفاد المؤمن بعد تقوى الله عزّ و جلّ خيراً له من زوجةً صالحه إن أمرها أطاعته و إن نظر إليها سرته و إن أقسم عليها أبرته و إن غاب عنها نصحتة في نفسها و ماله.

مؤمن پس از پرهیزکاری خدای عز و جل چیزی بهتر از زن پارسائی که فرمانش دهد اطاعت کند و اگر بدو نگردد مسرورش کند و اگر در باره او قسم خورد قسمش را رعایت کند و اگر از او غایب شود مال وی و عفت خویش حفظ کند، چیزی بهتر از این نیابد.

Save the Almighty God, a believer does not have anything better than an abstinent wife who obeys his orders, makes him cheerful when he casts a look at her, observes his oath whenever he swears, and keeps his wealth and her own modesty intact in his absence.

۲۶۱۶ ما أسرّ عبد سريره إلّا ألبسه الله رداءها إن خيراً فخير و إن شراً فشرّ.

هر نیتی که بنده بدل گیرد خدا نشان آن را بر او نمودار کند، اگر نیک باشد نیک و اگر بد باشد بد.

God will make the sign of His servant's intentions appear in him/her, being they good or evil.

۲۶۱۷ ما أطعمت زوجتك فهو لك صدقة، و ما أطعمت ولدك فهو لك صدقة، و ما أطعمت خادمك فهو لك صدقة، و ما أطعمت نفسك فهو لك صدقة.

هر چه به همسر خویش بخورانی صدقه کرده‌ای و هر چه به فرزند خویش بخورانی صدقه کرده‌ای و هر چه به خدمتکار خویش بخورانی صدقه کرده‌ای، هر چه به خویش خورانی صدقه کرده‌ای.

Feeding your wife, your children, your servants and yourself is considered charity.

۲۶۱۸ ما أعطى أهل بيت الرّفق إلّا نفعهم.

مدارا نصیب هیچ خاندانی نشود مگر سودشان دهد.

Moderateness is beneficial to any household upon which it is bestowed.

۲۶۱۹ ما اکتسب مکتسب مثل فضل علم یهدی صاحبه إلی هدی أو یرده عن ردی و لا استقام دینه حتی یتقیم عقله.

هیچ کس چیزی چون مایه علمی که صاحب خویش را بهدایت رساند یا از خطری برهاند به دست نخواهد آورد و دین شخص استقامت نیابد تا عقل وی استقامت یابد.

***بسی نکو گفت آن رسول خوش جواز—ذره ای (ذره) عقلت به از صوم و نماز (مولوی)**

No one can gain anything better than the knowledge leading its holder to guidance or saving him/her from danger, and no one's faith gets perfected unless his/her wisdom is improved.

۲۶۲۰ ما أكل أحد طعاماً قطّ خيراً من أن يأكل من عمل يده و إن نبيّ الله داود كان يأكل من عمل يده.

هیچ کس غذائی بهتر از آنچه از عمل خویش خورد، نخواهد خورد داود پیغمبر نان از عمل خویش میخورد.

No one will eat anything better than what he/she has herself/himself earned. Verily, David (the Messenger of God) ate what he himself earned.

۲۶۲۱ ما أنت محدث قوما حديثا لا تبلغه عقولهم إلّا كان على بعضهم فتنه.

وقتی با قومی سخنی گوئی که عقولشان بدان نرسد برای بعضی شان مایه فتنه خواهد بود.

***پست می گویم به اندازه عقول—عیب نبود این بود کار رسول (مولوی)**

***رنگ و بو در پیش ما بس کاسد است—لیک تو پستی، سخن کردیم پست (مولوی)**

***بهر تو ار پست کردم گفت و گو—تا بسازی با رفیق زشتخو (مولوی)**

***قیمت آن را نداند جز ملوک—فجتهد بالبیع آن لایخدعوک (مولوی)**

Talking about something to a people with deficient intellect causes evil for some of them.

۲۶۲۲ ما أنعم الله على عبد نعمه فحمد الله عليها إلا كان ذلك الحمد أفضل من تلك النعمة وإن عظمت.

وقتی خدا بنده‌ای را نعمتی دهد و خدا را بر آن ستایش کند این ستایش از آن نعمت، هر قدر هم بزرگ باشد بهتر است.

When God bestows a blessing on someone, and he praises God for it, his praise is better than that blessing though the latter might be greater in quantity.

۲۶۲۳ ما أنكر قلبك فدعه.

هر چه را قلبت نمیپذیرد واگذار.

Connive at whatever your heart does not accept.

۲۶۲۴ ما أهدى المرء المسلم لأخيه هدية أفضل من كلمة حكمة يزيد الله بها هدى أو يرده بها عن ردى.

مرد مسلمان به برادر خویش هدیه‌ای بهتر از سخن حکمت‌آمیزی که خدا بوسیله آن هدایت وی افزون کند یا خطری از وی بگرداند نتواند داد.

There is no precious gift for a Muslim's fellow than a piece of wise saying through which God brightens the latter's leading way or from danger keeps him away.

۲۶۲۵ ما بر أباه من شد إليه الطرف بال غضب.

هر که نگاه خشمگین سوی پدر خویش افکند از فضیلت اخلاقی نیکی با وی بی‌نصیب است.

Whoever casts an angry look at his father lacks moral virtue of being kind to him.

۲۶۲۶ ما أودى أحد ما أوديت في الله.

هیچ کس آنقدر که من در راه خدا اذیت دیدم اذیت نکشید.

Nobody has ever suffered as me in the way of God.

۲۶۲۷ ما تجالس قوم مجلسا فلم ينصت بعضهم لبعض إلا نزع من ذلك المجلس البركة.

هر گروهی که هم نشینی کنند و به یک دیگر گوش فرا ندارند برکت از مجلس آنها برخیزد.

Blessing escapes a meeting wherein participants do not listen to each other.

۲۶۲۸ ما تجرع عبد جرعة أفضل عند الله من جرعة غيظ كظمها ابتغاء وجه الله.

هیچ کس جرعه‌ای ننوشد که نزد خدا از جرعه خشمی که برای رضای خدا فروبرد بهتر باشد.

No drink is superior to God than a sip of anger a servant of God drinks to please Him.

۲۶۲۹ ما ترک عبد لله أمرا لا يترکه إلا لله إلا عوضه الله منه ما هو خير له منه في دینه و دنیاہ.

هر که چیزی را برای خدا ترک آن بکند، که جز برای خدا ترک آن نکند خدا به عوض آن چیزی که برای دین و دنیای وی بهتر باشد بدو بدهد.

Whoever abandons something merely for the sake of God, will in return receive things from God serving him better here and in the Hereafter.

۲۶۳۱ ما تشهد الملائكة من لهوكم إلا الرهان والنضال.

فرشتگان از بازیهای شما جز در اسب‌دوانی و گشتی حضور نمیابند.

Angels only make their presence in your wrestling and horse-riding games.

۲۶۳۲ ما تصدق الناس بصدقة أفضل من علم ينشر.

هیچ صدقه‌ای که مردم دهند از علمی که منتشر شود بهتر نیست.

No charity is superior to people's diffusion of knowledge.

۲۶۳۳ ما جاءني جبرئيل قطا إلا أمرني بالسواك حتى لقد خشيت أن أحفي مقدم فمي.

هر وقت جبریل پیش من آمد مرا بمسواک کردن فرمان داد تا آنجا که ترسیدم جلو دهان خود را ببرم.

Whenever Gabriel came to me urged me to brush my teeth, to the extent that I got worried of wearing away my gum.

۲۶۳۴ ما جلس قوم یذکرون اللہ تعالیٰ فیقومون حتیٰ یقال لہم قوموا قد غفر اللہ لکم ذنوبکم و بدل سیئاتکم حسنات.

گروہی کہ با ہم بہ ذکر خدا بنشینند، از جا برنخیزند مگر بہ ایشان بگویند برخیزید کہ خدای تان آمرزید و اعمال بدتان را بہ اعمال خوب مبدل کرد.

Those sitting together in remembrance of God, will not leave before they are told, "Stand up", for God forgave you and changed your evils to good."

۲۶۳۵ ما جمع شیء إلى شیء أفضل من علم إلى حلم.

چیزی با چیز دیگر فراهم نیامده کہ از دانش و بردباری (=خویشنداری) بہتر باشد.

No combination is better than that of knowledge and patience.

۲۶۳۶ ما خرج رجل من بيته يطلب علماً إلا سهل الله له طريقاً إلى الجنة.

ہر کس از خانہ خویش بہ جستجوی علمی برون شود خدا برای وی راہی بسوی بہشت بگشاید.

****نفع و ضرر ہر یکی از موضع است—علم از این رو واجب است و نافع است (مولوی)**

God will open a way to Paradise for those who leave their homes in search of knowledge.

۲۶۳۷ ما خففت عن خادمك من عمله فهو أجر لك في موازينك يوم القيامة.

ہر چہ از کار خدمتگزار خویش سبک کنی پاداشی است کہ روز قیامت در میزان عمل تو نهند.

The reduction in your servant's tasks will be a reward added to your book of deeds in the Day of Doom.

۲۶۳۸ ما خلق الله من شيء إلاً و قد خلق له ما يغلبه و خلق رحمة تغلب غضبه.

خداوند ہر چہ آفریدہ چیزی دیگری برای غلبہ بر آن آفریدہ و رحمت خویش را برای غلبہ بر غضبش آفریدہ.

God has created something to overcome some other created thing, and thus, His Mercy has He created to overcome His anger.

۲۶۳۹ ما رفع قوم أكفهم إلى الله تعالى يسألونه شيئاً إلا كان حقا على الله أن يضع في أيديهم الذي سألوا.

هیچ گروهی دستان خویش به استدعای چیزی سوی خدا بالا نبرند مگر آنکه خدا عهده‌دار است که خواسته شان را در دستانشان نهد.

The Exalted God will surely undertake to grant the requests of anyone who lifts up his hands in request to Him.

۲۶۴۰ ما زال جبریل یوصینی بالجار حتی ظننت أنه سیورته.

جبریل در باره همسایه آنقدر سفارش میکرد که پنداشتم همسایه ارث خواهد برد.

So many times did Gabriel recommend to me to observe neighbors' rights that I came to think of them inheriting each other.

۲۶۴۱ ما زان الله العباد بزینة أفضل من زهادة في الدنيا و عفاف في بطنه و فرجه.

خدا به بندگان خویش آرایشی بهتر از بی‌رغبتی به دنیا و عفت شکم و عورت نداده.

God has not granted His servants any beauty better than unwillingness towards the world, and controlling one's belly (food) and privy parts.

۲۶۴۲ ما زويت الدنيا عن أحد إلا كانت خيرا له.

دنیا را از کسی نگیرند مگر که خیر وی در آنست.

No one is deprived of the world (secular benefits) without being rewarded in good.

۲۶۴۳ ما ساء عمل قوم قط إلا زخرفوا مساجدهم.

چون عمل گروهی بد شود مساجد خویش را زینت کنند.

When a group of people falls into evil, they (extravagantly) decorate their mosques.

۲۶۴۴ ما سلط الله القحط على قوم إلا بتمردهم على الله.

خدا قحط را بر گروهی مسلط نکند مگر برای نافرمانی که از خدا کرده‌اند.

God will not afflict a people with famine, save for disobedience to Him.

۲۶۴۵ ما شَبَّهتْ خُرُوجَ الْمُؤْمِنِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مِثْلَ خُرُوجِ الصَّبِيِّ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ مِنْ ذَلِكَ الْغَمِّ وَالظُّلْمَةِ إِلَى رُوحِ الدُّنْيَا.

برون شدن مؤمن را از دنیا به برون شدن کودک از شکم مادر از آن محنت و ظلمت بر راحت دنیا تشبیه میکنم.

****چنگ لوکم چون جنین اندر رحم—نُه مهه گشتم، شد این نفلان مهم (مولوی)**

A believer's departure from this (secular) world is like unto an infant's deliverance from his/her mother's womb, leaving darkness and distress towards the world's ease and expansion.

۲۶۴۶ ما صدقة أفضل من ذكر الله تعالى.

صدقه‌ای بهتر از یاد کردن خدای والا نیست.

No charity weighs over remembering the Exalted God.

۲۶۴۷ ما ضاق مجلس بمتحائين.

هیچ نشیمن گاهی برای دو دوست تنگ نیست.

****صد خورنده گنجد گرد خوان—دو ریاست جو نگنجد در جهان (مولوی)**

Two (real) friends enjoy each other's company.

۲۶۴۸ ما ضل قوم بعد هدی كانوا عليه إلا أوتوا الجدل.

هیچ قومی پس از هدایت به ضلال نیفتاد مگر آنکه به جدل خو گرفت.

No people will fall to deviation after having been guided unless they get into constant dispute among themselves.

۲۶۴۹ ما عظمت نعمة الله على عبد إلا اشتدت عليه مؤنة الناس فمن لم يحتمل تلك المؤنة للناس فقد عرض تلك النعمة للزوال.

وقتی نعمت خدا بر بنده‌ای بزرگ شود حاجت مردم بر او بیشتر شود و هر که این حاجات را تحمل نکند نعمت خویش را به معرض زوال آورده است.

God's increased blessings to a servant causes people's increased requests to him, and whoever does not manage to settle these requests will surely jeopardize such blessings.

۲۶۵۰ ما علم الله من عبد ندامة على ذنب إلا غفر له قبل أن يستغفره.

چون خدا پشیمانی بنده را از گناهی بداند پیش از آنکه آمرزش بخواهد وی را بیامرزد.

When God comes to know about a servant's regret for his sins, He pardons him prior to his request for forgiveness.

۲۶۵۱ ما عمل ابن آدم شيئا أفضل من الصلاة و صلاح ذات البين و خلق حسن.

بنده آدم کاری بهتر از نماز و آشتی میان کسان و نیکخوئی نمیکند.

Sons of Adam do not have any deed better than saying prayer, reconciling people and behaving well.

۲۶۵۲ ما فتح رجل باب عطية بصدقة أو صلة إلا زاده الله تعالى بها كثرة، و ما فتح رجل باب مسألة يريد بها كثرة إلا زاده الله تعالى بها قلة.

هر که با صدقه‌ای یا صله‌ای در بخشی گشاید خدای والا بسبب آن مال وی بیفزاید و هر که در سؤالی بگشاید و از این راه فزونی جوید خدای والا وی را نقصان فزاید.

The Exalted God will increase the wealth of the one who opens the door of generosity through giving charity or gifts (to people), and will decrease it should (s)he open the door of(excessive) requests, seeking an increase in his wealth.

۲۶۵۳ ما كان الفحش في شيء قط إلا شانه و لا كان الحياء في شيء قط إلا زانه.

بدی و بد زبانی در هر چه باشد آن را خوار کند و حیا در هر چه باشد آن را زینت دهد.

Evil and scurrility degrade, but modesty decorates their hosts.

۲۶۵۴ ما كان الرفق في شيء إلا زانه و لا نزع من شيء إلا شانه.

مداراً در هر چه باشد آن را زینت دهد و از هر چه دور شود آن را خوار کند.

Follow moderateness in life, for everything gets beautified with it and debased without it.

۲۶۵۵ ما کرهت أن تواجه به أخاك فهو غيبة.

هر چیزی که دوست نداری رو بروی برادر خویش کنی غیبت است.

Whatever you dislike to utter in your brother's presence, is backbiting him (in essence).

۲۶۵۶ ما کرهت أن يراه الناس منك فلا تفعله بنفسك إذا خلوت.

هر کاری که دوست نداری مردم از تو ببینند وقتی به خلوت شدی به تنهایی مکن.

Do not do in privacy what you like people not to see in you (in public).

۲۶۵۷ ما لي و للدنيا، ما أنا و الدنيا إلا كراكب استظلّ تحت شجرة ثم راح و تركها.

مرا با دنیا چه کار؟ من در دنیا چون مسافری هستم که در سایه درختی نشست و برفت و آن را وا گذاشت.

What do I have to do with the world? To it, I am like unto a traveler who rests a while under the shade of a tree but leaves it (finally).

۲۶۵۸ ما محق الإسلام محق الشح شيء.

هیچ چیز مسلمانی را چون بخل پایمال نمیکند.

Nothing ruins Islam as much as miserliness.

۲۶۵۹ ما من القلوب قلب إلا و له سحابة كسحابة القمر بينما القمر يضيء أو غلته سحابة فأظلم أو تجلّت.

هر دلی پاره ابری چون پاره ابر ماه دارد هنگامی که ماه نور پاشی کند پاره ابری آن را بیوشاند و تاریک شود یا باز روشن شود.

For every heart there is a piece of cloud as that of the Moon, covering it to darkness when it begins to shine and letting it shine one more time.

۲۶۶۰ ما من آدمی إلا و فی رأسه حکمة یبد ملک فإذا تواضع قیل للملک ارفع حکمته و إذا تکبر قیل للملک ضع حکمته.

هر انسانی در سر خویش حکمتی دارد که به دست فرشته ایست وقتی تواضع کند فرشته را گویند حکمت او را بر آر و چون تکبر کند به فرشته گویند حکمت او را فرو بر.

Man has a kind of wisdom in his head, supervised by an angel. Showing humility, the angel is ordered to lift it up and showing vanity, (s)he is ordered to let it fall.

۲۶۶۱ ما من أحد يموت إلا ندم إن كان محسنا ندم أن لا يكون أزداد و إن كان مسيئا ندم أن لا يكون نزع.

هر که بمیرد پشیمان می شود، اگر نیکوکار بوده پشیمان است که چرا بیشتر نکرده و اگر بد کار بود پشیمان است که چرا بس نکرده.

****زان بفرموده ست آن نیکو(آگه) رسول—که هر آن کو مُرد و کرد از تن نزول**

نیست او را حسرت نقلان و موت—لیک باشد حسرت تقصیر و فوت (مولوی)

****هیچ مرده نیست پر حسرت ز مرگ—حسرتش آن است کش کم بوده مرگ (مولوی)**

****راست فرمود آن سپهدار بشر—که هر آن کو کرد از دنیا گذر**

چون برون رفت این خیالات از میان—گشت نامعقول او بر او عیان

نیستش درد و دریغ و غبن موت—بلکه هستش صد دریغ از بهر فوت (مولوی)

Whoever dies will come up with regret, either of not having done more good deeds if he has been a good-doer, or of not having taken distance with evil if he has been a wrongdoer.

۲۶۶۲ ما من أحد يحدث فی هذه الامّة حدثا لم یکن فی موت حتّی یصیبه ذلک.

هر کس در این امت بدعتی بد بدارد نمیرد تا سزای آن بدو رسد.

Whoever introduces something heretical to this (Islamic) nation, will not die before being afflicted with it in this very world.

۲۶۶۳ ما من إمام یعفو عند الغضب إلا عفی الله عنه یوم القیامة.

هر پیشوائی که هنگام خشم ببخشد خدا روز قیامت او را ببخشد.

In the Day of Judgment, God will forgive a leader who forgives (people) in anger.

۲۶۶۴ ما من أحد يلبس ثوبا لباهي به فينظر الناس إليه إلا لم ينظر الله إليه حتى ينزعه.

هر که جامه‌ای پوشد که بدان مباحات کند و مردم بدو نگرند خدا بدو ننگرد تا آن لباس را بکند.

God will not attend whoever puts on a dress of pride to show himself/herself off, until (s)he takes it off.

۲۶۶۵ ما من امرئ يحيى أرضا فيشرب منها كبد حرى إلا كتب الله له بها أجرا.

هر که زمینی را احیا کند که تشنه‌ای از آن آب نوشد خدا در قبال آن پاداشی برای وی ثبت کند.

God will give a reward to the one who cultivates a barren land from which a thirsty heart might drink.

۲۶۶۷ ما من أمير عشرة إلا و هو يؤتى به يوم القيمة مغلولا حتى يفكه العدل أو يوبقه الجور.

هر که زمام‌دار ده تن باشد روز قیامت در غل بیارندش تا عدالت غل او باز کند یا ستم هلاکش کند.

Whoever rules over ten people will be brought to the Day of Judgment in chains to be either freed for justice or demolished for tyranny.

۲۶۶۸ ما من جرعة أحب إلى الله تعالى من جرعة غيظ يكظمها عبد، ما كظمها عبد إلا ملاء الله تعالى جوفه إيمانا.

هیچ جرعه‌ای نزد خدا از جرعه خشمی که بنده‌ای فرو برد محبوب‌تر نیست. هر بنده‌ای جرعه خشم فرو برد خدا ضمیر او را از ایمان پر کند.

Nothing is more favorable to the Exalted God than a sip of anger one drinks, and He will load with faith the heart of whoever does so.

۲۶۶۹ ما من خارج خرج من بيته في طلب العلم إلا وضعت له الملائكة أجنحتها رضا بما يصنع حتى يرجع.

هر که از خانه خویش به طلب دانش بیرون شود فرشتگان به رضایتی که از رفتار او دارند بالهای خویش برای وی بگسترند تا باز گردد.

Angles spread out their wings in satisfaction for whoever leaves his home in search of knowledge, until he returns.

۲۶۷۰ ما من دابة طائر و لا غيره يقتل بغير حق إلا سخاصمه يوم القيمة.

هر حیوان پرنده یا غیر آن به ناحق کشته شود روز قیامت با قاتل خویش مخاصمه کند.

Whoever unjustly kills an animal, a bird and so on will be called to account by God in the Day of Judgment.

۲۶۷۱ ما من ذنب أجدر أن يعجل الله تعالى لصاحبه العقوبة في الدنيا مع ما يدخره له في الآخرة من قطيعه الرحم والخيانة والكذب و إن أعجل الطاعة ثوابا لصله الرحم حتى إن أهل البيت ليكونوا فجرة فتنموا أموالهم و يكثر عددهم إذا تواصلوا.

گناهی چون گسستن از خویشاوند و خیانت و دروغ نیست که خداوند بغير از عقوبت آخرت، در این دنیا نیز مرتکب آن را کیفر دهد. ثواب پیوند با خویشاوند زودتر از همه اعمال خوب میرسد. تا آنجا که خاندانی بد کارند اما اگر پیوسته شوند اموالشان فزونی گیرد و عددشان بیش شود.

There are no sins like unto breaking the bonds of kinship, treachery and telling lie, for which the Exalted God will punish the sinners both here and in the Hereafter. The reward of keeping the bonds of kinship will be so quickly given to the one who acts upon it (in comparison to that of any other good deeds) that a corrupt family who observe it will (quickly) increase in wealth and number.

۲۶۷۲ ما من ذنب إلا و له عند الله توبة إلا سوء الخلق فإنه لا يتوب من ذنب إلا رجح إلا ما هو شر منه.

هر گناهی نزد خدا توبه‌ای دارد مگر بدخوئی که بدخوی از گناهی بازنگردد مگر به بدتر از آن رو کند.

For every sin there is a way of repenting before God, save ill-temperedness, for verily an ill-tempered person does not repent of any sin without a later return to something worse.

۲۶۷۳ ما من ذی غنی إلا سیود يوم القيامة لو كان إنما أوتی من الدنيا قوتا.

هر ثروتمندی روز قیامت آرزو کند که در دنیا فقط قوت خویش می‌داشت.

In the Day of Judgment, all affluent people will wish to have only possessed their daily bread in worldly life.

۲۶۷۴ ما من رجل یغرس غرسا إلا كتب الله له من الأجر قدر ما یخرج من ثمر ذلك الغرس.

هر که درختی بنشانند خدا به اندازه میوه‌ای که از آن درخت برون می‌شود پاداش برای وی ثبت کند.

God will reward a man who plants a tree, to the extent of its fruits.

۲۶۷۵ ما من رجل يتعظم في نفسه و يختال في مشيته إلتا لقي الله تعالى و هو عليه غضبان.

هر که در دیده خویش بزرگ نماید و در راه رفتن گردن افرازد به پیشگاه خدای والا رود و خدا بر او خشمگین باشد.

Whoever feels self-conceit and walks arrogantly will meet the Exalted God's anger.

۲۶۷۶ ما من رجل ينظر إلى وجه والديه نظر رحمة إلتا كتب الله له بها حجة مقبولة مبرورة.

هر که از روی مهربانی بصورت پدر و مادر خویش نظر کند خدا پاداش آن برای وی حج مقبول نیکوئی رقم زند.

God will grant the reward of a good accepted pilgrimage to Mecca to the one who casts a tender glance at his/her parents' face.

۲۶۷۷ ما من ساعة تمرّ بآدم لم يذكر الله فيها إلتا حسر عليها يوم القيامة.

ساعتی بی‌ذکر خدای بر آدمیزاد نگذرد مگر روز قیامت بر آن حسرت خورد.

Sons of Adam will in the Day of Judgment be surely regretful for times of forgetting God in this world.

۲۶۷۸ ما من شيء في الميزان أثقل من حسن الخلق.

در میزان اعمال چیزی سنگین‌تر از نیک‌خوئی نیست.

No deed will be heavier in man's scale (of deeds) than good-temperedness.

۲۶۷۹ ما من شيء أحب إلى الله تعالى من شاب تائب و ما من شيء أبغض إلى الله تعالى من شيخ مقیم علی معاصیه.

هیچ کس پیش خدای والا محبوب‌تر از جوان توبه‌گر نیست و هیچ کس پیش خدای والا چون پیری که بگناهان خویش مشغول باشد مبغوض نیست.

Nothing is more beloved to the Exalted God than the penitent youth, and nothing is more hated by Him than the aged indulged in their sins.

۲۶۸۰ ما من صباح يصبحه العباد إلا صارخ يصرخ يا أيها الناس لدوا للتراب و اجمعوا للغناء و ابنوا للخراب.

هر صبحدم که بر بندگان در آید بانگزنی بانگ زند: ای مردم برای خاک تولید کنید(=به زائید برای مردن) و (ثروت) برای نابودی فراهم آرید و برای ویرانی بنا کنید(=بسازید برای تخریب).

Every morning a caller summons the servants (of God), saying, " O you people! Reproduce for the earth, pile up (wealth) for ruin, and build for destruction.

۲۶۸۱ ما من صدقة أفضل من قول.

صدقه‌ای بهتر از گفتار نیک نیست.

There is no charity better than (uttering) good words.

۲۶۸۲ ما من صدقة أحب إلى الله من قول الحق.

نزد خدا صدقه‌ای محبوبتر از گفتار حق نیست.

There is no charity more favorable to God than a word of truth.

۲۶۸۳ ما من عبد مسلم يدعو لأخيه بظهر الغيب إلا قال الملك و لك بمثله.

هر بنده مسلمانی که در غیاب برادر خویش برای او دعا کند فرشته گوید برای تو نیز نظیر آن باد.

An angel will pray the same for whoever prays for his brother in his absence.

۲۶۸۴ ما من عبد يبيع قالدا إلا سلط الله عليه تالفا.

هر بنده که چیز فاسد فروشد خدا تلف‌کننده‌ای را بر او مسلط کند.

God will make a wasteful person rule over anyone who sells something rotten.

۲۶۸۵ ما من عبد كانت له نية في أداء دينه إلا كان له من الله عون.

هر بنده که نیت ادای دین خویش داشته باشد، از جانب خدا تایید شود.

God will assist anyone who intends to pay back his debts.

۲۶۸۶ ما من عبد ابتلى ببلية في الدنيا إلا بذنب و الله أكرم و أعظم عفوا من أن يسأله عن ذلك الذنب يوم القيامة.

هیچ کس در دنیا به بلیه‌ای مبتلا نشود مگر در قبال گناهی که کرده و خدا کریمتر و بزرگتر از آنست که روز قیامت او را از آن گناه بازخواست کند.

No one will be afflicted with calamity in this world, save in lieu of a sin (s)he has committed, and God is too generous to call him/her to account for that very sin in the Day of Judgment.

۲۶۸۷ ما من عبد يظلم رجلا مظلما في الدنيا لا يقصه من نفسه إلا قصه الله تعالى منه يوم القيامة.

هر کس در دنیا به دیگری ظلمی کند که و خود شخصا جبران آن نکند خدای والا در روز قیامت تقاص آن از وی بگیرد.

The Exalted God will avenge anyone who oppresses somebody in this world, if the latter is not able to revenge the former in person.

۲۶۸۸ ما من عبد إلا و له صيت في السماء فإن كان صيته في السماء حسنا وضع في الأرض و إن كان صيته في السماء سيئا وضع في الأرض.

هر بنده‌ای در آسمان شهرتی دارد اگر شهرت وی در آسمان نیک باشد در زمین نهند و اگر شهرت وی در آسمان بد باشد در زمین نهند.

Everybody has a reputation in heavens. Being it good or bad, he will enjoy a high or a low position on the earth respectively.

۲۶۸۹ ما من عبد استحيا من الحلال إلا ابتلاه الله بالحرام.

هر که از حلال شرم کند خدا ویرا به حرام مبتلا کند.

God will make one suffer the unlawful, if (s)he is ashamed to act upon the lawful.

۲۶۹۰ ما من قاض من قضاة المسلمين إلاً و معه ملكان يسدّدانه إلى الحقّ ما لم يرد غيره فإن أراد غيره و جار متعمداً تبرأ منه الملكان و وكلاه إلى نفسه.

هر یک از قضاات مسلمانان دو فرشته موکل دارد که ویرا مادام که جز حق نخواهد بر آن استوار کند و اگر غیر حق اراده کند و به عمد منحرف شود فرشتگان از او بری شوند و کار ویرا به خودش واگذارند.

Every Muslim judge is watched by two angels who support him as long as he seeks nothing save truth, but abandon and leave him on his own as soon as he intends other than truth and purposefully deviates from it.

۲۶۹۱ ما من قلب إلاً و هو معلق بين إصبعين من أصابع الرحمن إن شاء أقامه و إن شاء أزاعه، و الميزان بيد الرحمن يرفع أقواما و يخفض آخرين إلى يوم القيامة.

هر دلی به دو انگشت از انگشتان قدرت خدای رحمان آویخته اگر خواهد آن را ثابت دارد و اگر خواهد آن را بگرداند و میزان کارها به دست خداست که تا روز قیامت گروهی را بالا برد و گروهی دیگر را پائین برد.

**** نور غالب ایمن از کسب و غسَق—در میان اصبعین نور حق (مولوی)**

**** دیده و دل هست بین الإصبعین—چون قلم در دست کاتب ای حسین (مولوی)**

**** در کف حق بهر داد و بهر زین—قلب مؤمن هست بین الإصبعین (اصبعین) (مولوی)**

**** مرغ مضطر مرده اندر وصل و بین—خواننده ای القلب بین الإصبعین (اصبعین) (مولوی)**

**** من چو کلکم در میان اصبعین—نیستم در صف طاعت بین بین (مولوی)**

**** جنگ ما و صلح ما در نور عین—نیست از ما، هست بین الإصبعین (اصبعین) (مولوی)**

**** فردی ما جفتی ما، نز هواست—جان ما چون مهره در دست خداست (مولوی)**

**** مکر حق سرچشمه این مکرهاست—قلب، بین الإصبعین کبریاست (مولوی)**

**** خالی آی و باش بین الاصبعین—کز می لا این سرمست است این این (مولوی)**

**** دلّوها وابسته چرخ بلند—دلو او در اصبعین زورمند (مولوی)**

Every heart is hanging from two fingers of the Merciful God's Fingers of Power, which He holds fast or lets fall if He wills, and the

scale of people's deeds is in God's hands, by which He will lift up a group or push down another till the Day of Judgment.

۲۶۹۲ ما من قوم يعمل فيهم المعاصي هم أَعَزُّ و أَكْثَرُ مِمَّنْ يَعْمَلُهُ ثُمَّ لَمْ يَغَيِّرُوهُ إِلَّا عَمَّهُمُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْهُ بِعِقَابٍ.

هر گروهی که در میانشان گناه کنند و ایشان از گنهکاران قوی تر و بیشتر باشند و جلوگیری نکنند، خدای والا از جانب خویش همه را عقوبت کند.

The Exalted God will punish a group of people who are greater in number and stronger than the sinners among them, but do not manage to stop the latter committing sins.

۲۶۹۳ ما من قوم يظهر فيهم الرِّبَا إِلَّا أَخَذُوا بِالرَّعْبِ.

هر گروهی که ربا میانشان رواج گیرد به قحط مبتلا شوند و هر گروهی رشوه میانشان رواج گیرد به ترس دچار شوند.

Any group of people among whom usury and bribery prevail will be respectively afflicted with famine and fear.

۲۶۹۴ ما من مسلم يموت له ثلاثة من الولد لم يبلغوا الحنث إِلَّا تَلَقَّوهُ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةِ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ دَخَلَ.

هر مسلمانی که سه فرزند وی قبل از آنکه بعقل رسند بمیرند بر هشت در بهشت به او برخورد کنند که از هر کدام خواهد در آید.

****هست جنت را ز رحمت هشت در—یک در توبه است زان هشت ای پسر!**

Every Muslim who loses three children to death before their puberty will be welcomed by them at the eight doors of Paradise, being asked to walk in through each one he wishes.

۲۶۹۵ ما من مسلم ينظر إلى امرأة أول رمقه ثم يغض بصره إِلَّا أَحْدَثَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ عِبَادَةً يَجِدُ حِلَاوتَهَا فِي قَلْبِهِ.

هر مسلمانی که یک بار به زنی بنگرد آنگاه چشم از او باز دارد خدای والا ایش با عبادتی انس دهد که لذت آن را در قلب خویش احساس کند.

The Exalted God will make a Muslim associate with an act of worship, feeling its pleasure in his heart, when he casts a first glance at a woman but immediately turns his eyes away from her.

۲۶۹۶ ما من مسلم تدرک له ابنتان فيحسن إليهما ما صحبتاه إِلَّا أَدْخَلَتْهُ الْجَنَّةَ.

هر مسلمانی که دو دختر وی ببلوغ رسند و تا در خانه او هستند با آنها نیکی کند بهشتی می‌شود.

Every Muslim who has two young unmarried daughters at home, whom he treats kindly, will be allowed to Paradise.

۲۶۹۷ ما ملاء آدمی وعاء شراً من بطنه یجب ابن آدم أكلات یقمن صلبه.

آدمی ظرفی بدتر از شکم پر نمیکند. برای آدمیزاد همین قدر غذا که بئیه او را نگه دارد کافی است.

Man does not satiate anything worse than his belly (stomach). For sons of Adam that which keeps them strong (and healthy) would suffice.

۲۶۹۸ ما نقصت صدقة من مال و ما زاد الله عبدا یغفو إلاً عزاً و ما تواضع أحد لله إلاً رفعه الله.

مال از صدقه کاهش نگیرد و بنده‌ای که عفو کند خدایش جز عزت نیفزاید و هر که برای خدا تواضع کند خدایش رفعت دهد.

Wealth will not decrease for giving alms, and God will increase the glory of whoever pardons (people's faults) and will uplift those who are humble to Him (or for His sake).

۲۶۹۹ ما یحلّ لمؤمن أن یشتدّ إلی أخیه بنظرة تؤذیه.

روا نیست که مؤمنی به برادر خویش به تندی نظر کند که مایه آزار او شود.

No believer is allowed to look harshly at his brother (in faith), bothering him thereof.

۲۷۰۰ ما کرهته لنفسک فاكرهه لغيرک و ما أحببته لنفسک فأحبّه لأخیک.

هر چه به خود نمی‌پسندی به غیر خود مپسند و آنچه برای خود دوست داری برای برادرت دوست دار.

* آنچه نپسندی به خود ای شیخ دین—چون پسندی بر برادر ای امین؟ (مولوی)

* آنچه بر تو خواه آن باشد پسند—بر دگر کس آن کن از رنج و گزند (مولوی)

Do not wish for others what you wish not for yourself, and wish for your brother (in faith) what you wish for yourself.

۲۷۰۱ ما هلك امرؤ عرف قدره.

آن کس که قدر و مقام خود را بشناسد (کمترین قیمت شخص بهشت است، به کمتر نباید خود را به فروشد) هرگز هلاک نمی شود.

****تو نه ای این جسم، تو آن دیده ای-وارهی از جسم گر جان دیده ای (مولوی)**

****حکمت ۴۵۶ نهج البلاغه علی ع=آیا آزاد مردی نیست که این لقمه جویده حرام دنیا را به اهلیش واگذارد؟ همانا بهایی برای جان شما جز بهشت نیست، پس به کمتر از آن نفروشید!**

He who does not know his own worth (least price of anyone is Paradise, s[he] should not sell herself/himself lesser than that) is ruined.

****Saying 456 Imam Ali in Peak of Eloquence (NahjolBalaagha) =is there no free man who can leave this chew morsel (of the world) to those who like it? Certainly, the only price for you is Paradise. Therefore, do not sell yourself except for Paradise.**

۲۷۰۲ ما أملك تاجر صدوق.

تاجر راست گو فقیر نشود.

An honest merchant will not suffer poverty.

۲۷۰۳ ما نقص مال من صدقة.

مال از صدقه دادن نقصان نمی پذیرد.

Wealth will not decrease for giving alms.

۲۷۰۴ ما قلّ و كفى خير ممّا كثر و ألهى.

اندکی که کفایت کند از بسیاری که انسان را سرگرم کند و غفلت آورد بهتر است.

****شهاب الاخبار-حدیث ۷۹۹=مال اندک که به قدر کفایت، بهتر بود از مال بسیار که ترا مشغول گرداند از طاعات.**

A little sufficient thing is better than a lot making one negligent.

۲۷۰۵ ما عال امرؤ اقتصد.

هر که میانه روی کند فقیر نشود.

The moderate will not suffer poverty.

۲۷۰۶ ما آمن بی من بات شعبان و جاره جائع إلى جنبه و هو يعلم به.

هر که (با شکم) سیر بخوابد و همسایه او پهلویش گرسنه باشد و او بداند، بمن ایمان ندارد.

Whoever sleeps well-fed, knowing that his neighbor is hungry, does not (truly) believe in me.

۲۷۰۷ ما يكب الناس على مناخرهم إلا حصائد ألسنتهم.

حاصل زبان مردمان مایه هلاکشان می شود.

People perish through the offshoots of their tongues.

۲۷۰۸ ما خلق الله في الأرض شيئاً أقلّ من العقل و إنّ العقل في الأرض أقلّ من الكبريت الأحمر.

خدا در زمین چیزی کمتر از عقل نیافریده که عقل در زمین از گوگرد سرخ کمتر است.

****بس نکو گفت آن رسول خوش جواز—ذره ای (ذره) عقلت به از صوم و نماز (مولوی)**

God has not created anything more scarce than (man's) intellect on the earth, and that's more scarce than even the earth's red sulphur.

۲۷۰۹ مثل المؤمن مثل السنبلة يحركها الريح فتقوم مرّة و تقع أخرى و مثل الكافر كمثل الارزّة لا تزال قائمة حتى تنقعر.

حکایت مؤمن چون خوشه است که باد آن را تکان دهد نوبتی بایستد و نوبت دیگر بیفتد و حکایت کافر چون درخت صنوبر است که پیوسته بپا باشد تا از ریشه بر آید.

A believer is like unto a stalk shaken by wind, standing and collapsing alternatively, and an unbeliever is like unto a pine standing all the time against the wind to be finally uprooted.

۲۷۱۰ مثل الجليس الصالح مثل الدّاري إن لم يجدك من عطره علقك من ريحه و مثل الجليس السوء مثل صاحب الكير إن لم يحرقك من شرار ناره علقك من ننته.

حکایت همنشین خوب مثل عطار است که اگر عطر خویش بتو ندهد بوی خوش آن در تو آویزد و حکایت همنشین بد مثل آهنگر است اگر شرار آتش آن ترا نسوزد بوی بد آن در تو آویزد.

**** گلی خوش‌بوی در حمام روزی-رسید از دست محبوبی به دستم
بدو گفتم که مشکي يا عبيري-که از بوی دل آویز تو مستم
بگفتا من گلي ناچيز بودم-وليکن مدتی با گل نشستم
کمال هم‌نشین در من اثر کرد-وگر نه من همان خاکم که هستم (سعدی)**

A good companion is like unto a perfume-seller who might spare you any perfume, but the pleasant fragrance of his perfumes you (can surely) smell, and a bad companion is like unto a blacksmith whose flame of fire you might be able to escape but you surely suffer the bad smell of his working place.

**** A sweet-smelling piece of clay, one day in the bath,
Came from the hand of a beloved one to my hand.
I asked: 'Art thou musk or ambergris?
Because thy delicious odour intoxicates me.'
It replied: 'I was a despicable lump of clay;
But for a while in the society of a rose.
The perfection of my companion took effect on me
And, if not, I am the same earth which I am.(Persian Poet: Saadi)**

۲۷۱۱ مثل اهل بيتی مثل سفینه نوح من ركب فيها نجی و من تخلف عنها غرق.

حکایت خاندان من چون کشتی نوح است هر که در آن نشست نجات یافت و هر که از آن باز ماند در آب غرق شد.

****بهر این فرمود پیغمبر که من-همچو کشتی ام به طوفان زَمَن**

ما و اصحابیم چو کشتی نوح-هر که دست اندر زند، یابد فتوح (مولوی)

****این چنین فرمود آن شاه رسل-که منم کشتی در این دریای کل**

یا کسی کو در بصیرت های من-شد خلیفه راستین بر جای من (مولوی)

****کوه ها را هست زین طوفان فُضوح-کو امانی جز که در کشتی نوح؟ (مولوی)**

****هر ولی را نوح و کشتی بان شناس-صحت این خلق را طوفان شناس (مولوی)**

The similitude of my household is the similitude of the Ark of Noah, saving those who get on board and leaving to drown those who don't.

۲۷۱۲ مثل المؤمنین فی توادهم و تراحمهم کمثل الجسد إذا اشتکی بعضهم تداعی سائرهم بالسهر و الحمی.

حکایت مؤمنان در دوستی و مهربانیشان چون اعضای تن است وقتی یکیشان رنجور شود دیگران بمراقبت و رعایت او هم داستان شوند.

ضرب المثل: بنی آدم اعضای یکدیگرند—که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی ببرد آورد روزگار—دگر عضوها را نماند قرار (سعدی)

Believers are like unto body organs in their friendship and kindness. When one suffers pain, others uneasy remain.

****Proverb: All human beings are in truth akin**

.All in creation share one origin

,When fate allots a member pangs and pains

.No ease for other members then remains.(Persian Poet: Saadi)

۲۷۱۳ مثل المؤمن کمثل المنخله لا تأکل إلا طیباً و لا تضع إلا طیباً.

حکایت مؤمن چون غربال است جز پاکیزه نخورد و جز پاکیزه ندهد.

A believer is like unto a sieve, receiving nothing but clean and passing nothing but pure.

۲۷۱۴ مثل القلب مثل ریشه بأرض تقلبها الريح.

حکایت دل چون رشته‌ای است در سرزمینی که بادهای آن را زیر و رو کند.

Hearts are like unto roots in a land, turned over by wind (all the time).

۲۷۱۵ مثل المرأة كالصلع إن أردت أن تقيمه كسرته و إن استمتعت به استمتعت به و فيه إود.

حکایت زن چون دنده است اگر بخواهی راستش کنی خواهد شکست و اگر از آن بهره‌گیری با وجود کجیش بهره‌توانی گرفت.

A woman is like unto a (tender) rib. If you intend to straighten it, it will break, and if you intend to avail yourself of it, it will offer you the chance, though bent.

۲۷۱۶ مثل المؤمن القویّ مثل النخلة و مثل المؤمن الضعیف كخامة الزرع.

حکایت مؤمن نیرومند چون نخل است و حکایت مؤمن ناتوان چون ساقه کشت.

A strong believer is like unto a palm tree, and a weak one resembles a stalk.

۲۷۱۷ مثل المنافق كمثل الشاة العائرة بين الغنمين.

حکایت منافق چون بز حیران میان دو گله است.

A hypocrite is like unto a goat, wandering between two flocks (of sheep).

۲۷۱۸ مثل أمتی مثل المطر لا یدری أوله خیر أم آخره.

حکایت امت من چون باران است که ندانند اول آن بهتر است یا آخرش.

My people are like unto rain whose beginning and ending benefits nobody can explain (foresee).

۲۷۱۹ مثل المؤمن و الإیمان كمثل الفرس یجول فی أخیته ثم یرجع فی أخیته.

حکایت مؤمن و ایمان چون اسب است که اطراف آخور خویش جولان کند آنگاه به همانجا باز گردد.

شهاب الاخبار - حدیث ۸۵۴ = یعنی اگر مسلمانی را شبهه ای فرا پیش آید باید نظر کند و با سر دلیل شود، و اگر سهوی بیفتد ویرا، با سر اصل شود.

A believer to (his) faith is like unto a horse to its stable around which it moves about (for a while) and then returns to it.

۲۷۲۰ مثل القرآن مثل الإبل المعقلة إن عقلها صاحبها أمسکها و إن ترکها ذهبت.

حکایت قرآن چون شتر بسته است که صاحبش اگر ببنددش محفوظ ماند و اگر ولش کند از دست برود.

The Quran is like unto a tied camel whose owner may keep it intact by holding it as it is, or let it go away by releasing its rope.

۲۷۲۱ مثل الرّافلة في الزّينة من غير أهلها كمثل ظلمة يوم القيامة لا نور لها.

حکایت زنی که در زینت خویش برون خانه، دامن‌کشان رود چون ظلمتی است در روز قیامت که نور ندارد.

A woman who shows her beauty to the public is like unto the dark of the Day of Judgment, with no light.

۲۷۲۲ مثل العالم الّذي يعلم النّاس الخیر و ينسى نفسه كمثل السّراج يضيء للنّاس و يحرق نفسه.

حکایت دانشمندی که مردم را تعلیم دهد و خویشتن را فراموش کند چون چراغ (شمع درون حباب شیشه ای) است که مردم را روشن کند و خویش را بسوزاند.

****سوره ۲ البقره آیه ۴۴: (رهبران مذهبی قوم یهود) آیا مردم را به نیکی (و ایمان به پیامبری که صفات او در تورات آمده) دعوت می کنید، اما خودتان را فراموش می کنید؛ با اینکه شما کتاب آسمانی (تورات) را می خوانید؟ آیا نمی اندیشید؟**

A scholar who does not act upon his knowledge is like unto a burning candle providing people with light but burning itself.

****Sura 2-The Cow-Aya 44: Do you [Jewish Religious Leaders] enjoin right conduct and piety on the people, and forget (to practice it) yourselves. And you recite the Scripture? Will you not use your reason?**

۲۷۲۳ مثل الّذي يتعلّم العلم ثمّ لا يحدث به كمثل الّذي يکنز الکنز فلا ينفق منه.

حکایت کسی که علم آموزد و از آن سخن نکند چون کسی است که گنجی نهد و از آن خرج نکند.

He who learns (something) but does not teach it to others is like unto the one with a treasure, not spending it.

۲۷۲۴ مثل الّذي يتعلّم العلم في صغره كالنّقش على الحجر و مثل الّذي يتعلّم العلم في كبره كالّذي يکتب على الماء.

حکایت کسی که در کوچکی علم آموزد چون نقش بر سنگ است حکایت کسی که در بزرگی علم آموزد چون کسی است که بر آب نویسد.

****زگهواره تا گور دانش بجوی — دل از تیرگی ها بدین آب شو
ز دانش در بی نیازی بجوی — و گر چند از سختی آید به روی (فردوسی)**

****خویش را تعلیم کن عشق و نظر—کان بود کالْنَقْش فی جِرمِ الحَجَر (مولوی)**

Learning in childhood is like unto carving (something) on stone, and learning in old age resembles writing on water.

۲۷۲۵ مثل الذی یعلم الناس الخیر و ینسی نفسه مثل الفتیله تضىء للناس و تحرق نفسها.

حکایت آنکه چیز به مردم آموزد و خویشان را فراموش کند چون فتیله است که مردم را روشنی دهد و خویش را بسوزاند.

****سوره ۲ البقره آیه ۴۴: (رهبران مذهبی قوم یهود) آیا مردم را به نیکی (و ایمان به پیامبری که صفات او در تورات آمده) دعوت می کنید، اما خودتان را فراموش می کنید؛ با اینکه شما کتاب آسمانی (تورات) را می خوانید؟ آیا نمی اندیشید؟**

A scholar who teaches people and forgets himself is like unto a fast burning fuse illuminating people but burning itself.

****Sura 2-The Cow-Aya 44: Do you [Jewish Religious Leaders] enjoin right conduct and piety on the people, and forget (to practice it) yourselves. And you recite the Scripture? Will you not use your reason?**

۲۷۲۶ مثل المؤمن کمثل العطار إن جالسته نفعک و إن مشیته نفعک و إن شارکته نفعک.

حکایت مؤمن چون عطار است اگر با او نشینی سودت دهد اگر با او روی سودت دهد و اگر با او شرکت کنی سودت دهد.

**** گلی خوش بوی در حمام روزی—رسید از دست محبوبی به دستم
بدو گفتم که مشکى یا عبیری—که از بوی دل آویز تو مستم
بگفتا من گلی ناچیز بودم—ولیکن مدتی با گل نشستم
کمال هم نشین در من اثر کرد—وگر نه من همان خاکم که هستم (سعدی)**

A believer is like unto a perfumer who will benefit you, should you keep company with him, or move along with him, or be a partner to him.

**** A sweet-smelling piece of clay, one day in the bath,
Came from the hand of a beloved one to my hand.
I asked: 'Art thou musk or ambergris?
Because thy delicious odour intoxicates me.'
It replied: 'I was a despicable lump of clay;**

But for a while in the society of a rose.
The perfection of my companion took effect on me
And, if not, I am the same earth which I am.(Persian Poet: Saadi)

۲۷۲۷ مثل المؤمن مثل النخلة، ما أخذت منها من شيء نفعك.

حکایت مؤمن چون نخل است هر چه از آن گیری سودت دهد.

A believer is like unto a date palm; whatever you take from it will be to your benefit.

۲۷۲۸ مثل المؤمن كمثل خامه الزرع، من حيث ألتها الريح كفتها فإذا سكنت اعتدلت و كذلك المؤمن يكفأ بالبلاء و مثل الفاجر كالارزہ صماء معتدلة حتى يقصمها الله تعالى إذا شاء.

حکایت مؤمن چون ساق کشت است از هر سو که باو وزد آن را منحنی کند و چون باد ساکت شود راست شود مؤمن نیز چنین است که به بلیه منحنی شود و حکایت بد کار چون درخت صنوبر است استوار و بر جا و تا وقتی که خدای والا اگر خواهد در همش شکند.

A believer is like unto a stalk bending to all sides by winds but staying calm and static when winds vanish. Blights make a believer bend in same manner. The wicked (on the contrary) is like unto a spruce-fir standing firm and straight till the Exalted God destroys it should He wish.

۲۷۲۹ مثل المؤمن مثل سبيكة الذهب إن نفخت عليها احمرت و إن وزنت لم تنقص.

حکایت مؤمن چون شمس طلا است اگر بر آن بدمند تا سرخ شود و وزنش کنند کمتر نشده است.

A believer is like unto a bar of gold, getting reddened when breathed upon and losing nothing when weighed.

۲۷۳۰ مثل المؤمن كالبيت الخرب في الظاهر فإذا دخلته وجدته موقفا و مثل الفاجر كمثل القبر المشرف المجصص يعجب من رآه و جوفه ممتلئ نتنًا.

حکایت مؤمن چون خانه‌ای است به ظاهر خراب که چون وارد آن شوی بینی پاکیزه است و حکایت بد کار چون قبر مرتفع گچ کاری است بیننده را بشگفت آرد و باطن آن از عفونت پر است.

A believer is like unto an apparently ruined house, being neat and beautiful inside, and a wicked person is like unto a domed elevated tomb making visitors excited but being inwardly filled with infection.

۲۷۳۱ مثل المرأة الصالحة في النساء كمثل الغراب الأعصم الذي إحدى رجليه بيضاء.

حکایت زن پارسا در میان زنان چون کلاغ نوک سرخ و پای قرمز است که استثنائاً یک پای آن سفید باشد.

A pious woman among other women is like unto a crow with red feet and beaks (chough, جُف, very scarce) exceptionally marked with a white leg.

۲۷۳۲ مثل هذه الدنيا مثل ثوب شق من أوله إلى آخره فبقي متعلقاً بخيط في آخره فيوشك ذلك الخيط أن ينقطع.

حکایت این دنیا چون جامه‌ایست که از اول تا آخر دریده و به نخ‌ی از آخر آویخته باشد و نزدیک باشد که آن نخ ببرد.

This world is like unto a garment torn thoroughly, hanging on an almost parting string.

۲۷۳۳ مثلی و مثلکم کمثل رجل أو قد نارا فجعل الفراش و الجنادب يقعن فيها و هو يذبهن عنها و أنا آخذ بحجزكم عن النار و أنتم تفلتون من يدي.

حکایت من و شما چون مردی است که آتشی بیفروخت و پروانه‌ها و ملخها بنا کردند در آن بیفتند و وی آنها را از آتش نکه میداشت من کمر بندهای شما را گرفته‌ام که شما در آتش نیفتید و شما از دست من در میروید.

****من نشسته در کنار آتشی—با فروغ و شعله بس ناخوشی**

همچو پروانه شما آن سو دوان—هر دو دست من شده پروانه ران (مولوی)

The similitude of me to you is that of a man who has made a fire and tries to save locusts and butterflies from falling into it. I am (in fact, firmly) holding your cummerbunds to save you from fire, but you try to release yourselves from my hand.

۲۷۳۴ مثل الأخوين مثل الیدین تغسل إحداهما الاخری.

حکایت دو برادر چون دو دست است که یکی دیگری را بشوید.

Two brothers are like unto two hands, one bathing the other.

۲۷۳۵ مداراه الناس نصف الإیمان و الرّفق بهم نصف العیش.

مدارا کردن با مردم یک نیمه ایمان است و ملایمت با آنها یک نیمه خوش زیستن است.

Treating people moderately is half of (one's) faith, and being lenient to them is half of (one's) pleasure.

۲۷۳۶ مداراهُ النَّاسِ صدقه.

مدارا کردن با مردم صدقه است.

Treating people moderately is charity.

۲۷۳۷ مروا بالمعروف و إن لم تفعلوه و انهوا عن المنكر و إن لم تجتنبوه كله.

امر بمعروف کنید و گر چه خودتان نکنید و نهی از منکر کنید گر چه از همه آن اجتناب نکنید.

Bid to good even though you do not abide with it yourself, and forbid evil even though you do not avoid it in its entirety.

۲۷۳۸ مسألة الغنیّ شین فی وجهه یوم القیامة.

سؤال کردن بی نیاز روز قیامت عیبی بچهره اوست.

A rich man's request (to people) will be a badge of shame on his face in the Day of Judgment.

۲۷۳۹ مکارم الأخلاق من أعمال الجنة.

اخلاق خوب از اعمال بهشت است.

Good-manners are among deeds of Paradise.

۲۷۴۰ مکارم الأخلاق عشرة یكون فی الرجل و لا تكون فی ابنه، و یكون فی الابن و لا تكون فی الأب، و یكون فی العبد و لا تكون فی سیده یقسمها الله لمن أراد به السعادة: ۱- صدق الحدیث، و ۲- صدق البأس، ۳- إعطاء السائل، و ۴- المكافاة بالصنائع، و ۵- حفظ الأمانة، و ۶- صلة الرحم، و ۷- للجار، ۸- التذم للصاحب، و ۹- إقراء الضیف و رأسهن ۱۰- الحیاء.

اخلاق خوب ده چیز است که در مرد هست و در پسرش نیست در پسرش هست و در پدرش نیست. در بنده هست و در آقای او نیست. خدا هر که را سعادت مند خواهد، قسمت او کند:

۱- راستگویی ۲- صداقت و راستی در وقت سختی و گرفتاری ۳- بخشش به متقاضی ۴- نیکی در مقابل نیکی (جبران نیکی دیگران) ۵- حفظ امانت ۶- پیوند با خویشان ۷- حمایت از همسایه ۸- حق شناسی درباره دوست و رفیق ۹- میهمان نوازی ۱۰- در رأس همه اینها شرم و حیا.

Good manners are ten in number. They may be found in a man but not in his son, in a son but not in his father, and in a servant but not in his master, and God bestows them upon those whom he wishes to prosper. They are: 1-sincere talk, 2-sincerity in steadfastness in difficulties, 3-donation to the poor, 4-goodness for goodness, 5-trustfulness, 6-keeping the bonds of kinship, 7-supporting friends, 8-supporting neighbors, 9-hospitality, and above all, 10-chastity.

۲۷۴۱ ملاک الأمر خواتمه.

اعتبار کار بسرانجام آنست.

جوجه را آخر پاییز می شمارند.

The value of everything lies in what it entails.

All is well that ends well.

۲۷۴۲ ملعون من ألقى كلّه على الناس.

هر کس همه بار خویش به دوش مردم افکند ملعون است.

Damned is the one who shoulders all his responsibility on others.

۲۷۴۳ ملعون من ضارّ مؤمنا أو مکر به.

هر که به مؤمنی زیان رساند یا با او حيله کند ملعون است.

Damned is the one who bothers a believer or plots against him.

۲۷۴۴ ملعون من سبّ أباه، ملعون من سبّ أمّه.

هر که به پدر خویش ناسزا گوید ملعون است و هر که به مادر خویش ناسزا گوید ملعون است.

Damned is the one who insults his/her father. Damned is the one who insults his/her mother.

۲۷۴۵ مسألة الغنيّ نار.

سؤال کردن بی نیاز جهنم است.

A rich man's request (to people) will lead him to Hell.

۲۷۴۶ مظل الغنيّ ظلم.

امروز و فردا کردن توانگر (در ادای دین یا کمک به نیازمند) ظلم است.

A moment of delay on the part of rich (to pay his/her debt or to help the poor) is cruelty.

۲۷۴۷ ملاک الدین الورع.

اعتبار دین به تقوی (=پرهیزکاری) است.

****شهاب الاخبار- حدیث ۳۲=تمامی دین در ورع است؛ یعنی تمامی طاعت بنده در آنست که از حرامها باز ایستد.**

Abstinence is the basis of religion.

۲۷۴۸ منهومان لا يشبعان: طالب العلم و طالب المال.

دو گرسنه‌اند که سیری نپذیرند طالب علم و طالب مال.

****کان رسول حق بگفت اندر بیان- این که منهومان هما لا يشبعان**

طالب الدنيا و توافیراتها- طالب العلم و تدابیراتها (مولوی)

Two hungry persons will never be satiated: the seeker of knowledge and the seeker of wealth.

۲۷۴۹ من أذنب ذنبا فستره الله عليه و عفى عنه في الدنيا فالله أكرم من أن يعود في شيء قد عفا عنه.

هر که گناهی کند و خدا در دنیا گناه وی را ببوشد و ببخشد، خدا کریمتر از آنست که در بخشیده خود تجدید نظر کند.

The most graceful God will not reconsider what He has forgiven, when one commits an evil deed which He veils (from others) and forgives him for that in this very world.

۲۷۵۰ من ابتلی من هذه البنات بشيء فأحسن إليهن كن له سترا من النار.

هر کس به دختر داری مبتلا شود و با آنها نیکوکاری کند، پرده وی از آتش جهنم شوند.

Whoever is tried with having a number of daughters, whom he treats kindly, will be shielded by them from the fire of Hell.

۲۷۵۱ من کثر کلامه کثر سقطه و من کثر سقطه کثر ذنوبه و من کثر ذنوبه کانت النار أولى به.

هر که گفتارش بسیار باشد خطایش در گفتار بسیار گردد و هر که خطایش در گفتار بسیار باشد گناهانش بسیار شود و هر که گناهانش بسیار باشد جهنم برای او شایسته‌تر است.

The more one speaks, the more follies he commits and the more sins he will have, and thus Hell will be the best abode for him.

۲۷۵۲ من کان ذا اللسانین فی الدنیا جعل له یوم القیامه لسانان من النار.

هر که در دنیا دو زبان باشد برای وی روز قیامت دو زبان از آتش نهند.

Whoever has two tongues in this world (i.e. being double-faced), will be given two tongues of fire in the Day of Judgment.

۲۷۵۳ من أولى معروفا فلم یجد جزاء إلا التناء فقد شکره و من کتمه فقد کفره.

هر که نیکی‌ای بیند و پاداشی جز ستایش در توانش نباشد (و چنین کند)، شکر آن را (برای فرد نیکوکار) بجا آورده است؛ و هر که آن را پنهان دارد (و کتمان کند)، کفران آن کرده است.

Whoever is kind to others, will see nothing but praise for which he should thank (the kind person); if not, he will be considered ungrateful.

۲۷۵۴ من قدر رزقه الله و من بذر حرمه الله.

هر که اندازه نکه دارد خدایش روزی دهد و هر که اسراف کند خدایش محروم دارد.

God gives sustenance to the thrifty and deprives it from the extravagant.

۲۷۵۵ من اقرب أبواب السلاطين افتتن.

هر که بدربار پادشاهان نزدیک شود بفتنه افتد.

Whoever at kings' doors sets his goal, to seditions will he fall.

۲۷۵۶ من نفس من مسلم كربة من كرب الدنيا نفس الله عنه كربة من كرب يوم القيامة، و من يسر على معسر يسر الله عليه في الدنيا والآخرة، و من ستر على مسلم ستر الله عليه في الدنيا والآخرة.

هر که غمی از غمهای دنیا را از مؤمنی بردارد خدا غمی از غمهای روز قیامت از او بردارد و هر که بر تنگدستی آسان گیرد خدا در دنیا و آخرت بر او آسان گیرد و هر که راز پوش مسلمانان شود خدا در دنیا و آخرت راز پوش وی شود.

God will relieve a man from one of his otherworldly grieves, should he relieve one of the worldly grieves of a Muslim, will be easy-going to a man here and in the Hereafter, should he avoid being hard on a poor person, and will veil a man's secrets in both worlds, should he veil a Muslim's secrets.

۲۷۵۷ من لم يقبل العذر من متصل صادقاً كان أو كاذباً لم ينل شفاعتي.

هر که عذر کسی را راست باشد یا دروغ نپذیرد از شفاعت من بهره‌ور نشود.

Deprived from my intercession will be the one who does not accept someone's sincere or insincere apology.

۲۷۵۸ من تفاقر افتقر.

هر که فقیری کند، فقیر شود.

The pretentious poor will (finally) fall into poverty.

۲۷۵۹ من سعادة المرء حسن الخلق.

نیکخوئی از سعادت مرد است.

Good-manneredness roots from man's good fortune.

۲۷۶۰ من أعظم الخطايا اللسان الكذوب.

زبان دروغ پرداز از گناهان بزرگ است.

Falsehood of tongue is one of the greatest sins.

۲۷۶۱ من سعادة المرء المسكن و الجار الصالح و المركب الهنيء.

مسکن و همسایه خوب و مرکب رام از سعادت مرد است.

Three things bring happiness to a Muslim in this world: a pious neighbor, a vast house and a tamed horse.

۲۷۶۲ من عامل الناس فلم يظلمهم و حدثهم فلم يكذبهم و وعدهم فلم يخلفهم فهو ممن كملت مروته و ظهرت عدالته و وجبت أخوته و حرمت غيبته.

هر که زمامدار مردم شود و ستمشان نکند و با آنها سخن کند و دروغشان نگوید و وعدهشان دهد و تخلف نکند وی از جمله کسانیست که مروتش به کمال رسیده و عدالتش نمایان گشته و برادری با وی واجب و غیبتش حرام است.

A just and most magnanimous leader, who must be observed in brotherhood and must not be backbited, is the one who treats people with justice, speaks to them in truth and does not break his promises.

۲۷۶۳ من قتل عصفورا عبثا جاء يوم القيمة و له صراخ عند العرش يقول ربّ سل هذا فيم قتلني في غير منفعة.

هر که گنجشکی را بیهوده بکشد روز قیامت بیابد و نزد عرش فریاد زند و گوید پروردگارا از این پیرس برای چه مرا بی فائده کشت؟

A sparrow killed in vain will come to stand before God's Throne in the Day of Judgment, shouting "O Lord! Ask this man (the killer) why he killed me for no gain?"

۲۷۶۴ من ستر علی أخیه ستره الله في الدنيا و الآخرة.

هر که پرده پوش برادر خویش شود خدا در دنیا و آخرت پرده پوشی وی کند.

Whoever veils his brother ('s faults), will be veiled by God here and in the Hereafter.

۲۷۶۵ من لم يكن له ورع يصدّه عن معصية الله إذا خلا لم يعبا الله بشيء من عمله.

هر که تقوائی ندارد که به خلوت او را از معصیت خدا باز دارد، خدا به اعمال وی اعتنا نکند.

God will not regard any of the good deeds of the one who is not virtuous enough to avoid disobeying Him in privacy.

۲۷۶۶ من نصر أخاه بظهر الغيب نصره الله في الدنيا والآخرة.

هر که برادر خویش را در غیاب وی یاری کند خدایش در دنیا و آخرت یاری کند.

Whoever helps one's brother in his absence, will be helped by God here and in the Hereafter.

۲۷۶۷ من مشى إلى طعام لم يدع إليه فقد دخل سارقا و خرج معيرا.

هر که بی دعوت به طعامی رود دزد درون رود و ننگین بدر آید.

Whoever goes somewhere to have food not called to, stealthily enters and blamefully leaves there.

۲۷۶۸ من اشتاق إلى الجنة سارع إلى الخيرات، و من أشفق من النار لهي عن الشهوات، و من ترقب الموت لهي عن اللذات، و من زهد في الدنيا هانت عليه المصيبات.

هر که مشتاق بهشت باشد به اعمال خیر شتابد و هر که از جهنم ترسد از خواستنیها درگذرد و هر که انتظار مرگ دارد از لذتها چشم ببوشد و هر که به دنیا بی رغبت باشد مصیبتها بر او آسان شود.

***عَجَلُوا الطَّاعَاتِ قَبْلَ الْفَوْتِ—مصطفى چون در وحدت را (می) بسفت (مولوی)**

Whoever longs for Paradise should haste towards the good, whoever is afraid of Hell should abandon passions, whoever is worried about death should connive at pleasures, and whoever does not attach (his heart) to this world, will face calamities with ease.

۲۷۶۹ من فارق الجماعة شبرا خلع الله ريقه الإسلام من عنقه.

هر که یک وجب (= نصف ذرع = ۹ اینچ = ۲۳ سانت) از جماعت دور شود خدا طوق مسلمانی از گردن وی بردارد.

God withholds the yoke of Islam from the neck of the one who takes a distance of even few inches with the Muslim community.

۲۷۷۰ من أنعم على عبد نعمه فلم يشكرها فدعا عليه استجيب له.

هر که نعمتی به بنده‌ای دهد که شکر وی نگذارد و او را نفرین کند نفرینش پذیرفته شود.

Cursing the one who remains thankless to the blessing bestowed on him will be effective.

۲۷۷۱ من ولى على عشرة كان له عقل أربعين و من ولى أربعين كان له عقل أربعمائنه.

هر که زمامدار ده تن شود باید عقل چهل تن داشته باشد و هر که زمامدار چهل تن شود عقل چهار صد تن داشته باشد.

****خاصه از بهر زکاتِ جاهِ خود-گمراهی را تو مران از راه خود (مولوی)**

****بس نکو گفت آن رسول خوش جواز-ذره‌ای (ذره) عقلت به از صوم و نماز (مولوی)**

Whoever rules over ten people should be as wise as forty, and whoever rules over forty people should be as wise as four hundred.

۲۷۷۲ من هجر أخاه فوق ثلاث فمات دخل النار.

هر که بیش از سه روز از برادر خویش قهر کند و بمیرد به جهنم رود.

Whoever remains in the sulks with his brother (in faith) more than three days before death, will be put to Hell.

۲۷۷۳ من تأتى أدرک ما تمنى.

هر که صبوری کند به آرزوی خویش برسد.

The patient achieves his/her wishes.

۲۷۷۴ من كان يؤمن بالله و اليوم الآخر فليكرم جاره.

هر که بخدا و آخرت ایمان دارد باید همسایه خویش را گرامی دارد.

Whoever believes in God and the Last Day, should respect his/her neighbors.

۲۷۷۵ من حكم بين اثنين تحاكما إليه فلم يقض بينهما بالحق فعليه لعنة الله.

هر که میان دو کس که داوری بدو برند، داوری کند و به حق میانشان قضاوت نکند لعنت خدا بر او باد.

Damned is the one who does not issue true judgment between two persons choosing him as a judge.

۲۷۷۶ من تعود كثرة الطعام و الشراب قسا قلبه.

هر که به پر خوری عادت کند دلش سخت شود.

Whoever gets accustomed to gluttony, will come up with hardheartedness.

۲۷۷۷ من أكل و ذو عينين ينظر إليه و لم يواسه ابتلى بلاء لا دواء له.

هر که غذا خورد و دیگری بدو نگرد و چیزی بدو ندهد ببلائی مبتلا شود که دوا نداشته باشد.

Whoever shares not his food with the one, who watches him eating, will be afflicted with a calamity with no remedy.

۲۷۷۸ من كظم غيظا و هو قادر على أن ينفذه ملأه الله أمانة و إيمانا.

هر کس خشمی را که تواند آشکار کند فرو برد خدا وی را از امنیت و ایمان سرشار کند.

Whoever keeps his temper while being able to reveal it, will be overflowed with faith and security.

۲۷۷۹ من قلّ طعامه صحّ بدنه و من كثر طعامه سقم بدنه و قسا قلبه.

هر کس کم خورد سالم ماند و هر که بسیار خورد تنش بیمار و دلش سخت گردد.

The moderate eater remains healthy and the excessive eater grows sick and hardhearted.

۲۷۸۰ من غالب الله غلبه و من خادع الله خدعه.

هر که با خدا زور آزمائی کند خدا بر او غالب شود و هر که با خدا فریبکاری کند خدا سزای فریش دهد.

God overcomes those who try to overcome Him and plots against those plotting against Him.

۲۷۸۱ من نظر إلى أخيه نظر مودة لم يكن في قلبه إحنة لم يظفر حتى يغفر الله ما تقدم من ذنبه.

هر که به چشم مهربانی به برادر خویش نظری کند که کینه در دل وی نباشد از آن پیش که دیده برگردد خداوند همه گناهان گذشته وی را آمرزیده باشد.

Whoever casts a kind look at his brother (in faith), with no bitterness in the heart, will be purged from his sins before turning back.

۲۷۸۲ من طلب الدنیا بعمل الآخرة فما له في الآخرة من نصيب.

هر که عمل آخرت کند و دنیا طلبد از آخرت بهره‌ای ندارد.

****این پذیرفتی، بماندی زان دگر— که محب از ضدّ محبوب است کر (مولوی)**

****نی بگفته ست آن سراج امتان— این جهان و آن را ضرتان؟ (مولوی)**

Whoever seeks worldly gains through otherworldly deeds will be spared eternal benefits.

۲۷۸۳ من التمس رضی اللّٰه بسخط النّاس رضی اللّٰه عنه و أرضی عنه النّاس و من التمس رضی النّاس بسخط اللّٰه سخط اللّٰه علیه و أسخط اللّٰه علیه النّاس.

هر که رضای خدا به نارضایتی شدید مردم جوید خدا از او خشنود شود و مردم را از او خشنود کند و هر که رضای مردم به نارضایتی شدید خدا جوید خدا از او ناراضی شدید شود و مردم از وی ناراضی تر شوند.

God will be pleased with whoever seeks His consent, even if it leads to people's high displeasure, and will be highly displeased about whoever seeks people's consent by making Him displeased, and finally people would become more displeased.

۲۷۸۴ من طلب محامد النّاس بمعاصی اللّٰه عاد حامده من النّاس ذاما.

هر که ستایش مردم را به نافرمانی خدا جوید ستایشگرانش مذمتگر شوند.

Whoever seeks people's admiration through disobeying God, will end up with his admirers' reproaches.

۲۷۸۵ من فرق بین والده و ولدها فرق اللّٰه بینه و بین أحبّته يوم القيامة.

هر که میان مادر و فرزندی تفرقه اندازد خدا روز قیامت میان او و دوستانش جدائی افکند.

Whoever causes discord between a mother and her child, will be made by God to suffer discord between him and his friend in the Day of the Judgment.

۲۷۸۶ من أهان صاحب بدعة آمنه الله يوم الفرع الأكبر.

هر که بدعت گزاری را اهانت کند خدا روز وحشت بزرگ او را ایمن دارد.

Whoever blames a heretic will face God's security in the Day of "the great horror" (Judgment).

۲۷۸۷ من كانت له سريرةً سالحةً أو سيئةً نشر الله عليه منها رداء يعرف به.

هر که سیرتی نیک یا بد داشته باشد خداوند نشانی از آن بر وی اندازد که بدان بشناسندش که بدان شناخته شود.

God marks a sign of one's good or bad characters on his/her face by which to be recognized.

۲۷۸۸ من أنظر معسراً و وضع عنه أظله الله تحت ظل عرشه يوم لا ظل إلا ظله.

هر که تنگدستی را مهلت دهد و بار او سبک کند خداوند روزی که سایه‌ای جز سایه او نیست، وی را بسایه عرش خویش در آورد.

Whoever gives the poor a good dead line (to pay back debts), thus reducing his burdens, will be allowed by God to reside under the shade of His Throne the day when there is no shade but that of Him.

۲۷۸۹ من عمره الله ستين سنة فقد أعذر إليه في العمر.

هر که خدا شصت سال عمر بدو دهد از جهت عمر حجت بر او تمام کرده است.

Whoever has been given sixty years of age by God has actually been given enough life (to do good).

۲۷۹۰ من لعب بالنرد شير فهو كمن غمس يده في لحم الخنزير و دمه.

هر که نردبازی کند چنانست که دست خویش در گوشت و خون خوک فرو برده باشد.

Whoever plays backgammon is like unto the one who has dipped his hands into a pig's meat and blood.

۲۷۹۱ من كان وصله لأخيه المسلم إلى ذي سلطان في منهج برّ أو تيسير عسر أعانه الله على إجازة الصراط يوم تدحض فيه الأقدام.

هر کس پیش صاحب قدرتی برای برادر مسلمان خویش در موضوع خیری یا در گشودن مشکلی وسیله خیر شود روزی که قدمها بلغزد خدا وی را بر عبور از صراط اعانت کند.

Whoever acts as a mediator before a man of power to solve a Muslim brother's problems or to do him some good, will be helped by God to pass over the Bridge the day when everybody slips.

۲۷۹۲ من عزى مصابا فله مثل أجره.

هر که مصیبت زده‌ای را تسلیت گوید مانند پاداشی او دارد.

Whoever gives his condolences to an afflicted person, will receive the same reward as him.

۲۷۹۳ من استعاذکم بالله فأعذوه و من سألكم بالله فأعطوه و من دعاكم فأجيبوه و من أتى إليكم معروفا فكافئوه فإن لم تجدوه فادعوا له حتى تعلموا أنكم قد كافأتموه.

هر که به نام خدا بشما پناه آورد پناهِش دهید و هر که به نام خدا از شما سؤال کند چیزی باو بدهید و هر که شما را دعوت کند بپذیرید و هر که با شما نیکی کرده تلافی کنید و اگر نتوانید برایش دعا کنید تا مطمئن شوید که تلافی آن کرده‌اید.

Receive the one who takes refuge in you in the name of God, give something to the one who begs you in the name of God, accept the invitation of the one who invites you, and be kind to the one who is kind to you; if you cannot do so, pray for him instead as long as you make sure you have made up his kindness.

۲۷۹۴ من یرد الله به خیرا یفقّه فی الدین.

هر که خدا برای او نیکی خواهد، وی را در کار دین دانا کند.

When God wishes good for a person, He grants him/her deep thought in religion.

۲۷۹۵ من بنی مسجدا و لو مثل مفحص قطاه بنی الله له بیتا فی الجنة.

هر که مسجدی بسازد گر چه باندازه جایی باشد که مرغ سنگخوار (Sandgrouse) قطاء، به بزرگی کبوتر) در آن تخم می نهد خدا در بهشت برای او خانه‌ای بسازد.

God will build a house in Paradise for whoever builds a mosque, small as it may be only for a Sandgrouse (a bird as big as a pigeon that feeds on sand) to lay its eggs in.

۲۷۹۶ من انقطع إلى الله كفاه الله كل مؤنة و رزقه من حيث لا يحتسب و من انقطع إلى الدنيا و كله الله إليها.

هر که خاص خدا شود خدا همه حاجات او را کفایت کند و از جایی که انتظار ندارد روزیش دهد و هر که خاص دنیا شود خدا او را به دنیا واگذارد.

God will settle all the needs of whoever forsakes everything and depends on Him alone; granting him sustenance from unexpected sources, and will leave on his own whoever relies on other than Him.

۲۷۹۷ من يصبر على الرزية يعوضه الله و من يكظم غيظه يأجره الله.

هر که بر مصیبت صبر کند خدایش عوض دهد و هر که خشم خویش بخورد خدایش پاداش دهد.

God will make up for whoever keeps patient in calamities and will reward whoever swallows his anger.

۲۷۹۸ من أحب أن يكون أغنى الناس فليكن بما في يد الله أوثق منه بما في يده.

هر که دوست دارد از همه مردم بی نیازتر باشد اعتماد وی بآنچه نزد خدا است از آنچه بدست خویش دارد بیشتر باشد.

Whoever wishes to be the most needless of all people, should rely on what is with God more than what himself possesses.

۲۷۹۹ من تواضع لله رفعه الله و من تكبر وضعه الله و من يتأل على الله يكذبه الله.

هر که برای خدا فروتنی کند خدایش بر دارد و هر که گردن افرازد خدایش پست کند و هر که به خدا قسم دروغ خورد خدایش تکذیب کند.

God raises (the status of) the one who keeps humble for Him, lowers the one who shows vanity to Him, and belies the one who swears falsely by Him.

۲۸۰۰ من أذنب في الدنيا فعوقب به فالله أعدل من أن يثنى عقوبته على عبده.

هر که در دنیا گناهی کند و عقوبت آن ببیند خدا عادل تر از آنست که عقوبت خویش را بر بنده تکرار کند.

Verily, God is so just that He will not punish again a servant who has been punished in the world for his sins.

۲۸۰۱ من أهان سلطان الله أهانه الله و من أكرم سلطان الله أكرمه الله.

هر که قدرت خدا را خوار کند خدایش خوار کند و هر که قدرت خدا را گرامی دارد. خدایش گرامی دارد.

Whoever disdains God's authority, will be brought to contempt and whoever glorifies it, will be honored by Him.

۲۸۰۲ من ألقى جلاب الحياء فلا غيبه له.

هر که پرده حیا بدرد غیبتش رواست.

Backbiting the one who tears off the screen of chastity is permissible.

۲۸۰۳ من أصبح معافی فی بدنه آمنة فی سر به عنده قوت یومه فکأنما خیرت له الدنيا بحذافیرها.

هر که تنش سالم است و در جماعت خویش ایمن است و قوت روز خویش دارد جهان سراسر مال اوست.

Whoever has health of body, safety within his community, and sustenance-earning ability, is like unto the one who possesses the world in its entirety.

۲۸۰۴ من تأتی أصاب أو کاد و من عجل أخطأ أو کاد.

هر که تأمل کند بصواب رود یا تواند رفت و هر که شتاب ورزد بخطا رود یا تواند رفت.

Whoever hesitates (in doing something), goes or will go the right path and whoever hastes, goes or will go the wrong path.

۲۸۰۵ من سرته حسنه و ساءته سیئه فهو مؤمن.

هر که از اعمال نیک خویش خرسند و از اعمال بد خویش دلتنگ شود مؤمن است.

Whoever is pleased with his good deeds and is worried about his evil deeds is a (true) believer.

۲۸۰۶ من نوقش الحساب عذب.

هر که آسان گیری در مقام حسابرسی اعمال (در روز قیامت) نشود عذاب شود.

(اشاره به جواب پیامبر ص به عایشه در مورد "حساب یسیر = حساب آسان" آیات ۷ و ۸ سوره ۸۴ الانشاق :
فمن أوتی کتابه بیمینه، فسوف یحاسب یسیرا = آنکس که نامه اعمالش به دست راستش داده می شود؛ به زودی
حساب آسانی برای او می شود)

Whoever is called to account (with no leniency), will (actually) touch his/her punishment.

It refers to answer of Prophet (PBUH) to his wife Aiasha about "Easy Account" in Ayas 7 & 8 in Sura 84 "The Sky Asunder Rending": So for one whose Record of Deeds is given to his/her right hand [in Judgment Day], So his Account shall be taken in an Easy way [because he/she has fulfilled the requirements which has forwarded from the other world].

۲۸۰۷ من ساءنه خطیته غفر له و ان لم یتغفر.

هر که گناهی او را دلتنگ کند آمرزیده شود و گر چه آمرزش نخواهد.

Whoever is worried about his sins, will be forgiven (by God), though he does not request it.

۲۸۰۸ من جعل قاضیا فقد ذبح بغير سکین.

هر که به قضاوت منصوب شود چنان است که بدون کارد سرش را بریده‌اند.

Whoever is appointed as a judge is like unto the one beheaded without a knife.

۲۸۰۹ من یغفر یغفر الله له و من یعف الله عنه.

هر که گناه را به بخشد خدایش ببخشد و هر که ز گناه در گذرد خدایش ز گناهی در گذرد.

God will pardon whoever pardons others, and will forgive whoever forgives others.

۲۸۱۰ من أحبّ عمل قوم خيرا كان أو شراً كان كمن عمله.

هر که عمل گروهی را خوب یا بد دوست دارد چنان است که آن را انجام داده است.

Whoever rejoices at the good or evil deeds of a people is like unto the doers of those deeds.

۲۸۱۱ من يزرع خيرا يحصد زعبه و من يزرع شراً يحصده.

هر که خیری بکارد سود برد و هر که شری بکارد آن را بدرود.

Whoever plants a good deed will profit by it, and whoever plants an evil deed will reap it.

۲۸۱۲ من استطاع منكم أن تكون له خبيئة من عمل صالح فليفعل.

هر که از شما تواند ذخیره نهانی از عمل شایسته داشته باشد باید چنین کند.

Whoever among you is able to have a hidden reserve of good deeds must do so.

۲۸۱۳ من كثرت صلاته بالليل حسن وجهه بالنهار.

هر که به شب نماز بسیار کند به روز چهره‌اش نیکو شود.

Whoever prays much at night, will in the day have a face bright (nice).

۲۸۱۴ من كذب على متعمداً فليتبوء مقعده من النار.

هر که به عمد بر من دروغ بندد جایگاهش دوزخ باشد.

شهاب الاخبار – حدیث ۳۸۸ = هر که دروغ گوید بر من به قصد و وی حلال دارد، گو به جایگاه خویش بنشین در دوزخ، یعنی دوزخی بود.

Verily, inventing lies about me is not equal to that about others and thus, whoever belies me purposefully, will reside in Fire (in the Hereafter).

۲۸۱۵ من خاف أدلج و من أدلج بلغ المنزل.

هر که بیم ناک باشد همه شب راه سپرد و هر که همه شب راه سپرد بمنزل رسد.

شهاب الاخبار- حدیث ۳۱۵= هر که ترسد که به منزل نرسد، شب راه کند، و هر که به شب راه کند، به منزل رسد،
حتمه می کند (تشویق می کند) بر نماز شب.

Whoever fears (God), travels the whole night and whoever travels the whole night, reaches his destination (encourages extra night prayers).

۲۸۱۶-۱ من همّ بذنب ثمّ تركه كانت له حسنة.

هر که گناهی اراده کند آنگاه از آن درگذرد ترک گناه عمل نیک وی بحساب آید.

Whoever intends to commit a sin but abandons it, will be rewarded a good deed.

۲۸۱۶-۲ من صمت نجا.

هر که خاموش ماند نجات یابد.

***من صمت منكم نجا بُد ياسة اش- خامشان را بود کیسه و کاسه اش (مولوی)**

Silence is safety.

۲۸۱۷ من حلف على يمين فرأى منها خيرا فليكفر عن يمينه ثمّ ليفعل الذي هو خير.

هر که به کاری قسم خورد و بهتر از آن پیش آید کفاره قسم خویش دهد و کاری که بهتر است انجام دهد.

Whoever swears an oath to do something but faces a better one to perform, should compensate for his oath and do the latter.

۲۸۱۸ من انتهر صاحب بدعة ملاً الله قلبه امانة و ايمانا.

هر که بدعت گزاری را توبیخ کند خدا قلب وی را از امان و ایمان پر کند.

Whoever drives out a heretic, will receive from God full safety and faith in his heart.

۲۸۱۹ من أحب أن يكون أقوى الناس فليتوكل على الله.

هر که دوست دارد از همه مردم نیرومندتر باشد باید به خدا توکل کند.

Whoever wishes to be the most powerful of all, should rely on God.

۲۸۲۰ من قتل دون ماله فهو شهيد.

((کسی که برای دفاع از مال خود در برابر مهاجمین ایستادگی کند و کشته شود شهید است)).***(سفینه البحار) جلد اول ماده (شهد)***)

شهاب الاخبار- حدیث ۲۷۸= هر مسلمانی را که به ظلم بکشند، یا مالش فراگیرند وی شهید بود.

Whoever is slain in defending his faith, is a martyr.

۲۸۲۱ من سمع الناس بعلمه سمع الله به مسامح خلقه يوم القيمة و حقره و صغره.

هر که از شهرت علم خویش گوش مردم را پر کند روز قیامت خدا از فضیحت وی گوش مردم پر کند و حقیر و ناچیزش کند.

God will in the Hereafter echo in the ears of people the disgrace of whoever echoes his knowledge in the ears of people (in this world), and will lower and belittle him.

۲۸۲۲ من لم تنهه صلته عن الفحشاء والمنكر لم يزد بها من الله إلا بعدا.

هر که نمازش از ناسزا و بدی بازش ندارد به نماز از خدا دورتر شود.

Prayers not preventing those who pray from indecency and evil will make them take more distance with God.

۲۸۲۳ من كان يؤمن بالله و اليوم الآخر فليقل خيرا و ليصمت.

هر که به خدا و آخرت ایمان دارد یا سخن نیکی گوید و یا خاموش ماند.

Whoever believes in God and the Last Day, should either say something good or keep silent.

۲۸۲۴ من فطر صائما كان له مثل أجره.

هر که روزه داری را افطار دهد نظیر پاداش وی دارد.

Whoever feeds a fast person, will be granted the same reward as his.

۲۸۲۵ من حاول أمرا بمعصية الله كان أفوت بما رجا و أقرب لمجىء ما اتقى.

هر که خواهد کاری را بوسیله نافرمانی خدا انجام دهد امیدش نومید شود و چیزی که از آن بیم دارد زودتر بدو رسد.

Whoever hopes to carry out something through disobeying God, will come up with despair, and will achieve what he fears sooner than expected.

۲۸۲۶ من سره أن يسكن بحبوحة الجنة فليزم الجماعة.

هر که دوست دارد در دل بهشت سکونت گیرد هم آهنگ جماعت (امت اسلامی) باشد.

شهاب الاخبار - حدیث ۳۳۷ = هر که بخرم باشد که بهشت مسکن وی بود، گو: ملازم اجماع مسلمانان باش، و خلاف اجماع مکن، و اجماع است که: طاعت خدا سبب نجات است، و معصیت خدا سبب عقاب، باید که بر اجماع کار کند.

Whoever wishes to reside at the heart of Heaven, should get along with people (Islamic Ummah).

۲۸۲۷ من أولى معروفا فليكافى به فإن لم يستطع فليذكره فإن ذكره فقد شكره.

هر که نیکی بیند آن را تلافی کند و اگر نتواند آن را یاد کند که اگر یاد کند شکر گزاری آن نموده است.

Whoever is treated kindly, should make up for it or remember and mention it, if not able to do so, for in the latter case he has actually shown his gratitude.

۲۸۲۸ من تشبه بقوم فهو منهم.

هر که خود را همانند گروهی کند (ریشه تهاجم فرهنگی: نحوه عبادت، آرایش ظاهری، آداب و رسوم، نوع طعام) از آنهاست.

Whoever follows a group of people belongs (actually) to them.

۲۸۲۹ من طلب علما فأدرکه له کفلان من الأجر و من طلب علما و لم یدرکه کتب له کفل من الأجر.

هر که علمی جوید و بیابد برای او دو بهره پاداش نویسند و هر که علمی بجوید و نیابد برای او یک بهره پاداش نویسند.

***نفع و ضرر هر یکی از موضع است—علم از این رو واجب است و نافع است (مولوی)**

Whoever seeks a sort of knowledge and finds it, will be rewarded in double, and whoever seeks a sort of knowledge but fails to find it, will be rewarded in single.

۲۸۳۰ من أدیلت إلیه نعمه فلیشکرها.

هر که نعمتی یابد باید شکر آن بگزارد.

Whoever is granted a (heavenly) gift should thank God for it.

۲۸۳۱ من مات علی خیر عمله فارجو له خیرا و من مات علی شرّ عمله فخافوا علیه و لا تیأسوا.

هر که بر خیری که انجام داده بمیرد برای وی امیدوار باشید. و هر که بر شری که عمل کرده بمیرد بر او بیمناک باشید و نومید مشوید.

Expect good for whoever dies while doing good, and be worried about and fear for whoever dies while doing evil, but not be disappointed.

۲۸۳۲ من شابّ شبیه فی الإسلام کانت له نورا یوم القیمه.

هر که مویش در اسلام سفید شود به روز قیامت نور وی خواهد بود.

Old age spent for the cause of Islam, will bring man a (heavenly) light in the Day of Judgment.

۲۸۳۳ من غشنا فلیس منا.

هر که با ما نادرستی کند از ما نیست.

Whoever deceives us does not belong to us.

۲۸۳۴ من سرّه أن یسلم فلیلزم الصّمت.

هر که دوست دارد به سلامت ماند خاموشی گزیند.

Whoever wishes to be safe, should keep silent.

۲۸۳۵ من أحسن صلاته حين يراه النَّاس ثمَّ أساءها حين يخلو فتلك استهانة استهان بها ربه.

هر که در حضور مردم نماز خویش نیکو کند و چون به خلوت رود آن را بد گزارد این اهانتی است که به پروردگار خویش میکند.

شعر حافظ: واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می کنند—چون به خلوت می روند آن کار دیگر می کنند

ضرب المثل: واعظ غیر منعظ مباش!

Whoever prays well in the presence of people but does the reverse in privacy, is actually offending his Lord.

Proverb: Practice what you preach!

۲۸۳۶ من أخلص لله أربعين صباحا ظهرت ينابيع الحكمة من قلبه على لسانه.

هر که چهل صبحگاه خاص خدا شود چشمه‌های حکمت از قلب وی بر زبانش جاری شود.

**قرآن سوره ۷ الاعراف ایه ۱۴۲—(میقات ۴۰ روزه حضرت موسی ع)—و ما با موسی سی شب وعده گذاشتیم؛ سپس آن را با ده شب (دیگر) تکمیل نمودیم؛ به این ترتیب میعاد پروردگارش (با او) چهل شب تمام شد..

**آن ينابيع الحكمة همچون فرات—از دهان او روان (دوان) از بی جهات (مولوی)

**ور کنی خدمت، نخواهی یک کتیب—علم‌های نادره یابی ز جیب (مولوی)

Whoever purifies (his intent) forty mornings for God's sake, will come up with fountains of wisdom flowing from his heart to his tongue.

**Quran Sura 7 Arafat a place between Paradise and Hell-Aya 142 (appointed time[=tryst] for Moses)=And we made an appointment with Moses for thirty nights. And the tryst of his Lord was completed for forty nights..

۲۸۳۷ من آثر محبة الله على محبة الناس كفاه الله مؤنة الناس.

هر که محبت خدا را بر محبت مردم ترجیح دهد خدا گرفتاری مردم را از او کفایت کند.

God will make whoever prefers His love to people's, needless of the latter.

۲۸۳۸ من أعطی حظّه من الرّفق فقد أعطی حظّه من خیر الدّینیا و الآخرة.

هر که را از ملایمت نصیبی دادند نصیب وی را از خیر دنیا و آخرت داده‌اند.

Whoever is endowed with a bit of moderateness, is actually endowed with the good of both worlds.

۲۸۳۹ من کذب بالشّاعة لم ینلها یوم القیمة.

هر که شفاعت را دروغ شمارد روز قیامت از آن بی نصیب ماند.

Whoever belies intercession, will not enjoy it in the Day of Judgment.

۲۸۴۰ من سئل عن ظهر غنی فصداع فی الرّأس و داء فی البطن.

هر که با وجود بی‌نیازی سؤال کند رنجی به سرش و دردی در شکمش افتد.

Whoever begs without need, will suffer the agony of body and mind.

۲۸۴۱ من تبع الصّید عقله.

هر که بدنبال شکار رود آن را بدام آرد.

**چون طلب کردی به جد آمد نظر—جد خطا نکند، چنین آمد خبر (مولوی)

**هر که چیزی جست، بی شک یافت او—چون به جد اندر طلب بشتافت او (مولوی)

**سایه حق بر سر بنده بود—عاقبت جوینده یابنده بود (مولوی)

**جد را که باید جان بنده بود—زان که جد جوینده یابنده بود (مولوی)

**هر که رنجی برد (دید) گنجی شد پدید—هر که جدی کرد، در جدی رسید (مولوی)

****عاقبت جوینده یابنده بود— که فَرَج از صبر زاینده بود (مولوی)**

ضرب المثل: جوینده یابنده است.

Whoever goes hunting will hunt something.

Proverb: Where there is a will there is a way.

Proverb: Seek you shall find.

۲۸۴۲ من أبطأ به عمله لم يسرع به نسبه.

هر که عملش او را به عقب براند، تبار و نسبش او را به جلو نبرد.

Whoever is degraded by his own deeds, will not be upgraded by his parental lineage.

۲۸۴۳ من أحدث في أمرنا هذا ما ليس فيه فهو رذ.

هر که در کار ما بدعتی پدید آرد مردود باشد.

Whoever fabricates heresy in our religion, is actually denying us.

۲۸۴۴ من كان آمرا بمعروف فليكن أمره ذلك بمعروف.

هر که امر به معروف و نیکی نماید باید به آن دلیل باشد که آن کار واقعاً خیر است.

****شرح فارسی شهاب الاخبار: یعنی هر که دیگری را چیزی فرماید باید که از بهر آن گوید که آن خیر است و خدا فرموده است و کردن آن دوست میدارد و مقصودش آن خیر گفتن نباشد تا خلق ویرا مدح کنند یا بدان سبب کاری دیگر از پیش ببرد و آنچه بدین ماند از فعلهایی که اهل ناموس (= اهل نیرنگ و حيله) کنند و سخن در منکر همچنین باشد یعنی باید که از بهر آن باز دارد که آن زشت است و خدای تعالی از آن نهی کرده است و کردنش را کاره است و بقولی دیگر هر که یکی را بخیر فرماید باید که داند که آن خیرست و پس از آن فرماید؛ و از اینجاست که هر که معروف فرماید باید که پنج چیز داند:**

اول— باید که معروف از منکر باز داند تا از سر جهل نفرماید.

دوم— باید که مقصودش از فرمودن رضای خدای تعالی باشد و قوت اسلام.

سیم- باید که مشفق و مهربان بود بر آنکه خیر فرماید تا رفق و مدارا کند تا سخنش در گیرد.

چهارم- باید که صابر و بردبار بود و چون سفاهت و بی خردی بیند منزجر و دلتنگ نشود.

پنجم- باید که چون خیری فرماید اول خود قیام نماید پس بفرماید، و چون از منکر باز دارد اول از خود بنهد و پس باز دارد تا سخنش مؤثر بود و بوی التفات کنند؛ اگر چه حضرت مصطفی علیه السلام میفرماید که: امر بمعروف فرمائید اگر چه خویشان نکنید و از فحشاء و منکر باز دارید و اگر چه خویشان باز نایستید. این خبر دلیلت که امر بمعروف و نهی از منکر از همه عاقل و بالغ واجب بود.

Bidding to a good action should be based on to be confident that the action is really good and useful.

۲۸۴۵ من سئل الناس أموالهم تكثر فإنما هي جمر فليستقل أو ليستكثر.

هر که برای فزون طلبی چیزی از مال مردم بخواهد آتش است کم بر گیرد یا زیاد.

Whoever has an excessive greed for people's property, will touch fire, being it a bit or a lot he takes.

۲۸۴۶ من نظر في كتاب أخيه بغير إذنه فكأنما ينظر في النار.

هر که بی اجازه برادرش در نامه او نگرد گوئی در جهنم نگریسته است.

Looking at the letter of one's brother without his permission is looking at Hell indeed.

۲۸۴۷ من مشى منكم إلى طمع فليمش رويدا.

هر که از شما بدنبال طمعی می رود آهسته رود.

شهاب الاخبار- حدیث ۳۲۲= هر که از شما به طمعی (رود) باید که سعی به مدارا کند و حریصی ننماید که معلوم خدای، عز و جل، بنگرد.

Needlessness lies in being hopeless of what people possess, and whoever walks in the way of greed, should slow his/her speed.

۲۸۴۸ من أصبح لا ينوي ظلم أحد غفر له ما جنى.

هر که صبح کند و قصد ستم کسی نداشته باشد گناهانش بخشیده شود.

God will forgive whoever begins his day without intending to oppress anybody.

۲۸۴۹ مداراه الناس صدقه.

با مردم مدارا کردن صدقه دادن است.

Moderation to people is (an act of) charity.

۲۸۵۰ من سئل عن علم فکتمه ألجم بلجام من نار.

هر که از علمی پیرسندش و مکتوم دارد (و دانش خود را اظهار نکند) لگامی از آتش بر او زنند.

A harness of fire will be put on the mouth of whoever conceals his knowledge when asked to offer it.

۲۸۵۱ من نزل علی قوم فلا یصومن تطوعا إلیا یاذنهم.

هر که مهمان قومی شود بی اجازه آنها روزه دلخواه (و مستحب) نگیرد.

Whoever joins a tribe as a guest, should avoid arbitrary fasting without their permission.

۲۸۵۲ من أحب أن یكون أکرم الناس فلیتق الله.

هر که دوست دارد گرامی تر از همه مردم باشد از خدا بترسد.

Whoever wishes to be the most beloved of all people to God, should fear Him.

۲۸۵۳ من سره أن یجد طعم الإیمان فلیحب المرء لا یحبه إلیا لله تعالی.

هر که دوست دارد حلاوت ایمان بچشد کسی را فقط برای خدا دوست دارد.

Whoever wishes to taste the sweetness of faith, should love people just for the Exalted God's sake.

۲۸۵۴ من أحب لقاء الله أحب لقاءه و من کره لقاء الله کره الله لقاءه.

هر که دیدار خدا را دوست دارد خدا دیدار وی را دوست دارد و هر که دیدار خدا را ناخوش دارد خدا نیز دیدار وی را ناخوش دارد.

God wishes to join the one who wishes to join Him, and hates to join the one who hates to join Him.

۲۸۵۵ من فارق الجماعة مات ميتة جاهلية.

هر که از جماعت (امت اسلامی) ببرد به رسم جاهلیت بمیرد.

Whoever keeps aloof from the society (Islamic Ummah), will die as in the Age of Ignorance.

۲۸۵۶ من حسن إسلام المرء تركه ما لا يعنيه.

کسی که فضول نباشد اسلامش نکو باشد.

Whoever avoids meddling with people's affairs is a good Muslim.

۲۸۵۷ من حفظ ما بين لحييه و ما بين رجليه دخل الجنة.

هر که دهان و عورت خویش نگه دارد بهشتی شود.

Whoever controls his tongue and privy parts, will be allowed to Paradise.

۲۸۵۸ من كف لسانه عن أعراض الناس أقاله الله عثرته يوم القيامة.

هر که زبان خویش از آبروی مردم نگاه دارد روز قیامت خدا گناهان وی ببخشد.

Whoever avoids defaming people through his tongue, will receive God's forgiveness in the Day of Judgment.

۲۸۵۹ من رزق من شيء فليزمه.

هر که چیزی نصیبش کرده‌اند در حفظ آن بکوشد.

Whoever has been granted something, should endeavor to preserve it.

۲۸۶۰ من أقال نادما بيعه أقاله الله تعالى عثرته.

هر که معامله فرد پشیمانی را اقاله (فسخ کردن و برهم زدن معامله) کند خدا از گناهانش بگذرد.

The Exalted God will forgive the sins of the one who terminates the contract with a regretful man.

۲۸۶۱ من كان في حاجة أخيه كان الله في حاجته.

هر که از پی حاجت برادر خویش باشد خدا از پی حاجت وی باشد.

God will provide for the needs of the one who provides for the needs of his brethren.

۲۸۶۲ من دعي على من ظلمه فقد أنتصر.

هر که بر ظالم خویش نفرین کند یاری شود.

Whoever curses the one, who has brought him cruelty, will end up in victory.

۲۸۶۳ من يشته كرامة الآخرة يدع زينة الدنيا.

هر که حرمت آخرت خواهد زینت دنیا رها کند.

****این پذیرفتی، بماندی زان دگر— که محب از ضدّ محبوب است کر (مولوی)**

****نی بگفته ست آن سراج امان— این جهان و آن را ضرّتان؟ (مولوی)**

Whoever longs for eternal magnanimity, should forsake the world's (passing) beauty.

۲۸۶۴ من طلب العلم تكفل الله برزقه.

هر که علم جوید خدا عهده دار روزی او شود.

God secures the sustenance of those who seek knowledge.

۲۸۶۵ من جادل في خصومة بغير علم لم يزل في سخط الله حتى ينزع.

هر که در مناقشه‌ای بدون علم مجادله کند در نارضایتی شدید خدا باشد تا دست بردارد.

Whoever argues about, without knowledge, in a dispute, will face God's high displeasure till he abandons his arguments.

۲۸۶۶ من حمل سلعته فقد برىء من الكبر.

هر که کالای (خرید خویش از بازار را بر دست) خویش بر دارد از تکبر دور بود.

Whoever carries his own goods(in bazaar), is devoid of vanity.

۲۸۶۷ من خاف الله خوف الله منه كل شيء.

هر که از خدا ترسد خدا همه چیز را از او بترساند.

God will make everything fear the one who fears Him.

۲۸۶۸ من أتاه الله خيرا فلير عليه.

هر که خدایش نعمتی دهد باید اثر نعمت بر او نمایان شود.

Whoever is granted God's grace, should reveal the sign of it on his face.

۲۸۶۹ من لم يشكر القليل لم يشكر الكثير.

هر که سپاس کم نگذارد سپاس بسیار نیز ندارد.

Whoever is ungrateful to the small (gifts of God), is surely the same to the great (abundance of Him).

۲۸۷۰ من قتل دون دینه فهو شهيد.

هر که ضمن دفاع از دین خود کشته شود شهید شده است.

Whoever is slain in defending his faith, is a martyr.

۲۸۷۱ من مات غريبا مات شهيدا.

هر که به غربت بمیرد شهید مرده است.

Whoever dies in loneliness, is a martyr.

۲۸۷۲ من صام الأبد فلا صام و لا أفطر.

هر که روزه پیوسته دارد نه روزه داشته و نه افطار کرده.

Whoever fasts continuously without breaking it in due time, is neither fast nor otherwise.

۲۸۷۳ من مشى مع ظالم فقد أجرم.

هر که با ظالمی راه رود گناه کرده است.

Whoever accompanies a tyrant, has committed a crime.

۲۸۷۴ من رفق بامتى رفق الله به.

هر که با امت من ملایمت کند خدا با وی ملایمت کند.

Whoever treats my people moderately, will be treated in like manner by God.

۲۸۷۵ من یرد الله به خیرا یصب منه.

خدا برای هر که نکوئی خواهد مبتلایش کند.

When God wishes good for somebody, He makes him suffer a calamity.

۲۸۷۶ من أصاب مالا من مهاوش أذهبه الله فى نهابر.

هر که مال از اینجا و آنجا (=حرام) بدست آرد در حوادث خطرناک از دست بدهد.

****ضرب المثل=باد آورده را باد می برد.**

Whoever earns unlawful money, will be made by God to lose it in difficulty.

****Proverb=Easy come, easy go.**

****Proverb=So got, so lost.**

۲۸۷۷ من لم ینفعه علمه یضره جهله.

هر که علمش سودش ندهد جهلش زیانش رساند.

When one's knowledge gives him no fruit, his ignorance burns his root.

۲۸۷۸ من فتح له باب من خیر فلیتنهزه فإنه لا یدری متی یغلق عنه.

هر که دری از خیر بر او گشودند فرصت غنیمت شمارد که نداند چه وقت بسته خواهد شد.

****نهج البلاغه-حکمت ۲۱=..فرصت ها چون ابر می گذرند. پس فرصتهای نیک را غنیمت شمارید.**

****ضرب المثل=فرصت را غنیمت شمار!**

When a door of goodness is opened to someone, (s)he should make the most of it, for (s)he will not know when it gets closed.

****Peak of Eloquence(NahjolBalaagha)-Saying 21=..Opportunities passes away like the cloud. Therefore, make use of good opportunities.**

****Proverb=Time and tide wait for no man.**

۲۸۷۹ من أسلم علی یدیه رجل وجبت له الجنة.

هر که یکی بدست وی اسلام آورد بهشت بر او واجب شود.

Whoever leads one person to Islam, will be allowed to Paradise.

۲۸۸۰ من أولى رجلا من عبد المطلب معروفا في الدنيا فلم يقدر أن يكافئه كآفته عنه يوم القيمة.

هر که با یکی از خاندان عبد المطلب در دنیا نیکی کند و او نتواند تلافی آن کند من در روز قیامت تلافی آن خواهم کرد.

Whoever does any good to one among Abd-ul-Muttalib's family, but receives no reward from him, will receive compensation from Me in the Day of Judgment.

۲۸۸۱ من كنوز البرّ كتمان المصائب و الأمراض و الصدقة.

از گنجینه‌های نیکی نهان داشتن مصیبتها و مرضها و صدقه است.

Keeping disasters, diseases and alms in secret is among the treasures of goodness.

۲۸۸۲ من رأى عورة فسترها كان كمن أحيا موءودة من قبرها.

هر که عورتی/زشتکاری پنهانی را (از برادر دینی خود) به بیند و مستور دارد چنان است که دختر زنده بگور کرده‌ای را از قبر زنده برآرد.

Whoever sees indecencies (in faithful people) but covers them up is like unto the one who saves a live-buried girl.

۲۸۸۳ من یسر علی معسر یسر الله علیه فی الدنیا و الآخرة.

هر که به تنگدستی گشایش دهد خدا در دنیا و آخرت به او گشایش دهد.

God will help whoever helps the poor, here and in the Hereafter.

۲۸۸۴ من اعتر بالعبید أذله الله.

هر که به بندگان عزیز گردد خدای تعالی وی را ذلیل کند.

God will abase whoever seeks honor through His servants.

۲۸۸۵ من لا یرحم لا یرحم و من لا یغفر لا یغفر له.

هر که رحم نکند رحمش نکنند و هر که نیامرزد او را نیامرزند.

Whoever has no mercy (for others) will not enjoy (God's) mercy, and whoever does not forgive (people) will not be forgiven (by God).

۲۸۸۶ من لا یتحیی من الناس لا یتحیی من الله.

هر که از مردم شرم ندارد از خدا شرم نکند.

Whoever does not treat people with humility does not serve God in (all) humility.

۲۸۸۷ من یتزود فی الدنیا ینفعه فی الآخرة.

هر که از دنیا توشه برگیرد در آخرت سودش دهد.

Whoever prepares provision in this world, will make use of it in the Hereafter.

۲۸۸۸ من يتكفل لي أن لا يسأل الناس شيئا و أتكفل له بالجنة.

کیست که تعهد کند از مردم چیزی نخواهد و من برای او بهشت را تعهد کنم.

****گفت پیغمبر که جنت از اله-گر همی خواهی، ز کس چیزی نخواه**

چون نخواهی، من کفیلیم مر تو را-جنت المأوی و دیدار خدا

آن صحابی زین کفالت شد عیار-تا یکی روزی که گشته بد سوار

تازیانه از کشتی افتاد راست-خود فرود آمد ز کس آن را نخواست (مولوی)

I will undertake to reserve Paradise for whoever undertakes to put no demand to people.

۲۸۸۹ من یرد الله به خیرا یفقهه فی الدین و یلهمه رشده.

خدا برای هر که نیکی خواهد وی را در کار دین دانا کند و راه رشاد(راستی، ایستادگی و پیروزی به دور از کمراهی) را باو الهام کند.

When God wishes someone good, He grants him deep knowledge of religion and inspires him the right way of growth.

۲۸۹۰ من یعمل سوءا یجز به فی الدنیا.

هر که عمل بد کند در دنیا سزای آن بیند.

Whoever does evil, will suffer its recompense in this very world.

۲۸۹۱ مناو له المسکین تقی مینه السوء.

عطا به مستمندان از مرگ بد جلوگیری میکند.

Helping the poor, suspends terrible deaths.

۲۸۹۲ مهنة إحدان فی بیتها تدرک جهاد المجاهدين إنشاء الله.

(ای زنان) هر يك از شما با اشتغال در خانه خویش اگر خدا خواهد ثواب مجاهدان خواهد یافت.

Women who do housework will receive the reward of the strugglers in the way of God, if He so wishes.

۲۸۹۳ من نظر إلى مسلم نظره يخيفه بها من غير حق أخافه الله يوم القيامة.

هر که به مسلمانی نظری تند کند که به ناحق او را به ترساند روز قیامت خدا او را به ترساند.

God in the Day of Judgment will terrify whoever casts an awful look at a Muslim, terrifying him unfoundedly.

۲۸۹۴ من نفس عن غريمه أو محاه عنه كان في ظلّ العرش يوم القيامة.

هر که به قرض دار خویش مهلت دهد یا قرض او را قلم گیرد روز قیامت در سایه عرش باشد.

Whoever gives a grace period to his debtor or dispenses with his debts, will reside under the shade of the (divine) Throne in the Day Judgment.

۲۸۹۵ من هجر أخاه سنة فهو كسفك دمه.

هر که یک سال از برادر خویش قهر کند چنان است که خون وی را ریخته است.

Whoever remains in unfriendly terms with his brother (in religion) for one whole year, is like unto the one who may happen to kill him.

۲۸۹۶ من وقاه الله شرّ ما بين لحييه و شرّ ما بين رجليه دخل الجنة.

هر که خدایش از شر دهان و عورت نگاه دارد بهشتی است.

Whoever is helped by God to keep away from the evils of his tongue and privy parts will be allowed to Paradise.

۲۸۹۷ من وقّر صاحب بدعة فقد أعان على هدم الإسلام.

هر که بدعت گزاری را محترم دارد به ویرانی اسلام کمک کرده است.

Whoever honors a heretic, has (in fact) helped the destruction of Islam.

۲۸۹۸ من ولی شیئا من أمور المسلمين لم ينظر الله في حاجته حتى ينظر في حوائجهم.

هر که چیزی از امور مسلمانان را بعهده گیرد خدا در حاجت وی ننگرد تا وی در حوائج مسلمانان بنگرد.

God will not heed the needs of the one who undertakes a part of Muslims' affairs, unless (s)he heeds their needs.

۲۸۹۹ من لا يرحم الناس لا يرحمه الله.

هر که به مردم رحم نکند خدا به او رحم نخواهد کرد.

Whoever has no pity for people, will not receive God's Mercy.

۲۹۰۰ من لا يرحم من في الأرض لا يرحمه من في السماء.

هر که به مردم زمین رحم نکند خدای آسمان به او رحم نکند.

Whoever has no pity for those on the earth, will not receive the Mercy of the One in the heavens.

۲۹۰۱ من كان يؤمن بالله و اليوم الآخر فلا يرو عن مسلما.

هر که به خدا و روز جزا مؤمن است مسلمان را نترساند.

Whoever has faith in God and the Last Day, does not frighten a Muslim.

۲۹۰۲ من كتم شهادة إذا دعى إليها كان كمن شهد بالزور.

هر که شهادتی را که از او خواسته‌اند نهان دارد چنانست که شهادت دروغ داده باشد.

Whoever refrains from bearing witness when required is like unto the one who gives false testimony.

۲۹۰۳ من كتم علما عن أهله ألجم يوم القيامة لجاما من نار.

هر که علمی را از اهل آن نهان دارد روز قیامت لگامی از آتش بر او زنند.

Whoever conceals knowledge from the seekers of knowledge will be harnessed with fire in the Day of Judgment.

۲۹۰۴ من کرم أصله و طاب مولده حسن محضره.

هر که اصلش گرامی و مولدش پاکیزه باشد محضرش نیک است.

Whoever is born into a respectful family and is pure in birth, has a desirable company.

۲۹۰۵ من لم یرض بقضاء الله و لم یؤمن بقدر الله فلیتمس إلیها غیر الله.

هر که به قضای خدا رضا نیست و به تقدیر خدا ایمان ندارد خدائی غیر خدای یکتا بجوید.

Whoever is not pleased with divine decree and does not believe in his (predestined) destiny, should search for a god other than the (Unique) Deity.

۲۹۰۶ من مات علی شیء بعثه الله علیه.

هر که به حالی بمیرد خدا وی را به همان حال برانگیزد.

In whatever state one dies, in the same way will God resurrect him/her.

۲۹۰۷ من قضی لأخیه المسلم حاجةً کان له من الأجر کمن حجّ و اعتمر.

هر که حاجت برادر مسلمان خویش بر آرد چنانست که حج کرده و عمره گذاشته باشد.

Whoever settles his Muslim brother's needs is like unto the one who has performed minor and major pilgrimages.

۲۹۰۸ من قضی لأخیه المسلم حاجةً کان له من الأجر کمن خدم الله عمره.

هر که حاجت برادر مسلمان خویش را بر آرد چنانست که همه عمر خویش را خدمت خدا کرده باشد.

Whoever settles his Muslim brother's needs is like unto the one who has served God all his/her life.

۲۹۰۹ من قطع رحماً أو حلف علی یمین فاجرة رأی و باله قبل أن یموت.

هر که از خویشاوند ببرد یا قسم دروغ خورد پیش از آنکه بمیرد وبال آن ببیند.

Whoever breaks off bonds of kinship or swears falsely, will face due penalty before death.

۲۹۱۰ من كان حالفا فلا يحلف إلا بالله.

هر که قسم بایش خورد جز به خدا قسم نخورد.

Whoever has to swear, should not swear save by God.

۲۹۱۱ من كان سهلا هيئا لينا حرّمه الله على النار.

هر که آسان گیر و نرم و ملایم باشد خدا او را به جهنم حرام کند.

Whoever is easy-going, gentle and kind, will not be put to Hell Fire by God.

۲۹۱۲ من كان عليه دين فهم بقضائه لم يزل معه من الله حارس.

هر که قرضی داشته باشد و قصد پرداخت آن کند پیوسته نگهبانی از جانب خدا بر او گماشته باشد.

Whoever has a debt and intends to repay it, will always be supported by an angel on God's side.

۲۹۱۳ من كان له قلب صالح تحنن الله عليه.

هر که قلبی خوب داشته باشد خدا به وی مشتاق است.

God is kind to whoever has a kind heart.

۲۹۱۴ من كان له وجهان في الدنيا كان له يوم القيامة لسانان من نار.

هر که در دنیا دو رو باشد روز قیامت دو زبان از آتش دارد.

Whoever is double-faced in this world, will be harnessed with two tongues (flames) of fire in the Day of Judgment.

۲۹۱۵ من كان يؤمن بالله و اليوم الآخر فليحسن إلى جاره و من كان يؤمن بالله و اليوم الآخر فليكرم ضيفه و من كان يؤمن بالله و اليوم الآخر فليقل خيرا أو ليسكت.

هر که به خدا و روز جزا ایمان دارد با همسایه خویش نکوئی کند هر که به خدا و روز جزا ایمان دارد مهمان خویش را گرامی دارد هر که به خدا و روز جزا ایمان دارد سخن بخیر گوید یا خاموش ماند.

Whoever has faith in God and the Last Day should be kind to his/her neighbors and hospitable to his guests, and should either say something good or keep silent.

۲۹۱۶ من قاد اعمی أربعین خطوة غفر له ما تقدم من ذنبه.

هر که کوری را چهل قدم راه بردگناهان گذشته‌اش آمرزیده شود.

****نی تو گفتی قائد اعمی به راه-صد ثواب و اجر یابد از اله؟ (مولوی)**

****هر که او چل گام کوری کشد-گشت آمرزیده و یابد رشد (مولوی)**

Whoever helps a blind person to move forty steps, will be absolved of his/her past sins.

۲۹۱۷ من قبل بین عینی أمه کان له ستر من النار.

هر که پیشانی مادر خویش را ببوسد از آتش جهنم مصون شود.

Whoever kisses his/her mother's forehead, will be immune from the Hellfire.

۱-۲۹۱۸ من قتل عصفورا بغير حق سألہ اللہ عنہ يوم القيامة.

هر که گنجشکی را به ناحق بکشد خدا روز قیامت از وی باز خواست کند.

Whoever unduly kills a sparrow, will be called to account by God in the Day of Judgment.

۲-۲۹۱۸ من عفا عند القدرة عفا اللہ عنہ يوم العسرة.

هر که هنگام قدرت ببخشد خدا در روز سختی او را ببخشد.

Whoever forgives in power, will be forgiven by God in the day of hardship (Day of Judgment).

۲۹۱۹ من علم علما فله اجر من عمل به لا ينقص من اجر العامل.

هر که علمی یاد دهد، پاداش کسی که بدان عمل میکند از اوست و پاداش عامل کاسته نشود.

Whoever teaches his/her knowledge (to others), will receive the reward of the one who acts upon it, with the doer's reward not reduced.

۲۹۲۰ من عیّر أخاه بذنب لم یمت حتی یعمله.

هر که برادر خویش را به گناهی سرزنش کند نمیرد تا مرتکب آن شود.

Whoever blames his brother (in faith) for a sin, will not die unless he commits the same sin.

۲۹۲۱ من غرس غرسا لم یأکل منه آدمیّ و لا خلق من خلق الله إلا کان له صدقة.

هر که درختی بکارد هر بار که انسانی یا یکی از مخلوق خدا از آن بخورد برای وی صدقه‌ای محسوب شود.

Whenever a human being or one of God's creatures eats the fruits of a tree, a good reward is recorded for the one who has planted the tree.

۲۹۲۲ من غشنا فلیس منا، المکر و الخداع فی النار.

هر که با ما نادرستی کند از ما نیست مکر و خدعه در جهنم است.

Whoever plays a trick on us does not belong to us. Verily, cheating and deceiving lead man to Hell.

۲۹۲۳ من طلب العلم کان کفاره لما مضی.

هر که علم جوید کفاره گناهان گذشته وی باشد.

Seeking knowledge is the atonement of one's past sins.

۲۹۲۴ من طلب العلم لیجاری به العلماء أو لیماری به السفهاء أو یصرف به وجوه الناس إلیه أدخله الله النار.

هر که علم جوید که به وسیله آن با دانشوران همچشمی کند یا با سفیهان مجادله کند یا توجه عامه را به سوی خود جلب کند خدایش بجهنم برد.

Whoever seeks knowledge to vie with the wise, to dispute with the unwise, or to attract laymen's attention, will be put to Hell by God.

۲۹۲۵ من عال ثلاث بنات فأدبهنّ و زوجهنّ و أحسن إليهنّ فله الجنة.

هر که سه دختر داشته باشد و تربیتشان کند و شوهرشان دهد و با آنها نیکوئی کند پاداش او بهشت است.

Paradise will be the reward of the one with three daughters, who trains them in good manners, gives them in marriage and is kind to them.

۲۹۲۶ من عدّ غدا من أجله فقد أساء صحبة الموت.

هر که فردا را از عمر خویش شمارد مرگ را خوب نشناخته است.

Whoever regards tomorrow a day of his/her life, is not well aware of death.

۲۹۲۷ من حضر معصية فكرها فكأنما غاب عنها و من غاب عنها فرضيها فكأنه حضرها.

هر کس ناظر معصیتی باشد و آن را منفور دارد چنان است که غایب بوده و هر کس از معصیتی که در غیاب او کرده‌اند خشنود باشد چنان است که ناظر آن بوده است.

Whoever happens to witness a sin which (s)he detests, will be regarded as absent, and whoever is pleased with a sin committed in his/her absence, will be regarded as a witness to it.

۲۹۲۸ من حلف بغير الله فقد أشرك.

هر که بغير خدا قسم خورد مشرک است.

Whoever swears by anything save God, is a dualist.

۲۹۲۹ من حَبَّبَ زوجةً امرءٍ أو مملوكاً فليس منا.

هر که همسر کسی یا مملوک او را فریب دهد از ما نیست.

Whoever deceives somebody's wife or slave, does not have any connection with us.

۲۹۳۰ من دعا إلى هدى كان له من الأجر مثل أجور من تبعه لا ينقص ذلك من أجورهم شيئاً و من دعا إلى

ضلالة كان عليه من الإثم مثل آثام من تبعه لا ينقص ذلك من آثامهم شيئاً.

هر که به هدایتی دعوت کند پاداش وی چون پاداش همه کسانی است که پیروی آن کنند و از پاداش آنها چیزی نمیگاهد و هر که به ضلالتی دعوت کند گناه وی مثل گناهان همه کسانی است که پیروی آن کنند و از گناه آنها چیزی نمیگاهد.

Whoever leads people to a right direction, will be rewarded as those who follow it, without any reduction in the latter's reward, and whoever shows people a wrong direction, will be punished as those who follow it, without any reduction in the latter's punishment.

۲۹۳۱ من باع دارا ثم لم يجعل ثمنها في مثلها لم يبارك له فيها.

هر که خانه‌ای فروشد و با قیمت آن خانه دیگر نخرد برکت نیابد.

Whoever sells his house and does not buy another with its money, will not end up in blessings.

۲۹۳۲ من باع عيبا لم يبينه لم يزل في مقت الله و لم تزل الملائكة تلعه.

هر که چیز معیوبی فروشد و نگوید پیوسته در دشمنی خدا باشد و فرشتگان پیوسته او را لعنت کند.

Whoever sells a defective object without mentioning it, will always be detested by God and damned by His angles.

۲۹۳۳ من باع عقر دار من غير ضرورة سلط الله على ثمنها تالفا يتلفه.

هر که بدون ضرورت خانه‌ای را بفروشد خدا تلف‌کننده‌ای را بگمارد که قیمت آن را تلف کند.

Whoever sells a house without need, will see its money wasted by a waster appointed by God.

۲۹۳۴ من بدأ بالكلام قبل السلام فلا تجيبوه.

هر که پیش از سلام سخن آغازد جوابش مدهید.

Do not respond to the one who starts speaking without greeting.

۲۹۳۵ من ترك الرمي بعد ما علمه فإنها نعمة كفرها.

هر که تیراندازی را تعلیم گرفته باشد و ترک کند نعمتی را کفران کرده است.

Whoever learns shooting but does not put it to practice, is guilty of ingratitude.

۲۹۳۶ من تزوج فقد استكمل نصف الإيمان فليتق الله في النصف الباقي.

هر که زن بگیرد یک نیمه ایمان خویش را کامل کرده از خدا در باره نیم دیگر بترسد.

Whoever gets married has half of his faith completed; as to the other half, he should seek piety.

۲۹۳۷ من تمنى على أمى الغلاء ليلة واحدة أحبط الله عمله أربعين سنة.

هر که برای امت من یک شب آرزوی گرانی کند خدا چهل سال عبادت او را باطل کند.

Whoever wishes expensiveness of one single night for my people, will be frustrated by God in his worship of forty years.

۲۹۳۸ من أفتى بغير علم كان إثمه على من أفتاه و من أشار على أخيه بأمر يعلم أن الرشد في غيره فقد خانه.

هر که بدون علم فتوی دهد گناه حاصل از آن را به گردن دارد و هر که به برادر خویش کاری سفارش کند و داند که مصلحت در غیر آن است به وی خیانت کرده است.

Whoever pronounces judgment without knowledge, is responsible for its subsequent sins, and whoever advises his brother (in faith) to do an action which he knows should not be done, is a traitor to him.

۲۹۳۹ من اقتصد أغناه الله، و من بذّر أفقره الله، و من تواضع رفعه الله، و من تجبر قصمه الله.

هر که میانه روی کند خدا بی نیازش کند و هر که اسراف کند خدا فقیرش کند و هر که فروتنی کند خدایش بر دارد و هر که بزرگی فروشد خدایش درهم شکند.

God provides the moderate ones with abundance, afflicts the extravagant with poverty, grants to the humble excellence, and makes the arrogant face ruin.

۲۹۴۰ من أكرم امراً مسلماً فإنما يكرم الله تعالى.

هر که مسلمانی را گرامی دارد خدای والا را گرامی داشته است.

Whoever honors a Muslim has verily honored the Exalted God.

۲۹۴۱ من أكثر من الاستغفار جعل الله له من كل هم فرجا و من كل ضيق مخرجا و رزقه من حيث لا يحتسب.

هر که استغفار کند خدا برای او از هر غمی گشایش و از هر تنگنایی مفری پدید آرد. و او را از جایی که انتظار ندارد روزی دهد.

God relieves the one who often asks Him forgiveness from all grieves, provides him with a refuge in all difficulties, and gives him sustenance from an unexpected source.

۲۹۴۲ من أكل بالعلم طمس الله على وجهه و رده على عقبه و كانت النار أولى به.

هر که بوسیله علم نان خورد خدا چهره او را دگرگون کند و کارش را واژگون کند و جهنم سزاوار او باشد.

(روایتی را که در سوال در مورد مذمت اجرت گرفتن بر تعلیم علوم اسلامی نوشته اید در منابع شیعه نقل نشده و در کتاب میزان الحکمه و یا نهج الفصاحه از کنز العمال نقل کرده اند که از منابع حدیثی اهل سنت است . در پاسخ به سوال اجمالا یاد آور می شویم روایاتی که در باره مذمت کسب در آمد از راه علم وارد شده است را فقها به دو شکل توجیه کرده اند اول این که این روایات را حمل بر کراهت کنیم و توجیه دوم این که مقصود از ان اخذ اجرت بر تعلیم علمی است که آموزش آن واجب است این مطلب را از سخنان آنها در مورد اخذ اجرت بر تعلیم می توان استفاده کرد ضمن آن که در روایتی به صراحت جواز اخذ اجرت بر تعلیم قرآن آمده است این روایت در کتاب کافی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ شَرِيفِ بْنِ سَابِقٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ هَؤُلَاءِ يَقُولُونَ إِنَّ كَسْبَ الْمُعَلِّمِ سَخَتْ فَقَالَ كَذَبُوا أَعْدَاءُ اللَّهِ إِنَّمَا أَرَادُوا أَنْ لَا يُعَلِّمُوا الْقُرْآنَ وَ لَوْ أَنَّ الْمُعَلِّمَ أَعْطَاهُ رَجُلٌ دِيَةً وَكَدَّه لَكَانَ لِلْمُعَلِّمِ مَبَاحًا. (الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص: ۱۲۱)

فضل ابی قره گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم اینان می گویند در آمد معلم سحت (= مال حرم) است امام فرمود: دروغ می گویند دشمنان خدا آنان می خواهند که قرآن آموزش داده نشود و اگر فردی به معلم فرزندش به مقدار دیه فرزندش بدهد برای معلم جایز است .

مرحوم شهید اول در دروس می گوید:

ولو أخذ الأجرة على ما زاد على الواجب من الفقه والقرآن جاز على كراهية .

وینتأكد مع الشرط ولا يحرم ، لقول الصادق عليه السلام (۱) : لو أن المعلم أعطاه رجل دية و كده كان مباحا . (الدروس الشرعية ج ۳ ص ۱۷۲)

اگر فردی برای تعلیم مازاد بر اندازه واجب از فقه و قرآن اجرت بگیرد جایز است لکن مکروه است و کراهت ان در صورت شرط کردن بیشتر است لکن حرام نیست به جهت سخن امام صادق علیه السلام که می فرماید، و اگر فردی به اندازه دیه فرزندش به معلم بدهد مباح و جایز است .

God changes (darkens) the visage of the one who earns his living through knowledge, disturbs his affairs, and makes Hell his appropriate abode.

(According to Shia Hadith "Knowledge" above refers to just minimum obligatory knowledge that every moslem should know)

۲۹۴۳ من أنظر معسرا إلى ميسرته أنظره الله بذنبه إلى توبته.

هر که تنگدستی را مهلت دهد تا گشایش یابد خدا گناهی را مهلت دهد تا توبه کند.

Whoever gives enough time to a poor to repay his debts, will be given enough time by God to repent his sins.

۲۹۴۴ من أطعم مریضا شهوته أطعمه الله من ثمار الجنة.

هر که غذای دلخواه مریضی را به او بخوراند خدا از میوه‌های بهشت باو بخوراند.

Whoever gives a sick man his favorite food, will be offered heavenly fruits by God.

۲۹۴۵ من أعان ظالما سلطه الله عليه.

هر که ستمگری را اعانت کند خدایش بر او مسلط کند.

Whoever assists a tyrant, will be subjected by God to the domination of that tyrant.

۲۹۴۶ من أعان علی خصومه بظلم لم یزل فی سخط الله حتی ینزع.

هر که بوسیله ستمی بر خصومتی کمک کند پیوسته مورد نارضایتی شدید خدا باشد تا دست بردارد.

Whoever supports oppression through hostility (to people), will always be detested by God unless he stops doing so.

۲۹۴۷ من أعان ظالما لیدحض باطله حقا فقد برئت منه ذمة الله ورسوله.

هر که ستمگری را اعانت کند که بوسیله باطل خویش حقی را پایمال کند، از حمایت خدا و پیغمبر برون باشد.

Whoever assists a tyrant to suppress truth by his false nature will lose the support of God and His messenger.

۲۹۴۸ من أعطى حظّه من الرّفق فقد أعطى حظّه من الخير و من حرم حظّه من الرّفق فقد حرم حظّه من الخير.

هر که را از ملایمت بهره داده‌اند از نیکی بهره‌اش داده‌اند و هر که را از ملایمت محروم کرده‌اند از نیکی بی‌نصیبش کرده‌اند.

Whoever enjoys moderation enjoys goodness, and whoever is deprived of moderation is bereft of goodness.

۲۹۴۹ من اغتیب عنده أخوه المسلم فلم ينصره و هو يستطيع نصره أذّله الله تعالى في الدّنيا و الآخرة.

هر که برادر مسلمانش را در حضور او غیبت کنند و تواند یاریش کند یاری وی نکند خدا او را در دنیا و آخرت خوار کند.

When backbiting his Muslim brother in his presence, whoever is able to defend him but avoids doing so, will be made abject by the Exalted God, here and in the Hereafter.

۲۹۵۰ من أصيب بمصيبة في ماله أو جسده و كتمها و لم يشكها إلى النّاس كان حقّا على الله أن يفرّج له.

هر که در مال یا تن خویش بلیه‌ای داشته باشد و پنهان کند و شکایت آن به مردم نبرد بر خدا واجب است که بیامزدش.

Whoever is afflicted with a physical or material calamity but hides it and avoids stating his grievance to people, will be definitely blessed by God.

۲۹۵۱ من أطعم مسلماً جائعاً أطعمه الله من ثمار الجنّة.

هر که مسلمان گرسنه‌ای را غذا دهد خدا از میوه‌های بهشت باو بخوراند.

Whoever feeds a starving Muslim, will be fed by God with heavenly fruits.

۲۹۵۲ من اشترى سرقة و هو يعلم أنّها سرقة فقد شرك في عارها و إثمها.

هر که مال دزدی را بخرد و بداند که دزدیست در ننگ و گناه آن شریک است.

Whoever knowingly buys a stolen object is actually a partner in the theft and shame of it.

۲۹۵۳ من أصاب حدًا فجعل عقوبته في الدنيا فالله أعدل من أن يثني على عبده العقوبة في الآخرة، و من أصاب حدًا فستره الله عليه فالله أكرم من أن يعود في شيء قد عفا عنه.

هر که گناهی کند و در دنیا عقوبت آن ببیند خدا عادل تر از آنست که بار دیگر بنده خویش را در آخرت عقوبت کند و هر که گناهی کند و خدا آن را ببوشاند خدا کریمتر از آنست که به بخشیده خود باز گردد.

God is too Just to punish His servants anew in the Hereafter, if they are punished in this very world for their sins, and God is too Generous to reconsider man's punishable sins after having covered them and forgiven him (in this world).

۲۹۵۴ من أصبح و همته التقوى ثم أصاب فيما بين ذلك ذنبا غفر الله له.

هر که روز آغاز را آغاز کند و قصد پرهیزکاری داشته باشد و در این اثنا گناهی کند خدا وی را بیامرزد.

Whoever starts his day with piety in mind, but happens to commit a sin, will be forgiven by God.

۲۹۵۵ من أصبح و همته غير الله فليس من الله في شيء و من أصبح لا يهتم بالمسلمين فليس منهم.

هر که روز آغاز و توجه او به غیر خدا باشد با خدا کاری ندارد. و هر که روز آغاز و به کار مسلمانان توجهی نداشته باشد مسلمان نیست.

Whoever starts his day with other than God in his mind, will not receive any attention from Him, and whoever starts his day with no attention to Muslims' affairs is not a Muslim.

۲۹۵۶ من أصبح مطيعا لله في والديه أصبح له بابان مفتوحان من الجنة وإن كان واحدا فواحد.

هر که روز آغاز و در کار پدر و مادر خویش مطیع خدا باشد، دو در از بهشت بر او گشوده باشد و اگر یکی باشد یکی.

Whoever starts his day with obedience to God in his parents' affairs, will face two opened doors of Paradise; and one door, if (s)he has only father or mother.

۲۹۵۷ من استطاع منكم أن يستر أخاه المؤمن بثوبه فلي فعل.

هر کسی از شما تواند برادر مؤمن خویش را به جامه‌ای ببوشاند، ببوشاند.

Whoever among you is able to provide a Muslim brother with a piece of dress should do so.

۲۹۵۸ من استعفّ أعفّه الله و من استغنى أغناه الله.

هر که عفت جوید خدایش عفت دهد و هر که غنا (=بی نیازی) طلبد خدایش بی نیاز کند.

God gives chastity and abundance to the one who seeks them.

۲۹۵۹ من أذنب و هو يضحك دخل النار و هو يبكي.

هر که گناه کند و خندان باشد وارد جهنم شود و گریان باشد.

Whoever smiles when committing a sin, will weep when entering Hell.

۲۹۶۰ من أراد أن يعلم ماله عند الله فلينظر ما لله عنده.

هر که خواهد بداند نزد خدا چه دارد بنگرد خدا نزد وی چه دارد.

Whoever wishes to know what (s)he has with God, should see what of God is with him/her.

۲۹۶۱ من أراد أن تستجاب دعوته و أن تكشف كربته فليفرج عن معسر.

هر که خواهد دعوتش مستجاب شود و غمش از پیش برخیزد تنگ دستی را گشایش دهد.

Whoever wishes his prayers to be granted and his grief to vanish, should resolve the difficulty of an indigent person.

۲۹۶۲ من أراد أمرا فشاور فيه امرءا مسلما وفقه الله لأرشد أموره.

هر که اراده کاری کند و با مرد مسلمانی در باره آن مشورت کند خدایش به معقولترین کارها توفیق دهد.

Whoever wishes to do something and counsels with a Muslim about it, will be granted success by God in (carrying out) the most logical affairs.

۲۹۶۳ من أرضى والديه فقد أرضى الله و من أسخط والديه فقد أسخط الله.

هر که پدر و مادر خویش را خشنود کند خدا را خشنود کرده و هر که پدر و مادر خویش را شدیداً ناراضی کند خدا را شدیداً ناراضی کرده است.

Whoever pleases his parents, pleases God, and whoever highly displeases them, highly displeases Him.

۲۹۶۴ من ازداد علما و لم تزد في الدنيا زهدا لم يزد من الله إلا بعدا.

هر که علمش فزون شود و بی رغبتی وی بدنی فزون نشود دوری او از خدا بیشتر شود.

Increase in knowledge with lack of increase in reluctance to the world results in one's further remoteness from God.

۲۹۶۵ من استطاع منكم أن يقي دينه و عرضه بماله فليفعل.

هر که از شما تواند دین و آبرو را به مال خود حفظ کند، حفظ کند.

Whoever among you is able to save one's face and faith with his wealth, should do so.

۲۹۶۶ من استطاع منكم أن ينفق أخاه فلينفقه.

هر که از شما تواند به برادر خویش نفع برساند، برساند.

Whoever among you is able to benefit his Muslim brothers, should do so.

۲۹۶۷ من أخطأ خطيئة أو أذنب ذنبا ثم ندم فهو كفارة.

هر که خطائی کند یا گناهی از او سرزند آنگاه پشیمان شود پشیمانی کفاره اوست.

Whoever commits a folly or a sin, and then turns regretful, his regret is the atonement of his fault.

۲۹۶۸ من إدان ديناً ينوي قضاءه أداه الله عنه يوم القيمة.

هر که بدهکار است (=دینی به عهده دارد) که نیت پرداخت آن دارد، خدا روز قیامت قرض وی را ادا کند.

Whoever intends to return his debt but dies before doing so, will have his debt paid by God in the Day of Judgment.

۲۹۶۹ من أذلّ نفسه في طاعة الله فهو أعزّ ممّن تعزّز بمعصية الله.

هر که خویشتن را در اطاعت خدا خوار کند از کسی که به معصیت خدا عزت جسته باشد عزیزتر است.

Whoever lowers himself in obedience to God, is more honorable than the one who has earned dignity through disobedience to Him.

۲۹۷۰ من أذلّ عنده مؤمن فلم ينصره و هو يقدر على أن ينصره أذله الله على رؤس الأشهاد يوم القيامة.

هر که مؤمنی را پیش او خوار کنند و تواند یاری او کند و نکند روز قیامت خدا پیش همگان خوارش کند.

Whoever is able to assist a believer being humiliated in his sight, but avoids doing so, will be humiliated by God in the sight of all people in the Day of Judgment.

۲۹۷۱ من أذنب ذنبا فعلم أن له رباً إن شاء غفر له و إن شاء عذبه كان حقاً على الله أن يغفر له.

هر که گناهی کند و داند که پروردگاری دارد که اگر خواهد گناه وی بیامرزد و اگر خواهد عذابش کند بر خدا واجب است که بیامرزدش.

God will surely forgive a sinful person who knows that he has a Lord capable of punishing or forgiving him if He so wishes.

۲۹۷۲ من أذنب ذنبا فعلم أن الله قد اطلع عليه غفر له و إن لم يستغفر.

هر که گناهی کند و داند که خدا ناظر وی بوده، خدا بیامرزدش و گر چه آمرزش نخواهد.

God will forgive a sinful person who knows that He has witnessed him, though he avoids seeking His forgiveness.

۲۹۷۳ من أحبّ أن يبسط له في رزقه و أن ينسأ له في أجله فليصل رحمه.

هر که دوست دارد که روزی وی گشاده کنند و زندگیش طولانی شود با خویشاوند پیوند گیرد.

Whoever wishes to have abundant sustenance and long life, should go on keeping the bonds of kinship.

۲۹۷۴ من احتجب عن الناس لم يحجب عن النار.

هر که درب به مردم ببندد (=از مردم دوری کند) از جهنم مصون نماند.

Whoever keeps aloof from people, will not be spared from the fire of Hell.

۲۹۷۵ من احتكر على المسلمين طعامهم ضربه الله بالجذام.

هر که خوراک مسلمانان را احتکار کند خدا به خوره مبتلاش کند.

Whoever hoards up Muslims' food, will be made to suffer leprosy by God.

۲۹۷۶ من أحسن فيما بينه وبين الله كفاه الله ما بينه وبين الناس و من أصلح سريره أصلح الله علانيته.

هر که رابطه خویش را با خدا نیک کند خدا رابطه وی با مردم نیک کند و کسی که باطن خویش به صلاح آرد خدا ظاهر وی بصلاح آرد.

God will create a good relation between people and the one who establishes a good relation with Him, and will amend the outward conditions of the one who rectifies his inner self.

۲۹۷۷ من أحسن الرمي ثم تركه فقد ترك نعمته من النعم.

هر که تیر اندازی بداند و آن را ترک کند یکی از نعمتها را ترک کرده است.

Whoever abandons shooting while knowing it well, loses one of (God's) blessings.

۲۹۷۸ من أخاف مؤمنا كان حقاً على الله أن لا يؤمنه يوم القيمة.

هر که مؤمنی را بترساند بر خدا واجب است روز قیامت ایمنش نکند.

In the Day of Judgment, God will surely avoid saving the one who has frightened a believer.

۲۹۷۹ من أخذ أموال الناس يريد أداءها أدى الله عنه و من أخذها يريد إتلافها أتلفه الله.

هر که مال مردم بگیرد و اراده پرداخت آن داشته باشد خدا پرداخت آن کند و هر که بگیرد و اراده تلف کردن داشته خدا آن را تلف کند.

God will return the debts of those who borrow people's property and intend to give it back, and will waste it if they intend to waste it.

۲۹۸۰ من اتقى الله كل لسانه و لم يشف غيظه.

هر که از خدا بترسد زبانش کند شود و خشم خویش آشکار نکند.

** لفظ در معنی همیشه نارسان-زان پیغمبر گفت قد كل اللسان (لسان) (مولوی)

** گوش آن کسی نوشد اسرار جلال-کو چو سوسن صد زبان افتاد و لال (مولوی)

** آن که کف را دید، سر گویان بود-وان که دریا دید، او حیران بود (مولوی)

** چون کنی خامشی کنون ای یار من؟!-کز بن هر مو بر آمد طبل زن (مولوی)

Whoever fears God dulls his tongue and hides his wrath.

۲۹۸۱ من اتقى الله وقاه كل شيء.

هر که از خدا بترسد خدا او را از همه چیز محفوظ دارد.

Whoever fears God is kept intact against everything.

۲۹۸۲ من أجرى الله على يديه فرجا لمسلم فرج الله عنه كرب الدنيا والآخرة.

هر که خدا بدست وی گشایشی برای مسلمانی بدید آرد خدا محنت دنیا و آخرت از او بردارد.

God will remove the grieves of both worlds from the one by whose hand he removes a Muslim's problems.

۲۹۸۳ من أحب لله و أبغض لله و أعطى لله و منع لله فقد استكمل الإيمان.

هر که برای خدا دوست دارد و برای خدا دشمن دارد و برای خدا عطا کند و برای خدا منع کند به کمال ایمان رسیده است.

Whoever loves and hates, grants and avoids granting (something to people) for the sake of God, stands at the peak of faith.

۲۹۸۴ من أحب شيئاً أكثر من ذكره.

هر که چیزی را دوست دارد یاد آن بسیار کند.

Whoever loves something remembers it a lot.

۲۹۸۵ من أحبّ دنياه أضربّ آخرته و من أحبّ آخرته أضربّ دنياه فأثروا ما يبقى على ما يفنى.

هر که دنیا را دوست دارد آخرت خود را زیان زند و هر که آخرت را دوست دارد بدنای خویش زیان زند، پس آنچه را باقی است بر آنچه فانی است ترجیح دهید.

****این پذیرفتی، بماندی زان دگر— که محب از ضدّ محبوب است کر (مولوی)**

****نی بگفته ست آن سراج امتان— این جهان و آن را ضرّتان؟ (مولوی)**

Whoever loves the world damages the Hereafter, and whoever loves the Hereafter damages the world. So, prefer the immortal to the mortal.

۲۹۸۶ من أحبّ قوما حشره الله في زمرةهم.

هر که گروهی را دوست دارد خدا وی را با آنها محشور کند.

God will make everybody a company to those whom (s)he loves (in the Hereafter).

۲۹۸۷ من أحبّ أن يجد طعم الإيمان فليحبّ المرء لا يحبّه إلّا لله.

هر که دوست دارد لذت ایمان بچشد کسی را دوست دارد که او را جز برای خدا دوست ندارد.

Whoever wishes to taste the sweetness of faith, should wish to love someone whom s(he) loves only for God's sake.

۲۹۸۸ من ابتلى بالقضاء بين المسلمين فليعدل بينهم في لحظه و إشارة و مجلسه.

هر که به قضاوت میان مسلمانان مبتلا شود میان آنها در نظر و اشاره و مجلس خویش برابری نهد.

Whoever sits in judgment among Muslims, should be just to them as to looking at them, pointing to them and giving them a seat.

۲۹۸۹ من ابتلى بالقضاء بين المسلمين فلا يرفع صوته على أحد الخصمين إلّا يرفع على الآخر.

هر که به قضاوت میان مسلمانان مبتلا شود صدای خویش بر یکی از مدعیان بلند نکند مگر اینکه بر دیگری نیز بلند کند.

Whoever sits in judgment among Muslims, should not shout at one party unless he shouts at the other.

۲۹۹۰ من ابتلی فصر و أعطی فشرک، و ظلم فغفر و ظلم فاستغفر أولئک لهم الأمن و هم مهتدون.

هر که مبتلا شود. و صبر کند و عطایش دهند و شکر کند و ظلم بیند و ببخشد و ظلم کند و آمرزش طلبد آنان در امانند و آنها هدایت یافتگانند.

Guided and saved will be the ones who keep patient in calamity, who are grateful when gifted a bounty, who forgive in suffering tyranny, and who seek (God's) forgiveness after treating people unjustly.

۲۹۹۱ من أتى عرافاً أو كاهناً فصدقه بما يقول فقد كفر بما أنزل على محمد صلى الله عليه و آله.

هر که پیش غیبگو یا کاهن رود و گفته او را تصدیق کند بدین محمد کافر شده است.

Whoever calls on diviners or soothsayers and confirm their sayings, has (actually) denied what has been descended on Muhammad (PBUH).

۲۹۹۲ من أتى إلیکم معروفاً فكافئوه فإن لم تجدوا فادعوا له.

هر که با شما نکوئی کرد عوضی دهید و اگر نتوانید برای او دعا کنید.

Be good to the one who is good to you; and if you cannot do so, pray for him/her.

۲۹۹۳ من أتاه أخوه متنصلاً فليقبل ذلك منه محققاً أو مبطلاً فإن لم يفعل لم يرد على الحوض.

هر که برادرش به عذر خواهی پیش وی آید باید عذر وی را درست باشد یا نادرست بپذیرد و اگر نپذیرد بر من بحوض در نیاید.

Everybody should accept his (Muslim) brother's apology when s(he) apologizes to him, being it sincere or insincere; otherwise, he will not meet me at the Pool (of Kawsar).

۲۹۹۴ من اتقى الله أهاب الله منه كل شيء و من لم يتق الله أهابه الله من كل شيء.

هر که از خدا بترسد خدا همه چیز را از او بترساند و هر که از خدا نترسد خدا وی را از همه چیز بترساند.

هیت حق است این از خلق نیست—هیت این مرد صاحب دلق نیست

هر که ترسد از حق و تقوی گزید—ترسد از وی جن و انس و هر که دید (مولوی)

God will make everything fear the one who fears Him, and will make one fear everything if s(he) fears Him not.

****Proverb: This is awe of God, it is not from created beings, it is not awe of this man who wears the frock of a dervish.**

Whoever is afraid of God and has chosen fear of God (as his religion), the Jinn and mankind and every one who sees (him) are afraid of him.”(Mowlavi)

۲۹۹۵ من رمی مؤمنا بکفر فهو کتله.

هر که مؤمنی را به کفر نسبت دهد چنان است که او را کشته باشد.

Whoever accuses a believer of blasphemy, has actually killed him/her.

۲۹۹۶ من روع مؤمنا لم یؤمن الله روعته يوم القيامة و من سعی بمؤمن أقامه الله مقام ذلّ و خزی يوم القيامة.

هر که مؤمن را بترساند خدا روز قیامت ترس او را به امنیت بدل نکند و هر که از مؤمنی بدگوئی کند خدا روز قیامت او خوار و زبونش کند.

In Day of Judgment, God will not make one immune from fear, if s(he) has terrified a believer, and will make one who is backbiting a believer suffer humility.

۲۹۹۷ من زرع زرعاً فأكل منه طير كان له صدقة.

هر که چیزی بکارد و پرنده‌ای از آن بخورد برای وی صدقه‌ای محسوب شود.

Whoever plants something on which a bird feeds itself, earns an act of charity.

۲۹۹۸ من زنی خرج منه الإيمان فإن تاب تاب الله عليه.

هر که زنا کند ایمانش برود و اگر توبه کند خدا توبه او بپذیرد.

Whoever commits adultery, loses his faith, but God will accept his repentance, if s(he) repents.

۲۹۹۹ من زنی أو شرب الخمر نزع الله منه الإيمان كما يخلع الإنسان القميص من رأسه.

هر که زنا کند یا شراب بنوشد خدا ایمان از او بکند همچنان که انسان پیراهن از سر خویش بیرون میکند.

God will make one's faith vanish when s(he) commits adultery or drinks wine, just as one puts off his/her shirt.

۳۰۰۰ من زنی زنی به.

هر که زنا کند با کسان وی زنا کنند.

*قصه جفت دیگران کردم به جاه-بر من آمد آن و افتادم به جاه

من در خانه کسی دیگر زدم-او در خانه مرا زد لاجرم

هر که با اهل کسان شد فسق جو-اهل خود را دان که قواد است او (مولوی)

Who commits adultery will be afflicted with adultery.

۳۰۰۱ من زهد فی الدنیا علمه الله بلا تعلم و جعله بصیرا.

هر که از دنیا بگذرد خدایش بدون تعلم علم آموزد و بصیرت دهد.

Whoever abandons the (material) world, will be made knowledgeable and insightful by God without taking lessons.

۳۰۰۲ من ساء خلقه عذب نفسه و من کبر همه سقم بدنه و من لا می الرجال ذهبت کرامته و سقطت مروته.

هر که بد اخلاق باشد خویشتن را معذب دارد، و هر که غمش بسیار شود تنش رنجور گردد، و هر که با مردم نزاع و کشمکش کند کرامتش برود و جوانمردیش نابود شود.

The ill-tempered will face torment, the sorrowful will suffer physical pain, and the quarrelsome will encounter loss of greatness and generosity.

۳۰۰۳ من سأل من غیر فقر فکأنما یأکل الخمر.

هر که فقیر نباشد و سؤال کند گوئی شراب خورده است.

Whoever begs without need, will be like unto a drinker of wine, indeed.

۳۰۰۴ من دفع غضبه دفع الله عنه عذابه و من حفظ لسانه ستر الله عورته.

هر که غضب خویش باز دارد خدا عذاب خویش از وی باز دارد و هر که زبان خویش نکه دارد خدا عیب وی بپوشاند.

God will keep His wrath away from the one who restrains one's anger, and will cover the faults of the one who controls one's tongue.

۳۰۰۵ من دفن ثلاثة من الولد حرم الله عليه النار.

هر که سه اولاد بخاک بسپارد خدا آتش جهنم را بر او حرام کند.

Whoever loses three children in death, will not be put to the fire of Hell by God.

۳۰۰۶ من دلّ على خير فله مثل أجر فاعله.

هر که به نیکی راهبر شود پاداشی نیکوکار دارد.

Whoever leads others to good, will be rewarded as good-doers.

۳۰۰۷ من ذبّ عن عرض أخيه بالغيبه كان حقاً على الله أن يقيه من النار.

هر که در غیاب برادرش از آبروی وی دفاع کند بر خدا واجب است که او را از جهنم مصون دارد.

God will surely save (from the Fire) the one who defends his brother's fame in his absence.

۳۰۰۸ من ذكر إمرأ بما ليس فيه ليعيبه حبسه الله في نار جهنم حتى يأتي بنفاذ ما قال.

هر که به عیب جوئی کسی را به صفتی که در او نیست یاد کند خدا او را در آتش جهنم محبوس دارد تا گفته خویش را مجری دارد.

Whoever mentions a defect which is not to be found in someone, will be kept in Hell so long as to prove his saying.

۳۰۰۹ من ذكر رجلاً بما فيه فقد اغتابه.

هر که مردی را به صفتی که در او هست یاد کند غیبت وی کرده است.

Whoever mentions the name of a man for the trait he possesses, is actually backbiting him.

۳۰۱۰ من رأى منكم منكرا فليغيره بيده فإن لم يستطع فبلسانه فإن لم يستطع فبقلمه و ذلك أضعف الإيمان.

هر کس از شما ناشایسته‌ای بیند به دست خویش مانع آن شود و اگر نتواند به زبان و اگر نتواند به دل مانع شود که حد اقل ایمان همین است.

Whoever observes an undesirable action in you should stop it with his hand; if not possible, with his tongue, and if still not possible, he should detest it in his heart, for it is the very least form of faith.

۳۰۱۱ من رأى بالله بغير الله فقد برىء من الله.

هر که به کار خدا برای غیر خدا ریا کند از خدا بی‌زاری جسته است.

Whoever dissimulates in heavenly affairs for other than God, has actually turned away from God.

۳۰۱۲ من ربى صغيرا حتى يقول: لا إله إلا الله لم يحاسبه الله.

هر که طفلی را تربیت کند تا لا اله الا الله گوید خدا از او حساب نخواهد.

God will not call to account (in the Hereafter) the one that teaches a child to say, "There is no god but God".

۳۰۱۳ من رحم و لو ذبيحة عصفور رحمه الله يوم القيمة.

هر که رحم کند و گر چه نسبت در باره سر بریدن بچه گنجشکی باشد خدا در روز قیامت او را رحم کند.

Whoever extends mercy, even about killing a sparrow, will receive God's Mercy in the Day of Judgment.

۳۰۱۴ من ردة عن عرض أخيه ردة الله عن وجه النار.

هر که از آبروی برادر خویش دفاع کند خدا آتش را از چهره وی باز دارد.

God will save from the Fire the face of the one who defends his brother's fame.

۳۰۱۵ من رزق تقى فقد رزق خير الدنيا و الآخرة.

هر که را تقوی داده‌اند خیر دنیا و آخرت داده‌اند.

Whoever has been granted piety, has (actually) been given the blessings of both worlds.

۳۰۱۶ من رزقه الله امرأه صالحه فقد أعانه على شطر دينه فليتق الله في الشطر الباقي.

هر که را خدا زنی پارسا داده وی را بر نصف دین خویش یاری کرده و باید در باره نصف دیگر آن از خدا بترسد.

Whoever has been married to a chaste wife by God, has (actually) been helped by Him in half of his faith; as to the other half, he should seek piety.

۳۰۱۷ من رضى من الله باليسير فى الرزق رضى الله منه بالقليل من العمل.

هر که از خدا بروزی اندک راضی شود خدا از او بعمل اندک راضی شود.

God is pleased with little deeds of the one, who is pleased with Him as to little sustenance.

۳۰۱۸ من رفع حجرا عن الطريق كتبت له حسنة.

هر که سنگی از راه بردارد عمل نیکی برای وی ثبت کند.

A good deed is recorded for whoever removes a stone from people's path.

۳۰۱۹ من زنى بأمة لم يرها تزنى جلده الله يوم القيمة بسوط من نار.

هر که با کنیزی که زناکاری وی ندیده زنا کند روز قیامت خدا وی را به تازیانه آتشین تازیانه زند.

Whoever commits adultery with a slave girl, whose adultery has not been established, will be whipped by God with a fiery lash in the Day of Judgment.

۳۰۲۰ من ستر أخاه المسلم فى الدنيا فلم يفضحه ستره الله يوم القيمة.

هر که در دنیا راز برادر مسلمان خویش بپوشد و او را رسوا نکند خدا روز قیامت راز وی بپوشاند.

God will keep in the Hereafter the secret of the one who keeps the secret of his Muslim brothers in this world and does not disgrace them.

۳۰۲۱ من سرّه أن يكون أقوى الناس فليتوكل على الله.

هر که دوست دارد از همه مردم نیرومندتر باشد بخدا توکل کند.

Whoever wishes to be the most powerful of all, should rely on God.

۳۰۲۲ من سرّه أن يسلم فليلزم الصمت.

هر که دوست دارد سالم ماند خاموشی گزیند.

Whoever wishes to be safe, should keep silent.

۳۰۲۳ من سرّه أن يستجيب الله له عند الشدائد و الكرب فليكثر الدعاء في الرخاء.

هر که دوست دارد خدا هنگام سختی و مصیبت دعای وی اجابت کند هنگام گشایش دعا بسیار کند.

Whoever wishes his prayers to be granted by God in hardship and grief, should pray a lot when at ease.

۳۰۲۴ من سعى بالناس فهو بغير رشفه أو فيه شيء منه.

هر که بد مردم گوید از عقل به دور است یا خللی در او هست.

Whoever slanders people is mentally ill or has something wrong with him.

۳۰۲۵ من سكن البادية جفا.

هر که در صحرا سکونت گیرد خشن شود.

Whoever resides in deserts gets crude.

۳۰۲۶ من سلك طريقا يلتمس فيه علما سهل الله له طريقا إلى الجنة.

هر که به جستجوی علم راهی سپرد خدا برای وی راهی سوی بهشت بگشاید.

Whoever walks in a way in search of knowledge, will be led by God to a path to Paradise.

۳۰۲۷ من شرب الخمر أتى عطشان يوم القيامة.

هر که شراب نوشد روز قیامت تشنه بیارندش.

Whoever drinks wine will be resurrected thirsty in the Day of Judgment.

۳۰۲۸ من شرب خمرا خرج نور الإيمان من جوفه.

هر که شراب نوشد نور ایمان از ضمیرش برود.

The light of faith will vanish from the heart of those who drink wine.

۳۰۲۹ من شهد شهادة يستباح بها مال امرئ مسلم أو يسفك بها دم فقد أوجب النار.

هر که شهادتی دهد که به سبب آن مال مرد مسلمانی را بخورند یا خونی بریزند مستحق جهنم است.

Whoever bears witness resulting in loss of a Muslim's property or shedding someone's blood will be surely put to Hell.

۳۰۳۰ من ضارّ ضارّ الله به و من شاقّ شاقّ الله عليه.

هر که زیان به مردمان رساند خدا زیانش رساند و هر که سختگیری کند خدا با وی سخت گیرد.

Whoever causes a loss (to people) will be made by God to sustain a loss, and whoever is hard on people will be treated harshly by God

۳۰۳۱ من ضرب مملوكه ظلما أقيد منه يوم القيامة.

هر که مملوک خویش را به ستم بزند روز قیامت از او تقاص کنند.

Whoever beats his bondservant in tyranny will suffer revenge in the Day of Judgment.

۳۰۳۲ من ضرب بسوط ظلما أقتص منه يوم القيامة.

هر که به ستم نازیانه زند روز قیامت از او تقاص کنند.

Whoever whips (someone) in tyranny will suffer revenge in the Day of Judgment.

۳۰۳۳ من ضمّ یتیمان له أو لغيره حتّى يغنيه الله عنه وجبت له الجنّة.

هر که یتیم خویش یا یتیم دیگری را نکه دارد تا خدا او را از وی بی‌نیاز کند بهشت بر او واجب است.

Whoever supports his/her own or others' orphans as long as they are made needless of him/her by God, will be entitled to enter Paradise.

۳۰۳۴ من کرامه المؤمن علی الله تعالی نقاء توبه و رضاه بالیسیر.

از لوازم حرمت مؤمن نزد خدا است که جامه‌اش پاکیزه باشد و به اندک خشنود گردد.

Wearing clean clothes and being pleased with little are among the prerequisites of a believer's honor before God.

۳۰۳۵ من موجبات المغفرة إطعام المسلم السغبان.

غذا دادن مسلمان گرسنه از موجبات آمرزیده شدن است.

Feeding a hungry Muslim is a cause of being blessed.

۳۰۳۶ من أذى المسلمين في طرقهم وجبت عليه لعنتهم.

هر که مسلمانان را در راه‌هایشان آزار کند لعنت وی بر ایشان واجب است.

Whoever hurts Muslims in their affairs has to suffer their curse.

۳۰۳۷ من أذى مسلماً فقد أذانی و من أذانی فقد أذى الله.

هر که مسلمانان را آزار کند مرا آزار کرده و هر که مرا آزار کند خدا را آزار کرده است.

Hurting a Muslim is hurting me and hurting me is hurting God.

۳۰۳۸ من آوی ضالّة فهو ضالّ ما لم يعرفها.

هر کسی که گم‌شده‌اش طولانی شد، مدت درازی طول کشید به مرور زمان فراموش می‌شود.

**** احکام لقطه (= شیئی پیدا شده) در فقه امامیه**

Whoever lost thing for a long time, forgetting it takes place in stages over time.

۳۰۳۹ من ابتاع طعاما فلا يبعه حتى يستوفيه.

هر که غذا می فروشد، یا باید نفروشد یا (اگر می فروشد باید) کامل بفروشد.

Whoever sells a kind of food should only do it with all proper conditions.

۳۰۴۰ من أفضل العمل إدخال السرور على المؤمن تقضى عنه ديناً، تقضى له حاجة، تنفس له كرباً.

از بهترین عملها خوشحال کردن مؤمن است یعنی دین وی را ادا کنی، حاجتی از او بر آوری یا محنتی از او بر طرف کنی.

Among the best of all deeds is to gladden a believer by paying his debt, meeting his need and putting an end to his suffering.

۳۰۴۱ من تمام التَّحِيَّةُ الأخذ باليد.

کمال درود گفتن، دست دادن است.

Shaking hands is the perfect form of salutation.

۳۰۴۲ من حسن عبادة المرء حسن ظنه.

از جمله عبادت نکوی مرد خوش گمان بودن او به خداست.

Among man's good prayers is to have a good opinion of God.

۳۰۴۳ من سعادة المرء حسن الخلق و من شقاوته سوء الخلق.

نیک خوئی نیکبختی مرد است و بد خوئی بدبختی است.

Good-temperedness is indicative of man's fortune and bad-temperedness of his/her misfortune.

۳۰۴۴ من سعادة المرء أن يشبه أباه.

از لوازم نیکبختی مرد آنست که مانند پدر خویش باشد.

شهاب الاخبار - حدیث ۲۴۲ = از نیک بختی مرد آن بُود که از خَلق، یعنی: از جای صورت به پدر مآند. دلیل بُود آن بر حلال زادگی وی.

Being like one's father is indicative of man's fortune.

۳۰۴۵ من شکر النعمه إفشاؤها.

از لوازم شکر نعمت داشتن نمودار کردن آنست.

Revealing God's blessings is one way of thanksgiving to Him.

۳۰۴۶ من فقه الرجل رفقه فی معیثه.

مدارا در معاش از دانش مرد است.

Moderateness in living (livelihood) shows man's deep knowledge.

۳۰۴۷ من فقه الرجل أن یصلح معیثه و لیس من حبّ الدنیا طلب ما یصلحک.

اصلاح معیشت از دانش مرد است و جستجوی چیزی که معاش تو را بصلاح آرد دنیاپرستی نیست.

Improvement of living shows man's deep knowledge, and seeking what improves your living is not loving material wealth.

۳۰۴۸ من انقطع رجأؤه ممّا فات استراح بدنه و من رضی بما قسمه الله قرّت عینه.

هر که از نابود شده امید ببرد راحت شود و هر که به قسمت خدا راضی شود آسوده گردد.

Whoever loses hope in what (s)he has lost will reach comfort, and whoever is pleased with his/her destined share will feel relief.

۳۰۴۹ من خاف الناس لسانه فهو من أهل النار.

هر که از زبانش بترسند از اهل جهنم است.

Hell Fire will be the abode of a person whose tongue frightens people.

۳۰۵۰ من لم تنتفع بدینه و لا دنياه فلا خیر لک فی مجالسته و من لم یوجب لک فلا توجب له و لا کرامه.

هر که از دین یا دنیای او سودی نبری در مجالست او خیری نیست. هر که حقی برای تو نمی بیند(کاری برایت نمی کند)، حقی برای او نبین (و کاری برای او نکن) و (رابطه داشتن با چنین کسی) سودی ندارد.

Keeping company is void with the one who avails you no worldly or otherworldly gain, and do not observe respect for the one who is not respectful to you, and there is no greatness for such a person.

۳۰۵۱ من أحسن فيما بينه وبين الله كفاه الله ما بينه وبين الناس و من أصلح سريره أصلح الله علانيته و من عمل لآخرته كفاه الله دنياه.

هر که روابط خویش با خدا نیکو دارد خدا روابط او را با مردم به صلاح آورد و هر که پنهان خویش اصلاح کند خدا عیان او را بصلاح آورد و هر که برای آخرت خویش کار کند خدا دنیای وی را کفایت کند.

God will improve one's relation to people, if (s)he improves his/her relation to Him, will correct one's outward status, if (s)he corrects his/her inner self, and will give one sufficiency in the world, if (s)he works for the Hereafter.

۳۰۵۲ من تنفعه ينفك و من لا يعد الصبر لنوائب الدهر يعجز و من قرض الناس قرضوه و من تركهم لم يتركوه.

هر که را سود دهی سودت دهد، و هر که در حوادث دنیا صبوری نکند عاجز ماند، هر که بد مردم گوید بدش گویند و هر که مردم را رها کند رهایش نکنند.

Whomsoever you benefit, will benefit you, and whoever loses patience in worldly events will turn helpless, whoever slanders people will be slandered, and whoever leaves people on their own, will not be left unrequited.

۳۰۵۳ من أراد السلامة فليحفظ ما جرى به لسانه و ليخرس ما انطوى عليه جنانه و ليحسن عمله و ليقتصر أمله.

هر که سلامت خواهد مراقب گفتار خویش باشد و از آنچه در دل دارد چیزی بزبان نیارد عمل نیک کند و آرزو کوتاه دارد.

Whoever seeks safety should control his tongue, not expressing what occurs to his/her heart (mind), should do good and cut his /her dreams short.

۳۰۵۴ من تواضع لله رفعه الله و من تكبر وضعه الله.

هر که برای خدا فروتنی کند خدایش رفعت دهد و هر که تکبر کند خدا او را پست کند.

God raises (the status of) the one who keeps humble for His sake and lowers the one who shows vanity (to Him).

۳۰۵۵ من أذاع فاحشهُ كان كمتديها و من عير مؤمنا بشيء لم يمت حتى يركبه.

هر که عمل بدی را شایع کند (و بر سر زبانها اندازد) مانند کسی است که آن را مرتکب شده است، و هر که مؤمنی را بکاری عیب کند نمیرد تا مرتکب آن شود.

Whoever spreads out an evil deed is like the doer of that deed, and whoever blames a believer for doing something, will not die unless (s)he does the same.

۳۰۵۶ من استولى عليه الضجر رحلت عنه الراحة.

هر که دلتنگی و بی قراری بر او چیره شود راحت از او دور شود.

Whoever is seized by pain, uneasy will remain.

۳۰۵۷ من حرم الرِّقِّ فقد حرم الخير كله.

هر که از مدارا بی نصیب باشد از همه خوبیها بی نصیب مانده است.

Whoever is devoid of moderation is bereft of all good.

۳۰۵۸ من عمل على غير علم كان ما يفسد أكثر مما يصلح.

هر که بی علم عمل کند بیش از آنچه اصلاح میکند افساد خواهد کرد.

Whoever acts without knowledge, will cause more corruption than correction.

۳۰۵۹ من رزق حسن صورة و حسن خلق و زوجة صالحه و سخاء فقد أعطى حظّه من خير الدنيا و الآخرة.

هر که را صورت نیک و سیرت نیک و جفت پارسا و سخاوتی دادند بهره او را از خیر دنیا و آخرت داده‌اند.

Whoever has been granted a good face, good-naturedness, a pious wife and generosity, has (in fact) been granted the blessings of both worlds.

۳۰۶۰ من یزرع خیرا یحصد زعبه و من یزرع شراً یحصد ندامه.

هر که نیکی کارد سود برد و هر که بدی کارد پشیمانی درود.

Whoever plants a good deed will profit by it, and whoever plants an evil deed will reap it.

۳۰۶۱ من لا أدب له لا عقل له.

هر که ادب ندارد عقل ندارد.

****بس نکو گفت آن رسول خوش جواز—ذره ای (ذره) عقلت به از صوم و نماز (مولوی)**

The impolite is unwise.

۳۰۶۲ من طلب شیئا و جدّ وجد.

هر که چیزی بجوید و بکوشد بیاید.

****چون طلب کردی به جد آمد نظر—جد خطا نکند، چنین آمد خبر (مولوی)**

****هر که چیزی جست، بی شک یافت او—چون به جد اندر طلب بشتافت او (مولوی)**

****سایه حق بر سر بنده بود—عاقبت جوینده یابنده بود (مولوی)**

****جد را که باید جان بنده بود—زان که جد جوینده یابنده بود (مولوی)**

****هر که رنجی برد (دید) گنجی شد پدید—هر که جدی کرد، در جدی رسید (مولوی)**

****عاقبت جوینده یابنده بود—که فرج از صبر زاینده بود (مولوی)**

ضرب المثل: جوینده یابنده است.

Whoever seeks something in earnest, will (finally) find it.

Proverb: Where there is a will there is a way.

Proverb: Seek you shall find.

۳۰۶۳ من لا یرحم لا یرحم.

هر که رحم نکند رحمتش نکند.

Whoever extends no mercy, will not receive God's Mercy.

۳۰۶۴ من أراد الله به خيرا رزقه الله خيلا صالحا.

هر که خدا خیر او خواهد دوستی شایسته نصیب وی کند.

God grants a good friend to the one for whom He wishes good.

۳۰۶۵ من يدم قرع الباب يوشك أن يفتح له.

هر که بکوفتن در ادامه دهد بر او بگشایند.

****گفت پیغمبر که چون کوبی دری—عاقبت زان در برون آید سری (مولوی)**

****گفت پیغمبر رکوع است و سجود—بر در حق کوفتن حلقه وجود**

حلقه آن در هر آن کو می زند—بهر او دولت سری بیرون کند (مولوی)

****چون در معنی زنی، بازت کنند—پر فکرت زن که شهبازت کنند (مولوی)**

Whoever continues knocking at a door will finally find it opened.

۳۰۶۶ ملعون ذو الوجهين ملعون ذو اللسانين.

دو رو ملعون است دو زبان ملعون است.

The double-faced and the double-tongued are both damned.

۳۰۶۷ من البر أن تصل صديق أيبك.

از جمله نکوئی اینست که با دوست پدر خویش دوستی کنی.

Making friends with your father's friend is a form of kindness.

۳۰۶۸ من الصدقة أن تسلّم على الناس و أنت طلق الوجه.

از جمله صدقه اینست که بمردم سلام کنی و گشاده رو باشی.

Greeting people and having a cheerful face is a form of charity.

٣٠٦٩ من الصدقة أن يعلم الرجل العلم فيعمل به و يعلمه.

از جمله صدقه اینست که مرد علم آموزد و بدان عمل کند و تعلیم دهد.

Learning knowledge, putting it to practice and teaching it to others is a form of charity for man.

٣٠٧٠ من المروءة أن ينصت لأخيه إذا حدثه و من حسن الممشاءة أن يقف لأخيه إذا أنقطع شسع نعله.

از لوازم جوانمردی اینست که برادر به گفتار برادر خویش وقتی با او سخن میکند، گوش فرا دارد و از نیکرفتاری اینست که برادر با برادر خویش وقتی بند کفش وی بریده (و رفتن نتواند) توقف کند.

Manliness requires a Muslim to listen to the words of his brother (in faith) when he speaks to him, and proper companionship requires a Muslim to stop going when his brother (in faith) has a torn off shoe-lace stopping him to move.

٣٠٧١ من أسوء الناس من أذهب آخرته بدنيا غيره.

از جمله بدترین مردم کسی است که آخرت خویش را به دنیای دیگری تلف کند.

Among the worst people is the one who barter his spiritual world for people's material world.

٣٠٧٢ من أشرط الساعه الفحش و التفحش و قطيعه الرحم و تخوين الأمين و ايتمان الخائن.

از علایم قیامت بد گوئی و بد کاری آشکار و بریدن خویشان و خائن شمردن امین و امین پنداشتن خائن است.

Slandering people, committing openly evil deeds, abandoning bonds of kinship, and considering honest people as dishonest and dishonest ones as honest are among the signs of the Hour (Resurrection).

٣٠٧٣ من أفضل الشفاعة أن تشفع بين اثنين في النكاح.

از جمله بهترین وساطت میان دو کسی در کار زناشوئی است.

Mediation between two persons in marital affairs is among the best forms of mediations.

۳۰۷۴ موت الغریب شهادة.

مرگ غریب، شهادت است.

Death of a lonely person is martyrdom.

۳۰۷۵ موضع الصلوة من الدین کموضع الرأس من الجسد.

مقام نماز نسبت به دین چون مقام سر نسبت به تن است.

Prayer to religion is like head to body.

۳۰۷۶ المجاهد من جاهد نفسه فی طاعة الله.

مجاهد آنست که در کار اطاعت خدا با نفس خویش جهاد کند.

One who fights his own self in obedience to God is a (true) struggler in the way of Him.

۳۰۷۷ المرء علی دین خلیله.

مرد بر روش دوست خویشتن است.

****تا معیت راست آید، زان که مرد—با کسی جفت است کو را دوست کرد**

این جهان و آن جهان با او بود—وین حدیث احمد خوش خو بود

كف المرء مع محبوبه—لا ینفک المرء (القلب) من مطلوبه (مولوی)

Man follows the creed of his friend.

۳۰۷۸ المرء کثیر بأخیه.

مرد به برادر خویش نیرو میگیرد.

Everybody derives strength from his brother (in faith).

۳۰۷۹ المسببان ما قالا فهو علی البادی ما لم یعتد المظلوم.

گناه دو ناسزا گو بر کسی است که آغاز کرد به شرط آنکه مظلوم تجاوز نکند.

When two persons insult each other, the one who has begun (the game) is sinful, provided that the oppressed does not exceed his limits.

۳۰۸۰ المسلم من سلم المسلمون من لسانه و يده.

مسلمان کسی است که مسلمان از دست و زبانش در امان باشد.

A true Muslim is the one from whose tongue and hand, Muslims at rest stand.

۳۰۸۱ المسلم أخو المسلم لا يظلمه و لا يسلّمه.

مسلمان برادر مسلمان، به او ستم نکند و او را تسلیم (به ستمکار) نکند.

شهاب الاخبار - حدیث ۱۴۴ = مسلمان برادر مسلمان است در دین، باید که بر وی ظلم نکند، و اگر بر برادرش ظلم کنند، ویرا هرزه به نگذارد، یعنی نصرت وی کند.

Muslim is the brother of another Muslim; and so, he should not oppress him, nor should he surrender him (to oppressor).

۳۰۸۲ المسلمون يد واحدة علی من سواهم.

مسلمانان بر ضد غیر مسلمانان هم دست و هم داستانند.

* شهاب الاخبار - حدیث ۱۴۵ = رسول علیه السلام، این بگفت در روز فتح، مراد آنست که واجب است بر مسلمانان که جمله همدست و همپشت باشند بر کافران.

Muslims are a unified hand against others.

۳۰۸۳ المسجد بیت کلّ تقیّ.

مسجد خانه هر پرهیزکار است.

Mosques are the homes of all the pious.

۳۰۸۴ المعدة بیت الداء و الحمیة رأس کلّ دواء.

معدده خانه مرض است و پرهیز سر آمد دواهاست.

Stomach is the home (source) of all illness, and abstinence from gluttony is the best drug.

۳۰۸۵ المؤمن من آمنه الناس على أنفسهم و أموالهم و دمائهم.

مؤمن آنست که مردم او را بر جان و مال و خون خویش امین شمرند.

A believer is the one whom people consider honest as to their lives, wealth and blood.

۳۰۸۶ المؤمن للمؤمن كالبنیان يشد بعضه بعضا.

مؤمن نسبت بمؤمن چون بناست که قسمتی از آن قسمت دیگر را محکم کند.

A believer to a believer is like unto a building a part of which fortifies another.

۳۰۸۷ المؤمن غرّ كريم و الفاجر خبّ لئيم.

مؤمن، شریف و کریم است و بدکار، فریبکار و فرومایه است.

A believer is noble and generous, and an evildoer is ignoble and deceitful.

۳۰۸۸ المؤمن يوم القيمة في ظلّ صدقته.

مؤمن روز قیامت در سایه صدقه خویش است.

A believer will reside under the shade of his alms in the Day of Judgment.

۳۰۸۹ المؤمن كيس فطن حذر.

مؤمن هوشیار و دقیق و محتاط است.

**** مؤمن ار ينظر بنور الله نبود—عيب(غيب) مؤمن را به مؤمن(برهنه) چون نمود؟ (مولوی)**

**** حس را تمییز دانی چون شود—آن که حس ينظر بنور الله بود (مولوی)**

**** ای همه ينظر بنور الله شده—از بر حق بهر بخشش آمده (مولوی)**

**** شیخ کو یَنْظُرِ بِنُورِ اللَّهِ شد—از نهایت وز نخست آگاه شد**

چشم او یَنْظُرِ بِنُورِ اللَّهِ شده—پرده های جهل را خارق بده (مولوی)

**** او مگر یَنْظُرِ بِنُورِ اللَّهِ بود—کاندرون پوست او را ره بود (مولوی)**

**** گر بمیرد، دید او باقی بود—زان که دیدش دید خَلَّاقی بود (مولوی)**

**** مؤمنم یَنْظُرِ بِنُورِ اللَّهِ شده—هان و هان بگریز از این آتشکده (مولوی)**

**** مؤمن کیسی ممیّز کو که تا—باز داند پادشا را از گدا؟ (مولوی)**

**** مؤمننا یَنْظُرِ بِنُورِ اللَّهِ شدی—از خطا و سهو بیرون آمدی (مولوی)**

**** نیست آن یَنْظُرِ بِنُورِ اللَّهِ گزاف—نور ربّانی بود گردون شکاف (مولوی)**

**** آن که (وان که) یَنْظُرِ بِنُورِ اللَّهِ بود—هم ز مرغ و هم ز موی آگه بود (مولوی)**

**** از ضمیر او بدانست آن خلیل (جلبل)—هم ز نور دل بلی نِعَمَ الدَّلِيلِ (مولوی)**

**** وصف حق دان آن فراست را، نه وَهَم—نور دل از لوح کل کرده ست فهم (مولوی)**

A believer is shrewd, careful and cautious.

۳۰۹۰-۱ المؤمن یسیر المؤمنة.

مؤمن کم حاجت است.

A believer is satisfied with little.

۳۰۹۰-۲ المؤمنون أطول الناس أعناقاً يوم القيمة.

مؤمنان روز قیامت از همه مردم گردن فرازترند.

Those who call to prayer will be credited more than all people in the Day of Judgment.

۳۰۹۱ الموت كفارة لكل مسلم و مسلمة.

مرگ برای هر فرد مسلمان و هر زن مسلمانی کفاره گناهانست.

Death is the atonement (of sins) for all Muslim men and women.

۳۰۹۲ المهاجر من هجر ما نهى الله عنه.

مهاجر (به سوی خدا) آن است که از هر چه خدا نهی کرده دوری کند.

****شهاب الاخبار- حدیث ۱۵۰= مهاجر آنست که نکند آنچه خدای تعالی به حرام کرده است بروی رسول، علیه السلام، این بعد از فتح مکه گفت هجرت نیست، گفت هجرت آنست که دست از حرام بردارید.**

An emigrant to God is the one who avoids what He has forbidden.

۳۰۹۳ المرء مع من أحبّ و له ما اكتسب.

مرد در صف دوستان خویشی است و نتیجه اعمالش بدو میرسد.

Man is in line with his friends, and the result of his deeds to them he sends.

۳۰۹۴ المستشار مؤتمن فإن شاء أشار و إن شاء سكت فإن أشار فليشر بما لو نزل به فعله.

کسی که با وی مشورت کنند امانتدار است اگر خواهد رأی دهد و اگر خواهد خاموش ماند و اگر داد همان گوید که اگر خود او بود میکرد.

A counselor is people's trust. He is allowed to give a counsel or keep silent, but if he gives a counsel, it should be such that he himself would follow, were he to take a counsel.

۳۰۹۵ المشاورة حصن من الندامة و أمن من الملامة.

مشورت حصار ندامت است و ایمنی از ملامت.

Consultation is a wall for regret and safety against reproach.

۳۰۹۶ المؤمن أخو المؤمن لا يدع نصيخته على كل حال. 

مؤمن برادر مؤمن است و به هر حال از خیر خواهی او چشم نپوشد.

A believer is the brother of another believer and never connives at wishing him good.



۳۰۹۷ المؤمن هين لين حتى تخاله من اللين أحق.

مؤمن نرمخو و ملایم است تا آنجا که از نرمخویی احمقش پنداری.

A believer is so lenient and gentle that one might consider him stupid.

۳۰۹۸ المؤمن منفعه إن ماشيته نفعك و إن شاورته نفعك و إن شاركته نفعك و كل شيء من أمره منفعه.

مؤمن مایه سود است اگر همراهش شوی سودت دهد و اگر با وی مشورت کنی سودت دهد و اگر شریکش شوی سودت دهد و همه کار وی مایه سود است.

A believer is the source of benefit. He will avail you, should you keep his company, counsel with him and become his partner. He is the cause of benefit in all affairs.

۳۰۹۹ المؤمنون هينون ليتون كالحمل الألف إن قيد إنقاد و إذا أنيخ على صخرة إستناخ.

مؤمنان نرمخو و ملایمند چون شتر دست آموز که اگر بکشندش برود و اگر بر سنگی به خوابانندش بخوابد.

Believers are lenient and gentle, just like camels, which move if pulled ahead and lie down on a piece of stone if made to do so.

۳۱۰۰ المتعبد بغير فقه كالحمار في الطاحون.

کسی که بی دانش عبادت کند چون الاغ آسیا است.

An ignorant worshipper is like unto a millstone ass.

۳۱۰۱ المرض سوط الله في الأرض يؤدب به عباده.

بیماری تازیانه خدا در زمین است که بوسیله آن بندگان خویش را ادب میکند.

Diseases are God's whips on the earth for the correction of people.

۳۱۰۲ المؤمن مرآة المؤمن و المؤمن أخو المؤمن يحوطه من ورائه.

مؤمن آئینه مؤمن است؛ مؤمن برادر مؤمن است، از پشت سر مراقب اوست.

****شهاب الاخبار- حدیث ۱۱۰- یعنی بنده مؤمن باید که در مؤمنی نگردد که از وی بهتر بود، و عیبهای خود در وی بیند.**

****مؤمنان آینه همدیگرند- این خبر می از پیمبر آورند (مولوی)**

****سِرِّ ما را بی گمان موقن شود- زان که مؤمن آینه مؤمن بود (مولوی)**

****چون که مؤمن آینه مؤمن بود- روی او ز آلودگی ایمن بود**

یار، آینه ست جان در حَزَن- بر رخ آینه ای جان دم مزن (مولوی)

****آینه جان نیست الا روی یار- روی ان یاری که باشد زان دیار (مولوی)**

Believers are mirrors for and brothers of one another, covertly guarding each other.

۳۱۰۳ المؤمن للمؤمن كالبنيان المرصوص يشد بعضه بعضا.

مؤمن نسبت بمؤمن چون بنای محکم است که اجزای آن یک دیگر را استحکام بخشد.

****هر نبی ای اندر این راه درست- معجزه بنمود و یاران را (همراهان) بجست**

گر نباشد یاری دیوارها- کی بر آید خانه ها و انبارها؟

هر یکی دیوار اگر باشد جدا- سقف چون باشد معلّق بر (در) هوا؟ (مولوی)

A believer to a believer is like unto a firm building, parts of which fortifying one another.

۳۱۰۴ المؤمن يألف و لا خير فيمن لا يألف و لا يؤلف.

مؤمن الفت گیرد و هر که الفت نگیرد و با دیگران الفت نپذیرد خیری در او نیست.

****لَيْسَ يَأْلَفَ لَيْسَ يَأْلَفُ جِسْمَهُ- لَيْسَ إِلَّا شُحُّ نَفْسٍ قِسْمَهُ (مولوی)**

A believer makes friends (with people), and there is no good in the one who does not make friends and is not subject of friendship.

۳۱۰۵ المؤمن يغار و الله أشد غيرا.

مؤمن غیرت میبرد و غیرت خدا شدیدتر است.

**جمله عالم زان غیور آمد که حق— بُرد در غیرت برین عالم سبق (مولوی)

**زان که واقف بود آن خاتون پاک— از غیوری رسول رشکناک (مولوی)

A believer is zealous, but God is more zealous than him/her.

۳۱۰۶ المؤمن من أهل الإيمان بمنزلة الرأس من الجسد يألم المؤمن لأهل الإيمان كما يألم الجسد لما فى الرأس.

مؤمن نسبت به اهل ایمان چون سر نسبت به تن است؛ مؤمن از رنج مؤمنان رنجور شود چنان که تن از رنج سر رنجور گردد.

ضرب المثل: بنی آدم اعضای یکدیگرند— که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی بدرد آورد روزگار— دگر عضوها را نماند قرار (سعدی)

**تفرقه در روح حیوانی بود— نفس واحد روح انسانی بود (مولوی)

**مشفقان کردند همچون والده— مسلمون را گفت نفس واحد (مولوی)

**چون نماند خانه ها را قاعده— مؤمنان مانند نفس واحد (مولوی)

**بر مسلمانان نمی آری تو رحم— مؤمنان خویشند و یک تن شحم و لحم

رنج یک جزوی ز تن، رنج همه ست— گر دم صلح است یا خودملحمه ست (مولوی)

**گرچه نفس واحدیم از روی جان— ظاهراً دوریم از این سود و زیان (مولوی)

**گر دو عالم پر شود سرمست یار— جمله یک باشند و آن یک نیست خوار (مولوی)

A believer to other believers is like head to the body, suffering from their pains just as head suffers from the pains of the body.

**Proverb: All human beings are in truth akin

.All in creation share one origin

,When fate allots a member pangs and pains

.No ease for other members then remains.(Persian Poet: Saadi)

۳۱۰۷ المؤمن بخير على كل حال، ينزع نفسه من بين جنبيه و هو يحمد الله.

مؤمن همیشه خوب است جانش از تن میرود و خدا را ستایش می کند.

A believer is in a good state all the time; even when he is on the verge of death, he praises God.

۳۱۰۸ المؤمن الذي يخالط الناس و يصبر على أذاهم أفضل من المؤمن الذي لا يخالط الناس و لا يصبر على أذاهم.

مؤمنی که با مردم آمیزش کند و بر آزارشان صبر کند از مؤمنی که با مردم آمیزش نکند و بر آزارشان صبر نکند بهتر است.

A believer who associates with people and patiently tolerates their harms is better than the believer who does not do so.

۳۱۰۹ المؤمن أكرم على الله من بعض ملائكته.

مؤمن نزد خدا از بعضی از فرشتگان او عزیزتر است.

A true believer is worthier than some angels to the Exalted God.

۳۱۱۰ المستشار مؤتمن إن شاء أشار و إن شاء لم يشر.

کسی که با او مشورت کنند امانت دار است اگر خواهد رأی دهد و اگر نخواهد ندهد.

****گفت پیغمبر بکن ای رای زن-مشورت، کالمستشار مؤتمن (مولوی)**

A counselor is people's trust. He is allowed to give a counsel or keep silent.

۳۱۱۱ المسلم مرآة المسلم فإذا رأى به شيئاً فليأخذه.

مسلمان آئینه مسلمان است وقتی چیزی خوبی در او دید بگیرد.

Muslims are mirrors of one another when one of them sees something good in the mirror, (s)he acts upon it.

۳۱۱۲ المسلمون إخوة لا فضل لأحد على أحد إلا بالتقوى.

مسلمانان برادرانند هیچ کس بر دیگری جز به پرهیزکاری برتری ندارد.

Muslims are brothers (in faith). None is superior to others save for piety.

۳۱۱۳ المسلمون عند شروطهم ما وافق الحق من ذلك.

مسلمانان باید به قول و قرار خویش که مطابق حق باشد، وفا کنند.

Muslims are bound to their promises as long as they agree with truth.

۳۱۱۴ المصائب والأمراض والأحزان في الدنيا جزاء.

بلیه و بیماری و غم کیفر دنیاست.

Troubles, diseases and grieves are this world's punishments.

۳۱۱۵ المعروف باب من أبواب الجنة وهو يدفع مصارع السوء.

نیکی دری از درهای بهشت است و از مرگ بد جلوگیری میکند.

Goodness is a door of heaven, blocking bad deaths.

۳۱۱۶ المعك طرف من الظلم.

تأخیر در پرداخت بدهی، شمه‌ای از ظلم است.

Delay in the payment of debt is a form of injustice.

۳۱۱۷ المقيم على الزنا كعابد وثن.

آنکه بر زنا اصرار ورزد چون بت پرست است.

One who insists on adultery is like unto an idolater.

۳۱۱۸ المكر والخديعة والخيانة في النار.

مکر و فریب و خیانت در جهنم است.

Hell is the abode of fraud, deceit and treachery.

۳۱۱۹ المنافق يملك عينيه يبكي كما يشاء.

منافق بر دیدگان خویش مسلط است چنان که بخواهد گریه می کند.

A hypocrite rules over his own eyes, shedding tears as he wishes.

۳۱۲۰ الميت يعذب في قبره بما يناح عليه.

میت در قبر از ناله و فریادی که بر مرگ او کنند معذب می شود.

****ضرب المثل=اگر مرگ دادست بیداد چیست – ز داد این همه بانگ و فریاد چیست(شاهنامه فردوسی)**

The dead suffers in the grave from the groans and shouts of others on his death.

****Proverb by Ferdowsi, Persian Poet:**

If death is just as it should be-What's the meaning of uproar after death

ن

۳۱۲۱ نجا أول هذه الأمة باليقين والزهّد ويهلك آخرها بالبخل والأمل.

متقدمان این امت بیقین و زهد نجات یابند و متأخرانش به بخل و آرزو هلاک شوند.

Early men of this nation will be saved for certainty and piety, and the last of them will perish for stinginess and (impossible) desires.

۳۱۲۲ نح الأذى عن طريق المسلمين.

آزار از راه مسلمانان دور کن.

Keep harms away from Muslim's path.

۳۱۲۳ نصف ما يحفر لامتي من القبور من العين والمعدة.

یک نیمه قبرها که برای امت من حفر می شود از چشم بد و پر خوری است.

Half of the graves dug for my people is due to evil eyes and gluttony.

۳۱۲۴ نصر الله امرأ سمع منا شيئاً فبلغه كما سمعه.

خدا مردی را که چیزی از ما بشنود و همان طور که شنیده بدیگران برساند، یاری کند.

May God help the one who hears a word of ours and communicates it to others as it is.

۳۱۲۵ نصر الله امرأ سمع منا حديثاً فحفظه حتى يبلغه غيره فرب حامل فقه إلى ما هو أفقه منه و رب حامل فقه ليس بفقیه.

خدا مردی را که سخنی از ما بشنود و بخاطر سپارد تا به دیگری برساند یاری کند بسا حامل دانایی که آن را به دانایان از خود رساند و بسا کسی که حامل داناییست و دانا نیست.

May God help the one who hears a word of ours, keeps it in his mind and communicates it to others. Many a carrier of knowledge who carry it to someone more learned than themselves, and many a carrier of knowledge who are themselves not learned.

۳۱۲۶ نعم الشيء الهدية أمام الحاجة.

چه نیکوست هدیه به هنگام حاجت!

How nice is a gift at the time of need!

۳۱۲۷ نعم العطية كلمة حق تسمعها ثم تحملها إلى أخ لك مسلم.

چه نیکو عطائی است سخن حقی که بشنوی و به برادر مؤمن خویش برسانی!

How nice a bestowal it is to hear a word of truth and communicate it to your Muslim brother!

۳۱۲۸ نعم سلاح المؤمن الصبر و الدعاء.

چه نیکو سلاحی است صبر و دعا برای مؤمن!

How nice weapons are patience and prayer for a believer!

۳۱۲۹ نعمتان مغبون فيهما كثير من الناس: الصّحة و الفراغ.

دو نعمت است که بسیاری مردم در آن مغبونند (=زیان دیده اند): صحت و فراغت.

Most people face loss in two blessings: good health and peace of mind.

۳۱۳۰ نعم المال الصالح للرجل الصالح.

چه نیک است مال شایسته برای مرد شایسته!

****مال را کز بهر دین باشی حمول-نعم مال صالح خواندش (گفتش) رسول (مولوی)**

How nice is lawfully-earned wealth for a pious man!

۳۱۳۱ نعم صومعه المسلم بيته.

خانه مسلمان برای او چه نیکو صومعه‌ایست!

How nice a place of worship is a Muslim's house for him!

۳۱۳۲ نعم الهدية الكلمة من كلام الحكمة.

چه نیکو هدیه‌ایست یک کلمه گفتار حکمت آموز!

How nice a gift is a word of wisdom!

۳۱۳۳ نعم الإدام الخلّ.

چه نیکو نان خورشی است سرکه!

**** در خواص سرکه در سفینه البحار در خواص سرکه فرمود رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم): نعم الإدام الخل لا يقفر بيت فيه خل.**

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: خوب خورشی است سرکه، خالی نیست از خورش خانه ای که در آن سرکه باشد. قریب به همین فرموده جناب صادق (علیه السلام) است سرکه عقل را زیاد می کند، سرکه قلب را نورانی می کند، هر کس طالب زیادی عقل و نورانیت قلب است، به سرکه رجوع کند. و ایضا جناب صادق (علیه السلام) فرمودند: سرکه که از شراب حاصل شد، لثه دهان را محکم می نماید، کرم های شکم را می کشد، عقل را زیاد می کند، و رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: خدا و رسول طلب رحمت می کنند به سفره و مائده که در آن سرکه و نمک باشد.

****باز در خم او شود تلخ و حرام-در زمان سرکگی نعم الادام (مولوی)**

What a nice stew is vinegar!

۳۱۳۴ نعم الشفيع القرآن لصاحبه يوم القيمة.

چه نیکو شفیعی است قرآن در روز قیامت برای کسی که قرآن خوانده باشد!

What a nice intercessor will be the Quran in the Day of Judgment for those who have availed themselves of it!

۳۱۳۵ نعم المال النخل الراسخات في الوحل.

چه نیکو مالی است نخل که در خاک و گل محکم است!

What a nice wealth is a date palm, firm in the ground!

۳۱۳۶ نعم العون على تقوى الله المال.

مال برای پرهیزکاری خدا چه نیکو یاور است!

What a nice support is wealth for man to keep him pious before God!

۳۱۳۷ نفقه الرجل على أهله صدقة.

خرجی که مرد برای خانواده خود کند صدقه است.

The money spent for one's family is (considered an act of) charity for him.

۳۱۳۸ نوم العالم أفضل من عبادة العابد.

خواب دانشمند از عبادت عابد بهتر است.

****خواب، بیداری ست چون با دانش است—وای بیداری که با نادان نشست (مولوی)**

****نوم عالم از عبادت به بود—آن چنان علمی که مستنبه بود (مولوی)**

A learned man's sleep is better than the prayer of a worshipper.

۳۱۳۹ نوم الصائم عبادة و صمته تسبيح و عمله مضاعف و دعاؤه مستجاب و ذنبه مغفور.

خواب روزه دار عبادت است، و سکوت وی تسبیح است، و عملش مضاعف است، و دعایش مستجاب است، و گناهی آمرزیده.

A fast person's sleep is an act of worship, his silence is praising God, his deeds are (rewarded) twice, his prayers are granted, and his sins are forgiven.

۳۱۴۰ نوم علی علم خیر من صلاة علی جهل.

خواب با علم بهتر از نماز با جهل است.

***خواب، بیداری ست چون با دانش است—وای بیداری که با نادان نشست (مولوی)**

Sleeping with knowledge is better than praying with ignorance.

۳۱۴۱ نوروا بالفجر فإنه أعظم للأجر.

صبحدمان چراغ روشن کنید که پاداش شما بیشتر شود.

Light up lanterns early in the morning, for it brings you the greatest of rewards.

۳۱۴۲ نية المؤمن خير من عمله و عمل المنافق خیر من نيته و كلّ يعمل علی نيته فإذا عمل المؤمن عملاً نار فی قلبه نور.

نیت مؤمن از عمل او بهتر است، و عمل منافق از نیت او بهتر است، و هر کدام بر نیت خود کار می کنند، و چون مؤمن عملی کند در قلب وی نوری روشن شود.

A believer's intention is better than his deed, while a hypocrite's deed is better than his intention, and everybody acts upon his own intention. When a believer does an action, a (sort of) light passes through his heart.

۳۱۴۳ النّاجش آكل ربا ملعون.

کسی که بازارگر می کند (و مایه فریب مشتری می شود)، رباخوار ملعونی است.

A quack vender is just as a usurer accursed.

۳۱۴۴ النّاس ولد آدم و آدم من تراب.

مردم فرزند آدمند و آدم از خاک است.

**خلقت آدم چرا چل صبح بود-اندر آن گل اندک اندک می نمود(می فزود) (مولوی)

**هم خمیری، خَمْرَ (خمره) طینه دری-گر چه عمری در تنور آذری (مولوی)

**نهج البلاغه-حکمت ۳۰۳=مردم فرزند دنیا (زمین خاکی) هستند و هیچکس را بر دوستی مادرش (خاک=طلا، نقره، پول کاغذی،..) نمی توان سرزنش کرد.

People are Adam's sons (anyway), and Adam was made of clay.

****Peak of Eloquence(NahjolBlaagha)-Saying 303=People are progeny of the world(=Earthly Clay) an no one can be blamed for loving his/her mother earth(gold, silver, paper note money,..=are all made from clay).**

۳۱۴۵ النَّاسُ رَجُلَانِ عَالِمٌ وَ مُتَعَلِّمٌ وَ لَا خَيْرَ فِيمَا سَوَاهِمَا.

مردم (قابل اعتنا) دو کسند: عالم و علم آموز و در غیر آن ها خیری نیست.

People to be paid attention are two groups: teachers and learners, and there is no good in other than these two.

۳۱۴۶ النَّاسُ مَعَادِنُ وَ الْعَرَقُ دَسَّاسٌ وَ أَدَبُ السَّوِّ كَعَرَقِ السَّوِّ.

مردم چون معدن ها گونه گونند و نژاد در کسان نافذ است و تربیت بد چون نژاد است.

**يَادُ النَّاسِ مَعَادِنٌ هَيْنَ بِيَارٍ-معدنی باشد فزون از صدهزار (مولوی)

**سِرِّ النَّاسِ مَعَادِنٌ دَادَ دَسْتٍ-که نبی(رسول) آن را پی چه گفته است (مولوی)

**نهج البلاغه-خطبه ۲۳۴=علت تفاوت میان انسان ها

People are mines, with their race (origins) affecting them, and bad training is like unto bad race.

****Peak of Eloquence(NahjolBalaagha)=Sermon 234=Why people differ**

۳۱۴۷ النَّاحِ فِي قَوْمِهِ كَالْمَعْشَبِ فِي دَارِهِ.

آنکه از خاندان خویش زن گیرد چنان است که در خانه خویش علف چیند.

Choosing a bride from one's own family is like lawn mowing in one's own house.

۳۱۴۸ نَبِيَّةُ الْمُؤْمِنِ أُبْلَغُ مِنْ عَمَلِهِ.

نیت مؤمن از عمل وی شایسته‌تر است.

A believer's intention is more significant than his deeds.

۳۱۴۹ النَّاسُ كَأَسْنَانِ الْمَشْطِ.

مردم چون دندان‌های شانه با هم برابرند (اصل مساوات در سیره نبوی).

People are (all equal) like unto the teeth of a comb.

۳۱۵۰ النَّاسُ كُلُّهُمْ عِيَالٌ لِلَّهِ فَأَحَبُّهُمْ إِلَيْهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِيَالِهِ.

إليه أنفعهم لعياله. مردم همگی کسان خدایند و محبوبتر از همه پیش خدا کسی است که برای کسان او سودمندتر باشد.

People are all dependents of God, and the most favorite of them to God is the most beneficial to His dependents.

۳۱۵۱ النَّاسُ أَشْبَهَ بِزَمَانِهِمْ.

مردم بروزگار خویش مانند.

People resemble their own time the most.

۳۱۵۲ النَّاسُ مِعَادِنُ كَمِعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ.

مردم معدن‌هایند چون معدن طلا و نقره.

* یاد الناس معدن هین بیار— معدنی باشد فزون از صد هزار (مولوی)

شهاب الاخبار— حدیث ۱۵۹= مردمان از جایگاه طاعت و جوهر متفاوتند چون معدن زر و سیم.

People are mines, mines of gold and silver.

۳۱۵۳ النَّسَاءُ حِبَالَةُ الشَّيْطَانِ.

زنان دامهای شیطانند.

Women are Satan's traps.

۳۱۵۴ النَّاسُ كَالْإِبِلِ تَرَى الْمِائَةَ لَا تَرَى فِيهِ رَاحِلَةً.

مردم چون شترانند صد شتر بینی و یک شتر باربردار در آن میان بینی.

People are like unto camels- a hundred of them you see, but not even one among them for a load to carry.

۳۱۵۵ النَّاسُ يَعْمَلُونَ الْخَيْرَاتِ وَإِنَّمَا يُعْطَوْنَ أَجُورَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ قَدْرِ عَقُولِهِمْ.

مردم کارهای نیک کنند اما روز قیامت پاداششان را بقدر عقولشان میدهند.

People do good deeds, but their reward in the Day of Judgment will be to the extent of their wisdom.

۳۱۵۶ النَّصْرُ مَعَ الصَّبْرِ وَالْفَرْجُ مَعَ الْكُرْبِ وَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا.

فیروزی قرین صبر است و گشایش قرین رنج است و همراه هر سختی گشایشی هست.

****عاقبت جوینده یابنده بود- که فَرَج از صبر زاینده بود (مولوی)**

Victory follows patience, relief follows grief, and verily every difficulty is followed by ease.

۳۱۵۷ النَّدَمُ تَوْبَةٌ وَالتَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ.

پشیمان شدن چون توبه کردن است و هر که از گناه توبه کند چنان است که گناه نداشته.

****جمله ماضی ها از این نیکو شوند- زهر پارینه از این گردد چو قند (مولوی)**

****هر چه کردم جمله ناکرده گرفت- طاعت ناکرده آورده گرفت**

نام من در نامه پاکان نوشت- دوزخی بودم، ببخشیدم بهشت (مولوی)

Remorse is just as repentance, and whoever repents for his/her sins is unto a sinless person.

۳۱۵۸ النَّظْرُ إِلَى الْخَضْرَاءِ يُزِيدُ فِي الْبَصْرِ.

به سبزه نگریستن بینائی را فزون میکند.

Watching green grass strengthens eyesight.

۳۱۵۹ النَّظْرَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سَهَامِ ابْلِيسَ.

نگاه بد (به نامحرم) تیری زهر آکین از تیرهای شیطانست.

****این نظر از دور چون تیر است و سم—عشقت افزون شود، صبر تو کم (مولوی)**

Casting an unlawful look (at a woman) is a poisoned arrow from Satan.

۳۱۶۰ النَّظْرُ إِلَى الْمَرْأَةِ الْحَسَنَاءِ وَالْخَضْرَاءِ يَزِيدَانِ فِي الْبَصْرِ.

دیدن زن خو بروی (بدون شهوت) و سبزه بینائی را فزون میکند.

Looking (dispassionately) at beautiful women and at green grass strengthens eyesight.

۳۱۶۱ النَّظَافَةُ مِنَ الْإِيْمَانِ.

پاکیزگی از ایمان است.

Cleanliness has root in faith.

۳۱۶۲ النَّيَاحَةُ مِنْ عَمَلِ الْجَاهِلِيَّةِ.

نوحه گری از عمل جاهلیت است.

(*) یکی از راه کارهای وهابیون برای خاموش کردن نور الهی سیدالشهدا حضرت امام حسین علیه السلام، حمله به عزاداری است. عزاداری یکی از مهم ترین روش های شیعیان برای زنده نگاه داشتن یاد و نام آن امام مظلوم علیه السلام است. این روش از چنان تاثیر گذاری برخوردار است که وهابیون آن را بر نمی تابند و هر ساله با حمله کردن به مجالس، عده ای از عزاداران را به شهادت می رسانند.

*— هنگامی که رسول خدا علیه وآله السلام از جنگ احد به مدینه بازگشتند، از هر خانه ای که کسی از آن به شهادت رسیده بود، صدای نوحه شنیدند، ولی از خانه ی عموی شان حمزه، صدایی نشنیدند؛ پس فرمودند: اما برای حمزه کسی نمی گرید، پس مردم مدینه تصمیم گرفتند بر هیچ شهیدی نوحه و گریه نکنند مگر این که

ابتدا بر حمزه نوحه و زاری نمایند، این رسم تا امروز باقی است.
* – حضرت صدیقه ی طاهره علیه السلام، پس از رحلت پدرشان حضرت خاتم الانبیاء صلوات الله علیه و آله، کنار مرقد مطهر ایشان می رفتند، مشتی از خاک قبر را برداشته، بر چشم می نهادند و چنین نوحه می کردند:
ماذا علی من شم تربةً احمد... .

* – در کتاب اکمال الدین به سند صحیح نقل شده که یکی از دختران حضرت امام صادق علیه السلام، فوت کرد، پس حضرت علیه السلام، یک سال بر او نوحه کردند.

* آیت الله العظمی صافی گلپایگانی دام ظلّه: گفتار کسانی که از روی دشمنی با اهل بیت علیهم السلام، می گویند: صفویه این شعائر را پایه گذاری کرد و مردم را به سوی انجام آن سوق داد، نمی تواند ضرری به تفکر شیعی و اصالت آن وارد کند؛ چون احادیث صحیح و متواتر دلالت می کنند که نبی اکرم و ائمه ی معصومین علیهم السلام، بوده اند که نوحه سرایی، گریستن، گریاندن و تظاهر به گریه را سنت کرده اند و آنان علیهم السلام ریشه ی شعائر حسینی علیه السلام هستند)

Mourning (for the dead) is an act of ignorance.

*Shia does not accept this Hadith and considers its root of communication from the beginning weak and not in harmony with Prophet (PBUH) Sunna other Hadithes, Wahabism in contrary does.

۳۱۶۳ النبیة الحسنه تدخل صاحبها الجنة.

نیت خوب صاحب خویش را به بهشت می برد.

Good intention leads its owner to Paradise.

۵

۳۱۶۴ هدیة الله إلى المؤمن السائل علی بابه.

گدا هدیه خداست که بر در مؤمن آید.

A poor at the door of the pious is God's gift for him.

۳۱۶۵ هل تنصرون إلا بضغائنكم بدعوتهم و أحلامهم.

آیا شما را جز به دعا و عقل ضعیفانان یاری میکنند؟

You will not be helped but for the prayers and patience of socially weak (poor) ones.

۳۱۶۶ هل من أحد يمشى على الماء إلا ابتلت قدماه؟ كذلك صاحب الدنيا لا يسلم من الذنوب.

مگر کسی هست که بر آب رود و پاهایش تر نشود؟ همچنین دنیا دار از گناه مصون نخواهد ماند.

Is there anybody to walk on water without getting wet? That's why a man of the world will not be safe from sins.

۳۱۶۷ هلكت الرجال حين أطاعت النساء.

مردان که اطاعت زنان کنند بهلاکت افتند.

Ruin is the end of men who obey women.

۳۱۶۸ هنّ أغلب، یعنی النساء.

الهدية تعور عين الحكيم.

آنها، یعنی زنان، چیره تر اند.

هدیه چشم خردمند را ببندد.

They have the upper hand- women, I mean.

Gifts blind men of wisdom.

۳۱۶۹ الهدية تذهب بالسمع والبصر والقلب.

هدیه گوش و چشم و دل را از کار بیندازد.

Gifts impair ears, eyes and hearts.

۳۱۷۰ الهدية رزق من الله فمن أهدى إليه شيء فليقبله.

هدیه روزی خداست هر که چیزی بدو هدیه دادند بپذیرد.

Gifts are sustenance from God; and so, whoever is offered a gift should accept it.

۳۱۷۱ الهوی مغفور لصاحبه ما لم يعمل به أو يتكلم.

پندار بد اگر به کردار و گفتار نیاید بخشوده است.

Carnal desires will be forgiven, if not put to words or action.

۳۱۷۲ الهّم نصف الهرم.

غم یک نیمه پیری است.

Grief is half of oldness.

و

۳۱۷۳ واضع العلم عند غير أهله كمثل الخنازير الجواهر واللؤلؤ والذهب.

آنکه علم به نااهل سپارد چنان است که گوهر و مروارید و طلا به خوکان آویزد.

Seeking knowledge is a must for all Muslims and whoever issues forth his knowledge to incompetent people is like unto the one who beautifies pigs with jewels, pearls, and gold.

۳۱۷۴ و الله ما الدنيا في الآخرة إلا مثل ما يجعل أحدكم إصبعه هذه في اليمّ فلينظر بم يرجع.

بخدا قسم دنیا نسبت به آخرت چنانست که یکتان انگشت خویش به دریا نهد، بنگرد چه می آورد؟

This world compared to the next is like unto what one of you picks up from the sea when touching it with his/her forefinger.

۳۱۷۵ و الله لأن تهدي بهداك رجل واحد خير لك من حمر النعم.

بخدا قسم اینکه مردی را هدایت کنی از داشتن شتران سرخ مو بهتر است.

I swear by God that leading one to the right path is much better than having red-haired camels.

۳۱۷۶ و الله لا تجدون بعدی أعدل علیکم منی.

به خدا قسم پس از من، کسی را نخواهید یافت که در باره شما عادلتر از من باشد.

I swear by God that you will not find anyone more impartial to you than me after my death.

۳۱۷۷ و اكلی ضیفك فإِنَّ الضَّيْفَ يَسْتَحْيِي أَنْ يَأْكُلَ وَحْدَهُ.

همراه مهمان خویش غذا خور زیرا مهمان شرم دارد که تنها غذا خورد.

Share your guest in food, for (s)he may be shy to eat alone.

۳۱۷۸-۱ و الشَّاءُ إِنْ رَحِمْتَهَا يَرْحَمَكَ اللَّهُ.

حتی به گوسفند اگر رحم کنی خدا بتو رحم کند.

Even if you have mercy for a (fat-tailed) sheep God will be merciful to you.

۳۱۷۸-۲ و أَيْ دَاءٍ أَدْوَى مِنَ الْبَخْلِ.

و چه مرضی از بخل بدتر است.

There is no malady worse than being stingy.

۳۱۷۹ و أَيْ الْمُؤْمِنِ حَقٌّ وَاجِبٌ.

و عده مؤمن حقی است (که ادای آن) واجب است.

A believer's promise is a must (he should not miss).

۳۱۸۰ وَجِبَتْ مَحَبَّةُ اللَّهِ عَلَى مَنْ غَضِبَ فَحَلِمَ.

کسی که خشم آورد و بردباری کند، به صف محبان خداست.

God will surely love those who become angry but keep patient.

۳۱۸۱ وَزَنَ حَبْرَ الْعُلَمَاءِ بَدَمِ الشَّهَدَاءِ فَرَجَحَ.

مُرْكَبٌ (جوهر قلم) دانشوران را با خون شهیدان هم سنگ کردند اولی سنگین تر بود.

Compared with martyrs' blood, the learned's ink is weightier (worthier).

۳۱۸۲ وصلوا الذی بینکم و بینہ قرابۃ بکثرۃ ذکرکم إیّاه.

با اقارب خویش بوسیله مکرر یاد کردنشان پیوستگی کن.

Strengthen the ties of kinship by remembering your family frequently.

۳۱۸۳ وصب المؤمن کفّارۃ الخطایا.

بیماری مؤمن کفاره گناهان است.

A believer's sickness is the atonement of his sins.

۳۱۸۴ وقرّوا من تعلّمون منه العلم و قرّوا من تعلّمونه العلم.

کسی را که علم از او می آموزید محترم دارید و کسی را که علم بدو می آموزید محترم دارید.

Respect those who teach you as well as those whom you teach.

۳۱۸۵ ولد الرّجل من کسبه، من أطيّب کسبه فکلوا من أموالهم.

فرزند مرد از جمله کسب او است، از نکوترین کسب او است، از اموال فرزندانان بخورید.

A man's son is among his earnings, the best of his earnings. So, eat from your sons' wealth.

۳۱۸۶ ولد الزّنا شرّ الثّلاثة إذا عمل بعمل أبویه.

زنا زاده اگر زنا کند از پدر و مادر خویش بدتر است.

An illegitimate child is worse than his/her parents, should (s)he commit adultery.

۳۱۸۷ ویل للأغنیاء من الفقراء.

وای بر ثروتمندان از فقیران!

Woe is the rich for the poor!

۳۱۸۸ ویل للعالم من الجاهل، و ویل للجاهل من العالم.

وای بر عالم از جاهل! و وای بر جاهل از عالم!

Woe is the learned for the ignorant and woe is the ignorant for the learned!

۳۱۸۹ ویل للذی یحدّث فیکذب فیضحک به القوم، ویل له، ویل له.

وای بر آنکه سخن کند و دروغ گوید که مردمان از آن بخندند وای بر او! وای بر او!

Woe is the one who lies to make people laugh! Woe is he! Woe is he!

۳۱۹۰ ویل للنساء من الأحمرین: الذهب و المعصر.

وای بر زنان از دو چیز رنگین: طلا و جامه زیبا!

Woe is women for two colored things: gold and colored garments!

۳۱۹۱ ویل لامتی من علماء السوء.

وای بر امت من از علمای بد!

Woe is my people for bad scholars!

۳۱۹۲ ویل لمن استطال علی مسلم فانتقص حقه.

وای بر آنکه به مؤمنی تجاوز کند و حق او را بکاهد!

Woe is the one who violates a Muslim and tramples his rights!

۳۱۹۳ ویل لمن لا یعلم و ویل لمن علم ثم لا یعمل.

وای بر آنکه نداند و وای بر آنکه بداند و عمل نکند!

Woe is the one who does not know (the truth of something), and woe is the one who knows it but does not act upon it!

۳۱۹۴ الوحده خیر من جلیس السوء و الجلیس الصالح خیر من الوحده، و إملاء الخیر خیر من السکوت و السکوت خیر من إملاء الشر.

تنهایی از همنشین بد بهتر و همنشین شایسته از تنهایی بهتر؛ نکو گفتن از سکوت بهتر و سکوت از بد گفتن بهتر.

****خلوت از اغیار باید نی زیار—پوستین بهر دی آمد، نی بهار (مولوی)**

Loneliness is better than having a bad companion, and a good companion is better than loneliness. Uttering good words is better than silence, and silence is better than uttering bad words.

۳۱۹۵ الورع الذی یقف عند الشبهه.

پرهیزکار کسی است که کار شبهه‌ناک نکند.

The virtuous does not do dubious deeds.

۳۱۹۶ الودّ یتوارث و البغض یتوارث.

دوستی را به ارث میبرند و دشمنی را به ارث میبرند.

Friendship and enmity are both hereditary.

۳۱۹۷ الورع سیّد العمل.

پرهیزکاری سرآمد اعمالست.

Piety stands at the peak of all deeds.

۳۱۹۸ الوضوء قبل الطّعام ینفی الفقر و بعده ینفی اللّم و یصحّ البصر.

وضو پیش از غذا فقر را ببرد و بعد از غذا وسواس را زایل کند و چشم را نیرو دهد.

Ablution before eating makes poverty perish, and after eating removes obsession and strengthens eyesight.

۳۱۹۹ الوضوء شطر الإيمان و السّواک شطر الوضوء.

وضو نصف ایمان است و مسواک کردن نصف وضو است.

Ablution is half of faith, and tooth brushing is half of ablution.

۳۲۰۰ الولد ثمره القلب و أنّه مجبئه مبخله محزنه.

فرزند میوه دل است و مایه ترس و بخل و غم است.

A child is the fruit of one's heart, and thereby the source of fear, miserliness and grief.

۳۲۰۱ الولد من ریحان الجنّة.

فرزند از ریحان بهشت است.

A child is a flower of Paradise.

۳۲۰۲ الویل لمن ترک عیاله بخیر و قدم علی ربّه بشرّ.

وای بر آنکه خیر برای عیال خود نهد و با شرّ به نزد خدا رود!

Woe is the one who deprives his family from good and approaches God with evil!

ی

۳۲۰۳ یا عجا کلّ العجب للمصدّق بدار الخلود و هو یسعی لدار الغرور.

سخت در عجبم از آنکه خانه جاوید را باور دارد و برای خانه غرور (این جهان فانی) بکوشد!

I am very amazed at those who believe in eternal abode but try hard for the abode of vanity (=this passing world)!

۳۲۰۴ یا معشر التّجّار إنّ الله باعثکم یوم القیامه فجّاراً إلّا من صدق و أدی الأمانه.

ای گروه بازرگانان، خدا روز رستاخیز بدکار محسورن می کند مگر آنکس که راست گوید و امانت نگه دارد.

O merchants! God will resurrect you among evil- doers in the Day of Judgment unless you tell the truth and are good trustees.

۳۲۰۵ یأتی علی الناس زمان الصّابر منهم علی دینه کالقابض علی الجمر.

روزگاری بر مردم بیاید که هر که خواهد دین خود نگهدارد چنان باشد که آتش بدست گرفته باشد.

People will face a time when holding fast to one's faith will be as hard as holding burning fire in one's hands.

۳۲۰۶ یأتی علی الناس زمان المؤمن فيه أذلّ من شاته.

روزگاری بر مردم بیاید که مؤمن از گوسفندش خوارتر باشد.

People will face a time when a believer will be meaner than his (fat-tailed) sheep.

۳۲۰۷ یبعث الناس يوم القيمة على نياتهم.

روز رستاخیز مردم را به کیفیت نیت‌هایشان برانگیزند.

People will be resurrected with respect to their intentions in the Day of Judgment.

۳۲۰۸ یبصر أحدكم القذى في عين أخيه و يدع الجذع في عينه.

یکیتان خَس را در چشم برادرش ببیند و تنه درخت را در چشم خویش ندیده گیرد.

شهاب الاخبار- حدیث ۴۱۷=بُود که اَمْتان من گناهی از برادر خویش ببیند بر وی عیب کنند، و خود از آن بتر گناه می کنند و بر خویشان نبینند.

Some of you can detect a tiny thorn (little sins) in your brother's eyes, but not a tree branch (great sin) in your own.

۳۲۰۹ یبعث شاهد الزور يوم القيمة مدلعا لسانه (في النار).

شاهد دروغ روز قیامت آویخته زبان (در آتش) مبعوث می شود (حدیث امام رضا ع).

Those who bear false witness will be resurrected their tongues hung (into fire) in the Day of Judgment.

۳۲۱۰ یتبع المیت ثلاثة فیرجع اثنان و یبقی واحد: یتبعه أهله و ماله و عمله، فیرجع أهله و ماله و یبقی عمله.

سه چیز بدنبال میت روند دو تا باز گردند و یکی بماند. اهل و مال و عمل وی بدنبال روند اهل و مالش باز گردند و عملش بماند.

*در زمانه مر تو را سه هم‌رهند-زان، یکی وافی و آن دو غدرمند

آن یکی یاران و دیگر رخت و مال-وان سوم وافی ست و آن حَسَن الفعّال (مولوی)

****مال ناید با تو بیرون از قصور- یار آید، لیک تا بالین گور**

چون تو را روز اجل آید پیش- یار گوید از زبان حال خویش

تا بدینجا پیشی همره نیستیم- بر سر گورت زمانی بیستم

فعل تو وافی ست، زان کن ملتحد- کاندرا آید با تو قعر لحد (مولوی)

Three things follow a dead person, two of which to return and one to stay- family and property return and deeds stay with him/her.

۳۲۱۱ ید الله علی الجماعة.

دست خدا همراه جماعت (امت اسلام) است.

God's hand is with the community (Islam Ummah).

۳۲۱۲ یدهب الصالحون أسلفا للأول فالأول حتی لا یبقی إلا حناله كحناله التمر و الشعیر لا یبالی الله بهم.

شایستگان طبقه به طبقه روند تا جز پوستی چون پوست خرما و جو نماند که خدا به آنها اعتنا نکند.

شهاب الاخبار- حدیث ۴۱۶= آنانکه نیکان باشند بمیرند و بگذرند، و هر که بهتر بود زودتر شود، تا چون وقت قیامت بود، مانده نبود از فرزندان آدم جز نقایه ای که آن مانند نقایه خرما و جو بود، و ایشان را بنزدیک خدای تعالی هیچ منزلتی نبود، زیرا که خدایرا ندانند.

The pious people pass away group by group in each period with their good deeds and nothing remains from them but a flake (just before Day of Judgment) just as date and barley flakes (small group), which God disregards (because they do not care for God as much as required).

۳۲۱۳ یسروا و لا تعسروا.

سهل گیرید و سخت مگیرید.

Be easy-going and do not be hard on people.

۳۲۱۴ یطبع المؤمن علی کل خلق لیس الخیانه و الکذب.

مؤمن هر خوئی تواند داشت مگر خیانت و دروغ گوئی.

A believer has all kinds of natures save treachery and telling lie.

۳۲۱۵ یعجب ربك من الشاب لیست له صیوة.

پروردگار تو جوانی را که جوانی نکند دوست دارد.

Your God loves the youth who do not follow their carnal desires.



۳۲۱۶ یمن الخیل فی شقرها.

برکت اسب در نوع سرخ و سفید آن است.

****شهاب الاخبار- حدیث ۱۷۹= مبارکی در اسبانی است که سرخ باشند، چه اسبان اشقر در کارزار دشمن بهتر باشند.**

The good of a horse lies in its red and white color.

۳۲۱۷ یحب الله العامل إذا عمل أن یحسن.

خدا دوست دارد که وقتی کسی کاری میکند کامل کند.

God wishes man to do his job very well.

۳۲۱۸ یدور المعروف علی ید مائة رجل آخرهم فیہ كأولهم.

نیکی بدست صد مرد میرود که پاداش آخرینشان مانند اولی است.

Goodness goes round in the hands of a hundred men, with the last one being rewarded as the first.

۳۲۱۹ یمینک علی ما یصدقک علیه صاحبک.

سوگند در باره چیزی توانی خورد که مصاحب تو تصدیق آن کند.

You can only swear about something the truth of which is confirmed by your friend.

۳۲۲۰ ينبغي أن يكون للمؤمن ثمانية خصال: وقار عند الهزاهز و صبر عند البلاء و شكر عند الرّخاء و قنوع بما رزقه الله عزّ و جلّ، لا يظلم الأعداء و لا يتحامل على الاصدقاء بدنه في تعب و الناس منه في راحة.

مؤمن باید هشت صفت داشته باشد وقار در حوادث سخت و صبر به هنگام بلیه و شکر به هنگام گشایش و قناعت به روزی‌ای که خدای والا داده است به دشمنان ستم نکند و مزاحم دوستان نشود، تنشی به رنج باشد و مردم از او در آسایش باشند.

A true believer should have the following eight characteristics: soberness at hard times, patience in calamities, gratefulness in reliefs, contentment for whatever the Great and Glorified God has given, avoidance from oppressing enemies and hurting friends, and toleration of physical sufferings to make people feel safe from him.

۳۲۲۱ يهرم ابن آدم و يبقى معه اثنتان الحرص و الأمل.

فرزند آدم پیر می‌شود و دو چیز با وی میماند حرص (مال) و آرزو (زندگی).

The son of Adam reaches old age but two of his traits grow young: greed for wealth and greed for life.

۳۲۲۲ يوزن يوم القيامة مداد العلماء و دم الشهداء فيرجح مداد العلماء على دم الشهداء.

روز قیامت مرکب دانشوران و خون شهیدان را هم سنگ کنند و مرکب دانشوران بر خون شهیدان برتر شود.

The learned person's ink and the martyrs' blood will be weighed in the Day of Judgment, and the former will turn out to be weightier (worthier).

۳۲۲۴ يهرم ابن آدم و يشبّ منه اثنتان الحرص على المال و الحرص على العمر.

فرزند آدم پیر می‌شود و دو چیز از او جوان می‌شود حرص مال و حرص عمر.

The son of Adam reaches old age but two of his traits grow young: greed for wealth and greed for life.

۳۲۲۵ اليد العليا خير من اليد السفلى و أبدأ بمن تعمل.

دست دهنده از دست بگیر که بهتر است و صدقه را از نانخوران خویش آغاز کن.

A giving hand is better than a receiving hand, and start charity at home.

۳۲۲۶ أَلَيْمِينَ الْكَاذِبَةُ مَنفَعَةُ لِلسَّلْعَةِ مَمْحَقَةٌ لِلْكَسْبِ.

قسم دروغ کالا را تلف کند و کسب را از میان ببرد.

شهاب الاخبار - حدیث ۲۰۷ = سوگند بدروغ رواج دهنده متاع است و کم کننده کسب است

.. بفروشد، و لیکن در بهایش برکتی نبُود، و از آن منفعتی نیابد و بیشترین آن بُود که حرام گردد.

False oath makes goods sell but ruins the business well.

۳۲۲۷ أَلَيْمِينَ عَلَى نِيَّةِ الْمُسْتَحْلِفِ.

قسم مربوط به نیت قسم خور است.

An oath depends on the intention of the oath-taker.

مکى-آياتها- ٧	سوره الفاتحه	ترتيبها- ١
		<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (١)</p> <p>به نام خداوند رحمتگر مهربان</p> <p>(الفاتحة، ١)</p> <p>الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (٢)</p> <p>ستایش خدا را که پروردگار جهانیان ،</p> <p>(الفاتحة، ٢)</p> <p>الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (٣)</p> <p>[خداوند] رحمتگر مهربان ،</p> <p>(الفاتحة، ٣)</p> <p>مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (٤)</p> <p>مالک [و پادشاه] روز جزا [است] .</p> <p>(الفاتحة، ٤)</p> <p>إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (٥)</p> <p>تو را می‌پرستیم تنها و بس ، بجز تو نجویم یاری ز کس .</p> <p>(الفاتحة، ٥)</p> <p>الْهُدَىٰ الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (٦)</p> <p>به راه راست ما را راهبر باش ،</p> <p>(الفاتحة، ٦)</p> <p>صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ (٧)</p> <p>راه آنهایی که برخوردارشان کرده‌ای ، همانان که نه درخور خشم‌اند و نه گمگشتگان .</p> <p>(الفاتحة، ٧)</p>

مدنی-آياتها- ٢٨٦	سوره البقره	ترتيبها- ٢
		<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (١٠)</p> <p>به نام خداوند رحمتگر مهربان</p> <p>(البقرة، ١٠)</p> <p>الم (١)</p> <p>الف ، لام ، میم .</p> <p>(البقرة، ١)</p> <p>ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (٢)</p> <p>این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست ; [و] مایه هدایت تقوایندگان است :</p> <p>(البقرة، ٢)</p>

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۳)

آنان که به غیب ایمان می‌آورند ، و نماز را بر پا می‌دارند ، و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند ؛

(البقرة، ۳)

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (۴)

و آنان که بدانچه به سوی تو فرود آمده ، و به آنچه پیش از تو نازل شده است ، ایمان می‌آورند ؛ و به آخرت یقین دارند .

(البقرة، ۴)

أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵)

آنهاست که از هدایتی از جانب پروردگارشان برخوردارند و آنها همان رستگارانند .

(البقرة، ۵)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۶)

در حقیقت کسانی که کفر ورزیدند چه بیمشان دهی ، چه بیمشان ندهی برایشان یکسان است ؛ [آنها] نخواهند گروید .

(البقرة، ۶)

حَتَّمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۷)

خداوند بر دل‌های آنان ، و بر شنوایی ایشان مهر نهاده ؛ و بر دیدگانشان پرده‌ای است ؛ و آنان را عذابی بزرگ است .

(البقرة، ۷)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ (۸)

و برخی از مردم می‌گویند : « ما به خدا و روز بازپسین ایمان آورده‌ایم » ، ولی گروندگان [راستین] نیستند .

(البقرة، ۸)

يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ مَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ (۹)

با خدا و مؤمنان نیرنگ می‌بازند ؛ ولی جز بر خویشتن نیرنگ نمی‌زنند ، و نمی‌فهمند .

(البقرة، ۹)

فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ (۱۰)

در دل‌هایشان مرضی است ؛ و خدا بر مرضشان افزود ؛ و به [سزای] آنچه به دروغ می‌گفتند ، عذابی دردناک [در پیش] خواهند داشت .

(البقرة، ۱۰)

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ (۱۱)

و چون به آنان گفته شود : « در زمین فساد مکنید » ، می‌گویند : « ما خود اصلاح‌گريم . »

(البقرة، ۱۱)

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَ لَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ (۱۲)

بهبوش باشید که آنان فسادگرانند ، لیکن نمی‌فهمند .

(البقرة، ۱۲)

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَ لَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ (۱۳)

و چون به آنان گفته شود : « همان گونه که مردم ایمان آوردند ، شما هم ایمان بیاورید » ، می‌گویند : « آیا همان گونه که کم‌خردان ایمان آورده‌اند ، ایمان بیاوریم ؟ » هشدار که آنان همان کم‌خردانند ؛ ولی نمی‌دانند .

(البقرة، ۱۳)

وَ إِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَ إِذَا خَلُّوا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّمَا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِءُونَ (۱۴)

و چون با کسانی که ایمان آورده‌اند برخورد کنند ، می‌گویند : « ایمان آوردیم » ، و چون با شیطانهای خود خلوت کنند ، می‌گویند : « در حقیقت ما با شما ایم ، ما فقط [آنان را] ریشخند می‌کنیم . »

(البقرة، ۱۴)

اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَ يَمْدُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۱۵)

خدا [است که] ریشخندشان می‌کند ، و آنان را در طغیانشان فرو می‌گذارد تا سرگردان شوند .

(البقرة، ۱۵)

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اسْتَرَوْا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَ مَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (۱۶)

همین کسانی که گمراهی را به [بهای] هدایت خریدند ، در نتیجه داد و ستدشان سود [ی به بار] نیاورد ؛ و هدایت‌یافته نبودند .

(البقرة، ۱۶)

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَ تَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ (۱۷)

مثل آنان ، همچون مثل کسانی است که آتشی افروختند ، و چون پیرامون آنان را روشنایی داد ، خدا نورشان را برد ؛ و در میان تاریکیهایی که نمی‌بینند رهاشان کرد .

(البقرة، ۱۷)

صُمُّ بُكْمٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ (۱۸)

کرنده ، لالند ، کورند ؛ بنا بر این به راه نمی‌آیند .

(البقرة، ۱۸)

أَوْ كَصَيْبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَ رَعْدٌ وَ يَرْقُبُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آدَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَ اللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ (۱۹)

یا چون [کسانی که در معرض] رگباری از آسمان که در آن تاریکیها و رعد و برقی است [قرار گرفته‌اند] ؛ از [نهب] آنرخش [و] بیم مرگ ، سر انگشتان خود را در گوشه‌هایشان نهند ، ولی خدا بر کافران احاطه دارد .

(البقرة، ۱۹)

يَكَادُ الْبَرْقُ يَحْطِفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَ إِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲۰)

نزدیک است که برق ، چشماتشان را برباید ؛ هر گاه که بر آنان روشنی بخشد ، در آن گام زنند ؛ و چون راهشان را تاریک کند ، [بر جای خود] بایستند ؛ و اگر خدا می‌خواست شنوایی و بینایی‌شان را برمی‌گرفت ، که خدا بر همه چیز تواناست .

(البقرة، ۲۰)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۲۱)

ای مردم ، پروردگارتان را که شما ، و کسانی را که پیش از شما بوده‌اند آفریده است ، پرستش کنید ؛ باشد که به تقوا گرایید .

(البقرة، ۲۱)

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَ السَّمَاءَ بِنَاءً وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۲۲)

همان [خدایی] که زمین را برای شما فرش [گسترده] ، و آسمان را بنایی [افراشته] قرار داد ؛ و از آسمان آبی فرود آورد ؛ و بدان از میوه‌ها رزقی برای شما بیرون آورد ؛ پس برای خدا همتیایی قرار ندهید ، در حالی که خود می‌دانید .

(البقرة، ۲۲)

وَ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۲۳)

و اگر در آنچه بر بنده خود نازل کرده‌ایم شك دارید ، پس اگر راست می‌گویید سوره‌ای مانند آن بیاورید ؛ و گواهان خود را غیر خدا فرا خوانید .

(البقرة، ۲۳)

فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ لَنْ تَفْعَلُوا فَأْتُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ أَعَدَّتْ لِلْكَافِرِينَ (۲۴)

پس اگر نکرديد و هرگز نمی‌توانید کرد از آن آتشی که سوختش مردمان و سنگها هستند ، و برای کافران آماده شده ، بپرهیزید .

(البقرة، ۲۴)

وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رزَقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رزَقُوا قَالُوا هَذَا الَّذِي رزَقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَ لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۵)

و کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند ، مژده ده که ایشان را باغهایی خواهد بود که از زیر [درختان] آنها جویها روان است . هر گاه میوه‌ای از آن روزی ایشان شود ، می‌گویند : « این همان است که پیش از این [نیز] روزی ما بوده . » و مانند آن [نعمتها] برای آنها آورده شود ؛ و در آنجا همسرانی پاکیزه خواهند داشت ؛ و در آنجا جاودانه بمانند .

(البقرة، ۲۵)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةٌ فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَ مَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ (۲۶)

خدای را از اینکه به پشه‌ای یا فروتر [یا فراتر] از آن مثل زند ، شرم نیاید . پس کسانی که ایمان آورده‌اند می‌دانند که آن [مثل] از جانب پروردگارشان بجاست ؛ ولی کسانی که به کفر گراییده‌اند می‌گویند : « خدا از این مثل چه قصد داشته است ؟ » [خدا] بسیاری را با آن گمراه ، و بسیاری را با آن راهنمایی می‌کند ؛ و [لی] جز نافرمانان را با آن گمراه نمی‌کند .

(البقرة، ۲۶)

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَ يَقْتُلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يَفْسُدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۲۷)

همانانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند ؛ و آنچه را خداوند به پیوستنش امر فرموده می‌کسند ؛ و در زمین به فساد می‌پردازند ؛ آنانند که زیانکارانند .

(البقرة، ۲۷)

كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ كُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمَيِّتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۲۸)

چگونه خدا را منکرید ؟ با آنکه مردگانی بودید و شما را زنده کرد ؛ باز شما را می‌میراند [و] باز زنده می‌کند ؛ [و] آن گاه به سوی او بازگردانده می‌شوید .

(البقرة، ۲۸)

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۲۹)

اوست آن کسی که آنچه در زمین است ، همه را برای شما آفرید ؛ سپس به [آفرینش] آسمان پرداخت ، و هفت آسمان را استوار کرد ؛ و او به هر چیزی داناست .

(البقرة، ۲۹)

وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۳۰)

و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت : « من در زمین جانشینی خواهم گماشت » ، [فرشتگان] گفتند : « آیا در آن کسی را می‌گماری که در آن فساد انگیزد ، و خونها بریزد ؟ و حال آنکه ما با ستایش تو ، [تو را] تنزیه می‌کنیم ؛ و به تقدیست می‌پردازیم . » فرمود : « من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید . »

(البقرة، ۳۰)

وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۳۱)

و [خدا] همه [معانی] نامها را به آدم آموخت ؛ سپس آنها را بر فرشتگان عرضه نمود و فرمود : « اگر راست می‌گویید ، از اسامی اینها به من خبر دهید . »

(البقرة، ۳۱)

قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (۳۲)

گفتند : « منزهی تو ! ما را جز آنچه [خود] به ما آموخته‌ای ، هیچ دانشی نیست ؛ تویی دانای حکیم . »

(البقرة، ۳۲)

قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ أَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ (۳۳)

فرمود : « ای آدم ، ایشان را از اسامی آنان خبر ده . » و چون [آدم] ایشان را از اسماءشان خبر داد ، فرمود : « آیا به شما نگفتم که من نهفته آسمانها و زمین را می‌دانم ؛ و آنچه را آشکار می‌کنید ، و آنچه را پنهان می‌داشتید می‌دانم ؟ »

(البقرة، ۳۳)

وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (۳۴)

و چون فرشتگان را فرمودیم : « برای آدم سجده کنید » ، پس بجز ابلیس که سر باز زد و کبر ورزید و از کافران شد [همه] به سجده درافتادند .

(البقرة، ۳۴)

و قُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَ كُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ (۳۵)

و گفتیم : « ای آدم ، خود و همسرت در این باغ سکونت گیر [بد] ؛ و از هر کجای آن خواهید فراوان بخورید ؛ و [لی] به این درخت نزدیک نشوید ، که از ستمکاران خواهید بود . »

(البقرة، ۳۵)

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَ قُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَ مَتَاعٌ إِلَى حِينٍ (۳۶)

پس شیطان هر دو را از آن بلغزانید ؛ و از آنچه در آن بودند ایشان را به درآورد ؛ و فرمودیم : « فرود آید ، شما دشمن همدیگرید ؛ و برای شما در زمین قرارگاه ، و تا چندی برخوردار می خواهید بود . »

(البقرة، ۳۶)

فَتَلَقَى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۳۷)

سپس آدم از پروردگارش کلماتی را دریافت نمود ؛ و [خدا] بر او ببخشود ؛ آری ، او [ست که] توبه پذیر مهربان است .

(البقرة، ۳۷)

قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۳۸)

فرمودیم : « جملگی از آن فرود آید . پس اگر از جانب من شما را هدایتی رسد ، آنان که هدایتم را پیروی کنند بر ایشان بیمی نیست و غمگین نخواهند شد . »

(البقرة، ۳۸)

وَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۳۹)

و [لی] کسانی که کفر ورزیدند و نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند ، آنانند که اهل آتشند ؛ و در آن ماندگار خواهند بود . »

(البقرة، ۳۹)

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَ أَوْفُوا بعهْدِي أَوْفٍ بعهْدِكُمْ وَ إِيَّايَ فَارْهَبُونِ (۴۰)

ای فرزندان اسرائیل ، نعمتهایم را که بر شما ارزانی داشتیم به یاد آرید ، و به پیمانم وفا کنید ، تا به پیمانتان وفا کنم ، و تنها از من بترسید .

(البقرة، ۴۰)

وَ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَ لَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ وَ لَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَ إِيَّايَ فَاتَّقُونِ (۴۱)

و بدانچه نازل کرده‌ام که مؤید همان چیزی است که با شماست ایمان آرید ؛ و نخستین منکر آن نباشید ، و آیات مرا به بهایی ناچیز نفروشید ، و تنها از من پروا کنید .

(البقرة، ۴۱)

وَ لَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۴۲)

و حق را به باطل درنیامیزید ، و حقیقت را با آنکه خود می‌دانید کتمان نکنید .

(البقرة، ۴۲)

وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ (۴۳)

و نماز را بر پا دارید ، و زکات را بدهید ، و با رکوع‌کنندگان رکوع کنید .

(البقرة، ۴۳)

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَ فَلَا تَعْقِلُونَ (۴۴)

آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید ، با اینکه شما کتاب [خدا] را می‌خوانید ؟ آیا [هیچ] نمی‌اندیشید ؟

(البقرة، ۴۴)

وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ (۴۵)

از شکیبایی و نماز یاری جویید . و به راستی این [کار] گران است ، مگر بر فروتنان :

(البقرة، ۴۵)

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ اللَّهَ مَأْلُوفُونَ رَبِّهِمْ وَأَنْهُمْ إِلَيْهِ يَسْعَوْنَ (۴۶)

همان کسانی که می‌دانند با پروردگار خود دیدار خواهند کرد ؛ و به سوی او باز خواهند گشت .

(البقرة، ۴۶)

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (۴۷)

ای فرزندان اسرائیل ، از نعمتهایم که بر شما ارزانی داشتم ، و [از] اینکه من شما را بر جهانیان برتری دادم ، یاد کنید .

(البقرة، ۴۷)

وَأَتَقُوا يَوْمًا لَا تَجْرِي فِيهَا نُفُوسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يَقُولُ مِنْهَا شَفَاعَةً وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۴۸)

و برسید از روزی که هیچ کس چیزی [از عذاب خدا] را از کسی دفع نمی‌کند ؛ و نه از او شفاعتی پذیرفته ، و نه به جای وی بدلی گرفته می‌شود ؛ و نه یاری خواهند شد .

(البقرة، ۴۸)

وَ إِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَ فِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ (۴۹)

و [به یاد آرید] آن گاه که شما را از [جنگ] فرعونیان رهانیدیم ؛ [آنان] شما را سخت شکنجه می‌کردند ؛ پسران شما را سر می‌پریدند ؛ و زنهايتان را زنده می‌گذاشتند ، و در آن [امر ، بلا و] آزمایش بزرگی از جانب پروردگارتان بود .

(البقرة، ۴۹)

وَ إِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَ أَعْرَفْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ (۵۰)

و هنگامی که دریا را برای شما شکافتیم و شما را نجات بخشیدیم ؛ و فرعونیان را در حالی که شما نظاره می‌کردید غرق کردیم .

(البقرة، ۵۰)

وَ إِذْ وَاغَيْنَا مَوْسَى الْبَحْرَ فَأَتَيْنَا لَيْلَةَ لَيْلَةٍ ثُمَّ أَخَذْتُمْ الْعَجَلَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنْتُمْ ظَالِمُونَ (۵۱)

و آن گاه که با موسی چهل شب فرار گذاشتیم ؛ آن گاه در غیاب وی ، شما گوساله را [به پرستش] گرفتید ، در حالی که ستمکار بودید .

(البقرة، ۵۱)

ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۵۲)

پس از آن بر شما بخشودیم ، باشد که شکرگزاری کنید .

(البقرة، ۵۲)

وَ إِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ الْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۵۳)

و آن گاه که موسی را کتاب و فرقان [جدا کننده حق از باطل] دادیم ، شاید هدایت یابید .

(البقرة، ۵۳)

وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِقَوْمِ أَنْفُسِكُمْ بِاتَّخَذِكُمُ الْعِجْلَ فُتُوبُوا إِلَى بَرَانِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَرَانِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۵۴)

و چون موسی به قوم خود گفت : « ای قوم من ، شما با [به پرستش] گرفتن گوساله ، بر خود ستم کردید ، پس به درگاه آفریننده خود توبه کنید ، و [خطاکاران] خودتان را به قتل برسانید ، که این [کار] نزد آفریدگارتان برای شما بهتر است . » پس [خدا] توبه شما را پذیرفت ، که او توبه‌پذیر مهربان است .

(البقرة، ۵۴)

وَ إِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذْتُمُ الصَّاعِقَةَ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ (۵۵)

و چون گفتید : « ای موسی ، تا خدا را آشکارا نبینیم ، هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد . » پس در حالی که می‌نگریستید صاعقه شما را فرو گرفت .

(البقرة، ۵۵)

ثُمَّ بَعَثْنَاكَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۵۶)

سپس شما را پس از مرگتان برانگیختیم؛ باشد که شکرگزاری کنید.

(البقرة، ۵۶)

وَ ظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَ السَّلْوَى كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ مَا ظَلَمُونَا وَ لَكِن كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۵۷)

و بر شما ابر را سایه‌گستر کردیم؛ و بر شما « گزانه‌گین » و « بلدرچین » فرو فرستادیم؛ [و گفتیم:] « از خوراکیهای پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم، بخورید. » و [لی آنان] بر ما ستم نکردند، بلکه بر خویشتان ستم روا می‌داشتند.

(البقرة، ۵۷)

وَ إِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَ قُولُوا حِطَّةً نَعْفُرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ (۵۸)

و [نیز به یاد آرید] هنگامی را که گفتیم: « بدین شهر درآید، و از هر کجای آن خواستید، فراوان بخورید، و سجده‌کنان از در [بزرگ] درآید، و بگوئید: [خداوندا،] گناهان ما را بریز. تا خطاهای شما را ببخشاییم، و [پاداش] نیکوکاران را خواهیم افزود. »

(البقرة، ۵۸)

فَيَذَلِّ الْأَيْدِي ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (۵۹)

اما کسانی که ستم کرده بودند، [آن سخن را] به سخن دیگری غیر از آنچه به ایشان گفته شده بود تبدیل کردند. و ما [نیز] بر آنان که ستم کردند، به سزای اینکه نافرمانی پیشه کرده بودند، عذابی از آسمان فرو فرستادیم.

(البقرة، ۵۹)

وَ إِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ نَضْرَةً عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرِبَهُمْ كَلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَ لَا تَعْتَوُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۶۰)

و هنگامی که موسی برای قوم خود در پی آب برآمد، گفتیم: « با عصایت بر آن تخته‌سنگ بزن. » پس دوازده چشمه از آن جوشیدن گرفت، [به گونه‌ای که] هر قبیله‌ای آبشخور خود را می‌دانست. [و گفتیم:] « از روزی خدا بخورید و بیاشامید، و [لی] در زمین سر به فساد برمدارید. »

(البقرة، ۶۰)

وَ إِذْ قُلْنَا يَا مُوسَى إِنَّ نَاصِيحَ عَلِي طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْخُلْنَا لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُثْمِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَ قَبَائِهَا وَ قَوْمِهَا وَ عَدَسِهَا وَ بَصَلِهَا قَالَ أَ تَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ وَ ضَرْبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَ الْمَسْكَنَةُ وَ بَاغُوا بِغَضَبِ اللَّهِ ذَلِكُمْ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكُمْ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ (۶۱)

و چون گفتید: « ای موسی، هرگز بر یک [نوع] خوراک تاب نیاوریم، از خدای خود برای ما بخواه تا از آنچه زمین می‌رویانند، از [قبیله] سبزی و خیار و سیر و عدس و پیاز، برای ما برویانند. » [موسی] گفت: « آیا به جای چیز بهتر، خواهان چیز پست‌ترید؟ پس به شهر فرود آید، که آنچه را خواسته‌اید برای شما [در آنجا مهیا] ست. » و [داغ] خواری و ناداری بر [پیشانی] آنان زده شد، و به خشم خدا گرفتار آمدند؛ چرا که آنان به نشانه‌های خدا کفر ورزیده بودند، و پیامبران را بناحق می‌کشتند؛ این، از آن روی بود که سرکشی نموده، و از حد درگذرانیده بودند.

(البقرة، ۶۱)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ هَادُوا وَ النَّصَارَى وَ الصَّابِئِينَ مِنْ أَمَنِ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلُوا صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۶۲)

در حقیقت، کسانی که [به اسلام] ایمان آورده، و کسانی که یهودی شده‌اند، و ترسایان و صابئان، هر کس به خدا و روز بازپسین ایمان داشت و کار شایسته کرد، پس اجرشان را پیش پروردگارش خواهند داشت، و نه بیمی بر آنان است، و نه اندوهناک خواهند شد.

(البقرة، ۶۲)

وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَ رَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَ اذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَنُكُمْ تَتَفُونَ (۶۳)

و چون از شما پیمان محکم گرفتیم، و [کوه] طور را بر فراز شما افراشتیم، [و فرمودیم:] « آنچه را به شما داده‌ایم به جد و جهد بگیرید، و آنچه را در آن است به خاطر داشته باشید، باشد که به تقوا گرایید. »

(البقرة، ۶۳)

ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۶۴)

سپس شما بعد از آن [پیمان] رویگردان شدید، و اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نبود، مسلماً از زیانکاران بودید.

(البقرة، ۶۴)

وَ لَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدُوا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِرِينَ (۶۵)

و کسانی از شما را که در روز شنبه [از فرمان خدا] تجاوز کردند نیک شناختید، پس ایشان را گفتیم: « بوزینگانی باشید طردشده. »

(البقرة، ۶۵)

فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَ مَا خَلْفَهَا وَ مُوعِظَةً لِّلْمُنْتَقِينَ (۶۶)

و ما آن [عقوبت] را برای حاضران ، و [نسلهای] پس از آن ، عبرتی ، و برای پرهیزگاران پندی قرار دادیم .

(البقرة، ۶۶)

وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوعًا قَالِ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ (۶۷)

و هنگامی که موسی به قوم خود گفت : « خدا به شما فرمان می‌دهد که : ماده گاوی را سر ببرید » ، گفتند : « آیا ما را به ریشخند می‌گیری ؟ » گفت : « پناه می‌برم به خدا که [مبادا] از جاهلان باشم . »

(البقرة، ۶۷)

قَالُوا ادْع لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَٰلِكَ فَافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ (۶۸)

گفتند : « پروردگارت را برای ما بخوان ، تا بر ما روشن سازد که آن چگونه [گاوی] است ؟ » گفت : « وی می‌فرماید : آن ماده گاوی است نه پیر و نه خردسال ، [بلکه] میانسالی است بین این دو . پس آنچه را [بدان] مأمورید به جای آرید . »

(البقرة، ۶۸)

قَالُوا ادْع لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْثُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءٌ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّظَائِرِينَ (۶۹)

گفتند : « از پروردگارت بخواه ، تا بر ما روشن کند که رنگش چگونه است ؟ » گفت : « وی می‌فرماید : آن ماده گاوی است زرد یک دست و خالص ، که رنگش بینندگان را شاد می‌کند . »

(البقرة، ۶۹)

قَالُوا ادْع لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَ إِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ (۷۰)

گفتند : « از پروردگارت بخواه ، تا بر ما روشن گرداند که آن چگونه [گاوی] باشد ؟ زیرا [چگونگی] این ماده گاو بر ما مشتبه شده ، و [لی با توضیحات بیشتر تو] ما ان شاء الله حتماً هدایت خواهیم شد . »

(البقرة، ۷۰)

قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذُلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَ لَا تَسْفِي الْحَرْثَ مُسَلِّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْآنَ جِئْتُ بِالْحَقِّ فُدْبَحُوهَا وَ مَا كَادُوا يَفْعَلُونَ (۷۱)

گفت : « وی می‌فرماید : در حقیقت ، آن ماده گاوی است که نه رام است تا زمین را شخم زند ؛ و نه کشتزار را آبیاری کند ؛ بی‌نقص است ؛ و هیچ لکه‌ای در آن نیست . » گفتند : « اینک سخن درست آوردی . » پس آن را سر بریدند ، و چیزی نمانده بود که تکندند .

(البقرة، ۷۱)

وَ إِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَ أُنْفُسًا فِيهَا وَ اللَّهُ مُخْرِجٌ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ (۷۲)

و چون شخصی را کشتید ، و در باره او با یکدیگر به ستیزه برخاستید ، و حال آنکه خدا ، آنچه را کتمان می‌کردید ، آشکار گردانید .

(البقرة، ۷۲)

فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِنَعْصِهَا كَذٰلِكَ يُخَيِّبُ اللَّهُ الْمُؤْمِنِي وَ يُرِيكُم آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْتَلُونَ (۷۳)

پس فرمودیم : « پاره‌ای از آن [گاو سر بریده را] به آن [مقتول] بزنید [تا زنده شود] . این گونه خدا مردگان را زنده می‌کند ، و آیات خود را به شما می‌نماید ، باشد که بیندیشید .

(البقرة، ۷۳)

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبِكُمْ مِنْ بَعْدِ ذٰلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَ إِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَ إِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَقَّقُ فَيُخْرِجُ مِنْهُ الْمَاءَ وَ إِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۷۴)

سپس دل‌های شما بعد از این [واقعه] سخت گردید ، همانند سنگ ، یا سخت‌تر از آن ، چرا که از برخی سنگها ، جویهایی بیرون می‌زند ، و پاره‌ای از آنها می‌شکافتد و آب از آن خارج می‌شود ، و برخی از آنها از بیم خدا فرو می‌ریزد ، و خدا از آنچه می‌کنید غافل نیست .

(البقرة، ۷۴)

أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَ قَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ (۷۵)

آیا طمع دارید که [اینان] به شما ایمان بیاورند ؟ با آنکه گروهی از آنان سخنان خدا را می‌شنیدند ، سپس آن را بعد از فهمیدنش تحریف می‌کردند ، و خودشان هم می‌دانستند .

(البقرة، ۷۵)

وَ إِذْ نَفَّوْا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا قَالُوْا اٰمَنَّا وَاِذَا خَلَ بَعْضُهُمْ اِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوْا اُتِحَتْ لَكُمْ اِلٰهًا غَيْرُ الَّذِيْ تَعْبُدُوْنَ (۷۶)

و [همین یهودیان] چون با کسانی که ایمان آورده‌اند برخورد کنند ، می‌گویند : « ما ایمان آورده‌ایم . » و وقتی با همدیگر خلوت می‌کنند ، می‌گویند : « چرا از آنچه خداوند بر شما گشوده است ، برای آنان حکایت می‌کنید تا آنان به [استناد] آن ، پیش پروردگارتان بر ضد شما استدلال کنند ؟ آیا فکر نمی‌کنید ؟ »

(البقرة، ۷۶)

اَوْ لَا يَعْلَمُوْنَ اَنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّوْنَ وَ مَا يُعْلِنُوْنَ (۷۷)

آیا نمی‌دانند که خداوند آنچه را پوشیده می‌دارند ، و آنچه را آشکار می‌کند ، می‌داند ؟

(البقرة، ۷۷)

وَ مِنْهُمْ اُمِّيُوْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ الْكِتٰبَ اِلَّا اٰمَانِيَّ وَ اِنْ هُمْ اِلَّا يَظُنُّوْنَ (۷۸)

و [بعضی] از آنان بی‌سوادانی هستند که کتاب [خدا] را جز خیالات خامی نمی‌دانند ، و فقط گمان می‌برند .

(البقرة، ۷۸)

قَوْلًا لِلَّذِيْنَ يَكْتُمُوْنَ الْكِتٰبَ بِاَيْدِيْهِمْ ثُمَّ يَقُوْلُوْنَ هٰذَا مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ لِيَشْتَرُوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيْلًا قَوْلًا لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ اَيْدِيْهِمْ وَ وَاِذْ لَهُمْ مِمَّا يَكْتُمُوْنَ (۷۹)

پس وای بر کسانی که کتاب [تحریف شده‌ای] با دستهای خود می‌نویسند ، سپس می‌گویند : « این از جانب خداست » ، تا بدان بهای ناچیزی به دست آرند ؛ پس وای بر ایشان از آنچه دستهایشان نوشته ، و وای بر ایشان از آنچه [از این راه] به دست می‌آورند .

(البقرة، ۷۹)

وَ قَالُوْا لَنْ نَّمَسَّنَا النَّارُ اِلَّا اَيّامًا مَّعْدُوْدَةً فَلَنْ اتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللّٰهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلَفَ اللّٰهُ عَهْدَهُ اَمْ تَقُوْلُوْنَ عَلٰى اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ (۸۰)

و گفتند : « جز روزهایی چند ، هرگز آتش به ما نخواهد رسید . » بگو : « مگر پیمانی از خدا گرفته‌اید ؟ که خدا پیمان خود را هرگز خلاف نخواهد کرد یا آنچه را نمی‌دانید به دروغ به خدا نسبت می‌دهید ؟ »

(البقرة، ۸۰)

بَنِي مِّنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَاَخَاطَطْتُ بِهٖ حٰطِيْنَتُهُ فَاَوْلٰئِكَ اَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ (۸۱)

آری ، کسی که بدی به دست آورد ، و گناهش او را در میان گیرد ، پس چنین کسانی اهل آتشند ، و در آن ماندگار خواهند بود .

(البقرة، ۸۱)

وَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَاَعْمَلُوا الصّٰلِحٰتِ اَوْلٰئِكَ اَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ (۸۲)

و کسانی که ایمان آورده ، و کارهای شایسته کرده‌اند ، آنان اهل بهشتند ، و در آن جاودان خواهند ماند .

(البقرة، ۸۲)

وَ اِذْ اَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرٰٓءِيْلَ لَا تَعْبُدُوْنَ اِلَّا اللّٰهَ وَ بِالْوَالِدِيْنَ إِحْسٰنًا وَ ذِي الْقُرْبٰٓى وَ النَّيْتٰمٰى وَ الْمَسٰكِيْنِ وَ قُوْلُوْا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ اَقِيْمُوا الصَّلٰةَ وَ آتُوا الزَّكٰةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ اِلَّا قَلِيْلًا مِّنْكُمْ وَ اَنْتُمْ مُّعْرِضُوْنَ (۸۳)

و چون از فرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که : « جز خدا را نپرستید ، و به پدر و مادر ، و خویشان و یتیمان و مستمندان احسان کنید ، و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید ، و نماز را به پا دارید ، و زکات را بدهید » ؛ آن گاه ، جز اندکی از شما ، [همگی] به حالت اعراض روی برتافتید .

(البقرة، ۸۳)

وَ اِذْ اَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تُسْفِكُوْنَ دِمَآءَكُمْ وَ لَا تُخْرِجُوْنَ اَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ اَقْرَضْتُمْ وَ اَنْتُمْ تَشْهَدُوْنَ (۸۴)

و چون از شما پیمان محکم گرفتیم که : « خون همدیگر را مریزید ، و یکدیگر را از سرزمین خود بیرون نکنید » ؛ سپس [به این پیمان] اقرار کردید ، و خود گواهد .

(البقرة، ۸۴)

ثُمَّ اَنْتُمْ هٰوِلٰءٍ تَقْتُلُوْنَ اَنْفُسَكُمْ وَ تَخْرِجُوْنَ قَرِيْبًا مِّنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ نَظٰهَرُوْنَ عَلَيْهِمْ بِالْاَيْمِ وَ الْعُدُوٰنِ وَ اِنْ يٰٓاتُوْكُمْ اَسٰرٰى فَغَادُوْهُمْ وَ هُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ اِخْرَاجُهُمْ اَفْتَوٰمُنُوْنَ بِبَعْضِ الْكِتٰبِ وَ تَكْفُرُوْنَ بِبَعْضِ فَمَا جَزَاؤُا مَنْ يَفْعَلْ ذٰلِكَ مِنْكُمْ اِلَّا عَزٰٓى فِي الْحَيٰةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ يُرَدُّوْنَ اِلَىٰ اَشَدِّ الْعَذَابِ وَ مَا لِلّٰهِ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُوْنَ (۸۵)

[ولی] باز همین شما هستید که یکدیگر را می‌کشید ، و گروهی از خودتان را از دیارشان بیرون می‌رانید ، و به گناه و تجاوز ، بر ضد آنان به یکدیگر کمک می‌کنید . و اگر به اسارت پیش شما آیند ، به [دادن] فدیة ، آنان را آزاد می‌کنید ، با آنکه [نه تنها کشتن ، بلکه] بیرون کردن آنان بر شما حرام شده است . آیا شما به پاره‌ای از کتاب [تورات] ایمان می‌آورید ، و به پاره‌ای کفر می‌ورزید ؟ پس جزای هر کس از شما که چنین کند ، جز خوارى در زندگى دنیا چیزى نخواهد بود ، و روز رستاخیز ایشان را به سخت‌ترین عذابها باز برند ، و خداوند از آنچه می‌کنید غافل نیست .

(البقرة، ۸۵)

أُولَئِكَ الَّذِينَ اسْتَرَوْا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يَخَفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۸۶)

همین کسانی که زندگی دنیا را به [بهای] جهان دیگر خریدند . پس نه عذاب آنان سبک گردد ، و نه ایشان یاری شوند .

(البقرة، ۸۶)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ قَفَيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَ آتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَ أَيْدِنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أ فَلَئَمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ (۸۷)

و همانا به موسی کتاب [تورات] دادیم ، و پس از او پیامبرانی را پشت سر هم فرستادیم ، و عیسی پسر مریم را معجزه‌های آشکار بخشیدیم ، و او را با « روح القدس » تایید کردیم ؛ پس چرا هر گاه پیامبری چیزی را که خوشایند شما نبود برایتان آورد ، کبر ورزیدید ؟ گروهی را دروغگو خواندید و گروهی را کشتید .

(البقرة، ۸۷)

وَ قَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَفَلِيلًا مَا يُؤْمِنُونَ (۸۸)

و گفتند : « دل‌های ما در غلاف است . » [نه ، چنین نیست] بلکه خدا به سزای کفرشان ، لعنتشان کرده است . پس آنان که ایمان می‌آورند چه اندک شماره‌اند .

(البقرة، ۸۸)

وَ لَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَ كَانُوا مِنْ قَبْلٍ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ (۸۹)

و هنگامی که از جانب خداوند کتابی که مؤید آنچه نزد آنان است برایشان آمد ، و از دیرباز [در انتظارش] بر کسانی که کافر شده بودند پیروزی می‌جستند ؛ ولی همین که آنچه [که اوصافش] را می‌شناختند برایشان آمد ، انکارش کردند . پس لعنت خدا بر کافران باد .

(البقرة، ۸۹)

بِسْمَا اسْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ (۹۰)

و ه که به چه بد بهایی خود را فروختند که به آنچه خدا نازل کرده بود از سر رشک انکار آوردند ، که چرا خداوند از فضل خویش بر هر کس از بندگان که بخواد [آیاتی] فرو می‌فرستد . پس به خشمی بر خشم دیگر گرفتار آمدند . و برای کافران عذابی خفت‌آور است .

(البقرة، ۹۰)

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَ يَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلِ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۹۱)

و چون به آنان گفته شود : « به آنچه خدا نازل کرده ایمان آورید ، » می‌گویند : « ما به آنچه بر [پیامبر] خودمان نازل شده ایمان می‌آوریم . » و غیر آن را با آنکه [کاملاً] حق و مؤید همان چیزی است که با آنان است انکار می‌کنند . بگو : « اگر مؤمن بودید ، پس چرا پیش از این ، پیامبران خدا را می‌کشتید ؟ »

(البقرة، ۹۱)

وَ لَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنْتُمْ ظَالِمُونَ (۹۲)

و قطعاً موسی برای شما معجزات آشکاری آورد ، سپس آن گوساله را در غیاب وی [به خدایی] گرفتید ، و ستمکار شدید .

(البقرة، ۹۲)

وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَ رَفَعْنَا فَوْقَكُمْ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَ اسْمَعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَ عَصَيْنَا وَ أَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِسْمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيْمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۹۳)

و آن گاه که از شما پیمان محکم گرفتیم ، و [کوه] طور را بر فراز شما برافراشتیم ، [و گفتیم :] « آنچه را به شما داده‌ایم به جد و جهد بگیرید ، و [به دستورهای آن] گوش فرا دهید . » گفتند : « شنیدیم و نافرمانی کردیم . » و بر اثر کفرشان ، [مهر] گوساله در دلشان سرشته شد . بگو : « اگر مؤمنید [بدانید که] ایمانتان شما را به بد چیزی وامی‌دارد . »

(البقرة، ۹۳)

قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۹۴)

بگو : « اگر در نزد خدا ، سرای بازپسین یکسر به شما اختصاص دارد ، نه دیگر مردم ، پس اگر راست می‌گویید آرزوی مرگ کنید . »

(البقرة، ۹۴)

وَلَنْ يَتَمَنَّوهُ أَبَداً بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (۹۵)

ولی به سبب کارهایی که از پیش کرده‌اند ، هرگز آن را آرزو نخواهند کرد . و خدا به [حال] ستمگران داناست .

(البقرة، ۹۵)

وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَخْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُرْضَخِيهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (۹۶)

و آنان را مسلماً آزمندترین مردم به زندگی ، و [حتی حریص‌تر] از کسانی که شرک می‌ورزند خواهی یافت . هر يك از ایشان آرزو دارد که کاش هزار سال عمر کند با آنکه اگر چنین عمری هم به او داده شود ، وی را از عذاب دور نتواند داشت . و خدا بر آنچه می‌کنند بیناست .

(البقرة، ۹۶)

قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (۹۷)

بگو : « کسی که دشمن جبرئیل است [در واقع دشمن خداست] چرا که او ، به فرمان خدا ، قرآن را بر قلبت نازل کرده است ، در حالی که مؤید [کتابهای آسمانی] پیش از آن ، و هدایت و بشارتی برای مؤمنان است . »

(البقرة، ۹۷)

مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ (۹۸)

هر که دشمن خدا ، و فرشتگان و فرستادگان او ، و جبرئیل و میکائیل است [بداند که] خدا یقیناً دشمن کافران است .

(البقرة، ۹۸)

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ (۹۹)

و همانا بر تو آیاتی روشن فرو فرستادیم ، و جز فاسقان [کسی] آنها را انکار نمی‌کند .

(البقرة، ۹۹)

أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۰۰)

و مگر نه این بود که [یهود] هر گاه پیمانی بستند ، گروهی از ایشان آن را دور افکندند ؟ بلکه [حقیقت این است که] بیشترشان ایمان نمی‌آورند .

(البقرة، ۱۰۰)

وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۱۰۱)

و آن گاه که فرستاده‌ای از جانب خداوند برایشان آمد که آنچه را با آنان بود تصدیق می‌داشت گروهی از اهل کتاب ، کتاب خدا را پشت سر افکندند ، چنان که گویی [از آن هیچ] نمی‌دانند .

(البقرة، ۱۰۱)

وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَى مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَ مَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَ لَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَ مَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَ مَارُوتَ وَ مَا يَعْلَمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ وَ مَا هُمْ بِضَارِينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ يَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَ لَا يَنْفَعُهُمْ وَ لَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ وَ لَيْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۱۰۲)

و آنچه را که شیطان [صفت] ها در سلطنت سلیمان خوانده [و درس گرفته] بودند ، پیروی کردند . و سلیمان کفر نورزید ، لیکن آن شیطان [صفت] ها به کفر گراییدند که به مردم سحر می‌آموختند . و [نیز از] آنچه بر آن دو فرشته ، هاروت و ماروت ، در بابل فرو فرستاده شده بود [پیروی کردند] ، با اینکه آن دو [فرشته] هیچ کس را تعلیم [سحر] نمی‌کردند مگر آنکه [قبلاً به او] می‌گفتند : « ما [وسیله] آزمایشی [برای شما] هستیم ، پس زنهار کافر نشوی . » و [لی] آنها از آن دو [فرشته] چیزهایی می‌آموختند که به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند . هر چند بدون فرمان خدا نمی‌توانستند به وسیله آن به احدی زیان برسانند . و [خلاصه] چیزی می‌آموختند که برایشان زیان داشت ، و سودی بدیشان نمی‌رسانید . و قطعاً [یهودیان] دریافته بودند که هر کس خریدار این [متاع] باشد ، در آخرت بهره‌ای ندارد . و ه که چه بد بود آنچه به جان خریدند اگر می‌دانستند .

(البقرة، ۱۰۲)

وَ لَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۱۰۳)

اگر آنها گرویده و پرهیزگاری کرده بودند قطعاً پاداشی [که] از جانب خدا [می‌یافتند] بهتر بود اگر می‌دانستند .

(البقرة، ۱۰۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَ قُولُوا انظُرْنَا وَ اسْمَعُوا وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (١٠٤)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، نگویید : « راعنا » ، و بگویید : « انظرنا » ، و [این توصیه را] بشنوید ؛ و [گر نه] کافران را عذابی دردناک است .

(البقرة، ١٠٤)

مَا يُوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ لَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ اللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (١٠٥)

نه کسانی که از اهل کتاب کافر شده‌اند ، و نه مشرکان [هیچ کدام] دوست نمی‌دارند خیری از جانب پروردگارتان بر شما فرود آید ، با آنکه خدا هر که را خواهد به رحمت خود اختصاص دهد ، و خدا دارای فزون‌بخشی عظیم است .

(البقرة، ١٠٥)

مَا تَسْتَسْخِ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَمْ لَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (١٠٦)

هر حکمی را نسخ کنیم ، یا آن را به [دست] فراموشی بسپاریم ، بهتر از آن ، یا مانندش را می‌آوریم ؛ مگر ندانستی که خدا بر هر کاری تواناست ؟

(البقرة، ١٠٦)

أَمْ لَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ (١٠٧)

مگر ندانستی که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست ؛ و شما جز خدا سرور و یاری ندارید ؟

(البقرة، ١٠٧)

أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سَأَلُوا مُوسَى مِنْ قَبْلُ وَ مَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (١٠٨)

آیا می‌خواهید از پیامبر خود همان را بخواهید که قبلاً از موسی خواسته شد ؟ و هر کس کفر را با ایمان عوض کند ، مسلماً از راه درست گمراه شده است .

(البقرة، ١٠٨)

وَ ذَكَرْنَا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَ اصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (١٠٩)

بسیاری از اهل کتاب پس از اینکه حق برایشان آشکار شد از روی حسدی که در وجودشان بود ، آرزو می‌کردند که شما را ، بعد از ایمانتان ، کافر گردانند . پس عفو کنید و درگذرید ، تا خدا فرمان خویش را بیاورد ، که خدا بر هر کاری تواناست .

(البقرة، ١٠٩)

وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (١١٠)

و نماز را به پا دارید و زکات را بدهید ؛ و هر گونه نیکی که برای خویش از پیش فرستید ، آن را نزد خدا باز خواهید یافت ؛ آری ، خدا به آنچه می‌کنید بیناست .

(البقرة، ١١٠)

وَ قَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (١١١)

و گفتند : « هرگز کسی به بهشت درنیاید ، مگر آنکه یهودی یا ترسا باشد . » این آرزوهای [واهی] ایشان است . بگو : « اگر راست می‌گویید ، دلیل خود را بیاورید . »

(البقرة، ١١١)

بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَ هُوَ مُخْصِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (١١٢)

آری ، هر کس که خود را با تمام وجود ، به خدا تسلیم کند و نیکوکار باشد ، پس مزد وی پیش پروردگار اوست ، و بیمی بر آنان نیست ، و غمگین نخواهند شد .

(البقرة، ١١٢)

وَ قَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَى عَلَى شَيْءٍ وَ قَالَتِ النَّصَارَى لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ وَ هُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (١١٣)

و یهودیان گفتند : « ترسایان بر حق نیستند . » و ترسایان گفتند : « یهودیان بر حق نیستند » با آنکه آنان کتاب [آسمانی] را می‌خوانند . افراد نادان نیز [سخنی] همانند گفته ایشان گفتند . پس خداوند ، روز رستاخیز در آنچه با هم اختلاف می‌کردند ، میان آنان داوری خواهد کرد .

(البقرة، ١١٣)

وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُدْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (١١٤)

و کیست بیدادگرتر از آن کس که نگذارد در مساجد خدا ، نام وی برده شود ، و در ویرانی آنها بکوشد ؟ آنان حق ندارند جز ترسان و لرزان در آن [مسجد] ها درآیند . در این دنیا ایشان را خواری ، و در آخرت عذابی بزرگ است .

(البقرة، ۱۱۴)

وَاللَّهُ الْمَشْرِقِيُّ وَالْمَغْرِبِيُّ فَأَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۱۱۵)

و مشرق و مغرب از آن خداست ؛ پس به هر سو رو کنید ، آنجا روی [به] خداست . آری ، خدا گشایشگر داناست .

(البقرة، ۱۱۵)

وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ لَمْ يَكُن لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَه قَائِمُونَ (۱۱۶)

و گفتند : « خداوند فرزندی برای خود اختیار کرده است . » او منزّه است . بلکه هر چه در آسمانها و زمین است ، از آن اوست ، [و] همه فرمانپذیر اویند .

(البقرة، ۱۱۶)

يَدْبِغُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (۱۱۷)

[او] پدید آورنده آسمانها و زمین [است] ، و چون به کاری اراده فرماید ، فقط می‌گوید : « [موجود] باش » ؛ پس [فوراً موجود] می‌شود .

(البقرة، ۱۱۷)

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُعَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَنْزِلُنَا آيَةً كَذَّبْتُمْ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ (۱۱۸)

افراد نادان گفتند : « چرا خدا با ما سخن نمی‌گوید ؟ یا برای ما معجزه‌ای نمی‌آید ؟ » کسانی که پیش از اینان بودند [نیز] مثل همین گفته ایشان را می‌گفتند . دلها [و افکار] شان به هم می‌ماند . ما نشانه‌ها [ی خود] را برای گروهی که یقین دارند ، نیک روشن گردانیده‌ایم .

(البقرة، ۱۱۸)

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ (۱۱۹)

ما تو را بحق فرستادیم ، تا بشارتگر و بیم‌دهنده باشی ، و [لی] درباره دوزخیان ، از تو پرسشی نخواهد شد .

(البقرة، ۱۱۹)

وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودَ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۱۲۰)

و هرگز یهودیان و ترسایان از تو راضی نمی‌شوند ، مگر آنکه از کیش آنان پیروی کنی . بگو : « در حقیقت ، تنها هدایت خداست که هدایت [واقعی] است . » و چنانچه پس از آن علمی که تو را حاصل شد ، باز از هوسهای آنان پیروی کنی ، در برابر خدا سرور و یآوری نخواهی داشت .

(البقرة، ۱۲۰)

الَّذِينَ اتَّبَعَتْهُمْ إِتْبَاعَهُمْ يَتْلُوهُ حَقًّا تِلَاوَتِهِ أَوْلِيكَ يَوْمُنَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۱۲۱)

کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده‌ایم ، [و] آن را چنان که باید می‌خوانند ، ایشانند که بدان ایمان دارند . و [لی] کسانی که بدان کفر ورزند ، همانند که زیانکارانند .

(البقرة، ۱۲۱)

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (۱۲۲)

ای فرزندان اسرائیل ، نعمتم را ، که بر شما ارزانی داشتم ، و اینکه شما را بر جهانیان برتری دادم ، یاد کنید .

(البقرة، ۱۲۲)

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يَقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۱۲۳)

و بترسید از روزی که هیچ کس چیزی [از عذاب خدا] را از کسی دفع نمی‌کند ، و نه بدل و بلاگردانی از وی پذیرفته شود ، و نه او را میانجیگری سودمند افتد ، و نه یاری شوند .

(البقرة، ۱۲۳)

وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنْتَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (۱۲۴)

و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود ، و وی آن همه را به انجام رسانید ، [خدا به او] فرمود : « من تو را پیشوای مردم قرار دادم . » [ابراهیم] پرسید : « از دوستانم [چطور] ؟ » فرمود : « پیمان من به بیدادگران نمی‌رسد . »

(البقرة، ۱۲۴)

وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ اَمْنًا وَ اتَّخَذُوا مِنْ مَّقَامِ اِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَ عَهَدْنَا اِلَى اِبْرَاهِيمَ وَ اِسْمَاعِيلَ اَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْقَائِمِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ (۱۲۵)

و چون خانه [کعبه] را برای مردم محل اجتماع و [جای] امنی قرار دادیم ، [و فرمودیم :] « در مقام ابراهیم ، نمازگاهی برای خود اختیار کنید » ، و به ابراهیم و اسماعیل فرمان دادیم که : « خانه مرا برای طوافکنندگان و معتکفان و رکوع و سجودکنندگان پاکیزه کنید . »

(البقرة، ۱۲۵)

وَ إِذْ قَالَ اِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا اَمِنًا وَ ارْزُقْ اَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ اَمَنَ مِنْهُمْ بِاللّٰهِ وَ الْيَوْمِ الْاٰخِرِ قَالَ وَ مَنْ كَفَرَ فَاَمْتَعْنَاهُ قَلِيْلًا ثُمَّ اَضْرَبْنَاهُ اِلَى عَذَابِ النَّارِ وَ بَنَسْنَا الْمَصِيْرُ (۱۲۶)

و چون ابراهیم گفت : « پروردگارا ، این [سرزمین] را شهری امن گردان ، و مردمش را هر کس از آنان که به خدا و روز بازپسین ایمان بیاورد از فرآورده‌ها روزی بخش » ، فرمود : « و [لی] هر کس کفر بورزد ، اندکی برخوردارش می‌کنم ، سپس او را با خواری به سوی عذاب آتش [دوزخ] می‌کشانم ، و چه بد سرانجامی است . »

(البقرة، ۱۲۶)

وَ إِذْ يَرْفَعُ اِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَ اِسْمَاعِيْلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ (۱۲۷)

و هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه [کعبه] را بالا می‌بردند ، [می‌گفتند :] « ای پروردگار ما ، از ما بپذیر که در حقیقت ، تو شنوای دانایی . »

(البقرة، ۱۲۷)

رَبَّنَا وَ اجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا اُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَ اَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَ تُبَّ عَلَيْنَا اِنَّكَ اَنْتَ الرَّحِيْمُ (۱۲۸)

پروردگارا ، ما را تسلیم [فرمان] خود قرار ده ؛ و از نسل ما ، امتی فرمانبردار خود [پدید آر] ؛ و آداب دینی ما را به ما نشان ده ؛ و بر ما ببخشای ، که تویی توبه‌پذیر مهربان .

(البقرة، ۱۲۸)

رَبَّنَا وَ ابْعَثْ فِيهِمْ رَسُوْلًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُزَكِّيهِمْ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ (۱۲۹)

پروردگارا ، در میان آنان ، فرستاده‌ای از خودشان برانگیز ، تا آیات تو را بر آنان بخواند ، و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و پاکیزه‌شان کند ، زیرا که تو خود ، شکستناپذیر حکیمی .

(البقرة، ۱۲۹)

وَ مَنْ يَّرْغُبْ عَنْ مِلَّةِ اِبْرَاهِيْمَ اِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَ لَقَدْ اصْطَفَيْنَا فِي الدُّنْيَا وَ اِنَّهٗ فِي الْاٰخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِيْنَ (۱۳۰)

و چه کسی جز آنکه به سبک مغزی گراید از آیین ابراهیم روی برمی‌تابد ؟ و ما او را در این دنیا برگزیدیم ؛ و البته در آخرت [نیز] از شایستگان خواهد بود .

(البقرة، ۱۳۰)

اِذْ قَالَ لَهٗ رَبِّيْهِ اَسْلِمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِيْنَ (۱۳۱)

هنگامی که پروردگارش به او فرمود : « تسلیم شو » ، گفت : « به پروردگار جهانیان تسلیم شدم . »

(البقرة، ۱۳۱)

وَ وصىٰ بِهَا اِبْرَاهِيْمَ بَنِيْهِ وَ يَعْقُوْبَ يَا بَنِيَّ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰى لَكُمْ الدِّيْنَ فَلَا تَمُوْنُوْنَ اِلَّا وَ اَنْتُمْ مُسْلِمُوْنَ (۱۳۲)

و ابراهیم و یعقوب ، پسران خود را به همان [آیین] سفارش کردند ؛ [و هر دو در وصیتشان چنین گفتند :] « ای پسران من ، خداوند برای شما این دین را برگزید ؛ پس ، البته نباید جز مسلمان بمیرید . »

(البقرة، ۱۳۲)

اَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ اِذْ حَضَرَ يَعْقُوْبَ الْمَوْتُ اِذْ قَالَ لِبَنِيْهِ مَا تَعْبُدُوْنَ مِنْ بَعْدِيْ قَالُوْا نَعْبُدُ اِلٰهَكَ وَ اِلٰهَ اَبَائِكَ اِبْرَاهِيْمَ وَ اِسْمَاعِيْلَ وَ اِسْحٰقَ اِلٰهًا وَّاحِدًا وَ نَحْنُ لَهٗ مُسْلِمُوْنَ (۱۳۳)

آیا وقتی که یعقوب را مرگ فرا رسید ، حاضر بودید ؟ هنگامی که به پسران خود گفت : « پس از من ، چه را خواهید پرستید ؟ » گفتند : « معبود تو ، و معبود پدرانت ، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق معبودی یگانه را می‌پرستیم ؛ و در برابر او تسلیم هستیم . »

(البقرة، ۱۳۳)

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اِنْ كُنْتُمْ حَسِبْتُمْ وَّ اَنْتُمْ لَمْ تَسْأَلُوْا عَمَّا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ (۱۳۴)

آن جماعت را روزگار به سر آمد ؛ دستاورد آنان برای آنان و دستاورد شما برای شماست ؛ و از آنچه آنان می‌کرده‌اند ، شما بازخواست نخواهید شد .

(البقرة، ۱۳۴)

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۳۵)

و [اهل کتاب] گفتند : « یهودی یا مسیحی باشید ، تا هدایت یابید » ؛ بگو : « نه ، بلکه [بر] آیین ابراهیم حق‌گرا [هستم] ؛ و وی از مشرکان نبود . »

(البقرة، ۱۳۵)

قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۱۳۶)

بگوئید : « ما به خدا ، و به آنچه بر ما نازل شده ، و به آنچه بر ابراهیم و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل آمده ، و به آنچه به موسی و عیسی داده شده ، و به آنچه به همه پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده ، ایمان آورده‌ایم ؛ میان هیچ یک از ایشان فرق نمی‌گذاریم ؛ و در برابر او تسلیم هستیم . »

(البقرة، ۱۳۶)

فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۱۳۷)

پس اگر آنان [هم] به آنچه شما بدان ایمان آورده‌اید ، ایمان آورند ، قطعاً هدایت شده‌اند ، ولی اگر روی برتافتند ، جز این نیست که سر ستیز [و جدایی] دارند ؛ و به زودی خداوند [شر] آنان را از تو کفایت خواهد کرد ، که او شنوای داناست .

(البقرة، ۱۳۷)

صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ (۱۳۸)

این است نگارگری الهی ؛ و کیست خوش‌نگارتر از خدا ؟ و ما او را پرستندگانییم .

(البقرة، ۱۳۸)

قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَنَنَا أَعْمَالُنَا وَنَحْمُ أَعْمَالَكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ (۱۳۹)

بگو : آیا درباره خدا با ما بحث و گفتگو می‌کنید ؟ با آنکه او پروردگار ما و پروردگار شماست ؛ و کردارهای ما از آن ما ، و کردارهای شما از آن شماست ، و ما برای او اخلاص می‌ورزیم .

(البقرة، ۱۳۹)

أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ أَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمْ اللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةَ عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۱۴۰)

یا می‌گویید : « ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط [دوازدهگانه] یهودی یا نصرانی بوده‌اند ؟ » بگو : « آیا شما بهتر می‌دانید یا خدا ؟ » و کیست ستمکارتر از آن کس که شهادتی از خدا را در نزد خویش پوشیده دارد ؟ و خدا از آنچه می‌کنید غافل نیست .

(البقرة، ۱۴۰)

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۴۱)

آن جماعت را روزگار سپری شد ؛ برای ایشان است آنچه به دست آورده‌اند ؛ و برای شماست آنچه به دست آورده‌اید ؛ و از آنچه آنان می‌کردند ، شما بازخواست نخواهید شد .

(البقرة، ۱۴۱)

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّهُمْ عَن قِبَلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۱۴۲)

به زودی مردم کم‌خرد خواهند گفت : « چه چیز آنان را از قبله‌ای که بر آن بودند رویگردان کرد ؟ » بگو : « مشرق و مغرب از آن خداست ؛ هر که را خواهد به راه راست هدایت می‌کند . »

(البقرة، ۱۴۲)

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنُعَلِّمَ مَنْ يَشَاءُ مِنَ الرُّسُلِ مِمَّنْ يَتَّقِبُ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّعَ إِيْمَاتَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ (۱۴۳)

و بدین گونه شما را امتی میانه‌قرار دادیم ، تا بر مردم گواه باشید ؛ و پیامبر بر شما گواه باشد . و قبله‌ای را که [چندی] بر آن بودی ، مقرر نکردیم جز برای آنکه کسی را که از پیامبر پیروی می‌کند ، از آن کس که از عقیده خود برمی‌گردد بازشناسیم ؛ و البته [این کار] جز بر کسانی که خدا هدایت [شان] کرده ، سخت‌گرا بود ؛ و خدا بر آن نبود که ایمان شما را ضایع گرداند ، زیرا خدا [نسبت] به مردم دلسوز و مهربان است .

(البقرة، ۱۴۳)

قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (١٤٤)

ما [به هر سو] گردانیدن رویت در آسمان را نیک می بینیم . پس [باش تا] تو را به قبله ای که بدان خشنود شوی برگردانیم ؛ پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن ؛ و هر جا بودید ، روی خود را به سوی آن بگردانید . در حقیقت ، اهل کتاب نیک می دانند که این [تغییر قبله] از جانب پروردگارشان [بجا و] درست است ؛ و خدا از آنچه می کنند غافل نیست .

(البقرة، ١٤٤)

وَ لَئِنْ أَتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَ لَئِنْ أَتَيْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ (١٤٥)

و اگر هر گونه معجزه ای برای اهل کتاب بیاوری [باز] قبله تو را پیروی نمی کنند ، و تو [نیز] پیرو قبله آنان نیستی ، و خود آنان پیرو قبله یکدیگر نیستند ، و پس از علمی که تو را [حاصل] آمده ، اگر از هوسهای ایشان پیروی کنی ، در آن صورت جدا از ستمکاران خواهی بود .

(البقرة، ١٤٥)

الَّذِينَ اتَّيْنَاهُمْ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ (١٤٦)

کسانی که به ایشان کتاب [آسمانی] داده ایم ، همان گونه که پسران خود را می شناسند ، او [محمد] را می شناسند ؛ و مسلماً گروهی از ایشان حقیقت را نهفته می دارند ، و خودشان [هم] می دانند .

(البقرة، ١٤٦)

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُكْذِبِينَ (١٤٧)

حق از جانب پروردگار توست . پس مبادا از تردیدکنندگان باشی .

(البقرة، ١٤٧)

وَ لِكُلِّ وُجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّيَهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (١٤٨)

و برای هر کسی قبله ای است که وی روی خود را به آن [سوی] می گرداند ؛ پس در کارهای نیک بر یکدیگر پیشی بگیرید . هر کجا که باشید ، خداوند همگی شما را [به سوی خود باز] می آورد ؛ در حقیقت ، خدا بر همه چیز تواناست .

(البقرة، ١٤٨)

وَ مِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ إِنْهُ لِلْحَقِّ مِنْ رَبِّكَ وَ مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (١٤٩)

و از هر کجا بیرون آمدی ، روی خود را به سوی مسجد الحرام بگردان ، و البته این [فرمان] حق است و از جانب پروردگار تو است و خداوند از آنچه می کنید غافل نیست .

(البقرة، ١٤٩)

وَ مِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حَبْءٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اٰخِشُوْنِي وَ لَا تَمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (١٥٠)

و از هر کجا بیرون آمدی ، [به هنگام نماز] روی خود را به سمت مسجد الحرام بگردان ؛ و هر کجا بودید رویهای خود را به سوی آن بگردانید ، تا برای مردم غیر از ستمگران شما بر شما حجتی نباشد . پس ، از آنان نترسید ، و از من بترسید ، تا نعمت خود را بر شما کامل گردانم ، و باشد که هدایت شوید .

(البقرة، ١٥٠)

كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَ يَزَكِّيَكُمْ وَ يَعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُعَلِّمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (١٥١)

همان طور که در میان شما ، فرستاده ای از خودتان روانه کردیم ، [که] آیات ما را بر شما می خواند ، و شما را پاک می گرداند ، و به شما کتاب و حکمت می آموزد ، و آنچه را نمی دانستید به شما یاد می دهد .

(البقرة، ١٥١)

فَأذْكُرُونِي أَنْذُرَكُمْ وَ اَشْكُرُوا لِي وَ لَا تَكْفُرُونِ (١٥٢)

پس مرا یاد کنید ، تا شما را یاد کنم ؛ و شکرانه ام را به جای آرید ؛ و با من ناسپاسی نکنید .

(البقرة، ١٥٢)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (١٥٣)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، از شکیبایی و نماز یاری جوید ؛ زیرا خدا با شکیبایان است .

(البقرة، ۱۵۳)

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ (۱۵۴)

و کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند ، مرده نخوانید ، بلکه زنده‌اند ؛ ولی شما نمی‌دانید .

(البقرة، ۱۵۴)

وَلَتَبْلُوَنَكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالسَّمَرَاتِ وَ نَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ (۱۵۵)

و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی ، و کاهش در اموال و جانها و محصولات می‌آزمایم ؛ و مرده ده شکیبایان را :

(البقرة، ۱۵۵)

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (۱۵۶)

[همان] کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد ، می‌گویند : « ما از آن خدا هستیم ، و به سوی او باز می‌گردیم . »

(البقرة، ۱۵۶)

أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ (۱۵۷)

بر ایشان درودها و رحمتی از پروردگارشان [باد] و راهیافتگان [هم] خود ایشانند .

(البقرة، ۱۵۷)

إِنَّ الصِّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَابِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ (۱۵۸)

در حقیقت ، « صفا » و « مروه » از شعایر خداست [که یادآور اوست] ؛ پس هر که خانه [خدا] را حج کند ، یا عمره گزارد ، بر او گناهی نیست که میان آن دو سعی به جای آورد . و هر که افزون بر فریضه ، کار نیکی کند ، خدا حق شناس و داناست .

(البقرة، ۱۵۸)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ (۱۵۹)

کسانی که نشانه‌های روشن ، و رهنمودی را که فرو فرستاده‌ایم ، بعد از آنکه آن را برای مردم در کتاب توضیح داده‌ایم ، نهفته می‌دارند ، آنان را خدا لعنت می‌کند ، و لعنت‌کنندگان لعنتشان می‌کنند .

(البقرة، ۱۵۹)

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۱۶۰)

مگر کسانی که توبه کردند ، و [خود را] اصلاح نمودند ، و [حقیقت را] آشکار کردند ، پس بر آنان خواهم بخشود ؛ و من توبه‌پذیر مهربانم .

(البقرة، ۱۶۰)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (۱۶۱)

کسانی که کافر شدند ، و در حال کفر مردند ، لعنت خدا و فرشتگان و تمام مردم بر آنان باد .

(البقرة، ۱۶۱)

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَخَفُّ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ (۱۶۲)

در آن [لعنت] جاودانه بمانند ؛ نه عذابشان کاسته گردد ، و نه مهلت یابند .

(البقرة، ۱۶۲)

وَاللَّهُمَّ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (۱۶۳)

و معبود شما ، معبود یگانه‌ای است که جز او هیچ معبودی نیست ، [و اوست] بخشایشگر مهربان .

(البقرة، ۱۶۳)

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْخِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (١٦٤)

راستی که در آفرینش آسمانها و زمین ، و در پی یکدیگر آمدن شب و روز ، و کشتیهایی که در دریا روانند یا آنچه به مردم سود می‌رساند ، و [همچنان] آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده ، و با آن ، زمین را پس از مردنش زنده گردانیده ، و در آن هر گونه جنبنده‌ای پراکنده کرده ، و [نیز در] گردانیدن بادها ، و ابری که میان آسمان و زمین آرمیده است ، برای گروهی که می‌اندیشند ، واقعاً نشانه‌هایی [گویا] وجود دارد .

(البقرة، ١٦٤)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَ لَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ (١٦٥)

و برخی از مردم ، در برابر خدا ، همانندهایی [برای او] برمی‌گزینند ، و آنها را چون دوستی خدا ، دوست می‌دارند ؛ ولی کسانی که ایمان آورده‌اند ، به خدا محبت بیشتری دارند . کسانی که [با برگزیدن بتها ، به خود] ستم نموده‌اند اگر می‌دانستند هنگامی که عذاب را مشاهده کنند تمام نیرو [ها] از آن خداست ، و خدا سختگیر است .

(البقرة، ١٦٥)

إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأُوا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ (١٦٦)

آن گاه که پیشوایان از پیروان بیزاری جویند ؛ و عذاب را مشاهده کنند ، و میانشان پیوندها بریده گردد .

(البقرة، ١٦٦)

وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّا كُنَّا نَدَّبُهُمْ كَمَا تَبَرَّأُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ (١٦٧)

و پیروان می‌گویند : « کاش برای ما بازگشتی بود تا همان گونه که [آنان] از ما بیزاری جستند [ما نیز] از آنان بیزاری می‌جستیم . » این گونه خداوند ، کارهایشان را که بر آنان مایه حسرتهاست به ایشان می‌نماید ، و از آتش بیرون‌آمدنی نیستند .

(البقرة، ١٦٧)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلالًا طَيِّبًا وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (١٦٨)

ای مردم ، از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را بخورید ، و از گامهای شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست .

(البقرة، ١٦٨)

إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوْعِ وَ الْفَحْشَاءِ وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (١٦٩)

[او] شما را فقط به بدی و زشتی فرمان می‌دهد ، و [وامی‌دارد] تا بر خدا ، چیزی را که نمی‌دانید بربنید .

(البقرة، ١٦٩)

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَ لَا يَهْتَدُونَ (١٧٠)

و چون به آنان گفته شود : « از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید » ؛ می‌گویند : « نه ، بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم ، پیروی می‌کنیم . » آیا هر چند پدرانشان چیزی را درک نمی‌کرده و به راه صواب نمی‌رفته‌اند [باز هم در خور پیروی هستند] ؟

(البقرة، ١٧٠)

وَ مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَدْعُو بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دَعَاءَ وَ نِدَاءَ صُمٍّ بِحَمِّ غَمِيٍّ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (١٧١)

و مثل [دعوت‌کننده] کافران چون مثل کسی است که حیوانی را که جز صدا و ندایی [مبهم ، چیزی] نمی‌شنود باتنگ می‌زند . [آری ،] کرد ، لاند ، کورند . [و] در نمی‌یابند .

(البقرة، ١٧١)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ إِنَّ كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (١٧٢)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، از نعمتهای پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم ، بخورید و خدا را شکر کنید اگر تنها او را می‌پرستید .

(البقرة، ١٧٢)

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهَلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (١٧٣)

[خداوند ،] تنها مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را که [هنگام سر بردن] نام غیر خدا بر آن برده شده ، بر شما حرام گردانیده است . [ولی] کسی که [برای حفظ جان خود به خوردن آنها] ناچار شود ، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد بر او گناهی نیست ، زیرا خدا آمرزنده و مهربان است .

(البقرة، ۱۷۳)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَا يُزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۷۳)

کسانی که آنچه را خداوند از کتاب نازل کرده ، پنهان می‌دارند و بدان بهای ناچیزی به دست می‌آورند ، آنان جز آتش در شکمهای خویش فرو نبرند . و خدا روز قیامت با ایشان سخن نخواهد گفت ، و پاکشان نخواهد کرد ، و عذابی دردناک خواهند داشت .

(البقرة، ۱۷۴)

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى وَ الْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ (۱۷۴)

آنان همان کسانی هستند که گمراهی را به [بهای] هدایت ، و عذاب را به [ازای] آمرزش خریدند ، پس به راستی چه اندازه باید بر آتش شکیبا باشند !

(البقرة، ۱۷۵)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَ إِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ (۱۷۵)

چرا که خداوند کتاب [تورات] را به حق نازل کرده است ، و کسانی که در باره کتاب [خدا] با یکدیگر به اختلاف پرداختند ، در سستی‌های دور و درازند .

(البقرة، ۱۷۶)

لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّينَ وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ النَّبَاسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (۱۷۶)

نیکیکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید ، بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد ، و مال [خود] را با وجود دوست داشتنش ، به خویشاوندان و یتیمان و بی‌نویان و در راه‌ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن] بندگان بدهد ، و نماز را برپای دارد ، و زکات را بدهد ، و آنان که چون عهد بستند ، به عهد خود وفاداراند ؛ و در سختی و زیان ، و به هنگام جنگ شکیباییانند ؛ آنانند کسانی که راست گفته‌اند ، و آنان همان پرهیزگارانند .

(البقرة، ۱۷۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَ الْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَ الْأَنْثَى بِالْأُنثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَ آذَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ رَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَى بِغَدِّ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۷۷)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، در باره کشتگان ، بر شما [حق] قصاص مقرر شده : آزاد عوض آزاد و بنده عوض بنده و زن عوض زن . و هر کس که از جانب برادر [دینی] اش [یعنی ولی مقتول] ، چیزی [از حق قصاص] به او گذشت شود ، [باید از گذشت ولی مقتول] به طور پسندیده پیروی کند ، و با [رعایت] احسان ، [خونبها را] به او بپردازد . این [حکم] تخفیف و رحمتی از پروردگار شماست ؛ پس هر کس ، بعد از آن از اندازه درگذرد ، وی را عذابی دردناک است .

(البقرة، ۱۷۸)

وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۷۸)

و ای خردمندان ، شما را در قصاص زندگانی است ، باشد که به تقوا گرایید .

(البقرة، ۱۷۹)

كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ (۱۷۹)

بر شما مقرر شده است که چون یکی از شما را مرگ فرا رسد ، اگر مالی بر جای گذارد ، برای پدر و مادر و خویشاوندان [خود] به طور پسندیده وصیت کند ؛ [این کار] حقی است بر پرهیزگاران .

(البقرة، ۱۸۰)

فَمَنْ يَدُلَّهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱۸۰)

پس هر کس آن [وصیت] را بعد از شنیدنش تغییر دهد ، گناهش تنها بر [گردن] کسانی است که آن را تغییر می‌دهند . آری ، خدا شنوای داناست .

(البقرة، ۱۸۱)

فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۸۱)

ولی کسی که از انحراف [و تمایل بجای] وصیت کننده‌ای [نسبت به ورثه‌اش] یا از گناه او [در وصیت به کار خلاف] بیم داشته باشد و میانشان را سازش دهد ، بر او گناهی نیست ، که خدا آمرزنده مهربان است .

(البقرة، ۱۸۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۸۳)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، روزه بر شما مقرر شده است ، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرر شده بود ، باشد که پرهیزگاری کنید .

(البقرة، ۱۸۳)

أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامٍ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۸۴)

[روزه در] روزهای معدودی [بر شما مقرر شده است] . [ولی] هر کس از شما بیمار یا در سفر باشد ، [به همان شماره] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد] ، و بر کسانی که [روزه] طاقت‌فرساست ، کفاره‌ای است که خوراک دادن به بی‌نواایی است . و هر کس به میل خود ، بیشتر نیکی کند ، پس آن برای او بهتر است ، و اگر بدانید ، روزه گرفتن برای شما بهتر است .

(البقرة، ۱۸۴)

شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَ لِيَتَّعِلَمُوا الْعِدَّةَ وَ لِيَحْكُمُوا بِآيَاتِ اللَّهِ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۸۵)

ماه رمضان [همان ماه] است که در آن ، قرآن فرو فرستاده شده است ، [کتابی] که مردم را راهبر ، و [متضمن] دلایل آشکار هدایت ، و [میزان] تشخیص حق از باطل است . پس هر کس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد ، و کسی که بیمار یا در سفر است [باید به شماره آن ،] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد] . خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد ؛ تا شماره [مقرر] را تکمیل کنید و خدا را به پاس آنکه رهنمونیتان کرده است به بزرگی بستابید ، و باشد که شکرگزاری کنید .

(البقرة، ۱۸۵)

وَ إِذَا سَأَلْتَهُ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِبِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (۱۸۶)

و هر گاه بندگان من ، از تو در باره من بپرسند ، [بگو] من نزدیکم ، و دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند اجابت می‌کنم ، پس [آنان] باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند ، باشد که راه یابند .

(البقرة، ۱۸۶)

أَحَلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِيَابِسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِيَابِسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَ عَفَا عَنْكُمْ فَاَلآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَ ابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتَمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَ لَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَ أَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۱۸۷)

در شبهای روزه ، همخوابگی با زنانتان بر شما حلال گردیده است . آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید . خدا می‌دانست که شما با خودتان ناراستی می‌کردید ، پس توبه شما را پذیرفت و از شما درگذشت . پس ، اکنون [در شبهای ماه رمضان می‌توانید] با آنان همخوابگی کنید ، و آنچه را خدا برای شما مقرر داشته طلب کنید . و بخورید و بیاشامید تا رشته سپید بامداد از رشته سیاه [شب] بر شما نمودار شود ؛ سپس روزه را تا [فرا رسیدن] شب به اتمام رسانید . و در حالی که در مساجد معتکف هستید [با زنان] درنیامیزید . این است حدود احکام الهی ! پس [زنهار به قصد گناه] بدان نزدیک نشوید . این گونه ، خداوند آیات خود را برای مردم بیان می‌کند ، باشد که پروا پیشه کنند .

(البقرة، ۱۸۷)

وَ لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَ تَذَلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۸۸)

و اموالتان را میان خودتان به ناروا مخورید ، و [به عنوان رشوه قسمتی از] آن را به قضات مدهید تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید ، در حالی که خودتان [هم خوب] می‌دانید .

(البقرة، ۱۸۸)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ فَمَنْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَ الْحَجَّ وَ لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَ أْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۱۸۹)

در باره [حکمت] هلالها [ی ماه] از تو می‌پرسند ، بگو : « آنها [شاخص] گاهشماری برای مردم و [موسم] حج‌اند . » و نیکی آن نیست که از پشت خانه‌ها درآید ، بلکه نیکی آن است که کسی تقوا پیشه کند ، و به خانه‌ها از در [ورودی] آنها درآید ، و از خدا بترسید ، باشد که رستگار گردید .

(البقرة، ۱۸۹)

وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (۱۹۰)

و در راه خدا ، با کسانی که با شما می‌جنگند ، بجنگید ، و [لی] از اندازه درنگزید ، زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد ؛

(البقرة، ۱۹۰)

وَ اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَ أَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجْتُمْ وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَ لَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلَكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلَكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَمَا قَاتَلْتُمُ الْكَافِرِينَ (۱۹۱)

و هر کجا بر ایشان دست یافتید آنان را بکشید ، و همان گونه که شما را بیرون راندند ، آنان را بیرون برانید ، [چرا که] فتنه [شرک] از قتل بدتر است ، [با این همه] در کنار مسجد الحرام با آنان جنگ نکنید ، مگر آنکه با شما در آن جا به جنگ درآیند ، پس اگر با شما جنگیدند ، آنان را بکشید ، که کفر کافران چنین است .

(البقرة، ۱۹۱)

فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۹۲)

و اگر بازایستادند ، البته خدا آمرزنده مهربان است .

(البقرة، ۱۹۲)

وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِئْتَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ (۱۹۳)

با آنان بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد ، و دین ، مخصوص خدا شود . پس اگر دست برداشتند ، تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست .

(البقرة، ۱۹۳)

الشُّهُرُ الْحَرَامُ بِالشُّهُرِ الْحَرَامِ وَ الْحُرْمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (۱۹۴)

این ماه حرام در برابر آن ماه حرام است ، و [هتک] حرمتها قصاص دارد . پس هر کس بر شما تعدی کرد ، همان گونه که بر شما تعدی کرده ، بر او تعدی کنید و از خدا پروا بدارید و بدانید که خدا با تقوایبشگان است .

(البقرة، ۱۹۴)

وَ اتَّقُوا اللَّهَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۱۹۵)

و در راه خدا اتفاق کنید ، و خود را با دست خود به هلاکت مینفکنید ، و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد .

(البقرة، ۱۹۵)

وَ اتَّمُوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنِ أَحْصَرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَ لَا تَحْلِفُوا بِرُءُوسِكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أُمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةَ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَحْنِ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۱۹۶)

و برای خدا حج و عمره را به پایان رسانید ، و اگر [به علت موانعی] بازداشته شدید ، آنچه از قربانی میسر است [قربانی کنید] ؛ و تا قربانی به قربانگاه نرسیده سر خود را متراشید ؛ و هر کس از شما بیمار باشد یا در سر ناراحتی داشته باشد [و ناچار شود در احرام سر بتراشد] به کفاره [آن ، باید] روزه‌ای بدارد ، یا صدقه‌ای دهد ، یا قربانی بکند ؛ و چون ایمنی یافتید ، پس هر کس از [اعمال] عمره به حج پرداخت ، [باید] آنچه از قربانی میسر است [قربانی کند] ، و آن کس که [قربانی] نیافت [باید] در هنگام حج ، سه روز روزه [بدارد] ؛ و چون برگشتید هفت [روز دیگر روزه بدارید] ؛ این ده [روز] تمام است . این [حج تمتع] برای کسی است که اهل مسجد الحرام [مکه] نباشد ؛ و از خدا بترسید ، و بدانید که خدا سخت‌کفر است .

(البقرة، ۱۹۶)

الْحَجَّ اسْأَلُكُمْ مَعْلُومَاتٍ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَ لَا فُسُوقَ وَ لَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَ مَا تَعَلَّمُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُوهُ اللَّهُ وَ تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَ اتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ (۱۹۷)

حج در ماههای معینی است . پس هر کس در این [ماه] ها ، حج را [بر خود] واجب گرداند ، [بداند که] در انشای حج ، همبستری و گناه و جدال [روا] نیست ، و هر کار نیکی انجام می‌دهید ، خدا آن را می‌داند ، و برای خود توشه بگیرید که در حقیقت ، بهترین توشه ، پرهیزگاری است ، و ای خردمندان ! از من پروا کنید .

(البقرة، ۱۹۷)

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأُدْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَ انْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَ إِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ (۱۹۸)

بر شما گناهی نیست که [در سفر حج] فضل پروردگارتان [روزی خویش] را بجویید ؛ پس چون از عرفات کوچ نمودید ، خدا را در مشعر الحرام یاد کنید ، و یادش کنید که شما را که پیشتر از بیراهان بودید ، فرا راه آورد .

(البقرة، ۱۹۸)

ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۹۹)

پس ، از همان جا که [انبوه] مردم روانه می‌شوند ، شما نیز روانه شوید و از خداوند آمرزش خواهید که خدا آمرزنده مهربان است .

(البقرة، ۱۹۹)

فَإِذَا قَضَيْتُمْ مِنْاسْبِحِكُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ (۲۰۰)

و چون آداب ویژه حج خود را به جای آوردید ، همان گونه که پدران خود را به یاد می‌آوردید ، یا با یادکردنی بیشتر ، خدا را به یاد آورید . و از مردم کسی است که می‌گوید : « پروردگارا ، به ما ، در همین دنیا عطا کن » و حال آنکه برای او در آخرت نصیبی نیست .

(البقرة، ۲۰۰)

وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (۲۰۱)

و برخی از آنان می‌گویند: « پروردگارا! در این دنیا به ما نیکی و در آخرت [نیز] نیکی عطا کن ، و ما را از عذاب آتش [دور] نگه دار . »

(البقرة، ۲۰۱)

أُولَئِكَ لَهُمْ نُصِيبُ مِمَّا كَسَبُوا وَ اللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۲۰۲)

آنانند که از دستاوردشان بهره‌ای خواهند داشت و خدا زود شمار است .

(البقرة، ۲۰۲)

وَ ادْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۲۰۳)

و خدا را در روزهایی معین یاد کنید ، پس هر کس شتاب کند [و اعمال را] در دو روز [انجام دهد] ، گناهی بر او نیست ، و هر که تأخیر کند [و اعمال را در سه روز انجام دهد] گناهی بر او نیست . [این اختیار] برای کسی است که [از محرمات] پرهیز کرده باشد . و از خدا پروا کنید و بدانید که شما را به سوی او گرد خواهند آورد .

(البقرة، ۲۰۳)

وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَ هُوَ اللَّهُ الْخَصَامُ (۲۰۴)

و از میان مردم کسی است که در زندگی این دنیا سخنش تو را به تعجب وامی‌دارد ، و خدا را بر آنچه در دل دارد گواه می‌گیرد ، و حال آنکه او سخت‌ترین دشمنان است .

(البقرة، ۲۰۴)

وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثُ وَ النَّسْلُ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ (۲۰۵)

و چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد ، و خداوند تباہکاری را دوست ندارد .

(البقرة، ۲۰۵)

وَ إِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَ لَيْسَ الْمُهَادُّ (۲۰۶)

و چون به او گفته شود: « از خدا پروا کن » نخوت ، وی را به گناه کشاند . پس جهنم برای او بس است ، و چه بد بستری است .

(البقرة، ۲۰۶)

وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَعُوفٌ بِالْعِبَادِ (۲۰۷)

و از میان مردم کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می‌فروشد ، و خدا نسبت به [این] بندگان مهربان است .

(البقرة، ۲۰۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (۲۰۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، همگی به اطاعت [خدا] درآیید ، و گامهای شیطان را دنبال نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است .

(البقرة، ۲۰۸)

فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَاَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲۰۹)

و اگر پس از آنکه برای شما دلایل آشکار آمد ، دستخوش لغزش شدید ، بدانید که خداوند توانای حکیم است .

(البقرة، ۲۰۹)

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۲۱۰)

مگر انتظار آنان غیر از این است که خدا و فرشتگان ، در [زیر] سایبانهایی از ابر سپید به سوی آنان بیایند و کار [داوری] یکسره شود ؟ و کارها به سوی خدا بازگردانده می‌شود .

(البقرة، ۲۱۰)

سَلِّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَ مَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۲۱۱)

از فرزندان اسرائیل بپرس : چه بسیار نشانه‌های روشنی به آنان دادیم و هر کس نعمت خدا را پس از آنکه برای او آمد [به کفران] بدل کند ، خدا سخت‌کیفر است .

(البقرة، ۲۱۱)

زَيْنَ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا النُّحْيَةَ الدُّنْيَا وَاسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ اتَّقُوا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ اللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۲۱۲)

زندگی دنیا در چشم کافران آراسته شده است ، و مؤمنان را ریشخند می‌کنند و [حال آنکه] کسانی که تقوایبشده بوده‌اند ، در روز رستاخیز ، از آنان برترند و خدا به هر که بخواهد ، بی‌شمار روزی می‌دهد .

(البقرة، ۲۱۲)

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اختلفُوا فِيهِ وَ مَا اختلفت فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أوتوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بِيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اختلفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَ اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۲۱۳)

مردم ، امتی یگانه بودند ؛ پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیدهنده برانگیخت ، و با آنان ، کتاب [خود] را بحق فرو فرستاد ، تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند . و جز کسانی که [کتاب] به آنان داده شد پس از آنکه دلایل روشن برای آنان آمد به خاطر ستم [و حسدی] که میانشان بود ، [هیچ کس] در آن اختلاف نکرد . پس خداوند آنان را که ایمان آورده بودند ، به توفیق خویش ، به حقیقت آنچه که در آن اختلاف داشتند ، هدایت کرد . و خدا هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند .

(البقرة، ۲۱۳)

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْتُمُ الْبِئْسَاءُ وَ الصَّرَءَاءُ وَ زُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرَ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ (۲۱۴)

آیا پنداشتید که داخل بهشت می‌شوید و حال آنکه هنوز مانند آنچه بر [سر] پیشینیان شما آمد ، بر [سر] شما نیامده است ؟ آنان دچار سختی و زیان شدند و به [هول و] تکان درآمدند ، تا جایی که پیامبر [خدا] و کسانی که با وی ایمان آورده بودند گفتند : « یاری خدا کی خواهد بود ؟ » هس دار ، که پیروزی خدا نزدیک است .

(البقرة، ۲۱۴)

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (۲۱۵)

از تو می‌پرسند : « چه چیزی انفاق کنند [و به چه کسی بدهند] ؟ » بگو : « هر مالی انفاق کنید ، به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مسکینان و به در راهمانده تعلق دارد ، و هر گونه نیکی کنید البته خدا به آن داناست . »

(البقرة، ۲۱۵)

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كُرْهٌ لَكُمْ وَ عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ عَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۲۱۶)

بر شما کارزار واجب شده است ، در حالی که برای شما ناگوار است . و بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است ، و بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است ، و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید .

(البقرة، ۲۱۶)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَ صَدٌّ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَ كُفْرٌ بِهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ إِخْرَاجِ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَ الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَ لَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَزُولُوا عَنْ دِينِكُمْ إِنْ اسْتَطَاعُوا وَ مَنْ يَزِدْكُمْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فِيمَتٌ وَ هُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۱۷)

از تو در باره کارزار در ماه حرام می‌پرسند . بگو : « کارزار در آن ، گناهی بزرگ و باز داشتن از راه خدا و کفر ورزیدن به او و [باز داشتن از] مسجد الحرام [حج] ، و بیرون راندن اهل آن از آنجا ، نزد خدا [گناهی] بزرگتر ، و فتنه [شرک] از کشتار بزرگتر است . » و آنان پیوسته با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند . و کسانی از شما که از دین خود برگردند و در حال کفر بمیرند ، آنان کردارهایشان در دنیا و آخرت تباه می‌شود ، و ایشان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود .

(البقرة، ۲۱۷)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۱۸)

آنان که ایمان آورده ، و کسانی که هجرت کرده و راه خدا جهاد نموده‌اند ، آنان به رحمت خدا امیدوارند ، خداوند آمرزنده مهربان است .

(البقرة، ۲۱۸)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخُمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلْ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (۲۱۹)

در باره شراب و قمار ، از تو می‌پرسند ، بگو : « در آن دو ، گناهی بزرگ ، و سودهایی برای مردم است ، و [لی] گناهشان از سودشان بزرگتر است . » و از تو می‌پرسند : « چه چیزی انفاق کنند ؟ » بگو : « ما زیاد [بر نیازمندی خود] را . این گونه ، خداوند آیات [خود را] برای شما روشن می‌گرداند ، باشد که در [کار] دنیا و آخرت بیندیشید .

(البقرة، ۲۱۹)

فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَ إِنْ تَخَالَطَوْهُمْ فَأَخْوَائِكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ الْمُنْفَسِدِ مِنَ الْمُصْلِحِ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَغْنَتْكُمْ عَنْ اللَّهِ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲۲۰)

و در باره یتیمان از تو می‌پرسند ، بگو : « به صلاح آنان کار کردن بهتر است ، و اگر با آنان همزیستی کنید ، برادران [دینی] شما هستند . و خدا تباهاکار را از دستکار بازمی‌شناسد . » و اگر خدا می‌خواست [در این باره] شما را به دشواری می‌انداخت . آری ، خداوند توانا و حکیم است .

(البقرة، ۲۲۰)

وَلَا تَتَّبِعُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَ لِأُمَّةٍ مُّؤْمِنَةٍ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَ لَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَ لَا تُتَّبِعُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَ لَعَبَدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَ لَوْ أَعْجَبَتْكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ اللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَ الْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَ يُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۲۲۱)

و با زنان مشرک ازدواج مکنید ، تا ایمان بیاورند . قطعاً کنیز با ایمان بهتر از زن مشرک است ، هر چند [زیبایی] او شما را به شگفت آورد . و به مردان مشرک زن مدهید تا ایمان بیاورند . قطعاً برده با ایمان بهتر از مرد آزاد مشرک است ، هر چند شما را به شگفت آورد . آنان [شما را] به سوی آتش فرا می‌خوانند ، و خدا به فرمان خود ، [شما را] به سوی بهشت و امرزش می‌خواند ، و آیات خود را برای مردم روشن می‌گرداند ، باشد که متذکر شوند .

(البقرة، ۲۲۱)

وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَدَىٰ فَأَعْتَرِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَ لَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ (۲۲۲)

از تو در باره عادت ماهانه [زنان] می‌پرسند ، بگو : « آن ، رنجی است . پس هنگام عادت ماهانه ، از [آمیزش با] زنان کناره گیری کنید ، و به آنان نزدیک نشوید تا پاک شوند . پس چون پاک شدند ، از همان جا که خدا به شما فرمان داده است ، با آنان آمیزش کنید . » خداوند توبه‌کاران و پاکیزگان را دوست می‌دارد .

(البقرة، ۲۲۲)

يَسْأَلُكُمْ حَرْبٌ لَّكُمْ فَأْتُوا حُرَّتَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ وَ قَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مَلَائِقُهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (۲۲۳)

زنان شما کشتزار شما هستند . پس ، از هر جا [و هر گونه] که خواهید به کشتزار خود [در] آید ، و برای شخص خودتان [در بهره‌مندی از آنها] پیشدستی کنید و از خدا پروا کنید و بدانید که او را دیدار خواهید کرد ، و مؤمنان را [به این دیدار] مژده ده .

(البقرة، ۲۲۳)

وَ لَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَ تَتَّقُوا وَ تَصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۲۴)

و خدا را دستاویز سوگندهای خود قرار مدهید ، تا [بدین بهانه] از نیکوکاری و پرهیزگاری و سازش دادن میان مردم [باز ایستید] ، و خدا شنوای داناست .

(البقرة، ۲۲۴)

لَا يَأْخُذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَ لَكِنْ يَأْخُذُكُمْ بِمَا كَسَبْتُمْ فُلُوبِكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ (۲۲۵)

خداوند شما را به سوگندهای لغوتان مواخذه نمی‌کند ، ولی شما را بدانچه دلهایتان [از روی عمد] فراهم آورده است ، مواخذه می‌کند ، و خدا آمرزنده بردبار است .

(البقرة، ۲۲۵)

لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصًا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاعُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۲۶)

برای کسانی که به ترک هموابیگی با زنان خود ، سوگند می‌خورند [ایلاء] ، چهار ماه انتظار [و مهلت] است ، پس اگر [به آشتی] بازآیند ، خداوند آمرزنده مهربان است .

(البقرة، ۲۲۶)

وَ إِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۲۷)

و اگر آهنگ طلاق کردند ، در حقیقت خدا شنوای داناست .

(البقرة، ۲۲۷)

وَ الْمُطَّلَقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَ لَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ بَعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لِلرِّجَالِ عَلَيْهِمْ دَرَجَةٌ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲۲۸)

و زنان طلاق داده شده ، باید مدت سه پاکی انتظار کشند ، و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارند ، برای آنان روا نیست که آنچه را خداوند در رحم آنان آفریده ، پوشیده دارند ؛ و شوهرانشان اگر سر آشتی دارند ، به بازآوردن آنان در این [مدت] سزوارترند . و مانند همان [وظایفی] که بر عهده زنان است ، به طور شایسته ، به نفع آنان [بر عهده مردان] است ، و مردان بر آنان درجه برتری دارند ، و خداوند توانا و حکیم است .

(البقرة، ۲۲۸)

الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ وَ لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ حَفِظْتُمَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۲۲۹)

طلاق [رجعی] دو بار است . پس از آن یا [باید زن را] بخوبی نگاه داشتن ، یا بشایستگی آزاد کردن . و برای شما روا نیست که از آنچه به آنان داده‌اید ، چیزی بازستانید . مگر آنکه [طرفین] در به یا داشتن حدود خدا بیمناک باشند . پس اگر بیم دارید که آن دو ، حدود خدا را برپای نمی‌دارند ، در آنچه که [زن برای آزاد کردن خود] فدیة دهد ، گناهی بر ایشان نیست . این است حدود [احکام] الهی ؛ پس ، از آن تجاوز مکنید . و کسانی که از حدود [احکام] الهی تجاوز کنند ، آنان همان ستمکارانند .

(البقرة، ۲۲۹)

فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَ تَلَاكَ حُدُودُ اللَّهِ بَيْنَهُمَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۲۳۰)

و اگر [شوهر برای بار سوم] او را طلاق گفت ، پس از آن ، دیگر [آن زن] برای او حلال نیست ، تا اینکه با شوهری غیر از او ازدواج کند [و با او همخوابگی نماید] . پس اگر [شوهر دوم] وی را طلاق گفت ، اگر آن دو [همسر سابق] پندارند که حدود خدا را برپا می‌دارند ، گناهی بر آن دو نیست که به یکدیگر بازگردند . و اینها حدود [احکام] الهی است که آن را برای قومی که می‌دانند ، بیان می‌کند .

(البقرة، ۲۳۰)

وَ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأُمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَ لَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَاراً لِيَتَّعْتَدُوا وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَ لَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُواً وَ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ مَا أُنزِلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَ الْحِكْمَةِ يَعِظْكُمْ بِهِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۲۳۱)

و چون زنان را طلاق گفتید ، و به پایان عده خویش رسیدند ، پس بخوبی نگاهشان دارید یا بخوبی آزادشان کنید . و [لی] آنان را برای [آزار و] زیان رساندن [به ایشان] نگاه مدارید تا [به حقوقشان] تعدی کنید . و هر کس چنین کند ، قطعاً بر خود ستم نموده است . و آیات خدا را به ریشخند مگیرید ، و نعمت خدا را بر خود و آنچه را که از کتاب و حکمت بر شما نازل کرده و به [وسیله] آن به شما اندرز می‌دهد ، به یاد آورید ؛ و از خدا پروا داشته باشید ، و بدانید که خدا به هر چیزی داناست .

(البقرة، ۲۳۱)

وَ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضُوا بَيْنَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ أَرْزَى لَكُمْ وَ أَطَهَرَ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۲۳۲)

و چون زنان را طلاق گفتید ، و عده خود را به پایان رساندند ، آنان را از ازدواج با همسران [سابق] خود ، چنانچه بخوبی یا یکدیگر تراضی نمایند ، جلوگیری نکنید . هر کس از شما به خدا و روز بازپسین ایمان دارد ، به این [دستورها] پند داده می‌شود . [مراعات] این امر برای شما پربرکت‌تر و پاکیزه‌تر است ، و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید .

(البقرة، ۲۳۲)

وَ الْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُبْرِئَ الرِّضَاعَ وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ وَ الْوَالِدُ لَهُ بِوَالِدِهِ وَ عَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالاً عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْرِضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا اتَّيَمُّ بِالْمَعْرُوفِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۲۳۳)

و مادران [باید] فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند . [این حکم] برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند . و خوراک و پوشاک آنان [مادران] ، به طور شایسته ، بر عهده پدر است . هیچ کس جز به قدر وسعتش مکلف نمی‌شود . هیچ مادری نباید به سبب فرزندش زیان ببیند ، و هیچ پدری [نیز] نباید به خاطر فرزندش [ضرر ببیند] . و مانند همین [احکام] بر عهده وارث [نیز] هست . پس اگر [پدر و مادر] بخواهند با رضایت و صوابدید یکدیگر ، کودک را [زودتر] از شیر بازگیرند ، گناهی بر آن دو نیست . و اگر خواستید برای فرزندان خود دایه بگیرید ، بر شما گناهی نیست ، به شرط آنکه چیزی را که پرداخت آن را به عهده گرفته‌اید ، به طور شایسته بپردازید . و از خدا پروا کنید و بدانید که خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست .

(البقرة، ۲۳۳)

وَ الَّذِينَ يَتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَ يُذَرُونَ أَزْوَاجاً يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۲۳۴)

و کسانی از شما که می‌میرند و همسرانی بر جای می‌گذارند ، [همسران] چهار ماه و ده روز انتظار می‌برند ؛ پس هر گاه عده خود را به پایان رساندند ، در آنچه آنان به نحو پسندیده درباره خود انجام دهند ، گناهی بر شما نیست ، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است .

(البقرة، ۲۳۴)

وَ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عِلْمَ اللَّهِ أَنَّهُ أَنْتُمْ سَنَذَكَّرُوهُنَّ وَ لَكِنْ لَا تَوَاعِدُوهُنَّ سِرّاً إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلاً مَعْرُوفاً وَ لَا تَعْرَضُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابَ أَجَلَهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَفُورٌ حَلِيمٌ (۲۳۵)

و درباره آنچه شما به طور سربسته ، از زنان [در عده وفات] خواستگاری کرده ، یا [آن را] در دل پوشیده داشته‌اید ، بر شما گناهی نیست . خدا می‌دانست که [شما] به زودی به یاد آنان خواهید افتاد ، ولی با آنان قول و قرار پنهانی مگذارید ، مگر آنکه سخنی پسندیده بگویید . و به عقد زناشویی تصمیم مگیرید ، تا زمان مقرر به سرآید ، و بدانید که خداوند آنچه را در دل دارید می‌داند . پس ، از [مخالفت] او بترسید ، و بدانید که خداوند آمرزنده و بردبار است .

(البقرة، ۲۳۵)

لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفَرَّضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَ مَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرَهُ وَ عَلَى الْمُقْتِرِ قَدْرَهُ مَتَاعاً بِالْمَعْرُوفِ حَقّاً عَلَى الْمُحْسِنِينَ (۲۳۶)

اگر زنان را ، مادامی که با آنان نزدیکی نکرده یا برایشان مه‌ری معین نکرده‌اید ، طلاق بگویید ، بر شما گناهی نیست ، و آنان را به طور پسندیده ، به نوعی بهره‌مند کنید توانگر به اندازه [توان] خود ، و تنگدست به اندازه [وسع] خود . [این کاری است] شایسته نیکوکاران .

(البقرة، ۲۳۶)

وَ إِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَ قَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَيَصِفْ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بَيْنَهُمْ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَ أَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَ لَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۲۳۷)

و اگر پیش از آنکه با آنان نزدیکی کنید ، طلاقشان گفتید ، در حالی که برای آنان مهری معین کرده‌اید ، پس نصف آنچه را تعیین نموده‌اید [به آنان بدهید] ، مگر اینکه آنان خود ببخشند ، یا کسی که پیوند نکاح به دست اوست ببخشد ؛ و گذشت کردن شما به تقوا نزدیکتر است . و در میان یکدیگر بزرگواری را فراموش نکنید ، زیرا خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست .

(البقرة، ۲۳۷)

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ (۲۳۸)

بر نمازها و نماز میانه مواظبت کنید ، و خاضعانه برای خدا به پا خیزید .

(البقرة، ۲۳۸)

فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَاتًا فَإِذَا أَمْنْتُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (۲۳۹)

پس اگر بیم داشتید ، پیاده یا سواره [نماز کنید] ؛ و چون ایمن شدید ، خدا را یاد کنید که آنچه نمی‌دانستید به شما آموخت .

(البقرة، ۲۳۹)

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲۴۰)

و کسانی از شما که مرگشان فرا می‌رسد ، و همسرانی بر جای می‌گذارند ، [باید] برای همسران خویش وصیت کنند که آنان را تا یک سال بهرمنند سازند و [از خانه شوهر] بیرون نکنند . پس اگر بیرون بروند ، در آنچه آنان به طور پسندیده درباره خود انجام دهند ، گناهی بر شما نیست . و خداوند توانا و حکیم است .

(البقرة، ۲۴۰)

وَاللَّمْطَلَقَاتِ مَتَاعٍ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ (۲۴۱)

و فرض است بر مردان پرهیزگار که زنان طلاق داده شده را بشایستگی چیزی دهند .

(البقرة، ۲۴۱)

كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۲۴۲)

بدین گونه ، خداوند آیات خود را برای شما بیان می‌کند ، باشد که بیندیشید .

(البقرة، ۲۴۲)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ (۲۴۳)

آیا از [حال] کسانی که از بیم مرگ از خانه‌های خود خارج شدند ، و هزاران تن بودند ، خبر نیافتی ؟ پس خداوند به آنان گفت : « تن به مرگ بسپارید » آن گاه آنان را زنده ساخت . آری ، خداوند نسبت به مردم ، صاحب بخشش است ، ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند .

(البقرة، ۲۴۳)

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۴۴)

و در راه خدا کارزار کنید ، و بدانید که خداوند شنوای داناست .

(البقرة، ۲۴۴)

مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَ يَبْسُطُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۲۴۵)

کیست آن کس که به [بندگان] خدا وام نیکویی دهد تا [خدا] آن را برای او چند برابر بیفزاید ؟ و خداست که [در معیشت بندگان] تنگی و گشایش پدید می‌آورد ؛ و به سوی او بازگردانده می‌شود .

(البقرة، ۲۴۵)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلِإِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّهِمْ لَهُمْ إِنِيعَتْ لَنَا مَلَكًا نَقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَ مَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ قَدْ أَخْرَجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَ أَبْنَانِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (۲۴۶)

آیا از [حال] سران بنی اسرائیل پس از موسی خبر نیافتی آن گاه که به پیامبری از خود گفتند : « پادشاهی برای ما بگمار تا در راه خدا بپیکار کنیم » ، [آن پیامبر] گفت : « اگر جنگیدن بر شما مقرر گردد ، چه بسا بپیکار نکنید . » گفتند : « چرا در راه خدا نجنگیم با آنکه ما از دیارمان و از [نزد] فرزندانمان بیرون رانده شده‌ایم . » پس هنگامی که جنگ بر آنان مقرر شد ، جز شماری اندک از آنان ، [همگی] پشت کردند ، و خداوند به [حال] ستمکاران داناست .

(البقرة، ۲۴۶)

وَ قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَ نَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَ لَمْ يُؤْتْ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِظْمِ وَ الْجِسْمِ وَ اللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَةً مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (٢٤٧)

و پیامبرشان به آنان گفت : « در حقیقت ، خداوند ، طالوت را بر شما به پادشاهی گماشته است . » گفتند : « چگونه او را بر ما پادشاهی باشد با آنکه ما به پادشاهی از وی سزاوارتریم و به او از حیث مال ، گشایشی داده نشده است ؟ » پیامبرشان گفت : « در حقیقت ، خدا او را بر شما برتری داده ، و او را در دانش و [نیروی] بدن بر شما برتری بخشیده است ، و خداوند پادشاهی خود را به هر کس که بخواهد می‌دهد ، و خدا گشایشگر داناست . »

(البقرة، ٢٤٧)

وَ قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَ بَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَ آلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُمُ الَّذِينَ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (٢٤٨)

و پیامبرشان بدیشان گفت : « در حقیقت ، نشانه پادشاهی او این است که آن صندوق [عهد] که در آن آرامش خاطر از جانب پروردگارتان ، و بازمانده‌ای از آنچه خاندان موسی و خاندان هارون [در آن] بر جای نهاده‌اند در حالی که فرشتگان آن را حمل می‌کنند به سوی شما خواهد آمد . مسلماً اگر مؤمن باشید ، برای شما در این [رویداد] نشانه‌ای است . »

(البقرة، ٢٤٨)

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَ مَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٌ عَلَيَتْ فِتْنَةٌ كَثِيرَةٌ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (٢٤٩)

و چون طالوت با لشکریان [خود] بیرون شد ، گفت : « خداوند شما را به وسیله رودخانه‌ای خواهد آزمود . پس هر کس از آن بنوشد از [پیروان] من نیست ، و هر کس از آن نخورد ، قطعاً او از [پیروان] من است ، مگر کسی که با دستش کفی برگردد . پس [همگی] جز اندکی از آنها ، از آن نوشیدند . و هنگامی که [طالوت] با کسانی که همراه وی ایمان آورده بودند ، از آن [نهر] گذشتند ، گفتند : « امروز ما را یاری [مقابله با] جالوت و سپاهیانش نیست . » کسانی که به دیدار خداوند یقین داشتند ، گفتند : « بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار ، به اذن خدا پیروز شدند ، و خداوند با شکیبایان است . »

(البقرة، ٢٤٩)

وَ لَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (٢٥٠)

و هنگامی که با جالوت و سپاهیانش روبرو شدند ، گفتند : « پروردگارا ، بر [دلهای] ما شکیبایی فرو ریز ، و گامهای ما را استوار دار ، و ما را بر گروه کافران پیروز فرمای . »

(البقرة، ٢٥٠)

فَهَزَمُوهُم بِإِذْنِ اللَّهِ وَ قَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَ الْحِكْمَةَ وَ عَلَّمَهُ مَا يَشَاءُ وَ لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَ لَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ (251)

پس آنان را به اذن خدا شکست دادند ، و داوود ، جالوت را کشت ، و خداوند به او پادشاهی و حکمت ارزانی داشت ، و از آنچه می‌خواست به او آموخت . و اگر خداوند برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد ، قطعاً زمین تباہ می‌گردید . ولی خداوند نسبت به جهانیان تفضل دارد .

(البقرة، ٢٥١)

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَنْتَلُوها عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (٢٥٢)

این [ها] آیات خداست که ما آن را بحق بر تو می‌خوانیم ، و به راستی تو از جمله پیامبرانی .

(البقرة، ٢٥٢)

تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَ رَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَ آتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَ أَيْدِنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتَلْنَا الَّذِينَ مِنْ بَدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَ لَكِنْ ائْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَ مِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتَلْنَا وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ (٢٥٣)

برخی از آن پیامبران را بر برخی دیگر برتری بخشیدیم . از آنان کسی بود که خدا با او سخن گفت و درجات بعضی از آنان را بالا برد ؛ و به عیسی پسر مریم دلایل آشکار دادیم ، و او را به وسیله روح القدس تأیید کردیم ؛ و اگر خدا می‌خواست ، کسانی که پس از آنان بودند ، بعد از آن [همه] دلایل روشن که برایشان آمد ، به کشتار یکدیگر نمی‌پرداختند ، ولی با هم اختلاف کردند ؛ پس ، بعضی از آنان کسانی بودند که ایمان آوردند ، و بعضی از آنان کسانی بودند که کفر ورزیدند ؛ و اگر خدا می‌خواست با یکدیگر جنگ نمی‌کردند ، ولی خداوند آنچه را می‌خواهد انجام می‌دهد .

(البقرة، ٢٥٣)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِمَّا زَرَفْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَ لَا خَلَّةَ وَ لَا شَفَاعَةَ وَ الْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ (٢٥٤)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید ، پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی است و نه دوستی و نه شفاعتی . و کافران خود ستمکارانند .

(البقرة، ٢٥٤)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَ لَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ وَ لَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَ سِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضُ وَ لَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ (٢٥٥)

خداست که معبودی جز او نیست؛ زنده و برپادارنده است؛ نه خوابی سبک او را فرو می‌گیرد و نه خوابی گران؛ آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست. کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟ آنچه در پیش روی آنان و آنچه در پشت سرشان است می‌داند. و به چیزی از علم او، جز به آنچه بخواهد، احاطه نمی‌یابد. کرسی او آسمانها و زمین را در بر گرفته، و نگهداری آنها بر او دشوار نیست، و اوست والای بزرگ.

(البقرة، ۲۵۵)

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۵۶)

در دین هیچ اجباری نیست. و راه از بیراهه بخوبی آشکار شده است. پس هر کس به طاغوت کفر ورزد، و به خدا ایمان آورد، به یقین، به دستاویزی استوار، که آن را گسستن نیست، چنگ زده است. و خداوند شنوای داناست.

(البقرة، ۲۵۶)

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۵۷)

خداوند سرور کسانی است که ایمان آورده‌اند. آنان را از تاریکیها به سوی روشنایی به در می‌برد. و [لی] کسانی که کفر ورزیده‌اند، سرورانشان [همان عصیانگران] طاغوتند، که آنان را از روشنایی به سوی تاریکیها به در می‌برند. آنان اهل آتشند که خود، در آن جاودانند.

(البقرة، ۲۵۷)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ حَاجَّ إِبرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۲۵۸)

آیا از [حال] آن کس که چون خدا به او پادشاهی داده بود [و بدان می‌نازید، و] با ابراهیم درباره پروردگارش محاجه [می] کرد، خبر نیافتی؟ آن گاه که ابراهیم گفت: «پروردگار من همان کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند.» گفت: «من [هم] زنده می‌کنم و [هم] می‌میرانم.» ابراهیم گفت: «خدا [ی من] خورشید را از خاور برمی‌آورد، تو آن را از باختر برآورد.» پس آن کس که کفر ورزیده بود مبهوت ماند. و خداوند قوم ستمکار را هدایت نمی‌کند.

(البقرة، ۲۵۸)

أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوها لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲۵۹)

یا چون آن کس که به شهری که بامهایش یکسر فرو ریخته بود، عبور کرد؛ [و با خود می] گفت: «چگونه خداوند، [اهل] این [ویرانده] را پس از مرگشان زنده می‌کند؟». پس خداوند، او را [به مدت] صد سال میراند. آن گاه او را برانگیخت، [و به او] گفت: «چقدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز یا پاره‌ای از روز را درنگ کردم.» گفت: «نه [نه] بلکه صد سال درنگ کردی، به خوراک و نوشیدنی خود بنگر [که طعم و رنگ آن] تغییر نکرده است، و به درازگوش خود نگاه کن [که چگونه متلاشی شده است. این ماجرا برای آن است که هم به تو پاسخ گوئیم] و هم تو را [در مورد معاد] نشانه‌ای برای مردم قرار دهیم. و به [این] استخوانها بنگر، چگونه آنها را برداشته به هم پیوند می‌دهیم؛ سپس گوشت بر آن می‌پوشانیم.» پس هنگامی که [چگونگی زنده ساختن مرده] برای او آشکار شد، گفت: «[اکنون] می‌دانم که خداوند بر هر چیزی تواناست.»

(البقرة، ۲۵۹)

وَ إِذْ قَالَ إِبرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَ لَئِن لِّيُطَمِّنُنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِنَّكَ تَمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَ اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲۶۰)

و [یاد کن] آن گاه که ابراهیم گفت: «پروردگارا، به من نشان ده؛ چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟» فرمود: «مگر ایمان نیاورده‌ای؟» گفت: «چرا، ولی تا دلم آرامش یابد.» فرمود: «پس، چهار پرنده برگیر، و آنها را پیش خود، ریز ریز گردان؛ سپس بر هر کوهی پاره‌ای از آنها را قرار ده؛ آن گاه آنها را فرا خوان، شتابان به سوی تو می‌آیند، و بدان که خداوند توانا و حکیم است.»

(البقرة، ۲۶۰)

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَتَتْ مَنَآئِلَ نَجْمٍ كَمَا تَبْتَدُّ السَّمَاءُ مِنَ السَّمَاءِ لَمَّا يَنفُثُ السَّحَابَ بَلَىٰ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (۲۶۱)

مثال [صدقات] کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه‌ای صد دانه باشد؛ و خداوند برای هر کس که بخواهد [آن را] چند برابر می‌کند، و خداوند گشایشگر داناست.

(البقرة، ۲۶۱)

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَ لَا أَدَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲۶۲)

کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، سپس در پی آنچه انفاق کرده‌اند، منت و آزاری روا نمی‌دارند، پاداش آنان برایشان نزد پروردگارشان [محفوظ] است، و بیمی بر آنان نیست و اندوهگین نمی‌شوند.

(البقرة، ۲۶۲)

قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَ مَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَدَىٰ وَ اللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ (۲۶۳)

گفتاری پسندیده [در برابر نیازمندان] و گذشت [از اصرار و تندی آنان] بهتر از صدقه‌ای است که آزاری به دنبال آن باشد ، و خداوند بی‌نیاز بردبار است .

(البقرة، ۲۶۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُثْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانَ عَلَيْهِ تَرَابٌ فَاَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (۲۶۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، صدقه‌های خود را با منت و آزار ، باطل نکنید ، مانند کسی که مالش را برای خودنمایی به مردم ، انفاق می‌کند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارد . پس مثل او همچون مثل سنگ خرابی است که بر روی آن ، خاکی [نشسته] است ، و رگیاری به آن رسیده و آن [سنگ] را سخت و صاف بر جای نهاده است . آنان [ریکاران] نیز از آنچه به دست آورده‌اند ، بهره‌ای نمی‌برند ؛ و خداوند ، گروه کافران را هدایت نمی‌کند .

(البقرة، ۲۶۴)

وَ مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ وَ تَثْبِيْتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بَرِيْرَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۲۶۵)

و مثل [صدقات] کسانی که اموال خویش را برای طلب خشنودی خدا و استواری روحشان انفاق می‌کنند ، همچون مثل باغی است که بر فراز پشت‌های قرار دارد [که اگر] رگیاری بر آن برسد ، دو چندان محصول برآورد ، و اگر رگیاری هم بر آن نرسد ، باران ریزی [برای آن بس است] ، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست .

(البقرة، ۲۶۵)

أَيُّدٌ أَخَذْتُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَ أَغْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَ أَصَابَهُ الْكِبْرُ وَ لَهُ ذُرِّيَّةٌ ضِعْفَاءُ فَاَصَابَهَا إِغْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاخْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۲۶۶)

آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد که از زیر آنها نهرها روان است ، و برای او در آن [باغ] از هر گونه میوه‌ای [فراهم] باشد ، و در حالی که او را پیری رسیده و فرزندان خردسال دارد ، [ناگهان] گردبادی آتشین بر آن [باغ] زند و [باغ] یکسر [بسوزد]؟ این گونه ، خداوند آیات [خود] را برای شما روشن می‌گرداند ، باشد که شما بیندیشید .

(البقرة، ۲۶۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِنْ طَبَيَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَ مِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ لَا تَيْمَمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَ لَسْتُمْ بِأَخِيْهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (۲۶۷)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، از چیزهای پاکیزه‌ای که به دست آورده‌اید ، و از آنچه برای شما از زمین برآورده‌ایم ، انفاق کنید ، و در پی ناپاک آن نروید که [از آن] انفاق نمانید ، در حالی که آن را [اگر به خودتان می‌دانند] جز با چشم‌پوشی [و بی‌میلی] نسبت به آن ، نمی‌گرفتید ، و بدانید که خداوند ، بی‌نیاز ستوده [صفات] است .

(البقرة، ۲۶۷)

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَ يَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَ اللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَ فَضْلًا وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۲۶۸)

شیطان شما را از تهیدستی بیم می‌دهد و شما را به زشتی وامی‌دارد ؛ و [لی] خداوند از جانب خود به شما وعده آمرزش و بخشش می‌دهد ، و خداوند گشایشگر داناست .

(البقرة، ۲۶۸)

يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَ مَا يَدْرُكُهُ إِلَّا أَوْلُو الْأَلْبَابِ (۲۶۹)

[خدا] به هر کس که بخواهد حکمت می‌بخشد ، و به هر کس حکمت داده شود ، به یقین ، خیری فراوان داده شده است ؛ و جز خردمندان ، کسی پند نمی‌گیرد .

(البقرة، ۲۶۹)

وَ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهَا وَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ (۲۷۰)

و هر نفقه‌ای را که انفاق ، یا هر نذری را که عهد کرده‌اید ، قطعاً خداوند آن را می‌داند ، و برای ستمکاران هیچ یابوری نیست .

(البقرة، ۲۷۰)

إِن تَبَدَّلُوا الصَّدَقَاتِ فَبِعَمَاءٍ هِيَ وَ إِن تَحْفَوْهَا وَ تُوْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهِيَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ يَكْفُرْ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۲۷۱)

اگر صدقه‌ها را آشکار کنید ، این ، کار خوبی است ، و اگر آن را پنهان دارید و به مستمندان بدهید ، این برای شما بهتر است ؛ و بخشی از گناهانتان را می‌زداید ، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است .

(البقرة، ۲۷۱)

لَيْسَ عَلَيْكُمْ هَذَا هَمٌّ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ مَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلْيَأْتِكُمْ وَ مَا تَنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَ مَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤْتِ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تَنْظُمُونَ (۲۷۲)

هدایت آنان بر عهده تو نیست ، بلکه خدا هر که را بخواهد هدایت می‌کند ، و هر مالی که انفاق کنید ، به سود خود شماست ، و [لی] جز برای طلب خشنودی خدا انفاق نکنید ، و هر مالی را که انفاق کنید [پاداش آن] به طور کامل به شما داده خواهد شد و ستمی بر شما نخواهد رفت .

(البقرة، ۲۷۲)

لِنُقْفِرَ الَّذِينَ أَحْبَسُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْباً فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعْقُفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِخْفَافاً وَ مَا تَنْقُفُوا مِنْ خَبْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (۲۷۳)

[این صدقات] برای آن [دسته از] نیازمندیانی است که در راه خدا فرومانده‌اند ، و نمی‌توانند [برای تأمین هزینه زندگی] در زمین سفر کنند . از شدت خویشتن‌داری ، فرد بی‌اطلاع ، آنان را توانگر می‌پندارد . آنها را از سیمایشان می‌شناسی . با اصرار ، [چیزی] از مردم نمی‌خواهند . و هر مالی [به آنان] انفاق کنید ، قطعاً خدا از آن آگاه است .

(البقرة، ۲۷۳)

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرّاً وَعَلاَنِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲۷۴)

کسانی که اموال خود را شب و روز ، و نهان و آشکارا ، انفاق می‌کنند ، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود ؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند .

(البقرة، ۲۷۴)

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقْوَمُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَ أَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَ مَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۷۵)

کسانی که ربا می‌خورند ، [از گور] بر نمی‌خیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس ، آشفته‌سرس کرده است . این بدان سبب است که آنان گفتند : « داد و ستد صرفاً مانند ریاست . » و حال آنکه خدا داد و ستد را حلال ، و ربا را حرام گردانیده است . پس ، هر کس ، اندرزی از جانب پروردگارش بدو رسید ، و [از رباخواری] باز ایستاد ، آنچه گذشته ، از آن اوست ، و کارش به خدا واگذار می‌شود ، و کسانی که [به رباخواری] باز گردند ، آنان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود .

(البقرة، ۲۷۵)

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَ يُزِيهِ الصَّدَقَاتِ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ (۲۷۶)

خدا از [برکت] ربا می‌مکاهد ، و بر صدقات می‌افزاید ، و خداوند هیچ ناسپاس گناهکاری را دوست نمی‌دارد .

(البقرة، ۲۷۶)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲۷۷)

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و نماز بر پا داشته و زکات داده‌اند ، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود ؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند .

(البقرة، ۲۷۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَ ذُرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِنَّ كُفُوفَ مُؤْمِنِينَ (۲۷۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، از خدا پروا کنید ؛ و اگر مؤمنید ، آنچه از ربا باقی مانده است واگذارید .

(البقرة، ۲۷۸)

فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِنْ تَابْتُمْ فَلَكُمْ زُجُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ (۲۷۹)

و اگر [چنین] نکرید ، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده وی ، برخاسته‌اید ؛ و اگر توبه کنید ، سرمایه‌های شما از خودتان است . نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید .

(البقرة، ۲۷۹)

وَ إِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَ أَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۲۸۰)

و اگر [بدهکارتان] تنگدست باشد ، پس تا [هنگام] گشایش ، مهلتی [به او دهید] ؛ و [اگر به راستی قدرت پرداخت ندارد] ، بخشیدن آن برای شما بهتر است اگر بدانید .

(البقرة، ۲۸۰)

وَ اتَّقُوا يَوْماً تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۲۸۱)

و بترسید از روزی که در آن ، به سوی خدا بازگردانده می‌شوید ، سپس به هر کسی [پاداش] آنچه به دست آورده ، تمام داده شود ؛ و آنان مورد ستم قرار نمی‌گیرند .

(البقرة، ۲۸۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَ لِيَكْتَبَ بَيْنَكُمُ الْكَاتِبُ بِالْعَدْلِ وَ لَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَ لِيُمِلَّ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَ لِيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَ لَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئاً فَإِنَّ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهاً أَوْ ضَعِيفاً أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَ اسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَ أَمْرُآتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشَّهَادَةِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَ لَا يَأْبَ الشَّهَادَةُ إِذَا مَا دُعُوا وَ لَا تَسْأَلُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيراً أَوْ كَبِيراً إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَلِكَمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَ أَقْوَمٌ لِلشَّهَادَةِ وَ

أَنْتَى الْأَمْ تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَخُونَ تَجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهَدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يُعَلِّمَكُمْ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (٢٨٢)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، هر گاه به وامی تا سررسیدی معین ، با یکدیگر معامله کردید ، آن را بنویسید . و باید نویسنده‌ای [صورت معامله را] بر اساس عدالت ، میان شما بنویسد . و هیچ نویسنده‌ای نباید از نوشتن خودداری کند ؛ همان گونه [و به شکرانه آن] که خدا او را آموزش داده است . و کسی که بدهکار است باید املا کند ، و او [نویسنده] بنویسد . و از خدا که پروردگار اوست پروا نماید ، و از آن ، چیزی نخاهد . پس اگر کسی که حق بر ذمه اوست ، سقیه یا ناتوان است ، یا خود نمی‌تواند املا کند ، پس ولی او باید با [رعایت] عدالت ، املا نماید . و دو شاهد از مردانتان را به شهادت طلبید ، پس اگر دو مرد نبودند ، مردی را با دو زن ، از میان گواهانی که [به عدالت آنان] رضایت دارید [گواه بگیرید] ، تا [اگر] یکی از آن دو [زن] فراموش کرد ، [زن] دیگر ، وی را یادآوری کند . و چون گواهان احضار شوند ، نباید خودداری ورزند . و از نوشتن [بدهی] چه خرد باشد یا بزرگ ، ملول نشوید ، تا سررسیدش [فرا رسد] . این [نوشتن] شما ، نزد خدا عادلانه‌تر ، و برای شهادت استوارتر ، و برای اینکه دچار شک نشوید [به احتیاط] نزدیکتر است ، مگر آنکه داد و ستدی نقدی باشد که آن را میان خود [دست به دست] برگزار می‌کنید ؛ در این صورت ، بر شما گناهی نیست که آن را ننویسید . و [در هر حال] هر گاه داد و ستد کردید گواه بگیرید . و هیچ نویسنده و گواهی نباید زیان ببیند ، و اگر چنین کنید ، از نافرمانی شما خواهد بود . و از خدا پروا کنید ، و خدا [بدین گونه] به شما آموزش می‌دهد ، و خدا به هر چیزی داناست .

(البقرة، ٢٨٢)

وَ إِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَ لَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الْأَمْنُ أَمَانَتَهُ وَ لِيُتَّقِيَ اللَّهَ رَبَّهُ وَ لَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَ مَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (٢٨٣)

و اگر در سفر بودید و نویسنده‌ای نیافتید وثیقه‌ای بگیرید ؛ و اگر برخی از شما برخی دیگر را امین دانست ، پس آن کس که امین شمرده شده ، باید سپرده وی را بازپس دهد ؛ و باید از خداوند که پروردگار اوست ، پروا کند . و شهادت را کتمان نکنید ، و هر که آن را کتمان کند قلبش گناهکار است ، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید داناست .

(البقرة، ٢٨٣)

بِئَاءَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ إِنْ تُبْدُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُخَاسِبُكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٢٨٤)

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن خداست . و اگر آنچه در دل‌های خود دارید ، آشکار یا پنهان کنید ، خداوند شما را به آن محاسبه می‌کند ؛ آن گاه هر که را بخواهد می‌بخشد ، و هر که را بخواهد عذاب می‌کند ، و خداوند بر هر چیزی تواناست .

(البقرة، ٢٨٤)

أَمَّنَ الرَّسُولُ بَمَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَ الْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ لَا تَفَرَّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ (٢٨٥)

پیامبر [خدا] بدانچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده ایمان آورده است ، و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان و کتابها و فرستادگانش ایمان آورده‌اند [و گفتند :] « میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمی‌گذاریم » و گفتند : « شنیدیم و گردن نهادیم ، پروردگارا ، آموزش تو را [خواستاریم] و فرجام به سوی تو است . »

(البقرة، ٢٨٥)

لَا يَكْفُرُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهِمَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَ لَا تُحْمَلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (٢٨٦)

خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند . آنچه [از خوبی] به دست آورده به سود او ، و آنچه [از بدی] به دست آورده به زیان اوست . پروردگارا ، اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم بر ما مگیر ، پروردگارا ، هیچ بار گرانی بر [دوش] ما مگذار ؛ هم چنان که بر [دوش] کسانی که پیش از ما بودند نهادی . پروردگارا ، و آنچه تاب آن نداریم بر ما تحمیل مکن ؛ و از ما درگذر ؛ و ما را ببخشای و بر ما رحمت آور ؛ سرور ما تویی ؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز کن .

(البقرة، ٢٨٦)

ترتیبها-٣	سوره آل عمران	مدنی-آیاتها-٢٠٠
-----------	---------------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (٠)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(آل عمران، ٠)

الم (١)

الف ، لام ، میم .

(آل عمران، ١)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ (٢)

خداست که هیچ معبود [بحقی] جز او نیست و زنده [پاینده] است .

(ال عمران، ۲)

نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنجِيلَ (۳)

این کتاب را در حالی که مؤید آنچه [از کتابهای آسمانی] پیش از خود می‌باشد ، به حق [و به تدریج] بر تو نازل کرد ، و تورات و انجیل را . . .

(ال عمران، ۳)

مِن قَبْلِ هُدًى لِلنَّاسِ وَأَنزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ (۴)

پیش از آن برای رهنمود مردم فرو فرستاد ، و فرقان [جدا کننده حق از باطل] را نازل کرد . کسانی که به آیات خدا کفر ورزیدند ، بی‌تردید عذابی سخت خواهند داشت ، و خداوند ، شکست‌ناپذیر و صاحب انتقام است .

(ال عمران، ۴)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ (۵)

در حقیقت ، هیچ چیز [نه] در زمین و نه در آسمان بر خدا پوشیده نمی‌ماند .

(ال عمران، ۵)

هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَإِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۶)

اوست کسی که شما را آن گونه که می‌خواهد در رحمها صورتگری می‌کند . هیچ معبودی جز آن توانای حکیم نیست .

(ال عمران، ۶)

هُوَ الَّذِي أَنزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (۷)

اوست کسی که این کتاب [قرآن] را بر تو فرو فرستاد . پاره‌ای از آن ، آیات محکم [صریح و روشن] است . آنها اساس کتابند ؛ و [پاره‌ای] دیگر متشابهاتند [که تاویل‌پذیرند] . اما کسانی که در دلهایشان انحراف است برای فتنه‌جویی و طلب تاویل آن [به دلخواه خود ،] از متشابه آن پیروی می‌کنند ، با آنکه تاویلش را جز خدا و ریشه‌داران در دانش کسی نمی‌داند . [آنان که] می‌گویند : « ما بدان ایمان آوردیم ، همه [چه محکم و چه متشابه] از جانب پروردگار ماست » ، و جز خردمندان کسی متذکر نمی‌شود .

(ال عمران، ۷)

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِدْهِيتِنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (۸)

[می‌گویند :] پروردگارا ، پس از آنکه ما را هدایت کردی ، دلهايمان را دستخوش انحراف مگردان ، و از جانب خود ، رحمتی بر ما ارزانی دار که تو خود بخشایشگری .

(ال عمران، ۸)

رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ (۹)

پروردگارا ، به یقین ، تو در روزی که هیچ تردیدی در آن نیست ، گردآورنده [جمله] مردمانی . قطعاً خداوند در وعده [خود] خلاف نمی‌کند .

(ال عمران، ۹)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ (۱۰)

در حقیقت ، کسانی که کفر ورزیدند ، اموال و اولادشان چیزی [از عذاب خدا] را از آنان دور نخواهد کرد ؛ و آنان خود ، هیزم دوزخند .

(ال عمران، ۱۰)

كَذَّابٌ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۱۱)

[آنان] به شیوه فرعونیان و کسانی که پیش از آنان بودند آیات ما را دروغ شمردند ؛ پس خداوند به [سزای] گناهانشان [گریبان] آنان را گرفت ، و خدا سخت‌کیفر است .

(ال عمران، ۱۱)

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَعْتٌ لَوْ كَفَرُوا سَعْتُيُونَ وَ تُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَ بِئْسَ الْمِهَادَ (۱۲)

به کسانی که کفر ورزیدند بگو : « به زودی مغلوب خواهید شد و [سپس در روز رستاخیز] در دوزخ محشور می‌شوید ، و چه بد بستری است . »

(ال عمران، ۱۲)

قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الَّذِينَ التَّقَاتَا فِئَةٌ تَقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ أُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأْيَ الْعَيْنِ وَ اللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لَأُولِي الْأَبْصَارِ (۱۳)

قطعا در برخورد میان دو گروه ، برای شما نشانه‌ای [و درس عبرتی] بود . گروهی در راه خدا می‌جنگیدند ، و دیگر [گروه] کافر بودند که آنان [مؤمنان] را به چشم ، دو برابر خود می‌دیدند ؛ و خدا هر که را بخواهد به یاری خود تأیید می‌کند ، یقیناً در این [ماجرا] برای صاحبان بینش عبرتی است .

(آل عمران، ۱۳)

زَيْنَ لِلنَّاسِ خُبِّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ النَّبِيِّنَ وَ الْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ الْأَنْعَامِ وَ الْخَزْئِذِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ (۱۴)

دوستی خواستنیها [ی گوناگون] از : زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب‌های نشاندار و دامها و کشتزار [ها] برای مردم آراسته شده ، [لیکن] این جمله ، مایه تمتع زندگی دنیاست ، و [حال آنکه] فرجام نیکو نزد خداست .

(آل عمران، ۱۴)

قُلْ أُنَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ دُنْيِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَ رِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ (۱۵)

بگو : « آیا شما را به بهتر از اینها خبر دهم ؟ برای کسانی که تقوا پیشه کرده‌اند ، نزد پروردگارشان باغهایی است که از زیر [درختان] آنها نهرها روان است ؛ در آن جاودانه بمانند ، و همسرانی پاکیزه و [نیز] خشنودی خدا [را دارند] ، و خداوند به [امور] بندگان [خود] بیناست . »

(آل عمران، ۱۵)

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّا أَمْنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ (۱۶)

همان کسانی که می‌گویند : پروردگارا ، ما ایمان آوردیم ؛ پس گناهان ما را بر ما ببخش ، و ما را از عذاب آتش نگاه دار .

(آل عمران، ۱۶)

الصَّابِرِينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الْقَائِمِينَ وَ الْمُتَّقِينَ وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ (۱۷)

[ایستادان] شکیبایان و راستگویان و فرمانبرداران و انفاق‌کنندگان و آمرزش‌خواهان در سحرگاهان .

(آل عمران، ۱۷)

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱۸)

خدا که همواره به عدل ، قیام دارد ، گواهی می‌دهد که جز او هیچ معبودی نیست ؛ و فرشتگان [او] و دانشوران [نیز گواهی می‌دهند که :] جز او ، که توانا و حکیم است ، هیچ معبودی نیست .

(آل عمران، ۱۸)

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَ مَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًّا بَيْنَهُمْ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۱۹)

در حقیقت ، دین نزد خدا همان اسلام است . و کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده شده ، با یکدیگر به اختلاف نپرداختند مگر پس از آنکه علم برای آنان [حاصل] آمد ، آن هم به سابقه حسدی که میان آنان وجود داشت . و هر کس به آیات خدا کفر ورزد ، پس [بداند] که خدا زود شمار است .

(آل عمران، ۱۹)

فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَ جِهِيَ لِلَّهِ وَ مِنَ اتَّبَعِنِ وَ قُلْ لِلَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ وَ الْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَ اللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ (۲۰)

پس اگر با تو به محاجه برخاستند ، بگو : « من خود را تسلیم خدا نموده‌ام ، و هر که مرا پیروی کرده [نیز خود را تسلیم خدا نموده است] . » و به کسانی که اهل کتابند و به مشرکان بگو : « آیا اسلام آورده‌اید ؟ » پس اگر اسلام آوردند ، قطعاً هدایت یافته‌اند ، و اگر روی برتافتند ، فقط رساندن پیام بر عهده توست ، و خداوند به [امور] بندگان بیناست .

(آل عمران، ۲۰)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۲۱)

کسانی که به آیات خدا کفر می‌ورزند ، و پیامبران را بناحق می‌کشند ، و دادگستران را به قتل می‌رسانند ، آنان را از عذابی دردناک خبر ده .

(آل عمران، ۲۱)

أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (۲۲)

آنان کسانی‌اند که در [این] دنیا و [در سرای] آخرت ، اعمالشان به هدر رفته و برای آنان هیچ یابوری نیست .

(آل عمران، ۲۲)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيْبًا مِنَ الْكِتَابِ يُدْعُونَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ وَهُمْ مُعْرِضُونَ (۲۳)

آیا داستان کسانی را که بهره‌ای از کتاب [تورات] یافته‌اند ندانسته‌ای که [چون] به سوی کتاب خدا فراخوانده می‌شوند تا میانشان حکم کند ، آن گه گروهی از آنان به حال اعراض ، روی برمی‌تابند ؟

(آل عمران، ۲۳)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّاماً مَعْدُودَاتٍ وَ عَرَّهْمُ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۲۴)

این بدان سبب بود که آنان [به پندار خود] گفتند : « هرگز آتش جز چند روزی به ما نخواهد رسید » ، و برساخته‌هایشان آنان را در دینشان فریفته کرده است .

(آل عمران، ۲۴)

فَكَيفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَ وُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْمَؤْنَ (۲۵)

پس چگونه خواهد بود [حالشان] آن گاه که آنان را در روزی که هیچ شکی در آن نیست گرد آوریم ؛ و به هر کس [پاداش] دستاوردش به تمام [و کمال] داده شود و به آنان ستم نرسد ؟

(آل عمران، ۲۵)

قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ تَعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُنْزِلُ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲۶)

بگو : « بار خدایا ، تویی که فرمانفرمایی ؛ هر آن کس را که خواهی ، فرمانروایی بخشی ؛ و از هر که خواهی ، فرمانروایی را باز ستانی ؛ و هر که را خواهی ، عزت بخشی ؛ و هر که را خواهی ، خوار گردانی ؛ همه خوببها به دست توست ، و تو بر هر چیز توانایی . »

(آل عمران، ۲۶)

تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ تُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَ تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ تَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۲۷)

شب را به روز در می‌آوری ، و روز را به شب در می‌آوری ؛ و زنده را از مرده بیرون می‌آوری ، و مرده را از زنده خارج می‌سازی ؛ و هر که را خواهی ، بی‌حساب روزی می‌دهی .

(آل عمران، ۲۷)

لَا يَخْذِبُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمُ تُقَاةً وَ يَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (۲۸)

مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان به دوستی بگیرند ؛ و هر که چنین کند ، در هیچ چیز [او را] از [دوستی] خدا [بهره‌ای] نیست ، مگر اینکه از آنان به نوعی تقیه کنید و خداوند ، شما را از [عقوبت] خود می‌ترساند ، و بازگشت [همه] به سوی خداست .

(آل عمران، ۲۸)

قُلْ إِنْ تَخْفَوْنَ مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ يُعْلَمَهُ اللَّهُ وَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲۹)

بگو : « اگر آنچه در سینه‌های شماست پنهان دارید یا آشکارش کنید ، خدا آن را می‌داند ، و [نیز] آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمین است می‌داند ، و خداوند بر هر چیزی تواناست . »

(آل عمران، ۲۹)

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَ مَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَ بَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَ يَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَ اللَّهُ رَعُوفٌ بِالْعِبَادِ (۳۰)

روزی که هر کسی آنچه کار نیک به جای آورده و آنچه بدی مرتکب شده ، حاضر شده می‌یابد ؛ و آرزو می‌کند : کاش میان او و آن [کارهای بد] فاصله‌ای دور بود . و خداوند ، شما را از [کیفر] خود می‌ترساند ، و [در عین حال] خدا به بندگانش [خود] مهربان است .

(آل عمران، ۳۰)

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۳۱)

بگو : « اگر خدا را دوست دارید ، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهان شما را بر شما ببخشد ، و خداوند آمرزنده مهربان است . »

(آل عمران، ۳۱)

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ (۳۲)

بگو : « خدا و پیامبر [او] را اطاعت کنید . » پس اگر رویگردان شدند ، قطعاً خداوند کافران را دوست ندارد .

(آل عمران، ۳۲)

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ (۳۳)

به یقین ، خداوند ، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داده است .

(آل عمران، ۳۳)

ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۳۴)

فرزندانی که بعضی از آنان از [نسل] بعضی دیگرند ، و خداوند شنوای داناست .

(آل عمران، ۳۴)

إِذْ قَالَتِ امْرَأَةُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۳۵)

چون زن عمران گفت : « پروردگارا ، آنچه در شکم خود دارم نذر تو کردم تا آزاد شده [از مشاغل دنیا و پرستشگر تو] باشد ؛ پس ، از من بپذیر که تو خود شنوای دانایی . »

(آل عمران، ۳۵)

فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَ لَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَ إِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَ إِنِّي أُعِيدُهَا بَكَ وَ ذُرِّيَّتُهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (۳۶)

پس چون فرزندش را بزاد ، گفت : « پروردگارا ، من دختر زاده‌ام و خدا به آنچه او زایید داناست بود و پسر چون دختر نیست ؛ و من نامش را مریم نهادم ، و او و فرزندانش را از شیطان رانده شده ، به تو پناه می‌دهم . »

(آل عمران، ۳۶)

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَ أُنَبِّئُهَا نَبَأًا حَسَنًا وَ كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَ جَدَّ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّىٰ لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۳۷)

پس پروردگارش وی [مریم] را با حسن قبول پذیرا شد و او را نیکو بار آورد ، و زکریا را سرپرست وی قرار داد . زکریا هر بار که در محراب بر او وارد می‌شد ، نزد او [نوعی] خوراکی می‌یافت . [می] گفت : « ای مریم ، این از کجا برای تو [آمده است ؟ او در پاسخ می] گفت : « این از جانب خداست ، که خدا به هر کس بخواهد ، بی‌شمار روزی می‌دهد . »

(آل عمران، ۳۷)

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ (۳۸)

آنجا [بود که] زکریا پروردگارش را خواند [و] گفت : « پروردگارا ، از جانب خود ، فرزندی پاک و پسندیده به من عطا کن ، که تو شنونده دعایی . »

(آل عمران، ۳۸)

فَتَادَتُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ هُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيحْيَىٰ مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ سَيِّدًا وَ حَسْبُوا وَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ (۳۹)

پس در حالی که وی ایستاده [و] در محراب [خود] دعا می‌کرد ، فرشتگان ، او را ندا دردادند که : خداوند تو را به [ولادت] یحیی که تصدیق کننده [حقایق] کلمه اللّٰه [عیسی] است ، و بزرگوار و خویشنندار [پرهیزنده از زنان] و پیامبری از شایستگان است مژده می‌دهد .

(آل عمران، ۳۹)

قَالَ رَبِّ إِنِّي يَخُونُ لِي غُلَامٌ وَ قَدْ بَلَغَنِي الْكِبِيرُ وَ امْرَأَتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ (۴۰)

گفت : « پروردگارا ، چگونه مرا فرزندی خواهد بود ؟ در حالی که پیری من بالا گرفته است و زنم « نازا » است ! [فرشته] گفت : « [کار پروردگار] چنین است . خدا هر چه بخواهد می‌کند . »

(آل عمران، ۴۰)

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْرًا وَ أَذْكَرَ رَبَّكَ كَثِيرًا وَ سَبِّحْ بِالنَّعْشِيِّ وَ الْإِبْكَارِ (۴۱)

گفت : « پروردگارا ، برای من نشانه‌ای قرار ده . » فرمود : « نشانه‌ات این است که سه روز با مردم ، جز به اشاره سخن نگوئی ؛ و پروردگارت را بسیار یاد کن ، و شبانگاه و بامدادان [او را] تسبیح گوی . »

(آل عمران، ۴۱)

وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ (۴۲)

و [یاد کن] هنگامی را که فرشتگان گفتند : « ای مریم ، خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و تو را بر زنان جهان برتری داده است . »

(آل عمران، ۴۲)

يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ (۴۳)

« ای مریم ، فرمانبر پروردگار خود باش و سجده کن و با رکوعکنندگان رکوع نما . »

(آل عمران، ۴۳)

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ (۴۴)

این [جمله] از اخبار غیب است که به تو وحی می‌کنیم ، و [گرته] وقتی که آنان قلمهای خود را [برای قرعه‌کشی به آب] می‌افکندند تا کدام یک سرپرستی مریم را به عهده گیرد ، نزد آنان نبودی ؛ و [نیز] وقتی با یکدیگر کشمکش می‌کردند نزدشان نبودی .

(آل عمران، ۴۴)

إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ (۴۵)

[یاد کن] هنگامی [را] که فرشتگان گفتند : « ای مریم ، خداوند تو را به کلمه‌ای از جانب خود ، که نامش مسیح ، عیسی بن مریم است مژده می‌دهد ، در حالی که [او] در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان [درگاه خدا] است . »

(آل عمران، ۴۵)

وَ يُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَ كَهْلًا وَ مِنَ الصَّالِحِينَ (۴۶)

« و در گهواره [به اعجاز] و در میانسالی [به وحی] با مردم سخن می‌گوید و از شایستگان است . »

(آل عمران، ۴۶)

قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَ لَمْ يَمَسِّنِي بَشَرًا قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (۴۷)

[مریم] گفت : « پروردگارا ، چگونه مرا فرزندی خواهد بود با آنکه بشری به من دست نزده است ؟ » گفت : « چنین است [کار پروردگار] . خدا هر چه بخواهد می‌آفریند ؛ چون به کاری فرمان دهد ، فقط به آن می‌گوید : « باش » ؛ پس می‌باشد . »

(آل عمران، ۴۷)

وَ يُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ (۴۸)

و به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می‌آموزد .

(آل عمران، ۴۸)

وَ رَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ مَهْيَبَةً الطَّيْرَ فَاتَّخِذُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَ الْأَبْرَصَ وَ أُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أَنْبِئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدْخُرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۴۹)

و [او را به عنوان] پیامبری به سوی بنی اسرائیل [می‌فرستد ، که او به آنان می‌گوید :] « در حقیقت ، من از جانب پروردگارتان برایتان معجزه‌ای آورده‌ام : من از گل برای شما [چیزی] به شکل پرنده می‌سازم ، آن گاه در آن می‌دمم ، پس به اذن خدا پرنده‌ای می‌شود ؛ و به اذن خدا نابینایان مادرزاد و پیرس را بهبود می‌بخشم ؛ و مردگان را زنده می‌گردانم ؛ و شما را از آنچه می‌خورید و در خانه‌هایتان ذخیره می‌کنید ، خبر می‌دهم ؛ مسلماً در این [معجزات] ، برای شما اگر مؤمن باشید عبرت است . »

(آل عمران، ۴۹)

وَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْ مِنَ التَّوْرَةِ وَ لِأَحَدٍ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حَرَّمَ عَلَيْكُمْ وَ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا (۵۰)

و [می‌گوید :] « آمده‌ام تا [تورات را که پیش از من [نازل شده] است تصدیق کننده باشم ، و تا پاره‌ای از آنچه را که بر شما حرام گردیده ، برای شما حلال کنم ، و از جانب پروردگارتان برای شما نشانه‌ای آورده‌ام . پس ، از خدا پروا دارید و مرا اطاعت کنید . »

(آل عمران، ۵۰)

إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (۵۱)

« در حقیقت ، خداوند پروردگار من و پروردگار شماست ؛ پس او را بپرستید [که] راه راست این است . »

(آل عمران، ۵۱)

فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْخَوَارِثُونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ بِأَنَّكَ مُسْلِمُونَ (۵۲)

چون عیسی از آنان احساس کفر کرد ، گفت : « یاران من در راه خدا چه کسانیند ؟ » خواریون گفتند : « ما یاران [دین] خداییم ، به خدا ایمان آورده‌ایم ؛ و گواه باش که ما تسلیم [او] هستیم . »

(ال عمران، ۵۲)

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ (۵۳)

پروردگارا ، به آنچه نازل کردی گرویدیم و فرستاده [ات] را پیروی کردیم ؛ پس ما را در زمره گواهان بنویس .

(ال عمران، ۵۳)

وَ مَكَرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (۵۴)

و [دشمنان] مکر ورزیدند ، و خدا [در پاسخشان] مکر در میان آورد ، و خداوند بهترین مکرانگیزان است .

(ال عمران، ۵۴)

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ رَافِعَكَ إِلَيَّ وَ مَطَهَّرَكَ مِنَ الدِّينِ كَفَرُوا وَ جَاعِلِ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَخَذَكُمْ بَيْنَ يَدَيْكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (۵۵)

[یاد کن] هنگامی را که خدا گفت : « ای عیسی ، من تو را برگرفته و به سوی خویش بالا می‌برم ، و تو را از [آرایش] کسانی که کفر ورزیده‌اند پاک می‌گردانم ، و تا روز رستاخیز ، کسانی را که از تو پیروی کرده‌اند ، فوق کسانی که کافر شده‌اند قرار خواهم داد ؛ آن گاه فرجام شما به سوی من است ، پس در آنچه بر سر آن اختلاف می‌کردید میان شما داوری خواهم کرد .

(ال عمران، ۵۵)

فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعْدِبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (۵۶)

اما کسانی که کفر ورزیدند ، در دنیا و آخرت به سختی عذابشان کنم و یاورانی نخواهند داشت .

(ال عمران، ۵۶)

وَ أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَ اللَّهُ لَا يَجِبُ الظَّالِمِينَ (۵۷)

و اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند ، [خداوند] مزدشان را به تمامی به آنان می‌دهد . و خداوند ، بپدادگران را دوست نمی‌دارد .

(ال عمران، ۵۷)

ذَلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَ الذِّكْرِ الْحَكِيمِ (۵۸)

اینهاست که ما آن را از آیات و قرآن حکمت‌آمیز بر تو می‌خوانیم .

(ال عمران، ۵۸)

إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (۵۹)

در واقع ، مثل عیسی نزد خدا همچون مثل [خلقت] آدم است [که] او را از خاک آفرید ؛ سپس بدو گفت : « باش » ؛ پس وجود یافت .

(ال عمران، ۵۹)

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (۶۰)

[آنچه درباره عیسی گفته شد] حق [و] از جانب پروردگار تو است . پس ، از تردیدکنندگان مباش .

(ال عمران، ۶۰)

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ آبَاءَنَا وَ آبَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ (۶۱)

پس هر که در این [باره] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده ، با تو محاجه کند ، بگو : « بیایید پسرانمان و پسرانتان ، و زنانمان و زنانتان ، و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم ؛ سپس مباحله کنیم ، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم . »

(ال عمران، ۶۱)

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفُضْلُ الْحَقُّ وَ مَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَ إِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۶۲)

آری ، داستانت درست [مسیح] همین است ؛ و معبودی جز خدا نیست ، و خداست که در واقع ، همان شکست‌ناپذیر حکیم است .

(ال عمران، ۶۲)

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ (۶۳)

پس اگر رویگردان شدند ، همانا خداوند به [حال] مفسدان داناست .

(ال عمران، ۶۳)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (۶۴)

بگو : « ای اهل کتاب ، بیا بیاید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که : جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم ، و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد . » پس اگر [از این پیشنهاد] اعراض کردند ، بگوئید : « شاهد باشید که ما مسلمانیم [نه شما] . »

(ال عمران، ۶۴)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۶۵)

ای اهل کتاب ، چرا درباره ابراهیم محاجه می‌کنید با آنکه تورات و انجیل بعد از او نازل شده است ؟ آیا تعقل نمی‌کنید ؟

(ال عمران، ۶۵)

هَذَا أَنْتُمْ هُوَ لِأَعْلَى حَاجَّتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۶۶)

هان ، شما [اهل کتاب] همانان هستید که درباره آنچه نسبت به آن دانشی داشتید محاجه کردید ؛ پس چرا در مورد چیزی که بدان دانشی ندارید محاجه می‌کنید ؟ با آنکه خدا می‌داند و شما نمی‌دانید .

(ال عمران، ۶۶)

مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَ لَا نَصْرَانِيًّا وَ لَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۶۷)

ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی ، بلکه حق‌گرایی فرمانبردار بود ، و از مشرکان نبود .

(ال عمران، ۶۷)

إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اللَّهُ وَ لِيُ الْمُؤْمِنِينَ (۶۸)

در حقیقت ، نزدیکترین مردم به ابراهیم ، همان کسانی هستند که او را پیروی کرده‌اند ، و [نیز] این پیامبر و کسانی که [به آیین او] ایمان آورده‌اند ؛ و خدا سرور مؤمنان است .

(ال عمران، ۶۸)

وَدَبَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لُو يُضِلُّوكُمْ وَ مَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ (۶۹)

گروهی از اهل کتاب آرزو می‌کنند کاش شما را گمراه می‌کردند ، در صورتی که جز خودشان [کسی] را گمراه نمی‌کنند و نمی‌فهمند .

(ال عمران، ۶۹)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ أَنْتُمْ تَشْهَدُونَ (۷۰)

ای اهل کتاب ، چرا به آیات خدا کفر می‌ورزید با آنکه خود [به درستی آن] گواهی می‌دهید ؟

(ال عمران، ۷۰)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبَسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۷۱)

ای اهل کتاب ، چرا حق را به باطل درمی‌آمیزید و حقیقت را کتمان می‌کنید ، با اینکه خود می‌دانید ؟

(ال عمران، ۷۱)

وَ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ جَاءَهُ النَّهَارُ وَ أَكْفَرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۷۲)

و جماعتی از اهل کتاب گفتند : « در آغاز روز به آنچه بر مؤمنان نازل شد ، ایمان بیاورید ، و در پایان [روز] انکار کنید ؛ شاید آنان [از اسلام] برگردند . »

(ال عمران، ۷۲)

وَ لَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَى هُدَى اللَّهِ أَنْ يُؤْتَى أَحَدٌ مِثْلَ مَا أُوتِيْتُمْ أَوْ يُحَاجُّوكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۷۳)

و [گفتند] : « جز به کسی که دین شما را پیروی کند ، ایمان نیاورید بگو : « هدایت ، هدایت خداست » مبدا به کسی نظیر آنچه به شما داده شده ، داده شود ، یا در پیشگاه پروردگارتان با شما محاجه کنند . » بگو : « [این] فضل به دست خداست ؛ آن را به هر کس که بخواهد می‌دهد ، و خداوند ، گشایشگر داناست . »

(ال عمران، ۷۳)

يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (٧٤)

رحمت خود را به هر کس که بخواهد مخصوص می‌گرداند ، و خداوند دارای بخشش بزرگ است .

(آل عمران، ٧٤)

وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِطَاعِ يَؤُودَ الْبَيْكِ وَ مِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُوَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا ذُمَّتْ عَلَيْهِ فَإِنَّمَا ذَلِكُمْ بِاتِّمَانِهِمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ (٧٥)

و از اهل کتاب ، کسی است که اگر او را بر مال فراوانی امین شمرد ، آن را به تو برگرداند ؛ و از آنان کسی است که اگر او را بر دیناری امین شمرد ، آن را به تو نمی‌پردازد ، مگر آنکه دایماً بر [سر] وی به پا ایستی . این بدان سبب است که آنان [به پندار خود] گفتند : « در مورد کسانی که کتاب آسمانی ندارند ، بر زیان ما راهی نیست . » و بر خدا دروغ می‌بندند با اینکه خودشان [هم] می‌دانند .

(آل عمران، ٧٥)

بَنَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَ اتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (٧٦)

آری ، هر که به پیمان خود وفا کند ، و پرهیزگاری نماید ، بی‌تردید خداوند ، پرهیزگاران را دوست دارد .

(آل عمران، ٧٦)

إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ أَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَ لَا يَكْلَمُهُمُ اللَّهُ وَ لَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَا يُزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (٧٧)

کسانی که پیمان خدا و سوگندهای خود را به بهای ناچیزی می‌فروشند ، آنان را در آخرت بهره‌ای نیست ؛ و خدا روز قیامت با آنان سخن نمی‌گوید ، و به ایشان نمی‌نگرد ، و پاکشان نمی‌گرداند ، و عذابی دردناک خواهند داشت .

(آل عمران، ٧٧)

وَ إِنْ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَ مَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَ يَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ مَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ يَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ (٧٨)

و از میان آنان گروهی هستند که زبان خود را به [خواندن] کتاب [تحریف شده‌ای] می‌پیچانند ، تا آن [بر یافته] را از [مطالب] کتاب [آسمانی] پندارید ، با اینکه آن از کتاب [آسمانی] نیست ؛ و می‌گویند : « آن از جانب خداست » ، در صورتی که از جانب خدا نیست ؛ و بر خدا دروغ می‌بندند ، با اینکه خودشان [هم] می‌دانند .

(آل عمران، ٧٨)

مَا كَانَ لِيَشْرَ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَ الْحُكْمَ وَ النَّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَ بِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ (٧٩)

هیچ بشری را نسرده که خدا به او کتاب و حکم و پیامبری بدهد ؛ سپس او به مردم بگوید : « به جای خدا ، بندگان من باشید . » بلکه [باید بگوید :] « به سبب آنکه کتاب [آسمانی] تعلیم می‌دادید و از آن رو که درس می‌خواندید ، علمای دین باشید . »

(آل عمران، ٧٩)

وَ لَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَ النَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أُولَئِكَ يَأْمُرُكُمْ بِالْكَفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (٨٠)

و [نیز] شما را فرمان نخواهد داد که فرشتگان و پیامبران را به خدایی بگیرید . آیا پس از آنکه سر به فرمان [خدا] نهاده‌اید [باز] شما را به کفر وامی‌دارد ؟

(آل عمران، ٨٠)

وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ تَتَّصِرُنَّهُ قَالُوا أَأَقْرَضُكَمُ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَضْنَا قَالَ فاشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ (٨١)

و [یاد کن] هنگامی را که خداوند از پیامبران پیمان گرفت که هر گاه به شما کتاب و حکمتی دادم ، سپس شما را فرستاده‌ای آمد که آنچه را با شماست تصدیق کرد ، البته به او ایمان بیاورید و حتماً یارایش کنید . [آن گاه] فرمود : « آیا اقرار کردید و در این باره پیمانم را پذیرفتید ؟ » گفتند : « آری ، اقرار کردیم . » فرمود : « پس گواه باشید و من با شما از گواهانم . »

(آل عمران، ٨١)

فَمَنْ تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (٨٢)

پس ، کسانی که بعد از این [پیمان] روی برتابند آنان ، خود ، نافرمانانند .

(آل عمران، ٨٢)

أَفَعَبَّرَ دِينَ اللَّهِ يَبْغُونَ وَ لَهُ أَسْنَمٌ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (٨٣)

آیا جز دین خدا را می‌جویند ؟ با آنکه هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است ، و به سوی او بازگردانیده می‌شوند .

(ال عمران، ۸۳)

قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۸۴)

بگو: « به خدا و آنچه بر ما نازل شده ، و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل گردیده ، و آنچه به موسی و عیسی و انبیای [دیگر] از جانب پروردگارشان داده شده ، گرودیم ؛ [و] میان هیچ يك از آنان فرقی نمی‌گذاریم و ما او را فرمانبرداریم .

(ال عمران، ۸۴)

وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۸۵)

و هر که جز اسلام ، دینی [دیگر] جوید ، هرگز از وی پذیرفته نشود ، و وی در آخرت از زیانکاران است .

(ال عمران، ۸۵)

كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَ شَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَ جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۸۶)

چگونه خداوند ، قومی را که بعد از ایمانشان کافر شدند ، هدایت می‌کند ؟ با آنکه شهادت دادند که این رسول ، بر حق است و برایشان دلایل روشن آمد ، و خداوند قوم بیدادگر را هدایت نمی‌کند .

(ال عمران، ۸۶)

أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ (۸۷)

آنان ، سزایشان این است که لعنت خدا و فرشتگان و مردم ، همگی برایشان است .

(ال عمران، ۸۷)

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَ لَا هُمْ يُنظَرُونَ (۸۸)

در آن [لعنت] جاودانه بمانند ؛ نه عذاب از ایشان کاسته گردد و نه مهلت یابند .

(ال عمران، ۸۸)

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ وَ أَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۸۹)

مگر کسانی که پس از آن توبه کردند و درستگاری [پیشه] نمودند ، که خداوند آمرزنده مهربان است .

(ال عمران، ۸۹)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أَزْدَادُوا كُفْرًا لَنْ نُقْبَلَ تَوْبَتَهُمْ وَ أُولَٰئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ (۹۰)

کسانی که پس از ایمان خود کافر شدند ، سپس بر کفر [خود] افزودند ، هرگز توبه آنان پذیرفته نخواهد شد ، و آنان خود گمراهانند .

(ال عمران، ۹۰)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ مَاتُوا وَ هُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَ لَوْ أَقْتَدَىٰ بِهِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَ مَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (۹۱)

در حقیقت ، کسانی که کافر شده و در حال کفر مرده‌اند ، اگر چه [فراخنای] زمین را پر از طلا کنند و آن را [برای خود] فدیة دهند ، هرگز از هیچ يك از آنان پذیرفته نگردد ؛ آنان را عذابی دردناک خواهد بود ، و یاورانی نخواهند داشت .

(ال عمران، ۹۱)

لَنْ نَتَّالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (۹۲)

هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید ؛ و از هر چه انفاق کنید قطعاً خدا بدان داناست .

(ال عمران، ۹۲)

كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حَلَالًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَىٰ نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنزَلَ التَّوْرَةُ فَلَنْ فَاَتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاَتَلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۹۳)

همه خوراکیها بر فرزندان اسرائیل حلال بود ، جز آنچه پیش از نزول تورات ، اسرائیل [یعقوب] بر خویشتن حرام ساخته بود . بگو : « اگر [جز این است و] راست می‌گویید ، تورات را بیاورید و آن را بخوانید . »

(ال عمران، ۹۳)

فَمَنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۹۴)

پس کسانی که بعد از این ، بر خدا دروغ ببنند ، آنان خود ستمکارانند .

(آل عمران، ۹۴)

قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفاً وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۹۵)

بگو : « خدا راست گفت . پس ، از آیین ابراهیم که حق‌گرا بود و از مشرکان نبود ، پیروی کنید . »

(آل عمران، ۹۵)

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَيْتَةِ مَبْرَكاً وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ (۹۶)

در حقیقت ، نخستین خانه‌ای که برای [عبادت] مردم ، نهاده شده ، همان است که در مکه است و مبارک ، و برای جهانیان [مایه] هدایت است .

(آل عمران، ۹۶)

فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِناً وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ (۹۷)

در آن ، نشانه‌هایی روشن است [از جمله] مقام ابراهیم است ؛ و هر که در آن درآید در امان است ؛ و برای خدا ، حج آن خانه ، بر عهده مردم است ؛ [البته بر] کسی که بتواند به سوی آن راه یابد . و هر که کفر ورزد ، یقیناً خداوند از جهانیان بی‌نیاز است .

(آل عمران، ۹۷)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَى مَا تَعْمَلُونَ (۹۸)

بگو : « ای اهل کتاب ، چرا به آیات خدا کفر می‌ورزید ؟ با آنکه خدا بر آنچه می‌کنید گواه است . »

(آل عمران، ۹۸)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبْغُونَهَا عِوَجاً وَ أَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَ مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۹۹)

بگو : « ای اهل کتاب ، چرا کسی را که ایمان آورده است ، از راه خدا باز می‌دارید ؛ و آن [راه] را کج می‌شمارید ، با آنکه خود [به راستی آن] گواهد ؟ « و خدا از آنچه می‌کنید غافل نیست .

(آل عمران، ۹۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَطِيعُوا فَرِيقاً مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ (۱۰۰)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، اگر از فرقه‌ای از اهل کتاب فرمان برید ، شما را پس از ایمانتان به حال کفر برمی‌گردانند .

(آل عمران، ۱۰۰)

وَ كَيْفَ تَكْفُرُونَ وَ أَنْتُمْ تَتْلُوا آيَاتِ اللَّهِ وَ فِيكُمْ رَسُولُهُ وَ مَنْ يَعْصِمِ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۱۰۱)

و چگونه کفر می‌ورزید ، با اینکه آیات خدا بر شما خوانده می‌شود و پیامبر او میان شماست ؟ و هر کس به خدا تمسک جوید ، قطعاً به راه راست هدایت شده است .

(آل عمران، ۱۰۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (۱۰۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، از خدا آن گونه که حق پروا کردن از اوست ، پروا کنید ؛ و زیهار ، جز مسلمان نمیرید .

(آل عمران، ۱۰۲)

وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَاناً وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۱۰۳)

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید ، و پراکنده نشوید ؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید : آن گاه که دشمنان [یکدیگر] بودید ، پس میان دلهای شما الفت انداخت ، تا به لطف او برادران هم شدید ؛ و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رها کنید . این گونه ، خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند ، باشد که شما راه یابید .

(آل عمران، ۱۰۳)

وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱۰۴)

و باید از میان شما ، گروهی ، [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند ، و آنان همان رستگارانند .

(ال عمران، ۱۰۴)

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۰۵)

و چون کسانی مباشید که پس از آنکه دلایل آشکار برایشان آمد ، پراکنده شدند و با هم اختلاف پیدا کردند ، و برای آنان عذابی سهمگین است ؛

(ال عمران، ۱۰۵)

يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (۱۰۶)

[در آن] روزی که چهره‌هایی سپید ، و چهره‌هایی سیاه گردد . اما سیاه‌رویان [به آنان گویند :] آیا بعد از ایمانتان کفر ورزیدید ؟ پس به سزای آنکه کفر می‌ورزیدید [این] عذاب را بچشید .

(ال عمران، ۱۰۶)

وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۱۰۷)

و اما سپیدرویان همواره در رحمت خداوند جاویدانند .

(ال عمران، ۱۰۷)

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظَلَمًا لِلْعَالَمِينَ (۱۰۸)

اینها آیات خداست که آن را به حق بر تو می‌خوانیم ؛ و خداوند هیچ ستمی بر جهانیان نمی‌خواهد .

(ال عمران، ۱۰۸)

وَاللَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۱۰۹)

و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن خداست ، و [همه] کارها به سوی خدا بازگردانده می‌شود .

(ال عمران، ۱۰۹)

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَتُؤْمِنُونَ بِأَهْلِ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ (۱۱۰)

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید : به کار پسندیده فرمان می‌دهید ، و از کار ناپسند باز می‌دارید ، و به خدا ایمان دارید . و اگر اهل کتاب ایمان آورده بودند قطعاً برایشان بهتر بود ؛ برخی از آنان مؤمنند و [لی] بیشترشان نافرمانند .

(ال عمران، ۱۱۰)

لَنْ يَضُرُّوكُمْ إِلَّا أَذًى وَإِنْ يُقَاتِلُوكُمْ يُؤَلُّوْكُمْ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ (۱۱۱)

جز آزاری [اندک] هرگز به شما زیانی نخواهند رسانید ؛ و اگر با شما بجنگند ، به شما پشت نمایند ، سپس یاری نیابند .

(ال عمران، ۱۱۱)

ضَرَبَتْ عَلَيْهِمُ اللَّهُ آيَاتٍ مَا تَفْقَهُوا إِلَّا بِخَبَلٍ مِنَ اللَّهِ وَ خَبَلٍ مِنَ النَّاسِ وَ بَاغُوا بِعَضْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ ضَرَبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةَ ذَلِكُمْ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ذَلِكُمْ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ (۱۱۲)

هر کجا یافته شوند ، به خواری دچار شده‌اند مگر آنکه به پناه امان خدا و زینهار مردم [روند] و به خشمی از خدا گرفتار آمدند ، و [مَهْر] بینوایی بر آنان زده شد . این بدان سبب بود که به آیات خدا کفر می‌ورزیدند و پیامبران را بناحق می‌کشتند . [و نیز] این [عقوبت] به سزای آن بود که نافرمانی کردند و از اندازه درمی‌گذرانیدند .

(ال عمران، ۱۱۲)

لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَ هُمْ يَسْجُدُونَ (۱۱۳)

[ولی همه آنان] یکسان نیستند . از میان اهل کتاب ، گروهی درستکارند که آیات الهی را در دل شب می‌خوانند و سر به سجده می‌نهند .

(ال عمران، ۱۱۳)

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ (۱۱۴)

به خدا و روز قیامت ایمان دارند ؛ و به کار پسندیده فرمان می‌دهند و از کار ناپسند باز می‌دارند ؛ و در کارهای نیک شتاب می‌کنند ، و آنان از شایسته‌گانند .

(ال عمران، ۱۱۴)

وَ مَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ (۱۱۵)

و هر کار نیکی انجام دهند ، هرگز درباره آن ناسپاسی نبینند ، و خداوند به [حال] تقوایبندگان داناست .

(ال عمران، ۱۱۵)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۱۱۶)

کسانی که کفر ورزیدند ، هرگز اموالشان و اولادشان چیزی [از عذاب خدا] را از آنان دفع نخواهد کرد ، و آنان اهل آتشند و در آن جاودانه خواهند بود .

(ال عمران، ۱۱۶)

مَثَلٌ مَا يَنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَأَمْلَكَتْهُ وَ مَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَ لَكِنْ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۱۱۷)

مثل آنچه [آنان] در زندگی این دنیا [در راه دشمنی با پیامبر] خرج می‌کنند ، همچون مثل بادی است که در آن ، سرمای سختی است ، که به کشتزار قومی که بر خود ستم نموده‌اند بوزد و آن را تباه سازد ؛ و خدا به آنان ستم نکرده ، بلکه آنان خود بر خویشتن ستم کرده‌اند .

(ال عمران، ۱۱۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةَ مَنْ دُونِكُمْ لَا يَأْتُونَكُمْ خَبَراً وَ دُوّاً مَا عِنْتُمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَ مَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ (۱۱۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، از غیر خودتان ، [دوست و] همراه مگیرید . [آنان] از هیچ نابکاری در حق شما کوتاهی نمی‌ورزند . آرزو دارند که در رنج بیفتید . دشمنی از لحن و سخنشان آشکار است ؛ و آنچه سینه‌هایشان نهان می‌دارد ، بزرگتر است . در حقیقت ، ما نشانه‌ها [ی دشمنی آنان] را برای شما بیان کردیم ، اگر تعقل کنید .

(ال عمران، ۱۱۸)

هَا أَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَ لَا يُحِبُّونَكُمْ وَ تُمُونُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَ إِذَا لَقُوا قَالُوا آمَنَّا وَ إِذَا خَلَوْا عَضُوا عَلَيْكُمْ الْأَمَامِلِ مِنَ الْعَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۱۱۹)

هان ، شما کسانی هستید که آنان را دوست دارید ، و [حال آنکه] آنان شما را دوست ندارند ، و شما به همه کتابها [ی خدا] ایمان دارید ؛ و چون با شما برخورد کنند می‌گویند : « ایمان آوردیم . » و چون [با هم] خلوت کنند ، از شدت خشم بر شما ، سر انگشتان خود را می‌گزند . بگو : « به خشم خود بمیرید » که خداوند به راز درون سینه‌ها داناست .

(ال عمران، ۱۱۹)

إِنْ تَسْتَسْخِمُوا حَسَنَةً تَسُوهُمْ وَ إِنْ تُصِيبِكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَ إِنْ تُصِيبُوا وَ تَتَّقُوا لَا يَضْرُكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (۱۲۰)

اگر به شما خوشی رسد آنان را بد حال می‌کند ؛ و اگر به شما گزند رسد بدان شاد می‌شوند ؛ و اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید ، نیرنگشان هیچ زبانی به شما نمی‌رساند ؛ یقیناً خداوند به آنچه می‌کنند احاطه دارد .

(ال عمران، ۱۲۰)

وَ إِذْ عَدُوَّتٍ مِنْ أَهْلِكَ تَبَوَّءُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱۲۱)

و [یاد کن] زمانی را که [در جنگ احد] بامدادان از پیش کسانت بیرون آمدی [تا] مؤمنان را برای جنگیدن ، در مواضع خود جای دهی ، و خداوند ، شنوای داناست .

(ال عمران، ۱۲۱)

إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَ اللَّهُ وَ لِيُهِمَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۲۲)

آن هنگام که دو گروه از شما بر آن شدند که سستی ورزند با آنکه خدا یاورشان بود . و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند .

(ال عمران، ۱۲۲)

وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَ أَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۲۳)

و یقیناً خدا شما را در [جنگ] بدر با آنکه ناتوان بودید یاری کرد . پس ، از خدا پروا کنید ، باشد که سپاسگزاری نمایید .

(ال عمران، ۱۲۳)

إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمَدِّدَ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آفَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ (۱۲۴)

آن گاه که به مؤمنان می‌گفتی : « آیا شما را بس نیست که پروردگارتان ، شما را با سه هزار فرشته فرودآمده ، یاری کند ؟ »

(ال عمران، ۱۲۴)

بَلَى إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتِيَكُمُ مِنْ قَوْمِهِمْ هَذَا يُمدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آفَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ (۱۲۵)

آری ، اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید ، و با همین جوش [و خروش] بر شما بتازند ، [همانگاه] پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد .

(آل عمران، ۱۲۵)

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۱۲۶)

و خدا آن [وعده پیروزی] را ، جز مرزدهای برای شما قرار نداد تا [بدین وسیله شادمان شوید و] دلهای شما بدان آرامش یابد ، و یاری جز از جانب خداوند توانای حکیم نیست .

(آل عمران، ۱۲۶)

يَقْطَعُ طَرَفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَخَبِّئُهُمْ فَيَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ (۱۲۷)

تا برخی از کسانی را که کافر شده‌اند نابود کند ، یا آنان را خوار سازد ، تا نومید بازگردند .

(آل عمران، ۱۲۷)

لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ (۱۲۸)

هیچ یکه از این کارها در اختیار تو نیست ؛ یا [خدا] بر آنان می‌بخشاید ، یا عذابشان می‌کند ، زیرا آنان ستمکارند .

(آل عمران، ۱۲۸)

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۲۹)

و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن خداست . هر که را بخواهد می‌آمرزد ، و هر که را بخواهد عذاب می‌کند ، و خداوند ، آمرزنده مهربان است .

(آل عمران، ۱۲۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۱۳۰)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، ربا را [یا سود] چندین برابر مخورید ، و از خدا پروا کنید ، باشد که رستگار شوید .

(آل عمران، ۱۳۰)

وَ اتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ (۱۳۱)

و از آتشی که برای کافران آماده شده است بترسید .

(آل عمران، ۱۳۱)

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۱۳۲)

خدا و رسول را فرمان برید ، باشد که مشمول رحمت قرار گیرید .

(آل عمران، ۱۳۲)

وَ سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ (۱۳۳)

و برای نیل به آمرزشی از پروردگار خود ، و بهشتی که پهنایش [به قدر] آسمانها و زمین است [و] برای پرهیزگاران آماده شده است ، بشتابید .

(آل عمران، ۱۳۳)

الَّذِينَ يَنْفَقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الْحَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ حُبُّ الْمُحْسِنِينَ (۱۳۴)

همانان که در فراخی و تنگی انفاق می‌کنند ؛ و خشم خود را فرو می‌برند ؛ و از مردم در می‌گذرند ؛ و خداوند نکوکاران را دوست دارد .

(آل عمران، ۱۳۴)

وَ الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاجِرَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَ مَن يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ (۱۳۵)

و آنان که چون کار زشتی کنند ، یا بر خود ستم روا دارند ، خدا را به یاد می‌آورند و برای گناهانشان آمرزش می‌خواهند و چه کسی جز خدا گناهان را می‌آمرزد ؟ و بر آنچه مرتکب شده‌اند ، با آنکه می‌دانند [که گناه است] ، پافشاری نمی‌کنند .

(آل عمران، ۱۳۵)

أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ (۱۳۶)

آنان ، پاداششان آمرزشی از جانب پروردگارشان ، و بوستانهایی است که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است . جاودانه در آن بمانند ، و پاداش اهل عمل چه نیکوست .

(ال عمران، ۱۳۶)

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَاسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِبِينَ (۱۳۷)

قطعاً پیش از شما سنت‌هایی [بوده و] سپری شده است . پس ، در زمین بگردید و بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است ؟

(ال عمران، ۱۳۷)

هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ (۱۳۸)

این [قرآن] برای مردم ، بیانی ، و برای پرهیزگاران رهنمود و اندرز است .

(ال عمران، ۱۳۸)

و لَا تَهْنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۳۹)

و اگر مؤمنید ، سستی مکنید و غمگین مشوید ، که شما برترید .

(ال عمران، ۱۳۹)

إِنْ يَسْأَلْكُمْ فِرْعَاقٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ فِرْعَاقٌ مِثْلُهُ وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نَدَاوَلَهَا بَيْنَ النَّاسِ وَ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَتَّخِذُ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (۱۴۰)

اگر به شما آسیبی رسیده ، آن قوم را نیز آسیبی نظیر آن رسید ؛ و ما این روزها [ی شکست و پیروزی] را میان مردم به نوبت می‌گردانیم [تا آنان پند گیرند] و خداوند کسانی را که [واقعاً] ایمان آورده‌اند معلوم بدارد ، و از میان شما گواهانی بگیرد ، و خداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد .

(ال عمران، ۱۴۰)

وَ لِيُمَخِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَمْحَقَ الْكَافِرِينَ (۱۴۱)

و تا خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند خالص گرداند و کافران را [به تدریج] نابود سازد .

(ال عمران، ۱۴۱)

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتَّخَلَّوْا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَ يَعْلَمُ الصَّابِرِينَ (۱۴۲)

آیا پنداشتید که داخل بهشت می‌شوید ، بی‌آنکه خداوند جهادگران و شکیبایان شما را معلوم بدارد ؟

(ال عمران، ۱۴۲)

وَ لَقَدْ كُنْتُمْ تَمَتُّونَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ (۱۴۳)

و شما مرگ را پیش از آنکه با آن روبرو شوید ، سخت آرزو می‌کردید ؛ پس ، آن را دیدید و [هم چنان] نگاه می‌کردید .

(ال عمران، ۱۴۳)

وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أُولَئِكَ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ (۱۴۴)

و محمد ، جز فرستاده‌ای که پیش از او [هم] پیامبرانی [آمده و] گذشتند ، نیست . آیا اگر او بمیرد یا کشته شود ، از عقیده خود برمی‌گردید ؟ و هر کس از عقیده خود بازگردد ، هرگز هیچ زبانی به خدا نمی‌رساند ، و به زودی خداوند سپاسگزاران را پاداش می‌دهد .

(ال عمران، ۱۴۴)

وَ مَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَاباً مُوجِلاً وَ مَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ سَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ (۱۴۵)

و هیچ نفسی جز به فرمان خدا تمیرد . [خداوند ، مرگ را] به عنوان سرنوشتی معین [مقرر کرده است] . و هر که پاداش این دنیا را بخواهد به او از آن می‌دهیم ؛ و هر که پاداش آن سرای را بخواهد از آن به او می‌دهیم ، و به زودی سپاسگزاران را پاداش خواهیم داد .

(ال عمران، ۱۴۵)

وَ كَاتِبِينَ مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَا ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكْبَرُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ (۱۴۶)

و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده‌های انبوه ، کارزار کردند ؛ و در برابر آنچه در راه خدا بدیشان رسید ، سستی نورزیدند و ناتوان نشدند ؛ و تسلیم [دشمن] نگردیدند ، و خداوند ، شکیبایان را دوست دارد .

(ال عمران، ۱۴۶)

وَ مَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ إِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَ ثَبِّتْ أقدامَنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۱۴۷)

و سخن آنان جز این نبود که گفتند: « پروردگارا ، گناهان ما و زیاده‌روی ما ، در کارمان را بر ما ببخش ، و گناههای ما را استوار دار ، و ما را بر گروه کافران یاری ده . »

(ال عمران، ۱۴۷)

فَاتَاهُمُ اللَّهُ تَوَابَ الدُّنْيَا وَ حَسَنَ تَوَابِ الْآخِرَةِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۱۴۸)

پس خداوند ، پاداش این دنیا ، و پاداش نیک آخرت را به آنان عطا کرد ، و خداوند نیکوکاران را دوست دارد .

(ال عمران، ۱۴۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَزِدُّوكُمْ عَلَىٰ أَغْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ (۱۴۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، اگر از کسانی که کفر ورزیده‌اند اطاعت کنید ، شما را از عقیده‌تان بازمی‌گردانند و زیانکار خواهید گشت .

(ال عمران، ۱۴۹)

بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَ هُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ (۱۵۰)

آری ، خدا مولای شماست ، و او بهترین یاری‌دهندگان است .

(ال عمران، ۱۵۰)

سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّغْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَ مَا أُولَٰئِكَ بِمُتَّبِعِينَ (۱۵۱)

به زودی در دل‌های کسانی که کفر ورزیده‌اند بیم خواهیم افکند ، زیرا چیزی را با خدا شریک گردانیده‌اند که بر [حقایق] آن ، [خدا] دلیلی نازل نکرده است . و جایگاهشان آتش است ، و جایگاه ستمگران چه بد است .

(ال عمران، ۱۵۱)

وَ لَقَدْ صَنَّفَكُمُ اللَّهُ وَ عَدَهُ إِذْ تَحْسَبُونَهُم بِأَيْدِيهِمْ حَتَّىٰ إِذَا فَسَلْتُمْ وَ تَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَ عَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرْزَقْتُمْ مِنْهُ مِنْ يَدِ الدُّنْيَا وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَ لَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ (۱۵۲)

و [در نبرد احد] قطعاً خدا و عده خود را با شما راست گردانید : آن گاه که به فرمان او ، آنان را می‌کشید ، تا آنکه سست شدید و در کار [جنگ و بر سر تقسیم غنایم] با یکدیگر به نزاع پرداختید ؛ و پس از آنکه آنچه را دوست داشتید [یعنی غنایم را] به شما نشان داد ، نافرمانی نمودید . برخی از شما دنیا را و برخی از شما آخرت را می‌خواهد . سپس برای آنکه شما را بیازماید ، از [تعقیب] آنان منصرفتان کرد و از شما درگذشت ، و خدا نسبت به مؤمنان ، با تفضل است .

(ال عمران، ۱۵۲)

إِذْ تُصْعِدُونَ وَ لَا تُلْوُونَ عَلَىٰ أَحَدٍ وَ الرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أُخْرَاكُمْ فَأَتَابَكُمْ عَمَّا بَعَثَ لِكَيْلًا تَحْزَنُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَ لَا مَا أَصَابَكُمْ وَ اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۵۳)

[یاد کنید] هنگامی را که در حال گریز [از کوه] بالا می‌رفتید و به هیچ کس توجه نمی‌کردید ؛ و پیامبر ، شما را از پشت سرتان فرا می‌خواند . پس [خداوند] به سزای [این بی‌انضباطی] غمی بر غمتان [افزود] ، تا سرانجام بر آنچه از کف داده‌اید و برای آنچه به شما رسیده است اندوهگین نشوید ، و خداوند از آنچه می‌کنید آگاه است .

(ال عمران، ۱۵۳)

ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنَةً نَاعَسًا يَمْشِي فِي طَائِفَةٍ مِنْكُمْ وَ طَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ وَ لِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَ لِيُمَخِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۱۵۴)

سپس [خداوند] بعد از آن آندوه ، آرامشی [به صورت] خواب سبکی ، بر شما فرو فرستاد ، که گروهی از شما را فرا گرفت ، و گروهی [تنها] در فکر جان خود بودند ؛ و درباره خدا ، گمانهای ناروا ، همچون گمانهای [دوران] جاهلیت می‌بردند . می‌گفتند : « آیا ما را در این کار اختیاری هست ؟ » بگو : « سررشته کارها [شکست یا پیروزی] ، یکسر به دست خداست . » آنان چیزی را در دل‌هایشان پوشیده می‌داشتند ، که برای تو آشکار نمی‌کردند . می‌گفتند : « اگر ما را در این کار اختیاری بود ، [و وعده پیامبر واقعیت داشت ،] در اینجا کشته نمی‌شدیم . » بگو : « اگر شما در خانه‌های خود هم بودید ، کسانی که کشته شدن بر آنان نوشته شده ، قطعاً [با پای خود] به سوی قتلگاههای خویش می‌رفتند . و [اینها] برای این است که خداوند ، آنچه را در دل‌های شماست ، [در عمل] بیازماید ؛ و آنچه را در قلب‌های شماست ، پاک گرداند ؛ و خدا به راز سینه‌ها آگاه است .

(ال عمران، ۱۵۴)

إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ النَّعْيِ الْجُمُعَانَ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَ لَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ خَلِيمٌ (۱۵۵)

روزی که دو گروه [در احد] با هم رویاروی شدند ، کسانی که از میان شما [به دشمن] پشت کردند ، در حقیقت جز این نبود که به سبب پاره‌ای از آنچه [از گناه] حاصل کرده بودند ، شیطان آنان را بلغزانید . و قطعاً خدا از ایشان درگذشت ؛ زیرا خدا آمرزگار بردبار است .

(ال عمران، ۱۵۵)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَ قَالُوا إِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُرَىٰ لَوْ كَانُوا عِدَدًا مَا مَاتُوا وَ مَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكُمْ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ يُخَيِّبُ وَ يُمَيِّتُ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (١٥٦)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، همچون کسانی نباشید که کفر ورزیدند ؛ و به برادرانشان هنگامی که به سفر رفته [و در سفر مردند] و یا جهادگر شدند [و کشته شدند] ، گفتند : « اگر نزد ما [ماته] بودند ، نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند . » [شما چنین سخنانی مگویید] تا خدا آن را در دل‌هایشان حسرتی قرار دهد . و خدا [ست که] زنده می‌کند و می‌میراند ، و خدا [ست که] به آنچه می‌کنید بیناست .

(ال عمران، ١٥٦)

وَ لَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَحْمَةٌ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ (١٥٧)

و اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید ، قطعاً آمرزش خدا و رحمت او از [همه] آنچه [آنان] جمع می‌کنند بهتر است .

(ال عمران، ١٥٧)

وَ لَئِنْ مُتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تُخْشَرُونَ (١٥٨)

و اگر [در راه جهاد] بمیرید یا کشته شوید ، قطعاً به سوی خدا گردآورده خواهید شد .

(ال عمران، ١٥٨)

فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَئِن لَّمْ يَكُنْ لَكُمْ فِطْرًا غَلِيظًا لَلْقَلْبِ لَأَلْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (١٥٩)

پس به [برکت] رحمت الهی ، با آنان نرمخو [و پُر مهر] شدی ، و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند . پس ، از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه ، و در کار [ها] با آنان مشورت کن ، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن ، زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست می‌دارد .

(ال عمران، ١٥٩)

إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَ إِنْ يَخْذَلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (١٦٠)

اگر خدا شما را یاری کند ، هیچ کس بر شما غالب نخواهد شد ؛ و اگر دست از یاری شما بردارد ، چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد کرد ؟ و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند .

(ال عمران، ١٦٠)

وَ مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يُغَلَّ يَأْتِ بِمَا عَلَٰنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ (١٦١)

و هیچ پیامبری را نسیزد که خیانت ورزد ، و هر کس خیانت ورزد ، روز قیامت با آنچه در آن خیانت کرده بیاید ؛ آن گاه به هر کس [پاداش] آنچه کسب کرده ، به تمامی داده می‌شود ، و بر آنان ستم نرود .

(ال عمران، ١٦١)

أَفَمِنْ أَتْبَعِ رِضْوَانِ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخِطِ مِنَ اللَّهِ وَ مَا وَاهُ جَهَنَّمَ وَ بئْسَ الْمَصِيرُ (١٦٢)

آیا کسی که خشنودی خدا را پیروی می‌کند ، چون کسی است که به خشمی از خدا دچار گردیده و جایگاهش جهنم است ؟ و چه بد بازگشتگاهی است .

(ال عمران، ١٦٢)

هُم دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (١٦٣)

[هر يك از] ایشان را نزد خداوند درجاتی است ، و خدا به آنچه می‌کنند بیناست .

(ال عمران، ١٦٣)

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِسَابَ وَ إِذْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (١٦٤)

به یقین ، خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت ، تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد ، قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند .

(ال عمران، ١٦٤)

أَوْ لَمَّا أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلِهَا قُلْتُمْ أَنَّىٰ هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (١٦٥)

آیا چون به شما [در نبرد احد] مصیبتی رسید [با آنکه در نبرد بدر] دو برابرش را [به دشمنان خود] رساندید گفتید : « این [مصیبت] از کجا [به ما رسید] ؟ » بگو : « آن از خود شما [و ناشی از بی‌انضباطی خودتان] است . » آری ! خدا به هر چیزی تواناست .

(ال عمران، ۱۶۵)

وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ التَّتَمَعِ الْجَمْعَانِ فَيَأْتِنِ اللَّهُ وَ لِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۶۶)

و روزی که [در احد] آن دو گروه با هم برخورد کردند ، آنچه به شما رسید به اذن خدا بود [تا شما را بیازماید] و مؤمنان را معلوم بدارد ؛

(ال عمران، ۱۶۶)

و لِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبِعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكَفْرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ (۱۶۷)

همچنین کسانی را که دو روی نمودند [نیز] معلوم بدارد . و به ایشان گفته شد : « بیایید در راه خدا بجنگید یا دفاع کنید . » گفتند : « اگر جنگیدن می‌دانستیم مسلماً از شما پیروی می‌کردیم . » آن روز ، آنان به کفر نزدیکتر بودند تا به ایمان . به زبان خویش چیزی می‌گفتند که در دلهایشان نبود ، و خدا به آنچه می‌نهفتند داناتر است .

(ال عمران، ۱۶۷)

الَّذِينَ قَالُوا لِيُخَوِّبَهُمْ وَ قَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ فَادْرَءُوا عَنِّي أَنفُسِكُمْ الْمَوْتُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۶۸)

همان کسانی که [خود در خانه] نشستند و در باره دوستان خود گفتند : « اگر از ما پیروی می‌کردند کشته نمی‌شدند . » بگو : « اگر راست می‌گویید مرگ را از خودتان دور کنید . »

(ال عمران، ۱۶۸)

وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ (۱۶۹)

هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند ، مرده مپندار ، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند .

(ال عمران، ۱۶۹)

فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَنْبِشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَخْزَتُونَ (۱۷۰)

به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است شادمانند ، و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند شادی می‌کنند که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین می‌شوند .

(ال عمران، ۱۷۰)

يَسْتَنْبِشِرُونَ بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلِهِ وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۷۱)

بر نعمت و فضل خدا و اینکه خداوند پاداش مؤمنان را تباه نمی‌گرداند ، شادی می‌کنند .

(ال عمران، ۱۷۱)

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَ اتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ (۱۷۲)

کسانی که [در نبرد احد] پس از آنکه زخم برداشته بودند ، دعوت خدا و پیامبر [او] را اجابت کردند ، برای کسانی از آنان که نیکی و پرهیزگاری کردند پاداشی بزرگ است .

(ال عمران، ۱۷۲)

الَّذِينَ قَالُوا لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَ قَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ (۱۷۳)

همان کسانی که [برخی از] مردم به ایشان گفتند : « مردمان برای [جنگ با] شما گرد آمده‌اند ؛ پس ، از آن بترسید . » و [لی این سخن] بر ایمانشان افزود و گفتند : « خدا ما را بس است و نیکی حمایتگری است . »

(ال عمران، ۱۷۳)

فَاتَّقَلَّبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ يَمَسْسَهُمْ سُوءٌ وَ اتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَ اللَّهُ نُورٌ فَضْلٌ عَظِيمٌ (۱۷۴)

پس با نعمت و بخششی از جانب خدا ، [از میدان نبرد] بازگشتند ، در حالی که هیچ آسیبی به آنان نرسیده بود ، و هم چنان خشنودی خدا را پیروی کردند ، و خداوند دارای بخششی عظیم است .

(ال عمران، ۱۷۴)

إِنَّمَا دُخِلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَ خَافُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۷۵)

در واقع ، این شیطان است که دوستانش را می‌ترساند ؛ پس اگر مؤمنید از آنان مترسید و از من بترسید .

(ال عمران، ۱۷۵)

و لَا يَخْرُجُكَ الَّذِينَ يَسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئاً يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِطَاءً فِي الْآخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۷۶)

و کسانی که در کفر می‌کوشند ، تو را اندوهگین نسازند ؛ که آنان هرگز به خدا هیچ زیانی نمی‌رسانند . خداوند می‌خواهد در آخرت برای آنان بهره‌ای قرار ندهد ، و برای ایشان عذابی بزرگ است .

(ال عمران، ۱۷۶)

إِنَّ الَّذِينَ اسْتَرَفُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئاً وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۷۷)

در حقیقت ، کسانی که کفر را به [بهای] ایمان خریدند ، هرگز به خداوند هیچ زیانی نخواهند رسانید ، و برای آنان عذابی دردناک است .

(ال عمران، ۱۷۷)

وَ لَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ خَيْرٌ لَّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ (۱۷۸)

و البته نباید کسانی که کافر شده‌اند تصور کنند اینکه به ایشان مهلت می‌دهیم برای آنان نیکوست ؛ ما فقط به ایشان مهلت می‌دهیم تا بر گناه [خود] بیفزایند ، و [آن گاه] عذابی خفت‌آور خواهند داشت .

(ال عمران، ۱۷۸)

مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَ لَعَنَ اللَّهُ يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَأَمَّا بِاللَّهِ وَ إِلَيْهِ رُجُوعُ الدُّعَاءِ وَ تَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ (۱۷۹)

خدا بر آن نیست که مؤمنان را به این [حالی] که شما بر آن هستید ، واگذارد ، تا آنکه پلید را از پاک جدا کند . و خدا بر آن نیست که شما را از غیب آگاه گرداند ، ولی خدا از میان فرستادگانش هر که را بخواهد برمی‌گزیند . پس ، به خدا و پیامبرانش ایمان بیاورید ؛ و اگر بگریید و پرهیزکاری کنید ، برای شما پاداشی بزرگ خواهد بود .

(ال عمران، ۱۷۹)

وَ لَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۸۰)

و کسانی که به آنچه خدا از فضل خود به آنان عطا کرده ، بخل می‌ورزند ، هرگز تصور نکنند که آن [بخل] برای آنان خوب است ، بلکه برایشان بد است . به زودی آنچه که به آن بخل ورزیده‌اند ، روز قیامت طوق گردنشان می‌شود . میراث آسمانها و زمین از آن خداست ، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است .

(ال عمران، ۱۸۰)

لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَ نَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَ قَتَلَهُمُ الْآلِيبَاءُ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ نَقُولُ دُفُوعًا عَذَابَ الْخَرِيقِ (۱۸۱)

مسلماً خداوند ، سخن کسانی را که گفتند : « خدا نیازمند است و ما توانگریم » ، شنید . به زودی آنچه را گفتند ، و بناحق کشتن آنان پیامبران را ، خواهیم نوشت و خواهیم گفت : « بچشید عذاب سوزان را . »

(ال عمران، ۱۸۱)

ذَلِكُمْ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِّلْعَبِيدِ (۱۸۲)

این [عقوبت] به خاطر کار و کردار پیشین شماست ، [و گر نه] خداوند هرگز نسبت به بندگان [خود] بیدادگر نیست .

(ال عمران، ۱۸۲)

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدٌ بَيْنَنَا أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ فَلَمَّا جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ قِبَلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَ بِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۸۳)

همانان که گفتند : « خدا با ما پیمان بسته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم تا برای ما قربانی بیاورد که آتش [آسمانی] آن را [به نشانه قبول] بسوزاند . « بگو : « قطعاً پیش از من ، پیامبرانی بودند که دلایل آشکار را با آنچه گفتید ، برای شما آوردند . اگر راست می‌گویید ، پس چرا آنان را کشتید ؟ »

(ال عمران، ۱۸۳)

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ مِنْ قِبَلِكُمْ جَاءُوا بِالْبَيِّنَاتِ وَ الزُّبُرِ وَ الْكِتَابِ الْمُنِيرِ (۱۸۴)

پس اگر تو را تکذیب کردند ، [بدان که] پیامبرانی [هم] که پیش از تو ، دلایل روشن و نوشته‌ها و کتاب روشن آورده بودند ، تکذیب شدند .

(ال عمران، ۱۸۴)

كُلُّ نَفْسٍ دَائِقَةٌ لِمُوتٍ وَ إِنَّمَا تُؤَفَّقُونَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَ أَدْخَلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ (۱۸۵)

هر جاندارى چشنده [طعم] مرگ است ، و همانا روز رستاخيز پادشاهيتان به طور كامل به شما داده مى‌شود . پس هر كه را از آتش به دور دارند و در بهشت درآورند قطعاً كامياب شده است ؛ و زندگى دنيا جز مايه فريب نيست .

(ال عمران، ۱۸۵)

تَتَّبِعُونَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَ لَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذَى كَثِيراً وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۱۸۶)

قطعاً در مالها و جانهايتان آزموده خواهيد شد ، و از كسانى كه پيش از شما به آنان كتاب داده شده و [نيز] از كسانى كه به شرك گراييده‌اند ، [سخنان دل] آزار بسيارى خواهيد شنيد ، و [لى] اگر صبر كنيد و پرهيزگارى نماييد ، اين [ايستادگى] حاكى از عزم استوار [شما] در كارهاست .

(ال عمران، ۱۸۶)

وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَ لَآ تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَ اشْتَرَوْا بِهِ ثَمناً قليلاً فَيُبْسِ مَا يَشْتَرُونَ (۱۸۷)

و [ياد كن] هنگامى را كه خداوند از كسانى كه به آنان كتاب داده شده ، پيمان گرفت كه حتماً بايد آن را [به وضوح] براى مردم بيان نماييد و كتمانش مكنيد . پس ، آن [عهد] را پشت سر خود انداختند و در برابر آن ، بهايى ناچيز به دست آوردند ، و چه بد معامله‌اى كردند .

(ال عمران، ۱۸۷)

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَ يُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۸۸)

البته گمان مبر كسانى كه بدانچه کرده‌اند شادمانى مى‌کنند و دوست دارند به آنچه نکرده‌اند مورد ستايش قرار گيرند ، قطعاً گمان مبر كه براى آنان نجاتى از عذاب است ، [كه] عذابى دردناك خواهند داشت .

(ال عمران، ۱۸۸)

وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۸۹)

و فرمانروايى آسمانها و زمين از آن خداست ، و خداوند بر هر چيزى تواناست .

(ال عمران، ۱۸۹)

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ (۱۹۰)

مسلمانم در آفرينش آسمانها و زمين ، و در پى يكديگر آمدن شب و روز ، براى خردمندان نشانه‌هايى [قانع كننده] است .

(ال عمران، ۱۹۰)

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَاماً وَ قُعُوداً وَ عَلَى جُنُوبِهِمْ وَ يَتَذَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلاً سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (۱۹۱)

همانان كه خدا را [در همه احوال] ايستاده و نشسته ، و به پهلو آرმიده ياد مى‌کنند ، و در آفرينش آسمانها و زمين مى‌اندیشند [كه :] پروردگارا ، اينها را بيپوده نيافریده‌اى ؛ منزهي تو ! پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار .

(ال عمران، ۱۹۱)

رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَخْلِلُ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ (۱۹۲)

پروردگارا ، هر كه را تو در آتش درآورى ، يقيناً رسوايش کرده‌اى ، و براى ستمكاران ياورانى نيست .

(ال عمران، ۱۹۲)

رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَأَمَنَّا رَبَّنَا فَأَعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ (۱۹۳)

پروردگارا ، ما شنيديم كه دعوتگرى به ايمان فرا مى‌خواند كه : « به پروردگار خود ايمان آوريد » ، پس ايمان آورديم . پروردگارا ، گناهان ما را ببامرز ، و بديهايى ما را بزداى و ما را در زمره نيكان بميران .

(ال عمران، ۱۹۳)

رَبَّنَا وَ آتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَ لَآ تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَآ تُخْلِفُ الْمِيعَادَ (۱۹۴)

پروردگارا ، و آنچه را كه به وسيله فرستادگانت به ما وعده داده‌اى به ما عطا كن ، و ما را روز رستاخيز رسوا مگردان ، زيرا تو وعدهات را خلاف نمى‌كنى .

(ال عمران، ۱۹۴)

فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى بَعْضَكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ أخرجُوا مِنْ ديارِهِمْ وَ أُوْدُوا فِي سَبِيلِي وَ قَاتَلُوا وَ قُتِلُوا لَأَكْفِرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ لَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ تَوَاباً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ التَّوَابِ (۱۹۵)

پس ، پروردگارشان دعای آنان را اجابت کرد [و فرمود که :] من عمل هیچ صاحب عملی از شما را ، از مرد یا زن ، که همه از یکدیگرید ، تباه نمی‌کنم ؛ پس ، کسانی که هجرت کرده و از خانه‌های خود رانده شده و در راه من آزار دیده و جنگیده و کشته شده‌اند ، بدبهباشان را از آنان می‌زدایم ، و آنان را در باغهایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است درمی‌آورم ؛ [این] پاداشی است از جانب خدا و پاداش نیکو نزد خداست .

(آل عمران، ۱۹۵)

لَا يَغْرَنَك تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ (۱۹۶)

مبادا رفت و آمد [و جنب و جوش] کافران در شهرها تو را دستخوش فریب کند .

(آل عمران، ۱۹۶)

مَتَاعَ قَلِيلٍ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَ يَسِنُ الْمُهَادِ (۱۹۷)

[این] کالای ناچیز [و برخورداری اندکی] است ؛ سپس جایگاهشان دوزخ است ، و چه بد قرارگاهی است .

(آل عمران، ۱۹۷)

لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا (۱۹۸)

ولی کسانی که پروای پروردگارشان را پیشه ساخته‌اند باغهایی خواهند داشت که از زیر [درختان] آن نهرها روان است . در آنجا جاودانه بمانند ؛ [این] پذیرایی از جانب خداست ، و آنچه نزد خداست برای نیکان بهتر است .

(آل عمران، ۱۹۸)

وَ إِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ تَمَنَّا قَلِيلًا أَوْلَيْكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۱۹۹)

و البته از میان اهل کتاب کسانی هستند که به خدا و بدانچه به سوی شما نازل شده و به آنچه به سوی خودشان فرود آمده ایمان دارند ، در حالی که در برابر خدا خاشعند ، و آیات خدا را به بهای ناچیزی نمی‌فروشند . اینانند که نزد پروردگارشان پاداش خود را خواهند داشت . آری ! خدا زود شمار است .

(آل عمران، ۱۹۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۲۰۰)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و از خدا پروا نمایید ، امید است که رستگار شوید .

(آل عمران، ۲۰۰)

ترتیبها-۴	سوره النساء	مدنی-آیاتها-۱۷۶
------------------	--------------------	------------------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(النساء، ۰)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا (۱)

ای مردم ، از پروردگارتان که شما را از « نفس واحدی » آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید ، و از آن دو ، مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد ، پروا دارید ؛ و از خدایی که به [نام] او از همدیگر درخواست می‌کنید پروا نمایید ؛ و زنهار از خویشاوندان مَبْرِد ، که خدا همواره بر شما نگهبان است .

(النساء، ۱)

وَ أَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَ لَا تَتَّبِعُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَ لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ خُوبًا كَبِيرًا (۲)

و اموال یتیمان را به آنان [باز] دهید ، و [مال] پاک و [مرغوب آنان] را با [مال] ناپاک [خود] عوض نکنید ؛ و اموال آنان را همراه با اموال خود مخورید که این گناهی بزرگ است .

(النساء، ۲)

وَ إِِنْ حَفَّتُمْ إِلَّا نَفْسُطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَاتَّكَبُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَتْنَىٰ وَ ثَلَاثَ وَ رِبَاعَ فَإِنْ حَفَّتُمْ إِلَّا تَعِدَلُوا فَوَاجِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكُمْ أَدْنَىٰ إِلَّا تَعُولُوا (۳)

و اگر در اجرای عدالت میان دختران یتیم بیمناکید ، هر چه از زنان [دیگر] که شما را پسند افتاد ، دو دو ، سه سه ، چهار چهار ، به زنی گیرید . پس اگر بیم دارید که به عدالت رفتار نکنید ، به يك [زن آزاد] یا به آنچه [از کنیزان] مالک شده‌اید [اکتفاء کنید] . این [خودداری] نزدیکتر است تا به ستم گرایید [و بیهوده عیالوار گردید] .

(النساء، ۳)

وَ اتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ بَخْلَةٍ فَاِنْ طَبْنُ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِينًا مَرِينًا (۴)

و مهر زنان را به عنوان هدیه‌ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید؛ و اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما واگذاشتند، آن را حلال و گوارا بخورید.

(النساء، ۴)

وَ لَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ اَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَ ارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَ اَسْوِمُوهُمْ وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (۵)

و اموال خود را که خداوند آن را وسیله قوام [زندگی] شما قرار داده به سفیهان بدهید، و [لی] از [عواید] آن به ایشان بخورانید و آنان را پوشاک دهید؛ و با آنان سخنی پسندیده بگویید.

(النساء، ۵)

وَ ابْتَلُوا النِّبْتَامِيَّ حَتَّىٰ اِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَاِنْ اَنْتُمْ مِنْهُمْ رَشِدًا فَادْفَعُوا اِلَيْهِمْ اَمْوَالَهُمْ وَ لَا تَأْكُلُوها اِسْرَافًا وَ بَدَارًا اَنْ يَكْتُوبُوا وَ مَنْ كَانَ عَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَ مَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَاِذَا دَفَعْتُمْ اِلَيْهِمْ اَمْوَالَهُمْ فَاَسْأَلُوهُم عَلَيْهِنَّ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا (۶)

و یتیمان را بیازمایید تا وقتی به [سن] زناشویی برسند؛ پس اگر در ایشان رشد [فکری] یافتید، اموالشان را به آنان رد کنید، و آن را [از بیم آنکه مبدا] بزرگ شوند، به اسراف و شتاب مخورید. و آن کس که توانگر است باید [از گرفتن اجرت سرپرستی] خودداری ورزد؛ و هر کس تهیدست است باید مطابق عرف [از آن] بخورد؛ پس هر گاه اموالشان را به آنان رد کردید بر ایشان گواه بگیرید، خداوند حسابرسی را کافی است.

(النساء، ۶)

لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَ الْاَقْرَبُونَ وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَ الْاَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ اَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا (۷)

برای مردان، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان [آنان] بر جای گذاشته‌اند سهمی است؛ و برای زنان [نیز] از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان [آنان] بر جای گذاشته‌اند سهمی [خواهد بود] خواه آن [مال] کم باشد یا زیاد نصیب هر کس مفروض شده است.

(النساء، ۷)

وَ اِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ اُولُو الْقَرْبَىٰ وَ النِّبْتَامِيَّ وَ الْمَسَاكِيْنَ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (۸)

و هر گاه، خویشاوندان یتیمان و مستمندان در تقسیم [ارث] حاضر شدند، [چیزی] از آن را به ایشان ارزانی دارید و با آنان سخنی پسندیده بگویید.

(النساء، ۸)

وَ لِيُخْشِيَ الَّذِيْنَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَ لْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (۹)

و آنان که اگر فرزندان ناتوانی از خود بر جای بگذارند بر [آینده] آنان بیم دارند، باید [از ستم بر یتیمان مردم نیز] بترسند. پس باید از خدا پروا دارند و سخنی [بجا و] درست گویند.

(النساء، ۹)

اِنَّ الَّذِيْنَ يَأْكُلُوْنَ اَمْوَالَ النِّبْتَامِيَّ ظُلْمًا اِنَّمَا يَأْكُلُوْنَ فِي بُطُوْنِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُوْنَ سَعِيْرًا (۱۰)

در حقیقت، کسانی که اموال یتیمان را به ستم می‌خورند، جز این نیست که آتشی در شکم خود فرو می‌برند، و به زودی در آتشی فروزان درآیند.

(النساء، ۱۰)

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي اَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْاُنثَىٰ فَاِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اِثْنَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثًا مِمَّا تَرَكَ وَ اِنْ كَانَتْ وَاَحَدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَ لِابْنِيهِ لِكُلِّ وَاَحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ اِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَاِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَ وَرِثَهُ اَبَوَاهُ فَلِلْمَهِّ الثُّلُثُ فَاِنْ كَانَ لَهُ اِخْوَةٌ فَلِلْمَهِّ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوْصِي بِهَا اَوْ دَيْنٍ اَبَاؤُكُمْ وَ اَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُوْنَ اَيُّهُمْ اَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ اِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيْمًا حَكِيْمًا (۱۱)

خداوند به شما در باره فرزندانانتان سفارش می‌کند: سهم پسر، چون سهم دو دختر است. و اگر [همه ورثه]، دختر [و] از دو تن بیشتر باشند، سهم آنان دو سوم ما ترک است؛ و اگر [دختری که ارث می‌برد] یکی باشد، نیمی از میراث از آن اوست، و برای هر یک از پدر و مادر وی [متوفی] یک ششم از ما ترک [مقرر شده] است، این در صورتی است که [متوفی] فرزندی داشته باشد. ولی اگر فرزندی نداشته باشد و [تنها] پدر و مادرش از او ارث برند، برای مادرش یک سوم است [و بقیه را پدر می‌برد]؛ و اگر او برادرانی داشته باشد، مادرش یک ششم می‌برد، [البته همه اینها] پس از انجام وصیتی است که او بدان سفارش کرده یا دینی [که باید استتفا شود]. شما نمی‌دانید پدران و فرزندانانتان کدام یک برای شما سودمندترند. [این] فرضی است از جانب خدا، زیرا خداوند دانای حکیم است.

(النساء، ۱۱)

وَ لَكُمْ نَصْفٌ مِمَّا تَرَكَ اَزْوَاجِكُمْ اِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَاِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلِكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ اِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَاِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوْصَوْنَ بِهَا اَوْ دَيْنٍ وَ اِنْ كَانَ رَجُلٌ يُوْرِثُ كَلَالَةً اَوْ اِمْرَاةً وَ لَهٗ اَخٌ اَوْ اُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاَحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ فَاِنْ كَانُوْا اَكْثَرَ مِنْ ذٰلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوْصَىٰ بِهَا اَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيْمٌ حَلِيْمٌ (۱۲)

و نیمی از میراث همسرانتان از آن شما [شوهران] است اگر آنان فرزندی نداشته باشند ؛ و اگر فرزندی داشته باشند يك چهارم ما ترك آنان از آن شماست ، [البته] پس از انجام وصیتی که بدان سفارش کرده‌اند یا دینی [که باید استتفا شود] ، و يك چهارم از میراث شما برای آنان است اگر شما فرزندی نداشته باشید ؛ و اگر فرزندی داشته باشید ، يك هشتم برای میراث شما از ایشان خواهد بود ، [البته] پس از انجام وصیتی که بدان سفارش کرده‌اید یا دینی [که باید استتفا شود] ، و اگر مرد یا زنی که از او ارث می‌برند کلاله [بی‌فرزند و بی‌پدر و مادر] باشد و برای او برادر یا خواهری باشد ، پس برای هر يك از آن دو ، يك ششم [ما ترك] است ؛ و اگر آنان بیش از این باشند در يك سوم [ما ترك] مشارکت دارند ، [البته] پس از انجام وصیتی که بدان سفارش شده یا دینی که [باید استتفا شود ، به شرط آنکه از این طریق] زیانی [به ورثه] نرساند . این است سفارش خدا ، و خداست که دانای بردبار است .

(النساء، ۱۲)

تَلَكَّ حُدُودَ اللَّهِ وَ مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۳)

اینها احکام الهی است ، و هر کس از خدا و پیامبر او اطاعت کند ، وی را به باغهایی درآورد که از زیر [درختان] آن نهرها روان است . در آن جاودانه‌اند ، و این همان کامیابی بزرگ است .

(النساء، ۱۳)

وَ مَنْ يُعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَتَّقِ حُدُودَ اللَّهِ يُدْخِلْهُ نَاراً خَالِداً فِيهَا وَ لَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ (۱۴)

و هر کس از خدا و پیامبر او نافرمانی کند و از حدود مقرر او تجاوز نماید ، وی را در آتشی درآورد که همواره در آن خواهد بود و برای او عذابی خفّت‌آور است .

(النساء، ۱۴)

وَ اللَّائِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَمَا اسْتَشْهَدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةٌ مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَقَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلاً (۱۵)

و از زنان شما ، کسانی که مرتکب زنا می‌شوند ، چهار تن از میان خود [مسلمانان] بر آنان گواه بگیرید ؛ پس اگر شهادت دادند ، آنان [زنان] را در خانه‌ها نگاه دارید تا مرگشان فرا رسد یا خدا راهی برای آنان قرار دهد .

(النساء، ۱۵)

وَ اللَّذَانِ يَأْتِيَانِيهَا مِنْكُمْ فَأَذُوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَ أَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّاباً رَحِيماً (۱۶)

و از میان شما ، آن دو تن را که مرتکب زشتکاری می‌شوند ، آزارشان دهید ؛ پس اگر توبه کردند و درستکار شدند از آنان صرف‌نظر کنید ؛ زیرا خداوند توبه‌پذیر مهربان است .

(النساء، ۱۶)

إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيماً حَكِيماً (۱۷)

توبه ، نزد خداوند ، تنها برای کسانی است که از روی نادانی مرتکب گناه می‌شوند ، سپس به زودی توبه می‌کنند ؛ اینانند که خدا توبه‌شان را می‌پذیرد ، و خداوند دانای حکیم است .

(النساء، ۱۷)

وَ لَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّى إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ وَ لَا الَّذِينَ يُمُوتُونَ وَ هُمْ كَفَّارٌ أُولَئِكَ أَجْتُنَّا لَهُمْ عَذَاباً أَلِيماً (۱۸)

و توبه کسانی که گناه می‌کنند ، تا وقتی که مرگ یکی از ایشان دررسد ، می‌گوید : « اکنون توبه کردم » ، پذیرفته نیست ؛ و [نیز توبه] کسانی که در حال کفر می‌میرند ، پذیرفته نخواهد بود ، آنانند که برایشان عذابی دردناک آماده کرده‌ایم .

(النساء، ۱۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَ لَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْنَهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مَبِينَةٍ وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا (۱۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه ارث برید ؛ و آنان را زیر فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را به آنان داده‌اید [از چنگشان به در] نرید ، مگر آنکه مرتکب زشتکاری آشکاری شوند ، و با آنها بشایستگی رفتار کنید ؛ و اگر از آنان خوشتان نیامد ، پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد .

(النساء، ۱۹)

وَ إِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَ آتَيْتُمْ إِخْدَاهُنَّ قِطْرًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئاً أَ تَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِنَّمَا مُبِينًا (۲۰)

و اگر خواستید همسری [دیگر] به جای همسر [پیشین خود] ستانید ، و به یکی از آنان مال فراوانی داده باشید ، چیزی از آن را پس نگیرید . آیا می‌خواهید آن [مال] را به بهتان و گناه آشکار بگیریید ؟

(النساء، ۲۰)

وَ كَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَ أَخَذْتُمْ مِنْكُمْ مِيثَاقاً غَلِيظًا (۲۱)

و چگونه آن [مهر] را می‌ستانید با آنکه از یکدیگر کام گرفته‌اید ، و آنان از شما پیمانی استوار گرفته‌اند ؟

(النساء، ۲۱)

و لَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا (۲۲)

و با زنتی که پدرانتان به ازدواج خود درآورده‌اند ، نکاح نکنید ؛ مگر آنچه که پیشتر رخ داده است ، چرا که آن ، زشتکاری و [مایه] دشمنی ، و بد راهی بوده است .

(النساء، ۲۲)

حَرَمْتُ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ وَ أَخَوَاتِكُمْ وَ عَمَّاتِكُمْ وَ خَالَاتِكُمْ وَ بَنَاتِ الْأَخِ وَ بَنَاتِ الْأُخْتِ وَ أُمَّهَاتِكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَ أَخَوَاتِكُمْ مِنَ الرِّضَاعَةِ وَ أُمَّهَاتُ نِسَابِكُمْ وَ رِبَابِكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنَ نِسَابِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنَّ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَ خَالَاتُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَ أَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا (۲۳)

[نکاح اینان] بر شما حرام شده است : مادرانتان ، و دخترانتان ، و خواهرانتان ، و عمه‌هایتان ، و خاله‌هایتان ، و دختران برادر ، و دختران خواهر ، و مادرهایتان که به شما شیر داده‌اند ، و خواهران رضاعی شما ، و مادران زنانتان ، و دختران همسرانتان که [آنها دختران] در دامان شما پرورش یافته‌اند و با آن همسران همبستر شده‌اید پس اگر با آنها همبستر نشده‌اید بر شما گناهی نیست [که با دخترانشان ازدواج کنید] و زنان پسرانتان که از پشت خودتان هستند ، و جمع دو خواهر با همدیگر مگر آنچه که در گذشته رخ داده باشد که خداوند آمرزنده مهربان است .

(النساء، ۲۳)

وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ أَجَلَ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَ لَاجُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (۲۴)

و زنان شوهردار [نیز بر شما حرام شده است] به استثنای زنتی که مالک آنان شده‌اید ؛ [این] فریضه الهی است که بر شما مقرر گردیده است . و غیر از این [زنان نامبرده] ، برای شما حلال است که [زنان دیگر را] به وسیله اموال خود طلب کنید در صورتی که پاکدامن باشید و زناکار نباشید و زنتی را که مُتعه کرده‌اید ، مهرشان را به عنوان فریضه‌ای به آنان بدهید ، و بر شما گناهی نیست که پس از [تعیین مبلغ] مقرر ، با یکدیگر توافق کنید [که مدت عقد یا مهر را کم یا زیاد کنید] ؛ مسلماً خداوند دانای حکیم است .

(النساء، ۲۴)

وَ مَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمَنَاتِ فَمَنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فِتْيَانِكُمُ الْمُؤْمَنَاتِ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِيهِنَّ وَ آتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَ لَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أَحْصَيْتُمْ فَإِذَا أَحْصَيْتُمْ فَإِذَا أَحْصَيْتُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْتُمْ فِي الْعُقُودِ الَّتِي لَكُمْ مِنَ الْعُقُودِ الَّتِي كُنْتُمْ عَلَيْكُمْ وَ أَنْ تَصْنُرُوا خَيْرَ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۵)

و هر کس از شما ، از نظر مالی نمی‌تواند زنان [آزاد] پاکدامن با ایمان را به همسری [خود] درآورد ، پس با دختران جوانسال با ایمان شما که مالک آنان هستید [ازدواج کند] ؛ و خدا به ایمان شما داناتر است . [همه] از یکدیگرید . پس آنان را با اجازه خانواده‌شان به همسری [خود] درآورید و مهرشان را به طور پسندیده به آنان بدهید [به شرط آنکه] پاکدامن باشند نه زناکار ، و دوست‌گیران پنهانی نباشند . پس چون به ازدواج [شما] درآمدند ، اگر مرتکب فحشا شدند ، پس بر آنان نیمی از عذاب [مجازات] زنان آزاد است . این [پیشنهاد زناشویی با کنیزان] برای کسی از شماست که از آرایش گناه بیم دارد ؛ و صبر کردن ، برای شما بهتر است ، و خداوند آمرزنده مهربان است .

(النساء، ۲۵)

يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذَيِّبَ لَكُمْ وَ يَهْدِيَكُمْ سَبِيلَ الدِّينِ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۲۶)

خدا می‌خواهد برای شما توضیح دهد ، و راه [و رسم] کسانی را که پیش از شما بوده‌اند به شما بنمایاند ، و بر شما ببخشد ، و خدا دانای حکیم است .

(النساء، ۲۶)

وَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَ يُرِيدَ الدِّينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مِيلًا عَظِيمًا (۲۷)

خدا می‌خواهد تا بر شما ببخشد ؛ و کسانی که از خواسته‌ها [ی نفسانی] پیروی می‌کنند می‌خواهند شما دستخوش انحرافی بزرگ شوید .

(النساء، ۲۷)

يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَ خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا (۲۸)

خدا می‌خواهد تا بارتان را سبک گرداند ؛ و [می‌داند که] انسان ، ناتوان آفریده شده است .

(النساء، ۲۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالِكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَ لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (۲۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، اموال همدیگر را به ناروا مخورید مگر آنکه داد و ستدی با تراضی یکدیگر ، از شما [انجام گرفته] باشد و خودتان را مکشید ، زیرا خدا همواره با شما مهربان است .

(النساء، ۲۹)

وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ غُدُوًّا وَظُلْمًا هُنُوْفٌ نُصَلِّيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۳۰)

و هر کس از روی تجاوز و ستم چنین کند ، به زودی وی را در آتشی درآوریم ، و این کار بر خدا آسان است .

(النساء، ۳۰)

إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا (۳۱)

اگر از گناهان بزرگی که از آن [ها] نهی شده‌اید دوری گزینید ، بدیهای شما را از شما می‌زداییم ، و شما را در جایگاهی ارجمند درمی‌آوریم .

(النساء، ۳۱)

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (۳۲)

و زنه‌ار ، آنچه را خداوند به [سبب] آن ، بعضی از شما را بر بعضی [دیگر] برتری داده آرزو مکنید . برای مردان از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است ، و برای زنان [نیز] از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است . و از فضل خدا درخواست کنید ، که خدا به هر چیزی داناست .

(النساء، ۳۲)

وَلِكُلِّ وُجْهًا مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَ الَّذِينَ عَقَدْتُمْ أَيْمَانَكُمْ فَآتُوهُمْ نَصِيبَهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا (۳۳)

و از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان ، و کسانی که شما [با آنان] پیمان بسته‌اید ، بر جای گذاشته‌اند ، برای هر یک [از مردان و زنان] ، و ارثانی قرار داده‌ایم . پس نصیبشان را به ایشان بدهید ، زیرا خدا همواره بر هر چیزی گواه است .

(النساء، ۳۳)

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَ اللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنِ اطَّعْتُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا (۳۴)

مردان ، سرپرست زنانند ، به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند . پس ، زنان درستکار ، فرمانبردارند [و] به پاس آنچه خدا [برای آنان] حفظ کرده ، اسرار [شوهران خود] را حفظ می‌کنند . و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید [نخست] پندشان دهید و [بعد] در خوابگاه‌ها از ایشان دوری کنید و [اگر تاثیر نکرد] آنان را بزنید ؛ پس اگر شما را اطاعت کردند [دیگر] بر آنها هیچ راهی [برای سرزنش] مجویید ، که خدا والای بزرگ است .

(النساء، ۳۴)

وَ إِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَنِيهِمَا فَأَبْغُوا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِنْ أَهْلَيْهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّي اللَّهُ بَيْنَهُمَا مِنَ اللَّهِ كَانَ عَلِيمًا حَبِيرًا (۳۵)

و اگر از جدایی میان آن دو [: زن و شوهر] بیم دارید پس داوری از خانواده آن [شوهر] و داوری از خانواده آن [زن] تعیین کنید . اگر سر سازگاری دارند ، خدا میان آن دو سازگاری خواهد داد . آری ! خدا دانای آگاه است .

(النساء، ۳۵)

وَ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ بِذِي الْقُرْبَى وَ النَّيْتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَى وَ الْجَارِ الْجُنْبِ وَ الصَّالِحِينَ بِالْجُنْبِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فُجُورًا (۳۶)

و خدا را بپرستید ، و چیزی را با او شریک مگردانید ؛ و به پدر و مادر احسان کنید ؛ و در باره خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه خویش و همسایه بیگانه و همنشین و در راه‌مانده و بردگان خود [نیکی کنید] ، که خدا کسی را که متکبر و فخر فروش است دوست نمی‌دارد :

(النساء، ۳۶)

الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَ يَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَ كَتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا (۳۷)

همان کسانی که بخل می‌ورزند ، و مردم را به بخل وامی‌دارند ، و آنچه را خداوند از فضل خویش بدانها ارزانی داشته پوشیده می‌دارند . و برای کافران عذابی خوارکننده آماده کرده‌ایم .

(النساء، ۳۷)

وَ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا (۳۸)

و کسانی که اموالشان را برای نشان‌دادن به مردم انفاق می‌کنند ، و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند . و هر کس شیطان یار او باشد ، چه بد همدمی است .

(النساء، ۳۸)

وَ مَا ذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَ كَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا (۳۹)

و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان می‌آوردند ، و از آنچه خدا به آنان روزی داده ، انفاق می‌کردند ، چه زیانی برایشان داشت ؟ و خدا به [کار] آنان داناست .

(النساء، ۳۹)

إِنَّ اللَّهَ لَا يُظِلُّ مَنْقَالَ ذَرَّةٍ وَ إِنْ تَكَ حَسَنَةً يُضَاعِفْهَا وَ يُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا (۴۰)

در حقیقت ، خدا هموزن ذره‌ای ستم نمی‌کند و اگر [آن ذره ، کار] نیکی باشد دو چندانش می‌کند ، و از نزد خویش پاداشی بزرگ می‌بخشد .

(النساء، ۴۰)

فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا (۴۱)

پس چگونه است [حالشان] آن گاه که از هر امتی گواهی آوریم ، و تو را بر آنان گواه آوریم ؟

(النساء، ۴۱)

يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ عَصَاؤُ الرِّسُولِ لَوْ تُسَوَّى بِهِمُ الْأَرْضُ وَ لَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَيْثُ مَا (۴۲)

آن روز ، کسانی که کفر ورزیده‌اند ، و از پیامبر [خدا] نافرمانی کرده‌اند ، آرزو می‌کنند که ای کاش با خاک یکسان می‌شدند . و از خدا هیچ سخنی را پوشیده نمی‌توانند داشت .

(النساء، ۴۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَ لَا جُنْبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَ إِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَ أَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا غَفُورًا (۴۳)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا زمانی که بدانید چه می‌گویید ؛ و [نیز] در حال جنابت [وارد نماز نشوید] مگر اینکه راهگذر باشید تا غسل کنید ؛ و اگر بیمارید یا در سفرید یا یکی از شما از قضای حاجت آمد یا با زنان آمیزش کرده‌اید و آب نیافته‌اید ، پس بر خاکی پاک تیمم کنید ، و صورت و دستهایتان را مسح نمایید ، که خدا بخشنده و آمرزنده است .

(النساء، ۴۳)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الضَّلَاةَ وَ يُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ (۴۴)

آیا به کسانی که بهره‌ای از کتاب یافته‌اند ننگریستی ؟ گمراهی را می‌خرند و می‌خواهند شما [نیز] گمراه شوید .

(النساء، ۴۴)

وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَانِكُمْ وَ كَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَ كَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا (۴۵)

و خدا به [حال] دشمنان شما داناتر است ؛ کافی است که خدا سرپرست [شما] باشد ، و کافی است که خدا یاور [شما] باشد .

(النساء، ۴۵)

مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ يَقُولُونَ سَمِعْنَا وَ عَصَيْنَا وَ أَسْمَعُ غَيْرَ مُسْمِعٍ وَ رَاعِنًا لِّيَا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَ طَعْنَا فِي الدِّينِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا وَ أَنْظَرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَ أَقْوَمَ وَ لَكِن لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا (۴۶)

برخی از آنان که یهودی‌اند ، کلمات را از جاهای خود برمی‌گردانند ، و با پیچانیدن زبان خود و به قصد طعنه زدن در دین [اسلام] ، با درآمیختن عبری به عربی [می‌گویند : « شنیدیم و نافرمانی کردیم ؛ و بشنو [که کاش] ناشنوا گردی . » و [نیز از روی استهزا می‌گویند : « راعنا »] که در عربی یعنی : به ما التفات کن ، ولی در عبری یعنی : خبیث ما ،] و اگر آنان می‌گفتند : « شنیدیم و فرمان بردیم ، و بشنو و به ما بنگر ، قطعاً برای آنان بهتر و درست‌تر بود ، ولی خدا آنان را به علت کفرشان لعنت کرد ، در نتیجه جز [گروهی] اندک ایمان نمی‌آورند .

(النساء، ۴۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِئِسَ وَجُوهًا فَنَرَدَّهَا عَلَى آذَانِهِمْ أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (۴۷)

ای کسانی که به شما کتاب داده شده است ، به آنچه فرو فرستادیم و تصدیق‌کننده همان چیزی است که با شماست ایمان بیاورید ، پیش از آنکه چهره‌هایی را محو کنیم و در نتیجه آنها را به قهقرا بازگردانیم ؛ یا هم چنان که « اصحاب سبت » را لعنت کردیم ؛ آنان را [نیز] لعنت کنیم ، و فرمان خدا همواره تحقق یافته است .

(النساء، ۴۷)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَى إِثْمًا عَظِيمًا (۴۸)

مسلماً خدا ، این را که به او شرک ورزیده شود نمی‌بخشاید و غیر از آن را برای هر که بخواهد می‌بخشاید ، و هر کس به خدا شرک ورزد ، به یقین گناهی بزرگ برافته است .

(النساء، ۴۸)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْكُونَ أَنفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُرَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَ لَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا (۴۹)

آیا به کسانی که خویشتن را پاک می‌شمارند ننگریسته‌ای ؟ [چنین نیست ، بلکه خداست که هر که را بخواهد پاک می‌گرداند ، و به قدر نخ روی هسته خرمایی ستم نمی‌بیند .

(النساء، ۴۹)

انظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَ كَفَىٰ بِهِ إِثْمًا مُّبِينًا (۵۰)

بین چگونه بر خدا دروغ می‌بندند . و بس است که این ، یک گناه آشکار باشد .

(النساء، ۵۰)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَىٰ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا (۵۱)

آیا کسانی را که از کتاب [آسمانی] نصیبی یافته‌اند ندیده‌ای ؟ که به « جبت » و « طاغوت » ایمان دارند ، و در باره کسانی که کفر ورزیده‌اند می‌گویند : « اینان از کسانی که ایمان آورده‌اند راه‌یافته‌ترند . »

(النساء، ۵۱)

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ مَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَعَلَّنَّ لَهُ نَصِيبًا (۵۲)

اینانند که خدا لعنتشان کرده ، و هر که را خدا لعنت کند هرگز برای او یآوری نخواهی یافت .

(النساء، ۵۲)

أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا (۵۳)

آیا آنان نصیبی از حکومت دارند ؟ [اگر هم داشتند ، به قدر نقطه پشت هسته خرمایی [چیزی] به مردم نمی‌دادند .

(النساء، ۵۳)

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا (۵۴)

بلکه به مردم ، برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده رشک می‌ورزند ؛ در حقیقت ، ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم ، و به آنان ملکی بزرگ بخشیدیم .

(النساء، ۵۴)

فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَ كَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا (۵۵)

پس برخی از آنان به وی ایمان آوردند ، و برخی از ایشان از او روی برتافتند ، و [برای آنان] دوزخ پرشماره بس است .

(النساء، ۵۵)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كَلِمًا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بِبَلَلِنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا (۵۶)

به زودی کسانی را که به آیات ما کفر ورزیده‌اند ، در آتشی [سوزان] درآوریم ؛ که هر چه پوستشان بریان گردد ، پوستهای دیگری بر جایش نهمیم تا عذاب را بچشند . آری ، خداوند توانای حکیم است .

(النساء، ۵۶)

وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَ نُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا (۵۷)

و به زودی کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند ، در باغهایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است درآوریم . برای همیشه در آن جاودانند ، و در آنجا همسرانی پاکیزه دارند ، و آنان را در سایه‌ای پایدار درآوریم .

(النساء، ۵۷)

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَ إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا (۵۸)

خدا به شما فرمان می‌دهد که سپرده‌ها را به صاحبان آنها رد کنید ؛ و چون میان مردم داوری می‌کنید ، به عدالت داوری کنید . در حقیقت ، نیکو چیزی است که خدا شما را به آن پند می‌دهد . خدا شنوای بیناست .

(النساء، ۵۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنَّ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ النَّيِّمِ الْآخِرِ دَلِيلَكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا (۵۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید ؛ پس هر گاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید ، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید ، آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید ، این بهتر و نیک‌تر است .

(النساء، ۵۹)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا (۶۰)

آیا ندیده‌ای کسانی را که می‌پندارند به آنچه به سوی تو نازل شده و [به] آنچه پیش از تو نازل گردیده ، ایمان آورده‌اند [با این همه] می‌خواهند داورى میان خود را به سوى طاغوت ببرند ، با آنکه قطعاً فرمان یافته‌اند که بدان کفر ورزند ، و [لى] شیطان می‌خواهد آنان را به گمراهی دوری دراندازد .

(النساء، ۶۰)

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتِ الْمُنَافِقِينَ يُصَدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا (۶۱)

و چون به ایشان گفته شود : « به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر [او] بیایید » ، منافقان را می‌بینی که از تو سخت ، روی برمی‌تابند .

(النساء، ۶۱)

فَكَيفَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوكَ يَخْلُفُونَ بِاللَّهِ إِنَّ آدُنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَ تَوْفِيقًا (۶۲)

پس چگونه ، هنگامی که به [سزای] کار و کردار پیشینشان مصیبتی به آنان می‌رسد ، نزد تو می‌آیند و به خدا سوگند می‌خورند که ما جز نیکویی و موافقت قصدی نداشتیم ؟

(النساء، ۶۲)

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ عَظْمُهُمْ وَ قَلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا (۶۳)

اینان همان کسانی‌اند که خدا می‌داند چه در دل دارند . پس ، از آنان روی برتاب ، و [لى] پندشان ده ، و با آنها سخنی رسا که در دلشان [مؤثر] افتد ، بگوى .

(النساء، ۶۳)

وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا (۶۴)

و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه به توفیق الهی از او اطاعت کنند . و اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند ، پیش تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر [نیز] برای آنان طلب آمرزش می‌کرد ، قطعاً خدا را توبه‌پذیر مهربان می‌یافتند .

(النساء، ۶۴)

فَلَا وَ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يَخَمُّوكَ بِمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (۶۵)

ولی چنین نیست ، به پروردگارت قسم که ایمان نمی‌آورند ، مگر آنکه تو را در مورد آنچه میان آنان مایه اختلاف است داور گردانند ؛ سپس از حکمی که کرده‌ای در دل‌هایشان احساس ناراحتی [و تردید] نکنند ، و کاملاً سر تسلیم فرود آورند .

(النساء، ۶۵)

وَ لَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ اأَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَ لَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَ أَشَدَّ تَنْبِيئًا (۶۶)

و اگر بر آنان مقرر می‌کردیم که تن به کشتن دهید ، یا از خانه‌های خود به در آید ، جز اندکی از ایشان آن را به کار نمی‌بستند ؛ و اگر آنان آنچه را بدان پند داده می‌شوند به کار می‌بستند ، قطعاً برایشان بهتر و در ثبات قدم ایشان مؤثرتر بود ؛

(النساء، ۶۶)

وَ إِذَا لَا تَتَيْنَاهُمْ مِنْ لَدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا (۶۷)

و در آن صورت ، [ما هم] از نزد خویش ، یقیناً پاداشی بزرگ به آنان می‌دادیم ؛

(النساء، ۶۷)

وَ لَهْدِيئَاهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا (۶۸)

و قطعاً آنان را به راهی راست هدایت می‌کردیم .

(النساء، ۶۸)

وَ مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رِجِيًا (۶۹)

و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند ، در زمره کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته [یعنی] با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو همدمانند .

(النساء، ۶۹)

ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ عِلْمًا (۷۰)

این تفضّل از جانب خداست ، و خدا پس داناست .

(النساء، ۷۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا تُنَائِبًا أَوْ انْفِرُوا جَمِيعًا (۷۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، [در برابر دشمن] آماده باشید [اسلحه خود را برگزید] و گروه گروه [به جهاد] بیرون روید یا به طور جمعی روانه شوید .

(النساء، ۷۱)

وَ إِنْ مِنْكُمْ لَمَنْ يُبْتَغَىٰ قَاتِلًا فَاصْبِرْ لَهُمْ صَبْرًا كَمَا صَبَرْتُمْ لِنَفْسِكُمْ إِذْ لَمْ أَكُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًا (۷۲)

و قطعاً از میان شما کسی است که کندی به خرج دهد ؛ پس اگر آسیبی به شما رسد گوید : « راستی خدا بر من نعمت بخشید که با آنان حاضر نبودم . »

(النساء، ۷۲)

وَ لَنْ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِنَ اللَّهِ لِيَقُولَنَّ كَأَنْ لَمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا (۷۳)

و اگر غنیمی از خدا به شما برسد چنان که گویی میان شما و میان او [رابطه] دوستی نبوده خواهد گفت : « کاش من با آنان بودم و به نوای بزرگی می‌رسیدم . »

(النساء، ۷۳)

فَلْيَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَ مَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (۷۴)

پس ، باید کسانی که زندگی دنیا را به آخرت سودا می‌کنند در راه خدا بجنگند ؛ و هر کس در راه خدا بجنگد و کشته یا پیروز شود ، به زودی پاداشی بزرگ به او خواهیم داد .

(النساء، ۷۴)

وَ مَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أُمَّهَاتُهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا (۷۵)

و چرا شما در راه خدا [و در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید ؟ همانان که می‌گویند : « پروردگارا ، ما را از این شهری که مردمش ستمپیشه‌اند بیرون ببر ، و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده ، و از نزد خویش یآوری برای ما تعیین فرما . »

(النساء، ۷۵)

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا (۷۶)

کسانی که ایمان آورده‌اند ، در راه خدا کارزار می‌کنند . و کسانی که کافر شده‌اند ، در راه طاغوت می‌جنگند . پس با یاران شیطان بجنگید که نیرنگ شیطان [در نهایت] ضعیف است .

(النساء، ۷۶)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَ اتَّقُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّقُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَ قَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْ لَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَ لَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا (۷۷)

آیا ندیدی کسانی را که به آنان گفته شد : « [فعلاً] دست [از جنگ] بردارید ، و نماز را برپا کنید و زکات بدهید ، و [لی] همین که کارزار بر آنان مقرر شد ، بناگاه گروهی از آنان از مردم [مشرکان مکه] ترسیدند مانند ترس از خدا یا ترسی سخت‌تر . و گفتند : « پروردگارا ، چرا بر ما کارزار مقرر داشتی ؟ چرا ما را تا مدتی کوتاه مهلت ندادی ؟ » بگو : « برخورداری [از این] دنیا اندک ، و برای کسی که تقوا پیشه کرده ، آخرت بهتر است ، و [در آنجا] به قدر نخ هسته خرمایی بر شما ستم نخواهد رفت . »

(النساء، ۷۷)

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَ فَتْرَةٌ مِنْكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ وَ مَا أُخْرَجْتُمْ مِنْهُمْ حَتَّىٰ تَأْمُرُوا بِالسَّلَامِ بَيْنَ يَدَيْكُمْ وَ تَذَكَّرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا حَتَّىٰ تَسْمَعُوا مِنَ اللَّهِ أَوْ مِنْ رَسُولِهِ فَقُولُوا إِنَّا سَأَلْنَا اللَّهَ فَمَا جَاءَنَا وَ كَذَبُوا بِالْحَقِّ فَعُلُوهُمُ الْمَقْدُورُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۷۸)

هر کجا باشید ، شما را مرگ درمی‌یابد ؛ هر چند در برجهای استوار باشید . و اگر [پیشامد] خوبی به آنان برسد ، می‌گویند : « این از جانب خداست ؛ و چون صدمه‌ای به ایشان برسد ، می‌گویند : « این از طرف توست . » بگو : « همه از جانب خداست . » [آخر] این قوم را چه شده است که نمی‌خواهند سخنی را [درست] دریابند ؟

(النساء، ۷۸)

مَا أَصَابَكُمْ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكُمْ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا (٧٩)

هر چه از خوبیها به تو میرسد از جانب خداست؛ و آنچه از بدی به تو میرسد از خود توست؛ و تو را به پیامبری، برای مردم فرستادیم، و گواه بودن خدا پس است.

(النساء، ٧٩)

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا (٨٠)

هر کس از پیامبر فرمان برد، در حقیقت، خدا را فرمان برده؛ و هر کس رویگردان شود، ما تو را بر ایشان نگهبان نفرستاده‌ایم.

(النساء، ٨٠)

وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَأُوا مِنْ عِبَدِكَ بَيَّتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّنُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا (٨١)

و می‌گویند: فرمانبرداریم، ولی چون از نزد تو بیرون می‌روند، جمعی از آنان شبانه، جز آنچه تو می‌گویی تدبیر می‌کنند. و خدا آنچه را که شبانه در سر می‌پرورند، می‌نگارد. پس، از ایشان روی برتاب و بر خدا توکل کن، و خدا پس کارساز است.

(النساء، ٨١)

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا (٨٢)

آیا در [معانی] قرآن نمی‌اندیشند؟ اگر از جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند.

(النساء، ٨٢)

وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّاعُوا بِهِ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَ الَّذِينَ يُسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَ لَوْ لَا فَضَّلَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتَهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا (٨٣)

و چون خبری [حاکمی] از ایمنی یا وحشت به آنان برسد، انتشارش دهند؛ و اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع کنند، قطعاً از میان آنان کسانی‌اند که [می‌توانند درست و نادرست] آن را دریابند، و اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نبود، مسلماً جز [شمار] اندکی، از شیطان پیروی می‌کردید.

(النساء، ٨٣)

فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسُكَ وَ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكْفِ بِأَسَنِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ اللَّهُ أَشَدُّ بِأَسًا وَ أَشَدُّ تَكْفِيلًا (٨٤)

پس در راه خدا بیکار کن؛ جز عهده‌دار شخص خود نیستی. و [لی] مؤمنان را [به مبارزه] برانگیز. باشد که خداوند آسیب کسانی را که کفر ورزیده‌اند [از آنان] باز دارد، و خداست که قدرتش بیشتر و کیفرش سخت‌تر است.

(النساء، ٨٤)

مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا وَ مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقِيبًا (٨٥)

هر کس شفاعتِ پسندیده کند، برای وی از آن نصیبی خواهد بود و هر کس شفاعتِ ناپسندیده‌ای کند، برای او از آن [نیز] سهمی خواهد بود. و خدا همواره به هر چیزی تواناست.

(النساء، ٨٥)

وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِحَبِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنِ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا (٨٦)

و چون به شما درود گفته شد، شما به [صورتی] بهتر از آن درود گویند، یا همان را [در پاسخ] برگردانید، که خدا همواره به هر چیزی حسابرس است.

(النساء، ٨٦)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا (٨٧)

خداوند کسی است که هیچ معبودی جز او نیست. به یقین، در روز رستاخیز که هیچ شکی در آن نیست شما را گرد خواهد آورد، و راستگوتر از خدا در سخن کیست؟

(النساء، ٨٧)

فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنَةٍ وَ اللَّهُ أَرَادَ بِمَا كَسَبُوا أَوْ تَرِيدُونَ أَنْ تَهْتُوا مِنْ أَصْلَ اللَّهِ وَ مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا (٨٨)

شما را چه شده است که در باره منافقان، دو دسته شده‌اید؟ یا اینکه خدا آنان را به [سزای] آنچه انجام داده‌اند سرنگون کرده است. آیا می‌خواهید کسی را که خدا در گمراهی‌اش و انهداده است به راه آورید؟ و حال آنکه هر که را خدا در گمراهی‌اش و انهد هرگز راهی برای [هدایت] او نخواهی یافت.

(النساء، ٨٨)

وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكْفُرُونَ سَوَاءٌ فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (٨٩)

همان گونه که خودشان کافر شده‌اند ، آرزو دارند [که شما نیز] کافر شوید ، تا با هم برابر باشید . پس زنهار ، از میان ایشان برای خود ، دوستانی اختیار مکنید تا آنکه در راه خدا هجرت کنند . پس اگر روی برتافتند ، هر کجا آنان را یافتید به اسارت بگیرید و بکشیدشان ؛ و از ایشان یار و یوری برای خود مگیرید .

(النساء، ٨٩)

إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاءَكُمْ حَصْرَتٌ صُدُورُهُمْ أَن يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتِلُواهُمْ فَإِنِ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُواكُمْ وَ أَلْفُوا إِلَيْكُمْ السَّلْمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا (٩٠)

مگر کسانی که با گروهی که میان شما و میان آنان پیمانی است ، پیوند داشته باشند ، یا نزد شما بیایند در حالی که سینه آنان از جنگیدن با شما یا جنگیدن با قوم خود ، به تنگ آمده باشد . و اگر خدا می‌خواست ، قطعاً آنان را بر شما چیره می‌کرد و حتماً با شما می‌جنگیدند . پس اگر از شما کنارگیری کردند و با شما نجنگیدند و با شما طرح صلح افکندند ، [دیگر] خدا برای شما راهی [برای تجاوز] بر آنان قرار نداده است .

(النساء، ٩٠)

سَتَجِدُونَ آخِرِينَ يَرِيدُونَ أَن يُأْمِنُواكُمْ وَيَأْمِنُوا قَوْمَهُمْ كُلًّا مَا رَدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكَسُوا فِيهَا فَإِن لَّمْ يَعْزِلُواكُمْ وَ يَلْقُوا إِلَيْكُمْ السَّلْمَ وَ يَكْفُوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَ اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقِفْتُمُوهُمْ وَ أُولَئِكَ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا (٩١)

به زودی ، گروهی دیگر را خواهید یافت که می‌خواهند از شما آسوده خاطر و از قوم خود [نیز] ایمن باشند . هر بار که به فتنه بازگردانده شوند ، سر در آن فرو می‌برند . پس اگر از شما کنارگیری نکردند و به شما پیشنهاد صلح نکردند و از شما دست برداشتند ، هر کجا آنان را یافتید به اسارت بگیرید و بکشیدشان . آنانند که ما برای شما علیه ایشان تسلطی آشکار قرار داده‌ایم .

(النساء، ٩١)

وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَن يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا إِخْطَا وَ مَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ دِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَن يَصَدَّقُوا فَإِن كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوًّا لَكُمْ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ إِن كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فِدْيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (٩٢)

و هیچ مؤمنی را نسرزد که مؤمنی را جز به اشتباه بکشد . و هر کس مؤمنی را به اشتباه کشت ، باید بنده مؤمنی را آزاد و به خانواده او خونبها پرداخت کند ؛ مگر اینکه آنان گذشت کنند . و اگر [مقتول] از گروهی است که دشمنان شما نیستند و [خود] وی مؤمن است ، [قاتل] باید بنده مؤمنی را آزاد کند [و پرداخت خونبها لازم نیست] . و اگر [مقتول] از گروهی است که میان شما و میان آنان پیمانی است ، باید به خانواده وی خونبها پرداخت نماید و بنده مؤمنی را آزاد کند . و هر کس [بنده] نیافت ، باید دو ماه پیاپی به عنوان توبه‌ای از جانب خدا روزه بدارد ، و خدا همواره دانای سنجیده‌کار است .

(النساء، ٩٢)

وَ مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَعَنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا (٩٣)

و هر کس عمداً مؤمنی را بکشد ، کیفرش دوزخ است که در آن ماندگار خواهد بود ؛ و خدا بر او خشم می‌گیرد و لعنتش می‌کند و عذابی بزرگ برایش آماده ساخته است .

(النساء، ٩٣)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَ لَا تَقُولُوا لِمَن أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِندَ اللَّهِ مَغَالِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (٩٤)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، چون در راه خدا سفر می‌کنید [خوب] رسیدگی کنید و به کسی که نزد شما [اظهار] اسلام می‌کند ؛ مگویید : « تو مؤمن نیستی » [تا بدین بهانه] متاع زندگی دنیا را بجویید ، چرا که غنیمتهای فراوان نزد خداست . قبلاً خودتان [نیز] همین گونه بودید ، و خدا بر شما منت نهاد . پس خوب رسیدگی کنید ، که خدا همواره به آنچه انجام می‌دهید آگاه است .

(النساء، ٩٤)

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَ الْمَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَ كَلَّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (٩٥)

مؤمنان خانه‌نشین که زیان دیده نیستند با آن مجاهدانی که با مال و جان خود در راه خدا جهاد می‌کنند یکسان نمی‌باشند . خداوند ، کسانی را که با مال و جان خود جهاد می‌کنند به درجه‌ای بر خانه‌نشینان مرتبت بخشیده ، و همه را خدا وعده [پاداش] نیکو داده ، و [لی] مجاهدان را بر خانه‌نشینان به پاداشی بزرگ ، برتری بخشیده است ؛

(النساء، ٩٥)

دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَ مَغْفِرَةً وَ رَحْمَةً وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (٩٦)

[پاداش بزرگی که] به عنوان درجات و آمرزش و رحمتی از جانب او [نصیب آنان می‌شود] ، و خدا آمرزنده مهربان است .

(النساء، ٩٦)

إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَ أَسْبَعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَ سَاعَتْ مُصِيرًا (٩٧)

کسانی که بر خویشتن ستمکار بوده‌اند ، [وقتی] فرشتگان جانشان را می‌گیرند ، می‌گویند : « در چه [حال] بودید ؟ » پاسخ می‌دهند : « ما در زمین از مستضعفان بودیم . » می‌گویند : « مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید ؟ » پس آنان جایگاهشان دوزخ است ، و [دوزخ] بد سرانجامی است .

(النساء، ۹۷)

إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا (۹۸)

مگر آن مردان و زنان و کودکان فرودستی که چاره‌جویی نتوانند و راهی نیابند .

(النساء، ۹۸)

قَاوَلَيْكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَغْفُو عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفْوًا غَفُورًا (۹۹)

پس آنان [که فی الجمله عذری دارند] باشد که خدا از ایشان درگذرد ، که خدا همواره بخوابش و آمرزنده است .

(النساء، ۹۹)

وَمَنْ يَهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مَرَاغِمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (۱۰۰)

و هر که در راه خدا هجرت کند ، در زمین اقامتگاه‌های فراوان و گشایشها خواهد یافت ؛ و هر کس [به قصد] مهاجرت در راه خدا و پیامبر او ، از خانه‌اش به درآید ، سپس مرگش دررسد ، پاداش او قطعاً بر خداست ، و خدا آمرزنده مهربان است .

(النساء، ۱۰۰)

وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا (۱۰۱)

و چون در زمین سفر کردید ، اگر بیم داشتید که آنان که کفر ورزیده‌اند به شما آزار برسانند ، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید ، چرا که کافران پیوسته برای شما دشمنی آشکارند .

(النساء، ۱۰۱)

وَ إِذَا كُنْتُمْ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكُمْ وَ لِيَأْخُذُوا اسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنَ الرَّاكِعِينَ وَ لَتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكُمْ وَ لِيَأْخُذُوا حُدُودَهُمْ وَ اسْلِحَتَهُمْ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَ لَ جُنَاحٌ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَدَى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَنْ تَضَعُوا اسْلِحَتَكُمْ وَ خُذُوا حُدُودَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا (۱۰۲)

و هر گاه در میان ایشان بودی و برایشان نماز برپا داشتی ، پس باید گروهی از آنان با تو [به نماز] ایستند ؛ و باید جنگ‌افزارهای خود را برگیرند ؛ و چون به سجده رفتند [و نماز را تمام کردند] ، باید پشت سر شما قرار گیرند ، و گروه دیگری که نماز نکرده‌اند باید بیایند و با تو نماز گزارند و البته جانب احتیاط را فرو نگذارند و جنگ‌افزارهای خود را برگیرند . [زیرا] کافران آرزو می‌کنند که شما از جنگ‌افزارها و ساز و برگ خود غافل شوید تا ناگهان بر شما یورش برند . و اگر از باران در زحمتید ، یا بیمارید ، گناهی بر شما نیست که جنگ‌افزارهای خود را بر زمین نهید ، ولی مواظب خود باشید . بی گمان ، خدا برای کافران عذاب خفّت‌آوری آماده کرده است .

(النساء، ۱۰۲)

فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَى جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْفُوتًا (۱۰۳)

و چون نماز را به جای آوردید ، خدا را [در همه حال] ایستاده و نشسته و بر پهلو آرמידه ، یاد کنید . پس چون آسوده‌خاطر شدید ، نماز را [به طور کامل] به پا دارید ، زیرا نماز بر مؤمنان ، در اوقات معین مقرر شده است .

(النساء، ۱۰۳)

وَ لَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَ تَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (۱۰۴)

و در تعقیب گروه [دشمنان] سستی نورزید . اگر شما درد می‌کشید ، آنان [نیز] همان گونه که شما درد می‌کشید ، درد می‌کشند ، و حال آنکه شما چیزهایی از خدا امید دارید که آنها امید ندارند ، و خدا همواره دانای سنجیده‌کار است .

(النساء، ۱۰۴)

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَ لَا تَكُنْ لِلْخَائِبِينَ خَصِيمًا (۱۰۵)

ما این کتاب را به حقّ بر تو نازل کردیم ، تا میان مردم به [موجب] آنچه خدا به تو آموخته داوری کنی ، و زنه‌ار جانبدارِ خیانتکاران مباش .

(النساء، ۱۰۵)

وَ اسْتَغْفِرِ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا (۱۰۶)

و از خدا آمرزش بخواه ، که خدا آمرزنده مهربان است .

(النساء، ۱۰۶)

وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا (۱۰۷)

و از کسانی که به خویشتن خیانت می‌کنند دفاع مکن ، که خداوند هر کس را که خیانتگر و گناهپیشه باشد دوست ندارد .

(النساء، ۱۰۷)

يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّنُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا (۱۰۸)

[کارهای ناروای خود را] از مردم پنهان می‌دارند ، و [لی نمی‌توانند] از خدا پنهان دارند ، و چون شبانگاه به چاره‌اندیشی می‌پردازند و سخنانی می‌گویند که وی [بدان] خشنود نیست ، او با آنان است . و خدا به آنچه انجام می‌دهند همواره احاطه دارد .

(النساء، ۱۰۸)

هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ جَادَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَمَن يُجَادِلِ اللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْ مَن يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكَيْلًا (۱۰۹)

هان ، شما همانان هستید که در زندگی دنیا از ایشان جانبداری کردید ، پس چه کسی روز رستاخیز از آنان در برابر خدا جانبداری خواهد کرد ؟ یا چه کسی حمایتگر [و مدافع] آنان تواند بود ؟

(النساء، ۱۰۹)

وَمَن يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَّحِيمًا (۱۱۰)

و هر کس کار بدی کند ، یا بر خویشتن ستم ورزد ؛ سپس از خدا آمرزش بخواهد ، خدا را آمرزنده مهربان خواهد یافت .

(النساء، ۱۱۰)

وَمَن يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَى نَفْسِهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (۱۱۱)

و هر کس گناهی مرتکب شود ، فقط آن را به زیان خود مرتکب شده ، و خدا همواره دانای سنجیده‌کار است .

(النساء، ۱۱۱)

وَمَن يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا (۱۱۲)

و هر کس خطا یا گناهی مرتکب شود ؛ سپس آن را به بی‌گناهی نسبت دهد ، قطعاً بهتان و گناه آشکاری بر دوش کشیده است .

(النساء، ۱۱۲)

وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ أَنْ يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِن شَيْءٍ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا (۱۱۳)

و اگر فضل خدا و رحمت او بر تو نبود ، طایفه‌ای از ایشان آهنگ آن داشتند که تو را از راه به در کنند ، و [لی] جز خودشان [کسی] را گمراه نمی‌سازند ، و هیچ گونه زبانی به تو نمی‌رسانند . و خدا کتاب و حکمت بر تو نازل کرد و آنچه را نمی‌دانستی به تو آموخت ، و تفضل خدا بر تو همواره بزرگ بود .

(النساء، ۱۱۳)

لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّن نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (۱۱۴)

در بسیاری از رازگوییهای ایشان خیری نیست ، مگر کسی که [بدین وسیله] به صدقه یا کار پسندیده یا سازشی میان مردم ، فرمان دهد . و هر کس برای طلب خشنودی خدا چنین کند ، به زودی او را پاداش بزرگی خواهیم داد .

(النساء، ۱۱۴)

وَمَن يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (۱۱۵)

و هر کس ، پس از آنکه راه هدایت برای او آشکار شد با پیامبر به مخالفت برخیزد ، و [راهی] غیر راه مؤمنان در پیش گیرد ، وی را بدانچه روی خود را بدان سو کرده و اگذاریم و به دوزخش کشانیم ، و چه بازگشتگاه بدی است .

(النساء، ۱۱۵)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا (۱۱۶)

خداوند ، این را که به او شرک آورده شود ، نمی‌آمرزد ؛ و فروتر از آن را بر هر که بخواهد می‌بخشاید . و هر کس به خدا شرک ورزد ، قطعاً دچار گمراهی دور و درازی شده است .

(النساء، ۱۱۶)

إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِنثَاءً وَإِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيداً (۱۱۷)

[مشرکان] ، به جای او ، جز بتهای مادینه را [به دعا] نمی‌خوانند ، و جز شیطان سرکش را نمی‌خوانند .

(النساء، ۱۱۷)

لَعْنَةُ اللَّهِ وَالَّذِينَ قَالَ لِاتَّخِذُوا مِنْ عِبَادِكُمْ نُصَبِيًّا مَقْرُوضاً (۱۱۸)

خدا لعنتش کند ، [وقتی که] گفت : « بی‌گمان ، از میان بندگانت نصیبی معین [برای خود] برخواهم گرفت .

(النساء، ۱۱۸)

وَأُولَئِكَ هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَأَصْلَبُوا قُلُوبَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ شَيْئاً مِمَّا قِيلَ لَهُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالَّذِينَ قَالَ لِاتَّخِذُوا مِنْ عِبَادِكُمْ نُصَبِيًّا مَقْرُوضاً (۱۱۹)

و آنان را سخت گمراه و دچار آرزوهای دور و دراز خواهم کرد ، و وادارشان می‌کنم تا گوشهای دامها را شکاف دهند ، و وادارشان می‌کنم تا آفریده خدا را دگرگون سازند . « و [لی] هر کس به جای خدا ، شیطان را دوست [خدا] گیرد ، قطعاً دستخوش زیان آشکاری شده است .

(النساء، ۱۱۹)

يَعْبُدُهُمْ وَيَمْنِيهِمْ وَمَا يَعْبُدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا عُرْواً (۱۲۰)

[آری ،] شیطان به آنان وعده می‌دهد ، و ایشان را در آرزوها می‌افکند ، و جز فریب به آنان وعده نمی‌دهد .

(النساء، ۱۲۰)

أُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصاً (۱۲۱)

آنان جایگاهشان جهنم است ، و از آن راه گریزی ندارند .

(النساء، ۱۲۱)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَداً وَعَدَّ اللَّهُ حَقّاً وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلاً (۱۲۲)

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند ، به زودی آنان را در بوستانهایی که از زیر [درختان] آن ، نهرها روان است درآوریم . همیشه در آن جاودانند . وعده خدا راست است و چه کسی در سخن ، از خدا راستگوتر است ؟

(النساء، ۱۲۲)

لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِيَّ أَهْلُ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءاً يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيّاً وَلَا نصيراً (۱۲۳)

[پاداش و کیفر] به دلخواه شما و به دلخواه اهل کتاب نیست ؛ هر کس بدی کند ، در برابر آن کیفر می‌بیند ، و جز خدا برای خود یار و مددکاری نمی‌یابد .

(النساء، ۱۲۳)

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يظَلَمُونَ شَيْئاً (۱۲۴)

و کسانی که کارهای شایسته کنند چه مرد باشند یا آن در حالی که مؤمن باشند ، آنان داخل بهشت می‌شوند ، و به قدر گودی پشت هسته خرمایی مورد ستم قرار نمی‌گیرند .

(النساء، ۱۲۴)

وَمَنْ أَحْسَنُ دِيناً مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفاً وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلاً (۱۲۵)

و دین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کرده و نیکوکار است و از آیین ابراهیم حق‌گرا پیروی نموده است ؟ و خدا ابراهیم را دوست گرفت .

(النساء، ۱۲۵)

وَاللَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطاً (۱۲۶)

و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن خداست ، و خدا همواره بر هر چیزی احاطه دارد .

(النساء، ۱۲۶)

وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُنْثَلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوُلْدَانِ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَىٰ بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيماً (۱۲۷)

و در باره آنان ، رأی تو را می‌پرسند . بگو : « خدا در باره آنان به شما فتوا می‌دهد ، و [نیز] در باره آنچه در قرآن بر شما تلاوت می‌شود : در مورد زنان یتیمی که حقّ مقررّ آنان را به ایشان نمی‌دهید و تمایل به ازدواج با آنان دارید ، و [در باره] کودکان ناتوان و اینکه با یتیمان [چگونه] به داد رفتار کنید [پاسخگر شمامست] . » و هر کار نیکی انجام دهید ، قطعاً خدا به آن داناست .

(النساء، ۱۲۷)

وَ إِن امْرَأَةٌ خَافَتْ مِن بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَ الصُّلْحُ خَيْرٌ وَ أٰخْضَرْتِ الْاٰنْفُسُ الشُّحَّ وَ إِن تَحْسَبُوْا وَ تَتَّقُوْا فَإِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرًا (۱۲۸)

و اگر زنی از شوهر خویش بیم ناسازگاری یا رویگردانی داشته باشد ، بر آن دو گناهی نیست که از راه صلح با یکدیگر ، به آشتی گرایند ؛ که سازش بهتر است . و [لی] بخل [و بی‌گذشت بودن] ، در نفوس ، حضور [و غلبه] دارد ؛ و اگر نیکی کنید و پرهیزگاری پیشه نمایید ، قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است .

(النساء، ۱۲۸)

وَ لَنْ تَسْتَطِيْعُوْا اَنْ تَعْدِلُوْا بَيْنَ النِّسَاءِ وَ لَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيْلُوْا اِلَى الْمَيْلِ فَتَذَرُوْهَا كَالْمَعْلُوْقَةِ وَ إِن تَصْلِحُوْا وَ تَتَّقُوْا فَإِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا (۱۲۹)

و شما هرگز نمی‌توانید میان زنان عدالت کنید هر چند [بر عدالت] حریص باشید ! پس به يك طرف یکسره تمایل نورزید تا آن [زن دیگر] را سرگشته [بلا تکلیف] رها کنید . و اگر سازش نمایید و پرهیزگاری کنید ، یقیناً خدا آمرزنده مهربان است .

(النساء، ۱۲۹)

وَ إِن يَتَفَرَّقَا يَغْنِ اللّٰهُ كُلًّا مِّن سَعِيْهِ وَ كَانَ اللّٰهُ وَّاسِعًا حَكِيْمًا (۱۳۰)

و اگر آن دو ، از یکدیگر جدا شوند ، خداوند هر يك را از گشایش خود بی‌نیاز گرداند ، و خدا همواره گشایشگر حکیم است .

(النساء، ۱۳۰)

وَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَ مَا فِي الْاَرْضِ وَ لَقَدْ وَّصَّيْنَا الْاٰدِيْنَ اَنْ يُّؤْتُوْا الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ اِيَّاكُمْ اَنْ اَتَقُوْا اللّٰهَ وَ إِن تَخْفَرُوْا فَإِنَّ اللّٰهَ بِمَا فِي السَّمٰوٰتِ وَ مَا فِي الْاَرْضِ وَ كَانَ اللّٰهُ غَنِيًّا حَمِيْدًا (۱۳۱)

و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است ، از آن خداست . و ما به کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شده ، و [نیز] به شما سفارش کردیم که از خدا پروا کنید . و اگر کفر ورزید [چه پاک ؟] آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن خداست ، و خدا بی نیاز ستوده [صفات] است .

(النساء، ۱۳۱)

وَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَ مَا فِي الْاَرْضِ وَ كَفَى بِاللّٰهِ وَكِيلًا (۱۳۲)

و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن خداست ، و خدا بس کارساز است .

(النساء، ۱۳۲)

إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ اٰيُّهَا النَّاسُ وَ يَأْتِ بِآخَرِيْنَ وَ كَانَ اللّٰهُ عَلَىٰ ذٰلِكَ قَدِيْرًا (۱۳۳)

ای مردم ، اگر [خدا] بخواهد ، شما را [از میان] می‌برد و دیگران را [پدید] می‌آورد ، و خدا بر این [کار] تواناست .

(النساء، ۱۳۳)

مَنْ كَانَ يَرْيِدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللّٰهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ كَانَ اللّٰهُ سَمِيْعًا بَصِيْرًا (۱۳۴)

هر کس پاداش دنیا بخواهد ، پاداش دنیا و آخرت نزد خداست ، و خدا شنوای بیناست .

(النساء، ۱۳۴)

يٰۤاَيُّهَا الدِّيْنَ اٰمَنُوْا اٰمَنُوْا بِالْقَسْطِ شُهَدَآءَ لِلّٰهِ وَ لَوْ عَلَىٰ اَنْفُسِكُمْ اَوْ الْوَالِدِيْنَ اَوْ الْاَقْرَبِيْنَ اِنْ يَكُنْ غَنِيًّا اَوْ فَقِيْرًا فَاِنَّهُ اَوْلٰى بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوٰى اَنْ تَعْدِلُوْا وَ اِنْ تَلُوْا اَوْ تُعْرَضُوْا فَإِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرًا (۱۳۵)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید ، هر چند به زیان خودتان یا [به زیان] پدر و مادر و خویشاوندان [شما] باشد . اگر [یکی از دو طرف دعوا] توانگر یا نیازمند باشد ، باز خدا به آن دو [از شما] سزاوارتر است ؛ پس ، از پی هوس نروید که [در نتیجه از حق] عدول کنید . و اگر به انحراف گرایید یا اعراض نمایید ، قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است .

(النساء، ۱۳۵)

يٰۤاَيُّهَا الدِّيْنَ اٰمَنُوْا اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَ رَسُوْلِهِ وَ الْكِتٰبِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُوْلِهِ وَ الْكِتٰبِ الَّذِي اَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِاللّٰهِ وَ مَلٰٓئِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ وَ النُّوْمِ الْاٰخِرِ فَقَدْ ضَلَّ سَلٰلًا يّعِيْدًا (۱۳۶)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، به خدا و پیامبر او و کتابی که بر پیامبرش فرو فرستاد ، و کتابهایی که قبلاً نازل کرده بگروید ؛ و هر کس به خدا و فرشتگان او و کتابها و پیامبرانش و روز بازپسین کفر ورزد ، در حقیقت دچار گمراهی دور و درازی شده است .

(النساء، ۱۳۶)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا كَفَرُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ يَتَّخِذُ لَهُمْ سَبِيلًا (۱۳۷)

کسانی که ایمان آوردند ، سپس کافر شدند ؛ و باز ایمان آوردند ، سپس کافر شدند ؛ آن گاه به کفر خود افزودند ، قطعاً خدا آنان را نخواهد بخشید و راهی به ایشان نخواهد نمود .

(النساء، ۱۳۷)

بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۱۳۸)

به منافقان خبر ده که عذابی دردناک [در پیش] خواهند داشت .

(النساء، ۱۳۸)

الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَهُمْ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (۱۳۹)

همانان که غیر از مؤمنان ، کافران را دوستان [خود] می‌گیرند . آیا سربلندی را نزد آنان می‌جویند ؟ [این خیالی خام است ،] چرا که عزت ، همه از آن خداست .

(النساء، ۱۳۹)

وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيَسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا (۱۴۰)

و البته [خدا] در کتاب [قرآن] بر شما نازل کرده که : هر گاه شنیدید آیات خدا مورد انکار و ریشخند قرار می‌گیرد ، با آنان منشینید تا به سخنی غیر از آن درآیند ، چرا که در این صورت شما هم مثل آنان خواهید بود . خداوند ، منافقان و کافران را همگی در دوزخ گرد خواهد آورد .

(النساء، ۱۴۰)

الَّذِينَ يَزَيِّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعْكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (۱۴۱)

همانان که مترصد شمایند ؛ پس اگر از جانب خدا به شما فتوحی برسد ، می‌گویند : « مگر ما با شما نبودیم ؟ » و اگر برای کافران نصیبی باشد ، می‌گویند : « مگر ما بر شما تسلط نداشتیم و شما را از [ورود در جمع] مؤمنان باز نمی‌داشتیم ؟ » پس خداوند ، روز قیامت میان شما داوری می‌کند ؛ و خداوند هرگز بر [زبان] مؤمنان ، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است .

(النساء، ۱۴۱)

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يُرَاغَوْنَ النَّاسَ وَ لَّا يُذَكَّرُونَ اللَّهُ إِلَّا قَلِيلًا (۱۴۲)

منافقان ، با خدا نیرنگ می‌کنند ، و حال آنکه او با آنان نیرنگ خواهد کرد ؛ و چون به نماز ایستند با کسالت برخیزند . با مردم ریا می‌کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی‌کنند .

(النساء، ۱۴۲)

مُذَبِّبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا (۱۴۳)

میان آن [دو گروه] دو دلدند ؛ نه با اینانند و نه با آنان . و هر که را خدا گمراه کند ، هرگز راهی برای [نجات] او نخواهی یافت .

(النساء، ۱۴۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أُوْرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَاتًا مَنِينًا (۱۴۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، به جای مؤمنان ، کافران را به دوستی خود مگیرید . آیا می‌خواهید علیه خود حجتی روشن برای خدا قرار دهید ؟

(النساء، ۱۴۴)

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَ لَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا (۱۴۵)

آری ، منافقان در فروترین درجات دوزخند ، و هرگز برای آنان یابوری نخواهی یافت .

(النساء، ۱۴۵)

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَ أَصْلَحُوا وَ اعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَ أَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَوْفَ يُؤْتِي اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (۱۴۶)

مگر کسانی که توبه کردند و [عمل خود را] اصلاح نمودند و به خدا تمسک جستند و دین خود را برای خدا خالص گردانیدند که [در نتیجه] آنان با مؤمنان خواهند بود، و به زودی خدا مؤمنان را پاداشی بزرگ خواهد بخشید.

(النساء، ۱۴۶)

مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنَّ شِكْرَكُمْ وَ أَمْنُكُمْ وَ كَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا (۱۴۷)

اگر سپاس بدارید و ایمان آورید، خدا می‌خواهد با عذاب شما چه کند؟ و خدا همواره سپاس‌پذیر [حق‌شناس] داناست.

(النساء، ۱۴۷)

لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَ كَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا (۱۴۸)

خداوند، باتک برداشتن به بدزبانی را دوست ندارد، مگر [از] کسی که بر او ستم رفته باشد، و خدا شنوای داناست.

(النساء، ۱۴۸)

إِنْ تُبْدُوا خَيْرًا أَوْ تَخْفَوْهُ أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءِ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا (۱۴۹)

اگر خیری را آشکار کنید یا پنهانش دارید، یا از بدی درگذرید، پس خدا درگذرنده تواناست.

(النساء، ۱۴۹)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ يُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ يَقُولُونَ نُوْمِنُ بِبَعْضِ وَ نَكْفُرُ بِبَعْضِ وَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا (۱۵۰)

کسانی که به خدا و پیامبرانش کفر می‌ورزند، و می‌خواهند میان خدا و پیامبران او جدایی اندازند، و می‌گویند: «ما به بعضی ایمان داریم و بعضی را انکار می‌کنیم» و می‌خواهند میان این [دو]، راهی برای خود اختیار کنند،

(النساء، ۱۵۰)

أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا (۱۵۱)

آنان در حقیقت کافرند؛ و ما برای کافران عذابی خفت‌آور آماده کرده‌ایم.

(النساء، ۱۵۱)

وَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ لَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرُهُمْ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (۱۵۲)

و کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده و میان هیچ کدام از آنان فرق نگذاشته‌اند، به زودی [خدا] پاداش آنان را عطا می‌کند، و خدا آمرزنده مهربان است.

(النساء، ۱۵۲)

يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تَنْزِلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَى أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ وَ آتَيْنَا مُوسَى سُلْطَانًا مُبِينًا (۱۵۳)

اهل کتاب از تو می‌خواهند که کتابی از آسمان [بیکاره] بر آنان فرود آوری. البته از موسی بزرگتر از این را خواستند و گفتند: «خدا را آشکارا به ما بنمای.» پس به سزای ظلمشان صاعقه آنان را فرو گرفت. سپس، بعد از آنکه دلایل آشکار برایشان آمد، گوساله را [به پرستش] گرفتند، و ما از آن هم درگذشتیم و به موسی برهانی روشن عطا کردیم.

(النساء، ۱۵۳)

وَ رَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمِثَابِهِمْ وَ قُلْنَا لَهُمْ انْخَلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَ قُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْبُوا فِي السَّبْتِ وَ أَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا (۱۵۴)

و کوه طور را به یادبود پیمان [با] آنان، بالای سرشان افراشته داشتیم؛ و به آنان گفتیم: «سجده‌کنان از در آیدید» و [نیز] به آنان گفتیم: «در روز شنبه تجاوز مکنید.» و از ایشان پیمانی استوار گرفتیم.

(النساء، ۱۵۴)

فَبِمَا نَفْسِهِمْ مِثَاقَهُمْ وَ كَفَرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ قَتَلِهِمُ الْاَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ قَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا (۱۵۵)

پس به [سزای] پیمان‌شکنی‌شان، و انکارشان نسبت به آیات خدا، و کشتار ناحق آنان [از] انبیا، و گفتارشان که: «دل‌های ما در غلاف است» لعنتشان کردیم [بلکه خدا به خاطر کفرشان بر دل‌هایشان مهر زده و در نتیجه جز شماری اندک [از ایشان] ایمان نمی‌آورند.

(النساء، ۱۵۵)

وَ بِكُفْرِهِمْ وَ قَوْلِهِمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا (۱۵۶)

و [نیز] به سزای کفرشان و آن تهمت بزرگی که به مریم زدند ،

(النساء، ۱۵۶)

وَ قَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا قَتَلُوهُ وَ مَا صَلَّبُوهُ وَ لَكِنَّ شُبُهَةَ لَهُمْ وَ إِنَّ الَّذِينَ اِخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِمَّنْ مَّا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَ مَا قَتَلُوهُ يَقِينًا (۱۵۷)

و گفته ایشان که : « ما مسیح ، عیسی بن مریم ، پیامبر خدا را کشتیم » ، و حال آنکه آنان او را نکشتند و مصلوبش نکردند ، لیکن امر بر آنان مشتبه شد ؛ و کسانی که در باره او اختلاف کردند ، قطعاً در مورد آن دچار شک شده‌اند و هیچ علمی بدان ندارند ، جز آنکه از گمان پیروی می‌کنند ، و یقیناً او را نکشتند .

(النساء، ۱۵۷)

بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (۱۵۸)

بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد ، و خدا توانا و حکیم است .

(النساء، ۱۵۸)

وَ إِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَإِ لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا (۱۵۹)

و از اهل کتاب ، کسی نیست مگر آنکه پیش از مرگ خود حتماً به او ایمان می‌آورد ، و روز قیامت [عیسی نیز] بر آنان شاهد خواهد بود .

(النساء، ۱۵۹)

فَبَطَّلُوا مِنَ الدِّينِ هَانُوا حَرَمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَ بَدَّلْنَا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا (۱۶۰)

پس به سزای ستمی که از یهودیان سر زد و به سبب آنکه [مردم را] بسیار از راه خدا باز داشتند ، چیزهای پاکیزه‌ای را که بر آنان حلال شده بود حرام گردانیدیم ؛

(النساء، ۱۶۰)

وَ أَخَذَهُمُ الرِّبَا وَ قَدَّ نُهْوًا عَنْهُ وَ أَكَلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۱۶۱)

و [به سبب] ربا گرفتشان با آنکه از آن نهی شده بودند و به ناروا مال مردم خوردنشان ، و ما برای کافران آنان عذابی دردناک آماده کرده‌ایم .

(النساء، ۱۶۱)

لَكِنَّ الرَّاْسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَ الْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَ مَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ الْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَ الْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ النَّيِّمِينَ أُولَئِكَ سَنُوْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا (۱۶۲)

لیکن راسخان آنان در دانش ، و مؤمنان ، به آنچه بر تو نازل شده و به آنچه پیش از تو نازل گردیده ایمان دارند و خوشا بر نمازگزاران ، و زکات‌دهندگان و ایمان‌آوردگان به خدا و روز بازپسین که به زودی به آنان پاداشی بزرگ خواهیم داد .

(النساء، ۱۶۲)

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَ النَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطَ وَ عِيسَى وَ أَيُّوبَ وَ يُونسَ وَ هَارُونَ وَ سُلَيْمَانَ وَ آتَيْنَا دَاوُدَ زُبُورًا (۱۶۳)

ما هم چنان که به نوح و پیامبران بعد از او ، وحی کردیم ، به تو [نیز] وحی کردیم ؛ و به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان [نیز] وحی نمودیم ، و به داوود زبور بخشیدیم .

(النساء، ۱۶۳)

وَ رُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَ رُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَ كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا (۱۶۴)

و پیامبرانی [را فرستادیم] که در حقیقت [ماجرای] آنان را قبلاً بر تو حکایت نمودیم ؛ و پیامبرانی [را نیز برانگیخته‌ایم] که [سرگذشت] ایشان را بر تو بازگو نکرده‌ایم . و خدا با موسی آشکارا سخن گفت .

(النساء، ۱۶۴)

رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (۱۶۵)

پیامبرانی که بشارتگر و هشداردهنده بودند ، تا برای مردم ، پس از [فرستادن] پیامبران ، در مقابل خدا [بهانه] حجتی نباشد ، و خدا توانا و حکیم است .

(النساء، ۱۶۵)

لَكِنَّ اللَّهَ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَ الْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا (۱۶۶)

لیکن خدا به [حَقَانِیَّت] آنچه بر تو نازل کرده است گواهی می‌دهد . [او] آن را به علم خویش نازل کرده است ؛ و فرشتگان [نیز] گواهی می‌دهند . و کافی است خدا گواه باشد .

(النساء، ۱۶۶)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا (۱۶۷)

بی‌تردید ، کسانی که کفر ورزیدند و [مردم را] از راه خدا باز داشتند ، به گمراهی دور و درازی افتاده‌اند .

(النساء، ۱۶۷)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ ظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُعْفِرْ لَهُمْ وَ لَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا (۱۶۸)

کسانی که کفر ورزیدند و ستم کردند ، خدا بر آن نیست که آنان را ببامرزد و به راهی هدایت کند ،

(النساء، ۱۶۸)

إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۱۶۹)

مگر راه جهنم ، که همیشه در آن جاودانند ؛ و این [کار] برای خدا آسان است .

(النساء، ۱۶۹)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَآمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ وَ إِنَّ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (۱۷۰)

ای مردم ، آن پیامبر [موعود] ، حقیقت را از سوی پروردگارتان برای شما آورده است . پس ایمان بیاورید که برای شما بهتر است . و اگر کافر شوید [بدانید که] آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست ، و خدا دانای حکیم است .

(النساء، ۱۷۰)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَ لَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَ كَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَ رُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ لَا تَقُولُوا ثَلَاثَةً انْتَهَوْا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ كَفَى بِاللَّهِ وَ كَيْلًا (۱۷۱)

ای اهل کتاب ، در دین خود غلو مکنید ، و در باره خدا جز [سخن] درست مگویید . مسیح ، عیسی بن مریم ، فقط پیامبر خدا و کلمه اوست که آن را به سوی مریم افکنده و روحی از جانب اوست . پس به خدا و پیامبرانش ایمان بیاورید و نگویید [خدا] سه‌گانه است . باز ایستید که برای شما بهتر است . خدا فقط معبودی یگانه است . منزّه از آن است که برای او فرزندی باشد . آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست ، و خداوند بس کارساز است .

(النساء، ۱۷۱)

لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَ لَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَ مَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَ يَسْتَكْبِرْ فَسَيَخْشَرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا (۱۷۲)

مسیح از اینکه بنده خدا باشد هرگز ابا نمی‌ورزد ، و فرشتگان مقرب [نیز ابا ندارند] ؛ و هر کس از پرستش او امتناع ورزد و بزرگی فروشد ، به زودی همه آنان را به سوی خود گرد می‌آورد .

(النساء، ۱۷۲)

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَ يَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَ أَمَّا الَّذِينَ اسْتَنْكَفُوا وَ اسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَ لَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَ لَا نَصِيرًا (۱۷۳)

اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند ، پاداششان را به تمام [کمال] خواهد داد ، و از فضل خود به ایشان افزونتر می‌بخشد . و اما کسانی که امتناع ورزیده و بزرگی فروخته‌اند ، آنان را به عذابی دردناک دچار می‌سازد و در برابر خدا برای خود یار و یابوری نخواهند یافت .

(النساء، ۱۷۳)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا (۱۷۴)

ای مردم ، در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است ، و ما به سوی شما نوری تابناک فرو فرستاده‌ایم .

(النساء، ۱۷۴)

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ اعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَ فَضْلٍ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا (۱۷۵)

و اما کسانی که به خدا گرویدند و به او تمسک جستند ، به زودی [خدا] آنان را در جوار رحمت و فضلی از جانب خویش درآورد ، و ایشان را به سوی خود ، به راهی راست هدایت کند .

(النساء، ۱۷۵)

يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفَيِّقُكُمْ فِي الْعِلَالَةِ إِنْ امْرُؤٌ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَ لَهُ أُخْتُ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَ هُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا التُّلْتَانِ مِمَّا تَرَكَ وَ إِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَ نِسَاءً فَلِلَّذَكَرِ مِثْلَ حَظِّ الْأُنثَىٰ بَيْنَ اللَّهِ لَكُمْ أَنْ تَصَلُّوا وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (١٧٤)

از تو [در باره کلاله] فتوا می‌طلبند ؛ بگو : « خدا در باره کلاله فتوا می‌دهد : اگر مردی بمیرد و فرزندی نداشته باشد ، و خواهری داشته باشد ، نصف میراث از آن اوست . و آن [مرد نیز] از او ارث می‌برد ، اگر برای او [خواهر] فرزندی نباشد . پس اگر [ورثه فقط] دو خواهر باشند ، دو سوم میراث برای آن دو است ، و اگر [چند] خواهر و برادرند ، پس نصیب مرد ، مانند نصیب دو زن است . خدا برای شما توضیح می‌دهد تا مبادا گمراه شوید ، و خداوند به هر چیزی داناست .

(النساء، ١٧٤)

ترتیبها- ٥	سوره المانده	مدنی-آیاتها ١٢٠
-------------------	---------------------	------------------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (٠)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(المانده، ٠)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُنْتَلَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرِ مُحَلِّيِ الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَخُكُم مَّا يُرِيدُ (١)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، به قراردادهای خود وفا کنید . برای شما [گوشت] چارپایان حلال گردیده ، جز آنچه [حکمش] بر شما خوانده می‌شود ، در حالی که نباید شکار را در حال احرام ، حلال بشمرید . خدا هر چه بخواهد فرمان می‌دهد .

(المانده، ١)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْجُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَ لَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَ لَا الْهَدْيَ وَ لَا الْقَلَائِدَ وَ لَا آمِنَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَنْتَعُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَ رِضْوَانًا وَ إِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ أَنْ صَدَّقْتُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (٢)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، حرمت شعایر خدا ، و ماه حرام ، و قربانی بی‌نشان ، و قربانیهای گردن‌بنددار ، و راهبان بیت الحرام را که فضل و خشنودی پروردگار خود را می‌طلبند ، نگه دارید . و چون از احرام بیرون آمدید [می‌توانید] شکار کنید ، و البته نباید کینه‌توزی گروهی که شما را از مسجد الحرام باز داشتند ، شما را به تعدی وادارد . و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید ، و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید ، و از خدا پروا کنید که خدا سخت‌کیفر است .

(المانده، ٢)

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةُ وَ الدَّمُ وَ لَحْمُ الْخَيْزِرِ وَ مَا أَهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَ الْمُنْخَنِقَةُ وَ الْمُؤَفَّذَةُ وَ الْمَمْرَدِيَّةُ وَ النَّطِيعَةُ وَ مَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذُكِّرْتُمْ وَ مَا دُبِحَ عَلَى النَّصْبِ وَ أَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فَسُقُ الْيَوْمِ يَنْسَى الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (٣)

بر شما حرام شده است : مردار ، و خون ، و گوشت خوک ، و آنچه به نام غیر خدا کشته شده باشد ، و [حیوان حلال گوشت] خفه شده ، و به چوب مرده ، و از بلندی افتاده ، و به ضرب شاخ مرده ، و آنچه درنده از آن خورده باشد مگر آنچه را [که زنده دریاخته و خود] سر برید و [همچنین] آنچه برای بتان سر بریده شده ، و [نیز] قسمت کردن شما [چیزی را] به وسیله تیرهای قرعه ؛ این [کارها همه] نافرمانی [خدا] ست . امروز کسانی که کافر شده‌اند ، از [کارشکنی در] دین شما نومید گردیده‌اند . پس ، از ایشان مترسید و از من بترسید . امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم ، و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی برگزیدم . و هر کس دچار گرسنگی شود ، بی‌آنکه به گناه متمایل باشد [اگر از آنچه منع شده است بخورد] ، بی‌تردید ، خدا آمرزنده مهربان است .

(المانده، ٣)

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أَحَلَّ لَهُمْ قُلْ أَحَلَّ لَهُمْ قُلُوبُ الطَّيِّبَاتِ وَ مَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلَّبِينَ يَعْلَمُونَ هُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَمَلُوا بِهَا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَ اذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (٤)

از تو می‌پرسند : چه چیزی برای آنان حلال شده است ؟ بگو : « چیزهای پاکیزه برای شما حلال گردیده و [نیز صید] حیوانات شکارگر که شما بعنوان مرتبان سگهای شکاری ، از آنچه خدایتان آموخته ، به آنها تعلیم داده‌اید [برای شما حلال شده است] . پس از آنچه آنها برای شما گرفته و نگاه داشته‌اند بخورید ، و نام خدا را بر آن ببرید ، و پروای خدا بدارید که خدا زود شمار است .

(المانده، ٤)

الْيَوْمَ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتِ وَ طَعَامَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَّ لَكُمْ وَ طَعَامَكُمْ حَلَّ لَهُمْ وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرِ مُسَافِحِينَ وَ لَا تَتَّخِذِي أَعْدَانٍ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَ هُوَ فِي الْأَخْرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (٥)

امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده ، و طعام کسانی که اهل کتابند برای شما حلال ، و طعام شما برای آنان حلال است . و [بر شما حلال است ازدواج با] زنان پاکدامن از مسلمان ، و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما کتاب [آسمانی] به آنان داده شده ، به شرط آنکه مهرهایشان را به ایشان بدهید ، در حالی که خود پاکدامن باشید نه زناکار و نه آنکه زنان را در پنهانی دوست خود بگیرید . و هر کس در ایمان خود شک کند ، قطعاً عملش تباه شده ، و در آخرت از زیانکاران است .

(المانده، ٥)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَدِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (٦)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، چون به [عزم] نماز برخیزید ، صورت و دست‌هایتان را تا آرنج بشویید ؛ و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین [هر دو پا] مسح کنید ؛ و اگر جنب‌اید خود را پاک کنید [غسل نمایید] ؛ و اگر بیمار یا در سفر بودید ، یا یکی از شما از قضای حاجت آمد ، یا با زنان نزدیکی کرده‌اید و آبی نیافتید ؛ پس با خاک پاک تیمم کنید ، و از آن به صورت و دست‌هایتان بشوید . خدا نمی‌خواهد بر شما تنگ بگیرد ، لیکن می‌خواهد شما را پاک ، و نعمتش را بر شما تمام گرداند ، باشد که سپاس [او] بدارید .

(المائدة، ٦)

وَ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (٧)

و نعمتی را که خدا بر شما ارزانی داشته و [نیز] پیمانی را که شما را به [انجام] آن متعهد گردانیده ، به یاد آورید ، آن گاه که گفتید : « شنیدیم و اطاعت کردیم . » و از خدا پروا دارید که خدا به راز دلها آگاه است .

(المائدة، ٧)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْلَمُوا اءِغْلُوا هُوَ اءَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (٨)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید ، و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید . عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است ، و از خدا پروا دارید ، که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است .

(المائدة، ٨)

وَ عَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عملُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ عَظِيمٌ (٩)

خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند ، به آمرزش و پاداشی بزرگ وعده داده است .

(المائدة، ٩)

وَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ اءِجِيمِ (١٠)

و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را دروغ انگاشتند ، آنان اهل دوزخند .

(المائدة، ١٠)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (١١)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، نعمت خدا را بر خود ، یاد کنید : آن گاه که قومی آهنگ آن داشتند که بر شما دست یازند ، و [خدا] دستشان را از شما کوتاه داشت . و از خدا پروا دارید ، و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند .

(المائدة، ١١)

وَ لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ بَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَ آمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَ عَزَّزْتُمْهُمْ وَ أَفْرَضْتُمْ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ لَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (١٢)

در حقیقت ، خدا از فرزندان اسرائیل پیمان گرفت . و از آنان دوازده سرکرده برانگیختیم . و خدا فرمود : « من با شما هستم . » اگر نماز برپا دارید و زکات بدهید و به فرستادگان ایمان بیاورید و یاریشان کنید و وام نیکویی به خدا بدهید ، قطعاً گناهانتان را از شما می‌زدایم ، و شما را به باغهایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است در می‌آورم . پس هر کس از شما بعد از این کفر ورزد ، در حقیقت از راه راست گمراه شده است .

(المائدة، ١٢)

فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَ جَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ اءِكْلَمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ نَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَ لَا تَزَالُ تَطَّلُعُ عَلَىٰ خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ اءِحْسِنِينَ (١٣)

پس به [سزای] پیمان شکستشان لعنتشان کردیم و دل‌هایشان را سخت گردانیدیم . [به طوری که] کلمات را از مواضع خود تحریف می‌کنند ، و بخشی از آنچه را بدان اندرز داده شده بودند به فراموشی سپردند . و تو همواره بر خیانتی از آنان آگاه می‌شوی ، مگر [شماری] اندک از ایشان [که خیانتکار نیستند] . پس ، از آنان درگذر و چشم پوشی کن که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد .

(المائدة، ١٣)

وَ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَعْرَبْنَا بَيْنَهُمُ اءِذَاةَ وَ اءِبْغَضَاءَ إِلَى يَوْمِ اءِقِيَامَةٍ وَ سَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (١٤)

و از کسانی که گفتند : « ما نصرانی هستیم » ، از ایشان [نیز] پیمان گرفتیم ، و [لی] بخشی از آنچه را بدان اندرز داده شده بودند فراموش کردند ، و ما [هم] تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکندیم ، و به زودی خدا آنان را از آنچه می‌کرده‌اند [و می‌ساخته‌اند] خبر می‌دهد .

(المائدة، ۱۴)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ (۱۵)

ای اهل کتاب ، پیامبر ما به سوی شما آمده است که بسیاری از چیزهایی از کتاب [آسمانی خود] را که پوشیده می‌داشتید برای شما بیان می‌کند ، و از بسیاری [خطاهای شما] درمی‌گذرد . قطعاً برای شما از جانب خدا روشنائی و کتابی روشن‌گر آمده است .

(المائدة، ۱۵)

يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۱۶)

خدا هر که را از خشنودی او پیروی کند ، به وسیله آن [کتاب] به راه‌های سلامت رهنمون می‌شود ، و به توفیق خویش ، آنان را از تاریکیها به سوی روشنائی بیرون می‌برد و به راهی راست هدایتشان می‌کند .

(المائدة، ۱۶)

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَ أُمُّهُ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۷)

کسانی که گفتند : « خدا همان مسیح پسر مریم است » مسلماً کافر شده‌اند . بگو : اگر [خدا] اراده کند که مسیح پسر مریم و مادرش و هر که را که در زمین است ، جملگی به هلاکت رساند ، چه کسی در مقابل خدا اختیاری دارد ؟ فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است از آن خداست . هر چه بخواهد می‌آفریند ، و خدا بر هر چیزی تواناست .

(المائدة، ۱۷)

وَ قَالَتِ الْيَهُودُ وَ النَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَ أَحِبَّاءُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۱۸)

و یهودان و ترسایان گفتند : « ما پسران خدا و دوستان او هستیم . » بگو : « پس چرا شما را به [کفر] گناهانتان عذاب می‌کند ؟ نه ، [بلکه شما] هم [بشرید از جمله] کسانی که آفریده است . هر که را بخواهد می‌آمرزد ، و هر که را بخواهد عذاب می‌کند ، و فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو می‌باشد از آن خداست ، و بازگشت [همه] به سوی اوست . »

(المائدة، ۱۸)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى قُرَّةٍ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَ لَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَ نَذِيرٌ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۹)

ای اهل کتاب ، پیامبر ما به سوی شما آمده که در دوران فترت رسولان [حقایق را] برای شما بیان می‌کند ، تا مبدا [روز قیامت] بگویید : « برای ما بشارتگر و هشداردهنده‌ای نیامد . » پس قطعاً برای شما بشارتگر و هشداردهنده‌ای آمده است . و خدا بر هر چیزی تواناست .

(المائدة، ۱۹)

وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَ جَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَ آتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ (۲۰)

و [یاد کن] زمانی را که موسی به قوم خود گفت : « ای قوم من ، نعمت خدا را بر خود یاد کنید ، آن گاه که در میان شما پیامبرانی قرار داد ، و شما را پادشاهانی ساخت ، و آنچه را که به هیچ کس از جهانیان نداده بود ، به شما داد . »

(المائدة، ۲۰)

يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَ لَا تَرْتَدُّوا عَلَى أَنْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ (۲۱)

« ای قوم من ، به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما مقرر داشته است درآیید ، و به عقب بازنگردید که زیانکار خواهید شد . »

(المائدة، ۲۱)

قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَ إِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ (۲۲)

گفتند : « ای موسی ، در آنجا مردمی زورمندند و تا آنان از آنجا بیرون نروند ما هرگز وارد آن نمی‌شویم . پس اگر از آنجا بیرون بروند ما وارد خواهیم شد . »

(المائدة، ۲۲)

قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخْفَوْنَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَابْتَغُوا مِنْهُمُ الْغُلْيُونَ وَ عَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۲۳)

دو مرد از [زمره] کسانی که [از خدا] می‌ترسیدند و خدا به آنان نعمت داده بود ، گفتند : « از آن دروازه بر ایشان [بتازید و] وارد شوید ؛ که اگر از آن ، درآمدید قطعاً پیروز خواهید شد ، و اگر مؤمنید ، به خدا توکل کنید . »

(المائدة، ۲۳)

قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَنُحَدِّثُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَأُدْهَبَ أَنتَ وَ رَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ (٢٤)

گفتند : « ای موسی ، تا وقتی آنان در آن [شهر] ند ما هرگز پای در آن ننهیم . تو و پروردگارت برو [یَد] و جنگ کنید که ما همین جا می‌نشینیم . »
(المائدة، ٢٤)

قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرِقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (٢٥)

[موسی] گفت : « پروردگارا ! من جز اختیار شخص خود و برادرم را ندارم ؛ پس میان ما و میان این قوم نافرمان جدایی بینداز . »
(المائدة، ٢٥)

قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (٢٦)

[خدا به موسی] فرمود : « [ورود به] آن [سرزمین] چهل سال بر ایشان حرام شد ، [که] در بیابان سرگردان خواهند بود . پس تو بر گروه نافرمانان اندوه مخور . »
(المائدة، ٢٦)

وَ ائْتَلْ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبِلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَ لَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (٢٧)

و داستان دو پسر آدم را به درستی بر ایشان بخوان ، هنگامی که [هر يك از آن دو ،] قربانی پیش داشتند . پس ، از یکی از آن دو پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد . [قابیل] گفت : « حتماً تو را خواهم کشت . » [هابیل] گفت : « خدا فقط از تقوایبندگان می‌پذیرد . »
(المائدة، ٢٧)

لَنْ يَسْتَبْرَأَ إِنِّي يَتَكَبَّرُ فِي الْأَرْضِ مُخْلِفاً عَلَى النَّاسِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُمْ شَيْئاً إِنَّكَ أَكْبَرُ الْأَعْيُنِ (٢٨)

« اگر دست خود را به سوی من دراز کنی تا مرا بکشی ، من دستم را به سوی تو دراز نمی‌کنم تا تو را بکشم ، چرا که من از خداوند ، پروردگار جهانیان می‌ترسم . »
(المائدة، ٢٨)

إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِيمَانِي وَ إِيمَانِكَ فَتَكَوِّنَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَ ذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ (٢٩)

« من می‌خواهم تو با گناه من و گناه خودت [به سوی خدا] بازگردی ، و در نتیجه از اهل آتش باشی ، و این است سزای ستمگران . »
(المائدة، ٢٩)

فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ (٣٠)

پس نفس [آماره] اش او را به قتل برادرش ترغیب کرد ، و وی را کشت و از زیانکاران شد .
(المائدة، ٣٠)

فَبِعَثَّ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُؤَارِي سَوْأَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْأَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ (٣١)

پس ، خدا زاغی را برانگیخت که زمین را می‌کاود ، تا به او نشان دهد چگونه جسد برادرش را پنهان کند . [قابیل] گفت : « وای بر من ، آیا عاجزم که مثل این زاغ باشم تا جسد برادرم را پنهان کنم ؟ » پس از [زمره] پشیمانان گردید .
(المائدة، ٣١)

مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعاً وَ مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعاً وَ لَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعَثَ لِدَلِيلٍ فِي الْأَرْضِ لِمُسْرِفُونَ (٣٢)

از این روی بر فرزندان اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس کسی را جز به قصاص قتل ، یا [به کفر] فسادی در زمین بکشد ، چنان است که گویی همه مردم را کشته باشد . و هر کس کسی را زنده بدارد ، چنان است که گویی تمام مردم را زنده داشته است . و قطعاً پیامبران ما دلایل آشکار برای آنان آوردند ، [با این همه] پس از آن بسیاری از ایشان در زمین زیاده‌روی می‌کنند .
(المائدة، ٣٢)

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَاداً أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (٣٣)

سزای کسانی که با [دوستداران] خدا و پیامبر او می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند ، جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید گردند . این ، رسوایی آنان در دنیا است و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت .
(المائدة، ٣٣)

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۳۴)

مگر کسانی که پیش از آنکه بر ایشان دست یابید ، توبه کرده باشند . پس بدانید که خدا آمرزنده مهربان است .

(المائدة، ۳۴)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۳۵)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، از خدا پروا کنید ؛ و به او [توسل و] تقرب جویید ؛ و در راهش جهاد کنید ، باشد که رستگار شوید .

(المائدة، ۳۵)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقْتَلُ مِنْهُمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۳۶)

در حقیقت ، کسانی که کفر ورزیدند ، اگر تمام آنچه در زمین است برای آنان باشد ، و مثل آن را [نیز] با آن [داشته باشند] تا به وسیله آن ، خود را از عذاب روز قیامت بازخرند ، از ایشان پذیرفته نمی‌شود و عذابی بر درد خواهند داشت .

(المائدة، ۳۶)

يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّعِينٌ (۳۷)

می‌خواهند که از آتش بیرون آیند ، در حالی که از آن بیرون آمدنی نیستند ، و برای آنان عذابی پایدار خواهد بود .

(المائدة، ۳۷)

وَ السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا تَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۳۸)

و مرد و زن دزد را به [سزای] آنچه کرده‌اند ، دستشان را به عنوان کیفری از جانب خدا بپزید ، و خداوند توانا و حکیم است .

(المائدة، ۳۸)

فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَ اصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۳۹)

پس هر که بعد از ستم کردنش توبه کند و به صلاح آید ، خدا توبه او را می‌پذیرد ، که خدا آمرزنده مهربان است .

(المائدة، ۳۹)

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مَلَكٌ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۴۰)

مگر ندانسته‌ای که فرماتروایی آسمانها و زمین از آن خداست . هر که را بخواهد عذاب می‌کند و هر که را بخواهد می‌بخشد ، و خدا بر هر چیزی تواناست ؟

(المائدة، ۴۰)

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَ لَمْ يُؤْمِنُ قُلُوبُهُمْ وَ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِينَا هَذَا فَخَدَوْهُ وَ إِنْ لَمْ نُؤْتِهِ فَاحْذَرُوا وَ مَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَظْهَرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۴۱)

ای پیامبر ، کسانی که در کفر شتاب می‌ورزند ، تو را غمگین نسازند ؛ [چه] از آنان که با زبان خود گفتند : « ایمان آوردیم » ، و حال آنکه دل‌هایشان ایمان نیاورده بود ، و [چه] از یهودیان : [آنان] که [به سخنان تو] گوش می‌سپارند [تا بهانه‌ای] برای تکذیب [تو بیابند] ، و برای گروهی دیگر که [خود] نزد تو نیامده‌اند ، خبرچینی [جاسوسی] می‌کنند ، کلمات را از جاهای خود دگرگون می‌کنند [و] می‌گویند : « اگر این [حکم] به شما داده شد ، آن را بپذیرید ، و اگر آن به شما داده نشد ، پس دوری کنید . » و هر که را خدا بخواهد به فتنه درآفکند ، هرگز در برابر خدا برای او از دست تو چیزی بر نمی‌آید . اینانند که خدا نخواست دل‌هایشان را پاک گرداند . در دنیا برای آنان رسوایی ، و در آخرت عذابی بزرگ خواهد بود .

(المائدة، ۴۱)

سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكْأَلُونَ لِلْسُّخْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ اغْرَضْ عَنْهُمْ وَ إِنْ تَعَرَّضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئاً وَ إِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (۴۲)

پذیرا و شنوای دروغ هستند [و] بسیار مال حرام می‌خورند . پس اگر نزد تو آمدند ، [یا] میان آنان داوری کن ، یا از ایشان روی برتاب . و اگر از آنان روی برتابی هرگز زبانی به تو نخواهند رسانید . و اگر داوری می‌کنی ، پس به عدالت در میانشان حکم کن که خداوند دادگران را دوست می‌دارد .

(المائدة، ۴۲)

وَ كَيْفَ يَحْكُمُونَكَ وَ عَذَّبَهُمُ النَّوْرَةَ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ مَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ (۴۳)

و چگونه تو را داور قرار می‌دهند ، با آنکه تورات نزد آنان است که در آن حکم خدا [آمده] است ؟ سپس آنان بعد از این [طلب داوری] پشت می‌کنند ، و [واقعاً] آنان مؤمن نیستند .

(المائدة، ۴۳)

إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يَخُكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّابِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ كَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوْنَ النَّاسَ وَ الْخَشْيَةَ وَ لَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَ مَنْ لَمْ يَخُكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ (۴۳)

ما تورات را که در آن رهنمود و روشنایی بود نازل کردیم . پیامبرانی که تسلیم [فرمان خدا] بودند ، به موجب آن برای یهود داوری می‌کردند ؛ و [همجنین] الهیون و دانشمندان به سبب آنچه از کتاب خدا به آنان سپرده شده و بر آن گواه بودند . پس ، از مردم نترسید و از من بترسید ، و آیات مرا به بهای ناچیزی مفروشید ؛ و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده داوری نکرده‌اند ، آنان خود کافرانند .

(المائدة، ۴۴)

وَ كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَ الْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَ الْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَ الْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَ السِّنَّ بِالسِّنِّ وَ الْجُرُوحَ قِصَاصًا فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَ مَنْ لَمْ يَخُكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۴۴)

و در [تورات] بر آنان مقرر کردیم که جان در مقابل جان ، و چشم در برابر چشم ، و بینی در برابر بینی ، و گوش در برابر گوش ، و دندان در برابر دندان می‌باشد ؛ و زخمها [نیز به همان ترتیب] قصاصی دارند . و هر که از آن [قصاص] درگذرد ، پس آن ، کفار [گناهان] او خواهد بود . و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده داوری نکرده‌اند ، آنان خود ستمگرانند .

(المائدة، ۴۵)

وَ قَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَ نُورٌ وَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (۴۵)

و عیسی پسر مریم را به دنبال آنان [پیامبران دیگر] درآوردیم ، در حالی که تورات را که پیش از او بود تصدیق داشت ، و به او انجیل را عطا کردیم که در آن ، هدایت و نوری است و تصدیق‌کننده تورات قبل از آن است ، و برای پرهیزگاران رهنمود و اندرزی است .

(المائدة، ۴۶)

وَ لِيُخَکِّمَ أَهْلَ الْإِنجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَ مَنْ لَمْ يَخُكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۴۶)

و اهل انجیل باید به آنچه خدا در آن نازل کرده داوری کنند ، و کسانی که به آنچه خدا نازل کرده حکم نکنند ، آنان خود ، نافرمانند .

(المائدة، ۴۷)

وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَ مُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مَنَاجِيَ وَ لِيُحِبَّ اللَّهُ لِيُحِبَّكُمْ وَ لِيُخْرِجَنَّ مِنْكُمْ الْمُؤْمِنِينَ وَ يُخْرِجَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَ اخْذُوهُمْ أَنْ يَقْتُلُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ دُنُوْبِهِمْ وَ إِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ (۴۷)

و ما این کتاب [قرآن] را به حق به سوی تو فرو فرستادیم ، در حالی که تصدیق‌کننده کتابهای پیشین و حاکم بر آنهاست . پس میان آنان بر وفق آنچه خدا نازل کرده حکم کن ، و از هواهایشان [با دور شدن] از حقی که به سوی تو آمده ، پیروی مکن . برای هر یک از شما [امتها] شریعت و راه روشنی قرار داده‌ایم . و اگر خدا می‌خواست شما را یک امت قرار می‌داد ، ولی [خواست] تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید . پس در کارهای نیک بر یکدیگر سبقت گیرید . بازگشت [همه] شما به سوی خداست ؛ آن گاه در باره آنچه در آن اختلاف می‌کردید آگاهتان خواهد کرد .

(المائدة، ۴۸)

وَ أَنْ احْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَ اخْذُوهُمْ أَنْ يَقْتُلُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ دُنُوْبِهِمْ وَ إِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ (۴۸)

و میان آنان به موجب آنچه خدا نازل کرده ، داوری کن و از هواهایشان پیروی مکن و از آنان بر حذر باش ؛ میداد تو را در بخشی از آنچه خدا بر تو نازل کرده به فتنه دراندازند . پس اگر پشت کردند ، بدان که خدا می‌خواهد آنان را فقط به [سزای] پاره‌ای از گناهانشان برساند ، و در حقیقت بسیاری از مردم نافرمانند .

(المائدة، ۴۹)

أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ (۴۹)

آیا خواستار حکم جاهلیت‌اند ؟ و برای مردمی که یقین دارند ، داوری چه کسی از خدا بهتر است ؟

(المائدة، ۵۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَ النَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فإِنَّهُ فِئَةٌ مَعَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵۰)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، یهود و نصاری را دوستان [خود] مگیرید [که] بعضی از آنان دوستان بعضی دیگرند . و هر کس از شما آنها را به دوستی گیرد ، از آنان خواهد بود . آری ، خدا گروه ستمگران را راه نمی‌نماید .

(المائدة، ۵۱)

فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُضْيِعُوا عَلَى مَا أَسْرَوْا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ (۵۱)

می‌بینی کسانی که در دل‌هایشان بیماری است ، در [دوستی] با آنان شتاب می‌ورزند . می‌گویند : « می‌ترسیم به ما حادثه ناگواری برسد . » امید است خدا از جانب خود فتح [منظور] یا امر دیگری را پیش آورد ، تا [در نتیجه آنان] از آنچه در دل خود نهفته داشته‌اند پشیمان گردند .

(المائدة، ۵۲)

و يَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهْلَاءَ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ (۵۳)

و کسانی که ایمان آورده‌اند ، می‌گویند : « آیا اینان بودند که به خداوند سوگندهای سخت می‌خورندند که جدا با شما هستند ؟ » اعمالشان تباه شد و زیانکار گردیدند .

(المائدة، ۵۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ حَبِيبُهُمْ وَ يَجُوبُهُ أَهْلَةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعْرَجَ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۵۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، هر کس از شما از دین خود برگردد ، به زودی خدا گروهی [دیگر] را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند . [اینان] با مؤمنان ، فروتن ، [و] بر کافران سرفرازند . در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌ترسند . این فضل خداست . آن را به هر که خواهد می‌دهد ، و خدا گشایشگر داناست .

(المائدة، ۵۴)

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ (۵۵)

ولی شما ، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند : همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند .

(المائدة، ۵۵)

وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُغَالِبُونَ (۵۶)

و هر کس خدا و پیامبر او و کسانی را که ایمان آورده‌اند ولی خود بداند [پیروز است ، چرا که] حزب خدا همان پیروزمندانند .

(المائدة، ۵۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوعًا وَ لَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ الْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُفْرَكُمْ مُؤْمِنِينَ (۵۷)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، کسانی را که دین شما را به ریشخند و بازی گرفته‌اند [چه] از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شده و [چه از] کافران ، دوستان [خود] مگیرید ، و اگر ایمان دارید از خدا پروا دارید .

(المائدة، ۵۷)

وَ إِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوا هُزُوعًا وَ لَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ (۵۸)

و هنگامی که [به وسیله اذان ، مردم را] به نماز می‌خوانید ، آن را به مسخره و بازی می‌گیرند ، زیرا آنان مردمی‌اند که نمی‌اندیشند .

(المائدة، ۵۸)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَقْتُمُونَ مِمَّا إِنْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْنَا وَ مَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَ أَنْ أُنزِلَ مِنْ قَبْلُ وَ أَنْ أُنزِلَ مِنْ قَبْلُ وَ أَنْ أُنزِلَ مِنْ قَبْلُ فَاسْقُونَ (۵۹)

بگو : « ای اهل کتاب ، آیا جز این بر ما عیب می‌گیرید که ما به خدا و به آنچه به سوی ما نازل شده ، و به آنچه پیش از این فرود آمده است ایمان آورده‌ایم ، و اینکه بیشتر شما فاسقید ؟ »

(المائدة، ۵۹)

قُلْ هَلْ أَنْتُمْ بِشِرِّ مِنَ ذَلِكَ مُتُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مِنْ نَعْنَةِ اللَّهِ وَ غَضَبِ عَلَيْهِ وَ جَعَلَ مِنْهُمْ الْفِرْدَةَ وَ الْخَنَازِيرَ وَ عَبْدَ الطَّاغُوتِ أَوْلِيَاءَ شَرِّ مَكَانًا وَ أَضَلُّ عَنِ السَّبِيلِ (۶۰)

بگو : « آیا شما را به بدتر از [صاحبان] این کفر در پیشگاه خدا ، خیر دهم ؟ همانان که خدا لعنتشان کرده و بر آنان خشم گرفته و از آنان بوزینگان و خوکان پدید آورده ، و آنان که طاغوت را پرستش کرده‌اند . اینانند که از نظر منزلت ، بدتر ، و از راه راست گمراه‌ترند . »

(المائدة، ۶۰)

وَ إِذَا جَاءَكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَ قَدْ دَخَلُوا بِالْكَفْرِ وَ هُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ (۶۱)

و چون نزد شما می‌آیند ، می‌گویند : « ایمان آوردیم . » در حالی که با کفر وارد شده و قطعاً با همان [کفر] بیرون رفته‌اند . و خدا به آنچه پنهان می‌داشتند دانایتر است .

(المائدة، ۶۱)

وَ تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ أَكْلِهِمُ السُّخْتِ لَيْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۶۲)

و بسیاری از آنان را می‌بینی که در گناه و تعدی و حرامخواری خود شتاب می‌کنند . واقعاً چه اعمال بدی انجام می‌دادند .

(المائدة، ۶۲)

لَوْ لَا يَنْهَاهُمُ الرَّبِّائِيُونَ وَ الْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَ أَكْلِهِمُ السُّخْتِ لَيْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (۶۳)

چرا الهیون و دانشمندان ، آنان را از گفتار گناه [آلود] و حرامخواری‌شان باز نمی‌دارند ؟ راستی چه بد است آنچه انجام می‌دادند .

(المائدة، ۶۳)

وَ قَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُقْفَىٰ كَيْفَ يَشَاءُ وَ لَنَزِدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُنَّ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَ كُفْرًا وَ أَلَقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبُغْضَاءَ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَفُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (۶۴)

و یهود گفتند : « دست خدا بسته است . » دستهای خودشان بسته باد . و به [سزای] آنچه گفتند ، از رحمت خدا دور شوند . بلکه هر دو دست او گشاده است ، هر گونه بخواهد می‌بخشد . و قطعاً آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو فرود آمده ، بر طغیان و کفر بسیاری از ایشان خواهد افزود ، و تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکنیم . هر بار که آتشی برای پیکار برافروختند ، خدا آن را خاموش ساخت . و در زمین برای فساد می‌کوشند . و خدا مفسدان را دوست نمی‌دارد .

(المائدة، ۶۴)

وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ لَأَدْخَلْنَاَهُمْ جَنَّاتِ الْجَنَّةِ (۶۵)

و اگر اهل کتاب ایمان آورده و پرهیزگاری کرده بودند ، قطعاً گناهانشان را می‌زدودیم و آنان را به بوستانهای پر نعمت درمی‌آوردیم .

(المائدة، ۶۵)

وَ لَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِّنْهُمُ أُمَّةٌ مَّقْتَصِدَةٌ وَ كَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَاءٌ مَا يَعْمَلُونَ (۶۶)

و اگر آنان به تورات و انجیل و آنچه از جانب پروردگارشان به سویشان نازل شده است ، عمل می‌کردند ، قطعاً از بالای سرشان [برکات آسمانی] و از زیر پاهایشان [برکات زمینی] برخوردار می‌شدند . از میان آنان گروهی میانرو هستند ، و بسیاری از ایشان بد رفتار می‌کنند .

(المائدة، ۶۶)

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ وَ إِنْ لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (۶۷)

ای پیامبر ، آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده ، ابلاغ کن ؛ و اگر نکنی پیامش را نرسانده‌ای . و خدا تو را از [گزند] مردم نگاه می‌دارد . آری ، خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند .

(المائدة، ۶۷)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَ لَنَزِدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُنَّ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَ كُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۶۸)

بگو : « ای اهل کتاب ، تا [هنگامی که] به تورات و انجیل و آنچه از پروردگارتان به سوی شما نازل شده است عمل نکرده‌اید بر هیچ [آیین بر حقی] نیستید . » و قطعاً آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده ، بر طغیان و کفر بسیاری از آنان خواهد افزود . پس بر گروه کافران اندوه مخور .

(المائدة، ۶۸)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ هَادُوا وَ الصَّابِئُونَ وَ النَّصَارَىٰ مِنْ أَمَنِ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلُوا صَالِحًا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۶۹)

کسانی که ایمان آورده و کسانی که یهودی و صابئی و مسیحی‌اند ، هر کس به خدا و روز بازپسین ایمان آورد و کار نیکو کند ، پس نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین خواهند شد .

(المائدة، ۶۹)

لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنَّا لَا تُهَوِّىْ أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذِبُوا وَ فَرِيقًا يَقْتُلُونَ (۷۰)

ما از فرزندان اسرائیل سخت پیمان گرفتیم ، و به سویشان پیامبرانی روانه کردیم . هر بار پیامبری چیزی بر خلاف دلخواهشان برایشان آورد ، گروهی را تکذیب می‌کردند و گروهی را می‌کشتند .

(المائدة، ۷۰)

وَ حَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةٌ فَعَمُوا وَ صَمُّوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَ صَمُّوا كَثِيرٌ مِّنْهُمْ وَ اللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (۷۱)

و پنداشتند کفوری در کار نیست . پس کور و کر شدند . سپس خدا توبه آنان را پذیرفت . باز بسیاری از ایشان کور و کر شدند ، و خدا به آنچه انجام می‌دهند بیناست .

(المائدة، ۷۱)

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَ قَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَ رَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ مَا أُوَاهُ النَّارُ وَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَابٍ (٧٢)

کسانی که گفتند : « خدا همان مسیح پسر مریم است » ، قطعاً کافر شده‌اند ، و حال آنکه مسیح ، می‌گفت : « ای فرزندان اسرائیل ، پروردگار من و پروردگار خودتان را بپرستید ؛ که هر کس به خدا شریک آورد ، قطعاً خدا بهشت را بر او حرام ساخته و جایگاهش آتش است ، و برای ستمکاران یاورانی نیست . »

(المائدة، ٧٢)

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثٌ ثَلَاثَةٌ وَ مَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ وَ إِنَّ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (٧٣)

کسانی که [به تثلیث قائل شده و] گفتند : « خدا سومین [شخص از] سه [شخص یا سه اقنوم] است ، قطعاً کافر شده‌اند ، و حال آنکه هیچ معبودی جز خدای یکتا نیست . و اگر از آنچه می‌گویند باز نایستند ، به کافران ایشان عذابی دردناک خواهد رسید .

(المائدة، ٧٣)

أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (٧٤)

چرا به درگاه خدا توبه نمی‌کنند ، و از وی آمرزش نمی‌خواهند ؟ و خدا آمرزنده مهربان است .

(المائدة، ٧٤)

مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَ أُمُّهُ صِدْقَةٌ كَاتِمَاتُ يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ أَنْظِرْ نَبِيَّنَ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ أَنْظِرْ أَنَّى يُؤْفَكُونَ (٧٥)

مسیح ، پسر مریم جز پیامبری نبود که پیش از او [نیز] پیامبرانی آمده بودند ؛ و مادرش زنی بسیار راستگو بود . هر دو غذا می‌خوردند . بنگر چگونه آیات [خود] را برای آنان توضیح می‌دهیم ؛ سپس ببین چگونه [از حقیقت] دور می‌افتند .

(المائدة، ٧٥)

قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا وَ اللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (٧٦)

بگو : « آیا غیر از خدا چیزی را که اختیار زیان و سود شما را ندارد ، می‌پرستید ؟ و حال آنکه خداوند شنوای داناست . »

(المائدة، ٧٦)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَ لَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَ ضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ (٧٧)

بگو : « ای اهل کتاب ، در دین خود بناحق گزافه‌گویی نکنید ، و از پی هوسهای گروهی که پیش از این گمراه گشتند و بسیاری [از مردم] را گمراه کردند و [خود] از راه راست منحرف شدند ، نروید . »

(المائدة، ٧٧)

لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ (٧٨)

از میان فرزندان اسرائیل ، آنان که کفر ورزیدند ، به زبان داوود و عیسی بن مریم مورد لعنت قرار گرفتند . این [کبیر] به خاطر آن بود که عصیان ورزیده و [از فرمان خدا] تجاوز می‌کردند .

(المائدة، ٧٨)

كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُكْرَمِ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (٧٩)

[و] از کار زشتی که آن را مرتکب می‌شدند ، یکدیگر را باز نمی‌داشتند . راستی ، چه بد بود آنچه می‌کردند .

(المائدة، ٧٩)

تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَقُولُونَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ فِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ (٨٠)

بسیاری از آنان را می‌بینی که با کسانی که کفر ورزیده‌اند دوستی می‌کنند . راستی چه زشت است آنچه برای خود پیش فرستادند ، [در نتیجه] خدا بر ایشان خشم گرفت ، و پیوسته در عذاب می‌مانند .

(المائدة، ٨٠)

وَ لَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ النَّبِيِّ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوا آلِيَاءَ وَ لَكِن كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (٨١)

و اگر به خدا و پیامبر و آنچه که به سوی او فرود آمده ایمان می‌آوردند ، آنان را به دوستی نمی‌گرفتند ، لیکن بسیاری از ایشان نافرمانند .

(المائدة، ٨١)

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَ لَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بَأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيِينَ وَ رُهْبَانًا وَ أَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (٨٢)

مسلماناً يهوديان و كسانى را كه شرك ورزيده‌اند ، دشمن‌ترين مردم نسبت به مؤمنان خواهى يافت ؛ و قطعاً كسانى را كه گفتند : « ما نصرانى هستيم » ، نزديكترين مردم در دوستى با مؤمنان خواهى يافت ، زيرا برخى از آنان دانشمندان و رهبانانى‌اند كه تكبر نمى‌ورزند .

(المائدة، ٨٢)

وَ إِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضٌ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ (٨٣)

و چون آنچه را به سوى اين پيامبر نازل شده ، بشنوند ، مى‌بينى بر اثر آن حقيقتى كه شناخته‌اند ، اشك از چشمهايشان سرازير مى‌شود . مى‌گويند : پروردگارا ، ما ايمان آورده‌ايم ؛ پس ما را در زمره گواهان بنويس .

(المائدة، ٨٣)

وَ مَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ مَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَ نَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبَّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ (٨٤)

و براى ما چه [عذرى] است كه به خدا و آنچه از حق به ما رسيده ، ايمان نياوريم و حال آنكه چشم داريم كه پروردگاران ما را با گروه شايستگان [به بهشت] درآورد ؟

(المائدة، ٨٤)

فَاتَّبَعَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ (٨٥)

پس به پاس آنچه گفتند ، خدا به آنان باغهاي پاداش داد كه از زير [درختان] آن نهرها جارى است . در آن جاودانه مى‌مانند ، و اين پاداش نيكوکاران است .

(المائدة، ٨٥)

وَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (٨٦)

و كسانى كه كفر ورزیدند و آيات ما را دروغ پنداشتند ، آنان همدم آتشند .

(المائدة، ٨٦)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (٨٧)

اى كسانى كه ايمان آورده‌ايد ، چيزهاي پاكيزه‌اى را كه خدا براى [استفاده] شما حلال کرده ، حرام مشماريد و از حد مگذريد ، كه خدا از حد گذرندگان را دوست نمى‌دارد .

(المائدة، ٨٧)

وَ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ (٨٨)

و از آنچه خداوند روزى شما گردانيده ، حلال و پاكيزه را بخوريد ، و از آن خدايى كه بدو ايمان داريد پروا داريد .

(المائدة، ٨٨)

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَ لَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسْكِينٍ مِنْ أَوْسَطِ مَا تَطْعَمُونَ أَوْ كِسْفَتُهُمْ أَوْ تَخْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَ احْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (٨٩)

خدا شما را به سوگندهاى بيپوده‌تان مواخذه نمى‌كند ، ولى به سوگندهاى كه [از روى اراده] مى‌خوريد [و مى‌شكنيد] شما را مواخذه مى‌كند . و كفاره‌اش خوراك دادن به ده بينواست از غذاهاى متوسطى كه به كسان خود مى‌خورانيد يا پوشانيدن آنان يا آزاد كردن بنده‌اى . و كسى كه [هيچ يك از اينها را] نيابد [بايد] سه روز روزه بدارد . اين است كفاره سوگندهاى شما وقتى كه سوگند خورديد . و سوگندهاى خود را پاس داريد . اين گونه خداوند آيات خود را براى شما بيان مى‌كند ، باشد كه سپاسگزارى كنيد .

(المائدة، ٨٩)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْأَلْزَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (٩٠)

اى كسانى كه ايمان آورده‌ايد ، شراب و قمار و بتها و تيرهاى قرعه پليدند [و] از عمل شيطانند . پس ، از آنها دورى گزينيد ، باشد كه رستگار شويد .

(المائدة، ٩٠)

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَ الْبُغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ وَ يَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ (٩١)

همانا شيطان مى‌خواهد با شراب و قمار ، ميان شما دشمنى و كينه ايجاد كند ، و شما را از ياد خدا و از نماز باز دارد . پس آيا شما دست بر مى‌داريد ؟

(المائدة، ٩١)

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ اخذُوا فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (٩٢)

و اطاعت خدا و اطاعت پیامبر کنید و [از گناهان] بر حذر باشید ، پس اگر روی گردانید ، بدانید که بر عهده پیامبر ما ، فقط رساندن [پیام] آشکار است .

(المائدة، ۹۲)

لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۹۳)

بر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند ، گناهی در آنچه [قبلاً] خورده‌اند نیست ، در صورتی که تقوا پیشه کنند و ایمان بیاورند و کارهای شایسته کنند ؛ سپس تقوا پیشه کنند و ایمان بیاورند ؛ آن گاه تقوا پیشه کنند و احسان نمایند ، و خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد .

(المائدة، ۹۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَلُوذَنَّكُمْ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِنَ الصَّيْدِ تَنَالَهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَنْ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۹۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، خدا شما را به چیزی از شکار که در دسترس شما و نیزه‌های شما باشد خواهد آزمود ، تا معلوم دارد چه کسی در نهان از او می‌ترسد . پس هر کس بعد از آن تجاوز کند ، برای او عذابی دردناک خواهد بود .

(المائدة، ۹۴)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَ أَنْتُمْ حُرْمٌ وَ مَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدِيًّا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةً طَعَامٍ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكَ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَ مَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمِ اللَّهُ مِنْهُ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ (۹۵)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، در حالی که مُحرِمید شکار را مکشید ، و هر کس از شما عمداً آن را بکشد ، باید نظیر آنچه کشته است از چهارپایان کفاره‌ای بدهد ، که [نظیر بودن] آن را دو تن عادل از میان شما تصدیق کنند ، و به صورت قربانی به کعبه برسد . یا به کفاره [آن] مستمندان را خوراک بدهد ، یا معادلش روزه بگیرد ، تا سزای زشتکاری خود را بچشد . خداوند از آنچه در گذشته واقع شده عفو کرده است ، و [لی] هر کس تکرار کند خدا از او انتقام می‌گیرد ، و خداوند ، توانا و صاحب انتقام است .

(المائدة، ۹۵)

أَحَلَّ لَكُمْ صَيْدَ الْبَحْرِ وَ طَعَامَهُ مَتَاعاً لَكُمْ وَ لِلسِّيَّارَةِ وَ حَرَّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدَ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرماً وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۹۶)

صید دریا و ماکولات آن برای شما حلال شده است تا برای شما و مسافران بهره‌ای باشد ، و [لی] صید بیابان ما دام که مُحَرَّم می‌باشید بر شما حرام گردیده است . و از خدایی که نزد او محشور می‌شوید پروا دارید .

(المائدة، ۹۶)

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَاماً لِلنَّاسِ وَ الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَ الْهُدْيَ وَ الْقَلَائِدَ لِيَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۹۷)

خداوند [زیارت] کعبه بیت الحرام را وسیله به پا داشتن [مصالح] مردم قرار داده ، و ماه حرام و قربانیهای بی‌نشان و قربانیهای نشاندار را [نیز به همین منظور مقرر فرموده است] ، این [جمله] برای آن است تا بدانید که خدا آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمین است می‌داند ، و خداست که بر هر چیزی داناست .

(المائدة، ۹۷)

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَ أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۹۸)

بدانید که خدا سخت‌کیفر است ، و [بدانید] که خدا آمرزنده مهربان است .

(المائدة، ۹۸)

مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَ مَا تَكْتُمُونَ (۹۹)

بر پیامبر [خدا ، وظیفه‌ای] جز ابلاغ [رسالت] نیست ، و خداوند آنچه را آشکار و آنچه را پوشیده می‌دارید می‌داند .

(المائدة، ۹۹)

قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَ الطَّيِّبُ وَ لَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۱۰۰)

بگو : « پلید و پاک یکسان نیستند ، هر چند کثرت پلید [ها] تو را به شگفت آورد . پس ای خردمندان ، از خدا پروا کنید ، باشد که رستگار شوید . »

(المائدة، ۱۰۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَسْئَاءٍ إِنَّ تَبْدُ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ وَ إِنْ سَأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبْدُ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَ اللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ (۱۰۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، از چیزهایی که اگر برای شما آشکار گردد شما را اندوهناک می‌کند مپرسید . و اگر هنگامی که قرآن نازل می‌شود ، در باره آنها سؤال کنید ، برای شما روشن می‌شود . خدا از آن [پرسشهای بیجا] گذشت ، و خداوند آمرزنده بردبار است .

(المائدة، ۱۰۱)

قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِنْ قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ (۱۰۲)

گروهی پیش از شما [نیز] از این [گونه] پرسشها کردند ؛ آن گاه به سبب آن کافر شدند .

(المائدة، ۱۰۲)

مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَابِغَةٍ وَلَا وَصِيَّةٍ وَلَا حَامٍ وَلَا خَامٍ وَلَا كَيْفَ الَّذِينَ كَفَرُوا يَقْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۱۰۳)

خدا [چیزهای ممنوعی از قبیل :] بحیره و سانبه و وصیله و حام قرار نداده است . ولی کسانی که کفر ورزیدند ، بر خدا دروغ می‌بندند و بیشترشان تعقل نمی‌کنند .

(المائدة، ۱۰۳)

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ (۱۰۴)

و چون به آنان گفته شود : « به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر [ش] بیایید » ، می‌گویند : « آنچه پدران خود را بر آن یافته‌ایم ما را بس است . » آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی‌دانسته و هدایت نیافته بودند ؟

(المائدة، ۱۰۴)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا تَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۰۵)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، به خودتان بپردازید . هر گاه شما هدایت یابید ، آن کس که گمراه شده است به شما زیانی نمی‌رساند . بازگشت همه شما به سوی خداست . شما را از آنچه انجام می‌دادید ، آگاه خواهد کرد .

(المائدة، ۱۰۵)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمْ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ إِذًا عَدْلٌ مِنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ صَرِيحِينَ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْسِبُوهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنَّ إِرْتِبَانَكُمْ لَا تَنْتَرِي بِهِ تَمَنَّأَ وَ لَوْ كَانَ دَا قُرْبَىٰ وَ لَا تَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّ إِيَّاكُمْ لَمِنَ الْأَثِمِينَ (۱۰۶)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، هنگامی که یکی از شما را [نشانه‌های] مرگ در رسید ، باید از میان خود دو عادل را در موقع وصیت ، به شهادت میان خود فرا خوانید ؛ یا اگر در سفر بودید و مصیبت مرگ ، شما را فرا رسید [و شاهد مسلمان نبود] دو تن از غیر [همکیشان] خود را [به شهادت بطلبید] . و اگر [در صداقت آنان] شک کردید ، پس از نماز ، آن دو را نگاه می‌دارید ؛ پس به خدا سوگند یاد می‌کنند که ما این [حق] را به هیچ قیمتی نمی‌فروشیم هر چند [پای] خویشاوند [در کار] باشد ، و شهادت الهی را کتمان نمی‌کنیم ، که [اگر کتمان حق کنیم] در این صورت از گناهکاران خواهیم بود .

(المائدة، ۱۰۶)

فَإِنْ عَثَرَ عَلَىٰ أَنَّهُمْ اسْتَحَقَّ إِثْمًا فَأَخْرَجَ قَوْمَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الدِّينِ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأَوْلِيَانِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَادَتَيْهِمَا وَ مَا اعْتَدَيْنَا إِنَّا إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ (۱۰۷)

و اگر معلوم شد که آن دو دستخوش گناه شده‌اند ، دو تن دیگر از کسانی که بر آنان ستم رفته است ، و هر دو [به میت] نزدیکترند ، به جای آن دو [شاهد قبلی] قیام کنند ؛ پس به خدا سوگند یاد می‌کنند که : گواهی ما قطعاً از گواهی آن دو درست‌تر است ، و [از حق] تجاوز نکرده‌ایم ، چرا که [اگر چنین کنیم] از ستمکاران خواهیم بود .

(المائدة، ۱۰۷)

ذَلِكَ أَنْتُمْ أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَىٰ وَجْهٍ أَوْ يَخَافُوا أَنْ تُرَدَّ أَيْمَانٌ بَعْدَ آيْمَانِهِمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اسْمِعُوا وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۱۰۸)

این [روش] برای اینکه شهادت را به صورت درست ادا کنند ، یا بترسند که بعد از سوگند خوردنش ، سوگندهایی [به وارثان میت] برگردانده شود ، [به صواب] نزدیکتر است . و از خدا پروا دارید ، و [این پندها را] بشنوید ، و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند .

(المائدة، ۱۰۸)

يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمْ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (۱۰۹)

[یاد کن] روزی را که خدا پیامبران را گرد می‌آورد ؛ پس می‌فرماید : « چه پاسخی به شما داده شد ؟ » می‌گویند : « ما را هیچ دانشی نیست . تویی که دانای رازهای نهانی . »

(المائدة، ۱۰۹)

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ادْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَ عَلَىٰ وَالِدَيْكَ إِذْ أَنْزَلْنَاكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَ كَهْلًا وَ إِذْ عَلَّمْتَكَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ إِذْ تَخَلَّقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِأَدْنَىٰ فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِأَدْنَىٰ وَ تَبْرِئُ الْأَكْمَامَ وَ الْأَبْرَصَ بِأَدْنَىٰ وَ إِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِأَدْنَىٰ وَ إِذْ كَفَفْتَ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جَنَّتْهُمْ بِالْبَنِينَ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ (۱۱۰)

[یاد کن] هنگامی را که خدا فرمود : « ای عیسی پسر مریم ، نعمت مرا بر خود و بر مادرت به یاد آور ، آن گاه که تو را به روح القدس تأیید کردم که در گهواره [به اعجاز] و در میانسالی [به وحی] با مردم سخن گفتی ؛ و آن گاه که تو را کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموختم ؛ و آن گاه که به اذن من ، از گِل ، [چیزی] به شکل پرنده می‌ساختی ، پس در آن می‌دمیدی ، و به اذن من پرنده‌ای می‌شد ، و کور مادرزاد و پیس را به اذن من شفا می‌دادی ؛ و آن گاه که مردگان را به اذن من [زنده از قبر] بیرون می‌آوردی ؛ و آن گاه که [اسب] بنی اسرائیل را هنگامی که برای آنان حجت‌های آشکار آورده بودی از تو باز داشتیم . پس کسانی از آنان که کافر شده بودند گفتند : این [ها چیزی] جز افسونی آشکار نیست .

(المائدة، ۱۱۰)

وَ إِذْ أُوحِيَتْ إِلَى الْخَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَ بِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَ أَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (۱۱۱)

و [یاد کن] هنگامی را که به حواریون وحی کردم که به من و فرستاده‌ام ایمان آورید . گفتند : « ایمان آوردیم ، و گواه باش که ما مسلمانیم . »

(المائدة، ۱۱۱)

إِذْ قَالَ الْخَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يَنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۱۲)

و [یاد کن] هنگامی را که حواریون گفتند : « ای عیسی پسر مریم ، آیا پروردگارت می‌تواند از آسمان ، خوانی برای ما فرود آورد ؟ » [عیسی] گفت : « اگر ایمان دارید از خدا پروا دارید . »

(المائدة، ۱۱۲)

قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَ تَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَ نَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَقْتُنَا وَ نَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ (۱۱۳)

گفتند : « می‌خواهیم از آن بخوریم ، و دل‌های ما آرامش یابد ، و بدانیم که به ما راست گفته‌ای ، و بر آن از گواهان باشیم . »

(المائدة، ۱۱۳)

قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوْلَادِنَا وَ آخِرِنَا وَ آيَةً مِنكَ وَ ارزُقْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۱۱۴)

عیسی پسر مریم گفت : « بار الها ، پروردگارا ، از آسمان ، خوانی بر ما فرو فرست تا عیدی برای اول و آخر ما باشد و نشانه‌ای از جانب تو . و ما را روزی ده که تو بهترین روزی‌دهندگان . »

(المائدة، ۱۱۴)

قَالَ اللَّهُ إِنِّي مَنزِلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدَ مَنكُم فَأِنِّي أَعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ (۱۱۵)

خدا فرمود : « من آن را بر شما فرو خواهم فرستاد ، و [لی] هر کس از شما پس از آن انکار ورزد ، وی را [چنان] عذابی کنم که هیچ یک از جهانیان را [آن چنان] عذاب نکرده باشم . »

(المائدة، ۱۱۵)

وَ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَ أُمَّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمَ مَا فِي نَفْسِي وَ لَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (۱۱۶)

و [یاد کن] هنگامی را که خدا فرمود : « ای عیسی پسر مریم ، آیا تو به مردم گفتی : من و مادرم را همچون دو خدا به جای خداوند بپرستید ؟ » گفت : « منزهی تو ، مرا نزدیک که [در باره خویشتن] چیزی را که حق من نیست بگویم . اگر آن را گفته بودم قطعاً آن را می‌دانستی . آنچه در نفس من است تو می‌دانی ؛ و آنچه در ذات توست من نمی‌دانم ، چرا که تو خود ، دانای رازهای نهانی . »

(المائدة، ۱۱۶)

مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَ رَبَّكُمْ وَ كُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۱۱۷)

جز آنچه مرا بدان فرمان دادی [چیزی] به آنان نگفتم ؛ [گفته‌ام] که : خدا ، پروردگار من و پروردگار خود را عبادت کنید ، و تا وقتی در میانشان بودم بر آنان گواه بودم ؛ پس چون روح مرا گرفتی ، تو خود بر آنان نگهبان بودی ، و تو بر هر چیز گواهی .

(المائدة، ۱۱۷)

إِنْ تَعَذَّبْتُمْ فَاتُّبَهُمْ عِبَادَتِكَ وَ إِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱۱۸)

« اگر عذابشان کنی ، آنان بندگان تو اند و اگر بر ایشان ببخشی تو خود ، توانا و حکیمی . »

(المائدة، ۱۱۸)

قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۱۹)

خدا فرمود : « این ، روزی است که راستگویان را راستی‌شان سود بخشد . » برای آنان باغهایی است که از زیر [درختان] آن نهرها روان است . همیشه در آن جاودانند . خدا از آنان خشنود است و آنان [نیز] از او خشنوند . این است رستگاری بزرگ .

(المائدة، ۱۱۹)

بِئْسَ مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۲۰)

فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست از آن خداست ، و او بر هر چیزی تواناست .

(المائدة، ۱۲۰)

ترتیبها- ۶	سوره الانعام	مکی-آیاتها- ۱۶۵
------------	--------------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الأنعام، ۰)

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ (۱)

ستایش خدایی را که آسمانها و زمین را آفرید ، و تاریکیها و روشنایی را پدید آورد . با این همه کسانی که کفر ورزیده‌اند ، [غیر او را] با پروردگار خود برابر می‌کنند .

(الأنعام، ۱)

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ (۲)

اوست کسی که شما را از گِل آفرید . آن گاه مدتی را [برای شما عمر] مقرر داشت . و اجل حتمی نزد اوست . با این همه ، [بعضی از] شما [در قدرت او] تردید می‌کنید .

(الأنعام، ۲)

وَ هُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَ فِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَ جَهْرَكُمْ وَ يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ (۳)

و او در آسمانها و زمین خداست . نهان و آشکار شما را می‌داند ، و آنچه را به دست می‌آوردید [نیز] می‌داند .

(الأنعام، ۳)

وَ مَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ (۴)

و هیچ نشانه‌ای از نشانه‌های پروردگارشان به سویشان نمی‌آمد مگر آنکه از آن روی بر می‌تافتند .

(الأنعام، ۴)

فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (۵)

آنان حق را هنگامی که به سویشان آمد تکذیب کردند ، پس به زودی ، [حقیقت] خبرهای آنچه را که به ریشخند می‌گرفتند به آنان خواهد رسید .

(الأنعام، ۵)

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّانُهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمْكِنْ لَهُمْ وَ أَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِذْرَارًا وَ جَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَ أُنشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ (۶)

آیا ندیده‌اند که پیش از آنان چه بسیار امتها را هلاک کردیم ؟ [امتهایی که] در زمین به آنان امکاناتی دادیم که برای شما آن امکانات را فراهم نکرده‌ایم ، و [بارانهای] آسمان را پی در پی بر آنان فرو فرستادیم ، و رودبارها از زیر [شهرهای] آنان روان ساختیم . پس ایشان را به [سزای] گناهانشان هلاک کردیم ، و پس از آنان نسلهای دیگری پدید آوردیم .

(الأنعام، ۶)

وَ لَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ جَنَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِسْحَرٌ مُبِينٌ (۷)

و اگر مکتوبی ، نوشته بر کاغذ ، بر تو نازل می‌کردیم و آنان ، آن را با دستهای خود لمس می‌کردند قطعاً کافران می‌گفتند : « این [چیزی] جز سحر آشکار نیست . »

(الأنعام، ۷)

وَ قَالُوا لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَ لَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكًا لَقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ (۸)

و گفتند : « چرا فرشته‌ای بر او نازل نشده است ؟ » و اگر فرشته‌ای فرود می‌آوردیم ، قطعاً کار تمام شده بود ؛ سپس مهلت نمی‌یافتند .

(الأنعام، ۸)

وَ لَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَ لَلْبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبَسُونَ (۹)

و اگر او را فرشته‌ای قرار می‌دادیم ، حتماً وی را [به صورت] مردی در می‌آوردیم ، و امر را هم چنان بر آنان مشتبه می‌ساختیم .

(الأنعام، ۹)

و لَقَدْ اسْتَهْزِئَ بِرَسُولٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۱۰)

و پیش از تو پیامبرانی به استهزا گرفته شدند . پس آنچه را ریشخند می‌کردند گریبانگیر ریشخندکنندگان ایشان گردید .

(الأنعام، ۱۰)

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ (۱۱)

بگو : « در زمین بگردید ، آن گاه بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است ؟ »

(الأنعام، ۱۱)

قُلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۲)

بگو : « آنچه در آسمانها و زمین است از آن کیست ؟ » بگو : « از آن خداست » ؛ که رحمت را بر خویشان واجب گردانیده است . یقیناً شما را در روز قیامت که در آن هیچ شکی نیست گرد خواهد آورد . خودباختگان کسانی‌اند که ایمان نمی‌آورند .

(الأنعام، ۱۲)

و لَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۱۳)

و آنچه در شب و روز آرام [و تکاپو] دارد ، از آن اوست و او شنوای داناست .

(الأنعام، ۱۳)

قُلْ أَعْيُرَ اللَّهُ أَنْتَخِذُ لِيَأْتِيَ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ هُوَ يُطْعَمُ وَ لَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَ لَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۴)

بگو : « آیا غیر از خدا پدیدآورنده آسمانها و زمین سرپرستی برگزینم ؟ و اوست که خوراک می‌دهد ، و خوراک داده نمی‌شود . » بگو : « من مأمورم که نخستین کسی باشم که اسلام آورده است ، و [به من فرمان داده شده که :] هرگز از مشرکان مباش . »

(الأنعام، ۱۴)

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱۵)

بگو : « اگر به پروردگارم عصیان ورزم از عذاب روزی بزرگ می‌ترسم . »

(الأنعام، ۱۵)

مَنْ يُصِرْفَ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ (۱۶)

آن روز ، کسی که [عذاب] از او برگردانده شود ، قطعاً [خدا] بر او رحمت آورده ، و این است همان رستگاری آشکار .

(الأنعام، ۱۶)

وَ إِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَ إِنْ يَمْسُوكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۷)

و اگر خدا به تو زیانی برساند ، کسی جز او برطرف کننده آن نیست ، و اگر خیری به تو برساند پس او بر هر چیزی تواناست .

(الأنعام، ۱۷)

وَ هُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَ هُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ (۱۸)

و اوست که بر بندگان خویش چیره است ، و اوست حکیم آگاه .

(الأنعام، ۱۸)

قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلْ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ أَوْحَىٰ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ أِنَّكُمْ تَنْتَهُنُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ إِلَهَةً أُخْرَىٰ قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ (۱۹)

بگو : « گواهی چه کسی از همه برتر است ؟ » بگو : « خدا میان من و شما گواه است . و این قرآن به من وحی شده تا به وسیله آن ، شما و هر کس را [که این پیام به او] برسد ، هشدار دهم . آیا واقعاً شما گواهی می‌دهید که در جنب خدا ، خدایان دیگری است ؟ » بگو : « من گواهی نمی‌دهم . » بگو : « او تنها معبودی یگانه است ، و بی‌تردید ، من از آنچه شریک [او] قرار می‌دهید بیزارم . »

(الأنعام، ۱۹)

الَّذِينَ اتَّيْنَاهُمْ بِالْكِتَابِ يُعْرَفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمُ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۲۰)

کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده‌ایم ، همان گونه که پسران خود را می‌شناسد ، او [پیامبر] را می‌شناسد . کسانی که به خود زیان زده‌اند ، ایمان نمی‌آورند .

(الأنعام، ۲۰)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (۲۱)

و کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بسته یا آیات او را تکذیب نموده ؟ بی تردید ، ستمکاران رستگار نمی‌شوند .

(الأنعام، ۲۱)

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا آيِنَ شُرَكَائِكُمُ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُزْعَمُونَ (۲۲)

و [یاد کن] روزی را که همه آنان را محشور می‌کنیم ، آن گاه به کسانی که شرک آورده‌اند می‌گوییم : « کجا بندگان شریکان شما که [آنها را شریک خدا] می‌پنداشتید ؟ »

(الأنعام، ۲۲)

ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ (۲۳)

آن گاه عذرشان جز این نیست که می‌گویند : « به خدا ، پروردگاران سوگند که ما مشرک نبودیم . »

(الأنعام، ۲۳)

انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۲۴)

ببین ، چگونه به خود دروغ می‌گویند و آنچه برمی‌یافتند از ایشان یابوه شد .

(الأنعام، ۲۴)

وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كَلِمَةً لَا يُؤْمِنُ بِهَا حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُكَ بِجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا آسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۲۵)

و برخی از آنان به تو گوش فرا می‌دهند ، و [لی] ما بر دل‌هایشان پرده‌ها افکنده‌ایم تا آن را نفهمند ، و در گوش‌هایشان سنگینی [قرار داده‌ایم] . و اگر هر معجزه‌ای را ببینند به آن ایمان نمی‌آورند . تا آنجا که وقتی نزد تو می‌آیند و با تو جدال می‌کنند ، کسانی که کفر ورزیدند ، می‌گویند : « این [کتاب] چیزی جز افسانه‌های پیشینیان نیست . »

(الأنعام، ۲۵)

وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَهْوَ وَيَأْتُونَ عَهْوَ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (۲۶)

و آنان [مردم را] از آن باز می‌دارند و [خود نیز] از آن دوری می‌کنند ، و [لی] جز خویششان را به هلاکت نمی‌افکنند و نمی‌دانند .

(الأنعام، ۲۶)

وَلَوْ تَرَىٰ إِذُ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَحْنُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲۷)

و ای کاش [منکران را] هنگامی که بر آتش عرضه می‌شوند ، می‌دیدید که می‌گویند : « کاش بازگردانده می‌شدیم و [دیگر] آیات پروردگاران را تکذیب نمی‌کردیم و از مؤمنان می‌شدیم . »

(الأنعام، ۲۷)

بَلْ بَدَا لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَ لَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۲۸)

[ولی چنین نیست] بلکه آنچه را پیش از این نهان می‌داشتند ، برای آنان آشکار شده است . و اگر هم بازگردانده شوند قطعاً به آنچه از آن منع شده بودند برمی‌گردند و آنان دروغ‌گویند .

(الأنعام، ۲۸)

وَقَالُوا إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ (۲۹)

و گفتند : « جز زندگی دنیای ما [زندگی دیگری] نیست و برانگیخته نخواهیم شد . »

(الأنعام، ۲۹)

وَلَوْ تَرَىٰ إِذُ وَقَفُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبَّنَا قَالَ فَذُقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (۳۰)

و اگر بنگری هنگامی را که در برابر پروردگارش باز داشته می‌شوند . [خدا] می‌فرماید : « آیا این حق نیست ؟ » می‌گویند : « چرا ، سوگند به پروردگاران [که حق است] . » می‌فرماید : « پس به [کفر] آنکه کفر می‌ورزیدید ، این عذاب را بجشید . »

(الأنعام، ۳۰)

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ (۳۱)

کسانی که لقای الهی را دروغ انگاشتند قطعاً زیان دیدند . تا آن گاه که قیامت بناگاه بر آنان دررسد ، می‌گویند : « ای دریغ بر ما ، بر آنچه در باره آن کوتاهی کردیم . » و آنان بار سنگین گناهانشان را به دوش می‌کشند . چه بد است باری که می‌کشند .

(الأنعام، ۳۱)

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ لَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَ فَلَا تَعْقِلُونَ (۳۲)

و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست ، و قطعاً سرای بازیسین برای کسانی که پرهیزگاری می‌کنند بهتر است . آیا نمی‌اندیشید ؟

(الأنعام، ۳۲)

قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَ لَعَنَ الظَّالِمِينَ بآيَاتِ اللَّهِ يُحْذَرُونَ (۳۳)

به یقین ، می‌دانیم که آنچه می‌گویند تو را سخت غمگین می‌کند . در واقع آنان تو را تکذیب نمی‌کنند ، ولی ستمکاران آیات خدا را انکار می‌کنند .

(الأنعام، ۳۳)

وَ لَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولًا مِّن قَبْلِكَ فَصَبِّرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَ أُوذُوا حَتَّىٰ أَنَا هُمْ نَصْرُنَا وَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَ لَقَدْ جَاءَكَ مِنَ نَّبِيِّ الْمُرْسَلِينَ (۳۴)

و پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند ، ولی بر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند شکیبایی کردند تا باری ما به آنان رسید ، و برای کلمات خدا هیچ تغییردهنده‌ای نیست . و مسلماً اخبار پیامبران به تو رسیده است .

(الأنعام، ۳۴)

وَ إِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سَلْمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بآيَةٍ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَىٰ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ (۳۵)

و اگر اعراض کردن آنان [از قرآن] بر تو گران است ، اگر می‌توانی نقبی در زمین یا نردبانی در آسمان بجویی تا معجزه‌ای [دیگر] برایشان بیاوری [پس چنین کن] ، و اگر خدا می‌خواست قطعاً آنان را بر هدایت گرد می‌آورد ، پس زنهار از نادانان مباش .

(الأنعام، ۳۵)

إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَ الْمَوْتَىٰ يَنْعَمُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (۳۶)

تنها کسانی [دعوت تو را] اجابت می‌کنند که گوش شنوا دارند ، و [اما] مردگان را خداوند [در قیامت] بر خواهد انگیخت ؛ سپس به سوی او بازگردانیده می‌شوند .

(الأنعام، ۳۶)

وَ قَالُوا لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً وَ لَعَنَ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۳۷)

و گفتند : « چرا معجزه‌ای از جانب پروردگارش بر او نازل نشده است ؟ » بگو : « بی‌تردید ، خدا قادر است که پدیده‌ای شگرف فرو فرستد ، لیکن بیشتر آنان نمی‌دانند . »

(الأنعام، ۳۷)

وَ مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ (۳۸)

و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست و نه هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند ؛ مگر آنکه آنها [نیز] گروه‌هایی مانند شما هستند ، ما هیچ چیزی را در کتاب [لوح محفوظ] فروگذار نکرده‌ایم ؛ سپس [همه] به سوی پروردگارش محشور خواهند گردید .

(الأنعام، ۳۸)

وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمٌّ وَ بُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَنْ يَشَأِ اللَّهُ يُضِلَّهُ وَ مَنْ يَشَأِ يُجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۳۹)

و کسانی که آیات ما را دروغ پنداشتند ، در تاریکیها [ی کفر] کر و لالند ، هر که را خدا بخواهد گمراهش می‌گذارد ؛ و هر که را بخواهد بر راه راست قرارش می‌دهد .

(الأنعام، ۳۹)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَنَاكُمْ عَذَابَ اللَّهِ أَوْ أَنتُمْ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۴۰)

بگو : « به نظر شما ، اگر عذاب خدا شما را دررسد یا رستاخیز شما را دریابد ، اگر راستگویید ، کسی غیر از خدا را می‌خوانید ؟ »

(الأنعام، ۴۰)

بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ (۴۱)

[نه ،] بلکه تنها او را می‌خوانید ، و اگر او بخواهد رنج و بلا را از شما دور می‌گرداند ، و آنچه را شریک [او] می‌گردانید فراموش می‌کنید .

(الأنعام، ۴۱)

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ نَعْلَهُم بِتَضَرُّعُونَ (۴۲)

و به یقین ، ما به سوی امت‌هایی که پیش از تو بودند [پیامبرانی] فرستادیم ، و آنان را به تنگی معیشت و بیماری دچار ساختیم ، تا به زاری و خاکساری درآیند .

(الأنعام، ۴۲)

قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا جَاءَهُمْ بِأَسْنَانًا تَضَرَّعُوا وَ لَكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ زَيَّنْ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۴۳)

پس چرا هنگامی که عذاب ما به آنان رسید تضرع نکردند ؟ ولی [حقیقت این است که] دل‌هایشان سخت شده ، و شیطان آنچه را انجام می‌دادند برایشان آراسته است .

(الأنعام، ۴۳)

فَلَمَّا نَسُوا مَا دُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ (۴۴)

پس چون آنچه را که بدان پند داده شده بودند فراموش کردند ، درهای هر چیزی [از نعمتها] را بر آنان گشودیم ، تا هنگامی که به آنچه داده شده بودند شاد گردیدند ؛ ناگهان [گریبان] آنان را گرفتیم ، و یکباره نومید شدند .

(الأنعام، ۴۴)

فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۴۵)

پس ریشه آن گروهی که ستم کردند برکنده شد ، و ستایش برای خداوند ، پروردگار جهانیان است .

(الأنعام، ۴۵)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَ أَبْصَارَكُمْ وَ خَتَمَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِ اللَّهِ يَأْتِيَكُمْ بِهِ أَنْظُرْ كَيْفَ نَصَّرَفَ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصُدُّونَ (۴۶)

بگو : « به نظر شما ، اگر خدا شنوایی شما و دیدگانتان را بگیرد و بر دل‌هایتان مهر نهد ، آیا غیر از خدا کدام معبودی است که آن را به شما بازپس دهد ؟ » بنگر چگونه آیات [خود] را [گوناگون] بیان می‌کنیم ، سپس آنان روی برمی‌تابند ؟

(الأنعام، ۴۶)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَنَاكُم عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الظَّالِمُونَ (۴۷)

بگو : « به نظر شما ، اگر عذاب خدا ناگهان یا آشکارا به شما برسد ، آیا جز گروه ستمگران [کسی] هلاک خواهد شد ؟ »

(الأنعام، ۴۷)

وَ مَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مَبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَ أَصْلَحَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۴۸)

و ما پیامبران [خود] را جز بشارتگر و هشداردهنده نمی‌فرستیم ، پس کسانی که ایمان آورند و نیکوکاری کنند بیمی بر آنان نیست و اندوهگین نخواهند شد .

(الأنعام، ۴۸)

وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (۴۹)

و کسانی که آیات ما را دروغ انگاشتند ، به [سزای] آنکه نافرمانی می‌کردند ، عذاب به آنان خواهد رسید .

(الأنعام، ۴۹)

قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِذْيِ خَزَائِنِ اللَّهِ وَ لَا أَعْلَمُ الْغَيْبِ وَ لَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنِّي أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَ الْبَصِيرُ أَمْ فَلَا تَتَفَكَّرُونَ (۵۰)

بگو : « به شما نمی‌گویم گنجینه‌های خدا نزد من است ؛ و غیب نیز نمی‌دانم ؛ و به شما نمی‌گویم که من فرشته‌ام . جز آنچه را که به سوی من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم . »
بگو : « آیا نابینا و بینا یکسان است ؟ آیا تفکر نمی‌کنید . »

(الأنعام، ۵۰)

وَ أَنْذَرُ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُخْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَ لَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۵۱)

و به وسیله این [قرآن] کسانی را که بیم دارند که به سوی پروردگارشان محشور شوند هشدار ده [چرا] که غیر او برای آنها یار و شفیع نیست ، باشد که پروا کنند .

(الأنعام، ۵۱)

وَ لَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَ مَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ (۵۲)

و کسانی را که پروردگار خود را بامدادان و شامگاهان میخوانند در حالی که خشنودی او را میخواهند مران . از حساب آنان چیزی بر عهده تو نیست ، و از حساب تو [نیز] چیزی بر عهده آنان نیست ، تا ایشان را برانی و از ستمکاران باشی .

(الأنعام، ۵۲)

وَ كَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا أ هُوَ لَمْ يَكُنْ اللَّهُ عَالِمًا بِالْمُنْكَرِ (۵۳)

و بدین گونه ما برخی از آنان را به برخی دیگر آزمودیم ، تا بگویند : « آیا اینانند که از میان ما ، خدا بر ایشان منت نهاده است ؟ » آیا خدا به [حال] سیاسگزاران داناتر نیست ؟

(الأنعام، ۵۳)

وَ إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (۵۴)

و چون کسانی که به آیات ما ایمان دارند ، نزد تو آیند ، بگو : « درود بر شما ، پروردگارتان رحمت را بر خود مقرر کرده که هر کس از شما به نادانی کار بدی کند و آن گاه به توبه و صلاح آید ، پس وی آمرزنده مهربان است . »

(الأنعام، ۵۴)

وَ كَذَلِكَ نَقُصُّكَ الْآيَاتِ وَ لِنَسْتَبِينَ سَبِيلَ الْمُجْرِمِينَ (۵۵)

و این گونه ، آیات [خود] را به روشنی بیان می‌کنیم تا راه و رسم گناهکاران روشن شود .

(الأنعام، ۵۵)

قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أُعْبِدَ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ (۵۶)

بگو : « من نهی شده‌ام که کسانی را که شما غیر از خدا می‌خوانید بپرستم . » بگو : « من از هوسهای شما پیروی نمی‌کنم ، و گر نه گمراه شوم و از راه‌یافتگان نباشم . »

(الأنعام، ۵۶)

قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَ كَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عَشِدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنْ الْكُفْرَ إِلَّا لِلَّهِ يَقْصُ الْحَقُّ وَ هُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ (۵۷)

بگو : « من از جانب پروردگارم دلیل آشکاری [همراه] دارم ، و [لی] شما آن را دروغ پنداشتید ، [و] آنچه را به شتاب خواستار آید در اختیار من نیست . فرمان جز به دست خدا نیست ، که حق را بیان می‌کند ، و او بهترین داوران است . »

(الأنعام، ۵۷)

قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَفُضِّي الْأَمْرَ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ (۵۸)

بگو : « اگر آنچه را با شتاب خواستار آید نزد من بود ، قطعاً میان من و شما کار به انجام رسیده بود ، و خدا به [حال] ستمکاران داناتر است . »

(الأنعام، ۵۸)

وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلمُهَا إِلَّا هُوَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَ النَّجْرِ وَ مَا تَسْفُطُ مِنْ رِزْقٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٌ فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ وَ لَا رَطْبٍ وَ لَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (۵۹)

و کلیدهای غیب ، تنها نزد اوست . جز او [کسی] آن را نمی‌داند ، و آنچه در خشکی و دریاست می‌داند ، و هیچ برگی فرو نمی‌افتد مگر [اینکه] آن را می‌داند ، و هیچ دانه‌ای در تاریکیهای زمین ، و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن [ثبت] است .

(الأنعام، ۵۹)

وَ هُوَ الَّذِي يُتَوَفَّكُم بِاللَّيْلِ وَ يَعْلَمُ مَا جَرَحْتُمْ بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۶۰)

و اوست کسی که شبانگاه ، روح شما را [به هنگام خواب] می‌گیرد ؛ و آنچه را در روز به دست آورده‌اید می‌داند ؛ سپس شما را در آن بیدار می‌کند ، تا هنگامی معین به سر آید ؛ آن گاه بازگشت شما به سوی اوست ؛ سپس شما را به آنچه انجام می‌داده‌اید آگاه خواهد کرد .

(الأنعام، ۶۰)

وَ هُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَ يُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَ هُمْ لَا يُفْرطُونَ (۶۱)

و اوست که بر بندگانش قاهر [و غالب] است ؛ و نگهبانانی بر شما می‌فرستد ، تا هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد ، فرشتگان ما جانش بستانند ، در حالی که کوتاهی نمی‌کنند .

(الأنعام، ۶۱)

ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقَّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ (۶۲)

آن گاه به سوی خداوند مولای بحقشان برگردانیده شوند . آگاه باشید که داوری از آن اوست ، و او سریعترین حساب‌رسان است .

(الأنعام، ۶۲)

قُلْ مَنْ يَنْجِيكُمْ مِنَ ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَّئِنْ أَنْجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (۶۳)

بگو : « چه کسی شما را از تاریکیهای خشکی و دریا می‌رهاند ؟ در حالی که او را به زاری و در نهای می‌خوانید : که اگر ما را از این [مهلکه] برهاند ، البته از سپاسگزاران خواهیم بود . »

(الأنعام، ۶۳)

قُلْ اللَّهُ يَنْجِيكُمْ مِنْهَا وَمَنْ كَلَّ كَرِبَ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ (۶۴)

بگو : « خداست که شما را از آن [تاریکیها] و از هر اندوهی می‌رهاند ، باز شما شرک می‌ورزید . »

(الأنعام، ۶۴)

قُلْ هُوَ الْقَائِلُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ أَنْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ (۶۵)

بگو : « او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما بفرستد یا شما را گروه گروه به هم اندازد [و دچار تفرقه سازد] و عذاب بعضی از شما را به بعضی [دیگر] بچشاند . « بنگر ، چگونه آیات [خود] را گوناگون بیان می‌کنیم باشد که آنان بفهمند .

(الأنعام، ۶۵)

وَكَذَّبَ بِهٖ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ (۶۶)

و قوم تو آن [قرآن] را دروغ شمردند ، در حالی که آن بر حق است . بگو : « من بر شما نگهبان نیستم . »

(الأنعام، ۶۶)

لِكُلِّ نَبِيٍّ مُسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (۶۷)

برای هر خبری هنگام [وقوع] است ، و به زودی خواهید دانست .

(الأنعام، ۶۷)

وَ إِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يُخَوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَعْفُدْ بَعْدَ الذِّكْرِىٰ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۶۸)

و چون ببینی کسانی [به قصد تخطئه] در آیات ما فرو می‌روند از ایشان روی برتاب ، تا در سخنی غیر از آن درآیند ؛ و اگر شیطان تو را [در این باره] به فراموشی انداخت ، پس از توجه ، [دیگر] با قوم ستمکار منشین .

(الأنعام، ۶۸)

وَ مَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَٰكِنْ ذِكْرَىٰ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۶۹)

و چیزی از حساب آنان [ستمکاران] بر عهده کسانی که پروا [ی خدا] دارند ، نیست . لیکن ، تذکر دادن [لازم] است ، باشد که [از استهزا] پرهیز کنند .

(الأنعام، ۶۹)

وَ ذُرِّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَ لَهْوًا وَ عَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ ذُكِّرَ بِهِ أَن تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَ لَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعَدَلَ كُلُّ غَدَلٍ لَّا يُؤْخَذُ مِنْهَا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (۷۰)

و کسانی را که دین خود را به بازی و سرگرمی گرفتند و زندگی دنیا آنان را فریفته است ، رها کن ؛ و [مردم را] به وسیله این [قرآن] اندرز ده ؛ میداد کسی به [کيفر] آنچه کسب کرده به هلاکت افتد ، در حالی که برای او در برابر خدا یاری و شفاعتگری نباشد ؛ و اگر [برای رهایی خود] هر گونه فدیهای دهد ، از او پذیرفته نگردد . اینانند که به [سزای] آنچه کسب کرده‌اند به هلاکت افتاده‌اند ، و به [کيفر] آنکه کفر می‌ورزیدند ، شرابی از آب جوشان و عذابی پر درد خواهند داشت .

(الأنعام، ۷۰)

قُلْ أَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَ لَا يَضُرُّنَا وَ نُرَدُّ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ خَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَىٰ إِنَّهُ هُوَ اللَّهُ هُوَ الْهُدَىٰ وَ أَمَرْنَا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (٧١)

بگو: « آیا به جای خدا چیزی را بخوانیم که نه سودی به ما می‌رساند و نه زیانی؛ و آیا پس از اینکه خدا ما را هدایت کرده از عقیده خود بازگردیم؟ مانند کسی که شیطانها او را در بیابان از راه به در برده‌اند، و حیران [بر جای مانده] است؟ برای او یارانی است که وی را به سوی هدایت می‌خوانند که: « به سوی ما بیا. » بگو: « هدایت خداست که هدایت [واقعی] است، و دستور یافته‌ایم که تسلیم پروردگار جهانیان باشیم. »

(الأنعام، ٧١)

وَ أَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّقُوا وَ هُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُخْشَرُونَ (٧٢)

و اینکه نماز برپا دارید و از او بترسید، و هم اوست که نزد وی محشور خواهید گردید.

(الأنعام، ٧٢)

وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ بِالْحَقِّ وَ يَوْمَ يَقُولُ كُلُّ فَيْكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَ لَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ وَ هُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ (٧٣)

و او کسی است که آسمانها و زمین را به حق آفرید، و هر گاه که می‌گوید: « باش »، بی‌درنگ موجود شود؛ سخنش راست است؛ و روزی که در صور دمیده شود، فرمانروایی از آن اوست؛ داننده غیب و شهود است؛ و اوست حکیم آگاه.

(الأنعام، ٧٣)

وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ أَرَزَّ أَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً إِنِّي أَرَاكَ وَ قَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (٧٤)

و [یاد کن] هنگامی را که ابراهیم به پدر خود « آزر » گفت: « آیا بتان را خدایان [خود] می‌گیری؟ من همانا تو و قوم تو را در گمراهی آشکاری می‌بینم. »

(الأنعام، ٧٤)

وَ كَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ (٧٥)

و این گونه، ملکوت آسمانها و زمین را به ابراهیم نمایانیم تا از جمله یقین‌کنندگان باشد.

(الأنعام، ٧٥)

فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ (٧٦)

پس چون شب بر او پرده افکند، ستاره‌ای دید؛ گفت: « این پروردگار من است. » و آن گاه چون غروب کرد، گفت: « غروب‌کنندگان را دوست ندارم. »

(الأنعام، ٧٦)

فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَنْ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ (٧٧)

و چون ماه را در حال طلوع دید، گفت: « این پروردگار من است. » آن گاه چون ناپدید شد، گفت: « اگر پروردگارم مرا هدایت نکرده بود قطعاً از گروه گمراهان بودم. »

(الأنعام، ٧٧)

فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسُ بَازِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ (٧٨)

پس چون خورشید را برآمده دید، گفت: « این پروردگار من است. این بزرگتر است. » و هنگامی که افول کرد، گفت: « ای قوم من، من از آنچه [برای خدا] شریک می‌سازید بیزارم. »

(الأنعام، ٧٨)

إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ خَنِيفًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (٧٩)

من از روی اخلاص، پاکدلانه روی خود را به سوی کسی گردانیدم که آسمانها و زمین را پدید آورده است؛ و من از مشرکان نیستم.

(الأنعام، ٧٩)

وَ حَاجَةٌ قَوْمُهُ قَالَ أ تَحَاجُّونِي فِي اللَّهِ وَ قَدْ هَدَانِ وَ لَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ رَبِّي شَيْئًا وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَ فَلَا تُتَذَكَّرُونَ (٨٠)

و قومش با او به ستیزه پرداختند. گفت: « آیا با من در باره خدا محاجه می‌کنید و حال آنکه او مرا راهنمایی کرده است؟ و من از آنچه شریک او می‌سازید بی‌نیازم، مگر آنکه پروردگارم چیزی بخواهد. علم پروردگارم به هر چیزی احاطه یافته است. پس آیا متذکر نمی‌شوید؟ »

(الأنعام، ٨٠)

وَ كَيْفَ أَخَافَ مَا أَسْرَكْتُمْ وَ لَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَسْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يَنْزَلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۸۱)

و چگونه از آنچه شريك [خدا] می‌گردانید بترسم ، با آنکه شما خود از اینکه چیزی را شريك خدا ساخته‌اید که [خدا] دلیلی درباره آن بر شما نازل نکرده است نمی‌هراسید ؟ پس اگر می‌دانید ، کدام يك از [ما] دو دسته به ایمنی سزاوارتر است ؟

(الأنعام، ۸۱)

الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ يُهْتَدُونَ (۸۲)

کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده‌اند ، آنان راست ایمنی و ایشان راه‌یافتگانند .

(الأنعام، ۸۲)

وَ تِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (۸۳)

و آن حجت ما بود که به ابراهیم در برابر قومش دادیم . درجات هر کس را که بخواهیم فرا می‌بریم ، زیرا پروردگار تو حکیم داناست .

(الأنعام، ۸۳)

وَ هَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَ نُوْحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ وَ أَيُّوبَ وَ يُوسُفَ وَ مُوسَى وَ هَارُونَ وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۸۴)

و به او اسحاق و یعقوب را بخشیدیم ، و همه را به راه راست درآوردیم ، و نوح را از پیش راه نمودیم ، و از نسل او داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را [هدایت کردیم] و این گونه ، نیکوکاران را پاداش می‌دهیم .

(الأنعام، ۸۴)

وَ زَكَرِيَّا وَ يَحْيَى وَ عِيسَى وَ الْيَسَى كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ (۸۵)

و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را که همه از شایستگان بودند ،

(الأنعام، ۸۵)

وَ إِسْمَاعِيلَ وَ الْيَسَعَ وَ يُونسَ وَ لُوطًا وَ كَلَّا فَضَلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ (۸۶)

و اسماعیل و یسع و یونس و لوط ، که جملگی را بر جهانیان برتری دادیم .

(الأنعام، ۸۶)

وَ مِنْ آبَائِهِمْ وَ ذُرِّيَّتِهِمْ وَ إِخْوَانِهِمْ وَ اجْتَبَيْنَاهُمْ وَ هَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۸۷)

و از پدران و فرزندان و برادرانشان برخی را [بر جهانیان برتری دادیم] ، و آنان را برگزیدیم و به راه راست راهنمایی کردیم .

(الأنعام، ۸۷)

ذَٰلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ لَوْ أَسْرَكُوا لَخَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۸۸)

این ، هدایت خداست که هر کس از بندگانش را بخواهد بدان هدایت می‌کند . و اگر آنان شرک ورزیده بودند ، قطعاً آن چه انجام می‌دادند از دستشان می‌رفت .

(الأنعام، ۸۸)

أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَ وَ النَّبُوَّةَ فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هُولَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيْسُوا بِكَافِرِينَ (۸۹)

آنان کسانی بودند که کتاب و داوری و نبوت بدیشان دادیم و اگر اینان [مشرکان] بدان کفر ورزند ، بی‌گمان ، گروهی [دیگر] را بر آن گماریم که بدان کافر نباشند .

(الأنعام، ۸۹)

أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ افْتَدَىٰ فَلَنْ لَا أَسْأَلَكُمْ عَلَيْهِمْ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۹۰)

اینان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است ؛ پس به هدایت آنان اقتدا کن . بگو : « من ، از شما هیچ مزدی بر این [رسالت] نمی‌طلبم . این [قرآن] جز تذکری برای جهانیان نیست . »

(الأنعام، ۹۰)

وَ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ بَشَرٍ مِنْ شَيْءٍ فَلَنْ مِّنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَىٰ نُورًا وَ هُدًى لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَارِيسَ تُبْدُونَهَا وَ تُخْفُونَ كَثِيرًا وَ عَلَّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَ لَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ (۹۱)

و آن گاه که [یهودیان] گفتند : « خدا چیزی بر بشری نازل نکرده » ، بزرگی خدا را چنان که باید نشناختند . بگو : « چه کسی آن کتابی را که موسی آورده است نازل کرده ؟ [همان کتابی که] برای مردم روشنایی و رهنمود است ، [و] آن را به صورت طومارها درمی‌آورد . [آنچه را] از آن [می‌خواهید] آشکار و بسیاری را پنهان می‌کنید ، در صورتی که چیزی که نه شما می‌دانستید و نه پدرانتان ، [به وسیله آن] به شما آموخته شد . » بگو : « خدا [همه را فرستاده] » ؛ آن گاه بگذار تا در ژرفای [باطل] خود به بازی [سرگرم] شوند .

(الأنعام، ۹۱)

و هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مَبْرُوكٌ مُصَدِّقٌ لِّدِينِهِ وَ لِنُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَ مَنْ حَوْلَهَا وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۹۲)

و این خجسته کتابی است که ما آن را فرو فرستادیم ، [و] کتابهایی را که پیش از آن آمده تصدیق می‌کند . و برای اینکه [مردم] ام القری [مکه] و کسانی را که پیرامون آنند هشدار دهی . و کسانی که به آخرت ایمان می‌آورند ، به آن [قرآن نیز] ایمان می‌آورند ، و آنان بر نمازهای خود مراقبت می‌کنند .

(الأنعام، ۹۲)

وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَ لَمْ يُوْحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَ مَنْ قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ لَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَ الْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرَجُوا أَنفُسَكُمْ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَ كُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ (۹۳)

و کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ می‌پندد یا می‌گوید : « به من وحی شده » ، در حالی که چیزی به او وحی نشده باشد ، و آن کس که می‌گوید : « به زودی نظیر آنچه را خدا نازل کرده است نازل می‌کنم » ؟ و کاش ستمکاران را در گردابهای مرگ می‌دیدید که فرشتگان [به سوی آنان] دستهایشان را گشوده‌اند [و نهیب می‌زنند :] « جانهایتان را بیرون دهید » ؛ امروز به [سزای] آنچه بناحق بر خدا دروغ می‌بستید و در برابر آیات او تکبر می‌کردید ، به عذاب خوارکننده کیفر می‌یابید .

(الأنعام، ۹۳)

وَ لَقَدْ جِئْتُمُونَا فَرَادَىٰ كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ تَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَ مَا نَرَىٰ مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءَ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَ ضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ (۹۴)

و همان گونه که شما را نخستین بار آفریدیم [اکنون نیز] تنها به سوی ما آمده‌اید ، و آنچه را به شما عطا کرده بودیم پشت سر خود نهاده‌اید ، و شفیعانی را که در [کار] خودتان ، شریکان [خدا] می‌پنداشتید با شما نمی‌بینیم . به یقین ، پیوند میان شما بریده شده ، و آنچه را که می‌پنداشتید از دست شما رفته است .

(الأنعام، ۹۴)

إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَ النَّوَىٰ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ مُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذَلِكُمُ اللَّهُ فَالِقُ تُوْفُقُونَ (۹۵)

خدا شکافنده دانه و هسته است . زنده را از مرده ، و مرده را از زنده بیرون می‌آورد . چنین است خدای شما ؛ پس چگونه [از حق] منحرف می‌شوید ؟

(الأنعام، ۹۵)

فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكُمْ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۹۶)

[هموست که] شکافنده صبح است ، و شب را برای آرامش و خورشید و ماه را وسیله حساب قرار داده . این اندازه‌گیری آن توانای داناست .

(الأنعام، ۹۶)

وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النَّجْمَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَ الْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۹۷)

و اوست کسی که ستارگان را برای شما قرار داده تا به وسیله آنها در تاریکیهای خشکی و دریا راه یابید . به یقین ، ما دلایل [خود] را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان کرده‌ایم .

(الأنعام، ۹۷)

وَ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَ مُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۹۸)

و او همان کسی است که شما را از یک تن پدید آورد . پس [برای شما] قرارگاه و محل امانتی [مقرر کرد] . بی‌تردید ، ما آیات [خود] را برای مردمی که می‌فهمند به روشنی بیان کرده‌ایم .

(الأنعام، ۹۸)

وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتٍ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرَجُ مِنْهُ حَبًّا مُتْرَاكِبًا وَ مِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَ جَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَ الزَّيْتُونِ وَ الرِّمَّانِ مُشْتَبِهًا وَ غَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ يُنْعِمُ إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۹۹)

و اوست کسی که از آسمان ، آبی فرود آورد ؛ پس به وسیله آن از هر گونه گیاه برآوردیم ، و از آن [گیاه] جوانه سبزی خارج ساختیم که از آن ، دانه‌های متراکمی برمی‌آوریم . و از شکوفه درخت خرما خوشه‌هایی است نزدیک به هم . و [نیز] باغچه‌ای از انگور و زیتون و انار همانند و غیر همانند خارج نمودیم . به میوه آن چون ثمر دهد و به [طرز] رسیدنش بنگرید . قطعاً در اینها برای مردمی که ایمان می‌آورند نشانه‌هاست .

(الأنعام، ۹۹)

وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَكَ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ (۱۰۰)

و برای خدا شریکاتی از جن قرار دادند ، با اینکه خدا آنها را خلق کرده است . و برای او ، بی هیچ دانشی ، پسران و دخترانی تراشیدند . او پاک و برتر است از آنچه وصف می‌کنند .

(الأنعام، ۱۰۰)

بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنَّى يَخُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةً وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۰۱)

پدیدآورنده آسمانها و زمین است . چگونه او را فرزندی باشد ، در صورتی که برای او همسری نبوده ، و هر چیزی را آفریده ، و اوست که به هر چیزی داناست .

(الأنعام، ۱۰۱)

ذُكِرَ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَأَعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (۱۰۲)

این است خدا ، پروردگار شما : هیچ معبودی جز او نیست ، آفریننده هر چیزی است . پس او را بپرستید ، و او بر هر چیزی نگهبان است .

(الأنعام، ۱۰۲)

لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ (۱۰۳)

چشمها او را در نمی‌یابند و اوست که دیدگان را در می‌یابد ، و او لطیف آگاه است .

(الأنعام، ۱۰۳)

قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ (۱۰۴)

به راستی رهنمودهایی از جانب پروردگارتان برای شما آمده است . پس هر که به دیده بصیرت بنگردد به سود خود او ، و هر کس از سر بصیرت ننگردد به زیان خود اوست ، و من بر شما نگهبان نیستم .

(الأنعام، ۱۰۴)

وَكَذَلِكَ نَصْرَفُ الْأَيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۱۰۵)

و این گونه آیات [خود] را گوناگون بیان می‌کنیم ، تا مبدا بگویند تو درس خوانده‌ای ، و تا اینکه آن را برای گروهی که می‌دانند روشن سازیم .

(الأنعام، ۱۰۵)

أَتَيْعَ مَا أَوْحَى إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَاعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ (۱۰۶)

از آنچه از پروردگارت به تو وحی شده پیروی کن . هیچ معبودی جز او نیست ، و از مشرکان روی بگردان .

(الأنعام، ۱۰۶)

وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ حَفِيظًا وَمَا أَنتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ (۱۰۷)

و اگر خدا می‌خواست آنان شرک نمی‌آوردند ، و ما تو را بر ایشان نگهبان نکرده‌ایم ، و تو وکیل آنان نیستی .

(الأنعام، ۱۰۷)

وَ لَا تَسْئَلُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْئَلُوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۰۸)

و آنهایی را که جز خدا می‌خوانند دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی [و] به نادانی ، خدا را دشنام خواهند داد . این گونه برای هر امتی کردارشان را آراستیم . آن گاه بازگشت آنان به سوی پروردگارشان خواهد بود ، و ایشان را از آنچه انجام می‌دادند آگاه خواهد ساخت .

(الأنعام، ۱۰۸)

وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَنْ جَاءَهُمْ آيَةٌ لَنْ يُؤْمِنُوا بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۰۹)

و با سخت‌ترین سوگندهایشان ، به خدا سوگند خوردند که اگر معجزه‌ای برای آنان بیاید ، حتماً بدان می‌گروند . بگو : « معجزات ، تنها در اختیار خداست . » و شما چه می‌دانید که اگر [معجزه هم] بیاید باز ایمان نمی‌آورند .

(الأنعام، ۱۰۹)

وَ نُقَلِّبُ أَقْبِدَتَهُمْ وَ أَبْصَارَهُمْ كَمَا نَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوْلَٰ مَرَّةٍ وَ نَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۱۱۰)

و دلها و دیدگانشان را برمی‌گردانیم [در نتیجه به آیات ما ایمان نمی‌آورند] چنان که نخستین بار به آن ایمان نیاوردند . و آنان را رها می‌کنیم تا در طغیانشان سرگردان بمانند .

(الأنعام، ۱۱۰)

وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَخَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَكِنْ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ (۱۱۱)

و اگر ما فرشتگان را به سوی آنان می‌فرستادیم و [اگر] مردگان با آنان به سخن می‌آمدند، و هر چیزی را دسته دسته در برابر آنان گرد می‌آوردیم، باز هم ایمان نمی‌آوردند جز اینکه خدا بخواهد ولی بیشترشان نادانی می‌کنند.

(الأنعام، ۱۱۱)

وَ كَذُوبِكُمْ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَبَابِيطَ الْإِنْسِ وَ الْجِنَّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذُرَّهُمْ وَ مَا يَفْتَرُونَ (۱۱۲)

و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای انس و جن برگماشتیم. بعضی از آنها به بعضی، برای فریب [یکدیگر]، سخنان آراسته القا می‌کنند؛ و اگر پروردگار تو می‌خواست چنین نمی‌کردند. پس آنان را با آنچه به دروغ می‌سازند واگذار.

(الأنعام، ۱۱۲)

وَ لَتَصْنَعِيَ إِلَهِي أَفِيدَةَ الْإِيمَانِ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَ لِيَرْضَوْهُ وَ لِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ (۱۱۳)

و [چنین مقرر شده است] تا دل‌های کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند به آن [سخن باطل] بگراید و آن را بیسندد، و تا اینکه آنچه را باید به دست بیاورند، به دست آورند.

(الأنعام، ۱۱۳)

أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغِي حَكْمًا وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (۱۱۴)

پس، آیا داوری جز خدا جویم؟ یا اینکه اوست که این کتاب را به تفصیل به سوی شما نازل کرده است. و کسانی که کتاب [آسمانی] بدیشان داده‌ایم می‌دانند که آن از جانب پروردگارت به حق فرو فرستاده شده است. پس تو از تردیدکنندگان مباش.

(الأنعام، ۱۱۴)

وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَ عَدْلًا لَا مَبْدَلَ لِكَلِمَاتِهِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۱۱۵)

و سخن پروردگارت به راستی و داد، سرانجام گرفته است؛ و هیچ تغییر دهنده‌ای برای کلمات او نیست؛ و او شنوای داناست.

(الأنعام، ۱۱۵)

وَ إِنْ تَطَّعَ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَضْلُوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (۱۱۶)

و اگر از بیشتر کسانی که در [این سر] زمین می‌باشند پیروی کنی، تو را از راه خدا گمراه می‌کنند. آنان جز از گمان [خود] پیروی نمی‌کنند و جز به حدس و تخمین نمی‌پردازند.

(الأنعام، ۱۱۶)

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۱۱۷)

باری، پروردگارت تو به [حال] کسی که از راه او منحرف می‌شود داناتر است، و او به [حال] راه‌یافتگان [نیز] داناتر است.

(الأنعام، ۱۱۷)

فَكُلُوا مِمَّا ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ (۱۱۸)

پس، اگر به آیات او ایمان دارید از آنچه نام خدا [به هنگام ذبح] بر آن برده شده است بخورید.

(الأنعام، ۱۱۸)

وَ مَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذَكَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ قَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرَّرْتُمْ إِلَيْهِ وَ إِنْ كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَانِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ (۱۱۹)

و شما را چه شده است که از آنچه نام خدا بر آن برده شده است نمی‌خورید؟ یا اینکه [خدا] آنچه را بر شما حرام کرده جز آنچه بدان ناچار شده‌اید برای شما به تفصیل بیان نموده است. و به راستی، بسیاری [از مردم، دیگران را] از روی نادانی، با هوسهای خود گمراه می‌کنند. آری، پروردگارت تو به [حال] تجاوزکاران داناتر است.

(الأنعام، ۱۱۹)

وَ ذُرُوا ظَاهِرَ الْإِيمَانِ وَ بَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِيمَانَ سِيحْرُونَ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۱۲۰)

و گناه آشکار و پنهان را رها کنید، زیرا کسانی که مرتکب گناه می‌شوند، به زودی در برابر آنچه به دست می‌آوردند کیفر خواهند یافت.

(الأنعام، ۱۲۰)

وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذَكَّرْ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ إِنَّهُ لَفَسْقٌ وَ إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَآئِهِمْ لِجَابِلُوهُمْ وَ إِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ (۱۲۱)

و از آنچه نام خدا بر آن برده نشده است مخورید ، چرا که آن قطعاً نافرمانی است . و در حقیقت ، شیطانها به دوستان خود وسوسه می‌کنند تا با شما ستیزه نمایند . و اگر اطاعتشان کنید قطعاً شما هم مشرکید .

(الأنعام، ۱۲۱)

أَوْ مَنْ كَانَ مُنْتَابًا فَآخِيْنَآءَهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ نَاسٌ بَخَارِجٍ مِنْهَا كَذٰلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۲۲)

آیا کسی که مرده [دل] بود و زنده‌اش گردانیدیم و برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو آن ، در میان مردم راه برود ، چون کسی است که گویی گرفتار در تاریکیهست و از آن بیرون آمدنی نیست ؟ این گونه برای کافران آنچه انجام می‌دادند زینت داده شده است .

(الأنعام، ۱۲۲)

وَ كَذٰلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَابِرَ مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَ مَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنفُسِهِمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ (۱۲۳)

و بدین گونه ، در هر شهری گناهکاران بزرگش را می‌گماریم تا در آن به نیرنگ پردازند ، و [لی] آنان جز به خودشان نیرنگ نمی‌زنند و درک نمی‌کنند .

(الأنعام، ۱۲۳)

وَ إِذَا جَاءَهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّىٰ نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ رَسُلَ اللَّهِ اللَّهُ أَغْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سِنِيْبِيبِ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ (۱۲۴)

و چون آیتی برایشان بیاید ، می‌گویند : « هرگز ایمان نمی‌آوریم تا اینکه نظیر آنچه به فرستادگان خدا داده شده است به ما [نیز] داده شود . » خدا بهتر می‌داند رسالتش را کجا قرار دهد . به زودی ، کسانی را که مرتکب گناه شدند ، به [سزای] آنکه نیرنگ می‌کردند ، در پیشگاه خدا خواری و شکنجه‌ای سخت خواهد رسید .

(الأنعام، ۱۲۴)

فَمَنْ يُّرِدِ اللَّهُ أَن يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَ مَنْ يُّرِدْ أَن يَضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَآءِ كَذٰلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۲۵)

پس کسی را که خدا بخواهد هدایت نماید ، دلش را به پذیرش اسلام می‌گشاید ؛ و هر که را بخواهد گمراه کند ، دلش را سخت تنگ می‌گرداند ؛ چنان که گویی به زحمت در آسمان بالا می‌رود . این گونه ، خدا پلیدی را بر کسانی که ایمان نمی‌آورند قرار می‌دهد .

(الأنعام، ۱۲۵)

وَ هٰذَا صِرَاطٌ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَكَّرُونَ (۱۲۶)

و راه راست پروردگارت همین است . ما آیات [خود] را برای گروهی که پند می‌گیرند ، به روشنی بیان نموده‌ایم .

(الأنعام، ۱۲۶)

لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ هُوَ وَيُهِبُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۲۷)

برای آنان ، نزد پروردگارشان سرای عافیت است ، و به [پاداش] آنچه انجام می‌دادند ، او یارشان خواهد بود .

(الأنعام، ۱۲۷)

وَ يَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيْعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدْ اسْتَكْبَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَ قَالَ أَوْلِيَآؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَ بَلَّغْنَا آجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مُتَوَكَّمٌ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (۱۲۸)

و [یاد کن] روزی را که همه آنان را گرد می‌آورد [و می‌فرماید] : « ای گروه جنیان ، از آدمیان [پیروان] فراوان یافتید . » و هواخواهان آنها از [نوع] انسان می‌گویند : « پروردگارا ، برخی از ما از برخی دیگر بهره برداری کرد ، و به یابانی که برای ما معین کردی رسیدیم . » [خدا] می‌فرماید : « جایگاه شما آتش است ؛ در آن ماندگار خواهید بود ، مگر آنچه را خدا بخواهد [که خود تخفیف دهد] ؛ آری ، پروردگار تو حکیم داناست . »

(الأنعام، ۱۲۸)

وَ كَذٰلِكَ نُؤْتِي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۲۹)

و این گونه برخی از ستمکاران را به [کیفر] آنچه به دست می‌آوردند ، سرپرست برخی دیگر می‌گردانیم .

(الأنعام، ۱۲۹)

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رَسُلٌ مِنْكُمْ يَفْصُلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَ يُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هٰذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَىٰ أَنفُسِنَا وَ عَرَّثْتُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ شَهِدُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ (۱۳۰)

ای گروه جن و انس ، آیا از میان شما فرستادگانی برای شما نیامدند که آیات مرا بر شما بخوانند و از دیدار این روزتان به شما هشدار دهند ؟ گفتند : « ما به زیان خود گواهی دهیم . » [که آری ، آمدند] و زندگی دنیا فریبشان داد ، و بر ضد خود گواهی دادند که آنان کافر بوده‌اند .

(الأنعام، ۱۳۰)

ذَلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهَيِّئًا الْقَرَىٰ بَظَلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ (۱۳۱)

این [اتمام حجت] بدان سبب است که پروردگار تو هیچ گاه شهرها را به ستم ناپود نکرده ، در حالی که مردم آن غافل باشند .

(الأنعام، ۱۳۱)

وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا وَ مَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (۱۳۲)

و برای هر يك [از این دو گروه] ، از آنچه انجام داده‌اند ، [در جزا] مراتبی خواهد بود ، و پروردگارت از آنچه می‌کنند غافل نیست .

(الأنعام، ۱۳۲)

و رَبُّكَ الْقَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِنْ يَشَاءُ يُدْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّةٍ قَوْمٍ آخِرِينَ (۱۳۳)

و پروردگار تو بی‌نیاز و رحمتگر است . اگر بخواهد شما را می‌برد ، و پس از شما ، هر که را بخواهد جانشین [شما] می‌کند ؛ هم چنان که شما را از نسل گروهی دیگر پدید آورده است .

(الأنعام، ۱۳۳)

إِنْ مَا تُوْعَدُونَ لَأَتِيَنَّكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ (۱۳۴)

قطعاً آنچه به شما وعده داده می‌شود آمدنی است ، و شما درمانده کننده‌گان [خدا] نیستید .

(الأنعام، ۱۳۴)

قُلْ يَا قَوْمِ اِعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَاتِبِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (۱۳۵)

بگو : « ای قوم من ، هر چه مقدر شما هست انجام دهید ؛ من [هم] انجام می‌دهم . به زودی خواهید دانست که فرجام [نیگوی] آن سرای از آن کیست . آری ، ستمکاران رستگار نمی‌شوند . »

(الأنعام، ۱۳۵)

و جَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِرْغَمِهِمْ وَ هَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَ مَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَىٰ شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (۱۳۶)

و [مشرکان ،] برای خدا از آنچه از کشت و دامها که آفریده است سهمی گذاشتند ، و به پندار خودشان گفتند : « این ویژه خداست و این ویژه بتان ما . » پس آنچه خاص بتانشان بود به خدا نمی‌رسید ، و [لی] آنچه خاص خدا بود به بتانشان می‌رسید . چه بد داوری می‌کنند .

(الأنعام، ۱۳۶)

وَ كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَائِهِمْ لِيُرْدُوهُمْ وَ لِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَ مَا يَفْتَرُونَ (۱۳۷)

و این گونه برای بسیاری از مشرکان ، بتانشان کشتن فرزندانشان را آراستند ، تا هلاکشان کنند و دینشان را بر آنان مشتبه سازند ؛ و اگر خدا می‌خواست چنین نمی‌کردند . پس ایشان را با آنچه به دروغ می‌سازند رها کن .

(الأنعام، ۱۳۷)

وَ قَالُوا هَذِهِ أَنْعَامٌ وَ حَرْثٌ حَجْرٌ لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ بِرْغَمِهِمْ وَ أَنْعَامٌ حَرَمَتْ ظُهُورُهَا وَ أَنْعَامٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۱۳۸)

و به زعم خودشان گفتند : « اینها دامها و کشتزار [های] ممنوع است ، که جز کسی که ما بخواهیم نباید از آن بخورد ، و دامهایی است که [سوار شدن بر] پشت آنها حرام شده است . » و دامهایی [داشتند] که [هنگام ذبح] نام خدا را بر آن [ها] نمی‌بردند به صرف افترا بر [خدا] به زودی [خدا] آنان را به خاطر آنچه افترا می‌بستند جزا می‌دهد .

(الأنعام، ۱۳۸)

وَ قَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِدُكُورِنَا وَ مُحَرَّمٌ عَلَىٰ أَزْوَاجِنَا وَ إِنْ يَكُنْ مِنْتَهُ فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ سَيَجْزِيهِمْ وَصَفَهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (۱۳۹)

و گفتند : « آنچه در شکم این دامهاست اختصاص به مردان ما دارد و بر همسران ما حرام شده است ، و اگر [آن جنین] مرده باشد ، همه آنان [از زن و مرد] در آن شریکند . به زودی [خدا] توصیف آنان را سزا خواهد داد ، زیرا او حکیم داناست .

(الأنعام، ۱۳۹)

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ حَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَ مَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (۱۴۰)

کسانی که از روی بی‌خردی و نادانی، فرزندان خود را کشته‌اند، و آنچه را خدا روزیشان کرده بود از راه افترا به خدا حرام شمرده‌اند، سخت زیان کردند. آنان به راستی گمراه شده، و هدایت نیافته‌اند.

(الأنعام، ۱۴۰)

وَ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَ غَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَ النَّخْلَ وَ الزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْثُهُ وَ الزَّيْتُونَ وَ الرِّمَانَ مُتَشَابِهًا وَ غَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (۱۴۱)

و اوست کسی که باغهایی با داربست و بدون داربست، و خرما، و کشتزار با میوه‌های گوناگون آن، و زیتون، و انار، شبیه به یکدیگر و غیر شبیه پدید آورد. از میوه آن چون ثمر داد بخورید، و حق [بینوایان از] آن را روز بهره‌برداری از آن بدهید، و [لی] زیاده‌روی نکنید که او اسرافکاران را دوست ندارد.

(الأنعام، ۱۴۱)

وَ مِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةٌ وَ فَرَسًا كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَخُمٌ عَدُوٌّ مُبِينٌ (۱۴۲)

و [نیز] از دامها، حیوانات بارکش و حیوانات کرک و پشم دهنده را [پدید آورد]. از آنچه خدا روزیتان کرده است بخورید، و از پی گامهای شیطان مروید که او برای شما دشمنی آشکار است.

(الأنعام، ۱۴۲)

ثَمَانِيَةَ أَوْجٍ مِنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَ مِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ الذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ أَمَا اشْتَمَلْتُمْ عَلَيْهِ أَزْحَامَ الْأُنثَيَيْنِ نَبُؤُنِي بِعِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۴۳)

هشت فرد [آفرید و بر شما حلال کرد]: از گوسفند دو تا، و از بز دو تا. بگو: «آیا [خدا] نرها [ی آنها] را حرام کرده یا ماده را؟ یا آنچه را که رحم آن دو ماده در بر گرفته است؟» اگر راست می‌گویید، از روی علم، به من خبر دهید.

(الأنعام، ۱۴۳)

وَ مِنَ الْأَيْدِ اثْنَيْنِ وَ مِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ الذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ أَمَا اشْتَمَلْتُمْ عَلَيْهِ أَزْحَامَ الْأُنثَيَيْنِ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ وَصَّيْتُمْ اللَّهُ بِهَذَا فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱۴۴)

و از شتر دو، و از گاو دو. بگو: «آیا [خدا] نرها [ی آنها] را حرام کرده یا ماده‌ها را؟ یا آنچه را که رحم آن دو ماده در بر گرفته است؟ آیا وقتی خداوند شما را به این [تحریم] سفارش کرد حاضر بودید؟» پس کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بزند، تا از روی نادانی، مردم را گمراه کند؟ آری، خدا گروه ستمکاران را راهنمایی نمی‌کند.

(الأنعام، ۱۴۴)

قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَخُونَ مِيتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خنزيرٍ فَإِنَّهُ رَجَسٌ أَوْ فِسَقًا أَهْلَ يَغْيِرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۴۵)

بگو: «در آنچه به من وحی شده است، بر خورنده‌ای که آن را می‌خورد هیچ حرامی نمی‌یابم، مگر آنکه مردار یا خون ریخته یا گوشت خوک باشد که اینها همه پلیدند. یا [قربانی که] از روی نافرمانی، [به هنگام ذبح] نام غیر خدا بر آن برده شده باشد. پس کسی که بدون سرکشی و زیاده‌خواهی [به خوردن آنها] ناچار گردد، قطعاً پروردگار تو امرزنده مهربان است.

(الأنعام، ۱۴۵)

وَ عَلَى الَّذِينَ هَانُوا حَرْمَتَنَا كُلِّ ذِي ظُفْرٍ وَ مِنَ الْبَقَرِ وَ النِّعَمِ حَرْمَتَنَا عَلَيْهِمْ شُحُومُهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوْ الْحَوَايَا أَوْ الْخِطَطُ بِعَظْمٍ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِبِغْيِهِمْ وَ إِنَّا لَصَادِقُونَ (146)

و بر یهودیان، هر [حیوان] چنگال داری را حرام کردیم، و از گاو و گوسفند، پیه آن دو را بر آنان حرام کردیم، به استثنای پیه‌هایی که بر پشت آن دو یا بر روده‌هاست یا آنچه با استخوان درآمخته است. این [تحریم] را به سزای ستم‌کردنشان، به آنان کیفر دادیم، و ما البته راستگوییم.

(الأنعام، ۱۴۶)

فَإِنْ كَذَّبْتُمْ فَقُلْ رُزِقْتُمْ دُونَهُمْ وَاسِعَةً وَ لَا يَزِدُّ بِأَسْنِهِ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ (۱۴۷)

[ای پیامبر،] پس اگر تو را تکذیب کردند، بگو: «پروردگار شما دارای رحمتی گسترده است؛ و [با این حال] عذاب او از گروه مجرمان بازگرداننده نخواهد شد.»

(الأنعام، ۱۴۷)

سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَ لَا آبَاؤُنَا وَ لَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَتَبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّى دَافُوا بِأَسْنَائِهِمْ هَلْ عَنَدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ (۱۴۸)

کسانی که شرک آوردند به زودی خواهند گفت: «اگر خدا می‌خواست، نه ما و نه پدرانمان شرک نمی‌آوردیم، و چیزی را [خودسرانه] تحریم نمی‌کردیم.» کسانی هم که پیش از آنان بودند، همین‌گونه [پیامبران خود را] تکذیب کردند، تا عقوبت ما را چشیدند. بگو: «آیا نزد شما دانشی هست که آن را برای ما آشکار کنید؟ شما جز از گمان پیروی نمی‌کنید، و جز دروغ نمی‌گویید.»

(الأنعام، ۱۴۸)

قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ (۱۴۹)

بگو: «برهان رسا ویزه خداست، و اگر [خدا] میخواست قطعاً همه شما را هدایت می‌کرد.»

(الأنعام، ۱۴۹)

قُلْ هَلَمْ شُهَدَاكُمْ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَدُلُونَ (۱۵۰)

بگو: «گواهان خود را که گواهی می‌دهند به اینکه خدا اینها را حرام کرده، بیاورید.» پس اگر هم شهادت دادند تو با آنان شهادت مده، و هوسهای کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند و کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند و [معبودان دروغین را] با پروردگارشان همتا قرار می‌دهند، پیروی مکن.

(الأنعام، ۱۵۰)

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْهِ أَنْ يُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَاناً وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ أُولَئِكَ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَ لَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۵۱)

بگو: «بیایید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده برای شما بخوانم: چیزی را با او شریک قرار مدهید؛ و به پدر و مادر احسان کنید؛ و فرزندان خود را از بیم تنگدستی نکشید؛ ما شما و آنان را روزی می‌رسانیم؛ و به کارهای زشت چه علنی آن و چه پوشیده [اش] نزدیک مشوید؛ و نفسی را که خدا حرام گردانیده، جز بحق نکشید. اینهاست که [خدا] شما را به [انجام دادن] آن سفارش کرده است، باشد که بیندیشد.

(الأنعام، ۱۵۱)

وَ لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تُكَلِّفُوا نَفْساً إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدُوا وَ لَوْ كَانِ دَا قُرْبَىٰ وَ بَعَيْدٍ اللَّهُ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۱۵۲)

و به مال یتیم جز به نحوی [هر چه نیکوتر] نزدیک مشوید، تا به حد رشد خود برسد. و پیمانانه و ترازو را به عدالت، تمام بیمایید. هیچ کس را جز به قدر توانش تکلیف نمی‌کنیم. و چون [به داوری یا شهادت] سخن گوید دادگری کنید، هر چند [درباره] خویشاوند [شما] باشد. و به پیمان خدا وفا کنید. اینهاست که [خدا] شما را به آن سفارش کرده است، باشد که پند گیرید.

(الأنعام، ۱۵۲)

وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۵۳)

و [بدانید] این است راه راست من؛ پس، از آن پیروی کنید. و از راه‌ها [ی دیگر] که شما را از راه وی پراکنده می‌سازد پیروی مکنید. اینهاست که [خدا] شما را به آن سفارش کرده است، باشد که به تقوا گرایید.

(الأنعام، ۱۵۳)

ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَاماً عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَ تَفْصيلاً لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّعَلَّهِمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ (۱۵۴)

آن گاه به موسی کتاب دادیم، برای اینکه [نعمت را] بر کسی که نیکی کرده است تمام کنیم، و برای اینکه هر چیزی را بیان نماییم، و هدایت و رحمتی باشد، امید که به لقای پروردگارش ایمان بیاورند.

(الأنعام، ۱۵۴)

وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مِيزَاناً فَاتَّبِعُوهُ وَ اتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۱۵۵)

و این، خجسته کتابی است که ما آن را نازل کردیم؛ پس، از آن پیروی کنید و پرهیزگاری نمایید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید،

(الأنعام، ۱۵۵)

أَنْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنَ رَبِّكُمْ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ بآيَاتِ اللَّهِ وَ صَدَفَ عَنْهَا سَنَجِرِي الَّذِينَ يُصَدِّفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُصَدِّفُونَ (۱۵۶)

تا نگویید: «[کتاب] آسمانی]، تنها بر دو طایفه پیش از ما نازل شده، و ما از آموختن آنان بی‌خبر بودیم.»

(الأنعام، ۱۵۶)

أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنَ رَبِّكُمْ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ بآيَاتِ اللَّهِ وَ صَدَفَ عَنْهَا سَنَجِرِي الَّذِينَ يُصَدِّفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُصَدِّفُونَ (۱۵۷)

یا نگویید: «اگر کتاب بر ما نازل می‌شد، قطعاً از آنان هدایت یافته‌تر بودیم.» اینک حجتی از جانب پروردگارتان برای شما آمده و رهنمود و رحمتی است. پس کیست ستمکارتر از آن کس که آیات خدا را دروغ پندارد و از آنها روی گرداند؟ به زودی کسانی را که از آیات ما روی می‌گردانند، به سبب [همین] اعراضشان، به عذابی سخت مجازات خواهیم کرد.

(الأنعام، ۱۵۷)

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا نُمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ (۱۵۸)

آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان به سویشان بیایند ، یا پروردگارت بیاید ، یا پاره‌ای از نشانه‌های پروردگارت بیاید ؟ [اما] روزی که پاره‌ای از نشانه‌های پروردگارت [پدید آید ، کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده ، ایمان آوردنش سود نمی‌بخشد . بگو : « منتظر باشید که ما [هم] منتظریم . »

(الأنعام، ۱۵۸)

إِنَّ الَّذِينَ فَرَقُوا دِيْنَهُمْ وَكَانُوا شَبِيْعًا لَسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۱۵۹)

کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و فرقه فرقه شدند ، تو هیچ‌گونه مسئول ایشان نیستی ، کارشان فقط با خداست . آن‌گاه به آنچه انجام می‌دادند آگاهشان خواهد کرد .

(الأنعام، ۱۵۹)

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَلِهَا وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَ هُمْ لَا يَظْلَمُونَ (۱۶۰)

هر کس کار نیکی بیاورد ، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت ، و هر کس کار بدی بیاورد ، جز مانند آن جزا نیابد و بر آنان ستم نرود .

(الأنعام، ۱۶۰)

قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِيْنًا قِيْمًا مِثْلَهُ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۶۱)

بگو : « آری ! پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده است : دینی پایدار ، آیین ابراهیم حق‌گرای ! و او از مشرکان نبود . »

(الأنعام، ۱۶۱)

قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَخْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۶۲)

بگو : « در حقیقت ، نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من ، برای خدا ، پروردگار جهانیان است .

(الأنعام، ۱۶۲)

لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ (۱۶۳)

[که] او را شریکی نیست ، و بر این [کار] دستور یافته‌ام ، و من نخستین مسلمانم .

(الأنعام، ۱۶۳)

قُلْ أَعْيُرَ اللَّهُ أَيْبِي رَبِّيَا وَ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا تَحْسِبُ كُلَّ نَفْسٍ إِلَّا عَلِيْهَا وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَى رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (۱۶۴)

بگو : « آیا جز خدا پروردگاری بجویم ؟ با اینکه او پروردگار هر چیزی است ، و هیچ کس جز بر زیان خود [گناهی] انجام نمی‌دهد ، و هیچ باربرداری بار [گناه] دیگری را بر نمی‌دارد ، آن‌گاه بازگشت شما به سوی پروردگارتان خواهد بود ، پس شما را به آنچه در آن اختلاف می‌کردید آگاه خواهد کرد .

(الأنعام، ۱۶۴)

وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْاَرْضَ وَ رَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلِغَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيْعُ الْعِقَابِ وَ إِنَّهُ لَغَفُوْرٌ رَحِيْمٌ (۱۶۵)

و اوست کسی که شما را در زمین جانشین [یکدیگر] قرار داد ، و بعضی از شما را بر برخی دیگر به درجاتی برتری داد تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید . آری ، پروردگار تو زود کیفر است ، و [هم] او بس آمرزنده مهربان است .

(الأنعام، ۱۶۵)

ترتیبها-۷	سوره الاعراف	مکی-آیاتها-۲۰۶
-----------	--------------	----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الأعراف، ۰)

المص (۱)

الف ، لام ، میم ، صاد .

(الأعراف، ١)

كِتَابٌ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِنْهُ لِيُنذِرَ بِهِ وَ يَذَّكَّرَ لِلْمُؤْمِنِينَ (٢)

کتابی است که به سوی تو فرو فرستاده شده است پس نباید در سینه تو از ناحیه آن ، تنگی باشد تا به وسیله آن هشدار دهی و برای مؤمنان پندی باشد .

(الأعراف، ٢)

اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ (٣)

آنچه را از جانب پروردگارتان به سوی شما فرو فرستاده شده است ، پیروی کنید ؛ و جز او از معبودان [دیگر] پیروی نکنید . چه اندک پند می‌گیرید !

(الأعراف، ٣)

و كَمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا قَبْلَهَا بِنَاتٍ أَوْ هُمْ قَائِلُونَ (٤)

و چه بسیار شهرها که [مردم] آن را به هلاکت رسانیدیم ، و در حالی که به خواب شبانگاهی رفته یا نیمروز غنوده بودند ، عذاب ما به آنها رسید .

(الأعراف، ٤)

فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا إِلَّا أَنْ قَالُوا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (٥)

و هنگامی که عذاب ما بر آنان آمد سخنشان جز این نبود که گفتند : « راستی که ما ستمکار بودیم . »

(الأعراف، ٥)

فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ (٦)

پس ، قطعاً از کسانی که [پیامبران] به سوی آنان فرستاده شده‌اند خواهیم پرسید ، و قطعاً از [خود] فرستادگان [نیز] خواهیم پرسید .

(الأعراف، ٦)

فَلَنَنْصُرَنَّ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَ مَا كُنَّا غَائِبِينَ (٧)

و از روی دانش به آنان گزارش خواهیم داد و ما [از احوال آنان] غایب نبوده‌ایم .

(الأعراف، ٧)

وَ الْوِزْنَ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (٨)

و در آن روز ، سنجش [اعمال] درست است . پس هر کس میزانهای [عمل] او گران باشد ، آنان خود رستگارانند .

(الأعراف، ٨)

وَ مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْمُونَ (٩)

و هر کس میزانهای [عمل] او سبک باشد ، پس آنانند که به خود زیان زده‌اند ، چرا که به آیات ما ستم کرده‌اند .

(الأعراف، ٩)

وَ لَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (١٠)

و قطعاً شما را در زمین قدرت عمل دادیم ، و برای شما در آن ، وسایل معیشت نهادیم ، [اما] چه کم سپاسگزاری می‌کنید .

(الأعراف، ١٠)

وَ لَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ (١١)

و در حقیقت ، شما را خلق کردیم ، سپس به صورتگری شما پرداختیم ؛ آن گاه به فرشتگان گفتیم : « برای آدم سجده کنید . » پس [همه] سجده کردند ، جز ابلیس که از سجده کنندگان نبود .

(الأعراف، ١١)

قَالَ مَا مَنَعَكَ آلَا تَسْجُدُ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ (١٢)

فرمود : « چون تو را به سجده امر کردم چه چیز تو را باز داشت از اینکه سجده کنی ؟ » گفت : « من از او بهترم . مرا از آتشی آفریدی و او را از گِل آفریدی . »

(الأعراف، ۱۲)

قَالَ فَأَهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ (۱۳)

فرمود: « از آن [مقام] فرو شو، تو را نرسد که در آن [جایگاه] تکبر نمایی. پس بیرون شو که تو از خوارشدگانی.»

(الأعراف، ۱۳)

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (۱۴)

گفت: « مرا تا روزی که [مردم] برانگیخته خواهند شد مهلت ده.»

(الأعراف، ۱۴)

قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ (۱۵)

فرمود: « تو از مهلت یافتگانی.»

(الأعراف، ۱۵)

قَالَ فِيمَا أُغْوِيْتِي لِأَقْدَنْ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ (۱۶)

گفت: « پس به سبب آنکه مرا به بیراهه افکندی، من هم برای [فریفتن] آنان حتماً بر سر راه راست تو خواهم نشست.»

(الأعراف، ۱۶)

ثُمَّ لَآتِيَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ (۱۷)

« آن گاه از پیش رو و از پشت سرشان و از طرف راست و از طرف چپشان بر آنها می‌تازم، و بیشترشان را شکرگزار نخواهی یافت.»

(الأعراف، ۱۷)

قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْهُوماً مَذْحُوراً لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ (۱۸)

فرمود: « نکوهیده و رانده، از آن [مقام] بیرون شو؛ که قطعاً هر که از آنان از تو پیروی کند، جهنم را از همه شما پر خواهم کرد.»

(الأعراف، ۱۸)

وَ يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ (۱۹)

« و ای آدم! تو با جفت خویش در آن باغ سکونت گیر، و از هر جا که خواهید بخورید، و [لی] به این درخت نزدیک مشوید که از ستمکاران خواهید شد.»

(الأعراف، ۱۹)

فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِمِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ (۲۰)

پس شیطان، آن دو را وسوسه کرد تا آنچه را از عورت‌هایشان برایشان پوشیده مانده بود، برای آنان نمایان گرداند؛ و گفت: « پروردگارتان شما را از این درخت منع نکرد، جز [برای] آنکه [مبادا] دو فرشته گردید یا از [زمره] جاودانان شوید.»

(الأعراف، ۲۰)

وَ قَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ (۲۱)

و برای آن دو سوگند یاد کرد که: من قطعاً از خیرخواهان شما هستم.

(الأعراف، ۲۱)

فَدَلَاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوَاتِمُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَ نَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَ أَقَلَّ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ (۲۲)

پس آن دو را با فریب به سقوط کشانید؛ پس چون آن دو از [میوه] آن درخت [ممنوع] چشیدند، برهنگی‌هایشان بر آنان آشکار شد، و به چسباندن برگ [های درختان] بهشت بر خود آغاز کردند؛ و پروردگارش بر آن دو بانگ بر زد: « مگر شما را از این درخت منع نکردم و به شما نگفتم که در حقیقت شیطان برای شما دشمنی آشکار است.»

(الأعراف، ۲۲)

قَالَ رَبِّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَ إِن لَّمْ تَغْفُرْ لَنَا وَ تَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۲۳)

۶۰۴ / ۱۰۱

گفتند: « پروردگارا ، ما بر خویشتن ستم کردیم ، و اگر بر ما نیخشایی و به ما رحم نکنی ، مسلماً از زیانکاران خواهیم بود . »

(الأعراف، ۲۳)

قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَ مَتَاعٌ إِلَى حِينٍ (۲۴)

فرمود: « فرود آید ، که بعضی از شما دشمن بعضی [دیگر] بد ؛ و برای شما در زمین ، تا هنگامی [معین] قرارگاه و برخورداری است . »

(الأعراف، ۲۴)

قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَ فِيهَا تَمُوتُونَ وَ مِنْهَا تُخْرَجُونَ (۲۵)

فرمود: « در آن زندگی می‌کنید و در آن می‌میرید و از آن برانگیخته خواهید شد . »

(الأعراف، ۲۵)

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاتِيكُمْ وَ رِيشًا وَ لِبَاسَ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ (۲۶)

ای فرزندان آدم ، در حقیقت ، ما برای شما لباسی فرو فرستادیم که عورت‌های شما را پوشیده می‌دارد و [برای شما] زینتی است ، و [لی] بهترین جامه ، [لباس] تقوا است . این از نشانه‌های [قدرت] خداست ، باشد که متذکر شوند .

(الأعراف، ۲۶)

يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوَاتِيَهُمَا إِنَّهُ يَزَامُكُمُ هُوَ وَ قَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (۲۷)

ای فرزندان آدم ، زنهار تا شیطان شما را به فتنه نیندازد ؛ چنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند ، و لباسشان را از ایشان برگرداند ، تا عورت‌هایشان را بر آنان نمایان کند . در حقیقت ، او و قبیل‌اش ، شما را از آنجا که آنها را نمی‌بینید ، می‌بینند . ما شیاطین را دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند .

(الأعراف، ۲۷)

وَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آيَاتِنَا وَ اللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۲۸)

و چون کار زشتی کنند ، می‌گویند: « پدران خود را بر آن یافتیم و خدا ما را بدان فرمان داده است . » بگو: « قطعاً خدا به کار زشت فرمان نمی‌دهد ، آیا چیزی را که نمی‌دانید به خدا نسبت می‌دهید ؟ »

(الأعراف، ۲۸)

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَ أَيْمُونًا وَ جُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ ادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ (۲۹)

بگو: « پروردگارم به دادگری فرمان داده است ، و [اینکه] در هر مسجدی روی خود را مستقیم [به سوی قبله] کنید ، و در حالی که دین خود را برای او خالص گردانیده‌اید و ی را بخوانید ، همان گونه که شما را پدید آورد [به سوی او] برمی‌گردید . »

(الأعراف، ۲۹)

فَرِيقًا هَدَى وَ فَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ (۳۰)

[در حالی که] گروهی را هدایت نموده ، و گروهی گمراهی بر آنان ثابت شده است ، زیرا آنان شیاطین را به جای خدا ، دوستان [خود] گرفته‌اند و می‌پندارند که راه‌یافتگانند .

(الأعراف، ۳۰)

يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (۳۱)

ای فرزندان آدم ، جامه خود را در هر نمازی بپوشید ، و بخورید و بیاشامید و [لی] زیاده‌روی نکنید که او اسرافکاران را دوست نمی‌دارد .

(الأعراف، ۳۱)

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۳۲)

[ای پیامبر] بگو: « زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده ، و [نیز] روزیهای پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده ؟ » بگو: « این [نعمتها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت [نیز] خاص آنان می‌باشد . » این گونه آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان می‌کنیم .

(الأعراف، ۳۲)

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ الْأُنْثَى وَ النَّبْءَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ أَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يَنْزَلْ بِهِ سُلْطَانًا وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۳۳)

بگو: « پروردگار من فقط زشتکاریها را چه آشکارش [باشد] و چه پنهان و گناه و ستم ناحق را حرام گردانیده است؛ و [نیز] اینکه چیزی را شریک خدا سازید که دلیلی بر [حقیقت آن نازل نکرده؛ و اینکه چیزی را که نمی‌دانید به خدا نسبت دهید.

(الأعراف، ۳۳)

وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَقْدِمُونَ (۳۴)

و برای هر امتی اجلی است؛ پس چون اجلشان فرا رسد، نه [می‌توانند] ساعتی آن را پس اندازند و نه پیش.

(الأعراف، ۳۴)

يَا بَنِي آدَمَ إِنَّمَا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنْ اتَّقَى وَ أَصْلَحَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۳۵)

ای فرزندان آدم، چون پیامبرانی از خودتان برای شما بیایند و آیات مرا بر شما بخوانند، پس هر کس به پرهیزگاری و صلاح گراید، نه بیمی بر آنان خواهد بود و نه اندوهگین می‌شوند.

(الأعراف، ۳۵)

وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۳۶)

و کسانی که آیات ما را دروغ انگاشتند و از [پذیرش] آنها تکبر ورزیدند آنان همدم آتشند [و] در آن جاودانند.

(الأعراف، ۳۶)

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُولَئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُمْ مِنَ الْكِتَابِ حَتَّى إِذَا جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَ شَهِدُوا عَلَى أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَاذِبِينَ (۳۷)

پس کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بندهد یا آیات او را تکذیب کند؟ اینان کسانی هستند که نصیبشان از آنچه مقرر شده به ایشان خواهد رسید، تا آن گاه که فرشتگان ما به سراغشان بیایند که جانشان بستانند، می‌گویند: « آنچه غیر از خدا می‌خواندید کجاست؟ » می‌گویند: « از [چشم] ما ناپدید شدند » و علیه خود گواهی می‌دهند که آنان کافر بودند.

(الأعراف، ۳۷)

قَالَ انْخَلُوا فِي أُمِّ قَدْحٍ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأَوْلَادِهِمْ رَبَّنَا هَلْ أَعْطَيْنَاكَ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٌ وَ لَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ (۳۸)

می‌فرماید: « در میان امت‌هایی از جن و انس، که پیش از شما بوده‌اند، داخل آتش شوید. » هر بار که امتی [در آتش] درآید، همکیشان خود را لعنت کند، تا وقتی که همگی در آن به هم پیوندند؛ [آن گاه] پیروانشان درباره پیشوایشان می‌گویند: « پروردگارا، اینان ما را گمراه کردند، پس دو برابر عذاب آتش به آنان بده. » [خدا] می‌فرماید: « برای هر کدام [عذاب] دو چندان است ولی شما نمی‌دانید. »

(الأعراف، ۳۸)

وَ قَالَتْ أَوْلَادُهُمْ لِأَخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ فذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ (۳۹)

و پیشوایشان به پیروانشان می‌گویند: « شما را بر ما امتیازی نیست. پس به سزای آنچه به دست می‌آوردید عذاب را بچشید. »

(الأعراف، ۳۹)

إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تَفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَ كَذَلِكَ نُجْزِي الْمُجْرِمِينَ (۴۰)

در حقیقت، کسانی که آیات ما را دروغ شمردند و از [پذیرفتن] آنها تکبر ورزیدند، درهای آسمان را برایشان نمی‌گشایند و در بهشت در نمی‌آیند مگر آنکه شتر در سوراخ سوزن داخل شود. و بدینسان بزهکاران را کیفر می‌دهیم.

(الأعراف، ۴۰)

لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَ مِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَ كَذَلِكَ نُجْزِي الظَّالِمِينَ (۴۱)

برای آنان از جهنم بستری و از بالایشان پوشش‌هاست، و این گونه بیدادگران را سزا می‌دهیم.

(الأعراف، ۴۱)

وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۴۲)

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند هیچ کسی را جز به قدر توانش تکلیف نمی‌کنیم آنان همدم بهشتند [که] در آن جاودانند.

(الأعراف، ۴۲)

وَ نَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَ قَالُوا الْحُمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رَسُولَنَا بِالْحَقِّ وَ نُودُوا أَنْ تُلْكُمُ الْجَنَّةَ أَوْرِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۴۳)

و هر گونه کینه‌ای را از سینه‌هایشان می‌زداییم . از زیر [قصرهای] شان نهرها جاری است ، و می‌گویند : « ستایش خدایی را که ما را بدین [راه] هدایت نمود ، و اگر خدا ما را رهبری نمی‌کرد ما خود هدایت نمی‌یافتیم . در حقیقت ، فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند . » و به آنان ندا داده می‌شود که این همان بهشتی است که آن را به [پاداش] آنچه انجام می‌دادید میراث یافته‌اید .

(الأعراف، ۴۳)

وَ نَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ (۴۴)

و بهشتیان ، دوزخیان را آواز می‌دهند که : « ما آنچه را پروردگاران ما به ما وعده داده بود درست یافتیم ؛ آیا شما [نیز] آنچه را پروردگارتان وعده کرده بود راست و درست یافتید ؟ » می‌گویند : « آری . » پس آواز دهنده‌ای میان آنان آواز درمی‌دهد که : « لعنت خدا بر ستمکاران باد . »

(الأعراف، ۴۴)

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ يَبْغُونَهَا عِوَجًا وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ (۴۵)

همانان که [مردم را] از راه خدا باز می‌دارند و آن را کج می‌خواهند و آنها آخرت را منکرند .

(الأعراف، ۴۵)

وَ بَيْنَهُمَا حَبَابٌ وَ عَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَ نَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَ هُمْ يَطْمَعُونَ (۴۶)

و میان آن دو [گروه] ، حایلی است ، و بر اعراف ، مردانی هستند که هر یک [از آن دو دسته] را از سیمایشان می‌شناسند ، و بهشتیان را که هنوز وارد آن نشده و [لی] [بدان] امید دارند آواز می‌دهند که : « سلام بر شما . »

(الأعراف، ۴۶)

وَ إِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبُّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۴۷)

و چون چشمتان به سوی دوزخیان گردانیده شود ، می‌گویند : « پروردگارا ، ما را در زمره گروه ستمکاران قرار مده . »

(الأعراف، ۴۷)

وَ نَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَ مَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ (۴۸)

و اهل اعراف ، مردانی را که آنان را از سیمایشان می‌شناسند ، ندا می‌دهند [و] می‌گویند : « جمعیت شما و آن [همه] گردنکشی که می‌کردید ، به حال شما سودی نداشت . »

(الأعراف، ۴۸)

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَ لَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ (۴۹)

« آیا اینان همان کسان نبودند که سوگند یاد می‌کردید که خدا آنان را به رحمتی نخواهد رسانید ؟ » [اینک] به بهشت درآید . نه بیمی بر شماست و نه اندوهگین می‌شوید . »

(الأعراف، ۴۹)

وَ نَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهَا عَلَى الْكَافِرِينَ (۵۰)

و دوزخیان ، بهشتیان را آواز می‌دهند که : « از آن آب یا از آنچه خدا روزی شما کرده ، بر ما فرو ریزید . » می‌گویند : « خدا آنها را بر کافران حرام کرده است . »

(الأعراف، ۵۰)

الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَ لَعِبًا وَ غَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نُنَسِّأَهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَ مَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (۵۱)

همانان که دین خود را سرگرمی و بازی پنداشتند ، و زندگی دنیا مغرورشان کرد . پس همان گونه که آنان دیدار امروز خود را از یاد بردند ، و آیات ما را انکار می‌کردند ، ما [هم] امروز آنان را از یاد می‌بریم .

(الأعراف، ۵۱)

وَ لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَا عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَ رَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۵۲)

و در حقیقت ، ما برای آنان کتابی آوردیم که آن را از روی دانش ، روشن و شیوایش ساخته‌ایم ، و برای گروهی که ایمان می‌آورند هدایت و رحمتی است .

(الأعراف، ۵۲)

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلًا رَبِّنَا بِالْحَقِّ فُهِلْنَا مِنْ شَقَعَاءٍ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۵۳)

آیا [آنان] جز در انتظار تأویل آنند ؟ روزی که تأویلش فرا رسد ، کسانی که آن را پیش از آن به فراموشی سپرده‌اند می‌گویند : « حَقاً فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند . پس آیا [امروز] ما را شفاعتگرانی هست که برای ما شفاعت کنند یا [ممکن است به دنیا] بازگردانیده شویم ، تا غیر از آنچه انجام می‌دادیم انجام دهیم ؟ » به راستی که [آنان] به خویشتن زیان زدند ، و آنچه را به دروغ می‌ساختند از کف دادند .

(الأعراف، ۵۳)

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۵۴)

در حقیقت ، پروردگار شما آن خدایی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید ؛ سپس بر عرش [جهانداری] استیلا یافت . روز را به شب که شتابان آن را می‌طلبید می‌پوشاند ، و [نیز] خورشید و ماه و ستارگان را که به فرمان او رام شده‌اند [پدید آورد] . آگاه باش که [عالم] خلق و امر از آن اوست . فرخنده خدایی است پروردگار جهانیان .

(الأعراف، ۵۴)

ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يَحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (۵۵)

پروردگار خود را به زاری و نهانی بخوانید که او از حد گذرندگان را دوست نمی‌دارد .

(الأعراف، ۵۵)

وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (۵۶)

و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید ، و با بیم و امید او را بخوانید که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است .

(الأعراف، ۵۶)

وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا يُقَالُ لَبَدًا لَلْبَدِّ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۵۷)

و اوست که بادها را پیشاپیش [باران] رحمتش مژده‌رسان می‌فرستد ، تا آن گاه که ابرهای گرانبار را بردارند ، آن را به سوی سرزمینی مرده برانیم ، و از آن ، باران فرود آوریم ؛ و از هر گونه میوه‌ای [از خاک] برآوریم . بدینسان مردگان را [نیز از قبرها] خارج می‌سازیم ، باشد که شما متذکر شوید .

(الأعراف، ۵۷)

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبِثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا تَعْدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ (۵۸)

و زمین پاک [و آماده] ، گیاهش به اذن پروردگارش برمی‌آید ؛ و آن [زمینی] که ناپاک [و نامناسب] است [گیاهش] جز اندک و بی‌فایده بر نمی‌آید . این گونه ، آیات [خود] را برای گروهی که شکر می‌گزاردند ، گونه‌گون بیان می‌کنیم .

(الأعراف، ۵۸)

لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ عَظِيمٍ (۵۹)

همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم . پس گفت : « ای قوم من ، خدا را بپرستید که برای شما معبودی جز او نیست ، من از عذاب روزی سترگ بر شما بیمناکم . »

(الأعراف، ۵۹)

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۶۰)

سران قومش گفتند : « واقعاً ما تو را در گمراهی آشکاری می‌بینیم . »

(الأعراف، ۶۰)

قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۶۱)

گفت : « ای قوم من ، هیچ گونه گمراهی در من نیست ، بلکه من فرستاده‌ای از جانب پروردگار جهانیانم . »

(الأعراف، ۶۱)

أَتَلْعَبَكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۶۲)

پیامهای پروردگارم را به شما می‌رسانم و اندرزتان می‌دهم و چیزهایی از خدا می‌دانم که [شما] نمی‌دانید .

(الأعراف، ۶۲)

أَوْ عَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَ لِتُنقُوا وَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۶۳)

آیا تعجب کردید که بر مردی از خودتان ، پندی از جانب پروردگارتان برای شما آمده تا شما را بیم دهد و تا شما پرهیزگاری کنید و باشد که مورد رحمت قرار گیرید ؟

(الأعراف، ۶۳)

فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَ الَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَ أَعْرَفْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ (۶۴)

پس او را تکذیب کردند ، و ما او و کسانی را که با وی در کشتی بودند نجات دادیم ؛ و کسانی را که آیات ما را دروغ پنداشتند غرق کردیم ، زیرا آنان گروهی کور [دل] بودند .

(الأعراف، ۶۴)

وَ إِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَ فَلَآ تَتَّقُونَ (۶۵)

و به سوی عاد ، برادرشان هود را [فرستادیم] ؛ گفت : « ای قوم من ، خدا را بپرستید که برای شما معبودی جز او نیست ، پس آیا پرهیزگاری نمی‌کنید ؟ »

(الأعراف، ۶۵)

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَ إِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (۶۶)

سران قومش که کافر بودند گفتند : « در حقیقت ، ما تو را در [نوعی] سفاهت می‌بینیم و جداً تو را از دروغگویان می‌پنداریم . »

(الأعراف، ۶۶)

قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَ لَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۶۷)

گفت : « ای قوم من ، در من سفاهتی نیست ، ولی من فرستاده‌ای از جانب پروردگار جهانیانم . »

(الأعراف، ۶۷)

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَ أَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ (۶۸)

پیامهای پروردگارم را به شما می‌رسانم و برای شما خیرخواهی امینم .

(الأعراف، ۶۸)

أَوْ عَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَ أذكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَ زَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ (۶۹)

آیا تعجب کردید که بر مردی از خودتان ، پندی از جانب پروردگارتان برای شما آمده تا شما را هشدار دهد ؟ و به خاطر آورید زمانی را که [خداوند] شما را پس از قوم نوح ، جانشینان [آنان] قرار داد ، و در خلقت ، بر قوت شما افزود . پس نعمتهای خدا را به یاد آورید ، باشد که رستگار شوید .

(الأعراف، ۶۹)

قَالُوا أَوْ جِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَ نَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۷۰)

گفتند : « آیا به سوی ما آمده‌ای که تنها خدا را بپرستیم و آنچه را که پدرانمان می‌پرستیدند رها کنیم ؟ اگر راست می‌گویی ، آنچه را به ما وعده می‌دهی برای ما بیاور . »

(الأعراف، ۷۰)

قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَ غَضَبٌ أَ تَجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءِ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ (۷۱)

گفت : « راستی که عذاب و خشمی [سخت] از پروردگارتان بر شما مقرر گردیده است . آیا درباره نامهایی که خود و پدرانتان [برای بتها] نامگذاری کرده‌اید ، و خدا بر [حقانیت] آنها برهانی فرو نرسانده با من مجادله می‌کنید ؟ پس منتظر باشید که من [هم] با شما از منتظرانم . »

(الأعراف، ۷۱)

فَأَنْجَيْنَاهُ وَ الَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَ قَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ مَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ (۷۲)

پس او و کسانی را که با او بودند به رحمتی از خود رهانیدیم ؛ و کسانی را که آیات ما را دروغ شمردند و مؤمن نبودند ریشه‌کن کردیم .

(الأعراف، ۷۲)

وَ إِنِّي تَمُودُ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذُرُّوهَا تَأْكُلُ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَ لَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ (۷۳)

و به سوی [قوم] نمود ، صالح ، برادرشان را [فرستادیم] ؛ گفت : « ای قوم من ، خدا را بپرستید ، برای شما معبودی جز او نیست ؛ در حقیقت ، برای شما از جانب پروردگارتان دلیلی آشکار آمده است . این ، ماده شتر خدا برای شماست که پدیده‌ای شگرف است . پس آن را بگذارید تا در زمین خدا بخورد و گزندی به او نرسانید تا [مبادا] شما را عذابی دردناک فرو گیرد .

(الأعراف، ۷۳)

وَ اذْكُرُوا اِذْ جَعَلْنَا خُلَفَاءَ مِنْ بَنِي عَادٍ وَ يُوَاكُم فِي الْاَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سَهْوِهَا قُصُورًا وَ تَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا الْاِثْمَ الَّذِي كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ فِي الْاَرْضِ مُفْسِدِينَ (۷۴)

و به یاد آورید هنگامی را که شما را پس از [قوم] عاد جانشینان [آنان] گردانید ، و در زمین به شما جای [مناسب] داد . در دشتهای آن [برای خود] کاخهایی اختیار می کردید ، و از کوه‌ها خانه‌هایی [زمستانی] می‌تراشیدید . پس نعمتهای خدا را به یاد آورید و در زمین سر به فساد برمدارید . «

(الأعراف، ۷۴)

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِي اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ اَتَعْلَمُونَ اَنْ صَالِحًا مَرْسَلًا مِنْ رَبِّهِ قَالُوا اِنَّا بِمَا اُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ (۷۵)

سران قوم او که استکبار می‌ورزیدند ، به مستضعفانی که ایمان آورده بودند ، گفتند : « آیا می‌دانید که صالح از طرف پروردگارش فرستاده شده است ؟ » گفتند : « بی‌تردید ، ما به آنچه وی بدان رسالت یافته است مؤمنیم . «

(الأعراف، ۷۵)

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا اِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (۷۶)

کسانی که استکبار می‌ورزیدند ، گفتند : « ما به آنچه شما بدان ایمان آورده‌اید کافریم . «

(الأعراف، ۷۶)

فَعَزَّوْا النَّاقَةَ وَ عَصَوْا عَنْ اَمْرِ رَبِّهِمْ وَ قَالُوا يَا صَالِحُ اِنْتَنَا بِمَا تَعْبُدُنَا اِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ (۷۷)

پس آن ماده شتر را پی کردند و از فرمان پروردگار خود سرپیچیدند و گفتند : « ای صالح ، اگر از پیامبرانی ، آنچه را به ما وعده می‌دهی برای ما بیاور . «

(الأعراف، ۷۷)

فَاخَذَتْهُمْ الرِّجْفَةُ فَاصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ (۷۸)

آن گاه زمین‌لرزه آنان را فرو گرفت و در خانه‌هایشان از پا درآمدند .

(الأعراف، ۷۸)

فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَ قَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ اَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَ نَصَحْتُ لَكُمْ وَ لَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ (۷۹)

پس [صالح] از ایشان روی برتافت و گفت : « ای قوم من ، به راستی ، من پیام پروردگارم را به شما رساندم و خیر شما را خواستم ولی شما خیرخواهان [و نصیحتگران] را دوست نمی‌دارید . «

(الأعراف، ۷۹)

وَ لَوْطًا اِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اَتَاتُونِي الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ اَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ (۸۰)

و لوط را [فرستادیم] هنگامی که به قوم خود گفت : « آیا آن کار زشت [ی] را مرتکب می‌شوید ، که هیچ کس از جهانیان در آن بر شما پیشی نگرفته است ؟

(الأعراف، ۸۰)

اِنَّكُمْ لَتَاتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ اَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ (۸۱)

شما از روی شهوت ، به جای زنان با مردان درمی‌آمیزید ، آری ، شما گروهی تجاوزکارید . «

(الأعراف، ۸۱)

وَ مَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ اِلَّا اَنْ قَالُوا اَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ اِنَّهُمْ اَنْسَابُ بَنِي اَدَمَ بَنِي اَدَمَ بَنِي اَدَمَ (۸۲)

ولی پاسخ قومش جز این نبود که گفتند : « آنان را از شهرتان بیرون کنید ، زیرا آنان کسانی‌اند که به پاک‌تظاهر می‌کنند . «

(الأعراف، ۸۲)

فَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ آلِ اِبْرَاهِيمَ اَوْلِيَاءَ اِنَّهُمْ كَانَتُمْ اَعْيُنًا لَا تَعْقِلُونَ (۸۳)

پس او و خانواده‌اش را غیر از زنش که از زمره باقیماندهگان [در خاکستر مواد گوگردی] بود نجات دادیم .

(الأعراف، ۸۳)

وَ أَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَأَنْظَرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ (۸۴)

و بر سر آنان بارشی [از مواد گوگردی] بارانیدیم . پس ببین فرجام گنهکاران چسان بود .

(الأعراف، ۸۴)

وَ إِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۸۵)

و به سوی [مردم] مدین ، برادرشان شعیب را [فرستادیم] ؛ گفت : « ای قوم من ، خدا را بپرستید که برای شما هیچ معبودی جز او نیست . در حقیقت ، شما را از جانب پروردگارتان برهانی روشن آمده است . پس پیمانته و ترازو را تمام نهید ، و اموال مردم را کم مدهید ، و در زمین ، پس از اصلاح آن فساد مکنید . این [رهنمودها] اگر مؤمنید برای شما بهتر است .

(الأعراف، ۸۵)

وَ لَا تَفْعَلُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَ تَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ تَبْغُوهَا عِوَجًا وَ انكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرَكُمْ وَ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (۸۶)

و بر سر هر راهی منشنید که [مردم را] بترسانید و کسی را که ایمان به خدا آورده از راه خدا باز دارید و راه او را کج بخواهید ؛ و به یاد آورید هنگامی را که اندک بودید ، پس شما را بسیار گردانید ، و بنگرید که فرجام فسادکاران چگونه بوده است .

(الأعراف، ۸۶)

وَ إِنْ كَانَ طَائِفَةٌ مِنْكُمْ آمَنُوا بِالَّذِي أُزِيلَتْ بِهِ وَ طَائِفَةٌ لَمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ (۸۷)

و اگر گروهی از شما به آنچه من بدان فرستاده شده‌ام ایمان آورده و گروه دیگر ایمان نیاورده‌اند ، صبر کنید تا خدا میان ما داوری کند [که] او بهترین داوران است .

(الأعراف، ۸۷)

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيِنَا أَوْ نَتَّعِدَنَّ فِي مَلْتِنَا قَالَ أَوْ لَوْ كُنَّا كَارِهِينَ (۸۸)

سران قومش که تکبر می‌ورزیدند ، گفتند : « ای شعیب ، یا تو و کسانی را که با تو ایمان آورده‌اند ، از شهر خودمان بیرون خواهیم کرد ؛ یا به کیش ما برگردید . » گفت : « آیا هر چند کراهت داشته باشیم ؟

(الأعراف، ۸۸)

قَدْ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِدْجَانِنَا اللَّهُ مِنْهَا وَ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَضَاءَ اللَّهُ رَبَّنَا وَسِعَ رَبَّنَا كُلَّ شَيْءٍ عَلِيمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ (۸۹)

اگر بعد از آنکه خدا ما را از آن نجات بخشیده [باز] به کیش شما برگردیم ، در حقیقت به خدا دروغ بسته‌ایم ؛ و ما را سزاوار نیست که به آن بازگردیم ، مگر آنکه خدا ، پروردگار ما بخواهد . [که] پروردگار ما از نظر دانش بر هر چیزی احاطه دارد . بر خدا توکل کرده‌ایم . بار پروردگارا ، میان ما و قوم ما به حق داوری کن که تو بهترین داورانی .

(الأعراف، ۸۹)

وَ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَننَّابِتَعَنَّكُمْ شُعَيْبًا إِنْ كُنْتُمْ إِذًا لَخَاسِرُونَ (۹۰)

و سران قومش که کافر بودند گفتند : « اگر از شعیب پیروی کنید ، در این صورت قطعاً زیانکارید . »

(الأعراف، ۹۰)

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ (۹۱)

پس زمین‌لرزه آنان را فرو گرفت ، و در خانه‌هایشان از پا درآمدند .

(الأعراف، ۹۱)

الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَأَن لَّمْ يَغْتُوا فِيهَا الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَانُوا هُمُ الْخَاسِرِينَ (۹۲)

کسانی که شعیب را تکذیب کرده بودند ، گویی خود در آن [دیار] سکونت نداشتند . کسانی که شعیب را تکذیب کرده بودند ، خود ، همان زیانکاران بودند .

(الأعراف، ۹۲)

فَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَ نَصَحْتُ لَكُمْ فَخَيْفَ آسَىٰ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ (۹۳)

پس [شعيب] از ايشان روی برتافت و گفت : « ای قوم من ، به راستی که پیامهای پروردگارم را به شما رسانیدم و پندتان دادم ؛ دیگر چگونه بر گروهی که کافرند دریغ بخورم ؟ »

(الأعراف، ۹۳)

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّغُونَ (۹۴)

و در هیچ شهری ، پیامبری نفرستادیم مگر آنکه مردمش را به سختی و رنج دچار کردیم تا مگر به زاری درآیند .

(الأعراف، ۹۴)

ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۹۵)

آن گاه به جای بدی [بلا] ، نیکی [نعمت] قرار دادیم تا انبوه شدند و گفتند : « پدران ما را [هم مسلماً به حکم طبیعت] رنج و راحت می‌رسیده است . » پس در حالی که بی‌خبر بودند بناگاه [گریبان] آنان را گرفتیم .

(الأعراف، ۹۵)

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۹۶)

و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند ، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم ، ولی تکذیب کردند ؛ پس به [کيفر] دستاوردهشان [گریبان] آنان را گرفتیم .

(الأعراف، ۹۶)

أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَ هُمْ نَائِمُونَ (۹۷)

آیا ساکنان شهرها ایمن شده‌اند از اینکه عذاب ما شامگاهان در حالی که به خواب فرو رفته‌اند به آنان برسد ؟

(الأعراف، ۹۷)

أَوْ أَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَ هُمْ يَلْعَبُونَ (۹۸)

و آیا ساکنان شهرها ایمن شده‌اند از اینکه عذاب ما نیمروز در حالی که به بازی سرگرمند به ايشان در رسد ؟

(الأعراف، ۹۸)

أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ (۹۹)

آیا از مکر خدا خود را ایمن دانستند ؟ [با آنکه] جز مردم زیانکار [کسی] خود را از مکر خدا ایمن نمی‌داند .

(الأعراف، ۹۹)

أَوْ لَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ أَهْلِهَا أَنْ لَوْ نَشَاءُ أَصْبَغْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَ نَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (۱۰۰)

مگر برای کسانی که زمین را پس از ساکنان [پیشین] آن به ارث می‌برند ، باز ننموده است که اگر می‌خواستیم آنان را به [کيفر] گناهانشان می‌رساندیم و بر دل‌هایشان مهر می‌نهادیم تا دیگر نشنوند .

(الأعراف، ۱۰۰)

تِلْكَ الْقُرَىٰ نَقِصُ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِهَا وَ لَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِنْ قَبْلُ كَذَّبَتْكَ عَلَىٰ قُلُوبِ الْكَافِرِينَ (۱۰۱)

این شهرهاست که برخی از خبرهای آن را بر تو حکایت می‌کنیم . در حقیقت ، پیامبرانشان دلایل روشن برایشان آوردند . اما آنان به آنچه قبلاً تکذیب کرده بودند [باز] ایمان نمی‌آوردند . این گونه خدا بر دل‌های کافران مهر می‌نهد .

(الأعراف، ۱۰۱)

وَ مَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَ إِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ (۱۰۲)

و در بیشتر آنان عهدی [استوار] نیافتیم و بیشترشان را جداً نافرمان یافتیم .

(الأعراف، ۱۰۲)

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلِيهِ فظَلَمُوا بِهَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (۱۰۳)

آن گاه بعد از آنان ، موسی را با آیات خود به سوی فرعون و سران قومش فرستادیم . ولی آنها به آن [آیات] کفر ورزیدند . پس ببین فرجام مفسدان چگونه بود .

(الأعراف، ۱۰۳)

وَ قَالَ مُوسَىٰ يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۰۴)

و موسی گفت: « ای فرعون، بی‌تردید، من پیامبری از سوی پروردگار جهانیانم. »

(الأعراف، ۱۰۴)

حَقِيقٌ عَلَىٰ أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَرْسَلْنَا مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ (۱۰۵)

شایسته است که بر خدا جز [سخن] حق نگویم. من در حقیقت دلیلی روشن از سوی پروردگارتان برای شما آورده‌ام، پس فرزندان اسرائیل را همراه من بفرست. »

(الأعراف، ۱۰۵)

قَالَ إِنَّ كُنْتَ جَنَّتَ بَابَةِ فَأْتِ بِهَا إِنَّ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۱۰۶)

[فرعون] گفت: « اگر معجزه‌ای آورده‌ای، پس اگر راست می‌گویی آن را ارانه بده. »

(الأعراف، ۱۰۶)

فَأَلْفَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُبِينٌ (۱۰۷)

پس [موسی] عصایش را افکند و بناگاه اژدهایی آشکار شد.

(الأعراف، ۱۰۷)

وَ نَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّظِيرِينَ (۱۰۸)

و دست خود را [از گریبان] بیرون کشید و ناگهان برای تماشاگران سپید [و درخشان] بود.

(الأعراف، ۱۰۸)

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ (۱۰۹)

سران قوم فرعون گفتند: « بی‌شک، این [مرد] ساحری داناست.

(الأعراف، ۱۰۹)

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ (۱۱۰)

می‌خواهد شما را از سرزمینتان بیرون کند. پس چه دستور می‌دهید؟ »

(الأعراف، ۱۱۰)

قَالُوا أَرْجَاهُ وَ أَخَاهُ وَ أَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ (۱۱۱)

گفتند: « او و برادرش را بازداشت کن، و گردآورندگانی را به شهرها بفرست.

(الأعراف، ۱۱۱)

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ (۱۱۲)

تا هر ساحر دانایی را نزد تو آرند. »

(الأعراف، ۱۱۲)

وَ جَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِنَّا كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ (۱۱۳)

و ساحران نزد فرعون آمدند [و] گفتند: « [آری] اگر ما پیروز شویم برای ما پاداشی خواهد بود؟ »

(الأعراف، ۱۱۳)

قَالَ نَعَمْ وَ إِنَّا لَمِنَ الْمُقْرَبِينَ (۱۱۴)

گفت: « آری، و مسلماً شما از مقربان [دربار من] خواهید بود. »

(الأعراف، ۱۱۴)

قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ نُحْنُ الْمُتَلَقِينَ (۱۱۵)

گفتند : « ای موسی ، آیا تو می‌افکنی و یا اینکه ما می‌افکنیم ؟ »

(الأعراف، ۱۱۵)

قَالَ لَأَقُودَ فُلْمًا لَأَقُودَ سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرِ عَظِيمٍ (۱۱۶)

گفت : « شما بیفکنید . » و چون افکندند ، دیدگان مردم را افسون کردند و آنان را به ترس انداختند و سحری بزرگ در میان آوردند .

(الأعراف، ۱۱۶)

وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ (۱۱۷)

و به موسی وحی کردیم که : « عصایت را بینداز » ; پس [انداخت و اژدها شد] و ناگهان آنچه را به دروغ ساخته بودند فرو بلعید .

(الأعراف، ۱۱۷)

فَوَقَعَ الْحَقُّ وَ بَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۱۸)

پس حقیقت آشکار گردید و کارهایی که می‌کردند باطل شد .

(الأعراف، ۱۱۸)

فَغَلَبُوا هَمَالِكَ وَ انْقَلَبُوا صَاغِرِينَ (۱۱۹)

و در آنجا مغلوب و خوار گردیدند .

(الأعراف، ۱۱۹)

وَ أَلْقَى السَّحَرَةَ سَاجِدِينَ (۱۲۰)

و ساحران به سجده درافتادند .

(الأعراف، ۱۲۰)

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۲۱)

[و] گفتند : « به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم ،

(الأعراف، ۱۲۱)

رَبِّ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ (۱۲۲)

پروردگار موسی و هارون . »

(الأعراف، ۱۲۲)

قَالَ فِرْعَوْنُ ائْتِنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آتِنَّا لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَكْرَتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (۱۲۳)

فرعون گفت : « آیا پیش از آنکه به شما رخصت دهم ، به او ایمان آوردید ؟ قطعاً این نیرنگی است که در شهر به راه انداخته‌اید تا مردمش را از آن بیرون کنید . پس به زودی خواهید دانست .

(الأعراف، ۱۲۳)

لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَ أَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ ثُمَّ لَأَضَعَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ (۱۲۴)

دستها و پاهایتان را یکی از چپ و یکی از راست خواهم برید سپس همه شما را به دار خواهم آویخت . »

(الأعراف، ۱۲۴)

قَالُوا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُقْتَلُونَ (۱۲۵)

گفتند : « ما به سوی پروردگارانمان بازخواهیم گشت .

(الأعراف، ۱۲۵)

وَمَا تَنْقَمُ مِنْهَا إِلَّا أَنْ أَمَّا بآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَوَقَّنَا مُسْلِمِينَ (۱۲۶)

و تو جز برای این ما را به کیفر نمی‌رسانی که ما به معجزات پروردگارمان وقتی برای ما آمد ایمان آوردیم . پروردگارا ، بر ما شکیبایی فرو ریز و ما را مسلمان بمیران . «
(الأعراف، ۱۲۶)

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَ تَنْذُرُ مُوسَىٰ وَ قَوْمَهُ لِيَفْسُدُوا فِي الْأَرْضِ وَ يَذُرُوا وَ الْهَيْكَلِ قَالَ سَتَقْبَلُونَ أَتْنَاءَهُمْ وَ تَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَ إِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ (۱۲۷)

و سران قوم فرعون گفتند : « آیا موسی و قومش را رها می‌کنی تا در این سرزمین فساد کنند و [موسی] تو و خدایانت را رها کند ؟ » [فرعون] گفت : « بزودی پسرانشان را می‌کشیم و زناشان را زنده نگاه می‌داریم ، و ما بر آنان مسلطیم . »
(الأعراف، ۱۲۷)

قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَ اصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (۱۲۸)

موسی به قوم خود گفت : « از خدا یاری جویید و پایداری ورزید ، که زمین از آن خداست ؛ آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می‌دهد ؛ و فرجام [نیک] برای پرهیزگاران است . »
(الأعراف، ۱۲۸)

قَالُوا أَوَدِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَ مِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَهْلِكَ عِدْوُكُمْ وَ يَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ (۱۲۹)

[قوم موسی] گفتند : « پیش از آنکه تو نزد ما بیایی و [حتی] بعد از آنکه به سوی ما آمدی مورد آزار قرار گرفتیم . » گفت : « امید است که پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند و شما را روی زمین جانشین [آنان] سازد ؛ آن گاه بنگرد تا چگونه عمل می‌کنید . »
(الأعراف، ۱۲۹)

وَ لَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَ نَقْصِ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۱۳۰)

و در حقیقت ، ما فرعونیان را به خشکسالی و کمبود محصولات دچار کردیم باشد که عبرت گیرند .
(الأعراف، ۱۳۰)

فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحُسْنَىٰ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَ إِذَا تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ وَ مَنْ مَعَهُ إِلَّا إِنَّمَا يَطَّيَّرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۱۳۱)

پس هنگامی که نیکی [و نعمت] به آنان روی می‌آورد می‌گفتند : « این برای [شایستگی] خود ماست » و چون گزندی به آنان می‌رسید ، به موسی و همراهانش شگون بد می‌زدند . آگاه باشید که [سرچشمه] بدشگونی آنان تنها نزد خداست [که آنان را به بدی اعمالشان کیفر می‌دهد] ، لیکن بیشترشان نمی‌دانستند .
(الأعراف، ۱۳۱)

وَ قَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لِنَسْحَرَنَّا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ (۱۳۲)

و گفتند : « هر گونه پدیده شگرفی که به وسیله آن ما را افسون کنی برای ما بیاوری ، ما به تو ایمان آورنده نیستیم . »
(الأعراف، ۱۳۲)

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَ الْجَرَادَ وَ الْقُمَّلَ وَ الضَّفَادِعَ وَ الدَّمَ آيَاتٍ مُفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَ كَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ (۱۳۳)

پس بر آنان طوفان و ملخ و کنه ریز و غوکها و خون را به صورت نشانه‌هایی آشکار فرستادیم و باز سرکشی کردند و گروهی بدکار بودند .
(الأعراف، ۱۳۳)

وَ لَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَىٰ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لَنْ كُنْفَعَكَ عَنَّا الرَّجْزُ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَ نُنَزِّلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ (۱۳۴)

و هنگامی که عذاب بر آنان فرود آمد ، گفتند : « ای موسی ، پروردگارت را به عهده‌ی که نزد تو دارد برای ما بخوان ، اگر این عذاب را از ما برطرف کنی حتماً به تو ایمان خواهیم آورد و بنی اسرائیل را قطعاً با تو روانه خواهیم ساخت . »
(الأعراف، ۱۳۴)

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرِّجْزَ إِلَىٰ أَجَلٍ هُمْ بِالْيُؤْفَاءِ إِذَا هُمْ يَنْكُتُونَ (۱۳۵)

و چون عذاب را تا سررسیدی که آنان بدان رسیدند از آنها برداشتیم باز هم پیمان‌شکنی کردند .
(الأعراف، ۱۳۵)

فَاتَّقَمْنَا مِنْهُمُ فَأَعْرَفْنَاهُمْ فِي النَّبِيِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ كَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ (۱۳۶)

سرانجام از آنان انتقام گرفتیم و در دریا غرقشان ساختیم ، چرا که آیات ما را تکذیب کردند و از آنها غافل بودند .

(الأعراف، ۱۳۶)

وَ أَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ الْخُسْنَى عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَ دَمَرْنَا مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ فِرْعَوْنَ وَ قَوْمَهُ وَ مَا كَانُوا يَعْرِشُونَ (۱۳۷)

و به آن گروهی که پیوسته تضعیف می‌شدند ، [بخشهای] باختر و خاوری سرزمین [فلسطین] را که در آن برکت قرار داده بودیم به میراث عطا کردیم . و به پاس آنکه صبر کردند ، وعده نیکی پروردگارت به فرزندان اسرانیل تحقق یافت ، و آنچه را که فرعون و قومش ساخته و افراشته بودند ویران کردیم .

(الأعراف، ۱۳۷)

وَ جَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَىٰ قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَىٰ أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَىٰ اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (۱۳۸)

و فرزندان اسرانیل را از دریا گذراندیم . تا به قومی رسیدند که بر [پرستش] بت‌های خویش همت می‌گماشتند . گفتند : « ای موسی ، همان گونه که برای آنان خدایانی است ، برای ما [نیز] خدایی قرار ده . » گفت : « راستی شما گروهی هستید که نادانی می‌کنید . »

(الأعراف، ۱۳۸)

إِنَّ هُوَ لَوْلَاءَ مُتَّبِعٌ مَا هُمْ فِيهِ وَ بَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۳۹)

در حقیقت ، آنچه ایشان در آند نابود [و زایل] و آنچه انجام می‌دادند باطل است .

(الأعراف، ۱۳۹)

قَالَ أَعَزَّ اللَّهُ أَنْبِغِخُمْ إِلَهًا وَ هُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (۱۴۰)

گفت : « آیا غیر از خدا معبودی برای شما بجویم ، با اینکه او شما را بر جهانیان برتری داده است ؟ »

(الأعراف، ۱۴۰)

وَ إِذْ أَنْجَيْنَاكَ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكَ سُوءَ الْعَذَابِ يُقْتَلُونَ أَبْنَاءَكَ وَ يَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكَ وَ فِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكَ عَظِيمٌ (۱۴۱)

و [یاد کن] هنگامی که را که شما را از فرعونیان نجات دادیم که شما را سخت شکنجه می‌کردند : پسرانتان را می‌کشتند و زنانتان را زنده باقی می‌گذاشتند و در این ، برای شما آزمایش بزرگی از جانب پروردگارتان بود .

(الأعراف، ۱۴۱)

وَ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَ أَنْمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتٍ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَ قَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَ اصْلِحْ وَ لَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ (۱۴۲)

و با موسی ، سی شب وعده گذاشتیم و آن را با ده شب دیگر تمام کردیم . تا آنکه وقت معین پروردگارش در چهل شب به سر آمد . و موسی [هنگام رفتن به کوه طور] به برادرش هارون گفت : « در میان قوم من جانشینم باش ، و [کار آنان را] اصلاح کن ، و راه فسادگران را پیروی مکن . »

(الأعراف، ۱۴۲)

وَ لَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَ كَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَاكَ وَ لَكِنْ أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ (۱۴۳)

و چون موسی به میعاد ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت ، عرض کرد : « پروردگارا ، خود را به من بنمای تا بر تو بنگرم . » فرمود : « هرگز مرا نخواهی دید ، لیکن به کوه بنگر ؛ پس اگر بر جای خود قرار گرفت به زودی مرا خواهی دید . » پس چون پروردگارش به کوه جلوه نمود ، آن را ریز ریز ساخت ، و موسی بیهوش بر زمین افتاد ، و چون به خود آمد ، گفت : « تو منزهی ! به درگاهت توبه کردم و من نخستین مؤمنانم . »

(الأعراف، ۱۴۳)

قَالَ يَا مُوسَىٰ إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَ بِكَلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ (۱۴۴)

فرمود : « ای موسی ، تو را با رسالتها و با سخن گفتنم [با تو] ، بر مردم [روزگار] برگزیدم ؛ پس آنچه را به تو دادم بگیر و از سپاسگزاران باش . »

(الأعراف، ۱۴۴)

وَ كَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَنْوَاحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَ تَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَ أْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ (۱۴۵)

و در الواح [تورات] برای او در هر موردی پندی ، و برای هر چیزی تفصیلی نگاشتیم ، پس [فرمودیم :] « آن را به جد و جهد بگیر و قوم خود را وادار کن که بهترین آن را فرا گیرند ، به زودی سرای نافرمانان را به شما می‌نمایم . »

(الأعراف، ۱۴۵)

سَأَصْرَفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كَلِمَةَ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الغَىِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ (١٤٦)

به زودی کسانی را که در زمین ، بناحق تکبر می‌ورزند ، از آیاتم رویگردان سازم [به طوری که] اگر هر نشانه‌ای را [از قدرت من] بنگرند ، بدان ایمان نیاورند ، و اگر راه صواب را ببینند آن را برنگزینند ، و اگر راه گمراهی را ببینند آن را راه خود قرار دهند . این بدان سبب است که آنان آیات ما را دروغ انگاشتند و غفلت ورزیدند .

(الأعراف، ١٤٦)

وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ لِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (١٤٧)

و کسانی که آیات ما و دیدار آخرت را دروغ پنداشتند ، اعمالشان تباه شده است . آیا جز در برابر آنچه می‌کردند کیفر می‌بینند ؟

(الأعراف، ١٤٧)

وَ اتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ خَلْقِهِمْ عَجَلًا جَدًّا لَهُ خَوَارٌ أَمْ يَرَوْنَ أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَ لَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوا وَ كَانُوا ظَالِمِينَ (١٤٨)

و قوم موسی پس از [عزیمت] او ، از زیورهای خود مجسمه گوساله‌ای برای خود ساختند که صدای گاو داشت . آیا ندیدند که آن [گوساله] با ایشان سخن نمی‌گوید و راهی بدانها نمی‌نماید ؟ آن را [به پرستش] گرفتند و ستمکار بودند .

(الأعراف، ١٤٨)

وَ لَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَ رَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لئن لَمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَ يُعْفِرْ لَنَا لَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (١٤٩)

و چون انگشت ندامت گزیدند و دانستند که واقعاً گمراه شده‌اند گفتند : « اگر پروردگار ما به ما رحم نکند و ما را نبخشاید قطعاً از زیانکاران خواهیم بود . »

(الأعراف، ١٤٩)

وَ لَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعْجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَ أَلْقَى الْأَلْوَاحَ وَ اتَّخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي وَ كَادُوا يَكْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَ لَا تُجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (١٥٠)

و چون موسی ، خشمناک و اندوهگین به سوی قوم خود بازگشت ، گفت : « پس از من چه بد جانشینی برای من بودید ! آیا بر فرمان پروردگارتان پیشی گرفتید ؟ و الواح را افکند و [موسی] سر برادرش را گرفت و او را به طرف خود کشید . [هارون] گفت : « ای فرزند مادرم ، این قوم ، مرا ناتوان یافتند و چیزی نمادند بود که مرا بکشند ؛ پس مرا دشمن‌شاد مکن و مرا در شمار گروه ستمکاران قرار مده . »

(الأعراف، ١٥٠)

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِأَخِي وَ ادْخُلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (١٥١)

[موسی] گفت : « پروردگارا ، من و برادرم را ببامرز و ما را در [پناه] رحمت خود درآور ، و تو مهربانترین مهربانانی . »

(الأعراف، ١٥١)

إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْجِبِلَّ سِنَانَهُمْ غَضِبَ مِنْ رَبِّهِمْ وَ ذَلَّةً فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ (١٥٢)

آری ، کسانی که گوساله را [به پرستش] گرفتند ، به زودی خشمی از پروردگارشان و ذلّتی در زندگی دنیا به ایشان خواهد رسید ؛ و ما این گونه ، دروغ‌پردازان را کیفر می‌دهیم .

(الأعراف، ١٥٢)

وَ الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَ آمَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَعَفُورٌ رَحِيمٌ (١٥٣)

و [لی] کسانی که مرتکب گناهان شدند ، آن گاه توبه کردند و ایمان آوردند ، قطعاً پروردگار تو پس از آن آمرزنده مهربان خواهد بود .

(الأعراف، ١٥٣)

وَ لَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبَ أَخَذَ الْأَلْوَاحَ وَ فِي نُسَخَتِهَا هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ (١٥٤)

و چون خشم موسی فرو نشست ، الواح را برگرفت ؛ و در رونویس آن ، برای کسانی که از پروردگارشان بیمناک بودند ، هدایت و رحمتی بود .

(الأعراف، ١٥٤)

وَ اخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلِ وَ إِيَّايَ أَ تَهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ أَنْتَ وَ لِيُنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ (١٥٥)

و موسی از میان قوم خود هفتاد مرد برای میعاد ما برگزید ، و چون زلزله ، آنان را فرو گرفت ، گفت : « پروردگارا ، اگر میخواستی ، آنان را و مرا پیش از این هلاک میساختی . آیا ما را به [سزای] آنچه کمخردان ما کرده‌اند هلاک می‌کنی ؟ این جز آزمایش تو نیست ؛ هر که را بخواهی به وسیله آن گمراه و هر که را بخواهی هدایت می‌کنی ؛ تو سرور مایی ؛ پس ما را بیمارز و به ما رحم کن ، و تو بهترین آمرزندگانی . »

(الأعراف، ۱۵۵)

وَ اَكْتُبْنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ اِنَّا هٰذَا لَإِنۡكَ قَال عَذَابِيۡ اَصۡبَبَ بِهٖ مِّنۡ اَشۡءَا وَ رَحْمَتِيۡ وَسِعَتْ كُلَّ شَیْءٍ فَسَاكُنۡبَهَا لِلَّذِيۡنَ يُقۡفَوۡنَ وَ يُؤۡتَوۡنَ الرِّزۡقَا وَ الَّذِيۡنَ هُمۡ بِآيَاتِنَا يُؤۡمِنُوۡنَ (۱۵۶)

« و برای ما در این دنیا نیکی مقرر فرما و در آخرت [نیز] ، زیرا که ما به سوی تو بازگشته‌ایم . » فرمود : « عذاب خود را به هر کس بخواهم می‌رسانم ، و رحمت همه چیز را فرا گرفته است ؛ و به زودی آن را برای کسانی که پرهیزگاری می‌کنند و زکات می‌دهند و آنان که به آیات ما ایمان می‌آورند ، مقرر می‌دارم . »

(الأعراف، ۱۵۶)

الَّذِيۡنَ يَتَّبِعُوۡنَ الرَّسُوۡلَ النَّبِيَّۙ اُمۡمِيۡ الَّذِيۡ يَجِدُوۡنَهٗ مَكْتُوبًا عِنۡدَهُمۡ فِي التَّوۡرَاةِ وَ الْاِنۡجِيۡلِ بِاَمۡرِهِمۡ بِالْمَعۡرُوۡفِ وَ يَنْهَاهُمۡ عَنِ الْمُنۡكَرِ وَ يَحِلُّ لَهِمۡ الطَّيِّبَاتِ وَ يَحَرَّمَ عَلَيۡهِمُ الْخَبَاثٰتِ وَ يَضَعُ عَلَيۡهِمۡ اِصۡرَهُمۡ وَ الْاَعۡلَانَ الَّتِيۡ كَانَتۡ عَلَيۡهِمۡ فَاَلَّذِيۡنَ اٰمَنُوۡا بِهٖ وَ عَزَّوۡهُ وَ تَصَرَّوۡهُ وَ اتَّبَعُوا النُّوۡرَ الَّذِيۡ اُنۡزِلَ مَعَهُۥ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفۡلِحُوۡنَ (۱۵۷)

همانان که از این فرستاده ، پیامبر درس نخوانده که [نام] او را نزد خود ، در تورات و انجیل نوشته می‌یابند پیروی می‌کنند ؛ [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد ، و از کار ناپسند باز می‌دارد ، و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می‌گرداند ، و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی‌دارد . پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یرایش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند ، آنان همان رستگارانند .

(الأعراف، ۱۵۷)

قُلۡ يَاۤ اَيُّهَا النَّاسُ اِنِّيۡ رَسُوۡلُ اللّٰهِ اِلَيْكُمۡ جَمِيۡعًا الَّذِيۡ لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ يُحۡيِيۡ وَ يُمِيۡتُ فَاٰمِنُوۡا بِاللّٰهِ وَ رَسُوۡلِهٖ النَّبِيَّۙ اُمۡمِيۡ الَّذِيۡ يُؤۡمِنُ بِاللّٰهِ وَ كَلِمَاتِهٖ وَ اتَّبِعُوۡهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُوۡنَ (۱۵۸)

بگو : « ای مردم ، من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم ، همان [خدایی] که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست . هیچ معبودی جز او نیست ؛ که زنده می‌کند و می‌میراند . پس به خدا و فرستاده او که پیامبر درس‌نخوانده‌ای است که به خدا و کلمات او ایمان دارد بگروید و او را پیروی کنید ، امید که هدایت شوید . »

(الأعراف، ۱۵۸)

وَ مِّنۡ قَدَمِۭ مُوسَىۙ اَمَةً يَّهۡدُوۡنَ بِالْحَقِّ وَ بِهٖ يَّعۡدِلُوۡنَ (۱۵۹)

و از میان قوم موسی جماعتی هستند که به حق راهنمایی می‌کنند و به حق داوری می‌نمایند .

(الأعراف، ۱۵۹)

وَ قَطَعۡنَا لَهُمۡ عَشْرَةَ اَسۡبَابًاۙ اَمَمًا وَ اَوۡحَيْنَاۙ اِلَىۭ مُوسَىۙ اِذۡ اَسۡتَسۡقَاہُ قَوْمُهٗ اَنۡ اِضۡرِبۡ بِعَصَاكَ الْحَجَرَۙ فَاتَّبَعۡتَ مَعَهُۥ اَشۡرَةَ عَشْرٍۙ عِيۡنًاۙ قَدۡ عَلِمَۙ كُلُّۭ اُنۡاَسٍ مَّشۡرَبِيۡهِمْ وَ ظَلَّلۡنَا عَلَيۡهِمُ الْعَمَامَ وَ اَنۡزَلۡنَا عَلَيۡهِمُ الْمَنَّۙ وَ السَّلۡوٰیۙ كَلُوۡا مِّنۡ طَيِّبٰتِ مَا رَزَقۡنَاكُمۡ وَ مَا ظَلَمُوۡنَا وَ لَكِنۡ كَانُوۡا اَنۡفُسَهُمۡ يَظۡلِمُوۡنَ (۱۶۰)

و آنان را به دوازده عشیره که هر يك امتی بودند تقسیم کردیم ، و به موسی وقتی قومش از آب خواستند وحی کردیم که با عصایت بر آن تخته سنگ بزن . پس ، از آن ، دوازده چشمه جوشید . هر گروهی آبشخور خود را بشناخت ؛ و ابر را بر فراز آنان سایبان کردیم ، و گرانگین و بلدرچین بر ایشان فرو فرستادیم . از چیزهای پاکیزه‌ای که روزیتان کرده‌ایم بخورید . و بر ما ستم نکردند ، لیکن بر خودشان ستم می‌کردند .

(الأعراف، ۱۶۰)

وَ اِذۡ قِيۡلَ لَهِمۡ اسۡكُنُوۡا هٰذِهِ الْقَرْيَةَۙ وَ كُلُوۡا مِنْهَا حَيۡثُ شِئْتُمۡ وَ قُولُوا حِطَّةً وَ انۡخَلُوۡا الْبَابَ سَجۡدًا نَّغۡفِرَ لَكُمْ خَطِيَۡٔاتِكُمْۙ سَنَزِيۡدُ الْمُحۡسِنِيۡنَ (۱۶۱)

و [یاد کن] هنگامی را که بدیشان گفته شد : « در این شهر سکونت گزینید ، و از آن هر جا که خواستید بخورید ، و بگویید : [خداوندا ،] گناهان ما را فرو ریز . و سجده‌کنان از دروازه [شهر] درآید ، تا گناهان شما را بر شما ببخشاییم [و] به زودی بر [اجر] نیکوکاران بیفزاییم . »

(الأعراف، ۱۶۱)

فَبَدَّلَ الَّذِيۡنَ ظَلَمُوۡا مِنْهُمۡ قَوْلًا غَيۡرَ الَّذِيۡ قِيۡلَ لَهِمۡ فَاَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ رِجۡزًاۙ مِّنۡ السَّمَآءِۙ بِمَا كَانُوۡا يَظۡلِمُوۡنَ (۱۶۲)

پس ، کسانی از آنان که ستم کردند ، سخنی را که به ایشان گفته شده بود به سخن دیگری تبدیل کردند . پس به سزای آنکه ستم می‌ورزیدند ، عذابی از آسمان بر آنان فرو فرستادیم .

(الأعراف، ۱۶۲)

وَ اسۡاَلۡنَهُمۡ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِيۡ كَانَتۡ حَاضِرَةًۙ اَلْبَحۡرِۙ اِذۡ يَغۡدُوۡنَ فِي السَّبۡتِۙ اِذۡ تَأْتِيۡهِمۡ حَيَاتُهُمْۙ يَوْمَ سَبۡتِهِمۡ شُرۡعًا وَ يَوْمَ لَا يَسۡبِتُوۡنَ لَا تَأْتِيۡهِمۡ كَذٰلِكَ تَبٰلُوۡهُمۡۙ بِمَا كَانُوۡا يَفۡسُقُوۡنَ (۱۶۳)

و از اهالی آن شهری که کنار دریا بود ، از ایشان جویا شو : آن گاه که به [حکم] روز شنبه تجاوز می‌کردند ؛ آن گاه که روز شنبه آنان ، ماهیهایشان روی آب می‌آمدند ، و روزهای غیر شنبه به سوی آنان نمی‌آمدند . این گونه ما آنان را به سبب آنکه نافرمانی می‌کردند ، می‌آزمودیم .

(الأعراف، ۱۶۳)

وَ إِذْ قَالَتْ اُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعْبُدُونَ قَوْمًا لَلّٰهُ مُهْلِكُهُمْ اَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيْدًا قَالُوْا مَعْرِزَةٌ اِلٰى رَبِّكُمْ وَ نَعْلَمُهُمْ يَتَّقُوْنَ (۱۶۴)

و آن گاه که گروهی از ایشان گفتند : « برای چه قومی را که خدا هلاککننده ایشان است ، یا آنان را به عذابی سخت عذاب خواهد کرد ، پند می‌دهید ؟ » گفتند : « تا معزرتی پیش پروردگارتان باشد ، و شاید که آنان پرهیزگاری کنند . »

(الأعراف، ۱۶۴)

فَلَمَّا نَسُوا مَا دُكِّرُوا بِهِ اَنْجَيْنَا الَّذِيْنَ يَتَّهَوْنَ عَنِ السُّوْءِ وَ اَخَذْنَا الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا بِعَذَابٍ بَنِيْسٍ بِمَا كَانُوْا يَفْسُقُوْنَ (۱۶۵)

پس هنگامی که آنچه را بدان تذکر داده شده بودند ، از یاد بردند ، کسانی را که از [کار] بد باز می‌داشتند نجات دادیم ؛ و کسانی را که ستم کردند ، به سزای آنکه نافرمانی می‌کردند ، به عذابی شدید گرفتار کردیم .

(الأعراف، ۱۶۵)

فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوْا قِرَدَةً خَاسِيْنَ (۱۶۶)

و چون از آنچه از آن نهی شده بودند سرپیچی کردند ، به آنان گفتیم : « بوزینگانی رانده‌شده باشید . »

(الأعراف، ۱۶۶)

وَ إِذْ تَادَّبَنَ رَبِّيْكَ لِيَّبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ اِلٰى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُوْمُهُمْ سُوْءَ الْعَذَابِ اِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيْعُ الْعِقَابِ وَ اِنَّهٗ لَغَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ (۱۶۷)

و [یاد کن] هنگامی را که پروردگارت اعلام داشت که تا روز قیامت بر آنان [یهودیان] کسانی را خواهد گماشت که بدیشان عذاب سخت بچشانند . آری ، پروردگار تو زود کیفر است و همو آمرزنده بسیار مهربان است .

(الأعراف، ۱۶۷)

وَ قَطَعْنَا لَهُمْ فِي الْاَرْضِ اَمَماً مِنْهُمْ الصّٰلِحُوْنَ وَ مِنْهُمْ ذُوْنَ ذُلُوْكَ وَ بَلَّوْنَاهُمْ بِالْحَسَنٰتِ وَ السَّيِّئٰتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُوْنَ (۱۶۸)

و آنان را در زمین به صورت گروه‌هایی پراکنده ساختیم : برخی از آنان درستکارند و برخی از آنان جز اینند . و آنها را به خوشیها و ناخوشیها آزمودیم ، باشد که ایشان بازگردند .

(الأعراف، ۱۶۸)

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرَثُوْا الْكِتٰبَ يَأْخُذُوْنَ عَرَضَ هٰذَا الْاٰدْنٰى وَ يَقُوْلُوْنَ سَيُعْفَرُ لَنَا وَ اِنْ يٰٓاْتِيْهِمْ عَرَضٌ مِّثْلُهٗ يَأْخُذُوْهُ اَلَمْ يُوْحَدْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتٰبِ اَنْ لَا يَقُوْلُوْا عَلٰى اللّٰهِ اِلَّا الْحَقَّ وَ تَرَسُوْا مَا فِيْهِ وَ الدّٰرُ الْاٰخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِيْنَ يَتَّقُوْنَ اَفْ لَّا تَعْقِلُوْنَ (۱۶۹)

آن گاه بعد از آنان ، جانشینانی وارث کتاب [آسمانی] شدند که متاع این دنیای پست را می‌گیرند و می‌گویند : « بخشیده خواهیم شد . » و اگر متاعی مانند آن به ایشان برسد [باز] آن را می‌ستانند . آیا از آنان پیمان کتاب [آسمانی] گرفته نشده که جز به حق نسبت به خدا سخن نگویند ، با اینکه آنچه را که در آن [کتاب] است آموخته‌اند ؟ و سرای آخرت برای کسانی که پروا پیشه می‌کنند بهتر است . آیا باز تعقل نمی‌کنید ؟

(الأعراف، ۱۶۹)

وَ الَّذِيْنَ يَمْسِكُوْنَ بِالْكِتٰبِ وَ اَقَامُوا الصَّلٰةَ اِنَّا لَا نُضِيْعُ اَجْرَ الْمُصْلِحِيْنَ (۱۷۰)

و کسانی که به کتاب [آسمانی] جنگ درمی‌زنند و نماز برپا داشته‌اند [بدانند که] ما اجر درستکاران را تباه نخواهیم کرد .

(الأعراف، ۱۷۰)

وَ اِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَ ظَنُّوْا اَنَّهُ وَاَقَعَ بِهِمْ حُذُوْا مَا اَتَيْنٰكُمْ بِقُوَّةٍ وَ اذكُرُوْا مَا فِيْهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ (۱۷۱)

و [یاد کن] هنگامی را که کوه [طور] را بر فرازشان سایبان آسا ، برافراشتیم ، و چنان پنداشتند که [کوه] بر سرشان فرو خواهد افتاد . [و گفتیم :] آنچه را که به شما داده‌ایم به جد و جهد بگیرید ، و آنچه را در آن است به یاد داشته باشید . شاید که پرهیزگار شوید .

(الأعراف، ۱۷۱)

وَ اِذْ اَخَذَ رَبِّيْكَ مِنْ بَنِيْ اٰدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ اَشْهَدَهُمْ عَلٰى اَنْفُسِهِمْ اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوْا بَلٰى شَهِدْنَا اَنْ تَقُوْلُوْا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اِنَّا كُنَّا عَنْ هٰذَا غٰفِلِيْنَ (۱۷۲)

و هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم ، ذریه آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستم ؟ گفتند : « چرا ، گواهی دادیم » تا مبادا روز قیامت بگویید ما از این [امر] غافل بودیم .

(الأعراف، ۱۷۲)

اَوْ تَقُوْلُوْا اِنَّمَا اَشْرَكَ اٰبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَ كُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ اَفْتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُوْنَ (۱۷۳)

یا بگویید پدران ما پیش از این مشرک بوده‌اند و ما فرزندان پس از ایشان بودیم . آیا ما را به خاطر آنچه باطل‌اندیشان انجام داده‌اند هلاک می‌کنی ؟

(الأعراف، ۱۷۳)

وَ كَذَّبِكَ نَقُصِّلُ الْآيَاتِ وَ نَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۱۷۴)

و اینگونه آیات [خود] را به تفصیل بیان می‌کنیم ، و باشد که آنان [به سوی حق] بازگردند .

(الأعراف، ۱۷۴)

وَ ائْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَاسْتَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبِعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ (۱۷۵)

و خبر آن کس را که آیات خود را به او داده بودیم برای آنان بخوان که از آن عاری گشت ؛ آن گاه شیطان ، او را دنبال کرد و از گمراهان شد .

(الأعراف، ۱۷۵)

وَ لَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَ لَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرَكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (۱۷۶)

و اگر می‌خواستیم ، قدر او را به وسیله آن [آیات] بالا می‌بردیم ، اما او به زمین [دنیا] گرایید و از هوای نفس خود پیروی کرد . از این رو داستانش چون داستان سگ است [که] اگر بر آن حمله‌ور شوی زبان از کام برآورد ، و اگر آن را رها کنی [باز هم] زبان از کام برآورد . این ، مثل آن گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند . پس این داستان را [برای آنان] حکایت کن ، شاید که آنان بیندیشند .

(الأعراف، ۱۷۶)

سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ أَنْفُسَهُمْ كَانُوا يَظْلَمُونَ (۱۷۷)

چه زشت است داستان گروهی که آیات ما را تکذیب و به خود ستم می‌نمودند .

(الأعراف، ۱۷۷)

مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَ مَنْ يَضِلَّ فَلَا إِلَهَ لَهُمُ الْخَاسِرُونَ (۱۷۸)

هر که را خدا هدایت کند ، او راه‌یافته است ؛ و کسانی را که گمراه نماید ، آنان خود زیانکارانند .

(الأعراف، ۱۷۸)

وَ لَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (۱۷۹)

و در حقیقت ، بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده‌ایم . [چرا که] دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی‌کنند ، و چشمانی دارند که با آنها نمی‌بینند ، و گوش‌هایی دارند که با آنها نمی‌شنوند . آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه‌ترند . [آری ،] آنها همان غافل‌ماندگانند .

(الأعراف، ۱۷۹)

وَ لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا وَ ذُرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۸۰)

و نام‌های نیکو به خدا اختصاص دارد ، پس او را با آنها بخوانید ، و کسانی را که در مورد نام‌های او به کژی می‌گیرند رها کنید . زودا که به [سزای] آنچه انجام می‌دادند کیفر خواهند یافت .

(الأعراف، ۱۸۰)

وَ مِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْبُدُونَ (۱۸۱)

و از میان کسانی که آفریده‌ایم ، گروهی هستند که به حق هدایت می‌کنند و به حق دآوری می‌نمایند .

(الأعراف، ۱۸۱)

وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ (۱۸۲)

و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند ، به تدریج ، از جایی که نمی‌دانند گریبانشان را خواهیم گرفت .

(الأعراف، ۱۸۲)

وَ أَمْلِي لَهُمْ إِنْ كِيدِي مَتِينٌ (۱۸۳)

و به آنان مهلت می‌دهم ، که تدبیر من استوار است .

(الأعراف، ۱۸۳)

أَوْ لَمْ يَنْفَكُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِنْ جَنَّةٍ إِنَّ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ (۱۸۴)

آیا نیندیشیده‌اند که همنشین آنان هیچ جنونی ندارد ؟ او جز هشداردهنده‌ای آشکار نیست .

(الأعراف، ۱۸۴)

أَوْ لَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجْلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (۱۸۵)

آیا در ملکوت آسمانها و زمین و هر چیزی که خدا آفریده است ننگریسته‌اند ؛ و اینکه شاید هنگام مرگشان نزدیک شده باشد ؟ پس به کدام سخن ، بعد از قرآن ایمان می‌آورند ؟

(الأعراف، ۱۸۵)

مَنْ يَضِللِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَذُرْهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَغْمَهُونَ (۱۸۶)

هر که را خداوند گمراه کند ، برای او هیچ رهبری نیست ، و آنان را در طغیانشان سرگردان و می‌گذارد .

(الأعراف، ۱۸۶)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ خَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۱۸۷)

از تو در باره قیامت می‌پرسند [که] وقوع آن چه وقت است ؟ بگو : « علم آن ، تنها نزد پروردگار من است . جز او [هیچ کس] آن را به موقع خود آشکار نمی‌گرداند . [این حادثه] بر آسمانها و زمین گران است ، جز ناگهان به شما نمی‌رسد . » [باز] از تو می‌پرسند گویا تو از [زمان وقوع] آن آگاهی . بگو : « علم آن ، تنها نزد خداست ، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند . »

(الأعراف، ۱۸۷)

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَاسْتَكْتَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَ بَشِيرٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۱۸۸)

بگو : « جز آنچه خدا بخواهد ، برای خودم اختیار سود و زیانی ندارم ، و اگر غیب می‌دانستم قطعاً خیر بیشتری می‌اندوختم و هرگز به من آسیبی نمی‌رسید . من جز بیم‌دهنده و بشارتگر برای گروهی که ایمان می‌آورند ، نیستم . »

(الأعراف، ۱۸۸)

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَتَتْهَا أَعْلَمَتْ أَنَّهَا سَالِحَةٌ لَهَا صَالِحًا لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (۱۸۹)

اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید ، و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد . پس چون [آدم] با او [حوا] در آمیخت باردار شد ، باری سبک . و [چندی] با آن [بار سبک] گذرانید ، و چون سنگین‌بار شد ، خدا ، پروردگار خود را خواندند که اگر به ما [فرزندی] شایسته عطا کنی قطعاً از سپاسگزاران خواهیم بود .

(الأعراف، ۱۸۹)

فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلْنَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۱۹۰)

و چون به آن دو ، [فرزندی] شایسته داد ، در آنچه [خدا] به ایشان داده بود ، برای او شریکاتی قرار دادند ، و خدا از آنچه [با او] شریک می‌گردانند برتر است .

(الأعراف، ۱۹۰)

أَيُّشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَ هُمْ يُخْلَقُونَ (۱۹۱)

آیا موجوداتی را [با او] شریک می‌گردانند که چیزی را نمی‌آفرینند و خودشان مخلوقند ؟

(الأعراف، ۱۹۱)

وَ لَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَ لَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ (۱۹۲)

و نمی‌توانند آنان را یاری کنند و نه خویشان را یاری دهند .

(الأعراف، ۱۹۲)

وَ إِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَتَّبِعُوكُمْ سِوَاءَ عَلِيكُمْ أَدْعُوْتُهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَامِتُونَ (۱۹۳)

و اگر آنها را به [راه] هدایت فراخوانید ، از شما پیروی نمی‌کنند . چه آنها را بخوانید یا خاموش بمانید ، برای شما یکسان است .

(الأعراف، ۱۹۳)

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَالِكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۹۴)

در حقیقت ، کسانی را که به جای خدا می‌خوانید ، بندگان امثال شما هستند . پس آنها را [در گرفتاریها] بخوانید ، اگر راست می‌گویید باید شما را اجابت کنند .

(الأعراف، ۱۹۴)

أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلْ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُوا فَلَا تُنظِرُونَ (۱۹۵)

آیا آنها پاهایی دارند که با آن راه بروند ، یا دستهایی دارند که با آن کاری انجام دهند ، یا چشمهایی دارند که با آن بنگرند ، یا گوشهایی دارند که با آن بشنوند ؟ بگو : « شریکان خود را بخوانید ؛ سپس در باره من حيله به کار برید و مرا مهلت مدهید . »

(الأعراف، ۱۹۵)

إِنَّ وَلِيََّ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ (۱۹۶)

بی‌تردید ، سرور من آن خدایی است که قرآن را فرو فرستاده ، و همو دوستدار شایستگان است .

(الأعراف، ۱۹۶)

وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَدْعَكُمْ وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ (۱۹۷)

و کسانی را که به جای او می‌خوانید ، نمی‌توانند شما را یاری کنند و نه خویشان را یاری دهند .

(الأعراف، ۱۹۷)

وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ (۱۹۸)

و اگر آنها را به [راه] هدایت فرا خوانید ، نمی‌شنوند ، و آنها را می‌بینی که به سوی تو می‌نگرند در حالی که نمی‌بینند .

(الأعراف، ۱۹۸)

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ (۱۹۹)

گذشت پیشه کن ، و به [کار] پسندیده فرمان ده ، و از نادانان رُخ برتاب .

(الأعراف، ۱۹۹)

وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۰۰)

و اگر از شیطان وسوسه‌ای به تو رسد ، به خدا پناه بر ، زیرا که او شنوای داناست .

(الأعراف، ۲۰۰)

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَكَرَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ (۲۰۱)

در حقیقت ، کسانی که [از خدا] پروا دارند ، چون وسوسه‌ای از جانب شیطان بدیشان رسد [خدا را] به یاد آورند و بناگاه بینا شوند .

(الأعراف، ۲۰۱)

وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَا يُبْصِرُونَ (۲۰۲)

و یارانشان آنان را به گمراهی می‌کشاند و کوتاهی نمی‌کنند .

(الأعراف، ۲۰۲)

وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بَآيَةٌ قَالُوا لَوْ لَا اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ وَهَذِي وَرَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۲۰۳)

و هر گاه برای آنان آیاتی نیاوری ، می‌گویند : « چرا آن را خود برنگزیدی ؟ » بگو : « من فقط آنچه را که از پروردگارم به من وحی می‌شود پیروی می‌کنم . این [قرآن] رهنمودی است از جانب پروردگار شما و برای گروهی که ایمان می‌آورند هدایت و رحمتی است . »

(الأعراف، ۲۰۳)

وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَانصتوا لعلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۲۰۴)

و چون قرآن خوانده شود ، گوش بدان فرا دارید و خاموش مانید ، امید که بر شما رحمت آید .

(الأعراف، ۲۰۴)

وَادْعُ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرَّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ (۲۰۵)

و در دل خویش ، پروردگارت را بامدادان و شامگاهان با تضرع و ترس ، بی‌صدای بلند ، یاد کن و از غافلان مباش .

(الأعراف، ۲۰۵)

إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَ لَهُ يَسْجُدُونَ (۲۰۶)

به یقین ، کسانی که نزد پروردگار تو هستند ، از پرستش او تکبر نمی‌ورزند و او را به پاکی می‌ستایند و برای او سجده می‌کنند .

(الأعراف، ۲۰۶)

ترتیبها-۸	سوره الانفال	مدنی-آیاتها-۷۵
------------------	---------------------	-----------------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الأنفال، ۰)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتَقُوا اللَّهَ وَ أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۱)

[ای پیامبر ،] از تو در باره غنایم جنگی می‌پرسند . بگو : « غنایم جنگی اختصاص به خدا و فرستاده [او] دارد . پس از خدا پروا دارید و با یکدیگر سازش نمایید ، و اگر ایمان دارید از خدا و پیامبرش اطاعت کنید .

(الأنفال، ۱)

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا دُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَ إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۲)

مؤمنان ، همان کسانی‌اند که چون خدا یاد شود دل‌هایشان بترسد ، و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید ، و بر پروردگار خود توکل می‌کنند .

(الأنفال، ۲)

الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۳)

همانان که نماز را به پا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند .

(الأنفال، ۳)

أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ (۴)

آنان هستند که حقا مؤمنند ، برای آنان نزد پروردگارشان درجات و آمرزش و روزی نیکو خواهد بود .

(الأنفال، ۴)

كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَ إِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ (۵)

همان گونه که پروردگارت تو را از خانه‌ات به حق بیرون آورد و حال آنکه دسته‌ای از مؤمنان سخت کراهت داشتند .

(الأنفال، ۵)

يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَافِقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَ هُمْ يُنظَرُونَ (۶)

با تو در باره حق بعد از آنکه روشن گردید مجادله می‌کنند . گویی که آنان را به سوی مرگ می‌رانند و ایشان [بدان] می‌نگرند .

(الأنفال، ۶)

وَ إِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَ تَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشُّكُوكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحَقِّقَ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَ يَقَطَعَ ذَابِرَ الْكَافِرِينَ (۷)

و [به یاد آورید] هنگامی را که خدا یکی از دو دسته [کاروان تجارته قریش یا سپاه ابو سفیان] را به شما وعده داد که از آن شما باشد ، و شما دوست داشتید که دسته بی‌سلاح برای شما باشد ، و [لی] خدا می‌خواست حق [اسلام] را با کلمات خود ثابت ، و کافران را ریشه‌کن کند .

(الأنفال، ۷)

لِيُحَقِّقَ الْحَقَّ وَ يُمِيطَ الْبَاطِلَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ (۸)

تا حق را ثابت و باطل را نابود گرداند ، هر چند بزهکاران خوش نداشته باشند .

(الأنفال، ۸)

إِذْ تَسْتَعِينُونَ رَبَّكُمْ فَأَسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّفِينَ (۹)

[به یاد آورید] زمانی را که پروردگار خود را به فریاد می‌طلبیدید ، پس دعای شما را اجابت کرد که : « من شما را با هزار فرشته پیاپی ، یاری خواهم کرد . »

(الأنفال، ۹)

وَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَ يُتَمَنَّٰنَ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۱۰)

و این [وعده] را خداوند جز نویدی [برای شما] قرار نداد ، و تا آنکه دل‌های شما بدان اطمینان یابد ؛ و پیروزی جز از نزد خدا نیست ، که خدا شکست ناپذیر [و] حکیم است .

(الأنفال، ۱۰)

إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِّنْهُ وَ يُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَ كُمْ بِهِ وَ يُدْهَبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَ لِيُرِيْطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَ بُيِّتَ بِهِ الْأَقْدَامُ (۱۱)

[به یاد آورید] هنگامی را که [خدا] خواب سبک آرامش‌بخشی که از جانب او بود بر شما مسلط ساخت ، و از آسمان بارانی بر شما فرو ریزانید تا شما را با آن پاک گرداند ، و سوسه شیطان را از شما بزاید و دل‌هایتان را محکم سازد و گم‌هایتان را بدان استوار دارد .

(الأنفال، ۱۱)

إِذْ يُوحِي رَبِّي إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَتَيَّبُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَأَضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَ اضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ (۱۲)

هنگامی که پروردگارت به فرشتگان وحی می‌کرد که من با شما هستم ، پس کسانی را که ایمان آورده‌اند ثابت‌قدم بدارید . به زودی در دل کافران وحشت خواهم افکند . پس ، فراز گردن‌ها را بزیند ، و همه سرانگشتانشان را قلم کنید .

(الأنفال، ۱۲)

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ مَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۱۳)

این [کیفر] بدان سبب است که آنان با خدا و پیامبر او به مخالفت برخاستند ، و هر کس با خدا و پیامبر او به مخالفت برخیزد قطعاً خدا سخت‌کیفر است .

(الأنفال، ۱۳)

ذَٰلِكُمْ فَذُوقُوهُ وَ أَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ (۱۴)

این [عذاب دنیا] را بچشید ، و [بدانید که] برای کافران عذاب آتش خواهد بود .

(الأنفال، ۱۴)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَدْبَارَ (۱۵)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، هر گاه [در میدان نبرد] به کافران برخورد کردید که [به سوی شما] روی می‌آورند ، به آنان پشت مکنید .

(الأنفال، ۱۵)

وَ مَنْ يُولِهِمْ يُومِنِي دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَعَدَّ بَاءً بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَ مَا أُوَادُّ جَهَنَّمَ وَ بئْسَ الْمَصِيرُ (۱۶)

و هر که در آن هنگام به آنان پشت کند مگر آنکه [هدفش] کناره‌گیری برای نبردی [مجدد] یا پیوستن به جمعی [دیگر از هم‌زمانش] باشد قطعاً به خشم خدا گرفتار خواهد شد ، و جایگاهش دوزخ است ، و چه بد سرانجامی است .

(الأنفال، ۱۶)

فَلَمَّ تَقَاتَلُوا وَ لَحِنَّ اللَّهُ فَتَلَّهُمْ وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَحِنَّ اللَّهُ رَمَىٰ وَ لِيُبَيِّنَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلََاءٌ حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱۷)

و شما آنان را نکشتید ، بلکه خدا آنان را کُشت . و چون [ریگ به سوی آنان] افکندی ، تو نیفکندی ، بلکه خدا افکند . [آری ، خدا چنین کرد تا کافران را مغلوب کند] و بدین وسیله مؤمنان را به آزمایشی نیکو ، بیازماید . قطعاً خدا شنوای داناست .

(الأنفال، ۱۷)

ذَٰلِكُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ مُهِينٌ كَيِّدُ الْكَافِرِينَ (۱۸)

[ماجرا] این بود ، و [بدانید که] خدا نیرنگ کافران را سست می‌گرداند .

(الأنفال، ۱۸)

إِنَّ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ وَ إِنَّ تَلْتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ إِنْ تَعُودُوا نَعُدْ وَ لَنْ نُغْنِي عَنْكُمْ شَيْئًا وَ لَوْ كُثُرَتْ وَ أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۹)

[ای مشرکان] اگر شما پیروزی [حق] را می‌طلبید ، اینک پیروزی به سراغ شما آمد [و اسلام پیروز شد] ؛ و اگر [از دشمنی] بازایستید ، آن برای شما بهتر است ؛ و اگر [به جنگ] برگردید ما هم بر می‌گردیم ، و [بدانید] که گروه شما هر چند زیاد باشد ، هرگز از شما چیزی را دفع نتوانند کرد و خداست که با مؤمنان است .

(الأنفال، ۱۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَهْدَهُ وَ أَنْتُمْ تَسْمَعُونَ (۲۰)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، خدا و فرستاده او را فرمان برید و از او روی برنتابید در حالی که [سخنان او را] می‌شنوید .

(الأنفال، ۲۰)

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَ هُمْ لَا يَسْمَعُونَ (۲۱)

و مانند کسانی مباشید که گفتند : « شنیدیم » در حالی که نمی‌شنیدند .

(الأنفال، ۲۱)

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (۲۲)

قطعاً بدترین جنبندگان نزد خدا کران و لالانی‌اند که نمی‌اندیشند .

(الأنفال، ۲۲)

وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ وَ لَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَ هُمْ مُعْرِضُونَ (۲۳)

و اگر خدا در آنان خیری می‌یافت قطعاً شنوایشان می‌ساخت ؛ و اگر آنان را شنوا می‌کرد ، حتماً باز به حال اعراض ، روی برمی‌تافتند .

(الأنفال، ۲۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ وَ أَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۲۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، چون خدا و پیامبر ، شما را به چیزی فرا خوانند که به شما حیات می‌بخشد ، آنان را اجابت کنید ، و بدانید که خدا میان آدمی و دلش حایل می‌گردد ، و هم در نزد او محشور خواهید شد .

(الأنفال، ۲۴)

وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۲۵)

و از فتنه‌ای که تنها به ستمکاران شما نرسد بترسید و بدانید که خدا سخت‌کیفر است .

(الأنفال، ۲۵)

وَ اذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَ آيَدَكُمْ بِبَصْرِهِ وَ رَزَقَكُمُ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۲۶)

و به یاد آورید هنگامی را که شما در زمین ، گروهی اندک و مستضعف بودید . می ترسیدید مردم شما را بربایند ، پس [خدا] به شما پناه داد و شما را به یاری خود نیرومند گردانید و از چیزهای پاک به شما روزی داد ، باشد که سپاسگزاری کنید .

(الأنفال، ۲۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ وَ تَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۲۷)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، به خدا و پیامبر او خیانت مکنید و [نیز] در امانت‌های خود خیانت نورزید و خود می‌دانید [که نباید خیانت کرد] .

(الأنفال، ۲۷)

وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَ أَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَ أَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (۲۸)

و بدانید که اموال و فرزندان شما [وسیله] آزمایش [شما] هستند ، و خداست که نزد او پاداشی بزرگ است .

(الأنفال، ۲۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ يُجْعَلُ لَكُمْ فُرْقَانًا وَ يُكَفِّرُ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يُغْفِرُ لَكُمْ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۲۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، اگر از خدا پروا دارید ، برای شما [نیروی] تشخیص [حق از باطل] قرار می‌دهد ؛ و گناهانتان را از شما می‌زداید ؛ و شما را می‌آمرزد ؛ و خدا دارای بخشش بزرگ است .

(الأنفال، ۲۹)

وَ إِذْ يَمُكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُقْبِلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَ يَمْكُرُونَ وَ يَمْكُرُ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِبِينَ (۳۰)

و [یاد کن] هنگامی را که کافران در باره تو نیرنگ می‌کردند تا تو را به بند کشند یا بکشند یا [از مکه] اخراج کنند ، و نیرنگ می‌زدند ، و خدا تدبیر می‌کرد ، و خدا بهترین تدبیرکنندگان است .

(الأنفال، ۳۰)

وَ إِذَا تَنَتَّى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا نَوْ نَشَاءُ نَقُلْنَا مَثَلٌ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۳۱)

و چون آیات ما بر آنان خوانده شود ، می‌گویند : « به خوبی شنیدیم ، اگر می‌خواستیم ، قطعاً ما نیز همانند این را می‌گفتیم ، این جز افسانه‌های پیشینیان نیست . »

(الأنفال، ۳۱)

وَ إِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطُرْ عَلَيْنَا جِزَازَةً مِنَ السَّمَاءِ أَوْ ائْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۳۲)

و [یاد کن] هنگامی را که گفتند : « خدایا ، اگر این [کتاب] همان حقی از جانب توست ، پس بر ما از آسمان سنگهایی بباران یا عذابی دردناک بر سر ما بیاور . »

(الأنفال، ۳۲)

وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ وَ مَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَفْهِرُونَ (۳۳)

و [لی] تا تو در میان آنان هستی ، خدا بر آن نیست که ایشان را عذاب کند ، و تا آنان طلب آمرزش می‌کنند ، خدا عذاب‌کننده ایشان نخواهد بود .

(الأنفال، ۳۳)

وَ مَا لَهُمْ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَ هُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَفَقُونَ وَ لَعَنَ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۳۴)

چرا خدا [در آخرت] عذابشان نکند ، با اینکه آنان [مردم را] از [زیارت] مسجد الحرام باز می‌دارند در حالی که ایشان سرپرست آن نباشند . چرا که سرپرست آن جز پرهیزگاران نیستند ، ولی بیشترشان نمی‌دانند .

(الأنفال، ۳۴)

وَ مَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَ تَصَدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (۳۵)

و نمازشان در خانه [خدا] جز سوت کشیدن و کف زدن نبود . پس به سزای آنکه کفر می‌ورزیدید ، این عذاب را بچشید !

(الأنفال، ۳۵)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُفْقَرُونَهَا ثُمَّ كَوْنُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةٌ ثُمَّ يُغْنِبُونَ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُخْشَرُونَ (۳۶)

بی‌گمان ، کسانی که کفر ورزیدند ، اموال خود را خرج می‌کنند تا [مردم را] از راه خدا بازدارند . پس به زودی [همه] آن را خرج می‌کنند ، و آن گاه حسرتی بر آنان خواهد گشت ؛ سپس مغلوب می‌شوند . و کسانی که کفر ورزیدند ، به سوی دوزخ گردآورده خواهند شد .

(الأنفال، ۳۶)

لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَ يَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمُهُ جَمِيعاً فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۳۷)

تا خدا ، ناپاک را از پاک جدا کند ، و ناپاکها را روی یکدیگر نهد و همه را متراکم کند ؛ آن گاه در جهنم قرار دهد . ایشان همان زیانکارانند .

(الأنفال، ۳۷)

فَلَنْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ وَ إِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ (۳۸)

به کسانی که کفر ورزیده‌اند ، بگو : « اگر بازایستند ، آنچه گذشته است برایشان آمرزیده می‌شود ؛ و اگر بازگردند ، به یقین ، سنت [خدا در مورد] پیشینیان گذشت . »

(الأنفال، ۳۸)

وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۳۹)

و با آنان بجنگید تا فتنه‌ای بر جای نماند و دین یکسره از آن خدا گردد . پس اگر [از کفر] بازایستند قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهند بیناست .

(الأنفال، ۳۹)

وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَ نِعْمَ النَّصِيرُ (۴۰)

و اگر روی برتافتند ، پس بدانید که خدا سرور شماست . چه نیکو سرور و چه نیکو یاور است .

(الأنفال، ۴۰)

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۴۱)

و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید ، يك پنجم آن برای خدا و پیامبر و برای خویشاوندان [او] و یتیمان و بینوایان و در راهمندگان است ، اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی [حق از باطل] روزی که آن دو گروه با هم روبرو شدند نازل کردیم ، ایمان آورده‌اید . و خدا بر هر چیزی تواناست .

(الأنفال، ۴۱)

إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ بِالْعُدْوَةِ الْبُغْيَىٰ وَ الرُّكْبُ اسْفَلَ مِنْكُمْ وَ لَوْ تَوَاعَدْتُمْ لِاخْتِلَافِئِمَّ فِي الْمِيعَادِ وَ لَكِن لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ يُحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ إِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ (۴۲)

آن گاه که شما بر دامنه نزدیکتر [کوه] بودید و آنان در دامنه دورتر [کوه] ، و سواران [دشمن] پایین‌تر از شما [موضع گرفته] بودند ، و اگر با یکدیگر وعده گذارده بودید ، قطعاً در وعده‌گاه خود اختلاف می‌کردید ، ولی [چنین شد] تا خداوند کاری را که انجام شدنی بود به انجام رساند [و] تا کسی که [باید] هلاک شود ، با دلیلی روشن هلاک گردد ، و کسی که [باید] زنده شود ، با دلیلی واضح زنده بماند ، و خداست که در حقیقت شنوای داناست .

(الأنفال، ۴۲)

إِذْ يُرِيكُهُمُ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا وَ لَوْ أَرَاكَهُمْ كَثِيرًا لَفَتَيْتَهُمْ وَ لَتَنَزَّعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۴۳)

[ای پیامبر ، یاد کن] آن گاه را که خداوند آنان [سپاه دشمن] را در خوابت به تو اندک نشان داد ؛ و اگر ایشان را به تو بسیار نشان می‌داد قطعاً سست می‌شدید و حتماً در کار [جهاد] منازعه می‌کردید ، ولی خدا شما را به سلامت داشت ، چرا که او به راز دلها داناست .

(الأنفال، ۴۳)

وَ إِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّفَيُّنِ فِي أَغْنِيكُمْ قَلِيلًا وَ يَقُلُّكُمْ فِي أَغْنِيهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۴۴)

و آن گاه که چون با هم برخورد کردید ، آنان را در دیدگان شما اندک جلوه داد و شما را [نیز] در دیدگان آنان کم نمودار ساخت تا خداوند کاری را که انجام شدنی بود تحقق بخشد ، و کارها به سوی خدا بازگردانده می‌شود .

(الأنفال، ۴۴)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقَيْتُمْ فِتْنَةً فَاتَّبِعُوا وَ ادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۴۵)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، چون با گروهی برخورد می‌کنید پایداری ورزید و خدا را بسیار یاد کنید ، باشد که رستگار شوید .

(الأنفال، ۴۵)

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رِسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فِتْنَةً فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (۴۶)

و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود ، و صبر کنید که خدا با شکیبایان است .

(الأنفال، ۴۶)

وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَ رِئَاءَ النَّاسِ وَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (۴۷)

و مانند کسانی مباشید که از خانه‌هایشان با حالت سرمستی و به صرف نمایش به مردم خارج شدند و [مردم را] از راه خدا باز می‌داشتند ، و خدا به آنچه می‌کنند احاطه دارد .

(الأنفال، ۴۷)

وَ إِذْ زَيْنٌ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَغْمَالَهُمْ وَ قَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَ إِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَآتِ الْفِتْنَانَ نَحَصَ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ وَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ إِنِّي أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَ اللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۴۸)

و [یاد کن] هنگامی را که شیطان اعمال آنان را برایشان بیاراست و گفت : « امروز هیچ کس از مردم بر شما پیروز نخواهد شد ، و من پناه شما هستم . » پس هنگامی که دو گروه ، یکدیگر را دیدند [شیطان] به عقب برگشت و گفت : « من از شما بیزارم ، من چیزی را می‌بینم که شما نمی‌بینید ، من از خدا بیمناکم . » و خدا سخت‌کفر است .

(الأنفال، ۴۸)

إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هُوَآءُ دِينِهِمْ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۴۹)

آن گاه که منافقان و کسانی که در دل‌هایشان بیماری بود می‌گفتند : « ایشان [مؤمنان] را دینشان فریفته است . » و هر کس بر خدا توکل کند [بداند که] در حقیقت خدا شکست‌ناپذیر حکیم است .

(الأنفال، ۴۹)

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةَ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَنْبَازَهُمْ وَدُفُّوا عَذَابَ الْحَرِيقِ (٥٠)

و اگر ببینی آن گاه که فرشتگان جان کافران را می‌ستانند ، بر چهره و پشت آنان می‌زنند و [گویند :] عذاب سوزان را بجشید .

(الأنفال، ٥٠)

ذَلِكُمْ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ (٥١)

این [کیفر] دستاوردهای پیشین شماست ، و [گر نه] خدا بر بندگان [خود] ستمکار نیست .

(الأنفال، ٥١)

كَذَابُ آلِ فِرْعَوْنَ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ (٥٢)

[رفتارشان] مانند رفتار خاندان فرعون و کسانی است که پیش از آنان بودند : به آیات خدا کفر ورزیدند ؛ پس خدا به [سزای] گناهانشان گرفتارشان کرد . آری ، خدا نیرومند سخت‌کیفر است .

(الأنفال، ٥٢)

ذَلِكُمْ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَ أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (٥٣)

این [کیفر] بدان سبب است که خداوند نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته تغییر نمی‌دهد ، مگر آنکه آنان آنچه را در دل دارند تغییر دهند ، و خدا شنوای داناست .

(الأنفال، ٥٣)

كَذَابُ آلِ فِرْعَوْنَ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَ أَعْرِضْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَ كُلَّ كَاثِرٍ ظَالِمِينَ (٥٤)

[رفتاری] چون رفتار فرعونیان و کسانی که پیش از آنان بودند ، که آیات پروردگارشان را تکذیب کردند ؛ پس ما آنان را به [سزای] گناهانشان هلاک ، و فرعونیان را غرق کردیم و همه آنان ستمکار بودند .

(الأنفال، ٥٤)

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (٥٥)

بی‌تردید ، بدترین جنبندها پیش خدا کسانی‌اند که کفر ورزیدند و ایمان نمی‌آورند .

(الأنفال، ٥٥)

الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَ هُمْ لَا يَتَّقُونَ (٥٦)

همانان که از ایشان پیمان گرفتی ولی هر بار پیمان خود را می‌شکنند و [از خدا] پروا نمی‌دارند .

(الأنفال، ٥٦)

فَإِذَا تَفَقَّهُهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرَّدَ بِهِمْ مَنْ خَلَفَهُمْ لَعَنَهُمْ يَذْكُرُونَ (٥٧)

پس اگر در جنگ بر آنان دست یافتی با [عقوبت] آنان ، کسانی را که در پی ایشانند تار و مار کن ، باشد که عبرت گیرند .

(الأنفال، ٥٧)

وَ إِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ (٥٨)

و اگر از گروهی بیم خیانت داری [پیمانشان را] به سویشان بپنداز [تا طرفین] به طور یکسان [بدانند که پیمان گسسته است] ، زیرا خدا خانان را دوست نمی‌دارد .

(الأنفال، ٥٨)

وَ لَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَفَّوْا أَنَّهُمْ لَا يُعْجِرُونَ (٥٩)

و زنهار کسانی که کافر شده‌اند گمان نکنند که پیشی جسته‌اند ، زیرا آنان نمی‌توانند [ما را] درمانده کنند .

(الأنفال، ٥٩)

وَ أَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ ذُنُوبِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تَتَّقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تَظْلُمُونَ (٦٠)

و هر چه در توان دارید از نیرو و اسبهای آماده بسیج کنید ، تا با این [تدارکات] ، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد پتربسازید . و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت .

(الأنفال، ۶۰)

وَإِنْ جُنَحُوا لِلْسَّلْمِ فَأَجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۶۱)

و اگر به صلح گراییدند ، تو [نیز] بدان گرای و بر خدا توکل نما که او شنوای داناست .

(الأنفال، ۶۱)

وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ (۶۲)

و اگر بخواهند تو را بفریبند ، [یاری] خدا برای تو بس است . همو بود که تو را با یاری خود و مؤمنان نیرومند گردانید .

(الأنفال، ۶۲)

وَ أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنُهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۶۳)

و میان دل‌هایشان الفت انداخت ، که اگر آنچه در روی زمین است همه را خرج می‌کردی نمی‌توانستی میان دل‌هایشان الفت برقرار کنی ، ولی خدا بود که میان آنان الفت انداخت ، چرا که او توانای حکیم است .

(الأنفال، ۶۳)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَ مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۶۴)

ای پیامبر ، خدا و کسانی از مؤمنان که پیرو توآند تو را بس است .

(الأنفال، ۶۴)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (۶۵)

ای پیامبر ، مؤمنان را به جهاد برانگیز . اگر از [میان] شما بیست تن ، شکیبیا باشند بر دویست تن چیره می‌شوند ، و اگر از شما یکصد تن باشند بر هزار تن از کافران پیروز می‌گردند ، چرا که آنان قوم‌اند که نمی‌فهمند .

(الأنفال، ۶۵)

إِنَّا خَفَّفْنَا اللَّهُ عَنْكُمْ وَ عَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفِينَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (۶۶)

اکنون خدا بر شما تخفیف داده و معلوم داشت که در شما ضعفی هست . پس اگر از [میان] شما یکصد تن شکیبیا باشند بر دویست تن پیروز گردند ، و اگر از شما هزار تن باشند ، به توفیق الهی بر دو هزار تن غلبه کنند ، و خدا با شکیبیایان است .

(الأنفال، ۶۶)

مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّى يُخْجِنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَ اللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۶۷)

هیچ پیامبری را سزوار نیست که [برای اخذ سربها از دشمنان] اسیرانی بگیرد ، تا در زمین به طور کامل از آنان کشتار کند . شما متاع دنیا را می‌خواهید و خدا آخرت را می‌خواهد ، و خدا شکست‌ناپذیر حکیم است .

(الأنفال، ۶۷)

لَوْ لَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۶۸)

اگر از جانب خدا نوشته‌ای نبود ، قطعاً در آنچه گرفته‌اید ، به شما عذابی بزرگ می‌رسید .

(الأنفال، ۶۸)

فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالاً طَيِّباً وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۶۹)

پس ، از آنچه به غنیمت برده‌اید ، حلال و پاکیزه بخورید و از خدا پروا دارید که خدا آمرزنده مهربان است .

(الأنفال، ۶۹)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَى إِنْ يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِمَّا أَخَذَ مِنْكُمْ وَ يَعْفُرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۷۰)

ای پیامبر ، به کسانی که در دست شما اسیرند بگو : « اگر خدا در دل‌های شما خیری سراغ داشته باشد ، بهتر از آنچه از شما گرفته شده به شما عطا می‌کند و بر شما می‌بخشاید و خدا آمرزنده مهربان است . »

(الأنفال، ۷۰)

وَ إِنْ يَرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (٧١)

و اگر بخواهند به تو خیانت کنند ، پیش از این [نیز] به خدا خیانت کردند ؛ [و خدا تو را] بر آنان مسلط ساخت ، و خدا دانای حکیم است .

(الأنفال، ٧١)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَ إِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (٧٢)

کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده‌اند و در راه خدا با مال و جان خود جهاد نموده‌اند و کسانی که [مهاجران را] پناه داده‌اند و یاری کرده‌اند ، آنان یاران یکدیگرند ؛ و کسانی که ایمان آورده‌اند ولی مهاجرت نکرده‌اند هیچ گونه خویشاوندی [دینی] با شما ندارند مگر آنکه [در راه خدا] هجرت کنند ؛ و اگر در [کار] دین از شما یاری جویند ، یاری آنان بر شما [واجب] است ، مگر بر علیه گروهی باشد که میان شما و میان آنان پیمانی [منعقد شده] است ، و خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست .

(الأنفال، ٧٢)

وَ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فُسَادٌ كَبِيرٌ (٧٣)

و کسانی که کفر ورزیدند یاران یکدیگرند . اگر این [دستور] را به کار نیندید ، در زمین فتنه و فساد بزرگ پدید خواهد آمد .

(الأنفال، ٧٣)

وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ نَصَرُوا أَوْلِيَاءَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ (٧٤)

و کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا به جهاد پرداخته ، و کسانی که [مهاجران را] پناه داده و یاری کرده‌اند ، آنان همان مؤمنان واقعی‌اند ، برای آنان بخشایش روزی شایسته‌ای خواهد بود .

(الأنفال، ٧٤)

وَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدِ وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ وَ أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (٧٥)

و کسانی که بعداً ایمان آورده و هجرت نموده و همراه شما جهاد کرده‌اند ، اینان از زمره شماست ، و خویشاوندان نسبت به یکدیگر [از دیگران] در کتاب خدا سزاوارترند . آری ، خدا به هر چیزی داناست .

(الأنفال، ٧٥)

ترتیبها- ٩	سوره التوبه	مدنی-آیاتها- ١٢٩
------------	-------------	------------------

بِرَآءَةِ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (١)

[این آیات] اعلام بیزاری [و عدم تعهد] است از طرف خدا و پیامبرش نسبت به آن مشرکاتی که با ایشان پیمان بسته‌اید .

(التوبة، ١)

فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَ أَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ (٢)

پس [ای مشرکان ،] چهار ماه [دیگر با امنیت کامل] در زمین بگردید و بدانید که شما نمی‌توانید خدا را به ستوه آورید ، و این خداست که رسواکننده کافران است .

(التوبة، ٢)

وَ أَدَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ فَإِنْ تَبُتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَ نَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (٣)

و [این آیات] اعلامی است از جانب خدا و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر که خدا و پیامبرش در برابر مشرکان تعهدی ندارند [با این حال] اگر [از کفر] توبه کنید آن برای شما بهتر است ، و اگر روی بگردانید پس بدانید که شما خدا را درمانده نخواهید کرد ؛ و کسانی را که کفر ورزیدند از عذاب دردناک خبر ده .

(التوبة، ٣)

إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئاً وَ لَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَداً فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُتَمَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (٤)

مگر آن مشرکاتی که با آنان پیمان بسته‌اید ، و چیزی از [تعهدات خود نسبت به] شما فروگذار نکرده ، و کسی را بر ضد شما پشتیبانی ننموده‌اند . پس پیمان اینان را تا [پایان] مدتشان تمام کنید ، چرا که خدا پرهیزگاران را دوست دارد .

(التوبة، ٤)

فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَجُدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْضُرُوهُمْ وَأَقْلَبُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (٥)

پس چون ماه‌های حرام سپری شد ، مشرکان را هر کجا یافتید بکشید و آنان را دستگیر کنید و به محاصره درآورید و در هر کمینگاهی به کمین آنان بنشینید ؛ پس اگر توبه کردند و نماز برپا داشتند و زکات دادند ، راه برایشان گشاده گردانید ، زیرا خدا آمرزنده مهربان است .

(التوبة، ٥)

وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ (٦)

و اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست پناهش ده تا کلام خدا را بشنود ؛ سپس او را به مکان امنش برسان ، چرا که آنان قومی نادانند .

(التوبة، ٦)

كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (٧)

چگونه مشرکان را نزد خدا و نزد فرستاده او عهده‌ای تواند بود ؟ مگر با کسانی که کنار مسجد الحرام پیمان بسته‌اید . پس تا با شما [بر سر عهد] پایدارند ، با آنان پایدار باشید ، زیرا خدا پرهیزگاران را دوست می‌دارد .

(التوبة، ٧)

كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَا لَإِنَّكُمْ لِرِضْوَانِكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَى قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ (٨)

چگونه [برای آنان عهده‌ای است] با اینکه اگر بر شما دست یابند ، در باره شما نه خویشاوندی را مراعات می‌کنند و نه تعهدی را ، شما را با زبانشان راضی می‌کنند و حال آنکه دلهایشان امتناع می‌ورزد و بیشترشان منحرفند .

(التوبة، ٨)

اسْتَشْرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمًّا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (٩)

آیات خدا را به بهای ناچیزی فروختند و [مردم را] از راه او باز داشتند ، به راستی آنان چه بد اعمالی انجام می‌دادند .

(التوبة، ٩)

لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَا لَإِنَّكُمْ لَأَوْلِيَاءُ لَهُمُ الْمُعْتَدُونَ (١٠)

در باره هیچ مؤمنی مراعات خویشاوندی و پیمانی را نمی‌کنند ، و ایشان همان تجاوزکارانند .

(التوبة، ١٠)

فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَأِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (١١)

پس اگر توبه کنند و نماز برپا دارند و زکات دهند ، در این صورت برادران دینی شما می‌باشند ، و ما آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند به تفصیل بیان می‌کنیم .

(التوبة، ١١)

وَإِنْ كُنْتُمْ أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ (١٢)

و اگر سوگندهای خود را پس از پیمان خویش شکستند و شما را در دینتان طعن زدند ، پس با پیشوایان کفر بجنگید ، چرا که آنان را هیچ پیمانی نیست ، باشد که [از پیمان‌شکنی] باز ایستند .

(التوبة، ١٢)

أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَتُوا أَيْمَانَهُمْ وَ هُمَا بِالْخُرَاجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ يَدْعُوكُمْ أَوْلَ مَرَّةً أَ تَخْشَوْنَ اللَّهَ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (١٣)

چرا با گروهی که سوگندهای خود را شکستند و بر آن شدند که فرستاده [خدا] را بیرون کنند ، و آنان بودند که نخستین‌بار [جنگ را] با شما آغاز کردند ، نمی‌جنگید ؟ آیا از آنان می‌ترسید ؟ با اینکه اگر مؤمنید خدا سزاوارتر است که از او بترسید .

(التوبة، ١٣)

قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَ يَخْزِهِمْ وَ يُخْزِيهِمْ وَ يُنْصِرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَ يُشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ (١٤)

با آنان بجنگید ، تا خدا آنان را به دست شما عذاب و رسوایشان کند و شما را بر ایشان پیروزی بخشد و دلهای گروه مؤمنان را خنک گرداند .

(التوبة، ١٤)

و يُدْهِبُ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۱۵)

و خشم دل‌هایشان را ببرد ، و خدا توبه هر که را بخواهد می‌پذیرد ، و خدا دانای حکیم است .

(التوبة، ۱۵)

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَ لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَ لَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لَا رَسُولِهِ وَ لَا الْمُؤْمِنِينَ وَ لِيَجْزِيَ اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۶)

آیا پنداشته‌اید که به خود واگذار می‌شوید ، و خداوند کسانی را که از میان شما جهاد کرده و غیر از خدا و فرستاده او و مؤمنان ، محرم اسراری نگرفته‌اند ، معلوم نمی‌دارد ؟ و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است .

(التوبة، ۱۶)

مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ (۱۷)

مشرکان را نرسد که مساجد خدا را آباد کنند ، در حالی که به کفر خویش شهادت می‌دهند . آنانند که اعمالشان به هدر رفته و خود در آتش جاودانند .

(التوبة، ۱۷)

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ النَّبِيِّ الْآخِرِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ لَمْ يُخَشِ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَى أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ (۱۸)

مساجد خدا را تنها کسانی آباد می‌کنند که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و نماز برپا داشته و زکات داده و جز از خدا نترسیده‌اند ، پس امید است که اینان از راه‌یافتگان باشند .

(التوبة، ۱۸)

أَجْعَلْنُمْ سِبْغِيَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ النَّبِيِّ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱۹)

آیا سیراب ساختن حجاجان و آباد کردن مسجد الحرام را همانند [کار] کسی پنداشته‌اید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و در راه خدا جهاد می‌کند ؟ [نه ، این دو] نزد خدا یکسان نیستند ، و خدا بیدادگران را هدایت نخواهد کرد .

(التوبة، ۱۹)

الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ نَجْرَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ (۲۰)

کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته‌اند نزد خدا مقامی هر چه والاتر دارند و اینان همان رستگارانند .

(التوبة، ۲۰)

يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَ رِضْوَانٍ وَ جَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ (۲۱)

پروردگارشان آنان را از جانب خود ، به رحمت و خشنودی و باغهایی [در بهشت] که در آنها نعمتهایی پایدار دارند ، مژده می‌دهد .

(التوبة، ۲۱)

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (۲۲)

جاودانه در آنها خواهند بود ، در حقیقت ، خداست که نزد او پاداشی بزرگ است .

(التوبة، ۲۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَ إِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنْ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۲۳)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، اگر پدرانتان و برادرانتان کفر را بر ایمان ترجیح دهند [آنان را] به دوستی مگیرید ، و هر کس از میان شما آنان را به دوستی گیرد ، آنان همان ستمکارانند .

(التوبة، ۲۳)

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَ إِبْنَاؤُكُمْ وَ إِخْوَانُكُمْ وَ أَزْوَاجُكُمْ وَ أَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَ تِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَ مَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ جِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۲۴)

بگو : « اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان شما و اموالی که گرد آورده‌اید و تجارتی که از کسادهش بیمناکید و سراهایی را که خوش می‌دارید ، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راه وی دوست‌داشتنی‌تر است ، پس منتظر باشید تا خدا فرمایشش را [به اجرا در] آورد . » و خداوند گروه فاسقان را راهنمایی نمی‌کند .

(التوبة، ۲۴)

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كُنُوتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئاً وَ ضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ (٢٥)

قطعاً خداوند شما را در مواضع بسیاری یاری کرده است ، و [نیز] در روز « حُنَيْن » ؛ آن هنگام که شمار زیادتان شما را به شگفت آورده بود ، ولی به هیچ وجه از شما دفع [خطر] نکرد ، و زمین با همه فراخی بر شما تنگ گردید ، سپس در حالی که پشت [به دشمن] کرده بودید برگشتید .

(التوبة، ٢٥)

ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ أَنْزَلَ جُنُوداً لَمْ تَرَوْهَا وَ عَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ ذَلِكُمْ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ (٢٦)

آن گاه خدا آرامش خود را بر فرستاده خود و بر مؤمنان فرود آورد ، و سپاههایی فرو فرستاد که آنها را نمی‌دیدید ، و کسانی را که کفر ورزیدند عذاب کرد ، و سزای کافران همین بود .

(التوبة، ٢٦)

ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مَنْ يَئِدُ ذَلِكَ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (٢٧)

سپس خدا بعد از این [واقعه] توبه هر کس را بخواهد می‌پذیرد ، و خدا آمرزنده مهربان است .

(التوبة، ٢٧)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَ إِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (٢٨)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، حقیقت این است که مشرکان ناپاکند ، پس نباید از سال آینده به مسجد الحرام نزدیک شوند ، و اگر [در این قطع رابطه] از فقر بیمناکید ، پس به زودی خدا اگر بخواهد شما را به فضل خویش بی‌نیاز می‌گرداند ، که خدا دانای حکیم است .

(التوبة، ٢٨)

قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ لَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ لَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَ هُمْ صَاغِرُونَ (٢٩)

با کسانی از اهل کتاب که به خدا و روز بازپسین ایمان نمی‌آورند ، و آنچه را خدا و فرستاده‌اش حرام گردانیده‌اند حرام نمی‌دارند و متدین به دین حق نمی‌گردند ، کارزار کنید ، تا با [کمال] خواری به دست خود جزیه دهند .

(التوبة، ٢٩)

وَ قَالَتِ الْيَهُودُ غَيْرُ ابْنِ اللَّهِ وَ قَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِنُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ (٣٠)

و یهود گفتند : « غیر ، پسر خداست . » و نصاری گفتند : « مسیح ، پسر خداست . » این سخنی است [باطل] که به زبان می‌آورند ، و به گفتار کسانی که پیش از این کافر شده‌اند شباهت دارد . خدا آنان را بکشد ؛ چگونه [از حق] بازگردانده می‌شوند ؟

(التوبة، ٣٠)

اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَ رُهْبَانَهُمْ أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَ مَا أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهاً وَاحِداً لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (٣١)

اینان دانشمندان و راهبان خود و مسیح پسر مریم را به جای خدا به الوهیت گرفتند ، با آنکه مأمور نبودند جز اینکه خدای یگانه را بپرستند که هیچ معبودی جز او نیست . منزّه است او از آنچه [با وی] شریک می‌گردانند .

(التوبة، ٣١)

يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ يَأْبَى اللَّهُ إِلَماً أَنْ يُبْطِئَ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (٣٢)

می‌خواهند نور خدا را با سخنان خویش خاموش کنند ، ولی خداوند نمی‌گذارد ، تا نور خود را کامل کند ، هر چند کافران را خوش نیاید .

(التوبة، ٣٢)

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (٣٣)

او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست ، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند ، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند .

(التوبة، ٣٣)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيراً مِنَ الْأَحْبَابِ مِنَ الرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ يَصْنَعُونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ الدِّينِ يَكْفُرُونَ الدَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (٣٤)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، بسیاری از دانشمندان یهود و راهبان ، اموال مردم را به ناروا می‌خورند ، و [آنان را] از راه خدا باز می‌دارند ، و کسانی که زر و سیم را گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند ، ایشان را از عذابی دردناک خبر ده .

(التوبة، ۳۴)

يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (۳۵)

روزی که آن [گنجینه] ها را در آتش دوزخ بگدازند ، و پیشانی و پهلو و پشت آنان را با آنها داغ کنند [و گویند :] « این است آنچه برای خود اندوختید ، پس [کيفر] آنچه را می‌اندوختید بچشید . »

(التوبة، ۳۵)

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (۳۶)

در حقیقت ، شماره ماه‌ها نزد خدا ، از روزی که آسمانها و زمین را آفریده ، در کتاب [علم] خدا ، دوازده ماه است ؛ از این [دوازده ماه] ، چهار ماه ، [ماه] حرام است . این است آیین استوار ، پس در این [چهار ماه] بر خود ستم نکنید ، و همگی با مشرکان بجنگید ، چنان که آنان همگی با شما می‌جنگند ، و بدانید که خدا با پرهیزگاران است .

(التوبة، ۳۶)

إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِيُوَاطِنُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيَحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنٌ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (۳۷)

جز این نیست که جایجا کردن [ماههای حرام] ، فزونی در کفر است که کافران به وسیله آن گمراه می‌شوند ؛ آن را يك سال حلال می‌شمارند ، و يك سال [دیگر] ، آن را حرام می‌دانند ، تا با شماره ماههایی که خدا حرام کرده است موافق سازند ، و در نتیجه آنچه را خدا حرام کرده [بر خود] حلال گردانند . زشتی اعمالشان برایشان آراسته شده است ، و خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند .

(التوبة، ۳۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْفَقْتُمْ عَلَى الْأَرْضِ وَرَضِبْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ (۳۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، شما را چه شده است که چون به شما گفته می‌شود : « در راه خدا بسیج شوید » کندی به خرج می‌دهید ؟ آیا به جای آخرت به زندگی دنیا دل خوش کرده‌اید ؟ متاع زندگی دنیا در برابر آخرت ، جز اندکی نیست .

(التوبة، ۳۸)

إِلَّا تَتَفَرُّوا يُعَذِّبُكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوه شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۳۹)

اگر بسیج نشوید ، [خدا] شما را به عذابی دردناک عذاب می‌کند ، و گروهی دیگر به جای شما می‌آورد ، و به او زیانی نخواهید رسانید ، و خدا بر هر چیزی تواناست .

(التوبة، ۳۹)

إِلَّا تَتَضَرَّوه فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۴۰)

اگر او [پیامبر] را یاری نکنید ، قطعاً خدا او را یاری کرد : هنگامی که کسانی که کفر ورزیدند ، او را [از مکّه] بیرون کردند ، و او نفر دوم از دو تن بود ، آن گاه که در غار [ثور] بودند ، وقتی به همراه خود می‌گفت : « اندوه مدار که خدا با ماست . » پس خدا آرامش خود را بر او فرو فرستاد ، و او را با سپاهایی که آنها را نمی‌دیدید تأیید کرد ، و کلمه کسانی را که کفر ورزیدند پستتر گردانید ، و کلمه خداست که برتر است ، و خدا شکست‌ناپذیر حکیم است .

(التوبة، ۴۰)

اتَّفَرُّوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۴۱)

سبکبار و گرانبار ، بسیج شوید و با مال و جانتان در راه خدا جهاد کنید . اگر بدانید ، این برای شما بهتر است .

(التوبة، ۴۱)

لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَلَكِنْ بَعَدَتْ عَلَيْهِمُ السُّعْفَةُ وَسَيَخْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۴۲)

اگر مالی در دسترس و سفری [آسان و] کوتاه بود ، قطعاً از پی تو می‌آمدند ، ولی آن راه پر مشقت بر آنان دور می‌نماید ، و به زودی به خدا سوگند خواهند خورد که اگر می‌توانستیم حتماً با شما بیرون می‌آمدیم ، [با سوگند دروغ] ، خود را به هلاکت می‌کشاندند و خدا می‌داند که آنان سخت دروغگویند .

(التوبة، ۴۲)

عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَبْتَ لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعَنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ (۴۳)

خدایت ببخشاید ، چرا پیش از آنکه [حال] راستگویان بر تو روشن شود و دروغگویان را بازشناسی ، به آنان اجازه دادی ؟

(التوبة، ۴۳)

لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ (٤٤)

کسانی که به خدا و روز بازپسین ایمان دارند ، در جهاد با مال و جانشان از تو [عذر و] اجازه نمی‌خواهند ، و خدا به [حال] تقوایبندگان داناست .

(التوبة، ٤٤)

إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ (٤٥)

تنها کسانی از تو اجازه می‌خواهند [به جهاد نروند] که به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند و دل‌هایشان به شک افتاده و در شک خود سرگردانند .

(التوبة، ٤٥)

وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَكِنَّ اللَّهَ اشْتَبَاهَهُمْ قَبَائِلَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ (٤٦)

و اگر [به راستی] اراده بیرون رفتن داشتند ، قطعاً برای آن ساز و برگی تدارک می‌دیدند ، ولی خداوند راه افتادن آنان را خوش نداشت ، پس ایشان را منصرف گردانید و [به آنان] گفته شد : « با ماندگان بمانید . »

(التوبة، ٤٦)

لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَا أُضْعَفُوا لَكُمْ إِلَّا قَلِيلًا وَفِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهْمُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (٤٧)

اگر با شما بیرون آمده بودند جز فساد برای شما نمی‌افزودند ، و به سرعت خود را میان شما می‌انداختند و در حق شما فتنه‌جویی می‌کردند ، و در میان شما جاسوسانی دارند [که به نفع آنان] اقدام می‌کنند] ، و خدا به [حال] ستمکاران داناست .

(التوبة، ٤٧)

لَقَدْ ابْتِغُوا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَ قَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَ ظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَ هُمْ كَارِهُونَ (٤٨)

در حقیقت ، پیش از این [نیز] در صدد فتنه‌جویی برآمدند و کارها را بر تو وارونه ساختند ، تا حق آمد و امر خدا آشکار شد ، در حالی که آنان ناخشنود بودند .

(التوبة، ٤٨)

وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ انذُرْ لِي وَ لَا تَفْتِنِّي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَ إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ (٤٩)

و از آنان کسی است که می‌گوید : « مرا [در ماندن] اجازه ده و به فتنه‌ام مینداز . » هش‌دار ، که آنان خود به فتنه افتاده‌اند ، و بی‌تردید جهنم بر کافران احاطه دارد .

(التوبة، ٤٩)

إِنْ نُصِيبَكَ حَسَنَةً تَسْؤُهُمْ وَ إِنْ نُصِيبَكَ مُصِيبَةً يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرًا مِنْ قَبْلُ وَ يَتَوَلَّوْا وَ هُمْ فَرِحُونَ (٥٠)

اگر نیکی به تو رسد آنان را بد حال می‌سازد ، و اگر پیشامد ناگواری به تو رسد می‌گویند : « ما پیش از این تصمیم خود را گرفته‌ایم . » و شادمان روی بر می‌تابند .

(التوبة، ٥٠)

قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْتَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (٥١)

بگو : « جز آنچه خدا برای ما مقرر داشته هرگز به ما نمی‌رسد . او سرپرست ماست ، و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند . »

(التوبة، ٥١)

قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ وَ تَخُنْ نَتَرَبَّصْ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ (٥٢)

بگو : « آیا برای ما جز یکی از این دو نیکی را انتظار می‌برید ؟ در حالی که ما انتظار می‌کشیم که خدا از جانب خود یا به دست ما عذابی به شما برساند . پس انتظار بکشید که ما هم با شما در انتظاریم . »

(التوبة، ٥٢)

قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ إِتْمَانٌ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ (٥٣)

بگو : « چه به رغبت چه با بی‌میلی انفاق کنید ، هرگز از شما پذیرفته نخواهد شد ، چرا که شما گروهی فاسق بوده‌اید . »

(التوبة، ٥٣)

وَ مَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقَبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ لَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَ هُمْ كُسَالَى وَ لَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَ هُمْ كَارِهُونَ (٥٤)

و هیچ چیز مانع پذیرفته شدن انفاقهای آنان نشد جز اینکه به خدا و پیامبرش کفر ورزیدند ، و جز با [حال] کسالت نماز به جا نمی‌آوردند ، و جز با کراهت انفاق نمی‌کنند .

(التوبة، ۵۴)

فَلَا تُجْنِبِكْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا أَوْلَادَهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَرْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ (۵۵)

اموال و فرزندانشان تو را به شگفت نیاورد . جز این نیست که خدا می‌خواهد در زندگی دنیا به وسیله اینها عذابشان کند و جانشان در حال کفر بیرون رود .

(التوبة، ۵۵)

وَ يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمُنْكَم وَمَا هُمْ بِمُنْكُمْ وَ لَعْنَةُ قَوْمٍ يَفْرُقُونَ (۵۶)

و به خدا سوگند یاد می‌کنند که آنان قطعاً از شما نیستند ، در حالی که از شما نیستند ، لیکن آنان گروهی هستند که می‌ترسند .

(التوبة، ۵۶)

تَوَّابُونَ مُجْتَبِئًا أَوْ مَغَارَاتٍ أَوْ مُخْتَلَفًا لَوَلَّوْا إِلَيْهِ وَ هُمْ يَجْمَعُونَ (۵۷)

اگر پناهگاه یا غارها یا سوراخی [برای فرار] می‌یافتند ، شتابزده به سوی آن روی می‌آوردند .

(التوبة، ۵۷)

وَ مِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْتَخْفُونَ (۵۸)

و برخی از آنان در [تقسیم] صدقات بر تو خرده می‌گیرند ، پس اگر از آن [اموال] به ایشان داده شود خشنود می‌گردند ، و اگر از آن به ایشان داده نشود بناگاه به خشم می‌آیند .

(التوبة، ۵۸)

وَ لَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ رَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ (۵۹)

و اگر آنان بدانچه خدا و پیامبرش به ایشان داده‌اند خشنود می‌گشتند و می‌گفتند : « خدا ما را بس است به زودی خدا و پیامبرش از کرم خود به ما می‌دهند و ما به خدا مشتاقیم » [قطعاً برای آنان بهتر بود] .

(التوبة، ۵۹)

إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْعَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۶۰)

صدقات ، تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدیان [گردآوری و پخش] آن ، و کسانی که دلشان به دست آورده می‌شود ، و در [راه آزادی] بردگان ، و وامداران ، و در راه خدا ، و به در راه مانده ، اختصاص دارد . [این] به عنوان فریضه از جانب خداست ، و خدا دانای حکیم است .

(التوبة، ۶۰)

وَ مِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَ يَقُولُونَ هُوَ أَذُنٌ فَلِئْسَ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۶۱)

و از ایشان کسانی هستند که پیامبر را آزار می‌دهند و می‌گویند : « او زودباور است . » بگو : « گوش خوبی برای شماست ، به خدا ایمان دارد و [سخن] مؤمنان را باور می‌کند ، و برای کسانی از شما که ایمان آورده‌اند رحمتی است . » و کسانی که پیامبر خدا را آزار می‌رسانند ، عذابی پر درد [در پیش] خواهند داشت .

(التوبة، ۶۱)

يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ لَعْنُ لِيُزِضُوكُمْ وَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُزِضَوْهُ إِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ (۶۲)

برای [اغفال] شما به خدا سوگند یاد می‌کنند تا شما را خشنود گردانند ، در صورتی که اگر مؤمن باشند [بدانند] سزاوارتر است که خدا و فرستاده او را خشنود سازند .

(التوبة، ۶۲)

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مِنْ يُحَايِدِ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَلِكَ الْخُزْيُ الْعَظِيمُ (۶۳)

آیا ندانسته‌اند که هر کس با خدا و پیامبر او درافتد برای او آتش جهنم است که در آن جاودانه خواهد بود ، این همان رسوایی بزرگ است .

(التوبة، ۶۳)

يَخْذُرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ نَنْزِلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تَنْبِئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَزِرُّوْا إِنَّا اللَّهُ مُخْرِجٌ مَا تَخْذَرُونَ (۶۴)

منافقان بیم دارند از اینکه [مبدا] سوره‌ای در باره آنان نازل شود که ایشان را از آنچه در دل‌هایشان هست خبر دهد . بگو : « ریشخند کنید ، بی‌تردید خدا آنچه را که [از آن] می‌ترسید برملا خواهد کرد . »

(التوبة، ۶۴)

وَ لئن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَ نَلْعَبُ قُلْ أ بِاللهِ وَ آيَاتِهِ وَ رَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ (۶۵)

و اگر از ایشان بپرسی ، مسلماً خواهند گفت : « ما فقط شوخی و بازی می‌کردیم . » بگو : « آیا خدا و آیات او و پیامبرش را ریشخند می‌کردید ؟ »
(التوبة، ۶۵)

لَا تَعْتَدُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنَّ نَعْفَ عَنْ طَائِفَةٍ مِنْكُمْ يُعَذِّبُ طَائِفَةٌ بَأْسَهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ (۶۶)

عذر نیاورید ، شما بعد از ایمانتان کافر شده‌اید . اگر از گروهی از شما درگذریم ، گروهی [دیگر] را عذاب خواهیم کرد ، چرا که آنان تبهکار بودند .
(التوبة، ۶۶)

الْمُنَافِقُونَ وَ الْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَ يَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللهَ فَسَيَهْمُهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۶۷)

مردان و زنان دو چهره ، [همانند] یکدیگرند . به کار ناپسند وامی‌دارند و از کار پسندیده باز می‌دارند ، و دستهای خود را [از انفاق] فرو می‌بندند . خدا را فراموش کردند ، پس [خدا هم] فراموششان کرد . در حقیقت ، این منافقانند که فاسقند .

(التوبة، ۶۷)

وَ عَدَّ اللهُ الْمُنَافِقِينَ وَ الْمُنَافِقَاتِ وَ الْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَ لَعْنَةُ اللهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُقِيمٌ (۶۸)

خدا به مردان و زنان دو چهره و کافران ، آتش جهنم را وعده داده است . در آن جاودانه‌اند . آن [آتش] برای ایشان کافی است ، و خدا لعنتشان کرده و برای آنان عذابی پایدار است .

(التوبة، ۶۸)

كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَ أَكْثَرَ أَمْوَالاً وَ أَوْلَاداً فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلْقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ وَ خُضُنْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۶۹)

[حال شما منافقان] چون کسانی است که پیش از شما بودند : آنان از شما نیرومندتر و دارای اموال و فرزندان بیشتر بودند ، پس ، از نصیب خویش [در دنیا] برخوردار شدند ، و شما [هم] از نصیب خود برخوردار شدید ؛ همان گونه که آنان که پیش از شما بودند از نصیب خویش برخوردار شدند ، و شما [در باطل] فرو رفتید ؛ همان گونه که آنان فرو رفتند . آنان اعمالشان در دنیا و آخرت به هدر رفت و آنان همان زیانکارانند .

(التوبة، ۶۹)

أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَ عَادٍ وَ ثَمُودَ وَ قَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَ أَصْحَابِ مَدْيَنَ وَ الْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللهُ لِيُعْظِمَهُمْ وَ لَعْنُ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۷۰)

آیا گزارش [حال] کسانی که پیش از آنان بودند : قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اصحاب مدین و متوفیکات آتتهم رسلهم بالبينات فما كان الله ليُعظِمَهُمْ و لعن كانوا انفسهم يظلمون ؟ پیامبران‌شان دلائل آشکار برایشان آوردند ، خدا بر آن نبود که به آنان ستم کند ولی آنان بر خود ستم روا می‌داشتند .

(التوبة، ۷۰)

وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يُطِيعُونَ اللهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللهُ إِنَّ اللهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۷۱)

و مردان و زنان با ایمان ، دوستان یکدیگرند ، که به کارهای پسندیده وا می‌دارند ، و از کارهای ناپسند باز می‌دارند ، و نماز را بر پا می‌کنند و زکات می‌دهند ، و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند . آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد ، که خدا توانا و حکیم است .

(التوبة، ۷۱)

وَ عَدَّ اللهُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ مَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَ رِضْوَانٍ مِنَ اللهِ أَكْبَرَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۷۲)

خداوند به مردان و زنان با ایمان باغهایی وعده داده است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است . در آن جاودانه خواهند بود ، و [نیز] سراهایی پاکیزه در بهشت‌های جاودان [به آنان وعده داده است] و خوشنودی خدا بزرگتر است . این است همان کامیابی بزرگ .

(التوبة، ۷۲)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَ مَا أُوَاهُمْ جَهَنَّمَ وَ بئْسَ الْمَصِيرُ (۷۳)

ای پیامبر ، با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت بگیر ، و جایگاهشان دوزخ است ، و چه بد سرانجامی است .

(التوبة، ۷۳)

يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَ لَقَدْ قَالَوا كَلِمَةً الْكُفْرِ وَ كَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَ هُمَا بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَ مَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللهُ وَ رَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنَّ يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَهُمْ وَ إِنْ يَتُوبُوا يُعَذِّبُهُمُ اللهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ (۷۴)

به خدا سوگند می‌خورند که [سخن ناروا] نگفته‌اند ، در حالی که قطعاً سخن کفر گفته و پس از اسلام آوردنشان کفر ورزیده‌اند ، و بر آنچه موفق به انجام آن نشدند همت گماشتند ، و به عیبجویی برخاستند مگر [بعد از] آنکه خدا و پیامبرش از فضل خود آنان را بی‌نیاز گردانیدند . پس اگر توبه کنند برای آنان بهتر است ، و اگر روی پرتابند ، خدا آنان را در دنیا و آخرت عذابی دردناک می‌کند ، و در روی زمین یار و یابوری نخواهند داشت .

(التوبة، ۷۴)

و مِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَنْ لَنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَنْصَدَّقَنَّهُ وَ لَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ (۷۵)

و از آنان کسانی‌اند که با خدا عهد کرده‌اند که اگر از کرم خویش به ما عطا کند ، قطعاً صدقه خواهیم داد و از شایستگان خواهیم شد .

(التوبة، ۷۵)

فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَ تَوَلَّوْا وَ هُمْ مُعْرِضُونَ (۷۶)

پس چون از فضل خویش به آنان بخشید ، بدان بخل ورزیدند ، و به حال اعراض روی پرتافتند .

(التوبة، ۷۶)

فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَ بَمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ (۷۷)

در نتیجه ، به سزای آنکه با خدا خلف وعده کردند و از آن روی که دروغ می‌گفتند ، در دل‌هایشان تا روزی که او را دیدار می‌کنند پیامدهای نفاق را باقی گذارد .

(التوبة، ۷۷)

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَ نَجْوَاهُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (۷۸)

آیا ندانسته‌اند که خدا راز آنان و نجوای ایشان را می‌داند و خدا دانای رازهای نهانی است ؟

(التوبة، ۷۸)

الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۷۹)

کسانی که بر مؤمنانی که [افزون بر صدقه واجب] ، از روی میل ، صدقات [مستحب نیز] می‌دهند ، عیب می‌گیرند ، و [همچنین] از کسانی که [در انفاق] جز به اندازه توانشان نمی‌یابند ، [عیبجویی می‌کنند] و آنان را به ریشخند می‌گیرند ، [بدانند که] خدا آنان را به ریشخند می‌گیرد و برای ایشان عذابی پر درد خواهد بود .

(التوبة، ۷۹)

اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۸۰)

چه برای آنان آمرزش بخواهی یا برایشان آمرزش نخواهی [یکسان است ، حتی] اگر هفتاد بار برایشان آمرزش طلب کنی هرگز خدا آنان را نخواهد آمرزد ، چرا که آنان به خدا و فرستاده‌اش کفر ورزیدند ، و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند .

(التوبة، ۸۰)

فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَ كَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ قَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ (۸۱)

بر جای‌ماندگان ، به [خانه] نشستن خود ، پس از رسول خدا ، شادمان شدند ، و از اینکه با مال و جان خود در راه خدا جهاد کنند ، کراهت داشتند ، و گفتند : « در این گرما بیرون نروید . » بگو : « اگر دریابند آتش جهنم سوزان‌تر است . »

(التوبة، ۸۱)

فَلْيُضْحَكُوا قَلِيلًا وَ لِيُنَبِّئُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۸۲)

از این پس کم بخندند ، و به جزای آنچه به دست می‌آوردند ، بسیار بگریند .

(التوبة، ۸۲)

فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَأْذَنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَ لَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْفُجُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ (۸۳)

و اگر خدا تو را به سوی طایفه‌ای از آنان بازگرداند ، و آنان برای بیرون آمدن [به جنگ دیگری] از تو اجازه خواستند ، بگو : « شما هرگز با من خارج نخواهید شد ، و هرگز همراه من با هیچ دشمنی نبرد نخواهید کرد ، زیرا شما نخستین‌بار به نشستن تن دردادید . پس [اکنون هم] با خانه‌نشینان بنشینید . »

(التوبة، ۸۳)

وَ لَا تَصَلَّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَ لَا تَعْمَ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ مَاتُوا وَ هُمْ فَاسِقُونَ (۸۴)

و هرگز بر هیچ مرده‌ای از آنان نماز مگزار و بر سر قبرش نیست ، چرا که آنان به خدا و پیامبر او کافر شدند و در حال فسق مُردند .

(التوبة، ۸۴)

و لَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَ أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَ تَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَ هُمْ كَافِرُونَ (۸۵)

و اموال و فرزندان آنان تو را به شگفت نیندازد . جز این نیست که خدا می‌خواهد ایشان را در دنیا به وسیله آن عذاب کند و جانشان در حال کفر بیرون رود .

(التوبة، ۸۵)

وَ إِذَا أَنْزَلْتَ سُورَةَ أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ جَاهَدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُوا الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَ قَالُوا ذُرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ (۸۶)

و چون سوره‌ای نازل شود که به خدا ایمان آورید و همراه پیامبرش جهاد کنید ، ثروتمندانشان از تو عذر و اجازه خواهند و گویند : « بگذار که ما با خانه‌نشینان باشیم . »

(التوبة، ۸۶)

رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَ طَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ (۸۷)

راضی شدند که با خانه‌نشینان باشند ، و بر دل‌هایشان مهر زده شده است ، در نتیجه قدرت درک ندارند .

(التوبة، ۸۷)

لَكِنِ الرَّسُولُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ وَ أَوْلِيكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَ أَوْلِيكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۸۸)

ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آورده‌اند با مال و جانشان به جهاد برخاسته‌اند . و اینانند که همه خوبیها برای آنان است ، اینان همان رستگارانند .

(التوبة، ۸۸)

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۸۹)

خدا برای آنان باغهایی آماده کرده است که از زیر [درختان] آن نهرها روان است ، و در آن جاودانه‌اند . این همان رستگاری بزرگ است .

(التوبة، ۸۹)

وَ جَاءَ الْمُعَذَّبُونَ مِنَ الْأَغْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَ قَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۹۰)

و عذرخوahan بادیه‌نشین [نزد تو] آمدند تا به آنان اجازه [ترک جهاد] داده شود . و کسانی که به خدا و فرستاده او دروغ گفتند نیز در خانه نشستند . به زودی کسانی از آنان را که کفر ورزیدند عذابی دردناک خواهد رسید .

(التوبة، ۹۰)

لَيْسَ عَلَى الضُّعْفَاءِ وَ لَا عَلَى الْمُرْضَى وَ لَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَ رَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۹۱)

بر ناتوانان و بر بیماران و بر کسانی که چیزی نمی‌یابند [تا در راه جهاد] خرج کنند در صورتی که برای خدا و پیامبرش خیرخواهی نمایند هیچ گناهی نیست ، [و نیز] بر نیکوکاران ایرادی نیست ، و خدا آمرزنده مهربان است .

(التوبة، ۹۱)

وَ لَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا اتَّوَكَّاتُمْ لِيَحْمِلَهُمْ قُلْتُمْ لَا أُجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَ أَعْيَبْتُمْ نَفْسَكُمْ مِنَ الدَّمِ حَرْزًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ (۹۲)

و [نیز] گناهی نیست بر کسانی که چون پیش تو آمدند تا سوارشان کنی [و] گفتی : « چیزی پیدا نمی‌کنم تا بر آن سوارتان کنم » ، برگشتند ، و در اثر اندوه ، از چشمانشان اشک فرو می‌ریخت که [چرا] چیزی نمی‌یابند تا [در راه جهاد] خرج کنند .

(التوبة، ۹۲)

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ وَ هُمْ أَغْنِيَاءُ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۹۳)

ایراد فقط بر کسانی است که با اینکه توانگرند از تو اجازه [ترک جهاد] می‌خواهند . [و به این] راضی شده‌اند که با خانه‌نشینان باشند ، و خدا بر دل‌هایشان مهر نهاد ، در نتیجه آنان نمی‌فهمند .

(التوبة، ۹۳)

يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَذِرُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَأْنَا اللَّهُ مِنْ أَنْبَارِكُمْ وَ سَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ ثُمَّ تَرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۹۴)

هنگامی که به سوی آنان بازگردید برای شما عذر می‌آورند . بگو : « عذر نیاورید ، هرگز شما را باور نخواهیم داشت ؛ خدا ما را از خبرهای شما آگاه گردانیده ، و به زودی خدا و رسولش عمل شما را خواهند دید . آن گاه به سوی دانای نهان و آشکار ، بازگردانیده می‌شوید ، و از آنچه انجام می‌دادید به شما خبر می‌دهد . »

(التوبة، ۹۴)

سَيَخْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِنِعْمَتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَنْ يُرْسِلُوا عَلَيْكُمْ جَحَافًا إِذْ كَانُوا يَكْفُرُونَ (۹۵)

وقتی به سوی آنان بازگشتید ، برای شما به خدا سوگند می‌خورند تا از ایشان صرفنظر کنید . پس ، از آنان روی برتابید ، چرا که آنان پلیدند ، و به [سزای] آنچه به دست آورده‌اند جایگاهشان دوزخ خواهد بود .

(التوبة، ۹۵)

يَخْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (۹۶)

برای شما سوگند یاد می‌کنند تا از آنان خشنود گردید . پس اگر شما هم از ایشان خشنود شوید قطعاً خدا از گروه فاسقان خشنود نخواهد شد .

(التوبة، ۹۶)

الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَ نِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۹۷)

بادیه‌نشینان عرب ، در کفر و نفاق [از دیگران] سخت‌تر ، و به اینکه حدود آنچه را که خدا بر فرستاده‌اش نازل کرده ، ندانند ، سزاوارترند . و خدا دانای حکیم است .

(التوبة، ۹۷)

وَ مِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَ يَتْرِكُكُمْ بِالْمَوَارِثِ عَلَيْهِمْ ذَائِرَةُ السَّوْءِ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۹۸)

و برخی از آن بادیه‌نشینان کسانی هستند که آنچه را [در راه خدا] هزینه می‌کنند ، خسارتی [برای خود] می‌دانند ، و برای شما پیشامدهای بد انتظار می‌برند . پیشامد بد برای آنان خواهد بود ، و خدا شنوای داناست .

(التوبة، ۹۸)

وَ مِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَ صَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَّا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۹۹)

و برخی [دیگر] از بادیه‌نشینان کسانی‌اند که به خدا و روز بازپسین ایمان دارند و آنچه را انفاق می‌کنند مایه تقرب نزد خدا و دعا‌های پیامبر می‌دانند . بدانید که این [انفاق] مایه تقرب آنان است . به زودی خدا ایشان را در جوار رحمت خویش درآورد ، که خدا آمرزنده مهربان است .

(التوبة، ۹۹)

وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۰۰)

و پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار ، و کسانی که با نیکوکاری از آنان پیروی کردند ، خدا از ایشان خشنود و آنان [نیز] از او خشنودند ، و برای آنان باغ‌هایی آماده کرده که از زیر [درختان] آن نهرها روان است . همیشه در آن جاودانه‌اند . این است همان کامیابی بزرگ .

(التوبة، ۱۰۰)

وَ مِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَىٰ النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ (۱۰۱)

و برخی از بادیه‌نشینانی که پیرامون شما هستند منافقند ، و از ساکنان مدینه [نیز عده‌ای] بر نفاق خو گرفته‌اند . تو آنان را نمی‌شناسی ، ما آنان را می‌شناسیم . به زودی آنان را دو بار عذاب می‌کنیم ؛ سپس به عذابی بزرگ بازگردانیده می‌شوند .

(التوبة، ۱۰۱)

وَ آخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَ آخَرَ سَيِّئًا عَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۰۲)

و دیگریانی هستند که به گناهان خود اعتراف کرده و کار شایسته را با [کاری] دیگر که بد است درآمیخته‌اند . امید است خدا توبه آنان را بپذیرد ، که خدا آمرزنده مهربان است .

(التوبة، ۱۰۲)

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱۰۳)

از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه‌شان سازی ، و برایشان دعا کن ، زیرا دعای تو برای آنان آرامشی است ، و خدا شنوای داناست .

(التوبة، ۱۰۳)

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَ يَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۱۰۴)

آیا ندانسته‌اند که تنها خداست که از بندگانش توبه را می‌پذیرد و صدقات را می‌گیرد ، و خداست که خود توبه‌پذیر مهربان است ؟

(التوبة، ۱۰۴)

وَقُلْ اَعْمَلُوا هَسِرَى اللَّهِ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ سَتَرُدُّونَ اِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيَنْبَنُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۰۵)

و بگو: « هر کاری می‌خواهید [بکنید ، که به زودی خدا و پیامبر او و مؤمنان در کردار شما خواهند نگرست ، و به زودی به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانیده می‌شوید ؛ پس شما را به آنچه انجام می‌دادید آگاه خواهد کرد . »

(التوبة، ۱۰۵)

وَ اٰخَرُونَ مُرْجُونَ لِاَمْرِ اللَّهِ اِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَ اِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۱۰۶)

و عذای دیگر [کارشان] موقوف به فرمان خداست : یا آنان را عذاب می‌کند و یا توبه آنها را می‌پذیرد ، و خدا دانای سنجیده‌کار است .

(التوبة، ۱۰۶)

وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِداً ضِرَاراً وَ كُفْراً وَ تَفْرِيقاً بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ اِرْصَاداً لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَ لِيَخْلِفُنَّ اِنْ اَرَدْنَا اِلَّا الْحُسْنَى وَ اللَّهُ يَشْهَدُ اِنَّهُمْ لَكَافِرُونَ (۱۰۷)

و آنهایی که مسجدی اختیار کردند که مایه زیان و کفر و پراکندگی میان مؤمنان است ، و [نیز] کمینگاهی است برای کسی که قبلاً با خدا و پیامبر او به جنگ برخاسته بود ، و سخت سوگند یاد می‌کنند که جز نیکی قصدی نداشتیم . و [لی] خدا گواهی می‌دهد که آنان قطعاً دروغگو هستند .

(التوبة، ۱۰۷)

لَا تَقُمْ فِيهِ اَبَداً لِمَسْجِدٍ اُسَسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ اَوَّلِ يَوْمٍ اَحَقُّ اَنْ تَقُومَ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ اَنْ يَنْظُرُوْا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ (۱۰۸)

هرگز در آن جا مایست ، چرا که مسجدی که از روز نخستین بر پایه تقوا بنا شده ، سزاوارتر است که در آن [به نماز] ایستی . [و] در آن ، مردانی‌اند که دوست دارند خود را پاک سازند ، و خدا کسانی را که خواهان پاک‌اند دوست می‌دارد .

(التوبة، ۱۰۸)

اَفَمَنْ اَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٍ خَيْرٌ اَمْ مَنْ اَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَقَا حَرْفٍ هَارٍ فَاَنْهَارٌ بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱۰۹)

آیا کسی که بنیاد [کار] خود را بر پایه تقوا و خشنودی خدا نهاده بهتر است یا کسی که بنای خود را بر لب پرتگاهی مشرف به سقوط پیریزی کرده و با آن در آتش دوزخ فرو می‌افتد ؟ و خدا گروه بیدادگران را هدایت نمی‌کند .

(التوبة، ۱۰۹)

لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ اِلَّا اَنْ تَقَطَّ قُلُوبُهُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۱۱۰)

همواره آن ساختمانی که بنا کرده‌اند ، در دل‌هایشان مایه شک [و نفاق] است ، تا آنکه دل‌هایشان پاره پاره شود ، و خدا دانای سنجیده‌کار است .

(التوبة، ۱۱۰)

اِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اَنْفُسَهُمْ وَ اَمْوَالَهُمْ بِاَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ وَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَ الْاِنْجِيلِ وَ الْفُرْقَانِ وَ مَنْ اَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۱۱)

در حقیقت ، خدا از مؤمنان ، جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد ، خریده است ؛ همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند . [این] به عنوان وعده حقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده اوست . و چه کسی از خدا به عهد خویش وفادارتر است ؟ پس به این معامله‌ای که با او کرده‌اید شادمان باشید ، و این همان کامیابی بزرگ است .

(التوبة، ۱۱۱)

الْمُؤْمِنُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحَافِظُونَ لِخُدُودِ اللَّهِ وَ بَشَرِ الْمُؤْمِنِينَ (۱۱۲)

[آن مؤمنان ،] همان توبه‌کنندگان ، پرستندگان ، سپاسگزاران ، روزه‌داران ، رکوع‌کنندگان ، سجده‌کنندگان ، وادارندگان به کارهای پسندیده ، بازدارندگان از کارهای ناپسند و پاسداران مقررات خدایند . و مؤمنان را بشارت ده .

(التوبة، ۱۱۲)

مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَ الَّذِينَ اٰمَنُوا اَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَ لَوْ كَانُوا اُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ اَنَّهُمْ اَصْحَابُ الْجَحِيمِ (۱۱۳)

بر پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند سزاوار نیست که برای مشرکان پس از آنکه برایشان آشکار گردید که آنان اهل دوزخند طلب آمرزش کنند ، هر چند خویشاوند [آنان] باشند .

(التوبة، ۱۱۳)

وَ مَا كَانَ اسْتِغْفَارُ اِبْرَاهِيمَ لِابْنِهِ اِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا اِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهٗ اَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ اِنَّ اِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ (۱۱۴)

و طلب آمرزش ابراهیم برای پدرش جز برای وعده‌ای که به او داده بود ، نبود . و [لی] هنگامی که برای او روشن شد که وی دشمن خداست ، از او بی‌زاری جست . راستی ، ابراهیم ، دلسوزی بردبار بود .

(التوبة، ۱۱۴)

وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۱۵)

و خدا بر آن نیست که گروهی را پس از آنکه هدایتشان نمود براه بگذارد ، مگر آنکه چیزی را که باید از آن پروا کنند برایشان بیان کرده باشد . آری ، خدا به هر چیزی داناست .

(التوبة، ۱۱۵)

إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ نُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ (۱۱۶)

در حقیقت ، فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست . زنده می‌کند و می‌میراند ، و برای شما جز خدا یار و یابوری نیست .

(التوبة، ۱۱۶)

لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ النَّصْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ (۱۱۷)

به یقین ، خدا بر پیامبر و مهاجران و انصار که در آن ساعت دشوار از او پیروی کردند ببخشد ، بعد از آنکه چیزی نمانده بود که دل‌های دسته‌ای از آنان منحرف شود . باز برایشان ببخشد ، چرا که او نسبت به آنان مهربان و رحیم است .

(التوبة، ۱۱۷)

وَ عَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّى إِذَا ضَافَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَ ضَافَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَ ظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۱۱۸)

و [نیز] بر آن سه تن که بر جای مانده بودند ، [و قبول توبه آنان به تعویق افتاد] تا آنجا که زمین با همه فراخ‌اش بر آنان تنگ گردید ، و از خود به تنگ آمدند و دانستند که پناهی از خدا جز به سوی او نیست . پس [خدا] به آنان [توفیق] توبه داد ، تا توبه کنند . بی تردید خدا همان توبه‌پذیر مهربان است .

(التوبة، ۱۱۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ (۱۱۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، از خدا پروا کنید و با راستان باشید .

(التوبة، ۱۱۹)

مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَ مَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَ لَا يُرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَ لَا نَصَبٌ وَ لَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَطْنُونَ مَوْطِنًا يَعْغِطُ الْكُفَّارَ وَ لَا يَتَّالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (۱۲۰)

مردم مدینه و بادیه‌نشینان پیرامونشان را نرسد که از [فرمان] پیامبر خدا سر باز زنند و جان خود را عزیزتر از جان او بدانند ، چرا که هیچ تشنگی و رنج و گرسنگی در راه خدا به آنان نمی‌رسد ؛ و در هیچ مکانی که کافران را به خشم می‌آورد قدم نمی‌گذارند و از دشمنی غنیمتی به دست نمی‌آورند مگر اینکه به سبب آن ، عمل صالحی برای آنان [در کارنامه‌شان] نوشته می‌شود ، زیرا خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند .

(التوبة، ۱۲۰)

وَ لَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً وَ لَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۲۱)

و هیچ مال کوچک و بزرگی را انفاق نمی‌کنند و هیچ وادی را قطع نمی‌کنند مگر اینکه به حساب آنان نوشته می‌شود ، تا خدا آنان را به بهتر از آنچه می‌کردند پاداش دهد .

(التوبة، ۱۲۱)

وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (۱۲۲)

و شایسته نیست مؤمنان همگی [برای جهاد] کوچ کنند . پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان ، دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا [دسته‌ای بمانند و] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند باشد که آنان [از کفر الهی] بترسند ؟

(التوبة، ۱۲۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَ لِيَجِدُوا فِيكُمْ غَضَبًا وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (۱۲۳)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، با کافرانی که مجاور شما هستند کارزار کنید ، و آنان باید در شما خشونت بیابند ، و بدانید که خدا با تقواییبندگان است .

(التوبة، ۱۲۳)

وَ إِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَيْكُمُ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيْمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَرَأَدَتْهُمْ إِيْمَانًا وَ هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ (۱۲۴)

و چون سوره‌ای نازل شود ، از میان آنان کسی است که می‌گوید : « این [سوره] ایمان کدام يك از شما را افزود ؟ » اما کسانی که ایمان آورده‌اند بر ایمانشان می‌افزاید و آنان شادمانی می‌کنند .

(التوبة، ۱۲۴)

وَ أَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَرَأَدَتْهُمْ رِجْسًا إِلَى رِجْسِهِمْ وَ مَاتُوا وَ هُمْ كَافِرُونَ (۱۲۵)

اما کسانی که در دل‌هایشان بیماری است ، پلیدی بر پلیدی‌شان افزود و در حال کفر درمی‌گذرند .

(التوبة، ۱۲۵)

أَوْ لَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَ لَا هُمْ يَذْكُرُونَ (۱۲۶)

آیا نمی‌بینند که آنان در هر سال ، يك یا دو بار آزموده می‌شوند ، باز هم توبه نمی‌کنند و عبرت نمی‌گیرند ؟

(التوبة، ۱۲۶)

وَ إِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ نَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ هَلْ يَرَاهُمْ مِنْ أَحَدٍ ثُمَّ انصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (۱۲۷)

و چون سوره‌ای نازل شود ، بعضی از آنان به بعضی دیگر نگاه می‌کنند [و می‌گویند :] « آیا کسی شما را می‌بیند ؟ » سپس [مخفیانه از حضور پیامبر] بازمی‌گردند . خدا دل‌هایشان را [از حق] برگرداند ، زیرا آنان گروهی هستند که نمی‌فهمند .

(التوبة، ۱۲۷)

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ (۱۲۸)

قطعاً ، برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید ، به [هدایت] شما حریص ، و نسبت به مؤمنان ، دلسوز مهربان است .

(التوبة، ۱۲۸)

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (۱۲۹)

پس اگر روی برتافتند ، بگو : « خدا مرا بس است . هیچ معبودی جز او نیست . بر او توکل کردم ، و او پروردگار عرش بزرگ است . »

(التوبة، ۱۲۹)

ترتیبها- ۱۰	سوره یونس	مکی- آیاتها ۱۰۹
-------------	-----------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(یونس، ۰)

الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ (۱)

الف ، لام ، راء . این است آیات کتاب حکمت‌آموز .

(یونس، ۱)

أَكُنْ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَ بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمٌ صِغِي عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُبِينٌ (۲)

آیا برای مردم شگفت‌آور است که به مردی از خودشان وحی کردیم که : مردم را بیم ده و به کسانی که ایمان آورده‌اند مژده ده که برای آنان نزد پروردگارشان سابقه نیک است ؟ کافران گفتند : « این [مرد] قطعاً افسونگری آشکار است . »

(یونس، ۲)

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَلَمْ تَذْكُرُونَ (۳)

پروردگار شما آن خدایی است که آسمانها و زمین را در شش هنگام آفرید . سپس بر عرش استیلا یافت . کار [آفرینش] را تدبیر می‌کند . شفاعتگری جز پس از اذن او نیست . این است خدا ، پروردگار شما ، پس او را بپرستید . آیا پند نمی‌گیرید ؟

(یونس، ۳)

إِنِّيهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعاً وَعَدَّ اللَّهُ حَقّاً إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (۴)

بازگشت همه شما به سوی اوست . وعده خدا حق است ؛ هموست که آفرینش را آغاز می‌کند سپس آن را باز می‌گرداند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند به عدالت پاداش دهد ، و کسانی که کفر ورزیده‌اند به [سزای] کفرشان شربتی از آب جوشان و عذابی پر درد خواهند داشت .

(یونس، ۴)

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُوراً وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۵)

اوست کسی که خورشید را روشنایی بخشید و ماه را تابان کرد ، و برای آن منزلهایی معین کرد تا شماره سالها و حساب را بدانید . خدا اینها را جز به حق نیافریده است . نشانه‌ها [ی خود] را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان می‌کند .

(یونس، ۵)

إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَّقُونَ (۶)

به راستی ، در آمد و رفت شب و روز و آنچه خدا در آسمانها و زمین آفریده ، برای مردمی که پروا دارند دلایلی [آشکار] است .

(یونس، ۶)

إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ (۷)

کسانی که امید به دیدار ما ندارند ، و به زندگی دنیا دل خوش کرده و بدان اطمینان یافته‌اند ، و کسانی که از آیات ما غافلند ،

(یونس، ۷)

أُولَئِكَ مَاؤَهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۸)

آنان به [کیفر] آنچه به دست می‌آوردند ، جایگاهشان آتش است .

(یونس، ۸)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ (۹)

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند ، پروردگارشان به پاس ایمانشان آنان را هدایت می‌کند به باغهای [پُر ناز و] نعمت ، که از زیر [پای] آنان نهرها روان خواهد بود [در خواهند آمد] .

(یونس، ۹)

دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۰)

نیایش آنان در آنجا سبحانک اللهم [خدایا ! تو پاک و منزهی] و درودشان در آنجا سلام است ، و پایان نیایش آنان این است که : الحمد لله رب العالمین [ستایش ویژه پروردگار جهانیان است] .

(یونس، ۱۰)

وَلَوْ يَعْلَمُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشُّرَّ اسْتَعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَفَضِّيَ إِلَيْهِمْ أَجَلُهُمْ فَتَدَّرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۱۱)

و اگر خدا برای مردم به همان شتاب که آنان در کار خیر می‌طلبند ، در رساندن بلا به آنها شتاب می‌نمود ، قطعاً اجلشان فرا می‌رسید . پس کسانی را که به دیدار ما امید ندارند ، در طغیانشان رها می‌کنیم تا سرگردان بمانند .

(یونس، ۱۱)

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِداً أَوْ قَائِماً فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَنْ لَمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرِّ مَسَّهُ كَذَلِكَ زَيْنٌ لِّلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۲)

و چون انسان را آسیبی رسد ، ما را به پهلو خوابیده یا نشسته یا ایستاده می‌خواند ، و چون گرفتاریش را برطرف کنیم چنان می‌رود که گویی ما را برای گرفتاریی که به او رسیده ، نخوانده است . این گونه برای اسرافکاران آنچه انجام می‌دادند زینت داده شده است .

(یونس، ۱۲)

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ (۱۳)

و قطعاً نسلهای پیش از شما را هنگامی که ستم کردند به هلاکت رساندیم ، و پیامبرانشان دلایل آشکار برایشان آوردند و [لی] بر آن نبودند که ایمان بیاورند . این گونه مردم بزهکار را جزا می‌دهیم .

(یونس، ۱۳)

ثُمَّ جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ مِن بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ (۱۴)

آن گاه شما را پس از آنان در زمین جانشین قرار دادیم تا بنگریم چگونه رفتار می‌کنید .

(یونس، ۱۴)

وَ إِذَا تَنَالَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بِبَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا اَنْتَ بَقْرَانٍ غَيْرٍ هَذَا اَوْ بَدَّلَهُ فَلَا مَا يَكُونُ لِي اَنْ اُبَدِّلَهُ مِنْ تَلَقّٰءِ نَفْسِي اِنْ اَتَّبِعْ اِلَّا مَا يُوْحٰى اِلَيَّْ اِنِّي اَخَافُ اِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱۵)

و چون آیات روشن ما بر آنان خوانده شود ، آنان که به دیدار ما امید ندارند می‌گویند : « قرآن دیگری جز این بیابور ، یا آن را عوض کن . » بگو : « مرا نرسد که آن را از پیش خود عوض کنم . جز آنچه را که به من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم . اگر پروردگارم را نافرمانی کنم ، از عذاب روزی بزرگ می‌ترسم . »

(یونس، ۱۵)

قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِنْ قَبْلِهِ أَلَمْ تَعْلَمُوا (۱۶)

بگو : « اگر خدا می‌خواست آن را بر شما نمی‌خواندم ، و [خدا] شما را بدان آگاه نمی‌گردانید . قطعاً پیش از [آوردن] آن ، روزگاری در میان شما به سر برده‌ام . آیا فکر نمی‌کنید ؟ »

(یونس، ۱۶)

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ (۱۷)

پس کیست ستمکارتر از آن کس که دروغی بر خدای بندد یا آیات او را تکذیب کند ؟ به راستی مجرمان رستگار نمی‌شوند .

(یونس، ۱۷)

وَ يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتَنْتَبَهُونَ اللَّهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحٰنَهُ وَ تَعَالٰى عَمَّا يُشْرِكُونَ (18)

و به جای خدا ، چیزهایی را می‌پرستند که نه به آنان زیان می‌رساند و نه به آنان سود می‌دهد . و می‌گویند : « اینها نزد خدا شفاعتگران ما هستند . » بگو : « آیا خدا را به چیزی که در آسمانها و در زمین نمی‌داند ، آگاه می‌گردانید ؟ » او پاک و برتر است از آنچه [با وی] شریک می‌سازند .

(یونس، ۱۸)

وَ مَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَّاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَ لَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفَضَّيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۱۹)

و مردم جز يك امت نبودند . پس اختلاف پیدا کردند . و اگر وعده‌ای از جانب پروردگارت مقرر نگشته بود ، قطعاً در آنچه بر سر آن با هم اختلاف می‌کنند ، میانشان داوری می‌شد .

(یونس، ۱۹)

وَ يَقُولُونَ لَوْ لَا اُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ اِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتظِرُوا اِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ (۲۰)

و می‌گویند : « چرا معجزه‌ای از جانب پروردگارش بر او نازل نمی‌شود ؟ » بگو : « غیب فقط به خدا اختصاص دارد . پس منتظر باشید که من هم با شما از منتظرانم . »

(یونس، ۲۰)

وَ إِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُمْ إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا اِنْ رُسُلُنَا يَكْفُرُونَ مَا تَمْكُرُونَ (۲۱)

و چون مردم را پس از آسیبی که به ایشان رسیده است ، رحمتی بچشانیم ، بناگاه آنان را در آیات ما نیرنگی است . بگو : « نیرنگ خدا سریع‌تر است . » در حقیقت ، فرستادگان [فرشتگان] ما آنچه نیرنگ می‌کنید می‌نویسند .

(یونس، ۲۱)

هُوَ الَّذِي يُسَبِّحُكُمْ فِي النَّوْمِ وَ النَّبْرِ وَ النَّبْرِ حَتَّىٰ اِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلْكِ وَ جَرَيْنَ بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَ فَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَ جَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَ ظَنُّوا اَنْهُمْ اُحْبِطَ بِهِمْ دَعْوَا اللَّهِ مُخْلِصِينَ لَهُ الَّذِينَ لَنْ اُنجِبَنَّاهُمْ مِنْ هَذِهِ لَتَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (۲۲)

او کسی است که شما را در خشکی و دریا می‌گرداند ، تا وقتی که در کشتیها باشید و آنها با بادی خوش ، آنان را ببرند و ایشان بدان شاد شوند [بناگاه] بادی سخت بر آنها وزد و موج از هر طرف بر ایشان تازد و یقین کنند که در محاصره افتاده‌اند ، در آن حال خدا را پاکدلانه می‌خوانند که : « اگر ما را از این [ورطه] برهانی ، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم شد . »

(یونس، ۲۲)

فَلَمَّا اَنْجَاهُمْ اِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اِنَّمَا بُغِيْعُكُمْ عَلَىٰ اَنْفُسِكُمْ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ اِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۳)

پس چون آنان را رها کنید ، ناگهان در زمین بناحق سرکشی می‌کنند . ای مردم ، سرکشی شما فقط به زیان خود شماست . [شما] بهره زندگی دنیا را [می‌طلبید] . سپس بازگشت شما به سوی ما خواهد بود . پس شما را از آنچه انجام می‌دادید با خبر خواهیم کرد .

(یونس، ۲۳)

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنُ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۲۴)

در حقیقت ، مثل زندگی دنیا بسان آبی است که آن را از آسمان فرو ریختیم ، پس گیاه زمین از آنچه مردم و دامها می‌خورند با آن درآمیخت ، تا آن گاه که زمین پیرایه خود را برگرفت و آراسته گردید و اهل آن پنداشتند که آنان بر آن قدرت دارند ، شبی یا روزی فرمان [ویرانی] ما آمد و آن را چنان درویده کردیم که گویی دیروز وجود نداشته است . این گونه نشانه‌ها [ی خود] را برای مردمی که اندیشه می‌کنند به روشنی بیان می‌کنیم .

(یونس، ۲۴)

وَ اللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۲۵)

و خدا [شما را] به سرای سلامت فرا می‌خواند ، و هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند .

(یونس، ۲۵)

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْخَيْرَ وَ زِيَادَةٌ وَ لَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَ لَا ذُلٌّ أَولِيكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۶)

برای کسانی که کار نیکو کرده‌اند ، نیکویی [بهشت] و زیاده [بر آن] است . چهره‌هایشان را عباری و ذلتی نمی‌پوشاند . اینان اهل بهشتند [و] در آن جاودانه خواهند بود .

(یونس، ۲۶)

وَ الَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سِنِيَةٍ يُمَثِّلُهَا وَ تَرْهَقُهُمْ ذُلٌّ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِنَ اللَّيْلِ مُظْلَمًا أَولِيكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۷)

و کسانی که مرتکب بدیها شده‌اند ، [بدانند که] جزای [هر] بدی مانند آن است و خواری آنان را فرو می‌گیرد . در مقابل خدا ، هیچ حمایتگری برای ایشان نیست . گویی چهره‌هایشان با پارهای از شب تار پوشیده شده است . آنان همدم آتشند ، که در آن جاودانه خواهند بود .

(یونس، ۲۷)

وَ يَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَ شُرَكَاءُكُمْ فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ وَ قَالَ شُرَكَاءُهُمْ مَا كُنْتُمْ إِنَّا تَعْبُدُونَ (۲۸)

و [یاد کن] روزی را که همه آنان را گرد می‌آوریم . آن گاه به کسانی که شرک ورزیده‌اند می‌گوییم : « شما و شریکانتان بر جای خود بنشینید » پس میان آنها جدایی می‌افکنیم . و شریکان آنان می‌گویند : « در حقیقت ، شما ما را نمی‌پرستیدید . »

(یونس، ۲۸)

فَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغَافِلِينَ (۲۹)

« و گواهی خدا میان ما و میان شما بس است . به راستی ما از عبادت شما بی‌خبر بودیم . »

(یونس، ۲۹)

هُنَالِكَ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ مِمَّا سَلَفَتْ وَ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۳۰)

آنجاست که هر کسی آنچه را از پیش فرستاده است می‌آزمايد ، و به سوی خدا مولای حقیقی خود بازگردانیده می‌شوند ، و آنچه به دروغ برمی‌ساخته‌اند از دستشان به در می‌رود .

(یونس، ۳۰)

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ مَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ مَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۳۱)

بگو : « کیست که از آسمان و زمین به شما روزی می‌بخشد ؟ یا کیست که حاکم بر گوشها و دیدگان است ؟ و کیست که زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده خارج می‌سازد ؟ و کیست که کارها را تدبیر می‌کند ؟ » خواهند گفت : « خدا » پس بگو : « آیا پروا نمی‌کنید ؟ »

(یونس، ۳۱)

فَلْيُكْفِرُ اللَّهُ رَبَّكُمْ الْحَقُّ فَمَا دَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ (۳۲)

این است خدا ، پروردگار حقیقی شما ، و بعد از حقیقت جز گمراهی چیست ؟ پس چگونه [از حق] بازگردانیده می‌شوید ؟

(یونس، ۳۲)

كُذِّبَتْ حَقَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۳۳)

این گونه سخن پروردگارت بر کسانی که نافرمانی کردند به حقیقت پیوست ، [چرا] که آنان ایمان نمی‌آورند .

(یونس، ۳۳)

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلِ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ فَأَلَيْ تَتُفَكَّرُونَ (۳۴)

بگو : « آیا از شریکان شما کسی هست که آفرینش را آغاز کند و سپس آن را برگرداند ؟ » بگو : « خداست که آفرینش را آغاز می‌کند و باز آن را برمی‌گرداند . پس چگونه [از حق] بازگردانیده می‌شوید ؟ »

(یونس، ۳۴)

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (۳۵)

بگو : « آیا از شریکان شما کسی هست که به سوی حق رهبری کند ؟ » بگو : « خداست که به سوی حق رهبری می‌کند » پس ، آیا کسی که به سوی حق رهبری می‌کند سزاوارتر است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که راه نمی‌یابد مگر آنکه هدایت شود ؟ شما را چه شده ، چگونه داوری می‌کنید ؟

(یونس، ۳۵)

وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (۳۶)

و بیشترشان جز از گمان پیروی نمی‌کنند [ولی] گمان به هیچ وجه [آدمی را] از حقیقت بی‌نیاز نمی‌گرداند . آری ، خدا به آنچه می‌کند داناست .

(یونس، ۳۶)

وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَى مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لَعَنَ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۳۷)

و چنان نیست که این قرآن از جانب غیر خدا [و] به دروغ ساخته شده باشد . بلکه تصدیق [کننده] آنچه پیش از آن است می‌باشد ، و توضیحی از آن کتاب است ، که در آن تردیدی نیست ، [و] از پروردگار جهانیان است .

(یونس، ۳۷)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا مَنِ اسْتَضَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۳۸)

یا می‌گویند : « آن را به دروغ ساخته است ؟ » بگو : « اگر راست می‌گویید ، سوره‌ای مانند آن بیاورید ، و هر که را جز خدا می‌توانید ، فرا خوانید . »

(یونس، ۳۸)

بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعَلْمِهِ وَ لَمَّا يَأْتِيهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ (۳۹)

بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نداشتند و هنوز تأویل آن برایشان نیامده است . کسانی [هم] که پیش از آنان بودند ، همین گونه [پیامبرانشان را] تکذیب کردند . پس بنگر که فرجام ستمگران چگونه بوده است .

(یونس، ۳۹)

وَ مِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَ رَبِّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ (۴۰)

و از آنان کسی است که بدان ایمان می‌آورد ، و از آنان کسی است که بدان ایمان نمی‌آورد ، و پروردگار تو به [حال] فسادگران داناتر است .

(یونس، ۴۰)

وَ إِنْ كَذَّبُوا فَقُلْ لِي عَمَلِي وَ لَكُمْ عَمَلِكُمْ أَنْتُمْ بَرِينُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَ أَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ (۴۱)

و اگر تو را تکذیب کردند ، بگو : « عمل من به من اختصاص دارد ، و عمل شما به شما اختصاص دارد . شما از آنچه من انجام می‌دهم غیر مسئولید ، و من از آنچه شما انجام نمی‌دهید غیر مسئولم . »

(یونس، ۴۱)

وَ مِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَ لَوْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ (۴۲)

و برخی از آنان کسانی‌اند که به تو گوش فرا می‌دهند . آیا تو کران را هر چند در نیابند شنوا خواهی کرد ؟

(یونس، ۴۲)

وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْيَ وَ لَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ (۴۳)

و از آنان کسی است که به سوی تو می‌نگرد . آیا تو نابینایان را هر چند نبینند هدایت توانی کرد ؟

(یونس، ۴۳)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَ لِكُلِّ النَّاسِ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ (۴۴)

خدا به هیچ وجه به مردم ستم نمی‌کند ، لیکن مردم خود بر خویشتن ستم می‌کنند .

(یونس، ۴۴)

وَ يَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبُثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَ مَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (۴۵)

و روزی که آنان را گرد می‌آورد ، گویی جز به اندازه ساعتی از روز درنگ نکرده‌اند . با هم اظهار آشنایی می‌کنند . قطعاً کسانی که دیدار خدا را دروغ شمردند زیان کردند و [به حقیقت] راه نیافتند .

(یونس، ۴۵)

وَ إِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ (۴۶)

و اگر پاره‌ای از آنچه را که به آنان وعده می‌دهیم به تو بنمایانیم ، یا تو را بمیرانیم [در هر دو صورت] بازگشتشان به سوی ماست . سپس خدا بر آنچه می‌کنند گواه است .

(یونس، ۴۶)

وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَ هُمْ لَا يَظْلِمُونَ (۴۷)

و هر امتی را پیامبری است . پس چون پیامبرشان بیاید ، میانشان به عدالت داوری شود و بر آنان ستم نرود .

(یونس، ۴۷)

وَ يَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۴۸)

و می‌گویند : « اگر راست می‌گویید ، این وعده چه وقت است ؟ »

(یونس، ۴۸)

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَقْدِمُونَ (۴۹)

بگو : « برای خود زیان و سودی در اختیار ندارم ، مگر آنچه را که خدا بخواهد . هر امتی را زمانی [محدود] است . آن گاه که زمانشان به سر رسد ، پس نه ساعتی [از آن] تاخیر کنند و نه پیشی گیرند . »

(یونس، ۴۹)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا مَاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ (۵۰)

بگو : « به من خبر دهید ، اگر عذاب او شب یا روز به شما دررسد ، بزهکاران چه چیزی از آن به شتاب می‌خواهند ؟ »

(یونس، ۵۰)

أَتُمْ إِذَا مَا وَقَعَ آمَنْتُمْ بِهِ آلَانِ وَ قَدْ كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ (۵۱)

سپس ، آیا هنگامی که [عذاب بر شما] واقع شد ، اکنون به آن ایمان آوردید ، در حالی که به [آمدن] آن شتاب می‌نمودید ؟

(یونس، ۵۱)

ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ (۵۲)

پس به کسانی که ستم ورزیدند گفته شود : « عذاب جاوید را بچشید . آیا جز به [کیفر] آنچه به دست می‌آوردید ، جزا داده می‌شوید ؟ »

(یونس، ۵۲)

وَ يَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قُلُّ إِي وَ رَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَ مَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ (۵۳)

و از تو خبر می‌گیرند : « آیا آن راست است ؟ » بگو : « آری ! سوگند به پروردگرم که آن قطعاً راست است ، و شما نمی‌توانید [خدا را] درمانده کنید . »

(یونس، ۵۳)

وَ لَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَ أَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَ هُمْ لَا يَظْلِمُونَ (۵۴)

۶۰۴ / ۱۴۵

و اگر ، برای هر کسی که ستم کرده است ، آنچه در زمین است می‌بود ، قطعاً آن را برای [خلاصی و] بازخريد خود می‌داد . و چون عذاب را ببینند پشیمانی خود را پنهان دارند ، و میان آنان به عدالت داوری شود و بر ایشان ستم نرود .

(یونس، ۵۴)

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۵۵)

بدانید ، که در حقیقت آنچه در آسمانها و زمین است از آنِ خداست . بدانید ، که در حقیقت وعده خدا حق است ولی بیشتر آنان نمی‌دانند .

(یونس، ۵۵)

هُوَ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۵۶)

او زنده می‌کند و می‌میراند و به سوی او بازگردانیده می‌شوید .

(یونس، ۵۶)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ (۵۷)

ای مردم ، به یقین ، برای شما از جانب پروردگارتان اندرزی ، و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست ، و رهنمود و رحمتی برای گروندگان [به خدا] آمده است .

(یونس، ۵۷)

قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ قَبِلْتُمْ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ (۵۸)

بگو : « به فضل و رحمت خداست که [مؤمنان] باید شاد شوند . » و این از هر چه گرد می‌آورند بهتر است .

(یونس، ۵۸)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَ حَلَالًا قُلْ إِنَّ اللَّهَ آذَنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ (۵۹)

بگو : « به من خبر دهید ، آنچه از روزی که خدا برای شما فرود آورده [چرا] بخشی از آن را حرام و [بخشی را] حلال گردانیده‌اید « بگو : « آیا خدا به شما اجازه داده یا بر خدا دروغ می‌بندید ؟ »

(یونس، ۵۹)

وَ مَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَ لَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَشْكُرُونَ (۶۰)

و کسانی که بر خدا دروغ می‌بندند ، روز رستاخیز چه گمان دارند ؟ در حقیقت ، خدا بر مردم ، دارای بخشش است ولی بیشترشان سپاسگزاری نمی‌کنند .

(یونس، ۶۰)

وَ مَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَ مَا تَتْلُو مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَ لَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَ مَا يَغْرِبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ وَ لَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَ لَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (۶۱)

و در هیچ کاری نیاشی و از سوی او [خدا] هیچ [آیه‌ای] از قرآن نخوانی و هیچ کاری نکنید ، مگر اینکه ما بر شما گواه باشیم آن گاه که بدان مبادرت می‌ورزید . و هموزن ندرای ، نه در زمین و نه در آسمان از پروردگار تو پنهان نیست ، و نه کوچکتر و نه بزرگتر از آن چیزی نیست ، مگر اینکه در کتابی روشن [درج شده] است .

(یونس، ۶۱)

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۶۲)

آگاه باشید ، که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می‌شوند .

(یونس، ۶۲)

الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ (۶۳)

همانان که ایمان آورده و پرهیزگاری ورزیده‌اند .

(یونس، ۶۳)

لَهُمُ النَّبَشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۶۴)

در زندگی دنیا و در آخرت مرزده برای آنان است . وعده‌های خدا را تبدیلی نیست ؛ این همان کامیابی بزرگ است .

(یونس، ۶۴)

وَ لَا يَخْرُتُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۶۵)

سخن آنان تو را غمگین نکند ، زیرا عزت ، همه از آن خداست . او شنوای داناست .

(یونس، ۶۵)

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمِنْ فِي الْأَرْضِ وَ مَا يَتَّبِعِ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ إِنَّ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ إِنَّ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (۶۶)

آگاه باش ، که هر که [و هر چه] در آسمانها ، و هر که [و هر چه] در زمین است از آن خداست . و کسانی که غیر از خدا شریکانی را میخوانند ، [از آنها] پیروی نمیکنند . اینان جز از گمان پیروی نمیکنند و جز گمان نمیبرند .

(یونس، ۶۶)

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَ النَّهَارَ مُنْصَرًّا إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ (۶۷)

اوست کسی که برای شما شب را قرار داد تا در آن بیارامید و روز را روشن [گردانید] . بی گمان ، در این [امر] برای مردمی که میشنوند نشانههایی است .

(یونس، ۶۷)

قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ هُوَ الْعَزِيزُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ إِنَّ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بِهَذَا أَ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۶۸)

گفتند : « خدا فرزندی برای خود اختیار کرده است . » منزه است او . او بی نیاز است . آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست . شما را بر این [ادعا] حجتی نیست . آیا چیزی را که نمی دانید ، به دروغ بر خدا می پندید ؟

(یونس، ۶۸)

قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ (۶۹)

بگو : « در حقیقت کسانی که بر خدا دروغ می بندند ، رستگار نمی شوند . »

(یونس، ۶۹)

مَتَاعٌ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نُذِيقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (۷۰)

بهره ای [اندک] در دنیا [دارند] . سپس بازگشتشان به سوی ماست . آن گاه به [سزای] آنکه کفر می ورزیدند ، عذاب سخت به آنان می چشاییم .

(یونس، ۷۰)

وَ ائْتِ عَلَيْهِمْ نَبَأُ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَ تَذَكِيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَ شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَخُنْ أَمْرَكُمْ عَلَيْكُمْ غَمَةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَ لَا تَنْظُرُونَ (۷۱)

و خبر نوح را بر آنان بخوان ، آن گاه که به قوم خود گفت : « ای قوم من ، اگر ماندن من [در میان شما] و اندرز دادن من به آیات خدا ، بر شما گران آمده است ، [بدانید که من] بر خدا توکل کرده ام . پس [در] کارتان با شریکان خود همداستان شوید ، تا کارتان بر شما ملتبس ننماید سپس در باره من تصمیم بگیرید و مهلت ندهید . »

(یونس، ۷۱)

فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَ أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۷۲)

« و اگر روی گردانیدید ، من مزدی از شما نمی طلبم . پاداش من جز بر عهده خدا نیست ، و مأمورم که از گردن نهندگان باشم . »

(یونس، ۷۲)

فَكَذَّبُوهُ فَتَبَيَّنَّا وَ جَعَلْنَا لَهُمْ خَلْقًا وَ أَعْرَفْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُتَكَبِّرِينَ (۷۳)

پس او را تکذیب کردند . آن گاه وی را با کسانی که در کشتی همراه او بودند نجات دادیم ، و آنان را جانشین [تبهکاران] ساختیم ، و کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند غرق کردیم . پس بنگر که فرجام بیمداده شدگان چگونه بود .

(یونس، ۷۳)

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ كَذَّبَتْ عَلَى قُلُوبِ الْمُغْتَبِينَ (۷۴)

آن گاه ، پس از وی رسولانی را به سوی قومشان برانگیختیم ، و آنان دلایل آشکار برایشان آوردند ، ولی ایشان بر آن نبودند که به چیزی که قبلاً آن را دروغ شمرده بودند ایمان بیاورند . این گونه ما بر دلهای تجاوزکاران مهر می نهیم .

(یونس، ۷۴)

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مُوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَأْنَا قُلُوبَهُمَا كِبَرًا وَكُنَّا قَوْمًا مُجْرِمِينَ (۷۵)

سپس ، بعد از آنان موسی و هارون را با آیات خود ، به سوی فرعون و سران [قوم] وی فرستادیم ، و [لی آنان] گردنکشی کردند و گروهی تبهکار بودند .

(یونس، ۷۵)

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُبِينٌ (۷۶)

پس چون حق از نزد ما به سویشان آمد ، گفتند : « قطعاً این سحری آشکار است . »

(یونس، ۷۶)

قَالَ مُوسَى أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ (۷۷)

موسی گفت : « آیا وقتی حق به سوی شما آمد ، می‌گویید : [این سحر است ؟] آیا این سحر است ؟ و حال آنکه جادوگران رستگار نمی‌شوند . »

(یونس، ۷۷)

قَالُوا أَجِئْنَا بِتِلْكَ آيَاتِنَا وَعَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَكُنَّا لَكُمْ كَبِيرِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمْ بِمُؤْمِنِينَ (۷۸)

گفتند : « آیا به سوی ما آمده‌ای تا ما را از شیوه‌ای که پدرانمان را بر آن یافته‌ایم بازگردانی ، و بزرگی در این سرزمین برای شما دو تن باشد ؟ ما به شما دو تن ایمان نداریم . »

(یونس، ۷۸)

وَقَالَ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَنْتُونِي بِحُلْمِ سَاحِرٍ عَلِيمٍ (۷۹)

و فرعون گفت : « هر جادوگر دانایی را پیش من آورید . »

(یونس، ۷۹)

فَلَمَّا جَاءَ السَّحْرُ قَالَ لَهُمْ مُوسَى أَقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْفُونَ (۸۰)

و چون جادوگران آمدند ، موسی به آنان گفت : « آنچه را می‌اندازید بیندازید . »

(یونس، ۸۰)

فَلَمَّا أَقُوا قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِلُّ عَمَلِ الْمُفْسِدِينَ (۸۱)

پس چون افکندند ، موسی گفت : « آنچه را شما به میان آوردید سحر است . به زودی خدا آن را باطل خواهد کرد . آری ، خدا کار مفسدان را تأیید نمی‌کند . »

(یونس، ۸۱)

وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ (۸۲)

و خدا با کلمات خود ، حق را ثابت می‌گرداند ، هر چند بزهکاران را خوش نیاید .

(یونس، ۸۲)

فَمَا آمَنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِنْ قَوْمِهِ عَلَى خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَنْ يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ (۸۳)

سرانجام ، کسی به موسی ایمان نیاورد مگر فرزندان از قوم وی ، در حالی که بیم داشتند از آنکه مبادا فرعون و سران آنها ایشان را آزار رسانند ، و در حقیقت ، فرعون در آن سرزمین برتری‌جویی و از اسرافکاران بود .

(یونس، ۸۳)

وَقَالَ مُوسَى يَا قَوْمِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ (۸۴)

و موسی گفت : « ای قوم من ، اگر به خدا ایمان آورده‌اید ، و اگر اهل تسلیمید بر او توکل کنید . »

(یونس، ۸۴)

فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۸۵)

پس گفتند : « بر خدا توکل کردیم . پروردگارا ، ما را برای قوم ستمگر [وسیله] آزمایش قرار مده . »

(یونس، ۸۵)

وَ نَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۸۶)

« و ما را به رحمت خویش ، از گروه کافران نجات ده . »

(یونس، ۸۶)

وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَ اجْعَلُوا لِلْقَوْمِ هَيْبَةً وَ آفِيئُوا الصَّلَاةَ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (۸۷)

و به موسی و برادرش وحی کردیم که شما دو تن برای قوم خود در مصر خانه‌هایی ترتیب دهید و سراهایتان را رو به روی هم قرار دهید و نماز برپا دارید و مؤمنان را مژده ده .

(یونس، ۸۷)

وَ قَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَ مَلَأَهُ زِينَةً وَ أَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلَّنَا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِنْ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ وَ اشْتَدَّ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (۸۸)

و موسی گفت : « پروردگارا ، تو به فرعون و اشرافش در زندگی دنیا زیور و اموال داده‌ای ، پروردگارا ، تا [خلق را] از راه تو گمراه کنند ، پروردگارا ، اموالشان را نابود کن و آنان را دل‌سخت گردان که ایمان نیاورند تا عذاب دردناک را ببینند . »

(یونس، ۸۸)

قَالَ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَ لَا تَتَّبِعَنَّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۸۹)

فرمود : « دعای هر دوی شما پذیرفته شد . پس ایستادگی کنید و راه کسانی را که نمی‌دانند پیروی مکنید . »

(یونس، ۸۹)

وَ جَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَيْنَهُمْ فِرْعَوْنُ وَ جُنُودُهُ بَغْيًا وَ عُدْوًا حَتَّىٰ إِذَا أَدْرَكَهُ الْعَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۹۰)

و فرزندان اسرائیل را از دریا گذراندیم ، پس فرعون و سپاهیانش از روی ستم و تجاوز ، آنان را دنبال کردند ، تا وقتی که در شرف غرق شدن قرار گرفت ، گفت : « ایمان آوردم که هیچ معبودی جز آنکه فرزندان اسرائیل به او گرویده‌اند ، نیست ، و من از تسلیم‌شدگانم . »

(یونس، ۹۰)

الآن وَ قَدْ عَصَيْتَ قَبْلَ وَ كُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (۹۱)

اکنون ؟ در حالی که پیش از این نافرمانی می‌کردی و از تباهکاران بودی ؟

(یونس، ۹۱)

فَأَلَيْكُم نُنَجِّيكَ بِيَدَيْكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ آيَةً وَ إِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ (۹۲)

پس امروز تو را با زره [زرین] خودت به بلندی [ساحل] می‌افکنیم ، تا برای کسانی که از پی تو می‌آیند عبرتی باشد ، و بی‌گمان ، بسیاری از مردم از نشانه‌های ما غافلند .

(یونس، ۹۲)

وَ لَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مَبُوءًا صِدْقٍ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۹۳)

به راستی ما فرزندان اسرائیل را در جایگاه [های] نیکو منزل دادیم ، و از چیزهای پاکیزه به آنان روزی بخشیدیم . پس به اختلاف نپرداختند مگر پس از آنکه علم برای آنان حاصل شد . همانا پروردگار تو در روز قیامت در باره آنچه بر سر آن اختلاف می‌کردند میانشان داوری خواهد کرد .

(یونس، ۹۳)

فَإِنْ كُنْتَ فِي شكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَاسْأَلِ الَّذِينَ يُقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (۹۴)

و اگر از آنچه به سوی تو نازل کرده‌ایم در تردیدی ، از کسانی که پیش از تو کتاب [آسمانی] می‌خواندند بپرس . قطعاً حق از جانب پروردگارت به سوی تو آمده است . پس زنهار از تردیدکنندگان مباش .

(یونس، ۹۴)

وَ لَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونُونَ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۹۵)

و از کسانی که آیات ما را دروغ پنداشتند مباش ، که از زیانکاران خواهی بود .

(یونس، ۹۵)

إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ (۹۶)

در حقیقت ، کسانی که سخن پروردگارت بر آنان تحقق یافته ایمان نمی‌آورند ،

(یونس، ۹۶)

و لَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (۹۷)

هر چند هر گونه آیتی برایشان بیاید ، تا وقتی که عذاب دردناک را ببینند .

(یونس، ۹۷)

فَلَوْ لَا كَانَتْ قَرْيَةً آمَنَتْ فَأَفْعَفَهَا إِيْمَانُهَا إِلَّا قَوْمٌ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ غَظَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ (۹۸)

چرا هیچ شهری نبود که [اهل آن] ایمان بیاورد و ایمانش به حال آن سود بخشد ؟ مگر قوم یونس که وقتی [در آخرین لحظه] ایمان آوردند ، عذاب رسوایی را در زندگی دنیا از آنان برطرف کردیم ، و تا چندی آنان را برخوردار ساختیم .

(یونس، ۹۸)

و لَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعاً فَأَنْتَ تَكْفُرُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (۹۹)

و اگر پروردگار تو می‌خواست ، قطعاً هر که در زمین است همه آنها یکسر ایمان می‌آوردند . پس آیا تو مردم را ناگزیر می‌کنی که بگروند ؟

(یونس، ۹۹)

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُوْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ يَجْعَلُ الرُّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (۱۰۰)

و هیچ کس را نرسد که جز به اذن خدا ایمان بیاورد ، و [خدا] بر کسانی که نمی‌اندیشند ، پلیدی را قرار می‌دهد .

(یونس، ۱۰۰)

قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَ النَّذْرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۰۱)

بگو : « بنگرید که در آسمانها و زمین چیست ؟ » و [لی] نشانه‌ها و هشدارها ، گروهی را که ایمان نمی‌آورند سود نمی‌بخشد .

(یونس، ۱۰۱)

فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ قُلْ فانتظروا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ (۱۰۲)

پس آیا جز مانند روزهای کسانی را که پیش از آنان درگذشتند ، انتظار می‌برند ؟ بگو : « انتظار برید که من [نیز] با شما از منتظرانم . »

(یونس، ۱۰۲)

ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ (۱۰۳)

سپس فرستادگان خود و کسانی را که گرویدند می‌رهانیم ، زیرا بر ما فریضه است که مؤمنان را نجات دهیم .

(یونس، ۱۰۳)

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لَكِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَقَّعُكُمْ وَ أَمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۰۴)

بگو : « ای مردم ، اگر در دین من تردید دارید ، پس [بدانید که من] کسانی را که به جای خدا می‌پرستید نمی‌پرستم ، بلکه خدایی را می‌پرستم که جان شما را می‌ستاند ، و دستور یافته‌ام که از مؤمنان باشم . »

(یونس، ۱۰۴)

وَ أَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً وَ لَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۰۵)

و [به من دستور داده شده است] که به دین حنیف روی آور ، و زنهار از مشرکان مباش .

(یونس، ۱۰۵)

وَ لَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَ لَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنَ الظَّالِمِينَ (۱۰۶)

و به جای خدا ، چیزی را که سود و زیانی به تو نمی‌رساند ، مخوان ؛ که اگر چنین کنی ، در آن صورت قطعاً از جمله ستمکارانی .

(یونس، ۱۰۶)

وَإِنْ يَسْأَلْكَ اللَّهُ بَضْرًا فَلَا تَكْشِفْ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (١٠٧)

و اگر خدا به تو زیانی برساند ، آن را برطرف‌کننده‌ای جز او نیست ، و اگر برای تو خیری بخواهد ، بخشش او را ردکننده‌ای نیست . آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می‌رساند ، و او آمرزنده مهربان است .

(یونس، ١٠٧)

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ (١٠٨)

بگو : « ای مردم ، حق از جانب پروردگارتان برای شما آمده است . پس هر که هدایت یابد به سود خویش هدایت می‌یابد ، و هر که گمراه گردد به زیان خود گمراه می‌شود ، و من بر شما نگهبان نیستم . »

(یونس، ١٠٨)

وَ اتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِيَّاكَ وَ اصْبِرْ حَتَّىٰ يَخُذَ اللَّهُ وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ (١٠٩)

و از آنچه بر تو وحی می‌شود پیروی کن و شکیبا باش تا خدا [میان تو و آنان] داوری کند ، و او بهترین داوران است .

(یونس، ١٠٩)

ترتیبها- ١١	سوره هود	مکی- آیاتها- ١٢٣
-------------	----------	------------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (٠)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(هود، ٠)

الر كِتَابٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ (١)

الف ، لام ، راء . کتابی است که آیات آن استحکام یافته ، سپس از جانب حکیمی آگاه ، به روشنی بیان شده است :

(هود، ١)

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَذْتُ مِنَ اللَّهِ عَهْدًا وَقَدْ خَلَقْتُكُمْ ثُمَّ أَخَذْتُ مِنَ اللَّهِ عَهْدًا وَ بَشِيرٍ وَ نَذِيرٍ (٢)

که جز خدا را نپرستید . به راستی من از جانب او برای شما هشداردهنده و بشارتگرم ،

(هود، ٢)

وَ أَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُغْفِرْ لَهُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى وَ يُوْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ (٣)

و اینکه از پروردگارتان آمرزش بخواهید ، سپس به درگاه او توبه کنید ، [تا اینکه] شما را با بهره‌مندی نیکویی تا زمانی معین بهره‌مند سازد ، و به هر شایسته نعمتی از کرم خود عطا کند ، و اگر رویگردان شوید من از عذاب روزی بزرگ بر شما بیمناکم .

(هود، ٣)

إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَ هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٤)

بازگشت شما به سوی خداست ، و او بر هر چیزی تواناست .

(هود، ٤)

أَلَا إِنَّهُمْ يَنْتُونُ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلَا حِينَ يَسْتَعْشُونَ نِيَابَهُمْ يُعَلِّمُ مَا يَسِرُّونَ وَ مَا يَغْلِبُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (٥)

آگاه باشید که آنان دل می‌گردانند [و می‌کوشند] تا [راز خود را] از او نهفته دارند . آگاه باشید آن گاه که آنان جامه‌هایشان را بر سر می‌کشند [خدا] آنچه را نهفته و آنچه را آشکار می‌دارند ، می‌داند ، زیرا او به اسرار سینه‌ها داناست .

(هود، ٥)

وَ مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَ يُعَلِّمُ مَسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (٦)

و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر [اینکه] روزیش بر عهده خداست ، و [او] قرارگاه و محل مُردنش را می‌داند . همه [اینها] در کتابی روشن [ثبت] است .

(هود، ۶)

وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِنَبِّئُكُمْ أَيْكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ لَنْ نَقُولَ لَكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ (۷)

و اوست کسی که آسمانها و زمین را در شش هنگام آفرید و عرش او بر آب بود ، تا شما را بیازماید که کدامیک نیکوکارترید . و اگر بگویی : « شما پس از مرگ برانگیخته خواهید شد » قطعاً کسانی که کافر شده‌اند خواهند گفت : « این [ادعا] جز سحری آشکار نیست . »

(هود، ۷)

وَ لَنْ أَعْرَضْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ لَيَقُولَنَّ مَا يَحْسِبُهُ أَلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (۸)

و اگر عذاب را تا چندگاهی از آنان به تأخیر افکنیم ، حتماً خواهند گفت : « چه چیز آن را باز می‌دارد ؟ » آگاه باش ، روزی که [عذاب] به آنان برسد از ایشان بازگشتنی نیست ، و آنچه را که مسخره می‌کردند آنان را فرو خواهد گرفت .

(هود، ۸)

وَ لَنْ أَدْنُقْنَا الْإِنْسَانَ مِمَّا رَحِمْنَا ثُمَّ نَرَعَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيَبُوءُ كُفُورًا (۹)

و اگر از جانب خود رحمتی به انسان بچشانیم ، سپس آن را از وی سلب کنیم ، قطعاً نومید و ناسپاس خواهد بود .

(هود، ۹)

وَ لَنْ أَدْنُقْنَا نَعْمَاءَ بَعْدَ ضِرَاءٍ مَسْتَهَّهٍ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتِ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحَ فَخُورًا (۱۰)

و اگر پس از محنتی که به او رسیده نعمتی به او بچشانیم حتماً خواهد گفت : « گرفتاریها از من دور شد ! » بی‌گمان ، او شادمان و فخر فروش است .

(هود، ۱۰)

إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ كَبِيرٌ (۱۱)

مگر کسانی که شکیبایی ورزیده و کارهای شایسته کرده‌اند [که] برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ خواهد بود .

(هود، ۱۱)

فَلَمَّا كَثُرَتْ بَعْضُ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَ ضَاقَ بِهٖ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْ لَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهِ كُتُبًا أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكَ إِمَّا أَنْتَ نَذِيرٌ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (۱۲)

و مبادا تو برخی از آنچه را که به سوی تو وحی می‌شود ترك گویی و سینه‌ات بدان تنگ گردد که می‌گویی : « چرا گنجی بر او فرو فرستاده نشده یا فرشته‌ای با او نیامده است ؟ » تو فقط هشدار دهنده‌ای ، و خدا بر هر چیزی نگهبان است .

(هود، ۱۲)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَاَتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَ اذْعُوا مِنَ اسْتَعْظَمَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۳)

یا می‌گویند : « این [قرآن] را به دروغ ساخته است . » بگو : « اگر راست می‌گویید ، ده سوره بر ساخته‌شده مانند آن بیاورید و غیر از خدا هر که را می‌توانید فرا خوانید . »

(هود، ۱۳)

فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَنْزَلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (۱۴)

پس اگر شما را اجابت نکردند ، بدانید که آنچه نازل شده است به علم خداست ، و اینکه معبودی جز او نیست . پس آیا شما گردن می‌نهدید ؟

(هود، ۱۴)

مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَ هُمْ فِيهَا لَا يُخْسِرُونَ (۱۵)

کسانی که زندگی دنیا و زیور آن را بخواهند [جزای] کارهایشان را در آنجا به طور کامل به آنان می‌دهیم ، و به آنان در آنجا کم داده نخواهد شد .

(هود، ۱۵)

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَ حَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَ بَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۶)

اینان کسانی هستند که در آخرت جز آتش برایشان نخواهد بود ، و آنچه در آنجا کرده‌اند به هدر رفته ، و آنچه انجام می‌داده‌اند باطل گردیده است .

(هود، ۱۶)

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يُنذِرُهُ شَاهِدًا مِنْهُ وَ مِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَ رَحْمَةً أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالِقَابُ مُوعَدُهُ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَ لَعْنٌ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (١٧)

آیا کسی که از جانب پروردگارش بر حجتی روشن است و شهادی از [خویشان] او، پیرو آن است، و پیش از وی [نیز] کتاب موسی را هبر و مایه رحمت بوده است [دروغ می‌یابد]؟ آنان [که در جستجوی حقیقت‌اند] به آن می‌گروند، و هر کس از گروه‌های [مخالف] به آن کفر ورزد آتش وعده‌گاه اوست. پس در آن تردید مکن که آن حق است [و از جانب پروردگارت] آمده است [ولی بیشتر مردم باور نمی‌کنند].

(هود، ۱۷)

وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَ يَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ (١٨)

و چه کسی ستمکارتر از آن کس است که بر خدا دروغ بزند؟ آنان بر پروردگارشان دروغ عرضه می‌شوند، و گواهان خواهند گفت: «اینان بودند که بر پروردگارشان دروغ بستند. هان! لعنت خدا بر ستمگران باد.»

(هود، ۱۸)

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ يَبْغُونَهَا عِوَجًا وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ (١٩)

همانان که [مردم را] از راه خدا باز می‌دارند و آن را کج می‌شمارند و خود، آخرت را باور ندارند.

(هود، ۱۹)

أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَ مَا كَانَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ يُضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَ مَا كَانُوا يَبْصُرُونَ (٢٠)

آنان در زمین درمانده‌کنندگان [خدا] نیستند، و جز خدا دوستانی برای آنان نیست. عذاب برای آنان دو چندان می‌شود. آنان توان شنیدن [حق را] نداشتند و [حق را] نمی‌دیدند.

(هود، ۲۰)

أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (٢١)

اینانند که به خویشان زیان زده و آنچه را به دروغ بر ساخته بودند از دست داده‌اند.

(هود، ۲۱)

لَا جَرَمَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْأَخْسَرُونَ (٢٢)

شک نیست که آنان در آخرت زیانکارترند.

(هود، ۲۲)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ أَخْبَثُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (٢٣)

بی‌گمان کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و [با فروتنی] به سوی پروردگارشان آرام یافتند، آنان اهل بهشتند و در آن جاودانه خواهند بود.

(هود، ۲۳)

مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَ الْأَصْمَ وَ الْبَصِيرِ وَ السَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَلَا تَتَذَكَّرُونَ (٢٤)

مثل این دو گروه، چون نابینا و کر [در مقایسه] با بینا و شنواست. آیا در مثل یکسانند؟ پس آیا پند نمی‌گیرید؟

(هود، ۲۴)

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ (٢٥)

و به راستی نوح را به سوی قومش فرستادیم. [گفت:] من برای شما هشداردهنده‌ای آشکارم،

(هود، ۲۵)

أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمِ أَلِيمٍ (٢٦)

که جز خدا را نپرستید، زیرا من از عذاب روزی سهمگین بر شما بیمناکم.

(هود، ۲۶)

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا تَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَ مَا تَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادْنَا بِآدَائِهِ الرَّأْيِ وَ مَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ (٢٧)

پس ، سران قومش که کافر بودند ، گفتند : « ما تو را جز بشری مثل خود نمی‌بینیم ، و جز [جماعتی از] فرومایگان ما ، آن هم نسنجیده ، نمی‌بینیم کسی تو را پیروی کرده باشد ، و شما را بر ما امتیازی نیست ، بلکه شما را دروغگو می‌دانیم . »

(هود، ۲۷)

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَآتَانِي رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمْوهَا وَ أَنْتُمْ لَهَا كَاهُونَ (۲۸)

گفت : « ای قوم من ، به من بگوئید ، اگر از طرف پروردگارم حجتی روشن داشته باشم ، و مرا از نزد خود رحمتی بخشیده باشد که بر شما پوشیده است ، آیا ما [باید] شما را در حالی که بدان اگراه دارید ، به آن وادار کنیم ؟ »

(هود، ۲۸)

وَ يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَ مَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَ لَكِنِّي أَرَأَيْتُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ (۲۹)

« و ای قوم من ، بر این [رسالت] ، مالی از شما درخواست نمی‌کنم . مُزد من جز بر عهده خدا نیست . و کسانی را که ایمان آورده‌اند طرد نمی‌کنم . قطعاً آنان پروردگارشان را دیدار خواهند کرد ، ولی شما را قومی می‌بینم که نادانی می‌کنید . »

(هود، ۲۹)

وَ يَا قَوْمِ مَنْ يُنصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتُهُمْ أَ فَلَآ تَذَكَّرُونَ (۳۰)

و ای قوم من ! اگر آنان را برانم ، چه کسی مرا در برابر خدا یاری خواهد کرد ؟ آیا عبرت نمی‌گیرید ؟

(هود، ۳۰)

وَ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَ لَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَ لَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَ لَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدِرِي أَغْيَبُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنِّي إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ (۳۱)

« و به شما نمی‌گویم که گنجینه‌های خدا پیش من است ، و غیب نمی‌دانم ، و نمی‌گویم که من فرشته‌ام ، و در باره کسانی که دیدگان شما به خواری در آنان می‌نگرد ، نمی‌گویم خدا هرگز خیرشان نمی‌دهد . خدا به آنچه در دل آنان است آگاهتر است . [اگر جز این بگویم] من در آن صورت از ستمکاران خواهم بود . »

(هود، ۳۱)

قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۳۲)

گفتند : « ای نوح ، واقعاً با ما جدال کردی و بسیار [هم] جدال کردی . پس اگر از راستگویانی آنچه را [از عذاب خدا] به ما وعده می‌دهی برای ما بیاور . »

(هود، ۳۲)

قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُمْ بِهِ اللَّهُ إِنْ شَاءَ وَ مَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ (۳۳)

گفت : « تنها خداست که اگر بخواهد ، آن را برای شما می‌آورد و شما عاجز کننده [او] نخواهید بود . »

(هود، ۳۳)

وَ لَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۳۴)

و اگر بخواهم شما را اندرز دهم ، در صورتی که خدا بخواهد شما را بیراه گذارد ، اندرز من شما را سودی نمی‌بخشد . او پروردگار شماست و به سوی او باز گردانیده می‌شوید .

(هود، ۳۴)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ أَفْتَرَيْتُهُ فَعَلِيَ إِجْرَامِي وَ أَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تُجْرِمُونَ (۳۵)

یا [در باره قرآن] می‌گویند : « آن را برافته است . » بگو : « اگر آن را به دروغ سر هم کرده‌ام ، گناه من بر عهده خود من است ، و [لی] من از جرمی که به من نسبت می‌دهید برکنارم . »

(هود، ۳۵)

وَ أَوْحِي إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۳۶)

و به نوح وحی شد که : « از قوم تو ، جز کسانی که [تا کنون] ایمان آورده‌اند هرگز [کسی] ایمان نخواهد آورد . پس ، از آنچه می‌کردند غمگین مباش . »

(هود، ۳۶)

وَ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَ وَحِينَا وَ لَا تَخَاطَبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُعْرِضُونَ (۳۷)

« و زیر نظر ما و [به] وحی ما کشتی را بساز ، و در باره کسانی که ستم کرده‌اند با من سخن مگو ، چرا که آنان غرق شدنی‌اند . »

(هود، ۳۷)

وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَ كَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ (۳۸)

و [نوح] کشتی را می‌ساخت ، و هر بار که اشرافی از قومش بر او می‌گذشتند ، او را مسخره می‌کردند . می‌گفت : « اگر ما را مسخره می‌کنید ، ما [نیز] شما را همان گونه که مسخره می‌کنید ، مسخره خواهیم کرد . »

(هود، ۳۸)

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَ يَجْلُ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ (۳۹)

به زودی خواهید دانست چه کسی را عذابی خوارکننده درمی‌رسد و بر او عذابی پایدار فرود می‌آید ؟ ! «

(هود، ۳۹)

حَتَّى إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَ فَارَّ التَّنُورُ فَئِنَّا اٰخِذِينَ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَ اٰهْلَكَ اِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَ مَنْ اٰمَنَ وَ مَا اٰمَنَ مَعَهُ اِلَّا قَلِيلٌ (۴۰)

تا آن گاه که فرمان ما در رسید و تنور فوران کرد ، فرمودیم : « در آن [کشتی] از هر حیوانی یک جفت ، با کسانی مگر کسی که قبلاً در باره او سخن رفته است و کسانی که ایمان آورده‌اند ، حمل کن . » و با او جز [عده] اندکی ایمان نیاورده بودند .

(هود، ۴۰)

وَ قَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرَاهَا وَ مُرْسَاهَا اِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (۴۱)

و [نوح] گفت : « در آن سوار شوید . به نام خداست روان‌شدنش و لنگر انداختنش ، بی‌گمان پروردگار من آمرزنده مهربان است . »

(هود، ۴۱)

وَ هِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَ نَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَ كَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَب مَعَنَا وَ لَا تَكُن مَعَ الْكَافِرِينَ (۴۲)

و آن [کشتی] ایشان را در میان موجی کوه‌آسا می‌برد ، و نوح پسرش را که در کناری بود بانگ درداد : « ای پسرک من ، با ما سوار شو و با کافران مباش . »

(هود، ۴۲)

قَالَ سَاوِي اِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ اَمْرِ اللّٰهِ اِلَّا مَنْ رَحِمَ وَ خَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ (۴۳)

گفت : « به زودی به کوهی پناه می‌جویم که مرا از آب در امان نگاه می‌دارد . » گفت : « امروز در برابر فرمان خدا هیچ نگاهدارنده‌ای نیست ، مگر کسی که [خدا بر او] رحم کند . » و موج میان آن دو حایل شد و [پسر] از غرق‌شدگان گردید .

(هود، ۴۳)

وَ قِيلَ يَا اَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَ يَا سَمَاءُ اَقْبِعِي وَ غِيضُ الْمَاءِ وَ قُضِيَ الْاَمْرُ وَ اسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَ قِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظّٰلِمِينَ (۴۴)

و گفته شد : « ای زمین ! آب خود را فرو بر ، و ای آسمان ، [از باران] خودداری کن . » و آب فرو کاست و فرمان گزارده شده و [کشتی] بر جودی قرار گرفت . « و گفته شد : « مرگ بر قوم ستمکار . »

(هود، ۴۴)

وَ نَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ اِنَّ ابْنِي مِنْ اَهْلِي وَ اِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَ اَنْتَ اَحْكَمُ الْحٰكِمِينَ (۴۵)

و نوح پروردگار خود را آواز داد و گفت : « پروردگارا ، پسر من از کسان من است ، و قطعاً وعده تو راست است و تو بهترین داورانی . »

(هود، ۴۵)

قَالَ يَا نُوحُ اِنَّهُ لَيْسَ مِنْ اَهْلِكَ اِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صٰلِحٍ فَلَا تَسْاَلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ اِنِّي اَعْطٰكَ اَنْ تَكُوْنَ مِنَ الْجٰهِلِيْنَ (۴۶)

فرمود : « ای نوح ، او در حقیقت از کسان تو نیست ، او [دارای] کرداری ناشایسته است . پس چیزی را که بدان علم نداری از من نخواه . من به تو اندرز می‌دهم که مبادا از نادانان باشی . »

(هود، ۴۶)

قَالَ رَبِّ اِنِّي اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اَسْاَلَكَ مَا لَيْسَ لِيْ بِهِ عِلْمٌ وَ اِلَّا تَغْفُرْ لِيْ وَ تَرْحَمْنِيْ اَكُنْ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ (۴۷)

گفت : « پروردگارا ، من به تو پناه می‌برم که از تو چیزی بخواهم که بدان علم ندارم ، و اگر مرا نیامرزی و به من رحم نکنی از زیانکاران باشم . »

(هود، ۴۷)

قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَ بَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَ عَلَى أُمَّةٍ مِمَّنْ مَعَكَ وَ أُمَّةٍ سَنُنْتَعِبُهُمْ نُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (٤٨)

گفته شد : « ای نوح ، با درودی از ما و برکتهایی بر تو و بر گروههایی که با تو ، فرود آی . و گروههایی هستند که به زودی برخوردارشان می‌کنیم ، سپس از جانب ما عذابی دردناک به آنان می‌رسد . »

(هود، ٤٨)

تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَ لَا قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ (٤٩)

این از خبرهای غیب است که آن را به تو وحی می‌کنیم . پیش از این نه تو آن را می‌دانستی و نه قوم تو . پس شکیبا باش که فرجام [نیک] از آن تقوایبشگان است .

(هود، ٤٩)

وَ إِلَى عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ (٥٠)

و به سوی [قوم] عاد ، برادرشان هود را [فرستادیم . هود] گفت : « ای قوم من ، خدا را بپرستید . جز او هیچ معبودی برای شما نیست . شما فقط دروغ پردازید . »

(هود، ٥٠)

يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَ فَلَآ تَعْقِلُونَ (٥١)

« ای قوم من ، برای این [رسالت] پاداشی از شما درخواست نمی‌کنم . پاداش من جز بر عهده کسی که مرا آفریده است ، نیست . پس آیا نمی‌اندیشید ؟ »

(هود، ٥١)

وَ يَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَ لَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ (٥٢)

« و ای قوم من ، از پروردگارتان آمرزش بخواهید ، سپس به درگاه او توبه کنید [تا] از آسمان بر شما بارش فراوان فرستد و نیرویی بر نیروی شما بیفزاید ، و تبهکارانه روی بر مگردانید . »

(هود، ٥٢)

قَالُوا يَا هُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَ مَا نَحْنُ بِبَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ وَ مَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ (٥٣)

گفتند : « ای هود ، برای ما دلیل روشنی نیاوردی ، و ما برای سخن تو دست از خدایان خود بر نمی‌داریم و تو را باور نداریم . »

(هود، ٥٣)

إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَ اشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ (٥٤)

« [چیزی] جز این نمی‌گوییم که بعضی از خدایان ما به تو آسیبی رسانده‌اند . » گفت : « من خدا را گواه می‌گیرم ، و شاهد باشید که من از آنچه جز او شریک وی می‌گیرید بیزارم . »

(هود، ٥٤)

مَنْ دُونِهِ فَكَيْدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنظَرُونَ (٥٥)

پس ، همه شما در کار من نیرنگ کنید و مرا مهلت مدهید .

(هود، ٥٥)

إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (٥٦)

در حقیقت ، من بر خدا ، پروردگار خودم و پروردگار شما توکل کردم . هیچ جنبنده‌ای نیست مگر اینکه او مهار هستی‌اش را در دست دارد . به راستی پروردگار من بر راه راست است .

(هود، ٥٦)

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَ يَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَ لَا تَضُرُّونَهُ شَيْئًا إِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ (٥٧)

پس اگر روی بگردانید ، به یقین ، آنچه را که به منظور آن به سوی شما فرستاده شده بودم به شما رسانیدم ، و پروردگارم قومی جز شما را جانشین [شما] خواهد کرد . و به او هیچ زیانی نمی‌رسانید . در حقیقت ، پروردگارم بر هر چیزی نگاهبان است . »

(هود، ٥٧)

وَ لَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَ نَجَّيْنَاهُمْ مِنْ عَذَابِ غَلِيظٍ (٥٨)

و چون فرمان ما در رسید ، هود و کسانى را كه با او گروه شده بودند ، به رحمتى از جانب خود نجات بخشیدیم و آنان را از عذابى سخت رها نمودیم .

(هود، ۵۸)

وَ تِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَ عصَوْا رُسُلَهُ وَ اتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ (۵۹)

و این ، [قوم] عاد بود كه آیات پروردگارش را انكار كردند ، و فرستادگانش را نافرمانى نمودند ، و به دنبال فرمان هر زورگوى ستمگرى رفتند .

(هود، ۵۹)

وَ اتَّبَعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ عَاداً كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْداً لِعَادِ قَوْمِ هُودٍ (۶۰)

و [سرانجام] در این دنیا و روز قیامت ، لعنت بدرقه [راه] آنان گردید . آگاه باشید كه عادیان به پروردگارش كفر ورزیدند . هان ، مرگ بر عادیان : قوم هود .

(هود، ۶۰)

وَ إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَعِفُّوا لَهُمْ تُمْ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ (۶۱)

و به سوى [قوم] ثمود ، برادرشان صالح را [فرستادیم] . گفت : « ای قوم من ! خدا را بپرستید . برای شما هیچ معبودى جز او نیست . او شما را از زمین پدید آورد و در آن شما را استقرار داد . پس ، از او آموزش بخواهید ، آن گاه به درگاه او توبه کنید ، كه پروردگارم نزدیک [و] اجابت‌کننده است . »

(هود، ۶۱)

قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَ إِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ (۶۲)

گفتند : « ای صالح ، به راستى تو پیش از این ، میان ما مایه امید بودى . آیا ما را از پرستش آنچه پدرانمان می‌پرستیدند باز می‌دارى ؟ و بی‌گمان ، ما از آنچه تو ما را بدان می‌خوانى سخت دچار شکیم . »

(هود، ۶۲)

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَ آتَانِي مِنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ يَبْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ (۶۳)

گفت : « ای قوم من ، چه ببینید ، اگر [در این دعوا] بر حجتى روشن از پروردگار خود باشم و او از جانب خود رحمتى به من داده باشد ، پس اگر او را نافرمانى کنم چه كسى در برابر خدا مرا یارى می‌كند ؟ در نتیجه ، شما جز بر زبان من نمی‌افزایید . »

(هود، ۶۳)

وَ يَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذُرُّوْهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَ لَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ (۶۴)

« و ای قوم من ، این ماده شتر خداست كه برای شما پدیده‌ای شگرف است . پس بگذارید او در زمین خدا بخورد و آسپیش مرساتید كه شما را عذابى زودرس فرو می‌گیرد . »

(هود، ۶۴)

فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتُّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَلِكُمْ وَعَذَابُ الْغَايِبِ (۶۵)

پس آن [ماده شتر] را پی کردند ، و [صالح] گفت : « سه روز در خانه‌هایتان برخوردار شوید . این وعده‌ای بی‌دروغ است . »

(هود، ۶۵)

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَ مِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ (۶۶)

پس چون فرمان ما در رسید ، صالح و کسانى را كه با او ایمان آورده بودند ، به رحمت خود رها نمودیم و از رسوائى آن روز [نجات دادیم] . به یقین ، پروردگار تو همان نیرومند شكست‌ناپذیر است .

(هود، ۶۶)

وَ أَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جاثِمِينَ (۶۷)

و کسانى را كه ستم ورزیده بودند ، آن بانگ [مرگبار] فرا گرفت ، و در خانه‌هایشان از پا درآمدند .

(هود، ۶۷)

كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا إِنَّ ثَمُودَ كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْداً لثَمُودِ (۶۸)

گویا هرگز در آن [خانه‌ها] نبوده‌اند . آگاه باشید كه ثمودیان به پروردگارش كفر ورزیدند . هان ، مرگ بر ثمود .

(هود، ۶۸)

وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ خَنِيذٍ (٦٩)

و به راستی ، فرستادگان ما برای ابراهیم مژده آوردند ، سلام گفتند ، پاسخ داد : « سلام » . و دیری نپایید که گوساله‌ای بریان آورد .

(هود، ٦٩)

فَلَمَّا رَأَى أَنِّيهِمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَحْزَنْ إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَى قَوْمِ لُوطٍ (٧٠)

و چون دید دستهایشان به غذا دراز نمی‌شود ، آنان را ناشناس یافت و از ایشان ترسی بر دل گرفت . گفتند : « مترس ، ما به سوی قوم لوط فرستاده شده‌ایم . »

(هود، ٧٠)

وَ امْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَهَبْنَا بِهَا اسْحَاقَ وَ مِنْ وَرَاءِ اسْحَاقَ يَعْقُوبَ (٧١)

و زن او ایستاده بود . خندید . پس وی را به اسحاق و از پی اسحاق به یعقوب مژده دادیم .

(هود، ٧١)

قَالَتْ يَا وَيْلَتَا أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَ هَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ (٧٢)

[همسر ابراهیم] گفت : « ای وای بر من ، آیا فرزند آورم با آنکه من پیر زنم ، و این شوهرم پیر مرد است ؟ واقعاً این چیز بسیار عجیبی است . »

(هود، ٧٢)

قَالُوا أَعْجِبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ (٧٣)

گفتند : « آیا از کار خدا تعجب می‌کنی ؟ رحمت خدا و برکات او بر شما خاندان [رسالت] باد . بی‌گمان ، او ستوده‌ای بزرگوار است . »

(هود، ٧٣)

فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَ جَاءَتْهُ الْبُشْرَى يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ (٧٤)

پس وقتی ترس ابراهیم زایل شد و مژده [فرزنددار شدن] به او رسید ، در باره قوم لوط با ما [به قصد شفاعت] چون و چرا می‌کرد .

(هود، ٧٤)

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ (٧٥)

زیرا ابراهیم ، بردبار و نرمدل و بازگشت‌کننده [به سوی خدا] بود .

(هود، ٧٥)

يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرٌ رَبِّكَ وَ إِلَهُكُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ (٧٦)

ای ابراهیم ! از این [چون و چرا] روی برتاب ، که فرمان پروردگارت آمده و برای آنان عذابی که بی‌بازگشت است خواهد آمد .

(هود، ٧٦)

وَ لَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِئَاءَ بِهِمْ وَ ضَاقَ بِهِمْ دُرْعًا وَ قَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ (٧٧)

و چون فرستادگان ما نزد لوط آمدند ، به [آمدن] آنان ناراحت ، و دستش از حمایت ایشان کوتاه شد و گفت : « امروز ، روزی سخت است . »

(هود، ٧٧)

وَ جَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَ مِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تَخْزُونِ فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ (٧٨)

و قوم او شتابان به سویش آمدند ، و پیش از آن کارهای زشت می‌کردند . [لوط] گفت : « ای قوم من ، اینان دختران منند . آنان برای شما پاکیزه‌ترند . پس از خدا بترسید و مرا در کار مهمانانم رسوا نکنید . آیا در میان شما آدمی عقل‌رس پیدا نمی‌شود ؟ »

(هود، ٧٨)

قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتُمْ لَنَا فِي بَنَاتِكِ مِنْ حَقِّ وَ إِنَّكَ لَنَعْلَمُ مَا تُرِيدُ (٧٩)

گفتند : « تو خوب می‌دانی که ما را به دخترانت حاجتی نیست و تو خوب می‌دانی که ما چه می‌خواهیم . »

(هود، ٧٩)

قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَىٰ رُحْنٍ شَدِيدٍ (٨٠)

[لوط] گفت : « کاش برای مقابله با شما قدرتی داشتم یا به تکیه‌گاهی استوار پناه می‌جستم . »

(هود، ٨٠)

قَالُوا يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرِبْ إِلَيْكَ بِقَطْعِ مِنَ اللَّيْلِ وَلَا تَلْتَفِتْ مِنْكُمُ أَحَدٌ إِلَّا أَمْرَاتُكَ إِنَّهُ مَصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ (٨١)

گفتند : « ای لوط ، ما فرستادگان پروردگار تویم . آنان هرگز به تو دست نخواهند یافت . پس ، پاسی از شب گذشته خانواده‌ات را حرکت ده و هیچ کس از شما نباید واپس نگرند مگر زنت ، که آنچه به ایشان رسد به او [نیز] خواهد رسید . بی‌گمان ، وعده‌گاه آنان صبح است . مگر صبح نزدیک نیست ؟ »

(هود، ٨١)

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ مَنْضُودٍ (٨٢)

پس چون فرمان ما آمد ، آن [شهر] را زیر و زیر کردیم و سنگ‌پاره‌هایی از [نوع] سنگ گلهای لایه لایه ، بر آن فرو ریختیم .

(هود، ٨٢)

مُسَوَّمَةٌ عِنْدَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِنَعِيدٍ (٨٣)

[سنگهایی] که نزد پروردگارت نشان‌زده بود . و [خرابه‌های] آن از ستمگران چندان دور نیست .

(هود، ٨٣)

وَ إِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ (٨٤)

و به سوی [اهل] مَدْيَنَ ، برادرشان شعیب را [فرستادیم] . گفت : « ای قوم من ، خدا را بپرستید . برای شما جز او معبودی نیست . و پیمان‌ه و ترازو را کم نکنید . به راستی شما را در نعمت می‌بینم . و [لی] از عذاب روزی فراگیر بر شما بیمناکم . »

(هود، ٨٤)

وَ يَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (٨٥)

« و ای قوم من ، پیمان‌ه و ترازو را به داد ، تمام دهید ، و حقوق مردم را کم مدهید ، و در زمین به فساد سر بردارید . »

(هود، ٨٥)

بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ (٨٦)

« اگر مؤمن باشید ، باقیمانده [حلال] خدا برای شما بهتر است ، و من بر شما نگاهبان نیستم . »

(هود، ٨٦)

قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصْلَابُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ (٨٧)

گفتند : « ای شعیب ، آیا نماز تو به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدران ما می‌پرستیده‌اند رها کنیم ، یا در اموال خود به میل خود تصرف نکنیم ؟ راستی که تو بردبار فرزانه‌ای . »

(هود، ٨٧)

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أَرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ إِنْ أَرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أَنِيبُ (٨٨)

گفت : « ای قوم من ، ببینید ، اگر از جانب پروردگارم دلیل روشنی داشته باشم ، و او از سوی خود روزی نیکویی به من داده باشد [آیا باز هم از پرستش او دست بردارم ؟] من نمی‌خواهم در آنچه شما را از آن باز می‌دارم با شما مخالفت کنم [و خود مرتکب آن شوم] . من قصدی جز اصلاح [جامعه] تا آنجا که بتوانم ، ندارم ، و توفیق من جز به [یاری] خدا نیست . بر او توکل کرده‌ام و به سوی او باز می‌گردم . »

(هود، ٨٨)

وَ يَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ لُوطٍ مِثْلُكُمْ بِنَعِيدٍ (٨٩)

« و ای قوم من ، زنها را مخالفت شما با من ، شما را بدانجا نکشانند که [بلایی] مانند آنچه به قوم نوح یا قوم هود یا قوم لوط می‌رسد ، و قوم لوط از شما چندان دور نیست . »

(هود، ٨٩)

وَ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ (۹۰)

« و از پروردگار خود آمرزش بخواهید ، سپس به درگاه او توبه کنید که پروردگار من مهربان و دوستدار [بندگان] است . »

(هود، ۹۰)

قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفَقْتَ كَثِيرًا مِمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْ لَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَ مَا أَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ (۹۱)

گفتند : « ای شعیب ! بسیاری از آنچه را که می‌گویی نمی‌فهمیم ، و واقعاً تو را در میان خود ضعیف می‌بینیم ، و اگر عشیره تو نبود قطعاً سنگسارت می‌کردیم ، و تو بر ما پیروز نیستی . »

(هود، ۹۱)

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَهْطِي أَعَزُّ عَلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَ اتَّخَذْتُمُوهُ زُرْعًا كُمْ ظَهْرِيَا إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (۹۲)

گفت : « ای قوم من ، آیا عشیره من پیش شما از خدا عزیزتر است که او را پشت سر خود گرفته‌اید [و فراموشش کرده‌اید] ؟ در حقیقت ، پروردگار من به آنچه انجام می‌دهید احاطه دارد . »

(هود، ۹۲)

وَ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَ مَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَ ارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ (۹۳)

« و ای قوم من ، شما بر حسب امکانات خود عمل کنید ، من [نیز] عمل می‌کنم . به زودی خواهید دانست که عذاب رسواکننده بر چه کسی فرود می‌آید و دروغگو کیست ؛ و انتظار برید که من [هم] با شما منتظرم . »

(هود، ۹۳)

وَ لَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَ أَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ (۹۴)

و چون فرمان ما آمد ، شعیب و کسانی را که با او ایمان آورده بودند ، به رحمتی از جانب خویش نجات دادیم ، و کسانی را که ستم کرده بودند ، فریاد [مرگبار] فرو گرفت ، و در خانه‌هایشان از پا درآمدند .

(هود، ۹۴)

كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا آلَا بُعْدًا لِمَدِينٍ كَمَا بَعْدَتْ ثَمُودُ (۹۵)

گویی در آن [خانه‌ها] هرگز اقامت نداشته‌اند . هان ، مرگ بر [مردم] مدین ، همان گونه که ثمود هلاک شدند .

(هود، ۹۵)

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَ سُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۹۶)

و به راستی ، موسی را با آیات خود و حجتی آشکار ،

(هود، ۹۶)

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلِيهِ فَاتَّبِعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَ مَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ (۹۷)

به سوی فرعون و سران [قوم] وی فرستادیم ، ولی [سران] از فرمان فرعون پیروی کردند ، و فرمان فرعون صواب نبود .

(هود، ۹۷)

يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَ بئْسَ الْوَرْدَ الْمَوْرُودُ (۹۸)

روز قیامت پیشاپیش قومش می‌رود و آنان را به آتش درمی‌آورد ، و [دوزخ] چه ورودگاه بدی برای واردان است .

(هود، ۹۸)

وَ اتَّبِعُوا فِي هَذِهِ نَعْتَهُ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بئسَ الرَّقْدُ الْمَرْفُودُ (۹۹)

و در این دنیا و روز قیامت به لعنت بدرقه شدند ، و چه بد عطایی نصیب آنان می‌شود .

(هود، ۹۹)

ذَٰلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْفُرَىٰ نَقَصَهُ عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَ حَصِيدٌ (۱۰۰)

این ، از خبرهای آن شهرهاست که آن را بر تو حکایت می‌کنیم . بعضی از آنها [هنوز] بر سر پا هستند و [بعضی] بر باد رفته‌اند .

(هود، ۱۰۰)

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ (۱۰۱)

و ما به آنان ستم نکردیم ، ولی آنان به خودشان ستم کردند . پس چون فرمان پروردگارت آمد ، خدایانی که به جای خدا [ی حقیقی] میخوانند هیچ به کارشان نیامد ، و جز بر هلاکت آنان نیفزود .

(هود، ۱۰۱)

وَ كَذَّبِكَ أَخَذَ رَبُّكَ إِذَا أَخَذَ الْقَرْيَ وَ هِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخَذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ (۱۰۲)

و این گونه بود [به قهر] گرفتن پروردگارت ، وقتی شهرها را در حالی که ستمگر بودند [به قهر] می گرفت . آری [به قهر] گرفتن او دردناک و سخت است .

(هود، ۱۰۲)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَ ذَلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ (۱۰۳)

قطعاً در این [یادآوریها] برای کسی که از عذاب آخرت میترسد عبرتی است . آن [روز] روزی است که مردم را برای آن گرد می‌آورند ، و آن [روز] روزی است که [جملگی در آن] حاضر می‌شوند .

(هود، ۱۰۳)

وَ مَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَعْدُودٍ (۱۰۴)

و ما آن را جز تا زمان معینی به تأخیر نمی‌افکنیم .

(هود، ۱۰۴)

يَوْمَ يَأْتُ لَا تَكَلِّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَ سَعِيدٌ (۱۰۵)

روزی [است] که چون فرا رسد هیچ کس جز به اذن وی سخن نگوید . آن گاه بعضی از آنان تیره‌بختند و [برخی] نیکبخت .

(هود، ۱۰۵)

فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَ شَهيقٌ (۱۰۶)

و اما کسانی که تیره‌بخت شده‌اند ، در آتش ، فریاد و ناله‌ای دارند .

(هود، ۱۰۶)

خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ (۱۰۷)

تا آسمانها و زمین برجاست ، در آن ماندگار خواهند بود ، مگر آنچه پروردگارت بخواهد ، زیرا پروردگار تو همان کند که خواهد .

(هود، ۱۰۷)

وَ أَمَّا الَّذِينَ سَجَدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُودٍ (۱۰۸)

و اما کسانی که نیکبخت شده‌اند ، تا آسمانها و زمین برجاست ، در بهشت جاودانند ، مگر آنچه پروردگارت بخواهد . [که این] بخششی است که بریدنی نیست .

(هود، ۱۰۸)

فَلَا تَكُ فِي مَرْيَمَ مِمَّا يُعْتَبَدُ هُوَ لَا مَا يُعْبَدُونَ إِلَّا كَمَا يُعْبَدُ آبَاؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ وَ إِنَّا لَمَوْفُونَ لَهُمْ نَصيبَهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ (۱۰۹)

پس درباره آنچه آنان [مشرکان] می‌پرستند در تردید مباش . آنان جز همان گونه که قبلاً پدرانشان می‌پرستیدند ، نمی‌پرستند . و ما بهره ایشان را تمام و ناکاسته خواهیم داد .

(هود، ۱۰۹)

وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَ لَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفَضَّلْنَا بَيْنَهُمْ وَ إِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ (۱۱۰)

و به حقیقت ، ما به موسی کتاب [آسمانی] دادیم ، پس در مورد آن اختلاف شد ، و اگر از جانب پروردگارت وعده‌ای پیشی نگرفته بود ، قطعاً میان آنها داوری شده بود ، و بی گمان ، آنان درباره آن در شکی بهتان آمیزند .

(هود، ۱۱۰)

وَ إِنَّ كُلَّ لَمَّا لِيُوقَفِيَهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۱۱)

و قطعاً پروردگارت [نتیجه] اعمال هر يك را به تمام [و کمال] به آنان خواهد داد ، چرا که او به آنچه انجام می‌دهند آگاه است .

(هود، ۱۱۱)

فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ وَ لَا تَطْفُوا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۱۱۲)

پس ، همان گونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن ، و هر که با تو توبه کرده [نیز چنین کند] ، و طغیان نکنید که او به آنچه انجام می‌دهید بیناست .

(هود، ۱۱۲)

وَ لَا تَزْكُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَسْخُمُونَ النَّارَ وَ مَا لَكُمْ مِنْ نُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ (۱۱۳)

و به کسانی که ستم کرده‌اند متمایل مشوید که آتش [دوزخ] به شما می‌رسد ، و در برابر خدا برای شما دوستانی نخواهد بود ، و سرانجام یاری نخواهید شد .

(هود، ۱۱۳)

وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَ زُلْفَا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِنُ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ (۱۱۴)

و در دو طرف روز [اول و آخر آن] و نخستین ساعات شب نماز را برپا دار ، زیرا خوبیها بدیها را از میان می‌برد . این برای پندگیرندگان ، پندی است .

(هود، ۱۱۴)

وَ اصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (۱۱۵)

و شکبیا باش که خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌گرداند .

(هود، ۱۱۵)

فَلَوْ لَا كَانِ مِنَ الْفُرُوقِ مِنْ قَبْلِكُمْ أَوْلَا بَقِيَّةَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَ كَانُوا مُجْرِمِينَ (۱۱۶)

پس چرا از نسلهای پیش از شما خردمندانی نبودند که [مردم را] از فساد در زمین باز دارند ؟ جز اندکی از کسانی که از میان آنان نجاتشان دادیم . و کسانی که ستم کردند به دنبال ناز و نعمتی که در آن بودند رفتند ، و آنان بزهکار بودند .

(هود، ۱۱۶)

وَ مَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقَرْيَةَ بِظُلْمٍ وَ أَهْلِهَا مُصْلِحُونَ (۱۱۷)

و پروردگار تو [هرگز] بر آن نبوده است که شهرهایی را که مردمش اصلاحگرند ، به ستم هلاک کند .

(هود، ۱۱۷)

وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ (۱۱۸)

و اگر پروردگار تو می‌خواست ، قطعاً همه مردم را امت واحدی قرار می‌داد ، در حالی که پیوسته در اختلافند ،

(هود، ۱۱۸)

إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَ لِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لِأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ (۱۱۹)

مگر کسانی که پروردگار تو به آنان رحم کرده ، و برای همین آنان را آفریده است . و وعده پروردگارت [چنین] تحقق پذیرفته است [که : « البتة جهنم را از جن و انس یکسره پر خواهم کرد . »

(هود، ۱۱۹)

وَ كَلَّا نَقْصُ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّئُ بِهِ فُؤَادَكَ وَ جَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَ مُوعِظَةٌ وَ ذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (۱۲۰)

و هر يك از سرگذشتهای پیامبران [خود] را که بر تو حکایت می‌کنیم ، چیزی است که دلت را بدان استوار می‌گردانیم ، و در اینها حقیقت برای تو آمده ، و برای مؤمنان اندرز و تذکری است .

(هود، ۱۲۰)

وَ قُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ اعْمَلُوا عَلَى مَكَاتِبِكُمْ إِنَّا عَامِلُونَ (۱۲۱)

و به کسانی که ایمان نمی‌آورند بگو : « بر حسب امکانات خود عمل کنید که ما [هم] عمل خواهیم کرد . »

(هود، ۱۲۱)

وَ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ (۱۲۲)

« و منتظر باشید که ما [نیز] منتظر خواهیم بود . »

(هود، ۱۲۲)

وَاللَّهُ غِيبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَ مَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۱۲۳)

و نهان آسمانها و زمین از آن خداست ، و تمام کارها به او بازگردانده می‌شود ؛ پس او را پرستش کن و بر او توکل نمای ، و پروردگار تو از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست .

(هود، ۱۲۳)

ترتیبها- ۱۲	سوره یوسف	مکی- آیاتها- ۱۱۱
-------------	-----------	------------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(یوسف، ۰)

الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (۱)

الف ، لام ، راء . این است آیات کتاب روشنگر .

(یوسف، ۱)

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۲)

ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم ، باشد که بیندیشید .

(یوسف، ۲)

نَحْنُ نُنصِّصُ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الْغَافِلِينَ (۳)

ما نیکوترین سرگذشت را به موجب این قرآن که به تو وحی کردیم ، بر تو حکایت می‌کنیم ، و تو قطعاً پیش از آن از بی‌خبران بودی .

(یوسف، ۳)

إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ (۴)

[یاد کن] زمانی را که یوسف به پدرش گفت : « ای پدر ، من [در خواب] یازده ستاره را با خورشید و ماه دیدم . دیدم [آنها] برای من سجده می‌کنند . »

(یوسف، ۴)

قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَى إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ (۵)

[یعقوب] گفت : « ای پسرک من ، خوابت را برای برادرانت حکایت مکن که برای تو نیرنگی می‌اندیشند ، زیرا شیطان برای آدمی دشمنی آشکار است . »

(یوسف، ۵)

وَ كَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَى أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۶)

و این چنین ، پروردگارت تو را برمی‌گزیند ، و از تعبیر خوابها به تو می‌آموزد ، و نعمتش را بر تو و بر خاندان یعقوب تمام می‌کند ، همان گونه که قبلاً بر پدران تو ، ابراهیم و اسحاق ، تمام کرد . در حقیقت ، پروردگار تو دانای حکیم است .

(یوسف، ۶)

لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٍ لِّلسَّائِلِينَ (۷)

به راستی در [سرگذشت] یوسف و برادرانش برای پرسندگان عبرتهاست .

(یوسف، ۷)

إِذْ قَالُوا لِيُوسُفَ وَ أَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِمَّا وَ نَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ آبَاءَنَا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۸)

هنگامی که [برادران او] گفتند : « یوسف و برادرش نزد پدرمان از ما که جمعی نیرومند هستیم دوست داشتنی‌ترند . قطعاً پدر ما در گمراهی آشکاری است . »

(یوسف، ۸)

اَقْتُلُوا يُوسُفَ اَوْ اَطْرَحُوهُ اَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهَ اَبِيكُمْ وَ تَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ (۹)

[یکی گفت : « یوسف را بکشید یا او را به سرزمینی بیندازید ، تا توجه پدرتان معطوف شما گردد ، و پس از او مردمی شایسته باشید . »

(یوسف، ۹)

قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَ اَلْقُوهُ فِي غِيَابَةِ الْجُبِّ يَلْتَقِطْهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ اِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ (۱۰)

گوینده‌ای از میان آنان گفت : « یوسف را مکشید . اگر کاری می‌کنید ، او را در نهانخانه چاه بیفکنید ، تا برخی از مسافران او را برگیرند . »

(یوسف، ۱۰)

قَالُوا يَا اٰبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلٰى يُوسُفَ وَ اِنَّا لَهُ لَنٰصِحُونَ (۱۱)

گفتند : « ای پدر ، تو را چه شده است که ما را بر یوسف امین نمی‌دانی در حالی که ما خیرخواه او هستیم ؟

(یوسف، ۱۱)

اٰرْسَلَهُ مَعَنَا عَدَاۗءًا يَّرْتَفِعُوْنَ وَ يَلْعَبُوْنَ وَ اِنَّا لَهُ لَحٰفِظُونَ (۱۲)

فردا او را با ما بفرست تا [در چمن] بگردد و بازی کند ، و ما به خوبی نگهبان او خواهیم بود . »

(یوسف، ۱۲)

قَالَ اِنِّىۡ لَنٰخِرُۢنِّىۡ اَنْ تَدُهْبُوۡا بِهٖ وَ اَخَافُ اَنْ يَّأْكُلَهُ الدُّبُّبُ وَ اَنْتُمْ عَنْهٗ عٰفِیُونَ (۱۳)

گفت : « اینکه او را ببرید سخت مرا اندوهگین می‌کند ، و می‌ترسم از او غافل شوید و گرگ او را بخورد . »

(یوسف، ۱۳)

قَالُوا لَیۡنَ اَكَلَهُ الدُّبُّبُ وَ نَحْنُ عُصْبَةٌ اِنَّا اِذَا خٰسِرُونَ (۱۴)

گفتند : « اگر گرگ او را بخورد با اینکه ما گروهی نیرومند هستیم ، در آن صورت ما قطعاً [مردمی] بی‌مقدار خواهیم بود . »

(یوسف، ۱۴)

فَلَمَّا دَهَبُوا بِهٖ وَ اٰجْمَعُوا اَنْ يَّجْعَلُوهُ فِيۡ غِيَابَةِ الْجُبِّ وَ اَوْحٰنَا اِلَيْهٖ لَنُنَبِّئَنَّهُمْ بِاَمْرِهِمْ هٰذَا وَ هُمْ لَا يَشْعُرُوْنَ (۱۵)

پس وقتی او را بردند و همداستان شدند تا او را در نهانخانه چاه بگذارند [چنین کردند] . و به او وحی کردیم که قطعاً آنان را از این کارشان در حالی که نمی‌دانند با خبر خواهی کرد .

(یوسف، ۱۵)

وَ جَاۗءُوۡا اٰبَاہُمْ عِشَآءً یَّبْکُوۡنَ (۱۶)

و شامگاهان ، گریان نزد پدر خود [باز] آمدند .

(یوسف، ۱۶)

قَالُوا يَا اٰبَانَا اِنَّا دَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَ تَرٰکَنَا یُوْسُفَ عِندَ مَتَاعِنَا فَاکْثَرُۡ الدُّبُّبُ وَ مَا اَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا وَ لَوْ کُنَّا صٰدِقِیۡنَ (۱۷)

گفتند : « ای پدر ، ما رفتیم مسابقه دهیم ، و یوسف را پیش کالای خود نهادیم . آن گاه گرگ او را خورد ، ولی تو ما را هر چند راستگو باشیم باور نمی‌داری . »

(یوسف، ۱۷)

وَ جَاۗءُوۡا عَلٰى قَمِیصِهٖ بِدَمٍ کٰذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَکُمْ اَنْفُسُکُمْ اَمْرًا فَصَبِّرْۢ بَعِیۡلٌ وَ اللّٰهُ الْمُسْتَعٰنُ عَلٰى مَا تَصِفُوۡنَ (۱۸)

و پیراهنش را [آغشته] به خونی دروغین آوردند . [یعقوب] گفت : « [نه] بلکه نفس شما کاری [بد] را برای شما آراسته است . اینک صبری نیکو [برای من بهتر است] . و بر آنچه توصیف می‌کنید ، خدا یاری‌ده است . »

(یوسف، ۱۸)

وَ جَاۗءَتْ سَیَّارَةٌ فَاۡرْسَلُوۡا وَاِردَهُمۡ فَاذَلٰى ذَلُوۡهُ قَالَ یٰۤاِبْرٰهٖمُ هٰذَا غُلَامٌ وَ اَسْرُوۡهُ بِضَاعَةً وَ اللّٰهُ عَلِیۡمٌۢ بِمَا یَعْمَلُوۡنَ (۱۹)

۶۰۴ / ۱۶۴

و کاروانی آمد . پس آب‌آور خود را فرستادند . و دلوش را انداخت . گفت : « مژده ! این يك پسر است ! » و او را چون کالایی پنهان داشتند . و خدا به آنچه می‌کردند دانا بود .

(یوسف، ۱۹)

وَ شَرَوْهُ بِمَنْ بَحْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَ كَانُوا فِيهِ مِنَ الظَّالِمِينَ (۲۰)

و او را به بهای ناچیزی چند درهم فروختند و در آن بیرغبت بودند .

(یوسف، ۲۰)

وَ قَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَ كَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَ نِعْمَ لَهُ تَأْوِيلُ الْأَحَادِيثِ وَ اللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۲۱)

و آن کس که او را از مصر خریده بود به همسرش گفت : « نیکش بدار ، شاید به حال ما سود بخشد یا او را به فرزندی اختیار کنیم . » و بدین گونه ما یوسف را در آن سرزمین مکانت بخشیدیم تا به او تأویل خوابها را بیاموزیم ، و خدا بر کار خویش چیره است ولی بیشتر مردم نمی‌دانند .

(یوسف، ۲۱)

وَ لَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَ عِلْمًا وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۲۲)

و چون به حد رشد رسید ، او را حکمت و دانش عطا کردیم ، و نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم .

(یوسف، ۲۲)

وَ رَأَوْنَهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَ غَلَقَتِ الْأَبْوَابَ وَ قَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (۲۳)

و آن [بانو] که وی در خانه‌اش بود خواست از او کام گیرد ، و درها را [پیاپی] جفت کرد و گفت : « بیا که از آن توام ! » [یوسف] گفت : « پناه بر خدا ، او آقای من است . به من جای نیکو داده است . قطعاً ستمکاران رستگار نمی‌شوند . »

(یوسف، ۲۳)

وَ لَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَ هَمَّ بِهَا لَوْ لَا أَن رَأَىٰ بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَ الْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ (۲۴)

و در حقیقت [آن زن] آهنگ وی کرد ، و [یوسف نیز] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود ، آهنگ او می‌کرد . چنین [کردیم] تا بدی و زشتکاری را از او بازگردانیم ، چرا که او از بندگان مخلص ما بود .

(یوسف، ۲۴)

وَ اسْتَبَقَا الْبَابَ وَ قَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَ أَلْفَا سَيِّئَهَا لَدَىٰ الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۵)

و آن دو به سوی در بر یکدیگر سبقت گرفتند ، و [آن زن] پیراهن او را از پشت بدرید و در آستانه در آقای آن زن را یافتند . زن گفت : « کیفر کسی که قصد بد به خانواده تو کرده چیست ؟ جز اینکه زندانی یا [دچار] عذابی دردناک شود . »

(یوسف، ۲۵)

قَالَ هِيَ رَأَوْنَتِي عَنْ نَفْسِي وَ شَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَ هُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (۲۶)

[یوسف] گفت : « او از من کام خواست . » و شاهدهی از خانواده آن زن شهادت داد : « اگر پیراهن او از جلو چاک خورده ، زن راست گفته و او از دروغگویان است ،

(یوسف، ۲۶)

وَ إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَ هُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۲۷)

و اگر پیراهن او از پشت دریده شده ، زن دروغ گفته و او از راستگویان است . »

(یوسف، ۲۷)

فَلَمَّا رَأَىٰ قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَذِبِكُمْ إِنَّكُمْ أَنْتُمْ عَظِيمٌ (۲۸)

پس چون [شوهرش] دید پیراهن او از پشت چاک خورده است گفت : « بی‌شک ، این از نیرنگ شما [زنان] است ، که نیرنگ شما [زنان] بزرگ است . »

(یوسف، ۲۸)

يُوسُفُ أَعْرَضَ عَنْ هَذَا وَ اسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ (۲۹)

« ای یوسف ، از این [پیشامد] روی بگردان . و تو [ای زن] برای گناه خود آمرزش بخواه که تو از خطاکاران بوده‌ای . »

(یوسف، ۲۹)

و قَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَةٌ الْعَزِيزُ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۳۰)

و [دسته‌ای از] زنان در شهر گفتند: «زن عزیز از غلام خود، کام خواسته و سخت خاطرخواه او شده است. به راستی ما او را در گمراهی آشکاری می‌بینیم.»

(یوسف، ۳۰)

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّعًا وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سَكِينًا وَقَالَتْ ائْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ (۳۱)

پس چون [همسر عزیز] از مکرشان اطلاع یافت، نزد آنان [کسی] فرستاد، و محفلی برایشان آماده ساخت، و به هر یک از آنان [میوه و] کاردی داد و [به یوسف] گفت: «بر آنان درآی.» پس چون [زنان] او را دیدند، وی را بس شگرف یافتند و [از شدت هیجان] دستهای خود را بریدند و گفتند: «منزه است خدا، این بشر نیست، این جز فرشته‌ای بزرگوار نیست.»

(یوسف، ۳۱)

قَالَتْ فُلْيُكُنَّ الَّذِي لُمْتُنِّي فِيهِ وَ لَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَ لَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا أَمَرُهُ لَيُصْجَنَنَّ وَ لَيَكُونَأَنَّ مِنَ الصَّاعِرِينَ (۳۲)

[زلیخا] گفت: «این همان است که در باره او سرزنش می‌کردید. آری، من از او کام خواستم و [لی] او خود را نگاه داشت، و اگر آنچه را به او دستور می‌دهم نکند قطعاً زندانی خواهد شد و حتماً از خوارشدگان خواهد گردید.»

(یوسف، ۳۲)

قَالَ رَبِّ السِّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَ إِلَّا تَصْرِفَ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَ أَكُنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ (۳۳)

[یوسف] گفت: «پروردگارا، زندان برای من دوست‌داشتنی‌تر است از آنچه مرا به آن می‌خوانند، و اگر نیرنگ آنان را از من بازنگردانی، به سوی آنان خواهم گریاید و از [جمله] نادانان خواهم شد.»

(یوسف، ۳۳)

فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۳۴)

پس، پروردگارش [دعای] او را اجابت کرد و نیرنگ زنان را از او بگردانید. آری، او شنوای داناست.

(یوسف، ۳۴)

ثُمَّ بَدَأَ لَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا آيَاتٍ لِّيُصْجَنَّهُ حَتَّىٰ حِينٍ (۳۵)

آن گاه پس از دیدن آن نشانه‌ها، به نظرشان آمد که او را تا چندی به زندان افکنند.

(یوسف، ۳۵)

وَ دَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانٍ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَ قَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أُحْمَلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (۳۶)

و دو جوان با او به زندان درآمدند. [روزی] یکی از آن دو گفت: «من خویشتن را [به خواب] دیدم که [انگور برای] شراب می‌فشارم»؛ و دیگری گفت: «من خود را [به خواب] دیدم که بر روی سرم نان می‌برم و پرندگان از آن می‌خورند. به ما از تعبیرش خبر ده، که ما تو را از نیکوکاران می‌بینیم.»

(یوسف، ۳۶)

قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِيهِ إِلَّا نَبَّأَكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا دَلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ (۳۷)

گفت: «غذایی را که روزی شمامست برای شما نمی‌آورند مگر آنکه من از تعبیر آن به شما خبر می‌دهم پیش از آنکه [تعبیر آن] به شما برسد. این از چیزهایی است که پروردگرم به من آموخته است. من آیین قومی را که به خدا اعتقاد ندارند و منکر آخرتند رها کرده‌ام،

(یوسف، ۳۷)

وَ اتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ذَلِكُمْ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَ عَلَى النَّاسِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ (۳۸)

و آیین پدرانم، ابراهیم و اسحاق و یعقوب را پیروی نمودم. برای ما سزاوار نیست که چیزی را شریک خدا کنیم. این از عنایت خدا بر ما و بر مردم است، ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند.

(یوسف، ۳۸)

يَا صَاحِبِي السِّجْنِ أَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمْ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (۳۹)

ای دو رفیق زندانیم ، آیا خدایان پراکنده بهترند یا خدای یگانه مقتدر ؟

(یوسف، ۳۹)

مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَدِيمُ وَ لَعَنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۴۰)

شما به جای او جز نامهایی [چند] را نمی‌پرستید که شما و پدرانتان آنها را نامگذاری کرده‌اید ، و خدا دلیلی بر [حقیقت] آنها نازل نکرده است . فرمان جز برای خدا نیست . دستور داده که جز او را نپرستید . این است دین درست ، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند .

(یوسف، ۴۰)

يَا صَاحِبِي السَّجْنِ أَمَا أَحْكَمَا فَيسْتَعِي رَبِّهِ خَمْرًا وَ أَمَا الْآخِرُ فَيصَلِّبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ فَصَبِي الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ (۴۱)

ای دو رفیق زندانیم ، اما یکی از شما به آقای خود باده می‌نوشاند ، و اما دیگری به دار آویخته می‌شود و پرندگان از [مغز] سرش می‌خورند . امری که شما دو تن از من جویا شدید تحقق یافت .

(یوسف، ۴۱)

وَ قَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا ادْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنْسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السَّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ (۴۲)

و [یوسف] به آن کس از آن دو که گمان می‌کرد خلاص می‌شود ، گفت : « مرا نزد آقای خود به یاد آور . » و [لی] شیطان ، یادآوری به آقایش را از یاد او برد ؛ در نتیجه ، چند سالی در زندان ماند .

(یوسف، ۴۲)

وَ قَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سِنْعٍ بِقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سِنْعٌ عِجَافٌ وَ سِنْعٍ سَنِيَلَاتٍ خَضِرٍ وَ آخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ الْأَعْمَى إِنِّي فِي رُؤْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ (۴۳)

و پادشاه [مصر] گفت : « من [در خواب] دیدم هفت گاو فربه است که هفت [گاو] لاغر آنها را می‌خورند ، و هفت خوشه سبز و [هفت خوشه] خشکیده دیگر . ای سران قوم ، اگر خواب تعبیر می‌کنید ، در باره خواب من ، به من نظر دهید . »

(یوسف، ۴۳)

قَالُوا أَضْعَافُ أُخْلَامٍ وَ مَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأُخْلَامِ بِعَالَمِينَ (۴۴)

گفتند : « خوابهایی است پریشان ، و ما به تعبیر خوابهای آشفته دانا نیستیم . »

(یوسف، ۴۴)

وَ قَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَ ادْكُرْ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أَنْبَأُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسَلُونَا (۴۵)

و آن کس از آن دو [زندانی] که نجات یافته و پس از چندی [یوسف را] به خاطر آورده بود گفت : « مرا به [زندان] بفرستید تا شما را از تعبیر آن خبر دهم . »

(یوسف، ۴۵)

يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سِنْعٍ بِقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سِنْعٌ عِجَافٌ وَ سِنْعٍ سَنِيَلَاتٍ خَضِرٍ وَ آخَرَ يَابِسَاتٍ لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ (۴۶)

« ای یوسف ، ای مرد راستگوی ، در باره [این خواب که] هفت گاو فربه ، هفت [گاو] لاغر آنها را می‌خورند ، و هفت خوشه سبز و [هفت خوشه] خشکیده دیگر ؛ به ما نظر ده ، تا به سوی مردم برگردم ، شاید آنان [تعبیرش را] بدانند . »

(یوسف، ۴۶)

قَالَ تَزْرَعُونَ سِنْعٍ سِنِينَ ذَابًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سِنِّيهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ (۴۷)

گفت : « هفت سال پی در پی می‌کارید ، و آنچه را درویدید جز اندکی را که می‌خورید در خوشه‌اش واگذارید .

(یوسف، ۴۷)

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سِنٌّ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا نَحْصُونَ (۴۸)

آن گاه پس از آن ، هفت سال سخت می‌آید که آنچه را برای آن [سالها] از پیش نهاده‌اید جز اندکی را که ذخیره می‌کنید همه را خواهند خورد .

(یوسف، ۴۸)

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَ فِيهِ يُغْصَرُونَ (۴۹)

آن گاه پس از آن ، سالی فرا می‌رسد که به مردم در آن [سال] باران می‌رسد و در آن آب میوه می‌گیرند .

(یوسف، ۴۹)

وَقَالَ الْمَلِكُ انْتُونِي بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَى رَبِّكَ فَاسْأَلْهُ مَا بَالَ النَّسْوَةِ اللَّاتِي قَطَعْنَ أَيْدِيَهُنَّ إِنَّ رَبِّي بِكَافِرِينَ عَلِيمٌ (۵۰)

و پادشاه گفت : « او را نزد من آورید . » پس هنگامی که آن فرستاده نزد وی آمد ، [یوسف] گفت : « نزد آقای خویش برگرد و از او بپرس که حال آن زنانی که دستهای خود را بریدند چگونه است ؟ زیرا پروردگار من به نیرنگ آنان آگاه است . »

(یوسف، ۵۰)

قَالَ مَا خَطْبُكَ إِذْ رَاوَدْتَنِّي يُوسُفُ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ قَالَتِ امْرَأَةُ الْعَزِيزِ الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ (۵۱)

[پادشاه] گفت : « وقتی از یوسف کام [می] خواستید چه منظور داشتید ؟ » زنان گفتند : « منزه است خدا ، ما گناهی بر او نمی‌دانیم ، » همسر عزیز گفت : « اکنون حقیقت آشکار شد . من [بودم که] از او کام خواستم ، و بی‌شک او از راستگویان است . »

(یوسف، ۵۱)

ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْخَائِبِينَ (۵۲)

[یوسف گفت :] « این [درخواست اعاده حیثیت] برای آن بود که [عزیز] بداند من در نمان به او خیانت نکردم ، و خدا نیرنگ خائنان را به جایی نمی‌رساند .

(یوسف، ۵۲)

وَمَا أُبْرئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ (۵۳)

و من نفس خود را تبرئه نمی‌کنم ، چرا که نفس قطعاً به بدی امر می‌کند ، مگر کسی را که خدا رحم کند ، زیرا پروردگار من آمرزنده مهربان است .

(یوسف، ۵۳)

وَقَالَ الْمَلِكُ انْتُونِي بِهِ أَسْتَخْلِصُكَ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ (۵۴)

و پادشاه گفت : « او را نزد من آورید ، تا وی را خاص خود کنم . » پس چون با او سخن راند ، گفت : « تو امروز نزد ما با منزلت و امین هستی . »

(یوسف، ۵۴)

قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ (۵۵)

[یوسف] گفت : « مرا بر خزانه‌های این سرزمین بگمار ، که من نگهداری دانا هستم . »

(یوسف، ۵۵)

وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (۵۶)

و بدین گونه یوسف را در سرزمین [مصر] قدرت دادیم ، که در آن ، هر جا که می‌خواست سکونت می‌کرد . هر که را بخواهیم به رحمت خود می‌رسانیم و اجر نیکوکاران را تباه نمی‌سازیم .

(یوسف، ۵۶)

وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يُتَّقُونَ (۵۷)

و البته اجر آخرت ، برای کسانی که ایمان آورده و پرهیزگاری می‌نمودند ، بهتر است .

(یوسف، ۵۷)

وَ جَاءَ إِخْوَةَ يُوسُفَ فَنَدَخُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَ هُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ (۵۸)

و برادران یوسف آمدند و بر او وارد شدند . [او] آنان را شناخت ولی آنان او را نشناختند .

(یوسف، ۵۸)

وَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ قَالَ انْتُونِي بِأَخٍ لَكُمْ مِنْ أَبِيكُمْ أَ لَا تَرَوْنَ أَنِّي أَوْفِي الْكَيْلِ وَ أَنَا خَيْرٌ الْمُنْزِلِينَ (۵۹)

و چون آنان را به خوار و بارشان مجهز کرد ، گفت : « برادر پدری خود را نزد من آورید . مگر نمی‌بینید که من پیمان‌ه را تمام می‌دهم و من بهترین میزبانانم ؟

(یوسف، ۵۹)

فَإِن لَّمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي وَ لَا تَقْرَبُون (۶۰)

پس اگر او را نزد من نیاوردید ، برای شما نزد من پیمانهای نیست ، و به من نزدیک نشوید .

(یوسف، ۶۰)

قَالُوا سَنُرَاوِدُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ (۶۱)

گفتند : « او را با نیرنگ از پدرش خواهیم خواست ، و محققاً این کار را خواهیم کرد . »

(یوسف، ۶۱)

وَ قَالَ لِقَبَائِلِهِ اجْعَلُوا بَضَاعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۶۲)

و [یوسف] به غلامان خود گفت : « سرمایه‌های آنان را در بارهایشان بگذارید ، شاید وقتی به سوی خانواده خود برمی‌گردند آن را باز یابند ، امید که آنان بازگردند . »

(یوسف، ۶۲)

فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَىٰ أَبِيهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسِلْ مَعَنَا آخَانًا نَكْتَلُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (۶۳)

پس چون به سوی پدر خود بازگشتند ، گفتند : « ای پدر ، پیمانانه از ما منع شد . برادرمان را با ما بفرست تا پیمانانه بگیریم ، و ما نگهدارنده او خواهیم بود . »

(یوسف، ۶۳)

قَالَ هَلْ أَمْنَكُم عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمْنْتُكُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِنْ قَبْلِ اللَّهِ خَيْرٌ حَافِظًا وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (۶۴)

[یعقوب] گفت : « آیا همان گونه که شما را پیش از این بر برادرش امین گردانیدم ، بر او امین سازم ؟ پس خدا بهترین نگهدارنده است ، و اوست مهربانترین مهربانان . »

(یوسف، ۶۴)

وَ لَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَجَدُوا بِضَاعَتَهُمْ رَبَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا نَبْغِي هَذِهِ بِضَاعَتُنَا رُبَّتْ إِلَيْنَا وَ نَمِيرُ أَهْلَنَا وَ نَحْفَظُ آخَانًا وَ نَزِدَادُ كَيْلٍ يَعْبِرُ ذَلِكُمْ كَيْلٌ بَيْسِيرٌ (۶۵)

و هنگامی که بارهای خود را گشودند ، دریافتند که سرمایه‌شان بدانها بازگردانیده شده است . گفتند : « ای پدر ، [دیگر] چه می‌خواهیم ؟ این سرمایه ماست که به ما بازگردانیده شده است . قوت خانواده خود را فراهم ، و برادرمان را نگهدارنده می‌کنیم ، و [با بردن او] یک بار شتر می‌افزاییم ، و این [پیمانانه اضافی نزد عزیز] پیمانانه‌ای ناچیز است . »

(یوسف، ۶۵)

قَالَ لَنْ أَرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّىٰ تُؤْتُوا مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِ إِلَّا أَنْ يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا آتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ (۶۶)

گفت : « هرگز او را با شما نخواهم فرستاد تا با من با نام خدا پیمان استواری ببندید که حتماً او را نزد من باز آورید ، مگر آنکه گرفتار [حادثه‌ای] شوید . » پس چون پیمان خود را با او استوار کردند [یعقوب] گفت : « خدا بر آنچه می‌گوییم وکیل است . »

(یوسف، ۶۶)

وَ قَالَ يَا بَنِيَّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظَلِّمَكُمْ فِي مُحَاوَلَاتٍ فَلْيَرَأُوا نُصْرَةَ اللَّهِ وَ كَيْفَ يُنصِرُ الْمَنِيعِينَ إِذْ يُضَارِبُونَ الصُّورَ بِالْغَمَامِ وَ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۶۷)

و گفت : « ای پسران من ، [همه] از یک دروازه [به شهر] درنیایید ، بلکه از دروازه‌های مختلف وارد شوید ، و من [با این سفارش] ، [چیزی از] قضای [خدا را از شما دور نمی‌توانم داشت . فرمان جز برای خدا نیست . بر او توکل کردم ، و توکل کنندگان باید بر او توکل کنند . »

(یوسف، ۶۷)

وَ لَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةٌ فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَاهَا وَ إِنَّهُ لَنُؤُودٌ عَلِيمٌ لِمَا عَلَّمْنَاهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۶۸)

و چون همان گونه که پدرانشان به آنان فرمان داده بود وارد شدند ، [این کار] چیزی را در برابر خدا از آنان برطرف نمی‌کرد جز اینکه یعقوب نیازی را که در دلش بود ، برآورد . و بی‌گمان ، او از [برکت] آنچه بدو آموخته بودیم دارای دانشی [فراوان] بود ، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند .

(یوسف، ۶۸)

وَ لَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ آوَىٰ إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۶۹)

و هنگامی که بر یوسف وارد شدند ، برادرش [بنیامین] را نزد خود جای داد [و] گفت : « من برادر تو هستم . » بنا بر این ، از آنچه [برادران] می‌کردند ، غمگین مباش .

(یوسف، ۶۹)

فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ جَعَلَ السَّقَايَةَ فِي رِجْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَتَتْهَا الْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ (۷۰)

پس هنگامی که آنان را به خوار و بارشان مجهز کرد ، آبخوری را در بارِ برادرش نهاد . سپس [به دستور او] نداکننده‌ای بانگ درداد : « ای کاروانیان ، قطعاً شما دزد هستید . »

(یوسف، ۷۰)

قَالُوا وَ أَقْبَلُوا عَلَيْهِمْ مَا دَأ تَفْقَدُونَ (۷۱)

[برادران] در حالی که به آنان روی کردند ، گفتند : « چه گم کرده‌اید ؟ »

(یوسف، ۷۱)

قَالُوا تَفَقَّدَ صَوَاعَ الْمَلِكِ وَ لِمَنْ جَاءَ بِهِ جَمَلٌ بَعِيرٌ وَ أَنَا بِهِ زَعِيمٌ (۷۲)

گفتند : « جام شاه را گم کرده‌ایم ، و برای هر کس که آن را بیاورد يك بار شتر خواهد بود . » و [متصدی گفت :] « من ضامن آنم . »

(یوسف، ۷۲)

قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَ مَا كُنَّا سَارِقِينَ (۷۳)

گفتند : « به خدا سوگند ، شما خوب می‌دانید که ما نیامده‌ایم در این سرزمین فساد کنیم و ما دزد نبوده‌ایم . »

(یوسف، ۷۳)

قَالُوا فَمَا جَزَاؤُهُ إِنْ كُنْتُمْ كَاذِبِينَ (۷۴)

گفتند : « پس ، اگر دروغ بگوئید ، کیفرش چیست ؟ »

(یوسف، ۷۴)

قَالُوا جَزَاؤُهُ مَنْ وَجَدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ (۷۵)

گفتند : « کیفرش [همان] کسی است که [جام] در بار او پیدا شود . پس کیفرش خود اوست . ما ستمکاران را این گونه کیفر می‌دهیم . »

(یوسف، ۷۵)

فَبَدَأَ بِأَوْعِيَّتِهِمْ قَبْلَ وَعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وَعَاءِ أَخِيهِ كَذَلِكَ كُنَّا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ وَ فَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ (۷۶)

پس [یوسف] به [بازرسی] بارهای آنان ، پیش از بار برادرش ، پرداخت . آن گاه آن را از بار برادرش [بنیامین] در آورد . این گونه به یوسف شیوه آموختیم . [چرا که] او در آیین پادشاه نمی‌توانست برادرش را بازداشت کند ، مگر اینکه خدا خواهد [و چنین راهی بدو بنماید] . درجات کسانی را که بخواهیم بالا می‌بریم و فوق هر صاحب دانشی دانشوری است .

(یوسف، ۷۶)

قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلِ فَأَسْرَهَا يُوسُفَ فِي نَفْسِهِ وَ لَمْ يَبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَّاتَا وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ (۷۷)

گفتند : « اگر او دزدی کرده ، پیش از این [نیز] برادرش دزدی کرده است . » یوسف این [سخن] را در دل خود پنهان داشت و آن را برایشان آشکار نکرد [ولی] گفت : « موقعیت شما بدتر [از او] است ، و خدا به آنچه وصف می‌کنید داناتر است . »

(یوسف، ۷۷)

قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبَا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَاتَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (۷۸)

گفتند : « ای عزیز ، او پدری پیر سالخورده دارد ؛ بنا بر این یکی از ما را به جای او بگیر ، که ما تو را از نیکوکاران می‌بینیم . »

(یوسف، ۷۸)

قَالَ مَعَادُ اللَّهِ أَنْ تُأْخِذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِنْدَهُ إِنَّا إِذًا لظَالِمُونَ (۷۹)

گفت : « پناه به خدا ، که جز آن کس را که کالای خود را نزد وی یافته‌ایم بازداشت کنیم ، زیرا در آن صورت قطعاً ستمکار خواهیم بود . »

(یوسف، ۷۹)

فَلَمَّا اسْتَيْسَوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ وَ مِنْ قَبْلِ مَا فَرَّطْتُمْ فِي يُوسُفَ فَلَنْ أَبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّى يَأْتِيَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لِي وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ (۸۰)

پس چون از او نومید شدند ، رازگویان کنار کشیدند . بزرگشان گفت : « مگر نمی‌دانید که پدرتان با نام خدا پیمانی استوار از شما گرفته است و قبلاً [هم] در باره یوسف تقصیر کردید ؟ هرگز از این سرزمین نمی‌روم تا پدرم به من اجازه دهد یا خدا در حق من داوری کند ، و او بهترین داوران است .

(یوسف ، ۸۰)

ارْجِعُوا إِلَىٰ آبَائِكُمْ فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلَّمْنَا وَ مَا كُنَّا لِنُغَيِّبَ حَافِظِينَ (۸۱)

بیش پدرتان بازگردید و بگویید : ای پدر ، پسرت دزدی کرده ، و ما جز آنچه می‌دانیم گواهی نمی‌دهیم و ما نگهدارنده غیب نبودیم .

(یوسف ، ۸۱)

وَ اسْأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعِيرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَ إِنَّا لَصَادِقُونَ (۸۲)

و از [مردم] شهری که در آن بودیم و کاروانی که در میان آن آمدیم جویا شو ، و ما قطعاً راست می‌گوییم .

(یوسف ، ۸۲)

قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (۸۳)

[یعقوب] گفت : « [چنین نیست ،] بلکه نفس شما امری [نادرست] را برای شما آراسته است . پس [صبر من] صبری نیکوست . امید که خدا همه آنان را به سوی من [باز] آورد ، که او دانای حکیم است . »

(یوسف ، ۸۳)

وَ تَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسَفَا عَلَىٰ يُوسُفَ وَ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ (۸۴)

و از آنان روی گردانید و گفت : « ای دریغ بر یوسف ! » و در حالی که اندوه خود را فرو می‌خورد ، چشمانش از اندوه سپید شد .

(یوسف ، ۸۴)

قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتَأُ تَذْكَرُ يُوسُفَ حَتَّىٰ تَكُونَ حَرَضاً أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ (۸۵)

[پسران او] گفتند : « به خدا سوگند که پیوسته یوسف را یاد می‌کنی تا بیمار شوی یا هلاک گردی . »

(یوسف ، ۸۵)

قَالَ إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَ حُزْنِي إِلَىٰ اللَّهِ وَ أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۸۶)

گفت : « من شکایت غم و اندوه خود را پیش خدا می‌برم ، و از [عنایت] خدا چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید .

(یوسف ، ۸۶)

يَا بَنِي إِدْهَبُوا فَتَحَسَّنُوا مِنْ يُوسُفَ وَ أَخِيهِ وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْكَافِرُونَ (۸۷)

ای پسران من ، بروید و از یوسف و برادرش جستجو کنید و از رحمت خدا نومید مباشید ، زیرا جز گروه کافران کسی از رحمت خدا نومید نمی‌شود .

(یوسف ، ۸۷)

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسْنَا وَ أَهْلْنَا الصَّرُّ وَ جِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُرْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ (۸۸)

پس چون [برادران] بر او وارد شدند ، گفتند : « ای عزیز ، به ما و خانواده ما آسیب رسیده است و سرمایه‌ای ناچیز آورده‌ایم . بنا بر این پیمان‌ه ما را تمام بده و بر ما تصدق کن که خدا صدقه‌دهندگان را پاداش می‌دهد . »

(یوسف ، ۸۸)

قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَ أَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ (۸۹)

گفت : « آیا دانستید ، وقتی که نادان بودید ، با یوسف و برادرش چه کردید ؟ »

(یوسف ، ۸۹)

قَالُوا إِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفَ قَالَ أَنَا يُوسُفَ وَ هَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَ يَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (۹۰)

گفتند : « آیا تو خود ، یوسفی ؟ » گفت : « [آری ،] من یوسفم و این برادر من است . به راستی خدا بر ما مانت نهاده است . بی‌گمان ، هر که تقوا و صبر پیشه کند ، خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند . »

(یوسف ، ۹۰)

قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ آتَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَاطِبِينَ (۹۱)

گفتند : « به خدا سوگند ، که واقعاً خدا تو را بر ما برتری داده است و ما خطاکار بودیم . »

(یوسف، ۹۱)

قَالَ لَا تَثْرِبَ عَلَيْنَا يَوْمَ يُبْعَثُ اللَّهُ لَكُمْ وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (۹۲)

[یوسف] گفت : « امروز بر شما سرزنی نیست . خدا شما را می‌آمرزد و او مهربانترین مهربانان است . »

(یوسف، ۹۲)

أَهْمُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَأَلْفُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأَنْتَوِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ (۹۳)

« این پیراهن مرا ببريد و آن را بر چهره پدرم بيفكنيد [تا] بينا شود ، و همه كسان خود را نزد من آوريد . »

(یوسف، ۹۳)

وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْ لَا أَنْ تَفْقَدُونِ (۹۴)

و چون كاروان رهسپار شد ، پدرشان گفت : « اگر مرا به كمخردی نسبت ندهيد ، بوی يوسف را می‌شنوم . »

(یوسف، ۹۴)

قَالُوا تَاللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ (۹۵)

گفتند : « به خدا سوگند که تو سخت در گمراهی دیرین خود هستی . »

(یوسف، ۹۵)

فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ آفَاقَهُ عَلَى وَجْهِهِ فَازْتَدَّ بَصِيرًا قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۹۶)

پس چون مژده‌رسان آمد ، آن [پیراهن] را بر چهره او انداخت ، پس بینا گردید . گفت : « آیا به شما نگفتم که بيشك من از [عنایت] خدا چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید ؟ »

(یوسف، ۹۶)

قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِبِينَ (۹۷)

گفتند : « ای پدر ، برای گناهان ما آمرزش خواه که ما خطاکار بودیم . »

(یوسف، ۹۷)

قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۹۸)

گفت : « به زودی از پروردگارم برای شما آمرزش می‌خواهم ، که او همانا آمرزنده مهربان است . »

(یوسف، ۹۸)

فَلَمَّا نَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ أَوَى إِلَيْهِ أَبُوهُ وَ قَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ (۹۹)

پس چون بر يوسف وارد شدند ، پدر و مادر خود را در کنار خویش گرفت و گفت : « ان شاء اللّٰه ، با [امن و] امان داخل مصر شوید . »

(یوسف، ۹۹)

و رَفَعَ أَبُوهُ عَلَى الْعَرْشِ وَ خَرُّوا لَهُ سُجْدًا وَ قَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَ قَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَ جَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَعَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَ بَيْنَ إِخْوَتِي إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (۱۰۰)

و پدر و مادرش را به تخت برنشاند ، و [همه آنان] پیش او به سجده درافتادند ، و [یوسف] گفت : « ای پدر ، این است تعبیر خواب پیشین من ، به یقین ، پروردگارم آن را راست گردانید و به من احسان کرد آن گاه که مرا از زندان خارج ساخت و شما را از بیابان [کنعان به مصر] باز آورد پس از آنکه شیطان میان من و برادرانم را به هم زد بی‌گمان ، پروردگار من نسبت به آنچه بخواهد صاحب لطف است ، زیرا که او دانای حکیم است . »

(یوسف، ۱۰۰)

رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَ عَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِئْتِنَا وَ الْآخِرَةُ تَوَفِّيَ مُسْلِمًا وَ الْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ (۱۰۱)

« پروردگارا ، تو به من دولت دادی و از تعبیر خوابها به من آموختی . ای پدیدآورنده آسمانها و زمین ، تنها تو در دنیا و آخرت مولای منی ؛ مرا مسلمان بگردان و مرا به شایستگیان ملحق فرما . »

(یوسف، ۱۰۱)

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَ هُمْ يَمْكُرُونَ (۱۰۲)

این [ماجرا] از خبرهای غیب است که به تو وحی می‌کنیم ، و تو هنگامی که آنان همدستان شدند و نیرنگ می‌کردند نزدشان نبودی .

(یوسف، ۱۰۲)

وَ مَا أَكْثَرَ النَّاسِ وَ لَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ (۱۰۳)

و بیشتر مردم هر چند آرزومند باشی ایمان‌آورنده نیستند .

(یوسف، ۱۰۳)

وَ مَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۱۰۴)

و تو بر این [کار] پاداشی از آنان نمی‌خواهی . آن [قرآن] جز پندی برای جهانیان نیست .

(یوسف، ۱۰۴)

وَ كَذَلِكَ مِنْ آيَةِ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَمْرُونَ عَلَيْهَا وَ هُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ (۱۰۵)

و چه بسیار نشانه‌ها در آسمانها و زمین است که بر آنها می‌گذرند در حالی که از آنها روی برمی‌گردانند .

(یوسف، ۱۰۵)

وَ مَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَ هُمْ مُشْرِكُونَ (۱۰۶)

و بیشترشان به خدا ایمان نمی‌آورند جز اینکه [با او چیزی را] شریک می‌گیرند .

(یوسف، ۱۰۶)

أَفَلَمْ نَأْتِ بِمِثْلِهِمُ عَاشِيَةً مِنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيهِمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۱۰۷)

آیا ایمنند از اینکه عذاب فراگیر خدا به آنان دررسد ، یا قیامت در حالی که بی‌خبرند بناگاه آنان را فرا رسد ؟

(یوسف، ۱۰۷)

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَنِي وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۰۸)

بگو : « این است راه من ، که من و هر کس پیروی‌ام کرد با بینایی به سوی خدا دعوت می‌کنیم ، و منزّه است خدا ، و من از مشرکان نیستم . »

(یوسف، ۱۰۸)

وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِيهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَلَّا تَعْلَمُونَ (۱۰۹)

و پیش از تو [نیز] جز مردانی از اهل شهرها را که به آنان وحی می‌کردیم نفرستادیم . آیا در زمین نگردیده‌اند تا فرجام کسانی را که پیش از آنان بوده‌اند بنگرند ؟ و قطعاً سرای آخرت برای کسانی که پرهیزگاری کرده‌اند بهتر است . آیا نمی‌اندیشید ؟

(یوسف، ۱۰۹)

حَتَّى إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّىَ مِنْ نَشَأٍ وَ لَا يَرُدُّ بِأَسْنَا عَنْ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ (۱۱۰)

تا هنگامی که فرستادگان [ما] نومید شدند و [مردم] پنداشتند که به آنان واقعاً دروغ گفته شده ، یاری ما به آنان رسید . پس کسانی را که می‌خواستیم ، نجات یافتند ، و [لی] عذاب ما از گروه مجرمان برگشت ندارد .

(یوسف، ۱۱۰)

لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَ لَعِنَ تَصْدِيقِ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصِيلِ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۱۱۱)

به راستی در سرگذشت آنان ، برای خردمندان عبرتی است . سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد ، بلکه تصدیق آنچه [از کتابهایی] است که پیش از آن بوده و روشنگر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می‌آورند رهنمود و رحمتی است .

(یوسف، ۱۱۱)

ترتیبها- ۱۳	سوره الرعد	مدنی- آیاتها- ۴۳
-------------	------------	------------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الرعد، ۰)

المر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (۱)

الف ، لام ، میم ، راء . این است آیات کتاب ، و آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده ، حق است ، ولی بیشتر مردم نمی‌گویند .

(الرعد، ۱)

اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ (۲)

خدا [همان] کسی است که آسمانها را بدون ستونهایی که آنها را ببینید برافراشت ، آن گاه بر عرش استیلا یافت و خورشید و ماه را رام گردانید ؛ هر کدام برای مدتی معین به سیر خود ادامه می‌دهند . [خداوند] در کار [آفرینش] تدبیر می‌کند ، و آیات [خود] را به روشنی بیان می‌نماید ، امید که شما به لقای پروردگارتان یقین حاصل کنید .

(الرعد، ۲)

وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رِوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا رِجَاجِينَ يُجْعِلُ اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۳)

و اوست کسی که زمین را گسترانید و در آن ، کوهها و رودها نهاد ، و از هر گونه میوه‌ای در آن ، جفت جفت قرار داد . روز را به شب می‌پوشاند . قطعاً در این [امور] برای مردمی که تفکر می‌کنند نشانه‌هایی وجود دارد .

(الرعد، ۳)

و فِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مَّتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَرُزُقٌ وَنَخِيلٌ وَصِنَوَانٌ وَعَيْرٌ صِنَوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفُصَّلٌ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۴)

و در زمین قطعاتی است کنار هم ، و باغهایی از انگور و کشتزارها و درختان خرما ، چه از یک ریشه و چه از غیر یک ریشه ، که با یک آب سیراب می‌گردند ، و [با این همه] برخی از آنها را در میوه [از حیث مزه و نوع و کیفیت] بر برخی دیگر برتری می‌دهیم . بی‌گمان در این [امر نیز] برای مردمی که تفکر می‌کنند دلایل [روشنی] است .

(الرعد، ۴)

وَإِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ إِذَا كُنَّا تَرَابًا أَلْبَا لَقِيَ خَلْقٍ جَدِيدٍ أَوَلَيْكَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّهُمْ وَأَوَلَيْكَ الْأَعْلَاقُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَأَوَلَيْكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۵)

و اگر عجب داری ، عجب از سخن آنان [کافران] است که : « آیا وقتی خاک شدیم ، به راستی در آفرینش جدیدی خواهیم بود ؟ » اینان همان کسانی‌اند که به پروردگارشان کفر ورزیده‌اند و در گردنهایشان زنجیرهاست ، و آنان همدم آتشند و در آن ماندگار خواهند بود .

(الرعد، ۵)

وَ يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ وَ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمُ الْمُتَلَاتُ وَ إِنَّ رَبَّكَ لَدُوٌّ مَغْفِرَةٌ لِلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمْ وَ إِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ (۶)

و پیش از رحمت ، شتابزده از تو عذاب می‌طلبند و حال آنکه پیش از آنان [بر کافران] عقوبتها رفته است ، و به راستی پروردگار تو نسبت به مردم با وجود ستمشان بخشایشگر است ، و به یقین پروردگار تو سخت‌کیفر است .

(الرعد، ۶)

وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهِ آيَةً مِنْ رَبِّهِ إِنْ مَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ (۷)

و آنان که کافر شده‌اند می‌گویند : « چرا نشانه‌ای آشکار از طرف پروردگارش بر او نازل نشده است ؟ » [ای پیامبر ،] تو فقط هشداردهنده‌ای ، و برای هر قومی رهبری است .

(الرعد، ۷)

اللَّهُ يَغْلُمُ مَا تَحْمَلُ كُلُّ أُنْثَى وَ مَا تَعْيِضُ الْأَرْحَامُ وَ مَا تَزْدَادُ وَ كُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ (۸)

خدا می‌داند آنچه را که هر ماده‌ای [در رحم] بار می‌گیرد ، و [نیز] آنچه را که رَحِمها می‌کاهد و آنچه را می‌افزایند . و هر چیزی نزد او اندازه‌ای دارد .

(الرعد، ۸)

عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ (۹)

دانای نهایان و آشکار ، [و] بزرگ بلندمرتبه است .

(الرعد، ۹)

سَوَاءٌ مِّنْكُمْ مَّنْ أَسَرَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ (۱۰)

[برای او] یکسان است : کسی از شما سخن [خود] را نهان کند و کسی که آن را فاش گرداند ، و کسی که خویشتن را به شب پنهان دارد و در روز ، آشکارا حرکت کند .

(الرعد، ۱۰)

لَهُ مَعْقَبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ (۱۱)

برای او فرشتگانی است که پی در پی او را به فرمان خدا از پیش رو و از پشت سرش پاسداری می‌کنند . در حقیقت ، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند . و چون خدا برای قومی آسیبی بخواهد ، هیچ برگشتی برای آن نیست ، و غیر از او حمایتگری برای آنان نخواهد بود .

(الرعد، ۱۱)

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ (۱۲)

اوست کسی که برق را برای بیم و امید به شما می‌نماید ، و ابرهای گرانبار را پدیدار می‌کند .

(الرعد، ۱۲)

وَيَسْخِرُ الرُّعْدَ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةَ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ (۱۳)

رعد ، به حمد او ، و فرشتگان [جملگی] از بیمش تسبیح می‌گویند ، و صاعقه‌ها را فرو می‌فرستند و با آنها هر که را بخواهد ، مورد اصابت قرار می‌دهد ، در حالی که آنان در باره خدا مجادله می‌کنند ، و او سخت‌گیر است .

(الرعد، ۱۳)

لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كِبَاسِطٌ كُفَيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَمَا دَعَا الْكَاْفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ (۱۴)

دعوت حق برای اوست . و کسانی که [مشرکان] جز او می‌خوانند ، هیچ جوابی به آنان نمی‌دهند ، مگر مانند کسی که دو دستش را به سوی آب بگشاید تا [آب] به دهانش برسد ، در حالی که [آب] به [دهان] او نخواهد رسید ، و دعای کافران جز بر هدر نباشد .

(الرعد، ۱۴)

وَاللَّهُ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُم بِالْعُدْوِ وَالْأَصَالِ (۱۵)

و هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه با سایه‌هایشان ، بامدادان و شامگاهان ، برای خدا سجده می‌کنند .

(الرعد، ۱۵)

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (۱۶)

بگو : « پروردگار آسمانها و زمین کیست ؟ » بگو : « خدا ! » بگو : « پس آیا جز او سرپرستانی گرفته‌اید که اختیار سود و زیان خود را ندارند ؟ » بگو : « آیا نابینا و بینا یکسانند ؟ یا تاریکیها و روشنایی برابرند ؟ یا برای خدا شریکانی پنداشته‌اند که مانند آفرینش او آفریده‌اند و در نتیجه ، [این دو] آفرینش بر آنان مشتبّه شده است ؟ » بگو : « خدا آفریننده هر چیزی است ، و اوست یگانه قهار . »

(الرعد، ۱۶)

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ (۱۷)

[همو که] از آسمان ، آبی فرو فرستاد . پس رودخانه‌هایی به اندازه گنجایش خودشان روان شدند ، و سیل ، کفی بلند روی خود برداشت ، و از آنچه برای به دست آوردن زینتی یا کالایی ، در آتش می‌گدازند هم نظیر آن کفی برمی‌آید . خداوند ، حق و باطل را چنین مَثَل می‌زند . اما کف ، بیرون افتاده از میان می‌رود ، ولی آنچه به مردم سود می‌رساند در زمین [باقی] می‌ماند . خداوند مَثَلها را چنین می‌زند .

(الرعد، ۱۷)

لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمُ الْخُسْنَىٰ وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ (۱۸)

برای کسانی که پروردگارشان را اجابت کرده‌اند پاداش بس نیکوست . و کسانی که وی را اجابت نکرده‌اند ، اگر سراسر آنچه در زمین است و مانند آن را با آن داشته باشند ، قطعاً آن را برای بازرخرد خود خواهند داد . آنان به سختی باخواست شوند و جایشان در دوزخ است و چه بد جایگاهی است .

(الرعد، ۱۸)

أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (١٩)

پس ، آیا کسی که می‌داند آنچه از جانب پروردگارت به تو نازل شده ، حقیقت دارد ، مانند کسی است که کور دل است ؟ تنها خردمندانند که عبرت می‌گیرند .

(الرعد، ١٩)

الَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لَا يُقْفَضُونَ الْمِيثَاقَ (٢٠)

همانان که به پیمان خدا وفادارند و عهد [او] را نمی‌شکنند .

(الرعد، ٢٠)

وَ الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَ يَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ (٢١)

و آنان که آنچه را خدا به پیوستنش فرمان داده می‌پیوندند و از پروردگارشان می‌ترسند و از سختی حساب بیم دارند .

(الرعد، ٢١)

وَ الَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً وَ يَذَرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ (٢٢)

و کسانی که برای طلب خشنودی پروردگارشان شکیبایی کردند و نماز برپا داشتند و از آنچه روزیشان دادیم ، نهان و آشکارا انفاق کردند ، و بدی را با نیکی می‌زدایند ، ایشان راست فرجام خوش سرای باقی .

(الرعد، ٢٢)

جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَ مَنْ صَلَّحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَ أَزْوَاجِهِمْ وَ ذُرِّيَّتِهِمْ وَ الْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ (٢٣)

[همان] بهشتهای عدن که آنان با پدرانشان و همسرانشان و فرزندانشان که درستکارند در آن داخل می‌شوند ، و فرشتگان از هر دری بر آنان درمی‌آیند .

(الرعد، ٢٣)

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ (٢٤)

[و به آنان می‌گویند : « درود بر شما به [پاداش] آنچه صبر کردید . راستی چه نیکوست فرجام آن سرای ! »

(الرعد، ٢٤)

وَ الَّذِينَ يُقْفَضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَ يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يَفْسُدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (٢٥)

و کسانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند و آنچه را خدا به پیوستن آن فرمان داده می‌گسلند و در زمین فساد می‌کنند ، بر ایشان لعنت است و بد فرجامی آن سرای ایشان راست .

(الرعد، ٢٥)

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ وَ فَرَحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ (٢٦)

خدا روزی را برای هر که بخواهد گشاده یا تنگ می‌گرداند ، و [لی آنان] به زندگی دنیا شاد شده‌اند ، و زندگی دنیا در [برابر] آخرت جز بهره‌ای [ناچیز] نیست .

(الرعد، ٢٦)

وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أُنَابَ (٢٧)

و کسانی که کافر شده‌اند می‌گویند : « چرا از جانب پروردگارش معجزه‌ای بر او نازل نشده است ؟ » بگو : « در حقیقت خداست که هر کس را بخواهد بپراورد و هر کس را که [به سوی او] بازگردد ، به سوی خود راه می‌نماید . »

(الرعد، ٢٧)

الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (٢٨)

همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد . آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد .

(الرعد، ٢٨)

الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَ حَسُنَ مَا يِ (٢٩)

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند ، خوشا به حالشان ، و خوش سرانجامی دارند .

(الرعد، ۲۹)

كَذَّبِكَ أَسْتَنَّكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لَبَّتُوا عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَ هُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ (۳۰)

بدین گونه تو را در میان امتی که پیش از آن ، امتهایی روزگار به سر بردند ، فرستادیم تا آنچه را به تو وحی کردیم بر آنان بخوانی ، در حالی که آنان به [خدای] رحمان کفر می‌ورزند . بگو : « اوست پروردگار من . معبودی بجز او نیست . بر او توکل کرده‌ام و بازگشت من به سوی اوست . »

(الرعد، ۳۰)

وَ لَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُورِتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمٌ بِهِ الْمَوْتَى بَلَّ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعاً أَلَمْ يَبْسُ الْدِّينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهَدَى النَّاسَ جَمِيعاً وَ لَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيباً مِنْ دَارِهِمْ حَتَّى يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ (۳۱)

و اگر قرآنی بود که کوه‌ها بدان روان می‌شد ، یا زمین بدان قطعه قطعه می‌گردید ، یا مردگان بدان به سخن درمی‌آمدند [باز هم در آنان اثر نمی‌کرد .] نه چنین است ، بلکه همه امور بستگی به خدا دارد . آیا کسانی که ایمان آورده‌اند ، ندانسته‌اند که اگر خدا می‌خواست قطعاً تمام مردم را به راه می‌آورد ؟ و کسانی که کافر شده‌اند پیوسته به [سزای] آنچه کرده‌اند مصیبت کوبنده‌ای به آنان می‌رسد یا نزدیک خانه‌هایشان فرود می‌آید ، تا وعده خدا فرا رسد . آری ، خدا وعده [خود را] خلاف نمی‌کند .

(الرعد، ۳۱)

وَ لَقَدْ اسْتَهْزَى بِرَسُولِ مِنْ قَبْلِكَ فَأَمَلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ (۳۲)

و بی‌گمان ، فرستادگان پیش از تو [نیز] مسخره شدند . پس به کسانی که کافر شده بودند مهلت دادم ، آن گاه آنان را [به کیفر] گرفتم . پس چگونه بود کیفر من ؟

(الرعد، ۳۲)

أَفَمَنْ هُوَ قَابِمْ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ قُلْ سَمُّوهُمْ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَمْ بظَاهِرٍ مِنَ الْقَوْلِ بَلَّ زُيْنٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرَهُمْ وَ صُدُّوا عَنِ السَّبِيلِ وَ مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۳۳)

آیا کسی که بر هر شخصی بدانچه کرده است مراقب است [مانند کسی است که از همه جا بی‌خبر است] ؟ و برای خدا شریکانی قرار دادند . بگو : « نامشان را ببرید » آیا او را به آنچه در زمین است و او نمی‌داند خبر می‌دهید ، یا سخنی سطحی [و میان‌تهی] می‌گویید ؟ [چنین نیست] بلکه برای کسانی که کافر شده‌اند نیرنگشان آراسته شده و از راه [حق] بازداشته شده‌اند و هر که را خدا بپراه گذارد رهبری نخواهد داشت .

(الرعد، ۳۳)

لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ لِعَذَابِ الْأَخْرَةِ أَشَقُّ وَ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ (۳۴)

برای آنان در زندگی دنیا عذابی است ، و قطعاً عذاب آخرت دشوارتر است ، و برای ایشان در برابر خدا هیچ نگهدارنده‌ای نیست .

(الرعد، ۳۴)

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُكْلُهَا دَائِمٌ وَ ظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ عُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ (۳۵)

وصف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده [این است که] از زیر [درختان] آن نهرها روان است . میوه و سایه‌اش پایدار است . این است فرجام کسانی که پرهیزگاری کرده‌اند و فرجام کافران آتش [دوزخ] است .

(الرعد، ۳۵)

وَ الَّذِينَ اتَّبَعَتْهُمْ كِتَابَ الْفُرْقَانِ بِمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ وَ مِنَ الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَعْضَهُ قُلْ إِنَّمَا أَمْرُهُ أَنْ يَعْبُدَ اللَّهَ وَ لَا أَشْرَكَ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُو وَ إِلَيْهِ مَتَابِ (۳۶)

و کسانی که به آنان کتاب [آسمانی] داده‌ایم ، از آنچه به سوی تو نازل شده شاد می‌شوند . و برخی از دسته‌ها کسانی هستند که بخشی از آن را انکار می‌کنند . بگو : « جز این نیست که من مأمورم خدا را بپرستم و به او شرک نوزم . به سوی او می‌خوانم و بازگشتم به سوی اوست . »

(الرعد، ۳۶)

وَ كَذَّبِكَ أَنْزَلْنَاهُ حِكْمًا عَرَبِيًّا وَ لَنْ تَتَّبِعْتَهُمْ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ وَ لَا وَاقٍ (۳۷)

و بدین سان آن [قرآن] را فرمانی روشن نازل کردیم ، و اگر پس از دانشی که به تو رسیده [باز] از هوسهای آنان پیروی کنی ، در برابر خدا هیچ دوست و حمایتگری نخواهی داشت .

(الرعد، ۳۷)

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَ جَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجاً وَ ذُرِّيَّةً وَ مَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٍ (۳۸)

و قطعاً پیش از تو [نیز] رسولانی فرستادیم ، و برای آنان زنان و فرزندان قرار دادیم . و هیچ پیامبری را نرسد که جز به اذن خدا معجزه‌ای بیاورد . برای هر زمانی کتابی است .

(الرعد، ۳۸)

يُخَوِّدُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ (٣٩)

خدا آنچه را بخواهد محو یا اثبات می‌کند ، و اصل کتاب نزد اوست .

(الرعد، ٣٩)

وَ إِنْ مَا تُرِيدُكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَقَّعُكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَ عَلَيْنَا الْحِسَابُ (٤٠)

و اگر پاره‌ای از آنچه را که به آنان وعده می‌دهیم به تو بنمایانیم ، یا تو را بمیرانیم ، جز این نیست که بر تو رساندن [پیام] است و بر ما حساب [آنان] .

(الرعد، ٤٠)

أَوْ لَمْ يَزُوا أَنَا تَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُضُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَ اللَّهُ يَخُكُمُ لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ وَ هُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (٤١)

آیا ندیده‌اند که ما [همواره] می‌آییم و از اطراف این زمین می‌کاهیم ؟ و خداست که حکم می‌کند . برای حکم او بازدارنده‌ای نیست ، و او به سرعت حسابرسی می‌کند .

(الرعد، ٤١)

وَ قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعاً يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَ سَتَعْلَمُ الْكُفَّارُ لِمَنْ عَقِبَى الدَّارِ (٤٢)

و به یقین ، کسانی که پیش از آنان بودند نیرنگ کردند ، ولی همه تدبیرها نزد خداست . آنچه را که هر کسی به دست می‌آورد می‌داند . و به زودی کافران بدانند که فرجام آن سرای از کیست .

(الرعد، ٤٢)

وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ (٤٣)

و کسانی که کافر شدند می‌گویند : « تو فرستاده نیستی . » بگو : « کافی است خدا و آن کس که نزد او علم کتاب است ، میان من و شما گواه باشد . »

(الرعد، ٤٣)

ترتیبها- ۱۴	سوره ابراهیم	مکی- آیاتها- ۵۲
-------------	--------------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (٠)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(ابراهیم، ٠)

الر كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (١)

الف ، لام ، راء . کتابی است که آن را به سوی تو فرود آوردیم تا مردم را به اذن پروردگارشان از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون آوری : به سوی راه آن شکست ناپذیر ستوده .

(ابراهیم، ١)

اللَّهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ وِيلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ (٢)

خدایی که آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست ، و وای بر کافران از عذابی سخت .

(ابراهیم، ٢)

الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَ يُصَدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ يَبْغُونَهَا عِوَجاً أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ (٣)

همانان که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند و مانع راه خدا می‌شوند و آن را کج می‌شمارند . آنانند که در گمراهی دور و درازی هستند .

(ابراهیم، ٣)

وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (٤)

و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم ، تا [حقایق را] برای آنان بیان کند . پس خدا هر که را بخواهد براه می‌گذارد و هر که را بخواهد هدایت می‌کند ، و اوست ارجمند حکیم .

(ابراهیم، ٤)

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ ذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۵)

و در حقیقت ، موسی را با آیات خود فرستادیم [و به او فرمودیم] که قوم خود را از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون آور ، و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن ، که قطعاً در این [یادآوری] ، برای هر شکیبایی سپاسگزاری عبرت‌هاست .

(ابراهیم، ۵)

وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ ادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَ يُسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَ فِي ذُلِّكُمْ بِلَاءَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٍ (۶)

و [به خاطر بیاور] هنگامی را که موسی به قوم خود گفت : « نعمت خدا را بر خود به یاد آورید ، آن گاه که شما را از فرعونیان رها کرد ، [همانان] که بر شما عذاب سخت روا می‌داشتند ، و پسران‌تان را سر می‌بردند و زنان‌تان را زنده می‌گذاشتند ، و در این [امر] برای شما از جانب پروردگارتان آزمایشی بزرگ بود .

(ابراهیم، ۶)

وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ (۷)

و آن گاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر واقعاً سپاسگزاری کنید ، [نعمت] شما را افزون خواهم کرد ، و اگر ناسپاسی نمایید ، قطعاً عذاب من سخت خواهد بود .

(ابراهیم، ۷)

وَ قَالَ مُوسَى إِنَّ تَكْفُرًا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ (۸)

و موسی گفت : « اگر شما و هر که در روی زمین است همگی کافر شوید ، بی‌گمان ، خدا بی‌نیاز ستوده [صفات] است .

(ابراهیم، ۸)

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَ عادٍ وَ ثَمُودَ وَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَعْيُنَهُمْ فِي أَقْوَاحِهِمْ وَ قَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَ إِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ (۹)

آیا خبر کسانی که پیش از شما بودند : قوم نوح و عاد و ثمود ، و آنان که بعد از ایشان بودند [و] کسی جز خدا از آنان آگاهی ندارد ، به شما نرسیده است ؟ فرستادگانشان دلایل آشکار برایشان آوردند ، ولی آنان دستهایشان را [به نشانه اعتراض] بر دهانهایشان نهادند و گفتند : « ما به آنچه شما بدان مأموریت دارید کافریم ، و از آنچه ما را بدان می‌خوانید سخت در شکیم .

(ابراهیم، ۹)

قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَلِ فِي اللَّهِ شَكٌّ فَأَطِرِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَ يُخَرِّجَكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى قَالُوا إِنَّ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأَتُونَا بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ (۱۰)

پیامبرانشان گفتند : « مگر در باره خدا پدید آورنده آسمانها و زمین تردیدی هست ؟ او شما را دعوت می‌کند تا پاره‌ای از گناهانتان را بر شما ببخشاید و تا زمان معینی شما را مهلت دهد . » گفتند : « شما جز بشری مانند ما نیستید . می‌خواهید ما را از آنچه پدرانمان می‌پرستیدند باز دارید . پس برای ما حجتی آشکار بیاورید .

(ابراهیم، ۱۰)

قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنَّ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۱)

پیامبرانشان به آنان گفتند : « ما جز بشری مثل شما نیستیم . ولی خدا بر هر يك از بندگانش که بخواهد منت می‌نهد ، و ما را نرسد که جز به اذن خدا برای شما حجتی بیاوریم ، و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند .

(ابراهیم، ۱۱)

وَ مَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَ قَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَ لَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْتُمُونَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ (۱۲)

و چرا بر خدا توکل نکنیم و حال آنکه ما را به راه‌هایمان رهبری کرده است ؟ و البته ما بر آزاری که به ما رساندید شکیبایی خواهیم کرد ، و توکل کنندگان باید تنها بر خدا توکل کنند .

(ابراهیم، ۱۲)

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ نَتَعَوَّذُ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ (۱۳)

و کسانی که کافر شدند ، به پیامبرانشان گفتند : « شما را از سرزمین خودمان بیرون خواهیم کرد مگر اینکه به کیش ما بازگردید . » پس پروردگارشان به آنان وحی کرد که حتماً ستمگران را هلاک خواهیم کرد .

(ابراهیم، ۱۳)

وَ لَنُنَسِّئَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَلِكُمْ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَ خَافَ وَعِيدِ (۱۴)

و قطعاً شما را پس از ایشان در آن سرزمین سکونت خواهیم داد . این برای کسی است که از ایستادن [در محشر به هنگام حساب] در پیشگاه من بترسد و از تهدیدم بیم داشته باشد .

(ابراهیم، ۱۴)

وَ اسْتَفْتَحُوا وَ خَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ (۱۵)

و [پیامبران از خدا] گشایش خواستند ، و [سرانجام] هر زورگویی لجوجی نومید شد .

(ابراهیم، ۱۵)

مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَ يُسْقَى مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ (۱۶)

[آن کس که] دوزخ پیش روی اوست و به او آبی چرکین نوشانده می‌شود .

(ابراهیم، ۱۶)

يَتَجَرَّعُهُ وَ لَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَ يُاتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَ مَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَ مَنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ (۱۷)

آن را جرعه جرعه می‌نوشد و نمی‌تواند آن را فرو برد ، و مرگ از هر جانبی به سویش می‌آید ولی نمی‌میرد و عذابی سنگین به دنبال دارد .

(ابراهیم، ۱۷)

مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ (۱۸)

مثل کسانی که به پروردگار خود کافر شدند ، کردارهایشان به خاکستری می‌ماند که بادی تند در روزی طوفانی بر آن بوزد : از آنچه به دست آورده‌اند هیچ [بهره‌ای] نمی‌توانند بُرد . این است همان گمراهی دور و دراز .

(ابراهیم، ۱۸)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ بِالْحَقِّ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَ يُأتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ (۱۹)

آیا در نیافتن‌های که خدا آسمانها و زمین را به حق آفریده ؟ اگر بخواهد شما را می‌برد و خلق تازه‌ای می‌آورد ،

(ابراهیم، ۱۹)

وَ مَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ (۲۰)

و این [کار] بر خدا دشوار نیست .

(ابراهیم، ۲۰)

وَ بَرِّزُوا لِلَّهِ جَمِيعاً فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعاً فَهَلْ أَنْتُمْ مُخْتَارُونَ عَلْنَا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهْدَيْنَاكُمْ سَوَاءَ عَلَيْنَا أَمْ جَزِعْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَحِيصٍ (۲۱)

و همگی در برابر خدا ظاهر می‌شوند . پس ناتوانان به گردنکشان می‌گویند : « ما پیروان شما بودیم . آیا چیزی از عذاب خدا را از ما دور می‌کنید ؟ » می‌گویند : « اگر خدا ما را هدایت کرده بود ، قطعاً شما را هدایت می‌کردیم . چه بی‌تابی کنیم ، چه صبر نماییم برای ما یکسان است . ما راه گریزی نیست . »

(ابراهیم، ۲۱)

وَ قَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَ وَعَدْتَكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ وَ مَا كُنْ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلْمُزُونِي وَ لَوْمُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَ مَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِي إِنْ كَفَرْتُمْ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۲)

و چون کار از کار گذشت [و داوری صورت گرفت] شیطان می‌گوید : « در حقیقت ، خدا به شما وعده داد وعده راست ، و من به شما وعده دادم و با شما خلاف کردم ، و مرا بر شما هیچ تسلطی نبود ، جز اینکه شما را دعوت کردم و اجابت نمودید . پس مرا ملامت نکنید و خود را ملامت کنید . من فریادرس شما نیستم و شما هم فریادرس من نیستید . من به آنچه پیش از این مرا [در کار خدا] شریک می‌دانستید کافرم . آری ! ستمکاران عذابی پر درد خواهند داشت .

(ابراهیم، ۲۲)

وَ أَدْخَلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّاتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ (۲۳)

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند به بهشت‌هایی درآورده می‌شوند که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است که به اذن پروردگارش در آنجا جاودانه به سر می‌برند ، و درودشان در آنجا سلام است .

(ابراهیم، ۲۳)

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ (٢٤)

آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده : سخنی پاک که مانند درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است ؟

(ابراهیم، ٢٤)

تَوَاتَىٰ أَكْثَرَهَا كُلِّ حِينٍ يَا دَأْبُ رَبِّهَا وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (٢٥)

میوه‌اش را هر دم به آن پروردگارش می‌دهد . و خدا مثلها را برای مردم می‌زند ، شاید که آنان پند گیرند .

(ابراهیم، ٢٥)

وَ مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ (٢٦)

و مثل سخنی ناپاک چون درختی ناپاک است که از روی زمین کنده شده و قراری ندارد .

(ابراهیم، ٢٦)

يُجَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ وَ يُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ (٢٧)

خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند ، در زندگی دنیا و در آخرت با سخن استوار ثابت می‌گرداند ، و ستمگران را بیراه می‌گذارد ، و خدا هر چه بخواهد انجام می‌دهد .

(ابراهیم، ٢٧)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ النُّوَارِ (٢٨)

آیا به کسانی که [شکر] نعمت خدا را به کفر تبدیل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت درآوردند ننگریستی ؟

(ابراهیم، ٢٨)

جَهَنَّمَ يَصَلُّونَهَا وَ يَسْنُ الْقَرَارُ (٢٩)

[در آن سرای هلاکت که] جهنم است [و] در آن وارد می‌شوند ، و چه بد قرارگاهی است .

(ابراهیم، ٢٩)

وَ جَعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ فَمَنْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ (٣٠)

و برای خدا ماندهایی قرار دادند تا [مردم را] از راه او گمراه کنند . بگو : « برخوردار شوید که قطعاً بازگشت شما به سوی آتش است . »

(ابراهیم، ٣٠)

فَلِ لِعِبَادِي الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ يُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا يَبِيعُ فِيهِ وَ لَا خِلَافٌ (٣١)

به آن بندگانم که ایمان آورده‌اند بگو : « نماز را بر پا دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم ، پنهان و آشکارا انفاق کنند ، پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی باشد و نه دوستی . »

(ابراهیم، ٣١)

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ (٣٢)

خداست که آسمانها و زمین را آفرید ، و از آسمان آبی فرستاد ، و به وسیله آن از میوه‌ها برای شما روزی بیرون آورد ، و کشتی را برای شما رام گردانید تا به فرمان او در دریا روان شود ، و رودها را برای شما مسخر کرد .

(ابراهیم، ٣٢)

وَ سَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَ سَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ (٣٣)

و خورشید و ماه را که پیوسته روانند برای شما رام گردانید و شب و روز را [نیز] مسخر شما ساخت .

(ابراهیم، ٣٣)

وَ اتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَ إِنْ تَعْتُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُخْصَوْهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَطَوْفٌ كَفَّارٌ (٣٤)

و از هر چه از او خواستید به شما عطا کرد ، و اگر نعمت خدا را شماره کنید ، نمی‌توانید آن را به شمار درآورید . قطعاً انسان ستمپیشه ناسپاس است .

(ابراهیم، ٣٤)

وَ إِذْ قَالَ اِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَ اجْنُبْنِي وَ بَنِيَّ اَنْ نَعْبُدَ الْاَصْنَامَ (۳۵)

و [یاد کن] هنگامی را که ابراهیم گفت : « پروردگارا ، این شهر را ایمن گردان ، و مرا و فرزندانم را از پرستیدن بتان دور دار .

(ابراهیم، ۳۵)

رَبِّ اِنَّهُمْ اضْلَلْنَنَّا كَثِيْرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِ فَاِنَّهٗ مِنِّي وَ مَنْ عَصَانِي فَاِنَّكَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ (۳۶)

پروردگارا ، آنها بسیاری از مردم را گمراه کردند . پس هر که از من پیروی کند ، بی گمان ، او از من است ، و هر که مرا نافرمانی کند ، به یقین ، تو آمرزنده و مهربانی .

(ابراهیم، ۳۶)

رَبَّنَا اِنِّي اسْأَلُكَ مِنْ دُرِّيْبِيْ بَوَادٍ غَيْرِ ذِي رِجِّحٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيْمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ اَقْبِدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِي اِلَيْهِمْ وَ ارْزُقْهُمْ مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُوْنَ (۳۷)

پروردگارا ، من [یکی از] فرزندانم را در دره‌ای بی‌کشت ، نزد خانه محترم تو ، سکونت دادم . پروردگارا ، تا نماز را به پا دارند ، پس دل‌های برخی از مردم را به سوی آنان گرایش ده و آنان را از محصولات [مورد نیازشان] روزی ده ، باشد که سپاسگزاری کنند .

(ابراهیم، ۳۷)

رَبَّنَا اِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِيْ وَ مَا نُعْلِنُ وَ مَا يَخْفَىٰ عَلٰى اللّٰهِ مِنْ شَيْءٍ فِى الْاَرْضِ وَ لَا فِى السَّمٰوٰتِ (۳۸)

پروردگارا ، بی‌گمان تو آنچه را که پنهان می‌داریم و آنچه را که آشکار می‌سازیم می‌دانی ، و چیزی در زمین و در آسمان بر خدا پوشیده نمی‌ماند .

(ابراهیم، ۳۸)

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ وَهَبَ لِيْ عَلٰى الْكَبِيْرِ اِسْمَاعِيْلَ وَ اِسْحٰقَ اِنَّ رَبِّيْ لَسَمِيْعُ الدُّعٰءِ (۳۹)

سپاس خدای را که با وجود سالخوردگی ، اسماعیل و اسحاق را به من بخشید . به راستی پروردگار من شنونده دعاست .

(ابراهیم، ۳۹)

رَبِّ اجْعَلْنِيْ مُقِيْمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ دُرِّيْبِيْ رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعٰءِ (۴۰)

پروردگارا ، مرا برپادارنده نماز قرار ده ، و از فرزندان من نیز . پروردگارا ، و دعای مرا بپذیر .

(ابراهیم، ۴۰)

رَبَّنَا اغْفِرْ لِيْ وَ لِوَالِدِيْ وَ لِلْمُؤْمِنِيْنَ يَوْمَ يَقُوْمُ الْحِسَابُ (۴۱)

پروردگارا ، روزی که حساب برپا می‌شود ، بر من و پدر و مادرم و بر مؤمنان ببخشای .

(ابراهیم، ۴۱)

وَ لَا تَحْسَبَنَّ اللّٰهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظّٰلِمُوْنَ اِنَّمَا يُؤَخَّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيْهِ الْاَبْصَارُ (۴۲)

و خدا را از آنچه ستمکاران می‌کنند غافل مپندار . جز این نیست که [کيفر] آنان را برای روزی به تأخیر می‌اندازد که چشمها در آن خیره می‌شود .

(ابراهیم، ۴۲)

مُهَيِّطِيْنَ مُقْبِعِيْ رُءُوْسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ اِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَ اَفْنَدْتَهُمْ هَوٰءَ (۴۳)

شتابان سر برداشته و چشم بر هم نمی‌زنند و [از وحشت] دل‌هایشان تهی است .

(ابراهیم، ۴۳)

وَ اَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُوْلُ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا رَبَّنَا اَحْرَزْنَا اِلٰى اَجَلٍ قَرِيْبٍ نَّجِبٌ دَعْوَتِكَ وَ تَتَّبِعِ الرَّسُوْلَ اَوْ لَمْ تَكُوْنُوْا اَلْسَمْتُمْ مِّنْ قَبْلِ مَا لَكُم مِّنْ زَوَالٍ (۴۴)

و مردم را از روزی که عذاب بر آنان می‌آید بترسان . پس آنان که ستم کرده‌اند می‌گویند : « پروردگارا ، ما را تا چندی مهلت بخش تا دعوت تو را پاسخ گوئیم و از فرستادگان [تو] پیروی کنیم . » [به آنان گفته می‌شود :] « مگر شما پیش از این سوگند نمی‌خوردید که شما را فتنایی نیست ؟

(ابراهیم، ۴۴)

وَ سَكَنْتُمْ فِيْ مَسٰكِنِ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا اَنْفُسَهُمْ وَ تَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَ ضَرَبْنَا لَكُمْ الْاَمْثَالَ (۴۵)

و در سراهای کسانی که بر خود ستم روا داشتند سکونت گزیدید ، و برای شما آشکار گردید که با آنان چگونه معامله کردیم ، و مثلها برای شما زدیم .

(ابراهیم، ۴۵)

وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ (۴۶)

و به یقین آنان نیرنگ خود را به کار بردند ، و [جزای] مکرشان با خداست ، هر چند از مکرشان کوه‌ها از جای کنده می‌شد .

(ابراهیم، ۴۶)

فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفًا وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ (۴۷)

پس مپندار که خدا وعده خود را به پیامبرانش خلاف می‌کند ، که خدا شکست‌ناپذیر انتقام‌گیرنده است .

(ابراهیم، ۴۷)

يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ (۴۸)

روزی که زمین به غیر این زمین ، و آسمانها [به غیر این آسمانها] مبدل گردد ، و [مردم] در برابر خدای یگانه قهار ظاهر شوند .

(ابراهیم، ۴۸)

و تَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ (۴۹)

و گناهکاران را در آن روز می‌بینی که با هم در زنجیرها بسته شده‌اند .

(ابراهیم، ۴۹)

سَرَابِيلُهُمْ مِنْ قَطَرَانٍ وَتَعْنَى وُجُوهُهُمُ النَّارُ (۵۰)

تن‌پوشهایشان از « قطران » است و چهره‌هایشان را آتش می‌پوشاند .

(ابراهیم، ۵۰)

لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۵۱)

تا خدا به هر کس هر چه به دست آورده است جزا دهد ، که خدا زود شمار است .

(ابراهیم، ۵۱)

هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذَرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلِيُنذَرُوا أَوْلُوا الْأَلْبَابِ (۵۲)

این [قرآن] ابلاغی برای مردم است [تا به وسیله آن هدایت شوند] و بدان بیم یابند و بدانند که او معبودی یگانه است ، و تا صاحبان خرد پند گیرند .

(ابراهیم، ۵۲)

ترتیبها- ۱۵	سوره الحجر	مکی- آیاتها- ۹۹
-------------	------------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الحجر، ۰)

الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَ الْقُرْآنِ مُبِينٍ (۱)

الف ، لام ، راء . این است آیات کتاب [آسمانی] و قرآن روشنگر .

(الحجر، ۱)

رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ (۲)

چه بسا کسانی که کافر شدند آرزو کنند که کاش مسلمان بودند .

(الحجر، ۲)

ذُرُّهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِيهِمُ الْأَمَلُ فَهُمْ لَا يَحْسَبُونَ (۳)

بگذارشان تا بخورند و برخوردار شوند و آرزو [ها] سرگرمشان کند ، پس به زودی خواهند دانست .

(الحجر، ۳)

وَمَا أَلْمَنَّا مِنْ قُرْبَةٍ إِلَّا وَ لَهَا كِتَابٌ مَعْلُومٌ (۴)

و هیچ شهری را هلاک نکردیم مگر اینکه برای آن اجلی معین بود .

(الحجر، ۴)

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجْلَهَا وَ مَا يَسْتَأْخِرُونَ (۵)

هیچ امتی از اجل خویش نه پیش می‌افتد و نه پس می‌ماند .

(الحجر، ۵)

وَ قَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ (۶)

و گفتند : « ای کسی که قرآن بر او نازل شده است ، به یقین تو دیوانه‌ای .

(الحجر، ۶)

لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَايِكَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۷)

اگر راست می‌گویی چرا فرشته‌ها را پیش ما نمی‌آوری ؟

(الحجر، ۷)

مَا نُنزِّلُ الْمَلَايِكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ مَا كَانُوا إِذْأ مُنْظَرِينَ (۸)

فرشتگان را جز به حق فرو نمی‌فرستیم ، و در آن هنگام ، دیگر مهلت نیابند .

(الحجر، ۸)

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (۹)

بی‌تردید ، ما این قرآن را به تدریج نازل کرده‌ایم ، و قطعاً نگهدارنده آن خواهیم بود .

(الحجر، ۹)

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شِعَابِ الْأَوَّلِينَ (۱۰)

و به یقین ، پیش از تو [نیز] در گروه‌های پیشینیان [پیامبرانی] فرستادیم .

(الحجر، ۱۰)

وَ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (۱۱)

و هیچ پیامبری برایشان نیامد جز آنکه او را به مسخره می‌گرفتند .

(الحجر، ۱۱)

كَذَلِكَ نَسُئُكَ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ (۱۲)

بدین گونه آن [استهزا] را در دل بزهکاران راه می‌دهیم ،

(الحجر، ۱۲)

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ قَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ (۱۳)

[که] به او ایمان نمی‌آورند ، و راه [و رسم] پیشینیان پیوسته چنین بوده است .

(الحجر، ۱۳)

وَ لَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَاباً مِنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَهْرَجُونَ (۱۴)

و اگر دری از آسمان بر آنان می‌گشودیم که همواره از آن بالا می‌رفتند ،

(الحجر، ۱۴)

قَالُوا إِنَّمَا سَكَّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَسْحُورُونَ (۱۵)

قطعاً می‌گفتند: « در حقیقت ، ما چشم‌بندی شده‌ایم ، بلکه ما مردمی هستیم که افسوس شده‌ایم . »

(الحجر، ۱۵)

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجاً وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ (۱۶)

و به یقین ، ما در آسمان برجهایی قرار دادیم و آن را برای تماشاگران آراستیم .

(الحجر، ۱۶)

وَحَفِظْنَاَهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ (۱۷)

و آن را از هر شیطان رانده‌شده‌ای حفظ کردیم .

(الحجر، ۱۷)

إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ مُبِينٌ (۱۸)

مگر آن کس که دزدیده گوش فرا دهد که شهابی روشن او را دنبال می‌کند .

(الحجر، ۱۸)

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مُزْرُونَ (۱۹)

و زمین را گسترانیدیم و در آن کوه‌های استوار افکندیم و از هر چیز سنجیده‌ای در آن رویانیدیم .

(الحجر، ۱۹)

وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ نَسْتَمْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ (۲۰)

و برای شما و هر کس که شما روزی‌دهنده او نیستید ، در آن وسایل زندگی قرار دادیم .

(الحجر، ۲۰)

وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُ لَهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَغْلُومٍ (۲۱)

و هیچ چیز نیست مگر آنکه گنجینه‌های آن نزد ماست ، و ما آن را جز به اندازه‌ای معین فرو نمی‌فرستیم .

(الحجر، ۲۱)

وَأَرْسَلْنَا الرِّيَّاحَ فَوَاحِشًا تُبَلِّغُنَّ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَالَسُقَيْنَاكُمْوَهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ (۲۲)

و باده‌ها را باردارکننده فرستادیم و از آسمان ، آبی نازل کردیم ، پس شما را بدان سیراب نمودیم ، و شما خزانهدار آن نیستید .

(الحجر، ۲۲)

وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ (۲۳)

و بی‌تردید ، این ماییم که زنده می‌کنیم و می‌میرانیم ، و ما وارث [همه] هستیم .

(الحجر، ۲۳)

وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَ لَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ (۲۴)

و به یقین ، پیشینیان شما را شناخته‌ایم و آیندگان [شما را نیز] شناخته‌ایم .

(الحجر، ۲۴)

وَإِنْ رَبِّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (۲۵)

و مسلماً پروردگار توست که آنان را محشور خواهد کرد ، چرا که او حکیم داناست .

(الحجر، ۲۵)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ (۲۶)

و در حقیقت ، انسان را از گلی خشک ، از گلی سیاه و بدبو ، آفریدیم .

(الحجر، ۲۶)

وَ الْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ (۲۷)

و پیش از آن ، جن را از آتشی سوزان و بی‌دود خلق کردیم .

(الحجر، ۲۷)

وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ (۲۸)

و [یاد کن] هنگامی را که پروردگار تو به فرشتگان گفت : « من بشری را از گلی خشک ، از گلی سیاه و بدبو ، خواهم آفرید .

(الحجر، ۲۸)

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (۲۹)

پس وقتی آن را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم ، پیش او به سجده درافتید .

(الحجر، ۲۹)

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ (۳۰)

پس فرشتگان همگی یکسره سجده کردند ،

(الحجر، ۳۰)

إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ (۳۱)

جز ابلیس که خودداری کرد از اینکه با سجده کنندگان باشد .

(الحجر، ۳۱)

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ (۳۲)

فرمود : « ای ابلیس ، تو را چه شده است که با سجده کنندگان نیستی ؟ »

(الحجر، ۳۲)

قَالَ لَمْ أَكُنْ لِأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ (۳۳)

گفت : « من آن نیستم که برای بشری که او را از گلی خشک ، از گلی سیاه و بدبو ، آفریده‌ای ، سجده کنم . »

(الحجر، ۳۳)

قَالَ فَأَخْرِجْهَا مِنْهَا فَأَيْكَ رَجِيمٍ (۳۴)

فرمود : « از این [مقام] بیرون شو که تو رانده‌شده‌ای .

(الحجر، ۳۴)

وَ إِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ (۳۵)

و تا روز جزا بر تو لعنت باشد .

(الحجر، ۳۵)

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (۳۶)

گفت : « پروردگارا ، پس مرا تا روزی که برانگیخته خواهند شد مهلت ده . »

(الحجر، ۳۶)

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ (۳۷)

فرمود : « تو از مهلت‌یافتگانی ،

(الحجر، ۳۷)

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ (۳۸)

تا روز [و] وقت معلوم . «

(الحجر، ۳۸)

قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (۳۹)

گفت : « پروردگارا ، به سبب آنکه مرا گمراه ساختی ، من [هم گناهانشان را] در زمین برایشان می‌آرایم و همه را گمراه خواهم ساخت ،

(الحجر، ۳۹)

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ (۴۰)

مگر بندگان خالص تو از میان آنان را . «

(الحجر، ۴۰)

قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ (۴۱)

فرمود : « این راهی است راست [که] به سوی من [منتهی می‌شود] .

(الحجر، ۴۱)

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَالِبِينَ (۴۲)

در حقیقت ، تو را بر بندگان من تسلطی نیست ، مگر کسانی از گمراهان که تو را پیروی کنند ،

(الحجر، ۴۲)

وَ إِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ (۴۳)

و قطعاً و عددهگاه همه آنان دوزخ است ،

(الحجر، ۴۳)

لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ (۴۴)

[دوزخی] که برای آن هفت در است ، و از هر دری بخشی معین از آنان [وارد می‌شوند] .

(الحجر، ۴۴)

إِنَّ الْمَتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ (۴۵)

بی‌گمان ، پرهیزگاران در باغها و چشمه‌ساراند .

(الحجر، ۴۵)

ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ (۴۶)

[به آنان گویند : [با سلامت و ایمنی در آنجا داخل شوید . «

(الحجر، ۴۶)

وَ نَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ (۴۷)

و آنچه کینه [و شبایبه‌های نفسانی] در سینه‌های آنان است برکنیم ؛ برادرانه بر تختهایی روبروی یکدیگر نشسته‌اند .

(الحجر، ۴۷)

لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَ مَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ (۴۸)

نه رنجی در آنجا به آنان می‌رسد و نه از آنجا بیرون رانده می‌شوند .

(الحجر، ۴۸)

نَبِيُّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (٤٩)

به بندگان من خبر ده که منم آمرزنده مهربان .

(الحجر، ٤٩)

وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ (٥٠)

و اینکه عذاب من ، عذابی است دردناک .

(الحجر، ٥٠)

وَتَنبَهُهُمْ عَنْ ضَيْفِ إِبرَاهِيمَ (٥١)

و از مهمانان ابراهیم به آنان خبر ده ،

(الحجر، ٥١)

إِذْ نَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجُودٌ (٥٢)

هنگامی که بر او وارد شدند و سلام گفتند . [ابراهیم] گفت : « ما از شما بیمناکیم . »

(الحجر، ٥٢)

قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ (٥٣)

گفتند : « مترس ، که ما تو را به پسری دانا مژده می‌دهیم . »

(الحجر، ٥٣)

قَالَ أَبَشِّرْتُمُونِي عَلَىٰ أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فِيمَ تَبَشِّرُونَ (٥٤)

گفت : « آیا با اینکه مرا پیری فرا رسیده است بشارت‌م می‌دهید ؟ به چه بشارت می‌دهید ؟ »

(الحجر، ٥٤)

قَالُوا بَشِّرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْفَاطِنِينَ (٥٥)

گفتند : « ما تو را به حق بشارت دادیم . پس ، از نومیدان مباش . »

(الحجر، ٥٥)

قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ (٥٦)

گفت : « چه کسی جز گمراهان از رحمت پروردگارش نومید می‌شود ؟ »

(الحجر، ٥٦)

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ (٥٧)

[سپس] گفت : « ای فرشتگان ، [دیگر] کارتان چیست ؟ »

(الحجر، ٥٧)

قَالُوا إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ (٥٨)

گفتند : « ما به سوی گروه مجرمان فرستاده شده‌ایم ،

(الحجر، ٥٨)

إِلَّا أَنْ لَوْطٍ إِنَّا نَمُنُّوهُمْ أَجْمَعِينَ (٥٩)

مگر خانواده لوط ، که ما قطعاً همه آنان را نجات می‌دهیم ،

(الحجر، ٥٩)

إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَرْنَا لَهَا لَمِنَ الْغَابِرِينَ (٦٠)

جز زنش را که مقدر کردیم او از بازماندگان [در عذاب] باشد . «

(الحجر، ۶۰)

فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ (۶۱)

پس چون فرشتگان نزد خاندان لوط آمدند ،

(الحجر، ۶۱)

قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ (۶۲)

[لوط] گفت : « شما مردمی ناشناس هستید . »

(الحجر، ۶۲)

قَالُوا بَلْ جِنَّاتِكُمْ بِمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ (۶۳)

گفتند : « [نه ، بلکه برای تو چیزی آورده‌ایم که در آن تردید می‌کردند ،

(الحجر، ۶۳)

وَ اتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ وَ ابْنَا لَصَادِقُونَ (۶۴)

و حق را برای تو آورده‌ایم و قطعاً ما راستگویانیم ،

(الحجر، ۶۴)

فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِطُغْيِ مِنَ اللَّيْلِ وَ اتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَ لَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ وَ امضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ (۶۵)

پس ، پاسی از شب [گذشته] خانواده‌ات را حرکت ده و [خودت] به دنبال آنان برو ، و هیچ يك از شما نباید به عقب بنگرد ، و هر جا به شما دستور داده می‌شود بروید .

(الحجر، ۶۵)

وَ قَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هُوَلَاءِ مَقْطُوعٌ مُصْبِحِينَ (۶۶)

و او را از این امر آگاه کردیم که ریشه آن گروه صبحگاهان بریده خواهد شد .

(الحجر، ۶۶)

وَ جَاءَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ يَسْتَنْبِشُونَ (۶۷)

و مردم شهر ، شادی‌کنان روی آوردند .

(الحجر، ۶۷)

قَالَ إِنَّ هُوَلَاءِ ضَيْفِي فَلَا تَفْضَحُونِ (۶۸)

[لوط] گفت : « اینان مهمانان منند ، مرا رسوا نکنید ،

(الحجر، ۶۸)

وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تُخْزَوْنَ (۶۹)

و از خدا پروا کنید و مرا خوار نسازید . «

(الحجر، ۶۹)

قَالُوا أَوْ لَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ (۷۰)

گفتند : « آیا تو را [از مهمان کردن] مردم بیگانه منع نکردیم ؟ »

(الحجر، ۷۰)

قَالَ هُوَلَاءِ بَنَاتِي إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ (۷۱)

گفت : « اگر می‌خواهید [کاری مشروع] انجام دهید ، اینان دختران منند [با آنان ازدواج کنید] . «

(الحجر، ٧١)

لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ (٧٢)

به جان تو سوگند ، که آنان در مستی خود سرگردان بودند .

(الحجر، ٧٢)

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ (٧٣)

پس به هنگام طلوع آفتاب ، فریاد [مرگبار] آنان را فرو گرفت .

(الحجر، ٧٣)

فَجَعَلْنَا غَالِيَهَا سَاقِلَهَا وَ اَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ (٧٤)

و آن [شهر] را زیر و زیر کردیم و بر آنان سنگهایی از سنگ گل بارانیدیم .

(الحجر، ٧٤)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ (٧٥)

به یقین ، در این [کيفر] برای هوشیاران عبرتهاست .

(الحجر، ٧٥)

وَ إِنَّهَا لَيْسَبِيلٌ مَّقِيمٍ (٧٦)

و [آثار] آن [شهر هنوز] بر سر راهی [دایر] برجاست .

(الحجر، ٧٦)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ (٧٧)

بیگمان ، در این برای مؤمنان عبرتی است .

(الحجر، ٧٧)

وَ إِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ نَظَالِمِينَ (٧٨)

و راستی اهل « ایکه » ستمگر بودند .

(الحجر، ٧٨)

فَأَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَ إِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِينٍ (٧٩)

پس ، از آنان انتقام گرفتیم ، و آن دو [شهر ، اکنون] بر سر راهی آشکاراست .

(الحجر، ٧٩)

وَ لَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحَجْرِ الْمُرْسَلِينَ (٨٠)

و اهل « حجر » [نیز] پیامبران [ما] را تکذیب کردند .

(الحجر، ٨٠)

وَ اتَيْنَاهُمْ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ (٨١)

و آیات خود را به آنان دادیم ، و [لی] از آنها اعراض کردند .

(الحجر، ٨١)

وَ كَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ (٨٢)

و [برای خود] از کوهها خانههایی می تراشیدند که در امان بمانند .

(الحجر، ٨٢)

فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ مُصْبِحِينَ (۸۳)

پس صبحدم ، فریاد [مرگبار] ، آنان را فرو گرفت .

(الحجر، ۸۳)

فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۸۴)

و آنچه به دست می‌آوردند ، به کارشان نخورد .

(الحجر، ۸۴)

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأَتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ (۸۵)

و ما آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است جز به حق نیافریده‌ایم ، و یقیناً قیامت فرا خواهد رسید . پس به خوبی صرف نظر کن ،

(الحجر، ۸۵)

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ (۸۶)

زیرا پروردگار تو همان آفریننده داناست .

(الحجر، ۸۶)

وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ (۸۷)

و به راستی ، به تو سبع المثنائی [سوره فاتحه] و قرآن بزرگ را عطا کردیم .

(الحجر، ۸۷)

لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَخَفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ (۸۸)

و به آنچه ما دسته‌هایی از آنان [کافران] را بدان برخوردار ساختیم چشم مدوز ، و بر ایشان اندوه مخور ، و بال خویش برای مؤمنان فرو گستر .

(الحجر، ۸۸)

وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ (۸۹)

و بگو : « من همان هشداردهنده آشکارم . »

(الحجر، ۸۹)

كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ (۹۰)

همان گونه که [عذاب را] بر تقسیم‌کنندگان نازل کردیم :

(الحجر، ۹۰)

الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ (۹۱)

همانان که قرآن را جزء جزء کردند [به برخی از آن عمل کردند و بعضی را رها نمودند] .

(الحجر، ۹۱)

فَوَرَبِّكَ لَنَسَأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (۹۲)

پس سوگند به پروردگارت که از همه آنان خواهیم پرسید ،

(الحجر، ۹۲)

عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۹۳)

از آنچه انجام می‌دادند .

(الحجر، ۹۳)

فَأَصْنَعْ بِمَا تَوْمَرُ وَاعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ (۹۴)

پس آنچه را بدان مأموری آشکار کن و از مشرکان روی برتاب ،

(الحجر، ۹۴)

إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ (۹۵)

که ما [شر] ریشخندگران را از تو برطرف خواهیم کرد .

(الحجر، ۹۵)

الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۹۶)

همانان که با خدا معبودی دیگر قرار می‌دهند . پس به زودی [حقیقت را] خواهند دانست .

(الحجر، ۹۶)

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرَكَ بِمَا يَقُولُونَ (۹۷)

و قطعاً می‌دانیم که سینه تو از آنچه می‌گویند تنگ می‌شود .

(الحجر، ۹۷)

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ (۹۸)

پس با ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از سجده کنندگان باش .

(الحجر، ۹۸)

وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ (۹۹)

و پروردگارت را پرستش کن تا اینکه مرگ تو فرا رسد .

(الحجر، ۹۹)

ترتیبها- ۱۶	سوره النحل	مکی- آیاتها- ۱۲۸
-------------	------------	------------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(النحل، ۰)

أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۱)

[هان] امر خدا در رسید ، پس در آن شتاب مکنید . او منزّه و فراتر است از آنچه [با وی] شریک می‌سازند .

(النحل، ۱)

يُنزِلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ (۲)

فرشتگان را با « روح » ، به فرمان خود ، بر هر کس از بندگانش که بخواهد نازل می‌کند ، که بیم دهید که معبودی جز من نیست . پس ، از من پروا کنید .

(النحل، ۲)

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۳)

آسمانها و زمین را به حق آفریده است . او فراتر است از آنچه [با وی] شریک می‌گردانند .

(النحل، ۳)

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ (۴)

انسان را از نطفه‌ای آفریده است ، آن گاه ستیزهجویی آشکار است .

(النحل، ۴)

وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (۵)

و چارپایان را برای شما آفرید : در آنها برای شما [وسیله] گرمی و سودهایی است ، و از آنها می‌خورید .

(النحل، ۵)

وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ (۶)

و در آنها برای شما زیبایی است ، آن گاه که [آنها را] از چراگاه برمی‌گردانید ، و هنگامی که [آنها را] به چراگاه می‌برید .

(النحل، ۶)

و تَحْمِلُ أُنْفُسَكُمْ إِلَىٰ يَدِّدِ لَمْ تَكُونُوا بِالْبَيْعِ إِلَّا بَشِقُ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ (۷)

و بارهای شما را به شهری می‌برند که جز با مشقت بدنها بدان نمی‌توانستید برسید . قطعاً پروردگار شما رئوف و مهربان است .

(النحل، ۷)

و الْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۸)

و اسبان و استرآن و خران را [آفرید] تا بر آنها سوار شوید و [برای شما] تجملی [باشد] ، و آنچه را نمی‌دانید می‌آفریند .

(النحل، ۸)

و عَلَىٰ اللَّهِ قِصْدُ السَّبِيلِ وَ مِنْهَا جَانِزٌ وَ لَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ (۹)

و نمودن راه راست بر عهده خداست ، و برخی از آن [راهها] کژ است ، و اگر [خدا] می‌خواست مسلماً همه شما را هدایت می‌کرد .

(النحل، ۹)

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَ مِنْهُ شَجْرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ (۱۰)

اوست کسی که از آسمان ، آبی فرود آورد که [آب] آشامیدنی شما از آن است ، و رویدنی [هایی] که [رمه‌های خود را] در آن می‌چرانید [نیز] از آن است .

(النحل، ۱۰)

يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَ الرِّيَاطُونَ وَ النَّخِيلَ وَ الْأَعْنَابَ وَ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۱۱)

به وسیله آن ، کشت و زیتون و درختان خرما و انگور و از هر گونه محصولات [دیگر] برای شما می‌رویاند . قطعاً در اینها برای مردمی که اندیشه می‌کنند نشانه‌ای است .

(النحل، ۱۱)

وَ سَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۱۲)

و شب و روز و خورشید و ماه را برای شما رام گردانید ، و ستارگان به فرمان او مسخّر شده‌اند . مسلماً در این [امور] برای مردمی که تعقل می‌کنند نشانه‌هاست .

(النحل، ۱۲)

وَ مَا ذَرَأَا لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ (۱۳)

و [همچنین] آنچه را در زمین به رنگهای گوناگون برای شما پدید آورد [مسخّر شما ساخت] . بی‌تردید ، در این [امور] برای مردمی که پند می‌گیرند نشانه‌ای است .

(النحل، ۱۳)

وَ هُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَ تَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَبْلًا مَّوَسَّوْتًا وَ تَرَى الْفُلْكَ مَوَازِرَ فِيهِ وَ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۴)

و اوست کسی که دریا را مسخّر گردانید تا از آن گوشت تازه بخورید ، و پیرایه‌ای که آن را می‌پوشید از آن بیرون آورید . و کشتیها را در آن ، شکافنده [آب] می‌بینی ، و تا از فضل او بجوید و باشد که شما شکر گزارید .

(النحل، ۱۴)

وَ أَلْقَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَن تَمِيدَ بِكُمْ وَ أَنْهَارًا وَ سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۱۵)

و در زمین کوههایی استوار افکند تا شما را نجنباند ، و رودها و راهها [قرار داد] تا شما راه خود را پیدا کنید .

(النحل، ۱۵)

وَ عَلَامَاتٍ وَ بِاللَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ (۱۶)

و نشانه‌هایی [دیگر نیز قرار داد] ، و آنان به وسیله ستاره [قطبی] راه‌یابی می‌کنند .

(النحل، ۱۶)

أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ (۱۷)

پس آیا کسی که می‌آفریند چون کسی است که نمی‌آفریند ؟ آیا پند نمی‌گیرید ؟

(النحل، ۱۷)

وَ إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۸)

و اگر نعمت [های] خدا را شماره کنید ، آن را نمی‌توانید بشمارید . قطعاً خدا آمرزنده مهربان است .

(النحل، ۱۸)

وَ اللَّهُ يَغْلِبُ مَا تَسِرُّونَ وَ مَا تُعْلِنُونَ (۱۹)

و خدا آنچه را که پنهان می‌دارید و آنچه را که آشکار می‌سازید می‌داند .

(النحل، ۱۹)

وَ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئاً وَ هُمْ يُخْلَقُونَ (۲۰)

و کسانی را که جز خدا می‌خوانند ، چیزی نمی‌آفرینند در حالی که خود آفریده می‌شوند .

(النحل، ۲۰)

أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَ مَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ (۲۱)

مردگانند نه زندگان ، و نمی‌دانند کی برانگیخته خواهند شد .

(النحل، ۲۱)

إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَ هُمْ مُسْتَكْبِرُونَ (۲۲)

معبود شما معبودی است یگانه . پس کسانی که به آخرت ایمان ندارند ، دل‌هایشان انکارکننده [حق] است و خودشان متکبرند .

(النحل، ۲۲)

لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَغْلِبُ مَا يُسِرُّونَ وَ مَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ (۲۳)

شک نیست که خداوند آنچه را پنهان می‌دارند و آنچه را آشکار می‌سازند ، می‌داند ، و او گردنکشان را دوست نمی‌دارد .

(النحل، ۲۳)

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۲۴)

و چون به آنان گفته شود : « پروردگارتان چه چیز نازل کرده است ؟ » می‌گویند : « افسانه‌های پیشینیان است . »

(النحل، ۲۴)

لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ (۲۵)

تا روز قیامت بار گناهان خود را تمام بردارند ، و [نیز] بخشی از بار گناهان کسانی را که ندانسته آنان را گمراه می‌کنند . آگاه باشید ، چه بد باری را می‌کشند .

(النحل، ۲۵)

قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَاتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَحَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَ اتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ (۲۶)

پیش از آنان کسانی بودند که مکر کردند ، و [لی] خدا از پایه بر بنیانشان زد ، در نتیجه از بالای سرشان سقف بر آنان فرو ریخت ، و از آنجا که حدس نمی‌زدند عذاب به سراغشان آمد .

(النحل، ۲۶)

ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِبُهُمْ وَ يَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشَاقِقُونَ فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخُزْيَ الْيَوْمَ وَال سُوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ (٢٧)

سپس روز قیامت آنان را رسوا می‌کند و می‌گوید : « کجايند آن شريکان من که در باره آنها [با پیامبران] مخالفت می‌کردید ؟ » کسانی که به آنان علم داده شده است می‌گویند : « در حقیقت ، امروز رسوایی و خواری بر کافران است . »

(النحل، ٢٧)

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُم الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ فَأَلْفَوْا السَّلَامَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلَى إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (٢٨)

همانان که فرشتگان جانشان را می‌گیرند در حالی که بر خود ستمکار بوده‌اند . پس ، از در تسلیم درمی‌آیند [و می‌گویند :] « ما هیچ کار بدی نمی‌کردیم . » آری ، خدا به آنچه می‌کردید داناست .

(النحل، ٢٨)

فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (٢٩)

پس ، از درهای دوزخ وارد شوید و در آن همیشه بمانید ، و حقا که چه بد است جایگاه متکبران .

(النحل، ٢٩)

وَ قِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ قَالَُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ نَادَى الْآخِرَةَ خَيْرٌ وَ لَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ (٣٠)

و به کسانی که تقوا پیشه کردند ، گفته شود : « پروردگارتان چه نازل کرد ؟ » می‌گویند : « خوبی . » برای کسانی که در این دنیا نیکی کردند [پاداش] نیکویی است ، و قطعاً سرای آخرت بهتر است ، و چه نیکوست سرای پرهیزگاران :

(النحل، ٣٠)

جَنَّاتٌ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا يُجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ (٣١)

بهشت‌های عدن که در آن داخل می‌شوند ؛ رودها از زیر [درختان] آنها روان است ؛ در آنجا هر چه بخواهند برای آنان [فراهم] است . خدا این گونه پرهیزگاران را پاداش می‌دهد .

(النحل، ٣١)

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُم الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (٣٢)

همان کسانی که فرشتگان جانشان را در حالی که پاکند می‌ستانند [و به آنان] می‌گویند : « درود بر شما باد ، به [پاداش] آنچه انجام می‌دادید به بهشت درآید . »

(النحل، ٣٢)

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرٌ رَبِّكَ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ مَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (٣٣)

آیا [کافران] جز این که فرشتگان [جان‌ستان] به سویشان آیند ، یا فرمان پروردگارت [دایر بر عذابشان] درسد ، انتظاری می‌برند ؟ کسانی که پیش از آنان بودند [نیز] این گونه رفتار کردند ، و خدا به ایشان ستم نکرد ، بلکه آنان به خود ستم می‌کردند .

(النحل، ٣٣)

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتٌ مَا عَمِلُوا وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (٣٤)

پس [کفیر] بدیهایی که کردند به آنان رسید ، و آنچه مسخره‌اش می‌کردند آنان را فرا گرفت .

(النحل، ٣٤)

وَ قَالَ الَّذِينَ أَنْزَلْنَا اللَّهُ لَهُمْ أَنْتُمْ أَنْتُمْ قَالُوا لَا تَنْزِيلَ إِلَّا الرُّسُلُ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (٣٥)

و کسانی که شرک ورزیدند گفتند : « اگر خدا می‌خواست نه ما و نه پدرانمان هیچ چیزی را غیر از او نمی‌پرستیدیم و بدون [حکم] او چیزی را حرام نمی‌شمردیم . » کسانی که پیش از آنان بودند [نیز] چنین رفتار کردند ، و [لی] آیا جز ابلاغ آشکار بر پیامبران [وظیفه‌ای] است ؟

(النحل، ٣٥)

وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ (٣٦)

و در حقیقت ، در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید :] « خدا را بپرستید و از طاغوت [فریبگر] بپرهیزید . » پس ، از ایشان کسی است که خدا [او را] هدایت کرده ، و از ایشان کسی است که گمراهی بر او سزاوار است . بنا بر این در زمین بگردید و ببینید فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است .

(النحل، ٣٦)

إِنْ تَخْرُصْ عَلَىٰ هٰذِهِم مَّا لَمْ يَأْتِ اللَّهَ بِهِمْ مِنْ نَاصِرِينَ (۳۷)

اگر [چه] بر هدایت آنان حرص ورزی ، ولی خدا کسی را که فرو گذاشته است هدایت نمی‌کند ، و برای ایشان یاری‌کنندگانی نیست .

(النحل، ۳۷)

وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعُثُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ بَلَىٰ مَنْ يَمُوتُ بَلَىٰ وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنْ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۳۸)

و با سخت‌ترین سوگندهایشان بخدا سوگند یاد کردند که خدا کسی را که می‌میرد بر نخواهد انگيخت . آری ، [انجام] این وعده بر او حق است ، لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند .

(النحل، ۳۸)

لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلَفُونَ فِيهِ وَيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ (۳۹)

تا [خدا] آنچه را در [مورد] آن اختلاف دارند ، برای آنان توضیح دهد ، و تا کسانی که کافر شده‌اند ، بدانند که آنها خود دروغ می‌گفته‌اند .

(النحل، ۳۹)

إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (۴۰)

ما وقتی چیزی را اراده کنیم ، همین قدر به آن می‌گوییم : « باش » ، بی‌درنگ موجود می‌شود .

(النحل، ۴۰)

وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۴۱)

و کسانی که پس از ستم‌دیدی ، در راه خدا هجرت کرده‌اند ، در این دنیا جای نیکویی به آنان می‌دهیم ، و اگر بدانند ، قطعاً پاداش آخرت بزرگتر خواهد بود .

(النحل، ۴۱)

الَّذِينَ صَبَرُوا وَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۴۲)

همانان که صبر نمودند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند .

(النحل، ۴۲)

وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۴۳)

و پیش از تو [هم] جز مردانی که بدیشان وحی می‌کردیم گسیل نداشتیم . پس اگر نمی‌دانید ، از پژوهندگان کتابهای آسمانی جویا شوید ،

(النحل، ۴۳)

بِالْبَيِّنَاتِ وَ الزُّبُرِ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِيُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (۴۴)

[زیرا آنان را] با دلایل آشکار و نوشته‌ها [فرستادیم] ، و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم ، تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی ، و امید که آنان بیندیشند .

(النحل، ۴۴)

أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ (۴۵)

آیا کسانی که تدبیرهای بد می‌اندیشند ، ایمن شدند از اینکه خدا آنان را در زمین فرو ببرد ، یا از جایی که حدس نمی‌زنند عذاب برایشان بیاید ؟

(النحل، ۴۵)

أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقْلِبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ (۴۶)

یا در حال رفت و آمدشان [گریبان] آنان را بگیرد ، و کاری از دستشان برنیاید ؟

(النحل، ۴۶)

أَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلَىٰ تَخَوُّفٍ فَإِنَّ رَبَّهُمْ لَرَّءُوفٌ رَحِيمٌ (۴۷)

یا آنان را در حالی که وحشت‌زده‌اند فرو گیرد ؟ همانا پروردگار شما رؤوف و مهربان است .

(النحل، ۴۷)

أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَتَفَتَّحُونَ ظُلُمَاتُهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ (٤٨)

آیا به چیزهایی که خدا آفریده است ، ننگریسته‌اند که [چگونه] سایه‌هایشان از راست و [از جوانب] چپ می‌گردد ، و برای خدا در حال فروتنی سر بر خاک می‌سایند ؟
(النحل، ٤٨)

وَاللَّهُ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (٤٩)

و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین از جنبندگان و فرشتگان است ، برای خدا سجده می‌کنند و تکبر نمی‌ورزند .
(النحل، ٤٩)

يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ قُوَّتِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (٥٠)

از پروردگارشان که حاکم بر آنهاست می‌ترسند و آنچه را مأمورند انجام می‌دهند .
(النحل، ٥٠)

وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ اثْنَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ فَإِنِّي فَارِهِبُونَ (٥١)

و خدا فرمود : « دو معبود برای خود مگیرید . جز این نیست که او خدایی یگانه است . پس تنها از من بترسید . »
(النحل، ٥١)

وَلَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَهُ الدِّينُ وَاصِبًا أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ (٥٢)

و آنچه در آسمانها و زمین است از آن اوست ، و آیین پایدار [نیز] از آن اوست . پس آیا از غیر خدا پروا دارید ؟
(النحل، ٥٢)

وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجَاوَرُونَ (٥٣)

و هر نعمتی که دارید از خداست ، سپس چون آسیبی به شما رسد به سوی او روی می‌آورید [و می‌نالید] .
(النحل، ٥٣)

ثُمَّ إِذَا كَشَفَ الضُّرُّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ (٥٤)

و چون آن آسیب را از شما برطرف کرد ، آن گاه گروهی از شما به پروردگارشان شرک می‌ورزند .
(النحل، ٥٤)

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسُوفَ تَعْلَمُونَ (٥٥)

[بگذار] تا آنچه را به ایشان عطا کرده‌ایم ناسپاسی کنند . اکنون برخوردار شوید ، و [لی] زودا که بدانید .
(النحل، ٥٥)

وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لَشَأَلَنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ (٥٦)

و از آنچه به ایشان روزی دادیم ، نصیبی برای آن [خدایانی] که نمی‌دانند [چیست] می‌نهند . به خدا سوگند که از آنچه به دروغ برمی‌یافتید ، حتماً سؤال خواهید شد .
(النحل، ٥٦)

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ (٥٧)

و برای خدا دخترانی می‌پندارند . منزّه است او . و برای خودشان آنچه را میل دارند [قرار می‌دهند] .
(النحل، ٥٧)

وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٍ (٥٨)

و هر گاه یکی از آنان را به دختر مرده آورند ، چهره‌اش سیاه می‌گردد ، در حالی که خشم [و اندوه] خود را فرو می‌خورد .
(النحل، ٥٨)

يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (٥٩)

٦٠٤ / ١٩٧

از بدی آنچه بدو بشارت داده شده ، از قبیله [خود] روی می‌پوشاند . آیا او را با خواری نگاه دارد ، یا در خاک پنهانش کند ؟ و چه بد داوری می‌کنند .

(النحل، ۵۹)

لَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ وَ اللَّهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۶۰)

وصف زشت برای کسانی است که به آخرت ایمان ندارند ، و بهترین وصف از آن خداست ، و اوست ارجمند حکیم .

(النحل، ۶۰)

وَ لَوْ يَأْخُذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ وَ لَكِنْ يُؤَخَّرُهُمْ إِلَىٰ آجَلٍ مُّسَمًّى فِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَقْدِمُونَ (۶۱)

و اگر خداوند مردم را به [سزای] ستمشان مواخذه می‌کرد ، جنبنده‌ای بر روی زمین باقی نمی‌گذاشت ، لیکن [کیفر] آنان را تا وقتی معین بازپس می‌اندازد ، و چون اجلشان فرا رسد ، ساعتی آن را پس و پیش نمی‌توانند افکنند .

(النحل، ۶۱)

وَ يَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَ تَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكُذْبَ أَنَّ لَهُمُ الْخُسْفَىٰ لِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَكَرِهُوا لِأَتَائِهِمْ فَذُقُوا مَرْطُوبَهُمْ (۶۲)

و چیزی را که خوش نمی‌دارند ، برای خدا قرار می‌دهند ، و زبانشان دروغ‌پردازی می‌کند که [سرانجام] نیکو از آن ایشان است . حقا که آتش برای آنان است و به سوی آن پیش فرستاده خواهند شد .

(النحل، ۶۲)

تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَرَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانَ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۶۳)

سوگند به خدا که به سوی امت‌های پیش از تو [رسولانی] فرستادیم [اما] شیطان اعمالشان را برایشان آراست و امروز [هم] سرپرستشان هموست و برایشان عذابی دردناک است .

(النحل، ۶۳)

وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۶۴)

و ما [این] کتاب را بر تو نازل نکردیم ، مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف کرده‌اند ، برای آنان توضیح دهی ، و [آن] برای مردمی که ایمان می‌آورند ، رهنمود و رحمتی است .

(النحل، ۶۴)

وَ اللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْبَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ (۶۵)

و خدا از آسمان آبی فرود آورد و با آن زمین را پس از پژمردنش زنده گردانید ، قطعاً در این [امر] برای مردمی که شنوایی دارند نشانه‌ای است .

(النحل، ۶۵)

وَ إِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِمْ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ (۶۶)

و در دامها قطعاً برای شما عبرتی است : از آنچه در [لابلای] شکم آنهاست ، از میان سرگین و خون ، شیری ناب به شما می‌نوشانیم که برای نوشندگان گواراست .

(النحل، ۶۶)

وَ مِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَ الْأَعْنَابِ تَنْخَلُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَ رِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۶۷)

و از میوه درختان خرما و انگور ، باده مستی‌بخش و خوراکی نیکو برای خود می‌گیرید . قطعاً در این [ها] برای مردمی که تعقل می‌کنند نشانه‌ای است .

(النحل، ۶۷)

وَ أَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَ مِنَ الشَّجَرِ وَ مِمَّا يَعْرِشُونَ (۶۸)

و پروردگار تو به زنبور عسل وحی [الهام غریزی] کرد که از پاره‌ای کوه‌ها و از برخی درختان و از آنچه داربست [و چفته‌سازی] می‌کنند ، خانه‌هایی برای خود درست کن ،

(النحل، ۶۸)

ثُمَّ كَلِمَ مِنْ كُلِّ النَّمَلِ فَمَنْ لِكَيْ سَأَلَ رَبِّكَ ذُلًّا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۶۹)

سپس از همه میوه‌ها بخور ، و راه‌های پروردگارت را فرمانبردارانه ، ببوی . [آن گاه] از درون [شکم] آن ، شهدی که به رنگهای گوناگون است بیرون می‌آید . در آن ، برای مردم درمانی است . راستی در این [زندگی زنبوران] برای مردمی که تفکر می‌کنند نشانه [قدرت الهی] است .

(النحل، ۶۹)

وَ اللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ (۷۰)

و خدا شما را آفرید ، سپس [جان] شما را می‌گیرد ، و بعضی از شما تا خوارترین [دوره] سالهای زندگی [فرتوتی] بازگردانده می‌شود ، به طوری که بعد از [آن همه] دانستن ، [دیگر] چیزی نمی‌دانند . قطعاً خدا دانای تواناست .

(النحل، ۷۰)

وَ اللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادِّي رِزْقِهِمْ عَلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَلَيْسَ اللَّهُ بِجَدُّونَ (۷۱)

و خدا بعضی از شما را در روزی بر بعضی دیگر برتری داده است . و [لی] کسانی که فرونی یافته‌اند ، روزی خود را به بندگان خود نمی‌دهند تا در آن با هم مساوی باشند . آیا باز نعمت خدا را انکار می‌کنند ؟

(النحل، ۷۱)

وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَ حَفَدَةً وَ زَكَّكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَلَيْسَ بِالطَّيِّبَاتِ يَوْمُونَ وَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ (۷۲)

و خدا برای شما از خودتان همسرانی قرار داد ، و از همسرانتان برای شما پسران و نوادگانی نهاد و از چیزهای پاکیزه به شما روزی بخشید . آیا [باز هم] به باطل ایمان می‌آورند و به نعمت خدا کفر می‌ورزند ؟

(النحل، ۷۲)

وَ يُعْبَدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِنَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ شَيْئًا وَ لَا يَسْتَطِيعُونَ (۷۳)

و به جای خدا چیزهایی را می‌پرستند که در آسمانها و زمین به هیچ وجه اختیار روزی آنان را ندارند و [به کاری] توانایی ندارند .

(النحل، ۷۳)

فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۷۴)

پس برای خدا مثل نزنید ، که خدا می‌داند و شما نمی‌دانید .

(النحل، ۷۴)

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَ مَنْ رَزَقْنَاهُ مِمَّا رَزَقْنَا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَ جَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۷۵)

خدا مثلی می‌زند : بنده‌ای است زرخیز که هیچ کاری از او بر نمی‌آید . آیا [او] با کسی که به وی از جانب خود روزی نیکو داده‌ایم ، و او از آن در نهان و آشکار انفاق می‌کند یکسان است ؟ سپاس خدای راست . [نه ،] بلکه بیشترشان نمی‌دانند .

(النحل، ۷۵)

وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمٌ لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَ هُوَ كَلٌّ عَلَىٰ مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّههُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَ مَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ هُوَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۷۶)

و خدا مثلی [دیگر] می‌زند : دو مردند که یکی از آنها لال است و هیچ کاری از او بر نمی‌آید و او سریار خداوندگارش می‌باشد . هر جا که او را می‌فرستد خیری به همراه نمی‌آورد . آیا او با کسی که به عدالت فرمان می‌دهد و خود بر راه راست است یکسان است ؟

(النحل، ۷۶)

وَ لِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا أَمُرُ السَّاعَةَ إِلَّا كَلِمَةٍ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۷۷)

و نهان آسمانها و زمین از آن خداست ، و کار قیامت جز مانند یک چشم بر هم زدن یا نزدیکتر [از آن] نیست ، زیرا خدا بر هر چیزی تواناست .

(النحل، ۷۷)

وَ اللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَ جَعَلَ لَكُمْ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۷۸)

و خدا شما را از شکم مادرانتان در حالی که چیزی نمی‌دانستید بیرون آورد ، و برای شما گوش و چشمها و دلها قرار داد ، باشد که سپاسگزاری کنید .

(النحل، ۷۸)

أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوْ السَّمَاءِ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۷۹)

آیا به سوی پرندگانی که در فضای آسمان ، رام شده‌اند ننگریسته‌اند ؟ جز خدا کسی آنها را نگاه نمی‌دارد . راستی در این [قدرت‌نمایی] برای مردمی که ایمان می‌آورند نشانه‌هایی است .

(النحل، ۷۹)

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَاءًا وَمَتَاعًا إِلَى حِينٍ (۸۰)

و خدا برای شما خانه‌هایتان را مایه آرامش قرار داد ، و از پوست دامها برای شما خانه‌هایی نهاد که آن [ها] را در روز جابجا شدنشان و هنگام ماندنتان سبک می‌یابید ، و از پشمها و کرکها و موهای آنها وسایل زندگی که تا چندی مورد استفاده است [قرار داد] .

(النحل، ۸۰)

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ بَأْسَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ (۸۱)

و خدا از آنچه آفریده ، به سود شما سایه‌هایی فراهم آورده و از کوه‌ها برای شما پناهگاه‌هایی قرار داده و برای شما تن‌پوشه‌هایی مقرر کرده که شما را از گرما [و سرما] حفظ می‌کند ، و تن‌پوشها [زره‌ها] بی که شما را در جنگتان حمایت می‌نماید . این گونه وی نعمتش را بر شما تمام می‌گرداند ، امید که شما [به فرمائش] گردن نهید .

(النحل، ۸۱)

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ (۸۲)

پس اگر رویگردان شوند ، بر تو فقط ابلاغ آشکار است .

(النحل، ۸۲)

يَعْرِفُونَ نِعْمَةَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ (۸۳)

نعمت خدا را می‌شناسند ، اما باز هم منکر آن می‌شوند و بیشترشان کافرند .

(النحل، ۸۳)

وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤْتِنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (۸۴)

و [یاد کن] روزی را که از هر امتی گواهی برمی‌انگیزیم ، سپس به کسانی که کافر شده‌اند رخصت داده نمی‌شود و آنان مورد بخشش قرار نخواهند گرفت .

(النحل، ۸۴)

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ (۸۵)

و چون کسانی که ستم کرده‌اند عذاب را ببینند [شکنجه] آنان کاسته نمی‌گردد و مهلت نمی‌یابند .

(النحل، ۸۵)

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هَؤُلَاءِ شُرَكَائُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُو مِنْ دُونِكَ فَأَلْقُوا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ (۸۶)

و چون کسانی که شرک ورزیدند ، شریکان خود را ببینند می‌گویند : « پروردگارا ، اینها بودند آن شریکاتی که ما به جای تو می‌خواندیم » . و [لی شریکان] قول آنان را رد می‌کنند که : « شما جداً دروغ‌گویانید . »

(النحل، ۸۶)

وَأَلْقُوا إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ السَّلْمَ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۸۷)

و آن روز در برابر خدا از در تسلیم درآیند و آنچه را که برمی‌یافتند بر باد می‌رود .

(النحل، ۸۷)

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ (۸۸)

کسانی که کفر ورزیدند و از راه خدا باز داشتند به [سزای] آنکه فساد می‌کردند عذابی بر عذابشان می‌افزاییم .

(النحل، ۸۸)

وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ (۸۹)

و [به یاد آور] روزی را که در هر امتی گواهی از خودشان برایشان برانگیزیم ، و تو را [هم] بر این [امت] گواه آوریم ، و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارتگری است ، بر تو نازل کردیم .

(النحل، ۸۹)

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَ إِتْيَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَ يُنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يُعْظِمُ لَكُمْ لَعَنَ كُمْ تَتَكَّبُونَ (۹۰)

۶۰۴ / ۲۰۰

در حقیقت ، خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می‌دارد . به شما اندرز می‌دهد ، باشد که پند گیرید .

(النحل، ۹۰)

وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يُعَلِّمُ مَا تَعْمَلُونَ (۹۱)

و چون با خدا پیمان بستید ، به پیمان خود وفا کنید و سوگندهای [خود را] پس از استوار کردن آنها مشکنید ، با اینکه خدا را بر خود ضامن [و گواه] قرار داده‌اید ، زیرا خدا آنچه را انجام می‌دهید می‌داند .

(النحل، ۹۱)

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَضَتْ غَزْلَهُمَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ وَلِيُبَيِّنَ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (۹۲)

و مانند آن [زنی] که رشته خود را پس از محکم بافتن ، [یکی یکی] از هم می‌گسست می‌باشید که سوگندهای خود را میان خویش وسیله [فریب و] تقلب سازید [به خیال این] که گروهی از گروه دیگر [در داشتن امکانات] افزونترند . جز این نیست که خدا شما را بدین وسیله می‌آزماید و روز قیامت در آنچه اختلاف می‌کردید ، قطعاً برای شما توضیح خواهد داد .

(النحل، ۹۲)

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۹۳)

و اگر خدا می‌خواست قطعاً شما را امتی واحد قرار می‌داد ، ولی هر که را بخواهد بیراه و هر که را بخواهد هدایت می‌کند و از آنچه انجام می‌دادید حتماً سؤال خواهید شد .

(النحل، ۹۳)

وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۹۴)

و زنه‌ار ، سوگندهای خود را دستاویز تقلب میان خود قرار مدهید ، تا گامی بعد از استواریش بلغزد ، و شما به [سزای] آنکه [مردم را] از راه خدا باز داشته‌اید دچار شکنجه شوید و برای شما عذابی بزرگ باشد .

(النحل، ۹۴)

وَلَا تَشْرَبُوا بِعَهْدِ اللَّهِ تَمَنَّا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۹۵)

و پیمان خدا را به بهای ناچیزی مفروشید ، زیرا آنچه نزد خداست اگر بدانید همان برای شما بهتر است .

(النحل، ۹۵)

مَا عِنْدَكُمْ يَنْقَدُ وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَ لَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۹۶)

آنچه پیش شماست تمام می‌شود و آنچه پیش خداست پایدار است ، و قطعاً کسانی را که شکیبایی کردند به بهتر از آنچه عمل می‌کردند ، پاداش خواهیم داد .

(النحل، ۹۶)

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ دُكْرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّاهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۹۷)

هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد ، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای ، حیات [حقیقی] بخشیم ، و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد .

(النحل، ۹۷)

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (۹۸)

پس چون قرآن می‌خوانی از شیطانِ مطرود به خدا پناه بر ،

(النحل، ۹۸)

إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۹۹)

چرا که او را بر کسانی که ایمان آورده‌اند ، و بر پروردگارشان توکل می‌کنند ، تسلطی نیست .

(النحل، ۹۹)

إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَ الَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ (۱۰۰)

تسلط او فقط بر کسانی است که وی را به سرپرستی برمی‌گیرند ، و بر کسانی که آنها به او [خدا] شرک می‌ورزند .

(النحل، ۱۰۰)

وَ إِذَا بَدَأْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنزِّلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۱۰۱)

و چون حکمی را به جای حکم دیگر بیاوریم و خدا به آنچه به تدریج نازل می‌کند داناتر است می‌گویند: « جز این نیست که تو دروغ‌بافی . » [نه ،] بلکه بیشتر آنان نمی‌دانند .

(النحل، ۱۰۱)

قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدْسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هُدًى وَ بَشْرًا لِّلْمُسْلِمِينَ (۱۰۲)

بگو: « آن را روح القدس از طرف پروردگارت به حق فرود آورده ، تا کسانی را که ایمان آورده‌اند استوار گرداند ، و برای مسلمانان هدایت و بشارتی است . »

(النحل، ۱۰۲)

وَ لَقَدْ نَعَّمْنَا أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَ هَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ (۱۰۳)

و نیک می‌دانیم که آنان می‌گویند: « جز این نیست که بشری به او می‌آموزد . » [نه چنین نیست ، زیرا] زبان کسی که [این] نسبت را به او می‌دهند غیر عربی است و این [قرآن] به زبان عربی روشن است .

(النحل، ۱۰۳)

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا يُهْدِيهِمُ اللَّهُ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۰۴)

در حقیقت ، کسانی که به آیات خدا ایمان ندارند ، خدا آنان را هدایت نمی‌کند و برایشان عذابی دردناک است .

(النحل، ۱۰۴)

إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ (۱۰۵)

تنها کسانی دروغ‌پردازی می‌کنند که به آیات خدا ایمان ندارند و آنان خود دروغ‌گویانند .

(النحل، ۱۰۵)

مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَ لَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۰۶)

هر کس پس از ایمان آوردن خود ، به خدا کفر ورزد [عذابی سخت خواهد داشت] مگر آن کس که مجبور شده و [لی] قلبش به ایمان اطمینان دارد . لیکن هر که سینه‌اش به کفر گشاده گردد خشم خدا بر آنان است و برایشان عذابی بزرگ خواهد بود ،

(النحل، ۱۰۶)

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحْبَبُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (۱۰۷)

زیرا آنان زندگی دنیا را بر آخرت برتری دادند و [هم] اینکه خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند .

(النحل، ۱۰۷)

أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ سَمِعَهُمْ وَ أَبْصَارَهُمْ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (۱۰۸)

آنان کسانی‌اند که خدا بر دلها و گوش و دیدگانشان مهر نهاده و آنان خود غافلانند .

(النحل، ۱۰۸)

لَا جْرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۱۰۹)

شک نیست که آنها در آخرت همان زیانکارانند .

(النحل، ۱۰۹)

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَ صَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۱۰)

با این حال ، پروردگار تو نسبت به کسانی که پس از [آن همه] زجر کشیدن ، هجرت کرده و سپس جهاد نمودند و صبر پیشه ساختند ، پروردگارت [نسبت به آنان] بعد از آن [همه مصایب] قطعاً آمرزنده و مهربان است .

(النحل، ۱۱۰)

يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ نَجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا وَ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۱۱۱)

[یاد کن] روزی را که هر کس می‌آید [و] از خود دفاع می‌کند ، و هر کس به آنچه کرده ، بی کم و کاست پاداش می‌یابد و بر آنان ستم نمی‌رود .

(النحل، ۱۱۱)

وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَدَّاهَا اللَّهُ لِبِئْسِ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (۱۱۲)

و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود [و] روزیش از هر سو فراوان می‌رسید ، پس [ساکنانش] نعمتهای خدا را ناسپاسی کردند ، و خدا هم به سزای آنچه انجام می‌دادند ، طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشاندید .

(النحل، ۱۱۲)

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظَالِمُونَ (۱۱۳)

و به یقین ، فرستاده‌ای از خودشان برایشان آمد ، اما او را تکذیب کردند ، پس در حالی که ظالم بودند آنان را عذاب فرو گرفت .

(النحل، ۱۱۳)

فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمْ اللَّهُ خَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ إِنَّ كُنتُمْ لِيَاءَهُ تَعْبُدُونَ (۱۱۴)

پس ، از آنچه خدا شما را روزی کرده است ، حلال [و] پاکیزه بخورید ، و نعمت خدا را اگر تنها او را می‌پرستید شکر گزارید .

(النحل، ۱۱۴)

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَ مَا أَهْلَ لَيْغِيرِ اللَّهُ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۱۵)

جز این نیست که [خدا] مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را که نام غیر خدا بر آن برده شده حرام گردانیده است . [با این همه ،] هر کس که [به خوردن آنها] ناگزیر شود ، و سرکش و زیاده‌خواه نباشد ، قطعاً خدا آمرزنده مهربان است .

(النحل، ۱۱۵)

وَ لَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكُذْبَ هَذَا حَلَالٌ وَ هَذَا حَرَامٌ لَتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ لَا يَفْلِحُونَ (۱۱۶)

و برای آنچه زبان شما به دروغ می‌پردازد ، مگوئید : « این حلال است و آن حرام » تا بر خدا دروغ بندید ، زیرا کسانی که بر خدا دروغ می‌بندند رستگار نمی‌شوند .

(النحل، ۱۱۶)

مَتَاعَ قَلِيلٍ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۱۷)

[ایشان راست] اندک بهره‌ای ، و [لی] عذابشان پر درد است .

(النحل، ۱۱۷)

وَ عَلَى الَّذِينَ هَانُوا حَرْمَنَا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَ مَا ظَلَمْنَاكُمْ وَ لَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۱۱۸)

و بر کسانی که یهودی شدند ، آنچه را قبلاً بر تو حکایت کردیم ، حرام گردانیدیم ، و ما بر آنان ستم نکردیم ، بلکه آنها به خود ستم می‌کردند .

(النحل، ۱۱۸)

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ أَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۱۹)

[با این همه] پروردگار تو نسبت به کسانی که به نادانی مرتکب گناه شده ، سپس توبه کرده و به صلاح آمده‌اند ، البته پروردگارت پس از آن آمرزنده مهربان است .

(النحل، ۱۱۹)

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَ لَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۲۰)

به راستی ابراهیم ، پیشوایی مطیع خدا [و] حق‌گرای بود و از مشرکان نبود .

(النحل، ۱۲۰)

شَاكِرًا لِأَنْعَمِهِ اجْتِنَابًا وَ هَذَا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۱۲۱)

[و] نعمتهای او را شکرگزار بود . [خدا] او را برگزید و به راهی راست هدایتش کرد .

(النحل، ۱۲۱)

وَ اتَّيْنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ إِنَّا فِي الْآخِرَةِ لَمَنْ الصَّالِحِينَ (۱۲۲)

و در دنیا به او نیکویی و [نعمت] دادیم و در آخرت [نیز] از شایسته‌گان خواهد بود .

(النحل، ۱۲۲)

ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۲۳)

سپس به تو وحی کردیم که : « از آیین ابراهیم حق‌گرای پیروی کن ، [چرا که] او از مشرکان نبود . »

(النحل، ۱۲۳)

إِنَّمَا جَعَلْنَا عَلَى الَّذِينَ اٰخْتَلَفُوا فِيهِ وَ اِنَّ رَبَّكَ لَيَخْتَكُمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۱۲۴)

[بزرگداشت] شنبه ، بر کسانی که در باره آن اختلاف کردند مقرر گردید ، و قطعاً پروردگارت روز رستاخیز میان آنها در باره چیزی که در مورد آن اختلاف می‌کردند ، داوری خواهد کرد .

(النحل، ۱۲۴)

اذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمُوعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۱۲۵)

با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نما . در حقیقت ، پروردگار تو به [حال] کسی که از راه او منحرف شده داناست ، و او به [حال] راهیافتگان [نیز] داناست .

(النحل، ۱۲۵)

وَ اِنَّ عَاقِبَتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَ لَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ (۱۲۶)

و اگر عقوبت کردید ، همان گونه که مورد عقوبت قرار گرفته‌اید [متجاوز را] به عقوبت رسانید ، و اگر صبر کنید البته آن برای شکیبایان بهتر است .

(النحل، ۱۲۶)

وَ اصْبِرْ وَ مَا صَبْرُكَ اِلَّا بِاللّٰهِ وَ لَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَ لَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ (۱۲۷)

و صبر کن و صبر تو جز به [توفیق] خدا نیست و بر آنان اندوه مخور و از آنچه نیرنگ می‌کنند دل تنگ مدار .

(النحل، ۱۲۷)

اِنَّ اللّٰهَ مَعَ الَّذِيْنَ اتَّقَوْا وَ الَّذِيْنَ هُمْ مُخْسِنُونَ (۱۲۸)

در حقیقت ، خدا با کسانی است که پروا داشته‌اند و [با] کسانی [است] که آنها نیکوکارند .

(النحل، ۱۲۸)

ترتیبها- ۱۷	سوره الأسراء	مکی- آیاتها- ۱۱۱
-------------	--------------	------------------

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الإسراء، ۰)

سُبْحٰنَ الَّذِیْ اَسْرٰی بِعَبْدِهِ لَیْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اِلَى الْمَسْجِدِ الْاَقْصٰی الَّذِی بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِیْهِ مِنْ آیٰتِنَا اِنَّهُ هُوَ السَّمِیْعُ الْبَصِیْرُ (۱)

منزه است آن [خدایی] که بنده‌اش را شبانه‌گاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی که پیرامون آن را برکت داده‌ایم سیر داد ، تا از نشانه‌های خود به او بنمایانیم ، که او همان شنوای بیناست .

(الإسراء، ۱)

وَ اَتَيْنَا مُوسٰی الْكِتٰبَ وَ جَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرٰئِیْلَ اَلَّا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِیْ وَكُیٰلًا (۲)

و کتاب آسمانی را به موسی دادیم و آن را برای فرزندان اسرائیل رهنمودی گردانیدیم که : زنهار ، غیر از من کارسازی مگیرید ،

(الإسراء، ۲)

لُرِیَّةً مِّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ اِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا (۳)

[ای] فرزندان کسانی که [آنان را در کشتی] با نوح برداشتیم . راستی که او بنده‌ای سپاسگزار بود .

(الإسراء، ۳)

وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَتَتَخَلَّفْنَ عُلُوًّا كَبِيرًا (۴)

و در کتاب آسمانی [شان] به فرزندان اسرائیل خبر دادیم که : « قطعاً دو بار در زمین فساد خواهید کرد ، و قطعاً به سرکشی بسیار بزرگی برخواید خاست . »

(الإسراء، ۴)

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهِمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا (۵)

پس آن گاه که وعده [تحقق] نخستین آن دو فرا رسد ، بندگان از خود را که سخت نیرومندند بر شما می‌گماریم ، تا میان خانه‌ها [یتان برای قتل و غارت شما] به جستجو درآیند ، و این تهدید تحقق‌یافتنی است .

(الإسراء، ۵)

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا (۶)

پس [از چندی] دوباره شما را بر آنان چیره می‌کنیم و شما را با اموال و پسران یاری می‌دهیم و [تعداد] نفرات شما را بیشتر می‌گردانیم .

(الإسراء، ۶)

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَفْسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ يَلْبِسُوا مَا عُلُوًّا تَثْبِيرًا (۷)

اگر نیکی کنید ، به خود نیکی کرده‌اید ، و اگر بدی کنید ، به خود [بد نموده‌اید] . و چون تهدید آخر فرا رسد [بیابند] تا شما را اندوهگین کنند و در معبد [تان] چنان که بار اول داخل شدند [به زور] درآیند و بر هر چه دست یافتند یکسره [آن را] نابود کنند .

(الإسراء، ۷)

عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُذْتُمْ عَدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا (۸)

امید است که پروردگارتان شما را رحمت کند ، و [لی] اگر [به گناه] بازگردید [ما نیز به کیفر شما] باز می‌گردیم ، و دوزخ را برای کافران زندان قرار دادیم .

(الإسراء، ۸)

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِي هِيَ أَقْوَمٌ وَيُنَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا (۹)

قطعاً این قرآن به [آیینی] که خود پایدارتر است راه می‌نماید ، و به آن مؤمنانی که کارهای شایسته می‌کنند ، مژده می‌دهد که پاداشی بزرگ برایشان خواهد بود .

(الإسراء، ۹)

وَ أَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۱۰)

و اینکه برای کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند عذابی پر درد آماده کرده‌ایم .

(الإسراء، ۱۰)

وَ يَذَّغُ الْإِنْسَانَ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا (۱۱)

و انسان [همان گونه که] خیر را فرا می‌خواند ، [پیشامد] بد را می‌خواند و انسان همواره شتابزده است .

(الإسراء، ۱۱)

وَ جَعَلْنَا اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ آيَاتَيْنِ فَحَمُونَا آيَةَ اللَّيْلِ وَ جَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِيَتَّبِعُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ وَ لِيَتَّعَمُوا عِنْدَ السُّنَنِ وَ الْحِسَابِ وَ كُلُّ شَيْءٍ فَصْنَانُهُ تَفْصِيلًا (۱۲)

و شب و روز را دو نشانه قرار دادیم . نشانه شب را تیره‌گون و نشانه روز را روشنی‌بخش گردانیدیم تا [در آن ،] فضلی از پروردگارتان بجوید ، و تا شماره سالها و حساب [عمرها و رویدادها] را بدانید و هر چیزی را به روشنی باز نمودیم .

(الإسراء، ۱۲)

وَ كُلُّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَةً فِي عُرْفِهِ وَ نُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَشْهُورًا (۱۳)

و کارنامه هر انسانی را به گردن او بسته‌ایم ، و روز قیامت برای او نامه‌ای که آن را گشاده می‌بیند بیرون می‌آوریم .

(الإسراء، ۱۳)

أَفْرَأَ كِتَابَكَ كَفَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا (۱۴)

۶۰۴ / ۲۰۵

« نامه‌ات را بخوان ؛ کافی است که امروز خودت حسابرس خود باشی . »

(الإسراء، ۱۴)

مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا (۱۵)

هر کس به راه آمده تنها به سود خود به راه آمده ، و هر کس بیراهه رفته تنها به زیان خود بیراهه رفته است . و هیچ بردارنده‌ای بار گناه دیگری را بر نمی‌دارد ، و ما تا پیامبری برنینگیزیم ، به عذاب نمی‌پردازیم .

(الإسراء، ۱۵)

وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا (۱۶)

و چون بخواهیم شهری را هلاک کنیم ، خوشگذرانانش را و ما می‌داریم تا در آن به انحراف [و فساد] بپردازند ، و در نتیجه عذاب بر آن [شهر] لازم گردد ، پس آن را [یکسره] زیر و زبر کنیم .

(الإسراء، ۱۶)

وَ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ نُوحٍ وَ كَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا (۱۷)

و چه بسیار نسلها را که ما پس از نوح به هلاکت رساندیم ، و پروردگار تو به گناهان بندگانش بس آگاه و بیناست .

(الإسراء، ۱۷)

مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَذْحُورًا (۱۸)

هر کس خواهان [دنیای] زودگذر است ، به زودی هر که را خواهیم [نصیبی] از آن می‌دهیم ، آن گاه جهنم را که در آن خوار و رانده داخل خواهد شد ، برای او مقرر می‌داریم .

(الإسراء، ۱۸)

وَ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا (۱۹)

و هر کس خواهان آخرت است و نهایت کوشش را برای آن بکند و مؤمن باشد ، آنانند که تلاش آنها مورد حق‌شناسی واقع خواهد شد .

(الإسراء، ۱۹)

كُلًّا نُمِدُّ هُوَآءًا وَ هُوَآءًا مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا (۲۰)

هر دو [دسته] : اینان و آنان را از عطای پروردگارت مدد می‌بخشیم ، و عطای پروردگارت [از کسی] منع نشده است .

(الإسراء، ۲۰)

أَنْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَ لِلآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَ أَكْبَرُ تَفْضِيلًا (۲۱)

بین چگونگی بعضی از آنان را بر بعضی دیگر برتری داده‌ایم ، و قطعاً درجات آخرت و برتری آن بزرگتر و بیشتر است .

(الإسراء، ۲۱)

لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقَعُدَ مَذْمُومًا مَذْحُورًا (۲۲)

معبود دیگری با خدا قرار مده تا نکوهیده و وامانده بنشینی .

(الإسراء، ۲۲)

وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِنَّمَا يُبَلِّغُنَّ عَنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفْ و لَا تَنْهَرْهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (۲۳)

و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را پرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید . اگر یکی از آن دو یا هر دو ، در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آنها [حتی] « اوف » مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی .

(الإسراء، ۲۳)

وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلْمِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمْنَاهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا (۲۴)

و از سر مهربانی ، بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو : « پروردگارا ، آن دو را رحمت کن چنان که مرا در خردی پروردند . »

(الإسراء، ۲۴)

۶۰۴ / ۲۰۶

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنَّ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلأَوَّابِينَ غُفُوراً (۲۵)

پروردگار شما به آنچه در دل‌های خود دارید آگاه‌تر است . اگر شایسته باشید ، قطعاً او آمرزنده توبه‌کنندگان است .

(الإسراء، ۲۵)

وَ اتَّ دَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَ آئِن السَّبِيلِ وَ لَا تَبْذُرْ تَبْذِيراً (۲۶)

و حق خویشاوند را به او بده و مستمند و در راه‌مانده را [دستگیری کن] و ولخرجی و اسراف مکن .

(الإسراء، ۲۶)

إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُوراً (۲۷)

چرا که اسرافکاران برادران شیطان‌ها هستند ، و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است .

(الإسراء، ۲۷)

وَ إِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمْ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُوراً (۲۸)

و اگر به امید رحمتی که از پروردگارت جویای آنی ، از ایشان روی می‌گردانی ، پس با آنان سخنی نرم بگوی .

(الإسراء، ۲۸)

وَ لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُوماً مَحْسُوراً (۲۹)

و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده‌دستی منما تا ملامت‌شده و حسرت‌زده بر جای مانی .

(الإسراء، ۲۹)

إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيراً بَصِيراً (۳۰)

بی‌گمان ، پروردگار تو برای هر که بخواهد ، روزی را گشاده یا تنگ می‌گرداند . در حقیقت ، او به [حال] بندگانش آگاه بیناست .

(الإسراء، ۳۰)

وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشِياً إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَ إِبَائِهِمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيراً (۳۱)

و از بیم تنگدستی فرزندان خود را مکشید . ماییم که به آنها و شما روزی می‌بخشیم . آری ، کشتن آنان همواره خطایی بزرگ است .

(الإسراء، ۳۱)

وَ لَا تَقْرَبُوا الرِّزْقَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلاً (۳۲)

و به زنا نزدیک مشوید ، چرا که آن همواره زشت و بد راهی است .

(الإسراء، ۳۲)

وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَاناً فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مُنْصُوراً (۳۳)

و نفسی را که خداوند حرام کرده است جز به حق مکشید ، و هر کس مظلوم کشته شود ، به سرپرست وی قدرتی داده‌ایم ، پس [او] نباید در قتل زیاده‌روی کند ، زیرا او [از طرف شرع] یاری شده است .

(الإسراء، ۳۳)

وَ لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُوراً (۳۴)

و به مال یتیم جز به بهترین وجه نزدیک مشوید تا به رشد برسد ، و به پیمان [خود] وفا کنید ، زیرا که از پیمان پرسش خواهد شد .

(الإسراء، ۳۴)

وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَ زِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِلاً (۳۵)

و چون پیمانه می‌کنید ، پیمانه را تمام دهید ، و با ترازوی درست بسنجید که این بهتر و خوش فرجام‌تر است .

(الإسراء، ۳۵)

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْنُونًا (۳۶)

و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن ، زیرا گوش و چشم و قلب ، همه مورد پرسش واقع خواهند شد .

(الإسراء، ۳۶)

وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا (۳۷)

و در [روی] زمین به نخوت گام برمدر ، چرا که هرگز زمین را نمی‌توانی شکافت ، و در بلندی به کوه‌ها نمی‌توانی رسید .

(الإسراء، ۳۷)

كُلُّ ذَلِكُمْ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا (۳۸)

همه این [کارها] بدش نزد پروردگار تو ناپسندیده است .

(الإسراء، ۳۸)

ذَلِكُمْ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُنْفِقَ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَدْحُورًا (۳۹)

این [سفارشها] از حکمت‌هایی است که پروردگارت به تو وحی کرده است ، و با خدای یگانه معبودی دیگر قرار مده ، و گرنه حسرت‌زده و مطرود در جهنم افکنده خواهی شد .

(الإسراء، ۳۹)

أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُم بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا (۴۰)

آیا [پنداشتید که] پروردگارتان شما را به [داشتن] پسران اختصاص داده ، و خود از فرشتگان دخترانی برگرفته است ؟ حَقًّا که شما سخنی بس بزرگ می‌گویید .

(الإسراء، ۴۰)

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكُرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا (۴۱)

و به راستی ، ما در این قرآن [حقایق را] گونه‌گون بیان کردیم ، تا پند گیرند ؛ و [لی] آنان را جز نفرت نمی‌افزاید .

(الإسراء، ۴۱)

قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذًا لَابْتَعَوْا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا (۴۲)

بگو : « اگر چنان که می‌گویند با او خدایانی [دیگر] بود ، در آن صورت حتماً در صدد جستن راهی به سوی [خداوند] ، صاحب عرش ، برمی‌آمدند . »

(الإسراء، ۴۲)

سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا (۴۳)

او [پاک و] منزّه است و از آنچه می‌گویند بسی والاتر است .

(الإسراء، ۴۳)

تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ خَلِيمًا غَفُورًا (۴۴)

آسمانهای هفتگانه و زمین و هر کس که در آنهاست او را تسبیح می‌گویند ، و هیچ چیز نیست مگر اینکه در حال ستایش ، تسبیح او می‌گوید ، ولی شما تسبیح آنها را در نمی‌یابید . به راستی که او همواره بردبار [و] آمرزنده است .

(الإسراء، ۴۴)

وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا (۴۵)

و چون قرآن بخوانی ، میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند پردای پوشیده قرار می‌دهیم .

(الإسراء، ۴۵)

وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذُكِرْتُمْ فِي الْقُرْآنِ وَحَدُّهُ وَلَوْ أَنَّ أَدْبَارَهُمْ نُفُورًا (۴۶)

و بر دل‌هایشان پوششها می‌نهیم تا آن را نفهمند و در گوش‌هایشان سنگینی [قرار می‌دهیم] و چون در قرآن پروردگار خود را به یگانگی یاد کنی با نفرت پشت می‌کنند .

(الإسراء، ۴۶)

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمْعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمْعُونَ إِلَيْكَ وَ إِذْ هُمْ نَجْوَى إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا (۴۷)

هنگامی که به سوی تو گوش فرا می‌دارند ما بهتر می‌دانیم به چه [منظور] گوش می‌دهند ، و [نیز] آن گاه که به نجوا می‌پردازند ؛ وقتی که ستمگران گویند : « جز مردی افسون‌شده را پیروی نمی‌کنید . »

(الإسراء، ۴۷)

انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا نَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا (۴۸)

ببین چگونه برای تو مثلها زدند و گمراه شدند ، در نتیجه راه به جایی نمی‌توانند ببرند .

(الإسراء، ۴۸)

وَ قَالُوا إِذَا كُنَّا عِظَامًا وَ رُفَاتًا أَ إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا (۴۹)

و گفتند : « آیا وقتی استخوان و خاک شدیم [باز] به آفرینشی جدید برانگیخته می‌شویم ؟ »

(الإسراء، ۴۹)

قُلْ كُونُوا حِجَازَةً أَوْ حَدِيدًا (۵۰)

بگو : « سنگ باشید یا آهن ،

(الإسراء، ۵۰)

أَوْ خَلْقًا مِمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَ يَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَرِيبًا (۵۱)

یا آفریده‌ای از آنچه در خاطر شما بزرگ می‌نماید [باز هم برانگیخته خواهید شد] . « پس خواهند گفت : « چه کسی ما را باز می‌گرداند ؟ » بگو : « همان کس که نخستین بار شما را پدید آورد . » [باز] سرهای خود را به طرف تو تکان می‌دهند و می‌گویند : « آن کی خواهد بود ؟ » بگو : « شاید که نزدیک باشد . »

(الإسراء، ۵۱)

يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ وَ تَتَّظِنُونَ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا (۵۲)

روزی که شما را فرا می‌خواند ، پس در حالی که او را ستایش می‌کنید اجابتش می‌نمایید و می‌پندارید که جز اندکی [در دنیا] نمانده‌اید .

(الإسراء، ۵۲)

وَ قُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنْ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُبِينًا (۵۳)

و به بندگانت بگو : « آنچه را که بهتر است بگویند ، که شیطان میانشان را به هم می‌زند ، زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است .

(الإسراء، ۵۳)

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِنْ يَشَأْ يُرْحَمَكُم أَوْ إِنْ يَشَأْ يُعَذِّبِكُمْ وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا (۵۴)

پروردگار شما به [حال] شما داناتر است ؛ اگر بخواهد بر شما رحمت می‌آورد ، یا اگر بخواهد شما را عذاب می‌کند ، و تو را بر ایشان نگهبان نفرستاده‌ایم .

(الإسراء، ۵۴)

وَ رَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ وَ آتَيْنَا دَاوُدَ زُبُورًا (۵۵)

و پروردگار تو به هر که [و هر چه] در آسمانها و زمین است داناتر است . و در حقیقت ، بعضی از انبیا را بر بعضی برتری بخشیدیم و به داوود زیور دادیم .

(الإسراء، ۵۵)

قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضَّرِّ عَنْكُمْ وَ لَا تَحْوِيلًا (۵۶)

بگو : « کسانی را که به جای او [معبود خود] پنداشتید ، بخوانید . [آنها] نه اختیاری دارند که از شما دفع زیان کنند و نه [آنکه بلایی را از شما] بگردانند .

(الإسراء، ۵۶)

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَى رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَ يَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَ يَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا (۵۷)

آن کسانی را که ایشان می‌خوانند [خود] به سوی پروردگارشان تقرب می‌جویند [تا بدانند] کدام يك از آنها [به او] نزدیکترند ، و به رحمت وی امیدوارند ، و از عذابش می‌ترسند ، چرا که عذاب پروردگارت همواره در خور پرهیز است .

(الإسراء، ٥٧)

وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا (٥٨)

و هیچ شهری نیست مگر اینکه ما آن را [در صورت نافرمانی ،] پیش از روز رستاخیز ، به هلاکت می‌رسانیم یا آن را سخت عذاب می‌کنیم . این [عقوبت] در کتاب [الهی] به قلم رفته است .

(الإسراء، ٥٨)

وَ مَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوَّلُونَ وَ آتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَ مَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخَوِيفًا (٥٩)

و [چیزی] ما را از فرستادن معجزات باز نداشت جز اینکه پیشینیان ، آنها را به دروغ گرفتند ، و به ثمود ماده شتر دادیم که [پدیده‌ای] روشنگر بود ، و [لی] به آن ستم کردند ، و ما معجزه‌ها را جز برای بیدادن [مردم] نمی‌فرستیم .

(الإسراء، ٥٩)

وَ إِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَ مَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَ الشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَ نَحْوْفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا (٦٠)

و [یاد کن] هنگامی را که به تو گفتیم : « به راستی پروردگارت بر مردم احاطه دارد . » و آن رؤیایی را که به تو نمایانیم ، و [نیز] آن درخت لعنت شده در قرآن را جز برای آزمایش مردم قرار ندادیم ؛ و ما آنان را بیم می‌دهیم ، ولی جز بر طغیان بیشتر آنها نمی‌افزاید .

(الإسراء، ٦٠)

وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَ اسْجُدْ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا (٦١)

و هنگامی را که به فرشتگان گفتیم : « برای آدم سجده کنید » پس [همه] جز ابلیس سجده کردند . گفت : « آیا برای کسی که از گل آفریدی سجده کنم ؟ »

(الإسراء، ٦١)

قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَنْ أُوْحِرَنَّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لِأَخْتِكَ أَنْ لَلَّذِي بَدَا لَكَ لَكِن لِقَلِيلًا (٦٢)

[سپس] گفت : « به من بگو : این کسی را که بر من برتری دادی [برای چه بود] ؟ اگر تا روز قیامت مهلتم دهی قطعاً فرزندانش را جز اندکی [از آنها] ریشه‌کن خواهم کرد . »

(الإسراء، ٦٢)

قَالَ أَهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا (٦٣)

فرمود : « برو که هر کس از آنان تو را پیروی کند مسلماً جهنم سزایتان خواهد بود که کیفری تمام است . »

(الإسراء، ٦٣)

وَ اسْتَفْرَزَ مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْهُمْ بِصُوتِهِ وَ أَجْلَبَ عَلَيْهِمْ بَخِيلُكَ وَ رَجَلِكِ وَ شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ وَ عَذَهُمْ وَ مَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (٦٤)

و از ایشان هر که را توانستی با آوای خود تحریک کن و با سواران و پیادگانت بر آنها بتاز و با آنان در اموال و اولاد شرکت کن و به ایشان وعده بده ، و شیطان جز فریب به آنها وعده نمی‌دهد .

(الإسراء، ٦٤)

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَ كَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا (٦٥)

« در حقیقت ، تو را بر بندگان من تسلطی نیست ، و حمایتگری [چون] پروردگارت بس است . »

(الإسراء، ٦٥)

رَبُّكُمْ الَّذِي يُرْجِي لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَنْتَبِهُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (٦٦)

پروردگار شما کسی است که کشتی را در دریا برای شما به حرکت در می‌آورد ، تا از فضل او برای خود بجویید ، چرا که او همواره به شما مهربان است .

(الإسراء، ٦٦)

وَ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَهُهُ فَلَمَّا تَجَاكُمُ إِلَى الْبَرِّ أَغْرَضْنَاهُمْ وَ كَانِ الْإِنْسَانُ كَفُورًا (٦٧)

و چون در دریا به شما صدمه‌ای برسد ، هر که را جز او می‌خوانید ناپدید [و فراموش] می‌گردد ، و چون [خدا] شما را به سوی خشکی رها کند ، رویگردان می‌شوید ، و انسان همواره ناسپاس است .

(الإسراء، ٦٧)

أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يُخَسِّفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَيْلًا (٦٨)

مگر ایمن شدید از اینکه شما را در کنار خشکی در زمین فرو برد یا بر شما طوفانی از سنگریزه‌ها بفرستد ، سپس برای خود نگاهبانی نیابید .

(الإسراء، ٦٨)

أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَى فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا (٦٩)

یا [مگر] ایمن شدید از اینکه بار دیگر شما را در آن [دریا] باز گرداند و تندبادی شکننده بر شما بفرستد و به [سزای] آنکه کفر ورزیدید غرقتان کند ؛ آن گاه برای خود در برابر ما کسی را نیابید که آن را دنبال کند ؟

(الإسراء، ٦٩)

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (٧٠)

و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم ، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکبها] برنشاندیم ، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم ، و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم .

(الإسراء، ٧٠)

يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمْهَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يَتَّخِذُونَ فَتِيلًا (٧١)

[یاد کن] روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان فرا می‌خوانیم . پس هر کس کارنامه‌اش را به دست راستش دهند ، آنان کارنامه خود را می‌خوانند و به قدر نخک هسته خرمایی به آنها ستم نمی‌شود .

(الإسراء، ٧١)

وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَصْلَى سَبِيلًا (٧٢)

و هر که در این [دنیا] کور [دل] باشد در آخرت [هم] کور [دل] و گمراهتر خواهد بود .

(الإسراء، ٧٢)

وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُوكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِيُنْفَرِيَّ عَلَيْنَا غِيْرَهُ وَإِذَا لَا تَأْخُذُوكَ خَلِيلًا (٧٣)

و چیزی نمانده بود که تو را از آنچه به سوی تو وحی کرده‌ایم گمراه کنند تا غیر از آن را بر ما ببندی و در آن صورت تو را به دوستی خود بگیرند .

(الإسراء، ٧٣)

وَلَوْ لَا أَنْ تَبْتَئَاكَ لَقَدْ جِئْتَ تَرَكُّنَ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا (٧٤)

و اگر تو را استوار نمی‌داشتیم ، قطعاً نزدیک بود کمی به سوی آنان متمایل شوی .

(الإسراء، ٧٤)

إِذَا لَا أَذُقْنَاكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا (٧٥)

در آن صورت ، حتماً تو را دو برابر [در] زندگی و دو برابر [پس از] مرگ [عذاب] می‌چشاندیم ، آن گاه در برابر ما برای خود یابوری نمی‌یافتی .

(الإسراء، ٧٥)

وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفْرِزُوكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذَا لَا يَلْبَثُونَ خِلَافَكَ إِلَّا قَلِيلًا (٧٦)

و چیزی نمانده بود که تو را از این سرزمین برکنند ، تا تو را از آنجا بیرون سازند ، و در آن صورت آنان [هم] پس از تو جز [زمان] اندکی نمی‌مانند ؛

(الإسراء، ٧٦)

سَنَّةً مِنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا (٧٧)

سنّتی که همواره در میان [امتهای] فرستادگانی که پیش از تو گسیل داشته‌ایم [جاری] بوده است ، و برای سنت [و قانون] ما تغییری نخواهی یافت .

(الإسراء، ٧٧)

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى عَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا (٧٨)

نماز را از زوال آفتاب تا نهایت تاریکی شب برپا دار ، و [نیز] نماز صبح را ، زیرا نماز صبح همواره [مقرون با] حضور [فرشتگان] است .

(الإسراء، ۷۸)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّخْمُودًا (۷۹)

و پاسی از شب را زنده بدار ، تا برای تو [به منزله] نافلة‌ای باشد ، امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند .

(الإسراء، ۷۹)

وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا (۸۰)

و بگو : « پروردگارا ، مرا [در هر کاری] به طرز درست داخل کن و به طرز درست خارج ساز ، و از جانب خود برای من تسلطی یاری‌بخش قرار ده . »

(الإسراء، ۸۰)

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (۸۱)

و بگو : « حق آمد و باطل نابود شد . آری ، باطل همواره نابودشدنی است . »

(الإسراء، ۸۱)

و نَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا (۸۲)

و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می‌کنیم ، و [لی] ستمگران را جز زیان نمی‌افزاید .

(الإسراء، ۸۲)

وَ إِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَ نَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يُنُوسًا (۸۳)

و چون به انسان نعمت ارزانی داریم ، روی می‌گرداند و پهلو تهی می‌کند ، و چون آسیبی به وی رسد نومید می‌گردد .

(الإسراء، ۸۳)

قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ فَرُبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا (۸۴)

بگو : « هر کس بر حسب ساختار [روانی و بدنی] خود عمل می‌کند ، و پروردگار شما به هر که راه‌یافته‌تر باشد داناتر است . »

(الإسراء، ۸۴)

وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَ مَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا (۸۵)

و در باره روح از تو می‌پرسند ، بگو : « روح از [سنخ] فرمان پروردگار من است ، و به شما از دانش جز اندکی داده نشده است . »

(الإسراء، ۸۵)

وَ لَدُنَّ شُجْرًا لَّتَذَهُنَّ بِالْأَيْمِ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلًا (۸۶)

و اگر بخواهیم ، قطعاً آنچه را به تو وحی کرده‌ایم می‌بریم ، آن گاه برای [حفظ] آن ، در برابر ما ، برای خود مدافعی نمی‌یابی ،

(الإسراء، ۸۶)

إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا (۸۷)

مگر رحمتی از جانب پروردگارت [به تو برسد] ، زیرا فضل او بر تو همواره بسیار است .

(الإسراء، ۸۷)

قُلْ لَنِي اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا (۸۸)

بگو : « اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند ، مانند آن را نخواهند آورد ، هر چند برخی از آنها پشتیبان برخی [دیگر] باشند . »

(الإسراء، ۸۸)

وَ لَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا (۸۹)

و به راستی در این قرآن از هر گونه مثلی ، گوناگون آوردیم ، ولی بیشتر مردم جز سر انکار ندارند .

(الإسراء، ۸۹)

وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعاً (۹۰)

و گفتند : « تا از زمین چشمه‌ای برای ما نجوشانی ، هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد .

(الإسراء، ۹۰)

أَوْ تَخُونَ لَكَ جَنَّةً مِنْ نَخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجَّرَ الْأَنْهَارُ خِلَالَهَا تَفْجِيراً (۹۱)

یا [باید] برای تو باغی از درختان خرما و انگور باشد و آشکارا از میان آنها جویبارها روان سازی ،

(الإسراء، ۹۱)

أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمَتْ عَلَيْنَا مِثْقَالَ أُوتٍ أَوْ تَأْتِي بَالِئًا وَمَلَائِكَةً قَبِيلاً (۹۲)

یا چنان که ادعا می‌کنی ، آسمان را پاره پاره بر [سر] ما فرو اندازی ، یا خدا و فرشتگان را در برابر [ما حاضر] آوری ،

(الإسراء، ۹۲)

أَوْ يَكُونُ لَكَ بَيْتٌ مِنْ زُرْهُبٍ أَوْ تَرْقَى فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرُؤْيَاكَ حَتَّى تَنْزِلَ عَلَيْنَا كِتَاباً نَقْرُؤُهُ فَلَئِنْ سَبَّحْنَا رَبِّي هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا (۹۳)

یا برای تو خانه‌ای از طلا [کاری] باشد ، یا به آسمان بالا روی ، و به بالا رفتن تو [هم] اطمینان نخواهیم داشت ، تا بر ما کتابی نازل کنی که آن را بخوانیم . « بگو : « پاک است پروردگار من ، آیا [من] جز بشری فرستاده هستم ؟ »

(الإسراء، ۹۳)

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا (۹۴)

و [چیزی] مردم را از ایمان آوردن باز نداشت ، آن گاه که هدایت برایشان آمد ، جز اینکه گفتند : « آیا خدا بشری را به سیمت رسول مبعوث کرده است ؟ »

(الإسراء، ۹۴)

فَلَنْ نُؤْمِنَ بِكَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةً يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَنْزِلُنَا عَلَيْهِنَّ مِنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا (۹۵)

بگو : « اگر در روی زمین فرشتگانی بودند که با اطمینان راه می‌رفتند ، البته بر آنان [نیز] فرشته‌ای را بعنوان پیامبر از آسمان نازل می‌کردیم . »

(الإسراء، ۹۵)

فَلَنْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا (۹۶)

بگو : « میان من و شما ، گواه بودن خدا کافی است ، چرا که او همواره به [حال] بندگانش آگاه بینا است . »

(الإسراء، ۹۶)

وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَعَلَىٰ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَعَلَىٰ ضَلَالٍ لَهُمْ قَدْ تَجَدَّ لَهُمْ أَوْلِيَاءُ مِنْ دُونِهِ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمُقًا وَصَمًّا مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا (۹۷)

و هر که را خدا هدایت کند او رهیافته است ، و هر که را گمراه سازد ، در برابر او برای آنان هرگز دوستانی نیایی ، و روز قیامت آنها را کور و لال و کر ، به روی چهره‌شان درافتاده ، برخواهیم انگیخت : جایگاهشان دوزخ است . هر بار که آتش آن فرو نشیند ، شراره‌ای [تازه] برایشان می‌افزاییم .

(الإسراء، ۹۷)

ذَلِكُمْ جَزَاءُ هُمُ بَأْسُهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا إِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَلَيْسَ لِمَنْبُوعُونِ خَلْقًا جَدِيدًا (۹۸)

جزای آنها این است ، چرا که آیات ما را انکار کردند و گفتند : « آیا وقتی ما استخوان و خاک شدیم [باز] در آفرینشی جدید برانگیخته خواهیم شد ؟ »

(الإسراء، ۹۸)

أَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَهُمْ أَجْلًا لَا رَيْبَ فِيهِ فَآبَى الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا (۹۹)

آیا ندانستند که خدایی که آسمانها و زمین را آفریده ، تواناست که مانند آنان را بیافریند و [همان خداست که] برایشان زمانی مقرر فرموده که در آن هیچ شکی نیست ؟ و [لی] ستمگران جز انکار [چیزی] را [نپذیرفتند] .

(الإسراء، ۹۹)

فَلَنْ نُؤْمِنُ بِكُمْ تَمَلِّحُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسُكَنَّكُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا (۱۰۰)

بگو: « اگر شما مالک گنجینه‌های رحمت پروردگارم بودید، باز هم از بیم خرج کردن قطعاً امساک می‌ورزیدید، و انسان همواره بخیل است. »

(الإسراء، ۱۰۰)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَاسْتَأْذَنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَىٰ مَسْحُورًا (۱۰۱)

و در حقیقت، ما به موسی نه نشانه آشکار دادیم پس، از فرزندان اسرائیل بپرس آن گاه که نزد آنان آمد، و فرعون به او گفت: « ای موسی، من جداً تو را افسون‌شده می‌پندارم. »

(الإسراء، ۱۰۱)

قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَمَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بَصَائِرَ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مَثْبُورًا (۱۰۲)

گفت: « قطعاً می‌دانی که این [نشانه‌ها] را که باعث بینش‌هست، جز پروردگار آسمانها و زمین نازل نکرده است، و راستی ای فرعون، تو را تباه شده می‌پندارم. »

(الإسراء، ۱۰۲)

فَأَرَادَ أَنْ يَنْتَفِرَهُمْ مِنَ الْأَرْضِ فَأَعْرَضْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ جَمِيعًا (۱۰۳)

پس [فرعون] تصمیم گرفت که آنان را از سرزمین [مصر] برکند، پس او و هر که را با وی بود همه را غرق کردیم.

(الإسراء، ۱۰۳)

وَقُلْنَا مَنْ بَعْدَهُ لَبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا (۱۰۴)

و پس از او به فرزندان اسرائیل گفتیم: « در این سرزمین ساکن شوید، پس چون وعده آخرت فرا رسد شما را همه با هم محشور می‌کنیم. »

(الإسراء، ۱۰۴)

و بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَّلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا (۱۰۵)

و آن [قرآن] را به حق فرود آوردیم و به حق فرود آمد، و تو را جز بشارت‌دهنده و بیم‌رسان نفرستادیم.

(الإسراء، ۱۰۵)

و قَرَأْنَا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَىٰ مَكْثٍ وَ نَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا (۱۰۶)

و قرآنی [با عظمت] را [بخش بخش] نازل کردیم تا آن را به آرامی بر مردم بخوانی، و آن را به تدریج نازل کردیم.

(الإسراء، ۱۰۶)

قُلْ آمَنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأُنْقَابِ سُجَّدًا (۱۰۷)

بگو: « [چه] به آن ایمان بیاورید یا نیاورید، بی‌گمان کسانی که پیش از [نزل] آن دانش یافته‌اند، چون [این کتاب] بر آنان خوانده شود سجده‌کنان به روی درمی‌افتند. »

(الإسراء، ۱۰۷)

و يَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا (۱۰۸)

و می‌گویند: « منزه است پروردگار ما، که وعده پروردگار ما قطعاً انجام شدنی است. »

(الإسراء، ۱۰۸)

و يَخِرُّونَ لِلْأُنْقَابِ نَبْكَوْنَ وَ يَزِيدُهُمْ خُشُوعًا (۱۰۹)

و بر روی زمین می‌افتند و می‌گیرند و بر فروتنی آنها می‌افزاید.

(الإسراء، ۱۰۹)

قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَدْعُوا الرِّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَ لَا تَجْهَرُوا بِصَلَاتِكُمْ وَ لَا تُخَافُوا بِهَا وَ ابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا (۱۱۰)

بگو: « خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید، هر کدام را بخوانید، برای او نامهای نیکوتر است. » و نمازت را به آواز بلند مخوان و بسیار آهسته‌اش مکن، و میان این [و آن] راهی [میان] جوی.

(الإسراء، ۱۱۰)

وَ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَّلِيٌّ مِنَ الدُّنْيَا وَ كَبَّرَهُ تَكْبِيرًا (۱۱۱)

۶۰۴ / ۲۱۴

و بگو: « ستایش خدایی را که نه فرزندی گرفته و نه در جهانداری شریکی دارد و نه خوار بوده که [نیاز به] دوستی داشته باشد. » و او را بسیار بزرگ شمار.

(الإسراء، ۱۱۱)

ترتیبها- ۱۸	سوره الكهف	مکی-آیاتها- ۱۱۰
-------------	------------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الکھف، ۰)

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَىٰ عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَ لَمْ يُجْعَلْ لَهُ عِوَجًا (۱)

ستایش خدایی را که این کتاب [آسمانی] را بر بنده خود فرو فرستاد و هیچ گونه کژی در آن ننهاد ،

(الکھف، ۱)

قِيمًا لِيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّنْ لَّدُنْهُ وَ يُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا (۲)

[کتابی] راست و درست ، تا [گناهکاران را] از جانب خود به عذابی سخت بیم دهد ، و مؤمنانی را که کارهای شایسته می‌کنند نوید بخشد که برای آنان پاداشی نیکوست .

(الکھف، ۲)

مَا كُتِبَ فِيهِ آيَاتٌ (۳)

در حالی که جاودانه در آن [بهشت] ماندگار خواهند بود .

(الکھف، ۳)

وَ يُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا (۴)

و تا کسانی را که گفته‌اند : خداوند فرزندی گرفته است ، هشدار دهد .

(الکھف، ۴)

مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَ لَا لِآبَائِهِمْ كَبِرَتْ كَلِمَةٌ تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا (۵)

نه آنان و نه پدرانشان به این [ادعا] دانشی ندارند . بزرگ سخنی است که از دهانشان برمی‌آید . [آنان] جز دروغ نمی‌گویند .

(الکھف، ۵)

فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا (۶)

شاید ، اگر به این سخن ایمان نیاورند ، تو جان خود را از اندوه ، در پیگیری [کار] شان تباہ کنی .

(الکھف، ۶)

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا (۷)

در حقیقت ، ما آنچه را که بر زمین است ، زیوری برای آن قرار دادیم ، تا آنان را بیازماییم که کدام يك از ایشان نیکوکارترند .

(الکھف، ۷)

وَ إِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا (۸)

و ما آنچه را که بر آن است ، قطعاً بیابانی بی‌گیاه خواهیم کرد .

(الکھف، ۸)

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَ الرِّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا (۹)

مگر پنداشتی اصحاب کھف و رقیم [خفتگان غار لوحهدار] از آیات ما شگفت بوده است ؟

(الکھف، ۹)

إِذْ أَوَى الْفِتْيَةَ إِلَى الْكَهْفِ فَنَادُوا رَبَّنَا إِنَّا مِن دُونِكَ رَحْمَةً وَ هَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا (١٠)

آن گاه که جوانان به سوی غار پناه جستند و گفتند : « پروردگار ما ! از جانب خود به ما رحمتی بخش و کار ما را برای ما به سامان رسان . »

(الکھف، ١٠)

فَضَرَبْنَا عَلَى آدَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا (١١)

پس در آن غار ، سالیانی چند بر گوشه‌هایشان پرده زدیم .

(الکھف، ١١)

ثُمَّ بَعَثْنَا لَهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِئُوا أَمَدًا (١٢)

آن گاه آنان را بیدار کردیم ، تا بدانیم کدام يك از آن دو دسته ، مدت درنگشان را بهتر حساب کرده‌اند .

(الکھف، ١٢)

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَا لَهُم هُدًى (١٣)

ما خبرشان را بر تو درست حکایت می‌کنیم : آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آورده بودند و بر هدایتشان افزودیم .

(الکھف، ١٣)

وَ رَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا (١٤)

و دل‌هایشان را استوار گردانیدیم آن گاه که [به قصد مخالفت با شرک] برخاستند و گفتند : « پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمین است . جز او هرگز معبودی را نخواهیم خواند ، که در این صورت قطعاً ناصواب گفته‌ایم . »

(الکھف، ١٤)

هُؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَوْ لَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيِّنٍ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا (١٥)

این قوم ما جز او معبودانی اختیار کرده‌اند . چرا بر [حقیقت] آنها برهانی آشکار نمی‌آورند ؟ پس کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بندد ؟

(الکھف، ١٥)

وَ إِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْأَىٰ إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ يَهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مَرْفَقًا (١٦)

و چون از آنها و از آنچه که جز خدا می‌پرستند کناره گرفتید ، پس به غار پناه جوید ، تا پروردگارتان از رحمت خود بر شما بگستراند و برای شما در کارتان گشایشی فراهم سازد .

(الکھف، ١٦)

وَ تَرَى السَّمْنَ إِذَا طَلَعْتَ تَزَاوَرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَ إِذَا غَرَبَتْ تَقَرَّبُ مِنْهُمْ ذَاتَ الشَّمَالِ وَ هُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْهُ ذَلِكُمْ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّ اللَّهُ هُوَ الْمُهْتَدِ وَ مَنْ يَضِلَّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْسِدًا (١٧)

و آفتاب را می‌بینی که چون برمی‌آید ، از غارشان به سمت راست مایل است ، و چون فرو می‌شود از سمت چپ دامن برمی‌چیند ، در حالی که آنان در جایی فراخ از آن [غار] قرار گرفته [اند . این از نشانه‌های [قدرت] خداست . خدا هر که را راهنمایی کند او راه‌یافته است ، و هر که را بی‌راه گذارد ، هرگز برای او یاری و راهبر نخواهی یافت .

(الکھف، ١٧)

وَ تَحْسَبُهُمْ آيِقَاطًا وَ هُمْ رُقُودٌ وَ نَقَلْنَاهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَ ذَاتَ الشَّمَالِ وَ كَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَ لَمَلَّنتَ مِنْهُمْ رُغْبًا (١٨)

و می‌پنداری که ایشان بیدارند ، در حالی که خفته‌اند و آنها را به پهلو راست و چپ می‌گردانیم ، و سگشان بر آستانه [غار] دو دست خود را دراز کرده [بود] . اگر بر حال آنان اطلاع می‌یافتی ، گریزان روی از آنها برمی‌تافتی و از [مشاهده] آنها آکنده از بیم می‌شدی .

(الکھف، ١٨)

وَ كَذَلِكِ بَعَثْنَا لَهُمْ لِيَسْأَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَبِئْتُمْ قَالُوا لَبِئْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِئْتُمْ فَابْتَعُوا بِحُرْمَتِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَ لِيَتَلَطَّفَ وَ لَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا (١٩)

و این چنین بیدارشان کردیم ، تا میان خود از یکدیگر پرسش کنند . گوینده‌ای از آنان گفت : « چقدر مانده‌اید ؟ » گفتند : « روزی یا پاره‌ای از روز را مانده‌ایم . » [سرانجام] گفتند : « پروردگارتان به آنچه مانده‌اید داناتر است ، اینک یکی از خودتان را با این پول خود به شهر بفرستید ، تا ببیند کدام يك از غذاهای آن پاکیزه‌تر است و از آن ، غذایی برایتان بیاورد ، و باید زیرکی به خرج دهد و هیچ کس را از [حال] شما آگاه نگرداند .

(الکھف، ۱۹)

إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا (۲۰)

چرا که اگر آنان بر شما دست یابند ، سنگسارتان می‌کنند یا شما را به کیش خود بازمی‌گردانند ، و در آن صورت هرگز روی رستگاری نخواهید دید .

(الکھف، ۲۰)

وَ كَذَلِكَ أَعِزَّنَا عَلَيْهِمْ لِیُعْظَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ أَنَّ السَّاعَةَ لَا رَیْبَ فِیْهَا إِذْ یَتَنَازَعُونَ بَیْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَیْهِمْ بُنَیَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَیْهِمْ لَنُتَّخِذَنَّ عَلَیْهِمْ مَسْجِدًا (۲۱)

و بدین گونه [مردم آن دیار را] بر حالشان آگاه ساختیم تا بدانند که وعده خدا راست است و [در فرا رسیدن] قیامت هیچ شکی نیست ، هنگامی که میان خود در کارشان با یکدیگر نزاع می‌کردند ، پس [عده‌ای] گفتند : « بر روی آنها ساختمانی بنا کنید ، پروردگارشان به [حال] آنان داناتر است . » [سرانجام] کسانی که بر کارشان غلبه یافتند گفتند : « حتماً بر ایشان معبدی بنا خواهیم کرد . »

(الکھف، ۲۱)

سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَابِعُهُمْ كُذِّبُوا وَ يَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كُذِّبُوا وَ يُقُولُونَ سَبْعَةٌ وَ يَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَ ثَامِنُهُمْ كُذِّبُوا فَمَنْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تَمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَ لَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا (۲۲)

به زودی خواهند گفت : « سه تن بودند [و] چهارمین آنها سگشان بود . » و می‌گویند : « پنج تن بودند [و] ششمین آنها سگشان بود . » تیر در تاریکی می‌اندازند . و [عده‌ای] می‌گویند : « هفت تن بودند و هشتمین آنها سگشان بود . » بگو : « پروردگارم به شماره آنها آگاه‌تر است ، جز اندکی [کسی شماره] آنها را نمی‌داند . » پس درباره ایشان جز به صورت ظاهر جدال مکن و در مورد آنها از هیچ کس جويا مشو .

(الکھف، ۲۲)

وَ لَا تَقُولْ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكُمْ عَبْدًا (۲۳)

و زنهار در مورد چیزی مگوی که من آن را فردا انجام خواهم داد .

(الکھف، ۲۳)

إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَ اذْكَرُ رَبِّكَ إِذَا نَسِيتَ وَ قُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِيَنَّ رَبِّي لِأَقْرَبٍ مِنْ هَذَا رَشَدًا (۲۴)

مگر آنکه خدا بخواهد ، و چون فراموش کردی پروردگارت را یاد کن و بگو : « امید که پروردگارم مرا به راهی که نزدیکتر از این به صواب است ، هدایت کند . »

(الکھف، ۲۴)

وَ لَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَ اذْدَادُوا تِسْعًا (۲۵)

و سیصد سال در غارشان درنگ کردند و نه سال [نیز بر آن] افزودند .

(الکھف، ۲۵)

قُلْ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ أَبْصِرُ بِهِ وَ أَسْمِعُ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا (۲۶)

بگو : « خدا به آنچه درنگ کردند داناتر است . نهان آسمانها و زمین به او اختصاص دارد . وه ! چه بینا و شنواست . برای آنان یابوری جز او نیست و هیچ کس را در فرمانروایی خود شریک نمی‌گیرد . »

(الکھف، ۲۶)

وَ ائْتِلْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَ لَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا (۲۷)

و آنچه را که از کتاب پروردگارت به تو وحی شده است بخوان . کلمات او را تغییردهنده‌ای نیست ، و جز او هرگز پناهی نخواهی یافت .

(الکھف، ۲۷)

وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَ الْعِصِيِّ يَرِيدُونَ وَجْهَهُ وَ لَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ لَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ وَ كَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا (۲۸)

و با کسانی که پروردگارشان را صبح و شام می‌خوانند [و] خشنودی او را می‌خواهند ، شکیبایی پیشه کن ، و دو دیدات را از آنان برمگیر که زیور زندگی دنیا را بخواهی ، و از آن کس که قلبش را از یاد خود غافل ساخته‌ایم و از هوس خود پیروی کرده و [اساس] کارش بر زیادروی است ، اطاعت مکن .

(الکھف، ۲۸)

وَقَالَ الْحَقُّ مَنْ رَبُّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَ مَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سَرَافُهَا وَإِنْ يَسْتَعِثِبُوا يَغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَ سَاعَتٌ مُرْتَفَقًا (٢٩)

و بگو: « حق از پروردگارتان [رسیده] است . پس هر که بخوهد بگردد و هر که بخوهد انکار کند ، که ما برای ستمگران آتشی آماده کرده‌ایم که سراپرده‌هایش آنان را در بر می‌گیرد ، و اگر فریادرسی جویند ، به آبی چون مس گداخته که چهره‌ها را بریان می‌کند یاری می‌شوند . وه ! چه بد شرابی و چه زشت جایگاهی است . »

(الکھف، ٢٩)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا (٣٠)

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند [بدانند که] ما پاداش کسی را که نیکوکاری کرده است تباه نمی‌کنیم .

(الکھف، ٣٠)

أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ يَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَ إِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَ حَسْبَتْ مُرْتَفَقًا (٣١)

آنانند که بهشت‌های عدن به ایشان اختصاص دارد که از زیر [قصرها] شان جویبارها روان است . در آنجا با دستبندهایی از طلا آراسته می‌شوند و جامه‌هایی سبز از پرنیان نازک و حریر سبتر می‌پوشند . در آنجا بر سریرها تکیه می‌زنند . چه خوش پاداش و نیکو تکیه‌گاهی !

(الکھف، ٣١)

وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا زَلَّتْ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَ حَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زُرْعًا (٣٢)

و برای آنان ، آن دو مرد را مثل بزن که به یکی از آنها دو باغ انگور دادیم و پیرامون آن دو [باغ] را با درختان خرما پوشانیدیم ، و میان آن دو را کشتزاری قرار دادیم .

(الکھف، ٣٢)

كَلَّمَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أُكُلَهَا وَ لَمْ تَنْظِلْ مِنْهُ شَيْئًا وَ فَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا نَهْرًا (٣٣)

هر يك از این دو باغ محصول خود را [به موقع] می‌داد و از [صاحبش] چیزی دریغ نمی‌ورزید ، و میان آن دو [باغ] نهری روان کرده بودیم .

(الکھف، ٣٣)

وَ كَانَ لَهُ تَمْرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَ هُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَ أَغْرُ نَقْرًا (٣٤)

و برای او میوه فراوان بود . پس به رفیقش در حالی که با او گفت و گو می‌کرد گفت : « مال من از تو بیشتر است و از حیث افراد از تو نیرومندترم . »

(الکھف، ٣٤)

وَ دَخَلَ جَنَّتَهُ وَ هُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَنْ تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا (٣٥)

و در حالی که او به خویشتن ستمکار بود ، داخل باغ شد [و] گفت : « گمان نمی‌کنم این نعمت هرگز زوال پذیرد . »

(الکھف، ٣٥)

وَ مَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَ لَنْ رُدُّنْتَ إِلَى رَبِّي لِأَجْدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا (٣٦)

و گمان نمی‌کنم که رستاخیز بر پا شود ، و اگر هم به سوی پروردگارم بازگردانده شوم قطعاً بهتر از این را در بازگشت ، خواهم یافت .

(الکھف، ٣٦)

قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَ هُوَ يُحَاوِرُهُ أَ كَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّكَ زَجْلًا (٣٧)

رفیقش در حالی که با او گفت و گو می‌کرد به او گفت : « آیا به آن کسی که تو را از خاک ، سپس از نطفه آفرید ، آن گاه تو را [به صورت] مردی درآورد ، کافر شدی ؟ »

(الکھف، ٣٧)

لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَ لَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا (٣٨)

اما من [می‌گویم] : اوست خدا ، پروردگار من ، و هیچ کس را با پروردگارم شریک نمی‌سازم .

(الکھف، ٣٨)

وَ لَوْ لَا إِدْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنَّ تَرَنَّا أَنَا أَقَلُّ مِنْكَ مَالًا وَ وَلَدًا (٣٩)

و چون داخل باغ شدی ، چرا نگفتی : ما شاء الله ، نیرویی جز به [قدرت] خدا نیست . اگر مرا از حیث مال و فرزند کمتر از خود می‌بینی ،

(الکھف، ۳۹)

فَعَسَىٰ رَبِّي أَن يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِّنْ جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاءِ فَيُصْبِحُ صَعِيدًا زَلَقًا (۴۰)

امید است که پروردگارم بهتر از باغ تو به من عطا فرماید ، و بر آن [باغ تو] آفتی از آسمان بفرستد ، تا به زمینی هموار و لغزنده تبدیل گردد ؛

(الکھف، ۴۰)

أَوْ يُصْبِحُ مَأْوَاهَا غُورًا فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلِبًا (۴۱)

یا آب آن [در زمین] فروکش کند تا هرگز نتوانی آن را به دست آوری . «

(الکھف، ۴۱)

وَ أُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَا أَنفَقَ فِيهَا وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَخَذًا (۴۲)

[تا به او رسید آنچه را باید برسد] و [آفت آسمانی] میوه‌هایش را فرو گرفت . پس برای [از کف دادن] آنچه در آن [باغ] هزینه کرده بود ، دستهایش را بر هم می‌زد در حالی که داربستهای آن فرو ریخته بود . و [به حسرت] می‌گفت : « ای کاش هیچ کس را شریک پروردگارم نمی‌ساختم . »

(الکھف، ۴۲)

وَ لَمْ تَكُنْ لَهُ فِئَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَ مَا كَانَ مُنْتَصِرًا (۴۳)

و او را در برابر خدا گروهی نبود ، تا یاریش کنند ، و توانی نداشت که خود را یاری کند .

(الکھف، ۴۳)

هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ عُقْبًا (۴۴)

در آنجا [آشکار شد که] یاری به خدای حق تعلق دارد . اوست بهترین پاداش و [اوست] بهترین فرجام .

(الکھف، ۴۴)

وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ وَ كَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا (۴۵)

و برای آنان زندگی دنیا را مثل بزن که مانند آبی است که آن را از آسمان فرو فرستادیم ؛ سپس گیاه زمین با آن درآمیخت و [چنان] خشک گردید که بادهای پراکنده‌اش کردند ، و خداست که همواره بر هر چیزی تواناست .

(الکھف، ۴۵)

الْمَالُ وَ النَّبُوتُ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمَلًا (۴۶)

مال و پسران زیور زندگی دنیایند ، و نیکیهای ماندگار از نظر پاداش نزد پروردگارت بهتر و از نظر امید [نیز] بهتر است .

(الکھف، ۴۶)

وَ يَوْمَ نُسِزُ الْجِبَالَ وَ تَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَ حَشَرْنَا هُمْ فَلَمَّ نُعَابِرُ مِنْهُمْ أَخَذًا (۴۷)

و [یاد کن] روزی را که کوه‌ها را به حرکت درمی‌آوریم ، و زمین را آشکار [و صاف] می‌بینی ، و آنان را گرد می‌آوریم و هیچ يك را فرو گذار نمی‌کنیم .

(الکھف، ۴۷)

وَ غَرَضُوا عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْجِدًا (۴۸)

و ایشان به صف بر پروردگارت عرضه می‌شوند [و به آنها می‌فرماید :] به راستی همان گونه که نخستین بار شما را آفریدیم [باز] به سوی ما آمدید ، بلکه پنداشتید هرگز برای شما موعدی مقرر نخواهیم داد .

(الکھف، ۴۸)

وَ وُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَ يَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَ وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَ لَا يَظْلُمُ رَبُّكَ أَحَدًا (۴۹)

و کارنامه [عمل شما در میان] نهاده می‌شود ، آن گاه بزهکاران را از آنچه در آن است بیمناک می‌بینی ، و می‌گویند : « ای وای بر ما ، این چه نامه‌ای است که هیچ [کار] کوچک و بزرگی را فرو نگذاشته ، جز اینکه همه را به حساب آورده است . » و آنچه را انجام داده‌اند حاضر یابند ، و پروردگار تو به هیچ کس ستم روا نمی‌دارد .

(الکھف، ۴۹)

وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَ فَتَتَّخِذُونَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِي وَ هُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ لِّلظَّالِمِينَ بَدَلًا (۵۰)

و [یاد کن] هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: « آدم را سجده کنید، » پس [همه] جز ابلیس سجده کردند، که از [گروه] جن بود و از فرمان پروردگارش سرپیچید. آیا [با این حال]، او و نسلش را به جای من دوستان خود می‌گیرید، و حال آنکه آنها دشمن شمايند؟ و چه بد جانشینانی برای ستمگرانند.

(الکھف، ۵۰)

مَا أَشْهَدْتَهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ وَلَا كُنْتُمْ مَتَّخِذَ الْمُضَلِّينَ عَصْدًا (۵۱)

[من] آنان را نه در آفرینش آسمانها و زمین به شهادت طلبیدم و نه در آفرینش خودشان. و من آن نیستم که گمراهگران را همکار خود بگیرم.

(الکھف، ۵۱)

وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَذَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَوْبِقًا (۵۲)

و [یاد کن] روزی را که [خدا] می‌گوید: « آنهایی را که شریکان من پنداشتید، ندا دهید، » پس آنها را بخوانند و [لی] اجابتشان نکنند، و ما میان آنان ورطه‌ای قرار دهیم.

(الکھف، ۵۲)

وَرَأَى الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُوَاقِعُهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا (۵۳)

و گناهکاران آتش [دوزخ] را می‌بینند و درمی‌یابند که در آن خواهند افتاد، و از آن راه گریزی نیابند.

(الکھف، ۵۳)

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا (۵۴)

و به راستی در این قرآن، برای مردم از هر گونه مثلی آوردیم، و [لی] انسان بیش از هر چیز سرِ جدال دارد.

(الکھف، ۵۴)

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةٌ الْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا (۵۵)

و چیزی مانع مردم نشد از اینکه وقتی هدایت به سویشان آمد ایمان بیاورند، و از پروردگارشان آمرزش بخواهند، جز اینکه [مستحق شوند] تا سنت [خدا در مورد عذاب] پیشینیان، در باره آنان [نیز] به کار رود، یا عذاب رویارویشان بیاید.

(الکھف، ۵۵)

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَجَادِلِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنذِرُوا هُزُوعًا (۵۶)

و پیامبران [خود] را جز بشارت‌دهنده و بیم‌رسان گسیل نمی‌داریم، و کسانی که کافر شده‌اند، به باطل مجادله می‌کنند تا به وسیله آن، حق را پایمال گردانند، و نشانه‌های من آنچه را [بدان] بیم داده شده‌اند به ریشخند گرفتند.

(الکھف، ۵۶)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاؤُنَا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آدَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا (۵۷)

و کیست ستمکارتر از آن کس که به آیات پروردگارش پند داده شده، و از آن روی برتافته، و دستاورد پیشینه خود را فراموش کرده است؟ ما بر دل‌های آنان پوششهایی قرار دادیم تا آن را درنیابند و در گوشه‌هایشان سنگینی [نهادیم]. و اگر آنها را به سوی هدایت فراخوانی باز هرگز به راه نخواهند آمد.

(الکھف، ۵۷)

وَرَبِّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَلْ لَهُمُ الْعَذَابُ لَوْلَا أَنَّهُمْ مَوْعَدٌ لَّنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْئِلًا (۵۸)

و پروردگار تو آمرزنده [و] صاحب رحمت است. اگر به [جرم] آنچه مرتکب شده‌اند، آنها را مواخذه می‌کرد، قطعاً در عذاب آنان تعجیل می‌نمود [ولی چنین نمی‌کند] بلکه برای آنها سر رسیدی است که هرگز از برابر آن راه گریزی نمی‌یابند.

(الکھف، ۵۸)

وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَمْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْجِدًا (۵۹)

و [مردم] آن شهرها چون بیدادگری کردند، هلاکشان کردیم، و برای هلاکتشان موعدی مقرر داشتیم.

(الکھف، ۵۹)

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا (۶۰)

و [یاد کن] هنگامی را که موسی به جوان [همراه] خود گفت : « دست بردار نیستم تا به محل برخورد دو دریا برسم ، هر چند سالها [ی سال] سیر کنم . »

(الکهِف، ۶۰)

فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنَهُمَا نِسِيَا خُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا (۶۱)

پس چون به محل برخورد دو [دریا] رسیدند ، ماهی خودشان را فراموش کردند ، و ماهی در دریا راه خود را در پیش گرفت [و رفت] .

(الکهِف، ۶۱)

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ إِنِّي خَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا (۶۲)

و هنگامی که [از آنجا] گذشتند [موسی] به جوان خود گفت : « غذایمان را بیاور که راستی ما از این سفر رنج بسیار دیدیم . »

(الکهِف، ۶۲)

قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْخُوتَ وَ مَا أَنَسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَ اتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا (۶۳)

گفت : « دیدی ؟ وقتی به سوی آن صخره پناه جستیم ، من ماهی را فراموش کردم ، و جز شیطان ، [کسی] آن را از یاد من نبرد ، تا به یادش باشم ، و به طور عجیبی راه خود را در دریا پیش گرفت . »

(الکهِف، ۶۳)

قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبِغُ فَارْتَدَّا عَلَى آثَارِهِمَا قَصَصًا (۶۴)

گفت : « این همان بود که ما می‌جستیم . » پس جستجوکنان رد پای خود را گرفتند و برگشتند .

(الکهِف، ۶۴)

فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عَدُنَا وَ عَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا (۶۵)

تا بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که از جانب خود به او رحمتی عطا کرده و از نزد خود بدو دانشی آموخته بودیم .

(الکهِف، ۶۵)

قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَيْتَكَ عَلَى أَنْ تَعْلَمَنَ مِمَّا عَلَّمْتُ رُشْدًا (۶۶)

موسی به او گفت : « آیا تو را به شرط اینکه از بینشی که آموخته شده‌ای به من یاد دهی پیروی کنم ؟ »

(الکهِف، ۶۶)

قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا (۶۷)

گفت : « تو هرگز نمی‌توانی همپای من صبر کنی . »

(الکهِف، ۶۷)

وَ كَيْفَ تَصْبِرُ عَلَى مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا (۶۸)

و چگونه می‌توانی بر چیزی که به شناخت آن احاطه نداری صبر کنی ؟ »

(الکهِف، ۶۸)

قَالَ سَتَجِدُنِي إِِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَ لَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا (۶۹)

گفت : « ان شاء الله مرا شکیبا خواهی یافت و در هیچ کاری تو را نافرمانی نخواهم کرد . »

(الکهِف، ۶۹)

قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّى أُحَدِّثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا (۷۰)

گفت : « اگر مرا پیروی می‌کنی ، پس از چیزی سؤال مکن ، تا [خود] از آن با تو سخن آغاز کنم . »

(الکهِف، ۷۰)

فَأَنطَلَقَا حَتَّى إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخْرِقْتُهَا لِتُعْرَقَ أَهْلُهَا لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِمْرًا (۷۱)

پس رهسپار گردیدند ، تا وقتی که سوار کشتی شدند ، [وی] آن را سوراخ کرد . [موسی] گفت : « آیا کشتی را سوراخ کردی تا سرنشینانش را غرق کنی ؟ واقعاً به کار ناروایی مبادرت ورزیدی . »

(الکھف، ۷۱)

قَالَ أَمْ لَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا (۷۲)

گفت : « آیا نگفتم که تو هرگز نمی‌توانی همپای من صبر کنی ؟ »

(الکھف، ۷۲)

قَالَ لَا تُؤَاخِذُنِي بِمَا نَسِيتُ وَ لَا تُزِهِنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا (۷۳)

[موسی] گفت : « به سبب آنچه فراموش کردم ، مرا مواخذه مکن و در کارم بر من سخت مگیر . »

(الکھف، ۷۳)

فَاتَّطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَذَلَّلْتَهُ قَالَ أَ تَلَثْتُ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا (۷۴)

پس رفتند تا به نوجوانی برخوردند . [بنده ما] او را کشت . [موسی به او] گفت : « آیا شخص بی‌گناهی را بدون اینکه کسی را به قتل رسانده باشد کشتی ؟ واقعاً کار ناپسندی مرتکب شدی . »

(الکھف، ۷۴)

قَالَ أَمْ لَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا (۷۵)

گفت : « آیا به تو نگفتم که هرگز نمی‌توانی همپای من صبر کنی ؟ »

(الکھف، ۷۵)

قَالَ إِن سَأَلْتَهُ عَن شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبْنِي قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِّي عُذْرًا (۷۶)

[موسی] گفت : « اگر از این پس چیزی از تو پرسیدم ، دیگر با من همراهی مکن [و] از جانب من قطعاً معذور خواهی بود . »

(الکھف، ۷۶)

فَاتَّطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطْعَمَا أَهْلُهَا فَأَبَوْا أَنْ يُضَيِّقُوا لَهُمَا فُوجْدًا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقُضَ فَاقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا (۷۷)

پس رفتند تا به اهل قریه‌ای رسیدند . از مردم آنجا خوراکی خواستند ، و [لی آنها] از مهمان نمودن آن دو خودداری کردند . پس در آنجا دیواری یافتند که می‌خواست فرو ریزد ، و [بنده ما] آن را استوار کرد . [موسی] گفت : « اگر می‌خواستی [می‌توانستی] برای آن مزدی بگیری . »

(الکھف، ۷۷)

قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَ بَيْنِكَ سَأْتُنِيكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا (۷۸)

گفت : « این [بار ، دیگر وقت] جدایی میان من و توست . به زودی تو را از تأویل آنچه که نتوانستی بر آن صبر کنی آگاه خواهم ساخت » :

(الکھف، ۷۸)

أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدَتْ أَنْ أَعْيِبَهَا وَ كَانُوا لَهُمْ مَلَكًا بِأَخَذِ كُلِّ سَفِينَةٍ غَصْبًا (۷۹)

اما کشتی ، از آن بینوایانی بود که در دریا کار می‌کردند ، خواستم آن را معیوب کنم ، [چرا که] پیشاپیش آنان پادشاهی بود که هر کشتی [درستی] را به زور می‌گرفت .

(الکھف، ۷۹)

وَ أَمَّا الْفُلَانُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَ كُفْرًا (۸۰)

و اما نوجوان ، پدر و مادرش [هر دو] مؤمن بودند ، پس ترسیدیم [مبادا] آن دو را به طغیان و کفر بکشد .

(الکھف، ۸۰)

فَأَرَدْنَا أَنْ يُبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَوَةً وَ أَقْرَبَ رُحْمًا (۸۱)

پس خواستیم که پروردگارش آن دو را به پاکتر و مهربانتر از او عوض دهد .

(الکھف، ۸۱)

وَ أَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَ كَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَ كَانَ أَبُوهُمَا صَالِحاً فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَ يَسْتَخْرِجَا كُنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ وَ مَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا (٨٢)

و اما دیوار ، از آن دو پسر [بچه] یتیم در آن شهر بود ، و زیر آن ، گنجی متعلق به آن دو بود ، و پدرشان [مردی] نیکوکار بود ، پس پروردگار تو خواست آن دو [یتیم] به حد رشد برسند و گنجینه خود را که رحمتی از جانب پروردگارت بود بیرون آورند . و این [کارها] را من خودسرانه انجام ندادم . این بود تأویل آنچه که نتوانستی بر آن شکیبایی ورزی .

(الکھف، ٨٢)

وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ ذِي الْقُرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا (٨٣)

و از تو در باره « ذو القرنین » می‌پرسند . بگو : « به زودی چیزی از او برای شما خواهم خواند . »

(الکھف، ٨٣)

إِنَّا مَكْنَأُ لَهُ فِي الْأَرْضِ وَ أَتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا (٨٤)

ما در زمین به او امکاناتی دادیم و از هر چیزی وسیله‌ای بدو بخشیدیم .

(الکھف، ٨٤)

فَاتَّبَعِ سَبَبًا (٨٥)

تاراهی را دنبال کرد .

(الکھف، ٨٥)

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَرْبِ الشَّمْسِ وَ جَدَّهَا تُغْرِبُ فِي عَيْنِ حَمَئَةٍ وَ وَجَدَ عِندَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّمَا أَنْ تُعَذَّبَ وَ إِنَّمَا أَنْ تُنَجَّدُ فِيهِمْ حُسْنًا (٨٦)

تا آن گاه که به غروبگاه خورشید رسید ، به نظرش آمد که [خورشید] در چشمه‌ای گل‌آلود و سیاه غروب می‌کند ، و نزدیک آن طایفه‌ای را یافت . فرمودیم : « ای ذو القرنین ، اختیار با توست [یا عذاب می‌کنی یا در میانشان [روش] نیکویی پیش می‌گیری . »

(الکھف، ٨٦)

قَالَ أَمَا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نَخْرًا (٨٧)

گفت : « اما هر که ستم ورزد عذابش خواهیم کرد ، سپس به سوی پروردگارش بازگردانیده می‌شود ، آن گاه او را عذابی سخت خواهد کرد . »

(الکھف، ٨٧)

وَ أَمَّا مَنْ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَىٰ وَ سَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا (٨٨)

و اما هر که ایمان آورد و کار شایسته کند ، پاداشی [هر چه] نیکوتر خواهد داشت ، و به فرمان خود ، او را به کاری آسان و خواهیم داشت .

(الکھف، ٨٨)

ثُمَّ اتَّبَعَ سَبَبًا (٨٩)

سپس راهی [دیگر] را دنبال کرد .

(الکھف، ٨٩)

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَ جَدَّهَا تَطْلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَمْ نَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سَبِيلًا (٩٠)

تا آن گاه که به جایگاه برآمدن خورشید رسید . [خورشید] را [چنین] یافت که بر قومی طلوع می‌کرد که برای ایشان در برابر آن پوششی قرار نداده بودیم .

(الکھف، ٩٠)

كُلِّبِكَ وَ قَدْ أَحْطَيْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا (٩١)

این چنین [می‌رفت] ، و قطعاً به خبری که پیش او بود احاطه داشتیم .

(الکھف، ٩١)

ثُمَّ اتَّبَعَ سَبَبًا (٩٢)

باز راهی را دنبال نمود .

(الکھف، ۹۲)

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا (۹۳)

تا وقتی به میان دو سد رسید ، در برابر آن دو [سد] ، طایفه‌ای را یافت که نمی‌توانستند هیچ زبانی را بفهمند .

(الکھف، ۹۳)

قَالُوا يَا دَا الْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَا جُوجَ وَ مَا جُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ سَدًّا (۹۴)

گفتند : « ای ذو القرنین ، یا جوج و ما جوج سخت در زمین فساد می‌کنند ، آیا [ممکن است] مالی در اختیار تو قرار دهیم تا میان ما و آنان سدّی قرار دهی ؟ »

(الکھف، ۹۴)

قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ رُدْمًا (۹۵)

گفت : « آنچه پروردگارم به من در آن تمکن داده ، [از کمک مالی شما] بهتر است . مرا با نیرویی [انسانی] یاری کنید [تا] میان شما و آنها سدّی استوار قرار دهم . »

(الکھف، ۹۵)

أَتَوْنِي زَبْرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ أَتَوْنِي أَفْرِغْ عَلَيْهِ قَطْرًا (۹۶)

برای من قطعات آهن بیاورید ، تا آن گاه که میان دو کوه برابر شد ، گفت : « بدمید » تا وقتی که آن [قطعات] را آتش گردانید ، گفت : « مس گداخته برایم بیاورید تا روی آن بریزم . »

(الکھف، ۹۶)

فَمَا اسْطَافُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَ مَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا (۹۷)

[در نتیجه ، اقوام وحشی] نتوانستند از آن [مانع] بالا روند و نتوانستند آن را سوراخ کنند .

(الکھف، ۹۷)

قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي نَكَأَ وَ كَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا (۹۸)

گفت : « این رحمتی از جانب پروردگار من است ، و [لی] چون وعده پروردگارم فرا رسد ، آن [سد] را درهم کوبد ، و وعده پروردگارم حق است . »

(الکھف، ۹۸)

وَ تَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَ نَفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جُمُعًا (۹۹)

و در آن روز آنان را رها می‌کنیم تا موج‌آسا بعضی با برخی درآمیزند و [همین که] در صور دمیده شود ، همه آنها را گرد خواهیم آورد .

(الکھف، ۹۹)

وَ عَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِلْكَافِرِينَ عَرْضًا (۱۰۰)

و آن روز ، جهنم را آشکارا به کافران بنماییم .

(الکھف، ۱۰۰)

الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَنْ ذِكْرِي وَ كَانُوا لَا يَسْتَنبِطُونَ سَمْعًا (۱۰۱)

[به] همان کسانی که چشمان [بصیرت] شان از یاد من در پرده بود ، و توانایی شنیدن [حق] نداشتند .

(الکھف، ۱۰۱)

أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا (۱۰۲)

آیا کسانی که کفر ورزیده‌اند ، پنداشته‌اند که [می‌توانند] به جای من ، بندگام را سرپرست بگیرند ؟ ما جهنم را آماده کرده‌ایم تا جایگاه پذیرایی کافران باشد .

(الکھف، ۱۰۲)

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا (۱۰۳)

بگو : « آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه گردانم ؟ »

(الکھف، ۱۰۳)

الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا (۱۰۴)

[آنان] کسانی‌اند که کوشش‌شان در زندگی دنیا به هدر رفته و خود می‌پندارند که کار خوب انجام می‌دهند .

(الکھف، ۱۰۴)

أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَ لِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا تُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا (۱۰۵)

[آری] ، آنان کسانی‌اند که آیات پروردگارشان و لقای او را انکار کردند ، در نتیجه اعمالشان تباه گردید ، و روز قیامت برای آنها [قدر و] ارزشی نخواهیم نهاد .

(الکھف، ۱۰۵)

ذَلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا وَ اتَّخَذُوا آيَاتِي وَ رُسُلِي هُزُؤًا (۱۰۶)

این جهنم سزای آنان است ، چرا که کافر شدند و آیات من و پیامبرانم را به ریشخند گرفتند .

(الکھف، ۱۰۶)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا (۱۰۷)

بی‌گمان کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند ، باغهای فردوس جایگاه پذیرایی آنان است .

(الکھف، ۱۰۷)

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حَوْلًا (۱۰۸)

جاودانه در آن خواهند بود ، و از آنجا درخواست انتقال نمی‌کنند .

(الکھف، ۱۰۸)

قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفَذَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَ لَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا (۱۰۹)

بگو : « اگر دریا برای کلمات پروردگارم مرکب شود ، پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان پذیرد ، قطعاً دریا پایان می‌یابد ، هر چند نظیرش را به مدد [آن] بیاوریم . »

(الکھف، ۱۰۹)

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا (۱۱۰)

بگو : « من هم مثل شما بشری هستم و [لی] به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است . پس هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد باید به کار شایسته بپردازد ، و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد . »

(الکھف، ۱۱۰)

ترتیبها- ۱۹	سوره مریم	مکی- آیاتها- ۹۸
-------------	-----------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(مریم، ۰)

کهبصص (۱)

کاف ، ها ، یا ، عین ، صاد .

(مریم، ۱)

يُكْرَ رَحْمَةً رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا (۲)

[این] یادی از رحمت پروردگار تو [در باره] بنده‌اش زکریاست .

(مریم، ۲)

إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا (۳)

آن گاه که [زکریا] پروردگارش را آهسته ندا کرد .

(مریم، ۳)

قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاسْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا (۴)

گفت : « پروردگارا ، من استخوانم سست گردیده و [موی] سرم از پیری سپید گشته ، و ای پروردگار من هرگز در دعای تو ناامید نبوده‌ام . »

(مریم، ۴)

وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا (۵)

و من پس از خویشتن از بستگانم بیمناکم و زخم نازاست ، پس از جانب خود ولی [و جانشینی] به من ببخش ،

(مریم، ۵)

يُرْتَبِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا (۶)

که از من ارث برد و از خاندان یعقوب [نیز] ارث برد ، و او را ای پروردگار من پسندیده گردان .

(مریم، ۶)

يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا (۷)

ای زکریا ، ما تو را به پسری که نامش یحیی است مژده می‌دهیم ، که قبلاً همنامی برای او قرار نداده‌ایم .

(مریم، ۷)

قَالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا (۸)

گفت : « پروردگارا ، چگونه مرا پسری خواهد بود و حال آنکه زخم نازاست و من از سالخورده‌گی ناتوان شده‌ام ؟ »

(مریم، ۸)

قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا (۹)

[فرشته] گفت : « [فرمان] چنین است . پروردگار تو گفته که این [کار] بر من آسان است ، و تو را در حالی که چیزی نبودی قبلاً آفریده‌ام . »

(مریم، ۹)

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آتَيْنَكَ آلًا تُكَلِّمُ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا (۱۰)

گفت : « پروردگارا ، نشانه‌ای برای من قرار ده » فرمود : « نشانه تو این است که سه شبانه [روز] با اینکه سالمی با مردم سخن نمی‌گویی . »

(مریم، ۱۰)

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا (۱۱)

پس ، از محراب بر قوم خویش درآمد و ایشان را آگاه گردانید که روز و شب به نیایش بپردازید .

(مریم، ۱۱)

يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا (۱۲)

ای یحیی ، کتاب [خدا] را به جد و جهد بگیر ، و از کودکی به او نبوت دادیم .

(مریم، ۱۲)

وَخَلَّاتْنَا مِنْ لَدُنَّا وَرِزْقًا وَكَانَ تَقِيًّا (۱۳)

و [نیز] از جانب خود ، مهربانی و پستی [به او دادیم] و تقوایبش بود .

(مریم، ۱۳)

وَ بَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا (۱۴)

و با پدر و مادر خود نیک رفتار بود و زورگویی نافرمان نبود .

(مریم، ۱۴)

و سَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا (۱۵)

و درود بر او ، روزی که زاده شد و روزی که می‌میرد و روزی که زنده برانگیخته می‌شود .

(مریم، ۱۵)

وَ اذْكَرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّخَذَتْ مِنْ اَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا (۱۶)

و در این کتاب از مریم یاد کن ، آن گاه که از کسان خود ، در مکانی شرقی به کناری شتافت .

(مریم، ۱۶)

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا اِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا (۱۷)

و در برابر آنان پرده‌ای بر خود گرفت . پس روح خود را به سوی او فرستادیم تا به [شکل] بشری خوش‌اندام بر او نمایان شد .

(مریم، ۱۷)

قَالَتْ اِنِّي اَعُوذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْكَ اِنْ كُنْتُ نَفِيًّا (۱۸)

[مریم] گفت : « اگر پرهیزگاری ، من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم . »

(مریم، ۱۸)

قَالَ اِنَّمَا اَنَا رَسُولٌ رَّبِّكَ لِاَهْبَ لَكَ غُلَامًا زَكِيًّا (۱۹)

گفت : « من فقط فرستاده پروردگار توام ، برای اینکه به تو پسری پاکیزه ببخشم . »

(مریم، ۱۹)

قَالَتْ اَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَاَنَا نَفِيٌّ وَاَنَا وَاَنَا نَفِيٌّ (۲۰)

گفت : « چگونه مرا پسری باشد با آنکه دست بشری به من نرسیده و بدکار نبوده‌ام ؟ »

(مریم، ۲۰)

قَالَ كَذٰلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلٰى هٰٓئِن وَاَن نَّجْعَلَهُ اٰیَةً لِلنَّاسِ وَ رَحْمَةً مِنَّا وَ كَانَ اَمْرًا مَّقْضٰی (۲۱)

گفت : « [فرمان] چنین است ، پروردگار تو گفته که آن بر من آسان است ، و تا او را نشانه‌ای برای مردم و رحمتی از جانب خویش قرار دهیم ، و [این] دستوری قطعی بود . »

(مریم، ۲۱)

فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبٰتْ بِهٖ مَكَانًا قَصِيًّا (۲۲)

پس [مریم] به او [عیسی] آبستن شد و با او به مکان دورافتاده‌ای پناه جست .

(مریم، ۲۲)

فَاَجَاءَهَا الْمَخَاضُ اِلٰى جُدْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هٰذَا وَ كُنْتُ نَسِيًّا مِّنْ سَرِيًّا (۲۳)

تا درد زایمان ، او را به سوی تنه درخت خرمایی کشانید . گفت : « ای کاش ، پیش از این مرده بودم و یکسر فراموش شده بودم . »

(مریم، ۲۳)

فَتَادَاها مِنْ تَحْتِهَا اَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكَ تَحْتِكَ سَرِيًّا (۲۴)

پس ، از زیر [پای] او [فرشته] وی را ندا داد که : غم مدار ، پروردگارت زیر [پای] تو چشمه آبی پدید آورده است .

(مریم، ۲۴)

وَ هَزِي اِلَيْكَ بِجُدْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ زَطْبًا جَنِيًّا (۲۵)

و تنه درخت خرما را به طرف خود [بگیر و] بتکان ، تا بر تو خرمای تازه می‌ریزد .

(مریم، ۲۵)

فَكُلِي وَ اشْرَبِي وَ قَرِّي عَيْنًا فِيمَا تَرِي مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا (۲۶)

و بخور و بنوش و دیده روشن دار . پس اگر کسی از آدمیان را دیدی ، بگویی : « من برای [خدای] رحمان روزه نذر کرده‌ام ، و امروز مطلقاً با انسانی سخن نخواهم گفت . »

(مریم، ۲۶)

فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلَةً قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا (۲۷)

پس [مریم] در حالی که او را در آغوش گرفته بود به نزد قومش آورد . گفتند : « ای مریم ، به راستی کار بسیار ناپسندی مرتکب شده‌ای . »

(مریم، ۲۷)

يَا أُخْتُ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ وَ مَا كَانَتْ أُمُّكَ بَعْثًا (۲۸)

ای خواهر هارون ، پدرت مرد بدی نبود و مادرت [نیز] بدکاره نبود .

(مریم، ۲۸)

فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نَكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا (۲۹)

[مریم] به سوی [عیسی] اشاره کرد . گفتند : « چگونه با کسی که در گهواره [و] کودک است سخن بگوییم ؟ »

(مریم، ۲۹)

قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا (۳۰)

[کودک] گفت : « منم بنده خدا ، به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است ،

(مریم، ۳۰)

وَ جَعَلَنِي مَبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا (۳۱)

و هر جا که باشم مرا با برکت ساخته ، و تا زنده‌ام به نماز و زکات سفارش کرده است ،

(مریم، ۳۱)

وَ بَرًّا بِوَالِدَتِي وَ لَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا (۳۲)

و مرا نسبت به مادرم نیکوکار کرده و زورگو و نافرمانم نگردانیده است ،

(مریم، ۳۲)

وَ السَّلَامَ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَ يَوْمَ أُمُوتُ وَ يَوْمَ أُبْعِثُ حَيًّا (۳۳)

و درود بر من ، روزی که زاده شدم و روزی که می‌میرم و روزی که زنده برانگیخته می‌شوم . «

(مریم، ۳۳)

ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ (۳۴)

این است [ماجرای] عیسی پسر مریم ، [همان] گفتار درستی که در آن شك می‌کنند .

(مریم، ۳۴)

مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (۳۵)

خدا را نسزد که فرزندی برگزید . منزّه است او ؛ چون کاری را اراده کند ، همین قدر به آن می‌گوید : « موجود شو » ، پس بی‌درنگ موجود می‌شود .

(مریم، ۳۵)

وَ إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (۳۶)

و در حقیقت ، خداست که پروردگار من و پروردگار شماست ، پس او را بپرستید . این است راه راست .

(مریم، ۳۶)

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۳۷)

اما دسته‌ها [ی گوناگون] از میان آنها به اختلاف پرداختند ، پس وای بر کسانی که کافر شدند از مشاهده روزی دهشتناک .

(مریم، ۳۷)

أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُوتُنَا لِحْنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۳۸)

چه شنوا و بینایند روزی که به سوی ما می‌آیند ، ولی ستمگران امروز در گمراهی آشکارند .

(مریم، ۳۸)

وَ أَنْذَرَهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ هُمْ فِي غَفْلَةٍ وَ هُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۳۹)

و آنان را از روز حسرت بیم ده ، آن گاه که داوری انجام گیرد ، و حال آنکه آنها [اکنون] در غفلتند و سر ایمان آوردن ندارند .

(مریم، ۳۹)

إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَ مَنْ عَلَيْهَا وَ إِنَّا بِرُجْعَتِهِمْ (۴۰)

مایمیم که زمین را با هر که در آن است ، به میراث می‌بریم و [همه] به سوی ما بازگردانیده می‌شوند .

(مریم، ۴۰)

وَ اذْكَرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِذْ كَانَ صَادِقًا نَبِيًّا (۴۱)

و در این کتاب به یاد ابراهیم پرداز ، زیرا او پیامبری بسیار راستگوی بود .

(مریم، ۴۱)

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَ لَا يُبْصِرُ وَ لَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا (۴۲)

چون به پدرش گفت : « پدرجان ، چرا چیزی را که نمی‌شنود و نمی‌بیند و از تو چیزی را دور نمی‌کند می‌پرستی ؟

(مریم، ۴۲)

يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا (۴۳)

ای پدر ، به راستی مرا از دانش [وحی ، حقایقی به دست] آمده که تو را نیامده است . پس ، از من پیروی کن تا تو را به راهی راست هدایت نمایم ،

(مریم، ۴۳)

يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا (۴۴)

پدرجان ، شیطان را مپرست ، که شیطان [خدای] رحمان را عصیانگر است ،

(مریم، ۴۴)

يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا (۴۵)

پدرجان ، من می‌ترسم از جانب [خدای] رحمان عذابی به تو رسد و تو یار شیطان باشی . «

(مریم، ۴۵)

قَالَ أَرَأَيْتَ إِنْ عَلَّمْتُكَ لَدُنِّي لَمْ تَنْتَهَ لِأَرْجَمَتَكَ وَ اهْجُرْتَنِي مَلِيًّا (۴۶)

گفت : « ای ابراهیم ، آیا تو از خدایان من منتفری ؟ اگر باز نایستی تو را سنگسار خواهم کرد ، و [برو] برای مدتی طولانی از من دور شو . «

(مریم، ۴۶)

قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا (۴۷)

[ابراهیم] گفت : « درود بر تو باد ، به زودی از پروردگام برای تو آمرزش می‌خواهم ، زیرا او همواره نسبت به من پرمهر بوده است ،

(مریم، ۴۷)

وَأَعْتَزَلَكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا (۴۸)

و از شما و [از] آنچه غیر از خدا می‌خوانید کناره می‌گیرم و پروردگارم را می‌خوانم . امیدوارم که در خواندن پروردگارم ناامید نباشم . «

(مریم، ۴۸)

فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَ مَا يُعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ هَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ كُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا (۴۹)

و چون از آنها و [از] آنچه به جای خدا می‌پرستیدند کناره گرفت ، اسحاق و یعقوب را به او عطا کردیم و همه را پیامبر گردانیدیم .

(مریم، ۴۹)

وَ هَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَ جَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا (۵۰)

و از رحمت خویش به آنان ارزانی داشتیم ، و ذکر خیر بلندی برایشان قرار دادیم .

(مریم، ۵۰)

وَ ادَّكُرُ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا (۵۱)

و در این کتاب از موسی یاد کن ، زیرا که او پاکدل و فرستاده‌ای پیامبر بود .

(مریم، ۵۱)

وَ نَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَ قَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا (۵۲)

و از جانب راست طور ، او را ندا دادیم ، و در حالی که با وی راز گفتیم او را به خود نزدیک ساختیم .

(مریم، ۵۲)

وَ هَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا (۵۳)

و به رحمت خویش برادرش هارون پیامبر را به او بخشیدیم .

(مریم، ۵۳)

وَ ادَّكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا (۵۴)

و در این کتاب از اسماعیل یاد کن ، زیرا که او درست‌وعده و فرستاده‌ای پیامبر بود .

(مریم، ۵۴)

وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ كَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا (۵۵)

و خاندان خود را به نماز و زکات فرمان می‌داد و همواره نزد پروردگارش پسندیده [رفتار] بود .

(مریم، ۵۵)

وَ ادَّكُرُ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدْقًا نَبِيًّا (۵۶)

و در این کتاب از ابراهیم یاد کن که او راستگویی پیامبر بود .

(مریم، ۵۶)

وَ رَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا (۵۷)

و [ما] او را به مقامی بلند ارتقا دادیم .

(مریم، ۵۷)

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ دُرِّيَّةٍ أَدَمَ وَ مِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَ مِنْ ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْرَائِيلَ وَ مِمَّنْ هَدَيْنَا وَ اجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَ بُكْيًا (۵۸)

آنان کسانی از پیامبران بودند که خداوند بر ایشان نعمت ارزانی داشت : از فرزندان آدم بودند و از کسانی که همراه نوح [بر کشتی] سوار کردیم ؛ و از فرزندان ابراهیم و اسرائیل و از کسانی که [آنان را] هدایت نمودیم و برگزیدیم ؛ [و] هر گاه آیات [خدای] رحمان بر ایشان خوانده می‌شد ، سجده‌کنان و گریان به خاک می‌افتادند .

(مریم، ۵۸)

فَخَلَفَ مِنْ بَغْيِهِمْ خَلْفًا أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا (۵۹)

آن گاه ، پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که نماز را تباه ساخته و از هوسها پیروی کردند ، و به زودی [سزای] گمراهی [خود] را خواهند دید .

(مریم، ۵۹)

إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ لَا يُظَلَّمُونَ شَيْئًا (۶۰)

مگر آنان که توبه کرده و ایمان آورده و کار شایسته انجام دادند ، که آنان به بهشت درمی آیند و ستمی بر ایشان نخواهد رفت .

(مریم، ۶۰)

جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا (۶۱)

باغهای جاودانی که [خدای] رحمان به بندگانش در جهان ناپیدا وعده داده است . در حقیقت ، وعده او انجام شدنی است .

(مریم، ۶۱)

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَ لَهُمْ فِيهَا رِزْقٌ مِمَّا بَكَرَتْ وَ عُشْيًا (۶۲)

در آنجا سخن بیهوده ای نمی شنوند ، جز درود . و روزی شان صبح و شام در آنجا [آماده] است .

(مریم، ۶۲)

تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا (۶۳)

این همان بهشتی است که به هر يك از بندگان ما که پرهیزگار باشند به میراث می دهیم .

(مریم، ۶۳)

وَ مَا نَنْتَظِرُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَ مَا خَلْفَنَا وَ مَا بَيْنَ دُلُوكَ وَ مَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا (۶۴)

و [ما فرشتگان] جز به فرمان پروردگارت نازل نمی شویم . آنچه پیش روی ما و آنچه پشت سر ما و آنچه میان این دو است ، [همه] به او اختصاص دارد ، و پروردگارت هرگز فراموشکار نبوده است .

(مریم، ۶۴)

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَ اصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا (۶۵)

پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است . پس او را بپرست و در پرستش او شکبیا باش . آیا برای او همنامی می شناسی ؟

(مریم، ۶۵)

وَ يَقُولُ الْإِنْسَانُ أَ إِذَا مَا مِتَّ لَسُوفَ أُخْرَجُ حَيًّا (۶۶)

و انسان می گوید : « آیا وقتی بمیرم ، راستی زنده [از قبر] بیرون آورده می شوم ؟ »

(مریم، ۶۶)

أ وَ لَا يَذُكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَ لَمْ يَكُ شَيْئًا (۶۷)

آیا انسان به یاد نمی آورد که ما او را قبلاً آفریده ایم و حال آنکه چیزی نبوده است ؟

(مریم، ۶۷)

فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهِنَّ وَ الشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنَنْحَضِرَنَّهِنَّ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا (۶۸)

پس ، به پروردگارت سوگند که آنها را با شیاطین محشور خواهیم ساخت ، سپس در حالی که به زانو درآمده اند ، آنان را گرداگرد دوزخ حاضر خواهیم کرد .

(مریم، ۶۸)

ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَهْبَاقًا شَدِيدًا عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا (۶۹)

آن گاه از هر دسته ای ، کساتی از آنان را که بر [خدای] رحمان سرکش تر بوده اند ، بیرون خواهیم کشید .

(مریم، ۶۹)

ثُمَّ لَتَخُنَّ أَغْلَمَ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا (۷۰)

پس از آن ، به کسانی که برای درآمدن به [جهنم] سزاوارترند خود داناییم .

(مریم، ۷۰)

وَ إِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا (۷۱)

و هیچ کس از شما نیست مگر [اینکه] در آن وارد می‌گردد . این [امر] همواره بر پروردگارت حکمی قطعی است .

(مریم، ۷۱)

ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ نُذِرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا (۷۲)

آن گاه کسانی را که پرهیزگار بوده‌اند می‌رهانیم ، و ستمگران را به زانو در افتاده در [دوزخ] رها می‌کنیم .

(مریم، ۷۲)

وَ إِذَا تَنَسَّوْا عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَ أَحْسَنُ نَدِيًّا (۷۳)

و چون آیات روشن ما بر آنان خوانده شود ، کسانی که کفر ورزیده‌اند به آنان که ایمان آورده‌اند می‌گویند : « کدام یک از [ما] دو گروه جایگاهش بهتر و محفلش آراسته‌تر است ؟ »

(مریم، ۷۳)

وَ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَانًا وَ رِئِيًّا (۷۴)

و چه بسیار نسلها را پیش از آنان نابود کردیم ، که اثاثی بهتر و ظاهری فریبناز داشتند .

(مریم، ۷۴)

قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْنُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِذَا الْعَذَابُ إِذَا السَّاعَةِ فَنَسِيَ الْمَوْتِ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا وَ أضعَفُ جُنْدًا (۷۵)

بگو : « هر که در گمراهی است [خدای] رحمان به او تا زمانی مهلت می‌دهد ، تا وقتی آنچه به آنان وعده داده می‌شود : یا عذاب ، یا روز رستاخیز را ببینند ؛ پس به زودی خواهند دانست جایگاه چه کسی بدتر و سپاهش ناتوان‌تر است . »

(مریم، ۷۵)

وَ يَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ مَرَدًّا (۷۶)

و خداوند کسانی را که هدایت یافته‌اند بر هدایتشان می‌افزاید ، و نیکیهای ماندگار ، نزد پروردگارت از حیث پاداش بهتر و خوش‌فرجام‌تر است .

(مریم، ۷۶)

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَ قَالَ لِأُوتِيَنِّي مَالًا وَ وُلَدًا (۷۷)

آیا دیدی آن کسی را که به آیات ما کفر ورزید و گفت : « قطعاً به من مال و فرزند [بسیار] داده خواهد شد » ؟

(مریم، ۷۷)

أَطَّلَعَ الْغَيْبِ أَمْ أَتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا (۷۸)

آیا بر غیب آگاه شده یا از [خدای] رحمان عهده گرفته است ؟

(مریم، ۷۸)

كَلَّا سَنَعْتُبُ مَا يَقُولُ وَ نَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا (۷۹)

نه چنین است . به زودی آنچه را می‌گوید ، می‌نویسیم و عذاب را برای او خواهیم افزود .

(مریم، ۷۹)

وَ نَرِيئُهُ مَا يَقُولُ وَ يَاثِينًا فَرْدًا (۸۰)

و آنچه را می‌گوید ، از او به ارث می‌بریم و تنها به سوی ما خواهد آمد .

(مریم، ۸۰)

وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا (۸۱)

و به جای خدا ، معبودانی اختیار کردند تا برای آنان [مایه] عزت باشد .

(مریم، ۸۱)

كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا (۸۲)

نه چنین است . به زودی [آن معبودان] عبادت ایشان را انکار می‌کنند و دشمن آنان می‌گردند .

(مریم، ۸۲)

أَلَمْ تَرَ أَنَا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَؤْذُهُمْ أَوْ لَا تَأْذِيهِمْ أَفَلَا تَعْلَمُونَ (۸۳)

آیا ندانستی که ما شیطانها را بر کافران گماشته‌ایم ، تا آنان را [به گناهان] تحریک کنند ؟

(مریم، ۸۳)

فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا (۸۴)

پس بر ضد آنان شتاب مکن ، که ما [روزها] را برای آنها شماره می‌کنیم .

(مریم، ۸۴)

يَوْمَ نَخْشِرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا (۸۵)

[یاد کن] روزی را که رهیزگاران را به سوی [خدای] رحمان گروه گروه محشور می‌کنیم .

(مریم، ۸۵)

وَ نَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وَرِدًّا (۸۶)

و مجرمان را با حال تشنگی به سوی دوزخ می‌رانیم .

(مریم، ۸۶)

لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا (۸۷)

[آنان] اختیار شفاعت را ندارند ، جز آن کس که از جانب [خدای] رحمان پیمانی گرفته است .

(مریم، ۸۷)

وَ قَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا (۸۸)

و گفتند : « [خدای] رحمان فرزندی اختیار کرده است . »

(مریم، ۸۸)

لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا (۸۹)

واقعا چیز زشتی را [بر زبان] آوردید .

(مریم، ۸۹)

تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَنْفَطَرْنَ مِنْهُ وَ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَ تَخْرُ الْجِبَالُ هُدًّا (۹۰)

چیزی نمانده است که آسمانها از این [سخن] بشکافتند و زمین چاک خورد و کوه‌ها به شدت فرو ریزند .

(مریم، ۹۰)

أَنْ دَعَا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا (۹۱)

از اینکه برای [خدای] رحمان فرزندی قایل شدند .

(مریم، ۹۱)

وَ مَا يَتَّبِعِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا (۹۲)

[خدای] رحمان را نسزد که فرزندی اختیار کند .

(مریم، ۹۲)

إِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا (۹۳)

هر که در آسمانها و زمین است جز بندهوار به سوی [خدای] رحمان نمی‌آید .

(مریم، ۹۳)

لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا (۹۴)

و یقیناً آنها را به حساب آورده و به دقت شماره کرده است .

(مریم، ۹۴)

وَ كُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا (۹۵)

و روز قیامت همه آنها تنها ، به سوی او خواهند آمد .

(مریم، ۹۵)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا (۹۶)

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند ، به زودی [خدای] رحمان برای آنان محبتی [در دلها] قرار می‌دهد .

(مریم، ۹۶)

فَإِنَّمَا يَسْتَرْزَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَ تُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا (۹۷)

در حقیقت ، ما این [قرآن] را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزگاران را بدان نوید ، و مردم ستیزه‌جو را بدان بیم دهی .

(مریم، ۹۷)

وَ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هَلْ نُحِصُّ مِنْهُمْ مِنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا (۹۸)

و چه بسیار نسلها که پیش از آنان هلاک کردیم . آیا کسی از آنان را می‌یابی یا صدایی از ایشان می‌شنوی ؟

(مریم، ۹۸)

ترتیبها- ۲۰	سوره طه	مکی- آیاتها- ۱۳۵
-------------	---------	------------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(طه، ۰)

طه (۱)

طه .

(طه، ۱)

مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى (۲)

قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به رنج افتی ،

(طه، ۲)

إِلَّا تَذَكُّرَةً لِمَنْ يَخْشَى (۳)

جز اینکه برای هر که می‌ترسد ، پندی باشد .

(طه، ۳)

تَنْزِيلًا مِمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَى (٤)

[کتابی است] نازل شده از جانب کسی که زمین و آسمانهای بلند را آفریده است .

(طه، ٤)

الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى (٥)

خدای رحمان که بر عرش استیلا یافته است .

(طه، ٥)

لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى (٦)

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین و آنچه میان آن دو و آنچه زیر خاک است از آن اوست .

(طه، ٦)

وَإِنْ تَجَهَّزْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى (٧)

و اگر سخن به آواز گویی ، او نهان و نهانتر را می‌داند .

(طه، ٧)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى (٨)

خدایی که جز او معبودی نیست [و] نامهای نیکو به او اختصاص دارد .

(طه، ٨)

وَ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى (٩)

و آیا خبر موسی به تو رسید ؟

(طه، ٩)

إِذْ رَأَى نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدًا عَلَى النَّارِ هُدًى (١٠)

هنگامی که آتشی دید ، پس به خانواده خود گفت : « درنگ کنید ، زیرا من آتشی دیدم ، امید که پاره‌ای از آن برای شما بیاورم یا در پرتو آتش راه [خود را باز] یابم .

(طه، ١٠)

فَلَمَّا آتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَى (١١)

پس چون بدان رسید ، ندا داده شد که : « ای موسی ،

(طه، ١١)

إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى (١٢)

این منم پروردگار تو ، پای‌پوش خویش بیرون آور که تو در وادی مقدس « طوی » هستی .

(طه، ١٢)

وَ أَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى (١٣)

و من تو را برگزیده‌ام ، پس بدانچه وحی می‌شود گوش فرا ده .

(طه، ١٣)

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي (١٤)

منم ، من ، خدایی که جز من خدایی نیست ، پس مرا پرستش کن و به یاد من نماز برپا دار .

(طه، ١٤)

إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أَخْفِيهَا لِتُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى (١٥)

در حقیقت ، قیامت فرارسنده است . می‌خواهم آن را پوشیده دارم ، تا هر کسی به [موجب] آنچه می‌کوشد جزا یابد .

(طه، ۱۵)

فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَى (۱۶)

پس هرگز نباید کسی که به آن ایمان ندارد و از هوس خویش پیروی کرده است ، تو را از [ایمان به] آن باز دارد ، که هلاک خواهی شد .

(طه، ۱۶)

وَ مَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى (۱۷)

و ای موسی ، در دست راست تو چیست ؟

(طه، ۱۷)

قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَ أَهْشُ بِهَا عَلَىٰ عَنَمِي وَ لِي فِيهَا مَارِبٌ أُخْرَى (۱۸)

گفت : « این عصای من است ، بر آن تکیه می‌دهم و با آن برای گوسفندانم برگ می‌تکنم ، و کارهای دیگری هم برای من از آن برمی‌آید . »

(طه، ۱۸)

قَالَ أَلْقِهَا يَا مُوسَى (۱۹)

فرمود : « ای موسی ، آن را بینداز . »

(طه، ۱۹)

فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَى (۲۰)

پس آن را انداخت و ناگاه ماری شد که به سرعت می‌خزید .

(طه، ۲۰)

قَالَ خُذْهَا وَ لَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى (۲۱)

فرمود : « آن را بگیر و مترس ، به زودی آن را به حال نخستینش بازخواهیم گردانید ،

(طه، ۲۱)

وَ اضْمُمْ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةٌ أُخْرَى (۲۲)

و دست خود را به پهلویت ببر ، سپید بی‌گزند برمی‌آید ، [این] معجزه‌ای دیگر است ،

(طه، ۲۲)

لِنُرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَى (۲۳)

تا به تو معجزات بزرگ خود را بنمایانیم .

(طه، ۲۳)

أَذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ (۲۴)

به سوی فرعون برو که او به سرکشی برخاسته است .

(طه، ۲۴)

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي (۲۵)

گفت : « پروردگارا ، سینه‌ام را گشاده گردان ،

(طه، ۲۵)

وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي (۲۶)

و کارم را برای من آسان ساز ،

(طه، ۲۶)

وَ اخْلَلْ غَدَّةً مِنْ لِسَانِي (۲۷)

و از زبانم گره بگشای ،

(طه، ۲۷)

يَقْفَهُوا قَوْلِي (۲۸)

[تا] سختم را بفهمند ،

(طه، ۲۸)

وَ اجْعَلْ لِي وَزِيْرًا مِنْ اَهْلِي (۲۹)

و برای من دستیاری از کسانم قرار ده ،

(طه، ۲۹)

هَارُونَ اَخِي (۳۰)

هارون برادرم را ،

(طه، ۳۰)

اشْتَدُّ بِهٖ اُزْرِي (۳۱)

پشتم را به او استوار کن ،

(طه، ۳۱)

وَ اشْرِكْهُ فِي اَمْرِي (۳۲)

و او را شریک کارم گردان ،

(طه، ۳۲)

عَمِي نُسَبِّحَكَ كَثِيْرًا (۳۳)

تا تو را فراوان تسبیح گویم ،

(طه، ۳۳)

وَ نُنْكِرَكَ كَثِيْرًا (۳۴)

و بسیار به یاد تو باشیم ،

(طه، ۳۴)

اِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيْرًا (۳۵)

زیرا تو همواره به [حال] ما بینایی . «

(طه، ۳۵)

قَالَ قَدْ اُوْتِيْتَ سُوْلَكَ يَا مُوسٰى (۳۶)

فرمود : « ای موسی ، خواسته‌ات به تو داده شد . »

(طه، ۳۶)

وَ لَقَدْ مَنَّا عَلَیْكَ مَرَّةً اٰخَرٰی (۳۷)

و به راستی ، بار دیگر [هم] بر تو منت نهادیم ،

(طه، ۳۷)

إِذْ أُوحِيَإِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ (۳۸)

هنگامی که به مادرت آنچه را که [باید] وحی می‌شد وحی کردیم :

(طه، ۳۸)

أَنِ افْقِدِيهِ فِي الثَّابُوتِ فَأَقْدِفِيهِ فِي النِّمَةِ فَلْيُلْغِهِ النِّمُ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذُهُ عَذْوٌ لِي وَ عَذْوٌ لَهُ وَ أَلْقَيْتَ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي وَ لِيُصْنَعَ عَلَيَّ عَيْنِي (۳۹)

که او را در صندوقچه‌ای بگذار ، سپس در دریایش افکن تا دریا [رود نیل] او را به کرانه اندازد [و] دشمن من و دشمن وی ، او را برگیرد . و مهری از خودم بر تو افکنم تا زیر نظر من پرورش یابی .

(طه، ۳۹)

إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَ لَا تَحْزَنَ وَ قَتَلْتَ نَفْسًا فَجَعَلْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَ فَتَنَاتِكَ فَتَوْنَا فَلَيْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَيَّ قَدْرًا يَا مُوسَىٰ (۴۰)

آن گاه که خواهر تو می‌رفت و می‌گفت : آیا شما را بر کسی که عهده‌دار او گردد دلالت کنم ؟ پس تو را به سوی مادرت بازگردانیدیم تا دیده‌اش روشن شود و غم نخورد ، و [سپس] شخصی را کشتی و [ما] تو را از اندوه رها کردیم ، و تو را بارها آزمودیم ، و سالی چند در میان اهل « مَدْيَن » ماندی ، سپس ای موسی در زمان مقدر [و مقتضی] آمدی .

(طه، ۴۰)

وَ اصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي (۴۱)

و تو را برای خود پروردم .

(طه، ۴۱)

أَذْهَبَ أَنْتَ وَ أَخُوكَ بِآيَاتِي وَ لَا تَنبِئَا فِي ذُرِّي (۴۲)

تو و برادرت معجزه‌های مرا [برای مردم] ببرید و در یادکردن من سستی نکنید .

(طه، ۴۲)

أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ (۴۳)

به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته ،

(طه، ۴۳)

فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيْسَ لَكَ بِنْتُهُ يُنْكَرُ أَوْ يَخْشَىٰ (۴۴)

و با او سخنی نرم گوئید ، شاید که پند پذیرد یا بترسد . «

(طه، ۴۴)

قَالَ رَبَّنَا إِنَّا نَخَافُ أَنْ يُفْرِطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطَّعِنَا (۴۵)

آن دو گفتند : « پروردگارا ، ما می‌ترسیم که [او] آسیبی به ما برساند یا آنکه سرکشی کند . «

(طه، ۴۵)

قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَ أَرَىٰ (۴۶)

فرمود : « مترسید ، من همراه شمایم ، می‌شنوم و می‌بینم ،

(طه، ۴۶)

فَأْتِيَاهُ فَقَوْلَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ لَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بَابِئِهِ مِنَ رَبِّكَ وَ السَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَىٰ (۴۷)

پس به سوی او بروید و بگوئید : ما دو فرستاده پروردگار توایم ، پس فرزندان اسرائیل را با ما بفرست ، و عذابشان مکن ، به راستی ما برای تو از جانب پروردگارت معجزه‌ای آورده‌ایم ، و بر هر کس که از هدایت پیروی کند درود باد .

(طه، ۴۷)

إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَنْ كَذَّبَ وَ تَوَلَّىٰ (۴۸)

در حقیقت به سوی ما وحی آمده که عذاب بر کسی است که تکذیب کند و روی گرداند .

(طه، ۴۸)

قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمْ يَا مُوسَى (۴۹)

[فرعون] گفت : « ای موسی ، پروردگار شما دو تن کیست ؟ »

(طه، ۴۹)

قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى (۵۰)

گفت : « پروردگار ما کسی است که هر چیزی را خلقتی که درخور اوست داده ، سپس آن را هدایت فرموده است . »

(طه، ۵۰)

قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَى (۵۱)

گفت : « حال نسلهای گذشته چون است ؟ »

(طه، ۵۱)

قَالَ عَلِمْنَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَّا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسَى (۵۲)

گفت : « علم آن ، در کتابی نزد پروردگار من است . پروردگارم نه خطا می‌کند و نه فراموش می‌نماید . »

(طه، ۵۲)

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَ سَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْ نَبَاتٍ شَتَّى (۵۳)

همان کسی که زمین را برایتان گهواره‌ای ساخت ، و برای شما در آن ، راهها ترسیم کرد و از آسمان آبی فرود آورد ، پس به وسیله آن رُستنیهای گوناگون ، جفت جفت بیرون آوردیم .

(طه، ۵۳)

كُلُوا وَ ارْزُقُوا أَتَعْمَلُونَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لَأُولِي النُّهَى (۵۴)

بخورید و دامهایتان را بچرانید که قطعاً در اینها برای خردمندان نشانه‌هایی است .

(طه، ۵۴)

مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى (۵۵)

از این [زمین] شما را آفریده‌ایم ، در آن شما را بازمی‌گردانیم و بار دیگر شما را از آن بیرون می‌آوریم .

(طه، ۵۵)

وَ لَقَدْ آرَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَ أْبَى (۵۶)

در حقیقت ، [ما] همه آیات خود را به [فرعون] نشان دادیم ، ولی [او آنها را] دروغ پنداشت و نپذیرفت .

(طه، ۵۶)

قَالَ أَ جِنَّتْنَا لِنُخْرِجَنَّكَ مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَى (۵۷)

گفت : « ای موسی ، آمده‌ای تا با سحر خود ، ما را از سرزمینمان بیرون کنی ؟ »

(طه، ۵۷)

فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرِ مِثْلِهِ فَأَجْعَلْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَ لَا أَنْتَ مَكَانًا سُوًى (۵۸)

ما [هم] قطعاً برای تو سحری مثل آن خواهیم آورد ، پس میان ما و خودت موعدی بگذار که نه ما آن را خلاف کنیم و نه تو ، [آن هم] در جایی هموار .

(طه، ۵۸)

قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَ أَنْ يُخْشَرَ النَّاسُ ضُحًى (۵۹)

[موسی] گفت : « موعده شما روز جشن باشد که مردم پیش از ظهر گرد می‌آیند . »

(طه، ۵۹)

فَتَوَلَّى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَى (۶۰)

پس فرعون رفت و [همه] نیرنگ خود را گرد آورد و بازآمد .

(طه، ۶۰)

قَالَ لَهُمْ مُوسَى وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى (۶۱)

موسی به [ساحران] گفت : « وای بر شما ، به خدا دروغ میندید که شما را به عذابی [سخت] هلاک می‌کند ، و هر که دروغ بزند نومید می‌گردد . »

(طه، ۶۱)

فَتَنَزَّعُوا أَمْزَهُمْ بَيْنَهُمْ وَاسَرُّوا النَّجْوَى (۶۲)

[ساحران] میان خود ، در باره کارشان به نزاع برخاستند و به نجوا پرداختند .

(طه، ۶۲)

قَالُوا إِنَّ هَٰذَا لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثَلَّى (۶۳)

[فرعونیان] گفتند : « قطعاً این دو تن ساحرنند [و] می‌خواهند شما را با سحر خود از سرزمینتان بیرون کنند ، و آیین والای شما را براندازند . »

(طه، ۶۳)

فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ اتُّوْا صَفَاً وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعْلَى (۶۴)

پس نیرنگ خود را گرد آورید و به صف پیش آید . در حقیقت ، امروز هر که فایق آید خوشبخت می‌شود . »

(طه، ۶۴)

قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَنْحُونَ أَوْلَ مَنْ أَلْقَى (۶۵)

[ساحران] گفتند : « ای موسی ، یا تو می‌افکنی یا [ما] نخستین کس باشیم که می‌اندازیم ؟ »

(طه، ۶۵)

قَالَ بَلْ أُلْقُوا فَإِنَّا جِبَالُهُمْ وَعَصِيْبُهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى (۶۶)

گفت : « [نه ،] بلکه شما ببیندازید . » پس ناگهان ریسمانها و چوبدستی‌هایشان ، بر اثر سحرشان ، در خیال او ، [چنین] می‌نمود که آنها به شتاب می‌خزند .

(طه، ۶۶)

فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُّوسَى (۶۷)

و موسی در خود بیمی احساس کرد .

(طه، ۶۷)

قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى (۶۸)

گفتیم : « مترس که تو خود برتری ؛

(طه، ۶۸)

وَ أَلْقَى مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفَ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى (۶۹)

و آنچه در دست راست داری ببینداز ، تا هر چه را ساخته‌اند ببلعد . در حقیقت ، آنچه سرهم‌بندی کرده‌اند ، افسون افسونگر است ، و افسونگر هر جا برود رستگار نمی‌شود . »

(طه، ۶۹)

فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَجْدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَ مُوسَى (۷۰)

پس ساحران به سجده درافتادند . گفتند : « به پروردگار موسی و هارون ایمان آوردیم . »

(طه، ۷۰)

قَالَ امْنُكُمْ لَهُ قَبِيلَ أَنْ أَذِنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمْ السَّحْرَ فَلَأَقْطَعَنَّ آيَاتِكُمْ وَ أَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلَاْفٍ وَ لَأَصْلَبَنَّهُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَ لَتَعْلَمُنَّ أَنِنَا أَشَدُّ عَذَاباً وَ أَبْقَى (۷۱)

[فرعون] گفت : « آیا پیش از آنکه به شما اجازه دهم ، به او ایمان آوردید ؟ قطعاً او بزرگ شماس است که به شما سحر آموخته است ، پس بی شک دستهای شما و پاهایتان را یکی از راست و یکی از چپ قطع می کند و شما را بر تنه های درخت خرما به دار می آویزد ، تا خوب بدانید عذاب کدام يك از ما سخت تر و پایدارتر است . »

(طه، ۷۱)

قَالُوا لَنْ نُؤْتِكَ عَلَى مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَ الَّذِي فَطَرْنَا فَأَفْضُ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۷۲)

گفتند : « ما هرگز تو را بر معجزاتی که به سوی ما آمده و [بر] آن کس که ما را پدید آورده است ، ترجیح نخواهیم داد ؛ پس هر حکمی می خواهی بکن که تنها در این زندگی دنیاست که [تو] حکم می رانی .

(طه، ۷۲)

إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيُغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَ مَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السَّحْرِ وَ اللَّهُ خَيْرٌ وَ أَبْقَى (۷۳)

ما به پروردگارانمان ایمان آوردیم ، تا گناهان ما و آن سحری که ما را بدان واداشتی بر ما ببخشد ، و خدا بهتر و پایدارتر است . «

(طه، ۷۳)

إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَ لَا يَحْيَى (۷۴)

در حقیقت ، هر که به نزد پروردگارش گنهگار رود ، جهنم برای اوست : در آن نه می میرد و نه زندگی می یابد .

(طه، ۷۴)

وَ مَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى (۷۵)

و هر که مؤمن به نزد او رود ، در حالی که کارهای شایسته انجام داده باشد ، برای آنان درجات والا خواهد بود :

(طه، ۷۵)

جَنَّتْ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى (۷۶)

بهشتهای عدن که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است . جاودانه در آن می مانند ، و این است پاداش کسی که به پاکی گراید .

(طه، ۷۶)

وَ لَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرَبْ لَهُمْ طَرِيقاً فِي الْبَحْرِ نَبَسًا لَا تَخَافُ دَرْكاً وَ لَا تَخْشَى (۷۷)

و در حقیقت به موسی وحی کردیم که : « بندگانم را شبانه ببر ، و راهی خشک در دریا برای آنان باز کن که نه از فرارسیدن [دشمن] بترسی و نه [از غرق شدن] بیمناک باشی . »

(طه، ۷۷)

فَأَتَيْنَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِبَهُمْ مِنَ اللَّيْلِ مَا عَشَيْتَهُمْ (۷۸)

پس فرعون با لشکریانش آنها را دنبال کرد ، و [لی] از دریا آنچه آنان را فرو پوشانید ، فرو پوشانید .

(طه، ۷۸)

وَ أَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَ مَا هَدَى (۷۹)

و فرعون قوم خود را گمراه کرد و هدایت ننمود .

(طه، ۷۹)

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ وَ وَعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَ السَّلْوى (۸۰)

« ای فرزندان اسرائیل ، در حقیقت ، [ما] شما را از [دست] دشمنان رها کردیم ، و در جانب راست طور با شما وعده نهادیم و بر شما گرانگین و بلدرچین فرو فرستادیم .

(طه، ۸۰)

كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ لَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَ مَنْ يَخْلُغْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى (۸۱)

از خوراکیهای پاکیزه‌ای که روزی شما کردیم ، بخورید و [لی] در آن زیاده‌روی نکنید که خشم من بر شما فرود آید ، و هر کس خشم من بر او فرود آید ، قطعاً در [ورطه] هلاکت افتاده است .

(طه، ۸۱)

وَ اِنِّي لَتَغْفَارُ لِمَنْ تَابَ وَ اٰمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى (۸۲)

و به یقین ، من آمرزنده کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار شایسته نماید و به راه راست راهسپر شود . «

(طه، ۸۲)

وَ مَا اَعْجَلَك عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَى (۸۳)

« و ای موسی ، چه چیز تو را [دور] از قوم خودت ، به شتاب واداشته است ؟ «

(طه، ۸۳)

قَالَ هُمْ اَوْلَاءٌ عَلٰى اَنْرِي وَ عَجَلْتُ اِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضٰى (۸۴)

گفت : « اینان در پی منند ، و من ای پروردگرم به سویت شتافتم تا خشنود شوی . «

(طه، ۸۴)

قَالَ فَاِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَ اَضَلَّاهُمُ السَّامِرِيُّ (۸۵)

فرمود : « در حقیقت ، ما قوم تو را پس از [عزیمت] تو آزمودیم و سامری آنها را گمراه ساخت . «

(طه، ۸۵)

فَرَجَعَ مُوسٰى اِلٰى قَوْمِهٖ غَضْبَانَ اَسْفًا قَالَ يَا قَوْمِ اَلَمْ يَعْزِمْكُمْ رَبُّكُمْ وَّعَدَا حَسَنًا اَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ اَمْ اَرَدْتُمْ اَنْ يَحِلَّ عَلٰىكُمْ غَضَبٌ مِّنْ رَبِّكُمْ فَاُخْلَفْتُمْ مَوْعِدِى (۸۶)

پس موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود برگشت [و] گفت : « ای قوم من ، آیا پروردگارتان به شما وعده نیکو نداد ؟ آیا این مدت بر شما طولانی می‌نمود ، یا خواستید خشمی از پروردگارتان بر شما فرود آید که با وعده من مخالفت کردید ؟ «

(طه، ۸۶)

قَالُوا مَا اَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا وَ لَكِنَّا حَمَلْنَا اَوْزَارًا مِّنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذٰلِكَ اَلْقٰى السَّامِرِيُّ (۸۷)

گفتند : « ما به اختیار خود با تو خلاف وعده نکردیم ، ولی از زینت‌آلات قوم ، بارهایی سنگین بر دوش داشتیم و آنها را افکندیم و [خود] سامری [هم زینت‌آلاتش را] همین گونه بینداخت .

(طه، ۸۷)

فَاَخْرَجَ لَهُمْ عَجَلًا جَسَدًا لَّهٗ خُوَارٌ فَقَالُوا هٰذَا الْبُهْمٌ وَ اِلٰهٗ مُوسٰى فَتَسْبٰى (۸۸)

پس برای آنان پیکر گوساله‌ای که صدایی داشت بیرون آورد ، و [او و پیروانش] گفتند : « این خدای شما و خدای موسی است ، و [پیمان خدا را] فراموش کرد . «

(طه، ۸۸)

اَفَلَا يَرَوْنَ اَلَّا يَرْجِعُ اِلَيْهِمْ قَوْلًا وَ لَا يَمْلِكُ لَهُمْ صَرْوًا وَ لَا نَفْعًا (۸۹)

مگر نمی‌بینند که [گوساله] پاسخ سخن آنان را ندهد و به حالشان سود و زبانی ندارد ؟

(طه، ۸۹)

وَ لَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلِ يٰ قَوْمِ اِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَ اِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمٰنُ فَاتَّبِعُونِى وَ اطِيعُوا اَمْرِى (۹۰)

و در حقیقت ، هارون قبلاً به آنان گفته بود : « ای قوم من ، شما به وسیله این [گوساله] مورد آزمایش قرار گرفته‌اید ، و پروردگار شما [خدای] رحمان است ، پس مرا پیروی کنید و فرمان مرا پذیرا باشید . «

(طه، ۹۰)

قَالُوا لَنْ نَّبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِيْنَ حَتّٰى يَرْجِعَ اِلَيْنَا مُوسٰى (۹۱)

گفتند : « ما هرگز از پرستش آن دست بر نخواهیم داشت تا موسی به سوی ما بازگردد . «

(طه، ۹۱)

قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا (۹۲)

[موسی] گفت: « ای هارون، وقتی دیدی آنها گمراه شدند چه چیز مانع تو شد،

(طه، ۹۲)

أَلَا تَتَّبِعِينَ أَفْعَصَيْتُمْ أَمْرِی (۹۳)

که از من پیروی کنی؟ آیا از فرمانم سر باز زدی؟»

(طه، ۹۳)

قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ تَمَّ تَرْفَعُ قَوْلِي (۹۴)

گفت: « ای پسر مادرم، نه ریش مرا بگیر و نه [موی] سرم را، من ترسیدم بگویی: میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی و سختم را مراعات نکردی.»

(طه، ۹۴)

قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ (۹۵)

[موسی] گفت: « ای سامری، منظور تو چه بود؟»

(طه، ۹۵)

قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَ كَذَلِكِ سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي (۹۶)

گفت: « به چیزی که [دیگران] به آن پی نبردند، پی بردم، و به قدر مُستی از رد پای فرستاده [خدا، جبرئیل] برداشتم و آن را در پیکر [گوساله] انداختم، و نفس من برابم چنین فریبکاری کرد.»

(طه، ۹۶)

قَالَ فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ نُخْلِفَهُ وَ أَنْظِرْ إِلَى إِلْهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنْهَرُقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا (۹۷)

گفت: « پس برو که بهره تو در زندگی این باشد که [به هر که نزدیک تو آمد] بگویی: [به من] دست مزنیید و تو را موعدی خواهد بود که هرگز از آن درباره تو تخلف نخواهد شد، و [اینک] به آن خدایی که پیوسته ملازمش بودی بنگر، آن را قطعاً می‌سوزانیم و خاکسترش می‌کنیم [و] در دریا فرو می‌پاشیم.»

(طه، ۹۷)

إِنَّمَا إِلْهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا (۹۸)

« معبود شما تنها آن خدایی است که جز او معبودی نیست، و دانش او همه چیز را در بر گرفته است.»

(طه، ۹۸)

كَذَلِكِ نَقَصْنَا عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَ قَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا (۹۹)

این گونه از اخبار پیشین بر تو حکایت می‌رانیم، و مسلماً به تو از جانب خود قرآنی داده‌ایم.

(طه، ۹۹)

مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَخْمَلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا (۱۰۰)

هر کس از [پیروی] آن روی برتابد، روز قیامت بار گناهی بر دوش می‌گیرد.

(طه، ۱۰۰)

خَالِدِينَ فِيهِ وَ سَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا (۱۰۱)

پیوسته در آن [حال] می‌ماند، و چه بد باری روز قیامت خواهند داشت.

(طه، ۱۰۱)

يَوْمَ يَنْفُخُ فِي الصُّورِ وَ نَخْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا (۱۰۲)

[همان] روزی که در صور دمیده می‌شود، و در آن روز مجرمان را کبودچشم برمی‌انگیزیم.

(طه، ۱۰۲)

يَتَخَفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا (۱۰۳)

میان خود به طور پنهانی با یکدیگر می‌گویند : « شما [در دنیا] جز ده [روز ، بیش] نمانده‌اید . »

(طه، ۱۰۳)

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا (۱۰۴)

ما داناتریم به آنچه می‌گویند ، آن گاه که نیک‌آیین‌ترین آنان می‌گویند : « جز یک روز ، بیش نمانده‌اید . »

(طه، ۱۰۴)

و يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا (۱۰۵)

و از تو در باره کوه‌ها می‌پرسند ، بگو : « پروردگارم آنها را [در قیامت] ریز ریز خواهد ساخت ،

(طه، ۱۰۵)

فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا (۱۰۶)

پس آنها را پهن و هموار خواهد کرد ،

(طه، ۱۰۶)

لَا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَ لَأَمْتًا (۱۰۷)

نه در آن کژی می‌بینی و نه ناهمواری .

(طه، ۱۰۷)

يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَأَوْجٍ لَهُ وَ خَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا (۱۰۸)

در آن روز ، [همه مردم] ، داعی [حق] را که هیچ انحرافی در او نیست پیروی می‌کنند ، و صداها در مقابل [خدای] رحمان خاشع می‌گردد ، و جز صدایی آهسته نمی‌شنوی

(طه، ۱۰۸)

يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَ رَضِيَ لَهُ قَوْلًا (۱۰۹)

در آن روز ، شفاعت [به کسی] سود نبخشد ، مگر کسی را که [خدای] رحمان اجازه دهد و سخنش او را پسند آید .

(طه، ۱۰۹)

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ وَ لَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا (۱۱۰)

آنچه را که آنان در پیش دارند و آنچه را که پشت سر گذاشته‌اند می‌داند ، و حال آنکه ایشان بدان دانشی ندارند .

(طه، ۱۱۰)

وَ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَ قَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا (۱۱۱)

و چهره‌ها برای آن [خدای] زنده پاینده خضوع می‌کنند ، و آن کس که ظلمی بر دوش دارد نومید می‌ماند .

(طه، ۱۱۱)

وَ مَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَ لَا هَضْمًا (۱۱۲)

و هر کس کارهای شایسته کند ، در حالی که مؤمن باشد ، نه از ستمی می‌هراسد و نه از کاسته شدن [حَقِّش] .

(طه، ۱۱۲)

وَ كَذَلِكَ أَنْزَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَ صَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا (۱۱۳)

و این گونه آن را [به صورت] قرآنی عربی نازل کردیم ، و در آن از انواع هشدارها سخن آوردیم ، شاید آنان راه تقوا در پیش گیرند ، یا [این کتاب] پندی تازه برای آنان بیاورد .

(طه، ۱۱۳)

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَ لَا تَعَجَّلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَ قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا (۱۱۴)

پس بلندمرتبه است خدا ، فرمانروای برحق ، و در [خواندن] قرآن ، پیش از آنکه وحی آن بر تو پایان یابد ، شتاب مکن ، و بگو : « پروردگارا ، بر دانشم بیفزای . »
(طه، ۱۱۴)

وَ لَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَى آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسِيَ وَ لَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا (۱۱۵)

و به یقین پیش از این با آدم پیمان بستیم ، و [لی آن را] فراموش کرد ، و برای او عزمی [استوار] نیافتیم .
(طه، ۱۱۵)

وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى (۱۱۶)

و [یاد کن] هنگامی را که به فرشتگان گفتیم : « برای آدم سجده کنید . » پس ، جز ابلیس که سر باز زد [همه] سجده کردند .
(طه، ۱۱۶)

فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَ لِرِجْزِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى (۱۱۷)

پس گفتیم : « ای آدم ، در حقیقت ، این [ابلیس] برای تو و همسرت دشمنی [خطرناک] است ، زنها را تا شما را از بهشت به در نکند تا تیره‌بخت گردی . »
(طه، ۱۱۷)

إِنَّ لَكَ أَلًا تَجُوعُ فِيهَا وَ لَا تَعْرَى (۱۱۸)

در حقیقت برای تو در آنجا این [امتیاز] است که نه گرسنه می‌شوی و نه برهنه می‌مانی .
(طه، ۱۱۸)

وَ أَنْتَ لَا تَنْظُمُ فِيهَا وَ لَا تَنْضَى (۱۱۹)

و [هم] اینکه در آنجا نه تشنه می‌گردی و نه آفتابزده .
(طه، ۱۱۹)

فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَ مُلْكٍ لَّا يَبُلَى (۱۲۰)

پس شیطان او را وسوسه کرد ، گفت : « ای آدم ، آیا تو را به درخت جاودانگی و ملکی که زایل نمی‌شود ، راه نمایم ؟ »
(طه، ۱۲۰)

فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لُهُمَا سَوَاتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصَفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَ عَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى (۱۲۱)

آن گاه از آن [درخت ممنوع] خوردند و برهنگی آنان برایشان نمایان شد و شروع کردند به چسبانیدن برگهای بهشت بر خود . و [این گونه] آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و بیراهه رفت .
(طه، ۱۲۱)

ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَ هَدَى (۱۲۲)

سپس پروردگارش او را برگزید و بر او ببخشود و [وی را] هدایت کرد .
(طه، ۱۲۲)

قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَأَمَّا يَاأَيُّكُمْ مَنَى هُدَى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَ لَا يَشْقَى (۱۲۳)

فرمود : « همگی از آن [مقام] فرود آید ، در حالی که بعضی از شما دشمن بعضی دیگر است ، پس اگر برای شما از جانب من رهنمودی رسد ، هر کس از هدایم پیروی کند نه گمراه می‌شود و نه تیره‌بخت . »
(طه، ۱۲۳)

وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى (۱۲۴)

و هر کس از یاد من دل بگرداند ، در حقیقت ، زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت ، و روز رستاخیز او را نابینا محسوس می‌کنیم .
(طه، ۱۲۴)

قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَىٰ وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا (۱۲۵)

می‌گوید : « پروردگارا ، چرا مرا نابینا محسوس کردی با آنکه بینا بودم ؟ »

(طه، ۱۲۵)

قَالَ كَذَلِكِ أَنْتَكَ آيَاتُنَا فَنَسِيْتَهَا وَكَذَلِكِ الْيَوْمَ تُنْسَىٰ (۱۲۶)

می‌فرماید : « همان طور که نشانه‌های ما بر تو آمد و آن را به فراموشی سپردی ، امروز همان گونه فراموش می‌شوی . »

(طه، ۱۲۶)

وَ كَذَلِكِ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَ لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَ أَبْقَىٰ (۱۲۷)

و این گونه هر که را به افراط گراییده و به نشانه‌های پروردگارش نگریده است سزا می‌دهیم ، و قطعاً شکنجه آخرت سخت‌تر و پایدارتر است .

(طه، ۱۲۷)

أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي النُّهَىٰ (۱۲۸)

آیا برای هدایتشان کافی نبود که [ببینند] چه نسلها را پیش از آنان نابود کردیم که [اینک آنها] در سراهای ایشان راه می‌روند ؟ به راستی برای خردمندان در این [امر] نشانه‌هایی [عبرت‌انگیز] است .

(طه، ۱۲۸)

وَ لَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَخَانَ لَزَامًا وَ أَجَلٌ مُّسَمًّى (۱۲۹)

و اگر سخنی از پروردگارت پیشی نگرفته و موعدی معین مقرر نشده بود ، قطعاً [عذاب آنها] لازم می‌آمد .

(طه، ۱۲۹)

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلِ غُرُوبِهَا وَ مِنْ آثَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَ اطَّرَافِ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ (۱۳۰)

پس بر آنچه می‌گویند شکیبا باش ، و پیش از بر آمدن آفتاب و قبل از فرو شدن آن ، با ستایش پروردگارت [او را] تسبیح گوی ، و برخی از ساعات شب و حوالی روز را به نیایش پرداز ، باشد که خشنود گردی .

(طه، ۱۳۰)

وَ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَ رِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَ أَبْقَىٰ (۱۳۱)

و زنجار به سوی آنچه اصنافی از ایشان را از آن برخوردار کردیم [و فقط] زیور زندگی دنیاست تا ایشان را در آن بیازماییم ، دیدگان خود مدوز ، و [بدان که] روزی پروردگارت تو بهتر و پایدارتر است .

(طه، ۱۳۱)

وَ أْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ (۱۳۲)

و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش . ما از تو جویای روزی نیستیم ، ما به تو روزی می‌دهیم ، و فرجام [نیک] برای پرهیزگاری است .

(طه، ۱۳۲)

وَ قَالُوا لَوْ لَا يَأْتِيَنَا بِآيَةٍ مِنْ رَبِّهِ أَوْ لِمَ تَأْتِيهِمْ بَيِّنَةٌ مَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ (۱۳۳)

و گفتند : « چرا از جانب پروردگارش معجزه‌ای برای ما نمی‌آورد ؟ » آیا دلیل روشن آنچه در صحیفه‌های پیشین است برای آنان نیامده است ؟

(طه، ۱۳۳)

وَ لَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْ لَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنُتَّبِعِ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَ نُخْزَىٰ (۱۳۴)

و اگر ما آنان را قبل از [آمدن قرآن] به عذابی هلاک می‌کردیم ، قطعاً می‌گفتند : « پروردگارا ، چرا پیامبری به سوی ما نفرستادی تا پیش از آنکه خوار و رسوا شویم از آیات تو پیروی کنیم ؟ »

(طه، ۱۳۴)

فَلَنْ كُلُّ مُتْرَبِّصٍ فَتْرَبِّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَ مَنْ اهْتَدَىٰ (۱۳۵)

بگو : « همه در انتظارند . پس در انتظار باشید . زودا که بدانید یاران راه راست کیانند و چه کسی راهیافته است . »

مکی-آیاتها-۱۱۲	سوره الانبیاء	ترتیبها-۲۱
----------------	---------------	------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الانبیاء، ۰)

اَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَ هُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ (۱)

برای مردم [وقت] حسابشان نزدیک شده است ، و آنان در بی‌خبری رویگردانند .

(الانبیاء، ۱)

مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مِنْ رَبِّهِمْ مُحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَ هُمْ يَلْعَبُونَ (۲)

هیچ بند تازه‌ای از پروردگارشان نیامد ، مگر اینکه بازی‌کنان آن را شنیدند .

(الانبیاء، ۲)

لَاهِيَةً قُلُوبِهِمْ وَ اسْرُوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السَّحْرَ وَ أَنْتُمْ تُبْصِرُونَ (۳)

در حالی که دل‌هایشان مشغول است . و آنان که ستم کردند پنهانی به نجوا برخاستند که : « آیا این [مرد] جز بشری مانند شماست ؟ آیا دیده و دانسته به سوی سحر می‌روید ؟ »

(الانبیاء، ۳)

قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۴)

[پیامبر] گفت : « پروردگارم [هر] گفتار [ی] را در آسمان و زمین می‌داند ، و اوست شنوای دانا . »

(الانبیاء، ۴)

بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَخْلَامٍ بَلْ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأُولُونَ (۵)

بلکه گفتند : « خوابهای شوریده است ، [نه] بلکه آن را برباخته ، بلکه او شاعری است . پس همان گونه که برای پیشینیان هم عرضه شد ، باید برای ما نشانه‌ای بیاورد . »

(الانبیاء، ۵)

مَا آمَنَتْ قَبْلَهُمْ مِنْ قُرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَهْلَهُمْ يَوْمَنُونَ (۶)

قبل از آنان [نیز مردم] هیچ شهری که آن را نابود کردیم [به آیات ما] ایمان نیاوردند . پس آیا اینان [به معجزه] ایمان می‌آورند ؟

(الانبیاء، ۶)

وَ مَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۷)

و پیش از تو [نیز] جز مردانی را که به آنان وحی می‌کردیم گسیل نداشتیم . اگر نمی‌دانید از پژوهندگان کتابهای آسمانی بپرسید .

(الانبیاء، ۷)

وَ مَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَ مَا كَانُوا خَالِدِينَ (۸)

و ایشان را جسدی که غذا نخورند قرار ندادیم و جاویدان [هم] نبودند .

(الانبیاء، ۸)

ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَ مَنْ نَشَاءُ وَ أَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ (۹)

سپس وعده [خود] به آنان را راست گردانیدیم و آنها و هر که را خواستیم نجات دادیم و افراطکاران را به هلاکت رسانیدیم .

(الانبیاء، ۹)

نَعَدُّ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَ فَلَآ تَعْقِلُونَ (۱۰)

در حقیقت ، ما کتابی به سوی شما نازل کردیم که یاد شما در آن است . آیا نمی‌اندیشید ؟

(الانبیاء، ۱۰)

وَ كَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ (۱۱)

و چه بسیار شهرها را که [مردمش] ستمکار بودند در هم شکستیم ، و پس از آنها قومی دیگر پدید آوردیم .

(الانبیاء، ۱۱)

فَلَمَّا أَكَسُوا نَأَسْنَا إِذًا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ (۱۲)

پس چون عذاب ما را احساس کردند ، بناگاه از آن می‌گریختند .

(الانبیاء، ۱۲)

لَا تَرْكُضُوا وَ ارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَ مَسَاكِينِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ (۱۳)

[هان] مگریزید ، و به سوی آنچه در آن متعمم بودید و [به سوی] سراهبانتان بازگردید ، باشد که شما مورد پرسش قرار گیرید .

(الانبیاء، ۱۳)

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (۱۴)

گفتند : « ای وای بر ما ، که ما واقعاً ستمگر بودیم . »

(الانبیاء، ۱۴)

فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ (۱۵)

سخنشان پیوسته همین بود ، تا آنان را دروشده بی‌جان گردانیدیم .

(الانبیاء، ۱۵)

وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا لِأَعْيُنٍ (۱۶)

و آسمان و زمین و آنچه را که میان آن دو است به بازیچه نیافریدیم .

(الانبیاء، ۱۶)

لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهَوًا لَاتَّخَذْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا إِنَّ كُنَّا فَاعِلِينَ (۱۷)

اگر می‌خواستیم بازیچه‌ای بگیریم ، قطعاً آن را از پیش خود اختیار می‌کردیم .

(الانبیاء، ۱۷)

بَلْ نَقَدِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَ لَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ (۱۸)

بلکه حق را بر باطل فرو می‌افکنیم ، پس آن را در هم می‌شکنند ، و بناگاه آن نابود می‌گردد . وای بر شما از آنچه وصف می‌کنید .

(الانبیاء، ۱۸)

وَ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَ لَا يَسْتَحْسِرُونَ (۱۹)

و هر که در آسمانها و زمین است برای اوست ، و کسانی که نزد اویند از پرستش وی تکبر نمی‌ورزند و درمانده نمی‌شوند .

(الانبیاء، ۱۹)

يَسْبَحُونَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ (۲۰)

شبانه روز ، بی‌آنکه سستی ورزند ، نیایش می‌کنند .

(الانبیاء، ۲۰)

أَمْ اتَّخَذُوا إِلَهًا مِنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنْشِرُونَ (۲۱)

آیا برای خود خدایانی از زمین اختیار کرده‌اند که آنها [مردگان را] زنده می‌کنند ؟

(الانبیاء، ۲۱)

لَوْ كَانَ فِيهَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ (۲۲)

اگر در آنها [زمین و آسمان] جز خدا ، خدایانی [دیگر] وجود داشت ، قطعاً [زمین و آسمان] تباہ می‌شد . پس منزّه است خدا ، پروردگار عرش ، از آنچه وصف می‌کنند .

(الانبیاء، ۲۲)

لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يُسْأَلُونَ (۲۳)

در آنچه [خدا] انجام می‌دهد چون و چرا راه ندارد ، و [لی] آنان [انسانها] سوال خواهند شد .

(الانبیاء، ۲۳)

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مَنْ مَعِيَ وَ ذِكْرٌ مَنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ (۲۴)

آیا به جای او خدایانی برای خود گرفته‌اند ؟ بگو : « برهانتان را بیاورید . » این است یادنامه هر که با من است و یادنامه هر که پیش از من بوده . [نه !] بلکه بیشترشان حق را نمی‌شناسند و در نتیجه از آن رویگردانند .

(الانبیاء، ۲۴)

وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ (۲۵)

و پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که : « خدای جز من نیست ، پس مرا بپرستید . »

(الانبیاء، ۲۵)

وَ قَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُكْرَمُونَ (۲۶)

و گفتند : « [خدای] رحمان فرزندی اختیار کرده . » منزّه است او . بلکه [فرشتگان] بندگان ارجمندند ،

(الانبیاء، ۲۶)

لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ (۲۷)

که در سخن بر او پیشی نمی‌گیرند ، و خود به دستور او کار می‌کنند .

(الانبیاء، ۲۷)

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ وَ لَا يَسْغُفُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى وَ هُمْ مِنْ حَشْبَتِهِ مُشْفِقُونَ (۲۸)

آنچه فراروی آنان و آنچه پشت سرشان است می‌داند ، و جز برای کسی که [خدا] رضایت دهد ، شفاعت نمی‌کنند و خود از بیم او هراسانند .

(الانبیاء، ۲۸)

وَ مَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِنْ دُونِهِ فَلْيُكْفِرْ بِهِمْ كَذَلِكَ نُجْزِي الظَّالِمِينَ (۲۹)

و هر کس از آنان بگوید : « من [نیز] جز او خدایی هستم » ، او را به دوزخ کیفر می‌دهیم . [آری] سزای ستمکاران را این گونه می‌دهیم .

(الانبیاء، ۲۹)

أَوْ لَمْ يَزِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا فَلَا يُؤْمِنُونَ (۳۰)

آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند ، و ما آن دو را از هم جدا ساختیم ، و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم ؟ آیا [باز هم] ایمان نمی‌آورند ؟

(الانبیاء، ۳۰)

وَ جَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رِوَاسِيًا أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَ جَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (۳۱)

و در زمین کوه‌هایی استوار نهادیم تا مبادا [زمین] آنان [مردم] را بجنباند ، و در آن راههایی فراخ پدید آوردیم ، باشد که راه یابند .

(الانبیاء، ۳۱)

وَ جَعَلْنَا السَّمَاءَ سَفْكَاً مَحْفُوظًا وَ هُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ (۳۲)

و آسمان را سقفی محفوظ قرار دادیم ، و [لی] آنان از [مطالعه در] نشانه‌های آن اعراض می‌کنند .

(الانبیاء، ۳۲)

وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (۳۳)

و اوست آن کسی که شب و روز و خورشید و ماه را پدید آورده است . هر کدام از این دو در مداری [معین] شناورند .

(الانبیاء، ۳۳)

وَ مَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِنْ مِتَّ فَهُمُ الْخَالِدُونَ (۳۴)

و پیش از تو برای هیچ بشری جاودانگی [در دنیا] قرار ندادیم . آیا اگر تو از دنیا بروی آنان جاویدانند ؟

(الانبیاء، ۳۴)

كُلُّ نَفْسٍ دَابِقَةٌ الْمَوْتِ وَ تَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً وَ إِنَّا نُرْجِعُونَ (۳۵)

هر نفسی چشنده مرگ است ، و شما را از راه آزمایش به بد و نیک خواهیم آزمود ، و به سوی ما بازگردانیده می‌شوید .

(الانبیاء، ۳۵)

وَ إِذَا رَاكَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِذْ يَتَخَذُونَكَ إِلَّا هُزُوءاً أَوْ هَدَاً الَّذِي يُدَكَّرُ الْهَيْكَلُ وَ هُمْ بِذِكْرِ الرَّحْمَنِ هُمْ كَافِرُونَ (۳۶)

و کسانی که کافر شدند ، چون تو را ببینند فقط به مسخرهات می‌گیرند [و می‌گویند : « آیا این همان کس است که خدایانتان را [به بدی] یاد می‌کند ؟ » در حالی که آنان خود ، یاد [خدای] رحمان را منکرند .

(الانبیاء، ۳۶)

خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأَرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ (۳۷)

انسان از شتاب آفریده شده است . به زودی آیاتم را به شما نشان می‌دهم . پس [عذاب را] به شتاب از من نخواهید .

(الانبیاء، ۳۷)

وَ يَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۳۸)

و می‌گویند : « اگر راست می‌گویید ، این وعده [قیامت] کی خواهد بود ؟ »

(الانبیاء، ۳۸)

لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكْفُونَ عَنْ وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَ لَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَ لَا هُمْ يُنصَرُونَ (۳۹)

کاش آنان که کافر شده‌اند می‌دانستند آن گاه که آتش را نه از چهره‌های خود و نه از پشتشان باز نمی‌توانند داشت ، و خود مورد حمایت قرار نمی‌گیرند [چه حالی خواهند داشت] .

(الانبیاء، ۳۹)

بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَ لَا هُمْ يُنظَرُونَ (۴۰)

بلکه [آتش] به طور ناگهانی به آنان می‌رسد و ایشان را بهت‌زده می‌کند [به گونه‌ای] که نه می‌توانند آن را برگردانند و نه به آنان مهلت داده می‌شود .

(الانبیاء، ۴۰)

وَ لَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِرَسُولٍ مِنْ قَبْلِكَ فَخَلَقَ بِالَّذِينَ سَخَرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (۴۱)

و مسلماً پیامبران پیش از تو [نیز] مورد ریشخند قرار گرفتند ، پس کسانی که آنان را مسخره می‌کردند ، [سزای] آنچه که آن را به ریشخند می‌گرفتند گریبانگیرشان شد .

(الانبیاء، ۴۱)

فَلَنْ يَكْفُرُوا بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ (۴۲)

بگو : « چه کسی شما را شب و روز از [عذاب] رحمان حفظ می‌کند ؟ » [نه] بلکه آنان از یاد پروردگارشان رویگردانند .

(الانبیاء، ۴۲)

أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِنْ دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنفُسِهِمْ وَ لَا هُمْ مِنَّا يُصْحَبُونَ (۴۳)

[آیا برای آنان خدایانی غیر از ماست که از ایشان حمایت کنند ؟ [آن خدایان] نه می‌توانند خود را یاری کنند و نه از جانب ما یاری شوند .

(الانبیاء، ۴۳)

بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَ فَهُمُ الْغَالِبُونَ (۴۴)

[نه] بلکه اینها و پدرانشان را برخوردار کردیم تا عمرشان به درازا کشید . آیا نمی‌بینند که ما می‌آییم و زمین را از جوانب آن فرو می‌کاهیم ؟ آیا باز هم آنان پیروزند ؟

(الانبیاء، ۴۴)

قُلْ إِنَّمَا أَنْذَرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصَّمَّ الدُّعَاءُ إِذَا مَا يُنذَرُونَ (۴۵)

بگو : « من شما را فقط به وسیله وحی هشدار می‌دهم . » و [لی] چون کران بیم داده شوند ، دعوت را نمی‌شنوند .

(الانبیاء، ۴۵)

وَ لئنِ مَسَّتْهُمُ نَفْحَةٌ مِنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَا وَيْلَتَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (۴۶)

و اگر شمه‌ای از عذاب پروردگارت به آنان برسد ، خواهند گفت : « ای وای بر ما که ستمکار بودیم . »

(الانبیاء، ۴۶)

وَ نَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئاً وَ إِن كَانِ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَ كَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ (۴۷)

و ترازوهای داد را در روز رستاخیز می‌نهم ، پس هیچ کس [در] چیزی ستم نمی‌بیند ، و اگر [عمل] هموزن دانه خردلی باشد آن را می‌آوریم و کافی است که ما حسابرس باشیم .

(الانبیاء، ۴۷)

وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ وَ هَارُونَ الْفُرْقَانَ وَ ضِيَآءَ وَ ذِكْرًا لِلْمُتَّقِينَ (۴۸)

و در حقیقت ، به موسی و هارون فرقان دادیم و [کتابشان] برای پرهیزگاران روشنایی و اندرزی است .

(الانبیاء، ۴۸)

الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَ هُمْ مِنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ (۴۹)

[همان] کسانی که از پروردگارشان در نهان می‌ترسند و از قیامت هراسناکند .

(الانبیاء، ۴۹)

وَ هَذَا ذِكْرٌ مُبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَ فَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ (۵۰)

و این [کتاب] که آن را نازل کرده‌ایم پندی خجسته است . آیا باز هم آن را انکار می‌کنید ؟

(الانبیاء، ۵۰)

وَ لَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلِ وَ كُنَّا بِهِ عَالِمِينَ (۵۱)

و در حقیقت ، پیش از آن ، به ابراهیم رشد [فکری] اش را دادیم و ما به [شایستگی] او دانا بودیم .

(الانبیاء، ۵۱)

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ (۵۲)

آن گاه که به پدر خود و قومش گفت : « این مجسمه‌هایی که شما ملازم آنها شده‌اید چیستند ؟ »

(الانبیاء، ۵۲)

قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ (۵۳)

گفتند : « پدران خود را پرستندگان آنها یافتیم . »

(الانبیاء، ۵۳)

قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۵۴)

گفت : « قطعاً شما و پدرانتان در گمراهی آشکاری بودید . »

(الانبیاء، ۵۴)

قَالُوا أَجِئْنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ (۵۵)

گفتند : « آیا حق را برای ما آورده‌ای یا تو از شوخی‌کنندگانی ؟ »

(الانبیاء، ۵۵)

قَالَ بَلْ رُبُّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَىٰ ذَلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ (۵۶)

گفت : « [نه] بلکه پروردگارتان ، پروردگار آسمانها و زمین است ، همان کسی که آنها را پدید آورده است ، و من بر این [واقعیت] از گواهانم .

(الانبیاء، ۵۶)

و تَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ (۵۷)

و سوگند به خدا که پس از آنکه پشت کردید و رفتید ، قطعاً در کار بتانتان تدبیری خواهم کرد .

(الانبیاء، ۵۷)

و وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَ كُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ (۷۲)

و اسحاق و یعقوب را [به عنوان نعمتی] افزون به او بخشودیم و همه را از شایستگان قرار دادیم .

فَجَعَلْنَاهُمْ جُدَادًا لِأَكْبَرَىٰ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ (۵۸)

پس آنها را جز بزرگترشان را ریز ریز کرد ، باشد که ایشان به سراغ آن بروند .

(الانبیاء، ۵۸)

قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ (۵۹)

گفتند : « چه کسی با خدایان ما چنین [معامله‌ای] کرده ، که او واقعاً از ستمکاران است ؟ »

(الانبیاء، ۵۹)

قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ (۶۰)

گفتند : « شنیدیم جوانی ، از آنها [به بدی] یاد می‌کرد که به او ابراهیم گفته می‌شود . »

(الانبیاء، ۶۰)

قَالُوا فَاتُّوا بِهِ عَلَىٰ أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ (۶۱)

گفتند : « پس او را در برابر دیدگان مردم بیاورید ، باشد که آنان شهادت دهند . »

(الانبیاء، ۶۱)

قَالُوا أَ أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ (۶۲)

گفتند : « ای ابراهیم ، آیا تو با خدایان ما چنین کردی ؟ »

(الانبیاء، ۶۲)

قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ (۶۳)

گفت : « [نه] بلکه آن را این بزرگترشان کرده است ، اگر سخن می‌گویند از آنها بپرسید . »

(الانبیاء، ۶۳)

فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ (۶۴)

پس به خود آمده و [به یکدیگر] گفتند : « در حقیقت ، شما ستمکارید . »

(الانبیاء، ۶۴)

ثُمَّ لُكِنُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَؤُلَاءِ يَتَّبِعُونَ (۶۵)

سپس سرافکنده شدند [و گفتند :] « قطعاً دانسته‌ای که اینها سخن نمی‌گویند . »

(الانبیاء، ۶۵)

قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئاً وَ لَا يَضُرُّكُمْ (۶۶)

گفت : « آیا جز خدا چیزی را می‌پرستید که هیچ سود و زیانی به شما نمی‌رساند ؟ »

(الانبیاء، ۶۶)

أَفَ لَكُمْ وَ لِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۶۷)

اف بر شما و بر آنچه غیر از خدا می‌پرستید . مگر نمی‌اندیشید ؟ »

(الانبیاء، ۶۷)

قَالُوا حَرْقُهُ وَ انصُرُوا إِلَهُتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ (۶۸)

گفتند : « اگر کاری می‌کنید ، او را بسوزانید و خدایانتان را یاری دهید . »

(الانبیاء، ۶۸)

قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ (۶۹)

گفتیم : « ای آتش ، برای ابراهیم سرد و بی‌آسیب باش . »

(الانبیاء، ۶۹)

وَ ارَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ (۷۰)

و خواستند به او نیرنگی بزنند و [لی] آنان را زیانکارترین [مردم] قرار دادیم .

(الانبیاء، ۷۰)

وَ نَجِّنَاهُ وَ نُوْطَأُ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ (۷۱)

و او و لوط را [برای رفتن] به سوی آن سرزمینی که برای جهانیان در آن برکت نهاده بودیم ، رهانیدیم .

(الانبیاء، ۷۱)

وَ هَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ نَافِلَةً وَ كُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ (۷۲)

و اسحاق و یعقوب را [به عنوان نعمتی] افزودیم به او بخشودیم و همه را از شایسته‌گان قرار دادیم .

(الانبیاء، ۷۲)

وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ آتَاءَ الزَّكَاةِ وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ (۷۳)

و آنان را پیشوایی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می‌کردند ، و به ایشان انجام دادن کارهای نیک و برپاداشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم و آنان پرستنده ما بودند .

(الانبیاء، ۷۳)

وَ لُوْطًا إِتَيْنَاهُ حُكْمًا وَ عِلْمًا وَ نَجِّنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسِقِينَ (۷۴)

و به لوط حکمت و دانش عطا کردیم و او را از آن شهری که [مردمش] کارهای پلید [جنسی] می‌کردند نجات دادیم . به راستی آنها گروه بد و منحرفی بودند .

(الانبیاء، ۷۴)

وَ ادْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (۷۵)

و او را در رحمت خویش داخل کردیم ، زیرا او از شایسته‌گان بود .

(الانبیاء، ۷۵)

وَ نُوحًا إِذْ نَادَىٰ مِن قَبْلٍ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَجَئْنَاهُ وَ أَهْلَهُ مِنَ الْعَرْبِ الْعَظِيمِ (۷۶)

و نوح را [یاد کن] آن گاه که پیش از [سایر پیامبران] ندا کرد ، پس ما او را اجابت کردیم ، و وی را با خانواده‌اش از بلای بزرگ رهانیدیم .

(الأنبياء، ۷۶)

و نصرناه من القوم الذين كذبوا بآياتنا إنهم كانوا قوم سوء فأعرقناهم جميعين (۷۷)

و او را در برابر مردمی که نشانه‌های ما را به دروغ گرفته بودند پیروزی بخشیدیم ، چرا که آنان مردم بدی بودند ، پس همه ایشان را غرق کردیم .

(الأنبياء، ۷۷)

و داود و سليمان إذ يحكمان في الحزب إذ نفشت فيه غم القوم و كنا لحكمهم شاهدين (۷۸)

و داوود و سلیمان را [یاد کن] هنگامی که در باره آن کشتزار که گوسفندان مردم شب‌هنگام در آن چریده بودند داوری می‌کردند ، و [ما] شاهد داوری آنان بودیم .

(الأنبياء، ۷۸)

فقهمنها سليمان و كلاً اتينا حكماً و علماً و سخرنا مع داود الجبال يسبحن و الطير و كنا فاعلين (۷۹)

پس آن [داوری] را به سلیمان فهمانیدیم ، و به هر يك [از آن دو] حکمت و دانش عطا کردیم ، و کوه‌ها را با داوود و پرنندگان به نیایش واداشتیم ، و ما کننده [این کار] بودیم .

(الأنبياء، ۷۹)

و علمناه صنعة لبوس لكم ليخصنكم من بأسكم فهل أنتم شاكرون (۸۰)

و به [داوود] فن زره [سازی] آموختیم ، تا شما را از [خطرات] جنگتان حفظ کند . پس آیا شما سپاس گزارید ؟

(الأنبياء، ۸۰)

و لسليمان الريح عاصفة تجري بأمره إلى الأرض التي باركنا فيها و كنا بكل شيء عالمين (۸۱)

و برای سلیمان ، تندباد را [رام کردیم] که به فرمان او به سوی سرزمینی که در آن برکت نهاده بودیم جریان می‌یافت ، و ما به هر چیزی دانا بودیم .

(الأنبياء، ۸۱)

و من الشياطين من يغوسون له و يعملون عملاً دون ذلك و كنا لهم حافظين (۸۲)

و برخی از شیاطین بودند که برای او غواصی و کارهایی غیر از آن می‌کردند ، و ما مراقب [حال] آنها بودیم .

(الأنبياء، ۸۲)

و أيوب إذ نادى ربه أني مسني الضر و أنت أرحم الراحمين (۸۳)

و ایوب را [یاد کن] هنگامی که پروردگارش را ندا داد که : « به من آسیب رسیده است و تویی مهربانترین مهربانان . »

(الأنبياء، ۸۳)

فاستجبنا له فكشفنا ما به من ضر و آتينا أهله و مثلهم معهم رحمة من عندنا و ذكرى للعابدين (۸۴)

پس [دعای] او را اجابت نمودیم و آسیب وارده بر او را برطرف کردیم ، و کسان او و نظیرشان را همراه با آنان [مجدداً] به وی عطا کردیم [تا] رحمتی از جانب ما و عبرتی برای عبادت‌کنندگان [باشد] .

(الأنبياء، ۸۴)

و إسماعيل و إدريس و ذا الكفل كل من الصابرين (۸۵)

و اسماعیل و ادريس و ذو الكفل را [یاد کن] که همه از شکیبایان بودند .

(الأنبياء، ۸۵)

و أدخلناهم في رحمتنا إنهم من الصالحين (۸۶)

و آنان را در رحمت خود داخل نمودیم ، چرا که ایشان از شایستگان بودند .

(الأنبياء، ۸۶)

و ذا النون إذ ذهب مغاضباً فظن أن لن نقدر عليه فنادى في الظلمات أن لا إله إلا أنت سبحانك إنني كنت من الظالمين (۸۷)

۶۰۴ / ۲۵۴

و « ذُو النُّونِ » را [یاد کن] آن گاه که خشمگین رفت و پنداشت که ما هرگز بر او قدرتی نداریم ، تا در [دل] تاریکیها ندا درداد که : « معبودی جز تو نیست ، منزهی تو ، راستی که من از ستمکاران بودم . »

(الانبیاء، ۸۷)

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَجَجَبْنَا مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ (۸۸)

پس [دعای] او را برآورده کردیم و او را از اندوه رهانیدیم ، و مؤمنان را [نیز] چنین نجات می‌دهیم .

(الانبیاء، ۸۸)

وَ زَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ (۸۹)

و زکریا را [یاد کن] هنگامی که پروردگار خود را خواند : « پروردگارا ، مرا تنها مگذار ، تو بهترین ارث برندگانی . »

(الانبیاء، ۸۹)

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَصَلَخْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَدَعَوْنَاهُ رَغْبًا وَرَهْبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ (۹۰)

پس [دعای] او را اجابت نمودیم ، و یحیی را بدو بخشیدیم و همسرش را برای او شایسته [و آماده حمل] کردیم ، زیرا آنان در کارهای نیک شتاب می‌نمودند و ما را از روی رغبت و بیم می‌خواندند و در برابر ما فروتن بودند .

(الانبیاء، ۹۰)

وَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ (۹۱)

و آن [زن را یاد کن] که خود را پاکدامن نگاه داشت ، و از روح خویش در او دمیدیم و او و پسرش را برای جهانیان آیتی قرار دادیم .

(الانبیاء، ۹۱)

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ (۹۲)

این است امت شما که امتی یگانه است ، و منم پروردگار شما ، پس مرا بپرستید .

(الانبیاء، ۹۲)

وَ تَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلًّا مِنَّا رَاجِعُونَ (۹۳)

و [لی] دینشان را میان خود پاره پاره کردند . همه به سوی ما بازمی‌گردند .

(الانبیاء، ۹۳)

فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ (۹۴)

پس هر که کارهای شایسته انجام دهد و مؤمن [هم] باشد ، برای تلاش او ناسپاسی نخواهد بود ، و ماییم که به سود او ثبت می‌کنیم .

(الانبیاء، ۹۴)

وَ حَرَامٌ عَلَىٰ قَرْبَىٰ أَنْ يَأْتِيَ بِهِنَّ أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ (۹۵)

و بر [مردم] شهری که آن را هلاک کرده‌ایم ، بازگشتشان [به دنیا] حرام است .

(الانبیاء، ۹۵)

حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ (۹۶)

تا وقتی که یاجوج و ماجوج [راهشان] گشوده شود و آنها از هر پشته‌ای بتازند ،

(الانبیاء، ۹۶)

وَ اقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارِ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلَّ كُنَّا ظَالِمِينَ (۹۷)

و وعده حق نزدیک گردد ، ناگهان دیدگان کسانی که کفر ورزیده‌اند خیره می‌شود [و می‌گویند : « ای وای بر ما که از این [روز] در غفلت بودیم ، بلکه ما ستمگر بودیم . »

(الانبیاء، ۹۷)

إِنَّكُمْ وَ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ (۹۸)

در حقیقت ، شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید ، هیزم دوزخید . شما در آن وارد خواهید شد .

(الانبیاء، ۹۸)

لَوْ كَانَ هُوَآءِ إِلَهَةً مَا وَرَدُوهَا وَ كَلَّ فِيهَا خَالِدُونَ (۹۹)

اگر اینها خدایانی [واقعی] بودند در آن وارد نمی‌شدند ، و حال آنکه جملگی در آن ماندگارند .

(الانبیاء، ۹۹)

لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَ هُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ (۱۰۰)

برای آنها در آنجا ناله‌ای زار است و در آنجا [چیزی] نمی‌شنوند .

(الانبیاء، ۱۰۰)

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ (۱۰۱)

بی‌گمان کسانی که قبلاً از جانب ما به آنان وعده نیکو داده شده است از آن [آتش] دور داشته خواهند شد .

(الانبیاء، ۱۰۱)

لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَ هُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ (۱۰۲)

صدای آن را نمی‌شنوند ، و آنان در میان آنچه دل‌هایشان بخواهد جاودانند .

(الانبیاء، ۱۰۲)

لَا يَخْزُهُمُ الْعَزْغُ الْأَكْبَرُ وَ تَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمَ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (۱۰۳)

دلهره بزرگ ، آنان را غمگین نمی‌کند و فرشتگان از آنها استقبال می‌کنند [و به آنان می‌گویند :] این همان روزی است که به شما وعده می‌دادند .

(الانبیاء، ۱۰۳)

يَوْمَ نُطَوِّي السَّمَاءَ كَطَيِّ السَّجْلِ لِلْعُتْبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نَعِيدُهُ وَ عَدَا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ (۱۰۴)

روزی که آسمان را همچون در پیچیدن صفحه نامه‌ها در می‌پیچیم . همان گونه که بار نخست آفرینش را آغاز کردیم ، دوباره آن را بازمی‌گردانیم . وعده‌ای است بر عهده ما ، که ما انجام دهنده آنیم .

(الانبیاء، ۱۰۴)

وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (۱۰۵)

و در حقیقت ، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد .

(الانبیاء، ۱۰۵)

إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَابِدِينَ (۱۰۶)

به راستی در این [امور] برای مردم عبادت‌پیشه ابلاغی [حقیقی] است .

(الانبیاء، ۱۰۶)

وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (۱۰۷)

و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم .

(الانبیاء، ۱۰۷)

قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ إِنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (۱۰۸)

بگو : « جز این نیست که به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است . پس آیا مسلمان می‌شوید ؟ »

(الانبیاء، ۱۰۸)

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَعَلْنَا لَأَنَّكُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ وَ إِنْ أُدْرِيَ أَمْ قَرِيبٌ أَمْ بَعِيدٌ مَا تُوعَدُونَ (۱۰۹)

پس اگر روی برتافتند بگو : « به [همه] شما به طور یکسان اعلام کردم ، و نمی‌دانم آنچه وعده داده شده‌اید آیا نزدیک است یا دور . »

(الانبیاء، ۱۰۹)

إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ (۱۱۰)

[آری ، [او سخن آشکار را می‌داند و آنچه را پوشیده می‌دارید می‌داند .

(الانبیاء، ۱۱۰)

وَإِنْ أَرَىٰ لَعْلَهُ فُنْتَةٌ لَكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ (۱۱۱)

و نمی‌دانم ، شاید آن برای شما آزمایشی و تا چندگاهی [وسیله] برخورداری باشد .

(الانبیاء، ۱۱۱)

قَالَ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ (۱۱۲)

گفت : « پروردگارا ، [خودت] به حق داوری کن ، و به رغم آنچه وصف می‌کنید ، پروردگار ما همان بخشایشگر دستگیر است . »

(الانبیاء، ۱۱۲)

ترتیبها- ۲۲	سوره الحج	مدنی- آیاتها- ۷۸
-------------	-----------	------------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الحج، ۰)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ (۱)

ای مردم ، از پروردگار خود پروا کنید ، چرا که زلزله رستاخیز امری هولناک است .

(الحج، ۱)

يَوْمَ تَرُؤُنَهَا تَهْذُلًا كَلًّا مَرْضِعَةً عَمَّا أُرْضِعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمَلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَارَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ (۲)

روزی که آن را ببینید ، هر شیردهنده‌ای آن را که شیر می‌دهد [از ترس] فرو می‌گذارد ، و هر آبستنی بار خود را فرو می‌نهد ، و مردم را مست می‌بینی و حال آنکه مست نیستند ، ولی عذاب خدا شدید است .

(الحج، ۲)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ (۳)

و برخی از مردم در باره خدا بدون هیچ علمی مجادله می‌کنند و از هر شیطان سرکش پیروی می‌نمایند .

(الحج، ۳)

كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ (۴)

بر [شیطان] مقرر شده است که هر کس او را به دوستی گیرد ، قطعاً او وی را گمراه می‌سازد و به عذاب آتشش می‌کشاند .

(الحج، ۴)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبُعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُّخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِيَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (۵)

ای مردم ، اگر در باره برانگیخته شدن در شکید ، پس [بدانید] که ما شما را از خاک آفریده‌ایم ، سپس از نطفه ، سپس از علقه ، آن گاه از مضغه ، دارای خلقت کامل و [احياناً] خلقت ناقص ، تا [قدرت خود را] بر شما روشن گردانیم . و آنچه را اراده می‌کنیم تا مدتی معین در رحمها قرار می‌دهیم ، آن گاه شما را [به صورت] کودک برون می‌آوریم ، سپس [حیات شما را ادامه می‌دهیم] تا به حد رشدتان برسید ، و برخی از شما [زودرس] می‌میرد ، و برخی از شما به غایت پیری می‌رسد به گونه‌ای که پس از دانستن [بسی چیزها] چیزی نمی‌داند . و زمین را خشکیده می‌بینی و [لی] چون آب بر آن فرود آوریم به جنبش درمی‌آید و نمو می‌کند و از هر نوع [رستنیهای] نیکو می‌رویاند .

(الحج، ۵)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُخَيِّبُ الْمُؤْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۶)

این [قدرت نماییاها] بدان سبب است که خدا خود حق است ، و اوست که مردگان را زنده می‌کند و [هم] اوست که بر هر چیزی تواناست .

(الحج، ۶)

وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ (۷)

و [هم] آنکه رستاخیز آمدنی است [و] شکى در آن نیست ، و در حقیقت ، خداست که کسانی را که در گورهایند برمی‌انگیزد .

(الحج، ۷)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّبِينٍ (۸)

و از [میان] مردم کسی است که در باره خدا بدون هیچ دانش و بی‌هیچ رهنمود و کتاب روشنی به مجادله می‌پردازد ،

(الحج، ۸)

ثَلَاثِي عَشْرَةَ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ نُذِيفَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ (۹)

[آن هم] از سر نخوت ، تا [مردم را] از راه خدا گمراه کند . در این دنیا برای او رسوایی است ، و در روز رستاخیز او را عذاب آتش سوزان می‌چشانیم .

(الحج، ۹)

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ يَدَاكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ (۱۰)

این [کیفر] به سزای چیزهایی است که دستهای تو پیش فرستاده است و [گرنه] خدا به بندگان خود بیدادگر نیست .

(الحج، ۱۰)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْبِدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَ إِنْ أَصَابَتْهُ فَتْنَةٌ اِنْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ (۱۱)

و از میان مردم کسی است که خدا را فقط بر يك حال [و بدون عمل] می‌پرستد . پس اگر خیری به او برسد بدان اطمینان یابد ، و چون بلائی بدو رسد روی برتابد . در دنیا و آخرت زیان دیده است . این است همان زیان آشکار .

(الحج، ۱۱)

يَدْعُو مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَ مَا لَا يَنْفَعُهُ ذَٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبُعِيدُ (۱۲)

به جای خدا چیزی را می‌خواند که نه زیانی به او می‌رساند و نه سودش می‌دهد . این است همان گمراهی دور و دراز .

(الحج، ۱۲)

يَدْعُو لَمَنْ ضَرُّهُ أَقْرَبُ مَن نَّفَعِهِ لَيْسَ الْمُؤْتَىٰ وَ لَيْسَ الْعَشِيرُ (۱۳)

کسی را می‌خواند که زیانش از سودش نزدیکتر است . و چه بد مولایی و چه بد دمسازی !

(الحج، ۱۳)

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ (۱۴)

بی‌گمان ، خدا کسانی را که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند به باغهایی درمی‌آورد که از زیر [درختان] آن رودبارها روان است . خدا هر چه بخواهد انجام می‌دهد .

(الحج، ۱۴)

مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَن لَّنْ يَبْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لِيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدَهُ مَا يَغِيظُ (۱۵)

هر که می‌پندارد که خدا [پیامبرش] را در دنیا و آخرت هرگز یاری نخواهد کرد [بگو] تا طنابی به سوی سقف کشد [و خود را حلق‌آویز کند] سپس [آن را] ببزد . آن گاه بنگرد که آیا نیرنگش چیزی را که مایه خشم او شده از میان خواهد برد ؟

(الحج، ۱۵)

وَ كَذَٰلِكَ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَ أَنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يُرِيدُ (۱۶)

و بدین گونه [قرآن] را [به صورت] آیاتی روشن‌گر نازل کردیم ، و خداست که هر که را بخواهد راه می‌نماید .

(الحج، ۱۶)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۱۷)

کسانی که ایمان آوردند و کسانی که یهودی شدند و صابئینها و مسیحیان و زرتشتیان و کسانی که شرک ورزیدند ، البته خدا روز قیامت میانشان داوری خواهد کرد ، زیرا خدا بر هر چیزی گواه است .

(الحج، ۱۷)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالْدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ (۱۸)

آیا ندانستی که خداست که هر کس در آسمانها و هر کس در زمین است ، و خورشید و ماه و [تمام] ستارگان و کوهها و درختان و جنیندگان و بسیاری از مردم برای او سجده می‌کنند ؟ و بسیاری اند که عذاب بر آنان واجب شده است . و هر که را خدا خوار کند او را گرامی‌دارنده‌ای نیست ، چرا که خدا هر چه بخواهد انجام می‌دهد .

(الحج، ۱۸)

هُذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِعَتْ لَهُمْ نِيَابٌ مِنْ نَارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ (۱۹)

این دو [گروه] دشمنان یکدیگرند که در باره پروردگارشان با هم ستیزه می‌کنند ، و کسانی که کفر ورزیدند ، جامه‌هایی از آتش برایشان بریده شده است [و] از بالای سرشان آب جوشان ریخته می‌شود .

(الحج، ۱۹)

يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ (۲۰)

آنچه در شکم آنهاست با پوست [بدن] شان بدان گداخته می‌گردد .

(الحج، ۲۰)

وَأَلَهُمْ مَقَامِعٌ مِنْ حَدِيدٍ (۲۱)

و برای [وارد کردن ضربت بر سر] آنان گرزهایی آهنین است .

(الحج، ۲۱)

كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ (۲۲)

هر بار بخواهند از [شدت] غم ، از آن بیرون روند در آن باز گردانیده می‌شوند [که همان] بچشید عذاب آتش سوزان را .

(الحج، ۲۲)

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤًا وَ لِبَاسَهُمْ فِيهَا خَيْرٌ (۲۳)

خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند در باغهایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است درمی‌آورد : در آنجا با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته می‌شوند ، و لباسشان در آنجا از پرنیان است .

(الحج، ۲۳)

وَ هُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَ هُدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ (۲۴)

و به گفتار پاک هدایت می‌شوند و به سوی راه [خدای] ستوده هدایت می‌گردند .

(الحج، ۲۴)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ يَصْنَعُونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاقِبَةِ فِيهِ وَ الْبَادِ وَ مَنْ يَرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نَذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (۲۵)

بی‌گمان ، کسانی که کافر شدند و از راه خدا و مسجد الحرام که آن را برای مردم ، اعم از مقیم در آنجا و بادیه‌نشین ، یکسان قرار داده‌ایم جلوگیری می‌کنند ، و [نیز] هر که بخواهد در آنجا به ستم [از حق] منحرف شود ، او را از عذابی دردناک می‌چشایم .

(الحج، ۲۵)

وَ إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَ طَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِبِينَ وَ الْقَائِمِينَ وَ الرَّكْعِ السُّجُودِ (۲۶)

و چون برای ابراهیم جای خانه را معین کردیم [بدو گفتیم :] « چیزی را با من شریک مگردان و خانه‌ام را برای طواف‌کنندگان و قیام‌کنندگان و رکوع‌کنندگان [و] سجده کنندگان پاکیزه دار . »

(الحج، ۲۶)

وَ أَنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ (۲۷)

و در میان مردم برای [ادای] حج بانگ برآورد تا [زائران] پیاده و [سوار] بر هر شتر لاغری که از هر راه دوری می‌آیند به سوی تو روی آورند ،

(الحج، ۲۷)

لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَاكْلُوا مِنْهَا وَأَطْعَمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ (۲۸)

تا شاهد منافع خویش باشند ، و نام خدا را در روزهای معلومی بر دامهای زبان‌بسته‌ای که روزی آنان کرده است ببرند . پس ، از آنها بخورید و به درمانده مستمند بخورانید .

(الحج، ۲۸)

ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُدُورَهُمْ وَ لِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ (۲۹)

سپس باید آلودگی خود را بزدايند و به نذرهای خود وفا کنند و بر گرد آن خانه کهن [کعبه] طواف به جای آورند .

(الحج، ۲۹)

ذَلِكُمْ وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَ أَحَلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامَ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ (۳۰)

این است [آنچه مقرر شده] و هر کس مقررات خدا را بزرگ دارد ، آن برای او نزد پروردگارش بهتر است ، و برای شما دامها حلال شده است ، مگر آنچه بر شما خوانده می‌شود . پس ، از پلیدی بتها دوری کنید ، و از گفتار باطل اجتناب ورزید .

(الحج، ۳۰)

حَنْفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَّفَهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوَىٰ بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ (۳۱)

در حالی که گروندگان خالص به خدا باشید ؛ نه شریک‌گیرندگان [برای] او ! و هر کس به خدا شرک ورزد چنان است که گویی از آسمان فرو افتاده و مرغان [شکاری] او را ربوده‌اند یا باد او را به جایی دور افکنده است .

(الحج، ۳۱)

ذَلِكُمْ وَ مَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَىٰ الْقُلُوبِ (۳۲)

این است [فریض خدا] و هر کس شعایر خدا را بزرگ دارد در حقیقت ، آن [حاکی] از پاکی دلهاست .

(الحج، ۳۲)

لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعٌ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحَلُّهَا إِلَىٰ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ (۳۳)

برای شما در آن [دامها] تا مدتی معین سودهایی است ، سپس جایگاه [قربانی کردن آنها و سایر فریاض] در خانه کهن [کعبه] است .

(الحج، ۳۳)

وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلَمُوا وَ بَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ (۳۴)

و برای هر امتی مناسکی قرار دادیم ، تا نام خدا را بر دامهای زبان‌بسته‌ای که روزی آنها گردانیده یاد کنند . پس [بدانید که] خدای شما خدایی یگانه است ، پس به [فرمان] او گردن نهید . و فروتنان را بشارت ده .

(الحج، ۳۴)

الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَ الصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمْ وَ الْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۳۵)

همانان که چون [نام] خدا یاد شود ، دلهايشان خشیت یابد و [آنان که] بر هر چه بر سرشان آید صبر پیشگاندند و برپا دارندگان نمازند ، و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند .

(الحج، ۳۵)

وَ الَّذِينَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ فَإِذَا وَجِبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَ أَطْعَمُوا الْقَائِعَ وَ الْمُعْتَزَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۳۶)

و شتران فربه را برای شما از [جمله] شعایر خدا قرار دادیم ؛ در آنها برای شما خیر است . پس نام خدا را بر آنها در حالی که برپای ایستاده‌اند ببرید و چون به پهلو درغلتیدند از آنها بخورید و به تنگدست [سائل] و به بینوا [ی غیر سائل] بخورانید . این گونه آنها را برای شما رام کردیم ، امید که شکرگزار باشید .

(الحج، ۳۶)

لَنْ يَنَالَهُ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا يَمَؤُهَا وَ لَعْنُ يَنَالُهُ النَّفُوسُ مِنكُمْ كَذِبًا سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَ بَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ (۳۷)

هرگز [نه] گوشت‌های آنها و نه خون‌هایشان به خدا نخواهد رسید ، ولی [این] تقوای شماست که به او می‌رسد . این گونه [خداوند] آنها را برای شما رام کرد ، تا خدا را به پاس آنکه شما را هدایت نموده به بزرگی یاد کنید ، و نیکوکاران را مژده ده .

(الحج، ۳۷)

إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ (۳۸)

قطعاً خداوند از کسانی که ایمان آورده‌اند دفاع می‌کند ، زیرا خدا هیچ خیانتکار ناسپاسی را دوست ندارد .

(الحج، ۳۸)

أَنْ لِّلَّذِينَ يَمَاتُلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (۳۹)

به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده ، رخصت [جهاد] داده شده است ، چرا که مورد ظلم قرار گرفته‌اند ، و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست .

(الحج، ۳۹)

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَ لَوْ لَا نَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَلُمَّتْ صَوَامِعُ وَ بِنِعْ وَ صَلَوَاتُ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيُنصَرْنَ اللَّهُ مِنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (۴۰)

همان کسانی که بناحق از خانه‌هایشان بیرون رانده شدند . [آنها گناهی نداشتند] جز اینکه می‌گفتند : « پروردگار ما خداست » و اگر خدا بعضی از مردم را با بعضی دیگر دفع نمی‌کرد ، صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می‌شود ، سخت ویران می‌شد ، و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری می‌کند ، یاری می‌دهد ، چرا که خدا سخت نیرومند شکست‌ناپذیر است .

(الحج، ۴۰)

الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (۴۱)

همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم ، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده وامی‌دارند ، و از کارهای ناپسند باز می‌دارند ، و فرجام همه کارها از آن خداست .

(الحج، ۴۱)

وَ إِنْ يَكْذِبُوا فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ عَادُ وَ ثَمُودُ (۴۲)

و اگر تو را تکذیب کنند ، قطعاً پیش از آنان قوم نوح و عاد و ثمود [نیز] به تکذیب پرداختند .

(الحج، ۴۲)

وَ قَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَ قَوْمِ لُوطِ (۴۳)

و [نیز] قوم ابراهیم و قوم لوط .

(الحج، ۴۳)

وَ أَصْحَابِ مَدْيَنَ وَ كَذَّبَ مُوسَىٰ فَأَمَلْنَا لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۴۴)

و [همچنین] اهل مدین . و موسی تکذیب شد ، پس کافران را مهلت دادم ، سپس [گریبان] آنها را گرفتم . [بنگر ،] عذاب من چگونه بود ؟

(الحج، ۴۴)

فَكَأَيُّ مَن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَ هِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَ بُنِيَ مَعْظَلَةٌ وَ قَصْرٍ مَشِيدٍ (۴۵)

و چه بسیار شهرها را که ستمکار بودند هلاکشان کردیم و [اینک] آن [شهرها] سقف‌هایش فرو ریخته است ، و [چه بسیار] جاه‌های متروک و کوشک‌های افراشته را .

(الحج، ۴۵)

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَ لَكِن تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ (۴۶)

آیا در زمین گردش نکرده‌اند ، تا دلهایی داشته باشند که با آن ببینند یا گوش‌هایی که با آن بشنوند ؟ در حقیقت ، چشمها کور نیست لیکن دلهایی که در سینه‌هاست کور است .

(الحج، ۴۶)

وَ يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَ لَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ إِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ (۴۷)

و از تو با شتاب تقاضای عذاب می‌کنند ، با آنکه هرگز خدا وعده‌اش را خلاف نمی‌کند ، و در حقیقت ، يك روز [از قیامت] نزد پروردگارت مانند هزار سال است از آنچه می‌شمرید .

(الحج، ۴۷)

وَ كَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَمْنَيْتُ لَهَا وَ هِيَ ظَالِمَةٌ لَمْ أَخَذْتُهَا وَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ (۴۸)

و چه بسا شهری که مهلتش دادم ، در حالی که ستمکار بود ؛ سپس [گریبان] آن را گرفتم ، و فرجام به سوی من است .

(الحج، ۴۸)

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ (۴۹)

بگو : « ای مردم ، من برای شما فقط هشداردهنده‌ای آشکارم . »

(الحج، ۴۹)

فَالَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ (۵۰)

پس آنان که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند ، آمرزش و روزی نیکو برای ایشان خواهد بود .

(الحج، ۵۰)

وَ الَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (۵۱)

و کسانی که در [تخطئه] آیات ما می‌کوشند [و به خیال خود] عاجزکنندگان ما هستند ، آنان اهل دوزخند .

(الحج، ۵۱)

وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَ لَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۲)

و پیش از تو [نیز] هیچ رسول و پیامبری را نفرستادیم جز اینکه هر گاه چیزی تلاوت می‌نمود ، شیطان در تلاوتش القای [شبهه] می‌کرد . پس خدا آنچه را شیطان القا می‌کرد محو می‌گردانید ، سپس خدا آیات خود را استوار می‌ساخت ، و خدا دانای حکیم است .

(الحج، ۵۲)

لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْقَاسِيَةَ قُلُوبُهُمْ وَ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ (۵۳)

تا آنچه را که شیطان القا می‌کند ، برای کسانی که در دل‌هایشان بیماری است و [نیز] برای سنگدلان آزمایشی گرداند ، و ستمگران در سنجیده‌ای بس دور و درازند .

(الحج، ۵۳)

وَ لِيُعَلِّمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَ إِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۵۴)

و تا آنان که دانش یافته‌اند بدانند که این [قرآن] حق است [و] از جانب پروردگار توست . و بدان ایمان آورند و دل‌هایشان برای او خاضع گردد . و به راستی خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند ، به سوی راهی راست راهبر است .

(الحج، ۵۴)

وَ لَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۵۵)

و [لی] کسانی که کفر ورزیده‌اند ، همواره از آن در تردیدند ، تا بنگاه قیامت برای آنان فرا رسد ، یا عذاب روزی پدفرجام به سراغشان بیاید .

(الحج، ۵۵)

الْمَلِكُ يُومِنُ بِاللَّهِ يَخْشَى اللَّهَ يَوْمَ تَبْيَضُّ بُيُوتُنَا لَكُمُ الْفَالِقِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ (۵۶)

در آن روز ، پادشاهی از آن خداست : میان آنان داوری می‌کند ، و [در نتیجه] کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند در باغهای پرناز و نعمت خواهند بود .

(الحج، ۵۶)

وَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ (۵۷)

و کسانی که کفر ورزیده و نشانه‌های ما را دروغ پنداشته‌اند ، برای آنان عذابی خفت‌آور خواهد بود .

(الحج، ۵۷)

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيُرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۵۸)

و آنان که در راه خدا مهاجرت کرده ، و آن گاه کشته شده یا مرده اند ، قطعاً خداوند به آنان رزقی نیکو می‌بخشد . و راستی این خداست که بهترین روزی‌دهندگان است .

(الحج، ۵۸)

لِيَدْخِلْنَهُمْ مُدْخَلَ بَرِّضَتِهِ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ خَلِيمٌ (۵۹)

آنان را به جایگاهی که آن را می‌پسندند درخواهد آورد ، و شك نیست که خداوند دانایی بردبار است .

(الحج، ۵۹)

ذَلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عَاقَبَ بِهِ ثُمَّ بُعِيَ عَلَيْهِ لِيُنْصَرَّتْهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ (۶۰)

آری چنین است ، و هر کس نظیر آنچه بر او عقوبت رفته است دست به عقوبت زند ، سپس مورد ستم قرار گیرد ، قطعاً خدا او را یاری خواهد کرد ، چرا که خدا بخشایشگر و آمرزنده است .

(الحج، ۶۰)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ يُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَ أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (۶۱)

این بدان سبب است که خدا شب را در روز درمی‌آورد و روز را [نیز] در شب درمی‌آورد ، و خداست که شنوای بیناست .

(الحج، ۶۱)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَ أَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ (۶۲)

[آری ،] این بدان سبب است که خدا خود حق است و آنچه به جای او می‌خوانند آن باطل است ، و این خداست که والا و بزرگ است .

(الحج، ۶۲)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ (۶۳)

آیا ندیده‌ای که خدا از آسمان ، آبی فرو فرستاد و زمین سرسبز گردید ؟ آری ، خداست که دقیق و آگاه است .

(الحج، ۶۳)

لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ إِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَنِيُّ الْحَمِيدُ (۶۴)

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست ، و در حقیقت ، این خداست که خود بی‌نیاز ستوده [صفات] است .

(الحج، ۶۴)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ يُمَسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَّءُوفٌ رَحِيمٌ (۶۵)

آیا ندیده‌ای که خدا آنچه را در زمین است به نفع شما رام گردانید ، و کشتیها در دریا به فرمان او روانند ، و آسمان را نگاه می‌دارد تا [مبادا] بر زمین فرو آفتد ، مگر به اذن خودش [باشد] . در حقیقت ، خداوند نسبت به مردم سخت رنوف و مهربان است .

(الحج، ۶۵)

وَ هُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ (۶۶)

و اوست که شما را زندگی بخشید ، سپس شما را می‌میراند ، و باز زندگی [نو] می‌دهد . حقا که انسان سخت ناسپاس است .

(الحج، ۶۶)

يَكُلُّ أُمَّةٌ مَعَلَّنًا مَنَسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَارِعُكَ فِي الْأَمْرِ وَ ادْعُ إِلَى رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُسْتَقِيمٍ (۶۷)

برای هر امتی مناسبی قرار دادیم که آنها بدان عمل می‌کنند ، پس نباید در این امر با تو به ستیزه برخیزند ، به راه پروردگارت دعوت کن ، زیرا تو بر راهی راست قرار داری .

(الحج، ۶۷)

وَ إِنْ جَادَلوكَ فَقُلْ اللَّهُ أَغْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ (۶۸)

و اگر با تو مجادله کردند ، بگو : « خدا به آنچه می‌کنید داناتر است . »

(الحج، ۶۸)

اللَّهُ يَخُكُم بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (٦٩)

خدا روز قیامت در مورد آنچه با یکدیگر در آن اختلاف می‌کردید ، داوری خواهد کرد .

(الحج، ٦٩)

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (٧٠)

آیا ندانسته‌ای که خداوند آنچه را در آسمان و زمین است می‌داند ؟ اینها [همه] در کتابی [مندرج] است . قطعاً این بر خدا آسان است .

(الحج، ٧٠)

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يَنْزَلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ (٧١)

و به جای خدا چیزی را می‌پرستند که بر [تأیید] آن حجتی نازل نکرده و بدان دانشی ندارند ، و برای ستمکاران یآوری نخواهد بود .

(الحج، ٧١)

وَ إِذَا تَنَادَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا فَلَا أَفْئِينَكُمْ بَشَرًا مِنْ ذَلِكَ النَّارِ وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ بئسَ الْمَصِيرُ (٧٢)

و چون آیات روشن ما بر آنان خوانده می‌شود ، در چهره کسانی که کفر ورزیده‌اند [اثر] انکار را تشخیص می‌دهی : چیزی نمانده که بر کسانی که آیات ما را بر ایشان تلاوت می‌کنند حمله‌ور شوند . بگو : « آیا شما را به بدتر از این خبر دهم ؟ [همان] آتش است که خدا آن را به کسانی که کفر ورزیده‌اند وعده داده ، و چه بد سرانجامی است . »

(الحج، ٧٢)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضَرْبٌ مِمَّنْ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَ لَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَ إِنْ يَسْئَلُهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبِ وَ الْمَطْلُوبِ (٧٣)

ای مردم ، مثلی زده شد . پس بدان گوش فرا دهید : کسانی را که جز خدا می‌خوانید هرگز [حتی] مگسی نمی‌آفرینند ، هر چند برای [آفریدن] آن اجتماع کنند ، و اگر آن مگس چیزی از آنان برباید نمی‌توانند آن را بازپس گیرند . طالب و مطلوب هر دو ناتوانند .

(الحج، ٧٣)

مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (٧٤)

قدر خدا را چنان که در خور اوست نشناختند . در حقیقت ، خداست که نیرومند شکست‌ناپذیر است .

(الحج، ٧٤)

اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (٧٥)

خدا از میان فرشتگان رسولانی برمی‌گزیند ، و نیز از میان مردم . بی‌گمان خدا شنوای بیناست .

(الحج، ٧٥)

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (٧٦)

آنچه در دسترس آنان و آنچه پشت سرشان است می‌داند و [همه] کارها به خدا بازگردانیده می‌شود .

(الحج، ٧٦)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَ اسْجُدُوا وَ اعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ افْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (٧٧)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، رکوع و سجود کنید و پروردگارتان را بپرستید و کار خوب انجام دهید ، باشد که رستگار شوید .

(الحج، ٧٧)

وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مَلَّةً أُولَئِكَ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزُّكَاةَ وَ اغْتَصِبُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ (٧٨)

و در راه خدا چنان که حق جهاد [در راه] اوست جهاد کنید ، اوست که شما را [برای خود] برگزیده و در دین بر شما سختی قرار نداده است . آیین پدرتان ابراهیم [نیز چنین بوده است] او بود که قبلاً شما را مسلمان نامید ، و در این [قرآن نیز همین مطلب آمده است] تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید . پس نماز را برپا دارید و زکات بدهید و به پناه خدا روید . او مولای شماست ؛ چه نیکو مولایی و چه نیکو یآوری .

(الحج، ٧٨)

ترتیبها- ۲۳	سوره المؤمنون	مکی- آیاتها- ۱۱۸
-------------	---------------	------------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(المؤمنون، ۰)

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (۱)

به راستی که مؤمنان رستگار شدند ،

(المؤمنون، ۱)

الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (۲)

همانان که در نمازشان فروتنند ،

(المؤمنون، ۲)

وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (۳)

و آنان که از بیهوده رویگردانند ،

(المؤمنون، ۳)

وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ (۴)

و آنان که زکات می‌پردازند ،

(المؤمنون، ۴)

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (۵)

و کسانی که پاکدامنند ،

(المؤمنون، ۵)

إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۶)

مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده‌اند ، که در این صورت بر آنان نکوهشی نیست .

(المؤمنون، ۶)

فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (۷)

پس هر که فراتر از این جوید ، آنان از حد درگذرندگانند .

(المؤمنون، ۷)

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (۸)

و آنان که امانتها و پیمان خود را رعایت می‌کنند ،

(المؤمنون، ۸)

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۹)

و آنان که بر نمازهایشان مواظبت می‌نمایند ،

(المؤمنون، ۹)

أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ (۱۰)

آنانند که خود وارثانند ،

(المؤمنون، ۱۰)

الَّذِينَ يَرْتُوبُونَ الْفُرْدُوسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۱۱)

هماتان که بهشت را به ارث می‌برند و در آنجا جاودان می‌مانند .

(المؤمنون، ۱۱)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِنْ طِينٍ (۱۲)

و به یقین ، انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم .

(المؤمنون، ۱۲)

ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ (۱۳)

سپس او را [به صورت] نطفه‌ای در جایگاهی استوار قرار دادیم .

(المؤمنون، ۱۳)

ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (۱۴)

آن گاه نطفه را به صورت علقه درآوردیم . پس آن علقه را [به صورت] مضغه گردانیدیم ، و آن گاه مضغه را استخوانهایی ساختیم ، بعد استخوانها را با گوشتی پوشانیدیم ، آن گاه [جنین را در] آفرینشی دیگر پدید آوردیم . آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است .

(المؤمنون، ۱۴)

ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ (۱۵)

بعد از این [مراحل] قطعاً خواهید مرد .

(المؤمنون، ۱۵)

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ (۱۶)

آن گاه شما در روز رستاخیز برانگیخته خواهید شد .

(المؤمنون، ۱۶)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا فُوقَكُمْ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ مَا كُنَّا مِنَ الْخَلْقِ غَافِلِينَ (۱۷)

و به راستی [ما] بالای سر شما هفت راه [آسمانی] آفریدیم و از [کار] آفرینش غافل نبوده‌ایم .

(المؤمنون، ۱۷)

وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَاهُ فِي الْأَرْضِ وَ إِنَّا عَلَىٰ ذَهَابٍ بِهِ لَقَادِرُونَ (۱۸)

و از آسمان ، آبی به اندازه [معین] فرود آوردیم ، و آن را در زمین جای دادیم ، و ما برای از بین بردن آن مسلماً تواناییم .

(المؤمنون، ۱۸)

فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِنْ نَجِيلٍ وَ أَغْنَابٍ لَكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَ مِنْهَا تَأْكُلُونَ (۱۹)

پس برای شما به وسیله آن باغهایی از درختان خرما و انگور پدیدار کردیم که در آنها برای شما میوه‌های فراوان است و از آنها می‌خورید .

(المؤمنون، ۱۹)

وَ شَجَرَةٍ تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذَّهْنِ وَ صَيْغٍ لِلْأَكْلِينَ (۲۰)

و از طور سینا درختی برمی‌آید که روغن و نان خورشی برای خورندگان است .

(المؤمنون، ۲۰)

وَ إِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً لَسْمِعِكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهَا وَ لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَ مِنْهَا تَأْكُلُونَ (۲۱)

و البته برای شما در دامها [ی گله درس] عبرتی است : از [شیری] که در شکم آنهاست ، به شما می‌نوشانیم ، و برای شما در آنها سودهای فراوان است و از آنها می‌خورید .

(المؤمنون، ۲۱)

وَ عَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ (۲۲)

و بر آنها و بر کشتیها سوار می‌شوید .

(المؤمنون، ۲۲)

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَ فَلَآ تَتَّقُونَ (۲۳)

و به یقین نوح را به سوی قومش فرستادیم . پس [به آنان] گفت : « ای قوم من ، خدا را بپرستید . شما را جز او خدایی نیست . مگر پروا ندارید ؟ »

(المؤمنون، ۲۳)

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ (۲۴)

و اشراف قومش که کافر بودند گفتند : « این [مرد] جز بشری چون شما نیست ، می‌خواهد بر شما برتری جوید ، و اگر خدا می‌خواست قطعاً فرشتگانی می‌فرستاد . [ما] در میان پدران نخستین خود ، چنین [چیزی] نشنیده‌ایم . »

(المؤمنون، ۲۴)

إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فْتَرَبِّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ (۲۵)

او نیست جز مردی که در وی [حال] جنون است ، پس تا چندی در بره‌اش دست نگاه دارید .

(المؤمنون، ۲۵)

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كُنتُ بِنَاحِي (۲۶)

[نوح] گفت : « پروردگارا ، از آن روی که دروغ‌زنم خواندند مرا یاری کن . »

(المؤمنون، ۲۶)

فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعْ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنَوُّورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَاطِنٍ وَأَهْلِكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تُخَاطَبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُعْرِضُونَ (۲۷)

پس به او وحی کردیم که : زیر نظر ما و [به] وحی ما کشتی را بساز ، و چون فرمان ما در رسید و تنور به فوران آمد ، پس در آن از هر نوع [حیوانی] دو تا [یکی نر و دیگری ماده] با خانواده‌ات بجز کسی از آنان که حکم [عذاب] بر او پیشی گرفته است وارد کن ، در باره کسانی که ظلم کرده‌اند با من سخن مگوی ، زیرا آنها غرق خواهند شد .

(المؤمنون، ۲۷)

فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلْكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۲۸)

و چون تو با آنان که همراه تو اند بر کشتی نشستنی بگو : « ستایش خدایی را که ما را از [جنگ] گروه ظالمان رهانید . »

(المؤمنون، ۲۸)

وَ قُلِ رَبِّ انزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْمُنزِلِينَ (۲۹)

و بگو : « پروردگارا ، مرا در جایی پربرکت فرود آور [که] تو نیکترین مهبان‌نوازانی . »

(المؤمنون، ۲۹)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ وَإِنَّ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ (۳۰)

در حقیقت ، در این [ماجرا] عبرتهایی است ، و قطعاً ما آزمایش‌کننده بودیم .

(المؤمنون، ۳۰)

ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ (۳۱)

سپس ، بعد از آنان نسل [هایی] دیگر پدید آوردیم .

(المؤمنون، ۳۱)

فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَ فَلَآ تَتَّقُونَ (۳۲)

و در میانشان پیامبری از خودشان روانه کردیم که : خدا را بپرستید . جز او برای شما معبودی نیست . آیا سر پرهیزگاری ندارید ؟

(المؤمنون، ۳۲)

وَ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَ اتَّزَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَ يَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ (۳۳)

و اشراف قومش که کافر شده ، و دیدار آخرت را دروغ پنداشته بودند ، و در زندگی دنیا آنان را مرفه ساخته بودیم گفتند : « این [مرد] جز بشری چون شما نیست : از آنچه می‌خورید ، می‌خورد ؛ و از آنچه می‌نوشید ، می‌نوشد .

(المؤمنون، ۳۳)

وَ لَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا لَخَاسِرُونَ (۳۴)

و اگر بشری مثل خودتان را اطاعت کنید در آن صورت قطعاً زیانکار خواهید بود .

(المؤمنون، ۳۴)

أَيُّدِكُمْ أَنْتُمْ إِذَا مِتُّمْ وَ كُنْتُمْ تُرَاباً وَ عِظَاماً أَنْتُمْ مُخْرَجُونَ (۳۵)

آیا به شما وعده می‌دهد که وقتی مردید و خاک و استخوان شدید [باز] شما [از گور زنده] بیرون آورده می‌شوید ؟

(المؤمنون، ۳۵)

هِيَآتْ هِيَآتْ لِمَا نُوْعِدُونَ (۳۶)

وه ، چه دور است آنچه که وعده داده می‌شوید .

(المؤمنون، ۳۶)

إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا وَ مَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ (۳۷)

جز این زندگانی دنیای ما چیزی نیست . می‌میریم و زندگی می‌کنیم و دیگر برانگیخته نخواهیم شد .

(المؤمنون، ۳۷)

إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَ مَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ (۳۸)

او جز مردی که بر خدا دروغ می‌بندد نیست ، و ما به او اعتقاد نداریم . «

(المؤمنون، ۳۸)

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبْتَنِي (۳۹)

گفت : « پروردگارا ، از آن روی که مرا دروغزن خواندند یاریم کن . «

(المؤمنون، ۳۹)

قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لِيُصْبِحُنَّ نَادِمِينَ (۴۰)

فرمود : « به زودی سخت پشیمان خواهند شد . «

(المؤمنون، ۴۰)

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ غَنَاءً فَبِعْدَا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۴۱)

پس فریاد [مرگبار] آنان را به حق فرو گرفت ، و آنها را [چون] خاشاکی که بر آب افتد ، گردانیدیم . دور باد [از رحمت خدا] گروه ستمکاران .

(المؤمنون، ۴۱)

ثُمَّ أَنشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِينَ (۴۲)

آن گاه پس از آنان نسلهای دیگری پدید آوردیم .

(المؤمنون، ۴۲)

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَ مَا يَسْتَأْخِرُونَ (۴۳)

هیچ امتی نه از اجل خود پیشی می‌گیرد و نه باز پس می‌ماند .

(المؤمنون، ۴۳)

ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَىٰ كُلًّا مَّا جَاءَ أُمَّةً رُّسُولُهَا كَذَّبُوهُ فَاتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبِعَدَا لِقَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ (۴۴)

باز فرستادگان خود را پیاپی روانه کردیم . هر بار برای [هدایت] امتی پیامبرش آمد ، او را تکذیب کردند ؛ پس [ما امتهای سرکش را] یکی پس از دیگری آوردیم و آنها را مایه عبرت [و زبانزد مردم] گردانیدیم . دور باد [از رحمت خدا] مردمی که ایمان نمی‌آورند .

(المؤمنون، ۴۴)

ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَ أَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَ سُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۴۵)

سپس موسی و برادرش هارون را با آیات خود و حجتی آشکار فرستادیم ،

(المؤمنون، ۴۵)

إِنِّي فِرْعَوْنَ وَ مَلِيئِهِ فَاَسْتَكْبَرُوا وَ كَانُوا قَوْمًا عَالِينَ (۴۶)

به سوی فرعون و سران [قوم] او ، ولی تکبر نمودند و مردمی گردنکش بودند ،

(المؤمنون، ۴۶)

فَقَالُوا أَ نُوْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ (۴۷)

پس گفتند : « آیا به دو بشر که مثل خود ما هستند و طایفه آنها بندگان ما می‌باشند ایمان بیاوریم ؟ »

(المؤمنون، ۴۷)

فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ (۴۸)

در نتیجه ، آن دو را دروغزن خواندند ، پس از زمره هلاک‌شدگان گشتند .

(المؤمنون، ۴۸)

وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (۴۹)

و به یقین ، ما به موسی کتاب [آسمانی] دادیم ، باشد که آنان به راه راست روند .

(المؤمنون، ۴۹)

وَ جَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَ أُمَّهُ آيَةً وَ آوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَ مَعِينٍ (۵۰)

و پسر مریم و مادرش را نشانه‌ای گردانیدیم و آن دو را در سرزمین بلندی که جای زیست و [دارای] آب زلال بود جای دادیم .

(المؤمنون، ۵۰)

يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ اعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (۵۱)

ای پیامبران ، از چیزهای پاکیزه بخورید و کار شایسته کنید ، که من به آنچه انجام می‌دهید دانایم .

(المؤمنون، ۵۱)

وَ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ (۵۲)

و در حقیقت ، این امت شماست که امتی یگانه است ، و من پروردگار شمایم ؛ پس ، از من پروا دارید .

(المؤمنون، ۵۲)

فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ (۵۳)

تا کار [دین] شان را میان خود قطعه قطعه کردند [و] دسته دسته شدند : هر دسته‌ای به آنچه نزدشان بود ، دل خوش کردند .

(المؤمنون، ۵۳)

فَذَرْنَهُمْ فِي عَمْرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ (۵۴)

پس آنها را در ورطه گمراهی‌شان تا چندی واگذار .

(المؤمنون، ۵۴)

أَيَسْبُونَ آتَمَّا نُمَدِّهُم بِهِ مِنْ مَالٍ وَ بَنِينَ (۵۵)

آیا می‌پندارند که آنچه از مال و پسران که بدیشان مدد می‌دهیم ،

(المؤمنون، ۵۵)

نَسَارِعْ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ (۵۶)

[از آن روی است که] می‌خواهیم به سودشان در خیرات شتاب ورزیم ؟ [نه ، بلکه نمی‌فهمند .

(المؤمنون، ۵۶)

إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ (۵۷)

در حقیقت ، کسانی که از بیم پروردگارشان هراسانند ،

(المؤمنون، ۵۷)

وَ الَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ (۵۸)

و کسانی که به نشانه‌های پروردگارشان ایمان می‌آورند ،

(المؤمنون، ۵۸)

وَ الَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ (۵۹)

و آنان که به پروردگارشان شرک نمی‌آورند ،

(المؤمنون، ۵۹)

وَ الَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَ قُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ (۶۰)

و کسانی که آنچه را دادند [در راه خدا] می‌دهند ، در حالی که دل‌هایشان ترسان است [و می‌دانند] که به سوی پروردگارشان بازخواهند گشت ،

(المؤمنون، ۶۰)

أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ هُمْ لَهَا سَابِقُونَ (۶۱)

آنانند که در کارهای نیک شتاب می‌ورزند و آنانند که در انجام آنها سبقت می‌جویند .

(المؤمنون، ۶۱)

وَ لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَ لَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَ هُمْ لَا يُلْظَمُونَ (۶۲)

و هیچ کس را جز به قدر توانش تکلیف نمی‌کنیم ، و نزد ما کتابی است که به حق سخن می‌گوید و آنان مورد ستم قرار نخواهند گرفت .

(المؤمنون، ۶۲)

بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِنْ هَذَا وَ لَهُمْ أَغْمَالٌ مِنْ دُونِ ذَلِكَ هُمْ لَهَا عَامِلُونَ (۶۳)

[نه ، بلکه دل‌های آنان از این [حقیقت] در غفلت است ، و آنان غیر از این [گناهان] کردارهایی [دیگر] دارند که به انجام آن مبادرت می‌ورزند .

(المؤمنون، ۶۳)

حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجَارُونَ (۶۴)

تا وقتی خوشگذرانان آنها را به عذاب گرفتار ساختیم ، بناگاه به زاری درمی‌آیند .

(المؤمنون، ۶۴)

لَا تَجَارُوا الْيَوْمَ لِنَوْمٍ لِنَوْمٍ لِنَوْمٍ لِنَوْمٍ (۶۵)

امروز زاری نکنید که قطعاً شما از جانب ما یاری نخواهید شد .

(المؤمنون، ۶۵)

قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُنْتَلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ تُنْكِرُونَ (۶۶)

در حقیقت ، آیات من بر شما خوانده می‌شد و شما بودید که همواره به قهقرا می‌رفتید .

(المؤمنون، ۶۶)

مُسْتَكْبِرِينَ بِهٖ سَامِرًا تَهْجُرُونَ (۶۷)

در حالی که از [پذیرفتن] آن تکبر می‌ورزیدید و شب‌هنگام [در محافل خود] بدگوی می‌کردید .

(المؤمنون، ۶۷)

أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأُولِينَ (۶۸)

آیا در [عظمت] این سخن نیندیشیده‌اند ، یا چیزی برای آنان آمده که برای پدران پیشین آنها نیامده است ؟

(المؤمنون، ۶۸)

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ (۶۹)

یا پیامبر خود را [درست] نشناخته و [لذا] به انکار او پرداخته‌اند ؟

(المؤمنون، ۶۹)

أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُمُ بِالْحَقِّ وَ أَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ (۷۰)

یا می‌گویند او جنونی دارد ؟ [نه ،] بلکه [او] حق را برای ایشان آورده و [لی] بیشترشان حقیقت را خوش ندارند .

(المؤمنون، ۷۰)

وَ لَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ (۷۱)

و اگر حق از هوسهای آنها پیروی می‌کرد ، قطعاً آسمانها و زمین و هر که در آنهاست تباه می‌شد . [نه !] بلکه یادنامه‌شان را به آنان داده‌ایم ، ولی آنها از [پیروی] یادنامه خود رویگردانند .

(المؤمنون، ۷۱)

أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَ هُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۷۲)

یا از ایشان مزدی مطالبه می‌کنی ؟ و مزد پروردگارت بهتر است ، و اوست که بهترین روزی‌دهندگان است .

(المؤمنون، ۷۲)

وَ إِنَّكَ لَتَذْعُرُهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۷۳)

و در حقیقت ، این تویی که جداً آنها را به راه راست می‌خوانی .

(المؤمنون، ۷۳)

وَ إِنَّ الدِّينَ لَأَيُّمُنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاجِبُونَ (۷۴)

و به راستی کسانی که به آخرت ایمان ندارند ، از راه [درست] سخت منحرفند .

(المؤمنون، ۷۴)

وَ لَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَ كَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلْجُؤُا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۷۵)

و اگر ایشان را ببخشاییم ، و آنچه از صدمه بر آنان [وارد آمده] است برطرف کنیم ، در طغیان خود کوردلانه اصرار می‌ورزند .

(المؤمنون، ۷۵)

وَ لَقَدْ أَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَ مَا يَتَضَرَّعُونَ (۷۶)

و به راستی ایشان را به عذاب گرفتار کردیم و [لی] نسبت به پروردگارشان فروتنی نکردند و به زاری درنیامدند .

(المؤمنون، ٧٦)

حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ (٧٧)

تا وقتی که دری از عذاب دردناک بر آنان گشودیم ، بناگاه ایشان در آن [حال] نومید شدند .

(المؤمنون، ٧٧)

وَ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمْ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (٧٨)

و اوست آن کس که برای شما گوش و چشم و دل پدید آورد . چه اندک سپاس گزارید .

(المؤمنون، ٧٨)

وَ هُوَ الَّذِي دَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (٧٩)

و اوست آن کس که شما را در زمین پدید آورد ، و به سوی اوست که گردآورده خواهید شد .

(المؤمنون، ٧٩)

وَ هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ لَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ أَ فَلَا تَعْقِلُونَ (٨٠)

و اوست آن کس که زنده می‌کند و می‌میراند ، و اختلاف شب و روز از اوست . مگر نمی‌اندیشید ؟

(المؤمنون، ٨٠)

بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ (٨١)

[نه ،] بلکه آنان [نیز] مثل آنچه پیشینیان گفته بودند ، گفتند .

(المؤمنون، ٨١)

قَالُوا أَ إِذَا مِتْنَا وَ كُنَّا تُرَابًا وَ عِظَامًا أَ إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (٨٢)

گفتند : « آیا چون بمیریم و خاک و استخوان شویم ، آیا واقعاً باز ما زنده خواهیم شد ؟

(المؤمنون، ٨٢)

لَقَدْ وَعدْنَا نَحْنُ وَ آبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (٨٣)

درست همین را قبلاً به ما و پدرانمان وعده دادند . این جز افسانه‌های پیشینیان [چیزی] نیست .

(المؤمنون، ٨٣)

قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (٨٤)

بگو : « اگر می‌دانید [بگویید] زمین و هر که در آن است به چه کسی تعلق دارد ؟

(المؤمنون، ٨٤)

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَ فَلَا تَذَكَّرُونَ (٨٥)

خواهند گفت : « به خدا . » بگو : « پس آیا عبرت نمی‌گیرید ؟ »

(المؤمنون، ٨٥)

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (٨٦)

بگو : « پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ کیست ؟ »

(المؤمنون، ٨٦)

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَ فَلَا تَتَّقُونَ (٨٧)

خواهند گفت : « خدا . » بگو : « آیا پرهیزکاری نمی‌کنید ؟ »

(المؤمنون، ٨٧)

قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُوَ يُجِيرُ وَ لَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۸۸)

بگو: « فرماترایی هر چیزی به دست کیست؟ و اگر می‌دانید [کیست آنکه] او پناه می‌دهد و در پناه کسی نمی‌رود؟ »

(المؤمنون، ۸۸)

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُشْحَرُونَ (۸۹)

خواهند گفت: « خدا... » بگو: « پس چگونه دستخوش افسون شده‌اید؟ »

(المؤمنون، ۸۹)

بَلْ أَتَيْنَاهُم بِالْحَقِّ وَ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۹۰)

[نه!] بلکه حقیقت را برایشان آوردیم، و قطعاً آنان دروغگویند.

(المؤمنون، ۹۰)

مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَ مَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذْ أَذْهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَ لَعَلَّ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ (۹۱)

خدا فرزندی اختیار نکرده و با او معبودی [دیگر] نیست، و اگر جز این بود، قطعاً هر خدایی آنچه را آفریده [بود] با خود می‌برد، و حتماً بعضی از آنان بر بعضی دیگر تفوق می‌جستند. منزّه است خدا از آنچه وصف می‌کنند.

(المؤمنون، ۹۱)

عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (۹۲)

دانای نهان و آشکار، و برتر است از آنچه [با او] شریک می‌گردانند.

(المؤمنون، ۹۲)

قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيئَنِي مَا يُوعَدُونَ (۹۳)

بگو: « پروردگارا، اگر آنچه را که [از عذاب] به آنان وعده داده شده است به من نشان دهی،

(المؤمنون، ۹۳)

رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۹۴)

پروردگارا، پس مرا در میان قوم ستمکار قرار مده... »

(المؤمنون، ۹۴)

وَ إِنَّا عَلَىٰ أَنْ نُرِيكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَادِرُونَ (۹۵)

و به راستی که ما توانایییم که آنچه را به آنان وعده داده‌ایم بر تو بنمایانیم.

(المؤمنون، ۹۵)

ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّنِيَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ (۹۶)

بدی را به شیوه‌ای نیکو دفع کن. ما به آنچه وصف می‌کنند داناتریم.

(المؤمنون، ۹۶)

وَ قُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ (۹۷)

و بگو: « پروردگارا، از وسوسه‌های شیطانها به تو پناه می‌برم.

(المؤمنون، ۹۷)

وَ أَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ (۹۸)

و پروردگارا، از اینکه [آنها] به پیش من حاضر شوند به تو پناه می‌برم... »

(المؤمنون، ۹۸)

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ (۹۹)

تا آن گاه که مرگ یکی از ایشان فرا رسد ، می‌گوید : « پروردگارا ، مرا بازگردانید ،

(المؤمنون، ۹۹)

لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ (۱۰۰)

شاید من در آنچه وانهاده‌ام کار نیکی انجام دهم . نه چنین است ، این سخنی است که او گوینده آن است و پشاپیش آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته خواهند شد .

(المؤمنون، ۱۰۰)

فَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ (۱۰۱)

پس آن گاه که در صور دمیده شود ، [دیگر] آن روز میانشان نسبت خویشاوندی وجود ندارد ، و از [حال] یکدیگر نمی‌پرسند .

(المؤمنون، ۱۰۱)

فَمَنْ تَقَلَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱۰۲)

پس کسانی که کفه میزان [اعمال] آنان سنگین باشد ، ایشان رستگارانند .

(المؤمنون، ۱۰۲)

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ (۱۰۳)

و کسانی که کفه میزان [اعمال] شان سبک باشد ، آنان به خویشتن زیان زده [و] همیشه در جهنم می‌مانند .

(المؤمنون، ۱۰۳)

تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَ هُمْ فِيهَا كَالْحِوَارِ (۱۰۴)

آتش چهره آنها را می‌سوزاند ، و آنان در آنجا ترش‌روینند .

(المؤمنون، ۱۰۴)

أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ (۱۰۵)

آیا آیات من بر شما خوانده نمی‌شد و [همواره] آن را مورد تکذیب قرار نمی‌دادید ؟

(المؤمنون، ۱۰۵)

قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَ كُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ (۱۰۶)

می‌گویند : « پروردگارا ، شقاوت ما بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم . »

(المؤمنون، ۱۰۶)

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ (۱۰۷)

پروردگارا ، ما را از اینجا بیرون بر ، پس اگر باز هم [به بدی] برگشتیم ، در آن صورت ستمگر خواهیم بود .

(المؤمنون، ۱۰۷)

قَالَ احْسِنُوا فِيهَا وَ لَا تَكَلَّمُونَ (۱۰۸)

می‌فرماید : « [بروید] در آن گم شوید و با من سخن مگویید . »

(المؤمنون، ۱۰۸)

إِنَّهُ كَانَ قَرِيبًا مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ (۱۰۹)

در حقیقت ، دسته‌ای از بندگانش بودند که می‌گفتند : « پروردگارا ، ایمان آوردیم . بر ما بخشای و به ما رحم کن [که] تو بهترین مهربانانی . »

(المؤمنون، ۱۰۹)

فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُم ذِكْرِي وَ كُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ (۱۱۰)

و شما آنان [مؤمنان] را به ریشخند گرفتید ، تا [با این کار] یاد مرا از خاطراتان بردند و شما بر آنان می‌خندیدید .

(المؤمنون، ۱۱۰)

إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَاقِرُونَ (۱۱۱)

من [هم] امروز به [پاس] آنکه صبر کردند ، بدانان پاداش دادم . آری ، ایشانند که رستگارانند .

(المؤمنون، ۱۱۱)

قَالَ كَمْ لَبِئْتُمْ فِي الْأَرْضِ عِنْدَ سَيِّئِ (۱۱۲)

می‌فرماید : « چه مدت به عدد سالها در زمین مانندید ؟ »

(المؤمنون، ۱۱۲)

قَالُوا لَبِئْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمِ فَاسَأَلِ الْعَادِيْنَ (۱۱۳)

می‌گویند : « يك روز يا پاره‌ای از يك روز مانندیم . از شمارگران [خود] بپرس . »

(المؤمنون، ۱۱۳)

قَالَ إِنَّ لَبِئْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَوْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۱۴)

می‌فرماید : « جز اندکی درنگ نکردید ، کاش شما می‌دانستید . »

(المؤمنون، ۱۱۴)

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ (۱۱۵)

آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و اینکه شما به سوی ما بازگردانیده نمی‌شوید ؟

(المؤمنون، ۱۱۵)

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ (۱۱۶)

پس والاست خدا ، فرمانروای بر حق ، خدایی جز او نیست . [اوست] پروردگار عرش گرانمایه .

(المؤمنون، ۱۱۶)

وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ (۱۱۷)

و هر کس با خدا معبود دیگری بخواند ، که برای آن برهانی نخواهد داشت ، حسابش فقط با پروردگارش می‌باشد ، در حقیقت ، کافران رستگار نمی‌شوند .

(المؤمنون، ۱۱۷)

وَقُلْ رَبِّ اعْفُوفٌ وَأَرْحَمُ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ (۱۱۸)

و بگو : « پروردگارا ، ببخشای و رحمت کن [که] تو بهترین بخشاینده‌گانی .

(المؤمنون، ۱۱۸)

مدنی-آیاتها-۶۴	سوره النور	ترتیبها-۲۴
----------------	------------	------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(النور، ۰)

سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۱)

[این] سوره‌ای است که آن را نازل و آن را فرض گردانیدیم و در آن آیاتی روشن فرو فرستادیم ، باشد که شما پند پذیرید .

(النور، ۱)

الرَّائِيَةَ وَ الرَّاْيَةَ فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةً وَ لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ لَيْسَ لَهُمَا عَذَابٌ طَافِقَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (٢)

به هر زن زناکار و مرد زناکاری صد تازیانه بزنید ، و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید ، در [کار] دین خدا ، نسبت به آن دو دلسوزی نکنید ، و باید گروهی از مؤمنان در کیفر آن دو حضور یابند .

(النور، ٢)

الرَّايَةَ لَا يَنْجُحُ إِلَّا زَانِيَةٌ أَوْ مُشْرِكَةٌ وَ الرَّاْيَةَ لَا يَنْجُحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَ حَرَّمَ عَلَيْكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ (٣)

مرد زناکار ، جز زن زناکار یا مشرک را به همسری نگیرد ، و زن زناکار را ، جز مرد زناکار یا مشرک به زنی نگیرد ، و بر مؤمنان این [امر] حرام گردیده است .

(النور، ٣)

وَ الَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَزْوَاجٍ شَهْدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَ لَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (٤)

و کسانی که نسبت زنا به زنان شوهردار می‌دهند ، سپس چهار گواه نمی‌آورند ، هشتاد تازیانه به آنان بزنید ، و هیچگاه شهادتی از آنها نپذیرید ، و اینانند که خود فاسقند .

(النور، ٤)

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ أَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (٥)

مگر کسانی که بعد از آن [بهتان] توبه کرده و به صلاح آمده باشند که خدا البته آمرزنده مهربان است .

(النور، ٥)

وَ الَّذِينَ يَزْمُونَ أَرْوَاحَهُمْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ شَهْدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ (٦)

و کسانی که به همسران خود نسبت زنا می‌دهند ، و جز خودشان گواهانی [دیگر] ندارند ، هر يك از آنان [باید] چهار بار به خدا سوگند یاد کند که او قطعاً از راستگویان است .

(النور، ٦)

وَ الْخَامِسَةَ أَنْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (٧)

و [گواهی در دفعه] پنجم این است که [شوهر بگوید :] لعنت خدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد .

(النور، ٧)

وَ يَذْرَأُ عَلَيْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ (٨)

و از [زن] ، [کیفر ساقط می‌شود ، در صورتی که چهار بار به خدا سوگند یاد کند که [شوهر] او جداً از دروغگویان است .

(النور، ٨)

وَ الْخَامِسَةَ أَنْ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ (٩)

و [گواهی] پنجم آنکه خشم خدا بر او باد اگر [شوهرش] از راستگویان باشد .

(النور، ٩)

وَ لَوْ لَا فَضْلَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتَهُ وَ أَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ (١٠)

و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود و اینکه خدا توبه‌پذیر سنجیده‌کار است [رسوا می‌شدید] .

(النور، ١٠)

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَ الَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ (١١)

در حقیقت ، کسانی که آن بهتان [داستان افک] را [در میان] آوردند ، دسته‌ای از شما بودند . آن [تهمت] را شری برای خود تصور نکنید بلکه برای شما در آن مصلحتی [بوده] است . برای هر مردی از آنان [که در این کار دست داشته] همان گناهی است که مرتکب شده است ، و آن کس از ایشان که قسمت عمده آن را به گردن گرفته است عذابی سخت خواهد داشت .

(النور، ١١)

لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَ قَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُبِينٌ (١٢)

چرا هنگامی که آن [بهتان] را شنیدید ، مردان و زنان مؤمن گمان نیک به خود نبردند و نگفتند : « این بهتانی آشکار است » ؟

(النور، ۱۲)

لَوْ لَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةٍ شُهَدَاءَ فإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَافِرُونَ (۱۳)

چرا چهار گواه بر [صحت] آن [بهتان] نیاوردند؟ پس چون گواهان [لازم] را نیاورده‌اند، اینانند که نزد خدا دروغ‌گویانند.

(النور، ۱۳)

وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۴)

و اگر فضل خدا و رحمتش در دنیا و آخرت بر شما نبود، قطعاً به [سزای] آنچه در آن به دخالت پرداختید، به شما عذابی بزرگ می‌رسید.

(النور، ۱۴)

إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِالْأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسِبُونَهُ هينًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ (۱۵)

آن گاه که آن [بهتان] را از زبان یکدیگر می‌گرفتید و با زبانهای خود چیزی را که بدان علم نداشتید، می‌گفتید و می‌پنداشتید که کاری سهل و ساده است با اینکه آن [امر] نزد خدا بس بزرگ بود.

(النور، ۱۵)

وَلَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ (۱۶)

و [گر نه] چرا وقتی آن را شنیدید نگفتید: «برای ما سزاوار نیست که در این [موضوع] سخن گوئیم. [خداوند]، تو منزهی، این بهتانی بزرگ است.»

(النور، ۱۶)

يَعْظُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۷)

خدا اندر زتان می‌دهد که هیچ گاه دیگر مثل آن را اگر مؤمنید تکرار نکنید.

(النور، ۱۷)

وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۱۸)

و خدا برای شما آیات [خود] را بیان می‌کند، و خدا دانای سنجیده‌کار است.

(النور، ۱۸)

إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۱۹)

کسانی که دوست دارند که زشتکاری در میان آنان که ایمان آورده‌اند، شیوع پیدا کند، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی بر درد خواهد بود، و خدا [ست که] می‌داند و شما نمی‌دانید.

(النور، ۱۹)

وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَغُوفٌ رَحِيمٌ (۲۰)

و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود و اینکه خدا رنوف و مهربان است [مجازات سختی در انتظارتان بود].

(النور، ۲۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُواتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَعِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پای از پی گامهای شیطان منهدید، و هر کس پای بر جای گامهای شیطان نهد [بداند که] او به زشتکاری و ناپسند وامی‌دارد، و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود، هرگز هیچ کس از شما پاک نمی‌شد، ولی [این] خداست که هر کس را بخواهد پاک می‌گرداند و خدا [ست که] شنوای داناست.

(النور، ۲۱)

وَلَا يَأْتِلِ أَوْلُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِيُصَفِّحُوا أَلَّا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۲)

و سرمایه‌داران و فراعده‌ولتان شما نباید از دادن [مال] به خویشاوندان و تهیدستان و مهاجران راه خدا دریغ ورزند، و باید عفو کنند و گذشت نمایند. مگر دوست ندارید که خدا بر شما ببخشاید؟ و خدا آمرزنده مهربان است.

(النور، ۲۲)

إِنَّ الدِّينَ يُرْمَوْنَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (٢٣)

بی‌گمان ، کسانی که به زنان پاکدامن بی‌خبر [از همه جا] و با ایمان نسبت زنا می‌دهند ، در دنیا و آخرت لعنت شده‌اند ، و برای آنها عذابی سخت خواهد بود ،
(النور، ٢٣)

يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (٢٤)

در روزی که زبان و دستها و پاهایشان ، بر ضد آنان برای آنچه انجام می‌دادند ، شهادت می‌دهند .
(النور، ٢٤)

يَوْمَئِذٍ يُوقِفُهُمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَ يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ (٢٥)

آن روز خدا جزای شایسته آنان را به طور کامل می‌دهد و خواهند دانست که خدا همان حقیقت آشکار است .
(النور، ٢٥)

الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَ الْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَ الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّغُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ (٢٦)

زنان پلید برای مردان پلیدند ، و مردان پلید برای زنان پلید . و زنان پاک برای مردان پاکند ، و مردان پاک برای زنان پاک . اینان از آنچه در باره ایشان می‌گویند برکنارند ، برای آنان آمرزش و روزی نیکو خواهد بود .
(النور، ٢٦)

يَا أَيُّهَا الدِّينُ أَمْنَا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ سَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (٢٧)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست داخل مشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گوئید . این برای شما بهتر است ، باشد که پند بگیرید .
(النور، ٢٧)

فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَ إِنْ قِيلَ لَكُمْ ارجِعُوا فارجعوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (٢٨)

و اگر کسی را در آن نیافتید ، پس داخل آن مشوید تا به شما اجازه داده شود ؛ و اگر به شما گفته شد : « برگردید » برگردید ، که آن برای شما سزاوارتر است ، و خدا به آنچه انجام می‌دهید داناست .
(النور، ٢٨)

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَ مَا تَكْتُمُونَ (٢٩)

بر شما گناهی نیست که به خانه‌های غیر مسکونی که در آنها برای شما استفاده‌ای است داخل شوید ، و خدا آنچه را آشکار و آنچه را پنهان می‌دارید می‌داند .
(النور، ٢٩)

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكُمْ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (٣٠)

به مردان با ایمان بگو : « دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند ، که این برای آنان پاکیزه‌تر است ، زیرا خدا به آنچه می‌کنند آگاه است . »
(النور، ٣٠)

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرِبْنَ بِخُمْرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْتِبَاءِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الْوَالِدِ الَّذِي لَمْ يَظْهَرْ أَوْ غَيْرَاتِ النِّسَاءِ وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (٣١)

و به زنان با ایمان بگو : « دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که [طبعاً] از آن پیداست . و باید روسری خود را بر گردن خویش [فرو] اندازند ، و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پسرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان و قوف حاصل نکرده‌اند ، آشکار نکنند ؛ و پاهای خود را [به گونه‌ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد . ای مؤمنان ، همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید ، امید که رستگار شوید .

(النور، ٣١)

وَ أَنْكَحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْطِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (٣٢)

بی‌همسران خود ، و غلامان و کنیزان درستکارتان را همسر دهید . اگر تنگدستند ، خداوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد ، و خدا گشایشگر داناست .

(النور، ۳۲)

وَلَيْسَتَعْتَفِبِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ بِنِتْعَانِ الْكِتَابِ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَمَكَّنْتَهُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَ أَوْهَمُوا مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تُكْرَهُوا فَتِيَاتِكُمْ عَلَى الْبُعَاةِ إِنَّ أَرْدَنَ تَحَصُّنًا لِنَبْتِغُوا عَرْضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهْهُنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۳۳)

و کسانی که [وسیله] زناشویی نمی‌یابند ، باید عفت ورزند تا خدا آنان را از فضل خویش بی‌نیاز گرداند . و از میان غلامانتان ، کسانی که در صددند با قرارداد کتبی ، خود را آزاد کنند ، اگر در آنان خیری [و توانایی پرداخت مال] می‌یابید ، قرار بازخرید آنها را بنویسید ، و از آن مالی که خدا به شما داده است به ایشان بدهید [تا تدریجاً خود را آزاد کنند] ، و کنیزان خود را در صورتی که تمایل به پاکدامنی دارند برای اینکه متاع زندگی دنیا را بجویند ، به زنا وادار مکنید ، و هر کس آنان را به زور وادار کند ، در حقیقت ، خدا پس از اجبار نمودن ایشان ، [نسبت به آنها] امرزنده مهربان است .

(النور، ۳۳)

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُبِينَاتٍ وَمَثَلًا مِنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (۳۴)

و قطعاً به سوی شما آیاتی روشنگر و خبری از کسانی که پیش از شما روزگار به سر برده‌اند ، و موعظه‌ای برای اهل تقوا فرود آورده‌ایم .

(النور، ۳۴)

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَ تَوَلَّى سَوَاسِئَهُ فَإِذَا نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۳۵)

خدا نور آسمانها و زمین است . مثلی نور او چون چراغی است که در آن چراغی ، و آن چراغ در شیشه‌ای است . آن شیشه گویی اختری درخشان است که از درخت خجسته زیتونی که نه شرقی است و نه غربی ، افروخته می‌شود . نزدیک است که روغنش هر چند بدان آتشی نرسیده باشد روشنی بخشد . روشنی بر روی روشنی است . خدا هر که را بخواهد با نور خویش هدایت می‌کند ، و این مثلها را خدا برای مردم می‌زند و خدا به هر چیزی داناست .

(النور، ۳۵)

فِي بُيُوتِ الَّذِينَ أَنْزَلْنَا اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ (۳۶)

در خانه‌هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت] آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود . در آن [خانه] ها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می‌کنند :

(النور، ۳۶)

رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصَارُ (۳۷)

مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی ، آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات ، به خود مشغول نمی‌دارد ، و از روزی که دلها و دیده‌ها در آن زیر و رو می‌شود می‌هراسند .

(النور، ۳۷)

لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَ يَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ يَزُوقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۳۸)

تا خدا بهتر از آنچه انجام می‌دادند ، به ایشان جزا دهد و از فضل خود بر آنان بیفزاید ، و خدا [ست که] هر که را بخواهد بی‌حساب روزی می‌دهد .

(النور، ۳۸)

وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَ وَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فُوقَاهُ حِسَابًا وَ اللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۳۹)

و کسانی که کفر ورزیدند ، کارهایشان چون سرابی در زمینی هموار است که تشنه ، آن را آبی می‌پندارد ، تا چون بدان رسد آن را چیزی نیابد و خدا را نزد خویش یابد و حسابش را تمام به او دهد و خدا زود شمار است .

(النور، ۳۹)

أَوْ كظلماتٍ في بحرٍ لججٍ يفتشاه موجٌ من فوقه موجٌ من فوقه سحابٌ ظلماتٌ بعضها فوق بعضٍ إذا أخرج يده لم يكد يراها وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ (۴۰)

یا [کارهایشان] مانند تاریکیهایی است که در دریایی ژرف است که موجی آن را می‌پوشاند [و] روی آن موجی [دیگر] است [و] بالای آن ابری است . تاریکیهایی است که بعضی بر روی بعضی قرار گرفته است . هر گاه [غرقه] دستش را بیرون آورد ، به زحمت آن را می‌بیند ، و خدا به هر کس نوری نداده باشد او را هیچ نوری نخواهد بود .

(النور، ۴۰)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْخَرُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الطُّيُورُ صَافَاتٍ كُلُّ قَدَّمِ صَلَاتِهِ وَ تَسْبِيحِهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (۴۱)

آیا ندانسته‌ای که هر که [و هر چه] در آسمانها و زمین است برای خدا تسبیح می‌گویند ، و پرندگان [نیز] در حالی که در آسمان پر گشوده‌اند [تسبیح او می‌گویند] ؟ همه ستایش و نیایش خود را می‌دانند ، و خدا به آنچه می‌کنند داناست .

(النور، ۴۱)

وَ لِلّٰهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (۴۲)

و فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست ، و بازگشت [همه] به سوی خداست .

(النور، ۴۲)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَرْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَ يُنَزَّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيَصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَصْرِفُهُ عَنْ مَنْ يَشَاءُ يَكَادُ سَنًا يَرْفِقَهُ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ (۴۳)

آیا ندانسته‌ای که خدا [ست که] ابر را به آرامی می‌راند ، سپس میان [اجزاء] آن پیوند می‌دهد ، آن گاه آن را متراکم می‌سازد ، پس دانه‌های باران را می‌بینی که از خلال آن بیرون می‌آید ، و [خداست که] از آسمان از کوه‌هایی [از ابر یخ‌زده] که در آنجاست تگرگی فرو می‌ریزد ؛ و هر که را بخواهد بدان گزند می‌رساند ، و آن را از هر که بخواهد باز می‌دارد . نزدیک است روشنی برفش چشمها را ببرد .

(النور، ۴۳)

يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لَأُولِي الْأَبْصَارِ (۴۴)

خداست که شب و روز را با هم جایجا می‌کند . قطعاً در این [تبدیل] برای دیده‌وران [درس] عبرتی است .

(النور، ۴۴)

وَ اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۴۵)

و خداست که هر جنبنده‌ای را [ابتدا] از آبی آفرید . پس پاره‌ای از آنها بر روی شکم راه می‌روند و پاره‌ای از آنها بر روی دو پا و بعضی از آنها بر روی چهار [پا] راه می‌روند . خدا هر چه بخواهد می‌آفریند . در حقیقت ، خدا بر هر چیزی تواناست .

(النور، ۴۵)

لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ وَ اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۴۶)

قطعاً آیاتی روشنگر فرود آورده‌ایم ، و خدا هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند .

(النور، ۴۶)

وَ يَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ أَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ مَا أَوْلَيْكَ بِالْمُؤْمِنِينَ (۴۷)

و می‌گویند : « به خدا و پیامبر [او] گرویدیم و اطاعت کردیم . » آن گاه دسته‌ای از ایشان پس از این [اقرار] روی برمی‌گردانند ، و آنان مؤمن نیستند .

(النور، ۴۷)

وَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَ رِسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ (۴۸)

و چون به سوی خدا و پیامبر او خوانده شوند ، تا میان آنان داوری کند ، بناگاه دسته‌ای از آنها روی برمی‌تابند .

(النور، ۴۸)

وَ إِنْ يَخُنُّ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ (۴۹)

و اگر حق به جانب ایشان باشد ، به حال اطاعت به سوی او می‌آیند .

(النور، ۴۹)

أَفِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ رَسُولُهُ بَلَى أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۵۰)

آیا در دل‌هایشان بیماری است ، یا شک دارند ، یا از آن می‌ترسند که خدا و فرستاده‌اش بر آنان ستم ورزند ؟ [نه ، بلکه خودشان ستمکارند .

(النور، ۵۰)

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَ رِسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵۱)

گفتار مؤمنان وقتی به سوی خدا و پیامبرش خوانده شوند تا میانشان داوری کند تنها این است که می‌گویند : « شنیدیم و اطاعت کردیم . » اینانند که رستگارند .

(النور، ۵۱)

وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَخُنَّ اللَّهَ وَ يَتَّقِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاقِتُونَ (۵۲)

و کسی که خدا و فرستاده او را فرمان برد ، و از خدا بترسد و از او پروا کند ؛ آنانند که خود کامیابند .

(النور، ۵۲)

وَأَسْمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لِنِإِنَّ أَمْرَهُمْ لَيُخْرِجُنَّ قُلَّ لَا تُقْسِمُوا طَاعَةَ مَعْرُوفَةً إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۵۳)

و با سوگندهای سخت خود به خدا سوگند یاد کردند که اگر به آنان فرمان دهی ، بی‌شک [برای جهاد] بیرون خواهند آمد . بگو : « سوگند مخورید . اطاعتی پسندیده [بهتر است] که خدا به آنچه می‌کنید داناست . »

(النور، ۵۳)

قُلَّ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَ عَلَيْهِ مَا حُمِّلْتُمْ وَ إِن تَطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۵۴)

بگو : « خدا و پیامبر را اطاعت کنید . پس اگر پشت نمودید ، [بدانید که] بر عهده اوست آنچه تکلیف شده و بر عهده شماست آنچه موظف هستید . و اگر اطاعتش کنید راه خواهید یافت ، و بر فرستاده [خدا] جز ابلاغ آشکار [مأموریتی] نیست .

(النور، ۵۴)

وَ عَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۵۵)

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند ، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد ؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد ، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند ، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند ، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند ، و هر کس پس از آن به کفر گراید ؛ آنانند که نافرمانند .

(النور، ۵۵)

وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۵۶)

و نماز را برپا کنید و زکات را بدهید و پیامبر [خدا] را فرمان برید تا مورد رحمت قرار گیرید .

(النور، ۵۶)

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَ مَا لَهُمْ مِنَ النَّارِ وَ لَيْسَ الْمَصِيرُ (۵۷)

و مپندار کسانی که کفر ورزیدند [ما را] در زمین در مانده می‌کنند ؛ جایگاهشان در آتش است و چه بد بازگشتگاهی است .

(النور، ۵۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيَسْتَأْذِنُكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَ الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَ لَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، باید غلام و کنیزهای شما و کسانی از شما که به [سن] بلوغ نرسیده‌اند سه بار [در شبانه روز] از شما کسب اجازه کنند ؛ پیش از نماز بامداد ، و نیمروز که جامه‌های خود را بیرون می‌آورید ، و پس از نماز شامگاهان . [این ،] سه هنگام برهنگی شماست ، نه بر شما و نه بر آنان گناهی نیست که غیر از این [سه هنگام] گرد یکدیگر بچرخید [و با هم معاشرت نمایید] . خداوند آیات [خود] را این گونه برای شما بیان می‌کند ، و خدا دانای سنجیده‌کار است .

(النور، ۵۸)

وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۹)

و چون کودکان شما به [سن] بلوغ رسیدند ، باید از شما کسب اجازه کنند ؛ همان گونه که آنان که پیش از ایشان بودند کسب اجازه کردند . خدا آیات خود را این گونه برای شما بیان می‌دارد ، و خدا دانای سنجیده‌کار است .

(النور، ۵۹)

وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحاً فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَ أَنْ يَسْتَغْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۶۰)

و بر زنان از کار افتاده‌ای که [دیگر] امید زناشویی ندارند گناهی نیست که پوشش خود را کنار نهند [به شرطی که] زینتی را آشکار نکنند ؛ و عفت ورزیدن برای آنها بهتر است ، و خدا شنوای داناست .

(النور، ۶۰)

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَ لَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَ لَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَ لَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ مِنْكُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعاً أَوْ أَشْتَاتاً فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتاً فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۶۱)

بر نابینا و لنگ و بیمار و بر شما ایرادی نیست که از خانه‌های خودتان بخورید ، یا از خانه‌های پدرانتان یا خانه‌های مادرانتان یا خانه‌های برادرانتان یا خانه‌های خواهرانتان یا خانه‌های عموهایتان یا خانه‌های عمه‌هایتان یا خانه‌های داییه‌ایتان یا خانه‌های خاله‌هایتان یا آن [خانه‌هایی] که کلیدهایش را در اختیار دارید یا [خانه] دوستان . [هم چنین]

بر شما باکی نیست که با هم بخورید یا پراکنده . پس چون به خانه‌هایی [که گفته شد] درآمدید ، به یکدیگر سلام کنید ؛ درودی که نزد خدا مبارک و خوش است . خداوند آیات [خود] را این گونه برای شما بیان می‌کند ، امید که ببیندیشید .

(النور، ۶۱)

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوا إِنْ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذَنْ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۶۲)

جز این نیست که مؤمنان کسانی‌اند که به خدا و پیامبرش گرویده‌اند ، و هنگامی که با او بر سر کاری اجتماع کردند ، تا از وی کسب اجازه نکنند نمی‌روند . در حقیقت ، کسانی که از تو کسب اجازه می‌کنند ؛ آنانند که به خدا و پیامبرش ایمان دارند . پس چون برای برخی از کارهایشان از تو اجازه خواستند ، به هر کس از آنان که خواستی اجازه ده و برایشان آموزش بخواه که خدا آمرزنده مهربان است .

(النور، ۶۲)

لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَسْتَلُونَ مِنْكُمْ لَوَادًا فَلَیْحَذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۶۳)

خطاب کردن پیامبر را در میان خود ، مانند خطاب کردن بعضی از خودتان به بعضی [دیگر] قرار دهید . خدا می‌داند [چه] کسانی از شما دزدانه [از نزد او] می‌گیرند . پس کسانی که از فرمان او تمرد می‌کنند بترسند که مبادا بلایی بدیشان رسد یا به عذابی دردناک گرفتار شوند .

(النور، ۶۳)

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَیَوْمَ یُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۶۴)

هشدار که آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست . به یقین آنچه را که بر آنید و روزی را که به سوی او بازگردانیده می‌شوند و آنان را [از حقیقت] آنچه انجام داده‌اند خبر می‌دهد ، می‌داند ، و خدا به هر چیزی داناست .

(النور، ۶۴)

ترتیبها-۲۵	سوره الفرقان	مکی-آیاتها-۷۷
------------	--------------	---------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الفرقان، ۰)

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا (۱)

بزرگ [و خجسته] است کسی که بر بنده خود ، فرقان [کتاب جداسازنده حق از باطل] را نازل فرمود ، تا برای جهانیان هشداردهنده‌ای باشد .

(الفرقان، ۱)

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا (۲)

همان کس که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست ، و فرزندی اختیار نکرده و برای او شریکی در فرمانروایی نبوده است ، و هر چیزی را آفریده و بدان گونه که درخور آن بوده اندازه‌گیری کرده است .

(الفرقان، ۲)

وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَ هُمْ يُخْلَقُونَ وَ لَا يَمْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا وَ لَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَ لَا حَيَاةً وَ لَا نُشُورًا (۳)

و به جای او خدایانی برای خود گرفته‌اند که چیزی را خلق نمی‌کنند و خود خلق شده‌اند و برای خود نه زیانی را در اختیار دارند و نه سودی را ، و نه مرگی را در اختیار دارند و نه حیاتی و نه رستاخیزی را .

(الفرقان، ۳)

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَ أَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَ زُورًا (۴)

و کسانی که کفر ورزیدند ، گفتند : « این [کتاب] جز دروغی که آن را برابافته [چیزی] نیست ، و گروهی دیگر او را بر آن یاری کرده‌اند . » و قطعاً [با چنین نسبتی] ظلم و بهتانی به پیش آوردند .

(الفرقان، ۴)

وَ قَالُوا أَأَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْنَى عَلَيْهِ بُكْرَةٌ وَ أَصْبِلًا (۵)

و گفتند : « افسانه‌های پیشینیان است که آنها را برای خود نوشته ، و صبح و شام بر او املا می‌شود . »

(الفرقان، ۵)

قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً (۶)

بگو : « آن را کسی نازل ساخته است که رازِ نهانها را در آسمانها و زمین می‌داند ، و هموست که همواره آمرزنده مهربان است . »

(الفرقان، ۶)

وَقَالُوا مَا لِهَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْ لَا أَنْزَلَ إِلَيْنَا لَكُنَّا مُعَذِّبِينَ (۷)

و گفتند : « این چه پیامبری است که غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود ؟ چرا فرشته‌ای به سوی او نازل نشده تا همراه وی هشداردهنده باشد ؟

(الفرقان، ۷)

أَوْ يُنْفِئُ إِلَيْنَا كُنْزٌ أَوْ يَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُوراً (۸)

یا گنجی به طرف او افکنده نشده یا باغی ندارد که از [بار و بر] آن بخورد ؟ « و ستمکاران گفتند : « جز مردی افسون‌شده را دنبال نمی‌کنید . »

(الفرقان، ۸)

انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلاً (۹)

بنگر چگونه برای تو مثلها زدند و گمراه شدند ؛ در نتیجه نمی‌توانند راهی بیابند .

(الفرقان، ۹)

تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْراً مِنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ يُجْعَلُ لَكَ فُصُوراً (۱۰)

بزرگ [و خجسته] است کسی که اگر بخواهد بهتر از این را برای تو قرار می‌دهد : باغهایی که جویبارها از زیر [درختان] آن روان خواهد بود ، و برای تو کاخها پدید می‌آورد .

(الفرقان، ۱۰)

بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَ أََعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعيراً (۱۱)

[نه !] بلکه [آنها] رستاخیز را دروغ خواندند ، و برای هر کس که رستاخیز را دروغ خواند آتشی سوزان آماده کرده‌ایم .

(الفرقان، ۱۱)

إِذَا رَأَتْهُمْ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغَيُّظاً وَ زَفيراً (۱۲)

چون [دوزخ] از فاصله‌ای دور ، آنان را ببیند ، خشم و خروشی از آن می‌شنوند .

(الفرقان، ۱۲)

وَ إِذَا أَلْقَا مِنْهَا مَكَاناً ضَبَقاً مُقَرَّبِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُوراً (۱۳)

و چون آنان را در تنگنایی از آن به زنجیر کشیده بیندازند ، آنجاست که مرگ [خود] را می‌خواهند .

(الفرقان، ۱۳)

لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُوراً وَاحِداً وَ ادْعُوا ثُبُوراً كَثِيراً (۱۴)

« امروز يك بار هلاك [خود] را مخواهيد و بسيار هلاك [خود] را بخواهيد . »

(الفرقان، ۱۴)

قُلْ أَدْبِكُمْ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَ مَصيراً (۱۵)

بگو : « آیا این [عقوبت] بهتر است یا بهشت جاویدان که به پرهیزگاران وعده داده شده است که پاداش و سرانجام آنان است ؟ »

(الفرقان، ۱۵)

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْداً مَسْئُولاً (۱۶)

جاودانه هر چه بخواهند در آنجا دارند . پروردگار تو مسنول [تحقق] این وعده است .

(الفرقان، ۱۶)

و يَوْمَ يُخْشَرُهُمْ وَ مَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قِيْلُ اَنْتُمْ اَضَلَلْتُمْ عِبَادِي هُوْلَاءِ اَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيْلَ (۱۷)

و روزی که آنان را با آنچه به جای خدا می‌پرستند ، محشور می‌کند ، پس می‌فرماید : « آیا شما این بندگان مرا به بیراهه کشانیدید یا خود گمراه شدید ؟ »

(الفرقان، ۱۷)

قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنْبَغِي لَنَا اَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ اَوْلِيَاءٍ وَ لَكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَ اَبَاءَهُمْ حَتَّى نَسُوا الذِّكْرَ وَ كَانُوا قَوْمًا بُورًا (۱۸)

می‌گویند : « منزهی تو ، ما را نسزد که جز تو دوستی برای خود بگیریم ، ولی تو آنان و پدرانشان را برخوردار کردی تا [آنجا که] یاد [تو] را فراموش کردند و گروهی هلاک‌شده ، بودند . »

(الفرقان، ۱۸)

فَقَدْ كَذَّبْتُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَ لَا نَصْرًا وَ مَنْ يَظْلِمْ مِنْكُمْ نَذْفُهُ عَذَابًا كَبِيْرًا (۱۹)

قطعاً [خدایانتان] در آنچه می‌گفتید ، شما را تکذیب کردند ؛ در نتیجه نه می‌توانید [عذاب را از خود] دفع کنید و نه [خود را] یاری نمایید و هر کس از شما شرک ورزد عذابی سهمگین به او می‌چشانیم .

(الفرقان، ۱۹)

وَ مَا اَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِيْنَ اِلَّا اِنَّهُمْ لِيَأْكُلُوْنَ الطَّعَامَ وَ يَمْشُوْنَ فِي الْاَسْوَاقِ وَ جَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً اَوْ تُصْبِرُوْنَ وَ كَانَ رَبُّكَ بَصِيْرًا (۲۰)

و پیش از تو پیامبران [خود] را نفرستادیم جز اینکه آنان [نیز] غذا می‌خوردند و در بازارها راه می‌رفتند ، و برخی از شما را برای برخی دیگر [وسیله] آزمایش قرار دادیم . آیا شکیبایی می‌کنید ؟ و پروردگار تو همواره بیناست .

(الفرقان، ۲۰)

وَ قَالَ الَّذِيْنَ لَا يَرْجُوْنَ لِقَاءَنَا لَوْ اَنْزَلْنَا عَلَيْنَا الْمَلٰٓئِكَةَ اَوْ نَزَّلْنَا نَارًا لَقَدْ اسْتَكْبَرُوْا فِيْ اَنْفُسِهِمْ وَ عَتَوْا عُتُوًّا كَبِيْرًا (۲۱)

و کسانی که به لقای ما امید ندارند ، گفتند : « چرا فرشتگان بر ما نازل نشدند یا پروردگاران را نمی‌بینیم ؟ » قطعاً در مورد خود تکبر ورزیدند و سخت سرکشی کردند .

(الفرقان، ۲۱)

يَوْمَ يَرُوْنَ الْمَلٰٓئِكَةَ لَا بُشْرٰى يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِيْنَ وَ يَقُوْلُوْنَ حِجْرًا مَّخْجُوْرًا (۲۲)

روزی که فرشتگان را ببینند ، آن روز برای گناهکاران بشارتی نیست ، و می‌گویند : « دور و ممنوع [از رحمت خدایید] . »

(الفرقان، ۲۲)

وَ قَدِمْنَا اِلٰى مَا عَمَلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُوْرًا (۲۳)

و به هر گونه کاری که کرده‌اند می‌پردازیم و آن را [چون] گردی پراکنده می‌سازیم .

(الفرقان، ۲۳)

اَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقْرًا وَ اَحْسَنُ مَقِيْلًا (۲۴)

آن روز ، جایگاه اهل بهشت بهتر و استراحتگاهشان نیکوتر است .

(الفرقان، ۲۴)

وَ يَوْمَ تَشْفُقُ السَّمٰٓءُ بِالْغَمَامِ وَ نُزِّلَ الْمَلٰٓئِكَةُ تَنْزِيْلًا (۲۵)

و روزی که آسمان با ابری سپید از هم می‌شکافت و فرشتگان نزول یابند !

(الفرقان، ۲۵)

اَلْمَلٰٓئِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمٰنِ وَ كَانَ يَوْمًا عَلٰى الْكَافِرِيْنَ عَسِيْرًا (۲۶)

آن روز ، فرمانروایی بحق ، از آن [خدای] رحمان است و روزی است که بر کافران بسی دشوار است .

(الفرقان، ۲۶)

و يَوْمَ يَعْضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً (۲۷)

و روزی است که ستمکار دستهای خود را می‌گزد [و] می‌گوید : « ای کاش با پیامبر راهی برمی‌گرفتم . »

(الفرقان، ۲۷)

يَا وَيْلَتَا لَيْتَنِي لَمْ اتَّخَذْتُ فَلَانًا خَلِيلاً (۲۸)

« ای وای ، کاش فلانی را دوست [خود] نگرفته بودم . »

(الفرقان، ۲۸)

لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا (۲۹)

او [بود که] مرا به گمراهی کشانید پس از آنکه قرآن به من رسیده بود . « و شیطان همواره فروگذارنده انسان است . »

(الفرقان، ۲۹)

و قَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا (۳۰)

و پیامبر [خدا] گفت : « پروردگارا ، قوم من این قرآن را رها کردند . »

(الفرقان، ۳۰)

و كَذَّبَكَ جَعَلْنَا لِحَلَّةِ نَبِيِّ عَذْوًا مِنَ الْمُجْرِمِينَ وَ كَفَى بِرَبِّكَ هَادِيًا وَ نَصِيرًا (۳۱)

و این گونه برای هر پیامبری دشمنی از گناهکاران قرار دادیم ، و همین بس که پروردگارت راهبر و یاور توست .

(الفرقان، ۳۱)

و قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَّبْتُمْ بِهِ فُؤَادَكَ وَ رَبَّنَا نُزِّلْنَا تَرْتِيلاً (۳۲)

و کسانی که کافر شدند ، گفتند : « چرا قرآن یک جا بر او نازل نشده است ؟ » این گونه [ما آن را به تدریج نازل کردیم] تا قلبت را به وسیله آن استوار گردانیم ، و آن را به آرامی [بر تو] خواندیم .

(الفرقان، ۳۲)

وَ لَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَ أَحْسَنَ تَفْسِيرًا (۳۳)

و برای تو مثلی نیاوردند ، مگر آنکه [ما] حق را با نیکوترین بیان برای تو آوردیم .

(الفرقان، ۳۳)

الَّذِينَ يُحْتَرُونَ عَلَى وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَ أَضَلُّ سَبِيلاً (۳۴)

کسانی که به رو درافتاده به سوی جهنم رانده می‌شوند ، آنان بدترین جای و گم‌ترین راه را دارند .

(الفرقان، ۳۴)

وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ جَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا (۳۵)

و به یقین [ما] به موسی کتاب [آسمانی] عطا کردیم ، و برادرش هارون را همراه او دستیار [ش] گردانیدیم .

(الفرقان، ۳۵)

فَقُلْنَا أَهْبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا (۳۶)

پس گفتیم : « هر دو به سوی قومی که نشانه‌های ما را به دروغ گرفتند بروید . » پس [ما] آنان را به سختی هلاک نمودیم .

(الفرقان، ۳۶)

وَ قَوْمِ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اسْكُنُوا الْبِلَادَ الَّتِي بَدَعْتُ لَكُمْ فِيهَا مِنْ قَبْلِ هَذِهِ وَ لَا تَقْرَبُوا هَذِهِ الْمَدِينَةَ إِنَّهَا قَدِ اجْتَمَعَتْ عَلَيْهَا الظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا (۳۷)

و قوم نوح را آن گاه که پیامبران [خدا] را تکذیب کردند عرقشان ساختیم ، و آنان را برای [همه] مردم عبرتی گردانیدیم و برای ستمکاران عذابی پردرد آماده کرده‌ایم .

(الفرقان، ۳۷)

وَ عَاداً وَ ثَمُودَ وَ أَصْحَابَ الرَّسِّ وَ قُرُوناً بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيراً (۳۸)

و [نیز] عادیان و ثمودیان و اصحاب رس و نسلهای بسیاری میان این [جماعتها] را [هلاک کردیم] .

(الفرقان، ۳۸)

وَ كَلَّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأُمْتَالَ وَ كَلَّا نَبْرَزْنَا تَنْبِيراً (۳۹)

و برای همه آنان مثلها زدیم و همه را زیر و زبر کردیم .

(الفرقان، ۳۹)

وَ لَقَدْ آتَوْنَا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أَمْطَرْنَا مَطَرًا سَوِيًّا أَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَهَا بَلْ كَانُوا لَا يَتَّخِذُونَ نُشُورًا (۴۰)

و قطعاً بر شهری که باران بلا بر آن بارانده شد گذشتند؛ مگر آن را ندیده‌اند؟ [چرا] ، ولی امید به زنده شدن ندارند .

(الفرقان، ۴۰)

وَ إِذَا رَأَوْكَ إِثْمًا يَخْتَدُونَكَ إِلَّا هَؤُلَاءِ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا (۴۱)

و چون تو را ببینند ، جز به ریشخندت نگیرند ، [که :] « آیا این همان کسی است که خدا او را به رسالت فرستاده است ؟

(الفرقان، ۴۱)

إِنْ كَادَ لَيُضِلَّنَا عَنْ الْبَيْتِ لَوْ لَا أَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَ سَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرْوُونَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلَّ سَبِيلًا (۴۲)

چیزی نمانده بود که ما را از خدایمان اگر بر آن ایستادگی نمی‌کردیم منحرف کند . « و هنگامی که عذاب را می‌بینند به زودی خواهند دانست چه کسی گمراه‌تر است .

(الفرقان، ۴۲)

أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا (۴۳)

آیا آن کس که هوای [نفس] خود را معبود خویش گرفته است دیدی ؟ آیا [می‌توانی] ضامن او باشی ؟

(الفرقان، ۴۳)

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا (۴۴)

یا گمان داری که بیشترشان می‌شنوند یا می‌اندیشند ؟ آنان جز مانند ستوران نیستند ، بلکه گمراه‌ترند .

(الفرقان، ۴۴)

أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَ لَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا (۴۵)

آیا ندیده‌ای که پروردگارت چگونه سایه را گسترده است ؟ و اگر می‌خواست ، آن را ساکن قرار می‌داد ، آن گاه خورشید را بر آن دلیل گردانیدیم .

(الفرقان، ۴۵)

ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا (۴۶)

سپس آن [سایه] را اندک اندک به سوی خود بازمی‌گیریم .

(الفرقان، ۴۶)

وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِيَسَآءَ وَ النَّوْمَ سُبَاتًا وَ جَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا (۴۷)

و اوست کسی که شب را برای شما پوششی قرار داد و خواب را [مایه] آرامشی . و روز را زمان برخاستن [شما] گردانید .

(الفرقان، ۴۷)

وَ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا (۴۸)

و اوست آن کس که باده‌ها را نویدی پیشاپیش رحمت خویش [باران] فرستاد و از آسمان ، آبی پاک فرود آوردیم ،

(الفرقان، ۴۸)

لِنُخَيِّبَ بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا وَ نُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَ أَنَاسِيًّا كَثِيراً (۴۹)

تا به وسیله آن سرزمینی پزمرده را زنده گردانیم و آن را به آنچه خلق کرده‌ایم از دامها و انسانهای بسیار بنوشانیم .

(الفرقان، ۴۹)

وَ لَقَدْ صَرَّفْنَا لَهُمْ لِيُذَكَّرُوا فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلاَّ كُفُوراً (۵۰)

و قطعاً آن [پند] را میان آنان گوناگون ساختیم تا توجه پیدا کنند ، و [لی] بیشتر مردم جز ناسپاسی نخواستند .

(الفرقان، ۵۰)

وَ لَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيراً (۵۱)

و اگر می‌خواستیم قطعاً در هر شهری هشداردهنده‌ای برمی‌انگیختیم .

(الفرقان، ۵۱)

فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَاداً كَبِيراً (۵۲)

پس ، از کافران اطاعت مکن ، و با [الهام گرفتن از] قرآن با آنان به جهادی بزرگ بپرداز .

(الفرقان، ۵۲)

وَ هُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فَرَاتٌ وَ هَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَ جَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخاً وَ حِجْراً مَحْجُوراً (۵۳)

و اوست کسی که دو دریا را موج‌زنان به سوی هم روان کرد : این یکی شیرین [و] گوارا و آن یکی شور [و] تلخ است ؛ و میان آن دو ، مانع و حریمی استوار قرار داد .

(الفرقان، ۵۳)

وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَراً فَجَعَلَهُ نَسَباً وَ صِهْراً وَ كَانَ رَبِّكَ قَدِيراً (۵۴)

و اوست کسی که از آب ، بشری آفرید و او را [دارای خویشاوندی] نسبی و دامادی قرار داد ، و پروردگار تو همواره تواناست .

(الفرقان، ۵۴)

وَ يُعَذِّبُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لا يَنْفَعُهُمْ وَ لا يَضُرُّهُمْ وَ كَانَ الْكَافِرُ عَلَى رَبِّهِ ظَهِيراً (۵۵)

و غیر از خدا چیزی را می‌پرستند که نه سودشان می‌دهد و نه زیانشان می‌رساند ؛ و کافر همواره در برابر پروردگار خود همپشت [شیطان] است .

(الفرقان، ۵۵)

وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلاَّ مُبَشِّراً وَ نَذِيراً (۵۶)

و تو را جز بشارتگر و بیم‌دهنده نفرستادیم .

(الفرقان، ۵۶)

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلاَّ مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلاً (۵۷)

بگو : « بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی‌کنم ، جز اینکه هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش [در پیش] گیرد . »

(الفرقان، ۵۷)

وَ تَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لا يَمُوتُ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَ كَفَىٰ بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيراً (۵۸)

و بر آن زنده که نمی‌میرد توکل کن و به ستایش او تسبیح گوی ؛ و همین بس که او به گناهان بندگانش آگاه است .

(الفرقان، ۵۸)

الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَاسْأَلْ بِهِ خَبِيراً (۵۹)

همان کسی که آسمانها و زمین ، و آنچه را که میان آن دو است ، در شش روز آفرید . آن گاه بر عرش استیلا یافت . رحمتگر عام [اوست] . در باره وی از خبرهای بپرس [که می‌داند] .

(الفرقان، ۵۹)

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَ مَا الرَّحْمَنُ أَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَ زَادَهُمْ نُفُوراً (۶۰)

۶۰۴ / ۲۸۷

و چون به آنان گفته شود: « [خدای] رحمان را سجده کنید ، می‌گویند : « رحمان چیست ؟ آیا برای چیزی که ما را [بدان] فرمان می‌دهی سجده کنیم ؟ » و بر رمیدنشان می‌افزاید .

(الفرقان، ۶۰)

تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجاً وَ جَعَلَ فِيهَا سِرَاجاً وَ قَمَراً مُنيراً (۶۱)

[فرخنده و] بزرگوار است آن کسی که در آسمان برجهایی نهاد ، و در آن ، چراغ و ماهی نوربخش قرار داد .

(الفرقان، ۶۱)

وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُوراً (۶۲)

و اوست کسی که برای هر کس که بخواهد عبرت گیرد یا بخواهد سپاسگزاری نماید ، شب و روز را جانشین یکدیگر گردانید .

(الفرقان، ۶۲)

وَ عِبَادِ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْناً وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَاماً (۶۳)

و بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که روی زمین به نرمی گام برمی‌دارند ؛ و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند به ملایمت پاسخ می‌دهند .

(الفرقان، ۶۳)

وَ الَّذِينَ يَبْتَئُونَ لِرَبِّهِمْ سُجُوداً وَ قِيَاماً (۶۴)

و آنانند که در حال سجده یا ایستاده ، شب را به روز می‌آورند .

(الفرقان، ۶۴)

وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَاماً (۶۵)

و کسانی‌اند که می‌گویند : « پروردگارا ، عذاب جهنم را از ما بازگردان که عذابش سخت و دایمی است .

(الفرقان، ۶۵)

إِنَّهَا سَاعَةٌ مُسْتَقَرّاً وَ مَقَاماً (۶۶)

و در حقیقت ، آن بد قرارگاه و جایگاهی است .

(الفرقان، ۶۶)

وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانُ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَاماً (۶۷)

و کسانی‌اند که چون انفاق کنند ، نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند ، و میان این دو [روش] حد وسط را برمی‌گزینند .

(الفرقان، ۶۷)

وَ الَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهاً آخَرَ وَ لَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثاماً (۶۸)

و کسانی‌اند که با خدا معبودی دیگر نمی‌خوانند و کسی را که خدا [خونش را] حرام کرده است جز به حق نمی‌کشند ، و زنا نمی‌کنند ، و هر کس اینها را انجام دهد سزایش را دریافت خواهد کرد .

(الفرقان، ۶۸)

يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَخُذُ فِيهِ مَهاتاً (۶۹)

برای او در روز قیامت عذاب دو چندان می‌شود و پیوسته در آن خوار می‌ماند .

(الفرقان، ۶۹)

إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلاً صَالِحاً فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَ كَأَنَّ اللَّهَ عَفُوراً رَحِيماً (۷۰)

مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته کند . پس خداوند بدیهایشان را به نیکیها تبدیل می‌کند ، و خدا همواره آمرزنده مهربان است .

(الفرقان، ۷۰)

وَ مَنْ تَابَ وَ عَمِلَ صَالِحاً فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَاباً (۷۱)

و هر کس توبه کند و کار شایسته انجام دهد ، در حقیقت به سوی خدا بازمی‌گردد .

(الفرقان، ۷۱)

و الَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا (۷۲)

و کسانی‌اند که گواهی دروغ نمی‌دهند ؛ و چون بر لغو بگذرند با بزرگواری می‌گذرند .

(الفرقان، ۷۲)

و الَّذِينَ إِذَا دُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا (۷۳)

و کسانی‌اند که چون به آیات پروردگارشان تذکر داده شوند ، کر و کور روی آن نمی‌افتند .

(الفرقان، ۷۳)

و الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا ذُرِّيَّتًا قَرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا (۷۴)

و کسانی‌اند که می‌گویند : « پروردگارا ، به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان [ما] باشد ، و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان . »

(الفرقان، ۷۴)

أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَ يُلقَوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَ سَلَامًا (۷۵)

اینانند که به [پاس] آنکه صبر کردند ، غرفه [های بهشت را] پاداش خواهند یافت و در آنجا با سلام و درود مواجه خواهند شد .

(الفرقان، ۷۵)

خَالِدِينَ فِيهَا حَسَنَاتٌ مُسْتَقَرًّا وَ مُقَامًا (۷۶)

در آنجا ، جاودانه خواهند ماند . چه خوش قرارگاه و مقامی !

(الفرقان، ۷۶)

قُلْ مَا يَغِيْبُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا (۷۷)

بگو : « اگر دعای شما نباشد ، پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی‌کند . در حقیقت شما به تکذیب پرداخته‌اید و به زودی [عذاب بر شما] لازم خواهد شد . »

(الفرقان، ۷۷)

ترتیبها- ۲۶	سوره الشعراء	مکی- آیاتها- ۲۲۷
-------------	--------------	------------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الشعراء، ۰)

طسم (۱)

طا ، سین ، میم .

(الشعراء، ۱)

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (۲)

این است آیه‌های کتاب روشنگر .

(الشعراء، ۲)

لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (۳)

شاید تو از اینکه [مشرکان] ایمان نمی‌آورند ، جان خود را تباه سازی .

(الشعراء، ۳)

إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ (٤)

اگر بخواهیم ، معجزه‌ای از آسمان بر آنان فرود می‌آوریم ، تا در برابر آن ، گردنهایشان خاضع گردد .

(الشعراء، ٤)

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مِنَ الرَّحْمَنِ مُخَذَّبٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ (٥)

و هیچ تذکر جدیدی از سوی [خدای] رحمان برایشان نیامد جز اینکه همواره از آن روی برمی‌تافتند .

(الشعراء، ٥)

فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (٦)

[آنان] در حقیقت به تکذیب پرداختند ، و به زودی خبر آنچه که بدان ریشخند می‌کردند ، بدیشان خواهد رسید .

(الشعراء، ٦)

أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ (٧)

مگر در زمین ننگریسته‌اند که چه قدر در آن از هر گونه جفتهای زیبا رویانیده‌ایم ؟

(الشعراء، ٧)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (٨)

قطعاً در این [هنرنمایی] عبرتی است و [لی] بیشترشان ایمان‌آورنده نیستند .

(الشعراء، ٨)

وَ إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (٩)

و در حقیقت ، پروردگار تو همان شکست‌ناپذیر مهربان است .

(الشعراء، ٩)

وَ إِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَى أَنْ أَنْتَ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (١٠)

و [یاد کن] هنگامی را که پروردگارت موسی را ندا درداد که به سوی قوم ستمکار برو :

(الشعراء، ١٠)

قَوْمٌ فِرْعَوْنَ أَوْ لَا يَتَّقُونَ (١١)

قوم فرعون ؛ آیا پروا ندارند ؟ !

(الشعراء، ١١)

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ (١٢)

گفت : « پروردگارا ، می‌ترسم مرا تکذیب کنند ،

(الشعراء، ١٢)

وَ يَضِيقُ صَدْرِي وَ لَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسَلْ إِلَى هَارُونَ (١٣)

و سینه‌ام تنگ می‌گردد ، و زبانت باز نمی‌شود ، پس به سوی هارون بفرست .

(الشعراء، ١٣)

وَ لَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ (١٤)

و [از طرفی] آنان بر [گردن] من خونی دارند و می‌ترسم مرا بکشند . «

(الشعراء، ١٤)

قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ (١٥)

فرمود : « نه ، چنین نیست ؛ نشانه‌های ما را [برای آنان] ببرید که ما با شما شنونده‌ایم . »

(الشعراء، ۱۵)

فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۶)

پس به سوی فرعون بروید و بگویید : « ما پیامبر پروردگار جهانیانیم ،

(الشعراء، ۱۶)

أَنْ أُرْسِلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ (۱۷)

فرزندان اسرائیل را با ما بفرست . »

(الشعراء، ۱۷)

قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَ نَبَّئْتَنَا مِنْ عُمَرِكَ سِنِينَ (۱۸)

[فرعون] گفت : « آیا تو را از کودکی در میان خود نپروردیم و سالیانی چند از عمرت را پیش ما نمادی ؟

(الشعراء، ۱۸)

وَ فَعَلْتَ فَعَلْتَكِ الَّتِي فَعَلْتَ وَ أَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ (۱۹)

و [سرانجام] کار خود را کردی ، و تو از ناسپاسانی . »

(الشعراء، ۱۹)

قَالَ فَعَلْتُهَا إِذَا وَ أَنَا مِنَ الضَّالِّينَ (۲۰)

گفت : « آن را هنگامی مرتکب شدم که از گمراهان بودم ،

(الشعراء، ۲۰)

فَقَرَّرْتُ مَعَكُمْ لَمَّا خَفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ (۲۱)

و چون از شما ترسیدم ، از شما گریختم ، تا پروردگارم به من دانش بخشید و مرا از پیامبران قرار داد .

(الشعراء، ۲۱)

وَ تِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ (۲۲)

و [آیا] اینکه فرزندان اسرائیل را بنده [خود] ساخته‌ای نعمتی است که منتش را بر من مینهی ؟ »

(الشعراء، ۲۲)

قَالَ فِرْعَوْنُ وَ مَا رَبُّ الْعَالَمِينَ (۲۳)

فرعون گفت : « و پروردگار جهانیان چیست ؟ »

(الشعراء، ۲۳)

قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ (۲۴)

گفت : « پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است اگر اهل یقین باشید . »

(الشعراء، ۲۴)

قَالَ لَنْ حَوْلَهُ أَ لَا نَسْتَمِعُونَ (۲۵)

[فرعون] به کسانی که پیرامونش بودند گفت : « آیا نمی‌شنوید ؟ »

(الشعراء، ۲۵)

قَالَ رَبُّكُمْ وَ رَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ (۲۶)

[موسی دوباره] گفت : « پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شما . »

(الشعراء، ٢٦)

قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ (٢٧)

[فرعون] گفت : « واقعاً این پیامبری که به سوی شما فرستاده شده ، سخت دیوانه است . »

(الشعراء، ٢٧)

قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ (٢٨)

[موسی] گفت : « پروردگار خاور و باختر و آنچه میان آن دو است اگر تعقل کنید . »

(الشعراء، ٢٨)

قَالَ لَنْبِنِ اتَّخَذَتْ لِهَا غَيْرِي لِأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمُسْجُونِينَ (٢٩)

[فرعون] گفت : « اگر خدایی غیر از من اختیار کنی قطعاً تو را از [جمله] زندانیان خواهم ساخت . »

(الشعراء، ٢٩)

قَالَ أَوْ لَوْ جِئْتِكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ (٣٠)

گفت : « گر چه برای تو چیزی آشکار بیاورم ؟ »

(الشعراء، ٣٠)

قَالَ فَأْتِ بِهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (٣١)

گفت : « اگر راست می‌گویی آن را بیاور . »

(الشعراء، ٣١)

فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ (٣٢)

پس عصای خود بیفکند و بناگاه آن اژدری نمایان شد .

(الشعراء، ٣٢)

و نَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاطِرِينَ (٣٣)

و دستش را بیرون کشید و بناگاه آن برای تماشاگران سپید می‌نمود .

(الشعراء، ٣٣)

قَالَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ (٣٤)

[فرعون] به سرانی که پیرامونش بودند گفت : « واقعاً این ساحری بسیار داناست . »

(الشعراء، ٣٤)

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَا دَا تَأْمُرُونَ (٣٥)

می‌خواهد با سحر خود ، شما را از سرزمینتان بیرون کند ، اکنون چه رأی می‌دهید ؟ »

(الشعراء، ٣٥)

قَالُوا أَرْجَاهُ وَأَخَاهُ وَابْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ خَاشِعِينَ (٣٦)

گفتند : « او و برادرش را در بند دار و گردآورندگان را به شهرها بفرست ،

(الشعراء، ٣٦)

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سِحْرٍ عَلِيمٍ (٣٧)

تا هر ساحر ماهری را نزد تو بیاورند . »

(الشعراء، ٣٧)

فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ (۳۸)

پس ساحران برای موعد روزی معلوم گردآوری شدند .

(الشعراء، ۳۸)

وَ قِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ (۳۹)

و به توده مردم گفته شد : « آیا شما هم جمع خواهید شد ؟

(الشعراء، ۳۹)

لَعَلَّنَا نَتَّبِعَ السَّحَرَةَ إِنْ كَانُوا هُمْ الْغَالِبِينَ (۴۰)

بدین امید که اگر ساحران غالب شدند از آنان پیروی کنیم ؟

(الشعراء، ۴۰)

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَ إِنْ لَنَا لَأَجْرٌ إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ (۴۱)

و چون ساحران پیش فرعون آمدند ، گفتند : « آیا اگر ما غالب آییم واقعاً برای ما مزدی خواهد بود ؟ »

(الشعراء، ۴۱)

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ (۴۲)

گفت : « آری ، و در آن صورت شما حتماً از [زمره] مقربان خواهید شد . »

(الشعراء، ۴۲)

قَالَ لَهُمْ مُوسَى أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُنْقُونَ (۴۳)

موسی به آنان گفت : « آنچه را شما می‌اندازید بیندازید . »

(الشعراء، ۴۳)

فَأَلْقَوْا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ (۴۴)

پس ریسمانها و چوبدستی‌هایشان را انداختند و گفتند : « به عزت فرعون که ما حتماً پیروزیم . »

(الشعراء، ۴۴)

فَأَلْفَىٰ مُوسَىٰ عِصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ (۴۵)

پس موسی عصایش را انداخت و بناگاه هر چه را به دروغ بر ساخته بودند بلعید .

(الشعراء، ۴۵)

فَأَلْفَىٰ السَّحَرَةَ سَاجِدِينَ (۴۶)

در نتیجه ، ساحران به حالت سجده درافتادند .

(الشعراء، ۴۶)

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۴۷)

گفتند : « به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم :

(الشعراء، ۴۷)

رَبِّ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ (۴۸)

پروردگار موسی و هارون . »

(الشعراء، ۴۸)

قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آتَاكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السَّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَأَلْصَقَنَّاكُمْ أَجْمَعِينَ (۴۹)

گفت : « [آیا] پیش از آنکه به شما اجازه دهم به او ایمان آورید ؟ قطعاً او همان بزرگ شماسست که به شما سحر آموخته است . به زودی خواهید دانست . حتماً دستها و پاهای شما را از چپ و راست خواهم برید و همستان را به دار خواهم آویخت . »

(الشعراء، ۴۹)

قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ (۵۰)

گفتند : « باکی نیست ، ما روی به سوی پروردگار خود می‌آوریم .

(الشعراء، ۵۰)

إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَاتِنَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ (۵۱)

ما امیدواریم که پروردگارمان گناهانمان را بر ما ببخشد ، [چرا] که نخستین ایمان‌آوردگان بودیم .

(الشعراء، ۵۱)

وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِلَيْكُمْ مُنْتَبِعُونَ (۵۲)

و به موسی وحی کردیم که : « بندگان مرا شبانه حرکت ده ، زیرا شما مورد تعقیب قرار خواهید گرفت . »

(الشعراء، ۵۲)

فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي الْمَدَائِنِ خَاشِرِينَ (۵۳)

پس فرعون مأموران جمع‌آوری [خود را] به شهرها فرستاد ،

(الشعراء، ۵۳)

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ (۵۴)

[و گفت :] « اینها عده‌ای ناچیزند .

(الشعراء، ۵۴)

وَ إِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ (۵۵)

و راستی آنها ما را بر سر خشم آورده‌اند ،

(الشعراء، ۵۵)

وَ إِنَّا لَجَمِيعٌ خَائِرُونَ (۵۶)

و [لی] ما همگی به حال آماده‌باش درآمده‌ایم .

(الشعراء، ۵۶)

فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ وَ عَيْوُنٍ (۵۷)

سراجام ، ما آنان را از باغستانها و چشمه‌سارها ،

(الشعراء، ۵۷)

وَ كُنُوزٍ وَ مَقَامٍ كَرِيمٍ (۵۸)

و گنجینه‌ها و جایگاه‌های پرناز و نعمت بیرون کردیم .

(الشعراء، ۵۸)

كَذَٰلِكَ وَ أَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ (۵۹)

[اراده ما] چنین بود ، و آن [نعمتها] را به فرزندان اسرائیل میراث دادیم .

(الشعراء، ۵۹)

فَاتَّبَعُوهُمْ مُشْرِقِينَ (۶۰)

پس هنگام برآمدن آفتاب ، آنها را تعقیب کردند .

(الشعراء، ۶۰)

فَلَمَّا تَرَآءِ الْجَمْعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ (۶۱)

چون دو گروه ، همدیگر را دیدند ، یاران موسی گفتند : « ما قطعاً گرفتار خواهیم شد . »

(الشعراء، ۶۱)

قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ (۶۲)

گفت : « چنین نیست ، زیرا پروردگارم با من است و به زودی مرا راهنمایی خواهد کرد . »

(الشعراء، ۶۲)

فَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطُّوْدِ الْعَظِيمِ (۶۳)

پس به موسی وحی کردیم : « با عصای خود بر این دریا بزن . » تا از هم شکافت ، و هر پاره‌ای همچون کوهی سترگ بود .

(الشعراء، ۶۳)

وَ أَرْزَلْنَا ثُمَّ الْآخَرِينَ (۶۴)

و دیگران را بدانجا نزدیک گردانیدیم .

(الشعراء، ۶۴)

وَ أَنْجَيْنَا مُوسَى وَ مَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ (۶۵)

و موسی و همه کسانی را که همراه او بودند نجات دادیم ؛

(الشعراء، ۶۵)

ثُمَّ أَعْرَفْنَا الْآخَرِينَ (۶۶)

آن گاه دیگران را غرق کردیم .

(الشعراء، ۶۶)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (۶۷)

مسئلاً در این [واقعه] عبرتی بود ، و [لی] بیشترشان ایمان آورنده نبودند .

(الشعراء، ۶۷)

وَ إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۶۸)

و قطعاً پروردگار تو همان شکستناپذیر مهربان است .

(الشعراء، ۶۸)

وَ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ (۶۹)

و بر آنان گزارش ابراهیم را بخوان .

(الشعراء، ۶۹)

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ (۷۰)

آن گاه که به پدر خود و قومش گفت : « چه می‌پرستید ؟ »

(الشعراء، ۷۰)

قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَنْظِلُّ لَهَا عَاكِفِينَ (۷۱)

گفتند : « بتانی را می‌پرستیم و همواره ملازم آنهایم . »

(الشعراء، ٧١)

قَالَ هَلْ يُسْمِعُونَكَ إِذْ تَدْعُونَ (٧٢)

گفت: « آیا وقتی دعا می‌کنید، از شما می‌شنوند؟ »

(الشعراء، ٧٢)

أَوْ يَنْفَعُونَكَ أَوْ يَضُرُّونَ (٧٣)

یا به شما سود یا زیان می‌رسانند؟ «

(الشعراء، ٧٣)

قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آيَاتِنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ (٧٤)

گفتند: « نه، بلکه پدران خود را یافتیم که چنین می‌کردند. »

(الشعراء، ٧٤)

قَالَ أَلَمْ تَرَ أَنِّي مِمَّنْ تَعْبُدُونَ (٧٥)

گفت: « آیا در آنچه می‌پرستیدهاید تأمل کرده‌اید؟ »

(الشعراء، ٧٥)

أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ (٧٦)

شما و پدران پیشین شما؟

(الشعراء، ٧٦)

فَأَنهٖمُ عَدُوٌّ لِّي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ (٧٧)

قطعاً همه آنها جز پروردگار جهانیان دشمن منند.

(الشعراء، ٧٧)

الَّذِي خَلَقَنِي فَهٗو يَهْدِينِ (٧٨)

آن کس که مرا آفریده و همواره راهنمایم می‌کند،

(الشعراء، ٧٨)

وَ الَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ (٧٩)

و آن کس که او به من خوراک می‌دهد و سیرابم می‌گرداند،

(الشعراء، ٧٩)

وَ إِذَا مَرِضْتُ فَهٗو يَشْفِينِ (٨٠)

و چون بیمار شوم او مرا درمان می‌بخشد،

(الشعراء، ٨٠)

وَ الَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ (٨١)

و آن کس که مرا می‌میراند و سپس زنده‌ام می‌گرداند،

(الشعراء، ٨١)

وَ الَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ (٨٢)

و آن کس که امید دارم روز پاداش، گناهم را بر من ببخشد. «

(الشعراء، ٨٢)

رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ اَلْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ (۸۳)

پروردگارا ، به من دانش عطا کن و مرا به صالحان ملحق فرمای ،

(الشعراء، ۸۳)

وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ (۸۴)

و برای من در [میان] آیندگان آوازه نیکو گذار ،

(الشعراء، ۸۴)

وَ اجْطِنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ (۸۵)

و مرا از وارثان بهشت پر نعمت گردان ،

(الشعراء، ۸۵)

وَ اغْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ (۸۶)

و بر پدرم ببخشای که او از گمراهان بود ،

(الشعراء، ۸۶)

وَ لَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُنْعَمُونَ (۸۷)

و روزی که [مردم] برانگیخته می‌شوند رسوایم مکن :

(الشعراء، ۸۷)

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ (۸۸)

روزی که هیچ مال و فرزندی سود نمی‌دهد ،

(الشعراء، ۸۸)

إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (۸۹)

مگر کسی که دلی پاک به سوی خدا بیاورد .

(الشعراء، ۸۹)

وَ أُزِلْفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ (۹۰)

و [آن روز] بهشت برای پرهیزگاران نزدیک می‌گردد .

(الشعراء، ۹۰)

وَ بُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ (۹۱)

و جهنم برای گمراهان نمودار می‌شود .

(الشعراء، ۹۱)

وَ قِيلَ لَهُمْ آيِنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ (۹۲)

و به آنان گفته می‌شود : « آنچه جز خدا می‌پرستیدید کجایند ؟

(الشعراء، ۹۲)

مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ أَوْ يَنْتَصِرُونَ (۹۳)

آیا یاریتان می‌کنند یا خود را یاری می‌دهند ؟ »

(الشعراء، ۹۳)

فَكُنِبِكُوا فِيهَا هُمْ وَ الْغَاوُونَ (۹۴)

پس آنها و همه گمراهان در آن [آتش] افکنده می‌شوند ،

(الشعراء، ۹۴)

وَ جُنُودِ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ (۹۵)

و [نیز] همه سپاهیان ابلیس .

(الشعراء، ۹۵)

قَالُوا وَ هُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ (۹۶)

آنها در آنجا با یکدیگر ستیزه می‌کنند [و] می‌گویند :

(الشعراء، ۹۶)

تَاللَّهِ إِنَّ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۹۷)

« سوگند به خدا که ما در گمراهی آشکاری بودیم ،

(الشعراء، ۹۷)

إِذْ نَسَوَیْكُمْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۹۸)

آن گاه که شما را با پروردگار جهاتیان برابر می‌کردیم ،

(الشعراء، ۹۸)

وَ مَا أَرْسَلْنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ (۹۹)

و جز تباهاکاران ما را گمراه نکردند ،

(الشعراء، ۹۹)

فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ (۱۰۰)

در نتیجه شفاعتگرانی نداریم ،

(الشعراء، ۱۰۰)

وَ لَا صَدِیقٍ حَمِیمٍ (۱۰۱)

و نه دوستی نزدیک .

(الشعراء، ۱۰۱)

فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتُخَرُّ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۰۲)

و ای کاش که بازگشتی برای ما بود و از مؤمنان می‌شدیم . «

(الشعراء، ۱۰۲)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآیَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۰۳)

حقاً در این [سرگذشت درس] عبرتی است و [لی] بیشترشان مؤمن نبودند .

(الشعراء، ۱۰۳)

وَ إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ (۱۰۴)

و در حقیقت ، پروردگار تو همان شکست‌ناپذیر مهربان است .

(الشعراء، ۱۰۴)

كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ (۱۰۵)

قوم نوح پیامبران را تکذیب کردند .

(الشعراء، ۱۰۵)

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۰۶)

چون برادرشان نوح به آنان گفت : « آیا پروا ندارید ؟

(الشعراء، ۱۰۶)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۰۷)

من برای شما فرستاده‌ای درخور اعتمادم ؛

(الشعراء، ۱۰۷)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا (۱۰۸)

از خدا پروا کنید و فرمانم بپسندید ،

(الشعراء، ۱۰۸)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۰۹)

و بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی‌کنم . اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست .

(الشعراء، ۱۰۹)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا (۱۱۰)

پس ، از خدا پروا کنید و فرمانم بپسندید . «

(الشعراء، ۱۱۰)

قَالُوا أَوْفُوا بَعْدَ مَا بَعَدْنَا رَبَّنا أَفْئَاتٍ (۱۱۱)

گفتند : « آیا به تو ایمان بیاوریم و حال آنکه فرومایگان از تو پیروی کرده‌اند ؟ »

(الشعراء، ۱۱۱)

قَالَ وَ مَا عَلِمِي بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۱۱۲)

[نوح] گفت : « به [جزئیات] آنچه می‌کرده‌اند چه آگاهی دارم ؟

(الشعراء، ۱۱۲)

إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَى رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ (۱۱۳)

حسابشان اگر درمی‌یابید جز با پروردگارم نیست .

(الشعراء، ۱۱۳)

وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ (۱۱۴)

و من طردکننده مؤمنان نیستم .

(الشعراء، ۱۱۴)

إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۱۱۵)

من جز هشداردهنده‌ای آشکار [بیش] نیستم . «

(الشعراء، ۱۱۵)

قَالُوا لَنْ نَمُنَّ بِكَ يَا نُوْحُ لَنْ كُونَنَّ مِنَ الْخٰسِرِينَ (۱۱۶)

گفتند : « ای نوح ، اگر دست برداری قطعاً از [جمله] سنگسارشدگان خواهی بود . «

(الشعراء، ۱۱۶)

قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ (۱۱۷)

گفت : « پروردگارا ، قوم من مرا تکذیب کردند ؛

(الشعراء، ۱۱۷)

فَأَفْتَحْ بَنِيَّ وَبَنِيَهُمْ فَتَحًّا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۱۸)

میان من و آنان فیصله ده ، و من و هر کس از مؤمنان را که با من است نجات بخش . «

(الشعراء، ۱۱۸)

فَأَنْجِنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِكِ الْمَشْحُونِ (۱۱۹)

پس او و هر که را در آن کشتی آکنده با او بود ، رها کنید ؛

(الشعراء، ۱۱۹)

ثُمَّ أَعْرَفْنَا بَعْدَ الْبَاقِيْنَ (۱۲۰)

آن گاه باقی ماندگان را غرق کردیم .

(الشعراء، ۱۲۰)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۲۱)

قطعاً در این [ماجرا درس] عبرتی بود ، و [لی] بیشترشان ایمان آورنده نبودند .

(الشعراء، ۱۲۱)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۱۲۲)

و در حقیقت ، پروردگار تو همان شکستناپذیر مهربان است .

(الشعراء، ۱۲۲)

كَذَّبْتَ عَادَ الْمُرْسَلِينَ (۱۲۳)

عادیان ، پیامبران [خدا] را تکذیب کردند .

(الشعراء، ۱۲۳)

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۲۴)

آن گاه که برادرشان هود به آنان گفت : « آیا پروا ندارید ؟

(الشعراء، ۱۲۴)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۲۵)

من برای شما فرستاده‌ای درخور اعتمادم .

(الشعراء، ۱۲۵)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا أَمْرَهُ (۱۲۶)

از خدا پروا کنید و فرمانم ببرید .

(الشعراء، ۱۲۶)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرْتُمُ إِلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۲۷)

و بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی‌کنم . اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست .

(الشعراء، ۱۲۷)

أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ (۱۲۸)

آیا بر هر تپه‌ای بنایی می‌سازید که [در آن] دست به بیهوده‌کاری زنید ؟

(الشعراء، ۱۲۸)

و تَتَّخِذُونَ مَصَالِحَ نَعْلِكُمْ تَخْلُدُونَ (۱۲۹)

و کاخهای استوار می‌گیرید به امید آنکه جاودانه بمانید ؟

(الشعراء، ۱۲۹)

وَ إِذَا بَطَشْتُمْ بَطْشَتُمْ جَبَّارِينَ (۱۳۰)

و چون حمله‌ور می‌شوید [چون] زورگویان حمله‌ور می‌شوید ؟

(الشعراء، ۱۳۰)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا (۱۳۱)

پس ، از خدا پروا دارید و فرمانم ببرید .

(الشعراء، ۱۳۱)

وَ اتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ (۱۳۲)

و از آن کس که شما را به آنچه می‌دانید مدد کرد پروا دارید :

(الشعراء، ۱۳۲)

أَمَدَّكُمْ بِالنَّعَامِ وَ بَنِينَ (۱۳۳)

شما را به [دادن] دامها و پسران مدد کرد ،

(الشعراء، ۱۳۳)

وَ جَنَاتٍ وَ عُيُونٍ (۱۳۴)

و به [دادن] باغها و چشمه‌ساران ؛

(الشعراء، ۱۳۴)

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱۳۵)

من از عذاب روزی هولناک بر شما می‌ترسم . «

(الشعراء، ۱۳۵)

قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَّعْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ (۱۳۶)

گفتند : « خواه اندرز دهی و خواه از اندرزدهندگان نباشی برای ما یکسان است .

(الشعراء، ۱۳۶)

إِنَّ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ (۱۳۷)

این جز شیوه پیشینیان نیست .

(الشعراء، ۱۳۷)

وَ مَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ (۱۳۸)

و ما عذاب نخواهیم شد . «

(الشعراء، ۱۳۸)

فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لَآيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۳۹)

پس تکذیبش کردند و هلاکشان کردیم . قطعاً در این [ماجرا درس] عبرتی بود ، و [لی] بیشترشان ایمان‌آورنده نبودند .

(الشعراء، ۱۳۹)

وَ إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۱۴۰)

و در حقیقت ، پروردگار تو همان شکستناپذیر مهربان است .

(الشعراء، ۱۴۰)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ (۱۴۱)

ثمودیان ، پیامبران [خدا] را تکذیب کردند ؛

(الشعراء، ۱۴۱)

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَ لَا تَتَّقُونَ (۱۴۲)

آن گاه که برادرشان صالح به آنان گفت : « آیا پروا ندارید ؟

(الشعراء، ۱۴۲)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۴۳)

من برای شما فرستاده‌ای درخور اعتمادم .

(الشعراء، ۱۴۳)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا (۱۴۴)

از خدا پروا کنید و فرمانم ببرید .

(الشعراء، ۱۴۴)

وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۴۵)

و بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی‌کنم . اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست .

(الشعراء، ۱۴۵)

أَتُنذِرُونَ فِي مَا هَاهُنَا آمِينَ (۱۴۶)

آیا شما را در آنچه اینجا دارید آسوده رها می‌کنند ؟

(الشعراء، ۱۴۶)

فِي جَنَّاتٍ وَ غَيْوِينَ (۱۴۷)

در باغها و در کنار چشمه‌ساران ،

(الشعراء، ۱۴۷)

وَ زُرُوعٍ وَ نَخْلٍ طَلَعَتْ هَضِيمٍ (۱۴۸)

و کشتزارها و خرمايانی که شکوفه‌هایشان لطیف است ؟

(الشعراء، ۱۴۸)

وَ تَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ (۱۴۹)

و هنرمندانه [برای خود] از کوه‌ها خانه‌هایی می‌تراشید .

(الشعراء، ۱۴۹)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا (۱۵۰)

از خدا پروا کنید و فرمانم ببرید .

(الشعراء، ۱۵۰)

وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ (۱۵۱)

و فرمان افراطگران را پیروی مکنید :

(الشعراء، ۱۵۱)

الَّذِينَ يَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ (۱۵۲)

آنان که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند . «

(الشعراء، ۱۵۲)

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَخَّرِينَ (۱۵۳)

گفتند : « قطعاً تو از افسون‌شدگانی .

(الشعراء، ۱۵۳)

مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا فَأْتِ بآيَةٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۱۵۴)

تو جز بشری مانند ما [بیش] نیستی . اگر راست می‌گویی معجزه‌ای بیاور . «

(الشعراء، ۱۵۴)

قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَعْلُومٍ (۱۵۵)

گفت : « این ماده شتری است که نوبتی از آب او راست و روزی معین نوبت آب شماس است .

(الشعراء، ۱۵۵)

وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۵۶)

و به آن گزندی مرسانید که عذاب روزی هولناک شما را فرومی‌گیرد . «

(الشعراء، ۱۵۶)

فَعَقَرُوهَا فَاصْبَحُوا تَائِبِينَ (۱۵۷)

پس آن را پی کردند و پشیمان گشتند .

(الشعراء، ۱۵۷)

فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۵۸)

آن گاه آنان را عذاب فروگرفت . قطعاً در این [ماجرا] عبرتی است ، و [لی] بیشترشان ایمان آورنده نبودند .

(الشعراء، ۱۵۸)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۱۵۹)

و در حقیقت ، پروردگار تو همان شکست‌ناپذیر مهربان است .

(الشعراء، ۱۵۹)

كَذَّبَتْ قَوْمٌ لُوطَ الْمُرْسَلِينَ (۱۶۰)

قوم لوط فرستادگان را تکذیب کردند .

(الشعراء، ۱۶۰)

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۶۱)

آن گاه که برادرشان لوط به آنان گفت : « آیا پروا ندارید ؟

(الشعراء، ۱۶۱)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۶۲)

من برای شما فرستاده‌ای درخور اعتماد .

(الشعراء، ۱۶۲)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ (۱۶۳)

از خدا پروا دارید و فرمانم ببرید .

(الشعراء، ۱۶۳)

وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرْتُمْ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۶۴)

و بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی‌کنم . اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست .

(الشعراء، ۱۶۴)

أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ (۱۶۵)

آیا از میان مردم جهان ، با مردها درمی‌آمیزید ؟

(الشعراء، ۱۶۵)

وَ تَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَرْوَاحِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ (۱۶۶)

و آنچه را پروردگارتان از همسرانتان برای شما آفریده و امی‌گذارید ؟ [نه ،] بلکه شما مردمی تجاوزکارید .

(الشعراء، ۱۶۶)

قَالُوا لَنْ نَمُوتَ نَحْنُ أَوْ لَوْ كُنَّا نَعْلَمُ مِنَ الْمُخْرِجِينَ (۱۶۷)

گفتند : « ای لوط ، اگر دست برنداری ، قطعاً از اخراج‌شدگان خواهی بود . »

(الشعراء، ۱۶۷)

قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ (۱۶۸)

گفت : « به راستی من دشمن کردار شمایم . »

(الشعراء، ۱۶۸)

رَبِّ نَجْنِي وَ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ (۱۶۹)

پروردگارا ، مرا و کسان مرا از آنچه انجام می‌دهند رهایی بخش .

(الشعراء، ۱۶۹)

فَتَجَبَّأَهُ وَ أَهْلَهُ أَجْمَعِينَ (۱۷۰)

پس او و کسانش را همگی ، رهانیدیم

(الشعراء، ۱۷۰)

إِلَّا عَجُوزاً فِي الْغَابِرِينَ (۱۷۱)

جز پیر زنی که از باقی‌ماندگان [در خاکستر آتش] بود .

(الشعراء، ۱۷۱)

ثُمَّ دَمَرْنَا الْأَخْرَبِينَ (۱۷۲)

سپس دیگران را سخت هلاک کردیم .

(الشعراء، ۱۷۲)

وَ أَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطْراً فَسَاءَ مَطَرُ الْمُؤْتَدِرِينَ (۱۷۳)

و بر [سر] آنان بارانی [از آتش گوگرد] فروریختیم . و چه بد بود باران بیم‌داده‌شدگان .

(الشعراء، ۱۷۳)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۷۴)

قطعا در اين [عقوبت] عبرتی است ، و [لی] بیشترشان ايمان آورنده نبودند .

(الشعراء، ۱۷۴)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۱۷۵)

و در حقيقت ، پروردگار تو همان شکستناپذير مهربان است .

(الشعراء، ۱۷۵)

كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ (۱۷۶)

اصحاب ايکه فرستادگان را تکذيب کردند .

(الشعراء، ۱۷۶)

إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۷۷)

آن گاه که شعيب به آنان گفت : « آيا پروا نداريد ؟

(الشعراء، ۱۷۷)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۷۸)

من براي شما فرستاده‌ای درخور اعتمادم .

(الشعراء، ۱۷۸)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا (۱۷۹)

از خدا پروا داريد و فرمانم ببريد .

(الشعراء، ۱۷۹)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۸۰)

و بر اين [رسالت] اجري از شما طلب نمی‌کنم . اجر من جز بر عهده پروردگار جهانيان نيست .

(الشعراء، ۱۸۰)

أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ (۱۸۱)

بيمانه را تمام دهيد و از كمفروشان مياشيد .

(الشعراء، ۱۸۱)

وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ (۱۸۲)

و با ترازوی درست بسنجيد .

(الشعراء، ۱۸۲)

وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۱۸۳)

و از ارزش اموال مردم مكاھيد و در زمین سر به فساد برمداريد .

(الشعراء، ۱۸۳)

وَ اتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الْجِيلَةَ الْأُولِينَ (۱۸۴)

و از آن كس كه شما و خلق [انبوه] گذشته را آفريده است پروا كنيد . «

(الشعراء، ۱۸۴)

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ (۱۸۵)

گفتند : « تو واقعاً از افسون‌شدگانی . »

(الشعراء، ۱۸۵)

وَ مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَإِنْ نَطْنُكَ لَمِنَ الْكَافِرِينَ (۱۸۶)

« و تو جز بشری مانند ما [بیش] نیستی ، و قطعاً تو را از دروغگویان می‌دانیم .

(الشعراء، ۱۸۶)

فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كَيْسَفًا مِنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۱۸۷)

پس اگر از راستگویی ، پاره‌ای از آسمان بر [سر] ما بیفتد .

(الشعراء، ۱۸۷)

قَالَ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۸۸)

[شعیب] گفت : « پروردگارم به آنچه می‌کنید داناتر است . »

(الشعراء، ۱۸۸)

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابٌ يَوْمِ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱۸۹)

پس او را تکذیب کردند ، و عذاب روزِ ابر [آتشبار] آنان را فرو گرفت . به راستی آن ، عذاب روزی هولناک بود .

(الشعراء، ۱۸۹)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۹۰)

قطعاً در این [عقوبتِ درسی] عبرتی است ، و [لی] بیشترشان ایمان آورنده نبودند .

(الشعراء، ۱۹۰)

وَ إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۱۹۱)

و در حقیقت ، پروردگار تو همان شکست‌ناپذیر مهربان است .

(الشعراء، ۱۹۱)

وَ إِنَّهُ لَنُنزِّلُ رَبَّ الْعَالَمِينَ (۱۹۲)

و راستی که این [قرآن] وحی پروردگار جهانیان است .

(الشعراء، ۱۹۲)

نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ (۱۹۳)

« روح الامین » آن را بر دلت نازل کرد ،

(الشعراء، ۱۹۳)

عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ (۱۹۴)

تا از [جمله] هشداردهندگان باشی ؛

(الشعراء، ۱۹۴)

بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ (۱۹۵)

به زبان عربی روشن ،

(الشعراء، ۱۹۵)

وَ إِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأُولَىٰ (۱۹۶)

و [وصف] آن در کتابهای پیشینیان آمده است .

(الشعراء، ۱۹۶)

أَوْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يُعَلِّمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ (۱۹۷)

آیا برای آنان ، این خود دلیلی روشن نیست که علمای بنی اسرائیل از آن اطلاع دارند ؟

(الشعراء، ۱۹۷)

وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ (۱۹۸)

و اگر آن را بر برخی از غیر عرب‌زبانان نازل می‌کردیم ،

(الشعراء، ۱۹۸)

فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ (۱۹۹)

و [پیامبر] آن را بر ایشان می‌خواند به آن ایمان نمی‌آوردند .

(الشعراء، ۱۹۹)

كَذَلِكَ سَلَخْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ (۲۰۰)

این گونه در دل‌های گناهکاران ، [انکار را] راه می‌دهیم :

(الشعراء، ۲۰۰)

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (۲۰۱)

که به آن نگروند تا عذاب پردرد را ببینند ،

(الشعراء، ۲۰۱)

فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۲۰۲)

که به طور ناگهانی در حالی که بی‌خبرند بدیشان برسد .

(الشعراء، ۲۰۲)

فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ (۲۰۳)

و بگویند : « آیا مهلت خواهیم یافت ؟ »

(الشعراء، ۲۰۳)

أَفِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ (۲۰۴)

پس آیا عذاب ما را به شتاب می‌خواهند ؟

(الشعراء، ۲۰۴)

أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ (۲۰۵)

مگر نمی‌دانی که اگر سالها آنان را برخوردار کنیم ،

(الشعراء، ۲۰۵)

ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ (۲۰۶)

و آن گاه آنچه که [بدان] بیم داده می‌شوند بدیشان برسد ،

(الشعراء، ۲۰۶)

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَعُونَ (۲۰۷)

آنچه از آن برخوردار می‌شدند ، به کارشان نمی‌آید [و عذاب را از آنان دفع نمی‌کند] ؟

(الشعراء، ۲۰۷)

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرِيْبَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ (۲۰۸)

و هیچ شهری را هلاک نکردیم مگر آنکه برای آن هشداردهنگانی بود .

(الشعراء، ۲۰۸)

ذُكْرَىٰ وَ مَا كُنَّا ظَالِمِيْنَ (۲۰۹)

[تا آنان را] تَذَكَّر [دهند] ؛ و ما ستمکار نیوده‌ایم .

(الشعراء، ۲۰۹)

وَ مَا تَنَزَّلَتْ بِهِ الشَّيَاطِيْنُ (۲۱۰)

و شیطانها آن را فرود نیاورده‌اند .

(الشعراء، ۲۱۰)

وَ مَا يَنْبَغِيْ لَهُمْ وَ مَا يَسْتَطِيْعُونَ (۲۱۱)

و آنان را نسزد و نمی‌توانند [وحی کنند] .

(الشعراء، ۲۱۱)

إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْرُولُونَ (۲۱۲)

در حقیقت آنها از شنیدن ، معزول [و محروم] اند .

(الشعراء، ۲۱۲)

فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِيْنَ (۲۱۳)

پس با خدا ، خدای دیگر مخوان که از عذاب‌شدگان خواهی شد .

(الشعراء، ۲۱۳)

وَ أَنْذِرْ عَشِيْرَتَكَ الْأَقْرَبِيْنَ (۲۱۴)

و خویشان نزدیك را هشدار ده .

(الشعراء، ۲۱۴)

وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ (۲۱۵)

و برای آن مؤمنانی که تو را پیروی کرده‌اند ، بال خود را فرو گستر .

(الشعراء، ۲۱۵)

فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ (۲۱۶)

و اگر تو را نافرمانی کردند ، بگو : « من از آنچه می‌کنید بیزارم . »

(الشعراء، ۲۱۶)

وَ تَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيْزِ الرَّحِيْمِ (۲۱۷)

و بر [خدای] عزیز مهربان توکل کن ،

(الشعراء، ۲۱۷)

الَّذِي يَرَاكَ حِيْنَ تَقُوْمُ (۲۱۸)

آن کس که چون [به نماز] برمی‌خیزی تو را می‌بیند ،

(الشعراء، ۲۱۸)

و تَقَلَّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ (۲۱۹)

و حرکت تو را در میان سجده کنندگان [می‌نگرد] .

(الشعراء، ۲۱۹)

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۲۲۰)

او همان شنوای داناست .

(الشعراء، ۲۲۰)

هَلْ أَتَيْتُمْ عَلَىٰ مَنْ نَزَّلَ الشَّيَاطِينُ (۲۲۱)

آیا شما را خبر دهم که شیاطین بر چه کسی فرود می‌آیند ؟

(الشعراء، ۲۲۱)

تَنْزِلَ عَلَىٰ كُلِّ آفَاكٍ أَثِيمٍ (۲۲۲)

بر هر دروغزن گناهکاری فرود می‌آیند ،

(الشعراء، ۲۲۲)

يُنْفُونَ السَّمْعَ وَ أَكْثَرُ هُمْ كَاذِبُونَ (۲۲۳)

که [دزدانه] گوش فرا می‌دارند و بیشترشان دروغگویند ،

(الشعراء، ۲۲۳)

وَ الشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ (۲۲۴)

و شاعران را گمراهان پیروی می‌کنند .

(الشعراء، ۲۲۴)

أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ (۲۲۵)

آیا ندیده‌ای که آنان در هر وادی سرگردانند ؟

(الشعراء، ۲۲۵)

وَ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ (۲۲۶)

و آنانند که چیزهایی می‌گویند که انجام نمی‌دهند .

(الشعراء، ۲۲۶)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ ذُكِرُوا اللَّهُ كَثِيرًا وَ انْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ (۲۲۷)

مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و خدا را بسیار به یاد آورده و پس از آنکه مورد ستم قرار گرفته‌اند یاری خواسته‌اند . و کسانی که ستم کرده‌اند به زودی خواهند دانست به کدام بازگشتگاه برخواهند گشت .

(الشعراء، ۲۲۷)

ترتیبها- ۲۷	سوره النمل	مکی- آیاتها- ۹۳
-------------	------------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(النمل، ۰)

طس تَلَعَّ آيَاتِ الْقُرْآنِ وَ كِتَابِ مُبِينٍ (۱)

طا ، سین . این است آیات قرآن و [آیات] کتابی روشنگر ،

(النمل، ۱)

هُدًى وَ بُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ (۲)

که [مایه] هدایت و بشارت برای مؤمنان است .

(النمل، ۲)

الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (۳)

همانان که نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و خود به آخرت یقین دارند .

(النمل، ۳)

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ (۴)

کسانی که به آخرت ایمان ندارند ، کردارهایشان را در نظرشان بیاراستیم [تا هم چنان] سرگشته بمانند .

(النمل، ۴)

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَ هُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْأَخْسَرُونَ (۵)

آنان کسانی‌اند که عذاب سخت برای ایشان خواهد بود ، و در آخرت ، خود زیانکارترین [مردم] اند .

(النمل، ۵)

وَ إِنَّا نَتَلَقَّى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ (۶)

و حَقًّا تُو قُرْآنَ رَا از سَوی حَکیمی دانا دریافت می‌داری .

(النمل، ۶)

إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَاتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبِيرٍ أَوْ آتِيكُمْ بِسَهَابٍ قَبَسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ (۷)

[یادکن] هنگامی را که موسی به خانواده خود گفت : « من آتشی به نظرم رسید ، به زودی برای شما خبری از آن خواهم آورد ، یا شعله آتشی برای شما می‌آورم ، باشد که خود را گرم کنید . »

(النمل، ۷)

فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ يُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۸)

چون نزد آن آمد ، آوا رسید که : « خجسته [و مبارک گردید] آنکه در کنار این آتش و آنکه پیرامون آن است ، و منزّه است خدا ، پروردگار جهانیان . »

(النمل، ۸)

يَا مُوسَىٰ إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۹)

« ای موسی ، این منم خدای عزیز حکیم . »

(النمل، ۹)

وَ أَلْقَىٰ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تُهَيَّجُ كَأَنَّهُ جَانٌّ وَلِي مُدْبِرًا وَ لَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَىٰ لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ (۱۰)

و عصابت را بیفکن . پس چون آن را همچون ماری دید که می‌جنبد ، پشت گردانید و به عقب بازنگشت . « ای موسی ، مترس که فرستادگان پیش من نمی‌ترسند .

(النمل، ۱۰)

إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۱)

لیکن کسی که ستم کرده سپس بعد از بدی نیکی را جایگزین [آن] گردانیده ، [بداند] که من آمرزنده مهربانم .

(النمل، ۱۱)

وَ ادْخُلْ يَدُوكَ فِي جَنبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ قَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (۱۲)

و دست را در گریبانت کن تا سپید بی‌عیب بیرون آید . [اینها] از [جمله] نشانه‌های نُه‌گانه‌ای است [که باید] به سوی فرعون و قومش [ببری] ، زیرا که آنان مردمی نافرمانند . «

(النمل، ۱۲)

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۱۳)

و هنگامی که آیات روشنگر ما به سویشان آمد گفتند : « این سحری آشکار است . «

(النمل، ۱۳)

وَ جَحَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ غُلُوًّا فَأَنْظَرَ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (۱۴)

و با آنکه دل‌هایشان بدان یقین داشت ، از روی ظلم و تکبر آن را انکار کردند . پس بین فرجام فسادگران چگونه بود .

(النمل، ۱۴)

وَ لَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْمًا وَ قَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ (۱۵)

و به راستی به داوود و سلیمان دانشی عطا کردیم ، و آن دو گفتند : « ستایش خدایی را که ما را بر بسیاری از بندگان باایمانش برتری داده است . «

(النمل، ۱۵)

وَ وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَ قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عِلْمُنَا مَنُطِقُ الطَّيْرِ وَ أوتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ (۱۶)

و سلیمان از داوود میراث یافت و گفت : « ای مردم ، ما زبان پرندگان را تعلیم یافته‌ایم و از هر چیزی به ما داده شده است . راستی که این همان امتیاز آشکار است . «

(النمل، ۱۶)

وَ خَشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ (۱۷)

و برای سلیمان سپاهیان از جن و انس و پرندگان جمع‌آوری شدند و [برای رژه] دسته دسته گردیدند .

(النمل، ۱۷)

حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِي النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطَمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَ جُنُودُهُ وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۱۸)

تا آن گاه که به وادی مورچگان رسیدند . مورچه‌ای [به زبان خویش] گفت : « ای مورچگان ، به خانه‌هایتان داخل شوید ، مبادا سلیمان و سپاهیانش ندیده و ندانسته شما را پایمال کنند . «

(النمل، ۱۸)

فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا وَ قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَىٰ وَالِدِي وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ أَدْخُلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ (۱۹)

[سلیمان] از گفتار او دهان به خنده گشود و گفت : « پروردگارا ، در دلم افکن تا نعمتی را که به من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای سپاس بگزارم ، و به کار شایسته‌ای که آن را می‌پسندی بپردازم ، و مرا به رحمت خویش در میان بندگان شایسته‌ات داخل کن . «

(النمل، ۱۹)

وَ تَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ (۲۰)

و جویای [حال] پرندگان شد و گفت : « مرا چه شده است که هدهد را نمی‌بینم ؟ یا شاید از غایبان است ؟

(النمل، ۲۰)

لَأَعَذِّبَنَّكَ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۲۱)

قطعاً او را به عذابی سخت عذاب می‌کنم یا سرش را می‌برم مگر آنکه دلیلی روشن برای من بیاورد .

(النمل، ۲۱)

فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطَّتْ بِمَا لَمْ أَحِطْ بِهِ وَ جِئْتِكَ مِنْ سَبِيلٍ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْنِ (۲۲)

پس دیری نپایید که [هدهد آمد و] گفت : « از چیزی آگاهی یافتم که از آن آگاهی نیافته‌ای ، و برای تو از « سبا » گزارشی درست آورده‌ام .

(النمل، ۲۲)

إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ (٢٣)

من [آنجا] زنی را یافتم که بر آنها سلطنت می‌کرد و از هر چیزی به او داده شده بود و تختی بزرگ داشت .

(النمل، ٢٣)

وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيْنُ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ (٢٤)

او و قومش را چنین یافتم که به جای خدا برای خورشید سجده می‌کنند ، و شیطان اعمالشان را برایشان آراسته و آنان را از راه [راست] بازداشته بود ، در نتیجه [به حق] راه نیافته بودند .

(النمل، ٢٤)

أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَ مَا تُعْلِنُونَ (٢٥)

[آری ، شیطان چنین کرده بود] تا برای خدایی که نهان را در آسمانها و زمین بیرون می‌آورد و آنچه را پنهان می‌دارید و آنچه را آشکار می‌نماید می‌داند ، سجده نکنند ؛

(النمل، ٢٥)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (٢٦)

خدای یکتا که هیچ خدایی جز او نیست ، پروردگار عرش بزرگ است . «

(النمل، ٢٦)

قَالَ سَنْنَظُرُ أَمْ صَدَقْتَ أَمْ كُنْتِ مِنَ الْكَاذِبِينَ (٢٧)

گفت : « خواهیم دید آیا راست گفته‌ای یا از دروغگویان بوده‌ای . «

(النمل، ٢٧)

أُذْهِبْ بِكِتَابِي هَذَا فَإِنَّهُمُ إِنِّي لَمَّا نَظَرُوا مَا دَا يَرْجِعُونَ (٢٨)

« این نامه مرا ببر و به سوی آنها بيفکن ، آن گاه از ایشان روی برتاب ، پس ببین چه پاسخ می‌دهند . «

(النمل، ٢٨)

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ (٢٩)

[ملکه سبا] گفت : « ای سران [کشور] نامه‌ای ارجمند برای من آمده است ،

(النمل، ٢٩)

إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (٣٠)

که از طرف سلیمان است و [مضمون آن] این است : به نام خداوند رحمتگر مهربان .

(النمل، ٣٠)

أَلَّا تَعْلَمُوا عَلَيَّ وَأُتُوِيَ مُسْلِمِينَ (٣١)

بر من بزرگی مکنید و مرا از در اطاعت درآیید . «

(النمل، ٣١)

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ (٣٢)

گفت : « ای سران [کشور] در کارم به من نظر دهید که بی‌حضور شما [تا به حال] کاری را فیصله ندادهام . «

(النمل، ٣٢)

قَالُوا نَحْنُ أَوْلُوا قُوَّةً وَأُولُوا بِأَسْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانظُرِي مَا دَا تَأْمُرِينَ (٣٣)

گفتند : « ما سخت نیرومند و دلاوریم ، و [لی] اختیار کار با توست ، بنگر چه دستور می‌دهی ؟ «

(النمل، ٣٣)

قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَآةَ أَهْلِهَا آذِنَةً وَكَذَّبِكَ يُفْعَلُونَ (۳۴)

[ملکه] گفت : « پادشاهان چون به شهری درآیند ، آن را تباہ و عزیزانش را خوار می‌گردانند ، و این گونه می‌کنند . »

(النمل، ۳۴)

وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ (۳۵)

« و [اینک] من ارمغانی به سویشان می‌فرستم و می‌نگرم که فرستادگان [من] با چه چیز بازمی‌گردند . »

(النمل، ۳۵)

فَلَمَّا جَاءَ سَلِيمَانَ قَالَ أَ تُمِدُّونَ بِمَالٍ فَمَا آتَايَ اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ (۳۶)

و چون [فرستاده] نزد سلیمان آمد ، [سلیمان] گفت : « آیا مرا به مالی کمک می‌دهید ؟ آنچه خدا به من عطا کرده ، بهتر است از آنچه به شما داده‌است . [نه ، بلکه شما به ارمغان خود شادمانی می‌نمایید . »

(النمل، ۳۶)

ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بَخُونٍ ذَلِيلٍ وَاللَّيْلُ كَأَيْسَرَ بِهَا وَنَخْرُجَنَّهُمْ مِنْهَا آذِنَةً وَهُمْ صَاغِرُونَ (۳۷)

به سوی آنان بازگرد که قطعاً سپاهیانی بر [سر] ایشان می‌آوریم که در برابر آنها تاب ایستادگی نداشته باشند و از آن [دیار] به خواری و زبونی بیرونشان می‌کنیم . »

(النمل، ۳۷)

قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ (۳۸)

[سپس] گفت : « ای سران [کشور] کدام یک از شما تخت او را پیش از آنکه مطیعانه نزد من آیند برای من می‌آورد ؟ »

(النمل، ۳۸)

قَالَ عَفَرِيَثٌ مِنَ الْجُنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ (۳۹)

عفریتی از جن گفت : « من آن را پیش از آنکه از مجلس خود برخیزی برای تو می‌آورم و بر این [کار] سخت توانا و مورد اعتمادم . »

(النمل، ۳۹)

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَ أَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ (۴۰)

کسی که نزد او دانشی از کتاب [الهی] بود ، گفت : « من آن را پیش از آنکه چشم خود را بر هم زنی برایت می‌آورم . » پس چون [سلیمان] آن [تخت] را نزد خود مستقر دید ، گفت : « این از فضل پروردگار من است ، تا مرا بیازماید که آیا سپاسگزارم یا ناسپاسی می‌کنم . و هر کس سپاس گزارد ، تنها به سود خویش سپاس می‌گزارد ، و هر کس ناسپاسی کند ، بی‌گمان پروردگارم بی‌نیاز و کریم است . »

(النمل، ۴۰)

قَالَ نَكُرُوا لَهَا عَزِيزًا نَنْظُرُ أَ تَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ (۴۱)

گفت : « تخت [ملکه] را برایش ناشناس گردانید تا ببینیم آیا پی می‌برد یا از کسالتی است که پی نمی‌برند . »

(النمل، ۴۱)

فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَ هَكَذَا عَزَّيْزُكَ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأَوْتِنَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ (۴۲)

پس وقتی [ملکه] آمد ، [بدو] گفته شد : « آیا تخت تو همین گونه است ؟ » گفت : « گویا این همان است و پیش از این ، ما آگاه شده و از در اطاعت درآمده بودیم . »

(النمل، ۴۲)

وَ صَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ كَافِرِينَ (۴۳)

و [در حقیقت قبلاً] آنچه غیر از خدا می‌پرستید مانع [ایمان] او شده بود و او از جمله گروه کافران بود .

(النمل، ۴۳)

قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقِهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَاسْتَمْتُ مَعَ سَلِيمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۴۴)

به او گفته شد: « وارد ساحت کاخ [پادشاهی] شو . » و چون آن را دید ، برکه‌ای پنداشت و ساقهایش را نمایان کرد . [سلیمان] گفت : « این کاخی مفروش از آبیگینه است . » [ملکه] گفت : « پروردگارا ، من به خود ستم کردم و [اینک] با سلیمان در برابر خدا ، پروردگار جهانیان ، تسلیم شدم . »

(النمل، ۴۴)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ (۴۵)

و به راستی ، به سوی ثمود ، برادرشان صالح را فرستادیم که : « خدا را بپرستید . » پس به ناگاه آنان دو دسته متخاصم شدند .

(النمل، ۴۵)

قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۴۶)

[صالح] گفت : « ای قوم من ، چرا پیش از [جستن] نیکی ، شتابزده خواهان بدی هستید ؟ چرا از خدا آمرزش نمی‌خواهید ؟ باشد که مورد رحمت قرار گیرید . »

(النمل، ۴۶)

قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ (۴۷)

گفتند : « ما به تو و به هر کس که همراه توست شگون بد زدیم . » گفت : « سرنوشت خوب و بدتان پیش خداست ، بلکه شما مردمی هستید که مورد آزمایش قرار گرفته‌اید . »

(النمل، ۴۷)

وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ (۴۸)

و در آن شهر ، نه دسته بودند که در آن سرزمین فساد می‌کردند و از در اصلاح در نمی‌آمدند .

(النمل، ۴۸)

قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (۴۹)

[با هم] گفتند : « با یکدیگر سوگند بخورید که : حتماً به [صالح] و کسانی شبیخون می‌زنیم ، سپس به ولی او خواهیم گفت : ما در محل قتل کسانی حاضر نبودیم ، و ما قطعاً راست می‌گوییم . »

(النمل، ۴۹)

وَمَكَرُوا مَكْرًا وَكَمْزْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يُشْعُرُونَ (۵۰)

و دست به نیرنگ زدند و [ما نیز] دست به نیرنگ زدیم و خبر نداشتند .

(النمل، ۵۰)

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَا دَمَرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ (۵۱)

پس بنگر که فرجام نیرنگشان چگونه بود : ما آنان و قومشان را همگی هلاک کردیم .

(النمل، ۵۱)

فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۵۲)

و این [هم] خانه‌های خالی آنهاست به [سزای] بیدادی که کرده‌اند . قطعاً در این [کیفر] برای مردمی که می‌دانند عبرتی خواهد بود .

(النمل، ۵۲)

وَ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ (۵۳)

و کسانی را که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند رها کردیم .

(النمل، ۵۳)

وَ لَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَ تَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ (۵۴)

و [یاد کن] لوط را که چون به قوم خود گفت : « آیا دیده و دانسته مرتکب عمل ناشایست [لواط] می‌شوید ؟ »

(النمل، ۵۴)

أَإِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (۵۵)

آیا شما به جای زنان ، از روی شهوت با مردها در می‌آمیزید ؟ [نه !] بلکه شما مردمی جهالت‌پیشه‌اید .

(النمل، ۵۵)

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مَنْ قَرَّبْتُمْ إِنَّهُمْ أَنْفُسٌ يَتَّبِعُونَ (۵۶)

و [لی] پاسخ قومش غیر از این نبود که گفتند : « خاندان لوط را از شهرتان بیرون کنید که آنها مردمی هستند که به پاکی نظاهر می‌نمایند . »

(النمل، ۵۶)

فَاتَّجِنَاهُ وَ أَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَرْنَا مِنَ الْغَابِرِينَ (۵۷)

پس او و خانواده‌اش را نجات دادیم ، جز زنش را که مقدر کردیم از باقی‌ماندگان [در خاکستر آتش] باشد .

(النمل، ۵۷)

وَ أَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ (۵۸)

و بارانی [از سخیل] بر ایشان فروباریدیم ، و باران هشدارداده‌شدگان ، چه بد بارانی بود .

(النمل، ۵۸)

قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا يَشْرِكُونَ (۵۹)

بگو : « سپاس برای خداست ، و درود بر آن بندگانست که [آنان را] برگزیده است . » آیا خدا بهتر است یا آنچه [با او] شریک می‌گردانند ؟

(النمل، ۵۹)

أَمْنَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا يَفْعَلُونَ (۶۰)

[آیا آنچه شریک می‌پندارند بهتر است] یا آن کس که آسمانها و زمین را خلق کرد و برای شما آبی از آسمان فرود آورد ، پس به وسیله آن ، باغهای بهجت‌انگیز رویانیدیم . کار شما نبود که درختانش را برویانید . آیا معبودی با خداست ؟ [نه ،] بلکه آنان قومی منحرفند .

(النمل، ۶۰)

أَمْنَ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَ جَعَلَ خَلْقَهَا أَنْهَارًا وَ جَعَلَ لَهَا رَوَاسِيًا وَ جَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا تَعْمَلُونَ (۶۱)

[آیا شریکاتی که می‌پندارند بهتر است] یا آن کس که زمین را قرارگاهی ساخت و در آن رودها پدید آورد و برای آن ، کوه‌ها را [مانند لنگر] قرار داد ، و میان دو دریا برزخی گذاشت ؟ آیا معبودی با خداست ؟ [نه ،] بلکه بیشترشان نمی‌دانند .

(النمل، ۶۱)

أَمْنَ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْتُمُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُ لَكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ اللَّهُ قَلِيلًا مِمَّا تَدَّكُرُونَ (۶۲)

یا [کیست] آن کس که درمانده را چون وی را بخواند اجابت می‌کند ، و گرفتاری را برطرف می‌گرداند ، و شما را جانشینان این زمین قرار می‌دهد ؟ آیا معبودی با خداست ؟ چه کم پند می‌پذیرید .

(النمل، ۶۲)

أَمْنَ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَ الْبَحْرِ وَ مَنْ يُرْسِلِ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ أَلَيْسَ اللَّهُ تَعَالَىٰ اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۶۳)

یا آن کس که شما را در تاریکیهای خشکی و دریا راه می‌نماید و آن کس که بادهای [ی باران‌زا] را پیشاپیش رحمتش بشارتگر می‌فرستد ؟ آیا معبودی با خداست ؟ خدا برتر [و بزرگتر] است از آنچه [با او] شریک می‌گردانند .

(النمل، ۶۳)

أَمْنَ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَ مَنْ يُرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ اللَّهُ قَلِيلًا مِمَّا تَزْعُمُونَ (۶۴)

یا آن کس که خلق را آغاز می‌کند و سپس آن را بازمی‌آورد ، و آن کس که از آسمان و زمین به شما روزی می‌دهد ؟ آیا معبودی با خداست ؟ بگو : « اگر راست می‌گویید ، برهان خویش را بیاورید . »

(النمل، ۶۴)

قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَ مَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ (۶۵)

بگو : « هر که در آسمانها و زمین است جز خدا غیب را نمی‌شناسند و نمی‌دانند کی برانگیخته خواهند شد ؟ »

(النمل، ۶۵)

بَلِ آدَارِكْ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْهَا بَلْ هُمْ مِنْهَا عَمُونَ (۶۶)

[نه ،] بلکه علم آنان در باره آخرت نارساست ؛ [نه ،] بلکه ایشان در باره آن تردید دارند ؛ [نه ،] بلکه آنان در مورد آن کوردلند .

(النمل، ۶۶)

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَ إِيَّاكُمُ الْأُولُونَ (۶۷)

و کسانی که کفر ورزیدند ، گفتند : « آیا وقتی ما و پدرانمان خاک شدیم ، آیا حتماً [زنده از گور] بیرون آورده می‌شویم ؟

(النمل، ۶۷)

لَقَدْ وَعدْنَا هَذَا نَحْنُ وَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأُولِينَ (۶۸)

در حقیقت ، این را به ما و پدرانمان قبلاً وعده داده‌اند ؛ این جز افسانه‌های پیشینیان نیست .

(النمل، ۶۸)

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ (۶۹)

بگو : « در زمین بگردید و بنگرید فرجام گناه‌پیشگان چگونه بوده است .

(النمل، ۶۹)

وَ لَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَ لَا تَحْزَنْ فِي ضَلُوقِ مِمَّا يَمْكُرُونَ (۷۰)

و بر آنان غم مخور ، و از آنچه مکر می‌کنند نتگدل مباش .

(النمل، ۷۰)

وَ يَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۷۱)

و می‌گویند : « اگر راست می‌گویید ، این وعده کی خواهد بود ؟ »

(النمل، ۷۱)

قُلْ عَسَى أَنْ يَخُونَ رَدْفَ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ (۷۲)

بگو : « شاید برخی از آنچه را به شتاب می‌خواهید در پی شما باشد .

(النمل، ۷۲)

وَ إِنْ رَبِّكَ لَدُوٌّ فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَ لَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَشْكُرُونَ (۷۳)

و راستی پروردگارت بر [این] مردم دارای بخشش است ، ولی بیشترشان سپاس نمی‌دارند .

(النمل، ۷۳)

وَ إِنْ رَبِّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَ مَا يُعْلِنُونَ (۷۴)

و در حقیقت ، پروردگار تو آنچه را در سینه‌هایشان نهفته و آنچه را آشکار می‌دارند نیک می‌داند .

(النمل، ۷۴)

وَ مَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (۷۵)

و هیچ پنهانی در آسمان و زمین نیست ، مگر اینکه در کتابی روشن [درج] است .

(النمل، ۷۵)

إِنْ هَذَا الْقُرْآنُ يَقُصُّ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۷۶)

بی‌گمان ، این قرآن بر فرزندان اسرائیل بیشتر آنچه را که آنان در باره‌اش اختلاف دارند حکایت می‌کند .

(النمل، ۷۶)

وَ إِنَّهُ لَهْدَى وَ رَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ (۷۷)

و به راستی که آن ، رهنمود و رحمتی برای مؤمنان است .

(النمل، ۷۷)

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ (۷۸)

در حقیقت ، پروردگار تو طبق حکم خود میان آنان داوری می‌کند ، و اوست شکست‌ناپذیر دانا .

(النمل، ۷۸)

فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ (۷۹)

پس بر خدا توکل کن که تو واقعاً بر حق آشکاری .

(النمل، ۷۹)

إِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَى وَ لَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ (۸۰)

البته تو مردگان را شنوا نمی‌گردانی ، و این ندا را به کران چون پشت بگردانند نمی‌توانی بشنوانی .

(النمل، ۸۰)

وَ مَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَنِ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ (۸۱)

و راهبر کوران [و بازگرداننده] از گمراهی‌شان نیستی . تو جز کسانی را که به نشانه‌های ما ایمان آورده‌اند و مسلمانند ، نمی‌توانی بشنوانی .

(النمل، ۸۱)

وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ (۸۲)

و چون قول [عذاب] بر ایشان واجب گردد ، جنبنده‌ای را از زمین برای آنان بیرون می‌آوریم که با ایشان سخن گوید که : مردم [چنان‌که باید] به نشانه‌های ما یقین نداشتند .

(النمل، ۸۲)

وَ يَوْمَ نَخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجاً مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ (۸۳)

و آن روز که از هر امتی ، گروهی از کسانی را که آیات ما را تکذیب کرده‌اند محشور می‌گردانیم ، پس آنان نگاه داشته می‌شوند تا همه به هم بپیوندند .

(النمل، ۸۳)

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ قَالَ أَ كَذَّبْتُمْ بِآيَاتِي وَ لَمْ تُحِطُوا بِهَا عُلَمَاءُ مَا دَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۸۴)

تا چون [همه کافران] ببینند ، [خدا] می‌فرماید : « آیا نشانه‌های مرا به دروغ گرفتید و حال آنکه از نظر علم ، بدانها احاطه نداشتید ؟ آیا [در طول حیات] چه می‌کردید ؟ »

(النمل، ۸۴)

وَ وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطَفُونَ (۸۵)

و به [کیفر] آنکه ستم کردند ، حکم [عذاب] بر آنان واجب گردد ، در نتیجه ایشان دم برنیارند .

(النمل، ۸۵)

أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ وَ النَّهَارَ مُبْصِراً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۸۶)

آیا ندیده‌اند که ما شب را قرار داده‌ایم تا در آن بیسایند ، و روز را روشنی‌بخش [گردانیدیم] ؟ قطعاً در این [امر] برای مردمی که ایمان می‌آورند مایه‌های عبرت است .

(النمل، ۸۶)

وَ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَرَعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَ كُلُّ أُنثَىٰ دَاخِرِينَ (۸۷)

و روزی که در صور دمیده شود ، پس هر که در آسمانها و هر که در زمین است به هراس افتد ، مگر آن کس که خدا بخواهد . و جملگی با زبونی رو به سوی او آورند .

(النمل، ۸۷)

وَ تَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِداً وَ هِيَ تَمُرٌّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَنْفَعَنَّا كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ (۸۸)

۶۰۴ / ۳۱۷

و کوه‌ها را می‌بینی [و] می‌پنداری که آنها بی‌حرکتند و حال آنکه آنها ابرآسا در حرکتند . [این] صنَعِ خدای است که هر چیزی را در کمال استواری پدید آورده است . در حقیقت ، او به آنچه انجام می‌دهد آگاه است .

(النمل، ۸۸)

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّمَّا وَ هُمْ مِنْ فَرَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ (۸۹)

هر کس نیکی به میان آورد ، پاداشی بهتر از آن خواهد داشت ، و آنان از هراس آن روز ایمنند .

(النمل، ۸۹)

وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكَبَتْ وَ جُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۹۰)

و هر کس بدی به میان آورد ، به رو در آتش [دوزخ] سرنگون شوند . آیا جز آنچه می‌کردید سزا داده می‌شوید ؟

(النمل، ۹۰)

إِنَّمَا أَمْرُهُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا وَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَ أَمْرُهُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۹۱)

من مأمورم که تنها پروردگار این شهر را که آن را مقدس شمرده و هر چیزی از آن اوست پرستش کنم ، و مأمورم که از مسلمانان باشم ،

(النمل، ۹۱)

وَ أَنْ أَنْتَوُا الْقُرْآنَ فَمَنْ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ (۹۲)

و اینکه قرآن را بخوانم . پس هر که راه یابد تنها به سود خود راه یافته است ؛ و هر که گمراه شود بگو : « من فقط از هشداردهندگانم . »

(النمل، ۹۲)

وَ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَ مَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۹۳)

و بگو : « ستایش از آن خداست . به زودی آیاتش را به شما نشان خواهد داد و آن را خواهید شناخت . » و پروردگار تو از آنچه می‌کنید غافل نیست .

(النمل، ۹۳)

ترتیبها-۲۸	سوره القصص	مکی-آیاتها-۸۸
------------	------------	---------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(القصص، ۰)

طسم (۱)

طا ، سین ، میم .

(القصص، ۱)

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (۲)

این است آیات کتاب روشنگر .

(القصص، ۲)

تَتْلُو عَلَيْكَ مِنْ نَبِيِّ مُوسَى وَ فِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۳)

[بخشی] از گزارش [حال] موسی و فرعون را برای [آگاهی] مردمی که ایمان می‌آورند ، به درستی بر تو می‌خوانیم :

(القصص، ۳)

إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (۴)

فرعون در سرزمین [مصر] سر برافراشت ، و مردم آن را طبقه طبقه ساخت ؛ طبقه‌ای از آنان را زیون می‌داشت : پسرانشان را سر می‌برید ، و زنانشان را [برای بهره‌کشی] زنده بر جای می‌گذاشت ، که وی از فسادکاران بود .

(القصص، ۴)

و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (۵)

و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم ، و ایشان را وارث [زمین] کنیم ،

(القصص، ۵)

وَ نَمَكَّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيْ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُم مَّا كَانُوا يَحْذَرُونَ (۶)

و در زمین قدرتشان دهیم و [از طرفی] به فرعون و هامان و لشکریانشان آنچه را که از جانب آنان بیمناک بودند ، بنمایانیم .

(القصص، ۶)

وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا فَخْتِ عَلَيْهِ فَالْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَ لَا تَخَافِي وَ لَا تَحْزَنِي إِنَّا رَأَوُهَا إِلَيْنَا وَ جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ (۷)

و به مادر موسی وحی کردیم که : « او را شیر ده ، و چون بر او بیمناک شدی او را در نیل بینداز ، و مترس و اندوه مدار که ما او را به تو بازمی‌گردانیم و از [زمره] پیمیرانش قرار می‌دهیم . »

(القصص، ۷)

فَأَلْقَتْهُ الْآلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَ حَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِبِينَ (۸)

پس خاندان فرعون ، او را [از آب] برگرفتند تا سرانجام دشمن [جان] آنان و مایه اندوهشان باشد . آری ، فرعون و هامان و لشکریان آنها خطاکار بودند .

(القصص، ۸)

وَ قَالَتْ امْرَأَةٌ فِرْعَوْنَ قُرَّةَ عَيْنٍ لِي وَ لَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۹)

و همسر فرعون گفت : « [این کودک] نور چشم من و تو خواهد بود . او را نکشید . شاید برای ما سودمند باشد یا او را به فرزندی بگیریم ، ولی آنها خیر نداشتند .

(القصص، ۹)

وَ أَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِعًا إِنْ كَانَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۰)

و دل مادر موسی [از هر چیز ، جز از فکر فرزند] تهی گشت . اگر قلبش را استوار نساخته بودیم تا از ایمان‌آوردگان باشد ، چیزی نمانده بود که آن [راز] را افشا کند .

(القصص، ۱۰)

وَ قَالَتْ لِأَخْتِهِ فَصِيهَ فَبَصُرَتْ بِهِ عَنْ جُنُبٍ وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۱۱)

و به خواهر [موسی] گفت : « از پی او برو . » پس او را از دور دید ، در حالی که آنان متوجه نبودند .

(القصص، ۱۱)

وَ حَرَمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاصِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَ هُمْ لَهُ نَاصِحُونَ (۱۲)

و از پیش ، شیر دایگان را بر او حرام گردانیده بودیم . پس [خواهرش آمد و] گفت : « آیا شما را بر خانواده‌ای راهنمایی کنم که برای شما از وی سرپرستی کنند و خیرخواه او باشند ؟ »

(القصص، ۱۲)

فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَ لَا تَحْزَنَ وَ لِنُعَلِّمَ أَنْ وَ عَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَ لَعْنًا أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۱۳)

پس او را به مادرش بازگردانیدیم تا چشمش [بدو] روشن شود و غم نخورد و بداند که وعده خدا درست است ، ولی بیشترشان نمی‌دانند .

(القصص، ۱۳)

وَ لَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ اسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَ عِلْمًا وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۱۴)

و چون به رشد و کمال خویش رسید ، به او حکمت و دانش عطا کردیم ، و نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم .

(القصص، ۱۴)

وَ دَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينِ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَ هَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَنَّاغَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَرَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ (۱۵)

و داخل شهر شد بی آنکه مردمش متوجه باشند . پس دو مرد را با هم در زدو خورد یافت : یکی ، از پیروان او و دیگری از دشمنانش [بود] . آن کس که از پیروانش بود ، بر ضد کسی که دشمن وی بود ، از او یاری خواست . پس موسی مشتی بدو زد و او را کشت . گفت : « این کار شیطان است ، چرا که او دشمنی گمراه کننده [و] آشکار است . »

(القصص، ۱۵)

قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۱۶)

گفت : « پروردگارا ، من بر خویشتم ستم کردم ، مرا ببخش . » پس خدا از او درگذشت که وی آمرزنده مهربان است .

(القصص، ۱۶)

قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهيراً لِلْمُجْرِمِينَ (۱۷)

[موسی] گفت : « پروردگارا به [پاس] نعمتی که بر من ارزانی داشتی هرگز پشتیبان مجرمان نخواهم بود . »

(القصص، ۱۷)

فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفاً يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ مُوسَى إِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُبِينٌ (۱۸)

صبحگاهان در شهر ، بیمناک و در انتظار [حادثه‌ای] بود . ناگاه همان کسی که دیروز از وی یاری خواسته بود [باز] با فریاد از او یاری خواست . موسی به او گفت : « به راستی که تو آشکارا گمراهی . »

(القصص، ۱۸)

فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْبِطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَا مُوسَى أَ تُرِيدُ أَنْ تَمْلِكُنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْساً بِالْأَمْسِ إِنَّ تُرِيدُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ جَبَّاراً فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ (۱۹)

و چون خواست به سوی آنکه دشمن هر دوشان بود حمله آورد ، گفت : « ای موسی ، آیا می‌خواهی مرا بکشی چنان که دیروز شخصی را کشتی ؟ تو می‌خواهی در این سرزمین فقط زورگو باشی ، و نمی‌خواهی از اصلاحگران باشی . »

(القصص، ۱۹)

وَ جَاءَ رَجُلٌ مِنَ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ (۲۰)

و از دورافتاده‌ترین [نقطه] شهر ، مردی دوان دوان آمد [و] گفت : « ای موسی ، سران قوم در باره تو مشورت می‌کنند تا تو را بکشند . پس [از شهر] خارج شو . من جدا از خیرخواهان توام . »

(القصص، ۲۰)

فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفاً يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۲۱)

موسی ترسان و نگران از آنجا بیرون رفت [در حالی که می] گفت : « پروردگارا ، مرا از گروه ستمکاران نجات بخش . »

(القصص، ۲۱)

وَ لَمَّا تَوَجَّهَ تَلَقَّاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ (۲۲)

و چون به سوی [شهر] مدین رو نهاد [با خود] گفت : « امید است پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند . »

(القصص، ۲۲)

وَ لَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءَ وَ أَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ (۲۳)

و چون به آب مدین رسید ، گروهی از مردم را بر آن یافت که [دامهای خود را] آب می‌دادند ، و پشت سرشان دو زن را یافت که [گوسفندان خود را] دور می‌کردند . [موسی] گفت : « منظورتان [از این کار] چیست ؟ » گفتند : « [ما به گوسفندان خود] آب نمی‌دهیم تا شبانان [همگی گوسفندانشان را] برگردانند ، و پدر ما پیری سالخورده است . »

(القصص، ۲۳)

فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظَّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لَمَّا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ (۲۴)

پس برای آن دو ، [گوسفندان را] آب داد ، آن گاه به سوی سایه برگشت و گفت : « پروردگارا ، من به هر خیری که سویم بفرستی سخت نیازمندم . »

(القصص، ۲۴)

فَجَاءَهُ إِخْدَاهُمَا تَمْثِي عَلَى اسْتِخْيَارِهَا قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَ قَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتُ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۲۵)

پس یکی از آن دو زن در حالی که به آزر گام بر می‌داشت نزد وی آمد [و] گفت : « پدرم تو را می‌طلبد تا تو را به پاداش آبدادن [گوسفندان] برای ما ، مزد دهد . » و چون [موسی] نزد او آمد و سرگذشت [خود] را بر او حکایت کرد ، [وی] گفت : « مترس که از گروه ستمگران نجات یافتی . »

(القصص، ۲۵)

قَالَتْ إِذْهَبَا يَا أَبْتَ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ (۲۶)

یکی از آن دو [دختر] گفت : « ای پدر ، او را استخدام کن ، چرا که بهترین کسی است که استخدام می‌کنی : هم نیرومند [و هم] درخور اعتماد است . »

(القصص، ۲۶)

قَالَ إِنِّي أَرِيدُ أَنْ اتَّخِذَ إِخْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حَجَّجَ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِدَّتِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (۲۷)

[شعيب] گفت : « من می‌خواهم یکی از این دو دختر خود را [که مشاهده می‌کنی] به نکاح تو در آورم ، به این [شرط] که هشت سال برای من کار کنی ، و اگر ده سال را تمام گردانی اختیار با تو است ، و نمی‌خواهم بر تو سخت گیرم ، و مرا ان شاء اللّٰه از درستکاران خواهی یافت . »

(القصص، ۲۷)

قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجْنِثَيْنِ فَضَيْتَ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ (۲۸)

[موسی] گفت : « این [قرار داد] میان من و تو باشد که هر يك از دو مدت را به انجام رسانیدم ، بر من تعدی [روا] نباشد ، و خدا بر آنچه می‌گوییم وکیل است . »

(القصص، ۲۸)

فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ (۲۹)

و چون موسی آن مدت را به پایان رسانید و همسرش را [همراه] برد ، آتشی را از دور در کنار طور مشاهده کرد ، به خانواده خود گفت : « [اینجا] بمانید ، که من [از دور] آتشی دیدم ، شاید خبری از آن یا شعله‌ای آتش برایتان بیاورم ، باشد که خود را گرم کنید . »

(القصص، ۲۹)

فَلَمَّا أَنَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِي الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۳۰)

پس چون به آن [آتش] رسید ، از جانب راست وادی ، در آن جایگاه مبارک ، از آن درخت ندا آمد که : « ای موسی ، منم ، من ، خداوند ، پروردگار جهانیان . »

(القصص، ۳۰)

وَ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَ لَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى أَقْبِلْ وَ لَا تَخَفْ إِنَّا مِنَ الْأَمِينِينَ (۳۱)

و [فرمود] : « عصای خود را بیفکن . » پس چون دید آن مثل ماری می‌چنبد ، پشت کرد و برنگشت . « ای موسی ، پیش آی و مترس که تو در امانی . »

(القصص، ۳۱)

اسْلُكْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخَرُّجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَ اضْمُمْ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَنْهَ إِتْمَهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (۳۲)

« دست خود را به گریبان‌ت ببر تا سپید بی‌گزند بیرون بیاید ، و [برای رهایی] از این هراس بازویت را به خویشتن بچسبان . این دو [نشانه] دو برهان از جانب پروردگار تو است [که باید] به سوی فرعون و سران [کشور] او [ببری] ، زیرا آنان همواره قومی نافرمانند . »

(القصص، ۳۲)

قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ (۳۳)

گفت : « پروردگارا ، من کسی از ایشان را کشته‌ام ، می‌ترسم مرا بکشند . »

(القصص، ۳۳)

وَ أَخِي هَارُونَ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ (۳۴)

و برادرم هارون از من زبان‌آورتر است ، پس او را با من به دستگیری گسیل دار تا مرا تصدیق کند ، زیرا می‌ترسم مرا تکذیب کنند . »

(القصص، ۳۴)

قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَ نَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِأَيِّتِنَا إِنَّكُمَا مِنَ التَّغَابُوتِ (۳۵)

فرمود : « به زودی بازویت را به [وسیله] برادرت نیرومند خواهیم کرد و برای شما هر دو ، تسلطی قرار خواهیم داد که با [وجود] آیات ما ، به شما دست نخواهند یافت شما و هر که شما را پیروی کند چیره خواهید بود . »

(القصص، ۳۵)

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرَىٰ وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأُولَىٰ (۳۶)

پس چون موسی آیات روشن ما را برای آنان آورد ، گفتند : « این جز سحری ساختگی نیست و از پدران پیشین خود چنین [چیزی] نشنیده‌ایم . »

(القصص، ۳۶)

وَ قَالَ مُوسَىٰ رَبِّي أَكْبَرُ بِمَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ مِنْ عِنْدِهِ وَمَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (۳۷)

و موسی گفت : « پروردگارم به [حال] کسی که از جانب او رهنمودی آورده و [نیز] کسی که فرجام [نیکوی] آن سرا برای اوست ، داناتر است . در حقیقت ، ظالمان رستگار نمی‌شوند . »

(القصص، ۳۷)

وَ قَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانَ عَلَى الطَّيْنِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا نَعْلِي أَطَّلِعَ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ (۳۸)

و فرعون گفت : « ای بزرگان قوم ، من جز خویشان برای شما خدایی نمی‌شناسم . پس ای هامان ؛ برایم بر گل آتش بیفروز و برجی [بلند] برای من بساز ، شاید به [حال] خدای موسی اطلاع یابم ، و من جدا او را از دروغگویان می‌پندارم . »

(القصص، ۳۸)

وَ اسْتَكْبَرَ هُوَ وَ جُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ ظَنُّوا أَنَّهُم إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ (۳۹)

و او و سپاهیانش در آن سرزمین به ناحق سرکشی کردند و پنداشتند که به سوی ما بازگردانیده نمی‌شوند .

(القصص، ۳۹)

فَأَخَذْنَاهُ وَ جُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فأنظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ (۴۰)

تا او و سپاهیانش را فرو گرفتیم و آنان را در دریا افکندیم ، بنگر که فرجام کار ستمکاران چگونه بود .

(القصص، ۴۰)

وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى التَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ (۴۱)

و آنان را پیشواییانی که به سوی آتش می‌خوانند گردانیدیم ، و روز رستاخیز یاری نخواهند شد .

(القصص، ۴۱)

وَ اتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ (۴۲)

و در این دنیا لعنتی بدرقه [نام] آنان کردیم و روز قیامت [نیز] ایشان از [جمله] زشت‌رویانند .

(القصص، ۴۲)

وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَىٰ بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۴۳)

و به راستی ، پس از آنکه نسلهای نخستین را هلاک کردیم ، به موسی کتاب دادیم که [دربردارنده] روشنگری‌ها و رهنمود و رحمتی برای مردم بود ، امید که آنان پند گیرند .

(القصص، ۴۳)

وَ مَا كُنْتُ بِجَانِبِ الْعَرَبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَىٰ مُوسَى الْأَمْرَ وَ مَا كُنْتُ مِنَ الشَّاهِدِينَ (۴۴)

و چون امر [پیامبری] را به موسی واگذاشتیم ، تو در جانب غربی [طور] نبودی و از گواهان [نیز] نبودی .

(القصص، ۴۴)

وَ لَحِجْنَا أَنشَانَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ وَ مَا كُنْتُ ثَاوِيًا فِي أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَ لَحِجْنَا كُنَّا مَرْسِلِينَ (۴۵)

لیکن ما نسلهایی پدید آوردیم و عمرشان طولانی شد . و تو در میان ساکنان [شهر] مدین مقیم نبودی تا آیات ما را بر ایشان بخوانی ، لیکن ما بودیم که فرستنده [پیامبران] بودیم .

(القصص، ۴۵)

وَ مَا كُنْتُ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَ لَعْنُ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَا أَنَا لَهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۴۶)

و آن دم که [موسی را] ندا دردادیم ، تو در جانب طور نبودی ، ولی [این اطلاع تو] رحمتی است از پروردگار تو ، تا قومی را که هیچ هشداردهنده‌ای پیش از تو برایشان نیامده است بیم دهی ، باشد که آنان پند پذیرند .

(القصص، ۴۶)

و لَوْ لَا أَنْ تُصِيبَهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْ لَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ وَ نَخُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۴۷)

و اگر نبود که وقتی به [سزای] پیش‌فرست دستهایشان مصیبتی به ایشان برسد ، بگویند : « پروردگارا ، چرا فرستاده‌ای به سوی ما نفرستادی تا از احکام تو پیروی کنیم و از مؤمنان باشیم » [قطعاً در کيفر آنان شتاب می‌کردیم] .

(القصص، ۴۷)

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عَدْنَاهُمْ قَالُوا لَوْ لَا أَوْتَيْنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ مَوْسَىٰ أَوْ لَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مَوْسَىٰ مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِحُكْمِ كَافِرُونَ (۴۸)

پس چون حق از جانب ما برایشان آمد ، گفتند : « چرا نظیر آنچه به موسی داده شد ، به او داده نشده است ؟ » آیا به آنچه قبلاً به موسی داده شد کفر نورزیدند ؟ گفتند : « دو ساحر با هم ساخته‌اند . » و گفتند : « ما همه را منکریم . »

(القصص، ۴۸)

قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۴۹)

بگو : « پس اگر راست می‌گویید ، کتابی از جانب خدا بیاورید که از این دو هدایت کننده‌تر باشد تا پیرویش کنم . »

(القصص، ۴۹)

فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَ مَنْ أَضَلَّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵۰)

پس اگر تو را اجابت نکردند ، بدان که فقط هوسهای خود را پیروی می‌کنند ؛ و کیست گمراه‌تر از آنکه بی‌راهنمایی خدا از هوسش پیروی کند ؟ بی‌تردید خدا مردم ستمگر را راهنمایی نمی‌کند .

(القصص، ۵۰)

وَ لَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۵۱)

و به راستی ، این گفتار را برای آنان پی در پی و به هم پیوسته نازل ساختیم ، امید که آنان پند پذیرند .

(القصص، ۵۱)

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ (۵۲)

کسانی که قبل از آن ، کتاب [آسمانی] به ایشان داده‌ایم ، آنان به [قرآن] می‌گروند .

(القصص، ۵۲)

وَ إِذَا يَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ (۵۳)

و چون بر ایشان فرو خوانده می‌شود ، می‌گویند : « بدان ایمان آوردیم که آن درست است [و] از طرف پروردگار ماست ؛ ما پیش از آن [هم] از تسلیم‌شوندگان بودیم . »

(القصص، ۵۳)

أُولَٰئِكَ يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَ يَذَرُغُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۵۴)

آنانند که به [پاس] آنکه صبر کردند و [برای آنکه] بدی را با نیکی دفع می‌نمایند و از آنچه روزی‌شان داده‌ایم انفاق می‌کنند ، دو بار پاداش خواهند یافت .

(القصص، ۵۴)

وَ إِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَ قَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا تَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ (۵۵)

و چون لغوی بشنوند از آن روی برمی‌تابند و می‌گویند : « کردارهای ما از آن ما و کردارهای شما از آن شماست . سلام بر شما ، جوای [مصاحبت] نادانان نیستیم . »

(القصص، ۵۵)

إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۵۶)

در حقیقت ، تو هر که را دوست داری نمی‌توانی راهنمایی کنی ، لیکن خداست که هر که را بخواهد راهنمایی می‌کند ، و او به راه‌یافتگان داناتر است .

(القصص، ۵۶)

وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهُدَى مَعَكَ نَتَّخِطُفَ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ نَمُكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (٥٧)

و گفتند : « اگر با تو از [نور] هدایت پیروی کنیم ، از سرزمین خود ریزیده خواهیم شد . « آیا آنان را در حریمی امن جای ندادیم که محصولات هر چیزی که رزقی از جانب ماست به سوی آن سرازیر می‌شود ؟ ولی بیشترشان نمی‌دانند .

(القصص، ٥٧)

وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فَبَلَغَتْ مَسَاكِنَهُمْ لَمْ تَسْكُنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ (٥٨)

و چه بسیار شهرها که هلاکش کردیم ، [زیرا] زندگی خوش ، آنها را سرمست کرده بود . این است سراهایشان که پس از آنان جز برای عده کمی مورد سکونت قرار نگرفته ، و ماییم که وارث آنان بودیم .

(القصص، ٥٨)

وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمَّهَاتِ رُسُلًا يَتْلُو عَلَيْهِنَّ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ (٥٩)

و پروردگار تو [هرگز] ویرانگر شهرها نبوده است تا [بیشتر] در مرکز آنها پیامبری برانگیزد که آیات ما را بر ایشان بخواند ، و ما شهرها را تا مردمشان ستمگر نباشند ویران کننده نبوده‌ایم .

(القصص، ٥٩)

وَمَا أَوْتِيْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (٦٠)

و هر آنچه به شما داده شده است ، کالای زندگی دنیا و زیور آن است ، و [لی] آنچه پیش خداست بهتر و پایدارتر است ؛ مگر نمی‌اندیشید ؟

(القصص، ٦٠)

أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُخْضَرِينَ (٦١)

آیا کسی که وعده نیکو به او داده‌ایم و او به آن خواهد رسید ، مانند کسی است که از کالای زندگی دنیا بهره‌مندش گردانیده‌ایم [ولی] او روز قیامت از [جمله] احضارشدگان [در آتش] است ؟

(القصص، ٦١)

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ (٦٢)

و [به یاد آور] روزی را که آنان را ندا می‌دهد و می‌فرماید : « آن شریکان من ، که می‌پنداشتید کجایند ؟ »

(القصص، ٦٢)

قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِنَاءًا يُغْبَدُونَ (٦٣)

آنان که حکم [عذاب] بر ایشان واجب آمده ، می‌گویند : « پروردگارا ، اینانند کسانی که گمراه کردیم گمراهشان کردیم هم چنان که خود گمراه شدیم ، [از آنان] به سوی تو بیزاری می‌جوییم ؛ ما را نمی‌پرستیدند [بلکه پندار خود را دنبال می‌کردند] . «

(القصص، ٦٣)

وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمُ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ (٦٤)

و [به آنان] گفته می‌شود : « شریکان خود را فرا خوانید . « [پس آنها را می‌خوانند] ولی پاسخشان نمی‌دهند و عذاب را می‌بینند [و آرزو می‌کنند که] ای کاش هدایت‌یافته بودند .

(القصص، ٦٤)

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ (٦٥)

و روزی را که [خدا] آنان را ندا درمی‌دهد و می‌فرماید : « فرستادگان [ما] را چه پاسخ دادید ؟ »

(القصص، ٦٥)

فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ (٦٦)

پس در آن روز اخبار بر ایشان پوشیده گردد و از یکدیگر نمی‌توانند بپرسند .

(القصص، ٦٦)

فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عملَ صالحاً فَعَسَى أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ (٦٧)

و اما کسی که توبه کند و ایمان آورد و به کار شایسته پردازد ، امید که از رستگاران باشد .

(القصص، ٦٧)

وَ رَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ يَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (٦٨)

و پروردگار تو هر چه را بخواهد می‌آفریند و برمی‌گزیند ، و آنان اختیاری ندارند . منزه است خدا ، و از آنچه [با او] شریک می‌گردانند برتر است .

(القصص، ٦٨)

وَ رَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَ مَا يُعْلِنُونَ (٦٩)

و آنچه را سینه‌هایشان پوشیده یا آشکار می‌دارد ، پروردگارت می‌داند .

(القصص، ٦٩)

وَ هُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْخُضُوعُ فِي الْأُولَى وَ الْآخِرَةِ وَ لَهُ الْخُكْمُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (٧٠)

و اوست خدا [بی که] جز او معبودی نیست . در این [سرای] نخستین و در آخرت ، ستایش از آن اوست ، و فرمان ، او راست و به سوی او بازگردانیده می‌شوید .

(القصص، ٧٠)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَداً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ أَمْ فَلَا تَسْمَعُونَ (٧١)

بگو : « هان ، چه می‌پندارید اگر خدا تا روز رستاخیز شب را بر شما جاوید بدارد ؛ جز خداوند کدامین معبود برای شما روشنی می‌آورد ؟ آیا نمی‌شنوید ؟ »

(القصص، ٧١)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَداً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِاللَّيْلِ يُسْكِنُونَ فِيهِ أَمْ فَلَا تَبْصُرُونَ (٧٢)

بگو : « هان ، چه می‌پندارید اگر خدا تا روز قیامت روز را بر شما جاوید بدارد ؛ جز خداوند کدامین معبود برای شما شبی می‌آورد که در آن آرام گیرید ، آیا نمی‌بینید ؟ »

(القصص، ٧٢)

وَ مِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (٧٣)

و از رحمتش برایتان شب و روز را قرار داد تا در این [بک] بیارامید و [در آن بک] از فزون‌بخشی او [روزی خود] بجوید ، باشد که سپاس بدارید .

(القصص، ٧٣)

وَ يَوْمَ يَنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ (٧٤)

و [یاد کن] روزی را که ندایشان می‌کند و می‌فرماید : « آن شریکان که می‌پنداشتید کجایند ؟ »

(القصص، ٧٤)

وَ نَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيداً فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتُرُونَ (٧٥)

و از میان هر امتی گواهی بیرون می‌کشیم و می‌گوییم : « برهان خود را بیاورید . » پس بدانند که حق از آن خداست ، و آنچه برمی‌بافتند از دستشان می‌رود .

(القصص، ٧٥)

إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَ آتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ (٧٦)

قارون از قوم موسی بود و بر آنان ستم کرد ، و از گنجینه‌ها آن قدر به او داده بودیم که کلیدهای آنها بر گروه نیرومندی سنگین می‌آمد ، آن گاه که قوم وی بدو گفتند : « شادی مکن که خدا شادی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد . »

(القصص، ٧٦)

وَ ابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَ لَا تَبْتَغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (٧٧)

و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن ، و هم چنان که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن و در زمین فساد مجوی که خدا فسادگران را دوست نمی‌دارد .

(القصص، ٧٧)

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيَتْهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ فَدَّ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَ أَكْثَرُ جَمْعًا وَ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ (٧٨)

[قارون] گفت : « من اینها را در نتیجه دانش خود یافته‌ام . » آیا وی ندانست که خدا نسلهایی را پیش از او نابود کرد که از او نیرومندتر و مال‌اندوزتر بودند ؟ و [لی این گونه] مجرمان را [نیازی] به پرسیده‌شدن از گناهانشان نیست .

(القصص، ٧٨)

فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَأُوْحَىٰ عَظِيمٌ (٧٩)

پس [قارون] با کویک خود بر قومش نمایان شد ؛ کسانی که خواستار زندگی دنیا بودند گفتند : « ای کاش مثل آنچه به قارون داده شده به ما [هم] داده می‌شد ؛ واقعاً او بهره‌برگمی [از ثروت] دارد . »

(القصص، ٧٩)

وَ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَنْ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَ لَا يُلْقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ (٨٠)

و کسانی که دانش [واقعی] یافته بودند ، گفتند : « وای بر شما ! برای کسی که گرویده و کار شایسته کرده پاداش خدا بهتر است ، و جز شکیباییان آن را نیابند . »

(القصص، ٨٠)

فَخَسَفْنَا بِهِ وَ بَدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُوهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ (٨١)

آن گاه [قارون] را با خانه‌اش در زمین فرو بردیم ، و گروهی نداشت که در برابر [عذاب] خدا او را یاری کنند و [خود نیز] نتوانست از خود دفاع کند .

(القصص، ٨١)

وَ أَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَتَّوْا مَعَانِهِ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيَحَآئِنُ اللَّهُ يَسْطُرُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ لَوْ لَا أَنْ مِّنَ اللَّهِ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَ يُكَذِّبُهَا لَا يُلْفِحُ الْكَافِرُونَ (٨٢)

و همان کسانی که دیروز آرزو داشتند به جای او باشند ، صبح می‌گفتند : « وای ، مثل اینکه خدا روزی را برای هر کس از بندگان که بخواهد گشاده یا تنگ می‌گرداند ، و اگر خدا بر ما مَتَّ نهناده بود ، ما را [هم] به زمین فرو برده بود ؛ وای ، گویی که کافران رستگار نمی‌گردند . »

(القصص، ٨٢)

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَ لَا فَسَادًا وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (٨٣)

آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند ، و فرجام [خوش] از آن پرهیزگاران است .

(القصص، ٨٣)

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (٨٤)

هر کس نیکی به میان آورد ، برای او [پاداشی] بهتر از آن خواهد بود ، و هر کس بدی به میان آورد ، کسانی که کارهای بد کرده‌اند جز سزای آنچه کرده‌اند نخواهند یافت .

(القصص، ٨٤)

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (٨٥)

در حقیقت ، همان کسی که این قرآن را بر تو فرض کرد ، یقیناً تو را به سوی وعده‌گاه بازمی‌گرداند . بگو : « پروردگارم بهتر می‌داند چه کس هدایت آورده و چه کس در گمراهی آشکاری است ؟ »

(القصص، ٨٥)

وَ مَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِنِّي فَلا تَحُونَنَّ ظَهيراً لِلْكَافِرِينَ (٨٦)

و تو امیدوار نبودی که بر تو کتاب القا شود ، بلکه این رحمتی از پروردگار تو بود . پس تو هرگز پشتیبان کافران مباش .

(القصص، ٨٦)

وَ لَا يَصْنَعُكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنزِلَتْ إِلَيْكَ وَ ادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ وَ لَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (٨٧)

و البته نباید تو را از آیات خدا بعد از آنکه بر تو نازل شده است باز دارند ، و به سوی پروردگارت دعوت کن ، و زنهار از مشرکان مباش .

(القصص، ٨٧)

وَ لَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (٨٨)

و با خدا معبودی دیگر مخوان . خدایی جز او نیست . جز ذات او همه چیز نابودشونده است . فرمان از آن اوست . و به سوی او بازگردانیده می‌شوید .

مکی- آیاتها- ۶۹	سوره العنكبوت	ترتیبها- ۲۹
-----------------	---------------	-------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(العنكبوت، ۰)

الم (۱)

الف ، لام ، میم .

(العنكبوت، ۱)

أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُلَازِمُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ (۲)

آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم ، رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند ؟

(العنكبوت، ۲)

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ (۳)

و به یقین ، کسانی را که پیش از اینان بودند آزمودیم ، تا خدا آنان را که راست گفته‌اند معلوم دارد و دروغ‌گویان را [نیز] معلوم دارد .

(العنكبوت، ۳)

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْفُوتَنَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (۴)

آیا کسانی که کارهای بد می‌کنند ، می‌پندارند که بر ما پیشی خواهند جست ؟ چه بد داوری می‌کنند .

(العنكبوت، ۴)

مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنْ أَجَلَ اللَّهُ لَاتٍ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۵)

کسی که به دیدار خدا امید دارد [بدانند که] اجل [او از سوی] خدا آمدنی است ، و اوست شنوای دانا .

(العنكبوت، ۵)

وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ (۶)

و هر که بکوشد ، تنها برای خود می‌کوشد ، زیرا خدا از جهانیان سخت بی‌نیاز است .

(العنكبوت، ۶)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ (۷)

و کسانی که ایمان آورده ، و کارهای شایسته کرده‌اند ، قطعاً گناهانشان را از آنان می‌زداییم ، و بهتر از آنچه می‌کردند پاداششان می‌دهیم .

(العنكبوت، ۷)

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۸)

و به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادر خود نیکی کند ، و [لی] اگر آنها با تو درکوشند تا چیزی را که بدان علم نداری با من شریک گردانی ، از ایشان اطاعت مکن . سرانجامتان به سوی من است ، و شما را از [حقیقت] آنچه انجام می‌داید با خبر خواهیم کرد .

(العنكبوت، ۸)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ (۹)

و کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند ، البته آنان را در زمره شایستگان درمی‌آوریم .

(العنكبوت، ۹)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَ لَئِن جَاء نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْ لَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ (١٠)

و از میان مردم کسانی‌اند که می‌گویند: « به خدا ایمان آورده‌ایم » و چون در [راه] خدا آزار کشند ، آزمایش مردم را مانند عذاب خدا قرار می‌دهند ؛ و اگر از جانب پروردگارت یاری رسد حتماً خواهند گفت : « ما با شما بودیم . » آیا خدا به آنچه در دل‌های جهانیان است داناتر نیست ؟

(العنکبوت، ١٠)

وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ (١١)

و قطعاً خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند می‌شناسد ، و یقیناً منافقان را [نیز] می‌شناسد .

(العنکبوت، ١١)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَلَّذِينَ آمَنُوا آبَعَا سِبْبَانَا وَلَنَحْمِلُ خَطَايَاكُمْ وَ مَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (١٢)

و کسانی که کافر شده‌اند ، به کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند : « راه ما را پیروی کنید و گناهانتان به گردن ما . » و [لی] چیزی از گناهانشان را به گردن نخواهند گرفت ؛ قطعاً آنان دروغ‌گویانند .

(العنکبوت، ١٢)

وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَ أَثْقَالًا مَّع أَثْقَالِهِمْ وَ لَيَسْأَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (١٣)

و قطعاً بارهای گران خودشان و بارهای گران خود برخواهند گرفت ، و مسلماً روز قیامت از آنچه به دروغ برمی‌بستند پرسیده خواهند شد .

(العنکبوت، ١٣)

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَ هُمْ ظَالِمُونَ (١٤)

و به راستی ، نوح را به سوی قومش فرستادیم ، پس در میان آنان نهصد و پنجاه سال درنگ کرد ، تا طوفان آنها را در حالی که ستمکار بودند فراگرفت .

(العنکبوت، ١٤)

فَاتَّخِذْنَا لَهُمْ أَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَ جَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ (١٥)

و او را با کشتی‌نشینان برهانی‌دیم و آن [سفینه] را برای جهانیان عبرتی گردانیدیم .

(العنکبوت، ١٥)

وَ إِبرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (١٦)

و [یاد کن] ابراهیم را چون به قوم خویش گفت : « خدا را بپرستید و از او پروا بردارید ؛ اگر بدانید این [کار] برای شما بهتر است . »

(العنکبوت، ١٦)

إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَ تَخْلُقُونَ إِفْكَاً إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَ اعْبُدُوهُ وَ اشْكُرُوا لَهُ إِنَّهُ تَرْجِعُونَ (١٧)

واقعاً آنچه را که شما سواي خدا می‌پرستید جز بتانی [بیش] نیستند و دروغی برمی‌سازید . در حقیقت ، کسانی را که جز خدا می‌پرستید اختیار روزی شما را در دست ندارند . پس روزی را پیش خدا بجوید و او را بپرستید و وی را سپاس گوید ، که به سوی او بازگردانیده می‌شوید .

(العنکبوت، ١٧)

وَ إِن تَكْذِبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أَمَمٌ مِّن قَبْلِكُمْ وَ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (١٨)

و اگر تکذیب کنید ، قطعاً امت‌های پیش از شما [هم] تکذیب کردند ، و بر پیامبر [خدا] جز ابلاغ آشکار [وظیفه‌ای] نیست .

(العنکبوت، ١٨)

أَوْ لَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (١٩)

آیا ندیده‌اند که خدا چگونه آفرینش را آغاز می‌کند سپس آن را باز می‌گرداند ؟ در حقیقت ، این [کار] بر خدا آسان است .

(العنکبوت، ١٩)

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٢٠)

بگو : « در زمین بگردید و بنگرید چگونه آفرینش را آغاز کرده است سپس [باز] خداست که نشنه آخرت را پدید می‌آورد ؛ خداست که بر هر چیزی تواناست . »

(العنكبوت، ۲۰)

يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ (۲۱)

هر که را بخواهد عذاب و هر که را بخواهد رحمت می‌کند و به سوی او بازگردانیده می‌شوید .

(العنكبوت، ۲۱)

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۲۲)

و شما نه در زمین و نه در آسمان درمانده‌کننده [او] نیستید ، و جز خدا برای شما یار و یاورى نیست .

(العنكبوت، ۲۲)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ لِقَائِهِ أُولَئِكَ يَسْتَوُونَ مِنْ رَحْمَتِي وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۳)

و کسانی که آیات خدا و لقای او را منکر شدند ، آنانند که از رحمت من نومیدند و ایشان را عذابی پردرد خواهد بود .

(العنكبوت، ۲۳)

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۲۴)

و پاسخ قومش جز این نبود که گفتند : « بکشیدش یا بسوزانیدش . » ولی خدا او را از آتش نجات بخشید . آری ، در این [نجات بخشی خدا] برای مردمی که ایمان دارند قطعاً دلایلی است .

(العنكبوت، ۲۴)

وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَ يَلْعَنُ بَعْضُكُم بَعْضًا وَ مَا أُوَكِّمُ النَّارَ وَ مَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (۲۵)

و [ابراهیم] گفت : « جز خدا ، فقط بت‌هایی را اختیار کرده‌اید که آن هم برای دوستی میان شما در زندگی دنیاست ، آن گاه روز قیامت بعضی از شما بعضی دیگر را انکار و برخی از شما برخی دیگر را لعنت می‌کنند و جایتان در آتش است و برای شما یاورانی نخواهد بود . »

(العنكبوت، ۲۵)

فَأَمَّنْ لَهُ لُوطٌ وَ قَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَى رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲۶)

پس لوط به او ایمان آورد و [ابراهیم] گفت : « من به سوی پروردگار خود روی می‌آورم ، که اوست ارجمند حکیم . »

(العنكبوت، ۲۶)

وَ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ جَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَ الْكِتَابَ وَ آتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ (۲۷)

و اسحاق و یعقوب را به او عطا کردیم و در میان فرزندان او پیامبری و کتاب قرار دادیم و در دنیا پاداشش را به او بخشیدیم و قطعاً او در آخرت [نیز] از شایستگان خواهد بود .

(العنكبوت، ۲۷)

وَ لُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَأَنْتَآؤُنَ الْفَآجِسَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ (۲۸)

و [یاد کن] لوط را هنگامی که به قوم خود گفت : « شما به کاری زشت می‌پردازید که هیچ يك از مردم زمین در آن [کار] بر شما پیشی نگرفته است . »

(العنكبوت، ۲۸)

أَأَنْتُمْ لَتَأْتُونَ الرَّجَالَ وَ تَقَطِّعُونَ السَّبِيلَ وَ تَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا إِنَّنَا بَعْدَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ مِنَ الصَّادِقِينَ (۲۹)

آیا شما با مردها درمی‌آمیزید و راه [توالد و تناسل] را قطع می‌کنید و در محافل [آنس] خود پلیدکاری می‌کنید ؟ » و [لی] پاسخ قومش جز این نبود که گفتند : « اگر راست می‌گویید عذاب خدا را برای ما بیاور . »

(العنكبوت، ۲۹)

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ (۳۰)

[لوط] گفت : « پروردگارا ، مرا بر قوم فسادکار غالب گردان . »

(العنكبوت، ۳۰)

وَ لَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ إِنْ أَهْلَهَا كَانُوا ظَالِمِينَ (۳۱)

و چون فرستادگان ما برای ابراهیم مژده آوردند ، گفتند : « ما اهل این شهر را هلاک خواهیم کرد ، زیرا مردمش ستمکار بوده‌اند . »

(العنکبوت، ۳۱)

قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا تَنْجِيَّتَهُ وَ أَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ (۳۲)

گفت : « لوط [نیز] در آنجاست . » گفتند : « ما بهتر می‌دانیم چه کسانی در آنجا هستند ؛ او و کسانی را جز زنی که از باقی ماندگان [در خاکستر آتش] است حتماً نجات خواهیم داد . »

(العنکبوت، ۳۲)

و لَمَّا أَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِئِءَ بِهِمْ وَ ضَاقَ بِهِمْ ذُرْعًا وَ قَالُوا لَا تَخَفْ وَ لَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنْجُونَكَ وَ أَهْلَكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ (۳۳)

و هنگامی که فرستادگان ما به سوی لوط آمدند ، به علت [حضور] ایشان ناراحت شد و دستش از [حمایت] آنها کوتاه گردید . گفتند : « مترس و غم مدار که ما تو و خانواده‌ات را جز زنت که از باقی‌ماندگان [در خاکستر آتش] است حتماً می‌رهانیم . »

(العنکبوت، ۳۳)

إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَى أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (۳۴)

ما بر مردم این شهر به [سزای] فسقی که می‌کردند ، عذابی از آسمان فرو خواهیم فرستاد .

(العنکبوت، ۳۴)

وَ لَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۳۵)

و از آن [شهر سوخته] برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌ای روشن باقی گذاشتیم .

(العنکبوت، ۳۵)

وَ إِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ ارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ لَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مَفْسِدِينَ (۳۶)

و به سوی [مردم] مَدْيَنَ ، برادرشان شعیب را [فرستادیم] . گفت : « ای قوم من ، خدا را بپرستید و به روز بازپسین امید داشته باشید و در زمین سر به فساد برمدارید . »

(العنکبوت، ۳۶)

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَائِعِينَ (۳۷)

پس او را دروغگو خواندند و زلزله آنان را فروگرفت و بامدادان در خانه‌هایشان از پا درآمدند .

(العنکبوت، ۳۷)

وَ عَادًا وَ ثَمُودَ وَ قَدْ بَيَّنَّ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِينِهِمْ وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَ كَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ (۳۸)

و عاد و ثمود را [نیز هلاک نمودیم] . قطعاً [فرجام آنان] از سزاهایشان بر شما آشکار گردیده است ، و شیطان کارهایشان را در نظرشان بیاراست و از راه بازشان داشت با آنکه [در کار دنیا] بینا بودند .

(العنکبوت، ۳۸)

وَ قَارُونَ وَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ لَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَ مَا كَانُوا سَابِقِينَ (۳۹)

و قارون و فرعون و هامان را [هم هلاک کردیم] . و به راستی موسی برای آنان دلایل آشکار آورد ، و [لی آنها] در آن سرزمین سرکشی نمودند و [با این همه بر ما] پیشی نجستند .

(العنکبوت، ۳۹)

فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذُنُوبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَ مِنْهُمْ مَنْ أَخَذْتُهُ الصَّيْحَةَ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَ مِنْهُمْ مَنْ أَعْرَفْنَا وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۴۰)

و هر يك [از ایشان] را به گناهش گرفتار [عذاب] کردیم : از آنان کسانی بودند که بر [سر] ایشان بادی همراه با شین فروفرستادیم ؛ و از آنان کسانی بودند که فریاد [مرگبار] آنها را فروگرفت ؛ و برخی از آنان را در زمین فروبردیم ؛ و بعضی را غرق کردیم ؛ و [این] خدا نبود که بر ایشان ستم کرد بلکه خودشان بر خود ستم می‌کردند .

(العنکبوت، ۴۰)

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَنِيًّا وَ إِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَنِيَّتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۴۱)

داستان کسانی که غیر از خدا دوستانی اختیار کرده‌اند ، همچون داستان عنکبوت است که [با آب دهان خود] خانه‌ای برای خویش ساخته ، و در حقیقت اگر می‌دانستند سست‌ترین خانه‌ها همان خانه عنکبوت است .

(العنکبوت، ۴۱)

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۴۲)

هر آنچه را که جز او می‌خوانند خدا می‌داند ، و هم اوست شکست‌ناپذیر سنجیده‌کار .

(العنکبوت، ۴۲)

وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَ مَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ (۴۳)

و این مثلها را برای مردم می‌زنیم و [لی] جز دانشوران آنها را درنیابند .

(العنکبوت، ۴۳)

خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ (۴۴)

خداوند آسمانها و زمین را به حق آفرید . قطعاً در این [آفرینش] برای مؤمنان عبرتی است .

(العنکبوت، ۴۴)

أَنْتَ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْنَا مِنَ الْكِتَابِ وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ (۴۵)

آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است بخوان ، و نماز را برپا دار ، که نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد ، و قطعاً یاد خدا بالاتر است ، و خدا می‌داند چه می‌کنید .

(العنکبوت، ۴۵)

وَ لَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَ قُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ أَنْزَلَ إِلَيْنَا مِنَ الْكِتَابِ وَ إِلَهُنَا وَ إِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۴۶)

و با اهل کتاب ، جز به [شیوه‌ای] که بهتر است ، مجادله نکنید مگر [با] کسانی از آنان که ستم کرده‌اند و بگویید : « به آنچه به سوی ما نازل شده و [آنچه] به سوی شما نازل گردیده ، ایمان آوردیم ؛ و خدای ما و خدای شما یکی است و ما تسلیم اویم . »

(العنکبوت، ۴۶)

وَ كَذَلِكَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ مِنْ هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَ مَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ (۴۷)

و همچنین ما قرآن را بر تو نازل کردیم . پس آنان که بدیشان کتاب داده‌ایم بدان ایمان می‌آورند ، و از میان اینان کسانی‌اند که به آن می‌گروند ، و جز کافران [کسی] آیات ما را انکار نمی‌کند .

(العنکبوت، ۴۷)

وَ مَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَ لَا تَخْطُ بِبَيْمِينِكَ إِذَا لَأَزْتَابِ الْمُبْتَلُونَ (۴۸)

و تو هیچ کتابی را پیش از این نمی‌خواندی و با دست [راست] خود [کتابی] نمی‌نوشتی ، و گرنه باطل‌اندیشان قطعاً به شک می‌افتادند .

(العنکبوت، ۴۸)

بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَ مَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ (۴۹)

بلکه [قرآن] آیاتی روشن در سینه‌های کسانی است که علم [الهی] یافته‌اند ، و جز ستمگران منکر آیات ما نمی‌شوند .

(العنکبوت، ۴۹)

وَ قَالُوا لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِنْ رَبِّهِ فَلَنْ إِتَمَّ الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَ إِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ (۵۰)

و گفتند : « چرا بر او از جانب پروردگارش نشانه‌هایی [معجزه‌آسا] نازل نشده است ؟ » بگو : « آن نشانه‌ها پیش خداست ، و من تنها هشداردهنده‌ای آشکارم . »

(العنکبوت، ۵۰)

أَمْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَ ذِكْرَىٰ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۵۱)

آیا برای ایشان بس نیست که این کتاب را که بر آنان خوانده می‌شود بر تو فر فرستادیم ؟ در حقیقت ، در این [کار] برای مردمی که ایمان دارند ، رحمت و یادآوری است .

(العنکبوت، ۵۱)

قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ بِنِيٍّ وَبَيْنَكُمْ شَهِيداً يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۵۲)

بگو: « کافی است خدا میان من و شما شاهد باشد. آنچه را که در آسمانها و زمین است می‌داند، و آنان که به باطل گرویده و خدا را انکار کرده‌اند همان زیانکارانند. »

(العنکبوت، ۵۲)

وَ يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْ لَا أَجَلَ مَسْمُومٍ لَجَاءَهُمُ الْعَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۵۳)

و از تو به شتاب درخواست عذاب [الهی را] دارند، و اگر سرآمدی معین نبود، قطعاً عذاب به آنان می‌رسید و بی‌آنکه خبردار شوند غافلگیرشان می‌کرد.

(العنکبوت، ۵۳)

يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ (۵۴)

و شتابزده از تو عذاب می‌خواهند، و حال آنکه جهنم قطعاً بر کافران احاطه دارد.

(العنکبوت، ۵۴)

يَوْمَ يُغْشَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَ يَقُولُ دُوْقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۵۵)

آن روز که عذاب از بالای [سر] آنها و از زیر پاهایشان آنها را فروگیرد، و [خدا] می‌فرماید: « [نتیجه] آنچه را می‌کردید بچشید. »

(العنکبوت، ۵۵)

يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ (۵۶)

« ای بندگان من که ایمان آورده‌اید، زمین من فراخ است؛ تنها مرا بپرستید. »

(العنکبوت، ۵۶)

كُلُّ نَفْسٍ چَشْنَدِه مَرگ است، آن گاه به سوی ما بازگردانیده خواهید شد.

هر نفسی چشنده مرگ است، آن گاه به سوی ما بازگردانیده خواهید شد.

(العنکبوت، ۵۷)

وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ (۵۸)

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، قطعاً آنان را در غرفه‌هایی از بهشت جای می‌دهیم که از زیر آنها جویها روان است، جاودان در آنجا خواهند بود؛ چه نیکوست پاداش عمل‌کنندگان!

(العنکبوت، ۵۸)

الَّذِينَ صَبَرُوا وَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۵۹)

همان کسانی که شکیبایی ورزیده و بر پروردگارشان توکل نموده‌اند.

(العنکبوت، ۵۹)

وَ كَأَيِّنْ مِنْ ذَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَ يُكْفِيهَا وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۶۰)

و چه بسیار جاندارانی که نمی‌توانند متحمل روزی خود شوند. خداست که آنها و شما را روزی می‌دهد، و اوست شنوای دانا.

(العنکبوت، ۶۰)

وَ لئن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَلَّىٰ يُؤْفَكُونَ (۶۱)

و اگر از ایشان بپرسی: « چه کسی آسمانها و زمین را آفریده و خورشید و ماه را [چنین] رام کرده است؟ » حتماً خواهند گفت: « اللّٰهَ »؛ پس چگونه [از حق] بازگردانیده می‌شوند؟

(العنکبوت، ۶۱)

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۶۲)

خدا بر هر کس از بندگانش که بخواهد روزی را گشاده می‌گرداند و [یا] بر او تنگ می‌سازد، زیرا خدا به هر چیزی داناست.

(العنکبوت، ۶۲)

وَلَنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لِيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۶۳)

و اگر از آنان بپرسی : « چه کسی از آسمان ، آبی فرو فرستاده و زمین را پس از مرگش به وسیله آن زنده گردانیده است ؟ » حتماً خواهند گفت : « اللّٰه . » بگو : « ستایش از آن خداست با این همه ، بیشترشان نمی‌اندیشند .

(العنکبوت، ۶۳)

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۶۴)

این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست ، و زندگی حقیقی همانا [در] سرای آخرت است ؛ ای کاش می‌دانستند .

(العنکبوت، ۶۴)

فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ (۶۵)

و هنگامی که بر کشتی سوار می‌شوند ، خدا را پاکدلاله می‌خوانند ، و [لی] چون به سوی خشکی رساند و نجاتشان داد ، بناگاه شرک می‌ورزند .

(العنکبوت، ۶۵)

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَ لِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۶۶)

بگذار تا به آنچه بدیشان داده‌ایم انکار آورند و بگذار تا برخوردار شوند ، زودا که بدانند .

(العنکبوت، ۶۶)

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَ يُحَاطَفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ (۶۷)

آیا ندیده‌اند که ما [برای آنان] حرمی امن قرار دادیم و حال آنکه مردم از حوالی آنان روده می‌شوند ؟ آیا به باطل ایمان می‌آورند و به نعمت خدا کفر می‌ورزند ؟

(العنکبوت، ۶۷)

وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ (۶۸)

و کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بزند یا چون حق به سوی او آید آن را تکذیب کند ؟ آیا جای کافران [در] جهنم نیست ؟

(العنکبوت، ۶۸)

وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (۶۹)

و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند ، به یقین راههای خود را بر آنان می‌نماییم و در حقیقت ، خدا با نیکوکاران است .

(العنکبوت، ۶۹)

ترتیبها- ۳۰	سوره الروم	مکی-آیاتها- ۶۰
-------------	------------	----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الروم، ۰)

الم (۱)

الف ، لام ، میم .

(الروم، ۱)

غُلِبَتِ الرُّومُ (۲)

رومیان شکست خوردند ،

(الروم، ۲)

فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَ هُمْ مِنْ بَعْدِ غَلِبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ (۳)

در نزدیکترین سرزمین ، و [لی] بعد از شکستان ، در ظرف چند سالی ، به زودی پیروز خواهند گردید .

(الروم، ۳)

فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَعْذِ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ (۴)

[فرجام] کار در گذشته و آینده از آن خداست ، و در آن روز است که مؤمنان از یاری خدا شاد می‌گردند .

(الروم، ۴)

يَنْصُرِ اللَّهُ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۵)

هر که را بخواهد یاری می‌کند ، و اوست شکست‌ناپذیر مهربان .

(الروم، ۵)

وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ لَئِنْ أَكْثَرَ النَّاسُ لَا يَعْلَمُونَ (۶)

و عده خداست . خدا وعده‌اش را خلاف نمی‌کند ، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند .

(الروم، ۶)

يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ (۷)

از زندگی دنیا ، ظاهری را می‌شناسند ، و حال آنکه از آخرت غافلند .

(الروم، ۷)

أَمْ لَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ (۸)

آیا در خودشان به تفکر نپرداخته‌اند ؟ خداوند آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است ، جز به حق و تا هنگامی معین ، نیافریده است ، و [با این همه] بسیاری از مردم لقای پروردگارشان را سخت منکرند .

(الروم، ۸)

أَمْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَنَارُوا الْأَرْضَ وَ عَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَ لَئِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۹)

آیا در زمین نگریده‌اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنان بودند ، چگونه بوده است ؟ آنها بس نیرومندتر از ایشان بودند ، و زمین را زیر و رو کردند و بیش از آنچه آنها آبادش کردند آن را آباد ساختند ، و پیامبرانشان دلایل آشکار برایشان آوردند . بنا بر این خدا بر آن نبود که بر ایشان ستم کند ، لیکن خودشان بر خود ستم می‌کردند .

(الروم، ۹)

تَمَّ حَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ آسَأُوا السُّوءَ أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِءُونَ (۱۰)

آن گاه فرجام کسانی که بدی کردند [بسی] بدتر بود ، [چرا] که آیات خدا را تکذیب کردند و آنها را به ریشخند می‌گرفتند .

(الروم، ۱۰)

اللَّهُ يُبْدِئُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۱۱)

خداست که آفرینش را آغاز و سپس آن را تجدید می‌کند ، آن گاه به سوی او بازگردانیده می‌شوید .

(الروم، ۱۱)

وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ (۱۲)

و روزی که قیامت برپا شود مجرمان نومید می‌گردند .

(الروم، ۱۲)

وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ مِنْ شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاءُ وَ كَانُوا بِشُرَكَائِهِمْ كَافِرِينَ (۱۳)

و برای آنان از شریکانشان شفیعی نیست ، و خود منکر شریکان خود می‌شوند .

(الروم، ۱۳)

وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُنْفِرُونَ (۱۴)

و روزی که رستاخیز برپا گردد ، آن روز [مردم] پراکنده می‌شوند .

(الروم، ۱۴)

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ (۱۵)

اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند ، در گلستانی ، شادمان می‌گردند .

(الروم، ۱۵)

وَ أَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بآيَاتِنَا وَ لِقَاءَ الْآخِرَةِ فَأُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُخَضَّرُونَ (۱۶)

و اما کسانی که کافر شده و آیات ما و دیدار آخرت را به دروغ گرفته‌اند ، پس آنان در عذاب حاضر آیند .

(الروم، ۱۶)

فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ (۱۷)

پس خدا را تسبیح گوئید آن گاه که به عصر درمی‌آیید و آن گاه که به بامداد درمی‌شوید .

(الروم، ۱۷)

وَ لَهُ الْخِزْيُفُ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ عَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ (۱۸)

و ستایش از آن اوست در آسمانها و زمین و شامگاهان و وقتی که به نیمروز می‌رسید .

(الروم، ۱۸)

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيتِ وَ يُخْرِجُ الْمَمِيتَ مِنَ الْحَيِّ وَ يُخَيِّبُ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ (۱۹)

زنده را از مرده بیرون می‌آورد ، و مرده را از زنده بیرون می‌آورد ، و زمین را بعد از مرگش زنده می‌سازد ؛ و بدین گونه [از گورها] بیرون آورده می‌شوید .

(الروم، ۱۹)

وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَلْتَشِرُونَ (۲۰)

و از نشانه‌های او این است که شما را از خاک آفرید ؛ پس بناگاه شما [به صورت] بشری هر سو پراکنده شدید .

(الروم، ۲۰)

وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقُرُونَ (۲۱)

و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید ، و میانتان دوستی و رحمت نهاد . آری ، در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است .

(الروم، ۲۱)

وَ مِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَ أَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِلْعَالَمِينَ (۲۲)

و از نشانه‌های [قدرت] او آفرینش آسمانها و زمین و اختلاف زبانهای شما و رنگهای شماست . قطعاً در این [امر نیز] برای دانشوران نشانه‌هایی است .

(الروم، ۲۲)

وَ مِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ ابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ (۲۳)

و از نشانه‌های [حکمت] او خواب شما در شب و [نیم] روز و جستجوی شما [روزی خود را] از فزون‌بخشی اوست . در این [معنی نیز] برای مردمی که می‌شنوند ، قطعاً نشانه‌هایی است .

(الروم، ۲۳)

وَ مِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُخَيِّبُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۲۴)

و از نشانه‌های او [اینکه] برق را برای شما بیم‌آور و امیدبخش می‌نماید ، و از آسمان به تدریج آبی فرومی‌فرستد ، که به وسیله آن ، زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند . در این [امر هم] برای مردمی که تعقل می‌کنند ، قطعاً نشانه‌هایی است .

(الروم، ۲۴)

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ (۲۵)

و از نشانه‌های او این است که آسمان و زمین به فرمانش برپایند؛ پس چون شما را با يك بار خواندن از زمین فراخواند، بناگاه [از گورها] خارج می‌شوید.

(الروم، ۲۵)

وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَهٍ قَائِتُونَ (۲۶)

و هر که در آسمانها و زمین است از آن اوست؛ همه او را گردن نهاده‌اند.

(الروم، ۲۶)

وَهُوَ الَّذِي بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَ لَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲۷)

و اوست آن کس که آفرینش را آغاز می‌کند و باز آن را تجدید می‌نماید؛ و این [کار] بر او آسانتر است. و در آسمانها و زمین نمونه والا [ی هر صفت برتر] از آن اوست، و اوست شکست‌ناپذیر سنجیده‌کار.

(الروم، ۲۷)

ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِّنْ أَنْفُسِكُمْ هَلْ لَكُمْ مَن مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۲۸)

[خداوند] برای شما از خودتان مثلی زده است: آیا در آنچه به شما روزی داده‌ایم شریکانی از بردگانتان دارید که در آن [مال با هم] مساوی باشید و همان طور که شما از یکدیگر بیم دارید از آنها بیم داشته باشید؟ این گونه، آیات خود را برای مردمی که می‌اندیشند، به تفصیل بیان می‌کنیم.

(الروم، ۲۸)

بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (۲۹)

[نه، این چنین نیست] بلکه کسانی که ستم کرده‌اند، بدون هیچ گونه دانشی هوسهای خود را پیروی کرده‌اند. پس آن کس را که خدا گمراه کرده، چه کسی هدایت می‌کند؟ و برای آنان یاورانی نخواهد بود.

(الروم، ۲۹)

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكِ الدِّينُ الْقَائِمُ وَ لَعَنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۳۰)

پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدای تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

(الروم، ۳۰)

مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَ اتَّقُوهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۳۱)

به سویش توبه برید و از او پروا بدارید و نماز را برپا کنید و از مشرکان مباشید:

(الروم، ۳۱)

مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ (۳۲)

از کسانی که دین خود را قطعه قطعه کردند و فرقه فرقه شدند؛ هر حزبی بدانچه پیش آنهاست دلخوش شدند.

(الروم، ۳۲)

وَ إِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا آدَأَقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةٌ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ (۳۳)

و چون مردم را زبانی رسد، پروردگار خود را، در حالی که به درگاه او توبه می‌کنند، می‌خوانند، و آن گاه که از جانب خود رحمتی به آنان چشائید، بناگاه دسته‌ای از ایشان به پروردگارشان شرک می‌آورند.

(الروم، ۳۳)

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (۳۴)

بگذار تا به آنچه بدانها عطا کرده‌ایم کفران ورزند. [بگو:]: برخوردار شوید، زودا که خواهید دانست.

(الروم، ۳۴)

أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا فَهَوْ يَنْتَعِمُ بِمَا كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ (۳۵)

یا [مگر] حجتی بر آنان نازل کرده‌ایم که آن [حجت] در باره آنچه با [خدا] شریک می‌گردانیده‌اند سخن می‌گوید ؟

(الروم، ۳۵)

وَ إِذَا أَنْفَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمْتَّ أَيْدِيَهُمْ إِذَا هُمْ يَقْتُلُونَ (۳۶)

و چون مردم را رحمتی بچشانیم ، بدان شاد می‌گردند ؛ و چون به [سزای] آنچه دستاورد گذشته آنان است ، صدمه‌ای به ایشان برسد ، بناگاه نومید می‌شوند .

(الروم، ۳۶)

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۳۷)

آیا ندانسته‌اند که [این] خداست که روزی را برای هر کس که بخواهد فراخ یا تنگ می‌گرداند ؟ قطعاً در این [امر] برای مردمی که ایمان می‌آورند عبرت‌هاست .

(الروم، ۳۷)

فَاتِذَا الْقَرْبَىٰ حَقَّةً وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَ أَوْلَىٰكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۳۸)

پس حق خویشتاوند و تنگدست و در راه‌مانده را بده . این [انفاق] برای کسانی که خواهان خشنودی خدایند بهتر است ، و اینان همان رستگارانند .

(الروم، ۳۸)

وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَا لِيَرْبُو فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ (۳۹)

و آنچه [به قصد] ربا می‌دهید تا در اموال مردم سود و افزایش بردارد ، نزد خدا فزونی نمی‌گیرد ؛ و [لی] آنچه را از زکات در حالی که خشنودی خدا را خواستارید دادید ، پس آنان همان فزونی‌یافتگانند [و مضاعف می‌شود] .

(الروم، ۳۹)

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِنْ دُونِكُمْ مِنْ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۴۰)

خدا همان کسی است که شما را آفرید ، سپس به شما روزی بخشید ، آن گاه شما را می‌میراند و پس از آن زنده می‌گرداند . آیا در میان شریکان شما کسی هست که کاری از این [قبیل] کند ؟ منزّه است او ، و برتر است از آنچه [با وی] شریک می‌گردانند .

(الروم، ۴۰)

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۴۱)

به سبب آنچه دستهای مردم فراهم آورده ، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است ، تا [سزای] بعضی از آنچه را که کرده‌اند به آنان بچشانند ، باشد که بازگردند .

(الروم، ۴۱)

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ (۴۲)

بگو : « در زمین بگردید و بنگرید فرجام کسانی که پیشتر بوده [و] بیشترشان مشرک بودند چگونه بوده است . »

(الروم، ۴۲)

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَدِيمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يُصَدِّعُونَ (۴۳)

پس به سوی این دین پایدار روی بیاور ، پیش از آنکه روزی از جانب خدا فرارسد که برگشت‌ناپذیر باشد ، و در آن روز [مردم] دسته دسته می‌شوند .

(الروم، ۴۳)

مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ يَمْهَدُونَ (۴۴)

هر که کفر ورزد ، کفرش به زبان اوست ، و کسانی که کار شایسته کنند ، [فرجام نیک را] به سود خودشان آماده می‌کنند .

(الروم، ۴۴)

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ (۴۵)

تا [خدا] کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند ، به فضل خویش پاداش دهد ، که او کافران را دوست نمی‌دارد .

(الروم، ۴۵)

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ وَ لِيَذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ لِيَجْزِيَ الْفَلَكَ بِأَمْرِهِ وَ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۴۶)

و از نشانه‌های او این است که بادهای بشارت‌آور را می‌فرستد ، تا بخشی از رحمتش را به شما بچشاند و تا کشتی به فرمایش روان گردد ، و تا از فضل او [روزی] بجوید ، و امید که سپاسگزاری کنید .

(الروم، ۴۶)

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَأَنْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرُمْوا وَ كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرَ الْمُؤْمِنِينَ (۴۷)

و در حقیقت ، پیش از تو فرستادگانی به سوی قومشان گسیل داشتیم ، پس دلایل آشکار برایشان آوردند ، و از کسانی که مرتکب جرم شدند انتقام گرفتیم ، و یاری کردن مؤمنان بر ما فرض است .

(الروم، ۴۷)

اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيُبْسِطُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَ يَجْعَلُهُ كِسْفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خَلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ (۴۸)

خدا همان کسی است که بادهای او را می‌فرستد و ابری برمی‌انگیزد و آن را در آسمان هر گونه بخواهد می‌گستراند و انبوهش می‌گرداند ، پس می‌بینی باران از لابلای آن بیرون می‌آید . و چون آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد ، رسانید ، بناگاه آنان شادمانی می‌کنند .

(الروم، ۴۸)

وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمُبْسِلِينَ (۴۹)

و قطعاً پیش از آنکه بر ایشان فروریزد ، [آری ،] پیش از آن سخت نومید بودند .

(الروم، ۴۹)

فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَةِ اللَّهِ كَيْفَ يُخَيِّبِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُخَيِّبِ الْمَوْتَى وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۵۰)

پس به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند . در حقیقت ، هم اوست که قطعاً زنده کننده مردگان است ، و اوست که بر هر چیزی تواناست .

(الروم، ۵۰)

وَ لَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ (۵۱)

و اگر بادی [آفت‌زا] بفرستیم و [کشت خود را] زرد شده ببینند ، قطعاً پس از آن کفران می‌کنند .

(الروم، ۵۱)

فَاتَّكَبَ لَا تَسْمَعُ الْمُؤْتَى وَ لَا تَسْمَعُ الصَّعْمَ الدَّعَاءَ إِذَا وَثُوا مُذِيرِينَ (۵۲)

و در حقیقت ، تو مردگان را شنوا نمی‌گردانی ، و این دعوت را به کران آن گاه که به ادبار پشت می‌گردانند نمی‌شنوای بشنوانی .

(الروم، ۵۲)

وَ مَا أَنْتَ بِهَادِي الْعَمَى عَنْ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ (۵۳)

و تو کوران را از گمراهی‌شان به راه نمی‌آوری . تو تنها کسانی را می‌شنوای که به آیات ما ایمان می‌آورند و خود تسلیمند .

(الروم، ۵۳)

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَ شَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ (۵۴)

خداست آن کس که شما را ابتدا ناتوان آفرید ، آن گاه پس از ناتوانی قوت بخشید ، سپس بعد از قوت ، ناتوانی و پیری داد . هر چه بخواهد می‌آفریند و هموست دانای توانا .

(الروم، ۵۴)

وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ (۵۵)

و روزی که رستاخیز برپا شود ، مجرمان سوگند یاد می‌کنند که جز ساعتی [بیش] درنگ نکرده‌اند ؛ [در دنیا هم] این گونه به دروغ کشانیده می‌شدند .

(الروم، ۵۵)

وَ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَ الْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَ لَعَلَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۵۶)

و [لی] کسانی که دانش و ایمان یافته‌اند ، می‌گویند : « قطعاً شما [به موجب آنچه] در کتاب خدا [ست] تا روز رستاخیز مانده‌اید ، و این ، روز رستاخیز است ولی شما خودتان نمی‌دانستید . »

(الروم، ۵۶)

فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَغْرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (۵۷)

و در چنین روزی ، [دیگر] پوزش آنان که ستم کرده‌اند سود نمی‌بخشد ، و بازگشت به سوی حق از آنان خواسته نمی‌شود .

(الروم، ۵۷)

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَنْ جِنَّتَهُمْ بَايَةٌ لِيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطَلُونَ (۵۸)

و به راستی در این قرآن برای مردم از هر گونه مثلی آوردیم ، و چون برای ایشان آیه‌ای بیاوری ، آنان که کفر ورزیده‌اند حتماً خواهند گفت : « شما جز بر باطل نیستید . »

(الروم، ۵۸)

كَذَلِكَ يُطِيعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۵۹)

این گونه ، خدا بر دل‌های کسانی که نمی‌دانند مَهْر می‌نهد .

(الروم، ۵۹)

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ (۶۰)

پس صبر کن که وعده خدا حق است ، و زنهار تا کسانی که یقین ندارند ، تو را به سبکسری واندارند .

(الروم، ۶۰)

مکی-آیاتها-۳۴	سوره لقمان	ترتیبها-۳۱
---------------	------------	------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(لقمان، ۰)

الم (۱)

الف ، لام ، میم .

(لقمان، ۱)

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ (۲)

این است آیات کتاب حکمت‌آموز ،

(لقمان، ۲)

هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ (۳)

[که] برای نیکوکاران رهنمود و رحمتی است ،

(لقمان، ۳)

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (۴)

[همان] کسانی که نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند ، و [هم] ایشانند که به آخرت یقین دارند .

(لقمان، ۴)

أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵)

آنانند که از جانب پروردگارشان از هدایت برخوردارند ، و ایشانند که رستگارانند .

(لقمان، ۵)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَتَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ (۶)

۶۰۴ / ۳۳۹

و برخی از مردم کسانی‌اند که سخن بیهوده را خریدارند تا [مردم را] بی [هیچ] دانشی از راه خدا گمراه کنند ، و [راه خدا] را به ریشخند گیرند ؛ برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود .

(لقمان، ۶)

وَ إِذَا تَنَتَّى عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَ لَى مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَسَّرَهُ بَعْدَآبِ أَلِيمٍ (۷)

و چون آیات ما بر او خوانده شود ، با نخوت روی برمی‌گرداند ، چنان که گویی آن را نشنیده [یا] گویی در گوشه‌هایش سنگینی است ؛ پس او را از عذابی پردرد خبر ده .

(لقمان، ۷)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ (۸)

در حقیقت ، کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند ، باغهای پر نعمت خواهند داشت ،

(لقمان، ۸)

خَالِدِينَ فِيهَا وَ عَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۹)

که در آن جاودان می‌مانند ؛ وعده خداست که حق است و هموست شکست‌ناپذیر سنجیده‌کار .

(لقمان، ۹)

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَ أَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ (۱۰)

آسمانها را بی هیچ ستونی که آن را ببینید خلق کرد و در زمین کوه‌های استوار بپفکند تا [مبادا زمین] شما را بجنباند ، و در آن از هر گونه جنبنده‌ای پراکنده گردانید ، و از آسمان آبی فروفرستادیم و از هر نوع [گیاه] نیکو در آن رویانیدیم .

(لقمان، ۱۰)

هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۱۱)

این ، خلق خداست . [اینک] به من نشان دهید کسانی که غیر از اویند چه آفریده‌اند ؟ [هیچ !] بلکه ستمگران در گمراهی آشکارند .

(لقمان، ۱۱)

وَ لَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَ مَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (۱۲)

و به راستی ، لقمان را حکمت دادیم که : خدا را سپاس بگزار و هر که سپاس بگزارد ، تنها برای خود سپاس می‌گزارد ؛ و هر کس کفران کند ، در حقیقت ، خدا بی‌نیاز ستوده است .

(لقمان، ۱۲)

وَ إِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ (۱۳)

و [یاد کن] هنگامی را که لقمان به پسر خویش در حالی که وی او را اندرز می‌داد گفت : « ای پسرک من ، به خدا شرک میاور که به راستی شرک ستمی بزرگ است . »

(لقمان، ۱۳)

وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَ هُنَّ عَلَى وَهْنٍ وَ فِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لَوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ (۱۴)

و انسان را در باره پدر و مادرش سفارش کردیم ؛ مادرش به او باردار شد ، سستی بر روی سستی . و از شیر بازگرفتنش در دو سال است . [آری ، به او سفارش کردیم] که شکرگزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است .

(لقمان، ۱۴)

وَ إِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَ صَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَ اتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۵)

و اگر تو را وادارند تا در باره چیزی که تو را بدان دانشی نیست به من شرک ورزی ، از آنان فرمان مبر ، و [لی] در دنیا به خوبی با آنان معاشرت کن ، و راه کسی را پیروی کن که توبه‌کنان به سوی من بازمی‌گردد ؛ و [سرانجام] بازگشت شما به سوی من است ، و از [حقیقت] آنچه انجام می‌دادید شما را با خبر خواهم کرد .

(لقمان، ۱۵)

يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكَ مِنْقَلَبَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ (۱۶)

« ای پسرک من ، اگر [عمل تو] هموزن دانه خردلی و در تخته‌سنگی یا در آسمانها یا در زمین باشد ، خدا آن را می‌آورد ، که خدا بس دقیق و آگاه است .

(لقمان، ۱۶)

يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكُمْ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۱۷)

ای پسرک من ، نماز را برپا دار و به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند باز دار ، و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است شکیبا باش . این [حاکمی] از عزم [و اراده تو در] امور است .

(لقمان، ۱۷)

وَ لَا تَصَعَّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (۱۸)

و از مردم [به نخوت] رُخ برمتاب ، و در زمین خرامان راه مرو که خدا خودپسند لافزن را دوست نمی‌دارد .

(لقمان، ۱۸)

وَ اقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَ اعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ (۱۹)

و در راه رفتن خود میانهر و باش ، و صدایت را آهسته ساز ، که بدترین آوازه‌ها بانگ خران است .

(لقمان، ۱۹)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ لَا هُدًى وَ لَا كِتَابٍ مُنِيرٍ (۲۰)

آیا ندانسته‌اید که خدا آنچه را که در آسمانها و آنچه را که در زمین است ، مسخّر شما ساخته و نعمتهای ظاهر و باطن خود را بر شما تمام کرده است ؟ و برخی از مردم در باره خدا بی [آنکه] دانش و رهنمود و کتابی روشن [داشته باشند] به مجادله برمی‌خیزند .

(لقمان، ۲۰)

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ (۲۱)

و چون به آنان گفته شود : « آنچه را که خدا نازل کرده پیروی کنید » ، می‌گویند : « [نه !] بلکه آنچه که پدرانمان را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم » ؛ آیا هر چند شیطان آنان را به سوی عذاب سوزان فرا خواند ؟

(لقمان، ۲۱)

وَ مَنْ يَسْلَمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَ إِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (۲۲)

و هر کس خود را در حالی که نیکوکار باشد تسلیم خدا کند ، قطعاً در ریسمان استوارتری چنگ درزده ، و فرجام کارها به سوی خداست .

(لقمان، ۲۲)

وَ مَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُ إِنَّنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۲۳)

و هر کس کفر ورزد ، نباید کفر او تو را غمگین گرداند . بازگشتشان به سوی ماست ، و به [حقیقت] آنچه کرده‌اند آگاهشان خواهیم کرد . در حقیقت ، خدا به راز دلها داناست .

(لقمان، ۲۳)

نُمتَعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ غَلِيظٍ (۲۴)

[ما] آنان را اندکی برخوردار می‌سازیم ، سپس ایشان را در عذابی پر فشار درمانده می‌کنیم .

(لقمان، ۲۴)

وَ لَنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۲۵)

و اگر از آنها بپرسی : « چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است ؟ مسلماً خواهند گفت : « خدا . » بگو : « ستایش از آن خداست » ولی بیشترشان نمی‌دانند .

(لقمان، ۲۵)

لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۲۶)

آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست ، در حقیقت ، خدا همان بی‌نیاز ستوده [صفات] است .

(لقمان، ۲۶)

وَ لَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَ الْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سِنْبَعَةً آبِجْرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲۷)

و اگر آن چه درخت در زمین است قلم باشد و دریا را هفت دریای دیگر به یاری آید ، سخنان خدا پایان نپذیرد . قطعاً خداست که شکستناپذیر حکیم است .

(لقمان، ۲۷)

مَا خَلَقَكُمْ وَلَا يَعْظُمُ إِلَّا تَكْفُسٍ وَاحِدَةً إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (۲۸)

آفرینش و برانگیختن شما [در نزد ما] جز مانند [آفرینش] يك تن نیست ، که خدا شنوای بیناست .

(لقمان، ۲۸)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ يُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ كُلَّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَ أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۲۹)

آیا ندیده‌ای که خدا شب را در روز درمی‌آورد ، و روز را [نیز] در شب درمی‌آورد ، و آفتاب و ماه را تسخیر کرده است [که] هر يك تا وقت معلومی روانند و [نیز] خدا به آنچه می‌کنید آگاه است ؟

(لقمان، ۲۹)

ذَلِكِ بَيِّنَاتٌ لِّلَّهِ هُوَ الْحَقُّ وَ أَنَّ مَا يُدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ وَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَكْبَرُ (۳۰)

این [ها همه] دلیل آن است که خدا خود حق است و غیر از او هر چه را که می‌خوانند باطل است ، و خدا همان بلندمرتبه بزرگ است .

(لقمان، ۳۰)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَةِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۳۱)

آیا ندیده‌ای که کشتیها به نعمت خدا در دریا روان می‌گردند تا برخی از نشانه‌های [قدرت] خود را به شما بنمایاند ؟ قطعاً در این [قدرت نمایی] ، برای هر شکیبای سپاسگزاری ، نشانه‌هاست .

(لقمان، ۳۱)

وَ إِذَا غَشِيَهُمْ مَوْجٌ كَاطِلٌ دَعَا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَ مَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ (۳۲)

و چون موجی کوه‌آسا آنان را فرا گیرد ، خدا را بخوانند و اعتقاد [خود] را برای او خالص گردانند ، و [لی] چون نجاتشان داد و به خشکی رساند برخی از آنان میان‌رو هستند ، و نشانه‌های ما را جز هر خائن ناسپاسگزاری انکار نمی‌کند .

(لقمان، ۳۲)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَ الْخَشَا يُؤْمَا لَا يَجْزِي وَ الدَّ عَن وِلْدِهِ وَ لَا مَوْلُودٌ هُوَ جَارٍ عَن وِلْدِهِ شَيْنًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ لَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ (۳۳)

ای مردم ، از پروردگارتان پروا بدارید ، و بترسید از روزی که هیچ پدری به کار فرزندش نمی‌آید ، و هیچ فرزندی [نیز] به کار پدرش نخواهد آمد . آری ، وعده خدا حق است . زنهار تا این زندگی دنیا شما را نفریبید ، و زنهار تا شیطان شما را مغرور نسازد .

(لقمان، ۳۳)

إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَ مَا تَدْرِي نَفْسٌ مَا دَا تَحْسِبُ غَدًا وَ مَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (۳۴)

در حقیقت ، خداست که علم [به] قیامت نزد اوست ، و باران را فرو می‌فرستد ، و آنچه را که در رحمهاست می‌داند و کسی نمی‌داند فردا چه به دست می‌آورد ، و کسی نمی‌داند در کدامین سرزمین می‌میرد . در حقیقت ، خداست [که] دانای آگاه است .

(لقمان، ۳۴)

ترتیبها- ۳۲	سوره السجده	مکی- آیاتها- ۳۰
-------------	-------------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(السجده، ۰)

الم (۱)

الف ، لام ، میم .

(السجده، ۱)

تَنْزِيلِ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (٢)

نازل شدن این کتاب که هیچ [جای] شک در آن نیست از طرف پروردگار جهانهاست .

(السجده، ٢)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مِمَّا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (٣)

آیا می‌گویند : « آن را برافته است ؟ » [نه چنین است] بلکه آن حق و از جانب پروردگار توست ، تا مردمی را که پیش از تو بیم‌دهنده‌ای برای آنان نیامده است هشدار دهی ، امید که راه یابند .

(السجده، ٣)

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ (٤)

خدا کسی است که آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است ، در شش هنگام آفرید ، آن گاه بر عرش [قدرت] استیلا یافت ، برای شما غیر از او سرپرست و شفاعتگری نیست ؛ آیا باز هم پند نمی‌گیرید ؟

(السجده، ٤)

يُدَبِّرُ الْأُمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ (٥)

کار [جهان] را از آسمان [گرفته] تا زمین ، اداره می‌کند ؛ آن گاه [نتیجه و گزارش آن] در روزی که مقدارش آن چنان که شما [آدمیان] برمی‌شمارید هزار سال است ، به سوی او بالا می‌رود .

(السجده، ٥)

ذُكِرَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (٦)

اوست دانای نهان و آشکار ، که شکوهمند مهربان است .

(السجده، ٦)

الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ (٧)

همان کسی که هر چیزی را که آفریده است نیکو آفریده ، و آفرینش انسان را از گِل آغاز کرد ؛

(السجده، ٧)

ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ (٨)

سپس [تداوم] نسل او را از چکیده آبی پست مقرر فرمود ؛

(السجده، ٨)

ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (٩)

آن گاه او را درست‌اندام کرد ، و از روح خویش در او دمید ، و برای شما گوش و دیدگان و دلها قرار داد ؛ چه اندک سپاس می‌گذارید .

(السجده، ٩)

وَقَالُوا أَإِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ (١٠)

و گفتند : « آیا وقتی در [دل] زمین گم شدیم ، آیا [باز] ما در خلقت جدیدی خواهیم بود ؟ » [نه ،] بلکه آنها به لقای پروردگارشان [و حضور او] کافرند .

(السجده، ١٠)

قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ (١١)

بگو : « فرشته مرگی که بر شما گمارده شده ، جانتان را می‌ستاند ، آن گاه به سوی پروردگارتان بازگردانیده می‌شوید . »

(السجده، ١١)

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُو رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ (١٢)

و کاش هنگامی را که مجرمان پیش پروردگارشان سرهاشان را به زیر افکنده‌اند می‌دیدید [که می‌گویند : « پروردگارا ، دیدیم و شنیدیم ؛ ما را بازگردان تا کار شایسته کنیم ، چرا که ما یقین داریم . »

(السجده، ۱۲)

وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (۱۳)

و اگر می‌خواستیم ، حتماً به هر کسی [از روی جبر] هدایتش را می‌دادیم ، لیکن سخن من محقق گردیده که : « هر آینه جهنم را از همه جنیان و آدمیان خواهم آکند . »

(السجده، ۱۳)

فَدُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۴)

پس به [سزای] آنکه دیدار این روزتان را از یاد بردید [عذاب را] بچشید ؛ ما [نیز] فراموشتان کردیم ، و به [سزای] آنچه انجام می‌دادید عذاب جاودان را بچشید .

(السجده، ۱۴)

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا حَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (۱۵)

تنها کسانی به آیات ما می‌گروند که چون آن [آیات] را به ایشان یادآوری کنند ، سجده‌کنان به روی درمی‌افتند ، و به ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند و آنان بزرگی نمی‌فروشند .

(السجده، ۱۵)

تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۱۶)

پهلوهایشان از خوابگاهها جدا می‌گردد [و] پروردگارشان را از روی بیم و طمع می‌خوانند ، و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند .

(السجده، ۱۶)

فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۷)

هیچ کس نمی‌داند چه چیز از آنچه روشنی‌بخش دیدگان است به [پاداش] آنچه انجام می‌دادند برای آنان پنهان شده است .

(السجده، ۱۷)

أَيُّ مَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ (۱۸)

آیا کسی که مؤمن است ، چون کسی است که نافرمان است ؟ یکسان نیستند .

(السجده، ۱۸)

أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۹)

اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند ، به [پاداش] آنچه انجام می‌دادند در باغهایی که در آن جایگزین می‌شوند ، پذیرایی می‌گردند .

(السجده، ۱۹)

وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّذِي كُنتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (۲۰)

و اما کسانی که نافرمانی کرده‌اند ، پس جایگاهشان آتش است . هر بار که بخواهند از آن بیرون بیایند ، در آن بازگردانیده می‌شوند و به آنان گفته می‌شود : « عذاب آن آتشی را که دروغش می‌پنداشتید بچشید . »

(السجده، ۲۰)

وَلَنذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَلْوَنِ ذُوقًا أَكْثَرَ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۲۱)

و قطعاً غیر از آن عذاب بزرگتر ، از عذاب این دنیا [نیز] به آنان می‌چشانیم ، امید که آنها [به خدا] بازگردند .

(السجده، ۲۱)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ (۲۲)

و کیست بیدادگرت‌تر از آن کس که به آیات پروردگارش پند داده شود [و] آن گاه از آن روی بگرداند ؟ قطعاً ما از مجرمان انتقام کشنده‌ایم .

(السجده، ۲۲)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ (۲۳)

و به راستی [ما] به موسی کتاب دادیم . پس در لقای او [با خدا] تردید مکن ، و آن [کتاب] را برای فرزندان اسرائیل [مایه] هدایت قرار دادیم .

(السجده، ۲۳)

وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بآيَاتِنَا يُوقِنُونَ (۲۴)

و چون شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند ، برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می‌کردند .

(السجده، ۲۴)

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۲۵)

در حقیقت ، پروردگار تو ، خود روز قیامت در آنچه با یکدیگر در باره آن اختلاف می‌نمودند ، میانشان داوری خواهد کرد .

(السجده، ۲۵)

أ وَ لَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ أَ فَلَا يَسْمَعُونَ (۲۶)

آیا برای آنان روشن نگردیده که چه بسیار نسلها را پیش از آنها نابود گردانیدیم [که اینان] در سراهایشان راه می‌روند ؟ قطعاً در این [امر] عبرت‌هاست ، مگر نمی‌شنوند ؟

(السجده، ۲۶)

أ وَ لَمْ يَزُوا أَنَا نَسُقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعاً تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَ أَنْفُسُهُمْ أَ فَلَا يُبْصِرُونَ (۲۷)

آیا ننگریسته‌اند که ما باران را به سوی زمین بایر می‌رانیم ، و به وسیله آن کشته‌ای را برمی‌آوریم که دامهایشان و خودشان از آن می‌خورند ؟ مگر نمی‌بینند ؟

(السجده، ۲۷)

وَ يَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۲۸)

و می‌پرسند : « اگر راست می‌گویید ، این پیروزی [شما] چه وقت است ؟ »

(السجده، ۲۸)

فَلِ يَوْمِ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَ لَا هُمْ يُنظَرُونَ (۲۹)

بگو : « روز پیروزی ، ایمان کسانی که کافر شده‌اند سود نمی‌بخشد و آنان مهلت نمی‌یابند . »

(السجده، ۲۹)

فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ انْتَظِرْ إِنَّهُمْ مُنْتَضِرُونَ (۳۰)

پس ، از ایشان روی برتاب و منتظر باش که آنها نیز در انتظارند .

(السجده، ۳۰)

مدنی-آیاتها-۷۳	سوره الأحزاب	ترتیبها-۳۳
----------------	--------------	------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الأحزاب، ۰)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَ لَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (۱)

ای پیامبر ، از خدا پروا بدار و کافران و منافقان را فرمان مبر ، که خدا همواره دانای حکیم است .

(الأحزاب، ۱)

وَ اتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (۲)

و آنچه را که از جانب پروردگارت به سوی تو وحی می‌شود ، پیروی کن که خدا همواره به آنچه می‌کنید آگاه است .

(الأحزاب، ۲)

وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلاً (۳)

و بر خدا اعتماد کن ، همین بس که خدا نگهدار [تو] ست .

(الأحزاب، ۳)

مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جُوفِهِ وَ مَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمْ اللَّائِي تَظَاهَرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَ مَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَ اللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَ هُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ (۴)

خداوند برای هیچ مردی در درونش دو دل ننهاده است ، و آن همسرانتان را که مورد «ظهار» قرار می‌دهید مادران شما نگردانیده ، و پسرخواندگانتان را پسران [واقعی] شما قرار نداده است . این ، گفتار شما به زبان شمامست ، و [لی] خدا حقیقت را می‌گوید ، و او [ست که] به راه راست هدایت می‌کند .

(الأحزاب، ۴)

ادْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ مَوَالِيكُمْ وَ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَ لَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً (۵)

آنان را به [نام] پدرانشان بخوانید ، که این نزد خدا عادلانه‌تر است ، و اگر پدرانشان را نمی‌شناسید پس برادران دینی و موالی شمایند ، و در آنچه اشتباهاً مرتکب آن شده‌اید بر شما گناهی نیست ، ولی در آنچه دل‌هایتان عمد داشته است [مسئولید] و خداست که همواره آمرزنده مهربان است .

(الأحزاب، ۵)

النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَ أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَ أُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفاً كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُوراً (۶)

پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر [و نزدیکتر] است و همسرانش مادران ایشانند ، و خویشاوندان [طبق] کتاب خدا ، بعضی [نسبت] به بعضی اولویت دارند [و] بر مؤمنان و مهاجران [مقدمند] ، مگر آنکه بخواهید به دوستان [مؤمن] خود [وصیت یا] احسانی کنید ، و این در کتاب [خدا] نگاشته شده است .

(الأحزاب، ۶)

وَ إِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَ مَنَعْنَا مِنْ نُوحٍ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ ابْنَ مَرْيَمَ وَ أَخَذْنَا مِنْهُم مِيثَاقاً غَلِيظاً (۷)

و [یاد کن] هنگامی را که از پیامبران پیمان گرفتیم ، و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم ، و از [همه] آنان پیمانی استوار گرفتیم .

(الأحزاب، ۷)

يَسْأَلُ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ وَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَاباً أَلِيماً (۸)

تا راستان را از صدقشان باز پرسد ، و برای کافران عذابی دردناک آماده کرده است .

(الأحزاب، ۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا رِيحاً وَ جُنُوداً لَمْ تَرَوْهَا وَ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيراً (۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، نعمت خدا را بر خود به یاد آرید ، آن گاه که لشکرهایی به سوی شما [در] آمدند ، پس بر سر آنان تبدیادی و لشکرهایی که آنها را نمی‌دیدید فرستادیم ، و خدا به آنچه می‌کنید همواره بیناست .

(الأحزاب، ۹)

إِذْ جَاءَكُمْ مِنْ قَوْصِكُمْ مِنْ أَسْفَلِ مِنْكُمْ وَ إِذْ رَأَعْتَ الْأَبْصَارَ وَ بَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَ تَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظَّنُونَا (۱۰)

هنگامی که از بالای [سر] شما و از زیر [پای] شما آمدند ، و آن گاه که چشمها خیره شد و جانها به گلوگاهها رسید و به خدا گمانهایی [نابجا] می‌بردید .

(الأحزاب، ۱۰)

هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَ زُلْزِلُوا زَلْزَالاً شَدِيداً (۱۱)

آنجا [بود که] مؤمنان در آزمایش قرار گرفتند و سخت تکان خوردند .

(الأحزاب، ۱۱)

وَ إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلَّا غُرُوراً (۱۲)

و هنگامی که منافقان و کسانی که در دل‌هایشان بیماری است می‌گفتند : « خدا و فرستاده‌اش جز فریب به ما وعده‌ای ندادند . »

(الأحزاب، ۱۲)

وَ إِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مَقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَ يَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَ مَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَاراً (۱۳)

و چون گروهی از آنان گفتند : « ای مردم مدینه ، دیگر شما را جای درنگ نیست ، برگردید . » و گروهی از آنان از پیامبر اجازه می‌خواستند و می‌گفتند : « خانه‌های ما بی‌حفاظ است » و [لی خانه‌هایشان] بی‌حفاظ نبود ، [آنان] جز گریز [از جهاد] چیزی نمی‌خواستند .

(الأحزاب، ۱۳)

و لَوْ خَلَّتْ عَلَيْهِمْ مِنْ أَفْطَارِهَا ثُمَّ سَبَلُوا الْفِتْنَةَ لَأَتَوْهَا وَ مَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا سَبِيْرًا (۱۴)

و اگر از اطراف [مدینه] مورد هجوم واقع می‌شدند و آن گاه آنان را به ارتداد می‌خواندند ، قطعاً آن را می‌پذیرفتند و جز اندکی در این [کار] درنگ نمی‌کردند ؛

(الأحزاب، ۱۴)

وَ لَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤَلُّونَ الْأَدْبَارَ وَ كَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا (۱۵)

با آنکه قبلاً با خدا سخت پیمان بسته بودند که پشت [به دشمن] نکنند ، و پیمان خدا همواره بازخواست دارد .

(الأحزاب، ۱۵)

فَلَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوْ الْقَتْلِ وَ إِذَا لَا تُمْتَعُونَ إِلَّا قَلِيْلًا (۱۶)

بگو : « اگر از مرگ یا کشته شدن بگریزید ، هرگز این گریز برای شما سود نمی‌بخشد ، و در آن صورت جز اندکی برخوردار نخواهید شد . »

(الأحزاب، ۱۶)

قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَ لَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَ لَا نَصِيْرًا (۱۷)

بگو : « چه کسی می‌تواند در برابر خدا از شما حمایت کند اگر او بخواهد برای شما بد بیاورد یا بخواهد شما را رحمت کند ؟ و غیر از خدا برای خود یار و یابری نخواهند یافت . »

(الأحزاب، ۱۷)

قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَ الْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَ لَا يَأْتُونَ النَّبَأَ إِلَّا قَلِيْلًا (۱۸)

خداوند کارشکنان [و مانع شوندهگان] شما و آن کسانی را که به برادرانشان می‌گفتند : « نزد ما بیایید » و جز اندکی روی به جنگ نمی‌آورند [خوب] می‌شناسد .

(الأحزاب، ۱۸)

أَشِحَّةٌ عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يُنظَرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْضَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَفُوكُمْ بِأَسِيْبَةِ جَدَادِ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ أُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَبَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيْرًا (۱۹)

بر شما بخیلتند ، و چون خطر فرا رسد آنان را می‌بینی که مانند کسی که مرگ او را فرو گرفته ، چشمانشان در حدقه می‌چرخد [و] به سوی تو می‌نگرند ؛ و چون ترس برطرف شود شما را با زبان‌هایی تند نیش می‌زنند ؛ بر مال حریصند . آنان ایمان نیاورده‌اند و خدا اعمالشان را تباه گردانیده ، و این [کار] همواره بر خدا آسان است .

(الأحزاب، ۱۹)

يَحْسِبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يُذْهِبُوا وَ إِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابَ يَوَدُّوْنَ لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ وَ لَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيْلًا (۲۰)

اینان [چنین] می‌پندارند که دسته‌های دشمن نرفته‌اند ، و اگر دسته‌های دشمن بزايند آرزو می‌کنند : کاش میان اعراب بادی‌نشین بودند و از اخبار [مربوط به] شما جویا می‌شدند ، و اگر در میان شما بودند ، جز اندکی جنگ نمی‌کردند .

(الأحزاب، ۲۰)

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيْرًا (۲۱)

قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست : برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند .

(الأحزاب، ۲۱)

وَ لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ مَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيْمًا (۲۲)

و چون مؤمنان دسته‌های دشمن را دیدند ، گفتند : « این همان است که خدا و فرستاده‌اش به ما وعده دادند و خدا و فرستاده‌اش راست گفتند » ، و جز بر ایمان و فرمانبرداری آنان نیفزود .

(الأحزاب، ۲۲)

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيْلًا (۲۳)

از میان مؤمنان مردانی‌اند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند . برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز عقیده خود را] تبدیل نکردند .

(الأحزاب، ۲۳)

يَجْزِي اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً (۲۴)

تا خدا راستگویان را به [پاداش] راستی‌شان پاداش دهد ، و منافقان را اگر بخواهد ، عذاب کند یا بر ایشان ببخشد که خدا همواره آمرزنده مهربان است .

(الأحزاب، ۲۴)

وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْراً وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيماً عَزِيزاً (۲۵)

و خداوند آنان را که کفر ورزیده‌اند ، بی‌آنکه به مالی رسیده باشند ، به غیظ [و حسرت] برگرداند ، و خدا [زحمت] جنگ را از مؤمنان برداشت ، و خدا همواره نیرومند شکست‌ناپذیر است .

(الأحزاب، ۲۵)

وَ أَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِبِهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقاً تَقْتُلُونَ وَ تَأْسِرُونَ فَرِيقاً (۲۶)

و کسانی از اهل کتاب را که با [مشرکان] همپشتی کرده بودند ، از دژهایشان به زیر آورد و در دل‌هایشان هراس افکند : گروهی را می‌کشیدید و گروهی را اسیر می‌کردید .

(الأحزاب، ۲۶)

وَ أَوْزَعْتُمْ أَزْوَاجَهُمْ وَ دِيَارَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ وَ أَرْضاً لَمْ تَنْطُوهَا وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيراً (۲۷)

و زمین‌شان و خانه‌ها و اموال‌شان و سرزمینی را که در آن پا ننهاده بودید به شما میراث داد ، و خدا بر هر چیزی تواناست .

(الأحزاب، ۲۷)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعَنَّ وَ أَسْرَحَنَّ سَرَاحاً جَمِيلاً (۲۸)

ای پیامبر ، به همسرانت بگو : « اگر خواهان زندگی دنیا و زینت آنید ، بیایید تا مهترتان را بدهم و [خوش و] خرم شما را رها کنم .

(الأحزاب، ۲۸)

وَ إِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُمْ أَجْراً عَظِيماً (۲۹)

و اگر خواستار خدا و فرستاده وی و سرای آخرتید ، پس به راستی خدا برای نیکوکاران شما پاداش بزرگی آماده گردانیده است .

(الأحزاب، ۲۹)

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُم بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيراً (۳۰)

ای همسران پیامبر ، هر کس از شما مبادرت به کار زشت آشکاری کند ، عذابش دو چندان خواهد بود ؛ و این بر خدا همواره آسان است .

(الأحزاب، ۳۰)

وَ مَنْ يَفْعَلْ مِنْكُم مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْراً يَرَهُ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ لِشَخْصَةٍ رَازِقاً وَ رَبُّهُ يَخْتَصِمُ لِمَنْ يَشَاءُ فِي آيَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ ذَكِيماً (۳۱)

و هر کس از شما خدا و فرستاده‌اش را فرمان برد و کار شایسته کند ، پاداشش را دو چندان می‌دهیم و برایش روزی نیکو فراهم خواهیم ساخت .

(الأحزاب، ۳۱)

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنْ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلاً مَعْرُوفاً (۳۲)

ای همسران پیامبر ، شما مانند هیچ يك از زنان [دیگر] نیستید ، اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است طمع ورزد ؛ و گفتاری شایسته گوید .

(الأحزاب، ۳۲)

وَ قَرْنَ فِي بَيْوتِكُمْ وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَ أَمْنِ الصَّلَاةَ وَ اتَيْنَ الرِّكَاءَ وَ أَطَعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً (۳۳)

و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینتهای خود را آشکار نکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده‌اش را فرمان برید . خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند .

(الأحزاب، ۳۳)

وَ الذُّكْرَنَ مَا يُنْتَلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا (۳۴)

و آنچه را که از آیات خدا و [سخنان] حکمت [آمیز] در خانه‌های شما خوانده می‌شود یاد کنید . در حقیقت ، خدا همواره دقیق و آگاه است .

(الأحزاب، ۳۴)

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَاتِتِينَ وَالْقَاتِتِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّابِغِينَ وَالصَّابِغَاتِ وَالصَّابِغَاتِ وَرُؤُسَهُنَّ وَالْحَافِظِينَ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (۳۵)

مردان و زنان مسلمان ، و مردان و زنان با ایمان ، و مردان و زنان عبادت‌پیشه ، و مردان و زنان راستگو ، و مردان و زنان شکيبا ، و مردان و زنان فروتن ، و مردان و زنان صدقه‌دهنده ، و مردان و زنان روزه‌دار ، و مردان و زنان پاکدامن ، و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند ، خدا برای [همه] آنان آمرزشی و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است .

(الأحزاب، ۳۵)

وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَ مَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا (۳۶)

و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد که چون خدا و فرستاده‌اش به کاری فرمان دهند ، برای آنان در کارشان اختیاری باشد ؛ و هر کس خدا و فرستاده‌اش را نافرمانی کند قطعاً دچار گمراهی آشکاری گردیده است .

(الأحزاب، ۳۶)

وَ إِذْ نَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ وَ تَخْفَى فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَ تَخْشَى النَّاسَ وَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (۳۷)

و آن گاه که به کسی که خدا بر او نعمت ارزانی داشته بود و تو [نیز] به او نعمت داده بودی ، می‌گفتی : « همسرت را پیش خود نگاه دار و از خدا پروا بدار » و آنچه را که خدا آشکارکننده آن بود ، در دل خود نهان می‌کردی و از مردم می‌ترسیدی ، با آنکه خدا سزاوارتر بود که از او بترسی . پس چون زید از آن [زن] کلام برگرفت [و او را ترک گفت] وی را به نکاح تو درآوردیم تا [در آینده] در مورد ازدواج مؤمنان با زنانِ پسرخواندگانشان چون آنان را طلاق گفتند گناهی نباشد ، و فرمان خدا صورت اجرا پذیرد .

(الأحزاب، ۳۷)

مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدْرًا مُقَدَّرًا (۳۸)

بر پیامبر در آنچه خدا برای او فرض گردانیده گناهی نیست . [این] سنت خداست که از دیرباز در میان گذشتگان [معمول] بوده ، و فرمان خدا همواره به اندازه مقرر [و] متناسب با توانایی [است] .

(الأحزاب، ۳۸)

الَّذِينَ يُبْتَغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَ كَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا (۳۹)

همان کسانی که پیامهای خدا را ابلاغ می‌کنند و از او می‌ترسند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند . و خدا برای حسابرسی کفایت می‌کند .

(الأحزاب، ۳۹)

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَ لَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (۴۰)

محمد پدر هیچ يك از مردان شما نیست ، ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است . و خدا همواره بر هر چیزی داناست .

(الأحزاب، ۴۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا الذُّكْرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا (۴۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، خدا را یاد کنید ، یادی بسیار .

(الأحزاب، ۴۱)

وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (۴۲)

و صبح و شام او را به پاکی بستايند .

(الأحزاب، ۴۲)

هُوَ الَّذِي يُصَلِّيْ عَلَيْكُمْ وَ مَلَائِكَتُهُ يُخْرِجُكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ كَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا (۴۳)

اوست کسی که با فرشتگان خود بر شما درود می‌فرستد تا شما را از تاریکیها به سوی روشنائی برآورد ، و به مؤمنان همواره مهربان است .

(الأحزاب، ۴۳)

تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا (۴۴)

درویشان روزی که دیدارش کنند سلام خواهد بود ، و برای آنان پاداشی نیکو آماده کرده است .

(الأحزاب، ۴۴)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (۴۵)

ای پیامبر ، ما تو را [به سیمت] گواه و بشارتگر و هشداردهنده فرستادیم ،

(الأحزاب، ۴۵)

و دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِرَاجًا مُنِيرًا (۴۶)

و دعوتکننده به سوی خدا به فرمان او ، و چراغی تابناک .

(الأحزاب، ۴۶)

و بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا (۴۷)

و مؤمنان را مژده ده که برای آنان از جانب خدا بخشایشی فراوان خواهد بود .

(الأحزاب، ۴۷)

و لَا تَطِعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنافِقِينَ وَ دَعْ أَذَاهُمْ وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلاً (۴۸)

و کافران و منافقان را فرمان مبر ، و از آزارشان بگذر و بر خدا اعتماد کن و کارسازی [چون] خدا کفایت می‌کند .

(الأحزاب، ۴۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَكَرَّرْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَنْعُوهُنَّ وَسَرَخُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا (۴۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، اگر زنان مؤمن را به نکاح خود درآوردید ، آن گاه پیش از آنکه با آنان همخوابگی کنید ، طلاقشان دادید ، دیگر بر عهده آنها عده‌ای که آن را بشمارید ، نیست ؛ پس مهرشان را بدهید و خوش و خرم آنها را رها کنید .

(الأحزاب، ۴۹)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَعْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّائِيَّاتِ اللَّائِيَّاتِ أَجُورَهُنَّ وَ مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَ بَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَ بَنَاتِ خَالَاتِكَ وَ بَنَاتِ خَالَاتِكَ اللَّائِيَّاتِ هَاجِرَاتٍ مَعَكَ وَ امْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبْتَ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْكُمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكُمْ حَرَجٌ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (۵۰)

ای پیامبر ، ما برای تو آن همسرانی را که مهرشان را داده‌ای حلال کردیم ، و [کنیزانی] را که خدا از غنیمت جنگی در اختیار تو قرار داده ، و دختران عمویت و دختران عمه‌هایت و دختران دایی تو و دختران خاله‌هایت که با تو مهاجرت کرده‌اند ، و زن مؤمنی که خود را [داوطلبانه] به پیامبر ببخشد در صورتی که پیامبر بخواهد او را به زنی گیرد . [این ازدواج از روی بخشش [ویژه توست نه دیگر مؤمنان] . ما نیک می‌دانیم که در مورد زنان و کنیزانشان چه بر آنان مقرر کرده‌ایم ، تا برای تو مشکلی پیش نیاید ، و خدا همواره آمرزنده مهربان است .

(الأحزاب، ۵۰)

تُرْجَىٰ مِنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَ تُؤْوَىٰ إِلَيْكَ مِنْ تَشَاءُ وَ مَنِ ابْتِغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ وَ لَا يَحْزَنَ وَ يَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْنَهُنَّ كُلَّهُنَّ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا (۵۱)

تویت هر کدام از آن زنها را که می‌خواهی به تأخیر انداز و هر کدام را که می‌خواهی پیش خود جای ده ، و بر تو باکی نیست که هر کدام را که ترک کرده‌ای [دوباره] طلب کنی . این نزدیکتر است برای اینکه چشمانشان روشن گردد و دل‌تنگ نشوند و همگی‌شان به آنچه به آنان داده‌ای خشنود گردند ، و آنچه در دل‌های شماست خدا می‌داند ، و خدا همواره دانای بردبار است .

(الأحزاب، ۵۱)

لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدِ وَ لَا أَنْ تَبْدَلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَ لَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَ كَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا (۵۲)

از این پس ، دیگر [گرفتن] زنان و نیز اینکه به جای آنان ، زنان دیگری بگیری بر تو حلال نیست ، هر چند زیبایی آنها برای تو مورد پسند آفتد ، به استثنای کنیزان ، و خدا همواره بر هر چیزی مراقب است .

(الأحزاب، ۵۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤَدِّنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرَ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْسِنِينَ لِحَدِيثِ إِنَّ دُخْلَكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَخِيبُ مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَخِيبُ مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنكِحُوا أَرْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ دُخْلَكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا (٥٣)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، داخل اتاقهای پیامبر مشوید ، مگر آنکه برای [خوردن] طعامی به شما اجازه داده شود ، [آن هم] بی‌آنکه در انتظار پخته‌شدن آن باشید ؛ ولی هنگامی که دعوت شدید داخل گردید ، و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید بی‌آنکه سرگرم سخنی گردید . این [رفتار] شما پیامبر را می‌رنجاند و [لی] از شما شرم می‌دارد ، و حال آنکه خدا از حق [گویی] شرم نمی‌کند ، و چون از زنان [پیامبر] چیزی خواستید از پشت پرده از آنان بخواهید ؛ این برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاکیزه‌تر است ، و شما حق ندارید رسول خدا را برنجانید ، و مطلقاً [نباید] زناش را پس از [مرگ] او به نکاح خود درآورید ، چرا که این [کار] نزد خدا همواره [گناهی] بزرگ است .

(الأحزاب، ٥٣)

إِنْ تُبْدُوا شَيْئًا أَوْ تَخْفَوْهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (٥٤)

اگر چیزی را فاش کنید یا آن را پنهان دارید قطعاً خدا به هر چیزی داناست .

(الأحزاب، ٥٤)

لَا جُنَاحَ عَلَيْهِمْ فِي آبَائِهِمْ وَلَا أَبْنَائِهِمْ وَلَا إِخْوَانِهِمْ وَلَا أبنَاءِ إِخْوَانِهِمْ وَلَا أَبْنَاءِ أَخَوَاتِهِمْ وَلَا نِسَابِهِمْ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا (٥٥)

بر زنان در مورد پدران و پسران و برادران و پسران برادران و پسران خواهران و زنان [همکیش] و بردگانشان گناهی نیست [که دیده شوند] ؛ و باید از خدا پروا بدارید که خدا همواره بر هر چیزی گواه است .

(الأحزاب، ٥٥)

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (٥٦)

خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند . ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، بر او درود فرستید و به فرمایش بخوبی گردن نهید .

(الأحزاب، ٥٦)

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا (٥٧)

بی‌گمان ، کسانی که خدا و پیامبر او را آزار می‌رسانند ، خدا آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده و برایشان عذابی خفت‌آور آماده ساخته است .

(الأحزاب، ٥٧)

وَ الَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغْيٍ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ اِخْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا (٥٨)

و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی‌آنکه مرتکب [عمل زشتی] شده باشند آزار می‌رسانند ، قطعاً تهمت و گناهی آشکار به گردن گرفته‌اند .

(الأحزاب، ٥٨)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَرْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (٥٩)

ای پیامبر ، به زنان و دختران و به زنان مؤمنان بگو : « پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند . این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیکتر است ، و خدا آمرزنده مهربان است .

(الأحزاب، ٥٩)

لَنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُتَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا (٦٠)

اگر منافقان و کسانی که در دل‌هایشان مرضی هست و شایعه‌افکنان در مدینه ، [از کارشان] باز نایستند ، تو را سخت بر آنان مسلط می‌کنیم تا جز [مدتی] اندک در همسایگی تو نپایند .

(الأحزاب، ٦٠)

مُتَعُونِينَ أَيْنَمَا تَجُفُوا أُخْذُوا وَقُتِلُوا تَقْتِيلًا (٦١)

از رحمت خدا دور گردیده و هر کجا یافته شوند گرفته و سخت کشته خواهند شد .

(الأحزاب، ٦١)

سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا (٦٢)

در باره کسانی که پیشتر بوده‌اند [همین] سنت خدا [جاری بوده] است ؛ و در سنت خدا هرگز تغییری نخواهی یافت .

(الأحزاب، ٦٢)

يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ فَلَنْ إِنَّمَا عَلَّمَهَا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا يُذَرِّبُكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيباً (٦٣)

مردم از تو در باره رستاخیز می‌پرسند ؛ بگو : « علم آن فقط نزد خداست . » و چه می‌دانی ؟ شاید رستاخیز نزدیک باشد .

(الأحزاب، ٦٣)

إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَ أَعَدَّ لَهُمْ سَعيراً (٦٤)

خدا کافران را لعنت کرده و برای آنها آتش فروزانی آماده کرده است .

(الأحزاب، ٦٤)

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَداً لَا يَجِدُونَ وَلِيّاً وَ لَا نَصيراً (٦٥)

جاودانه در آن می‌مانند ، نه یاری می‌یابند و نه یآوری .

(الأحزاب، ٦٥)

يَوْمَ تُغْلَبُ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَ أَطَعْنَا الرَّسُولَ (٦٦)

روزی که چهره‌هایشان را در آتش زیر و رو می‌کنند ، می‌گویند : « ای کاش ما خدا را فرمان می‌بردیم و پیامبر را اطاعت می‌کردیم . »

(الأحزاب، ٦٦)

وَ قَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَ كُبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَ (٦٧)

و می‌گویند : « پروردگارا ، ما رؤسا و بزرگتران خویش را اطاعت کردیم و ما را از راه به در کردند . »

(الأحزاب، ٦٧)

رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَ الْعُنْهُمُ لَعْنَاً كَبِيراً (٦٨)

« پروردگارا ، آنان را دو چندان عذاب ده و لعنتشان کن لعنتی بزرگ . »

(الأحزاب، ٦٨)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيباً (٦٩)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، مانند کسانی مباشید که موسی را [با اتهام خود] آزار دادند ، و خدا او را از آنچه گفتند مبرا ساخت و نزد خدا آبرومند بود .

(الأحزاب، ٦٩)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيداً (٧٠)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، از خدا پروا دارید و سخنی استوار گوید .

(الأحزاب، ٧٠)

يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزاً عَظِيماً (٧١)

تا اعمال شما را به صلاح آورد و گناهانتان را بر شما ببخشد ، و هر کس خدا و پیامبرش را فرمان برد قطعاً به بزرگی نایل آمده است .

(الأحزاب، ٧١)

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُوماً جَهُولاً (٧٢)

ما امانت [الهی و بار تکلیف] را بر آسمانها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم ، پس ، از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسناک شدند ، و [لی] انسان آن را برداشت ؛ راستی او ستمگری نادان بود .

(الأحزاب، ٧٢)

لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَ الْمُنَافِقَاتِ وَ الْمَشْرِكِينَ وَ الْمَشْرِكَاتِ وَ يُتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ كَانَ اللَّهُ غَفوراً رَحِيماً (٧٣)

[آری ، چنین است] تا خدا مردان و زنان منافق ، و مردان و زنان مشرک را عذاب کند و توبه مردان و زنان با ایمان را بپذیرد ، و خدا همواره آمرزنده مهربان است .

مکی-آیاتها-۵۴	سوره سبا	ترتیبها-۳۴
---------------	----------	------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(سبأ، ۰)

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَلَمْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَ هُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ (۱)

سپاس خدایی را که آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست ، و در آخرت [نیز] سپاس از آن اوست ، و هم اوست سنجیده‌کار آگاه .

(سبأ، ۱)

يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا يَرْجِعُ فِيهَا وَ هُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ (۲)

آنچه در زمین فرو می‌رود و آنچه از آن بر می‌آید و آنچه از آسمان فرو می‌شود و آنچه در آن بالا می‌رود [همه را] می‌داند ، و اوست مهربان آمرزنده .

(سبأ، ۲)

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَى وَ رَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ وَ لَا أَصَغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَ لَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (۳)

و کسانی که کافر شدند ، گفتند : « رستاخیز برای ما نخواهد آمد . » بگو : « چرا ، سوگند به پروردگرم که حتماً برای شما خواهد آمد . [همان] دانای نهان [ها] که هموزن زده‌ای ، نه در آسمانها و نه در زمین ، از وی پوشیده نیست ، و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر از آن است مگر اینکه در کتابی روشن [درج شده] است . »

(سبأ، ۳)

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ (۴)

تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند به پاداش رساند ؛ آنانند که آمرزش و روزی خوش برایشان خواهد بود .

(سبأ، ۴)

وَ الَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رَجْزِ آلِيمٍ (۵)

و کسانی که در [ابطال] آیات ما کوشش می‌ورزند که ما را درمانده کنند ، برایشان عذابی از بلایی دردناک باشد .

(سبأ، ۵)

وَ يَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَ يَهْدِي إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (۶)

و کسانی که از دانش بهره یافته‌اند ، می‌دانند که آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده ، حق است و به راه آن عزیز ستوده [صفات] راهبری می‌کند .

(سبأ، ۶)

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَى رَجُلٍ يُنْبئُكُمْ إِذَا مُرِّقْتُمْ كُلَّ مُمَرِّقٍ أَنْكُمْ لَقِيَ خَلْقٍ جَدِيدٍ (۷)

و کسانی که کفر ورزیدند ، گفتند : « آیا مردی را به شما نشان دهیم که شما را خبر می‌دهد که چون کاملاً متلاشی شدید ، [باز] قطعاً در آفرینشی جدید خواهید بود ؟

(سبأ، ۷)

أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ بَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَ الضَّلَالِ الْبَعِيدِ (۸)

آیا [این مرد] بر خدا دروغی بسته یا جنونی در اوست ؟ [نه !] بلکه آنان که به آخرت ایمان ندارند در عذاب و گمراهی دور و درازند .

(سبأ، ۸)

أَلَمْ يَرَوْا إِلَى مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّ نَشَأَ نُحُوسِهِمْ فِي الْأَرْضِ أَوْ نُسْفُطُ عَلَيْهِمْ كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِكُلِّ عَنِيدٍ مُنِيْبٍ (۹)

آیا به آنچه از آسمان و زمین در دسترسشان و پشت سرشان است ننگریسته‌اند ؟ اگر بخواهیم آنان را در زمین فرو می‌بریم ، یا پارسه‌سنگهایی از آسمان بر سرشان می‌افکنیم . قطعاً در این [تهدید] برای هر بنده توبه‌کاری عبرت است .

(سبأ، ۹)

وَ لَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِمَّا فُضِّلَ بِهِ يَا جِبَالِ أَوْبِي مَعَهُ وَ الطَّيْرَ وَ أَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ (١٠)

و به راستی داوود را از جانب خویش مرتبتی عطا کردیم . [و گفتیم :] ای کوه‌ها ، با او [در تسبیح خدا] همصدا شوید ، و ای پرندگان [هماهنگی کنید] . و آهن را برای او نرم گردانیدیم .

(سبأ، ١٠)

أَنِ اعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَ قَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَ اعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (١١)

[که] زره‌های فراخ بساز و حلقه‌ها را درست اندازه‌گیری کن . و کار شایسته کنید ، زیرا من به آنچه انجام می‌دهید بینام .

(سبأ، ١١)

وَ لِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوها شَهْرٌ وَ رَوَاحُهَا شَهْرٌ وَ أَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَ مِنَ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ مَنْ يَزِغُ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ (١٢)

و باد را برای سلیمان [رام کردیم :] که رفتن آن بامداد ، یک ماه ، و آمدنش شبانگاه ، یک ماه [راه] بود ، و معدن مس را برای او ذوب [و روان] گردانیدیم ، و برخی از جن به فرمان پروردگارش پیش او کار می‌کردند ، و هر کس از آنها از دستور ما سر برمی‌تافت ، از عذاب سوزان به او می‌چشاندیم .

(سبأ، ١٢)

يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَ تَمَاثِيلٍ وَ جِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ (١٣)

[آن متخصصان] برای او هر چه می‌خواست : از نمازخانه‌ها و مجسمه‌ها و ظروف بزرگ مانند حوضچه‌ها و دیگهای چسبیده به زمین می‌ساختند . ای خاندان داوود ، شکرگزار باشید . و از بندگان من اندکی سپاسگزارند .

(سبأ، ١٣)

فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ (١٤)

پس چون مرگ را بر او مقرر داشتیم ، جز جنبنده‌ای خاکی [موریانه] که عصای او را [به تدریج] می‌خورد ، [آدمیان را] از مرگ او آگاه نگردانید ؛ پس چون [سلیمان] فرو افتاد برای جَنیان روشن گردید که اگر غیب می‌دانستند ، در آن عذاب حَقَّتْ‌آور [باقی] نمی‌ماندند .

(سبأ، ١٤)

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَئِهِمْ آيَةٌ جِئَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبٌّ غَفُورٌ (١٥)

قطعاً برای [مردم] سبأ در محل سکونتشان نشانه [رحمتی] بود : دو باغستان از راست و چپ [به آنان گفتیم :] از روزی پروردگارتان بخورید و او را شکر کنید . شهری است خوش و خدایی آمرزنده .

(سبأ، ١٥)

فَاعْرَضُوا فَاَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَ بَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جِنَّتَيْنِ ذَوَاتِيْ اَكْلِ خُمُطٍ وَ اَثَلٍ وَ شَجَرٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ (١٦)

پس روی گردانیدند ، و بر آن سیل [سد] عَرِم را روانه کردیم ، و دو باغستان آنها را به دو باغ که میوه‌های تلخ و شوره‌گز و نوعی از کُنار تُنَّك داشت تبدیل کردیم .

(سبأ، ١٦)

ذَلِكِ جَزَاءُ مَا كَفَرُوا وَ هَلْ نُجَازِيْ إِلَّا الْكَافِرَ (١٧)

این [عقوبت] را به [سزای] آنکه کفران کردند به آنان جزا دادیم ؛ و آیا جز ناسپاس را به مجازات می‌رسانیم ؟

(سبأ، ١٧)

وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَرَى الْوَادِيَّ الَّذِي بَارَكْنَا فِيهَا قَرَى ظَاهِرَةً وَ قَدَرْنَا فِيهَا السِّيْرَ سِيْرُوا فِيهَا لِيَالِيْ وَ أَيَّاماً آمِنِينَ (١٨)

و میان آنان و میان آبادی‌هایی که در آنها برکت نهاده بودیم شهرهای متصل به هم قرار داده بودیم ، و در میان آنها مسافت را ، به اندازه ، مقرر داشته بودیم . در این [راه] ها ، شبان و روزان آسوده‌خاطر بگردید .

(سبأ، ١٨)

فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَ مَرَقْنَاهُمْ كُلَّ مَرْقٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (١٩)

تا گفتند : « پروردگارا ، میان [منزل‌های] سفرهایمان فاصله انداز . » و بر خویشان ستم کردند . پس آنها را [برای آیندگان ، موضوع] حکایتها گردانیدیم ، و سخت‌تار و مارشان کردیم ؛ قطعاً در این [ماجرا] برای هر شکیبای سپاسگزاری عبرت‌هاست .

(سبأ، ١٩)

وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲۰)

و قطعاً شیطان گمان خود را در مورد آنها راست یافت . و جز گروهی از مؤمنان ، [بقیه] از او پیروی کردند .

(سبأ، ۲۰)

وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَأْتِيهِمْ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَ رَبُّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ (۲۱)

و [شیطان] را بر آنان تسلطی نبود ، جز آنکه کسی را که به آخرت ایمان دارد از کسی که در باره آن در تردید است باز شناسیم . و پروردگار تو بر هر چیزی نگاهبان است .

(سبأ، ۲۱)

قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مَقَالَ دَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ وَ مَا لَهُمْ فِيهِنَّ مِنْ شِرْكٍَ وَ مَا لَهُ مِنْهُنَّ مِنْ ظَهِيرٍ (۲۲)

بگو : « کسانی را که جز خدا [معبود خود] پنداشته‌اید بخوانید ؛ هموزن ذره‌ای نه در آسمانها و نه در زمین مالک نیستند ، و در آن دو شرکتی ندارند ، و برای وی از میان آنان هیچ پشتیبانی نیست . »

(سبأ، ۲۲)

وَ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّىٰ إِذَا فُزِعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقُّ وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ (۲۳)

و شفاعتگری در پیشگاه او سود نمی‌بخشد ، مگر برای آن کس که به وی اجازه دهد . تا چون هراس از دل‌هایشان برطرف شود ، می‌گویند : « پروردگارتان چه فرمود ؟ » می‌گویند : « حقیقت ؛ و هموست بلندمرتبه و بزرگ . »

(سبأ، ۲۳)

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ قُلْ اللَّهُ وَ إِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًىٰ أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۲۴)

بگو : « کیست که شما را از آسمانها و زمین روزی می‌دهد ؟ » بگو : « خدا ؛ و در حقیقت یا ما ، یا شما بر هدایت یا گمراهی آشکاریم . »

(سبأ، ۲۴)

قُلْ لَا تَسْأَلُونَ عَمَّا أُجِرْنَا وَ لَا نَسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۲۵)

بگو : « [شما] از آنچه ما مرتکب شده‌ایم بازخواست نخواهید شد ، و [ما نیز] از آنچه شما انجام می‌دهید بازخواست نخواهیم شد . »

(سبأ، ۲۵)

قُلْ نَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبِّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَ هُوَ الْفَاتِحُ الْعَلِيمُ (۲۶)

بگو : « پروردگاران ما و شما را جمع خواهد کرد ؛ سپس میان ما به حق داوری می‌کند ، و اوست داور دانا . »

(سبأ، ۲۶)

قُلْ أَرُونِي الَّذِينَ أَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲۷)

بگو : « کسانی را که [به عنوان] شریک به او ملحق گردانیده‌اید ، به من نشان دهید . » چنین نیست ، بلکه اوست خدای عزیز حکیم .

(سبأ، ۲۷)

وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۲۸)

و ما تو را جز [به سمت] بشارتگر و هشداردهنده برای تمام مردم ، نفرستادیم ؛ لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند .

(سبأ، ۲۸)

وَ يَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۲۹)

و می‌گویند : « اگر راست می‌گویید ، این وعده چه وقت است ؟ »

(سبأ، ۲۹)

قُلْ لَكُمْ مِيعَادٌ يَوْمَ لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَ لَا تَسْتَقْدِمُونَ (۳۰)

بگو : « ميعاد شما روزی است که نه ساعتی از آن پس توانید رفت ، و نه پیشی توانید جست . »

(سبأ، ۳۰)

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَ لَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْجَعُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ الْقَوْلِ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْ لَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ (٣١)

و کسانی که کافر شدند گفتند : « نه به این قرآن و نه به آن [توراتی] که پیش از آن است هرگز ایمان نخواهیم آورد . » و ای کاش بیدادگران را هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان بازداشت شده‌اند می‌دیدید [که چگونه] برخی از آنان با برخی [دیگر جدل و] گفتگو می‌کنند ؛ کسانی که زیردست بودند به کسانی که [ریاست و] برتری داشتند ، می‌گویند : « اگر شما نبودید قطعاً ما مؤمن بودیم . »

(سبأ، ٣١)

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا أ تَخُنْ صَدَدْتَنَاكُمْ عَنِ الْهُدَى بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ (٣٢)

کسانی که [ریاست و] برتری داشتند ، به کسانی که زیردست بودند ، می‌گویند : « مگر ما بودیم که شما را از هدایت پس از آنکه به سوی شما آمد بازداشتیم ؟ [نه ،] بلکه خودتان گناهکار بودید . »

(سبأ، ٣٢)

وَ قَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَ نَجْعَلَ لَهُ أَنْدَاداً وَ اسْرَوْا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَ جَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (٣٣)

و کسانی که زیردست بودند به کسانی که [ریاست و] برتری داشتند ، می‌گویند : « [نه ،] بلکه نیرنگ شب و روز [شما بود] آن گاه که ما را وادار می‌کردید که به خدا کافر شویم و برای او هم‌تایانی قرار دهیم . » و هنگامی که عذاب را ببینند پشیمانی خود را آشکار کنند . و در گردنهای کسانی که کافر شده‌اند غلها می‌نهمیم ؛ آیا جز به سزای آنچه انجام می‌دادند می‌رسند ؟

(سبأ، ٣٣)

وَ مَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (٣٤)

و [ما] در هیچ شهری هشداردهنده‌ای نفرستادیم جز آنکه خوشگذرانان آنها گفتند : « ما به آنچه شما بدان فرستاده شده‌اید کافریم . »

(سبأ، ٣٤)

وَ قَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالاً وَ أَوْلَاداً وَ مَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ (٣٥)

و گفتند : « ما دارایی و فرزندانمان از همه بیشتر است و ما عذاب نخواهیم شد . »

(سبأ، ٣٥)

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (٣٦)

بگو : « پروردگار من است که روزی را برای هر کس که بخواهد گشاده یا تنگ می‌گرداند ؛ لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند . »

(سبأ، ٣٦)

وَ مَا أَمْوَالُكُمْ وَ لَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عَلَيْنَا زُلْفَى إِلَّا مَنْ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحاً فَأُولَئِكَ لَهُمْ جِزَاءٌ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَ هُمْ فِي الْفِرْقَاتِ آمِنُونَ (٣٧)

و اموال و فرزندانمان چیزی نیست که شما را به پیشگاه ما نزدیک گرداند ، مگر کسانی که ایمان آورده و کار شایسته کرده باشند . پس برای آنان دو برابر آنچه انجام داده‌اند پاداش است و آنها در غرفه‌ها [ی بهشتی] آسوده خاطر خواهند بود .

(سبأ، ٣٧)

وَ الَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ (٣٨)

و کسانی که در [ابطال] آیات ما می‌کوشند که [ما را به خیال خود] درمانده کنند ؛ آنانند که در عذاب احضار می‌شوند .

(سبأ، ٣٨)

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ لَهُ وَ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَ هُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (٣٩)

بگو : « در حقیقت ، پروردگار من است که روزی را برای هر کس از بندگانش که بخواهد گشاده یا برای او تنگ می‌گرداند . و هر چه را انفاق کردید عوضش را او می‌دهد . و او بهترین روزی دهندگان است . »

(سبأ، ٣٩)

وَ يَوْمَ يَخْشَرُهُمْ جَمِيعاً ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أ هَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ (٤٠)

و [یاد کن] روزی را که همه آنان را محشور می‌کند ، آن گاه به فرشتگان می‌فرماید : « آیا اینها بودند که شما را می‌پرستیدند ؟ »

(سبأ، ۴۰)

قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيِّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ (۴۱)

می‌گویند: «منزهی تو، سرپرست ما تویی نه آنها! بلکه جنیان را می‌پرستیدند؛ بیشترشان به آنها اعتقاد داشتند.»

(سبأ، ۴۱)

قَالِيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَ نَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ (۴۲)

اکنون برای یکدیگر سود و زیانی ندارید، و به کسانی که ستم کرده‌اند می‌گوییم: «بجشید عذاب آتشی را که آن را دروغ می‌شمردید.»

(سبأ، ۴۲)

وَ إِذَا تَنَنَّا عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصْنَعَكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاءَكُمْ وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا إِفْكٌ مُفْتَرَىٰ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ (۴۳)

و چون آیات تابناک ما بر آنان خوانده می‌شود می‌گویند: «این جز مردی نیست که می‌خواهد شما را از آنچه پدرانتان می‌پرستیدند باز دارد.» و [نیز] می‌گویند: «این جز دروغی برافتنه نیست.» و کسانی که به حق چون به سویشان آمد کافر شدند می‌گویند: «این جز افسونی آشکار نیست.»

(سبأ، ۴۳)

وَ مَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَ مَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَذِيرٍ (۴۴)

و ما کتابهایی به آنان نداده بودیم که آن را بخوانند، و پیش از تو هشداردهنده‌ای به سویشان نفرستاده بودیم.

(سبأ، ۴۴)

وَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ مَا بَلَّغُوا مَعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرٍ (۴۵)

و کسانی که پیش از ایشان بودند، [نیز] تکذیب کردند، در حالی که اینان به دهیک آنچه بدیشان داده بودیم نرسیده‌اند. [آری،] فرستادگان مرا دروغ شمردند؛ پس چگونه بود کیفر من؟

(سبأ، ۴۵)

قُلْ إِنَّمَا أَعْطِيكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَتَىٰ وَ فَرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ (۴۶)

بگو: «من فقط به شما یک اندرز می‌دهم که: دو دو و به تنهایی برای خدا به پا خیزید، سپس بیندیشید که رفیق شما هیچ گونه دیوانگی ندارد. او شما را از عذاب سختی که در پیش است جز هشداردهنده‌ای [بیش] نیست.»

(سبأ، ۴۶)

قُلْ مَا سَأَلْتُمْ مِنْ أَجْرِ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۴۷)

بگو: «هر مزدی که از شما خواستم آن از خودتان! مزد من جز بر خدا نیست، و او بر هر چیزی گواه است.»

(سبأ، ۴۷)

قُلْ إِنْ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَٰمَ الْغُيُوبِ (۴۸)

بگو: «بی‌گمان، پروردگرم حقیقت را القا می‌کند؛ [اوست] دانای نهانها.»

(سبأ، ۴۸)

قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ مَا يُبَدِّئُ الْبَاطِلُ وَ مَا يُعِيدُ (۴۹)

بگو: «حق آمد و [دیگر] باطل از سر نمی‌گیرد و بر نمی‌گردد.»

(سبأ، ۴۹)

قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي وَ إِنْ اهْتَدَيْتُ فِيمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ (۵۰)

بگو: «اگر گمراه شوم، فقط به زیان خود گمراه شده‌ام، و اگر هدایت یابم [این از برکت] چیزی است که پروردگرم به سویم وحی می‌کند، که اوست شنوای نزدیک.»

(سبأ، ۵۰)

وَ لَوْ تَرَىٰ إِذُ فَرَعُوا فَلَا قُوَّةَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ (۵۱)

و ای کاش میدیدی هنگامی را که [کافران] وحشتزده‌اند [آنجا که راه] گریزی نمانده است و از جایی نزدیک گرفتار آمده‌اند .

(سبأ، ۵۱)

وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ وَ آتَىٰ لَهُمُ التَّنَافُسُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۵۲)

و می‌گویند : « به او ایمان آوردیم . » و چگونه از جایی [چنین] دور ، دست یافتن [به ایمان] برای آنان میسر است ؟

(سبأ، ۵۲)

وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَ يَقْدِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۵۳)

و حال آنکه پیش از این منکر او شدند ، و از جایی دور ، به نادیده [تیر تهمت] می‌افکندند .

(سبأ، ۵۳)

وَ حِيلَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ (۵۴)

و میان آنان و میان آنچه [به آرزو] می‌خواستند حایلی قرار می‌گیرد ؛ همان گونه که از دیرباز با امثال ایشان چنین رفت ، زیرا آنها [نیز] در دودلی سختی بودند .

(سبأ، ۵۴)

ترتیبها- ۳۵	سوره فاطر	مکی- آیاتها- ۴۵
-------------	-----------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(فاطر، ۰)

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَ ثَلَاثَ وَ رِبَاعٍ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱)

سپاس خدای را که پدیدآورنده آسمان و زمین است [و] فرشتگان را که دارای بالهای دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه‌اند پیام‌آورنده قرار داده است . در آفرینش ، هر چه بخواهد می‌افزاید ، زیرا خدا بر هر چیزی تواناست .

(فاطر، ۱)

مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَ مَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲)

هر رحمتی را که خدا برای مردم گشاید ، بازدارنده‌ای برای آن نیست ، و آنچه را که باز دارد ، پس از [باز گرفتن] گشاینده‌ای ندارد ، و اوست همان شکست‌ناپذیر سنجیده‌کار .

(فاطر، ۲)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقِ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَآلِي تُوَفَّقُونَ (۳)

ای مردم ، نعمت خدا را بر خود یاد کنید . آیا غیر از خدا آفریدگاری است که شما را از آسمان و زمین روزی دهد ؟ خدایی جز او نیست . پس چگونه [از حق] انحراف می‌یابید ؟

(فاطر، ۳)

وَ إِنْ يَكْذِبُوا فَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۴)

و اگر تو را تکذیب کنند ، قطعاً پیش از تو [هم] فرستادگانی تکذیب شدند . و [همه] کارها به سوی خدا بازگردانیده می‌شود .

(فاطر، ۴)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ لَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ (۵)

ای مردم ، همانا وعده خدا حق است . زنده‌ای تا این زندگی دنیا شما را فریب ندهد ، و زنده‌ای تا [شیطان] فریبنده شما را در باره خدا نفریبد .

(فاطر، ۵)

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ (۶)

در حقیقت ، شیطان دشمن شماست ، شما [نیز] او را دشمن بگیرید . [او] فقط دار و دسته خود را می‌خواند تا آنها از یاران آتش باشند .

(فاطر، ۶)

الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ (۷)

کسانی که کفر ورزیده‌اند ، عذابی سخت خواهند داشت . و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند ، برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است .

(فاطر، ۷)

أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تُدْرِكُهُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٌ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (۸)

آیا آن کس که زشتی کردارش برای او آراسته شده و آن را زیبا می‌بیند [مانند مؤمن نیکوکار است] ؟ خداست که هر که را بخواهد بی‌راه می‌گذارد و هر که را بخواهد هدایت می‌کند . پس مبادا به سبب حسرتها [ی گوناگون] بر آنان ، جانت [از کف] برود ؛ قطعاً خدا به آنچه می‌کند داناست .

(فاطر، ۸)

وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْتَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَاهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ (۹)

و خدا همان کسی است که بادها را روانه می‌کند ؛ پس [بادها] ابری را برمی‌انگیزند ، و [ما] آن را به سوی سرزمینی مرده رانیم ، و آن زمین را بدان [وسیله] ، پس از مرگش زندگی بخشیدیم ؛ رستاخیز [نیز] چنین است .

(فاطر، ۹)

مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يُبْوَ (۱۰)

هر کس سربلندی می‌خواهد ، سربلندی یکسره از آن خداست . سخنان پاکیزه به سوی او بالا می‌رود ، و کار شایسته به آن رفعت می‌بخشد . و کسانی که با حيله و مکر کارهای بد می‌کنند ، عذابی سخت خواهند داشت ، و نیرنگشان خود تباه می‌گردد .

(فاطر، ۱۰)

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعْمَرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۱۱)

و خدا [ست که] شما را از خاکی آفرید ، سپس از نطفه‌ای ، آن گاه شما را جفت جفت گردانید ، و هیچ مادینه‌ای بار نمی‌گیرد و بار نمی‌نهد مگر به علم او . و هیچ سالخورده‌ای عمر دراز نمی‌یابد و از عمرش کاسته نمی‌شود ، مگر آنکه در کتابی [مندرج] است . در حقیقت ، این [کار] بر خدا آسان است .

(فاطر، ۱۱)

وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٍ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أجاجٌ وَمَنْ كُلُّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حَبِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَازِرَ لَتَبْتَعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۲)

و دو دریا یکسان نیستند : این يك ، شیرین تشنگی‌زدا [و] نوشیدنش گواراست ؛ و آن يك ، شور تلخ‌مزه است ؛ و از هر يك گوشتی تازه می‌خورید و زیوری که آن را بر خود می‌پوشید بیرون می‌آورید ؛ و کشتی را در آن ، موج‌شکاف می‌بینی تا از فضل او [روزی خود را] جستجو کنید ، و امید که سپاس بگزارید .

(فاطر، ۱۲)

يُولِجُ اللَّيْلُ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى ذَلِكَ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ (۱۳)

شب را به روز درمی‌آورد و روز را به شب درمی‌آورد ، و آفتاب و ماه را تسخیر کرده است [که] هر يك تا هنگامی معین روانند ؛ این است خدا پروردگار شما ؛ فرمانروایی از آن اوست . و کسانی را که بجز او می‌خوانید ، مالک پوست هسته خرمایی [هم] نیستند .

(فاطر، ۱۳)

إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَ لَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَخْفَرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَ لَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ (۱۴)

اگر آنها را بخوانید ، دعای شما را نمی‌شنوند ، و اگر [فرضاً] بشنوند اجابتان نمی‌کنند ، و روز قیامت شرک شما را انکار می‌کنند ؛ و [هیچ کس] چون [خدای] آگاه ، تو را خبردار نمی‌کند .

(فاطر، ۱۴)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۱۵)

ای مردم ، شما به خدا نیازمندید ، و خداست که بی‌نیاز ستوده است .

(فاطر، ۱۵)

إِنْ يَشَاءُ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ (۱۶)

و اگر بخواهد شما را می‌برد و خلقی نو [بر سر کار] می‌آورد .

(فاطر، ۱۶)

وَ مَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ (۱۷)

و این [امر] برای خدا دشوار نیست .

(فاطر، ۱۷)

وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَ إِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ جِهْلِهَا لَا يَحْمِلَنَّ مِنْهُ شَيْءٌ وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يُخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ مَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ وَ إِلَىٰ اللَّهِ الْمَصِيرُ (۱۸)

و هیچ بار بردارنده‌ای بار [گناه] دیگری را برنمی‌دارد ، و اگر گرانباری [دیگری را به یاری] به سوی بارش فرا خواند چیزی از آن برداشته نمی‌شود ، هر چند خویشاوند باشد . [تو] تنها کسانی را که از پروردگارشان در نهان می‌ترسند و نماز برپا می‌دارند ، هشدار می‌دهی ؛ و هر کس پاکیزگی جوید تنها برای خود پاکیزگی می‌جوید ، و فرجام [کارها] به سوی خداست .

(فاطر، ۱۸)

وَ مَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَ النَّبْصِيرُ (۱۹)

و نابینا و بینا یکسان نیستند ،

(فاطر، ۱۹)

وَ لَا الظُّلُمَاتُ وَ لَا النُّورُ (۲۰)

و نه تیرگیها و روشنایی ،

(فاطر، ۲۰)

وَ لَا الظِّلُّ وَ لَا الْحَرُورُ (۲۱)

و نه سایه و گرمای آفتاب .

(فاطر، ۲۱)

وَ مَا يَسْتَوِي الْأَخْيَارُ وَ لَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَ مَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ (۲۲)

و زندگان و مردگان یکسان نیستند . خداست که هر که را بخواهد شنوا می‌گرداند ؛ و تو کسانی را که در گورهایند نمی‌توانی شنوا سازی .

(فاطر، ۲۲)

إِنَّ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ (۲۳)

تو جز هشداردهنده‌ای [بیش] نیستی .

(فاطر، ۲۳)

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا وَ إِنَّ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ (۲۴)

ما تو را بحق ، [به سیمت] بشارتگر و هشدار دهنده گسیل داشتیم ، و هیچ امتی نبوده مگر اینکه در آن هشدار دهنده‌ای گذشته است .

(فاطر، ۲۴)

وَ إِنْ يَحْدَبُوا فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَ بِالزُّبُرِ وَ بِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ (۲۵)

و اگر تو را تکذیب کنند ، قطعاً کسانی که پیش از آنها بودند [نیز] به تکذیب پرداختند . پیامبرانشان دلایل آشکار و نوشته‌ها و کتاب روشن برای آنان آوردند .

(فاطر، ۲۵)

ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۲۶)

آن گاه کسانی را که کافر شده بودند فرو گرفتم ؛ پس چگونه بود کیفر من ؟

(فاطر، ۲۶)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ (۲۷)

آیا ندیده‌ای که خدا از آسمان ، آبی فرود آورد و به [وسیله] آن میوه‌هایی که رنگهای آنها گوناگون است بیرون آوردیم ؟ و از برخی کوهها ، راهها [و رگه‌ها] ی سپید و گلگون به رنگهای مختلف و سیاه پر رنگ [آفریدیم] .

(فاطر، ۲۷)

وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ وَأَلْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ (۲۸)

و از مردمان و جانوران و دامها که رنگهایشان همان گونه مختلف است [پدید آوردیم] . از بندگان خدا تنها دانایانند که از او می‌ترسند . آری ، خدا ارجمند آمرزنده است .

(فاطر، ۲۸)

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ (۲۹)

در حقیقت ، کسانی که کتاب خدا را می‌خوانند و نماز برپا می‌دارند و از آنچه بدیشان روزی داده‌ایم ، نهان و آشکارا انفاق می‌کنند ، امید به تجارتی بسته‌اند که هرگز زوال نمی‌پذیرد .

(فاطر، ۲۹)

لِيُوقِيَهُمْ أَجْرَهُمْ وَيَزِدَّهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ (۳۰)

تا پاداششان را تمام بدیشان عطا کند و از فزون‌بخشی خود در حق آنان بیفزاید که او آمرزنده حق‌شناس است .

(فاطر، ۳۰)

وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ (۳۱)

و آنچه از کتاب به سوی تو وحی کرده‌ایم ، خود حق [و] تصدیق‌کننده [کتابهای] پیش از آن است . قطعاً خدا نسبت به بندگان آگاه بیناست .

(فاطر، ۳۱)

ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذِنَ اللَّهُ لِكَذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ (۳۲)

سپس این کتاب را به آن بندگان خود که [آنان را] برگزیده بودیم ، به میراث دادیم ؛ پس برخی از آنان بر خود ستمکارند و برخی از ایشان میانه‌رو ، و برخی از آنان در کارهای نیک به فرمان خدا پیشگامند ؛ و این خود توفیق بزرگ است .

(فاطر، ۳۲)

جَنَاتٌ عِنْدَ نَجْوَاتِهَا يَخْلُوتُنَّ فِيهَا مِنْ آسَاوِرٍ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤًا وَ لِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ (۳۳)

[در] بهشتهای همیشگی [که] به آنها درخواهند آمد . در آنجا با دستبندهایی از زر و مروارید زیور یابند و در آنجا جامه‌شان پرنیان خواهد بود .

(فاطر، ۳۳)

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ (۳۴)

و می‌گویند : « سپاس خدایی را که اندوه را از ما بزدود ، به راستی پروردگار ما آمرزنده [و] حق‌شناس است ؛

(فاطر، ۳۴)

الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمَقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نُصَبٌ وَ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نُغُوبٌ (۳۵)

همان [خدایی] که ما را به فضل خویش در سرای ابدی جای داد . در اینجا رنجی به ما نمی‌رسد و در اینجا درماندگی به ما دست نمی‌دهد . «

(فاطر، ۳۵)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فِيمَوْتُوا وَ لَا يُخَفَّفَ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا كَذَلِكَ نَجْزِي كُلَّ غَافِرٍ (۳۶)

و [لی] کسانی که کافر شده‌اند ، آتش جهنم برای آنان خواهد بود . حکم به مرگ بر ایشان [جاری] نمی‌شود تا بمیرند ، و نه عذاب آن از ایشان کاسته شود . [آری ،] هر ناسپاسی را چنین کیفر می‌دهیم .

(فاطر، ۳۶)

وَهُمْ يَصْطَرِحُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أ و لَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَ جَاءَكُمُ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ (۳۷)

و آنان در آنجا فریاد برمی‌آورند : « پروردگارا ، ما را بیرون بیاور ، تا غیر از آنچه می‌کردیم ، کار شایسته کنیم . » مگر شما را [آن قدر] عمر دراز ندادیم که هر کس که باید در آن عبرت گیرد ، عبرت می‌گرفت ؛ و [آیا] برای شما هشداردهنده نیامد ؟ پس بچشید که برای ستمگران یآوری نیست .

(فاطر، ۳۷)

إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۳۸)

خدا [ست که] دانای نهای آسمانها و زمین است ، و اوست که به راز دلها داناست .

(فاطر، ۳۸)

هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَ لَا يُزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرَهُمْ إِلَّا مُقْتًا وَ لَا يُزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرَهُمْ إِلَّا خَسَارًا (۳۹)

اوست آن کس که شما را در این سرزمین جانشین گردانید . پس هر کس کفر ورزد کفرش به زیان اوست ، و کافران را کفرشان جز دشمنی نزد پروردگارشان نمی‌افزاید ، و کافران را کفرشان غیر از زیان نمی‌افزاید .

(فاطر، ۳۹)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَا ذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْهُ بَلْ إِنْ يَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا (۴۰)

بگو : « به من خبر دهید از شریکان خودتان که به جای خدا می‌خوانید ؛ به من نشان دهید که چه چیزی از زمین را آفریده‌اند ؟ یا آنان در [کار] آسمانها همکاری داشته‌اند ؟ یا ایشان کتابی داده‌ایم که دلیلی بر [حقیقت] خود از آن دارند ؟ » [نه ،] بلکه ستمکاران جز فریب به یکدیگر وعده نمی‌دهند .

(فاطر، ۴۰)

إِنَّ اللَّهَ يُمَسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَ لَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا (۴۱)

همانا خدا آسمانها و زمین را نگاه می‌دارد تا نیفتند ، و اگر بیفتند بعد از او هیچ کس آنها را نگاه نمی‌دارد ؛ اوست بردبار آمرزنده .

(فاطر، ۴۱)

وَ أَسْمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لِنُنْزِلَ إِلَيْكُمْ أَوَّلَ آيَاتِنَا إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۴۲)

و با سوگندهای سخت خود به خدا سوگند یاد کردند که اگر هرآینه هشدارنده‌ای برای آنان بیاید ، قطعاً از هر يك از امتها [ی دیگر] رامیافته‌تر شوند ، و [لی] چون هشدارنده‌ای برای ایشان آمد ، جز بر نفرتشان نیفزود .

(فاطر، ۴۲)

اسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَكْرَ السَّيِّئِ وَ لَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئِ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّةَ الْأَوَّلِينَ قُلْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا (۴۳)

[انگیزه] این کارشان فقط گردنکشی در [روی] زمین و نیرنگ زشت بود ؛ و نیرنگ زشت جز [دامن] صاحبش را نگیرد . پس آیا جز سنت [و سرنوشت شوم] پیشینیان را انتظار می‌برند ؟ و هرگز برای سنت خدا تبدیلی نمی‌یابی و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت .

(فاطر، ۴۳)

أَمْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُجْزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا (۴۴)

آیا در زمین نگردیده‌اند تا فرجام [کار] کسانی را که پیش از ایشان [زیسته] و نیرومندتر از ایشان بودند بنگرند ؟ و هیچ چیز ، نه در آسمانها و نه در زمین ، خدا را درمانده نکرده است ، چرا که او همواره دانای تواناست .

(فاطر، ۴۴)

وَ لَوْ يَوَازِئُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَىٰ ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَ لَكِنْ يُؤَخَّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى فِإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا (۴۵)

و اگر خدا مردم را به [سزای] آنچه انجام داده‌اند مواخذه می‌کرد ، هیچ جنبنده‌ای را بر پشت زمین باقی نمی‌گذاشت ؛ ولی تا مدتی معین مهلتشان می‌دهد ، و چون اجلشان فرا رسد خدا به [کار] بندگانش بیناست .

(فاطر، ۴۵)

ترتیبها- ۳۶	سوره یس	مکی- آیاتها- ۸۳
-------------	---------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(یس، ۰)

یس (۱)

یس [یاسین]

(یس، ۱)

وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ (۲)

سوگند به قرآن حکمت‌آموز ،

(یس، ۲)

إِنَّا نَمُنُّ بِالْمُرْسَلِينَ (۳)

که قطعاً تو از [جمله] پیامبرانی ،

(یس، ۳)

عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۴)

بر راهی راست .

(یس، ۴)

تَنْزِيلِ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ (۵)

[و کتابت] از جانب آن عزیز مهربان نازل شده است ،

(یس، ۵)

يُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَتْهُمُ آيَاتُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ (۶)

تا قومی را که پدرانشان بیداده نشدند و در غفلت ماندند ، بیم دهی .

(یس، ۶)

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۷)

آری ، گفته [خدا] در باره بیشترشان محقق گردیده است ، در نتیجه آنها نخواهند گروید .

(یس، ۷)

إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْيُنِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ (۸)

ما در گردنهای آنان ، تا چانه‌هایشان ، غلهایی نهاده‌ایم ، به طوری که سرهایشان را بالا نگاه داشته و دیده فرو هشته‌اند .

(یس، ۸)

وَ جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَعْضَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ (۹)

و [ما] فراری آنها سدی و پشت سرشان سدی نهاده و پرده‌ای بر [چشمان] آنان فرو گسترده‌ایم ، در نتیجه نمی‌توانند ببینند .

(یس، ۹)

وَ سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۰)

و آنان را چه بیم دهی [و] چه بیم ندهی ، به حالشان تفاوت نمی‌کند : نخواهند گروید .

(یس، ۱۰)

إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَ خَشِيَ الرَّحْمَنَ الْعَلِيمَ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَ أَجْرٍ كَرِيمٍ (۱۱)

بیم دادن تو ، تنها کسی را [سودمند] است که کتاب حق را پیروی کند و از [خدای] رحمان در نهدان بترسد . [چنین کسی را] به آمرزش و پاداشی پر ارزش مژده ده .

(یس، ۱۱)

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ (۱۲)

آری ! ماییم که مردگان را زنده می‌سازیم و آنچه را از پیش فرستاده‌اند ، با آثار [و اعمال] شان درج می‌کنیم ، و هر چیزی را در کارنامه‌ای روشن برشمرده‌ایم .

(یس، ۱۲)

وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ (۱۳)

[داستان] مردم آن شهری را که رسولان بدانجا آمدند برای آنان مثل زن :

(یس، ۱۳)

إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُّرْسَلُونَ (۱۴)

آن گاه که دو تن سوی آنان فرستادیم ، و [لی] آن دو را دروغزن پنداشتند ، تا با [فرستاده] سومین [آنان را] تأیید کردیم ، پس [رسولان] گفتند : « ما به سوی شما به پیامبری فرستاده شده‌ایم . »

(یس، ۱۴)

قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ (۱۵)

[ناباوران آن دیار] گفتند : « شما جز بشری مانند ما نیستید ، و [خدای] رحمان چیزی نفرستاده ، و شما جز دروغ نمی‌پردازید . »

(یس، ۱۵)

قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ (۱۶)

گفتند : « پروردگار ما می‌داند که ما واقعاً به سوی شما به پیامبری فرستاده شده‌ایم . »

(یس، ۱۶)

وَ مَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۱۷)

و بر ما [وظیفه‌ای] جز رسانیدن آشکار [پیام] نیست .

(یس، ۱۷)

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَ تَعِيسُكُمْ مَنَا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۸)

پاسخ دادند : « ما [حضور] شما را به شگون بد گرفته‌ایم . اگر دست برندارید ، سنگسارتان می‌کنیم و قطعاً عذاب دردناکی از ما به شما خواهد رسید . »

(یس، ۱۸)

قَالُوا طَائِفُكُمْ مَعَكُمْ أِنْ نُّكْرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ مَسْرِفُونَ (۱۹)

[رسولان] گفتند : « شومی شما با خود شماست . آیا اگر شما را پند دهند [باز کفر می‌ورزید ؟ نه !] بلکه شما قومی اسرافکارید . »

(یس، ۱۹)

وَ جَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ (۲۰)

و [در این میان] مردی از دورترین جای شهر دوان دوان آمد ، [و] گفت : « ای مردم ، از این فرستادگان پیروی کنید . »

(یس، ۲۰)

اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَ هُمْ مُهْتَدُونَ (۲۱)

از کسانی که پاداشی از شما نمی‌خواهند و خود [نیز] بر راه راست قرار دارند ، پیروی کنید .

(یس، ۲۱)

وَ مَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۲۲)

آخر چرا کسی را نپرستم که مرا آفریده است و [همه] شما به سوی او بازگشت می‌یابید ؟

(یس، ۲۲)

أَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ إِلَهًا إِنْ يُرَدِّدِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِي عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنْفَعُونَ (۲۳)

آیا به جای او خدایانی را بپرستم که اگر [خدای] رحمان بخواهد به من گزند برساند، نه شفاعتشان به حالم سود می‌دهد و نه می‌توانند مرا برهانند؟

(یس، ۲۳)

إِنِّي إِذَا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۲۴)

در آن صورت، من قطعاً در گمراهی آشکاری خواهم بود.

(یس، ۲۴)

إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِ (۲۵)

من به پروردگارتان ایمان آوردم. [اقرار] مرا بشنوید.

(یس، ۲۵)

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ (۲۶)

[سرانجام به جرم ایمان کشته شد، و بدو] گفته شد: «به بهشت درآی.» گفت: «ای کاش، قوم من می‌دانستند،

(یس، ۲۶)

بِمَا عَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ (۲۷)

که پروردگارم چگونه مرا آمرزید و در زمره عزیزانم قرار داد.

(یس، ۲۷)

وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا كُنَّا مُنْزِلِينَ (۲۸)

پس از [شهادت] وی هیچ سپاهی از آسمان بر قومش فرود نیاوردیم و [پیش از این هم] فروفرستنده نبودیم.

(یس، ۲۸)

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ (۲۹)

تنها يك فریاد بود و بس. و بناگاه [همه] آنها سرد بر جای فسرند.

(یس، ۲۹)

يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (۳۰)

دریغاً بر این بندگان! هیچ فرستاده‌ای بر آنان نیامد مگر آنکه او را ریشخند می‌کردند.

(یس، ۳۰)

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ (۳۱)

مگر ندیده‌اند که چه بسیار نسلها را پیش از آنان هلاک گردانیدیم که دیگر آنها به سویشان بازمی‌گردند؟

(یس، ۳۱)

وَ إِنْ كُلُّ لَمَامٍ جَمِيعٍ لَدُنِنَا مُحْضَرُونَ (۳۲)

و قطعاً همه آنان در پیشگاه ما احضار خواهند شد.

(یس، ۳۲)

وَ آيَةٌ لَهُمْ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَ أَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ (۳۳)

و زمین مرده، برهانی است برای ایشان، که آن را زنده گردانیدیم و دانه از آن برآوردیم که از آن می‌خورند.

(یس، ۳۳)

وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجْرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ (۳۴)

و در آن [زمین] باغهایی از درختان خرما و تاک قرار دادیم و چشمه‌ها در آن روان کردیم .

(یس، ۳۴)

لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ (۳۵)

تا از میوه آن و [از] کارکرد دستهای خودشان بخورند ، آیا باز [هم] سپاس نمی‌گذارند ؟

(یس، ۳۵)

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمَنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ (۳۶)

پاك [خدایی] که از آنچه زمین می‌رویاند و [نیز] از خودشان و از آنچه نمی‌دانند ، همه را نر و ماده گردانیده است .

(یس، ۳۶)

وَ آيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْنَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ (۳۷)

و نشانه‌ای [دیگر] برای آنها شب است که روز را [مانند پوست] از آن برمی‌کنیم و بناگاه آنان در تاریکی فرو می‌روند .

(یس، ۳۷)

وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۳۸)

و خورشید به [سوی] قرارگاه ویژه خود روان است . تقدیر آن عزیز دانا این است .

(یس، ۳۸)

وَ الْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ (۳۹)

و برای ماه منزلهایی معین کرده‌ایم ، تا چون شاخک خشک خوشه خرما برگردد .

(یس، ۳۹)

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَ لَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (۴۰)

نه خورشید را سزد که به ماه رسد ، و نه شب بر روز پیشی جوید ، و هر کدام در سپهری شناورند .

(یس، ۴۰)

وَ آيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفَلَكِ الْمَشْخُونِ (۴۱)

و نشانه‌ای [دیگر] برای آنان اینکه : ما نیاکانشان را در کشتی انباشته ، سوار کردیم .

(یس، ۴۱)

وَ خَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ (۴۲)

و مانند آن برای ایشان مرکوبها [ی دیگری] خلق کردیم .

(یس، ۴۲)

وَ إِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَ لَا هُمْ يُنقَدُونَ (۴۳)

و اگر بخواهیم غرقشان می‌کنیم و هیچ فریادرسی نمی‌یابند و روی نجات نمی‌بینند .

(یس، ۴۳)

إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَ مَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ (۴۴)

مگر رحمتی از جانب ما [شامل آنها گردد] و تا چندی [آنها را] برخوردار سازیم .

(یس، ۴۴)

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَ مَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۴۵)

و چون به ایشان گفته شود : « از آنچه در پیش رو و پشت سر دارید بترسید ، امید که مورد رحمت قرار گیرید » [نمی‌شنوند] .

(یس، ۴۵)

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ (۴۶)

و هیچ نشانه‌ای از نشانه‌های پروردگارشان بر آنان نیامد ، جز اینکه از آن رویگردان شدند .

(یس، ۴۶)

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْتَفُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا لَلَّذِينَ آمَنُوا أُنطِعِم مِّنْ لَّوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۴۷)

و چون به آنان گفته شود : « از آنچه خدا به شما روزی داده انفاق کنید » ، کسانی که کافر شده‌اند ، به آنان که ایمان آورده‌اند ، می‌گویند : « آیا کسی را بخورانیم که اگر خدا می‌خواست [خودش] وی را می‌خورانید ؟ شما جز در گمراهی آشکاری [بیش] نیستید . »

(یس، ۴۷)

وَ يَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۴۸)

و می‌گویند : « اگر راست می‌گویید ، پس این وعده [عذاب] کی خواهد بود ؟ »

(یس، ۴۸)

مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَ هُمْ يَخِصِّمُونَ (۴۹)

جز يك فریاد [مرگبار] را انتظار نخواهند کشید که هنگامی که سرگرم جدالند غافلگیرشان کند .

(یس، ۴۹)

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَ لَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ (۵۰)

آن گاه نه توانایی وصیتی دارند و نه می‌توانند به سوی کسان خود برگردند .

(یس، ۵۰)

وَ نَفَخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ (۵۱)

و در صور دمیده خواهد شد ، پس بناگاه از گورهای خود شتابان به سوی پروردگار خویش می‌آیند .

(یس، ۵۱)

قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ (۵۲)

می‌گویند : « ای وای بر ما ، چه کسی ما را از آرامگاهمان برانگیخت ؟ این است همان وعده خدای رحمان ، و پیامبران راست می‌گفتند . »

(یس، ۵۲)

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ (۵۳)

[باز هم] يك فریاد است و بس ؛ و بناگاه همه در پیشگاه ما حاضر آیند .

(یس، ۵۳)

فَالْيَوْمَ لَا تَنْظُمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَ لَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۵۴)

امروز بر کسی هیچ ستم نمی‌رود ، جز در برابر آنچه کرده‌اید پاداشی نخواهید یافت .

(یس، ۵۴)

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ فَاكِهُونَ (۵۵)

در این روز ، اهل بهشت کار و باری خوش در پیش دارند .

(یس، ۵۵)

هُمْ وَ أَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَنْهَارِ مُتَكِنُونَ (۵۶)

آنها با همسرانشان در زیر سایه‌ها بر تختها تکیه می‌زنند .

(یس، ۵۶)

لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَ لَهُمْ مِمَّا يَدْعُونَ (۵۷)

در آنجا برای آنها [هر گونه] میوه است و هر چه دلشان بخواهد .

(یس، ۵۷)

سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ (۵۸)

از جانب پروردگار [ی] مهربان [به آنان] سلام گفته می‌شود .

(یس، ۵۸)

وَ امْتَأْتُوا النَّيْمَ الَّتِي الْمُجْرِمُونَ (۵۹)

و ای گناهکاران ، امروز [از بی‌گناهان] جدا شوید .

(یس، ۵۹)

أَلَمْ أَعْهَدْ لِلنَّاسِ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (۶۰)

ای فرزندان آدم ، مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را مپرستید ، زیرا وی دشمن آشکار شماست ؟

(یس، ۶۰)

وَ أَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (۶۱)

و اینکه مرا بپرستید ؛ این است راه راست !

(یس، ۶۱)

وَ لَقَدْ أَضَلُّوا مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَ لَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ (۶۲)

و [او] گروهی انبوه از میان شما را سخت گمراه کرد ؛ آیا تعقل نمی‌کردید ؟

(یس، ۶۲)

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (۶۳)

این است جهنمی که به شما وعده داده می‌شد !

(یس، ۶۳)

اصَلُّوا النَّيْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (۶۴)

به [جرم] آنکه کفر می‌ورزیدید ، اکنون در آن درآید .

(یس، ۶۴)

الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَ نَكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَ نَشْهَدُ أَرْجُلَهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۶۵)

امروز بر دهانهای آنان مهر می‌نهم ، و دستهایشان با ما سخن می‌گویند ، و پاهایشان بدانچه فراهم می‌ساختند گواهی می‌دهند .

(یس، ۶۵)

وَ لَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّىٰ يُبْصِرُونَ (۶۶)

و اگر بخواهیم ، هرآینه فروغ از دیدگانشان می‌گیریم تا در راه [کج] بر هم پیشی جویند ؛ ولی [راه راست را] از کجا می‌توانند ببینند ؟

(یس، ۶۶)

وَ لَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَاتَتِهِمْ فَمَا اسْتَبَاحُوا مَضْيَأً وَ لَا يَرْجِعُونَ (۶۷)

و اگر بخواهیم ، هرآینه ایشان را در جای خود مسخ می‌کنیم [به گونه‌ای] که نه بتوانند بروند و نه برگردند .

(یس، ۶۷)

وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَ فَلَا يَعْقِلُونَ (۶۸)

و هر که را عمر دراز دهیم ، او را در خلقت دچار آفت می‌کنیم ؛ آیا نمی‌اندیشند ؟

(یس، ۶۸)

وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ (۶۹)

و [ما] به او شعر نیاموختیم و در خور وی نیست ؛ این [سخن] جز اندرز و قرآنی روشن نیست .

(یس، ۶۹)

لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ (۷۰)

تا هر که را [دلی] زنده است بیم دهد ، و گفتار [خدا] در باره کافران محقق گردد .

(یس، ۷۰)

أ وَ لَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ (۷۱)

آیا ندیده‌اند که ما به قدرت خویش برای ایشان چهارپایانی آفریده‌ایم تا آنان مالک آنها باشند ؟

(یس، ۷۱)

وَدَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ (۷۲)

و آنها را برای ایشان رام گردانیدیم . از برخی‌شان سواری می‌گیرند و از بعضی می‌خورند .

(یس، ۷۲)

وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ (۷۳)

و از آنها سودها و نوشیدنیها دارند . پس چرا شکرگزار نیستید ؟

(یس، ۷۳)

وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ (۷۴)

و غیر از خدا [ی یگانه] خدایانی به پرستش گرفتند ، تا مگر یاری شوند .

(یس، ۷۴)

لَا يَسْتَطِيعُونَ نصرَهُمْ وَ هُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُخَضَّرُونَ (۷۵)

[ولی بتان] نمی‌توانند آنان را یاری کنند و آنانند که برای [بتان] چون سپاهی احضار شده‌اند .

(یس، ۷۵)

فَلَا يَخْرُجُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَ مَا يُعْلِنُونَ (۷۶)

پس ، گفتار آنان تو را غمگین نگرداند که ما آنچه را پنهان و آنچه را آشکار می‌کنند ، می‌دانیم .

(یس، ۷۶)

أ وَ لَمْ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ (۷۷)

مگر آدمی ندانسته است که ما او را از نطفه‌ای آفریده‌ایم ، پس بناگاه وی ستیزه‌جویی آشکار شده است .

(یس، ۷۷)

وَ ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ (۷۸)

و برای ما مثلی آورد و آفرینش خود را فراموش کرد ؛ گفت : « چه کسی این استخوانها را که چنین پوسیده است زندگی می‌بخشد ؟ »

(یس، ۷۸)

قُلْ يُخَبِّرُهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ (٧٩)

بگو : « همان کسی که نخستین بار آن را پدید آورد و اوست که به هر [گونه] آفرینشی داناست . »

(یس، ٧٩)

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقَدُونَ (٨٠)

همو که برایتان در درخت سبزه نام آخگر نهاد که از آن [چون نیازتان افتد] آتش می‌افروزید .

(یس، ٨٠)

أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ (٨١)

آیا کسی که آسمانها و زمین را آفریده توانا نیست که [باز] مانند آنها را بیافریند ؟ آری ، اوست آفریننده دانا .

(یس، ٨١)

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (٨٢)

چون به چیزی اراده فرماید ، کارش این بس که می‌گوید : « باش » ؛ پس [بی‌درنگ] موجود می‌شود .

(یس، ٨٢)

فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (٨٣)

پس [شکوهمند و] پاک است آن کسی که ملکوت هر چیزی در دست اوست ، و به سوی اوست که بازگردانیده می‌شوید .

(یس، ٨٣)

ترتیبها- ٣٧	سوره الصافات	مکی- آیاتها- ١٨٢
-------------	--------------	------------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (٠)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الصافات، ٠)

و الصَّافَّاتِ صَفًّا (١)

سوگند به صافبستگان که صفی [با شکوه] بسته‌اند

(الصافات، ١)

فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا (٢)

و به زجرکنندگان که به سختی زجر می‌کنند

(الصافات، ٢)

فَالتَّالِيَاتِ ذُرًّا (٣)

و به تلاوتکنندگان [آیات الهی] ،

(الصافات، ٣)

إِنَّ إِلَهُكُمْ لَوَاحِدٌ (٤)

که قطعاً معبود شما یگانه است .

(الصافات، ٤)

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ رَبُّ الْمَشَارِقِ (٥)

پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است ، و پروردگار خاورها .

(الصفات، ۵)

إِنَّا زَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِرَبِيَّةٍ الْكَوَكِبِ (۶)

ما آسمان این دنیا را به زیور اختران آراستیم .

(الصفات، ۶)

وَ حَفِظْنَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ (۷)

و [آن را] از هر شیطان سرکش نگاه داشتیم .

(الصفات، ۷)

لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَ يُدْفِنُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ (۸)

[به طوری که] نمی‌توانند به انبوه [فرشتگان] عالم بالا گوش فرادهند ، و از هر سوی پرتاب می‌شوند .

(الصفات، ۸)

دُحُوراً وَ لَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ (۹)

با شدت به دور رانده می‌شوند ، و برایشان عذابی دائم است .

(الصفات، ۹)

إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ (۱۰)

مگر کسی که [از سخن بالاییان] یکباره استراق سمع کند ، که شهابی شکافنده از پی او می‌تازد .

(الصفات، ۱۰)

فَاسْتَفْتِهِمْ أَ هُمْ أَشَدُّ خَلْقاً أَمْ مَنْ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ (۱۱)

پس ، [از کافران] بپرس : آیا ایشان از نظر آفرینش سخت‌ترند یا کسانی که [در آسمانها] خلق کردیم ؟ ما آنان را از گلی چسبنده پدید آوردیم .

(الصفات، ۱۱)

بَلْ عَجِبْتَ وَ يَسْحُرُونَ (۱۲)

بلکه عجب می‌داری و [آنها] ریشخند می‌کنند .

(الصفات، ۱۲)

وَ إِذَا دُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ (۱۳)

و چون پند داده شوند عبرت نمی‌گیرند .

(الصفات، ۱۳)

وَ إِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْحِرُونَ (۱۴)

و چون آیتی ببینند به ریشخند می‌پردازند .

(الصفات، ۱۴)

وَ قَالُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ (۱۵)

و می‌گویند : « این جز سحری آشکار نیست . »

(الصفات، ۱۵)

أَ إِذَا مِتْنَا وَ كُنَّا تُرَاباً وَ عِظَاماً أَ إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (۱۶)

« آیا چون مُردیم و خاک و استخوانهای [خُرد] گردیدیم ، آیا راستی برانگیخته می‌شویم ؟ »

(الصفات، ۱۶)

أَوْ آبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ (۱۷)

و همین طور پدران اولیه ما ؟ !

(الصافات، ۱۷)

قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ (۱۸)

بگو : « آری ! در حالی که شما خوارید . »

(الصافات، ۱۸)

فَأَيُّهَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ (۱۹)

و آن تنها يك فریاد است و بس ! و بناگاه آنان به تماشا خیزند .

(الصافات، ۱۹)

و قَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ (۲۰)

و میگویند : « ای وای بر ما ! این است روز جزا . »

(الصافات، ۲۰)

هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (۲۱)

این است همان روز داوری که آن را تکذیب می‌کردید .

(الصافات، ۲۱)

اِحْشَرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَاَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ (۲۲)

کسانی را که ستم کرده‌اند ، با هم‌رديفانشان و آنچه غیر از خدا می‌پرستیده‌اند ،

(الصافات، ۲۲)

مِنْ نُورِ اللَّهِ فَأَهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ (۲۳)

گرد آورید و به سوی راه جهنم رهبری‌شان کنید .

(الصافات، ۲۳)

وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ (۲۴)

و بازداشتشان نمایید که آنها مسئولند .

(الصافات، ۲۴)

مَا لَكُمْ لَا تَنْصَرُونَ (۲۵)

شما را چه شده است که همدیگر را یاری نمی‌کنید ؟ !

(الصافات، ۲۵)

بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ (۲۶)

[نه !] بلکه امروز آنان از در تسلیم درآمدگانند .

(الصافات، ۲۶)

وَأَقْبَلِ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (۲۷)

و بعضی روی به بعضی دیگر می‌آورند [و] از یکدیگر می‌پرسند .

(الصافات، ۲۷)

قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ (۲۸)

[و] می‌گویند : « شما [ظاهراً] از در راستی با ما درمی‌آمدید [و خود را حق به جانب می‌نمودید] . »

(الصافات، ۲۸)

قَالُوا بَلْ لَمْ نَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (۲۹)

[مَتَّهَمَان] می‌گویند : « نه !] بلکه با ایمان نبودید .

(الصافات، ۲۹)

وَمَا كُنَّا لَنَا عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طَٰغِينَ (۳۰)

و ما را بر شما هیچ تسلطی نبود ، بلکه خودتان سرکش بودید .

(الصافات، ۳۰)

فَحَقِّقْ عَلَيْنَا قَوْلَ رَبِّنَا إِنَّا لَذٰبِقُونَ (۳۱)

پس فرمان پروردگاران بر ما سزاوار آمد ؛ ما واقعاً باید [عذاب را] بچشیم .

(الصافات، ۳۱)

فَأَعْوَيْنَاكُمْ إِنَّا كُنَّا غٰوِينَ (۳۲)

و شما را گمراه کردیم ، زیرا خودمان گمراه بودیم .

(الصافات، ۳۲)

فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ (۳۳)

پس ، در حقیقت ، آنان در آن روز در عذاب شریک یکدیگرند .

(الصافات، ۳۳)

إِنَّا كَذٰبِكَ نَفَعُلُ بِالْمُجْرِمِينَ (۳۴)

[آری ،] ما با مجرمان چنین رفتار می‌کنیم .

(الصافات، ۳۴)

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ (۳۵)

چرا که آنان بودند که وقتی به ایشان گفته می‌شد : « خدایی جز خدای یگانه نیست » ، تکبر می‌ورزیدند .

(الصافات، ۳۵)

وَيَقُولُونَ أ إِنَّا لَتَنَارِكُوا إِلَهِنَا لَشَاعِرٍ مُّجْنُونٍ (۳۶)

و می‌گفتند : « آیا ما برای شاعری دیوانه دست از خدایانمان برداریم ؟ ! »

(الصافات، ۳۶)

بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلِينَ (۳۷)

ولی نه !] او [حقیقت را آورده و فرستادگان را تصدیق کرده است .

(الصافات، ۳۷)

إِنَّكُمْ لَذٰبِقُو الْعَذَابِ الْأَلِيمِ (۳۸)

در واقع ، شما عذاب پردرد را خواهید چشید .

(الصافات، ۳۸)

وَمَا نُجْزُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۳۹)

و جز آنچه می‌کردید جزا نمی‌یابید .

(الصافات، ۳۹)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (۴۰)

مگر بندگان پاکدل خدا .

(الصافات، ۴۰)

أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَعْلُومٌ (۴۱)

آنان روزی معین خواهند داشت .

(الصافات، ۴۱)

فَوَاكِهَ وَ هُمْ مُكْرَمُونَ (۴۲)

[انواع] میوه‌ها ؛ و آنان مورد احترام خواهند بود .

(الصافات، ۴۲)

فِي جَنَّاتٍ النَّعِيمِ (۴۳)

در باغهای پر نعمت .

(الصافات، ۴۳)

عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ (۴۴)

بر سریرها در برابر همدیگر [می‌نشینند] .

(الصافات، ۴۴)

يَطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ (۴۵)

با جامی از باده ناب پیرامونشان به گردش درمی‌آیند ؛

(الصافات، ۴۵)

بَيِّنَاءَ لُدَّةٍ لِلشَّارِبِينَ (۴۶)

[باده‌ای] سخت سپید که نوشندگان را لذتی [خاص] می‌دهد ؛

(الصافات، ۴۶)

لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ (۴۷)

نه در آن فساد عقل است و نه ایشان از آن به بدمستی [و فرسودگی] می‌افتند .

(الصافات، ۴۷)

وَ عِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٍ (۴۸)

و نزدشان [دلبرانی] فروهشته‌نگاه و فراخ‌دیده باشند .

(الصافات، ۴۸)

كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَكْنُونٌ (۴۹)

[از شدت سپیدی] گویی تخم شتر مرغ [زیر پر] ند .

(الصافات، ۴۹)

فَأَقْبِلْ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (۵۰)

پس برخی‌شان به برخی روی نموده و از همدیگر پرس‌وجو می‌کنند .

(الصافات، ۵۰)

قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ (۵۱)

گوینده‌ای از آنان می‌گوید : « راستی من [در دنیا] همنشینی داشتم ،

(الصافات، ۵۱)

يَقُولُ أَ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُضْطَّهِينَ (۵۲)

[که به من] می‌گفت : « آیا واقعاً تو از باوردارندگانی ؟

(الصافات، ۵۲)

أ إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَّعِظَامًا أَ إِنَّا لَمَدِينُونَ (۵۳)

آیا وقتی مردیم و خاک و [مستی] استخوان شدیم ، آیا واقعاً جزا می‌یابیم ؟

(الصافات، ۵۳)

قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُطَّلِعُونَ (۵۴)

[مؤمن] می‌پرسد : « آیا شما اطلاع دارید [کجاست] ؟ »

(الصافات، ۵۴)

فَأَطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ (۵۵)

پس اطلاع حاصل می‌کند ، و او را در میان آتش می‌بیند .

(الصافات، ۵۵)

قَالَ تَأَلَّفُ بَلَى إِنْ كُنْتَ لَتَزْدِيبِ (۵۶)

[و] می‌گوید : « به خدا سوگند ، چیزی نمانده بود که تو مرا به هلاکت اندازی .

(الصافات، ۵۶)

وَلَوْ لَا نِعْمَةٌ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُخْضَرِّينَ (۵۷)

و اگر رحمت پروردگارم نبود ، هرآینه من [نیز] از احضارشندگان بودم .

(الصافات، ۵۷)

أَفَمَا نَحْنُ بِمَعْتَبَرِينَ (۵۸)

[و از روی شوق می‌گوید :] « آیا دیگر روی مرگ نمی‌بینیم ،

(الصافات، ۵۸)

إِلَّا مَوْتَنَا الْأُولَىٰ وَ مَا نَحْنُ بِمُعَدَّبِينَ (۵۹)

جز همان مرگ نخستین خود ؟ و ما هرگز عذاب نخواهیم شد ؟ !

(الصافات، ۵۹)

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۶۰)

راستی که این همان کامیابی بزرگ است .

(الصافات، ۶۰)

يُمَثِّلُ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ (۶۱)

برای چنین [پاداشی] باید کوشندگان بکوشند .

(الصافات، ۶۱)

أ ذَلِكَ خَيْرٌ نُزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزُّقُومِ (۶۲)

آیا از نظر پذیرایی این بهتر است یا درخت زقوم ؟ !

(الصافات، ۶۲)

إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ (۶۳)

در حقیقت ، ما آن را برای ستمگران [مایه آزمایش و] عذابی گردانیدیم .

(الصافات، ۶۳)

إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ (۶۴)

آن ، درختی است که از قعر آتش سوزان می‌روید ،

(الصافات، ۶۴)

طَلَعَهَا كَأَنَّه رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ (۶۵)

میوه‌اش گویی چون کله‌های شیاطین است ،

(الصافات، ۶۵)

فَاتَّبِعْهُمْ لَأَكْلُونَ مِنْهَا فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ (۶۶)

پس [دوزخیان] حتماً از آن می‌خورند و شکمها را از آن پر می‌کنند ،

(الصافات، ۶۶)

ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِنْ حَمِيمٍ (۶۷)

سپس ایشان را بر سر آن ، آمیغی از آب جوشان است ؛

(الصافات، ۶۷)

ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ (۶۸)

آن گاه بازگشتشان بی‌گمان به سوی دوزخ است .

(الصافات، ۶۸)

إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ (۶۹)

آنها پدران خود را گمراه یافتند ،

(الصافات، ۶۹)

فَهُمْ عَلَى آثَارِهِمْ بِهَرَعُونَ (۷۰)

پس ایشان به دنبال آنها می‌شتابند .

(الصافات، ۷۰)

وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأُولِينَ (۷۱)

و قطعاً پیش از آنها بیشتر پیشینیان به گمراهی افتادند .

(الصافات، ۷۱)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ (۷۲)

و حال آنکه مسلماً در میانشان هشداردهندگان فرستادیم .

(الصافات، ۷۲)

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ (۷۳)

پس ببین فرجام هشدارداده‌شدگان چگونه بود .

(الصافات، ۷۳)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (۷۴)

به استثنای بندگان پاکدل خدا .

(الصافات، ۷۴)

وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ (۷۵)

و نوح ، ما را ندا داد ، و چه نیک اجابت‌کننده بودیم .

(الصافات، ۷۵)

و نَجَّيْنَاهُ وَ أَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ (۷۶)

و او و کسانش را از اندوه بزرگ رهایی دادیم .

(الصافات، ۷۶)

وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ (۷۷)

و [تنها] نسل او را باقی گذاشتیم .

(الصافات، ۷۷)

و تَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ (۷۸)

و در میان آیندگان [آوازه نیک] او را بر جای گذاشتیم .

(الصافات، ۷۸)

سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ (۷۹)

درود بر نوح در میان جهانیان .

(الصافات، ۷۹)

إِنَّا كَذَّبُكَ نَجْرِي الْمُحْسِنِينَ (۸۰)

ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم .

(الصافات، ۸۰)

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (۸۱)

به راستی او از بندگان مؤمن ما بود .

(الصافات، ۸۱)

ثُمَّ أَعْرَفْنَا الْآخِرِينَ (۸۲)

سپس دیگران را غرق کردیم .

(الصافات، ۸۲)

وَ إِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ (۸۳)

و بی‌گمان ، ابراهیم از پیروان اوست .

(الصافات، ۸۳)

إِذْ جَاءَ رَبُّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (۸۴)

آن گاه که با دلی پاک به [پیشگاه] پروردگارش آمد .

(الصافات، ۸۴)

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ (۸۵)

چون به پدر [خوانده] و قوم خود گفت : « چه می‌پرستید ؟

(الصافات، ۸۵)

أَفِئْتًا إِلَهَةٌ دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ (۸۶)

آیا غیر از خدا ، به دروغ ، خدایانی [دیگر] می‌خواهید !

(الصافات، ۸۶)

فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۸۷)

پس گمانتان به پروردگار جهانیان چیست ؟

(الصافات، ۸۷)

فَنظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ (۸۸)

پس نظری به ستارگان افکند ،

(الصافات، ۸۸)

فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ (۸۹)

و گفت : « من کسالت دارم . »

(الصافات، ۸۹)

فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ (۹۰)

پس پشت‌کنان از او روی برتافتند .

(الصافات، ۹۰)

فَرَاغَ إِلَى آلِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ (۹۱)

تا نهانی به سوی خدایانشان رفت و [به ریشخند] گفت : « آیا غذا نمی‌خورید ؟

(الصافات، ۹۱)

مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ (۹۲)

شما را چه شده که سخن نمی‌گویید ؟ ! »

(الصافات، ۹۲)

فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ (۹۳)

پس با دست راست ، بر سر آنها زدن گرفت .

(الصافات، ۹۳)

فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزْفُونَ (۹۴)

تا دوان دوان سوی او روی‌آور شدند .

(الصافات، ۹۴)

قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَحْنُونَ (۹۵)

[ابراهیم] گفت : « آیا آنچه را می‌تراشید ، می‌پرستید ؟

(الصافات، ۹۵)

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ (۹۶)

با اینکه خدا شما و آنچه را که برمی‌سازید آفریده است . «

(الصافات، ۹۶)

قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُيُوتًا فَأَلْفَوْهُ فِي الْجَحِيمِ (۹۷)

گفتند : « برایش [کوره] خانه‌ای بسازید و در آتشش بیندازید . «

(الصافات، ۹۷)

فَارَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ (۹۸)

پس خواستند به از نیرنگی زنند ؛ و [لی] ما آنان را پست گردانیدیم .

(الصافات، ۹۸)

وَ قَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ (۹۹)

و [ابراهیم] گفت : « من به سوی پروردگارم رهسپارم ، زودا که مرا راه نماید . «

(الصافات، ۹۹)

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ (۱۰۰)

« ای پروردگار من ! مرا [فرزندی] از شایستگان بخش . «

(الصافات، ۱۰۰)

فَبَشِّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ (۱۰۱)

پس او را به پسری بردبار مژده دادیم .

(الصافات، ۱۰۱)

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَا آبَتُ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ (۱۰۲)

و وقتی با او به جایگاه « سعی » رسید ، گفت : « ای پسرک من ! من در خواب [چنین] می‌بینم که تو را سر می‌برم ، پس ببین چه به نظرت می‌آید ؟ « گفت : « ای پدر من ! آنچه را مأموری بکن . ان شاء اللهَ . مرا از شکیبایان خواهی یافت . «

(الصافات، ۱۰۲)

فَلَمَّا أَسْلَمَا وَ تَلَّهُ لِلْجَبِينِ (۱۰۳)

پس وقتی هر دو تن دردادند [و همدیگر را بدرد گفتند] و [پسر] را به پیشانی بر خاک افکند ،

(الصافات، ۱۰۳)

وَ نَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ (۱۰۴)

او را ندا دادیم که ای ابراهیم !

(الصافات، ۱۰۴)

قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَبُكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۱۰۵)

رویا [ی خود] را حقیقت بخشیدی . ما نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم .

(الصافات، ۱۰۵)

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ (۱۰۶)

راستی که این همان آزمایش آشکار بود .

(الصافات، ۱۰۶)

وَ قَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ (۱۰۷)

و او را در ازای قربانی بزرگی باز رها نیدیم .

(الصافات، ۱۰۷)

و تَزَكُّنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ (۱۰۸)

و در [میان] آیندگان برای او [آوازه نیک] به جای گذاشتیم .

(الصافات، ۱۰۸)

سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ (۱۰۹)

درود بر ابراهیم .

(الصافات، ۱۰۹)

كَذَّبَكَ نَجْرِي الْمُحْسِنِينَ (۱۱۰)

نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم .

(الصافات، ۱۱۰)

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (۱۱۱)

در حقیقت ، او از بندگان با ایمان ما بود .

(الصافات، ۱۱۱)

و بَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ (۱۱۲)

و او را به اسحاق که پیامبری از [جمله] شایستگان است مژده دادیم .

(الصافات، ۱۱۲)

و بَارَكْنَا عَلَيْهِ وَ عَلَىٰ إِسْحَاقَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ مُبِينٌ (۱۱۳)

و به او و به اسحاق برکت دادیم ، و از نسل آن دو برخی نیکوکار و [برخی] آشکارا به خود ستمکار بودند .

(الصافات، ۱۱۳)

وَ لَقَدْ مَنَّآ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ (۱۱۴)

و در حقیقت ، بر موسی و هارون منت نهادیم .

(الصافات، ۱۱۴)

وَ تَجَنَّبَا هُمَا وَ قَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ (۱۱۵)

و آن دو و قومشان را از اندوه بزرگ رها نیدیم .

(الصافات، ۱۱۵)

وَ نَصَرْنَاهُمْ فُكَّتُوا لهُمْ الْغَالِبِينَ (۱۱۶)

و آنان را یاری دادیم تا ایشان غالب آمدند .

(الصافات، ۱۱۶)

وَ آتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ (۱۱۷)

و آن دو را کتاب روشن دادیم .

(الصافات، ۱۱۷)

وَ هَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (۱۱۸)

و هر دو را به راه راست هدایت کردیم .

(الصافات، ۱۱۸)

و تَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ (۱۱۹)

و برای آن دو در [میان] آیندگان [نام نیک] به جای گذاشتیم .

(الصافات، ۱۱۹)

سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ (۱۲۰)

دروود بر موسی و هارون .

(الصافات، ۱۲۰)

إِنَّا كَذَّبِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۱۲۱)

ما نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم ،

(الصافات، ۱۲۱)

إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (۱۲۲)

زیرا آن دو از بندگان با ایمان ما بودند .

(الصافات، ۱۲۲)

وَ إِنَّ الْيَاسَ لَمَنْ الْمُرْسَلِينَ (۱۲۳)

و به راستی الیاس از فرستادگان [ما] بود .

(الصافات، ۱۲۳)

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۲۴)

چون به قوم خود گفت : « آیا پروا نمی‌دارید ؟ »

(الصافات، ۱۲۴)

أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَ تَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ (۱۲۵)

آیا « بعل » را می‌پرستید و بهترین آفرینندگان را وامی‌گذارید ؟ !

(الصافات، ۱۲۵)

اللَّهُ رَبُّكُمْ وَ رَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ (۱۲۶)

[یعنی :] خدا را که پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شماست ؟ ! «

(الصافات، ۱۲۶)

فَكَذَّبُوهُ فَأَنَّهُمْ مُخْضَرُونَ (۱۲۷)

پس او را دروغگو شمردند ، و قطعاً آنها [در آتش] احضار خواهند شد ،

(الصافات، ۱۲۷)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (۱۲۸)

مگر بندگان پاکدین خدا .

(الصافات، ۱۲۸)

و تَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ (۱۲۹)

و برای او در [میان] آیندگان [آوازه نیک] به جای گذاشتیم .

(الصافات، ۱۲۹)

سَلَامٌ عَلَى الْإِنْسَانِ (۱۳۰)

درود بر پیروان الیاس .

(الصافات، ۱۳۰)

إِنَّا كَذَّبِكَ نَجْزِي الْمُخْسِنِينَ (۱۳۱)

ما نیکوکاران را این گونه پاداش می‌دهیم ،

(الصافات، ۱۳۱)

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (۱۳۲)

زیرا او از بندگان با ایمان ما بود .

(الصافات، ۱۳۲)

وَ إِنْ لَوْطًا لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (۱۳۳)

و در حقیقت ، لوط از زمره فرستادگان بود .

(الصافات، ۱۳۳)

إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَ أَهْلَهُ أَجْمَعِينَ (۱۳۴)

آن گاه که او و همه کسانی را رها نمودیم ،

(الصافات، ۱۳۴)

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ (۱۳۵)

جز پیر زنی که در میان باقی ماندگان [و خاکسترشدگان] بود .

(الصافات، ۱۳۵)

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ (۱۳۶)

سپس دیگران را هلاک کردیم .

(الصافات، ۱۳۶)

وَ إِنَّا لَنَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ (۱۳۷)

و در حقیقت ، شما بر آنان صبحگاهان ،

(الصافات، ۱۳۷)

وَ بِاللَّيْلِ أَفْلا تَعْقِلُونَ (۱۳۸)

و شامگاهان می‌گذرید . آیا به فکر فرو نمی‌روید ؟ !

(الصافات، ۱۳۸)

وَ إِنْ يُؤْنَسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (۱۳۹)

و در حقیقت ، یونس از زمره فرستادگان بود .

(الصافات، ۱۳۹)

إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ (۱۴۰)

آن گاه که به سوی کشتی پر ، بگریخت .

(الصافات، ۱۴۰)

فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ (۱۴۱)

پس [یونس سرنشینان کشتی] قرعه انداخت و خود از بازندگان شد !

(الصافات، ۱۴۱)

فَأَلْتَمَمَهُ الْخَوْثُ وَ هُوَ مُلِيمٌ (۱۴۲)

[او را به دریا افکندند] و عنبرماهی او را بلعید در حالی که او نکوهشگر خویش بود .

(الصافات، ۱۴۲)

فَلَوْ لَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمَسْبُوحِينَ (۱۴۳)

و اگر او از زمره تسبیح‌کنندگان نبود ،

(الصافات، ۱۴۳)

لَلْبَيْتِ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (۱۴۴)

قطعاً تا روزی که پراکنگشته می‌شوند ، در شکم آن [ماهی] می‌ماند .

(الصافات، ۱۴۴)

فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَ هُوَ سَقِيمٌ (۱۴۵)

پس او را در حالی که ناخوش بود به زمین خشکی افکندیم .

(الصافات، ۱۴۵)

وَ أَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ (۱۴۶)

و بر بالای [سر] او درختی از [نوع] کدوین رویانیدیم .

(الصافات، ۱۴۶)

وَ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ (۱۴۷)

و او را به سوی یکصد هزار [نفر از ساکنان نینوا] یا بیشتر روانه کردیم .

(الصافات، ۱۴۷)

فَأَمْنُوا فَمَنْعَهُمْ إِلَى حِينٍ (۱۴۸)

پس ایمان آوردند و تا چندی برخوردارشان کردیم .

(الصافات، ۱۴۸)

فَأَسْتَفْتِهِمْ أَلَرْبِّكَ الْبَنَاتُ وَ لَهُمُ الْبُتُونَ (۱۴۹)

پس ، از مشرکان جویا شو : آیا پروردگارت را دختران و آنان را پسران است ؟

(الصافات، ۱۴۹)

أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَ هُمْ شَاهِدُونَ (۱۵۰)

یا فرشتگان را مادینه آفریدیم و آنان شاهد بودند ؟

(الصافات، ۱۵۰)

أَلَا إِنَّهُمْ مِنْ أَفْجِهِمْ لَيَقُولُونَ (۱۵۱)

هشدار که اینان از دروغ پردازی خود قطعاً خواهند گفت :

(الصافات، ۱۵۱)

وَلَدَ اللَّهُ وَ إِنَّهُمْ لَكَادِبُونَ (۱۵۲)

« خدا فرزند آورده . » در حالی که آنها قطعاً دروغ‌گویانند .

(الصافات، ۱۵۲)

أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ (۱۵۳)

آیا [خدا] دختران را بر پسران برگزیده است ؟

(الصافات، ۱۵۳)

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (۱۵۴)

شما را چه شده ؟ چگونه داوری می‌کنید ؟

(الصافات، ۱۵۴)

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۱۵۵)

آیا سرِ پندگرفتن ندارید ؟ !

(الصافات، ۱۵۵)

أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُّبِينٌ (۱۵۶)

یا دلیلی آشکار [در دست] دارید ؟

(الصافات، ۱۵۶)

فَأْتُوا بِكِتَابِكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۵۷)

پس اگر راست می‌گویید کتابتان را بیاورید .

(الصافات، ۱۵۷)

وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نِجَابًا وَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ (۱۵۸)

و میان خدا و جن‌ها پیوندی انگاشتند و حال آنکه جنیان نیک دانسته‌اند که [برای حساب پس‌دادن ،] خودشان احضار خواهند شد .

(الصافات، ۱۵۸)

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ (۱۵۹)

خدا منزّه است از آنچه در وصف می‌آورند .

(الصافات، ۱۵۹)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ (۱۶۰)

به استثنای بندگان پاکدل خدا .

(الصافات، ۱۶۰)

فَأَيْنَأُكُمْ وَ مَا تَعْبُدُونَ (۱۶۱)

در حقیقت ، شما و آنچه [که شما آن را] می‌پرستید ،

(الصافات، ۱۶۱)

مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ (۱۶۲)

بر ضد او گمراه‌گر نیستید ،

(الصافات، ۱۶۲)

إِلَّا مَنْ هُوَ صَالٍ الْجَحِيمِ (۱۶۳)

مگر کسی را که به دوزخ رفتنی است .

(الصافات، ۱۶۳)

وَمَا مَنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ (۱۶۴)

و هیچ يك از ما [فرشتگان] نیست مگر [اینکه] برای او [مقام و] مرتبه‌ای معین است .

(الصافات، ۱۶۴)

وَ إِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ (۱۶۵)

و در حقیقت ، ما ایم که [برای انجام فرمان خدا] صف بسته‌ایم .

(الصافات، ۱۶۵)

وَ إِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ (۱۶۶)

و ما ایم که خود تسبیح‌گویانیم .

(الصافات، ۱۶۶)

وَ إِنْ كَانُوا لَيَقُولُنَّ (۱۶۷)

و [مشرکان] به تأکید می‌گفتند :

(الصافات، ۱۶۷)

لَوْ أَنَّ عُنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأُولِينَ (۱۶۸)

« اگر پند [نامه‌] ی از پیشینیان نزد ما بود ،

(الصافات، ۱۶۸)

لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ (۱۶۹)

قطعاً از بندگان خالص خدا می‌شدیم . »

(الصافات، ۱۶۹)

فَكَفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۱۷۰)

ولی [وقتی قرآن آمد] به آن کافر شدند ، و زودا که بدانند .

(الصافات، ۱۷۰)

وَ لَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِجِبَادَتِنَا الْمُرْسَلِينَ (۱۷۱)

و قطعاً فرمان ما درباره بندگان فرستاده ما از پیش [چنین] رفته است :

(الصافات، ۱۷۱)

إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ (۱۷۲)

که آنان [بر دشمنان خودشان] حتماً پیروز خواهند شد .

(الصافات، ۱۷۲)

وَ إِنْ جُنَدْنَا لَهُمُ الْعَالِيُونَ (۱۷۳)

و سپاه ما هرآینه غالب‌آیندگانند .

(الصافات، ۱۷۳)

فَقَوْلًا عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ (۱۷۴)

پس تا مدتی [معین] از آنان روی برتاب .

(الصافات، ۱۷۴)

وَ أَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ (۱۷۵)

و آنان را بنگر که خواهند دید .

(الصافات، ۱۷۵)

أَفِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ (۱۷۶)

آیا عذاب ما را شتابزده خواستارند ؟

(الصافات، ۱۷۶)

فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْتَرِينَ (۱۷۷)

پس هشارداده‌شدگان را آن گاه که عذاب به خانه آنان فرود آید چه بد صبحگاهی است .

(الصافات، ۱۷۷)

وَ تَوَلَّوْا عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ (۱۷۸)

و از ایشان تا مدتی [معین] روی برتاب .

(الصافات، ۱۷۸)

وَ أَبْصِرُوا فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ (۱۷۹)

و بنگر که خواهند دید .

(الصافات، ۱۷۹)

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ (۱۸۰)

منزه است پروردگار تو ، پروردگار شکوهمند ، از آنچه وصف می‌کنند .

(الصافات، ۱۸۰)

وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ (۱۸۱)

و درود بر فرستادگان .

(الصافات، ۱۸۱)

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۸۲)

و ستایش ، ویژه خدا ، پروردگار جهانیانست .

(الصافات، ۱۸۲)

ترتیبها-۳۸	سوره ص	مکی-آیاتها-۸۸
------------	--------	---------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(ص، ۰)

ص وَ الْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ (۱)

صاد . سوگند به قرآن پراندرز .

(ص، ۱)

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزِّهِ وَ شِقَاقِي (۲)

آری ، آنان که کفر ورزیدند در سرکشی و ستیزه‌اند .

(ص، ۲)

كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوا وَ لَاتَ حِينَ مَنَاصٍ (۳)

چه بسیار نسلها که پیش از ایشان هلاک کردیم که [ما را] به فریاد خواندند ، و [لی] دیگر مجال گریز نبود .

(ص، ۳)

وَ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَ قَالِ الْكَاْفِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ (۴)

و از اینکه هشداردهنده‌ای از خودشان برایشان آمده درشگفتند ، و کافران می گویند : « این ، ساحری شیاد است .

(ص، ۴)

أَجْعَلِ الْاَلِهَةَ اِلٰهًا وَ اِحْدًا اِنْ هَذَا نَسِيَةٌ عَجَابٌ (۵)

آیا خدایان [متعدّد] را خدای واحدی قرار داده ؟ این واقعاً چیز عجیبی است .

(ص، ۵)

وَ اَنْطَلِقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ اِنْ اَمْشَوْا وَ اصْبِرُوا عَلٰى اِلٰهَتِكُمْ اِنْ هَذَا نَسِيَةٌ يٰرَاذٌ (۶)

و بزرگان‌شان روان شدند [و گفتند :] « بروید و بر خدایان خود ایستادگی نمایید که این امر قطعاً هدف [ما] ست .

(ص، ۶)

مَا سَمِعْنَا بِهٰذَا فِي الْمِلَّةِ الْاٰخِرَةِ اِنْ هَذَا اِلَّا اِخْتِلَاقٌ (۷)

[از طرفی] این [مطلب] را در آیین اخیر [عیسوی هم] نشنیده‌ایم ؛ این [ادعا] جز دروغ‌بافی نیست .

(ص، ۷)

أَنْزَلْ عَلَیْهِ الذُّكْرَ مِنْ بَیْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابٍ (۸)

آیا از میان ما قرآن بر او نازل شده است ؟ « نه !] بلکه آنان در باره قرآن من دودلند . [نه ،] بلکه هنوز عذاب [مرا] نچشیده‌اند .

(ص، ۸)

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ (۹)

آیا گنجینه‌های رحمت پروردگار ارجمند بسیار بخشنده تو نزد ایشان است ؟

(ص، ۹)

أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِ وَ مَا بَیْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي الْاَسْبَابِ (۱۰)

آیا فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است از آن ایشان است ؟ [اگر چنین است] پس [با چنگ زدن] در آن اسباب به بالا روند .

(ص، ۱۰)

جُنْدٌ مَا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِنَ الْاَخْزَابِ (۱۱)

این سپاهک دسته‌های دشمن در آنجا [بَدْر] درهم شکستی‌اند .

(ص، ۱۱)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ عَادٌ وَ فِرْعَوْنُ ذُو الْاَوْتَادِ (۱۲)

پیش از ایشان قوم نوح و عاد و فرعون صاحب [عمارت و] خرگاهها تکذیب کردند .

(ص، ۱۲)

وَ ثَمُودُ وَ قَوْمُ لُوطٍ وَ اَصْحَابُ الْاَيْكَةِ اُولٰئِكَ الْاَخْزَابِ (۱۳)

و ثمود و قوم لوط و اصحاب اَیْکَه [نیز به تکذیب پرداختند] آنها دسته‌های مخالف بودند .

(ص، ۱۳)

اِنْ كُلٌّ اِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابٌ (۱۴)

هیچ کدام نبودند که پیامبران [ما] را تکذیب نکنند ، پس عقوبت [من بر آنان] سزاوار آمد .

(ص، ۱۴)

وَمَا يَنْظُرُ هُوَ إِلَّا صَيحَةً وَاحِدَةً مَا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ (۱۵)

و اینان جز يك فریاد را انتظار نمی‌برند که هیچ [مجال] سر خاراتدنی در آن نیست .

(ص، ۱۵)

وَقَالُوا رَبَّنَا عَجَلْنَا لَنَا قِطْنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ (۱۶)

و گفتند : « پروردگارا ، پیش از [رسیدن] روز حساب ، بهره ما را [از عذاب] به شتاب به ما بده . »

(ص، ۱۶)

اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ اذْكُرْ عِبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْاُيُودِ اِنَّهُ اَوَّابٌ (۱۷)

بر آنچه می‌گویند صبر کن ، و داوود ، بنده ما را که دارای امکانات [متعدد] بود به یاد آور ؛ آری ، او بسیار بازگشت‌کننده [به سوی خدا] بود .

(ص، ۱۷)

اِنَّا سَخَرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْاشْرَاقِ (۱۸)

ما کوه‌ها را با او مسخر ساختیم [که] شامگاهان و بامدادان خداوند را نیایش می‌کردند .

(ص، ۱۸)

وَ الطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَّهٗ اَوَّابٌ (۱۹)

و پرندگان را از هر سو [بر او] گرد [آوردیم] همگی [به نوای دلنوازش] به سوی او بازگشت‌کننده [و خدا را ستایشگر] بودند .

(ص، ۱۹)

وَ شَدَدْنَا مُلْءَهُ وَاَتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَ فُضِّلَ الْخُطَابِ (۲۰)

و پادشاهی را استوار کردیم و او را حکمت و کلام فیصله‌دهنده عطا کردیم .

(ص، ۲۰)

وَ هَلْ اَتَاكَ نَبِیُّ الْخَصْمِ اِذْ تَسُوْرُو الْمِحْرَابِ (۲۱)

و آیا خبر دادخواهان چون از نمازخانه [او] بالا رفتند به تو رسید ؟

(ص، ۲۱)

اِذْ دَخَلُوْا عَلٰی دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوْا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَعٰی بَعْضُنَا عَلٰی بَعْضٍ فَاخْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَ لَا تَشْطُطْ وَ اِهْدِنَا اِلٰی سَوَاءِ الصِّرَاطِ (۲۲)

وقتی [به طور ناگهانی] بر داوود درآمدند ، و او از آنان به هراس افتاد ، گفتند : « مترس ، [ما] دو مدعی [هستیم] که یکی از ما بر دیگری تجاوز کرده ، پس میان ما به حق داوری کن ، و از حق دور مشو ، و ما را به راه راست راهبر باش . »

(ص، ۲۲)

اِنَّ هٰذَا اَخِيْ لَهٗ تِسْعٌ وَ تِسْعُوْنَ نَعْجَةً وَ لِيْ نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ اَكْفَلْنِيْهَا وَ عَزْبِيْ فِي الْخُطَابِ (۲۳)

« این [شخص] برادر من است . او را نود و نه میش ، و مرا يك میش است ، و می‌گوید : آن را به من بسیار ، و در سخنوری بر من غالب آمده است . »

(ص، ۲۳)

قَالَ لَقَدْ ظَنَمَكَ بِسْوَالٍ نَّعَجْتِكَ اِلٰی تَعَاجِهٍ وَ اِنَّ كَثِيْرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِيْ بَعْضُهُمْ عَلٰی بَعْضٍ اِلَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَ عَمِلُوْا الصَّالِحٰتِ وَ قَلِيْلٌ مَّا هُمْ وَ ظَنَّ دَاوُدُ اَنَّهَا فِتْنَةٌ فَاَسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَ خَرَّ رَاكِعًا وَ اَنَابَ (۲۴)

[داوود] گفت : « قطعاً او در مطالبه میش تو [اضافه] بر میش‌های خودش ، بر تو ستم کرده ، و در حقیقت بسیاری از شریکان به همدیگر ستم روا می‌دارند ، به استثنای کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند ، و اینها بس اندکند ، و داوود دانست که ما او را آزمایش کرده‌ایم . پس ، از پروردگارش آمرزش خواست و به رو درافتاد و توبه کرد .

(ص، ۲۴)

فَعَفَرْنَا لَهُ ذُلَيْكَ وَ إِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَ حُسْنَ مَآبٍ (۲۵)

و بر او این [ماجرا] را بخشودیم؛ و در حقیقت برای او پیش ما تقرب و فرجامی خوش خواهد بود.

(ص، ۲۵)

يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ (۲۶)

ای داوود، ما تو را در زمین خلیفه [و جانشین] گردانیدیم؛ پس میان مردم به حق داوری کن، و زنهار از هوس پیروی مکن که تو را از راه خدا به درکند. در حقیقت کسانی که از راه خدا به در می‌روند، به [سزای] آنکه روز حساب را فراموش کرده‌اند عذابی سخت خواهند داشت.

(ص، ۲۶)

وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذُلَيْكَ ظَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا قَوْلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ (۲۷)

و آسمان و زمین و آنچه را که میان این دو است به باطل نیافریدیم، این گمان کسانی است که کافر شده [و حق‌پوشی کرده] اند، پس وای از آتش بر کسانی که کافر شده‌اند.

(ص، ۲۷)

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ (۲۸)

یا [مگر] کسانی را که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند، چون مفسدان در زمین می‌گردانیم، یا پرهیزگاران را چون پلیدکاران قرار می‌دهیم؟

(ص، ۲۸)

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ (۲۹)

[این] کتابی مبارک است که آن را به سوی تو نازل کرده‌ایم تا در [باره] آیات آن بیندیشند، و خردمندان پند گیرند.

(ص، ۲۹)

وَ وَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ (۳۰)

و سلیمان را به داوود بخشیدیم. چه نیکو بنده‌ای! به راستی او توبه‌کار [و ستایشگر] بود.

(ص، ۳۰)

إِذْ عَرَضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِئَاتِ الْجِبَادِ (۳۱)

هنگامی که [طرف] غروب، اسپهای اصیل را بر او عرضه کردند،

(ص، ۳۱)

فَقَالَ إِنِّي أَحِبُّ حُبَّ الْخَيْرِ عَنِ ذُرِّ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ (۳۲)

[سلیمان] گفت: «واقعاً من دوستی اسبان را بر یاد پروردگارم ترجیح دادم تا [هنگام نماز گذشت و خورشید] در پس حجابِ ظلمت شد.»

(ص، ۳۲)

رُئِيَهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَ الْأَعْنَاقِ (۳۳)

[گفت: «اسبها] را نزد من بازآوردید.» پس شروع کرد به دست کشیدن بر ساقها و گردن آنها [و سرانجام وقف کردن آنها در راه خدا].

(ص، ۳۳)

وَ لَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَ أَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَداً ثُمَّ أَنَابَ (۳۴)

و قطعاً سلیمان را آزمودیم و بر تخت او جسدی بیفکنیم؛ پس به توبه باز آمد.

(ص، ۳۴)

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مَلِكاً لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (۳۵)

گفت: «پروردگارا، مرا ببخش و ملکی به من ارزانی دار که هیچ کس را پس از من سزاوار نباشد، در حقیقت، تویی که خود بسیار بخشنده‌ای.»

(ص، ۳۵)

فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ (۳۶)

پس باد را در اختیار او قرار دادیم که هر جا تصمیم می‌گرفت ، به فرمان او نرم ، روان می‌شد .

(ص، ۳۶)

وَالشَّيَاطِينِ كُلِّ بَنَاءٍ وَ عَوَاصِ (۳۷)

و شیطانها را [از] بنا و عوَص ،

(ص، ۳۷)

و آخِرِينَ مَقْرَنِينَ فِي الْأَصْفَادِ (۳۸)

تا [وحشیان] دیگر را که جفت جفت با زنجیرها به هم بسته بودند [تحت فرمایش درآوردیم] .

(ص، ۳۸)

هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۳۹)

[گفتیم : « این بخشش ماست ، [آن را] بی‌شمار ببخش یا نگاه دار . »

(ص، ۳۹)

وَ إِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَ حُسْنَ مَآبٍ (۴۰)

و قطعاً برای او در پیشگاه ما تقرب و فرجام نیکوست .

(ص، ۴۰)

وَ اذْكُرْ عِبْدَنَا اِيُوبَ اِذْ نَادَى رَبَّهُ اَنِّى مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَ عَذَابٍ (۴۱)

و بنده ما ایوب را به یاد آور ، آن گاه که پروردگارش را ندا داد که : « شیطان مرا به رنج و عذاب مبتلا کرد . »

(ص، ۴۱)

ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَ شَرَابٌ (۴۲)

[به او گفتیم : « با پای خود [به زمین] بکوب ، اینک این چشمه‌ساری است سرد و آشامیدنی . »

(ص، ۴۲)

وَ هَمَّيْنَا لَهُ اَهْلَهُ وَ مَثَلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِّنَّا وَ ذِكْرًا لِّاُولِي الْاَلْبَابِ (۴۳)

و [مجدداً] کسانش را و نظایر آنها را همراه آنها به او بخشیدیم ، تا رحمتی از جانب ما و عبرتی برای خردمندان باشد .

(ص، ۴۳)

وَ خُذْ بِيَدِكَ ضِغْتًا فَاُضْرِبْ بِهٖ وَ لَا تَخُنْ اِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِّعْمَ الْعٰبِدِىْنَ اِنَّهٗ اَوَّابٌ (۴۴)

[و به او گفتیم : « يك بسته ترکه به دست بگیر و [همسرت را] با آن بزن و سوگند مشکن . » ما او را شکیبا یافتیم . چه نیکو بنده‌ای ! به راستی او توبه‌کار بود .

(ص، ۴۴)

وَ اذْكُرْ عِبَادَنَا اِبْرٰهٖمَ وَ اسْحٰقَ وَ يعْقوبَ اُولِى الْاَيْدِى وَ الْاَبْصَارِ (۴۵)

و بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را که نیرومند و دیده‌ور بودند به یاد آور .

(ص، ۴۵)

اِنَّا اَخْلَصْنٰهُمْ بِخَالِصَةِ ذِكْرِى الدَّارِ (۴۶)

ما آنان را با موهبت ویژه‌ای که یادآوری آن سرای بود خالص گردانیدیم .

(ص، ۴۶)

وَ اِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفٰى الْاٰخِرٰى (۴۷)

و آنان در پیشگاه ما جدا از برگزیدگان نیکانند .

(ص، ۴۷)

وَ اذْكَرِ اِسْمَاعِيلَ وَ النَّسْعَ وَ ذَا الْكِفْلِ وَ كُلٌّ مِّنَ الْاٰخِيَارِ (۴۸)

و اسماعیل و نِسْع و ذُو الْكِفْلِ را به یاد آور [که] همه از نیکانند .

(ص، ۴۸)

هُدًا يٰذَكَرُ وَ اِنَّ لِلْمُتَّقِيْنَ لِحُسْنِ مَّآبٍ (۴۹)

این یادکردی است ، و قطعاً برای پرهیزگاران فرجامی نیک است .

(ص، ۴۹)

جَنَّاتٍ عَدْنٍ مَّفْتَحَةٌ لَهُمُ الْاَبْوَابُ (۵۰)

باغهای همیشگی در حالی که درهای [آنها] برایشان گشوده است .

(ص، ۵۰)

مُتَّكِنِينَ فِيهَا يَذُوعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَ شَرَابٍ (۵۱)

در آنجا تکیه می‌زنند [و] میوه‌های فراوان و نوشیدنی در آنجا طلب می‌کنند .

(ص، ۵۱)

وَ عِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ اَنْرَابٍ (۵۲)

و نزدشان [دلبران] فروهشته‌نگاه همسال است .

(ص، ۵۲)

هُدًا مَّا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ (۵۳)

این است آنچه برای روز حساب به شما وعده داده می‌شد .

(ص، ۵۳)

اِنَّ هٰذَا لِرِزْقِنَا مَّا لَهٗ مِنْ نَّفَاٍ (۵۴)

[می‌گویند : « در حقیقت ، این روزی ماست و آن را پایانی نیست . »

(ص، ۵۴)

هُدًا وَ اِنَّ لِلطَّاغِيْنَ لَشَرَّ مَّآبٍ (۵۵)

این است [حال بهشتیان] و [اما] برای طغیانگران واقعاً بد فرجامی است .

(ص، ۵۵)

جَهَنَّمَ يَصَلُّوْنَهَا فَيُنْسِ الْاَمْهَادُ (۵۶)

به جهنم درمی‌آیند ، و چه بد آرامگاهی است .

(ص، ۵۶)

هُدًا فَلْيَذُوقُوْهُ حَمِيْمٌ وَ عَسَاقٍ (۵۷)

این جوشاب و چرکاب است ، باید آن را بچشند .

(ص، ۵۷)

وَ اٰخَرُ مِنْ سَخْلِهِ اَزْوَاجٍ (۵۸)

و از همین گونه ، انواع دیگر [عذابها] .

(ص، ۵۸)

هَذَا فَوْجٌ مُّقْتَضِمٌ مَعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ (۵۹)

اینها گروهی‌اند که با شما به اجبار [در آتش] درمی‌آیند . بدا به حال آنها ، زیرا آنان داخل آتش می‌شوند .

(ص، ۵۹)

قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَنْتُمْ قَدْ مَتَمَّمْتُمْ لَنَا قَبِيْسَ الْقَرَارِ (۶۰)

[به رؤسای خود] می‌گویند : « بلکه بر خود شما خوش مباد ! این [عذاب] را شما خود برای ما از پیش فراهم آوردید ، و چه بد قرارگاهی است . »

(ص، ۶۰)

قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَرَدَهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ (۶۱)

می‌گویند : « پروردگارا ، هر کس این [عذاب] را از پیش برای ما فراهم آورده ، عذاب او را در آتش دو چندان کن . »

(ص، ۶۱)

وَ قَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ (۶۲)

و می‌گویند : « ما را چه شده است که مردانی را که ما آنان را از [زمره] اشرار می‌شمردیم نمی‌بینیم ؟ »

(ص، ۶۲)

أَتَخَذْنَا هُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ (۶۳)

آیا آنان را [در دنیا] به ریشخند می‌گرفتیم یا چشمها [ی ما] بر آنها نمی‌افتد ؟ »

(ص، ۶۳)

إِنَّ ذَٰلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ (۶۴)

این مجادله اهل آتش قطعاً راست است .

(ص، ۶۴)

قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (۶۵)

بگو : « من فقط هشدار دهنده‌ای هستم ، و جز خدای یگانه قهار معبودی دیگر نیست . »

(ص، ۶۵)

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ (۶۶)

پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است ، همان شکست‌ناپذیر آمرزنده .

(ص، ۶۶)

قُلْ هُوَ تَبَّأٌ عَظِيمٌ (۶۷)

بگو : « این خبری بزرگ است ، »

(ص، ۶۷)

أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ (۶۸)

[که] شما از آن روی برمی‌تابید .

(ص، ۶۸)

مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَإِ الْأَعْلَى إِذْ يَخْتَصِمُونَ (۶۹)

مرا در باره ملا اعلی هیچ دانشی نبود آن گاه که مجادله می‌کردند .

(ص، ۶۹)

إِنْ يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (٧٠)

به من هیچ [چیز] وحی نمی‌شود ، جز اینکه من هشداردهنده‌ای آشکارم .

(ص، ٧٠)

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ (٧١)

آن گاه که پروردگارت به فرشتگان گفت : « من بشری را از گل خواهم آفرید .

(ص، ٧١)

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (٧٢)

پس چون او را [کاملاً] درست کردم و از روح خویش در آن دمیدم ، سجده‌کنان برای او [به خاک] بیفتید . «

(ص، ٧٢)

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ (٧٣)

پس همه فرشتگان یکسره سجده کردند .

(ص، ٧٣)

إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (٧٤)

مگر ابلیس [که] تکبر نمود و از کافران شد .

(ص، ٧٤)

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإَيْدِي اسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ (٧٥)

فرمود : « ای ابلیس ، چه چیز تو را مانع شد که برای چیزی که به دستان قدرت خویش خلق کردم سجده آوری ؟ آیا تکبر نمودی یا از [جمله] برتری‌جویانی ؟ »

(ص، ٧٥)

قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ (٧٦)

گفت : « من از او به‌ترم ؛ مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل آفریده‌ای .

(ص، ٧٦)

قَالَ فَأخْرِجْهَا مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ (٧٧)

فرمود : « پس ، از آن [مقام] بیرون شو ، که تو رانده‌ای .

(ص، ٧٧)

وَ إِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ (٧٨)

و تا روز جزا لعنت من بر تو باد . «

(ص، ٧٨)

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْني إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (٧٩)

گفت : « پروردگارا ، پس مرا تا روزی که برانگیخته می‌شوند مهلت ده . «

(ص، ٧٩)

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ (٨٠)

فرمود : « در حقیقت ، تو از مهلت‌یافتگانی ،

(ص، ٨٠)

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ (٨١)

تا روز معین معلوم . «

(ص، ۸۱)

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغَوِّيَهُمْ أَجْمَعِينَ (۸۲)

[شیطان] گفت : « پس به عزت تو سوگند که همگی را جدا از راه به در می‌برم ،

(ص، ۸۲)

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ (۸۳)

مگر آن بندگانی پاکدل تو را . «

(ص، ۸۳)

قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقَّ أَقُولُ (۸۴)

فرمود : « حق [از من] است و حق را می‌گویم :

(ص، ۸۴)

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ (۸۵)

هرآینه جهنم را از تو و از هر کس از آنان که تو را پیروی کند ، از همگی‌شان ، خواهم انباشت . «

(ص، ۸۵)

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ (۸۶)

بگو : « مزدی بر این [رسالت] از شما طلب نمی‌کنم و من از کسانی نیستم که چیزی از خود بسازم [و به خدا نسبت دهم] .

(ص، ۸۶)

إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۸۷)

این [قرآن] جز پندی برای جهانیان نیست .

(ص، ۸۷)

وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ (۸۸)

و قطعاً پس از چندی خبر آن را خواهید دانست . «

(ص، ۸۸)

ترتیبها- ۳۹	سوره الزمر	مکی-آیاتها- ۷۵
-------------	------------	----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الزمر، ۰)

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۱)

نازل شدن [این کتاب] از جانب خدای شکست‌ناپذیر سنجیده‌کار است .

(الزمر، ۱)

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ (۲)

ما [این] کتاب را به حق به سوی تو فرود آوردیم ، پس خدا را در حالی که اعتقاد [خود] را برای او خالص‌کننده‌ای عبادت کن .

(الزمر، ۲)

أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ (۳)

آگاه باشید : آیین پاک از آن خداست ، و کسانی که به جای او دوستانی برای خود گرفته‌اند [به این بهانه که :] ما آنها را جز برای اینکه ما را هر چه بیشتر به خدا نزدیک گردانند ، نمی‌پرستیم ، البته خدا میان آنان در باره آنچه که بر سر آن اختلاف دارند ، داوری خواهد کرد . در حقیقت ، خدا آن کسی را که دروغ‌پردازِ ناسپاس است هدایت نمی‌کند .

(الزمر، ۳)

لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَاصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (۴)

اگر خدا می‌خواست برای خود فرزندی بگیرد ، قطعاً از [میان] آنچه خلق می‌کند ، آنچه را می‌خواست برمی‌گزید . منزّه است او ، اوست خدای یگانه قهار .

(الزمر، ۴)

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُخَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَ يُكْوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ كُلَّ يَجْرِ لِأَجَلٍ مُّسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ (۵)

آسمانها و زمین را به حق آفرید . شب را به روز درمی‌پیچد ، و روز را به شب درمی‌پیچد و آفتاب و ماه را تسخیر کرد . هر کدام تا مدتی معین روانند . آگاه باش که او همان شکست‌ناپذیر آمرزنده است .

(الزمر، ۵)

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقَكُمْ فِي بَطْنٍ مِنْ أَمْهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَىٰ نُصْرَتُفُونَ (۶)

شما را از نفسی واحد آفرید ، سپس جفتش را از آن قرار داد ، و برای شما از دامها هشت قسم پدید آورد . شما را در شکمهای مادرانتان آفرینشی پس از آفرینشی [دیگر] در تاریکیهای سه گانه [: مشیمه و رحم و شکم] خلق کرد . این است خدا ، پروردگار شما ، فرمانروایی [و حکومت مطلق] از آن اوست . خدایی جز او نیست ، پس چگونه [و کجا از حق] برگردانیده می‌شوید ؟

(الزمر، ۶)

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَ لَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَ إِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۷)

اگر کفر ورزید ، خدا از شما سخت بی‌نیاز است و برای بندگانش کفران را خوش نمی‌دارد ، و اگر سپاس دارید آن را برای شما می‌پسندد ، و هیچ بردارنده‌ای بار [گناه] دیگری را بر نمی‌دارد ، آن گاه بازگشت شما به سوی پروردگارتان است ، و شما را به آنچه می‌کردید خبر خواهد داد ، که او به راز دلها داناست .

(الزمر، ۷)

وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا حَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نِسِيَ مَا كَانَ يُدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَ جَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ (۸)

و چون به انسان آسیبی رسد ، پروردگارش را در حالی که به سوی او بازگشت‌کننده است می‌خواند ؛ سپس چون او را از جانب خود نعمتی عطا کند ، آن [مصیبتی] را که در رفع آن بیشتر به درگاه او دعا می‌کرد ، فراموش می‌نماید و برای خدا همتیایی قرار می‌دهد تا [خود و دیگران را] از راه او گمراه گرداند . بگو : « به کفرت اندکی برخوردار شو که تو از اهل آتشی . »

(الزمر، ۸)

أَمْ مَنْ هُوَ قَابَتْنَاهُ اللَّهُ لِيْلٍ سَاجِدًا وَ قَائِمًا يَخْضِرُ الْأَحْزَرَ وَ يَرْجُو رَحْمَةً رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (۹)

[آیا چنین کسی بهتر است] یا آن کسی که او در طول شب در سجده و قیام اطاعت [خدا] می‌کند [و] از آخرت می‌ترسد و رحمت پروردگارش را امید دارد ؟ بگو : « آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟ » تنها خردمندانند که پندپذیرند .

(الزمر، ۹)

قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۱۰)

بگو : « ای بندگان من که ایمان آورده‌اید ، از پروردگارتان پروا بدارید . برای کسانی که در این دنیا خوبی کرده‌اند ، نیکی خواهد بود ، و زمین خدا فراخ است . بی‌تردید ، شکیبایان پاداش خود را بی‌حساب [و] به تمام خواهند یافت . »

(الزمر، ۱۰)

قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ (۱۱)

بگو : « من مأمورم که خدا را در حالی که آیینم را برای او خالص گردانیده‌ام بپرستم .

(الزمر، ۱۱)

وَأَمْرًا لِأَنَّ أَكْثَرَ أَوْلَى الْمُسْلِمِينَ (۱۲)

و مأمورم که نخستین مسلمانان باشم .

(الزمر، ۱۲)

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱۳)

بگو : « من اگر به پروردگارم عصیان ورزم ، از عذاب روزی هولناک می‌ترسم . »

(الزمر، ۱۳)

قُلِ اللَّهُ أَغْنِي مَخْلَصًا لَّهُ دِينِي (۱۴)

بگو : « خدا را می‌پرستم در حالی که دینم را برای او بی‌آلایش می‌گردانم . »

(الزمر، ۱۴)

فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ (۱۵)

پس هر چه را غیر از او می‌خواهید ، بپرستید « [ولی به آنان] بگو : « زیانکاران در حقیقت کسانی‌اند که به خود و کسانشان در روز قیامت زیان رسانده‌اند ؛ آری ، این همان خسران آشکار است . »

(الزمر، ۱۵)

لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَ مِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ (۱۶)

آنها از بالای سرشان چترهایی از آتش خواهند داشت و از زیر پایشان [نیز] طبق‌هایی [آتشین است] ، این [کیفری] است که خدا بندگان را به آن بیم می‌دهد . ای بندگان من ، از من بترسید .

(الزمر، ۱۶)

وَ الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَ أَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ (۱۷)

و [لی] آنان که خود را از طاغوت به دور می‌دارند تا مبادا او را بپرستند و به سوی خدا بازگشته‌اند آنان را مژده باد ، پس بشارت ده به آن بندگان من که :

(الزمر، ۱۷)

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَنْبِيَاءِ (۱۸)

به سخن گوش فرامی‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند ؛ اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان .

(الزمر، ۱۸)

أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنقَذُ مَنْ فِي النَّارِ (۱۹)

پس آیا کسی که فرمان عذاب بر او واجب آمده [کجا روی رهایی دارد] ؟ آیا تو کسی را که در آتش است می‌رهانی ؟

(الزمر، ۱۹)

لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَبْنِيَةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ غَدَّ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ (۲۰)

لیکن کسانی که از پروردگارشان پروا داشتند ، برای ایشان غرفه‌هایی است که بالای آنها غرفه‌هایی [دیگر] بنا شده است ؛ نهرها از زیر آن روان است . وعده خداست ؛ خدا خلاف وعده نمی‌کند .

(الزمر، ۲۰)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعٌ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فَنَرَاهُ جَبَلًا مَصْفًورًا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ (21)

مگر ندیده‌ای که خدا از آسمان ، آبی فرود آورد پس آن را به چشمه‌هایی که در [طبقات زیرین] زمین است راه داد ، آن گاه به وسیله آن کشتزاری را که رنگهای آن گوناگون است بیرون می‌آورد ، سپس خشک می‌گردد ، آن گاه آن را زرد می‌بینی ، سپس خاشاکش می‌گرداند . قطعاً در این [دگرگونیها] برای صاحبان خرد عبرتی است .

(الزمر، ۲۱)

أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِإِسْلَامٍ فَهُوَ عَلَى نُوبٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۲۲)

پس آیا کسی که خدا سینه‌اش را برای [پذیرش] اسلام گشاده ، و [در نتیجه] برخوردار از نوری از جانب پروردگارش می‌باشد [همانند فرد تاریکدل است] ؟ پس وای بر آنان که از سختدلی یاد خدا نمی‌کنند ؛ اینانند که در گمراهی آشکارند .

(الزمر، ۲۲)

اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَابًا تَفْشِيرُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَ قُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يَضَلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۲۳)

خدا زیباترین سخن را [به صورت] کتابی متشابه ، متضمن وعده و وعید ، نازل کرده است . آنان که از پروردگارشان می‌هراسند ، پوست بدنشان از آن به لرزه می‌افتد ، سپس پوستشان و دلشان به یاد خدا نرم می‌گردد . این است هدایت خدا ، هر که را خواهد ، به آن راه نماید ، و هر که را خدا گمراه کند او را راهبری نیست .

(الزمر، ۲۳)

أَفَمَنْ يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ دُوفُوا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ (۲۴)

پس آیا آن کس که [به جای دستها] با چهره خود ، گزند عذاب را روز قیامت دفع می‌کند [مانند کسی است که از عذاب ایمن است] ؟ و به ستمگران گفته می‌شود : « آنچه را که دستاوردتان بوده است بچشید . »

(الزمر، ۲۴)

كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَآتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ (۲۵)

کسانی [هم] که پیش از آنان بودند به تکذیب پرداختند ، و از آنجا که حدس نمی‌زدند عذاب برایشان آمد .

(الزمر، ۲۵)

فَأَذَاقَهُمُ اللَّهُ الْخَزْيَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ لَعَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۲۶)

پس خدا در زندگی دنیا رسوایی را به آنان چشاندید ، و اگر می‌دانستند ، قطعاً عذاب آخرت بزرگتر است .

(الزمر، ۲۶)

وَ لَقَدْ صَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۲۷)

و در این قرآن از هر گونه مثلی برای مردم آوردیم ، باشد که آنان پندگیرند .

(الزمر، ۲۷)

قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۲۸)

قرآنی عربی ، بی‌هیچ کژی ؛ باشد که آنان راه تقوا پویند .

(الزمر، ۲۸)

صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَابِهُونَ وَ رَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۲۹)

خدا مثلی زده است : مردی است که چند خواجه ناسازگار در [مالکیت] او شرکت دارند [و هر يك او را به کاری می‌گمارند] و مردی است که تنها فرمانبر يك مرد است . آیا این دو در مثل یکسانند ؟ سپاس خدای را . [نه ، بلکه بیشترشان نمی‌دانند .

(الزمر، ۲۹)

إِنَّكَ مَيِّتٌ وَ إِنَّهُمْ مَيِّتُونَ (۳۰)

قطعاً تو خواهی مُرد ، و آنان [نیز] خواهند مُرد ؛

(الزمر، ۳۰)

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ (۳۱)

سپس شما روز قیامت پیش پروردگارتان مجادله خواهید کرد .

(الزمر، ۳۱)

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَ كَذَبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ (۳۲)

پس کیست ستمگرتر از آن کس که بر خدا دروغ بست ، و [سخن] راست را چون به سوی او آمد ، دروغ پنداشت ؟ آیا جای کافران در جهنم نیست ؟

(الزمر، ۳۲)

وَالَّذِي جَاءَ بِالصَّدَقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (۳۳)

و آن کس که راستی آورد و آن را باور نمود ؛ آنانند که خود پرهیزگارانند .

(الزمر، ۳۳)

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ (۳۴)

برای آنان ، هر چه بخواهند پیش پروردگارشان خواهد بود . این است پاداش نیکوکاران .

(الزمر، ۳۴)

يُكَفِّرُ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَ يُجْزِيهِمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ (۳۵)

تا خدا ، بدترین عملی را که کرده‌اند ، از ایشان بزداید ، و آنان را به بهترین کاری که می‌کرده‌اند ، پاداش دهد .

(الزمر، ۳۵)

أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَ يَخُوفُوكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ وَ مَنْ يُضِللِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۳۶)

آیا خدا کفایت‌کننده بنده‌اش نیست ؟ و [کافران] تو را از آنها که غیر اویند می‌ترسانند و هر که را خدا گمراه گرداند برایش راهبری نیست .

(الزمر، ۳۶)

وَ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ (۳۷)

و هر که را خدا هدایت کند گمراه‌کننده‌ای ندارد . مگر خدا نیست که نیرومند کیفرخواه است ؟

(الزمر، ۳۷)

وَ لَنْ نَسْأَلَنَّهُمْ مِنْ خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ نِقَوْلًا إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ (۳۸)

و اگر از آنها بپرسی : « چه کسی آسمانها و زمین را خلق کرده ؟ » قطعاً خواهند گفت : « خدا . » بگو : « [همان] چه تصور می‌کنید ، اگر خدا بخواهد صدمه‌ای به من برساند ؛ آیا آنچه را به جای خدا می‌خوانید ، می‌توانند صدمه او را برطرف کنند ؛ یا اگر او رحمتی برای من اراده کند آیا آنها می‌توانند رحمتش را بازدارند ؟ » بگو : « خدا مرا بس است . اهل توکل تنها بر او توکل می‌کنند . »

(الزمر، ۳۸)

قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَايِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (۳۹)

بگو : « ای قوم من ، شما بر حسب امکانات خود عمل کنید ، من [نیز] عمل می‌کنم ، پس به زودی خواهید دانست :

(الزمر، ۳۹)

مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَ يَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ (۴۰)

[که] چه کس را عذابی که رسوایش کند خواهد آمد و عذابی پایدار بر او نازل می‌شود .

(الزمر، ۴۰)

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّٰ فَلِنَافِلَةٍ يَضِلُّ عَلَيْهَا وَ مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ (۴۱)

ما این کتاب را برای [رهبری] مردم به حق بر تو فرودرستادیم . پس هر کس هدایت شود ، به سود خود اوست ، و هر کس بیراهه رود ، تنها به زیان خودش گمراه می‌شود ، و تو بر آنها وکیل نیستی .

(الزمر، ۴۱)

اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَ الَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فِيمَسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَ يُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۴۲)

خدا روح مردم را هنگام مرگشان به تمامی بازمی‌ستاند ، و [نیز] روحی را که در [موقع] خوابش نمرده است [قبض می‌کند] ؛ پس آن [نفسی] را که مرگ را بر او واجب کرده نگاه می‌دارد ، و آن دیگر [نفسها] را تا هنگامی معین [به سوی زندگی دنیا] بازپس می‌فرستد . قطعاً در این [امر] برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌هایی [از قدرت خدا] است .

(الزمر، ۴۲)

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ فَلَنْ لَا كَافُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئاً وَ لَا يَعْقِلُونَ (۴۳)

آیا غیر از خدا شفاعتگرانی برای خود گرفته‌اند؟ بگو: «آیا هر چند اختیار چیزی را نداشته باشند و نیندیشند؟»

(الزمر، ۴۳)

قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعاً لَهٗ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۴۴)

بگو: «شفاعت، یکسره از آن خداست. فرمانروایی آسمانها و زمین خاص اوست؛ سپس به سوی او باز گردانیده می‌شود.»

(الزمر، ۴۴)

وَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَ إِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَنْشِرُونَ (۴۵)

و چون خدا به تنهایی یاد شود، دل‌های کسانی که به آخرت ایمان ندارند، منزجر می‌گردد، و چون کسانی غیر از او یاد شوند، بناگاه آنان شادمانی می‌کنند.

(الزمر، ۴۵)

قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۴۶)

بگو: «بار الها، ای پدیدآورنده آسمانها و زمین، [ای] دانای نهایان آشکار، تو خود در میان بندگان بر سر آنچه اختلاف می‌کردند، داوری می‌کنی.»

(الزمر، ۴۶)

وَ لَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً وَ مِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ بَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَحْوَئُوا يَحْتَسِبُونَ (۴۷)

و اگر آنچه در زمین است، یکسره برای کسانی که ظلم کرده‌اند باشد و نظیرش [نیز] با آن باشد، قطعاً [همه] آن را برای رهایی خودشان از سختی عذاب روز قیامت خواهند داد، و آنچه تصور [ش را] نمی‌کردند، از جانب خدا برایشان آشکار می‌گردد.

(الزمر، ۴۷)

وَ بَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتِ مَا كَسَبُوا وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (۴۸)

و [نتیجه] گناهانی که مرتکب شده‌اند، برایشان ظاهر می‌شود، و آنچه را که بدان ریشخند می‌کردند، آنها را فرامی‌گیرد.

(الزمر، ۴۸)

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوْلَانَاهُ نِعْمَةً مِمَّا قَالِ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلِٰ هِيَ فِتْنَةٌ وَ لَعْنٌ أَكْثَرُ لَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۴۹)

و چون انسان را آسبیبی رسد، ما را فرامی‌خواند؛ سپس چون نعمتی از جانب خود به او عطا کنیم می‌گوید: «تنها آن را به دانش خود یافته‌ام.» نه چنان است، بلکه آن آزمایشی است، ولی بیشترشان نمی‌دانند.

(الزمر، ۴۹)

قَدْ قَالَهَا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَمَا أُعْثِيَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۵۰)

قطعاً کسانی که پیش از آنان بودند [نیز] این [سخن] را گفتند و آنچه به دست آورده بودند، کاری برایشان نکرد.

(الزمر، ۵۰)

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتِ مَا كَسَبُوا وَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَٰؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتِ مَا كَسَبُوا وَ مَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ (۵۱)

تا [آنکه] کیفر آنچه مرتکب شده بودند، بدیشان رسید و کسانی از این [گروه] که ستم کرده‌اند، به زودی نتایج سوء آنچه مرتکب شده‌اند، بدیشان خواهد رسید و آنان درمانده‌کننده [ما] نیستند.

(الزمر، ۵۱)

أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۵۲)

آیا ندانسته‌اند که خداست که روزی را برای هر کس که بخواهد، گشاده یا تنگ می‌گرداند؟ قطعاً در این [اندازه‌گیری] برای مردمی که ایمان دارند نشانه‌هایی [از حکمت] است.

(الزمر، ۵۲)

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۵۳)

۶۰۴ / ۳۹۹

بگو: « ای بندگان من که بر خویشتن زیاده‌روی روا داشته‌اید از رحمت خدا نومید مشوید. در حقیقت، خدا همه گناهان را می‌آمرزد، که او خود آمرزنده مهربان است.

(الزمر، ۵۳)

وَ أَنْبِئُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَ اسْلُمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ (۵۴)

و پیش از آنکه شما را عذاب دررسد، و دیگر یاری نشوید، به سوی پروردگارتان بازگردید، و تسلیم او شوید.

(الزمر، ۵۴)

وَ اسْتَبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَ أَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (۵۵)

و پیش از آنکه به طور ناگهانی و در حالی که حدس نمی‌زنید شما را عذاب دررسد، نیکوترین چیزی را که از جانب پروردگارتان به سوی شما نازل آمده است پیروی کنید. «

(الزمر، ۵۵)

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَىٰ مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَ إِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّاجِرِينَ (۵۶)

تا آنکه [مبادا] کسی بگوید: « دروغا بر آنچه در حضور خدا کوتاهی ورزیدم؛ بی‌تردید من از ریشخندکنندگان بودم. «

(الزمر، ۵۶)

أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (۵۷)

یا بگوید: « اگر خدایم هدایت می‌کرد، مسلماً از پرهیزگاران بودم. «

(الزمر، ۵۷)

أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَىٰ الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةٌ فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (۵۸)

یا چون عذاب را ببیند، بگوید: « کاش مرا برگشتی بود تا از نیکوکاران می‌شدم. «

(الزمر، ۵۸)

بَلَىٰ قَدْ جَاءَتْكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَ اسْتَكْبَرْتَ وَ كُنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ (۵۹)

[به او گویند:] آری، نشانه‌های من بر تو آمد و آنها را تکذیب کردی و تکبر ورزیدی و از [جمله] کافران شدی.

(الزمر، ۵۹)

وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَىٰ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ اللَّهِ وَجُوهُهُمْ مُسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ (۶۰)

و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بسته‌اند روسیاه می‌بینی، آیا جای سرکشان در جهنم نیست؟

(الزمر، ۶۰)

وَ يُعْجِبُ اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۶۱)

و خدا کسانی را که تقوا پیشه کرده‌اند، به [پاس] کارهایی که مایه رستگاری‌شان بوده، نجات می‌دهد. عذاب به آنان نمی‌رسد و غمگین نخواهند گردید.

(الزمر، ۶۱)

اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (۶۲)

خدا آفریدگار هر چیزی است، و اوست که بر هر چیز نگهبان است.

(الزمر، ۶۲)

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۶۳)

کلیدهای آسمان و زمین از آن اوست، و کسانی که نشانه‌های خدا را انکار کردند، آنانند که زیانکارانند.

(الزمر، ۶۳)

قُلْ أَغْفِرَ اللَّهُ تَأْمُرُونَنِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ (۶۴)

بگو: « ای نادانان، آیا مرا وادار می‌کنید که جز خدا را بپرستم؟ «

(الزمر، ۶۴)

وَلَقَدْ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَنْ أَشْرَكَتَ لِيَخْبَطُنَّ عَمَلَكُمْ وَتَتَّكُونَ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۶۵)

و قطعاً به تو و به کسانی که پیش از تو بودند وحی شده است : « اگر شرک ورزی حتماً کردارت تباه و مسلماً از زیاتکاران خواهی شد . »

(الزمر، ۶۵)

بَلِ اللَّهِ فَاغْبُذْ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ (۶۶)

بلکه خدا را بپرست و از سپاسگزاران باش .

(الزمر، ۶۶)

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۶۷)

و خدا را آن چنان که باید به بزرگی نشناخته‌اند ، و حال آنکه روز قیامت زمین یکسره در قبضه [قدرت] اوست ، و آسمانها در پیچیده به دست اوست ؛ او منزّه است و برتر است از آنچه [با وی] شریک می‌گردانند .

(الزمر، ۶۷)

و نَفْعٌ فِي السُّورِ فَصَقِقْ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نَفَخَ فِيهِ مِنْ آخَرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ (۶۸)

و در صور دمیده می‌شود ، پس هر که در آسمانها و هر که در زمین است بیهوش درمی‌افتد ، مگر کسی که خدا بخواهد ؛ سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود و بناگاه آنان بر پای ایستاده می‌نگرند .

(الزمر، ۶۸)

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۶۹)

و زمین به نور پروردگارش روشن گردد ، و کارنامه [اعمال در میان] نهاده شود ، و پیامبران و شاهدان را بیاورند ، و میانشان به حق داوری گردد ، و مورد ستم قرار نگیرند .

(الزمر، ۶۹)

وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ (۷۰)

و هر کسی [نتیجه] آنچه انجام داده است به تمام بیابد و او به آنچه می‌کنند داناتر است .

(الزمر، ۷۰)

وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَٰكِن حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ (۷۱)

و کسانی که کافر شده‌اند ، گروه گروه به سوی جهنم رانده شوند ، تا چون بدان رسند ، درهای آن [به رویشان] گشوده گردد و نگهبانانش به آنان گویند : « مگر فرستادگانی از خودتان بر شما نیامدند که آیات پروردگارتان را بر شما بخوانند و به دیدار چنین روزی شما را هشدار دهند ؟ » گویند : « چرا » ، ولی فرمان عذاب بر کافران واجب آمد .

(الزمر، ۷۱)

قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (۷۲)

و گفته شود : « از درهای دوزخ درآید ، جاودانه در آن بمانید ؛ و چه بد [جایی] است جای سرکشان ! »

(الزمر، ۷۲)

وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُواهَا خَالِدِينَ (۷۳)

و کسانی که از پروردگارش پروا داشته‌اند ، گروه گروه به سوی بهشت سوق داده شوند ، تا چون بدان رسند و درهای آن [به رویشان] گشوده گردد و نگهبانان آن به ایشان گویند : « سلام بر شما ، خوش آمدید ، در آن درآید [و] جاودانه [بمانید] . »

(الزمر، ۷۳)

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ (۷۴)

و گویند : « سپاس خدایی را که وعده‌اش را بر ما راست گردانید و سرزمین [بهشت] را به ما میراث داد ، از هر جای آن باغ [بهنایور] که بخواهیم جای می‌گزینیم . » چه نیک است پاداش عمل‌کنندگان .

(الزمر، ۷۴)

و تَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ قُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَ قِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۷۵)

و فرشتگان را می‌بینی که پیرامون عرش به ستایش پروردگار خود تسبیح می‌گویند و میانشان به حق داوری می‌گردد و گفته می‌شود: « سپاس ، ویژه پروردگار جهانیان است .
»

(الزمر، ۷۵)

ترتیبها- ۴۰	سوره غافر	مکی-آیاتها- ۸۵
-------------	-----------	----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(غافر، ۰)

حم (۱)

حاء ، میم .

(غافر، ۱)

تَنْزِيلِ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۲)

فرو فرستادن این کتاب ، از جانب خدای ارجمند داناست ،

(غافر، ۲)

غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطُّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَهِيَ الْمَصِيرُ (۳)

[که] گناه‌بخش و توبه‌پذیر [و] سخت‌کیفر [و] فراخ‌نعمت است . خدایی جز او نیست . بازگشت به سوی اوست .

(غافر، ۳)

مَا يَجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُزَكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ (۴)

جز آنهایی که کفر ورزیدند [کسی] در آیات خدا ستیزه نمی‌کند ، پس رفت و آمدشان در شهرها تو را دستخوش فریب نگرداند .

(غافر، ۴)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ الْأَخْرَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَ هَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَ جَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ (۵)

پیش از ایشان قوم نوح ، و بعد از آنان دسته‌های مخالف [دیگر] به تکذیب پرداختند ، و هر امتی آهنگ فرستاده خود را کردند تا او را بگیرند ، و به [وسیله] باطل جدال نمودند تا حقیقت را با آن پایمال کنند . پس آنان را فرو گرفتیم ؛ آیا چگونه بود کیفر من ؟

(غافر، ۵)

وَ كَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ (۶)

و بدین سان فرمان پروردگارت درباره کسانی که کفر ورزیده بودند ، به حقیقت پیوست که ایشان همدمان آتش خواهند بود .

(غافر، ۶)

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَ عِلْمًا فَاعْفُ لِلَّذِينَ تَابُوا وَ اتَّبِعُوا سَبِيلَكَ وَ قِهِمْ عَذَابِ النَّجِيمِ (۷)

کسانی که عرش [خدا] را حمل می‌کنند ، و آنها که پیرامون آنند ، به سپاس پروردگارشان تسبیح می‌گویند و به او ایمان دارند و برای کسانی که گرویده‌اند طلب آمرزش می‌کنند : « پروردگارا ، رحمت و دانش تو بر هر چیز احاطه دارد ؛ کسانی را که توبه کرده و راه تو را دنبال کرده‌اند ببخش و آنها را از عذاب آتش نگاه دار . »

(غافر، ۷)

رَبَّنَا وَ أَنْجِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنِ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَ مَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَ أَزْوَاجِهِمْ وَ ذُرِّيَّتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۸)

« پروردگارا ، آنان را در باغهای جاوید که وعدهشان داده‌ای ، با هر که از پدران و همسران و فرزندان‌شان که به صلاح آمده‌اند ، داخل کن ، زیرا تو خود ارجمند و حکیمی .

(غافر، ۸)

وَ قِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَ مَنْ تَقَى السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَ ذَلِكُمْ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۹)

و آنان را از بدیها نگاه دار ، و هر که را در آن روز از بدیها حفظ کنی ، البته رحمتش کرده‌ای ؛ و این همان کامیابی بزرگ است .

(غافر، ۹)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادُونَ لِمَقْتِ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعُونَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ (۱۰)

کسانی که کافر بوده‌اند مورد ندا قرار می‌گیرند که : « قطعاً دشمنی خدا از دشمنی شما نسبت به همدیگر سخت‌تر است ، آن گاه که به سوی ایمان فراخوانده می‌شدید و انکار می‌ورزیدید . »

(غافر، ۱۰)

قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا آتَيْنَاكَ اِتِّتَيْنِ وَأَخْبِئْنَا اِتِّتَيْنِ فَأَعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ (۱۱)

می‌گویند : « پروردگارا ، دو بار ما را به مرگ رسانیدی و دو بار ما را زنده گردانیدی . به گناهانمان اعتراف کردیم ؛ پس آیا راه بیرون‌شدنی [از آتش] هست ؟ »

(غافر، ۱۱)

ذَلِكُمْ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَخَذَهُ بِرَبِّهِمْ وَ إِذْ يُشْرِكُ بِهِ يُؤْمِنُوا فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ (۱۲)

این [کبیر] از آن روی برای شماس است که چون خدا به تنهایی خوانده می‌شد ، کفر می‌ورزیدید ؛ و چون به او شریک آورده می‌شد ، [آن را] باور می‌کردید . پس [امروز] فرمان از آن خدای والای بزرگ است .

(غافر، ۱۲)

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَ مَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ (۱۳)

اوست آن کس که نشانه‌های خود را به شما می‌نماید و برای شما از آسمان روزی می‌فرستد ، و جز آن کس که توبه‌کار است [کسی] پند نمی‌گیرد .

(غافر، ۱۳)

فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۱۴)

پس خدا را پاکدلانه فراخوانید ، هر چند ناباوران را ناخوش افتد .

(غافر، ۱۴)

رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ (۱۵)

بالا برنده درجات ، خداوند عرش ، به هر کس از بندگانش که خواهد آن روح [فرشته] را ، به فرمان خویش می‌فرستد ، تا [مردم را] از روز ملاقات [با خدا] بترساند .

(غافر، ۱۵)

يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ (۱۶)

آن روز که آنان ظاهر گردند ، چیزی از آنها بر خدا پوشیده نمی‌ماند . امروز فرمانروایی از آن کیست ؟ از آن خداوند یکتای قهار است .

(غافر، ۱۶)

الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۱۷)

امروز هر کسی به [موجب] آنچه انجام داده است کیفر می‌یابد . امروز ستمی نیست ؛ آری ، خدا زود شمار است .

(غافر، ۱۷)

وَ أَنْذَرَهُمْ يَوْمَ الْأَرْفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاطْمِئِنَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَ لَا شَفِيعٍ يُطَاعُ (۱۸)

و آنها را از آن روز قریب [الوقوع] بترسان ، آن گاه که جانها به گلوگاه می‌رسد در حالی که اندوه خود را فرومی‌خورند . برای ستمگران نه یاری است و نه شفاعتگری که مورد اطاعت باشد .

(غافر، ۱۸)

يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ (١٩)

[خدا] نگاههای دزدانه و آنچه را که دلها نهان می‌دارند ، می‌داند .

(غافر، ١٩)

وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (٢٠)

و خداست که به حق داوری می‌کند ، و کسانی را که در برابر او می‌خوانند [عاجزند و] به چیزی داوری نمی‌کنند ؛ در حقیقت ، خداست که خود شنوای بیناست .

(غافر، ٢٠)

أَمْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ قُوَّةً وَ آثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ (٢١)

آیا در زمین نگریده‌اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنها [زیسته] اند چگونه بوده است ؟ آنها از ایشان نیرومندتر [بوده] و آثار [پایداری] در روی زمین [از خود باقی گذاشتند] ، با این همه ، خدا آنان را به کیفر گناهانشان گرفتار کرد و در برابر خدا حمایتگری نداشتند .

(غافر، ٢١)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَاخْتَرُوا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ (٢٢)

این [کیفر] از آن روی بود که پیامبرانشان دلایل آشکار برایشان می‌آوردند ولی [آنها] انکار می‌کردند . پس خدا [گریبان] آنها را گرفت ، زیرا او نیرومند سخت‌کیفر است .

(غافر، ٢٢)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَ سُلْطَانٍ مُبِينٍ (٢٣)

و به یقین ، موسی را با آیات خود و حجتی آشکار فرستادیم ،

(غافر، ٢٣)

إِلَى فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ قَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ (٢٤)

به سوی فرعون و هامان و قارون ، [اما آنان] گفتند : « افسونگری شیاد است . »

(غافر، ٢٤)

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَ اسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَ مَا كُنِيَ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ (٢٥)

پس وقتی حقیقت را از جانب ما برای آنان آورد ، گفتند : « پسران کسانی را که با او ایمان آورده‌اند بکشید و زنانشان را زنده بگذارید . » و [لی] نیرنگ کافران جز در گمراهی نیست .

(غافر، ٢٥)

وَ قَالَ فِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِي أَقْتُلْ مُوسَى وَ لْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ (٢٦)

و فرعون گفت : « مرا بگذارید موسی را بکشم تا پروردگارش را بخواند . من می‌ترسم آیین شما را تغییر دهد یا در این سرزمین فساد کند . »

(غافر، ٢٦)

وَ قَالَ مُوسَى إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَ رَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مَتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ (٢٧)

و موسی گفت : « من از هر متکبری که به روز حساب عقیده ندارد ، به پروردگار خود و پروردگار شما پناه برده‌ام . »

(غافر، ٢٧)

وَ قَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَ تَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَ قَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَ إِنَّ يَكُ صَادِقًا يُصِيبُكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ (٢٨)

و مردی مؤمن از خاندان فرعون که ایمان خود را نهان می‌داشت ، گفت : « آیا مردی را می‌کشید که می‌گوید : پروردگار من خداست ؟ و مسلماً برای شما از جانب پروردگارتان دلایل آشکاری آورده ، و اگر دروغگو باشد دروغش به زیان اوست ، و اگر راستگو باشد برخی از آنچه به شما وعده می‌دهد به شما خواهد رسید ، چرا که خدا کسی را که افراطکار دروغزن باشد هدایت نمی‌کند . »

(غافر، ٢٨)

يَا قَوْمِ لَكُمْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَبْصُرْنَا مِنْ بَأْسِ اللَّهِ إِنْ جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى وَ مَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ (٢٩)

٤٠٤ / ٤٠٤

ای قوم من ، امروز فرمانروایی از آن شماست [و] در این سرزمین مسلطید ، و [لی] چه کسی ما را از بلای خدا اگر به ما برسد حمایت خواهد کرد ؟ « فرعون گفت : « جز آنچه می بینم ، به شما نمی نمایم ، و شما را جز به راه راست راهبر نیستم . »

(غافر، ۲۹)

وَ قَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ (۳۰)

و کسی که ایمان آورده بود ، گفت : « ای قوم من ، من از [روزی] مثل روز دسته ها [ی مخالف خدا] بر شما می ترسم .

(غافر، ۳۰)

مِثْلَ نَابِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَ ثَمُودَ وَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَ مَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ (۳۱)

[از سرنوشتی] نظیر سرنوشت قوم نوح و عاد و ثمود ، و کسانی که پس از آنها [آمدند] . و [گرنه] خدا بر بندگان [خود] ستم نمی خواهد .

(غافر، ۳۱)

وَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ (۳۲)

و ای قوم من ، من بر شما از روزی که مردم یکدیگر را [به یاری هم] ندا درمی دهند ، بیم دارم .

(غافر، ۳۲)

يَوْمَ تُولَوْنَ مُدْبِرِينَ مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَ مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۳۳)

روزی که پشتکنان [به غنم] باز می گردید ، برای شما در برابر خدا هیچ حمایتگری نیست ؛ و هر که را خدا گمراه کند او را راهبری نیست .

(غافر، ۳۳)

وَ لَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلِ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّىٰ إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَنْ نَبْعُثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَّبِكُمْ بِضَلَّ اللَّهُ مِنْهُ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٍ (۳۴)

و به یقین ، یوسف پیش از این ، دلایل آشکار برای شما آورد ، و از آنچه برای شما آورد همواره در تردید بودید تا وقتی که از دنیا رفت ، گفتید : « خدا بعد از او هرگز فرستاده ای را برنخواهد انگیزد . » این گونه ، خدا هر که را افراطگر شکاک است ، بی راه می گذارد .

(غافر، ۳۴)

الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبِيرٌ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَّبِكُمْ يُطِيعُ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ (۳۵)

کسانی که درباره آیات خدا بدون حجتی که برای آنان آمده باشد مجادله می کنند ، [این ستیزه] در نزد خدا و نزد کسانی که ایمان آورده اند [مایه] عداوت بزرگی است . این گونه ، خدا بر دل هر متکبر و زورگویی مهر می نهد .

(غافر، ۳۵)

وَ قَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانَ ابْنِ لِي صِرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابِ (۳۶)

و فرعون گفت : « ای هامان ، برای من کوشکی بلند بساز ، شاید من به آن راهها برسم :

(غافر، ۳۶)

أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ وَ إِنِّي لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا وَ كَذَلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءَ عَمَلِهِ وَ صَدَّ عَنِ السَّبِيلِ وَ مَا كُنْهُ فِرْعَوْنُ إِلَّا فِي تَنَابٍ (۳۷)

راههای [دستیابی به] آسمانها ، تا از خدای موسی مطلع شود ، و من او را سخت دروغ پرداز می پندارم . « و این گونه برای فرعون ، زشتی کارش آراسته شد و از راه [راست] بازماند ؛ و نیرنگ فرعون جز به تباهی نیانجامید .

(غافر، ۳۷)

وَ قَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أُهْدِخُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ (۳۸)

و آن کس که ایمان آورده بود گفت : « ای قوم من ، مرا پیروی کنید تا شما را به راه درست هدایت کنم .

(غافر، ۳۸)

يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَ إِنَّ الْأَخْرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ (۳۹)

ای قوم من ، این زندگی دنیا تنها کالایی [ناچیز] است ، و در حقیقت ، آن آخرت است که سرای پایدار است .

(غافر، ۳۹)

مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ (۴۰)

هر که بدی کند ، جز به مانند آن کیفر نمی‌یابد ؛ و هر که کار شایسته کند چه مرد باشد یا زن در حالی که ایمان داشته باشد ، در نتیجه آنان داخل بهشت می‌شوند و در آنجا بی‌حساب روزی می‌یابند .

(غافر، ۴۰)

وَ يَا قَوْمِ مَا لِي اَدْعُوْكُمْ اِلَى النَّجَاةِ وَ تَدْعُوْنِي اِلَى النَّارِ (۴۱)

و ای قوم من ، چه شده است که من شما را به نجات فرامی‌خوانم و [شما] مرا به آتش فرامی‌خوانید ؟

(غافر، ۴۱)

تَدْعُوْنِي لِاَكْفُرَ بِاللّٰهِ وَ اَشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِيْ بِهِ عِلْمٌ وَ اَنَا اَدْعُوْكُمْ اِلَى الْعَزِيْزِ الْغَفَّارِ (۴۲)

مرا فرامی‌خوانید تا به خدا کافر شوم و چیزی را که بدان علمی ندارم با او شریک گردانم ؛ و من شما را به سوی آن ارجمند آمرزنده دعوت می‌کنم .

(غافر، ۴۲)

لَا جْرَمَ اِنَّمَا تَدْعُوْنِي اِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَا فِي الْاٰخِرَةِ وَ اَنْ مَّرَدْنَا اِلَى اللّٰهِ وَ اَنْ الْمُسْرِفِيْنَ هُمْ اَصْحَابُ النَّارِ (۴۳)

آنچه مرا به سوی آن دعوت می‌کنید ، به ناچار نه در دنیا و نه در آخرت [درخور] خواندن نیست ، و در حقیقت ، برگشت ما به سوی خداست ، و افراطگران همدمان آتشند .

(غافر، ۴۳)

فَسْتَدْكُرُوْنَ مَا اَقُولُ لَكُمْ وَ اَفُوْضْ اَمْرِي اِلَى اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ بِاصْبِرٍ بِالْعِبَادِ (۴۴)

پس به زودی آنچه را به شما می‌گویم به یاد خواهید آورد . و کلام را به خدا می‌سپارم ؛ خداست که به [حال] بندگان [خود] بیناست .

(غافر، ۴۴)

فُوْقَاهُ اللّٰهُ سَيِّئَاتِ مَا كَفَرُوْا وَ حَاقَ بِالْاٰلِ فِرْعَوْنَ سُوْءُ الْعَذَابِ (۴۵)

پس خدا او را از عواقب سوء آنچه نیرنگ می‌کردند حمایت فرمود ، و فرعونیان را عذاب سخت فروگرفت .

(غافر، ۴۵)

النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَ عَشِيًّا وَ يُؤْمُ تَقُوْمُ السَّاعَةُ اَدْخُلُوا آلَ فِرْعَوْنَ اَشَدَّ الْعَذَابِ (۴۶)

[اینک هر] صبح و شام بر آتش عرضه می‌شوند ، و روزی که رستاخیز برپا شود [فریاد می‌رسد که :] « فرعونیان را در سخت‌ترین [انواع] عذاب درآورید .

(غافر، ۴۶)

وَ اِذْ يَتَحَاوَرُونَ فِي النَّارِ فَيَقُوْلُ الضُّعْفَاءُ لِلَّذِيْنَ اسْتَكْبَرُوْا اِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فُهَلْ مُّتَّبِعُوْنَ عَنَّا نَصِيْبًا مِنَ النَّارِ (۴۷)

و آن گاه که در آتش شروع به آوردن حجت می‌کنند ، زیردستان به کسانی که گردنکش بودند ، می‌گویند : « ما پیرو شما بودیم ؛ پس آیا می‌توانید پاره‌ای از این آتش را از ما دفع کنید ؟ »

(غافر، ۴۷)

قَالَ الَّذِيْنَ اسْتَكْبَرُوْا اِنَّا كُلٌّ فِیْهَا اِنَّ اللّٰهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ (۴۸)

کسانی که گردنکشی می‌کردند ، می‌گویند : « [اکنون] همه ما در آن هستیم . خداست که میان بندگان [خود] داوری کرده است .

(غافر، ۴۸)

وَ قَالَ الَّذِيْنَ فِي النَّارِ لَخَزَنَةٌ جَهَنَّمَ اَدْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِنَ الْعَذَابِ (۴۹)

و کسانی که در آتشند ، به نگهبانان جهنم می‌گویند : « پروردگارتان را بخوانید تا يك روز از این عذاب را به ما تخفیف دهد .

(غافر، ۴۹)

قَالُوْا اَوْ لَمْ تَكُنْ تَأْتِيْكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوْا بَلَى قَالُوْا فَاذْعُوْا وَ مَا دَعَاءُ الْكَافِرِيْنَ اِلَّا فِي ضَلٰلٍ (۵۰)

می‌گویند : « مگر پیامبرانتان دلایل روشن به سوی شما نیاوردند ؟ » می‌گویند : « چرا . » می‌گویند : « پس بخوانید . و [لی] دعای کافران جز در بیراهه نیست .

(غافر، ۵۰)

إِنَّا تَنْتَظِرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ (٥١)

در حقیقت ، ما فرستادگان خود و کسانی را که گرویده‌اند ، در زندگی دنیا و روزی که گواهان برپای می‌ایستند قطعاً یاری می‌کنیم ؛

(غافر، ٥١)

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعْرِتُهُمْ وَ لَهُمُ النَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (٥٢)

[همان] روزی که ستمگران را پوزش‌طلبی‌شان سود نمی‌دهد ، و برای آنان لعنت است ، و برایشان بدفرجامی آن سرای است .

(غافر، ٥٢)

وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَى وَ أَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ (٥٣)

و قطعاً موسی را هدایت دادیم ، و به فرزندان اسرائیل تورات را به میراث نهادیم ؛

(غافر، ٥٣)

هُدًى وَ ذِكْرًا لِأُولَى الْأَلْبَابِ (٥٤)

[که] رهنمود و یادکردی برای خردمندان است .

(غافر، ٥٤)

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ اسْتَغْفِرْ لِذُنُوبِكَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِبْكَارِ (٥٥)

پس صبر کن که وعده خدا حق است و برای گناهت آمرزش بخواه و به سپاس پروردگارت ، شامگاهان و بامدادان ستایشگر باش .

(غافر، ٥٥)

إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (٥٦)

در حقیقت ، آنان که درباره نشانه‌های خدا بی‌آنکه حجتی برایشان آمده باشد به مجادله برمی‌خیزند در دلهایشان جز بزرگنمایی نیست [و] آنان به آن [بزرگی که آرزوی را دارند] نخواهند رسید . پس به خدا پناه جوی ، زیرا او خود شنوای بیناست .

(غافر، ٥٦)

لَخَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (٥٧)

قطعاً آفرینش آسمانها و زمین بزرگتر [و شگوهمندتر] از آفرینش مردم است ، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند .

(غافر، ٥٧)

وَ مَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَ الْبَصِيرُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ لَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مَا تَتَذَكَّرُونَ (٥٨)

و نابینا و بینا یکسان نیستند ، و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند [نیز] با [مردم] بدکار [یکسان] نیستند ؛ چه اندک پند می‌پذیرید .

(غافر، ٥٨)

إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (٥٩)

در حقیقت ، رستاخیز قطعاً آمدنی است ؛ در آن تردیدی نیست ، ولی بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند .

(غافر، ٥٩)

وَ قَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ ذَاهِرِينَ (٦٠)

و پروردگارتان فرمود : « مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم . در حقیقت ، کسانی که از پرستش من کبر می‌ورزند به زودی خوار در دوزخ درمی‌آیند . »

(غافر، ٦٠)

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَ النَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ (٦١)

خدا [همان] کسی است که شب را برای شما پدید آورد تا در آن آرام گیرید ، و روز را روشنی‌بخش [قرار داد] . آری ، خدا بر مردم بسیار صاحب تفضل است ، ولی بیشتر مردم سپاس نمی‌دارند .

(غافر، ٦١)

ذُكِرَ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا إِلَهًا هُوَ فَالَّذِينَ يَدْعُونَ (۶۲)

این است خدا ، پروردگار شما [که] آفریننده هر چیزی است : خدایی جز او نیست . پس چگونه [از او] بازگردانیده می‌شوید ؟

(غافر، ۶۲)

كَذَلِكَ يُؤْفِكُ الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ (۶۳)

کسانی که نشانه‌های خدا را انکار می‌کردند ، این گونه [از خدا] رویگردان می‌شوند .

(غافر، ۶۳)

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا وَ السَّمَاءَ بِنَاءً وَ صَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَ زَوَّجَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ذُكِرَ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۶۴)

خدا [همان] کسی است که زمین را برای شما قرارگاه ساخت و آسمان را بنایی [گردانید] و شما را صورتگری کرد و صورتهای شما را نیکو نمود و از چیزهای پاکیزه به شما روزی داد . این است خدا پروردگار شما ! بلندمرتبه و بزرگ است خدا ، پروردگار جهانیان .

(غافر، ۶۴)

هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۶۵)

اوست [همان] زنده‌ای که خدایی جز او نیست . پس او را در حالی که دین [خود] را برای وی بی‌آلایش گردانیده‌اید بخوانید . سپس [ها همه] ویژه خدا پروردگار جهانیان است .

(غافر، ۶۵)

قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِي الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسَلِّمَ لِزَبِّ الْعَالَمِينَ (۶۶)

بگو : « من نهی شده‌ام از اینکه جز خدا کسانی را که [شما] می‌خوانید پرستش کنم [آن هم] هنگامی که از جانب پروردگارم مرا دلایل روشن رسیده باشد ، و مأمورم که فرمانبر پروردگار جهانیان باشم . »

(غافر، ۶۶)

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَ مِنْكُمْ مَنْ يَتَوَفَّى مِنْ قَبْلٍ وَ لَتَبْلُغُوا أَجْلاً مُسَمًّى وَ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۶۷)

او همان کسی است که شما را از خاکی آفرید ، سپس از نطفه‌ای ، آن گاه از علقه‌ای ، و بعد شما را [به صورت] کودکی برمی‌آورد ، تا به کمال قوت خود برسید و تا سالمند شوید ، و از میان شما کسی است که مرگ پیش‌رس می‌یابد ، و تا [بالاخره] به مدتی که مقرر است برسید ، و امید که در اندیشه فروروید .

(غافر، ۶۷)

هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَ يُمِيتُ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (۶۸)

او همان کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند ، و چون به کاری حکم کند ، همین قدر به آن می‌گوید : « باش . » بی‌درنگ موجود می‌شود .

(غافر، ۶۸)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنَّىٰ يُضْرَفُونَ (۶۹)

آیا کسانی را که در [ابطال] آیات خدا مجادله می‌کنند ندیده‌ای [که] تا کجا [از حقیقت] انحراف حاصل کرده‌اند ؟

(غافر، ۶۹)

الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَ بِمَا أُرْسِلْنَا بِهِ رُسُلْنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۷۰)

کسانی که کتاب [خدا] و آنچه را که فرستادگان خود را بدان گسیل داشته‌ایم تکذیب کرده‌اند ، به زودی خواهند دانست ؛

(غافر، ۷۰)

إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَ السَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ (۷۱)

هنگامی که غلها در گردنهایشان [افتاده] و [با] زنجیرها کشانیده می‌شوند ،

(غافر، ۷۱)

فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ (۷۲)

در میان جوشاب . [و] آن گاه در آتش برافروخته می‌شوند .

(غافر، ۷۲)

ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ (۷۳)

آن گاه به آنان گفته می‌شود: « آنچه را در برابر خدا [با او] شریک می‌ساختید کجا برد ؟ »

(غافر، ۷۳)

مَنْ دُونَ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَلْ لَمْ نَكُنْ نَدْعُوا مِنْ قَبْلُ شَيْئًا كَذَلِكَ يَضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ (۷۴)

می‌گویند: « گمشان کردیم ، بلکه پیشتر [هم] ما چیزی را نمی‌خواندیم . « این گونه خدا کافران را بیراه می‌گذارد .

(غافر، ۷۴)

لِيُكْفِرَ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ بِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ (۷۵)

این [عقوبت] به سبب آن است که در زمین به ناروا شادی و سرمستی می‌کردید و بدان سبب است که [سخت به خود] می‌نزدید .

(غافر، ۷۵)

ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (۷۶)

از درهای دوزخ درآید ، در آن جاودان [بمانید] . چه بد است جای سرکشان .

(غافر، ۷۶)

فَأَصْنَبْزِ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فِيمَا نُرِيَّتْكَ بَعْضَ الَّذِي نَعُدُّهُمْ أَوْ نَتَوَقَّعُكَ فَإِنَّا يَرْجِعُونَ (۷۷)

پس صبر کن که وعده خدا راست است . پس چه پاره‌ای از آنچه را که به آنان وعده داده‌ایم ، به تو بنمایانیم ، چه تو را از دنیا ببریم [در هر صورت آنان] به سوی ما بازگردانیده می‌شوند .

(غافر، ۷۷)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَ مَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ فَضِيَ بِالْحَقِّ وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ (۷۸)

و مسلماً پیش از تو فرستادگانی را روانه کردیم . برخی از آنان را [ماجرایشان را] بر تو حکایت کرده‌ایم و برخی از ایشان را بر تو حکایت نکرده‌ایم ، و هیچ فرستاده‌ای را نرسد که بی‌اجازه خدا نشانه‌ای بیاورد . پس چون فرمان خدا برسد به حق داوری می‌شود ، و آنجاست که باطل‌کاران زیان می‌کنند .

(غافر، ۷۸)

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَ مِنْهَا تَأْكُلُونَ (۷۹)

خدا [همان] کسی است که چهارپایان را برای شما پدید آورد تا از برخی از آنها سواری بگیرید و از برخی از آنها بخورید .

(غافر، ۷۹)

وَ لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَ لِتَبْتَغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَ عَلَيْهَا وَ عَلَى الْفُلْكِ نُحْمَلُونَ (۸۰)

و در آنها برای شما سودهاست تا با [سوار شدن بر] آنها به مقصودی که در دل‌هایتان است برسید ، و بر آنها و بر کشتی حمل می‌شوید .

(غافر، ۸۰)

وَ يُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ (۸۱)

و نشانه‌های [قدرت] خویش را به شما می‌نمایاند . پس کدام یک از آیات خدا را انکار می‌کنید ؟

(غافر، ۸۱)

أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَ أَشَدَّ قُوَّةً وَ آثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَعْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۸۲)

آیا در زمین نگشته‌اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنان بودند چگونه بوده است ؟ [آنها به مراتب از حیث تعداد ، [بیشتر از آنان ، و [از حیث] نیرو و آثار در روی زمین ، استوارتر بودند ، و [لی] آنچه به دست می‌آوردند ، به حالشان سودی نیخشید .

(غافر، ۸۲)

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرَحُوا بِمَا عَدَدْتُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَ حَقَّ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۸۳)

۶۰۴ / ۴۰۹

و چون پیامبران دلایل آشکار برایشان آوردند ، به آن چیز [مختصری] از دانش که نزدشان بود خرسند شدند ، و [سرانجام] آنچه به ریشخند می‌گرفتند آنان را فروگرفت .

(غافر، ۸۳)

فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ (۸۴)

پس چون سختی [عذاب] ما را دیدند گفتند : « فقط به خدا ایمان آوردیم و بدانچه با او شریک می‌گردانیدیم کافریم . »

(غافر، ۸۴)

فَلَمْ يَكْ يَنْفَعَهُمْ إِيْمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سِنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ (۸۵)

و [لی] هنگامی که عذاب ما را مشاهده کردند ، دیگر ایمانشان برای آنها سودی نداد . سنت خداست که از [دیرباز] درباره بندگانش چنین جاری شده ، و آنجاست که ناباوران زیان کرده‌اند .

(غافر، ۸۵)

ترتیبها- ۴۱	سوره فصلت	مکی- آیاتها- ۵۴
-------------	-----------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(فصلت، ۰)

حم (۱)

حاء ، میم .

(فصلت، ۱)

تَنْزِيلٌ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۲)

وحی [نامه] ای است از جانب [خدای] رحمتگر مهربان .

(فصلت، ۲)

كِتَابٌ فَصَّلْتُ آيَاتِهِ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۳)

کتابی است که آیات آن ، به روشنی بیان شده . قرآنی است به زبان عربی برای مردمی که می‌دانند .

(فصلت، ۳)

بَشِيرًا وَ نَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (۴)

بشارتگر و هشداردهنده است . و [لی] بیشتر آنان رویگردان شدند ، در نتیجه [چیزی را] نمی‌شنوند .

(فصلت، ۴)

و قَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكْثَرِ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَ فِي آدَانَا وَقْرٌ وَ مِنْ بَيْنِنَا وَ بَيْنِكَ حِجَابٌ فَأَعْمَلْنَا عَامِلُونَ (۵)

و گفتند : « دل‌های ما از آنچه ما را به سوی آن می‌خوانی سخت محجوب و مهجور است . و در گوش‌های ما سنگینی و میان ما و تو پرده‌ای است ؛ پس تو کار خود را بکن ما [هم] کار خود را می‌کنیم . »

(فصلت، ۵)

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَ اسْتَغْفِرُوهُ وَ وَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ (۶)

بگو : « من ، بشری چون شما ، جز اینکه به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است . پس مستقیماً به سوی او بشتابید و از او آمرزش بخواهید . و وای بر مشرکان . »

(فصلت، ۶)

الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ (۷)

همان کسانی که زکات نمی‌دهند و آنان که به آخرت نیاورند .

(فصلت، ۷)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۸)

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند آنان را پاداشی بی‌پایان است .

(فصلت، ۸)

قُلْ أَ تَنْكُمُ لَتَعْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَ تَجْعَلُونَ لَهُ أَندَاداً ذَلِكُمْ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۹)

بگو : « آیا این شماید که واقعاً به آن کسی که زمین را در دو هنگام آفرید ، کفر می‌ورزید و برای او همتیاتی قرار می‌دهید ؟ این است پروردگار جهانیان . »

(فصلت، ۹)

وَ جَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَ بَارَكَ فِيهَا وَ قَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ (۱۰)

و در [زمین] ، از فراز آن [لنگراسا] کوهها نهاد و در آن خیر فراوان پدید آورد ، و مواد خوراکی آن را در چهار روز اندازه‌گیری کرد [که] برای خواهندگان ، درست] و متناسب با نیازهایشان] است .

(فصلت، ۱۰)

ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ انْتَبِي طَوْعاً أَوْ كَرْهاً قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ (۱۱)

سپس آهنگ [آفرینش] آسمان کرد ، و آن بخاری بود . پس به آن و به زمین فرمود : « خواه یا ناخواه بیاید . » آن دو گفتند : « فرمان‌پذیر آمدیم . »

(فصلت، ۱۱)

فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَ أَحْوَى فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَ حَفِظْنَا ذَلِكُمْ تَقْدِيرِ الْعَزِيمِ (۱۲)

پس آنها را [به صورت] هفت آسمان ، در دو هنگام مقرر داشت و در هر آسمانی کار [مربوط به] آن را وحی فرمود ، و آسمان [این] دنیا را به چراغها آدین کردیم و [آن را نیک] نگاه داشتیم ؛ این است اندازه‌گیری آن نیرومند دانا .

(فصلت، ۱۲)

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَ ثَمُودَ (۱۳)

پس اگر روی برتافتند بگو : « شما را از آذرخشی چون آذرخش عاد و ثمود بر حذر داشتیم . »

(فصلت، ۱۳)

إِذْ جَاءَهُمُ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (۱۴)

چون فرستادگان [ما] از پیش رو و از پشت سرشان بر آنان آمدند [و گفتند :] « زنهار ، جز خدا را می‌پرستید » ، گفتند : « اگر پروردگار ما می‌خواست ، قطعاً فرشتگانی فرومی‌فرستاد ، پس ما به آنچه بدان فرستاده شده‌اید کافریم . »

(فصلت، ۱۴)

فَأَمَّا عَادُ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ قَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (۱۵)

و اما عادیان ، به ناحق ، در زمین سر برافراشتند و گفتند : « از ما نیرومندتر کیست ؟ » آیا ندانسته‌اند که آن خدایی که خلقشان کرده خود از ایشان نیرومندتر است ؟ و در نتیجه آیات ما را انکار می‌کردند .

(فصلت، ۱۵)

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحاً صَرْصِراً فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ لِنُدِّيقَهُمْ عَذَابِ الْخَزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ لَعَذَابِ الْآخِرَةِ أَخْزَى وَ هُمْ لَا يَنْصُرُونَ (۱۶)

پس بر آنان تندبادی توفنده در روزهایی شوم فرستادیم تا در زندگی دنیا عذاب رسوایی را بدانان بچشاییم و قطعاً عذاب آخرت رسواکننده‌تر است و آنان یاری نخواهند شد .

(فصلت، ۱۶)

وَ أَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى عَلَى الْهُدَى فَأَخَذْتَهُمْ صَاعِقَةً الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۷)

و اما ثمودیان : پس آنان را راهبری کردیم و [لی] کوردلی را بر هدایت ترجیح دادند ، پس به [کيفر] آنچه مرتکب می‌شدند صاعقه عذاب خفت‌آور آنان را فروگرفت .

(فصلت، ۱۷)

وَ نَجَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ (۱۸)

و کسانی را که ایمان آورده بودند و پروا می‌داشتند رهانیدیم .

(فصلت، ۱۸)

وَ يَوْمَ يُخْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ (۱۹)

و [یاد کن] روزی را که دشمنان خدا به سوی آتش گردآورده و بازداشت [و دسته دسته تقسیم] می‌شوند .

(فصلت، ۱۹)

حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَ أَبْصَارُهُمْ وَ جُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲۰)

تا چون بدان رسند ، گوششان و دیدگانشان و پوستشان به آنچه می‌کرده‌اند ، بر ضدشان گواهی دهند .

(فصلت، ۲۰)

وَ قَالُوا لَئِن لَّوَجَدْنَاهُمْ لَمْ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقْنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَ هُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۲۱)

و به پوست [بدن] خود می‌گویند : « چرا بر ضد ما شهادت دادید ؟ » می‌گویند : « همان خدایی که هر چیزی را به زبان درآورده ما را گویا گردانیده است ، و او نخستین بار شما را آفرید و به سوی او برگردانیده می‌شوید . »

(فصلت، ۲۱)

وَ مَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَ لَا أَبْصَارُكُمْ وَ لَا جُلُودُكُمْ وَ لَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ (۲۲)

و [شما] از اینکه مبادا گوش و دیدگان و پوستتان بر ضد شما گواهی دهند [گناهانتان را] پوشیده نمی‌داشتید لیکن گمان داشتید که خدا بسیاری از آنچه را که می‌کنید نمی‌داند .

(فصلت، ۲۲)

وَ لَكُمْ ظَنِّكُمْ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْذَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۲۳)

و همین بود گمانتان که درباره پروردگارتان بردید ؛ شما را هلاک کرد و از زیانکاران شدید .

(فصلت، ۲۳)

فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ وَ إِنْ يَسْتَغِيثُوا فَمَا هُمْ مِنَ الْمُعْتَبِينَ (۲۴)

پس اگر شکیبایی نمایند جایشان در آتش است و اگر از در پوزش درآیند مورد اجابت قرار نمی‌گیرند .

(فصلت، ۲۴)

وَ قَبَضْنَا لَهُمْ قُرْآنًا فَرَأَوْا فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ وَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمِّ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ (۲۵)

و برای آنان دمسازانی گذاشتیم ، و آنچه در دسترس ایشان و آنچه در پی آنان بود در نظرشان زیبا جلوه دادند و فرمان [عذاب] در میان امت‌هایی از جنّ و انس که پیش از آنان روزگار به سر برده بودند ، بر ایشان واجب آمد ، چرا که آنها زیانکاران بودند .

(فصلت، ۲۵)

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَ الْتَوْنَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ (۲۶)

و کسانی که کافر شدند گفتند : « به این قرآن گوش مدهید و سخن لغو در آن اندازید ، شاید شما پیروز شوید . »

(فصلت، ۲۶)

فَنُنذِرَ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَ نُنَجِّيهِمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲۷)

و قطعاً کسانی را که کافر شده‌اند عذابی سخت می‌چشانیم و حتماً آنها را به بدتر از آنچه می‌کرده‌اند جزا می‌دهیم .

(فصلت، ۲۷)

لِيَكْ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (۲۸)

آری ، سزای دشمنان خدا همان آتش است که در آن ، منزل همیشگی دارند . [این] جزا به کیفر آن است که نشانه‌های ما را انکار می‌کردند .

(فصلت، ۲۸)

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرْنَا الدُّنْيَا أَضْلَآئًا مِنَ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ نَجْعَلُهَا نُحْتَأْ أَدَامًا لِيَكُونَ مِنَ الْأَسْفَلِينَ (٢٩)

و کسانی که کفر ورزیدند گفتند: « پروردگارا ، آن دو [گمراهگری] از جن و انس که ما را گمراه کردند به ما نشان ده تا آنها را زیر قدمهایمان بگذاریم تا زبون شوند . »

(فصلت، ٢٩)

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفْتَمُوا تَنْزِيلَ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (٣٠)

در حقیقت ، کسانی که گفتند : « پروردگار ما خداست » ؛ سپس استادگی کردند ، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و می‌گویند :] « هان ، بیم مدارید و غمین مباشید ، و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید . »

(فصلت، ٣٠)

نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ (٣١)

در زندگی دنیا و در آخرت دوستانتان ماییم ، و هر چه دلهایتان بخواهد در [بهشت] برای شماست ، و هر چه خواستار باشید در آنجا خواهید داشت ؛

(فصلت، ٣١)

نُزُلًا مِنْ غُفُورٍ رَحِيمٍ (٣٢)

روزی آماده‌ای از سوی آمرزنده مهربان است .

(فصلت، ٣٢)

وَ مَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمَلٍ صَالِحًا وَ قَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ (٣٣)

و کیست خوشگفتارتر از آن کس که به سوی خدا دعوت نماید و کار نیک کند و گوید : « من [در برابر خدا] از تسلیم‌شدگانم ؟ »

(فصلت، ٣٣)

وَ لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَ لَا السُّيْئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٍ (٣٤)

و نیکی با بدی یکسان نیست . [بدی را] به آنچه خود بهتر است دفع کن ؛ آن گاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است ، گویی دوستی یکدل می‌گردد .

(فصلت، ٣٤)

وَ مَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ مَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ (٣٥)

و این [خصلت] را جز کسانی که شکیبا بوده‌اند نمی‌یابند ، و آن را جز صاحب بهره‌ای بزرگ ، نخواهد یافت .

(فصلت، ٣٥)

وَ إِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (٣٦)

و اگر دمدمه‌ای از شیطان تو را از جای درآورد ، پس به خدا پناه ببر که او خود شنوای داناست .

(فصلت، ٣٦)

وَ مِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَ لَا لِلْقَمَرِ وَ اسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (٣٧)

و از نشانه‌های [حضور] او شب و روز و خورشید و ماه است ؛ نه برای خورشید سجده کنید و نه برای ماه ، و آن خدایی را سجده کنید که آنها را خلق کرده است اگر تنها او را می‌پرستید .

(فصلت، ٣٧)

فَإِنْ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ هُمْ لَا يَسْأَمُونَ (٣٨)

پس اگر کبر ورزیدند ، کسانی که در پیشگاه پروردگار توآند شبانه‌روز او را نیایش می‌کنند و خسته نمی‌شوند .

(فصلت، ٣٨)

وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ إِنْ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُخْبِي الْمَوْتَى إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٣٩)

و از [دیگر] نشانه‌های او این است که تو زمین را فسرده می‌بینی و چون باران بر آن فروریزیم به جنبش درآید و برآمد . آری ، همان کسی که آن را زندگی بخشید قطعاً زنده کننده مردگان است . در حقیقت ، او بر هر چیزی تواناست .

(فصلت، ۳۹)

إِنَّ الَّذِينَ يُجِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفُونَ عَيْنَنَا أَمَّنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۴۰)

کسانی که در [فهم و ارانه] آیات ما کز می‌روند بر ما پوشیده نیستند . آیا کسی که در آتش افکنده می‌شود بهتر است یا کسی که روز قیامت آسوده‌خاطر می‌آید ؟ هر چه می‌خواهید بکنید که او به آنچه انجام می‌دهید بیناست .

(فصلت، ۴۰)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّ لَهُمْ لَكِتَابًا عَزِيزًا (۴۱)

کسانی که به این قرآن چون بدیشان رسید کفر ورزیدند [به کيفر خود می‌رسند] و به راستی که آن کتابی ارجمند است .

(فصلت، ۴۱)

لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَتْرِكُنْ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ (۴۲)

از پیش روی آن و از پشت سرش باطل به سویش نمی‌آید ؛ وحی [نامه] ای است از حکیمی ستوده [صفات] .

(فصلت، ۴۲)

مَا يَقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَ ذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ (۴۳)

به تو جز آنچه به پیامبران پیش از تو گفته شده است گفته نمی‌شود . به راستی که پروردگار تو دارای آمرزش و دارنده کيفری پردرد است .

(فصلت، ۴۳)

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْ لَا فَصَّلْتُمْ آيَاتِهِ أَأَعْجَمِيًّا وَعَرَبِيًّا قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَ شِقَاءٌ وَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آدَانِهِمْ وَقَرَّ وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ (۴۴)

و اگر [این کتاب را] قرآنی غیر عربی گردانیده بودیم ، قطعاً می‌گفتند : « چرا آیه‌های آن روشن بیان نشده ؟ کتابی غیر عربی و [مخاطب آن] عرب زبان ؟ » بگو : « این [کتاب] برای کسانی که ایمان آورده‌اند رهنمود و درمانی است ، و کسانی که ایمان نمی‌آورند در گوشه‌هایشان سنگینی است و قرآن بر ایشان نامفهوم است ، و [گویی] آنان را از جایی دور ندا می‌دهند !

(فصلت، ۴۴)

وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَ لَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفَضَّيْنَا بَيْنَهُمْ وَ إِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ (۴۵)

و به راستی موسی را کتاب [تورات] دادیم ، پس در آن اختلاف واقع شد ، و اگر از جانب پروردگارت فرمان [مهلت] سبقت نگرفته بود ، قطعاً میانشان داوری شده بود ؛ و در حقیقت آنان درباره آن به شکی سخت دچارند .

(فصلت، ۴۵)

مَنْ عَمِلْ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَ مَا رَبِّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ (۴۶)

هر که کار شایسته کند ، به سود خود اوست ؛ و هر که بدی کند ، به زیان خود اوست ، و پروردگار تو به بندگان [خود] ستمکار نیست .

(فصلت، ۴۶)

إِنِّيهِ يَزِدُّ جِلْمَ السَّاعَةِ وَ مَا تَخْرُجُ مِنْ تَمَرَاتٍ مِنْ أَكْمَامِهَا وَ مَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَى وَ لَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَ يَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَائِي قَالُوا أَدْنَاكَ مَا مَنَا مِنْ شَهِيدٍ (۴۷)

دانستن هنگام رستاخیز فقط منحصر به اوست ، و میوه‌ها از غلافهایشان بیرون نمی‌آیند و هیچ مادینه‌ای بار نمی‌گیرد و بار نمی‌گذارد مگر آنکه او به آن علم دارد . و روزی که [خدا] آنان را ندا می‌دهد : « شریکان من کجایند ؟ » می‌گویند : « با بانگ رسا به تو می‌گوییم که هیچ گواهی از میان ما نیست . »

(فصلت، ۴۷)

وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ وَ ظَنُّوا مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ (۴۸)

و آنچه از پیش می‌خواندند ، از [نظر] آنان ناپدید می‌شود و می‌دانند که آنان را روی گریز نیست .

(فصلت، ۴۸)

لَا يَسْأَلُ الْإِنْسَانُ مِنْ دَعَاءِ الْخَيْرِ وَ إِن مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَنْوَسْ قَنُوطٌ (۴۹)

انسان از دعای خیر خسته نمی‌شود ، و چون آسیبی به او رسد مایوس [و] نومید می‌گردد .

(فصلت، ۴۹)

وَلَنْ أَدْعَاهُ رَحْمَةً مِّنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسْتَه تَلْفَوْلَن هَذَا لِي وَ مَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَ لَنْ رُجِعْتُ إِلَى رَبِّي إِنْ لِي عِنْدَهُ لِلْحَسَنَى فَلَنْتَبِنَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَ لَنَذِيقَنَّهُمْ مِنْ عَذَابِي غَلِيظٍ (۵۰)

و اگر از جانب خود رحمتی پس از زبانی که به او رسیده است بچشانیم ، قطعاً خواهد گفت : « من سزاوار آتم و گمان ندارم که رستاخیز برپا شود ، و اگر هم به سوی پروردگارم بازگردانیده شوم ، قطعاً نزد او برابم خوبی خواهد بود . » پس بدون شك ، کسانی را که کفران کرده‌اند ، به آنچه انجام داده‌اند آگاه خواهیم کرد ، و مسلماً از عذابی سخت به آنان خواهیم چشانید .

(فصلت، ۵۰)

وَ إِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَ نَأَى بِجَانِبِهِ وَ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فُدُو دُعَايِ عَرِيضٍ (۵۱)

و چون انسان را نعمت بخشیم ، روی برتاید و خود را کنار کشد ، و چون آسیبی بدو رسد دست به دعای فراوان بردارد .

(فصلت، ۵۱)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مِنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقِي بَعِيدٍ (۵۲)

بگو : « به من خبر دهید ، اگر [قرآن] از نزد خدا [آمده] باشد و آن را انکار کرده باشید ، چه کسی گمراه‌تر از آن کس خواهد بود که به مخالفتی دور و دراز [دچار] آمده باشد ؟ »

(فصلت، ۵۲)

سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أ وَ لَمْ يَخَفْ بَرِيكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۵۳)

به زودی نشانه‌های خود را در افقها [ی گوناگون] و در دل‌هایشان پدیدشان خواهیم نمود ، تا برایشان روشن گردد که او خود حقی است . آیا کافی نیست که پروردگارت خود شاهد هر چیزی است ؟

(فصلت، ۵۳)

أَلَا إِنَّهُمْ فِي مَرِيَّةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ (۵۴)

آری ، آنان در لقای پروردگارشان تردید دارند . آگاه باش که مسلماً او به هر چیزی احاطه دارد .

(فصلت، ۵۴)

مکی-آیاتها-۵۳	سوره الشوری	ترتیبها-۴۲
---------------	-------------	------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الشوری، ۰)

حم (۱)

حاء ، ميم ،

(الشوری، ۱)

عسق (۲)

عين ، سين ، قاف .

(الشوری، ۲)

كَذَلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَ إِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳)

این گونه ، خدای نیرومند حکیم به سوی تو و به سوی کسانی که پیش از تو بودند ، وحی می‌کند .

(الشوری، ۳)

لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ (۴)

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست و او بلندمرتبه بزرگ است .

(الشوری، ۴)

تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَنْقَطِرُنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۵)

چیزی نموده که آسمانها از فرازشان بشکافند و [حال آنکه] فرشتگان به سپاس پروردگارش تسبیح می‌گویند و برای کسانی که در زمین هستند آمرزش می‌طلبند . آگاه باش ، در حقیقت خداست که آمرزنده مهربان است .

(الشوری، ۵)

وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَفِيظٌ عَلَيْهِمْ وَ مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ (۶)

و کسانی که به جای او دوستانی برای خود گرفته‌اند ، خدا بر ایشان نگهبان است و تو بر آنان گمارده نیستی .

(الشوری، ۶)

وَ كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَ مَنْ حَوْلَهَا وَ تُنذِرَ يَوْمَ الْجُمُعِ لِأَنَّ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَ فَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ (۷)

و بدین گونه قرآن عربی به سوی تو وحی کردیم تا [مردم] مکه و کسانی را که پیرامون آنند هشدار دهی ، و از روز گردآمدن [خلق] که تردیدی در آن نیست بیم دهی ؛ گروهی در بهشتند و گروهی در آتش .

(الشوری، ۷)

وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَ الظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ (۸)

و اگر خدا می‌خواست ، قطعاً آنان را امتی یگانه می‌گردانید ، لیکن هر که را بخواهد ، به رحمت خویش درمی‌آورد و ستمگران نه یاری دارند و نه یابوری .

(الشوری، ۸)

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَالَهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَ هُوَ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَ هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۹)

آیا به جای او دوستانی برای خود گرفته‌اند ؟ خداست که دوست راستین است ، و اوست که مردگان را زنده می‌کند ، و هموست که بر هر چیزی تواناست .

(الشوری، ۹)

وَ مَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ (۱۰)

و درباره هر چیزی اختلاف پیدا کردید ، داوریش به خدا [ارجاع می‌گردد] . چنین خدایی پروردگار من است . بر او توکل کردم و به سوی او بازمی‌گردم .

(الشوری، ۱۰)

فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَ مِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُوكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۱۱)

پدیدآورنده آسمانها و زمین است . از خودتان برای شما جفتهایی قرار داد ، و از دامها [نیز] نر و ماده [قرار داد] . بدین وسیله شما را بسیار می‌گرداند . چیزی مانند او نیست و اوست شنوای بینا .

(الشوری، ۱۱)

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۲)

کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست . برای هر کس که بخواهد روزی را گشاده یا تنگ می‌گرداند . اوست که بر هر چیزی داناست .

(الشوری، ۱۲)

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ (۱۳)

از [احکام] دین ، آنچه را که به نوح در باره آن سفارش کرد ، برای شما تشریح کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که درباره آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که : « دین را برپا دارید و در آن تفرقه‌اندازی نکنید . » بر مشرکان آنچه که ایشان را به سوی آن فرا می‌خوانی ، گران می‌آید . خدا هر که را بخواهد ، به سوی خود برمی‌گزیند ، و هر که را که از در توبه درآید ، به سوی خود راه می‌نماید .

(الشوری، ۱۳)

وَ مَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَ لَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى لَفُضِّي بَيْنَهُمْ وَ إِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ (۱۴)

و فقط پس از آنکه علم برایشان آمد ، راه تفرقه پیمودند [آن هم] به صرف حسد [و برتری جویی] میان همدیگر . و اگر سخنی [دایر بر تأخیر عذاب] از جانب پروردگارت تا زمانی معین ، پیشی نگرفته بود ، قطعاً میانشان داوری شده بود . و کسانی که بعد از آنان کتاب [تورات] را میراث یافتند واقعاً درباره او در تردیدی سخت [دچار] اند .

(الشوری، ۱۴)

فَلْيَذِكُرْ فَاذِغْ وَ اسْتَقَمَّ كَمَا أَمَرْتُ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَ قُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَ أَمَرْتُ لِأَعْمَلِنَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَ رَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حِجَّةَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۱۵)

بنا بر این به دعوت پرداز ، و همان گونه که مأموری ایستادگی کن ، و هوسهای آنان را پیروی مکن و بگو : « به هر کتابی که خدا نازل کرده است ایمان آوردم و مأمور شدم که میان شما عدالت کنم ؛ خدا پروردگار ما و پروردگار شماست ؛ اعمال ما از آن ما و اعمال شما از آن شماست ؛ میان ما و شما خصومتی نیست ؛ خدا میان ما را جمع می‌کند ، و فرجام به سوی اوست .

(الشوری، ۱۵)

وَ الَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتَجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ عَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ (۱۶)

و کسانی که درباره خدا پس از اجابت [دعوت] او به مجادله می‌پردازند ، حجتشان پیش پروردگارش باطل است ، و خشمی [از خدا] برایشان است و برای آنان عذابی سخت خواهد بود .

(الشوری، ۱۶)

اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَ الْمِيزَانَ وَ مَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ (۱۷)

خدا همان کسی است که کتاب و وسیله سنجش را به حق فرود آورد ، و تو چه می‌دانی شاید رستاخیز نزدیک باشد .

(الشوری، ۱۷)

يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَ يَلْعَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ (۱۸)

کسانی که به آن ایمان ندارند شتابزده آن را می‌خواهند ، و کسانی که ایمان آورده‌اند ، از آن هراسناکند و می‌دانند که آن حق است . بدان که آنان که در مورد قیامت تردید می‌ورزند ، قطعاً در گمراهی دور و درازی‌اند .

(الشوری، ۱۸)

اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ (۱۹)

خدا نسبت به بندگانش مهربان است : هر که را بخواهد روزی می‌دهد و اوست نیرومند غالب .

(الشوری، ۱۹)

مَنْ كَانَ يُرِيدْ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَ مَنْ كَانَ يُرِيدْ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ (۲۰)

کسی که کشت آخرت بخواهد ، برای وی در کشته‌اش می‌افزاییم ، و کسی که کشت این دنیا را بخواهد به او از آن می‌دهیم و [لی] در آخرت او را نصیبی نیست .

(الشوری، ۲۰)

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْتِ بِهِ اللَّهُ وَ نُوَ لَا كَلِمَةَ الْفَصْلِ لِقَضَى بَيْنَهُمْ وَ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۱)

آیا برای آنان شریکاتی است که در آنچه خدا بدان اجازه نداده ، برایشان بنیاد آیینی نهاده‌اند ؟ و اگر فرمان قاطع [درباره تأخیر عذاب در کار] نبود مسلماً میانشان داوری می‌شد ؛ و برای ستمکاران شکنجه‌ای پردرد است .

(الشوری، ۲۱)

تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَ هُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رُؤُوسَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ (۲۲)

[در قیامت] ستمگران را از آنچه انجام داده‌اند ، هراسناک می‌بینی و [جزای عملشان] به آنان خواهد رسید ، و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند در باغهای بهشتند . آنچه را بخواهند نزد پروردگارش خواهند داشت ؛ این است همان فضل عظیم .

(الشوری، ۲۲)

ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَةَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ (۲۳)

این همان [پاداشی] است که خدا بندگان خود را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند [بدان] مرزده داده است . بگو : « به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم ، مگر دوستی درباره خویشاوندان . » و هر کس نیکی به جای آورد [و طاعتی اندوزد] ، برای او در ثواب آن خواهیم افزود . قطعاً خدا آمرزنده و قدرشناس است .

(الشوری، ۲۳)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشَأِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَى قَلْبِكَ وَ يُخِخَ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَ يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (٢٤)

آیا می‌گویند : « بر خدا دروغی بسته است ؟ » پس اگر خدا بخواهد بر دلت مهر می‌نهد ؛ و خدا باطل را محو و حقیقت را با کلمات خویش پا برجا می‌کند . اوست که به راز دلها داناست .

(الشوری، ٢٤)

وَ هُوَ الَّذِي يَقْتُلُ النَّوِيَّةَ عَنْ عِبَادِهِ وَ يَغْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ (٢٥)

و اوست کسی که توبه را از بندگان خود می‌پذیرد و از گناهان درمی‌گذرد و آنچه می‌کنید می‌داند .

(الشوری، ٢٥)

وَ يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ يَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَ الْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ (٢٦)

و [درخواست] کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند اجابت می‌کند و از فضل خویش به آنان زیاده می‌دهد ، و [لی] برای کافران عذاب سختی خواهد بود .

(الشوری، ٢٦)

وَ لَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَ لَكِنْ نُنزِّلُ بَقْدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ (٢٧)

و اگر خدا روزی را بر بندگان فراخ گرداند ، مسلماً در زمین سر به عصیان برمی‌دارند ، لیکن آنچه را بخواهد به اندازه‌ای [که مصلحت است] فرومی‌فرستد . به راستی که او به [حال] بندگان آگاه بیناست .

(الشوری، ٢٧)

وَ هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَ يَنشُرُ رَحْمَتَهُ وَ هُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ (٢٨)

و اوست کسی که باران را پس از آنکه [مردم] نومید شدند فرود می‌آورد ، و رحمت خویش را می‌گسترده و هموست سرپرست ستوده .

(الشوری، ٢٨)

وَ مِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا مِنْ دَابَّةٍ وَ هُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ (٢٩)

و از نشانه‌های [قدرت] اوست آفرینش آسمانها و زمین و آنچه از [انواع] جنبنده در میان آن دو پراکنده است ، و او هر گاه بخواهد بر گردآوردن آنان تواناست .

(الشوری، ٢٩)

وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَ يَغْفُو عَنْ كَثِيرٍ (٣٠)

و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شماست ، و [خدا] از بسیاری درمی‌گذرد .

(الشوری، ٣٠)

وَ مَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ (٣١)

و شما در زمین درمانده‌کننده [خدا] نیستید ، و جز خدا شما را سرپرست و یاور نیست .

(الشوری، ٣١)

وَ مِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (٣٢)

و از نشانه‌های او سفینه‌های کوه‌آسا در دریاست .

(الشوری، ٣٢)

إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (٣٣)

اگر بخواهد باد را ساکن می‌گرداند و [سفینه‌ها] بر پشت [آب] متوقف می‌مانند . قطعاً در این [امر] برای هر شکیبای شکرگزار نشانه‌هاست .

(الشوری، ٣٣)

أَوْ يُوقِعُهُنَّ بِمَا كَسَبُوا وَ يَغْفُ عَنْ كَثِيرٍ (٣٤)

یا به [سزای] آنچه [کشتی‌نشینان] مرتکب شده‌اند هلاکشان کند ، و [لی] از بسیاری درمی‌گذرد .

(الشوری، ٣٤)

وَيَعْلَمُ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ (۳۵)

و [تا] آنان که در آیات ما مجادله می‌کنند ، بدانند که ایشان را [روی] گریزی نیست .

(الشوری، ۳۵)

فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۳۶)

و آنچه به شما داده شده ، برخورداری [و کالای] زندگی دنیاست ، و آنچه پیش خداست برای کسانی که گرویده‌اند و به پروردگارشان اعتماد دارند بهتر و پایدارتر است .

(الشوری، ۳۶)

وَ الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَ الْفَوَاحِشِ وَ إِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ (۳۷)

و کسانی که از گناهان بزرگ و زشتکاریها خود را به دور می‌دارند و چون به خشم درمی‌آیند درمی‌گذرند .

(الشوری، ۳۷)

وَ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۳۸)

و کسانی که [ندای] پروردگارشان را پاسخ [مثبت] داده و نماز برپا کرده‌اند و کارشان در میانشان مشورت است و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند .

(الشوری، ۳۸)

وَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ (۳۹)

و کسانی که چون ستم بر ایشان رسد ، یاری می‌جویند [و به انتقام برمی‌خیزند] .

(الشوری، ۳۹)

وَ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَ أَصْلَحَ فَأُجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (۴۰)

و جزای بدی ، مانند آن ، بدی است . پس هر که درگذرد و نیکوکاری کند ، پاداش او بر [عهده] خداست . به راستی او ستمگران را دوست نمی‌دارد .

(الشوری، ۴۰)

وَ لَمَنْ اتَّصَرَ بِغَدِّ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ (۴۱)

و هر که پس از ستم [دیدن] خود ، یاری جوید [و انتقام گیرد] راه [نكوهشی] بر ایشان نیست .

(الشوری، ۴۱)

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۴۲)

راه [نكوهش] تنها بر کسانی است که به مردم ستم می‌کنند ، و در [روی] زمین به ناحق سر برمی‌دارند . آنان عذابی دردناک [در پیش] خواهند داشت .

(الشوری، ۴۲)

وَ لَمَنْ صَبَرَ وَ غَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۴۳)

و هر که صبر کند و درگذرد ، مسلماً این [خویشتن‌داری ، حاکمی] از اراده قوی [در] کارهاست .

(الشوری، ۴۳)

وَ مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَلِيٍّ مِنْ بَعْدِهِ وَ تَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأُوا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ (۴۴)

و هر که را خدا بی‌راه گذارد ، پس از او یار [و یاور] ی نخواهد داشت ، و ستمگران را می‌بینی که چون عذاب را بنگرند می‌گویند : « آیا راهی برای برگشتن [به دنیا] هست ؟ »

(الشوری، ۴۴)

وَ تَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَائِعِينَ مِنَ الذَّلِيلِ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيِّ وَ قَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَ أَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُقِيمٍ (۴۵)

آنان را می‌بینی [که چون] بر [آتش] عرضه می‌شوند ، از [شدت] زبونی ، فروتن شده‌اند : زیرچشمی می‌نگرند . و کسانی که گرویده‌اند می‌گویند : « در حقیقت ، زیانکاران کسانی‌اند که روز قیامت خودشان و کسانشان را دچار زیان کرده‌اند . » آری ، ستمکاران در عذابی پایدارند .

(الشوری، ۴۵)

وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَاءٍ يُنصِرُونَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ (۴۶)

و جز خدا برای آنان دوستانی [دیگر] نیست که آنها را یاری کنند ، و هر که را خدا بپناه گذارد هیچ راهی برای او نخواهد بود .

(الشوری، ۴۶)

اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُمْ مِنْ مُلْجَأٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَكِيرٍ (۴۷)

پیش از آنکه روزی فرارسد که آن را از جانب خدا برگشتی نباشد ، پروردگارتان را اجابت کنید . آن روز نه برای شما پناهی و نه برایتان [مجال] انکاری هست .

(الشوری، ۴۷)

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا إِنَّ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَحَرِحَ بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ (۴۸)

پس اگر روی برتابند ، ما تو را بر آنان نگهبان نفرستاده‌ایم . بر عهده تو جز رسانیدن [پیام] نیست ، و ما چون رحمتی از جانب خود به انسان بچشانیم ، بدان شاد و سرمست گردد ، و چون به [سزای] دستاورد پیشین آنها ، به آنان بدی رسد ، انسان ناسپاسی می‌کند .

(الشوری، ۴۸)

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنثَاءً وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذَّكَوْرَ (۴۹)

فرمانروایی [مطلق] آسمانها و زمین از آن خداست ؛ هر چه بخواهد می‌آفریند ؛ به هر کس بخواهد فرزند دختر و به هر کس بخواهد فرزند پسر می‌دهد .

(الشوری، ۴۹)

أَوْ يَرْزُقُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنثَاءً وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ (۵۰)

یا آنها را پسر [ان] و دختر [انی] توأم با یکدیگر می‌گرداند ، و هر که را بخواهد عقیم می‌سازد . اوست دانای توانا .

(الشوری، ۵۰)

وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكْتُمَ اللَّهُ إِلًّا وَحِيًّا أَوْ مِنْ وِرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بآدْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيٌّ حَكِيمٌ (۵۱)

و هیچ بشری را نرسد که خدا با او سخن گوید جز [از راه] وحی یا از فراسوی حجابی ، یا فرستاده‌ای بفرستد و به اذن او هر چه بخواهد وحی نماید . آری ، اوست بلندمرتبه سنجیده‌کار .

(الشوری، ۵۱)

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّا لَنَهْدِيهِ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۵۲)

و همین گونه ، روحی از امر خودمان به سوی تو وحی کردیم . تو نمی‌دانستی کتاب چیست و نه ایمان [کدام است ؟] ولی آن را نوری گردانیدیم که هر که از بندگان خود را بخواهیم به وسیله آن راه می‌نماییم ، و به راستی که تو به خوبی به راه راست هدایت می‌کنی .

(الشوری، ۵۲)

صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ (۵۳)

راه همان خدایی که آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست . هش‌دار که [همه] کارها به خدا بازمی‌گردد .

(الشوری، ۵۳)

ترتیبها- ۴۳	سوره الزخرف	مکی- آیاتها- ۸۹
-------------	-------------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الزخرف، ۰)

حم (۱)

حاء ، میم .

(الزخرف، ۱)

وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (۲)

سوگند به کتاب روشنگر .

(الزخرف، ۲)

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۳)

ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم ، باشد که ببندید .

(الزخرف، ۳)

وَ إِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ (۴)

و همانا که آن در کتاب اصلی [لوح محفوظ] به نزد ما سخت والا و پر حکمت است .

(الزخرف، ۴)

أَفَنْضِرِبُ عَنْكُمْ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُسْرِفِينَ (۵)

آیا به [صرف] اینکه شما قومی منحرفید [باید] قرآن را از شما بازداریم ؟

(الزخرف، ۵)

وَ كَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيِّ فِي الْأَوَّلِينَ (۶)

و چه بسا پیامبرانی که در [میان] گذشتگان روانه کردیم .

(الزخرف، ۶)

وَ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (۷)

و هیچ پیامبری به سوی ایشان نیامد ، مگر اینکه او را به ریشخند می گرفتند .

(الزخرف، ۷)

فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَ مَضَى مَثَلُ الْأَوَّلِينَ (۸)

و نیرومندتر از آنان را به هلاکت رسانیدیم و سنت پیشینیان تکرار شد .

(الزخرف، ۸)

وَ لئن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ (۹)

و اگر از آنان بپرسی : « آسمانها و زمین را چه کسی آفریده ؟ » قطعاً خواهند گفت : « آنها را همان قادر دانا آفریده است . »

(الزخرف، ۹)

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا وَ جَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۱۰)

همان کسی که این زمین را برای شما گهواره‌ای گردانید و برای شما در آن راهها نهاد ، باشد که راه یابید .

(الزخرف، ۱۰)

وَ الَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا كَذَلِكَ نُخْرِجُونَ (۱۱)

و آن کس که آبی به اندازه از آسمان فرود آورد ، پس به وسیله آن ، سرزمینی مرده را زنده گردانیدیم ؛ همین گونه [از گورها] بیرون آورده می شود .

(الزخرف، ۱۱)

وَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْفُلْكِ وَ الْإِنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ (۱۲)

و همان کسی که جفتها را یکسر آفرید ، و برای شما از کشتیها و دامها [وسیله‌ای که] سوار شوید قرار داد .

(الزخرف، ۱۲)

لِيَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذَكَّرُوا نِعْمَةً رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَ تَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرْنَا لَهَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرَبِينَ (۱۳)

۶۰۴ / ۴۲۱

تا بر پشت آن [ها] قرار گیرید ، پس چون بر آن [ها] برنشستید ، نعمت پروردگار خود را یاد کنید و بگویید : « پاك است کسی که این را برای ما رام کرد و [گرته] ما را برای [رامساختن] آنها نبود . »

(الزخرف، ۱۳)

وَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ (۱۴)

« و به راستی که ما به سوی پروردگاران بازخواهیم گشت . »

(الزخرف، ۱۴)

وَ جَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ (۱۵)

و برای او بعضی از بندگان [خدا] را جزئی [چون فرزند و شریک] قرار دادند . به راستی که انسان بس ناسپاس آشکار است .

(الزخرف، ۱۵)

أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُم بِالْبَنِينَ (۱۶)

آیا از آنچه می‌آفریند ، خود ، دخترانی برگرفته و به شما پسران را اختصاص داده است ؟

(الزخرف، ۱۶)

وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٌ (۱۷)

و چون یکی از آنان را به آنچه به [خدای] رحمان نسبت می‌دهد خبر دهند ، چهره او سیاه می‌گردد ، در حالی که خشم و تأسف خود را فرومی‌خورد .

(الزخرف، ۱۷)

أَوْ مَنْ يَنْشَأُ فِي الْحُلِيِّهِ وَ هُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرَ مُبِينٍ (۱۸)

آیا کسی [را شریک خدا می‌کنند] که در زر و زیور پرورش یافته و در [هنگام] مجادله ، بیانش غیر روشن است ؟

(الزخرف، ۱۸)

وَ جَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنثَاءً أَشْهَدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ (۱۹)

و فرشتگانی را که خود ، بندگان رحمانند ، مادینه [و دختران او] پنداشتند . آیا در خلقت آنان حضور داشتند ؟ گواهی ایشان به زودی نوشته می‌شود و [از آن] پرسیده خواهند شد .

(الزخرف، ۱۹)

وَ قَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (۲۰)

و می‌گویند : « اگر [خدای] رحمان می‌خواست ، آنها را نمی‌پرستیدیم . » آنان به این [دعوی] دانشی ندارند [و] جز حدس نمی‌زنند .

(الزخرف، ۲۰)

أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِنْ قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ (۲۱)

آیا به آنان پیش از آن [قرآن] کتابی داده‌ایم که بدان تمسک می‌جویند ؟

(الزخرف، ۲۱)

بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهْتَدُونَ (۲۲)

[نه] ، بلکه گفتند : « ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و ما [هم با] پی‌گیری از آنان ، راه یافتگانیم . »

(الزخرف، ۲۲)

وَ كَذَّبِكَ مَا أُرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرِيْبَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ (۲۳)

و بدین گونه در هیچ شهری پیش از تو هشداردهنده‌ای نفرستادیم مگر آنکه خوشگذرانان آن گفتند : « ما پدران خود را بر آیینی [و راهی] یافتیم و ما از پی ایشان راهسپیریم . »

(الزخرف، ۲۳)

قَالَ أَوْ لَوْ جِئْتُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءُكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (۲۴)

گفت « هر چند هدایت کننده‌تر از آنچه پدران خود را بر آن یافته‌اید برای شما بیاورم ؟ » گفتند : « ما [نسبت] به آنچه بدان فرستاده شده‌اید کافریم . »

(الزخرف، ۲۴)

فَأَنْتَقَمْنَا مِنْهُمُ فَاظْطَرَّ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ (۲۵)

پس ، از آنان انتقام گرفتیم . پس بنگر فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است .

(الزخرف، ۲۵)

وَ إِذْ قَالَ اِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ (۲۶)

و چون ابراهیم به [نا] پدری خود و قومش گفت : « من واقعاً از آنچه می‌پرستید بیزارم ،

(الزخرف، ۲۶)

إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ (۲۷)

مگر [از] آن کس که مرا پدید آورد ؛ و البته او مرا راهنمایی خواهد کرد . »

(الزخرف، ۲۷)

وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۲۸)

و او آن را در پی خود سخنی جاویدان کرد ، باشد که آنان [به توحید] بازگردند .

(الزخرف، ۲۸)

بَلْ مَتَّعْتُ هَؤُلَاءَ وَ آبَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَ رَسُولٌ مُّبِينٌ (۲۹)

بلکه اینان و پدرانشان را برخوردار می‌دادم تا حقیقت و فرستاده‌ای آشکار به سویشان آمد .

(الزخرف، ۲۹)

وَ لَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ (۳۰)

و چون حقیقت به سویشان آمد ، گفتند : « این افسونی است و ما منکر آنیم . »

(الزخرف، ۳۰)

وَ قَالُوا لَوْ لَا نَزَّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ (۳۱)

و گفتند : « چرا این قرآن بر مردی بزرگ از [آن] دو شهر فرود نیامده است ؟ »

(الزخرف، ۳۱)

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِيًّا وَ رَحْمَةً رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ (۳۲)

آیا آنانند که رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند ؟ ما [وسایل] معاش آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده‌ایم ، و برخی از آنان را از [نظر] درجات ، بالاتر از بعضی [دیگر] قرار داده‌ایم تا بعضی از آنها بعضی [دیگر] را در خدمت گیرند ، و رحمت پروردگار تو از آنچه آنان می‌اندوزند بهتر است .

(الزخرف، ۳۲)

وَ لَوْ لَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقْفًا مِنْ فِصَّةٍ وَ مَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ (۳۳)

و اگر نه آن بود که [همه] مردم [در انکار خدا] امتی واحد گردند ، قطعاً برای خانه‌های آنان که به [خدای] رحمان کفر می‌ورزیدند ، سقفها و نردبانهایی از نقره که بر آنها بالا روند قرار می‌دادیم .

(الزخرف، ۳۳)

وَ لِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابٌ وَ سُرُرًا عَلَيْهَا يَتَكَبَّرُونَ (۳۴)

و برای خانه‌هایشان نیز درها و تخته‌هایی که بر آنها تکیه زنند .

(الزخرف، ۳۴)

و زُخْرَفًا و إِنَّ كُلَّ دَلِيلِكَ لَمَّا مَتَاعِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وِ الْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ (۳۵)

و زر و زیورهای [دیگر نیز] . و همه اینها جز متاع زندگی دنیا نیست ، و آخرت پیش پروردگار تو برای پرهیزگاران است .

(الزخرف، ۳۵)

و مَنْ يَغْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِيضَ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ (۳۶)

و هر کس از یاد [خدای] رحمان دل بگرداند ، بر او شیطانی می‌گماریم تا برای وی دمسازی باشد .

(الزخرف، ۳۶)

و إِنَّهُمْ لَيَصْنَدُونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وِ يَخْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ (۳۷)

و مسلماً آنها ایشان را از راه باز می‌دارند و [آنها] می‌پندارند که راه یافتگانند .

(الزخرف، ۳۷)

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَنِيَّ وِ بَنِيكَ بَعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَيَنْسِنَ الْقَرِينُ (۳۸)

تا آن گاه که او [با دمسازش] به حضور ما آید ، [خطاب به شیطان] گوید : « ای کاش میان من و تو ، فاصله خاور و باختر بود ، که چه بد دمسازی هستی ! »

(الزخرف، ۳۸)

و لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْتُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ (۳۹)

و امروز هرگز [پشیمانی] برای شما سود نمی‌بخشد ، چون ستم کردید ؛ در حقیقت ، شما در عذاب ، مشترک خواهید بود .

(الزخرف، ۳۹)

أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْأَعْمَىٰ وِ مَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۴۰)

پس آیا تو می‌توانی کران را شنوا کنی ، یا نابینایان و کسی را که همواره در گمراهی آشکاری است راه نمایی ؟

(الزخرف، ۴۰)

فَأِمَّا نُدْهِبُ بِكَ فَأَبَا مِنْهُمْ مَنَّعُونَ (۴۱)

پس اگر ما تو را [از دنیا] ببریم ، قطعاً از آنان انتقام می‌کشیم ،

(الزخرف، ۴۱)

أَوْ نُرِيَّتِكَ الَّذِي وِ عَذَابُهُمْ فَبِأَبَا عَلَيْهِمْ مُقْتَدِرُونَ (۴۲)

یا [اگر] آنچه را به آنان وعده داده‌ایم به تو نشان دهیم ؛ حتماً ما بر آنان قدرت داریم .

(الزخرف، ۴۲)

فَأَسْتَمْسِكُ بِالَّذِي أُوْحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۴۳)

پس به آنچه به سوی تو وحی شده است جنگ درازن ، که تو بر راهی راست قرار داری .

(الزخرف، ۴۳)

و إِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وِ لِقَوْمِكَ وِ سَوْفَ تُسْأَلُونَ (۴۴)

و به راستی که [قرآن] برای تو و برای قوم تو [مایه] تذکری است ، و به زودی [در مورد آن] پرسیده خواهید شد .

(الزخرف، ۴۴)

و أَسْأَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَمْ جَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ (۴۵)

و از رسولان ما که پیش از تو گسیل داشتیم جویا شو ؛ آیا در برابر [خدای] رحمان ، خدایانی که مورد پرستش قرار گیرند مقرر داشته‌ایم ؟

(الزخرف، ۴۵)

و لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وِ مِنْهُ فَكُلَّ النَّاسِ رَجَبٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۴۶)

و همانا موسی را با نشانه‌های خویش به سوی فرعون و سران [قوم] او روانه کردیم . پس گفت : « من فرستاده پروردگار جهاتیام . »

(الزخرف، ۴۶)

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بَيِّنَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ (۴۷)

پس چون آیات ما را برای آنان آورد ، ناگهان ایشان بر آنها خنده زدند .

(الزخرف، ۴۷)

وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتَيْهَا وَآخَذْنَاهُمْ بِالعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۴۸)

و [ما] نشانه‌ای به ایشان نمی‌نمودیم مگر اینکه آن از نظیر [و مشابه] آن بزرگتر بود ، و به عذاب گرفتارشان کردیم تا مگر به راه آیند .

(الزخرف، ۴۸)

وَقَالُوا يَا أَيُّهَا السَّاحِرُ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ (۴۹)

و گفتند : « ای فسونگر ، پروردگارت را به [پاس] آنچه با تو عهد کرده ، برای ما بخوان ، که ما واقعاً به راه درست درآمده‌ایم . »

(الزخرف، ۴۹)

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ (۵۰)

و چون عذاب را از آنها برداشتیم ، بناگاه آنان پیمان شکستند .

(الزخرف، ۵۰)

و نَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَ هَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي أَ فَلَآ تُبْصِرُونَ (۵۱)

و فرعون در [میان] قوم خود ندا درداد [و] گفت : « ای مردم [کشور] من ، آیا پادشاهی مصر و این نهرها که از زیر [کاخهای] من روان است از آن من نیست ؟ پس مگر نمی‌بینید ؟ »

(الزخرف، ۵۱)

أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ (۵۲)

آیا [نه] من از این کس که خود بی‌مقدار است و نمی‌تواند درست بیان کند بهترم ؟

(الزخرف، ۵۲)

قُلْ لَا أَلْفِي عَلَيْهِ آسُورَةٌ مِنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ (۵۳)

پس چرا بر او دستبندهایی زرین آویخته نشده ؟ یا با او فرشتگانی همراه نیامده‌اند ؟

(الزخرف، ۵۳)

فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (۵۴)

پس قوم خود را سبک مغز یافت [و آنان را فریفت] و اطاعتش کردند ، چرا که آنها مردمی منحرف بودند .

(الزخرف، ۵۴)

فَلَمَّا أَسَفْنَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ (۵۵)

و چون ما را به خشم درآوردند ، از آنان انتقام گرفتیم و همه آنان را غرق کردیم .

(الزخرف، ۵۵)

فَجَعَلْنَاهُمْ سُلَفًا وَ مَثَلًا لِلْآخِرِينَ (۵۶)

و آنان را پیشینه‌ای [بد] و عبرتی برای آیندگان گردانیدیم .

(الزخرف، ۵۶)

وَ لَمَّا ضَرَبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُونَ (۵۷)

و هنگامی که [در مورد] پسر مریم مثالی آورده شد ، بناگاه قوم تو از آن [سخن] هلهله درانداختند [و اعراض کردند] ،

(الزخرف، ۵۷)

وَ قَالُوا أَلَهْتْنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصُمُونَ (۵۸)

و گفتند : « آیا معبودان ما بهترند یا او ؟ » آن [مثال] را جز از راه جدل برای تو نزدند ، بلکه آنان مردمی جدل‌پیشه‌اند .

(الزخرف، ۵۸)

إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَ جَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ (۵۹)

[عیسی] جز بنده‌ای که بر وی منت نهاده و او را برای فرزندان اسرائیل سرمشق [و آیتی] گردانیده‌ایم نیست .

(الزخرف، ۵۹)

وَ لَوْ نَشَاءُ لَجْعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُقُونَ (۶۰)

و اگر بخواهیم قطعاً به جای شما فرشتگانی که در [روی] زمین جانشین [شما] گردند قرار دهیم .

(الزخرف، ۶۰)

وَ إِنَّهُ لَعَلَمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَ اتَّبِعُون هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (۶۱)

و همانا آن ، نشانه‌ای برای [فهم] رستاخیز است ، پس زنده‌ار در آن تردید مکن ، و از من پیروی کنید ؛ این است راه راست !

(الزخرف، ۶۱)

وَ لَا يَصْنَعُنَّ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۶۲)

و مبادا شیطان شما را از راه به در برد ، زیرا او برای شما دشمنی آشکار است .

(الزخرف، ۶۲)

وَ لَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَ لَأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلَفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا (۶۳)

و چون عیسی دلایل آشکار آورد ، گفت : « به راستی برای شما حکمت آوردم ، و تا در باره بعضی از آنچه در آن اختلاف می‌کردید برایتان توضیح دهم . پس ، از خدا بترسید و فرمانم بپذیرید . »

(الزخرف، ۶۳)

إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (۶۴)

در حقیقت ، خداست که خود پروردگار من و پروردگار شماست . پس او را بپرستید ؛ این است راه راست .

(الزخرف، ۶۴)

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمِ أَلِيمٍ (۶۵)

تا [آنکه] از میانشان ، احزاب دست به اختلاف زدند ، پس وای بر کسانی که ستم کردند از عذاب روزی دردناک !

(الزخرف، ۶۵)

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۶۶)

آیا جز [این] انتظار می‌برند که رستاخیز در حالی که حدس نمی‌زنند ناگهان بر آنان دررسد ؟

(الزخرف، ۶۶)

الْأَحْلَاءُ يَوْمَئِذٍ يَعْضُّهُمُ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ (۶۷)

در آن روز ، یاران جز پرهیزگاران بعضی‌شان دشمن بعضی دیگرند .

(الزخرف، ۶۷)

يَا عِبَادِ لَا خَوْفَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَ لَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ (۶۸)

ای بندگان من ، امروز بر شما بی‌می نیست و غمگین نخواهید شد .

(الزخرف، ۶۸)

الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَ كَانُوا مُسْلِمِينَ (۶۹)

همان کسانی که به آیات ما ایمان آورده و تسلیم بودند .

(الزخرف، ۶۹)

ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَ آزْوَاجُكُمْ نُحِبُّوْنَ (۷۰)

شما با همسرانتان شادمانه داخل بهشت شوید .

(الزخرف، ۷۰)

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصَحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَ أَكْوَابٍ وَ فِيهَا مَا تَشْتَهُيهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلذُّ الْأَعْيُنُ وَ أَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۷۱)

سینه‌هایی از طلا و جام‌هایی در برابر آنان می‌گردانند ، و در آنجا آنچه دلها آن را بخواهند و دیدگان را خوش آید [هست] و شما در آن جاودانید .

(الزخرف، ۷۱)

وَ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۷۲)

و این است همان بهشتی که به [پاداش] آنچه می‌کردید میراث یافتید .

(الزخرف، ۷۲)

لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ (۷۳)

در آنجا برای شما میوه‌هایی فراوان خواهد بود که از آنها می‌خورید .

(الزخرف، ۷۳)

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ (۷۴)

بی‌گمان ، مجرمان در عذاب جهنم ماندگارند .

(الزخرف، ۷۴)

لَا يَفْقَرُ عَنْهُمْ وَ هُمْ فِيهِ مُبْسُونَ (۷۵)

[عذاب] از آنان تخفیف نمی‌یابد و آنها در آنجا نومیدند .

(الزخرف، ۷۵)

وَ مَا ظَلَمْنَاهُمْ وَ لَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ (۷۶)

و ما بر ایشان ستم نکردیم ، بلکه خود ستمکار بودند .

(الزخرف، ۷۶)

وَ نَادُوا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رُبُّكَ قَالِ إِنَّكُمْ مَأْكُوتُونَ (۷۷)

و فریاد کشند : « ای مالک ، [بگو :] پروردگارت جان ما را بستاند . » پاسخ دهد : « شما ماندگارید . »

(الزخرف، ۷۷)

لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَ لَكِنْ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ (۷۸)

قطعاً حقیقت را برایتان آوردیم ، لیکن بیشتر شما حقیقت را خوش نداشتید .

(الزخرف، ۷۸)

أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ (۷۹)

یا در کاری ابرام ورزیده‌اند ؟ ما [نیز] ابرام می‌ورزیم .

(الزخرف، ۷۹)

أَمْ يَحْسِبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُمُونَ (۸۰)

آیا می‌پندارند که ما راز آنها و نجوایشان را نمی‌شنویم؟ چرا، و فرشتگان ما پیش آنان [حاضرند و] ثبت می‌کنند.

(الزخرف، ۸۰)

قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَدًّا فَأَنَا أَوْلَىٰ الْأَعْبَادِ (۸۱)

بگو: «اگر برای [خدای] رحمان فرزندی بود، خود من نخستین پرستندگان بودم.»

(الزخرف، ۸۱)

سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ (۸۲)

پروردگار آسمانها و زمین [و] پروردگار عرش، از آنچه وصف می‌کنند منزّه است.

(الزخرف، ۸۲)

فَلَنُرَهُمِ يَخْضَعُونَ وَإِلَّا فَيُؤَدَّبُونَ (۸۳)

پس آنان را رها کن تا در یاوه‌گویی خود فروروند و بازی کنند تا آن روزی را که بدان وعده داده می‌شوند دیدار کنند.

(الزخرف، ۸۳)

وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ (۸۴)

و اوست که در آسمان خداست و در زمین خداست، و هموست سنجیده‌کار دانا.

(الزخرف، ۸۴)

وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۸۵)

و خجسته است کسی که فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است از آن اوست، و علم قیامت پیش اوست و به سوی او برگردانیده می‌شوید.

(الزخرف، ۸۵)

وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۸۶)

و کسانی که به جای او می‌خوانند [و می‌پرستند] اختیار شفاعت ندارند، مگر آن کسانی که آگاهانه به حق گواهی داده باشند.

(الزخرف، ۸۶)

وَلَنْ نَسْأَلَهُمْ مِنْ خَلْقِهِمْ لِنَقُولَنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ (۸۷)

و اگر از آنان بپرسی: «چه کسی آنان را خلق کرده؟» مسلماً خواهند گفت: «خدا.» پس چگونه [از حقیقت] بازگردانیده می‌شوند؟

(الزخرف، ۸۷)

وَقِيلَ يَا رَبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ (۸۸)

و گوید: «ای پروردگار من، اینها جماعتی‌اند که ایمان نخواهند آورد.»

(الزخرف، ۸۸)

فَأَصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۸۹)

[و خدا فرمود:] از ایشان روی برتاب و بگو: «به سلامت.» پس زودا که بدانند.

(الزخرف، ۸۹)

ترتیبها-۴۴	سوره الدخان	مکی-آیاتها-۵۹
------------	-------------	---------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الدخان، ۰)

حم (۱)

حاء ، میم .

(الدخان، ۱)

وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (۲)

سوگند به کتاب روشنگر ،

(الدخان، ۲)

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي نَيْلَةِ مَبَازَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ (۳)

[که] ما آن را در شبی فرخنده نازل کردیم ، [زیرا] که ما هشداردهنده بودیم .

(الدخان، ۳)

فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ (۴)

در آن [شب] هر [گونه] کاری [به نحوی] استوار فیصله می‌یابد .

(الدخان، ۴)

أَمْراً مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ (۵)

[این] کاری است [که] از جانب ما [صورت می‌گیرد] . ما فرستنده [پیامبران] بودیم .

(الدخان، ۵)

رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۶)

[و این] رحمتی از پروردگار توست ، که او شنوای داناست .

(الدخان، ۶)

رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنُتُمْ مُوقِنِينَ (۷)

پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است ، اگر یقین دارید .

(الدخان، ۷)

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَ رَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ (۸)

خدایی جز او نیست ؛ او زندگی می‌بخشد و می‌میراند ؛ پروردگار شما و پروردگار پدران شماست .

(الدخان، ۸)

بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعُوبُونَ (۹)

ولی نه ، آنها به شك و شبهه خویش سرگرمند .

(الدخان، ۹)

فَازْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ (۱۰)

پس در انتظار روزی باش که آسمان دودی نمایان برمی‌آورد ،

(الدخان، ۱۰)

يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۱)

که مردم را فرومی‌گیرد ؛ این است عذاب پردرد .

(الدخان، ۱۱)

رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ (۱۲)

[می‌گویند: « پروردگارا ، این عذاب را از ما دفع کن که ما ایمان داریم . »

(الدخان، ۱۲)

أَتَى لَهُمُ الدُّكْرَىٰ وَ قَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ (۱۳)

آنان را کجا [جای] پند [گرفتن] باشد ، و حال آنکه به یقین برای آنان پیامبری روشنگر آمده است .

(الدخان، ۱۳)

ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَ قَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ (۱۴)

پس ، از او روی برتافتند و گفتند : « تعلیمیافته‌ای دیوانه است . »

(الدخان، ۱۴)

إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ (۱۵)

ما این عذاب را اندکی از شما برمی‌داریم [ولی شما] در حقیقت باز از سر می‌گیرید .

(الدخان، ۱۵)

يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطِشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا مُنتَقِمُونَ (۱۶)

روزی که دست به حمله می‌زنیم ، همان حمله بزرگ ؛ [آن گاه] ما انتقام‌کشنده‌ایم .

(الدخان، ۱۶)

وَ لَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَ جَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ (۱۷)

و به یقین ، پیش از آنان قوم فرعون را بیازمودیم ، و پیامبری بزرگوار برایشان آمد ،

(الدخان، ۱۷)

أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۸)

که [به آنان گفت :] « بندگان خدا را به من بسپارید ، زیرا که من شما را فرستاده‌ای امینم .

(الدخان، ۱۸)

وَ أَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتِيكُمْ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۱۹)

و بر خدا برتری مجوید که من برای شما حجتی آشکار آورده‌ام .

(الدخان، ۱۹)

وَ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَ رَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ (۲۰)

و من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می‌برم از اینکه مرا سنگباران کنید .

(الدخان، ۲۰)

وَ إِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَأَعْتَزِلُونِ (۲۱)

و اگر به من ایمان نمی‌آورید ، پس ، از من کناره بگیرید . «

(الدخان، ۲۱)

فَدَعَا رَبَّهُ أَنْ هُوَ لَإِ قَوْمٍ مُّجْرِمُونَ (۲۲)

پس پروردگار خود را خواند که : « اینها مردمی گناهکارند . »

(الدخان، ۲۲)

فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُتَّبِعُونَ (۲۳)

[فرمود :] « بندگانم را شبانه ببر ، زیرا شما مورد تعقیب واقع خواهید شد .

(الدخان، ۲۳)

وَ اتْرَكِ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّغْرَقُونَ (۲۴)

و دریا را هنگامی که آرام است پشت سر بگذار ، که آنان سپاهی غرق‌شدنی‌اند .

(الدخان، ۲۴)

كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ (۲۵)

[وه !] چه باغها و چشمه‌سارانی [که آنها بعد از خود] بر جای نهادهاند ،

(الدخان، ۲۵)

وَ زُرُوعٍ وَ مَقَامٍ كَرِيمٍ (۲۶)

و کشتزارها و جایگاه‌های نیکو ،

(الدخان، ۲۶)

وَ نِعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ (۲۷)

و نعمتی که از آن برخوردار بودند .

(الدخان، ۲۷)

كَذٰلِكَ وَ اَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخِرِينَ (۲۸)

[آری ،] این چنین [بود] و آنها را به مردمی دیگر میراث دادیم .

(الدخان، ۲۸)

فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَ الْاَرْضُ وَ مَا كَانُوا مُنظَرِينَ (۲۹)

و آسمان و زمین بر آنان زاری نکردند و مهلت نیافتند .

(الدخان، ۲۹)

وَ لَقَدْ تَجَنَّبْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ (۳۰)

و به راستی ، فرزندان اسرائیل را از عذاب خفّت‌آور رها کردیم :

(الدخان، ۳۰)

مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِنَ الْمُسْرِفِينَ (۳۱)

از [دست] فرعون که متکبری از افراطکاران بود .

(الدخان، ۳۱)

وَ لَقَدْ اخْتَرْنَا لَهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ (۳۲)

و قطعاً آنان را دانسته بر مردم جهان ترجیح دادیم .

(الدخان، ۳۲)

وَ اتَّيْنَاهُمْ مِنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُّبِينٌ (۳۳)

و از نشانه‌ها [ی الهی] آنچه را که در آن آزمایشی آشکار بود ، پدیدشان دادیم .

(الدخان، ۳۳)

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ (۳۴)

هر آینه این [کافران] می‌گویند :

(الدخان، ۳۴)

إِنَّ هِيَ إِلَّا مَوْتُنَا الْأُولَىٰ وَ مَا نَحْنُ بِمُنْشَرِينَ (۳۵)

« جز مرگ نخستین ، دیگر [واقعه‌ای] نیست و ما زنده شدنی نیستیم .

(الدخان، ۳۵)

فَأْتُوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۳۶)

اگر راست می‌گویید ، پس پدران ما را [باز] آورید .

(الدخان، ۳۶)

أَمْ هُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ (۳۷)

آیا ایشان بهترند یا قوم « تُبَّع » و کسانی که پیش از آنها بودند ؟ آنها را هلاک کردیم ، زیرا که گنهگار بودند .

(الدخان، ۳۷)

وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا لِأَعْيُنٍ (۳۸)

و آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است به بازی نیافریده‌ایم ؛

(الدخان، ۳۸)

مَا خَلَقْنَاهُمْ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۳۹)

آنها را جز به حق نیافریده‌ایم ، لیکن بیشترشان نمی‌دانند .

(الدخان، ۳۹)

إِنَّ يَوْمَ الْفِصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ (۴۰)

در حقیقت ، روز « جداسازی » موعده همه آنهاست .

(الدخان، ۴۰)

يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَىٰ عَنْ مَوْلَىٰ شَيْئًا وَ لَا هُمْ يُنصَرُونَ (۴۱)

همان روزی که هیچ دوستی از هیچ دوستی نمی‌تواند حمایتی کند ، و آنان یاری نمی‌شوند ،

(الدخان، ۴۱)

إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۴۲)

مگر کسی را که خدا رحمت کرده است ، زیرا که اوست همان ارجمند مهربان .

(الدخان، ۴۲)

إِنَّ شَجَرَةَ الزُّقُومِ (۴۳)

آری ! درخت زقوم ،

(الدخان، ۴۳)

طَعَامُ الْأَثِيمِ (۴۴)

خوراک گناه پیشه است .

(الدخان، ۴۴)

كَأَمْهَلٍ يُغْلَىٰ فِي الْبُطُونِ (۴۵)

چون مسی گداخته در شکمها می‌گدازد ؛

(الدخان، ۴۵)

كَغَلِي الْحَمِيمِ (۴۶)

همانند جوشش آب جوشان .

(الدخان، ۴۶)

خُدُوهُ فَاغْتَلُوهُ إِلَى سَوَاءِ الْجَحِيمِ (۴۷)

او را بگیرید و به میان دوزخش بکشانید ،

(الدخان، ۴۷)

ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ (۴۸)

آن گاه از عذاب آب جوشان بر سرش فروریزید .

(الدخان، ۴۸)

ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَرِيمِ (۴۹)

بچش که تو همان ارجمند بزرگواری !

(الدخان، ۴۹)

إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ (۵۰)

این است همان چیزی که درباره آن تردید می‌کردید .

(الدخان، ۵۰)

إِنَّ الْمَتَّقِينَ فِي مَقَامٍ آمِنٍ (۵۱)

به راستی پرهیزگاران در جایگاهی آسوده [اند] ،

(الدخان، ۵۱)

فِي جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ (۵۲)

در بوستانها و کنار چشمه‌سارها .

(الدخان، ۵۲)

يَلْبَسُونَ مِنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ (۵۳)

پرنیان نازک و دیبای ستبر می‌پوشند [و] برابر هم نشسته‌اند .

(الدخان، ۵۳)

كَذَلِكَ وَ زَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ (۵۴)

[آری ،] چنین [خواهد بود] و آنها را با حوریان درشت‌چشم همسر می‌گردانیم .

(الدخان، ۵۴)

يَذْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمْنِينَ (۵۵)

در آنجا هر میوه‌ای را [که بخواهند] آسوده خاطر می‌طلبند .

(الدخان، ۵۵)

لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَ وَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ (۵۶)

در آنجا جز مرگ نخستین ، مرگ نخواهند چشید و [خدا] آنها را از عذاب دوزخ نگاه می‌دارد .

(الدخان، ۵۶)

فَضْلًا مِنْ رَبِّكَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۵۷)

[این] بخششی است از جانب پروردگار تو . این است همان کامیابی بزرگ .

(الدخان، ۵۷)

فَإِنَّمَا يَسْتَأْذِنُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۵۸)

در حقیقت ، [قرآن] را بر زبان تو آسان گردانیدیم ، امید که پند پذیرند .

(الدخان، ۵۸)

فَأَرْقُبْ إِيَّاهُمْ مُرْتَقِبِينَ (۵۹)

پس مراقب باش ، زیرا که آنان هم مراقبند .

(الدخان، ۵۹)

ترتیبها-۴۵	سوره الجاثیه	مکی-آیاتها-۳۷
------------	--------------	---------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الجاثیه، ۰)

حم (۱)

حاء ، میم .

(الجاثیه، ۱)

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۲)

فرو فرستادن این کتاب ، از جانب خدای ارجمند سنجیده‌کار است .

(الجاثیه، ۲)

إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ (۳)

به راستی در آسمانها و زمین ، برای مؤمنان نشانه‌هایی است .

(الجاثیه، ۳)

و فِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُتُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ (۴)

و در آفرینش خودتان و آنچه از [انواع] جنبنده [ها] پراکنده می‌گرداند ، برای مردمی که یقین دارند نشانه‌هایی است .

(الجاثیه، ۴)

و اِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۵)

و [نیز در] پیاپی آمدن شب و روز ، و آنچه خدا از روزی از آسمان فرود آورده و به [وسیله] آن ، زمین را پس از مرگش زنده گردانیده است ؛ و [همچنین در] گردش بادهای [به هر سو ،] برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌هایی است .

(الجاثیه، ۵)

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ قِبَايَ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ (۶)

این [ها] ست آیات خدا که به راستی آن را بر تو می‌خوانیم . پس ، بعد از خدا و نشانه‌های او به کدام سخن خواهند گروید ؟

(الجاثیه، ۶)

وَيَلْ لِكُلِّ أَقَابٍ أُنِيمٍ (۷)

وای بر هر دروغزن گناهپیشه !

(الجاثیه، ۷)

يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُنَلَّى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۸)

[که] آیات خدا را که بر او خوانده می‌شود ، می‌شنود و باز به حال تکبر چنان که گویی آن را نشنیده است سماجت می‌ورزد . پس او را از عذابی پردرد خبر ده .

(الجاثیه، ۸)

وَ إِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ (۹)

و چون از نشانه‌های ما چیزی بداند ، آن را به ریشخند می‌گیرد . آنان عذابی خفت‌آور خواهند داشت .

(الجاثیه، ۹)

مَنْ وَرَاهِمُ جَهَنَّمَ وَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا وَ لَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۰)

پیشاپیش آنها دوزخ است ، و نه آنچه را اندوخته و نه آن دوستانی را که غیر از خدا اختیار کرده‌اند ، به کارشان می‌آید ، و عذابی بزرگ خواهند داشت .

(الجاثیه، ۱۰)

هَذَا هُدًى وَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزٍ أَلِيمٍ (۱۱)

این رهنمودی است ؛ و کسانی که آیات پروردگارش را انکار کردند ، برایشان عذابی دردناک از پلیدی است .

(الجاثیه، ۱۱)

اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْرِي فِيهِ بِأَمْرِهِ وَ لَتَلْتَبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۲)

خدا همان کسی است که دریا را به سود شما رام گردانید ، تا کشتیها در آن به فرمایش روان شوند ، و تا از فزون‌بخشی او [روزی خویش را] طلب نمایید ، و باشد که سپاس دارید .

(الجاثیه، ۱۲)

وَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُتَفَكَّرُونَ (۱۳)

و آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمین است به سود شما رام کرد ؛ همه از اوست . قطعاً در این [امر] برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌هایی است .

(الجاثیه، ۱۳)

قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۴)

به کسانی که ایمان آورده‌اند بگو تا از کسانی که به روزهای [پیروزی] خدا امید ندارند درگذرند ، تا [خدا هر] گروهی را به [سبب] آنچه مرتکب می‌شده‌اند به مجازات رساند .

(الجاثیه، ۱۴)

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَسَاءَ فَعَلَهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ (۱۵)

هر که کاری شایسته کند ، به سود خود اوست ، و هر که بدی کند به زیانش باشد . سپس به سوی پروردگارتان برگردانیده می‌شوید .

(الجاثیه، ۱۵)

وَ لَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَ وَ النَّبُوَّةَ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ (۱۶)

و به یقین ، فرزندان اسرائیل را کتاب [تورات] و حکم و پیامبری دادیم و از چیزهای پاکیزه روزیشان کردیم و آنان را بر مردم روزگار برتری دادیم .

(الجاثیه، ۱۶)

وَ آتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۱۷)

و دلایل روشنی در امر [دین] به آنان عطا کردیم ، و جز بعد از آنکه علم برایشان [حاصل] آمد ، [آن هم] از روی رشک و رقابت میان خودشان ، دستخوش اختلاف نشدند . قطعاً پروردگارت روز قیامت میانشان درباره آنچه در آن اختلاف می‌کردند ، داوری خواهد کرد .

(الجاثیه، ۱۷)

ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (١٨)

سپس تو را در طریقه آیینی [که ناشی] از امر [خداست] نهادیم . پس آن را پیروی کن ، و هوسهای کسانی را که نمی‌دانند پیروی مکن .

(الجاثیة، ١٨)

إِنَّهُمْ لَنُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ (١٩)

آنان هرگز در برابر خدا از تو حمایت نمی‌کنند [و به هیچ وجه به کار تو نمی‌آیند] و ستمگران بعضی‌شان دوستان بعضی [دیگر] ند ، و خدا یار پرهیزگاران است .

(الجاثیة، ١٩)

هُدًى بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ (٢٠)

این [کتاب] برای مردم ، بینش‌بخش و برای قومی که یقین دارند ، رهنمود و رحمتی است .

(الجاثیة، ٢٠)

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السُّنُتَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَخْيَاهُمْ وَ مَمَاتَهُمْ سَاءَ مَا يَخْتُمُونَ (٢١)

آیا کسانی که مرتکب کارهای بد شده‌اند پنداشته‌اند که آنان را مانند کسانی قرار می‌دهیم که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند [به طوری که] زندگی آنها و مرگشان یکسان باشد ؟ چه بد داوری می‌کنند .

(الجاثیة، ٢١)

وَ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ بِالْحَقِّ وَ لِيُجْزِيَ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ (٢٢)

و خدا آسمانها و زمین را به حق آفریده است ، و تا هر کسی به [موجب] آنچه به دست آورده پاداش یابد ، و آنان مورد ستم قرار نخواهند گرفت .

(الجاثیة، ٢٢)

أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَ اضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَلَا تَتَذَكَّرُونَ (٢٣)

پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش او و دلش مهر زده و بر دیده‌اش پرده نهاده است ؟ آیا پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد ؟ آیا پند نمی‌گیرید ؟

(الجاثیة، ٢٣)

وَ قَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا وَ مَا يَهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَ مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ (٢٤)

و گفتند : « غیر از زندگی دنیای ما [چیز دیگری] نیست ؛ می‌میریم و زنده می‌شویم ، و ما را جز طبیعت هلاک نمی‌کند . » و [لی] به این [مطلب] هیچ دانشی ندارند [و] جز [طریق] گمان نمی‌سپرند .

(الجاثیة، ٢٤)

وَ إِذَا تَنَسَّٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا اانْتُوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (٢٥)

و چون آیات روشن ما بر آنان خوانده شود ، دلیشان همواره جز این نیست که می‌گویند : « اگر راست می‌گویید پدران ما را [حاضر] آورید . »

(الجاثیة، ٢٥)

قُلِ اللَّهُ يُخَيِّبُكُمْ ثُمَّ يُمَيِّنُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (٢٦)

بگو : « خدا [ست که] شما را زندگی می‌بخشد ، سپس می‌میراند ، آن گاه شما را به سوی روز رستاخیز که تردیدی در آن نیست گرد می‌آورد ، ولی بیشتر مردم [این را] نمی‌دانند . »

(الجاثیة، ٢٦)

وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُحْسِرُ الْمُضِلُّونَ (٢٧)

و فرماتر و ابی آسمانها و زمین از آن خداست ، و روزی که رستاخیز بر پا شود ، آن روز است که باطل‌اندیشان زیان خواهند دید .

(الجاثیة، ٢٧)

وَ تَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٍ جَائِئَةٍ كُلِّ أُمَّةٍ تَدْعِي إِلَىٰ كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (٢٨)

و هر امتی را به زانو در آمده می‌بینی ؛ هر امتی به سوی کارنامه خود فراخوانده می‌شود [و بدیشان می‌گویند :] « آنچه را می‌کردید امروز پاداش می‌یابید . »

(الجاثية، ٢٨)

هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (٢٩)

این است کتاب ما که علیه شما به حق سخن می‌گوید . ما از آنچه می‌کردید ، نسخه برمی‌داشتیم .

(الجاثية، ٢٩)

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ (٣٠)

و اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند ، پس پروردگارشان آنان را در جوار رحمت خویش داخل می‌گرداند . این همان کامیابی آشکار است .

(الجاثية، ٣٠)

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ فَاستَكْبِرْتُمْ وَ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ (٣١)

و اما کسانی که کافر شدند [بدانها می‌گویند :] « پس مگر آیات من بر شما خوانده نمی‌شد ؟ و [لی] تکبر نمودید و مردمی بدکار بودید .

(الجاثية، ٣١)

وَ إِذَا قِيلَ لَهُنَّ وَعَدْتُمُنَّ بِحَبْلِ اللَّهِ قَائِلِينَ وَ كَذَّبْتُمُنَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ كُنْتُمْ كَارِهِيْنَ (٣٢)

و چون گفته شد : « وعده خدا راست است و شکی در رستاخیز نیست ، گفتید : « ما نمی‌دانیم رستاخیز چیست ؟ جز گمان نمی‌ورزیم و ما یقین نداریم .

(الجاثية، ٣٢)

وَ بَدَأ لَهُمْ مِنْ آيَاتِهِ آيَاتٍ فَكَفَرُوا وَ كُنْتُمْ مُّكْسِرِينَ (٣٣)

و [حقیقت] بدیهایی که کرده‌اند ، بر آنان پدیدار می‌شود و آنچه را که بدان ریشخند می‌کردند ، آنان را فرومی‌گیرد .

(الجاثية، ٣٣)

وَ قِيلَ الْيَوْمَ نُنَسِّئُكُمْ كَمَا نَسَّيْنَاهُ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَ مَا أَوَّكُنَا وَ مَا نَكُنْ مِنْ نَاصِرِينَ (٣٤)

و گفته شود : « همان‌گونه که دیدار امروزتان را فراموش کردید ، امروز شما را فراموش خواهیم کرد ، و جایگاهتان در آتش است و برای شما یاورانی نخواهد بود .

(الجاثية، ٣٤)

ذُكِرْ بِكُمْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آيَاتُ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُهْتَدُونَ (٣٥)

این بدان سبب است که شما آیات خدا را به ریشخند گرفتید و زندگی دنیا فریبتان داد . پس امروز نه از این [آتش] بیرون آورده می‌شوند ، و نه عذرشان پذیرفته می‌گردد .

(الجاثية، ٣٥)

قَلِيلٌ مِّنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (٣٦)

پس سپاس از آن خداست : پروردگار آسمانها و پروردگار زمین ، پروردگار جهانیان .

(الجاثية، ٣٦)

وَ لَهُ الْكُورِيُّ فِي السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (٣٧)

و در آسمانها و زمین ، بزرگی از آن اوست ، و اوست شکست‌ناپذیر سنجیده‌کار .

(الجاثية، ٣٧)

ترتیبها- ٤٦	سوره الأحقاف	مکی- آیاتها- ٣٥
-------------	--------------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (٠)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الأحقاف، ٠)

حم (١)

حاء ، میم .

(الأحقاف، ۱)

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۲)

فرو فرستادن این کتاب ، از جانب خدای ارجمند حکیم است .

(الأحقاف، ۲)

مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُّعْرِضُونَ (۳)

[ما] آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است جز به حق و [تا] زمانی معین نیافریدیم ، و کسانی که کافر شده‌اند ، از آنچه هشدار داده شده‌اند رویگردانند .

(الأحقاف، ۳)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَا دَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ انْتَوَى بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ آثَارَهُ مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۴)

بگو : « به من خبر دهید ، آنچه را به جای خدا فرامی‌خوانید به من نشان دهید که چه چیزی از زمین [را] آفریده یا [مگر] آنان را در [کار] آسمانها مشارکتی است ؟ اگر راست می‌گویید ، کتابی پیش از این [قرآن] یا بازمانده‌ای از دانش نزد من آورید . »

(الأحقاف، ۴)

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ لَآ يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ (۵)

و کیست گمراه‌تر از آن کس که به جای خدا کسی را می‌خواند که تا روز قیامت او را پاسخ نمی‌دهد ، و آنها از دعایشان بی‌خبرند ؟

(الأحقاف، ۵)

وَ إِذَا حَضَرَ النَّاسَ نَحْوًا لَمْ يَأْتُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ (۶)

و چون مردم محشور گردند ، دشمنان آنان باشند و به عبادتشان انکار ورزند .

(الأحقاف، ۶)

وَ إِذَا تَنَزَّلَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۷)

و چون آیات روشن ما بر ایشان خوانده شود ، آنان که چون حقیقت به سویشان آمد منکر آن شدند ، گفتند : « این سحری آشکار است . »

(الأحقاف، ۷)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ (۸)

یا می‌گویند : « این [کتاب] را بریافته است . » بگو : « اگر آن را بریافته باشم ؛ در برابر خدا اختیار چیزی برای من ندارید . او آگاه‌تر است به آنچه [با طعنه] در آن فرومی‌رود . گواه بودن او میان من و شما بس است ، و اوست آمرزنده مهربان . »

(الأحقاف، ۸)

قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِنَ الرُّسُلِ وَ مَا أُدرِي مَا يُفَعَّلُ بِي وَ لَا بَعْدَ مِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَ مَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۹)

بگو : « من از [میان] پیامبران ، نو در آمدی نبودم و نمی‌دانم با من و با شما چه معامله‌ای خواهد شد . جز آنچه را که به من وحی می‌شود ، پیروی نمی‌کنم ؛ و من جز هشداردهنده‌ای آشکار [بیش] نیستم . »

(الأحقاف، ۹)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنَ عِنْدِ اللَّهِ وَ كَفَرْتُمْ بِهِ وَ شَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ قَامَنَ وَ اسْتَكْبَرْتُمْ إِنْ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱۰)

بگو : « به من خبر دهید ، اگر این [قرآن] از نزد خدا باشد و شما بدان کافر شده باشید و شاهدی از فرزندان اسرائیل به مشابهت آن [با تورات] گواهی داده و ایمان آورده باشد ، و شما تکبر نموده باشید [آیا باز هم شما ستمکار نیستید ؟] البتّه خدا قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند . »

(الأحقاف، ۱۰)

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَ إِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ (۱۱)

و کسانی که کافر شدند ، به آنان که گرویده‌اند گفتند : « اگر [این دین] خوب بود ، بر ما بدان پیشی نمی‌گرفتند . » و چون بدان هدایت نیافته‌اند ، به زودی خواهند گفت : « این دروغی کهنه است . »

(الأحقاف، ۱۱)

وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً وَ هَذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِمَا نَآتَى عَرَبِيًّا لِنُبُنْزِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَ يُشْرَى لِمُحْسِنِينَ (۱۲)

و [حال آنکه] پیش از آن ، کتاب موسی ، راهبر و [مایه] رحمتی بود ؛ و این [قرآن] کتابی است به زبان عربی که تصدیق کننده [آن] است ، تا کسانی را که ستم کرده اند هشدار دهد و برای نیکوکاران مژده ای باشد .

(الأحقاف، ۱۲)

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۱۳)

محققاً کسانی که گفتند : « پروردگار ما خداست » سپس ایستادگی کردند ، بیمی بر آنان نیست و غمگین نخواهند شد .

(الأحقاف، ۱۳)

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۴)

ایشان اهل بهشتند که به پاداش آنچه انجام می دادند جاودانه در آن می مانند .

(الأحقاف، ۱۴)

وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ حَمَلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَى الْوَالِدَيْنِ وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۱۵)

و انسان را [نسبت] به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم . مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد . و بار برداشتن و از شیر گرفتن او سی ماه است ، تا آن گاه که به رشد کامل خود برسد و به چهل سال برسد ، می گوید : « پروردگارا ، بر دلم بیفکن تا نعمتی را که به من و به پدر و مادرم ارزانی داشته ای سپاس گویم و کار شایسته ای انجام دهم که آن را خوش داری ، و فرزندانم را برایم شایسته گردان ؛ در حقیقت ، من به درگاه تو توبه آوردم و من از فرمان پذیرانم . »

(الأحقاف، ۱۵)

أُولَئِكَ الَّذِينَ نَقَّبَلْ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَ نَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَ غَدَّ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ (۱۶)

اینانند کسانی که بهترین آنچه را انجام داده اند از ایشان خواهیم پذیرفت و از بدیهایشان درخواهیم گذشت ؛ در [زمره] بهشتیانند ؛ [همان] وعده راستی که بدانان وعده داده می شده است .

(الأحقاف، ۱۶)

وَ الَّذِي قَانَ لَوْلَايَهُ أَفْ لَكُمَا أَتَعَدَانِي أَنْ أُخْرَجَ وَ قَدْ خَلَّتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَ هُمَا يَسْتَعْجِلَانِ اللَّهَ وَ يُذَكَّرَانِ مِنْهُ إِنَّ اللَّهَ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۷)

و آن کس که به پدر و مادر خود گوید : « اف بر شما ، آیا به من وعده می دهید که زنده خواهم شد و حال آنکه پیش از من نسلها سپری [و ناپود] شدند . » و آن دو به [درگاه] خدا زاری می کنند : « وای بر تو ، ایمان بیاور . وعده [و تهدید] خدا حق است . » و [لی پسر] پاسخ می دهد : « اینها جز افسانه های گذشتگان نیست . »

(الأحقاف، ۱۷)

أُولَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمِّ قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ (۱۸)

آنان کسانی اند که گفتار [خدا] علیه ایشان همراه با اتمهایی از جنیان و آدمیان که پیش از آنان روزگار به سر بردند به حقیقت پیوست ، بی گمان آنان زیانکار بودند .

(الأحقاف، ۱۸)

وَ لِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا وَ لِيُوقَّيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَ هُمْ لَا يَظْلُمُونَ (۱۹)

و برای هر يك در [نتیجه] آنچه انجام داده اند درجاتی است ، و تا [خدا پاداش] اعمالشان را تمام بدهد ؛ و آنان مورد ستم قرار نخواهند گرفت .

(الأحقاف، ۱۹)

وَ يَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلْهَبْتُمْ طَبِيبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمْ الدُّنْيَا وَ اسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْرُونَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ بِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ (۲۰)

و آن روز که آنها را که کفر ورزیده اند ، بر آتش عرضه می دارند [به آنان می گویند : « نعمتهای پاکیزه خود را در زندگی دنیایتان [خودخواهانه] صرف کردید و از آنها برخوردار شدید ؛ پس امروز به [سزای] آنکه در زمین بناحق سرکشی می نمودید و به سبب آنکه نافرمانی می کردید ، به عذاب خفت [آور] کیفر می یابید . »

(الأحقاف، ۲۰)

وَ أَذْكَرَ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَ قَدْ خَلَّتِ النَّذْرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ الْأَلْتَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۲۱)

و برادر عادیان را به یاد آور ، آن گاه که قوم خویش را در ریگستان بیم داد در حالی که پیش از او و پس از او [نیز] قطعاً هشداردهنگانی گذشته بودند که : « جز خدا را مپرسید ؛ واقعاً من بر شما از عذاب روزی هولناک می ترسم . »

(الأحقاف، ۲۱)

قَالُوا أَجِئْنَا لِنَتَأَفِكَ عَنْ آلِهَتِنَا فَأَتَيْنَا بِمَا تَعَدْنَا إِنَّ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۲۲)

گفتند : « آیا آمده ای که ما را از خدایانمان برگردانی ؟ پس اگر راست می گویی ، آنچه به ما وعده می دهی [بر سرمان] بیاور . »

(الأحقاف، ۲۲)

قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرَأَيْكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ (۲۳)

گفت : « آگاهی فقط نزد خداست ، و آنچه را بدان فرستاده شده ام به شما می رسانم ، ولی من شما را گروهی می بینم که در جهل اصرار می ورزید . »

(الأحقاف، ۲۳)

فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَّتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُّطْرِنَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۴)

پس چون آن [عذاب] را [به صورت] ابری روی آورنده به سوی وادیهای خود دیدند ، گفتند : « این ابری است که بارش دهنده ماست . » [هود گفت : « نه ، بلکه همان چیزی است که به شتاب خواستارش بودید : بادی است که در آن عذابی پردرد [نهفته] است .

(الأحقاف، ۲۴)

تُدْمِرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَى إِلَّا مَسَاكِينُهُمْ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ (۲۵)

همه چیز را به دستور پروردگارش بنیان کن می کند . « پس چنان شدند که جز سراهایشان دیده نمی شد . این چنین گروه بدکاران را سزا می دهیم .

(الأحقاف، ۲۵)

و لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا إِذْ أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمُ الْبُرْجَانَ وَآتَيْنَاهُمْ فِيهَا فَاغْرَبُوا يُغْرَبُونَ وَإِنِ اتَّخَذُوا فِيهَا مَثَلًا لَّهُمْ لَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۲۶)

و به راستی در چیزهایی به آنان امکانات داده بودیم که به شما در آنها [چنان] امکاناتی نداده ایم ، و برای آنان گوش و دیده ها و دلهایی [نیرومندتر از شما] قرار داده بودیم ، و [لی] چون به نشانه های خدا انکار ورزیدند [نه] گوششان و نه دیدگانشان و نه دلهایشان ، به هیچ وجه به دردشان نخورد ، و آنچه ریشخندش می کردند به سرشان آمد .

(الأحقاف، ۲۶)

و لَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا وَجَدْتُمْ مِنَ الْبُرْجَانِ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۲۷)

و بی گمان ، همه شهرهای پیرامون شما را هلاک کرده و آیات خود را گونه گون بیان داشته ایم ، امید که آنان بازگردند .

(الأحقاف، ۲۷)

قَالُوا لَا تَنْصُرُهُمُ اللَّهُ إِنَّهُمْ لَمَّا حَضَرُوا اللَّهَ قَالُوا أَنصُرُوهُمْ وَآتَيْنَاهُمُ الْبُرْجَانَ وَآتَيْنَاهُمْ فِيهَا فَاغْرَبُوا يُغْرَبُونَ وَإِنِ اتَّخَذُوا فِيهَا مَثَلًا لَّهُمْ لَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۲۸)

پس چرا آن کسانی را که غیر از خدا ، به منزله معبودانی ، برای تقرب [به خدا] اختیار کرده بودند ، آنان را یاری نکردند بلکه از دستشان دادند ؟ و این بود دروغ آنان و آنچه برمی یافتند .

(الأحقاف، ۲۸)

وَ إِذْ صَرَّفْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا مِّنَ الْجَنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصُرُوهُ فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَى قَوْمِهِمْ مُّذِرِينَ (۲۹)

و چون تنی چند از جن را به سوی تو روانه کردیم که قرآن را بشنوند . پس چون بر آن حاضر شدند [به یکدیگر] گفتند : « گوش فرادهید . » و چون به انجام رسید ، هشداردهنده به سوی قوم خود بازگشتند .

(الأحقاف، ۲۹)

قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ (۳۰)

گفتند : « ای قوم ما ، ما کتابی را شنیدیم که بعد از موسی نازل شده [و] تصدیق کننده [کتابهای] پیش از خود است ، و به سوی حق و به سوی راهی راست راهبری می کند .

(الأحقاف، ۳۰)

يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَ آمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَ يَجْزِيَكُمْ مِنَ عَذَابِ آلِيمٍ (۳۱)

ای قوم ما ، دعوت‌کننده خدا را پاسخ [مثبت] دهید و به او ایمان آورید تا [خدا] برخی از گناهانتان را بر شما ببخشد و از عذابی پردرد پناهتان دهد .

(الأحقاف، ۳۱)

وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۳۲)

و کسی که دعوت‌کننده خدا را اجابت نکند ، در زمین درمانده‌کننده [خدا] نیست و در برابر او دوستانی ندارد . آنان در گمراهی آشکاری‌اند .

(الأحقاف، ۳۲)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ لَمْ يَغَيِّ بِخَلْقِهِنَّ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُخَيِّبَ الْمُؤْتَىٰ بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۳۳)

مگر ندانسته‌اند که آن خدایی که آسمانها و زمین را آفریده و در آفریدن آنها درمانده نگردید ؛ می‌تواند مردگان را [نیز] زنده کند ؟ آری ، اوست که بر همه چیز تواناست .

(الأحقاف، ۳۳)

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَ رَبِّنَا قَالَ فُدُّوهُمَا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ (۳۴)

و روزی که کافران بر آتش عرضه می‌شوند [از آنان می‌پرسند :] « آیا این راست نیست ؟ » می‌گویند : « سوگند به پروردگاران که آری . » می‌فرماید : « پس به [سزای] آنکه انکار می‌کردید عذاب را بچشید . »

(الأحقاف، ۳۴)

فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعُرْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَ لَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةٌ مِنْ نَهَارٍ فَهَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الْفَاسِقُونَ (۳۵)

پس همان گونه که پیامبران نستوه ، صبر کردند ، صبر کن ، و برای آنان شتابزدگی به خرج مده . روزی که آنچه را وعده داده می‌شوند بنگرند ، گویی که آنان جز ساعتی از روز را [در دنیا] نمانده‌اند ؛ [این] ابلاغی است . پس آیا جز مردم نافرمان هلاکت خواهند یافت ؟

(الأحقاف، ۳۵)

ترتیبها- ۴۷	سوره محمد	مدنی- آیاتها- ۳۸
--------------------	------------------	-------------------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(محمد، ۰)

الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ (۱)

کسانی که کفر ورزیدند و [مردم را] از راه خدا بازداشتند ، [خدا] اعمال آنان را تباه خواهد کرد .

(محمد، ۱)

وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ أَصْلَحَ بِأَلْفِهِمْ (۲)

و آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند و به آنچه بر محمد ص نازل آمده گرویده‌اند [که] آن خود حق [و] از جانب پروردگارشان است [خدا نیز] بدیهایشان را زدود و حال [و روز] شان را بهبود بخشید .

(محمد، ۲)

ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَ أَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ (۳)

این بدان سبب است که آنان که کفر ورزیدند ، از باطل پیروی کردند ، و کسانی که ایمان آوردند از همان حق [و] از جانب پروردگارشان است پیروی کردند . این گونه خدا برای [بیداری] مردم مثالهایشان را می‌زند .

(محمد، ۳)

فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبِ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْنَتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فَإِمَّا مَنَّا بَعْدَ وَ إِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَٰلِكَ وَ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ وَ لَكِن لِيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ وَ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ (۴)

پس چون با کسانی که کفر ورزیده‌اند برخورد کنید ، گردنهای [ایشان] را بزنید . تا چون آنان را [در کشتار] از پای درآورید ، پس [اسیران را] استوار در بند کشید ؛ سپس یا [بر آنان] منت نهید [و آزادشان کنید] و یا فدیة [و عوض از ایشان بگیرید] ، تا در جنگ ، اسلحه بر زمین گذاشته شود . این است [دستور خدا] ؛ و اگر خدا می‌خواست ،

از ایشان انتقام می‌کشید ، ولی [فرمان بیکار داد] تا برخی از شما را به وسیله برخی [دیگر] بیازماید ، و کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند ، هرگز کارهایشان را ضایع نمی‌کند .

(محمد، ۴)

سَيَهْدِيهِمْ وَ يُوَلِّجُهُمْ رَبُّهُمْ (۵)

به زودی آنان را راه می‌نماید و حالشان را نیکو می‌گرداند .

(محمد، ۵)

وَ يَدْخُلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ (۶)

و در بهشتی که برای آنان وصف کرده ، آنان را درمی‌آورد .

(محمد، ۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَوَضُّعًا لِلَّهِ يُتَّخَذُكُمْ وَيَتَّبِعُ أَقْدَامَكُمْ (۷)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، اگر خدا را یاری کنید یاریتان می‌کند و گامهایتان را استوار می‌دارد .

(محمد، ۷)

وَ الَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعْسًا لَهُمْ وَ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ (۸)

و کسانی که کفر ورزیدند ، نگونساری بر آنان باد ؛ و [خدا] اعمالشان را بر باد داد .

(محمد، ۸)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَخْبَطَ أَعْمَالَهُمْ (۹)

این بدان سبب است که آنان آنچه را خدا نازل کرده است خوش نداشتند ، و [خدا نیز] کارهایشان را باطل کرد .

(محمد، ۹)

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لِلْكَافِرِينَ أَمْثَلُهَا (۱۰)

مگر در زمین نگشته‌اند ، تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنها بودند به کجا انجامیده است ؟ خدا زیر و زبرشان کرد و کافران را نظایر [همین کیفرها در پیش] است .

(محمد، ۱۰)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَ أَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ (۱۱)

چرا که خدا سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند ، ولی کافران را سرپرست [و یاری] نیست .

(محمد، ۱۱)

إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَ يَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَ النَّارُ مَطْوِيٍّ لَهُمْ (۱۲)

خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند ، در باغهایی که از زیر [درختان] آنها نهرها روان است درمی‌آورد ، و [حال آنکه] کسانی که کافر شده‌اند ، [در ظاهر] بهره می‌برند و همان گونه که چارپایان می‌خورند ، می‌خورند ، و [لی] جایگاه آنها آتش است .

(محمد، ۱۲)

وَ كَاتِبِينَ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجْتَكَ أَهْلَكْنَا مِنْهَا فَلَا تَنْصِرُ لَهُمْ (۱۳)

و بسا شهرها که نیرومندتر از آن شهری بود که تو را [از خود] بیرون راند ، که ما هلاکشان کردیم و برای آنها یار [و یآوری] نبود .

(محمد، ۱۳)

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ كَمَنْ زُوِيَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَ اتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ (۱۴)

آیا کسی که بر حجتی از جانب پروردگار خویش است ، چون کسی است که بدی کردارش برای او زیبا جلوه داده شده و هوسهای خود را پیروی کرده‌اند ؟

(محمد، ۱۴)

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ نَدِيَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ (١٥)

مَثَل بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده [چون باغی است که] در آن نهرهایی است از آبی که [رنگ و بو و طعمش] برنگشته ؛ و جویهایی از شیری که مزه‌اش دگرگون نشود ؛ و رودهایی از باده‌ای که برای نوشندگان لذتی است ؛ و جویبارهایی از انگبین ناب . و در آنجا از هر گونه میوه برای آنان [فراهم] است و [از همه بالاتر] آمرزش پروردگار آنهاست . [آیا چنین کسی در چنین باغی دل‌انگیز] مانند کسی است که جاودانه در آتش است و آبی جوشان به خوردشان داده می‌شود [تا] روده‌هایشان را از هم فروپاشد ؟

(محمد، ١٥)

و مِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّى إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِندِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنفًا أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ (١٦)

و از میان [منافقان] کسانی‌اند که [در ظاهر] به [سخنان] تو گوش می‌دهند ، ولی چون از نزد تو بیرون می‌روند ، به دانش یافتگان می‌گویند : « هم اکنون چه گفت ؟ » اینان همانانند که خدا بر دلهایشان مهر نهاده است و از هوسهای خود پیروی کرده‌اند .

(محمد، ١٦)

و الَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ (١٧)

و [لی] آنان که به هدایت گراییدند [خدا] آنان را هر چه بیشتر هدایت بخشید و [توفیق] پرهیزگاری‌شان داد .

(محمد، ١٧)

فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَلَيُّ لَّهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ (١٨)

آیا [کافران] جز این انتظار می‌برند که رستاخیز به ناگاه بر آنان فرارسد ؟ و علامات آن اینک پدید آمده است . پس اگر [رستاخیز] بر آنان درسد ، دیگر کجا جای اندرزشان است ؟

(محمد، ١٨)

فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذُنُوبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ (١٩)

پس بدان که هیچ معبودی جز خدا نیست ؛ و برای گناه خویش آمرزش جوی ؛ و برای مردان و زنان با ایمان [طلب مغفرت کن] ؛ و خداست که فرجام و مال [هر يك از] شما را می‌داند .

(محمد، ١٩)

و يَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْ لَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَيَأْتِي الْأَنْزِلَاتِ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأُولَئِكَ لَهُمْ (٢٠)

و کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند : « چرا سوره‌ای [درباره جهاد] نازل نمی‌شود ؟ » اما چون سوره‌ای صریح نازل شد و در آن نام کارزار آمد ، می‌بینی آنان که در دلهایشان مرضی هست ، مانند کسی که به حال بیهوشی مرگ افتاده به تو می‌نگرند .

(محمد، ٢٠)

طَاعَةً وَ قَوْلًا مَعْرُوفًا فَيَأْتِي عَزْمَ الْأَمْرِ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ (٢١)

[ولی] فرمان‌پذیری و سخنی شایسته برایشان بهتر است . و چون کار به تصمیم کشد ، قطعاً خیر آنان در این است که با خدا راست [دل] باشند .

(محمد، ٢١)

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ (٢٢)

پس [ای منافقان] ، آیا امید بستید که چون [از خدا] برگشتید [یا سرپرست مردم شدید] در [روی] زمین فساد کنید و خویشاوندیهای خود را از هم بگسلید ؟

(محمد، ٢٢)

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ (٢٣)

اینان همان کسانی‌اند که خدا آنان را لعنت نموده و [گوش دل] ایشان را ناشنوا و چشم‌هایشان را نابینا کرده است .

(محمد، ٢٣)

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبِ أَفْقَالِهَا (٢٤)

آیا به آیات قرآن نمی‌اندیشند ؟ یا [مگر] بر دلهایشان قفل‌هایی نهاده شده است ؟

(محمد، ۲۴)

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَىٰ لَهُمْ (۲۵)

بی‌گمان ، کسانی که پس از آنکه [راه] هدایت بر آنان روشن شد [به حقیقت] پشت کردند ، شیطان آنان را فریفت و به آرزوهای دور و درازشان انداخت .

(محمد، ۲۵)

ذَلِكِ بَأْسُهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ (۲۶)

چرا که آنان به کسانی که آنچه را خدا نازل کرده خوش نمی‌داشتند ، گفتند : « ما در کار [مخالفت] تا حدودی از شما اطاعت خواهیم کرد . » و خدا از همداستانی آنان آگاه است .

(محمد، ۲۶)

فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَنْبَارَهُمْ (۲۷)

پس چگونه [تاب می‌آورند] وقتی که فرشتگان [عذاب] ، جانشان را می‌ستانند و بر چهره و پشت آنان تازیانه می‌نوازند ؟

(محمد، ۲۷)

ذَلِكِ بَأْسُهُمْ اتَّبَعُوا مَا اسَخَطَ اللَّهُ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ (۲۸)

زیرا آنان از آنچه خدا را به خشم آورده پیروی کرده‌اند و خرسندیش را خوش نداشتند ؛ پس اعمالشان را باطل گردانید .

(محمد، ۲۸)

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَاتَهُمْ (۲۹)

آیا کسانی که در دل‌هایشان مرضی هست ، پنداشتند که خدا هرگز کینه آنان را آشکار نخواهد کرد ؟

(محمد، ۲۹)

وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَ لَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ (۳۰)

و اگر بخواهیم ، قطعاً آنان را به تو می‌نمایانیم ، در نتیجه ایشان را به سیمای [حقیقی] شان می‌شناسی و از آهنگ سخن به [حال] آنان پی خواهی بُرد ؛ و خداست که کارهای شما را می‌داند .

(محمد، ۳۰)

وَلَنُنَبِّئُكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَ تَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ (۳۱)

و البته شما را می‌آزماییم تا مجاهدان و شکیبایان شما را باز شناسانیم ، و گزارش‌های [مربوط به] شما را رسیدگی کنیم .

(محمد، ۳۱)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ شَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئاً وَ سَنُحِبِّطُ أَعْمَالَهُمْ (۳۲)

کسانی که کافر شدند و [مردم را] از راه خدا باز داشتند و پس از آنکه راه هدایت بر آنان آشکار شد ، با پیامبر [خدا] در افتادند ، هرگز به خدا گزند نمی‌رسانند ؛ و به زودی [خدا] کرده‌هایشان را تباہ خواهد کرد .

(محمد، ۳۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ لَا تَبْطُلُوا أَعْمَالَكُمْ (۳۳)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، خدا را اطاعت کنید و از پیامبر [او نیز] اطاعت نمایید ، و کرده‌های خود را تباہ نکنید .

(محمد، ۳۳)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَ هُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ (۳۴)

اننان که کفر ورزیدند و مانع راه خدا شدند ، سپس در حال کفر مردند ، هرگز خدا از آنان درنخواهد گذشت .

(محمد، ۳۴)

فَلَا تَهِنُوا وَ تَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَ اللَّهُ مَعَكُمْ وَ لَنْ يَبْرَحَ أَعْمَالَكُمْ (۳۵)

پس سستی نورزید و [کافران را] به آشتی مخوانید [که] شما برترید و خدا با شماست و از [ارزش] کارهایتان هرگز نخواهد کاست .

(محمد، ۳۵)

إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ إِنَّ تُوْمِنُوا وَ تَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أُجُورَكُمْ وَ لَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ (۳۶)

زندگی این دنیا لهو و لعبی بیش نیست ، و اگر ایمان بیاورید و پروا بدارید [خدا] پاداش شما را می‌دهد و اموالتان را [در عوض] نمی‌خواهد .

(محمد، ۳۶)

إِنْ يَسْأَلْكُمْوَمَا فَيْحِفْكُمْ تَبَخَّلُوا وَ يُخْرِجْ أَسْغَاتِكُمْ (۳۷)

اگر [اموال] شما را بخواهد و به اصرار از شما طلب کند بخل می‌ورزید ، و کینه‌های شما را برملا می‌کند .

(محمد، ۳۷)

هَذَا أَنْتُمْ هُوَ لِأَنْ تَدْعُونَ لِنَفْسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمَنْكُمْ مَنْ يَبْخُلْ وَ مَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَنِ نَفْسِهِ وَ اللَّهُ الْعَنِي وَ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ وَ إِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبِدُّ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ (۳۸)

شما همان [مردمی] هستید که برای انفاق در راه خدا فرا خوانده شده‌اید . پس برخی از شما بخل می‌ورزند ، و هر کس بخل ورزد تنها به زیان خود بخل ورزیده ، و [گرنه] خدا بی‌نیاز است و شما نیازمندید ؛ و اگر روی برتابید [خدا] جای شما را به مردمی غیر از شما خواهد داد که مانند شما نخواهند بود .

(محمد، ۳۸)

ترتیبها- ۴۸	سوره الفتح	مدنی- آیاتها- ۲۹
-------------	------------	------------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الفتح، ۰)

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا (۱)

ما تو را پیروزی بخشیدیم [چه] پیروزی درخشانی !

(الفتح، ۱)

لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ يَتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ يَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا (۲)

تا خداوند از گناه گذشته و آینده تو درگذرد و نعمت خود را بر تو تمام گرداند و تو را به راهی راست هدایت کند .

(الفتح، ۲)

وَ يُنصِرْكَ اللَّهُ تَنْصِرًا عَزِيمًا (۳)

و تو را به نصرتی ارجمند یاری نماید .

(الفتح، ۳)

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَ لِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ عَظِيمًا حَكِيمًا (۴)

اوست آن کس که در دل‌های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند . و سپاهیان آسمانها و زمین از آن خداست ، و خدا همواره دانای سنجیده‌کار است .

(الفتح، ۴)

لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ يُكَفَّرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ كَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا (۵)

تا مردان و زنانی را که ایمان آورده‌اند در باغهایی که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است ، درآورد و در آن جاویدان بدارد ، و بدیهایشان را از آنان بزداید ؛ و این [فرجام نیک] در پیشگاه خدا کامیابی بزرگی است .

(الفتح، ۵)

وَ يُعَلِّبُ الْمُتَافِقِينَ وَ الْمُتَافِقَاتِ وَ الْمُشْرِكِينَ وَ الْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِأَنَّ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لَعَنَهُمْ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ سَاعَتْ مَصِيرًا (۶)

و [تا] مردان و زنان نفاق‌پیشه و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد برده‌اند ، عذاب کند ؛ بید زمانه بر آنان باد . و خدا بر ایشان خشم نموده و لعنتشان کرده و جهنم را برای آنان آماده گردانیده و [چه] بد سرانجامی است !

(الفتح، ۶)

و لِلّٰهِ جُنُودُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ كَانَ اللّٰهُ عَزِيزًا حَكِيْمًا (۷)

و سپاهیان آسمانها و زمین از آن خداست ، و خدا همواره شکست‌ناپذیر سنجیده‌کار است .

(الفتح، ۷)

اِنَّا اَرْسَلْنَاكَ شَٰهِدًا وَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيْرًا (۸)

[ای پیامبر ،] ما تو را [به سمت] گواه و بشارتگر و هشداردهنده‌ای فرستادیم .

(الفتح، ۸)

لِيُؤْمِنُوْا بِاللّٰهِ وَ رَسُوْلِهِ وَ تَعَزَّوْهُ وَ تُقَرِّوْهُ وَ تَسْبِّحُوْهُ بُحْرَةً وَ اَصِيْلًا (۹)

تا به خدا و فرستاده‌اش ایمان آورید و او را یاری کنید و ارجش نهید ، و [خدا] را بامدادان و شامگاهان به پاکی بستايند .

(الفتح، ۹)

اِنَّ الَّذِيْنَ يُبَايِعُوْنَكَ اِنَّمَا يُبَايِعُوْنَ اللّٰهَ بَدَ اللّٰهِ فَوْقَ اَيْدِيْهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَاِنَّمَا يَنْكُثُ عَلٰى نَفْسِهٖ وَ مَنْ اَوْفٰى بِمَا عٰهَدَ عَلَيْهِ اللّٰهُ فَسَيُؤْتِيْهِ اَجْرًا عَظِيْمًا (۱۰)

در حقیقت ، کسانی که با تو بیعت می‌کنند ، جز این نیست که با خدا بیعت می‌کنند ؛ دست خدا بالای دستهای آنان است . پس هر که پیمان‌شکنی کند ، تنها به زیان خود پیمان می‌شکند ، و هر که بر آنچه با خدا عهد بسته وفادار بماند ، به زودی خدا پاداشی بزرگ به او می‌بخشد .

(الفتح، ۱۰)

سَيَقُوْلُ لَكَ الْمُخَلَّفُوْنَ مِنَ الْاَعْرَابِ شَعَلْنَا اَمْوَالَنَا وَ اَهْلُوْنَا فَاَسْتَغْفِرُ لَنَا يَقُوْلُوْنَ بِالْسَّبِيْهِمْ مَا لَيْسَ فِيْ قُلُوْبِهِمْ فَلَئِنْ يَمْلِكْ لَكُمْ مِنَ اللّٰهِ شَيْئًا اِنْ اَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا اَوْ اَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرًا (۱۱)

برجای‌ماندگان بادیه‌نشین به زودی به تو خواهند گفت : « اموال ما و کسانمان ما را گرفتار کردند ، برای ما امرزش بخواه . » چیزی را که در دل‌هایشان نیست بر زبان خویش می‌رانند . بگو : « اگر خدا بخواهد به شما زیانی یا سودی برساند چه کسی در برابر او برای شما اختیار چیزی را دارد ؟ بلکه [این] خداست که به آنچه می‌کنید همواره آگاه است .

(الفتح، ۱۱)

بَلْ ظَنَنْتُمْ اَنْ لَّنْ يَغْلِبَ الرَّسُوْلُ وَ الْمُؤْمِنُوْنَ اِلٰى اَهْلِيْهِمْ اَبْدًا وَ زَيْنَ دُنْيَا فِيْ قُلُوْبِكُمْ وَ ظَنَنْتُمْ ظَنَ السَّوْءِ وَ كُنْتُمْ قَوْمًا بُرًا (۱۲)

[نه چنان بود ،] بلکه پنداشتید که پیامبر و مؤمنان هرگز به خاتمان خود بر نخواهند گشت ، و این [پندار] در دل‌هایتان نمودی خوش یافت ، و گمان بد کردید ، و شما مردمی در خور هلاکت بودید . «

(الفتح، ۱۲)

وَ مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللّٰهِ وَ رَسُوْلِهِ فَاِنَّمَا اَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِيْنَ سَعِيْرًا (۱۳)

و هر کس به خدا و پیامبر او ایمان نیاورده است [بداند که] ما برای کافران آتشی سوزان آماده کرده‌ایم .

(الفتح، ۱۳)

وَ لِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ يُغْفِرُ لِمَنْ يَشَآءُ وَ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَآءُ وَ كَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَحِيْمًا (۱۴)

و فرماترویی آسمانها و زمین از آن خداست : هر که را بخواهد می‌بخشاید و هر که را بخواهد عذاب می‌کند ، و خدا همواره آمرزنده مهربان است .

(الفتح، ۱۴)

سَيَقُوْلُ الْمُخَلَّفُوْنَ اِذَا اِنْتَلَقْتُمْ اِلٰى مَعَابِدِمْ لِتَاْخُذُوْهَا دَرُوْنَا نَتَّبِعْكُمْ يَرِيْدُوْنَ اَنْ يَّبْتَلُوْا كَلَامَ اللّٰهِ فَلَئِنْ تَتَّبِعُوْنَا كَلِمَ اللّٰهِ مِنْ قَبْلِ فَسَيَقُوْلُوْنَ بَلْ تَحْسُدُوْنَا بَلْ كَانُوْا لَا يَفْقَهُوْنَ اِلَّا قَلِيْلًا (۱۵)

چون به [قصد] گرفتن غنایم روانه شدید ، به زودی برجای‌ماندگان خواهند گفت : « بگذارید ما [هم] به دنبال شما بیاییم . » [این گونه] می‌خواهند دستور خدا را دگرگون کنند . بگو : « هرگز از پی ما نخواهید آمد . آری ، خدا از پیش درباره شما چنین فرموده . » پس به زودی خواهند گفت : « نه ، [بلکه بر ما رشک می‌برید .] نه چنین است [بلکه جز اندکی در نمی‌یابند .

(الفتح، ۱۵)

قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سُنُدَعُونَ إِلَىٰ قَوْمِ آوَلِيِّ بُأْسٍ شَدِيدٍ تَقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسَلِّمُونَ فَإِنْ تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِنْ تَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۱۶)

به برجای ماندگان بادیه‌نشین بگو : « به زودی به سوی قومی سخت زورمند دعوت خواهید شد که با آنان بجنگید یا اسلام آورند . پس اگر فرمان برید خدا شما را پاداش نیک می‌بخشد ، و اگر هم چنان که پیشتر پشت کردید [باز هم] روی بگردانید ، شما را به عذابی پر درد معذب می‌دارد . »

(الفتح، ۱۶)

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَمَنْ يَطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَتَوَلَّ عَذَابَ آلِيمًا (۱۷)

بر نابینا گناهی نیست و بر لنگ گناهی نیست و بر بیمار گناهی نیست [که در جهاد شرکت نکنند] ؛ و هر کس خدا و پیامبر او را فرمان ببرد ، وی را در باغهایی که از زیر [درختان] آن نهرهایی روان است درمی‌آورد ، و هر کس روی برتابد ، به عذابی دردناک معذبش می‌دارد .

(الفتح، ۱۷)

لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا (۱۸)

به راستی خدا هنگامی که مؤمنان ، زیر آن درخت با تو بیعت می‌کردند از آنان خشنود شد ، و آنچه در دل‌هایشان بود بازشناخت و بر آنان آرامش فرو فرستاد و پیروزی نزدیکی به آنها پاداش داد .

(الفتح، ۱۸)

و مَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (۱۹)

و [نیز] غنیمتهای فراوانی خواهند گرفت ، و خدا همواره نیرومند سنجیده‌کار است .

(الفتح، ۱۹)

وَعَدَّكَ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَ كَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَ لِيَتَّكِنَ آيَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ يَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا (۲۰)

و خدا به شما غنیمتهای فراوان [دیگری] وعده داده که به زودی آنها را خواهید گرفت ، و این [پیروزی] را برای شما پیش انداخت ، و دستهای مردم را از شما کوتاه ساخت ، و تا برای مؤمنان نشانه‌ای باشد و شما را به راه راست هدایت کند .

(الفتح، ۲۰)

وَ أُخْرَىٰ لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَ كَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا (۲۱)

و [غنیمتهای] دیگر [ی نیز هست] که شما بر آنها دست نیافته‌اید [و] خدا بر آنها نیک احاطه دارد ، و همواره خداوند بر هر چیزی تواناست .

(الفتح، ۲۱)

وَ لَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وِلِيًّا وَ لَا نَصِيرًا (۲۲)

و اگر کسانی که کافر شدند ، به جنگ با شما برخیزند ، قطعاً پشت خواهند کرد ، و دیگر یار و یابوری نخواهند یافت .

(الفتح، ۲۲)

سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا (۲۳)

سنت الهی از پیش همین بوده ، و در سنت الهی هرگز تغییری نخواهی یافت .

(الفتح، ۲۳)

وَ هُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا (۲۴)

و اوست همان کسی که در دل مکه پس از پیروزکردن شما بر آنان دستهای آنها را از شما و دستهای شما را از ایشان کوتاه گردانید ، و خدا به آنچه می‌کنید همواره بیناست .

(الفتح، ۲۴)

هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ الْهَدْيِ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ حِلَّهُ وَ لَوْ لَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَ نِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوُّوهُمْ فَتَضَيَّبِكُمْ مِنْهُمْ مَعْرَةٌ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَالِمٌ لِّدُخُلِ اللَّهِ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۲۵)

آنها بودند که کفر ورزیدند و شما را از مسجد الحرام بازداشتند و نگذاشتند قربانی [شما] که بازداشته شده بود به محلش برسد ، و اگر [در مکه] مردان و زنان با ایمانی نبودند که [ممکن بود] بی‌آنکه آنان را بشناسید ، ندانسته پیامشان کنید و تاوانشان بر شما بماند [فرمان حمله به مکه می‌دادیم] تا خدا هر که را بخواهد در جوار رحمت خویش درآورد . اگر [کافر و مؤمن] از هم متمایز می‌شدند ، قطعاً کافران را به عذاب دردناکی معذب می‌داشتیم .

(الفتح، ۲۵)

إُدْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (٢٤)

آن گاه که کافران در دل‌های خود ، تعصب [آن هم] تعصب جاهلیت ورزیدند ، پس خدا آرامش خود را بر فرستاده خویش و بر مؤمنان فرو فرستاد ، و آرمان تقوا را ملازم آنان ساخت ، و [در واقع] آنان به [رعایت] آن [آرمان] سزاوارتر و شایسته [اتصاف به] آن بودند ، و خدا همواره بر هر چیزی داناست .

(الفتح، ٢٤)

لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَعَجَلْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ فَتَحَّا قُربًا (٢٧)

حقاً خدا رؤیای پیامبر خود را تحقق بخشید [که دیده بود :] شما بدون شك ، به خواست خدا در حالی که سر تراشیده و موی [و ناخن] کوتاه کرده‌اید ، با خاطری آسوده در مسجد الحرام درخواهید آمد . خدا آنچه را که نمی‌دانستید دانست ، و غیر از این ، پیروزی نزدیکی [برای شما] قرار داد .

(الفتح، ٢٧)

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا (٢٨)

اوست کسی که پیامبر خود را به [قصد] هدایت ، با آیین درست روانه ساخت ، تا آن را بر تمام ادیان پیروز گرداند و گواهی‌بودن خدا کفایت می‌کند .

(الفتح، ٢٨)

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سَجِدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَرْرَجٍ أُخْرِجَ شَطَأَهُ فَأَرْزَهُ فَاسْتَعْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الرُّعَاةَ لِغَيْظِ بِهِمُ الْكُفَّارِ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (٢٩)

محمد ص پیامبر خداست ؛ و کسانی که با اویند ، بر کافران ، سختگیر [و] با همدیگر مهربانند . آنان را در رکوع و سجود می‌بینی . فضل و خشنودی خدا را خواستارند . علامت [مشخصه] آنان بر اثر سجود در چهره‌هایشان است . این صفت ایشان است در تورات ، و مثل آنها در انجیل چون کشته‌ای است که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا سستبر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد ، تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد . خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند ، آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است .

(الفتح، ٢٩)

ترتیبها- ٤٩	سوره الحجرات	مدنی-آیاتها- ١٨
-------------	--------------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (٠)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الحجرات، ٠)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (١)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، در برابر خدا و پیامبرش [در هیچ کاری] پیشی مجوید و از خدا پروا بدارید که خدا شنوای داناست .

(الحجرات، ١)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (٢)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر مکنید ، و هم چنان که بعضی از شما با بعضی دیگر بلند سخن می‌گویند با او به صدای بلند سخن مگویند ، مبادا بی‌آنکه بدانید کرده‌هایتان تباہ شود .

(الحجرات، ٢)

إِنَّ الَّذِينَ يُغَضِّبُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ (٣)

کسانی که پیش پیامبر خدا صدایشان را فرو می‌کشند همان کسانی که خدا دل‌هایشان را برای پرهیزگاری امتحان کرده است ؛ آنان را آمرزش و پاداشی بزرگ است .

(الحجرات، ٣)

إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنَ الْجِبَرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (٤)

کسانی که تو را از پشت اتاقها [ی مسکونی تو] به فریاد می‌خوانند ، بیشترشان نمی‌فهمند .

(الحجرات، ٤)

وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۵)

و اگر صبر کنند تا بر آنان درآیی ، مسلماً برایشان بهتر است و خدا آمرزنده و مهربان است .

(الحجرات، ۵)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلٰى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ (۶)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، اگر فاسقی برایتان خبری آورد ، نیک و ارسی کنید ، مبادا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و [بعد ،] از آنچه کرده‌اید پشیمان شوید .

(الحجرات، ۶)

وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ إِلِيمَانٌ وَرَبُّهُ فِي فَلُوبِكُمْ وَكَرَّةَ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ (۷)

و بدانید که پیامبر خدا در میان شماست . اگر در بسیاری از کارها از [رأی و میل] شما پیروی کند ، قطعاً دچار زحمت می‌شوید ، لیکن خدا ایمان را برای شما دوست‌داشتنی گردانید و آن را در دل‌های شما بیاراست و کفر و پلیدکاری و سرکشی را در نظرتان ناخوشایند ساخت . آنان [که چنین‌اند] رهیافتگانند .

(الحجرات، ۷)

فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَنِعْمَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۸)

[و این] بخششی از خدا و نعمتی [از اوست] ، و خدا دانای سنجیده‌کار است .

(الحجرات، ۸)

وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاعَتٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (۹)

و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند ، میان آن دو را اصلاح دهید ، و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد ، با آن [طایفه‌ای] که تعدی می‌کند بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد . پس اگر باز گشت ، میان آنها را دادگراانه سازش دهید و عدالت کنید ، که خدا دادگران را دوست می‌دارد .

(الحجرات، ۹)

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۱۰)

در حقیقت مؤمنان با هم برادرند ، پس میان برادرانتان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید ، امید که مورد رحمت قرار گیرید .

(الحجرات، ۱۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ بِنِسْبِ الْإِسْمِ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۱۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند ، شاید آنها از اینها بهتر باشند ، و نباید زنانی زنان [دیگر] را [ریشخند کنند] ، شاید آنها از اینها بهتر باشند ، و از یکدیگر عیب مگیرید ، و به همدیگر لقبهای زشت مدهید ؛ چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان . و هر که توبه نکرد آنان خود ستمکارند .

(الحجرات، ۱۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أ يَجِبُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ (۱۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، از بسیاری از گماتها بپرهیزید که پاره‌ای از گماتها گناه است ، و جاسوسی نکنید ، و بعضی از شما غیبت بعضی نکند ؛ آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد ؟ از آن کراهت دارید . [پس] از خدا بترسید ، که خدا توبه‌پذیر مهربان است .

(الحجرات، ۱۲)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (۱۳)

ای مردم ، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم ، و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید . در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست . بی‌تردید ، خداوند دانای آگاه است .

(الحجرات، ۱۳)

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا فَلَمْ نَدُومُوا وَلَكِنَّ قَوْلُوا اسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنَ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۴)

[برخی از] بادیه‌نشینان گفتند : « ایمان آوردیم . » بگو : « ایمان نیاورده‌اید ، لیکن بگویید : اسلام آوردیم . » و هنوز در دل‌های شما ایمان داخل نشده است . و اگر خدا و پیامبر او را فرمان برید از [ارزش] کرده‌هایتان چیزی کم نمی‌کند . خدا آمرزنده مهربان است .

(الحجرات، ۱۴)

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (۱۵)

در حقیقت ، مؤمنان کسانی‌اند که به خدا و پیامبر او گرویده و [دیگر] شك نیاورده و با مال و جانشان در راه خدا جهاد کرده‌اند ؛ اینانند که راستگردارند .

(الحجرات، ۱۵)

قُلْ أُوْعَلِّمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۶)

بگو : « آیا خدا را از دین [داری] خود خبر می‌دهید ؟ و حال آنکه خدا آنچه را که در آسمانها و آنچه را که در زمین است می‌داند ، و خدا به همه چیز داناست .

(الحجرات، ۱۶)

يَمُنُّونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمْنَا قُلْ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُم بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۷)

از اینکه اسلام آورده‌اند بر تو منت می‌نهند ؛ بگو : « بر من از اسلام‌آوردنتان منت مگذارید ، بلکه [این] خداست که با هدایت کردن شما به ایمان ، بر شما منت می‌گذارد ، اگر راستگو باشید .

(الحجرات، ۱۷)

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۸)

خداست که نهفته آسمانها و زمین را می‌داند و خدا [ست که] به آنچه می‌کنید بیناست .

(الحجرات، ۱۸)

مکی-آیاتها-۴۵	سوره ق	ترتیبها-۵۰
---------------	--------	------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(ق، ۰)

ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ (۱)

قاف ، سوگند به قرآن باشکوه ،

(ق، ۱)

بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ (۲)

[که آنان نگریدند ، [بلکه از اینکه هشداردهنده‌ای از خودشان برایشان آمد ، در شگفت شدند و کافران گفتند : « این [محمد و حکایت معاد] چیزی عجیب است . «

(ق، ۲)

أِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا فِئَكِ رَجِعَ بَعِيدٌ (۳)

« آیا چون مُردیم و خاک شدیم [زنده می‌شویم] ؟ این بازگشتی بعید است .

(ق، ۳)

قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ (۴)

قطعاً دانسته‌ایم که زمین [چه مقدار] از اجسادشان فرو می‌کاهد . و پیش ما کتاب ضبط‌کننده‌ای است .

(ق، ۴)

بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَرِيجٍ (۵)

[نه ، [بلکه حقیقت را ، وقتی برایشان آمد ، دروغ خواندند ، و آنها در کاری سردرگم [مانده] اند .

(ق، ۵)

أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ (٦)

مگر به آسمان بالای سرشان ننگریسته‌اند که چگونه آن را ساخته و زینتش داده‌ایم و برای آن هیچ گونه شکافتگی نیست .

(ق، ٦)

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (٧)

و زمین را گسترده‌ایم و در آن لنگر [آساکوه] ها فرو افکندیم و در آن از هر گونه جفت دل‌انگیز رویانیدیم .

(ق، ٧)

تَبَصَّرَةٌ وَ ذُكْرَى لِكُلِّ عِنْدٍ مُنِيبٍ (٨)

[تا] برای هر بنده توبه‌کاری بینش‌افزا و پندآموز باشد .

(ق، ٨)

و نَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَ حَبَّ الْحَصِيدِ (٩)

و از آسمان ، آبی پر برکت فرود آوردیم ، پس بدان [وسیله] باغها و دانه‌های دروکردنی رویانیدیم .

(ق، ٩)

و النَّخْلُ بِأَسْفَلِهَا طَلْعُ نَضِيدٍ (١٠)

و درختان تناور خرما که خوشه [های] روی هم چیده دارند .

(ق، ١٠)

رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجِ (١١)

[اینها همه] برای روزی بندگان [من] است ، و با آن [آب] سرزمین مرده‌ای را زنده گردانیدیم ; رستاخیز [نیز] چنین است .

(ق، ١١)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ أَصْحَابُ الرَّسِّ وَ نُمُودٌ (١٢)

پیش از ایشان قوم نوح و اصحاب رس و نمود ،

(ق، ١٢)

وَ عَادٌ وَ فِرْعَوْنُ وَ إِخْوَانُ لُوطٍ (١٣)

و عاد و فرعون و برادران لوط ،

(ق، ١٣)

وَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَ قَوْمُ بُعِثَ كُلُّ كَذَّبَ الرُّسُلِ فَحَقَّ وَعِيدِ (١٤)

و بیشه‌نشینان و قوم بُعِثَ به تکذیب پرداختند ; همگی فرستادگان [ما] را به دروغ گرفتند و [در نتیجه] تهدید [من] واجب آمد .

(ق، ١٤)

أَفَعِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي نَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ (١٥)

مگر از آفرینش نخستین [خود] به تنگ آمدیم ؟ [نه !] بلکه آنها از خلق جدید در شبهه‌اند .

(ق، ١٥)

وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعَلَمُ مَا تُوَسَّوَسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ (١٦)

و ما انسان را آفریدهایم و می‌دانیم که نفس او چه وسوسه‌ای به او می‌کند ، و ما از شاه‌رگ [او] به او نزدیک‌تریم .

(ق، ١٦)

إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَ عَنِ الشَّمَائِلِ قَعِيدٍ (١٧)

آن گاه که دو [فرشته] دریافت‌کننده از راست و از چپ ، مراقب نشسته‌اند .

(ق، ۱۷)

مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ (۱۸)

[آدمی] هیچ سخنی را به لفظ در نمی‌آورد مگر اینکه مراقبی آماده نزد او [آن را ضبط می‌کند] .

(ق، ۱۸)

وَ جَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ (۱۹)

و سكرات مرگ ، حقیقت را [به پیش] آورد ؛ این همان است که از آن می‌گریختی !

(ق، ۱۹)

وَ نَفَعُ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمَ الْوَعِيدِ (۲۰)

و در صور دمیده شود ؛ این است روز تهدید [من] .

(ق، ۲۰)

وَ جَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ شَهِيدٌ (۲۱)

و هر کسی می‌آید [در حالی که] با او سوق‌دهنده و گواهی‌دهنده‌ای است .

(ق، ۲۱)

لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ (۲۲)

[به او می‌گویند :] « واقعاً که از این [حال] سخت در غفلت بودی . و [لی] ما برده‌ات را [از جلوی چشمانت] برداشتیم و دیده‌ات امروز تیز است . »

(ق، ۲۲)

وَ قَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ (۲۳)

و [فرشته] همنشین او می‌گوید : « این است آنچه پیش من آماده است [و ثبت کرده‌ام] . »

(ق، ۲۳)

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ (۲۴)

[به آن دو فرشته خطاب می‌شود :] « هر کافر سرسختی را در جهنم فروافکنید ،

(ق، ۲۴)

مَنَاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُرِيبٍ (۲۵)

[هر] بازدارنده از خیری ، [هر] متجاوز شکامی ،

(ق، ۲۵)

الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ (۲۶)

که با خداوند ، خدایی دیگر قرار داد . [ای دو فرشته ،] او را در عذاب شدید فروافکنید .

(ق، ۲۶)

قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطَعْتَهُ وَ لَكِنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ (۲۷)

[شیطان] همدمش می‌گوید : « پروردگار ما ، من او را به عصیان و انداشتم ، لیکن [خودش] در گمراهی دور و درازی بود . »

(ق، ۲۷)

قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَ قَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ (۲۸)

[خدا] می‌فرماید : « در پیشگاه من با همدیگر مستیزید [که] از پیش به شما هشدار داده بودم .

(ق، ۲۸)

مَا يَبْدُلُ الْقَوْلَ نَدَىٰ وَ مَا أَنَا بِظَالِمٍ لِّلْعَبِيدِ (۲۹)

پیش من حکم دگرگون نمی‌شود ، و من [نسبت] به بندگانم بیدادگر نیستم .

(ق، ۲۹)

يَوْمَ نَقُولُ لِحَبِئْتِمُمْ هَلْ أَنتُم مِّنْ مَّا نَقُولُ هَلْ مِنْ مَّزِيدٍ (۳۰)

آن روز که [ما] به دوزخ می‌گوییم : « آیا پر شدی ؟ » و می‌گوید : « آیا باز هم هست ؟ »

(ق، ۳۰)

وَ أَرْزَقْتِ الْجَنَّةَ لِّلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ (۳۱)

و بهشت را برای پرهیزگاران نزدیک گرداندم ، بی‌آنکه دور باشد .

(ق، ۳۱)

هَذَا مَا تُوَعَّدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ (۳۲)

[و به آنان گویند :] این همان است که وعده یافته‌اید [و] برای هر توبه‌کار نگهبان [حدود خدا] خواهد بود :

(ق، ۳۲)

مَنْ حَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَ جَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ (۳۳)

آنکه در نهان از خدای بخشنده بترسد و با دلی توبه‌کار [باز] آید .

(ق، ۳۳)

انْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَٰلِكَ يَوْمَ الْخُلُودِ (۳۴)

به سلامت [و شادکامی] در آن درآیید [که] این روز جاودانگی است .

(ق، ۳۴)

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَ لَدَيْنَا مَزِيدٌ (۳۵)

هر چه بخواهند در آنجا دارند ، و پیش ما فزونتر [هم] هست .

(ق، ۳۵)

وَ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَّحِيصٍ (۳۶)

و چه بسا نسلها که پیش از ایشان هلاک کردیم که [بس] نیرومندتر از اینان بودند و شهرها را درنوردیدند [اما سرانجام] مگر گریزگاهی بود ؟

(ق، ۳۶)

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرًا لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِيدٌ (۳۷)

قطعاً در این [عقوبتها] برای هر صاحب‌دل و حق‌نپوشی که خود به گواهی ایستد ، عبرتی است .

(ق، ۳۷)

وَ لَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَ مَا مَسْنَا مِنْ لُغُوبٍ (۳۸)

و در حقیقت ، آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است در شش هنگام آفریدیم و احساس ماندگی نکردیم .

(ق، ۳۸)

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلِ الْغُرُوبِ (۳۹)

و بر آنچه می‌گویند صبر کن ، و پیش از برآمدن آفتاب و پیش از غروب ، به ستایش پروردگارت تسبیح گوی .

(ق، ۳۹)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ آذَانُ السُّجُودِ (۴۰)

و پاره‌ای از شب و به دنبال سجود [به صورت تعقیب و نافله] او را تسبیح گوی .

(ق، ۴۰)

وَ اسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِي الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ (۴۱)

و روزی که منادی از جایی نزدیک ندا درمی‌دهد ، به گوش باش .

(ق، ۴۱)

يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمَ الْخُرُوجِ (۴۲)

روزی که فریاد [رستاخیز] را به حق می‌شنوند ، آن [روز] روز بیرون آمدن [از زمین] است .

(ق، ۴۲)

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَ نُمِيتُ وَ إِنِنَّا الْمَصِيرُ (۴۳)

ماییم که خود ، زندگی می‌بخشیم و به مرگ می‌رسانیم و برگشت به سوی ماست .

(ق، ۴۳)

يَوْمَ تَشْفُقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ (۴۴)

روزی که زمین به سرعت از [اجساد] آنان جدا و شکافته می‌شود ؛ این حشری است که بر ما آسان خواهد بود .

(ق، ۴۴)

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَ مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكَرَ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَ عِيدٍ (۴۵)

ما به آنچه می‌گویند داناتریم ، و تو به زور وادارنده آنان نیستی ؛ پس به [وسیله] قرآن هر که را از تهدید [من] می‌ترسد پند ده .

(ق، ۴۵)

ترتیبها- ۵۱	سوره الذاریات	مکی- آیاتها- ۶۰
-------------	---------------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الذاریات، ۰)

وَ الذَّارِيَاتِ ذُرُوءًا (۱)

سوگند به بادهای ذره افشان ،

(الذاریات، ۱)

فَالْحَابِلَاتِ وَ قُرًا (۲)

و ابرهای گرانباز ،

(الذاریات، ۲)

فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا (۳)

و سبک سیران ،

(الذاریات، ۳)

فَالْمَقْسَمَاتِ أَمْرًا (۴)

و تقسیم‌کنندگان کار [ها] ،

(الذاریات، ۴)

إِنَّمَا تُوْعَدُونَ لَصَادِقٍ (۵)

که آنچه وعده داده شده‌اید راست است ،

(الذاریات، ۵)

وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ (۶)

و [روز] پاداش واقعیت دارد .

(الذاریات، ۶)

وَ السَّمَاءِ ذَاتِ الْخُبُكِ (۷)

سوگند به آسمان مشبک ،

(الذاریات، ۷)

إِنِّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ (۸)

که شما [درباره قرآن] در سخنی گوناگونید .

(الذاریات، ۸)

يُؤْفِكُ عَنْهُ مَنْ أَفَكَ (۹)

[بگوی] تا هر که از آن برگشته ، برگشته باشد .

(الذاریات، ۹)

فُقِلَ الْخَرَّاصُونَ (۱۰)

مرگ بر دروغپردازان !

(الذاریات، ۱۰)

الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ (۱۱)

همانان که در ورطه نادانی بی‌خبرند .

(الذاریات، ۱۱)

يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ (۱۲)

پرسند : « روز پاداش کی است ؟ »

(الذاریات، ۱۲)

يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ (۱۳)

همان روز که آنان بر آتش ، عقوبت [و آزموده] شوند .

(الذاریات، ۱۳)

ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ (۱۴)

عذاب [موعود] خود را بچشید ، این است همان [بلایی] که با شتاب خواستار آن بودید .

(الذاریات، ۱۴)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (۱۵)

پرهیزگاران در باغها و چشمه ساراند .

(الذاریات، ۱۵)

أَخَذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ (۱۶)

آنچه را پروردگارشان عطا فرموده می‌گیرند ، زیرا که آنها پیش از این نیکوکار بودند .

(الذاریات، ۱۶)

كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ (۱۷)

و از شب اندکی را می‌غنودند .

(الذاریات، ۱۷)

وَ بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (۱۸)

و در سحرگاهان [از خدا] طلب آمرزش می‌کردند .

(الذاریات، ۱۸)

وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ (۱۹)

و در اموالشان برای سائل و محروم حقی [معین] بود .

(الذاریات، ۱۹)

وَ فِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ (۲۰)

و روی زمین برای اهل یقین نشانه‌هایی [متقاعد کننده] است ،

(الذاریات، ۲۰)

وَ فِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ (۲۱)

و در خود شما ؛ پس مگر نمی‌بینید ؟

(الذاریات، ۲۱)

وَ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوَعَدُونَ (۲۲)

و روزی شما و آنچه وعده داده شده‌اید در آسمان است .

(الذاریات، ۲۲)

فَو رَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطَفُونَ (۲۳)

پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین ، که واقعاً او حقی است همان گونه که خود شما سخن می‌گویید .

(الذاریات، ۲۳)

هَلْ أَتَاكَ خَبِيرٌ ضَرِيفُ إِبْرَاهِيمَ الْمَكْرَمِ (۲۴)

آیا خیر مهماتان ارجمند ابراهیم به تو رسید ؟

(الذاریات، ۲۴)

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٍ مُّنْكَرُونَ (۲۵)

چون بر او درآمدند ؛ پس سلام گفتند . گفت : « سلام ، مردمی ناشناسید . »

(الذاریات، ۲۵)

فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ (۲۶)

پس آهسته به سوی زنش رفت و گوساله‌ای فربه [و بریان] آورد .

(الذاریات، ۲۶)

فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ (۲۷)

آن را به نزدیکشان برد [و] گفت : « مگر نمی‌خورید ؟ »

(الذاریات، ۲۷)

فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَ بَشُرُوهُ بِنِعْمَةِ عَلِيمٍ (۲۸)

و [در دلش] از آنان احساس ترسی کرد . گفتند : « مترس . » و او را به پسری دانا مژده دادند .

(الذاریات، ۲۸)

فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَوةٍ فَصَكَتْ وَ جَهَّهَا وَ قَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ (۲۹)

و زنش با فریادی [از شگفتی] سر رسید و بر چهره خود زد و گفت : « زنی پیر نازا [چگونه بزاید] ؟ »

(الذاریات، ۲۹)

قَالُوا كَذَلِكَ قَالَ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ (۳۰)

گفتند : « پروردگارت چنین فرموده است . او خود حکیم داناست . »

(الذاریات، ۳۰)

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَتَيْهَا الْمُرْسَلُونَ (۳۱)

[ابراهیم] گفت : « ای فرستادگان ! مأموریت شما چیست ؟ »

(الذاریات، ۳۱)

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ (۳۲)

گفتند : « ما به سوی مردمی پلیدکار فرستاده شده‌ایم ،

(الذاریات، ۳۲)

لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ طِينٍ (۳۳)

تا سنگهایی از گل رُس بر [سر] آنان فرو فرستیم .

(الذاریات، ۳۳)

مَسْؤُومَةً عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ (۳۴)

[که] نزد پروردگارت برای مُسرفان نشان‌گذاری شده است .

(الذاریات، ۳۴)

فَأَخْرَجْنَا مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۳۵)

پس هر که از مؤمنان در آن [شهرها] بود بیرون بردیم .

(الذاریات، ۳۵)

فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۳۶)

و [لی] در آنجا جز يك خانه از فرمانبران [خدا بیشتر] نیافتیم .

(الذاریات، ۳۶)

وَ تَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (۳۷)

و در آنجا برای آنها که از عذاب پر درد می‌ترسند ، عبرتی به جای گذاشتیم .

(الذاریات، ۳۷)

وَ فِي مُوسَى إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۳۸)

و [نیز] در [ماجرای] موسی ، چون او را با حجتی آشکار به سوی فرعون گسیل داشتیم .

(الذاریات، ۳۸)

فَتَوَلَّىٰ بَرْكُنِهِ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ (۳۹)

پس [فرعون] با ارکان [دولت] خود روی برتافت و گفت : « [این شخص ، ساحر یا دیوانه‌ای است . »

(الذاریات، ۳۹)

فَأَخَذْنَا هُوَ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ (۴۰)

[تا] او و سپاهیان‌ش را گرفتیم و آنان را در دریا افکندیم در حالی که او [در آخرین لحظه] نکوهشگر [خود] بود .

(الذاریات، ۴۰)

وَ فِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ (۴۱)

و در [ماجرای] عاد [نیز] ، چون بر [سر] آنها آن باد مهلك را فرستادیم .

(الذاریات، ۴۱)

مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَنْتَ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلْنَاهُ كَالرَّمِيمِ (۴۲)

به هر چه می‌وزید آن را چون خاکستر استخوان مرده می‌گردانید .

(الذاریات، ۴۲)

وَ فِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتُّوا حَتَّىٰ حِينٍ (۴۳)

و در [ماجرای] ثمود [نیز] عبرتی بود ، آن گاه که به ایشان گفته شد : « تا چندی برخوردار شوید . »

(الذاریات، ۴۳)

فَعْتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ وَ هُمْ يَنْظُرُونَ (۴۴)

تا [آنکه] از فرمان پروردگار خود سر برتافتند و در حالی که آنها می‌نگریستند ، آذرخش آنان را فروگرفت .

(الذاریات، ۴۴)

فَمَا اسْتَطَاعُوا مِنْ قِيَامٍ وَ مَا كَانُوا مُنْتَصِرِينَ (۴۵)

در نتیجه نه توانستند به پای خیزند و نه طلب یاری کنند .

(الذاریات، ۴۵)

وَ قَوْمِ نوحٍ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (۴۶)

و قوم نوح [نیز] پیش از آن [اقوام نامبرده همین گونه هلاک شدند] ، زیرا آنها مردمی نافرمان بودند .

(الذاریات، ۴۶)

وَ السَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَ إِنَّا لَمُوسِعُونَ (۴۷)

و آسمان را به قدرت خود برافراشتیم ، و بی‌گمان ، ما [آسمان] گستریم .

(الذاریات، ۴۷)

وَ الْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ (۴۸)

و زمین را گسترانیده‌ایم و چه نیکو گسترندگانیم .

(الذاریات، ۴۸)

وَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۴۹)

و از هر چیزی دو گونه [یعنی نر و ماده] آفریدیم ، امید که شما عبرت بگیرید .

(الذاریات، ۴۹)

فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ (۵۰)

پس به سوی خدا بگریزید ، که من شما را از طرف او بیم‌دهنده‌ای آشکارم .

(الذاریات، ۵۰)

وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ (۵۱)

و با خدا معبودی دیگر قرار مدهید که من از جانب او هشداردهنده‌ای آشکارم .

(الذاریات، ۵۱)

كَذَّبِكَ مَا اتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ (۵۲)

بدین سان بر کسانی که پیش از آنها بودند هیچ پیامبری نیامد جز اینکه گفتند : « ساحر یا دیوانه‌ای است . »

(الذاریات، ۵۲)

أَتَوَاصُوا بِهِنَّ بِمَا لَمْ يَكُنْ لَهُمْ قَوْمٌ طَاغُوتٌ (۵۳)

آیا همدیگر را به این [سخن] سفارش کرده بودند ؟ [نه !] بلکه آنان مردمی سرکش بودند .

(الذاریات، ۵۳)

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ (۵۴)

پس ، از آنان روی بگردان ، که تو درخور نکوهش نیستی .

(الذاریات، ۵۴)

وَ دَكَّرَ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ (۵۵)

و پند ده ، که مؤمنان را پند سود بخشد .

(الذاریات، ۵۵)

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (۵۶)

و جنّ و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند .

(الذاریات، ۵۶)

مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَ مَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُوا (۵۷)

از آنان هیچ روزی نمی‌خواهم ، و نمی‌خواهم که مرا خوراک دهند .

(الذاریات، ۵۷)

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ (۵۸)

خداست که خود روزی‌بخش نیرومند استوار است .

(الذاریات، ۵۸)

فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونَ (۵۹)

پس برای کسانی که ستم کردند بهره‌ای است از عذاب ، همانند بهره عذاب یاران [قبلی] شان . پس [بگو :] در خواستن عذاب از من ، شتابزدگی نکنند .

(الذاریات، ۵۹)

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ (۶۰)

پس وای بر کسانی که کافر شده‌اند از آن روزی که وعده یافته‌اند .

(الذاریات، ۶۰)

ترتیبها- ۵۲	سوره الطور	مکی- آیاتها- ۴۹
-------------	------------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الطور، ۰)

وَ الطُّورِ (۱)

سوگند به طور ،

(الطور، ۱)

وَ كِتَابٍ مَّنطُورٍ (۲)

و کتابی نگاشته شده ،

(الطور، ۲)

فِي رَقٍّ مَّنشُورٍ (۳)

در طوماری گسترده ؛

(الطور، ۳)

وَ النَّبِئِ الْمَعْمُورِ (۴)

سوگند به آن خانه آباد [خدا] ؛

(الطور، ۴)

وَ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ (۵)

سوگند به بام بلند [آسمان] ،

(الطور، ۵)

وَ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ (۶)

و آن دریای سرشار [و افروخته] ،

(الطور، ۶)

إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ (۷)

که عذاب پروردگارت واقع شدنی است ؛

(الطور، ۷)

مَا نَهُ مِنْ دَافِعٍ (۸)

آن را هیچ بازدارنده‌ای نیست .

(الطور، ۸)

يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا (۹)

روزی که آسمان سخت در تب و تاب افتد ،

(الطور، ۹)

وَ تَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا (۱۰)

و کوهها [جمله] به حرکت درآیند .

(الطور، ۱۰)

فَوَيْلٌ لِلْمُصَدِّقِينَ (۱۱)

پس وای بر تکذیب‌کنندگان در آن روز .

(الطور، ۱۱)

الَّذِينَ هُمْ فِي حُوضٍ يُلْعَبُونَ (۱۲)

آنان که به یابوه سرگرمند .

(الطور، ۱۲)

يَوْمَ يُدْعَوْنَ إِلَىٰ نَارٍ جَهَنَّمَ دَعَاً (۱۳)

روزی که به سوی آتش جهنم کشیده می‌شوند [چه] کشیدنی .

(الطور، ۱۳)

هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذَّبُونَ (۱۴)

[و به آنان گویند :] « این همان آتشی است که دروغش می‌پنداشتید .

(الطور، ۱۴)

أَفَسِحْرٌ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ (۱۵)

آیا این افسون است ؟ یا شما [درست] نمی‌بینید ؟

(الطور، ۱۵)

اصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُجْرُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۶)

به آن درآید ؛ خواه بشکيبید یا نشکيبید ، به حال شما یکسان است . تنها به آنچه می‌کردید مجازات می‌یابید . «

(الطور، ۱۶)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ (۱۷)

پرهیزگاران در باغهایی و [در] ناز و نعمتند .

(الطور، ۱۷)

فَأَكْبَهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ (۱۸)

به آنچه پروردگارشان به آنان داده دلشادند ، و پروردگارشان آنها را از عذاب دوزخ مصون داشته است .

(الطور، ۱۸)

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۹)

[به آنان گویند :] « به [پاداش] آنچه به جای می‌آوردید بخورید و بنوشید ؛ گواراتان باد ! »

(الطور، ۱۹)

مُتَّكِنِينَ عَلَىٰ سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ (۲۰)

بر تختهایی ردیف هم تکیه زده‌اند و حوران درشت‌چشم را همسر آنان گردانده‌ایم .

(الطور، ۲۰)

وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ مَا أَلْتَنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ (۲۱)

و کسانی که گرویده و فرزندان‌شان آنها را در ایمان پیروی کرده‌اند ، فرزندان‌شان را به آنان ملحق خواهیم کرد و چیزی از کار [ها] شان را نمی‌کاهیم . هر کسی در گرو دستاورد خویش است .

(الطور، ۲۱)

وَأَمْدَدْنَا هُمْ بِفَاكِهَةٍ وَ لَحْمٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ (۲۲)

با [هر نوع] میوه و گوشتی که دلخواه آنهاست آنان را مدد [و تقویت] می‌کنیم .

(الطور، ۲۲)

يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأَسَا لَا نُغْوِي فِيهَا وَلَا نَأْتِيهِمْ (۲۳)

در آنجا جامی از دست هم می‌ربایند [و بر سرش همچشمی می‌کنند] که در آن نه یارده‌گویی است و نه گناه .

(الطور، ۲۳)

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤُ مَكْنُونٍ (۲۴)

و برای [خدمت] آنان پسرانی است که بر گردشان همی‌گردند ; انگاری آنها مرواریدی‌اند که [در صدف] نهفته است .

(الطور، ۲۴)

وَأَقْبِلْ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (۲۵)

و برخی‌شان رو به برخی‌کنند [و] از هم پرسند ،

(الطور، ۲۵)

قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أُمَّلِنَا مُشْفِقِينَ (۲۶)

گویند : « ما پیشتر در میان خانواده خود بیمناک بودیم .

(الطور، ۲۶)

فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَ وَقَاتَا عَذَابَ السَّمُومِ (۲۷)

پس خدا بر ما منت نهاد و ما را از عذاب گرم [مرگبار] حفظ کرد .

(الطور، ۲۷)

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ (۲۸)

ما از دیرباز او را می‌خواندیم ، که او همان نیکوکار مهربان است . «

(الطور، ۲۸)

فَذَكَرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَ لَا مَجْنُونٍ (۲۹)

پس اندرز ده که تو به لطف پروردگارت نه کاهنی و نه دیوانه .

(الطور، ۲۹)

أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَتَرَبِّصُ بِهِ رَبِّبِ الْمُتُونِ (۳۰)

یا می‌گویند : « شاعری است که انتظار مرگش را می‌بریم [و چشم به راه بد زمانه بر اویم] . «

(الطور، ۳۰)

قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصِينَ (۳۱)

بگو : « منتظر باشید که من [نیز] با شما از منتظرانم . «

(الطور، ۳۱)

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَخْلَامُهُمْ بِهِدًا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ (۳۲)

آیا پندارهایشان آنان را به این [موضعگیری] وا می‌دارد یا [نه ،] آنها مردمی سرکشند ؟

(الطور، ۳۲)

أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ (۳۳)

یا می‌گویند : « آن را بریافته . » [نه ،] بلکه باور ندارند .

(الطور، ۳۳)

فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ (۳۴)

پس اگر راست می‌گویند ، سخنی مثل آن بیاورند .

(الطور، ۳۴)

أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ (۳۵)

آیا از هیچ خلق شده‌اند ؟ یا آنکه خودشان خالق [خود] هستند ؟

(الطور، ۳۵)

أَمْ خُلِقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بَلْ لَا يُوقِنُونَ (۳۶)

آیا آسمانها و زمین را [آنان] خلق کرده‌اند ؟ [نه ،] بلکه یقین ندارند .

(الطور، ۳۶)

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَيْبٍ أَمْ هُمُ الْمُسْتَظْرُونَ (۳۷)

آیا ذخایر پروردگار تو پیش آنهاست ؟ یا ایشان تسلط [تام] دارند ؟

(الطور، ۳۷)

أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ (۳۸)

آیا نردبانی دارند که بر آن [بر شوند و] بشنوند ؟ پس باید شنونده آنان برهانی آشکار بیاورد .

(الطور، ۳۸)

أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبُنُونَ (۳۹)

آیا خدا را دختران است و شما را پسران ؟

(الطور، ۳۹)

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ (۴۰)

آیا از آنها مزدی مطالبه می‌کنی و آنان از [تعهد ادای] تاوان گرانبارند ؟

(الطور، ۴۰)

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ (۴۱)

آیا [علم] غیب پیش آنهاست و آنها می‌نویسند ؟

(الطور، ۴۱)

أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ (۴۲)

یا می‌خواهند نیرنگی بزنند ؟ و [لی] آنان که کافر شده‌اند ، خود دچار نیرنگ شده‌اند .

(الطور، ۴۲)

أَمْ لَهُمْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۴۳)

آیا ایشان را جز خدا معبودی است ؟ منزّه است خدا از آنچه [با او] شریک می‌گردانند .

(الطور، ۴۳)

وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَرْكُومٌ (۴۴)

و اگر پاره سنگی را در حال سقوط از آسمان ببینند می‌گویند : « ابری متراکم است . »

(الطور، ۴۴)

فَذُرْهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ (۴۵)

پس بگذارشان تا به آن روزی که در آن بیهوش می‌افتند برسند .

(الطور، ۴۵)

يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۴۶)

روزی که نیرنگشان به هیچ وجه به کارشان نیاید و حمایت نیابند .

(الطور، ۴۶)

وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۴۷)

و در حقیقت ، غیر از این [مجازات] ، عذابی [دیگر] برای کسانی که ظلم کرده‌اند خواهد بود ، ولی بیشترشان نمی‌دانند [که آن عذاب چیست] .

(الطور، ۴۷)

وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ (۴۸)

و در برابر دستور پروردگارت شکیبایی پیشه کن که تو خود در حمایت مایی و هنگامی که [از خواب] بر می‌خیزی به نیایش پروردگارت تسبیح گوی .

(الطور، ۴۸)

وَ مِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ إِنبَارَ النُّجُومِ (۴۹)

و [نیز] پاره‌ای از شب ، و در فروشدن ستارگان تسبیح‌گویی او باش .

(الطور، ۴۹)

مکی-ایاتها-۶۲	سوره النجم	ترتیبها-۵۳
---------------	------------	------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(النجم، ۰)

وَ النَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ (۱)

سوگند به اختر [قرآن] چون فرود می‌آید ،

(النجم، ۱)

مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ (۲)

[که] یار شما نه گمراه شده و نه در نادانی مانده ؛

(النجم، ۲)

وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ (۳)

و از سر هوس سخن نمی‌گوید .

(النجم، ۳)

إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ (۴)

این سخن بجز وحیی که وحی می‌شود نیست .

(النجم، ۴)

عَلَمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى (۵)

آن را [فرشته] شدید القوی به او فرا آموخت ،

(النجم، ۵)

ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى (۶)

[سروش] نیرومندی که [مسلط] در ایستاد .

(النجم، ۶)

وَ هُوَ بِالْأَفْقِ الْأَعْلَى (۷)

در حالی که او در افق اعلی بود ؛

(النجم، ۷)

ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى (۸)

سپس نزدیک آمد و نزدیکتر شد ،

(النجم، ۸)

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى (۹)

تا [فاصله‌اش] به قدر [طول] دو [انتهای] کمان یا نزدیکتر شد ؛

(النجم، ۹)

فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ (۱۰)

آن گاه به بنده‌اش آنچه را باید وحی کند ، وحی فرمود .

(النجم، ۱۰)

مَا كَذَّبَ الْفُؤَادَ مَا رَأَىٰ (۱۱)

آنچه را دل دید انکار [ش] نکرد .

(النجم، ۱۱)

أَفْتُمَارُونَ عَلَىٰ مَا يَبَىٰ (۱۲)

آیا در آنچه دیده است با او جدال می‌کنید ؟

(النجم، ۱۲)

وَ لَقَدْ رَأَىٰ نَزْلَةَ الْخُرَىٰ (۱۳)

و قطعاً بار دیگری هم او را دیده است ،

(النجم، ۱۳)

عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ (۱۴)

نزدیک سدره المنتهی ؛

(النجم، ۱۴)

عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ (۱۵)

در همان جا که جنه المأوی است .

(النجم، ۱۵)

إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ (۱۶)

آن گاه که درخت سدر را آنچه پوشیده بود ، پوشیده بود .

(النجم، ۱۶)

مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى (۱۷)

دیده [اش] منحرف نگشت و [از حد] درنگذشت .

(النجم، ۱۷)

لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى (۱۸)

به راستی که [برخی] از آیات بزرگ پروردگار خود را بدید .

(النجم، ۱۸)

أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّى (۱۹)

به من خبر دهید از لات و عزی ،

(النجم، ۱۹)

وَ مَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَى (۲۰)

و منات آن سومین دیگر ،

(النجم، ۲۰)

أَلَكُمُ الذُّكْرُ وَ لَهُ الْأُنثَى (۲۱)

آیا [به خیالتان] برای شما پسر است و برای او دختر ؟

(النجم، ۲۱)

تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَى (۲۲)

در این صورت ، این تقسیم نادرستی است .

(النجم، ۲۲)

إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ مَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَ لَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَى (۲۳)

[این بتان] جز نامهایی بیش نیستند که شما و پدرانتان نامگذاری کرده‌اید [و] خدا بر [حقایق] آنها هیچ دلیلی نفرستاده است . [آنان] جز گمان و آنچه را که دلخواهشان است پیروی نمی‌کنند ، با آنکه قطعاً از جانب پروردگارشان هدایت برایشان آمده است .

(النجم، ۲۳)

أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّى (۲۴)

مگر انسان آنچه را آرزو کند دارد ؟

(النجم، ۲۴)

فَلْيَلِ الْأَخْرَةَ وَ الْأُولَى (۲۵)

آن سرا و این سرا از آن خداست .

(النجم، ۲۵)

وَ كَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُعْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئاً إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَرْضَى (۲۶)

و بسا فرشتگانی که در آسمانهایند [و] شفاعتشان به کاری نیاید ، مگر پس از آنکه خدا به هر که خواهد و خشنود باشد اذن دهد .

(النجم، ۲۶)

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيَسْمَعُونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنثَى (۲۷)

در حقیقت ، کسانی که آخرت را باور ندارند ، فرشتگان را در نامگذاری به صورت مؤنث نام می‌نهند .

(النجم، ۲۷)

وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ إِنْ الظَّنُّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً (۲۸)

و ایشان را به این [کار] معرفتی نیست . جز گمان [خود] را پیروی نمی‌کنند ، و در واقع ، گمان در [وصول به] حقیقت هیچ سودی نمی‌رساند .

(النجم، ۲۸)

فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَ لَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۲۹)

پس ، از هر کس که از یاد ما روی برتافته و جز زندگی دنیا را خواستار نبوده است ، روی برتاب .

(النجم، ۲۹)

ذَلِكُمْ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّٰ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَىٰ (۳۰)

این منتهای دانش آنان است . پروردگار تو ، خود به [حال] کسی که از راه او منحرف شده دانایتر ، و او به کسی که راه یافته [نیز] آگاه‌تر است .

(النجم، ۳۰)

وَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَ يُجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَىٰ (۳۱)

و هر چه در آسمانها و هر چه در زمین است از آن خداست ، تا کسانی را که بد کرده‌اند ، به [سزای] آنچه انجام داده‌اند کیفر دهد ، و آنان را که نیکی کرده‌اند ، به نیکی پاداش دهد .

(النجم، ۳۱)

الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَ الْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ إِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا أَنفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اتَّقَىٰ (۳۲)

آنان که از گناهان بزرگ و زشتکاریها جز لغزشهای کوچک خودداری می‌ورزند ، پروردگارت [نسبت به آنها] فراخ‌امرزش است . وی از آن دم که شما را از زمین پدید آورد و از همان‌گاه که در شکمهای مادرانتان [در زهدان] نهفته بودید به [حال] شما دانایتر است ، پس خودتان را پاک بشمارید . او به [حال] کسی که پرهیزگاری نموده دانایتر است .

(النجم، ۳۲)

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّىٰ (۳۳)

پس آیا آن کسی را که [از جهاد] روی برتافت دیدی ؟

(النجم، ۳۳)

وَ أُعْطِيَ قَلِيلاً وَ أَكْثَرُ (۳۴)

و اندکی بخشید و [از باقی] امتناع ورزید .

(النجم، ۳۴)

أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهَوْا بِرَبِّ (۳۵)

آیا علم غیب پیش اوست و او می‌بیند ؟

(النجم، ۳۵)

أَمْ لَمْ يَنبَأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَىٰ (۳۶)

یا بدانچه در صحیفه‌های موسی [آمده] خبر نیافته است ؟

(النجم، ۳۶)

وَ إِذْ رَأَيْنَا الَّذِي وُفِيَ (۳۷)

و [نیز در نوشته‌های] همان ابراهیمی که وفا کرد :

(النجم، ۳۷)

أَلَا تَرَىٰ وَازِرَةً وِزْرَ الْأُخْرَىٰ (۳۸)

که هیچ بردارنده‌ای بار گناه دیگری را بر نمی‌دارد .

(النجم، ۳۸)

وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ (۳۹)

و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست .

(النجم، ۳۹)

وَ أَنْ سَعْيُهُ سَوْفَ يُرَىٰ (۴۰)

و [نتیجه] کوشش او به زودی دیده خواهد شد .

(النجم، ۴۰)

ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَىٰ (۴۱)

سپس هر چه تمامتر وی را پاداش دهند .

(النجم، ۴۱)

وَ أَنْ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ (۴۲)

و اینکه پایان [کار] به سوی پروردگار توست .

(النجم، ۴۲)

وَ أَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَكَ وَ أَبْعَثَكَ (۴۳)

و هم اوست که می‌خنداند و می‌گریاند .

(النجم، ۴۳)

وَ أَنَّهُ هُوَ أَمَاتَكَ وَ أَخْيَاكَ (۴۴)

و هم اوست که می‌میراند و زنده می‌گرداند .

(النجم، ۴۴)

وَ أَنَّهُ خَلَقَ الرَّجُلَ الذَّكَرَ وَ الْأُنثَىٰ (۴۵)

و هم اوست که دو نوع می‌آفریند : نر و ماده ،

(النجم، ۴۵)

مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ (۴۶)

از نطفه‌ای چون فرو ریخته شود .

(النجم، ۴۶)

وَ أَنْ عَلَيْهِ النَّشَأَةُ الْأُخْرَىٰ (۴۷)

و هم پدیدآورنده [عالم] دیگر بر [عهده] اوست .

(النجم، ۴۷)

وَ أَنَّهُ هُوَ أَعْيَاكَ وَ أَلْفَىٰ (۴۸)

و هم اوست که [شما را] بی‌نیاز کرد و سرمایه بخشید .

(النجم، ۴۸)

وَ أَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشَّعْرَىٰ (۴۹)

و هم اوست پروردگار ستاره « شعری » .

(النجم، ۴۹)

وَ أَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَى (۵۰)

و هم اوست که عادیان قدیم را هلاک کرد .

(النجم، ۵۰)

وَ تَمُودَ فَمَا أَبْقَى (۵۱)

و تمود را [نیز هلاک کرد] و [کسی را] باقی نگذاشت .

(النجم، ۵۱)

وَ قَوْمِ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَ أُطْعَى (۵۲)

و پیشتر [از همه آنها] قوم نوح را ، زیرا که آنان ستمگرتتر و سرکش‌تر بودند .

(النجم، ۵۲)

وَ الْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَى (۵۳)

و شهرها [ی سدوم و عاموره] را فروافتند .

(النجم، ۵۳)

فَعَشَاهَا مَا عَشَى (۵۴)

پوشاند بر آن [دو شهر ، از باران گوگردی] آنچه را پوشاند .

(النجم، ۵۴)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَى (۵۵)

پس به کدام يك از نعمتهای پروردگارت تردید روا می‌داری ؟

(النجم، ۵۵)

هَذَا نَذِيرٌ مِنَ النُّذُرِ الْأُولَى (۵۶)

این [پیامبر نیز] بیم‌دهنده‌ای از [جمله] بیم‌دهندگان نخستین است .

(النجم، ۵۶)

أَزِفَتْ الْأَرْفَةُ (۵۷)

[وه چه] نزدیک گشت قیامت .

(النجم، ۵۷)

لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ (۵۸)

جز خدا کسی آشکارکننده آن نیست .

(النجم، ۵۸)

أَفَمَنْ هَذَا الْخُدِيثِ تَعْجَبُونَ (۵۹)

آیا از این سخن عجب دارید ؟

(النجم، ۵۹)

وَ تَضْحَكُونَ وَ لَا تَبْكُونَ (۶۰)

و می‌خندید و نمی‌گریید ؟

(النجم، ۶۰)

وَأَنْتُمْ سَامِدُونَ (۶۱)

و شما در غفلتید .

(النجم، ۶۱)

فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا (۶۲)

پس خدا را سجده کنید و بپرستید .

(النجم، ۶۲)

مکى-آياتها-۵۵	سوره القمر	ترتيبها-۵۴
---------------	------------	------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(القمر، ۰)

أَقْرَبَتْ السَّاعَةَ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ (۱)

نزدیک شد قیامت و از هم شکافت ماه .

(القمر، ۱)

وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُسْتَمِرٌّ (۲)

و هر گاه نشانه‌ای ببینند روی بگردانند و گویند : « سحرى دایم است . »

(القمر، ۲)

وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُسْتَقَرٌّ (۳)

و به تکذیب دست زدند و هوسهای خویش را دنبال کردند ، و [لى] هر کارى را [آخر] فرارى است .

(القمر، ۳)

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ (۴)

و قطعاً از اخبار ، آنچه در آن مایه انزجار [از کفر] است به ایشان رسید .

(القمر، ۴)

حِكْمَةً بِاللَّغَةِ فَمَا تَتَّخِذُ النَّذْرُ (۵)

حکمت بالغه [حق این بود] ، ولى هشدارها سود نکرد .

(القمر، ۵)

فَقَتُولَ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَى شَيْءٍ نَكْرٍ (۶)

پس ، از آنان روی برتاب . روزى که داعى [حق] به سوى امرى دهشتناك دعوت مى‌کند ،

(القمر، ۶)

خُشَعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنتَشِرٌ (۷)

در حالى که دیدگان خود را فروهسته‌اند ، چون ملخهای پراکنده از گورها [ی خود] برمی‌آیند .

(القمر، ۷)

مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِيرٌ (۸)

به سرعت سوی آن دعوتگر می‌شتابند . کافران می‌گویند : « امروز [چه] روز دشواری است . »

(القمر، ۸)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَ قَالُوا مَجْنُونٌ وَ اِذْجَرَ (۹)

پیش از آنان ، قوم نوح [نیز] به تکذیب پرداختند و بنده ما را دروغزن خواندند و گفتند : « دیوانه‌ای است . » و [بسی] آزار کشید .

(القمر، ۹)

فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَأَنْتَصِرْ (۱۰)

تا پروردگارش را خواند که : « من مغلوب شدم ؛ به داد من برس ! »

(القمر، ۱۰)

فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ (۱۱)

پس درهای آسمان را به آبی ریزان گشودیم .

(القمر، ۱۱)

وَ فَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ (۱۲)

و از زمین چشمه‌ها جوشانیدیم تا آب [زمین و آسمان] برای امری که مقدر شده بود به هم پیوستند .

(القمر، ۱۲)

وَ حَمَلْنَاهُ عَلَى دَاتِ الْأَوَاجِ وَ دُسرٍ (۱۳)

و او را بر [کشتی] تخته‌دار و میخ‌آجین سوار کردیم .

(القمر، ۱۳)

تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءَ لِمَنْ كَانَ كُفِرَ (۱۴)

[کشتی] زیر نظر ما روان بود . [این] پاداش کسی بود که مورد انکار واقع شده بود .

(القمر، ۱۴)

وَ لَقَدْ تَرَكْنَاهَا آيَةً فَهَلْ مِنْ مُدْكِرٍ (۱۵)

و به راستی آن [سفینه] را بر جای نهادیم [تا] عبرتی [باشد] ؛ پس آیا پندگیرنده‌ای هست ؟

(القمر، ۱۵)

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَ نُذُرٍ (۱۶)

پس چگونه بود عذاب من و هشدارها [ی من] ؟

(القمر، ۱۶)

وَ لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذَّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدْكِرٍ (۱۷)

و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کرده‌ایم ؛ پس آیا پندگیرنده‌ای هست ؟

(القمر، ۱۷)

كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَ نُذُرٍ (۱۸)

عادیان به تکذیب پرداختند . پس چگونه بود عذاب من و هشدارها [ی من] ؟

(القمر، ۱۸)

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمٍ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ (۱۹)

ما بر [س] آنان در روز شومی ، به طور مداوم ، تندبادی توفنده فرستادیم ،

(القمر، ۱۹)

تَنْزِغِ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ (۲۰)

[که] مردم را از جا می‌کند ؛ گویی تنه‌های نخلی بودند که ریشه‌کن شده بودند .

(القمر، ۲۰)

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَ نُذْرٍ (۲۱)

پس چگونه بود عذاب من و هشدارها [ی من] ؟

(القمر، ۲۱)

وَ لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ (۲۲)

و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کرده‌ایم ؛ پس آیا پندگیرنده‌ای هست ؟

(القمر، ۲۲)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ (۲۳)

قوم ثمود هشداردهندگان را تکذیب کردند .

(القمر، ۲۳)

فَقَالُوا أَ بَشَرًا مِثَّا وَاحِدًا نَتَّبِعُهُ إِنَّا إِذًا لَفِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ (۲۴)

و گفتند : « آیا تنها بشری از خودمان را پیروی کنیم ؟ در این صورت ، ما واقعاً در گمراهی و جنون خواهیم بود . »

(القمر، ۲۴)

أَلَفِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌ (۲۵)

« آیا از میان ما [وحی] بر او القا شده است ؟ [نه ،] بلکه او دروغگویی گستاخ است . »

(القمر، ۲۵)

سَيَعْلَمُونَ عَدَا مِنَ الْكَذَّابِ الْأَشِرِّ (۲۶)

به زودی فردا بدانند دروغگوی گستاخ کیست .

(القمر، ۲۶)

إِنَّا مُرْسِلُو النَّافَةِ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَبِعْهُمْ وَ اصْطَبِرْ (۲۷)

ما برای آزمایش آنان [آن] ماده شتر را فرستادیم و [به صالح گفتیم :] « مراقب آنان باش و شکیبایی کن .

(القمر، ۲۷)

وَ تَبَيَّنْهُمْ أَنْ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شَرِبٍ مُخْتَصَرٌ (۲۸)

و به آنان خبر ده که آب میانشان بخش شده است : هر کدام را آب به نوبت خواهد بود .

(القمر، ۲۸)

فَنَادُوا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ (۲۹)

پس رفیقشان را صدا کردند و [او] شمشیر کشید و [شتر را] پی کرد .

(القمر، ۲۹)

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَ نُذْرٍ (۳۰)

پس چگونه بود عذاب من و هشدارها [ی من] ؟

(القمر، ۳۰)

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُخْتَطِرِ (۳۱)

ما بر [سر] شان يك فریاد [مرگبار] فرستادیم و چون گیاه خشکیده [کومه‌ها] ریزریز شدند .

(القمر، ۳۱)

وَ لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ (۳۲)

و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کردیم ؛ پس آیا پندگیرنده‌ای هست ؟

(القمر، ۳۲)

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالَّذِينَ (۳۳)

قوم لوط هشداردهندگان را تکذیب کردند .

(القمر، ۳۳)

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ نَجَّيْنَاهُمْ بِسَخْرِ (۳۴)

ما بر [سر] آنان سنگبارانی [انفجاری] فرورستادیم [و] فقط خانواده لوط بودند که سحرگاهشان رهانیدیم .

(القمر، ۳۴)

نِعْمَةً مِنْ عِندِنَا كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ (۳۵)

[و این] رحمتی از جانب ما بود ؛ هر که سپاس دارد ، بدین‌سان [او را] پاداش می‌دهیم .

(القمر، ۳۵)

وَ لَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالَّذِينَ (۳۶)

[لوط] آنها را از عذاب ما سخت بیم داده بود ، و [لی] در تهدیدها [ی ما] به جدال برخاستند .

(القمر، ۳۶)

وَ لَقَدْ رَاوَدُوهُ عَنْ صَنِيفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَ نُذِرِ (۳۷)

و از مهمان [های] او کام دل خواستند ، پس فروغ دیدگانشان را ستردیم و [گفتیم :] « [مزه] عذاب و هشدارهای مرا بچشید . »

(القمر، ۳۷)

وَ لَقَدْ صَبَّحَهُمْ بِكْرَةَ عَذَابٍ مُنتَقِرٍ (۳۸)

و به راستی که سپیددم عذابی پیگیر به سر وقت آنان آمد .

(القمر، ۳۸)

فَذُوقُوا عَذَابِي وَ نُذِرِ (۳۹)

پس عذاب و هشدارهای مرا بچشید .

(القمر، ۳۹)

وَ لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ (۴۰)

و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کردیم ؛ پس آیا پندگیرنده‌ای هست ؟

(القمر، ۴۰)

وَ لَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ (۴۱)

و در حقیقت هشداردهندگان به جانب فرعونیان آمدند .

(القمر، ۴۱)

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُقْتَدِرٍ (۴۲)

[اما آنها] همه معجزات ما را تکذیب کردند ، تا چون زبردستی زورمند [گریبان] آنان را گرفتیم .

(القمر، ۴۲)

أَكْفَرُكُمْ خَيْرٌ مِّنْ أَوْلِيَانِكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ (۴۳)

آیا کافران شما ، از اینان [که برشمرديم] برترند ، یا شما را در نوشته‌ها [ی آسمانی] خط امانی است ؟

(القمر، ۴۳)

أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُنْتَصِرٌ (۴۴)

یا می‌گویند : « ما همگی انتقام‌گیرنده [و یار و یاور همدیگر] یم ! »

(القمر، ۴۴)

سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ (۴۵)

زودا که این جمع درهم شکسته شود و پشت کنند .

(القمر، ۴۵)

بَلِ السَّاعَةِ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَذَىٰ وَآمُرُ (۴۶)

بلکه موعدهشان قیامت است و قیامت [بسی] سخت‌تر و تلخ‌تر است .

(القمر، ۴۶)

إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ (۴۷)

قطعاً بزهاران در گمراهی و جنونند .

(القمر، ۴۷)

يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ (۴۸)

روزی که در آتش به رو کشیده می‌شوند [و به آنان گفته می‌شود :] « لهیب آتش را بجشید [و احساس کنید] . »

(القمر، ۴۸)

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ (۴۹)

ماییم که هر چیزی را به اندازه آفریده‌ایم .

(القمر، ۴۹)

وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلِمَةٍ بَالْبَصَرِ (۵۰)

و فرمان ما جز يك بار نیست [آن هم] چون چشم به هم زدنی .

(القمر، ۵۰)

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مَّذْكَرٍ (۵۱)

و همسلكان شما را سخت به هلاکت رساندیم ؛ پس آیا پندگیرنده‌ای هست ؟

(القمر، ۵۱)

وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَطْوَةٌ فِي الزُّبُرِ (۵۲)

و هر چه کرده‌اند در کتابها [ی اعمالشان درج] است .

(القمر، ۵۲)

وَكُلٌّ صَغِيرٌ وَكَبِيرٌ مُسْتَطَرٌّ (۵۳)

و هر خرد و بزرگی [در آن] نوشته شده .

(القمر، ۵۳)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهْرٍ (۵۴)

در حقیقت ، مردم پرهیزگار در میان باغها و نهرها ،

(القمر، ۵۴)

فِي مَقْعَدٍ صَدِيقٍ عِنْدَ مَلِيكَ مُقْتَدِرٍ (۵۵)

در قرارگاه صدق ، نزد پادشاهی توانمند .

(القمر، ۵۵)

ترتیبها-۵۵	سوره الرَّحْمَنِ	مکی-ایاتها-۷۸
------------	------------------	---------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الرحمن، ۰)

الرَّحْمَنُ (۱)

[خدای] رحمان ،

(الرحمن، ۱)

عَلَّمَ الْقُرْآنَ (۲)

قرآن را یاد داد .

(الرحمن، ۲)

خَلَقَ الْإِنْسَانَ (۳)

انسان را آفرید ،

(الرحمن، ۳)

عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (۴)

به او بیان آموخت .

(الرحمن، ۴)

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ (۵)

خورشید و ماه بر حسابی [روان] اند .

(الرحمن، ۵)

وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ (۶)

و بوته و درخت چهره‌سایانند .

(الرحمن، ۶)

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ (۷)

و آسمان را برافراشت و ترازو را گذاشت ،

(الرحمن، ۷)

أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ (۸)

تا مبدا از اندازه درگذرید .

(الرحمن، ۸)

وَ أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ (۹)

و وزن را به انصاف برپا دارید و در سنجش مکاهد .

(الرحمن، ۹)

وَ الْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (۱۰)

و زمین را برای مردم نهاد .

(الرحمن، ۱۰)

فِيهَا فَاجِهَةٌ وَ النَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ (۱۱)

در آن ، میوه [ها] و نخلها با خوشه‌های غلافدار ،

(الرحمن، ۱۱)

وَ الْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَ الرَّيْحَانُ (۱۲)

و دانه‌های پوستدار و گیاهان خوشبوست .

(الرحمن، ۱۲)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۳)

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید ؟

(الرحمن، ۱۳)

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ (۱۴)

انسان را از گل خشکیده‌ای سفال مانند ، آفرید .

(الرحمن، ۱۴)

وَ خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ (۱۵)

و جن را از تشعشعی از آتش خلق کرد .

(الرحمن، ۱۵)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۶)

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید ؟

(الرحمن، ۱۶)

رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ (۱۷)

پروردگار دو خاور و پروردگار دو باختر .

(الرحمن، ۱۷)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۸)

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید ؟

(الرحمن، ۱۸)

مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ (۱۹)

دو دریا را [به گونه‌ای] روان کرد [که] با هم برخورد کنند .

(الرحمن، ۱۹)

بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ (۲۰)

میان آن دو ، حدّ فاصلی است که به هم تجاوز نمی‌کنند .

(الرحمن، ۲۰)

فَيَأْتِي آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۱)

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید ؟

(الرحمن، ۲۱)

يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ (۲۲)

از هر دو [دریا] مروارید و مرجان برآید .

(الرحمن، ۲۲)

فَيَأْتِي آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۳)

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید ؟

(الرحمن، ۲۳)

وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (۲۴)

و او راست در دریا سفینه‌های بادبان‌دار بلند همچون کوه‌ها .

(الرحمن، ۲۴)

فَيَأْتِي آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۵)

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید ؟

(الرحمن، ۲۵)

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ (۲۶)

هر چه بر [زمین] است فانی‌شونده است .

(الرحمن، ۲۶)

وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (۲۷)

و ذات باشکوه و ارجمند پروردگارت باقی خواهد ماند .

(الرحمن، ۲۷)

فَيَأْتِي آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۸)

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید ؟

(الرحمن، ۲۸)

يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ (۲۹)

هر که در آسمانها و زمین است از او درخواست می‌کند . هر زمان ، او در کاری است .

(الرحمن، ۲۹)

فَيَأْتِي آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۰)

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید ؟

(الرحمن، ۳۰)

سَتَفْرَحُ لَكُمْ أَيُّهَا النَّقْلَانِ (۳۱)

ای جن و انس ، زودا که به شما بپردازیم .

(الرحمن، ۳۱)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۲)

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید ؟

(الرحمن، ۳۲)

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ (۳۳)

ای گروه جنیان و انسیان ، اگر می‌توانید از کرانه‌های آسمانها و زمین به بیرون رخنه کنید ، پس رخنه کنید . [ولی] جز با [به دست آوردن] تسلطی رخنه نمی‌کنید .

(الرحمن، ۳۳)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۴)

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید ؟

(الرحمن، ۳۴)

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَ نُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ (۳۵)

بر سر شما شراره‌هایی از [نوع] تفته آهن و مس فروفرستاده خواهد شد ، و [از کسی] یاری نتوانید طلبید .

(الرحمن، ۳۵)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۶)

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید ؟

(الرحمن، ۳۶)

فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ (۳۷)

پس آن گاه که آسمان از هم شکافت و چون چرم گلگون گردد .

(الرحمن، ۳۷)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۸)

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید ؟

(الرحمن، ۳۸)

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ (۳۹)

در آن روز ، هیچ انس و جنی از گناهش پرسیده نشود .

(الرحمن، ۳۹)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۰)

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید ؟

(الرحمن، ۴۰)

يَعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَفْقَامِ (۴۱)

تبهکاران از سیمایشان شناخته می‌شوند و از پیشانی و پایشان بگیرند .

(الرحمن، ۴۱)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۲)

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید ؟

(الرحمن، ۴۲)

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ (۴۳)

این است همان جهنمی که تبهکاران آن را دروغ می‌خواندند .

(الرحمن، ۴۳)

يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ حَمِيمٍ آتِن (۴۴)

میان [آتش] و میان آب جوشان سرگردان باشند .

(الرحمن، ۴۴)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۵)

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید ؟

(الرحمن، ۴۵)

وَ لِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ (۴۶)

و هر کس را که از مقام پروردگارش بترسد دو باغ است .

(الرحمن، ۴۶)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۷)

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید ؟

(الرحمن، ۴۷)

ذَوَاتَا أَفْئَانٍ (۴۸)

که دارای شاخسارانند .

(الرحمن، ۴۸)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۹)

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید ؟

(الرحمن، ۴۹)

فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ (۵۰)

در آن دو [باغ] دو چشمه روان است .

(الرحمن، ۵۰)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۱)

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید ؟

(الرحمن، ۵۱)

فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ (۵۲)

در آن دو [باغ] از هر میوه‌ای دو گونه است .

(الرحمن، ۵۲)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۳)

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید ؟

(الرحمن، ۵۳)

مُتَكَبِّرِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَانَتُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَ جَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ (۵۴)

بر بسترهایی که آستر آنها از ابریشم درشت‌بافت است ، تکیه زنند و چیدن میوه [از] آن دو باغ [به آسانی] در دسترس است .

(الرحمن، ۵۴)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۵)

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید ؟

(الرحمن، ۵۵)

فِيهِنَّ قَاصِرَاتٌ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِئِنَّهُنَّ أَنْسَ قَبْلَهُمْ وَ لَا جَانٌّ (۵۶)

در آن [باغها ، دلبرانی] فروهشته‌نگاهند که دست هیچ انس و جنی پیش از ایشان به آنها نرسیده است .

(الرحمن، ۵۶)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۷)

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید ؟

(الرحمن، ۵۷)

كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ (۵۸)

گویی که آنها یاقوت و مرجانند .

(الرحمن، ۵۸)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۹)

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید ؟

(الرحمن، ۵۹)

هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ (۶۰)

مگر پاداش احسان جز احسان است ؟

(الرحمن، ۶۰)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۶۱)

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید ؟

(الرحمن، ۶۱)

وَ مِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ (۶۲)

و غیر از آن دو [باغ] ، دو باغ [دیگر نیز] هست .

(الرحمن، ۶۲)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۶۳)

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید ؟

(الرحمن، ۶۳)

مُدَّهَامَتَانِ (۶۴)

که از [شدت] سبزی سیه‌گون می‌نماید .

(الرحمن، ۶۴)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٦٥)

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید ؟

(الرحمن، ٦٥)

فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ (٦٦)

در آن دو [باغ] دو چشمه همواره جوشان است .

(الرحمن، ٦٦)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٦٧)

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید ؟

(الرحمن، ٦٧)

فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَ تَلْحُلُؤٌ وَ رُمَّانٌ (٦٨)

در آن دو ، میوه و خرما و انار است .

(الرحمن، ٦٨)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٦٩)

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید ؟

(الرحمن، ٦٩)

فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ (٧٠)

در آنجا [زناتی] نکوخوی و نکورویند .

(الرحمن، ٧٠)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٧١)

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید ؟

(الرحمن، ٧١)

حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ (٧٢)

حورانی پردهنشین در [دل] خیمهها .

(الرحمن، ٧٢)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٧٣)

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید ؟

(الرحمن، ٧٣)

لَمْ يَطْمِئِنُّوْا إِنْسُ قَبْلَهُمْ وَ لَا جَانٌ (٧٤)

دست هیچ انس و جنی پیش از ایشان به آنها نرسیده است .

(الرحمن، ٧٤)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٧٥)

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید ؟

(الرحمن، ٧٥)

مُتَكَبِّرِينَ عَلَى زُرْفٍ خَضِرٍ وَ عَبْقَرِيِّ جِسَانٍ (٧٦)

بر بالاش سبز و فرش نیکو تکیه زده‌اند .

(الرحمن، ۷۶)

فَيَأْتِي الْأَمْرَ رَيْحًا تُكْدِنَانِ (۷۷)

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منکرید ؟

(الرحمن، ۷۷)

تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (۷۸)

خجسته باد نام پروردگار شکوهمند و بزرگواریت !

(الرحمن، ۷۸)

ترتیبها- ۵۶	سوره الواقعة	مکی- آیاتها- ۹۶
-------------	--------------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الواقعة، ۰)

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ (۱)

آن واقعه چون وقوع یابد ،

(الواقعة، ۱)

لَيْسَ لَوْفَعَتِهَا كَاتِبَةٌ (۲)

[که] در وقوع آن دروغی نیست :

(الواقعة، ۲)

خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ (۳)

پست‌کننده [و] بالا برنده است .

(الواقعة، ۳)

إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا (۴)

چون زمین با تکان [سختی] لرزانده شود ،

(الواقعة، ۴)

و بُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا (۵)

و کوهها [جمله] ریزه ریزه شوند ،

(الواقعة، ۵)

فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًا (۶)

و غباری پراکنده گردند ،

(الواقعة، ۶)

و كُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً (۷)

و شما سه دسته شوید :

(الواقعة، ۷)

فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ (۸)

یاران دست راست ؛ کدامند یاران دست راست ؟

(الواقعة، ۸)

وَ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ (۹)

و یاران چپ ؛ کدامند یاران چپ ؟

(الواقعة، ۹)

وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ (۱۰)

و سبقتگیرندگان مقدمند ؛

(الواقعة، ۱۰)

أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ (۱۱)

آنانند همان مقربان [خدا] ،

(الواقعة، ۱۱)

فِي جَنَّاتٍ النَّعِيمِ (۱۲)

در باغستانهای پر نعمت .

(الواقعة، ۱۲)

ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأُولَىٰ (۱۳)

گروهی از پیشینیان ،

(الواقعة، ۱۳)

وَ قَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ (۱۴)

و اندکی از متأخران .

(الواقعة، ۱۴)

عَلَىٰ سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ (۱۵)

بر تختهایی جواهرنشان ،

(الواقعة، ۱۵)

مُتَّكِنِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ (۱۶)

که روبروی هم بر آنها تکیه داده‌اند .

(الواقعة، ۱۶)

يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ (۱۷)

بر گردشان پسرانی جاودان [به خدمت] می‌گردند ،

(الواقعة، ۱۷)

بِأَنْوََابٍ وَ أَبْرِيحٍ وَ كَأْسٍ مِنْ مَعِينِ (۱۸)

با جامها و آبریزها و پیاله [ها] بی از باده ناب روان .

(الواقعة، ۱۸)

لَا يَصْنَعُونَ غَنًّا وَ لَا يَنْزِفُونَ (۱۹)

[که] نه از آن در دسر گیرند و نه بی‌خرد گردند .

(الواقعة، ۱۹)

و فَايِهَةٌ مِمَّا يَتَخِرُّونَ (۲۰)

و میوه از هر چه اختیار کنند .

(الواقعة، ۲۰)

و لَحْمَ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ (۲۱)

و از گوشت پرنده هر چه بخواهند .

(الواقعة، ۲۱)

و حُورٍ عِينٍ (۲۲)

و حوران چشم‌درشت ،

(الواقعة، ۲۲)

كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ (۲۳)

مثل لؤلؤ نهان میان صدف !

(الواقعة، ۲۳)

جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲۴)

[اینها] پاداشی است برای آنچه می‌کردند .

(الواقعة، ۲۴)

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا نَجْوَىٰ وَلَا تَأْتِيهَا (۲۵)

در آنجا نه بیهوده‌ای می‌شنوند و نه [سخنی] گناه‌آلود .

(الواقعة، ۲۵)

إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا (۲۶)

سخنی جز سلام و درود نیست .

(الواقعة، ۲۶)

و أَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ (۲۷)

و یاران راست ؛ یاران راست کدامند ؟

(الواقعة، ۲۷)

فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ (۲۸)

در [زبر] درختان کنار بی‌خار ،

(الواقعة، ۲۸)

و ظَلْحٍ مَّنْضُودٍ (۲۹)

و درختهای موز که میوه‌اش خوشه خوشه روی هم چیده است .

(الواقعة، ۲۹)

و ظِلٍّ مَّمْدُودٍ (۳۰)

و سایه‌ای پایدار .

(الواقعة، ٣٠)

وَمَا مَسْكُوبٍ (٣١)

و آبی ریزان .

(الواقعة، ٣١)

وَأَكْبَهَةٌ كَثِيرَةٌ (٣٢)

و میوه‌ای فراوان ،

(الواقعة، ٣٢)

لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ (٣٣)

نه بریده و نه ممنوع .

(الواقعة، ٣٣)

وَأَرْشٍ مَرْفُوعَةٍ (٣٤)

و همخوابگانی بالا بلند .

(الواقعة، ٣٤)

إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً (٣٥)

ما آنان را پدید آورده‌ایم پدید آوردنی !

(الواقعة، ٣٥)

فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا (٣٦)

و ایشان را دوشیزه گردانیده‌ایم ،

(الواقعة، ٣٦)

غُرَبًا أَتْرَابًا (٣٧)

شوی دوست همسال ،

(الواقعة، ٣٧)

لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ (٣٨)

برای یاران راست .

(الواقعة، ٣٨)

ثُلَّةً مِنَ الْأُولَى (٣٩)

که گروهی از پیشینیانند ،

(الواقعة، ٣٩)

و ثُلَّةً مِنَ الْآخِرِينَ (٤٠)

و گروهی از متأخران .

(الواقعة، ٤٠)

وَأَصْحَابِ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابِ الشَّمَالِ (٤١)

و یاران چپ ; کدامند یاران چپ ؟

(الواقعة، ٤١)

فِي سَمُومٍ وَ حَمِيمٍ (٤٢)

در [میان] باد گرم و آب داغ .

(الواقعة، ٤٢)

وَ ظِلٌّ مِنْ يَحْمُومٍ (٤٣)

و سایه‌ای از دود تار .

(الواقعة، ٤٣)

لَا بَارِدٍ وَ لَا كَرِيمٍ (٤٤)

نه خنک و نه خوش .

(الواقعة، ٤٤)

إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ (٤٥)

اینان بودند که پیش از این ناز پروردگان بودند .

(الواقعة، ٤٥)

وَ كَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحَنثِ الْعَظِيمِ (٤٦)

و بر گناه بزرگ پافشاری می‌کردند .

(الواقعة، ٤٦)

وَ كَانُوا يَقُولُونَ إِذَا مِتْنَا وَ كُنَّا تُرَاباً وَ عِظَاماً أَ إِنَّا لَمُنْبِتُونَ (٤٧)

و می‌گفتند : « آیا چون مُردیم و خاک و استخوان شدیم ، واقعاً [باز] زنده می‌گردیم ؟

(الواقعة، ٤٧)

أَ وَ آبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ (٤٨)

یا پدران گذشته ما [نیز] ؟ »

(الواقعة، ٤٨)

قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ (٤٩)

بگو : « در حقیقت ، اولین و آخرین ،

(الواقعة، ٤٩)

لَمَجْمُوعُونَ إِلَى مِيقَاتٍ يَوْمٍ مَعْلُومٍ (٥٠)

قطعاً همه در موعد روزی معلوم گردآورده شوند . «

(الواقعة، ٥٠)

ثُمَّ إِنَّكُمْ إِلَيْهَا الصَّالُونَ الْمَكْذِبُونَ (٥١)

آن گاه شما ای گمراهان دروغپرداز ،

(الواقعة، ٥١)

لَا تَكُونُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زَقُومٍ (٥٢)

قطعاً از درختی که از زقوم است خواهید خورد .

(الواقعة، ٥٢)

فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ (٥٣)

و از آن شکمهایتان را خواهید آکند .

(الواقعة، ۵۳)

فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ (۵۴)

و روی آن از آب جوش می‌نوشید ؛

(الواقعة، ۵۴)

فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهَيْمِ (۵۵)

[مانند] نوشیدن اشتران تشنه .

(الواقعة، ۵۵)

هَذَا نُزْلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ (۵۶)

این است پذیرایی آنان در روز جزا .

(الواقعة، ۵۶)

نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا نَصُوحُونَ (۵۷)

ماییم که شما را آفریده‌ایم ، پس چرا تصدیق نمی‌کنید ؟

(الواقعة، ۵۷)

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ (۵۸)

آیا آنچه را [که به صورت نطفه] فرو می‌ریزید دیده‌اید ؟

(الواقعة، ۵۸)

أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ (۵۹)

آیا شما آن را خلق می‌کنید یا ما آفریننده‌ایم ؟

(الواقعة، ۵۹)

نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَ مَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ (۶۰)

ماییم که میان شما مرگ را مقدر کرده‌ایم و بر ما سبقت نتوانید جست ؛

(الواقعة، ۶۰)

عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَ نُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ (۶۱)

[و می‌توانیم] امثال شما را به جای شما قرار دهیم و شما را [به صورت] آنچه نمی‌دانید پدیدار گردانیم .

(الواقعة، ۶۱)

وَ لَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَتَذَكَّرُونَ (۶۲)

و قطعاً پدیدار شدن نخستین خود را شناختید ؛ پس چرا سرِ عبرت گرفتن ندارید ؟

(الواقعة، ۶۲)

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرثُونَ (۶۳)

آیا آنچه را کشت می‌کنید ، ملاحظه کرده‌اید ؟

(الواقعة، ۶۳)

أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ (۶۴)

آیا شما آن را [بی‌یاری ما] زراعت می‌کنید ، یا ماییم که زراعت می‌کنیم ؟

(الواقعة، ۶۴)

لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ (۶۵)

اگر بخواهیم قطعاً خاشاکش می‌گردانیم ، پس در افسوس [و تعجب] می‌افتید .

(الواقعة، ۶۵)

إِنَّا لَمُعْرَمُونَ (۶۶)

[و می‌گویید :] « واقعاً ما زیان زده‌ایم ،

(الواقعة، ۶۶)

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ (۶۷)

بلکه ما محروم شدگانیم . »

(الواقعة، ۶۷)

أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ (۶۸)

آیا آبی را که می‌نوشید دیده‌اید ؟

(الواقعة، ۶۸)

أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ (۶۹)

آیا شما آن را از [دل] ابر سپید فرود آورده‌اید ، یا ما فرودآورنده‌ایم ؟

(الواقعة، ۶۹)

لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ أَمْحًا فَلَوَّ لَا تَشْكُرُونَ (۷۰)

اگر بخواهیم آن را تلخ می‌گردانیم ، پس چرا سپاس نمی‌دارید ؟

(الواقعة، ۷۰)

أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ (۷۱)

آیا آن آتشی را که برمی‌افروزید ملاحظه کرده‌اید ؟

(الواقعة، ۷۱)

أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ (۷۲)

آیا شما [چوب] درخت آن را پدیدار کرده‌اید ، یا ما پدیدآورنده‌ایم ؟

(الواقعة، ۷۲)

نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكَرَةً وَ مَتَاعاً لِلْمُقْوِينَ (۷۳)

ما آن را [مایه] عبرت و [وسیله] استفاده برای بیابانگردان قرار داده‌ایم .

(الواقعة، ۷۳)

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (۷۴)

پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی .

(الواقعة، ۷۴)

فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ (۷۵)

نه [چنین است که می‌پندارید] ، سوگند به جایگاه‌های [ویژه و فواصل معین] ستارگان .

(الواقعة، ۷۵)

وَ إِنَّهُ لَقَسَمٌ لِّئَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ (٧٦)

اگر بدانید ، آن سوگندی سخت بزرگ است !

(الواقعة، ٧٦)

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ (٧٧)

که این [پیام] قطعاً قرآنی است ارجمند ،

(الواقعة، ٧٧)

فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ (٧٨)

در کتابی نهفته ،

(الواقعة، ٧٨)

لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ (٧٩)

که جز پاک‌شدگان بر آن دست نزنند ،

(الواقعة، ٧٩)

تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (٨٠)

وحی است از جانب پروردگار جهانیان .

(الواقعة، ٨٠)

أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُذْهَبُونَ (٨١)

آیا شما این سخن را سبک [و سست] می‌گیرید ؟

(الواقعة، ٨١)

وَ تَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ (٨٢)

و تنها نصیب خود را در تکذیب [آن] قرار می‌دهید ؟

(الواقعة، ٨٢)

فَلَوْ لَا إِذَا بَلَغَتِ الْخُلُقُومَ (٨٣)

پس چرا آن گاه که [جان شما] به گلو می‌رسد ،

(الواقعة، ٨٣)

وَ أَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ (٨٤)

و در آن هنگام خود نظاره گرید

(الواقعة، ٨٤)

وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَ لَعْنٌ لِّأَ تَبْصُرُونَ (٨٥)

و ما به آن [محتضر] از شما نزدیک‌تریم ولی نمی‌بینید

(الواقعة، ٨٥)

فَلَوْ لَا إِنْ كُنْتُمْ عَيْرَ مَدِينِينَ (٨٦)

پس چرا ، اگر شما بی‌جزا می‌مانید [و حساب و کتابی در کار نیست] ،

(الواقعة، ٨٦)

تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (٨٧)

اگر راست می‌گویید ، [روح] را برنمی‌گردانید ؟

(الواقعة، ۸۷)

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ (۸۸)

و اما اگر [او] از مقربان باشد ،

(الواقعة، ۸۸)

فَرَوْحٌ وَ رِيحَانٌ وَ جَنَّةُ نَعِيمٍ (۸۹)

[در] آسایش و راحت و بهشت پر نعمت [خواهد بود] .

(الواقعة، ۸۹)

وَ أَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ النَّيْمِ (۹۰)

و اما اگر از یاران راست باشد ،

(الواقعة، ۹۰)

فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّيْمِ (۹۱)

از یاران راست بر تو سلام باد .

(الواقعة، ۹۱)

وَ أَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ (۹۲)

و اما اگر از دروغ‌زنان گمراه است ،

(الواقعة، ۹۲)

فَنَزَّلْنَا مِنْ حَمِيمٍ (۹۳)

پس با آبی جوشان پذیرایی خواهد شد ،

(الواقعة، ۹۳)

وَ تَصْلِيَةٌ جَهِيمٍ (۹۴)

و [فرجامش] درافتادن به جهنم است .

(الواقعة، ۹۴)

إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ (۹۵)

این است همان حقیقت راست [و] یقین .

(الواقعة، ۹۵)

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (۹۶)

پس به نام پروردگار بزرگ خود تسبیح گوی .

(الواقعة، ۹۶)

مدنی-آیاتها-۲۹	سوره الحديد	ترتیبها-۵۷
----------------	-------------	------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الحديد، ۰)

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱)

آنچه در آسمانها و زمین است ، خدا را به پاکی می‌ستایند ، و اوست ارجمند حکیم .

(الحديد، ۱)

لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُخَيِّبُ وَ يُمِيتُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲)

فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست : زنده می‌کند و می‌میراند ، و او بر هر چیزی تواناست .

(الحديد، ۲)

هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۳)

اوست اول و آخر و ظاهر و باطن ، و او به هر چیزی داناست .

(الحديد، ۳)

هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا يَرْجِعُ فِيهَا وَ هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۴)

اوست آن کس که آسمانها و زمین را در شش هنگام آفرید ؛ آن گاه بر عرش استیلا یافت . آنچه در زمین درآید و آنچه از آن برآید و آنچه از آسمان فرود آید و آنچه در آن بالا رود [همه را] می‌داند . و هر کجا باشید او با شماست ، و خدا به هر چه می‌کنید بیناست .

(الحديد، ۴)

لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۵)

فرمانروایی [مطلق] آسمانها و زمین از آن اوست ، و [جمله] کارها به سوی خدا بازگردانیده می‌شود .

(الحديد، ۵)

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ يُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَ هُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۶)

شب را در روز درمی‌آورد و روز را [نیز] در شب درمی‌آورد ، و او به راز دلها داناست .

(الحديد، ۶)

آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ أَنْفَقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ أَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ (۷)

به خدا و پیامبر او ایمان آورید ، و از آنچه شما را در [استفاده از] آن ، جانشین [دیگران] کرده ، انفاق کنید . پس کسانی از شما که ایمان آورده و انفاق کرده باشند ، پاداش بزرگی خواهند داشت .

(الحديد، ۷)

وَ مَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الرَّسُولِ يُذْعِبُكُمْ لِيُقِيمُوا رَبَّكُمْ وَ قَدْ أَخَذَ مِنْكُمْ مِيثَاقَكُمْ إِذْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۸)

و شما را چه شده که به خدا ایمان نمی‌آورید و [حال آنکه] پیامبر [خدا] شما را دعوت می‌کند تا به پروردگارتان ایمان آورید ، و اگر مؤمن باشید ، بی‌شک [خدا] از شما پیمان گرفته است .

(الحديد، ۸)

هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ إِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرُءُوفٌ رَحِيمٌ (۹)

او همان کسی است که بر بنده خود آیات روشنی فرو می‌فرستد ، تا شما را از تاریکیها به سوی نور بیرون کشاند . و در حقیقت ، خدا [نسبت] به شما سخت رؤوف و مهربان است .

(الحديد، ۹)

وَ مَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَ قَاتِلَ أَوْلِيكَ أَكْثَرَ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَ قَاتِلُوا وَ كَلَّ اللَّهُ الْخَسَنَىٰ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۰)

و شما را چه شده که در راه خدا انفاق نمی‌کنید و [حال آنکه] میراث آسمانها و زمین به خدا تعلق دارد ؟ کسانی از شما که پیش از فتح [مکه] انفاق و جهاد کرده‌اند ، [با دیگران] یکسان نیستند . آنان از [حیث] درجه بزرگتر از کسانی‌اند که بعداً به انفاق و جهاد پرداخته‌اند . و خداوند به هر کدام وعده نیکو داده است ، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است .

(الحديد، ۱۰)

مَنْ ذَا الَّذِي يُقرضُ اللهَ قرضاً حسناً فيضاعفه له و له أجرٌ كريمٌ (۱۱)

کیست آن کس که به خدا وامی نیکو دهد تا [نتیجه‌اش را] برای وی دوچندان گرداند و او را پاداشی خوش باشد ؟

(الحديد، ۱۱)

يَوْمَ تَرى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ يسْعى نورُهُم بينَ ايديهم و بايمانِهِمْ بِشَرَائِكِ الْيَوْمِ جَنَّتْ تجرِي من تحتها الْأَنْهَارُ خالدين فيها ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۲)

آن روز که مردان و زنان مؤمن را می‌بینی که نورشان پیشاپیششان و به جانب راستشان دوان است . [به آنان گویند :] « امروز شما را مژده باد به باغهایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است ؛ در آنها جاودانید . این است همان کامیابی بزرگ .

(الحديد، ۱۲)

يَوْمَ يَقُولُ الْمُنافِقُونَ وَ الْمُنافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظرونا نقتبس من نوركم قيل ارجعوا و راعكم فالتمسوا نوراً فاضرب بينهم بسور له بابٌ باطنه فيه الرحمة و ظاهره من قِبَلِهِ الْعَذَابُ (۱۳)

آن روز ، مردان و زنان منافق به کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند : « ما را مهلت دهید تا از نورتان [اندکی] برگزیم . » گفته می‌شود : « بازپس برگردید و نوری درخواست کنید . » آن گاه میان آنها دیواری زده می‌شود که آن را دروازه‌ای است : باطنش رحمت است و ظاهرش روی به عذاب دارد .

(الحديد، ۱۳)

يُنَادونهم ألم نكن معكم قالوا بلى و لكنكم فتنتم أنفسكم و تربصتم و ارتبتم و عرثكم الأمانى حتى جاء أمر الله و عرثكم بالله العزور (۱۴)

[دو رویان ،] آنان را ندا درمی‌دهند : « آیا ما با شما نبودیم ؟ » می‌گویند : « چرا ، ولی شما خودتان را در بلا افکندید و امروز و فردا کردید و تردید آوردید و آرزوها شما را غره کرد تا فرمان خدا آمد و [شیطان] مغرورکننده ، شما را درباره خدا بفریفت .

(الحديد، ۱۴)

قَالِيَوْمَ لَا يُؤخذ منكم فدية و لا من الذين كفروا ماؤكم النار هي مولاكم و بنس المصير (۱۵)

پس امروز نه از شما و نه از کسانی که کافر شده‌اند عوضی پذیرفته نمی‌شود : جایگاهتان آتش است ؛ آن سزاوار شماست و چه بد سرانجامی است .

(الحديد، ۱۵)

ألم يأن للذين آمنوا أن تخشع قلوبهم لذكر الله و ما نزل من الحق و لا يكونوا كالأذين أوتوا الكتاب من قبل فطال عليهم الأمد فقس قلوبهم و كثير منهم فاسقون (۱۶)

آیا برای کسانی که ایمان آورده‌اند هنگام آن نرسیده که دل‌هایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده نرم [و فروتن] گردد و مانند کسانی نباشند که از پیش بدانها کتاب داده شد و [عمر و] انتظار بر آنان به درازا کشید ، و دل‌هایشان سخت گردید و بسیاری از آنها فاسق بودند ؟

(الحديد، ۱۶)

اعلموا أن الله يخيب الأرض بعد موتها قد بينا لكم الآيات لعلكم تعقلون (۱۷)

بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند . به راستی آیات [خود] را برای شما روشن گردانیده‌ایم ، باشد که ببینیدشید .

(الحديد، ۱۷)

إن المصدقين و المصدقات و أقرضوا الله قرضاً حسناً يضاعف لهم و لهم أجرٌ كريمٌ (۱۸)

در حقیقت ، مردان و زنان صدقه‌دهنده و [آنان که] به خدا وامی نیکو داده‌اند ، ایشان را [پاداش] دوچندان گردد ، و اجری نیکو خواهند داشت .

(الحديد، ۱۸)

و الذين آمنوا بالله و رسوله أولئك هم الصديقون و الشهداء عند ربهم لهم أجرهم و نورهم و الذين كفروا و كذبوا بآياتنا أولئك أصحاب الجحيم (۱۹)

و کسانی که به خدا و پیامبران وی ایمان آورده‌اند ، آنان همان راستینانند و پیش پروردگارشان گواه خواهند بود [و] ایشان راست اجر و نورشان ؛ و کسانی که کفر ورزیده و آیات ما را تکذیب کرده‌اند آنان همدمان آتشند .

(الحديد، ۱۹)

اعلموا أنما الحياة الدنيا لعب و لهو و زينة و تفاخر بينكم و تكاثر في الأموال و الأولاد كمثل غيبٍ أعجب الغفار نباته ثم يهيج فتراه مصفراً ثم يكون خطاماً و في الآخرة عذابٌ شديدٌ و مغفرة من الله و رضوانٌ و ما الحياة الدنيا إلا متاع العزور (۲۰)

بدانید که زندگی دنیا ، در حقیقت ، بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی شما به یکدیگر و فزونجویی در اموال و فرزندان است . [مثل آنها] چون مثل بارانی است که کشاورزان را رُستنی آن [باران] به شگفتی اندازد ، سپس [آن کشت] خشک شود و آن را زرد بینی ، آن گاه خاشاک شود . و در آخرت [دنیا پرستان را] عذابی سخت است و [مؤمنان را] از جانب خدا آرزو و خشنودی است ، و زندگی دنیا جز کالای فریبنده نیست .

(الحدید، ۲۰)

سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَلِكُمْ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۲۱)

[برای رسیدن] به آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که پهنایش چون پهنای آسمان و زمین است [و] برای کسانی آماده شده که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده‌اند ، بر یکدیگر سبقت جوید . این فضل خداست که به هر کس بخواهد آن را می‌دهد ، و خداوند را فزون‌بخشی بزرگ است .

(الحدید، ۲۱)

مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نُنزِّلَهَا إِنَّ ذَلِكُمْ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۲۲)

هیچ مصیبتی نه در زمین و نه در نفسهای شما [به شما] نرسد ، مگر آنکه پیش از آنکه آن را پدید آوریم ، در کتابی است . این [کار] بر خدا آسان است .

(الحدید، ۲۲)

لِكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (۲۳)

تا بر آنچه از دست شما رفته اندوهگین نشوید و به [سبب] آنچه به شما داده است شادمانی نکنید ، و خدا هیچ خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد :

(الحدید، ۲۳)

الَّذِينَ يَبِخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَ مِنَ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۲۴)

همانان که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل ورزیدن وامی‌دارند . و هر که روی گرداند قطعاً خدا بی‌نیاز ستوده است .

(الحدید، ۲۴)

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَيَعَلِّمُ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (۲۵)

به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند ، و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است ، پدید آوردیم ، تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان ، او و پیامبرانش را یاری می‌کند . آری ، خدا نیرومند شکست ناپذیر است .

(الحدید، ۲۵)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النَّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (۲۶)

و در حقیقت ، نوح و ابراهیم را فرستادیم و در میان فرزندان آن دو ، نبوت و کتاب را قرار دادیم : از آنها [برخی] راهیاب [شد] ند ، و [لی] بسیاری از آنان بدکار بودند .

(الحدید، ۲۶)

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهَابَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (۲۷)

آن گاه به دنبال آنان پیامبران خود را ، پی در پی ، آوردیم ، و عیسی پسر مریم را در پی [آنان] آوردیم و به او انجیل عطا کردیم ، و در دل‌های کسانی که از او پیروی کردند رأفت و رحمت نهادیم و [اما] ترک دنیایی که از پیش خود درآوردند ما آن را بر ایشان مقرر نکردیم مگر برای آنکه کسب خشنودی خدا کنند ، با این حال آن را چنان که حق رعایت آن بود منظور نداشتند . پس پاداش کسانی از ایشان را که ایمان آورده بودند بدانها دادیم و [لی] بسیاری از آنان دستخوش انحرافند .

(الحدید، ۲۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِّن رَّحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، از خدا پروا دارید و به پیامبر او بگروید تا از رحمت خویش شما را دو بهره عطا کند و برای شما نوری قرار دهد که به [برکت] آن راه سپرید و بر شما ببخشاید ، و خدا آمرزنده مهربان است .

(الحدید، ۲۸)

إِنَّمَا يَعْلَمُ أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا يُقَدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّن فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۲۹)

تا اهل کتاب بدانند که به هیچ وجه فزون‌بخشی خدا در [حیطة] قدرت آنان نیست و فضل [و عنایت ، تنها] در دست خداست : به هر کس بخواهد آن را عطا می‌کند ، و خدا دارای کرم بسیار است .

ترتیبها- ۵۸	سوره المجادله	مدنی- آیاتها- ۲۲
-------------	---------------	------------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(المجادلة، ۱۰)

قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (۱)

خدا گفتار [زنی] را که در باره شوهرش با تو گفتگو و به خدا شکایت می‌کرد شنید ؛ و خدا گفتگوی شما را می‌شنود ، زیرا خدا شنوای بیناست .

(المجادلة، ۱)

الَّذِينَ يَظَاهَرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَابِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنَّ أُمَّهَاتَهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَ زُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ (۲)

از میان شما کسانی که زناشان را «ظهار» می‌کنند [و می‌گویند : پشت تو چون پشت مادر من است] آنان مادرانشان نیستند . مادران آنها تنها کسانی‌اند که ایشان را زاده‌اند ، و قطعاً آنها سخنی زشت و باطل می‌گویند ، و [لی] خدا مسلماً درگذرنده آمرزنده است .

(المجادلة، ۲)

وَ الَّذِينَ يَظَاهَرُونَ مِنْ نِسَابِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ذَلِكَ تُوعِظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۳)

و کسانی که زناشان راظهار می‌کنند ، سپس از آنچه گفته‌اند پشیمان می‌شوند ، بر ایشان [فرض] است که پیش از آنکه با یکدیگر همخوابگی کنند ، بنده‌ای را آزاد گردانند . این [حکمی] است که بدان پند داده می‌شوید ، و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است .

(المجادلة، ۳)

فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فِإِطْعَامَ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَلِكَ لِيُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَبِالْحَدُودِ الَّتِي لِكُلِّ الْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۴)

و آن کس که [بر آزادکردن بنده] دسترسی ندارد ، باید پیش از تماس [با زن خود] دو ماه پیاپی روزه بدارد ؛ و هر که نتواند ، باید شصت بیوا را خوراک بدهد . این [حکم] برای آن است که به خدا و فرستاده او ایمان بیاورید ، و این است حدود خدا . و کافران را عذابی پردرد خواهد بود .

(المجادلة، ۴)

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادَثُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا كَمَا كُبِتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ (۵)

بی‌گمان ، کسانی که با خدا و فرستاده او مخالفت می‌کنند دلیل خواهند شد ، همان‌گونه که آنان که پیش از ایشان بودند دلیل شدند ، و به راستی آیات روشن [خود] را فرستاده‌ایم ، و کافران را عذابی خفت‌آور خواهد بود .

(المجادلة، ۵)

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۶)

روزی که خداوند همه آنان را بر می‌انگیزد و به آنچه کرده‌اند آگاهشان می‌گرداند . خدا [کارهایشان را] برشمرده است و حال آنکه آنها آن را فراموش کرده‌اند ، و خدا بر هر چیزی گواه است .

(المجادلة، ۶)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَغْلِبُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَ لَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَ لَا أَذْنَى مِنْ ذَلِكَ وَ لَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۷)

آیا ندانسته‌ای که خدا آنچه را که در آسمانها و آنچه را که در زمین است می‌داند ؟ هیچ گفتگوی محرمانه‌ای میان سه تن نیست مگر اینکه او چهارمین آنهاست ، و نه میان پنج تن مگر اینکه او ششمین آنهاست ، و نه کمتر از این [عدد] و نه بیشتر ، مگر اینکه هر کجا باشند او با آنهاست . آن گاه روز قیامت آنان را به آنچه کرده‌اند آگاه خواهد گردانید ، زیرا خدا به هر چیزی داناست .

(المجادلة، ۷)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَ يَتَنَجَّوْنَ بِالْأَيْمِ وَ الْعُنْوَانِ وَ الْمُعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَ إِذَا جَاوَعَكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ وَ يَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُكُمْ جَهَنَّمُ يَصَلُّونَهَا فَيَنْسِفُهَا الْمَصِيرُ (۸)

آیا کسانی را که از نجوا منع شده بودند ، ندیدی که باز بدانچه از آن منع گردیده‌اند ، برمی‌گردند و با همدیگر به [منظور] گناه و تعدی و سرپیچی از پیامبر ، محرمانه گفتگو می‌کنند و چون به نزد تو آیند ، تو را بدانچه خدا به آن [شیوه] سلام نگفته سلام می‌دهند و در دل‌های خود می‌گویند : « چرا به آنچه می‌گوییم خدا ما را عذاب نمی‌کند ؟ » جهنم برای آنان کافی است ؛ در آن درمی‌آیند ، و چه بد سرانجامی است .

(المجادلة، ۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْأَلْمِ وَالْعُدْوَانِ وَ الْمُعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَ تَنَاجَوْا بِالْبَيِّنَاتِ وَ التَّقْوَى وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، چون با یکدیگر محرمانه گفتگو می‌کنید ، به [قصد] گناه و تعدی و نافرمانی پیامبر با همدیگر محرمانه گفتگو نکنید ، و به نیکوکاری و پرهیزگاری نجوا کنید ، و از خدایی که نزد او محشور خواهید گشت پروا دارید .

(المجادلة، ۹)

إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يُسَبِّحُوا بِمَا نَزَّلْنَا مِنَ الْآيَاتِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۰)

چنان نجوایی صرفاً از [القانات] شیطان است ، تا کسانی را که ایمان آورده‌اند دل‌تنگ گرداند ، و [لی] جز به فرمان خدا هیچ آسیبی به آنها نمی‌رساند ، و مؤمنان باید بر خدا اعتماد کنند .

(المجادلة، ۱۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَ إِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا فَيَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، چون به شما گفته شود : « در مجالس جای باز کنید ، پس جای باز کنید تا خدا برای شما گشایش حاصل کند ، و چون گفته شود : « برخیزید » ، پس برخیزید . تا خدا [رتبه] کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانشمندند [بر حسب] درجات بلند گرداند ، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است .

(المجادلة، ۱۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ أَطَهَرُ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنِ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، هر گاه با پیامبر [خدا] گفتگوی محرمانه می‌کنید ، پیش از گفتگوی محرمانه خود صدقه‌ای تقدیم بدارید . این [کار] برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است ؛ و اگر چیزی نیافتید بدانید که خدا آمرزنده مهربان است .

(المجادلة، ۱۲)

أَشْفَقْتُمْ أَن تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذ لَم تَفْعَلُوا وَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۳)

آیا ترسیدید که پیش از گفتگوی محرمانه خود صدقه‌هایی تقدیم دارید ؟ و چون نکردید و خدا [هم] بر شما بخشود ، پس نماز را برپا دارید و زکات را بدهید و از خدا و پیامبر او فرمان برید ، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است .

(المجادلة، ۱۳)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَ لَا مِنْهُمْ وَ يَخْلَفُونَ عَلَى الْكُذِبِ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ (۱۴)

آیا ندیده‌ای کسانی را که قومی را که مورد خشم خدایند به دوستی گرفته‌اند ؟ آنها نه از شما هستند و نه از ایشان ، و به دروغ سوگند یاد می‌کنند و خودشان [هم] می‌دانند .

(المجادلة، ۱۴)

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۵)

خدا برای آنان عذابی سخت آماده کرده است . راستی که چه بد می‌کردند .

(المجادلة، ۱۵)

اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۱۶)

سوگندهای خود را [چون] سپری قرار داده بودند و [مردم را] از راه خدا بازداشتند و [در نتیجه] برای آنان عذابی خف‌آور است .

(المجادلة، ۱۶)

لَنْ نُعْطِيَهُمْ أَموالَهُمْ وَ لَا أَوْلَادَهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۱۷)

در برابر خداوند نه از اموالشان و نه از اولادشان هرگز کاری ساخته نیست . آنها دوزخی‌اند [و] در آن جاودانه [می‌مانند] .

(المجادلة، ۱۷)

يَوْمَ يَنْعُتُهُمُ اللَّهُ جَمِيعاً فَيُخْلِفُونَ لَهُ مَا يَخْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ أَلَّا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَافِرُونَ (١٨)

روزی که خدا همه آنان را برمی‌انگیزد ، همان‌گونه که برای شما سوگند یاد می‌کردند برای او [نیز] سوگند یاد می‌کنند و چنان پندارند که حق به جانب آنهاست . آگاه باش که آنان همان دروغگو یانند .

(المجادلة، ١٨)

اسْتَخْوَدُوا عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانَ فَاَتَسَاهَمُ ذُكْرُ اللَّهِ أَوْلَيْكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَّا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ (١٩)

شیطان بر آنان چیره شده و خدا را از یادشان برده است ؛ آنان حزب شیطانند . آگاه باش که حزب شیطان همان زیانکارانند .

(المجادلة، ١٩)

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ (٢٠)

در حقیقت ، کسانی که با خدا و پیامبر او به دشمنی برمی‌خیزند ، آنان در [زمره] ذبونان خواهند بود .

(المجادلة، ٢٠)

كُتِبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (٢١)

خدا مقرر کرده است که : « حتماً من و فرستادگانم چیره خواهیم گردید . » آری ، خدا نیرومند شکست‌ناپذیر است .

(المجادلة، ٢١)

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَ يُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَّا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (٢٢)

قومی را نیابی که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند [و] کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت کرده‌اند هر چند پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا عشیره آنان باشند دوست یابند . در دل اینهاست که [خدا] ایمان را نوشته و آنها را با روحی از جانب خود تأیید کرده است ، و آنان را به بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن جویهایی روان است در می‌آورد ؛ همیشه در آنجا ماندگارند ؛ خدا از ایشان خشنود و آنها از او خشنودند ؛ اینانند حزب خدا . آری ، حزب خداست که رستگارند .

(المجادلة، ٢٢)

ترتیبها- ٥٩	سوره الحشر	مدنی-آیاتها- ٢٤
-------------	------------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (٠)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الحشر، ٠)

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (١)

آنچه در آسمانها و در زمین است تسبیح‌گوی خدای هستند ، و اوست شکست‌ناپذیر سنجیده‌کار .

(الحشر، ١)

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَن يَخْرُجُوا وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَ قَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَ أَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ (٢)

اوست کسی که ، از میان اهل کتاب کسانی را که کفر ورزیدند در نخستین اخراج [از مدینه] بیرون کرد . گمان نمی‌کردید که بیرون روند و خودشان گمان داشتند که دژهایشان در برابر خدا مانع آنها خواهد بود ، و [لی] خدا از آنجایی که تصور نمی‌کردند بر آنان درآمد و در دل‌هایشان بیم افکند ، [به طوری که] خود به دست خود و دست مؤمنان خانه‌های خود را خراب می‌کردند . پس ای دیده‌وران ، عبرت بگیرید .

(الحشر، ٢)

وَ لَوْ لَا أَنَّنْ كُتِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءُ لَعُدَّتْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ (٣)

و اگر خدا این جلائی وطن را بر آنان مقرر نکرده بود ، قطعاً آنها را در دنیا عذاب می‌کرد و در آخرت [هم] عذاب آتش داشتند .

(الحشر، ٣)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ مَنْ يَشَاقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (٤)

این [عقوبت] برای آن بود که آنها با خدا و پیامبرش در افتادند ؛ و هر کس با خدا در افتد ؛ [بداند که] خدا سخت‌کفر است .

(الحشر، ۴)

مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لَبَنَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَ لِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ (۵)

آنچه درخت خرما بریدید یا آنها را [دست نخورده] بر ریشه‌هایشان بر جای نهادید ، به فرمان خدا بود ، تا نافرمانان را خوار گرداند .

(الحشر، ۵)

وَ مَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَ لَا رِكَابٍ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۶)

و آنچه را خدا از آنان به رسم غنیمت عاید پیامبر خود گردانید ، [شما برای تصاحب آن] اسب یا شتری بر آن نتاختید ، ولی خدا فرستادگانش را بر هر که بخواهد چیره می‌گرداند ، و خدا بر هر کاری تواناست .

(الحشر، ۶)

مَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِيِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْبَيْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۷)

آنچه خدا از [دارایی] ساکنان آن قریه‌ها عاید پیامبرش گردانید ، از آن خدا و از آن پیامبر [او] و متعلق به خویشاوندان نزدیک [وی] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است ، تا میان توانگران شما دست به دست نگرند . و آنچه را فرستاده [او] به شما داد ، آن را بپذیرید و از آنچه شما را باز داشت ، بازایستید و از خدا پروا بدارید که خدا سخت‌کفر است .

(الحشر، ۷)

لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ أَمْوَالِهِمْ يُبْتَغَىٰ فَرَضًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا وَ يُنْصَرُونَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (۸)

[این غنایم ، نخست] اختصاص به بینوایان مهاجری دارد که از دیارشان و اموالشان رانده شدند ؛ خواستار فضل خدا و خشنودی [او] می‌باشند و خدا و پیامبرش را یاری می‌کنند . اینان همان مردم درست‌کردارند .

(الحشر، ۸)

وَ الَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَ الْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَ لَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَ يُوَثِّرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۹)

و [نیز] کسانی که قبل از [مهاجران] در [مدینه] جای گرفته و ایمان آورده‌اند ؛ هر کس را که به سوی آنان کوچ کرده دوست دارند ؛ و نسبت به آنچه به ایشان داده شده است در دل‌هایشان حسدی نمی‌یابند ؛ و هر چند در خودشان احتیاجی [مبرم] باشد ، آنها را بر خودشان مقدم می‌دارند . و هر کس از خست نفس خود مصون ماند ، ایشانند که رستگارانند .

(الحشر، ۹)

وَ الَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَ لَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ (۱۰)

و [نیز] کسانی که بعد از آنان [مهاجران و انصار] آمده‌اند [و] می‌گویند : « پروردگارا ، بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند ببخشای ، و در دل‌هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند [هیچ گونه] کینه‌ای مگذار . پروردگارا ، راستی که تو رؤوف و مهربانی . »

(الحشر، ۱۰)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَأْفَقُوا لِقَوْلِ رَبِّنَا اِفْكُوا كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَنْ أَخْرِجَكُمْ تَنْخَرِجُنَّ مَعَكُمْ وَ لَا نَطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَ إِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۱۱)

مگر کسانی را که به نفاق برخاستند ندیدی که به برادران اهل کتاب خود که از در کفر درآمده بودند می‌گفتند : « اگر اخراج شدید ، حتماً با شما بیرون خواهیم آمد ، و بر علیه شما هرگز از کسی فرمان نخواهیم برد ؛ و اگر با شما جنگیدند ، حتماً شما را یاری خواهیم کرد . » و خدا گواهی می‌دهد که قطعاً آنان دروغ‌گویانند .

(الحشر، ۱۱)

لَنْ أَخْرِجُوا لِأَخْرِجُونَا مَعَهُمْ وَ لَنْ قُوتِلُوا لِأَنْ نُنْصُرَهُمْ وَ لَنْ نَصْرُوهُمْ لِيُؤَلِّقُوا الْأَنْبَارَ ثُمَّ لَا يُنْصَرُونَ (۱۲)

اگر [یهود] اخراج شوند ، آنها با ایشان بیرون نخواهند رفت ، و اگر علیه آنان جنگی درگیرد [منافقان] ، آنها را یاری نخواهند کرد ، و اگر یاریشان کنند حتماً [در جنگ] پشت خواهند کرد و [دیگر] یاری نیابند .

(الحشر، ۱۲)

لَأَنْتُمْ أَشَدُّ زُهْمَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (۱۳)

شما قطعاً در دل‌های آنان بیش از خدا مایه هراسید ، چرا که آنان مردمانی‌اند که نمی‌فهمند .

(الحشر، ۱۳)

لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي فُرَى مُخَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ (۱۴)

[آنان ، به صورت] دسته جمعی ، جز در قریه‌هایی که دارای استحکاماتند ، یا از پشت دیوارها ، با شما نخواهند جنگید . جنگشان میان خودشان سخت است . آنان را متحد می‌ننداری و [لی] دل‌هایشان پراکنده است ، زیرا آنان مردمانی‌اند که نمی‌اندیشند .

(الحشر، ۱۴)

كَمَثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا دَافُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۵)

درست مانند همان کسانی که اخیراً [در واقعه بدر] سزای کار [بد] خود را چشیدند ؛ و آنان را عذاب دردناکی خواهد بود .

(الحشر، ۱۵)

كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (۱۶)

چون حکایت شیطان که به انسان گفت : « کافر شو . » و چون [وی] کافر شد ، گفت : « من از تو بیزارم ، زیرا من از خدا ، پروردگار جهانیان ، می‌ترسم . »

(الحشر، ۱۶)

فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ (۱۷)

و فرجام هردویشان آن است که هر دو در آتش ، جاوید می‌مانند ؛ و سزای ستمگران این است .

(الحشر، ۱۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَتَنْظُرُنَّ نَفْسَ مَا قَدَّمْتُمْ لِعَدُوِّ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، از خدا پروا دارید ؛ و هر کسی باید بنگرد که برای فردا [ی خود] از پیش چه فرستاده است ؛ و [باز] از خدا بترسید . در حقیقت ، خدا به آنچه می‌کنید آگاه است .

(الحشر، ۱۸)

وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۱۹)

و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و او [نیز] آنان را دچار خودفراموشی کرد ؛ آنان همان نافرمانانند .

(الحشر، ۱۹)

لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ (۲۰)

دوزخیان با بهشتیان یکسان نیستند ؛ بهشتیانند که کامیابانند .

(الحشر، ۲۰)

لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنُضْرِبَ بِهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (۲۱)

اگر این قرآن را بر کوهی فرومی‌فرستادیم ، یقیناً آن [کوه] را از بیم خدا فروتن [و] از هم پاشیده می‌دیدیم . و این مثلها را برای مردم می‌زنیم ، باشد که آنان بیندیشند .

(الحشر، ۲۱)

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (۲۲)

اوست خدایی که غیر از او معبودی نیست ، داننده غیب و آشکار است ، اوست رحمتگر مهربان .

(الحشر، ۲۲)

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۲۳)

اوست خدایی که جز او معبودی نیست ؛ همان فرمانروای پاک سلامت [بخش ، و] مؤمن [به حقیقت حقّه خود که] نگهبان ، عزیز ، جبار [و] متکبر [است] . پاک است خدا از آنچه [با او] شریک می‌گردانند .

(الحشر، ۲۳)

هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲۴)

اوست خدای خالق نوساز صورتگر [که] بهترین نامها [و صفات] از آن اوست . آنچه در آسمانها و زمین است [جمله] تسبیح او می‌گویند و او عزیز حکیم است .

(الحشر، ۲۴)

ترتیبها- ۶۰	سوره الممتحنه	مدنی-آیاتها- ۱۳
-------------	---------------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الممتحنه، ۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخْذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْفُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، دشمن من و دشمن خودتان را به دوستی برنگیرید [به طوری] که با آنها اظهار دوستی کنید ، و حال آنکه قطعاً به آن حقیقت که برای شما آمده کافرند [و] پیامبر [خدا] و شما را [از مکّه] بیرون می‌کنند که [چرا] به خدا ، پروردگارتان ایمان آورده‌اید ، اگر برای جهاد در راه من و طلب خشنودی من بیرون آمده‌اید . [شما] پنهانی با آنان رابطه دوستی برقرار می‌کنید در حالی که من به آنچه پنهان داشتید و آنچه آشکار نمودید دانانم . و هر کس از شما چنین کند ، قطعاً از راه درست منحرف گردیده است .

(الممتحنه، ۱)

إِنْ يَتَّقَوْكُمْ يَخُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءَ وَ يُبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتُهُمْ بِالسُّوءِ وَ وُدُّوا نُو تَخْفَرُونَ (۲)

اگر بر شما دست یابند ، دشمن شما باشند و بر شما به بدی دست و زبان بگشایند و آرزو دارند که کافر شوید .

(الممتحنه، ۲)

لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَ لَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصَلُ بَيْنَكُمْ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۳)

روز قیامت نه خویشان شما و نه فرزندانان هرگز به شما سود نمی‌رسانند . [خدا] میانتان فیصله می‌دهد ، و خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست .

(الممتحنه، ۳)

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ الَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَ بَدَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَ الْبُغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَ خُذْهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتغْفِرَ لَكَ وَ مَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَ عَلَيْكَ آئِنْنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ (۴)

قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکوست : آن گاه که به قوم خود گفتند : « ما از شما و از آنچه به جای خدا می‌پرستید بیزاریم . به شما کفر می‌ورزیم و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شده تا وقتی که فقط به خدا ایمان آورید . » جز [در] سخن ابراهیم [که] به [نا] پدر [ی] خود [گفت :] « حتماً برای تو آموزش خواهم خواست ، با آنکه در برابر خدا اختیار چیزی را برای تو ندارم . » ای پروردگار ما ! بر تو اعتماد کردیم و به سوی تو بازگشتیم و فرجام به سوی توست .

(الممتحنه، ۴)

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَ اغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۵)

پروردگارا ، ما را وسیله آزمایش [و آماج آزار] برای کسانی که کفر ورزیده‌اند مگردان ، و بر ما ببخشای که تو خود توانای سنجیده‌کاری . «

(الممتحنه، ۵)

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ مَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۶)

قطعاً برای شما در [پیروی از] آنان سرمشقی نیکوست [یعنی] برای کسی که به خدا و روز بازپسین امید می‌بندد . و هر کس روی برتابد [بداند که] خدا همان بی‌نیاز ستوده [صفات] است .

(الممتحنه، ۶)

عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَ اللَّهُ قَدِيرٌ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۷)

امید است که خدا میان شما و میان کسانی از آنان که [ایشان را] دشمن داشتید ، دوستی برقرار کند ، و خدا تواناست ، و خدا آمرزنده مهربان است .

(الممتحنه، ۷)

لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُحْسِنُوا إِلَيْهِمْ إِنْ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (۸)

[اما] خدا شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند ، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید ، زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد .

(الممتحنة، ۸)

إِنَّمَا يَنْهَأَهُمُ اللَّهُ عَنِ الذِّينِ قَاتَلُوهُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوهُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۹)

فقط خدا شما را از دوستی با کسانی باز می‌دارد که در [کار] دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه‌هایتان بیرون رانده و در بیرون‌راندنتان با یکدیگر همپستی کرده‌اند . و هر کس آنان را به دوستی گیرد ، آنان همان ستمگرانند .

(الممتحنة، ۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حَلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُنَّ مَا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفَارِ وَاسْأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلَا تُسْأَلُوا مَا أَنْفَقُوا ذَلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ بِخُكْمٍ بَيْنَكُمْ وَ اللَّهِ عَلَيْهِ حَكِيمٌ (۱۰)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، چون زنان با ایمان مهاجر ، نزد شما آیند آنان را بیازمایید . خدا به ایمان آنان داناتر است . پس اگر آنان را باایمان تشخیص دادید ، دیگر ایشان را به سوی کافران بازنگردانید : نه آن زنان بر ایشان حلالند و نه آن [مردان] بر این زنان حلال . و هر چه خرج [این زنان] کرده‌اند به [شوهران] آنها بدهید ، و بر شما گناهی نیست که در صورتی که مهرشان را به آنان بدهید با ایشان ازدواج کنید ، و به پیوندهای قبلی کافران متمسک نشوید [و پایبند نباشید] و آنچه را شما [برای زنان مرد و فراری خود که به کفار پناهنده شده‌اند] خرج کرده‌اید ، [از کافران] مطالبه کنید ، و آنها هم باید آنچه را خرج کرده‌اند [از شما] مطالبه کنند . این حکم خداست [که] میان شما داوری می‌کند ، و خدا دانای حکیم است .

(الممتحنة، ۱۰)

وَإِنْ فَاتَكُمْ سَيِّءٌ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعاقِبْتُمْ فَانْتُوا الَّذِينَ دَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ مِثْلَ مَا أَنْفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ (۱۱)

و در صورتی که [زنی] از همسران شما به سوی کفار رفت [و کفار مهر مورد مطالبه شما را ندادند] و شما غنیمت یافتید ؛ پس به کسانی که همسرانشان رفته‌اند ، معادل آنچه خرج کرده‌اند بدهید ، و از آن خدایی که به او ایمان دارید بترسید .

(الممتحنة، ۱۱)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ بِبَيْعَتِكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ قَبَائِعَهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۲)

ای پیامبر ، چون زنان باایمان نزد تو آیند که [با این شرط] با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نسازند ، و دزدی نکنند ، و زنا نکنند ، و فرزندان خود را نکشند ، و بچه‌های حرامزاده‌ای را که پس انداخته‌اند با بهتان [و حيله] به شوهر نبندند ، و در [کار] نیک از تو نافرمانی نکنند ، با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه ، زیرا خداوند آمرزنده مهربان است .

(الممتحنة، ۱۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ بَيَّسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا بَيَّسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ (۱۳)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، مردمی را که خدا بر آنان خشم رانده ، به دوستی مگیرید . آنها واقعاً از آخرت سلب امید کرده‌اند ، همان گونه که کافران اهل گور قطع امید نموده‌اند .

(الممتحنة، ۱۳)

ترتیبها- ۶۱	سوره الصف	مدنی- آیاتها- ۱۴
-------------	-----------	------------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الصف، ۰)

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱)

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است به تسبیح خدا می‌پردازند ، و اوست ارجمند حکیم .

(الصف، ۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ (۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید ؟

(الصف، ۲)

كَبِيرٌ مَّقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ (۳)

نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید .

(الصف، ۳)

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُومٌ (۴)

در حقیقت ، خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف ، چنان که گویی بنایی ریخته شده از سرباند ، جهاد می‌کنند .

(الصف، ۴)

وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تَقُولُونَ لِمَ تَقُولُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِنَّي رَسُولُ اللَّهِ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۵)

و [یاد کن] هنگامی را که موسی به قوم خود گفت : « ای قوم من ، چرا آزارم می‌دهید ، با اینکه می‌دانید من فرستاده خدا به سوی شما هستم ؟ » پس چون [از حق] برگشتند ، خدا دل‌هایشان را برگردانید ، و خدا مردم نافرمان را هدایت نمی‌کند .

(الصف، ۵)

وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ (۶)

و هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت : « ای فرزندان اسرائیل ، من فرستاده خدا به سوی شما هستم . تورات را که پیش از من بوده تصدیق می‌کنم و به فرستاده‌ای که پس از من می‌آید و نام او « احمد » است بشارت‌تکرم . « پس وقتی برای آنان دلایل روشن آورد ، گفتند : « این سحری آشکار است . »

(الصف، ۶)

وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَ هُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۷)

و چه کسی ستمگرتر از آن کس است که با وجود آنکه به سوی اسلام فراخوانده می‌شود ، بر خدا دروغ می‌بندد ؟ و خدا مردم ستمگر را راه نمی‌نماید .

(الصف، ۷)

يُرِيدُونَ لِيُطْفَئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللَّهُ مَعِمُّ نُورِهِ وَ نُورِ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۸)

می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا گر چه کافران را ناخوش آفتد نور خود را کامل خواهد گردانید .

(الصف، ۸)

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (۹)

اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد ، تا آن را بر هر چه دین است فائق گرداند ، هر چند مشرکان را ناخوش آید .

(الصف، ۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (۱۰)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، آیا شما را بر تجارتی راه نمایم که شما را از عذابی دردناک می‌رهاند ؟

(الصف، ۱۰)

تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۱)

به خدا و فرستاده او بگروید و در راه خدا با مال و جان‌تان جهاد کنید . این [گذشت و فداکاری] اگر بدانید ، برای شما بهتر است .

(الصف، ۱۱)

يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ يُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ مَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۲)

تا گناهانتان را بر شما ببخشد ، و شما را در باغهایی که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است و [در] سراهایی خوش ، در بهشتهای همیشگی درآورد . این [خود] کامیابی بزرگ است .

(الصف، ۱۲)

وَ الْآخِرَىٰ تَحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ وَ بَشِيرٌ الْمُؤْمِنِينَ (۱۳)

۶۰۴ / ۵۰۱

و [رحمتی] دیگر که آن را دوست دارید : یاری و پیروزی نزدیکی از جانب خداست . و مؤمنان را [بدان] بشارت ده .

(الصف، ۱۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَنَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ (۱۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، یاران خدا باشید ، همان گونه که عیسی بن مریم به حواریون گفت : « یاران من در راه خدا چه کسانی‌اند ؟ » حواریون گفتند : « ما یارانِ خداییم . » پس طایفه‌ای از بنی اسرائیل ایمان آوردند و طایفه‌ای کفر ورزیدند ، و کسانی را که گرویده بودند ، بر دشمنانشان یاری کردیم تا چیره شدند .

(الصف، ۱۴)

ترتیبها-۶۲	سوره الجمعة	مدنی-آیاتها-۱۱
------------	-------------	----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الجمعة، ۰)

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۱)

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است ، خدایی را که پادشاه پاک ارجمند فرزانه است ، تسبیح می‌گویند .

(الجمعة، ۱)

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۲)

اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت ، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد ، و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند .

(الجمعة، ۲)

وَ آخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳)

و [نیز بر جماعت‌هایی] دیگر از ایشان که هنوز به آنها نپیوسته‌اند . و اوست ارجمند سنجیده‌کار .

(الجمعة، ۳)

ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۴)

این فضل خداست ، آن را به هر که بخواهد عطا می‌کند و خدا دارای فضل بسیار است .

(الجمعة، ۴)

مَثَلُ الَّذِينَ خُمِلُوا الثَّورَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵)

مثل کسانی که [عمل به] تورات بر آنان بار شد [و بدان مکلف گردیدند] آن گاه آن را به کار نیستند ، همچون مثل خری است که کتابهایی را بر پشت می‌کشد . [وه] چه زشت است وصف آن قومی که آیات خدا را به دروغ گرفتند . و خدا مردم ستمگر را راه نمی‌نماید .

(الجمعة، ۵)

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۶)

بگو : « ای کسانی که یهودی شده‌اید ، اگر پندارید که شما دوستان خدایید نه مردم دیگر ، پس اگر راست می‌گویید درخواست مرگ کنید . »

(الجمعة، ۶)

وَ لَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيهِمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (۷)

و [لی] هرگز آن را به سبب آنچه از پیش به دست خویش کرده‌اند ، آرزو نخواهند کرد ، و خدا به [حال] ستمگران داناست .

(الجمعة، ۷)

قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۸)

بگو: « آن مرگی که از آن می‌گریزید ، قطعاً به سر وقت شما می‌آید ؛ آن گاه به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانیده خواهید شد ، و به آنچه [در روی زمین] می‌کردید ، آگاهتان خواهد کرد . »

(الجمعة، ۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، چون برای نماز جمعه ندا در داده شد ، به سوی ذکر خدا بشتابید ، و داد و ستد را واگذارید . اگر بدانید این برای شما بهتر است .

(الجمعة، ۹)

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَ ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۱۰)

و چون نماز گزارده شد ، در [روی] زمین پراکنده گردید و فضل خدا را جویا شوید و خدا را بسیار یاد کنید ، باشد که شما رستگار گردید .

(الجمعة، ۱۰)

وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَ تَزَكَّوْكَ فَإِذَا قُلْنَا مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوَ وَ مِنَ التَّجَارَةِ وَ اللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۱۱)

و چون داد و ستد یا سرگرمی ببینند ، به سوی آن روی آور می‌شوند ، و تو را در حالی که ایستاده‌ای ترك می‌کنند . بگو: « آنچه نزد خداست از سرگرمی و از داد و ستد بهتر است ، و خدا بهترین روزی‌دهندگان است . »

(الجمعة، ۱۱)

ترتیبها- ۶۳	سوره المنافقون	مدنی-آیاتها- ۱۱
-------------	----------------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(المنافقون، ۰)

إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ (۱)

چون منافقان نزد تو آیند گویند: « گواهی می‌دهیم که تو واقعاً پیامبر خدایی . » و خدا [هم] می‌داند که تو واقعاً پیامبر او هستی ، و خدا گواهی می‌دهد که مردم دوچهره سخت دروغگویند .

(المنافقون، ۱)

اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲)

سوگندهای خود را [چون] سپری بر خود گرفته و [مردم را] از راه خدا بازداشته‌اند . راستی که آنان چه بد می‌کنند .

(المنافقون، ۲)

ذَلِكِ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ (۳)

این بدان سبب است که آنان ایمان آورده ، سپس به انکار پرداخته‌اند و در نتیجه بر دل‌هایشان مهر زده شده و [دیگر] نمی‌فهمند .

(المنافقون، ۳)

وَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَ أَنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشُبٌ مُسْنَدَةٌ يَخْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ (۴)

و چون آنان را ببینی ، هیكله‌ایشان تو را به تعجب وامی‌دارد ، و چون سخن گویند به گفتارشان گوش فرا می‌دهی گویی آنان شمعک‌هایی پشت بر دیوارند [که پوك شده و درخور اعتماد نیستند] : هر فریادی را به زبان خویش می‌پندارند . خودشان دشمنند ؛ از آنان بپرهیز ؛ خدا بکشدشان ؛ تا کجا [از حقیقت] انحراف یافته‌اند .

(المنافقون، ۴)

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَفْغِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّأُ رُءُوسُهُمْ وَ رَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَ هُمْ مُسْتَكْبِرُونَ (۵)

و چون بدیشان گفته شود: « بیایید تا پیامبر خدا برای شما آمرزش بخواهد » ، سرهای خود را بر می‌گردانند ، و آنان را می‌بینی که تکبرکنان روی برمی‌تابند .

(المنافقون، ۵)

سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۶)

برای آنان یکسان است : چه بر ایشان آمرزش بخواهی یا بر ایشان آمرزش نخواهی ، خدا هرگز بر ایشان نخواهد بخشود . خدا فاسقان را راهنمایی نمی‌کند .

(المنافقون، ۶)

هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَىٰ مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا وَبِئْسَ الْفِرْعَافَ وَاللَّيْلِ مِنَ الْمُنَافِقِينَ لَأَيُّهَا لِيُفْقَهُوا (۷)

آنان کسانی‌اند که می‌گویند : « به کسانی که نزد پیامبر خدایند انفاق مکنید تا پراکنده شوند ، و حال آنکه گنجینه‌های آسمانها و زمین از آن خداست ولی منافقان در نمی‌یابند .

(المنافقون، ۷)

يَقُولُونَ لَنْ نَرَجِعَ إِلَى الْمَدِينَةِ لِنُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَبِئْسَ الْبِعْرَةَ وَبِئْسَ الْوَسِيلَةَ إِلَى الْمُؤْمِنِينَ وَبِئْسَ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۸)

می‌گویند : « اگر به مدینه برگردیم ، قطعاً آنکه عزتمندتر است آن زیون‌تر را از آنجا بیرون خواهد کرد . » و [لی] عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است ؛ لیکن این دورویان نمی‌دانند .

(المنافقون، ۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، [زنها] اموال شما و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نگردانند ، و هر کس چنین کند ، آنان خود زیانکارانند .

(المنافقون، ۹)

وَ أَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَّ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْ لَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ (۱۰)

و از آنچه روزی شما گردانیده‌ایم ، انفاق کنید ، پیش از آنکه یکی از شما را مرگ فرا رسد و بگوید : « پروردگارا ، چرا تا مدتی بیشتر [اجل] مرا به تأخیر نینداختی تا صدقه دهم و از نیکوکاران باشم ؟ »

(المنافقون، ۱۰)

و لَنْ يُؤَخَّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۱)

و [لی] هر کس اجلش فرا رسد ، هرگز خدا [آن را] به تأخیر نمی‌افکند ، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است .

(المنافقون، ۱۱)

مدنی-آیاتها-۱۸	سوره التباين	ترتیبها-۶۴
----------------	--------------	------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(التباين، ۱۰)

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱)

هر چه در آسمانها و هر چه در زمین است خدا را تسبیح می‌گویند . او راست فرمانروایی و او راست سپاس و او بر هر چیزی تواناست .

(التباين، ۱)

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَ مِنْكُمْ مُؤْمِنٌ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۲)

اوست آن کس که شما را آفرید ؛ برخی از شما کافرند و برخی مؤمن و خدا به آنچه می‌کنید بیناست .

(التباين، ۲)

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ صَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۳)

آسمانها و زمین را به حق آفرید و شما را صورتگری کرد و صورتهایتان را نیکو آراست ، و فرجام به سوی اوست .

(التباين، ۳)

يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسْرُونَ وَ مَا تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (٤)

آنچه را که در آسمانها و زمین است می‌داند ، و آنچه را که پنهان می‌کنید و آنچه را که آشکار می‌دارید [نیز] می‌داند ، و خدا به راز دلها داناست .

(التغابن، ٤)

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (٥)

آیا خبر کسانی که پیش از این کفر ورزیدند ، و فرجام بد کارشان را چشیدند و عذاب پردردی خواهند داشت ، به شما نرسیده است ؟

(التغابن، ٥)

ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (٦)

این [بدفرجامی] از آن روی بود که پیامبرانشان دلایل آشکار بر ایشان می‌آوردند و [لی] آنان [می] گفتند : « آیا بشری ما را هدایت می‌کند ؟ » پس کافر شدند و روی گردانیدند و خدا بی‌نیازی نمود ، و خدا بی‌نیاز ستوده است .

(التغابن، ٦)

زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَىٰ اللَّهِ يَسِيرٌ (٧)

کسانی که کفر ورزیدند ، پنداشتند که هرگز برانگیخته نخواهند شد . بگو : « آری ، سوگند به پروردگارم ، حتماً برانگیخته خواهید شد ، سپس شما را به [حقیقت] آنچه کرده‌اید قطعاً واقف خواهند ساخت ، و این بر خدا آسان است . »

(التغابن، ٧)

فَأْمُرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (٨)

پس به خدا و پیامبر او و آن نوری که ما فرو فرستادیم ایمان آورید ، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است .

(التغابن، ٨)

يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجُمُعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَ مَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَ يَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (٩)

روزی که شما را برای روز گردآوری ، گرد می‌آورد ، آن [روز] ، روز حسرت [خوردن] است ، و هر کس به خدا ایمان آورده ، و کار شایسته‌ای کرده باشد ، بدیهایش را از او بستاند ، و او را در بهشتهایی که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است درآورد . در آنجا بمانند . این است همان کامیابی بزرگ .

(التغابن، ٩)

وَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَ بئسَ الْمَصِيرُ (١٠)

و کسانی که کفر ورزیده ، و آیات ما را تکذیب کرده‌اند ، آنان اهل آتشند [و] در آن ماندگار خواهند بود ، و چه بد سرانجامی است .

(التغابن، ١٠)

مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ مَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (١١)

هیچ مصیبتی جز به اذن خدا نرسد ، و کسی که به خدا بگردد ، دلش را به راه آورد ، و خدا [ست که] به هر چیزی داناست .

(التغابن، ١١)

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (١٢)

و خدا را فرمان برید و پیامبر [او] را اطاعت نمایید ، و اگر روی بگردانید ، بر پیامبر ما فقط پیام‌رسانی آشکار است .

(التغابن، ١٢)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ عَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (١٣)

خدا [ست که] جز او معبودی نیست ، و مؤمنان باید تنها بر خدا اعتماد کنند .

(التغابن، ١٣)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَ إِنْ تَعَفَّوْا وَ تَصَفَّحُوا وَ تَغْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (١٤)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، در حقیقت برخی از همسران شما و فرزندان شما دشمن شمایند ، از آنان بر حذر باشید ، و اگر ببخشایید و درگذرید و ببخشایید ، به راستی خدا آمرزنده مهربان است .

(التغابن، ۱۴)

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (۱۵)

اموال شما و فرزندانان صرفاً [وسیله] آزمایشی [برای شما] بند ، و خداست که نزد او پاداشی بزرگ است .

(التغابن، ۱۵)

فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَنْطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱۶)

پس تا می‌توانید از خدا پروا بدارید و بشنوید و فرمان ببرید ، و مالی برای خودتان [در راه خدا] انفاق کنید ، و کسانی که از خست نفس خویش مصون مانند ، آنان رستگارانند .

(التغابن، ۱۶)

إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ خَلِيمٌ (۱۷)

اگر خدا را وامی نیکو دهید ، آن را برای شما دو چندان می‌گرداند و بر شما می‌بخشاید ، و خدا [ست که] سپاس‌پذیر بردبار است .

(التغابن، ۱۷)

عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۱۸)

دانای نهای آشکار [و] ارجمند سنجیده‌کار است .

(التغابن، ۱۸)

ترتیبها- ۶۵	سوره الطلاق	مدنی- آیاتها- ۱۲
-------------	-------------	------------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الطلاق، ۰)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُخْدِتُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا (۱)

ای پیامبر ، چون زنان را طلاق گوئید ، در [زمان‌بندی] عده آنان طلاقشان گوئید و حساب آن عده را نگه دارید ، و از خدا ، پروردگارتان بترسید . آنان را از خانه‌هایشان بیرون نکنید ، و بیرون نروند مگر آنکه مرتکب کار زشت آشکاری شده باشند . این است احکام الهی . و هر کس از مقررات خدا [پای] فراتر نهد ، قطعاً به خودش ستم کرده است . نمی‌دانی ، شاید خدا پس از این ، پیشامدی پدید آورد .

(الطلاق، ۱)

فَإِذَا بَلَغَ أَجَلُهُنَّ فَامْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذُوَيْ عَدْلِ مِنْكُمْ وَ أَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا (۲)

پس چون عده آنان به سر رسید ، [یا] به شایستگی نگاهشان دارید ، یا به شایستگی از آنان جدا شوید ، و دو تن [مرد] عادل را از میان خود گواه بگیرید ، و گواهی را برای خدا به پا دارید . این است اندرزی که به آن کس که به خدا و روز بازپسین ایمان دارد ، داده می‌شود ، و هر کس از خدا پروا کند ، [خدا] برای او راه بیرون‌شدنی قرار می‌دهد .

(الطلاق، ۲)

وَ يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (۳)

و از جایی که حسابش را نمی‌کند ، به او روزی می‌رساند ، و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است . خدا فرماتش را به انجام رساننده است . به راستی خدا برای هر چیزی اندازه‌ای مقرر کرده است .

(الطلاق، ۳)

وَ اللَّائِي يَسْنَنُ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَ اللَّائِي لَمْ يَحْضَنْ وَ أُولَاتِ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا (۴)

و آن زنان شما که از خون‌دیدن [ماهانه] نومیدند ، اگر شك دارید [که خون می‌بینند یا نه ؟] عده آنان سه ماه است ، و [دخترانی] که [هنوز] خون ندیده‌اند [نیز عده‌شان سه ماه است] ، و زنان آبستن مدتشان این است که وضع حمل کنند ، و هر کس از خدا پروا دارد [خدا] برای او در کارش تسهیلی فراهم سازد .

۶۰۴ / ۵۰۶

(الطلاق، ۴)

ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا (۵)

این است فرمان خدا که آن را به سوی شما فرستاده است ؛ و هر کس از خدا پروا کند ، بدیهایش را از او بزدايد و پاداشش را بزرگ گرداند .

(الطلاق، ۵)

أَسْكِنُوهُمْ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تَضَارُّوهُمْ لِنَصِيْفِهِمْ وَإِنْ كُنْ أَوْلَاتٍ حَمَلٌ فَانْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَتَمْرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَزْتُمْ مُتَضَارِعِينَ لَهُ أُخْرَىٰ (۶)

همانجا که [خود] سکونت دارید ، به قدر استطاعت خویش آنان را جای دهید و به آنها آسیب [و زیان] مرسانید تا عرصه را بر آنان تنگ کنید . و اگر باردارند خرجشان را بدهید تا وضع حمل کنند . و اگر برای شما [بچه] شیر می‌دهند مزدشان را به ایشان بدهید و به شایستگی میان خود به مشورت پردازید ، و اگر کارتان [در این مورد] با هم به دشواری کشید [زن] دیگری [بچه را] شیر دهد .

(الطلاق، ۶)

لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا (۷)

بر توانگر است که از دارایی خود هزینه کند ، و هر که روزی او تنگ باشد باید از آنچه خدا به او داده خرج کند . خدا هیچ کس را جز [به قدر] آنچه به او داده است تکلیف نمی‌کند . خدا به زودی پس از دشواری آسانی فراهم می‌کند .

(الطلاق، ۷)

وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسِبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نَجْرًا (۸)

و چه بسیار شهرها که از فرمان پروردگار خود و پیامبرانش سرپیچیدند و از آنها حسابی سخت کشیدیم و آنان را به عذابی [بس] زشت عذاب کردیم .

(الطلاق، ۸)

فَدَأَتْ وِبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا (۹)

تا کيفر زشت عمل خود را چشیدند ، و پایان کارشان زیان بود .

(الطلاق، ۹)

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا (۱۰)

خدا برای آنان عذابی سخت آماده کرده است . پس ای خردمندان که ایمان آورده‌اید ، از خدا بترسید . راستی که خدا سوی شما تذکاری فرو فرستاده است :

(الطلاق، ۱۰)

رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا (۱۱)

پیامبری که آیات روشنگر خدا را بر شما تلاوت می‌کند ، تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون برد ، و هر کس به خدا بگردد و کار شایسته کند او را در باغهایی که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است ، درمی‌آورد ، جاودانه در آن می‌مانند . قطعاً خدا روزی را برای او خوش کرده است .

(الطلاق، ۱۱)

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا (۱۲)

خدا همان کسی است که هفت آسمان و همانند آنها هفت زمین آفرید . فرمان [خدا] در میان آنها فرود می‌آید ، تا بدانید که خدا بر هر چیزی تواناست ، و به راستی دانش وی هر چیزی را در بر گرفته است .

(الطلاق، ۱۲)

مدنی-آیاتها-۱۲	سوره التحریم	ترتیبها-۶۶
----------------	--------------	------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(التحریم، ۰)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاةَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (١)

ای پیامبر ، چرا برای خشنودی همسرانت ، آنچه را خدا برای تو حلال گردانیده حرام می‌کنی ؟ خدا [ست که] آمرزنده مهربان است .

(التحریم، ١)

قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (٢)

قطعاً خدا برای شما [راه] گشودن سوگندهایتان را مقرر داشته است ، و خدا سرپرست شماست ، و اوست دانای حکیم .

(التحریم، ٢)

وَ إِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ خَدِيثًا فَلَمَّا نَبَأَتْ بِهِ وَ أَظْهَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَ أَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ (٣)

و چون پیامبر با یکی از همسرانش سخنی نهانی گفت ، و همین که وی آن را [به زن دیگر] گزارش داد و خدا [پیامبر] را بر آن مطلع گردانید [پیامبر] بخشی از آن را اظهار کرد و از بخشی [دیگر] اعراض نمود . پس چون [مطلب] را به آن [زن] خبر داد ، وی گفت : « چه کسی این را به تو خبر داده ؟ » گفت : « مرا آن دانای آگاه خبر داده است . »

(التحریم، ٣)

إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ (٤)

اگر [شما دو زن] به درگاه خدا توبه کنید [بهتر است] ، واقعاً دل‌هایتان انحراف پیدا کرده است . و اگر علیه او به یکدیگر کمک کنید ، در حقیقت ، خدا خود سرپرست اوست ، و جبرئیل و صالح مؤمنان [نیز یاور آیند] و گذشته از این ، فرشتگان [هم] پشتیبان [او] خواهند بود .

(التحریم، ٤)

عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ مُؤْمِنَاتٍ مُمِنَاتٍ قَاتِلَاتٍ تَأْتِيَنَّاتٍ سَائِحَاتٍ تُتَّبَعْنَ بِذُنُوبِكُمْ وَأَبْعَارًا (٥)

اگر پیامبر ، شما را طلاق گوید ، امید است پروردگارش همسرانی بهتر از شما : مسلمان ، مؤمن ، فرمانبر ، توبه‌کار ، عابد ، روزه‌دار ، بیوه و دوشیزه به او عوض دهد .

(التحریم، ٥)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا وَ قُودَهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (٦)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، خودتان و کسانی را از آتشی که سوخت آن ، مردم و سنگ‌هاست حفظ کنید : بر آن [آتش] فرشتگانی خشن [و] سختگیر [گمارده شده] اند . از آنچه خدا به آنان دستور داده سرپیچی نمی‌کنند و آنچه را که مأمورند انجام می‌دهند .

(التحریم، ٦)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَبِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْرُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (٧)

ای کسانی که کافر شده‌اید ، امروز عذر نیاورید ، در واقع به آنچه می‌کردید کیفر می‌یابید .

(التحریم، ٧)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمُ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يَدْخُلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بَأْيَمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا آتِنَا رَبَّنَا آمِنًا لَنَا نُورِنَا وَ اعْفُزْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٨)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، به درگاه خدا توبه‌ای راستین کنید ، امید است که پروردگارتان بدیهایتان را از شما بزدايد و شما را به باغهایی که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است درآورد . در آن روز خدا پیامبر [خود] و کسانی را که با او ایمان آورده بودند خوار نمی‌گرداند : نورشان از پیشاپیش آنان ، و سمت راستشان ، روان است . می‌گویند : « پروردگارا ، نور ما را برای ما کامل گردان و بر ما ببخشای ، که تو بر هر چیز توانایی . »

(التحریم، ٨)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفْرَ وَ الْمُنافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَ مَاؤَاهُمْ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ (٩)

ای پیامبر ، با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت گیر [که] جای ایشان در جهنم خواهد بود و چه بد سرانجامی است .

(التحریم، ٩)

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةَ نُوحٍ وَ امْرَأةَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَ قِيلَ انخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاهِلِينَ (١٠)

خدا برای کسانی که کفر ورزیده‌اند ، آن نوح و آن لوط را مثل آورده [که] هر دو در نواح دو بنده از بندگان شایسته ما بودند و به آنها خیانت کردند ، و کاری از دست [شوهران] آنها در برابر خدا ساخته نبود ، و گفته شد : « با داخل شوندگان داخل آتش شوید . »

(التحریم، ۱۰)

وَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةٌ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عُنْدَكَ بِنْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۱۱)

و برای کسانی که ایمان آورده‌اند ، خدا همسر فرعون را مثل آورده ، آن گاه که گفت : « پروردگارا ، پیش خود در بهشت خاتهای برایم بساز ، و مرا از فرعون و کردارش نجات ده ، و مرا از دست مردم ستمگر برهان . »

(التحریم، ۱۱)

وَ مَرْيَمَ ابْنَةَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كَتَبْنَا فِيهَا وَ كَانَتْ مِنَ الْقَائِمِينَ (۱۲)

و مریم دخت عمران را ، همان کسی که خود را پاکدامن نگاه داشت و در او از روح خود دمیدیم و سخنان پروردگار خود و کتابهای او را تصدیق کرد و از فرمانبرداران بود .

(التحریم، ۱۲)

ترتیبها-۶۷	سوره الملك	مکی-آیاتها-۳۰
------------	------------	---------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الملک، ۰)

تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱)

بزرگوار [و خجسته] است آنکه فرمانروایی به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست .

(الملک، ۱)

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَ الْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ (۲)

همان که مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید ، و اوست ارجمند آمرزنده .

(الملک، ۲)

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُتُورٍ (۳)

همان که هفت آسمان را طبقه طبقه بیافرید . در آفرینش آن [خدای] بخشایشگر هیچ گونه اختلاف [و تفاوتی] نمی‌بینی . باز بنگر ، آیا خلل [و نقصانی] می‌بینی ؟

(الملک، ۳)

ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَ هُوَ حَسِيرٌ (۴)

باز دوباره بنگر تا نگاهت زیون و درمانده به سوی بازگردد .

(الملک، ۴)

وَ لَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَ جَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ (۵)

و در حقیقت ، آسمان دنیا را با چراغهایی زینت دادیم و آن را مایه طرد شیاطین [قوای مزاحم] گردانیدیم و برای آنها عذاب آتش فروزان آماده کرده‌ایم .

(الملک، ۵)

وَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَ بئْسَ الْمَصِيرُ (۶)

و کسانی که به پروردگارشان انکار آوردند ، عذاب آتش جهنم خواهند داشت و چه بد سرانجامی است .

(الملک، ۶)

إِذَا ألقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهيقًا وَ هِيَ تَفُورُ (۷)

چون در آنجا افکنده شوند ، از آن خروشی می‌شنوند در حالی که می‌جوشد .

(الملک، ۷)

تَعَادَ تَمَازُزٌ مِنَ الْعَظِيمِ كَلَّمَا أَلْفَى فِيهَا فَوْجَ سَالَتِهِمْ حَزَنَتْهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ (۸)

تزدیک است که از خشم شکافته شود . هر بار که گروهی در آن افکنده شوند ، نگاهبانان آن از ایشان پرسند : « مگر شما را هشداردهنده‌ای نیامد ؟ »
(الملك، ۸)

قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ (۹)

گویند : « چرا ؛ هشداردهنده‌ای به سوی ما آمد و [لی] تکذیب کردیم و گفتیم : خدا چیزی فروفرستاده است ، شما جز در گمراهی بزرگ نیستید . »
(الملك، ۹)

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ (۱۰)

و گویند : « اگر شنیده [و پذیرفته] بودیم یا تعقل کرده بودیم در [میان] دوزخیان نبودیم . »
(الملك، ۱۰)

فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُخِّقُوا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ (۱۱)

پس به گناه خود اقرار می‌کنند . و مرگ باد بر اهل جهنم !
(الملك، ۱۱)

إِنَّ الَّذِينَ يَخْتَفُونَ مِنْهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ (۱۲)

کسانی که در نهان از پروردگارشان می‌ترسند ، آنان را آمرزش و پاداشی بزرگ خواهد بود .
(الملك، ۱۲)

وَأَسْرُوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۱۳)

و [اگر] سخن خود را پنهان دارید ، یا آشکارش نمایید ، در حقیقت وی به راز دلها آگاه است .
(الملك، ۱۳)

أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ (۱۴)

آیا کسی که آفریده است نمی‌داند ؟ با اینکه او خود باریکبین آگاه است .
(الملك، ۱۴)

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ (۱۵)

اوست کسی که زمین را برای شما رام گردانید ، پس در فراخنای آن رهسپار شوید و از روزی [خدا] بخورید و رستاخیز به سوی اوست .
(الملك، ۱۵)

أَأَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ (۱۶)

آیا از آن کس که در آسمان است ایمن شده‌اید که شما را در زمین فروبرد ، پس بناگاه [زمین] به تپیدن افتد ؟
(الملك، ۱۶)

أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ (۱۷)

یا از آن کس که در آسمان است ایمن شده‌اید که بر [سر] شما تندبادی از سنگریزه فروفرستد ؟ پس به زودی خواهید دانست که بیم‌دادن من چگونه است !
(الملك، ۱۷)

وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۱۸)

و پیش از آنان [نیز] کسانی به تکذیب پرداختند پس عذاب من چگونه بود ؟
(الملك، ۱۸)

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرِّحْمُنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ (۱۹)

آیا در بالای سرشان به پرندگان ننگریسته‌اند [که گاه] بال می‌گسترند و [گاه] بال می‌زنند ؟ جز خدای رحمان [کسی] آنها را نگاه نمی‌دارد ، او به هر چیزی بیناست .

(الملك، ۱۹)

أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنَّ الْكَافِرِينَ لَأَ فِي غُرُوبٍ (۲۰)

یا آن کسی که خود برای شما [چون] سپاهی است که یاریتان می‌کند ، جز خدای رحمان کیست ؟ کافران جز گرفتار فریب نیستند .

(الملك، ۲۰)

أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُوا فِي عُتُوٍّ وَ نُفُورٍ (۲۱)

یا کیست آن که به شما روزی دهد اگر [خدا] روزی خود را [از شما] بازدارد ؟ [نه] ! بلکه در سرکشی و نفرت پافشاری کردند .

(الملك، ۲۱)

أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۲۲)

پس آیا آن کس که نگونسار راه می‌پیماید هدایت یافته‌تر است یا آن کس که ایستاده بر راه راست می‌رود ؟

(الملك، ۲۲)

قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (۲۳)

بگو : « اوست آن کس که شما را پدید آورده و برای شما گوش و دیدگان و دلها آفریده است . چه کم سپاس گزارید . »

(الملك، ۲۳)

قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۲۴)

بگو : « اوست که شما را در زمین پراکنده کرده ، و به نزد او [ست که] گرد آورده خواهید شد . »

(الملك، ۲۴)

وَ يَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۲۵)

و می‌گویند : « اگر راست می‌گویید ، این وعده کی خواهد بود ؟ »

(الملك، ۲۵)

قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَ إِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ (۲۶)

بگو : « علم [آن] فقط پیش خداست و من صرفاً هشدار دهنده‌ای آشکارم . »

(الملك، ۲۶)

فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ قِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ (۲۷)

و آن گاه که آن [لحظه موعود] را نزدیک ببینند ، چهره‌های کسانی که کافر شده‌اند در هم رود ، و گفته شود : « این است همان چیزی که آن را فرا می‌خواندید ! »

(الملك، ۲۷)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكْنِي اللَّهُ وَ مَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمْنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (۲۸)

بگو : « به من خبر دهید ، اگر خدا مرا و هر که را با من است هلاک کند یا ما را مورد رحمت قرار دهد ، چه کسی کافران را از عذابی پردرد پناه خواهد داد ؟ »

(الملك، ۲۸)

قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَّنًا بِهِ وَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۲۹)

بگو : « اوست خدای بخشایشگر ، به او ایمان آوردیم ، و بر او توکل کردیم . و به زودی خواهید دانست چه کسی است که خود در گمراهی آشکاری است . »

(الملك، ۲۹)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غُورًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ (۳۰)

بگو : « به من خبر دهید ، اگر آب [آشامیدنی] شما [به زمین] فرو رود ، چه کسی آب روان برایتان خواهد آورد ؟ »

مکی-ایاتها-۵۲	سوره القلم	ترتیبها-۶۸
---------------	------------	------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(القلم، ۰)

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ (۱)

نون ، سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند ،

(القلم، ۱)

مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ (۲)

[که] تو ، به لطف پروردگارت ، دیوانه نیستی .

(القلم، ۲)

وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ (۳)

و بی‌گمان ، تو را پاداشی بی‌منت خواهد بود .

(القلم، ۳)

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ (۴)

و راستی که تو را خوبی والاست !

(القلم، ۴)

فَسْتَبْصِرْ وَ تُبْصِرُونَ (۵)

به زودی خواهی دید و خواهند دید ،

(القلم، ۵)

بِأَيْخُمِ الْمُفْتُونِ (۶)

[که] کدام یک از شما دستخوش جنونید .

(القلم، ۶)

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّٰ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۷)

پروردگارت خود بهتر می‌داند چه کسی از راه او منحرف شده ، و [هم] او به راه یافتگان داناست .

(القلم، ۷)

فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ (۸)

پس ، از دروغزنان فرمان مبر .

(القلم، ۸)

وَدُّوا نُؤُ ثُو تَدْهَنُ قَيْدَهُنَّ (۹)

دوست دارند که نرمی کنی تا نرمی نمایند .

(القلم، ۹)

وَ لَا تُطِعِ كُلَّ خَلَّافٍ مَّهِينٍ (۱۰)

و از هر قَسَم‌خورنده فرومایه‌ای فرمان میر :

(القلم، ۱۰)

هَمَّازٍ مَشَاءٍ بِنَمِيمٍ (۱۱)

[که] عیبجوست و برای خبرچینی گام برمی‌دارد ،

(القلم، ۱۱)

مَنَاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ (۱۲)

مانع خیر ، متجاوز ، گناه پیشه ،

(القلم، ۱۲)

عُتِلَ بَعْدَ ذَلِكَ زَيْمٍ (۱۳)

گستاخ ، [و] گذشته از آن زنزاده است ،

(القلم، ۱۳)

أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَ بَنِينَ (۱۴)

به صرف اینکه مالدار و پسر دار است ،

(القلم، ۱۴)

إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالِ اسَاطِيرُ الْأُولِينَ (۱۵)

چون آیات ما بر او خوانده شود ، گوید : « افسانه‌های پیشینیان است . »

(القلم، ۱۵)

سَتَسْمُهُ عَلَى الْخُرُطُومِ (۱۶)

زودا که بر بینی‌اش داغ نهیم [و رسوایش کنیم] .

(القلم، ۱۶)

إِنَّا بَلَوْنَا هُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ (۱۷)

ما آنان را همان گونه که باغداران را آزمودیم ، مورد آزمایش قرار دادیم ، آن گاه که سوگند خوردند که صبح برخیزند و [میوه] آن [باغ] را حتماً بچینند .

(القلم، ۱۷)

وَلَا يَسْتَنْتُونَ (۱۸)

و [لی] « ان شاء اللّٰه » نگفتند .

(القلم، ۱۸)

فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَ هُمْ نَائِمُونَ (۱۹)

پس در حالی که آنان غنوده بودند ، بلایی از جانب پروردگارت بر آن [باغ] به گردش درآمد .

(القلم، ۱۹)

فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ (۲۰)

و [باغ] ، [آفت زده] و زمین بایر [گردید] .

(القلم، ۲۰)

فَتَنَادُوا مُصْبِحِينَ (۲۱)

پس [باغداران] بامدادان یکدیگر را صدا زدند ،

(القلم، ۲۱)

أَنْ اَعْدُوا عَلٰى حَزْبِكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صَارِمِيْنَ (۲۲)

که : « اگر میوه میچینید ، بامدادان به سوی کشت خویش روید . »

(القلم، ۲۲)

فَاَنْطَلَقُوا وَ هُمْ بِتَخَافَتُوْنَ (۲۳)

پس به راه افتادند و آهسته به هم میگفتند

(القلم، ۲۳)

أَنْ لَا يَدْخُلْنَهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِيْنَ (۲۴)

که : امروز نباید در باغ بینوایی بر شما درآید . »

(القلم، ۲۴)

وَ اَعْدُوا عَلٰى حَزْبٍ قَادِرِيْنَ (۲۵)

و صبحگاهان در حالی که خود را بر منع [بینوایان] توانا میدیدند ، رفتند .

(القلم، ۲۵)

فَلَمَّا رَاَوْهَا قَالُوا اِنَّا لَضَالُوْنَ (۲۶)

و چون [باغ] را دیدند ، گفتند : « قطعاً ما راه گم کردهایم .

(القلم، ۲۶)

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُوْنَ (۲۷)

[نه !] بلکه ما محرومیم . »

(القلم، ۲۷)

قَالَ اَوْسَطُهُمْ اَلَمْ اَقُلْ لَكُمْ لَوْ لَا تَسْبُحُوْنَ (۲۸)

خردمندترینشان گفت : « آیا به شما نگفتم : چرا خدا را به پاکی نمیستایید ؟ »

(القلم، ۲۸)

قَالُوا سُبْحٰنَ رَبِّنَا اِنَّا كُنَّا ظٰلِمِيْنَ (۲۹)

گفتند : « پروردگارا ، تو را به پاکی میستاییم ، ما واقعاً ستمگر بودیم . »

(القلم، ۲۹)

فَاَقْبَلْ بَعْضُهُمْ عَلٰى بَعْضٍ يَتَلَوْمُوْنَ (۳۰)

پس بعضی‌شان رو به بعضی دیگر آوردند و همدیگر را به نکوهش گرفتند .

(القلم، ۳۰)

قَالُوا يَا وَيْلَنَا اِنَّا كُنَّا طٰغِيْنَ (۳۱)

گفتند : « ای وای بر ما که سرکش بوده‌ایم !

(القلم، ۳۱)

عَسٰى رَبِّنَا اَنْ يُّبَدِّلَنَا خَيْرًا مِّنْهَا اِنَّا اِلٰى رَبِّنَا لَارْغٰوْبُوْنَ (۳۲)

امید است که پروردگار ما بهتر از آن را به ما عوض دهد ، زیرا ما به پروردگارمان مشتاقیم .

(القلم، ۳۲)

كُذِّبَ الْعَذَابُ وَ الْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۳۳)

عذاب [دنیا] چنین است ، و عذاب آخرت ، اگر می‌دانستند قطعاً بزرگتر خواهد بود .

(القلم، ۳۳)

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ (۳۴)

برای پرهیزگاران ، نزد پروردگارشان باغستانهای پرناز و نعمت است .

(القلم، ۳۴)

أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ (۳۵)

پس آیا فرمانبرداران را چون بدکاران قرار خواهیم داد ؟

(القلم، ۳۵)

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (۳۶)

شما را چه شده ؟ چگونه داوری می‌کنید ؟

(القلم، ۳۶)

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ (۳۷)

یا شما را کتابی هست که در آن فرا می‌گیرید ،

(القلم، ۳۷)

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ (۳۸)

که هر چه را برمی‌گزینید ، برای شما در آن خواهد بود ؟

(القلم، ۳۸)

أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بِالِغَةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ (۳۹)

یا اینکه شما تا روز قیامت [از ما] سوگندهایی رسا گرفته‌اید که هر چه دلتان خواست حکم کنید ؟

(القلم، ۳۹)

سَأَلْتَهُمُ أَيُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ زَعِيمٌ (۴۰)

از آنان بپرس : کدامشان ضامن این [ادعا] یند ؟

(القلم، ۴۰)

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ (۴۱)

یا شریکاتی دارند ؟ پس اگر راست می‌گویند شریکانشان را بیاورند .

(القلم، ۴۱)

يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ (۴۲)

روزی که کار ، زار [و رهایی دشوار] شود و به سجده فرا خوانده شوند و در خود توانایی نیابند .

(القلم، ۴۲)

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذُلَّةٌ وَ قَدْ كَانُوا يُدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ وَ هُمْ سَالِمُونَ (۴۳)

دیدگانشان به زیر افتاده ، خواری آنان را فرو می‌گیرد ، در حالی که [پیش از این] به سجده دعوت می‌شدند و تندرست بودند .

(القلم، ۴۳)

فَذَرْنِي وَ مَنْ يَكْذِبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ (۴۴)

پس مرا با کسی که این گفتار را تکذیب می‌کند واگذار . به تدریج آنان را به گونه‌ای که در نیابند [گریبان] خواهیم گرفت ،

(القلم، ۴۴)

وَ أُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ (۴۵)

و مهلتشان می‌دهم ، زیرا تدبیر من [سخت] استوار است .

(القلم، ۴۵)

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ (۴۶)

آیا از آنان مزدی درخواست می‌کنی ، و آنان خود را زیر بار تاوان ، گرانبار می‌یابند ؟

(القلم، ۴۶)

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ (۴۷)

یا [علم] غیب پیش آنهاست و آنها می‌نویسند ؟

(القلم، ۴۷)

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَ لَا تُكُنْ كَصَاحِبِ الْخُوْتِ إِذْ نَادَى وَ هُوَ مَكْظُومٌ (۴۸)

پس در [امتثال] حکم پروردگارت شکیبایی ورز ، و مانند همدم ماهی [یونس] مباش ؛ آن گاه که اندوه‌زده ندا درداد .

(القلم، ۴۸)

لَوْ لَا أَنْ تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَ هُوَ مَدْمُومٌ (۴۹)

اگر لطفی از جانب پروردگارش تدارک [حال] او نمی‌کرد ، قطعاً نکوهش شده بر زمین خشک انداخته می‌شد .

(القلم، ۴۹)

فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (۵۰)

پس پروردگارش وی را برگزید و از شایسته‌گانش گردانید .

(القلم، ۵۰)

وَ إِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ (۵۱)

و آنان که کافر شدند ، چون قرآن را شنیدند چیزی نمانده بود که تو را چشم بزنند ، و می‌گفتند : « او واقعاً دیوانه‌ای است . »

(القلم، ۵۱)

وَ مَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۵۲)

و حال آنکه [قرآن] جز تذکری برای جهانیان نیست .

(القلم، ۵۲)

ترتیبها- ۶۹	سوره الحاقه	مکی- آیاتها- ۵۲
-------------	-------------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الحاقه، ۰)

الْحَاقَّةُ (۱)

آن رخ دهنده .

(الحاقه، ۱)

مَا الْحَاقَّةُ (٢)

چیست آن رخ دهنده ؟

(الحاقه، ٢)

وَ مَا أَزْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ (٣)

و چه دانی که آن رخ دهنده چیست ؟

(الحاقه، ٣)

كَذَّبْتَ ثَمُودَ وَ عَادَ بِالْقَارِعَةِ (٤)

ثمود و عاد ، آن حادثه کوبنده را تکذیب کردند .

(الحاقه، ٤)

فَأَمَّا ثَمُودُ فَأَهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ (٥)

اما ثمود به [سزای] سرکشی [خود] به هلاکت رسیدند .

(الحاقه، ٥)

وَ أَمَّا عَادُ فَأَهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ (٦)

و اما عاد ، به [وسیله] تندبادی توفنده سرکش هلاک شدند .

(الحاقه، ٦)

سَخَّرَ مَا عَلَيْهِمْ سَنَعُ لَيَالٍ وَ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ (٧)

[که خدا] آن را هفت شب و هشت روز پیاپی بر آنان بگماشت : در آن [مدت] مردم را فروافتاده می‌دید ، گویی آنها تنه‌های نخلهای میان تهی‌اند .

(الحاقه، ٧)

فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِنْ بَاقِيَةٍ (٨)

آیا از آنان کسی را بر جای می‌بینی ؟

(الحاقه، ٨)

وَ جَاءَ فِرْعَوْنُ وَ مَنْ قَبْلَهُ وَ الْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِنَةِ (٩)

و فرعون و کسانی که پیش از او بودند و [مردم] شهرهای سرنگون شده [سدوم و عاموره] مرتکب خطا شدند .

(الحاقه، ٩)

فَقَصَّوْا رِسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَابِيَةً (١٠)

و از امر فرستاده پروردگارشان سربچی کردند ؛ و [خدا هم] آنان را به گرفتگی سخت ، فرو گرفت .

(الحاقه، ١٠)

إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ (١١)

ما ، چون آب طغیان کرد ، شما را بر کشتی سوار نمودیم .

(الحاقه، ١١)

لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكُرَةً وَ تَعْيَهَا أُنْزُوعِيَةً (١٢)

تا آن را برای شما [مایه] تذکری گردانیم و گوشه‌های شنوا آن را نگاه دارد .

(الحاقه، ١٢)

فَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةً وَاحِدَةً (١٣)

پس آن گاه که در صور يك بار دمیده شود .

(الحاقه، ۱۳)

وَ خَمَلتِ الْأَرْضُ وَ الْجِبَالُ فَذُكَّتَا ذَكَّةً وَاحِدَةً (۱۴)

و زمین و کوهها از جای خود برداشته شوند و هر دوی آنها با يك تکان ریز ریز گردند .

(الحاقه، ۱۴)

فَيُؤْمِنُذِ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ (۱۵)

پس آن روز است که واقعه [آن چنانی] وقوع یابد .

(الحاقه، ۱۵)

وَ انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ (۱۶)

و آسمان از هم بشکافد ، و در آن روز است که آن از هم گسسته باشد .

(الحاقه، ۱۶)

وَ الْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَ يُحْمَلُ عَرْشُ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةً (۱۷)

و فرشتگان در اطراف [آسمان] اند ، و عرش پروردگارت را آن روز ، هشت [فرشته] بر سر خود بر می‌دارند .

(الحاقه، ۱۷)

يُؤْمِنُذِ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ (۱۸)

در آن روز ، شما [به پیشگاه خدا] عرضه می‌شوید ، [و] پوشیده‌ای از شما پوشیده نمی‌ماند .

(الحاقه، ۱۸)

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ أَقْرَبُوا كِتَابِيَةَ (۱۹)

اما کسی که کارنامه‌اش به دست راستش داده شود ، گوید : « بیابید و کتابم را بخوانید .

(الحاقه، ۱۹)

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَةَ (۲۰)

من یقین داشتم که به حساب خود می‌رسم . «

(الحاقه، ۲۰)

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ (۲۱)

پس او در يك زندگی خوش است :

(الحاقه، ۲۱)

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ (۲۲)

در بهشتی برین ،

(الحاقه، ۲۲)

فَطُوفُهَا دَائِيَةً (۲۳)

[که] میوه‌هایش در دسترس است .

(الحاقه، ۲۳)

كُلُوا وَ اشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ (۲۴)

بخورید و بنوشید ، گواراتان باد ، به [پاداش] آنچه در روزهای گذشته انجام دادید .

(الحاقه، ۲۴)

وَ أَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهٗ (۲۵)

و اما کسی که کارنامه‌اش به دست چپش داده شود ، گوید : « ای کاش کتابم را دریافت نکرده بودم .

(الحاقه، ۲۵)

وَ لَمْ أُدْرِ مَا حَسَابِيَهٗ (۲۶)

و از حساب خود خبردار نشده بودم .

(الحاقه، ۲۶)

يَا لَيْتَهَا كَانَتْ الْقَاضِيَهٗ (۲۷)

ای کاش آن [مرگ] کار را تمام می‌کرد .

(الحاقه، ۲۷)

مَا أَعْطَىٰ عَنِّي مَالِيَهٗ (۲۸)

مال من ، مرا سودی نبخشید .

(الحاقه، ۲۸)

هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَهٗ (۲۹)

قدرت من از [کف] من برفت .

(الحاقه، ۲۹)

خُدُوهُ فَغُلُوهُ (۳۰)

[گویند :] « بگیرید او را و در غل کشید .

(الحاقه، ۳۰)

تُمْ الْجَجِيمِ صَلْوُهُ (۳۱)

آن گاه میان آتشش اندازید .

(الحاقه، ۳۱)

تُمْ فِي سَيْسِلَةٍ ذُرْعَاهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ (۳۲)

پس در زنجیری که درازی آن هفتاد گز است وی را در بند کشید .

(الحاقه، ۳۲)

إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ (۳۳)

چرا که او به خدای بزرگ نمی‌گروید .

(الحاقه، ۳۳)

وَ لَا يَحْضُرُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ (۳۴)

و به اطعام مسکین تشویق نمی‌کرد .

(الحاقه، ۳۴)

فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٍ (۳۵)

پس امروز او را در اینجا حمایتگری نیست .

(الحاقه، ۳۵)

و لَا طَعَامَ إِلَّا مِنْ غَسْلِينَ (۳۶)

و خوراکی جز چرکابه ندارد .

(الحاقه، ۳۶)

لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ (۳۷)

که آن را جز خطاکاران نمی‌خورند . «

(الحاقه، ۳۷)

فَلَا أَقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ (۳۸)

پس نه [چنان است که می‌بینید] ، سوگند یاد می‌کنم به آنچه می‌بینید ،

(الحاقه، ۳۸)

و مَا لَا تُبْصِرُونَ (۳۹)

و آنچه نمی‌بینید ،

(الحاقه، ۳۹)

إِنَّهُ لَقَوْلِ رَسُولٍ كَرِيمٍ (۴۰)

که [قرآن] قطعاً گفتار فرستاده‌ای بزرگوار است .

(الحاقه، ۴۰)

و مَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ (۴۱)

و آن گفتار شاعری نیست [که] کمتر [به آن] ایمان دارید .

(الحاقه، ۴۱)

و لَا يَقُولُ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَا تَدْكُرُونَ (۴۲)

و نه گفتار کاهنی [که] کمتر [از آن] پند می‌گیرید .

(الحاقه، ۴۲)

تَنْزِيلٍ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۴۳)

[پیام] فرودآمده‌ای است از جانب پروردگار جهانیان .

(الحاقه، ۴۳)

و لَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ (۴۴)

و اگر [او] پاره‌ای گفته‌ها بر ما بسته بود ،

(الحاقه، ۴۴)

لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ (۴۵)

دست راستش را سخت می‌گرفتیم ،

(الحاقه، ۴۵)

ثُمَّ لَقَطْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ (۴۶)

سپس رگ قلبش را پاره می‌کردیم ،

(الحاقه، ۴۶)

فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ (۴۷)

و هیچ يك از شما مانع از [عذاب] او نمی‌شد .

(الحاقه، ۴۷)

وَ إِنَّهُ لَتَذَكَّرَةٌ لِّلْمُنْتَقِينَ (۴۸)

و در حقیقت ، [قرآن] تذکاری برای پرهیزگاران است .

(الحاقه، ۴۸)

وَ إِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُّكَذِّبِينَ (۴۹)

و ما به راستی می‌دانیم که از [میان] شما تکذیب‌کنندگانی هستند .

(الحاقه، ۴۹)

وَ إِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ (۵۰)

و آن واقعا بر کافران حسرتی است .

(الحاقه، ۵۰)

وَ إِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ (۵۱)

و این [قرآن] ، بی‌شبهه ، حقیقتی یقینی است .

(الحاقه، ۵۱)

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (۵۲)

پس به [پاس] نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی .

(الحاقه، ۵۲)

ترتیبها- ۷۰	سوره المعارج	مکی- آیاتها- ۴۴
-------------	--------------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(المعارج، ۰)

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ (۱)

پرسنده‌ای از عذاب واقع‌شونده‌ای پرسید ،

(المعارج، ۱)

لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ (۲)

که اختصاص به کافران دارد [و] آن را بازدارنده‌ای نیست .

(المعارج، ۲)

مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ (۳)

[و] از جانب خداوند صاحب درجات [و مراتب] است .

(المعارج، ۳)

تَفْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ (۴)

فرشتگان و روح ، در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است به سوی « او » بالا می‌روند .

(المعارج، ۴)

فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا (۵)

پس صبر کن ، صبری نیکو .

(المعارج، ۵)

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا (۶)

زیرا آنان [عذاب] را دور می‌بینند ،

(المعارج، ۶)

وَ تَرَاهُ قَرِيبًا (۷)

و [ما] نزدیکش می‌بینیم .

(المعارج، ۷)

يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ (۸)

روزی که آسمانها چون فلز گداخته شود ،

(المعارج، ۸)

وَ تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ (۹)

و کوه‌ها چون پشم‌زده گردد ،

(المعارج، ۹)

وَ لَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا (۱۰)

و هیچ دوست صمیمی از دوست صمیمی [حال] نپرسد ،

(المعارج، ۱۰)

يُبْصِرُونَهُمْ يَوْمَ الْمُجْرِمِ لَوْ يَقْتَدِي مِنْ عَذَابٍ يَوْمِنِذٍ بِبَنِيهِ (۱۱)

آنان را به ایشان نشان می‌دهند . گناهکار آرزو می‌کند که کاش برای رهایی از عذاب آن روز ، می توانست پسران خود را عوض دهد ،

(المعارج، ۱۱)

وَ صَاحِبَتِهِ وَ أَخِيهِ (۱۲)

و [نیز] همسرش و برادرش را ،

(المعارج، ۱۲)

وَ قَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ (۱۳)

و قبیله‌اش را که به او پناه می‌دهد ،

(المعارج، ۱۳)

وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ (۱۴)

و هر که را که در روی زمین است همه را [عوض می‌داد] و آن گاه خود را رها می‌کرد .

(المعارج، ۱۴)

كَأَلَّا إِنَّهَا لَنُظَى (۱۵)

نه چنین است . [آتش] زبانه می‌کشد ،

(المعارج، ۱۵)

نَزَّاعَةً لِّلشَّوَى (۱۶)

پوست سر و اندام را برکننده است .

(المعارج، ۱۶)

تَدْعُو مَنْ أَدْبَرَ وَ تَوَلَّى (۱۷)

هر که را پشت کرده و روی برتافته ،

(المعارج، ۱۷)

وَ جَمَعَ فَأَوْعَى (۱۸)

و گرد آورده و انباشته [و حسابش را نگاه داشته] فرا می‌خواند .

(المعارج، ۱۸)

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً (۱۹)

به راستی که انسان سخت آزمند [و بی‌تاب] خلق شده است .

(المعارج، ۱۹)

إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً (۲۰)

چون صدمه‌ای به او رسد عجز و لایه کند .

(المعارج، ۲۰)

وَ إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً (۲۱)

و چون خیری به او رسد بخل ورزد .

(المعارج، ۲۱)

إِلَّا الْمُصَلِّينَ (۲۲)

غیر از نمازگزاران :

(المعارج، ۲۲)

الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَانِمُونَ (۲۳)

همان کسانی که بر نمازشان پایداری می‌کنند .

(المعارج، ۲۳)

وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ (۲۴)

و همانان که در اموالشان حقی معلوم است ،

(المعارج، ۲۴)

لِلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ (۲۵)

برای سائل و محروم .

(المعارج، ۲۵)

وَ الَّذِينَ يُصَدَّقُونَ بِنَوْمِ الدِّينِ (۲۶)

و کسانی که روز جزا را باور دارند .

(المعارج، ۲۶)

وَ الَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ (۲۷)

و آنان که از عذاب پروردگارشان بیمناکند .

(المعارج، ۲۷)

إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ (۲۸)

چرا که از عذاب پروردگارشان ایمن نمی‌توانند بود .

(المعارج، ۲۸)

وَالَّذِينَ هُمْ لِأُوجُوهِهِمْ حَافِظُونَ (۲۹)

و کسانی که دامان خود را حفظ می‌کنند ،

(المعارج، ۲۹)

إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ غَيْرُ مُلْمِئِينَ (۳۰)

مگر بر همسران خود یا کنیزانشان که [در این صورت] مورد نکوهش نیستند .

(المعارج، ۳۰)

فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (۳۱)

و هر کس پا از این [حد] فراتر نهد ، آنان همان از حد درگذرندگانند .

(المعارج، ۳۱)

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (۳۲)

و کسانی که امانتها و پیمان خود را مراعات می‌کنند .

(المعارج، ۳۲)

وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ (۳۳)

و آنان که بر شهادتهای خود ایستاده‌اند .

(المعارج، ۳۳)

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۳۴)

و کسانی که بر نمازشان مداومت می‌ورزند .

(المعارج، ۳۴)

أُولَٰئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ (۳۵)

آنها هستند که در باغهایی [از بهشت] ، گرامی خواهند بود .

(المعارج، ۳۵)

فَمَا لَ الَّذِينَ كَفَرُوا قَبْلَكَ مُهْطِعِينَ (۳۶)

چه شده است که آنان که کفر ورزیده‌اند ، به سوی تو شتابان ،

(المعارج، ۳۶)

عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ عَزِيزٍ (۳۷)

گروه گروه ، از راست و از چپ [هجوم می‌آورند] ؟

(المعارج، ۳۷)

أَيَطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ (۳۸)

آیا هر يك از آنان طمع می‌بندد که در بهشت پر نعمت درآورده شود ؟

(المعارج، ۳۸)

كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا يَعْلَمُونَ (۳۹)

نه چنین است . ما آنان را از آنچه [خود] می‌دانند آفریدیم .

(المعارج، ۳۹)

فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ (۴۰)

[هرگز ،] به پروردگار خاوران و باختران سوگند یاد می‌کنم که ما تواناییم ،

(المعارج، ۴۰)

عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ (۴۱)

که به جای آنان بهتر از ایشان را بیاوریم ؛ و بر ما پیشی نتوانند جست .

(المعارج، ۴۱)

فَدَرْهُمْ يَخُوضُوا وَ يَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ (۴۲)

پس بگذارشان بیاوه گویند و بازی کنند تا روزی را که وعده داده شده‌اند ملاقات نمایند .

(المعارج، ۴۲)

يَوْمَ يُخْرِجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَانَتْهُمْ إِلَىٰ نُصْبِ يُوفِضُونَ (۴۳)

روزی که از گورها [ی خود] شتابان برآیند ، گویی که آنان به سوی پرچمهای افراشته می‌دوند .

(المعارج، ۴۳)

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكَ الْيَوْمِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ (۴۴)

دیدگانشان فرو افتاده ، [غبار] مذلت آنان را فرو گرفته است . این است همان روزی که به ایشان وعده داده می‌شد .

(المعارج، ۴۴)

ترتیبها- ۷۱	سوره نوح	مکی- آیاتها- ۲۸
-------------	----------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(نوح، ۰)

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱)

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم که : « قومت را ، پیش از آنکه عذابی دردناک به آنان رسد ، هشدار ده . »

(نوح، ۱)

قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۲)

[نوح] گفت : « ای قوم من ، من شما را هشداردهنده‌ای آشکارم ،

(نوح، ۲)

أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اتَّقُوهُ وَ أَطِيعُوا (۳)

که خدا را بپرستید و از او پروا دارید و مرا فرمان برید .

(نوح، ۳)

يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ دُنُوبِكُمْ وَ يُوَخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۴)

[تا] برخی از گناهانتان را بر شما ببخشد و [اجل] شما را تا وقتی معین به تأخیر اندازد . اگر بدانید ، چون وقت مقرر خدا برسد ، تأخیر بر نخواهد داشت . «

(نوح، ۴)

قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَ نَهَارًا (۵)

[نوح] گفت : « پروردگارا ، من قوم خود را شب و روز دعوت کردم ،

(نوح، ۵)

فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا (۶)

و دعوت من جز بر گریزشان نیفزود .

(نوح، ۶)

وَ إِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَ اسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَ أَصْرُوا وَ اسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا (۷)

و من هر بار که آنان را دعوت کردم تا ایشان را ببامرزی ، انگشتانشان را در گوشهایشان کردند و ردای خویشان بر سر کشیدند و اصرار ورزیدند و هر چه بیشتر بر کبر خود افزودند .

(نوح، ۷)

ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا (۸)

سپس من آشکارا آنان را دعوت کردم .

(نوح، ۸)

ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَ اسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا (۹)

باز من به آنان اعلام نمودم و در خلوت [و] پوشیده نیز به ایشان گفتم .

(نوح، ۹)

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا (۱۰)

و گفتم : از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره آمرزنده است .

(نوح، ۱۰)

يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا (۱۱)

[تا] بر شما از آسمان باران پی در پی فرستد .

(نوح، ۱۱)

وَ يُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا (۱۲)

و شما را به اموال و پسران ، یاری کند ، و برایتان باغها قرار دهد و نهراها برای شما پدید آورد .

(نوح، ۱۲)

مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا (۱۳)

شما را چه شده است که از شکوه خدا بیم ندارید ؟

(نوح، ۱۳)

وَ قَدْ خَلَقْنَاكُمْ أَطْوَارًا (۱۴)

و حال آنکه شما را مرحله به مرحله خلق کرده است .

(نوح، ۱۴)

أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا (۱۵)

مگر ملاحظه نکرده‌اید که چگونه خدا هفت آسمان را تو بر تو آفریده است ؟

(نوح، ۱۵)

وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا (۱۶)

و ماه را در میان آنها روشنایی بخش گردانید و خورشید را [چون] چراغی قرار داد .

(نوح، ۱۶)

وَاللَّهُ أَنْتَبَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا (۱۷)

و خدا [ست که] شما را [مانند] گیاهی از زمین رویانید ؛

(نوح، ۱۷)

ثُمَّ نُعِيدُكُمْ فِيهَا وَنُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا (۱۸)

سپس شما را در آن باز می گرداند و بیرون می آورد بیرون آوردنی [عجیب] !

(نوح، ۱۸)

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطًا (۱۹)

و خدا زمین را برای شما فرشی [گسترده] ساخت ،

(نوح، ۱۹)

يَتَسَلَّوْا مِنْهَا سَبِيلًا فِجَاجًا (۲۰)

تا در راههای فراخ آن بروید .

(نوح، ۲۰)

قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَدَهُ إِلَّا خَسَارًا (۲۱)

نوح گفت : « پروردگارا ، آنان نافرمانی من کردند و کسی را پیروی نمودند که مال و فرزندش جز بر زیان وی نیفزود .

(نوح، ۲۱)

وَمَكْرُوا بِكِبَارِهِمْ (۲۲)

و دست به نیرنگی بس بزرگ زدند .

(نوح، ۲۲)

وَقَالُوا لَا تَنْزِلُ إِلَيْكُم مِّنَ السَّمَاءِ سَائِغًا وَلَا تُنَزِّلُ عَلَيْنَا مِثْرًا (۲۳)

و گفتند : زنهار ، خدایان خود را رها مکنید ، و نه « وَدَّ » را واگذارید و نه « سَوَاعِجَ » و نه « يَغُوثَ » و نه « يَهُودَ » و نه « نَسْرَ » را .

(نوح، ۲۳)

وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا (۲۴)

و بسیاری را گمراه کرده اند . [بار خدایا ،] جز بر گمراهی ستمکاران میفزای .

(نوح، ۲۴)

مِمَّا خَطَبْتَهُمْ أُعْرِفُوا فَأَخْلَوْا نَارًا فَلَمَّ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا (۲۵)

[تا] به سبب گناهانشان غرقه گشتند و [پس از مرگ] در آتشی درآورده شدند و برای خود ، در برابر خدا یارانی نیافتند .

(نوح، ۲۵)

وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَنْزِلْ عَلَيَّ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً وَلَا تَجْعَلْ لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ إِلَهًا (۲۶)

و نوح گفت : « پروردگارا ، هیچ کس از کافران را بر روی زمین مگذار ،

(نوح، ۲۶)

إِنَّكَ إِذْ تَنْزُهُمْ يُضَلُّوْا عِبَادَكَ وَ لَا يَلِدُوْا إِلَّا فَاَجْرًا كَفَّارًا (٢٧)

چرا که اگر تو آنان را باقی گذاری ، بندگانت را گمراه می‌کنند و جز پلیدکارِ ناسپاس نزنند .

(نوح، ٢٧)

رَبِّ اغْزِرْ لِيْ وَ لِوَالِدِيْ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيْ مُؤْمِنًا وَ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ لَا تَرِدِ الظَّالِمِيْنَ إِلَّا تَبَارًا (٢٨)

پروردگارا ، بر من و پدر و مادرم و هر مؤمنی که در سرایم درآید ، و بر مردان و زنان باایمان ببخشای ، و جز بر هلاکت ستمگران میفزای .

(نوح، ٢٨)

ترتیبها- ٧٢	سوره الجن	مکی- آیاتها- ٢٨
-------------	-----------	-----------------

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ (٠)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الجن، ٠)

قُلْ اُوْحِيْ اِلَيَّ اِنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوْا اِنَّا سَمِعْنَا قُرْاٰنًا عَجَبًا (١)

بگو : « به من وحی شده است که تنی چند از جنیان گوش فرا داشتند و گفتند : راستی ما قرآنی شگفت‌آور شنیدیم .

(الجن، ١)

يَهْدِيْ اِلَى الرُّشْدِ فَاَمْنًا بِهٖ وَ لَوْ نَشِئْكَ رَبَّنَا اٰخِذًا (٢)

[که] به راه راست هدایت می‌کند . پس به آن ایمان آوردیم و هرگز کسی را شریک پروردگارانمان قرار نخواهیم داد .

(الجن، ٢)

وَ اِنَّهُ تَعَالٰى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَدًا (٣)

و اینکه او ، پروردگار والای ما ، همسر و فرزندی اختیار نکرده است .

(الجن، ٣)

وَ اِنَّهُ كَانَ يَقُوْلُ سَفِيْهُنَا عَلٰى اللّٰهِ سَطَطًا (٤)

و [شگفت] آنکه کم‌خرد ما ، در باره خدا سخنانی بیاوه می‌سراید .

(الجن، ٤)

وَ اَنَا ظَنَنَّا اَنْ لَّنْ نَقُوْلَ الْاِنْسِ وَ الْجِنُّ عَلٰى اللّٰهِ كَذِبًا (٥)

و ما پنداشته بودیم که انس و جن هرگز به خدا دروغ نمی‌بندند .

(الجن، ٥)

وَ اِنَّهُ كَانَ رِجَالًا مِّنَ الْاِنْسِ يَعُوْدُوْنَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَرَادُوْهُمْ رَهَقًا (٦)

و مردانی از آدمیان به مردانی از جن پناه می‌بردند و بر سرکشی آنها می‌افزودند .

(الجن، ٦)

وَ اَنَّهُمْ ظَنُّوْا كَمَا ظَنَنْتُمْ اَنْ لَّنْ يَبْعَثَ اللّٰهُ اٰخِذًا (٧)

و آنها [نیز] آن گونه که [شما] پنداشته‌اید ، گمان بردند که خدا هرگز کسی را زنده نخواهد گردانید .

(الجن، ٧)

وَ اَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلْبِثًا حَرَسًا شَدِيْدًا وَ شُهَبًا (٨)

و ما بر آسمان دست یافتیم و آن را پر از نگهبانان توانا و تیرهای شهاب یافتیم .

(الجن، ۸)

وَ أَنَا كُنَّا نَعْبُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَصَدًا (۹)

و در [آسمان] برای شنیدن ، به کمین می‌نشستیم ، [اما] اکنون هر که بخواهد به گوش باشد ، تیر شهابی در کمین خود می‌یابد .

(الجن، ۹)

وَ أَنَا لَا نُدْرِي أَمْ شَرٌّ أُرِيدُ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا (۱۰)

و ما [درست] نمی‌دانیم که آیا برای کسانی که در زمینند بدی خواسته شده یا پروردگارشان بر ایشان هدایت خواسته است ؟

(الجن، ۱۰)

وَ أَنَا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَ مِنَّا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قِدَادًا (۱۱)

و از میان ما برخی درستکارند و برخی غیر آن ، و ما فرقه‌هایی گوناگونیم .

(الجن، ۱۱)

وَ أَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا (۱۲)

و ما می‌دانیم که هرگز نمی‌توانیم در زمین خدای را به ستوه آوریم ، و هرگز او را با گریز [خود] درمانده نتوانیم کرد

(الجن، ۱۲)

وَ أَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ آمَنَّا بِهِ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَ لَا رَهَقًا (۱۳)

و ما چون هدایت را شنیدیم بدان گرویدیم ؛ پس کسی که به پروردگار خود ایمان آورد ، از کمی [پاداش] و سختی بیم ندارد .

(الجن، ۱۳)

وَ أَنَا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَ مِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا (۱۴)

و از میان ما برخی فرمانبردار و برخی از ما منحرفند : پس کسانی که به فرمانند ، آنان در جستجوی راه درستند ،

(الجن، ۱۴)

وَ أَنَا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا (۱۵)

ولی منحرفان ، هیزم جهنم خواهند بود .

(الجن، ۱۵)

وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا (۱۶)

و اگر [مردم] در راه درست ، پایداری ورزند ، قطعاً آب گوارایی بدیشان نوشانیم .

(الجن، ۱۶)

لِنَقْتُلَهُمْ فِيهِ وَ مِنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا (۱۷)

تا در این باره آنان را بیازماییم ، و هر کس از یاد پروردگار خود دل بگرداند ، وی را در قید عذابی [روز] افزون درآورد .

(الجن، ۱۷)

وَ أَنْ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا (۱۸)

و مساجد ویژه خداست ، پس هیچ کس را با خدا مخوانید .

(الجن، ۱۸)

وَ أَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا (۱۹)

و همین که « بنده خدا » برخاست تا او را بخواند ، چیزی نمانده بود که بر سر وی فرو افتند .

(الجن، ۱۹)

قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا (٢٠)

بگو: « من تنها پروردگار خود را می‌خوانم و کسی را با او شریک نمی‌گردانم . »

(الجن، ٢٠)

قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا (٢١)

بگو: « من برای شما اختیار زیان و هدایتی را ندارم . »

(الجن، ٢١)

قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا (٢٢)

بگو: « هرگز کسی مرا در برابر خدا پناه نمی‌دهد و هرگز پناهمگاهی غیر از او نمی‌یابم . »

(الجن، ٢٢)

إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا (٢٣)

[وظیفه من] تنها ابلاغی از خدا و [رساندن] پیامهای اوست . « و هر کس خدا و پیامبرش را نافرمانی کند قطعاً آتش دوزخ برای اوست و جاودانه در آن خواهند ماند . »

(الجن، ٢٣)

حَتَّىٰ إِذَا زَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْتَعْظَمُونَ مِنَ الْأَعْظَمِ وَأَقَلُّ عِدْدًا (٢٤)

[باش] تا آنچه را وعده داده می‌شوند ببینند ، آن گاه دریابند که یاور چه کسی ضعیفتر و کدام يك شماره‌اش کمتر است .

(الجن، ٢٤)

قُلْ إِنْ أَنْزِلْتُ قُرْبَبًا مِمَّا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا (٢٥)

بگو: « نمی‌دانم آنچه را که وعده داده شده‌اید نزدیک است یا پروردگارم برای آن زمانی نهاده است ؟ »

(الجن، ٢٥)

عَالِمِ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا (٢٦)

دانای نهان است ، و کسی را بر غیب خود آگاه نمی‌کند ،

(الجن، ٢٦)

إِلَّا مَنْ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا (٢٧)

جز پیامبری را که از او خشنود باشد ، که [در این صورت] برای او از پیش رو و از پشت سرش نگاهبانانی بر خواهد گماشت ،

(الجن، ٢٧)

لِيَعْلَمَ أَنَّ قَدْ أَنْزَلْنَا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَخْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عِنْدَنَا (٢٨)

تا معلوم بدارد که پیامهای پروردگار خود را رسانیده‌اند ؛ و [خدا] بدانچه نزد ایشان است احاطه دارد و هر چیزی را به عدد شماره کرده است .

(الجن، ٢٨)

ترتیبها-٧٣	سوره المزمّل	مکی-آیاتها-٢٠
------------	--------------	---------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (٠)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(المزمّل، ٠)

يَا أَيُّهَا الْمَرْمَلُ (١)

ای جامه به خویشتن فروپيچیده ،

(المزمل، ۱)

فَمِ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلاً (۲)

به پا خیز شب را مگر اندکی ،

(المزمل، ۲)

نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلاً (۳)

نیمی از شب یا اندکی از آن را بکاه ،

(المزمل، ۳)

أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً (۴)

یا بر آن [نصف] بیفزای و قرآن را شمرده شمرده بخوان .

(المزمل، ۴)

إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلاً (۵)

در حقیقت ما به زودی بر تو گفتاری گرانبار القا می‌کنیم .

(المزمل، ۵)

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْناً وَأَقْوَمُ قِيلاً (۶)

قطعاً برخاستن شب ، رنجش بیشتر و گفتار [در آن هنگام] راستین‌تر است .

(المزمل، ۶)

إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحاً طَوِيلاً (۷)

[و] تو را ، در روز ، آمد و شدی دراز است .

(المزمل، ۷)

وَ اذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَ تَبَيَّنْ إِلَيْهِ تَبْيِئاً (۸)

و نام پروردگار خود را یاد کن و تنها به او بپرداز .

(المزمل، ۸)

رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلاً (۹)

[اوست] پروردگار خاور و باختر ، خدایی جز او نیست ، پس او را کارساز خویش اختیار کن .

(المزمل، ۹)

وَ اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْراً جَمِيلاً (۱۰)

و بر آنچه می‌گویند شکبیا باش و از آنان با دوری گزیدنی خوش فاصله بگیر .

(المزمل، ۱۰)

وَ ذُرْنِي وَ الْمُكَدِّبِينَ أُولِي النُّعْمَةِ وَ مَهَلْهُمْ قَلِيلاً (۱۱)

و مرا با تکذیب‌کنندگان توانگر واگذار و اندکی مهلتشان ده .

(المزمل، ۱۱)

إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالاً وَ جَحِيماً (۱۲)

در حقیقت پیش ما زنجیرها و دوزخ ،

(المزمل، ۱۲)

وَ طَعَاماً ذَا غُصَّةٍ وَ عَذَاباً أَلِيماً (۱۳)

و غذایی گلوگیر و عذابی پردرد است .

(المزمل، ۱۳)

يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَ الْجِبَالُ وَ كَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيْباً مَّهِيلاً (۱۴)

روزی که زمین و کوهها به لرزه درآیند و کوهها به سان ریگ روان گردند .

(المزمل، ۱۴)

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولاً شَاهِداً عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولاً (۱۵)

بیگمان ، ما به سوی شما فرستادهای که گواه بر شماست روانه کردیم ، همان گونه که فرستادهای به سوی فرعون فرستادیم .

(المزمل، ۱۵)

فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْداً وَبِيلاً (۱۶)

[ولی] فرعون به آن فرستاده عصیان ورزید ، پس ما او را به سختی فرو گرفتیم .

(المزمل، ۱۶)

فَكَذَّبْتَ تَنْفُوراً إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمَ يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيباً (۱۷)

پس اگر کفر بورزید ، چگونه از روزی که کودکان را پیر میگرداند ، پرهیز توانید کرد ؟

(المزمل، ۱۷)

السَّمَاءُ مَنفُطِرٌ بِهِ كَأَن وَغْدَهُ مَقْعُولاً (۱۸)

آسمان از [بیم] آن [روز] در هم شکافت ؛ وعده او انجام یافتی است .

(المزمل، ۱۸)

إِنْ هَذِهِ تَذْكَرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلاً (۱۹)

قطعاً این [آیات] اندرزی است ، تا هر که بخواهد به سوی پروردگار خود راهی در پیش گیرد .

(المزمل، ۱۹)

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَ نِصْفَهُ وَ ثُلُثَهُ وَ طَائِفَةٌ مِنَ اللَّيْلِ مَعَكَ وَ اللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ عَلِمَ أَنْ تُخِصُّوهَ فَنَتَابَ عَلَيْكُمْ فَافْرَعُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَ آخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ آخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَافْرَعُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً وَ مَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَ أَكْبَرُ أَجْراً وَ اسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۰)

در حقیقت ، پروردگارت میداند که تو و گروهی از کسانی که با تو ، نزدیک به دو سوم از شب یا نصف آن یا يك سوم آن را [به نماز] برمی‌خیزی ، و خداست که شب و روز را اندازهگیری میکند . [او] میداند که [شما] هرگز حساب آن را ندارید ، پس بر شما ببخشود ، [اینک] هر چه از قرآن میسر می‌شود بخوانید . [خدا] میداند که به زودی در میاتان بیمارانی خواهند بود ، و [عدهای] دیگر در زمین سفر میکنند [و] در پی روزی خدا هستند ، و [گروهی] دیگر در راه خدا پیکار می‌نمایند . پس هر چه از [قرآن] میسر شد تلاوت کنید و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و وام نیکو به خدا دهید ؛ و هر کار خوبی برای خویش از پیش فرستید آن را نزد خدا بهتر و با پاداشی بیشتر باز خواهید یافت . و از خدا طلب آموزش کنید که خدا آمرزنده مهربان است .

(المزمل، ۲۰)

مکی-آیاتها-۵۶	سوره المدثر	ترتیبها-۷۴
---------------	-------------	------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(المدثر، ۰)

يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ (۱)

ای کشیده ردای شب بر سر ،

(المدثر، ۱)

فَمُ قَائِمًا (۲)

برخیز و بترسان .

(المدثر، ۲)

و رَبِّكَ فَكَبِيرٌ (۳)

و پروردگار خود را بزرگ دار .

(المدثر، ۳)

و ثِيَابِكَ فَطَهَّرٌ (۴)

و لباس خویشتن را پاک کن .

(المدثر، ۴)

و الرَّجَزَ فَاهْجُرُ (۵)

و از پلیدی دور شو .

(المدثر، ۵)

و لَا تَمْنُنْ تَسْتَكْبِرُ (۶)

و منت مگذار و فزونی مطلب .

(المدثر، ۶)

و لِرَبِّكَ فَاصْبِرُ (۷)

و برای پروردگارت شکیبایی کن .

(المدثر، ۷)

فَإِذَا نَقَرُ فِي النَّاقُورِ (۸)

پس چون در صور دمیده شود ،

(المدثر، ۸)

فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ (۹)

آن روز [چه] روز ناگوار است !

(المدثر، ۹)

عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ (۱۰)

بر کافران آسان نیست .

(المدثر، ۱۰)

ذُرِّي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا (۱۱)

مرا با آنکه [او را] تنها آفریدم و اگذار .

(المدثر، ۱۱)

و جَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا (۱۲)

و دارایی بسیار به او بخشیدم ،

(المدثر، ۱۲)

وَ بَيْنَ شُهُوداً (۱۳)

و پسرانی آماده [به خدمت ، دادم] ،

(المدثر، ۱۳)

وَ مَهَّدَتْ لَهُ تَمْهيداً (۱۴)

و برایش [عیش خوش] آماده کردم .

(المدثر، ۱۴)

ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ (۱۵)

باز [هم] طمع دارد که بیفزایم .

(المدثر، ۱۵)

كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنيداً (۱۶)

ولی نه ، زیرا او دشمن آیات ما بود .

(المدثر، ۱۶)

سَأَرْهِفُهُ صُغُوداً (۱۷)

به زودی او را به بالا رفتن از گردنه [عذاب] وادار می‌کنم .

(المدثر، ۱۷)

إِنَّهُ فَكَّرَ وَ قَدَّرَ (۱۸)

آری ، [آن دشمن حق] اندیشید و سنجید .

(المدثر، ۱۸)

فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ (۱۹)

کشته بادا ، چگونه [او] سنجید ؟

(المدثر، ۱۹)

ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ (۲۰)

[آری ،] کشته بادا ، چگونه [او] سنجید .

(المدثر، ۲۰)

ثُمَّ نَظَرَ (۲۱)

آن گاه نظر انداخت .

(المدثر، ۲۱)

ثُمَّ عَبَسَ وَ بَسَرَ (۲۲)

سپس رو ترش نمود و چهره در هم کشید .

(المدثر، ۲۲)

ثُمَّ أَدْبَرَ وَ اسْتَكْبَرَ (۲۳)

آن گاه پشت گردانید و تکبر ورزید ،

(المدثر، ۲۳)

فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ (۲۴)

و گفت : « این [قرآن] جز سحری که [به برخی] آموخته‌اند نیست .

(المدثر، ۲۴)

إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ (۲۵)

این غیر از سخن بشر نیست . «

(المدثر، ۲۵)

سَأُصَلِّيهِ سَقَرَ (۲۶)

زودا که او را به سَقَر در آورم .

(المدثر، ۲۶)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرٌ (۲۷)

و تو چه دانی که آن سَقَر چیست ؟

(المدثر، ۲۷)

لَا تُبْقِي وَ لَا تَنْزُرُ (۲۸)

نه باقی می‌گذارد و نه رها می‌کند .

(المدثر، ۲۸)

نَوَاحٍ لِلْبَشَرِ (۲۹)

پوستها را سیاه می‌گرداند .

(المدثر، ۲۹)

عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ (۳۰)

[و] بر آن [دوزخ] ، نوزده [نگهبان] است .

(المدثر، ۳۰)

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَ مَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ يَزِدَّادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَ لَا يَزِنَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ لِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكِ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَ مَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَ مَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ (۳۱)

و ما موکلان آتش را جز فرشتگان نگردانیدیم ، و شماره آنها را جز آزمایشی برای کسانی که کافر شده‌اند قرار ندادیم ، تا آنان که اهل کتابند یقین به هم رسانند ، و ایمان کسانی که ایمان آورده‌اند افزون گردد ، و آنان که کتاب به ایشان داده شده و [نیز] مؤمنان به شک نیفتند ، و تا کسانی که در دلهایشان بیماری است و کافران بگویند : « خدا از این وصف کردن ، چه چیزی را اراده کرده است ؟ » این گونه ، خدا هر که را بخواهد بیراه می‌گذارد و هر که را بخواهد هدایت می‌کند ، و [شماره] سپاهیان پروردگارت را جز او نمی‌داند ، و این [آیات] جز تذکری برای بشر نیست .

(المدثر، ۳۱)

كَلَّا وَ الْقَمَرِ (۳۲)

نه چنین است [که می‌پندارند !] سوگند به ماه ،

(المدثر، ۳۲)

وَ اللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ (۳۳)

و سوگند به شامگاه چون پشت کند ،

(المدثر، ۳۳)

وَ الصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ (۳۴)

و سوگند به بامداد چون آشکار شود ،

(المدثر، ۳۴)

إِنَّهَا لِيَأْخُذُ الْكُبْرَ (۳۵)

که آیات [قرآن] از پدیده‌های بزرگ است .

(المدثر، ۳۵)

نَذِيرًا لِلْبَشَرِ (۳۶)

بشر را هشداردهنده است .

(المدثر، ۳۶)

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ (۳۷)

هر که از شما را که بخواهد پیشی جوید یا بازایستد .

(المدثر، ۳۷)

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ (۳۸)

هر کسی در گرو دستاورد خویش است ،

(المدثر، ۳۸)

إِلَّا أَصْحَابَ الْأَيْمَنِ (۳۹)

بجز یاران دست راست :

(المدثر، ۳۹)

فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ (۴۰)

در میان باغها . از یکدیگر می‌پرسند ،

(المدثر، ۴۰)

عَنِ الْمُجْرِمِينَ (۴۱)

درباره مجرمان :

(المدثر، ۴۱)

مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ (۴۲)

« چه چیز شما را در آتش [سَقَر] درآورد ؟ »

(المدثر، ۴۲)

قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمَصَلِينَ (۴۳)

گویند : « از نمازگزاران نبودیم ،

(المدثر، ۴۳)

وَ لَمْ نَكُ نَطْعُمُ الْمَسْكِينِ (۴۴)

و بینوایان را غذا نمی‌دادیم ،

(المدثر، ۴۴)

وَ كُنَّا نَحُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ (۴۵)

با هرزهدرایان هرزهدرایی می‌کردیم ،

(المدثر، ۴۵)

وَ كُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ (٤٦)

و روز جزا را دروغ می‌شمردیم ،

(المدثر، ٤٦)

حَتَّىٰ آتَانَا الْيَقِينَ (٤٧)

تا مرگ ما در رسید . «

(المدثر، ٤٧)

فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ (٤٨)

و شفاعت شفاعتگران آنها را سود نبخشد !

(المدثر، ٤٨)

فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ (٤٩)

پس چرا از این تذکار رو گردانند ؟

(المدثر، ٤٩)

كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ (٥٠)

به خران رندهای مانند :

(المدثر، ٥٠)

فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ (٥١)

که از پیش شیری گریزان شده است .

(المدثر، ٥١)

بَلْ يَرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْتَىٰ صُخْرًا مَنشَرَةً (٥٢)

بلکه هر مردی از ایشان خواهد که نامه‌هایی سرگشاده دریافت کند .

(المدثر، ٥٢)

كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ (٥٣)

اما نه چنان است ! که از آخرت نمی‌ترسند .

(المدثر، ٥٣)

كَلَّا إِنَّهُ تَذَكُّرَةٌ (٥٤)

نه چنان است ! در حقیقت این سخن اندرزی است ،

(المدثر، ٥٤)

فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ (٥٥)

تا هر که خواهد ، از آن پند گیرد .

(المدثر، ٥٥)

وَمَا يُكْفُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَ أَهْلُ الْمَعْرِفَةِ (٥٦)

و [لی] تا خدا نخواهد [از آن] پند نگیرند . اوست سزاوار ترس و سزاوار آمرزش .

(المدثر، ٥٦)

مکّی-آیاتها- ۴۰	سوره القیامه	ترتیبها- ۷۵
-----------------	--------------	-------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(القیامه، ۰)

لَا أَسْأَلُ بِبَيْنِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ (۱)

نه ! سوگند به روز رستاخیز ،

(القیامه، ۱)

وَ لَا أَسْأَلُ بِالنَّفْسِ الْوَالِدَةِ (۲)

و [باز] نه ! سوگند به و جدان سرزنشگر !

(القیامه، ۲)

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعُ عِظَامَهُ (۳)

آیا انسان می‌پندارد که هرگز ریزه استخوان‌هایش را گرد نخواهیم آورد ؟ !

(القیامه، ۳)

بَنَى قَادِرِينَ عَلَى أَنْ نَسُوِيَ بَنَاتَهُ (۴)

آری [بلکه] تواناییم که [خطوط] سر انگشتانش را [یکا یک] درست [و بازسازی] کنیم .

(القیامه، ۴)

بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ (۵)

ولی نه ، انسان می‌خواهد که در پیشگاه او فسادکاری کند .

(القیامه، ۵)

يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ (۶)

می‌پرسد : « روز رستاخیز چه وقت است ؟ »

(القیامه، ۶)

فَإِذَا بَرِقَ الْبَصْرُ (۷)

پس آن گاه که دیده خیره گردد ،

(القیامه، ۷)

وَ خَسَفَ الْقَمَرُ (۸)

و ماه در خسوف افتد ،

(القیامه، ۸)

وَ جَمِيعَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ (۹)

و آفتاب و ماه به هم گرد آیند ،

(القیامه، ۹)

يَقُولُ الْإِنْسَانُ يُؤْمِنُ أَتَى الْمَعْرُ (۱۰)

آن روز انسان می‌گوید : « [راه] گریز کجاست ؟ »

(القیامة، ۱۰)

كَلَّا لَا وَزَرَ (۱۱)

حاشا؟ پناهگاهی نیست!

(القیامة، ۱۱)

إِلَىٰ رَبِّكَ يُؤْمِنُ الْمُسْتَقَرُّ (۱۲)

آن روز، قرارگاه [نهایی] به سوی پروردگار توست!

(القیامة، ۱۲)

يُنْبَأُ الْإِنْسَانُ يُؤْمِنُ بِمَا قَدَّمَ وَ أَخَّرَ (۱۳)

آن روز است که انسان را از آنچه از دیرباز یا پس از آن انجام داده آگاهی دهند.

(القیامة، ۱۳)

بَلِ الْإِنْسَانِ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ (۱۴)

بلکه انسان خود بر نفس خویشتن بیناست،

(القیامة، ۱۴)

وَلَوْ أَلْفَىٰ مَعَاذِيرَهُ (۱۵)

هر چند دست به عذرتراشی زند.

(القیامة، ۱۵)

لَا تَحْرُكُ بِهِ لِسَانِكَ لِتَعَجَّلَ بِهِ (۱۶)

زبانت را [در هنگام وحی] زود بحرکت درنیاور تا در خواندن [قرآن] شتابزدگی بخرج دهی.

(القیامة، ۱۶)

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ (۱۷)

در حقیقت گردآوری و خواندن آن بر [عهده] ماست.

(القیامة، ۱۷)

فَإِذَا قَرَأَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ (۱۸)

پس چون آن را برخواندیم [همان‌گونه] خواندن آن را دنبال کن.

(القیامة، ۱۸)

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيِّنَاتَهُ (۱۹)

سپس توضیح آن [نیز] بر عهده ماست!

(القیامة، ۱۹)

كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ (۲۰)

ولی نه! [شما دنیای] زودگذر را دوست دارید،

(القیامة، ۲۰)

وَتَذُرُونَ الْآخِرَةَ (۲۱)

و آخرت را وامی‌گذارید.

(القیامة، ۲۱)

وَجُودَ يُؤْمِنُ نَاصِرَةً (۲۲)

در آن روز چهره‌هایی شاداب‌اند ،

(القیامة، ۲۲)

إِلَى رَبِّهَا نَاطِرَةً (۲۳)

و به سوی پروردگار خود می‌نگرند .

(القیامة، ۲۳)

وَ وَجُودَ يُؤْمِنُ بَاسِرَةً (۲۴)

و در آن روز چهره‌هایی دژم باشند .

(القیامة، ۲۴)

تَظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ (۲۵)

[چرا که] داند مورد عذابی کمرشکن قرار خواهند گرفت .

(القیامة، ۲۵)

كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ النَّرْقَابِي (۲۶)

نه چنین است [که او پندارد ، زیرا] آن گاه که جان میان گلوگاهش رسد ،

(القیامة، ۲۶)

وَ قِيلَ مَنْ رَاقٍ (۲۷)

و گفته شود : « چاره‌ساز کیست ؟ »

(القیامة، ۲۷)

وَ ظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ (۲۸)

و داند که همان [زمان] فراق است ،

(القیامة، ۲۸)

وَ اتَّقَتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ (۲۹)

و [محتضر را] ساق به ساق دیگر در پیچد ،

(القیامة، ۲۹)

إِلَى رَبِّكَ يُؤْمِنُ الْمَسَاقُ (۳۰)

آن روز است که بسوی پروردگارت سوق دادن باشد .

(القیامة، ۳۰)

فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى (۳۱)

پس [گویند] تصدیق نکرد و نماز برپا نداشت ،

(القیامة، ۳۱)

وَ لَكِنْ كَذَّبَ وَ تَوَلَّى (۳۲)

بلکه تکذیب کرد و روی گردانید ،

(القیامة، ۳۲)

ثُمَّ ذَهَبَ إِلَى أَهْلِهِ يَتَمَطَّى (۳۳)

سپس خرامان به سوی اهل خویش رفت !

(القیامة، ۳۳)

أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ (۳۴)

وای بر تو ! پس وای [بر تو !]

(القیامة، ۳۴)

ثُمَّ أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ (۳۵)

بازهم وای بر تو ! وای بر تو !

(القیامة، ۳۵)

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى (۳۶)

آیا انسان پندارد که بیهوده رها می‌شود !

(القیامة، ۳۶)

أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُمْنَىٰ (۳۷)

مگر او [قبلاً] نطفه‌ای نبود که [در رحم] ریخته می‌شود ؟

(القیامة، ۳۷)

ثُمَّ كَانَ عِلْقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ (۳۸)

سپس علقه [اویزک] شد و [خدایش] شکل داد و درست کرد !

(القیامة، ۳۸)

فَجَعَلَ مِنْهُ الذَّكَرَ وَ الْأُنثَىٰ (۳۹)

و از آن دو جنس نر و ماده را قرار داد !

(القیامة، ۳۹)

أَلَيْسَ لِيكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُخَيِّبَ الْمُؤْتَىٰ (۴۰)

آیا چنین [خدایی] نتواند که مردگان را زنده گرداند ؟

(القیامة، ۴۰)

ترتیبها- ۷۶	سوره الانسان	مدنی- آیاتها- ۳۱
-------------	--------------	------------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الإنسان، ۰)

هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَذْكُوراً (۱)

آیا انسان را آن هنگام از روزگار [به یاد] آید که چیزی درخور یادکرد نبود ؟

(الإنسان، ۱)

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعاً بَصِيراً (۲)

ما انسان را از نطفه‌ای اندر آمیخته آفریدیم تا او را بیازماییم و وی را شنوا و بینا گردانیدیم .

(الإنسان، ۲)

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا (۳)

ما راه را بدو نمودیم؛ یا سپاسگزار خواهد بود و یا ناسپاسگزار .

(الإنسان، ۳)

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا (۴)

ما برای کافران زنجیرها و غل‌ها و آتشی فروزان آماده کرده‌ایم .

(الإنسان، ۴)

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ مَائٍ كَانَ مَرَّاجُهَا كَأَفُورًا (۵)

همانا نیکان از جامی نوشند که آمیزه‌ای از کافور دارد ،

(الإنسان، ۵)

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا (۶)

چشمه‌ای که بندگان خدا از آن می‌نوشند و [به دلخواه خویش] جاریش می‌کنند .

(الإنسان، ۶)

يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا (۷)

[همان بندگان که] به نذر خود وفا می‌کردند ، و از روزی که گزند آن فراگیرنده است می‌ترسیدند .

(الإنسان، ۷)

وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا (۸)

و به [پاس] دوستی [خدا] ، بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می‌دادند .

(الإنسان، ۸)

إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكْرًا (۹)

« ما برای خشنودی خداست که به شما می‌خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم .

(الإنسان، ۹)

إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا غَيْبًا قَمَطِيرًا (۱۰)

ما از پروردگارانمان از روز عیوسی سخت ، هراسناکیم .

(الإنسان، ۱۰)

فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَٰلِكَ الْيَوْمِ وَ لَقَاهُمْ نَصْرَةً وَ سُورًا (۱۱)

پس خدا [هم] آنان را از آسیب آن روز نگاه داشت و شادابی و شادمانی به آنان ارزانی داشت .

(الإنسان، ۱۱)

وَ جَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ حَرِيرًا (۱۲)

و به [پاس] آنکه صبر کردند ، بهشت و پرنیان پاداششان داد .

(الإنسان، ۱۲)

مُتَكَبِّرِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرْبَابِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَ لَا زَمْهَرِيرًا (۱۳)

در آن [بهشت] بر تختها [ی خویش] تکیه زنند . در آنجا نه آفتابی بینند و نه سرمایی .

(الإنسان، ۱۳)

وَ دَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَ تُنَلَّلُ فَطُوفُهَا تَدْلِيلًا (۱۴)

و سایه‌ها [ی درختان] به آنان نزدیک است ، و میوه‌هایش [برای چیدن] رام .

(الإنسان، ۱۴)

وَ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآيَاتِهِ مِنْ فَضَّةٍ وَ أَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا (۱۵)

و ظروف سیمین و جامهای بلورین ، پیرامون آنان گردانده می‌شود .

(الإنسان، ۱۵)

قَوَارِيرٍ مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا (۱۶)

جامه‌هایی از سیم که درست به اندازه [و با کمال ظرافت] آنها را از کار در آورده‌اند .

(الإنسان، ۱۶)

وَ يُنْفَخُونَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا (۱۷)

و در آنجا از جامی که آمیزه زنجبیل دارد به آنان می‌نوشانند .

(الإنسان، ۱۷)

عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا (۱۸)

از چشمه‌ای در آنجا که « سلسبیل » نامیده می‌شود .

(الإنسان، ۱۸)

وَ يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَنُورًا (۱۹)

و بر گرد آنان پسرانی جاودانی می‌گردند . چون آنها را ببینی ، گویی که مرواریدهایی پراکنده‌اند .

(الإنسان، ۱۹)

وَ إِذَا رَأَيْتَ نَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَ مُلْكًا كَبِيرًا (۲۰)

و چون بدانجا نگری [سرزمینی از] نعمت و کشوری پهناور می‌بینی .

(الإنسان، ۲۰)

عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَ إِسْتَبْرَقٌ وَ خُلُوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَ سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا (۲۱)

[بهشتیان را] جامه‌های ابریشمی سبز و دیبای ستبر در بر است و پیرایه آنان دستبندهای سیمین است و پروردگارشان باده‌ای پاک به آنان می‌نوشاند .

(الإنسان، ۲۱)

إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَ كَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا (۲۲)

این [پاداش] برای شماست و کوشش شما مقبول افتاده است .

(الإنسان، ۲۲)

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا (۲۳)

در حقیقت ، ما قرآن را بر تو به تدریج فرو فرستادیم .

(الإنسان، ۲۳)

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَ لَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا (۲۴)

پس در برابر فرمان پروردگارت شکیبایی کن ، و از آنان گناهکار یا ناسپاسگزار را فرمان مبر .

(الإنسان، ۲۴)

وَ ادْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُحْرَةً وَ أُصِيلًا (۲۵)

و نام پروردگارت را بامدادان و شامگاهان یاد کن .

(الإنسان، ۲۵)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا (۲۶)

و بخشی از شب را در برابر او سجده کن و شب [های] دراز ، او را به پاکی بستی .

(الإنسان، ۲۶)

إِنَّ هَوْلَاءِ يُجِبُونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذُرُونَ وَرَاعَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا (۲۷)

اینان دنیای زودگذر را دوست دارند ، و روزی گرانبار را [به غفلت] پشت سر می‌افکنند .

(الإنسان، ۲۷)

نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَلَهُمْ تَبْدِيلًا (۲۸)

مایمیم که آنان را آفریده و پیوند مفاصل آنها را استوار کرده‌ایم ، و چون بخواهیم ، [آنان را] به نظایرشان تبدیل می‌کنیم .

(الإنسان، ۲۸)

إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا (۲۹)

این [آیات] ، [پندنامه‌ای است . تا هر که خواهد ، راهی به سوی پروردگار خود پیش گیرد .

(الإنسان، ۲۹)

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (۳۰)

و تا خدا نخواهد ، [شما] نخواهید خواست ؛ قطعاً خدا دانای حکیم است .

(الإنسان، ۳۰)

يَدْخُلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۳۱)

هر که را خواهد ، به رحمت خویش درمی‌آورد ، و برای ظالمان عذابی پردرد آماده کرده است .

(الإنسان، ۳۱)

مکی-آیاتها- ۵۰	سوره المرسلات	ترتیبها- ۷۷
----------------	---------------	-------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(المرسلات، ۰)

وَالْمُرْسَلَاتِ غُرَفًا (۱)

سوگند به فرستادگان پی در پی ،

(المرسلات، ۱)

فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا (۲)

که سخت توفنده‌اند .

(المرسلات، ۲)

وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا (۳)

و سوگند به افشانندگان افشانگر ،

(المرسلات، ۳)

فَالْفَارِقَاتِ فَرَقًا (۴)

که [میان حق و باطل] جداگرند ،

(المرسلات، ۴)

فَالْمُنْقَبَاتِ ذُرّاً (۵)

و القاکننده وحی اند .

(المرسلات، ۵)

عُذْرًا أَوْ نُدْرًا (۶)

خواه عذری باشد یا هشدارى .

(المرسلات، ۶)

إِنَّمَا تُوْعَدُونَ لَوَاقِعَ (۷)

که آنچه وعده یافته‌اید قطعاً رخ خواهد داد .

(المرسلات، ۷)

فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ (۸)

پس وقتی که ستارگان محو شوند ،

(المرسلات، ۸)

وَ إِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ (۹)

و آن گاه که آسمان بشکافد ،

(المرسلات، ۹)

وَ إِذَا الْجِبَالُ سُفَّتْ (۱۰)

و آن گاه که کوه‌ها از جا کنده شوند ،

(المرسلات، ۱۰)

وَ إِذَا الرُّسُلُ أَقْبَتَتْ (۱۱)

و آن گاه که پیمبران به میقات آیند ،

(المرسلات، ۱۱)

لَا يَوْمَ أَجَلْتُمْ (۱۲)

برای چه روزی تعیین وقت شده است ؟

(المرسلات، ۱۲)

لِيَوْمِ الْقُضْلِ (۱۳)

برای روز داوری .

(المرسلات، ۱۳)

وَ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الْقُضْلِ (۱۴)

و تو چه دانستی که روز داوری چیست ؟

(المرسلات، ۱۴)

وَيَلْ يَوْمِنِ لِلْمُكَذِّبِينَ (۱۵)

آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان !

(المرسلات، ۱۵)

أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ (۱۶)

مگر پیشینیان را هلاک نکردیم ؟

(المرسلات، ۱۶)

ثُمَّ نَتَّبِعُهُمُ الْآخَرِينَ (۱۷)

سپس از پی آنان پسینیان را می‌بریم .

(المرسلات، ۱۷)

كَذَلِكَ نَفْعِلُ بِالْمُجْرِمِينَ (۱۸)

با مجرمان چنین می‌کنیم .

(المرسلات، ۱۸)

وَيَلِ يَوْمَئِذٍ الْمُكذِبِينَ (۱۹)

آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان .

(المرسلات، ۱۹)

أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ (۲۰)

مگر شما را از آبی بی‌مقدار نیافریدیم ؟

(المرسلات، ۲۰)

فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ (۲۱)

پس آن را در جایگاهی استوار نهادیم ،

(المرسلات، ۲۱)

إِلَى قَدَرٍ مَعْلُومٍ (۲۲)

تا مدتی معین .

(المرسلات، ۲۲)

فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ (۲۳)

و توانا آمدیم ، و چه نیک تواناییم .

(المرسلات، ۲۳)

وَيَلِ يَوْمَئِذٍ الْمُكذِبِينَ (۲۴)

آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان .

(المرسلات، ۲۴)

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا (۲۵)

مگر زمین را محلّ اجتماع نگردانیدیم ؟

(المرسلات، ۲۵)

أَحْيَاءَ وَ أَمْواتًا (۲۶)

چه برای مردگان چه زندگان .

(المرسلات، ۲۶)

وَجَعَلْنَا فِيهَا رِوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا (٢٧)

و کوه‌های بلند در آن نهادیم و به شما آبی گوارا نوشانیدیم .

(المرسلات، ٢٧)

وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (٢٨)

آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان .

(المرسلات، ٢٨)

انْطَلِقُوا إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (٢٩)

بروید به سوی همان چیزی که آن را تکذیب می‌کردید .

(المرسلات، ٢٩)

انْطَلِقُوا إِلَىٰ ظِلٍّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ (٣٠)

بروید به سوی [آن] دود سه شاخه ،

(المرسلات، ٣٠)

لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْتَبَىٰ مِنَ اللَّهَبِ (٣١)

نه سایه‌دار است و نه از شعله [آتش] حفاظت می‌کند .

(المرسلات، ٣١)

إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ (٣٢)

[دوزخ] چون کاخی [بلند] شراره می‌افکند ،

(المرسلات، ٣٢)

كَأَنَّهُ جِمَاةٌ صُفْرٌ (٣٣)

گویی شترانی زرد رنگند .

(المرسلات، ٣٣)

وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (٣٤)

آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان .

(المرسلات، ٣٤)

هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطَفُونَ (٣٥)

این ، روزی است که دم نمی‌زنند .

(المرسلات، ٣٥)

وَلَا يُؤْدُنُ لَهُمْ فَيْعَنْزُرُونَ (٣٦)

و رخصت نمی‌یابند تا پوزش خواهند .

(المرسلات، ٣٦)

وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (٣٧)

آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان .

(المرسلات، ٣٧)

هَذَا يَوْمُ الْفُصْلِ جَمْعًاكُمْ وَالْأُولَيْنِ (٣٨)

این [همان] روز داوری است . شما و [جمله] پیشینیان را گرد می‌آوریم .

(المرسلات، ۳۸)

فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُوا (۳۹)

پس اگر حیلتی دارید ، در برابر من بسگالید .

(المرسلات، ۳۹)

وَيْلٌ لِّیَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۴۰)

آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان .

(المرسلات، ۴۰)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَ عُيُونٍ (۴۱)

اهل تقوا در زیر سایه‌ها و بر کنار چشمه‌سارانند ؛

(المرسلات، ۴۱)

وَ فَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ (۴۲)

با هر میوه‌ای که خوش داشته باشند .

(المرسلات، ۴۲)

كُلُوا وَ اشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۴۳)

به [پاداش] آنچه می‌کردید ، بخورید و بیاشامید ؛ گواراتان باد .

(المرسلات، ۴۳)

إِنَّا كَذَّبَكَ نُجِزِي الْمُحْسِنِينَ (۴۴)

ما نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم .

(المرسلات، ۴۴)

وَيْلٌ لِّیَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۴۵)

آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان .

(المرسلات، ۴۵)

كُلُوا وَ تَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ (۴۶)

[ای کافران ،] بخورید و اندکی برخوردار شوید که شما گناهکارید .

(المرسلات، ۴۶)

وَيْلٌ لِّیَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۴۷)

[ولی] آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان .

(المرسلات، ۴۷)

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ (۴۸)

و چون به آنان گفته شود : « رکوع کنید » ، به رکوع نمی‌روند .

(المرسلات، ۴۸)

وَيْلٌ لِّیَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۴۹)

آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان .

(المرسلات، ۴۹)

فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (۵۰)

پس به کدامین سخن پس از [قرآن] ایمان می آورند ؟

(المرسلات، ۵۰)

مکّی-ایاتها- ۴۰	سوره النبأ	ترتیبها- ۷۸
-----------------	------------	-------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(النبأ، ۰)

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ (۱)

درباره چه چیز از یکدیگر می پرسند ؟

(النبأ، ۱)

عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ (۲)

از آن خبر بزرگ ،

(النبأ، ۲)

الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ (۳)

که درباره آن با هم اختلاف دارند .

(النبأ، ۳)

كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (۴)

نه چنان است ، به زودی خواهند دانست .

(النبأ، ۴)

ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (۵)

باز هم نه چنان است ، بزودی خواهند دانست .

(النبأ، ۵)

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا (۶)

آیا زمین را گهواره ای نگردانیدیم ؟

(النبأ، ۶)

وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا (۷)

و کوه ها را [چون] میخهایی [نگذاشتیم] ؟

(النبأ، ۷)

وَ خَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا (۸)

و شما را جفت آفریدیم .

(النبأ، ۸)

وَ جَعَلْنَا نُومَكُمْ سُبَاتًا (۹)

و خواب شما را [مایه] آسایش گردانیدیم .

(النبیاء، ۹)

وَ جَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا (۱۰)

و شب را [برای شما] پوششی قرار دادیم .

(النبیاء، ۱۰)

وَ جَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا (۱۱)

و روز را [برای] معاش [شما] نهادیم .

(النبیاء، ۱۱)

وَ بَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا (۱۲)

و بر فراز شما هفت [آسمان] استوار بنا کردیم .

(النبیاء، ۱۲)

وَ جَعَلْنَا سِرَاجًا وَ مَنَاجِبًا (۱۳)

و چراغی فروزان گذاردیم .

(النبیاء، ۱۳)

وَ أَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً نَّجَاجًا (۱۴)

و از ابرهای متراکم ، آبی ریزان فرود آوردیم ،

(النبیاء، ۱۴)

لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَ نَبَاتًا (۱۵)

تا بدان دانه و گیاه برویائیم ،

(النبیاء، ۱۵)

وَ جَنَّاتٍ أَلْفَافًا (۱۶)

و باغهای درهمپیچیده و انبوه .

(النبیاء، ۱۶)

إِنَّ يَوْمَ الْفِصْلِ كَانَ مِيقَاتًا (۱۷)

قطعاً و عذگاه [ما با شما] روز داوری است :

(النبیاء، ۱۷)

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَمَأْتُونَ أَفْوَاجًا (۱۸)

روزی که در « صور » دمیده شود ، و گروه گروه بیایند ؛

(النبیاء، ۱۸)

وَ فَتَحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا (۱۹)

و آسمان ، گشوده و درهایی [پدید] شود ؛

(النبیاء، ۱۹)

وَ سَيَّرَتِ الْجِبَالُ كَمَا يُجَارِبُ السَّرَابُ (۲۰)

و کوهها را روان کنند ، و [چون] سرابی گردند .

(النبا، ۲۰)

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَاداً (۲۱)

[آری ، [جهنم] از دیرباز [کمینگاهی بوده ،

(النبا، ۲۱)

لِلطَّاغِيَةِ مَاباً (۲۲)

[که] برای سرکشان ، بازگشتگاهی است .

(النبا، ۲۲)

لَأَبْشِرَنَّ فِيهَا أَحْقَاباً (۲۳)

روزگاری دراز در آن درنگ کنند .

(النبا، ۲۳)

لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَاباً (۲۴)

در آنجا نه خنکی چشند و نه شربتی ،

(النبا، ۲۴)

إِلَّا حَمِيمًا وَ عَسَاقاً (۲۵)

جز آب جوشان و چرکابه‌ای .

(النبا، ۲۵)

جَزَاءً وَفِاقاً (۲۶)

کیفری مناسب [با جرم آنها] .

(النبا، ۲۶)

إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَاباً (۲۷)

آنان بودند که به [روز] حساب امید نداشتند ؛

(النبا، ۲۷)

وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كَذَاباً (۲۸)

و آیات ما را سخت تکذیب می‌کردند .

(النبا، ۲۸)

وَ كُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَاباً (۲۹)

و حال آنکه هر چیزی را برشمرده [به صورت] کتابی در آورده‌ایم .

(النبا، ۲۹)

فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَاباً (۳۰)

پس بچشید که جز عذاب ، هرگز [چیزی] بر شما نمی‌افزاییم .

(النبا، ۳۰)

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازاً (۳۱)

مسئماً پرهیزگاران را رستگاری است :

(النبا، ۳۱)

حَدَائِقَ وَ أَغْنَابًا (۳۲)

باغچه‌ها و تاکستانها ،

(النبا، ۳۲)

وَ كَوَاعِبِ أَنْزَابًا (۳۳)

و دخترانی همسال با سینه‌های برجسته ،

(النبا، ۳۳)

وَ كَأَسَا دِهَاقًا (۳۴)

و پیاله‌های لبالب .

(النبا، ۳۴)

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا نَغْوًا وَلَا كِدَابًا (۳۵)

در آنجا نه بیهوده‌ای شنوند ، و نه [یکدیگر را] تکذیب [کنند] .

(النبا، ۳۵)

جَزَاءً مِنْ رَبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا (۳۶)

[این است] پاداشی از پروردگار تو ، عطایی از روی حساب .

(النبا، ۳۶)

رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا (۳۷)

پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است ، بخشایشگری که کس را یارای خطاب با او نیست .

(النبا، ۳۷)

يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا (۳۸)

روزی که « روح » و فرشتگان به صف می‌ایستند ، و [مردم] سخن نگویند ، مگر کسی که [خدای] رحمان به او رخصت دهد ، و سخن راست گوید .

(النبا، ۳۸)

ذَلِكَ الْيَوْمِ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَا بَاءً (۳۹)

آن [روز] ، روز حقی است ؛ پس هر که خواهد ، راه بازگشتی به سوی پروردگار خود بجوید .

(النبا، ۳۹)

إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمُرءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا (۴۰)

ما شما را از عذابی نزدیک هشدار دادیم : روزی که آدمی آنچه را با دست خویش پیش فرستاده است بنگرد ؛ و کافر گوید : « کاش من خاک بودم . »

(النبا، ۴۰)

ترتیبها- ۷۹	سوره النَّازِعَات	مکی- آیاتها ۴۶
-------------	-------------------	----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(النزاعات، ۰)

وَ النَّازِعَاتِ غُرُقًا (۱)

سوگند به فرشتگانی که [از کافران] به سختی جان ستانند ،

(النازعات، ۱)

و النَّاشِطَاتِ نَشِطًا (۲)

و به فرشتگانی که جان [مؤمنان] را به آرامی گیرند ،

(النازعات، ۲)

و السَّابِحَاتِ سَبْحًا (۳)

و به فرشتگانی که [در دریای بی‌مانند] شناکنان شناورند ،

(النازعات، ۳)

فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا (۴)

پس در پیشی گرفتن [در فرمان خدا] سبقت‌گیرنده‌اند ،

(النازعات، ۴)

فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا (۵)

و کار [بندگان] را تدبیر می‌کنند .

(النازعات، ۵)

يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ (۶)

آن روز که لرزنده بلرزد ،

(النازعات، ۶)

تَتَّبِعُهَا الرَّايِقَةُ (۷)

و از پی آن لرزدهای [دگر] افتد ،

(النازعات، ۷)

قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ (۸)

در آن روز ، دل‌هایی سخت هراسانند .

(النازعات، ۸)

أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ (۹)

دیدگان آنها فروافتاده .

(النازعات، ۹)

يَقُولُونَ أِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ (۱۰)

گویند : « آیا [باز] ما به [مغاک] زمین برمی‌گردیم ؟

(النازعات، ۱۰)

أِذَا كُنَّا عِظْمًا تَخِرَّةً (۱۱)

آیا وقتی ما استخوان‌ریزه‌های پوسیده شدیم [زندگی را از سر می‌گیریم] ؟ »

(النازعات، ۱۱)

قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ (۱۲)

[و با خود] گویند : « در این صورت ، این برگشتی زیان‌آور است . »

(النازعات، ۱۲)

فَأَيُّهَا هِيَ زُجْرَةٌ وَاحِدَةٌ (۱۳)

و [لی] در حقیقت ، آن [بازگشت ، بسته به] يك فریاد است [و بس] .

(النازعات، ۱۳)

فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ (۱۴)

و بناگاه آنان در زمینِ هموار خواهند بود .

(النازعات، ۱۴)

هَلْ أَتَاكَ خَبِيثٌ مُوسَى (۱۵)

آیا سرگذشت موسی بر تو آمد ؟

(النازعات، ۱۵)

إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى (۱۶)

آن گاه که پروردگارش او را در وادی مقدس « طوی » ندا درداد :

(النازعات، ۱۶)

أُذْهِبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ (۱۷)

« به سوی فرعون برو که وی سر برداشته است ;

(النازعات، ۱۷)

فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَٰهٌ إِلَّا أَنَا تَزَكَّىٰ (۱۸)

و بگو : آیا سِوِ آن داری که به پاکیزگی گرایم ،

(النازعات، ۱۸)

وَ أَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ (۱۹)

و تو را به سوی پروردگارت راه نمایم تا پروا بداری ؟ «

(النازعات، ۱۹)

فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ (۲۰)

پس معجزه بزرگ [خود] را بدو نمود .

(النازعات، ۲۰)

فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ (۲۱)

و [لی فرعون] تکذیب نمود و عصیان کرد .

(النازعات، ۲۱)

ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَىٰ (۲۲)

سپس پشت کرد [و] به کوشش برخاست ،

(النازعات، ۲۲)

فَحَشَرَ فَنَادَىٰ (۲۳)

و گروهی را فراهم آورد [و] ندا درداد ،

(النازعات، ۲۳)

فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ (۲۴)

و گفت : « پروردگار بزرگتر شما منم ! »

(النازعات، ۲۴)

فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَحَالِ الْأَخْرَةِ وَ الْأُولَى (۲۵)

و خدا [هم] او را به کيفر دنيا و آخرت گرفتار کرد .

(النازعات، ۲۵)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشَى (۲۶)

در حقيقت ، برای هر کس که [از خدا] بترسد ، در اين [ماجرا] عبرتی است .

(النازعات، ۲۶)

أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا (۲۷)

آيا آفرينش شما دشوارتر است يا آسمانی که [او] آن را برپا کرده است ؟

(النازعات، ۲۷)

رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا (۲۸)

سقفش را برافراشت و آن را [به اندازه معين] درست کرد ،

(النازعات، ۲۸)

وَ أَعْطَشَ لَبَنَهَا وَ أَخْرَجَ ضُحَاهَا (۲۹)

و شبنم را تيره و روزه را آشکار گردانيد ،

(النازعات، ۲۹)

وَ الْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ نَحَّاهَا (۳۰)

و پس از آن ، زمين را با غلتانيدن گسترده ،

(النازعات، ۳۰)

أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَ مَرْعَاهَا (۳۱)

آبش و چراگاهش را از آن بيرون آورد ،

(النازعات، ۳۱)

وَ الْجِبَالِ أَرْسَاهَا (۳۲)

و كوهها را لنگر آن گردانيد ،

(النازعات، ۳۲)

مَتَاعًا لَكُمْ وَ لِأَنْعَامِكُمْ (۳۳)

[تا وسيله] استفاده برای شما و دامهايتان باشد .

(النازعات، ۳۳)

فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَى (۳۴)

پس آن گاه که آن هنگامه بزرگ دررسد ،

(النازعات، ۳۴)

يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى (۳۵)

[آن] روز است که انسان آنچه را که در پی آن كوشيده است به ياد آورد

(النازعات، ۳۵)

و بُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى (۳۶)

و جهنم برای هر که ببند آشکار گردد .

(النازعات، ۳۶)

فَأَمَّا مَنْ طَغَى (۳۷)

اما هر که طغیان کرد ،

(النازعات، ۳۷)

وَ أَثَرَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا (۳۸)

و زندگی پست دنیا را برگزید ،

(النازعات، ۳۸)

فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى (۳۹)

پس جایگاه او همان آتش است .

(النازعات، ۳۹)

وَ أَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى (۴۰)

و اما کسی که از ایستادن در برابر پروردگارش هراسید ، و نفس [خود] را از هوس باز داشت ،

(النازعات، ۴۰)

فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى (۴۱)

پس جایگاه او همان بهشت است .

(النازعات، ۴۱)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا (۴۲)

در باره رستاخیز از تو می‌پرسند که فرارسیدنش چه وقت است ؟

(النازعات، ۴۲)

فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا (۴۳)

تو را چه به گفتگو در آن .

(النازعات، ۴۳)

إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا (۴۴)

علم آن با پروردگار تو است .

(النازعات، ۴۴)

إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مَنِ يَخْشَاهَا (۴۵)

تو فقط کسی را که از آن می‌ترسد هشدار می‌دهی .

(النازعات، ۴۵)

كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا (۴۶)

روزی که آن را می‌بینند ، گویی که آنان جز شبی یا روزی درنگ نکرده‌اند .

(النازعات، ۴۶)

ترتیبها- ۸۰	سوره عبس	مکی- آیاتها- ۴۲
-------------	----------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(عبس، ۰)

عَبَسَ وَ تَوَلَّى (۱)

چهره درهم کشید و روی گردانید ،

(عبس، ۱)

أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى (۲)

که آن مرد نابینا پیش او آمد ؛

(عبس، ۲)

وَ مَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَكِّي (۳)

و تو چه دانی ، شاید او به پاکی گراید ،

(عبس، ۳)

أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى (۴)

یا بند پذیرد و اندرز سودش دهد .

(عبس، ۴)

أَمَّا مَنْ اسْتَعْجَى (۵)

اما آن کس که خود را بی نیاز می پندارد ،

(عبس، ۵)

فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى (۶)

تو بدو می پردازی ؛

(عبس، ۶)

وَ مَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَكِّي (۷)

با آنکه اگر پاک نگردد ، بر تو [مسئولیتی] نیست .

(عبس، ۷)

وَ أَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى (۸)

و اما آن کس که شتابان پیش تو آمد ،

(عبس، ۸)

وَ هُوَ يَخْشَى (۹)

در حالی که [از خدا] می ترسید ،

(عبس، ۹)

فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى (۱۰)

تو از او به دیگران می پردازی .

(عبس، ۱۰)

كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ (۱۱)

زنهار [چنین مکن] این [آیات] پندی است .

(عبس، ۱۱)

فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ (۱۲)

تا هر که خواهد ، از آن پند گیرد .

(عبس، ۱۲)

فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ (۱۳)

در صحیفه‌هایی ارجمند ،

(عبس، ۱۳)

مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ (۱۴)

والا و پالاشده ،

(عبس، ۱۴)

بِأَيْدِي سَفَرَةٍ (۱۵)

به دست فرشتگانی ،

(عبس، ۱۵)

كِرَامٍ بَرَرَةٍ (۱۶)

ارجمند و نیکوکار .

(عبس، ۱۶)

قُلْنَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرُ (۱۷)

کشته باد انسان ، چه ناسپاس است !

(عبس، ۱۷)

مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ (۱۸)

او را از چه چیز آفریده است ؟

(عبس، ۱۸)

مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ (۱۹)

از نطفه‌ای خلقش کرد و اندازه مقررش بخشید .

(عبس، ۱۹)

ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ (۲۰)

سپس راه را بر او آسان گردانید .

(عبس، ۲۰)

ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ (۲۱)

آن گاه به مرگش رسانید و در قبرش نهاد .

(عبس، ۲۱)

ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ (۲۲)

سپس چون بخواهد او را برانگیزد .

(عیس، ۲۲)

كَلَّا لَمَّا يُفْضِ مَا أَمَرَهُ (۲۳)

ولی نه ! هنوز آنچه را به او دستور داده ، به جای نیاورده است .

(عیس، ۲۳)

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَىٰ طَعَامِهِ (۲۴)

پس انسان باید به خوراک خود بنگرد ،

(عیس، ۲۴)

أَنَا صَنَّبْنَا الْمَاءَ صَبِيًّا (۲۵)

که ما آب را به صورت بارشی فرو ریختیم ;

(عیس، ۲۵)

ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا (۲۶)

آن گاه زمین را با شکافتنی [لازم] شکافتیم ;

(عیس، ۲۶)

فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا (۲۷)

پس در آن ، دانه رویانیدیم .

(عیس، ۲۷)

وَ عِنْبًا وَ قَضْبًا (۲۸)

و انگور و سبزی ،

(عیس، ۲۸)

وَ زَيْتُونًا وَ نَخْلًا (۲۹)

و زیتون و درخت خرما ،

(عیس، ۲۹)

وَ حَدَائِقَ عُلْبًا (۳۰)

و باغهای انبوه ،

(عیس، ۳۰)

وَ فَاكِهَةً وَ أَبًا (۳۱)

و میوه و چراگاه ،

(عیس، ۳۱)

مَتَاعًا لَّخْمٍ وَ لِأَنْعَامِكُمْ (۳۲)

[تا وسیله] استفاده شما و دامهایتان باشد .

(عیس، ۳۲)

فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ (۳۳)

پس چون فریاد گوش‌خراش دررسد ؛

(عبس، ۳۳)

يَوْمَ يَقْرَأُ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ (۳۴)

روزی که آدمی از برادرش ،

(عبس، ۳۴)

وَأُمِّهِ وَآبِيهِ (۳۵)

و از مادرش و پدرش .

(عبس، ۳۵)

وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ (۳۶)

و از همسرش و پسرانش می‌گریزد ،

(عبس، ۳۶)

لِكُلِّ امْرِئٍ مِّمَّنْهُمُ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ (۳۷)

در آن روز ، هر کسی از آنان را کاری است که او را به خود مشغول می‌دارد .

(عبس، ۳۷)

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ (۳۸)

در آن روز ، چهره‌هایی درخشانند ،

(عبس، ۳۸)

ضاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ (۳۹)

خندان [و] شادانند .

(عبس، ۳۹)

وَوُجُوهُ يَوْمَئِذٍ عَلَيَّهَا غَبْرَةٌ (۴۰)

و در آن روز ، چهره‌هایی است که بر آنها غبار نشسته ،

(عبس، ۴۰)

تَرْهَقَهَا قَتْرَةٌ (۴۱)

[و] آنها را تاریکی پوشانده است ؛

(عبس، ۴۱)

أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجْرَةُ (۴۲)

آنان همان کافران بدکارند .

(عبس، ۴۲)

ترتیبها- ۸۱	سوره التکویر	مکی- آیاتها- ۲۹
-------------	--------------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(التکویر، ۰)

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ (۱)

آن گاه که خورشید به هم دربیچد ،

(التکویر، ۱)

وَ إِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ (۲)

و آن گاه که ستارگان همی تیره شوند ،

(التکویر، ۲)

وَ إِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ (۳)

و آن گاه که کوهها به رفتار آیند .

(التکویر، ۳)

وَ إِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ (۴)

وقتی شتران ماده وانهاده شوند ،

(التکویر، ۴)

وَ إِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ (۵)

و آن گاه که وحوش را همی گرد آرند ،

(التکویر، ۵)

وَ إِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ (۶)

دریاها آن گاه که جوشان گردند ،

(التکویر، ۶)

وَ إِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ (۷)

و آن گاه که جانها به هم درپیوندند ،

(التکویر، ۷)

وَ إِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ (۸)

پرسند چو زان دخترک زنده بهگور :

(التکویر، ۸)

بِأَيِّ ذُنُوبٍ قُتِلَتْ (۹)

به کدامین گناه کشته شده است ؟

(التکویر، ۹)

وَ إِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ (۱۰)

و آن گاه که نامهها ز هم بگشایند ،

(التکویر، ۱۰)

وَ إِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ (۱۱)

و آن گاه که آسمان زجا کنده شود ،

(التکویر، ۱۱)

وَ إِذَا الْجَبَابِيطُ سَفَرَتْ (۱۲)

و آن گه که جحیم را برافروزانند ،

(التکویر، ۱۲)

وَ إِذَا الْجِنَّةُ أُرْلِفَتْ (۱۳)

و آن گه که بهشت را فرا پیش آرند ،

(التکویر، ۱۳)

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَخْضَرَتْ (۱۴)

هر نفس بداند چه فراهم دیده .

(التکویر، ۱۴)

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ (۱۵)

نه ، نه ! سوگند به اختران گردان ،

(التکویر، ۱۵)

الْجَوَارِ الْكُنَّسِ (۱۶)

[کز دیده] نهان شوند و از نو آیند ،

(التکویر، ۱۶)

وَ اللَّيْلِ إِذَا عَسَوْنَ (۱۷)

سوگند به شب چو پشت گرداند ،

(التکویر، ۱۷)

وَ الصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ (۱۸)

سوگند به صبح چون دمیدن گیرد ،

(التکویر، ۱۸)

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (۱۹)

که [قرآن] سخن فرشته بزرگواری است .

(التکویر، ۱۹)

ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ (۲۰)

نیرومند [که] پیش خداوند عرش ، بلندپایگاه است .

(التکویر، ۲۰)

مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ (۲۱)

در آنجا [هم] مطاع [و هم] امین است .

(التکویر، ۲۱)

وَ مَا صَاحِبِكُمْ بِمَجْنُونٍ (۲۲)

و رفیق شما مجنون نیست ؛

(التکویر، ۲۲)

وَ لَقَدْ رَأَىٰ بِالْأَفْقِ الْمُبِينِ (۲۳)

و قطعاً آن [فرشته وحی] را در افق رخشان دیده .

(التكوير، ٢٣)

وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ (٢٤)

و او در امر غیب بخیل نیست .

(التكوير، ٢٤)

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ (٢٥)

و [قرآن] نیست سخن شیو رجیم .

(التكوير، ٢٥)

فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ (٢٦)

پس به کجا می‌روید ؟

(التكوير، ٢٦)

إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (٢٧)

این [سخن] بجز پندی برای عالمیان نیست ؛

(التكوير، ٢٧)

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ (٢٨)

برای هر يك از شما که خواهد به راه راست رود .

(التكوير، ٢٨)

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (٢٩)

و تا خدا ، پروردگار جهانیان ، نخواهد ، [شما نیز] نخواهید خواست .

(التكوير، ٢٩)

ترتیبها- ٨٢	سوره الانفطار	مکی- آیاتها- ١٩
-------------	---------------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (٠)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الانفطار، ٠)

إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ (١)

آن گاه که آسمان ز هم بشکافتد ،

(الانفطار، ١)

وَ إِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ (٢)

و آن گاه که اختران پراکنده شوند ،

(الانفطار، ٢)

وَ إِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ (٣)

و آن گاه که دریاها از جا برکنده گردند ،

(الانفطار، ٣)

وَ إِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ (٤)

و آن گاه که گورها زیر و زیر شوند ،

(الانفطار، ۴)

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَ أَخَّرَتْ (۵)

هر نفسی آنچه را پیش فرستاده و بازپس گذاشته ، بداند .

(الانفطار، ۵)

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ (۶)

ای انسان ، چه چیز تو را در باره پروردگار بزرگوارت مغرور ساخته ؟

(الانفطار، ۶)

الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ (۷)

همان کس که تو را آفرید ، و [اندام] تو را درست کرد ، و [آن گاه] تو را سامان بخشید .

(الانفطار، ۷)

فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ (۸)

و به هر صورتی که خواست ، تو را ترکیب کرد .

(الانفطار، ۸)

كَلَّا بَلْ تُكذِّبُونَ بِالَّذِينَ (۹)

با این همه ، شما منکر [روز] جزایید .

(الانفطار، ۹)

وَ إِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ (۱۰)

و قطعاً بر شما نگهبانانی [گماشته شده] اند :

(الانفطار، ۱۰)

كِرَامًا كَاتِبِينَ (۱۱)

[فرشتگان] بزرگواری که نویسندگان [اعمال شما] هستند ؛

(الانفطار، ۱۱)

يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ (۱۲)

آنچه را می‌کنید ، می‌دانند .

(الانفطار، ۱۲)

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ (۱۳)

قطعاً نیکان به بهشت اندرند .

(الانفطار، ۱۳)

وَ إِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ (۱۴)

و بی‌شک ، بدکاران در دوزخند .

(الانفطار، ۱۴)

يَصْنَعُونَهَا يَوْمَ الدِّينِ (۱۵)

روز جزا در آنجا درآیند ،

(الانفطار، ۱۵)

وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ (۱۶)

و از آن [عذاب] دور نخواهند بود .

(الانفطار، ۱۶)

وَمَا أَزَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ (۱۷)

و تو چه دانی که چیست روز جزا .

(الانفطار، ۱۷)

ثُمَّ مَا أَزَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ (۱۸)

باز چه دانی که چیست روز جزا ؟

(الانفطار، ۱۸)

يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ (۱۹)

روزی که کسی برای کسی هیچ اختیاری ندارد ؛ و در آن روز ، فرمان از آن خداست .

(الانفطار، ۱۹)

مکی-ایاتها-۳۶	سوره المطففين	ترتیبها-۸۳
---------------	---------------	------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(المطففين، ۰)

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ (۱)

وای بر کمفروشان ،

(المطففين، ۱)

الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ (۲)

که چون از مردم پیمانه ستانند ، تمام ستانند ؛

(المطففين، ۲)

وَ إِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وُزَنُوا لَهُمْ يُخْسِرُونَ (۳)

و چون برای آنان پیمانه یا وزن کنند ، به ایشان کم دهند .

(المطففين، ۳)

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ (۴)

مگر آنان گمان نمی‌دارند که برانگیخته خواهند شد ؟

(المطففين، ۴)

لِيَوْمٍ عَظِيمٍ (۵)

[در] روزی بزرگ :

(المطففين، ۵)

يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۶)

روزی که مردم در برابر پروردگار جهاتیان به پای ایستند .

(المطففین، ۶)

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَارِ لَفِي سَجِّينٍ (۷)

نه چنین است [که می‌پندارند] ، که کارنامه بدکاران در « سجین » است .

(المطففین، ۷)

وَمَا أَتْرَاكَ مَا سَجِّينٌ (۸)

و تو چه دانی که « سجین » چیست ؟

(المطففین، ۸)

كِتَابٍ مَرْقُومٍ (۹)

کتابی است نوشته شده .

(المطففین، ۹)

وَيَا يَوْمِئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۱۰)

وای بر تکذیب‌کنندگان در آن هنگام :

(المطففین، ۱۰)

الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بَيْنَ الدِّينِ (۱۱)

آنان که روز جزا را دروغ می‌پندارند .

(المطففین، ۱۱)

وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ (۱۲)

و جز هر تجاوزپیشه گناهکاری آن را به دروغ نمی‌گیرد .

(المطففین، ۱۲)

إِذَا تَنَادَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۳)

[همان که] چون آیات ما بر او خوانده شود ، گوید : « [اینها] افسانه‌های پیشینیان است . »

(المطففین، ۱۳)

كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۴)

نه چنین است ، بلکه آنچه مرتکب می‌شدند زنگار بر دل‌هایشان بسته است .

(المطففین، ۱۴)

كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمِئِذٍ لَمَّحْجُوبُونَ (۱۵)

زهی پندار ، که آنان در آن روز ، از پروردگارشان سخت محجوبند .

(المطففین، ۱۵)

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ (۱۶)

آن گاه به یقین ، آنان به جهنم درآیند .

(المطففین، ۱۶)

ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (۱۷)

سپس [به ایشان] گفته خواهد شد : « این همان است که آن را به دروغ می‌گرفتید . »

(المطففين، ۱۷)

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ (۱۸)

نه چنین است ، در حقیقت ، کتاب نیکان در « عِلِّيُّون » است .

(المطففين، ۱۸)

وَ مَا أَذْرَاكَ مَا عَلِيُّونَ (۱۹)

و تو چه دانی که « عَلِيُّون » چیست ؟

(المطففين، ۱۹)

كِتَابٍ مَرْقُومٍ (۲۰)

کتابی است نوشته شده .

(المطففين، ۲۰)

يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ (۲۱)

مقربان آن را مشاهده خواهند کرد .

(المطففين، ۲۱)

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ (۲۲)

براستی نیکوکاران در نعيم [الهی] خواهند بود .

(المطففين، ۲۲)

عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ (۲۳)

بر تختها [نشسته] می‌نگرند .

(المطففين، ۲۳)

تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ (۲۴)

از چهره‌هایشان طراوت نعمت [بهشت] را درمی‌یابی .

(المطففين، ۲۴)

يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ (۲۵)

از باده‌ای مهرشده نوشانیده شوند .

(المطففين، ۲۵)

خَتَامُهُ مِسْكٌ وَ فِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ (۲۶)

[باده‌ای که] مُسْكُ آن ، مُسْكُ است ، و در این [نعمتها] مشتاقان باید بر یکدیگر پیشی گیرند .

(المطففين، ۲۶)

وَ مِرْأَجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ (۲۷)

و ترکیبش از [چشمه] « تسنیم » است :

(المطففين، ۲۷)

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ (۲۸)

چشمه‌ای که مقربان [خدا] از آن نوشند .

(المطففين، ۲۸)

إِنَّ الَّذِينَ أُجْرِمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ (٢٩)

[آری ، در دنیا] کسانی که گناه می‌کردند ، آنان را که ایمان آورده بودند به ریشخند می‌گرفتند .

(المطففين، ٢٩)

وَ إِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ (٣٠)

و چون بر ایشان می‌گذشتند ، اشاره چشم و ابرو با هم رد و بدل می‌کردند .

(المطففين، ٣٠)

وَ إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمُ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ (٣١)

و هنگامی که نزد خانواده [های] خود بازمی‌گشتند ، به شوخ‌طبعی می‌پرداختند .

(المطففين، ٣١)

وَ إِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَٰؤُلَاءِ لَضَالُونَ (٣٢)

و چون مؤمنان را می‌دیدند ، می‌گفتند : « اینها [جماعتی] گمراهند . »

(المطففين، ٣٢)

وَ مَا أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ (٣٣)

و حال آنکه آنان برای بازرسی [کار] شان فرستاده نشده بودند .

(المطففين، ٣٣)

فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ (٣٤)

و [لی] امروز ، مؤمنانند که بر کافران خنده می‌زنند .

(المطففين، ٣٤)

عَلَىٰ الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ (٣٥)

بر تختها [ی خود نشسته] ، نظاره می‌کنند .

(المطففين، ٣٥)

هَلْ نُؤَبِّئُ الْكُفَّارَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (٣٦)

[تا ببینند] آیا کافران به پاداش آنچه می‌کردند رسیده‌اند ؟

(المطففين، ٣٦)

ترتیبها- ٨٤	سوره الانشقاق	مکی- آیاتها- ٢٥
-------------	---------------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (٠)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الانشقاق، ٠)

إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ (١)

آن گاه که آسمان ز هم بشکافت ،

(الانشقاق، ١)

وَ أَدْنَتْ لِرَبِّهَا وَ حَقَّتْ (٢)

و پروردگارش را فرمان برد و [چنین] سبزد .

(الانشقاق، ۲)

وَ إِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ (۳)

و آن گاه که زمین کشیده شود ،

(الانشقاق، ۳)

وَ أَلْقَتْ مَا فِيهَا وَ تَخَلَّتْ (۴)

و آنچه را که در آن است بیرون افکند و تهی شود ،

(الانشقاق، ۴)

وَ أَدْنَتْ لِرَبِّهَا وَ حَقَّتْ (۵)

و پروردگارش را فرمان بَرَد و [چنین] سزد .

(الانشقاق، ۵)

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ (۶)

ای انسان ، حقاً که تو به سوی پروردگار خود بسختی در تلاشی ، و او را ملاقات خواهی کرد .

(الانشقاق، ۶)

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ (۷)

اما کسی که کارنامه‌اش به دست راستش داده شود ،

(الانشقاق، ۷)

فَسَوْفَ يَحْسَابُ حِسَابًا يَسِيرًا (۸)

بزودی اش حسابی بس آسان کند ،

(الانشقاق، ۸)

وَ يَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا (۹)

و شادمان به سوی کسانی بازگردد .

(الانشقاق، ۹)

وَ أَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ (۱۰)

و اما کسی که کارنامه‌اش از پشت سرش به او داده شود ،

(الانشقاق، ۱۰)

فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا (۱۱)

زودا که هلاک [خویش] خواهد ،

(الانشقاق، ۱۱)

وَ يَصْنَعُ صَعِيرًا (۱۲)

و در آتش افروخته درآید .

(الانشقاق، ۱۲)

إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا (۱۳)

او در [میان] خانواده خود شادمان بود .

(الانشقاق، ۱۳)

إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَخُورَ (۱۴)

او می‌پنداشت که هرگز بر نخواهد گشت .

(الانشقاق، ۱۴)

بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا (۱۵)

آری ، در حقیقت ، پروردگارش به او بینا بود .

(الانشقاق، ۱۵)

فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ (۱۶)

نه ، نه ، سوگند به شفق ،

(الانشقاق، ۱۶)

و اللَّيْلِ وَ مَا وَسَقَى (۱۷)

سوگند به شب و آنچه [شب] فروپوشاند ،

(الانشقاق، ۱۷)

و الْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ (۱۸)

سوگند به ماه چون [بَدْر] تمام شود ،

(الانشقاق، ۱۸)

تَنْزُكَيْنِ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ (۱۹)

که قطعاً از حالی به حالی بر خواهید نشست .

(الانشقاق، ۱۹)

فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۲۰)

پس چرا آنان باور نمی‌دارند ؟

(الانشقاق، ۲۰)

وَ إِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ (۲۱)

و چون بر آنان قرآن تلاوت می‌شود چهره بر خاک نمی‌سایند ؟

(الانشقاق، ۲۱)

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يَكْذِبُونَ (۲۲)

[نه !] بلکه آنان که کفر ورزیده‌اند ، تکذیب می‌کنند .

(الانشقاق، ۲۲)

وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ (۲۳)

و خدا به آنچه در سینه دارند داناتر است .

(الانشقاق، ۲۳)

فَيَشْرَهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۲۴)

پس آنان را از عذابی دردناک خیر ده ،

(الانشقاق، ۲۴)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۲۵)

مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند ، که آنان را پاداشی بی‌منت خواهد بود .

(الانشقاق، ۲۵)

مکی-ایاتها- ۲۲	سوره البروج	ترتیبها- ۸۵
----------------	-------------	-------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(البروج، ۰)

وَ السَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ (۱)

سوگند به آسمان آکنده ز برج ،

(البروج، ۱)

وَ الْيَوْمِ الْمَوْعُودِ (۲)

و به روز موعود ،

(البروج، ۲)

وَ شَاهِدٍ وَ مَشْهُودٍ (۳)

و به گواه و مورد گواهی ،

(البروج، ۳)

قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ (۴)

مرگ بر آدمسوزان خندق .

(البروج، ۴)

النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ (۵)

همان آتش مایهدار [و انبوه] .

(البروج، ۵)

إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ (۶)

آن گاه که آنان بالای آن [خندق به تماشا] نشسته بودند .

(البروج، ۶)

وَ هُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ (۷)

و خود بر آنچه بر [سر] مؤمنان می‌آوردند ، گواه بودند .

(البروج، ۷)

وَ مَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (۸)

و بر آنان عیبی نگرفته بودند جز اینکه به خدای ارجمند ستوده ایمان آورده بودند .

(البروج، ۸)

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۹)

همان [خدایی] که فرماتروایی آسمانها و زمین از آن اوست و خدا [ست که] بر هر چیزی گواه است .

(البروج، ۹)

إِنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ يُتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَ لَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ (١٠)

کسانی که مردان و زنان مؤمن را آزار کرده و بعد توبه نکرده‌اند ، ایشان راست عذاب جهنم ، و ایشان راست عذاب سوزان .

(البروج، ١٠)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ (١١)

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند ، برای آنان باغهایی است که از زیر [درختان] آن جویها روان است ؛ این است [همان] رستگاری بزرگ .

(البروج، ١١)

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ (١٢)

آری ، عقاب پروردگارت سخت سنگین است .

(البروج، ١٢)

إِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ وَ يُعِيدُ (١٣)

هم اوست که [آفرینش را] آغاز می‌کند و بازمی‌گرداند .

(البروج، ١٣)

وَ هُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ (١٤)

و اوست آن آمرزنده دوستدار [مؤمنان] .

(البروج، ١٤)

ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ (١٥)

صاحب ارجمند عرش .

(البروج، ١٥)

فَعَالٌ لِمَا يُرِيدُ (١٦)

هر چه را بخواهد انجام می‌دهد .

(البروج، ١٦)

هَلْ أَتَاكَ خَبِيرٌ الْجُنُودِ (١٧)

آیا حدیث [آن] سپاهیان :

(البروج، ١٧)

فِرْعَوْنَ وَ ثَمُودَ (١٨)

فرعون و ثمود بر تو آمد ؟

(البروج، ١٨)

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ (١٩)

[نه] ، بلکه آنان که کافر شده‌اند در تکذیب‌اند ؛

(البروج، ١٩)

وَ اللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ (٢٠)

با آنکه خدا از هر سو برایشان محیط است .

(البروج، ٢٠)

بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ (٢١)

آری ، آن قرآنی ارجمند است ،

(البروج، ۲۱)

فِي نُوحٍ مَّخْفُوظٍ (۲۲)

که در لوحی محفوظ است .

(البروج، ۲۲)

ترتیبها- ۸۶	سوره الطارق	مکی- آیاتها- ۱۷
-------------	-------------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الطارق، ۰)

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ (۱)

سوگند به آسمان و آن اختر شبگرد .

(الطارق، ۱)

وَمَا أَزَاكَ مَا الطَّارِقِ (۲)

و تو چه دانی که اختر شبگرد چیست ؟

(الطارق، ۲)

النَّجْمِ الثَّاقِبِ (۳)

آن اختر فروزان .

(الطارق، ۳)

إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ (۴)

هیچ کس نیست مگر اینکه نگاهبانی بر او [گماشته شده] است .

(الطارق، ۴)

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ (۵)

پس انسان باید بنگرد که از چه آفریده شده است ؟

(الطارق، ۵)

خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ (۶)

از آب جهندهای خلق شده ،

(الطارق، ۶)

يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ (۷)

[که] از صلب مرد و میان استخوانهای سینه زن بیرون می آید .

(الطارق، ۷)

إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَابِرٌ (۸)

در حقیقت ، او [خدا] بر بازگردانیدن وی بخوبی تواناست .

(الطارق، ۸)

يَوْمَ تُنْفَى السَّرائِرُ (٩)

آن روز که رازها [همه] فاش شود ،

(الطارق، ٩)

فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ (١٠)

پس او را نه نیرویی ماند و نه یاری .

(الطارق، ١٠)

و السَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ (١١)

سوگند به آسمان بارش‌انگیز ،

(الطارق، ١١)

و الْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ (١٢)

سوگند به زمین شکافدار [آماده کشت] ،

(الطارق، ١٢)

إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ (١٣)

[که] در حقیقت ، قرآن گفتاری قاطع و روشن‌گر است ؛

(الطارق، ١٣)

و مَا هُوَ بِالْهَزْلِ (١٤)

و آن شوخی نیست .

(الطارق، ١٤)

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا (١٥)

آنان دست به نیرنگ می‌زنند .

(الطارق، ١٥)

و أَكِيدُ كَيْدًا (١٦)

و [من نیز] دست به نیرنگ می‌زنم .

(الطارق، ١٦)

فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَهْمُهُمْ رُوَيْدًا (١٧)

پس کافران را مهلت ده ، و کمی آنان را به حال خود واگذار .

(الطارق، ١٧)

ترتیبها- ٨٧	سوره الأعلى	مکی- آیاتها- ١٩
-------------	-------------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (٠)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الأعلى، ٠)

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى (١)

نام پروردگار والای خود را به پاکی بستا :

(الأعلى، ١)

الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى (٢)

همان که آفرید و هماهنگی بخشید .

(الأعلى، ٢)

وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى (٣)

و آنچه اندازهگیری کرد و راه نمود .

(الأعلى، ٣)

وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى (٤)

و آنچه چمنزار را برآورد ;

(الأعلى، ٤)

فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى (٥)

و پس [از چندی] آن را خاشاک تیرهگون گردانید .

(الأعلى، ٥)

سَتَقَرُّنَا فَلَا تَتُنْسَى (٦)

ما بزودی [آیات خود را به وسیله سروش غیبی] بر تو خواهیم خواند ، تا فراموش نکنی ;

(الأعلى، ٦)

إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَ مَا يُخْفَى (٧)

جز آنچه خدا خواهد ، که او آشکار و آنچه را که نهان است می‌داند .

(الأعلى، ٧)

و نُبَشِّرُكَ لِلْيُسْرَى (٨)

و برای تو آسانترین [راه] را فراهم می‌گردانیم .

(الأعلى، ٨)

فَذَكَرْ إِنَّ نَفْعَتِ الذُّكْرِى (٩)

پس پند ده ، اگر پند سود بخشد .

(الأعلى، ٩)

سَيَذَكَّرُ مَنْ يَخْشَى (١٠)

آن کس که ترسد ، بزودی عبرت گیرد .

(الأعلى، ١٠)

و يَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى (١١)

و نگویند بخت ، خود را از آن دور می‌دارد ;

(الأعلى، ١١)

الَّذِي يَصْنَعُ النَّارَ الْكُبْرَى (١٢)

همان کس که در آتشی بزرگ درآید ;

(الأعلى، ١٢)

تُمْ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى (۱۳)

آن گاه نه در آن می‌میرد و نه زندگانی می‌یابد .

(الأعلى، ۱۳)

قَدْ أفلحَ مَنْ تَزَكَّى (۱۴)

رستگار آن کس که خود را پاک گردانید ؛

(الأعلى، ۱۴)

وَ دَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى (۱۵)

و نام پروردگارش را یاد کرد و نماز گزارد .

(الأعلى، ۱۵)

بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۱۶)

لیکن [شما] زندگی دنیا را بر می‌گزینید ؛

(الأعلى، ۱۶)

وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى (۱۷)

با آنکه [جهان] آخرت نیکوتر و پایدارتر است .

(الأعلى، ۱۷)

إِنَّ هَذَا نَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى (۱۸)

قطعاً در صحیفه‌های گذشته‌های این [معنی] هست ،

(الأعلى، ۱۸)

صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى (۱۹)

صحیفه‌های ابراهیم و موسی .

(الأعلى، ۱۹)

ترتیبها- ۸۸	سوره الغاشیه	مکی- آیاتها- ۲۶
-------------	--------------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الغاشية، ۰)

هَلْ أَتَاكَ خَبِيرٌ الْغَاشِيَةِ (۱)

آیا خبری « غاشیه » به تو رسیده است ؟

(الغاشية، ۱)

وَجُودٌ يُؤْمِنُ خَاشِعَةً (۲)

در آن روز ، چهره‌هایی زیبوند ،

(الغاشية، ۲)

عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ (۳)

که تلاش کرده ، رنج [بیهوده] برده‌اند .

(الغاشية، ٣)

تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً (٤)

[ناچار] در آتشی سوزان درآیند .

(الغاشية، ٤)

تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آتِيَةٍ (٥)

از چشمه‌ای داغ نوشانیده شوند .

(الغاشية، ٥)

لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيحٍ (٦)

خوراکی جز خار خشک ندارند ،

(الغاشية، ٦)

لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ (٧)

[که] نه فربه کند ، و نه گرسنگی را باز دارد .

(الغاشية، ٧)

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ (٨)

در آن روز ، چهره‌هایی شادابند .

(الغاشية، ٨)

لِيَسْعِيَهَا رَاضِيَةٌ (٩)

از کوشش خود خشنودند .

(الغاشية، ٩)

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ (١٠)

در بهشت برین‌اند .

(الغاشية، ١٠)

لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِأَعْيَةٍ (١١)

سخن بیهوده‌ای در آنجا نشنوند .

(الغاشية، ١١)

فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ (١٢)

در آن ، چشمه‌ای روان باشد .

(الغاشية، ١٢)

فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ (١٣)

تخت‌هایی بلند در آنجاست .

(الغاشية، ١٣)

وَأَكْوَابٍ مَوْضُوعَةٌ (١٤)

و قدح‌هایی نهاده شده .

(الغاشية، ١٤)

و نَمَارِقُ مَصْنُوفَةٌ (۱۵)

و بالشهایی پهلوی هم [چیده] .

(الغاشیة، ۱۵)

و زَرَابِي مَبْنُوتَةٌ (۱۶)

و فرشهایی [زربفت] گسترده .

(الغاشیة، ۱۶)

أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (۱۷)

آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده ؟

(الغاشیة، ۱۷)

و إِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ (۱۸)

و به آسمان که چگونه برافراشته شده ؟

(الغاشیة، ۱۸)

و إِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ (۱۹)

و به کوه‌ها که چگونه برپا داشته شده ؟

(الغاشیة، ۱۹)

و إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ (۲۰)

و به زمین که چگونه گسترده شده است ؟

(الغاشیة، ۲۰)

فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ (۲۱)

پس تذکر ده که تو تنها تذکردهنده‌ای .

(الغاشیة، ۲۱)

لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ (۲۲)

بر آنان تسلطی نداری ؛

(الغاشیة، ۲۲)

إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَ كَفَرَ (۲۳)

مگر کسی که روی بگرداند و کفر ورزد ،

(الغاشیة، ۲۳)

فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ (۲۴)

که خدا او را به آن عذاب بزرگتر عذاب کند .

(الغاشیة، ۲۴)

إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ (۲۵)

در حقیقت ، بازگشت آنان به سوی ماست ؛

(الغاشیة، ۲۵)

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ (۲۶)

ترتیبها- ۸۹	سوره الفجر	مکی- آیاتها- ۳۰
-------------	------------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الفجر، ۰)

وَ الْفَجْرِ (۱)

سوگند به سپیده دم ،

(الفجر، ۱)

وَ لَيْلٍ عَشْرٍ (۲)

و به شبهای دهگانه ،

(الفجر، ۲)

وَ الشَّفْعِ وَ الْوَتْرِ (۳)

و به جفت و تاق ،

(الفجر، ۳)

وَ اللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ (۴)

و به شب ، وقتی سپری شود .

(الفجر، ۴)

هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرِ (۵)

آیا در این ، برای خردمند [نیاز به] سوگندی [دیگر] است ؟

(الفجر، ۵)

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ (۶)

مگر ندانسته‌ای که پروردگارت با عباد چه کرد ؟

(الفجر، ۶)

إِزْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ (۷)

صاحب [بناهایی چون] تیرک‌های بلند ،

(الفجر، ۷)

الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ (۸)

که مانندش در شهرها ساخته نشده بود ؟

(الفجر، ۸)

وَ تَمُودَ الَّذِينَ جَانَبُوا السَّعْيَ بِالْأَوَادِ (۹)

و با تمود ، همانان که در درّه ، تخته‌سنگها را می‌پریدند ؟

(الفجر، ۹)

و فِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ (۱۰)

و با فرعون ، صاحب خرگدها [و بناهای بلند] ؟

(الفجر، ۱۰)

الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ (۱۱)

همانان که در شهرها سر به طغیان برداشتند ،

(الفجر، ۱۱)

فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ (۱۲)

و در آنها بسیار تبهکاری کردند .

(الفجر، ۱۲)

فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ (۱۳)

[تا آنکه] پروردگارت بر سر آنان تازیانه عذاب را فرونواخت ،

(الفجر، ۱۳)

إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ (۱۴)

زیرا پروردگار تو سخت در کمین است .

(الفجر، ۱۴)

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ (۱۵)

اما انسان ، هنگامی که پروردگارش وی را می‌آزماید ، و عزیزش می‌دارد و نعمت فراوان به او می‌دهد ، می‌گوید : « پروردگارم مرا گرامی داشته است . »

(الفجر، ۱۵)

وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ (۱۶)

و اما چون وی را می‌آزماید و روزی‌اش را بر او تنگ می‌گرداند ، می‌گوید : « پروردگارم مرا خوار کرده است . »

(الفجر، ۱۶)

كَلَّا بَلْ لَّا تُحْرِمُونَ الْيَتِيمَ (۱۷)

ولی نه ، بلکه یتیم را نمی‌نوازید ؛

(الفجر، ۱۷)

وَ لَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ (۱۸)

و بر خوراک [دادن] بینوا همدیگر را بر نمی‌انگیزید ؛

(الفجر، ۱۸)

وَ تَأْكُلُونَ الثَّرَاتِ أَخْلَاءَ لَمَّا (۱۹)

و میراث [ضعیفان] را چپاولگرانه می‌خورید ؛

(الفجر، ۱۹)

وَ تُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا (۲۰)

و مال را دوست دارید ، دوست داشتنی بسیار .

(الفجر، ۲۰)

كَلَّا إِذَا نَكَتِ الْأَرْضُ نَكَأَ نَكَأَ (۲۱)

نه چنان است ، آن گاه که زمین ، سخت در هم کوبیده شود ،

(الفجر، ۲۱)

وَ جَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا (۲۲)

و [فرمان] پروردگارت و فرشته [ها] صف در صف آیند ،

(الفجر، ۲۲)

وَ جِيءَ يُؤْمِنُ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَ أَمْ لِي لَهُ الذِّكْرَى (۲۳)

و جهنم را در آن روز [حاضر] آورند ، آن روز است که انسان پند گیرد ؛ و [لی] کجا او را جای پندگرفتن باشد ؟

(الفجر، ۲۳)

يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي (۲۴)

گوید : « کاش برای زندگانی خود [چیزی] پیش فرستاده بودم . »

(الفجر، ۲۴)

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ (۲۵)

پس در آن روز هیچ کس چون عذاب کردن او ، عذاب نکند .

(الفجر، ۲۵)

وَ لَا يُوثِقُ وَتَاقَهُ أَحَدٌ (۲۶)

و هیچ کس چون دربندکشیدن او ، دربند نکشد .

(الفجر، ۲۶)

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (۲۷)

ای نفس مطمئنه ،

(الفجر، ۲۷)

ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً (۲۸)

خشنود و خدایسند به سوی پروردگارت بازگرد ،

(الفجر، ۲۸)

فَادْخُلِي فِي عِبَادِي (۲۹)

و در میان بندگان من در آی ،

(الفجر، ۲۹)

وَ ادْخُلِي جَنَّاتِي (۳۰)

و در بهشت من داخل شو .

(الفجر، ۳۰)

ترتیبها- ۹۰	سوره البلد	مکی- آیاتها- ۲۰
-------------	------------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(البلد، ۰)

لَا أَقْسَمُ بِهِذَا النَّبِّدِ (۱)

سوگند به این شهر ،

(البلد، ۱)

وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا النَّبِّدِ (۲)

و حال آنکه تو در این شهر جای داری ؛

(البلد، ۲)

وَ وَالِدٍ وَ مَا وَلَدٌ (۳)

سوگند به پدری [چنان] و آن کسی را که به وجود آورد ؛

(البلد، ۳)

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ (۴)

براستی که انسان را در رنج آفریده‌ایم .

(البلد، ۴)

أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ (۵)

آیا پندارد که هیچ کس هرگز بر او دست نتواند یافت ؟

(البلد، ۵)

يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا (۶)

گوید : « مال فراوانی تباه کردم . »

(البلد، ۶)

أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ (۷)

آیا پندارد که هیچ کس او را ندیده است ؟

(البلد، ۷)

أَلَمْ تَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ (۸)

آیا دو چشمش نداده‌ایم ؟

(البلد، ۸)

وَ لِسَانًا وَ شَفَتَيْنِ (۹)

و زبانی و دو لب .

(البلد، ۹)

وَ هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ (۱۰)

و هر دو راه [خیر و شر] را بدو نمودیم .

(البلد، ۱۰)

فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ (۱۱)

و [لی] نخواست از گردنه [عاقبت‌نگری] بالا رود !

(البلد، ۱۱)

وَ مَا أَتْرَاكَ مَا الْعَقَبَةَ (۱۲)

و تو چه دانی که آن گردنه [سخت] چیست ؟

(البلد، ۱۲)

فَكَ رَقِيبَةٍ (۱۳)

بنده‌ای را آزادکردن ،

(البلد، ۱۳)

أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْئَةٍ (۱۴)

یا در روز گرسنگی ، طعام‌دادن :

(البلد، ۱۴)

يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ (۱۵)

به یتیمی خویشاوند ،

(البلد، ۱۵)

أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ (۱۶)

یا بینوایی خالکشین .

(البلد، ۱۶)

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَ تَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ (۱۷)

علاوه بر این از زمره کسانی باشد که گرویده و یکدیگر را به شکیبایی و مهربانی سفارش کرده‌اند ؛

(البلد، ۱۷)

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمُؤْمِنَةِ (۱۸)

اینانند خجستگان .

(البلد، ۱۸)

وَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ (۱۹)

و کسانی که به انکار نشانه‌های ما پرداخته‌اند ، آنانند ناخجستگان شوم .

(البلد، ۱۹)

عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ (۲۰)

بر آنان آتشی سرپوشیده احاطه دارد .

(البلد، ۲۰)

ترتیبها- ۹۱	سوره الشمس	مکی- آیاتها- ۱۵
-------------	------------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الشمس، ۰)

وَ الشَّمْسُ وَ ضَحَاها (۱)

سوگند به خورشید و تابندگی اش ،

(الشمس، ۱)

وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا (۲)

سوگند به مه چون پی [خورشید] زود .

(الشمس، ۲)

وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا (۳)

سوگند به روز چون [زمین را] روشن گرداند ،

(الشمس، ۳)

وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا (۴)

سوگند به شب چو پرده بر آن پوشد ،

(الشمس، ۴)

وَ السَّمَاءِ وَ مَا بَنَاهَا (۵)

سوگند به آسمان و آن کس که آن را برافراشت ،

(الشمس، ۵)

وَ الْأَرْضِ وَ مَا طَخَّاهَا (۶)

سوگند به زمین و آن کس که آن را گسترد ،

(الشمس، ۶)

وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا (۷)

سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد ؛

(الشمس، ۷)

فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا (۸)

سپس پلیدکاری و پرهیزگاری اش را به آن الهام کرد ،

(الشمس، ۸)

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا (۹)

که هر کس آن را پاک گردانید ، قطعاً رستگار شد ،

(الشمس، ۹)

وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا (۱۰)

و هر که آلوده اش ساخت ، قطعاً دریاخت .

(الشمس، ۱۰)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا (۱۱)

[قوم] ثمود به سبب طغیان خود به تکذیب پرداختند .

(الشمس، ۱۱)

إِذِ ابْتِئَتْ أَشْقَاهَا (۱۲)

آن گاه که شقی‌ترینشان بر [پا] خاست .

(الشمس، ۱۲)

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا (۱۳)

پس فرستاده خدا به آنان گفت : « زنهار ! ماده شتر خدا و [نوبت] آبخوردنش را [حرمت نهید] » .

(الشمس، ۱۳)

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا (۱۴)

و [لی] دروغزش خواندند و آن [ماده شتر] را پی کردند ، و پروردگارشان به [سزای] گناهشان بر سرشان عذاب آورد و آنان را با خاک یکسان کرد .

(الشمس، ۱۴)

وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا (۱۵)

و از پیامد کار خویش ، بیمی به خود راه نداد .

(الشمس، ۱۵)

ترتیبها- ۹۲	سوره اللیل	مکی-ایاتها- ۲۱
-------------	------------	----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(اللیل، ۰)

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى (۱)

سوگند به شب چون پرده افکند ،

(اللیل، ۱)

وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى (۲)

سوگند به روز چون جلوهگری آغازد ،

(اللیل، ۲)

وَمَا خَلَقَ الذُّكْرَ وَالْأُنثَى (۳)

و [سوگند به] آنکه نر و ماده را آفرید ،

(اللیل، ۳)

إِنْ سَأَلْتُمْ لَسَنُنَّى (۴)

که همانا تلاش شما پراکنده است .

(اللیل، ۴)

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى (۵)

اما آنکه [حق خدا را] داد و پروا داشت ،

(اللیل، ۵)

وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى (۶)

و [پاداش] نیکوتر را تصدیق کرد ،

(اللیل، ۶)

فَسَنُنِيئَهُ لِلْإِسْرَى (۷)

بزودی راه آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت .

(اللیل، ۷)

وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى (۸)

و اما آنکه بخل ورزید و خود را بی‌نیاز دید ،

(اللیل، ۸)

وَ كَذَّبَ بِالْحَسَنَى (۹)

و [پاداش] نیکوتر را به دروغ گرفت ،

(اللیل، ۹)

فَسَنِّيَسِرُهُ لِلْعَسْرَى (۱۰)

بزودی راه دشواری به او خواهیم نمود .

(اللیل، ۱۰)

وَ مَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى (۱۱)

و چون هلاک شد ، [دیگر] مال او به کارش نمی‌آید .

(اللیل، ۱۱)

إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى (۱۲)

همانا هدایت بر ماست .

(اللیل، ۱۲)

وَ إِنْ نُنَا لِلْآخِرَةِ وَالْأُولَى (۱۳)

و در حقیقت ، دنیا و آخرت از آن ماست .

(اللیل، ۱۳)

فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى (۱۴)

پس شما را به آتشی که زیانه می‌کشد هشدار دادم .

(اللیل، ۱۴)

لَا يَصِلُهَا إِلَّا الْأَشْفَى (۱۵)

جز نگویند بخت‌تر [ازین مردم] در آن درنیاید :

(اللیل، ۱۵)

الَّذِي كَذَّبَ وَ تَوَلَّى (۱۶)

همان که تکذیب کرد و رُخ برتافت .

(اللیل، ۱۶)

وَ سَيَجْنِبُهَا الْأَتَقَى (۱۷)

و پاک‌رفتارتر [ازین مردم] از آن دور داشته خواهد شد :

(اللیل، ۱۷)

الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى (۱۸)

همان که مال خود را می‌دهد [برای آنکه] پاک شود ،

(اللیل، ۱۸)

وَ مَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى (۱۹)

و هیچ کس را به قصد پاداش یافتن نعمت نمی‌بخشد ،

(اللیل، ۱۹)

إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى (۲۰)

جز خواستن رضای پروردگارش که بسی برتر است [منظوری ندارد] .

(اللیل، ۲۰)

وَأَسْؤَفَ يَرْضَى (۲۱)

و قطعاً بزودی خشنود خواهد شد .

(اللیل، ۲۱)

ترتیبها- ۹۳	سوره الضحی	مکی- آیاتها- ۱۱
-------------	------------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الضحی، ۰)

وَالضُّحَى (۱)

سوگند به روشنایی روز ،

(الضحی، ۱)

وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى (۲)

سوگند به شب چون آرام گیرد ،

(الضحی، ۲)

مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى (۳)

[که] پروردگارت تو را وانگذاشته ، و دشمن نداشته است .

(الضحی، ۳)

وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى (۴)

و قطعاً آخرت برای تو از دنیا نیکوتر خواهد بود .

(الضحی، ۴)

وَأَسْؤَفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى (۵)

و بزودی پروردگارت تو را عطا خواهد داد ، تا خرسند گردی .

(الضحی، ۵)

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى (۶)

مگر نه تو را یتیم یافت ، پس پناه داد ؟

(الضحی، ۶)

وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى (۷)

و تو را سرگشته یافت ، پس هدایت کرد ؟

(الضحی، ۷)

وَجَدَكَ عَابِلًا فَأُعْتَبَى (۸)

و تو را تنگدست یافت و بی‌نیاز گردانید ؟

(الضحی، ۸)

فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ (۹)

و اما [تو نیز به پاس نعمت ما] یتیم را میازار ،

(الضحی، ۹)

وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ (۱۰)

و گدا را مَران ،

(الضحی، ۱۰)

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ (۱۱)

و از نعمت پروردگار خویش [یا مردم] سخن گوی .

(الضحی، ۱۱)

ترتیبها- ۹۴	سوره الشرح	مکی- آیاتها- ۸
-------------	------------	----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الشرح، ۰)

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ (۱)

آیا برای تو سینه‌ات را نگشاده‌ایم ؟

(الشرح، ۱)

و وَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ (۲)

و بار گرانت را از [دوش] تو برداشتیم ؟

(الشرح، ۲)

الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ (۳)

[باری] که [گویی] پشت تو را شکست .

(الشرح، ۳)

و رَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ (۴)

و نامت را برای تو بلند گردانیدیم .

(الشرح، ۴)

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۵)

پس [بدان که] با دشواری ، آسانی است .

(الشرح، ۵)

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۶)

آری ، با دشواری ، آسانی است .

(الشرح، ۶)

فَادَا فَرَعَتْ فَأَنْصَبُ (۷)

پس چون فراغت یافتی ، به طاعت درکوش ؛

(الشرح، ۷)

وَ إِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ (۸)

و با اشتیاق ، به سوی پروردگارت روی آور .

(الشرح، ۸)

مکّی-آیاتها-۸	سوره التین	ترتیبها-۹۵
---------------	------------	------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(التین، ۰)

وَ التِّينِ وَ الزُّبْتُونِ (۱)

سوگند به [کوه] تین و زیتون ،

(التین، ۱)

وَ طُورِ سِينِينَ (۲)

و طور سینا ،

(التین، ۲)

وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ (۳)

و این شهر امن [و امان] ،

(التین، ۳)

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (۴)

[که] پرستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم .

(التین، ۴)

ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ (۵)

سپس او را به پستترین [مراتب] پستی بازگردانیدیم ؛

(التین، ۵)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۶)

مگر کسانی را که گرویده و کارهای شایسته کرده اند ، که پاداشی بی‌منت خواهند داشت .

(التین، ۶)

فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ (۷)

پس چه چیز ، تو را بعد [از این] به تکذیب جزا وامی‌دارد ؟

(التین، ۷)

أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ (۸)

آیا خدا نیکوترین داوران نیست ؟

(التین، ۸)

مکی-آیاتها- ۱۹	سوره العلق	ترتیبها- ۹۶
----------------	------------	-------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(العلق، ۰)

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱)

بخوان به نام پروردگارت که آفرید .

(العلق، ۱)

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲)

انسان را از علق آفرید .

(العلق، ۲)

اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ (۳)

بخوان ، و پروردگارت تو کریمترین [کریمان] است .

(العلق، ۳)

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۴)

همان کس که به وسیله قلم آموخت .

(العلق، ۴)

عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمُ (۵)

آنچه را که انسان نمی‌دانست [بتدریج به او] آموخت .

(العلق، ۵)

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ (۶)

حقاً که انسان سرکش می‌کند ،

(العلق، ۶)

أَنْ رَأَاهُ اسْتَفْتَى (۷)

همین که خود را بی‌نیاز پندارد .

(العلق، ۷)

إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَى (۸)

در حقیقت ، بازگشت به سوی پروردگارت توست .

(العلق، ۸)

أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى (۹)

آیا دیدی آن کس را که باز می‌داشت ،

(العلق، ۹)

عَبْدًا إِذَا صَلَّى (۱۰)

بنده‌ای را آن گاه که نماز می‌گذارد ؟

(العلق، ۱۰)

أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى (۱۱)

چه پنداری اگر او بر هدایت باشد ،

(العلق، ۱۱)

أَوْ أَمَرَ بِالْتَّقْوَى (۱۲)

یا به پرهیزگاری وادارد [برای او بهتر نیست] ؟

(العلق، ۱۲)

أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى (۱۳)

[و باز] آیا چه پنداری [که] اگر او به تکذیب پردازد و روی برگرداند [چه کیفی در پیش دارد] ؟

(العلق، ۱۳)

أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى (۱۴)

مگر ندانسته که خدا می‌بیند ؟

(العلق، ۱۴)

كَلَّا لَنْ نُنْجِيَهُ لَنَنْفَعَهُ بِالنَّاصِيَةِ (۱۵)

زنده‌وار ، اگر باز نایستد ، موی پیشانی [او] را سخت بگیریم ؛

(العلق، ۱۵)

نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِنَةٍ (۱۶)

[همان] موی پیشانی دروغزن گناه‌پیشه را .

(العلق، ۱۶)

فَلْيُذْغِ نَادِيَهُ (۱۷)

[بگو] تا گروه خود را بخواند .

(العلق، ۱۷)

سَنَذْغِ الزَّيْبَانِيَةَ (۱۸)

بزودی آتشبانان را فرا خوانیم .

(العلق، ۱۸)

كَلَّا لَا تَطْعَمُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ (۱۹)

زنده‌وار ! فرمائش مبر ، و سجده کن ، و خود را [به خدا] نزدیک گردان .

(العلق، ۱۹)

ترتیبها- ۹۷	سوره القدر	مکی- آیاتها- ۵
-------------	------------	----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

۶۰۴ / ۵۹۱

(القدر، ۰)

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي نَيْلَةِ الْقَدْرِ (۱)

ما [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم .

(القدر، ۱)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (۲)

و از شب قدر ، چه آگاهت کرد .

(القدر، ۲)

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ (۳)

شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است .

(القدر، ۳)

تَنْزِيلَ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ (۴)

در آن [شب] فرشتگان ، با روح ، به فرمان پروردگارشان ، برای هر کاری [که مقرر شده است] فرود آیند ؛

(القدر، ۴)

سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ (۵)

[آن شب] تا دم صبح ، صلح و سلام است .

(القدر، ۵)

ترتیبها- ۹۸	سوره البینه	مدنی- آیاتها- ۸
--------------------	--------------------	------------------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(البینه، ۰)

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُتَفَكِّرِينَ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ (۱)

کافران اهل کتاب و مشرکان ، دستبردار نبودند تا دلیلی آشکار بر ایشان آید :

(البینه، ۱)

رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً (۲)

فرستاده‌ای از جانب خدا که [بر آنان] صحیفه‌هایی پاک را تلاوت کند ،

(البینه، ۲)

فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ (۳)

که در آنها نوشته‌های استوار است .

(البینه، ۳)

وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ (۴)

و اهل کتاب دستخوش پراکندگی نشدند ، مگر پس از آنکه برهان آشکار برای آنان آمد .

(البینه، ۴)

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ خُنْفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ بَيْنَ الْقِيَمَةِ (۵)

۶۰۴ / ۵۹۲

و فرمان نیافته بودند جز اینکه خدا را ببهرستند ، و در حالی که به توحید گراییده‌اند ، دین [خود] را برای او خالص گردانند ، و نماز برپا دارند و زکات بدهند ؛ و دین [ثابت و] پایدار همین است .

(البینة، ۵)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ الْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ (۶)

کسانی از اهل کتاب که کفر ورزیده‌اند و [نیز] مشرکان در آتش دوزخند ، [و] در آن همواره می‌مانند ؛ اینانند که بدترین آفریدگاند .

(البینة، ۶)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ (۷)

در حقیقت کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند ، آنانند که بهترین آفریدگاند .

(البینة، ۷)

جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ (۸)

پاداش آنان نزد پروردگارشان باغهای همیشگی است که از زیر [درختان] آن ، نهرها روان است ، جاودانه در آن همی مانند ؛ خدا از آنان خشنود است و [آنان نیز] از او خشنود ؛ این [پاداش] برای کسی است که از پروردگارش بترسد .

(البینة، ۸)

ترتیبها- ۹۹	سوره الزلزله	مدنی- آیاتها- ۸
-------------	--------------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الزلزلة، ۰)

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا (۱)

آن گاه که زمین به لرزش [شدید] خود لرزانیده شود ،

(الزلزلة، ۱)

وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا (۲)

و زمین بارهای سنگین خود را برون افکند ،

(الزلزلة، ۲)

وَ قَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا (۳)

و انسان گوید : « [زمین] را چه شده است ؟ »

(الزلزلة، ۳)

يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا (۴)

آن روز است که [زمین] خبرهای خود را باز گوید .

(الزلزلة، ۴)

بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا (۵)

[همان گونه] که پروردگارت بدان وحی کرده است .

(الزلزلة، ۵)

يَوْمَئِذٍ يَصْنَعُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوُا أَعْمَالَهُمْ (۶)

آن روز ، مردم [به حال] پراکنده برآیند تا [نتیجه] کارهایشان به آنان نشان داده شود .

(الزلزلة، ٦)

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (٧)

پس هر که هموزن ذره‌ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید .

(الزلزلة، ٧)

وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (٨)

و هر که هموزن ذره‌ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید .

(الزلزلة، ٨)

مدنی-آیاتها- ۱۱	سوره العاديات	ترتیبها- ۱۰۰
-----------------	---------------	--------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (١٠)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(العاديات، ١٠)

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا (١)

سوگند به مادیانهای که با همهمه تازانند و با سم [های] خود از سنگ آتش می‌جهانند !

(العاديات، ١)

فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا (٢)

و برق [از سنگ] همی جهانند ،

(العاديات، ٢)

فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا (٣)

و صبحگاهان هجوم آرند ،

(العاديات، ٣)

فَأَتَرْنَ بِهِ نَعْفًا (٤)

و با آن [بورش] ، گردی برانگیزند ،

(العاديات، ٤)

فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا (٥)

و بدان [هجوم] ، در دل گروهی درآیند ،

(العاديات، ٥)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ (٦)

که انسان نسبت به پروردگارش سخت ناسپاس است ،

(العاديات، ٦)

وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكَ لَشَهِيدٌ (٧)

و او خود بر این [امر] ، نیک گواه است .

(العاديات، ٧)

وَإِنَّهُ لَخَبِيرُ الْخَيْرِ لَشَهِيدٌ (٨)

و راستی او سخت شیفته مال است .

(العادیات، ۸)

أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ (۹)

مگر نمی‌داند که چون آنچه در گورهاست بیرون ریخته گردد ،

(العادیات، ۹)

وَ حَصَلَ مَا فِي الصُّورِ (۱۰)

و آنچه در سینه‌هاست فاش شود ،

(العادیات، ۱۰)

إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ (۱۱)

در چنان روزی پروردگارشان به [حال] ایشان نیک آگاه است ؟

(العادیات، ۱۱)

ترتیبها- ۱۰۱	سوره القارعه	مکی- آیاتها- ۱۱
--------------	--------------	-----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(القارعة، ۰)

الْقَارِعَةُ (۱)

کوبنده ،

(القارعة، ۱)

مَا الْقَارِعَةُ (۲)

چیست کوبنده ؟

(القارعة، ۲)

وَ مَا أَذْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ (۳)

و تو چه دانی که کوبنده چیست ؟

(القارعة، ۳)

يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ (۴)

روزی که مردم چون پروانه [های] پراکنده گردند ،

(القارعة، ۴)

وَ تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ (۵)

و کوه‌ها مانند پشم زده‌شده رنگین شود .

(القارعة، ۵)

فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ (۶)

اما هر که سنجیده‌هایش سنگین برآید ،

(القارعة، ۶)

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ (٧)

پس وی در زندگی خوشی خواهد بود !

(القارعة، ٧)

وَ أَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ (٨)

و اما هر که سنجیده هایش سبک برآید ،

(القارعة، ٨)

فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ (٩)

پس جایش « هاویه » باشد .

(القارعة، ٩)

وَ مَا أَذْرَاكَ مَا هَيْئَةٌ (١٠)

و تو چه دانی که آن چیست ؟

(القارعة، ١٠)

نَارٌ حَامِيَةٌ (١١)

آتشی است سوزنده .

(القارعة، ١١)

ترتیبها- ١٠٢	سوره التكاثر	مکی- آیاتها- ٨
--------------	--------------	----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (٠)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(التكاثر، ٠)

أَلْهَأَكُمُ التَّكَاثُرُ (١)

تفاخر به بیشتر داشتن ، شما را غافل داشت .

(التكاثر، ١)

حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ (٢)

تا کارتازان [و پایتان] به گورستان رسید .

(التكاثر، ٢)

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (٣)

نه چنین است ، زودا که بدانید .

(التكاثر، ٣)

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (٤)

باز هم نه چنین است ، زودا که بدانید .

(التكاثر، ٤)

كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْبَاقِينَ (٥)

هرگز چنین نیست ، اگر علم الیقین داشتید !

(التكاثر، ٥)

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ (٤)

به یقین دوزخ را می بینید .

(التكاثر، ٦)

ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ (٧)

سپس آن را قطعاً به عین یقین درمی یابید .

(التكاثر، ٧)

ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ (٨)

سپس در همان روز است که از نعمت [روی زمین] پرسیده خواهید شد .

(التكاثر، ٨)

مکی-آیاتها- ٣	سوره العصر	ترتیبها- ١٠٣
---------------	------------	--------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (٠)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(العصر، ٠)

وَ الْعَصْرِ (١)

سوگند به عصر [غلبه حق بر باطل] ،

(العصر، ١)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ (٢)

که واقعاً انسان دستخوش زیان است ؛

(العصر، ٢)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ (٣)

مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده اند .

(العصر، ٣)

مکی-آیاتها- ٩	سوره الهمزة	ترتیبها- ١٠٤
---------------	-------------	--------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (٠)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الهمزة، ٠)

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ (١)

وای بر هر بدگوی عیبجویی ،

(الهمزة، ١)

الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَ عَدَّدَهُ (٢)

که مالی گرد آورد و برشمردهش .

(الهمزة، ٢)

يَحْسِبُ أَنْ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (٣)

پندارد که مالش او را جاوید کرده ؛

(الهمزة، ٣)

كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْأُخْطَمَةِ (٤)

ولی نه ! قطعاً در آتش خردکننده فرو افکنده خواهد شد .

(الهمزة، ٤)

وَمَا أَزَاكَ مَا الْأُخْطَمَةُ (٥)

و تو چه دانی که آن آتش خردکننده چیست ؟

(الهمزة، ٥)

تَارُ اللَّهُ الْمُوقَدَةَ (٦)

آتش افروخته خدا [بی] است .

(الهمزة، ٦)

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْنِئَةِ (٧)

[آتشی] که به دلها می رسد .

(الهمزة، ٧)

إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ (٨)

و [آتشی که] در ستونهایی دراز ، آنان را در میان فرامی گیرد .

(الهمزة، ٨)

فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ (٩)

و [آتشی که] در ستونهایی دراز ، آنان را در میان فرامی گیرد .

(الهمزة، ٩)

مکی- آیاتها- ٥	سوره الفیل	ترتیبها- ١٠٥ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (٠)
----------------	------------	---

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (٠)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الفیل، ٠)

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ (١)

مگر ندیدی پروردگارت با پیلداران چه کرد ؟

(الفیل، ١)

أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضَلِيلٍ (٢)

آیا نیرنگشان را بر باد نداد ؟

(الفیل، ٢)

وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ (٣)

و بر سر آنها ، دسته دسته پرندگانی « ابابیل » فرستاد .

(الفیل، ۳)

تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّن سَجِيلٍ (۴)

[که] بر آنان سنگهایی از گِلِ [سخت] می افکندند .

(الفیل، ۴)

فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ (۵)

و [سرانجام ، خدا] آنان را مانند کاه جویده شده گردانید .

(الفیل، ۵)

ترتیبها- ۱۰۶	سوره قريش	مکی- آیاتها- ۴
--------------	-----------	----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(قريش، ۰)

لِإِلَافٍ قُرَيْشٍ (۱)

برای اَلَفَت دادنِ قريش ،

(قريش، ۱)

لِإِلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ (۲)

الفتشان هنگام کوچ زمستان و تابستان ، [خدا پیلداران را نابود کرد .]

(قريش، ۲)

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (۳)

پس باید خداوند این خانه را بپرستند ;

(قريش، ۳)

الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ أَمَّنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ (۴)

همان [خدایی] که در گرسنگی غذایشان داد ، و از بیم [دشمن] آسوده خاطرشان کرد .

(قريش، ۴)

ترتیبها- ۱۰۷	سوره الماعون	مکی- آیاتها- ۷
--------------	--------------	----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الماعون، ۰)

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ (۱)

آیا کسی را که [روزِ] جزا را دروغ می خواند ، دیدی ؟

(الماعون، ۱)

فَذَلِكِ الَّذِي يَدْعُ الْبَيْتِ (۲)

این همان کس است که یتیم را بسختی می‌راند ،

(الماعون، ۲)

و لَا يَخْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ (۳)

و به خوراک دادن بینوا ترغیب نمی‌کند .

(الماعون، ۳)

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ (۴)

پس وای بر نمازگزارانی

(الماعون، ۴)

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۵)

که از نمازشان غافلند ،

(الماعون، ۵)

الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ (۶)

آنان که ریا می‌کنند ،

(الماعون، ۶)

و يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (۷)

و از [دادن] زکات [و وسایل و ما یحتاج خانه] خودداری می‌ورزند .

(الماعون، ۷)

ترتیبها- ۱۰۸	سوره الكوثر	مکی- آیاتها- ۳
--------------	-------------	----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الکوثر، ۰)

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ (۱)

ما تو را [چشمه] کوثر دادیم ،

(الکوثر، ۱)

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ (۲)

پس برای پروردگارت نماز گزار و قربانی کن .

(الکوثر، ۲)

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (۳)

دشمنت خود بی‌تبار خواهد بود .

(الکوثر، ۳)

ترتیبها- ۱۰۹	سوره الكافرون	مکی- آیاتها- ۶
--------------	---------------	----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الکافرون، ۰)

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ (۱)

بگو: « ای کافران ،

(الکافرون، ۱)

لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (۲)

آنچه می‌پرستید ، نمی‌پرستم .

(الکافرون، ۲)

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۳)

و آنچه می‌پرستم ، شما نمی‌پرستید .

(الکافرون، ۳)

وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ (۴)

و نه آنچه پرستیدید من می‌پرستم .

(الکافرون، ۴)

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۵)

و نه آنچه می‌پرستم شما می‌پرستید .

(الکافرون، ۵)

لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِ (۶)

دین شما برای خودتان ، و دین من برای خودم . «

(الکافرون، ۶)

مدنی-آیاتها-۳	سوره النصر	ترتیبها-۱۱۰
---------------	------------	-------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(النصر، ۰)

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ (۱)

چون یاری خدا و پیروزی فرا رسد ،

(النصر، ۱)

و رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا (۲)

و ببینی که مردم دسته‌دسته در دین خدا درآیند ،

(النصر، ۲)

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ اسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا (۳)

پس به ستایش پروردگارت نیایشگر باش و از او آمرزش خواه ، که وی همواره توبه‌پذیر است .

(النصر، ۳)

ترتیبها- ۱۱۱	سوره المسد	مکی- آیاتها- ۵
--------------	------------	----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(المسد، ۰)

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّ (۱)

بریده باد دو دست ابو لهب ، و مرگ بر او باد .

(المسد، ۱)

مَا أُعْطِيَ عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ (۲)

دارایی او و آنچه اندوخت ، سودش نکرد .

(المسد، ۲)

سَيَصْنَعُ نَارًا دَاتَ لَهَبٍ (۳)

بزودی در آتشی پُرزبانه درآید .

(المسد، ۳)

وَ امْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْخَطَبِ (۴)

و زنش ، آن هیمهکش [آتش فروز] ،

(المسد، ۴)

فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ (۵)

بر گردنش طنابی از لیف خرماسست .

(المسد، ۵)

ترتیبها- ۱۱۲	سوره الأَخْلَاصِ	مکی- آیاتها- ۴
--------------	------------------	----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الإِخْلَاصِ، ۰)

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱)

بگو : « او خدایی است یکتا ،

(الإِخْلَاصِ، ۱)

اللَّهُ الصَّمَدُ (۲)

خدای صمد .

(الإِخْلَاصِ، ۲)

لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ (۳)

نه کس را زاده ، نه زاینده از کس ،

(الإِخْلَاصِ، ۳)

وَلَمْ يَخُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۴)

و او را هیچ همتایی نباشد .

(الإخلاص، ۴)

ترتیبها- ۱۱۳	سوره الفلق	مکی- آیاتها- ۵
--------------	------------	----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الفلق، ۰)

فَلْأَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (۱)

بگو : « پناه می‌برم به پروردگار سپیده دم ،

(الفلق، ۱)

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (۲)

از شر آنچه آفریده ،

(الفلق، ۲)

و مِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (۳)

و از شر تاریکی چون فراگیرد ،

(الفلق، ۳)

و مِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ (۴)

و از شر دمنندگان افسون در گره‌ها ،

(الفلق، ۴)

و مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (۵)

و از شر [هر] حسود ، آن گاه که حسد ورزد .

(الفلق، ۵)

ترتیبها- ۱۱۴	سوره الناس	مکی- آیاتها- ۶
--------------	------------	----------------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۰)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

(الناس، ۰)

فَلْأَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (۱)

بگو : « پناه می‌برم به پروردگار مردم ،

(الناس، ۱)

مَلِكِ النَّاسِ (۲)

پادشاه مردم ،

(الناس، ۲)

إِلَيْهِ النَّاسُ (۳)

معبود مردم ،

(الناس، ۳)

مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (۴)

از شرّ وسوسه‌گر نهانی ؛

(الناس، ۴)

الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (۵)

آن کس که در سینه‌های مردم وسوسه می‌کند ،

(الناس، ۵)

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (۶)

چه از جنّ و [چه از] انس . «

(الناس، ۶)

در آمدی بر آسیب شناسی فهم احادیث با تکیه بر: « ضرورت معرفت شیعه در درایت روایت »

نویسندگان: ناهد دامن پاک مقدم

منبع: حسنا ۱۳۸۸ شماره ۱

حوزه های تخصصی:

• علوم اسلامی حدیث و علوم حدیث حدیث کلیات موارد دیگر عوامل تضعیف حدیث

در آمدی بر آسیب شناسی فهم احادیث با تکیه بر: « ضرورت معرفت شیعه در درایت روایت »

چکیده:

مقاله حاضر با هدف تأکید بر ضرورت معرفت شیعه در فهم و درایت حدیث، به کتاب «تلخیص و تحقیق مقباس الهدایه» استاد دکتر علی اکبر غفاری رحمه الله استناد کرده است. زیرا یکی از ملحقات این استاد را در پایان این کتاب تحت عنوان «فهم و درایت حدیث» بهترین شاهد مثال برای حدیث امام صادق علیه السلام می توان یافت که فرمودند: «إن الله لم يأخذ علی الجہال عهداً بطلب العلم، حتی أخذ علی العلماء عهداً ببذل العلم للجہال»^۱ خداوند قبل از اینکه مردم عوام را بر فراگرفتن علم دین متعهد سازد، علماء را بر دریغ نکردن علم از عوام، متعهد ساخت.

استاد علی اکبر غفاری رحمه الله با استدلال به ملزومات فهم و درایت حدیث در هفت محور: عرضه محتوای روایت به آیات قرآن کریم، تحقیق و تفحص در مورد وضعیت صدور حدیث، تتبع و جستجوی کامل در تشخیص و یافتن اصل حدیث از لفظ منقول آن، تشخیص و تمیز مفهوم حدیث بر اساس معنای ظاهری یا غیر آن، شناخت عام و خاص، مطلق و مقید احادیث، تشخیص ناسخ و منسوخ احادیث و شناخت و آگاهی نسبت به وضعیت صدور احادیث در شرایط تقیه، با ذکر مثال های روشن ضمن اظهار تعهد و انجام رسالت الهی با نگرانی از کاربرد احادیث در وجوه نامناسب و در نتیجه آسیب پذیری آن سخن می گوید.

در عصر حاضر بیشتر از همه اعصار سخن از شناخت اسلام به گوش می رسد. از یک طرف خاورشناسان غربی و از سویی دانش آموختگان شرقی در غرب و از جانب سوم نیمه درس خواندگان مسلمان نفوذشان از دو دسته دیگر بیشتر است. به طوری که دسته اول به خاطر عدم صداقت و بی نظری لازم در بحث تحقیقی و عدم احاطه بر زبان و فرهنگ اسلام از شناخت صحیح و دقیق اسلام محرومند، دسته دوم گرچه ممکن است از صداقت بی بهره نباشند؛ اما عدم احاطه علمی و خودباختگی در برابر غرب، آنها را از درک حقیقت محروم ساخته است.

محرومیت گروه سوم هم نیازمند دلیل نیست. زیرا درس و مطالعه و تتبع کافی نداشتن، خود دلیل وافی برای نشناختن و صاحب نظر نبودن در مسائل اسلامی است.

بنابراین تنها عالم خبیر و محیط بر همه علوم اسلامی در مصادر دینی مرد این میدان است. آنها در صورتی که وارستگی علمی دینی به تمام داشته باشد.

از این رو اگر کسانی به سبب داشتن علاقه های باطنی و شور دینی، در تبلیغ اسلام قصد اظهار نظر درباره مباحث اسلامی دارند، ناگزیر باید آن قدر معلومات مقدماتی کسب کنند که بتوانند به مصادر تفکر اسلام دست یابند و براساس آن سخن بگویند و یا بر پایه آن بنویسند... راه دیگری وجود ندارد.

اما سؤال اینجاست که صمت و اصالت در یک بحث اسلامی از کجا به دست می آید و این مرغ بلند آشیان اسیر دام چه کسی

می‌شود؟

پس از قرآن کریم دومین مرجع شناخت احکام و عقائد اسلامی سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و احادیث معصومین علیه السلام است. در این مورد خداوند با نزول آیه ۴۴ از سوره نحل رسول خود را مکلف به تبیین مسائل قرآنی فرمود و نبی اکرم نیز با صدور حدیث ثقلین حجیت سنت و سیره عبرت خویش را امضا کرد. ضمن آنکه عصمت و صلاحیت اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله در آیه ۳۱ سوره احزاب و آیه ۷۹ از سوره واقعه مورد تاکید قرار گرفته است.

بدیهی است تا پیامبر صلی الله علیه و آله در میان مردم بود و دسترسی به منبع فیض نبوی به سهولت میسر می‌شد اهمیت حدیث چنانکه باید مشهود نبود، ولی هنگامی که حضرتش رخت از این جهان بست، مردم حس کردند نیاز بیشتری به احادیث پیامبر دارند، لذا در بین مسلمانان، اهل سنت مطابق بینش اعتقادی خود تنها حدیث رسول خدا را حجت دانسته و رجوع به آن را از ضروریات دینی شمردند. به عقیده آنان آراء صحابه و تابعین نیز به عنوان کارشناسان مذهب مورد اعتماد است. به این ترتیب دانشمندان اهل سنت از ابتدای قرن دوم هجری در صدد جمع آوری و تدوین سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله برآمدند و جوامع متعددی از بیانات آن بزرگوار فراهم نمودند.

اما در مذهب شیعه از آنجا که امامان معصوم جانشینان قطعی رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده و از دو موهبت علم الهی و عصمت برخوردارند از همان آغاز قول و فعل آنان همانند قول و فعل رسول خدا صلی الله علیه و آله حجت شرعی قلمداد شده و به عنوان مأخذ در شناخت احکام و عقاید محل رجوع شیعیان قرار گرفت. منتهی به دلیل وجود اختناق و فشار شدید نسبت به شیعیان و امامان، مذهب حاکم بر دوران قبل امام باقر علیه السلام حدیث شیعه رونق و رواج چندانی نداشت. به عکس، در دوره امامان باقر و صادق علیهما السلام این فرصت طلایی به وجود آمد تا آن دو بزرگوار به نشر فقه و حدیث روی آورده و بنای محکمی در ساخت عقاید شیعه پی‌ریزی نمایند.

باید دانست که کلیه احادیث منقول به صحت نپیوسته و به واسطه دلایل و شواهدی، دست جعل در میراث نبوت و ولایت برده شده است.

سید مرتضی می‌فرماید: همانا احادیثی در کتب شیعه و سایر مذاهب اسلامی نقل شده که متضمن انواع اشتباهات و اموری است که بطلان آن یقینی است. محقق نیز می‌گوید: قال علی علیه السلام: «قد کذب علی رسول الله علی عهده حتی قام خطیباً فقال ایها الناس قد کثرت الکذابه فمن کذب علی متعمداً فلیتوبوا مقعده من النار ثم کذب علیه من بعده»

همچنین از امام صادق علیه السلام نقل می‌کنند که برای هر یک از ما اهل بیت، مردی که به دروغ سخنی به ما نسبت می‌دهد وجود دارد. از این رو تشخیص صحیح از سقیم حدیث مشکل گردیده است. در نتیجه شایسته نیست که هر کسی به هر منقولی اعتماد نماید و آن را به ساحت قدس نبوی و ولایتی نسبت دهد.

هم‌اکنون در مجامع مختلف شاهد هستیم که گاه یک بحث صد در صد ضد اسلامی را می‌توان یافت که به حدیثی یا احادیثی چند مستند شده است و یا کسی سخنی دور از حقیقت و بیگانه از اسلام را به آیتی از کتاب کریمه استناد می‌دهد!

بنابراین تنها به نام اسلام سخن گفتن، شرط کافی نیست؛ تنها استناد به حدیث یا احادیثی مهجور، اسلامی بودن و صحت یک تحقیق را تضمین نمی‌کند، بلکه بررسی و دقت کامل و نقادانه در مجموعه متون دینی لازم است که خود نیازمند به یک رشته علوم مقدماتی است. اما هنوز کافی نیست و برای رسیدن کاروان دانش به خط پایان (شناخت اسلام) و منزل نگاه حقیقت، بی‌نظری عالم و دوری جستن او از پیش‌داوری و عدم انتساب و تمایل او به مکتبی از مکاتب قدیم یا جدید غیر الهی است. او بایستی با ذهنی خالی از تعصب و دلی وارسته و تقکری آزاد از مکاتب غیر دینی برخوردار باشد، تا بتواند بدون رأی و نظر از قبل انتخاب شده و یا به اصطلاح پیش‌داوری به استقبال حقایق برود.

استاد مرحوم دکتر علی اکبر غفاری رحمه الله از دانشمندان محقق و صاحب بصیرتی بود که با تلخیص و تحقیق «مقباس الهدایه» علامه عبدالله المامقانی (۱۲۹۰-۱۳۵۱ هجری قمری) به انتخاب لب مطالب و گزیده مباحث مربوط به علم درایت حدیث (شناخت متن و سند حدیث و طرق تحمل آن و شناسایی حدیث صحیح از سقیم و علیل) پرداخته است و سپس برای تبیین مطالب برای خواننده، دو مبحث را در پایان کتاب می‌افزاید. یکی بحثی در تاریخ تدوین حدیث و کتابت آن و دیگری بحثی

در فهم و درایت حدیث. مبحث اخیر، امور مهمی را برای فهم حدیث و شناخت اسرار شرع مبین اسلام یادآور می‌شود که بایستی پس از فراغت از تحقیق سند یک حدیث و تعیین میزان اعتماد به آن، رعایت کرد. آنچه که استاد در این قسمت از اثر خود بر آن تأکید دارد، ناظر به معنایی است که در اصطلاح محدثین از فقه الحدیث آمده است. به عبارت دیگر فقه در لغت به معنی علم و دانستن هر چیزی است و فهمیدن مطلب و درست درک کردن آن. یعنی شخص آن معنی را که مقصود آیه و حدیث است درک کند. صدوق رحمه الله در معانی الاخبار به سند از امام صادق از پدرش امام باقر علیهما السلام نقل کرده است که یا بنی اعراف منازل الشیعه علی قدر روایتهم و معرفتهم؛ ای پسر من شخصیت و منزلت شیعه را به اندازه‌ای که روایت را می‌شناسند و می‌فهمند، بدان. پس منظور از معرفت همان فهم روایت است و فهم روایات، مقام مؤمن را به بالاترین درجات ایمان بالا می‌برد. زیرا در نوشته‌ای که از علی علیه السلام بود این نکته را دیدم که: «آن قیمة کل امرء و قدره» قیمت و ارزش هر کسی به اندازه معرفتش است و خداوند متعال مردم را به اندازه‌ای که در دنیا عقل و فهم داشته‌اند، محاسبه می‌کند.

بررسی علل جعل حدیث

همان طور که در آغاز این گفتار آمد، تعمق در تاریخ حدیث شیعه بیانگر انبوهی از حوادث تلخ و شیرین در این عرصه است. شیرین از آن جهت که تلاش‌ها و مجاهدت‌های بسیار بزرگان دین در مراقبت از معالم و موارث مذهبی سبب گردید تا موارث امامان از طریق نقل‌های سینه به سینه و ثبت اصول و دفاتر اولیه راه خود را به سمت مجموعه‌های بزرگ‌تر حدیثی در قرن سوم باز کند و سرانجام با همت بلند و دست توانای محدثان سه گانه اولیه در کتب همیشه جاوید اربعه آرامش و استقرار یابد و تلخ از آن جهت که دست جعل در میراث نبوت و ولایت برده شده است و از آسیب شرایط زمانه در امان نبوده است. همین مطلب سبب نگارش کتاب‌های بسیاری در زمینه شناسایی احادیث مجعول از غیر آن شده است.

قبل از ورود به بحث اصلی مقاله مهم‌ترین اختلافات و حوادث بین مسلمین که منجر به جعل احادیث بعد از پیغمبر شد برخی وضعین حدیث و برخی احادیث مجعول یادآوری می‌شود تا خواننده گرامی متوجه عمق موضوع شده و نگرانی جامعه علمی کشور را از نقل احادیث موضوع و مجعول توسط وعاظ و افراد ناآگاه در سخنرانی‌ها و مجامع مختلف فرهنگی اجتماعی، حق بدانند.

۱. موضوع خلافت و جانشینی پیامبر؛

۲. روی کار آمدن معاویه، به دستاویز خونخواهی کشتگان عثمان؛

ممنوعیت نگارش حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله که در پی رحلت آن بزرگوار و از سوی مکتب خلفا به وقوع پیوست، موجب گردید تا گروه کثیری از فقها و محدثان عامه از نگارش و تدوین حدیث خودداری کرده و به عبارتی فرمان منع را محترم شمارند. روشن است که اجرای این سیاست باعث گردید تا بسیاری از روایات نبوی-خاصه روایاتی که در مورد فضایل اهل بیت وارد شده بود- از مدار نقل خارج گشته و یا به بوته فراموشی سپرده شود.

افزون بر این موضوع در دوران خلافت معاویه، به مسئله جعل حدیث برضد علی علیه السلام و خاندان وی به عنوان یک سیاست خصمانه فرهنگی و جعل حدیث در فضیلت خود و کارگزارانش پی‌ریزی شد^۶ و در این رابطه بخشنامه‌های مکرری از سوی معاویه خطاب به استاندارانش صادر گردید که شرح آن را ابن‌ابی‌الحدید آورده است.^۷

۳. داخل کردن اسرائیلیات در میان احادیث؛

اصولاً اعراب قبل از اسلام نسبت به یهود و نصاری به دیده احترام نگاه می‌کردند و آنها را اهل کتاب و تمدن و فرهنگ می‌دانستند. باقی ماندن این روحیه در پاره‌ای از زمامداران، باعث می‌شد تمیم‌داری و کعب‌الاحبار به همان دیده احترام و عظمت نگریده شوند و به عنوان دانشمند و مرجع علمی مورد توجه قرار گیرند. حضور اینگونه کسان به صورت یکی از عوامل بزرگ تحریف اسلام در آمد. اینها در تخریب اسلام راستین در ابعاد گوناگون و عرضه یک دین آکنده از جعلیات و خرافات موفق شدند. اینگونه کسان که در تاریخ اسلام به قصاصین مشهور شده‌اند، جزء عوامل ناشناخته تحریف اسلام‌اند. علامه

عسگری در این مورد می‌نویسد: این بنده خدا به دهها مجلد تاریخ و تفسیر و سیره و کتب رجالی مراجعه کرده تا اندکی از کار کرد و عمل تخریبی اینان را شناسایی نموده است. تاریخ و تفسیر اسلام به ویژه از نتیجه کارهای کعب الاحبار آکنده گشته، او از همه چیز: خدا، قیامت، حشر، نشر، خلقت، آسمان، زمین، عرش، کعبه، بیت المقدس، سلیمان، داود، پیامبران و فرشتگان سخن گفته و اینگونه سخنان به صورت تفسیر و تاریخ و سیره اسلام در آمده است. ۸.

۴. افتخارات قبائل و بلاد اسلامی بر یکدیگر؛

۵. موضوع خوارج؛

۶. تشعبات مذهبی مانند زندیه، معتزله، ظاهریه، غلات، کرامیه؛

پیدایش اختلافات فقهی - کلامی در بین تابعین از یک طرف و تأثیر گذاری آنان بر افکار و عقاید شیعیان از طرف دیگر باعث شکل گیری فرق و مذاهب مختلفی نظیر مذاهب فقهی اهل سنت، خوارج، زیدیه و... شد. جریانات مذکور هر یک به نحوی در مسیر شکل دادن به افکار و عقاید شیعیان دخالت داشته و در این مسیر حتی از تفسیر به رای یا جعل و تحریف احادیث ابایی نداشته‌اند. مثلاً اندیشه غالبی در آغاز با پوشش دوستی و محبت اهل بیت علیه السلام پا به عرصه وجود گذاشت و در حق حضرت رسول صلی الله علیه و آله یا ائمه مخصوصاً علی بن ابیطالب علیه السلام غلو کرده و به ایشان مقام الوهیت داده‌اند. یکی از مسائل قابل توجه در این قسمت پی‌بردن به نقش غلات در مسیر جعل حدیث است. به طوری که از سخنان سید مرتضی در کتاب امالی برمی‌آید، ضربه‌ای که زنادقه‌ها از رهگذر جعل حدیث و ایجاد توهم در مسیر اعتقادات مسلمین به اسلام وارد ساخته‌اند، کفار و مشرکین عهد جاهلیت چنین ضربه‌ای وارد نکرده‌اند؛ زیرا زنادقه در عین بی‌اعتقادی به مبانی اسلام در صفوف مسلمانان حاضر شده و با القای شبهات و پراکندن احادیث جعلی در بین احادیث صحیح به انحراف آنان خصوصاً جوانان، اقدام می‌کرده‌اند. چنانکه این مطلب از اقرار بعضی از زنادقه همچون ابن ابی العوجاء در لحظه مرگ به دست می‌آید.

ابوالفرج اصفهانی در کتاب اغانی ضمن روایتی می‌نویسد: عبدالکریم بن ابی العوجاء به گمراهی جوانان می‌پرداخت. پس عمرو بن عبید به او گفت: به من خبر داده‌اند که تو با جوانان معاشرت کرده آنان را گمراه می‌کنی و پیرو خود می‌گردانی. از شهر ما خارج شو وگرنه جانت را به خطر می‌اندازم. ابن ابی العوجاء به کوفه رفت؛ اما در آنجا به دست محمد بن سلیمان دستگیر شد و به دار آویخته گشت؛ اما چون وی یقین پیدا کرد که او را می‌کشند، گفت: حال که مرا می‌کشید پس بدانید که من در بین احادیث شما چهار هزار حدیث جعلی وارد کرده‌ام. احادیثی که بر مبنای آن، روزهایی را که باید روزه بگیرید، افطار خواهید نمود و روزهایی را که باید افطار کنید، روزه خواهید داشت. ۱۰.

۷. ظهور بنی العباس و اشغال دستگاه خلافت اسلامی؛

۸. جعل احادیث از ناحیه مشرکین و مقدسین برای ترغیب مردم به اعمال دینی؛

۹. احترام فوق العاده‌ای که عموم نسبت به ناقلین و محدثین مرعی داشتند؛

۱۰. افتخارات به خاندانها و انساب؛

۱۱. تشدید و مبالغه در موضوعات کوچک و کم ارزش از سوی وعاظ بی‌مایه و قصه‌گویان؛

این امر از ناحیه معرکه‌گیران و وعاظ بی‌مایه و قصه‌گویان ترویج می‌گردید؛ زیرا با اینگونه احادیث مجلس خود را توجیه و سخنان بی‌پایه خود را مهم قلمداد می‌کردند؛ مثلاً حدیث «من قادمی اربعین خطوه غفر الله له» یعنی کسی که کوری را چهل گام رهبری کند خدایش می‌آمرزد، شیخ بهائی آن را در اربعین خود از جمله موضوعات می‌شمارد.

۱۲. نزدیک شدن یک عده از راویان حدیث به خلفا و جعل حدیث برای جلب نظر آنان؛

مثلاً آورده‌اند: وقتی غیب بن ابراهیم بر مهدی عباسی وارد شد و کبوترانی در منزل خلیفه مشاهده کرد، برای خشنودی خلیفه حدیث: «لا سبق الا فی خف او حافر أو حمامه» یعنی در اسلام مسابقه‌ای به جز در مورد شتر و اسب و کبوتر روا نیست را جعل کرد.

این حدیث در کتب شیعه بدین سان آمده است: «لا سبق الا فی خف أو حافر أو ریش» که مراد از ریش (پر) تیر اندازی است؛

زیرا در تیرها معمولاً پر به کار برده می‌شده است. غیث این معنی را به پرنده تبدیل نموده، آنگاه مراد از پرنده را بازی کبوتر تفسیر کرده است.

۱۳. اختلاف در مکتب فقهی و تأیید آراء شخصی با احادیث؛

۱۴. نقل احادیث عالی‌السند به منظور معرفی خود در شمار محدثین سابقه‌دار؛ مانند ابراهیم بن هدیبه که از اوزاعی حدیث روایت می‌کرد با این که او را درک نکرده بود.

۱۵. جا زدن خود در شمار صحابه‌ای که بلا واسطه از پیامبر نقل حدیث کرده‌اند؛

۱۶. عقیده و اجتهاد نادرست؛

برخی از راویان فقط اصل موضوع حدیث را در نظر می‌گرفتند که اگر با عقل توافق داشت، آن را نقل و به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت می‌دادند. چنانکه از محمد بن سعید دمشقی نقل شده که می‌گفت: سخن اگر نیکو باشد باکی از این ندارم که آن را به پیامبر نسبت دهم.

۱۷. استشهاد متصوفه به احیای ضعیف و بی‌پایه برای تذکره و ترقیق قلوب و تبدیل آنها به حدیث قطعی در کتابها؛ تمام این جهات و نیز علل دیگری سبب گردید که احادیثی از ناحیه استفاده‌جویان وضع و به پیامبر نسبت داده شود.

گرچه در قرن سوم و چهارم که مجامع حدیث تدوین شد، اهتمام بلیغی در جدا ساختن احادیث صحاح از غیر آن به عمل آمد؛ ولی با گذشتن دو قرن یا بیشتر از زمان صدور احادیث، دشواری این امر پیداست. مخصوصاً که پاره‌ای از علل جعل در همان ازمنه مثل تماسی زنادقه با مسلمین یا کار قصه‌گویان و محدثین حرفه‌ای، نیز موجود بوده است. مثلاً ابن جوزی نقل می‌کند که: احمد بن حنبل و یحیی بن معین در مسجد رصافه نماز می‌گذارند. قصه‌گویی در این اثنا بساط خود را در مسجد باز و به نقل حدیثی از احمد و یحیی سخن باز کرد که این دو از فلان از فلان و وی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرد که هر که «لا اله الا الله» بگوید، خداوند مرگی که منقارش از طلا و بالش از مرجان و... سپس سخن خود را در وصف مرغ و ثواب گوینده به جایی رسانید که در حدود بیست ورق نمی‌گنجید، پس از جمع‌آوری بخشش‌های مردم، ابن حنبل و یحیی از وی سوال کردند چه کسی تو را به این حدیث خبر داد؟ پاسخ داد احمد بن حنبل و یحیی بن معین، یحیی به وی گفت: من یحیی و این ابن حنبل است، ما خود از این حدیث خبر نداریم. قصاص گفت: من گرا را شنیده بودم که یحیی بن معین مرد احمقی است تا کنون یقین نداشتم. گویی در جهان فقط یحیی و احمد حنبل شماید. همانا من از هفده احمد حنبل و یحیی حدیث نوشته‌ام و با تمسخر از آنان جدا شد.

وضاعین احادیث

عده‌ای از معروفین به کذب و وضع حدیث، به نقل از ائمه فن و رجالیون عبارتند از: ابوسعید ابان بن جعفر دجری: وی کذابی است که از پیامبر جعل حدیث می‌نمود و حتی بیش از سیصد حدیث از ابو حنیفه نقل کرده که وی هیچ یک از آنها را روایت ننموده است.

ابو عبدالله باهلی و سلیمان نخعی که از زهاد بوده‌اند؛ ولی به جعل و وضع حدیث شهرت داشته‌اند و حتی به وی اعتراض شد که این احادیث را از کجا و چرا نقل نموده‌ای؟ گفت: برای نرم کردن قلوب عامه جعل کردم.

ابوبشیر مروزی که فقیهی نیکو و خوش بیان بوده، مع ذلک احادیثی از پدر و جدش نقل کرده و سلسله سند صحیح برای آن احادیث با تغییر مختصری وضع می‌نمود.

صاحب‌الغدیر شرح حال هفتصد تن از مشاهیر کذابین و وضاعین را آورده که گروهی از این جماعت از زهاد و عباد قوم به شمار می‌رفته‌اند و به خاطر عقاید اشتباه از جعل و وضع حدیث باک نداشتند؛ بلکه خود را از این امر مثاب و مدجور می‌دیدند. مثلاً از یکی از زهاد که جعل حدیث می‌کرد پرسیدند: مگر نشیده‌ای که پیامبر فرمود: هر کس به من دروغ ببندد جایگاهش پر از آتش گردد؟ گفت من بر وی دروغ نیستم، بلکه به نفع وی حدیث ساختم. و دیگری گفته است: من برای ترغیب مردم وضع حدیث نمودم و اجر خویش را از خدا می‌طلبم.

بنابر این منظور از ذکر مطالب فوق این است که به مجرد زهد و نیکی اشخاص سلسله حدیث نمی‌توان حکم به صحت آن نمود، بلکه باید به وثاقت ناقلین، اطمینان پیدا نمود و آنگاه که به صحت سند وثوق داشت، از دیگر فنون فهم حدیث بهره گرفت. ابوهریره خود اعتراف کرده احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که از پیامبر صلی الله علیه و آله آن احادیث را نشنیده بوده است. چنانکه احمد بن حنبل امام حنبله در مسند خود روایت کرده که ابوهریره حدیثی را روایت کرد، حاضران به او گفتند: این را از که نقل کردی از پیامبر صلی الله علیه و آله است یا از کیسه خودت؟ ابوهریره گفت: لا هذا من کیسه ابي هريره!

آیا می‌توان دانست که ابوهریره از اینگونه روایات ساختگی چه مقدار از کیسه خود بیرون آورده است؟

آیا می‌توان دانست که اینگونه احادیث چهره اسلام عزیز را تا چه اندازه تغییر داده است؟

مجموعه افزون از پنج هزار حدیث ابوهریره، تعداد بسیاری از آن ساخته‌های خود اوست و یا به تعبیر مردم عصرش از کیسه خود وی بیرون آمده است.

یا در مورد سابقه تاریخی غلات و سیر تحول این جریان آمده است: «کشی در رجال خود مؤسی این جریان را در اسلام شخصی به نام عبدالله سبا ذکر کرده است که شخصی یهودی بوده که به اسلام گراییده و از دوستان علی بن ابیطالب علیه السلام گردید؛ اما همان‌طور که او در دوران یهودیت خود درباره یوشع بن نون عقیده‌ای غلو آمیز داشت، پس از گرایش به اسلام نیز، در مورد علی علیه السلام راه غلو و افراط در پیش گرفت» در حالی که بعضی از دانشمندان در اصالت آن تشکیک نموده و ثابت کرده‌اند شخصیتی به عنوان عبدالله بن سبا وجود خارجی نداشته و روایات کشی از نظر متن و سند خدشه‌دار است. دانشمند گرامی سید مرتضی عسکری در کتاب عبدالله بن سبا و دیگر افسانه‌های تاریخی ثابت کرده است که مورخان اسلامی از جمله طبری، ماجرای عبدالله بن سبا را توسط فردی به نام سیف بن عمر نقل کرده‌اند و این شخص در افسانه سرایی و خلق آثار و شخصیت‌های خیالی دستی قوی داشته، به گونه‌ای که حتی از ناحیه رجالیون اهل سنت نیز تضعیف شده است.

نمونه‌ای از احادیث مجعوله

حدیث: الشقی من شقی فی بطن امه: شقی و بد سرشت در شکم مادرش شقی است.

الجنه دار الأسخياء: بهشت خانه سخاوتمندان است.

طاعة النساء نداه: اطاعت از زنان موجب پشیمانی است.

الموت كفارة لكل مسلم: مرگ کفاره گناه هر مسلمانی است.

زرغباً نزد دحبا: یک روز در میان به دیدار هم روید تا دوستتان زیاد شود.

العلم علمان: علم الادیان و علم الابدان: علم منحصر به دو نوع است علم دین و علم جسم.

راه‌های شناخت احادیث مجعوله

ابو جعفر طوسی در کتاب عده الاصول به مواردی برای شناخت صحت خبر اشاره می‌کند: موافقت با ادله عقلیه، مطابقت با

کتاب خدا، موافقت با سنت قطعیه، موافقت با آنچه فرقه امامیه به آن اجماع نموده‌اند. سپس اضافه می‌کند که این قرائن

شواهدی بر صحت مضمون خبر است، نه بر نفس خبر؛ زیرا ممکن است راوی، حدیثی با چنین خصوصیات ساخته باشد.

برخی دیگر از علما برای تشخیص موضوعات امور زیر را ذکر کرده‌اند:

۱. اعتراف واضح به جعل حدیث؛

۲. مشاهده غلط‌هایی از لحاظ قواعد ادبی در الفاظ حدیث یا رکاکتی در معنا؛

۳. مخالفت مفاد و معنی حدیث با عقل یا حس و مشاهده انسان طوری که تأویل آن ممکن نباشد. مانند اینکه عبد الرحمن بن

زید از پدرش... از رسول خدا صلی الله علیه و آله حدیث کرد که گشتی نوح دور خانه خدا طواف کرده آنگاه در مقام ابراهیم

دو رکعت نماز گذارد.

۴. مبالغه زیاد در باره موضوعی بی‌اهمیت و کوچک؛

۵ معروفیت ناقل حدیث به وضع و جعل حدیث دروغ و کذب و مشهور بودن وی.

مقدماتی در ورود به فهم احادیث

اولین مقدمه برای ورود به فهم حدیث کلامی است از امام باقر و امام صادق علیهما السلام در مورد شیعیان خود که قبل از هر چیز بر صدق حدیث و راستگویی آنان تأکید می‌کردند. در این مورد عمرو بن ابی المقدام گوید: نخستین مرتبه‌ای که بر امام باقر علیه السلام وارد شدم فرمود: «قبل از آموزش حدیث، راستگویی را فراگیرید» ۱۶
اما با توجه به باز شدن باب جعل حدیث، جمعی به نقادی حدیث پرداختند و قواعدی برای تشخیص صحیح از سقیم وضع نمودند که به عنوان مقدمات بعدی عبارتند از:

۱. آشنایی نسبتاً کامل به لغت و قواعد زبان عربی که لسان صدور اخبار است؛
۲. دانستن تاریخ اسلام و سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام و تاریخ مذاهب و فرق اسلامی و اجمالی از آراء و معتقدات ملل و نحل؛

۳. دانستن علم معرفه الرجال و فهم حدیث (درایه الحدیث)

اما این نکته حائز اهمیت بسیار است که اطلاع بر متون سه گانه (درایه الحدیث و رجال، لغت و قواعد زبان، تاریخ و ملل و نحل) پس از وصول هر فرد به ذوق سلیم و تخلیه ذهن از تعصبات است. استاد علی اکبر غفاری در تلخیص و تحقیق «مقباس الهدایه علامه المامقانی» برای فهم حدیث مواردی را با شاهد مثال برای تقریب اذهان آورده است:

عرضه محتوای روایت به آیات قرآن کریم

چرا که در قرآن آمده است: «الذی لا یأتیہ الباطل من بین یدیه و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید» یعنی اگر باطلی در حدیث ندیدید، پس آن حدیثی است بر اساس سنت که مسلمانان در آن اختلاف ندارند. کلینی در صحیح از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که پیامبر اکرم در منا خطبه فرمودند ۱۷ که: «ایها الناس ما جاءکم عنی یوافق کتاب الله فأنا قلته، وما جاءکم یخالف کتاب الله فلم أقله»
ای مردم هر چه از من به شما رسید اگر موافق کتاب خدا بود پس آن از من است و اگر با قرآن مخالفت می‌کرد پس آن از من نیست.

در امالی شیخ طوسی حدیثی از جابر الجعفی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که آن حضرت فرمودند: «بنگرید امر ما را و آنچه از طرف ما به شما می‌رسد، پس اگر آن را موافق قرآن یافتید بپذیرید و اگر در قرآن موافق آن را نیافتید و امر بر شما مشتبه شد پس آن را کنار بگذارید»

پس احادیث صحیح، حسن و موثق زیادی هستند که محتوای آنها مخالف حکم کتاب خدا، سنت و یا هر دو است و این نشان می‌دهد این چنین روایاتی به دلایلی مانند خطا و سهو و فراموشی از معصومین روایت شده‌اند، اگر چه راویان آنها از نظر عظمت و جلالت و ایمان در بالاترین مقام باشند. مثال آن روایتی است که صدوق و کلینی با اسناد صحیح از امام باقر علیه السلام در باب دیات نقل کرده‌اند که از امام علیه السلام در باره زن و پسر بچه‌ای که به بلوغ نرسیده و از روی خطا مرتکب قتل شده‌اند، سوال کردند، حضرت فرمودند: «إن خطأ المرأة و الغلام عمد» یعنی خطای زن و پسر بچه، قتل عمد به حساب می‌آید. پس اگر اولیاء مقتول خواستند هر دو را قصاص می‌کنند و به اولیاء پسر بچه پنج هزار درهم برگردانند و اگر خواستند پسر بچه را قصاص کنند پس زن به اندازه ربع دیه به اولیاء پسر بچه باز می‌گرداند و اگر اولیاء مقتول خواستند زن را قصاص کنند، پسر بچه به اولیاء زن به اندازه ربع دیه باز می‌گرداند. همچنین فرمودند: اگر اولیاء مقتول بخواهند دیه بگیرند، نصف دیه بر پسر بچه و نصف دیه بر عهده زن است.

همان طور که در حدیث دیده می‌شود خطای زن و پسر بچه‌ای که به بلوغ نرسیده است، قتل عمد به حساب می‌آید و این برخلاف آیات قرآن است که می‌فرماید: «ومن قتل مؤمناً خطأ فتحرير رقبه مؤمنه و دیه مسلمة الی اهله الا ان یتصدقوا» و خلاف سنت است که حتی عمل عمد بچه را خطا قرار می‌دهد.

در قرب الاسناد حمیری نیز با اسناد به امام صادق علیه السلام از پدرش امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که در کتاب علی علیه السلام خواندم که فرموده بود: «فما جاءکم عنی من حدیث وافق کتاب اللہ فهو حدیثی و اما ما خالف کتاب اللہ فلیس من حدیثی»

اما دانشمندان برای شرط رجوع به قرآن کریم مقدماتی را لازم می‌دانند. مانند اینکه فرد مورد نظر باید آیات محکم و متشابه را از هم تشخیص دهد. در غیر این صورت برای فهم آیات متشابه می‌بایست به متخصصین در علم قرآن و سنت رجوع کند و گرنه مشمول قول خداوند می‌شود که «أما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تأویل» شرط دیگر رجوع به قرآن کریم آن است که رجوع کننده به راستی بخواهد از قرآن کریم علمی و مطلبی بیاموزد، نه آنکه خود مطلبی را معتقد بوده و به قرآن کریم و دیگر منابع اولیه اسلامی رجوع کند تا دلیلی بر مدعای خود اقامه کند. چنین شخصی قرآن کریم و حدیث را تأویل به رای خود می‌کند و به بیان دیگر رای خود را بر قرآن و حدیث بار می‌کند. حضرت امام رضا علیه السلام از پدرانش از امیر المومنین از رسول خدا روایت می‌فرماید که خداوند جل جلاله فرموده: «ایمان به من نیاورده است آن کسی که کلام مرا به رای خودش تفسیر کند» و نیز از پیامبر روایت شده است که فرمودند: بیشترین چیزی که پس از خود بر امتم بیمناکم، از مردی است که قرآن را در غیر معنایش تأویل می‌کند.

تحقیق و تفحص در مورد وضعیت صدور حدیث

یکی از مواردی که به عنوان مدخلی برای فهم محتوای حدیث لازم است، تحقیق و بررسی درباره مقتضیات زمانی و مکانی صدور حدیث است.

در این مورد دکتر علی اکبر غفاری رحمه الله حدیثی از رسول خدا را نقل می‌کند که فرموده‌اند: «من بشرنی بخروج آذار فله الجنة» آنچه از ظاهر حدیث فهمیده می‌شود، اطلاق این مفهوم است که پیامبر صلی الله علیه و آله از این ماه و بودن در این ماه کراهت داشته‌اند، پس منتظر خروج از این ماه بودند و بهشت را برای کسی که بشارت خروج از آن را به حضرت دهند ضمانت می‌کند؛ ولیکن اصل حدیث همان‌طور که در معانی الاخبار صدوق به صورت حدیثی مسند از ابن عباس آمده است عبارت از این است که پیامبر اکرم روزی در مسجد قبا در جمع عده زیادی از اصحابش فرمودند: «اول من یدخل علیکم الساعة رجل من اهل الجنة» یعنی اولین کسی که هم اکنون بر شما وارد می‌شود، مردی از اهل بهشت است. پس چند نفر که این مطلب را شنیدند از یک در مسجد خارج شدند تا از در دیگر وارد شوند و اول کسی باشند که مستحق بهشت گردند. پیامبر که متوجه این موضوع شدند، به عده‌ای که در مسجد باقی مانده بودند، فرمودند: «إنه سیدخل علیکم جماعه یستبقون فمن بشرنی بخروج آذار فله الجنة» یعنی هم اکنون عده زیادی از در مسجد وارد می‌شوند، تنها کسی که مرا به پایان ماه آذار خبر دهد، او اهل بهشت است. پس آن عده برگشته و وارد مسجد شدند در حالی که ابوذر در بین آنها بود. پیامبر از آنان پرسید: «فی ای شهر نحن من شهر الرومیه؟ یعنی در کدام ماه از ماههای رومی قرار داریم؟ تنها ابوذر گفت: یا رسول الله از ماه آذار خارج شده‌ایم. پیامبر فرمود: ابوذر، این را می‌دانستم ولیکن دوست داشتم اصحاب من مردی را که اهل بهشت است بشناسند. استاد غفاری معتقد بودند صحبت رسول خدا صلی الله علیه و آله در این زمان در مورد تبیین صفات مومنین بود و برای آوردن شاهد با علم لدنی خود اشاره کردند که اولین کسی که از در مسجد وارد شود او چنین صفاتی را داشته و اهل بهشت خواهد بود؛ اما چون متوجه تحرکات عده‌ای از اصحاب شدند این مطلب را که «هرکس مرا به خروج ماه آذار خبر دهد او اهل بهشت است» شرطی برای معرفی چنین شخصی یادآور شدند؛ زیرا حضرت صلی الله علیه و آله با علم لدنی خود می‌دانستند که ابوذر به ماههای رومی آشناست و تنها او می‌تواند به این سؤال پاسخ دهد. لذا به محض ورود عده‌ای به مسجد این سؤال را مطرح کردند که کدام یک از شما می‌دانید اکنون در چه ماهی از ماههای رومی قرار داریم؟ که ابوذر پاسخ صحیح را می‌دهد و آن حضرت ابوذر را به عنوان مرد بهشتی معرفی می‌کند. لذا قول پیامبر صلی الله علیه و آله تنها در همان زمان و مکان به عنوان شرطی برای معرفی مرد بهشتی دارای مفهوم است و نه به معنای مطلق آن در همه زمانها و مکانها. در حالی که همین حدیث امروزه در بین برخی شیعیان اینگونه مطرح شده است که هرکس در پایان ماه صفر در هفت مسجد را بزند و به پیامبر پایان ماه صفر را خبر دهد او اهل بهشت خواهد بود.

در اینجا مفهوم حدیث معنای لفظی نیست؛ اگر چه فرد، متخصص علم صرف و نحو عرب باشد. این موضوعی است که به تتبع بسیار در موقعیت صدور حدیث بستگی دارد.

تتبع و جستجوی کامل در تشخیص و یافتن اصل حدیث از لفظ منقول آن

احادیث زیادی وجود دارد که لفظ یا معنای نقل شده آنها از لفظ اصلی‌شان مشهورتر شده است و چه بسا که معنای اصلی از معنای منقول آن ابا دارد. مانند این حدیث مشهور که از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: «مداد العلماء افضل من دماء الشهداء» در این حدیث قلم نویسندگان بر خون شهدا فضیلت داده شده است؛ ولیکن با تحقیق متوجه می‌شویم اصل حدیث در روایت صدوق در «من لا یحضره الفقیه» به صورت حدیثی مسند از مدرک بن عبدالرحمن اینگونه آمده است که حضرت فرمودند: «إذا كان يوم القيمة جمع الله عز و جل الناس في صعيد واحد و وضعت الموازين، فتوزن دماء الشهداء مع مداد العلماء، فيرجح مداد العلماء على دماء الشهداء».

پس همان‌طور که از ظاهر حدیث بر می‌آید قلم دانشمندان و علما بر خون شهداء برتری ندارد؛ بلکه این حدیث از حقیقتی خبر می‌دهد که در روز قیامت وقتی میزان فعالیت‌های دانشمندان را که دست به نگارش علوم و معارف زده‌اند و این چنین به دعوت و نشر توحید پرداخته‌اند در یک کفه ترازو می‌گذارند و خون شهداء که با همین هدف در راه حق ریخته شده است در کفه دیگر گذاشته و مقایسه می‌کنند، معلوم می‌شود کفه میزان فعالیت‌های دانشمندان از کفه دیگر از نظر حجم و وزن بیشتر است. مفهوم این حدیث آن است که دعوت و نشر دین الهی بیشتر از طریق دانشمندان و قلم‌های آنان صورت گرفته است که با استدلال و برهان همراه است، نه با جنگ و شهادت و خون ریختن!

آیا این معنی از لفظ مشهور «مداد العلماء افضل من دماء الشهداء» فهمیده می‌شود؟!

دکتر غفاری به حدیث «النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی» نیز پرداخته است که به همین صورت در بین مردم مشهور شده است و دلالت بر کراهت و نهی پیامبر اکرم از عزوبت و تجرد دارد. در حالی که با تحقیق و تتبع معلوم می‌شود لفظ این حدیث در هیچ یک از کتب حدیثی وجود ندارد؛ بلکه اصل این حدیث همان‌طوری که حماد بن سلمه از انس بن مالک نقل کرده است، این چنین است که «برخی از اصحاب رسول خدا می‌گفتند: ما از دواج نمی‌کنیم، عده‌ای می‌گفتند: ما گوشت نمی‌خوریم، بعضی می‌گفتند: ما در رختخواب نمی‌خوابیم و برخی دیگر می‌گفتند: ما هر روز روزه می‌گیریم. پس وقتی این خبرها به پیامبر رسید، حضرت همه را دعوت کرد و خطبه خواند و فرمودند: چه شده که عده‌ای از جوانان این‌طور می‌گویند؟! «لکنی اصلی و أنام و أصوم و افطر، و اتزوج النساء، فمن رغب عن سنتی فلیس منی» یعنی چرا این‌طور می‌گویید در حالی که من نماز می‌گذارم و می‌خوابم، روزه می‌گیرم و افطار می‌کنم و با زنان از دواج می‌کنم، پس همه اینها سنت من است و اگر کسی از سنت من دوری کند از من نیست. همان‌طور که از ظاهر اصلی حدیث بر می‌آید لفظ «النکاح سنتی» به عنوان یکی از سنت‌های رسول خدا است. در حالی که به کار بردن این قسمت حدیث به تنهایی حصر می‌آورد و معنی را کاملاً اشتباه می‌کند. استاد غفاری می‌نویسد: اگر چه این حدیث به انحای مختلف از لفظ اصلی‌اش به لفظ دیگری نقل و مشهور شده است اما پیامبر اکرم فرمودند: «نصر الله إمرءاً سمع منا حدیثاً فحفظه حتی یبلغه غیره...» خداوند برومند کند کسی را که عین حرف‌های مرا می‌گوید!

تشخیص و تمیز مفهوم حدیث بر اساس معنای ظاهری یا غیر آن

گاهی در لفظ حدیثی کلماتی به کار رفته‌اند که ظاهر آنها مراد و مقصود گوینده نیست، بلکه به صورت متشابه و کنایه و مثال ... آورده شده است، لذا بر نقل‌کننده حدیث لازم است با دقت و تیزبینی مفهوم این احادیث را بفهمد و از اکتفا به ظاهر لفظ خودداری کند. این امر مستلزم آشنا بودن فرد به کنایه‌ها و تشابهات و... در زبان و ادبیات عرب است. استاد غفاری مثال‌های متعددی را به منظور تبیین موضوع ذکر کرده است. مثلاً با ذکر حدیثی که از قول پیامبر صلی الله علیه و آله به همسرانش نقل شده است، دقت در معنای کنایی را مورد تأکید قرار می‌دهد. روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «أسرعن لحاقاً أطولکن یداً» یعنی کسی از شما بعد از فوتم زودتر به من ملحق می‌شود که دستش بلندتر باشد،

عایشه گفت: آن من هستم؛ زیرا دست من بلندتر است؛ ولیکن اول کسی که از همسران پیامبر به او ملحق شد زینب بنت جحش بود؛ زیرا او بیشتر از دیگران صدقه می‌داد. پس منظور از حدیث معنای کنایی آن یعنی «أطولکن بدأ بالإعطاء» است. یا در حدیثی از امام صادق نقل شده است که: «من مثل مثلاً أواقنتی کلباً فقد خرج عن الاسلام» ظاهر کلام به این معنی است که کسی که مجسمه بسازد یا سگ نگهدارد از اسلام خارج شده است. از آن حضرت پرسیده شد: اگر این چنین باشد بیشتر مردم هلاک شده‌اند؛ زیرا بسیاری از مردم سگ دارند (نظیر چوپانان). ایشان فرمودند: این طور که شما فکر می‌کنید نیست. منظور از «من مثل مثلاً» کسی است که دینی غیر از دین خدا می‌سازد و مردم را به آن دعوت می‌کند و منظور از «من اقتنی کلباً» یعنی کسی که دشمن ما اهل بیت را در خانه‌اش راه می‌دهد و از آنها پذیرایی می‌کند. پس کسی که این چنین کارهایی را انجام می‌دهد محققاً از اسلام خارج شده است.

اما گاهی در حدیثی معنی عرفی کلمه یا کلمات مراد است نه معنی اصطلاحی آنها و این مهم باید با دقت فرد مراجعه کننده به حدیث فهمیده شود؛ مثلاً در حدیثی آمده است: «آفه الدین ثلاثة: فقیه فاجر و امام جائر و مجتهد جاهل» شاهد مثال در این حدیث کلمه «مجتهد جاهل» است؛ زیرا چگونه می‌توان تصور کرد که فرد مجتهدی جاهل باشد! لذا معنی صحیح حدیث در صورتی فهمیده می‌شود که کلمه «مجتهد» به معنی غیر اصطلاحی آن منظور شده باشد. به بیان دیگر معنی لغوی این کلمه عبارت است از کسی که شبانه روز مجدانه عبادت می‌کند ولی نمی‌داند احکام آن چیست و جهل او بر سایر فعالیت‌های او مقدم است، مورد نظر معصوم علیه السلام است.

شناخت عام و خاص و مطلق و مقید احادیث

منظور از خاص در اصطلاح محدثین عبارت است از حکمی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا ائمه معصومین علیه السلام درباره گروه خاص یا فرد خاص وارد شده است، مثل نکوهش اهل اجتهاد و متکلمین و صوفیه که به گروه خاصی که اهل تعصب و بدعت بوده‌اند وارد شده است. یا آنچه در نکوهش رفت و آمد با کردها، بازاری‌ها و مذمت شعراء وارد شده است، به طایفه خاصی از آنها که دارای صفت یا عمل یا عقیده‌ای بوده‌اند که مورد رضایت شارع نبوده است اطلاق می‌شود. احادیث عام نیز احادیثی هستند که حکم آنها شامل همه افراد و قبایل و طوائف می‌شود. اگر چه در مورد خاصی گفته شده باشد. مثل حکم عامی که به عنوان جواز بیع فضولی از فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شخص عروه البارقی (به صورت خاص) فهمیده می‌شود. آنگاه که به او مبلغی دادند تا گوسفندی بخرد در حالی که وی با همان مبلغ دو گوسفند خرید و پیامبر با جمله «بارک الله فی صفة یمینک» کار او را تایید و امضاء فرمودند.

دکتر علی اکبر غفاری رحمه الله در این باره معتقد است آنطور که برخی گمان می‌کنند، شناخت عام و خاص احادیث از روی قیاس نیست. بلکه با فهم و درایت حدیث است که مشخص می‌شود لفظ حدیث بر مورد خاص یا بر جمیع موارد دلالت می‌کند یا اینکه گاهی لفظ خاص ذکر شده در حالی که بر عموم دلالت دارد.

مثلاً نقل شده که امام صادق علیه السلام امر کردند که بر کفن فرزندشان بنویسند: «إسماعیل یشهد أن لا اله الا الله» پس می‌توان این معنا را که مستحب است بر هر کسی که این جمله را بر کفن‌اش بنویسد، فهمید. نظایر این در احادیث فراوان است. در حالی که آنچه از نهی رفت و آمد و معامله با اگراد آمده است، نمی‌توان شمول آن را بر همه اگراد فهمید بلکه بر جماعت خاصی از آنها وارد شده است.

در همین جا مناسب است از احادیثی سخن رود که در مورد طب و درمان از پیامبر صلی الله علیه و آله یا ائمه معصومین نقل شده است. این احادیث که از صدوق تحت عنوان «أخبار الواردة فی الطب» آمده است، حاکی از آن است که این اخبار بر چند وجه است: گاهی امام آنچه در درمان بیماری فرموده است، درباره اهل مکه و مدینه بوده است که دارای شرایط اقلیمی و آب و هوایی خاص خودشان هستند که جایز نیست سایر افراد که از مناطق مختلف با شرایط جغرافیایی دیگری هستند از آن استفاده کنند. گاهی امام از روی شناختی که نسبت به طبع و مزاج سؤال کننده دارد تجویزی برای او کرده است که برای دیگران که به طبع خودشان آگاه‌ترند شایسته نیست که از حدیث تبعیت کنند. مثلاً حدیثی در مورد غسل آمده است که می‌گوید: «أنه شفاء من کل داء» یعنی غسل برای هر دردی دواست. این حدیث درست است، لکن «من کل داء بارد» یعنی

برای امراضی که از رطوبت بروز کرده اند و...

در اینجا استاد غفاری به سخن شیخ مفید استناد می‌کند که گفته است: برخی از داروها مریض را شفا می‌دهد در حالی که همان دارو در سرزمین دیگر مریض را می‌کشد. این نشان می‌دهد گاهی احادیث طب با توجه به سرزمین خاص و فرد خاصی وارد شده‌اند که جنبه عمومی ندارد.

اما شناخت مطلق و مقید و مجمل و مبین در احادیث، امر دیگری است که در فهم حدیث، مهم و ضروری است. زیرا بسیاری از برداشت‌های اشتباه از احادیث به خاطر عدم توجه عوام و افراد ناآگاه به این مسائل است. مثلاً حدیثی که صدوق به طور مسند از عبدالله بن الفضل الهاشمی روایت می‌کند که نزد امام صادق بودم که مردی بر او وارد شد و در مورد کسی سؤال کرد که نمی‌داند یک رکعت خواند یا دو رکعت؟ امام پاسخ دادند: «یعيد الصلاة» آن مرد گفت: پس این سخن که فرمودی: «أن الفقيه لا یعيد الصلاة» چیست؟ حضرت فرمودند: «إنما ذلک فی الثلاث و الاربع» یعنی حدیث مقید شده است به رکعت سوم و چهارم. یا حدیثی که شیعه و اهل سنت آن را از پیامبر نقل کرده‌اند که: «من شهد أن لا اله الا الله و أن محمداً رسول الله حرم الله علیه النار» از ظاهر بر می‌آید که جمیع کسانی که شهادتین را گفته‌اند وارد آتش نمی‌شوند. یا به بیان دیگر مفهوم اطلاق از حدیث فهمیده می‌شود؛ ولیکن دلایل قاطعی از آیات قرآن و احادیث دیگر است که مؤمنین گناهکار نیز عذاب می‌شوند لیکن به واسطه عفو و شفاعت و... از آن خارج می‌شوند. پس ظاهر حدیث مقصود گوینده نبوده است. بلکه همان طور که آمده است این حدیث به کسانی مقید شده است که «عمل صالح» انجام دهند یا قبل از مرگ توبه کرده باشند یا در برخی روایات مقید به «مخلصاً» شده است. یعنی کسی که ایمانش را از آنچه امور شر و هواهای نفسانی است، پاک نگه دارد.

این در حالی است که عده‌ای از غلات باطنیه با تمسک به همین حدیث، به زعم آنکه شهادتین برای رهایی از آتش کافی است، تکالیف شرعی و احکام واجب را کنار گذاردند.

در همین موضوع حدیثی را صدوق رحمه الله در المعانی از فضیل بن عثمان الاثور روایت می‌کند که از امام صادق علیه السلام در مورد جماعتی از افراد خبیث سؤال شد که با نقل روایتی از پدر آن حضرت علیه السلام که فرموده است: «إذا عرف فاعمل ما شئت» همه محرمات را حلال می‌دانند؟ امام فرمودند: «إذا عرف الحق فاعمل ما شئت من خیر یقبل منک» یعنی منظور این حدیث آن است که وقتی حق را شناختی، پس عمل کن به آنچه می‌خواهی از اعمال خیر از تو قبول شود!

حاصل سخن آنکه برای فهمیدن و درایت حدیث لازم است نسبت به شناخت مطلق و مقید آن و عام و خاص آن با مراجعه به اسناد و مدارکی که حاکی از مقتضیات زمانی و مکانی و احوالی صدور حدیث است، تحقیق و جستجو شود.

شناخت ناسخ و منسوخ احادیث

«نسخ» در لغت به معنی از بین بردن و در اصطلاح عبارت است از برداشته شدن حکم ثابت به دلیل شرعی یا برداشته شدن حکم به دلیل شرعی دیگری به طوری که اگر حکم دوم نیامده بود، حکم اول ثابت باشد. با توجه به این نکته که از نظر محققین حکم اول باطل نشده است بلکه، مدت آن حکم تمام شده است.

در قرآن مواردی از نسخ از طرف دانشمندان علوم قرآنی بیان شده است؛ اما در مورد احادیث به روایتی از کلینی استناد می‌شود که از أبان بن اَبی عیاش از سلیم بن قیس نقل شده است که گفته است: به امیر المؤمنین علیه السلام گفتم: من از سلمان و مقداد و ابوذر چیزی از تفسیر قرآن و احادیثی از پیامبر - به جز آن چیزی که در دست مردم هست - شنیدم. سببی از شما تصدیق آنها را شنیدم؛ اما در دست مردم چیزهای زیادی از تفسیر قرآن و احادیث پیامبر دیدم که شما با آن مخالفید و آنها را باطل می‌دانید. آیا مردم بر رسول خدا دروغ می‌بندند و قرآن را به رای خود تفسیر می‌کنند؟ حضرت فرمودند: سؤال کردی، پس جواب آن را بشنو: «إن فی ایدی الناس حقاً و باطلاً، و صدقاً و کذباً، و عامماً و خاصاً، و محکماً و متشابهاً، و حفظاً و وهماً - الی آخر الحدیث» یعنی در دست مردم هم حق و هم باطل، هم راست و هم دروغ، هم عام و خاص، و هم محکم و متشابه، و هم درست و اشتباه وجود دارد...

دکتر غفاری رحمه الله ضمن شرح مبسوط انواع نسخ؛ نسخ در قرآن با قرآن و سنت متواتر، به عدم وجود نسخ در سنت با قرآن اشاره می‌کند و می‌نویسد: نسخ سنت متواتر با سنت متواتر و خبر واحد، مثالی که مورد اطمینان باشد، نداریم یا به ندرت یافت

می‌شود.

مانند احادیثی که بریده از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمودند: «کنت نهیکم عن الاشره الا فی ظروف الادم فاشربوا فی کل وعاء» یا «کنت نهیکم عن إِدْخَارِ لِحُومِ الْإِضَاحِیِ فَوْقِ ثَلَاثِ أَلَا فَادْخُرُوهَا» یا «کنت نهیکم عن زیاره القبور الا فزوروها»

استاد در این موارد معتقد بودند گاه ممکن است به خاطر عدم رعایت بهداشت توسط مردم، آنها از خوردن آب در ظروف چرمی نهی شده‌اند و آنگاه آن مشکل حل شده است حکم به خوردن اشره از تمام ظروف کرده‌اند یا ممکن است به خاطر مصالحی از نگهداری گوشت بیشتر از سه روز نهی کرده‌اند (مانند رعایت بهداشت و کم شدن فقیر و...) اما پس از سپری شدن آن به نگهداری گوشت بیش از سه روز امر کرده‌اند. یا به خاطر انجام اعمال نادرست در زیارت قبور، از آن نهی شده و سپس با برطرف شدن مشکل حکم قبلی از بین رفته است.

دکتر غفاری رحمه الله ضمن تأکید بر اصل بودن عدم وجود نسخ، توقف در حکم به خاطر احتمال منسوخ بودن آن را جایز نمی‌داند. وی می‌نویسد: همان طور که شارع مقدس در قرآن کریم مانند نسخ تورات صریحاً به نسخ اشاره می‌کند یا کلام را به گونه‌ای می‌آورد مانند «الآن خفف الله عنکم - آیه» که معنی نسخ از آن فهمیده می‌شود. در سخن پیامبر اکرم نیز که فرمودند: «کنت نهیکم عن زیاره المقابر الا فزوروها» با علم به متأخر معنی حدیث را در مفهوم دوم می‌یابیم. استاد در ضمن بحث مذکور در بحث کلاسی تأکید می‌کنند: باید در این فهم حدیث توجه و تعمق ویژه مبذول داشت؛ زیرا گاه غفلت انسان از نکات ظریف در فهم کلام، او را دچار اشتباه می‌کند. مثلاً اگر در محاورات روزمره چند بار از کسی در مورد اینکه اگر لالی عصایش را بخواهد، چه می‌کند؟ و یا اگر فلان وسیله را بخواهد چه می‌کند سؤال کنی و بلافاصله سخت را با ظرافت به اینکه اگر کوری عصایش را بخواهد چه می‌کند؟ بپرید، مخاطب شما بدون تأمل با حرکات دست خود به شما نشان می‌دهد، بدون توجه به اینکه کور، لال نیست و بدون مشکلی می‌تواند نام وسیله را بر زبان بیاورد!!!

شناخت و آگاهی نسبت به وضعیت صدور احادیث در شرایط تقیه

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه، از قول امام باقر علیه السلام روایت مفصلی ذکر کرده است که در آن حضرت گزارشی از مظالم وارد بر شیعه را ارائه کرده است. بنابراین روایت این مظالم پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله شروع گشته و در زمان بنی امیه به اوج خود رسید. امام در بخشی از این روایت می‌فرماید: «با به قدرت رسیدن حجاج او گروه کثیری از شیعیان را به شهادت رساند و با کوچک‌ترین تهمت یا گمانی آنان را دستگیر می‌نمود به گونه‌ای که تهمت کافر یا زندیق برای اشخاص خوشایندتر از آن بود که به آنان شیعه گفته شود.»

به طوری که در سیره امامان نیز دیده می‌شود، آنان هر گوشی را شایسته القای مطالب خود نمی‌دیدند و هر دلی را ظرف حقایق معنوی نمی‌یافتند و به همین دلیل بسیاری از حقایق را در قلب خود مکتوم نگه داشته و چون به شخص مستعدی برخورد می‌کردند، آن را در اختیار وی قرار می‌دادند. علی علیه السلام در بین اصحاب خود، کمیل را اختیار نمود و در نوبتی که با وی به صحرا رفته بود به دور از اغیار به سینه خود اشاره کرد و فرمود: «ان ههنا لعلمنا جما» یعنی در این سینه علوم زیادی متراکم شده است و آنگاه شمه‌ای از دانش خود را به او تعلیم فرمود. به همین ترتیب در بین یاران صادقین علیهما السلام خاندان اعین از قرابت خاصی با آن دو بزرگوار برخوردار بودند.

همانگونه که صدور حدیث در شرایط تقیه متضمن فوایدی بوده است، باید گفت: عامل تقیه و استتار تأثیر نامطلوبی بر حدیث شیعه داشته است. این تأثیرات به نوبه خود سبب گردید تا شیعیان از نظر عقیدتی یا شناخت تکالیف و وظایف دینی دچار مشکلاتی شوند.

لذا یکی دیگر از نکات قابل توجه در فهم صحیح از حدیث، شناخت وضعیت صدور آن از نظر وجود شرایط تقیه است؛ زیرا وجود برخی احادیث معارض به خاطر رعایت شرایط مزبور از طرف ائمه علیهم السلام بیان شده‌اند که بر هر فرد فهیمی دانستن موقعیت زمانی و مکانی آن دوران لازم است.

بنابراین ما در اولین قدم برای بررسی معارف اسلام در تمام ابعاد آن، نیازمند به شناخت تخصصی زبان و لغت و ادبیات عرب

هستیم. لازمه شناخت تخصصی زبان عرب این است که مفردات الفاظ عربی و جمله بندی‌های آن، مجازات و کنایات و استعارات فراوانی، جستجو و شناخته شود. دستور زبان و ادبیات عرب در حد یک صاحب نظر و مجتهد فن تحقیق گردد تا شخص بتواند، متون اسلامی را مانند یک عرب هم عصر و مخاطب آنها درک کند؛ زیرا هر زبانی در ادوار مختلف حیات خویش تحت تأثیر عوامل گوناگون، تطور می‌یابد. یک لغت بسیار زیبا و شکیل در طول زمان، زشت و مستهجن می‌شود. یک واژه، مفهوم اصلی خود را از دست می‌دهد و معنایی درست ضد معنای اولیه خویش پیدا می‌کند. گاه دامنه مفهوم یک لفظ تنگ شده و گاه وسعت می‌یابد و... از این جهت شناخت زبان و لغت و قواعد دستوری عربی، تا آن حد که بتواند ما را بر این تطورات محیط کند و قدرت در نور دیدن زمان و مکان را به ما عطا نماید، لازم است. بنابراین اولین وسیله برای حرکت به سوی شناخت اسلام، آشنایی در حد اجتهاد و تخصص با زبان و لغت عرب است.

از طرف دیگر از آنجا که بین ما و پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت علیهم السلام یک سلسله عظیم از روایات و مؤلفین کتب فاصله شده‌اند، اسلام‌شناسی بایستی در شناسایی صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام و انبوه روایات و مؤلفین بی‌شمار متون اسلامی، صاحب نظر باشد تا بتواند صحت یا سقم روایات تاریخ و سیره و احادیث را تشخیص دهد و این تخصص تا حدی که بتواند اخباری همچون اسرائیلیات که به متون اسلامی نفوذ کرده را از غیر آنها جدا کند و یا نفوذ فرهنگ‌های بیگانه را در مدارک دینی اسلامی تشخیص دهد و بتواند متون سالم و دست نخورده را برای استنباط حقایق اسلامی یک دست نماید، لازم است. واضح است که برای این کار دانستن مبانی تفکر و فلسفه و اعتقادات بیگانه نیز لزوم دارد و تا انسان این مبانی را به طور عمیق و دقیق نشناسد از چگونگی نفوذ آن در مکتب مورد تحقیق خود، آگاه نخواهد شد. این علوم نیز به عنوان دومین مقدمه لازم برای شناخت اسلام است و بدون آنها دریافت صحیح اسلام به عنوان یک متخصص محال است. از این دو دسته علوم مقدماتی که بگذریم به اصل متون می‌رسیم، متونی که متخصص علوم مقدماتی، آنها را به تحقیق می‌گیرد و خطوط اصلی تفکر و ریزه‌کاری و فروعات اسلام را از آنها استنباط می‌کند. محورهای هفت‌گانه مورد بررسی از دیدگاه دکتر علی اکبر غفاری رحمه الله ناظر بر توجه به محتوای متون حدیثی بود که در حد وسع این مقاله ذکر شد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. کلینی به نقل از وصول الاخبار، ص ۱۱۲. به نقل از: کاظم مدیر شانه چی، علم الحدیث و درآیه الحدیث، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۱۲۲.
۲. سید مرتضی عسگری، نقش ائمه در احیاء دین، تهران: مجمع علمی اسلامی، ۱۳۷۶، جلد اول، مقدمه چاپ اول.
۳. برگرفته از: مجید معارف، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعیه، تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری ضریح، سال ۱۳۷۶، مقدمه کتاب.
۴. نقش ائمه در احیاء دین، پیشین، ص ۸.
۵. علی اکبر غفاری، تلخیص مقیاس الهدایه، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۶۹، ص ۲۴۳.
۶. در جلد پنجم الغدیر پاره ای از احادیث موضوعه در فضایل ائمه اربعه آمده است.
۷. بن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۴۶-۴۴ به نقل پژوهشی در تاریخ حدیث شیعیه، پیشین، ص ۲۹.
۸. نقش ائمه در احیاء دین، پیشین، جلد ششم، ص ۱۲۱.
۹. به عقیده بعضی از محققان، غالی در شیعیه عبارت از همان زندیق در اهل سنت است. ر.ک: پژوهشی در تاریخ حدیث شیعیه، پیشین، ص ۲۹۹.
۱۰. پژوهشی در تاریخ حدیث شیعیه، پیشین، ص ۳۰۰-۲۹۴.
۱۱. موارد مذکور به نقل از کتاب علم الحدیث و درآیه الحدیث، کاظم مدیر شانه چی آورده شده است.
۱۲. علم الحدیث و درآیه الحدیث، پیشین، ص ۲۸۹.
۱۳. مسند احمد بن احنبل ۲/۲۵۲. به نقل از علامه سید مرتضی عسگری، همین حدیث در صحیح بخاری، کتاب النفقات، باب وجوب النفقه علی الاهل و العیال، ۱۹۱/۳ نیز آمده است.
۱۴. همان، جلد اول، ص ۲۴۸-۲۴۷.
۱۵. به نقل از علم الحدیث و درآیه الحدیث، پیشین، ص ۱۱۳-۱۱۰.
۱۶. کلینی، الکافی، ج ۲ ص ۱۰۴، ر.ک: پژوهشی در تاریخ حدیث شیعیه، پیشین، ص ۳۱۴.
۱۷. استاد غفاری رحمه الله معتقد بودند از آنجا که منی در حج واجب است. لذا این حدیث در اواخر عمر حضرت بوده و دو ماه بعد

- آن حضرت از دنیا رفتند.
۱۸. حدیث صحیح یعنی حدیثی که همه راویان آن شیعه اثنی عشری، عادل و توثیق شده اند. حدیث حسن یعنی حدیثی که راویان آن شیعه اثنی عشری بوده ولی همه توثیق نشده اند. حدیث موثق حدیثی است که همه راویان آن عادلند؛ ولی بعضی از افراد آن شیعه اثنی عشری نیستند.
۱۹. بحار، کتاب القرآن، باب تفسیر القرآن بالرأی، جلد ۹۲، ص ۱۰۷. نقش ائمه در احیاء دین، پیشین، جلد ۷، ص ۸۷.
۲۰. همان، ج ۹۲، ص ۱۲۲.
۲۱. ماه آذار ماهی از ماههای رومیان است که بعد از ماه شباط و قبل از ماه نیرسان قرار داشت و در این زمان مصادف بود با پایان ماه صفر از ماههای قمری.
۲۲. استاد غفاری در توضیح این مطلب فرمودند: مسجد قبا اولین مسجدی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله در موقع ورود از سمت جنوب مدینه در زمان هجرت از مکه به مدینه بنیانگذاری کردند و دارای دو در در دو جهت مخالف هم بود. اما پس از آن روزهای چهارشنبه به این مسجد می آمدند و نماز ظهر را اقامه کرده و پس از آن مردم را موعظه می نمودند.
۲۳. تلخیص مقیاس الهدایه، پیشین، ص ۲۴۷.
۲۴. تلخیص و تحقیق مقیاس الهدایه، پیشین، ص ۲۶۱-۲۶۰.
۲۵. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه ر.ک: پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، پیشین، صص ۲۸۹-۲۶۴.
۲۶. نقش ائمه در احیاء دین، پیشین، ص ۱۱-۹.

منابع:

۱. عسگری سید مرتضی، نقش ائمه در احیاء دین، مجمع علمی اسلامی، تهران، ۱۳۷۶.
 ۲. غفاری، علی اکبر، تلخیص مقیاس الهدایه، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۶۹.
 ۳. مدیرشانه چی، کاظم، علم الحدیث و درآیه الحدیث، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۷۲.
 ۴. معارف، مجید، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، مؤسسه فرهنگی و هنری ضریح، تهران، سال ۱۳۷۶.
- پدیدآورنده: ناهید دامن پاک مقدم کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

وصیت

از جمله اموری که هر شخص مسلمان وظیفه دارد پیش از رسیدن مرگ خویش انجام دهد، وصیت است. و آن چنین است که: به وصی خود سفارش می کند بعد از مردن او کارهایی را انجام دهند، یا بگوید: بعد از مرگش بخشی از اموالش ملک کسی گردد و یا برای اولاد صغیرش قیم و سرپرستی را معین نماید. وصیت کردن در آیین اسلام زمان معینی ندارد، هر شخصی می تواند در هر مقطع سنی آن را انجام دهد، اما اگر تا آستانه مرگ وصیت نکرده، در آن ایام موظف است به این امر مهم مبادرت نماید. به ویژه اگر ترک وصیت موجب تضییع حقوق و یا نادیده گرفتن فرایض دینی شود، در این صورت انجام وصیت از امور واجب موکد است.

اهمیت وصیت

موضوع وصیت آن چنان اهمیت دارد که قرآن مجید در چندین آیه آن را مورد توجه قرار داده است، از جمله می فرماید:

کتب علیکم اذا حضر احدکم الموت ان ترک خیراً الوصیه... بر شما نوشته شده: هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر چیز خوبی از خود به جای گذارده، وصیت کند...

این آیه موضوع وصیت را یک امر زیبا و شایسته معرفی نموده و با واژه کتب اهمیت آن را در حد وجوب تعیین می کند. (زیرا جمله کتب علیکم در قرآن مجید معمولاً در امور واجب اکید استعمال شده است).

حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) در این امر حیاتی می فرمایند: الوصیه حق علی کل مسلم: وصیت کردن برای شخص مسلمان یک وظیفه حقوقی است در سخن دیگر می فرمایند:

ما ینبغی لامرء مسلم ان یتیم لیله الا و وصیته تحت رأسه: برای هیچ مسلمان سزاوار نیست که حتی یک شب بخوابد جز اینکه وصیت وی زیر سرش قرار بگیرد!

در فراز دیگری می فرمایند: من مات علی وصیه مات علی سبیل و سنه و مات علی تقی و شهاده و مات مغفوراً له.

: کسی که با نوشتن وصیت از دنیا رود، در مسیر اسلام و سنت پیامبر و راه تقوا و شهادت از دنیا رفته و مورد بخشش خداوند قرار می گیرد.

این احادیث سه گانه تأکید می کنند که وصیت کردن یک وظیفه دینی است، که تأخیر آن حتی یک شب نیز سزاوار نیست. بنابراین توجه به وصیت، انسان را در مسیر حق و سنت پیامبر و صراط تقوا و پرهیزگاری قرار می دهد، که

نتیجه اش بخشش خدا و پاداش معادل شهادت می باشد.

ترک وصیت

وصیت یک سنت اسلامی است که رسول خدا و سایر پیامبران و امامان به آن عمل نموده و پیروان خویش را به انجام آن سفارش کرده اند. و در ضمن سخنانی تأکید کرده اند که ترک وصیت جایز نیست، حتی چنین غفلت را تقبیح

نموده و یک نوع اعراض از اسلام دانسته اند! در این مورد رسول گرامی اسلام می فرمایند:

من مات بغير وصیه مات میتة جاهلیه.

: کسی که بدون وصیت از دنیا رود، مرگ او همچون مردگان جاهلیت است. در فراز دیگری می فرمایند:

تارک الوصیه عار فی الدنیا و نار و سناہ فی الآخرہ (۱۱۴۱-نہج الفصاحہ): غفلت از انجام وصیت باعث ننگ و عار در دنیا و گرفتاری به آتش آخرت و عیب و عار و مؤاخذہ می گردد.

ہر چند فقہاء و بزرگان، چنین کیفرها را در مورد تنها وصایایی می دانند کہ جنبہ ترک حقوق واجب الہی و یا تزییع حقوق اشخاص بودہ باشد، ولیکن قابل توجہ است کہ برای افراد فاقد وصیت چہ مشکلاتی در دنیا و آخرت پیش می آید؟ حتی در مجالس ختم و ترحیم چنین اقشاری نمی توان بدون بذل وراثت یک استکان چایی خورد! و قہراً این گونه افراد غافل، در آخرت نیز رہ رستگاری نخواہند داشت و کیفر سنگینی را پذیرا خواہند شد.

فلسفہ وصیت

در شریعت اسلامی ہیچ عملی بدون جہت و فلسفہ نمی باشد. از آن جملہ وصیت کردن و بہ یاد وصیت افتادن آثار بسیار مثبت در فرد و جامعہ می گذارد و شخص مذکور را متحول می سازد، و او را بہ برنامه ریزی و دور اندیشی وامی دارد.

از دیدگاہ قرآن مجید و سخنان پیشوایان معصوم علیہم السلام، دو محور بیش از سایر محورها مورد توجہ بودہ است: یکی از آنها خود سازی و دگر اندیشی نسبت بہ روزہای آیندہ، دیگری بہ فکر جامعہ بہ ویژہ بستگان افتادن و بخشی از اموال را بہ اہداف اجتماعی و پیشرفت امور مستمندان اختصاص دادن.

فلسفہ اول

قرآن مجید در مورد محور دوم و ترمیم مشکلات جامعہ بہ ویژہ بستگان می فرماید:

... ان ترک خیراً الوصیہ للوالدین و الاقربین بالمعروف حقاً علی المتقین.

: اگر چیز خوبی (مالی) از خود بہ جای گذارد، برای پدر و مادر و سایر بستگان، بہ طور شایستہ وصیت کند. این یک حقی است بر پرهیزگاران.

در این آیہ سفارش شدہ بخشی از وصیت بہ سود والدین و بستگان اختصاص یابد و بدین وسیلہ ضعفها و مشکلات مالی آنان جبران شود، و کلمہ المعروف در آیہ، دلیل دیگر این سخن اجتماعی و عقلایی و واژہ حقاً علی المتقین تأکید دیگر در این امر حیاتی است! (دقت فرمائید)

در حدیثی از امام صادق (علیہ السلام) در این زمینہ بہ نقل از پدر بزرگوارش می خوانیم:

من لم یوص عند موتہ لذوی قرابتہ ممن لا یرثہ فقد ختم عملہ بمعصیہ.

: ہر کسی بہ هنگام مرگ در مورد فامیلہای غیر وارث خویش بہ نفع آنان وصیتی ننماید مرتکب گناہ شدہ است.

(ختم عمل بہ معصیت)

اگر چہ منظور از این گناہ، معصیت حقوقی و اجتماعی است، ولی تردیدی نیست کہ غفلت از آنها باعث مؤاخذہ در آخرت، و ہرج و مرج اجتماعی و ناامنی در این جہان است.

فلسفہ دوم

منظر دوم وصیت خودسازی و تحول درونی است. کسی کہ بہ فکر وصیت بیفتد، با زبان دل می گوید: مرگ حقیقت

است (۳۵) ہر کسی این راہ را خواہد رفت و بہ سزای اعمالش خواہد رسید. در این صورت، یک انسان آگاہ،

سودمند، خدمتگزار، عارف و ... خواہد بود و بہ زبان کسی گام بر نمی دارد. و بقیہ عمر را آگاہ تر حرکت می کند.

مولای متقیان در این زمینه می فرماید: بقیه عمر المؤمن لا قیمه لها، یدرک بها ما قد فات و یحیی ما مات.
باقیمانده عمر انسان (از وقت تنبه) آن چنان بالا است که قابل قیمت نیست، بدین وسیله می توان ایام غفلت را
جبران نموده، و زندگی مرگ گونه قبلی را احیاء کرد.
در این حدیث مقطع تنبه و بعد از آن ارزشمند به حساب آمده است.
و هر انسانی می تواند از این فرصت طلایی حداکثر استفاده را بنماید:

باز امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: کن وصی نفسک، و اعمل فی مالک ما تؤثر ان یعمل فیہ من بعدک.
: تو خود وصی خویش باش، و از اموالت همزمان طوری استفاده کن که دوست داری بعد از تو چنان کنند.
از این فراز می توان نتیجه گرفت که مقام وصیت فرصت به خود آمدن و اندیشیدن است، و در خودسازی و
دورنگری انسان بسیار مؤثر است. حضرت امام صادق (علیه السلام) در اغتنام از فرصت به همین مورد اشاره نموده و
می فرماید:

ان اجلت فی عمرک یومین فاجعل احدهما لا دیک لتستعین به علی یوم موتک...
: چنانچه دو روز از عمرت باقی بماند، روز اول را به تکامل آداب اختصاص ده، تا روز مرگ، از آن کمال بهره
بگیری.

این حدیث ارزشمند ضمن اینکه جامعه انسانی را به بهره وری و کمال جویی معنوی و علمی دعوت می کند، به آثار
وصیت نیز تلویحاً اشاره می نماید که این حالت نقش اساسی ایفا می کند.

چگونگی وصیت؟

وصیت چند نوع دارد: اعتقادی، اجتماعی، مالی و...
وصیت کننده در وصیت نامه خویش ضمن اظهار و اعتراف به مسائل اعتقادی، فرزندان و بستگان خویش را به امور
اخلاقی و فرهنگی توصیه می نماید، و روابط خانوادگی و اداره امور آنان را اعم از کوچک و بزرگ مشخص می
سازد، برای اولاد صغیر قیم تعیین می کند، نسبت به تقسیم اموال و سهم وراثت در محدوده شریعت تأکید می نماید. و
سهمی را برای بعد از مرگ خود منظور می کند.

سهم میت از میراث؟

در باب وصیت به هر انسانی اجازه داده شده، حداکثر تا ثلث اموالش را برای خود اختصاص دهد، و سفارش کند از
آن در امور خیریه و کمک به مستمندان، ترویج مسائل مذهبی و فرهنگی، بنای ساختمان های عام المنفعه و...
مصرف نمایند. (حدیث ۱۲۹۶- نهج الفصاحه)

پیامبر اسلام می فرماید: ان الله اعطاکم ثلث اموالکم عند وفاتکم زیاده فی اعمالکم
: خداوند متعال به هنگام مرگ برای شما اجازه داده ثلث اموالتان را جهت بهبود اعمالتان وصیت نماید.
این حدیث از جمله احادیثی است که اجازه می دهد هر شخصی تا ثلث اموالش را برای امور خویش وصیت نماید.
اما از سوی دیگر تأکید شده است هر چه می توانید کارهای خیر را در زمان حیات خود انجام دهید، و برای دوران
بعد از مرگ سهم کمتری را اختصاص دهید، و سعی کنید آینده فرزندانان را نیز فراموش نکنید، و هر چه سهم میت
کمتر باشد بهتر است! در این زمینه امام صادق (علیه السلام) می فرماید:
اعد جهازک و قدم زادک، و کن وصی نفسک، لا تقل لغيرک یبعث الیک بما یصلحک

آماده کن جهاز خویش را، آن را پیش از مرگ بفرست، سعی کن وصی خود باشی، چنین توقع نداشته باش که دیگری برای اصلاح امور آخرت کاری انجام دهد.

این حدیث هشدار می‌دهد که:

برگ عیشی به گور خویش فرست - کس نیارد ز پس تو پیش فرست

مولای امیرالمؤمنین به همین نکته اشاره نموده و می‌فرمایند:

لئن اوصی بخصمالی احب الی من ان اوصی بالربع، و لئن اوصی بالربع احب الی من ان اوصی بالثلث.

: اگر وصیت به یک پنجم مال بنماییم بهتر از یک چهارم آن است، و وصیت به یک چهارم بهتر از یک سوم است.

حضرت امام صادق (علیه السلام) نیز می‌فرمایند: من اوصی بالثلث فقد اضر بالورثه، و الوصیه بالخصمالی و الربع افضل من الوصیه بالثلث، و من اوصی بالثلث فلم یترک. : هر کس در حد ثلث برای خود وصیت کند، برای ورثه اش ضرر رسانده، بنابراین وصیت به اندازه خمس و یا اقل آن بهتر از ثلث است، هان! هر کس به ثلث وصیت نماید، باز خواست خواهد شد!

از این روایات استفاده می‌کنیم. هر چند هر انسانی تا ثلث اموالش را می‌تواند برای پس از مرگش وصیت کند، ولی وصیت به کمتر از آن مناسبتر است. و گاهی شرائط ورثه از نظر نیازمندی و یا تعداد آنان، به گونه ای است که وصیت به میزان ثلث، باعث گرفتاری آنها می‌شود، که در این صورت موجب مؤاخذة و بازخواست خواهد شد. در همین رابطه پیامبر خدا می‌فرمایند: اوص بالعشر، اوص بالثلث و الثلث کثیر. : وصیت کن به یک دهم، یا به یک سوم، ولی بدان که یک سوم زیاد است.

از این حدیث استفاده می‌شود که شرائط انسانها و خانواده ها متفاوت است و بین یک دهم تا یک سوم به تناسب حال می‌توان وصیت کرد.

در حدیث دیگری حضرت امام صادق (علیه السلام) در جواب پرسشی که: آیا سهم میت در وصیت حد و حدودی دارد یا نه؟ فرمودند: ادناه السدس و اکثره الثلث.

: حد اعلايش ثلث، و حد اقلش سدس یک ششم می‌باشد.

سرانجام باید گفت: هر کسی وظیفه دارد در زمان حیات خویش، با اراده و اخلاص و اختیار کارهای خیر انجام دهد و پاداش آن به مراتب افزون تر است و چراغ بعد از مرگ خیلی مؤثر نیست! و از سوی دیگر: سهم متوفا هر چه کمتر باشد بهتر است، زیرا: هم اجرای وصیت آسان تر می‌گردد، هم مسئولیت اداره امور معیشتی فرزندان حفظ می‌شود.

یک هشدار تاریخی:

در مدینه منوره یکی از یاران پیامبر خدا از دنیا رفت، فرزندان او بعد از درگذشت وی به روزگار سیاهی افتاده و مجبور شدند دست به گدایی و استمداد از مردم بزنند! این رویداد تاریخی و اجتماعی به قدری تأثر آمیز بود که گزارش آن به پیامبر خدا رسید! آن حضرت با حساسیت تمام این مشکل اجتماعی را پیگیری کرد، سرانجام به این نتیجه رسید که آن مرد انصاری، مجموعه دارایی خودش را که شش نفر برده و کنیز بودند، همه را یک جا در راه خدا آزاد نموده و از آینده بچه ها و از امور معیشتی آنان غفلت نموده است!

رسول گرامی اسلام با توجه به مسئولیت خطیر در این امر فرمود: ای اصحاب من! بگوئید بینم جنازه او را چه کردید؟ جواب دادند: دفن کردیم. پیامبر فرمود:

اما انی لو علمته ما ترکتم تدفونه مع اهل الاسلام ترک ولده صغاراً یتکفون الناس.
: سوگند به خدا، اگر از این موضوع قبلاً آگاه می شدم، اجازه نمی دادم او را در کنار مسلمانان دفن کنید! زیرا او با این غفلتش باعث شده فرزندان صغیرش دست به تکدی بزنند.
این حدیث و این سیره پیامبر مسئولیت آینده فرزندان را نسبت به والدین ترسیم می کند، و می رساند که در انجام وصیت، ورثه خود را در نظر بگیرند و خوشبختی آنان را فراموش نکنند.

توجه به حقوق همسر

هر مسلمانی وظیفه دارد حقوق همسرش را در حال حیات و مرگ مراعات کند. و چنانچه در این باره کوتاهی نموده، و یا نسبت به آینده او احساس نیاز می کند، موظف است در وصیت خویش به آن اشاره نماید. زیرا استیفای حقوق همسر و تفقد در امور وی از عوامل خوشنودی خداوند است.
از جمله موضوعاتی که به هنگام وصیت در مورد همسر باید به آن اشاره کرد! مهریه، حق الزحمه دوران زندگی، حضانت فرزندان صغیر، سرنوشت آینده او، حق الارث و ... می باشد.
قرآن مجید ضمن اشاره به دوران عده وفات که چهار ماه و ده روز پس از اطلاع از مرگ شوهر است، آنگاه به حقوق اخلاقی و اقتصادی زن دستور می دهد که: اگر بانوان پس از مرگ شوهرانشان ازدواج نمایند، حق دارند به مدت یک سال در خانه شوهر زندگی نموده، و از امکانات باقیمانده استفاده نمایند. و چنانچه پس از عده وفات بخواهند ازدواج نمایند، این حق واجب نیست.

تحریف وصیت

هنگامی که شخصی وصیت نوشت، یا با حضور دو مرد عادل متدین وصایای اظهار کرد، بر عموم ورثه در چهار چوب شریعت اسلامی وظیفه هست آن را بپذیرند و بر وصی او واجب است بر اجرای آن گام بردارد، هر گونه قصور و کوتاهی و یا تحریف وصیت موجب مؤاخذة و کیفر سنگین در پیشگاه خدا خواهد بود.
خداوند می فرماید: ان ترک خیراً الوصیه... فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یدلونہ ان اللہ سمیع علیم.

: به هنگام مرگ اگر خیری به جای گذارد وصیت کند. چنانچه کسانی پس از شنیدن مواد وصیت آن را تحریف کنند. کیفر و گناه آن را به ذمه دارند، خداوند شنوا و دانا است.

در این زمینه رسول خدا می فرمایند: من ضمن وصیت المیت ثم عجز عنها من غیر عذر لا یقبل منه صرف و لا عدل و لعنه کل ملک بین السماء و الارض و یصبح و یمسی فی سخط اللہ... فان مات علی حاله دخل النار ...

: هر گاه کسی وصایت و اجرای وصایای شخصی را بپذیرد، سپس بدون عذر در انجام آنها کوتاهی کند هیچ عمل خیری از او قبول نمی شود. و تمام ملائک زمین و آسمان او را لعنت می کنند! و پیوسته در خشم و غضب خدا بسر می برد! و هر وقت دست به دعا بردارد، لعنت خدا بر او نازل می شود، و اعمال و حسنات وی بر پرونده میت نوشته می شود، و به هنگام مرگ داخل جهنم می گردد...

قطع نظر از احادیث دیگر، از همین آیه و حدیث استفاده می شود که تحریف و یا کوتاهی در اجرای وصیت، مسئولیت شدیدی را به دنبال دارد، و هر گام در اجرای وصیت نیز پاداش ویژه داشته و برای هر روز وصی ثواب آزاد کردن یک برده داده می شود.

وصایای اعتقادی

مناسب است بخشی از وصیت را مواد اعتقادی تشکیل دهد. و طبق دستور پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) هر کسی که وصیت می کند نخست به عقاید مذهبی خود اعتراف کند، از جمله شهادت به توحید، رسالت، امامت، صفات خدا، معاد و برزخ و... بنماید.

رسول گرامی اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و سایر پیامبران و امامان و حضرت زهرا (علیهم السلام) هر کدام در این زمینه وصایای داشته اند، خوانندگان محترم می توانند به کتابهای حدیثی و سیره مراجعه کنند. در ضمن می توانند به برخی کتابهای نگارنده در این مورد نیز مراجعه نمایند (۵۶) در اینجا به چند فراز از وصایای سه معصوم اول می پردازم.

حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم): بترسید از روز رستاخیز که در آن نامه اعمال باز می شود، اعمال پشت پرده ظاهر می گردد، میزانهای اعمال نصب می شود، هر کس به سزای اعمال خود می رسد و...

حضرت علی (علیه السلام): به خدا شرک نوزید، سنت پیامبر را به هم نریزید، همین دو اصل را حفظ کنید. از زندگی من عبرت بگیرید، زیرا: تا به حال در میان شما بودم، و دیگر خداحافظی می کنم و می روم.

حضرت فاطمه (س): من شهادت می دهم به یگانگی خدا، رسالت پدرم حضرت محمد مصطفی، نیز شهادت می دهم بر اینکه: بهشت و جهنم حقیقت دارد، رستاخیز حق است، خداوند همه را پس از مردن زنده می کند و...

یا علی! خداوند مرا در دنیا و آخرت همسر تو قرار داده، تو برایم از هر کسی بالاتری، بنابراین تو خود مرا غسل ده، گفتم کن، شبانه مرا دفن کن، به گروه حاکم و دشمنان اجازه نده در تجهیزم حضور داشته باشند، اینک تو را به خدا می سپارم، به فرزندانم تا روز قیامت سلام می رسانم.

خوانندگان عزیز سعی کنند حداقل یک بار وصیت های چهارده معصوم را ملاحظه نمایند.